



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی



14th Iran  
Medical  
Education  
Conference

# مهمان کشورها چهارم امور پزشکی علوم

آموزش علوم پزشکی  
در خدمت  
نیازهای جامعه

۹-۱۳  
اردیبهشت



@hpe24  
کانال آموزش پزشکی

وب سایت:  
[www.mededuc14.ir](http://www.mededuc14.ir)

مکان همایش: تهران، بزرگراه شهیددشت غربی، تقاطع شیخ فضل الله ائوبی و شهید چمران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، سالن همایش، بی روی  
میرحله عباسی، تهران، شهرک قدس، خیابان سیمای ایران، بین فلانک و زرافشان، ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، طبقه ششم، ورودی یک

تلفن: ۸۸۲۶۶۵۵

تلفن: ۸۱۲۵۲۲۷۷-۸۱۲۵۲۲۷۰



مسئولین اجرایی همایش :

سمت	نام و نام خانوادگی
دبیر همایش و دبیر علمی همایش	دکتر سلیمان احمدی
معاون اجرایی معاونت آموزشی وزارت بهداشت	دکتر محمدحسین افجه ای
دبیر اجرایی همایش	دکتر ابراهیم کلانتر
مسئول دبیر خانه دائمی همایش کشوری آموزش علوم پزشکی	دکتر نادر ممتاز منش
مسئول سازماندهی مقالات علمی	دکتر یداله زارع زاده
مدیر عامل برکت تل و حامی مالی	دکتر سید محمد پور حسینی
مسئول کمیته روابط عمومی	حمیدرضا اشراقی
مسئول کمیته ارزشیابی برنامه های همایش	دکتر فخرالسادات حسینی
مسئول کمیته پذیرش و ثبت نام	فرنگیس شوقی شفق آریا
مسئول آموزش مداوم ، مسئول تدوین مجموعه کتابچه خلاصه مقالات	ترانه تهمتنی
مسئول هماهنگی و عضو کمیته روابط عمومی	دکتر فردین مهربان
مسئول هماهنگی سالن همایش	دکتر محمدعلی حسینی
مسئول امور اجرایی	امیر محمدی
مسئول غرفه ها و نماینده اجرایی معاونت آموزشی	محسن میر معینی
مسئول کمیته انتشارات	محمدرضا منصوریان
مسئول سمپوزیوم ها و سخنرانی های کوتاه	دکتر بتول امینی
مسئول دبیرخانه الکترونیک	شهرزاد سراوانی
مسئول صبحانه های کاری	مرضیه دشتی رحمت آبادی
مسئول سخنرانی های اصلی	میترا سرشار
مسئول برنامه ارائه پوسترها	صدیقه نجفی پور
مسئول هماهنگی فضای فیزیکی کارگاهها	علیرضا شریفی اعلم
مسئول کارگاه ها	دکتر رضا فرامرزی
مسئول سخنرانی های کوتاه	سیده بتول امینی
مسئول کمیته پیش بینی و تدارکات فضای اصلی و پشتیبانی	روح اله هاشمی
مسئول طراحی تدوین کتابچه برنامه همایش	لیدا فتاحی زاده
مسئول طراحی و گرافیک	سعیده حشمتی
مسئول هماهنگی و عضو کمیته روابط عمومی	دکتر فردین مهربان





## کمیته برگزاری کشوری چهاردهمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

سمت	نام و نام خانوادگی
عضو کمیته ارزشیابی	دکتر شعله بیگدلی
امور اجرایی برنامه کارگاه ها	حامد فتاحی
عضو کمیته انتشارات	کلنوش میر سعیدی
عضو کمیته انتشارات	دکتر ابوالفضل جاریانی
کارشناس دبیر خانه الکترونیک	سعیده حشمتی
عضو کمیته روابط عمومی	الهام علی
عضو کمیته انتشارات	لیدا فتاحی زاده
عضو کمیته روابط عمومی	رضوان کاظمی
کارشناس دبیر خانه الکترونیک	معصومه کریمی
عضو کمیته برنامه ریزی	فخرالسادات میرحسینی
عضو کمیته برنامه ریزی	هلن درگاهی
عضو کمیته پذیرش و ثبت نام	ویدا رشمه ای
عضو کمیته پذیرش و ثبت نام	آزاده هاشمی
عضو کمیته پذیرش و ثبت نام	فاطمه جهان سیر
عضو کمیته پذیرش و ثبت نام	کفایت حسینی
عضو کمیته پذیرش و ثبت نام	پروانه بازرگان
عضو کمیته پذیرش و ثبت نام	مجید اسلامی فمی
عضو کمیته پذیرش و ثبت نام	سعید امیری
عضو کمیته پذیرش و ثبت نام	رضا استیری
عضو کمیته پذیرش و ثبت نام	ایرج حشمتی
عضو کمیته پذیرش و ثبت نام	حسین حداد نیا
عضو کمیته روابط عمومی	حمیرا محرابی
کارشناس دبیر خانه الکترونیک	آرزو صداقت پور



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

14th Iran Medical Education Conference

۹-۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲

و هشتمین جشنواره آموزشی شهید مطهری

www.mededuc14.ir

کتابخانه  
چهارمین جشنواره آموزشی شهید مطهری  
آموزش پزشکی

### اعضاء تیم ارزشیابی برنامه های چهاردهمین همایش کشوری

صدیقه نجفی پور	دکتر طاهره جنگیز
مهسا شکور	لیلا افشار
طیبه شکری	مریم اکبری لاکه
مریم علیزاده	بتول اقبالی
اکرم صادقیان	اطهر امید
فریبا عسگری	مریم آویزگان
عطیه فقیهی	لیلی پناهنده
محمد فخاری	سپیده جمشیدی
فرحناز کمالی	محمد حسین زاده داورزنی
شهناز کریمی	سکینه حیدری
آزاده کردستانی	مرضیه دشتی رحمت آبادی
رسول معصومی	هلن درگاهی
فروزان محبی	مرضیه رئیسی
مریم مدرسی	فاطمه زوبین
فخرالسادات میر حسینی	سولماز زارع
	فروزان شکوه



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

14th Iran Medical Education Conference

۱۲-۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲

و ششمین جشنواره آموزشی شهید مطهری

www.mededuc14.ir

چهارمین جشنواره آموزشی شهید مطهری  
آموزش علوم پزشکی

کمیته مشاوران دانشجویی:

نام و نام خانوادگی	دانشگاه
پوریا روزرخ	علوم پزشکی تهران
مهرناز زارعی	علوم پزشکی شهید بهشتی
مهسا شکور	علوم پزشکی اصفهان
محسن لطفی پور	علوم پزشکی مازندران
امیر حسین میرحقی	علوم پزشکی مشهد
پرستو نعمت الهی	علوم پزشکی شیراز
محمد نقوی بهزاد	علوم پزشکی تبریز





کمیته داوران: بر اساس مصوبه کمیته علمی همایش پذیرش مقالات به صورت آزاد و در کلیه حوزه‌های آموزش پزشکی به شرح زیر صورت گرفته است:

- برنامه‌ریزی درسی
- ارزشیابی (فراگیر، هیأت علمی، برنامه آموزشی)
- روش‌های یاددهی - یادگیری
- منتورینگ، مشاوره و راهنمای تحصیلی
- آموزش بالینی علوم پزشکی (پاسخگو، بین حرفه ای، آموزش به بیمار)
- مدیریت، رهبری و حاکمیت آموزشی
- روانشناسی آموزشی و تفکر انتقادی
- آموزش و یادگیری الکترونیکی
- مهارت‌های برقراری ارتباط
- اخلاق پزشکی، اخلاق حرفه ای و تعهد حرفه ای

### اسامی کمیته داوران چهاردهمین همایش آموزش علوم پزشکی

دکتر خاقانی زاده	سیمین تعاونی	دکتر علی احسان حیدری
دکتر حمیدرضا خانکه	دکتر محمد مهدی ثاقب	دکتر فاطمه احمدی
دکتر پیام خزانی	دکتر یحیی جابری	دکتر سلیمان احمدی
مجتبی خواجه آزاد	دکتر علی جعفریان	سیمین اسماعیل پور
هلن درگاهی	دکتر محمد جلیلی	دکتر علی اشرف عیوضی
دکتر محمدرضا دهقانی	دکتر زهرا جلیلی	دکتر رضا افشاری
دکتر سمیرا رجایی	دکتر حمیدرضا جمشیدی	دکتر بتول اقبالی
دکتر رضایی	دکتر سپیده جمشیدیان	دکتر محمد اسماعیل اکبری
دکتر سید منصور رضوی	دکتر ایمان جهانیان	دکتر علی اکبری سلمی
دکتر یداله زارع زاده	زهرا جوهری	دکتر امیرحسین امامی
دکتر رامین سرچمی	دکتر لیلا جویباری	دکتر اطهر امید
دکتر سرمست	دکتر طاهره چنگیز	دکتر میترا امینی
دکتر کامران سلطانی عربشاهی	دکتر علی حائری	دکتر ابوالقاسم امینی
دکتر حسین سلمانزاده	دکتر غلامرضا حسن زاده	معصومه ایمانی پور
دکتر محسن سلیمانی	دکتر سیدجلیل حسینی	دکتر شهرام آگاه
دکتر محمد سمنانی نجفی	دکتر محمدعلی حسینی	دکتر حسین باقری
دکتر زهره سهرابی	دکتر فاطمه آقا حسینی	لیلا بذرافکن
دکتر علی شبستانی منفرد	دکتر سید جلال حسینی مهر	دکتر حمیدرضا برادران عطار مقدم
دکتر ژبلا شجری	دکتر علی اکبر حق دوست	دکتر محمد برزگر
مهسا شکور	دکتر آبتین حیدرزاده	دکتر حمیداله بهادر
دکتر بهزاد شمس	دکتر محمد خادملو	دکتر شعله بیگدلی
دکتر فرامرز مجتهدزاده	دکتر آئین محمدی	فرنگیس شوقی شفق آریا
دکتر نوید محمدی	دکتر علی محمدی	دکتر ماندانا شیرازی
دکتر سارا مرتاض هجری	دکتر سارا مسرور	دکتر آناهیتا صادقی
دکتر سعید مظلومی	دکتر نیلوفر معتمد	دکتر سعید صادقیه
رسول معصومی	دکتر عباس مکارم	دکتر لیلا صدیق پور
دکتر عباس مکارم	دکتر رویا ملاباشی	دکتر فرشید عابدی
دکتر رویا ملاباشی	دکتر الهه ملکان راد	دکتر مجید عبداللهیان
دکتر الهه ملکان راد	دکتر نادر ممتازمنش	دکتر فریدون عزیزی
دکتر نادر ممتازمنش	محمدرضا منصوریان	دکتر علوی
محمدرضا منصوریان	دکتر عبد محمد موسوی	دکتر مهستی علیزاده
دکتر عبد محمد موسوی	دکتر فاطمه بیگم موسوی	دکتر بهرام عین اللهی
دکتر فاطمه بیگم موسوی	دکتر عظیم میرزاده	دکتر لادن فتی
دکتر عظیم میرزاده	دکتر مسعود میرزایی	دکتر محمدرضا فروتوک زاده
دکتر مسعود میرزایی	دکتر سید جمال میرموسوی	دکتر آرام فیضی
دکتر سید جمال میرموسوی	دکتر نادر نادری	دکتر میترا قریب
دکتر نادر نادری	دکتر نوریان	دکتر جواد کجوری
دکتر نوریان	دکتر سیدمجتبی یاسینی	دکتر بهزاد کریمی متین
دکتر سیدمجتبی یاسینی	دکتر نیکو یمانی	دکتر حسین کریمی مونقی
دکتر نیکو یمانی	دکتر شهرام یزدانی	دکتر امیر کشوری
دکتر شهرام یزدانی		خانم فرحناز کمالی
		دکتر جلیل کوهپایه زاده
		مهترناز گرانمایه
		دکتر رقیه گندمکار
		دکتر ابوالفتح لامعی
		دکتر رضا لباف قاسمی
		دکتر ریتا مجتهدزاده



حیطه: اخلاق پزشکی، اخلاق حرفه‌ای

و تعهد حرفه‌ای

مهارت‌های ارتباطی

## تاثیر آموزش بر میزان آگاهی از اصول پرونده نویسی و رعایت اخلاق پزشکی در دستیاران تخصصی دانشگاه علوم پزشکی اراک

دکتر سیامک راکعی اصفهانی<sup>۱</sup>، فریبا فرخی<sup>۲\*</sup>، دکتر معصومه کلانتری<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> استادیار، متخصص جراحی عمومی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران  
<sup>۲\*</sup> کارشناس مامایی، کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک،  
<sup>۳</sup> پزشک عمومی، سرپرست آموزش و تحصیلات تکمیلی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران  
dr.rakei@arakmu.ac.ir

**مقدمه:** پرونده‌های پزشکی به لحاظ مستندسازی وضعیت بیمار، سیر بیماری، نتایج ارزیابی‌ها و تعامل بین بیمار و پزشک به عنوان عنصری کلیدی در کیفیت مراقبت بیمار به شمار می‌روند. در این پژوهش تاثیر مداخله‌ای آموزشی بر میزان آگاهی دستیاران تخصصی از اصول ثبت اطلاعات و پرونده نویسی در دانشگاه علوم پزشکی اراک مورد ارزیابی قرار گرفت.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر مداخله‌ای آموزشی بوده که طی یک کارگاه آموزشی مشتمل بر سخنرانی و بحث گروهی در زمینه اصول پرونده نویسی بر اساس قوانین مستند سازی و ثبت پرونده پزشکی متداول در کشور، ۸۳ نفر از دستیاران جراحی عمومی، جراحی مغز و اعصاب، زنان و زایمان، داخلی، اطفال، طب اورژانس و روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اراک در دو گروه (۵۲ نفر دستیاران سال ۱ و ۲ و ۳۱ نفر دستیاران سال ۳ و ۴) مورد مطالعه قرار گرفتند. وضعیت آگاهی و نگرش دستیاران در خصوص پرونده نویسی و اصول آن قبل و بعد از کارگاه با استفاده از پرسشنامه‌ای که به این منظور طراحی شده بود، مورد بررسی قرار گرفت. تجزیه تحلیل توسط نرم افزار آماری SPSS وبا استفاده از شاخص های آماری توصیفی و استنباطی و آزمون ویلکاکسون انجام گرفت.

**نتایج:** در میزان نگرش خطاهای پزشکی توسط خود دستیاران، میزان رعایت اخلاق پزشکی، نگرش اشتباهات مرتکب شده به صورت مستقیم در پرونده و اعتقاد به این موضوع که اشتباهات موجود در پرونده‌ها ناشی از کمبود دانش و آگاهی می باشد پس از پایان کارگاه تفاوت معنی داری داشت ( $P < 0.0001$ ). اما این موضوع که پرونده نویسی صحیح به کاهش اشتباهات کمک می کند و مهمترین مشکل در برگه‌های مشاوره عدم وجود اطلاعات ضروری در آن هاست، در پایان تفاوت معنی داری مشاهده نشد ( $P > 0/05$ ). همچنین موضوع دستیاران در زمینه روش درمان به بیمار خود آموزش می‌دهند و دستیاران نگرش صحیح پرونده‌ها را حافظ منافع خود می‌دانند تفاوت معناداری نداشت. در کل نتایج آماری حاکی از تاثیر مثبت کارگاه می باشد به طوری که تغییرات پیش و پس آزمون تفاوت معنی داری را نشان می‌دهد ( $P < 0.0001$ ).

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج حاصل و تغییرات معنادار در نگرش شرکت کنندگان، لزوم برقراری دوره‌های آموزشی در مورد اصول پرونده نویسی برای تمامی کادر درمانی مورد تاکید قرار می‌گیرد. لذا پیشنهاد می‌گردد برای افزایش آگاهی از اصول پرونده نویسی چنین کارگاه‌هایی در سطوح مختلف برگزار گردد.

**واژه‌های کلیدی:** آگاهی، مستند سازی، پرونده نویسی، اخلاق پزشکی، دستیاران تخصصی



## تبیین ضرورت بازآموزی کدهای اخلاق حرفه ای برای پرستاران و تاثیر آن در ارتقاء سطح سلامت جامعه

حمید تقی نژاد<sup>۱</sup>، میلاد باقری<sup>۲\*</sup>، زهرا دشتی<sup>۳</sup>

۱ هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دانشکده پرستاری مامایی

۲ دانشجوی کارشناسی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایلام دانشکده پرستاری مامایی

۳ دانشجوی کارشناسی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دانشکده پرستاری مامایی

miladbagheri1989@yahoo.com

**مقدمه:** پیشرفت حوزه دانش و فناوری در مراقبت های بهداشتی، چالش عمده ای را در زمینه اخلاق حرفه ای، پیش روی پرستاران قرار داده و مراقبت در پرستاری را نیازمند آموزش مجدد کدهای اخلاق حرفه ای ساخته است. این مطالعه با هدف تبیین ضرورت بازآموزی کدهای اخلاق حرفه ای برای پرستاران و تاثیر آن در ارتقاء سطح سلامت جامعه انجام گرفته است.

**روش ها:** این مقاله مقدمه ای بر مباحث عمده مطرح شده در اخلاق پزشکی نوین بود و با مرور مقالات منتشر شده با عناوین مرتبط با موضوع کدهای اخلاقی، در سالهای اخیر تنظیم گردیده است که به منظور یافتن مطالعات و منابع مورد نظر، از پایگاه های اطلاعاتی Magiran, CINAHL, Pub med, Proquest, SID, Blackwel, اطلاعاتی Magiran, CINAHL, Pub med, Proquest, SID, Blackwel استفاده گردید و با دادن کلید واژه های کدهای اخلاقی، اخلاق پرستاری، اقدام به جستجوی مقالات مرتبط از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۲ گردید، سپس از طریق مشاوره با اساتید و صاحب نظران، در زمینه موضوع مطالعه، مطالب با عناوین و مباحث تکراری از بررسی حذف شده و صرفاً مقالاتی که بر اصول اخلاقی پرستاری تاکید داشت، مورد توجه قرار گرفت. در نهایت تعداد ۵۰ مقاله به زبان انگلیسی و فارسی مورد بررسی قرار گرفتند که در مجلات معتبر چاپ شده و قابلیت دسترسی به کل مقاله جهت مطالعه عمیق تر را داشتند.

**نتایج:** بررسی یافته های مقالات مورد مطالعه نشان داد، بیش از ۶۰ درصد موارد بر ضرورت آموزش و بازآموزی مطالب اخلاقی ۱۰ درصد موارد بر تدوین خط مشی های مورد نیاز رعایت اخلاق و ۳۰ درصد موارد بر بازنگری مستمر در کدهای اخلاقی تاکید داشتند. اما آموزش چگونگی ارتباط با بیمار در این مطالعه بسیار به چشم می خورد.

**نتیجه گیری:** نتایج نشان داد، هرچه سابقه بالینی پرستاران افزایش یابد تکامل اخلاقی پرستاران کاهش می یابد لذا با توجه به محدودیت مطالعات داخلی، انجام تحقیقات بیشتر در این زمینه و بازآموزی مسائل اخلاقی مورد نیاز پرستاران است، که از دانشجویان و مربیان رشته پرستاری انتظار می رود توجه بیشتری به این زمینه داشته باشند. بازآموزی کدهای اخلاقی در عین منتفع کردن بیماران و دانشجویان و حفظ حقوق آنان، سطح سلامت جامعه نیز ارتقاء می دهد. مسؤلیت های اخلاقی پرستاران در عملکرد و مراقبت مستلزم این است که ایشان از باورهای خود مطلع بوده، همچنین مبانی و اصول اخلاقی در تصمیم گیری به صورت منسجم؛ تدوین شده و در دسترس باشند. تدوین کدهای اخلاقی متناسب با فرهنگ و مذهب جامعه، راهکار مناسبی جهت بهبود کیفیت خدمات پرستاری مورد انتظار ذینفعان می باشد، و این هدف نیازمند تلاش بسیار است.

**واژه های کلیدی:** کدهای اخلاقی، پرستاری، ارتقاء سطح سلامت جامعه

## برنامه درسی مراقبت پرستاری معنوی از بیمار: حلقه گم شده در سرفصل دروس

### رشته پرستاری

دکتر فرشته آئین\*<sup>۱</sup>، افسانه کاظمیان<sup>۲</sup>

\*استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

<sup>۲</sup>مربی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

fereshtehaein@yahoo.com

**مقدمه:** سازمان بهداشت جهانی، سلامت را به عنوان رفاه کامل جسمی، روانی، عاطفی، اجتماعی و معنوی تعریف نموده است. هدف از این مطالعه مروری، بررسی متون در خصوص بعد معنوی سلامت و مراقبت معنوی از بیماران بوده است.

**روش:** این مطالعه یک مطالعه کتابخانه ای است که به بررسی کتب و منابع الکترونیک در خصوص مفهوم معنویت در ارائه مراقبت پرستاری از بیماران پرداخته شده است.

**نتایج:** مرور سیستماتیک بر روی مطالعات انجام شده در زمینه معنویت در مراقبت پرستاری نشان داده است که معنویت در تمام افراد وجود دارد و به صورت آرامش و قدرت درونی ظاهر می شود که ناشی از ارتباط درک شده با خداوند یا یک نیروی بی منتهاست و ابعاد آن را احساساتی نظیر عشق، ایمان به خداوند، امید، اعتماد و آرزو تشکیل می دهد که به زندگی معنا می بخشد و دلیل موجودیت فرد است خصوصاً زمانی که فرد با استرس های عاطفی، بیماری فیزیکی یا مرگ مواجه می شود. در متون بسیار بر این قضیه تاکید شده است که هنگام ارائه مراقبت معنوی، بایستی بین معنویت و مذهب تفاوت قائل شویم. معنویت ساختاری است که از ایمان به خداوند و معنای وجودی فرد تشکیل می شود و ممکن است در عقاید مذهبی فرد پدیدار شود و یا اصلاً ارتباطی با یک مذهب سازمان یافته نداشته باشد. بسیاری افراد بیان می کنند که معنوی هستند اما مذهبی نیستند به این معنی که جهت بیان معنویت و برقراری ارتباط با خداوند از هیچ تشریفات مذهبی پیروی نمی کنند. بالعکس کسانی هستند که هم معنوی و هم مذهبی هستند. آنان معنا، قدرت و حمایت معنوی را از طریق سمبلهای ویژه، اعتقادات و شکلهایی از عبادت و تشریفات مذهبی مربوط به یک گروه مذهبی خاص کشف می کنند. معنویت انسانها را قادر می سازد با استرسورهای زندگی روزمره مواجه شوند و به آرامش، امید، ایمان و راحتی دست یابند. عناصر معنویت که در متون به آنها اشاره شده است عبارتند از: سلامت معنوی، نیازهای معنوی و آگاهی معنوی. کسانی که از نظر معنوی سالم هستند لذت را در زندگی تجربه می کنند، قادرند خود و دیگران را ببخشند، سختی ها و مرگ را بپذیرند، افزایش کیفیت زندگی را تجربه کنند و احساس مثبتی نسبت به سلامت و رفاه فیزیکی و عاطفی خود داشته باشند

در طی بیماری و تجربیات استرس زا، شخص ممکن است دچار چالش وانکار در اعتقادات معنوی شود و نیاز به تقویت اعتقادات معنوی پیدا کند. در چنین زمانهایی مراقبت و حمایت معنوی که پرستار فراهم می کند بسیار باارزش است. تنیدگی معنوی یک تشخیص پرستاری است که سبب می شود فرد احساس تنهایی و تنها ماندن کند. مطالعات مختلف نشان داده است که وقتی افراد به بیماری مزمن و یا بیماریهای تهدید کننده حیات مبتلا می گردند دچار تنیدگی معنوی زیادی می گردند. آنان مکرراً به دنبال جستجوی معنا و امید در زندگی می گردند و این ناشی از تردید، آسیب پذیری، ناامیدی، ترس، افسردگی، از دست دادن نقش ها و هویت فردی و ترس آنها از مرگ می باشد در حالی که معنویت به زندگی، بیماری و مرگ معنا می بخشد. بطور مثال تشخیص سرطان می تواند منجر به ایجاد پانیک، اضطراب، افسردگی یا درماندگی در بیمار شود و برنامه های فرد برای زندگی آینده را به چالش بکشد. آگاهی از مرگ، از دست دادن ارتباطات، از دست دادن هدف در زندگی و از دست دادن کنترل روی زندگی، همه عوامل ایجاد تنیدگی معنوی در بیماریهای پایانی گزارش شده است. بیماران دچار

بیماریهای مزمن نیز علائم ناتوان کننده ای دارند که آنها را مجبور به تغییر سبک زندگی می کند. ماهیت بیماریهای مزمن با پیامدهایی نظیر درد، تغییر در تصویر ذهنی و نیاز به رویارویی با مرگ همراه است که همه منجر به تنیدگی معنوی می شود. واکنشهایی نظیر عصبانیت نسبت به خداوند، افراد خانواده، خود و پرستاران و سایر کادر درمانی در این بیماران معمول است در حالی که قدرت معنویت فرد روی توانایی فرد در مقابله با بیماری و دستیابی به بهبودی اثر می گذارد. علاوه بر اینها، معنویت برای بیماران سالمند بسیار حائز اهمیت است و نقش مثبتی در حفظ سلامتی و هم چنین بهبودی آنها از بیماری ایفا می کند. در مطالعات آمده است که معنویت بیشترین استراتژی بکار گرفته شده توسط سالمندان در هنگام رویارویی با استرس می باشد و عقاید مذهبی بطور قابل توجهی روی سلامت روان و توانایی مقابله ای افراد سالمند تاثیر دارد.

در مطالعات نیازهای معنوی از سوی بیماران در هنگام بیماری گزارش شده است بطوریکه انتظار دارند تیم درمان از آنان در مورد نیازهای معنوی شان سؤال کنند. پرستار در این میان نقش حیاتی در کمک به بیماران برای حل نمودن تنیدگی معنوی دارد. پرستار میتواند با ایجاد محیط درمان کننده و افزایش سلامت معنوی بیماران به آنها در سیر بهبودی کمک نماید. Pesut در سال ۲۰۰۸ محتوای ۱۰ کتاب اصول پرستاری را مورد بررسی قرار داده است و خاطر نشان کرده است که این کتب میتوانند به عنوان نقطه شروع جهت معرفی معنویت و مراقبت معنوی از بیمار به دانشجویان پرستاری مورد استفاده قرار گیرد و معلمان پرستاری بایستی فرصت ارزیابی خودآگاهی معنوی برای دانشجویان را فراهم آورند و به دانشجویان کمک کنند تا بر ناراحتی خود از بحث در خصوص معنویت با بیمارانشان غلبه نمایند. در حالیکه پرستار در موقعیت کلیدی برای کمک به این بیماران در ارزشیابی مجدد زندگی و دستیابی به سلامت معنوی قرار دارد، پژوهشها شواهدی دال بر فقدان آگاهی پرستاران از ابعاد معنوی به عنوان بخش ادغام شده مراقبت پرستاری کل نگر، محدود و ناکافی بودن آماده سازی پرستاران در ارائه مراقبت معنوی به بیمار در دوران تحصیل، نگرش منفی نسبت به ارائه مراقبت معنوی به بیمار، ابهام در خصوص نقش پرستار در ارائه مراقبت معنوی به بیمار و هم چنین عدم صلاحیت درک شده پرستاران در ارائه این بعد مراقبت به بیمار را ارائه کرده اند. هم چنین پژوهشهای مختلف، غفلت پرستاران از بعد معنوی در ارائه مراقبت به دلائلی نظیر احساس عدم کفایت پرستاران در ارائه مراقبت معنوی و فقدان دریافت آموزش در این زمینه را گزارش کرده اند. حرفه پرستاری بر مراقبت کل نگر و همه جانبه از بیمار تمرکز دارد. وجود بحث معنویت و مراقبت معنوی از بیمار به عنوان یک فصل از کتاب اصول پایه پرستاری نشان می دهد که آموزش چگونگی ارائه مراقبت معنوی به بیمار بایستی از ابتدای دوران تحصیل آغاز شود. با وجود اینکه یک فصل از کتب لاتین اصول پایه پرستاری، معنویت و ارائه مراقبت معنوی از بیمار است این بعد از مراقبت در سرفصل دروس پرستاری نادیده گرفته شده است.

**نتیجه گیری:** از آنجا که فراهم نمودن مراقبت معنوی از جمله صلاحیتهایی است که دانشجویان پرستاری بایستی در طی دوران تحصیل به آن دست یابند توجه به برنامه درسی مراقبت معنوی از بیمار در بازنگری سرفصل دروس پرستاری یک ضرورت محسوب می گردد.

**کلید واژه ها:** معنوی، پرستاری، مراقبت



## آموزش اخلاق پزشکی به تیم مراقبت های بهداشتی در هنگام مواجهه با زنان باردار حامل HIV

\*مریم اسقائی، فرح بخارایی سلیم

دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده پزشکی، گروه ویروس شناسی  
mesghaei@tums.ac.ir

**مقدمه:** ایدز بیماری است که تحت لوای ممانعت های عرفی - اخلاقی و به علت پیش داوری، از آغاز، اجازه و فرصت نیافت به درستی به مردم معرفی شود، در ایران نیز از همان ابتدا ایدز، به عنوان ثمره بی بندوباری جنسی به تصویر کشیده شد. چنانکه به تدریج افزایش شمار مبتلایان، ما را در برابر این واقعیت سهمگین قرار داد که گسترش این بیماری اکنون به مرحله هشداردهنده ای رسیده است. از آنجا که این بیماری یک تابو تلقی می شود و با هاله ای از شرم و وحشت از طرد همراه است سبب شده تا که این موضوع مانع از اعلام بیماری حتی از سوی زنان باردار شود و همین مساله منجر به پنهان ماندن بیماری، طی نشدن پروسه درمان و در نتیجه عواقب جبران ناپذیر آن برای مادر و نوزاد گردیده است. بیش از ۹۰ درصد زنان مبتلا بدون اینکه آگاه باشند، از طریق شوهرانشان مبتلا به HIV شده اند. (بر اساس آمار در سال ۱۳۸۵ مبتلایان مرد حدود ۹۵ درصد و مبتلایان زن ۵ درصد بودند، و در آمار سال ۱۳۹۰، مبتلایان مرد حدود ۹۱ درصد و مبتلایان زن ۹ درصد بودند). هدف از این مطالعه بیان اهمیت اصول آموزشی و اخلاقی است که بایستی از سوی کارکنان تیم پزشکی حین مراقبت از زنان باردار مبتلا به ایدز در هنگام مراجعه به مراکز درمانی رعایت گردد.

**نتایج:** براساس نتایج مطالعات انجام شده نکات آموزشی و اخلاقی در مراقبت از بیماران مبتلا به ایدز به شرح زیر می باشد: ارائه خدمات پیشگیری و خدمات مشاوره در مورد روابط جنسی ایمن و بچه دار شدن به زنان در سنین باروری، ارائه اطلاعات در مورد اینکه بارداری برای فرد HIV مثبت منع نیست اما تاکید آن است که از زمان قبل از اقدام به بارداری، در طول بارداری، زایمان و شیردهی تحت مراقبت باشند، تنظیم برنامه ای برای پیوستن آنها به سرویس های حمایتی با خدمات محرمانه و رایگان موجود در جامعه، آموزش در مورد مهارت های زندگی و آموزش نحوه کنترل استرس و افسردگی.

**نتیجه گیری:** رعایت اصول اخلاقی و آموزشی مطرح شده در مراقبت از زنان باردار ناقل HIV، سبب افت میزان سقط جنین های خودسرانه و کاهش عوارض و مشکلات جسمی- روانی ناشی از بیماری و افزایش سطح کیفی مراقبت ها و بهبود کیفیت زندگی مادران و نوزادانشان می گردد.

**واژه های کلیدی:** ایدز، بارداری، سقط جنین، اصول اخلاقی

## اهمیت آموزش مهارت ارتباط به پرستاران

مرضیه اورنگ\*، آزاده عباسی

دانشجویان کارشناسی هوشبری دانشگاه علوم پزشکی جهرم

marzeh.orang.2011@gmail.com

**مقدمه:** ارتباط با بیمار پرستار را در تشخیص نیاز بیمار کمک می کند. از آنجائیکه اساسی ترین نقش پرستاران آموزش و کمک به بالابردن سطح آگاهی بیماران در جهت پیشگیری از بیماری به روش برقراری ارتباط مناسب است، لذا به دلیل اهمیت ارتباط پرستار با بیمار در زیر به اهمیت این موضوع می پردازیم.

**روش‌ها:** این پژوهش نوعی مقاله مروری است که در پایگاه های اطلاعاتی Iranmedex و SiD و googl Scholar و Medlin و همچنین بررسی مقالات مجلات معتبر علمی پژوهشی در کشور به مطالعاتی در این خصوص دست یافتیم.

**نتایج:** انسان بخش زیادی از ساعات فعال خود را به ارتباط با دیگران می پردازد. احساس درد و بیماری از طریق ارتباط ابراز می شود و پرستاران از این طریق از احساسات درونی، نیازها و مشکلات بیمار آگاه می شوند و به مراقبت و درمان بیمار می پردازند. طبق نظر راش ارتباط بخشی از درمان بیمار است که هنر فرآیند و دستیابی به پیام های تنظیم شده در جهت تندرستی است. و قدرت برقراری ارتباط با بیمار یکی از ضروریات حرفه پرستاری است. پرستاران با برقراری ارتباط مشکلات و نیازهای بیمار را تشخیص داده و برنامه درمانی را تنظیم می نمایند. از طریق ارتباط بیمار احساس امنیت نموده و به تیم درمان اعتماد می کند. برقراری ارتباط مؤثر به طور وسیعی به عنوان یک شاخص کلیدی جهت رضایت، همکاری و التیام بیمار در نظر گرفته شده است و توانایی برقراری ارتباطی مؤثر با دیگران قلب تمامی مراقبت ها از بیماران محسوب می گردد

**نتیجه گیری:** به منظور بهبود ارتباط بین پرستار و بیمار که به عقیده بسیاری از متخصصان بر روند درمان بیماران تأثیری مستقیم و قابل ملاحظه دارد، آگاهی و دانش پرستاران باید نسبت به مهارت های اساسی ارتباط با بیمار ارتقاء یابد.

**واژه های کلیدی:** آموزش مهارت ارتباط به پرستاران، پرستاران، بیماران، بهبود بیماری

## بررسی وضعیت موجود ارتباط پزشک با بیمار از دیدگاه بیماران بستری در یکی از بیمارستان‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی کردستان

دکتر راز خطیبی\*، دکتر محمد جعفر رضایی، دکتر یدالله زارع زاده

**مقدمه:** یکی از مشکلات سیستم های سلامت، مسأله مهارت ارتباطی پزشکان با بیماران می باشد که از سال های ۱۹۵۰ مورد توجه قرار گرفته است در نتیجه این سوال مطرح است که آیا مشکل فقدان مهارت ارتباطی در پزشکان وجود دارد؟ با در نظر گرفتن بیماران به عنوان مشتریان سیستم سلامت، این سؤال میتواند توسط آنان پاسخ داده شود. این تحقیق جهت پاسخ به سؤال فوق و یافتن مشکلات موجود در مهارتهای ارتباطی میان پزشک و بیمار از دیدگاه بیماران طراحی و انجام گردید.

**روش‌ها:** این مطالعه مقطعی بود و در دانشگاه علوم پزشکی کردستان در سال ۱۳۸۸ انجام گرفت. حجم نمونه شامل تمام بیماران بستری (۲۶۰ نفر) در بخش داخلی بیمارستان توحید سنندج (یکی از بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی کردستان) در خرداد ماه بود. جمع آوری اطلاعات با استفاده از یک پرسشنامه محقق ساخته شامل ۱۵ سؤال انجام گرفت. روایی پرسشنامه از طریق مشاوره با افراد صاحب نظر در آموزش پزشکی و پایایی آن با آزمون آلفای کرونباخ تعیین گردید. سئوالات پرسشنامه در پنج حیطه تقسیم بندی گردید و به هر یک از سئوالات بر اساس آزمون چهار گزینه ای لیکرت (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) امتیاز داده شد سپس بر اساس پاسخ واحدهای مورد پژوهش به سئوالات هر یک از حیطه ها، آنها به رضایتمندی کم، متوسط و زیاد طبقه بندی گردیدند. در نهایت، نتایج مطالعه با استفاده از فرمولهای آمار توصیفی و تحلیلی و نرم افزار آماری SPSS تحلیل گردید.

**نتایج:** (۵۴٪) ۱۴۰ نفر از جامعه مورد مطالعه مذکر بودند. رضایتمندی متوسط در حیطه توجه به بیمار، رضایتمندی زیاد در حیطه توضیح پزشک در مورد ناراحتی بیمار، رضایتمندی زیاد در حیطه اولویت دادن به بیمار، رضایتمندی کم در حیطه احترام به باورهای اعتقادی و فرهنگی بیمار و رضایتمندی متوسط در حیطه رضایت بیمار از احترام به وی وجود داشت. زنان بیش از مردان از احترام پزشک به آنان رضایت داشتند و این اختلاف معنی دار بود ( $p=0.023$ )

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج این مطالعه، این استنباط حاصل می شود که پزشکان با بعضی از مهارتهای ارتباطی میان پزشک و بیمار، آشنایی کافی را ندارند و لازم است در جهت رفع این نقیصه، آموزشهای لازم در برنامه درسی دانشجویان پزشکی و دوره های آموزش مداوم گنجانده شود.

**واژه‌های کلیدی:** مهارتهای ارتباطی، پزشک، بیمار



## بررسی دیدگاه پرسنل گروه پرستاری و نحوه ارائه آموزش مداوم و نقش نظرسنجی در بیمارستان ۱۷ شهریور برازجان

نظر غلامی

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز  
nazargholami@yahoo.com

**مقدمه:** با توجه به اینکه نیروی انسانی بزرگترین منابع هر سازمانی به شمار می رود افزایش و آگاهی آنها مهم بنظر می رسد. آموزش مداوم و ضمن خدمت گروههای پرستاری در حین کار می تواند باعث افزایش مهارتهای بالینی و دانش افراد گردد در صورتی آموزشهای مداوم می تواند پاسخگو باشد که از برنامه ریزی صحیح و بر اساس نیاز سنجی دقیقی صورت گیرد بنابر این دیدگاه پرستاران و انگیزه و موانع شرکت آنها در کلاسهای آموزش مداوم می تواند به اجرای صحیح و نحوه برگزاری این کلاسها کمک نماید .

**روشها:** در این مطالعه توصیفی تحلیلی تعداد ۷۰ عدد پرسشنامه که قبلا در طرحهای همانند مورد استفاده قرار گرفته بو استفاده شد از روایی صوری و پایایی محتوای استفاده گردیده بود و روایی و پایایی آن قبلا تایید گردیده بود . این پرسشنامه از سه قسمت تشکیل گردیده بود که مشخصات دمو گرافیک ،عوامل انگیزشی ،عوامل و موانع شرکت در کلاسها،افزایش دانش و مهارت تشکیل گردیده بود و از لیکرت ۵ گزینه ای از بی اهمیت تا فوق العاده مهم تشکیل شده بود و پس از جمع آوری دادهها در برنامه SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت .

**نتایج:** از شرکت کنندگان ۶۶٪ خانم و ۳۴٪ مرد بودند ۵۶٪ بین ۱۸ الی ۳۰ سال سن و ۴۰٪ بین ۳۰ تا ۴۹ سال سن داشته اند . ۵۶٪ پرستار ۴۰٪ نیروهای گروه پرستاری تشکیل دادند . ۳۰٪ رسمی ۷۰٪ پیمانی و طرحی بودند ۶۲٪ سابقه کار ۱ تا ۱۰ سال داشتند ۷۸٪ انگیزه شرکت در کلاسها باعث افزایش دانش آنها می گردد را خیلی مهم دانستند ۸۰٪ از پرسنل شیف کاری زیاد را عدم شرکت در کلاسها عنوان نمودند و آن را خیلی مهم دانستند ۶۸٪ اعلام نمودند که آموزش مداوم باعث افزایش مهارتهای بالینی می گردد .

**نتیجه گیری:** نیاز به آموزش و یادگیری و افزایش مهارتها امری پذیرفته شده می باشد . یکی از روشهای مهم و تاثیر گذار در آموزش حین کار نظرات یادگیرندگان می باشد که با نظر سنجی می توان به آن دست پیدا کرد . بر اساس تحقیق فرمانی و همکاران نظر سنجی به منظور اطلاع از نیازها و کمبودها و اقدام در جهت رفع آن حرکت بسوی ارتقاء برنامه های آموزش مداوم می باشد که با تحقیق انجام گرفته از نظر کمبود نیرو و زمان هم خوانی دارد . با توجه به تحقیقی که محمد حسینی و همکاران در بیمارستانهای استان کهگیلویه و بویر احمد با توجه بهاینکه انگیزه شرکت در کلاسها افزایش دانش بوده نه کسب امتیاز اما با دیگر تحقیقات همخوانی ندارد. بر اساس تحقیقی که جلالی در بیمارستانهای کرمانشاه انجام گرفته هم خوانی دارد و بطور کلی اهمیت دادن به نظران پرسنل در آموزش نحوه برگزاری و برطرف نمودن موانع امری مهم بنظر می رسد .

## ارتباط بین ویژگی‌های دموگرافیکی و مهارت‌های ارتباطی کادر پرستاری

سپیده جهان‌دیده\*، اعظم زارع

بیمارستان خیریه قلب الزهرا<sup>(س)</sup> و کودکان شهید حجازی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

jahandideh@sums.ac.ir

**مقدمه:** در بین گروه‌های بهداشتی تنها گروهی که ارتباط مستقیم و طولانی با مددجو دارد، کادر پرستاری می‌باشد. در علم پرستاری برقراری ارتباط بین پرستار و بیمار هسته اساسی را تشکیل می‌دهد. ارتباطی که بین پرستار و بیمار به وجود می‌آید، به علت تشریک مساعی است که پرستار و بیمار در جهت ارتقای بالاترین سطح سلامت بیمار با هم برقرار می‌کنند. از آنجایی که وضعیت مهارت‌های ارتباطی و نیازهای موجود در این زمینه در بین پرستاران مورد ارزیابی قرار نگرفته است، این مطالعه با هدف بررسی ارتباط بین ویژگی‌های دموگرافیکی و مهارت‌های ارتباطی کادر پرستاری و تعیین اولویت‌های آموزشی برای گروه‌های مختلف در بیمارستان خیریه قلب الزهرا (س) و کودکان حجازی شیراز انجام شد.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی-تحلیلی در سال ۱۳۹۱ بر روی ۲۲۱ نفر از پرستاران بیمارستان انجام گرفت. آزمودنی‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی از ۱۳ بخش بیمارستان انتخاب شدند و پرسشنامه‌ای شامل دو بخش کلی اطلاعات دموگرافیک و مهارت‌های ارتباطی (گفتاری، شنود، بازخورد) شامل ۱۷ سوال را تکمیل نمودند. پایایی و روایی پرسشنامه مورد سنجش و تایید قرار گرفت. داده‌های جمع‌آوری شده با نرم افزار SPSS و با آزمون‌های آماری ضریب همبستگی سنجش مهارت‌های ارتباطی انجام شد.

**نتایج:** از نظر توزیع سنی، ۸۷/۳ درصد پرستار زن و ۱۲/۷ درصد مرد بودند. بیشترین حجم نمونه در گروه سنی ۲۵-۲۹ سال با ۴۲/۵ درصد فراوانی قرار داشتند. ۶۷ درصد از آنان متاهل و ۸۵ درصد دارای مدرک کارشناسی بودند. یافته‌های حاصل از مطالعه نشان داد که بین وضعیت تاهل و مهارت‌های شنودی ( $p < 0.03$ )، سطح تحصیلات ( $p < 0.05$ ) و مهارت‌های شنودی و سن و مهارت‌های کلامی ( $p < 0.03$ ) ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

**نتیجه‌گیری:** نتایج نشان می‌دهد که افراد مجرد و افراد با سطح تحصیلات پایین نیاز به تقویت مهارت شنودی دارند و در افراد با سن کمتر نیاز به تقویت مهارت کلامی می‌باشد و از آن‌جا که توانایی برقراری ارتباط مناسب با بیماران در ارتقای کیفیت فرآیند مراقبت پرستاری نقش بسزایی دارد، تقویت این دسته از مهارت‌ها باید در اولویت آموزش ضمن خدمت پرستاران در هر گروه قرار گیرد و تشویق و نظارت بر اجرای مهارت‌های کسب شده پیشنهاد می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** ارتباط شنودی، ارتباط بازخوردی، ارتباط کلامی، پرستاران

## اخلاق در آموزش مجازی

مسعود مقیمی<sup>۱\*</sup>، سیما محمدحسینی<sup>۲</sup>، محمدعلی مقیمی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> مربی و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

<sup>۲</sup> مربی و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

<sup>۳</sup> دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

moghimim2004teacher@yahoo.com

**مقدمه:** حدود ۲۰ سال پیش مسائل اخلاقی درباره فناوری اطلاعات بسیار محدود و نادر بود و اغلب منتشر نمی شد. شاید به آن جهت که تولیدکنندگان فناوری به هدف خدمت به بشریت و استفاده صحیح و درست از آن بر طبق آرمان سازندگان، آن را در خدمت انسان قرار دادند اما بعدها با دسترسی آسان همه به آن و گسترش تعامل و رابطه های گوناگون بشر از طریق آن، زمینه را برای بروز استفاده های غیراخلاقی بویژه از سوی سوء استفاده کنندگان و منفعت جویان مهیا نمود. پیدایش اینترنت و توسعه کاربردهای آن در فراگیری، مسائل اخلاقی درباره فناوری اطلاعات را افزایش داده است. همچنین مباحث جدید مانند پدیده جهانی شدن چالش های جدیدی را در حوزه آموزش و نیز پیرامون مسائل اخلاقی به همراه داشته است.

**روش ها:** این مقاله با استفاده از مطالعات کتابخانه ای و اینترنت تهیه گردیده است.

**نتیجه گیری:** اخلاق آموزش مجازی از حوزه های اخلاق حرفه ای است. زیرا حرفه عبارت است از برخورداری از دانش، مهارت و توانایی و به نظر می رسد آموزش در این معنا می تواند حرفه تلقی شود. اخلاق حرفه ای از الگوهای رفتار ارتباطی مبتنی بر رعایت حقوق دیگران و مسوولیت های اخلاقی در قبال محیط حکایت می کند. برخی از مصادیق غیر اخلاقی رایج در حوزه آموزش الکترونیکی و مجازی عبارتند از: سرقت ادبی و نقض حقوق مالکیت فکری

، ترویج و تبلیغ ضد ارزش ها، استراق سمع، افزایش فریبکاری، گسترش دروغ و... رسالت آموزش به طور کلی ترویج اخلاق است اما جریان آزاد ارتباطات در آموزش مجازی و بروز رفتارهای غیراخلاقی در آن نیاز مبرم به اخلاق را مبرهن می سازد.

**واژه های کلیدی:** اخلاق، آموزش، مجازی

## آموزش مباحث اخلاقی حوزه های نوین علوم پزشکی و علوم حیاتی

دکتر عبدالحسن کاظمی<sup>۱\*</sup>، محمد حسین زکی دیزجی<sup>۳</sup>، مصطفی کاظمی<sup>۲</sup>، دکتر نجات فیض اللهی<sup>۴</sup>، دکتر صدیار عطالو<sup>۵</sup>، دکتر محمد رضا مسعودی فر<sup>۶</sup>

<sup>۱\*</sup> PhD مولکولار بیولوژی و فلوشیپ اخلاق زیست- پزشکی، دانشیار و رئیس مرکز تحقیقات فلسفه و تاریخ پزشکی دانشگاه علوم

پزشکی تبریز

<sup>۲</sup> مدرس دانشگاه پیام نور تبریز

<sup>۳</sup> دانشگاه هنر اسلامی تبریز<sup>۴</sup> دکترای حقوق، هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

<sup>۵</sup> معاونت قضایی دادگستری کل آذربایجان شرقی<sup>۶</sup> معاونت اداری دادگستری کل آذربایجان شرقی

Kazemi1338@Gmail.com

**مقدمه:** پیدایش، اشاعه و گسترش زمینه های معرفتی بی سابقه در پزشکی در زمینه درک پایه و اساس ژنتیکی بیماری ها و درمان ها در دو دهه گذشته، حوزه پزشکی (PM) Personalized Medicine را ایجاد نموده است و مباحث نافذ و مهمی مانند ژنومیکس، پروتئومیکس، فارماکوژنومیکس، توکسیکوژنومیکس، نوتری ژنومیکس، متابولومیکس و... به شناسایی بسیار عمیق و مستدل بیماری ها و درمان ها توفیق یافته اند. اکنون این باور عمیق علمی وجود دارد که Single nucleotide polymorphism (SNP) های نا شناخته بسیاری، دارای اثرات موثری در بروز بیماری ها، استعداد ابتلا به امراض، نارسایی های متابولیکی، سندرم های ژنتیکی، متابولیسم داروها، توکسین ها، آلرژن ها، مشکلات اتوایمیون و... هستند و تاثیر اجزاء ژنتیکی دیگری مانند Human Endogenous Retroviruses (HERVs) و RNA های غیر معمول، ترانسپوزون ها و SINE, LINE در بروز بیماری ها و یا استعداد ابتلا به بیماری ها با سرعت قابل ملاحظه و شواهد متقن با پروژه هایی مانند HapMap در حال کشف شدن هستند. بر مبنای یافته های متقن علمی که عموماً نیز از قواعد EBM تبعیت می کنند؛ بانک های اطلاعاتی دقیق، غنی، کاربردی و دارای قدرت تعامل با کاربر و پردازش اطلاعات در مورد این جنبه های جدید از دانش پزشکی به سرعت گسترش می یابند که بستر مناسب و نافذی را برای کاربرد این اطلاعات بر مبنای موازین EBM بوجود می آورند که باید نحوه استفاده از آن ها به جامعه پزشکی آموزش داده شود.

**روش ها:** کوریکولوم آموزشی پزشکی، فقدان کامل آموزش موارد فوق الذکر را نشان می دهد و آموزش استفاده از اطلاعات ژنتیکی افراد و یا گروه های اجتماعی از بانک های اطلاعاتی، ضرورت اجتناب ناپذیر علوم پزشکی دهه های آتی است اما این مباحث، مناقشه گسترده اخلاقی، حرفه ای و قانونی تحت عنوان خلوت ژنتیکی Genetic Privacy را بوجود آورده است که در ذیل این بحث، اطلاعات ژنتیکی هر فرد، بخشی خدشه ناپذیر از حریم خصوصی افراد در نظر گرفته می شود.

**نتایج:** متولیان و سیاست گزاران بهداشت و درمان در کشورهای مختلف بویژه در اروپای غربی و آمریکای شمالی، با تاکید بر اعتبار و اهمیت بانک های اطلاعات ژنتیکی بر پایه EBM کاربردی در حوزه عمل پزشکی، تلاش های گسترده ای برای تاسیس و گسترش بانک های اطلاعات ژنتیکی و بیولوژیکی از شهروندان کشورها تحت عنوان Bio Bank و یا Biometric (بانکهای بیومتریکی) دارند که نوعاً این بانک ها بر مبنای انگشت نگاری ژنتیکی (DNA Fingerprint) تاسیس می گردند.

**نتیجه گیری:** هر گونه تاخیر در آشنا نمودن و آموزش استفاده از حوزه های کاربردی فوق، خسات علمی مسلمی به دنبال می آورد ولی حفاظت از اطلاعات ژنتیکی افراد، سطح دسترسی و شیوه بهره برداری از بانک های اطلاعات ژنتیکی، دوره زمانی آرشیبندی اطلاعات و... مباحث و مناقشات حرفه ای و اخلاقی وسیعی را در پی دارد زیرا در کنار ضرورت مسلم نیاز به این بانک های اطلاعات برای EBM کاربردی، ضوابط حرفه ای، قانونی و اخلاقی مسلمی نیز باید برای اخذ، آرشیبندی، سطح دسترسی و نوع استفاده از این اطلاعات در نظر گرفته شود.

**واژه های کلیدی:** آموزش پزشکی، EBM، خلوت ژنتیکی، DNA بانک، موازین حرفه ای

## بایسته های اخلاقی در روابط استاد و دانشجو در آموزش علوم پزشکی از دیدگاه اسلام

مرضیه دشتی رحمت آبادی\*، دکتر محمود عباسی، ابراهیم علی محمدی، دکتر احسان شمسی، حمید دشتی رحمت آبادی\* دانشجوی دکترای آموزش پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران  
Dashtirm1@Sbmu.ac.ir

**مقدمه:** اخلاق یکی از اساسی ترین ارکان شرایع آسمانی برای رساندن انسان به کمال نهایی است. انسان موجودی است که فطرتاً اخلاقی است، نه تنها خوبیها و زشتیها را تمیز می دهد بلکه خواهان خوبی ها و گریزان از پلیدیها است. با این حال انسانی یافت نمی شود که در زندگی روزمره فردی و اجتماعی نیازمند راهکار های اخلاقی نباشد. دانشگاه با هدف تربیت متخصصان خلاق و نوآور که بتوانند افق های نوینی را برای جامعه رقم زند تاسیس شده است و هر اندازه این نهاد در مسیر تحقق اهداف خود توانا تر باشد، جامعه نیز به موازات آن چشم اندازهای بدیعی در مقابل خود خواهد یافت. از این رو است که نقش استادان در تربیت دانشجویان و راهنمایی آنان، از جمله موضوعات مهمی است که همواره باید مورد توجه قرار گیرد. به جرات می توان گفت هر تحصیل کرده ای در نظام آموزش عالی که در مسیر زندگی حرفه ای و حتی اخلاقی خود کامیاب بوده است، یقیناً از یکی (یا بیشتر) از استادان خود به عنوان راهنما و راه گشای خود در این مسیر نام خواهد برد. این امر نشان از جایگاه والا و برجسته استاد در پرورش علما و روحی دانشجو دارد.

**روش ها:** با جستجو در منابع معتبر اسلامی از جمله کتب و مقالات منتشر شده، مصاحبه حضوری با اساتید دانشکده الهیات و بهره مندی از تجربیات ایشان و با توجه به نتایج منتشر شده رسمی و غیررسمی در ارتباط با موضوع و مصاحبه با چند تن از دانشجویان و اساتید که بصورت ملموس از نحوه ارتباط دو سویه تاثیر پذیرفته اندبه بررسی پیرامون موضوع پرداخته شد.

**نتایج:** در آموزش بالینی دانشجویان و اساتید هر دو فراگیرند (Co-learner) و در یک محیط مذاکره ای باز قرار می گیرند و مسئولیت یادگیری و رشد خود را به اشتراک می گذارند. مرکزیت این انتقال، ارتباطات آن است که باید مفهوم این ارتباط بین اساتید و دانشجویان را در یابیم.

**نتیجه گیری:** از آنجا که علم و تفکر از مهمترین ویژگیهای دانشگاهها می باشد باید با تکیه بر اندیشه ها و پندهای ژرف و ناب اسلامی به سمتی حرکت نماییم تا اخلاق حرفه ای بخصوص در حوزه پزشکی را با تمسک به این اندیشه های ناب در محیط های دانشگاهی خود پیاده نماییم. قطعاً ارتباط صحیح استاد و دانشجو در محیط های بالینی و همچنین بر بالین بیمار که برگرفته از این اندیشه های ناب باشد، می تواند بعنوان الگویی ایرانی-اسلامی جایگاه خود را در جهان پیاده نموده و انتظار هم می رود که در این مقوله علمی، با همت همه فرهیختگان دانشگاهی بتوانیم سرآمد سایر کشورها بوده و بتوانیم الگویی شایسته را معرفی نماییم.

**واژه های کلیدی:** آموزش پزشکی، ارتباط، استاد، دانشجو

## چگونه می توان همزمان با انتقال دانش، مهارتهای ارتباطی و کار گروهی دانشجویان را افزایش داد؟

پروین رضایی\*

\* عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس

p.rezail@gmail.com

**مقدمه:** تاکید بر رشد استعداد ها و پرورش خلاقیت، پویایی و مشارکت دانشجویان، به عنوان یک هدف غایی، از مسائل پیچیده حوزه آموزش محسوب می شود که بسیاری از مدرسان، علیرغم اعتقاد به اهمیت آن، به دلیل وقت گیر بودن و صرف انرژی زیاد، امکان پرداختن به آن را در کلاس درس خود ندارند. به کارگیری شیوه های تدریسی که بتواند فراگیران را در این خصوص توانمند سازد، به میزانی وقت گیر است که گاهی فرایند انتقال دانش به فراگیران را تحت تاثیر خود قرار می دهد. انتقال دانش به عنوان یکی از اساسی ترین اهداف آموزشی محسوب شده و هنوز به عنوان یکی از دغدغه های اصلی بسیاری از معلمان متعهد به شمار می رود.

سوال اصلی آن است آیا راههایی وجود دارد که در عین تقویت مهارتهای ارتباطی دانشجویان و روحیه مشارکت آنان، روند انتقال دانش تخصصی، را تحت الشعاع قرار ندهد؟ مطالعه حاضر به بررسی پاسخ این سوال می پردازد.

**روش ها:** این مطالعه از حیث روش، یک مطالعه مروری محسوب می شود که با استفاده از مستندات و مستدلات حاصل از بررسی منابع کتابخانه ای به انجام رسیده است.

**نتیجه گیری:** مطالعه پیرامون این موضوع نشان می دهد که فعالیتهای علمی مشترک دانشجویان، از جمله انجام تکالیف مشترک کلاسی، انجام تحقیقات یا سایر مشارکتهای علمی، می تواند درانتقال دانش موثر باشد و علاوه بر این، به ارتقا مهارتهای گروهی بیانجامد. اما در میان این دسته فعالیتهای، نقش انجمن های علمی دانشجویی، بیشتر قابل توجه است. انجمن های علمی دانشجویی، از جمله نهادهای دانشجویی محسوب می شوند که علاوه بر رسالت افزایش آموختن شیوه های تعامل و فعالیتهای گروهی به دانشجویان، به دلیل محوریت علمی، به اعتلای سطح دانش و آگاهی دانشجویان منجر می شود. این انجمن ها به دلیل آنکه وجوهی از جذابیت های دوران دانشجویی را با خود داشته و به علاقه مندیهای دانشجویان، پاسخ می دهد و از طرفی چون متناسب با اوقات فراغت آنان تعبیه می شود، معمولاً بیشتر از سوی دانشجویان مورد استقبال واقع شده و در صورت توجه و هدایت موثر، می تواند نقش موثری در پاسخدهی به دغدغه مدرسان متعهد داشته باشد.

**واژه های کلیدی:** انجمن علمی، مشارکت، کار گروهی، دانشجو



## تجارب بیماران از ارتباط حرفه ای پزشک ان در محیط بیمارستان: یک مطالعه کیفی

نسرین فیروزآبادی\*، دکتر نیکو یمانی، علی حسین کرمی  
\*کارشناسی ارشد آموزش پزشکی. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان  
Email: nasrinfirouzabadi@gmail.com

**مقدمه:** با توجه به اهمیت رعایت ارتباط حرفه ای در کسب رضایت بیمار و آگاهی پزشکان از معیارهای اخلاقی مورد نظر گیرندگان خدمت، جهت کمک به ایفای نقش خود به عنوان یک پزشک موفق، پژوهش کیفی انتخاب گردید تا بدینوسیله با آگاهی از نیازهای گیرندگان خدمات سلامت توسط ذکر تجربیات واقعی آنان، بستر مناسب جهت ارتقای رضایت بیماران در آموزش پزشکی فراهم گردد.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی می‌باشد که در سال ۱۳۹۰ در اصفهان انجام شد و بدینوسیله توصیفی جامع از تجربه ی بیماران در مورد ارتباطات حرفه ای پزشک معالج مورد بررسی قرار گرفت. جامعه مورد تحقیق، بیماران بستری در بیمارستان الزهرا و شهید چمران و واحدهای پژوهش، بخش‌های داخلی و جراحی بودند. نمونه‌گیری بصورت نمونه‌گیری مبتنی بر هدف تا رسیدن به اشباع اطلاعات در محیط تحقیق مربوطه انجام پذیرفت. جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه ی نیمه ساختارمند با مطرح نمودن سؤالات پژوهشی با استفاده از راهنمای مصاحبه و اخذ رضایت آگاهانه صورت گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش تجزیه و تحلیل محتوای موضوعی و استخراج درون مایه انجام پذیرفت.

**نتایج:** تحلیل داده‌های مطالعه کیفی، منجر به استخراج ۳۳۳ کد در ۴ طبقه اصلی و ۱۹ طبقه فرعی گردید. یکی از طبقات اصلی شامل ارتباط پزشک با بیمار با ۵ طبقه فرعی شامل «اعتماد»، «صمیمیت»، «صبر و حوصله»، «نحوه ی ارتباط با بیمار» و «مواجهه با پزشک» بودند.

**نتیجه‌گیری:** از یافته‌های این پژوهش با دسترسی به مفاهیم واقعی در ارتباط با تجارب مثبت و منفی از ارتباطات حرفه ای پزشک معالج می‌توان به نیازهای منطقی و واقع بینانه بیماران پاسخگو بود. این نیازها به صورت یک نقشه ی راهنما عمل نموده و در فرآیند برنامه ریزی درسی و ممیزی بالینی کیفیت رفتارهای حرفه ای گری جهت ارائه خدمات مطلوب به بیماران قابلیت کاربرد دارد.

**واژه‌های کلیدی:** تجارب بیماران، ارتباط حرفه ای، حرفه ای‌گری، پزشک معالج

## اثر بخشی کارگاه آموزشی مهارت های ارتباطی:

### آیا کیفیت مراقبت از بیماران به مهارت های ارتباطی پرستاران وابسته است؟

حسین کریمی موفقی<sup>۱\*</sup>، نرجس خاتون طاهری<sup>۲</sup>، سعید واقعی<sup>۳</sup>، حمیدرضا بهنام وشانی<sup>۴</sup>

\*استادیار گروه داخلی و جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی - گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

<sup>۲</sup> دانش آموخته کارشناسی ارشد آموزش پرستاری داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

<sup>۳</sup> مربی گروه آموزش روان پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

<sup>۴</sup> مربی گروه آموزش روان پرستاری کودکان، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

**مقدمه:** مراقبت های پرستاری به عنوان یک جزء اساسی از خدمات بهداشتی درمانی از اهمیت بسیاری برخوردار است و مسأله مهمی که همواره در ارائه مراقبت ها مورد توجه قرار می گیرد، دستیابی به کیفیت مطلوب ارائه مراقبت می باشد. به نظر می رسد که آموزش مهارت های ارتباطی می تواند کیفیت مراقبت را افزایش دهد. بنابراین، مطالعه حاضر تاثیر آموزش مهارت های ارتباطی را بر کیفیت مراقبت از بیماران در پرستاران مورد بررسی قرار داد.

**روش ها:** این مطالعه یک پژوهش تجربی از نوع پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل بود. واحدهای پژوهش را ۶۰ نفر از پرستاران شاغل در بیمارستان های قائم (عج) و امام رضا (ع) و ۳ بیمار به ازای هر پرستار بر اساس نمونه گیری در دسترس تشکیل می دادند که بر اساس تخصیص تصادفی به دو گروه مساوی تقسیم شدند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه کیفیت مراقبت QUALPAC بود که در ۴ مرحله قبل مداخله، ۲ هفته بعد مداخله، ۳ هفته بعد مداخله و ۴ هفته بعد از مداخله توسط بیماران تکمیل شد. مداخله شامل کارگاه آموزش مهارت های ارتباطی به مدت ۸ ساعت در طی دو روز برگزار گردید. تحلیل داده ها با استفاده از آزمون های آماری کلموگروف - اسمیرنوف، شاپیروویلکس، تی مستقل، تی زوج، من ویتنی و فریدمن و SPSS نسخه ۱۱/۵ صورت گرفت.

**نتایج:** میانگین نمره کیفیت مراقبت گروه آموزش مهارت های ارتباطی، در مراحل ۳، ۲ و ۴ هفته بعد از مداخله، نسبت به مرحله قبل تغییر یافته است ( $P < 0/001$ ). این افزایش در بعد های مختلف کیفیت مراقبت یکسان نبوده است. در بعد روانی-اجتماعی فردی ۵۰/۸ درصد، بعد روانی-اجتماعی گروهی ۶۳/۸ درصد، بعد ارتباط ۵۴/۵ درصد، بعد فیزیکی ۵۰/۶ درصد، بعد عمومی ۴۱ درصد و در بعد حرفه ای ۹۸ درصد بود.

**نتیجه گیری:** از آنجایی که آموزش مهارت های ارتباطی، شیوه موثر برای بهبود کیفیت مراقبت می باشد، لذا پیشنهاد می شود به منظور ارتقاء کیفیت مراقبت از بیماران، مورد توجه مدیران و مسئولین قرار گیرد.

**واژه های کلیدی:** مهارت های ارتباطی، کیفیت مراقبت، ارتباط با بیماران

## بررسی مهارت برقراری ارتباط با بیمار در دانشجویان پرستاری

حمید تقی نژاد<sup>۱</sup>، میلادباقری<sup>۲\*</sup>، محسن امینی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دانشکده پرستاری مامایی

<sup>۲\*</sup> دانشجوی کارشناسی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دانشکده پرستاری مامایی

<sup>۳</sup> کارشناس پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دانشکده پرستاری مامایی

[miladbagheri1989@yahoo.com](mailto:miladbagheri1989@yahoo.com)

**مقدمه:** لازمه کار پرستاری ارتباط مؤثر با مددجو است، که نیازمند تسلط بر مهارت های ارتباطی است که برقراری ارتباط به نوبه خود در رضایتمندی بیماران نقش مهمی دارد. هدف از انجام این مطالعه تعیین مهارت های ارتباطی دانشجویان پرستاری بایماران بیمارستان های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال ۱۳۹۰ بود.

**روش ها:** این مطالعه به صورت توصیفی-تحلیلی در بین ۸۳ نفر از دانشجویان پرستاری که دوره کارآموزی را گذرانده بودند صورت گرفت، در این مطالعه برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه دموگرافیک و چک لیست ۲۶ گزینه ایی استفاده شد، رفتار هریک از دانشجویان توسط مربی مشاهده گردید و در چک لیست ثبت شد و پس از جمع آوری داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** ۴۸٪ از افراد مورد مطالعه مذکر بودند و ۵۱٪ از آن ها مؤنث بودند. به طورکلی ۴۲٪ درصد از دانشجویان دارای مهارت برقراری ارتباط در سطح متوسط، ۵۳٪ درصد در سطح خوب و ۴٪ درصد از دانشجویان در سطح بسیار خوب بودند و همچنین، عمل به مقررات بخش نسبت به سایر موارد نمره کمتری کسب نمود. بین ترم تحصیلی و برخی از حیطه های مربوط به مهارت ارتباطی (مهارت های تعاملی، توصیف بیماری برای بیمار و مهارت پایان بخشیدن به مصاحبه) رابطه معنی داری وجود داشت ( $P=0/01$ )

**نتیجه گیری:** نتایج نشان داد با افزایش طول تحصیل دانشجویان پرستاری، مهارت برقراری ارتباط آنها بیشتر می شد، به طوری که دانشجویان ترم ۷ پرستاری بیشترین مهارت را در بین افراد داشتند. بنابراین، تدوین برنامه آموزشی مناسب در راستای ارتقاء مهارت برقراری ارتباط دانشجویان ورودی جدید توصیه می شود.

**واژه های کلیدی:** ارتباط مؤثر، پرستاری، دانشجویان

## ارتباط بین حرفه ای پرستاران و پزشکان: راهکاری موثر در ارتقاء کیفیت مراقبت از بیمار

فریبا محمدی\*\*ی-کتر علیرضا مسلم

\*دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پرستاری، دانشکده پرستاری و مامائی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران  
عضو هیات علمی طروه بیهوشی، انستتاه علوم ذؤشکی طنابای  
**faribamohamadi4009@gmail.com**

**مقدمه:** ارتباط بین پزشک و پرستار در امر مراقبت از بیمار، برای دست یابی به یک هدف مشترک درمان است. باتوجه به ضرورت وجود ارتباط و همکاری میان پزشکان و پرستاران در جهت ارتقاء کیفیت مراقبت از بیماران، این مطالعه انجام شد. **روش‌ها:** اطلاعات این مطالعه مروری از طریق جستجو در منابع الکترونیکی شامل بانک های اطلاعاتی از جمله Pubmed, Ovid, INLM, از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ و بانک اطلاعاتی فارسی از جمله SID, Iranmedex, از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ می باشد. از جمله کلید واژه ها ی انگلیسی مورد جستجو Interprofessional collaboration, Health services, Quality of care و کلید واژه های فارسی شامل: ارتباط بین حرفه ای، کیفیت مراقبت از بیمار، ارتباط بین پرستاران و پزشکان، بود.

**نتایج:** فراهم آوردن پاسخ متناسب با نیاز ها و چالش های سلامتی اعضای جامعه همواره مورد توجه نظام های خدمت رسانی و به ویژه سلامت است. یکی از موانع بزرگ در عرصه ارائه خدمات بهداشتی، فقدان هماهنگی و انسجام بین تیم های درمان از جمله پرستاران و پزشکان می باشد. در تعدادی از مطالعات انجام شده ارتباط بین حرفه ای پرستاران و پزشکان در حد متوسط بیان شده است.

**نتیجه گیری:** توسعه فرهنگ کار گروهی و بهبود ارتباط حرفه ای بین پزشکان و پرستاران می تواند نتایج بسیار مثبتی برای پزشکان و پرستاران و ارتقاء کیفیت مراقبت از بیماران داشته باشد، تا ضمن توانایی بهتر کار کردن با مددجویان، بتوانند مداخلات مفید را با همکاری یکدیگر برای بیماران انجام دهند.

**واژه های کلیدی:** ارتباط بین حرفه ای، پرستاران، پزشکان، کیفیت مراقبت از بیمار

## بررسی رضایت کارکنان دانشکده پزشکی کرمانشاه از اجرای کارگاه مهارت‌های ارتباطی با تاکید بر محیط در سال ۱۳۸۹

علی اکبر ده حقی\*، ناهید جلیلیان، نسرین جلیلیان  
کارشناس ارشد جامعه‌شناسی - مرکز تحقیقات  
adehghahi@yahoo.com

**مقدمه:** آموزش مهارت ارتباطی با تاکید بر محیط کار، خود آگاهی و مقابله با استرس از جمله نیازهای آموزشی در جامعه می باشد. از آنجا که دانشگاه مکان دانش اندوزی است و جامعه گسترده اساتید، دانشجویان و ارباب رجوع را شامل می شود. لذا ارتباط مؤثر خود نوعی توانایی است که به فرد کمک می کند تا بتواند کلامی و غیر کلامی و مناسب با فرهنگ، جامعه و موقعیت، خود را بیان کند بدین معنی که فرد می تواند نظرها، عقاید، خواسته ها، نیازها و هیجان های خود را ابراز و به هنگام نیاز بتواند از دیگران درخواست کمک و راهنمایی نماید. اهمیت توانایی مقابله با استرس، رشد خودآگاهی و ارتباطات ویژه بزرگسالان با تاکید بر محیط کار به فرد در رسیدن به ایجاد رابطه خوب در محیط اجتماعی می انجامد. این مطالعه بمنظور تعیین رضایت کارکنان دانشکده پزشکی کرمانشاه از اجرای کارگاه مهارت‌های ارتباطی در سال ۸۹ انجام شد.

**روش‌ها:** این مطالعه بصورت توصیفی مقطعی بر روی ۸۴ نفر از کارکنان دانشکده پزشکی انجام شد که پس از تکمیل پرسشنامه پیش آزمون و پس آزمون که روایی صوری و محتوایی آن تأیید شد در ۳ حیطه مقابله با استرس، خود آگاهی و ارتباطات ویژه بزرگسالان انجام شد. سپس اطلاعات بدست آمده از طریق نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج در قالب نمودارها و جداول توصیفی ارائه و مقایسه شد.

**نتایج:** یافته های آماری نشان داد میانگین مدرک تحصیلی مقطع لیسانس (۶۸ درصد) و کمترین مربوط به مدرک دکترا (۵ درصد) بود. همچنین نتایج نمرات پیش آزمون و پس آزمون در ۳ دوره آموزشی مقابله با استرس با تاکید بر محیط کار، خود آگاهی و ارتباطات ویژه بزرگسالان با تاکید بر محیط کار اختلاف معناداری در ( $p < 0.05$ ) مشاهده شد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به ارزیابی مثبت شرکت کنندگان، لازم است برگزاری کارگاههای آموزشی مهارت‌های ارتباطی در سطح دانشگاه انجام شود تا کارکنان که ارتباط مستقیم با دانشجویان، اساتید و ارباب رجوع را بعهده دارند با آگاهی از نحوه برخورد و ارتباط با دیگران موجب ارتقای کیفی و کمی در دانشگاه شوند.

**واژه های کلیدی:** رضایت، کارکنان دانشکده، مهارت‌های ارتباطی



## بررسی تاثیر کارگاه آموزشی بر آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان بهداشت عمومی در ارتباط با مهارت‌های ارتباطی موثر

عیسی محمدی زیدی<sup>۱</sup>، امیر پاکپور حاجی آقا<sup>۱\*</sup>، اصغر کاربرد<sup>۲</sup>، بنفشه محمدی زیدی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> دکتری آموزش بهداشت، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، مربی عضو هیات علمی گروه اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی قزوین

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد مامایی، مربی عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن

easamohammadizeidi@gmail.com

**مقدمه** توجه به اهمیت ارتباط بهداشتی، مطالعه حاضر با هدف تعیین تاثیر کارگاه آموزشی بر امتیاز آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان بهداشت عمومی در ارتباط با مهارت‌های ارتباطی موثر انجام شده است.

**روش‌ها:** اطلاعات این پژوهش نیمه تجربی از طریق پرسشنامه روا و پایایی دو بخشی (شامل ۸ سوال آگاهی و ۲۵ سوال نگرش) به همراه چک لیست مشاهده عملکرد مهارت‌های ارتباطی ۲۰ سوالی از کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در ترم کارآموزی به تعداد ۲۳ نفر یک هفته قبل و سه ماه بعد از برگزاری کارگاه مهارت‌های ارتباطی موثر گردآوری شد و با آزمون‌های کای اسکوئر، تی زوجی و توسط نرم افزار SPSS انجام شد.

**نتایج:** میانگین نمره آگاهی دانشجویان از  $1/0 \pm 3/4$  به  $2/3 \pm 7/4$  ( $P < 0/05$ ) و میانگین نمره نگرش دانشجویان از  $11/3 \pm 63/15$  به  $15/5 \pm 93/3$  ( $P < 0/05$ )، همچنین میانگین امتیاز عملکرد دانشجویان در مورد مهارت‌های ارتباطی موثر از  $3/7 \pm 10/4$  به  $5/6 \pm 14/6$  تغییر معناداری یافت ( $P < 0/05$ ).

**واژه‌های کلیدی:** مهارت‌های ارتباطی، بهداشت عمومی، آموزش سلامت

## چالش های آموزش مهارت های ارتباطی به دانشجویان علوم پزشکی

سیمین اسمعیل پورزنجانی\*، مریم اکبری لاکه، ملیحه عرب، یوسف محمدپور

دانشجوی دکتری تخصصی آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

s\_esmaeilpour@yahoo.com

**مقدمه:** مهارت های ارتباطی مناسب پرسنل پزشکی، پایبندی به درمان و عملکرد روانی اجتماعی بیماران را افزایش می دهند. بر پایه این فرض که رفتارهای ارتباطی می توانند به دانشجویان علوم پزشکی آموزش داده شوند، بخش مهمی از برنامه های درسی آموزش های پایه دانشجویان و آموزش مداوم پرسنل پزشکی را آموزش مهارت های ارتباطی تشکیل می دهند. هدف از این مقاله تعیین چالش های آموزش این مهارت ها به دانشجویان می باشد.

**روش ها:** در این مقاله ضمن جستجوی الکترونیکی پایگاههای اطلاعاتی، مطالعات مرتبط با آموزش مهارت های ارتباطی به دانشجویان علوم پزشکی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ انتخاب و جهت تعیین چالش های آموزش مورد بررسی قرار گرفتند.

**نتایج:** آموزش مهارت های ارتباطی به دانشجویان رشته های مختلف علوم پزشکی به شکل دوره های کوتاه مدت پیوسته یا بلند مدت و غیرپیوسته در طول دوره تحصیلی، راهنمایی و نظارت بر مهارت های ارتباط بالینی و ارائه بازخورد و با شیوه های مختلف آموزشی نظیر ایفای نقش با کمک همتا یا بیمارنما، سخنرانی، مطالعه موضوعات کلیدی توسط دانشجو، استفاده از مواد آموزشی سمعی و بصری، بحث های موردی، معرفی موقعیت های ارتباطی استرس آور و یا موانع ارتباطی بوده است. اغلب دوره های آموزشی بر مهارت های ارتباطی عمومی متمرکز بوده اند ولی برخی از آنها به آموزش دانشجویان در رابطه با جنبه های خاصی نظیر دادن اخبار ناگوار، توسعه مهارت های ارتباطی با اعضای خانواده، چگونگی پاسخ به عواطف و توسعه درک و تعیین وضعیت و نگرانی های روانی اجتماعی بیماران پرداخته اند.

**نتیجه گیری:** مهارت های ارتباطی دانشجویان علوم پزشکی به عنوان مجموعه اساسی از مهارت های بالینی است که می توانند ضمن آموزش تغییر نمایند. اینکه آیا طول دوره، شیوه آموزش، نظارت و راهنمایی پس از آموزش، یا ارائه بازخورد به دانشجویان علوم پزشکی می تواند بر اثربخشی مهارت های ارتباطی دانشجویان تاثیر گذارد یا خیر، از چالش های مطرح در بحث آموزش این مهارتها محسوب می شوند.

**واژه های کلیدی:** ارتباطات، مهارت های ارتباطی، آموزش پزشکی

## بررسی دیدگاه بیماران بستری در بیمارستان پیمانیه جهرم پیرامون رعایت اخلاق حرفه‌ای توسط پرسنل

فاطمه غلامی، فرزانه علی پور، مریم قاسمی

**مقدمه:** از آنجایی که رضایت و یا نارضایتی بیماران از اخلاق و عملکرد پرسنل تأثیر بسزایی در فرایندهای تشخیصی و درمانی دارد، این موضوع می‌تواند فاکتور مهمی در کیفیت ارائه خدمات درمانی تلقی گردد. زیرا به دنبال رضایت مندی، همکاری بیماران موجب تسریع پروسه‌های درمانی و در پی نارضایتی بیماران، کاهش همکاری و افت کیفیت تشخیص باعث به هدر رفتن منابع خواهد شد. هدف از این مطالعه بررسی نظرات بیماران بستری در بیمارستان پیمانیه جهرم پیرامون رعایت اخلاق حرفه‌ای توسط پرسنل می‌باشد.

**روش‌ها:** این پژوهش به صورت توصیفی-مقطعی بر روی ۱۰۰ نفر از بیماران بیمارستان پیمانیه جهرم با استفاده از پرسشنامه ای روا و پایا حاوی ۱۰ سوال انجام گردیده و داده‌ها با در نظر گرفتن  $p < 0/05$  و نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده و نتایج اعلام گردیده است.

**نتایج:** براساس نظرسنجی انجام شده از بیماران آمار زیر به دست آمده است. میزان رضایت از: نحوه برخورد با بیمار به دور از تعصبات قومی و مذهبی ۶۱٪، ظاهر پرسنل و میزان حفظ شئونات ۵۱٪، دلسوزی و پیگیری وضعیت بیمار ۴۴٪، احترام به حقوق بیمار ۴۷٪، وقت شناسی و حضور به موقع بر بالین بیمار ۳۹٪، توانایی برقراری ارتباط با بیمار و فن بیان ۵۵٪، گوش دادن و اهمیت دادن به صحبت‌های بیمار ۴۲٪، میزان اطلاعات و توانایی پاسخ دادن به سؤالات بیمار ۵۶٪، نحوه شرح حال گرفتن و حفظ حریم بیمار هنگام معاینه ۵۰٪، میزان آگاهی دادن کادر درمانی به بیمار پیرامون مشکل وی و پروسه درمان ۴۹٪. لازم به ذکر است که بین متغیرهای سن، جنس، سطح سواد و نیز موقعیت اجتماعی افراد مورد پرسش و مفهوم رضایت مندی ارتباط معنی داری رؤیت نشد.

**نتیجه‌گیری:** رعایت هرچه بهتر اخلاق حرفه‌ای توسط پرسنل بیمارستانی، علاوه بر اثرات روحی و روانی مؤثری که می‌تواند برای بیماران به ارمغان آورد، نقش مهمی در ایجاد رضایت از خدمات درمانی ارائه شده خواهد داشت. لذا با توجه به نقش رضایت مندی در کیفیت درمان، پیشنهاد می‌شود با برگزاری کنگره‌ها، کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی با ارتقای دانش و فن به کارگیری اخلاق حرفه‌ای، علاوه بر بهبود روابط بیماران و پرسنل، گامی در جهت افزایش کیفیت خدمات درمانی برداشته شود.

**واژه‌های کلیدی:** رضایت، بیمار، کیفیت، خدمات درمانی، اخلاق حرفه‌ای، پرسنل

## آموزش اخلاق بین حرفه ای در رویکرد تیم محور: تدوین ارزش ها و اصول اخلاقی در همکاری بین حرفه ای

دکتر بتول امینی<sup>۱</sup>، محبوبه علی محمدی<sup>۲</sup>، فاطمه کشمیری\*<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، کارشناس دفتر مطالعات و توسعه‌ی دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۲</sup> کارشناس دفتر مطالعات و توسعه‌ی دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۳\*</sup> دانشجوی دکتری تخصصی آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

Fkeshmiri1385@gmail.com

**مقدمه:** در مسیر درمان یکپارچه و مبتنی بر کار تیمی، یکی از دغدغه‌های اصلی در ارزیابی مراقبت سلامت، رعایت ارزش‌ها و اخلاقیات در کار تیمی است. در این مطالعه تلاش شده است چارچوب شاخص‌های اخلاقی و ارزش‌های همکاری بین حرفه ای تدوین گردد.

**روش‌ها:** این پژوهش با استفاده از روش کیفی-کمی و در دو مرحله انجام شده است درگام اول چارچوب مهارت‌های اخلاقی بین حرفه ای اولیه از طریق مطالعه مروری تدوین شد. به منظور بررسی روایی محتوایی و صوری و نیز تکمیل توانمندی‌های اخلاقی منطبق با بافت فرهنگی ایران دو راند دلفی صاحب‌نظران انجام شد. در فاز دوم مطالعه، میزان اهمیت، کاربرد و شفافیت توانمندی تعیین شده در کوریکولوم‌های آموزشی حرفه‌های مختلف و میزان شفافیت آن با استفاده از مقیاس لیکرت پنج گزینه‌ای مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج حاصل، ضمن بومی‌سازی توانمندی‌های تعریف شده، ۱۲ توانمندی را در سه بخش اساسی شامل ارزش‌های بیمار محور، توانمندی‌های اخلاقی بین حرفه ای، و ارزش‌های تیم محور طبقه بندی کرد. در فاز دوم میانگین میزان اهمیت و کاربرد توانمندی‌های تدوین شده و ابعاد اساسی آن مشتمل بر ارزش‌های بیمار محور (۴،۹)، توانمندی‌های اخلاقی بین حرفه ای (۴،۶) و ارزش‌های تیم محور (۴،۵) تعیین شد.

**نتیجه‌گیری:** «ارزش‌ها و اخلاقیات» یکی از اجزای مهارت همکاری بین حرفه ای است که می‌تواند اثربخشی و کارکرد بهتر نظام سلامت و رضایتمندی در فرایند بیمار محور را تحقق بخشد. این حیطة، در نظام‌های آموزش مراقبت سلامت نیازمند تأکید است.

**واژه‌های کلیدی:** اخلاقیات، کار تیمی، همکاری بین حرفه ای، ارزش‌های اخلاقی، آموزش بین حرفه ای

## چالش های تدریس اثربخش در درس اخلاق پزشکی از دیدگاه اساتید

افسانه یخ فروش ها\*، دکتر جلال الدین حمیصی

\*دانشجوی دکترای آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

star2000\_y@yahoo.com

**مقدمه:** با توجه به نقش مهم اخلاق حرفه ای به عنوان مهمترین مزیت رقابتی نیروهای متخصص و ماهر و نقش اساتید و مربیان در انتقال هنجارهای جامعه و فراهم کردن تجربه های فرهنگی و شکل دادن به رفتار و نگرش دانشجویان مطالعه فوق با هدف بررسی دیدگاه اساتید درباره چالش های تدریس اثربخش در درس اخلاق پزشکی انجام گرفت.

**روش ها:** این مطالعه یک پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوا است برای جمع آوری داده ها از روش نمونه گیری هدفمند (purpose sampling) که خاص پژوهش کیفی است، استفاده گردید که داده ها با استفاده از سئوالات باز از ۱۰ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین که سابقه تدریس در اخلاق پزشکی را داشتند جمع آوری گردید.

**نتایج:** تجزیه و تحلیل داده ها منجر به استخراج چهار درون مایه به شرح ذیل گردید: فقدان توانمندی های حرفه ای ضروری در اساتید اخلاق پزشکی، اشکال درمتمدهای یاددهی و ارزشیابی، اشکال در سرفصل و طول مدت دوره که هر یک از این درون مایه ها شامل چندین طبقه اصلی و فرعی می باشد که جنبه خاص از چالش ها را عنوان می کند.

**نتیجه گیری:** هدف آموزش اخلاق پزشکی انتقال اطلاعات و یافته های علمی نیست بلکه تصحیح و تقویت انگیزش، ارتقاء مهارت، افزایش توان و تحول نگرش است. تأکید بر این عناصر ماهیت چنین آموزشی را ترسیم می کند: فراتر رفتن از آموزش های مستقیم و تأکید بر آموزش حین عمل لذا ضروری است جهت آموزش اخلاق پزشکی ابعاد مختلف مشکلات در این حوزه شناسایی و راه حل های مناسبی برای مقابله با آنها ارائه گردد.

**واژه های کلیدی:** اخلاق، پزشکی، استاد، آموزش



## بررسی دیدگاه دانشجویان درباره رفتار های نامحترمانه – برهم زننده در محیط آموزشی (incivility Behavior)

رقیه ولی پور خواجه غیائی\* ، دکتر محمد خادملو ، دکتر زهرا سلطان تویه ، زهرا رضانزاد گتایی\*  
\*کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی مازندران  
Email: valipouryasi@gmail.com

**مقدمه:** امروزه ارتباط صحیح بین استاد و دانشجو از جمله مسائلی است که مورد توجه نظام های آموزشی قرار گرفته است، ارتباط نادرست و رفتارهای نامحترمانه روابط بین دانشجو و اساتید را مختل و محیط آموزشی پرتنش به وجود می آورد به طوری که میزان استرس بین استاد و دانشجو را افزایش داده و کیفیت آموزشی را کاهش می دهد. این پژوهش با هدف بررسی دیدگاه دانشجویان راجع به رفتار های نامحترمانه – برهم زننده در سال ۱۳۹۰ انجام شد.

**روش ها:** مطالعه حاضر از نوع توصیفی - مقطعی است که در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه بین المللی رامسر انجام شد. از بین کلیه دانشجویان نمونه ای مشتمل بر ۸۶ نفر به روش تصادفی انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه ترجمه شده رفتار های نامحترمانه (Clark) بود. پرسشنامه حاوی ۱۸ سوال در رابطه با رفتار نامحترمانه برهم زننده است. سوالات بر اساس طیف لیکرت چهار گزینه ای " همیشه، معمولاً، برخی اوقات و هرگز می باشد. روایی پرسشنامه به روش اعتبار محتوا و پایایی آن توسط جویباری و همکاران محاسبه و آلفای کرونباخ تأیید شده بود ( $\alpha = 0.79$ ) پس از جمع آوری پرسشنامه داده ها وارد نرم افزار SPSS آماری شد و برای توصیف و تجزیه و تحلیل داده های پرسشنامه از آماره های توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد.

**نتایج:** یافته های مطالعه نشان می دهد، از بین ۱۸ رفتار نامحترمانه – برهم زننده دانشجویان رفتارهایی از قبیل؛ تهدید دانشجویان به رد شدن (۶۱/۳ درصد) تنبیه تمام کلاس برای بد رفتاری یک دانشجو (۵۶/۵ درصد) رد کردن ایده های دانشجویان (۴۸/۳۴) نمره دهی ذهنی (۴۵/۲ درصد) بی میل بودن به پاسخ دادن به سوال (۴۵/۲ درصد) را رفتار برهم زننده می دانند. بین دیدگاه دانشجویان دختر و پسر اختلاف معنی داری ( $p = 0.216$ ) مشاهده نگردید.

**نتیجه گیری:** از آنجایی که بی اعتنایی به رفتار های نامحترمانه میتواند محیط آموزشی را مختل و کیفیت آموزشی را کاهش دهد، لذا شناخت اینگونه رفتارها از دیدگاه های مختلف (دانشجویان، اساتید، کارکنان و ..) و بکارگیری استراتژی های مناسب جهت ایجاد محیط سالم آموزشی ضروری است و توجه به این گونه رفتارها موجب کاهش آن در محیط های آکادمیک شود.

**واژه های کلیدی:** رفتار های نامحترمانه برهم زننده، دانشجویان، محیط آموزشی

## فرآیند آگاه سازی دانشجویان پرستاری با اخلاق حرفه ای و نقش آن در ارتقای کیفیت آموزش بالینی در کارآموزی بهداشت جامعه

ناهید محمدی، آرزو کرپوریان، رویا امینی\*

r.amini@umsha.ac.ir

**مقدمه:** علم اخلاق به عنوان یکی از زیر بنایی ترین موضوعات آموزش حرفه‌ای اعضای تیم بهداشتی را موظف به رعایت اصولی می نماید تا در کنار آن به مددجو مراقبت‌ها را با کیفیت بهتر ارائه نمایند. از آنجایی که در درس رشته کارشنای پرستاری درسی به نام اخلاق تدریس نمی گردد این مطالعه با هدف ارزیابی کیفیت ارائه خدمات به مددجویان در مراکز بهداشتی-درمانی انجام گردید.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی-مقطعی، که به صورت دو گروهی انجام گردید جامعه پژوهش کلیه دانشجویانی بود که جهت گذراندن کارآموزی بهداشت جامعه به مراکز بهداشتی-درمانی مراجعه می نمودند و تعداد نمونه ۶۰ نفر بود در هر دو گروه در اولین روز کارآموزی، اهداف، نحوه ارزشیابی، برنامه روزانه و... بیان گردید ولیکن در گروه آزمون مختصری درباره اخلاق حرفه ای و اهمیت رعایت اصول اخلاقی در مراکز اشاره شد. در نهایت اطلاعات با استفاده از روش مشاهده در چک لیست ثبت و توسط نرم افزار آماری تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** در گروه کنترل تلاش کمتری در انجام وظیفه و ارائه خدمات داشتند به طوری که ۱۰٪ وقت شناس نبودند، ۲۰٪ در بحث های گروهی نقش منفعلانه، ۸٪ در برقراری ارتباط مناسب تخطی، ۱۵٪ در تدوین و اجرای برنامه آموزشی قصور و ۳۰٪ در ارائه خدمات جامعه همکاری مناسب نداشتند. و میزان رضایت پرسنل و مددجویان از این گروه در حد خوب بود. و در گروه آزمون تلاش بیشتری در انجام وظیفه و ارائه خدمات داشتند به طوری که ۱۰٪ آنها به موقع در مرکز حضور داشتند. ۹۵٪ از دانشجویان در بحث های گروهی نقش، و ۱۰۰٪ سعی در برقراری ارتباط مناسب با مددجویان را داشتند. و همه آنها در طراحی و اجرای برنامه آموزش به مددجو ارائه خدمات جامعه نگر همکاری مناسب را داشتند. و میزان رضایت پرسنل و مددجویان از این گروه بسیار خوب بود.

**نتیجه‌گیری:** از آنجایی که اخلاق بخش تفکیک ناپذیر زندگی حرفه ای پرستاران است و در نحوه ارائه خدمات آنها به مددجویان جهت می دهد لذا با توجه به نتایج این مطالعه، توصیه می گردد همه مربیان در اولین روز کارآموزی دانشجویان را با اصول اخلاق حرفه ای آشنا نمایند.

## بررسی حساسیت اخلاقی دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد در سال ۱۳۹۱

مریم کریمی نقندر<sup>۲</sup>، محدثه محسن پور<sup>۱\*</sup>، نسرین توکلی<sup>۲</sup>

<sup>۲</sup>عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد دانشکده علوم پزشکی گروه پرستاری، مشهد، ایران

<sup>۱\*</sup>دانشجوی دکتری پرستاری، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران:

Mohsenpour\_m81@yahoo.com

**مقدمه:** با توجه به اینکه برای عملکرد اخلاقی در پرستاری حرفه ای نیاز است پرستاران در درجه اول ابعاد و مسائل اخلاقی را در حرفه خود شناخته و سپس حساسیت اخلاقی را در تمام ارتباطات و مداخلات پرستار-بیمار اجرا کنند. با توجه به کمبود مطالعات در این زمینه این مطالعه با هدف تعیین میزان حساسیت اخلاقی دانشجویان سال سوم و چهارم پرستاری در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد در سال ۱۳۹۱ انجام شده است.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی مقطعی از پرسشنامه حساسیت اخلاقی کیم و همکاران که در مطالعه حسن پور و همکاران پایایی و روایی آن مورد تایید قرار گرفته استفاده شد. پایایی پرسشنامه مجدداً مورد تایید قرار گرفت. در این پرسشنامه میزان حساسیت اخلاقی از ۱ (کمترین حساسیت) تا ۵ (بیشترین حساسیت) تعیین می شود. سپس با توجه به فرمول حجم نمونه ۱۰۵ نفر تعیین و برای احتیاط از بین دانشجویان سال سوم چهارم ۱۱۰ نفر به صورت تصادفی در این مطالعه شرکت نمودند. نتایج حاصل با استفاده از آمار توصیفی و نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** میانگین حساسیت اخلاقی در دانشجویان پرستاری سال سوم و چهارم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد در سال ۱۳۹۱ برابر ۳/۷۳ با انحراف معیار ۰/۳۹ و بیشترین مقدار ۵/۷۶ و کمترین حد آن ۲/۹۲ بود. میانگین حساسیت اخلاقی در دختران و پسران از نظر آماری تفاوت معنی داری نداشت. ۶۷٪ شرکت کنندگان مؤنث و بقیه مذکر بودند.

**نتیجه‌گیری:** حساسیت اخلاقی دانشجویان سال آخر پرستاری از مقدار مطلوبی برخوردار نبود و این لزوم توجه به این مسئله مهم را آشکار می سازد. پیشنهاد می شود با به جستجوی عوامل و موانع حساسیت اخلاقی پرداخته و برای افزایش آن در دانشجویان این حرفه مهم و موثر بر سلامت جامعه تلاش جدی صورت گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** حساسیت اخلاقی، پرستاری، دانشجو

## تبیین دیدگاه و تجربیات دانشجویان پرستاری از تمایل بیماران بستری به دریافت مراقبت توسط کارآموزان: اخلاق پزشکی در آموزش

خانم ترانه طاهری\*، دکتر اکرم ثناگو، دکتر لیلا جویباری  
\*دانشجو کمیته تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی گلستان  
taraanetaheri@yahoo.com

**مقدمه:** مطابق منشور حقوق بیمار نمی‌توان به صرف آموزشی بودن بیمارستان، روند آموزش یا پژوهش را به بیمار تحمیل کرد، اما برخی شواهد نشان می‌دهد در بسیاری از موارد مراقبت از بیمار توسط دانشجویان بدون رضایت و تمایل بیماران صورت می‌گیرد که این امر یک چالش اساسی در آموزش پزشکی و اخلاق در آموزش بالینی می‌باشد. آیا اجازه داریم برای اینکه علم پزشکی را بیاموزیم و در آینده افرادی را درمان کنیم، با مطلع نکردن بیمار و در جریان نگذاشتن او که ما دانشجوی هستیم تمرینات آموزشی را انجام داد، سوال چالش برانگیز اخلاقی می‌باشد. هدف از این مطالعه بررسی دیدگاه و تجربیات دانشجویان علوم پزشکی از چگونگی رغبت بیماران به انجام مراقبت توسط کارآموزان، در مراکز آموزشی درمانی می‌باشد.

**روش‌ها:** در این مطالعه کیفی با ۴۱ نفر از دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گلستان و دانشگاه آزاد اسلامی علی‌آباد بر اساس نمونه گیری مبتنی بر هدف مصاحبه های نیمه ساختار به عمل آمد. ملاک اتمام نمونه گیری اشباع داده ها بوده است. سوالات در مورد تجربه دانشجویان از چگونگی رغبت بیمار به انجام مراقبت توسط دانشجو بوده است. مصاحبه ها ضبط، خط به خط دست نویس و مطابق روش آنالیز "تحلیل محتوا" کدگذاری، طبقه بندی و تشکیل مفهوم شد. برای قوت مطالعه از برگشت داده ها به شرکت کنندگان و ترانگولیشن در آنالیز استفاده شد.

**نتایج:** "اعتماد و بی اعتمادی" مضامین اصلی است که بیانگر تجربیات دانشجویان در مواجهه با مراقبت از بیماران می‌باشد. مشارکت کنندگان در تجربیات مراقبتی خود سعی در جلب اعتماد بیمار داشتند و از طرفی بیماران، با نگرانی و بی اعتمادی، سعی در اجتناب از مراقبت شدن توسط کارآموزان داشتند. "حق بیمار"، "کناره گیری"، "تلاش برای حرفه ای شدن" از مضامین فرعی مطالعه است. دانشجویان در این تجربه خود را در جایگاه بیمار گذاشته و پذیرفته نشدن از جانب بیمار را حق آنان می‌دانستند و از طرفی واقف بودند که می‌بایست برای رسیدن از تئوری به عمل، تجربه کار با بیماران واقعی را نیز داشته باشند. تنوع بیماران و امکان پذیرفته شدن از سوی برخی بیماران، فرصت مغتنمی برای یادگیری بالینی محسوب می‌شد. نتیجه گیری: تجربیات دانشجویان نشان داد که نیاز است در مورد اخلاق در آموزش پزشکی آشنا شده تا بتوانند در موقعیت های مشابه با رعایت اصول اخلاقی حقی از خود به عنوان یادگیرنده و حقی از بیمار به عنوان دریافت کننده خدمات ضایع نشود.

**واژه‌های کلیدی:** اخلاق در آموزش، دانشجو، پرستاری، بیمار، مراقبت از بیمار

## بررسی نگرش دانشجویان سال آخر رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در خصوص آموزش و یادگیری بین حرفه‌ای

سیده نورا امینی\*، محبوبه زنده بودی، محمد هادی امیر شهپری، سیده بتول امینی

\*کارشناس دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

Amini\_noora@yahoo.com

**مقدمه:** سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۷۸، بر گسترش آموزش‌های گروهی، بویژه در چارچوب علوم پزشکی جامعه نگر و بهره‌گیری از روش حل مسأله در آموزش علوم پزشکی تأکید نمود و آموزش بین حرفه‌ای را به عنوان یکی از رویکردهای نوین در آموزش فراگیران نظام سلامت مورد توجه قرار داد، منظور از این نوع آموزش فرآیند یادگیری است که طی آن فراگیران دویا چند حرفه علاوه بر فراگیری یک محتوای مشترک، از یکدیگر و دربارہ یکدیگر نیز اطلاعاتی را کسب می‌نمایند؛ تا به ارتقای همکاری و کیفیت ارائه مراقبت بیانجامد. با توجه به اهمیت این موضوع و نقش منحصر به فرد دانشجویان در ارائه و دریافت چنین برنامه‌های آموزشی، نیاز برای انجام مطالعاتی در این زمینه احساس می‌شود و شاید گام اول بررسی نگرش و میزان استقبال ایشان جهت شرکت در فعالیتهای یادگیری بین حرفه‌ای باشد.

**روش‌ها:** مطالعه توصیفی-مقطعی بوده و جامعه پژوهش را دانشجویان سال آخر رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر تشکیل می‌دادند. از روش نمونه‌گیری تصادفی و از پرسشنامه آمادگی برای یادگیری بین حرفه‌ای که مشتمل بر ۱۹ سوال در قالب مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای {کاملاً موافقم(۵)، کاملاً مخالفم(۱)} و در سه حیطه کار تیمی و همکاری، هویت حرفه‌ای و نقشها و مسئولیتها می‌باشد جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده گردید.

**نتایج:** از تعداد ۵۵ پرسشنامه‌ای که به دانشجویان داده شد تعداد ۴۸ (۸۷ درصد) پرسشنامه تکمیل شد که ۲۵ نفر خانم و ۲۳ نفر مرد بودند. میانگین (انحراف معیار) امتیاز آمادگی دانشجویان برای یادگیری بین حرفه‌ای ۸۲/۳۰ (۳/۶۵) به دست آمد. بیشترین نمره کسب شده مربوط به سوال شماره ۷ "برای آنکه آموخته‌های کار در گروههای کوچک عملی گردد، دانشجویان باید به یکدیگر اعتماد کنند و به هم احترام بگذارند" با ۴/۳۴ و کمترین نمره کسب شده مربوط به سوال شماره ۳ "یادگیری مشارکتی با دیگر دانشجویان رشته‌های علوم پزشکی توانایی مرا برای درک مسائل بالینی افزایش میدهد" با ۳/۳ بود. میانگین نمره تمامی سوالات از ۳ بیشتر بود.

**نتیجه‌گیری:** نتایج مطالعه نشان داد که دانشجویان سال آخر رشته پزشکی برای یادگیری بین حرفه‌ای آمادگی داشته و نگرش مثبتی نسبت به این نوع آموزش در راستای ارائه مراقبت بهتر به بیماران و درک صحیحی از نقش‌ها و مسئولیتهای دانشجویان دیگر حرفه‌ها دارند.

**واژه‌های کلیدی:** نگرش، یادگیری، آموزش بین حرفه‌ای، دانشجویان پزشکی



## اثربخشی کوریکولوم اخلاق پزشکی از دیدگاه کارورزان دانشکده پزشکی مشهد

محمد خواجه دلویی<sup>۱</sup>، زهرا موفقی<sup>۲\*</sup>، مهدیه پوریزدان پناه<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشیار گروه بهداشت و پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

khajedalueem@mums.ac.ir

<sup>۲\*</sup>کارشناس ارشد آموزش پزشکی، گروه توسعه آموزش دانشکده پزشکی. دانشگاه علوم پزشکی مشهد

movaffaghiz1@mums.ac.ir

<sup>۳</sup>کارورز دانشکده پزشکی. دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

**مقدمه:** اخلاق پزشکی در حقیقت کسب فرهنگ رفتاری، ارزشها و مسئولیت های رشته پزشکی و یکی از اساسی ترین محورهای آموزش پزشکی می باشد. مطالعه حاضر با هدف تعیین اثربخشی کوریکولوم اخلاق پزشکی، اهداف، محتوا، زمان، مکان و روش آموزش و ارزشیابی درس اخلاق پزشکی را از دیدگاه کارورزان مورد بررسی قرار دادند.

**روشها:** مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی از نوع مقطعی بود که در تیر ماه سال ۱۳۹۱ انجام گردید. ابزار پژوهش پرسشنامه ۱۱ سوالی بود که در گروه اخلاق پزشکی دانشکده پزشکی تدوین گردید. روایی ابزار به روش محتوا و پایایی آن به روش همبستگی درونی ( $\alpha=0/86$ ) تایید گردیده و با مراجعه به بخش های بالینی در اختیار کلیه کارورزان حاضر قرار گرفت. اطلاعات به وسیله نرم افزار آماری SPSS به روش آمار توصیفی تجزیه و گزارش گردید.

**نتایج:** در مجموع ۷۱ کارورز به پرسشنامه پاسخ دادند که ۵۴٪ آنها خانم، ۵۵٪ سال دوم و ریت پاسخ ۶۸٪ بود. کارورزان میزان موفقیت دوره را در یاددهی روندهای قانونی طبابت ایمن و همچنین در پرورش توانمندی تفکر نقادانه در مورد Case های اخلاقی ۲۲٪ و در درک اصول اخلاق پزشکی ۲۵٪ ارزیابی نمودند. به ترتیب ۶۹٪ و ۵۹٪ از کارورزان میزان تناسب سرفصل ها را با نیاز واقعی پزشک در محیط بالینی و میزان مفید بودن درس اخلاق پزشکی را کم و بسیار کم ارزیابی نمودند. در پرسش مناسب ترین روش انتقال دانش، نگرش و مهارتهای اخلاق پزشکی، نمای پاسخ ها عبارت بود از بحث گروهی برای مرحله آموزش مقدمات (۴۰٪) و بحث در مورد Case و ارائه راه حل در مرحله کارآموزی (۷۱٪). در پرسش بهترین مقطع ارائه درس اخلاق پزشکی، نمای پاسخها عبارت بود از "یک واحد نظری در کارآموزی و یک واحد عملی در کارورزی" (۴۰٪). ۵۸٪ کارورزان مناسب ترین مکان آموزش را سالن کنفرانس بخش بالینی و یا راند اخلاق در بخش می دانستند. ۳۶٪ و ۳۱٪ از کارورزان به ترتیب مناسبترین روش های ارزشیابی دانشجویان را آزمون کتبی با ارائه Case، و ارزشیابی عملکرد در بخش معرفی نمودند.

**نتیجه گیری:** کارورزان در مجموع اثربخشی و مطابقت روش و محتوای کنونی درس اخلاق پزشکی را با مقتضیات بخش های بالینی کم و بسیار کم ارزیابی نمودند. آموزش موثر اخلاق به نظر کارآموزان در مقطع بالینی، در بخش بالینی و با بحث در مورد سناریوهای بالینی اتفاق می افتد. به نظر می رسد که از دیدگاه صاحبان اصلی فرایند آموزش، کوریکولوم اخلاق پزشکی به تغییرات بنیادین نیاز دارد.

**واژه های کلیدی:** اخلاق پزشکی، کوریکولوم، آموزش پزشکی

## آیا می توان برای پروفشنالیسم یک تعریف و چارچوب واحد ارائه کرد؟

فریبا فرزاد ، علی عمادزاده \*

\* دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پزشکی

Email: emadzadea@mums.ac.ir

**مقدمه:** اهمیت پروفشنالیسم پزشکی مقبولیت جهانی دارد. یکی از موضوعات عمده مورد بحث در مجلات عمومی پزشکی و مجلات آموزش پزشکی تخصصی، در سالهای اخیر پیرامون حرفه ای گری می باشد که نشانگر توجه به این مقوله توسط دست اندرکاران آموزش پزشکی است. همچنین چندین سال است که تعداد زیادی از سازمان های حرفه ای تلاش نموده اند پروفشنالیسم را تعریف کنند و استراتژی هایی را برای تدریس و سنجش پروفشنالیسم در کریکولوم پزشکی عمومی و دستیاری ارائه نمایند. این مطالعه با هدف شناخت چارچوب های ارائه شده در زمینه پروفشنالیسم پزشکی انجام شده است.

**روش ها:** در این مطالعه مروری، با جستجو در پایگاه های اطلاعاتی و سایت های Elsevier, Ovid, Science Direct, Pub Med, Google Scholar و Google مقالاتی که در آنها دیدگاه های سازمان های مهم پزشکی بین المللی در زمینه پروفشنالیسم ارائه شده بود، مورد بررسی قرار گرفتند. اطلاعات جمع آوری شده از این مقاله ها سازمان دهی شده و تعاریف و چارچوب های ارائه شده از دیدگاه برخی سازمان های مذکور استخراج گردید.

**نتایج:** بورد طب داخلی آمریکا، انجمن کالج های پزشکی آمریکا، شورای پزشکی عمومی، کالج سلطنتی پزشکان و جراحان کانادا، انجمن اعتبار بخشی فارغ التحصیلان آموزش پزشکی و کالج سلطنتی پزشکان در قالب پروژه های "Project Professionalism", "Medical school Objective Project", "Good Medical Practice", "Can MED", "Out come Project", "Doctors in Society" چارچوبی را برای مشخص کردن تعریف و عوامل پروفشنالیسم ارائه کرده اند. همچنین در پروژه "Medical Professionalism Project" که به طور مشترک توسط بورد طب داخلی آمریکا، بنیاد کالج آمریکایی پزشکان و فدراسیون اروپایی طب داخلی انجام شد نیز چارچوبی برای عوامل مرتبط با پروفشنالیسم مشخص گردیده است.

**نتیجه گیری:** پروفشنالیسم یک سازه مشکل و پیچیده است و نمی توان یک چارچوب و تعریف واحد که در تمام جوامع کاربرد داشته باشد، برای آن ارائه کرد. بنابراین ضروری است که دست اندرکاران آموزش پزشکی در کشورمان با بهره گیری از مستندات موجود و تعاریف و چارچوب های ارائه شده، نسبت به طراحی یک الگوی مناسب با شریط فرهنگی جامعه اقدام نمایند.

**واژه های کلیدی:** پروفشنالیسم، تعریف و چارچوب، سازمان های بین المللی

## مقایسه رفتار حرفه‌ای دانشجویان پرستاری شاغل به تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال اول ورود به بالین و سال آخر

دکتر فاطمه حشمتی نبوی<sup>۱\*</sup>، محمد رجب پور<sup>۲</sup>، فاطمه حاجی آبادی<sup>۳</sup>، سید رضا مظلوم<sup>۳</sup>، دکتر حبیب‌الله اسماعیلی<sup>۴</sup>

\*استادیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

**Heshmati.nabavi@gmail.com**

<sup>۲</sup>کارشناس پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

<sup>۳</sup>مربی، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

<sup>۴</sup>دانشیار، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

**مقدمه:** بخش مهمی از رفتار حرفه‌ای پرستاران در دوران دانشجویی شکل می‌گیرد، لذا مقایسه رفتارهای حرفه‌ای دانشجویان در سال اول و هنگام فارغ التحصیلی می‌تواند تصویری از چگونگی شکل‌گیری و توسعه رفتارهای حرفه‌ای در مدت زمان آموزش رسمی پرستاری فراهم آورد. این مطالعه با هدف مقایسه‌ی رفتار حرفه‌ای دانشجویان پرستاری سال اول بالینی با دانشجویان پرستاری سال آخر انجام شد.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی-مقطعی، رفتار حرفه‌ای کلیه دانشجویان پرستاری سال اول بالینی و سال آخر دانشکده پرستاری و مامایی مشهد در سال ۱۳۹۰ با استفاده از پرسشنامه پژوهشگر ساخته بررسی رفتار حرفه‌ای دانشجویان پرستاری مورد بررسی قرار گرفت. روایی ابزار پژوهش از طریق تعیین ایندکس روایی محتوا و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ تایید شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری SPSS14 استفاده شد.

**نتایج:** ۷۲ نفر (۶۴٪) دانشجوی سال اول بالینی و ۴۰ نفر (۳۵٪) دانشجوی پرستاری سال آخر، نمونه این پژوهش را تشکیل دادند. میانگین نمره رفتار حرفه‌ای دانشجویان پرستاری سال اول بالینی  $110/3 \pm 17/3$  از ۱۳۵ و سال آخر  $107 \pm 12/8$  از ۱۳۵ بود که آزمون تی مستقل، تفاوت آماری معنی‌داری را بین این دو نشان نداد ( $p=0/2$ ).

**نتیجه‌گیری:** اگرچه آموزش‌های پایه پرستاری قبل از شروع کارآموزی‌های بالینی توانسته‌اند سطح قابل قبولی از رفتار حرفه‌ای را در دانشجویان سال اول ایجاد کنند، اما توسعه این رفتارها در طی کارورزی‌ها با پیشرفت مناسبی همراه نبوده. مطالعات بیشتر در خصوص بررسی چگونگی توسعه رفتارهای حرفه‌ای در دانشجویان پرستاری و برنامه‌ریزی جهت ارتقاء آن مورد نیاز است.

**واژه‌های کلیدی:** دانشجویان پرستاری، رفتار حرفه‌ای

## دیدگاه اساتید درباره چالش های توسعه صلاحیت اخلاق حرفه ای در دانشجویان گروه پزشکی

افسانه یخ فروش ها\*<sup>۱</sup>، دکتر جلال الدین حمیصی<sup>۲</sup>

\* دانشجوی دکترای آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

[star2000\\_y@yahoo.com](mailto:star2000_y@yahoo.com)

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی قزوین

**مقدمه:** تحولات دنیای کنونی از جمله تغییر الگوی بیماریها، افزایش اطلاعات عمومی مردم و فناوری های پیشرفته دربرگیرنده ی ویژگی هایی است که نیاز به رویکرد اخلاقی در حرفه های مرتبط با پزشکی را ضرورتی انکار ناپذیر کرده است با وجود تاکیدات فراوانی که بر لزوم اولویت اخلاق بر پدیده های دیگر شده است، ان چه در حال حاضر در عمل مشاهده می گردد تردید در رعایت اصول اخلاقی در دانشجویان گروه پزشکی می باشد. هدف از مطالعه حاضر، بررسی دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی قزوین درباره چالش های توسعه صلاحیت اخلاق حرفه ای در دانشجویان گروه پزشکی می باشد تا با شناسایی عوامل، بتوان راهکاری در جهت ارتقای صلاحیت اخلاق حرفه ای در دانشجویان ارائه نمود.

**روش ها:** این مطالعه یک پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوا است برای جمع آوری داده ها از روش نمونه گیری هدفمند که خاص پژوهش کیفی است، استفاده گردید که داده ها با استفاده از سئوالات باز از ۱۴ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین که سابقه تدریس در اخلاق پزشکی را داشتند جمع آوری گردید.

**نتایج:** نتایجی که از بازخوانی، دسته بندی و بررسی تم ها به دست آمد نشان داد که از دیدگاه اساتید مهمترین چالش های توسعه اخلاق حرفه ای، شامل نهادینه نشدن اخلاق و اصول اخلاقی، کم رنگ و کوتاه بودن آموزش اخلاق پزشکی، نظارت ناکافی، اشکال درالگو پذیری از اساتید و پرسنل، تجربه نامناسب بالینی، شکاف بین مطالب تئوری و عملی می باشد

**نتیجه گیری:** با شناسایی چالش های موجود و رفع آنها و با وجود ظرفیت های موجود از جمله فرهنگ غنی اسلامی و وجود اساتید مجرب به عوان الگو که از رفتار و ارزش های حرفه ای و انسانی برخوردار می باشند می توان در جهت ارتقاء صلاحیت اخلاق حرفه ای دانشجویان گامی موثر برداشت.

واژه های کلیدی: اخلاق، دانشجوی، استاد، علوم پزشکی

## آگاهی و نگرش دانشجویان علوم آزمایشگاهی در ارتباط با مسایل اخلاقی پژوهش در حیوانات آزمایشگاهی

امیر پاکپور حاجی آقا<sup>۱</sup>، عیسی محمدی زیدی<sup>۲</sup>، بنفشه محمدی زیدی<sup>۳</sup>، اصغر کاربرد<sup>۴</sup>  
<sup>۱</sup>دکتری آموزش بهداشت، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین  
<sup>۲</sup>کارشناس ارشد مامایی، مربی عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن  
<sup>۳</sup>کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، مربی عضو هیأت علمی گروه اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی قزوین  
**e-mail: pakpour\_amir@yahoo.com**

**مقدمه:** استفاده از حیوانات در پژوهش‌های دارویی و درمانی کمک بسیاری در حل مشکلات مرتبط با سلامت انسان کرده است. رسالت انسانی بشر اقتضا می‌کند در تمامی مراحل پژوهش‌ها سعی کند که تا حد ممکن حقوق حیواناتی که یاری دهنده انسان در دستیابی به روش‌های تشخیصی و درمانی هستند حفظ گردد. هدف مطالعه حاضر بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان علوم آزمایشگاهی در ارتباط با رعایت مسایل اخلاقی در پژوهش‌های با حیوانات آزمایشگاهی بود.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیل بود. بر اساس روش نمونه‌گیری آسان ۸۲ نفر از دانشجویان علوم آزمایشگاهی دانشگاه علوم پزشکی قزوین پرسشنامه‌های محقق ساخته را تکمیل کردند. ابزار پژوهش شامل ۲۰ سوال آگاهی (پاسخ به صورت بلی=۲ و خیر=۱) و ۱۲ سوال نگرشی (پاسخ دهی بر اساس طیف لیکرتی ۵ نقطه‌ای) در حیطه‌های مربوط به تهیه و حمل و نقل حیوانات، روش‌های نگهداری، مراقبت‌کنندگان از حیوانات، شرایط پژوهشی و محققان بود. داده‌ها توسط آزمونهای توصیفی و تحلیل و با استفاده از نرم افزار SPSS ویرایش ۱۸ تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** میانگین نمره آگاهی دانشجویان مورد بررسی  $17/4 \pm 6/3$  بود و  $40/24$  درصد از دانشجویان از سطح آگاهی ضعیفی برخوردار بودند. اکثر دانشجویان اطلاعات مناسبی درباره نحوه اسارت حیوانات، وضعیت شیردهی و آبستنی حیوانات، شرایط محیطی موثر بر حیوانات نداشتند. همچنین میانگین نمره نگرش در خصوص کار با حیوانات در پژوهش آزمایشگاهی در دانشجویان،  $26/5 \pm 10/7$  بود و ۵۰ درصد دانشجویان از نگرش مطلوبی در خصوص رعایت اخلاق پژوهش در کار آزمایشگاهی با حیوانات برخوردار بودند. بین نگرش با جنسیت دانشجویان ( $P < 0/05$ ) و سابقه کار با حیوانات آزمایشگاهی ( $P < 0/001$ ) ارتباط معنادار وجود داشت.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به کمبود آگاهی و ضعف نگرش در خصوص مسایل اخلاقی فعالیت‌های پژوهشی در حیوانات، لازم است راهنمای اخلاقی کار با حیوانات آزمایشگاهی به طور کامل برای دانشجویان توضیح و به نحو مختصر و مفید در اختیار آنها قرار داده شود.

**واژه‌های کلیدی:** اخلاق، پژوهش، حیوانات، علوم آزمایشگاهی.

## بررسی دیدگاه مدرسین درس اخلاق پزشکی در مورد روشهای ارزشیابی این

### درس در دانشگاه های علوم پزشکی جهرم و شیراز در سال ۱۳۹۱

سید اسماعیل مناقب<sup>۱\*</sup>، یحیی صادقی مزیدی<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup>استادیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم

esmanagheb@yahoo.com

<sup>۲</sup>کمیتة تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم

**مقدمه:** برنامه درسی اخلاق پزشکی، باید دانش، نگرش و مهارت های اخلاقی دانشجویان را براساس جهان بینی و مبانی فلسفی و ارزشی جامعه شکل دهد. ارزشیابی صحیح مهمترین وسیله تعیین دستیابی به اهداف آموزشی است. این مطالعه با هدف تعیین دیدگاه مدرسین درس اخلاق پزشکی در مورد روشهای ارزشیابی این درس انجام شد.

**روشها:** این مطالعه یک مطالعه توصیفی بود که در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه علوم پزشکی شیراز و جهرم انجام گرفت. جامعه آماری مورد مطالعه شامل مدرسین درس اخلاق پزشکی در دو دانشگاه مذکور بود. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه، روابایی با پایایی برابر با آلفای کرونباخ ۰/۷۴ بود. سوالات پرسشنامه شامل ۷ سوال در زمینه روشهای ارزشیابی درس اخلاق پزشکی شامل: امتحان کتبی، امتحان شفاهی، انجام نمونه کار و تحویل گزارش، انجام مصاحبه با بیمار و مشاهده توسط استاد، انجام مصاحبه با بیمارنما و مشاهده توسط استاد، نظر سنجی از بیماران و مشاهدات کلی استاد از ارتباط دانشجو با بیماران بود. سوالات بصورت لیکرت ۵ گزینه ای از کاملاً موافقم، موافقم، فرقی نمی کند، مخالفم، کاملاً مخالفم تنظیم شده بود. داده های وارد نرم افزار SPSS14 شدند و در سطح آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** در این مطالعه ۲۳ نفر مدرس درس اخلاق پزشکی که ۷ نفر آنها در دانشگاه علوم پزشکی جهرم و ۱۶ در دانشگاه علوم پزشکی شیراز مشغول تدریس بودند شرکت داشتند. میانگین سن افراد مورد مطالعه  $47/2 \pm 5/3$  سال بود و  $82/6\%$  مذکر بودند. میانگین سابقه تدریس در کل افراد مورد مطالعه  $10/9 \pm 6/6$  سال با دامنه ۲۶-۵ سال بود. طبق نتایج بدست آمده،  $65/2\%$  از ارائه کنندگان درس اخلاق پزشکی استادیار،  $30/1\%$  دانشیار و  $4/3\%$  استاد بودند. بر اساس نتایج این مطالعه  $52/2\%$  روش امتحان کتبی،  $17/4\%$  انجام نمونه کار و تحویل گزارش،  $17/4\%$  مشاهد ارتباط دانشجو با بیمار،  $8/7\%$  مصاحبه با بیمار و مشاهده توسط  $4/3\%$  بهترین روش ارزشیابی را نظرسنجی از بیماران دانستند.

**نتیجه گیری:** طبق نتایج به دست آمده آزمون کتبی بیشتر از سایر روشهای ارزشیابی مورد استقبال قرار گرفته است. آسانی و روابایی این روش و عدم آشنایی برخی از اساتید با روشهای نوین ارزشیابی می تواند از دلایل انتخاب آن توسط اساتید باشد. با توجه به اینکه هدف از آموزش اخلاق پزشکی تغییر در رفتار و عملکرد دانشجویان است این موضوع می تواند با هدف آموزش ناسازگاری داشته باشد. پیشنهاد می گردد مطالعات بیشتر بر روی تعداد بیشتری از اساتید دانشگاه های مختلف انجام گیرد.

**واژه های کلیدی:** اخلاق پزشکی، اخلاق زیست پزشکی، اخلاق حرفه ای، ارتباط پزشک بیمار، ارزشیابی، مصاحبه

## اخلاق حرفه‌ای؛ ضرورت و ترویج آن در آموزش علوم پزشکی

احمد صادقی\*

دانشجوی دکترای مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم

پزشکی شیراز

[ahmadsadeghi1363@gmail.com](mailto:ahmadsadeghi1363@gmail.com)

**مقدمه:** با عنایت به توسعه علوم پزشکی، موضوع اخلاق و حرفه‌ای‌گری کلیه رشته‌های تحصیلی و مشاغل مرتبط با پزشکی را شامل می‌گردد که لازم است همه اساتید و کارکنان شاغل در بخش آموزش و دانشجویان این رشته‌های تحصیلی به این موضوع مهم، یعنی اخلاق حرفه‌ای، که امروزه در این مشاغل و حرفه‌ها، تا حدود زیادی متأسفانه مورد بی‌توجهی قرار گرفته است، توجه جدی مبذول فرمایند.

**روش‌ها:** این مقاله به صورت مروری و از طریق مطالعه کتب، مجلات معتبر و سایت‌های اینترنتی و نتایج سایر مقالات در زمینه اخلاق حرفه‌ای تهیه شده است.

**نتایج:** هدف آموزش اخلاق حرفه‌ای انتقال اطلاعات و یافته‌های علمی نیست بلکه تصحیح و تقویت انگیزش، ارتقاء مهارت، افزایش توان و تحول نگرش از اهداف عمده آموزش اخلاق حرفه‌ای است. اخلاق در آموزش عالی مشخص‌کننده حدود و ثغور رفتار معلمان و تضمین‌کننده سلامت آموزش عالی است. بسیاری از سوء رفتار مدیران، افسردگی دانشجویان، لذت‌نبردن از زندگی شغلی، خستگی و فرسوده شدن دانشجویان و معلمان و لطمه به زندگی فردی افراد که نموده‌های از رفتار نامطلوب دانشگاهی است در اکثر موارد ناشی از ضعف رعایت اخلاق در آموزش عالی است. اخلاق در آموزش عالی عموماً از چهار بعد آموزشی، پژوهشی، دانشجویی و مدیریتی مورد بررسی قرار می‌گیرد که بی‌شک یکی از مهمترین زمینه‌های اخلاق در آموزش عالی مربوط به آموزش و تدریس و رعایت اخلاق حرفه‌ای در آن می‌باشد که وجود آن باعث افزایش اثربخشی در تدریس و افزایش یادگیری و امنیت روانی دانشجویان در کلاس و آموزش می‌باشد.

**نتیجه‌گیری:** توجه به مسولیت‌های اخلاقی در قبال محیط داخلی و خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای در نهادینه کردن اخلاق در سازمانهای آموزشی و خصوصاً دانشگاهی دارد. از آنجایی که رعایت موازین و بایسته‌های اخلاقی در حرفه معلمی، منطبق بر آموزش در محیطهای دانشگاهی به خاطر تاثیر گذاری عمیق آن، دارای اهمیت بسیار زیادی می‌باشد، لازم است که همگام با ترویج علوم مختلف، جنبه‌های اخلاقی در حوزه آموزش مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** اخلاق، اخلاق حرفه‌ای، آموزش پزشکی، دانشگاه



## طراحی مدل کاربردی تعالی حرفه ای پرستاران: یک مطالعه کیفی

رفعت رضاپور

دانشجوی دکترای پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران

Email: rezapour@razi.tums.ac.ir

**مقدمه:** امروزه سرآمدی حرفه ای بعنوان یک مفهوم جدید در پرستاری مورد توجه بسیاری از مدیران و دست اندرکاران امر آموزش پرستاری کشور قرار گرفته است. سرآمدی موجب بروز مجموعه ای از رفتارهای داوطلبانه و اختیاری می گردد که بعنوان بخشی از وظایف رسمی پرستاران نیستند، اما توسط برخی از آنها انجام شده و باعث بهبود مؤثر وظایف و نقش های حرفه ای آنها می شود. شرایط کاملاً متحول امروز و ضرورت اثر بخشی حرفه ای در چنین شرایطی، نیاز سازمانها را به نسل ارزشمندی از پرستاران، بیش از پیش آشکار نموده است. در این مقاله که با هدف تبیین فرایند تعالی حرفه ای پرستاران به کمک نظریه بسترزاد انجام شده است، عوامل مؤثر بر شکل گیری چنین رفتارهایی نیز کشف و تبیین گشته است و مدل کاربردی تعالی حرفه ای پرستاران ارائه گردیده است.

**روش ها:** این پژوهش از نوع کیفی بوده و با روش گراند تئوری نسخه کوربین واشتراوس\* ۲۰۰۸ انجام شده است. شرکت کنندگان در پژوهش از میان پرستاران و از رده های مختلف بودند که به غیر از چند نفر اول که بر اساس معیارهای مورد نظر محققین تعیین شدند، سایر مشارکت کنندگان با روش گلوله برفی انتخاب شدند. روش جمع آوری داده ها، مصاحبه نیمه ساختاری است.

**نتایج:** پس از تجزیه و تحلیل داده ها و انجام مقایسات مداوم به منظور تراکم مفهومی، از مجموع ۱۴۵۰ کد اولیه، جمعا ۳۲ طبقه اولیه، ۸ زیر طبقه و ۳ تم یا درون مایه نهایی در قالب مدلی مفهومی استخراج شد که درون مایه های نهایی شامل: رفتار فرا نقش حرفه ای، بینش راهبردی حرفه ای و استقرار مدیریت استعدادهای حرفه ای در سازمان می باشند. متغیر مرکزی و فرایند اساسی روان شناختی در این مطالعه، رفتار فرا نقش حرفه ای و مدل ارائه شده، مدل کاربردی دوسطحی تعالی حرفه ای پرستاران می باشد.

**نتیجه گیری:** برای دستیابی به تعالی حرفه ای علاوه بر دارا بودن برخی از ویژگی ها و نگرشهای فردی از جمله ارزش آفرینی برای خود و نیز حفظ و توسعه ارزشهای حرفه ای بعنوان رفتارهای فرا نقش حرفه ای، توان راهبری خود و دیگران، مدیریت وظایف و مسئولیتها در پرتو آموزش و تربیت صحیح حرفه ای و نیز تلاش در جهت جامعه پذیری حرفه پرستاری از جمله عوامل مؤثر در فرایند تعالی حرفه ای پرستاران می باشد. اما بروز چنین رفتارهایی تنها در محیط های حمایت کننده که توسط خانواده و مدیریت سازمان ایجاد می گردد، میسر خواهد شد.

**واژه های کلیدی:** پرستاران، تعالی حرفه ای، رفتار فرا نقش، مدیریت استعداد، نگرش سیستمیک

\* Corbin & Strauss

## شیوه های آموزش اخلاق پزشکی – یک مرور سیستماتیک

فریبا سالک رنجبرزاده\*، دکتر رضا غفاری، دکتر سوسن حسن زاده، دکتر ناصر صفایی، پریسا گلعبیر، نازیلا

متر بصون

[ranjbarzadehs@yahoo.com](mailto:ranjbarzadehs@yahoo.com)

مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی تبریز

**مقدمه:** آموزش اخلاق پزشکی یکی از مهمترین نیازهای آموزشی در حیطه پزشکی است. بی شک آموزش پزشکی در تقویت و رشد صلاحیتهای اخلاقی لازم برای یک پزشک به تنهایی کافی نیست. با توجه به ماهیت اخلاق و وابسته بودن آن به فرهنگ، دین و سنت کشورهای مختلف و ماهیت شخصیتی انسانها، آموزش اخلاق بسیار متفاوتتر از سایر آموزشها بوده و نیاز به استفاده از روشهای خاص خود را دارد. هدف این مطالعه بررسی شیوه های مختلف اخلاق پزشکی در فرهنگها و کشورهای مختلف می باشد.

**روشها:** با بهره گیری از مقالات کامل و قابل دسترس در پایگاههای ISI, Science Direct, Emerald, Oxford, Magiran, SID, ... به بررسی سیستماتیک مقاله های منتشر شده در زمینه اخلاق پزشکی در بازه زمانی ۲۰۰۸-۲۰۱۳ پرداخته شد. همچنین کلیه مجلات اخلاق پزشکی Online داخلی و خارجی بصورت مستقیم مورد جستجو قرار گرفت. مقالات بدست آمده به روش آمار توصیفی و تحلیل محتوا دسته بندی و تحلیل شد.

**نتایج:** از میان ۴۰ مقاله مورد بررسی، ۸ مورد مقالات مروری، ۲۱ مورد مقالات پژوهشی، ۱۱ مورد مطالعات موردی کشورهای ایران، استرالیا، آمریکا، انگلستان و ... بود. ۵٪ از مقالات اختصاص به تاثیر عوامل مختلف بر آموزش اخلاق پزشکی، ۱۵٪ چالشهای آموزش اخلاق پزشکی، ۳۰٪ اختصاص به ضرورت آموزش اخلاق پزشکی داشت و ۵۰٪ بقیه به بیان تجارب پژوهشی در کاربرد روشهای مختلف آموزشی در آموزش اخلاق پزشکی پرداختند. این روشها عبارت بودند از: برگزاری نشستهای علمی، برگزاری دوره MPH، تلفیق در طول دوره بالینی و پایه، استفاده از دوره های مجازی، آموزش اخلاق بصورت بین رشته ای و استفاده از برنامه درسی پنهان. همچنین به استفاده از شیوه های آموزشی کارگروهی مبتنی بر موارد اخلاقی، رهبری اخلاقی، بازخوانی و روائی در اخلاق، استفاده از فیلمهای پویانمایی، روش مبتنی بر حل مسئله، برگزاری کنفرانسهای بیمارنگر با موضوعات اخلاقی، استفاده از بیمار استاندارد شده، الگوسازی نقش و تشکیل گروههای کانونی تاکید نمودند.

**نتیجه گیری:** علیرغم وابستگی موضوعات اخلاقی به فرهنگ و سنتهای کشورهای مختلف وجوه مشترک فراوانی در استفاده از شیوه های آموزش اخلاق پزشکی در کشورهای مختلف وجود دارد. با توجه به اهمیت و گستردگی مباحث آموزشی اخلاق پزشکی، آشنایی به این شیوهها و بومی سازی آنها خواهد توانست طیف وسیعی از ابزارها و روشهای آموزشی را بوجود آورد.

**واژه های کلیدی:** شیوه های آموزش، اخلاق پزشکی، مرور سیستماتیک

## ادغام دانشجویی، فرهنگ سازی برای ارتقای اخلاق حرفه ای و تسهیل پیاده سازی استراتژی دانشجو محوری

دکتر امراه روزبھی\*، دکتر سحر الماسی ترک، دکتر پرویز بزی، دکتر جمشید محمدی

دانشکده پزشکی یاسوج

Amrollah Roozbehi

**مقدمه:** اگر دانشجویان بتوانند استعدادهایشان را شکوفا کنند، احساس موفقیت نموده و فرصت بررسی مسائل شخصی و اجتماعی را پیدا و ارزشهای فرهنگی و اجتماعی خود را بدست آورده و از احساس بی کفایتی و بیگانگی اجتماعی در امان هستند. ادغام دانشجویی فرآیندی تعاملی و اجتماعی است که از طریق اجتماع با فراگیران دیگر، ساختار دانش فرد شکل گرفته و فضائی که یادگیری در متن آن در جریان است، بر معناداری و مرتبط بودن پدیده ها و شرایط تأثیرگذار است. هدف از این مطالعه بررسی ادغام دانشجویی، به عنوان ابزاری برای ارتقای اخلاق حرفه ای و تسهیل پیاده سازی استراتژی دانشجو محوری بوده است.

**روش‌ها:** دانشجویان پزشکی سال بالا و پایین با تشکیل گروههای کوچک از هر ورودی به مدت سه روز نحوه مطالعه، یادگیری سطح بالا، کسب نمره خوب، تکالیف محوله، یادگیری بزرگسالان، سبکهای یادگیری، هرم یادگیری، روش آموزش دروس و تدریس دانشجویان در قالب ادغام دانشجویی برگزار کردند. دانشجویان سال بالا قبلاً این کارگاه را گذرانده بودند. دانشجویان سال بالا به عنوان مدرس، کارگاه را برای سال پایین اجرا نموده و اساتید ناظر بودند. هر گروه سال بالا یک فصل بافت شناسی را به یک گروه سال پایین تدریس نموده، از آموزش دانشجو محور و تجربه های خود در یک سال گذشته برای دانشجویان سال پایین توضیح دادند. یک پرسشنامه نظرسنجی برای بررسی اخلاق حرفه ای شامل چهاربخش، اخلاق، تعامل، قابلیت اعتماد و توسعه فردی بعد از اتمام کارگاه و سه ماه بعد توسط دانشجویان تکمیل گردید.

**نتایج:** نتایج نشان دهنده نگرش مثبت دانشجویان سال بالا و پایین بوده است. مقایسه تغییرات ملاکهای اخلاق حرفه ای شامل اخلاق، تعامل، قابلیت اعتماد و توسعه فردی نشان از افزایش معنی دار آماری در دانشجویان سال پایین و افزایش همه ملاکها به شکل معنی دار به جز ملاک اخلاق که افزایش کمی را نشان داد.

**نتیجه‌گیری:** تغییرات آموزشی حساسیت همکاران و دانشجویان را به همراه دارشته و نیاز مند عمل به شیوه مدیریت تغییر می باشیم. نیاز به تغییر باید بطور منطقی با مشکلات و نیازهای جاری مؤسسه ایی پیوند شود. اساتید باید بطور منطقی احساس نمایند برای حل مشکلات خود به این تغییرات به نوعی وابسته بوده و یا نیازمند آن می باشند. نشان دادن و برجسته نمودن افراد موفق سیستم قبلی که در نظام جدید هم مجدداً موفق می باشند می تواند در این بخش کمک کننده باشد. نظارت مداوم و تازه سازی مداوم می تواند نظام جدید را پویا نگه داشته و ارتقاء مداوم نظام را تعهد نماید. کلمات کلیدی: ادغام، فرهنگ سازی، اخلاق حرفه ای، گروههای کوچک

بررسی نگرش دانشجویان و فارغ التحصیلان رشته پزشکی در مورد درس اخلاق پزشکی  
در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵

نسرین سعادت<sup>۱\*</sup>، دکتر امیر دیبائی متخصص پزشکی قانونی<sup>۲</sup>

\*کارشناسی ارشد مامایی، عضو هیئت علمی گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی

جندی شاپور اهواز

Email: saadatynasrin@yahoo.com

<sup>۲</sup>دانشیار عضو هیئت علمی گروه پزشکی قانونی، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

**مقدمه:** تاکید بر ارزشهای دینی و معنوی، زیربنای حفظ مقام و ارزش انسانهاست و اخلاق پزشکی جزئی جدایی ناپذیر از علم پزشکی تلقی می شود و توصیه های آن در جهت هدایت رفتارهای حرفه ای پزشکی می باشد. آموزش اخلاق پزشکی طی دو دهه اخیر بعنوان یک موضوع حائز اهمیت مطرح شده است، بااینحال، دانشجویان پزشکی که از عمده ترین کاربران علم اخلاق پزشکی هستند، کمتر موردنظرسنجی قرار گرفته اند. هدف از مطالعه حاضر، دستیابی به نگرش دانشجویان و فارغ التحصیلان رشته پزشکی از درس اخلاق پزشکی بود.

**روش‌ها:** در این مطالعه اپیدمیولوژیکی توصیفی - مقطعی کلیه فارغ التحصیلان و دانشجویان رشته پزشکی در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ که درس اخلاق پزشکی را گذرانده بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. تعداد ۴۵۷ پرسشنامه کتبی مشتمل بر سوالات دموگرافیک و ۸ سوال درمورد نگرش به درس اخلاق پزشکی تنظیم توزیع شد که درنهایت ۳۹۸ پرسشنامه تکمیل شده جمع آوری شد.

**نتایج:** ۳۳۲ (۸۳٫۴٪) نفر دانشجو و ۶۶ (۱۶٫۵٪) نفر فارغ التحصیل بودند. ۲۳۵ نفر مونث (۵۹٪) و ۱۶۳ نفر از آنها مذکر (۴۰٫۹٪) بودند. به طورکلی افراد فارغ التحصیل از نحوه تدریس و محتوای درسی واحد درس اخلاق پزشکی رضایت کمتری داشتند، افراد فارغ التحصیل اهمیت این درس را خیلی بیشتر از دانشجویان درک کرده بودند. ۵۳٫۰٪ دانشجویان دوره کارورزی را دوره مناسب برای تدریس این درس می دانستند، که در فارغ التحصیل این نسبت بیشتر بود (۹۳٫۹٪).

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج پیشنهاد می شود که تغییر کاربردی تر در نگرش، منابع و افزایش ساعت تدریس این درس انجام گیرد. ضمناً مقاطع پایانی دوره تحصیلی رشته پزشکی به اینگونه دروس اختصاص داده شود تا دانشجویان با انگیزه و نگرش جدی تری نسبت به فراگیری این درس اقدام کنند.

**واژه‌های کلیدی:** نگرش به اخلاق پزشکی، آموزش، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز.

## بررسی دیدگاه مدرسین درس اخلاق پزشکی در مورد جایگاه این درس در کوریکولوم آموزش پزشکی عمومی و محل تدریس آن در سال ۱۳۹۱

سید اسماعیل مناقب<sup>۱\*</sup>، یحیی صادقی مزیدی<sup>۲</sup>

\*استادیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم

esmanagheb@yahoo.com

<sup>۲</sup>کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم

**مقدمه:** اخلاق جزء جدایی ناپذیر از علم پزشکی تلقی می شود و آموزش اخلاق پزشکی طی یکی دو دهه اخیر در برنامه آموزشی پزشکی ایران بعنوان یک موضوع حائز اهمیت مطرح شده است و اجرا می شود. این مطالعه با هدف تعیین دیدگاه مدرسین درس اخلاق پزشکی در مورد جایگاه زمانی و مکانی این درس در دوره درسی آموزش پزشکی در سال ۱۳۹۱ انجام شد.

**روش ها:** این مطالعه یک مطالعه توصیفی بود که در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه علوم پزشکی شیراز و جهرم انجام گرفت. جامعه آماری مورد مطالعه شامل مدرسین درس اخلاق پزشکی در دو دانشگاه مذکور بود. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه، روابایی با پایایی برابر با آلفای کرونباخ ۰/۷۴ بود. سوالات پرسشنامه شامل ۱۰ سوال بود که ۵ سوال در زمینه زمان مناسب تدریس درس اخلاق پزشکی در دوره درسی آموزش پزشکی بود و ۵ سوال در مورد مکان مناسب تدریس درس اخلاق پزشکی بود. سوالات بصورت لیکرت ۵ گزینه ای از کاملاً موافقم، موافقم، فرقی نمی کند، مخالفم، کاملاً مخالفم تنظیم شده بود. داده های وارد نرم افزار SPSS<sub>14</sub> شدند و در سطح آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** در این مطالعه ۲۳ نفر مدرس درس اخلاق پزشکی که ۷ نفر آنها در دانشگاه علوم پزشکی جهرم و ۱۶ در دانشگاه علوم پزشکی شیراز مشغول بودند. میانگین سابقه تدریس در کل افراد مورد مطالعه  $10/9 \pm 6/6$  سال با دامنه ۵-۲۶ سال بود. برابر نتایج بدست آمده ۳۹/۱٪ دوره کارآموزی، ۳۰/۴٪ دوره کارورزی مناسب ترین زمان بود. ۱۷/۴٪ دوره پیش بالینی (فیزیو پاتولوژی) و ۸/۷٪ از اساتید فاز علوم پایه را مناسب ترین زمان تدریس در اخلاق می دانستند و در نهایت یک نفر از اساتید (۴/۳٪) نیز اعتقاد داشت که بهتر است در طول کل دوره آموزش پزشکی ارایه گردد.

در مورد مکان تدریس ۴۳/۵٪ کلاس درس ۲۱/۷٪ مرکز آموزش مهارت های بالینی (skill lab)، ۱۳٪ بخش های بالینی را مناسب ترین مکان برای این منظور میدانستند و ۲۱/۷٪ نیز ترکیبی از کلاس، بخش و مرکز مهارت های بالینی را مناسب می دانستند.

**نتیجه گیری:** برابر نتایج این مطالعه بهتر است در اخلاق پزشکی در دوره بالینی ارایه گردد. در مورد محل مناسب این درس نیز به اعتقاد اکثریت اساتید کلاس درس مناسب تر است. این امر می تواند به این دلیل باشد که تعداد زیادی از اساتید غیر بالینی بوده اند و یا اینکه با روش های نوین آموزش کمتر آشنایی داشته اند. پیشنهاد می گردد در این زمینه مطالعات بیشتر و قویتر انجام گیرد.

**واژه های کلیدی:** اخلاق پزشکی، اخلاق زیست پزشکی، اخلاق حرفه ای، ارتباط پزشک بیمار، آموزش بالینی، فیزیوپاتولوژی

## بررسی نگرش به اخلاق حرفه ای در اعضا هیات علمی دانشکده دندانپزشکی همدان

در سال ۱۳۹۱

آرزو کریمپوریان، بهزاد ایمنی\*

مربی دانشگاه علوم پزشکی همدان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، دانشکده پرستاری و مامایی

\*مربی دانشگاه علوم پزشکی همدان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، دانشکده پیراپزشکی

Email: behzadiman@yahoo.com

**مقدمه:** اخلاق حرفه ای مقوله ای چالش انگیز در رشته پزشکی است. جوامع مختلف، حسب نگرش خود، رویکردهای متفاوتی نسبت به اخلاق حرفه ای داشته اند. نگرش دندانپزشکان به اصول اخلاق حرفه ای آنها را در ارائه خدمات، بهتریاری خواهند نمود و تنش حرفه ای را به حداقل خواهد رسانید. لذا این مطالعه با هدف بررسی نگرش به اخلاق حرفه ای در اعضای هیات علمی دانشکده دندانپزشکی همدان انجام شد.

**روش‌ها:** جامعه پژوهش در این مطالعه توصیفی- مقطعی شامل کلیه اعضا هیات علمی دانشکده دندانپزشکی همدان بود که با سرشماری وارد مطالعه شدند. ابزار بررسی پرسشنامه ای پژوهشگر ساخته بر اساس مطالعات مرتبط با این زمینه بود که از دو قسمت، مشخصات دموگرافیک و ۳۶ سوال اختصاصی مربوط به نگرش تشکیل شده بود. جهت تعیین اعتبار محتوا و صوری (روایی)، سئوالات پرسشنامه در اختیار ۱۰ نفر از صاحب نظران و اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان قرار گرفت و بر اساس نظرات آنان اصلاحات انجام شد. میزان پایایی بصورت آزمون، باز آزمون حاصل از تکمیل ۱۰ پرسشنامه با فاصله ۲ هفته توسط گروه مشابه با واحدهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، که  $R=0/79$  را نشان داد. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برابر  $a=0/83$  نشان دهنده پایایی و ثبات درونی پرسشنامه بود. نتایج حاصل با استفاده از نرم افزار SPSS(16) تحلیل شد.

**نتایج:** یافته ها نشان داد، اکثر شرکت کنندگان مونث ( $56/7\%$ )، دارای مدرک تخصصی دندانپزشکی ( $83/5\%$ ) و متاهل ( $66/7\%$ ) بودند. همچنین بیشتر افراد در گروه سنی ۳۰-۴۰ سال ( $60\%$ ) و دارای سابقه کاری ۲۰-۱۰ سال ( $53\%$ ) بودند و مرتبه علمی ایشان استادیار ( $76/7\%$ ) بودند. آزمون آماری کای دو در مورد یافته های پژوهش نشان داد که بین نگرش دندانپزشکان با متغیرهای جنس ( $P=0.000$ )، تاهل ( $P=0.020$ )، سن ( $P=0.000$ )، و سابقه ی کار ( $P=0.000$ ) و مرتبه علمی ( $P=0.026$ ) همبستگی معنی داری داشت. در صورتی که نتایج همین آزمون در مورد میانگین نگرش دندانپزشکان با سطح تحصیلات همبستگی معناداری نشان نداد ( $P=0.140$ )، ضمناً میانگین میزان نگرش اعضا هیات علمی دانشکده دندانپزشکی در حد  $112/87$  برآورد شد که در حد خوب بود.

**نتیجه گیری:** از آنجا که نگرش اساتید دندانپزشکی در برخی مباحث اخلاق حرفه ای مطلوب نمی باشد لذا توصیه می شود که دوره های بازآموزی به صورت مستمر و مداوم برای اعضای هیأت علمی برگزار گردد.

**واژه های کلیدی:** اخلاق حرفه ای، نگرش، دندانپزشکان

## بررسی آگاهی و نگرش دانشجویان اتاق عمل نسبت به حقوق بیمار

امیر پاکپور حاجی آقا

دانشگاه علوم پزشکی قزوین

**مقدمه:** حقوق یک بیمار عبارت است از وظایفی که تیم پزشکی یا مکانی که وی در آن بستری است در قبال او دارند، رضایتمندی بیماران از مشخصه‌های اثر بخش خدمات بیمارستان‌ها محسوب می‌شود و لازمه رضایتمندی بیماران، رعایت حقوق آنها است. هدف مطالعه حاضر تعیین آگاهی و نگرش دانشجویان رشته اتاق عمل نسبت به حقوق بیمار است.

**روش‌ها:** در یک مطالعه توصیفی مقطعی، بر اساس روش نمونه‌گیری کلی شماری ۷۴ نفر از دانشجویان کارشناسی اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی قزوین برای شرکت داوطلبانه در مطالعه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته سه قسمتی شامل اطلاعات دموگرافیک، آگاهی و سوالات نگرش بود. داده‌ها پس از تکمیل توسط دانشجویان، با استفاده از نرم افزار SPSS ویرایش ۱۸ تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** نتایج نشان داد که ۵۴/۰۴ درصد دانشجویان اتاق عمل از سطح آگاهی خوب برخوردار بودند و ۷۹/۷۳ درصد دانشجویان نیز نگرش مطلوبی نسبت به رعایت حقوق بیمار داشتند. بین آگاهی و نگرش با جنسیت، سال ورود به دانشگاه، حضور فرد بیمار در خانواده، سابقه ابتلا به بیماریهای مزمن، سابقه کارآموزی ارتباط معناداری وجود داشت ( $P < 0/05$ ).

**نتیجه‌گیری:** از آنجا که اطلاع از مفاد منشور حقوق بیمار می‌تواند نقش مثبت و مطلوبی در نگرش دانشجویان برای رعایت حقوق بیمار داشته باشد، بنابراین پیشنهاد می‌شود اساتید پرستاری و اتاق عمل منشور حقوق بیمار را در قالب دروس تئوری و عملی بیان کنند.

**واژه‌های کلیدی:** حقوق بیمار، اتاق عمل، آگاهی، نگرش.



## فرایند نگرش به اخلاق حرفه ای در اعضای هیات علمی دانشکده دندانپزشکی همدان

در سال ۱۳۹۱

۱- آرزو کریمپوریان<sup>۱</sup>، بهزاد ایمنی\*<sup>۲</sup>، ناهید محمدی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> مربی دانشگاه علوم پزشکی همدان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، دانشکده پرستاری و مامایی

<sup>۲\*</sup> مربی دانشگاه علوم پزشکی همدان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، دانشکده پیراپزشکی

<sup>۳</sup> مربی دانشگاه علوم پزشکی همدان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، دانشکده پرستاری و مامایی

behzadiman@yahoo.com

**مقدمه:** اخلاق حرفه ای مقوله ای چالش انگیز در رشته پزشکی است. جوامع مختلف، حسب نگرش خود، رویکردهای متفاوتی نسبت به اخلاق حرفه ای داشته اند. نگرش دندانپزشکان به اصول اخلاق حرفه ای آنها را در ارائه خدمات، بهتریاری خواهند نمود و تنش حرفه ای را به حداقل خواهد رسانید. لذا این مطالعه با هدف بررسی نگرش به اخلاق حرفه ای در اعضای هیات علمی دانشکده دندانپزشکی همدان انجام شد.

**روش‌ها:** جامعه پژوهش در این مطالعه توصیفی- مقطعی شامل کلیه اعضا هیات علمی دانشکده دندانپزشکی همدان بود که با سرشماری وارد مطالعه شدند. ابزار بررسی پرسشنامه ای پژوهشگر ساخته بر اساس مطالعات مرتبط با این زمینه بود که از دو قسمت، مشخصات دموگرافیک و ۳۶ سوال اختصاصی مربوط به نگرش تشکیل شده بود. جهت تعیین اعتبار محتوا و صوری (روایی)، سئوالات پرسشنامه در اختیار ۱۰ نفر از صاحب نظران و اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان قرار گرفت و بر اساس نظرات آنان اصلاحات انجام شد. میزان پایایی بصورت آزمون، باز آزمون حاصل از تکمیل ۱۰ پرسشنامه با فاصله ۲ هفته توسط گروه مشابه با واحدهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، که  $R=0/79$  را نشان داد. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برابر  $a=0/83$  نشان دهنده پایایی و ثبات درونی پرسشنامه بود. نتایج حاصل با استفاده از نرم افزار SPSS(16) تحلیل شد.

**نتایج:** یافته‌ها نشان داد، اکثر شرکت کنندگان مونث ( $56/7\%$ )، دارای مدرک تخصصی دندانپزشکی ( $83/5\%$ ) و متأهل ( $66/7\%$ ) بودند. همچنین بیشتر افراد در گروه سنی ۳۰-۴۰ سال ( $60\%$ ) و دارای سابقه کاری ۲۰-۱۰ سال ( $53\%$ ) بودند و مرتبه علمی ایشان استادیار ( $76/7\%$ ) بودند. آزمون آماری کای دو در مورد یافته های پژوهش نشان داد که بین نگرش دندانپزشکان با متغیرهای جنس (  $P=0/000$ ، تاهل ( $P=0/020$ )، سن ( $P=0/000$ )، و سابقه‌ی کار ( $P=0/000$ ) و مرتبه علمی ( $P=0/026$ ) همبستگی معنی‌داری داشت. در صورتی که نتایج همین آزمون در مورد میانگین نگرش دندانپزشکان با سطح تحصیلات همبستگی معناداری نشان نداد ( $P=0/140$ )، ضمناً میانگین میزان نگرش اعضا هیات علمی دانشکده دندانپزشکی در حد  $112/87$  برآورد شد که در حد خوب بود. نتیجه‌گیری: از آنجا که نگرش اساتید دندانپزشکی در برخی مباحث اخلاق حرفه ای مطلوب نمی باشد لذا توصیه می شود که دوره های بازآموزی به صورت مستمر و مداوم برای اعضای هیأت علمی برگزار گردد.

**واژه‌های کلیدی:** اخلاق حرفه ای - نگرش - دندانپزشکان

## آداب و وظایف دانشجویان از دیدگاه قرآن

محمد رضا حاجی آبادی<sup>۱\*</sup>، دکتر قاسم کریمی<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

<sup>۲</sup> عضو هیئت علمی و رئیس دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

Hhagiabadi43@yahoo.com

**مقدمه:** قرآن کریم برای تعلیم و تعلم ارزش فراوان قائل شده است. دانشجویان به عنوان کسانی که در حال علم آموزی هستند باید نگاه و نگرش آنان به علم به عنوان مهمترین عامل توسعه و قدرت بر محور قداست بخشیدن به آن باشد. از آنجائیکه دانش قدرت است و امام علی (ع) نیز می فرماید العلم السلطان می توان نگرش دانشجویان را نسبت به علم و علم آموزی تغییر داد و آداب وظایف آنان را از دیدگاه قرآن بررسی نمود. لذا این مقاله آداب و وظایف دانشجویان از دیدگاه قرآن و ائمه اطهار (ص) بررسی می نماید.

**روش‌ها:** با استفاده از کتب دینی و تفسیر نور به روش متاآنالیز عناوین مربوط به آداب و وظایف دانشجو از دیدگاه قرآن استخراج گردید و در سه دسته تقسیم بندی شد.

**نتایج:** قرآن کریم و کتب دینی بزرگترین منبع برای جستجوی آداب و وظایف دانشجو در دانشگاه است. این وظایف بعد از استخراج به سه دسته تقسیم شدند:

۱. وظایف دانشجو نسبت به خود در ۷ عنوان به عنوان مثال: تصفیه و پالایش دل از آلودگی، غنیمت شمردن فرصت های زندگی، گسیختن علائم و علائق مادی از خویشتن.

۲. وظایف دانشجو نسبت به استاد در ۲۰ عنوان شامل ایجاد خلوص نیت در دانشجویان، ایجاد شوق و دلبستگی به علم و دانش در دانشجو فروتنی و نرمش استاد نسبت به دانشجویان، ارتقاء مطالب علمی در خور استعداد دانشجویان بالا .....

۳. وظایف دانشجو نسبت به جلسات درس در ۲۰ عنوان شامل رعایت آداب ورود به جلسه درس. رعایت حق دیگران نسبت به محل نشستن در کلاس، رعایت آسایش حاضران در کلاس درسی، کسب اجازه از محضر استاد در ارائه درس، حفظ حرمت استاد در کلاس درس، حفظ همبستگی و ادامه استمرار شرکت در جلسات درس. را می توان ذکر کرد.

**نتیجه گیری:** دانشجویان به عنوان آینده سازان این کشور لازم است به آداب و وظایف خود از دیدگاه قرآن کریم و آموزه های دینی آشنا شوند و این آداب و وظایف به آنها آموخته شود و با توه به نتایج فوق پیشنهاد می گردد این موارد در قالب کارگاه های آموزشی، تهیه پمفلت های آموزشی و ... توسط استادان برجسته و نمونه و فعالان فرهنگی کشور به دانشجویان آموخته شود و در دروس اخلاق پزشکی مبحثی به این عنوان جهت تدریس به دانشجویان اختصاص یابد.

**واژه های کلیدی:** آداب و وظایف، دانشجویان، قرآن

## انتوباسیون اندوتراکئال آموزشی بر روی بیمار تازه فوت شده از دیدگاه بیماران و همراهان ایشان

نیما استاد رحیمی، فریبا اصغری، عظیم میرزازاده\*

بخش داخلی جنرال مجتمع بیمارستانی امام خمینی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

mirzazad@tums.ac.ir

**مقدمه:** هدف از این مطالعه بررسی نظر بیماران و خانواده ایشان در مورد انتوباسیون پس از مرگ با هدف آموزش و لزوم یا عدم لزوم اخذ رضایت ایشان در این مورد می‌باشد.

**روش‌ها:** در این مطالعه مقطعی توصیفی-تحلیلی، ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌ای بود که به صورت مصاحبه توسط فرد پژوهشگر در روز ترخیص بیماران تکمیل می‌گردید. جمعیت مورد مطالعه بطور تصادفی از میان بیماران بالای ۱۸ سال بستری در بخش داخلی یک بیمارستان دانشگاهی انتخاب شدند و با رضایت بیمار یکی از همراهان وی نیز وارد مطالعه می‌شد.

**نتایج:** در این مطالعه ۱۵۰ نفر (۸۵٪) از بیمارانی که به آنها مراجعه شد حاضر به شرکت در مطالعه شدند و از این تعداد، ۹۲ نفر اجازه دادند همراه آنها نیز وارد مطالعه شود. در گروه بیماران ۸۳ (۵۵/۳٪) و در گروه همراهان ۷۳/۹ (۶۸٪) موافق انجام انتوباسیون آموزشی بر روی جسد خود بودند. از میان بیماران و همراهانی که انجام انتوباسیون آموزشی بر بدن بیمار تازه فوت شده را مجاز میدانستند به ترتیب ۷۵/۹۰ (۶۳ نفر) و ۹۱/۱۸ (۶۲ نفر) اخذ رضایت بیمار را برای انجام این اقدام ضروری می‌دانستند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج این مطالعه در کشور ما انتوباسیون پس از مرگ با هدف آموزش تنها در صورت اخذ رضایت از بیماران و بستگان ایشان از نظر اخلاقی بلامانع است. به نظر می‌رسد روش‌های اخذ رضایت از قبیل کارت‌های مشابه پیوند اعضا بتواند راهکار مناسبی برای آگاهی از رضایت افراد به انجام این‌گونه پروسیجرها پیش از فوت باشند.

**واژه‌های کلیدی:** انتوباسیون، آموزش، رضایت بیمار، مهارت‌های پزشکی

## مرور ساختاریافته اثربخشی آموزش کدهای اخلاق پزشکی جهانی در دوره پزشکی عمومی و تخصصی

لیلا بذرافکن<sup>۱\*</sup>، پیمان ادیبی، آزاده روح الامینی،

<sup>۱\*</sup> مربی گروه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز و دانشجوی دکتری آموزش پزشکی مرکز تحقیقات

آموزش علوم پزشکی اصفهان

bazrafkanl@sums.ac.ir

**مقدمه:** امروزه آموزش اخلاق پزشکی بخشی از برنامه‌های آموزشی متعارف در آموزش دوره پزشکی عمومی در بسیاری از کشورها است. این مطالعه از نظر مقایسه جایگاه برنامه درسی اخلاق پزشکی در کشور ما با سایر کشورها اهمیت دارد. بنابراین بر آن شدیم تا به این سوال پاسخ دهیم که آموزش کدهای اخلاق پزشکی جهانی در دوره پزشکی عمومی و تخصصی چه نتایجی در بر دارد؟

**روش‌ها:** در این مرور ساختاریافته، بانکهای اطلاعاتی web of knowledge, Medline Ovid, EMBASE, ERIC, Scyros, بیومد سنترال و موتور جستجوی Google Scholar در فاصله سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ با استفاده از ۱۰ کلید واژه اولیه در زمینه آموزش اخلاق پزشکی و نیز جستجوی دستی مقالات در ژورنالهای Medical Education, medical teacher, Academic medicine, در پایان‌نامه‌ها و همچنین موتور جستجوی SCIRUS به منظور یافتن صفحات وب برای دستیابی به مطالب چاپ نشده، مورد بررسی قرار گرفته و سپس براساس میزان ارتباط مقالات با موضوع پژوهش و نظر تخصصی گروه تحقیق، مقالات مرتبط انتخاب و تحلیل محتوا شدند.

**نتایج:** در این بررسی به منظور دسته‌بندی مقالات از الگوی ارزشیابی کرک پاتریک استفاده شد که در آن فرایند ارزشیابی به چهار سطح (واکنش، یادگیری، رفتار و پیامد) تقسیم می‌شود. بنابراین از ۴۹ مقاله کاملاً مرتبط، ۱۹ مقاله در سطح واکنش، ۱۶ مقاله در سطح یادگیری، نه مقاله در سطح رفتار و پنج مقاله در سطح پیامد قرار گرفتند. یافته‌ها حاکی از این است که در دو سطح اول یعنی واکنش، یادگیری، شواهدی مستدل و بیشتری نسبت به دو سطح رفتار و پیامد وجود دارد.

**نتیجه‌گیری:** به نظر می‌رسد آموزش کدهای اخلاق پزشکی جهانی با در نظر گرفتن سه حوزه اصلی طراحی برنامه درسی، روش‌های یاددهی و یادگیری و ارزیابی به دانشکده‌های پزشکی قابل بررسی است هرچند که شواهدی قوی در اثربخشی رفتار و پیامد برنامه‌ها وجود ندارد. اما رضایت‌مندی و تاثیر مثبت این برنامه‌ها برای تمرکز بر رویکردهای توسعه حرفه‌ای و فراهم کردن شرایط لازم در جهت تربیت افراد واجد شرایط در دوره پزشکی عمومی، تخصصی کمک می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** کد اخلاق پزشکی، دانشجویان پزشکی، برنامه درسی، اثربخشی، مرور ساختاریافته

## تناسب آموخته‌های اصول چهارگانه اخلاق حرفه‌ای با نیازهای حرفه‌ای از دیدگاه فارغ التحصیلان شاغل در مراکز بهداشتی درمانی دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال

۱۳۹۱

زهرا خمبه بینی<sup>۱\*</sup>، ترانه عنایتی<sup>۲</sup>، قاسم عابدی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup>کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی گلستان

zahra.khombehbini@yahoo.com

**مقدمه:** اخلاق پزشکی دانش میان رشته ای است که جنبه های اخلاق و ارزش حرفه پزشکی و علوم پزشکی را مورد بررسی قرار می دهد و امروزه جزیی از برنامه های درسی دانشجویان در دانشکده های پزشکی به شمار می رود و با توجه به ارائه آموزش به دانشجویان در دانشگاه ها، در این خصوص، رعایت اصول اخلاقی از انتظارات ضروری برای پزشک محسوب می شود و اهمیت کار پزشک، شیوه آموزش پزشکی را حایز اهمیت می سازد که نظرات فارغ التحصیلان در خصوص تناسب آموخته ها با نیازهای حرفه ای می تواند در شناسایی نقاط ضعف آموزش کمک کننده باشد. لذا این پژوهش با هدف بررسی تناسب آموخته های اخلاق بر اساس ۴ اصل عدالت، خودمختاری، سودرسانی و عدم ضرر رسانی با نیازهای حرفه ای فارغ التحصیلان رشته پزشکی انجام شد.

**روش ها:** این پژوهش توصیفی-تحلیلی در سال ۱۳۹۱ بر روی کلیه فارغ التحصیلان پزشکی عمومی (۱۱۲ نفر) که در مراکز بهداشتی درمانی دانشگاه علوم پزشکی گلستان مشغول گذراندن طرح نیروی انسانی بودند انجام شد که در مجموع ۱۰۳ نفر همکاری نمودند. به منظور گردآوری اطلاعات از پرسشنامه ۲۸ سوالی محقق ساخته برای سنجش تناسب آموزش های داده شده که روایی صوری و محتوایی آن توسط متخصصین و پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰/۹۲ مورد تایید قرار گرفت، استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS 16 انجام گردید و در بخش آمار توصیفی از جداول و نمودار فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و با توجه به توزیع نرمال داده ها برای تعیین معنادار بودن سؤالات پژوهش از آمار استنباطی  $X^2$  و t-test برای سنجش متغیرها استفاده شد.

**نتایج:** یافته ها نشان داد پزشکان تناسب آموخته های اخلاق حرفه ای با نیازهای شغلی را بر اساس ۴ اصل اخلاق پزشکی نامتناسب گزارش نمودند. نتایج آزمون  $X^2$  نشان داد بین تناسب آموخته ها با نیازهای حرفه ای بر حسب شیوه فراگیری بر اساس ۴ اصل با توجه به اینکه سطح معناداری بالاتر از ۰/۰۵ بود اختلاف معنادار نبود و بین تناسب آموخته ها با نیازهای حرفه ای بر حسب دانشگاه محل تحصیل نیز فقط بر اساس اصل سودرسانی اختلاف معنادار بود ( $P=0/02$ ) و ۳ اصل دیگر اختلاف معنادار نبود. نتایج حاصل از آزمون t نشان داد بین تناسب آموخته ها با نیازهای حرفه ای بر حسب شیوه فراگیری بر اساس ۴ اصل به تفکیک و بطور کلی اختلاف معنادار نبود ( $P=0/331$ ) ولی بین تناسب آموخته با نیازهای حرفه ای بر حسب دانشگاه محل تحصیل بر اساس ۴ اصل، فقط بین اصل سودرسانی اختلاف معنادار بود ( $P=0/033$ ) ولی نتایج کلی ۴ اصل اختلاف معنادار نبود ( $P=0/146$ ).

**نتیجه گیری:** براساس یافته های مطالعه می توان نتیجه گیری نمود که میزان تناسب، آموخته های اخلاق حرفه ای با نیازهای حرفه ای کاملاً کافی و متناسب نمی باشد و به نظر می رسد ارائه کنندگان خدمت، به خصوص پزشکان می بایست در خصوص مسائل اخلاق حرفه ای آگاهی و توانمندی بیشتری داشته باشند و آن را در حرفه خود بکار گیرند. پیشنهاد می گردد در طول دوران تحصیل و بعد آن آموزش های لازم در خصوص مسائل اخلاق پزشکی به ارائه کنندگان خدمت در حوزه سلامت، به خصوص پزشکان ارائه گردد.

**واژه های کلیدی:** تناسب آموخته ها، اصول چهارگانه اخلاق، نیاز حرفه ای، فارغ التحصیلان، پزشکی عمومی

## بررسی میزان رعایت اخلاق حرفه ای در مدیران و کارمندان بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

فرزاد محمودیان، پریسا نبیئی\*، ندا مؤدب

\* مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی شیراز

parisanabeiei@yahoo.com

**مقدمه:** دانش اخلاق حرفه ای برای مدیران که همواره به عنوان الگو و اسوه علمی برای دانشجویان و پرسنل مطرح بوده اند، می تواند در اثربخشی فعالیت های سازمانی به خصوص مراکز درمانی، هم تاثیر بسزایی بگذارد. در این تحقیق برآنیم تا با معیارهای مشخص و از پیش تعیین شده به بررسی نظرات خودسنجی مدیران در خصوص رعایت این مقوله در محدوده بیمارستان های آموزشی بپردازیم.

**روش ها:** این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی و مقطعی می باشد. جمعیت مورد مطالعه را تمامی مدیران ارشد، میانی و اجرایی سه بیمارستان آموزشی نمازی، شهید فقیهی و چمران شیراز می باشد که با توجه به حجم کم جامعه آماری و نظر مشاور آماری از روش سرشماری استفاده گردید. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه بود. این پرسشنامه اقتباس شده از پرسشنامه نمونه خارجی است که پس از تعیین روایی و پایایی مورد استفاده قرار گرفت و پس از تکمیل شدن با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

**نتایج:** یافته های این مطالعه نشان داد بین میانگین نمره ی اخلاق حرفه ای (مدیریتی) با سطح تحصیلات رابطه معناداری وجود دارد ( $p < 0.05$ )؛ در حالی که بین میانگین نمره ی اخلاق حرفه ای (مدیریتی) با رشته تحصیلی، جنسیت و سن رابطه معناداری وجود ندارد ( $p > 0.05$ ). همچنین میانگین نمره اخلاق حرفه ای در بیمارستان شهید فقیهی بیش از دیگر بیمارستان های آموزشی بود.

**نتیجه گیری:** براساس یافته های پژوهش و رابطه مثبت سطح تحصیلات با اخلاق حرفه ای، توجه به رعایت اخلاق حرفه ای در این گروه ها مورد توجه و قبول قرار می گیرد. بنابراین می توان مدیران را در این راستا، جهت افزایش اثربخشی سازمانی آموزش داد.

**واژه های کلیدی:** اخلاق، اخلاق حرفه ای، بیمارستان های آموزشی، مدیران.

## بررسی دیدگاه اساتید درباره رفتار های نامحترمانه – برهم زننده در محیط آموزشی ( incivility Behavior)

رقیه ولی پور خواجه غیائی\*، دکتر محمد خادم‌لو، مهری میر حسینی، مطهره نقوی  
\*کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی مازندران  
valipouryasi@gmail.com

**مقدمه:** امروزه ارتباط صحیح بین استاد و دانشجو از جمله مسائلی است که مورد توجه نظام های آموزشی قرار گرفته است، ارتباط نادرست و رفتارهای نامحترمانه روابط بین دانشجو و اساتید را مختل و محیط آموزشی پرتنش به وجود می‌آورد به طوری که میزان استرس بین استاد و دانشجو را افزایش داده و کیفیت آموزشی را کاهش می‌دهد. این پژوهش با هدف بررسی دیدگاه اساتید راجع به رفتار های نامحترمانه – برهم زننده در سال ۱۳۹۱ انجام شد.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر از نوع توصیفی - مقطعی است که در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه علوم پزشکی مازندران انجام شد. کلیه اساتید به روش نمونه گیری سرشماری به عنوان نمونه انتخاب شدند ولی ۵۷ پرسشنامه جمع آوری گردید. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه ترجمه شده رفتار های نامحترمانه (Clark) بود. پرسشنامه حاوی ۱۳ سوال در رابطه با رفتار نامحترمانه برهم زننده است. سوالات بر اساس طیف لیکرت چهار گزینه ای " همیشه، معمولاً، برخی اوقات و هرگز می باشد. روایی پرسشنامه به روش اعتبار محتوا و پایایی آن توسط جویباری و همکاران محاسبه و آلفای کرونباخ تأیید شده بود ( $\alpha = 0/9$ ) پس از جمع آوری پرسشنامه داده ها وارد نرم افزار SPSS آماری شد و برای توصیف و تجزیه و تحلیل داده های پرسشنامه از آماره های توصیفی و آمار استنباطی استفاده گردید.

**نتایج:** یافته های مطالعه نشان می‌دهد، اساتید از بین ۱۳ رفتار نامحترمانه – برهم زننده معمولاً رفتارهایی از قبیل؛ بی تفاوت بودن در کلاس (۵۴ درصد) نداشتن آمادگی برای حضور در کلاس (۴۲/۱ درصد) تاخیر داشتن در ورود به کلاس (۴۳/۹) استفاده از تلفن همراه (۴۵/۶ درصد) تقاضا های بی مورد مانند نمره و تاخیر در امتحان (۳۶/۸ درصد) را رفتار برهم زننده می‌دانند. بین دیدگاه اساتید درباره رفتارهای نامحترمانه – برهم زننده و متغیر های دانشکده، درجه علمی و جنسیت اساتید ارتباط معناداری ( $P > 0/05$ ) مشاهده نگردید.

**نتیجه‌گیری:** از آنجایی که بی‌اعتنایی به رفتار های نامحترمانه میتواند محیط آموزشی را مختل و کیفیت آموزشی را کاهش دهد، لذا شناخت اینگونه رفتارها از دیدگاه های مختلف (دانشجویان، اساتید، کارکنان و ..) و بکارگیری استراتژی های مناسب جهت ایجاد محیط سالم آموزشی ضروری است و توجه به این گونه رفتارها موجب کاهش آن در محیط های آکادمیک شود.  
**واژه‌های کلیدی:** رفتار های نامحترمانه برهم زننده، اساتید، محیط آموزشی



## تجارب دستیاران دانشگاه علوم پزشکی شیراز از رعایت حقوق بیماران به روش کیفی

الهه محمدی\*، لیلا بذرافکن، ندا مودب

\*کمیته تحقيقات دانشجویی و مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

mohamadiel@yahoo.com

**مقدمه:** حقوق بیماران و رعایت آن قدمتی به اندازه ی علم پزشکی دارد و یکی از محور های شاخص در تعریف استانداردها جهت اعمال حاکمیت خدمات بالینی به حساب می آید. حقوق بیمار همان انتظاراتی است که او از موسسات خدمات بهداشتی درمانی دارد. یعنی هر بیمار، بدون در نظر گرفتن سن، جنس، نژاد و دیگر تفاوت ها حق آگاهی، احترام، رازداری، حفظ حریم شخصی، دریافت مراقبت و درمان صحیح، محافظت و اعتراض را دارد و وظیفه پرستار و پزشک نیز رعایت این حقوق است.

**روش‌ها:** در این مطالعه کیفی با استفاده از روش مصاحبه به گردآوری داده ها پرداخته شد و با ۸ نفر از دستیاران دانشگاه علوم پزشکی شیراز مصاحبه انجام شد و پس از اطمینان از اینکه اطلاعات بدست آمده تکرار شده و اشباع اطلاعات رخ داده است مصاحبه ها پیاده شد و کدبندی انجام گردید. برای تایید صحت و درستی داده ها در این مطالعه با در نظر گرفتن چهار معیار گوبا و لینکلن (اعتبار، تایید پذیری، انتقال پذیری و قابلیت اطمینان)، از روش هایی مانند اختصاص زمان کافی برای جمع آوری داده ها، کدبندی توسط دو نفر از همکاران آشنا با تحقیق کیفی و رجوع مجدد به مشارکت کنندگان جهت تایید یافته ها، سعی در اعتبار هرچه بیشتر یافته ها داشت.

**نتایج:** در این مطالعه ۸ نفر از دستیاران نمونه پژوهش را تشکیل دادند تحلیل داده ها ابتدا منجر به تولید ۵۶۰ کد گردید که پس از بازنگری و طبقه بندی ها به ۱۰۷ کد که در ۳ طبقه یا تم اصلی، و ۸ طبقه یا تم فرعی و هر طبقه فرعی خود به سه یا چند زیر طبقه تقسیم گردید. تم های اصلی شامل عوامل آسیب زای محیطی، عوامل آسیب زای شناختی و عوامل آسیب زای فردی، شخصیتی بودند.

**نتیجه‌گیری:** آموزش بالینی بدون حضور بیماران ممکن نیست لیکن رعایت حقوق آن ها ضروری و برهمگان واجب است. تجارب منفی نشان دهنده تاثیر عوامل آسیب زا بر رعایت حقوق بیماران می باشد ولی از طرف دیگر شناخت این عوامل و به کارگیری راهبردهای موثر می تواند در ارتقاء و بهبود حقوق بیماران مفید و موثر باشد.

**واژه‌های کلیدی:** رعایت حقوق بیماران، تجارب دستیاران، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، روش کیفی

## تبیین آموزه های اخلاق حرفه ای پزشکی بر اساس منابع و متون دینی و تاریخ پزشکی ایران اسلامی

سعید چنگیزی آشتیانی<sup>۱\*</sup>، محسن شمسی<sup>۲</sup>، دکتر سهیلا طاهری<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشیار، گروه فیزیولوژی پزشکی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اراک

<sup>۲</sup> مربی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک

<sup>۳</sup> پزشک عمومی، سرپرست مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اراک

dr.ashtyani@arakmu.ac.ir

**مقدمه:** در سالهای اخیر هیچ عنوانی در آموزش پزشکی، به اندازه مسأله تعهد حرفه ای پزشکی مورد توجه نبوده است. فقدان تعهد و اخلاق حرفه ای در پزشکی، دغدغه اصلی، متخصصان آموزش علوم پزشکی، متخصصان اخلاق و کل جامعه، می باشد. لذا هدف از مطالعه حاضر تبیین و ترویج آموزه های اخلاق حرفه ای پزشکی بر اساس منابع و متون دینی و تاریخ پزشکی ایران اسلامی بوده است.

**روش‌ها:** تفکر اولیه این بررسی از آنجا شروع شد که در اغلب موضوعات آموزشی که برای دانشجویان تدریس می شود همیشه جای مباحث معنوی و اخلاق حرفه ای پزشکی خالی احساس می شد و دانشجویان اغلب نمی توانستند ارتباط مناسبی بین رشته علمی خود و مباحث دینی برقرار کنند لذا لازم بود تا زمینه ای فراهم گردد تا نسبت به گنجینه های معنوی که در دسترس آنها وجود دارد و متعالی ترین آنها قرآن و تعالیم اسلامی می باشد ارتباطی مناسب برقرار شود در این بررسی سعی شده ضمن حفظ سرفصل های مصوب مطابق با سرفصل مربوطه همزمان بر استفاده از تعالیم و آموزه های دینی در حوزه اخلاق حرفه ای پزشکی و تاریخ پزشکی ایران اسلامی تمرکز گردد.

**نتایج:** بنا بر اظهارات دانشجویان نتایج حاصل حاکی از یادگیری بیشتر آنان با اصول اخلاق حرفه ای در رشته آنان بر اساس منابع و آموزه های دینی، یادگیری پاره ای از باید و نبایدهای اخلاقی، آشنایی با اصول اخلاقی حاکم بر شغل و حرفه خود، رشد اخلاق حرفه ای و بررسی چرایی رعایت نکردن این اصول توسط تحلیل‌های خود دانشجویان بود. از یک چشم انداز کلی، ترویج آموزه های دینی و اخلاقی بر حسب نظر دانشجویان آثار مثبت زیر را به همراه داشت: احساس آرامش درونی، احساس افزایش سطح تعهد نسبت به ارائه خدمات بهتر به افراد، افزایش احساس خیرخواهی برای جامعه بشری و بالاخره لذت، رضایت و سعادت دنیوی و اخروی برای آنان.

**نتیجه‌گیری:** اصلی ترین راهبردهای فائق آمدن بر چالش های اخلاق حرفه ای پزشکی در جامعه امروز ضرورت پایبندی بیشتر اعضای جامعه پزشکی به "آموزه های اخلاقی و حرفه ای طب" مبتنی بر آموزه های دینی می باشد همچنین ضرورت بررسی و اصلاح برنامه های درسی و آموزشی پزشکی از سوی دانشگاهها، در جهت جامعیت بیشتر مباحث اخلاق حرفه ای پزشکی برای کلیه دانشجویان علوم پزشکی علاوه بر رشته پزشکی و پیش بینی سرفصل های مناسب در موضوعات اخلاق حرفه ای برای هر یک از رشته های علوم پزشکی ضروری می باشد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزه های اخلاق حرفه ای پزشکی، متون دینی، تاریخ پزشکی ایران اسلامی

## مقایسه تاثیر آوای قرآن و آوای موسیقی بر اضطراب امتحان دانشجویان پیراپزشکی

معصومه معصومی\*<sup>۱</sup>، مهستی گنجو<sup>۲</sup>، زهرا اکبری<sup>۳</sup>

عضو هیئت علمی گروه اتاق عمل، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر موبایل:

masoumy@yahoo.com

**مقدمه:** اضطراب امتحان مشکل شایعی در میان دانشجویان و دانش آموزان است. به کار بردن آوا درمانی، راهبردهای مقابله با اضطراب می تواند باعث پیشرفت و بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان شود. این مطالعه با هدف مقایسه تاثیر آوای قرآن و موسیقی بر اضطراب امتحان دانشجویان پیراپزشکی انجام شد.

روش کار: در یک مطالعه نیمه تجربی با طرح دو گروهی، و با روش پیش آزمون و پس آزمون، ۶۰ دانشجوی ترم یک دانشکده پیراپزشکی بوشهر در سال ۱۳۹۱ مورد مطالعه قرار گرفتند. با روش سرشماری و به روش تصادفی ساده، دانشجویان به دو گروه مساوی قرآن و موسیقی تقسیم شدند. آزمودنی های گروه قرآن، سوره آیت الکرسی را با ترتیل منشاوی و گروه موسیقی، موسیقی ملایم بی کلام از مجموعه سکرت گاردین با نوازگی رلف لولند را به مدت ۱۵ دقیقه از طریق اسپیکر گوش دادند. هر دو گروه، پیش و پس از آزمایش پرسشنامه حالت آشکار اسپیل برگر تکمیل کردند. نتایج از طریق تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر و تی مستقل و نرم افزار SPSS محاسبه گردید.

**نتایج:** میانگین اضطراب امتحان در گروه قرآن کریم از  $(48/37 \pm 10/14)$  قبل از مداخله به  $(35/27 \pm 3/41)$  در پس آزمون رسید. در گروه موسیقی، میانگین اضطراب امتحان از  $(50/30 \pm 7/16)$  قبل از مداخله به  $(43/67 \pm 6/50)$  در پس آزمون رسید. تفاوت میانگین ها در درون هر دو گروه از نظر آماری معنادار بود ( $P < 0/05$ ). مقایسه بین گروهی نشان داد که در گروه قرآن کریم میانگین اضطراب از گروه موسیقی کاهش قابل توجهی داشته است و از نظر آماری این تفاوت معنادار بود ( $t=6/26$ ،  $P < 0/05$ ).

**نتیجه گیری:** گوش دادن به آوای موسیقی مانند آوای قرآن کریم قبل از امتحان شیوه موثری برای کاهش اضطراب امتحان دانشجویان می باشد. ولی تاثیر آوای قرآن کریم در کاهش اضطراب امتحان بیشتر از آوای موسیقی می باشد.

**واژه های کلیدی:** اضطراب امتحان، آوای قرآن کریم، آوای موسیقی، دانشجو

## بررسی اهمیت آموزش فضایل اخلاقی در برنامه درسی پزشکی : دیدگاه دانشجویان

شیما طباطبایی\*

\*دانشجوی دکترای تخصصی آموزش پزشکی، دانشکده آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

shtabatabai@yahoo.com

**مقدمه:** علم اخلاق پزشکی تفکر ما را درباره مسائل اخلاقی در حرفه پزشکی هدایت می کند. تئوری فضایل اخلاقی برای شناسایی مجموعه ای از ویژگی ها و رفتارهای حرفه ای پزشکی، کمک کننده است. مسلماً شکل گیری رفتارهای حرفه ای یکی از اهداف آموزش پزشکی است با فرض اینکه فضیلت رفتار خوب داشتن، قابل آموزش باشد، هنوز هم باید مشخص گردد که چه فضایل اخلاقی قابل آموزش هستند. آموزش دهندگان علوم پزشکی که در تلاش برای تصحیح رویکرد های اخلاقی هستند. یک عدم اتصال جدی بین آموزش پزشکی و حقیقت عملکرد پزشکان در جامعه امروز وجود دارد. دانشجویان پزشکی درباره اینکه چه چیزی واقعا در عملکرد حرفه ای پزشکی یک ارزش حقیقی درک می شود، دچار سردرگمی شده اند.

**روش ها:** این مطالعه به روش کیفی، برای دستیابی به نظرت دانشجویان آموزش پزشکی و دستیابی به گرایش های آنان نسبت به آموختن علم اخلاق بود از طریق بحث در گروه متمرکز ( فوکوس گروپ) شامل ۷ شرکت کننده انجام شد. مصاحبه ها ضبط و پیاده سازی شد. تجزیه و تحلیل داده ها به شیوه استراوس در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد.

**نتایج:** دانشجویان می خواستند درباره علم اخلاق و تعهد حرفه ای ( اخلاق حرفه ای پزشکی) ، نقش یادگیری اصول و در مدیریت رفتارها و احساسات در ارائه خدمات به بیماران و کاربرد فضایل اخلاقی رابطه پزشک و بیمار، بیشتر بدانند. شرکت کنندگان اعلام کردند که اساتید الگوهای مثبتی برای یادگیری رفتارهای حرفه ای ایشان بوده اند.

**نتیجه گیری:** فضائل اخلاقی به عنوان نقطه شروع اخلاق بالینی، به آموزش گران پزشکی و بالینی ( اساتید) اهمیت مدیریت گرایش ها و رفتارها و احساسات در ارائه خدمات به بیماران را یادآوری می کنند. این خطرناک است که آموزش اصول اخلاقی را فقط به کریکولوم پنهان بسپاریم. ارائه الگوی، برای رفتارهای حرفه ای در همه گرایش های بالینی، سبب ارتقاء تعهد حرفه ای پزشکی می گردد. تشویق به توجه متفکرانه به توسعه فضایل پزشکی می تواند به صورت تماتیک در کل کریکولوم القاء شود.

### بایسته های آموزش اخلاق حرفه ای در علوم پزشکی

مصیب مظفری

دکترای پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام

mozafaric@yahoo.com

**مقدمه:** مسئولیت دانشگاه ها، علاوه بر ایجاد تخصص و مهارت، ایجاد نگره های اخلاقی دینی، انسانی، اجتماعی و وظیف مداری حرفه ای است. ایجاد دانش، نگرش و عمل اخلاقی در دانشجویان علوم پزشکی، نیازمند برخی عوامل مانند بستر مناسب، برنامه آموزشی، روش تدریس و محتوای موثر و استاد صلاحیت دار است. این مطالعه به منظور تبیین بایسته های آموزش اخلاق حرفه ای در علوم پزشکی از دیدگاه اساتید درس اخلاق حرفه ای انجام شده است.

**روش ها:** طی یک مطالعه کیفی با رویکرد آنالیز محتوی و با استفاده از مصاحبه فردی عمیق نیمه ساختارمند، نظرات ۱۳ نفر از اساتید درس اخلاق حرفه ای دانشگاه های علوم پزشکی با درجات استادیار به بالا در خصوص الزامات موثر در آموزش اخلاق حرفه ای در رشته های علوم پزشکی مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج حاصل از مطالعه شامل ۵ تم اصلی بستر اخلاقی قابل اتکاء اجتماعی، ویژگی های شخصی استاد، روش تدریس اخلاق حرفه ای، محتوای دروس اخلاق حرفه ای و محیط آموزش اخلاق حرفه ای بود. تم ویژگی های شخصی استاد شامل ۲ زیر تم آراستگی به فضایل اخلاقی و الگو بودن در آموزش اخلاق بود. تم روش تدریس اخلاق حرفه ای شامل ۳ زیر تم آموزش مبتنی بر روایت، آموزش استاد شاگردی و آموزش مبتنی بر مورد بود. تم محتوا شامل ۲ زیر تم اسلامی کردن محتوای اخلاق حرفه ای و آموزش تحلیل اخلاقی و تم محیط آموزش شامل دو زیر تم آموزش در بالین و آموزش کارگاهی بود.

**نتیجه گیری:** نتایج نشان می دهد که ارکان اساسی آموزش اخلاق حرفه ای در علوم پزشکی نیازمند تجدید نظر است. استفاده از اساتید فاضل که توانایی الگو شدن را داشته باشند، تربیت فضیلت گرایانه اساتید، توانمندسازی اساتید در حوزه دانش و عمل اخلاقی، تغییر روش های سنتی تدریس اخلاق به روش هایی مانند استاد شاگردی، آموزش موردی و تنظیم و شرح مسائل مبتلا به اخلاق حرفه ای به شکل روایت، بهسازی محتوا با تأکید بر فرااخلاق، اخلاق اسلامی و تا حدودی اخلاق هنجاری، از جمله پیشنهاداتی هستند که می توانند سبب بهبود استقرار مفاهیم اخلاقی در حوزه سلامت جامعه شوند. علاوه بر این لازم است که بستر اخلاقی جامعه پشتیبان ترویج اخلاق حرفه ای باشد، این مهم حاصل برآیند حوادث اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جامعه است و نیازمند اقدامات دراز مدت فرابخشی است.

**واژه های کلیدی:** اخلاق حرفه ای، آموزش، علوم پزشکی

## عوامل تسهیل کننده و بازدارنده تحصیل علم و تهذیب نفس در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان

زهرا کریمی<sup>۱\*</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی کمیته تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی گلستان

[zahrakarimi2010@yahoo.com](mailto:zahrakarimi2010@yahoo.com)

**مقدمه:** ما در عالم واقع و بیرونی ملاحظه می‌کنیم درصد زیادی از کسانی که با اراده و صداقت و ایمان قدم در راه علم و تحصیل و تهذیب نفس گذاشته‌اند این راه را تا پایان نرفته‌اند، و تنها درصد اندکی توانسته‌اند بر مشکلات فراوانی که در راه تحصیل علم و تهذیب نفس وجود دارد، فایق آیند. هدف: تعیین عوامل تسهیل کننده و موانع تحصیل علم و تهذیب نفس در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان می باشد.

**روش‌ها:** در این پژوهش کیفی با ۲۰ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی گلستان (۱۳۹۱) که در محیط آموزشی مشغول به تحصیل بودند مصاحبه‌های نیمه ساختار به عمل آمد. کلیه مصاحبه‌ها دست نویس و مطابق روش "تحلیل محتوا" آنالیز شدند. از دانشجویان در باره تجربه شان از عوامل تسهیل کننده و بازدارنده تحصیل علم و تهذیب نفس در محیط آموزشی سوال شد.

**نتایج:** مضامین در دو دسته کلی تسهیل کننده‌ها و بازدارنده‌ها تقسیم بندی شدند. تسهیل کننده و بازدارنده کسب علم؛ با برنامه بودن یا نبودن، امکانات آموزشی و رفاهی دانشگاه، جو خانوادگی و نیازهای روانی و نیازهای جنسی برطرف شده یا برآورده نشده بوده‌اند. تسهیل کننده‌ها و بازدارنده‌ها تهذیب نفس نیز؛ جو فرهنگی دانشگاه، وسوسه‌های نفسانی، نیازهای روانی و جنسی بوده‌اند.

**نتیجه‌گیری:** مهم ترین مانع تحصیل علم، بی برنامه بودن دانشجویان، مهم ترین بازدارنده تهذیب نفس، وسوسه‌های شیطانی و قوی ترین بازدارنده از خطاها و روی آوردن به نیکی‌ها؛ در نظر داشتن خداوند در تمام امور و در تمامی لحظات بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** کسب علم، تهذیب نفس، دانشجوی علوم پزشکی، جو دانشگاه

## انطباق مهارت‌های فنی و ارتباطی پزشکان عمومی شاغل در مراکز بهداشتی درمانی دانشگاه علوم پزشکی گلستان با نیازهای حرفه‌ای آنان

مازیار رستمی<sup>۱\*</sup>، زهرا خمبه بینی<sup>۲</sup>، ترانه عنایتی<sup>۳</sup>، قاسم عابدی<sup>۴</sup>  
rostami\_maziar@yahoo.com

**زمینه و هدف:** مراقبت از بیمار یکی از وظایف اصلی پرسنل بهداشتی و درمانی می باشد که این مراقبت حاصل یک کارگروهی و تیمی است و در کار تیمی، عملکرد هر یک از افراد رابطه مستقیم با چگونگی ارتباط متقابل آن ها در رسیدن به هدف مشترک دارد. در علم پزشکی علاوه بر فراگیری علم و مهارت های فنی و بکارگیری آن به عنوان یک امر ضروری برای تشخیص و درمان، توانایی‌های ارتباطی نیز یکی از ضروریات می باشد که این ارتباط خوب بین پزشک، بیمار و همکاران می تواند منجر به تشخیص‌های پزشکی و تصمیم‌ها و مراقبت‌های خوب درمانی گردد. لذا با توجه به اهمیت موضوع این پژوهش به منظور بررسی میزان انطباق مهارت‌های فنی و ارتباطی پزشکان عمومی شاغل در مراکز بهداشتی درمانی دانشگاه علوم پزشکی گلستان با نیازهای حرفه‌ای انجام شد.

**خلاصه روش اجراء:** این پژوهش توصیفی- تحلیلی در سال ۱۳۹۱ بر روی کلیه فارغ‌التحصیلان پزشکی عمومی (۱۲ نفر) که در مراکز بهداشتی درمانی دانشگاه علوم پزشکی گلستان مشغول گذراندن طرح نیروی انسانی بودند انجام شد که در مجموع ۱۰۳ نفر همکاری نمودند. به منظور گردآوری اطلاعات از پرسشنامه غضنفری (۱۳۸۹) که روایی صوری و محتوایی آن مجدداً توسط متخصصین و پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰/۹۱ مورد تایید قرار گرفت، استفاده گردید که شامل ۲۹ سوال بود که ۷ سوال مربوط به مشخصات دموگرافیک، ۱۳ سوال مربوط به مهارت های فنی و ۷ سوال مربوط به مهارت های ارتباطی بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS 16 انجام گردید و در بخش آمار توصیفی از جداول و نمودار فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و با توجه به توزیع نرمال داده‌ها برای تعیین معنادار بودن سؤالات پژوهش از آمار استنباطی  $X^2$  و  $t$ -test برای سنجش متغیرها استفاده و سطح معناداری  $p=0/05$  در نظر گرفته شد.

**خلاصه یافته ها:** یافته‌ها نشان داد پزشکان میزان انطباق آموخته‌های فنی و ارتباطی با نیازهای شغلی را نامتناسب گزارش نمودند. و بر اساس نتایج آزمون  $X^2$  انطباق بین آموخته‌ها با نیازهای حرفه‌ای بر حسب شیوه‌فراگیری  $p=0/622$  و بر حسب دانشگاه محل تحصیل  $p=0/373$  بود که اختلاف معنادار نبود و بر اساس نتایج آزمون  $t$  نیز تناسب بین آموخته‌ها با نیازهای- حرفه‌ای بر حسب شیوه‌فراگیری  $p=0/378$  و بر حسب دانشگاه محل تحصیل  $p=0/7459$  اختلاف معنادار نبود

**نتیجه‌گیری:** براساس یافته های مطالعه می‌توان نتیجه گیری نمود که میزان انطباق آموخته‌های فنی و ارتباطی با نیازهای حرفه‌ای کاملاً متناسب نمی‌باشد. بنابراین بر بهبود و ارتقاء کیفیت آموزش در جهت افزایش کارایی، می بایست در برنامه آموزشی به این امر مهم تاکید شود.

**واژگان کلیدی:** انطباق، مهارت های فنی،مهارت های ارتباطی، نیاز حرفه‌ای، پزشکان عمومی



## روش‌ها و ابزارهای سنجش مهارت‌های ارتباطی و بین‌فردی

رزا منتظری

دانشجوی کارشناس ارشد آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

**مقدمه:** اگرچه ضرورت برقراری ارتباط مناسب با بیمار یک تفکر بدیع به شمار نمی‌رود، اما یاددهی و ارزیابی این مهارت‌ها در آموزش پزشکی روز به روز با اشکال مواجه می‌شود. در واقع سنجش ارتباط به عنوان یک صلاحیت همانند آموزش آن برای کارشناسان آموزش پزشکی چالش برانگیز است، چراکه ارتباط به خودی خود چند بعدی و چند وجهی است. علی‌رغم توجه بیشتر به آموزش مهارت‌های ارتباطی در پژوهش‌ها هنوز مباحث مربوط به سنجش این مهارت‌ها چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

**روش‌ها:** این پژوهش، یک مطالعه مروری است. به منظور دستیابی به مطالعات و مقالات مرتبط نسبت به جستجوی الکترونیک در سایت‌های مختلف و با کلید واژه‌های مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های بین‌فردی، سنجش مهارت‌های ارتباطی و بین‌فردی، ابزارها و روش‌های سنجش مهارت‌های ارتباطی و بین‌فردی اقدام نمودیم. از میان مقالات یافت شده تعدادی را که ارتباط بیشتری با موضوع پژوهش ما داشتند، انتخاب کرده و اطلاعات مرتبط را از آن‌ها استخراج کردیم.

**نتایج:** در مقالات برای سنجش مهارت‌های ارتباطی و بین‌فردی سه روش اصلی بیان شده است که عبارتند از:

- ۱) چک لیست‌ها و مقیاس‌های درجه بندی شده: چک لیست شایع‌ترین روش سنجش مورد استفاده در طول آموزش است.
  - ۲) بررسی تجربه بیمار از تعامل: بیماران ممکن است بهترین قضاوت کننده در مورد اثربخشی مهارت‌های ارتباطی پزشک باشند، چراکه در تعامل شخصاً درگیر هستند.
  - ۳) آزمون‌ها با استفاده از سؤالات شفاهی، کتبی یا چندگزینه‌ای: این مورد نیز روش مؤثر در بررسی دانش مربوطه زیربنای ادراکی ارتباط بین فردی را فراهم می‌نماید.
- این سه روش سنجش در ابزارهای سنجش مهارت‌های ارتباطی و بین‌فردی به کار گرفته می‌شوند. ابزارهای سنجش مهارت‌های ارتباطی و بین‌فردی در ۵ طبقه تقسیم می‌شوند:
- ۱) درجه بندی مشاهده مستقیم تعاملات با بیماران واقعی
  - ۲) درجه بندی برخوردهای شبیه سازی شده با بیماران استاندارد شده
  - ۳) درجه بندی تعاملات ویدیویی - صوتی
  - ۴) بررسی یا پرسشنامه بیمار
  - ۵) آزمون دانش، نگرش‌ها و ادراکات.

در هریک از این ابزارها استراتژی اندازه‌گیری خاصی به کار می‌رود و قابلیت استفاده خاصی برای سطوح مختلف دانشجویان پزشکی هستند.

**نتیجه‌گیری:** در سنجش مهارت‌های ارتباطی و بین‌فردی چک لیست به عنوان پرکاربردترین روش است. ولی از بین ابزارهای فوق‌الذکر، مشاهده مستقیم تعاملات با بیماران واقعی و برخورد با بیماران استاندارد شده در سنجش صلاحیت ارتباطی مفید می‌باشند. شایان ذکر است که آن‌چه اهمیت دارد وجود روش‌های چندگانه برای سنجش نیست، بلکه سنجش معتبر و دقیق مهارت‌های ارتباطی که بتواند به ما در تصمیم‌گیری در مورد صلاحیت ارتباطی دانشجوی مورد آزمون کمک نماید، مهم است.

## مهارت‌های برقراری ارتباط با بیمار ، چالش پیش رو و راهکارها

فریبا عسگری\*، نعیم‌خدادادی<sup>۱</sup>، لیلا صفا بخش<sup>۲</sup>، سولماز زارع<sup>۲</sup>، سپیده جمشیدیان<sup>۲</sup>

\* دانشجوی دکترای تخصصی آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ، عضو هیات علمی دانشکده

پرستاری مامایی شهید بهشتی رشت ، مربی گروه پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گیلان

[asgari.frb@gmail.com](mailto:asgari.frb@gmail.com)

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد پرستاری ، دانشجوی دکترای تخصصی آموزش پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تهران ،

دانشگاه علوم پزشکی گیلان

<sup>۲</sup> دانشجوی دکترای تخصصی آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

**مقدمه:** در حرفه های بهداشتی، ارتباط و مهارت های ارتباطی، نقش بسیار مهمی در رضایت بیماران و حل مشکلات آنان دارد. با توجه به نتایج مطالعات متعدد مبنی بر عدم وجود مهارت برقراری ارتباط مناسب با بیمار در دانش آموختگان علوم پزشکی ، به نظر می رسد که آموزش مهارت های ارتباطی بیمار محور، نیازمند توجه خاص بوده و ضروری است که در این رابطه تدابیری صورت گیرد. لذا پژوهشگران بر آن شدند که با استفاده از روش آموزشی فراگیر محور (ایفای نقش) در مقایسه با روش معمول سخنرانی به بررسی تاثیر دوروش آموزشی بر میزان آگاهی دانشجویان پرستاری از فرآیند ارتباط و مهارت های ارتباطی بپردازند.

**روش‌ها:** پژوهش نیمه تجربی حاضر با نمونه ای (روش نمونه گیری سرشماری) متشکل از ۲۱ دانشجوی پرستاری ترم پنجم ورودی بهمن ۱۳۸۸ دانشکده پرستاری ، مامایی شهید بهشتی ، که واحد بهداشت روان (۱) را اخذ نموده بودند بررسی شدند ، کلاس درس به ۲ قسمت تقسیم شد، هر قسمت با دوروش مختلف تدریس (گروه سخنرانی و گروه ایفای نقش) تدریس گردید. در انتها از فراگیران (تماشاگران و بازیگران) خواسته شد که نظرات خود را در مورد روش اجرایی به صورت شفاهی و در صورت تمایل به صورت کتبی مطرح نمایند. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه های که شامل ۵ سؤال چهارگزینه ای بر اساس اهداف آموزشی جلسات مربوطه طراحی شده بود، استفاده گردید. این پرسشنامه ها قبل از اجرای هر جلسه (آموزش به روش سخنرانی و ایفای نقش) و بلافاصله پس از اجرا داده شده هر پاسخ صحیح ۱ نمره در نظر گرفته می شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها ، از آمار توصیفی (فراوانی ، درصد ، میانگین) و آمار استنباطی (Paired T-Test) با سطح معناداری ۰/۰۵ با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ استفاده گردید.

**نتایج:** یافته ها اختلاف قابل توجه بین میانگین و (انحراف معیار) کسب شده در میزان آگاهی دانشجویان در روش سخنرانی و ایفای نقش (به ترتیب: نمرات "  $0.71 \pm 1/7$  و  $1/14 \pm 4/71$ ) مشهود بود. همچنین بین "روش آموزشی سخنرانی و ایفای نقش بر اساس آزمون تی زوج اختلاف معنی دار آماری وجود داشت. ( $p < 0.001$  در سطح  $p < 0.05$ ).  
**نتیجه گیری:** با توجه به تایید فرضیه پژوهش مبنی بر موثرتر بودن روش آموزشی ایفای نقش بر میزان آگاهی دانشجویان از مباحث مهارت های ارتباطی و اهمیت موضوع ارتباط در حرف بهداشتی به نظر می رسد که ضروریست اساتید به آموزش این فرایندهای پیچیده (ارتباط) از طریق روش های آموزشی موثرتر نظیر ایفای نقش بپردازند چراکه بالطبع این امر موجب ارتقاء یادگیری و تربیت دانش آموختگانی توانمندتر شده که خود موجب بهبودی در کیفیت خدمات در جامعه و در نتیجه ارتقاء کیفیت زندگی و سلامت آحاد جامعه خواهد گردید.

**واژه های کلیدی:** دانشجوی پرستاری ، مهارت های ارتباطی ، ایفای نقش ، روش سخنرانی

## ارزیابی وضعیت آموزش مهارت‌های ارتباطی پزشک و بیمار از دیدگاه دانشجویان پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

دکتر معصومه معزی\*<sup>۱</sup>، دکتر افسانه حبیبی<sup>۲</sup>، مصطفی خاشعی<sup>۳</sup>، معصومه سلیمانی منفرد<sup>۴</sup>  
\*نویسنده مسئول - استادیار گروه پزشکی اجتماعی - سرپرست مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی،

دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

Email: [lmoezzi@yahoo.com](mailto:lmoezzi@yahoo.com)

<sup>۲</sup>پزشک عمومی - کارشناس دفتر توسعه آموزش دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

<sup>۳</sup>کارورز پزشکی دانشجوی استعداد درخشان

<sup>۴</sup>کارورز پزشکی

**مقدمه:** ارتباط موثر بین پزشک و بیمار یک مهارت اساسی و صلاحیت پزشکی است که در رضایتمندی و سلامت بیماران تاثیر گذار است. و شواهد کنونی نشانگر کمبود وجود ارتباط موثر در این زمینه است. پژوهش اخیر با هدف بررسی چگونگی آموزش مهارت‌های ارتباطی در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد انجام گرفت.

**روش‌ها:** این پژوهش بصورت توصیفی-مقطعی بر روی کارآموزان و کارورزان پزشکی انجام گرفت. ابزار پژوهش پرسشنامه پژوهشگر ساخته بود که براساس الگوی مهارت‌های ارتباطی پایه و پیشرفته پزشک و بیمار WHO تنظیم گردید.

**نتایج:** در این پژوهش ۵۵ کارآموز و ۴۰ کارورز پزشکی شرکت نمودند. طبق نتایج مطالعه بیشترین آموزش و پس‌خوراند مهارت‌های ارتباطی توسط اساتید و پس از آن دستیاران انجام می‌گردد. ۴۷ درصد دانشجویان وضعیت آموزش مهارت‌ها را در این دانشگاه متوسط به بالا ارزیابی نمودند. بیش از ۵۰ درصد آنان معتقدند که مهارت‌های ارتباطی پایه (مهارت جمع‌آوری اطلاعات، آموزش به بیمار، مهارت‌های بین فردی) را در حد متوسط به بالا کسب نموده‌اند. در مورد مهارت‌های ارتباطی پیشرفته، میزان کسب مهارت ارتباط با گروه‌های فرهنگ و زبان خاص در حد متوسط به بالا و مهارت‌های ارتباط با بیماران دارای اختلالات خاص، اختلالات شخصیتی و موقعیت‌های بالینی ویژه (اخبار بد و...) در سطح متوسط به پایین ارزیابی شد. بیشترین مهارت‌های ارتباطی به ترتیب از طریق راندها، درمانگاه، گزارش صبحگاهی و ویزیت بالینی بخش کسب شده و اورژانس، ویزیت دستیاری و گراند راند به ترتیب نقش کمتری را در این مورد ایفا کرده بودند. ۷۲/۶ درصد معتقد بودند که آموزش مهارت‌های ارتباطی در دوره سمینولوژی بیشتر بصورت نظری بوده و آموزش از طریق مشاهده و برخورد استاد و یا دستیار با بیمار و بصورت عملی بر بالین بیمار و یا ایفای نقش توسط استاد یا دستیار نقش کمتری داشته است.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نقش مهم کسب مهارت‌های ارتباطی در شیوه درمان و جلب رضایت بیمار و منافع زیاد یادگیری این مهارت‌ها در مقایسه با نیاز به سرمایه‌گذاری اندک، بنظر میرسد لازم است در کوریکولوم آموزش پزشکی به تعلیم مهارت‌های ارتباطی توجه بیشتری گردیده و نقش دستیاران نیز در این زمینه بیشتر گردد.

**واژه‌های کلیدی:** مهارت‌های ارتباطی، ارتباط پزشک و بیمار، دانشجویان پزشکی

## بررسی و مقایسه موانع ارتباطی پزشکان و پرستاران از دیدگاه پزشکان و پرستاران شاغل در بیمارستان الزهراء اصفهان

دکتر احمدرضا زمانی<sup>۱\*</sup>، دکتر زهرا شرافت<sup>۲</sup>، دکتر رویا طالبان<sup>۳</sup>، دکتر نسرين جيريایي<sup>۴</sup>

\*دانشیار دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

zamani@med.mui.ac.ir

<sup>۲</sup> پزشک عمومی

<sup>۳</sup> دستیار پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

<sup>۴</sup> دستیار پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

**مقدمه:** ارتباط پزشک و بیمار به نوعی محوری ترین ارتباط در علم پزشکی میباشد. ارتباط و تعامل این دو گروه نقش موثری در رضایتمندی بیماران، کفایت بالینی پزشکان و پرستاران و نتایج درمانی دارد. نتیجه همکاری میان این دو، درمانی سریعتر و موفق تر است. ارتباط ضعیف موجب عدم اجرای دستورات دارویی و درمانی میشود لذا آموزش مهارت ارتباطی ضروری است. در ایران تحقیقات معدودی در مورد موانع این ارتباط صورت گرفته است. به دلیل اهمیت موضوع به نظر میرسد بررسی این موانع ارتباطی ضروری می باشد.

**روش ها:** این مطالعه یک مطالعه توصیفی - تحلیلی است که در نیمه دوم سال ۱۳۸۸ در بیمارستان الزهراء انجام شده است. جمعیت تحت مطالعه ۱۶۰ نفر شامل ۸۰ پزشک و ۸۰ پرستار، روش نمونه گیری آسان و نحوه جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه های بدون نام میباشد. پرسشنامه ها با مراجعه به بیمارستان و از طریق مصاحبه تکمیل و جمع آوری شده است. سوالات پرسشنامه به صورت طیف لیکرت بوده و با آزمون آماری Mann-whitney و chi-square تفسیر شده است. face validity و content validity پرسشنامه ها توسط استاد راهنما به تایید رسیده است. بعد از انجام pilot با حداقل ۳۰ پرسشنامه reliability به روش split half انجام شده است.

**نتایج:** از ۸۰ پزشک شرکت کننده در طرح ۲۴ نفر مرد و ۵۶ نفر زن و از ۸۰ پرستار ۳۸ نفر مرد و ۴۲ نفر زن بودند. ۶۱/۳٪ از کل شرکت کنندگان زن و ۳۸/۸٪ مرد بودند. ۵۰٪ پزشکان با مانع ارتباطی همکاری نگرفتن از پرستاران در تجویز داروها مخالفت کرده اند و در کل نسبت به پرستاران نظرات مخالف و کاملاً مخالف بیشتر وجود دارد. در بین پزشکان بیشترین موافقت با مانع ارتباطی عدم شناخت شخصیت طرف مقابل می باشد.

در بین پرستاران بیشترین مخالفت با مانع ارتباطی پایین بودن اعتماد به نفس بعضی پرستاران شده است و تقریباً در بقیه موارد پرستاران با موانع ذکر شده موافقت و بیشترین موافقت با مانع ارتباطی کمبود وقت و فضای کاری بیمارستان می باشد. تقریباً هر دو گروه با روش های مقابله با موانع ذکر شده موافق و کاملاً موافقت کردند.

**نتیجه گیری:** با توجه به نقش مهم مهارتهای ارتباطی در سیستم سلامت، به نظر می رسد گنجاندن آموزش مهارتهای ارتباطی در سیستم آموزشی و برگزاری کارگاههای آموزش مهارتهای ارتباطی جهت آموزش تئوری و عملی این مهارت ضروری بوده و گامی موثر در جهت ارتقاء سلامت جامعه میباشد.

## بررسی دیدگاه دانشجویان از نحوه ارتباطات پرستاران با بیماران در بالین

فاطمه گرائلی\*، ملیحه مختوم، دکتر اکرم ثناگو، علیرضا شریعتی، دکتر لیلا جویباری

دانشجو دانشگاه علوم پزشکی گلستان

graylifateme@yahoo.com

**مقدمه:** هسته اساسی پرستاری، بین پرستار و بیمار، برقراری ارتباط است. این ارتباط از نوع حرفه ای بوده، بر اساس اعتماد و احترام متقابل بنا شده است. ارتباطی که بین پرستار و بیمار به وجود می آید عملاً تشریک مساعی است که پرستار و بیمار جهت ارتقاء بالاترین سطح سلامت بیمار با هم برقرار می کنند. دانشجویان پرستاری بیش از نیمی از زمان آموزش را در مراکز درمانی می گذرانند و زمان مناسبی برای یادگیری از پرسنل دارند. دیدن الگوهای استاندارد می تواند در یادگیری ارتباطی دانشجویان موثر باشد.

**روش‌ها:** در این پژوهش کیفی با ۳۰ نفر از دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۳۹۱ که تجربه کارآموزی در بالین را داشتند، با روش نمونه گیری مبتنی بر هدف، مصاحبه های نیمه ساختار به عمل آمد. سوالات مصاحبه در باره تجربیات شان از مشاهده رفتار پرسنل پرستاری با بیماران بوده است. کلیه مصاحبه ها دست نویس و مطابق روش "تحلیل محتوا" آنالیز شدند.

**نتایج:** مضمون اصلی مطالعه "نداشتن رفتار منسجم" استخراج شد. دانشجویان پرستاری در مشاهدات خود رفتار پرسنل پرستاری با بیمار را از طیفی از "رسیدگی کامل تا کناره گیری از بیمار" تجربه نمودند. دانشجویان معتقد بودند برای ایجاد ارتباط حرفه ای نیاز است پرستاران "پاسخگو، خود کنترل، متخصص، با انگیزه، علاقمند به رشته" باشند. از بین بردن فاصله طبقاتی بین پرستار و پزشک، توجیه بیماران از نحوه ارتباط با پرستاران، پیشگیری از فرسودگی شغلی می تواند ارتباط پرستار و بیمار را بهبود بخشد. مشارکت کنندگان همچنین بر این باور بودند "درک و همدردی با بیماران، رسیدگی کردن به آنها و مهربان و صبور بودن، خود را جای بیمار گذاشتن" می تواند در این ارتباط موثر باشد.

**نتیجه‌گیری:** نتایج این مطالعه نشان داد که هر پرستار بر اساس اصول خاص خود و با توجه به بیمار و موقعیت، برخورد دارد که این ارتباطات از خوب تا بد را در بر می گیرد. خستگی، داشتن بیمار پرخاشگر، تبعیض در سازمان باعث تخریب این روابط می شود.

**واژه‌های کلیدی:** ارتباطات، پرستار، دانشجوی علوم پزشکی

## بررسی سطح مهارت‌های ارتباطی پزشک-بیمار در بین دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

سمیه دلاوری<sup>۱\*</sup>، شراره بهادری<sup>۲</sup>، سجاد دلاوری<sup>۳</sup>، سمانه دلاوری<sup>۴</sup>

\* کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز،

ایمیل: delavariso@gmail.com

<sup>۲</sup> امور بین الملل معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

<sup>۳</sup> کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۴</sup> کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

**مقدمه:** توانایی برقراری ارتباط، مهارت تعاملی و اقلدوانسانمیباشد که باید آنرا گسترش داد. مهارت‌های ارتباطی یکی از مهمترین ویژگی‌های لازم برای افراد شاغل در بخش‌های پارایه دهند خدمات درمانی می‌باشند. مهارت‌های ارتباطی در تشخیص صحیح بیماری و همکاری بیمار با ارائه دهندگان خدمات درمانی کمک کننده می‌باشند. مهارت‌های ارتباطی مناسب موجب رضایت بیمار، پیروی از دستورالعمل‌های درمانی و در نهایت بهبود ارائه خدمات درمانی می‌گردد. هدف از این پژوهش بررسی سطح مهارت‌های ارتباطی پزشک-بیمار در بین دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز می‌باشد.

**روش‌ها:** تعداد ۱۵۰ عدد پرسشنامه شامل ۲ قسمت مشخصات دموگرافیک و مهارت‌های ارتباطی با بیماران که بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه ای از بسیار کم تا بسیار زیاد امتیاز دهی شده بود، بین دانشجویان پزشکی کارورز و کارآموز در بیمارستان‌های آموزشی شیراز توزیع و جمع آوری شد. سپس با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل آماری صورت گرفت.

**نتایج:** ۷۰٪ افراد در گروه سنی ۲۵-۲۳ قرار داشتند. ۶۶٪ از دانشجویان اولین مکان برقراری ارتباط با بیمار را بخش‌های بالینی اعلام کردند. ۶۴٪ افراد به تاثیر یادگیری مهارت‌های ارتباطی از استاد نمره خیلی زیاد دادند. ۵۸٪ از دانشجویان معتقد بودند همراهی دستیار در یادگیری مهارت ارتباطی تاثیرگذار است. ۴۰٪ دانشجویان از مهارت‌های ارتباطی اطلاع کافی نداشتند. بین یادگیری مهارت‌های ارتباطی، زندگی در خوابگاه و ترم تحصیلی رابطه معنا داری وجود داشت. سن، جنسیت و مهارت‌های ارتباطی رابطه معنا داری وجود نداشت.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به اهمیت مقوله مهارت‌های ارتباطی با بیمار بهتر است نسبت آموزش به دانشجویان پزشکی در زمینه مهارت‌های ارتباطی قبل از حضور بر بالین بیمار، در غالب کلاس‌های درس و کارگاه‌های آموزشی تاکید بیشتری شود.

**واژه‌های کلیدی:** مهارت‌های ارتباطی، پزشک - بیمار، یادگیری

## نگرش پزشکان نسبت به افشای خبر بد به بیماران سرطانی

سید محسن حسینی نژاد\*، دکتر اکرم ثناگو، دکتر لیلا جویباری

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

[Hosseininejad.s.mohsen@gmail.com](mailto:Hosseininejad.s.mohsen@gmail.com)

**مقدمه:** در رسانه خبر بد توجه بسیاری را جلب میکند. اما در پزشکی، خبر بد نه تنها برای بیماران ناخوشایند است بلکه اغلب انتقالش از جانب پزشکان نیز دشوار میباشد. هدف مطالعه حاضر، ارزیابی نگرش پزشکان درباره افشای خبر بد به بیماران سرطانی است.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی، مقطعی که در شهر گرگان، استان گلستان، انجام شد 110 نفر از پزشکانی که در دوره های بازآموزی دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۳۹۱ شرکت کرده بودند، به روش سرشماری، پرسشنامه ای شامل ۱۰ آیتم مورد مطالعه بعلاوه اطلاعات دموگرافیک را تکمیل نمودند.

**نتایج:** حدود ۶۰ درصد پزشکان معتقد بودند که حقیقت همیشه باید به بیمار گفته شود. تقریباً همه پزشکان (۹۶,۷ درصد) مشارکت خانواده ها در فرآیند انتقال خبر بد و تشخیص سرطان به بیمار را کمک کننده میدانستند. کمتر از نیمی از پاسخگر ها عملکرد خود را در دادن خبر بد خوب و خیلی خوب ارزیابی نمودند. ۷۴,۷ درصد پزشکان داشتن راهبرد هایی برای چگونگی انتقال این قبیل خبرها را ضروری میدانستند و خواهان این راهبرد ها بودند.

**نتیجه‌گیری:** در کنار تحولات در آموزش پزشکی و پیچیده شدن آداب و رسوم اجتماعی تلاش های بیشتر در راستای ارائه آموزشهای رسمی جهت تعدیل و اصلاح دیدگاه پزشکان نسبت به دادن خبر بد به بیماران سرطانی و بهبود مهارت های ارتباطی پزشکان برای تعامل با بیماران و خانواده های آنان در ضروری به نظر میرسد.

**واژه‌های کلیدی:** خبر بد، بیماران سرطانی، نگرش پزشکان

## بررسی ارتباط دو زبانی\* با میزان مهارت های ارتباطی در دانشجویان

اکبر محمدی<sup>۱\*</sup>، ابوالحسن تقیبی<sup>۲</sup>، جمشید یزدانی چراتی<sup>۳</sup>، سارا خالقی<sup>۴</sup>

\*کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

[mohammadi8194@yahoo.com](mailto:mohammadi8194@yahoo.com)

<sup>۲</sup>دانشجوی دکتری آموزش بهداشت، گروه بهداشت عمومی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

<sup>۳</sup>گروه آمار زیستی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

<sup>۴</sup>کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

مقدمه: مهارت تسلط بر واژه ها، زیربنای کسب مهارت خواندن و مهارت های ارتباطی است و یکی از متغیرهای مهم و مؤثر محیطی که می تواند در دامنه واژگان افراد دخالت داشته باشد، پرورش یافتن در خانواده دوزبانه است. هدف این مطالعه بررسی ارتباط دو زبانی با میزان مهارت های ارتباطی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران بود.

روش ها: روش تحقیق این پژوهش، از نوع توصیفی- مقطعی است. آزمودنی های پژوهش شامل ۷۰۶ دانشجو (۳۱۸ پسر و ۳۸۸ دختر) دانشگاه علوم پزشکی مازندران بودند که از طریق نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. جهت گردآوری داده های پژوهش، از مقیاس مهارت های ارتباطی "کوئین دام" استفاده شد.

نتایج: براساس نتایج به دست آمده، افراد یک زبانه و دوزبانه در سه مهارت گوش دادن ( $p=0.012$ )، تنظیم عواطف ( $p=0.02$ ) و درک پیام ( $p=0.003$ ) بطور معناداری متفاوت بودند در مهارت های فرعی دیگر تفاوت معنادار مشاهده نشد.

نتیجه گیری: اگر بخشی از برنامه آموزشی در مدارس و دانشگاه ها به آموختن ابعاد مختلف زبان اول اختصاص داده شود و به تحکیم و ارتقای مهارت های زبان مادری اهمیت داده شود. انتقال مهارت ها شکل مثبت خواهد داشت. واژه های کلیدی: مهارت های ارتباطی؛ دوزبانی؛ دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران

\* - bilingualism



## سطح اجتماعی شدن در دانشجویان و ماماهاى شاغل در دانشگاه علوم پزشکی

مشهد ۱۳۹۱

سیده زهرا نصیری پور<sup>۱\*</sup>، نسرين باغداری<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> کارشناسی ارشد، گیلان، لاهیجان

ایمیل: nasiripourz891@mums.ac.ir

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد، دانشکده پرستاری و مامایی مشهد

**مقدمه:** دانش و مهارت‌های حرفه‌ای اساس ارائه‌ی مطلوب خدمات در بازار کار در هر شغلی است. هر حرفه، زمان، هزینه و تجهیزات قابل توجهی را برای انتقال دانش و مهارت‌های خود اختصاص می‌دهد و روش خاصی را بمنظور تبدیل شاغلین تازه‌کار به افراد حرفه‌ای دارد. این فرآیند، بعنوان اجتماعی‌شدن حرفه‌ای شناخته می‌شود. در طی دوران تحصیل، دانشجویان با اصول اولیه‌ی ارزش‌های حرفه‌ای آشنا می‌شوند و با ورود به محیط حرفه‌ای و بالینی، آن را بکار می‌بندند. لذا دانشجویان باید در طی تحصیل به سطح مناسبی از اجتماعی‌شدن دست یابند تا قادر به ارائه‌ی مطلوب خدمات در اجتماع باشند. با توجه به آنکه مطالعه‌ی ایدر کشور در زمینه اجتماعی‌شدن حرفه‌ای دانشجویان و ماماهاى شاغل به انجام نرسیده است، هدف این مطالعه تعیین سطح اجتماعی‌شدن حرفه‌ای در دانشجویان و ماماهاى شاغل شهر مشهد در سال ۱۳۹۱ می‌باشد.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر یک مطالعه‌ی توصیفی است که بین آبان تا بهمن ماه ۱۳۹۱ انجام شد. در مجموع در این مطالعه ۳۰۰ دانشجوی مامایی و مامای شاغل شرکت نمودند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی اجتماعی‌شدن حرفه‌ای استفاده شد که حاوی ۵۲ سؤال است. نمره‌ی این پرسشنامه از ۵۲ تا ۳۶۴ متغیر است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی انجام شد.

**نتایج:** میانگین نمره‌ی اجتماعی‌شدن حرفه‌ای در دانشجویان  $289.29 \pm 36.9$  بود. ۱٪ دانشجویان در سطح کم، ۲.۹٪ در سطح متوسط، ۴۴.۱٪ در سطح زیاد و ۵۳٪ در سطح خیلی زیاد اجتماعی‌شدن حرفه‌ای قرار داشتند. میانگین نمره‌ی اجتماعی‌شدن حرفه‌ای ماماهاى شاغل  $290.86 \pm 29.6$  بوده است که ۳.۱٪ در سطح متوسط، ۴۵.۶٪ در سطح زیاد و ۵۱.۳٪ در سطح خیلی زیاد اجتماعی‌شدن قرار داشتند. ۹۲.۲٪ از دانشجویان و ۹۴.۴٪ از شاغلین دارای یک الگو در مامایی بودند. ۶۵٪ دانشجویان، مریبان مامایی و ۲۹٪ آنها ماماهاى شاغل را بعنوان بهترین الگو در انتقال فرهنگ مامایی ذکر کردند. در ماماها نیز ۴۸.۲٪ مریبان مامایی و ۳۳.۸٪ همکارانشان را بهترین الگو انتخاب نمودند.

**نتیجه‌گیری:** اجتماعی‌شدن حرفه‌ای بازخورد برنامه‌ی آموزشی را نشان می‌دهد. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که سطح اجتماعی‌شدن دانشجویان و شاغلین مطلوب می‌باشد و مریبان مامایی از سوی دانشجویان و شاغلین بیشتر از سایرین بعنوان الگوی حرفه‌ای مدنظر قرار می‌گیرند، لذا برنامه‌ریزی و ارتقای سطح علمی و مهارتی مریبان مامایی می‌تواند در بهبود خدمات ارائه شده موثر باشد.

**واژه‌های کلیدی:** اجتماعی‌شدن حرفه‌ای، دانشجوی مامایی، ماما

## وضعیت آموزش مهارت های برقراری ارتباط برای دانشجویان پزشکی در دانشگاه های علوم پزشکی کشور

دکتر عظیم میرزازاده، دکتر فرهاد شاهی، دکتر نرگس صالح\*

دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

narsis\_saleh@yahoo.com

**مقدمه:** به نظر می رسد وضعیت مهارت های برقراری ارتباط در دانشکده های پزشکی کشور از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. در سال های گذشته تلاش هایی برای گنجاندن آموزش مهارت های برقراری ارتباط صورت گرفته است. در عین حال اطلاعات مدونی در مورد وضعیت این آموزش در کشور وجود ندارد. در این شرایط به نظر می رسد گردآوری اطلاعات در مورد وضعیت جاری آموزش مهارت های برقراری ارتباط در دانشکده های پزشکی کشور از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مطالعه حاضر تلاش می کند تا از طریق یک survey پستی به بررسی این امر بپردازد.

**روش ها:** بر اساس مطالعات انجام شده و مرور متون مطالعات مشابه، پرسشنامه طرح تهیه و پس از انجام پایلوت و تأیید پایایی آن نهایی شد.

۱. تماس تلفنی با مراکز توسعه آموزش و یا معاونت آموزشی دانشگاه های علوم پزشکی سراسر کشور انجام شد و دانشگاه هایی که دوره آموزشی مهارت های ارتباطی برای دانشجویان پزشکی داشتند مشخص گردید.
۲. پرسشنامه از طریق پست الکترونیکی برای دانشکده های پزشکی دانشگاه های علوم پزشکی که دوره آموزشی مهارت های ارتباطی را در برنامه درسی خود داشتند، ارسال شد.
۳. در صورت عدم ارسال پاسخ، یادآوری تلفنی انجام شد.
۴. اطلاعات پرسشنامه های بازگشتی با استفاده از نرم افزار SPSS وارد بانک اطلاعاتی خواهند شد.
۵. اطلاعات مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.
۶. گزارش نهایی تدوین خواهد شد.

**نتایج:** در کل کشور ۵۱ دانشگاه علوم پزشکی وجود دارد. که طبق هماهنگی های بعمل آمده با مراکز توسعه و معاونت های آموزشی، تنها در ۴۷ دانشگاه، دانشجوی پزشکی پذیرش می شود و از این بین، تنها در ۱۲ دانشکده پزشکی برنامه ریزی برای آموزش مهارت های ارتباطی به دانشجویان پزشکی صورت گرفته است. در این راستا پرسشنامه ای مبنی بر چگونگی آموزش مهارت های برقراری ارتباط برای دانشکده های مذکور ارسال شد. از آنجا که این طرح در حال اجرا می باشد، تاکنون ۷۰٪ پرسشنامه ها تکمیل شده و در آنالیز اولیه مشخص شده است که آموزش این مهارت ها عمدتاً به صورت اجباری و در مقطع فیزیوپاتولوژی ارائه می شود.

**نتیجه گیری:** وضعیت مهارت های برقراری ارتباط در دانشکده های پزشکی کشور از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست و تنها ۲۵٪ دانشکده های پزشکی سراسر کشور این مهارت ها را به دانشجویان پزشکی آموزش می دهند.

**واژه های کلیدی:** مهارت های ارتباطی، دانشکده پزشکی، دانشجوی پزشکی، آموزش پزشکی

## مهارت برقراری ارتباط ضرورتی انکار ناپذیر در کریکولوم دانشجویان علوم پزشکی

صدیقه مومنی<sup>۱</sup>، محمدرضا عبدالملکی\*<sup>۲</sup>، مجتبی ساعدپنا<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>کارشناس ارشد آموزش پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان

<sup>۲\*</sup>کارشناس ارشد و دانشجوی دکتری آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کردستان

[rezaabdolmalki@yahoo.com](mailto:rezaabdolmalki@yahoo.com)

<sup>۳</sup>کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان

مقدمه: طی سالهای اخیر اهمیت آموزش مهارتهای برقراری ارتباط در تمام دانشگاههای جهان مورد تاکید بوده است به طوریکه ACGME صلاحیت پزشکان را در ۶ حیطه تعیین نموده است که یکی از آنها مهارت برقراری ارتباط می باشد. این مطالعه با هدف گنجاندن مهارت برقراری ارتباط در کریکولوم دانشجویان علوم پزشکی طراحی شده است.

روشها: این مقاله یک مطالعه مروری است و با کلمات کلیدی «مهارت برقراری ارتباط» در پایگاههای داده ای ایران مدکس، ایران داک، گوگل اسکولار، پاب مد و اریک انجام شد.

نتایج: نتایج نشان داد که در ایران آموزش مهارتهای برقراری ارتباط به صورت غیر رسمی است و تنها از طریق مشاهده برخورد استاد با بیمار انجام می شود و بیشترین میزان یادگیری در گزارشات صبحگاهی است، ارزیابی مهارت برقراری ارتباط دانشجویان علوم پزشکی کمتر از حد متوسط است. مطالعات عمده ترین علت نارضایتی بیماران را عدم رفتار احترام آمیز کارکنان می دانند و نیز بهبود سریعتر بیماران همبستگی مثبت با رفتار همدلانه کارکنان داشته است بررسی ها نشان می دهد که مهارتهای ارتباطی اساتید و پزشکان نیز در حد قابل قبولی نیست این در حالی است که آنها نسبت به این موضوع نگرش مثبتی دارند.

نتیجه گیری: حرف پزشکی همزمان با همکاران، بیماران و خانواده بیماران در ارتباط هستند. در حیطه ارتباط با سایر حرفه ها این مهارت به عنوان یک عامل مهم در بهبود کار تیمی، کاهش هزینه ناشی از دوباره کاری و کاهش خطاهای انسانی، کاهش تنش و اضطراب بین حرفه های مختلف و افزایش نگرش مثبت به سایر حرفه ها شناخته شده است. در حیطه ارتباط با بیمار کاهش درد و اضطراب، مشارکت بیشتر در درمان، ارائه شرح حال دقیق، تشخیص سریع و صحیح و در نهایت درمان موفقیت آمیز شده و نتیجه آن افزایش رضایتمندی بیماران است. و در حیطه ارتباط با همراه بیمار باعث بهبود اوضاع در شرایط بحرانی و کاهش استرس و هیجانات همراه بیمار در بدو ورود به بیمارستان و اعتماد به سیستم و همکاری با پرسنل و در نهایت افزایش کیفیت خدمات خواهد شد. با توجه با اهمیت چند گانه آموزش مهارت برقراری ارتباط ضروری است که این واحد به صورت متوالی و در طی چند نیمسال به روش ایفای نقش به دانشجویان آموزش داده شود تا آنها بعنوان اساتید و کارکنان آینده توانایی مدیریت شرایط بحرانی را داشته با کمترین تنش اوضاع را مدیریت نمایند.

واژه های کلیدی: آموزش، مهارت برقراری ارتباط، دانشجویان علوم پزشکی، بیماران

## استفاده از بیمار استاندارد شده در ارزیابی مهارت‌های ارتباطی دانشجویان پزشکی

فاطمه منجدبی<sup>۱\*</sup>، دکتر ماندانا شیرازی<sup>۲</sup>، دکتر علی لباف<sup>۳</sup>، دکتر محمد جلیلی<sup>۴</sup>، دکتر عظیم میرزا زاده<sup>۵</sup>، دکتر فرشید علاء‌الدینی<sup>۶</sup>، فرناز احمدی<sup>۷</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی دکتری پرستاری دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

Email: fmonjazebi@gmail.com

<sup>۲</sup> هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران، استادیار، گروه آموزش پزشکی

<sup>۳</sup> هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران، استادیار، گروه طب اورژانس

<sup>۴</sup> هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشیار، گروه طب اورژانس

<sup>۵</sup> هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران، استادیار، گروه داخلی

<sup>۶</sup> دکترای رشته اپیدمیولوژی

<sup>۷</sup> کارشناس ارشد آمار حیاتی

**مقدمه:** استفاده از بیماران استاندارد شده یا Standardized Patient یکی از روش‌های نوین در آموزش و ارزیابی مهارت‌های بالینی و ارتباطی است. مطالعه حاضر با هدف استفاده از بیمار استاندارد شده در ارزیابی مهارت‌های ارتباطی دانشجویان پزشکی انجام شده است. **روش‌ها:** مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی و از نوع توصیفی تحلیلی است. در این مطالعه نمونه مورد پژوهش شامل ۱۰ نفر بیمار استاندارد شده و ۳۰ دانشجو در مقطع کارآموزی بود. پس از ارائه فراخوان با افرادی که به مرکز آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی تهران مراجعه نمودند، مصاحبه شد که نهایتاً ۱۰ نفر از این افراد انتخاب شده و تحت آموزش قرار گرفتند. آموزش بیماران استاندارد شده بر اساس الگوی Peggy wallace در چهار مرحله با تأکید بر پر کردن چک لیست مهارت‌های ارتباطی کالگری - کمبریج انجام شد. ۳۰ دانشجو در مقطع کارآموزی که دوره مهارت‌های ارتباطی را در سال چهارم رشته پزشکی گذرانده بودند وارد مطالعه شدند. پس از برگزاری آزمون و فیلم‌برداری از آن چک لیست‌ها توسط بیماران استاندارد شده و دانشجویان پر شد. سپس فیلم‌ها توسط سه نفر از اعضای هیأت علمی مشاهده و چک لیست ارزیابی مهارت‌های ارتباطی کالگری - کمبریج توسط آنان پر شد. با کمک آزمون‌های آماری، همبستگی بین نمرات و توافق بین میانگین نتایج ارزیابی صورت گرفته توسط اعضای هیأت علمی و بیماران استاندارد شده تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** یافته‌ها نشان داد سن اکثریت بیماران استاندارد شده (۴۰٪) بین ۲۰-۳۰ سال بود، میانگین سنی این افراد ۴۱ سال با انحراف معیار ۱۶٫۸ سال بود. ۷۳٪ آنان زن و ۵۰٪ آنان متأهل بودند. همبستگی نمرات اعضای هیأت علمی و توافق بین نتایج ارزیابی صورت گرفته توسط اعضای هیأت علمی، نشان داد که به جز یک نفر از افراد توانایی ایفای نقش به عنوان بیمار استاندارد

شده را ندارد و در بقیه موارد همبستگی بین نمرات داده شده به بیمار استاندارد شده توسط اعضای هیأت علمی بالای  $r=0.8$  بود. توافق بین نمره اعضای هیأت علمی با آزمون Intraclass Correlation Coefficient بررسی شد که نتایج معنی دار با  $P=0.01$  و  $ICC=0.85$  بود. توافق بین نمره اعضای هیأت علمی با بیمار استاندارد شده با آزمون kappa coefficient بررسی شد که نتایج معنی دار و با  $P=0.00$  و  $Kappa=0.7$  بود.

**نتیجه‌گیری:** استفاده از بیمار استاندارد شده برای سنجش عملکرد دانشجویان پزشکی در زمینه مهارت‌های ارتباطی از روایی و پایایی بالایی برخوردار است. کاربرد این شیوه نه تنها در ارزشیابی دانشجویان بلکه در آموزش به آنان نیز کار آمد خواهد بود. **واژه‌های کلیدی:** بیمار استاندارد شده، مهارت‌های ارتباطی، ارزیابی

## برایند جامعه پذیری حرفه‌ای دانشجویان پرستاری: احساس بالندگی یا بازندگی

دکتر احمد رضا یزدان نیک\*، دکتر زهره پارسا یکتا، مریم زمانی

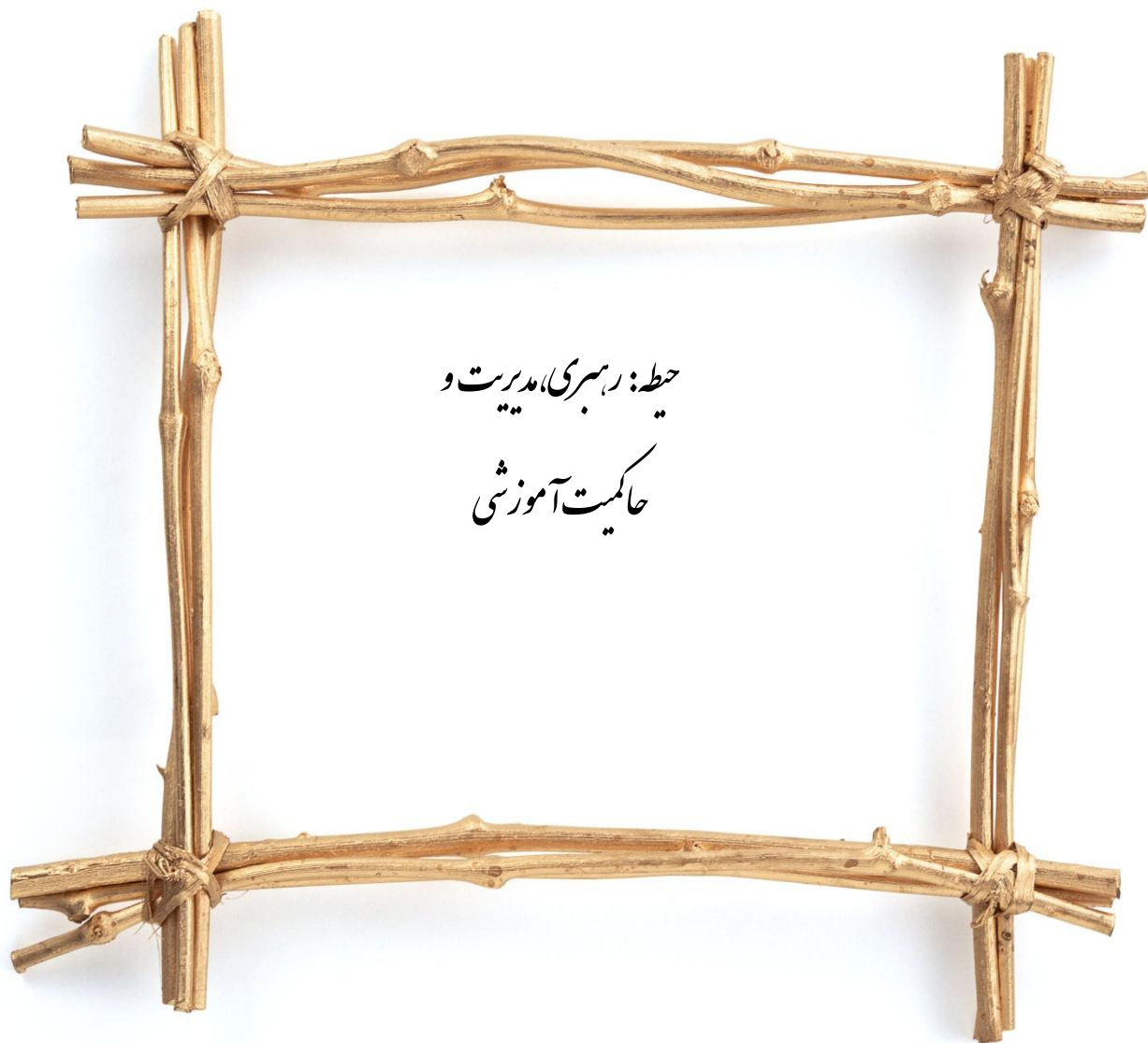
دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده پرستاری و مامایی

[yazdannik@nm.mui.ac.ir](mailto:yazdannik@nm.mui.ac.ir)

**مقدمه:** فرایند جامعه پذیری حرفه‌ای از دوران تحصیل دانشگاهی آغاز می‌شود و در طی اشتغال فرد ادامه می‌یابد، ولی شاکله‌ی اصلی آن در دوران تحصیل شکل می‌گیرد. انتظار می‌رود که دانشجویان در دوره‌ی تحصیل علاوه بر کسب دانش و مهارت‌های ضروری حرفه، بینش‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و اخلاق مربوط به آن حرفه را نیز کسب و درونی نمایند. در این صورت می‌توان اطمینان داشت که تعهد، مسئولیت پذیری و هویت حرفه‌ای در آن‌ها شکل گرفته است. شواهدی چون ترک و تغییر رشته تحصیلی، انگیزش تحصیلی ناکافی، عدم ورود به حرفه به رغم بازار کار مناسب و دیدگاه نامناسب دانشجویان به حرفه، بر اختلال در روند جامعه پذیری حرفه‌ای در دانشجویان پرستاری دلالت دارند. این مطالعه با هدف بررسی چگونگی برایند جامعه پذیری حرفه‌ای دانشجویان پرستاری انجام شده است.

**روش‌ها:** این مطالعه بخشی از یک پایان نامه دکتری است که با روش کیفی تحلیل گفتمان انجام شده است. در این مطالعه، تحلیلگر از گویه‌های حاصل از ۳ مصاحبه نیمه ساختاری گروهی با دانشجویان ترم آخر پرستاری برای بررسی گفتمان دانشجویی بهره برده است. مصاحبه‌ها با اجازه شرکت کنندگان ضبط شده، سپس کلمه به کلمه از نوار پیاده شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. تحلیل ساختارهای خرد و کلان متنی با استفاده از تکنیک‌های بررسی گزینش واژگان، تکرار واژگان، با هم‌آیی واژگان، تقابل واژگان و فرایندهای برجسته‌سازی و حذف صورت گرفت.

**نتایج:** یافته‌ها نشان داد که گفتمان دانشجویی پرستاری، گفتمانی در حاشیه و فاقد قدرت است و در گفتمان دانشگاهی تحت سیطره‌ی گفتمان پزشکی فرار دارد. در گفتمان سلامت، ارزش‌ها و الگوی پزشکی به عنوان هنجار پذیرفته شده‌اند. عدالت آموزشی، تبعیض ستیزی، مظلومیت حرفه‌ای، حقوق مددجو و سلامت محوری از دال‌های اصلی گفتمان دانشجویی پرستاری هستند و پروژه‌ی دگرسازی از دانشجویان پزشکی به عنوان اولین گام هویت یابی در این گفتمان مشهود است.



## درک مدیران آموزش پرستاری از چالش‌های ارزیابی نظام آموزشی

مسعود خداویسی\*، مهرنوش بازارگادی، فریده یغمائی، علی بیک مرادی

\* استادیار پرستاری بهداشت جامعه و عضو مرکز تحقیقات مراقبت از بیماریهای مزمن در منزل، دانشگاه علوم

پزشکی همدان

Khodaveisi@umsha.ac.ir

**مقدمه:** اطلاع از وضعیت موجود ارزیابی آموزشی جهت بررسی کیفیت نظام آموزشی، ضروری می باشد لذا مطالعه حاضر با هدف تبیین درک مدیران آموزش پرستاری از چالش‌های ارزیابی نظام آموزشی انجام گردید.

**روش‌ها:** این پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوا در سال ۱۳۹۰ انجام شد. داده‌های این مطالعه از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۲۱ نفر از مدیران آموزش پرستاری شامل اعضای هیئت ممثنه و ارزشیابی پرستاری، رؤسا، معاونین و اعضای کمیته‌های ارزشیابی دانشکده‌های پرستاری و مامائی بدست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوا انجام شد.

**نتایج:** یافته‌های پژوهش در قالب مضمون‌های مربوط به چالش‌های ارزیابی در سه حیطه عوامل دروندادی، عوامل فرایندی و عوامل بروندادی نظام آموزشی ظهور یافتند. چالش‌های مربوط به عوامل دروندادی ارزیابی در نظام آموزشی در ۶ طبقه شامل محدودیت‌های مدیریت آموزشی، فقدان سیاست‌ها و رویکرد مناسب ارزیابی، فرهنگ نامناسب ارزیابی، پذیرش متمرکز دانشجویان، ارزیابی ناکارآمد از مدرسین، ناکافی بودن نظارت بر برنامه‌ها و دوره‌های آموزشی می باشند. چالش‌های مربوط به عوامل فرایندی ارزیابی در نظام آموزشی در ۶ طبقه شامل روشن نبودن اهداف و مقاصد ارزیابی، ناکافی بودن ابزارهای ارزیابی، فقدان نظام بازخورد، عدم شایستگی کافی ارزیابان، توجیه نبودن ارزیابی شوندگان و محدودیت‌های محیط آموزش بالینی می باشند. چالش‌های مربوط به عوامل بروندادی ارزیابی در نظام آموزشی در ۴ طبقه شامل ارزیابی ناکارآمد پیشرفت تحصیلی دانشجویان، مشخص نبودن متولی ارزیابی دانش‌آموختگان، عدم اطلاع از سرنوشت شغلی دانش‌آموختگان و عدم ارزیابی تاثیر گذاری دانش‌آموختگان بر جامعه می باشند.

**نتیجه‌گیری:** بررسی وضعیت موجود ارزیابی نشان می دهد چالش‌های متعددی در این بخش وجود دارد. از طرفی اثربخش نمودن ارزیابی در آموزش پرستاری، نیازمند الزامات متعددی است. تمرکز بر چالش‌های ارزیابی و بکارگیری الزامات ارزیابی توسط مدیران آموزش پرستاری می تواند اثربخشی ارزیابی در آموزش پرستاری را بهبود بخشد.

**واژه‌های کلیدی:** ارزیابی نظام آموزشی، مدیران آموزش پرستاری، پژوهش کیفی

## فاصله بین تحقیقات و حوزه بالینی پرستاری مانعی برای آموزش روزآمد

نسرین گله دار\*، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی لرستان، دانشجوی دکتری پرستاری

دکتر علیرضا یوسفی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

سهیلا جعفری، دانشجوی دکتری پرستاری

سپیده محمدی، دانشجوی دکتری پرستاری

Galehdar\_nas@yahoo.co.in

**مقدمه:** تحقیق پرستاری برای توسعه پایه دانش علمی ضروری بوده و مداخله در ابعاد زیستی روانی اجتماعی مددجویان، بر اساس رویکرد آموزشی، پژوهشی خاص این رشته به انجام می رسد. تحقیق پرستاری از تمرکز اولیه بر آموزش به سوی توسعه دانش علمی پایه برای عملکرد پرستاری می باشد. تحقیق پرستاری یک فرآیند علمی است که باعث تولید دانش جدید گردیده و دارای تاثیر بر امر آموزش بالینی می شود. با توجه به اینکه بخش بزرگی از آموزش پرستاری در حوزه بالین می باشد، استفاده از نتایج تحقیقات یکی از مهمترین راههای ارتقاء به آموزش در حرفه پرستاری است. ولی مشاهده می شود که این فریضه رعایت نشده و اثر خود را بر روی عملکرد و در نهایت پیرآیند نهایی آموزش پرستاری می گذارد.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر یک مطالعه مروری بوده که با استفاده از منابع کتابخانه ای و با هدف بررسی در زمینه کاربرد چالش تحقیقات و کاربرد آن در حوزه بالین پرستاری و همچنین با استفاده از جستجوی مقالات بامتورهای جستجوگر وسایتهای معتبر علمی در مقالات متن کامل سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱ انجام گردیده است. سعی شد مقالات با نظرات متفاوت بررسی شوند. در مجموع حدود ۸۰ منبع مختلف در این زمینه استخراج شد و بررسی شدند.

**نتایج:** نتایج حاصل از بررسی و مطالعه منابع متفاوت بیانگر وجود عدم کاربرد اصولی نتایج در حوزه بالینی پرستاری بودند و می توان گفت که اکثریت مطالعات بیانگر این مشکل در سراسر جهان است. وارکو و هیلتون در مطالعه ای که در کانادا بر روی ۱۸۳ پرستار انجام دادند دریافتند که ۹ تا ۱۰ پروسیجر بررسی شده در این مطالعه تا ۵۰ درصد و یا بیشتر توسط پرستاران بخش مراقبت های ویژه حداقل بعضی وقتها رعایت می شود. مطالعات دیگر نداشتن وقت کافی جهت مطالعه یافته های تحقیق را عنوان می کند. برخی مطالعات نشان داده اند که پرستاران بالینی از یافته های تحقیقی آگاه نبوده و بکارگیری نتایج تحقیق را جهت عملکرد پرستاری ضروری می دانند و این درک به عدم حمایت مدیریت نسبت داده شده است.

**نتیجه گیری:** کاربرد تحقیق در حوزه بالینی اندک است و علل متعددی سبب بروز نقصان گستره استفاده از نتایج تحقیقات در حوزه عملکرد پرستاران گردیده است. از طرفی آموزش دانشجویان در بالین نیز از این امر متأثر می شود و این مشکل رفع نخواهد شد مگر اینکه علوم خود را بروز رسانی نموده و از نتایج تحقیقات بهره ببرند. این در حالیست که نتایج برخی مطالعات بیانگر عدم استفاده از نتایج تحقیقات در درصد بالایی از پرستاران است.

**واژه های کلیدی:** تحقیق، پرستاری، بالین، آموزش



## آموزش مبتنی بر شواهد و دانش، نگرش، درک و تجربه دانشجویان پرستاری: یک مطالعه ترکیبی

سیده فاطمه جلالی نیا\*، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران  
jalalinia@tums.ac.ir

**مقدمه:** آموزش مبتنی بر شواهد رویکردی است که انتظار می‌رود مهارت‌هایی مانند مباحثه، تعامل، انتقاد، تفسیر، استدلال، تجزیه و تحلیل، قضاوت و تصمیم‌گیری صحیح در دانشجویان را ارتقا ببخشد. جهت اجرای این رویکرد، شواهدی منتج از تحقیق مورد نیاز است که حمایت‌کننده اثربخشی آن باشد. هدف از این مطالعه بررسی پیامدهای کمی و کیفی آموزش پرستاری با رویکرد مبتنی بر شواهد در دانشجویان پرستاری است.

**روش‌ها:** این مطالعه پژوهشی ترکیبی است. در بخش کمی، کلیه دانشجویان پرستاری (۴۱ نفر) دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران که دروس اورتوپدی و گوارش را می‌گذرانند، انتخاب و با تخصیص تصادفی به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند. پس از تدریس دروس نامبرده با رویکرد مبتنی بر شواهد برای گروه مداخله، و با روش معمول برای گروه کنترل، آگاهی و نگرش دانشجویان در دو گروه مقایسه و درک و تجربه دانشجویان گروه مداخله در مورد آموزش مبتنی بر شواهد بررسی شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در بخش کمی پرسشنامه و آزمون چهار گزینه‌ای، و در بخش کیفی مصاحبه نیمه ساختارمند و عمیق بود. نتایج بخش کمی در نرم افزار SPSS، 15 و بخش کیفی از طریق آنالیز محتوی کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج بخش کمی نشان داد شش ماه پس از پایان دوره، در آزمون یادسپاری، در دو گروه، تفاوت میانگین نمره در درس گوارش بیشتر از درس اورتوپدی است. بین نمرات دو درس در دو گروه اختلاف آماری معنی دار وجود داشت ( $P = 0/003$ ). همچنین یافته‌ها تفاوت معنی دار آماری بین میانگین امتیازات حاصل از نگرش و نوع نگرش را در دو گروه، نشان داد ( $P = 0/000$ ). در بخش کیفی پژوهش، از آنالیز داده‌ها ۳۱ طبقه فرعی، نه طبقه اصلی و سه درون مایه اصلی "زمینه‌سازهای اجرایی"، "فراصلاحیت‌ها" و "یادگیری نهادینه" استخراج گردید.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش، آموزش مبتنی بر شواهد می‌تواند به عنوان رویکردی مفید و تکمیلی در کنار روش معمول آموزش، در آموزش پرستاری به کار گرفته شود. این رویکرد نه تنها در یادگیری مطالب درسی به مانند روش معمول موثر است، بلکه به پیامدهای مطلوبی مانند یادگیری ماندگار مطالب، منجر شده است. نتایج این مطالعه می‌تواند برای برنامه‌ریزان،

مدیران آموزشی و مدرسان پرستاری جهت بازنگری برنامه‌ریزی درسی پرستاری و ایجاد محیطی آموزشی به منظور کاربرد نتایج تحقیقات در عمل، و در نتیجه کم کردن شکاف بین آموزش و عملکرد سودمند باشد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش مبتنی بر شواهد، آگاهی، نگرش، درک، تجربه، دانشجویان پرستاری

## ارتباط جایگاه مهار سلامت و افسردگی در دانشجویان دانشکده پرستاری-مامایی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

مهستی گنجو<sup>۱\*</sup>، زهرا محیط قیری<sup>۲</sup>، هما سلیمانی<sup>۳</sup>، سمیه حسینی<sup>۴</sup>، پروانه صفرپور<sup>۵</sup>

\*کارشناس ارشد مدیریت بهداشت جامعه، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۲</sup>دانشجوی کمیته تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۳</sup>دانشجوی کمیته تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۴</sup>مشاور آمار، کارشناس معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۵</sup>کارشناس آموزشی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

[mahastvganjoo@yahoo.com](mailto:mahastvganjoo@yahoo.com)

**مقدمه:** مفهوم جایگاه مهار، در سراسر تاریخ بشری مورد توجه بوده است. پذیرش حوادث به عنوان پیامد رفتار خودمان در قالب کنترل داخلی و پذیرش حوادث به عنوان نتیجه عملکرد دیگران و ارتباط دادن حوادث به شانس، قضا و قدر و نیز سرنوشت به عنوان جایگاه مهار خارجی توضیح داده می شود. این مقیاس به عنوان یکی از موثرترین ابزارهای سنجش عقاید مربوط به سلامت مورد استفاده قرار گرفته است. تحقیقات پیرامون جایگاه چند بعدی مهار نشان می دهد که هر دو نوع جایگاه بیرونی مهار، با افسردگی به هم مرتبط اند. افسردگی، دومین بیماری شایع پس از بیماری های قلبی-عروقی است و به عنوان نخستین معضل سلامتی در دنیا تلقی شده که هزینه ی فراوانی به بیمار و جامعه تحمیل می کند. با توجه به اهمیت این دو موضوع، پژوهش حاضر با هدف تعیین ارتباط میان جایگاه مهار سلامت و افسردگی انجام داده شده است.

**روش ها:** پژوهش حاضر یک مطالعه ی توصیفی-تحلیلی، با هدف تعیین ارتباط بین جایگاه مهار سلامت و افسردگی به صورت سرشماری در دانشجویان دانشکده ی پرستاری-مامایی بوشهر انجام گردیده است.

**نتایج:** در این مطالعه، حجم نمونه ۷۷ نفر می باشد. ۸۸/۳٪ زن و ۱۱/۷٪ مرد هستند. متوسط سن دانشجویان ۲۰ سال است. در خصوص سطوح افسردگی ۶۴/۹٪ افسردگی گزارش نکرده اند، ۲۳/۴٪ سطح افسردگی پایین و ۹٪ افسردگی متوسط را گزارش کردند. بین جایگاه مهار سلامت داخلی و افسردگی ارتباط مثبت وجود دارد ( $p < 0.001$ ,  $r = 0.866$ ). بین جایگاه مهار دیگران و افسردگی ارتباطی نبوده است. ارتباط بین جایگاه مهار شانس و افسردگی معنادار بوده است ( $p < 0.001$ ). ارتباط بین افسردگی با سن دانشجویان، جنسیت، رشته تحصیلی، معدل و رضایت از رشته تحصیلی معنادار نیست.

**نتیجه گیری:** بر اساس پژوهش حاضر ارتباط بین جایگاه مهار سلامت و افسردگی مثبت محاسبه گردید. پژوهش ها نیز نشان می دهند که افراد دارای کنترل بیرونی یا درونی دارای رفتارهای متفاوتی هستند. اشخاص با منبع کنترل درونی بیش از دارندگان منبع کنترل بیرونی انگیزه پیشرفت دارند. با توجه به اهمیت آموزش پزشکی در کشور می بایست به دنبال راه های مناسب جهت ارتقای کیفیت آموزش و افزایش توانمندی دانشجویان رشته های علوم پزشکی باشیم. با این امید که یافته های این پژوهش بتواند گامی جهت ارتقای کیفیت آموزش گروه های پزشکی بردارد.

**واژه های کلیدی:** جایگاه مهار سلامت، افسردگی، جایگاه مهار داخلی، جایگاه مهار خارجی دیگران، جایگاه مهار خارجی شانس

## بررسی تأثیر آموزش مهارت حل مسأله بر میزان افسردگی دانشجویان پرستاری

سهیلا شمسی خانی<sup>۱\*</sup>، مولود فراهانی<sup>۲</sup>، سیمین شمسی خانی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> مربی، کارشناسی ارشد، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

<sup>۲</sup> مربی، کارشناسی ارشد، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد پرستاری، بیمارستان طالقانی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

soheilanurse@gmail.com

**مقدمه:** افسردگی یکی از شایعترین اختلالات روان می باشد که شیوع آن در قشر دانشجویی ۱۰-۴۶٪ تخمین زده شده است. هدف از این تحقیق بررسی تأثیر مهارت حل مسأله بر میزان افسردگی دانشجویان می باشد.

**روش‌ها:** این تحقیق یک مطالعه نیمه تجربی است با طراحی قبل و بعد و گروه کنترل است که در سال ۱۳۹۰ انجام شده است. ابتدا به صورت سرشماری از تمامی دانشجویان مؤنث رشته پرستاری در خواست شد که پرسشنامه دموگرافیک و تست افسردگی بک را جهت تعیین سطح افسردگی تکمیل کنند، سپس ۵۷ نفر که نمره بالای بک (۱۰-۳۰) را کسب کرده بودند، به صورت تصادفی به گروه آزمون (۳۰) و شاهد (۲۷) نفر تقسیم شدند. برای گروه آزمون جلسات حل مسأله طی هفت جلسه و دو بار در هفته تشکیل شد. سپس مجدداً یک هفته بعد تست بک برای هر دو گروه ارزیابی شد. داده ها با نرم افزار spss و آزمون تی مستقل وتی زوجی تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** بین میانگین نمره افسردگی گروه آزمون و شاهد قبل از انجام مداخله تفاوت معنی دار مشاهده نشد ( $P > 0.05$ ). ما این اختلاف پس از مداخله معنی دار بود ( $P < 0.05$ ) در گروه آزمون بین میانگین نمره افسردگی بعد از مداخله تفاوت معنی دار مشاهده شد ( $P < 0.05$ ).

**نتیجه‌گیری:** آموزش مهارت حل مسأله بر افسردگی موثر بوده و می تواند در جهت درمان اختلال افسردگی بکار رود.

**واژه‌های کلیدی:** افسردگی، مهارت حل مسأله، دانشجوی پرستاری

## فرسودگی تحصیلی و آمادگی برای خود راهبری در یادگیری در دانشجویان پرستاری

فرهاد تنهای رشوانلو

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس امام محمد باقر(ع) بجنورد

tanha@alumni.ut.ac.ir

**مقدمه:** لازمه موفقیت در رشته پرستاری به روز بودن دانش و مهارت‌ها و خود راهبر بودن یادگیری آن است. خود راهبری در یادگیری میزان مسئولیتی است که فراگیر در رابطه با یادگیری خود می‌پذیرد و آمادگی برای یادگیری خود راهبر به معنای درجه مالکیت بر نگرش‌ها، توانایی‌های فردی و ویژگی‌های شخصیتی لازم جهت این یادگیری است. درگیری دانشجویان در مسائل یادگیری نظری و مهارتی مرتبط با رشته تحصیلیشان ممکن است زمینه بروز نگرش، رفتار و احساس منفی نسبت به مسائل تحصیلی یا فرسودگی تحصیلی در آنان گردد. به نظر می‌رسد فرسودگی تحصیلی بر آمادگی برای یادگیری دانش و مهارت‌های مرتبط با شغل در ارتباط باشد. بر این اساس هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش تعیین کننده ابعاد فرسودگی تحصیلی (خستگی عاطفی، شک و تردید و ناکارآمدی تحصیلی) در آمادگی برای خود راهبری در یادگیری (خود کنترلی، خود مدیریتی و رغبت به یادگیری) در دانشجویان پرستاری بود.

**روش‌ها:** در یک طرح همبستگی تعداد ۸۳ نفر از دانشجویان کارشناسی پیوسته پرستاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد به شیوه تصادفی در دسترس انتخاب شدند. میانگین سنی شرکت کنندگان  $23/06 \pm 5/13$  بود. گردآوری داده‌ها به صورت گروهی و با مقیاس‌های فرسودگی تحصیلی مسلش (شوفلی و همکاران، ۲۰۰۲) و آمادگی برای خود راهبری در یادگیری (فیشر و همکاران، ۲۰۰۱) صورت گرفت. تحلیل داده‌ها با همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام و با استفاده از نرم افزار SPSS.17 انجام شد.

**نتایج:** نتایج نشان داد که میان خستگی عاطفی و ناکارآمدی تحصیلی با خود کنترلی و رغبت به یادگیری رابطه منفی و معناداری وجود دارد. شک و تردید و خود مدیریتی با متغیرهای دیگر در ارتباط نبودند. رگرسیون گام به گام نیز گویای آن بود که در بهترین مدل پیش بینی خود کنترلی دانشجویان پرستاری از روی خستگی عاطفی قابل پیش بینی بود و خستگی عاطفی می‌توانست ۰/۰۹ درصد از واریانس خود کنترلی را تبیین نماید. رغبت به یادگیری نیز در بهترین مدل پیش بینی بر حسب ناکارآمدی تحصیلی قابل پیش بینی بود به صورتی که این متغیر می‌توانست ۱۷ درصد از واریانس رغبت به یادگیری را تبیین نماید. خود مدیریتی بر حسب فرسودگی تحصیلی قابل پیش بینی نبود.

**نتیجه‌گیری:** یافته‌های پژوهش حاضر گویای آن بود که احساس فشار روانی ناشی از حضور در محل تحصیل و پرداختن به فعالیت‌های تحصیلی بر ادراکی که دانشجویان از توانایی خود برای کنترل مهارت‌های لازم جهت یادگیری اثر بخش دارند تأثیر منفی دارد. از سوی دیگر احساس ناکارآمدی در مسائل درسی نیز می‌تواند بر رغبت دانشجویان برای یادگیری این مسائل تأثیر منفی داشته باشد. به نظر می‌رسد به واسطه اهمیت استمرار فرایند یادگیری در دانشجویان پرستاری و تبعات فردی و اجتماعی آن، متخصصان مشاوره دانشجویی و اساتید باید تمرکز بیشتری بر هیجانات مرتبط با یادگیری در دانشجویان داشته باشند.

**واژه‌های کلیدی:** آمادگی برای خود راهبری در یادگیری، فرسودگی تحصیلی، دانشجویان پرستاری

## نگرش پرسنل پرستاری نسبت به دانشجویان پرستاری

معصومه آقامحمدی<sup>1\*</sup>، منصوره کریم‌اللهی<sup>۲</sup>

<sup>1\*</sup> دکتری آموزش پرستاری، استادیار، عضو هیات علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

<sup>۲</sup> دکتری آموزش پرستاری، دانشیار، عضو هیات علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

agamohammadim@gmail.com

**مقدمه:** آموزش بالینی بخش مهم و تفکیک‌ناپذیر آموزش پرستاری است. پرسنل پرستاری به دلیل موقعیت خاصشان در محیط بالینی، عامل با ارزشی برای تجربه یادگیری دانشجویان محسوب می‌شوند. تعاملات مراقبتی و حرفه‌ای بین دانشجویان و پرسنل پرستاری نه تنها در افزایش آموزش دانشجو بلکه در آینده پرستاری هم مهم می‌باشد. این مطالعه با هدف تعیین نگرش پرسنل پرستاری نسبت به دانشجویان پرستاری انجام گرفت.

**روش‌ها:** در مطالعه حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفت کلیه پرسنل پرستاری شاغل در بخش‌های داخلی و جراحی بیمارستان‌های دکتر فاطمی و امام خمینی اردبیل (۸۲ نفر) به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه نگرش استاژ انجام گرفت و با اسکیل ۵ نقطه‌ای لیکرت نمره گذاری گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد.

**نتایج:** نتایج نشان داد که نمرات نگرش پرسنل نسبت به دانشجویان پرستاری در حد پائین و متوسط بود. به اعتقاد تعدادی از پرستاران (۴۵/۷۱٪) کار کردن با دانشجویان امر مطلوبی است. تعداد زیادی از آنها (۹۸/۵۷٪) نیز معتقد بودند که پرسنل باید ارتباط خوبی با دانشجویان پرستاری داشته باشند. بعلاوه، پرستاران، بازبینی اساسی در سیستم آموزشی دانشجویان پرستاری را لازم می‌دانستند (۹۴/۳٪) چرا که به اعتقاد آنها بیشتر دانشجویان پرستاری مهارت بالینی کافی را کسب نمی‌کنند (۶۷/۱۴٪) و برای انجام وظیفه بالینی خود به قدر کافی آماده نمی‌شوند (۵۱/۴۳٪).

**نتیجه‌گیری:** بر اساس نتایج اخذ شده در زمینه نگرش پائین پرسنل پرستاری نسبت به دانشجویان پرستاری، چنین به نظر می‌رسد که پرستاران به نقش خود در آموزش بالینی دانشجویان پرستاری چنان که باید و شاید واقف نیستند در حالی که وجود یک تعامل مناسب بین آنها می‌تواند در ایجاد یک جو مناسبی که سرشار از همدلی، اطمینان و صداقت بین آنها است موثر باشد.

**واژه‌های کلیدی:** پرستار، دانشجوی پرستاری، نگرش، تعامل

## بازنگری ساختار و فرایندهای کمیته مرگ و میر بیمارستان دکتر شریعتی با رویکرد آموزش دستیاران

دکتر زامک خورگامی\*، دکتر فرشته سدادی، دکتر مسعود فشارکی، دکتر علیرضا جدیان، دکتر علی علی‌عسگری، دکتر آناهیتا صادقی، دکتر احمد رضا سروش، دکتر علی موافق  
\*استادبار گروه جراحی بیمارستان شریعتی - دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران  
khorgami@tums.ac.ir

**مقدمه:** کمیته مرگ و میر بیمارستان یکی از مهمترین جایگاه های آموزش بوده و با بررسی مشکلات تشخیصی و درمانی، تاثیر به سزایی در آموزش دستیاران دارد. همچنین با هدف خدمت‌رسانی بهتر به مراجعین و رفع اشکالات موجود در سیستم های تشخیصی، درمانی قادر به اصلاح نقایص سیستماتیک در بیمارستان و کاهش میزان مرگ و میر قابل پیشگیری است.

**روش‌ها:** بازنگری فرایندها، با هدف «پوشش تمامی بیماران فوت شده» و «محوریت آموزش» انجام شد. در مدل جدید، برای هر متوفی فرمیتوسط دستیار مسؤول تکمیل و پس از تایید عضو هیات علمی و رییس بخش، جمع‌آوری شده و توسط یکی از اعضای کمیته بررسی و مواردی که در دسته‌بندی مرگ و میرها در گروه مشکوک باشند، به دبیر کمیته ارجاع می‌شوند. موارد انتخابی مجدداً با مرور پرونده‌هایشان بررسی شده و از دستیاران مسؤول دعوت می‌شود تا شرحی از اقدامات انجام شده را به صورت مکتوب ارائه نمایند. در جلسات هفتگی کمیته، نکات مربوط به پرونده بررسی و موارد کلیدی نیازمند آموزش یا نیازمند تغییر در فرایندها استخراج می‌شوند. نکات آموزشی استخراج شده در هر جلسه به مسؤولان برگزاری کنفرانس های آموزشی بیمارستان ارائه و در اولویت برنامه های آموزشی به فراگیران قرار می‌گیرد. نحوه عملکرد کمیته مورتالیتی هر شش ماه بر اساس تعداد جلسات، تعداد مرگ و میر رخ داده و بررسی شده، نحوه انتخاب بیماران، علل شایع مرگ‌ها، توصیه های آموزشی جهت دستیاران و توصیه های تغییر سیستم، عملکرد کمیته در برخورد با موارد قصور و تقصیر و پیگیری موارد آموزش‌شیبررسی میشود. در سال ۱۳۸۹ مرحله پایلوت این فرایند انجام شد و سپس از تیرماه ۱۳۹۰ تاکنون در حال انجام است.

**نتایج:** از مهمترین نتایج این طرح، بررسی کامل همه مرگ و میرهای بیمارستان و استخراج ۶۳ نکته آموزشی کلیدی در نیمه دوم ۱۳۹۰ و ۱۱۵ نکته آموزشی کلیدی در نیمه ابتدایی سال ۱۳۹۱ بود که در اولویتهای آموزش‌های درون بخشی و کنفرانس‌های عمومی بیمارستان قرار گرفتند. نسبت متوفیان بررسی شده به کل متوفیان قبل از انجام طرح ۱۳/۸٪ که بعد از مداخله به ۱۰٪ افزایش یافت. میانگین فوتی های بعد از ۲۴ ساعت، از ۱۲ نفر در سال ۱۳۸۹ به ۱۰ نفر در سال ۱۳۹۱ و میانگین فوتی های قبل از ۲۴ ساعت از ۱۰ نفر در سال ۱۳۸۹ به ۷ نفر در سال ۱۳۹۱ کاهش پیدا کرد.

**نتیجه‌گیری:** ایجاد و توسعه کمیته های مرگ و میر بیمارستانی بمنظور هماهنگی و نظارت بر روند تشخیص علل مرگ و میر قادر است سبب کاهش مرگ‌های قابل پیشگیری و ارتقا یا آموزش دستیاران با توجه به اولویت های درمانی گردد.

**واژه‌های کلیدی:** کمیته مرگ و میر، بازنگری، آموزش دستیاران

همبستگی اعتیاد به اینترنت با سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم، سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹

خدیجه علیپور ندوشن<sup>۱\*</sup>، هدی احمري طهران<sup>۲</sup>، مريم ميري زاده<sup>۳</sup>، بتول هاشمي<sup>۴</sup>

<sup>۱\*</sup> کارشناس ارشد اطلاع‌رسانی، دانشگاه علوم پزشکی قم

<sup>۲</sup> مربی مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی قم

<sup>۳</sup> کارشناس میکروبی‌شناسی، دانشگاه علوم پزشکی قم

<sup>۴</sup> کارشناس مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشگاه علوم پزشکی قم

alipour@muq.ac.ir

**مقدمه:** امروزه اعتیاد به اینترنت به عنوان یک اختلال روانشناختی در علم روانشناسی و پزشکی مطرح است. سلامت عمومی کاربران معتاد به اینترنت نسبت به کاربران عادی در معرض خطر بیشتری قرار دارد. این پژوهش با هدف تعیین ارتباط بین اعتیاد به اینترنت و سلامت عمومی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰ صورت گرفت.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی ۲۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم با استفاده از ۲ پرسشنامه سلامت عمومی GHQ-۲۸ و اعتیاد به اینترنت IAT-۲۰ بررسی شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون آماری کای‌دو، واریانس یک‌طرفه و آزمون تی در سطح معنی‌داری  $p \leq 0/05$  صورت گرفت.

**نتایج:** در این مطالعه، ۹۰٪ کاربران اعتیاد خفیف به اینترنت، ۹/۶٪ اعتیاد متوسط به اینترنت و ۰/۴٪ اعتیاد شدید داشتند که در این میان، بیشترین سطح سلامت عمومی مطلوب در کاربران با اعتیاد خفیف به اینترنت مشاهده گردید ( $p < 0/05$ ). همچنین بین اعتیاد به اینترنت با سلامت عمومی، ارتباط آماری معنی‌داری دیده نشد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج این مطالعه، جای آن دارد به پدیده اعتیاد اینترنتی به عنوان یک معضل سلامتی که اغلب گریبانگیر نسل جوان و آینده‌ساز جامعه می‌باشد، توجه جدی شود، و مسئولین دانشگاه که متولی امر سلامت دانشجویان می‌باشند در زمینه فرهنگ‌سازی مناسب و آموزش صحیح استفاده از اینترنت در دانشجویان برنامه‌ریزی نمایند.

**واژه‌های کلیدی:** اعتیاد به اینترنت؛ رفتار اعتیادی؛ دانشجویان؛ سلامت عمومی؛ اینترنت.

## آسیب شناسی وسایل ارتباطی نوظهور برای دانشجویان علوم پزشکی: تجربه ای از هم اندیشی اساتید

اکرم ثناگو\*، سید رسول حسینی کوهستانی، لیلا جویباری، مسلم حسام، غلامعلی زارع

\*مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

a\_sanagu@yhaoo.com

**مقدمه:** امروزه کاربرد فن آوری‌های رسانه‌ای و ارتباطی نوظهور به خصوص در نسل‌های جوان‌تر، چنان شیوعی یافته است که گاه به نظر می‌رسد این وسایل به جزئی از بدن آنها تبدیل شده است. اعتیاد به استفاده از این وسایل چنان دامن‌گیر افراد شده است که با آنها به خواب می‌روند و از خواب بر می‌خیزند. این وضعیت نگرانی‌هایی جدی را در بین کارشناسان حوزه‌های مختلف برانگیخته است. هدف از این مطالعه تبیین دیدگاه اساتید از آسیب شناسی وسایل نوظهور و ارائه راهکار مقابله با آن بوده است.

**روش‌ها:** در این پژوهش کیفی (۱۳۹۱) به روش بحث گروهی (focused group) ۲۲ نفر از اساتید دانشگاه علوم پزشکی گلستان مشارکت نمودند. نمونه‌ها بر اساس حداکثر تنوع از نظر رشته و موقعیت اداری و آموزشی، سابقه کار بوده‌اند. حداقل یک سوال باز شامل "وقتی می‌گوییم آسیب شناسی وسایل ارتباطی نوظهور چه چیزی به ذهن شما می‌آید؟" محور اصلی بحث‌های گروهی بوده است. برای آنالیز داده‌ها از روش "تحلیل محتوای مرسوم" استفاده شد.

**نتایج:** مشارکت‌کنندگان از گروه‌های علوم پایه، بالینی، پرستاری، مامایی و پیراپزشکی و همچنین ترکیبی از معاونین، روسا و مدیران گروه‌های آموزشی و اعضای هیات علمی دانشگاه بوده‌اند. علی‌رغم توافق جمعی مشارکت‌کنندگان بر ضرورت وسایل دنیای امروزی، دغدغه مشترکی بر وجود آسیب‌های ناشی از این ابزار نوظهور نیز بارز بوده است. مضمون اصلی مطالعه "وسایل حاصل تلاش انسان هاست، شیوه‌های درست استفاده از این وسایل را باید دانست" و "اصلاح نگرش، تغییر باورها، آموزش همگانی، تبیین جنبه‌های حقوقی وسایل نوظهور، ضرورت نظر سنجی و پژوهش، بسترسازی، جزئی‌نگری و کاربردی، برگزاری همایش، روش‌های افزایش معنویت، هنجارهای دینی در سبک زندگی، عوض کردن باورها و جانشین‌ها، واعظی از درون، وجدان بیدار، تقویت اخلاقیات جامعه، اصلاح پایه‌ها" راه‌هایی برای مقابله با آسیب‌های ناشی از ابزارهای نوظهور مانند موبایل و بلوتوث و اینترنت بوده است.

**نتیجه‌گیری:** وسایل نوظهور به دلیل جذابیت و محبوبیت‌هایش برای نسل جوان دانشجویان، به امری لاینفک تبدیل شده است. آموزش شیوه‌های استفاده درست از آن مستلزم فرهنگ‌سازی و فراهم نمودن یک بستر مناسب برای استفاده از آن‌ها است.

**واژه‌های کلیدی:** وسایل ارتباطی، تکنولوژی‌های ارتباطی نوظهور، هم‌اندیشی اساتید دانشگاه



## ارزیابی برنامه های آموزش مداوم پرستاران شاغل در مراکز آموزشی - درمانی دانشگاه علوم پزشکی گناباد در سال ۱۳۹۱

محمدرضا منصوریان\*، فریبا محمدی\*<sup>□</sup> دکتر شهلا خسراون<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، کارشناس ارشد آموزش پزشکی، دانشکده پرستاری و مامائی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

<sup>۲\*</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پرستاری، دانشکده پرستاری و مامائی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد،

دکترای تخصصی آموزش پرستاری، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی گناباد، ایران

**faribamohamadi4009@gmail.com**

**مقدمه:** برنامه های آموزش مداوم پرستاران جهت رشد حرفه ای آنان و پاسخگویی به تقاضای مددجویان برای دریافت خدمات مناسب، ضروری می باشد. لذا این پژوهش، با هدف ارزیابی کمیت و کیفیت برنامه های آموزش مداوم پرستاران شاغل در مراکز آموزشی - درمانی دانشگاه علوم پزشکی گناباد در سال ۱۳۹۱ بوده است.

**روش ها:** در این مطالعه توصیفی - تحلیلی ۱۴۰ نفر از پرستاران شاغل در مراکز آموزشی - درمانی دانشگاه علوم پزشکی گناباد در سال ۱۳۹۱ با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای متناسب با حجم انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته حاوی دو بخش بود که بخش اول حاوی اطلاعات فردی و بخش دوم حاوی بررسی موانع آموزش های مداوم در ۳ حیطه مربوط به پرستاران، مربوط به عوامل اجرایی، مربوط به توانایی مدرسین بود. روایی محتوا، توسط چندتن از اساتید تأیید شد. پایایی ابزار نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ( $\alpha=0/8$ ) به دست آمد. پس از جمع آوری داده ها، شاخص های مرکزی، پراکندگی و آزمون مجذور کای جهت تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شد.

**نتایج:** یافته های پژوهش نشان داد احساس نیاز به دانش روز و کسب امتیازات لازم از مهمترین عوامل برای شرکت پرستاران در دوره های آموزش مداوم می باشد. حدود ۴۳ درصد از پرستاران، کمیت آموزش های ضمن خدمت را کم بر آورد کرده اند. ۵۱/۴ درصد کیفیت را خوب و ۲۰ درصد آن را ضعیف ارزیابی کردند. ۶۲ درصد آنان تاثیر آموزش های ضمن خدمت را متوسط ارزیابی کردند و ۷۹ درصد معتقدند که دوره ها تخصصی و باتوجه به نیاز پرسنل انجام نمی شود.

**نتیجه گیری:** از آنجا که ۶۲ درصد پرستاران تاثیر برنامه های آموزش مداوم را در حد متوسط ارزیابی کردند و اکثریت اظهار داشتند که دوره ها به صورت تخصصی برگزار نمی شود لذا لزوم بازنگری در مباحث، شیوه اجرایی و ضرورت نیازسنجی برنامه های آموزش مداوم پرستاران احساس می شود.

**کلید واژه ها:** ارزیابی، برنامه های آموزش مداوم، پرستاران

## نقد نظریه فرهنگی در مدیریت آموزشی

میترا قریب\*، آتوسا قریب، عیسی ابراهیم زاده

\*مربی عضو هیئت علمی دانشکده مجازی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران

gharibmi@sina.tums.ac.ir

**مقدمه:** مدیریت آموزشی از نظر برخی افراد فعالیتی عملی است که در چهارچوب نظریه نمی‌گنجد. در عین حال بسیار مهم است توجه شود، استفاده از نظریه‌ها به عنوان چارچوبی برای تصمیم‌گیری و فعالیت؛ مدیران آموزش را قادر می‌سازد تا با چالشهای آموزشی قرن بیست و یکم مقابله نمایند. مقاله حاضر با هدف نقد مدل مدیریتی فرهنگی، نقاط قوت و ضعف و امکان کاربرد آن را در محیطهای آموزش عالی مورد بحث قرار می‌دهد.

**روش‌ها:** این مقاله مروری با بررسی منابع مدیریت آموزشی و بانک‌های اطلاعاتی به توصیف مدل مدیریتی فرهنگی از جمله شاخص‌های کلی؛ اهداف، ساختار، محیط و رهبری؛ نقد درونی و کاربرد آن می‌پردازد.

**نتایج:** عدم کفایت الگوهای رسمی مدیریت در ارتقاء رتبه و ممتاز شدن دانشگاه‌ها، باعث شده تا تأکید بر قوانین بوروکراتیک و سلسله‌مراتبی با عدم مقبولیت گسترده از طرف اعضاء هیئت علمی روبه‌رو گردد و سایر نظریه‌ها از جمله مدیریت فرهنگی روز به روز رواج بیشتری در محیطهای دانشگاهی بیابد. الگوی فرهنگی، سنت‌ها و رسوم را در مدیریت آموزشی لحاظ کرده و معتقد است باورها، ارزش‌ها و ایدئولوژی، مرکز و قلب سازمان آموزشی است. این الگو نه تنها جنبه‌های سازمانی بلکه جنبه‌های وسیعتر ملی و اجتماعی فرهنگ را مد نظر قرار می‌دهد. با جهانی شدن مقوله آموزش، این الگو توجه ویژه به محیط خاص آموزش داشته و به مدیران توصیه می‌کند از انتقال و تقلید محض نظریه‌ها و تفسیر عملکرد آموزش اجتناب نمایند. هر چند الگوهای فرهنگی جنبه‌های متعدد و مفیدی از مدیریت آموزشی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند، نقاط ضعف این مدل باعث محدودیت کاربرد عملی آن در محیطهای دانشگاهی شده است.

**نتیجه‌گیری:** دانشگاه‌ها برای حفظ کیفیت آموزشی، مشارکت در تولید علم، کسب رتبه مناسب در دنیا، جلب دانشجویان خارجی و دستیابی به منابع مالی نیاز به تغییر روشهای سنتی مدیریت و تطابق با تغییرات دارند. علیرغم محدودیتهای مدل فرهنگی، عدم توانایی پاسخگویی مدل‌های سنتی به نیازهای آموزشی باعث می‌شود تا جنبه‌های مثبت مدل مدیریت فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. هیچیک از مدل‌های مدیریت آموزشی به تنهایی نمی‌توانند جوابگوی چالشهای دنیای آموزش امروز باشند؛ در نتیجه می‌توان با تعدیل نمودن الگوهای موجود در نظام آموزش عالی که عمدتاً سلسله‌مراتبی است، به الگویی مناسب با شرایط جامعه دست یافت.

**واژه‌های کلیدی:** مدیریت آموزشی، رهبری آموزشی، نظریه فرهنگی، دانشگاه

## بررسی میزان اعتیاد اینترنتی و همراهی آن با باورهای فراشناختی در بین دانشجویان

لیلی مصلی نژاد\*<sup>۱</sup>، سعید سالاری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه آموزش بهداشت روان، دانشگاه علوم پزشکی جهرم

<sup>۲</sup> دانشجوی هوشبری، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم

[mossila\\_1@yahoo.com](mailto:mossila_1@yahoo.com)

**مقدمه:** اینترنت به منظور تسهیل ارتباطات و فعالیت های علمی طراحی شده است. با این حال استفاده از اینترنت در سال های اخیر منجر به استفاده پاتولوژیک آن (اعتیاد به اینترنت) منجر شده است. مشکل در استفاده از اینترنت ممکن است با الگوهای مختلف، بیماری های روانی و عواقب نامطلوب مختلفی همراه باشد. هدف عمده این تحقیق بررسی اعتیاد به اینترنت و رابطه آن با باورهای فراشناختی عنوان موقعیت اضطرابی است.

**روش ها:** این تحقیق یک مطالعه مقطعی است بر روی 245 نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جهرم با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انجام گرفته است. جمع آوری اطلاعات از طریق ۲ پرسشنامه در ۳ بخش بود. بخش اول شامل متغیر های دموگرافیک، بخش دوم تست اعتیاد به اینترنت یانگ (IAT) و بخشی سوم پرسشنامه فراشناختی (MCQ 30)، با پنج مولفه (اعتماد به نفس، باورهای مثبت در مورد نگرانی، خود آگاهی، باورهای منفی در مورد کنترل ناپذیری از افکار و خطرات، و نیاز به کنترل افکار) را شامل میشد. داده ها با استفاده از آمار توصیفی برای ارزیابی توزیع متغیر ها و سپس آمار تحلیلی (آزمون t و تحلیل واریانس (ANOVA) جهت بررسی دو گروه نرمال و اعتیاد اینترنتی از نظر باور فراشناختی در نرم افزار SPSS 15 مورد تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج نشان داد شیوع کلی اعتیاد به اینترنت در این جمعیت ۱۸/۶ درصد بود. ۷۲٪ از شرکت کنندگان اعتیاد ضعیف، ۲۴/۳ درصد متوسط و ۷/۳ درصد از آنها به اعتیاد شدید داشتند. میانگین مولفه اعتماد شناختی در باورهای فراشناختی نسبت به سایر مولفه ها از مقادیر بیشتری برخوردار بود. میانگین همه مولفه های فراشناختی نسبت به گروه نرمال از مقادیر بیشتری برخوردار بود اگرچه اختلاف آن در دو گروه معنی دار نبود. ارتباط مثبتی بین برخی مولفه های اعتیاد اینترنتی و فراشناخت وجود داشت.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج و نظر به ارتباط بین اعتیاد اینترنتی و فاکتورهای اضطرابی (باورهای فراشناختی) و سایر عواقب منفی آن بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان لازم است تا برنامه های آموزشی مناسب در دانشگاهها جهت استفاده صحیح و بهینه از این تکنولوژی انجام گیرد.

**واژه های کلیدی:** اعتیاد اینترنتی، فراشناخت، اضطراب، دانشجویان

### راهبردهای ارتقای کیفیت برنامه آموزش پزشکی عمومی

دکتر فاطمه جاویدان\*<sup>۱</sup>، دکتر محمدصادق دهقان<sup>۲</sup>، دکتر سلیمان احمدی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای تخصصی رشته آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، کارشناس معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی  
<sup>۲</sup> دانشجوی دکترای تخصصی رشته آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، کارشناس معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی  
<sup>۳</sup> عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

drmsdehghan@gmail.com

**مقدمه:** در زندگی حرفه‌ای اغلب پزشکان انتظار می‌رود که بخشی از فعالیت خود را به امر یاددهی اختصاص دهند. همچنین علاوه بر دوره‌های از پیش طراحی شده، در اغلب موارد لازم است اساتید پزشکی، در طراحی برنامه آموزشی به صورت مستقیم دخیل باشند. استقلال در یادگیری، مدیریت خودمحور، جستجو در منابع علمی مرتبط، ارزیابی نقادانه و آموزش دستیابی به سطوح بالای یادگیری از توانایی‌های اصلی مورد انتظار از دانش‌آموختگان پزشکی می‌باشد. چالش فعلی برای اساتید پزشکی یافتن راهی است که بازدهی یادگیری در دانش‌آموختگان پزشکی را افزایش دهد. امروزه نظام‌های سنتی آموزشی در ایجاد توانمندی‌های مورد انتظار از پزشکان کافی نمی‌باشند. پیشرفت‌های علوم شناختی در سال‌های اخیر کاربردهای مهمی در طراحی برنامه آموزشی داشته‌اند. یکی از این کاربردها اتخاذ راهبردهایی برای ارتقای کیفیت برنامه آموزش پزشکی عمومی می‌باشد.

**روش‌ها:** این مقاله مروری با بررسی مجلات و منابع الکترونیکی معتبر، ضمن معرفی مهمترین راهبردهای ارتقای کیفیت برنامه آموزش پزشکی عمومی، به نحوه عملیاتی سازی و روش اجرایی نمودن این راهبردها می‌پردازد.

**نتایج:** تغییراتی که در سال‌های اخیر در تئوری‌های یادگیری رخ داده است در کنار تغییر نیازهای جامعه‌ای که دانش‌آموختگان پزشکی باید به آن پاسخگو باشند، همگی گویای این نکته است که اتخاذ راهبردهایی برای ارتقای کیفیت برنامه آموزش پزشکی عمومی اجتناب‌ناپذیر است. راهبردهای آموزشی «تصمیمات جهت‌دار بنیادی در یاددهی می‌باشند که هدف آنها دستیابی به اهداف آموزشی می‌باشند». راهبردهای متعددی برای ارتقای کیفیت برنامه آموزشی وجود دارند اما مهمترین آنها برای ارتقای کیفیت برنامه آموزش پزشکی عمومی در حال حاضر عبارتند از: راهبردهای دانشجو محوری، یادگیری مبتنی بر مسئله، ادغام یافته، مبتنی بر جامعه، انتخابی و نظام‌مند بودن (SPICES)، و نیز راهبردهای مرتبط با محصول، متناسب بودن، بین حرفه‌ای، موجز و مختصر بودن، جایگاه چندگانه و همزیستی (PRISMS) و همچنین راهبردهای واقعی بودن، ادغام یافته، بازخورد، یادگیری و ارزشیابی (RIFLE).

**نتیجه‌گیری:** هر یک از راهبردهای ارتقای کیفیت برنامه آموزشی به صورت یک طیف نشان داده می‌شوند. هر طراح آموزشی باید قبل و در حین تدوین برنامه آموزشی، جایگاه هر یک از اجزای برنامه درسی را در هر یک از این طیف‌ها مشخص نماید و سپس اقدام به طراحی برنامه درسی نماید. همچنین براساس هر یک از راهبردهایی که انتخاب می‌شوند باید مداخلاتی در برنامه درسی صورت گیرد تا هر یک از اجزای این راهبردها عملیاتی شوند. طوریکه ارزشیابی حاصل از مداخلات در برنامه، این اطمینان را به طراحان برنامه دهد که کیفیت برنامه ارتقا یافته است.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش پزشکی عمومی، برنامه درسی، راهبرد، ارتقای کیفیت.

## موانع شرکت پرستاران و ماماها در برنامه های آموزش مداوم

دکتر زینب حمزه گردشی<sup>1\*</sup>، دکتر زهره شاه حسینی<sup>1</sup>

<sup>1</sup>دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران-ساری-ایران

Hamzeh@razi.tums.ac.ir

**مقدمه:** برنامه آموزش مداوم به عنوان یکی از اصول حرفه ای در رشته های پزشکی و بهداشتی می باشد. از این رو پرستاران و ماماها جهت افزایش مهارت های خود و دستیابی به اهداف حرفه ای باید در برنامه های آموزش مداوم شرکت کنند. از آنجایی که شناسایی موانع مشارکت مشمولین برنامه های آموزش مداوم و ارائه راهکارهایی برای حذف عوامل بازدارنده می تواند زمینه را برای شرکت فعال و برانگیختگی آنان در برنامه های آموزش مداوم فراهم نماید، این مطالعه، با هدف بررسی موانع شرکت پرستاران و ماماها در برنامه های آموزش مداوم انجام پذیرفت.

**روش ها:** در این مطالعه ی توصیفی- مقطعی نظرات ۲۸۹ پرستار و مامای مشمول برنامه های آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی مازندران درخصوص موانع مشارکت آنان در برنامه های بازآموزی طی نمونه گیری در دسترس بررسی شد. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه پژوهشگر ساخته ی روا و پایایی بود که دیدگاه شرکت کنندگان را در مقیاس لیکرت ۵ درجه ای به روش خود اظهاری بررسی می نمود.

**نتایج:** یافته های این بررسی نشان داد که مهمترین مانع برای شرکت مشمولین در برنامه های آموزش مداوم به ترتیب مربوط به "هزینه برنامه ها" با میانگین نمره و انحراف معیار  $1/57 \pm 3/06$  (از ۵ نمره)، "و" عدم امکان ترک شیفتم  $(3/23 \pm 1/61)$  بوده است. هم چنین دو عامل " برخورد نامناسب مسئولین برگزارکننده برنامه" و " عدم احساس نیاز به آموزش مداوم" با میانگین نمره  $1/23 \pm 1/53$  و  $1/22 \pm 1/60$  (به ترتیب) کمترین نقش ممانعتی را از دیدگاه مشارکت کنندگان در این مطالعه عهده دار بوده اند. سایر نتایج نشان داد که برنامه های بازآموزی که از غنای علمی کافی به منظور رفع نیازهای روزآمد پرستاران و ماماها برخوردار نبوده و فاقد معیارهای مناسب از نظر زمان و مکان برگزاری برنامه باشند، به عنوان موانع مشارکت قابل ذکر می باشند.

**نتیجه گیری:** اولویت بندی اقدامات حمایتی و طراحی موثرترین برنامه ها از سوی دست اندرکاران حیطه آموزش مداوم پرستاری و مامایی می تواند به بهبود مشارکت پرستاران و ماماها در برنامه های آموزش مداوم منجر گردد.

**واژه های کلیدی:** پرستاری، مامایی، آموزش مداوم، مشارکت

## بررسی مقایسه بین مولفه های رهبری اجتماعی مدیران گروه های آموزشی از دیدگاه اعضای هیات علمی در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

وحیده صیادزاده<sup>۱\*</sup>، سید علی سیادت<sup>۲</sup>، عبدالرسول جمشیدیان<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه اصفهان

<sup>۲</sup> دانشیار، عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

<sup>۳</sup> دانشجوی دوره دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه اصفهان

sayad\_vm@yahoo.com

**مقدمه:** هدف از پژوهش حاضر "بررسی مقایسه بین مولفه های رهبری اجتماعی مدیران گروه از دید اعضای هیات علمی" در دانشگاه علوم پزشکی در سال ۸۸-۱۳۸۷ بود. رهبری اجتماعی شامل یازده مولفه می باشد.

**روش ها:** روش مورد استفاده جهت انجام این پژوهش، روش توصیفی-پیمایشی و جامعه آماری این پژوهش کلیه اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی بود شامل ۶۴۵ نفر که با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم، ۱۰۴ نفر از اعضای هیات علمی به عنوان نمونه، انتخاب گردید. به منظور جمع آوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد رهبری اجتماعی از یوکل (۲۰۰۳)، شامل ۴۴ گویه در مقیاس پنج درجه تنظیم گردید و ضریب پایا بی آن ۰/۸۳ درصد به دست آمد. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمونهای آماری غیر پارامتریک از جمله خی دو و فرید من استفاده شد.

**نتایج:** نتایج حاصل از آزمونهای فرید من و خی دو نشان داد که مولفه "فشار" کمترین میانگین رتبه و مولفه "مورد توجه قرار دادن" دارای بیشترین میانگین رتبه بودند.

**واژه های کلیدی:** رهبری اجتماعی، اعضای هیات علمی، دانشگاه

## بررسی رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت و ارتباط آن با مشخصات دموگرافیک دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی البرز

دکتر محمد نوری سپهر، روح انگیز نوروزی نیا<sup>۱\*</sup>، زهره قاضی وکیلی<sup>۲</sup>، ترانه تهمنی<sup>۳</sup>

دکترای بهداشت محیط، دانشیار، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج

<sup>۱\*</sup> کارشناس ارشد آموزش پرستاری، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد مامایی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

<sup>۳</sup> کارشناس پرستاری، مدیر آموزش مداوم دانشگاه، معاونت آموزشی، دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

kiarash\_s\_77@yahoo.com

**مقدمه:** رفتارهای ارتقا دهنده سلامت یکی از معیارهای تعیین کننده سلامت می باشد. یکی از دوره های حیاتی در جوانی، دوره دانشجویی است که بهترین زمان برای ایجاد رفتارهای سالم است. لذا با توجه به نقش رفتارهای ارتقا دهنده سلامت در حفظ و کنترل سلامتی فرد، پژوهش حاضر با هدف تعیین رفتارهای ارتقادهنده سلامت و ارتباط آن با مشخصات دموگرافیک دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی البرز سال ۱۳۹۱-۱۳۹۰ انجام گردید

**روش ها:** این پژوهش مقطعی- توصیفی- تحلیلی در سال ۱۳۹۰-۱۳۹۱ روی ۱۵۱ نفر از دانشجویان علوم پزشکی با روش نمونه گیری تصادفی ساده انجام شد. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه ای ۲ بخشی شامل سؤالات دموگرافیک و پرسشنامه استاندارد (HPLP-II) شامل شش بعد "مسئولیت پذیری سلامتی"، "فعالیت فیزیکی"، "تغذیه"، "رشد معنوی"، "مدیریت استرس" و "روابط بین فردی" بود. اعتبار صوری و محتوایی این پرسشنامه توسط ۸ نفر از اساتید دانشگاه علوم پزشکی البرز مورد بررسی و تایید قرار گرفت و پایایی آن نیز با استفاده از روشهای همسانی درونی و ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۲ بدست آمد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار آماری SPSS ۱۸ با سطح معنی داری ( $P < 0/05$ ) استفاده شد.

**نتایج:** نتایج نشان داد که ۷۴/۸ درصد دانشجویان مونث بودند. ۸۸/۷ درصد مجرد، ۶۸ درصد زندگی همراه خانواده و ۷۹/۱ درصد آنان وضعیت سلامتی خود را در حد خوب تا عالی گزارش کرده بودند. از میان زیرمجموعه های رفتارهای ارتقادهنده سلامت، شاخص رشد معنوی با میانگین ( $2/99 \pm 0/56$ ) و شاخص فعالیت فیزیکی با میانگین ( $2/16 \pm 0/64$ ) به ترتیب بیشترین و کمترین امتیاز را به خود اختصاص داده بودند. بین رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت و جنس ( $P < 0/001$ ) و بومی بودن و مطالعه غیردرسی ( $P < 0/001$ ) رابطه معنی داری دیده شد.

**نتیجه گیری:** نتایج مطالعه اخیر بیانگر نامناسب بودن رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت خصوصا در ابعاد فعالیت جسمی و تغذیه در دانشجویان می باشد.

**واژه های کلیدی:** ارتقاء سلامت، دانشجویان، دموگرافیک

## تعیین سبک رهبری مدرسین در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر از دیدگاه اعضا هیئت

### علمی و دانشجو

آزاده عازمیان

مریبه دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

aazemian@yahoo.com

**مقدمه:** انتخاب سبک رهبری مناسب برای افزایش اثر بخشی، کارایی و بهره وری سازمان ضروری می باشد. سازمان آموزشی زمانی می تواند به رسالت خود که همانا انطباق آموزش با نیازهای جامعه، دستیابی به استانداردهای آموزشی، توانمند سازی اعضا هیئت علمی، دانشجویان و بهره وری جامع برسد که سبک رهبری اثربخش داشته باشد. بنا براین اطلاع از انواع سبکهای رهبران اساتید آموزشی نخستین گام در جهت اصلاح رهبری آموزشی می باشد. با توجه به اینکه تا کنون مطالعه ای در زمینه انواع سبکهای رهبری اساتید آموزشی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر انجام نشده است، این تحقیق در نظر دارد سبک رهبری اساتید گروه های آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر را از نظر مدرسین و دانشجویان آنها مورد بررسی قرار دهد.

**روش ها:** در یک مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۱ کلیه اساتید گروه های آموزشی و دانشجویان مورد مطالعه قرار گرفتند. داده های پژوهش از طریق پرسشنامه ای روا و پایا جمع آوری گردید و هر مدرس و دانشجو پرسشنامه سبک رهبری مشتمل بر ۲ بخش مشخصات دموگرافیک و سوالات مربوط به سبک رهبری تکمیل کرد. از آمار توصیفی، تحلیلی با استفاده از نرم افزار SPSS جهت تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شد.

خلاصه یافته ها: از بین شرکت کننده در پژوهش ۵۱ نفر مدرس (۶۳/۵٪ مرد و ۳۶/۵٪ زن) و ۲۵۶ نفر دانشجو (۴۰/۲٪ مرد و ۵۹/۸٪ زن) بودند. ۲۷٪ از مدرسین دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۲۰٪ دارای مدرک دکتری بودند. بر اساس نظرات اعضا هیئت علمی و دانشجویان مدرسین بطور متوسط بیشترین استفاده از سبک های رهبری رادر کلاس درس خود داشتند که به ترتیب شامل سبک های مدیریتی مشارکتی (۷۲/۲٪ و ۷۶/۹٪)، نظارتی (۶۹/۵٪ و ۶۹/۲٪) و دموکراتیک (۷۸/۴٪ و ۷۶/۹٪) می باشد تفاوت معنی داری بین نظرات دانشجویان و مدرسین در مورد سبک رهبری مدرس در کلاس وجود نداشت. مدرسین ۶۸۶/۶ مدرسین و ۴۴/۸٪ از دانشجویان حفظ احترام و روابط دوستانه در کلاس را مهم می دانستند ۷۶/۹٪ از مدرسین و ۷۰/۱٪ از دانشجویان معتقد بودند فقط معلم قوانین کلاس یا کار آموزی راتعیین میکند.

**نتیجه گیری:** نتیجه گیری: برای پویایی سیستم آموزشی لازم است برنامه ریزی مناسب جهت آموزش مدرسین و دانشجویان در مورد مفاهیم و سبک های رهبری بصورت مناسب صورت گیرد. عدم تفاوت بین نظرات اکثر اساتید و دانشجویان در داشتن سبک روشن و خاص مدیران نشان دهنده عدم وجود درک روشن از مدل های رهبری بوسیله فرد است.

**واژه های کلیدی:** سبک رهبری، دانشجو، مدرس، آموزش پزشکی



## بررسی علل استقبال کم اساتید دانشگاه علوم پزشکی کردستان از پژوهش در آموزش از دیدگاه خودشان

دکتر راز خطیبی\*، دکتر محمد جعفر رضایی، دکتر یدالله زارع زاده، لادن فتوحی

دانشگاه علوم پزشکی کردستان

**مقدمه:** انجام تحقیقات پژوهش در آموزش، با توجه به اینکه منجر به شناخت مشکلات آموزشی دانشگاه ها و رفع این مشکلات می گردد از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با توجه به تعداد کم پژوهش های آموزشی در سطح دانشگاه های علوم پزشکی کشور، محققان این پژوهش تصمیم گرفتند تا پژوهشی را در جهت بررسی علل استقبال کم اساتید دانشگاه علوم پزشکی کردستان از پژوهش در آموزش از دیدگاه خودشان به انجام برسانند.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی تحلیلی بود و در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه علوم پزشکی کردستان صورت پذیرفت. جامعه مورد مطالعه شامل تمام اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان و حجم نمونه برابر با جامعه مورد مطالعه بوده و روش نمونه گیری به صورت سرشماری بود. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی آن توسط ۷ نفر از کارشناسان مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی و پایایی آن توسط آزمون آلفای کرونباخ تایید گردید ( $p=0.81$ ) در نهایت اطلاعات جمع آوری شده وارد نرم افزار آماری SPSS شد و با استفاده از این نرم افزار و فرمولهای آماری مانند T-test مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** از مجموعه ۱۶۵ پرسشنامه توزیع شده، ۱۳۷ عدد تکمیل شده و عودت گردید (۸۳٪). بیشترین مشکلات اظهار شده توسط اساتید به ترتیب عبارت بودند از: تمایل بیشتر اساتید به پژوهش در حیطه کاری خود، پرمشغله بودن اساتید و نداشتن وقت کافی برای ارائه طرحهای پژوهش در آموزش، فقدان قوانین مناسب جهت مجاب نمودن اساتید به ارائه طرحهای پژوهش در آموزش، کم بودن تعداد اعضای هیأت علمی و عدم آشنایی کافی اساتید با مقوله پژوهش در آموزش. اساتید با رتبه دانشیاری بیشتر از اساتید با رتبه دستیار و مربی از پرمشغله بودن و نداشتن وقت کافی برای ارائه طرحهای پژوهش در آموزش شکایت داشتند و این اختلاف معنی دار بود ( $P=0.017$ )

**نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه بیانگر این مسئله بود که لازم است دانشگاه ها تمهیداتی را برای تسهیل انجام پژوهش های آموزشی توسط اساتید برای آنان فراهم نمایند.

**واژه های کلیدی:** پژوهش در آموزش، اساتید

## بررسی ارتباط بین سلامت معنوی و اضطراب امتحان در دانشجویان پیراپزشکی

معصومه معصومی<sup>۱\*</sup>، افسانه رئیسی فر<sup>۲</sup>، مهستی گنجو<sup>۳</sup>

\*کارشناسی ارشد پرستاری، گروه اتاق عمل، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

[masoumy@yahoo.com](mailto:masoumy@yahoo.com)

**مقدمه:** اضطراب امتحان در میان دانشجویان و دانش آموزان دبیرستانی شایع بوده و از جمله مشکلاتی جدی آموزش و نیز از جمله نگرانی ها و دغدغه های نظام آموزشی محسوب می شود. این مطالعه با هدف تعیین ارتباط بین سلامت معنوی و اضطراب امتحان در دانشجویان پیراپزشکی انجام شد.

**روش ها:** در یک مطالعه توصیفی و تحلیلی، ۶۰ دانشجوی ترم یک دانشکده پیراپزشکی بوشهر (گروه اتاق عمل و بیهوشی) در سال ۱۳۹۱ مورد مطالعه قرار گرفتند. با روش سرشماری دانشجویان وارد مطالعه شدند. کلیه دانشجویان قبل از امتحان پرسشنامه اضطراب امتحان ساراسون و پرسشنامه سلامت معنوی را تکمیل کردند. نتایج از طریق تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر و تی مستقل و نرم افزار spss محاسبه گردید.

**نتایج:** در این مطالعه بین سلامت معنوی و اضطراب امتحان رابطه معکوس وجود داشت. ( $P=0/08$ ،  $r=-0/22$ ). با افزایش سلامت معنوی میزان اضطراب امتحان دانشجویان کاهش می یابد.

**نتیجه گیری:** از آنجایی که اضطراب می تواند بر یادگیری دانشجو تاثیر منفی داشته باشد، و با توجه به اینکه سلامت معنوی از عوامل موثر در کاهش اضطراب است، لذا به نظر می رسد بایستی به اهمیت برخورداری از سلامت معنوی در تحصیل دانشجویان پیراپزشکی توجه ویژه ای مبذول گردد و در این راستا آموزش های خاصی برای این قشر برنامه ریزی شود.

**واژه های کلیدی:** اضطراب امتحان، سلامت معنوی، دانشجو

## بررسی وضعیت سواد رسانه‌ای در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

لیلابذرافکن<sup>۱\*</sup>، کریم عباسی<sup>۲</sup>، آزاده روح الامینی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> مربی گروه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز و دانشجوی دکتری آموزش پزشکی مرکز تحقیقات

آموزش علوم پزشکی اصفهان

bazrafkanl@sums.ac.ir

**مقدمه:** وضعیت سواد رسانه‌ای و استفاده از تکنولوژی و فن‌آوری اطلاعات دانشجویان در عصر جهانی شدن برنامه‌های درسی بسیار حایز اهمیت است. هدف از این پژوهش بررسی وضعیت سواد رسانه‌ای و استفاده از تکنولوژی و فن‌آوری اطلاعات دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۹۰ می‌باشد.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی (پیمایشی) بر روی ۳۸۰ نفر از کلیه دانشجویان دانشکده پزشکی انجام شد که این تعداد به شیوه تصادفی ساده از جامعه آماری انتخاب شده است. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر ۳۰ گویه در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت با مؤلفه‌های، امکان جست و جو و پیدا کردن مطلب، امکان بررسی و تجزیه و تحلیل مطلب، امکان ارائه مطلب در قالبی مناسب و امکان انتقال مطلب، که روایی محتوای آن مورد تأیید چند تن از اساتید و صاحب‌نظران قرار گرفت، استفاده شد. برای محاسبه پایایی آن نیز تعداد بیست پرسشنامه بین جامعه آماری توزیع و با استفاده از آلفای کرونباخ، ضریب ۰/۸۴ محاسبه گردیده است. داده‌های گردآوری شده در دو سطح توصیفی و استنباطی مانند آزمون تحلیل واریانس با نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

**نتایج:** در این مطالعه از ۳۱۰ نفر شرکت کننده ۶۵ درصد (زن) و ۳۵ درصد (مرد) شرکت نمودند. نتایج بدست آمده نشان داد که وضعیت سواد رسانه‌ای دانشجویان در تمام حیطه‌ها در سطح نسبتاً مطلوب قرار دارد. برنامه‌های آموزشی به شکل محوری و غیر محوری توانسته‌اند در زمینه علاقه‌مندی در ایجاد سواد رسانه‌ای دانشجویان باشند. بین متغیرهای سواد رسانه‌ای و جنسیت، وضعیت تاهل و سن تفاوت معناداری مشاهده نشده است.

**نتیجه‌گیری:** هر چند بررسی نشان دهنده میزان مطلوبیت نسبی سواد رسانه‌ای دانشجویان است. اما با توجه به انتظارات آینده آموزش پزشکی و پیچیده‌گی‌های توانمندی دانشجویان این عرصه در پاره‌ای از موارد برنامه‌های آموزشی نیاز به بازنگری دارد.

**واژه‌های کلیدی:** بررسی، سواد رسانه‌ای، دانشجویان پزشکی

## تحلیل عاملی پرسشنامه روش‌های تدریس غالب در اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

لیلا بذرافکن\*، جواد کجوری، آزاده روح الامینی، کریم عباسی

\*مربی گروه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز و دانشجوی دکتری آموزش پزشکی مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی اصفهان

Email: [bazrafkanl@sums.ac.ir](mailto:bazrafkanl@sums.ac.ir)

**مقدمه:** از مراحل مهم طراحی آموزشی، انتخاب روش تدریس است. معلم بعد از انتخاب محتوی و قبل از تعیین وسیله، باید خط مشی و روش مناسب تدریس خود را انتخاب کند. از این روی این مطالعه به تحلیل سوالها و تحلیل عاملی پرسشنامه سبک تدریس استاد در دانشگاه علوم پزشکی شیراز می‌پردازد.

**روش‌ها:** در این پژوهش کمی-تحلیلی برای شناسایی روش‌های تدریس غالب در اعضای هیات علمی دانشگاه، با استفاده از مطالعاتی که جهت بررسی روایی و پایایی پرسشنامه ارزشیابی استاد در ایران انجام شده و همچنین مطالعات انجام شده بوسیله محققین خارجی، ۱۵ شاخص گوناگون در قالب دو شاخص توانمندی علمی استاد و مهارت‌های تدریس مورد مطالعه قرار گرفته و نتایج آن با بهره‌گیری از مدل تحلیل عاملی ارزیابی شده است. برای اجرای تحلیل عاملی از پیش فرض‌های شاخص کفایت نمونه ۰/۹۵۶ و معنی داری نتیجه آزمون کرویت بارتلت با کای اسکور ۲۸۱۵/۸ و درجه آزادی ۳۲۵ ( $P.value < 0/001$ ) استفاده شد.

**نتایج:** روش تحلیل عاملی با استفاده از چرخش متعامد از نوع واریماکس روی داده‌ها انجام شد. با استناد به مقادیر ارزش‌های ویژه، وجود دو عامل که ارزش ویژه آنها به ترتیب، ۹/۳۹۸ و ۰/۷۵۶ است، بدست آمد. مقدار واریانس تبیین شده، برای عوامل اول و دوم به ترتیب، ۶۲/۶۵ و ۵/۰۴ درصد می‌باشد که در مجموع، ۶۷/۶۹ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند. در مجموع می‌توان گفت که ساختار پرسشنامه روش‌های تدریس استاد دو بعدی است. با توجه به پایه نظری که این ابزار بر آن استوار است و به استناد محتوای سؤالات، عامل اول و دوم به ترتیب، بعد توانمندی علمی استاد و بعد مهارت‌های تدریس نامگذاری شدند. عامل اول شامل ۸ ماده و عامل دوم شامل ۷ ماده می‌باشد. بیشترین بار عاملی در عامل اول (۰/۷۹۷) به ماده شماره ۳ تدریس همراه با شوخ طبعی و در عامل دوم (۰/۸۰۸) به ماده شماره ۱۲ روشن نمودن هدف و محتوای درس تعلق دارد.

**نتیجه‌گیری:** به طور کلی دو عامل توانمندی علمی استاد و مهارت‌های تدریس بر روی روش‌های تدریس غالب اساتید اثر داشته‌اند. اکثر روش‌های تدریس اساتید در این دانشگاه به صورت استاد محور می‌باشند.

**واژه‌های کلیدی:** تحلیل عاملی، روش‌های تدریس، استاد، اعضاء هیات علمی

## اجرای فرآیند پرستاری توسط دانشجویان هوشبری

هادی عباسپور\*، محبوبه طباطبایی چهر، احمد کاملی

\*مربی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

Email: hadiabbspour@yahoo.com

**مقدمه:** پرستار بیهوشی یک پرستار بالینی پیشرفته که مسئولیت فراوان حیاتی در فرآیند بیهوشی در بیماران تحت عمل جراحی دارد. فرآیند پرستاری به عنوان هسته، پایه و اساس پرستاری محسوب میشود. فرآیند پرستاری یک روش تفکر برای پرستار، چهار چوبی از فعالیتهای مرتبط به هم، پویا، مداوم، علمی و نیز راهی سازمان یافته برای تشخیص عکس العملهای بیماران نسبت به بیماری و درمان است.

**روش‌ها:** روش پژوهش در این مطالعه از نوع اقدام پژوهی یا پژوهش در عمل می باشد. اقدام پژوهی نوعی روش تحقیق است. که هم دانش و تئوری درباره آن عمل ایجاد می کند و هم آن عمل را اجرا می کند. آموزش کامل فرآیند پرستاری و مراحل مختلف آن با استفاده از نقشه کشی مفهومی به دانشجویان در اولین جلسه داده شد. جمع آوری اطلاعات با استفاده از ابزارهای پرسشنامه، یادداشت های روزانه مربی، مصاحبه متمرکز و فرم های مشاهده انجام و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. ارزیابی کاربرد این فرآیند توسط دانشجویان با استفاده از بازخوردهای حاصله و کیفیت بیهوشی در ضمن عمل جراحی و در پایان جراحی در بخش ریکاوری انجام شد.

**نتایج:** این مطالعه بین ۲۴ نفر از دانشجویان کارشناسی هوشبری ترم ۶ اجراء شد. ۱۰ نفر (۴۱٪) مرد و ۱۴ نفر (۵۴٪) زن بودند. در حیطه تشخیصهای پرستاری بالفعل نمرات بدست آمده با میانگین (انحراف معیار) ۹۴/۳۷ (۲/۳۷) و تشخیصهای پرستاری بالقوه ۸۷/۳۸ (۳/۸)، در حیطه برنامه ریزی ۷۸/۲۵ (۲/۵)، در حیطه اجرای مراقبتهای ۹۱/۱۵ (۱/۵) و در حیطه ارزشیابی اقدامات انجام شده ۷۸/۳۷ (۳/۷) همچنین نمرات کل بدست آمده از تمام فرآیندهای اجراء شده در مورد بیماران (مجموع حیطه ها) ۸۷/۱۶ با انحراف معیار ۵/۶ و دامنه ۷۸ تا ۹۴ بوده است. در این بین، بیشترین میانگین (انحراف معیار) درصد نمرات واحدهای مورد پژوهش مربوط به حیطه تشخیصهای پرستاری بالفعل می باشد.

**نتیجه گیری:** نتایج، نمرات بالایی نسبت به سایر مطالعات از اجرای فرآیند نشان داد و در مصاحبه متمرکز self efficacy آنها افزایش یافت. در مورد موانع موجود در اجرای فرآیند پرستاری در حیطه بیهوشی نشان داد که اکثر آنها از عبارت "زمان بر بودن فرآیند پرستاری" خصوصا در بررسی اولیه قبل از عمل ذکر کردند. یکی از دلایل آن فعال بودن اتاق عمل و عملهای جراحی متعدد و نبود فرصت کافی نسبت به ارزیابی کافی از آنها و استرس بیمار در ارائه اطلاعات کافی و بعضا تکراری حکایت می کند. "نداشتن انگیزه کافی" در اجرای فرآیند پرستاری، "شناخت ناکافی از فرآیند پرستاری و اجرای آن" در ابتدا بود. یکی دیگر از موانع اجرای فرآیند بالا بودن تشخیصهای collaborate بود. بهمین دلیل بیشتر تشخیصها بر اساس فهرست تشخیصهای پرستاری NANDA قرار نداشت. شاید یکی از دلایل آن اینست که چهارچوب آن بیشتر در زمینه Nursing بنا نهاده شده است.

**واژه های کلیدی:** فرآیند پرستاری، دانشجویان بیهوشی

## الگو استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

دکتر بیتا بیجاری<sup>۱\*</sup>، سید علیرضا جوادی نیا<sup>۲</sup>، مرتضی عرفانیان<sup>۳</sup>، دکتر محمدرضا عابدینی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>متخصص پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

<sup>۲</sup>دانشجو پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

<sup>۳</sup>دانشجو پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

<sup>۴</sup>PhD سلولی مولکولی، عضو هیئت علمی (استادیار)، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

bitabijari@bums.ac.ir

**مقدمه:** امروزه، شبکه های اجتماعی مجازی به یکی از مهمترین ابزارهای ارتباطی در سطح جامعه و جهان تبدیل شده اند. از آنجاییکه اطلاع دقیقی از چگونگی استفاده دانشجویان از شبکه های اجتماعی وجود ندارد این مطالعه با هدف تعیین الگوی استفاده از شبکه های اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ انجام شد

**روش‌ها:** در این مطالعه مقطعی (توصیفی تحلیلی) ۴۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند به صورت تصادفی شرکت کردند. پرسشنامه محقق ساخته بعد از تایید روایی محتوایی و پایایی توسط دانشجویان تکمیل شد پس از تکمیل پرسشنامه ها، داده ها وارد نرم افزار SPSS شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** ۴۰۱ نفر با میانگین سنی  $20/71 \pm 1/87$  سال در این مطالعه شرکت کردند. اکثر افراد شرکت کننده مونث (۶۶٫۶٪) بودند. اکثر افراد شرکت کننده (۵۷٫۵٪) در مورد شبکه های اجتماعی موجود اطلاع داشته اند ۱۵۳ نفر (۳۷٫۸٪) در این شبکه ها عضویت داشته و ۱۴۷ نفر (۳۶٫۶٪) به طور مرتب حساب کاربری خود در این شبکه ها را بررسی می نمودند. میانگین استفاده از شبکه اجتماعی  $1/27 \pm 0/49$  ساعت در روز بود. بیشترین دلیل استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی ارتباط با دوستان قدیمی بود.

**نتیجه‌گیری:** نتایج این مطالعه نشان داد که درصد قابل توجهی از شرکت کنندگان در شبکه های اجتماعی مختلف عضویت داشته اند. لذا ارتقای کیفیت آموزشی و فرهنگی اینگونه شبکه ها بمنظور استفاده صحیح و بهینه دانشجویان توصیه می گردد.

**واژه‌های کلیدی:** دانشجوی، شبکه های اجتماعی، دانشگاه

## آموزش پزشکی و باورهای معنوی

دکتر مجید کاتبی\*<sup>۱</sup>

گروه آناتومی دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات سلول‌های بنیادی و سلول درمانی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

[majid.katebi@gmail.com](mailto:majid.katebi@gmail.com)

**مقدمه:** بیماری وضعیتی است که بیمار خود را ناچار به پذیرش شرایط می‌بیند شاید مریضی را بتوان اجباری به رضایت دانست که موجب تغییر دیدگاه بیمار به زندگی؛ تمرکز بر جنبه‌های مثبت زندگی و جستجوی برداشت‌های معنوی از بیماری می‌شود.

شواهد فراوانی مبنی بر ارتباط میان سلامتی و مذهب و معنویت و تاثیر بر احساسات بیماران وجود دارد. ولی در بسیاری موارد توجهی به آموزش ارتباط مفاهیم معنوی با درمان نشده است. در این مطالعه تلاش شده است تاثیر آموزش معناگرا در برداشت‌های دانشجویان ارزیابی شود.

**روش‌ها:** برای پاسخ به سؤال‌های تحقیق از یک پرسشنامه محقق ساخته براساس مقیاس پنج‌عاملی لیکرت (کاملاً مخالفم=۱؛ کاملاً موافقم=۵) استفاده گردید. دانشجویان پزشکی ترم اول و ترم پنجم دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان (۱۸۳ نفر) انتخاب شدند. دانشجویان در آزمون پیش‌تست شرکت کرده و سپس شش ساعت آموزش در زمینه فلسفه وجود؛ اصالت علم؛ ریشه‌ها و تاثیرات سکولاریزم؛ عرفان اسلامی و عرفان‌های نوظهور و نیز تعریف و منشا حیات و هستی و خلقت هوشمندانه بر اساس دستاوردهای علمی و آیات قرآن و روایات و منابع مذهبی را دریافت و بعد از آن پس‌آزمون را گذراندند. آزمون‌ها بلافاصله قبل و بعد از آموزش انجام شدند. تغییرات در پاسخ‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون با استفاده از تست مجموع رتبه‌های ویلکاکسون برای داده‌های زوج وابسته استفاده شد. تفاوت میان نتایج بدست آمده میان دو نیمسال با تست من ویتنی بررسی شد.

**نتایج:** باور فراگیران به اهمیت معنویت در حوزه درمان و لزوم توجه به باورهای مذهبی بیماران افزایش معنی‌داری داشت ( $P=0,007$ ). تفاوت میان دانشجویان دو نیمسال معنی‌دار بود ( $P=0,042$ ). در رابطه با اعتقاد به تاثیرگذاری متقابل اعتقادات مذهبی پزشک و بیمار بر فرایند درمان نیز نتیجه معنی‌دار بود ( $P=0,014$ ). همچنین باور فراگیران به اهمیت روابط انسانی و اجتماعی بیمار و پزشک افزایش یافت ( $P=0,039$ ). در رابطه با باور به برتری انسان بر ماشین و تجهیزات مدرن در درمان نیز افزایش معنی‌داری دیده شد ( $P=0,009$ ). در رابطه با ضرورت پرسش و گردآوری اطلاعات از بیماران در خصوص باورهای مذهبی بیماران برای مدیریت تاثیر آن بر درمان ۶۵ درصد دانشجویان گزینه کاملاً مخالفم را انتخاب کردند و افزایش معنا داری پس از آموزش دیده نشد ( $P=0,083$ ). ولی بر احساس معنا دار بودن زندگی دانشجویان پس از دوره آموزشی مؤثر بود ( $P=0,018$ ).

**نتیجه‌گیری:** یافته‌های این مطالعه بر اهمیت ادغام آموزش معنوی مبتنی بر آموزه‌ها و باورها و زیرساخت‌های مذهبی و فرهنگی جامعه در آموزش پزشکی دارد.

### عوامل موثر بر تشویق مشمولین پرستاری و مامایی به شرکت در برنامه های آموزش مداوم

دکتر زهره شاه حسینی، دکتر زینب حمزه گردشی

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران، ساری، ایران

**مقدمه:** امروزه موضوع ارتقای مستمر حرفه ای در علوم پزشکی نیز مانند سایر مشاغل پیگیری شده و مورد توجه شاغلین این حرفه و رشته های وابسته به آن قرار گرفته است. آموزش مداوم جامعه پزشکی از جمله استراتژی های نوین حفظ و ارتقای دانش جامعه پزشکی بوده که در ارتقای سطح سلامت جامعه نقش بسزایی دارد. از آنجایی که عوامل متعددی بر مشارکت پرستاران و ماماها در برنامه های آموزش مداوم تاثیرگذار می باشد، و آگاهی از مشوق های شرکت این گروه از مشمولین در برنامه های آموزش مداوم، در برنامه ریزی آموزشی آنها بسیار مهم قلمداد می شود، لذا این مطالعه، با هدف بررسی عوامل موثر بر شرکت مشمولین پرستاری و مامایی در برنامه های آموزش مداوم انجام پذیرفت.

**روش ها:** در این مطالعه نظرات ۲۸۹ پرستار و مامای شرکت کننده در برنامه های آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۰ بررسی شد. دیدگاه شرکت کنندگان در مورد انگیزه افراد از شرکت در بازآموزی با مقیاس لیکرت ۵ درجه ای به کمک پرسشنامه ای که به همین منظور تهیه شده بود، به روش خود اظهاری توسط مشارکت کنندگان بررسی گردید. میانگین نمره عوامل موثر با استفاده از آمار توصیفی تحت نرم افزار SPSS بر مبنای نمره ۵ گزارش گردید.

**نتایج:** یافته های این بررسی نشان داد که مهمترین عامل مشوق برای شرکت مشمولین در برنامه های آموزش مداوم به ترتیب مربوط به "به روز نمودن اطلاعات" با میانگین نمره و انحراف معیار  $4.47 \pm .92$ ، و "ارائه خدمت بهتر به بیماران" ( $4.35 \pm 1.02$ ) بوده است. هم چنین دو عامل "کسب تفکر نقادانه" و "کسب امتیاز بازآموزی" با میانگین نمره  $3.70 \pm 1.33$  و  $3.77 \pm 1.22$  (به ترتیب) کمترین عامل مشوق برای مشارکت کنندگان در این مطالعه بوده اند.

**نتیجه گیری:** با توجه اهمیت آموزش مداوم در توانمندسازی پرستاران و ماماها برای ارائه خدمات مطلوبتر به مددجویان، شایسته است با ارتقاء کیفیت علمی برنامه ها، امکان مشارکت گسترده تر آنان را در برنامه ها فراهم نمود. هم چنین به نظر می رسد که محتوای چنین برنامه هایی در آینده به نحوی توسعه یابد که به تربیت پرستاران و ماماها شایسته (Competence) و با مهارتهای مورد نیاز چون "تفکر نقادانه" منجر گردد.

**واژه های کلیدی:** پرستاران، ماماها، آموزش مداوم، مشوق



## بررسی اولویت های آموزش مداوم پزشکان عمومی تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال ۹۰-۱۳۸۹

فرحناز جهانگیر<sup>۱\*</sup>، دکتر سیدعلیرضا مروجی<sup>۲</sup>، محبوبه سعیدی مجد<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی کاشان

Farahnaz\_Jahangir@yahoo.com

<sup>۲</sup> متخصص دانشگاه علوم پزشکی

Alireza@yahoo.com

<sup>۳</sup> کارشناس دانشگاه علوم پزشکی

Majd@yahoo.com

**مقدمه:** آموزش مداوم جامعه پزشکی به عنوان یک اصل کلی و ضرورت در جهان مطرح بوده و براین اساس سازمان جهانی بهداشت آموزش مداوم را به عنوان یک ضرورت فوری به رسمیت شناخته و در گردهمایی جهانی آموزش پزشکی در ادینبورگ در سال ۱۹۹۳ بر اهمیت آن به عنوان یک فعالیت ضروری برای حفظ مهارت های حرفه ای دانش آموختگان تاکید نموده است و اعلام داشته که برای اثر بخشی و مرتبط بودن آموزش برنامه های آموزش مداوم باید از قبل به نحوی طراحی شود که به متناسب با نیازهای یا گیرندگان باشد (۱ و ۲). از آنجایی که هدف از آموزش مداوم جامعه پزشکی ارتقاء دانش و عملکرد پزشکان و دست یابی به استانداردهای مطلوب خدمات پزشکی منطبق با نیازهای جامعه و نهایتاً افزایش سطح سلامت جامعه است، نیاز سنجی و توجه به دیدگاه های این گروه اهمیت ویژه پیدا می کند. مطالعات عدیده ای در زمینه بررسی وضعیت آموزش مداوم در کشور های مختلف انجام گرفته است که به شیوه های مختلف نیاز سنجی و طراحی مناسب برنامه های آموزش مداوم را مورد ارزیابی قرار داده است. (۳-۴-۵)

**روش ها:** در یک مطالعه مقطعی با توجه به وجود ۶۰۰ نفر پزشک عمومی در منطقه و محدودیت دسترسی آنها تعداد ۲۱۲ نفر پزشکان عمومی شرکت کننده در برنامه های باز آموزی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان که شامل پزشکان سیستم بهداشت و درمان و پزشکان آزاد می باشد، مورد بررسی قرار می گیرند. بعد از مصاحبه اولیه با آنها در مورد برنامه های مورد نیاز آنها و زمینه علاقمندی آنها به شرکت در برنامه باز آموزی پرسشنامه ای ساختار یافته که حاوی اطلاعات دموگرافیک پرسشهایی در زمینه موضوعات آموزش مورد نیاز، نوع روش تدریس و... در اختیار آنان قرار می گیرد و سپس این اطلاعات بوسیله نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل می شود. با توجه به اینکه پرسشنامه جدید موارد بیماریهای اورژانسی و شایع و همچنین تازه های پزشکی و بخشی به نام سایر موارد اضافه شده است که می تواند در حد زیادی نیازهای آموزشی که با هدف خاص تعیین شده مشخص و اعلام نمود.

**نتایج:** در این مطالعه ۲۱۲ نفر از پزشکان عمومی و اساتید صاحب فن (۱۰ نفر) در حوزه جغرافیایی کاشان مورد بررسی قرار گرفت که ۷۵ نفر زن (۴۸/۳٪) و ۱۳۷ نفر مرد بودند (۶۴/۶٪) ۹۵ نفر (۴۵٪) استخدام رسمی و پیمانی و ۱ نفر طرحی (۵/۵٪) ۶۶ نفر آزاد (۳۱/۱٪) و ۱۰ نفر عضو هیئت علمی دانشگاه (۴/۷٪) بودند محل خدمت آنها ۳۸ نفر در اورژانس (۱۷/۹٪) و ۴۱ نفر (۱۹/۳٪) در بیمارستان ها و ۶۲ نفر (۲۹/۲٪) در مطب خصوصی و ۸ نفر (۳/۸٪) در کلینیک خصوصی، ۱۸ نفر در مراکز بهداشتی و درمانی (۸/۵٪)، ۱۴ نفر در سایر مراکز مشغول به خدمت بودند (۶/۶٪)، ۲۱۲ نفر آن (کمترین سن ۲۷ سال و بیشترین سن ۷۷ سال) و میانگین سنی آنها ۴۱ سال و ۱۶۲ نفر سابقه خدمت آنها ۱۱/۳ (حداقل سابقه کار ۱ سال و حداکثر ۴۱ سال) بود. نتیجه گیری: نتایج این تحقیق حاکی از آن است که اورژانس بیماریهای داخلی و جراحی اولین اولویت و بیماریهای شایع نوزادان، شایع عفونی، بیماریهای شایع قلب و عروق، بیماریهای شایع گوارش در اولویت دوم، سوم و چهارم به ترتیب قرار دارند.

**واژه های کلیدی:** آموزش مداوم، نیاز سنجی، پزشکان عمومی

## تاثیر برگزاری کارگاههای آموزشی احکام شرعی سقط جنین در آگاهی و نگرش دانشجویان مامایی دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

محبوبه طباطبایی چهر<sup>\*\*</sup>، مریم مدی نشاط، دکتر حامد مرتضوی، دکتر مرتضی موسوی جاجرمی، اکرم گازرانی

<sup>۱\*</sup> مربی عضو هیأت علمی گروه مامایی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

chehr192@gmail.com

<sup>۲</sup> عضو هیأت علمی گروه پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۳</sup> عضو هیأت علمی گروه پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۴</sup> عضو هیأت علمی گروه معارف دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۵</sup> عضو هیأت علمی گروه پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

**مقدمه:** توسعه شتابان علوم در عرصه های مختلف حیات انسانی و رویکرد تخصص محور در مسائل مربوط به آن سوالات و مسائلی را در حوزه اخلاق و احکام فقهی پزشکی در پیش روی فارغ التحصیلان این رشته قرار می دهد که آگاهی از آنها در پاسخگویی به مشاوره های گوناگون بسیاری از بانوان متدین راهگشا خواهد بود و بی شک پاسخ به نیاز های شرعی بانوان گام موثرتری در راستای سطح معرفتی دانشگاهیان و عمل به احکام مقدس دین مبین اسلام خواهد بود.

**روشها:** این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی از نوع مداخله ای و بر روی ۷۱ نفر از دانشجویان کارشناسی مامایی (سال دوم تا چهارم) دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی انجام گرفت. نمونه ها در برنامه زمان بندی شده ای در کلاس های آموزش احکام پزشکی بانوان در زمینه سقط جنین شرکت کردند. قبل برگزاری کارگاه پرسشنامه های اطلاعات دموگرافیک، میزان آگاهی (۹ سوال) و نگرش (۹۰ سوال) توسط دانشجویان تکمیل شد. بعد از برگزاری ۶ ساعت کارگاه توسط مربیان تخصصی رشته مامایی و حوزه علمیه با هماهنگی نماینده ولی فقیه دانشگاه، مجددا پرسشنامه آگاهی و نگرش توسط ۶۵ نفر از دانشجویان که برنامه کارگاه را به اتمام رساندند تکمیل گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار spss و آزمون های آماری توصیفی و تحلیلی انجام گرفت.

**نتایج:** میانگین نمره آگاهی دانشجویان قبل (۳,۹۰±۲,۰۱) و بعد (۵,۹۱±۱,۴۶) از کارگاه در مورد سقط جنین تفاوت آماری معنی داری داشت (P=۰,۰۱). میانگین نمره نگرش دانشجویان قبل (۵۸,۰۸±۱۲,۹۰) و بعد (۶۷,۸۵±۸,۱۹) از کارگاه نیز از این نظر تفاوت آماری معنی داری داشت (P=۰,۰۰۴۵). ۷۱,۶۵ درصد دانشجویان از برگزاری کارگاه رضایت کامل و ۱۵,۴۳ درصد رضایت نسبی داشتند.

۹۶ درصد دانشجویان شرکت کننده و غیر شرکت کننده در کارگاه خواستار مداومت در برگزاری چنین کارگاههای در ترم های آینده بودند.

نتیجه گیری: برخورداری ماماها از دانش لازم و کافی و افزایش توانائی آنان در تصمیم گیری ها در جهت بهبود عملکرد آنان می تواند گام موثری در انجام برنامه های آموزشی مبتنی بر جامعه باشد.

**واژه های کلیدی:** کلید واژه ها: آگاهی، نگرش، مامایی، آموزش پاسخگو، کارگاه آموزشی، احکام شرعی بانوان، سقط جنین

## بررسی رابطه بین تجربه پژوهشی (طرز فکر پژوهشی و طرز فکر دانشگاهی) با علمکرد آموزشی - پژوهشی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد

دکتر عزت اله قدم پور<sup>۱\*</sup>، هوشنگ گراوند<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه لرستان

پست الکترونیک: eghadampour@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه لرستان

**مقدمه:** اهمیت مضاعف تحصیلات تکمیلی بخاطر توأم ساختن آموزش و پژوهش در این دوره می‌باشد، در واقع دانشجویان تحصیلات تکمیلی در زمان تحصیل خود ملزم به گذراندن دو دسته واحدهای آموزشی و پژوهشی هستند. موفقیت در واحدهای پژوهشی و آموزشی این دوره به متغیرهای مختلفی بستگی دارد. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین تجربه پژوهشی (طرز فکر پژوهشی و طرز فکر دانشگاهی) با علمکرد آموزشی- پژوهشی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد می‌باشد.

**روش‌ها:** این پژوهش به روش توصیفی- همبستگی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشکده‌های، پرستاری و مامایی، داروسازی، دندانپزشکی و پزشکی علوم پزشکی مشهد بود. از جامعه آماری مذکور، بر مبنای فرمول کوکران نمونه‌ای به حجم ۱۸۵ نفر به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌های تجربه پژوهشی و علمکرد پژوهشی بود. همچنین برای اندازه‌گیری علمکرد آموزشی از شاخص معدل دانشجویان استفاده گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار)، از روش‌های آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندگانه، آزمون  $t$  گروه‌های مستقل و تحلیل واریانس چند متغیره) استفاده شد.

**نتایج:** نتایج نشان داد بین تجربه پژوهشی و خرده‌های مقیاس‌های آن با علمکرد پژوهشی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد اما بین تجربه پژوهشی و خرده مقیاس‌های آن با علمکرد آموزشی رابطه معناداری وجود نداشت. علمکرد پژوهشی از طریق تجربه پژوهشی و خرده مقیاس‌های آن قابل پیش بینی بود. همچنین نتایج آزمون  $t$  گروه‌های مستقل نشان داد که بین دانشجویان دختر و پسر از لحاظ کل مقیاس علمکرد پژوهشی تفاوت معناداری وجود ندارد اما بین علمکرد آموزشی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنادار بود.

**نتیجه‌گیری:** در مجموع نتایج این پژوهش نشان داد که بین تجربه پژوهشی و علمکرد پژوهشی رابطه معناداری وجود دارد. اما بین تجربه پژوهشی و علمکرد آموزشی رابطه معناداری وجود نداشت. این نتیجه از این جهت مهم است که امروزه پژوهش در جوامع و به خصوص در آموزش عالی جایگاه والایی دارد، و پیشرفت علمی بدون پشتوانه تحقیقات امکان پذیر نیست. از این رو شناسایی عوامل موثر بر علمکرد پژوهشی می‌تواند برای دست‌اندرکاران آموزش عالی، کلیدی و راهگشا باشد.

**واژه‌های کلیدی:** تجربه پژوهشی، علمکرد پژوهشی، علمکرد آموزشی

## بررسی رابطه بین تجربه پژوهشی و خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد

دکتر عزت اله قدم پور<sup>۱\*</sup>، هوشنگ گراوند<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه لرستان،

پست الکترونیک: eghadampour@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی دکترای رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه لرستان

**مقدمه:** پژوهش، یادگیری و آموزش آن از فرایندها و مهارت‌های مهم و اساسی برای دانشجویان به خصوص در مقاطع بالاتر است و نقش مهمی در بهبود فرایندهای آموزشی و گسترش خدمات علمی در جامعه دارد. یکی از موضوعات مورد تاکید در این حیطه، باورها و نگرش‌های پژوهشی به ویژه باورهای مربوط به خود محقق، در رابطه با پژوهش است. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین تجربه پژوهشی با خودکارآمدی پژوهشی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد می‌باشد.

**روش‌ها:** این پژوهش به روش توصیفی- همبستگی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشکده‌های پرستاری و مامایی، داروسازی، دندانپزشکی و پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد بود. از جامعه آماری مذکور، بر مبنای فرمول کوکران نمونه‌ای به حجم ۱۸۵ نفر به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه های خودکارآمدی پژوهشی و تجربه پژوهشی بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار)، از روش‌های آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندگانه، آزمون  $t$  گروه‌های مستقل و تحلیل واریانس چند متغیره) استفاده شد.

**نتایج:** نتایج نشان داد بین تجربه پژوهشی و خرده‌های مقیاس‌های آنبا خودکارآمدی پژوهشی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. خودکارآمدی پژوهشی از طریق تجربه پژوهشی و خرده مقیاس‌های آن قابل پیش بینی بود. همچنین نتایج آزمون  $t$  گروه‌های مستقل و تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) نشان داد که بین دانشجویان دختر و پسر از لحاظ کل مقیاس خودکارآمدی پژوهشی و مولفه‌های آن فقط در خرده مولفه خودکارآمدی در مهارت‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.

**نتیجه‌گیری:** از این جهت که باورهای پژوهشی برای اجتناب یا انجام تحقیق، تاثیرات مهمی دارند و می‌تواند عامل مهمی برای انجام یا عدم انجام پژوهش باشند بنابراین شناسایی عوامل موثر بر این باورها می‌تواند برای دست‌اندرکاران آموزش عالی در توسعه تحصیلات تکمیلی، تعیین کننده باشد.

**واژه‌های کلیدی:** تجربه پژوهشی، خودکارآمدی پژوهشی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی.

## اثر مطالعه بر ناهنجاریهای اجتماعی: تجربه دانشجویان علوم پزشکی

حدیثه سادین\*، دکتر اکرم ثناگو، دکتر لیلا جویباری

\*دانشجو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گلستان، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گلستان  
H\_sadin@yahoo.com

**مقدمه:** صفت اصلی انسان‌ها، اجتماعی بودن و زندگی گروهی آنها است. انسان از لحظه تولد تا دم مرگ به دیگران نیاز و وابستگی دارد و به ناچار برای رفتار و کنش در چارچوب‌های معین و براساس الگوهایی نسبتاً هم‌ساز با یکدیگر، نیازمند قواعد رفتار خاص خود است تا یگانگی اجتماعی محفوظ بماند. مطالعه به عنوان یک مهارت اجتماعی، نردبان ترقی و تکامل هر ملت است. بین مطالعه‌ی و رشد افراد در جوامع، رابطه تنگاتنگی وجود دارد. کتاب‌ها وسیله مهمی برای اطلاع‌رسانی هستند. کتاب‌های اطلاعاتی، حقایقی مفید فراهم می‌کنند و کتاب‌های داستانی الگوی سمبلیک ارائه می‌دهند. هدف از این مطالعه تعیین تجربه دانشجویان از اثر مطالعه بر ناهنجاریهای اجتماعی می‌باشد.

**روش‌ها:** در این پژوهش کیفی با ۱۰ دانشجوی علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان (۱۳۹۱)، مصاحبه‌های نیمه ساختار به عمل آمد. سوال پژوهش این بود. تجربیات خود را از تاثیر پذیری از مطالعه آزاد بر چگونگی رفتار خود در اجتماع بیان نمایند. جمع‌آوری اطلاعات تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت. کلیه مصاحبه‌ها ضبط و کلمه به کلمه دست‌نویس و مطابق روش "تحلیل محتوا" آنالیز شدند.

**نتایج:** داده‌های این مطالعه نشان داد که انگیزه دانشجویان از مطالعات آزاد افزایش سطح معلومات اجتماعی و آگاهی از اندیشه‌های جامعه، بالا بردن سطح اندیشه فکری خود، علاقه و لذت از مطالعه می‌باشد. در پاسخ به این سؤال که تأثیر مطالعه بر رفتار فردی و اجتماعی آنان چه بوده است، اظهار داشتند که مطالعه در باورشان تأثیر داشته و از موقعیت‌های مشابهی که در کتاب خوانده‌اند در زندگی روزمره استفاده کردند، در مجامع توانایی اظهار نظر و ابراز وجود و دفاع از عقیده خود را کسب کرده‌اند، در شغل خود و زندگی خانوادگی از مطالب کتاب‌ها استفاده برده‌اند، در رفتار و عقاید نیز با این مطالعات دچار تحولاتی شده‌اند. دانشجویان تأثیرات روحی و روانی منفی را پس از خواندن برخی کتاب‌ها را ذکر کردند که اصولاً در اثر رمان یا داستان‌ها ایجاد شده بود. آنها به این نکته اشاره نمودند، برخی از افکار و عقاید منتقله از کتاب را در جهت نادرست در زندگی و جامعه بکار برده‌اند.

**نتیجه‌گیری:** نتایج این مطالعه نمایانگر این مسئله است که دانشجویان تأثیر پذیری از مطالعه آزاد را بر رفتار فردی و اجتماعی خود احساس کرده بودند که این تأثیر پذیری می‌توانست در برخی اوقات نابهنجار باشد. تغییر افکار و عقیده دادند و بکارگیری آن در جامعه یکی از تجربیات دانشجویان بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** مطالعه، کتابخوانی، ناهنجاریهای اجتماعی، دانشجوی علوم پزشکی

## ارتباط جایگاه مهار آکادمیک و شادمانی در دانشجویان دانشکده پرستاری مامایی

### دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

هما سلیمانی<sup>۱</sup>، زهرا محیط قیری<sup>۲</sup>، مهستی گنجو<sup>۳\*</sup>، سمیه حسینی<sup>۴</sup>، پروانه صفرپور<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی عضو کمیته تحقیقات دانشجویی

<sup>۲</sup> دانشجوی عضو کمیته تحقیقات دانشجویی

<sup>۳\*</sup> عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

[Mahastyganjoo@yahoo.com](mailto:Mahastyganjoo@yahoo.com)

<sup>۴</sup> مشاور آمار، کارشناس معاونت پژوهشی

<sup>۵</sup> کارشناس آموزشی دانشکده پیرا پزشکی

**مقدمه:** کنترلی که دانشجویان در عملکرد تحصیلی خود حس می کنند یکی از مهمترین عوامل در نظر گرفته شده در جهت بهبود پیشرفت تحصیلی است. جایگاه مهارگری متغیر مهمی در علوم اجتماعی است و انتظارات عمومی افراد در مورد علت پاداش ها یا تنبیهات را نشان می دهد. روتر معتقد بود که فردی با جایگاه مهار بیرونی بر این باور است که "نیرو و قوا در قدرت فرد نیست بلکه تحت کنترل قوه شانس و قسمت است". در حالی که افراد با جایگاه مهار درونی بر این باورند که "قوا وابسته به رفتار ظرفیت و صفات هر شخص است". موضوع شادمانی جدیداً وارد حوزه علوم پزشکی شده است. وینهوون شادمانی را درجه ای تعریف کرد که شخص کل زندگی خود را در آن مطلوب ارزیابی کند. مطالعه شادمانی از جهات مختلفی اهمیت دارد از جمله اینکه شادمانی امری مسری است یعنی شادی یک فرد شادی چند نفر دیگر را نیز دنبال دارد و غبار اندوه را از چهره ها می زداید پژوهش ها حاکی از آن است که افراد با جایگاه مهار درونی آزادی عمل بیشتری داشته در نتیجه شادتر هستند.

**روش ها:** این مطالعه یک مطالعه توصیفی تحلیلی است که با هدف تعیین ارتباط بین جایگاه مهار آکادمیک و شادمانی به روش سرشماری در دانشجویان دانشکده پرستاری مامایی انجام شد. برای این مطالعه از پرسشنامه های جایگاه مهار آکادمیک تراپس و شادمانی آکسفورد استفاده شد.

**نتایج:** در این مطالعه حجم نمونه ۶۷ نفر و میانگین سنی ۲۱ سال می باشد. از این تعداد ۸۹٫۶٪ زن و ۱۰٫۴٪ مرد بوده اند. میانگین مهار آکادمیک ۱۱٫۳٪ با انحراف معیار ۲٫۲۳٪ و میانگین امتیاز شادمانی ۴۱٫۰۵٪ با انحراف معیار ۱۱٫۴۹٪ می باشد. ارتباط مهار آکادمیک و شادمانی معنادار نبوده است ( $p=0.662$ ). ارتباط مهار خارجی با شادمانی معنادار نیست ( $p=0.089$ ). ارتباط مهار داخلی و شادمانی معنادار نیست ( $p=0.069$ ) ولی ممکن است در صورت افزایش حجم نمونه این ارتباط معنا دار شود. میانگین امتیاز شادمانی در خانم ها ۴۲٫۲۶٪ و در آقایان ۳۴٫۸۳٪ می باشد. مهار خارجی در خانم ها ۵٫۳٪ و در آقایان ۶٫۱۶٪ است. مهار داخلی در خانم ها ۵٫۸۵٪ و در آقایان ۵٫۸۵٪ محاسبه گردید.

**نتیجه گیری:** با توجه به اهمیت آموزش پزشکی در کشور می بایست به دنبال راه های مناسب برای ارتقا کیفیت آموزش و همچنین راه کارهایی جهت افزایش توانمندی دانشجویان رشته های علوم پزشکی بود. چرا که این دانشجویان در آینده با حیات انسانهای کشورمان رابطه مستقیم دارند و شایسته ی برنامه ریزی های بهتر هستند. با این امید که یافته های این پژوهش بتواند گامی در جهت ارتقاء کیفیت آموزش گروه های پزشکی در ایران بردارد.

**واژه های کلیدی:** جایگاه مهار آکادمیک، جایگاه مهار خارجی، جایگاه مهار داخلی، شادمانی، دانشجویان پرستاری مامایی

## بررسی کفایت فرایند آموزش بدو خدمت و بهینه سازی آن در معاونت بهداشتی سال ۱۳۹۰ با استفاده از مراقبت مبتنی بر شواهد: یک طرح مداخله ای

زهره حسینی\*

\*کارشناس ارشد آموزش پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه

**مقدمه:** آموزش بدو خدمت کارکنان شاغل در مراکز بهداشتی درمانی جزء وظایف مهم مراکز آموزش بهورزی است که کارکنان را در شروع خدمت با فرآیندهای ارائه خدمات در خانه های بهداشت و مراکز بهداشتی درمانی، و وظایف تیم سلامت در مورد این فرآیندها آشنا می سازد

طراحی این دوره آموزشی می بایست منطبق با نیاز فراگیران، تنظیم اهداف آموزشی و تحلیل آموزشی باشد که در این رابطه کفایت فرایند و عوامل موثر بر آن می بایست مد نظر قرار گیرد.

**روش ها:** این مطالعه از نوع مقطعی (توصیفی و تحلیلی) بود که در آن ابتدا فرایند آموزش جاری رسم شد و سپس پرسش نامه بررسی کفایت فرایند طراحی، اعتبار و پایایی آن تایید و توسط ۲۵ نفر تکمیل شد. بنا به داده ها، فهرستی از موارد نیازمند ارتقاء به دست آمد که اولویت بندی انجام و بر نامه ریزی جهت ارتقاء صورت گرفت، مطابق با بر نامه زمان بندی فعالیتها اجرا شد و مجددا پرسش نامه بعد از ارتقاء تکمیل شد و داده های قبل و بعد ارتقاء با هم مقایسه شد. همچنین فرم سنجش نگرش کارکنان نسبت به ابعاد آموزش بدو خدمت تکمیل شد. داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای توصیف از نمودارها و جداول توزیع فراوانی استفاده و برای تحلیل از آزمون paired T test استفاده شد.

**نتایج:** میانگین امتیازات قبل ارتقاء ۲۰/۳۳ و میانه آن ۱۶ و میانگین امتیازات بعد از ارتقاء ۸۷ و میانه امتیازات ۸۹ و نیز نتایج بدست آمده از پره تست (بررسی آگاهی کارکنان بدو خدمت) میانگین امتیازات ۵۲/۹۶ و میانه امتیازات ۵۰ و پست تست (میانگین امتیازات ۸۶/۰۹ میانه امتیازات ۸۵) و نیز یافته های حاصل از نظر سنجی (اکثریت کارکنان، کیفیت برنامه آموزشی را از نظر تحکیم اطلاعات صحیح قبلی و ارائه مطالب علمی جدید و نیازهای شغلی در حد بسیار زیاد و زیاد بر آورد کرده بودند و نیز رضایت اکثریت کارکنان از توانایی برنامه آموزشی در واضح و مشخص نمودن شرح وظایف شغلی، بحث ها و موارد آموزشی، مدت زمان اجرا و طول زمان اجراء در حد بسیار زیاد و زیاد بر آورد شد. با استفاده از آزمون T مشخص شد که بین امتیازات در مورد کار آیی و چگونگی انجام آموزشهای بدو خدمت در مرکز آموزش بهورزی با  $DF=5$   $T=4.24$   $p=0.001$  اختلاف معنی دار آماری وجود داشت و نیز بین امتیازات حاصل از پره تست و پست تست نیز با  $DF=31$   $T=10.24$   $p=0.001$  اختلاف معنی دار آماری وجود داشت.

**نتیجه گیری:** در آموزش بدو خدمت می بایست نظارت فعال بر نحوه خدمات تیم سلامت توسط مربیان آموزش دهنده در مراکز بهداشتی درمانی با استفاده از چک لیست انجام گیرد و نیز در کمیته های مربوط به بررسی فعالیت تیم سلامت (کمیته فنی و کمیته آموزش کارکنان تیم سلامت) مدیر و مربیان آموزشی مشارکت فعال داشته باشند

**واژه های کلیدی:** بهینه سازی فرایند آموزش بدو خدمت، مرکز آموزش بهورزی، مراقبت مبتنی بر شواهد.

## بررسی ساختار عاملی و اعتباریابی نسخه فارسی پرسشنامه خودنظم دهی در بین دانشجویان پزشکی

دکتر سمیه برجعلی<sup>۱</sup>، دکتر ریتا مجتهدزاده<sup>۲</sup>، دکتر آیین محمدی<sup>۳\*</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس پژوهش، دانشکده مجازی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده مجازی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، مرکز

تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

aeen\_mohammadi@tums.ac.ir

**مقدمه:** خودنظم دهی از جمله سازه‌های مورد توجه در مباحث انگیزشی است، که به وسیله آن دانشجویان یادگیری خود را سامان می‌بخشند. خودنظم دهی یکی از مهمترین عوامل پیش‌بینی کننده موفقیت تحصیلی در محیط آموزشی است. از این رو ارزیابی میزان خودنظم دهی تحصیلی در فرگیران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هدف پژوهش حاضر بررسی ساختار عاملی مقیاس خودنظم دهی است.

**روش‌ها:** پرسشنامه ۳۴ ماده‌ای خودنظم دهی انل و هانگ (۲۰۰۱) که شامل ۴ عامل برنامه‌ریزی، خودارزیابی، تلاش و خودکارآمدی است توسط متخصصین، ترجمه و روایی محتوایی آن تأیید شد و روی ۳۳۶ دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران که به صورت نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند، اجرا شد. تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و LISREL بر روی داده‌ها انجام گرفت.

**نتایج:** چهار عامل اصلی مطرح شده در نسخه اصلی، توسط تحلیل عاملی اکتشافی استخراج شد. این پرسشنامه ۵۵ درصد از واریانس کل خودتنظیمی را تبیین می‌کرد. تحلیل عاملی تاییدی نیز نشان داد که مدل ۴ عاملی ناهمبسته بهترین مدل برازش شده برای تبیین داده‌های حاضر است.

**نتیجه‌گیری:** نتایج حاکی از این است که مقیاس خودنظم دهی انل و هانگ، برای شناسایی قابلیت‌های خودنظم‌دهی دانشجویان ایرانی و به ویژه دانشجویان پزشکی کفایت لازم را دارد و در پژوهش‌های مختلف مخصوصاً در حوزه آموزش قابل استفاده است.

**واژه‌های کلیدی:** خودنظم دهی، اعتبار، روایی، تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تاییدی.



## آموزش معنویت در مراقبت پرستاری: یک مطالعه کیفی

سکینه حیدری\*<sup>۱</sup>، عطیه فقیهی، مجتبی فناحی، سیدمحمدپورهاشمی اردکانی

\* کارشناس پرستاری دانشگاه شهید صدوقی یزدان دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی

اصفهان

S\_heydari\_287@yahoo.com.

**مقدمه:** پرستار بودن چیزی فراتر از دانش یا انجام دادن مجموعه ای از مهارت ها و فنون حرفه ای است. مراقبت معنوی جزء اساسی عملکرد پرستاری است. پرستارانی قادر به ارائه مراقبت های معنوی هستند که برای این مفهوم ارزش قابل بوده و در رابطه با آن آموزش دیده و توانایی خود جهت ارائه چنین مراقبت هایی را باور داشته باشند. آموزش پرستاری نقش حساسی را در آماده ساختن پرستاران برای ارائه مراقبت های معنوی داراست. بسیاری از تحقیقات داخل و خارج از ایران نشان داده اند که با مراقبت معنوی، پیشرفت در بهبودی و افزایش رضایتمندی حاصل می شود و به همان اندازه که پرداختن به نیازهای جسمی اهمیت دارد، توجه به نیازهای معنوی هم مهم بوده و در بهبودی بیمار نقش دارد. پرستاران فرصت دارند که از طریق ارتقاء سلامت معنوی و فراهم کردن محیطی برای بهبودی معنوی به هر بیماری کمک کنند. هدف از این مطالعه بررسی راه های آموزش معنویت در مراقبت پرستاری از منظر مربیان پرستاری و پرستاران شاغل می باشد.

**روش ها:** در این مطالعه کیفی با نمونه گیری هدفمند، از مربیان، سرپرستاران و پرستاران شاغل در بخش های مختلف بیمارستان برای شرکت در مطالعه دعوت به عمل آمد. با توجه به اشباع مفهومی طبقات، مصاحبه با 26 پرستار از کفایت لازم برخوردار بوده است. مصاحبه ها خط به خط دست نویس، کدگذاری، طبقه بندی و آنالیز محتوایی شدند.

**نتایج:** مشارکت کنندگان در این مطالعه چهار تم "نقش الگویی اساتید" شامل تعهد اساتید به معنویت و نشان دادن در عمل و "آموزه های دینی" شامل توجه به آموزه های دین اسلام و بالابردن بعد معنوی دانشجویان پرستاری، "اعتماد به نفس" شامل تبیین خودباوری و ارزش قائل شدن برای نقش خود به عنوان یکی از اعضای اصلی تیم درمانی، "نگرش" شامل آموزش نگرش معنوی در زمان دانشجویی و ایجاد انگیزه کافی جهت انجام مراقبت معنوی رابه عنوان راههای آموزش معنویت در مراقبت پرستاری مطرح نمودند.

**نتیجه گیری:** از پرستاران خواسته می شود که به مفهوم مراقبت کل نگر متعهد باشند و اهمیت توجه به جنبه های جسمی، روانی، عاطفی، اجتماعی، معنوی و معنی نیازها و مراقبت ها را بشناسند. شواهد نشان می دهد که چهار نیاز اول شناخته شده اند و در برنامه درسی تدریس و در مراقبت ها نیز اجرا می شوند. اما حیطه مراقبت معنوی، نادیده گرفته و یا در برخی کشورها به یک رهبر مذهبی تفویض می شود. در این راستا مسائلی اساسی وجود دارد که لزوم پرداختن به آن از سوی مسئولین و مدرسين دانشکده های پرستاری جدی به نظر می رسد: ۱- آموزش و راهنمایی در مورد مراقبت معنوی ۲- شفاف سازی در مورد حدود و مرز اخلاق حرفه ای و حریم شخصی ۳- حمایت از پرستاران در زمینه مسائل معنوی

**واژه های کلیدی:** آموزش، معنویت، مراقبت پرستاری، nursing care, teaching, spirituality

بررسی مقایسه‌ای دیدگاه مشمولین آموزش مداوم نسبت به شیوه ارائه برنامه‌ها به صورت حضوری و الکترونیکی در سال ۱۳۹۰

مسعود میرزایی<sup>۱</sup>، امیر هوشنگ مهر پرور<sup>۲</sup>، مریم بهاء‌لو<sup>۳\*</sup>، محمد حسین داوری<sup>۴</sup>، حمیدرضا اولیا<sup>۵</sup>  
[drbahaloo@gmail.com](mailto:drbahaloo@gmail.com)

<sup>۱</sup> فوق دکترای مشاوره و درمان بیماریهای مزمن، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

<sup>۲</sup> متخصص طب کار و بیماریهای شغلی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

<sup>۳\*</sup> پزشک عمومی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

<sup>۴</sup> دستیار تخصصی طب کار و بیماریهای شغلی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

<sup>۵</sup> کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

**مقدمه:** در کشور ما آموزش مداوم پزشکی در قالب الکترونیک موضوع نسبتاً جدیدی است. با توجه به محدودیت زمانی و مکانی برنامه‌های آموزش مداوم پزشکی حضوری و در مقابل در دسترس بودن برنامه‌های آنلاین در هر مکان و زمان، ارائه برنامه‌ها به صورت الکترونیکی کمک زیادی به استفاده تعداد بیشتری از مشمولان میکند. دفتر آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی یزد از پزشکان شرکت کننده در برنامه‌ها در مورد شیوه ارائه برنامه‌ها به صورت حضوری و الکترونیکی نظرسنجی نموده است تا بتواند برنامه‌هایی متناسب با شیوه مورد نظر آنان ارائه نماید.

**روش‌ها:** این مطالعه یک مطالعه توصیفی مقطعی میباشد. روش گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه‌های محقق‌ساخته‌ای بود که روایی و پایایی آن نیز تأیید و توسط ۹۸ پزشک عمومی تکمیل گردید. نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری آسان از میان کلیه پزشکان عمومی شرکت کننده در برنامه‌های بازآموزی در نیمه دوم سال ۱۳۹۰ انتخاب شدند.

**نتایج:** میانگین سنی شرکت کنندگان ۴۱/۹ سال بود و ۶۲٪ از آنها مرد بودند. پزشکان مطلوبترین روش آموزشی در برنامه‌های آموزش مداوم پزشکی را، روشهای الکترونیکی (۵۷/۱٪) (۵۶ نفر) انتخاب نمودند. مناسبترین برنامه‌های حضوری را سخنرانی (۵۸/۱٪) و کارگاههای عملی (۳۸/۷٪) و بهترین قالب برنامه‌های الکترونیکی را خودآموزی با دیسک فشرده (CD) و برنامه‌های اینترنتی دانستند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج این مطالعه، گرایش به برنامه‌های آموزش مداوم پزشکی الکترونیکی در بین پزشکان افزایش یافته است. همچنین اجرای این نوع برنامه‌ها میتواند به صرفه‌جویی در زمان و دسترسی مکانی آسانتر به برنامه‌ها، به پزشکان کمک کند.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش مداوم پزشکی، برنامه‌های حضوری، برنامه‌های الکترونیکی، پزشکان عمومی

## تفاوت های جنسیتی در میزان استفاده از فیسبوک در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی مازندران

قاسم عابدی<sup>۱</sup>، اکبر محمدی<sup>۲\*</sup>، احد علیزاده<sup>۳</sup>، هادی حسینی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>دانشیار گروه علوم بهداشتی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی و دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران.

<sup>۲</sup>کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

<sup>۳</sup>دانشجوی دکترای آمار زیستی، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

[mohammadi8194@yahoo.com](mailto:mohammadi8194@yahoo.com)

**مقدمه:** در حال حاضر یکی از مهم ترین و محبوب ترین شبکه اجتماعی فیس بوک است. دانشجویان در فیسبوک به برقراری ارتباط با دوستان هم جنس و غیر هم جنس می پردازند و از طریق این شبکه به برقراری ارتباطات خاصی دست می زنند. این مطالعه با هدف بررسی تفاوت های جنسیتی در میزان استفاده از فیسبوک در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران انجام گرفت.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی- تحلیلی که در آن ۳۲۳ دانشجوی دختر و پسر، در نیم سال دوم تحصیلی ۹۰-۹۱ به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. جهت گردآوری داده ها از پرسش نامه ای محقق ساخت که مشتمل بر سه بخش بود استفاده شد. بخش اول مربوط به اطلاعات دموگرافیک دانشجویان، بخش دوم بر سه محور؛ استفاده اصلی دانشجویان از فیسبوک، نگرش دانشجویان نسبت به فیسبوک و اطلاعات شخصیتی- هویتی دانشجویان در فیسبوک بود. و بخش سوم نیز به صورت یک سؤال باز مطرح شد.

**نتایج:** در مطالعه حاضر ۴۳ درصد از دانشجویان عضو فیسبوک بودند که این میزان در پسران (۶۱/۷ درصد) تقریباً دو برابر دختران (۳۱/۵ درصد) بود. ارتباط با دوستان قدیمی در هر دو جنس مهم ترین علت عضویت در فیسبوک بود. همچنین دوست شدن با جنس مخالف در پسران (۵۰ درصد) یک عامل مهم بود اما در دختران (۱۵/۵ درصد) بسیار کمتر بود.

**نتیجه گیری:** نتایج به دست آمده نشان داد که نزدیک به ۳۴٪ دانشجویان دختر علت عدم حضور خود در فیسبوک را وجهه بد این شبکه اجتماعی در جامعه عنوان کردند که این میزان در پسران ۱۹/۵٪ بود. لذا این احتمال می رود که میزان واقعی دختران فیسبوکی به این دلیل که حضور در فیسبوک را عیب و عار می دانند و دوست ندارند کسی از این موضوع خبر داشته باشد، بیشتر از میزانی باشد که در این مطالعه به دست آمده است.

**واژه های کلیدی:** تفاوت های جنسیتی؛ فیسبوک؛ دانشجویان

## عوامل مرتبط بر انگیزش پرستاران جهت شرکت در برنامه های آموزش ضمن خدمت

احمد صادقی<sup>۱\*</sup>، زهره عباسی<sup>۲</sup>، سید حمید حسینی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی دکترای مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم

پزشکی شیراز، شیراز، ایران

[ahmadsadeghi1363@gmail.com](mailto:ahmadsadeghi1363@gmail.com)

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد مامایی، مربی گروه مامایی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد آموزش بهداشت، مربی گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

**مقدمه:** یکی از روشهای مفید و مقرون به صرفه برای پیشرفت و هماهنگی حرفه ی پرستاری با پیشرفت های حاصله در تکنولوژی علوم پزشکی و اجتماعی، آموزش ضمن خدمت می باشد که شامل تمام آموزشهای شغلی است که برای ارتقای کیفیت عملکرد افراد به آنها داده می شود. این مطالعه با هدف تعیین عوامل موثر بر انگیزش پرستاران بیمارستانهای آموزشی شهر بجنورد جهت شرکت در برنامه های آموزش ضمن خدمت انجام گرفت.

**روشها:** این مطالعه از نوع توصیفی- مقطعی می باشد که در سال ۱۳۸۹ در شهر بجنورد انجام گرفت. جامعه پژوهش کلیه پرستاران شاغل در دو بیمارستان آموزشی این شهر و نمونه پژوهش ۱۲۰ نفر از این تعداد بودند که به صورت تصادفی انتخاب گردیدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بود که انگیزش افراد در خصوص شرکت در برنامه های آموزش ضمن خدمت را در ۴ حیطه (عوامل شخصی، حیطه سازمانی، عوامل حرفه ایو عوامل مرتبط با برنامه ریزی دوره) می سنجید. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون های کای دو، تی تست و ضریب همبستگی توسط نرم افزار SPSS16 بهره گیری شد.

**نتایج:** ۵۷٪ افراد مورد مطالعه معتقد بودند که شرکت در برنامه های آموزش ضمن خدمت، دانش، آگاهی و مهارتهای عملکردی آنها را ارتقا داده است. ۳۳/۶٪ پرستاران انگیزه خود جهت شرکت در برنامه های آموزش ضمن خدمت را عوامل شخصی، ۱۳٪ عوامل سازمانی، ۹٪ عوامل مرتبط با برنامه ریزی و ۵۱٪ عوامل حرفه ای قلمداد کردند.

**نتیجه گیری:** بیشتر پرستاران در بعد حرفه ای و فردی موافق بودند که این عوامل می تواند انگیزه آنها را جهت شرکت در دوره های آموزش ضمن خدمت تامین کند لذا پیشنهاد می شود ضمن تقویت این عوامل در بعد عوامل سازمانی و برنامه ریزی نیز اقداماتی انجام شود تا پرستاران با انگیزه بیشتری در دوره های باز آموزی شرکت کنند.

**واژه های کلیدی:** عوامل انگیزشی، آموزش ضمن خدمت، پرستار، بیمارستان آموزشی

## وضعیت آموزشی دانشکده پرستاری جهرم در حیطه ادراک دانشجو از توانایی علمی خود بر اساس مدل DREEM در سال ۹۰

سید اسماعیل مناقب<sup>۱\*</sup>، فاطمه رضائیان جهرمی<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> استادیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم  
<sup>۲</sup> کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم

مقدمه: در هر برنامه آموزشی، ارزشیابی، به عنوان یک رکن اساسی بوده که می تواند آموزش را از حالت ایستا به مسیری پویا هدایت نماید. یکی از الگوهای اندازه گیری کمی محیط و فضای حاکم بر آموزش به نام DREEM ( Dundee Ready Education Environment Measure) ارائه شده که برای تشخیص مشکلات برنامه درسی و اثر بخشی تغییر در آموزش و نیز شناسایی تفاوت محیط واقعی با محیط مطلوب به کار میرود. این مطالعه به منظور بررسی وضعیت آموزشی دانشکده پرستاری جهرم در حیطه ادراک دانشجو از توانایی علمی خود انجام شد.

روش‌ها: این یک مطالعه توصیفی بود که در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه علوم پزشکی جهرم انجام گرفت. جامعه پژوهش کارآموزان رشته پرستاری دانشگاه علوم پزشکی جهرم بود. نمونه گیری به روش سرشماری انجام شد و ۱۷۴ دانشجوی پرستاری وارد مطالعه شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات، استفاده از پرسشنامه DREEM بود که پایایی آن ۰/۷۵٪ و روایی آن به صورت ترجمه مجدد و با نظر کارشناسان خبره آن به تایید ۵ تن از اساتید رسیده بود. پرسشنامه از دو بخش اطلاعات دموگرافیک و سوالات اصلی بود. سوالات اصلی شامل ۸ گویه در زمینه خود ادراکی دانشجو از توانمندی در رشته خود بود که بصورت طیف لیکرت ۵ گزینه ای تنظیم و از صفر تا ۴ (کاملاً مطلوب، مطلوب، مطمئن نیستم، نیمه مطلوب و نامطلوب) نمره داده می شد و در چهار سطح احساس شکست کامل، ابعاد منفی زیاد، رضایت بخش و مطمئن و دلگرم کننده، سطح بندی شده بود. پرسشنامه ها توسط کارشناس همکار طرح به دانشجویان تحویل شد و پس از تکمیل از آنها دریافت گردید. اطلاعات وارد نرم افزار Spss14.5 شده و در سطح آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: ۱۷۴ کارآموز رشته پرستاری در مطالعه شرکت داشتند. و میزان برگشت پرسشنامه ها ۶۱٪ بود. ۵۴٪ مونث و ۴۶٪ مذکر بودند. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل پرسشنامه ها دانشجویان رشته پرستاری وضعیت آموزشی خود را از نظر توانایی علمی خود را بصورت زیر ارزیابی کردند: ۴/۷٪ احساس شکست کامل، ۳۶/۸٪ ابعاد منفی زیاد، ۴۸/۱٪ رضایت بخش و ۱۰/۴٪ مطمئن و دلگرم کننده.

نتیجه گیری: یکی از روشهای مطمئن ارزشیابی، خود ارزشیابی توسط فراگیران است. در این مطالعه گرچه اکثریت دانشجویان ارزیابی رضایت بخش و دلگرم کننده از توانمندی علمی خود داشته اند ولی هنوز حدود ۴۰٪ از دانشجویان برآورد رضامندی از توانایی علمی خود نداشته اند. پیشنهاد می شود از روشهای موثرتر آموزشی و جنبه های مختلف علمی و مهارت های ارتباطی و آموزش مبتنی بر نیازهای جامعهدر آموزش کارورزان استفاده گردد.

واژه‌های کلیدی: توانمندی، فضای آموزش، یادگیری، آموزش بالینی، الگوی DREEM، ارزشیابی، آموزش پرستاری

نیازسنجی آموزشی پرستاران شاغل در بخش مراقبت‌های ویژه عمومی (آی‌سی‌یو) به منظور طراحی برنامه‌ی آموزش ضمن خدمت در بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه

علوم پزشکی در شهر سمنان سال ۱۳۹۲-۱۳۹۱

سید حبیب اله کواری

استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران

kavarih@gmail.com

**مقدمه:** نیازسنجی آموزشی و برگزاری کلاس‌های آموزش ضمن خدمت در راستای آن به منظور ارتقای سطح دانش، مهارت و نگرش پرستاران ویژه برای ارائه هر چه بهتر خدمات بهداشتی درمانی به جامعه امری ضروری است. هدف از انجام این مطالعه، شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای آموزشی پرستاران شاغل در بخش‌های (آی‌سی‌یو) در بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی در شهر سمنان به منظور طراحی برنامه‌ی آموزش ضمن خدمت می‌باشد.

**روش‌ها:** این پژوهش یک مطالعه‌ی توصیفی - مقطعی بوده که شامل دو مرحله شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای آموزشی پرستاران (آی‌سی‌یو) بوده. نیازسنجی در دو فاز انجام شده، در هر دو فاز نمونه‌گیری به روش سرشماری انجام گرفت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در فاز اول، پرسشنامه با سوالات بسته جهت انجام نیازسنجی از دیدگاه مدیران پرستاری و پزشکان مقیم آی‌سی‌یو و در فاز دوم برای سنجش دانش و مهارت پرستاران آی‌سی‌یو، آزمون علمی چهارجوابی و چک‌لیست مشاهده می‌باشد که روایی و پایایی ابزار قبل از جمع‌آوری داده‌ها مورد تایید قرار گرفت. اطلاعات با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و آزمون T در نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** براساس بررسی‌های به عمل آمده اولویت‌بندی نیازهای آموزشی پرستاران آی‌سی‌یو به این صورت است که در اولویت اول: مانیتورینگ قلبی و تشخیص انواع دیس‌ریتمی‌ها و اقدامات فوری در صورت بروز دیس‌ریتمی‌های خطرناک (۷۱/۱۱٪)، در اولویت دوم: کنترل پارامترهای دستگاه ونتیلاتور با توجه وضعیت تنفسی مددجو (۷۰/۸۰٪)، در اولویت سوم نمونه‌گیری شریانی و نحوه‌ی تفسیر آن (۶۹٪)، در اولویت چهارم احیای قلبی - ریوی بزرگسالان (۶۶/۶۶٪)، در اولویت پنجم حفظ و مراقبت راه هوایی، تهویه و اکسیژناسیون و انجام اینتوباسیون (۶۶/۶۶٪)، در اولویت ششم، برنامه‌ریزی اجرا و ارزیابی برنامه‌ی مراقبت کامل از پوست (۶۰/۰۱٪)، در اولویت هفتم فارماکوتراپی، تزریق داروهای اینوتروپ مثبت (آدرنالین، آتروپین، دوبوتامین) (۵۷/۹۰٪)، در اولویت هشتم فشار ورید مرکزی<sup>۹</sup> و برقراری میزان جریان داروهای مورد نیاز با توجه به تجویز پزشک (۵۲/۲۲٪) می‌باشد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نیازسنجی انجام شده مقتضی است که اهمیت و وزن هر کدام از عناوین آموزشی مطابق با استانداردها و معیارها مشخص و برنامه‌ریزی آموزش‌های ضمن خدمت و مداوم براساس نیازهای آنان و در راستای وظایف محوله طراحی گردد تا منجر به ارتقای سطح کیفیت برنامه‌های آموزشی گشته و بدین نحو سطح دانش،<sup>۱۰</sup> نگرش<sup>۱۱</sup> و مهارت<sup>۱۲</sup> پرستاران ویژه در عرصه اجرا ارتقا یابد.

**واژه‌های کلیدی:** پرستاران ویژه، نیازسنجی، آموزش مداوم.

<sup>۹</sup>. Central Venous Pressure (CVP)

<sup>۱۰</sup>. Knowledge

<sup>۱۱</sup>. Skill

<sup>۱۲</sup>. Attitude

## بررسی مهارت‌های رهبری و مدیریت آموزشی یک استاد موفق از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۹۱

حبیب اله قمی\*، علیرضا زادگان، جمیله جعفریان اصل، دکتر حسن سلامی، دکتر شاپور نادر فام، ولی علیزاده  
مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی  
\*کارشناس ارزشیابی آموزشی

\*Email: [habibollahghomi6@gmail.com](mailto:habibollahghomi6@gmail.com)

**مقدمه:** پیشرفت‌های چشمگیر و عظیم در فنون و مهارت‌های رهبری و زمینه‌های مختلف آموزشی موجب شکل‌گیری روش‌های مدیریتی در دانشگاه‌ها شده‌اند. رهبری هنر یا علم نفوذ در اشخاص است به طوری که با میل و خواسته خود در جهت حصول هدف‌های تعیین شده گام بر دارند. در این مقاله نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در رابطه با مهارت‌های رهبری و مدیریت آموزشی یک استاد موفق برای ایجاد بستر مناسب و شرایط مطلوب جهت حل مسائل آموزشی دانشگاه بررسی شده است.

**روش‌ها:** این مطالعه به روش توصیفی تحلیلی و از نوع پیمایشی می‌باشد. جهت بررسی مهارت‌های رهبری و مدیریت آموزشی یک استاد موفق از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز پرسشنامه مورد سنجش در برگرفته ۵ سوال بود که بصورت تصادفی ساده و حضوری به اعضای هیئت علمی تحویل داده شد، که از ۲۵۰ پرسشنامه ارسالی به تعداد ۲۰۰ پرسشنامه تکمیل و برگردانده شد، داده‌ها با برنامه SPSS و روش لیکرت و مقیاس‌های (خیلی کم=۱، کم=۲، زیاد=۳، خیلی زیاد=۴) تجزیه و تحلیل شدند. پایانی مطالعه براساس آزمون آلفای کرونباخ ۰,۸۳۵ بدست آمد.

**نتایج:** شرکت کنندگان در نظرسنجی با گذاشتن علامت  به این سوالات که در خصوص مهارت‌های رهبری و مدیریت آموزشی یک استاد موفق بود نظر خود را بیان کردند. برون داده‌ها با اولویت‌بندی به شرح زیر بدست آمدند: ۱- پرورش تفکر منطقی ۳,۶۵، ۲- برقراری ارتباط بین فردی در دانشجویان ۳,۴۰، ۳- ایجاد حس مشترک بین دانشجویان جهت کسب علم ۳,۱۵، ۴- برقراری عدالت بین دانشجویان ۲,۹۸، ۵- اهتمام به حل مشکلات روانی و رفتاری دانشجویان ۲,۷۱

**نتیجه‌گیری:** با عنایت به نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز: ۹۱,۲۵٪ از آنها معتقدند که مهارت پرورش تفکر منطقی در دانشجویان دارای بالاترین اهمیت است. مهارت‌های دیگر رهبری و مدیریت آموزشی که مورد بررسی قرار گرفته اند مورد توجه و علاقه اعضای محترم هیئت علمی میباشند. ۶۷,۷۵٪ از شرکت کنندگان در نظرسنجی معتقد به اهتمام برای حل مسائل رفتاری دانشجویان هستند، که برخلاف پیش بینی نویسندگان مقاله، نسبت به سایر موارد درصد کمی را به خود اختصاص داده است. بنابراین، تربیت کردن دانشجویان به نحوی که تفکر منطقی بتواند در آنها به شکل گسترده‌ای پرورش پیدا کند بعنوان مهمترین راهکار و مهارت رهبری و مدیریت یک استاد موفق معرفی میشود.

**واژه‌های کلیدی:** بررسی، مهارت‌های رهبری، اعضای هیئت علمی، مدیریت

## نقش و جایگاه مدیران آموزشی در پیشبرد اهداف آموزشی دانشگاه

فهیمة فراهانی\*

\* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، دانشکده بهداشت، اراک، ایران

Email: fahimeh.d6850@yahoo.com

**مقدمه:** در یک سازمان مهمترین عامل موفقیت سازمانی، مدیریت است و مدیریت آموزشی در بین سایر انواع مدیریت ها به لحاظ حساسیت شغلی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. منظور از مدیریت در سازمان های آموزشی، تحقق اهداف آموزشی و پیشبرد موثر آموزشی و یادگیری است. پس اگر مدیران آموزشی جامع داری دانش و مهارت های کافی باشند بدون تردید نظام آموزشی نیز از اثربخشی، کارایی و اعتبار بالایی برخوردار خواهد بود.

**روش ها:** در این پژوهش سعی شده است از طریق دسترسی به منابع معتبر با استفاده از کلیدواژه های مناسب و جستجوی الکترونیکی و دستی در منابع، اطلاعات گردآوری و پیشنهادهای در خصوص ارتقاء مدیریت آموزشی و گزینش صحیح مدیران ارائه گردد.

**نتایج:** براساس بررسی متون انجام شده مدیریت کسانی که شرایط و صلاحیت کار در سازمان های آموزشی را کسب کرده باشند باعث بهبود شرایط کار، افزایش رضایت و ایمنی خاطر کارکنان از مدیران و کار و هماهنگ ساختن تلاش ها در شکل دهی به امکانات موجود در جهت تحقق اهداف سازمان و آمادگی برای شکوفایی خلاقیت، نوآوری و تحرک کاری کارکنان می شود. بنابراین یک مدیر آموزشی باید رابطی قوی، مدیری حاذق، سیاستگذاری زیرک و برنامه ریزی عالی باشد تا از اختصاص بهترین خدمات ممکن به دانشجویان و تفویض اختیار بیشتر به کارمندان و آگاه کردن والدین از نیازهای آموزشی و تشریح مساعی با مدیران دیگر حمایت کند.

**نتیجه گیری:** بنابراین با توجه به مطالب عنوان شده بایستی افرادی را در دوره های مدیریت آموزشی گزینش نمود که دارای ویژگی های بالقوه یک مدیر موفق باشند. ضمناً می توان به راه کارهای دیگری در آموزش مدیریت اندیشید شاید رویکرد گردش و ارتقای شغلی همراه با آموزش های ضمن خدمت مبتنی بر تحقیق عمل یکی از روش های موثر باشد.

واژه های کلیدی: مدیریت - نقش مدیر - مدیریت آموزشی



## بررسی نظر پزشکان متخصص استان کرمان در مورد برنامه های غیر حضوری

### آموزش مداوم (آموزش الکترونیک)

فرخنده رفیع زاده، بنفشه شعبانی، بابک شعبانی، رحیمه بهادر

far.rafiiezadeh@gmail.com

**مقدمه:** آموزش مداوم در علوم پزشکی با هدف ارتقای حرفه ای و تجدید و روز آمدن اطلاعات علمی و عملی جامعه پزشکی از اهمیت ویژه ای برخوردار است به طوری که در حفظ و توسعه آگاهی پزشکان در مراقبت و در مان بیماران و استفاده از مراقبت ها و درمان های سودمند جدید موثر میباشد. با توجه به اینکه اندوخته های یادگیری در هر سطحی از آموزش با گذشت زمان دچار کاهش و فراموشی میشود و با توجه به پیشرفت تکنولوژی حجم جدیدی از اطلاعات نیز هر روز به دنبال علم افزوده میگردد. آموزش مداوم پزشکان جهت ارتقا سلامت امری اجتناب ناپذیر است، این مطالعه با هدف بررسی نظر پزشکان متخصص استان کرمان در مورد برنامه های غیر حضوری آموزش مداوم در مقایسه با برنامه های حضوری انجام گرفته است.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی-مقطعی در مورد بررسی نظر پزشکان متخصص در خصوص آموزش برنامه های غیر حضوری در مقایسه با برنامه های حضوری آموزش مداوم پزشکان متخصص در رشته های مختلف استان کرمان بین سال های ۱۳۸۷-۱۳۸۹ انجام گرفت. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسش نامه نظر سنجی بود که برای بررسی نظر پزشکان متخصص راجع به برنامه های غیر حضوری طراحی و در حین اجرای برنامه های آموزش مداوم در بین شرکت کنندگان توزیع و در پایان برنامه ها جمع آوری شد. سوالات پرسش نامه درباره نظر پزشکان متخصص درباره محتوای برنامه های غیر حضوری، تناسب محتوا با نیازهای شغلی پزشکان و میزان رضایت شرکت کنندگان از برنامه های آموزش مداوم غیر حضوری تنظیم گردیده بود. جامعه مورد مطالعه پزشکان متخصص استان کرمان در رشته های مختلف تخصصی و حجم نمونه برای این تح قیق ۱۸۶ نفر پزشک متخصص بود و اطلاعات جمع آوری شده با نرم افزار SPSS و آزمون آماری U من- ویتنی تحلیل شد.

**نتیجه گیری:** بر اساس نتایج تحقیق ۷۶٪ شرکت کنندگان برنامه های غیر حضوری آموزش مداوم را موفق ارزیابی کردند و ۳۴٪ شرکت کنندگان به دلیل عدم تعامل شرکت کننده با مدرسین و عدم تعامل شرکت کنندگان با یکدیگر کیفیت برنامه های آموزش مداوم غیر حضوری را مناسب ارزیابی نکردند و اظهار داشتند برنامه های آموزش مداوم حضوری دلیل مناسبی برای ملاقات پزشکان با یکدیگر و تبادل افکار و تجربیات حرفه ای می باشد که این در برنامه های آموزش مداوم غیر حضوری امکان پذیر نیست و همین طور برنامه های غیر حضوری امکان بحث های گروهی را ندارند و غیر فعال میباشند. که این اختلاف آماری معنی داری بین میزان موفقیت و تناسب و رضایت در برنامه های غیر حضوری آموزش مداوم را نشان داد اندوخته های یادگیری در هر سطحی از آموزش با گذشت زمان دچار کاهش میشود. ضمن اینکه حجم جدیدی از اطلاعات نیز هر روز به دنیای علم افزوده می گردد. بنابراین امروزه آموزش مداوم به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر در جهان مطرح است. کشورهای توسعه یافته طراحی سیستم آموزش مداوم را به منظور حفظ و ارتقا دانش جامعه پزشکی در دستور کار خود قرار داده و هر روز در جهت جامع نمودن آن اقداماتی به عمل می آورند بطوریکه امروزه روش

countinuing medical education (CME) را کافی و پاسخگو ندیده و به طراحی countinuing professional development (CPD) پرداخته اند.

بدون شک با توجه به اینکه همکاران محترم جامعه پزشکی در راستای تمديد پروانه های مطب خود بایستی مقررات و قوانین مربوط به آموزش مداوم را رعایت نمایند و گاهها مشاهده میشود که عدم آگاهی از این ضوابط باعث ایجاد ناهماهنگی با این مرکز و سر در گمی برای مسئولین محترم را فراهم می نماید لذا ضرورت آموزش مداوم اجتناب ناپذیر است.

**واژه های کلیدی:** آموزش مداوم - غیر حضوری - پزشکان متخصص - برنامه - دیدگاه - برنامه های حضوری

## نظرسنجی پرسنل دانشکده علوم پزشکی دزفول در مورد تکنولوژی های نوین

### آموزشی در برگزاری دوره های آموزشی

مظاهری م<sup>۱</sup>، توسلی ا<sup>۲\*</sup>، خلفه نیلساز م<sup>۳</sup>، خسروپناه ع<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> کارمند دانشکده علوم پزشکی دزفول

<sup>۲\*</sup> دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

Email: tavassoli.eb@gmail.com

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

<sup>۴</sup> پزشک عمومی، معاونت پشتیبانی دانشکده علوم پزشکی دزفول

**مقدمه:** واقعیت ها نشان می دهد با گذشت زمان و تغییرات تکنولوژی، ضرورت پرداختن به نیازهای جدیدتر در عرصه های مختلف حرفه ای تخصصی و دانش برای منابع انسانی از جمله مدیران و کارکنان روز به روز بیشتر می شود. به همین منظور برای اولین بار در دانشکده علوم پزشکی دزفول نیازسنجی آموزشی در مورد شیوه های آموزشی موثر و جدیدتر در برگزاری دوره های آموزشی انجام شد.

**روش ها:** این مطالعه یک پژوهش توصیفی تحلیلی است. ابزار مطالعه شامل پرسشنامه خودساخته ای بود که روایی و پایایی آن مورد بررسی قرار گرفت. سوالات پرسشنامه شامل نظرسنجی در مورد انواع روشهای آموزشی مورد استفاده در آموزش کارکنان بود که از آنها خواسته شده بود برترین روش را انتخاب نمایند. سپس توسط کلیه پرسنل دانشکده علوم پزشکی دزفول که ۱۸۰۰ نفر بودند تکمیل شد و در نهایت توسط نرم افزار SPSS داده ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** ۷۳/۴ کارکنان مربوط به شهرستان دزفول، ۱۵/۸ درصد شهرستان شوش و ۱۰/۷ درصد مربوط به شهرستان گتوند بودند. ۳۸/۵ درصد دارای مدرک لیسانس و بالاتر بودند و بقیه مدارکی کمتر از لیسانس داشتند. ۵۳/۷ پرسنل شیوه آموزشی کار عملی، ۲۹/۴ بحث گروهی و ۲۴/۱ سخنرانی را به عنوان روشهای برتر آموزشی در دوره های آموزش می دانستند. طرفداران روش مجازی ( بدون معلم)، ۲ درصد و روش های غیرحضوری ۷ درصد بود.

**نتیجه گیری:** نتایج مطالعه حاضر نشان داد که طرفداران تکنولوژی های نوین آموزشی مثل روش مجازی و روشهای غیرحضوری بسیار کم می باشد و این نشان دهد که بایستی برای به روز کردن پرسنل و تطابق آنها با شیوه های جدید، دوره های آموزشی آشنایی و توجیهی برگزار گردد.

**واژه های کلیدی:** تکنولوژی نوین آموزشی، دوره های آموزشی، پرسنل.

## بررسی وضعیت طرح های پژوهش در آموزش اعضای هیات علمی دانشگاه علوم

پزشکی کرمانشاه

طی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۹۱

لیدا معمار افتخاری\*، دکتر بهزاد کرمی متین، محمود کاظمی، فروغ زنگنه، فتحیه بهره بر، ناهید جلیلیان، طیبه

تولایی، مهندس محمد معمارافتخاری، بهادر محمدی

mhokazemi@yahoo.com

**مقدمه:** اعضای هیات علمی دانشگاه ها یکی از ارکان اساسی دانشگاه ها در امر آموزش و پژوهش می باشند و پژوهش در زمینه آموزش بخش مهمی از کارهای تحقیقاتی اساتید دانشگاه ها می باشد که با هدف ارتقاء کمی و کیفی فعالیت های آموزشی و بستر سازی تصمیم گیری های آموزشی با استفاده از نتایج طرح های کاربردی و نیز گسترش دسترسی به منابع آموزش پزشکی انجام می شود. لذا هدف از این مطالعه تعیین وضعیت طرح های پژوهش در آموزش اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه طی سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ بوده است.

**روش ها:** این تحقیق توصیفی مقطعی بر روی کلیه طرحهای پژوهش در آموزش اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه که در طی سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی ارائه شده بود انجام گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات چک لیست بوده است و داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ و آمار توصیفی تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** نتایج نشان داد که از مجموع طرح های ارائه شده، مجری ۵۳٪ از طرح ها آقایان بودند و ۷۴ درصد توسط دو مجری و ۲۶ درصد توسط یک مجری ارائه شده بود و از لحاظ مرتبه علمی بیشترین درصد (۶۷٪) متعلق به اساتید با مرتبه استادیار و مربی بود و ۸۶/۶٪ از طرح های ارائه شده توسط اعضای هیات علمی غیر بالینی بود و بیشترین درصد (۵۳٪) عناوین طرح ها در زمینه جنبه های مختلف ارزشیابی بود و بقیه در زمینه های مختلف و در حیطه اولویت های پیشنهادی واحد پژوهش در آموزش بود.

**نتیجه گیری:** با توجه به یافته های پژوهش حاضر انجام اقداماتی در زمینه آشنایی هرچه بیشتر اعضای هیات علمی با طرحهای پژوهش در آموزش و برنامه ریزی کارگاه هایی در جهت توانمندسازی آنان در امر طراحی و اجرای طرح هایی در زمینه آموزش یک ضرورت اساسی می باشد و همچنین بکارگیری سیستم هایی در جهت حمایت از طرح هایی که در این زمینه انجام می شود و در نظر گرفتن امتیاز بیشتری در ارتقاء اساتید و دادن پاداش های مناسب به اعضای هیات علمی توصیه می گردد.

**واژه های کلیدی:** پژوهش در آموزش، اعضای هیات علمی، آموزش

## بررسی ساختار عاملی و اعتباریابی نسخه فارسی پرسشنامه خودنظم دهی در بین دانشجویان پزشکی

دکتر سمیه برجعلی<sup>۱</sup>، دکتر ریتا مجتهدزاده<sup>۲</sup>، دکتر آیین محمدی<sup>۳\*</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس پژوهش، دانشکده مجازی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، <sup>۲</sup> دانشکده مجازی، دانشگاه علوم پزشکی

تهران، <sup>۳</sup> مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

[aeen\\_mohammadi@tums.ac.ir](mailto:aeen_mohammadi@tums.ac.ir)

**مقدمه:** خودنظم دهی از جمله سازه‌های مورد توجه در مباحث انگیزشی است، که به وسیله آن دانشجویان یادگیری خود را سامان می‌بخشند. خودنظم دهی یکی از مهمترین عوامل پیش‌بینی کننده موفقیت تحصیلی در محیط آموزشی است. از این رو ارزیابی میزان خودنظم دهی تحصیلی در فرگیران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هدف پژوهش حاضر بررسی ساختار عاملی مقیاس خودنظم دهی است.

**روش‌ها:** پرسشنامه ۳۴ ماده‌ای خودنظم دهی انل و هانگ (۲۰۰۱) که شامل ۴ عامل برنامه‌ریزی، خودارزیابی، تلاش و خودکارآمدی است توسط متخصصین، ترجمه و روایی محتوایی آن تأیید شد و روی ۳۳۶ دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران که به صورت نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند، اجرا شد. تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و LISREL بر روی داده‌ها انجام گرفت.

**نتایج:** چهار عامل اصلی مطرح شده در نسخه اصلی، توسط تحلیل عاملی اکتشافی استخراج شد. این پرسشنامه ۵۵ درصد از واریانس کل خودتنظیمی را تبیین می‌کرد. تحلیل عاملی تاییدی نیز نشان داد که مدل ۴ عاملی ناهمبسته بهترین مدل برازش شده برای تبیین داده‌های حاضر است.

**نتیجه‌گیری:** نتایج حاکی از این است که مقیاس خودنظم دهی انل و هانگ، برای شناسایی قابلیت‌های خودنظم‌دهی دانشجویان ایرانی و به ویژه دانشجویان پزشکی کفایت لازم را دارد و در پژوهش‌های مختلف مخصوصاً در حوزه آموزش قابل استفاده است.

**واژه‌های کلیدی:** خودنظم دهی، اعتبار، روایی، تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تاییدی.

## مؤلفه های جهانی شدن از دیدگاه دانشجویان شرکت کننده در چهار مدرسه تابستانی بین رشته‌ای کشوری شیراز

لیلا بذرافکن\*، نیکو یمانی، مهسا شکور، اظهر امید، زهرا جوهری، آزاده روح الامینی

\* مربی گروه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز و دانشجوی دکتری آموزش پزشکی مرکز تحقیقات

آموزش علوم پزشکی اصفهان

Email: bazrafkanl@sums.ac.ir

مقدمه: امروزه یکی از مهم‌ترین عناوین آموزش عالی، موضوع جهانی سازی در آموزش است که می‌تواند چالش‌ها و فرصت‌های بالقوه‌ای برای دانشگاه‌های علوم پزشکی به همراه داشته باشد. اما علیرغم اهمیت این موضوع در زمینه دیدگاه و نظرات دانشجویان علوم پزشکی اطلاعات اندکی در دست است. این پژوهش از آن جهت به توصیف نگرش دانشجویان نسبت به پدیده جهانی شدن پرداخته است.

روش‌ها: این پژوهش یک مطالعه توصیفی-تحلیلی است و جامعه آماری مشتمل بر دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی است که از طریق نمونه‌گیری تصادفی تعداد 180 نفر از آنها به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب گردید. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته بود که جهت تعیین روایی آن، از روایی سازه به روش تحلیل عاملی و جهت تعیین پایایی از همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ استفاده شد. برای تحلیل اطلاعات از نرم افزار آماری SPSS نسخه 19 و روش‌های آمار توصیفی مانند فراوانی و درصد، میانگین، انحراف معیار و آزمون‌های  $t$ -test تحلیل عاملی، آنالیز واریانس و همبستگی پیرسون استفاده شد.

نتایج: نتایج حاصل از بررسی داده‌ها نشان داد که از مجموع کل پاسخگویان 150 نفر شرکت کننده 90 درصد رویکردی موافق یا مثبت نسبت به پدیده جهانی شدن ابراز نموده‌اند. براساس نتایج تحلیل عاملی، چهار عامل یا مقوله از جمله نگرش فردی-اجتماعی با 15 پرسش، مقوله نگرش اجتماعی-سیاسی با 7 پرسش، مقوله عملکرد با 2 پرسش و مقوله دانش تنها با یک پرسش در پرسشنامه جهانی شدن مشخص شدند. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک راهه نشان داد بین دیدگاه دانشجویان و متغیرهای زمینه‌ای جنسیت، دانشکده و سن تفاوت معناداری وجود ندارد ( $p < 0.05$ ).

نتیجه‌گیری: درک مثبت از جهانی شدن و ضرورت آموزش صلاحیت‌های سلامت جهانی، روش‌های مورد استفاده در مدارس پزشکی و نیاز به تسهیل اجماع بیشتری در میان مربیان ودانشجویان پزشکی به عنوان ارائه دهندگان خدمت در آینده را ایجاب می‌کند. این فرایند منجر به یکپارچه سازی جهان، از آگاهی بشر و شکل گیری فرهنگ آموزش سلامت به عنوان مقوله-ای جهانی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: جهانی شدن، دیدگاه، دانشجویان علوم پزشکی، تحلیل عاملی

## اختراعات دانشجویی: حرکتی هوشمندانه در مسیر خودکفایی و تولید ملی و رسیدن به مرجعیت علمی

دکتر اکرم ثناگو<sup>۱\*</sup>، دکتر لیلا جویباری<sup>۲</sup>، جواد نجاتی، محمد تقی مجنی، مهین نوملی، فاطمه مهرآور، ندا علی آبادی، نجمه شاهینی، امین حسن زاد، سید محسن حسینی نژاد، سعید صحتی، سید علی موسوی مهاجر، ایمان شاهینی، ملیحه مختوم، زهرا مشالگردی، زهره قزلسفلی، سمیرا سعیدی، کیمیا طهانی، علیرضا شریعتی، مسلم حسام دکتر سیامک رجایی، دکتر پوریا گیل

<sup>۱\*</sup> مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی و کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

Email: a\_sanagu@yahoo.com

**مقدمه:** سال ۱۳۹۱ از طرف مقام معظم رهبری سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی نامگذاری شده است سالی که انتظار می رود در پایان آن کشور عزیزمان ایران اسلامی در بسیاری از جهات به خودکفایی و استقلال کامل ملی برسد. دانشگاه علوم پزشکی گلستان با داشتن آموزشی پویا و تشکیل کمیته مخترعین درصدد حرکت در مسیر خودکفایی و تولید ملی گام هایی را برداشته است. هدف از این مقاله معرفی کلیاتی از فرآیند آموزشی کمیته اختراع دانشجویی در دانشگاه علوم پزشکی گلستان به منظور حرکت هوشمندانه در مسیر خودکفایی و تولید ملی می باشد.

**روش ها:** در این فرایند آموزشی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گلستان، با همکاری معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه کمیته اختراع دانشجویی را تشکیل داده است. هدف از این کمیته "تولید ملی ایرانی" بوده است. دانشجویان با هم فکری اساتید و دانشجویان بین رشته ای، ابتکار و خلاقیت و نوآوری های خود را در قالب اختراع دانشجویی انجام می دهند. در این فرایند که از سال ۱۳۸۶ شروع شد و تاکنون ادامه دارد. جهت تقویت این کمیته نشست های دانشجویی در حوزه فناوری های نوین از طرف کمیته تحقیقات دانشجویی و معاونت تحقیقات و فناوری هفته ای یک بار برگزار می گردد. استفاده از مشارکت و همیاری دانشجویان رشته های مهندسی یکی از تدابیری است که در این کمیته در نظر گرفته شده است.

**نتایج:** این فرایند آموزشی تا کنون منجر به اختراع ۱۲ طرح شده است. ۵ طرح گواهی نامه ثبت اختراع را کسب نمود و ۶ طرح در همایش های دانشجویی ارائه شد. دو طرح در قالب مقاله به یکی از مجلات علمی پژوهشی جهت چاپ ارائه و ۶ طرح در کنگره های خارج از کشور مطرح شده است. نمونه ای از این اختراعات در اتاق پراستیک دانشکده پیراپزشکی برای یادگیری و تمرین دانشجویان نصب می باشد. یک اختراع در قالب طرح تحقیقاتی کارآزمایی بالینی در حال تصویب می باشد.

**نتیجه گیری:** پیام رهبر معظم انقلاب و نامگذاری سال ۱۳۹۱ به عنوان سال "تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی" در واقع پیام تداوم جهاد اقتصادی را در خود دارد. یعنی آنچه که رهبر معظم انقلاب در سال گذشته بیان فرمودند، امسال با عنوان گسترش و حمایت از تولید ملی مورد تأکید مجدد قرار داده اند. اگر بخواهیم با این پیام برخوردی جدی و عملی و فزاینده از تعارف و تکرار شعار داشته باشیم، باید دانشجویان این سرمایه عظیم را دخیل نمائیم.

**واژه های کلیدی:** تولید ملی، خودکفایی، آموزش پزشکی، اختراع، دانشجو

## بررسی ارتباط رهبری با آموزش

طیبه غریبی\*<sup>۱۳</sup>، طاهره غریبی<sup>۱</sup>، فرحناز کمالی<sup>۱</sup>، رقیه گشمرد<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> گروه مامایی، دانشکده پرستاری مامایی؛ دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

[T.gharibi@bpums.ac.ir](mailto:T.gharibi@bpums.ac.ir)

<sup>۲</sup> گروه پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی؛ دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

**مقدمه:** رهبری آموزشی، یاری رساندن به آموزش و بهبود کارآموزش است و هر عملی که بتواند فرادهنده را یک قدم پیشتربرد، رهبری آموزشی است نیاز به مدیریت و رهبری در هم زمینۀ فعالیت های آموزشی اجتماعی محسوس و حیاتی است و این نیاز در نظام های آموزشی که نقش اساسی در گردش امور جامعه آموزشی و تداوم و بقای آن دارند، اهمیت بیشتری می یابد هر سازمانی برای دست یابی به اهداف خاصی ایجاد می شود اثربخشی در سازمان های آموزشی از اهمیت زیادی برخوردار است و بر حسب میزان کسب هدف تعیین می شود. هدف از انجام این مطالعه بررسی ارتباط رهبری با آموزش می باشد.

**روش ها:** این مقاله یک مطالعه مروری با استفاده از کتب؛ مجلات در سایتهای معتبر اینترنتی به بررسی ارتباط رهبری با مدیریت آموزشی در فاصله سالهای ۲۰۰۲-۲۰۱۲ می پردازد.

**نتایج:** تحقیقات نشان داده اند که مدیران رابطه مدار عملکرد بهتری دارند و این سبک رهبری بر روحیه محیط آموزشی از تاثیر بیشتری برخوردار است سبک رهبری بر ترکیب رفتار وظیفه گرا و رفتارگرا تأکید دارد. رفتار وظیفه گرا با سعی در انجام وظائف، الگوهای معین و دقیق، کانال های ارتباطی و روش های کار موفقیت آمیز مشخص می شود. رهبری اثربخش به سبک رهبری مناسب با موقعیتی که در آن رهبر به رهبری آموزشی می پردازد، بستگی دارد. شیوه رهبری تیمی که بیان گر وظیفه مداری و رابطه مداری قوی است دارای بالاترین اثربخشی است.

**نتیجه گیری:** از آنجا که تغییر در سطوح مختلف آموزشی، بهداشتی و درمانی، نیاز به ایجاد ساختارهای انعطاف پذیر سازمانی و الگوهای جدید مدیریتی در ارائه خدمات دارد، پیشنهاد می گردد که زمینه مناسب برای ایجاد این تغییرات به وجود آید و ساختارهای سازمانی تغییر یابد در محیط های دانشگاهی و گروه های آموزشی، مسئولین و مدیران گروهها سبک رهبری اثربخش حمایت کننده و تفویض کننده به نسبت بیشتری استفاده نمایند. در واقع یکی از بزرگترین چالش هایی که امروزه دانشگاهها با آن روبرو هستند، چگونگی انتخاب و پرورش مدیرانی اثربخش است، مشکل اساسی این است که دانشگاهها قادر نیستند رهبرانی را انتخاب و شناسایی کنند که در نهایت اهداف سازمانی را تحقق بخشند محققان به این نتیجه رسیدند که مدیران تحول گرا به افراد به همان خوبی سازمان توجه می کنند.

**واژه های کلیدی:** رهبری، مدیریت، آموزش

## تقویت دانش پژوهی در اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز

روباخلیلی\*، دکتر محمد رضادهاقانی، دکتر جواد کجوری، دکتر میترا امینی  
\* کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز  
Email: cerasoo@yahoo.com

**مقدمه:** در سال ۱۹۹۰ آقای بوبر در بنیاد کارنگی کتابی با عنوان «بازنگری در دانش پژوهی» چاپ نمود و در آن مطرح کرد که آموزش ایده آل فقط به ارائه آموزش با کیفیت و کمیت برجسته (آموزش برجسته) خلاصه نمی گردد، بلکه از یک عضو هیات علمی انتظار می رود که، با استفاده از دستاوردهای موجود در جامعه آموزش، در آموزش خود رویکرد عالمانه ای داشته باشد (دانش پژوهی آموزش با رویکرد عالمانه). مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز به منظور توسعه و بهبود کیفیت آموزشهای تئوری و عملی گروه پزشکی از طریق تدوین و بازنگری برنامه درسی رشته های مختلف، توانمندسازی اعضای هیات علمی، ارزشیابی آموزشی، پژوهش در آموزش و نیز ارائه مشاوره و کمک در تصمیم سازی و سیاستگذاری های کلان آموزشی در دانشگاه، در راستای پاسخگویی به نیازهای به روز جامعه فعالیت می کند. پس از نیازسنجی های انجام گرفته و از آنجا که زمینه های علمی، آموزشی و تجربی اعضای هیات علمی در دانشگاه علوم پزشکی بسیار متنوع است و امکان دانش پژوهی آموزشی جهت آنها بسیار زیاد می باشد اما ممکن است آنان در چرایی و چگونگی آن و نحوه تعامل با این رویکرد دچار سردرگمی بشوند، طراحی یک برنامه آموزشی متنوع بلند مدت (یکماهه) در تمام حیطه های آموزش علوم پزشکی (دانش، نگرش و عملکرد) مورد نظر قرار گرفت تا پس از طی دوره مذکور، اعضای هیات علمی بتوانند در رشته و فیلدهای آموزشی مربوط به خود دانش پژوهی آموزشی را اجرا نمایند.

**روش ها:** این برنامه آموزشی یکماهه می باشد. فراگیران در طول یکماه (۴ هفته)، هر هفته ۴ روز و هر روز ۴ ساعت از ساعت ۸-۱۲ در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی حضور یافته و ۲ روز دیگر در هفته، در محیط آموزشی خود (بیمارستان، آزمایشگاه و یا دفتر گروه) مشغول انجام فعالیت های مرتبط با دوره می باشند. این دوره در هر فصل یکبار اجرا می شود. ماه دوم هر فصل برای این منظور در نظر گرفته شده است. مفاهیم و اصول به صورت سخنرانی ارائه، سپس در اکثر موارد کار در گروه کوچک وجود دارد. همچنین فیلم های آموزشی نیز در طول دوره پخش می شود. در پایان گواهی اتمام دوره به اعضای شرکت کننده اعطاء می شود، که این گواهی ۱/۵ امتیاز جهت دانش پژوهی آموزشی و ارتقاء اساتید از استادیاری به دانشیاری را دارد.

**نتایج:** تعداد ۷۱۵ نفر عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز هستند که از این تعداد ۴۲۳ نفر در این دوره ها شرکت نمودند. (۵۹٪ از کل اعضای هیات علمی دانشگاه). نتایج حاصل از ارزشیابی بیانگر رضایت آنان از برگزاری این دوره ها می باشد. در رابطه با عملکرد دانش پژوهی نیز اساتید پس از اتمام دوره تعداد ۱۵۰ نفر از این ۴۲۳ نفر، فعالیت های دانش پژوهی آموزشی جدید داشتند که باعث ارتقاء، تغییر، نوآوری و افزایش کیفیت آموزشی در آموزش گروه یا دانشکده آنها بوده است.

**نتیجه گیری:** ایجاد نگرش جدید در اعضای هیات علمی جهت دانش پژوهی، انجام فعالیتهای جدید آموزشی، افزایش انگیزه جهت انجام فعالیت های دانش پژوهی (۳/۵ امتیاز ارتقا)، ارتقا سطح آموزشی دانشکده، دانشگاه و کشور

**واژه های کلیدی:** دانش پژوهی آموزشی، آموزش پزشکی، ارتقا



## ارزیابی وضعیت آموزشی پژوهشی و امکانات بیمارستان واسعی سبزوار در سال

۱۳۸۹

مریم هاشمیان<sup>\*</sup>، محمد شوریده یزدی<sup>۱</sup>، محسن حیطه<sup>۲</sup>، ویدا کلاهدوز<sup>۳</sup>

<sup>\*</sup>استادیار دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

hashemian3@yahoo.com

<sup>۲</sup>استادیار دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

drshurideh@yahoo.com

<sup>۳</sup>دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

mwhite@yahoo.com

<sup>۴</sup>دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

vidak@yahoo.com

**مقدمه:** دانشگاه ها و دانشکده های علوم پزشکی از ارکان مهم کشور برای توسعه پایدار محسوب می شوند. در این بین بیمارستانهای آموزشی جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده اند. به طوری که بهبود وضعیت کیفی این بیمارستانها تمام ابعاد آموزش عالی در دانشگاه را تحت تاثیر قرار می دهد. لذا این مطالعه به منظور ارزیابی مرکز آموزشی پژوهشی درمانی واسعی سبزوار به عنوان اولین گام برای ارتقا کیفیت آن قبل از ورود دانشجویان پزشکی به بیمارستان صورت گرفت.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی مقطعی است. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه، مشاهده و مصاحبه با مدیر عامل بیمارستان، مدیر بیمارستان و سوپروایزر آموزشی بود. معیارهای مورد بررسی همان معیارهای مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی کشور در طرح سوم رتبه بندی بود که از سه شاخه اصلی آموزش، پژوهش و امکانات درست شده است. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و پیرایش ۱۵ با استفاده از آزمونهای فراوانی مطلق میانگین حسابی انحراف معیار استاندارد و در صد گیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج نشان می دهد که شاخه آموزشی در وضعیت مطلوبی قرار دارد به طوری که در ۸۴٪ موارد در وضعیت مطلوب و در ۱۶٪ در وضعیت نا مطلوب قرار داشته است. در شاخه پژوهش در ۴۸٪ موارد مطلوب، در ۳۳٪ نامطلوب و در ۱۹٪ نسبتاً مطلوب بوده است. در شاخه امکانات در ۷۸٪ موارد مطلوب و ۸٪ نامطلوب و ۳٪ نسبتاً مطلوب گزارش شده است.

**نتیجه گیری:** نتیجه ارزیابی درونی بیمارستان واسعی در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارد. ولی در جهت ارتقا کیفیت لزوم تدوین و اجرای برنامه استراتژیک احساس می شود.

**واژه‌های کلیدی:** کیفیت، ارزیابی درونی، بیمارستان، سبزوار

## ارتقای مهارت های عملی در پرسنل طرحی بیمارستان آموزشی - درمانی نهم دی

### ترت حیدریه

حمید وفایی\*، هادی علیزاده سیوکی<sup>۱</sup>، نازنین شماعیان رضوی<sup>۲</sup>، جواد سلیمی<sup>۳</sup>، رضا رضایی منش<sup>۴</sup>،  
\*دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، مدیر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تربت حیدریه دانشکده علوم پزشکی و

خدمات بهداشتی درمانی تربت حیدریه

halizadeh1@yahoo.com

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تربت حیدریه

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد مامایی و عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی تربت حیدریه

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تربت حیدریه

<sup>۴</sup> کارشناس ارشد انگل شناسی و عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی تربت حیدریه

**مقدمه:** مهم ترین رسالت دانشگاه ها آموزش، تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد است. بدون تردید ارتقاء آموزشی دانشگاه ها منجر به تربیت نیروی کار موثر و مورد نیاز جامعه و در نتیجه ارتقای سطح سلامت جامعه می شود. تربیت نیروی انسانی پرستاری از اهداف دانشگاه ها بوده و بیش از نیمی از برنامه های آموزشی دوره پرستاری به آموزش بالینی اختصاص دارد تا صلاحیت های بالینی که منجر به افزایش کیفیت شده و فقدان آن عواقب جبران ناپذیری ایجاد می کند کسب گردد. پژوهش ها نشان از فاصله درمان و آموزش داشته و مهارت های عملی و ارتباطی فارغ التحصیلان رشته های آموزش پزشکی چندان رضایت بخش نبوده است. نکته ای که قابل تامل بوده و سخت توجه مدیران برنامه ریزی آموزشی و درمانی را می طلبد. مسئله مهمی که در این فرآیند نیز مورد توجه قرار گرفته است. تجربیات، فرضیه ها مبین این واقعیت است که آموزش مهارت های بالینی با تجربه و تمرین در محیط های بالینی واقعی میسر می گردد. موفقیت در این مسیر مستلزم رویکردهای موثری است که همگام با دانش روز و متناسب با نیازهای واقعی و کاربردی در پرستاران ایجاد نماید.

**روش ها:** در یک مطالعه نیمه تجربی، از پرسنل پرستاری طرحی در بدو شروع بکار، تجربیات بالینی کسب شده و توانایی علمی دوره دانشجویی با انجام پیش آزمون مهارت های عملی بالینی با بکارگیری تجهیزات پزشکی (الکتروکاردیوگرام، الکتروشوک، وونتیلاتور) و در یک موقعیت واقعی و پیش آزمون علمی با کویزهایی انجام و نمره ای به آن داده می شد. با توجه به نمره مآخوذه در هر دو آزمون و میزان علاقه مندی پرسنل آنها در یکی از بخش های اورژانس. سی سی یو و اتاق عمل و به مدت پنج روز در وزیر نظر مربی ورزیده و سرپرستار بخش مربوطه بکارگیری می شدند و پس از طی مدت لحاظ شده پس آزمون مهارتی و علمی برگزار در کنار این میزان رضایت مندی نیز طبق پرسشنامه پیش ساخته بعمل می آمد مقایسه پیش آزمون و پس آزمون نشان از افزایش معنی داری در میزان رضایت مندی و افزایش مهارت در بکارگیری تجهیزات پزشکی داد.

**نتایج:** این مطالعه باعث افزایش مهارت عملی پرسنل کادر پرستاری و آشنائی کامل آنها با تجهیزات پزشکی پایه و افزایش بهره وری و اثربخشی گردید.

**نتیجه گیری:** این فرآیند با شناسائی کلیه نقاط قوت و ضعف توسط گروه پذیرفته شده و باعث افزایش اعتماد به نفس در پرستاران گردید.

**واژه های کلیدی:** مهارت، یادگیری، تجهیزات پزشکی

## ارزیابی وضعیت آموزشی پژوهشی و امکانات بیمارستان واسعی سبزوار در سال

۱۳۸۹

مریم هاشمیان<sup>\*</sup>، محمد شوریده یزدی<sup>۱</sup>، محسن حیطه<sup>۲</sup>، ویدا کلاهدوز<sup>۴</sup>

<sup>\*</sup>استادیار دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

hashemian3@yahoo.com

<sup>۲</sup>استادیار دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

drshurideh@yahoo.com

<sup>۳</sup>دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

mwhite@yahoo.com

<sup>۴</sup>دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

vidak@yahoo.com

**مقدمه:** دانشگاه ها و دانشکده های علوم پزشکی از ارکان مهم کشور برای توسعه پایدار محسوب می شوند. در این بین بیمارستانهای آموزشی جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده اند. به طوری که بهبود وضعیت کیفی این بیمارستانها تمام ابعاد آموزش عالی در دانشگاه را تحت تاثیر قرار می دهد. لذا این مطالعه به منظور ارزیابی مرکز آموزشی پژوهشی درمانی واسعی سبزوار به عنوان اولین گام برای ارتقا کیفیت آن قبل از ورود دانشجویان پزشکی به بیمارستان صورت گرفت.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی مقطعی است. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه، مشاهده و مصاحبه با مدیر عامل بیمارستان، مدیر بیمارستان و سوپروایزر آموزشی بود. معیارهای مورد بررسی همان معیارهای مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی کشور در طرح سوم رتبه بندی بود که از سه شاخه اصلی آموزش، پژوهش و امکانات درست شده است. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ویرایش ۱۵ با استفاده از آزمونهای فراوانی مطلق میانگین حسابی انحراف معیار استاندارد و در صد گیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج نشان می دهد که شاخه آموزشی در وضعیت مطلوبی قرار دارد به طوریکه در ۸۴٪ موارد در وضعیت مطلوب و در ۱۶٪ در وضعیت نا مطلوب قرار داشته است. در شاخه پژوهش در ۴۸٪ موارد مطلوب، در ۳۳٪ نامطلوب و در ۱۹٪ نسبتاً مطلوب بوده است. در شاخه امکانات در ۷۸٪ موارد مطلوب و ۸٪ نامطلوب و ۳٪ نسبتاً مطلوب گزارش شده است.

**نتیجه‌گیری:** نتیجه ارزیابی درونی بیمارستان واسعی در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارد. ولی در جهت ارتقا کیفیت لزوم تدوین و اجرای برنامه استراتژیک احساس می شود.

**واژه‌های کلیدی:** کیفیت، ارزیابی درونی، بیمارستان، سبزوار

## رویکردهای نوین آموزشی همگام با تحول تکنولوژی و فناوری اطلاعات سلامت در

### بخش‌های مدارک پزشکی بیمارستانها

سیده صدیقه سید فرج اله<sup>۱\*</sup>، الهلم مسرت<sup>۲</sup>، آمنه سیدفرج اله<sup>۳</sup>، محمد جبرائیلی<sup>۴</sup>، مصطفی شیخ الطائفه<sup>۵</sup>

\*دانشجوی PhD مدیریت اطلاعات بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

[Sfaraj.tums@yahoo.com](mailto:Sfaraj.tums@yahoo.com)

<sup>۲</sup>دانشجوی PhD مدیریت اطلاعات بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۳</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشگاه آزاد اسلامی شیراز

<sup>۴</sup>دانشجوی PhD مدیریت اطلاعات بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۵</sup>دانشجوی PhD مدیریت اطلاعات بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

**مقدمه:** با توجه به پیشرفتهای حاصل از فناوری های اطلاعات و تاثیر ارتباطات و شبکه ها و تغییرات سریع تکنولوژی که در محیط مدارک پزشکی رخ می دهد، پرسنل مدارک پزشکی باید علاوه بر اطلاع از پیشرفتهای جاری حرفه ای، از دستاوردهای تازه علم مدیریت اطلاعات بهداشتی آگاهی کامل داشته باشند. لذا در این راستا میزان سواد اطلاعات تخصصی پرسنل مدارک پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم و همچنین عوامل موثر بر آن با توجه به مهارتهای شغلی مورد نیاز و محورهای سواد تخصصی پرسنل از طریق پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفته و با استفاده از نتایج حاصل موقعیت فعلی پرسنل جامعه هدف در این راستا شناسایی گردید.

**روش‌ها:** برای جمع آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جهت بالا بردن روائی و پایایی پرسشنامه، فرم اطلاعاتی تهیه شده به چند نفر افراد متخصص داده شد که پس از دریافت نظرات و نتایج حاصل از مطالعه آزمایشی، پرسشنامه نهایی تدوین گردید. کلیه پرسشنامه با نظرات و راهنمایی خود محقق توسط پرسنل تکمیل گردید. جهت سنجش سواد اطلاعاتی تخصصی پرسنل مطالب در محورهای فناوری اطلاعات سلامت، استانداردهای اطلاعات سلامت، سیستم های طبقه بندی و مدیریت اطلاعات بهداشتی سنجیده شد. جامعه هدف نیز کلیه پرسنل مدارک پزشکی شاغل در دانشگاه علوم پزشکی قم در زمان مطالعه سال ۹۱-۹۰ می باشد. با استفاده از آمار توصیفی و آمار استنباطی اطلاعات مربوط به پرسنل در نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج:** میزان سواد اطلاعاتی پرسنل بر اساس امتیازات و تکمیل پرسشنامه در کل ۲۵٪ بدست آمد؛ ۲۳٪ خیلی کم، ۳۵٪ کم، ۲۶٪ متوسط و ۱۶٪ زیاد می باشد. بین میزان سواد پرسنل با تحصیلات، سن، جنس، سنوات خدمت، سال فراغت از تحصیل، علاقه به رشته تحصیلی و میزان آشنایی آنها با زبان انگلیسی رابطه معنا داری وجود داشت. ولی دانشگاه محل تحصیل، میزان آشنایی پرسنل با اینترنت و ارتباط پرسنل با اساتید رشته در میزان سواد اطلاعاتی پرسنل تاثیری ندارد.

**نتیجه‌گیری:** با ورود فناوری اطلاعات به صنعت مراقبت بهداشتی و تغییر شکل ارائه خدمات، همگامی و همسویی با این تغییرات منجر به پیشرفت در نوع ارائه خدمات و ارتقای کیفی مراقبت بهداشتی شده و عقب ماندن از این پروسه خسارات جبران ناپذیری را به بدنه سیستم ارائه خدمات بهداشتی وارد خواهد کرد و از آنجا که با توجه به نتایج بدست آمده اولویت پرسنل، استفاده از آموزش ضمن خدمت به عنوان وسیله فراگیر آموزشی است، بنابراین برنامه ریزی مناسب و دقیق و ارائه محتوای آموزشی مناسب با تغییرات سیستم های اطلاعات بیمارستانی، نه تنها میزان سواد اطلاعات تخصصی پرسنل را ارتقا خواهد داد، بلکه منجر به تولید دانش جهت ارائه تحقیقات و نتایج اپیدمیولوژیک و بهداشتی دیگر خواهد شد.

**واژه‌های کلیدی:** رویکرد آموزشی، فناوری اطلاعات سلامت

## لزوم بررسی راه های بهبود فرایند انگیزشی در آموزش مداوم با توجه به نظرات شرکت کنندگان

سیدغلامرضا حسینی چالشتی\*<sup>۱</sup>، امیرعلی ناطق<sup>۲</sup>

\*کارشناس ارشد مدیریت آموزشی ستاد دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

[go\\_hoi@yahoo.com](mailto:go_hoi@yahoo.com)

<sup>۲</sup>کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

**مقدمه:** در سالهای اخیر برنامه آموزش های مداوم از نظر فرم و محتوا و همچنین از لحاظ کمیت و کیفیت رشد یافته است. وبه مدون ترین آموزش های متخصصین و کارکنان در کشور تبدیل شده است. اما توجه به انگیزه فراگیران این برنامه ضروری می نماید. پژوهش حاضر بررسی نظرات ۲۹۱ نفر از پزشکان در زمینه انگیزه شغلی-افزایش بهره وری می باشد

**روش ها:** در این مطالعه توصیفی تحلیلی ۲۹۱ نفر براساس فرمول کرجسی مورگان به روش تصادفی از پزشکان عمومی و متخصص شاغل در بخش دولتی و غیر دولتی در استان چهارمحال بختیاری انتخاب گردیدند. و انتخاب شدند. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه محقق ساخته ۳۲ پرسشی که دارای پنج زیرمقیاس (میزان اثربخشی ۲-میزان تاثیر در تغییر ونوع آوری ۳-میزان آشنایی با خط مشی ها واهداف ۴-میزان تاثیر بر بهره وری ۵-میزان تاثیر بر میزان انگیزه شغلی) جمع آوری شد ۱-پرسشنامه براساس پنج گزینه ای لیکرت تنظیم برای تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد ( $\alpha=0/86$ ). پس از اطمینان از نرمال بودن، داده ها با استفاده از آزمون های t تک متغیره، t مستقل و تحلیل واریانس مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج حاصله در زمینه زیر مقیاس میزان تاثیر بر میزان انگیزه شغلی نشان داد بیشترین میانگین نمره پاسخ ها مربوط به (ارایه مطالب جدید): با مقدار (۰/۸۴ - ۳/۲۰) و کمترین هم مربوط به (آشنایی با سیاست ها و جهت گیری اولویت بندی برنامه های بهداشتی) با مقدار (۰/۹ - ۲/۹) ( $p < .001$ )

**نتیجه گیری:** جلسات با جمعیت بزرگ حتی اگر سخنرانی ها از طریق امکانات مولتی مدیا تقویت شوند. امکان یادگیری را افزایش می دهد. ولی توانمندیهای فردی شرکت کنندگان نادیده گرفته می شود. تمایل زیاد فراگیران به مطالب جدید به این مطلب همبستگی دارد که فراگیر بیشتر مطالب ارایه داده شده را دانسته می پندارد. ارزشیابی های الگو کریک پاتریک که معمولا در همایش ها اجرا می گردد. در مرحله اول (توجه فراگیر) رها می شود و مراحل یادگیری-تغییر در فراگیر-تغییر در سازمان هیچگاه به مرحله سنجش و در نهایت اعلام نتایج نمی رسد. ارایه پرسش های درسامانه اینترنتی و تحلیل توانمندی هر فرد شرکت کننده و در نظر گرفتن امتیازی برای دانش پیش از شرکت فراگیر می تواند ارزش شایستگی فردی را به فرگیر بازخورد داده و سبب انگیزه وی شود.

**واژه های کلیدی:** آموزش مداوم، توانمندی، شایستگی و تفاوت های فردی، نظر سنجی

## تأثیر نافذ نرم افزارهای مدیریت اطلاعات در آموزش پزشکی

دکتر عبدالحسن کاظمی\*<sup>۱</sup>، مصطفی کاظمی<sup>۲</sup>

PhD\*<sup>۱</sup> و فلوشیپ اخلاق زیست- پزشکی، رئیس مرکز تحقیقات فلسفه و تاریخ پزشکی و دانشیار مرکز

تحقیقات بیوتکنولوژی، بیماری های عفونی و گرمسیری، علوم تغذیه دانشگاه علوم پزشکی تبریز،

Kazemi1338@Gmail.com

<sup>۲</sup> دانشکده مهندسی معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

**مقدمه:** نرم افزارهای مدیریت اطلاعات با ایجاد تسهیلات فوق العاده موثر و نافذ در حوزه علوم پزشکی، همه رده های تخصصی و حرفه ای را قادر می سازند که از انواع مختلف منابع علمی و انتشارات، "فیش الکترونیکی" تهیه کرد و سپس در شرایط بسیار متنوع و متناسب با انواع نیازهای آموزشی از این فیش الکترونیکی استفاده آموزشی و یا پژوهشی ... نمود. منابع اولیه برای تهیه فیش الکترونی شامل همه منابع مکتوب و یا غیرمکتوب می باشند که همه مشخصات بایلیوگرافیک این منابع نیز در نرم افزارهای مدیریت اطلاعات ذخیره می شوند.

**روش ها:** انواع نرم افزارهای موجود جهت تولید "فیش های الکترونیک" شامل نرم افزارهای غیر/اختصاصی مانند:

Relational Database Editors و Word processors MS-Access ,MS-Word, Word Perfect  
ISI ProCite ,ISI , ISI Reference Manager "فیش برداری الکترونیک" نیز شامل: ISI  
ISI Writenote ,Bib TeX ,Endnote و Ref Work می باشند.

**نتایج:** فیش الکترونیک (Softcopy) در مقایسه با فیش کاغذی (Hardcopy) دارای امتیازات زیر می باشند: ۱- جاگیری در فضای نامحسوس فایل های کامپیوتری ۲- قابلیت داشتن Back-up و لذا امنیت بیشتر برای حفظ و انتقال به سایر محققین ۳- قابلیت انتقال از طریق همه روش های الکترونیک ۴- قابلیت کپی و در نتیجه افزایش قابلیت استفاده مشترک ۵- قابلیت برای ادیت های مکرر ۶- عدم نیاز به هزینه برای فیش کاغذی ۷- قابلیت هایپرلینک شدن به اصل منبع و سایر منابع الکترونیک

**نتیجه گیری:** اطلاعات ذخیره شده در نرم افزارهای فوق ۱- دارای حالت Offline بوده و در صورت اشکال در سرور و یا اتصال به Web مشکلی در استفاده از محتوای آن وجود نخواهد داشت. ۲- در محل های فاقد دسترسی به Web قابل استفاده است. ۳- قابلیت نامحدودی برای ذخیره سازی مقالات دارد. ۴- فرمت های متفاوتی از بایلیوگرافی مقالات برای آن قابل تعریف و طراحی است. ۵- فرمت تعریف شده بری رفرانس ها، به سهولت قابل تغییر به فرمتی جدید می باشد. ۶- قابلیت جستجوی محتوای داخلی خود را با شیوه های متفاوت دارد. ۷- قابلیت Up to date شدن مکرر را دارد. ۷- برای رفرانس گیری اتوماتیک پایان نامه، کتاب، مقالات، طرح تحقیقاتی و... در محیط Word قابلیت دارد.

**واژه های کلیدی:** نرم افزارهای مدیریت اطلاعات، آموزش پزشکی، راندمان آموزشی، ضریب یادگیری

## بررسی دیدگاه اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در مورد رسالت و جایگاه مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی و دفتر توسعه آموزش

دکتر علی شعبی<sup>۱</sup>، دکتر حسن بسکابادی<sup>۲</sup>، علی اکبر حیدری<sup>۳\*</sup>، فهیمه پورحاجی<sup>۴</sup>، زهرا موفقی<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه مغز و اعصاب دانشگاه علوم پزشکی مشهد

<sup>۲</sup> دانشیار گروه اطفال دانشگاه علوم پزشکی مشهد

<sup>۳\*</sup> کارشناس آموزشی گروه توسعه آموزش دانشکده پزشکی مشهد

heidariaa3@mums.ac.ir

<sup>۴</sup> و <sup>۵</sup> کارشناس آموزشی گروه توسعه آموزش دانشکده پزشکی مشهد

**مقدمه:** هدف پژوهش حاضر بررسی دیدگاه اعضای هیات علمی دانشکده پزشکی مشهد در مورد مرکز مطالعات توسعه و آموزش پزشکی و دفاتر توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی مشهد می باشد، که در آن میزان آگاهی اعضای هیات علمی، نگرش این افراد و میزان رضایتمندی آنها از فعالیت های مرکز مطالعات و توسعه دانشگاه و دفتر توسعه آموزش دانشکده پزشکی مشهد مورد بررسی قرار گرفت.

**روش ها:** در این مطالعه توصیفی کل اعضای هیات علمی دانشکده پزشکی در گروه های پایه و بالینی به عنوان جامعه هدف انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه نظر سنجی بود.

**نتایج:** به طور متوسط ۳۷/۲۲ درصد از اعضای هیات علمی از دانش و آگاهی کاملی راجع به مرکز و دفاتر توسعه آموزش برخوردار بودند. ۴۲/۱۷ درصد از اساتید تا حدودی با این مراکز آشنایی داشتند و ۲۰/۶ درصد هم اظهار عدم آشنایی با فعالیت های این مرکز کرده بودند. در حیطه نگرش به طور متوسط ۳۹/۷ درصد از اساتید نگرش مثبتی نسبت به فعالیتها و ضرورت وجود این مراکز داشته اند، ۴۰/۲ درصد نسبتا نگرش مناسبی در خصوص فعالیتها و ضرورت و اهمیت وجود این مراکز و دفاتر داشته اند. در خصوص میزان رضایتمندی اعضای هیات علمی به طور متوسط ۱۳/۰۳ درصد از فعالیت های مرکز و دفاتر توسعه رضایت داشتند، ۶۰ درصد نسبتا رضایتمند بودند.

**نتیجه گیری:** در بررسی های استنباطی یافته ها حاکی از این است که بین نمره آگاهی، نمره رضایتمندی اساتید با مرتبه دانشگاهی آنها رابطه معناداری وجود ندارد اما بین نمره نگرش و مرتبه دانشگاهی اساتید رابطه معناداری وجود دارد. **نتیجه گیری:** بر اساس نتایج بدست آمده در مجموع اعضای هیات علمی دیدگاه کاملا مناسبی از مرکز مطالعه و دفاتر توسعه آموزش نداشتند به عبارتی جایگاه و فعالیت های این واحد ها برای اعضای هیات علمی مشخص نیست.

**واژه های کلیدی:** مرکز مطالعات (EDC)، دفاتر توسعه (EDO)، آگاهی و دانش، نگرش، رضایتمندی

## بررسی عوامل محدود کننده توان مند سازی آموزشی مربیان و نیاز سنجی آموزشی

### در مرکز آموزش بهوزی تربت حیدریه- سال ۱۳۸۹

زهره حسینی\*

مربی دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه

[hoseiniz1@thums.ac.ir](mailto:hoseiniz1@thums.ac.ir)

**مقدمه:** مربیان مراکز آموزش بهوزی، علیرغم استعداد فراوان و ابتکارات بسیار در امر آموزش، از شیوه های نوین تدریس به صورت محدود استفاده می کنند، همچنین در زمینه الگو های نوین تدریس و تکنولوژی آموزشی، کار گاههای آموزشی کمتر برای آنها بر گزار می گردد. با توجه به تکمیل طرح گسترش در آینده، الگو های کاری مراکز آموزش بهوزی نیز تغییر خواهد کرد. این مراکز در آینده باید نقش ویژه ای در باز آموزی جامع کلیه کارکنان شاغل در نظام سلامت در رده های مختلف خدمتی داشته باشند که این امر مستلزم بر نامه ریزی جهت توان مند سازی آموزشی هر چه بیشتر مربیان در راستای ارتقاء تحصیلی آنها هست

**روش ها:** این مطالعه مقطعی از نوع توصیفی بود که در ان جامعه و نمونه آماری، مربیان مرکز آموزشی تربت حیدریه و کار شناسان بهداشتی بودند که پرسش نامه انعطاف پذیر و باز پاسخ مشتمل بر سوالاتی در رابطه با عوامل محدود کننده مهارت آموزی مربیان در اختیارشان قرار داده شد و بعد از تکمیل، نیاز های آموزشی مدرسین مراکز بهوزی را اعلام کردند. داده ها با نرم افزار SPSS نسخه ۱۱ تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** ۳۸ در صد پاسخ دهندگان، کمبود هماهنگی درون بخشی در استان و وزارتخانه را جزء عوامل مرتبط با کمبود آموزش و در مرتبه بعدی ۲۴ در صد محدود بودن نقش آموزشی مربیان را در نظام سلامت علیرغم تلاش چند ساله اخیر و در رتبه بعدی با ۲۰ در صد موارد، کمبود آشنایی مسئولین را با اهمیت نقش و رسالت آموزشی مربی می دانستند. موضوعات آموزشی آشنایی با استاندارد های تیم سلامت، مدیریت بر نامه ریزی و طراحی تدریس، مدیریت بر نامه های سلامت، مقاله نویسی و روش تحقیق مقدماتی و پیشرفته، مهارت تهیه گزارشات علمی و مستند، مبانی مدیریت در نظام سلامت، پایش و ارزشیابی بر نامه های سلامت، تغییرات الگوی سلامت و بیماری، آشنایی با روشهای نوین تدریس مانند LOGBOOK و... و امار حیاتی پیشنهاد شد.

**نتیجه گیری:** با توجه به اهمیت نحوه توان مند سازی مربیان، کمیته مهارت آموزی مربیان به صورت منطقه ای با توجه به تغییرات بر نامه ریزی آموزشی، الگو ها و گروههای هدف آموزشی با حضور مسئولین و مدیران مراکز بهوزی باید بر گزار گردد که در این رابطه بایستی فرصتها و تهدیدات آموزشی با توجه به تغییرات سریع در نظام سلامت شناسایی شده و نیاز سنجی آموزشی به طور اختصاصی برای مربیان انجام شود. بدون بر نامه ریزی، اعتبار علمی مراکز آموزش بهوزی دچار تحلیل می شود زیرا که توان مندی این مراکز در گرو ارتقاء مهارت و دانش و به روز بودن اطلاعات مربیان ان می باشد.

**واژه های کلیدی:** عوامل محدود کننده توان مند سازی آموزشی-مربیان مرکز بهوزی-توان مند سازی آموزشی



## موانع انجام فعالیت‌های پژوهشی در حین آموزش در دانشگاه از دیدگاه دانشجویان

دکتر سید سعید مظلومی محمودآباد<sup>۱</sup>، سید پوریا حسینی<sup>۲</sup>، معصومه عباسی شوازی<sup>۳</sup>، مهدی میرزایی علویجه<sup>۴\*</sup>، فرشته رضایی<sup>۵</sup>  
<sup>۱</sup>استاد گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد  
<sup>۲</sup>کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد  
<sup>۳</sup>دانشجوی دکتری آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد  
<sup>۴\*</sup>دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس  
<sup>۵</sup>کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد

**مقدمه:** توجه به امر تحقیق و پژوهش از مهم‌ترین عوامل رشد و شکوفایی در هر کشوری است. این پژوهش با هدف تعیین دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یزد در خصوص موانع انجام فعالیت‌های پژوهشی انجام شد.

**روش‌ها:** پژوهش توصیفی حاضر با ۳۸۴ نفر نمونه که به روش تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب گردیدند به صورت مقطعی انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ۵۶ سوالی محقق ساخته دارای روایی و پایایی معتبر در ۴ قسمت: ۲۲ سوال دموگرافیک و زمینه‌ای، ۱۵ گویه موانع شخصی انجام پژوهش ( $\alpha=0/73$ ) با محدوده امتیاز ۷۵-۱۵ و ۱۹ گویه موانع سازمانی ( $\alpha=0/77$ ) با محدوده امتیاز ۹۵-۱۹ بود که به صورت خودگزارش دهی تکمیل گردید. داده‌های به وسیله SPSS-18 با کمک آمار توصیفی و تحلیلی نظیر ضریب همبستگی پیرسون، ANOVA، T-test و رگرسیون خطی در سطح معناداری ۰/۰۵ مورد آزمون قرار گرفتند.

**نتایج:** میانگین سن دانشجویان  $21/79 \pm 2/78$  سال،  $67/4\%$  زن و  $32/6\%$  مرد بودند. میانگین نمره موانع شخصی  $50/96 \pm 8/58$  ( $67/94\%$  از نمره کامل) و موانع سازمانی  $65/18 \pm 11/20$  ( $68/61\%$  از نمره کامل) بود. موانع شخصی زنان بیشتر از مردان بود ( $P=0/022$ ). موانع شخصی دانشجویانی شرکت کننده در کارگاه‌های روش تحقیق بالاتر بود ( $P=0/033$ ). از موانع شخصی، عدم آشنایی کافی با اصول و روش‌های آماری و در موانع سازمانی، عدم ایجاد انگیزه کافی در پژوهشگران از طرف مسئولین بیشترین امتیاز را کسب کردند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به علاقه مندی بالای موجود در بین دانشجویان نسبت به انجام فعالیت‌های پژوهشی و پتانسیل بالای آنها، توجه به الویت‌های موانع شخصی و سازمانی متذکر در این پژوهش از طریق معاونت پژوهشی و آموزشی دانشگاه مورد تاکید قرار می‌گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** موانع پژوهش، دیدگاه، دانشجو.

## بررسی موانع انجام تحقیقات دانشجویی از دید دانشجویان بهداشت عمومی دانشگاه

### علوم پزشکی قزوین

امیر پاکپور حاجی آقا<sup>۱\*</sup>، عیسی محمدی زیدی<sup>۲</sup>، اصغر کاربرد<sup>۳</sup>، بنفشه محمدی زیدی<sup>۴</sup>  
<sup>\*</sup>دکتری آموزش بهداشت، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین

e-mail: [pakpour\\_amir@yahoo.com](mailto:pakpour_amir@yahoo.com)

<sup>۲</sup>دکتری آموزش بهداشت، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین  
<sup>۳</sup>کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، مربی عضو هیأت علمی گروه اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی قزوین  
<sup>۴</sup>کارشناس ارشد مامایی، مربی عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن

**مقدمه:** بررسی موانع پژوهشی در هر رشته علمی اهمیت خاصی دارد و می تواند ضعف و کمبودهای آن رشته را نمایان و از این رهگذر بر غنای رشته مورد نظر بیفزاید. لذا، هدف مطالعه حاضر تعیین موانع انجام تحقیقات دانشجویی از دیدگاه دانشجویان بهداشت عمومی بود.

**روش ها:** در این مطالعه توصیفی - مقطعی ۱۰۳ دانشجوی بهداشت عمومی بر اساس روش سرشماری برای شرکت در مطالعه انتخاب شدند. دانشجویان پرسشنامه محقق ساخته دارای اعتبار و اعتماد علمی را در مدت زمان ۴۰ دقیقه تکمیل کردند. اطلاعات نهایتاً وارد نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ شد و با استفاده از آزمونهای آماری کای اسکوئر، آنالیز واریانس تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** نتایج مطالعه نشان داد که مهمترین موانع انجام فعالیت های پژوهشی از دید دانشجویان بهداشت عمومی به ترتیب شامل عدم آشنایی کامل با تحقیق و ملزومات آن (۶۳٪)، نداشتن وقت کافی (۵۶٪)، نداشتن انگیزه کافی (۴۴٪)، عدم راهنمایی مناسب از سوی اساتید (۳۷٪)، مراحل دست و پا گیر اداری (۳۵٪)، مهارت ناکافی در کار با کامپیوتر و اینترنت (۳۳٪)، کمی مشوق های مالی (۲۳٪) و سایر موارد بود.

**نتیجه گیری:** تثبیت جایگاه و تقویت امر پژوهش و تربیت پژوهشگر یکی از نیازهای واقعی جامعه رو به رشد کنونی است و اولین گام برای ایجاد یک مجموعه سازنده تشکیل نظامی مناسب و کارا است تا در سایه آن امور به راحتی و طبق برنامه از پیش تعیین شده به اجر درآید. بنابراین لازم است مسئولان امر راهکارهای مناسبی را به منظور برطرف ساختن موانع مذکور اجرا نمایند.

**واژه های کلیدی:** پژوهش، علوم پزشکی، بهداشت عمومی، موانع. پژوهشگر.

## توزیع نوع فعالیت پژوهشی گروههای بالینی و غیر بالینی دانشگاه علوم پزشکی

### کاشان - یک بررسی هشت ساله

فخرالسادات میرحسینی<sup>۱</sup>، لیلا حاجی فروش<sup>۲\*</sup>، مریم نمکی<sup>۳</sup>، رضا رضائی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیات علمی گروه هوشبری دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان و دانشجوی دکتری آموزش پزشکی - گروه

آموزش پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

f\_mirhoseiny@yahoo.com

<sup>۲\*</sup> کارشناس بانک اطلاعات اعضای هیات علمی

<sup>۳</sup> کارشناس بانک اطلاعات اعضای هیات علمی

<sup>۴</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه پیام نور مرکز غرب تهران، مدیر توسعه سازمان و منابع انسانی دانشگاه علوم

پزشکی کاشان

**مقدمه:** دستیابی به اهداف متعالی سازمان و حرکت بسمت کارآمدی بیشتر، مهمترین دغدغه مدیریتی است که امکان انجام آن از طریق دسترسی سریع به اطلاعات درباره منابع سازمان مقدور است. درسازمانی نظیردانشگاه، اعضای هیات علمی بعنوان نیروی انسانی فرهیخته نقش شاخصی دارند. عملکرد این گروه امکان ایجاد تغییردر وجوه مختلف رسالت دانشگاه، اعم از توسعه علم را فراهم می آورد. از طرفی با توجه به تاکید مفاد نقشه جامع علمی کشور به بخش پژوهش (مرحله ۱ کلان ۱۳) و نقش دانشگاهها در این زمینه، بر آن شدیم با استفاده از بانک اطلاعات جامع اعضای هیات علمی متعلق به دانشگاه علوم پزشکی کاشان به بررسی وضعیت فعالیت پژوهشی اعضا که بصورت انفرادی یا مشترک درگروههای آموزشی بالینی و غیر بالینی انجام شده است پرداخته و با ارائه تصویرآن، به بحث درباره توازن این فعالیتهای بپردازیم.

**روشها:** مطالعه بصورت مقطعی با استفاده ازاطلاعات مندرج دربانک اطلاعات موجود از سال ۱۳۸۳ تاکنون انجام شد. میانگین تعداد اعضای هیات علمی بتفکیک دانشکده، علوم پایه و بالینی بدست آمد. اطلاعات مقاله، طرح پژوهشی و پایان نامه نیز بتفکیک گروههای بالینی وپایه ونهایتاً نوع آنها استخراج و اطلاعات بوسیله نرم افزار Excel جمع بندی و تحلیل شد. شاخصهای میانگین و درصد محاسبه و با جداول و نمودار توصیف گردید.

**نتایج:** نتایج نشان داد میانگین تعداد اعضای هیات علمی ۱۶۵ نفر ۴۹ نفر درگروههای بالینی و ۱۱۶ نفر در بقیه گروهها بودند. تعداد کل مقالات، طرحها و پایان نامه به ازای هر نفر، بترتیب ۲۴۵۲ و ۶۰۷ و ۲۸۴۸ بود که بطور کلی ۳۸٫۶٪ مربوط به گروههای بالینی و ۶۱٫۴٪ مربوط به بقیه بود. از این میان، سهم اعضای بالینی از مقالات ۱۶٫۹۶ مورد و برای اعضای غیر بالینی ۱۳٫۹۷ مورد بود

مقالات گروههای بالینی: ۹٫۳۸٪ از نوع Case report، ۲۴٫۱۸٪ تجربی، ۰٫۸۴٪ مرور سیستماتیک، ۰٫۴۸٪ کیفی، ۴۹٫۸۱٪ توصیفی، ۱۳٫۳۵٪ تحلیلی و ۱٫۹۲٪ نیمه تجربی بود. در حالیکه این موارد به ترتیب در گروههای غیر بالینی ۲٫۲۸٪، ۲۹٪، ۱٫۹۶٪، ۰٫۳۷٪، ۵۶٫۶۳٪، ۸٫۸۸٪ و ۰٫۸۶٪ بود. نتایج بتفکیک دانشکده و گروههای آموزشی، سن و جنس و نسبت آن با دیگر فعالیتهای پژوهشی نیز استخراج گردید. جداول و نمودارها ترسیم گردیده است.

**نتیجه گیری:** براساس نتایج بیشترین درصد مقالات در دانشگاه علوم پزشکی کاشان توسط گروههای بالینی انجام شده است. که از نظر نوع، بیشترین سهم را مقالات توصیفی به خود اختصاص داده و سپس تجربی و تحلیلی. موارد تجربی، توصیفی و مرور سیستماتیک در گروههای غیر بالینی بیش از بالینی بود. در حالیکه انتظار می رودبا توجه به زمینه فعالیت، سهم مقالات تجربی گروههای بالینی بیشتر از بقیه باشد. از طرفی علیرغم تاکید دانشگاه و نیاز به بررسی بعضی از موضوعات به روش کیفی هنوز سهم مقالات کیفی بسیار ضعیف است. نتایج قابل بررسی بوده و فراهم آوری تمهیدات لازم برای ایجاد انگیزه و انجام پژوهش های مورد نیاز برای شرایط اقتصادی فرهنگی خاص جامعه ما بسیار ضروری است.

**واژه های کلیدی:** پژوهش، اعضای هیات علمی، بانک اطلاعات، گروه بالینی

## بررسی چگونگی وبگردی دانشجویان علوم پزشکی: نتایج یک مطالعه مقدماتی

یسرا رازیانی<sup>۱\*</sup>، اکرم ثناگو<sup>۲</sup>، لیلا مهستی جویباری<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی علوم پزشکی گلستان

zh.ruzyani@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشیار علوم پزشکی گلستان

a\_sanagu@yahoo.com

<sup>۳</sup> دانشیار علوم پزشکی گلستان

jouybari@gmail.com

**مقدمه:** برای استفاده ی صحیح از اینترنت حتماً قبل از استفاده از آن باید بستر سازی نمود و فرهنگ آن را در دانشجویان پرورش داد. برای رسیدن به این مهم نیاز است به بررسی تعیین چگونگی وبگردی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان پرداخت.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی کیفی (۱۳۹۱) ۲۰ دانشجوی علوم پزشکی گلستان با روش نمونه گیری مبتنی بر هدف با حداکثر تنوع وارد مطالعه شدند. برای جمع آوری اطلاعات از مصاحبه ساختار یافته و ده پرسش شامل؛ مدت استفاده روزانه از اینترنت، هدف، نوع سایت، داشتن وبلاگ و نظر خواهی در این زمینه، استفاده شد. اطلاعات با استفاده از تحلیل محتوای کمی مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج:** ۹۸٫۲ درصد دانشجویان روزانه بین ۱-۷ ساعت از اینترنت استفاده می کردند. ۱٫۸ درصد آنها هفته ای ۱-۵ ساعت وبگردی داشتند. علت وبگردی دانشجویان "تحقیق و پژوهش، فعالیت های کلاسی، کسب اطلاعات و پاسخ به سوالات، ایمیل، و دانلود کردن" بود. ۲ درصد دانشجویان وبلاگ شخصی داشتند. دانشجویان استفاده از اینترنت را جذاب ترین سرگرمی ذکر کردند. اعتیاد به اینترنت، بد آموزی، از فعالیت های دیگر و ماندن را از مضرات آن ذکر کردند. دور شدن از کتاب و کتابخانه و استرس از احتمال نداشتن دسترسی به آن، را از مضرات وبگردی ذکر کردند.

**نتیجه گیری:** مشارکت کنندگان در این مطالعه از اینترنت برای استفاده های متنوعی استفاده می کنند که مهم ترین آن پژوهش و فعالیت های درسی بود. دور شدن از کتاب، از مهم ترین مضرات انس با دنیای مجازی بوده است.

**واژه های کلیدی:** وبگردی، دانشجوی علوم پزشکی، اینترنت

سنجش رضایت مندی پرسنل پرستاری بیمارستان آموزشی، درمانی نهم دی  
دانشکده علوم پزشکی تربت حیدریه از آموزش به روش  
PAL (Peer Assisted Learning)

حمید وفایی<sup>۱\*</sup>، نازنین شماعیان رضوی<sup>۲</sup>، هادی علیزاده سیوکی<sup>۳</sup>، جواد سلیمی<sup>۴</sup>، رضا رضایی منش<sup>۵</sup>، حشمت مرادی<sup>۶</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، مدیر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تربت حیدریه دانشکده علوم پزشکی

و خدمات بهداشتی درمانی تربت حیدریه

[halizadeh1@yahoo.com](mailto:halizadeh1@yahoo.com)

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد مامایی و عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی تربت حیدریه، کارشناس ارشد آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی و خدمات

بهداشتی درمانی تربت حیدریه کارشناس ارشد بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تربت حیدریه

<sup>۵</sup> کارشناس ارشد انگل شناسی و عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی تربت حیدریه، کارشناس پرستاری، دانشکده علوم پزشکی و خدمات

بهداشتی درمانی تربت حیدریه

**مقدمه:** پرستاری حرفه ای کاملاً علمی واجتماعی است. هرچه کیفیت آموزش در این حرفه بیشتر باشد، سلامتی انسانها بیشتر و بهتر حفظ شده، ارتقاء می یابد. یادگیری که از راه آموزش حاصل می شود در پرستاری نیز بمثابة سایر حرفه درمانی یک فرآیند متغیر و بسیار پیچیده است که عوامل فراوانی بر آن تاثیر می گذارد. یکی از این عوامل مهم و موثر سبک یادگیری است. از آنجا که سلامتی یک موهبت الهی است و تامین بخشی از آن توسط پرستاران انجام می شود ضروری است که آموزش پرستاران مورد توجه ویژه دست اندرکاران قرار گیرد. بررسی متون نیز نشان از اهمیت حرفه پرستاری و نقش مفید و موثر آن در سلامتی مردم است. نیازسنجی های توافق محور و مسئله محور انجام شده در پرستاران نیز اهمیت برنامه های آموزشی نو و جدید و متنوع را متذکر می سازد.

**روش ها:** از شش جلسه در نظر گرفته شده جهت آموزش کددار پرستاران، تدریس سه جلسه به روش سخنرانی و تدریس سه جلسه دیگر به روش آموزش گروه همتایان (PAL) اختصاص یافت. محتوی برنامه آموزشی به تفکیک برای مدرس شرح، مقرر شد که در تمامی جلسات برای تدریس از Power Point استفاده شود و در پایان هر جلسه میزان رضایت مندی پرستاران بر اساس چک لیست نظر سنجی تدوین شده و ارزشیابی محتوی آموزشی توسط سوالات چهارگزینه ای صورت گرفت، نمرات کسب شده در هر جلسه از میزان رضایت مندی و سوالات چهارگزینه ای بعنوان ملاکی جهت میزان یادگیری و رضایت مندی در نظر گرفته شد. در انتها نتایج دوروش اجرا شده با هم مقایسه گردید. نتایج بدست آمده نشان داد که میانگین رضایت مندی و میزان یادگیری پرستاران در گروه همتایان بیشتر از روش سخنرانی است. بین میانگین رضایت مندی پرستاران با دوروش سخنرانی و گروه همتایان با توجه به از مون زوجی با ۹۵٪ اطمینان تفاوت معنی داری مشاهده شد و میانگین یادگیری پرستاران به روش همتایان ۱۶،۹۴ و به روش سخنرانی ۱۶،۱۹ بدست آمد از آنجا که بین میانگین یادگیری پرستاران در دوروش مقایسه شده تفاوت معنی داری مشاهده می شود لذا این مسئله حاکی از افزایش میزان یادگیری و رضایت مندی در روش همتایان است

**نتایج:** این مطالعه باعث کسب رضایت مندی در پرستاران، کاهش هزینه های مالی، استفاده مفید و موثر از تجربیات ارزنده، و سرمایه گذاری در نیروی انسانی گردید.

**نتیجه گیری:** باتوجه به سادگی فرآیند بهره وری و اثربخشی این فرآیند در تمامی مراکز آموزشی و غیر آموزشی قابل تعمیم است.

**واژه های کلیدی:** pal، پرستاران، آموزش

## بررسی سلامت معنوی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان در سال تحصیلی

۹۰-۹۱

زهره رادافشار<sup>۱\*</sup>، بهجت ناصریان<sup>۲</sup>، امین قنبرنژاد<sup>۳</sup>، علی علیزاده<sup>۴</sup>

<sup>۱\*</sup> مربی دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم

پزشکی هرمزگان

Email: zohreh.radasfshar@gmail.com

<sup>۲</sup> کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی هرمزگان

<sup>۳</sup> مربی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

<sup>۴</sup> استادیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

**مقدمه:** انسان به عنوان شگفت آورترین آفریده خداوند دارای ابعاد گوناگونی میباشد که هریک از آنها بایستی جداگانه توسط پژوهشگران و اندیشمندان پر تلاش مورد مطالعه و کنکاش قرار گیرد، و درعین حال دارای ابعاد شناختی، عاطفی، اجتماعی و معنوی میباشد. عدم توجه به هریک از این ابعاد سبب حذف بخش مهمی از بعد وجودی انسان میگردد. در بیشتر از یک سوم مردم معنویت، مهمترین بعد وجودی را در بر می گیرد و بعنوان نیروی قوی در مرکز زندگی واقع شده و با سلامتی، احساس خوب داشتن و بهبودی، پیوند تنگاتنگی دارد. برخی مطالعات بیانگر آن است که بدون سلامت معنوی، دیگر ابعاد زیستی، روانشناختی و اجتماعی نمی تواند عملکرد درست داشته باشند یا به حداکثر ظرفیت خود برسند، بنابراین بالاترین سطح کیفیت زندگی قابل دستیابی نخواهد بود و با توجه به اهمیت سلامت معنوی، این مطالعه با هدف تعیین سلامت معنوی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ انجام گردیده است.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی تحلیلی، به صورت مقطعی انجام شد و ۳۰٪ از جمعیت دانشجویان هر دانشکده (پزشکی، پرستاری و مامایی، پیراپزشکی و بهداشت) که معادل ۳۶۶ دانشجوی پسر و دختر بود انتخاب و سپس پرسشنامه محقق ساخته که روایی و پایایی آن قبلاً به تأیید رسیده بعنوان ابزار گردآوری اطلاعات در اختیار دانشجویان گذاشته شد و داده ها پس از جمع آوری و کد گذاری توسط نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روشهای توصیفی و روشهای استنباطی مثل آزمونهای T و آنالیز واریانس یکطرفه استفاده گردید.

**نتایج:** در این مطالعه میانگین سنی دانشجویان  $21/38 \pm 3/41$  بوده و نتایج نشان داد که بین میانگین نمره سلامت معنوی با سطح سواد مادر (با نمره ۶۱/۲) و شغل مادر (با نمره ۶۰/۹۴) و درعین حال با نوع رشته و دانشکده محل تحصیل ارتباط معنی داری وجود دارد.

**نتیجه گیری:** این تحقیق نشان داد که مادر نقش مهمی در تعیین سلامت معنوی دانشجویان دارد.

**واژه های کلیدی:** سلامت معنوی، معنویت، سلامت، دانشجویان

## نقش تفکر خلاق در مدیران آموزشی در سیاست‌گذاری مراکز آموزش پزشکی

مریم مدرس\*

\*عضوهیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران

**مقدمه:** امروزه به خلاقیت و آینده‌نگری، شیوه‌های یادگیری و ارتقای قدرت تشخیص و تجزیه و تحلیل توجه کمتری می‌شود. آموزش در توسعه و تقویت خلاقیت بسیار موثر است و این توانایی را کاهش یا افزایش می‌دهد. جامعه امروز ما به دلیل تغییرات سریع و گسترده به تفکر خلاق بیش از گذشته نیاز دارد. بنابراین برنامه ریزان آموزشی ما باید به این مسئله توجه بیشتری کنند و آن را جدی بگیرند. تفکر خلاق به معنی ایجاد ایده‌ها و رویکردهای نوین نیست، بلکه به دنبال مفید بودن این ایده‌ها و رویکردها می‌باشد که از بستر فرهنگی اجتماعی آن جامعه نشأت گرفته‌اند (لی کیانگ هوا، ۲۰۰۵). در اکثریت تحقیقات انجام شده بر روی تجارب مدیریتی مدیران، به نوعی بر اهمیت تاثیر مدیران تاکید شده است. هدف این بررسی تعیین عوامل موثر در تفکر خلاق در مدیران آموزشی و نقش آن در سیاست‌گذاری در مراکز آموزشی می‌باشد.

**روش‌ها:** مقالات آموزشی ۸ سال اخیر فارسی و انگلیسی در زمینه تفکر خلاق با کلید واژه تفکر خلاق، آموزش پزشکی و مدیریت، از گوگل اسکولار جستجو گردید. حاصل این جستجو تعداد ۳۶ مقاله انگلیسی و ۹ مقاله فارسی بود که پس از بررسی آنان تعداد ۲۸ مقاله انگلیسی و ۶ مقاله فارسی در زمینه ایجاد تفکر خلاق در کودکان و یادانش آموزان مقاطع پایین کار شده بود که مرور اجمالی شده و جدا شد تا فقط در مقدمه و بیان مسئله استفاده شود. در این بررسی تعداد ۸ مقاله انگلیسی و ۳ مقاله فارسی که بر روی تفکر خلاق در مدیران آموزشی مقاطع دانشگاهی به صورت مقطعی توصیفی و مداخله‌ای کار شده بود، مورد استفاده قرار گرفته است.

**نتایج:** مطالعات نشان دادند که در میان ابعاد سه‌گانه تفکر فلسفی (درک مطلب، نفوذ، انعطاف پذیری)، درک تنها پیش‌بینی کننده مهم خلاقیت می‌باشد. در مطالعات مختلف متغیرهای خلاقیت، فرهنگ سازمانی، جو سازمانی، یادگیری سازمانی و مدیریت دانش دارای رابطه و اثر مستقیم، مثبت و معنادار با متغیر نوآوری دارند.

**نتیجه‌گیری:** میشل و همکاران (۲۰۱۲) برای درک عملکرد خلاق در افراد توضیحات باارزشی داده است، اما سوال اساسی این است که چه چیزی اجازه می‌دهد تا افراد به سمت تولید دانش با کیفیت بالا، راه حل‌های اصلی، ظریف و پیچیده حل مسئله، حرکت کنند. برای کشف این مسئله باید دید مدیران آموزشی چگونه و از چه راه‌هایی فرایند یادگیری را در مراکز آموزشی مدیریت می‌کنند و در نهایت برای افزایش خلاقیت و نوآوری در مراکز آموزشی، باید به تقویت متغیرهای فرهنگ سازمانی، جو سازمانی، یادگیری سازمانی و مدیریت دانش پرداخته شود.

**واژه‌های کلیدی:** تفکر خلاق، آموزش پزشکی و مدیریت

## معضلات استفاده از تلفن همراه توسط دانشجویان در کلاس درس و راهکارهای پیش

رو

مرتضی حیدری\*

\*کارشناس، دانشگاه علوم پزشکی قم

mheidari@muq.a.cir

**مقدمه:** ظهور رسانه‌های دیجیتال، تأثیر بسیار زیادی بر جنبه‌های مختلف زندگی از جمله ارتباطات بین فردی داشته است. تلفن همراه که به عنوان یک دستاورد بسیار ارزشمند فناوری بشری، سهم بسزایی در تسهیل بسیاری از امور در زندگی روزمره افراد دارد، مشکلات و معضلاتی را نیز به همراه داشته است که عمدتاً در حوزه تبعات فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. زیرا آسیب‌های آن، محسوس و ملموس بوده و نیازمند تدبیر سیاست‌گذاران در برنامه‌ها و قوانین می‌باشد.

**روش‌ها:** مطالعه به صورت کتابخانه‌ای و با مرور منابع صورت گرفته است.

**نتایج:** تحقیقات انجام شده در برخی از دانشگاه‌ها، نشان می‌دهد به طور متوسط، هر دانشجو در طول کلاس درس، یک الی پنج بار و اغلب به صورت پنهانی تلفن همراه خود را چک می‌کند. بررسی دیگر حاکی از آن است که ۸۸٪ دانشجویان شرکت کننده در تحقیق، در سر کلاس درس خود، پیامک ارسال و دریافت می‌نمایند. با این حال، معضلات مورد اشاره، محدود به این موارد نمی‌باشد. استفاده و ارسال موسیقی‌ها و فیلم‌های مبتذل و مستهجن، انجام بازی‌های رایانه‌ای، عکس‌برداری و فیلم‌برداری به صورت غیر اخلاقی و تکثیر و توزیع آن از جمله عکس‌برداری از استاد به منظور تمسخر وی، تقلب در امتحانات و اختلال در تمرکز دانشجویان، برخی دیگر از تبعات استفاده غیر اخلاقی و ناشایست تلفن همراه می‌باشد. با توجه به معضلاتی که این پدیده در مراکز آموزشی به همراه داشته است، رویکرد محدودسازی استفاده از آن در آموزش و پرورش بسیاری از کشورها در پیش گرفته شده است. این رویکرد در دانشگاه‌ها البته با احتیاط بیشتری دنبال شده است. اگرچه، در بعضی از کشورها مانند تاجیکستان، به موجب مصوبه مجلس نمایندگان این کشور، استفاده از تلفن همراه توسط دانش‌آموزان، دانشجویان و معلمان و اساتید در کلاس درس ممنوع شده و جرایم و مجازات‌های سنگینی برای متخلفان در نظر گرفته شده است، لکن با توجه به ماهیت دانشگاه و جو حاکم بر آن، چنین تصمیمی، سخت‌گیرانه و غیر منطقی و غیر عملی خواهد بود. لذا، در بین سه گزینه آزادی بی‌حد و حصر، ممنوعیت کامل و محدودیت منطقی برای استفاده از این فناوری، به نظر می‌رسد رویکرد سوم می‌تواند نظر موافق بسیاری از مدیران آموزشی، مدرسان و حتی دانشجویان را جلب نماید.

**نتیجه‌گیری:** به نظر می‌رسد ضرورت دارد استفاده از تلفن همراه در کلاس درس و سایر فضاهای مشابه از قبیل آزمایشگاه، کارگاه و بخش‌های آموزشی بالینی ممنوع شود و راهکارهای برخورد با این پدیده به صورت منطقی تدوین و اجرا گردد.

**واژه‌های کلیدی:** تلفن همراه، محیط آموزشی، کدهای اخلاقی



## جایگاه فرهنگ سازمانی در آموزش علوم پزشکی

نیره داودی\*، افسانه رئیسی فر، پریسا بزرگ زاد، فاطمه بهرام نژاد، سربیه پور تقی

\* دانشجوی دکترای پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی تهران، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

Email:davoudin@gmail.com

**مقدمه:** فرهنگ سازمانی عبارت است از ارزشهای اصلی، مفروضات، تفاسیر و رویکردهایی که ویژگیهای یک سازمان را مشخص می‌کند. دانشگاه به عنوان اصلی ترین و کلیدی ترین مرکز تربیت انسانی همچون دیگر سازمان ها فرهنگ به خصوصی دارد که می تواند در تربیت افراد توانمند، متخصص و کارآفرین اثرات بسزایی داشته باشد و نهاد آموزش علوم پزشکی را بازسازی و توانمند سازد. بنابراین آشنایی با عوامل مرتبط با این موضوع و شناسایی روشهای ارتقاء فرهنگ سازمانی در آموزش علوم پزشکی ضروری به نظر می رسد.

**روش‌ها:** به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، پایگاه‌های اطلاعاتی PubMed, Scopus, Iran Medex, Mgrin, Ovid, Google Scholar, SID, (Organizational culture), فرهنگ کلاسی (Class culture), فرهنگ آموزشی (Educational culture), آموزش علوم پزشکی (Medical education) در عنوان مقاله مورد جستجو قرار گرفتند. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بودند از: مقالات منتشر شده به زبان انگلیسی و فارسی از سال 2005 تا سال 2013، و مقالاتی که زبان غیر از فارسی و انگلیسی داشتند و در محدوده سالهای تعیین شده نبودند از مطالعه حذف شدند، بدین ترتیب ۲۴ مقاله مرتبط شناسایی شدند و مورد بررسی قرار گرفتند.

**نتیجه‌گیری:** پژوهشگران برای تقویت شاخصهای فرهنگ سازمانی در محیطهای آموزشی بر وجود فضای فرهنگی از جمله همدلی و همدردی، تعهد و مسئولیت شناسی، احترام، جو اعتماد، علاقه و انگیزه و جو شادی و نشاط، تاکید کرده اند و تعامل و ارتباط بیشتر اساتید با دانشجویان و بکارگیری روشهای دانشجو - محور را توصیه نموده اند. بنابراین با توجه به نتایج پژوهشهای متعدد می توان گفت فرهنگ موجود در محیطهای آموزشی در صورتیکه مثبت باشد منجر به پرورش احساس اعتماد، همکاری و پیشرفت می شود و در غیر اینصورت بی اعتمادی، انزوا و عدم تغییر را در پی خواهد داشت. بنابراین از آنجا که فرهنگ، عامل اصلی تعهد، انگیزه و بهره وری است اساتید و مدیران آموزش علوم پزشکی باید با شناخت بیشتر از فرهنگ آموزشی به شناخت ارزشهای خود و دانشجویان پرداخته و با ایجاد فضای امن و حمایت کننده، محیطی خلاق و آزاد برای رشد و شکوفایی استعدادهای دانشجویان علوم پزشکی فراهم سازند.

**واژه‌های کلیدی:** فرهنگ سازمانی، فرهنگ کلاسی، فرهنگ آموزشی، دانشگاه، علوم پزشکی

## آموزش پرستاری از منظر زمان مورد نیاز

دکتر طیبه میرزائی، دکتر علی راوری\*، دکتر سیده فاطمه اسکویی، دکتر فروغ رفیعی

\* عضو مرکز تحقیقات محیط کار، استادیار دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دانشکده پرستاری و مامایی

E-mail: Dr.ravari@rums.ac.ir

**مقدمه:** در دوره آموزشی پرستاری، دانشجویان باید دانش و مهارت های زیادی را بیاموزند که برای حرفه پرستاری ضروری هستند. برای تربیت پرستارانی که توانایی انجام وظایف چند گانه را داشته باشند طراحان برنامه درسی پرستاری بایستی در چهارچوب ثابتی برنامه ریزی کنند. لذا برای رسیدن به اهداف آموزشی مدیریت زمان مهم است. هدف از مطالعه حاضر بررسی تجربیات دانشجویان پرستاری از مدیریت زمان در برنامه آموزش پرستاری بود.

**روش ها:** شرکت کنندگان این مطالعه ۲۱ نفر از دانشجویان پرستاری ترم های دوم و بالاتر بودند. جهت جمع آوری داده ها از روش مصاحبه نیمه ساختار یافته و جهت تحلیل داده ها از روش آنالیز محتوی استقرایی استفاده شد.

**نتایج:** تم های حاصل از این مطالعه عبارت بودند از: برنامه فشرده درسی، طولانی بودن کلاس ها، عدم هم خوانی بین حجم وظایف تحصیلی با نیازها و انتظارات شرکت کنندگان، احساس ناراحتی از پرداختن به تفریحات، طولانی بودن زمان حضور در محیط بالین، فشار روانی ناشی از کارآموزی ها، انعطاف ناپذیر بودن برنامه فیلدهای بالینی، خستگی و اثرات روحی ناشی از مشکلات بیماران، برهم خوردن نظم زندگی به خاطر شیفت های عصر کارآموزی در عرصه و عدم بازدهی کارآموزی ها. قریب به اتفاق شرکت کنندگان از حجم زیاد وظایف تحصیلی شکایت داشتند. آن ها معتقد بودند که حجم وظایف تحصیلی که برایشان در نظر گرفته شده فرای زمان در دسترس آن ها است و برای دانشجویانی که می خواستند به برنامه تعیین شده از طرف نظام آموزشی پایبند باشند، این برنامه محدودیت زیادی ایجاد می کرد.

**نتیجه گیری:** با توجه به یافته های حاصل از مطالعه، برنامه دانشجویان پرستاری بایستی با توجه به فلسفه رشته با رویکرد مراقبتی و با تأکید بیشتر بر مسائل ضروری مربوط به نیازهای روز جامعه باشد. همچنین پیشنهاد می شود در برنامه کارشناسی پرستاری به جای تأکید بر مسئولیت های متعدد بر مهارت های برنامه ریزی، هماهنگی، ارزیابی و تفکر انتقادی تأکید شود.

**واژه های کلیدی:** زمان، آموزش پرستاری، آنالیز محتوا

## عدالت آموزشی در دانشگاه‌های علوم پزشکی: چالش‌ها و راهبردها

محسن حجت<sup>۱\*</sup>، دکتر علیرضا یوسفی، مریم چرخ انداز

<sup>\*</sup> دانشجوی دکتری پرستاری دانشگاه علوم پزشکی جهرم، [mohsenhojat@yahoo.com](mailto:mohsenhojat@yahoo.com)

**مقدمه:** تحقق عدالت آموزشی یکی از اهداف مهم در نظام های آموزشی است. اما آیا توانسته ایم عدالت آموزشی را برای دانشجویان در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور فراهم نمائیم؟ لذا این نوشتار با هدف تبیین چالش‌های عدالت آموزشی در دانشگاه‌های علوم پزشکی و راهکارهای تحقق آن تهیه شده است و سعی نموده با طرح سئوالات متعدد ذهن خواننده را در تفکر در این خصوص کمک نماید.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر یک مطالعه مروری است که پژوهشگر آن را با مطالعه بیش از ۴۰ مقاله و کتاب فارسی و انگلیسی مرتبط با موضوع عدالت آموزشی از پایگاه‌های اطلاعاتی (IRANMEDEX-SID-PUBMED-PREQUEST-ELSEVIER) تهیه نموده است. کلمات کلیدی جستجو شده بر اساس سیستم رفرنس نویسی بین المللی کتابخانه های علوم پزشکی (NLM) عبارت بودند از: عدالت-عدالت آموزشی-Equality in -Equity in medical education . medical education

**نتایج:** در این نوشتار پس از معرفی عدالت آموزشی و لزوم بحث درباره آن، به راهکارهایی که دولت، نظام آموزشی، دانشگاه و دانشجو جهت توسعه عدالت آموزشی در دانشگاه‌های علوم پزشکی می توانند استفاده نمایند اشاره گردیده است.

**نتیجه گیری:** برای ایجاد عدالت آموزشی در دانشگاه‌های علوم پزشکی می بایست طبق ساختار موجود ابتدا شاخص های عدالت آموزشی تدوین و سپس ارزیابی لازم صورت پذیرد امری که تاکنون در کشور محقق نشده است. اما پیگیری اجرایی شدن گام های پیشنهادی در این راستا نیز می تواند بسیار کمک کننده باشد.

**واژه های کلیدی:** عدالت آموزشی، چالش، راهبرد، علوم پزشکی

## بررسی مشکلات برنامه های بازآموزی، راهکاری جهت ارتقای کیفیت خدمات

### پرستاری

نویسندگان: علی کاوسی<sup>۱</sup>، علی محمد پروینیان نسب<sup>۲</sup>، مرضیه یازرلو<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد پرستاری، دانشکده پرستاری و مامائی بویه گرگان، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد پرستاری، دانشکده پرستاری و مامائی حضرت زینب لارستان، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، <sup>۳</sup> دانشجوی

کارشناسی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گلستان

ali\_kavosi1365@yahoo.com

**مقدمه:** با توجه به پیشرفت های روز افزون تکنولوژی و رشد بی سابقه ای که در زمینه اطلاعات علوم پزشکی صورت گرفته است، نیاز به برنامه های بازآموزی و بهسازی نیروی انسانی پرستاری در وضعیت کنونی برای ارتقاء دانش و مهارت و درنهایت ارتقاء کیفیت خدمات پرستاری یک ضرورت است، در نتیجه برای اجرای صحیح، کامل و جامع این برنامه ها، نیازمند بررسی مشکلات و رفع آنها در بیمارستان می باشد.

**هدف:** هدف از این مقاله "بررسی مشکلات موجود در برنامه های بازآموزی در بیمارستان های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی گلستان از دیدگاه پرستاران" است.

**روش کار:** در این پژوهش توصیفی مقطعی، تعداد ۲۶۴ پرستار از ۴ بیمارستان آموزشی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی گلستان به صورت تصادفی مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه حاوی دو بخش اطلاعات دموگرافیک و سوالات مرتبط با اهداف تحقیق در سه حیطه عملکرد، آموزش و خدمات (۲۶ سوال) بود. اطلاعات به دست آمده با نرم افزار آماری SPSS 16، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** از نمونه های مورد بررسی ۳۷ درصد مذکر و ۶۳ درصد مونث بوده اند. ۴۲ درصد پرستاران بیان نمودند که برنامه های بازآموزی بر عملکرد آنها در بالین تاثیرگذار بوده است. از دیدگاه پرستاران، مهمترین مشکلات تاثیرگذار در برنامه های بازآموزی شامل عدم استفاده از اصول برنامه های بازآموزی (اصل تناسب، تداوم و...)، عدم نیازسنجی قبل از برگزاری برنامه ها، افزایش حجم کاری و اختصاص ندادن زمان خاص برای شرکت در برنامه ها، کمبود تجهیزات و امکانات آموزشی عنوان شده است.

**نتیجه گیری:** به طور کلی تنها ۳۲ درصد پرستاران از نحوه برگزاری برنامه های بازآموزی در بیمارستان ها رضایت داشتند لذا جهت ارتقای کیفیت خدمات پرستاری لزوم بازنگری در موضوع و شیوه اجرائی برنامه های بازآموزی، به کاربردن اصول برنامه های بازآموزی، نیازسنجی مستمر قبل از برگزاری برنامه ها، کاهش حجم کاری و اختصاص دادن زمان خاص برای شرکت در برنامه ها برای پرستاران احساس می شود.

**واژه های کلیدی:** بازآموزی، بیمارستان، علوم پزشکی گلستان

## تحلیل استنادی پایان‌نامه‌های پزشکی و دندانپزشکی به منظور بهینه‌سازی مدیریت

### آموزشی

دکتر آرام تیرگر<sup>۱\*</sup>، موسی یمین فیروز<sup>۲</sup>، محمد باقر ابولقاسمی<sup>۳</sup>

\* عضو هیأت علمی و دانشیار گروه پزشکی اجتماعی، رئیس کتابخانه مرکزی، دانشگاه علوم پزشکی بابل

پست الکترونیک: [a\\_tirgar@yahoo.com](mailto:a_tirgar@yahoo.com)

<sup>۲</sup> دانشجوی مقطع دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، مدرس گروه آموزش عمومی، دانشگاه علوم پزشکی بابل

<sup>۳</sup> دانشجوی پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل

**مقدمه:** نظر به اهمیت استفاده بهینه از منابع علمی روز آمد و معتبر از سوی دانشجویان پزشکی و دندانپزشکی (بویژه هنگام نگارش پایان‌نامه بعنوان یک واحد مهم آموزشی)، هدف از این پژوهش، بررسی وضعیت بهره‌برداری از منابع در پایان‌نامه‌های دانشجویی قبل و بعد از راه‌اندازی کتابخانه ملی دیجیتال پزشکی و ارائه راهکارهایی جهت استفاده بهینه با توجه به نتایج بوده است.

**روش‌ها:** این مطالعه در دو فاز و بصورت توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفت. در فاز نخست کلیه پایان‌نامه‌های فارغ‌التحصیلان پزشکی و دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی بابل، از فروردین سال ۱۳۸۶ تا اسفند سال ۱۳۸۹ (۲۱۹ پایان‌نامه پزشکی و ۱۱۱ پایان‌نامه دندانپزشکی) مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از تکنیک تحلیل استنادی، اطلاعات کتابشناختی استنادها درون برگه‌های محقق ساخته ثبت گردید. در فاز دوم با توجه به کاستی‌ها و تجربیات شخصی، برنامه آموزشی جهت آشنایی دانشجویان جدیدالورود و دانشجویانی که قصد ثبت موضوع پایان‌نامه را داشتند، برنامه ریزی گردید. دوره آموزشی آشنایی با کتابخانه و منابع دیجیتال برای دانشجویان جدیدالورود به اجرا درآمده و به منظور ارزیابی اثر بخشی، آزمون‌هایی در قبل و حداقل یک ماه پس از اتمام دوره به اجرا در آمد. جهت پردازش داده‌ها از نرم‌افزار آماری spss15، شاخص‌های آمار توصیفی، و آزمون آماری آنالیز واریانس استفاده شد.

**نتایج:** از مجموع ۱۶۲۵۰ منبع علمی مورد استفاده، مجلات حایز بالاترین نسبت (در پزشکی ۹۰ و دندانپزشکی ۸۰ درصد) بود. تعداد و سن منابع در پایان‌نامه‌های پزشکی با روندی ثابت گویای افزایش استفاده و کاهش سن بود. آزمون آماری تی مستقل نیز از اختلاف معنی‌دار آماری در میزان استفاده از منابع و مجلات بین سالهای ۸۶ و ۸۹ حکایت داشت ( $p < 0.05$ ). در پایان‌نامه‌های دندانپزشکی علیرغم افزایش اندک در استفاده از منابع، اختلاف معنی‌داری مشاهده نشد. در فاز دوم، انجام آزمون در قبل و بعد از اجرای آموزش برای ۱۸۵ تن از دانشجویان جدیدالورود مشخص نمود که اغلب آنان از اطلاعات ناچیزی برخوردار بوده اما یک ماه پس از دوره آموزشی از تفاوت معنی‌داری از دانش برخوردار شده‌اند.

**نتیجه‌گیری:** تغییرات حادث در الگوی استنادی گرچه گواهی بر استفاده گسترده‌تر از منابع علمی طی سال‌های اخیر است اما اهداف بلند آموزش پزشکی حکم می‌کند تا با مدیریت صحیح و تدابیری چون اجراء برنامه‌های آموزشی جهت استفاده بهینه از ظرفیتهای ایجاد شده بکوشیم.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش پزشکی، تحلیل استنادی، پایان‌نامه، پزشکی، دندانپزشکی، کتابخانه ملی دیجیتال پزشکی

## ارزیابی برنامه بازآموزی صلاحیت محور طراحی شده از دیدگاه پرستاران بخش اورژانس

علی کاوسی\*، دکترریابه معماریان\*، دکتر زهره ونکی\*

\* کارشناسی ارشد پرستاری، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس تهران

\* دکتری پرستاری، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس تهران

[memari\\_r@modares.ac.ir](mailto:memari_r@modares.ac.ir)

کارشناسی ارشد پرستاری، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس تهران [a\\_kavosi@modares.ac.ir](mailto:a_kavosi@modares.ac.ir)

نویسنده مسئول: دکتری پرستاری، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس تهران [memari\\_r@modares.ac.ir](mailto:memari_r@modares.ac.ir)

دکتری پرستاری، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس تهران [vanaki\\_z@modares.ac.ir](mailto:vanaki_z@modares.ac.ir)

**مقدمه:** با توجه به پیشرفت های روز افزون تکنولوژی و رشد بی سابقه ای که در زمینه اطلاعات علوم پزشکی صورت گرفته است، نیاز به برنامه های بازآموزی و بهسازی نیروی انسانی پرستاری در وضعیت کنونی برای ارتقاء دانش و مهارت و درنهایت ارتقاء کیفیت خدمات پرستاری یک ضرورت است، در نتیجه برای اجرای صحیح، کامل و جامع این برنامه ها، نیازمند بررسی نظرات و دیدگاه های پرستاران در این زمینه می باشد. هدف: هدف از این مقاله " دیدگاه پرستاران بخش اورژانس در رابطه با برنامه بازآموزی صلاحیت محور طراحی شده " است. **روش ها:** در این پژوهش توصیفی، تعداد ۴۵ پرستار بخش اورژانس یکی از بیمارستانهای آموزشی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی گلستان (سال ۱۳۹۰) به صورت غیر تصادفی و مبتنی بر هدف مورد مطالعه قرار گرفتند. بدین صورت که برنامه بازآموزی صلاحیت محور در زمینه احیاء قلبی ریوی (طراحی برنامه براساس اصول برنامه های بازآموزی و گام های اصلی آموزش براساس صلاحیت (C.B.T)) برای ۴۵ پرستار طراحی و اجرا شد. داده ها توسط پرسشنامه ای حاوی دو بخش اطلاعات دموگرافیک و سوالات مرتبط با اهداف تحقیق در سه حیطه عملکرد، آموزش و خدمات (۲۷ سوال) جمع آوری و توسط نرم افزار SPSS 16، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. **نتایج:** از نمونه های مورد بررسی ۳۳/۳ درصد مذکر و ۶۶/۷ درصد مونث بوده اند. بررسی دیدگاه های پرستاران در سه بعد آموزشی و عملکرد احیاء قلبی ریوی و همچنین خدمات ارائه شده نشان می دهد که در بعد آموزش به ترتیب ۵۸/۵۲ درصد پرستاران نظر خیلی خوب و ۴۱/۴۸ درصد آنها نظر خوب درباره بعد آموزشی برنامه بازآموزی صلاحیت محور داشته اند. در بعد عملکرد به ترتیب ۵۶/۳۶ درصد پرستاران نظر خیلی خوب و ۳۸/۷۹ درصد نظر خوب و در نهایت در بعد خدمات به ترتیب ۲۹/۵۳ درصد نظر خیلی خوب و ۴۰/۹۵ درصد نظر خوب درباره این بعد داشته اند.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج میتوان گفت که پرستاران شرکت کننده از نحوه آموزش، عملکرد و خدمات ارائه شده در برنامه بازآموزی صلاحیت محور احساس رضایت دارند و با نحوه برگزاری برنامه ها بدین صورت موافق می باشند لذا پیشنهاد می گردد برنامه بازآموزی صلاحیت محور جهت بهسازی نیروی انسانی پرستاران در بخش های اورژانس بکار رود. **واژه های کلیدی:** بازآموزی، دیدگاه پرستاران، اورژانس، صلاحیت محور، علوم پزشکی گلستان

## گزارش الکترونیکی کشوری خطاهای پزشکی: حلقه مفقوده در آموزش مداوم پزشکی

افسانه یخ فروش ها\*

\*دانشجوی دکترای آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران  
star2000\_y@yahoo.com

**مقدمه:** توسعه فن آوری اطلاعات و ارتباطات در برنامه های پزشکی و بهداشت در طول چند سال اخیر، به منزله دستاوردی از حوزه جامعه اطلاعاتی، با پیشرفت های چشمگیری روبرو بوده است. پیشگامان سلامت فن آوری اطلاعات را به عنوان استراتژی برای سلامت بیمار، پیشگیری از خطاهای پزشکی و اثرات مضر آن و بهبود کیفیت آموزشی معرفی می کنند. هدف از مطالعه حاضر بررسی نقش گزارش الکترونیکی کشوری خطاهای پزشکی در جهت اصلاح برنامه های آموزش پزشکی می باشد تا از طریق آن بتوان در راستای بهبود کیفیت آموزش پزشکی گام موثری برداشت.

**روش ها:** در یک مطالعه مروری مجموعه مطالعات در مورد خطاهای پزشکی و آموزش پزشکی بررسی شد.

یافته ها: بیشترین فایده حاصل از گزارشات خطاهای پزشکی زمانی مورد استفاده نظام سلامت واقع می شود که برنامه ای مدون و سازوکار سیستماتیک جهت بررسی و آنالیز داده ها جهت پیشگیری از تکرار مکرر آن استفاده شود. لذا با استفاده از سیستم گزارشات خطاهای پزشکی، به صورت الکترونیکی می توان به فواید زیر دست یافت

- تسهیل در پژوهش های حیطه سلامت

- کمک به برنامه ریزان آموزشی جهت اصلاحات و بازنویسی برنامه درسی

- آماده سازی پزشکان مطابق با نیازها و تقاضای جامعه

- بهبود مدیریت منابع انسانی و فیزیکی در حوزه سلامت

- بهبود خدمت رسانی به مراجعین

- ایجاد و حفظ پایگاههای اطلاعاتی پزشکی

**نتایج:** با آگاهی از خطاهای پزشکی می توان سبب تسهیل در آموزش دانشجویان و حتی آموزش در دوره های بازآموزی برای فارغ التحصیلان شد زیرا از این طریق می توان موارد بالینی متعددی را برای آموزش در اختیار مدرسان قرار داد تا آنان بتوانند از این موارد برای تدریس استفاده نمایند و به این ترتیب سبب بهبود کیفیت آموزش پزشکی به طرز چشمگیری شد.

**واژه های کلیدی:** خطای پزشکی، الکترونیکی، آموزش پزشکی

## کاربرد و نقش سیستم‌های تله مدیسین در امر تسهیل و بهبود آموزش در حوزه

### سلامت

دکتر بهلول رحیمی<sup>۱</sup>، سولماز سلطانزاده<sup>۲</sup>، الهه گوزلی<sup>۳</sup>، رویا گودرزی<sup>۴</sup>، لادن سلطانزاده<sup>۵\*</sup>

<sup>۱</sup>استادیار انفورماتیک پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

<sup>۲</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات پزشکی دانشگاه امیرکبیر

<sup>۳</sup>کارشناس دانشگاه علوم پزشکی ارومیه و دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات سلامت دانشگاه تهران

<sup>۴</sup>کارشناس مرکز مطالعات دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

<sup>۵\*</sup>کارشناس آموزش دانشگاه علوم پزشکی ارومیه و دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات پزشکی دانشگاه امیرکبیر

**ladan.soltanzadeh@gmail.com Email:**

**مقدمه:** Telemedicine یک فعالیت پزشکی است که با واسطه تکنولوژی و از تعامل سه علم پزشکی، ارتباطات راه دور و علوم کامپیوتر منشا گرفته است. تحصیل از راه دور (Tele education) یکی از کارکردهای پزشکی از راه دور در حوزه بهداشت و سلامت است و به معنای استفاده از ابزارهای ارتباطی دیداری و شنیداری برای تدریس، تحصیل و ارزیابی از راه دور می‌باشد. این مطالعه با هدف بررسی کاربردها و نقش تله مدیسین در امر تسهیل و بهبود آموزش در حوزه سلامت انجام شده است. **روش‌ها:** مطالعه مروری نظام مند حاضر با استفاده از کلمات کلیدی انگلیسی و معادل فارسی مرتبط با "کاربرد و نقش سیستم‌های تله مدیسین در امر تسهیل و بهبود آموزش در حوزه سلامت" بمنظور جستجوی مقالات در پایگاه‌های اطلاعاتی Elsevier, Google Scholar, Science Direct, Proquest, Pubmed, SID و Magiran از ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ صورت پذیرفته است.

**نتایج:** نتایج جستجو شامل ۵۷ مقاله بود که در نهایت ۱۱ مقاله وارد مطالعه گردید و کاربرد و نقش سیستم‌های تله مدیسین در امر تسهیل و بهبود آموزش در حوزه سلامت بدست آمد. امروزه حجم اطلاعات پزشکی دائماً در حال رشد است و در کنار این رشد مهم‌ترین فاکتوری که بر تغییرات در حال ایجاد در آموزش تأثیر می‌گذارد، نصب و توسعه اینترنت و تکنیک‌های چندرسانه‌ای الکترونیکی است. **نتیجه گیری:** در کنار سرعت چشمگیر رشد علمی اطلاعات پزشکی یک افزایش تقاضا نیز برای دستیابی سریع به آخرین نتایج تحقیقات علمی، درمان‌های جدید و اثرات داروهای جدید بکار گرفته شده، در سیستم‌های آموزشی پزشکی مشاهده می‌شود. برای حل این مشکل بر یک مبنای مستمر، توسعه یک سیستم مرکزی اطلاعات پزشکی که برای دانشجویان، کارآموزان یا دکترا در هر زمانی قابل دستیابی باشد اقدامی مناسب محسوب می‌شود بعلاوه امروزه کاملاً واضح و آشکار شده است که یک زیر ساخت کارآ و موثر در زمینه بهداشت و درمان، نه تنها نیازمند دسترسی به تجارب و تجهیزات است بلکه نیازمند آموزش مستمر گروه‌های متخصصان و عامه مردم نیز می‌باشد. آموزش می‌تواند شانس آشکار شدن بیماریها در ابتدایی‌ترین مراحل و کاهش نیاز به خدمات و تجهیزات درمانی را بالا ببرد. آموزش از راه دور نیز می‌تواند با تمرکز بر آموزش مستمر جنبه‌های پیشگیرانه و نیازهای ضروری بهداشتی درمانی جامعه، این کارآیی را سبب شود.

**واژه‌های کلیدی:** سیستم‌های تله مدیسین، آموزش از راه دور، حوزه سلامت



## سلامت عمومی دانشجویان رشته های پرستاری، اتاق عمل و فوریت های پزشکی

### دانشگاه علوم پزشکی جهرم در سال تحصیلی ۱۳۹۰

سید اسماعیل مناقب<sup>۱\*</sup>، رحمت الله عالی نژاد<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> استادیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم

esmanagheb@yahoo.com

<sup>۲</sup> کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم

**مقدمه:** سلامت عمومی نقش مهمی در تضمین پویایی و کارآمدی هر جامعه ایفا می کند. قرار گرفتن در محیط دانشگاه غالباً با استرس و نگرانی توأم بوده و عملکرد و بازدهی دانشجویان را تحت تأثیر قرار می دهد. پژوهش حاضر با هدف بررسی سلامت عمومی دانشجویان رشته های پرستاری، اتاق عمل و فوریت های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی جهرم انجام گرفت.

**روش ها:** این مطالعه از نوع توصیفی در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه علوم پزشکی جهرم انجام گرفت. جامعه پژوهش دانشجویان پرستاری، اتاق عمل و فوریت های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی جهرم بودند. حجم نمونه ۱۱۱ نفر بود و نمونه گیری به روش تصادفی طبقه ای شامل ۸۰ نفر دانشجوی پرستاری، ۱۵ نفر اتاق عمل و ۱۶ نفر فوریت های پزشکی بود. در این پژوهش برای اندازه گیری سلامت عمومی از پرسشنامه فارسی شده ی سلامت عمومی (GHQ) استفاده شد و شامل ۲۸ سؤال است. روش نمره گذاری استفاده از نمره های قراردادی (۰ - ۱ - ۲ - ۳) پرسشنامه لیکرت بود. نمره بالا نشان دهنده اختلال است. این پرسشنامه برای هر فرد ۵ نمره بدست می آید و ۴ نمره مربوط به خرده مقیاسها شامل نشانه های جسمانی، اضطراب، اختلال عملکرد اجتماعی و افسردگی است و یک نمره کل سلامت عمومی است. پایایی پرسشنامه با آلفای کرونباخ ۰/۹۱ - ۰/۸۴ تایید شده است. پرسشنامه توسط همکار طرح به دانشجویان تحویل داده شد و پس از تکمیل کردن از آنان پس گرفته شد. اطلاعات وار نرم افزار SPSS14 گردید و با استفاده از آمار توصیفی و تحلیل رگرسیون تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** میانگین سنی در رشته پرستاری ۲۱،۶۴±۱،۵۲، فوریت های پزشکی ۲۲،۱۲±۲،۹۸ و اتاق عمل ۲۰،۶±۰،۸۲ بود. در رشته پرستاری نمره عملکرد اجتماعی ۶،۶۷±۶،۳۴، علایم جسمانی ۴،۶۲±۵،۸۶۷، اضطراب ۴،۷۴۷±۶،۰۲۸، افسردگی ۲،۵۴۶±۳،۵۹۹ و سلامت عمومی (کل) ۱۵،۴۹۳±۲۱،۲۳۸ بود. در فوریت های پزشکی همچنین نمره عملکرد اجتماعی ۹،۷۲±۶،۷۵، علایم جسمانی ۴،۱۳۳±۲،۱۶۶، اضطراب ۳،۱۹۹±۴،۳۳۳، افسردگی ۶،۱۵۸±۳،۹۳۷ و سلامت عمومی ۲۰،۳۰۷±۷،۱۱۰ بود. در رشته اتاق عمل میانگین نمره علایم جسمانی ۷،۰۶۳±۲،۸۶، اضطراب ۷،۰۶۳±۶،۲۶، عملکرد اجتماعی ۱۱،۷۱±۶،۶۲، افسردگی ۳،۶۶۶±۵،۴۰۷ و نمره کل ۲۸،۹۱±۱۰،۳۰ بود. جهت بررسی ارتباط وضعیت تاهل، سن، جنس و با سلامت کل و خرده مقیاسها در هیچ موردی معنی دار نشد. **نتیجه گیری:** نتایج فوق بیانگر وجود اختلال در عملکرد اجتماعی دانشجویان پرستاری و فوریت های پزشکی است. همچنین دانشجویان رشته اتاق عمل علاوه بر اختلال در حیطه های علایم جسمانی، اضطراب و عملکرد اجتماعی، از نظر سلامت عمومی (کل) نیز دچار اختلال هستند. طبق نتایج این مطالعه لازم است که به سلامت عمومی دانشجویان و بویژه دانشجویان اتاق عمل توجه بیشتری گردد.

**واژه های کلیدی:** پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ28)، اضطراب، افسردگی، سلامت عمومی، پرستاری، اتاق عمل، فوریت

ها

## آموزش معنویت در مراقبت پرستاری: یک مطالعه کیفی

سکینه حیدری\*<sup>۱</sup>، عطیه فقیهی، مجتبی فتاحی، سیدمحمدپورهاشمی اردکانی

\* کارشناس پرستاری دانشگاه شهید صدوقی یزدان دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی دانشگاه علوم

پزشکی اصفهان، S\_heydari\_287@yahoo.com

**مقدمه:** پرستار بودن چیزی فراتر از دانش یا انجام دادن مجموعه ای از مهارت ها و فنون حرفه ای است. مراقبت معنوی جزء اساسی عملکرد پرستاری است. پرستارانی قادر به ارائه مراقبت های معنوی هستند که برای این مفهوم ارزش قابل بوده و در رابطه با آن آموزش دیده و توانایی خود جهت ارائه چنین مراقبت هایی را باور داشته باشند. آموزش پرستاری نقش حساسی را در آماده ساختن پرستاران برای ارائه مراقبت های معنوی داراست. بسیاری از تحقیقات داخل و خارج از ایران نشان داده اند که با مراقبت معنوی، پیشرفت در بهبودی و افزایش رضایتمندی حاصل می شود و به همان اندازه که پرداختن به نیازهای جسمی اهمیت دارد، توجه به نیازهای معنوی هم مهم بوده و در بهبودی بیمار نقش دارد. پرستاران فرصت دارند که از طریق ارتقاء سلامت معنوی و فراهم کردن محیطی برای بهبودی معنوی به هر بیماری کمک کنند. هدف از این مطالعه بررسی راه های آموزش معنویت در مراقبت پرستاری از منظر مربیان پرستاری و پرستاران شاغل می باشد.

**روش ها:** در این مطالعه کیفی با نمونه گیری هدفمند، از مربیان، سرپرستاران و پرستاران شاغل در بخش های مختلف بیمارستان برای شرکت در مطالعه دعوت به عمل آمد. با توجه به اشباع مفهومی طبقات، مصاحبه با 26 پرستار از کفایت لازم برخوردار بوده است. مصاحبه ها خط به خط دست نویس، کدگذاری، طبقه بندی و آنالیز محتوایی شدند.

**نتایج:** مشارکت کنندگان در این مطالعه چهار تم "نقش الگویی اساتید" شامل تعهد اساتید به معنویت و نشان دادن در عمل و "آموزه های دینی" شامل توجه به آموزه های دین اسلام و بالابردن بعد معنوی دانشجویان پرستاری، "اعتماد به نفس" شامل تبیین خودباوری و ارزش قائل شدن برای نقش خود به عنوان یکی از اعضای اصلی تیم درمانی، "نگرش" شامل آموزش نگرش معنوی در زمان دانشجویی و ایجاد انگیزه کافی جهت انجام مراقبت معنوی رابه عنوان راههای آموزش معنویت در مراقبت پرستاری مطرح نمودند.

**نتیجه گیری:** از پرستاران خواسته می شود که به مفهوم مراقبت کل نگر متعهد باشند و اهمیت توجه به جنبه های جسمی، روانی، عاطفی، اجتماعی، معنوی و معنی نیازها و مراقبت ها را بشناسند. شواهد نشان می دهد که چهار نیاز اول شناخته شده اند و در برنامه درسی تدریس و در مراقبت ها نیز اجرا می شوند. اما حیطة مراقبت معنوی، نادیده گرفته و یا در برخی کشورها به یک رهبر مذهبی تفویض می شود. در این راستا مسائلی اساسی وجود دارد که لزوم پرداختن به آن از سوی مسئولین و مدرسین دانشکده های پرستاری جدی به نظر می رسد: ۱- آموزش و راهنمایی در مورد مراقبت معنوی ۲- شفاف سازی در مورد حدود مرز اخلاق حرفه ای و حریم شخصی ۳- حمایت از پرستاران در زمینه مسائل معنوی

**واژه های کلیدی:** آموزش، معنویت، مراقبت پرستاری، nursing care, teaching, spirituality

## ارزیابی رهبری آموزشی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مازندران بر مبنای مدل EFQM

فاطمه احمدی نیا

کارشناس ارشد آموزش پزشکی

[Ahmadinia.fateme@gmail.com](mailto:Ahmadinia.fateme@gmail.com)

**مقدمه:** توجه به نقش رهبری در موسسات آموزش عالی، مهمترین و اصلی ترین معیار در مدیریت کیفیت دانشگاه ها محسوب می شود. مقوله رهبری نشان می دهد چگونه مدیران ارشد دانشگاه ها به تحقق ارزش ها، جهات عملکرد، تمرکز بر دانشجویان و ذینفعان، یادگیری دانشجو، اشتغال، نوآوری و آموزش سازمانی می پردازند. شاخص رهبری هم چنین نشان می دهد که چطور موسسات آموزش عالی، مسوولیت های خود را در قبال عموم مردم انجام داده و ارتباطات کلیدی با آنها برقرار می کند.

**روش ها:** این پژوهش از نوع توصیفی بوده، جامعه پژوهش و نمونه را کلیه کارکنان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مازندران که متشکل از ۵۱ نفر و شامل: هیئت علمی غیر هیئت علمی بود که به صورت رسمی و پیمانی و قراردادی و شرکتی و نمونه پژوهش همان جامعه پژوهش بود. از این تعداد ۴۴ نفر در این پژوهش شرکت کردند. تعداد ۵ مدیر گروه، ۱۲ عضو هیئت علمی، ۲۷ کادر اداری شامل ۱۲ مدیر اداره، واحدها و آزمایشگاه ها و ۱۵ نفر کارکنان در پژوهش شرکت کردند. محیط این پژوهش دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مازندران بود. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه استاندارد EFQM تنظیم شده است. داده ها ابتدا وارد نرم افزار EXCEL گردیده و سپس با استفاده از نرم افزار نسخه ۱۸ SPSS بازخوانی گردیده است. از روش ها و فنون آمار توصیفی برای تجزیه و تحلیل وضعیت موجود و امتیاز تعالی معیار استفاده شده است.

**نتایج:** نتیجه حاصل از ارزیابی معیار رهبری ۱۹/۷۰ امتیاز است که با وضعیت مطلوب (۱۰۰) فاصله زیادی دارد. نتایج آزمون (Z) نیز نشان می دهد که با ۹۵٪ اطمینان و  $P > 0.001$  تفاوت معنی دار آماری میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب (نقطه هدف معیار) وجود دارد. بدین معنی که وضعیت موجود با وضعیت مطلوب (نقطه هدف معیار) فاصله بسیار زیادی دارد. با توجه به این نتیجه می توان چنین اظهار نظر کرد که در شرایط موجود در دانشکده بهداشت معیار رهبری از وضعیت مناسبی برخوردار نیست.

**نتیجه گیری:** با توجه به بررسی نتایج ارزیابی معیار رهبری آموزشی بر مبنای مدل EFQM دانشکده بهداشت از امتیاز تعیین شده توسط EFQM فاصله داشته و برای اصلاح و تعالی سازمانی ایجاد تحولاتی عظیم و تدوین پروژه های بهبود فرایندها و بهینه کای ضرورت دارد.

واژه های کلیدی: رهبری آموزشی، مدل EFQM

## بررسی موانع و تنگناهای تحقیقاتی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

شکوه صادقی<sup>۱\*</sup>، فاطمه دارابی<sup>۲</sup>، حسنا کلهری<sup>۳</sup>، عبدالله گلچین نیا<sup>۴</sup>  
<sup>۱\*</sup>عضو هیئت علمی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه  
Email: ssadeghi@kums.ac.ir

<sup>۲</sup>رئیس دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه  
<sup>۳</sup>دانشجوی کارشناسی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه  
<sup>۴</sup>معاونت دانشجویی، فرهنگیه دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

**مقدمه:** اهمیت به امر تحقیقات و افزایش فعالیت های پژوهشی در هر کشوری سبب توسعه و پیشرفت می شود. پژوهش رکن اساسی پیشرفت هر جامعه است. یکی از مهمترین لوازم و روش ها در بهبود عملکرد آموزش عالی هر کشور، توسعه و انجام تحقیقات است. هدف مطالعه حاضر تعیین موانع پژوهشی از دیدگاه اعضاء هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه است.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی مقطعی به روش سرشماری از کلیه اعضاء هیئت علمی انجام پذیرفت. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته بود که در دو بخش کلی ویژگی های فردی و موانع پژوهشی تنظیم گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از جدول مطلق و فراوانی نسبی، میانگین و ضریب همبستگی اسپیرمن با استفاده از نرم افزار SPSS ver 16 استفاده گردید.

**نتایج:** این پژوهش نشان داد که موانع سازمانی، فراوانی بالایی را به خود اختصاص می دهد که شامل عدم کفایت درآمد ناشی از تحقیقات و عدم استفاده از نتایج تحقیقات و وجود مقررات دست و پا گیر مهمترین آنها بود و عوامل شخصی نیز فراوانی بالایی به خود اختصاص داد که بیشترین فراوانی شامل مسایل و مشکلات خانوادگی و عدم روحیه پژوهشگری از مهمترین موانع پژوهش شناخته شدند.

**نتیجه گیری:** نتایج این پژوهش لزوم از بین بردن موانع سازمانی، فردی و پژوهشی را از طرف معانتت تحقیقات و فناوری و مسئولان طلب می کند و همچنین با اتخاذ تدابیری نظیر تشویق های مادی و معنوی، فراهم کردن فرصت جهت تحقیق می تواند گام موثری در راستای توسعه کمی و کیفی پژوهش باشد.

**واژه های کلیدی:** تحقیقات، موانع

## بررسی کفایت فرایند آموزش بدو خدمت و بهینه سازی آن در معاونت بهداشتی سال

۱۳۹۰ با استفاده از مراقبت مبتنی بر شواهد

( health system research ) - یک طرح مداخله ای

زهره حسینی\*\* کارشناس ارشد آموزش پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه

**مقدمه:** آموزش بدو خدمت کارکنان شاغل در مراکز بهداشتی درمانی جزء وظایف مهم مراکز آموزش بهورزی است که کارکنان را در شروع خدمت با فرآیند های ارائه خدمات در خانه های بهداشت و مراکز بهداشتی درمانی، و وظایف تیم سلامت در مورد این فرآیند ها آشنا می سازد

طراحی این دوره آموزشی می بایست منطبق با نیاز فراگیران، تنظیم اهداف آموزشی و تحلیل آموزشی باشد که در این رابطه کفایت فرایند و عوامل موثر بر آن می بایست مد نظر قرار گیرد.

**روش ها:** این مطالعه از نوع مقطعی (توصیفی و تحلیلی) بود که در آن ابتدا فرایند آموزش جاری رسم شد و سپس پرسش نامه بررسی کفایت فرایند طراحی، اعتبار و پایایی آن تایید و توسط ۲۵ نفر تکمیل شد. بنا به داده ها، فهرستی از موارد نیازمند ارتقاء به دست آمد که اولویت بندی انجام و بر نامه ریزی جهت ارتقاء صورت گرفت، مطابق با بر نامه زمان بندی فعالیتها اجرا شد و مجددا پرسش نامه بعد از ارتقاء تکمیل شد و داده های قبل و بعد ارتقاء با هم مقایسه شد. همچنین فرم سنجش نگرش کارکنان نسبت به ابعاد آموزش بدو خدمت تکمیل شد. داده ها با استفاده از نرم افزار اماری SPSS نسخه ۱۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای توصیف از نمودار ها و جداول توزیع فراوانی استفاده و برای تحلیل از آزمون paired T test استفاده شد.

**نتایج:** میانگین امتیازات قبل ارتقاء ۲۰/۳۳ و میانه آن ۱۶ و میانگین امتیازات بعد از ارتقاء ۸۷ و میانه امتیازات ۸۹ و نیز نتایج بدست آمده از پره تست (بررسی آگاهی کارکنان بدو خدمت) میانگین امتیازات ۵۲/۹۶ و میانه امتیازات ۵۰ و پست تست (میانگین امتیازات ۸۶/۰۹ میانه امتیازات ۸۵) و نیز یافته های حاصل از نظر سنجی (اکثریت کارکنان، کیفیت برنامه آموزشی را از نظر تحکیم اطلاعات صحیح قبلی و ارائه مطالب علمی جدید و نیاز های شغلی در حد بسیار زیاد و زیاد بر آورد کرده بودند و نیز رضایت اکثریت کارکنان از توانایی برنامه آموزشی در واضح و مشخص نمودن شرح وظایف شغلی، بحث ها و موارد آموزشی، مدت زمان اجرا و طول زمان اجرا، در حد بسیار زیاد و زیاد بر آورد شد. با استفاده از آزمون **T** مشخص شد که بین امتیازات در مورد کار آیی و چگونگی انجام آموزشهای بدو خدمت در مرکز آموزش بهورزی با **DF=5** **T=4.24 p=0.001** اختلاف معنی دار آماری وجود داشت و نیز بین امتیازات حاصل از پره تست و پست تست نیز با **DF=31 T=10.24 p=0.001** اختلاف معنی دار آماری وجود داشت.

**نتیجه گیری:** در آموزش بدو خدمت می بایست نظارت فعال بر نحوه خدمات تیم سلامت توسط مربیان آموزش دهنده در مراکز بهداشتی درمانی با استفاده از چک لیست انجام گیرد و نیز در کمیته های مربوط به بررسی فعالیت تیم سلامت (کمیته فنی و کمیته آموزش کارکنان تیم سلامت) مدیر و مربیان آموزشی مشارکت فعال داشته باشند  
**واژه های کلیدی:** بهینه سازی فرایند آموزش بدو خدمت، مرکز آموزش بهورزی، مراقبت مبتنی بر شواهد.

## تفاوت های جنسیتی در میزان استفاده از فیسبوک در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی مازندران

قاسم عابدی<sup>۱</sup>، اکبر محمدی<sup>۲\*</sup>، احد علیزاده<sup>۳</sup>، هادی حسینی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>دانشیار گروه علوم بهداشتی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی و دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران.

<sup>۲</sup>کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

<sup>۳</sup>دانشجوی دکترای آمار زیستی، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

[mohammadi8194@yahoo.com](mailto:mohammadi8194@yahoo.com)

**مقدمه:** در حال حاضر یکی از مهم ترین و محبوب ترین شبکه اجتماعی فیس بوک است. دانشجویان در فیسبوک به برقراری ارتباط با دوستان هم جنس و غیر هم جنس می پردازند و از طریق این شبکه به برقراری ارتباطات خاصی دست می زنند. این مطالعه با هدف بررسی تفاوت های جنسیتی در میزان استفاده از فیسبوک در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران انجام گرفت.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی- تحلیلی که در آن ۳۲۳ دانشجوی دختر و پسر، در نیم سال دوم تحصیلی ۹۰-۹۱ به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. جهت گردآوری داده ها از پرسش نامه ای محقق ساخت که مشتمل بر سه بخش بود استفاده شد. بخش اول مربوط به اطلاعات دموگرافیک دانشجویان، بخش دوم بر سه محور؛ استفاده اصلی دانشجویان از فیسبوک، نگرش دانشجویان نسبت به فیسبوک و اطلاعات شخصیتی- هویتی دانشجویان در فیسبوک بود. و بخش سوم نیز به صورت یک سؤال باز مطرح شد.

**نتایج:** در مطالعه حاضر ۴۳ درصد از دانشجویان عضو فیسبوک بودند که این میزان در پسران (۶۱/۷ درصد) تقریباً دو برابر دختران (۳۱/۵ درصد) بود. ارتباط با دوستان قدیمی در هر دو جنس مهم ترین علت عضویت در فیسبوک بود. همچنین دوست شدن با جنس مخالف در پسران (۵۰ درصد) یک عامل مهم بود اما در دختران (۱۵/۵ درصد) بسیار کمتر بود.

**نتیجه گیری:** نتایج به دست آمده نشان داد که نزدیک به ۳۴٪ دانشجویان دختر علت عدم حضور خود در فیسبوک را وجهه بد این شبکه اجتماعی در جامعه عنوان کردند که این میزان در پسران ۱۹/۵٪ بود. لذا این احتمال می رود که میزان واقعی دختران فیسبوکی به این دلیل که حضور در فیسبوک را عیب و عار می دانند و دوست ندارند کسی از این موضوع خبر داشته باشد، بیشتر از میزانی باشد که در این مطالعه به دست آمده است.

**واژه های کلیدی:** تفاوت های جنسیتی؛ فیسبوک؛ دانشجویان

## عوامل مرتبط بر انگیزش پرستاران جهت شرکت در برنامه های آموزش ضمن خدمت

احمد صادقی<sup>۱\*</sup>، زهره عباسی<sup>۲</sup>، سید حمید حسینی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی دکترای مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم

پزشکی شیراز، شیراز، ایران

[ahmadsadeghi1363@gmail.com](mailto:ahmadsadeghi1363@gmail.com)

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد مامایی، مربی گروه مامایی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد آموزش بهداشت، مربی گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

**مقدمه:** یکی از روشهای مفید و مقرون به صرفه برای پیشرفت و هماهنگی حرفه ی پرستاری با پیشرفت های حاصله در تکنولوژی علوم پزشکی و اجتماعی، آموزش ضمن خدمت می باشد که شامل تمام آموزشهای شغلی است که برای ارتقای کیفیت عملکرد افراد به آنها داده می شود. این مطالعه با هدف تعیین عوامل موثر بر انگیزش پرستاران بیمارستانهای آموزشی شهر بجنورد جهت شرکت در برنامه های آموزش ضمن خدمت انجام گرفت.

**روش ها:** این مطالعه از نوع توصیفی- مقطعی می باشد که در سال ۱۳۸۹ در شهر بجنورد انجام گرفت. جامعه پژوهش کلیه پرستاران شاغل در دو بیمارستان آموزشی این شهر و نمونه پژوهش ۱۲۰ نفر از این تعداد بودند که به صورت تصادفی انتخاب گردیدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بود که انگیزش افراد در خصوص شرکت در برنامه های آموزش ضمن خدمت را در ۴ حیطه (عوامل شخصی، حیطه سازمانی، عوامل حرفه ایو عوامل مرتبط با برنامه ریزی دوره) می سنجید. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون های کای دو، تی تست و ضریب همبستگی توسط نرم افزار SPSS16 بهره گیری شد.

**نتایج:** ۵۷٪ افراد مورد مطالعه معتقد بودند که شرکت در برنامه های آموزش ضمن خدمت، دانش، آگاهی و مهارتهای عملکردی آنها را ارتقا داده است. ۳۳/۶٪ پرستاران انگیزه خود جهت شرکت در برنامه های آموزش ضمن خدمت را عوامل شخصی، ۱۳٪ عوامل سازمانی، ۹٪ عوامل مرتبط با برنامه ریزی و ۵۱٪ عوامل حرفه ای قلمداد کردند.

**نتیجه گیری:** بیشتر پرستاران در بعد حرفه ای و فردی موافق بودند که این عوامل می تواند انگیزه آنها را جهت شرکت در دوره های آموزش ضمن خدمت تامین کند لذا پیشنهاد می شود ضمن تقویت این عوامل در بعد عوامل سازمانی و برنامه ریزی نیز اقداماتی انجام شود تا پرستاران با انگیزه بیشتری در دوره های باز آموزی شرکت کنند.

**واژه های کلیدی:** عوامل انگیزشی، آموزش ضمن خدمت، پرستار، بیمارستان آموزشی

نیازسنجی آموزشی پرستاران شاغل در بخش مراقبت‌های ویژه عمومی (آی‌سی‌یو) به منظور طراحی برنامه‌ی آموزش ضمن خدمت در بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه

علوم پزشکی در شهر سمنان سال ۱۳۹۲-۱۳۹۱

سید حبیب اله کواری

استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران

kavarih@gmail.com

**مقدمه:** نیازسنجی آموزشی و برگزاری کلاس‌های آموزش ضمن خدمت در راستای آن به منظور ارتقای سطح دانش، مهارت و نگرش پرستاران ویژه برای ارائه هر چه بهتر خدمات بهداشتی درمانی به جامعه امری ضروری است. هدف از انجام این مطالعه، شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای آموزشی پرستاران شاغل در بخش‌های (آی‌سی‌یو) در بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی در شهر سمنان به منظور طراحی برنامه‌ی آموزش ضمن خدمت می‌باشد.

**روش‌ها:** این پژوهش یک مطالعه‌ی توصیفی - مقطعی بوده که شامل دو مرحله شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای آموزشی پرستاران (آی‌سی‌یو) بوده. نیازسنجی در دو فاز انجام شده، در هر دو فاز نمونه‌گیری به روش سرشماری انجام گرفت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در فاز اول، پرسشنامه با سوالات بسته جهت انجام نیازسنجی از دیدگاه مدیران پرستاری و پزشکان مقیم آی‌سی‌یو و در فاز دوم برای سنجش دانش و مهارت پرستاران آی‌سی‌یو، آزمون علمی چهارجوابی و چک‌لیست مشاهده می‌باشد که روایی و پایایی ابزار قبل از جمع‌آوری داده‌ها مورد تایید قرار گرفت. اطلاعات با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و آزمون T در نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** براساس بررسی‌های به عمل آمده اولویت‌بندی نیازهای آموزشی پرستاران آی‌سی‌یو به این صورت است که در اولویت اول: مانیتورینگ قلبی و تشخیص انواع دیس‌ریتمی‌ها و اقدامات فوری در صورت بروز دیس‌ریتمی‌های خطرناک (۷۱/۱۱٪)، در اولویت دوم: کنترل پارامترهای دستگاه ونتیلاتور با توجه وضعیت تنفسی مددجو (۷۰/۸۰٪)، در اولویت سوم نمونه‌گیری شریانی و نحوه‌ی تفسیر آن (۶۹٪)، در اولویت چهارم احیای قلبی - ریوی بزرگسالان (۶۶/۶۶٪)، در اولویت پنجم حفظ و مراقبت راه هوایی، تهویه و اکسیژناسیون و انجام اینتوباسیون (۶۶/۶۶٪)، در اولویت ششم، برنامه‌ریزی اجرا و ارزیابی برنامه‌ی مراقبت کامل از پوست (۶۰/۰۱٪)، در اولویت هفتم فارماکوتراپی، تزریق داروهای اینوتروپ مثبت (آدرنالین، آتروپین، دوبوتامین) (۵۷/۹۰٪)، در اولویت هشتم فشار ورید مرکزی<sup>۱۴</sup> و برقراری میزان جریان داروهای مورد نیاز با توجه به تجویز پزشک (۵۲/۲۲٪) می‌باشد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نیازسنجی انجام شده مقتضی است که اهمیت و وزن هر کدام از عناوین آموزشی مطابق با استانداردها و معیارها مشخص و برنامه‌ریزی آموزش‌های ضمن خدمت و مداوم براساس نیازهای آنان و در راستای وظایف محوله طراحی گردد تا منجر به ارتقای سطح کیفیت برنامه‌های آموزشی گشته و بدین نحو سطح دانش،<sup>۱۵</sup> نگرش<sup>۱۶</sup> و مهارت<sup>۱۷</sup> پرستاران ویژه در عرصه اجرا ارتقا یابد.

**واژه‌های کلیدی:** پرستاران ویژه، نیازسنجی، آموزش مداوم.

<sup>۱۴</sup> . Central Venous Pressure (CVP)

<sup>۱۵</sup> . Knowledge

<sup>۱۶</sup> . Skill

<sup>۱۷</sup> . Attitude



## بررسی مهارت‌های رهبری و مدیریت آموزشی یک استاد موفق از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۹۱

حبیب اله قمی\*، علیرضا زادگان، جمیله جعفریان اصل، دکتر حسن سلامی، دکتر شاپور نادر فام، ولی علیزاده

مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

\*کارشناس ارزشیابی آموزشی

\*Email: [habibollahghomi6@gmail.com](mailto:habibollahghomi6@gmail.com)

**مقدمه:** پیشرفت‌های چشمگیر و عظیم در فنون و مهارت‌های رهبری و زمینه‌های مختلف آموزشی موجب شکل‌گیری روش‌های مدیریتی در دانشگاه‌ها شده‌اند. رهبری هنر یا علم نفوذ در اشخاص است به طوری که با میل و خواسته خود در جهت حصول هدف‌های تعیین شده گام بر دارند. در این مقاله نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در رابطه با مهارت‌های رهبری و مدیریت آموزشی یک استاد موفق برای ایجاد بستر مناسب و شرایط مطلوب جهت حل مسائل آموزشی دانشگاه بررسی شده است.

**روش‌ها:** این مطالعه به روش توصیفی تحلیلی و از نوع پیمایشی می‌باشد. جهت بررسی مهارت‌های رهبری و مدیریت آموزشی یک استاد موفق از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز پرسشنامه مورد سنجش در برگرفته ۵ سوال بود که بصورت تصادفی ساده و حضوری به اعضای هیئت علمی تحویل داده شد، که از ۲۵۰ پرسشنامه ارسالی به تعداد ۲۰۰ پرسشنامه تکمیل و برگردانده شد، داده‌ها با برنامه SPSS و روش لیکرت و مقیاس‌های (خیلی کم=۱، کم=۲، زیاد=۳، خیلی زیاد=۴) تجزیه و تحلیل شدند. پایائی مطالعه براساس آزمون آلفای کرونباخ ۰,۸۳۵ بدست آمد.

**نتایج:** شرکت کنندگان در نظرسنجی با گذاشتن علامت  به این سوالات که در خصوص مهارت‌های رهبری و مدیریت آموزشی یک استاد موفق بود نظر خود را بیان کردند. برون داده‌ها با اولویت‌بندی به شرح زیر بدست آمدند: ۱- پرورش تفکر منطقی ۳,۶۵، ۲- برقراری ارتباط بین فردی در دانشجویان ۳,۴۰، ۳- ایجاد حس مشترک بین دانشجویان جهت کسب علم ۳,۱۵، ۴- برقراری عدالت بین دانشجویان ۲,۹۸، ۵- اهتمام به حل مشکلات روانی و رفتاری دانشجویان ۲,۷۱

**نتیجه‌گیری:** با عنایت به نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز: ۹۱,۲۵٪ از آنها معتقدند که مهارت پرورش تفکر منطقی در دانشجویان دارای بالاترین اهمیت است. مهارت‌های دیگر رهبری و مدیریت آموزشی که مورد بررسی قرار گرفته اند مورد توجه و علاقه اعضای محترم هیئت علمی میباشند. ۶۷,۷۵٪ از شرکت کنندگان در نظرسنجی معتقد به اهتمام برای حل مسائل رفتاری دانشجویان هستند، که برخلاف پیش بینی نویسندگان مقاله، نسبت به سایر موارد درصد کمی را به خود اختصاص داده است. بنابراین، تربیت کردن دانشجویان به نحوی که تفکر منطقی بتواند در آنها به شکل گسترده ای پرورش پیدا کند بعنوان مهمترین راهکار و مهارت رهبری و مدیریت یک استاد موفق معرفی میشود.

**واژه‌های کلیدی:** بررسی، مهارت‌های رهبری، اعضای هیئت علمی، مدیریت

## بررسی نظر پزشکان متخصص استان کرمان در مورد برنامه های غیر حضوری آموزش مداوم (آموزش الکترونیک)

فرخنده رفیع زاده، بنفشه شعبانی، بابک شعبانی، رحیمه بهادر far.rafiyzadeh@gmail.com

**مقدمه:** آموزش مداوم در علوم پزشکی با هدف ارتقای حرفه ای و تجدید و روز آمدن اطلاعات علمی و عملی جامعه پزشکی از اهمیت ویژه ای برخوردار است به طوری که در حفظ و توسعه آگاهی پزشکان در مراقبت و در مان بیماران و استفاده از مراقبت ها و درمان های سودمند جدید موثر میباشد. با توجه به اینکه اندوخته های یادگیری در هر سطحی از آموزش با گشت زمان دچار کاهش و فراموشی میشود و با توجه به پیشرفت تکنولوژی حجم جدیدی از اطلاعات نیز هر روز به دنبال علم افزوده میگردد. آموزش مداوم پزشکان جهت ارتقا سلامت امری اجتناب ناپذیر است، این مطالعه با هدف بررسی نظر پزشکان متخصص استان کرمان در مورد برنامه های غیر حضوری آموزش مداوم در مقایسه با برنامه های حضوری انجام گرفته است. **روش ها:** این مطالعه توصیفی-مقطعی در مورد بررسی نظر پزشکان متخصص در خصوص آموزش برنامه های غیر حضوری در مقایسه با برنامه های حضوری آموزش مداوم پزشکان متخصص در رشته های مختلف استان کرمان بین سال-های ۱۳۸۷-۱۳۸۹

انجام گرفت. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسش نامه نظر سنجی بود که برای بررسی نظر پزشکان متخصص راجع به برنامه های غیر حضوری طراحی و در حین اجرای برنامه های آموزش مداوم در بین شرکت کنندگان توزیع و در پایان برنامه ها جمع آوری شد. سوالات پرسش نامه درباره نظر پزشکان متخصص درباره محتوای برنامه های غیر حضوری، تناسب محتوا با نیازهای شغلی پزشکان و میزان رضایت شرکت کنندگان از برنامه های آموزش مداوم غیر حضوری تنظیم گردیده بود. جامعه مورد مطالعه پزشکان متخصص استان کرمان در رشته های مختلف تخصصی و حجم نمونه برای این تح قیق ۱۸۶ نفر پزشک متخصص بود و اطلاعات جمع آوری شده با نرم افزار SPSS و آزمون آماری U من- ویتنی تحلیل شد.

**نتیجه گیری:** بر اساس نتایج تحقیق ۷۶٪ شرکت کنندگان برنامه های غیر حضوری آموزش مداوم را موفق ارزیابی کردند و ۳۴٪ شرکت کنندگان به دلیل عدم تعامل شرکت کننده با مدرسین و عدم تعامل شرکت کنندگان با یکدیگر کیفیت برنامه های آموزش مداوم غیر حضوری را مناسب ارزیابی نکردند و اظهار داشتند برنامه های آموزش مداوم حضوری دلیل مناسبی برای ملاقات پزشکان با یکدیگر و تبادل افکار و تجربیات حرفه ای می باشد که این در برنامه های آموزش مداوم غیر حضوری امکان پذیر نیست و همین طور برنامه های غیر حضوری امکان بحث های گروهی را ندارند و غیر فعال میباشند. که این اختلاف آماری معنی داری بین میزان موفقیت و تناسب و رضایت در برنامه های غیر حضوری آموزش مداوم را نشان داد اندوخته های یادگیری در هر سطحی از آموزش با گذشت زمان دچار کاهش میشود. ضمن اینکه حجم جدیدی از اطلاعات نیز هر روز به دنیای علم افزوده می گردد. بنابراین امروزه آموزش مداوم به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر در جهان مطرح است. کشورهای توسعه یافته طراحی سیستم آموزش مداوم را به منظور حفظ و ارتقا دانش جامعه پزشکی در دستور کار خود قرار داده و هر روز در جهت جامع نمودن آن اقداماتی به عمل می آورند بطوریکه امروزه روش

continuing medical education (CME) را کافی و پاسخگو ندیده و به طراحی continuing professional development (CPD) پرداخته اند.

بدون شک با توجه به اینکه همکاران محترم جامعه پزشکی در راستای تمدید پروانه های مطب خود بایستی مقررات و قوانین مربوط به آموزش مداوم را رعایت نمایند و گاها مشاهده میشود که عدم آگاهی از این ضوابط باعث ایجاد ناهماهنگی با این مرکز و سر در گمی برای مسئولین محترم را فراهم می نماید لذا ضرورت آموزش مداوم اجتناب ناپذیر است.

**واژه های کلیدی:** آموزش مداوم - غیر حضوری - پزشکان متخصص - برنامه - دیدگاه - برنامه های حضوری

## نظرسنجی پرسنل دانشکده علوم پزشکی دزفول در مورد تکنولوژی های نوین

### آموزشی در برگزاری دوره های آموزشی

مظاهری م<sup>۱</sup>، توسلی ا<sup>۲\*</sup>، خلفه نیلساز م<sup>۳</sup>، خسروپناه ع<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> کارمند دانشکده علوم پزشکی دزفول

<sup>۲\*</sup> دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید

بهشتی

Email: tavassoli.eb@gmail.com

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری تخصصی آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید

بهشتی

<sup>۴</sup> پزشک عمومی، معاونت پشتیبانی دانشکده علوم پزشکی دزفول

**مقدمه:** واقعیت ها نشان می دهد با گذشت زمان و تغییرات تکنولوژی، ضرورت پرداختن به نیازهای جدیدتر در عرصه های مختلف حرفه ای تخصصی و دانش برای منابع انسانی از جمله مدیران و کارکنان روز به روز بیشتر می شود. به همین منظور برای اولین بار در دانشکده علوم پزشکی دزفول نیازسنجی آموزشی در مورد شیوه های آموزشی موثر و جدیدتر در برگزاری دوره های آموزشی انجام شد.

**روش ها:** این مطالعه یک پژوهش توصیفی تحلیلی است. ابزار مطالعه شامل پرسشنامه خودساخته ای بود که روایی و پایایی آن مورد بررسی قرار گرفت. سوالات پرسشنامه شامل نظرسنجی در مورد انواع روشهای آموزشی مورد استفاده در آموزش کارکنان بود که از آنها خواسته شده بود برترین روش را انتخاب نمایند. سپس توسط کلیه پرسنل دانشکده علوم پزشکی دزفول که ۱۸۰۰ نفر بودند تکمیل شد و در نهایت توسط نرم افزار SPSS داده ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** ۷۳/۴ کارکنان مربوط به شهرستان دزفول، ۱۵/۸ درصد شهرستان شوش و ۱۰/۷ درصد مربوط به شهرستان گتوند بودند. ۳۸/۵ درصد دارای مدرک لیسانس و بالاتر بودند و بقیه مدارکی کمتر از لیسانس داشتند. ۵۳/۷ پرسنل شیوه آموزشی کار عملی، ۲۹/۴ بحث گروهی و ۲۴/۱ سخنرانی را به عنوان روشهای برتر آموزشی در دوره های آموزش می دانستند. طرفداران روش مجازی ( بدون معلم)، ۲ درصد و روش های غیرحضوری ۷ درصد بود.

**نتیجه گیری:** نتایج مطالعه حاضر نشان داد که طرفداران تکنولوژی های نوین آموزشی مثل روش مجازی و روشهای غیرحضوری بسیار کم می باشد و این نشان دهد که بایستی برای به روز کردن پرسنل و تطابق آنها با شیوه های جدید، دوره های آموزشی آشنایی و توجیهی برگزار گردد.

**واژه های کلیدی:** تکنولوژی نوین آموزشی، دوره های آموزشی، پرسنل.

## ارزیابی اثر بخشی آموزشهای ضمن خدمت کارکنان ستاد دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۳۹۰ به منظور برنامه ریزی آموزشهای ضمن خدمت کارکنان

حسین میرزاوند بروجنی<sup>۱\*</sup>، محسن خاکسار بلداجی<sup>۲</sup>، فاطمه دریس<sup>۳</sup>، فاطمه رجبیان<sup>۴</sup>، مژگان نیکبخت<sup>۵</sup>، الهام

السادات علوی<sup>۶</sup>

<sup>۱\*</sup> کارشناس مسئول برنامه ریزی آموزشی

hosienbrojenimirzavand@yahoo.com

<sup>۲</sup> کارشناس نظارت بر امور واگذاری

<sup>۳</sup> رئیس اداره آمار

<sup>۴</sup> کارشناس روانشناسی

<sup>۵</sup> کارشناس طبقه بندی مشاغل

<sup>۶</sup> کارشناس آموزش کارکنان

**مقدمه:** هدف از انجام این مطالعه تعیین میزان اثر بخشی آموزشهای ضمن خدمت ارائه شده به کارکنان ستاد دانشگاه علوم پزشکی و استفاده از نتایج آن برای برنامه ریزی آموزش ضمن خدمت کارکنان در آینده بوده است.

**روش ها:** جامعه آماری شامل ۲۱۰ نفر از مجموع ۲۸۰ نفر کارکنان ستاد دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در کلیه رشته های شغلی در معاونتهای مختلف دانشگاه که تحت آموزشهای ضمن خدمت بوده اند. این تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی بوده و اطلاعات از طریق پرسشنامه و بررسی وضعیت آموزش ضمن خدمت کارکنان گردآوری شده است که روائی و پایایی آن از طریق آزمون آلفای کرونباخ (۰/۸۸) و نظر خواهی از کارشناسان خبره و با اجرای پایلوت روی کارکنان مورد قبول واقع شد.

**نتایج:** نتایج تحقیق بر روی ۲۱۰ نفر از کارکنان ستاد دانشگاه علوم پزشکی که در سال ۹۰ از آموزشهای ضمن خدمت بهره مند گردیده اند حاکی از اینست که از ۲۱۰ نمونه مورد مطالعه ۱۰۳ نفر (۴۹٪) زن بوده اند. کثر افراد دارای تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد بترتیب ۱۲۹ نفر (۶۳/۵٪) و ۲۸ نفر (۱۳/۸٪) بوده اند

عناوین شغلی مورد نمونه برداری شامل موارد ذیل بوده است:

۱. آموزشی و پژوهشی ۳۹ نفر (۱۸/۶٪)، ۲. امور اجتماعی ۸ نفر (۳/۸٪)، ۳. اداری و مالی ۶۹ نفر (۳۲/۹٪)، ۴. بهداشتی ۳۰ نفر (۱۴/۳٪)، ۵. دارو و غذا ۲۱ نفر (۱۰٪)، ۶. دانشجویی و فرهنگی ۱۸ نفر (۸/۶٪)، ۷. درمانی ۱۷ نفر (۸/۱٪)، ۸. فنی و مهندسی ۸ نفر (۳/۸٪). میانگین سابقه کار در نمونه مورد مطالعه ۹۶/۲ + ۱۸۰/۲ ماه بوده است (با حداقل سابقه کار ۷ ماه و حداکثر ۳۶ ماه).

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج تحقیق، لزوم ارائه آموزشهای ضمن خدمت شامل اطلاعات و آگاهی های شغلی به کارکنان به منظور ارتقای دانش شغلی که در بر دارنده ارتقای نگرش شغلی و مهارت شغلی است برای همه کارکنان سازمان بویژه کارکنان زیر لیسانس (دیپلم و فوق دیپلم) و بالای فوق لیسانس (دکتری) که بنظر میرسد کمتر تحت تاثیر آموزشهای ضمن خدمت بوده اند پیشنهاد می شود. ضمناً به آموزشهای تخصصی و ویژه شغل در تمام رشته های شغلی بویژه رشته های فنی و مهندسی، آموزشی، پژوهشی و درمانی توجه بیشتری معطوف گردد تا ضمن توجه به بقای سازمان، دانش و مهارت های کارکنان با نیازهای جامعه، پیشرفتهای علمی و تغییرات فناوری انطباق بیشتری یابد و ضمن استقرار رفتار مطلوب در کارکنان آنها برای انجام بهینه وظایف و مسئولیتهای آماده سازیم و شاهد کاهش دائم هزینه ها صرفه جویی در زمان انجام کار و نهایتاً و ارتقاء کیفیت در ارائه خدمات باشیم.

**واژه های کلیدی:** اثر بخشی؛ آموزش ضمن خدمت؛ ارزیابی

## آموزش بالینی پرستاری: شیوه آموزش مشارکتی توسط تیم‌های یادگیری بالینی

سید مسلم مهدوی شهری\*، کارشناس ارشد پرستاری مراقبت‌های ویژه، دانشگاه علوم پزشکی گناباد

Mahdavi\_m@razi.tums.ac.ir, s.moslemahdavi@gmail.com

دکتر میترا ذوالفقاری. هیات علمی دانشکده آموزش مجازی دانشگاه علوم پزشکی تهران. عضو مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری و مامایی

**مقدمه:** یکی از مهم‌ترین راه‌های ارائه خدمات سلامت مطلوب، تربیت (آموزش) پرستاران آموخته و شایسته است (۱). مطالعات انجام شده در ایران در خصوص آموزش‌های بالینی نشان می‌دهد که این آموزش‌ها دارای اثربخشی لازم نیست لذا نیاز به تحول در برنامه ریزی‌های آموزشی برای آماده کردن پرستاران جهت اخذ صلاحیت‌های بالینی باید بیشتر مد نظر قرار گیرد (۱-۵). بسیاری از دست‌اندرکاران آموزشی معتقدند که آموزش بالینیکن و قلب آموزش پرستاری محسوب می‌شود و ارزش آموزش بالینی‌یافته آل در توسعه فردی و حرفه‌ای مهارت‌های بالینی پرستاری غیر قابل انکار است (۲). ارائه الگوی اثربخش جهت آموزش بالینی از چالش‌های بزرگ آموزش علوم پزشکی می‌باشد (۳). برای رسیدن به اهداف خاص برنامه آموزش بالینی پرستاری، مدل مشارکتی ایجاد گردید. در این مدل مراکز و موسسات بهداشتی همانگونه که جوابگوی نیازهای بهداشتی اجتماع هستند، مسئول برنامه آموزش پرستاری نیز می‌باشند. این مدل به صورت‌های گوناگونی همچون مدل همکار بالینی<sup>۱۸</sup>، منتورشیپ و مدل جامعه محور می‌باشد (۴).

**روش‌ها:** اطلاعات این مطالعه مروری از طریق جستجوی منابع الکترونیکی شامل موتور جستجوگر گوگل و بانک‌های اطلاعاتی و نیز جستجوی دستی از طریق منابع کتابخانه‌ای بدست آمده است

**یافته‌ها:** اجرای برنامه آموزش مشارکتی توسط تیم‌های یادگیر بالینی<sup>۱۹</sup> (PLT) که متشکل از یک گروه از پرستاران بالین، پزشکان شاغل در بالین و اعضای هیأت‌تعلیمی پرستاری می‌باشد. مشارکت و همکاری این مجموعه سبب حمایت از یادگیریدانشجویان پرستاری، ایجاد تیم در محیط بالینی و منجر به غنای آموزش بالینی می‌گردد (۵). فرایند انجام این روش به صورت اجرای کارآموزی به صورت مراقبت از بیمار در یک‌شفت کامل کاری در بخش تحت نظارت سرپرستار و با همکاری یک پرستار حرفه‌ای<sup>۲۰</sup> می‌باشد و مربیان وظیفه آموزش، هدایت و استقرار فرایند پرستاری را خواهند داشت و پزشکان مقیم در بخش با هماهنگی قبلی در آموزش برخی رویه‌های درمانی و کار با وسایل و تجهیزات هدایت و راهنمایی لازم را انجام خواهند داد (۶).

**نتیجه‌گیری:** با توجه به پیچیدگی و تعدد جنبه‌های آموزش در محیط بالینی استفاده از تیم‌های آموزش بالینی منطقی به نظر می‌رسد. برنامه آموزش مشارکتی توسط تیم‌های یادگیر بالینی بر اساس پاسخ به نیازهای بیمار و خانواده، جامعه، محیط بالینی و درگیر کردن همکاران بالینی و تسهیل در یادگیری، تدوین گردیده است.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش بالینی، آموزش مشارکتی

<sup>18</sup>-Percetorship

<sup>19</sup>- Practice Team Learning

<sup>20</sup>- Advanced Practice Nurse (APN)

## بررسی مهارت‌های رهبری و مدیریت آموزشی یک استاد موفق از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۹۱

حبیب اله قمی\*، علیرضا زادگان، جمیله جعفریان اصل، دکتر حسن سلامی، دکتر شاپور نادر فام، ولی علیزاده

مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

\*کارشناس ارزشیابی آموزشی

\*Email: [habibollahghomi6@gmail.com](mailto:habibollahghomi6@gmail.com)

**مقدمه:** پیشرفت‌های چشمگیر و عظیم در فنون و مهارت‌های رهبری و زمینه‌های مختلف آموزشی موجب شکل‌گیری روش‌های مدیریتی در دانشگاه‌ها شده‌اند. رهبری هنر یا علم نفوذ در اشخاص است به طوری که با میل و خواسته خود در جهت حصول هدف‌های تعیین شده گام بر دارند. در این مقاله نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در رابطه با مهارت‌های رهبری و مدیریت آموزشی یک استاد موفق برای ایجاد بستر مناسب و شرایط مطلوب جهت حل مسائل آموزشی دانشگاه بررسی شده است.

**روش‌ها:** این مطالعه به روش توصیفی تحلیلی و از نوع پیمایشی می‌باشد. جهت بررسی مهارت‌های رهبری و مدیریت آموزشی یک استاد موفق از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز پرسشنامه مورد سنجش در برگرفته ۵ سوال بود که بصورت تصادفی ساده و حضوری به اعضای هیئت علمی تحویل داده شد، که از ۲۵۰ پرسشنامه ارسالی به تعداد ۲۰۰ پرسشنامه تکمیل و برگردانده شد، داده‌ها با برنامه SPSS و روش لیکرت و مقیاس‌های (خیلی کم=۱، کم=۲، زیاد=۳، خیلی زیاد=۴) تجزیه و تحلیل شدند. پایائی مطالعه براساس آزمون آلفای کرونباخ ۰,۸۳۵ بدست آمد.

**نتایج:** شرکت کنندگان در نظرسنجی با گذاشتن علامت  به این سوالات که در خصوص مهارت‌های رهبری و مدیریت آموزشی یک استاد موفق بود نظر خود را بیان کردند. برون داده‌ها با اولویت‌بندی به شرح زیر بدست آمدند: ۱- پرورش تفکر منطقی ۳,۶۵، ۲- برقراری ارتباط بین فردی در دانشجویان ۳,۴۰، ۳- ایجاد حس مشترک بین دانشجویان جهت کسب علم ۳,۱۵، ۴- برقراری عدالت بین دانشجویان ۲,۹۸، ۵- اهتمام به حل مشکلات روانی و رفتاری دانشجویان ۲,۷۱

**نتیجه‌گیری:** با عنایت به نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز: ۹۱,۲۵٪ از آنها معتقدند که مهارت پرورش تفکر منطقی در دانشجویان دارای بالاترین اهمیت است. مهارت‌های دیگر رهبری و مدیریت آموزشی که مورد بررسی قرار گرفته اند مورد توجه و علاقه اعضای محترم هیئت علمی میباشند. ۶۷,۷۵٪ از شرکت کنندگان در نظرسنجی معتقد به اهتمام برای حل مسائل رفتاری دانشجویان هستند، که برخلاف پیش بینی نویسندگان مقاله، نسبت به سایر موارد درصد کمی را به خود اختصاص داده است. بنابراین، تربیت کردن دانشجویان به نحوی که تفکر منطقی بتواند در آنها به شکل گسترده ای پرورش پیدا کند بعنوان مهمترین راهکار و مهارت رهبری و مدیریت یک استاد موفق معرفی میشود.

**واژه‌های کلیدی:** بررسی، مهارت‌های رهبری، اعضای هیئت علمی، مدیریت

## بررسی تأثیر آموزش بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی بر آگاهی و رفتار پیشگیری از

### صدمات ناشی از سرسوزن و بیماریهای منتقله از راه خون در پرستاران

<sup>۱</sup>نادر زرین فر، <sup>۲\*</sup>محبوبه خورسندی، <sup>۳</sup>نادر زرین فر، <sup>۴</sup>مهرشاد صدیق، <sup>۵</sup>بهمن صادقی سده

<sup>۱</sup>متخصص عفونی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

<sup>۲\*</sup>دکترای آموزش بهداشت، استادیار دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران، [dr.khorsandi@arakmu.ac.ir](mailto:dr.khorsandi@arakmu.ac.ir)

<sup>۳</sup>متخصص عفونی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

<sup>۴</sup>دانش آموخته دکتری حرفه ای دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

<sup>۵</sup>متخصص پزشکی اجتماعی، استادیار دانشگاه پزشکی اراک، اراک، ایران

**مقدمه:** تغییر رفتار مشکل تر از آن است که بتوان با آموزش های سنتی انتظار تحقق آن را داشت، بنابراین تئوری هاو مدل های آموزش بهداشت چارچوب جامعی را برای درک و پیش بینی عوامل تعیین کننده رفتار فراهم می آورند. Needle stick Injury (NI) صدمات ناشی از سرسوزن از شایعترین و خطرناکترین خطرات شغلی پرستاران است که رایج ترین عفونت های خونی منتقله از این راه می توان به HBV, HCV, HIV اشاره نمود. هدف از این مطالعه ارزیابی اثر آموزش بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی بر دانش و نگرش و رفتارهای پیشگیری از NSI/SI است.

**روش ها:** در این مطالعه نیمه تجربی تعداد ۱۶۵ پرستار در بیمارستان های علوم پزشکی اراک به طور تصادفی انتخاب شده اند و به ۲ گروه شاهد و مداخله تقسیم شده اند ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ای محقق ساخته بر اساس سازه های مدل اعتقاد بهداشتی ( حساسیت درک شده، شدت، تهدید و خودکارآمدی درک شده بود که روایی محتوا و صوری آن توسط گروه متخصصین تعیین گردید به منظور بررسی پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد. قبل از مداخله پرسشنامه مذکورو چک لیست رفتاری مشتمل بر سوالاتی در زمینه رفتارهای پیشگیری صدمات ناشی از سرسوزن به گروه مورد و شاهد داده شد. جهت گروه کارگاهی براساس راهنمای هشدار جهانی و مدل اعتقاد بهداشتی برگزار گردید. پس از گذشت ۳ ماه جهت برآورد تداوم و ماندگاری تغییر رفتار در گروه مداخله مجددا پرسشنامه جهت گروه مداخله و شاهد توزیع تکمیل گردید. جهت مقایسه اطلاعات از آزمون تی زوج و مستقل استفاده شد.

**نتایج:** دو گروه از نظر رسته شغلی و مراکز آموزشی محل خدمت و وضعیت تاهل و جنس و سابقه کارگاه مشابه با  $P > 0.05$  تفاوت آماری معناداری نداشتند. نتایج نشان داد که میانگین نمرات در سازه های مدل اعتقاد بهداشتی غیر از موانع درک شده افزایش معناداری در گروه مداخله داشته است  $P < 0.01$ . Nمره رفتاردر گروه مداخله افزایش معنی داری داشت و میزان NSI کاهش یافت هرچند میزان گزارش دهی افزایش یافته بود. نتیجه گیری: برنامه آموزشی بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی باعث افزایش آگاهی و همچنین بهبود رفتار و کاهش صدمات ناشی از سرسوزن در گروه آزمون گردید. پیشنهاد می گردد دوره های آموزشی ضمن خدمت بر مبنای مدل های بهداشتی طرح ریزی و اجرا گردد تا تغییر رفتار پایدارتری داشته باشیم.

**واژه های کلیدی:** مدل اعتقاد بهداشتی، صدمات سرسوزن، پرستاران

## بررسی عوامل تاثیرگذار بر سرقت ادبی در میان اعضاء هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی

امیر پاکپور حاجی آقا<sup>۱\*</sup>، محمدی زیدی<sup>۱</sup>، معصومه ضیائیها<sup>۲</sup>  
<sup>۱\*</sup> استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین  
**e-mail: pakpour\_amir@yahoo.com**  
<sup>۲</sup> مربی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین،

**مقدمه:** چاپ مقالات علمی محصول نهایی یک کار علمی می باشد. تعداد مقالات و متون چاپ شده از یک نویسنده می تواند ملاک موفقیت علمی به شمار رود. هدف از این مطالعه، بررسی عوامل تاثیرگذار بر سرقت ادبی در میان اعضاء هیئت علمی یکی از دانشگاه های علوم پزشکی بود.

**روش ها:** در این مطالعه مقطعی با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی تعداد ۱۳۴ نفر از اعضاء هیئت علمی دانشگاه و از رشته های مختلف علوم پزشکی که مشغول به تدریس و پژوهش در مقاطع مختلف بودند بصورت تصادفی انتخاب گردیدند. داده ها با استفاده از یک پرسشنامه دموگرافیک و پرسشنامه ای مشتمل بر ۴۳ سوال که شامل بخش های آگاهی از سرقت ادبی، نگرش نسبت به رعایت اصول اخلاقی و نقش دیگران مهم در سرقت ادبی جمع آوری شدند. داده ها با استفاده از آزمونهای آماری آنالیز واریانس یکطرفه، تی مستقل، کای اسکوئر یا فیشر و رگرسیون خطی چند متغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای انجام تحلیلهای نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ استفاده گردید.

**نتایج:** میانگین سنی نمونه های پژوهش  $12/52 \pm 42/24$  و بیشتر آنها (۵۴٪) مذکر بودند. میانگین نمره آگاهی از روش های سرقت ادبی  $2/04 \pm 6/11$  بود. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سابقه قبلی سرقت ادبی می تواند با آگاهی ضعیف از انواع، روشها و عواقب سرقت ادبی ( $\beta=0/41$ )، نگرش منفی نسبت به انجام سرقت ادبی ( $\beta=0/27$ )، دیگران مهم و توصیه های آنها در مشروع جلوه دادن و انجام سرقت ادبی ( $\beta=0/33$ ) و سن بالاتر ( $\beta=0/09$ )، تاهل ( $\beta=0/11$ ) ارتباط داشته باشد.

**نتیجه گیری:** یافته ها همچنین حاکی از آن است که آگاهی ضعیف و توصیه همکاران نقش مهمی در انجام سرقت ادبی دارد. لذا مداخلات آموزشی به منظور آگاه سازی و همچنین ادغام سیاست های پیشگیری از سرقت ادبی می تواند نقش موثری بر کاهش و پیشگیری از سرقت ادبی داشته باشد.

**واژه های کلیدی:** سرقت ادبی، علوم پزشکی، عوامل تعیین کننده



## آسیب شناسی آموزش از دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان : مطالعه کیفی

ناصر جورابراهیمیان<sup>۱\*</sup>، امین سعیدی نیا<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی دندانپزشکی. کانون علمی پژوهشی بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گیلان

<sup>۲</sup> دانشجوی پزشکی. کانون علمی پژوهشی بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گیلان

a.saeidynia@yahoo.com

**مقدمه:** آموزش در دوران مختلف رشته پزشکی از اهمیت خاصی برخوردار است و هر یک از آن ها می تواند نقش بسزایی در پرورش فهم مطالب دارد و می تواند پایه گذاری آموزش مراحل بعد را تحت تاثیر قرار دهد. هدف این مطالعه، تبیین نظرات و تجارب دانشجویان پزشکی از رده های آموزشی مختلف به صورت کیفی است.

**روش ها:** این پژوهش یک مطالعه کیفی از نوع تجزیه و تحلیل درون مایه ای است که در آن تعداد ۲۵ نفر از دانشجویان رشته پزشکی از مقاطع مختلف تحصیلی بر اساس نمونه گیری مبنی بر هدف در محیط خوابگاه مورد مصاحبه قرار گرفتند. کلیه مصاحبه ها روی کاغذ پیاده شدند و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** با استفاده از تحلیل دست نوشته ها، تعداد قابل توجهی درون مایه اولیه و درون مایه اصلی که هریک چند درون مایه فرعی داشتند استخراج شد. درون مایه های اولیه شامل عوامل و مشکلات مرتبط با کادر آموزشی، فضای آموزشی، برنامه ریزی آموزشی و پیشنهادات دانشجویان در مورد رفع مشکلات آموزشی موجود بودند. کلیه درون مایه های اصلی در ذیل هر یک از درون مایه های اولیه طبقه بندی شد که هر کدام نیز دارای درون مایه های فرعی بودند.

**نتیجه گیری:** با توجه به درون مایه های حاصل از نظرات دانشجویان به نظر می رسد ارتقای پایش و ارزشیابی کیفی سیستم آموزش، تناسب بین تعداد دانشجویان و فضای آموزشی هر مقطع، عدم توانایی انتقال دانش از کادر آموزشی به دانشجویان، افزایش دادن میزان عملکرد کادر آموزشی در حیطه ی آموزش و کاهش وظیفه ی آن ها در بخش درمان و عدم تاثیرگذاری برنامه ریزی آموزشی روی میزان موفقیت دانشجویان مهمترین درون مایه های اصلی بیان شده بودند.

**واژه های کلیدی:** مشکلات آموزشی، دانشجو، پزشکی، مطالعه کیفی

## بررسی علل انتخاب و موفقیت در رشته پزشکی از دیدگاه دانشجویان جدیدالورود

دکتر منصوره مومن هروی\*، آزاده ظهیری

\*دفتر توسعه آموزش دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

[mansoreheravi@yahoo.com](mailto:mansoreheravi@yahoo.com)

**مقدمه:** یکی از انتخاب های مهم زندگی جوانان پس از پایان تحصیلات متوسطه، انتخاب رشته تحصیلی است که در آینده شغلی آنان نقش بسزایی دارد. مهم ترین اهداف دانشگاهها آماده ساختن جوانان برای فعالیت های شغلی و اجتماعی آینده است. این مطالعه مقطعی به منظور ارزیابی عوامل مؤثر بر انتخاب و قبولی در رشته پزشکی انجام گرفت.

**روشها:** این مطالعه مقطعی روی ۴۵ دانشجوی پزشکی جدیدالورود در مهر ماه ۹۱ در دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام گرفت. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بود که حاوی اطلاعات دموگرافیک و سوالاتی در زمینه رتبه و سهمیه قبولی، عوامل مؤثر در قبولی دانشجویان بود. پرسشنامه ها در بین دانشجویان توزیع و سپس اطلاعات وارد نرم افزار SPSS شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** ۲۱ نفر (۴۶٫۷٪) دانشجویان پسر و ۲۴ نفر (۵۳٫۳٪) دختر بودند اکثریت بلافاصله (۶۶٫۷٪) بعد از دیپلم یا با فاصله یکسال در کنکور قبول شده بودند. بیش از نیمی از آنها معدل دیپلم بالای ۱۹ داشتند و معدل دیپلم زیر ۱۷ وجود نداشت. ۱۸ نفر (۴۰٪) در دبیرستان دولتی و ۱۴ نفر (۳۱٫۱٪) در دبیرستان غیر انتفاعی و ۱۳ نفر (۲۸٫۹٪) در دبیرستان تیزهوشان درس خوانده بودند.

۱۸ نفر (۴۳٫۹٪) سهمیه منطقه ۱ و ۲۲ نفر (۵۳٫۷٪) سهمیه منطقه ۲ و ۱ نفر (۲٫۴٪) سهمیه شهدا بودند. رتبه قبولی دو نفر زیر ۵۰۰-۱۹ نفر زیر ۱۰۰۰ و ۱۴ نفر زیر ۱۵۰۰ و ۳ نفر بالای ۱۵۰۰ بودند. ۱۵۰۰ نفر در کلاس کنکور ۳ نفر (۱۵٪) کم و ۱۱ نفر (۵۵٪) متوسط و ۵ نفر (۲۵٪) زیاد و ۱ نفر خیلی زیاد عنوان کرده ۱۹ نفر (۴۲٫۲٪) در کلاس کنکور شرکت کرده و ۲۵ نفر (۵۵٫۶٪) شرکت نکرده بودند. بیشترین ساعت مطالعه در روز ۱۳ ساعت (دو نفر) و کمترین ساعت ۴ ساعت (۴ نفر) ذکر کردند متوسط ساعت مطالعه ۷٫۲ ساعت بود. میزان اشتیاق دانشجویان به رشته پزشکی در ۲۴ نفر (۵۳٫۳٪) در حد متوسط و ۱۸ نفر (۴۰٪) زیاد و فقط ۳ نفر (۶٫۶٪) کم بود. علاقه شخصی و سپس خدمت به مردم بیشترین علت انتخاب رشته پزشکی بود. اصرار خانواده: کسب ثروت و موقعیت اجتماعی در رده های پائین قرار داشتند.

**نتیجه گیری:** با توجه به اینکه اکثر دانشجویان معدل دیپلم بالا داشته اند و در عین حال همه در کلاس کنکور یا در مدرسه غیرانتفاعی و تیزهوشان شرکت نکرده بودند و وجه مشترک همه معدل خوب و علاقمندی آنها به رشته پزشکی بود به نظر میرسد استعداد و توانمندی و نخبگی این افراد نقش بسیار اساسی در قبولی آنها در این رشته داشته است.

**واژه های کلیدی:** موفقیت، رشته پزشکی، دانشجویان، جدیدالورود

## پدیده جهانی شدن از دیدگاه دستیاران دانشگاه علوم پزشکی شیراز

لیلابذرافکن<sup>۱\*</sup>، محمدرضا دهقانی، کریم عباسی، مرضیه ده بزرگیان

<sup>۱\*</sup> مربی گروه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

[bazrafkanl@sums.ac.ir](mailto:bazrafkanl@sums.ac.ir)

**مقدمه:** پدیده جهانی سازی می تواند چالش ها و فرصت های بالقوه ای برای دانش آموختگان دانشگاه های علوم پزشکی به همراه داشته باشد. اما علیرغم اهمیت این موضوع در زمینه دیدگاه و نظرات دستیاران پزشکی اطلاعات اندکی در دست است. هدف از انجام این پژوهش توصیف دیدگاه دستیاران نسبت به پدیده جهانی شدن است.

**روش ها:** این مطالعه پژوهشی توصیفی- تحلیلی است و جامعه آماری مشتمل بر دستیاران دانشگاه های علوم پزشکی است که تعداد ۱۲۰ نفر از طریق نمونه گیری تصادفی، به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب گردید. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته در طیف لیکرت بود که جهت تعیین روایی آن از نظر کارشناسان آموزشی مورد تأیید و پایایی آن با ضریب آلفای ۰/۸۴ به دست آمد. برای تحلیل اطلاعات از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۹ و روش های آمار توصیفی مانند فراوانی و درصد، میانگین، انحراف معیار و آزمون های t-test، آنالیز واریانس و همبستگی پیرسون استفاده شد.

**نتایج:** از تعداد ۸۰ نفر، ۴۸ نفر (۶۰٪) دختر و بقیه پسر و میانگین سن  $28 \pm 2/9$  سال بود. از بین ۲۵ عامل مورد مطالعه، به ترتیب چهار عامل: باور داشتن اهمیت و لزوم انعطاف پذیری در سازگاری با تغییر در دنیا (۹۱/۳٪)، قادر بودن به کار در محیط های کاری چند فرهنگی (۸۹/۱٪)، لزوم علم و آگاهی در برقراری ارتباط، در یک محیط جهانی (۸۵/۲٪) توجه به حقوق هر فرد بدون توجه به نژاد، مذهب، یا زبان گفتاری او (۸۳/۲٪)، تمایل برای نقل مکان به یک کشور دیگر برای یک موقعیت بهتر کاری (۷۶/۲٪)، بالاترین میزان موافقت و چهار عامل کفایت تجربیات شخصی برای کار در یک محیط بین المللی (۱۹/۶٪)، چالش های جهانی شدن برای سیستم آموزشی کشور ما (۲۷/۷٪) تهدید نبودن جهانی شدن برای فرهنگ و ارزش های ما (۲۸/۵٪) احساس بهبود چشم انداز کارشان در آینده (۳۱/۵٪) کمترین میزان موافقت را به خود اختصاص داده اند. براساس نتایج، نتایج آزمون تحلیل واریانس یک راهه نشان داد بین دیدگاه دانشجویان و متغیرهای زمینه ای جنسیت، دانشکده و سن تفاوت معناداری وجود ندارد. ( $p < 0.05$ ).

**نتیجه گیری:** درک مثبت از جهانی شدن، ضرورت آموزش صلاحیتهای حرفه ای برای حضور موثر جهانی، اصلاح روش های مورد استفاده در مدارس پزشکی و نیاز به مشارکت بیشتر دستیاران پزشکی به عنوان ارائه دهندگان خدمت در آینده را ایجاد می کند.

**واژه های کلیدی:** جهانی شدن، دیدگاه، دستیاران علوم پزشکی

## میزان محبوبیت و عوامل موثر بر گرایش دانشجویان به فیسبوک

قاسم عابدی<sup>۱</sup>، اکبر محمدی<sup>۲\*</sup>، احد علیزاده<sup>۳</sup>، هادی حسینی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار، گروه علوم بهداشتی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی و دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

<sup>۲\*</sup> کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مازندران Mohammadi8194@yahoo.com

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری آمار زیستی، گروه اپیدمیولوژی و آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

**مقدمه:** علیرغم فیلترینگ برخی از شبکه های اجتماعی در ایران، به یکی از پرطرفدارترین رسانه ها تبدیل شده اند که مخاطبان بسیاری را بخصوص از میان قشر دانشجو به خود جلب کرده است در حال حاضر یکی از مهم ترین شبکه های اجتماعی، فیسبوک است. این مطالعه با هدف بررسی میزان محبوبیت و عوامل موثر بر گرایش دانشجویان به فیسبوک در دانشگاه علوم پزشکی مازندران انجام گرفت.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی- مقطعی بود که نمونه آماری را ۳۲۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ تشکیل می داد. جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر سه بخش، استفاده شد. بخش اول مربوط به اطلاعات دموگرافیک دانشجویان، بخش دوم مبتنی بر سه محور (هدف و انگیزه دانشجویان برای حضور در فیسبوک، استفاده اصلی دانشجویان از فیسبوک و اطلاعات شخصیتی- هویتی دانشجویان در فیسبوک) بود. در بخش سوم پرسشنامه نیز یک سؤال باز با عنوان " در کل در مورد فیسبوک چه نظری دارید" مطرح شد

**نتایج:** ۴۳ درصد از دانشجویان عضو فیسبوک بودند. که بیشتر آنها علت عضویت در فیسبوک را ارتباط با دوستان قدیمی (۷۰ درصد)، ارتباط با هم کلاسی ها (۵۸ درصد) و دوست شدن با جنس مخالف (۵۶ درصد) عنوان کردند و بیشترین استفاده دانشجویان از فیسبوک، عکس های فیسبوکی (۷۷ درصد) بود.

**نتیجه گیری:** استفاده دانشجویان از فیسبوک بیش از هر چیزی جهت گذراندن اوقات فراغت، سرگرمی و خوش گذرانی است و خیلی کمتر به فعالیت های علمی و فرهنگی و یا آموزشی می پردازند می پردازند.

**واژه های کلیدی:** فیسبوک؛ انگیزه؛ دانشجویان

## فرآیند پیاده سازی مدیریت دانش در معاونت آموزشی وزارت بهداشت

فریبا امین پور<sup>1</sup>، امیر محمدی<sup>2</sup>

eda@behdasht.gov.ir

رئیس اداره اعزام مرکز خدمات آموزشی - معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی<sup>1</sup>

معاون اجرایی مرکز خدمات آموزشی معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی<sup>2</sup>

مقدمه: سازمان ها علیرغم سرمایه گذاری های کلان سخت افزاری و نرم افزاری که برای استقرار مدیریت دانش انجام داده اند هنوز به نتایج مورد انتظار خود دست نیافته اند. هدف از این تحقیق تلاشی جهت پاسخگویی به این سؤال است که مسیر بلوغ سازمان در بهره برداری از دانش خود چیست و سازمان روی چه فرآیندهایی سرمایه گذاری کند تا پیاده سازی مدیریت دانش در جهت اهداف و نیازهای آن باشد. هدف از این پژوهش بررسی امکان پیاده سازی مدیریت دانش در معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بر پایه مدل بکوویتز و ویلیامز است.

روش ها: روش انجام پژوهش توصیفی - پیمایشی و جامعه آن کارکنان شاغل در معاونت آموزشی وزارت بهداشت در سال ۸۹ بود. به منظور تعیین حجم نمونه از فرمول نمونه گیری عمومی کوکران استفاده و تعداد ۱۳۸ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد. روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای و ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه پژوهشگر ساخته با مقیاس پنج درجه ای لیکرت بود. روایی پرسشنامه توسط استادان باتجربه تأیید و به منظور پایایی آن از ضریب آلفای کرونباخ (0.80) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها، آمار توصیفی و استنباطی به کمک نرم افزار آماری SPSS 16 استفاده گردید.

نتایج: نتیجه پژوهش نشان داد که امکان پیاده سازی مدیریت دانش در این معاونت بر پایه مدل بکوویتز و ویلیامز پائین تر از اندازه متوسط (19.36) است و پیاده سازی آن نیز بطور یکسان وجود ندارد. افزون بر این، اختلاف دیده شده میان میانگین آزمودنی ها بر پایه عوامل جمعیت شناختی جنسیت، رشته تحصیلی، سابقه اشتغال، سطح تحصیلات و نوع کار و محل کار تفاوت معنی داری وجود ندارد ( $P > 0.05$ )، ولی در متغیر سطح تحصیلات در مولفه تسهیم و ارزیابی دانش، تفاوت معناداری وجود دارد ( $P < 0.05$ ). به بیانی دیگر کارکنان با سطح تحصیلات دیپلم، کاردانی و کارشناسی امکان پیاده سازی تسهیم و ارزیابی دانش را نسبت به کارکنان با سطح تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری بیشتر می دانند.

کلید واژه: مدیریت دانش، مدل بکوویتز و ویلیامز، معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

## مدیریت جمع‌آوری آمار و اطلاعات دانشجویان پذیرفته شده، مشغول به تحصیل و

### دانش‌آموخته رشته‌های علوم پزشکی کشور

فرشید منجمی<sup>۱</sup>، امیر محمدی<sup>۲</sup>، دکتر محمدحسین افجه‌ای<sup>۳</sup>

monajei arshid@gmail.com

<sup>۱</sup>عضو هیات علمی معاونت آموزشی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی

<sup>۲</sup>معاون اجرایی مرکز خدمات آموزشی

<sup>۳</sup>معاون اجرایی معاونت آموزشی وزارت بهداشت

**مقدمه:** آمار و اطلاعات یکی از ضروریات برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و نظارت مدیران می‌باشد. با توجه به لزوم تأمین اطلاعات موردنیاز مدیران ستادی و برنامه‌ریزی لازم به منظور آموزش گروه پزشکی، در اختیار داشتن اطلاعات دانشگاه‌های علوم پزشکی وابسته و غیروابسته ضروری می‌باشد. این اطلاعات لازم است در مقاطع مختلف زمانی و با توجه به نیاز تهیه شود.

**روش‌ها:** برای دریافت اطلاعات آموزشی روال مناسب و مشخصی وجود نداشته است. به منظور ساماندهی جمع‌آوری آمار و در اختیار داشتن اطلاعات قابل استناد و معتبر، روند تولید این اطلاعات از ابتدای تولید مورد بررسی قرار گرفت. پس از ثبت اطلاعات دانشجویان و انجام واحدگیری با دریافت نسخه پشتیبان از دانشگاه از طریق ftp نسبت به تهیه آمارهای دانشجویی اقدام می‌شود. به منظور جلوگیری از هرگونه ابهام در آمارهای تولیدی خروجی آمار تهیه شده جهت تایید دانشگاه‌های علوم پزشکی نیز ارسال می‌گردد.

#### نتایج:

- در دسترس بودن اطلاعات آماری دانشجویان پذیرفته‌شده، مشغول به تحصیل و دانش‌آموخته؛
  - ارائه اطلاعات آماری دانشجویان پذیرفته‌شده، مشغول به تحصیل و دانش‌آموخته با ضریب اطمینان صحت (بیش از ۹۵٪)؛
  - فراهم‌نمودن امکان تهیه گزارشات آماری متنوع به تفکیک دانشگاه، دانشکده، مقطع، رشته، دوره و جنسیت؛
  - تحلیل آماری وضعیت آموزش علوم پزشکی کشور؛
  - ارائه آمارهای ثابت و موثق به مراجع درخواست‌کننده داخل و خارج از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛
  - برقراری عدالت در توزیع منابع مالی دانشجویان و یارانه‌های مربوطه؛
  - مدیریت و رهبری آموزشی با توجه به مبنا قرارگرفتن آمار تهیه شده به منظور اختصاص و توزیع بودجه سرانه آموزشی دانشگاهها؛
  - تهیه آمارهای مورد بحث با شرایط و تعاریف یکسان در کل کشور؛
- از جمله دستاوردهای این فرایند می‌باشند.
- نتیجه‌گیری:** با اجرای این فرایند در اختیار داشتن اطلاعات موثق دانشگاهها و دانشکده‌های علوم پزشکی و ارائه به مراجع ذیربط تحقق یافته است و از آمارهای موجود در سطوح مدیریتی بهره‌برداری می‌گردد. با اصلاح مشکلات اجرایی و توجه به راهکارهای پیشنهادی می‌توان اطلاعات موردنظر را در زمان کوتاه‌تر تهیه و ارائه نمود.

## مدیریت و رهبری آموزش از طریق اصلاح فرایند اعلام دانش آموختگی دانشجویان

### گروه پزشکی و تایید ستاد

امیر محمدی<sup>۱</sup> فرشید منجمی<sup>۲</sup>، میترا سرشار<sup>۳</sup>  
amir\_007\_ca@yahoo.com

<sup>۱</sup> عضو هیات علمی معاونت آموزشی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی

<sup>۲</sup> معاون اجرایی مرکز خدمات آموزشی

<sup>۳</sup> مرکز خدمات آموزشی

**مقدمه:** اطلاعات یکی از منابع اصلی و با ارزش مدیران یک سازمان است. در اصلاح فرایند دانش آموختگی دانشجویان گروه پزشکی، با بکارگیری تکنولوژی اطلاعات و انتقال اطلاعات از طریق شبکه وب جمعیت اطلاعات مورد نیاز سازمان تحقق یافته است.

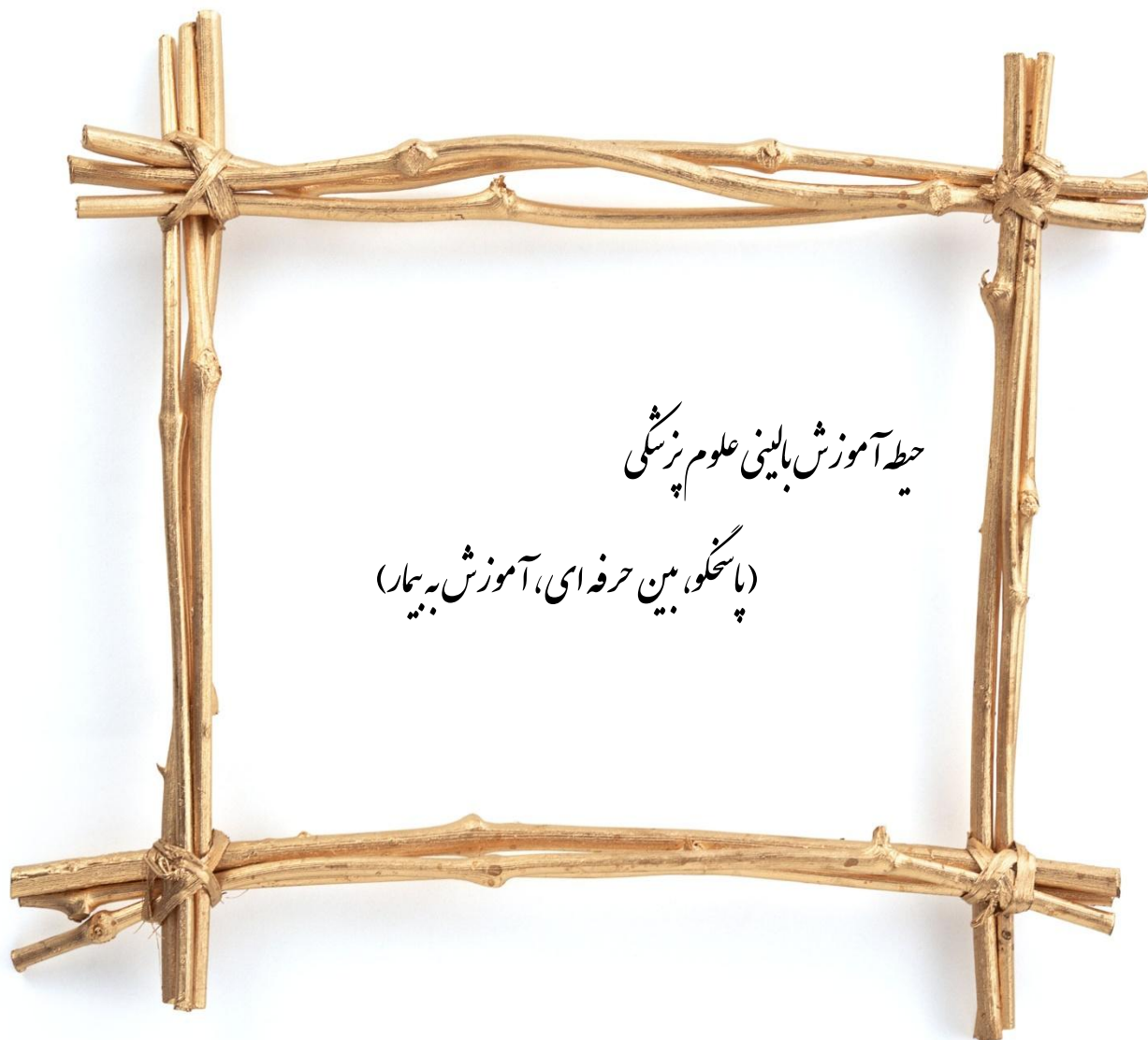
**روش‌ها:** برای طراحی پورتال دانش آموختگان پس از شناخت و تحلیل اولیه نسبت به طراحی و پیاده‌سازی اولیه سیستم اقدام گردید. با آماده شدن نسخه اولیه اجرای آزمایشی در سه دانشگاه انجام پذیرفت. پس از بررسی نظرات دانشگاه‌های مجری آزمایشی سیستم فوق‌الذکر، سیستم نسبت به بازنگری و اصلاح موارد مطرح شده اقدام گردید. به منظور امکان جمعیت اطلاعات کدینگ استاندارد آموزش طراحی و در اختیار کلیه دانشگاه‌های علوم پزشکی وابسته و غیر وابسته قرار گرفت. پس از رفع اشکالات و شناسایی سایر نیازهای دانشگاهها پورتال اصلاح شده در کلیه دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور اعم از وابسته و غیر وابسته راه‌اندازی و مورد استفاده قرار گرفت. از زمان راه‌اندازی پورتال دانش آموختگان هیچ دانش آموخته گروه پزشکی خارج از سیستم فوق دانش آموخته نگردیده است.

#### نتایج:

- رضایتمندی دانش آموختگان؛
- حذف دوباره کاری و امور موازی؛
- کاهش زمان فراغت از تحصیل از ۲ ماه به کمتر از یک روز؛
- تشکیل بانک دانش آموختگان گروه پزشکی و امکان ارتباط آن با سایر سیستم‌ها؛
- کاهش هزینه‌ها با حذف سفرهای غیرضروری دانش آموختگان و صرفه‌جویی در مصرف کاغذ و فضای بایگانی؛
- امکان تهیه گزارشات مورد نیاز از بانک دانش آموختگان؛
- نگهداری مکاتبات انجام شده درخصوص هر پرونده در سیستم طراحی شده؛
- فراهم سازی زمینه ارتقاء سیستم و بکارگیری روشها و فناوری‌های جدید به منظور فراهم نمودن عدالت؛
- امکان راهبری و آموزش کاربران دانشگاهها و کاهش خطاهای کارشناسان با توجه به افزایش مهارت آنها که از طریق آموزشهای حین انجام کار توسط کارشناسان ستادی از طریق پرتال انجام می‌شود؛
- مدیریت یکپارچه فرایند دانش آموختگان دانشگاهها از ستاد وزارت متبوع؛
- برقراری عدالت در ارائه خدمات به کلیه دانش آموختگان در سراسر کشور؛

#### نتیجه‌گیری:

اثرگذاری این سامانه در دانشکده، دانشگاه و کشور مشهود می‌باشد. انتقال اطلاعات دانش آموختگان از دانشکده به دانشگاه و از دانشگاه به مرکز خدمات آموزشی صورت می‌پذیرد. آموزش دانشکده‌ها از پرتال طراحی شده بعنوان جایگزین مستندات کاغذی استفاده نموده و آموزش دانشگاهها با بررسی گزارشات دریافتی از دانشکده مراتب را بصورت الکترونیک به ستاد وزارت متبوع ارسال می‌دارند. با توجه به روند ارسال اطلاعات و تولید بانک دانش آموختگان صحت اطلاعات بسیار بالا بوده و این پروژه را به یک پروژه ملی تبدیل نموده است.





## بررسی تاثیر آموزش بین حرفه ای دیابت بر نگرش بین حرفه ای و دانش مراقبت از بیمار دیابتی تیم های سلامت

مرضیه عسگری مقدم، نیکو یمانی\*، فریبا حقانی، عباس قاری

\*استادیار گروه آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش پزشکی، مدیریت مطالعات و توسعه آموزش پزشکی،

دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

E-mail: [yamani@edc.mui.ac.ir](mailto:yamani@edc.mui.ac.ir)

**مقدمه:** افزایش امید به زندگی و تغییر شیوه زندگی باعث شیوع بیماریهای غیر واگیر و مزمن از جمله دیابت شده است که درمان و مراقبت آنها مستلزم همکاری و تعاملات موثر تیمی و بین حرفه ای در قالب نظام پزشک خانواده است. هدف این پژوهش بررسی تاثیر آموزش بین حرفه ای بر نگرش بین حرفه ای و دانش مراقبت از بیمار دیابتی می باشد.

**روشها:** این مطالعه یک مطالعه نیمه تجربی بود که در آن مداخله به روش آموزش بین حرفه ای جهت شش تیم سلامت (۳۴ نفر) بر اساس تئوری یادگیری بالغین و چرخه یادگیری کلب به مدت سه روز اجرا گردید و شامل مجموعه ای از فعالیت های آموزشی برای افزایش توانایی های فردی و گروهی اعضای تیم و نیز تغییر نگرش آنها به کار تیمی و بین حرفه ای بود. مداخله با استفاده از پرسشنامه های RIPLS (Readiness for Interprofessional Learning scale) و آزمون دانش سنج دیابت قبل از کارگاه و سه ماه بعد مورد ارزیابی قرار گرفت.

**نتایج:** میانگین امتیاز دانش تیم سلامت پیرامون دیابت قبل از مداخله  $1/04 \pm 7/06$  از  $10$  و سه ماه بعد  $0/97 \pm 7/97$  بدست آمد که تفاوت معناداری نشان می دهد ( $p < 0/001$ ). میانگین امتیاز کل پیش آزمون نگرش تیم سلامت  $7/72 \pm 75/69$  از  $95$  و پس آزمون  $6/19 \pm 74/31$  بدست آمد که اختلاف معناداری مشاهده نگردید.

**نتیجه گیری:** طراحی و اجرای کارگاه آموزش بین حرفه ای دیابت باعث بهبود دانش تیم های سلامت شد اما روی نگرش آنها به آموزش بین حرفه ای تاثیر معناداری نداشت اگرچه در بیشتر حیطه های پرسشنامه RIPLS نمره ها افزایش پیدا کرد. همچنین ارزیابی تکوینی غیر رسمی که در طول کارگاه انجام شد حاکی از رضایت اکثریت فراگیران از تجربه جدید آموزشی بود. به این ترتیب به نظر می رسد جهت اجرای آموزش بین حرفه ای تامین منابع، زمان و مکان مناسب برای تاثیر روی نگرش افراد به کار تیمی ضروری می باشد.

## تاثیر اجرای آموزش مبتنی بر توانمندی بر کیفیت زندگی بیماران سندرم کرونری

### حاد

مریم بیدگلی گل ختمی<sup>۱\*</sup>، سید رضا مظلوم<sup>۲</sup>، افسون فضلی نژاد<sup>۳</sup>  
<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد پرستاری عضو هیات علمی دانشکده پزشکی نیشابور  
[bidgolim@nums.ac.ir](mailto:bidgolim@nums.ac.ir)  
<sup>۲</sup> دکتری پرستاری و عضو هیات علمی دانشکده پرستاری مامایی مشهد  
<sup>۳</sup> متخصص قلب و عروق و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد

**مقدمه:** سندرم کرونری حادثه علت اصلی مرگ و میر در اکثر کشورهای جهان از جمله ایران می باشد، مشکلات زیادی در ابعاد گوناگون کیفیت زندگی ایجاد می کند. یکی از اهداف تیم مراقبتی ارتقای کیفیت زندگی بیماران است که در بیماران سندرم کرونری این هدف صرفاً در زمان بستری بودن بیمار در بیمارستان قابل دستیابی نبوده و نیاز به تداوم مراقبت بعد از ترخیص دارد. لذا این مطالعه با هدف تعیین تاثیر اجرای آموزش مبتنی بر توانمندی بر کیفیت زندگی بیماران سندرم کرونری حاد انجام شد.

**روش‌ها:** در این کارآزمایی بالینی، ۷۴ بیمار مبتلا به بیماری سندرم کرونری به طور تصادفی در دو گروه برنامه آموزش مبتنی بر توانمندی و برنامه معمول قرار گرفتند. در گروه آموزش مبتنی بر توانمندی علاوه بر مراقبت معمول بخش، بررسی نیازهای آموزشی بیمار، آموزش خود مراقبتی به بیمار و مراقبت کننده، مشاوره، هماهنگی با تیم درمان طی مدت بستری در بیمارستان به صورت حضوری و پس از ترخیص به مدت ۳ ماه به صورت پیگیری تلفنی انجام شد. در گروه برنامه معمول، تنها مراقبت های معمول بخش انجام می گرفت. کیفیت زندگی کلیه بیماران با استفاده از پرسشنامه استاندارد sf-36 در زمان بستری، زمان ترخیص و ۳ ماه پس از ترخیص اندازه گیری و با آزمون آنالیز واریانس با اندازه گیری مکرر و فریدمن مقایسه شد.

**نتایج:** کیفیت زندگی ۹۳/۳٪ افراد گروه برنامه معمول و ۶۶/۷٪ افراد برنامه آموزش مبتنی بر توانمندی در زمان بستری نامطلوب بود. این نمره در زمان ترخیص تفاوتی زیادی نداشت، اما ۳ ماه پس از ترخیص، کیفیت زندگی ۱۶/۷٪ افراد گروه برنامه معمول و ۶۰/۰٪ افراد برنامه آموزش مبتنی بر توانمندی به سطح مطلوب ارتقا یافته بود. کیفیت زندگی ۳ ماه پس از ترخیص در گروه برنامه آموزش مبتنی بر توانمندی ۱۱۵/۰٪ و در گروه برنامه معمول ۷۱/۴٪ افزایش داشت که در هر دو گروه معنی دار بود.

**نتیجه گیری:** اجرای برنامه آموزش مبتنی بر توانمندی با افزایش کیفیت زندگی بیماران سندرم کرونری همراه است و از آنجا که کیفیت زندگی اکنون به عنوان شاخص کیفیت مراقبت و درمان مطرح است، توصیه می شود از آن در موقعیت های بالینی برای افزایش کیفیت زندگی بیماران سندرم کرونری استفاده شود.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش مبتنی بر توانمندی، کیفیت زندگی، سندرم کرونری حاد

## بررسی نظرات اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در زمینه آموزش

### پزشکی پاسخگو

حسنعلی زاهد مقدم<sup>۱</sup>، دکتر رضا افشاری<sup>۲</sup>، دکتر رضا لباف قاسمی<sup>۳</sup>، مهندس پرویز معروضی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارزشیابی آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

<sup>۲</sup> دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد

<sup>۳</sup> استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

<sup>۴</sup> مربی دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

**مقدمه:** آموزش پزشکی می بایست پاسخگوی نیازهای جامعه باشد و برای برخورداری همه انسانها از چهار ارزش برابری (عدالت)، کیفیت، ارتباط (وابستگی) و بازدهی (مقرون به صرفه بودن) در خدمات بهداشتی و درمانی گام بردارد. اعضای هیات علمی در این راستا نقش بسزائی را ایفاء می نمایند زیرا آموزش دانشجویانی را بعهده دارند که در آینده جزء ارائه دهندگان خدمت به نیازهای جامعه می باشند. **هدف:** تعیین نظرات اعضای هیات علمی علوم پایه و بالینی دانشکده های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی مشهد در زمینه آموزش پزشکی پاسخگو.

**روش ها:** یک تحقیق مقطعی-تحلیلی که در دانشکده های دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شد. ابتدا پرسشنامه محقق ساخته با نظرات کارشناسان در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت و با انجام اصلاحات مختصر روایی آن مورد تایید قرار گرفت و برای بررسی پایایی محتوایی و شکلی پرسشنامه، این ابزار در بین ۱۵ نفر از اعضای هیات علمی گروه ها و رشته های مختلف توزیع گردید و نهایتاً از روش Test- Re test میزان همبستگی موجود بین سئوالهای جفت شده بررسی که حاکی از وجود پایایی بسیار مناسب پرسشنامه بود. پس از جمع آوری داده های به دست آمده با استفاده از روشهای آمار توصیفی جداول و نمودارهای مناسب استخراج و با استفاده از مدل‌های آمار استنباطی در سطح معنی داری  $P < 0/05$  تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** در مجموع ۱۳۳ نفر پرسشنامه را تکمیل نمودند که از این بین ۹۱٪ فارغ التحصیل دانشگاههای تیپ یک و ۶۸٪ اعضای هیات علمی بالینی، ۶۵٪ مرد، ۵۸٪ از دانشکده پزشکی و ۳۰٪ فارغ التحصیل دانشگاه علوم پزشکی مشهد و بیش از ۵۰٪ فارغ التحصیل سالهای ۸۱ تا ۹۰ و ۴۰٪ متخصص، ۲۵٪ فوق تخصص و ۲۰٪ Ph.D و ۱۵٪ کارشناسی ارشد و ۱۰٪ استاد، ۲۷٪ دانشیار، ۴۶٪ استادیار و ۱۶٪ مربی بودند. سن، جنسیت، سابقه تدریس و سال فارغ التحصیلی با نتایج بدست آمده اختلاف معنی داری نداشت، همچنین نظرات همکاران علوم بالینی با علوم پایه و استادان، دانشیاران، استادیاران و مربیان تفاوت معنی داری نداشت. موارد خاص نظیر وجود واحد آموزش پاسخگو در معاونت آموزشی ( $P < 0/001$ )، معاونت بهداشتی ( $P < 0/001$ )، معاونت درمان ( $P < 0/001$ ) وجود مسئول مشخص ( $P < 0/001$ ) مراجعه به واحد آموزش پاسخگو ( $P < 0/003$ )، مشخص بودن جایگاه آموزش پاسخگو ( $P < 0/006$ ) و لزوم ۵۰٪ آموزش سرپایی ( $P < 0/008$ ) بین دانشکده های مختلف تفاوت معنی داری وجود داشت. اعضای هیات علمی دانشکده داروسازی در مجموع آگاهی محدودتری نسبت به سئوال‌ها پرسشنامه داشتند.

**نتیجه گیری:** بنظر می رسد سطح آگاهی اعضای محترم هیات علمی دانشگاه نسبت به موضوع آموزش پاسخگو محدود است که در این میان دانشکده داروسازی از رتبه پائین تری برخوردار است که لزوم اطلاع رسانی و تدوین جایگاه، مفاهیم و تاثیرات مستخرج از آموزش پزشکی پاسخگو در سطح دانشگاه بویژه دانشکده داروسازی می بایست تقویت گردد.

**واژه های کلیدی:** آموزش پزشکی پاسخگو، اعضای هیات علمی.

## طراحی شاخص‌های کارورزی دانشجویان بهداشت عمومی بر اساس رویکرد آموزش

### پزشکی پاسخگو

دکتر ارسلان جمشیدی\*، دکتر کامبیز کریم زاده شیرازی، دکتر محمد فرارویی، فریبا محامد، عباسعلی کریمی،

سهیلا رضایی

\*اعضای هیأت علمی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

[jamshidi\\_a@yahoo.com](mailto:jamshidi_a@yahoo.com)

**مقدمه:** ارزشیابی فعالیت های تیمی حوزه سلامت که خدمات خود را به منظور حل مشکلات اجتماعی ارائه میدهند نیازمند برخورداری از شاخص های دقیق، مرتبط و متناسب شده با شرایط اجتماعی و نظامهای ارائه خدمت، آموزشی و پژوهشی می باشد. مطالعه حاضر با در نظر گرفتن شرایط منطقه ای، ساختار دانشگاه و پایبندی به اصول پاسخگویی در آموزش و استفاده از تجربیات و گزارشات ملی و بین المللی در خصوص آموزش جامعه نگر و با هدف تدوین شاخص هایی برای ارزیابی کمی و کیفی نحوه ارائه خدمات اجرایی، آموزشی و پژوهشی در نظام ارایه خدمات سلامت طراحی شده است.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر یک پژوهش کیفی است و از طریق Focus group در کارگروههای تخصصی حیطه های مختلف چهار گانه (آموزشی، پژوهشی، مدیریتی و اجرایی) با حضور اساتید و مربیان آموزشی، کارشناسان معاونت بهداشتی، کارشناسان مراکز اجرایی و دانشجویان اهداف یادگیری در هر یک از حیطه های چهارگانه تدوین گردید. مبنای کار گروهها سر فصل آموزش کارورزی دانشجویان، دستورالعمل های جاری و یکصد و پنجاه مهارت حرفه ای تدوین شده جهت دانشجویان در مطالعات قبلی بود. جهت طراحی شاخص ها در هر یک از حیطه های چهارگانه ضمن اتخاذ روش کل به جزء در ابتدا اقدام به تعیین شاخه ها و زیر شاخه های فعالیت ها در هر حیطه گردید. سپس به منظور عینی کردن و در عین حال کمی نمودن فعالیت ها نسبت به تنظیم و تعریف شاخص های اختصاصی برای هر زیر شاخه از فعالیت ها اقدام شد.

**نتایج:** ما حاصل کار در کارگروههای تخصصی تدوین شاخه ها، زیر شاخه ها و شاخص ها در حیطه های چهارگانه به شرح زیر می باشد: در حیطه آموزش ۲ شاخه و ۹ زیر شاخه، در حیطه مدیریت ۶ شاخه و ۱۹ زیر شاخه، در حیطه پژوهش ۱۰ شاخه و ۱۸ زیر شاخه و در حیطه ارایه خدمات ۶ شاخه و ۲۷ زیر شاخه تدوین شد. همچنین در مجموع ۶۸ شاخص، ۱۸ شاخص برای سنجش تاثیر طرح در پژوهش (۲۶٪)، ۱۰ شاخص برای سنجش فرایند آموزش-یادگیری (۱۵٪)، ۲۴ شاخص برای سنجش پایش طرح در فرایند مدیریت ارائه خدمات (۳۵٪) و ۱۶ شاخص برای سنجش تاثیر طرح در حیطه ارائه خدمات (۲۴٪) استخراج گردید.

**نتیجه گیری:** ارزیابی کمی و کیفی از ارایه خدمات اجرایی، آموزشی و پژوهشی به دانشجویان و توسط دانشجویان با استفاده از شاخص های عینی، علمی و بروز شده در ارتقاء سطح کارورزی دانشجویان و پاسخگویی نظام ادغام یافته جاری سلامت به نیازهای بخش های مختلف دست اندر کار آن بسیار موثر بوده است.

**واژه های کلیدی:** شاخص، آموزش پزشکی، پاسخگو، کارورزی

## ارزیابی پاسخگویی اجتماعی در دانشکده های پزشکی

فاطمه ابراهیمی، علی عمادزاده\*

E-mail: [emadzadeha@mums.ac.ir](mailto:emadzadeha@mums.ac.ir)

\* دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پزشکی

**مقدمه:** پاسخگویی اجتماعی یکی از رویکردهای فلسفی و اصلی دانشکده های پزشکی است. بر اساس این رویکرد، دانشکده پزشکی باید پاسخگو به نیازها و انتظارات جامعه باشد. بر اساس این مفهوم دانشکده های پزشکی بایستی فعالیت های آموزشی، پژوهشی و خدماتی خود را در جهت برطرف کردن اولویت های سلامت جامعه هدایت نمایند. این مطالعه با هدف شناسایی نحوه ارزیابی پاسخگویی اجتماعی در دانشکده های پزشکی انجام شد.

**روش ها:** در این مقاله که به صورت مروری انجام شد پس از جستجو در سایت های SID, Eric, Pub med, Elsevier, Ovid Emerald, Springer, PMR, Google با کلیدواژه های Social accountability, Social responsibility, Medical Education, Measurement of social accountability, Assessment فارسی آن پاسخگویی اجتماعی و ارزیابی پاسخگویی اجتماعی و آموزش جامعه نگر بهترین و مرتبط ترین مقالات که شامل ۱۷ مقاله داخلی و خارجی بود، مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج:** برای سنجش و ارزیابی پاسخگویی اجتماعی باید از اصول بیانگر آن شامل متناسب بودن، هزینه- اثربخشی، عدالت و کیفیت در مورد فعالیت های آموزشی، پژوهشی و خدماتی دانشکده پزشکی استفاده شود. این اصول در سه مرحله طراحی، اجرا و پیامدی که برنامه ها داشته اند به کار می رود تا دانشکده ها عملکرد خودشان را در ارتباط با فعالیت های ذکر شده ارزیابی نمایند. مدل CPU به منظور اندازه گیری پاسخگویی به اجتماع، سه حوزه عمده مفهوم سازی، ارایه و کاربرد را در نظر گرفته است. در حوزه مفهوم سازی، طراحی و برنامه ریزی حرفه های بهداشتی مورد نیاز و سیستم بهداشتی مورد انتظار که با همکاری ذی نفعان انجام گردیده مورد بررسی قرار می گیرد. ارایه و تولید، مربوط به اجزاء اصلی آموزش و یادگیری است و حوزه کاربرد تطبیق بین صلاحیت های کسب شده توسط دانشجویان و فرصت هایی را که در حین طبابت به آن بر می خورند را مورد ارزیابی قرار می دهد. چارچوب ارزشیابی دنت برگرفته از مدل CPU بوده پس از تعریف ارزشهای بیانگر پاسخگویی اجتماعی یعنی کیفیت، هزینه اثربخشی، عدالت و تناسب سه پرسش مهم (۱) کار دانشکده چگونه است؟ (۲) چه کاری انجام می دهد؟ (۳) چه تفاوت هایی را ایجاد می کند؟ مطرح کرده و برای هر کدام ارزشیابی خاص را پیشنهاد داده است.

**نتیجه گیری:** پاسخگویی اجتماعی دانشکده های پزشکی به عنوان یک ارزش جهانی شناخته شده است، بنابراین ارزیابی و سنجش آن باید مورد توجه جدی دانشکده های پزشکی قرار گیرد. دانشکده ها ی پزشکی باید دارای یک الگوی ملی برای دستیابی به پاسخگویی اجتماعی بوده و بر اساس شواهد موجود، الگوی بومی مناسبی را برای ارزیابی آن طراحی نمایند.

**واژه های کلیدی:** پاسخگویی اجتماعی، تناسب، هزینه- اثربخشی، عدالت، کیفیت

## برگزاری کارگاه‌های "دستیار در نقش معلم" جهت دستیاران سال اول گروه‌های منتخب بیمارستان امام(ره) و بررسی اثرات آن در توانمندی دستیاران از طریق خود

### ارزیابی و نظر خواهی از فراگیران

دکتر هومان حسین نژاد ندائی<sup>۱\*</sup>، دکتر امیر کشوری<sup>۲</sup>، دکتر آرش صفائی<sup>۳</sup>، دکتر زهرا احمدی نژاد<sup>۴</sup>، دکتر فاطمه اصفهانیان<sup>۵</sup>، دکتر محبوبه شیرازی<sup>۶</sup>، دکتر مجتبی فاضل<sup>۷</sup>، دکتر علی رضا کاظمینی<sup>۸</sup>، دکتر مژگان میر عبدالحق<sup>۹</sup>، جیران زبردست<sup>۱۰</sup>.

\* ۱ متخصص طب اورژانس استادیار

houman5280@yahoo.com

۲ متخصص جراحی عمومی دانشیار

۳ متخصص طب اورژانس

۴ متخصص طب عفونی دانشیار

۵ فوق تخصص غدد و متابولیسم دانشیار

۶ متخصص جراحی زنان و زایمان استادیار

۷ متخصص طب کودکان استادیار

۸ متخصص جراحی عمومی استادیار

۹ متخصص طب داخلی استادیار

۱۰ کارشناس معاونت پژوهشی کارشناس پرستاری

**مقدمه:** ارتقاء آموزش همواره از سیاستهای کلان دانشگاه علوم پزشکی تهران بوده است و در این راستا با توجه خاص به دوره پزشکی عمومی، سند چشم انداز بازنگری این دوره تدوین و محورهای مختلفی از آن در حال برنامه ریزی و اجراست. گر چه دستیاران ارشد ۲۵٪ وقت خود را به آموزش دادن اختصاص داده اند و دانشجویان نیز ۲۵٪ از آموزش خود را از دستیاران می گیرند. قسمت قابل توجهی از آموزش در بالین هم‌اکنون از طریق دستیاران ارائه میشود که به نظر قابل ارتقا و بهبود می‌آید، لذا بر آن شدیم تا نتایج برگزاری کارگاه‌های "دستیار در نقش معلم" جهت دستیاران سال اول گروه‌های منتخب بیمارستان امام(ره) و بررسی اثرات آن در توانمندی دستیاران از طریق خود ارزیابی و نظر خواهی از فراگیران را مورد بازبینی قرار دهیم.

**روش‌ها:** این طرح فاز اول یک برنامه سه مرحله‌ای می‌باشد که با هدف ایجاد یک طرح جامع دستیار در نقش معلم در بیمارستان امام خمینی (ره) تهران تدوین شده است و مشتمل بر این مراحل بود: بیمارستان امام خمینی (ره) تهران در گروه های قلب، دوره جراحی، اطفال، گروه عفونی، گروه طب اورژانس، گروه داخلی در مدت ۹۱/۲/۱۲ الی ۹۱/۴/۳ می‌باشد. فاز اول: تهیه و اجرایی ک برنامه عرضی مشترک برای پنج گروه آموزشی و ارزیابی آن در دو محور (خود ارزیابی دستیاران و بررسی رضایتمندی کارورزان از نقش آموزشی دستیاران) فاز دوم: تهیه برنامه های عرضی یا طولی اضافه برای هر گروه متناسب با نیازهای خاص آنها و سپس درگیر شدن سایر گروههای علاقمند فاز سوم: تمهیداتی برای بازنگری و به روز کردن منظم دوره ها و اضافه شدن دو محور دیگر (ریزی) (برگزاری OSTE) و ارزیابی مستقیم رفتارهای آموزشی دستیاران توسط اساتید) هر کدام از این فازها در یک بازه زمانی یک ساله قابل اجراست. در سال اول، فاز اول اجرا شد.

چهار چوب کلی این فاز اینگونه بود: ۱- بررسی متون ۲- تهیه یک بسته اطلاع رسانی و ارسال به گروههای هدف. ۳- دعوت از شش گروه هدف برای الف- تعیین محتوای کارگاه، ب- تشکیل دو کارگروه آموزشی و اجرائی و تقسیم وظایف (کارگروه آموزش کلاسها را برگزار میکند، کارگروه اجرا پرسشنامه ها را تهیه و ارزیابی ها را انجام میدهد و هماهنگی ها با گروه های آموزشی برای شرکت دستیاران را پیش می برد). ۴- اعضای کارگروه آموزش در یک دوره کوتاه زمانی از طریق شرکت در کلاس و خود آموزی به تفکیک برنامه آموزشی و دستنامه برای کارگاه اقدام کرده اند. ۵- کارگروه اجرا برنامه مدون برای ۴ یا ۵ کارگاه را تدوین و فرمهای ارزیابی را تهیه کرده است. ۶- ارزیابی قبل از اجرا انجام شد. ۷- پنج دوره کارگاه برگزار شد. ۸-

نتایج تجمیع، آنالیز و اعلام گردیده شده است. ارزیابی در فاز اول در محور خود ارزیابی دستیاران از نقش آموزشی دستیاران قابل بررسی است.

**نتایج:** در این بررسی ۵۴ دستیار دوره تخصص برای "کارگاه دستیار در نقش معلم" ۲ بار در گروه‌های ماژور آموزشی بیمارستان امام خمینی (ره) تهران شامل گروه قلب، دوره جراحی، اطفال، گروه عفونی، گروه طب اورژانس، گروه داخلی مورد ارزیابی قرار گرفتند.

نمره کلی دستیاران در فرم شماره ۱ قبل و پس از آزمون اختلاف دارد و نشاندهنده ایجاد انگیزه برای ایفای نقش دستیار در نقش معلم است و اما در مورد فرم شماره ۲ باید گفت که دستیاران سال اول گروه‌های مختلف با توجه به نمره قبل و پس از آزمون، هنوز قابلیت اجرایی برای انجام این نقش را پیدا نکرده‌اند.

**نتیجه‌گیری:** باید به این نکته توجه داشت که آموزش توسط دستیاران موجب صرفه جویی در هزینه‌ها و زمان شد. با عنایت به اینکه "مشارکت دستیاران در آموزش سطوح پائین‌تر" از موارد توجه در سند چشم‌انداز است، بر آنیم که یک دوره آموزش برای ارتقاء توان آموزشی دستیاران تحت عنوان "کارگاه دستیار در نقش معلم" در گروه‌های ماژور آموزشی بیمارستان امام خمینی (ره) تهران (گروه‌های داخلی، جراحی عمومی، کودکان، زنان، عفونی و طب اورژانس) برگزار نموده ایم.

## تاثیر آموزش به روش OSCE بر توانمندی احیای قلبی ریوی کارورزان پزشکی

### براساس آخرین پروتکل AHA2010

فخرالسادات میرحسینی<sup>۱\*</sup>، فریبارایگان<sup>۲</sup>، شعله بیگدلی<sup>۲</sup>، رضا دانشور کاخکی<sup>۳</sup>، فرزانه علی پور<sup>۴</sup>، پرستوپور نقشبند<sup>۵</sup>  
<sup>۱\*</sup> دانشجوی دکتری آموزش پزشکی گروه آموزش پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران و عضو هیات علمی گروه  
هوشبری دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان  
[f\\_mirhoseiny@yahoo.com](mailto:f_mirhoseiny@yahoo.com)

<sup>۲</sup> استادیار گروه قلب و عروق دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان <sup>۳</sup> عضو هیات علمی گروه آموزش پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران <sup>۴</sup> عضو هیات علمی گروه مغز و اعصاب دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان <sup>۵</sup> دانشجوی پزشکی دانشکده پزشکی و عضو مرکز تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی جهرم دانشجوی پزشکی دانشکده پزشکی و عضو مرکز تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

**مقدمه:** پزشکان بعنوان مدیر و مجری تیمهای احیای قلبی-ریوی (CPR) میباشند و آموزش آنها بایستی به روش اثربخش انجام شده و بر اساس آخرین استانداردهای انجمن قلب آمریکا (AHA) میبایست هر ۶ ماه یکبار مرور و هر ۲ سال یکبار نیز بصورت عملی و با دانش روز، تکرار گردد. آموزش احیای قلبی ریوی در کوریکولوم پزشکی عمومی وجود دارد، ولی بدلیل تراکم اهداف هر بخش آموزشی، نگاه به CPR غیر اختصاصی، تصادفی و بدون برنامه ریزی میباید. در مورد CPR، آموزش در حد توانمندی ضروری است. در هر ۵ میلر و ولوتن توانمندی، بلافاصله قبل از راس هرم قرار دارد. و باشیوه هایی چون آسکی قابل ارزیابی است. ما بر آن شدیم با توجه به ویژگی های آسکی و محدودیت زمانی در اختیار ما، برای کارورزان از آموزش به روش آسکی (و نه آزمون) برای آموزش مهارتهای CPR و مدیریت سناریوهای رایج در آن استفاده نماییم.

**روش ها:** مطالعه از نوع مداخله ای، با دو گروه مورد و شاهد انجام شد. ارائه آموزش ایستگاهی به عنوان مداخله صورت گرفت. ۱۸ ایستگاه، هر ایستگاه ۲۰ دقیقه تدارک دیده شد. کارورزان در پیش و پس آزمون به فاصله ۳ ماه شرکت نمودند. تدارک و آمادگیهای لازم از نظر نیروی انسانی، تجهیزات، اطلاع رسانی ها، طراحی ایستگاهها و سناریوهای مورد انتظار، مانکن قابل برنامه ریزی، آموزش دهنده و چک لیست انجام شد. چک لیستها براساس آخرین ویرایش AHA 2010 تهیه گردید. ابزار سنجش نیز پرسشنامه ی محقق ساخته روایابی شده بود. نتایج پیش و پس آزمون گروه مورد مطالعه و پس آزمون با آزمون گروه شاهد مقایسه گردید. آزمونهای مورد استفاده شامل t زوجی، همبستگی پیرسون و آماره های توصیفی بود که با SPSS انجام شد.

**نتایج:** مقایسه نمره پیش و پس آزمون دانش و مهارت اختلاف معنی دار نشان داد. مقایسه پس آزمون دو گروه نیز معنا دار بود. بطور کلی میانگین نمرات به ترتیب ۱۷،۴۳ + ۱،۴۸ و ۲،۳۷ + ۱۴،۶۳ در بخش پس آزمون دانش و مهارت بود. به تفکیک نمرات BLS و ACLS و تک تک سناریوها نیز بدست آمد.

**نتیجه گیری:** اختلاف نمرات قبل و بعد، نشان داد، آسکی به عنوان یک شیوه آموزشی موثر بوده است. هر چند نمره پس آزمون در حد عالی نبوده است (۱۵،۸۸). و این نشان دهنده ی ماهیت خاص مهارت CPR بوده و بنا بر گفته AHA نیاز به تمرین و تکرار دارد.

**واژه های کلیدی:** OSCE, AHA, توانمندی، احیای قلبی ریوی، کارورز، پزشکی



## بررسی روایی و پایایی ابزار سنجش مهارتهای بین حرفه ای

دکتر ماندانا شیرازی، فاطمه کشمیری\*

دانشجوی دکتری تخصص آموزش ژزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

**مقدمه:** حرکت به سمت آموزش بین حرفه ای و آموزش مبتنی بر توانمندی، مستلزم تبیین توانمندی های اساسی آموزش بین حرفه ای و تدوین ابزارهای معتبر به منظور سنجش توانمندی های کسب شده است. در این راستا در این مطالعه، معتبرسازی و بومی سازی ابزارهای سنجش مهارت های همکاری بین حرفه ای انجام گرفت.

**روش پژوهش:** این پژوهش توصیفی - تحلیلی است که به صورت مقطعی در سال ۸۹-۹۱ انجام گرفت. معتبرسازی ابزار سنجش مهارت های بین حرفه ای در دو فاز طبق راهنمای تغییر یافته ی HSRI انجام شد در فاز اول پس تایید ترجمه و باز ترجمه انجام شده، روایی محتوایی و صوری ابزار سنجش عملکرد مهارتهای بین حرفه طی دو راند دلفی و یک پانل تخصصی با حضور متخصصین امر مورد بررسی و تایید قرار گرفت. بررسی روایی ملاکی که نیز یکی از متدهای نوین در معتبرسازی ابزار است، نیز بررسی شد. فاز دوم مطالعه به منظور بررسی پایایی ابزار آزمون مجدد انجام شد. بدین منظور سناریو آموزشی و فیلم استاندارد در محیط بازسازی شده براساس اهداف آموزش بین حرفه ای تدوین شد. با حضور دانشجویان پزشکی سال آخر دوجلسه کارگاهی آزمون مجدد انجام و پایایی بین ارزیابان Inter Rater Reliability با مورد سنجش قرار گرفت. ابزار مذکور که مشتمل بر ۳۳ توانمندی مهارت های همکاری بین حرفه ای است، شش بعد اساسی مهارتهای بین حرفه ای شامل ارتباطات، همکاری، نقشها و مسئولیت ها، کار تیمی، همکاری با بیمار و خانواده وی، مدیریت چالش مورد بررسی قرار می دهد. سنجش پایایی با استفاده از رویکرد TEST-RETEST انجام شد و پایایی بین ارزیابان و انسجام درونی سوالات نیز الفای کرونباخ محاسبه گردید.

**یافته ها:** طی بررسی های انجام شده، روایی محتوایی و صوری ابزار تایید شد. روایی ملاکی ابزار سنجش مهارت بین حرفه ای ۰.۷۵٪ و روایی ملاکی حیطة های مورد بررسی در طیف ۰.۶۷٪-۰.۸۴٪ تعیین شد. الفای کرونباخ کل ابزار سنجش مهارت های بین حرفه ای ۰.۸۷ است که در حیطة های مورد بررسی طیف ۰.۷۵-۰.۶۵ را شامل شده است. Intra class Correlation ابزار سنجش مهارت های بین حرفه ای ۰.۹۳ و توافق در حیطة های مورد بررسی ۰.۷۳-۰.۸۳ متغیر بوده است.

**نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه نشان داد ابزار سنجش مهارتهای همکاری بین حرفه ای ابزاری روا و پایا در ایران است و می تواند برنامه ریزی و نیز ارزیابی مداخلاتی که در آینده در رابطه با آموزش بین حرفه ای و کار تیمی صورت می گیرد، به عنوان ابزاری معتبر بکار گرفته شود.

**واژه کلیدی:** آموزش بین حرفه ای، معتبرسازی، روایی

## برنامه آموزشی بیماری مزمن کلیه، شهرضا، ایران

حمید براهیمی\*<sup>۱</sup>، زهره رحیمی<sup>۱</sup>، فرانک طاهر<sup>۱</sup>، فاطمه سعیدی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> شبکه بهداشت و درمان شهرضا

<sup>۲</sup> معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران

[Hamid\\_barahimi@yahoo.com](mailto:Hamid_barahimi@yahoo.com)

**مقدمه:** بیماری مزمن کلیه یک بیماری شایع در دنیا محسوب می شود و درمان و مراقبت آن حجم قابل توجهی از منابع درمان را به خود اختصاص می دهد. آموزش بیماری مزمن کلیه در سطوح مختلف نظام سلامت نقش مهمی در بهبود مراقبت و کاهش عوارض بیماری دارد. هدف از آموزش بیماری مزمن کلیه، افزایش آگاهی های لازم در باره بیماری مزمن کلیه و عواقب آن برای کنترل بهتر بیماری، در جهت رسیدن به اهداف برنامه کشوری پیشگیری و کنترل بیماری مزمن کلیه است.

**روش ها:** در آموزش بیماری مزمن کلیه سه گروه هدف وجود دارند: ۱- بیماران مزمن کلیه، ۲- کارکنان بهداشتی، ۳- آموزش جامعه. محتوای برنامه آموزشی شامل تعریف، سیر بیماری، طبقه بندی، علائم بالینی، نحوه تشخیص، عوارض دراز مدت و کوتاه مدت، اهداف درمانی، تغذیه صحیح، ورزش، خود مراقبتی، کنترل بیماری مزمن کلیه، پیشگیری و درمان عوارض، بارداری در خانم های مبتلا به بیماری مزمن کلیه، عوامل تشدید کننده بیماری تهیه گردید. روش های آموزشی شامل مشاوره فردی و آموزش گروهی می شود. آموزش توسط پزشکان، پرستاران، کارشناسان تغذیه داده می شود. مواد آموزشی شامل پمفلت، پوستر، کتاب، فیلم و آموزش مجازی می باشد. آموزش عموم مردم شامل آموزش برای پیشگیری اولیه، تعدیل عادت های غذایی، کاهش مصرف نمک، فعالیت بدنی مناسب، عدم مصرف دخانیات و حذف سایر شیوه های غلط زندگی متمرکز می باشد.

**نتایج:** در طول اجرای برنامه بیماری مزمن کلیه در شبکه بهداشت و درمان شهرضا از سال ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ هشت جلسه آموزش هماهنگی در سطح شهرستان برای آموزش بیماری مزمن اجرا گردید و در سال ۱۳۸۹ دو جلسه آموزش هماهنگی در سطح کشوری، دو جلسه در سطح استان و ۴ جلسه در سطح شهرستان برگزار گردید. در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ در سطح استان یک جلسه و در سطح شهرستان ده جلسه آموزش هماهنگی برگزار گردید. ۸۴۸ جلسه آموزش گروهی و ۱۴۳۶ آموزش چهره به چهره به ترتیب به ۱۷۷۲۹ و ۴۲۶۹ نفر آموزش داده شد. نتیجه این آموزش ها کاهش ۱٪ در HBA1C بیماران دیابتی و بهبود ۲۱٪ بیماران مزمن کلیه بود.

**نتیجه گیری:** آموزش اساس درمان بیماری مزمن کلیه است. تدوین، حمایت مالی، پشتیبانی اجرایی و پایش برنامه ریزی های آموزشی در نظام سلامت از جمله در برنامه بیماری مزمن کلیه برای پیشگیری و مراقبت بیماریها ضروری به نظر می رسد.

## بررسی موانع آموزش به بیمار از دیدگاه پرسنل پرستاری بیمارستان های تابعه

### دانشگاه علوم پزشکی کاشان

محسن تقدسی<sup>۱</sup>، محمد سجاد لطفی<sup>۲</sup>، معصومه سادات موسوی<sup>۳\*</sup>

<sup>۱</sup> مربی، گروه پرستاری داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

<sup>۳\*</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه

علوم پزشکی کاشان.

پست الکترونیک: ms\_mousavi2012@yahoo.com

**مقدمه:** آموزش جزء حقوق اساسی بیماران، از وظایف اصلی شناخته شده پرستاران و از معیارهای ارتباط بخشی سازمان‌های ارائه دهنده خدمات بهداشتی است. آموزش بیمار در جوامع مختلف با کمیت و کیفیت مطلوبی ارائه نشده و استمرار این وضعیت موجب بروز پیامدهای منفی خانوادگی و اجتماعی گردیده است. آموزش به بیمار یک مراقبت اثر بخش است که اجرای آن موجب کاهش اضطراب، هزینه‌ها، طول مدت بستری و افزایش رضایت بیماران از مراقبت های بهداشتی می‌گردد.

**روش‌ها:** این پژوهش یک مطالعه مقطعی است و روش نمونه گیری به صورت در دسترس بوده که تعداد ۲۷۰ نفر از پرسنل پرستاری شامل ۲۵۰ نفر پرستار و ۲۰ نفر مدیر پرستاری در مطالعه شرکت کردند. بدین منظور پرسشنامه ۳۳ سوالی مربوط به مشخصات فردی و عوامل بازدارنده و تسهیل کننده آموزش به بیمار طراحی و مورد استفاده قرار گرفت. هر سوال بر اساس مقیاس لیکرت از ۱ تا ۳ نمره دهی شد. سپس داده ها با نرم افزار spss16.0 تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** مهمترین موانع آموزش به بیمار به ترتیب: عدم تناسب تعداد بیماران با تعداد پرستاران ۹۲/۲٪، کمبود وقت و تراکم وظایف پرستاری ۹۱/۹٪، رضایت ناکافی پرستاران از ساعات و شیفت کاری ۸۵/۹٪، انجام امور غیر حرفه ای ۸۳/۷٪ و حقوق ناکافی ۷۸/۹٪ بود. بین سن و سابقه کار با اعتقاد نداشتن پرستار نسبت به اهمیت آموزش رابطه معنا داری پیدا شد. به گونه ای که پرستاران با سن و سابقه کار بالاتر اعتقاد بیشتری به امر آموزش داشتند.

بین موانعی از جمله انجام امور غیرحرفه ای، جو پزشک سالاری، شرایط خاص مددجو و عدم علاقه به حرفه پرستاری با جنس رابطه معنا داری پیدا شد؛ به گونه ای که از نظر آقایان انجام امور غیر حرفه ای، جو پزشک سالاری و شرایط خاص مددجو از نظر خانم‌ها عدم علاقه بر حرفه پرستاری به عنوان مهمترین موانع آموزش به بیمار تلقی می‌شوند. بین نظر پرستاران در مورد انجام امور غیر حرفه ای به عنوان عامل بازدارنده و سمت رابطه معناداری مشاهده شد به گونه ای که اکثریت مدیران پرستاری مخالف و اکثریت پرستاران موافق هستند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج به دست آمده، جهت بهبود و ارتقا آموزش به بیمار باید موانعی که فراوانی بالاتری دارند تعدیل شده و با تخصیص پاداش های مادی می‌توان پرستاران را به آموزش به بیمار ترغیب کرد که نیازمند حمایت کافی از سوی مسئولین امر است.

**واژه‌های کلیدی:** موانع آموزش به بیمار، پرسنل پرستاری

## جایگاه آموزش بین حرفه‌ای در نظام آموزش علوم پزشکی ایران

دکتر سلیمان احمدی، محبوبه خباز مافی نژاد\*، دکتر سید کامران سلطانی عربشاهی، دکتر شعله بیگدلی\*  
\* دانشجوی دکتری تخصصی آموزش پزشکی، دپارتمان آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران  
Email: Mahboobe.mafinezhad@gmail.com

**مقدمه:** به موازات تحولات صورت گرفته در علم پزشکی، برنامه‌های آموزش پزشکی نیز باید به گونه‌ای طراحی گردند که فارغ-التحصیلان رشته‌های مختلف آن، توانایی کار در محیط‌های جدید و همکاری با سایر کارکنان تیم سلامت را داشته باشند. این مسئله لزوم بکارگیری استراتژی‌های نوین آموزشی از جمله آموزش بین حرفه‌ای را مشخص می‌سازد. هدف از این مطالعه تبیین جایگاه آموزش بین حرفه‌ای در نظام آموزش علوم پزشکی ایران از دیدگاه اعضای هیات علمی است.

**روش‌ها:** این پژوهش یک مطالعه کیفی و به روش تجزیه و تحلیل محتوا است. در این مطالعه از روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف استفاده شد که تا زمان رسیدن به اشباع داده‌ها نمونه‌گیری ادامه یافت. نمونه‌های این پژوهش را ۶ نفر از اعضای هیات علمی با تجربه بیش از ۵ سال سابقه تدریس تشکیل دادند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه‌ساختارمند استفاده شد.

**نتایج:** کدهای اولیه حاصل از مطالعه در چهار طبقه "بستر و سیاق آموزشی"، "درونداد آموزشی"، "فرایند آموزشی و ارزشیابی" و "برونداد آموزشی" ارائه گردید. در این میان شرکت‌کنندگان در بحث پیرامون بستر و سیاق آموزشی، به وجود امکانات و فضای فیزیکی برای آموزش بین حرفه‌ای، تنظیم برنامه زمانی آموزش‌های مشترک بین حرفه‌ای و در نهایت تربیت نیروی آشنا با مفاهیم آموزش بین حرفه‌ای برای تدوین و اجرای درست این گونه آموزش‌ها، به عنوان منابع مهم اثر گذار اشاره داشتند. همچنین شرکت‌کنندگان در پژوهش در بخش درونداد آموزشی، به وجود دید تک حرفه‌ای نسبت به موضوعات آموزشی در دانشجویان و اساتید، تجربه ناکافی دانشجویان برای حضور در برنامه‌های آموزش مشترک، عدم آشنایی و در نتیجه کاهش استقبال اساتید به برنامه‌های آموزش بین حرفه‌ای و در بخش فرایند آموزشی-ارزشیابی به دشواری تهیه محتوای آموزشی مشترک، عدم آشنایی به روش‌های آموزش موثر بین حرفه‌ای و نبود سیستم مدون ارزشیابی بین حرفه‌ای اذعان داشتند. شرکت‌کنندگان بیان کردند که حاصل چنین عواملی در بخش برونداد آموزشی منجر به عدم توانایی فارغ‌التحصیلان علوم پزشکی در انجام کارگروهی با سایر حرف و برقراری ارتباط موثر بین حرفه‌ای، عدم آشنایی آنان با وظایف حرفه‌ای یکدیگر و عدم وجود انگیزه برای ارتقاء عملکرد حرفه‌ای در تیم بین حرفه‌ای شده است.

**نتیجه‌گیری:** نتایج حاصل از مطالعه نشان داد که بستر و سیاق آموزشی موجود در دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران، هم از بعد فضای فیزیکی و هم از بعد امکانات و نیروی انسانی برای اجرای آموزش بین حرفه‌ای با محدودیت‌هایی مواجه است. بعلاوه بیگانه بودن محتوا، استراتژی‌های آموزشی و ارزشیابی برنامه‌های درسی حرف مختلف علوم پزشکی و از همه مهم‌تر عدم آشنایی اساتید و دانشجویان حرف مختلف با آموزش بین حرفه‌ای، بر شدت این نارسایی‌های افزوده است.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش بین حرفه‌ای، جایگاه، تجزیه و تحلیل محتوا

## بررسی نگرش دانشجویان نسبت به یادگیری چند حرفه ای در دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر حسین درگاهی<sup>۱</sup>، دکتر ماندانا شیرازی<sup>۱</sup>، دکتر سید امیر یزدان پرست<sup>۱</sup>، گلسا شهام<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۲</sup> کارشناس مدیریت خدمات بهداشتی درمانی و مدیر اجرایی مجله پیابورد سلامت دانشگاه علوم پزشکی تهران

**مقدمه:** امروزه روند جاری آموزش در مقطع Undergraduate در دنیا به سمت و سوی یادگیری چندحرفه ای یا یادگیری مشترک به پیش می رود. طرز تلقی یا نگرش یادگیرندگان در توسعه راهبردی یادگیری چند حرفه ای از ملاحظات مهم به شمار می رود. یادگیری مشترک در سطح Undergraduate بعنوان یک ابتکار چند حرفه ای در آموزش مراقبت بهداشتی درمانی مورد حمایت قرار می گیرد. هدف از این پژوهش، تعیین نگرش دانشجویان مقطع Undergraduate رشته های پزشکی عمومی، پرستاری و داروسازی درباره یادگیری مشترک یا یادگیری چند حرفه ای در دانشگاه علوم پزشکی تهران می باشد.

**روش‌ها:** در این روش از پرسشنامه مقیاس یادگیری بین المللی (RIPLS) شامل تعداد ۱۹ سوال در سه بخش تشریک مساعی و کار گروهی به تعداد ۹ سوال، هویت حرفه ای به تعداد ۷ سوال، نقش ها و مسئولیت ها به تعداد ۳ سوال استفاده شد. برای تعیین روایی این پرسشنامه از یک گروه ۱۳ نفره از متخصصین و کارشناسان خبره و مجرب آموزش پزشکی، پرستاری و داروسازی استفاده شد و برای تأیید پایایی آن از روش آزمون-آزمون مجدد بهره برداری بعمل آمد و ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۱-۰/۵۹ با توجه به بخشهای مختلف آن تعیین شد. پرسشنامه RIPLS بین تعداد ۱۵۰ نفر از دانشجویان سال چهارم دانشجویان رشته های پزشکی، پرستاری و داروسازی در دانشکده ها، بیمارستانها و خوابگاه ها که دوره کارآموزی در عرصه خود را می گذراندند بطور تصادفی توزیع شد و در نتیجه تعداد ۱۳۵ نفر پرسشنامه مربوطه را تکمیل و عودت دادند که در نتیجه ضریب پاسخ دهی برابر ۸۹ درصد بدست آمد. برای جمع آوری و آنالیز داده ها از نرم افزار SPSS استفاده شد و از روش کاسکوئر نیز برای آزمون تفاوت‌های ملاحظه شده بین نگرش دانشجویان رشته های مختلف و تعیین فراوانی پاسخ های داده شده بهره برداری گردید.

**نتایج:** اکثریت دانشجویان رشته های پزشکی، پرستاری و داروسازی به سوالات بخش تشریک مساعی و کار گروهی جواب موافق و بسیار موافق دادند. همچنین حدود نیمی از این دانشجویان نیز با سوالات بخش هویت حرفه ای موافق و بسیار موافق بودند. اگرچه حدود ۲/۳ از دانشجویان رشته پزشکی و ۱/۳ از دانشجویان رشته های داروسازی و پرستاری با سوالات بخش نقش ها و مسئولیت های حرفه ای نظر موافق داشتند.

**نتیجه‌گیری:** نتایج این پژوهش نشان داد که اکثریت دانشجویان رشته های پزشکی، داروسازی و پرستاری به فواید یادگیری مشترک یا یادگیری بین حرفه ای و کسب مهارت‌های تیمی برای بکارگیری آن ها در محیط شغلی آینده خود اعتقاد داشتند و اعلام کردند که مهارت کار تیمی در مراقبت از بیماران و تقویت ارتباط کاری حرفه ای مفید فایده است که با نتایج پژوهش های انجام شده توسط سایر پژوهشگران در کشورهای مختلف مشابهت دارد. در نهایت می توان گفت یادگیری مشترک و بین حرفه ای در کشور ایران نیاز به آمادگی قبلی دارد و در شرایط فعلی انجام آن کار ساده ای نیست. هم چنین بنظر می رسد اجرای برنامه یادگیری مشترک و بین حرفه ای بیش از آنکه یک روش آموزش جدید باشد یک پارادایم آموزشی است که در تغییر و تحول دانش، نگرش و اعتقادات و طرز تلقی کاربران آن نقش مهمی را ایفا خواهد کرد.

**واژه‌های کلیدی:** یادگیری بین حرفه ای، یادگیری مشترک، نگرش دانشجویان، دانشگاه، ایران

## ارتباط حرفه ای بین پرستاران و پزشکان: از دیدگاه پرستاران

اعظم زارع\*، سپیده جهاننده

بیمارستان خیریه قلب الزهرا<sup>(س)</sup> و کودکان شهید حجازی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

[a.zare2002@gmail.com](mailto:a.zare2002@gmail.com)

**مقدمه:** ارتباط تعاملی بین دو انسان می باشد که حاصل آن پیامی است که فرستاده می شود و دریافت می گردد تا هدفی بر آورد گردد. ارتباط بین پزشک و پرستار شامل تعاملی متقابل بین پزشک و پرستار در امر مراقبت از بیمار برای دستیابی به یک هدف مشترک درمانی است. یکی از مهمترین علل استرس در حرفه پرستاری عدم وجود روابط حسنه کاری و تنش در روابط حرفه ای پرستاران با سایر همکاران، به ویژه پزشکان است. با توجه به ضرورت وجود ارتباط و همکاری میان پزشکان و پرستاران در جهت ارتقای کیفیت مراقبت از بیمار، این مطالعه برای تعیین وضعیت حرفه ای بین پرستاران و پزشکان انجام گردید.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی- تحلیلی بود که به صورت مقطعی انجام شد. ۲۲۱ نفر از پرستاران شاغل در یکی از بیمارستان های شهرستان شیراز به صورت تصادفی وارد مطالعه شدند. ابزار بررسی پرسشنامه دو قسمتی بود، قسمت اول مربوط به متغیرهای فردی-اجتماعی بود. قسمت دوم مربوط به ارتباط حرفه ای بود که حاوی ۲۱ سوال با الگوی لیکرت بود. داده های جمع آوری شده وارد نرم افزار SPSS ویرایش ۱۶ شد و با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** در مجموع ۲۲۰ پرستار در این مطالعه شرکت کردند. از نظر توزیع جنسی ۸۷ درصد پرستار زن و ۱۳ درصد پرستار مرد بودند. میانگین سنی پرستاران ۲۸ سال و میانگین سابق کاری آن ها ۵ سال بود. ۶۷ درصد از پرستاران متأهل بودند و ۸۷ درصد دارای مدرک تحصیلی لیسانس پرستاری بودند. یافته های پژوهش نشان می دهد که از دیدگاه ۴۰ درصد پرستاران در خصوص ارتباط بین پزشک و پرستار نظر مثبت داشتند. همچنین بین سن و جنس و دیدگاه مثبت پرستاران در خصوص ارتباط پزشک و پرستار ارتباط معنی داری به ترتیب با  $p < 0/0001$  و  $p < 0/004$  وجود داشت. بیشترین نظر مخالف پرستاران در مورد عبارت " در صورت بروز مشکل به علت کوتاهی پزشک در امر درمان پزشکان از پرستاران تقاضا دارند که بر علیه آنها شهادت دهند" و بیشترین نظر موافق پرستاران در مورد عبارت " در صورتی که دستور پزشک سوال برانگیز باشد به راحتی سوالاتشان را می کنند" می باشد.

**نتیجه گیری:** به طور کلی از دیدگاه پرستاران فقط ۴۰ درصد از پزشکان ارتباط خوبی را با پرستاران داشتند که بهبود ارتباط پزشک و پرستار می تواند نتایج بهتری را در امر درمان بیماران داشته باشد.

**واژه های کلیدی:** پزشک، پرستار، ارتباط، ارتباط حرفه ای

## رابطه بین گرایش‌های پژوهشی و رشد حرفه ای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی و فردوسی مشهد

عبدالواسط اسدخانی<sup>1\*</sup>، دکتر محمدرضا آهنچیان<sup>2</sup>، دکتر حسین کارشکی<sup>3</sup>

<sup>1\*</sup> کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد

Email: asadkhani33@gmail.com

<sup>2</sup> دانشیار مدیریت آموزشی گروه علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد

<sup>3</sup> استادیار روانشناسی تربیتی گروه علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد

**مقدمه:** در جهان امروز به منظور سازگاری با محیط متحول، دانشگاه‌ها نیازمند توجه به رشد، بالندگی و بهسازی منابع انسانی خود می‌باشند. بدیهی است که راز احیاء و رشد علمی، پژوهش است و توسعه علم، مرهون و وابسته به کمیت و کیفیت طرح‌های علمی و پژوهش است. در همین راستا، هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط گرایش‌های پژوهشی با رشد حرفه ای می‌باشد.

**روش‌ها:** در این پژوهش توصیفی همبستگی، نمونه‌ای شامل ۱۴۸ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی و فردوسی مشهد با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب شدند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات، از پرسشنامه‌های محقق ساخته گرایش‌های پژوهشی و رشد حرفه ای استفاده شد. روایی و پایایی پرسشنامه‌ها تایید شد و داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی، آزمون T، آزمون باکس، تحلیل مسیر، تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA)، همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه و به کمک نرم افزارهای لیزرل (LISREL) و SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** نتایج حاصل از آزمون رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیرهای گرایش‌های پژوهشی بنیادی و کاربردی نمی‌توانند رشد حرفه‌ای آموزشی و پژوهشی را پیش‌بینی نمایند. نتایج بدست آمده از آزمون مانوا نشان داد که بین دو دانشگاه، در هر دو متغیر رشد حرفه‌ای آموزشی ( $F_{(1, 146)} = 7/006, P < 0/01$ ) و رشد حرفه‌ای پژوهشی ( $F_{(1, 146)} = 8/59, P < 0/01$ ) تفاوت معناداری وجود دارد.

**نتیجه‌گیری:** بر اساس نتایج به دست آمده، بین گرایش پژوهشی بنیادی با رشد حرفه‌ای آموزشی و رشد حرفه‌ای پژوهشی رابطه مثبت بسیار پایین و غیر معنادار است همچنین بین گرایش پژوهشی کاربردی با رشد حرفه‌ای آموزشی رابطه مثبت بسیار پایین و غیر معنادار و بین گرایش پژوهشی کاربردی با رشد حرفه‌ای پژوهشی رابطه منفی بسیار پایین و غیر معنادار است.

**واژگان کلیدی:** گرایش‌های پژوهشی، رشد حرفه ای، پژوهش، اعضای هیئت علمی، تحلیل مسیر.

## آیا آموزش بین حرفه ای به افزایش درک کارکنان نظام سلامت از نقش سایر اعضا منجر می شود؟

دکترعلیرضا ایرج پور<sup>۱\*</sup>، زهرا باقرصاد<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>عضو مرکز تحقیقات آموزش پزشکی، استادیار گروه پرستاری مراقبتهای ویژه دانشکده پرستاری مامائی دانشگاه

علوم پزشکی اصفهان

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد مامائی، دانشکده پرستاری مامائی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

[Irajpour@nm.mui.ac.ir](mailto:Irajpour@nm.mui.ac.ir)

**مقدمه:** آموزش بین حرفه ای، فرایندی است که طی آن فراگیران دو یا چند حرفه علاوه بر فراگیری یک محتوای مشترک با همدیگر، اطلاعاتی را از یکدیگر و در باره یکدیگر نیز کسب می نمایند تا به ارتقا همکاری و کیفیت ارائه مراقبت بیانجامد تا یک موضوع را از جنبه های مختلف حرفه ی خود بررسی و تجربیات را بادیگران به اشتراک بگذارند. از جمله مزایایی که برای کاربرد این رویکرد مورد ادعا است، تاثیر آن در درک نقش سایر اعضای تیم سلامت است. مطالعه حاضر با هدف بررسی اثر بخشی آموزش بین حرفه ای در افزایش درک کارکنان نظام سلامت از نقش سایر اعضا صورت گرفته است.

**روشها:** این مطالعه، مرور نظام مند در مهمترین بانکهای اطلاعاتی است. به منظور یافتن مطالعات با واژه های کلیدی "آموزش بین حرفه ای" و واژه های مترادف آن و همچنین واژه کلیدی "درک" و ترکیب این واژه ها با کلمات ربط AND و OR در بانکهای اطلاعاتی Pubmed, Ovid, Medline, Cinahl گرفته شده است.

**نتایج:** در بررسی چکیده مقالات بدست آمده تعداد ۲۱ مقاله واجد شرایط پاسخ به سوال مطالعه بود. این مطالعات مربوط به سال های ۲۰۱۲-۲۰۰۴ بودند که مطالعات در کشورهای انگلستان، آمریکا، نیوزلند، ژاپن و کانادا اجرا شده بود. تعداد ۱۹ مورد (۹۰٪) از مطالعات بر تأثیر معنی دار آموزش بین حرفه ای بر ارتقاء درک کارکنان نظام سلامت از نقش سایرین دلالت داشت.

**نتیجه گیری:** از آنجا که یکی از مهمترین موانع همکاریهای بین حرفه ای و کار تیمی در نظام سلامت، عدم درک مناسب از نقش و قابلیتهای کارکنان حرفه های گوناگون است، لازم است نظام آموزشی در تربیت ایشان موضوع فهم و درک بیشتر از نقشهای یکدیگر را بطور جدی مورد توجه قرار دهد. یافته این مطالعه و مطالعات مشابه بر این مهم تاکید می کند که لازم است در برنامه های آموزشی دانشجویان حرفه های سلامت از ظرفیتهای آموزش بین حرفه ای استفاده گردد. به این ترتیب هم به ارتقا آموزش کمک خواهد شد و هم امکان بهره برداری از هم افزایی عملکرد نیروهای تربیت شده پس از فراغت از تحصیل میسر خواهد گردید.

**واژه های کلیدی:** آموزش بین حرفه ای، فراگیران، درک نقش، پرسشنامه درک نقش (RPQ)، نظام سلامت



استاندارد سازی ابزار سنجش نگرش بین حرفه ای در نظام سلامت براساس ابزار  
'Attitudes to Health Professionals' استاندارد شده خارجی با عنوان  
'Questionnaire' (AHPQ) در ایران

مریم نجفی\*<sup>۱</sup>، مینو نجفی<sup>۲</sup>، ماندانا شیرازی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۲</sup>دانشجوی پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۳</sup>استادیار مرکز توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی تهران

**مقدمه:** یکی از اهداف کلیدی که توسط تمامی دانشگاه‌های علوم پزشکی دنبال می‌شود، تربیت نیروی متخصص و کارآمد جهت ارائه خدمات با کیفیت بهتر می‌باشد. از سوی دیگر هیچ حرفه ای به تنهایی قادر نیست به نحو مطلوب پاسخگوی نیاز-های پیچیده‌ی بیماران باشد. باتوجه به ضرورت وجود ارتباط و همکاری میان افراد تیم مراقبت بهداشتی در جهت ارتقاء کیفیت مراقبت از بیمار و اهمیت سنجش نگرش افراد تیم سلامت در این ارتباط این مطالعه برای تعیین روایی و پایایی ابزار سنجش نگرش بین حرفه ای AHPQ برای اولین بار در ایران، انجام گردید.

**روش‌ها:** این مطالعه یک مطالعه پیمایشی (Survey) و مقطعی (Cross-Sectionals) بوده و در سال ۱۳۹۱ انجام گردیده است. در این پژوهش روایی محتوایی و صوری با استفاده از تکنیک دلفی با حضور ۱۱ نفر از متخصصین در دو راند دلفی انجام شد. همچنین روایی خارجی با استفاده از رویکرد ترجمه و بازترجمه و انجام دلفی در بین دو راند مورد تایید قرار گرفت. جهت بررسی پایایی، با استفاده از روش test-retest پرسشنامه دو مرتبه به فاصله یک هفته به گروه‌های هدف مورد بررسی ارائه شد. جامعه این پژوهش ۶۷ نفر دانشجوی سال آخر پزشکی و پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تهران بودند که به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای به مطالعه وارد شدند. ابزار سنجش نگرش مهارت بین حرفه ای (AHPQ)، دارای ۲۰ آیتم در دو حیطه مراقبت و تابعیت، با استفاده از مقیاس VAS (از ۰ تا ۱۰) مورد بررسی قرار گرفت. سپس با استفاده از آزمون‌های توصیفی - تحلیلی توسط نرم افزار SPSS۱۳ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

**نتایج:** باتوجه به بررسی‌های انجام شده روایی خارجی، صوری و محتوایی مورد تایید صاحب نظران در ایران قرار گرفت. نتایج مربوط به پایایی کل نیز با استفاده از آلفای کرونباخ  $0.882$  و  $0.882$  ICC محاسبه شد. همچنین آلفای کرونباخ برای هر یک از حیطه‌های مراقبت ( $0.887$ ) و تابعیت ( $0.858$ ) به دست آمد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر ابزار بررسی نگرش به عنوان ابزاری روا و پایا در ایران می‌تواند به منظور بررسی نگرش بین حرفه ای مورد استفاده قرار گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** بین حرفه ای-روایی-پایایی-نگرش

## نقش سیاستگذاری در اعتلای کیفیت آموزش پزشکی پاسخگو در ایران

شیما طباطبایی\*

\* دانشجوی دکترای تخصصی آموزش پزشکی

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

shtabatabai@yahoo.com

**مقدمه:** آموزش علوم پزشکی به سبب نیاز به عرصه های متنوع یادگیری درگستره وسیع شکل گیری مسایل مرتبط با سلامت و بیماری مردم، نسبت به سایر آموزش ها از ویژگی خاصی برخوردار است و تربیت هزاران نیروی متخصص در سطوح مختلف علوم پزشکی در قرن بیستم، موفقیت عمده ای بشمار می رود. در ایران در راستای تاکید اصل سی ام قانون اساسی بر فراهم کردن تحصیلات عالی در حد خود کفایی کشور، عرصه آموزش پزشکی در سراسر کشور گسترش یافت و در حال حاضر ۴۸ موسسه آموزش پزشکی تحت پوشش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در کشور در حال فعالیت آموزش و ارائه خدمات سلامت هستند. در دو دهه گذشته؛ در تمام دنیا، نقدهای گسترده ای بر کیفیت آموزش پزشکی به لحاظ محتوای آموزشی، سطح تمرکز، طرز تلقی نسبت به جایگاه انسان و اخلاق حرفه ای پزشکی مطرح بوده است و منتقدان نیاز به اصلاحات جدی در آموزش پزشکی را متذکر شده اند. همگام با این روند جهانی، در ایران نیز این نیاز توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که به نیابت از دولت تولید آموزش پزشکی را در بالاترین سطح تصمیم گیری بر عهده دارد، محقق می گردد در این مقاله، به راهبردهای اساسی و سیاستها و خط مشی های ویژه اعتلای کیفیت آموزش پزشکی در کشور پرداخته می شود.

**روش ها:** این پژوهش توصیفی به بررسی و توصیف کارکرد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در تولید آموزش پزشکی و چگونگی اعمال اصلاحات کمی و کیفی از طریق دانشگاه های علوم پزشکی، مراکز تحقیقاتی پزشکی در کشور می پردازد.

**نتایج:** عملکردهای درون بخشی، هماهنگی های بین بخشی و همسو شدن سیاستهای زیر بخش آموزش پزشکی از طریق مصوبات شورای سیاستگذاری در وزارت بهداشت صورت می پذیرد. همچنین مراکز تصمیم گیری حوزه ستادی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، شورای گسترش دانشگاه های علوم پزشکی کشور، هیات های ممتحنه و ارزشیابی رشته های تحصیلی، شورای هدایت استعداد درخشان و نیز مراکز عمده تصمیم گیری نظیر هیات امنا و هیات ممیزه دانشگاه های علوم پزشکی در این امر نقش مهمی دارند.

**نتیجه گیری:** تعیین راهبردهای اساسی و سیاستها و خط مشی های ویژه آموزش پزشکی، نظیر ارتقای اخلاق پزشکی، تعیین و تثبیت جایگاه آموزش پزشکی به عنوان زیر بنای توسعه سرمایه های انسانی بخش سلامت، در اعتلای کیفیت آموزش پزشکی پاسخگو در ایران موثر و ضروری است.

**واژه های کلیدی:** آموزش پزشکی پاسخگو، کیفیت، سیاستگذاری

## دیدگاه اساتید درباره فرصتها و چالش های برنامه آموزش ضروری بالینی رشته پزشکی در راستای پاسخگویی به نیازهای جامعه

افسانه یخ فروشها\*، دکتر علی اکبر زینالو

\*دانشجوی دکترای آموزش پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی تهران [star2000\\_v@yahoo.com](mailto:star2000_v@yahoo.com)

**مقدمه:** هدف اصلی از آموزش پزشکی جامعه نگر، آشنا نمودن دانشجو با واقعیات طبابت در جامعه و معرفی نقش پزشک در جامعه است. بررسی ها نشان داده اند که آموزش به شیوه جامعه نگر سبب ارتقاء سطح دانش و مهارت دانشجویان شده و باعث برآورده شدن نیازهای دانشجویان از طریق شناخت مشکلات جامعه، طرح راه حلها و تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری از اطلاعاتی که خود جمع آوری کرده می شوند در مطالعه حاضر به بررسی نظرات اعضای هیات علمی دانشکده پزشکی درباره فرصتها و چالش های برنامه آموزش ضروری رشته پزشکی در جهت پاسخگویی به نیازهای جامعه پرداخته شده است.

**روش ها:** اطلاعات با استفاده از روش تحقیق کیفی و انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته (semi structural) در ۱۵ بحث گروهی متمرکز (FGD) از اساتید دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین گردآوری شد. به منظور دستیابی به دقت داده ها از دو روش تایید مطالب توسط شرکت کنندگان (member check) و بازنگری ناظرین (external check) استفاده شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات از طریق تحلیل محتوا انجام گرفت.

**نتایج:** نتایجی که از بازخوانی، دسته بندی و بررسی تم های مصاحبه به دست آمد نشان داد که فرصتهای آموزش موجود در برنامه آموزش ضروری شامل: آشنا نمودن دانشجویان با بیماریهای شایع جامعه، آشنایی آنها با نظام ارائه خدمات، استفاده از روش های آموزشی دانشجو محور، استفاده از Log book در ارزشیابی و چالش هاب برنامه را عوامل زیر عنوان کردند: نبود بیماران با مشکلات شایع، مدون نبودن برنامه آموزشی، فقدان فیلد آموزشی مناسب، کافی نبودن زمان و فضای آموزشی و فقدان تجهیزات کافی آموزشی

**نتیجه گیری:** به نظر می رسد دانشکده پزشکی می تواند با ارائه دوره های پیشرفته آموزشی به اساتید در زمینه آموزش پزشکی جامعه نگر، و نیز طراحی و اجرای مداخلات مدیریتی، از زمینه موجود برای گسترش عملیاتی جامعه نگری در آموزش دانشجویان استفاده کند.

**واژه های کلیدی:** فرصتها، پزشکی، استاد، برنامه آموزشی

## بررسی تاثیر برنامه پزشکی پاسخگو در ارتقاء سیستم آموزشی

حسن بسکابادی<sup>۱</sup>، محمد جعفر مدبر<sup>۲</sup>، رضا پروانه<sup>۲</sup>، فاطمه پوراسماعیل<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>دانشیار و فوق تخصص نوزادان دانشگاه علوم پزشکی، مدیر مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم

پزشکی مشهد

Email: [BoskabadiH@mums.ac.ir](mailto:BoskabadiH@mums.ac.ir)

<sup>۲</sup>قائم مقام مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه

<sup>۳</sup>مسئول واحد پزشکی پاسخگو مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه

<sup>۴</sup>مسئول دفتر مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه

**مقدمه:** گسترش عرصه ها و فیلدهای مختلف آموزشی با توجه به ابعاد مختلف سلامت و متنوع بودن اعضاء تیم سلامت می تواند گام مهمی در ارتقاء سلامت جامعه باشد. اضافه شدن مراکز بهداشتی-درمانی و صنایع مرتبط با سلامت و سایر موارد به عرصه های آموزشی فعلی در از سیاستهای دانشگاه علوم پزشکی مشهد می باشد. نظرات دریافت کنندگان خدمت همواره در اصلاح امور آموزشی نقش تعیین کننده ای دارد. لذا در این پژوهش سعی شد نظرات دانشجویان مراجعه کننده در طرح پزشکی در عرصه درباره تاثیر طرح بر ارتقاء سیستم آموزشی بررسی شود.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی مقطعی در سالهای ۹۱-۱۳۸۸ انجام شد. جامعه آماری این پژوهش تمامی دانشجویان پزشکی در عرصه مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهرستان مشهد (دانشجویان سال ششم بخشهای قلب، زنان، کودکان، عفونی، روانپزشکی و داخلی) بودند. نمونه گیری به شیوه در دسترس با حجم نمونه  $n=150$  انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته روا و پایا بود. پایایی توسط همسانی درونی تأیید گردید. پاسخ سوالات پرسشنامه به روش لیکرت از بسیار کم تا بسیار زیاد طراحی گردیده بود پس از تکمیل پرسشنامه ها داده های گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** یافته های پژوهش نشان داد ۸۰٪ دانشجویان از حضور در عرصه رضایت داشتند و نظرات دانشجویان در مورد متغیرهای مختلف به این ترتیب می باشد: مشابهت با فضای کاری آینده (۸۰٪)، شناخت فرهنگ و ارتباط مؤثر با بیماران (۷۸٪)، شناخت اولویت های سلامت (۷۸٪)، تأثیر در شناخت نقش دانشجویان در مشکلات سلامت (۷۸٪)، تغییر نگرش دانشجویان به مشکلات بهداشتی (۷۵٪)، ارتباط مؤثر بیماران و دانشجویان (۷۰٪)، کسب توانایی نسخه نویسی (۵۹٪).

**نتیجه گیری:** حضور دانشجویان پزشکی در مراکز بهداشتی درمانی پزشکی در عرصه، از نظر دانشجویان باعث تغییر نگرش دانشجویان در مورد مهم ترین مشکلات نظام سلامت و تقویت و به دنبال آن ارتقاء سیستم آموزشی می شود. لذا پیشنهاد می گردد. بازنگری و تداوم اجرای برنامه مورد تأکید بیشتری قرار گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** دانشجویان، پزشکی در عرصه، نظرات، مراکز بهداشتی درمانی

## بررسی دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در خصوص تأثیر اجرای برنامه پزشکی پاسخگو در ارتقاء سیستم آموزشی

حسن بسکابادی<sup>1</sup>، محمد جعفر مدبر<sup>2</sup>، رضا پروانه<sup>3</sup>، فاطمه پوراسماعیل<sup>4\*</sup>، حسینعلی نامدار<sup>5</sup>  
<sup>1</sup>دانشیار و فوق تخصص نوزادان دانشگاه علوم پزشکی، مدیر مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم

پزشکی مشهد

<sup>2</sup>قائم مقام مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه

<sup>3</sup>مسئول واحد پزشکی پاسخگو مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه

<sup>4\*</sup>مسئول دفتر مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه

Email: [PouresmailF1@mums.ac.ir](mailto:PouresmailF1@mums.ac.ir)

<sup>5</sup>کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

**مقدمه:** با توجه به اصل تقدم دیدگاه سلامت نگر به جای بیمارنگر و چند بعدی بودن سلامت، نیاز به گنجاندن پزشکی پاسخگو در برنامه آموزشی دانشجویان، اصلی غیر قابل انکار است اضافه شدن مراکز بهداشتی-درمانی به فیلدهای آموزشی دانشجویان پزشکی می تواند باعث ارتقاء سطح آموزشی دانشگاه گردد. در این پژوهش سعی شد نظرات اساتید شرکت کننده در طرح پزشکی در عرصه، در مورد این دوره مورد بررسی قرار گیرد.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی مقطعی در سالهای ۹۱-۱۳۸۸ انجام و جامعه آماری این پژوهش اعضای هیأت علمی شرکت کننده در پزشکی در عرصه (اساتید گروه‌های زنان، عفونی، روانپزشکی و داخلی) بودند. نمونه گیری با حجم نمونه ۵۰ نفر به شیوه در دسترس انجام شد. نظرات اعضای هیأت علمی آشنا با انجام طرح در گروه‌های آموزشی درگیر، با پرسشنامه‌ای حاوی پانزده سؤال بسته (پاسخ براساس مقیاس لیکرت از ۱ تا ۵) سنجیده شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته، با استفاده از نظرات متخصصین روا و پایا گردید. پس از تکمیل پرسشنامه ها داده های گردآوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** نتایج حاصل از بررسی نظرات اساتید نشان می‌دهد: حدود ۷۸٪ این دوره را در فراهم آوردن فرصت آموزشی مشابه با فضای کاری آینده دانشجویان کمک کننده و نیز ۷۵٪ این دوره را در آشنایی دانشجویان با فرهنگ مردم هر منطقه و شناسایی موانع فرهنگی برقراری ارتباط مؤثر پزشک و بیمار، آموزش بیشتر دانشجو در مورد الویت‌های سلامت جامعه و نیز در تقویت دانش دانشجویان در مورد مهم‌ترین مشکلات نظام سلامت در جامعه‌ای که قصد خدمت به آن را دارند، مؤثر دانسته اند. ۵۱٪ همکاری سایر اعضای هیأت علمی و ۴۸/۳۳٪ اطلاع‌رسانی در این زمینه را مطلوب دانستند.

**نتیجه‌گیری:** اعضای هیأت علمی آشنا با برنامه آن را مؤثر می‌دانند اما باید در مورد اهمیت و لزوم اجرای این طرح برای سایر اعضای هیأت علمی نیز اطلاع‌رسانی و تمهیداتی اندیشیده شود چرا که این برنامه بدون همکاری و مشارکت فعال اعضای هیأت علمی از پویایی و پایایی لازم برخوردار نخواهد بود.

**کلمات کلیدی:** استاد، پزشکی در عرصه، مراکز بهداشتی درمانی، آموزش

منابع تنش و عوامل مرتبط با آن در آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان مامایی  
دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی ۱۳۹۰

مهدی حارث آبادی<sup>۱\*</sup>، سیده محبوبه رضائیان<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری بهداشت جامعه، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد

Email: mehdiharesabadi@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد

**مقدمه:** تنش یکی از مشکلاتی است که می تواند مانعی بر سر راه آموزش بالینی مامایی باشد. برای بهبود و ارتقای کیفیت آموزش بالینی، بررسی و مدیریت عوامل استرس زای آموزشی ضروری است. مطالعه حاضر با هدف تعیین منابع تنش و عوامل مرتبط با آن در آموزش بالینی دانشجویان مامایی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی در سال ۱۳۹۰ انجام شد.

**روش‌ها:** در این مطالعه تحلیلی- مقطعی که طی آن کلیه دانشجویان مامایی ترم ۴ و بالاتر دانشکده پرستاری و مامایی بجنورد انتخاب شدند. عوامل ایجاد کننده تنش در محیط بالین با استفاده از پرسشنامه ای ۷۲ گویه ای در ۸ حیطه بالینی بررسی شد. داده ها بعد از جمع آوری با نرم افزار آماری SPSS-۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** یافته ها نشان داد که در کل بیشتر دانشجویان ۶۰/۵٪ تنش در محیط بالینی را متوسط ذکر کردند و ۲۵/۶٪ از آنها هم این عوامل را تا حد زیادی تنش زا عنوان کردند. یافته ها نشان داد که دانشجویان عوامل مربوط به برخورد با بیمار را بیشترین عامل تنش زا در محیط کارآموزی ذکر کردند و در بقیه حیطه ها دانشجویان سطح متوسطی از تنش را ذکر کردند.

**نتیجه گیری:** از آنجا که تنش تاثیر منفی روی آموزش بالینی می گذارد. می توان با آگاهی از منابع تنش زا، محدود نمودن آن و یا بالا بردن سطح آگاهی علمی و حرفه ای دانشجویان، سازگاری آنان را نسبت به موقعیت های مختلف افزایش داد و محیط مناسبی برای آموزش فراهم آورد.

**واژه های کلیدی:** تنش، آموزش بالینی، دانشجویان مامایی

## کیفیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان و مربیان دانشکده های پیرا پزشکی و

### پرستاری - مامایی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

محمود رضاتوکلی<sup>۱</sup>، طاهره خزاعی<sup>۲\*</sup>، مریم تولیت<sup>۳</sup>، سمیرا قربانی<sup>۴</sup>

. مربی عضو هیئت علمی دانشکده پزشکی، گروه رادیولوژی

<sup>۲\*</sup> مربی عضو هیئت علمی دانشکده پیراپزشکی، گروه اطاق عمل و هوشبری، مرکز تحقیقات آموزش پزشکی: Email:

Azar.khazaei@yahoo.com

<sup>۳</sup> مربی کارشناس ارشد پرستاری داخلی - جراحی دانشکده پیراپزشکی

<sup>۴</sup> دانش آموخته رادیولوژی

**مقدمه:** شناخت عوامل موثر بر کیفیت و کمیت آموزش بالینی در رفع مشکلات آموزش بالینی مفید است و سالم بودن عناصر تشکیل دهنده ی آن باعث بالارفتن کیفیت آموزش می شود. این پژوهش با هدف تعیین دیدگاه دانشجویان و مربیان دانشکده علوم پزشکی بیرجند در مورد کیفیت آموزش بالینی انجام شد.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی- مقطعی روی کلیه دانشجویان سال آخر دانشکده های پیرا پزشکی و پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال ۹۰-۹۱ انجام شد، ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه، شامل ۳۴ سوال در ۵ حیطه: اهداف و برنامه های آموزشی، عملکرد مربی، برخورد با دانشجو، محیط آموزشی و نظارت و ارزشیابی بود. داده ها پس از ورود به نرم افزار آماری spss با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی، تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** ۹۳ دانشجو و ۲۲ مربی در این مطالعه شرکت کردند. میانگین نمره دیدگاه دانشجویان در ۵ حیطه مورد بررسی بر حسب رشته تحصیلی اختلاف معنی داری داشت ( $p < 0/05$ ) همچنین میانگین نمره دیدگاه دانشجویان در حیطه های اهداف و برنامه های آموزش، برخورد با دانشجو، محیط آموزش و نظارت و ارزشیابی بر حسب معدلشان اختلاف معنی داری داشت.

( $p < 0/05$ )

میانگین نمره دیدگاه مربیان در حیطه های برخورد با دانشجو و محیط آموزش بر اساس سابقه کار آموزشی و بالینی اختلاف معنی داری داشت. ( $p < 0/05$ )

مقایسه میانگین نمره دیدگاه دانشجویان و مربیان در حیطه های عملکرد مربی و برخورد با دانشجو از نظر آماری تفاوت معنی داری داشت. ( $p < 0/05$ )

**نتیجه گیری:** آموزش بالینی بسیار پیچیده بوده و ابعاد متعددی را شامل می گردد. دیدگاه دانشجویان و مربیان در رشته های مختلف در مورد حیطه های مؤثر بر آموزش بالینی متفاوت است. با ارزیابی های مکرر عرصه های بالینی و مقایسه با وضعیت موجود می بایست نقاط قوت و ضعف شناسایی گردد.

**واژه های کلیدی:** کیفیت، آموزش بالینی، پیراپزشکی، پرستاری و مامایی

## ارزشیابی فرآیند ارتقاء آموزش کارآموزی در عرصه دانشجویان پرستاری

دکتر فرشته آئین \*

استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

fereshtehaain@yahoo.com

**مقدمه:** نتایج حاصل از مطالعات مختلف انجام شده در ایران و از جمله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، مشکلاتی جدی را در روند موجود مدیریت آموزشی کارآموزی در عرصه در کشورمان مطرح نموده اند که عمدتاً به عدم حمایت آموزشی از دانشجویان در بالین برمی گردد به منظور کاهش شکاف موجود بین تئوری و عمل در آموزش دوره کارآموزی در عرصه دانشجویان پرستاری و ارتقاء سطح کیفی آموزش و سطح شایستگی فارغ التحصیلان پرستاری، فرآیند ارتقاء آموزش کارآموزی در عرصه اجرا و تجربیات دانشجویان پس از یکسال شرکت در فرآیند مورد بررسی قرار گرفت

**روش ها:** این مطالعه، یک مطالعه اقدام پژوهی است که فرآیند ارتقاء آموزش کارآموزی در عرصه دانشجویان پرستاری را پس از یکسال اجرا مورد ارزشیابی قرار داد. فرآیند ارتقاء به صورت برنامه آموزشی دوره در ۴ حیطه کسب مهارتهای عملی و تکنیکی پرستاری، کسب مهارت آموزش به بیمار، مهارت در تهیه فرآیند پرستاری، جلسات مباحثه استدلال بالینی و آزمون علمی تخصصی پایان هر کارورزی طراحی گردید. در پایان یکسال کارآموزی در عرصه، تجربیات دانشجویان در جهت کسب اعتماد به نفس، مهارت در برقراری ارتباط با بیمار، مهارت آموزش به بیمار، مهارت در تهیه فرآیند پرستاری از بیمار، کیفیت آزمون های علمی پایان بخش و کارآیی کارگاه آشناسازی ابتدای دوره با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته متشکل از ۶ سؤال در مقیاس امتیازدهی صفر تا ۴ (صفر به معنای اصلاً، ۴ به معنای خیلی زیاد) همراه با یک سؤال باز بعد از هر سؤال بسته برای ارائه پیشنهادات جهت بهتر شدن این بخش از آموزش مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج:** بررسی تجربیات دانشجویان نشان داد بترتیب میانگین و انحراف معیار امتیازات در خصوص کسب اعتماد به نفس  $0.66 \pm 0.12$ ، کسب مهارت برقراری ارتباط با بیمار  $0.74 \pm 0.32$ ، کسب مهارت آموزش به بیمار  $0.65 \pm 0.44$ ، کسب مهارت در فرآیند پرستاری  $0.92 \pm 0.12$ ، کارآیی آزمونهای عملی پایان بخش  $1.02 \pm 0.44$  و کارآیی کارگاه آشناسازی  $0.7 \pm 0.36$  بوده است. بدین ترتیب فرآیند ارتقاء آموزش کارآموزی در عرصه توانسته است به میزان زیاد تا خیلی زیاد در کسب اعتماد به نفس و مهارتهای برقراری ارتباط با بیمار، آموزش به بیمار و فرآیند پرستاری کمک نماید. از دیدگاه دانشجویان کیفیت برگزاری آزمونهای علمی پایان بخش در حد متوسط بود و هم چنین کارگاه آشناسازی ابتدای دوره به میزان متوسط تا زیادی در آشنا کردن دانشجویان با وظایفشان در طول دوره مؤثر بوده است. دانشجویان جهت بهتر شدن کیفیت آزمونهای پایان بخش، جامع تر شدن سؤالات آزمون به گونه ای که دانشجویان را وادار به مطالعه عمیقتر مطالب بنماید و هم چنین پیچیده تر کردن مشکلات پرستاری مطرح شده در سؤالات آزمون جهت ترغیب دانشجویان به استفاده از تفکر انتقادی باشد را پیشنهاد دادند. هم چنین دانشجویان تأکید کردند که تمرینهای آموزش به بیمار در طی یکسال کارورزی در حضور مربی و با دریافت بازخورد فوری توانست خلاء موجود در آموزش مهارت برقراری ارتباط با بیمار طی ۳ سال اول تحصیل را پر کند بطوریکه دانشجویان براحتی می توانند با بیمار ارتباط برقرار نمایند. علاوه بر این تمرین تهیه فرآیند پرستاری از بیمار و دریافت بازخورد سبب شد تا دانشجویان به کاربردی بودن فرآیند پرستاری و اهمیت آن در انجام مراقبت از بیمار پی ببرند و هم آموزش به بیمار و هم فرآیند پرستاری و هم جلسات استدلال بالینی را در کاهش شکاف بین تئوری و عمل و کاربردی کردن دانش آموخته شده در عملکرد بالینی مؤثر دانستند.

**نتیجه گیری:** مشکل شکاف بین تئوری و بالین در طی کارآموزی در عرصه دانشجویان پرستاری در مقالات مختلف ایرانی گزارش شده از دانشگاههای مختلف علوم پزشکی ایران به عنوان یک معضل مطرح شده است بنابراین بر اساس نتایج ارزشیابی فرآیند معرفی شده مبنی بر مؤثر بودن آن در کاهش این شکاف در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، استفاده از آن در سایر دانشگاههایی که با این معضل مواجه هستند نیز می تواند اثرگذار باشد.

**واژه های کلیدی:** کارآموزی در عرصه، دانشجویان پرستاری، ارزشیابی



## بررسی تاثیر آموزش سرپایی کارورزان بر اساس استراتژی مراقبت های ادغام یافته ناخوشی های اطفال بر عملکرد آنها در درمانگاه کودکان

اعظم محسن زاده\*، شکوفه احمدی پور، خاطره عنبری

\*استادیار دانشگاه علوم پزشکی لرستان، متخصص کودکان [mohsenzadehazam@Gmail.com](mailto:mohsenzadehazam@Gmail.com)

**مقدمه:** دانشجویان پزشکی در دوره آموزش خود، بیشتر با بیماران بستری سرو کار دارند درحالی که پس از فارغ التحصیلی اکثر ارتباط درمانی آنها با بیماران سرپایی است. هدف از این مطالعه بررسی تاثیر آموزش سرپایی کارورزان دانشگاه علوم پزشکی لرستان در بر اساس استراتژی مراقبت های ادغام یافته ناخوشی های اطفال بر عملکرد آنها در درمانگاه کودکان بود.

**روش ها:** این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی بود. در این مطالعه واحدهای مورد پژوهش کارورزان بخش اطفال دانشگاه علوم پزشکی لرستان در دو سال متوالی بود. ابتدا یک پیش آزمون گرفته شد. سپس کارورزان به صورت تصادفی در دو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند. تعداد نمونه در گروه مداخله ۲۶ و در گروه کنترل ۲۴ نفر بود. کارورزان همراه با استاد هر روز ۲۰ بیمار کودک را ویزیت میکردند. برای گروه کنترل آموزش های معمول صورت گرفت. در گروه مداخله آموزش درمانگاهی بر اساس استراتژی مانا شامل ارزیابی و طبقه بندی کودک بیمار، ارزیابی علائم خطر فوری و نشانه های خطر، تشخیص و تشخیص افتراقی، درمان و نسخه نویسی بود. کلیه کارورزان بعد از پایان دوره درمانگاه با استفاده از پرسشنامه وچک لیست مشاهده ای که روایی و پویایی آنها از قبل بررسی شده بود مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده ها پس از جمع آوری مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. از آزمون t مستقل جهت تجزیه و تحلیل آماری نمرات دو گروه استفاده شد.

**نتایج:** مقایسه میانگین وانحراف معیار نمرات کارورزان قبل از انجام مداخلات آموزشی نشان داد که نمرات کلی دو گروه در پیش آزمون تفاوت آماری معناداری با یکدیگر نداشت. بعد از اجرای مداخلات آموزشی نمرات کلی کارورزان گروه مورد ۱۷/۰۲ با اختلاف معناداری بالاتر از کارورزان گروه کنترل ۱۳/۰۹ بود (۰/۰۴۱). نتایج نشان داد که نمرات کارورزان گروه مورد بعد از انجام مداخلات آموزشی در تمام حیطه ها بصورت معناداری بالاتر از گروه کنترل بود ( $p < 0/05$ ).

**نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه نشان داد که آموزش درمانگاهی بر اساس استراتژی مانا موجب افزایش توانمندی کارورزان در درمانگاه اطفال شد.

**واژه های کلیدی:** آموزش سرپایی و درمانگاهی، کارورزان، استراتژی مانا

## تجارب دانشجویان پرستاری از کارورزی در عرصه اورژانس: یک مطالعه کیفی

دکتر علیرضا نیکبخت نصرآبادی، معصومه لطیفی\*، نیلوفر جواهر زاده

\* عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اراک

Email: mlatifi@razi.tums.ac.ir

**مقدمه:** دوره های کارآموزی و کارورزی در شکل دهی مهارت های اساسی و توانمندی های حرفه ای دانشجویان پرستاری نقش اساسی دارد. هرچه کارآموزی در بخش های عادی مهم باشد، اهمیت آن در بخش اورژانس دو چندان است. هدف از این مطالعه، تبیین تجارب دانشجویان پرستاری پیرامون کارورزی آنان در بخش های اورژانس می باشد

**روش ها:** این پژوهش کیفی از نوع تجزیه و تحلیل محتوایی از نوع قراردادی است که ۱۲ دانشجوی پرستاری در آن شرکت داشتند. کلیه تجارب دانشجویان پس از جمع آوری به طریقه مصاحبه و روایت های مکتوب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** با استفاده از تحلیل دست نوشته ها، تعداد قابل توجهی درون مایه اولیه استحصال گردید که نهایتاً در ۵ درون مایه اصلی شامل: فرصتی برای کسب مهارت های بالینی، اعتماد فرصت طلبانه یک طرفه از پرسنل به دانشجویان، ارتقاء اعتماد به نفس همراه با استرس های مداوم، تجربه آموزش در محیطی آشفته و تجربه پارادوکس در واقعیت های آموزشی خلاصه گردید.

**نتیجه گیری:** با اینکه از مجموع نظرات چنین منعکس می شود که نقاط قوت بارزی در کارورزی در عرصه بخشهای اورژانس وجود دارد، نقاط ضعفی هم وجود دارد که بیشتر آنها با تدابیری چون توجه بیشتر دانشجویان و پرسنل اورژانس، به کارگیری مربیان توانمند و نظارت بیشتر بر فرایند آموزشی دانشجویان قابل اصلاح می باشد.

**واژه های کلیدی:** تجارب دانشجویان، بخش اورژانس، تحقیق کیفی، آنالیز محتوی

## آموزش بالینی، زیر چتر فلسفه های شخصی

پریسا بزرگ‌زاد\*<sup>1</sup>، دکتر علیرضا نیکبخت<sup>2</sup>، دکتر الهام نواب<sup>2</sup>، افسانه ریسی فر<sup>3</sup>، فاطمه بهرام‌نژاد<sup>3</sup>  
\* دانشجوی دکتری پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران

Email: p.bozorgzad@yahoo.com

<sup>2</sup> عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران  
<sup>3</sup> دانشجوی دکتری پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران

**مقدمه:** بالین بستر گسترده‌ای است که چگونگی استفاده از آن مستقیماً بر خروجی آن تأثیرگذار است. آموزش بالین در کنار ارتقاء مهارت‌های عملی نقشی اساسی در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای و نگرش دانشجویان دارد. با عنایت بر اهمیت باورها و اعتقادات حرفه‌ای مربیان در ایجاد ساختار فکری دانشجویان، این مقاله با هدف بررسی تأثیر نظام ارزشی مربیان بر آموزش بالین صورت گرفته است.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر یک بررسی مروری می باشد که در آن از پایگاه‌های اطلاعاتی علمی (PubMed, SID, Google Scholar, Magiran, Medline, ProQuest, EBM Review) برای جستجوی مفاهیم " استراتژیهای آموزش بالینی"، "فلسفه مربیان بالینی" و "آموزش پزشکی" به صورت جداگانه و ترکیبی استفاده گردید. معیارهای ورود به مطالعه، متون منتشر شده به زبان انگلیسی و فارسی بوده که دسترسی به متن کامل آنها امکان‌پذیر باشد. به دلیل کمبود تعداد موارد چاپ شده‌ای که هر سه مفهوم را پوشش دهند، محدودیت زمانی اعمال نشد و تمامی مقالات موجود مورد بررسی قرار گرفتند.

**نتایج:** به علت ماهیت متغیر شرایط بالینی و تجربه‌ی کم دانشجویان در مواجهه با آنها، در اکثر موارد این مربیان بالینی هستند که تصویر ساز رخدادها می‌شوند، و دانشجویان - مخصوصاً در سالهای اول آموزش - واقعیت‌های بالین را از دیدگاه مربیان‌شان می‌شناسند. در نتیجه روش‌های انتقال دانش، نگرش و تجربیات در عرصه، از اهم مواردی است که در آموزش بالینی مطرح می‌باشد. بررسی متون در این زمینه حاکی از آنست که اکثر مربیان بالینی با روشهای آموزشی آشنایی دارند، اما در خصوص چگونگی بکارگیری این روشها مطالعات محدودی انجام شده است. پژوهشها در این زمینه نشان می دهند که مربیان براساس دیدگاهها و باورهای خود در موقعیت‌های مختلف از این روشها استفاده می‌کنند و در واقع فلسفه‌ی فکری مربی تعیین کننده‌ی مقتضیات هر روش و نحوه‌ی بکارگیری آنست. مطالعه‌ی حاضر نشان می‌هد که هر مربی بالینی دارای یک رویکرد فلسفی خاص به آموزش بالینی است و این دیدگاه شخصی بر فرآیند آموزش، ارزیابی و ارتباط با دانشجویان و دیگر افراد حاضر در محیط بالینی تأثیرگذار است. بطور کلی می‌توان گفت که این زمینه فلسفی تعیین کننده فهم معلم، از نقش خود، رویکردهای آموزشی و مجموعه‌ی فعالیتهایی است که در حوزه‌ی بالین صورت می‌پذیرد. لذا به نظر می‌رسد مراکز آموزشی، مدیران و مربیان باید نسبت به این موضوع حساس بوده و از آن در جهت بهبود فرایند آموزش بالینی کمک گیرند.

**واژه‌های کلیدی:** فلسفه مربیان بالینی، استراتژیهای آموزش بالینی، موقعیت یادگیری، آموزش پزشکی

## بکارگیری عملی دستیار مربی بالینی (Preceptor)؛ روشی برای تقویت آموزش بالینی و افزایش رضایتمندی دانشجویان

رجب دشتی کلانتر\*، عزت جعفرجلال، دکتر پارسایکتا دریاخت مسرور، فاطمه حسینی

نویسنده مسئول: رجب دشتی کلانتر؛ دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران

**زمینه و هدف:** آموزش بالینی اساسی ترین بخش آموزش دانشجویان پرستاری به شمار می رود، که با تلفیق دانش تئوری و مهارتهای عملی در نهایت سبب آماده سازی آنها جهت ورود به عرصه مراقبت از بیمار و ارائه خدمات بالینی و درمانی می شود. روشهای مختلف آموزش بالینی ارائه شده روی مهارتهای بالینی کسب شده و رضایت دانشجویان تاثیر مستقیم دارند. روش آموزشی دستیار مربی بالینی به جهت بهره گیری از پرسنل پرستاری واجد شرایط در امر آموزش بالینی به عنوان یک مدل مشارکتی بین دانشکده و بیمارستان مدنظر بوده و از نظر صاحب نظران به جهت برخورداری از مهارتهای عملی مورد نظر از یکسو و حل مشکلات کمبود هیئت علمی از سوی دیگر مورد توجه میباشد. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط آمادگی بالینی دستیاران مربی با رضایتمندی دانشجویان پرستاری از آموزش بالینی انجام گرفت.

**روش پژوهش:** این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی است، تعداد ۴۴ نفر دستیار مربی بالینی و ۲۰۲ دانشجوی پرستاری سال ۳ و ۴ که در سال ۱۳۹۱ تحت نظر ایشان مشغول آموزش بالینی بودند مشارکت داشتند. پرسشنامه آمادگی بالینی دستیاران مربی در دو قسمت مشخصات دموگرافیک و آمادگی بالینی و پرسشنامه رضایتمندی دانشجویان نیز شامل بخش مشخصات دموگرافیک و ۲۵ سوال رضایتمندی بود. آنالیز داده ها در برنامه SPSS نسخه ۱۶ انجام شد. داده های حاصل از این پژوهش با استفاده از روش های آمار توصیفی و توصیف نمونه ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. همچنین از مجذور کای و ضریب همبستگی پیرسون جهت ارتباط سنجی اهداف و پاسخ به سوالات پژوهشی استفاده شد.

**یافته ها:** میانگین سن دستیاران مربی ۴۰ سال و دانشجویان ۲۲/۵ سال بود. ۷۵ درصد مربیان مدرک کارشناسی و ۲۵ درصد ارشد بودند، میانگین سنوات کاری آنها ۱۶/۳۴ سال و میانگین سابقه مربیگری ایشان ۵/۶۹ سال بود. ۴۸/۲ درصد از دانشجویان حین تحصیل شاغل بودند که قابل توجه می باشد. و میزان علاقمندی آنها به رشته پرستاری ۸۲/۱ درصد گزارش میشود. از نظر آمادگی بالینی دستیاران مربی جهت آموزش ۵۴/۵ درصد آمادگی متوسط و ۴۵/۵ درصد آمادگی بالا داشتند (آمادگی پایین گزارش نشد)، ۵۳/۵ درصد دانشجویان از آموزش بالینی ارائه شده توسط دستیاران مربی بالینی رضایتمندی بالا و تنها ۱۰/۴ درصد رضایتمندی پایین گزارش کرده اند. بین آمادگی بالینی مربیان و رضایتمندی دانشجویان ارتباط خطی با ضریب همبستگی ۰/۳۳۹ معنی دار بود ( $P=0/024$ ). ارتباط آمادگی بالینی مربیان با جنس ( $P=0/05$ )، وضعیت تاهل ( $P=0/01$ ) و سابقه مربیگری ( $P=0/038$ ) آنها معنی دار بود و در گروه مونث، متاهلین و سابقه مربیگری بیش از ۵ سال آمادگی بیشتر بود. و ارتباط رضایتمندی دانشجویان با جنس ( $P=0/004$ ) و اشتغال بکار ( $P=0/001$ ) دانشجویان معنی دار و در گروه مذکر و افراد شاغل بیشتر بود. همچنین رضایتمندی دانشجویان از آموزش بالینی با وضعیت تاهل مربیان ( $P=0/046$ ) و نوع کارآموزی یا کارورزی ( $P=0/036$ ) معنی دار بود.

**بحث و نتیجه گیری:** بر اساس نتایج بدست آمده و معنی داری ارتباط خطی بین آمادگی بالینی دستیاران مربی و رضایتمندی دانشجویان پرستاری از آموزش بالینی ارائه شده، می توان از این مدل به عنوان مدل قابل اجرا در دانشکده های پرستاری و مراکز آموزشی درمانی حمایت نمود. و در راستای ارتقای کیفیت و رضایتمندی از آموزش بالینی با توجه به رضایتمندی بالای دانشجویان، و حل مشکل کمبود اعضای هیئت علمی در دانشگاه ها بخصوص دانشکده های پرستاری جهت آموزش بالینی دانشجویان با توجه به سطح آمادگی پرسنل بالینی جهت مشارکت در آموزش مهارتهای بالینی از آن بهره برد. دقت در انتخاب افراد علاقمند جهت آموزش بالینی، بررسی و برطرف نمودن نیازهای آموزشی، برگزاری جلسات هماهنگی بین مربیان و اعضای هیئت علمی و ارائه راهنماها و طرح درس بالینی میتواند در ارتقاء آموزش بالینی و رضایتمندی دانشجویان از آن موثر واقع شود.

**کلید واژه ها:** دستیار مربی بالینی، آموزش بالینی، رضایتمندی، دانشجویان پرستاری

## آموزش اصول تجویز منطقی دارو برای دانشجویان پزشکی دوره بالینی در رشته بیماریهای کودکان

گیسو حاتمی\*، آزاده عازمیان<sup>۲</sup>،

\*استادیار دانشگاه علوم پزشکی، دانشکده پزشکی

**gissoo\_hat@yahoo.com**

<sup>۲</sup> مربی دانشگاه علوم پزشکی، معاونت آموزشی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

**مقدمه:** آموزش اصول صحیح نسخه نویسی و روش های منطقی برای انتخاب داروها در آموزش دانشجویان پزشکی به صورت مدون اجرا نمی شود و در نتیجه دانشجویان پزشکی در آغاز دوره بالینی دیدگاهی روشن درباره اصول تجویز دارو ندارند. با توجه به احساس ضرورت آموزش کلاسیک این مطالب و ترمیم های LVHO، کارگاه نسخه نویسی منطقی تدوین شد. تجویز غیر منطقی می تواند سبب افزایش مرگ و میر مشکلات اجتماعی و اقتصادی برای بیمار و جامعه شود. هدف این کارگاه تعلیم این نکته بود که دانشجوی پزشکی با توجه به امکانات موجود در نظام درمانی خود، چگونه یک درمان را انتخاب کنند نه اینکه چه دارویی را انتخاب کنند.

**روش ها:** از ۵ سال قبل در بخش کودکان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر تصمیم گرفتیم به لحاظ اهمیت موضوع و نیاز دانشجویان به جای کارگاه سالانه نسخه نویسی منطقی روش دیگری انتخاب شود. بدینصورت که ۲ روز در هفته ۷/۳۰ الی ۸/۳۰ صبح (به مدت ۱ ساعت) جلسه تجویز منطقی دارو تشکیل و در هر جلسه ۳ بیمار معرفی می شود سپس کارورز مربوطه تشخیص منطقی را ذکر و سپس نسخه می نویسد. بعد از تمام شدن نسخه، ۵ الی ۸ دقیقه راجع به منطقی بودن نسخه بحث می گردد و اشکالات نسخه اصلاح می شود. دانشجوی پزشکی در این پروسه یاد می گیرد که: دارویی مناسب، شکل دارویی مناسب و برای هر بیمار با توجه به وضعیت بیمار و با توجه به COST (هزینه) و avalabiling (در دسترس بودن) و ارزش درمانی efficacy و میزان بی ضرری (safety) تجویز کند.

**نتایج:** در پایان هر دوره در بحث گروهی نظرات دانشجویان مورد سوال قرار گرفت که بسیار اظهار رضایت داشتند همچنین در ارزیابی پایان بخش از کارورزان پزشکی، و نظر سنجی از کارورزان و فارغ التحصیلان آنها نیز بسیار اظهار رضایت نمودند و روند آموزش فوق را بسیار موثر دانستند.

**نتیجه گیری:** با توجه به اهمیت آموزش اصول صحیح نسخه نویسی و روش های منطقی برای انتخاب داروها در این روش دانشجویان می توانند ۱- تشخیص دهد یعنی مشکل بیمار را تعریف کند، ۲- هدف های درمانی خود را مشخص کند. ۳- تعیین می کند آیا درمان در نظر گرفته شده برای این بیمار مناسب است. ۴- راهزنی جهت مصرف دارو- فرضاً نحوه مصرف شیاف، اسپری و... را به بیمار توضیح می دهد ۵- پیگیری درمان

**واژه های کلیدی:** تجویز منطقی دارو، دانشجو پزشکی، آموزش پزشکی

## بررسی میزان مشارکت اساتید و فراگیران در فرایند آموزش طب سرپایی در درمانگاه‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۳۹۱

سیما کلاهدوز\*، ناهید جعفری، شبنم مخیری، فاطمه محمودجانلو  
دانشگاه علوم پزشکی گلستان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی  
simakolahdooz@yahoo.com

**مقدمه:** آموزش طب سرپایی در درمانگاه‌ها نقش مهم و بسزایی در تکمیل آموزش‌های دوره پزشکی عمومی داشته و فرصت مناسبی را برای ارتقاء مهارت‌ها و بکارگیری عملی دانسته‌های فراگیران در اختیار ایشان قرار می‌دهد. اثربخشی این حیطه از آموزش مستلزم انگیزه کافی و مشارکت بالای صاحبان فرایند (اساتید و فراگیران) در پیشبرد اهداف آموزشی می‌باشد. با توجه به اهمیت موضوع، این مطالعه به بررسی میزان مشارکت اساتید و فراگیران در فرایند یاددهی-یادگیری در درمانگاه‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۳۹۱ پرداخته است.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی، ۵۸ عضو هیأت علمی بالینی، ۵۰ کارورز و ۹۹ کارآموز از طریق سرشماری وارد مطالعه شده و دیدگاه آن‌ها از طریق پرسشنامه پژوهشگر ساخته بررسی شد. پرسشنامه مشتمل بر ۱۶ سوال با مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای در سه حیطه انگیزه یاددهی و یادگیری، عملکرد آموزشی اساتید (ساعات مفید آموزش، امکان مشاهده استاد در هنگام ویزیت، نقد شرح حال فراگیران و آموزش در زمینه‌های استدلال بالینی تشخیصی، درخواست منطقی و تفسیر تست‌های پاراکلینیک، تجویز منطقی دارو و نگارش نسخ) و عملکرد آموزشی فراگیران (شرح حال‌گیری، انجام معاینه و تجویز دارو و درمان) بود. نمره هریک از سوالات از ۱۰۰ محاسبه و مقادیر بالای ۸۰، مطلوب، کمتر از ۵۰، نامطلوب و حدها این دو نیمه مطلوب در نظر گرفته شد.

**نتایج:** تمامی آیت‌های هر سه حیطه عملکرد آموزشی اساتید و فراگیران و انگیزه یاددهی و یادگیری در وضعیت نیمه مطلوب بودند. در حیطه عملکرد آموزشی اساتید، میانگین نمره فراگیران به تمامی آیت‌ها به طور معنی‌داری ( $p < 0,05$ ) پایین‌تر از نمره اساتید بود و بیشترین اختلاف نظر در میزان آموزش تفسیر نتایج پاراکلینیک، تجویز منطقی دارو و اصول نگارش نسخ به فراگیران وجود داشت. در حیطه عملکرد فراگیران، میانگین نمره فراگیران به آیت‌های تجویز دارو و درمان توسط فراگیران به طور معنی‌داری کمتر از نمره اساتید بود. انگیزه اساتید برای آموزش از نظر هر دو گروه اساتید و فراگیران نیمه مطلوب بود اما میانگین نمره فراگیران به این آیت‌ها به طور معنی‌داری ( $p = 0,002$ ) کمتر از نمره اساتید بود.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج حاصله ضروری است چالش‌های موجود در زمینه عملکرد آموزشی اساتید و فراگیران و علل اختلاف نظر بین این دو گروه مورد بررسی دقیق‌تری قرار بگیرند و با توجه اهمیت وافر انگیزش در فرایند آموزش، راهکارهای مناسب برای افزایش آن مد نظر قرار بگیرند.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش سرپایی، درمانگاه، هیأت علمی، کارورز، کارآموز

## مهارت تفکر نقادانه دانشجویان در کارآموزی مدیریت اتاق عمل: یک تجربه بالینی

ویدا طیبی\*، مریم مدی نشاط

vi\_tay@yahoo.com

اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

**مقدمه:** در حرفه پرستاری، توانایی تفکر نقادانه به عنوان امری حیاتی، بیش از آنچه امروزه وجود دارد، ضروری به نظر می رسد. این مطالعه برای پاسخگویی به این سؤال است که مکانیزمهای تأثیر تفکر نقادانه بر تجارب بالینی دانشجویان اتاق عمل -واحد مدیریت- کدامند؟

**روش‌ها:** در اقدام پژوهی فوق، از "پرسشنامه تفکر انتقادی کالیفرنیا فرم ب" استفاده شد. نمونه های مورد بررسی تعداد ۲۳ نفر از دانشجویان رشته اتاق عمل بود که در گروههای ۳ نفره در حال گذراندن واحد کارآموزی مدیریت بودند.

در اولین جلسه، ابتدا پرسشنامه در مدت زمان ۴۵ دقیقه در یک محیط خصوصی توسط دانشجویان تکمیل گردید. به دانشجویان در مورد نحوه انجام برنامه و ثبت تجارب به دست آمده از محیط بالینی بطور روزانه و تفکرپیرامون تجارب و ثبت آنها در پرونده شخصی خود، راهنمایی های لازم انجام شد. بدین ترتیب که آنها تشویق شدند که در مورد تفکر نقادانه مطالعه نموده و هر روز ضمن ارزیابی نقادانه مسایل پیرامون خود و همچنین تهیه لیست مشکلات موجود، در مورد راه حل های مشکلات تفکر نموده و روزانه حداقل حدود ۱۵ دقیقه با یکدیگر در این موارد بحث نموده و روز بعد آنها را به مربی انتقال دهند. در پایان دوره هر گروه دانشجویان مجددا پرسشنامه را مشابه شرایط قبلی تکمیل نمودند. سپس بدنبال اخذ رضایتنامه کتبی، بصورت فوکوس گروپ مصاحبه ای انجام و نظر خواهی شده و نتایج کیفی استخراج گردید. در انتها تم های اصلی شناسایی و ایده های اصلی خلاصه شد. سایر داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS-V.16 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** مقایسه میانگین نمرات حاصل از سوالات پرسشنامه در پنج بعد پرسشنامه و نیز میانگین نمره کل تفکر نقادانه قبل و بعد از مداخله تفاوت معناداری نشان نداد. کوتاه بودن طول مدت کارآموزی هر گروه میتواند در نتیجه فوق تأثیر گزار بوده باشد.

همچنین یافته ها بین اختلاف میانگین کلی نمرات قبل و بعد از مداخله، با جنس مونث ارتباط مثبت و معنادار آماری داشته اما با معدل ارتباط نشان نداد.

از طرفی، نتایج کیفی حاصل از فوکوس گروپ ۳ تم اصلی را در کارآموزی فوق شناسایی کرد که عبارت بودند از: "افزایش احساس مسئولیت و وظیفه شناسی"، "درک بهتر مشکلات پیرامون" و "افزایش دقت". بطور کلی مطالعه نشان داد که فراگیران تصور مثبتی در کارآموزی فوق پیدا کرده بودند.

**نتیجه گیری:** با تأکید بر مهارت تفکر انتقادی در کوریکولوم آموزش گروه پرستاری، می توان تأثیر بسزایی در افزایش رضایتمندی و تأثیر گذاری بر معیارهای کیفی آموزشی ایجاد نمود.

## دیدگاه دانشجویان بهداشت محیط نسبت به وضعیت کارآموزی در عرصه

مهندس محمد رضا رضایی مفرد

**مقدمه:** در دستیابی دانشجویان به توانمندی های حرفه ای انجام کارآموزی در عرصه نقش بسیار مهمی داشته و توانمندی اساتید در آن بسیار حائز اهمیت است. این تحقیق با هدف ارزیابی وضعیت کارآموزی در عرصه از دیدگاه دانشجویان ترم آخر رشته بهداشت محیط در دانشگاه علوم پزشکی کاشان صورت پذیرفت.

**روش‌ها:** مطالعه ای توصیفی بر روی ۷۲ نفر از دانشجویان کارشناسی ۹۰ و ۹۱ که در حال گذراندن واحد کارآموزی در عرصه بودند در هفته آخر کارآموزی انجام شد. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه دو قسمتی، که قسمت اول اطلاعات دموگرافیک و قسمت دوم نظر دانشجویان درباره کارآموزی در عرصه بود. داده های به دست آمد و سپس با آمار توصیفی ارائه گردید.

**نتایج:** نتایج تحقیق نشان داد به طور کلی ۴۵ درصد در سطح خوب، ۳۸ درصد از دانشجویان وضعیت کارآموزی در عرصه را در سطح متوسط و ۱۷ درصد در سطح ضعیف ارزیابی نموده اند. از نظر مدت زمان دوره آموزشی ۶۰ درصد طول مدت کارآموزی را کافی، دانسته اند. از نظر توانمندی مریبان ۲۳ درصد حضور مریبان را متوسط و توانمندی اساتید با ۴۹ درصد در سطح زیاد ارزیابی شده است.

**نتیجه‌گیری:** به نظر می رسد وضعیت کارآموزی در عرصه دانشجو در جامعه مورد پژوهش در سطح متوسط می باشد. استفاده از سایر برنامه های آموزشی برای تقویت کارآموزی در عرصه پیشنهاد می گردد.

**واژه‌های کلیدی:** استاد، بهداشت محیط، ارزیابی، کارآموزی در عرصه، کاشان



## مربی بالینی اثربخش

طیبه فتاحی<sup>۱</sup>، فرخنده مهبودی<sup>۲\*</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی - کمیته تحقیقات دانشجویی - دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۲\*</sup>کارشناس ارشد پرستاری - دانشکده پرستاری و مامایی - دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

E- mail : [zeitoon\\_123@yahoo.com](mailto:zeitoon_123@yahoo.com)

**مقدمه:** آموزش بالینی به عنوان قلب تحصیلات حرفه‌ای و رکن اساسی در آموزش پرستاری محسوب می‌شود. از طرفی مربی، محور آموزش بالینی است و اثر بخشی او می‌تواند در نتایج فرآیند بالینی موثر باشد. مربیان بالینی با خلق یک محیط آموزشی مناسب، نقش بسزایی در موفقیت و کسب توانمندی‌های حرفه‌ای دانشجویان دارند. پذیرش نقش‌های مختلف در عرصه‌های خدمات بهداشتی و درمانی، کسب مهارت‌های بالینی و رفتارهای حرفه‌ای توسط دانشجویان، نیازمند وجود یک الگوی شاخص و تاثیرگذار به نام مربی بالینی اثربخش است.

**روش‌ها:** این پژوهش با استفاده از جستجوی الکترونیکی در سایت‌های معتبر علمی و مطالعات کتابخانه‌ای، پس از بررسی ۳۱ مطالعه انجام شده در این خصوص، انجام شده است.

**نتایج:** در حیطه‌ی ویژگی‌های فردی مربی، بیشترین تاکید بر ویژگی‌هایی از قبیل احترام گذاشتن به دانشجو، داشتن تجربه‌ی کافی، توانایی برقراری ارتباط با دانشجو، داشتن اخلاق نیکو، برخورد مناسب و رفتار صادقانه، قابل اعتماد بودن و نیز شیوه‌ی بیان خوب و مسلط بود. در حیطه‌ی ارزشیابی، رعایت عدالت در ارزیابی دانشجویان و عدم سوءگیری، در حیطه‌ی فرآیند آموزش بالینی، تلاش جهت کسب مهارت‌های عملی، و در حیطه‌ی آموزش تئوری، ارائه آخرین اطلاعات موجود در مورد درس، مهم‌ترین موارد بودند.

**نتیجه‌گیری:** در محیط بالینی، دانشجویان ضمن اینکه از دانش تئوری و عملی مربی بالینی بهره می‌برند، مشغول الگوبرداری از شخصیت و رفتار او نیز هستند، بنابراین ضروری است که در دانشکده‌های پرستاری، ضمن تداوم برنامه‌های ارزشیابی، به نتایج آن اهتمام ویژه داشت و برنامه‌هایی نیز در جهت ارتقا ویژگی‌ها و نیز اثربخشی بیشتر مربیان بالینی تدوین و اجرا نمود.

**واژه‌های کلیدی:** مربی بالینی اثربخش، آموزش بالینی، مربیان پرستاری، مدرس بالینی، دانشجویان پرستاری

## بکارگیری تعالیم اسلامی در آموزش بالینی

زهرا عابدینی، هدی احمري طهران، فاطمه صمدی، رضا حیدری فر  
دانشگاه علوم پزشکی قم

**مقدمه:** کاربرد طب اسلامی به عنوان یکی از انواع طب مکمل در فراهم کردن نیازهای بیماران قابل توجه است و از راهکارهای مفید در درمان و مراقبت است. مطالعه حاضر با هدف تعیین تجارب دانشجویان پرستاری از کاربرد طب اسلامی در والدین کودکان بستری در مرکز آموزشی درمانی کودکان انجام شد.

**روش‌ها:** برای هدایت این مطالعه از روش نظریه پایه استفاده شد. نمونه‌ها شامل دانشجویان پرستاری سال آخر دانشگاه علوم پزشکی قم بودند که به روش مبتنی بر هدف انتخاب شدند. دانشجویان سه روز در هفته به مدت ۵ ساعت در بخش اطفال شرکت داشتند. آنها به جمع‌آوری اطلاعات مربوط به توصیه‌های اسلام در درمان و مراقبت از بیماران خود اقدام نمودند. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه با دانشجویان استفاده شد. مصاحبه از نوع عمیق و نیمه ساختار یافته و زمان انجام آن آخرین هفته فعالیت دانشجویان بود.

**نتایج:** در این مطالعه ۳۵ دانشجوی پرستاری شرکت داشتند. درونمایه‌های استخراج شده از میان ۳۲۱ کلمه کلیدی شامل موارد ذیل بود. بر اساس یافته‌ها درمان بر اساس طب اسلامی مبتنی بر باورهای دینی و معنویت بوده و کم‌هزینه و مقرون به صرفه است. عوارض این درمانها کمتر است. این شیوه نیاز به روزآمد کردن ندارد و دارای ثبات و جامعیت است و نقض نمی‌شود. توصیه‌های اسلامی در درمان و مراقبت برای تسکین مشکلات بیماران و تسکین علائم مزمن مفید است و تکمیل‌کننده درمانهای معمول است. در عین حال منبع اطلاعاتی مناسبی برای دستیابی به درمانها وجود ندارد و پزشکان حمایتی در این زمینه برای بیماران قائل نمی‌شوند و مایل به کاربرد آن و جایگزینی نیستند.

**نتیجه‌گیری:** آموزش دانشجویان و تشویق آنان به کاربرد تعالیم اسلامی در مراقبت بیماران پیشنهاد می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** تعالیم اسلامی، پرستاری، آموزش بالینی

## بررسی منابع دانش مورد استفاده توسط پرستاران در کار بالین

دکتر احمد ایزدی\*<sup>۱</sup>، نسربین نیک پیما<sup>۲</sup>

\*استادیار دانشگاه امام حسین (ع)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی شهید بهشتی.

Nikpeyma@yahoo.com

**مقدمه:** جهت ارزیابی مراقبت با کیفیت و ایمن به بیمار گسترش و کاربرد دانش پرستاری الزامی است. پرستاران باید برای شرح موقعیت های ناشناخته و برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی پیامدهای مراقبت از بیمار بر پایه شواهد و مدارک عمل کنند. این مطالعه با هدف تعیین منابع دانش مورد استفاده توسط پرستاران در کار بالینی صورت گرفته است.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی ۱۰۰ نفر از پرستاران شاغل در بخش های مختلف بیمارستان های آموزشی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی شهید بهشتی به روش نمونه گیری آسان انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در این مطالعه یک پرسشنامه دو قسمتی شامل اطلاعات دموگرافیک و منابع دانش مورد استفاده توسط پرستاران بود که اعتبار و پایایی این ابزار به ترتیب با روش های اعتبار محتوا و آزمون مجدد اندازه گیری شد. برای تحلیل اطلاعات از نرم افزار آماری اس پی اس اس استفاده گردید.

**نتایج:** یافته های حاصل از این مطالعه نشان داد که مهم ترین منابع دانش مورد استفاده توسط پرستاران در کار بالینی به ترتیب: اطلاعات حاصل از تجربه کار با بیماران (۳۹ درصد)، اطلاعات حاصل از تحصیلات دانشگاهی و اطلاعات به دست آمده در مدت خدمت (۳۵ درصد) و کمترین منابع دانش مورد استفاده توسط پرستاران مقالات چاپ شده در مجلات پرستاری (۲ درصد) بوده است.

**نتیجه گیری:** هدف از پرستاری ارزیابی مراقبت ایمن و با کیفیت مطلوب به بیماران می باشد. با توجه به توسعه روز افزون علم و انجام پژوهش های متعددی که در حیطه پرستاری صورت گرفته، انتظار می رود زمینه استفاده از دانش نوین در عملکرد بالینی پرستاری فراهم گردد تا هم فاصله بین تئوری و عمل کاهش یابد و هم کیفیت ارائه خدمات بهداشتی به بیماران ارتقاء یابد.

**واژه های کلیدی:** منابع دانش، پرستاران، کار بالین

## آیا آموزش مهارت‌های بالینی قبل از ورود به دوره کارورزی در کاهش استرس دانشجویان پزشکی در برخورد با این دوره موثر است؟

بابک حسین زاده\*، محمودرضا رحیمی، محمدمهدی برادران مهدوی

[Babak.md85@yahoo.com](mailto:Babak.md85@yahoo.com)

مرکز پژوهش‌های دانشجویان پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

مطالعات سالهای اخیر نشان داده که میزان مهارت عملی دانشجویان پزشکی و پزشکان در بسیاری از کشورها رضایت بخش نیست. همچنین مطالعات نشان داده اند که آموزش مهارت‌های عملی در دانشجویان پزشکی به صورت مدون و بر نامه ریزی شده نیست. از این رو برگزاری کارگاه در دوره قبل از ورود به بیمارستان جهت آموزش مهارت‌های فوق لازم به نظر می‌رسد. هدف این مطالعه بررسی تاثیر آموزش مهارت های بالینی قبل از ورود به دوره ی کارورزی در کاهش استرس و افزایش مهارت‌های بالینی است. روشها: مطالعه حاضر در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در بخش مهارت‌های بالینی انجام گردید. 70 نفر از دانشجویان پزشکی بعد از گذراندن آزمون بیش کارورزی وارد مطالعه شدند. سنجش عملکرد جاری دانشجویان در مورد مهارت‌های تزریقات داخل وریدی، احیاء قلبی ریوی پایه و پیشرفته، لوله گذاری تراشه، بخیه، تعبیه ی کاتتر ادراری و لوله ی بینی-معدده و با استفاده از تنظیم فرمهای جداگانه برای هر یک از مهارتها آغاز گردید. پرسشنامه ها، قبل و پس از آموزش بصورت خودسنجی توسط دانشجویان پرشدند (بسیار زیاد = 4، زیاد = 3، متوسط = 2، کم = 1، خیلی کم = 0). برای سنجش میزان ارتقاء در این مطالعه از اندازه گیری میانه، میانگین و انحراف معیار استفاده شد. همچنین میزان استرس دانشجویان نیز قبل و بعد از آموزش در پرسشنامه ها لحاظ شد. (بر اساس همان مقیاس قبلی) تجزیه و تحلیل یافته ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد. یافته ها: تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده در این مطالعه حاکی از افزایش میزان امتیاز مهارت احیاء قلبی - ریوی پایه از  $0/85 + 1/55$  به  $0/5 + 3/5$  بر مبنای چهار می باشد. در مورد مهارت لوله گذاری تراشه میانگین امتیاز از  $0/77 + 1/42$  به  $0/61 + 3/24$  بر مبنای چهار افزایش یافت. در مورد تزریقات وریدی نیز افزایش میانگین امتیاز از  $0/63 + 1/65$  به  $0/51 + 3/39$  بوده است. در مورد تعبیه ی کاتتر ادراری میانگین امتیاز از  $1/75+0/52$  به  $3/25+0/64$  افزایش داشت. میزان امتیاز مهارت احیاء قلبی - ریوی پیشرفته از  $0/75+0/2$  به  $1/36+0/54$  افزایش داشت. میزان امتیاز مهارت احیاء قلبی - ریوی پیشرفته از  $0/75+0/2$  به  $2/76+0/40$  افزایش نشان داد. امتیاز مهارت بخیه زدن قبل از آموزش  $1/2+0/62$  و بعد از آموزش  $3/12+0/36$  بود. همچنین میزان امتیاز استرس از  $3/75+0/2$  به  $1/2+0/34$  کاهش داشت. نتیجه: این مطالعه نشان داد که آموزش مهارت های بالینی قبل از ورود به دوره ی کارورزی نقش بسزایی در بهبود مهارت‌های عملی و کاهش استرس دانشجویان پزشکی دارد.

## حکایت های کوتاه بالینی به عنوان ابزاری برای یادگیری بالینی؛ الهام گرفته از آیه ی شریفه "فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ"

فاطمه مهرآور\*، دکتر اکرم ثناگو<sup>۲</sup>، دکتر لیلا جویباری<sup>۳</sup>

\*دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران

f.mehravar2012@yahoo.com

<sup>۲</sup>دانشیار دانشگاه علوم پزشکی گلستان، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

<sup>۳</sup>دانشیار دانشگاه علوم پزشکی گلستان، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

**مقدمه:** با توجه به آیه شریفه "فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ" (ای صاحبان بصیرت عبرت بگیرید). هر تجربه یک نکته برای آموختن دارد. یکی از شیوه هایی که می تواند در یادگیری تجربیات بالینی دانشجویان موثر باشد، ثبت روز نوشت های بالینی توسط دانشجویان می باشد. دانشجو با ثبت هر مراقبت، یک تجربه آموخته را ثبت می نماید که نه تنها برای خود بلکه برای سایر دانشجویان نیز مفید خواهد بود. این مطالعه با هدف به کارگیری از حکایت های کوتاه بالینی به عنوان ابزاری برای آموزش و یادگیری دانشجویان انجام شده است.

**روش ها:** این مطالعه از نوع پژوهش های آموزشی طولی است که از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۱ اجرا شده است. گروه هدف در تمامی مدت اجرای این فرآیند کارورزان پرستاری ترم هشت بودند. در هر نیمسال کورسورته های ۲۵ تا ۳۰ دانشجو وارد عرصه می شوند. در مجموع تاکنون حداقل ۱۵۰ دانشجو بین یک تا دو حکایت بالینی به عنوان بخشی از ارزیابی های کارپوشه خود نوشته اند. برای بررسی دیدگاه دانشجویان در پایان هر نیم سال حداقل با ده تن از دانشجویان از هر گروه مصاحبه به عمل آمد و از آن ها سوال شد نوشتن حکایت بالینی چه فواید آموزشی داشته است. کیفیت حکایات بالینی نیز بر اساس روش تحلیل محتوا آنالیز شدند.

**نتایج:** بسیاری از دانشجویان اظهار داشته اند استماع یا خواندن تجربیات یکدیگر می تواند تصویری از محیط بالینی و خطاهای احتمالی و راه هایی که سایرین رفته اند را روشن نماید. مضامین زیر از مصاحبه با دانشجویان استخراج شد. "شبه سازی موقعیت بالینی برای دانشجو؛ انتقال دانش با استفاده از روش منتورشیپ؛ تغییر شیوه انتقال دانش و تجربیات از شیوه استاد- دانشجو به شیوه همتایان، در اختیار گذاشتن تجربیات زنده بالینی همتایان و ایجاد هوشیاری؛ انتقال حکایات مراقبتی در گروه های کوچک نیمه ساختار" از دیگر پیامدهای این فرآیند بوده است. "اولی الابصار" اشاره به کسانی است که حوادث را به خوبی می بینند، و با چشم باز موشکافی می کنند و به عمق آن می رسند.

**نتیجه گیری:** این شیوه یادگیری بالین را تنها در کار عملی نمی داند بلکه، دانسته های دیگران و تجربیات دیگران را نیز منبعی برای یادگیری می داند. دانشجویان می توانند از تجربیات بالینی همتایان خود که آکنده از نکاتی آموزشی، ارتباطی، مفاهیم اصیل مراقبتی، اخلاقی، خطاها و ... می باشد استفاده کنند.

**واژه های کلیدی:** حکایات کوتاه بالینی، آیات قرآنی، دانشجو، یادگیری بالینی

## وضعیت یادگیری مهارتهای عملی توسط کارورزان

دکتر منصوره مومن هروی\*، آزاده ظهیری

\*دکتر توسعه آموزش دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

[mansoreheravi@yahoo.com](mailto:mansoreheravi@yahoo.com)

**مقدمه:** مهارتهای عملی مهارتهایی هستند که انجام آنها نیازمند هماهنگی دقیق مغز با سلولهای حسی و حرکتی است مثل معاینه بیمار، انواع تزریقات مراحل تکامل تدریجی آموختن یک مهارت عملی شامل ادراک، آماده سازی، پاسخ هدایت شده، اجرای مستقل، پاسخ دقیقتر و هماهنگی حرکات، تعدیل کردن، منشأ ابتکار شدن است. در مرحله هماهنگی حرکات بدن به آسانی و با کنترل خوب عضلات با یک هماهنگی قوی صورت می گیرد. در این مرحله فراگیرنده با راهنمایی و تکرار، چند مهارت مختلف مربوط به هم را بطور همزمان انجام میدهد این مطالعه به منظور بررسی نحوه یادگیری مهارتهای عملی توسط دانش آموختگانی که به عنوان پزشک عمومی وارد جامعه میشوند صورت گرفت.

**روش‌ها:** این مطالعه مقطعی روی ۲۸ دانش آموخته دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال ۱۳۹۱ انجام گردید از دانش آموختگان در مورد نحوه یادگیری مهارتهای مهم شامل تزریقات، پانسمان، بخیه، انجام و تفسیر ABG، سوند ادراری، گذاشتن NG Tube و چست تیوب و..... سوال شد و جوابها بصورت فقط مشاهده بدون تجربه عملی، انجام مهارت روی مولاژ، چند بار روی انسان زیر نظر استاد، چند بار روی انسان بصورت مستقل مشخص میشد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بود و آنالیز اطلاعات با SPSS انجام شد.

**نتایج:** بیشترین مهارتهایی که دانش آموختگان چندین بار بتنهائی انجام داده بودند و به مرحله هماهنگی حرکات رسیده بودند شامل تزریقات، بخیه و CPR ۲۰ (۸۷٪)، تفسیر نوار قلب ۱۹ (۸۲٫۶٪)، لوله گذاری ۱۸ (۷۷٫۳٪)، آتل بندی، گرفتن نوار قلب، سوند ادراری و تفسیر گرافی های روتین ۱۶ (۶۹٫۶٪)، گذاشتن NG Tube، کریکوتومی، پانسمان ۱۴ (۶۰٫۹٪)، زایمان طبیعی انجام ABG و تفسیر ABG ۱۳ (۵۶٫۵٪)، کت دان ۱۱ (۴۷٫۸٪)، گذاشتن چست تیوب و پاپ اسمیر ۹ (۳۹٫۱٪)، گذاشتن IUD و انجام PPD ۷ (۳۰٫۴٪)، تپ مایع مفصل و تپ آسیت ۶ (۲۶٫۱٪)

مهارتهایی که در حد مشاهده بدون تجربه عملی یاد گرفته شده بودند شامل: انجام ABG ۲ (۸٫۷٪) - سوند ادراری ۱ (۴٫۳٪) - لوله گذاری سینه ۳ (۱۳٪) - انجام پاپ اسمیر ۵ (۲۱٫۷٪) - گذاشتن IUD ۶ (۲۶٫۱٪) - زایمان طبیعی ۱ (۴٫۳٪) - پونکسیون مایع نخاع ۷ (۳۰٫۴٪) - اینتوباسیون ۲ (۸٫۷٪) - CPR ۱ (۴٫۳٪) - کت دان ۲ (۸٫۷٪) - آتل بندی ۱ (۴٫۳٪) - تپ مایع آسیت و تپ مایع مفصل ۶ (۲۶٫۱٪) - کریکوتومی ۱ (۴٫۵٪)

**نتیجه‌گیری:** مهارتهایی چون تزریقات، بخیه و CPR و لوله گذاری سوند ادراری و گذاشتن NG Tube به خاطر اهمیت بیشتر، **must learn** بودن در اکثر بخشهای ماژور که طول مدت بیشتری از دوران کارورزی در آن طی میشود فرصت بیشتر یادگیری و تمرین و در نتیجه رسیدن مهارت در حد هماهنگی حرکات داشته اند. لذا شایسته است با مشخص نمودن و تاکید بیشتر بر کلیه مهارتهای عملی ضروری پزشکان عمومی به آموزش این مهارتها در دوران کارورزان همت گمارد.

**واژه‌های کلیدی:** مهارت عملی، یادگیری، کارورزان

## مشکلات آموزش بالینی پرستاری از دیدگاه دانشجویان

دکتر محمد علی حسینی<sup>۱</sup>، دکتر فرحناز محمدی<sup>۱</sup>، سیده نگار پوروخشوری<sup>۲\*</sup>، کبری کرمی<sup>۲</sup>

nvakhshoori@gmail.com

<sup>۱</sup>عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، استادیار گروه پرستاری

<sup>۲\*</sup>دانشجوی دکتری تخصصی پرستاری دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

**مقدمه:** پرستاران بخش بزرگی از پرسنل نظام سلامت را تشکیل می دهند. توانایی بالینی این نیروی عظیم، تأثیر بسزایی بر سلامت جامعه خواهد داشت. یکی از راههای کسب اطمینان از توانمندی های آنان فراهم نمودن آموزش بالینی مؤثر است و این مسأله موجب توجه به آموزش بالینی از ابعاد گوناگون گردیده است. آموزش بالینی مهمترین بخش در آموزش پرستاری و جزء لاینفک آن می باشد. در این مرحله از آموزش، مهارت ها آموزش داده می شوند، واقعیت های موجود در محیط کار به فراگیران تفهیم می شوند و آموخته ها در عمل به اجرا در می آیند. بررسی ها نشان می دهد دانش آموختگان جدید پرستاری، علیرغم داشتن پایه تئوریک قوی، از تبحر و مهارت کافی در محیط های بالینی برخوردار نبوده و در فرآیند مشکل گشایی دچار ضعف هستند. این مطالعه با هدف تعیین مشکلات آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت انجام شد.

**روش ها:** در مطالعه ای توصیفی مقطعی ۶۶ دانشجوی پرستاری واجد شرایط به روش سرشماری انتخاب شدند. دیدگاه دانشجویان پیرامون مشکلات آموزش بالینی توسط پرسشنامه ای پایا و روا مورد ارزیابی قرار گرفت. یافته ها بصورت آمار توصیفی گزارش و پاسخهای دانشجویان به دو سوال باز پاسخ در انتهای پرسشنامه، بصورت تحلیل محتوا مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** اکثر دانشجویان (بیش از ۵۰٪) کارآیی دوره های آموزش بالینی را در کسب مهارت در اجرای فرآیند پرستاری و آموزش به بیمار نسبتاً ضعیف تا ضعیف ارزیابی کردند. دانشجویان، مشکلاتی از قبیل دسترسی ناکافی به امکانات آموزشی مناسب، عدم همکاری تیم بهداشتی و درمانی و عدم حضور اساتید مجرب در برخی بخش ها را به عنوان مهمترین علت بیان نموده و معتقد بودند بایستی تغییراتی در نحوه اجرای کارآموزی بالینی ایجاد شود.

**نتیجه گیری:** وضعیت آموزش بالینی در پرستاری از دیدگاه دانشجویان مطلوب نبوده و نیاز به تامین امکانات و تجهیزات محیط بالینی و بازنگری ابزارها و فرآیندهای ارزشیابی بالینی محسوس می باشد. اگرچه هدف آموزش بالینی ارتقای مهارت های دانشجویان برای ارائه خدمات بوده و دیدگاه کلی دانشجویان نسبت به آن مثبت است، اما در اجرا، مشکلات متعددی وجود دارد که بایستی مورد توجه مسئولین و برنامه ریزان آموزش پرستاری قرار گیرد. ارتقای عملکرد مربیان و جذب همکاری های حرفه ای می تواند در بهبود آموزش بالینی مفید واقع شود.

**واژه های کلیدی:** آموزش بالینی، پرستاری، دانشجو، مشکلات آموزش

## تأثیر بکارگیری مدل همکار آموزش بالینی (CTA) بر یادگیری بالینی و رضایت

### دانشجویان پرستاری

سمانه پارچه بافیه<sup>۱\*</sup>، سیما لک دیزجی<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> عضو هیات علمی دانشگاه آزاد- واحد پزشکی تهران

<sup>۲</sup> عضو هیات علمی دانشگاه تبریز

parchebafieh\_s@yahoo.com

**مقدمه:** در راستای حل مشکلات آموزش بالینی از جمله تبحر پایین فارغ التحصیلان در زمینه کسب مهارتها و توانمندیهای لازم در پایان دوره آموزش بالینی پرستاری و ضرورت استفاده از روشهای نوین آموزش بالینی جهت ارتقای کیفیت آموزش بالینی این مطالعه جهت بررسی تأثیر بکارگیری مدل همکار آموزش بالینی بر یادگیری بالینی و رضایت دانشجویان پرستاری طراحی گردیده است.

**روشها:** این مطالعه از نوع نیمه تجربی می باشد. در طول یک ترم تحصیلی با روش تمام شماری، دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری تبریز با واحد کارآموزی داخلی جراحی ۳ (۶۰ نفر) به طور تصادفی ساده به دو گروه مورد و شاهد تقسیم، گروه شاهد با روش متداول و گروه مورد با مدل همکار آموزش بالینی آموزش دیدند. یادگیری حیطه شناختی، مهارتی و رضایت دانشجویان بوسیله پرسشنامه و چک لیست پس از دو هفته ارزیابی شد. برای تحلیل داده ها از نرم افزار **SPSS (Ver 13)** استفاده گردید.

**نتایج:** هر دو روش در ارتقای یادگیری حیطه دانش دانشجویان موثر بوده اند. اما اختلاف میانگین مهارت رضایت دانشجویان ( $p=0/24$ ) و رضایت دانشجویان ( $p=0/92$ ) در دو گروه از لحاظ آماری معنی دار نبود. این در حالیست که در میزان یادگیری شناختی تفاوت آماری معنی داری مشاهده شد ( $p=0/004$ ).

**نتیجه گیری:** تأثیر این دو مدل بر یادگیری حیطه مهارت بالینی و رضایت دانشجویان تفاوتی نداشت. اما یادگیری حیطه شناختی در گروه شاهد (با روش متداول) بیش از گروه مدل همکار بالینی بوده است. لذا فراهم سازی بستر مناسب آموزش بالینی در جهت استفاده از مدل همکار بالینی توصیه می گردد.

**واژه های کلیدی:** آموزش بالینی، مدل همکار آموزش بالینی، یادگیری، رضایت.



## یادگیری مبتنی بر خدمت در آموزش پزشکی

پرستو او جیان\* \_ دکتر فریبا حقانی

\*دانشجوی دکترا علوم پزشکی اصفهان

[p\\_oujian@yahoo.com](mailto:p_oujian@yahoo.com)

**مقدمه:** یکی از مهمترین بخش های آموزش در رشته های علوم پزشکی آموزش بالینی است. برای اینکه بتوان در این مسیر گام های مؤثر و موفقیت آمیز برداشت ، باید رویکردی مؤثر و همگام با توسعه دانش امروزی و آنچه مورد نیاز دانشجویان و دریافت کنندگان خدمات است اتخاذ گردد. یادگیری مبتنی بر خدمت یکی از انواع رویکردهایی است با اثرات مثبت و باقوه ای که می تواند در ایجاد تعهد و مسئولیت پذیری دانشجویان بگذارد

**روش ها:** این مقاله مروری به بررسی رویکرد یادگیری مبتنی بر خدمات در آموزش پزشکی با مراجعه به کتب و موتورهای جستجوگر اینترنتی و پایگاه های اطلاعاتی نظیر Elsevier, Springer, SID, Iran doc, Pubmed انجام گرفته است و از مقالاتی که بصورت متن کامل بوده اند استفاده شده است. واژگان کلیدی مورد استفاده در این جستجو شامل رویکرد یادگیری مبتنی بر خدمت و آموزش پزشکی بوده است.

**نتایج:** یادگیری مبتنی بر خدمت یک راهبرد ارزشمند جهت آموزش خدمات حرفه های بهداشتی است که پاسخ به نیازهای جامعه را با آموزش های دانشگاهی پیوند می زند و این یادگیری از تجربیات ساختارمند حاصل می شود که مرتبط با خدمات اجتماعی است و اهداف آموزشی دارد و شرایط و زمینه ای را فراهم میکند تا مطالب آموخته شده از کتاب های مرجع ، مقالات و سایر منابع در یک فعالیت اجتماعی مداوم و پیچیده برای گروه های آسیب پذیر از افراد به اجرا در بیاید و باعث بهبود شرایط اجتماعی شود. و در نهایت یک حالت برد-برد برای گروه های درگیر در آن ایجاد می کند.

**نتیجه گیری:** با توجه به اثرات بسیارمطلوب این رویکرد هم در یادگیرندگان و هم در افراد دریافت کننده خدمت ، پیشنهاد می شود به این رویکرد به منظور کاهش فاصله تئوری تا عمل در دانشجویان رشته های علوم پزشکی توجه بیشتری مبذول گردد.

**واژه های کلیدی:** یادگیری مبتنی بر خدمت ، آموزش پزشکی، آموزش بالینی

## نقش معلم پرستاری در دانشگاه های علوم پزشکی

فریبا بلورچی فرد، دکتر شهرزاد غیاثوندیان  
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران

**مقدمه:** هر چند به نقش های عضو هیات علمی دانشگاه به طور عام در آئین نامه نظام آموزش عالی کشور اشاره شده است ، اما به نظرمی رسد که وجود اختلاف میان نقش محول و محقق معلم پرستاری ناشی از تنوع درک و تجربه اعضای هیات علمی پرستاری از نقشی است، که به صورت زیر بنائی بر تحقق اهداف آموزشی پرستاری تاثیر دارد .  
هدف : تبیین نقش های معلم پرستاری در دانشگاه های علوم پزشکی.

**روش ها:** از آنجائی که نسبت به پدیده نقش معلم پرستاری شناخت کافی در دست نیست، مطالعه کیفی به روش تحلیل محتوا با رویکرد قراردادی انجام گردید. جمعیت مورد مطالعه اعضای هیات علمی و مسئولین دانشکده های پرستاری و مامایی دانشگاه های علوم پزشکی ؛ وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می باشند . انتخاب مشارکت کنندگان با توجه به هدف پژوهش ابتدا از اعضای هیات علمی پرستاری آغاز و با مسئولین تا زمانی که اشباع رخ دهد، نمونه گیری ادامه یافت. جمع آوری داده ها با بکارگیری روش مصاحبه فردی نیمه ساختار یافته و سؤال باز برای کشف و توصیف شرکت کنندگان از نقش معلم پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی انجام شد.

**نتایج:** روش تحلیل محتوا جهت آنالیز داده ها استفاده شد. تحلیل در این مراحل انجام گرفت : ضبط مصاحبه ها، پیاده سازی متن کامل پس از اتمام هر مصاحبه ، خواندن خط به خط متن های پیاده شده ، بازخوانی های مکرر برای تعیین مفاهیم (کد گذاری) مستقیماً از داده ها ، قرار دادن داده هائی که مفهوم یکسان دارند در یک گروه ( گروه بندی داده ها را به درون طبقه های مشابه )، ایجاد تم یا مضامین .

**نتیجه گیری:** استفاده از تجربیات افرادی که در تدوین و کاربرد ، و توسعه آموزش پرستاری نقش دارند و پدیده را در محیط واقعی آن درک و تجربه کرده اند ، سبب شناخت بهتر و جامع تر نقش معلم پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی می شود. در حقیقت با استفاده از تحقیق کیفی ، درک عمیق یک موقعیت که همان نقش معلم پرستاری در دانشگاه های علوم پزشکی است را از دیدگاه های متعدد و متنوع این افراد به دست آمد .

**واژه های کلیدی:** پژوهش کیفی، نقش معلم پرستاری، نقش عضو هیات علمی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی

## اهمیت تدریس الگومحور در آموزش بالینی دانشجویان پرستاری

سپیده محمدی<sup>۱\*</sup>، دکتر فریبا حقانی<sup>۲</sup>، مریم احسانی<sup>۳</sup>

\*دانشجوی دکتری پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

Email: sepidmohamadi@nm.mui.ac.ir

<sup>۲</sup> هیات علمی گروه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

**مقدمه:** آموزش بالینی دانشجویان پرستاری با هدفی فراتر از آموزش تکنیک های درمانی صورت می گیرد و بیشترین تاکید آن بر روی شکل گیری هویت پرستاری و اجتماعی شدن دانشجویان است. در این راستا الگومحوری یا تدریس با سرمشق شدن، از مؤثرترین و صحیح ترین روشها برای انتقال تجربیات و نگرش های حرفه ای به دانشجویان است؛ ولی با این وجود، الگومحوری به عنوان استراتژی آموزشی عملی، به خوبی شناخته نشده و تدریس الگومحور، چالش کنونی برنامه درسی پرستاری است.

**روش ها:** این مطالعه از نوع مروری است که به بررسی مقالات و کتب مرتبط با تدریس الگومحور و تاثیر آن در آموزش بالین پرستاری طی سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ پرداخته است.

**نتایج:** الگومحوری جوهره فرایند تدریس و روش تدریس موثر در آموزش پزشکی است و نشات گرفته از نظریه یادگیری اجتماعی بندورا می باشد که معتقد است مردم می توانند رفتارها را از طریق مشاهده یاد بگیرند و تقلید کنند. این الگو در دسته برنامه های آموزش مخفی قرار می گیرد و بیشترین تاثیر را در آموزش حیطه عاطفی دانشجویان از جمله یادگیری مهارت ارتباط با بیمار و سایر پرسنل، ایجاد هویت، احترام، ارزش گذاری، همدلی، خودکارآمدی، صبر و تحمل و اشتیاق به حرفه، دارد. راه یادگیری دانشجویان در این روش مشاهده و تقلید است که به صورت مداوم و در همه جا صورت می گیرد. برای اینکه یک مدرس به عنوان الگوی خوب شناخته شود ابتدا می بایست شخصیت خود، دانشجویان و سپس استراتژی ارگان آموزشی را بشناسد و به پروراندن شایستگی بالینی و مهارتهای تدریس بپردازد. از جمله مزایای بسیار مهم این شیوه شکل گیری نقش اجتماعی، تعهد و هویت شغلی است و از مهم ترین معایب آن اینست که دانشجویان علاوه بر یادگیری رفتارهای مثبت اساتید، نقش های منفی وی را نیز می آموزند. این شیوه تدریس در علوم پزشکی و خصوصا پرستاری که داشتن دیدگاه کل نگر به مددجو را آموزش می دهد و برقراری ارتباط و رفتار اجتماعی جز اصلی رشته است، بسیار موثر شناخته شده است.

**نتیجه گیری:** رشته پرستاری به گونه ایست که در کلاس های نظری بیشتر به حیطه دانش توجه می شود و انتظار می رود آموزش حیطه عاطفی در آموزش بالین صورت گیرد. محیط بالین مکانیست که به دانشجویان پرستاری فرصت می دهد تا به صورت مداوم به مشاهده و مقایسه الگوها و تمرین رفتارهای اساتید و پرستاران بپردازند. از آنجا که محیط بالین اصلی ترین

مکان الگوگیری دانشجویان در زمینه اخلاق و ارتباط محسوب می شود از اساتید پرستاری انتظار می رود تا با شناسایی بیشتر این الگوی تدریس، نقش بسزایی در تربیت پرستاران شایسته داشته باشند و با ارتقا و شناسایی شخصیت خود به گونه ای رفتار کنند تا منجر به الگوگیری منفی توسط دانشجویان نگردند.

**واژه های کلیدی:** الگومحوری، آموزش بالین، پرستاری

## ارتقاء فرایند آموزش بالینی با رویکرد small group و بحث گروهی در کارآموزی بالینی دانشجویان

احمد کاملی<sup>۱\*</sup>، هادی عباسپور<sup>۲</sup>، ناهید شکوری<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> کارشناس ارشد پرستاری مراقبتهای ویژه عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

Email: [ahmad\\_kamely@yahoo.com](mailto:ahmad_kamely@yahoo.com)

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد آموزش پرستاری عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۳</sup> کارشناس پرستاری، بیمارستان امام علی بجنورد

**مقدمه:** سالهاست در کارآموزی های بالینی جهت دانشجویان ارایه یک کنفرانس توسط یک دانشجوی و گوش فرا دادن توسط بقیه دانشجویان به صورت یک عادت در آمده است. ارایه کنفرانس به روش سخنرانی معمولا یک کار کسل کننده با بازدهی کم است. در صورتی که روش بحث گروهی یکی از روشهای موثر آموزشی است، زیرا محور کار در این روش مباحثه و مناظره می باشد. با توجه به اینکه معمولا در کارآموزی ها مربی با یک گروه نسبتا کوچک ۵ الی ۷ نفر برخورد دارد. به نظر می آید فراگیر شدن روش بحث گروهی باعث افزایش بهره وری و ماندگاری اطلاعات علمی در بین دانشجویان می گردد.

**روشها:** دانشجویان در باره نحوه ارایه بحث گروهی آشنا و آنها را به سمت های مختلف نظیر رهبر، دبیر و ... تقسیم می نماییم. مربی نیز نقش فرد مطلع را به عهده گرفته و هر موقع احساس نماید بحث از مسیر اصلی خارج شده یا بین دو نفر از اعضای گروه به طور غیر منطقی پیش می رود دخالت می نماید. ارزشیابی دانشجویان بر پایه آزمون انتهایی از این منابع و نحوه شرکت دانشجویان و استفاده آنان از منابع و رفرنس های علمی انجام می گیرد. جمع آوری اطلاعات: ۱- یادداشت های روزانه مربی ۲- مصاحبه ۳- فرم های مشاهده ارزیابی می گردد.

**نتایج:** سطح یادگیری در دانشجویان در طی دوران کارآموزی بر اساس ارزیابی مربی اظهارات دانشجویان ارتقاء پیدا نموده بود، قدرت تفکر نقادانه و اظهار نظر در فراگیران که طبق نظر دانشجویان در مصاحبه ها ارتقاء پیدا نموده بود.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه این نحوه آموزش در گروه های کوچک بسیار موثر می باشد، به نظر می آید انجام روش بحث گروهی در کارآموزی ها بتواند در میزان یادگیری دانشجویان موثر واقع گردد. ایجاد انگیزه در دانشجویان جهت مطالعه پیرامون مطلب و عدم آشنایی دانشجویان سالهای اول با روشهای جمع آوری مطالب از مشکلات این کار می باشد.

**واژه های کلیدی:** بحث گروهی، گروه کوچک، کارآموزی بالینی

## آموزش چگونگی اندازه گیری فشارخون به دانشجویان ترم اول مامایی دانشگاه

### علوم پزشکی همدان به روش ترکیبی خودآموز و پرسش و پاسخ و نمایش

رفعت بخت\*، افسر امیدی، سودابه آقابابایی، دکتر پریسا پارسا

\*عضو مرکز تحقیقات مراقبتهای مادر و کودک و عضو هیئت علمی گروه بهداشت مادر و کودک دانشگاه علوم پزشکی

همدان

[rbakht@yahoo.com](mailto:rbakht@yahoo.com)

**مقدمه:** بررسی علائم حیاتی و از جمله فشارخون برای بررسی وضعیت جسمی افراد ضروری می باشد و لازم است بطور مناسب آموزش داده شود. لذا مطالعه حاضر جهت بررسی چگونگی آموزش اندازه گیری فشارخون و طبقه بندی آن به دانشجویان ترم اول مامایی همدان به روش ترکیبی خودآموز و پرسش و پاسخ و نمایش انجام شد.

**روشها:** در نیمسال اول ۹۱-۹۰ و ۹۲-۹۱ با پرسیدن چند سوال شفاهی در مورد فشارخون مشخص گردید که دانشجویان ترم اول مامایی در این خصوص اطلاع چندانی ندارند و از آنها در ۲ گروه ۱۹ و ۲۲ نفره خواسته شد که مطالب ارائه شده در جزوه آموزشی داده شده و همچنین مطالب مربوطه دو کتاب مشخص را مطالعه نمایند. در کلاس برای ارزیابی آموخته های دانشجویان به صورت خودآموز ابتدا آزمون کوتاهی حاوی ۲۰ سوال که ۱۰ سوال برای ارزیابی چگونگی نحوه اندازه گیری و ۱۰ سوال برای ارزیابی طبقه بندی فشارخون بود بعمل آمد. سپس به سوالات دانشجویان پاسخ داده شد و در ادامه مدرس به روش نمایش نحوه اندازه گیری فشارخون را آموزش و همه دانشجویان آن را بصورت عملی انجام داده و اشکالات آنها برطرف شد سپس در پایان آزمون کوتاه دیگری برگزار شد که حاوی همان سوالات قبلی بود و در برگیره ای مجزا که بی نام بود وضعیت مطالعه قبل از کلاس و نظرات آنها در خصوص تاثیر این روش سوال شد. سپس آزمونهای کوتاه که ۲۰ نمره داشته بررسی و نمرات و نظرات دانشجویان تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** میانگین نمرات دانشجویان پس از یادگیری خودآموز ۱۲,۴۱ و پس از ترکیب با روش پرسش و پاسخ و نمایش ۱۷,۸۷ بوده و آزمون تی زوجی اختلاف معنی داری را با  $P=0.000$  نشان داد. از ۴۱ نفر ۳۶ نفر برگره مربوط به وضعیت مطالعه قبل از کلاس و نظراتشان در خصوص تاثیر این روش را عودت دادند که ۱۹ نفر ذکر نمودند که قبل از کلاس جزوه آموزشی را مطالعه و هیچیک از دو کتب معرفی شده را مطالعه ننموده بودند. در خصوص تاثیر روش آموزشی تلفیقی ۴۲٪ تاثیر آن را خیلی زیاد و اکثر دانشجویان آزمون های کوتاه در ابتدای درس را از نقاط قوت این روش ذکر نمودند.

**نتیجه گیری:** آموزش ترکیبی در یادگیری فعال موثر بوده و انجام آزمون های کوتاه در ابتدای درس موجب جلب توجه فراگیران به موارد مهم درس می شود.

**واژه های کلیدی:** آموزش، فشارخون، خودآموز، پرسش و پاسخ، نمایش

بکارگیری راندهای بالینی پرستاری بر میزان رضایت از یادگیری دانشجویان پرستاری  
و مامایی و والدین کودکان بستری در بخشهای کودکان بیمارستان بعثت همدان در  
سال ۱۳۹۱

طیبه حسن طهرانی<sup>۱</sup>، مریم دهقانی<sup>۲</sup>، حسن بزم آمون<sup>۳\*</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان <sup>۲</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان <sup>۳\*</sup> عضو هیئت

علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان

[Dbazmamoun@yahoo.com](mailto:Dbazmamoun@yahoo.com)

**مقدمه:** آموزش تئوری و بالینی در پرستاری ارتباط تنگاتنگی دارند، زیرا آن چیزی که دانشجوی پرستاری در کلاس درس یاد گرفته آنرا باید در محیط بالین بکاربرد. لذا یادگیری در محیط بالین نیاز به روشهایی متنوعی دارد. راندهای بالینی کمک میکند تا دانشجو با برآیند یادگیری مواجه شود. لذا این مطالعه با هدف بکارگیری روش راندهای بالینی پرستاری بر میزان رضایت از یادگیری در دانشجویان پرستاری و مامایی و والدین کودکان بستری در بخشهای کودکان انجام گردید

**روشها:** مطالعه نیمه تجربی حاضر در نیمسال تحصیلی ۹۱-۹۲ در بخشهای کودکان بیمارستان بعثت همدان با ۸۱ نمونه دانشجوی پرستاری و مامایی انجام شد. پس از آموزش روش راند بالینی توسط مدرسین، دانشجویان بر اساس روش کار موظف بودند با انجام یک مصاحبه ساختار مند، نیازهای آموزشی کودکان و والدین، آنها را لیست نمایند. بر اساس شرح حال داده شده و آموزش های لازم به صورت راند بالینی بین دانشجویان و اساتید برگزار می شد. ابزار گردآوری داده ها شامل دو پرسشنامه محقق ساخته بود که با توجه به اهداف مطالعه تنظیم گردید. پرسشنامه ها بعد از هر راند در اختیار دانشجویان و والدین کودکان بستری جهت تکمیل قرار گرفت.

**نتایج:** یافته ها نشان داد ۶۶/۷ درصد دانشجویان از میزان یادگیری راجع به علائم و نشانه های بیماری، اعمال تشخیصی، روشهای درمانی، ۸۶/۷ درصد رژیم غذایی، ۵۳/۳ درصد پیشگیری از عفود بیماری، تدابیر پرستاری و برنامه مراقبت در منزل، ۴۰ درصد از مفهوم بودن مطالب مطرح شده در راند و ۷۱/۴ درصد از میزان نظرخواهی و اجازه بحث در طول راند، راضی بودند همچنین نتایج نشان داد، بطور کلی ۶۶/۷ درصد دانشجویان معتقد بودند میزان یادگیری از این روش، نسبت به روشهایی دیگر خوب بوده است. ۸۰ درصد والدین از میزان یادگیری راجع به علائم و نشانه های بیماری، ۵۰ درصد روشهای درمانی، ۶۰ درصد رژیم غذایی، ۱۰۰ تدابیر پرستاری و برنامه مراقبت در منزل، ۸۰ درصد از میزان نظرخواهی، اجازه بحث و توجه به صحبت های والدین و ۱۰۰ درصد از برقراری ارتباط عاطفی بین دانشجویان و بیمار کاملاً راضی و ۶۰ اعمال تشخیصی، ۸۰ درصد دارو و عوارض دارویی، ۶۰ درصد پیشگیری از عفود بیماری، ۸۰ درصد از مفهوم بودن مطالب مطرح شده راضی بودند.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج، کاربرد این روش میتواند در یادگیری عمیق و افزایش انگیزه دانشجویان اثربسزایی داشته باشد. از طرفی تا حدود زیادی فاصله بین تئوری و عمل که از چالشهای مهم رشته پرستاری و مامایی است را کمتر کند.

**واژه های کلیدی:** راندهای بالینی پرستاری / رضایت از یادگیری / دانشجویان پرستاری و مامایی / والدین کودکان بستری

## تبیین تجربیات دانشجویان پرستاری و مامایی در خصوص راهکارهای بهبود در آموزش بالینی

مهديه ممیزی\*<sup>۱</sup>، محمد ممیزی<sup>۲</sup>

\*کارشناس ارشد آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات پیشگیری و اپیدمیولوژی بیماری های غیر واگیر، دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

Mahdieh\_momayyezi@yahoo.com

<sup>۲</sup>دانشجوی پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

**مقدمه:** امروزه آموزش دانشجویان پرستاری و مامایی در بالین بیمار، مبتنی بر برنامه های از پیش تعیین شده ای است که در آن نقش مربیان مورد تاکید ویژه قرار گرفته است. تدریس بالینی از مهم ترین بخش های فرایند آموزش است. بنابراین می تواند یکی از محورهای مهم بررسی وضعیت رعایت عدالت در فرایند آموزش باشد. پژوهش حاضر به بررسی وضعیت موجود و مطلوب عدالت در آموزش بالینی از دید دانشجویان می پردازد.

**روش ها:** این مطالعه از نوع توصیفی-مقطعی است. برای جمع آوری اطلاعات ۱۰۰ پرسشنامه خود ساخته، که روایی و پایایی آن توسط اساتید و آزمون آماری برآورد شده بود به روش نمونه گیری تصادفی در بین دانشجویان پرستاری-مامایی توزیع شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS/ver16 استفاده گردید

**نتایج:** طبق نظر افراد مورد پژوهش وجود مربیان با تجربه و توجه به ارزشیابی بالینی (۸۰٪) و توجه به تجربیات قبلی در آموزش بعدی و هماهنگی بین دروس تئوری و عملی (۷۶/۶٪) از جمله مهمترین عوامل در بهبود آموزش بالینی هستند. یافته ها نشان داد تنها ۳/۳٪ دانشجویان وضعیت موجود عدالت در آموزش بالینی را خیلی خوب ارزیابی کرده بودند و در حدود ۵۰٪ نیز عدالت در توزیع امکانات مراکز بالینی و استفاده از مدرسان بالینی با تجربه و باتحصیلات بالا را در حد خوب برآورد کرده بودند. همچنین یافته ها نشان دادند. مهمترین عامل ارتقا عدالت در آموزش بالینی توجه به نظرات دانشجویان در برنامه ریزی بالینی، وجود مربیان بالینی با تحصیلات بالا و همچنین رعایت مراحل آموزش بالینی هر کدام با فراوانی ۸۳/۳٪ است.

**نتیجه گیری:** از نظر دانشجویان چهار عنصر مربی، روند آموزش، امکانات مراکز بالینی و نوع ارزشیابی از مهمترین عوامل در بهبود آموزش بودند. بنابراین دانشگاهها می توانند با برگزاری کارگاه هایی جهت مربیان بالینی و آشناسازی آن ها با استانداردها و راهکارهای آموزش بهتر و همچنین نظارت بر فرایند آموزش بالینی، گامی جهت بهبود شرایط بر دارد.

**واژه های کلیدی:** راهکار، آموزش بالینی، دانشجوی، پرستاری

## ارتقای کیفی شیوه تدریس و غنی سازی محتوای آموزشی دوره کارآموزی در عرصه دانشجویان رشته بهداشت عمومی مبتنی بر انجام پژوهش‌های کاربردی و بهداشتی

محسن شمسی\*

استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

[dr.shamsi@arakmu.ac.ir](mailto:dr.shamsi@arakmu.ac.ir)

**مقدمه:** مهمترین هدف از تربیت دانشجویان کارشناسی بهداشت عمومی ایجاد توانمندی لازم در آنان جهت جمع آوری، تفسیر و استفاده از داده های بهداشتی در جهت رفع مشکلات بومی و منطقه ای می باشند. لذا هدف از پژوهش حاضر غنی سازی برنامه کارآموزی در عرصه دانشجویان بهداشت عمومی مبتنی بر انجام پژوهش‌های کاربردی توسط دانشجویان بوده است.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر به صورت سرشماری بر روی ۵۰ نفر از دانشجویان کارشناسی ناپیوسته بهداشت عمومی دانشگاه علوم پزشکی اراک در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ صورت پذیرفته است. با توجه به احساس تکراری بودن سرفصل کارآموزی توسط دانشجویان و گذراندن این مباحث در دوران کردانی در ابتدا با بیان اهداف درس و توجیه دانشجویان و رفع برخی از سوء برداشتهای ذهنی غلط سعی در جلب مشارکت دانشجویان گردید سپس بخشی از ارزشیابی کارآموزی (۲۰ درصد) به انجام فعالیتهای پژوهشی در قالب کار گروهی در زمینه بهداشت عمومی اختصاص یافت ضمن راهنمایی و مشاوره با آنها جهت آشنایی با منابع اطلاعاتی در سایتهای الکترونیک و همچنین دسترسی به آمارهای مرکز بهداشت استان و فیلمهای کارآموزی موضوعات پژوهشی در زمینه بهداشت عمومی برای دانشجویان تدوین و با تصویب توسط کمیته تحقیقات دانشجویی در حین کارآموزی در عرصه فعالیت پژوهشی نیز صورت گرفت.

**نتایج:** مهمترین دستاورد این فرایند بازگرداندن تدریجی خودباوری به دانشجویان جهت انجام پژوهش های کاربردی و عملیاتی در دوران کارآموزی در عرصه بوده است. از طرفی گردآوری متون یافت شده توسط دانشجویان و تدوین آن به شکل مقالات و ارسال جهت سمینارها و همایش ها و یا مجلات معتبر علمی پژوهشی و حتی ارایه آنها به زبان انگلیسی و چاپ در مجلات بین المللی (ISI) از جمله دستاوردهای انجام این کار بوده است

**نتیجه گیری:** انجام فرایند حاضر نشان داد که با یک مدیریت و رهبری آموزشی صحیح و تغییر در شیوه آموزش کارآموزی در عرصه و ارایه هدفمند می توان ضمن اصلاح ذهنیت نادرست بسیاری از دانشجویان در خصوص این دوره این ذهنیت غلط را به یک موقعیت طلایی تبدیل نمود که منجر به افزایش کارایی دانشجویان در کارآموزی گردد. از طرفی با توجه به سیاست کلی کشور جهت احراز رتبه برتر علمی در منطقه یکی از گامهای اساسی بهره گیری از پتانسیلهای بالقوه پژوهش‌های دانشجویی می باشد که قطعاً می تواند، کشور را به هدف مرجعیت علمی در منطقه نزدیک کند.

**واژه‌های کلیدی:** کارآموزی در عرصه، بهداشت عمومی، دانشجو



## نظرات دستیاران پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد در خصوص وضعیت آموزش بالینی

دکتر مهتاب اردویی<sup>۱</sup>، دکتر سید سعید مظلومی<sup>۲</sup>، دکتر باقر اولیا<sup>۳</sup>، مهدی میرزایی علویجه<sup>۴\*</sup>  
<sup>۱</sup> فوق تخصص غدد کودکان و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد.  
<sup>۲</sup> استاد آموزش بهداشت دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد.  
<sup>۳</sup> فوق تخصص روماتولوژی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد.  
<sup>۴\*</sup> دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس.

mehdimirzaiea@yahoo.com

**مقدمه:** برای نیل به آموزش بالینی کارآمد لازم است وضعیت موجود تدریس به صورت مستمر ارزیابی گردد. هدف از این مطالعه تعیین نظرات دستیاران پزشکی گروه‌های مختلف آموزشی دانشگاه علوم پزشکی یزد در خصوص وضعیت آموزش بالینی در بخش‌های مرتبط بود.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی در میان دستیاران پزشکی سال دوم و بالاتر به صورت سرشماری انجام گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه‌ای در دو بخش دموگرافیک و حیطه‌های وضعیت آموزش بالینی شامل: عوامل و امکانات، عملکرد اساتید، عملکرد دستیارهای سال بالاتر، عملکرد پرسنل بخش درمانی، عملکرد سیستم آموزشی و نحوه ارزشیابی بود. داده‌ها توسط SPSS-18 با کمک آمار توصیفی و آزمون‌های تحلیلی نظیر همبستگی، AVOVA، تی تست و آنالیز رگرسیون خطی مورد آزمون قرار گرفتند.

**نتایج:** میانگین سن دستیاران  $31/81 \pm 3/6$  سال بود. به ترتیب حیطه‌های؛ نحوه ارزشیابی، عوامل و امکانات، سیستم آموزشی، عملکرد اساتید، عملکرد پرسنل بخش درمانی و عملکرد دستیارها بیشترین امتیاز را کسب کردند. دستیاران مجرد در حیطه‌های عوامل و امکانات، عملکرد اساتید، سیستم آموزشی، نحوه ارزشیابی و دستیاران غیر بومی در حیطه عملکرد دستیارها و دستیاران سال دوم در حیطه‌های عوامل و امکانات، سیستم آموزشی و نحوه ارزشیابی و دستیاران بخش اطفال در حیطه‌های عوامل و امکانات، عملکرد اساتید، عملکرد دستیارها، سیستم آموزشی و نحوه ارزشیابی به شکل معنادار از امتیاز بالاتری برخوردار بودند.

**نتیجه‌گیری:** دستیاران وضعیت آموزش بالینی در بخش‌های مختلف را متوسط ارزیابی کردند. حیطه‌های نحوه ارزشیابی و امکانات به عنوان نقاط قوت و حیطه‌های عملکرد پرسنل بخش درمانی و دستیارها به عنوان نقاط ضعف آموزش بالینی شناسایی شد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش بالینی، دستیاران، آموزش پزشکی.

## نیازهای مراقبتی بیماران جراحی ترخیص شده از بیمارستان ۱۵ خرداد شهرستان گناباد و چگونگی برآورده سازی آنها

شهلا خسروان<sup>۱</sup>، مهری علویانی<sup>۲\*</sup>

استادیار گروه آموزش پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

\*دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

[mehrialaviani@gmail.com](mailto:mehrialaviani@gmail.com)

**مقدمه:** برآورده نکردن نیازهای بیماران جراحی بعد ترخیص، می تواند باعث افزایش اضطراب، افت سلامت جسمانی و روانی، مشکلات عاطفی، کاهش توانایی سازگاری بیمار و بستری مجدد شود. هدف از این مطالعه تعیین نیازهای مراقبتی بیماران جراحی ترخیص شده از بیمارستان ۱۵ خرداد شهرستان گناباد و چگونگی برآورده سازی آنها در سال ۱۳۹۱ می باشد.

**روش‌ها:** این پژوهش یک مطالعه توصیفی است که تعداد ۱۵۱ بیمار تحت اعمال جراحی عمومی، ارتوپدی و ارولوژی بستری در بیمارستان ۱۵ خرداد مورد بررسی قرار گرفتند. جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه‌ی پژوهشگر ساخته که در سه بخش اطلاعات دموگرافیک، مراقبت های تخصصی و عمومی تنظیم شده بود، استفاده گردید. داده ها به کمک نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** نیازهای این بیماران در حیطه آموزش ۵۷/۹٪، مراقبت تخصصی ۸۲٪ و در حیطه مراقبت عمومی ۵۶٪ بود. ۷۳/۷٪ مراقبت ها توسط پرسنل درمانی صورت می پذیرفت. ۷۳/۷٪ هزینه های حاصل از تامین مراقبت ها ۲۰۰۰۰۰ ریال به بالا برآورد شد .

**نتیجه‌گیری:** نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که بیماران بعد از ترخیص از بیمارستان نیازهای مراقبتی - درمانی زیادی دارند. با توجه به مشخص شدن وضعیت فعلی و نیاز به پیگیری بیماران بعد از ترخیص ضروری است با در نظر گرفتن تسهیلات لازم، نیروی انسانی مناسب و کارآموده، اختصاص وقت و مکان لازم و مناسب به این مهم توجه شود. به گونه ای که از تامین صحیح نیازهای مراقبتی و درمانی بیماران بعد از ترخیص اطمینان حاصل شود.

**واژه‌های کلیدی:** نیازهای مراقبتی، بیماران جراحی، برنامه ترخیص

## ارزیابی سطح خودمراقبتی و نیازهای آموزشی - حمایتی مبتلایان به انفارکتوس میوکارد مبتنی بر الگوی اورم

علی محمدپور<sup>۱</sup>، نرجس رحمتی شرقی<sup>۲\*</sup>، شهلا خسروان<sup>۳</sup>، علی عالمی<sup>۴</sup>

استادیار گروه آموزش پرستاری داخلی، جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران  
<sup>۲\*</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران  
گناباد، حاشیه جاده آسیایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، معاونت آموزشی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی  
پست الکترونیکی: rahmatin@sums.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار گروه آموزش پرستاری بهداشت جامعه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران  
<sup>۴</sup> دکترای تخصصی اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات و توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

**مقدمه:** انفارکتوس میوکارد (سکته قلبی) از شایعترین عللی است که با ایجاد ناتوانی و محدودیت، حیات افراد را تهدید می کند. طبق تئوری اورم انسان از جمله فرد مبتلا به انفارکتوس میوکارد به درجاتی توانایی مراقبت از خود را دارد که با به کار گیری دانش، نگرش و مهارت در رفتار وی بروز می کند. مطالعه حاضر با هدف تعیین سطح خودمراقبتی، نیازهای آموزشی حمایتی و عوامل مرتبط با آن در این افراد انجام شد.

**روش‌ها:** در این مطالعه مقطعی - تحلیلی ۱۰۰ بیمار مبتلا به سکته قلبی در استان خراسان رضوی با حداقل یکبار سابقه بستری، به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. داده ها به کمک پرسشنامه مبتنی بر الگوی اورم در حیطه های دانش، نگرش و مهارت جمع آوری و با کمک نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. بدین منظور از آمار توصیفی و آزمونهای مناسب آمار تحلیلی نظیر تی مستقل و مجذور کای استفاده و مقادیر  $p$  در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنی دار لحاظ گردید.

**نتایج:** بر اساس نتایج افراد تحت مطالعه در دامنه سنی ۲۷-۹۷ سال قرار داشته و ۷۴٪ آنان مذکر بودند. ۷۲٪ برای اولین بار سکته قلبی را تجربه کرده اند. سطح خودمراقبتی در بعد دانش ۵۸٪، در بعد انگیزه ۴۲٪ و در بعد مهارت ۴۴٪ بود. بین میزان قند و چربی خون با سطح خودمراقبتی در ابعاد مهارت ( $p = ۰/۰۳$ ) و دانش ( $p = ۰/۰۴$ ) ارتباط معنی دار وجود داشت. اما سایر متغیرها با سطح خودمراقبتی ارتباط معنی داری نداشتند.

**نتیجه گیری:** سطح خودمراقبتی مبتلایان به انفارکتوس میوکارد با سطح مطلوب خودمراقبتی فاصله دارد، بنابراین آموزش خودمراقبتی و حمایت بیشتر مبتنی بر روش علمی (الگوی اورم) در جهت افزایش توان خودمراقبتی آنان پیشنهاد می شود.

**واژه‌های کلیدی:** انفارکتوس میوکارد، الگوی اورم، خودمراقبتی، نیاز آموزشی - حمایتی

## آموزش بین حرفه‌ای در علوم پزشکی

طیبه فتاحی<sup>۱\*</sup>، حمیدرضا علیزاده اطاقور<sup>۲</sup>، شهرام جلال پور<sup>۳</sup>، فاطمه عاشوری<sup>۴</sup>، سیدعبدالحسین موسوی<sup>۵</sup>  
<sup>۱\*</sup> دانشجوی کارشناسی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم

پزشکی بوشهر

Email: t2fatahi@gmail.com

<sup>۲</sup>استادیار گروه جراحی عمومی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر (drhralizade@yahoo.com)

<sup>۳</sup>کارشناس تحصیلات تکمیلی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر (sjalalpoor@yahoo.com)

<sup>۴</sup>کارشناس آموزش بیمارستان شهدای خلیج فارس، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر (Fatima.ashoori@yahoo.com)

<sup>۵</sup>کارشناس مدیریت بحران مرکز فوریت‌های پزشکی ۱۱۵ گناوه، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر (mosavi\_h22@yahoo.com)

**مقدمه:** گسترده‌ی آموزش علوم پزشکی، همواره ملل و جوامع بین‌المللی را برآن داشته تا درصدد رفع نقایص الگوهای آموزشی در علوم تندرستی برآیند و شناسایی و بهره‌گیری از توانمندی‌های متخصصان در رشته‌های مختلف در قالب ارتباطات بین رشته‌ای ضرورتی انکارناپذیر جهت ارتقای وضعیت سلامت جامعه می‌باشد. در سال ۱۹۷۵ گزارش سازمان جهانی بهداشت مبنی بر کیفیت نامطلوب آموزش علوم پزشکی در جهان منجر گردید تا در سال ۱۹۷۸ بر گسترش آموزش‌های گروهی، به ویژه در چارچوب علوم پزشکی جامعه نگر تاکید نماید و یک دهه بعد، فعالیت‌های صورت گرفته به معرفی الگوی آموزش چندحرفه-ای به عنوان راه‌حلی برای بهبود کیفیت آموزش علوم پزشکی مطرح گردید. به تدریج این مفهوم با قالبی جامع‌تر تحت عنوان "آموزش بین حرفه‌ای" معرفی شد، به موازات تحولات صورت گرفته در علم پزشکی، برنامه‌های آموزش پزشکی نیز باید به گونه‌ای طراحی گردند که فارغ التحصیلان رشته‌های مختلف آن، توانایی کار در محیط‌های جدید و همکاری با سایر کارکنان تیم سلامت را داشته باشند. آموزش بین حرفه‌ای به عنوان یکی از رویکردهای نوین در آموزش فراگیران نظام سلامت قرار دارد، که این شیوه برای دانشجویان رشته‌های بهداشتی و درمانی به عنوان شیوه‌ای جایگزین برای روش سنتی آموزش مطرح می‌باشد و هدف نهایی و اصلی این نوع آموزش، بهبود کیفیت مراقبت از بیمار است.

**روش‌ها:** این پژوهش با استفاده از جستجوی الکترونیکی در سایت‌های معتبر علمی و مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است.

**نتایج:** استفاده از این شیوه‌ی آموزش بر فرآیند یادگیری دانشجویان، نحوه‌ی عملکرد حرفه‌ای و مراقبت از بیمار تاثیر مثبتی داشته است. آموزش بین حرفه‌ای دارای مزایایی از قبیل بهبود انگیزه، تغییر در نگرش و درک گروه‌های درگیر، ارتقای تعاملات فردی، افزایش رضایت شغلی، پویایی آموزش و بهبود ارائه خدمات درون هر حرفه می‌شود و بیشترین موضوعاتی که در آموزش بین حرفه‌ای باید مورد توجه قرار گیرد، آموزش مهارت‌های مشترک، اخلاق حرفه‌ای و مهارت‌های ارتباطی می‌باشند.

**نتیجه‌گیری:** آموزش علوم پزشکی در قالب بین حرفه‌ای با مرکزیت مددجو می‌تواند موجبات ارتقای هرچه بیشتر کیفیت آموزش و خدمات بهداشتی-درمانی را به همراه داشته باشد و در افزایش دانش، نگرش و مهارت‌های دانشجویان بسیار موثر بوده است. آموزش بین حرفه‌ای سبب ارتقای عملکرد تیمی شده و افراد با مهارت‌های چندگانه تربیت می‌نماید. این آموزش باعث بهبود ارتباط بین حرفه‌های مختلف شده و تیم منسجمی از افراد مسولیت‌پذیر را تربیت می‌نماید که نتیجه آن ارائه مراقبتی با کیفیت بالاتر به بیماران و بهبود پیامدهای بیماری است.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش بین حرفه‌ای، آموزش بین رشته‌ای، آموزش پزشکی، آموزش.

## تاثیر برنامه آموزشی، حمایتی مبتنی بر الگوی اورم بر خود مراقبتی در مبتلایان به سکته قلبی

علی محمدپور، نرجس رحمتی شرقی\*، شهلا خسروان، علی عالمی

<sup>۱</sup> استادیار گروه آموزش پرستاری داخلی، جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گناباد

پست الکترونیکی: rahmatin@sums.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار گروه آموزش پرستاری بهداشت جامعه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد

<sup>۴</sup> دکترای تخصصی اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات و توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد

**مقدمه:** سکته قلبی از شایعترین عللی است که منجر به ایجاد محدودیت در زندگی و عملکرد فرد می شود و تهدید کننده حیات می باشد. طبق تئوری اورم فرد مبتلا به انفارکتوس میوکارد به درجاتی توانایی مراقبت از خود را دارد که با به کار گیری دانش، نگرش و مهارت در رفتار وی بروز می کند و منجر به ارتقاء کیفیت زندگی می شود. مطالعه حاضر با هدف تعیین تاثیر مداخله آموزشی - حمایتی مبتنی بر الگوی اورم بر خودمراقبتی در مبتلایان به سکته قلبی انجام شد.

**روش‌ها:** در این مطالعه کارآزمایی بالینی ۶۶ بیمار مبتلا به سکته قلبی با حداقل یکبار سابقه بستری، به روش تصادفی ساده انتخاب شدند، سپس بر حسب تصادف به گروههای شاهد و آزمایش تخصیص یافتند. داده ها به کمک پرسشنامه مبتنی بر الگوی اورم در حیطه های دانش، نگرش و مهارت جمع آوری و با کمک نرم افزار spss نسخه ۱۶ تجزیه و تحلیل شد. بدین منظور از آمار توصیفی و آزمونهای مناسب آمار تحلیلی نظیر  $t$ ،  $t$  زوجی، مجذور کای و آزمون دقیق فیشر استفاده گردیده است. مقادیر  $p$  در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنی دار لحاظ گردید.

**نتایج:** بر اساس نتایج، از مجموع بیماران مورد مطالعه در هر دو گروه ۸۱/۸ درصد مرد و ۱۸/۲ درصد زن بودند. همگی آزمودنی ها متاهل بودند و میانگین سنی آنان در فاصله ۵۳/۰۶ - ۵۲/۴۲ سال با دامنه سنی ۷۱-۲۷ سال بود. قبل از مداخله بین سطوح خودمراقبتی (دانش، انگیزه و مهارت) در هر دو گروه ارتباط معناداری وجود نداشت ( $p > 0/05$ ). اما بعد از مداخله این ارتباط معنادار شده است ( $p < 0/05$ ).

نتیجه گیری: برنامه آموزشی حمایتی خودمراقبتی، مبتنی بر الگوی اورم باعث افزایش توان خودمراقبتی مبتلایان به سکته قلبی می شود. برنامه آموزشی - حمایتی یک روش موثر و کم هزینه است که توسط پرستاران و دیگر پرسنل بهداشتی برای بیمار و خانواده وی قابل اجرا می باشد، لذا بکار گیری آن برای این دسته از مددجویان پیشنهاد می شود.

**واژه‌های کلیدی:** انفارکتوس میوکارد، الگوی اورم، خودمراقبتی، نیاز آموزشی - حمایتی

## طراحی چارچوب برنامه درسی بین حرفه‌ای مبتنی بر توانمندی برای دانشجویان علوم پزشکی

سپند ریاضی\*، سلیمه گوهری نژاد

مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

[riazi.sepand@yahoo.com](mailto:riazi.sepand@yahoo.com)

**مقدمه:** رسالت اصلی برنامه‌های درسی در دانشگاه‌های علوم پزشکی، تربیت دانش‌آموختگانی است که قادر باشند به بهترین صورت ممکن و در قالب همکاری تیمی، نیازهای مخاطبان حوزه سلامت را مرتفع سازند. به همین دلیل هر رویکرد منتهی به چنین منتهی‌ای، ارزشمند و درخور بررسی و تعمق پژوهشگرانه می‌باشد. تیمی بودن ماهیت درمان و مراقبت از بیمار و نیاز روزافزون تیم سلامت به ارتقای ارتباطات، سبب شده است که همکاری‌های بین حرفه‌ای به عنوان یک رویکرد موثر آموزشی، مطرح شود. این رویکرد در طراحی برنامه‌ی درسی، با تاکید بر اهمیت کار گروهی و همکاری بین حرفه‌ای در فضایی مشارکتی، به منصفه ظهور درمی‌آید.

**روش‌ها:** مرور متون مرتبط با توانمندی‌های مورد انتظار و چگونگی طراحی برنامه درسی در این حوزه از طریق جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی نظیر Medline و نیز موتور جستجوی Google

- بررسی وضع موجود چارچوب آموزش بین حرفه‌ای مبتنی بر توانمندی در دانشگاه‌های معتبر جهان
- تعیین نیازهای این حوزه در کشور با بهره‌مندی از نظرات صاحب‌نظران و استفاده از تکنیک‌های نیازسنجی توافق‌محور
- طراحی چارچوب با استفاده از نتایج حاصل از سه گام پیشین

**نتایج:** نتایج پژوهش به شرح ذیل می‌باشد:

- اصول یاددهی و یادگیری برنامه‌ی درسی بین حرفه‌ای به عنوان جان‌مایه و تار و پود این نوع برنامه‌ی درسی، منبعث از نظریه‌های یادگیری بزرگسالان، تجربی کلب و نظریه تماس است.
- راهبردهای تدریس شامل یادگیری مبتنی بر مساله، یادگیری مبتنی بر مشاهده، یادگیری الکترونیکی، یادگیری خودراهبر است.
- محیط‌های یادگیری شامل بالینی، غیربالینی و مبتنی بر جامعه است.
- ارزش‌ها و اخلاق بین حرفه‌ای به عنوان بنیان و اساس برنامه درسی با استفاده از چهار ارزش طراحی می‌شوند: رابطه‌مداری، حساسیت به تفاوت‌ها، اتکای متقابل، نوآوری و خلاقیت
- دانشجویان، توانایی‌ها و نگرش‌های ارتباط بین حرفه‌ای خود را از طریق گوش کردن، دریافت و ارائه بازخورد، مبادله اطلاعات موثر، رسیدن به زبان مشترک و مواجهه با تعارض، ارتقا می‌دهند.
- توانمندی‌های اختصاصی ضروری طی سه گام در معرض قرار گرفتن، مستغرق شدن، عمق‌بخشی و کسب توانمندی، طراحی می‌شود
- **نتیجه‌گیری:** هدف کلی برنامه درسی بین حرفه‌ای و عملکرد مشارکتی، ارتقای پیامدهای نظام سلامت برای کاربران آن است. تبیین ویژگی‌های آموزش بین حرفه‌ای مستلزم طراحی برنامه درسی مرتبط با استفاده از روش‌های علمی و درک صحیحی از عملکرد حرفه‌ای و توانمندی‌ها برای تحقق همکاری بین حرفه‌ای است.

**واژه‌های کلیدی:** طراحی، برنامه درسی بین حرفه‌ای، توانمندی، دانشجویان علوم پزشکی

## آموزش بین حرفه‌ای: الزامات و ملاحظات

معصومه ایمانی پور \*

عضو مرکز تحقیقات مراقبتهای پرستاری و مامایی و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران

[m\\_imanipour@tums.ac.ir](mailto:m_imanipour@tums.ac.ir)

**مقدمه:** کار تیمی و عملکرد چند رشته‌ای در خدمات پزشکی مساله‌ای است که نیاز به یادگیری چند حرفه‌ای را مطرح می‌کند. از سوی دیگر کارکنان تیم مراقبت و درمان از جمله پرستاران، پزشکان، مدیران اجرایی و ... به علت ماهیت کار گروهی که دارند لازم است بسیاری از توانمندیها و فراتوانمندیها از جمله مشارکت و همکاری گروهی، ارتباطات بین فردی و گروهی، حل تعارضات، مدیریت و رهبری و ... را بیاموزند. یکی از راهکارهای رسیدن به این توانمندیها و فراتوانمندیها، آموزش بین حرفه‌ای است.

**روش‌ها:** هدف این مطالعه مروری، تبیین الزامات آموزش بین حرفه‌ای در آموزش پزشکی و نیز شناخت ابعاد مختلف و ملاحظات خاصی که در این حیطه باید مورد توجه قرار گیرند. به این منظور از روش بررسی متون و جستجوی کتابخانه‌ای و منابع الکترونیکی در پایگاههای اطلاع رسانی Ebsco, Elsevier, Eric, Taylor and Francies, Web of Science با کلید واژه‌های interdisciplinary, multidisciplinary, interprofessional, multiprofessional, team teaching, team learning, teamwork, education, learning استفاده شد.

**نتایج:** در این مطالعه مروری ابتدا تعاریف آموزش و یادگیری بین حرفه‌ای، دلایل نیاز به آموزش بین حرفه‌ای، خصوصیات و چالشهای آن تبیین می‌شوند. سپس الزامات و ملاحظاتی که باید در این نوع آموزش به آنها پرداخته شود در دو بخش مربوط به نظام آموزشی و محتوای آموزش بین حرفه‌ای مورد بحث قرار می‌گیرند. ذیل نظام آموزشی در خصوص زمانبندی برنامه‌های آموزشی بین حرفه‌ای، تدارک کوریکولوم آموزشی، آماده سازی پرسنل و آموزش اساتید برای آموزش بین حرفه‌ای، حمایت مؤسسه‌ای و ویژگیهای شرکت کنندگان صحبت خواهد شد. در بخش دوم که مربوط به محتوای آموزش بین حرفه‌ای است به بحث پیرامون برنامه ریزی و تسهیل یادگیری بین حرفه‌ای، مهارتهای گروهی، مهارتهای ارتباطی، مهارتهای حل تضاد و رهبری که در این نوع آموزش مورد نیاز هستند، پرداخته می‌شود.

**نتیجه‌گیری:** آموزش و یادگیری بین حرفه‌ای، کارکنان تیم مراقبت و درمان را قادر می‌سازد در ارائه خدمات خود به بیماران بهتر با هم کار کنند و وظایف حرفه‌ای خود را به طور موثرتری به انجام برسانند. بر این اساس آموزش بین حرفه‌ای از ضروریات آموزش علوم پزشکی محسوب شده و برنامه ریزی و اجرای آن نیازمند آگاهی از ویژگیها و چالشهای این نوع آموزش و توجه به جوانب مختلف آن از جانب دست اندرکاران امر آموزش است.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش بین حرفه‌ای، آموزش چند رشته‌ای، یادگیری تیمی

## تحقق آموزش پزشکی پاسخگو از طریق سناریوی برنامه آموزشی مبتنی بر تئوریهای نوین یادگیری

مریم اکبری لاکه<sup>1\*</sup>، مهناز اخوان تفتی<sup>2</sup>، ملیحه عرب<sup>3</sup>، سیمین اسماعیل پور<sup>4</sup>، نغمه سلیقه<sup>5</sup>

<sup>1\*</sup> دانشجوی دکترای آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: m.akbari@sbmu.ac.ir

<sup>2</sup> دانشیار گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

<sup>3</sup> استاد گروه آموزشی زنان و مامایی و دانشجوی دکترای آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

<sup>4</sup> مربی دانشگاه آزاد اسلامی، دانشجوی دکترای آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

<sup>5</sup> دانشجوی انفورماتیک پزشکی دانشگاه تکنولوژی وین، وین، اتریش.

**مقدمه:** اهمیت یادگیری از آنجا معلوم می شود که هدف غایی تمام فعالیتهای آموزشی، یادگیری است. شناخت کافی از نظریه های یادگیری و اتخاذ راهکارهای آموزشی منطقی، زمینه ساز آموزش مناسب و موثر می باشد. سناریو موجب تمرکز توجه ما بر مسیر فرایند یادگیری و پیشگویی پیشامدهای بالقوه در این مسیر و مدیریت آنها می شود. نگارش سناریو، موجب می شود تا فرایند آموزش با جزئیات بیشتر دیده شود و آگاهی از تئوریهای نوین یادگیری و طراحی سناریوی کاربردی آموزشی مبتنی بر آنها گام مهمی در ارتقای نظام آموزش به سمت پاسخگویی به جامعه است.

**روشها:** این مطالعه، با روش توصیفی و نظری اجرا شده است. داده ها با روش اسنادی و جستجو در پایگاه ها و منابع اطلاعات علمی اینترنتی گردآوری شده است. این مطالعه به بررسی دانشگاههای مختلف از نظر استفاده از سناریو مبتنی بر تئوریهای نوین یادگیری در طراحی برنامه درسی پرداخته است که به اختصار به آنها اشاره می کنیم.

**نتایج:** نتایج نشان داد که ساختارگرایی نظریه نوین یادگیری در عصر حاضر است و آموزش مبتنی بر آن استراتژیهای خاص خود را می طلبد. ساختارگرایی می خواهد بگوید که یادگیرنده، دانش را برای خودش و توسط خودش می سازد. هر فراگیر گاه به طور جمعی و گاه به صورت انفرادی و گاهی دیالکتیک، معانی را می سازد. بنابراین باید برای یادگیری و آموزش موثر روی فراگیر و در افکار وی پیرامون یادگیری متمرکز شویم نه روی موضوع و مبحث تدریس. در سناریو نویسی این امر محقق می شود. در سناریو، به نقش هر فرد در اجرای فرایند یادگیری، فضا و مدل کلاس برای اجرای سناریو، وسایل مورد نیاز، الگوی تدریس مناسب اجرای سناریو، و بسیاری از این قبیل مسایل توجه می شود.

**نتیجه گیری:** انتظار می رود که با اتخاذ استراتژی آموزشی مناسب و مبتنی بر تئوریهای نوین یادگیری از جمله سناریو نویسی پیامدهای آموزشی متعالی سطوح بالای اهداف یادگیری محقق شوند. برای نسل نو با ساختار ذهنی نوین، استفاده از آموزش با رویکردهای نوین امید است بتواند چاره کاستیهای آموزشی را بکند و مسیری را برای ارائه آموزش فراهم می کند که خلاق و فعال باشد. موفقیت این برنامه ها بسیار به توجه به طراحی آموزشی برنامه ها و توسعه حمایتی کارکنان و اطمینان از عملکرد مبتنی بر یادگیرنده و یادگیری محور بودن رویکردها وابسته است.

**واژه های کلیدی:** آموزش پزشکی پاسخگو، سناریوی برنامه آموزشی، تئوریهای نوین یادگیری.



## آموزش پاسخگو نیاز اساسی در آموزش پزشکی: نگاه دانشجویان علوم پزشکی

دکتر رضا پروانه\*، دکتر محمدجعفر مدبر عزیزی، نکتتم بخارائیان، فاطمه پوراسماعیل، تکتتم عرفانی

\*معاون اجرایی و مسوول واحد آموزش پاسخگو مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

Email: [parvanehr@mums.ac.ir](mailto:parvanehr@mums.ac.ir)

**مقدمه:** آموزش علوم پزشکی به سبب نیاز به عرصه‌های متنوع یادگیری در گستره وسیع شکل‌گیری مسایل مرتبط با سلامت و بیماری نسبت به سایر آموزشها از ویژگیهای خاصی برخوردار است که در آموزش بالینی به مفهوم وسیع آن متبلور می‌شود. با ظهور مفهوم جدید سلامتی و بهداشت و به دنبال ندای تحولات جهانی در آموزش پزشکی در نشستهای جهانی، ضرورت تغییر در برنامه‌های آموزش پزشکی بر مبنای نیازهای جامعه و نقش نوین پزشک قرن آینده لازم است. هدف از این مطالعه تأکید بر لزوم اجرای آموزش پاسخگو در آموزش پزشکی از نگاه دانشجویان می‌باشد.

**روش‌ها:** جامعه آماری این پژوهش توصیفی مقطعی را دانشجویان سال آخر علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۱ تشکیل می‌دهند. حجم نمونه  $n=100$  و نمونه‌گیری به شیوه در دسترس انجام شده است. ابزار گردآوری اطلاعات؛ پرسشنامه ایجاد شده توسط محقق، پایا، روا و شامل ۱۰ سؤال در خصوص تواناییهای فارغ‌التحصیلان و پزشکان تربیت شده و بر اساس اهداف آموزش پاسخگو، طراحی گردیده است. پایایی توسط همسانی درونی تأیید و پاسخها بر اساس روش لیکرت از بسیار کم تا بسیار زیاد ایجاد شده و پس از آن با نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردیده است.

**نتایج:** در آنالیز حاضر، تطابق کمی بین برنامه‌های آموزشی با نیازهای بهداشتی جامعه و وظایف سازمانی تعریف شده فارغ‌التحصیلان وجود دارد و در نتیجه آن اطلاعات پزشکان تربیت شده در زمینه‌های ارزیابی ریسک فاکتورهای سلامت، برنامه‌های بهداشت حرفه‌ای و محیط، نحوه برخورد با بیماران سرپائی، مسائل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر سلامت کم و همچنین اطلاعات آنها در زمینه‌های مهارت‌های لازم برای رفع نیازهای بهداشتی، چگونگی شیوع ریسک فاکتورهای سلامت، مشارکت در تصمیم‌گیریهای بهداشتی، تحقیق در خصوص مشکلات بهداشتی موجود در منطقه و نظام مراقبت بیماریها در حد متوسط می‌باشد.

**نتیجه‌گیری:** نظام آموزش فعلی علوم پزشکی پاسخگوی نیازهای جامعه نمی‌باشد و حتی دانشجویان با توجه به میزان توانایی فردی در زمان فارغ‌التحصیلی از این نحوه آموزشی راضی نیستند که این نواقص با آموزش پاسخگو به عنوان یک رویکرد فلسفی سازنده و تحول آفرین در تمام جنبه‌های مختلف آموزش، قابل حل است.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش پاسخگو، آموزش پزشکی، ضرورت

## نیازسنجی آموزشی پزشکان وزائرین حج تمتع ازدیدگاه پزشکان کاروان درسال

۱۳۹۱

دکتر احمد فیاض بخش\*، زهرا زریابی

afayaz@gmail.com

\*استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران

**مقدمه:** بسته به مسئولیتی که در موقعیت های خاص بر پزشکان واجب می گردد باید توانمندی های لازم را در مسیر دوره های آموزشی برای ایفای نقش های جدید در خود ایجاد نمایند. ارائه خدمات در زمان انجام مناسک حج تمتع با ارائه خدمات در سایر موقعیت ها دارای شباهت های فراوان است ولی تفاوت های موجود نیاز به راه اندازی دوره های آموزشی برای پزشکان کاروان را توجیه پذیر می نماید. انجام نیازسنجی آموزشی قبل از راه اندازی هر دوره و به خصوص اگر با نظرسنجی از مشتریان و مشارکت کنندگان دوره به عنوان مهم ترین ذی نفعان همراه باشد بر موفقیت آن خواهد افزود.

**روش ها:** در این مطالعه جهت شناسایی و اولویت بندی نیازهای آموزشی پزشکان کاروان و زائرین حج تمتع سال ۱۳۹۱ پرسشنامه های مشتمل بر اطلاعات دموگرافیک، ۴ بخش در حوزه آموزش شیعیان همهارتها یابی، مدیریتی، روشها یا آموزش شیوه بهداشت عمومی، در ۱۵-۱۷ شهریور در همایش بین المللی پزشکی حج و زیارت کشورها یا اسلام می بین پزشکان کاروان اعزامی به حج حاضر در کنگره تویجوعومعاًوری شد.

**نتایج:** در مجموع ۱۹۰ پرسشنامه بین پزشکان با ۱۳۳ نفر غالب افراد در طیف سنی ۴۱-۵۰ سال جمع آوری شد. پراکندگی نمونه مذکور از ۲۸ استان سراسر کشور بود که تهران با ۳۱ نفر رتبه اول شرکت کنندگان از نظر پراکندگی استان ها را خراسان رضوی و اصفهان با ۲۳ نفر رتبه دوم، گلستان و فارس با ۱۵ نفر رتبه سوم را داشتند.

۱۷۹ نفر از پزشکان مورد بررسی فعالیت درمانی داشته و علاوه بر آن ۷۲ نفر فعالیت مدیریتی، ۳۴ نفر فعالیت آموزشی و ۱۲ نفر سایر فعالیت ها را داشته اند. در این بین تنها ۱۶ نفر سابقه مدیریت کاروان را نیز به عهده داشته اند.

اکثر پزشکان کاروان آموزش درباره آشنایی و تسلط بر مدیریت بیماری های شایع در حج و روش های درمان آن ها را زیاد اعلام کرده اند. محتویات آموزش های مورد نیاز زائر توسط پزشک در حیطه بهداشت فردی، مسائل ویژه بانوان، بهداشت روان و تعامل زائر با محیط و موثرترین روش آموزشی، آموزش مجازی (اینترنت) و میزان نیازشان به مفاهیم مدیریتی زیاد و متوسط اعلام شده است.

**نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه می تواند کمک موثری به برنامه ریزان سیستم آموزشی حج جهت تدوین برنامه آموزشی ویژه پزشکان کاروان همراه با شیوه های موثر انتقال مفاهیم سلامت باشد.

**واژه های کلیدی:** نیازسنجی آموزشی، پزشک کاروان حج، بیماری های حج-سلامت، زائرین، Educational Needs

## آیا آموزش علوم پزشکی، مبتنی بر نیازسنجی نیازهای سلامت و برنامه ریزی تربیت

### نیروی انسانی بر اساس توانمندسازی آنان است؟

دکتر ماهرخ کشوری\*<sup>۱</sup>، دکتر عیسی محمدی<sup>۲</sup>، مرضیه سلیمانی<sup>۳</sup>

\* هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، مرکز تحقیقات دانشکده پرستاری و مامایی

پست الکترونیک: keshvari@med.mui.ac.ir

<sup>۲</sup> هیئت علمی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری بهداشت جامعه، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

**مقدمه:** با توجه به رسالت بخش بهداشت - درمان و آموزش پزشکی در ارتباط با ارتقاء سلامت و بهبود کیفیت زندگی از طریق تربیت و توانمندسازی منابع انسانی این مسئله به ذهن خطور می کند که آیا نیروهای تربیت شده در دانشگاه پاسخگوی نیازهای سلامت جامعه می باشند؟ هدف از مطالعه حاضر تبیین و توصیف تجارب ارائه دهندگان خدمات از کیفیت خدمات ارائه شده در راستای پاسخگویی به نیازهای جامعه بوده است.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر با رویکرد تحقیق کیفی و روش آنالیز محتوا انجام گردیده است. مشارکت‌کنندگان شامل ۲۶ ارائه دهنده خدمات بهداشتی اولیه (شامل ۷ پزشک خانواده، ۷ ماما و ۱۲ بهورز) شاغل در مراکز بهداشتی درمانی روستایی اصفهان بودند. نمونه‌گیری بصورت مبتنی بر هدف شروع شد و تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. ۴ مصاحبه گروه متمرکز و ۱۱ مصاحبه فردی، روش اصلی جمع‌آوری داده‌ها بود. تمامی مصاحبه‌ها ضبط و سپس کلمه به کلمه دست‌نویس شدند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و بصورت مقایسه‌ای مداوم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** در طی فرایند آنالیز محتوا چهار تم " ناهماهنگی بین بخشی "، " ناهماهنگی درون بخشی "، " ناهماهنگی اجرایی درون سیستم "، " ناهماهنگی بین ماهیت خدمات و شرایط جامعه " بدست آمد، که این تم‌ها، گویای یک درک کلی بنام ناهماهنگی بود.

**نتیجه‌گیری:** نتایج این مطالعه نشان داد که آموزش‌های حرفه‌ای ارائه دهندگان خدمات بویژه پزشکان خانواده در راستای وظائف سازنده آنها نبوده و از طرف دیگر وجود سایر ناهماهنگی‌ها در سیستم ارائه خدمات و بین بخش‌های مختلف بهداشتی درمانی، ارائه خدمات سلامت در جامعه را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته و سبب هدر رفتن منابع انسانی و عدم رضایت جامعه از نحوه ارائه خدمات می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش علوم پزشکی، نیازسنجی، نیازهای سلامت، تربیت نیروی انسانی، توانمندسازی.

## آیا دانشگاه علوم پزشکی، پاسخگوی نیازهای واقعی سلامت جامعه می باشد؟

دکتر ماهرخ کشوری\*<sup>۱</sup>، دکتر عیسی محمدی<sup>۲</sup>، مرضیه سلیمانی<sup>۳</sup>

\* هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، مرکز تحقیقات دانشکده پرستاری و مامایی

پست الکترونیک: keshvari@med.mui.ac.ir

<sup>۲</sup> هیئت علمی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری بهداشت جامعه، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

**مقدمه:** نظر به اینکه، آموزش پاسخگو با ماهیت تعهد در قبال جهت گیری آموزش، پژوهش و ارائه خدمات بر اساس الویت نیازها و انتظارات جامعه، مسئولیت تأمین نیازهای اساسی مردم، عادلانه کردن دریافت خدمات سلامت برای آحاد جامعه، و اصلاح ساختار نظام سلامت در راستای ایجاد یک نظام پاسخگورا بر عهده دارد، مطالعه حاضر با هدف تبیین تجربیات ارائه دهندگان و دریافت کنندگان خدمات از کیفیت پاسخگویی خدمات به نیازهای واقعی سلامت جامعه بوده است.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر با رویکرد تحقیق کیفی و روش آنالیز محتوا انجام گردیده است. داده ها، از طریق مصاحبه های بدون ساختار عمیق فردی و گروهی، مشاهدات و یادداشت در عرصه، و بررسی مدارک و اسناد موجود از ۴۷ مشارکت کننده (۲۷ نفر ارائه دهنده خدمات شامل: ۷ پزشک خانواده، ۷ ماما و ۱۳ بهورز، ۵ نفر کارشناسان ارشد مرکز بهداشت استان و ۲ نفر متخصص اطفال؛ و ۱۳ نفر از دریافت کننده خدمات جمع آوری گردید. نمونه گیری به صورت هدفمند شروع سپس به صورت نظری تا اشباع کامل نظریه ادامه یافت. تمامی مصاحبه ها ضبط و سپس کلمه به کلمه دست نویس شدند. داده ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و بصورت مقایسه ای مداوم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** شش طبقه توصیفی، از آنالیز محتوا بدست آمد که عبارت بودند از: "اطلاع رسانی نامناسب درون سیستمی"، "اطلاع رسانی نامناسب برون سیستمی"، "عدم استقبال خانواده ها از خدمات بدلیل ناآگاهی"، "بروز تعارضات بین خانواده و ارائه دهندگان خدمات"، "بروز اختلال و ابرتر ماندن فرایند ارائه خدمات"، "گرایش خانواده ها به بخش خصوصی" بدست آمدند. این طبقات، گویای یک تم و درک کلی بنام نارضایتی بودند.

**نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه نشان می دهد که بدلیل عدم اطلاع رسانی مناسب درون سیستمی، و برون سیستمی ارائه دهندگان و دریافت کنندگان خدمات، درک متقابلی از شرایط و قابلیت های یکدیگر نداشته و این موضوع سبب اختلال در فرایند ارائه خدمات، و نارضایتی ارائه دهندگان و دریافت کنندگان خدمات از نظام ارائه خدمات، رویگردانی خانواده ها و گرایش آنها به بخش خصوصی شده است.

**واژه های کلیدی:** دانشگاه علوم پزشکی پاسخگو، نیازهای واقعی سلامت جامعه.

## تحقق آموزش علوم پزشکی پاسخگو: آموزش مبتنی بر نیازهای فراگیران

مریم اکبری لاکه<sup>1\*</sup>، علی عمادزاده<sup>2</sup>، شهرام یزدانی<sup>3</sup>، عباس مکارم<sup>4</sup>  
<sup>1\*</sup> دانشجوی دکترای آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.  
Email: m.akbari@sbm.ac.ir  
<sup>2</sup> رییس اداره آموزش دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.  
<sup>3</sup> دانشیار گروه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.  
<sup>4</sup> استاد گروه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

**مقدمه:** آموزش الکترونیکی و استفاده از فناوری بخش جدایی ناپذیر زندگی دانشجویان و جوانان در عصر کنونی است. این نسل خواهان گنجاندن فناوری در برنامه درسی است و این پیام واضح برای مدرسان است. استفاده از فناوری دانشجویان را برای دنیای حرفه ای فردا آماده تر می کند و آنها را در یادگیری مادام العمر و مستقل و مدیریت آن یاری می دهد. بسیاری از فناوریهای الکترونیک را می توان با هزینه کم و در جغرافیای متنوع قابل استفاده و دسترس مهیا کرد. در این مقاله به چند مورد از آنها طبق جدیدترین تحقیقات اشاره می کنیم.

**روشها:** این مطالعه، با روش توصیفی و نظری اجرا شده است. داده ها با روش اسنادی و جستجو در پایگاه ها و منابع اطلاعات علمی اینترنتی گردآوری شده است. این مطالعه به بررسی دانشگاههای مختلف از نظر استفاده از فناوریها با هزینه کم پرداخته است که به چند مورد از آنها اشاره می کنیم.

**نتایج:** نتایج نشان داد که پورتفولیوی الکترونیکی به عنوان یک فناوری انتخابی برای مشارکت و همکاری دانشجویان و مربیان برای ارتقای فرایندهای آموزشی و حرفه ای مورد استفاده قرار می گیرد. اهمیت بازخورد، تناسب محتوا و ارزیابی را باید در درگیر کردن کاربران و تشویق ایشان به فرایندهای آموزشی لحاظ کرد. داستانگویی دیجیتال ابزار آموزشی مناسب برای یاددهنده و یادگیرنده است. ارزشیابی نقادانه و انعکاس دادن و گرفتن روش فعالی است که باید ضمن داستانسرایی رعایت شود. استفاده از فناوری موبایل و وسایل الکترونیکی دستی قابل حمل در ارزیابی و سنجش مستمر مبتنی بر محل کار بطوریکه در جریان یادگیری مدام به دانشجویان فیدبک داده می شود و نیازهای یادگیری ایشان از این طریق درک و مرتفع می گردد. استفاده از محیط یادگیری مجازی (VLE) برای یادگیری تعاملی، سنجش، برقراری ارتباط، ایلود کردن محتوا، بازگرداندن تکالیف دانشجویان، ارزشیابی توسط همتایان، مدیریت گروههای دانشجویی، جمع آوری و سازماندهی نمرات دانشجویان، پرسشنامه ها، ابزارهای پیگیری و مخزن وسایل یادگیری قابل استفاده مجدد (RLO) و غیره.

**نتیجه گیری:** انتظار می رود که آموزش الکترونیک بتواند چاره کاستیهای آموزشی کنونی را بکند و مسیری را برای ارائه آموزش فراهم می کند که خلاق و فعال می باشند. موفقیت این برنامه ها بسیار به توجه به طراحی آموزشی برنامه ها و توسعه حمایتی کارکنان و اطمینان از عملکرد مبتنی بر یادگیرنده و یادگیری محور بودن رویکردها وابسته است.

**واژه های کلیدی:** آموزش پزشکی پاسخگو، آموزش مبتنی بر نیازهای جامعه، فناوریهای آموزشی.

## آموزش بین رشته ای مفاهیم پاسخگویی اجتماعی به دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کل کشور

دکتر میترا امینی، دکتر جواد کجوری، دکتر محمدرضا دهقانی، دکتر ریتا رضایی، پریسا نبیئی\*، هاجر شیعه

\* مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی شیراز

Email: parisanabeiei@yahoo.com

**مقدمه:** پاسخگویی مجموعه ای از روابط اجتماعی است که براساس آن شخص یا سازمان برای توضیح و توجیه رفتار خود با دیگران، احساس تعهد می کند. یک دانشگاه با پاسخگویی هایش معنا و مفهوم می یابد و از آنجایی که دستیابی به نظام پاسخگویی مناسب بدلیل مفهوم پیچیده آن، از اهداف کلی هر دانشگاهی است؛ لذا اساتید مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی شیراز بر آن شدند تا با برگزاری مجموعه کارگاهی برای دانشجویان، در جهت نهادینه شدن هرچه بیشتر این مفهوم در دانشگاه، گام بردارند.

**روش ها:** این مطالعه از نوع کمی - کیفی بود که در مرحله کیفی، به صورت مصاحبه گروهی انجام شد. جهت انجام مرحله اول این مطالعه، ۸ نفر از اساتید عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز براساس سابقه کار و حوزه فعالیت، جهت تعیین حیطه ها و عناوین اصلی پاسخگویی اجتماعی، انتخاب شدند. مرحله دوم این مطالعه با برنامه ریزی جهت آموزش عناوین اصلی پاسخگویی اجتماعی به صورت کارگاه آموزشی، به دانشجویان در مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی شیراز ادامه یافت. در انتهای دوره نیز، کیفیت آموزشی کارگاه ها، از طریق پرسشنامه هایی محقق ساخته و اقتباس شده از پرسشنامه استاندارد **DREEM** ارزیابی گردید.

**نتایج:** نتایج حاصل از مرحله بحث گروهی اساتید پیرامون تعیین حیطه و عناوین اصلی پاسخگویی اجتماعی به ترتیب اولویت های آموزشی، عبارتند از پاسخگویی اجتماعی، تعاریف، ضرورت و کاربرد در جامعه امروز - چالش های نظام سلامت و دانشگاه - پیاده سازی نظام ارزشیابی سیستماتیک با هدف افزایش تعهد و پاسخگویی سازمانی - ارتقا سطح علمی و عملکرد دانشجویان با توجه به موضوع یادگیری در قرن ۲۱. همچنین نتایج حاصل از برگزاری مجموعه کارگاه های آموزشی پاسخگویی اجتماعی حاکی از رضایت دانشجویان از کیفیت ارائه مباحث (۰/۸۸)، برنامه ریزی زمانی مناسب کارگاه (۰/۸۶) و میزان مناسب ارائه اطلاعات جدید (۰/۸۵) می باشد.

**نتیجه گیری:** نتایج ارزیابی دانشجویان در این پروژه نشان داد که اهداف موردنظر را در کل فرا گرفته اند و از برنامه راضی بوده اند. این امر نمایانگر آن است که احتمال تغییر رفتار در دانشجویان دانشکده پزشکی با دید بالینی امکان پذیر است. اگر چه میزان پایدار بودن این رفتار در عملکرد حرفه ای آنان در آینده مشخص نیست و نیاز به ضمانت های اجرایی کافی در دانشگاه و وضع قوانین لازم در این زمینه در محیط های تشخیصی و درمانی می باشد.

**واژه های کلیدی:** پاسخگویی، پاسخگویی اجتماعی و آموزش کارگاهی.

## عملکرد و نگرش پرستاران دانشگاه علوم پزشکی گیلان درباره آموزش به بیمار در سال ۱۳۹۰

فائزه کیهانیان<sup>۱</sup>، امین سعیدی نیا<sup>۱\*</sup>، طاهره مقدس<sup>۲</sup>، سپیده محمد نیا<sup>۳</sup>، حمیده حکیمی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی پزشکی، عضو کانون علمی پژوهشی بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گیلان

<sup>۱\*</sup>a.saeidynia@yahoo.com

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد پرستاری، عضو کانون علمی پژوهشی بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گیلان

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی پرستاری، عضو کانون علمی پژوهشی بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گیلان

**مقدمه:** آموزش به بیمار یکی از مهم ترین قسمت پیگیری بیماری بیمار است. پرستاران به علت جایگاه حرفه شان و نیز عملکرد مستقل شان دارای نقش مهمی در بهبود وضعیت بیماری بیماران دارند و نگرش و عملکرد آن ها درباره ی آموزش به بیمار می تواند در بهبود وضعیت بیماران نقش مهمی داشته باشد. هدف از انجام این مطالعه بررسی نگرش و عملکرد پرستاران شاغل در دانشگاه علوم پزشکی گیلان درباره ی آموزش به بیمار بود.

**روش ها:** این پژوهش یک مطالعه ی توصیفی تحلیلی است. تعداد ۲۵۴ پرستار شاغل به کار در بخش های مختلف بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی گیلان به صورت تصادفی وارد مطالعه شدند. ابزار مطالعه پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر سه بخش بود که قسمت اول مربوط به اطلاعات دموگرافیک، قسمت دوم مربوط به سوالات مرتبط با عملکرد و قسمت سوم درباره نگرش به آموزش به بیمار بود. پرسشنامه از نظر پایایی و روایی مورد تایید قرار گرفت. آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰,۹۰۹ محاسبه گردید. داده های حاصل از پژوهش با استفاده از روش های آماری توصیفی مورد بررسی قرار گرفتند.

**نتایج:** ۹۳,۶٪ پرستاران مونث بودند و میانگین سنی آن ها  $32,28 \pm 7,56$  سال بود. میانگین سابقه کار آن ها  $8,36 \pm 7,04$  سال بود. ۹۱,۲٪ آن ها پرستار و بقیه سرپرستار بودند. از نظر عملکرد در آموزش به بیمار ۹/۱٪ آن ها ضعیف، ۲۶/۴٪ شان متوسط و ۶۵٪ شان خوب و عالی بودند. ۷/۴٪ در مورد نگرش به آموزش به بیمار ضعیف، ۴۷٪ متوسط و ۴۵/۸٪ خوب و عالی بودند. بین درجه نگرش و عملکرد با مدرک تحصیلی، سن، جنس، سمت و سابقه ی کار و بخش در حال فعالیت ارتباط معنی نداری وجود نداشت ( $P > 0.05$ ). بین عملکرد و بخش در حال فعالیت پرستاران ارتباط معنی داری وجود داشت ( $P < 0.05$ ).

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج به دست آمده بیشتر پرستاران شاغل دارای نگرش و عملکرد ضعیف و متوسطی نسبت به آموزش به بیمار می باشند. لذا جهت بهبود نگرش و عملکرد پرستاران به آموزش به بیمار و نقش مهم این بخش از پیگیری بهبودی بیمار و تاثیرگذاری این امر مهم در حرفه مهم پرستاری پیشنهاد می شود که کارگاه های آموزشی و یا دوره های بازآموزی و خودآموزی موثری برای این گروه برگزار گردد.

**واژه های کلیدی:** پرستاران، آموزش به بیمار، گیلان

## ویژگی های آموزش بالینی اثر بخش در پرستاری

دکتر فریبا حقانی، مریم احسانی\*

دانشیار، گروه آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

\*دانشجوی دکترای پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

my.ehsani@gmail.com

**مقدمه:** بیش از ۵۰ درصد برنامه های آموزشی دانشجویان پرستاری به آموزش بالینی اختصاص دارد و در واقع به لحاظ اهمیت، آموزش بالینی به عنوان قلب آموزش حرفه ای مطرح شده است. در سالهای اخیر محققین پرستاری تاکید زیادی بر اهمیت اثر بخش بودن آموزش بالینی کرده و همواره این نکته را متذکر شده اند که اجرای برنامه های آموزشی نامناسبی که نتوانند اهداف مورد نظر آموزشی را عملی سازند، باعث آسیبهای غیر قابل جبرانی شده و نتایج زیان بخش اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای فارغ التحصیلان، جامعه و همچنین جایگاه مراکز دانشگاهی در پی خواهند داشت.

**روش ها:** مقاله مروری حاضر، با جستجوی منابع کتابخانه ای و بانکهای اطلاعات علمی ( ELSEVIER, PUBMED, CINAHL ) در سالهای اخیر تهیه شده است و در آن سعی شده به بیان استراتژی های تدریس بالینی موثر و همچنین خصوصیات مربی بالینی اثر بخش پرداخته شود.

**نتایج:** انتخاب وظایف یادگیری مناسب در آموزش بالینی یکی از نکات مهمی است که مربیان باید به آن توجه کنند. متأسفانه اکثر مدرسین بر این باورند که همیشه و برای هر دانشجو و با هر سطحی، مراقبت از بیمار بهترین وظیفه و تکلیف در آموزش بالینی است در حالی که مراقبت از بیمار فقط یکی از روشهای آموزش کلینیکی است. علاوه بر این هدایت موثر Case study, Case method, راندها، بحث ها و کنفرانس های بالینی در راستای رسیدن به اهداف مهمی نظیر تصمیم گیری، مشکل گشایی و قضاوت بالینی اهمیت به سزایی در اثر بخش شدن آموزش کلینیکی خواهد داشت. نکته قابل ذکر دیگر در هدایت آموزش موثر ارائه فیدبک مناسب همراه با آرامش و درخوت، بلافاصله بعد از عملکرد فراگیر و همراه با توضیحات شفاف و با یک تن قوی مثبت خصوصاً در انتهای فرایند ارائه فیدبک می باشد.

**نتیجه گیری:** اجرای استراتژی های مفید برای اثربخش شدن آموزش بالینی ضروری است خصوصاً در شرایطی که متأسفانه بر اساس بسیاری از تحقیقات انجام شده در کشورمان، آموزش بالینی در رشته پرستاری از جایگاه و کیفیت چندان مناسبی برخوردار نیست.

**واژه های کلیدی:** آموزش بالینی اثر بخش، پرستاری



## ضرورت تلفیق راه های مواجهه با خطاهای پرستاری در برنامه آموزش پرستاری ایران

سینا ولیئی<sup>1\*</sup>، دکتر علیرضا نیکبخت نصرآبادی<sup>2</sup>، دکتر حمید پیروی<sup>3</sup>

<sup>1\*</sup> کارشناس ارشد پرستاری، دانشکده پرستاری و مامائی دانشگاه علوم پزشکی کردستان. دانشجوی دکتری آموزش پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>2</sup> استاد، دانشکده پرستاری و مامائی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>3</sup> دانشیار، دانشکده پرستاری و مامائی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

valiee@muk.ac.ir

**مقدمه:** با توجه به تماس مداوم پرستاران با بیماران، پرستاران در خط اول رویارویی با خطاهای بالینی قرار دارند لذا درک نحوه مواجهه و برخورد با خطاهای پرستاری ضروری است. مطالعه حاضر با هدف تبیین فرآیند مواجهه پرستاران با خطاهای پرستاری انجام شد.

**روش‌ها:** این پژوهش یک مطالعه کیفی از نوع گراندتئوری بود. با روش نمونه گیری مبتنی بر هدف و سپس نمونه گیری تئوریک پرستاران جهت شرکت در پژوهش انتخاب شدند. اطلاعات با انجام مصاحبه های عمیق با استفاده از راهنمای مصاحبه جمع آوری شد و پس از مصاحبه با ۱۴ پرستار و رسیدن به اشباع داده ها، اطلاعات با روش اشتراوس و کوربین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده نشان داد که بخش مهمی از فرآیند اصلی مواجهه شدن پرستاران با خطاهای پرستاری شامل رفع کردن خطا با زیر طبقات خود اقدامی، کمک گرفتن از همکار، اطلاع دادن و سانسور کردن خطا بود.

**نتیجه گیری:** نتایج مطالعه حاضر نشان داد که رفتار اصلی پرستاران در مواجهه با خطاهای پرستاری بر خلاف روند رسمی گزارش خطا و پی گیری های بعدی، انجام اقداماتی برای رفع کردن خطای رخ داده بود. لذا به نظر می رسد مدیران آموزش پرستاری می بایست با در نظر گرفتن این نکته که بروز خطا در ارائه مراقبت اجتناب ناپذیر بوده و برای هر پرستاری ممکن است در طول دوران مراقبت رخ دهد، می بایست فرآیند رسمی و مورد تأیید مواجهه با انواع خطاها در موقعیت های مختلف پرستاری را در برنامه آموزش پرستاری تدوین و گنجانده تا دانشجویان در ورود به عرصه بالین و مواجهه شدن با خطاهای پرستاری آموزش های کافی را در این خصوص دیده باشند.

**واژه های کلیدی:** خطا، مواجهه، آموزش پرستاری، مطالعه کیفی.

## ارتقاء یادگیری مهارت‌های شناختی و عملکردی دانشجویان پرستاری مراقبت‌های ویژه از طریق روش نوین آموزش بالینی

یوسف محمدپور\*، داود رسولی، دکتر حسین حبیب زاده، مرضیه دشتی، حسین جعفری زاده، سعیده رحیمی  
\*مربی گروه پرستاری داخلی - جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه  
Mohammadpour\_y@umsu.ac.ir

**مقدمه:** آموزش بالینی و ارزشیابی آن، از ارکان اساسی در سیستم آموزش پرستاری می باشد. این مطالعه به منظور بررسی میزان دستیابی دانشجویان پرستاری در کسب مهارت‌های بالینی انجام شده است. که در آن تأثیر کاربرد دو روش آموزشی مبتنی بر صلاحیت و آموزش مرسوم در سطح یادگیری بالینی و شناختی دانشجویان پرستاری مورد مقایسه قرار گرفته است.

**روش‌ها:** این مطالعه نیمه تجربی بر روی تعداد ۲۸ نفر از دانشجویان پرستاری کارورز بخش ICU در یکی از بیمارستان‌های تابعه دانشگاه علوم پزشکی ارومیه انجام شد. نمونه‌ها به طور تمام شماری با چیدمان تصادفی به دو گروه کنترل و تجربی تقسیم بندی شدند و تحت روش آموزشی مبتنی بر صلاحیت آموزش‌های لازم را بر اساس دفترچه ثبت مهارت‌های بالینی در همان مدت و تحت نظر همان مربی دیدند. پیش آزمون و پس آزمون برای مهارت‌های شناختی و پس آزمون برای مهارت‌های بالینی به ترتیب برای هر دو گروه، از طریق پرسشنامه و فهرست واری برای مهارت‌های بالینی انجام گرفت.

**نتایج:** سطح نمرات مهارت‌های بالینی و شناختی در دانشجویان گروه تجربی که آموزش خود را تحت روش آموزشی مبتنی بر صلاحیت دریافت نمودند به طور معنی داری بیش از دانشجویان گروه کنترل تحت آموزش مرسوم، بودند.

**نتیجه‌گیری:** نتایج این پژوهش نشان داد که کاربرد روش آموزش مبتنی بر صلاحیت از طریق دفترچه ثبت مهارت‌های بالینی، بیش از روش مرسوم، فرصت لازم برای ارتقاء و بهبود یادگیری مهارت‌های بالینی و شناختی دانشجویان پرستاری را فراهم می نماید. لذا پیشنهاد می شود از این روش در آموزش بالینی دانشجویان پرستاری جهت آموزش و ارزشیابی استفاده گردد.

**های کلیدی:** آموزش بالینی، یادگیری فعال، ارزشیابی، مهارت‌های شناختی، مهارت‌های بالینی.

## عوامل تاثیر گذار بر آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان و مربیان : مرور

### سیستماتیک

زهره عباسی<sup>۱\*</sup>، مهدی حارث آبادی<sup>۲</sup>، دکتر ابوالقاسم امینی<sup>۳</sup>، دکتر حسن غلامی<sup>۴</sup>، دکتر سید محمد علوی نیا<sup>۵</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی کارشناس ارشد آموزش پزشکی، کارشناس ارشد مامائی، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد پرستاری، مربی عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۳</sup> استادیار، گروه آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز

<sup>۴</sup> استادیار، گروه آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی

<sup>۵</sup> استادیار گروه اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

Aasizohreh55@yahoo.com

**مقدمه:** آموزش بالینی از مهمترین جلوه های آموزش و یادگیری در حرفه های مرتبط با علوم سلامتی است، که منجر به تکامل دانش، مهارت و نگرش و در یک کلام، صلاحیت بالینی فراگیران می گردد که تحت تاثیر عوامل زیادی می باشد. مطالعات متفاوت میزان تاثیر عوامل متعدد را مختلف گزارش نموده است. مه این مطالعه به بررسی مرور سیستماتیک عوامل تاثیر گذار بر آموزش بالینی پرداخته است.

**روش ها:** مطالعه به مرور سیستماتیک مقالات منتشر شده بین سال های 1371 تا 1390 پرداخته است و مراحل کار شامل جستجوی نظام مند، غربال مقالات، ارزیابی کیفیت، استخراج داده ها و آنالیز اطلاعات از پایگاههای اطلاعاتی معتبر پزشکی مثل Pubmed، Med lib، Scholare google، Magiran، SID، Iranmedex، Irandoc، و بانک اطلاعاتی داخلی شامل مجلات ایرانی و جستجوی دستی با استفاده از کلید واژه های آموزش بالینی، دیدگاه دانشجویان، آموزش پرستاری، آموزش مامایی، Clinical education، Student، Nursing، Midwifery، Viewpoint، انجام شد.

**نتایج:** براساس نتایج حیطه های اثر گذار بر آموزش بالینی به ترتیب شامل حیطه اهداف و برنامه ریزی آموزشی، حیطه عملکرد مربی می باشند محیط بالینی، امکانات، ارزشیابی و خصوصیت فردی دانشجو می باشد در مجموع اختلاف معنی داری بین نظرات اساتید و دانشجویان در بحث عوامل تاثیر گذار آموزش بالینی وجود ندارد ولی اکثر مربیان حیطه محیط بالینی و اکثر دانشجویان حیطه عملکرد مربی را به عنوان مهمترین حیطه اثر گذار در امر آموزش ذکر کرده اند.

**نتیجه گیری:** با توجه به نیاز سنجی دقیق در هر حوزه و بررسی وضعیت موجود، بهترین راهکارها را جهت رسیدن به وضعیت مطلوب آموزش بالینی پیدا نموده و با همکاری مربیان، دانشجویان و افراد دخیل در بحث آموزش در جهت تحقق اهداف آموزش بالینی گام بردارند.

**واژه های کلیدی:** دیدگاه دانشجویان، آموزش پرستاری، آموزش مامایی، اهداف آموزش بالینی، عوامل تاثیر گذار

## راهبری آموزش بالینی دانشجویان از طریق نوشتن "حکایات کوتاه"

دکتر لیلا جویباری\*، دکتر اکرم ثناگو، علیرضا شریعتی، زهرا سبزی، فاطمه مهرآور، سامیه غنا

مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی گلستان

jouybari@gmail.com

**مقدمه:** امام صادق (ع) می‌فرماید: هر آیه ای را که یافتید که گذشتگان، با عمل به محتوای آن آیه نجات یافتند، شما هم به آن عمل کنید و هر آیه را دیدید که بیانگر هلاکت پیشینیان است، شما هم از آن پرهیزید. این سفارش قرآن کریم مبنی بر عبرت گرفتن از تجربیات گذشتگان الهام بخش مجریان این فرآیند آموزشی نوآورانه در خصوص استفاده از حکایات بالینی دانشجویان بوده است. هدف از این مقاله استفاده از حکایت های کوتاه بالینی به عنوان ابزاری برای یاددهی یادگیری بالینی دانشجویان علوم پزشکی می باشد.

**روش‌ها:** این فرآیند از نیمسال اول سال ۱۳۸۷ شروع شده است و تا کنون (ادامه دارد)، طراحی و اجرا آن به شرح ذیل است. مروری بر آموزه های دینی در زمینه آموزش دانشجویان و انتخاب آیه مبارکه "فاعتبروا یا اولی الابصار" به عنوان الهام بخش اضافه نمودن فعالیتی تحت عنوان حکایات بالینی به کارپوشه دانشجویان کارآموزی در عرصه پرستاری بود. قبل از ورود به عرصه کارگاه آموزشی گذاشته (شد). تمامی دست نوشته های دانشجویان (به صورت فایل الکترونیک) توسط مدیر گروه جمع آوری شد. هر یک از حکایات مورد "تحلیل محتوا" قرار می گیرد و علاوه بر این که به نویسنده آن بازخورد داده می شود حکایات بر اساس این که در چه حیطة ای باشند (اخلاقی یا سایر موارد) دسته بندی می شوند و از آن ها در آموزش سایر دانشجویان استفاده می گردد.

**نتایج:** تمامی تجربیات ویرایش شده در قالب یک کتابچه کوچک با عنوان "حکایت های کوتاه بالینی" جمع آوری و تدوین گردید. یک نسخه از کتابچه از طریق وب سایت دانشکده قابل دسترس است. دانشجویان می توانند از تجربیات بالینی هم‌تایان خود که آکنده از نکاتی آموزشی، ارتباطی، مفاهیم اصیل مراقبتی، اخلاقی، خطاها و... می باشد استفاده کنند. فایل الکترونیک کتابچه هر نیم سال ویرایش می شود و تجربیات جدید دانشجویان به کتابچه افزوده می گردد.

**نتیجه‌گیری:** مواجهه دانشجویان با تجربیاتی که سایر هم‌تایان شان در بالین تجربه نمودند. بسیاری از دانشجویان اظهار داشته اند استماع یا خواندن تجربیات یکدیگر می تواند تصویری از محیط بالینی و خطاهای احتمالی و راه هایی که سایرین رفته اند را روشن نماید. شواهد موید آن است که نوشتن حکایات بالینی می تواند تفکر انتقادی دانشجویان را ارتقا بخشد. از آن رو که اجرای این فرآیند منجر به پرورش نیروی انسانی توانمندتری شود گامی در راستای سیاست های بالادستی آموزشی و مرجعیت علمی کشور خواهد بود.

**واژه‌های کلیدی:** حکایت بالینی، آموزش، آموزه های دینی

## تاثیر آموزش دارودرمانی و محاسبات دارویی بر دانش و عملکرد پرستاران شاغل در بخش‌های داخلی و جراحی

هاجر صادقی\*، زهرا طالبی، احسان کاشانی

**زمینه و هدف:** محاسبات و توجه به تداخلات دارویی و آموزش و پی‌گیری آن از اهمیت بالایی برخوردار است. تمام پرستاران مسئولیت اساسی جهت حفظ ایمنی بیمار در ارائه مراقبت‌های پرستاری از جمله دارودرمانی دارند. بدین جهت این مطالعه به بررسی تاثیر آموزش تداخلات و محاسبات دارویی بر دانش و عملکرد پرستاران شاغل در بخش‌های داخلی و جراحی پرداخته است.

**خلاصه‌روش:** پژوهش حاضر به روش نیمه تجربی بر روی ۸۰ نفر از پرستاران شاغل در بخش‌های داخلی و جراحی به مدت ۳ ماه اجرا گردید. در ابتدا ثبت نام و دسته بندی در دو گروه کنترل و مداخله (هر گروه ۴۰ نفر) به صورت تصادفی انجام گردید و دانش و عملکرد هر دو گروه با استفاده از پیش آزمون و چک لیست بررسی شد. کارگاه آموزشی یک روزه جهت گروه مداخله برگزار گردید. یکماه بعد از طریق چک لیستهای کنترلی روا و پایا شده مجدداً دانش و عملکرد گروهها رزیابی گردید. تجزیه و تحلیل با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۸ و آمار توصیفی، آزمونهای کای اسکوئر و من ویتنی انجام گردید. یک هفته پس از اجرای پس آزمون کارگاه مذکور برای گروه کنترل برگزار گردید.

**خلاصه یافته‌ها:** ۶۸ درصد پرستاران خانم و ۳۷ درصد بالای ۵ سال سابقه کار داشتند و همه افراد دارای مدرک کارشناسی بودند. میانگین دانش و عملکرد گروه مداخله قبل و بعد آموزش به ترتیب از ۱۴،۵۱ به ۳۰،۳۸ و از ۲۱،۱۴ به ۳۸،۱۷ رسید. در گروه کنترل نیز میانگین دانش و عملکرد به ترتیب از ۱۴،۳۷ به ۱۹،۱۶ و از ۲۰،۳۷ به ۳۱ رسید.

**نتیجه‌گیری:** آموزش کارگاهی و انجام کار گروهی و حل تمرین در کارگاه بر ارتقاء دانش و عملکرد پرسنل و دوام آن موثر است. البته در گروه کنترل نیز شاهد افزایش نمرات بوده‌ایم که احتمالاً به دلیل مواجهه بودن با افراد آموزش دیده در بخش محل خدمت بوده است. با توجه به تاثیر این نوع آموزش‌ها در کاهش خطاهای دارودرمانی و انجام اصولی آن برای تمامی پرستاران برگزاری کارگاه کمک کننده می باشد.

**واژگان کلیدی:** کارگاه، آموزش، عملکرد، دانش، پرستار، دارو

## میزان رضایت دانشجویان مامایی از روش snapps در کارورزی بیماریهای زنان

حمیده باران گر، داریوش رخ افروز\*

**زمینه و هدف:** درس بیماریهای زنان از دروس مهم و اختصاصی رشته مامایی بشمار می رود. از آنجایی که انتظاری رود یک مامای فارغ التحصیل بتواند در حیطه عملکردی خویش از توانایی های لازم در زمینه ارائه مشاوره و مراقبت در بسیاری از موارد بیماری های زنان برخوردار باشد، لذا دوره کارآموزی - کارورزی بیماری های زنان توجه خاصی را می طلبد.

در حال حاضر دانشجویان مامایی در بخش زنان معمولا با مرور و مطالعه کردن پرونده های بیماران در کنار مربی ونیز انجام خدمات nursing بیماران واحدبیماریهای زنان را می گذرانند. روند تشخیصی و درمان بیماران که در پرونده درج شده است، معمولا در مراحل نهایی و رو به ترخیص بیماران در اختیار دانشجویان خواهد بودو دانشجویان صرفا به مطالعه پرونده وسیر درمانی می پردازند.

در درمانگاه زنان دانشجویان نظاره گر روند تشخیص ودرمان بیماران توسط دستیاران و گاهاتند مربوطه خواهند بود که بدلیل ازدحام تعداد بیماران مقاطع مختلف فرصت کافی جهت بررسی کامل هر بیمار وجود ندارد.

**روش کار:** با توجه به این شرایط و نیز مطالعه روشهایی که برای بهبود آموزش مهارتهای بالینی بیماریهای زنان می تواند مؤثر واقع شود، نهایتا روش snapps را به منظور بهبود روند آموزش مهارتهای بالینی در بیماریهای زنان انتخاب کردیم. دراین فرایند دانشجویان ترم آخر کارشناسی مامایی شرکت داشتند.

**یافته ها:** در نظرسنجی انجام شده در پایان فرایند از دانشجویان وباتوجه به کل روند انجام شده در فرایند، اکثریت قریب به اتفاق رضایت خود از این روش را در حدود ۶۰-۷۰٪ اعلام کردند

**بحث و نتیجه گیری:** در این روش دانشجویان نقش فعالتری را در مقایسه با روشهای قبلی کارورزی بیماریهای زنان داشته و از اینکه از حالت منفعل (مطابق با روشهای قبلی) که یک گزارش دهنده صرف به مربی خود (در زمینه بیمار و سیر درمانی اش) بوده خارج شده اند، احساس رضایت بیشتری داشتند. در رابطه با نقش آموزشگر نیز در روش snapps، مربی از اینکه دانشجویان سؤالات باز بیشتری می پرسند وسؤالات با توجه به بیماران کلینیک، متفاوت بوده، در موقعیت فعالتری قرار گرفته وباعث گردید وی از روند کلیشه ای رهبریت صرف به سمت یک تسهیل کننده فعال در جهت آموزش دانشجو تغییر پیدا کند.

کلید واژه ها: رضایت دانشجویان، روش snapps، کارورزی بیماریهای زنان

## تاثیر آموزش ضمن خدمت بر اعتماد به نفس بهورزان استان مازندران

مهرانه کاظمیان ، شهربانو قلی زاده، بتول کاظمی کانی، مریم حافظیان، دکتر قاسم اویس، دکتر سید مومن میر مطهری

مقدمه: سازمانها آموزش ضمن خدمت را امروزه ابزاری می دانند که به کمک آن عملکرد افراد خود را بالا ببرند و با تغییرات وفق دهند. از دلایل کاربرد آموزش ضمن خدمت ، کمک به پیشبرد کیفیت و افزایش خلاقیت و کارآفرینی و کارآمدی می باشد که این از طریق افزایش اعتماد به نفس و انگیزش بهورزان جهت افزایش مسئولیت پذیری و تقویت شایستگی صورت می پذیرد. اعتماد به نفس و تقویت آن می توانند مضمونی معتبر ایجاد کنند و موجبات تسهیل در مهارتهای فکری و خلاقیت را در کارکنان ایجاد می کنند.

مواد و روش: پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر آموزش ضمن خدمت بر اعتماد به نفس بهورزان استان مازندران می باشد. روش پژوهش توصیفی- زمینه یابی است. ۳۶۰ نفر از بهورزان استان مازندران در شانزده شهر استان در این پژوهش مشارکت داشتند. ابزار اندازه گیری پرسشنامه ی محقق ساخته بوده که حاوی ۲۴ سوال در زمینه ی شامل بر مهارت حل مسئله کارکنان، استفاده از روشهای نو و جدید، برقراری ارتباط با دیگران، مسولیت پذیری، افزایش معلومات تخصصی بوده است. به منظور اعتبار (روایی) محتوایی و صوری پرسشنامه مورد استفاده در تحقیق حاضر از نظر متخصصان مربوطه استفاده گردیده و همچنین جهت تعیین پایایی پرسشنامه بر اساس آزمون آلفای کرونباخ  $\alpha=0.79$  به دست آمد. در تحلیل داده های پژوهش حاضر از روش های آماری شامل میانگین و انحراف معیار و آزمون  $t$  بهره گرفته شده است.

یافته ها: یافته های پژوهش بیانگر آن است که آموزش ضمن خدمت بر افزایش اعتماد به نفس بهورزان تاثیر گذار است

نتیجه گیری: براساس یافته های به دست آمده و میتوان این احتمال مطرح نمود که آموزش ضمن خدمت، کمک به پیشبرد کیفیت عملکرد و افزایش خلاقیت و کارآفرینی و تقویت احساس کارآمدی و انگیزش و توان بیشتری در کنترل هیجانات می باشد.

کلید واژه: آموزش ضمن خدمت، اعتماد به نفس، بهورز

## چالش های آموزش مداوم پرستاران : مطالعه ای کیفی .

مرضیه سلیمانی، جلیل اسلامیان، مهین معینی

\*- دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

مقدمه : آموزش مداوم یکی از روش های آموزش کارکنان در سیستم های سلامتی می باشد که موجب ارتقاء کیفیت مراقبت می شود . برای تبیین چالش های آموزش مداوم پرستاری نیاز به انجام یک مطالعه کیفی می باشد که بنظر می رسد تاکنون انجام نشده است . هدف این مطالعه کشف چالش های آموزش مداوم پرستاران در بیمارستان های وابسته به دانشگاه علوم پزشکی اصفهان می باشد .

روش کار : این پژوهش در فروردین تا بهمن سال ۱۳۹۱ انجام شد . نمونه گیری به روش هدفمند شروع شد و سپس به روش گلوله برفی ادامه یافت . شرکت کنندگان از بیمارستان های الزهرا ، کاشانی ، نور ، مرکز آموزش مداوم دانشگاه ، مرکز آموزش مداوم دانشکده پرستاری ، نظام پرستاری و معاونت درمان انتخاب شدند . با ۳۸ شرکت کننده طی ۵ جلسه بحث گروه متمرکز و ۵ جلسه مصاحبه فردی ، مصاحبه کردیم . مصاحبه ها به شکل نیمه ساختارمند انجام شد . برای صحت یافته ها با شرکت کنندگان ، همکاران و اساتید فن در حوزه آموزش مداوم تبادل اطلاعات شد . تجزیه - تحلیل اطلاعات به روش توصیفی - اکتشافی براون و کلارک ۲۰۰۶ انجام شد .

نتایج : تجزیه - تحلیل اطلاعات منجر به تولید ۱۷۵ کد ، ۸ درون مایه فرعی و ۳ درون مایه اصلی شد . درون مایه های اصلی شامل : عوامل مرتبط با فراگیران ، عوامل مرتبط با فرادهندگان و عوامل مرتبط با شرایط آموزش بود .

نتیجه گیری: بر اساس نتایج بدست آمده، نیاز به تجدید نظر در زمینه فرایند آموزش مداوم و عوامل مرتبط با فراگیران و فرادهنده ها می باشیم

کلید واژه ها: پرستاری ، آموزش مداوم ، چالش ، مطالعه کیفی .



## هرم پویا: ارائه روشی برای یاددهی - یادگیری مشارکتی در درس آموزش بالینی

نیکو یمانی<sup>1\*</sup>، پیمان ادیبی<sup>2</sup>، فریبا حقانی<sup>3</sup>، وحید عشوریون<sup>4</sup>

<sup>1\*</sup> استادیار گروه آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

<sup>2</sup> گروه داخلی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

<sup>3</sup> و <sup>4</sup> گروه آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

yamani@edc.mui.ac.ir

**مقدمه:** درس آموزش بالینی برای دانشجویان دکتری آموزش پزشکی به منظور آشنا نمودن آنها با روش های آموزش در عرصه های مختلف بالینی طراحی شده است. اما به نظر می رسد ارائه این درس با روش های مرسوم تأثیرات مورد انتظار را نخواهد داشت. هدف از این مطالعه ارائه یک روش جدید یاددهی یادگیری در درس آموزش بالینی بوده است.

**روش ها:** این مطالعه یک اقدام پژوهی است که در نیم سال دوم ۱۳۹۰-۱۳۹۱ در گروه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان به اجرا در آمد. قبل از اجرا اطلاعات مورد نیاز از طریق جلسات فوکوس گروپ با اساتید و دانشجویان بدست آمد و بر اساس آن روش جدید یاددهی یادگیری طراحی گردید. در این روش چهار نقش اصلی برای ارائه آموزش در نظر گرفته شد. سوپروایزر یکی از اساتید اصلی درس با وظیفه نظارت بر کل فرایند یاددهی یادگیری و در صورت لزوم مداخله بود. تسهیل گر اصلی یکی از اساتید بالینی همکار درس با وظیفه هماهنگی ارائه درس، تذکر نکات مهم و جمع بندی بود. نقش استاد الگو را یکی از اساتید با تجربه بالینی با هدف بیان تجربیات در عرصه مورد بحث به عهده داشت. وظیفه ارائه قسمت اصلی درس با استفاده از منابع مختلف به عهده دانشجو بود. این روش در پایان به صورت کیفی با استفاده از مصاحبه و سؤالات باز مورد ارزشیابی قرار گرفت.

**نتایج:** ارزشیابی به عمل آمده نشان دهنده نقاط قوت و چالش های روش اجرا شده بود. نقاط قوت از قبیل درک تجربیات اساتید الگو از آموزش در عرصه های مختلف، تعامل نزدیک با اساتید بالینی و اساتید الگو و داشتن نقش فعال در ارائه یک آموزش تیمی ذکر گردید. برخی چالش ها عبارت بودند از عدم رعایت محدوده زمانی در نظر گرفته شده برای کلاس توسط اساتید الگو، مشکل بودن کنترل بحث های کلاسی و عدم هماهنگی کافی با اساتید تسهیل گر اصلی قبل از کلاس.

**نتیجه گیری:** در کل این روش به طور موفق به اجرا در آمد و پس از بکارگیری نتایج ارزشیابی با تغییراتی در نیم سال جاری نیز در حال اجراست. به عبارت دیگر ماریچ اقدام پژوهی در حال جریان است. این تجربه نشان دهنده اهمیت بکارگیری روش های یاددهی یادگیری جدید در آموزش دروس مختلف به ویژه برای رشته ای مانند آموزش پزشکی است که از فارغ التحصیلان آن انتظار می رود به عنوان مرجع آموزشی در دانشگاه های مختلف نقش ایفا نمایند. این روش برای ارائه درس آموزش بالینی در سایر دانشگاهها پیشنهاد می گردد.

**واژه های کلیدی:** آموزش بالینی، استاد الگو، آموزش پزشکی

## مقایسه نگرش پزشکان و پرستاران شاغل در بیمارستان‌های عمومی دانشگاه علوم

### پزشکی تهران در مورد آموزش در کنار هم و کار گروهی

محبوبه لاری، منصوره فراهانی\*، روح انگیز جمشیدی اورک، مه‌ری بزرگ نژاد

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی پردیس بین الملل دانشگاه علوم پزشکی تهران.

تلفن: ۰۹۱۲۳۹۹۸۱۵۳

پست الکترونیک: mahbobe.lari@gmail.com

۲- استادیار دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران و عضو مرکز تحقیقات مراقبت پرستاری

پست الکترونیک: M-negar110@yahoo.com و M-farahani@sina.tums.ac.ir

تلفن: ۰۹۱۲۶۲۳۴۲۶۹

۳- استاد یار گروه آمار و ریاضی دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، تهران،

ایران

مری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران

**زمینه و هدف:** از میان اعضای تیم مراقبتی، پزشک و پرستار دو عنصر اصلی هستند که تشریح مساعی آنان می‌تواند پیامدهای مؤثر و مطلوبی را برای آنها، سایر اعضای تیم درمانی و همچنین بیماران داشته باشد. آموزش پزشکان و پرستاران در کنار یکدیگر و ارتقای فرهنگ کار گروهی می‌تواند پیامدهای مفیدی مانند افزایش تشریح مساعی آنان داشته باشد. هدف از انجام این مطالعه تعیین نگرش پزشکان و پرستاران در بیمارستان‌های عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران در مورد آموزش پزشکان و پرستاران باهم و کار گروهی است.

**روش:** این مطالعه یک مطالعه مقطعی از نوع توصیفی مقایسه‌ای است. جامعه پژوهش شامل پزشکان و پرستاران شاغل در بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی تهران بوده است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه جفرسون برای سنجش تشریح مساعی پزشک و پرستار بود که یکی از ابعاد مورد بررسی در آن سنجش نگرش پزشکان و پرستاران در رابطه با آموزش پزشکان و پرستاران در کنار هم و کار گروهی بود. کسب نمره بیشتر از سوالات مرتبط با این فاکتور نشان دهنده تمایل بیشتر جهت آموزش در کنار هم و تعاملات حرفه‌ای است. داده‌ها پس از جمع‌آوری با نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۴ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند، جهت دستیابی به اهداف تحقیق از آمار توصیفی شامل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و آمار استنباطی شامل آزمون‌های تی مستقل و کای دو استفاده گردید.

**یافته‌ها:** در این مطالعه ۱۶۰ نمونه در هر گروه (پزشکان و پرستاران) شرکت داشتند. نتایج پژوهش نمایانگر وجود اختلاف معنی‌دار ( $p\_value < 0/001$ ) بین میانگین نمرات نگرش پزشکان ( $21/5 \pm 3$ ) با پرستاران ( $24/5 \pm 2/25$ ) در بعد آموزش پزشکان و پرستاران در کنار هم و کار گروهی بود.

**نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش نشان می‌دهند که لازم است فرهنگ‌سازی در زمینه اعتلای تشریح مساعی پزشک و پرستار از دوران آموزش پزشکان و پرستاران شروع شود همچنین به نظر می‌رسد که برگزاری کارگاهی به منظور تعریف اهداف و راهکارهایی برای پیاده‌سازی تشریح مساعی پزشک و پرستار برای دانشجویان رشته‌های پزشکی و پرستاری به طور مشترک ضرورت داشته باشد. این مطالعه با روشن ساختن نگرش پزشک و پرستار در مورد آموزش پزشکان و پرستاران در کنار هم و کار گروهی می‌تواند زمینه‌هایی برای ارائه راهکارهایی در جهت برقراری ارتباط مؤثر بین پزشک و پرستار را فراهم آورد تا پزشکان، پرستاران و بیماران از پیامدهای مفید آن بهره‌مند شوند.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش پزشکان و پرستاران در کنار هم، کار گروهی

## ویژگی های یک کیس مناسب در آموزش مبتنی بر مورد کدامند؟

سکینه حیدری<sup>۱\*</sup>، عطیه فقیهی، امین حبیبی

\*کارشناس پرستاری دانشگاه شهید صدوقی یزد و دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

S\_heydari\_287@yahoo.com

**مقدمه:** آموزش مبتنی بر مورد یک استراتژی یادگیری فعال است که بویژه برای کمک به دانشجویان پزشکی در افزایش توانایی بکارگیری مفاهیم و ایده ها مفید است. کیس های آموزشی ابزاری قوی برای ساختار بخشیدن به مواجهه دانشجو در برخورد با اطلاعات به شیوه ای مشابه محیط حرفه ای می باشند. بنابراین آگاهی و توجه به ویژگی های یک کیس خوب میتواند استاد را در طراحی یک آموزش مبتنی بر مورد اثربخش یاری رساند. هدف از این مطالعه مروری بر ویژگیهای یک کیس خوب در آموزش مبتنی بر کیس میباشد.

**روش ها:** مقاله حاضر نوعی مطالعه مروری است که با جستجو در بانکهای اطلاعاتی معتبر شامل ERIC، Elsevier، google scholar و مطالعه ی کتابهای مرتبط با موضوع انجام شده است.

**نتایج:** در فرآیند طراحی یک کیس باید به پنج ویژگی مهم آن توجه نمود که این پنج ویژگی در کل هدفه استراتژی را در اختیار طراحان قرار میدهد. این پنج ویژگی و استراتژیهای آنها عبارتند از: ۱- مربوط بودن: (توجه به سطح فراگیران- توجه به اهداف و غایتها -محل و زمینه ارائه کیس)، ۲- واقعی بودن (مستند بودن - دارای اطلاعات غیر مرتبط و انحرافی-ارائه بصورت تدریجی و گام به گام)، ۳-درگیر کننده و جذاب (داشتن محتوای غنی-دارای جنبه های متعدد- نتایج متفاوت کیس که به اقدام یادگیرنده بستگی دارد)، ۳-چالش برانگیز (دشوار بودن-استفاده از کیس های غیر معمول - ساختار ارائه کیس-ارائه کیس های چند گانه و متعدد)، ۴-آموزشی(تقویت دانش قبلی فراگیران- ارزیابی- دارای بازخورد های آموزشی -استفاده از مواد آموزشی).

**نتیجه گیری:** نوشتن case کاری سخت ، وقت گیر و نیازمند مطالعه زیاد می باشد. از طرف دیگر نتایج پژوهش ها نشان میدهد این روش آموزشی برای اکثر دانشجویان پزشکی بسیار لذت بخش بوده و استدلال بالینی، تشخیص افتراقی و توانایی تفکر منطقی رادر آنها به طور قابل ملاحظه ای افزایش می دهد. بطور کلی یک کیس خوب باید طرح یک مسئله یا مشکلی باشد که کسب دانش، مهارت و نگرش راتشویق و تأیید کند، در متن یا موقعیتی مطرح شود که منجر به یادگیری عمیق و درست در فراگیر شده و از مشکلاتی مطرح شود که پس زمینه ای از بیماریا سایر موقعیت های بالینی رابرای دانشجو فراهم آورد. یک کیس خوب باید امکان تولید چند فرضیه ،افزایش انگیزش بیرونی و درونی و ایجاد یادگیری فردی، تشویق به خودارزیابی و تفکر انتقادی، انجام تحقیقات علمی برای کشف قوانین و رسیدن به نتایج، ادغام دانش و عمل، یادگیری مهارتهای ارتباطی ، رویکرد کار تیمی و گروهی به آموزش و حرفه تخصصی را فراهم سازد.

**واژه های کلیدی:** آموزش مبتنی بر مورد، ویژگی، مورد بالینی

## ارزیابی مشکلات آموزش بالینی گروه‌های ماژور دانشکده پزشکی دانشگاه علوم

### پزشکی شیراز

راضیه نشاط آور<sup>۱\*</sup>، دکتر منصور مسجدی، دکتر شهلا دشتی، مهسا سمیعی، دکتر علیرضا لنگرانی

کارشناس ارشد آموزش پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

rmeshatavar@yahoo.com

**مقدمه:** آموزش بالینی مهمترین بخش برنامه آموزشی است و از عناصری چون استاد، دانشجو، بیمار و محیط بالینی تشکیل می‌شود. شناخت این عناصر و درک مشکلات اولین گام برای بهبود کیفیت آموزش عالی است. هدف از انجام این مطالعه تعیین مشکلات آموزش بالینی به دانشجویان پزشکی در گروه‌های داخلی، جراحی، زنان و اطفال جهت رفع آن است که بیشترین عضو هیات علمی را درار می‌باشد.

**روش‌ها:** این مطالعه کیفی با تکنیک مصاحبه عمقی در چهار گروه‌ها روش نمونه‌گیری هدفمند انجام شد و شورایبم‌تشکل از معاونان آموزشی دانشجویی گروه‌ها در دو مرحله تشکیل شد. هر گروه جداگانه مشکلات را بیان نمودند و مصاحبه‌ها ضبط و پیاده‌سازی شد و کدگذاری داده‌ها در چهارتم و زیر گروه‌انجام شد.

**خلاصه یافته‌ها:** چهار تم اصلی شامل مشکلات محیط آموزشی، بی‌انگیزگی دانشجویان، شکاف بین تئوری و عمل و کم‌رنگ بودن طب سرپایی در نظر گرفته شد.

**نتیجه‌گیری:** مهمترین مشکل به ترتیب در دو تم اول بوده و در زیر گروه آن مربوط به مشکل در امکانات رفاهی و کمبود تجهیزات و بحران هویتی دانشجو بود. مشکلات دیگر به ترتیب مربوط به دو تم بعدی است و در زیر گروه آن مربوط به درگیری همزمان آموزشی و درمانی خود اعضای هیات علمی و بار درمانی بالای بیمارستان آموزشی وعدم برگزاری گزارش صبحگاهی و نبود منابع اختصاصی منسجم جهت تدریس می‌باشد. نتایج می‌تواند در طرح‌ریزی برنامه‌های درسی و نحوه تدریس آموزش اعضای هیات علمی و برنامه ریزیدیران آموزشی استفاده شود. پیشنهاد می‌گردد در برنامه ریزی گروه از شورای بالینی دانشجویان استفاده شود و کارگاه‌هایی جهت افزایش انگیزه برای دانشجویان و اعضای هیات علمی از طرف گروه روان پزشکی به طور اجباری برگزار گردد.

**واژه‌های کلیدی:** مشکلات آموزشی، گروه‌های بالینی، بازخورد.

## ارتقاء سطح دانش اخلاق حرفه ای و پزشکی دانشجویان در موقعیت های بالینی

معصومه صیدی

دانشگاه علوم پزشکی همدان، مربی، عضو هیئت علمی مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

Email: m.seidi@umsha.ac.ir

**مقدمه:** تدریس درس اخلاق حرفه ای و پزشکی در قالب واحد نظری پاسخ گوی نیازهای دانشجویان علوم پزشکی نیست زیرا بیشتر این وقت دوره تدریس خود را در بالین می گذرانند و از نزدیک با مصداق ها و مسائل اخلاق حرفه ای و پزشکی مواجه می گردند که مرجعی را برای پاسخ به سئوالات خود نمی یابند.

**روش ها:** نمونه مطالعه ۲۵ دانشجویان ترم آخر دوره کارورزی مدیریت پرستاری دانشگاه بودند که فرمی طراحی گردید که به هر فرم کد داده شد و از دانشجویان خواسته شد موارد غیر اخلاقی حرفه ای و پزشکی که در زمان حضور در دوره کارورزی را در بخش خود مشاهده نمودند را به شیوه بارش افکار فقط یادداشت نمایند. سپس تمام مواردی که دانشجویان یادداشت نموده بودند. در یک فرم تایپ شد مجدداً به ۲۵ دانشجو داده شد و از آنان خواسته شد به هر ایتام براساس اولویت نمره ای از ۱ تا ۱۰ داده شود. ۵ اولویت اول خود را ارائه نمایند. سپس پژوهشگر اولویت های اول دانشجویان را دسته بندی نمود. و به یک جمع بندی رسید

**نتایج:** دانشجویان مثال ها و مصداق های مختلفی را بیان نمودند. مانند استفاده از تکنیک های منسوخ، بحث کردن جزئیات مربوط به بیماری مریض در یک اتاق عمومی، درخواست برگشت مجدد بیمار به درمانگاه با اهداف آموزشی، ایجاد زمان طولانی انجام پروسجر های دردناک برای بیمار بخاطر آماده نکردن وسایل و... که در برخی موارد پاسخ واضحی برای آنان پیدا نمی کنند.

**نتیجه گیری:** در دوره های برگزاری کارآموزی و کارورزی دانشجویان علوم پزشکی در طرح درس آن زمانی از ساعت آموزشی به شناخت و ارائه مشکلات موارد اخلاق حرفه ای و پزشکی که دانشجویان در طول دوره مواجه شدند اختصاص یابد تا باعث ایجاد حساسیت و رشد اخلاقی دانشجویان گردد.

## ارزیابی گزارش صبحگاهی در حوزه آموزش بالینی بیمارستان شهید بهشتی کاشان

۱۳۹۱

فخرالسادات میرحسینی\*<sup>۱</sup>، سعید حیدری<sup>۲</sup>، کامران سلطانی عربشاهی<sup>۳</sup>

\* دانشجوی دکتری آموزش پزشکی گروه آموزش پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران و عضو هیات علمی

گروه هوشبری دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد مراقبت های ویژه دانشگاه علوم پزشکی سمنان و کارشناس هوشبری دانشگاه علوم پزشکی کاشان

<sup>۳</sup> استاد گروه داخلی و آموزش پزشکی دانشکده پزشکی و عضو مرکز اعصاب آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

f\_mirhoseiny@yahoo.com

**مقدمه:** ارتقای کیفیت آموزش بالینی مستلزم بررسی مستمر وضعیت موجود، شناخت نقاط قوت و اصلاح ضعفها است. در این میان گزارش صبحگاهی یکی از روشهای رایج در آموزش تعاملی مبتنی بر آموزش بیمار محور است و براساس (case) تدارک دیده میشود و در بسیاری از نظامهای آموزش پزشکی رایج است. گزارش صبحگاهی بعنوان یک ابزار آموزشی مهم در شاخه های مختلف پزشکی استفاده میشود و بعنوان روش آموزشی نیازمند ارزیابی و ارائه بازخورد میباشد.

**روش ها:** مطالعه مقطعی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته (سلطانی ودانشجویان دکتری آموزش پزشکی ورودی ۱۳۸۹)، روا شده مبتنی بر متون و با نظر متخصصین، انجام شد. ۵۵ نفر شرکت کننده در گزارش صبحگاهی بخش داخلی بیمارستان حضور داشتند پرسشنامه حاوی ۴ بخش بود. ارزیابی هماهنگ کننده، ارزیابی فضای محل برگزاری گزارش صبحگاهی، ارزیابی ارائه کننده و ارزیابی کیفیت ارائه محتوای بحث. داده ها با شاخصهای توصیفی و با ذکر میانگین و درصد توصیف شد.

**نتایج:** ۵۰ نفر از شرکت کنندگان در گزارش صبحگاهی پرسشنامه را تکمیل نمودند. نتایج نشان داد ارزیابی هدایت کننده در حد خوب (۲,۲۵\_+۰,۳۵) بود. نتایج ارزیابی کیفیت انتقال محتوای بحث نشان داد، از بین سوالات، مطابقت محتوی با clinical context و تاکید بر موارد پاراکلینیک بیشترین درصد الگوی روشن مدیریت بیمار، مدیریت منعطف، مشارکت شرکت کنندگان، جنبه های اخلاق حرفه ای، رضایت و خواست بیمار، کمترین موارد را به خود اختصاص داده بودند.

**نتیجه گیری:** براساس نتایج، هدایت گزارش صبحگاهی در گروه داخلی دانشگاه علوم پزشکی کاشان خوب گزارش شده است. یکی از مهمترین موارد در ارائه گزارش صبحگاهی کیفیت انتقال محتوای بحث است و در این قسمت "ارائه الگوی روشن (الگویی) که در آن توصیه ها قابل اجرا و اولویت بندی شده باشد" و در مورد مدیریت بیمار "ارائه الگوی مدیریتی منعطف و دارای پیشنهادات جایگزین"، و از طرفی تاکید بر جنبه های "اخلاق حرفه ای" و نشان دادن "اهمیت رضایت و خواست بیمار در تصمیم گیری های درمانی برای وی" که از موارد بسیار با اهمیت می باشند، نتایج این مطالعه ضعف برنامه را از دید مشارکت کنندگان نشان داده است. با توجه به نتایج که نشان دهنده مطابقت محتوای ارائه شده در گزارش صبحگاهی با زمینه بالینی می باشد؛ به نظر میرسد برگزار کنندگان بایستی از این نقطه قوت استفاده نموده و موارد مهم ذکر شده را که ضعیف است، ارتقا دهند.

**واژه های کلیدی:** آموزش بالینی، گزارش صبحگاهی، پزشکی، ارزیابی

## ارزشیابی آموزش بیمار و خانواده بر اساس استانداردهای بین المللی (JCI) در

### بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی تهران

فرشته فرزبان پور<sup>۱\*</sup>، ثمینه مرتضی قلی<sup>۲</sup>، سید شهاب حسینی<sup>۳</sup>، شادی حسینی<sup>۴</sup>، شایان حسینی<sup>۵</sup>

<sup>۱\*</sup>دانشیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده بهداشت

farzianp@sina.tums.ac.ir

<sup>۲</sup>کارشناس دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۳</sup>کارشناس ارشد دانشکده بین الملل کیش، دانشکده بین الملل کیش

<sup>۴</sup>کارشناس ارشد دانشکده بین الملل کیش، دانشکده بین الملل کیش

<sup>۵</sup>کارشناس ارشد دانشگاه میر کبیر

**مقدمه:** اهمیت آموزش بیمار و خانواده به عنوان وظیفه ای مهم و یکی از استانداردهای کیفیت مراقبت های پرستاری به شمار می آید و تمام بیماران حق دارند از آموزش در جهت حفظ سلامتی، پیشگیری از بیماری ها و ارتقاء سطح سلامت خود برخوردار شوند. اغلب افرادی که بیمار می شوند نیاز دارند در رابطه با وضعیت جدید، پیش آگهی بیماری و نحوه ی درمان و خطرها و فواید مربوط به آن مطالبی یاد بگیرند.

**روش ها:** در این پژوهش از روش پژوهش پیمایشی که از نوع پژوهشهای توصیفی - تحلیلی مقطعی است استفاده شد، که در یک بازه زمانی شش ماهه از دی ماه سال ۱۳۸۹ تا خرداد ماه سال ۱۳۹۰ انجام پذیرفت. استانداردهای (PFE) شامل ۷ استاندارد و ۳۹ عنصر قابل اندازه گیری می باشد. برای جمع آوری داده ها از دو پرسشنامه استفاده شد. هر دو پرسشنامه برگرفته از استانداردهای آموزش بیمار و خانواده اش (PFE) می باشد محاسبه ی پایایی با استفاده از روش آلفا کرونباخ و روش سنجش پایایی هر سوال (ICC) Intra Class Correlation صورت گرفت. مقدار عدد آلفا کرونباخ پرسشنامه اول ۰/۸۷۵ و برای پرسشنامه دوم برابر با ۰/۹۵۴ بود. حجم نمونه مورد نیاز تعداد ۲۵۸ نفر متناسب با تعداد پرستاران شاغل در بیمارستان های مورد بررسی انتخاب شدند.، از آمار استنباطی جهت تعیین اختلاف و تعیین روابط متغیرها استفاده گردید. این آزمونها شامل آنالیز واریانس یکطرفه (one way ANOVA) و مقایسه چندگانه scheffe می باشد.

**نتایج:** تطبیق نهایی استانداردهای بین المللی آموزش بیمار و خانواده (PFE) در بیمارستان های منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران از دیدگاه پرستاران نشان داد. از مجموع ۷ استاندارد، از حوزه استاندارد PFE.4 (آموزش بیماران به پاسخ دهی به نیازهای سلامتی آنها کمک می کند) استاندارد PFE.4.4 (راهنمایی های تغذیه ای) (۳۰/۲٪) به صورت کامل قابل اجرا بودند. همچنین از حوزه استاندارد PFE.2 (نیازهای آموزشی هریک از بیماران ارزیابی شده و در پرونده ی او ثبت میشود). (۸/۱٪) قابل اجرا بودند.

**نتیجه گیری:** استاندارد PFE.5 (آموزش بیماران و خانواده آنها) بیشترین قابلیت اجرایی را در میان سایر استانداردها و استاندارد (PFE.6) روشهای آموزشی) کمترین قابلیت اجرایی را در میان سایر استانداردها در بیمارستان های منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران از دیدگاه پرستاران داشتند.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی، استاندارد های بین المللی آموزش بیمار و خانواده، بیمارستان های آموزشی

## بررسی موانع آموزش به بیمار از دیدگاه پرسنل پرستاری بیمارستان های تابعه

### دانشگاه علوم پزشکی کاشان

محسن تقدسی<sup>۱</sup>، محمد سجاد لطفی<sup>۲</sup>، معصومه سادات موسوی<sup>۳\*</sup>

<sup>۱</sup> مربی، گروه پرستاری داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان  
<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان  
<sup>۳\*</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان.

پست الکترونیک: ms\_mousavi2012@yahoo.com

**مقدمه:** آموزش جزء حقوق اساسی بیماران، از وظایف اصلی شناخته شده پرستاران و از معیارهای ارتباط بخشی سازمان‌های ارائه دهنده خدمات بهداشتی است. آموزش بیمار در جوامع مختلف با کمیت و کیفیت مطلوبی ارائه نشده و استمرار این وضعیت موجب بروز پیامدهای منفی خانوادگی و اجتماعی گردیده است. آموزش به بیمار یک مراقبت اثر بخش است که اجرای آن موجب کاهش اضطراب، هزینه‌ها، طول مدت بستری و افزایش رضایت بیماران از مراقبت های بهداشتی می‌گردد.

**روش‌ها:** این پژوهش یک مطالعه مقطعی است و روش نمونه‌گیری به صورت در دسترس بوده که تعداد ۲۷۰ نفر از پرسنل پرستاری شامل ۲۵۰ نفر پرستار و ۲۰ نفر مدیر پرستاری در مطالعه شرکت کردند. بدین منظور پرسشنامه ۳۳ سوالی مربوط به مشخصات فردی و عوامل بازدارنده و تسهیل کننده آموزش به بیمار طراحی و مورد استفاده قرار گرفت. هر سوال بر اساس مقیاس لیکرت از ۱ تا ۳ نمره دهی شد. سپس داده‌ها با نرم افزار spss16.0 تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** مهمترین موانع آموزش به بیمار به ترتیب: عدم تناسب تعداد بیماران با تعداد پرستاران ۹۲/۲٪، کمبود وقت و تراکم وظایف پرستاری ۹۱/۹٪، رضایت ناکافی پرستاران از ساعات و شیفت کاری ۸۵/۹٪، انجام امور غیر حرفه‌ای ۸۳/۷٪ و حقوق ناکافی ۷۸/۹٪ بود. بین سن و سابقه کار با اعتقاد نداشتن پرستار نسبت به اهمیت آموزش رابطه معنا داری پیدا شد. به گونه‌ای که پرستاران با سن و سابقه کار بالاتر اعتقاد بیشتری به امر آموزش داشتند.

بین موانعی از جمله انجام امور غیر حرفه‌ای، جو پزشک‌سالاری، شرایط خاص مددجو و عدم علاقه به حرفه پرستاری با جنس رابطه معنا داری پیدا شد؛ به گونه‌ای که از نظر آقایان انجام امور غیر حرفه‌ای، جو پزشک‌سالاری و شرایط خاص مددجو از نظر خانم‌ها عدم علاقه بر حرفه پرستاری به عنوان مهمترین موانع آموزش به بیمار تلقی می‌شوند. بین نظر پرستاران در مورد انجام امور غیر حرفه‌ای به عنوان عامل بازدارنده و سمت رابطه معناداری مشاهده شد به گونه‌ای که اکثریت مدیران پرستاری مخالف و اکثریت پرستاران موافق هستند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج به دست آمده، جهت بهبود و ارتقا آموزش به بیمار باید موانعی که فراوانی بالاتری دارند تعدیل شده و با تخصیص پاداش‌های مادی می‌توان پرستاران را به آموزش به بیمار ترغیب کرد که نیازمند حمایت کافی از سوی مسئولین امر است.

**واژه‌های کلیدی:** موانع آموزش به بیمار، پرسنل پرستاری



## نیازسنجی آموزش بیمار در بیمارستان های آموزشی: دانشگاه علوم پزشکی تهران - مطالعه کیفی

سلیمه گوهری نژاد<sup>۱\*</sup>، سپند ریاضی<sup>۲</sup>، دکتر محمدرضا ملکی<sup>۳</sup>، محمد ازل<sup>۴</sup>  
<sup>۱\*</sup> دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران  
<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه تربیت معلم  
<sup>۳</sup> دانشیار گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی دانشگاه علوم پزشکی تهران  
<sup>۴</sup> دانشجوی دکتری مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

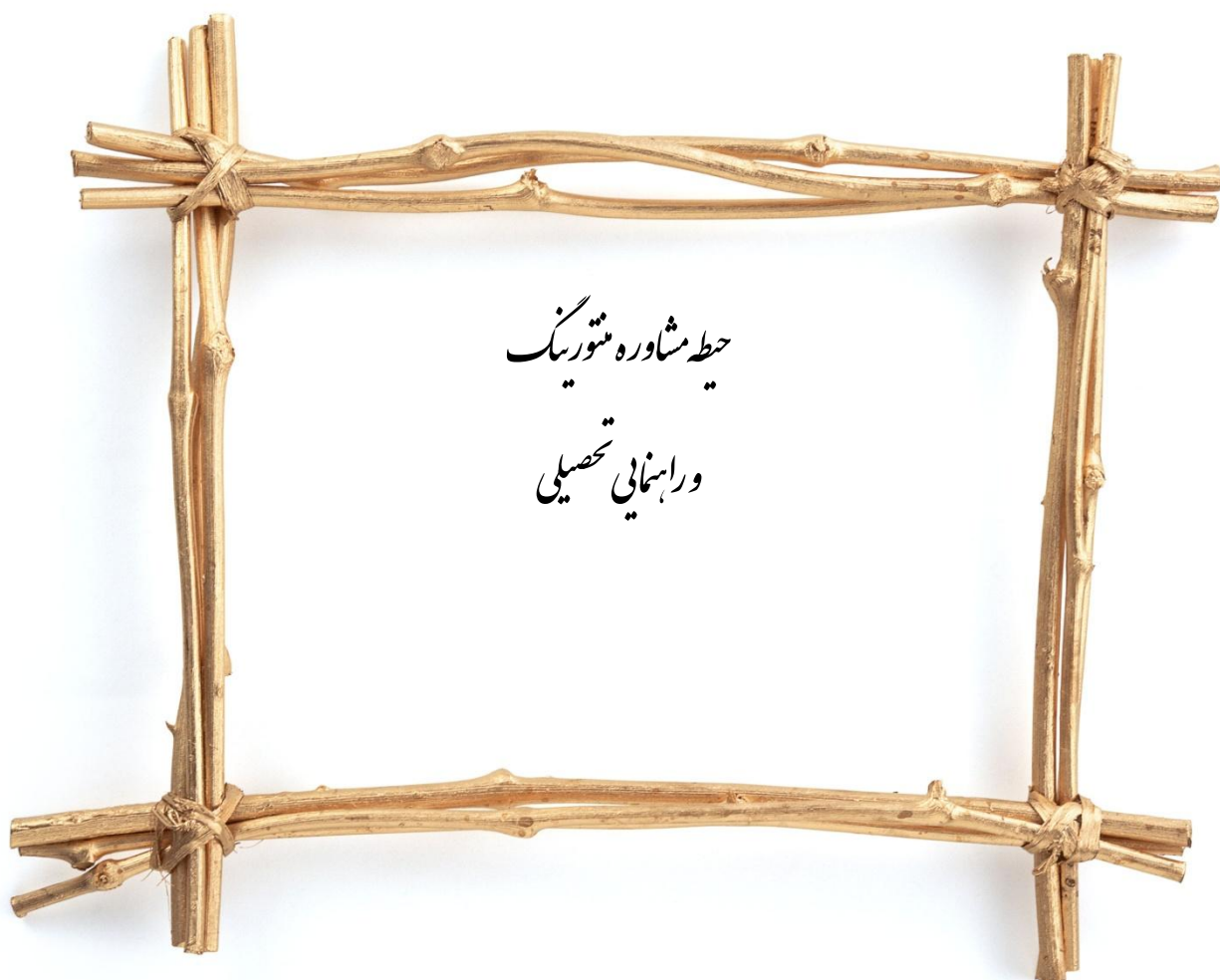
**مقدمه:** در چارچوب استراتژی های ارتقا سلامت، یکی از مهمترین نقش های اجرایی که از بیمارستان ها انتظار می رود، ارائه برنامه های آموزشی- ارتباطی برای بیماران می باشد. بدین منظور اساسی ترین قدم برای برنامه ریزی آموزشی، شناسایی و اولویت بندی نیازهای آموزشی، و به بیان دیگر نیازسنجی است. اگر نیازسنجی مبتنی بر واقعیت باشد، برنامه های آموزشی که بر مبنای این نیازها تنظیم و اجرا میشوند، با واقعیت هماهنگ بوده و در رفع مشکلات بیماران مؤثر خواهند بود. بنابراین هدف پژوهش حاضر، شناسایی نیازها و اولویت های آموزش بیمار، از دیدگاه پزشکان، پرستاران و بیماران در بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی تهران بود.

**روش ها:** پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی از نوع تحلیل چارچوبی (Framework Analysis) بود. جامعه پژوهش پزشکان، پرستاران و بیماران بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی تهران بود که با استفاده از روش نمونه گیری تئوریک انتخاب شدند. فرایند نمونه گیری تا زمان اشباع داده ها ادامه یافت. برای جمع آوری داده ها از مصاحبه های فردی استفاده شد. در طی انجام مصاحبه، کل محتوای مصاحبه با موافقت شرکت کنندگان ضبط شد. نهایتاً به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از روش تحلیل چارچوبی استفاده شد. نرم افزار مورد استفاده در این پژوهش نرم افزار MAX QDA10 بود.

**نتایج:** با استفاده از تحلیل چارچوبی داده ها ۹ مفهوم اصلی و ۳۰ مفهوم فرعی مرتبط با نیازهای آموزش بیمار شناسایی شد: تعیین نیازهای آموزشی، تجزیه و تحلیل نیازها، تقسیم بندی نیازها، تحلیل شکاف، تحلیل مخاطبان، درک مشکلات و نیازهای آموزشی، شناسایی منابع، اولویت بندی نیازها و تحلیل هزینه های آموزشی.

**نتیجه گیری:** شواهد موجود بیانگر مشارکت کمرنگ بیماران در فرایند نیازسنجی آموزش بیمار است. نتایج این مطالعه نشان داد که چارچوب نظام مند و جامعی برای تعیین نیازهای آموزشی بیمار وجود ندارد در حالیکه نیازسنجی با استفاده از رویکردی مشخص و با مشارکت تمامی ذینفعان اعم از پزشک، پرستار و بیمار می تواند به استفاده بهینه از تمام منابع محدود و کاهش هزینه ها منجر شود.

**واژه های کلیدی:** نیازسنجی، آموزش بیمار، بیمارستان های آموزشی



## تبیین تجربیات دانشجویان از مشاوره تحصیلی در دانشگاه علوم پزشکی گلستان

زهرا کریمی

دانشجو، کمیته تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی گلستان

**zahrakarimi2010@yahoo.com**

**مقدمه:** دانشگاهها مسئولیت های خطیری در تربیت، آموزش و پرورش دانشجویان دارند و برای رسیدن به این هدف، ارائه مشاوره و راهنمایی تحصیلی از طریق اساتید به دانشجویان یک ضرورت محسوب می شود. مشاوره تحصیلی رابطه ای هدفمند است که بر اساس مشارکت استاد و دانشجو با روش های منطبق بر نیازمندی های دانشجو انجام می گیرد. هدف از این مطالعه تبیین تجربه دانشجویان از مشاوره تحصیلی می باشد.

**روش ها:** در این پژوهش کیفی (۱۳۹۱) ۲۲ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان مشارکت نمودند. نمونه ها بر اساس حداکثر تنوع از نظر رشته، جنسیت، ... بودند حداقل یک سوال باز شامل "ایا تجربه مشاوره تحصیلی گرفتن رادر دوره دانشجویی داشتید بیان نمائید؟". برای آنالیز داده ها از روش "تحلیل محتوای مرسوم" استفاده شد.

**نتایج:** مضمون اصلی این مطالعه "مشاوره بیطرفانه و بدون تعصب" بود. دانشجویان در تجربیات خود سمت وسوق دادن به جهت مورد علاقه فرد مشاوره دهنده را نمی پسندیدند. مشاوره که راه های مختلف را به آنها نشان دهد و تصمیم نهایی و علاقه دانشجو و کاربردی بودن آن را به دانشجو واگذار نماید با ارزش تشخیص می دادند. مضامین فرعی این مطالعه "احساس نیاز به مشاوره نکردن، باور به مشاوره نداشتن، مشاوره گرفتن از همتایان، با مشکل مواجهه شدن و مشاوره گرفتن" بود.

**نتیجه گیری:** دانشجویان مشاوره ای را خوب تجربه کرده بودند که آنها را به سمت خاصی سوق نداده باشد و ذهن آنها را به مسائل باز کرده و نهایتاً نظر دانشجو را جویا شده و نظر خود را تحمیل نکرده است. تجربیات دانشجویان بیانگر این است که دانشجویان بعقل درگیر نشدن در طول ترم به درس ها اکثراً برای امتحان نیاز به مشورت دارند که آن را هم از دانشجویان ترم بالاتر و یا از دانشجویان موفق تر می پرسند. از آنجائیکه دانشجویان بدلیل نداشتن تجربه عقاید شخصی و بر داشتهای خود را انتقال می دهند نیاز است اساتید مشاور نیاز به مشاوره را به طریقی در دانشجویان ایجاد نمایند و از طرفی دانشجویان قبل از رویارویی با مشکل مشاوره تحصیلی را از اساتید دریافت نمایند.

**واژه های کلیدی:** مشاوره تحصیلی، دانشجو، علوم پزشکی

## نقش مشاوره و راهنمایی تحصیلی و شغلی در ایجاد علاقمندی دانشجویان نسبت به رشته تحصیلی

رجبعلی حکم آبادی<sup>۱\*</sup>، سمیه دلرحمی<sup>۲</sup>، نیره نعیمی قصابیان<sup>۳</sup>، حمید توکلی قوچانی<sup>۴</sup>

<sup>۱\*</sup> فوق لیسانس بهداشت حرفه ای، مربی هیئت علمی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

<sup>۲</sup> کارشناس بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

<sup>۳</sup> فوق لیسانس بهداشت محیط، مربی هیئت علمی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد،

<sup>۴</sup> دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، هیئت علمی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

abi.hse2006@gmail.com

**مقدمه:** مساله علاقه به رشته تحصیلی یکی از ارکان پیشرفت در سطح فردی و نیز در سطح کلان در محیط جوامع می باشد به طوری که آثار مثبت و منفی این مقوله به طور کاملاً آشکارا قابل لمس است. در عصر حاضر، تعلیم و تربیت کلید ورود به بسیاری از مشاغل است و راهنمایی تحصیلی می تواند نقش مؤثری در برنامه ریزی زندگی شغلی داشته باشد، از این رو مسئله مورد توجه این مقاله، بررسی اجرای نظام مشاوره تحصیلی و شغلی در ایجاد علاقمندی دانشجویان نسبت به رشته تحصیلی خود می باشد.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی-مقطعی از پرسشنامه "بررسی میزان علاقمندی به رشته تحصیلی" استفاده شده که روایی و پایایی آن تایید شده است در این مطالعه، در مرحله اول پرسشنامه ها قبل از مشاوره توسط دانشجویان پر شد. سپس طی برنامه ریزی های صورت گرفته دو جلسه به صورت عمومی و سه جلسه به صورت خصوصی برای دانشجویان توسط استاد مشاور گذاشته شد و استاد مشاور در این جلسات در مورد رشته تحصیلی و آینده شغلی آن ها صحبت کردند و بعد از این جلسات، مجدداً پرسشنامه در اختیار دانشجویان قرار گرفت و دانشجویان آن را تکمیل کردند و نتایج توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج نشان داد که ۶۸٪ دانشجویان مونث، ۳۲٪ مذکر، ۹۱٪ مجرد و ۹٪ متاهل، میانگین سنی ۱۹ سال، میانگین رتبه کنکور سراسری ۱۶۰۴۱، میانگین معدل دبیرستان ۵۸/ و ۱۸٪ از دانشجویان میزان تحصیلات پدر و مادرشان فوق دیپلم به بالا بود. همچنین نتایج نشان داد که میزان آگاهی آن ها از ۶۸٪ به ۷۶٪، میزان علاقمندی به رشته از ۷۱٪ به ۷۷٪ و میزان علاقمندی آن ها به ادامه تحصیل به ۱۰۰٪ بعد از مشاوره افزایش یافت.

**نتیجه‌گیری:** مشاوره تحصیلی و شغلی می تواند به عنوان یک برنامه جاری آموزشی در دانشگاه ها برای دانشجویان جدید الورود اجرایی شده تا دانشجو از همان ترم اول با رشته و آینده شغلی خود آشنا و با میل و رغبت بالایی تحصیل خود را ادامه دهد و در صورت عدم علاقه مندی به رشته تحصیلی خود به کمک استاد مشاور بتواند تصمیمات درستی را برای ادامه برنامه زندگی خود داشته باشند.

**واژه‌های کلیدی:** مشاوره تحصیلی، مشاوره شغلی، علاقمندی، دانشجویان

## ده ویژگی یک منتور خوب در آموزش پزشکی

مریم حیدری<sup>1</sup>، سیمین تعاونی<sup>2\*</sup>

<sup>1</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد مامایی مقطع پایان نامه، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران  
<sup>2\*</sup> دانشجوی دکتری آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، عضو هیات علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات

بهداشتی درمانی تهران

staavoni14@yahoo.com

**مقدمه:** ریشه کلمه Mentor برگرفته از حماسه Homer است، زمانی که Homer برای جنگ تروا رهسپاری شد، مراقبت خردمندانه از فرزند خود Telemachus را به دوست وفادار خود Mentor سپرد، و آتنا خدای خرد نیز به طور متناوب شکل Mentor را برای ارائه نصیحت، به خود می گرفت. فرآیند Mentorship، یک فرم ویژه منحصر به فرد از آموزش با یک ارتباط پویا و در حال تکامل می باشد. با وجود مزایای بی شمار استفاده از Mentoring متأسفانه هنوز شناخت اندکی از آن در بسیاری از نقاط جهان وجود دارد. هدف از مطالعه حاضر، آشنایی با مشخصات یک Mentore خوب در برنامه های آموزش پزشکی است.

**روش‌ها:** با استفاده از کلمات کلیدی مرتبط، بیش از ۲۰ مقاله با جستجوی رایانه ای نظام مند در بانکهای اطلاعاتی Google Scholar, Medical Education, PubMed مورد مطالعه قرار گرفت.

**نتایج:** در برخی از جوامع صرفاً از Mentoring در برنامه های رسمی تجارتي و آموزش پرستاری استفاده می شود اما پژوهش های مورد بررسی نشان می دهد که Mentoring یکی از جنبه های بسیار مهم توسعه و ارتقاء سطح علمی دانشجویان پزشکی، دستیاران و مدرسین، در سالهای اولیه تدریس می باشد و می توان گفت که یک Mentor، فردی است که می تواند الگو باشد. به صورت جمع بندی شده ۱۰ خصیصه یک Mentor با کیفیت عبارتند از: شنونده خوب، خاص، در دسترس، آموزش دهنده، ارائه دهنده بینش، راهنما، پشتیبان، مراقب، سودرسان، نتیجه بخش و قابل ستایش.

**نتیجه گیری:** وجود یک Mentor با کیفیت، مزایای زیادی را به دنبال دارد از جمله بهره گیری صحیح دانش آموختگان از مشاوره فردی، تشویق فراگیران به تفکر بیشتر در مورد گزینه های شغلی خود، افزایش رضایت حرفه ای، قرار دادن فراگیران در معرض ایده های جدید و فرصتها، رشد شخصی، افزایش خلاقیت، به اشتراک گذاشتن ارزش ها با دیگران، دستیابی به نتایج Mentoring، بهبود عملکرد حرفه ای در فراگیران و پیشرفت در تحقیقات پزشکی و بهبود کلی عملکرد دانشگاههای علوم پزشکی و.... در واقع بیشترین حسن Mentoring ایجاد تسهیلات نیازهای دانشی و مهارتی به طور فزاینده در طولانی مدت می باشد.

واژه های کلیدی : good Mentor, Medical Education Mentorship, Qualities of

## بررسی عوامل موثر بر رضایتمندی تحصیلی دانشجویان: راهکاری جهت ارتقاء کیفیت آموزشی و بالینی در محیط های آموزشی

آرمینا بن راضی غابش<sup>۲\*</sup>، لیلا مهبودی<sup>۱</sup>، فروغ فرخ آبادی<sup>۱</sup>، زهرا زارعی<sup>۱</sup>، علی دهقانی<sup>۳\*</sup>، رسول بهارلو<sup>۲</sup>

دانشجوی کارشناسی هوشبری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی جهرم

<sup>۳\*</sup> عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم،

**مقدمه:** توجه به کیفیت آموزشی هدف اول مدیران، اساتید و سیاستگذاران در امر سیاتگذاری نظام سلامت جامعه است. همچنین محققان معتقدند تأمین رضایتمندی دانشجویان از عوام ی است که در رشد و ارتقای مراکز آموزشی مؤثر است. بنابراین بررسی میزان رضایت از تحصیل می تواند پایه ای برای راهنمایی دانشجویان و شاخصی برای بهبود عملکردها باشد. که مطالعه حاضر نیز به بررسی عوامل موثر بر رضایتمندی تحصیلی می پردازد.

**روش ها:** مطالعه حاضر حاصل بررسی بیش از ۴۵ مقاله داخلی و خارجی از سایت های معتبر Sid, IranMedex, Elsevier, Scopus و PubMed با کلمات کلیدی Educational Quality, Satisfaction Educational, Learning Environment و student می باشد.

**نتایج:** بر اساس یافته ها عوامل متعدد فردی (انگیزه و علاقه)، عملکرد اساتید (شیوه تدریس و شیوه ارزشیابی)، عملکرد مدیران دانشگاه (عدم تبعیض بین رشته های مختلف، ترسیم چشم اندازه حرفه ای و استفاده از کادر آموزشی مجرب)، عملکرد کارمندان دانشگاه و محیط بالین (ارتباط با احترام)، محتوای دروس (برآوردن نیاز آموزشی)، مشارکت دانشجویان (در تدوین برنامه درسی و امور پژوهشی)، امکانات رفاهی و تصور افراد جامعه از رشته تحصیلی مهمترین عوامل تاثیرگذار در رضایتمندی تحصیلی دانشجویان در حیطه های مورد بررسی بودند.

**نتیجه گیری:** از بین حیطه های مورد بررسی عوامل فردی و عملکرد اساتید بیشتر از سایر موارد در رضایتمندی تحصیلی دانشجویان موثر بودند. و از آنجا که رضایتمندی تحصیلی از عوامل مهم و تاثیر گذار بر روی پیشرفت تحصیلی دانشجویان است. لذا پیشنهاد می گردد با انجام مطالعاتی در این زمینه و تعیین عوامل اثرگذار رویکردهای مناسبی را برای ارتقای رضایت از تحصیل به مراکز آموزش دانشجویان علوم پزشکی عرضه کرد و در نهایت به پیشرفت تحصیلی و کاری دانشجویان کمک نمود.

**واژه های کلیدی:** رضایتمندی تحصیلی، دانشجو، کیفیت آموزشی، محیط یادگیری

استفاده از منتورینگ دانشجویی به عنان ابزاری برای آموزش و یادگیری دانشجویان:  
بر اساس آموزه های تعلیم و تربیت اسلامی

دکتر مرضیه معطری<sup>۱\*</sup>، سارا سلیمانی<sup>۲</sup>، ندا جمالی مقدم<sup>۳</sup>، فرخنده مهبودی<sup>۴</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شیراز

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

<sup>۴</sup> کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

moattarm@sums.ac.ir

**مقدمه:** منتور یک رابطه ارگانیک و دوستانه با افراد جوانتر تحت سرپرستی خود برقرار می کند و نه تنها در مورد دروس دانشگاهی بلکه در خصوص پیشرفت تحصیلی و رشد و شکوفایی منتهی و خود تلاش می نماید. هدف از این مطالعه تبیین تجربه منتور و منتهی در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۳۹۰ می باشد.

**روش ها:** در این پژوهش کیفی با ۱۵ نفر از دانشجویان ۵ منتور و ۱۰ منتهی که در دانشگاه علوم پزشکی در سال ۱۳۹۰ مشغول به تحصیل بوده و تجربه این فرآیند آموزشی را داشتند. مصاحبه های نیمه ساختار به عمل آمد. کلیه مصاحبه ها دست نویس و مطابق روش "تحلیل محتوا" آنالیز شدند. از دانشجویان درباره تجربه شان از قرار گرفتن در این فرآیند آموزشی سوال شد.

**نتایج:** مضامین بر گرفته شده از این مطالعه در دو طبقه قرار گرفت. "احساس تکلیف کردن" احساس افتخار کردن " و "رشد کردن" از مضامینی بود که منتورها در این فرآیند آموزشی تجربه نموده بودند. "راهنما داشتن"، "احساس آرامش"، "ارتباطات قوی" از مضامینی بود که منتهی ها در این فرآیند تجربه نموده بودند. پی به استعداد های خود بردن و برای آینده شغلی آماده شدن از پیامدهای این فرآیند برای منتورها و آمادگی برای منتوری از پیامدهای این فرآیند برای منتهی ها شده است. دانشجویان در این فرآیند چون حلقه های زنجیر به هم گره خورده و شبکه قوی آموزشی و ارتباطی را تشکیل می دادند.

**نتیجه گیری:** منتورینگ یک فرآیند یاددهی یادگیری برای منتور و منتهی است. یک رابطه دو جانبه برای منتور و منتهی برقرار می شود که در آن هر دو طرف نفع می برند. منتور از یاد دادن و هدایت کردن تجربه می اندوزد و منتهی از یاد گرفتن گام به گام.

**واژه های کلیدی:** منتور، منتهی، دانشجوی پرستار، آموزش

## منابع مشاوره هنگام بروز مشکل برای دانشجویان دانشکده پرستاری جهرم در سال

۱۳۹۱

سید اسماعیل مناقب<sup>۱\*</sup>، مینا ایزدی<sup>۲</sup>، شیوا بیگی زاده<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> استادیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم

<sup>۲</sup> کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم

<sup>۳</sup> عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم

**مقدمه:** وارد شدن به دانشگاه از موارد مهم و حساس در زندگی است که افراد جوان را با مشکلات فراوانی روبرو می سازد. این تغییر در سبک زندگی باعث افت عملکرد تحصیلی دانشجویان می گردد. استفاده از خدمات مشاوره ای به همراه ارائه اطلاعات مناسب در مواقع ضروری از سوی افراد در حل چنین مشکلاتی سودمند خواهد بود.

**روش ها:** این یک مطالعه ای توصیفی تحلیلی بود که در سال ۱۳۹۱ در دانشکده پرستاری جهرم انجام گرفت. دانشجویان رشته های پرستاری، اتاق عمل و هوشبری دانشگاه علوم پزشکی جهرم بود. حجم نمونه ۲۵۰ نفر محاسبه گردید و نمونه گیری به روش سهمیه ای بود. بنابراین ۸۹ نفر از رشته پرستاری، ۵۶ نفر از رشته هوشبری و ۵۶ نفر از رشته اتاق عمل وارد مطالعه شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه روا (روایی صوری و محتوا به تایید سه نفر از اساتید مرتبط با موضوع) و پایا با آلفای کرونباخ ۰/۷۶ بود که شامل دو قسمت اطلاعات دموگرافیک و قسمت اصلی که از ۲۱ اختصاصی تشکیل شده بود. پرسشنامه ها به دانشجویان تPویل داده شد و پس از تکمیل از آنها گرفته می شد. اطلاعات وارد شده به نرم افزار SPSS نسخه ۱۱ در سطح آمار توصیفی و آزمونهای کای اسکور و اسپیرمنمورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** میزان برگشت پرسشنامه ها ۸۰/۴٪ بود. ۳۱،۳٪ از دانشجویان از والدین، ۳۰،۸٪ از دوستان، ۱۲،۹٪ از خانواده، ۵،۵٪ از استاد، ۱،۰٪ از مرکز مشاوره و ۱۸،۴٪ از سایر افراد جهت مشاوره کمک می گرفتند. بین وجود مشکل با پدر یا مادر و منابع مورد استفاده برای مشاوره با استفاده از آزمون های آماری کای اسکور و اسپیرمن به ترتیب با  $p < ۰/۰۲۶$  و  $p < ۰/۰۴۵$  معنا دار بود.

**نتیجه گیری:** اکثریت دانشجویان خانواده را به عنوان اولین منبع مشاوره معرفی نمودند که نشان دهنده ارتباط مناسب والدین با افراد جوان خانواده می باشد. این مطالعه نشان داد که اساتید و مراکز مشاوره در رتبه های آخر منابع مشاوره از دیدگاه دانشجویان هستند، که جای بسی تامل و بازنگری وجود دارد که چرا تاکنون این منابع از جایگاه مناسب برای انتخاب توسط افراد برخوردار نیستند.

**واژه های کلیدی:** مشاوره، مرکز مشاوره، استاد راهنما، دانشجویان، اساتید، راهنمایی



## کارگاه ایده پردازی با هدف پویایی آموزش، فرصتی برای بیان دیدگاههای دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی در زمینه موثرسازی حضور اساتید مشاور

مرجان زهراب<sup>۱</sup>، محبوبه طباطبایی چهر<sup>۲\*</sup>، معصومه حسن دوست فرخانی<sup>۳</sup>، عالییه نظام دوست<sup>۴</sup>، آلاله خلیلی<sup>۵</sup>، مینا رباط جزئی<sup>۶</sup>، مریم مدی نشاط<sup>۷</sup>، حامد مرتضوی<sup>۸</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی هوشبری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۲\*</sup> عضو هیئت علمی گروه مامایی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی مامایی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۴</sup> دانشجوی کارشناسی هوشبری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۵</sup> دانشجوی کارشناسی مامایی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۶</sup> دانشجوی کارشناسی پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۷</sup> عضو هیئت علمی گروه پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۸</sup> دکترای تخصصی پرستاری، عضو هیئت علمی گروه پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

**مقدمه:** استاد مشاور الگویی برای زندگی فردی و سازنده هویت حرفه ای دانشجوی می باشد و از این طریق نقش کلیدی در موفقیت برنامه استراتژیک و خط مشی های دانشگاه دارد. به منظور دستیابی به اهداف سازمانی در نظامهای آموزشی و تربیت نیروی انسانی متعهد، مولد و سالم برای جامعه آینده، بر آن شدیم تا با استفاده از نظرات دانشجویانو ارائه راهکارهایی از نقطه نظر آنان جهت اجرای بهینه و کارآمد ابعاد مختلف این برنامه، گام موثری برداریم.

**روش ها:** مطالعه حاضر از نوع Action research با هدف ایجاد برنامه های مدیریتی مطلوب و بهینه بود. پس از تصویب تشکیل کمیته مشورتی دانشجویی و هسته مرکزی کانون ایده های خلاق، ایده ی برگزاری **workshop** ایده پردازی پس از سه جلسه هم اندیشی بین رییس دانشکده و دانشجویان و بر اساس نیاز سنجی دانشجویی مطرح و پس از فراخوان دانشجویی به اجرا درآمد. دانشجویان به صورت منفرد و یا گروهی ایده های خود را بصورت ساده در فرم طراحی شده، مطرح نموده و پس از راهنمایی و تبادل نظر با هم و استاد راهنمای جلسه، آنها را مکتوب نمودند. پس از اتمام کارگاه در جلسات تکمیلی، ایده هایی که پتانسیل اجرایی لازم را دارا بوده اند با کمک عضو هیات علمی راهنما از قالب سناریوی اولیه در آمده جهت ارسال به شورای آموزشی دانشکده جهت اجرا طبقه بندی شدند.

**نتایج:** منتخب ایده ها و راهکارهای ارائه شده شامل تعیین اساتید مشاور در حوزه های تخصصی، استفاده از تکنولوژی و امکانات تحت وب جهت ارتباط بهتر و سریعتر و شاید محرمانه، راه اندازی صندوق های مشاوره و نصب آن در مکان مخصوص در محل تحصیل دانشجویان، تشکیل جلسات مشاوره ی همگانی بین استاد مشاور و دانشجویان، تقویت اساتید مشاور در خصوص مهارت انجام مشاوره، تشکیل ویدئو کنفرانس با مشاورین تخصصی در موضوعات مورد نیاز دانشجویان، برگزاری اردوهای گردش محلی برای دانشجویان غیر بومی با حضور استاد مشاور در بدو ورود به دانشگاه بودند.

**نتیجه گیری:** رضایتمندی صددرصدی دانشجویان از برگزاری کارگاه ایده پردازی با ایجاد فضایی برای بحث و تبادل نظر، با اولویت مغتنم شماری توانایی بالقوه دانشجویان، شیوه ای کارآمد و بسیار زود بازده، گامی پویا جهت ارزیابی و بررسی محیط های آموزشی دانشگاهی بوده و می تواند توسط اساتید و مدیران آموزشی مورد تاکید و اهتمام بیشتری قرار گیرد

**واژه های کلیدی:** کارگاه، استاد مشاور، ایده پردازی، پویایی، آموزش،

## بررسی تاثیر اجرای برنامه Peer Mentoring بر یادگیری مهارتهای بالینی و عوامل تنش زای محیط بالینی دانشجویان پرستاری

فریده سرداری کشکولی. کارشناسی ارشد پرستاری، بیمارستان شهید بهشتی یاسوج، فهیمه ثابتی\*، مرضیه شایسته فرد. اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، دانشکده پرستاری آبادان.

**مقدمه:** آموزش بالینی در رشته پرستاری از اهمیت بسزایی برخوردار است. اما با وجود مطالعات متعدد، همواره با مشکلاتی روبرو بوده است. یکی از روشهایی که در در سالهای اخیر جهت ارتقاء آموزش بالینی پرستاری مورد توجه قرار گرفته و در مورد جنبه های مختلف آن از جمله تاثیر بر استرس، بهبود یادگیری، رشد شخصی و حرفه ای و افزایش اعتماد به نفس دانشجویان، تحقیقاتی انجام شده است روش Mentoring می باشد. این مطالعه با هدف بررسی تاثیر اجرای برنامه Peer Mentoring بر میزان یادگیری مهارتهای بالینی و عوامل تنش زای محیط بالینی دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری آبادان در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ انجام گرفت.

**روش ها:** در این مطالعه نیمه تجربی، تعداد ۴۰ نفر از دانشجویان ترم دوم پرستاری که از نظر سن، جنس و معدل همگن شده بودند، به طور تصادفی در دو گروه مورد (۱۹ نفر) و شاهد (۲۱ نفر) وارد مطالعه شدند. هر دو گروه بر اساس برنامه آموزشی و تحت هدایت مربیان بالینی خود، کارآموزی واحد فن پرستاری را طی کردند. در گروه مورد علاوه بر مربی بالینی، به ازای هر ۳-۴ نفر دانشجوی ترم دوم، یک دانشجوی ترم ششم، به عنوان منتور، نقش هدایت، راهنمایی و حمایت دانشجویان را با نظارت مربی بالینی بر عهده داشت. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه اطلاعات فردی، پرسشنامه ارزیابی مهارتهای بالینی و فرم بررسی تجربه بالینی بود. از هر دو گروه، قبل و بعد از اجرای برنامه، پیش آزمون و پس آزمون به عمل آمد. داده ها توسط نرم افزار آماری SPSS ۱۷ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** در هر دو گروه، پس از کارآموزی، میزان یادگیری افزایش و میزان عوامل تنش زای محیط بالینی کاهش یافت. اما فقط اختلاف میانگین مهارتهای بالینی بین دو گروه از نظر آماری معنی دار بود که نشان دهنده یادگیری بیشتر در گروه مورد بود ( $p < / 0.01$ ،  $df = 38$ ،  $t = 4.1$ ).

**نتیجه گیری:** بر اساس نتایج این پژوهش، اجرای برنامه Peer Mentoring در ارتقاء یادگیری مهارتهای بالینی دانشجویان پرستاری موثر بوده است اما در کاهش عوامل تنش زای محیط بالینی تاثیر معنی دار نداشته است.

**واژه های کلیدی:** Peer Mentoring، یادگیری، مهارتهای بالینی، عوامل تنش زا، دانشجویان پرستاری.

## فرایند مواجهه اولیه استاد-دانشجو: تبیین درک و تجارب دانشجویان پرستاری بر

### پایه یک مطالعه کیفی

هومن شهسواری، زهره پارسا یکتا\*، شهرزاد غیاثوندیان

دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

zparsa@sina.tums.ac.ir

**مقدمه:** مواجهه اولیه استاد-دانشجو در فرایند آموزش نقش ارزنده ای در چگونگی آینده روابط میان آنها دارد. در حالیکه در زمینه آموزش علوم پزشکی و خصوصاً آموزش پرستاری این پدیده کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. از این رو، مطالعه حاضر به هدف تبیین و توصیف درک و تجارب دانشجویان پرستاری از مواجهه اولیه با اساتید در کلاس های درس و محیط بالینی به انجام رسیده است.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر مطالعه ای کیفی است که در آن ۱۵ دانشجوی پرستاری به روش هدف مند انتخاب گردیده و مورد مصاحبه نیمه ساختارمند قرار گرفته اند. داده های جمع آوری شده از مصاحبه ها بر اساس رویه تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

**نتایج:** بر اساس تحلیل صورت گرفته، سه درون مایه اصلی استخراج شده شامل "انتظارات پیشین"، "قضاوت های دانشجو" و "تعاملات آینده"، اساس تجارب و درک دانشجویان پرستاری را از مواجهه اولیه با اساتید تشکیل داده اند. درون مایه انتظارات پیشین که بر گرفته از چهار زیر دسته انتظارات تسهیم شده اجتماعی، انتظارات فردی، انتظارات حرفه ای و انتظارات مربوط به شهرت و شایعات است به عنوان ملاکی برای سنجش های ابتدایی استاد توسط دانشجو بکار گرفته می شود. درون مایه قضاوت دانشجو که بر گرفته از سه زیر دسته ارزیابی استاد، ملاک های ارزیابی و آغاز خوب یا بد است حکایت از یک فرایند ارزیابی دارد که دانشجو در طی آن بر اساس برخی شاخص ها استاد خود را سنجیده و در نهایت به قضاوت در مورد او دست می زند. درون مایه سوم که تعاملات آینده است و بر گرفته از دو زیر دسته قصد سازنده و قصد مخرب است به تصمیماتی اشاره دارد که دانشجو بر اساس مواجهه اولیه خود در مورد چگونگی روابط آینده با آن استاد قصد می کند.

**نتیجه‌گیری:** نتایج این مطالعه نشان می دهد که مواجهه اولیه استاد و دانشجو در علوم پزشکی فرآیندی است که در آن دانشجویان رفتارهای ابتدایی استاد خویش را بر پایه انتظارات ابتدایی خود مورد ارزیابی قرار داده و در مورد آنها قضاوت می کنند. این ارزیابی و قضاوتها، آینده روابط استاد و دانشجو متاثر می سازند. یافته های این مطالعه می تواند اساتید علوم پزشکی را نسبت به عوامل موثر در مواجهه اولیه آنها با دانشجویان آگاه سازد. داشتن این آگاهی اساتید را در مدیریت بهینه محیط های آموزشی و کسب منافع آموزش همکارانه یاری می کند.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش پرستاری، ارتباط استاد و دانشجو، تعاملات اجتماعی، مواجهه اولیه

## آموزش بر اساس شیوه پییرمنتورینگ: رویکردی نوین در آموزش بالینی دانشجویان پرستاری

دکتر معصومه همتی مسلک پاک\*، فرزانه باقریه، حمید رضا خلخالی

\*استادیار گروه آموزش پرستاری داخلی جراحی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

Hemmati\_m@umsu.ac.ir

**مقدمه:** یادگیری از طریق پییرمنتورینگ یک قالب آموزشی است که در آن افرادی که خود استاد حرفه ای نیستند در امر یادگیری به یکدیگر کمک می کنند. برنامه پییرمنتورینگ نوعی راهبرد آموزشی است که به صورت توسعه دانش و مهارت از طریق کمک فعال و حمایت بین افراد هم سطح تعریف می شود و یکی از روش های مهم و مؤثر برای آموزش فراگیران است. در واقع یک رابطه دو جانبه بین منتور و منتهی است که در آن هر دو طرف نفع می برند، منتور از یاد دادن و هدایت کردن تجربه می اندوزد و منتهی از یاد گرفتن گام به گام سود می برد. از جمله فواید این روش ارتقاء یادگیری فعال در دانشجو، افزایش اعتماد به نفس و سطح تعامل بین دانشجویان و ارتقاء حس مسئولیت پذیری در دانشجویان است. امروزه اجرای این روش آموزشی در ارتقاء آموزش بالینی اهمیت ویژه ای پیدا کرده است.

**روش ها:** مطالعه حاضر نیمه تجربی می باشد. جامعه پژوهش آن را کلیه ی دانشجویان ترم دوم پرستاری (۴۴ نفر) که شرایط ورود به مطالعه را داشتند، تشکیل دادند. دانشجویان به طور تصادفی به دو گروه کنترل (۲۱) و مداخله (۲۳) تقسیم شدند. دانشجویان گروه مداخله علاوه بر آموزش مرسوم، تحت آموزش بالینی بر اساس شیوه پییرمنتورینگ قرار گرفتند. به ازای هر ۴-۵ نفر یک دانشجوی ترم ۷ پرستاری به عنوان پییرمنتور نقش راهنمایی و حمایت دانشجویان را بر عهده گرفت. میزان یادگیری دانشجویان قبل و بعد از آموزش با چک لیست مورد مشاهده قرار گرفت. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های آماری کای دو، تی مستقل، من ویتنی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** اکثر نمونه ها ۶۵/۹ درصد مرد بودند. میانگین سنی نمونه ها  $20/24 \pm 1/88$  سال بود. آزمون آماری تی مستقل و کای دو تفاوت آماری معناداری بین سن و جنس دانشجویان در دو گروه نشان نداد. میزان یادگیری در مهارت های بالینی دانشجویان گروه مداخله که بر اساس پییرمنتورینگ آموزش دیده بودند به طور معناداری بهتر از دانشجویان گروه کنترل بود ( $P=0/001$ ). در مقایسه دو گروه، تفاضل میانگین امتیاز میزان یادگیری دو گروه بعد از مداخله دارای تفاوت معنادار آماری بود ( $P=0/001$ ).

**نتیجه گیری:** آموزش بر اساس شیوه پییرمنتورینگ بیش از روش مرسوم موجب ارتقاء دانش و مهارت های بالینی دانشجویان پرستاری بدون صرف هزینه اضافی شود. بنابراین پیشنهاد می شود مدرسین و برنامه ریزان آموزش بالینی پرستاری، آموزش بر اساس شیوه پییرمنتورینگ را به عنوان روش آموزشی مکمل در ارتقای آموزش بالینی که از اهمیت بالایی برخوردار است مد نظر قرار دهند.

**واژه های کلیدی:** برنامه پییرمنتورینگ، یادگیری، دانشجویان پرستاری، آموزش بالینی

## بررسی نظرات دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی تهران در مورد میزان مشارکت اساتید راهنما، مشاور و مشاور آماری در پایان نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی.

دکتر مسعود رودباری<sup>۱</sup> (نویسنده مسوول) - فرزانه برفه ئی<sup>۲</sup> - ساناز رفیع<sup>۲</sup>

۱- مرکز تحقیقات مقاومت های میکروبی، گروه آمار و ریاضی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم

پزشکی تهران

Email: [M-roudbari@tums.ac.ir](mailto:M-roudbari@tums.ac.ir)

زمینه وهدف: نظرات دانشجویان تحصیلات تکمیلی در مورد پایان نامه‌ها و رساله‌ها موضوعی است که کمتر بررسی شده است. هدف این مطالعه بررسی نظرات دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی تهران در مورد میزان مشارکت اساتید(راهنما، مشاور و مشاور آماری) در پایان نامه و رساله‌ها می‌باشد.

خلاصه روشکار: این مطالعه مقطعی در سال ۹۱-۹۰ بر روی پایان نامه‌ها و رسالات دفاع شده سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ چهار دانشکده دانشگاه که استاد مشاور آماری داشته‌اند، انجام شد. پرسشنامه طرح شامل اطلاعات دموگرافیک و آموزشی دانشجویان و اساتید و ۲۱ سوال ۵ گزینه‌ای در مقیاس لیکرت پیرامون میزان مشارکت اساتید در مراحل مختلف انجام پایان نامه یا رساله بود. اعتبار صوری پرسشنامه با استفاده از نظرات خبرگانو اعتبار درونی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۹۴) بررسی شد. همچنین تکرارپذیری پرسشنامه نشان دهنده همبستگی ۰/۷۵ تا ۰/۹۷ در کلیه سوالات بود. پرسشنامه طرح از طریق ایمیل برای کلیه افراد نمونه ارسال گردید و با حذف پرسشنامه‌های ناقص، ۲۷۰ پرسشنامه تکمیل شد. روش نمونه‌گیری طبقه‌ای مبتنی بر حجم بوده و برای تجزیه و تحلیل از شاخص‌های توصیفی و آزمون‌های تی مستقل، آنالیز واریانس، کروسکال والیس و یو من ویتنی استفاده شد. کلیه اطلاعات شرکت کنندگان محرمانه تلقی شده و تحقیق در کمیته اخلاق در پزشکی دانشگاه تایید شد.

خلاصه یافته‌ها: شرکت کنندگان ۲۹/۴٪ مرد و ۷۰/۶٪ زن و ۹۳/۳٪ و ۶/۷٪ به ترتیب در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری بودند. بیشترین مشارکت در سطوح زیاد و خیلی زیاد اساتید راهنما در رساله‌ها تهیه مقاله و در پایان نامه‌ها تهیه پروپوزال، بیشترین مشارکت در سطوح زیاد و خیلی زیاد اساتید مشاور در رساله‌ها تهیه پرسشنامه و جمع‌آوری داده‌ها و در پایان نامه‌ها تهیه پروپوزال و بیشترین مشارکت در سطوح زیاد و خیلی زیاد اساتید مشاور آماری در رساله‌ها تهیه پرسشنامه و جمع‌آوری داده‌ها و در پایان نامه‌ها تجزیه و تحلیل داده‌ها بوده است.

نتیجه‌گیری: با در نظر گرفتن نقش کم‌رنگ استاد مشاور در پایان نامه‌ها و رساله‌ها، لازم است حضور استاد مشاور در پایان نامه‌ها و رساله‌ها مورد بازنگری قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود که جایگاه اساتید در مقالات استخراجی از پایان نامه‌ها و رساله‌ها و سایر امتیازات مربوط، با در نظر گرفتن میزان مشارکت آنان تعیین گردد.

واژگان کلیدی: مشارکت، استاد، راهنما، مشاور، مشاور آماری، پایان نامه، رساله.

## مقایسه وضعیت آموزشی دانشجویان استعداد‌های درخشان با سایر دانشجویان در راستای ایجاد بستر مناسب برای خلاقیت و مسئولیت پذیری آنان

دکتر رحمت اله جدیدی<sup>۲۴</sup> - دکتر زهره عنبری<sup>۲۵</sup> - دکتر معصومه کلانتری<sup>۲۶</sup>

زمینه و هدف: در دهه گذشته وضعیت تحصیلی دانشجویان با استعداد، بیشتر مورد توجه مسئولین قرار گرفته و تلاش‌های گسترده‌ای در جهت حفظ و پرورش استعداد‌های برتر بعمل آمده است. لذا پژوهش حاضر با هدف مقایسه وضعیت آموزشی دانشجویان استعداد‌های درخشان رشته پزشکی با سایر دانشجویان ایجاد بستر مناسب برای خلاقیت و مسئولیت پذیری، استفاده بیشتر از استعدادها آنان در دانشگاه علوم پزشکی اراک در سال ۱۳۹۰، انجام شده است.

روش مطالعه: در این پژوهش توصیفی-مقطعی (Cross-Sectional) تعداد ۲۵ نفر از فارغ التحصیلان پزشکی استعداد درخشان با ۳۰ نفر از فارغ التحصیلان پزشکی عادی به روش نمونه‌گیری آسان انتخاب و مورد مقایسه قرار گرفتند. داده‌ها از طریق چک لیست ۲۰ سوالی حاوی اطلاعات دموگرافیک، معدل کتبی دیپلم، فاصله اخذ دیپلم تا پذیرش در دانشگاه، معدل مقاطع مختلف دوره پزشکی، نمره آزمون جامع علوم پایه و پیش‌کارورزی جمع‌آوری شد و از طریق نرم افزار SPSS و آزمون t آنالیز گردید.

یافته‌ها: در این پژوهش بین معدل دانشجویان استعداد‌های درخشان با میانگین  $16/99 \pm 1/14$  در مقایسه با دانشجویان پزشکی عادی با میانگین  $15/92 \pm 1/92$  و بین فاصله اخذ دیپلم تا پذیرش در دانشگاه و نیز نمره آزمون پیش‌کارورزی و معدل دوره کارآموزی بین دو گروه مورد مطالعه ارتباط معناداری وجود داشت ( $P < 0/05$ ). همچنین بین نمره آزمون علوم پایه دانشجویان استعداد‌های درخشان (میانگین  $130/5 \pm 16/43$ ) با دانشجویان عادی مورد مطالعه (میانگین  $122/3 \pm 16/53$ ) اختلاف معناداری وجود داشت، در صورتیکه بین سایر زمینه‌های مورد مطالعه اختلاف معناداری مشاهده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به تفاوت‌های چشمگیر دانشجویان استعداد‌های درخشان با دانشجویان عادی، لزوم بهره‌گیری هر چه بیشتر از توانمندی‌های بالقوه آنان در برنامه‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها، ضروری است که تدوین برنامه راهبردی، فراهم نمودن امکانات بیشتر و ایجاد بستری مناسب در شکوفایی استعداد‌های آنان در زمینه خلاقیت و مسئولیت‌پذیری، بسیار تعیین‌کننده می‌باشد.

کلید واژه‌ها: استعداد‌های درخشان، وضعیت آموزشی، رشته پزشکی

۱- استادیار، هیات علمی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اراک

۲- استادیار، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اراک

۳- پزشک عمومی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی اراک، دانشگاه علوم پزشکی اراک

## بررسی عملکرد اساتید مشاور و راهنمادر دانشجویان پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

زهرا زارع فضل الهی<sup>۱</sup>، نصرالله جباری<sup>۲\*</sup>، خدیجه صوفیان<sup>۳</sup>

مربی و هیات علمی گروه فناوری اطلاعات سلامت دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه  
<sup>۳\*</sup>دانشیار و عضو هیات علمی گروه تصویربرداری پزشکی دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

Email: njabbarimp@gmail.com

<sup>۲</sup>دانشجوی رشته تصویربرداری پزشکی دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

**مقدمه:** مشاوره میتواند امری ضروری و موثر در روند تحصیلی دانشجویان باشد. عدم صلاحیت مشاوران در انجام وظایف خود در قبال دانشجویان مانع از رسیدن به اهداف آموزشی میگردد. این مطالعه به منظور تعیین نظرات دانشجویان پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه در مورد عملکرد اساتید در زمینه مشاوره و راهنمایی تحصیلی صورت گرفت.

**روش‌ها:** در این مطالعه مقطعی، دانشجویان کلیه رشته های پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه (۲۸۰ نفر) به سوالات پرسشنامه ای پژوهشگر-ساخته، که روایی و پایایی آن مورد تایید قرار گرفته بود، پاسخ دادند.

**نتایج:** در این مطالعه درصد زیادی از دانشجویان مشاوره را امری موثر و ضروری میدانستند (۴۱،۴ درصد خیلی زیاد و ۳۳،۶ درصد زیاد) و تنها ۷،۹ درصد از دانشجویان مشاوره را امری غیر ضروری میدانستند؛ ۹۴،۳ درصد دانشجویان با استاد مشاور خود آشنایی کامل داشتند ولی از این تعداد تنها ۸،۹ درصد از راهنمایی استاد مشاور خود اعلام رضایت داشتند و تنها ۱۳،۶ درصد در دسترس بودن استاد مشاور خود را تایید نمودند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج به دست آمده به نظر میرسد هر دو گروه درگیر مشاوره، با وظایف استاد مشاور و جایگاه استاد راهنما آشنایی لازم را ندارند و یا اساتید در قبال دانشجویان احساس مسولیت نمیکنند و در انجام وظایف خود کوتاهی میکنند. به منظور بهبود ارئه خدمات مشاوره و راهنمایی لازم است که دانشکده نسبت به بهبود وضعیت موجود با بررسی علل ضعف عملکرد اساتید مشاور در دوره های قبل اقدام نماید و مسولیت مشاوره به افراد با صلاحیت علمی واگذار گردد.

**واژه‌های کلیدی:** اساتید، عملکرد، راهنمایی و مشاوره، دانشگاه علوم پزشکی، دانشجو

## راهنمایی و مشاوره دانشجویی، ارائه چارچوبی برای تضمین کیفیت

دکتر ریتا رضایی، دکتر محمدمهدی ثاقب، دکتر مرجان انوار، پریسا نبیئی\*

\*مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی شیراز

Email: parisanabeiei@yahoo.com

**مقدمه:** در راستای هدایت هدفمند امور تحصیلی دانشجویان جهت رشد و شکوفایی هر چه بیشتر آنان و اهمیت این موضوع و ضرورت اجرای آن در سطح دانشکده ها، به نظر می رسد که بایستی یک بررسی همه جانبه نسبت به موانع عملیاتی نمودن این طرح، و ارزشیابی اثربخشی برنامه هایی که تاکنون به اجرا درآمده است، انجام گردد. هدف اصلی این پژوهش، ارائه چارچوبی برای مدیریت برنامه های طرح استاد مشاور در سطح دانشگاه بر مبنای تحلیل عملکرد به تفکیک دانشکده های مختلف می باشد.

**روش ها:** این مطالعه به صورت مقطعی و از نوع توصیفی - تحلیلی می باشد. جمع آوری اطلاعات به صورت کیفی (گروه های متمرکز با حضور مسئولین اساتید مشاور در دانشکده ها) و به صورت کمی (خود ارزیابی اساتید و نظرسنجی از دانشجویان) بوده است. نمونه گیری به صورت تصادفی از کلیه دانشجویان دانشکده های تابعه دانشگاه، انجام گشت. کلیه اساتید درگیر در طرح استاد مشاور و مسئولین استاد مشاور نیز، در این بررسی، مشارکت داشتند. تجزیه و تحلیل داده ها نیز، با استفاده از نرم افزار آماری SPSS 14 انجام گرفته است.

**نتایج:** این مطالعه در هشت دانشکده از دانشگاه علوم پزشکی به صورت هم زمان انجام شد. در این پژوهش ۹۷۴ نفر از دانشجویان ۱۲۵ نفر از اساتید شرکت نمودند. در زمان جمع آوری داده ها ۵۲/۵٪ دانشجویان در سطح دانشگاه بیان نمودند که استاد مشاور زمان کافی در اختیار دانشجو می گذارد و ۴۵/۴ درصد از دانشجویان معتقد بودند که استاد مشاور به دانشجو در درک اهمیت درس کمک می کند.

**نتیجه گیری:** نمایان شدن ضعف ها و قوت های برنامه مشاوره و راهنمایی از طریق خود ارزیابی اساتید، علاوه بر آنکه می توانند بیانگر میزان تحقق اهداف تدوین شده باشد، همچنین می تواند نقطه شروعی برای بهبود کیفی وضع موجود باشد. همچنین به منظور بهبود ارائه خدمات مشاوره و راهنمایی، لازم است به مشاوره به عنوان موضوعی علمی که نیاز به آموزش دارد، توجه شود.

**واژه های کلیدی:** استاد مشاور، مشاوره و راهنمایی، مشاوره آموزشی



بررسی رضایتمندی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم بهزیستی و  
توانبخشی از نحوه هدایت و راهنمایی پایان نامه توسط اساتید راهنما در سال ۱۳۹۰-۹۱

دکتر سهیلا شهشهانی<sup>۱\*</sup>، دکتر سمانه حسین زاده، کیانوش عبدی، اکبر میرجانی اقدم  
\*متخصص کودکان، مرکز تحقیقات توانبخشی اعصاب اطفال، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی  
Email: sol\_shah@yahoo.com

**مقدمه:** این پژوهش با هدف تعیین رضایتمندی دانشجویان تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد؛ دکتری و MPH) دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی از نحوه هدایت و راهنمایی پایان نامه توسط اساتید راهنما در سال ۱۳۹۰-۹۱ صورت گرفت.

روش‌ها: ابتدا پرسشنامه محقق ساخته حاوی ۱۷ سوال جهت تعیین اعتبار محتوایی و صوری در اختیار ۱۰ نفر از اعضا هیئت علمی دانشگاه قرار داده شد. سپس به منظور بررسی پایایی در یک طرح مقدماتی، پرسشنامه در اختیار ۱۰ نفر از دانشجویانی که در مرحله آماده شدن برای دفاع از پایان نامه بودند قرار گرفت. برای تعیین همبستگی درونی سوالات از ضریب  $\alpha$  کرونباخ استفاده شد ضریب  $\alpha$  کرونباخ کلی پرسشنامه مربوط به استاد راهنما معادل ۰/۹۳۸ تعیین گردید. در مرحله اجرا این پرسشنامه توسط دانشجویان تحصیلات تکمیلی که جهت انجام امور مربوط به دفاع از پایان نامه خود به دفتر تحصیلات تکمیلی مراجعه نمودند تکمیل شد. آزمون کروسکال-والیس برای مقایسه میانگین رضایت گروهها، مدل خطی تعمیم یافته برای بررسی تاثیر متغیرهای مستقل بر میزان رضایت دانشجویان و آزمون های کای-دو و فیشر برای مقایسه سطح رضایت گروهها بکار گرفته شدند. اطلاعات بدست آمده توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** این پژوهش نشان داد میزان رضایت دانشجویان کارشناسی ارشد، دکتری و MPH از استادان راهنمای خود در حد زیاد و به ترتیب ۷۷/۶٪، ۱۰۰٪ و ۹۱/۷٪ بود. همچنین سطح رضایت اکثر دانشجویان از اساتید راهنما در دانشکده های مختلف بالا بود. ارتباط معنی داری بین سطح رضایت از استاد راهنما با دانشکده دانشجویان وجود نداشت. نتیجه گیری: این پژوهش نشان داد بین متغیرهای مستقل جنس، مقطع تحصیلی، نوع مطالعه و دانشکده دانشجویان و میزان رضایت آنان از استاد راهنما ارتباط معنی داری وجود ندارد. تنها بین سن و نمره رضایت دانشجویان ارتباط معنی داری مشاهده شد ( $P=0/022$ ).

**واژه‌های کلیدی:** رضایتمندی، هدایت و راهنمایی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی، استاد راهنما، پایان نامه

## طراحی، اجرا و ارزشیابی الگوی mentorship در آموزش بالینی دانشجویان

### دانشکده پیراپزشکی همدان

بهزادایمنی<sup>۱\*</sup>، آرزو کریمپوریان<sup>۲</sup>، میترا زندیه<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>عضو هیات علمی دانشکده پیراپزشکی و عضو مرکز تحقیقات اورولوژی و نفرولوژی و مادر کودک دانشگاه علوم پزشکی همدان  
<sup>۲</sup>عضو مرکز تحقیقات اورولوژی و نفرولوژی و مادر کودک دانشگاه علوم پزشکی همدان<sup>۳</sup>عضو هیات علمی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی همدان behzadiman@yahoo.com

**مقدمه:** در اسطوره شناسی یونان واژه منتور به شخصیت‌های مشاور و اندرزگو اطلاق می‌شد. منتور به فردی بزرگ‌تر و باتجربه تر گفته می‌شود که افراد جوان‌تر از خویش را راهنمایی می‌کند و نقش مشاور دارد. در سال‌های اخیر منتورینگ به عنصر مهمی در رشد و توسعه شغلی تبدیل شده است. در سال‌های اخیر در برخی از دانشگاه‌های اروپایی و آمریکایی، طرح سرپرستی و راهنمایی دانشجویان سال پایین توسط دانشجویان سال بالاتر اجرا می‌شود. بنابراین پژوهشگران بر آن شدند که فرآیندی با هدف طراحی، اجرا و ارزشیابی الگوی mentorship در آموزش بالینی دانشجویان دانشکده پیراپزشکی همدان انجام دهند، باشد که قدمی هر چند ناچیز در جهت اعتلای علمی محسوب گردد.

**روش‌ها:** با توجه به کمبود مربی، به لحاظ وجود مشکلات مالی و اداری در استخدام مربی آموزش بالینی و عضو هیات علمی، برای کاهش این مشکل و افزایش کیفیت آموزش بالینی، استفاده از قابلیت و توانمندیهای دانشجویان و با استناد به تجربیات و روش آموزش بالینی بعضی از دانشکده هادر رشته اتاق عمل، طرح mentorship بکار گرفته شد. قبل از هر اقدامی ابتدا موضوع در جلسات گروه مطرح و راهکارهای متفاوتی منجمله طرح مربی بالینی و port folio و mentorship ارائه گردید. برای اجرای طرح اقداماتی به شرح زیر اتخاذ گردید: ۱- نظرسنجی از دانشجویان ناپیوسته و دارای سابقه کار بالینی در اتاق عمل در مورد زمینه مهارت کاری و همچنین زمینه‌های مورد نیازشان به یادگیری در حوزه بالینی ۲- بررسی نظرات مربیان بالینی در مورد توانمندیهای حرفه ای این دانشجویان ۳- جمع بندی نظرات دانشجویان و مربیان و در نهایت تعیین نیاز آموزشی و مهارت بالینی هر یک از دانشجویان ناپیوسته ۴- تعیین اهداف و برنامه های آموزشی کارآموزی دانشجویان پیوسته ۵- برنامه ریزی کارآموزی توسط دانشجویان مربوطه تحت نظارت مربیان دانشکده ۶- ابلاغ اهداف کارآموزی و تشریح قوانین و مقررات کارآموزی هر گروه از دانشجویان پیوسته به دانشجویان ناپیوسته و مربیان در جلسه های مشترک قبل از شروع ترم ۷- تدوین فرم ارزشیابی دانشجویان ناپیوسته جهت ارزیابی وظایف آموزش بالینی آنان ۸- اجرای برنامه ۹- نظارت بر اجرای طرح بطور روزانه توسط مربیان گروه و بطور تصادفی توسط مدیر گروه

**نتایج:** از آنجا که آموزش بالینی دانشجویان هوشبری و بالاحص اتاق عمل نیازمند مهارتهای اختصاصی در زمینه های متعدد جراحی (حداقل ۱۰ حوزه تخصصی جراحی) است و با توجه به تعدد زیاد تکنیکهای جراحی، اجرای این روش توانست نقش بسیار موثری در آموزش پایه پای دانشجویان پیوسته داشته باشد. از طرفی، باعث تقلیل نیاز دانشکده به مربیان بالینی گردید و در ضمن رضایت دانشجویان پیوسته و ناپیوسته را بدنبال داشت.

**نتیجه‌گیری:** آموزش گروه همتایان (طرح منتور شیپ) می‌تواند وسیله ای کمکی در آموزش مهارتهای بالینی باشد. استفاده از آن به عنوان روشی جهت جلوگیری از استرس، سردرگمی، ارتقاء یادگیری فعال، اعتماد به نفس، افزایش تعاملات بین دانشجویان و رضایت‌مندی آموزشی پیشنهاد شده است. همچنین می‌تواند مسیر استفاده از روشهای ترکیبی و نوین آموزش بالینی را هموار کرده و کمک شایانی در ارتقای کیفیت آموزش بالینی و کاهش هزینه های مربوط به آموزش بالینی نماید و می‌توان از این روش برای آموزش سایر رشته ها نیز بهره گرفت.

**واژه های کلیدی:** طراحی، اجرا و ارزشیابی الگوی mentorship در آموزش بالینی

## آگاهی اساتید راهنما نسبت به راهنمایی و هدایت تحصیلی در دانشگاه علوم پزشکی چهرم در سال ۱۳۹۱

سید اسماعیل مناقب\*<sup>۱</sup>، فاطمه پرچی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>استادیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی چهرم  
<sup>۲</sup>کمیتة تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی چهرم

**مقدمه:** مشاوره و راهنمایی دانشجویان یکی از مهمترین راهبردهای پیشگیری در دانشگاهها به حساب میآید. راهنمایی و مشاوره راهنمایی و مشاوره ناکافی و نامناسب می تواند دانشجویان را در دستیابی به اهداف آموزشی و حرفه ای دچار مشکل و اختلال نماید. در حالی که مشاوره مناسب، از طرف مراجع با صلاحیت، می تواند منجر به حل مشکلات دانشجویان شده و حتی فرصت هایی برای رشد و تغییر الگوی رفتاری آنان فراهم نماید. این مطالعه به منظور بررسی آگاهی اساتید راهنما نسبت به راهنمایی و هدایت تحصیلی در دانشگاه علوم پزشکی چهرم انجام گرفت.

**روشها:** این یک مطالعه توصیفی مقطعی بود که در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه علوم پزشکی چهرم انجام شد. جامعه پژوهش اساتید راهنما دانشگاه علوم پزشکی چهرم بود. نمونه گیری به روش سرشماری بود و تعداد ۴۲ نفر اساتید راهنما به روش سرشماری وارد مطالعه شدند. معیار ورود: اساتید راهنما اعم از طرح، سرباز، هیئت علمی، پیمانی، رسمی و معیار های خروج اساتید راهنمایی که فاقد دانشجو بود. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته روا و پایا (ضریب آلفا کرونباخ ۰/۸۳) با استفاده از آیین نامه اساتید راهنما بود. بخش اول پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و بخش دوم ۲۳ سوال آگاهی بود که با گزینه های صحیح و غلط تنظیم شده بود. در صورت پاسخ صحیح امتیاز ۱ و در غیر این صورت ۰ تعلق می گرفت و در ۴ سطح ضعیف (۰-۶)، متوسط (۷-۱۲)، خوب (۱۳-۱۷) و عالی (۱۸-۲۳) ارزیابی می شد. پرسشنامه ها توسط همکار طرح به دانشجویان تحویل داده شد و پس از تکمیل از آنها پس گرفته شد. اطلاعات وارد نرم افزار با استفاده از نرم افزار SPSS 14 شد و در سطح آمار توصیفی مورد آنالیز قرار گرفت.

**نتایج:** ۴۳/۸٪ اساتید مونث و ۵۶/۳٪ مذکر بودند. نتایج بدست آمده نشان می دهد ۹/۴٪ اساتید راهنما در سطح خوب، و ۹۰/۶٪ اساتید راهنما در سطح آگاهی عالی نسبت به شرح وظایف اساتید راهنما قرار داشتند. میانگین و انحراف معیار نمره کل آگاهی اساتید راهنما نسبت به شرح وظایف اساتید راهنما  $1/9 \pm 20/5$  و به تفکیک دانشکده، نمره آگاهی اساتید راهنمای دانشکده پزشکی  $2/2 \pm 20/6$  و نمره آگاهی اساتید راهنمای دانشکده پرستاری  $1/8 \pm 20/4$  بود. ۴۶/۹٪ اساتید ابراز داشتند دوره ی آموزشی در جهت هدایت و راهنمایی تحصیلی گذرانده اند، که ۹۳/۳٪ این موارد بصورت کارگاه آموزشی و ۶/۷٪ موارد بصورت سمینار بوده.

**نتیجه گیری:** بر اساس نتایج این مطالعه آگاهی اساتید نسبت به شرح وظایف و روند راهنمایی و هدایت تحصیلی در هر دو دانشکده پزشکی و پرستاری در سطح عالی ارزیابی می گردد. در دانشگاه هایی که اساتید تازه وارد دارند و نیز در مواردی که با آیین نامه راهنمایی و هدایت تحصیلی آشنایی ندارند می توان از کارگاه های آموزشی بهره جست.

**واژه های کلیدی:** راهنمایی تحصیلی، استاد راهنما، هدایت تحصیلی، مشاوره، آگاهی.

## راهبردهای ارتقای کیفیت برنامه آموزش پزشکی عمومی

دکتر فاطمه جاویدان<sup>۱\*</sup>، دکتر محمدصادق دهقان<sup>۲</sup>، دکتر سلیمان احمدی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی دکترای تخصصی رشته آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، کارشناس معاونت

آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

<sup>۲</sup> دانشجوی دکترای تخصصی رشته آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، کارشناس معاونت

آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

drmsdehghan@gmail.com

<sup>۳</sup> عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش

پزشکی

**مقدمه:** در زندگی حرفه‌ای اغلب پزشکان انتظار می‌رود که بخشی از فعالیت خود را به امر یاددهی اختصاص دهند. همچنین علاوه بر دوره‌های از پیش طراحی شده، در اغلب موارد لازم است اساتید پزشکی، در طراحی برنامه آموزشی به صورت مستقیم دخیل باشند. استقلال در یادگیری، مدیریت خودمحور، جستجو در منابع علمی مرتبط، ارزیابی نقادانه و آموزش دستیابی به سطوح بالای یادگیری از توانایی‌های اصلی مورد انتظار از دانش‌آموختگان پزشکی می‌باشد. چالش فعلی برای اساتید پزشکی یافتن راهی است که بازدهی یادگیری در دانش‌آموختگان پزشکی را افزایش دهد. امروزه نظامهای سنتی آموزشی در ایجاد توانمندی‌های مورد انتظار از پزشکان کافی نمی‌باشند. پیشرفت‌های علوم شناختی در سال‌های اخیر کاربردهای مهمی در طراحی برنامه آموزشی داشته‌اند. یکی از این کاربردها اتخاذ راهبردهایی برای ارتقای کیفیت برنامه آموزش پزشکی عمومی می‌باشد.

**روش‌ها:** این مقاله مروری با بررسی مجلات و منابع الکترونیکی معتبر، ضمن معرفی مهمترین راهبردهای ارتقای کیفیت برنامه آموزش پزشکی عمومی، به نحوه عملیاتی سازی و روش اجرایی نمودن این راهبردها می‌پردازد.

**نتایج:** تغییراتی که در سال‌های اخیر در تئوری‌های یادگیری رخ داده است در کنار تغییر نیازهای جامعه‌ای که دانش‌آموختگان پزشکی باید به آن پاسخگو باشند، همگی گویای این نکته است که اتخاذ راهبردهایی برای ارتقای کیفیت برنامه آموزش پزشکی عمومی اجتناب‌ناپذیر است. راهبردهای آموزشی «تصمیمات جهت‌دار بنیادی در یاددهی می‌باشند که هدف آنها دستیابی به اهداف آموزشی می‌باشند». راهبردهای متعددی برای ارتقای کیفیت برنامه آموزشی وجود دارند اما مهمترین آنها برای ارتقای کیفیت برنامه آموزش پزشکی عمومی در حال حاضر عبارتند از: راهبردهای دانشجو محوری، یادگیری مبتنی بر مسئله، ادغام یافته، مبتنی بر جامعه، انتخابی و نظام‌مند بودن (SPICES)، و نیز راهبردهای مرتبط با محصول، متناسب بودن، بین حرفه‌ای، موجز و مختصر بودن، جایگاه چندگانه و همزیستی (PRISMS) و همچنین راهبردهای واقعی بودن، ادغام یافته، بازخورد، یادگیری و ارزشیابی (RIFLE).

**نتیجه‌گیری:** هر یک از راهبردهای ارتقای کیفیت برنامه آموزشی به صورت یک طیف نشان داده می‌شوند. هر طراح آموزشی باید قبل و در حین تدوین برنامه آموزشی، جایگاه هر یک از اجزای برنامه درسی را در هر یک از این طیف‌ها مشخص نماید و سپس اقدام به طراحی برنامه درسی نماید. همچنین براساس هر یک از راهبردهایی که انتخاب می‌شوند باید مداخلاتی در برنامه درسی صورت گیرد تا هر یک از اجزای این راهبردها عملیاتی شوند. طوریکه ارزشیابی حاصل از مداخلات در برنامه، این اطمینان را به طراحان برنامه دهد که کیفیت برنامه ارتقا یافته است.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش پزشکی عمومی، برنامه درسی، راهبرد، ارتقای کیفیت

## تبیین محیط آموزشی ایده آل از دیدگاه دانشجویان در دانشکده بهداشت بندرعباس: یک مطالعه کیفی

دکتر تیمور آقاملایی\*، دکتر ماندانا شیرازی، دکتر سیده آمنه دادگران، دکتر هومن شهسواری  
\*نویسنده مسؤل: دکتر تیمور آقاملایی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

**زمینه و هدف:** محیط آموزشی یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده موفقیت برنامه آموزشی است و کیفیت محیط آموزشی بعنوان یک تعیین کننده بسیار مهم در یادگیری مؤثر شناخته شده است. بعلاوه، محیط یادگیری یک تعیین کننده مهم رفتار است و عناصر محیط آموزشی با موفقیت آکادمیک و رضایت از دوره آموزشی در ارتباط است. هدف این مطالعه تبیین محیط آموزشی ایده آل از دیدگاه دانشجویان در دانشکده بهداشت بندرعباس بود.

**روش کار:** این مطالعه یک پژوهش کیفی با رویکرد تحلیل محتوا است. هشت نفر از دانشجویان شاغل به تحصیل از رشته های مختلف دانشکده بهداشت شامل بهداشت عمومی، آموزش بهداشت، بهداشت محیط، بهداشت حرفه ای و حشره شناسی پزشکی به روش نمونه گیری مبتنی بر هدف انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از مصاحبه انفرادی نیمه ساختار یافته استفاده شد و مصاحبه ها تا زمان به اشباع رسیدن داده ها ادامه یافت. برای تحلیل داده ها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد.

**نتایج:** انتظارات دانشجویان از محیط آموزشی ایده آل در چهار طبقه اصلی شامل عوامل انسانی (با سه زیر طبقه اساتید، دانشجویان و کارکنان)، عوامل غیر انسانی (با سه زیر طبقه محیط فیزیکی، تجهیزات و امکانات آموزشی و امکانات رفاهی)، یادگیری و جو کلی دانشکده پدیدار شد.

**نتیجه گیری:** برنامه ریزان آموزشی و مسؤلین اجرایی با آگاهی از این انتظارات و برنامه ریزی جهت برآورد کردن آنها می توانند عملکرد سیستم آموزشی را بهبود بخشند و زمینه ارتقاء کیفیت آموزش را فراهم نمایند.

**واژه های کلیدی:** محیط آموزشی، دانشجو، رویکرد کیفی

## شکاف موجود بین وظایف و عملکرد اساتید راهنما از دیدگاه دانشجویان دانشگاه

### علوم پزشکی بوشهر

دکتر ثریا زحمت کش ، دکتر کامران میرزایی\*

\*مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی ، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

Email: [kamran.mirzaei@yahoo.com](mailto:kamran.mirzaei@yahoo.com)

**مقدمه:** شناسایی مشکلات تحصیلی و جبران نارسایی های تحصیلی و درسی دانشجویان، ارجاع دانشجویان مشکل دار به مراکز مشاوره و همکاری در مراحل مختلف حل مشکل از جمله وظایف اصلی اساتید مشاور و یک عامل مهم برای ارتقای آموزش دانشجویان و صلاحیت حرفه آنها، بازدهی و کارآمدی بیشتر نظام آموزشی، افزایش پیشرفت و کاهش افت تحصیلی دانشجویان می باشد. نظام استاد راهنما در دانشگاههای ایران به دلیل گرفتاری آموزشی، فقدان تخصص لازم، بی علاقه گی به رفع مشکلات دانشجویان وعدم اختصاص وقت کافی از سوی اساتید ، نتایج درخشانی به بار نیاورده است. این مطالعه با هدف ارزیابی دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر از وظایف اساتید مشاور و نحوی ارائه فعالیت های مشاوره ای آنان انجام شد.

**روش ها:** در یک مطالعه مقطعی ، دیدگاه دانشجویان شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ دانشگاه علوم پزشکی بوشهر با استفاده از پرسشنامه ای خود ایفا جمع آوری شد. سئوالات پرسشنامه مبتنی بر شرح وظایف اساتید راهنما منطبق بر آئین نامه وزارت بهداشت طراحی و روایی و پایایی آن مورد تایید قرار گرفت. سئوالات مشتمل بر دو بخش دیدگاه دانشجویان درخصوص شرح وظایف اساتید راهنما و میزان رعایت آن از سوی اساتید مشاور خود و بصورت سئوالات بسته با پاسخ لیکرت ۵ گزینه ای بود.

**نتایج:** در این مطالعه ۳۰۰ دانشجو شرکت نمودند. پاسخ موافق به شرح وظایف ۱۱ گانه استاد راهنما و رعایت آن از سوی استاد مشاور در هر حیطة به ترتیب عبارت بودند از: در حیطة آشنایی دانشجو با مقررات و ضوابط آموزشی، پژوهشی و انضباطی ( ۹۳/۶٪ و ۵۶/۰٪ ،  $P = ۰/۰۰۲$  )، ارزیابی و شناخت وضعیت تحصیلی دانشجو در گذشته ( ۸۷/۴٪ و ۲۴/۳٪ ،  $P = ۰/۰۰۰$  )، ارزیابی ، نقد و پیگیری پیشرفت تحصیلی دانشجو در حال تحصیل ( ۹۹/۱٪ و ۲۶/۳٪ ،  $P = ۰/۰۰۰$  )، شناخت استعدادها و توانایی های بالقوه دانشجو و کمک به شکوفایی منطقی آن ( ۸۷/۷٪ و ۲۱/۴٪ ،  $P = ۰/۰۰۰$  )، ارائه راهنمایی های لازم به دانشجو در زمینه شغل و ادامه تحصیل ( ۹۹/۷٪ و ۵۵/۳٪ ،  $P = ۰/۰۰۹$  )، آماده سازی دانشجو برای پذیرش مسئولیت های شغلی پس از اتمام تحصیلات ( ۹۳/۶٪ و ۳۱/۲٪ ،  $P = ۰/۰۰۱$  )، نقد و پیگیری علل افت تحصیلی دانشجو و کمک و راهنمایی در جهت رفع آن ( ۹۹/۸٪ و ۳۴/۷٪ ،  $P = ۰/۰۰۱$  )، فراهم سازی امکان اجرای برنامه های مشاوره ای خارج از برنامه های اعلام شده ( ۸۸/۷٪ و ۵۵/۷٪ ،  $P = ۰/۰۰۹$  )، راهنمایی دانشجو در زمینه مشکلات غیر آموزشی ( ۸۷/۷٪ و ۵۵/۳٪ ،  $P = ۰/۰۲۲$  )، توجه به استرس های محیطی ، خانوادگی و تحصیلی و در صورت نیاز ، ارجاع به مراکز مشاوره برای پیگیری از بروز مشکلات ( ۸۶/۶٪ و ۵۵/۴٪ ،  $P = ۰/۰۳۱$  ) و بررسی مستمر وضعیت تحصیلی دانشجو ( ۹۹/۱٪ و ۴۸/۴٪ ،  $P = ۰/۰۱۸$  )

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج به دست آمده به نظر میرسد اساتید درگیر در امر مشاوره با وظایف استاد راهنما و جایگاه مشاوره، آشنایی لازم را ندارند و یا اساتید به وظایف خود به خوبی عمل نمیکنند. لذا به منظور بهبود ارائه خدمات مشاوره و راهنمایی، لازم است به مشاوره بهعنوان موضوعی علمی که نیاز به آموزش دارد توجه شود و این مسئولیت به کسانی محول شود که صلاحیتهای علمی لازم را کسب کرده باشند.

**واژه های کلیدی:** دیدگاه، وظایف استاد راهنما، عملکرد، مشاوره تحصیلی

## آگاهی دانشجویان نسبت به راهنمایی و هدایت تحصیلی در دانشگاه علوم پزشکی چهرم در سال ۱۳۹۱

سید اسماعیل مناقب<sup>۱\*</sup>، فاطمه پرچی<sup>۲</sup>،

<sup>۱\*</sup> استادیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی چهرم

<sup>۲</sup> کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی چهرم

esmanagheb@yahoo.com

**مقدمه:** مشاوره و راهنمایی به مجموعه فعالیت‌هایی اطلاق می‌گردد که در آن فردی را در غلبه بر مشکلات تشریحیاریوبه او می‌آموزند که خویشتن را بشناسد و روابط خود را با دیگران درک کند. مشاوره تحصیلی، رابطه‌ها یا استیوپایا و هدفمند که بر اساس مشاور کتاستاد و دانشجویان و روش‌ها یا منطبق بر نیازمندی‌ها یا دانشجویان انجام می‌گیرد. این مطالعه به منظور بررسی آگاهی دانشجویان نسبت به راهنمایی و هدایت تحصیلی در دانشگاه علوم پزشکی چهرم انجام گرفت.

**روش‌ها:** این یک مطالعه توصیفی مقطعی بود که در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه علوم پزشکی چهرم انجام شد. جامعه پژوهش دانشجویان پزشکی و پرستاری دانشگاه علوم پزشکی چهرم بود. حجم نمونه ۱۶۰ نفر محاسبه گردید و نمونه‌گیری به روش طبقه‌بندی تصادفی شامل ۹۰ دانشجوی پزشکی و ۷۰ دانشجوی پرستاری بود. معیار ورود: دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی چهرم و معیار خروج: دانشجویان مهمان بود. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته روا و پایا (ضریب آلفا کرونباخ ۰/۸۳) با استفاده از آیین نامه اساتید راهنما بود. بخش اول پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و بخش دوم ۲۳ سوال آگاهی بود که با گزینه‌های صحیح و غلط تنظیم شده بود. در صورت پاسخ صحیح امتیاز ۱ و در غیر این صورت ۰ تعلق می‌گرفت و در ۴ سطح ضعیف (۰\_۶)، متوسط (۷\_۱۲)، خوب (۱۳\_۱۷) و عالی (۱۸\_۲۳) ارزیابی می‌شد. پرسشنامه‌ها توسط همکار طرح به دانشجویان تحویل داده شد و پس از تکمیل از آنها پس گرفته شد. اطلاعات وارد نرم افزار با استفاده از نرم افزار SPSS14 شد و در سطح آمار توصیفی مورد آنالیز قرار گرفت.

**نتایج:** در مجموع ۸۶/۷٪ دانشجویان استاد راهنمای خود را می‌شناختند و ۱۳/۳٪ دانشجویان نیز شناختی از استاد راهنمای خود نداشتند. ۳۲/۷٪ دانشجویان تاکنون هیچ مراجعه‌ای نداشتند، ۴۰٪ دانشجویان ۱-۲ بار، ۱۸٪ دانشجویان ۳-۵ بار و ۹/۳٪ دانشجویان بیش از ۵ بار تا کنون به استاد راهنمای خود مراجعه داشتند. در زمینه آگاهی نسبت به شرح وظایف استاد راهنما، ۰/۷٪ دانشجویان در سطح آگاهی ضعیف، ۷/۳٪ دانشجویان در سطح آگاهی متوسط، ۱۶٪ دانشجویان در سطح آگاهی خوب و ۷۶٪ دانشجویان در سطح آگاهی عالی قرار گرفتند. میانگین نمره محاسبه‌شده آگاهی دانشجویان نسبت به شرح وظایف اساتید راهنما  $4/05753 \pm 19/4467$  می‌باشد.

**نتیجه‌گیری:** علی‌رغم اینکه آگاهی دانشجویان نسبت به شرح وظایف اساتید راهنما در سطح عالی ارزیابی می‌شود ولی هنوز درصد قابل توجهی از دانشجویان (۳۲٪) هیچ‌گونه مراجعه‌ای به استاد راهنمای خود نداشته‌اند. بهتر است برنامه‌هایی جهت هرچه فعال‌تر کردن این فرآیند در نظر گرفته شود.

**واژه‌های کلیدی:** راهنمایی تحصیلی، استاد راهنما، هدایت تحصیلی، مشاوره، آگاهی، دانشجو

## عملکرد اساتید راهنما در زمینه راهنمایی و هدایت تحصیلی در دانشگاه علوم

### پزشکی جهرم در سال ۱۳۹۱

سید اسماعیل مناقب<sup>۱\*</sup>، فاطمه پرچی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>استادیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم

<sup>۲</sup>کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم

**مقدمه:** ورود دانشجویان از محیط های متنوع خانوادگی، شهرها و روستاهای کشور به فضای باز و متفاوت دانشگاهها بر اهمیت و ضرورت بهره گیری از راهنمایی و نوعی سرپرستی نسبی اساتید راهنمای تأکید دارد تا از این طریق بتوانند از افت تحصیلی دانشجویان و مشکلات دیگر جلوگیری کنند. اگر استاد راهنما با اصول و فنون راهنمایی و مشاوره آشنا باشد و از آنها استفاده کند در ادای وظیفه اش موفق تر خواهد بود و اعتماد به نفس دانشجویان را تقویت خواهد کرد. شناسایی مشکلات تحصیلی و جبران نارساییهای تحصیلی و درسی دانشجویان، ارجاع دانشجویان مشکل دار به مراکز مشاوره و همکاری در مراحل مختلف حل مشکل از جمله وظایف اصلی مدرسین در به ثمر رساندن برنامه راهنمایی تحصیلی محسوب میشود این مطالعه به منظور بررسی عملکرد اساتید راهنما دانشگاه علوم پزشکی جهرم انجام گرفت.

**روش ها:** این یک مطالعه توصیفی مقطعی بود که در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه علوم پزشکی جهرم انجام شد. جامعه پژوهش دانشجویان پزشکی و پرستاری دانشگاه علوم پزشکی جهرم بود. حجم نمونه ۱۶۰ نفر محاسبه گردید و نمونه گیری به روش طبقه بندی تصادفی شامل ۹۰ دانشجوی پزشکی و ۷۰ دانشجوی پرستاری بود. معیار ورود: دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جهرم و معیار خروج: دانشجویان مهمان بود. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته روا و پایا (ضریب آلفا کرونباخ ۰/۸۸) بود. بخش اول پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و بخش دوم شامل ۱۵ سؤال بود که با گزینه های صحیح و غلط تنظیم شده بود. در صورت پاسخ صحیح امتیاز ۱ و در غیر این صورت ۰ تعلق می گرفت و در سه سطح ضعیف (۰-۵)، متوسط (۶-۱۰) و خوب (۱۱-۱۵) سطح بندی شد. پرسشنامه ها توسط همکار طرح به دانشجویان تحویل داده شد و پس از تکمیل از آنها پس گرفته شد. اطلاعات وارد نرم افزار با استفاده از نرم افزار SPSS 14 شد و در سطح آمار توصیفی مورد آنالیز قرار گرفت.

**نتایج:** میانگین و انحراف معیار نمره کل عملکرد اساتید راهنما بر اساس نظرات دانشجویان  $4 \pm 4/44$  بود و به تفکیک دانشکده ها، نمره عملکرد اساتید راهنمای دانشکده پزشکی  $4/71 \pm 4/14$  و نمره عملکرد اساتید راهنمای پرستاری  $4/09 \pm 3/81$  بود. از نظر سابقه ی استاد راهنما بودن،  $40/6\%$  اساتید کمتر از ۱ سال،  $25\%$  اساتید ۲-۱ سال،  $12/5\%$  اساتید ۳-۴ سال و  $21/9\%$  اساتید بیش از ۵ سال سابقه داشتند. از نظر سابقه ی تدریس  $28/1\%$  اساتید ۱ سال،  $6\%$  اساتید ۲-۱ سال،  $9/4\%$  اساتید ۳-۴ سال،  $56/3\%$  اساتید بیش از ۵ سال سابقه ی تدریس داشتند.

**نتیجه گیری:** بر اساس نتایج این مطالعه عملکرد اساتید راهنما در زمینه راهنمایی و هدایت تحصیلی در سطح ضعیف ارزیابی می گردد. اگر چه بر اساس مطالعات قبلی سطح آگاهی اساتید راهنما در سطح عالی و نگرش آنها نیز مثبت ارزیابی شده بود و همچنین بر اساس همین مطالعه بیش از نیمی از اساتید راهنما بیش از پنج سال سابقه تدریس داشته اند، ولی باز هم عملکرد آنها ضعیف است. پیشنهاد می گردد مطالعات بیشتری در زمینه علل عملکرد نامطلوب اساتید راهنما انجام گیرد.

**واژه های کلیدی:** راهنمایی تحصیلی، استاد راهنما، هدایت تحصیلی، مشاوره، عملکرد.



## علل مراجعه دانشجویان به دفاتر مشاوره دانشجویی در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

شاپور، اهواز، عبدالحسین شکورنیا<sup>۱\*</sup> (مربی)، گروه ایمنی شناسی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی

shakurnia@yahoo.com

احمد رضا مهتدی<sup>۲</sup> (استادیار)، گروه بیهوشی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز،

Mohtadi\_ar@yahoo.com

۳. حسین الهام پور (مربی)، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران،

elhampour@yahoo.com

**مقدمه:** دفاتر مشاوره دانشجویی به عنوان سازوکاری موثر در پیشگیری از بروز و شیوع مشکلاتی که دانشجویان ممکن است با خود وارد دانشگاه کرده باشند، یا در طول تحصیل بدان گرفتار شوند در مجموعه معاونت فرهنگی دانشجویی دانشگاهها در راستای ارتقاء سلامت جسمی، روانی و اجتماعی دانشجویان ارائه خدمت می کنند. این پژوهش با هدف بررسی علل مراجعه دانشجویان مراجعه کننده به دفاتر مشاوره دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز انجام شده است.

**روش‌ها:** در یک مطالعه توصیفی - تحلیلی علل مراجعه دانشجویان مراجعه کننده به مراکز مشاوره در یک دوره یکساله مورد بررسی قرار گرفت. داده های مورد نیاز از پرونده مراجعین به دفاتر مشاوره دانشجویی استخراج و بانک داده های این مطالعه را تشکیل دادند. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم‌افزاری SPSS صورت گرفت. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش های آمار توصیفی (درصد، فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون مجذور کای) برای بررسی ارتباط بین متغیرها استفاده شد.

**نتایج:** تعداد ۶۴۷ نفر (۲۰٪) از ۳۲۰۰ دانشجوی شاغل به تحصیل در دانشگاه دست کم یک بار جهت طرح مشکلات خود به دفاتر مشاوره دانشجویی دانشگاه مراجعه کرده اند. تعداد ۱۶۴ نفر (۲۵/۵٪) از این دانشجویان به دلیل مشکلات آموزشی-تحصیلی، ۱۴۰ نفر (۲۱/۷٪) به دلیل مشکلات روانی-عاطفی، ۱۴۰ نفر (۲۱/۷٪) نیز به دلیل مشکلات فردی، ۱۳۳ نفر (۲۰/۷٪) به دلیل مشکلات ازدواج و ۶۷ نفر (۱۰/۴٪) به دلیل مشکلات خانوادگی به دفاتر مشاوره دانشجویی دانشگاه مراجعه کرده اند. مراجعه دانشجویان دختر به دفاتر مشاوره از دانشجویان پسر بیشتر بوده است (۷۳/۱۳٪ در مقابل ۲۶/۸۷٪،  $\chi^2=12/92$  و  $p=0/02$ ). نتایج آزمون مجذور کای نشان داد که بین علل مراجعه دانشجویان به تفکیک جنس، تاهل و بومی بودن تفاوت معنی داری وجود دارد ( $p<0/05$ ).

**نتیجه‌گیری:** نتایج این مطالعه نشان داد که دفاتر مشاوره راهکاری موثر برای کمک به پیشرفت دانشجویان و رفع مشکلات آنان در ابعاد گوناگون تحصیلی، فردی و اجتماعی است. آمار مراجعین به دفاتر مشاوره دانشجویی نشان می دهد که دانشجویان این دفاتر را به عنوان یک جایگاه ارائه دهنده خدمات مشاوره ای جهت طرح مشکلاتشان پذیرفته اند. بیشترین علل مراجعه دانشجویان به مراکز مشاوره مسائل آموزشی و مشکلات روانی-عاطفی بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** دفاتر مشاوره دانشجویی - علل مراجعه - دانشجویان

## آداب و وظایف اساتید نسبت به دانشجویان در آموزه های دینی و قرآن کریم

محمد رضا حاجی آبادی<sup>۲۷\*</sup>، دکتر قاسم کریمی، محمد خوشدل

\*مربی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

[hhajjabadi43@yahoo.com](mailto:hhajjabadi43@yahoo.com)

**مقدمه:** امور مختلف و متنوعی آداب و وظایف اساتید را به دانشجویان تشکیل می دهد که محور همه آنها تنظیم صحیح رابطه استاد و معلم با شاگرد و دانشجو می باشد و در آموزه های دینی و قرآن بر آن تاکید فراوان شده است با همه پیشرفت های علمی، چقدر از این آداب و وظایف از ناحیه اساتید در عمل به دانشجویان منتقل می شود و تأثیر پذیری دانشجویان از این الگوها چقدر است. لذا این تحقیق سعی دارد مسائل مربوط به این آداب را مورد تحقیق و بررسی قرار دهد.

**روش ها:** برای تعیین آداب و وظایف اساتید نسبت به دانشجویان پرسشنامه ای محقق ساخته بر اساس مقیاس لیکرت شامل آداب و وظایف اساتید از نظر آموزه های دینی تهیه گردید. روایی و پایایی آن توسط چند نفر از اعضاء هیئت علمی تایید گردید. تعداد ۵۰ نفر از دانشجویان پیراپزشکی آنرا تکمیل نموده اند که پس از جمع آوری داده ها با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** تعداد ۵۰ نفر از دانشجویان پیراپزشکی پرسشنامه را تکمیل کرده اند که از این تعداد ۲۰ نفر مرد ۳۰ نفر زن بودند نتایج نشان داد دانشجویان آداب و وظایف اساتید را نسبت به دانشجویان شامل ایجاد خلوص نیت در دانشجویان، ایجاد شوق و دلبستگی به علم و دانش و فروتنی و نرمش استاد نسبت به دانشجویان در سطح عالی و شاخص هایی مثل تفقد از احوال دانشجو، اطلاع از نام و مشخصات او، القاء مطالب علمی در خور استعداد دانشجویان و کوشش در ترقیب مطالب به ذهن دانشجویان و طرح مسائل دقیق و پرسش کردن از دانشجو و احترام به شخصیت وی را خوب و شاخص هایی مثل رعایت نوبت دانشجویان در مراجعه به استاد ارشاد و معرفی دانشجو به استاد شایسته، آماده ساختن و معرفی افراد لایق برای جامعه، را متوسط و تحقیر دانشجویان از سوی استاد، رعایت مساوات در التفات و محبت به دانشجویان را ضعیف توصیف نموده اند.

**نتیجه گیری:** با توجه به تاکید دین مبین اسلام و قرآن کریم به تزکیه و تعلیم تعلم پیشنهاد می گردد کارگاههای آموزشی در راستای توانمندی و هم اندیشی اساتید در سطح دانشگاهها گذاشته شود.

**واژه های کلیدی:** آداب و وظایف – اساتید – آموزه های دینی

<sup>۲۷</sup>. عضو هیئت علمی دانشگاه

## مقایسه نظرات و میزان رضایت مندی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در

### باره عملکرد اساتید مشاور قبل و پس از اجرای طرح استاد مشاور

معصومه دل آرام

استادیار گروه مامائی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

**مقدمه:** مشاوره توسط اساتید مشاور در طول تحصیل به دانشجویان در غلبه بر مشکلات آموزشی کمک خواهد کرد. هدف مطالعه حاضر "مقایسه نظرات و میزان رضایت مندی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در باره عملکرد اساتید مشاور قبل و پس از اجرای طرح استاد مشاور" بود.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی-مقطعی نظرات ۲۴۴ نفر از دانشجویان رشته های مختلف در مورد عملکرد اساتید مشاور و میزان رضایت مندی آنان از طریق پرسشنامه ای خود ساخته قبل و پس از اجرای طرح استاد مشاور مورد مقایسه قرار گرفت. داده های بدست آمده با نرم افزار Spss (نسخه ۱۶) و آزمونهای تی زوج و کا-اسکوئر تجزیه و تحلیل و میزان  $P < 0.05$  معنی داری تلقی شد.

**نتایج:** تفاوت معنی داری در نظرات دانشجویان در مورد داشتن استاد مشاور ( $P < 0.001$ )، مراجعه به وی جهت انتخاب واحد یا مشکل تحصیلی ( $P < 0.001$ )، پذیرفتن او به عنوان منبع کسب اطلاعات آموزشی ( $P < 0.001$ )، آگاهی از چگونگی کمک گرفتن از استاد مشاور ( $P < 0.001$ )، تشکیل پرونده تحصیلی توسط استاد مشاور ( $P < 0.001$ )، ایجاد مشکل تحصیلی ( $P = 0.04$ ) و سؤال از استاد مشاور در مورد ادامه تحصیل ( $P = 0.03$ ) قبل و پس از اجرای طرح استاد مشاور وجود داشت. ۳ مورد از ۱۳ مورد عملکرد اساتید مشاور یعنی "کنترل و امضاء فرم انتخاب واحد" ( $P = 0.001$ )، "نقد و بررسی پیشرفت تحصیلی دانشجو" ( $P = 0.03$ ) و "راهنمایی دانشجو در مورد مشکلات شخصی" ( $P = 0.001$ ) و ۱ مورد از ۱۰ مورد رضایت مندی دانشجویان یعنی "فراهم شدن امکان دسترسی به استاد مشاور" ( $P = 0.000$ ) از تفاوت معنی داری قبل و پس از اجرای طرح برخوردار بود.

**نتیجه‌گیری:** دانشجویان پس از اجرای طرح استاد مشاور، وضعیت بهتری از "داشتن استاد مشاور و مراجعه به وی"، "پذیرفتن وی به عنوان منبع کسب اطلاعات"، "آگاهی از چگونگی کمک گرفتن از او"، "تشکیل پرونده تحصیلی"، "ایجاد مشکل تحصیلی" و "سؤال از استاد مشاور در مورد ادامه تحصیل" را گزارش کردند. "کنترل و امضاء فرم انتخاب واحد"، "راهنمایی دانشجو در مورد مشکلات شخصی" و "نقد و بررسی پیشرفت تحصیلی دانشجو" مواردی از عملکرد و "فراهم بودن امکان دسترسی به استاد مشاور" تنها موردی از رضایت مندی دانشجویان بودند که پس از اجرای طرح استاد مشاور بهبود یافته بودند و در سایر موارد بهبودی چندانی حاصل نشده بود. آگاه نمودن اساتید مشاور با وظایف مشاوره و راهنمایی در جهت کمک به دانشجویان همراه با اجرای برنامه آموزشی در طول دوره مشاوره، پیشنهاد می گردد.

**واژه‌های کلیدی:** استاد مشاور، نظرات دانشجویان، میزان رضایت مندی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

## انتقال تجربه، مهارت و رهبری دانشجویان سال بالایی بر دانشجویان جدید الورود مقطع کارشناسی ارشد بیوشیمی بالینی به عنوان روش نو مرجعیت و مدیریت آموزشی

دکتر دردی قوجق\*

مرکز تحقیقات بیولوژی سلولی و مولکولی، دانشگاه علوم پزشکی بابل  
بخش بیوشیمی و بیوفیزیک، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل  
[dqujeq@hotmail.com](mailto:dqujeq@hotmail.com)

**مقدمه:** ضرورت دارد جهت برنامه ریزی و استفاده بهینه از زمان و امکانات بخش تقسیم کار صورت گیرد و از تجربیات دانشجویان سال بالایی استفاده شود. بنابراین برای ارتقاء کیفیت آموزش رشته بیوشیمی آگاهی از دیدگاه و نظرات فراگیران با تجربه این رشته و بکارگیری نظرات مشورتی آنان برای دستیابی به بهینه سازی و ارتقاء آموزش این درس بسیار مهم است. همچنین نظرات دانشجویان و بهره گیری از نظرات آنان در این خصوص بسیار کار بردی است.

**روش‌ها:** جامعه مورد مطالعه دانشجویان دوره کارشناسی ارشد بیوشیمی بالینی ورودی سال ۱۳۹۰ ( دوره ششم) و دانشجویان دوره کارشناسی ارشد بیوشیمی بالینی ورودی سال ۱۳۹۱ ( دوره هفتم) بود. روش جمع آوری داده ها از طریق تکمیل پرسشنامه بود. از طریق بررسی نظرات دانشجویان دوره کارشناسی ارشد بیوشیمی بالینی ورودی سال ۱۳۹۰ ( دوره ششم) و دانشجویان دوره کارشناسی ارشد بیوشیمی بالینی ورودی سال ۱۳۹۱ ( دوره هفتم) است پروژه ارزیابی شد. برای تعیین اعتبار علمی از اعتبار محتوا استفاده شد. داده ها پس از کد گذاری وارد نرم افزار SPSS شد و برای تجزیه و تحلیل یافته ها از نرم افزار SPSS مدل ۱۶,۰ استفاده شد. یافته ها به صورت توزیع فراوانی و میانگین درصد پاسخ ها محاسبه شد. معیار معنی دار بودن در مواردی که از آزمون آماری بکار برده شد ( $P < 0.05$ ) بوده است.

**نتیجه گیری:** تجربه، مهارت و رهبری دانشجویان سال بالایی بر دانشجویان جدید الورود مقطع کارشناسی ارشد بیوشیمی بالینی به عنوان روش نو مرجعیت و مدیریت آموزشی در دستیابی به اهداف مدیریتی خیلی ضروری است. همچنین ۸۹/۴٪ پاسخ دهندگان بیان داشته اند که انتقال تجربه، مهارت و رهبری دانشجویان سال بالایی بر دانشجویان جدید الورود مقطع کارشناسی ارشد بیوشیمی بالینی به عنوان روش نو مرجعیت و مدیریت آموزشی خیلی ضروری است.

**نتایج:** یافته ها از نرم افزار SPSS مدل ۱۶,۰ استفاده شد. یافته ها به صورت توزیع فراوانی و میانگین درصد پاسخ ها محاسبه شد.

**واژه‌های کلیدی:** انتقال تجربه، مهارت، دانشجویان سال بالایی، دانشجویان جدید الورود، بیوشیمی بالینی، روش نو مرجعیت و مدیریت آموزشی

## بررسی نقش منتور در آموزش پرستاری در بالین

محمد علی حسینی\*<sup>۱</sup>، فرحناز محمدی<sup>۱</sup>، فاطمه منجدی<sup>۲</sup>

\* عضو هیئت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، خیابان کودکیار، ولنجک، تهران،

email:mahmaimy@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی دکترای پرستاری، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ولنجک، تهران

**مقدمه:** هدف نهایی آموزش پرستاری کسب مهارت های بالینی در دانشجویان پرستاری است. آموزش بالینی فرآیندی است پیچیده که تحت تاثیر عوامل و متغیرهای زیادی قرار می گیرد، و در طی آن توانمندیهای اولیه حرفه ای دانشجویان پایه ریزی می شود. یکی از راههای بسیار مهم و موثر استفاده از منتور در آموزش بالینی است. هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش منتور در آموزش پرستاری در بالین و گاید لاینهای موجود در جهت تربیت منتور در پرستاری است.

**روش ها:** مطالعه حاضر یک مطالعه مروری است که از طریق جستجوی کتابخانه ای و اینترنتی مقالات و مستندات مرتبط با منتورینگ در پایگاه های اطلاعات علمی داخل و بین المللی با استفاده از کلمات کلیدی آموزش بالینی، منتورینگ و پرستاری گرد آوری و مورد بررسی قرار گرفته است.

**نتایج:** با بررسی ۳۵ مقاله و دو سایت تخصصی مشخص شد: واژه منتور توسط وانس و از سال ۱۹۷۰ وارد پرستاری شده است. در نوشته های وانس خدمات منتور به عنوان مدلی برای ایفای نقش، راهنما، معلم، مربی و محرم اسرار تعریف شده است. در این راستا، به منتور به عنوان یک فرصت برای توسعه و انتقال دانش حرفه ای در پرستاری نگاه شده است. از دهه ۱۹۹۰ به بعد به نقش یاد دهی و آموزشی منتور توجه بیشتری شد. منتورینگ در آموزش پرستاری به عنوان یک راهبرد ارزشمند به منظور سهولت انتقال از یک پرستار بالینی تازه کار به پرستار حرفه ای شناخته می شود، و به همین دلیل به عنوان یک جزء ضروری برای حفظ و نگهداری پرستاران تازه فارغ التحصیل در دانشکده های پرستاری در تلاش برای رفع کمبود پرستاران حرفه ای است. منتورینگ اغلب به عنوان یک رابطه حرفه ای تعریف می شود که در آن یک فرد با تجربه (منتور) به فرد دیگری در جهت توسعه مهارت های بالینی و دانش کمک می کند. انجمن پرستاران کانادا (CNA) راهنمای خود را به عنوان گاید لاین منتورینگ و در اکتبر سال ۲۰۰۴ منتشر نموده است. این گاید لاین می تواند به خوبی نحوه تربیت و استفاده از منتور را در آموزش بالینی به صورت کاملا کاربردی مشخص نماید.

**نتیجه گیری:** مهمترین هدف هر رویکرد آموزشی ارتقای سطح دانش و نگرش یادگیرنده است. بی شک شیوه های آموزشی بالینی نظیر یادگیری از طریق منتورینگ به شیوه های دیگر ارجحیت دارند. پیاده کردن اصول عملی صحیح در آموزش بالینی برای غلبه بر پیروی از عادات نادرست حاکم بر محیط آموزشی بالینی و پیاده کردن اصول عملی صحیح مانند منتورینگ در آموزش بالینی بسیار موثر است.

**واژه های کلیدی:** منتورینگ، آموزش بالینی، پرستاری

## منتورشیپ و پرسپتورشیپ

دکتر فریبا حقانی<sup>۱</sup>، مریم احسانی<sup>۲\*</sup>، سپیده محمدی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار، گروه آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

<sup>۲\*</sup> دانشجوی دکترای پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

my.ehsani@gmail.com

<sup>۳</sup> دانشجوی دکترای پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

**مقدمه:** از قدیم الایام، مفهوم منتور و پرسپتور در آموزش یک شاگرد تحت هدایت یک استاد به کار رفته و همواره باور بر این بوده است که برای حفظ یک هنر یا حرفه خاص باید تجارب از این طریق به شاگردان منتقل شود. در همین راستا آموزش پزشکی هم از این قاعده مستثنی نیست و حتی میتوان به جرات گفت که کاربرد منتورشیپ و پرسپتور شیپ در علوم پزشکی به مراتب پررنگ تر از بسیاری علوم دیگر است.

**روش‌ها:** مقاله مروری حاضر، با جستجوی منابع کتابخانه ای و بانکهای اطلاعات علمی ( ELSEVIER, PUBMED, ) (CINAHL) در سالهای اخیر تهیه شده است و در آن سعی شده به بیان تعاریف منتور شیپ و پرسپتور شیپ، مراحل آنها، وظایف منتور و پرسپتور، مزایا، معایب، نقاط مشترک و در نهایت تفاوت های این دو برنامه و همچنین اهمیت استفاده از آن در آموزش پزشکی و علوم وابسته پرداخته شود.

**نتایج:** اگر چه منتورشیپ و پرسپتورشیپ هر دو نقش های حمایتی در طبابت بالینی داشته و دارای مفاهیم پایه مشترکی می باشند ولی وجود برخی ویژگی های متفاوت در هر یک از آنها می تواند جایگاهشان را از یکدیگر در عمل تفکیک کند که از جمله این ویژگی ها ی متمایز کننده می توان به طول مدت آموزش، هدف اصلی آموزش، رسمی یا غیر رسمی بودن فرایند آموزش و همچنین ساختارمند بودن آن اشاره کرد. از مهارت های مورد نیاز یک پرسپتور میتوان مهارت های ارتباطی، تحلیل دقیق، تبحر در تدریس و ایجاد انگیزه در یادگیرنده و همچنین از ویژگی های ضروری یک منتور میتوان الگوی نقش بودن، کمک به اجتماعی شدن فراگیر و تبحر در اجرای آموزش متناسب با نیازهای یادگیری فراگیر را بیان کرد که همه آنها در موفقیت اجرای برنامه منتورشیپ و پرسپتورشیپ نقش به سزایی دارند.

**نتیجه گیری:** علیرغم موانع موجود در اجرای منتورشیپ و پرسپتورشیپ ولی آنچه که اهمیت دارد مزایای متعدد کاربرد این روش ها در امر آموزش خصوصا آموزش فراگیران علوم پزشکی است که از جمله این مزایا می توان مواردی نظیر افزایش تعهد، غنی سازی شغلی، تقویت تفکر انتقادی و قدرت تصمیم گیری، افزایش عزت نفس و رشد و تکامل حرفه ای، افزایش رضایت شغلی و ماندگاری در شغل را بیان کرد و همین اثرات با ارزش، اهمیت تدارک شرایط لازم برای اجرای هر چه بیشتر این برنامه ها را می طلبد.

**واژه های کلیدی:** منتور شیپ، پرسپتورشیپ، علوم پزشکی

## مهم ترین ویژگی های یک منتور ایده ال از دید اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز

الهه محمدی\*، ندا مودب، میترا امینی، خدیجه گرگی، آرزو فرج پور، سمیه دلاوری، شکوفه نیک سرشت، افشینه کسالایی، مریم سلیمانی

\*کمیته تحفات دانشجویی و مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

Email: [mohamadiel@yahoo.com](mailto:mohamadiel@yahoo.com)

**مقدمه:** امروزه منتورینگ به عنوان مهم ترین جنبه تجربه آموزشی محسوب می شود و یک فرایند مهم مادام العمر برای ارتقای حرفه ای و حمایت روانی است که می توان جهت جلوگیری از اضطراب، ارتقای فعالیت یادگیری فعال، ایجاد مسئولیت پذیری و بهبود اعتماد به نفس از آن بهره گرفت. در واقع منتورشیپ یک ارتباط حرفه ای دو طرفه بین منتور(فرد با تجربه) و منتهی(فرد کم تجربه) است. عوامل متعددی در برقراری یک ارتباط خوب نقش دارد که یکی از آن ها وجود یک منتور ایده ال است. منتورها فاکتورهای مهمی در توسعه و ارتقا شغلی و کسب موفقیت های مختلف برای دانشجویان پزشکی هستند بنابراین باید دارای ویژگی های خاصی در این رابطه باشند. منتور نقش مهمی در آموزش و اجتماعی شدن دانشجو دارد و دانشجو از منتور خود می آموزد که چگونه دانش خود را به عمل تبدیل کرده و نقش درمانگری، مشاوره ای، آموزش دهنده، رهبری و محقق را در بالین ایفا نماید.

**روش ها:** در این مطالعه توصیفی که در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه علوم پزشکی شیراز صورت گرفت با استفاده از مقالات چاپ شده و پرسشنامه های موجود و نیز نظرات متخصصین در این زمینه پرسشنامه ای طراحی گردید و پس از تعیین روایی و پایایی پرسشنامه به صورت آزمایشی به تعدادی از اساتید داده شد و پس از تایید آن به صورت رندم توسط ۴۴ نفر از اساتید دانشکده پزشکی تکمیل گردید. داده ها پس از گردآوری با نرم افزار SPSS 16 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده ها نشان می دهد که از دید اساتید دانشکده پزشکی از بین ویژگی های یک منتور ایده ال نقش های "برانگیزاننده-ایجاد علاقه جهت یادگیری عمیق-(۷۴٪)، اسوه(۶۱٪)، گوش دهنده فعال(۵۱٪) و تسهیل کننده یادگیری(۵۴٪)" حائز بیشترین اهمیت بوده اند.

**نتیجه گیری:** ارتباط منتورینگ جهت شکل دهی دانشجویان پزشکی و آماده سازی آنان برای حرفه آینده شان ضروری و مهم است. درواقع منتور با ایفای نقش به عنوان یک متخصص، راهنما، مشاور، مربی، الگو، پژوهشگر زمینه و محیط مناسب را برای رشد توانایی فرد فراهم می کند.

**واژه های کلیدی:** ویژگی منتور، منتورینگ در پزشکی، منتورشیپ

## ارزشیابی طرح استاد مشاور در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سالهای ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰

دکتر علیرضا باقری لنکرانی، دکتر منصور مسجدی، دکتر شهلا دشتی، مهسا سمیعی، راضیه نشاط آور، فرزانه سلوک حقیقی.

**مقدمه:** به منظور آشنا نمودن دانشجویان با مقررات و فرآیندهای آموزشی و پژوهشی هدایت و نظارت مستمر بر روند تحصیلی آنان، تعیین زمینه های آسیب پذیری و عوامل غیر آموزشی بر وضعیت تحصیلی آنان و شناسایی و حمایت از استعداد های درخشان و هدایت دانشجویان برای هر دانشجوی یکی از اعضاء هیئت علمی وظیفه مشاور را بر عهده می گیرد. استاد مشاور اولین سطح ارتباطی دانشجو با سیستم آموزشی محسوب می گردد.

**روش ها:** این یک مطالعه مقطعی و توصیفی است که در آن از نظرات ۱۷۱ نفر از دانشجویان پزشکی دانشکده پزشکی شیراز که در سالهای ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ از خدمات مشاوره بهره مند شدند با کمک پرسش نامه های نظرسنجی استفاده گردیده است. روایی پرسش نامه توسط اعضاء هیئت علمی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز تعیین گردید و روایی آن نیز در یک مطالعه اولیه ۲:۰۰۸ برآورد شد.

**نتایج:** میزان مراجعه دانشجویان به اساتید ۸۵٪، اطلاع استادان از قوانین و مقررات آموزشی ۷۳٪ و حضور استاد در زمان و مکان مربوط ۷۸٪، تاثیر در هدایت میزان علاقمندی اساتید برای انجام مشاوره ۷۱٪، رضایت مندی دانشجویان از انجام مشاوره موارد غیر آموزشی ۷۱٪، شناخت اساتید از وضعیت تحصیلی دانشجویان ۴۰٪، کارآیی اساتید از لحاظ رفع افت تحصیلی ۴۱٪، کارآیی اساتید از لحاظ حل مشکلات دانشجویان ۴۸٪، شناخت اساتید از وضعیت تحصیلی دانشجویان ۴۰٪، تاثیر در هدایت و برنامه ریزی درسی میزان رضایت مندی ۴۶٪ بوده است.

**نتیجه گیری:** به نظر می رسد که با توجه به رضایت مندی دانشجویان از عملکرد کمی اساتید دانشکده پزشکی در مورد انتخاب اساتید، علاقمند به مشاوره در حد قابل توجهی خوب عمل کرده و توانسته در حد مناسب رضایت خاطر دانشجویان را از این لحاظ فراهم سازد. در مورد آمارهای زیر ۵۰٪ مربوط به میزان اطلاع اساتید از توانمندیهای دانشجویان و میزان تاثیر در رفع افت تحصیلی. مسلماً آمار رضایت بخش نیست و باید برای رفع این مشکلات گام های اساسی برداشته شود. ۴ راهکار پیشنهادی برای ارتقا فرآیند مشاوره عبارتند از:

۱- تهیه آئین نامه و تعیین استاندارد دقیق و شرح وظایف مشخص برای استاد مشاور

۲- اطلاع رسانی جامع به اساتید

۳- پایش دقیق و ارزشیابی مداوم

۴- آرایه بازخورد نتیجه به اعضاء هیئت علمی

**واژه های کلیدی:** استاد مشاور، هدایت تحصیلی، رضایت دانشجو.



## بررسی نگرش اعضای هیأت علمی نسبت به مشاوره و راهنمایی دانشجویان در دانشگاه علوم پزشکی کردستان

لادن فتوحی<sup>۱\*</sup>، دکتر محمد جعفر رضایی<sup>۲</sup>، کمال کاظمی<sup>۳</sup>، فردین غریبی<sup>۴</sup>، فرزانه زارع<sup>۵</sup>، دکتر راز خطیبی<sup>۶</sup>  
هدی استیفایی<sup>۷</sup>

\* کارشناس دانشگاه علوم پزشکی کردستان

amozesh.edc@muk.ac.ir

<sup>۲</sup> دانشیار دانشگاه علوم پزشکی کردستان

<sup>۳</sup> کارشناس استانداری معاونت عمرانی

<sup>۴</sup> مربی پزشکی کردستان

<sup>۵</sup> مربی پزشکی کردستان

<sup>۶</sup> کارشناس علوم پزشکی کردستان

<sup>۷</sup> دانشجو دانشگاه آزاد کردستان

**مقدمه:** مشاوره و راهنمایی دانشجویان درجهت بهبود پیشرفت تحصیلی از وظایف اساتید است که به منظور کمک به دانشجویان صورت می گیرد. هدف این مطالعه بررسی نگرش اعضای هیأت علمی نسبت به مشاوره و راهنمایی دانشجویان در دانشگاه علوم پزشکی کردستان می باشد.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی-مقطعی نظرات ۶۵ عضو هیأت علمی مورد بررسی قرار گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ای مشتمل بر ۱۸ سوال با مقیاس ۵ درجه ای لیکرت با روائی ۰/۸ و پایایی ۰/۶۷ بود داده‌ها پس از جمع‌آوری، با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با بهره گرفتن از آزمون‌های آماری t و ANOVA یک طرفه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت

**نتایج:** میانگین و انحراف معیار نمره کل نگرش  $5/5 \pm 9/7$  با حداقل ۵۹ و حداکثر ۸۰ بود و از ۱۸ سوال مطرح شده در ۹ مورد میانگین نمرات بالای ۴ و به جز سوال ۱۵ که میانگین ۲/۶ به آن اختصاص یافت میانگین ۷ عبارت دیگر از ۳/۳ تا ۳/۹ بود و مقایسه میانگین نمرات نگرش با توجه به متغیر جنس، دانشکده، مرتبه علمی، تفاوت معنی داری را نشان نداد

**نتیجه‌گیری:** اساتید نسبت به اهمیت و ضرورت نقش استاد مشاور نگرش مثبت دارند. و توجه جدی ترمبنی بر تشکیل کمیته های مرکزی برای اجرای صحیح این فرایند را ضروری دانستند حمایت از اساتید راهنما و آموزش های تخصصی به آنان پیشنهاد می گردد

**واژه‌های کلیدی:** مشاوره و راهنمایی، نظرات، اساتید

## اصلاح فرایند استاد مشاور تحصیلی در دانشگاه علوم پزشکی سبزوار با تغییر در شیوه ارزیابی استادان مشاور

علیرضا قربانی، کاظم حسن پور، جواد حدادنیا، مریم داورزنی، احسان صفاری، محسن حیطة، مریم هاشمیان\*

[Hashemian3@yahoo.com](mailto:Hashemian3@yahoo.com)

دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

**مقدمه:** بررسی‌های متعدد نشان داده است که مواجه شدن با مشکلات و فشارهای متعدد در طول دوره آموزشی باعث ایجاد استرس در دانشجویان می‌گردد. در این شرایط، وجود سیستم‌ها، نهادها و فرآیندهایی در دانشگاه جهت حمایت و راهنمایی دانشجویان ضروری بنظر می‌رسد. که از جمله بهترین و مؤثرترین شیوه‌های حمایت از دانشجویان، فرآیند استاد مشاور تحصیلی است. ارتقا فرآیند استاد مشاور تحصیلی، با توجه به نقش مهم آن در بهبود علم آموزی، انگیزه و سلامت دانشجویان، امری ضروری می‌نماید. در این مطالعه فرآیند استاد مشاور تحصیلی دانشجویان در دانشگاه علوم پزشکی سبزوار با انجام مداخله اصلاحی از دیدگاه دانشجویان مورد ارزیابی قرار گرفت.

**روش‌ها:** مطالعه از نوع مداخله‌ای می‌باشد. در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۰، ۲۳۰ نفر دانشجویان در دانشگاه علوم پزشکی سبزوار به روش سیستماتیک منظم انتخاب شدند و پرسشنامه را تکمیل نمودند. فرایند مذکور در چارچوب دستورالعمل وزارتی بازبینی شده و مخصوصاً شیوه ارزیابی عملکرد استاد مشاور با تشخیص اعضای کمیته، اصلاح و به مسئولین اساتید مشاور تحصیلی هر دانشکده ابلاغ و کارگاه نیز برای اساتید مشاور برگزار و نحوه اجرای فرایند آموزش داده شد. پس از یکسال از اجرای فرایند دانشجویان همان پرسشنامه را مجدداً تکمیل نمودند. با استفاده از آزمون تی نمونه‌های جفتی (paired-samples T test) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** میانگین نمره کلی رضایت مندی ۷۲٫۴۸ درصد در سال ۹۰ و ۷۵٫۷۲ درصد در سال ۹۱ بود که از نظر آماری معنی‌دار نبود ( $p=0.352$ ). ولی در مورد آشنا نمودن دانشجویان با مقررات آموزشی، دانشجویی و فرهنگی و انضباطی دانشگاه ( $p=0.008$ )، و تکمیل فرم‌های استاد مشاور رضایت دانشجویان افزایش یافته بود ( $p=0.03$ ). همچنین تمایل دانشجویان برای مشاوره نسبت به سال گذشته افزایش یافته بود ( $p=0.01$ ). در مورد اعلام محل استقرار، اعلام برنامه حضور، بررسی سوابق آموزشی دانشجویان و اظهار نظر در مورد انتخاب واحد و مهمانی، نظارت مستمر بر پیشرفت تحصیلی، روش‌های صحیح مطالعه، فراهم نمودن محیط مناسب برای مشاوره، دقت به مسایل دانشجویان، ارائه راهکار مناسب برای مشکلات دانشجویان، تشویق دانشجویان به فعالیتهای فوق برنامه و رضایت کلی از استاد مشاور نسبت به سال گذشته بهتر شده بود ولی در سطح ۰٫۰۵ معنادار نبود.

**نتیجه‌گیری:** اصلاح شیوه ارزیابی عملکرد استادان مشاور می‌تواند تا حدودی وضعیت فرایند استاد مشاور را بهبود بخشد.

**واژه‌های کلیدی:** استاد مشاور، ارزیابی، دانشجویان، فرایند

## بررسی نگرش و میزان برخورداری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر از خدمات اساتید مشاور، ۱۳۹۱

سید محسن هاشمی<sup>۱\*</sup>، حمیده تمیمی، فرزانه نوروزی، دکتر رحیم طهماسبی  
<sup>\*</sup>عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، دانشکده بهداشت  
elmoh\_hashemi@yahoo.com

**مقدمه:** راهنمایی و مشاوره صحیح برای ارتقاء سطح کیفی زندگی و پیشرفت در جامعه به ویژه در مراکز آموزشی از اهمیت شایانی برخوردار است. استاد مشاور به عنوان اولین سطح ارتباطی دانشجویان با سیستم آموزشی محسوب می شود که می تواند نقش موثری در فراهم کردن زمینه های ارتقاء علمی و رفع مشکلات آموزشی و عاطفی دانشجویان داشته باشد و موجب بازدهی بیشتر نظام آموزشی و کاهش افت تحصیلی دانشجویان می گردد. هرچند که ضرورت انکار ناپذیر رابطه پویا بین استاد مشاور و پیشرفت تحصیلی بهتر دانشجویان به اثبات رسیده است پژوهش حاضر به منظور بررسی نگرش دانشجویان و میزان برخورداری از خدمات اساتید مشاور به منظور مرتفع نمودن موانع انجام شد.

**روش کار:** این پژوهش توصیفی تحلیلی در سه دانشکده بهداشت، پرستاری و مامایی و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بر روی ۲۴۴ نفر از دانشجویان انجام شد. پرسشنامه جمع آوری اطلاعات شامل سؤالاتی در زمینه ی اطلاعات دموگرافیک، بررسی نگرش و برخورداری دانشجویان از خدمات اساتید مشاور بود. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS18 و تستهای آماری  $t$ -test,  $k$ -square,  $kruscal$  willis,  $mann$ withy  $U$  تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** نگرش دانشجویان نسبت به اساتید مشاور با اطلاعات دموگرافیک (سن، جنس، سطح تحصیلات و شغل والدین) ارتباط معنا داری نداشت. نمره کلی نگرش در سه دانشکده  $(81.13 \pm 9.82)$  که نشان دهنده سطح مطلوب نگرش دانشجویان نسبت به خدمات اساتید مشاور می باشد و بین سه دانشکده نیز تفاوت معناداری وجود ندارد. نمره میانگین برخورداری دانشجویان از خدمات اساتید مشاور  $(33.61 \pm 9.28)$  می باشد که برخورداری کم تلقی می شود. از نظر برخورداری، دانشجویان دو دانشکده پرستاری و بهداشت وضعیت یکسان ولی بین دانشجویان دانشکده پرستاری و پیراپزشکی تفاوت معناداری مشاهده شد ( $P=0.016$ )

**نتیجه گیری:** نگرش دانشجویان نسبت به خدمات اساتید مشاور مطلوب، ولی خدمات در سطح قابل قبول انجام نشده است در این راستا، ارائه بازخورد به اساتید مشاور در رابطه با میزان عملکردشان از دیدگاه دانشجویان آنان را از نقاط ضعف موجود آگاه خواهد نمود و بنظر می رسد برگزاری کارگاه های آموزشی در این زمینه می تواند در بهبود عملکرد اساتید مشاور مفید واقع شود.

**واژه های کلیدی:** اساتید مشاور، دانشجویان، نگرش، پیشرفت تحصیلی

## نقش آموزش بر اساس شیوه پییرمنتورینگ در آموزش بالینی دانشجویان پرستاری

دکتر معصومه همتی مسلک پاک\*، فرزانه باقریه، لیلا هاشم لو

\*استادیار گروه آموزش پرستاری داخلی جراحی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

Email: [Hemmati\\_m@umsu.ac.ir](mailto:Hemmati_m@umsu.ac.ir)

**مقدمه:** آموزش پرستاری فرآیندی تشکیل شده از یک سری اعمال نظام مند، مداوم و طراحی شده و دارای دو حیطه آموزش نظری و بالینی است. هدف آموزش پرستاری، ایجاد سطح مناسبی از دانش و مهارت در دانشجویان پرستاری است و مهمترین عامل در جهت کسب این هدف، ارتقای سطح آموزش بالینی در پرستاری است. امروزه بسیاری از مربیان بالینی در جستجوی روش های آموزشی می باشند که بتوان به وسیله آنها دانش و مهارت های بالینی را در سطح مناسبی به دانشجویان بیاموزند. آموزش بالینی روش های مختلفی دارد، اما به طور کلی شامل سه نوع مدل سنتی، مدل مشارکتی، مدل منتورینگ است. یادگیری از طریق پییرمنتورینگ یک قالب آموزشی است که در آن افرادی که خود استاد حرفه ای نیستند در امر یادگیری به یکدیگر کمک می کنند. اکثر مراکز آموزشی در دنیا از سیستم آموزشی استاد محور استفاده می کنند در حالی که مطالعات نشان داده است که در روش دانشجو محور میزان رضایت دانشجویان بیشتر خواهد بود. به کارگیری روش پییرمنتورینگ در حقیقت آموزش از نوع دانشجو محور است و دانشجو یکی از اجزاء مهم آموزش به حساب می آید.

**روش ها:** این مطالعه حاصل مرور متون، جستجوی اینترنتی و مطالعات کتابخانه ای و همچنین مقالات دارای روایی و پایایی سال های اخیر که از طریق بانک های اطلاعاتی کتابخانه دیجیتالی و سایت های معتبر حاصل گردیده است.

**نتایج:** در سال های اخیر توجه زیادی به مدل پییرمنتورینگ در پرستاری شده است و استفاده از آن به عنوان یک روش، جهت جلوگیری از اضطراب، سر درگمی، ارتقاء یادگیری فعال، ایجاد محیط مناسب برای یادگیری شناخته شده است. در آموزش پرستاری این برنامه برای تقویت یادگیری بالینی دانشجویان از سال ۱۹۸۰ مورد استفاده قرار گرفته شده است. منتورینگ فرایندی آموزشی است که در آن کسی که دارای علم و مهارت بیشتری ۳۳

**واژه های کلیدی:** برنامه پییرمنتورینگ، دانشجویان پرستاری، آموزش بالینی



## بررسی رابطه اعتماد به نفس با عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

شرافت اکابریان\*<sup>۱</sup>، رقیه گشمرد<sup>۲</sup>، مسعود بحرینی<sup>۲</sup>

\* گروه مامایی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

[sh.akabarian@bpums.ac.ir](mailto:sh.akabarian@bpums.ac.ir)

<sup>۲</sup> گروه پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی؛ دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

**مقدمه:** زندگی تحصیلی، یکی از مهمترین ابعاد زندگی اشخاص است. از جمله عوامل مختلفی که در پیشرفت تحصیلی موثر است اعتماد به نفس می باشد. با توجه به اینکه اعتماد به نفس یکی از مهمترین موضوعات تحقیق روانشناسی است و اهمیت بسزایی در رسیدن به نیازهای اجتماعی افراد دارد، این پژوهش به منظور تعیین رابطه اعتماد به نفس با عملکرد تحصیلی دانشجویان انجام شد.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی بوده که بصورت سرشماری ۱۴۵ دانشجوی ترم ۶ و ۸ رشته های پرستاری مامایی، اتاق عمل و هوشبری پرسشنامه استاندارد ۶۰ آیتمی اعتماد به نفس "کوپراسمیت" را تکمیل کردند عملکرد تحصیلی دانشجویان از طریق محاسبه میانگین معدل بدست آمد.

**نتایج:** از مجموع شرکت کنندگان ۱۱۰ نفر دختر (۷۵/۹ درصد) و ۳۵ نفر پسر (۲۴/۱ درصد) بودند میانگین سنی واحدهای پژوهش ۲۲/۷ ± ۲/۱ بود. میانگین نمره اعتماد به نفس ۶۸/۴۶ ± ۱۲/۵۰ بود. ۴۳/۴٪ (۶۳ نفر) اعتماد به نفس در حد متوسط و ۵۶/۶٪ (۸۲ نفر) اعتماد به نفس بالا داشتند. بین نمره اعتماد به نفس با سن، تعداد فرزندان در خانواده و معدل کل دیپلم ارتباط آماری معنی دار دیده نشد در حالی که بین نمره اعتماد به نفس با میانگین معدل ارتباط آماری مثبت و معنی دار دیده شد

( $p < 0.004$ )

**نتیجه گیری:** با توجه به یافته های فوق چنین بنظر میرسد که هر چند اعتماد به نفس در این مطالعه در دانشجویان در حد قابل قبولی است ولی بهتراست در این خصوص اقدامات پیشگیرانه و درمانی برای دوره های آتی صورت گیرد. لذا انجام آزمونهای غربالگری در دانشجویان، برگزاری برنامه های تفریحی، تقویت مراکز مشاوره میتواند در این راه مفید واقع شود. **واژه های کلیدی:** اعتماد به نفس، عملکرد تحصیلی، دانشجویان

## بررسی عوامل همراه با رضایتمندی تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی چهرم از دیدگاه اساتید در سال ۱۳۹۱

رسول بهارلو<sup>۱\*</sup>، علی دهقانی<sup>۲</sup>، ارمیتا بن راضی<sup>۳</sup>، فروغ فرخ آبادی<sup>۳</sup>، لیلا مهبودی<sup>۳</sup>، زهرا زارعی<sup>۳</sup>  
<sup>\*</sup>گروه ایمنولوژی و میکروبیشناسی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی چهرم (عضو هیئت علمی)

[Baharlour@gmail.com](mailto:Beharlour@gmail.com)

<sup>۲</sup>گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی چهرم (عضو هیئت علمی)

<sup>۳</sup>دانشجوی هوشبری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی چهرم

**مقدمه:** تأمین رضایت مندی دانشجویان از عواملی است که در رشد و ارتقای مراکز آموزشی مؤثر است. بررسی میزان رضایت از تحصیل می تواند پایه ای برای راهنمایی دانشجویان، و شاخصی برای بهبود عملکردها باشد و میزان موفقیت دانشگاه را نشان دهد. از سوی دیگر بررسی رضایتمندی دانشجویان، در افزایش آگاهی از فرایند آموزشی و کیفیت آن مفید بوده و گویای میزان توجه و علاقه دانشجویان به یادگیری و آموزش است. عوامل متعددی در رضایتمندی دانشجویان تأثیر گزارند؛ که بعضی عوامل، فردی و بعضی دیگر، محیطی هستند. از اینرو در این مقاله به بررسی عوامل همراه با رضایتمندی تحصیلی دانشجویان علوم پزشکی در ابعاد فردی، آموزش و پژوهش، اخلاقی و روانشناختی، مدیریتی و اداری، امکانات رفاهی و شغلی حرفه ای از دیدگاه اساتید پرداخته شده است.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی-مقطعی ۴۰ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی چهرم شرکت کردند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ۴۳ سوالی بود که عوامل رضایتمندی تحصیلی را در بعد آموزشی و پژوهشی، اخلاقی و روانشناختی، مدیریتی و اداری، امکانات رفاهی و شغلی حرفه ای از دیدگاه اساتید از دیدگاه اساتید مورد بررسی قرار داده است. آنالیزاطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS 16 و آزمون های مربوطه انجام گردید

**نتایج:** مهمترین عامل تأثیرگذار در رضایتمندی تحصیلی از ابعاد آموزش و پژوهش؛ اخلاقی و روانشناختی؛ مدیریتی و اداری؛ امکانات رفاهی؛ و شغلی حرفه ای از دیدگاه اساتید به ترتیب شامل محتوای علمی دروس ارائه شده بر اساس نیازهای علمی، برابری و عدم تبعیض بین رشته های مختلف، شرایط آسان ادامه تحصیل، امکانات رفاهی مناسب و موقعیت و پرستیژ شغلی بود.

**نتیجه‌گیری:** براساس نتایج مطالعه در میان ابعاد مورد بررسی، ابعاد مختلفی می توانند در رضایتمندی تحصیلی دانشجویان تأثیرگذار باشند که بعد آموزشی و پژوهشی در میان ابعاد ذکر شده از دیدگاه اساتید بیشترین سهم را داراست. از اینرو نقش معاونت های آموزش و پژوهش دانشگاههای علوم پزشکی در برنامه ریزی حیطه های آموزشی و پژوهشی بسیار نمود پیدا می کند.

**واژه‌های کلیدی:** رضایتمندی تحصیلی، دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی چهرم

## آیا دانشجویان برنامه ریزی برای ترم تحصیلی خود دارند: مکافات شب امتحان و برنامه داشتن برای ترم آینده

صغری عابدین پور\*<sup>۱</sup>، دکتر اکرم ثناگو<sup>۲</sup>، دکتر لیلا جویباری<sup>۲</sup>

\*دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

ایمیل: noroozimina252@yahoo.com

<sup>۲</sup> عضو هیأت علمی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

**مقدمه:** هدف، وضعیتی است که می خواهیم در آینده داشته باشیم و موفقیت، مسیری است برای دستیابی به اهدافی خاص. اگر خودمان نتوانیم وضعیت مان را در آینده تعیین کنیم، ناچار محیط پیرامون مان، وضعیت را به ما تحمیل می کند و آن چه که محیط بر ما حکم می کند، چه بسا با ما سازگاری نداشته باشد. پس چه بهتر که خود، هدف مطلوب مان را معلوم نموده و به سمت آن حرکت کنیم. دانشجویان برای موفقیت تحصیلی اهدافی دارند که برای رسیدن به آن اهداف برنامه ریزی می کنند. لذا هدف این مطالعه تبیین چگونگی برنامه ریزی دانشجویان علوم پزشکی در طول تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی گلستان می باشد.

**روش‌ها:** در این پژوهش کیفی (۱۳۹۱) ۱۹ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی گلستان با استفاده از نمونه گیری مبتنی بر هدف و حداکثر تنوع (جنسیت و ترم تحصیلی، قومیت) وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری داده ها مصاحبه های نیمه ساختار بوده است. حداقل دو سوال باز شامل "وقتی می گویم برنامه ریزی برای ترم آینده چه چیزی به ذهن شما می آید، تجربیات خود را از داشتن برنامه برای ترم آینده بفرمائید." چرا تصمیم گرفتید برنامه داشته باشید، چگونه آن را تجربه کردید، اجرای برنامه چگونه بود. در تمامی مصاحبه ها تکرار شد. سایر سوالات کاوشی (چرا، چگونه، مثال بزنید) بوده اند. نمونه گیری تا رسیدن به اشباع (تکرار پذیری) داده ها ادامه یافت. مصاحبه ها ضبط، دست نویس و مطابق روش "تحلیل محتوای مرسوم" تحلیل شدند.

**نتایج:** از مضامین اصلی این مطالعه "عزم راسخ و برنامه داشتن" بود با مضمون "مکافات شب امتحان و بخود آمدن، تلمبار شدن درس ها، نیاز به یادگیری، هیجانات دانشجویی، معدل پایین"

**نتیجه گیری:** زندگی، فرصت های فراوانی در اختیار کسانی که به جست و جوی آرمان های بلندشان به پا خواسته اند و به تحقق رؤیاهای شان همت گماشته اند، قرار می دهد. بنابراین باید خط مشی خود را در زندگی تعیین کنیم و سکان دار کشتی سرنوشت خود باشیم و منتظر دیگران نمانیم و با طراحی و هدف گذاری، مسیر زندگی مان را روشن کنیم و از زندگی خود، یک شاهکار بسازیم.

**واژه‌های کلیدی:** دانشجوی، برنامه ریزی، هدف داشتن، تحصیل، یادگیری



## عوامل موثر بر انگیزه ی ادامه تحصیل دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اراک در سال ۹۱

محبوبه نجفیان زاده<sup>۱</sup>، محسن شمسی<sup>۲</sup>، عادلہ مبارک آبادی<sup>۱\*</sup>

\*<sup>۱</sup> دانشجویان کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک

Email: [apm.mobaraki@gmail.com](mailto:apm.mobaraki@gmail.com)

<sup>۲</sup>استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک

**مقدمه:** انگیزه یکی از عوامل اساسی در یادگیری است و با موفقیت و عملکرد تحصیلی دانشجویان ارتباط مستقیم دارد و از بین عوامل تأثیر گذار بر انگیزه دانشجویان، علاقه به رشته تحصیلی می باشد، که می تواند موجب پیشرفت و ارتقای علمی دانشجویان یا برعکس منجر به دلزدگی و ناامیدی و خستگی از ادامه تحصیل شود، لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین عوامل موثر بر انگیزه ی ادامه تحصیل دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اراک در سال ۹۱ انجام شد.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر یک مطالعه مقطعی تحلیلی می باشد که بر روی ۲۲۰ نفر از دانشجویانی که در دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اراک، اشتغال به تحصیل داشته اند انجام شد. معیار ورود شامل دانشجویانی بودند که حداقل یک ترم تحصیلی کامل را در دانشکده بهداشت اراک سپری و در زمان پژوهش نیز در این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند در مطالعه حاضر انگیزه ادامه تحصیل دانشجویان به عنوان متغییر وابسته و مشخصات دموگرافیک، میزان رضایتمندی از رشته تحصیلی و عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. داده ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته ای که پایایی و روایی آن مورد تأیید بوده جمع آوری و تجزیه و تحلیل شده است.

**نتایج:** میانگین سنی دانشجویان مورد مطالعه  $21,28 \pm 3,51$  سال که ۳۶ نفر مرد و ۱۸۳ نفر دختر بودند. میانگین نمره رضایتمندی دانشجویان از رشته تحصیلی خود  $19,85 \pm 3,9$  با دامنه ۱۰۰-۳۰ بوده است، همچنین میانگین نمره مشکلات آموزشی  $9,91 \pm 1,36$  و مشکلات فردی و خانوادگی  $3,18 \pm 17,09$  و نگرش دانشجویان نسبت به آینده شغلی  $26,73 \pm 5,12$  و میزان انگیزه ادامه تحصیل در رشته خود  $17,95 \pm 5,42$  مشاهده شد، بر اساس نمره انگیزه ادامه تحصیل،  $49,4\%$  دارای انگیزه پایین و  $50,6\%$  دارای انگیزه بالا بودند و رابطه معناداری بین انگیزه با سن ( $P=0,79$ ) و جنسیت ( $P=0,34$ ) وجود نداشت، همچنین رابطه معناداری بین انگیزه با رشته تحصیلی ( $P=0,49$ ) وجود دارد.

**نتیجه‌گیری:** با بهبود کیفیت آموزشی در دانشگاهها و نحوه پذیرش دانشجو بر حسب جنس دانشجویان و همخوانی آن با اهداف و رسالت های رشته تحصیلی در موقعیت شغلی آینده، می توان از کاهش انگیزه تحصیلی دانشجویان در دانشگاهها جلوگیری نمود.

واژه‌های کلیدی: انگیزه، دانشجویان، دانشکده بهداشت

## بررسی رابطه هوش هیجانی، خودپنداره با پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشکده

پرستاری قاین در سال تحصیلی ۹۱-۹۲

یحیی محمدی<sup>۱\*</sup>، سکینه قربانی<sup>۲</sup>، محمد رضا رئیسون<sup>۳</sup>

\*مربی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

[y\\_mohammady\\_29@yahoo.com](mailto:y_mohammady_29@yahoo.com)

<sup>۲</sup>دانشجو

<sup>۳</sup>مربی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

مقدمه: پیشرفت تحصیلی دانشجویان به عوامل متعددی بستگی دارد. شناخت عواملی که به پیشرفت تحصیلی دانشجویان و جلوگیری از افت تحصیلی دانشجویان منجر می شود، اهمیت ویژه ای دارد. بدین منظور، این مطالعه با هدف رابطه هوش هیجانی، خودپنداره با پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند انجام شد.

**روش‌ها:** روش تحقیق حاضر بر اساس هدف کاربردی و بر اساس روش گرد آوری اطلاعات توصیفی، همبستگی می باشد. جامعه مورد بررسی تمام دانشجویان دانشکده پرستاری قاین در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ و نمونه مورد بررسی شامل ۹۲ دانشجوی مقطع کارشناسی پرستاری که به شیوه نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسش نامه های استاندارد هوش هیجانی بار، خودپنداره راجرز استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با شاخص های آمار توصیفی (فراوانی، میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون) با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد.

**نتایج:** نتایج تحقیق نشان داد که ۲۶/۳ درصد دانشجویان پسر و میانگین سنی آنها  $20.4 \pm 1.2$  و ۷۳/۳ درصد دختر و میانگین سنی آنها  $19.4 \pm 2.2$  بود. میانگین نمره هوش هیجانی  $34.2 \pm 3.9$ ، خود پنداره واقعی  $4.75 \pm 0.55$ ، خودپنداره آرمانی  $5.31 \pm 0.82$  بدست آمد. رابطه معنی داری بین خودپنداره آرمانی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان نشان داد اما بین هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی رابطه معنی داری نشان نداد. یعنی هرچه خودپنداره دانشجویان بالاتر بود پیشرفت تحصیلی آنها بالاتر بود.

**نتیجه‌گیری:** بین خودپنداره آرمانی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی داری را نشان داد. بر این اساس می توان استنباط کرد که دانشجویانی که از خودپنداره بالاتری برخوردارند برای موفقیت تحصیلی کوشاترند، لذا برنامه ریزی لازم برای ارتقاء خودپنداره دانشجویان می تواند بر پیشرفت تحصیلی آنان کمک کند.

**واژه‌های کلیدی:** هیجانی، خودپنداره، دانشجویان، پیشرفت تحصیلی

## بررسی رابطه عزت نفس و هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشکده

پرستاری قاین در سال تحصیلی ۹۱-۹۲

محمدرضا رئیسون<sup>۱</sup>، یحیی محمدی<sup>۲</sup>، سمیرا الهامی راد<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>کارشناس ارشد روانشناسی بالینی و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

raeison@yahoo.com

<sup>۲</sup>کارشناس ارشد علوم تربیتی (گرایش تحقیقات آموزشی) کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

دانشگاه علوم پزشکی بیرجند و مدرس دانشگاه پیام نور و علمی کاربردی

Y mohammady 29@yahoo.com

<sup>۳</sup>کارشناس مدیریت خدمات بهداشتی

**مقدمه:** پیشرفت تحصیلی دانشجویان به عوامل متعددی بستگی دارد. شناخت عواملی که به پیشرفت تحصیلی دانشجویان و جلوگیری از افت تحصیلی دانشجویان منجر می شود، اهمیت ویژه ای دارد. بدین منظور، این مطالعه با هدف رابطه عزت نفس و هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشکده علوم پزشکی بیرجند انجام شد.

**روش‌ها:** روش تحقیق حاضر بر اساس هدف کاربردی و بر اساس روش گرد آوری اطلاعات توصیفی، همبستگی می باشد. جامعه مورد بررسی تمام دانشجویان دانشکده پرستاری قاین در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ و نمونه مورد بررسی شامل ۹۲ دانشجوی مقطع کارشناسی پرستاری که به شیوه نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسش نامه های استاندارد عزت نفس کوپر اسمیت و هوش هیجانی بار استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با شاخص های آمار توصیفی (فراوانی، میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون) با استفاده از نرم افزار SPSS14 انجام شد.

**نتایج:** نتایج تحقیق نشان داد که ۲۶/۳ درصد دانشجویان پسر و میانگین سنی آنها  $20/4 \pm 1/2$  و ۷۳/۳ درصد دختر و میانگین سنی آنها  $19/4 \pm 2/2$  بود. میانگین نمره عزت نفس دانشجویان  $33 \pm 13/7$  و میانگین نمره هوش هیجانی  $34/2 \pm 319/9$  بدست آمد. رابطه معنی داری بین عزت نفس دانشجویان با پیشرفت تحصیلی دانشجویان نشان داد اما بین هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی رابطه معنی داری نشان نداد. یعنی هرچه عزت نفس دانشجویان بالاتر بود پیشرفت تحصیلی آنها بالاتر بود.

**نتیجه گیری:** بین عزت نفس دانشجویان با پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی داری را نشان داد. بر این اساس می توان استنباط کرد که خودباوری و عزت نفس بالای دانشجویان منجر به پیشرفت تحصیلی آنها شده است. لذا برنامه ریزی لازم برای ارتقاء عزت نفس دانشجویان و برگزاری کارگاههای بهداشت روانی برای دانشجویان می تواند بر پیشرفت تحصیلی آنان کمک کند.

**واژه های کلیدی:** هوش هیجانی، عزت نفس، دانشجویان، پیشرفت تحصیلی

## بررسی فراوانی هوش معنوی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر سال تحصیلی ۱۳۹۱

سکینه زارعی\*، فائزه جهان پور، پرویز عضدی، سیمین ماهینی

[sakineh.zarei88@yahoo.com](mailto:sakineh.zarei88@yahoo.com)

\*دانشجو کارشناسی هوشبری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

**مقدمه:** هوش معنوی در بر گیرنده مجموعه ای از توانایی ها و ظرفیت ها می باشد که از منابع معنوی در جهت افزایش بهزیستی و انطباق پذیری فرد استفاده می کند. مطالعه حاضر جهت بررسی فراوانی هوش معنوی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر انجام شده است.

**روش‌ها:** روش پژوهش توصیفی و جامعه پژوهش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بوده اند. نمونه پژوهش ۳۱۰ دانشجوی دختر و پسر بوده اند که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای از چهار دانشکده و دوازده رشته تحصیلی انتخاب شدند. ابزار پژوهش نیز پرسشنامه هوش معنوی کینگ بوده است.

**نتایج:** نتایج پژوهش نشان داد که میانگین هوش معنوی در دانشجویان بیشتر از حد متوسط می باشد. در رابطه با زیر گرو های هوش معنوی در دختران و پسران تفاوت ناچیزی مشاهده شد. به طوری که در سه زیر گروه تفکر وجودی، تولید معنای شخصی و بسط حالت هوشیاری میانگین نمره هوش معنوی در پسران بیشتر از دختران بود. در رابطه با هوش معنوی و سن دانشجویان رابطه معنا داری مشاهده نشد. ولی در رابطه با هوش معنوی و معدل تحصیلی دانشجویان رابطه معنا داری مشاهده شد به طوری که هر چه معدل تحصیلی بالاتر بود نمره هوش معنوی دانشجویان نیز بالاتر می رفت.

**نتیجه گیری:** با توجه به اینکه هوش معنوی باعث آسان شدن و سازگاری با مشکلات در زندگی می شود توجه به این مولفه بسیار ضروری است و با توجه به اینکه مولفه های هوش معنوی تحت تاثیر فرهنگ و آداب و رسوم ملت ها متفاوت است لزوم طراحی یک سازه با معیارهای فرهنگی کشورمان ضروری است.

**واژه‌های کلیدی:** معنویت، هوش، هوش معنوی

## ارزیابی تفکر انتقادی و عوامل موثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

سعید حسینی تشنیزی<sup>۱</sup>، مینا توسلی فرحی<sup>۲\*</sup>، محمد صالحی مرزيجرانی<sup>۱</sup>  
<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری تخصصی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز  
<sup>۲\*</sup>استادیار، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

**مقدمه:** اهمیت تفکر انتقادی در عرصه علوم پزشکی به عنوان علم و هنر که باسلامتی جسم و روح انسان هاسر و کار دارد، کاملاً روشن است. در همین راستا این مطالعه با هدف ارزیابی وضعیت تفکر انتقادی و عوامل موثر بر آن در بین دانشجویان دانشکده پرستاری، مامایی و پیراپزشکی هرمزگان انجام شد.

**روش‌ها:** در یک مطالعه توصیفی تحلیلی با انتخاب تعداد ۱۱۰ نفر از دانشجویان دانشکده پرستاری، مامایی و پیراپزشکی در نیمسال دوم سال ۹۰-۸۹ به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی، با استفاده از پرسشنامه سنجش کالیفرنیا ب سطح مهارت تفکر انتقادی دانشجویان اندازه‌گیری شد. داده‌ها در نرم افزار آماری spss16 با بکارگیری روش‌های آمار توصیفی و آزمون های t-test، همبستگی پیرسون و آنالیز واریانس تجزیه و تحلیل شدند.

**نتایج:** از تعداد ۱۱۰ دانشجو تعداد ۷۰ نفر (۶۳/۶٪) زن و بقیه مرد، ۵۰٪ آنها بومی استان، میانگین سن  $21/04 \pm 1/57$  سال و میانگین معدل ترم قبل آنها هم  $15/55 \pm 1/62$  بود. میانگین نمره کل تفکر انتقادی برابر با  $2/81 \pm 9/22$  و خرده مهارت استدلال استقرایی با میانگین  $5/18 \pm 0/01$  بیشترین و خرده مهارت تجزیه و تحلیل با میانگین  $3/76 \pm 2/36$  کمترین میزان را دارا بودند. همچنین نتایج نشان داد بجز متغیرسن که تاثیر مثبت و معنی‌داری بر تفکر انتقادی داشت، متغیرهای جنسیت، بومی بودن، وضعیت اشتغال و ترم تحصیلی تاثیر معنی‌داری بر تفکر انتقادی نداشتند.

**نتیجه‌گیری:** نتایج این مطالعه و سایر مطالعات داخلی نشان از این دارد که میزان مهارت تفکر انتقادی در بین دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور وضعیت مطلوبی ندارد. با توجه به اهمیت این موضوع در حیطه علوم پزشکی، اجرای برنامه‌ای مدون در دوره‌های آموزش تئوری و بالینی برای اساتید و دانشجویان ضروری به نظر می‌رسد.

**واژه‌های کلیدی:** دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، دانشجویان پرستاری و مامایی و پیراپزشکی، تفکر انتقادی

## مقایسه مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی

### سمنان با دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران

حسن بابامحمدی<sup>۱\*</sup>، محمد اسماعیل پور<sup>۲</sup>، رضا نگارنده<sup>۳</sup>، ناهید دهقان‌نیری<sup>۴</sup>

\*استادیار گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی سمنان

پست الکترونیک: [babamohammady2007@gmail.com](mailto:babamohammady2007@gmail.com)

<sup>۲</sup>استادیار گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گیلان

<sup>۳</sup>دانشیار گروه آموزشی بهداشت جامعه، دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۴</sup>دانشیار گروه آموزشی مدیریت پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی تهران

**مقدمه:** برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری بایستی سبب ارتقاء سطح مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان گردد، به عبارتی توانایی تفکر انتقادی نتیجه قابل انتظار از کلیه کارشناسان پرستاری است.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی است که با هدف مقایسه سطح مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان کارشناسی پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی سمنان با دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران انجام شد. حجم نمونه شامل کلیه دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سمنان (۷۰ نفر) و ۱۲۰ دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران و ایران که به شیوه تصادفی طبقاتی از ترم‌های اول و آخر انتخاب شده بودند، می باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تی و آنالیز واریانس استفاده شد.

**نتایج:** یافته‌های پژوهش نشان داد که میانگین نمرات دانشجویان پرستاری دانشگاه سمنان و دانشجویان تهران در آزمون مذکور به ترتیب  $12/34 \pm 2/45$  و  $10/45 \pm 2/75$  بود که اختلاف از نظر آماری معنی‌دار بود ( $t=1/95, p=0/002$ ). در دانشگاه سمنان بین نمرات آزمون دانشجویان سال‌های مختلف اختلاف معنی‌داری وجود داشت ( $F3, 60=4/28, p=0/000$ ). در دانشگاه‌های تهران فقط بین میانگین نمرات دانشجویان سال اول (۱۱/۰۴) و سال آخر کارشناسی (۱۲/۴۲) در آزمون مذکور اختلاف معنی‌داری وجود داشت ( $t=-2/77, p=0/007$ ).

**نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دانشجویان پرستاری دانشگاه سمنان از سطح مهارت‌های تفکر انتقادی بالاتری نسبت به دانشجویان پرستاری دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران برخوردار می‌باشند. همچنین دانشجویان سال بالاتر نسبت به سال پایین از سطح مهارت‌های تفکر انتقادی بیشتری برخوردار هستند. پژوهشگران پیشنهاد می‌کنند روش‌های مؤثر در ایجاد تفکر انتقادی، به نحو مقتضی در آموزش دانشجویان در نظر گرفته شود.

**واژه‌های کلیدی:** تفکر انتقادی، دانشجویان پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران

## طرح سوال بالینی با رویکرد یادگیری خودراهبر؛ گامی در آموزش تفکر انتقادی و پزشکی مبتنی بر شواهد

جواد کجوری\*، زهرا کریمیان، محبوبه صابر، میترا امینی، محمدرضا دهقانی  
\*مرکز توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران  
Email: kojurij@yahoo.com

**مقدمه:** پزشکی مبتنی بر شواهد رویکردی نوین و پژوهش محور در تصمیم گیری‌های تشخیصی و بالینی است که با استفاده دقیق از بهترین شواهد پژوهشی در تحلیل و ارزیابی ابعاد مختلف یک بیماری می‌کوشد زبانی علمی و مشترک برای پزشکان به وجود آورد و از تلفیق بین بهترین دانش موجود با تجربه بالینی استفاده می‌کند. دستیاران بالینی از مهمترین گروههای هدف در بکارگیری پزشکی مبتنی بر شواهد در محیطهای بالینی و آموزشی هستند. تحقیق حاضر با هدف بررسی میزان اثر بخشی دوره پزشکی مبتنی بر شواهد در دستیاران بالینی دانشگاه علوم پزشکی شیراز می باشد.

**روش‌ها:** با توجه به ماهیت پژوهش محور و نقادانه EBM، موضوع، شیوه مدیریت کارگاه و آموزش مطالب بر نقادی، یادگیری فعال و خودراهبر و مبتنی بر سوال بالینی طراحی شد و مدت زمان سخنرانی ها کوتاه تنظیم شد. بخشی از تکالیف شرکت کنندگان بر اساس جستجوی مطالب و یافتن پاسخ سوالات مطرح گردید. موضوعات مطرح شده شامل آشنایی با مفاهیم (سخنرانی کوتاه)، PICO (کار عملی به صورت ارائه چندین مورد مطرح می شد و بر اساس موارد ارائه شده دستیاران باید PICO را طراحی می کردند)، منابع طبابت بالینی (SS)، ۳ جستجوی منابع و شواهد حول مسأله مطرح شده توسط دانشجویان، ۳ کار گروهی ارزیابی نقادانه مقالات تشخیص، درمان و مرور سیستماتیک انجام شد. مجموعاً ۲۰۰ دستیار در سال ۱۳۹۱ در این دوره شرکت نمودند. اثربخشی دوره با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته در ۷ حیطه مورد بررسی قرار گرفت. داده ها با استفاده از نرم افزار spss تحلیل شد.

**نتایج:** میزان رضایت دانشجویان از بحث ها در حد رضایت بخش بود. بیشترین میزان رضایت از جستجوی عملی شواهد (۳/۶۹)، ارزیابی نقادانه تشخیص (۳/۶۴)، ارزیابی نقادانه درمان (۳/۷۰)، و مرور سیستماتیک (۳/۵۱) بود. در تحلیل کیفی نظرات، اغلب دستیاران بر ضرورت پیگیری و پایش EBM در بخش های بالینی تاکید داشتند. همچنین تعداد زیاد از دستیاران معتقد بودند این دوره باید در محیط های بالینی و با حضور دستیاران، اتندینگ و گروههای درگیر در درمان و تشخیص بیماران برگزار گردد و راند EBM در بخش های بالینی به آموزش دانشجویان اضافه شود.

**نتیجه گیری:** به نظر می رسد آموزش EBM به روش پژوهش محور و مبتنی بر طرح سوال و یادگیری خود راهبر در یادگیری آن نقش موثری دارد. همچنین برای استمرار این رویکرد در تصمیم گیری های بالینی حمایت های پشتیبانی در تامین زیرساختهای آموزشی و پژوهشی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است.

**واژه‌های کلیدی:** سوال بالینی، یادگیری خودراهبر، تفکر انتقادی، پزشکی مبتنی بر شواهد

بررسی عوامل استرس‌زای بالینی از دیدگاه دانشجویان مامایی و پرستاری دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۱

فرشته یزدانی\* ، زهرا کیانی

\*کارشناس مامایی

Email: fereshteh\_yazdani68@yahoo.com

**مقدمه:** آموزش بالینی بخش اساسی و مهم آموزش پزشکی است که هرگونه مشکل در آن، کارایی و بازده آموزش پزشکی را تحت شعاع قرار می‌دهد. استرس یکی از این مشکلات است که سبب افت تحصیلی و بروز رفتارهای نامطلوب و اختلالات جسمی در دانشجویان می‌گردد. هدف از مطالعه حاضر بررسی عوامل استرس‌زا در آموزش بالینی دانشجویان رشته مامایی و پرستاری دانشگاه علوم پزشکی مازندران است.

**روش‌ها:** در یک مطالعه توصیفی مقطعی دیدگاه ۷۰ نفر از دانشجویان پرستاری و مامایی توسط پرسشنامه محقق ساخته در مورد عوامل استرس‌زا در آموزش بالینی بررسی شد. میانگین نمره هر حیطه از عوامل استرس‌زا (شامل حیطه‌های ارتباط بین فردی، تجارب تحقیق‌آمیز، محیط آموزشی، تجربیات بالینی، احساسات ناخوشایند) بر مبنای ۱ تا ۵ محاسبه شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی استفاده شد.

**نتایج:** بیشترین میزان استرس در حیطه‌ی پنج‌گانه در گروه مامایی احساسات ناخوشایند با میانگین  $0/45 \pm 3/64$  و در گروه پرستاری نیز در حیطه محیط آموزش بالینی  $0/75 \pm 3/61$  بوده است. ولی از لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری بین دو گروه نبود.

**نتیجه‌گیری:** دانشجویان علوم پزشکی در معرض عوامل تنش‌زای متعددی قرار دارند. ایجاد یک سیستم حمایتی در طول سال‌های تحصیلی و بهبود آن در تمام طول دوره آموزش بالینی برای مهارت‌های مقابله‌ای موثر ضروری به نظر می‌رسد.

**واژه‌های کلیدی:** استرس بالینی - دیدگاه دانشجویان - آموزش پزشکی



## مقایسه میزان کمال گرایی دانشجویان دانشکده مدیریت-اطلاعات سلامت با دانشجویان دانشکده پزشکی و ارتباط آن با موفقیت تحصیلی آنان

عارفه عرفان<sup>۱\*</sup>، آرزو عرفان<sup>۲</sup>، سهیلا موسوی<sup>۳</sup>

\*مدرس دانشگاه پیام نور، کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی

Email: aerfan3024@yahoo.com

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی

مقدمه: مطالعه ی حاضر با هدف مقایسه و تبیین تفاوت میزان کمال گرایی دانشجویان دانشکده مدیریت اطلاعات سلامت با دانشجویان دانشکده پزشکی اصفهان و ارتباط آن با موفقیت تحصیلی آنان انجام شده است.

**روش‌ها:** علی- مقایسه ای است. به منظور دستیابی به هدف پژوهش ۳۰ نفر از دانشجویان دانشکده مدیریت-اطلاعات سلامت و ۳۰ نفر از دانشجویان رشته پزشکی ورودی ۹۰ به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند و پرسشنامه ی کمال گرایی (PI) روی آن ها اجرا گردید. ملاک موفقیت تحصیلی دانشجویان معدل نمرات دو ترم آنان بود. داده های جمع آوری شده با استفاده از آزمون t مستقل و آزمون همبستگی و با استفاده از برنامه SPSS18 تحلیل شدند.

**نتایج:** بین کمال گرایی دانشجویان در دو دانشکده تفاوت معنادار آماری وجود نداشت ( $p > 0/05$ ). اما بین بعد مثبت کمال گرایی و رابطه آن با موفقیت تحصیلی دانشجویان رابطه مثبت و بین بعد منفی کمال گرایی با موفقیت تحصیلی رابطه معکوس یافت شد ( $p < 0/05$ ).

**نتیجه گیری:** کمال گرا بودن مثبت دانشجویان از جمله ویژگی هایی است که باعث موفقیت و پیشرفت دانشجویان در دانشگاه می شود. این مهم به برنامه ریزان آموزشی کمک می کند تا عوامل مثبت تأثیر گذار را بهبود بخشند و از تأثیر عوامل منفی بکاهند.

**واژه های کلیدی:** کمال گرایی، دانشکده مدیریت اطلاعات سلامت، دانشکده پزشکی، موفقیت تحصیلی

## بررسی موثرترین عامل در انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز

صدیقه شایق

Email: [Edc11@sums.ac.ir](mailto:Edc11@sums.ac.ir)

**مقدمه:** در انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان عوامل مختلفی دخیل می باشد. این مطالعه با هدف بررسی و تعیین موثرترین عامل در انتخاب رشته دانشجویان در آزمون سراسری انجام پذیرفته است.

**روش‌ها:** دریک مطالعه توصیفی، مقطعی پرسشنامه ای خودایفا تنظیم گردید که بصورت حضوری در کلاسهای درس در اختیار دانشجویان کلیه رشته ها ومقاطع تحصیلی قرار گرفت و توسط آنان تکمیل شد. داده ها با نرم افزار SPSS ۱۴ و با بکارگیری آزمون مجذور کای، آنالیز واریانس یکطرفه و آمار توصیفی به صورت میانگین، درصد و توزیع فراوانی تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** از ۲۱۳ دانشجویی که به پرسشنامه ها پاسخ دادند، ۶۶ نفر (۳۰/۹۸٪) والدین، ۷۰ نفر (۳۶/۱۵٪) والدین، افراد مجرب، دوستان ومعلمان، ۱۸ نفر (۸/۵٪) هیچ کس، ۱۰ نفر (۴/۵٪) افراد مجرب، ۲۰ نفر (۹/۱۴٪) معلمان ومشاوران، ۲۳ نفر (۱۰/۵٪) دوستان وآشنایان را در انتخاب رشته خود موثر عنوان کرده اند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به تاثیر والدین در امر انتخاب رشته، جلسات مشاوره وسخترانی جهت والدین داوطلبان به منظور راهنمایی آنان در این امر مهم گذاشته شود.

**واژه‌های کلیدی:** رشته های تحصیلی، دانشجویان، دانشگاه

## مقایسه مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی

### سمنان با دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران

حسن بابامحمدی<sup>۱\*</sup>، محمد اسماعیل پور<sup>۲</sup>، رضا نگارنده<sup>۳</sup>، ناهید دهقان‌نیری<sup>۴</sup>

\*استادیار گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی سمنان

پست الکترونیک: babamohammady2007@gmail.com

<sup>۲</sup>استادیار گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گیلان

<sup>۳</sup>دانشیار گروه آموزشی بهداشت جامعه، دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۴</sup>دانشیار گروه آموزشی مدیریت پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی تهران

**مقدمه:** برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری بایستی سبب ارتقاء سطح مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان گردد، به عبارتی توانایی تفکر انتقادی نتیجه قابل انتظار از کلیه کارشناسان پرستاری است.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی است که با هدف مقایسه سطح مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان کارشناسی پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی سمنان با دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران انجام شد. حجم نمونه شامل کلیه دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سمنان (۷۰ نفر) و ۱۲۰ دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران و ایران که به شیوه تصادفی طبقاتی از ترم‌های اول و آخر انتخاب شده بودند، می باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تی و آنالیز واریانس استفاده شد.

**نتایج:** یافته‌های پژوهش نشان داد که میانگین نمرات دانشجویان پرستاری دانشگاه سمنان و دانشجویان تهران در آزمون مذکور به ترتیب  $12/34 \pm 2/45$  و  $10/45 \pm 2/75$  بود که اختلاف از نظر آماری معنی دار بود ( $t=1/95$ ,  $p=0/002$ ). در دانشگاه سمنان بین نمرات آزمون دانشجویان سال‌های مختلف اختلاف معنی‌داری وجود داشت ( $F3$ ,  $p=0/000$ ,  $\eta^2=0/428$ ). در دانشگاه‌های تهران فقط بین میانگین نمرات دانشجویان سال اول (۱۱/۰۴) و سال آخر کارشناسی (۱۲/۴۲) در آزمون مذکور اختلاف معنی‌داری وجود داشت ( $t=-2/77$ ,  $p=0/007$ ).

**نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دانشجویان پرستاری دانشگاه سمنان از سطح مهارت‌های تفکر انتقادی بالاتری نسبت به دانشجویان پرستاری دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران برخوردار می‌باشند. همچنین دانشجویان سال بالاتر نسبت به سال پایین از سطح مهارت‌های تفکر انتقادی بیشتری برخوردار هستند. پژوهشگران پیشنهاد می‌کنند روش‌های مؤثر در ایجاد تفکر انتقادی، به نحو مقتضی در آموزش دانشجویان در نظر گرفته شود.

**واژه‌های کلیدی:** تفکر انتقادی، دانشجویان پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران

## عوامل موثر در انتخاب رشته دستیاران تخصصی در دانشگاه علوم پزشکی جندی

### شاپور اهواز

عبدالحسین شکورنیا\*، علی اکبر مومن، مهتری غفوریان بروجردنیا

\*دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، دانشکده پزشکی

shakurnia@yahoo.com

**مقدمه:** آگاهی از علل و عوامل موثر در انتخاب رشته تخصصی توسط دستیاران در دانشگاهها از اهمیت زیادی برخوردار می باشد. این اطلاعات در برنامه ریزی آموزشی تحصیلات تکمیلی در دانشگاهها و در سطح ملی می تواند کمک شایانی به دست اندرکاران بنماید. این مطالعه با هدف بررسی علل و عوامل موثر در انتخاب رشته دستیاران تخصصی در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز طراحی و اجرا شده است.

**روشها:** این مطالعه توصیفی مقطعی در سال ۱۳۹۰ بر روی ۲۹۲ دستیار شاغل به تحصیل در دانشکده پزشکی انجام شد. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه پژوهشگر ساخته پس از تایید روایی و پایایی استفاده شد. پرسشنامه حاوی ۱۸ سوال ۵ گزینه ای در سیستم لیکرت در باره علل انتخاب رشته بود. تحلیل داده ها به کمک نرم افزار SPSS-18 و با آمار توصیفی و آزمون t صورت گرفت.

**نتایج:** از ۲۹۲ دستیار ۵۲٪ مرد و ۴۸٪ زن با میانگین سنی  $35/4 \pm 4/8$  بودند. ۲۴٪ مجرد و ۷۶٪ متاهل بودند. ۲۴٪ دستیاران سال اول، ۲۱/۵٪ سال دوم، ۱۸/۵٪ سال سوم، ۲۳٪ سال چهارم و ۱۳٪ سال پنجم بودند. ۳۴٪ از رشته تحصیلی خود رضایت کامل داشتند. ۴۰٪ تا حدودی رضایت داشته و ۲۴٪ نیز از رشته تحصیلی خود رضایت نداشتند. دو عاملی که بیشترین تاثیر را بر انتخاب رشته های تحصیلی داشت، کسب توانایی در انجام بهتر کار با امتیاز ۴/۴۸ و ارتقای سطح بهداشت در جامعه با امتیاز ۴/۴۰ از ۵ بود. بی درد سر بودن و نداشتن استرس به ترتیب با میانگین ۲/۱۴ و ۲/۳۰ از عللی ذکر شدند که کمترین اهمیت را در انتخاب رشته دستیاران به خود اختصاص داده بودند. اولین انتخاب دستیاران برای ادامه تحصیل به ترتیب رشته رادیولوژی، قلب و زنان با فراوانی ۱۹/۴٪، ۱۲/۵٪ و ۱۱/۸٪ بود. بین میانگین نظرات دستیاران مذکر و مونث در برخی موارد در مورد علل انتخاب رشته تفاوت معنی دار آماری مشاهده شد ( $P < 0.05$ ). اما بین نظرات دستیاران مجرد و متاهل در مورد علل انتخاب رشته تفاوت معنی دار آماری مشاهده نشد.

**نتیجه گیری:** اکثریت دستیاران از رشته تحصیلی خود رضایت داشتند. کسب توانایی بیشتر جهت ارائه خدمات پزشکی و ارتقای سطح بهداشت در جامعه از مهم ترین عواملی بودند که در انتخاب رشته دستیاران تاثیر داشتند. بین نظرات دستیاران زن و مرد تفاوت وجود داشت. از آنجایی که پذیرش خانم های پزشک در دوره دستیاری رو به افزایش است، انتظار می رود در آینده شاهد تغییرات اساسی در ساختار حرفه پزشکی باشیم. آگاهی مسئولین از علل موثر در انتخاب رشته تحصیلی دستیاران تخصصی و عوامل مرتبط با آنها به مسئولین مربوطه در تعیین راهبردهای مناسب برای ایجاد تغییرات مورد نظر کمک خواهد کرد.

**واژه های کلیدی:** علل انتخاب رشته، دستیاران، اهواز

## تأثیر آموزش مدیریت استرس بر درک از سلامت دانشجویان پرستاری

میمنت حسینی<sup>۱\*</sup>، احمد ایزدی<sup>۲</sup>، پروین سربخش<sup>۳</sup>، سعید قاسمی<sup>۴</sup>

\*مربی و عضو هیئت علمی گروه بهداشت دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی. دانشجوی دکترای پرستاری

واحد بین الملل دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی [meimanathosseini@yahoo.com](mailto:meimanathosseini@yahoo.com)

<sup>۲</sup> استادیار دانشگاه امام حسین(ع). تهران. ایران.

<sup>۳</sup> دانشجوی دکترای آمار حیاتی دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. تهران. ایران

<sup>۴</sup> کارشناس ارشد پرستاری. دانشگاه علوم پزشکی نیشابور. ایران.

**مقدمه:** استرس بخشی از زندگی روزمره است. دانشجویان بدنبال زندگی در محیط جدید دانشگاهی ممکنست استرس را تجربه نمایند. استرس متوسط می تواند در افراد انرژی و انگیزه ایجاد نماید، در حالی که استرس زیاد موجب بروز مشکلات اجتماعی و طبی می شود. این مطالعه تجربی در جهت تعیین میزان تأثیر آموزش مدیریت استرس بر درک دانشجویان از سلامت انجام شده است، با فرض آنکه آموزش کنترل استرس موجب درک بهتری از سلامت می گردد.

**روش‌ها:** جامعه پژوهش دانشجویان پرستاری و نمونه پژوهش ۱۷ دانشجوی ترم ۴ (گروه تجربی) و ۱۸ دانشجوی ترم ۵ پرستاری (گروه کنترل) بودند. ابزار گرد آوری داده ها، پرسشنامه درک از سلامت عمومی بود که در ابتدا و پایان دوره سه ماهه پژوهش در هر دو گروه استفاده گردید. برای مقایسه بین دو گروه مذکور از آزمون تی زوجی استفاده گردید.

**نتایج:** یافته ها نشان داد که در گروه تجربه پس از مداخله در ابعاد درد بدنی، سرزندگی و عملکرد اجتماعی تفاوت معناداری با مرحله پیش آزمون ایجاد شد. در ضمن نتایج نشان داد گروه کنترل تنها در بعد عملکرد فیزیکی بطور معناداری در دو نوبت پر کردن پرسشنامه با هم اختلاف داشتند که باتوجه به بالا بودن میزان آماره P نمی توان در این زمینه اظهار نظر قطعی نمود.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به تأثیر آموزش بر برخی از ابعاد سلامتی، انجام پژوهش های وسیعتر در سایر ابعاد سلامتی توصیه می گردد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش مدیریت استرس ، درک از سلامت، دانشجویان پرستاری

## بررسی فراوانی تقلب و ارتباط آن با هوش معنوی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی

بوشهر سال ۱۳۹۱

سیمین ماهینی\* - پرویز عضدی - فائزه جهان پور - سکینه زارعی

[mahini@gmail.com](mailto:mahini@gmail.com) \*۳۰

\*دانشجو کارشناسی هوشبری دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

**مقدمه:** در عرصه تحصیل افراد همواره با تقاضاهای مختلفی مواجه هستند برای نمونه دانشجویان به اشکال مختلف با موقعیت ها و تقاضاهایی در محیط دانشگاه مواجه هستند که در آن ها رفتارهای مختلف اخلاقی و غیر اخلاقی از خود نشان می دهند. تقلب نیز پدیده ای غیر اخلاقی فراگیری است که نظام های آموزشی از سالیان دور با آن روبرو بوده و از بابت آن هزینه های زیادی را متحمل شده اند. در این پژوهش فراوانی انواع تقلب تحصیلی و ارتباط آن با هوش معنوی در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بررسی شده است.

**روش ها:** روش پژوهش توصیفی - همبستگی و جامعه ی پژوهش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بوده اند. نمونه ی پژوهش ۳۱۰ دانشجوی دختر و پسر بوده اند که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای از چهار دانشکده و دوازده رشته تحصیلی انتخاب شدند. ابزار پژوهش دو پرسشنامه سنجش میزان تقلب و هوش معنوی کینگ بوده است.

**نتایج:** نتایج پژوهش نشان داد که میانگین انجام تقلب و باور به عمومیت داشتن تقلب در امتحان کمتر از حد متوسط می باشد. میزان تقلب در پسران بیشتر از دختران گزارش شده و رایج ترین شیوه تقلب در جلسات امتحان نگاه کردن بر روی برگه دیگران و در تکالیف درسی گرفتن تکلیف از همکلاسی می باشد. در رابطه با علت تقلب نیز سخت بودن تکلیف و عدم وقت کافی بیش از سایر عوامل در انجام تقلب دخیل بوده اند. بین هوش معنوی و فراوانی تقلب رابطه معناداری مشاهده شد.

**نتیجه گیری:** در هر عرصه ای از زندگی با افول اخلاق و ارزش های اخلاقی آسیب های جدی بروز می نماید. عرصه تحصیل علم و دانش نیز یکی از آن هاست. تقلب پدیده ای است که در نتیجه فراموشی یا کم کاری در زمینه اخلاق تحصیلی بروز می نماید و ضرورتاً نیاز خواهد داشت تا برای پیشگیری و همچنین از بین بردن این پدیده به رواج اخلاق تحصیلی بپردازیم و با وضع قوانین و مدیریت صحیح هر چه بیشتر این پدیده ناپسند را از جامعه آموزشی پاک نماییم. در زمینه هوش معنوی نیاز به ساخت ابزاری مناسب برای اندازه گیری این سازه بر طبق معیارهای فرهنگی کشورمان احساس می شود.

## تأثیر آموزش نقشه مفهومی بر "مهارتهای تفکر انتقادی اختصاصی پرستاری" در

### دانشجویان پرستاری

دکتر مرضیه معطری<sup>۱\*</sup>، سارا سلیمانی<sup>۲</sup>، ندا جمالی مقدم<sup>۲</sup>، فرخنده مهبودی<sup>۳\*</sup>، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شیراز

moattarm@sums.ac.ir

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

soleimanis\_sara@yahoo.com

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

nedajml@yahoo.com

<sup>۴</sup> کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

moattarm@sums.ac.ir

**مقدمه:** پرورش تفکر انتقادی در دانشجویان چالشی است که رویاروی مدرسین پرستاری قرار دارد. در این مطالعه تأثیر آموزش و کاربرد نقشه مفهومی فرایند پرستاری بر مهارتهای تفکر انتقادی اختصاصی پرستاری در دانشجویان سال چهارم پرستاری مورد بررسی قرار گرفته است. **روش‌ها:** در این مطالعه شبه تجربی (تنها پس آزمون) ۳۲ دانشجوی پرستاری سال چهارم شرکت کردند که در مرحله اول پژوهش به طور تصادفی به دو گروه مساوی تقسیم شدند. از گروه آزمایش دعوت شد در یک کارگاه آموزشی یک روزه با نحوه کاربرد نقشه مفهومی مبتنی بر فرایند پرستاری آشنا شوند. از آنها همچنین خواسته شد تا حداقل دو نقشه مفهومی را در حین تجارب بالینی خود ارائه دهند گروه شاهد تنها در برنامه بالینی معمول شرکت کردند. در پایان هفته دهم از آنها خواسته شد تا بسته آزمون را که شامل ۱۴ سناریو و سه موقعیت آزاد برای سنجش هفده بعد تفکر انتقادی اختصاصی در پرستاری (در دو طبقه مهارتهای تفکر انتقادی و عادات ذهنی بود) بود دریافت کنند و طی مدت دو هفته کتبا به آن پاسخ دهند. آنها میبایست بنویسند که چگونه از هر یک از ابعاد تفکر انتقادی در عملکرد خود استفاده می کنند. پاسخهای آنها توسط دو نفر کارشناس ارشد پرستاری با استفاده از معیارهای شناسایی هر یک از ابعاد تفکر انتقادی، ارائه استدلال و کیفیت پاسخ دانشجوی (تناسب پاسخ با سال تحصیلی) مورد ارزشیابی قرار گرفت. برای مقایسه میانگین نمرات دو گروه از آزمون من ویتنی یو استفاده شد.

**نتایج:** میانگین نمره کل مهارتهای شناختی تفکر انتقادی در گروه تجربی ( $13/62 \pm 20/14$ ) بود که تفاوت معناداری با گروه شاهد ( $6/41 \pm 6/52$ ) داشت ( $P < 0/001$ ). همچنین تفاوت میانگین نمره کل عادات ذهنی در گروه تجربی ( $23/68 \pm 20/58$ ) با گروه شاهد ( $6/30 \pm 5/51$ ) به لحاظ آماری معنادار بود ( $P = 0/005$ ). علاوه بر این تفاوت بین دو گروه نیز در یازده بعد از هفده بعد تفکر انتقادی معنادار بود.

**نتیجه‌گیری:** آموزش و کاربرد نقشه مفهومی در بستر بالینی موجب بهبود تفکر انتقادی در پرستاری می شود. تعمیم یافته‌ها مستلزم تکرار پژوهش به ویژه در سالهای اولیه تحصیلی است.

**واژه‌های کلیدی:** مهارتهای تفکر انتقادی، نقشه مفهومی، دانشجویان پرستاری، آموزش بالینی

## ارزیابی از کیفیت تدریس استاد و گرایش به تفکر انتقادی در دانشجویان بهداشت

فرهاد تنهای رشوانلو

کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه تهران، گروه مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، پردیس امام محمد باقر(ع)

بجنورد، بجنورد، ایران

tanha@alumni.ut.ac.ir

**مقدمه:** پیچیده تر شدن عملکردهای تخصصی، نظام آموزش سلامت را علاوه بر برنامه ریزی در جهت رشد صلاحیت های حرفه ای، ملزم به توسعه مهارت های حل مساله و تصمیم گیری واقع بینانه و بطور اخص توانایی تفکر انتقادی در دانشجویان نموده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر کیفیت تدریس استاد (علاقمندی، تعامل گروهی، رابطه استاد- دانشجو، جامعیت و...) بر گرایش به تفکر انتقادی در دانشجویان بود.

**روش ها:** تعداد ۱۰۹ نفر از دانشجویان رشته بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب و دو پرسشنامه گرایش به تفکر انتقادی کالیفرنیا (CCTDI) و ارزیابی دانشجویان از کیفیت تدریس (SEEQ) مارش (۱۹۹۳) را تکمیل کردند.

**نتایج:** نتایج نشان داد که میان علاقمندی استاد، رابطه استاد- دانشجو و جامعیت مطالب با گرایش کلی به تفکر انتقادی و خرده مقیاس های آن همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. تحلیل رگرسیون چند متغیری نیز نشان داد کیفیت تدریس استاد ۲۲ درصد واریانس گرایش کلی به تفکر انتقادی را پیش بینی و تبیین می کند این میزان برای خرده مقیاسهای گرایش به تفکر انتقادی از ۱۴ تا ۲۷ درصد متغیر بود.

**نتیجه گیری:** پرانرژی و فعال بودن، نشان دادن علاقه واقعی و برخورد دوستانه، در دسترس بودن جهت راهنمایی دانشجویان در ساعات اداری و بعد از کلاس به همراه ارائه توضیحات روشن و قابل فهم، تشویق به بحث گروهی، مقایسه کاربردهای نظریه های مختلف، توضیح پیش زمینه های مفاهیم و مطالب درسی، بیان دیدگاههای متفاوت علاوه بر نظرات خود و بحث در خصوص پیشرفتهای کنونی مرتبط با هر زمینه درسی میتواند در تمایل به تفکر مستدل و واقع بینانه و بعبارت دیگر تفکر انتقادی در دانشجویان مؤثر باشد.



### توسعه تفکر انتقادی از منظر برنامه درسی

ناصر فعال استاد زر\*

کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

Email: [naserfaal@gmail.com](mailto:naserfaal@gmail.com)

**مقدمه:** هنوز نحوه گنجاندن تفکر انتقادی در برنامه درسی و پرورش آن از چالشهای مهم عرصه آموزش است. این درحالی است که نخبگان آموزشی توجه به برنامه درسی رسمی و محتوای آموزشی را در این باره کافی نمی دانند. هدف از این مقاله مرور و بازپردازی موضوع اخیر است.

**روش‌ها:** با استفاده از کلید واژه های برنامه درسی (curriculum)، تفکر انتقادی (critical thinking) و آموزش پزشکی (medical education) و آموزش عالی (Higher Education) در پایگاههای اطلاعاتی Google scholar و Medline، proquest، EBSCO (Lista)، pub med به جستجو و بررسی متون موجود و در دسترس درباره برنامه درسی و تفکر انتقادی در علوم پزشکی پرداخته شد. نتایج پس از طبقه بندی و خلاصه سازی در قالب یافته ها و نتایج به شرح زیر خلاصه گردید.

**نتایج:** از میان دیدگاههای چهارگانه برنامه درسی، برنامه درسی مبتنی بر رشد فرآیندهای شناختی با رویکرد غیر تکنیکی درباره پرورش تفکر در مرکز توجه مطالعات برنامه درسی قرار دارد. برنامه‌ی درسی بین رشته ای، برنامه‌ی درسی پنهان، برنامه‌ی درسی مرتبط با محیط زندگی، برنامه‌ی درسی تحول آفرین، برنامه‌ی درسی منعطف، مشارکتی، ارتباطی و بوم شناختی، عدم تلقی برنامه درسی به عنوان متنی مقدس و تغییر ناپذیر، جنبه زیبایی شناختی در برنامه درسی، تعادل در برنامه درسی، استقلال فکری، صورت بندی مسئله، پرورش احساسی، ایجاد علاقه به درس، تدریس برتر در تقویت تفکر انتقادی مؤثر شناخته شده‌اند. همچنین توجه به رویکرد غیر تحلیلی در استدلال هم پای رویکرد تحلیلی در برنامه آموزشی علوم بالینی مورد توجه واقع شده است.

**نتیجه‌گیری:** دخالت در برنامه درسی رسمی برای تحول در شیوه تفکر کافی نیست. برنامه ریزی راهبردی برای توجه به پرورش تفکر انتقادی در سال‌های قبل از دانشگاه بلکه از کودکی، شیوه های یاد دهی - یادگیری متناسب و فعال و گاهی متنوع، غنی سازی شیوه های رایج تدریس (سخنرانی)، توجه به خلاقیت، زبان و تصمیم گیری و تقویت قوای فرا شناختی، توجه به استدلال غیر تحلیلی در کنار استدلال تحلیلی، یادگیری مشارکتی و مبتنی بر حل مسئله، ناتمام نماندن فرآیندهای حل مسئله، تکالیف نوشتاری، بومی سازی ابزار سنجش مهارت‌های تفکر انتقادی، آگاهی بخشی به یاد دهنده و یادگیرنده درباره تفکر انتقادی، افزودن موضوع تفکر انتقادی در دروس عمومی، توجه به کارکرد دروس در برنامه ضمنی، توجه به تناسب محتوای درسی و حجم آن (حذف محتوای غیر ضروری) با روش‌های اجرایی، پیشنهاد شده است. تحولات ساختاری اخیر برنامه درسی آموزش پزشکی در ایران می‌تواند بستر مناسب برای شروع تغییر باشد.

**واژه‌های کلیدی:** تفکر انتقادی (critical thinking)، برنامه درسی (curriculum)، آموزش پزشکی (medical education)

## ارزیابی مهارت تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری

رزیتا رضایی<sup>۱</sup>، سوسن ساعت ساز<sup>۲\*</sup>، حمید شریف نی<sup>۱</sup>، زهرا بهشتی<sup>۱</sup>، سرور ملوک زاده<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران

<sup>۲\*</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران

[s.saatsaz@mazums.ac.ir](mailto:s.saatsaz@mazums.ac.ir)

**مقدمه:** مهارت تفکر انتقادی از اهداف مهم آموزش پرستاری بوده و ارتقای آن از نتایج مورد انتظار تحصیلات دانشگاهی می باشد نظر به اهمیت این امر در بهبود کیفیت مراقبت های پرستاری پژوهش حاضر باهدف ارزیابی مهارت تفکر انتقادی در دانشجویان پرستاری طراحی گردید.

**روش ها:** پژوهش حاضر مطالعه ای توصیفی تحلیلی می باشد که نمونه های آن را کلیه دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی شهر آمل تشکیل داده اند. انتخاب نمونه ها به روش سر شماری از کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۲-۹۱ (جمعا ۱۵۸ نفر) بوده است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش آزمون مهارت های تفکر انتقادی واتسون گلیر فرم (الف) بوده است. پس از جمع آوری اطلاعات داده ها با نرم افزار آماری SPSS و آزمونهای ضریب همبستگی پیرسن، من ویتنی و کروسکال والیس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و سطح معنی دار کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

**نتایج:** میانگین و انحراف معیار نمرات تفکر انتقادی کلیه دانشجویان در این تحقیق  $44.38 \pm 5.60$  بوده که در حد ضعیف بوده است در این مطالعه همبستگی معنی داری میان سن و سال تحصیلی دانشجویان و نمره تفکر انتقادی آنان مشاهده گردید به این معنی که با افزایش سن ( $P=0.004$ )، سال تحصیلی ( $P=0.003$ ) و معدل آنان ( $P<0.001$ ) میانگین نمره تفکر انتقادی افزایش داشته است.

**نتیجه گیری:** نتایج حاصل از این مطالعه مبین پایین بودن نمره تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری می باشد با توجه به اهمیت این مهارت و رشد آن در عرصه فعالیت های پرستاری برنامه ریزی جهت اصلاح الگوهای آموزشی و بهبود وضعیت آموزش دانشجویان پرستاری که نتیجه آن بالا بردن کیفیت مراقبت های پرستاری و بالا بردن سطح سلامت جامعه می باشد ضروری به نظر می رسد.

**واژه های کلیدی:** مهارت تفکر انتقادی - دانشجویان پرستاری - آموزش پرستاری

## مروری بر وضعیت آموزش تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری در ایران از سال ۱۳۷۰ تا کنون

زهرا یوسفی

دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان.  
stu.yousefi@yahoo.com

**مقدمه:** یکی از مسائلی که اکثر سیستم های آموزشی از جمله آموزش پرستاری با آن درگیر هستند، فاصله بین تئوری و عمل است. پرستاران در موقعیت بالین قادر به استفاده از اندوخته های علمی خود نیستند. در حالی که تفکر انتقادی می تواند اندوخته های علمی را به حیطه عمل بکشاند. روشهای متداول آموزشی در دانشگاه ها، افرادی را با اطلاعات نظری فراوان تحویل

می دهند که از حل کوچکترین مسایل جامعه در آینده عاجز هستند. تجزیه و تحلیل، اولویت بندی و سازماندهی دانش نو ظهور که لازمه تفکر انتقادی است و منجر به یادگیری مؤثر و با معنی خواهد گشت، از نظر دور مانده است. تصمیم گیری برای پرستاران، فرایندی است که نیازمند توانمندی و استقلال در عملکرد بوده و فرد بدون توانایی برخورداری از حق استقلال در اخذ تصمیمات، نمی تواند به صورت حرفه ای عمل کند. از این رو استقلال در تصمیم گیری در نتیجه مهارت تفکر انتقادی برای آینده حرفه پرستاری لازم و ضروری است.

**روش ها:** این مطالعه مروری بر مطالعات انجام شده از سال ۱۳۷۰ تاکنون می باشد. جهت جمع آوری داده ها از جستجوی اینترنتی در پایگاه های google scholar\_ iran medex\_sid\_medlib به وسیله موتور جستجوی google استفاده شد.

**نتایج:** بررسی هابیانگر این بودند که تفکر انتقادی در آموزش پرستاری آن گونه که باید، مورد توجه نظام آموزشی قرار نمی گیرد. آموزش تفکر انتقادی تنها به اساتید و روش تدریس آنها محدود نمی شود بلکه، دسترسی دانشجویان به اینترنت، منابع الکترونیک جدید و ژورنالهای پرستاری و مقالات منتشر شده و آموزش نحوه استفاده از آنها جهت افزایش این مهارت ضروری است. زمان و مکان برنامه های درسی نیز در راستای محتوا برنامه ریزی شده باید مناسب باشد و آموزش محتوا در چارچوب کلاس های پر تعداد و فاقد مشارکت پویای دانش آموزان، پرورش تفکر انتقادی را محدود می سازد. نتایج مطالعات نشان داد، ۹۳٪ دانشجویان ترم اول و ۹۴٪ دانشجویان ترم آخر و ۹۸/۳٪ پرستاران بالینی دارای تفکر انتقادی ضعیف می باشند و با بالا رفتن سنوات تحصیلی دانشجویان، مهارت های تفکر انتقادی افزایشی نمی یابد.

**نتیجه گیری:** رشد تفکر انتقادی مستلزم فراهم سازی بسترهای خاصی است. برای ایجاد بستر لازم جهت تفکر انتقادی، دانش، منش، اقتدار، آمادگی و تمرین لازم است. ارتقای تفکر انتقادی در بالین، مهمترین هدف آموزش پرستاری محسوب می شود. لازم است الگوهای آموزشی به این مهم توجه کنند و الگوهای قبلی آموزش را اصلاح کنند. باید تفکر انتقادی و شیوه های نگرش انتقادی و حل مسئله از مقاطع پایه و اولیه مورد توجه قرار گیرد.

### آموزش تفکر انتقادی؛ الزامات و راهبردها

پرهام درگاهی\*، آزاده صالحی کرمانی

تفکر و خردورزی در آموزه های دینی همواره مورد تاکید قرار گرفته و آیات متعدد با مضامین گوناگون انسانها را به تعقل و تدبر دعوت می نمایند. آموزش مهارت اندیشیدن و تفکر انتقادی به فراگیران خاستگاه پذیرش و یادگیری بسیاری از ارزشهای اخلاقی و مدنی و کارکرد اساسی هر نظام آموزشی به شمار می آید. امروزه صاحب نظران تعلیم و تربیت اتفاق نظر دارند که تفکر انتقادی، به عنوان یکی از نیازهای پایه برای جامعه اطلاعاتی و نظام دانایی محور معاصر، بایستی بخش جدایی ناپذیر آموزش در هر مقطعی باشد. زیرا تفکری است که ضمن تحلیل، ارزشیابی، گزینش و کاربرد منجر به ارائه بهترین راه حل می گردد. تفکر انتقادی به عنوان بخشی از مهارت های تفکر سطح بالا نوعی تفکر بازتابی و معقول است که بر تصمیم گیری در مورد آن چه باور داریم یا انجام می دهیم تاثیر می گذارد. در رابطه با آموزش تفکر انتقادی نیز چون مبانی آن، آراء و نظرات مختلفی وجود دارد که به طور عمده متأثر از نبود یافته های تجربی قابل دفاع در این زمینه می باشد. تفکر انتقادی را جزء اساسی تدریس می دانند، زیرا فراگیران شیوه های خردورزی معلم را در داورها و ارزشیابی های خود به کار می گیرند و این حاصل تعاملی دو سویه بین معلم و فراگیر است. در واقع تجمیع آموزش و تفکر انتقادی موجب گردیده که این تفکر وارد مرحله جدیدی در حوزه اهداف آموزشی شود. جستار حاضر که با رویکرد کتابخانه ای و بهره گیری از یافته های پژوهشی در زمینه تفکر انتقادی و شیوه های آموزش آن صورت پذیرفته است کوشش می نماید ضمن بررسی و تبیین عناصر اساسی فرایند مورد نظر، رویکردهای آموزش اثربخش در این زمینه را از طریق الگودهی و ترغیب رفتارها و مهارت ها را ارائه نماید.

## درک پرستاران از تفکر انتقادی در آموزش پرستاری: تحلیل محتوا

منصوره تجویدی\*، دکترمهوش صلصالی، دکترشهرزاد غیاثوندیان

[\\*Mansooreh\\_tajvidi@yahoo.com](mailto:Mansooreh_tajvidi@yahoo.com)

\*دانشگاه علوم پزشکی تهران (دانشکده پرستاری مامایی)

**مقدمه:** تفکر انتقادی جهت تصمیم‌گیری‌های کاری، مدیریت، قضاوت بالینی، موفقیت حرفه‌ای و مشارکت اثربخش فرد در فعالیت‌های جامعه‌حیاتی است. علیرغم اجماع متخصصین و دانشمندان درباره اهمیت توجه به تفکر انتقادی و پرورش آن، درباره تعریف و ماهیت این مفهوم، آراء متنوعی ارائه شده است. هدف این مقاله تبیین درک پرستاران از مفهوم تفکر انتقادی در آموزش پرستاری است.

**روش‌ها:** در این مطالعه کیفی مصاحبه عمیق با ۱۷ پرستار شامل ۱۲ مدرس پرستاری در رده‌های کارشناسی تا دکتری پرستاری و ۵ پرستار بالینی از دانشکده‌های پرستاری تهران، کرج و اصفهان و بیمارستانهای کرج با روش نمونه‌گیری هدفمند انجام شد. اطلاعات از طریق تحلیل محتوای کیفی هدایت‌شده (directed content analysis) آنالیز شد.

**نتایج:** طبقات حاصل از کدهای استخراج شده از مصاحبه‌ها شامل ۱. پیشایندهای تفکر انتقادی شامل زیرطبقات الف) مشخصات فردی و توانمندی‌ها در مدرس و دانشجو ب) عوامل حرفه‌ای مرتبط با دیسیپلین و مرتبط با سیستم آموزشی ۲. ویژگیهای تفکر انتقادی ۳. پسایندهای تفکر انتقادی شامل زیرطبقات الف) عوامل فردی ب) عوامل سیستمی ج) عوامل حرفه‌ای بوده است. در نهایت بر اساس طبقات بدست آمده، مفهوم در زمینه پرستاری ایران بازتعریف شد.

**نتیجه‌گیری:** جهت تعریف مفهوم تفکر انتقادی حتما باید زمینه‌ای که مفهوم در آن قرار می‌گیرد در نظر گرفته شود. در این تحقیق پیش‌نیازهای تفکر انتقادی شامل علاقمندی به ادبیات و شعر در دانشجویان یا ربط دادن آیات و احادیث به مباحث درسی و وادار کردن دانشجو برای تفکر در مورد مسائل خلقت که در متون بدانها اشاره نشده بود، بدست آمد.

**واژه‌های کلیدی:** درک پرستاران، تفکر انتقادی، آموزش پرستاری، تحلیل محتوا

## بررسی ارتباط بین هوش هیجانی و استرس شغلی در اعضای هیأت علمی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۹۱

نیکو یمانی، فریبا حقانی، مریم شهابی\*

\*دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

[sh.maryam6355@yahoo.com](mailto:sh.maryam6355@yahoo.com)

**مقدمه:** استرس شغلی، یکی از مشکلات و تهدیدهای بزرگ جهت سلامت افراد در جوامع پیشرفته و مدرن امروزی است که موجب بسیاری از بیماری‌های فیزیکی و مشکلات خانوادگی در زندگی میلیون‌ها فرد شاغل می‌گردد. کارکنان حیطة سلامت، مخصوصاً آنهایی که عضو هیات علمی دانشگاه‌ها نیز هستند، به واسطه شغل حساسی که دارند، در معرض استرس‌های شغلی فراوانی قرار دارند. از جمله متغیرهایی که به نظر می‌رسد با استرس شغلی رابطه دارد و از جمله راه‌های مقابله در برابر آن باشد، هوش هیجانی است. بنابراین هدف این مطالعه بررسی رابطه هوش هیجانی و استرس شغلی در اعضای هیات علمی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان می‌باشد.

**روش‌ها:** در یک پژوهش توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی، تعداد ۲۰۰ نفر از اعضای هیات علمی به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای وارد مطالعه شدند. جامعه آماری این پژوهش، تمام اعضای هیات علمی دانشکده پزشکی اصفهان (۳۸۵) بود. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، دو پرسشنامه روا و پایا شده هوش هیجانی برادبری و گریوز و استرس شغلی می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون، تی تست، تحلیل واریانس (آنووا) و و آنالیز رگرسیون خطی استفاده شد.

**یافته‌ها:** از بین تعداد نمونه‌ها، ۱۴۲ نفر (۷۱ درصد) پرسشنامه‌ها را پر کردند. ۷۵ درصد مرد و ۹۸ درصد متأهل بودند. مرتبه علمی ۴ درصد آنها، مربی، ۵۲ درصد استادیار، ۳۵ درصد دانشیار و ۹ درصد استاد تمام بودند. ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره کل هوش هیجانی و میزان استرس شغلی رابطه معنی‌دار معکوس وجود دارد. از بین مولفه‌های هوش هیجانی، نمرات خود آگاهی و خود مدیریتی با میزان استرس شغلی رابطه معنادار معکوس داشت. رابطه معنی‌داری بین مشخصات دموگرافیک و نمره هوش هیجانی یافت نشد. آزمون رگرسیون خطی نشان داد که مولفه‌های هوش هیجانی حدود ۷ درصد از واریانس متغیر استرس شغلی اساتید را تبیین می‌کنند. از بین مولفه‌های هوش هیجانی؛ دو مولفه خودمدیریتی و خودآگاهی بهتر می‌توانند تغییرات مربوط به استرس شغلی را پیش‌بینی کنند.

**نتیجه‌گیری:** افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند از استرس شغلی کمتری برخوردارند. از آنجا که هوش هیجانی قابل آموزش و در نتیجه قابل ارتقا است، بنابراین با آموزش هوش هیجانی می‌توان انتظار داشت که استرس شغلی اعضای هیات علمی کاهش یابد. به همین منظور توصیه می‌شود دوره‌های آموزشی کوتاه مدت برای اعضای هیات علمی مخصوصاً اساتید بالینی بر اساس مفاهیم هوش هیجانی طراحی و برگزار شود. همچنین بهتر است در گزینش اعضای هیات علمی علاوه بر صلاحیت‌های علمی به ویژگی‌های شخصیتی و هیجانی آنها نیز توجه شود.

**واژه‌های کلیدی:** هوش هیجانی، استرس شغلی، اعضای هیأت علمی

## بررسی هوش معنوی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

مرضیه گنخکی<sup>۱</sup>، پرویز عضدی\*<sup>۲</sup>، نسرين مرودشتی پور<sup>۳</sup>، دکتر فائزه جهان پور<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

\*<sup>۲</sup>عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

[Azodi.parviz@gmail.com](mailto:Azodi.parviz@gmail.com)

<sup>۳</sup>دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۴</sup>عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

مقدمه: با توجه به نقش مذاهب و احاطه آن بر تمام شئون زندگی و در راستای آن هوش معنوی در همه حوزه های زندگی بشری می تواند موثر باشد و حوزه های کاری و فعالیت های اجتماعی بشر نیز از این امر مستثنی نیستند. پیاده سازی معنویت در محیط کاری و سازمان های اجتماعی سبب افزایش کارایی و بهره وری آنهاست. هدف از این پژوهش بررسی هوش معنوی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر به عنوان یک مولفه تاثیر گذار بر زندگی می باشد.

**روش ها:** پژوهش حاضر، پژوهشی توصیفی واز نوع همبستگی می باشد. جامعه این پژوهش، دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر هستند. از دانشجویان درخواست شد که به پرسشنامه هوش معنوی کینگ پاسخ دهند و در مجموع ۲۰۰ پرسشنامه جمع آوری شد.

**نتایج:** از ۲۰۰ دانشجوی مورد مطالعه ۴۱٪ پسر و ۵۹٪ دختر بودند. میانگین سن دانشجویان ۲۱/۶۰ بود. از بین چهار مولفه هوش معنوی، بیشترین میانگین به ترتیب مربوط به تفکر وجودی (۱۶/۹۰۵۰)، آگاهی متعالی (۱۶/۳۸۵۰)، تولید معنای شخصی (۱۲/۷۶۵۰)، بسط حالت هوشیاری (۱۰/۵۶۵۰) می باشد.

**نتیجه گیری:** پرورش معنویت می تواند دانشجویان را در توجه به تجربه های معنوی خود و به کارگیری آن در حل مسائل و درک ارزش های زندگی یاری دهد. سرانجام با فرض باورپذیری هوش معنوی، وجود معنویت در پیوند با خود، دیگران و جهان از بعد دنیوی و مذهبی ارزش پرورش دادن را دارد.

**واژه های کلیدی:** هوش معنوی، معنویت، دانشجویان، بوشهر

## ارزیابی تفکر انتقادی و عوامل موثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

سعید حسینی تشنیزی<sup>۱</sup>، مینا توسلی فرحی<sup>۲\*</sup>، محمد صالحی مرزيجرانی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری تخصصی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز  
<sup>۲\*</sup>استادیار، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

مقدمه: اهمیت تفکر انتقادی در عرصه علوم پزشکی به عنوان علم و هنر که با سلامتی جسم و روح انسان‌ها سر و کار دارد، کاملاً روشن است. در همین راستا این مطالعه با هدف ارزیابی وضعیت تفکر انتقادی و عوامل موثر بر آن در بین دانشجویان دانشکده پرستاری، مامایی و پیراپزشکی هرمزگان انجام شد.

روش‌ها: در یک مطالعه توصیفی تحلیلی با انتخاب تعداد ۱۱۰ نفر از دانشجویان دانشکده پرستاری، مامایی و پیراپزشکی در نیمسال دوم سال ۹۰-۸۹ به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی، با استفاده از پرسشنامه سنجش کالیفرنیا ب سطح مهارت تفکر انتقادی دانشجویان اندازه‌گیری شد. داده‌ها در نرم افزار آماری spss 16 با بکارگیری روش‌های آمار توصیفی و آزمون‌های t-test، همبستگی پیرسون و آنالیز واریانس تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: از تعداد ۱۱۰ دانشجو تعداد ۷۰ نفر (۶۳/۶٪) زن و بقیه مرد، ۵۰٪ آنها بومی استان، میانگین سن  $21/04 \pm 1/57$  سال و میانگین معدل ترم قبل آنها هم  $15/55 \pm 1/62$  بود. میانگین نمره کل تفکر انتقادی برابر با  $2/81 \pm 9/22$  و خرده مهارت استدلال استقرایی با میانگین  $5/18 \pm 0/01$  بیشترین و خرده مهارت تجزیه و تحلیل با میانگین  $3/76 \pm 2/36$  کمترین میزان را دارا بودند. همچنین نتایج نشان داد بجز متغیرسن که تاثیر مثبت و معنی‌داری بر تفکر انتقادی داشت، متغیرهای جنسیت، بومی بودن، وضعیت اشتغال و ترم تحصیلی تاثیر معنی‌داری بر تفکر انتقادی نداشتند.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه و سایر مطالعات داخلی نشان از این دارد که میزان مهارت تفکر انتقادی در بین دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور وضعیت مطلوبی ندارد. با توجه به اهمیت این موضوع در حیطه علوم پزشکی، اجرای برنامه‌ای مدون در دوره‌های آموزش تئوری و بالینی برای اساتید و دانشجویان ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، دانشجویان پرستاری و مامایی و پیراپزشکی، تفکر انتقادی



## مقایسه وضعیت موجود و مطلوب ارزشیابی بالینی دانشجویان مامایی از دیدگاه مربیان و دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی مشهد

بی بی لیلا حسینی<sup>۱</sup>، فرزانه جعفرنژاد<sup>۲</sup>، دکتر سیدرضا مظلوم<sup>۳</sup>

کارشناس ارشد مامایی دانشکده پرستاری و مامایی سبزوار

**Email: Hoseinil871@gmail.com**

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد آموزش مامایی، مربی هیئت علمی گروه مامایی - دانشکده پرستاری و مامایی مشهد

**Email: JaafarnejadF@mums.ac.ir**

<sup>۳</sup> دکتری تخصصی پرستاری، مربی هیئت علمی گروه پرستاری - دانشکده پرستاری و مامایی مشهد

**Email: MazlomR@mums.ac.ir**

**مقدمه:** ارزشیابی به عنوان مهمترین حیطه اثربخشی در آموزش بالینی مطرح شده است. از آنجا که آگاهی از وضعیت موجود، از اساسی ترین نیازهای برنامه ریزی مطلوب می باشد و نظرات دانشجویان و اساتید در این زمینه می تواند راهگشا باشد، ما بر آن شدیم تا مطالعه ای را با هدف مقایسه وضعیت موجود و مطلوب نحوه ارزشیابی بالینی دانشجویان مامایی از دیدگاه مربیان و دانشجویان مامایی دانشکده پرستاری و مامایی مشهد انجام دهیم.

**روش ها:** در این مطالعه توصیفی- مقطعی، دانشجویان و مربیان دانشگاه علوم پزشکی مشهد به روش سرشماری مورد بررسی قرار گرفتند. پرسشنامه های پژوهشگر ساخته معیارها و روشهای وضعیت موجود و مطلوب ارزشیابی بالینی در اختیار واحدهای پژوهش قرار گرفت. ابزارها با روش روایی محتوی و پایایی پرسشنامه های سنجش "معیارها" ( $\alpha=0/97$ ) و "روش ها" ( $\alpha=0/92$ ) وضعیت موجود و مطلوب ارزشیابی بالینی به روش روش آلفای کرونباخ تایید شد. مورد تایید قرار گرفت. جهت آنالیز داده ها از آمار توصیفی و تحلیلی استفاده شد.

**نتایج:** میانگین نمره کل معیارهای وضعیت موجود و مطلوب ارزشیابی بالینی، به ترتیب از راست به چپ و بر مبنای ۱۰۰، از دیدگاه دانشجویان،  $18/0 \pm 55/2$  و  $19/3 \pm 68/4$  و از دیدگاه مربیان،  $18/3 \pm 47/0$  و  $20/4 \pm 72/3$  بود. میانگین نمره کل روش های وضعیت موجود و مطلوب ارزشیابی بالینی، به ترتیب از راست به چپ و بر مبنای ۱۰۰، از دیدگاه دانشجویان،  $17/9 \pm 51/5$  و  $18/3 \pm 56/5$  و از دیدگاه مربیان،  $16/0 \pm 55/6$  و  $14/4 \pm 69/5$  بود.

**نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه نشان داد که معیارها و نیز روش های موجود ارزشیابی بالینی دانشجویان مامایی دانشکده پرستاری و مامایی مشهد از دیدگاه دانشجویان و نیز مربیان با معیارهای و نیز روش های مطلوب تفاوت دارد، بطوریکه نمره معیارها و روش های موجود پایین تر از نمره معیارها روش های مطلوب می باشد. لذا می توانیم با استفاده از معیارها و روش های مطلوب جهت ارتقاء وضعیت موجود ارزشیابی بالینی اقدام نماییم.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی بالینی، وضعیت موجود، وضعیت مطلوب، دانشجویان.

### نظرات دانش آموختگان دوره پزشکی عمومی دانشکده پزشکی بوشهر در مورد واحد درسی پایان نامه

گیسو حاتمی\*، نیلوفر معتمد، بتول امینی  
\*گروه کودکان، دانشکده پزشکی بوشهر، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر  
E mail: gisoo\_hat@yahoo.com

مقدمه: دانستن دیدگاه کلی دانش آموختگان پزشکی نسبت به پایان نامه به عنوان ۶ واحد درسی اجباری می تواند در برنامه ریزی آموزشی رشته پزشکی موثر باشد. بنابراین مطالعه ای با هدف تعیین دیدگاه دانش آموختگان رشته پزشکی عمومی در دانشکده پزشکی بوشهر انجام شد.

روش‌ها: در یک مطالعه توصیفی- مقطعی ۵۰ نفر از دانش آموختگان پزشکی عمومی دانشکده پزشکی بوشهر پرسش نامه ای خود ایفاء که روائی و پایائی آن تایید گردیده بود را تکمیل کردند. نتایج با استفاده از آمار توصیفی مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: هشتاد درصد دانش آموختگان پایان نامه با گروههای بالینی داشتند. علت انتخاب موضوع پایان نامه در ۲ نفر علاقه به رشته مربوط به آن موضوع، ۱۲ نفر تعلق پایان نامه به یک طرح پژوهشی و ۳۰ نفر آماده بودن موضوع و پروپوزال بود. شش نفر پایان نامه کاملاً نوشته شده که حتی مقاله مربوط به آن چاپ شده بود را انتخاب کرده بودند. برای ۸۲٪ هیچ اهمیتی نداشت که پایان نامه مقاله شده یا قرار است به صورت مقاله چاپ شود. دانش آموختگان، مهمترین دغدغه اساتید راهنما را تبدیل شدن پایان نامه به یک مقاله چاپ شده و دغدغه اصلی دانشجویان پزشکی را فارغ التحصیلی می دانستند. به علاوه ۹۰٪ دانش آموختگان معتقد بودند که در آینده قادر به انجام یک کار پژوهشی به طور مستقل نخواهند بود. کلیه افراد معتقد بودند که پایان نامه باید به صورت یک واحد درسی اختیاری باشد.

نتیجه‌گیری: بهتر است بازنگری در واحد درس پایان نامه انجام شود. به نظر می رسد اختیاری شدن واحد درسی پایان نامه در رشته پزشکی عمومی می تواند در بهبود نحوه اخذ و عاقبت پایان نامه ها موثر باشد.

واژه‌های کلیدی: پایان نامه، رشته پزشکی، دانش آموختگان

## بررسی رابطه بین رضایت تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی مشهد

اعظم محمدزاده قصر<sup>۱\*</sup>، هوشنگ گراوند<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی دکترای رشته برنامه‌ریزی درسی دانشگاه فردوسی مشهد،

آدرس الکترونیک: azam\_mohamadzade@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی دکترای رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه لرستان.

آدرس الکترونیک: hoshanggaravand@gmail.com

**مقدمه:** به منظور هر گونه برنامه‌ریزی برای ارتقاء پیشرفت تحصیلی دانشجویان ابتدا باید نسبت به ایجاد احساس رضایت و خشنودی نسبت به تحصیلی اقدام نمود. بنابراین در همین راستا هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین رضایت تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی مشهد می‌باشد.

**روش‌ها:** این پژوهش به روش توصیفی- همبستگی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد بود. از جامعه آماری مذکور، نمونه‌ای به حجم ۱۳۵ نفر به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه رضایت تحصیلی بود. همچنین برای پیشرفت تحصیلی دانشجویان از معدل دروس پاس شده آنها استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار)، از روش‌های آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t گروه‌های مستقل) استفاده شد.

**نتایج:** نتایج نشان داد بین رضایت تحصیلی با پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین نتایج آزمون t گروه‌های مستقل نشان داد که بین دانشجویان دختر و پسر از لحاظ پیشرفت تحصیلی تفاوت معناداری وجود ندارد. **نتیجه‌گیری:** در مجموع نتایج این پژوهش نشان داد که بر خلاف انتظار بین رضایت تحصیلی و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود ندارد.

**واژه‌های کلیدی:** رضایت تحصیلی، پیشرفت تحصیلی، دانشجویان پرستاری و مامایی

## آیا هوش معنوی می تواند راهکاری برای توانمندی حرفه ای گرایب اعضای هیات علمی باشد؟ نتیجه یک پژوهش

مریم اکبری لاکه<sup>1\*</sup>، حسین کریمی مونقی<sup>2</sup>، عباس مکارم<sup>3</sup>، حبیب ا... اسماعیلی<sup>4</sup>، مهدی ابراهیمی<sup>5</sup>  
<sup>1\*</sup> دانشجوی دکترای آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: m.akbari@sbmu.ac.ir

<sup>2</sup> استادیار گروه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

<sup>3</sup> استادیار گروه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

<sup>4</sup> دانشیار آمار زیستی، گروه آمار زیستی و عضو مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

<sup>5</sup> دانشیار علوم قرآن و حدیث، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

**مقدمه:** یافتن عوامل موثر بر حرفه ای گرایب اعضای هیات علمی و بکارگیری آنها، راهکار اساسی در زمینه ارتقاء کیفیت و توسعه آموزش عالی مطرح می باشد. اخیرا از بین عوامل اصلی؛ ارتقای هوش معنوی به عنوان عامل بهبود کیفیت توانمندیهای حرفه ای گرایب معرفی شده است. با توجه به اهمیت هوش معنوی و حرفه ای گرایب در تعالی آموزشی و سازمانی، این مطالعه با اهداف تعیین: هوش معنوی اعضای هیات علمی، توسعه حرفه ای و رهبری؛ و نحوه عملکرد مسوولیتهای حرفه ای به عنوان دو مولفه حرفه ای گرایب، و ارتباط هوش معنوی با حرفه ای گرایب طرح ریزی و اجرا گردید.

**روشها:** این مطالعه یک پژوهش توصیفی است که در مقطعی از زمان (سال ۱۳۸۹) در یکی از دانشگاههای علوم پزشکی تیپ یک کشور انجام گرفته است. ۱۶۰ نفر از اعضای هیات علمی با نمونه گیری طبقه ای در پژوهش شرکت کردند. ابزارهای پژوهش پرسشنامه هوش معنوی کینگ و پرسشنامه خودسنجی توانمندیهای دانشگاه آلاباما بود. داده ها با روشهای آمار توصیفی و آزمونهای تحلیلی از جمله: همبستگی اسپیرمن، تی دانشجویی، آنالیز واریانس دو طرفه، من ویتنی، کروسکال-والیس، فریدمن و خی دو مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت. سطح معنی داری در همه آزمونها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

**نتایج:** نتایج نشان داد که میانگین هوش معنوی اعضای هیات علمی  $63 \pm 1/2$  بود که در حد متوسط می باشد. میانه نمره توانمندی توسعه حرفه ای و رهبری ۹ بود با حداقل نمره ۴ و حداکثر ۱۲. میانه نمره توانمندی نحوه عملکرد مسوولیتهای حرفه ای ۱۷ بود با حداقل نمره ۵ و حداکثر ۲۰ بود. ارتباط واضحی بین هوش معنوی و نحوه عملکرد مسوولیتهای حرفه ای مشاهده شد ( $r=0/23$ ) و ( $p=0/003$ ). بین هوش معنوی و توسعه حرفه ای و رهبری ارتباطی مشاهده نشد ( $r=0/13$ ) و ( $p=0/11$ ).

**نتیجه گیری:** نتایج مطالعه ارتباط واضحی را بین هوش معنوی و یکی از مولفه های حرفه ای گرایب (نحوه عملکرد مسوولیتهای حرفه ای) نشان داد. مطالعات بیشتری برای بررسی علت این ارتباط لازمست. بهرحال ارتقای هوش معنوی با برنامه های آموزشی مناسب می تواند برای بسترسازی ارتقای حرفه ای گرایب اعضای هیات علمی به دلیل نقش کلیدی ایشان مطرح باشد.

**واژه های کلیدی:** هوش معنوی، حرفه ای گرایب، هیات علمی.

### ارتباط بین هوش اجتماعی و سطح مهارت کارآفرینی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

یحیی صفری<sup>۹۴</sup>، فاطمه طهماسبی<sup>۹۵</sup>، محمد جواد کرم افروز<sup>۹۶</sup>  
ysafari79@yahoo.com

**مقدمه:** هوش اجتماعی و کارآفرینی از جمله ویژگی هایی هستند که موفقیت تحصیلی و شغلی را به دنبال دارند. اگر ارتباط بین این دو اثبات شود، با پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان رابطه بین مهارت کارآفرینی و هوش اجتماعی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه انجام گرفت.

**روشها:** پژوهش به روش توصیفی از نوع همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه به تعداد ۳۴۷۰ نفر بودند که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی منظم، تعداد ۳۵۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند، حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان برآورد شد. ابزار پژوهش پرسشنامه سنجش مهارت کارآفرینی، پرسشنامه استاندارد شده مهارت کارآفرینی کرد نایچو برای سنجش هوش اجتماعی، پرسشنامه برگرفته از مطالعه هاو بیر فتحی بود، ضریب پایایی آن به روش بازآزمایی به فاصله دو هفته بر روی یک گروه ۱۵ نفره برابر ۰/۸۲ بود. داده ها، با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج نشان داد که بین هوش اجتماعی و ریسک پذیری ( $P=0/035$  و  $r=20/14$ )، بین هوش اجتماعی و کانون کنترل ( $P=0/019$  و  $r=20/72$ )، بین هوش اجتماعی و نیاز به موفقیت ( $P=0/012$  و  $r=20/54$ )، بین هوش اجتماعی و سلاست فکری ( $P=0/033$  و  $r=20/53$ )، بین هوش اجتماعی و عملگرایی ( $P=0/04$  و  $r=20/45$ )، بین هوش اجتماعی و تحمل ابهام ( $P=0/029$  و  $r=20/58$ )، بین هوش اجتماعی و مثبت اندیشی ( $P=0/019$  و  $r=20/72$ ) و بین هوش اجتماعی و چالش طلبی ( $P=0/016$  و  $r=20/29$ ) از لحاظ آماری ارتباط مثبت معنی دار وجود داشت.

**نتیجه گیری:** در مجموع می توان نتیجه گرفت، بین هوش اجتماعی و مهارت کارآفرینی این دانشجویان رابطه وجود دارد. با توجه به وجود رابطه بین هوش اجتماعی و مولفه های کارآفرینی، تقویت هوش اجتماعی و در نتیجه افزایش این مولفه ها پیشنهاد می گردد.

**واژه های کلیدی:** مهارت کارآفرینی، هوش اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی، دانشجویان علوم پزشکی

<sup>۹۴</sup> - استادیار دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

<sup>۹۵</sup> - کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد (نویسنده مسئول)

<sup>۹۶</sup> - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

## ارتباط هوش معنوی با اضطراب امتحان در دانشجویان پرستاری و مامایی

اشرف خرمی راد<sup>۱</sup>، شهرام ارسنگ جنگ<sup>۲\*</sup>، هدی احمري طهران<sup>۳</sup>، زهرا عابدینی<sup>۴</sup>، حکيمه دهقانی<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> اشرف خرمی راد مربی، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی قم

<sup>۲\*</sup> شهرام ارسنگ مربی آمار زیستی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت

<sup>۳</sup> هدی احمري طهران مربی، گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی قم

<sup>۴</sup> زهرا عابدینی مربی، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی قم،

<sup>۵</sup> حکيمه دهقانی مربی، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی قم

parsian\_ins\_kh@yahoo.com

مقدمه: اضطراب امتحان یکی از نگرانی‌های نظام آموزشی است که منجر به افت عملکرد تحصیلی می‌گردد. از سوی دیگر امروزه استفاده از منابع معنوی در حل مسایل زندگی و روبرویی با کشمکش‌ها و رسیدن به اهداف بیش از پیش مورد توجه است. هدف مطالعه حاضر بررسی ارتباط هوش معنوی بر اضطراب امتحان دانشجویان پرستاری و مامایی بود.

روش‌ها: این مطالعه توصیفی تحلیلی بر روی ۲۴۶ دانشجوی پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی قم در سال ۱۳۹۱ انجام شد. روش نمونه‌گیری سرشماری بود. از پرسشنامه هوش معنوی بدیع و همکاران و اضطراب امتحان جهت گردآوری اطلاعات و از روش‌های آماری تحلیل مسیر و ضرایب همبستگی برای تحلیل اطلاعات استفاده گردید.

نتایج: یافته‌های مطالعه ارتباط معنا دار و معکوس بین اضطراب امتحان و نمره کل هوش معنوی نشان داد ( $r=0/27$ ،  $P=0/003$ ). همچنین بین ابعاد هوش معنوی؛ بعد خودآگاهی و توانایی مقابله با مشکلات بیشترین تاثیر را بر اضطراب امتحان داشته و کلیه ابعاد هوش معنوی با نمره کل هوش معنوی ارتباط مستقیم معنی داری نشان دادند ( $P<0/0001$ ).

نتیجه‌گیری: هوش معنوی با اضطراب امتحان رابطه دارد لذا به نظر می‌رسد پرداختن به مقوله هوش معنوی در کاهش اضطراب امتحان و بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان با ارزش و تاثیرگذار باشد.

کلیدواژه‌ها: هوش معنوی، اضطراب امتحان، ابعاد هوش معنوی، دانشجویان پرستاری و مامایی

## بررسی رابطه هوش هیجانی با عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی

بوشهر

شرافت اکابریان<sup>۱\*</sup>، رقیه گشمرد<sup>۲</sup>، راضیه باقرزاده<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> گروه مامایی، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

[sh.akabarian@bpums.ac.ir](mailto:sh.akabarian@bpums.ac.ir)

<sup>۲</sup> گروه پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی؛ دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

**مقدمه:** زندگی تحصیلی، یکی از مهمترین ابعاد زندگی اشخاص است، در این راستا یکی از مشکلات اساسی زندگی تحصیلی افراد و نظام آموزشی هر کشور، مسئله افت تحصیلی و پایین بودن سطح عملکرد تحصیلی دانشجویان است. عوامل مختلفی بر عملکرد تحصیلی افراد موثر است که یکی از مهمترین عوامل تاثیر گذار، هوش و توانایی ذهنی است. در همین خصوص مطالعه ای به منظور تعیین رابطه هوش هیجانی با عملکرد تحصیلی دانشجویان انجام شد.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی بوده که بصورت سرشماری ۱۴۵ دانشجوی ترم ۶ و ۸ رشته های پرستاری، مامایی، اتاق عمل و هوشبری پرسشنامه استاندارد ۳۳ آیتمی هوش هیجانی "شرینگ" را تکمیل کردند عملکرد تحصیلی دانشجویان نیز از طریق محاسبه میانگین معدل بدست آمد.

**نتایج:** از مجموع شرکت کنندگان ۱۱۰ نفر دختر (۷۵/۹ درصد) و ۳۵ نفر پسر (۲۴/۱ درصد) بودند میانگین سنی واحدهای پژوهش  $22/7 \pm 2/1$  بود. نتایج نشان داد که پیشرفت تحصیلی دانشجویان (معدل کل آنها) با ۵ مولفه هوش هیجانی (خودآنگیزی، خودآگاهی، خودکنترلی، همدلی و مهارت اجتماعی) رابطه مثبت و معنی داری داشته ( $p \leq 0/01$  در تمام موارد) که بیشترین میزان همبستگی مربوط به مولفه ی خودآگاهی بود.

**نتیجه گیری:** با توجه به یافته های فوق چنین بنظر میرسد که برای موفقیت بیشتر دانشجویان آموزش مهارتهای هیجانی و اجتماعی در برنامه آموزشی دانشگاهها گنجانده شود تا بهتر با فشارهای تحصیلی مقابله کرده و کمتر دچار مشکلات هیجانی یا افت تحصیلی شوند.

**واژه های کلیدی:** هوش هیجانی، عملکرد تحصیلی، دانشجو

## بررسی ارتباط کمال گرایی با کارآمدی آکادمیک در دانشجویان پزشکی دانشگاه

آزاد اسلامی مشهد

حمید رضا ارشدی\*، وحید سعادتیان، اشکان جوادزاده، نداسعیدیان، امین نوروزبیگی، محمد معین صفا، امین طالب زاده، رعنا رحیمی

Email:Hamidarshadi@yahoo.com

دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

**مقدمه:** بر اساس تجربیات بالینی در درمان کمال گرایی، برخی روان شناسان کمال گرایی را به عنوان یک صفت منفی که سبب اختلال عملکرد فرد می شود تعریف کرده اند. بر اساس این نظریه نقطه مقابل آن یعنی عدم کمال گرایی، ویژگی است که به ما امکان انسان بودن می بخشد. بدون وجود این حالت انسان بسیار سرد و غیر قابل دوست داشتن خواهد بود. در این مطالعه قصد داریم تا میزان ارتباط کمال گرایی با کارآمدی آکادمیک در دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد را بررسی نماییم.

**روش‌ها:** در طی یک مطالعه توصیفی-تحلیلی پس از نمونه گیری تصادفی طبقه بندی شده در دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد وارد مطالعه خواهند شد ابزار پژوهش Wood and Almost Perfect Scale-Revised (APS-R) و گروه کارآموزان و گروه کارورزان بررسی می شوند. در این تحقیق پرسشنامه ها بدون نیاز به ذکر نام افراد شرکت کننده بین تمامی آنها توزیع می شود و سپس از ایجاد انگیزه، در مورد موضوع و هدف تحقیق به آنها توضیح داده خواهد شد. اطلاعات پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار آماری SPSS18 و با استفاده از آزمون مناسب مورد تحلیل قرار خواهند گرفت. آمار توصیفی با استفاده از میانگین، میانه و انحراف معیار ارائه خواهند شد.

**نتایج:** نتایج این مطالعه نشان داد که امتیاز کارآمدی آکادمیک ۱۰۳ می باشد و از متوسط کمی بیشتر است. اما در مجموع اکثر افراد (۶۸ درصد) امتیازی در حد متوسط داشته است. همچنین با توجه به ضریب همبستگی پیرسون کمال گرایی بر کارآمدی آموزشی تاثیر منفی معنی دار دارد و افزایش کمال گرایی باعث کاهش کارآمدی آموزشی می شود. (Pearson correlation = -0.218 p=0.000)

**نتیجه گیری:** مطالعه ما نشان دارد که دانشجویان تحت مطالعه ما کلا از کمال گرایی متوسط و کارآمدی آموزشی متوسطی برخوردار هستند. نمرات بالاتر کمال گرایی سازنده شامل ابعاد استاندارد و سفارش که با کمال گرایی فردی مرتبط هستند با کارآمدی آموزشی بالاتری ارتباط داشتند و نمرات بالاتر بعد اختلاف با کارآمدی آموزشی پائین تر. همچنین تاهل، میزان درآمد و مقطع تحصیلی نیز در این خصوص تاثیر گذار نبودند.

**واژه‌های کلیدی:** کمال گرایی، کارآمدی آکادمی



## نگرش دانشجویان بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی گیلان نسبت به رشته

### تحصیلی و آینده شغلی

\*فردین مهربان<sup>۱</sup>، زینب داداش خواه بین کلایه<sup>۲</sup>، زینب کریمی<sup>۳</sup>

\*استادیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی گیلان

<sup>۲</sup>دانشجوی کارشناسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی گیلان

**مقدمه:** نگرش دانشجویان به رشته تحصیلی و آینده شغلی یکی از عوامل موثر بر کیفیت خدمات آموزشی می باشد شناخت عوامل موثر بر نگرش دانشجویان بهداشت محیط می تواند در تربیت نیروهای بهداشتی حاذق و توانمند و ایجاد محیطی پرشور در دانشکده موثر باشد، این مطالعه با هدف بررسی نگرش دانشجویان بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی گیلان نسبت به رشته تحصیلی و آینده شغلی آنها انجام شده است.

**روش‌ها:** پژوهش از دسته مطالعات کاربردی است که به شیوه توصیفی، تحلیلی و مقطعی در مهر ماه سال ۱۳۹۱ انجام شد. جامعه پژوهش را ۱۰۵ نفر از دانشجویان رشته بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی گیلان تشکیل دادند. نمونه گیری از طریق سرشماری انجام شد. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه ای حاوی ۲۰ سوال بود. تجزیه تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و شاخص های آمار توصیفی انجام شد.

**نتایج:** میانگین و انحراف معیار نگرش دانشجویان به آینده شغلی و رشته تحصیلی خود به ترتیب ۳۸٫۵ و ۶٫۷ و همچنین حداقل و حداکثر نمره نگرش دانشجویان به آینده شغلی و رشته تحصیلی خود به ترتیب ۱۶ و ۵۱ محاسبه گردید.

**نتیجه گیری:** بازبینی مجدد دروس این رشته و اصلاح ساختار آموزشی متناسب با نیاز های فردی دانشجویان و شناساندن نقش بهداشت محیط در ارتقاء سلامت و بهداشت جامعه ضروری بنظر می رسد.

**واژه‌های کلیدی:** نگرش، بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی گیلان، رشته تحصیلی، آینده شغلی

## بررسی تاثیر المپیاد در خلاقیت، ارتقاء سطح علمی و افزایش انگیزه دانشجویان جهت انجام فعالیتهای علمی از دیدگاه شرکت کننده در چهارمین المپیاد علمی

دانشگاههای علوم پزشکی کشور - بهمن ۱۳۹۱

\*دکتر حسن سلامی، علیرضا زادگان، ملیحه جعفریان اصل، فاطمه دنبلی میاندوآبی، یاسین سلامی

تبریز خیابان دانشگاه روبروی بیمارستان شهید مدنی - مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

**مقدمه:** خلاقیت یا آفرینندگی فرآیند ذهنی کشف ایده‌ها و مفاهیم، یا آمیزش ایده‌ها و مفاهیم موجود است که توسط فرآیند بینش خودآگاه یا ناخودآگاه تحریک می‌شود. در واقع خلاقیت یعنی بکارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یا تبلور یک فکر یا مفهوم جدید که برخی نیز آن را به ترکیب ایده‌ها یا ایجاد پیوستگی بین ایده‌ها تعبیر نموده‌اند. انگیزه یعنی داشتن دلیل برای انجام کار. همه می دانیم برای انجام هر کاری به یک دلیل نیاز داریم. مراکز علمی دنیا در صدد افزایش خلاقیت و ارتقاء سطح علمی دانشجویان و فارغ التحصیلان خود می باشند و با اتخاذ شیوه‌های جدید آموزشی در صدد افزایش انگیزه آنان در انجام فعالیتهای آموزشی برنامه و فوق برنامه هستند. در این پژوهش دیدگاههای دانشجویان در خصوص تاثیر المپیاد در خلاقیت، افزایش سطح علمی و انگیزه آنها جهت انجام فعالیتهای علمی مورد بررسی قرار گرفت است.

**روش:** مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی بوده و بصورت مقطعی است. جمع‌آوری داده‌ها از طریق ۴۵۰ پرسشنامه بصورت تصادفی ساده و حضوری در بین شرکت کنندگان چهارمین المپیاد علمی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی کشور در سال ۱۳۹۱ انجام گرفته کهبه تعداد ۲۲۲ پرسشنامه تکمیل و برگردانده شد، داده‌ها با استفاده از برنامه نرم‌افزاری SPSS و مقیاس لیکرت (بسیار کم=۱، کم=۲، زیاد=۳، بسیار زیاد=۴) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. روایی ظاهری و محتوی و اعتبار پرسشنامه به تایید استادان و کارشناسان صاحب‌نظر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز رسیده است.

**یافته‌ها:** بررسی نظرات دانشجویان شرکت کننده در چهارمین المپیاد علمی دانشگاههای علوم پزشکی کشور از طریق نظر سنجی در خصوص تاثیر المپیاد در خلاقیت، افزایش سطح علمی و انگیزه آنها جهت انجام فعالیتهای علمی انجام گرفت. پس از پردازش داده‌ها، نتایج به شرح زیر از مقیاس چهار بدست آمدند:

۱- تاثیر المپیاد در خلاقیت: ۹,۴٪ از دانشجویان معتقدند که برگزاری المپیاد در افزایش خلاقیت آنها تاثیر خیلی زیادی دارد، ۴۶,۹٪ از دانشجویان معتقدند که برگزاری المپیاد در افزایش خلاقیت آنها تاثیر زیادی دارد، ۳۲,۶٪ از دانشجویان معتقدند که برگزاری المپیاد در افزایش خلاقیت آنها تاثیر کمی دارد، ۱۱,۲٪ از دانشجویان معتقدند که برگزاری المپیاد در افزایش خلاقیت آنها تاثیر خیلی کمی دارد، ۲- تاثیر المپیاد در ارتقاء سطح علمی: ۱۰,۵٪ از دانشجویان معتقدند که برگزاری المپیاد در ارتقاء سطح علمی آنها تاثیر زیادی دارد، ۳۶,۴٪ از دانشجویان معتقدند که برگزاری المپیاد در ارتقاء سطح علمی آنها تاثیر کمی دارد، ۸,۶٪ از دانشجویان معتقدند که برگزاری المپیاد در ارتقاء سطح علمی آنها تاثیر خیلی کمی دارد، ۳- تاثیر المپیاد در ایجاد انگیزه: ۱۴,۳٪ از دانشجویان معتقدند که برگزاری المپیاد در ایجاد انگیزه جهت انجام فعالیتهای علمی تاثیر خیلی زیادی دارد، ۵۷,۱٪ از دانشجویان معتقدند که برگزاری المپیاد در ایجاد انگیزه جهت انجام فعالیتهای علمی تاثیر زیادی دارد، ۲۵٪ از دانشجویان معتقدند که برگزاری المپیاد در ایجاد انگیزه جهت انجام فعالیتهای علمی تاثیر کمی دارد، ۳,۶٪ از دانشجویان معتقدند که برگزاری المپیاد در ایجاد انگیزه جهت انجام فعالیتهای علمی تاثیر خیلی کمی دارد.

**نتیجه گیری:** با عنایت به نظرات اکثریت دانشجویان شرکت کننده در چهارمین المپیاد علمی دانشگاههای علوم پزشکی کشور، برگزاری المپیاد در ایجاد انگیزه جهت انجام فعالیتهای علمی و آموزشی برنامه ای و فوق برنامه ای تاثیر بسزایی دارد (۷۱,۴٪)، و برگزاری المپیاد در افزایش خلاقیت دانشجویان تاثیر زیادی داشته (۵۶,۳٪)، و نیز برگزاری المپیاد در ارتقاء سطح علمی دانشجویان بسیار موثر می باشد. (۵۵٪).

**کلید واژه‌ها:** نظرات دانشجویان - آزمون - خلاقیت - سطح علمی - انگیزه

## تأثیر استرس بر مهارت تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری

رزیتا رضایی<sup>۱</sup>، سوسن ساعت ساز\*<sup>۲</sup>، حمید شریف نیا<sup>۱</sup>، زهرا بهشتی<sup>۱</sup>، سرور ملوک زاده<sup>۱</sup>

**سابقه و هدف:** مهارت تفکر انتقادی از اهداف مهم آموزش پرستاری بوده و ارتقای آن از نتایج مورد انتظار تحصیلات دانشگاهی می باشد بنابر این شناخت عوامل موثر و موانع موجود، گام مهمی در افزایش کیفیت آموزش پرستاری می باشد نظر به این امر پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر استرس بر مهارت تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری طراحی گردید.

**مواد و روش ها:** پژوهش حاضر مطالعه ای توصیفی تحلیلی می باشد که نمونه های آن را کلیه دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی شهر آمل تشکیل داده اند. انتخاب نمونه ها به روش سر شماری از از کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در نیمسال اول ۹۱-۹۲ بوده است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش آزمون مهارت های تفکر انتقادی واتسون گلیر فرم (الف) و پرسشنامه اضطراب آشکار اسپیلبرگ بوده است. پس از جمع آوری اطلاعات داده ها با نرم افزار آماری SPSS و آزمونهای ضریب همبستگی پیرسن، من ویتنی و کروسکال والیس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و سطح معنی دار کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

**نتایج:** میانگین و انحراف معیار نمره استرس دانشجویان پرستاری  $33,22 \pm 15,31$  بوده است که نشاندهنده اضطراب متوسط در آنان بوده است. در این مطالعه همبستگی معنی داری میان میزان استرس و نمره تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری مشاهده گردید به این معنی که با افزایش استرس میانگین نمره تفکر انتقادی دانشجویان کاهش داشته است ( $P < 0,001$ ). ( $r = -0,672$ ).

**نتیجه گیری:** نتایج حاصل از این مطالعه مبین کاهش نمره تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری با افزایش استرس می باشد با توجه به اهمیت این مهارت و رشد آن در عرصه فعالیت های پرستاری برنامه ریزی جهت اصلاح الگوهای آموزشی و از میان برداشتن عوامل استرس زای موجود در محیط آموزشی ضروری به نظر می رسد.

واژه های کلیدی: مهارت تفکر انتقادی - دانشجویان پرستاری - استرس

### تاثیر آموزش به روش نقشه مفهومی بر مهارت تفکر انتقادی در دانشجویان

دکتر کامران میرزایی ، دکتر ثریا زحمت کش\* ، آزاده عازمیان

مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی ، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

[zahmatkeshs2004@yahoo.com](mailto:zahmatkeshs2004@yahoo.com)

**مقدمه:** نیاز روز افزون به تغییر در سیستم های آموزشی ، در ارتباط با استفاده از تکنیک های خود یادگیری بگونه ای که یادگیرنده در فرآیند یادگیری نقش فعالی را بازی کند ، همواره احساس می شود. یکی از راهبردهای آموزشی نوین که نقش مهمی در این زمینه دارد، روش نقشه مفهومی (Concept Mapping) می باشد. این مطالعه با هدف تعیین نقش آموزش نقشه مفهومی بر ارتقاء مهارت تفکر انتقادی در دانشجویان انجام شد.

**روش ها:** فرآیند حاضر از نوع مداخله ای است. واحدهای مورد پژوهش گروه دانشجویان داوطلب شرکت در دومین ، سومین و چهارمین المپیاد علمی دانشگاه های علوم پزشکی سالهای ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ بودند. در این مطالعه مهارت تفکر انتقادی دانشجویان قبل از اجرای برنامه های آموزشی نحوی طراحی نقشه مفهومی با استفاده از آزمون مهارتهای تفکر انتقادی کالیفرنیا California Critical Thinking مورد ارزشیابی قرار گرفت. سپس جهت دانشجویان کارگاه ( ۶ جلسه ۳ ساعته ) طراحی نقشه مفهومی بر اساس استخراج اطلاعات از مقالات مرتبط به موضوع مورد بررسی برگزار گردید و گزارش نقشه مفهومی و تفسیر نتایج توسط دانشجویان در انتهای هر دو جلسه آموزشی ارائه و با حضور مدرسین و دانشجویان مورد نقد و بررسی قرار گرفت. در پایان دوره آموزش مهارتهای تفکر انتقادی دانشجویان با هدف بررسی نتایج مداخله مجدداً ارزیابی گردید .

**نتایج:** نتایج بیانگر ارتقا مهارتهای تفکر انتقادی دانشجویان در حیطه ای تجزیه و تحلیل ( $P = 0/031$ ) ، استنباط ( $P = 0/042$ ) و نمره کل مهارت ( $P = 0/039$ ) بود لیکن در حیطه ارزیابی تفاوتی قبل و بعد از مداخله مشاهده نشد ( $P = 0/548$ ). همچنین بین رشته تحصیلی دانشجو و نمره مهارت تفکر انتقادی وی رابطه معنی داری مشاهده شد (نمره مهارت تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری بالاتر از دانشجویان پزشکی بود ( $P = 0/036$ )).

**نتیجه گیری:** نتایج به دست آمده مؤید این است که آموزش نقشه مفهومی می تواند در ارتقا مهارت تفکر انتقادی دانشجویان موثر باشد ، لذا استفاده از راهبرد آموزش نقشه مفهومی و گنجانیدن آموزش آن در برنامه های آموزشی دوران تحصیل دانشجویان با هدف تقویت و ارتقا مهارت های مشابه توصیه می گردد.

**واژه های کلیدی:** نقشه مفهومی ، تفکر انتقادی ، آموزش ، دانشجو

### بررسی نقش سئوالات آزمونهای المپیاد های علمی در ایجاد حس نوآوری و ایجاد انگیزه از نظر دانشجویان شرکت کننده در چهارمین المپیاد علمی دانشگاههای علوم پزشکی کشور - بهمن ماه ۱۳۹۱

نویسندگان: \*دکتر حسن سلامی، دکتر رضا دلجووان، سید حسن موسوی، ندا تنباکوجی، یاسمن اسدی فرساد تبریز خیابان دانشگاه روبروی بیمارستان شهید مدنی - مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

**مقدمه:** خلاقیت، ایجاد انگیزه و اندیشه های جدید توسط دانشجویان، مدیران دارای اهمیت ویژه ای است. امروزه دانشجویانی موفق هستند و می توانند در دنیای پر رقابت ادامه حیات بدهند که دائماً افکار و اندیشه های جدید را در جامعه کاربردی کنند و این امر توسط دانشجویان و مدیران خلاق امکان پذیر است. معیار اساسی موفقیت یک نظام آموزشی در این است که چقدر افراد با فکر و خلاق تربیت می کند. بنابراین، خلاقیت برای بقای هر جامعه و هر سازمانی لازم است و برای ایجاد و تداوم آن در افراد سازمان بایستی عادت به تفکر را در دانشجویان و مدیران ایجاد کرد. لذا در این مقاله به نقش برگزاری چهارمین دوره المپیاد پزشکی در تقویت حس نوآوری و ایجاد انگیزه پرداخته شده است.

**روش بررسی:** مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی بوده و بصورت مقطعی است. جمع آوری داده ها از طریق ۴۸۰ پرسشنامه بصورت تصادفی ساده و حضوری در بین شرکت کنندگان چهارمین المپیاد علمی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی کشور در سال ۱۳۹۱ انجام گرفته که به تعداد ۲۳۳ پرسشنامه تکمیل و برگردانده شد، داده ها با استفاده از برنامه نرم افزاری SPSS و مقیاس لیکرت (کم=۱، متوسط=۲، زیاد=۳، خیلی زیاد=۴) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. روایی ظاهری و محتوی و اعتبار پرسشنامه به تایید استادان و کارشناسان صاحب نظر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز رسیده است و پایایی مطالعه براساس آزمون آلفای کرونباخ تائید شده است.

**یافته ها:** بررسی نظرات دانشجویان شرکت کننده در چهارمین المپیاد علمی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی کشور از طریق نظر سنجی در خصوص نقش سئوالات در ایجاد حس نوآوری و انگیزه انجام گرفت. پس از پردازش داده ها، نتایج به شرح زیر از مقیاس چهار بدست آمدند: ۱۴,۸٪ از دانشجویان معتقدند که نقش سئوالات آزمون در ایجاد حس نوآوری خیلی کم است. ۳۰٪ از دانشجویان معتقدند که نقش سئوالات آزمون در ایجاد حس نوآوری کم است. ۴۹,۸٪ از دانشجویان معتقدند که نقش سئوالات آزمون در ایجاد حس نوآوری زیاد است. ۵,۴٪ از دانشجویان معتقدند که نقش سئوالات آزمون در ایجاد حس نوآوری خیلی زیاد است. ۲۶٪ از دانشجویان معتقدند که نقش سئوالات آزمون در ایجاد انگیزه خیلی کم است. ۲۵٪ از دانشجویان معتقدند که نقش سئوالات آزمون در ایجاد انگیزه کم است. ۵۷,۱٪ از دانشجویان معتقدند که نقش سئوالات آزمون در ایجاد انگیزه زیاد است. ۱۴,۳٪ از دانشجویان معتقدند که نقش سئوالات آزمون در ایجاد انگیزه خیلی زیاد است.

**نتیجه گیری:** با عنایت به نظرات اکثریت دانشجویان شرکت کننده در چهارمین المپیاد علمی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی کشور (۵۵٪) سئوالات آزمون نقش زیادی در ایجاد حس نوآوری و (۷۱٪) سئوالات آزمون نقش فوق العاده ای در ایجاد انگیزه دانشجویان دارند. لازم است در طراحی سئوالات آزمونهای المپیاد علمی از شیوه های نو برای افزایش و تقویت حس نوآوری و تقویت انگیزه دانشجویان هر چه بیشتر استفاده کرده و از سئوالاتی که صرفاً سواد تئوریک دانشجویان را می سنجند خودداری کرد.

**کلید واژه:** المپیاد علوم پزشکی، نظرات دانشجویان، حس نوآوری و انگیزه

### بررسی لزوم تغییرات در محتوا و نحوه برگزاری آزمون‌هایی المپیادهای علمی از نظر دانشجویان شرکت کننده در چهارمین المپیاد علمی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور - بهمن ماه ۱۳۹۱

نویسندگان: \*دکتر مهستی علیزاده، دکتر رضا دلجوان، ندا تنباکوجی، ثریا طباطبایی، پرینا پاشازاده تبریز، خیابان دانشگاه، روبروی بیمارستان شهید مدنی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

**مقدمه:** چهارمین المپیاد علمی دانشجویان علوم پزشکی کشور به پیشنهاد دانشگاه علوم پزشکی تبریز به منظور شناسایی و توانمندسازی دانشجویان توسط وزارت بهداشت و با همکاری دانشگاه‌های وابسته در بهمن ماه ۱۳۹۱ در شهر تبریز برگزار شد. در این المپیاد ۵۴۰ دانشجو از دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور در رشته‌های مختلف در جوی صمیمی و هیجان‌انگیز به صورت خلاقانه به حل مسائلی پرداختند که می‌تواند به پیشرفت نظام سلامت و ارتقا دانش پایه پزشکی کمک کند. به منظور هماهنگی بیشتر امور، جلساتی در سطح وزارت با مسؤولان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها برگزار و از نظرات آنها برای بهبود برنامه استفاده شد. طی این مقاله هدف اصلی ما بررسی لزوم تغییرات در محتوا و نحوه برگزاری آزمون در جهت ارتقاء توانایی دانشجویان در فهم مطالب، استخراج مفاهیم و ارتباطات آنهاست. بسیاری از دانشجویان و بعضی از اساتید به دنبال محتوا و چارچوب واحد برای آزمون المپیاد متناسب با موضوع اعلام شده اند. ذکر این نقطه الزامی است که اعلام چارچوب و محتوای کلی برای المپیاد صرفاً با هدف آشنایی دانشجویان با شیوه برگزاری المپیاد صورت گرفت. از آنجایی که در المپیاد میزان دانش دانشجویان در مورد یک موضوع خاص مورد سنجش قرار می‌گیرد بر این اساس محتوا و نحوه برگزاری آزمون شامل چند بخش و چند مرحله می‌باشد که طی این مقاله ضرورت و اهمیت تغییر در این حیطة بسیار مهم مورد بررسی قرار گرفته است.

**روش بررسی:** مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی بوده و به صورت مقطعی انجام گرفته است. برای جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌های تهیه شده به صورت حضوری در بین شرکت کنندگان چهارمین المپیاد علمی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور انجام پخش گردید و از بین ۴۸۰ پرسشنامه، تعداد ۲۳۳ پرسشنامه تکمیل و برگردانده شد. در تنظیم پرسشنامه از مقیاس لیکرت (خیلی کم/کم/زیاد/خیلی زیاد) استفاده شد و نحوه امتیازدهی به گزینه‌ها جهت ورود داده در نرم افزار به ترتیب از ۱ تا ۴ در نظر گرفته شد. روایی پرسشنامه به تایید استادان و کارشناسان صاحب نظر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز رسیده است. و پایایی مطالعه براساس آزمون آلفای کرونباخ تایید شده است. داده‌ها با استفاده از برنامه نرم‌افزاری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند

**یافته‌ها:** بررسی نظرات دانشجویان شرکت کننده در المپیاد مبنی بر ایجاد تغییرات در محتوا و نحوه برگزاری آزمون المپیاد علوم پزشکی نشان داد؛ که از نظر ۳٫۶٪ دانشجویان با ایجاد تغییرات خیلی کم، ۱۷٫۹٪ با ایجاد تغییرات کم، ۴۸٫۹٪ با ایجاد تغییرات زیاد و از نظر ۲۹٫۶٪ با ایجاد تغییرات خیلی زیاد موافق بوده اند.

**نتیجه گیری:** با توجه به تغییرات لحاظ شده در چهارمین المپیاد علمی دانشجویان علوم پزشکی کشور، از افزوده شدن حیطة نوآوری با موضوع اخلاق پزشکی، تغییری در راستای برگزاری هر چه بهتر این آزمون در نظر گرفته شد. و نیز در جهت برگزاری هر چه بهتر این المپیاد تلاش شده است، تا بوسیله ارسال E-Mail، تلفن از تجربیات دانشجویان در زمینه ی ایجاد تغییر در محتوا و نحوه برگزاری هر چه بهتر آزمون استفاده کنیم. طی این بررسی‌ها با استفاده از توانایی دانشجویان در تشخیص شکاف‌های موجود در دانشی که استخراج شده درجهت نیل به هر چه بهتر شدن المپیادها از لحاظ محتوا و نحوه برگزاری آزمون بهره مند خواهیم شد. و با توجه به نتیجه ی ارزشیابی‌های حاصل در این زمینه ۷۶٪ از دانشجویان شرکت کننده در المپیاد ایجاد تغییرات در محتوا و نحوه برگزاری آن را ضروری دانسته اند. باتوجه به این بررسی‌ها میتوان نتیجه گرفت که با ایجاد تغییراتی در این زمینه می‌توانیم زمینه ساز شکوفایی هر چه بیشتر نخبگان و منشا تحقیقات جدید در نهایت تولید دانش جدید خواهیم بود.

## بررسی نقاط ضعف چهارمین المپیاد علمی دانشجویی دانشجویان علوم پزشکی کشور از دیدگاه دانشجویان شرکت کننده در چهارمین المپیاد علمی دانشجویی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کشور، بهمن ۱۳۹۱

نویسندگان: \*دکتر حسن سلامی، دکتر منوچهر خوشباطن، یاسین سلامی، سید حسن موسوی، امید قاسمی

**مقدمه:** المپیاد علمی دانشجویی یک ابزار سودمند برای ارتقای نظام سلامت کشور، تربیت مدیران شایسته برای هدایت این نظام و ایجاد حس خودباوری و انگیزه برای دانشجویان می باشد. برای افزایش سطح کیفی المپیاد مذکور در دوره های آتی مطالعه ای در مورد نظرات دانشجویان در مورد نقاط ضعف این دوره صورت گرفت.

**روش کار:** این بررسی یک مطالعه توصیفی است که بر روی ۲۲۴ نفر از شرکت کنندگان در المپیاد صورت گرفته است و در این بین ۱۰۲ نفر از دانشجویان به بیان نظرات خود پرداخته اند. جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه و طرح سوال باز صورت گرفته است. بررسی نتایج از طریق تجزیه و تحلیل نظرات دانشجویان صورت گرفته است.

**نتایج:** با توجه به مطالعه صورت گرفته دانشجویان از موارد زیر:

- ۱- ضعف خدمات اینترنتی در محل اسکان (۱۰ مورد).
  - ۲- برگزار نشدن مراسم افتتاحیه (۱۰ مورد).
  - ۳- حذف مرحله ی تیمی در حیطه های المپیاد (۲۱ مورد).
  - ۴- تکراری بودن سوالات (۱۱ مورد).
  - ۵- مقایسه سه تیپ متفاوت دانشگاهی در یک امتحان (۱۲ مورد).
  - ۶- فاصله ی طولانی محل اسکان تا سلف سرویس (۴۳ مورد).
  - ۷- ضعف اطلاع رسانی مراحل گزینش المپیاد (۲۴ مورد).
  - ۸- زمان ناکافی برای امتحان (۱۲ مورد)
  - ۹- از نبود برنامه ی تفریحی (۱۹ مورد)
  - ۱۰- حجم زیاد پروپوزال (۱۰ مورد)
- انتقاد داشته اند.

**بحث:** با توجه به نظرات ارائه شده توسط دانشجویان بنظر می رسد بررسی کارشناسی موضوعات مطرح شده میتواند در راستای ارتقاء المپیاد علمی دانشجویان در سالهای آتی موثر بوده و دانشجویان بیشتری شرکت نمایند و اثرات علمی بیشتری حاصل شود. و در المپیادهای بعدی شاهد رضایت بیشتر دانشجویان و رقابت فشرده تر و در حیطه های متنوع تری باشیم. در ضمن باید یادآوری شود که رقابت گروهی جزو برنامه های المپیاد می باشد که استثناا امسال بخاطر وقوع زلزله آذربایجان و تعویق برنامه المپیاد و برنامه وزارت جهت حذف رقابت گروهی در این دوره صورت گرفت و در سالهای آتی رقابت گروهی همچنان ادامه خواهد داشت.

### بیان دیدگاه‌های دانشجویان در زمینه اشتیاق و لذت در خلال امر آموزش به منظور یادگیری موثر

محبوبه طباطبایی چهر، آلاله خلیلی، حامد مرتضوی، مرجان زهراب، عالیہ نظام دوست، مینا رباط جزئی، مریم مدی نشاط، مهران وطنچیان

**زمینه و هدف:** استاد و دانشجو، از مهم‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده محیط‌های آموزشی هستند. اگرچه هدف اولیه مراکز آموزش عالی ایجاد فضای آموزشی است که رشد علمی دانشجو را تسهیل کند اما یک دانشگاه موفق از رشد ابعاد روانی-اجتماعی، اخلاقی و معنوی دانشجو نیز غافل نیست لذا حساسیت نظام‌های آموزشی، اهمیت برنامه ریزی دقیق و مدیریت بر اساس راهبردهای بدون خطا در جهت پویایی حیطه‌های یاددهی و یادگیری را ضروری می‌سازد.

**روش کار:** مطالعه حاضر از نوع Action research است که در راستای رسیدن به هدف یادگیری موثر از طریق تعامل یاددهندگان و یادگیرندگان در دانشکده پرستاری بجنورد به اجرا در آمد. پس از تصویب تشکیل کمیته مشورتی دانشجویی و هسته مرکزی کانون ایده‌های خلاق، ایده‌ی برگزاری **workshop** ایده‌پردازی پس از سه جلسه هم‌اندیشی بین مدیران آموزشی و دانشجویان و بر اساس نیاز سنجی دانشجویی مطرح و پس از فراخوان دانشجویی به اجرا گذاشته شد. قبل از ورود به برنامه، دانشجویان ایده‌های خود را در فرم‌های طراحی شده، مطرح نموده و پس از راهنمایی و تبادل نظر با هم و استاد راهنمای جلسه، در حین برگزاری **workshop** آنها را ثبت کتبی نمودند. پس از اتمام کارگاه در جلسات تکمیلی، ایده‌هایی که پتانسیل اجرایی لازم را دارا بوده اند با کمک عضو هیات علمی راهنما از قالب سناریوی اولیه در آمده جهت ارسال به شورای آموزشی دانشکده جهت اجرا طبقه بندی شدند.

**یافته‌ها:** تعداد ۴۸ فرم بین دانشجویان داوطلب ارائه ایده توزیع گردید که در نهایت ۳۲ فرم پر شده (بیان عنوان و شرح مختصر ایده) و ۱۶ فرم کامل ثبت سناریو جمع‌آوری گردید. منتخب ایده‌های جمع‌آوری شده شامل انجام ارزیابی اولیه در زمان استخدام اساتید به منظور بررسی میزان علاقه افراد به امر یاددهی، توانمندی‌سازی اساتید جهت آگاهی از روش‌های نوین تدریس و اصول مشاوره و روان‌شناسی، استفاده از اساتید علاقمندتر در ترم‌های پایین، از اساتیدی که فن برقراری ارتباط مطلوب و سازنده را دارند استفاده شود، افزایش تعداد اساتید به منظور ایجاد آزادی در انتخاب استاد مورد علاقه توسط دانشجو، وجود سیستم تشویقی جهت اساتیدی که بهترین عملکرد را دارند، استفاده از شیوه‌های نوین تدریس با استفاده از تکنولوژی روز، وجود سیستم نظارتی مطلوب در جهت آسیب‌شناسی کلاس‌های درسی نامطلوب، تنوع در شیوه‌ی برگزاری کلاس درس توسط اساتید، حذف بعضی از دروس که ارتباطی با رشته تحصیلی دانشجو ندارند، بودند.

**نتیجه‌گیری:** توصیه می‌گردد، در نظام آموزشی عالی، ایجاد جو آکادمیک و بدون ترس همراه با تشویق دانشجویان به داشتن روحیه پرسشگری، کنجکاوی و اشتیاق، جزو مقررات و الزامات در نظر گرفته شده و در این راستا انجام ارزیابی و دادن بازخورد به فراگیران امری ضروری است که این مهم با ایجاد بستری مناسب نظیر **Workshop** ایده‌پردازی، یادگیری کارآمدتر، پویاتر و به روزتر را فراهم می‌نماید.

**کلیدواژه‌ها:**

دیدگاه دانشجویان، اشتیاق، لذت، ایده، آموزش، یادگیری



## مقایسه مهارت های تفکر انتقادی دانشجویان سال اول و آخر مقطع کارشناسی

### پیوسته مامایی دانشکده پرستاری و مامایی مشهد

حمیده جعفری\*، دکتر کریمی مونقی

\*کارشناس ارشد مامایی

[jafari.hamideh@yahoo.com](mailto:jafari.hamideh@yahoo.com) Email:

دانشگاه علوم پزشکی مشهد

**مقدمه:** کیفیت آموزشی از جمله دغدغه‌هایی است که همیشه برای دستیابی به آن تلاش میشود. بهبود عملکرد بالینی و آرایه کیفیت بالای مراقبتهای مامایی در گرو کسب دانش تخصصی به همراه ارتقاء مهارتهای تفکر انتقادی به عنوان یکی از استانداردهای آموزش پزشکی می باشد که در نتیجه کاهش مرگ و میر مادران و نوزادان را در پی خواهد داشت. بنابراین این مطالعه به منظور ارزیابی آثار و کارایی برنامه های آموزشی فعلی در زمینه مهارتهای تفکر انتقادی باهدف مقایسه مهارتهای تفکر انتقادی دانشجویان سال اول و سال آخر مقطع کارشناسی پیوسته مامایی دانشکده پرستاری و مامایی مشهد انجام گرفت.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر از نوع توصیفی-مقایسه ای است که به صورت مقطعی بر روی ۴۴ دانشجوی سال اول (۲۲ نفر) و سال (۲۲ نفر) کارشناسی پیوسته مامایی دانشکده پرستاری و مامایی مشهد انجام گرفت. داده ها با استفاده از فرم مشخصات کلی واحد پژوهش و پرسشنامه روا و پایای مهارتهای تفکر انتقادی کالیفرنیا جمع آوری و آنالیز داده ها با استفاده از آزمونهای آماری تی مستقل، آزمون آنالیز واریانس یک طرفه و کای اسکور انجام شد.

**نتایج:** ۹۵/۵ درصد (۲۱ نفر) دانشجویان سال اول و ۴۰/۹ درصد (۹ نفر) از دانشجویان سال آخر مجرد بودند. ۸۶/۴ درصد (۱۹ نفر) دانشجویان ترم اول و ۹۵/۵ درصد (۲۱ نفر) دانشجویان ترم آخر ساکن شهر بودند. میانگین و انحراف معیار نمره کل مهارت تفکر انتقادی در دانشجویان سال اول  $10/86 \pm 2/5$  و سال آخر  $10/86 \pm 3/4$  بود که در هر دو گروه در حدود هنجار بود. به طو کلی میانگین نمره اکثریت دانشجویان ترم اول (۷۲/۷ درصد) و اکثریت دانشجویان ترم آخر (۶۳/۳ درصد) در محدوده هنجار قرار داشت. همچنین براساس آزمون تی مستقل بین دو گروه از نظر مهارتهای تفکر انتقادی و حیطه های مختلف آن اختلاف معنی داری وجود نداشت. براساس آزمون کای اسکور از نظر هنجار بودن نمرات بین گروهها اختلاف معنی داری وجود نداشت. براساس نتایج حاصل از ضریب همبستگی اسپیرمن بین رتبه فرزند در خانواده با میزان مهارت های تفکر انتقادی در دانشجویان ترم آخر رابطه مستقیم و معنی داری به دست آمد ( $r=0/525$ ,  $P=0/015$ ).

**نتیجه‌گیری:** با وجودی که نمره کل مهارت تفکر انتقادی کسب شده توسط دانشجویان در حدود هنجار است، اما در سطح پایینی قرار دارد. بعلاوه عدم تفاوت بین مهارتهای تفکر انتقادی در بین دانشجویان سال اول و آخر در این مطالعه و مطالعات مشابه بیانگر این نکته است که در طول آموزش مامایی و سایر رشته های گروه پزشکی به آن توجه زیادی نشده است. لذا برنامه ریزی در زمینه ارتقاء مهارت های تفکر انتقادی و به کارگیری روش های آموزش نوین و همچنین تحقیقات بیشتر در مورد شناسایی موانع رشد تفکر انتقادی در دانشجویان مامایی پیشنهاد می شود.

## مقایسه توانایی تفکر انتقادی در دانشجویان سال اول و آخر کارشناسی اطاق عمل و هوشبری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند در سال ۱۳۹۰

طاهره خزاعی، مریم تولیت\*<sup>۱</sup>، طیبه خزاعی، ماندانا جابری

\*کارشناس ارشد پرستاری، مربی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند Email:tolyatm@yahoo.com

**مقدمه:** پرورش قوه استدلال، استنباط و قضاوت مقصد اصلی تعلیم و تربیت می باشد. آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی می بایست اولویت اصلی در برنامه ریزی های آموزش باشد.

آموزش تفکر انتقادی می تواند منجر به افزایش یادگیری، کسب مهارت‌های حل مساله، تصمیم گیری و خلاقیت گردد، دانشجویانی که تفکر خلاق و انتقادی دارند، کمتر به قضاوت و نتیجه گیری های غلط تئوریک می پردازند بلکه بیشتر سعی می کنند بر روی موضوعات بالینی متمرکز گردند که می تواند خلا میان آموزش تئوری و بالین را کاهش دهد. هدف مطالعه حاضر مقایسه توانایی تفکر انتقادی دانشجویان سال اول و آخر کارشناسی رشته های هوشبری و اطاق عمل می باشد.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی - مقایسه ای است که ابزار گردآوری داده ها پرسش نامه ی استاندارد کالیفرنیا فرم ب بود و دارای ۳۴ سوال چند گزینه ای با یک پاسخ صحیح در ۵ بعد مهارت‌های شناختی تفکر انتقادی شامل تحلیل، استنباط، ارزشیابی، استدلال استقرایی، استدلال قیاسی بود.

**نتایج:** از ۱۲۰ دانشجوی مورد مطالعه ۳/۳۸٪ رشته هوشبری و ۸/۶۰٪ رشته اطاق عمل بودند. ۸/۶۰٪ در دانشکده پیراپزشکی بیرجند و ۲/۳۹٪ در دانشکده فردوس مشغول به تحصیل بودند. ۲۵٪ مطالعه غیردرسی نداشتند. میانگین نمرات کل تفکر انتقادی دانشجویان ترم اول و آخر رشته هوشبری و اطاق عمل معنی دار نبود اما میانگین نمره حیطه های استدلال قیاسی و استدلال استقرایی بین دانشجویان ترم اول و آخر از نظر اماری معنی دار بود. میانگین نمره مهارت‌های تفکر انتقادی بین گروهی که مطالعات غیردرسی داشته با گروهی که مطالعه نداشتند در بخش تجزیه و تحلیل معنی دارد. ( $p < 0/05$ )

**نتیجه‌گیری:** در برنامه فعلی آموزش فرصت نهادینه سازی تفکر انتقادی نه در شرایط کلاس و نه در شرایط کارآموزی به اندازه کافی فراهم نمی باشد. همچنین فقدان شیوه های آموزشی مدرن که به رشد تفکر انتقادی در دانشجو و یادگیری بهتر او منجر می گردد مزید بر علت است، از این رو برنامه ریزان آموزش علوم پزشکی باید به این نکته توجه کنند.

**واژه‌های کلیدی:** تفکر انتقادی - دانشجویان - اطاق عمل و هوشبری

## بررسی رابطه گرایش به تفکر انتقادی با عزت نفس در دانشجویان پزشکی دوره پیش بالینی و بالینی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

پروین عباسی\*، ویدا سپاهی، احمد خشای، شیرین ایرانفر  
\* دانشجوی دکترای پرستاری دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران  
p\_abasi2003@yahoo.com

**مقدمه:** تفکر انتقادی جز ضروری در تصمیم گیری بالینی و صلاحیت حرفه ای است. تفکر انتقادی شامل مهارت ها و تمایلات است. تمایل به تفکر انتقادی به معنی انگیزه با ثبات درونی فرد جهت مواجهه با مشکلات است که سبب می شود فرد با استفاده از تفکر به تصمیم گیری بپردازد. ویژگی های فردی از عوامل اصلی و مهم تاثیر گذار در رشد و توسعه تفکر انتقادی در دانشجویان می باشد. یکی از این ویژگی ها، برخورداری از عزت نفس است. هدف از این مطالعه تعیین ارتباط گرایش به تفکر انتقادی با عزت نفس در دانشجویان پزشکی در دوره پیش بالینی و بالینی است.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی و تحلیلی - مقطعی با تعداد ۲۲۵ نفر از دانشجویان پزشکی دوره پیش بالینی و بالینی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۱۳۹۰ بر اساس نمونه گیری تصادفی طبقه ای انجام شد. ابزار گردآوری داده ها، شامل مشخصات دموگرافیک، پرسشنامه تمایل به تفکر انتقادی کالیفرنیا و عزت نفس کوپراسمیت بود. تحلیل آماری داده ها با استفاده از آمار توصیفی، ضریب همبستگی اسپیرمن، آزمون کای دو، فیشر و تی مستقل در نرم افزار SPSS 16 انجام گرفت.

**نتایج:** نتایج نشان داد که ۵۳/۳ درصد تمایل به تفکر انتقادی متزلزل، ۴۵/۳ درصد تمایل به تفکر انتقادی منفی، ۱/۳ درصد تمایل به تفکر انتقادی مثبت و هیچکدام تمایل به تفکر انتقادی قوی و باثبات نداشتند. عزت نفس در ۵۶/۴ درصد دانشجویان مورد مطالعه بالا بود. یافته ها بیانگر همبستگی مثبت بین تمایل به تفکر انتقادی با عزت نفس بود ( $r=0/429$ ,  $P<0/01$ ). همچنین تفاوت معناداری بین افراد دارای عزت نفس بالا و پایین با تمایل به تفکر انتقادی متزلزل، منفی و مثبت یافت شد ( $P<0/01$ ).

**نتیجه گیری:** یافته های پژوهش بیانگر این نکته است که دانشجویان پزشکی فاقد تمایل به تفکر انتقادی مطلوب هستند. به نظر می رسد که ضرورت بازنگری برنامه های آموزشی آنان جهت ارتقاء تمایل به تفکر انتقادی وجود دارد. دانشجویان با عزت نفس بالاتر، از گرایش به تفکر انتقادی مطلوب تری برخوردار و ارتباط مستقیم و مثبتی بین این دو ویژگی وجود داشت. لازم است اعضای هیأت علمی، عزت نفس کافی برای انجام قضاوت و تصمیم گیری در شرایط مختلف بالینی را در دانشجویان ایجاد نمایند.

**واژه های کلیدی:** تمایل به تفکر انتقادی، عزت نفس، دانشجویان پزشکی، دوره پیش بالینی، دوره بالینی.

## رابطه‌ی عزت‌نفس با انگیزه به تحصیل در دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی

مشهد

دکتر حمید رضا ارشدی\*، دکتر وحید سعادتیان، دکتر فدرا خرقانی، رعنا رحیمی کاخکی، محمد معین صفا، امین

نوروزبیگی، ندا سعیدیان، امین طالب زاده

Hamidarshadi@yahoo.com

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد

**مقدمه:** یکی از ویژگی‌های شخصیت بهنجار، برخورداری از عزت‌نفس است. مطالعاتی که درمورد رابطه‌ی بین عزت‌نفس و وضعیت تحصیلی تا به حال انجام گرفته است، همگی همسو نبوده و مقدار و شدت ارتباط متفاوت بوده است. این بررسی‌ها عمدتاً بر روی دانش‌آموزان صورت گرفته و در ایران مطالعات انجام گرفته بر روی دانشجویان محدود بوده است. این مطالعه با هدف تعیین رابطه بین سلامت عمومی با عزت‌نفس و وضعیت تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در سال ۱۳۸۹ انجام گرفت.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی-تحلیلی با نمونه‌گیری تصادفی ۴۳۳ نفر از دانشجویان وارد مطالعه شدند و پرسش‌نامه‌ی عزت‌نفس کوپر اسمیت و پرسش‌نامه‌ی میزان انگیزه‌ی تحصیلی را تکمیل کرده و در سه گروه فیزیوپاتولوژی و علوم پایه /گروه کارآموزی و گروه کارورزی مورد بررسی قرار گرفتند. آمار تحلیلی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون واسپرمن، ANOVA، کروسکال والیس، Mann-Witney مورد تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** میانگین سنی کل افراد تحت مطالعه  $23/62 \pm 1/96$  سال بود. ۲۹ نفر مؤنث (۲۴٪) و ۱۰۴ نفر مذکر (۷۶٪) بودند. انگیزه به تحصیل در بین سه گروه از نظر آماری تفاوت معنی‌داری نشان نداد (۰/۱۳۶). همچنین براساس یافته‌های کروسکال والیس عزت‌نفس بین سه گروه از نظر آماری تفاوت معنی‌داری نشان نداد (۰/۲۶۵). در گروه فیزیوپاتولوژی بین جنسیت و انگیزه به تحصیل رابطه‌ی معنی‌داری وجود داشت به طوری که انگیزه به تحصیل براساس آزمون Mann-Witney در بین زنان بیشتر بود ( $p=0/022$ ). ارتباط بین انگیزه به تحصیل و عزت‌نفس یک رابطه‌ی خطی مستقیم می‌باشد، یعنی هرچه میزان عزت‌نفس در افراد کمتر باشد میزان انگیزه به تحصیل پایین‌تر است و بالعکس ( $r=-0/325$  ,  $p=0/0001$ ).

**نتیجه‌گیری:** انگیزه به تحصیل در گروه فیزیوپاتولوژی و علوم پایه در بین زنان بیشتر از سایر گروه‌ها بود. مجموعاً در ۹۸/۵ درصد دانشجویان پزشکی انگیزه به تحصیل و در ۶۷ درصد دانشجویان عزت‌نفس بالاتر از حد متوسط بود. عزت‌نفس با انگیزه به تحصیل ارتباط خطی مستقیم نشان داد.

**واژه‌های کلیدی:** انگیزش تحصیلی، عزت‌نفس، دانشجویان پزشکی

### معرفی و کاربرد الگوی بازاندیشی تطابق پذیر برای تغییر در آموزش پزشکی

دکتر ملیحه عرب\*<sup>۱</sup>، دکتر سلیمان احمدی<sup>۲</sup>

\*استاد گروه زنان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دانشجوی دکتری تخصصی آموزش پزشکی  
<sup>۲</sup>استادیار آموزش پزشکی، گروه آموزش پزشکی، دانشکده آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی  
مقدمه: امروزه تغییر در آموزش پزشکی یک ضرورت محسوب میشود. در مورد مدیریت تغییر در آموزش پزشکی در ادبیات پزشکی کم گفته شده است.

دو رویکرد اصلی در آموزش پزشکی وجود دارند. رویکرد سنتی هدف محور سالها در تاریخ پزشکی غالب بوده است. در این روش اطلاعاتی توسط معلم آموزش داده میشوند. مبنای طراحی برنامه آموزشی مطالبی است که از جانب معلم مهم تلقی میشوند. در این رویکرد امید میرود که در نهایت فراگیر توانمندی های لازم برای حرفه آینده خود را کسب کند. رویکرد دیگر پیامد محور است و با تعیین توانمندی های لازم برای فراگیر آغاز میشود. این توانمندی ها است که محتوای آموزشی - روش آموزش و حتی امتحانات را تعیین میکند.

امروزه ما در شرایطی قرار داریم که نوآوری های آموزشی وسیعا طراحی میشوند-مورد آزمون قرار میگیرند و در تحقیقات وارد میشوند ولی اجرایی شدن آنها محدود است.

پرداختن به مدیریت تغییر در آموزش پزشکی نیز مثل اکثر حیطه های سازمانی تابع ساز و کارها و نگرش های متنوعی است که طبعا منشا گرفته از ساختار سازمان یا دانشکده و مدیریت غالب بر آن است.

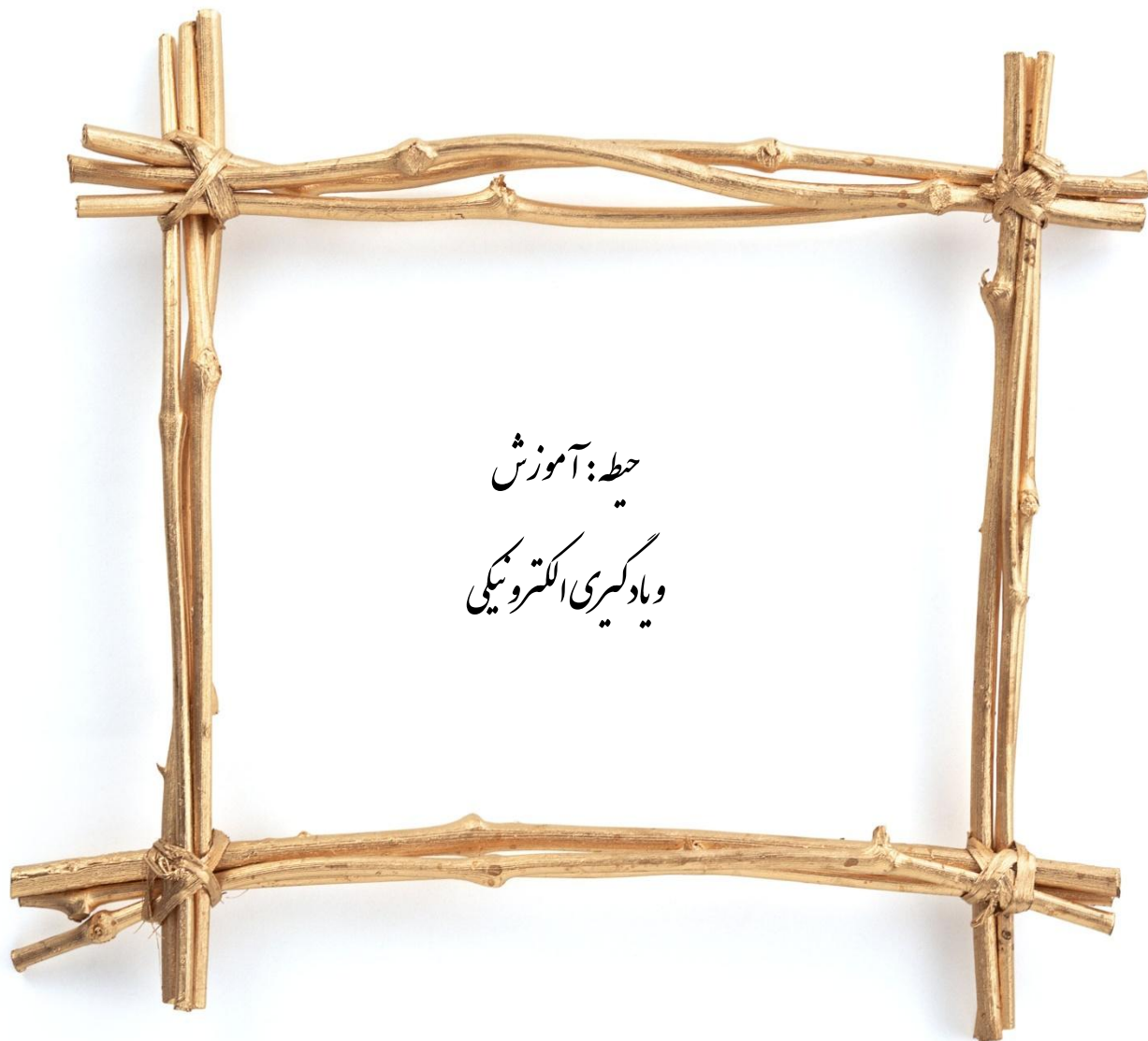
**روش ها:** در اینجا معرفی یک روش پیشنهادی اجرای تغییرات در آموزش پزشکی که در دانشگاه کارولینسکا سوئد طراحی و اجرا شده مورد نظر است. این روش تحت عنوان باز اندیشی تطابق پذیر (آداپتیو رفلکشن) روش مدیریت از پایین به بالا را در تغییرات آموزش پزشکی پیشنهاد میکند.

**نتایج:** این روش در ۶ گام اجرا میشود: گام اول) تعیین الگوی مورد تایید گام دوم) تعیین **mission**

گام سوم) تعیین پیامد های مورد نظر یادگیری گام چهارم) بررسی نحوه کار جاری

گام پنجم) انتخاب موارد مورد نظر گام ششم) طراحی برنامه کاری در این مسیر

**نتیجه گیری:** محورهای اصلی این روش اجرای تغییرات جلب مشارکت همه ذینفعان . تلفیق یادگیری و جمع آوری اطلاعات با تغییر. احراز درک صحیح از تغییر. ایجاد انگیزه. رفع اضطراب متداول در هر تغییر. توجه به مشخصات منحصر به فرد هر محیط. ایجاد محیط گفت و شنود و در نهایت تغییر تفکر مدیریت تغییر از الگوی سنتی "بالا به پایین" به الگوی "از پایین به بالا" میباشد.



## پاسخگویی به نیازهای آموزشی فراگیران با بکارگیری گوشی همراه

دکتر جواد سرابادانی\*

\*عضو هیات علمی گروه بیماریهای دهان و تشخیص، مرکز تحقیقات بیماریهای دهان و فک و صورت، دانشکده

دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

[sarabadanij@mums.ac.ir](mailto:sarabadanij@mums.ac.ir)

**مقدمه:** در حال حاضر از شاخص‌های مهمی که در ارزیابی کیفیت آموزش اساتید در کشورهای پیشرفته مورد توجه قرار می‌گیرد عبارتند از دسترسی به منابع بیشتر و استفاده از روشهای جدید و تکنولوژیهای نوین که موجب تحولی در فرایندهای یاددهی و یادگیری دانشجویان می‌شود. با توجه به گذشت بیش از یک دهه از هزاره سوم و پیشرفت چشم‌گیر تکنولوژیهای گوناگون ویژگیهای یک استاد خوب از هزاره دوم به سوم تغییر کرده است. دانشجویان هزاره سوم (Millennials) دارای خصوصیات و ویژگیهای خاصی می‌باشند که آنها را نسبت به دانشجویان هزاره دوم متمایز می‌کند، یکی از این ویژگیها در دسترس بودن تکنولوژیهای جدید از زمان تولد می‌باشد، لذا اغلب ارتباطهای آنها در محیطهای مجازی بوده و دسترسی آنها به اطلاعات خیلی بیشتر از گذشته می‌باشد. بنابراین فرایندهای یادگیری آنها بسیار متفاوت از دانشجویان هزاره دوم می‌باشد و این مسئله بکارگیری روشهای تدریس جدید و تکنولوژیهای نوین را جهت اساتید یک امر اجتناب ناپذیر و ضروری به شمار می‌آورد. یکی از این تکنولوژیهای جدید استفاده از گوشیهای همراه جهت ارائه و انتقال مطالب جدید و بکارگیری از نرم‌افزارهای پیشرفته به دانشجویان می‌باشد.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی مقطعی با همکاری مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد به منظور بررسی نظرات دویست نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد صورت گرفت.

**نتایج:** طبق نظر سنجی صورت گرفته بیش از نود درصد شرکت کنندگان از بکارگیری تلفن همراه در ارایه پاورپوینت و بکارگیری نرم افزارهای کاربردی جهت انتقال مطالب به فراگیران رضایت داشتند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به در دسترس بودن و استفاده رایج از گوشیهای همراه، بکارگیری آن بعنوان تکنولوژی آموزشی نوین برای فراگیران امری ضروری به نظر می‌رسد.

مقایسه دو روش آموزش E-book و سخنرانی بر میزان یادگیری واحد درسی تروما در دانشجویان رشته فوریت‌های پزشکی دانشکده پیراپزشکی و بهداشت آرادان در سال ۱۳۹۱

داوود شجاعی زاده<sup>۱</sup>، سارا خانی<sup>۲\*</sup>، جواد حاتمی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دکتری آموزش بهداشت، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۲\*</sup> کارشناس ارشد مدیریت آموزشی و مربی آموزشگاه بهورزی شهرستان گرمسار

<sup>۳</sup> کارشناس بهداشت عمومی و مربی آموزشگاه بهورزی شهرستان گرمسار

**مقدمه:** گسترش روز افزون دسترسی به سخت افزارها و نرم افزارهای مناسب برای آموزش، به خصوص توسعه وسایل ارتباطی نظیر تلفن همراه، افق جدیدی را پیش روی موسسات آموزشی نهاد است. اهمیت این مسئله در حوزه علوم پزشکی که با جان انسانها سر و کار دارد دو چندان است، زیرا علاوه بر مسائل آموزشی، پژوهشی، و تولید اطلاعات، درمان صحیح و اصولی بیماران نیز در سایه آشنایی با اطلاعات روز آمد و روشهای جدید امکان پذیر است. بدین لحاظ علم پزشکی از دستاوردهای فناوری اطلاعات به سرعت و با همه امکانات بهره می گیرد تا اطلاعات مورد نیاز را سریعاً در دسترس قرار دهد.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر، یک مطالعه نیمه تجربی دو گروهی و یک مرحله ای است که طی آن دو گروه ۳۰ نفری از دانشجویان رشته فوریت‌های پزشکی که واحد تروما را اخذ نموده بودند، به طور تصادفی به گروههای آزمون و کنترل تقسیم بندی شدند. با توجه به سن، وضعیت تحصیلی، معدل و وضعیت اقتصادی خانواده به دو گروه هم‌متا تقسیم شدند. پس از اطمینان از یکسان بودن رفتار ورودی دانشجویان، گروه آزمون تحت آموزش به روش E-book و گروه کنترل تحت آموزش به روش سخنرانی قرار گرفتند. در پایان ترم امتحان مشابهی، محتوی سؤالات چهار گزینه ای از هر دو گروه به عمل آمد و نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS 19 و آمار استنباطی و توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** یافته های پژوهش نشان داد که میانگین نمرات آزمون نهایی که از ۳۰ نمره محاسبه شده بود در دانشجویان تحت آموزش به روش E-book  $20/97 \pm 5/39$  و در دانشجویان آموزش دیده به روش سخنرانی  $18 \pm 4/24$  شد. ( $p < 0/05$ ).

**نتیجه‌گیری:** یافته های پژوهش ها نشان داد با وجود اینکه هر دو روش آموزش سخنرانی و آموزش از طریق تلفن همراه بر یادگیری دانشجویان تأثیر مثبت دارد، ولی آموزش به روش E-book در مقایسه با روش سخنرانی تأثیر بیشتری بر میزان یادگیری دانشجویان دارد. لذا توصیه می شود از این روش در تدریس دروس تخصصی رشته ..... استفاده گردد.

**واژه‌های کلیدی:** رشته فوریت‌های پزشکی، سخنرانی، دانشجویان، یادگیری، E-book.



## امکان سنجی آموزش الکترونیکی مهارت های عملی در سیستم فوریت های پزشکی

حمید رضا میری\*، آزاده درستکار

\* مرکز تحقیقات تروما، حوادث و فوریت های پزشکی خلیج فارس

hrmiri@hums.ac.ir

**مقدمه:** آموزش نیروهای مؤثر و کارآمد و همچنین بازآموزی مهارت های قبلی آنان، همواره یکی از مهمترین دغدغه های مدیران سیستم فوریت های پزشکی بوده است. اما گستردگی پایگاه ها و تعداد زیاد نیروها، موجب عدم دسترسی هم زمان افراد به کلاس های آموزش حضوری می گردد. لذا این مطالعه با هدف امکان سنجی آموزش الکترونیکی مهارت های عملی در سیستم فوریت های پزشکی و بر روی دانشجویان این رشته در دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، صورت پذیرفت.

**روش ها:** این مطالعه بصورت تجربی و بر روی ۴۰ نفر از دانشجویان رشته فوریت های پزشکی انجام گردید. نمونه ها با روش نمونه گیری تصادفی، انتخاب شده و بوسیله روش نمایش فیلم، تحت آموزش مهارت احیاء قلبی و ریوی قرار گرفتند و به سؤالات سنجش آگاهی، در دو زمان قبل و بعد از آموزش پاسخ دادند. نهایتاً میزان مهارت عملی آنان، بوسیله مانکن و چک لیست سنجش عملکرد، مورد ارزیابی قرار گرفت. داده ها وارد نرم افزار آماری SPSS 16 شده و توسط روشهای آمار توصیفی و تحلیلی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** مقایسه میانگین امتیازات مجموع کل سؤالات سنجش آگاهی در دو زمان قبل و بعد از آموزش نشان داد که پس از آموزش، بطور معنی داری، تعداد پاسخ های صحیح به سؤالات سنجش آگاهی، بیشتر از قبل از آموزش بوده است ( $P < 0.05$ ). در خصوص سنجش میزان عملکرد نیز، نتایج نشان داد که افراد در اکثر موارد چک لیست سنجش عملکرد، بطور معناداری توانستند مهارت ها را بصورت صحیح انجام دهند. ( $P < 0.05$ ).

**نتیجه گیری:** میزان آگاهی و عملکرد دانشجویان، پس از مشاهده فیلم آموزشی، بطور معناداری نسبت به قبل از آموزش افزایش یافته است که خود نشان دهنده تأثیر مثبت آموزش الکترونیکی در این گروه می باشد. لذا ضروری می نماید مسئولین سیستم فوریت های پزشکی، جهت صرفه جویی در وقت و هزینه، توجه بیشتری نسبت به برنامه ریزی کلاس های الکترونیکی جهت آموزش و بازآموزی نیروهای عملیاتی، داشته باشند.

**واژه های کلیدی:** آموزش الکترونیکی، فوریت های پزشکی، احیاء قلبی و ریوی، مهارت عملی.

## طراحی و تدوین درسنامه الکترونیکی، راهکاری در یادگیری بهتر دانشجویان

زهرا کریمیان

مرکز توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

Email: Karimian\_z@yahoo.com

**مقدمه:** نحوه ارائه دروس تئوری همواره با این تعارض مواجه است که برای پوشش دادن محتوای درس اغلب اساتید از شیوه های یک سو به نظیر سخنرانی استفاده می کنند و در صورت استفاده از شیوه های تعاملی نظیر بحث و نقد و پرسش و پاسخ به عت وقت گیر بودن این شیوه ها همه محتوا انتقال داده نمی شود. استفاده از درسنامه های الکترونیکی یکی از شیوه های مناسب در ارائه مطالب تکمیلی و یا بخش غیر محوری برنامه درسی است تا زمان بیشتری برای بحث و تعامل یادگیری در کلاس درس باقی بماند. این تحقیق با هدف معرفی یکی از شیوه های الکترونیکی نمودن جزوات و میزان رضایت دانشجویان از این روش انجام شده است.

**روش ها:** تهیه جزوات الکترونیکی برای حدود ۵ درس مدیریت بهداشتی و درمانی انجام شد. برای تهیه نسخه الکترونیکی دروس با در نظر داشتن یک شیوه آسان، کم هزینه و مناسب و دارای جذابیت های سمعی و بصری، نرم افزار Ispring انتخاب شد. همچنین برای تکمیل نسخه الکترونیکی، جزوه ای در قالب Pdf نیز تهیه و به فایل الکترونیکی الحاق شد. در این نرم افزار امکان آزمون سازی کوئیز و پایان درس به شیوه برنامه ای و مرحله ای و بازبینی پاسخ ها توسط دانشجو وجود دارد.

**نتایج:** با وجود جزوات الکترونیکی میزان توجه و مشارکت دانشجویان در بحث های کلاسی و تمرین عملی در کلاس به طور مشهودی بیشتر بود و فرصت بیشتری برای بحث گروهی، تمرین و پرسش و پاسخ وجود داشت.

**نتیجه گیری:** با توجه به توسعه زیرساخت های الکترونیکی در دانشگاه ها یکی از راه های نشر و توزیع تجربیات آموزشی بهره گیری از شیوه های مجازی و الکترونیکی در کلاس های درس است که می توان با رویکرد آموزشی یا کمک آموزشی از آنها بهره جست. درسنامه های الکترونیکی علاوه بر محاسنی که برای یادگیری و مرور مطالب توسط دانشجویان دارند با توجه به امکان ویرایش و بهبود آنها در مدیریت محتوای درسی نیز می توانند به مدرسان کمک کنند.

**واژه های کلیدی:** درسنامه، الکترونیکی، یادگیری، دانشجو

## بررسی عوامل موثر بر پیاده‌سازی آموزش الکترونیکی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان

طاهره علی محمدی عبدل ابادی\*، عفت شهرآبادی، منور نادری

\* کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان

alimohammadit@yahoo.com

**مقدمه:** مساله ارتقای کیفیت آموزش در علوم پزشکی همواره مورد توجه بوده است. پیاده‌سازی آموزش الکترونیکی نه تنها انتقال اطلاعات جدید حوزه پزشکی را تسهیل می‌کند بلکه موجب ارتقای دانش و مهارت‌های مشاغل پزشکی، ارتقای کیفیت آموزش پزشکی و کاهش هزینه‌های آموزشی می‌شود. این مطالعه با هدف بررسی عوامل موثر بر پیاده‌سازی آموزش الکترونیکی از دیدگاه دانشجویان پزشکی انجام گرفت.

**روش‌ها:** مطالعه‌ای توصیفی- مقطعی بر روی ۸۱ نفر از دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سال ۱۳۹۰ که با روش تصادفی ساده انتخاب شدند. انجام گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه و شامل مشخصات دموگرافیک و عوامل موثر بر پیاده‌سازی یاگیری الکترونیکی در ۷ محور می‌باشد. سوالات پرسشنامه براساس مقیاس لیکرت تنظیم شده‌اند. پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۹۶ بدست آمد. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، داده‌ها در برنامه spss/16 ثبت و با استفاده از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (t-test) تجزیه و تحلیل شدند.

**نتایج:** نتایج پژوهش نشان داد که ۴۸/۸ درصد (۳۹ نفر) از دانشجویان شرکت کننده در این پژوهش مؤنث و ۵۱/۲ درصد (۴۱ نفر) مذکر بودند. همچنین ۴۱/۲ درصد (۳۳ نفر) از شرکت کنندگان کارورز و ۵۸/۸ درصد (۴۷ نفر) کارآموز بودند. میانگین عوامل موثر بر پیاده‌سازی آموزش الکترونیکی در عامل تکنولوژی ۳/۳۹±۱/۰۹، عامل دینفعان ۱/۲۱±۳/۵۹، عامل سازمانی ۳/۲۷±۱/۰۶، منابع آموزشی ۳/۴۰±۰/۹۱، عوامل سواد اطلاعاتی ۳/۲۱±۱/۱۱، عامل محیطی ۳/۱۸±۱/۰۲ و عامل روش‌های الکترونیکی ۲/۸۵±۰/۸۲ می‌باشد. مقایسه دیدگاه دانشجویان کارورز و کارآموز نشان داد که در عامل تکنولوژی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. کارورزان این تاثیر را بیشتر می‌دانستند. همچنین دانشجویان مؤنث به طور معنی‌داری تاثیر عوامل سازمانی و محیطی را بیشتر از دانشجویان مذکر می‌دانستند. ( $P < 0/05$ ).

**نتیجه‌گیری:** با توجه به یافته‌های این مطالعه بهترین عامل موثر بر اجرای آموزش الکترونیکی عامل دینفعان، منابع آموزشی و تکنولوژی می‌باشد. بنابراین شایسته است مسئولین دانشگاه اعضای هیات علمی و کارکنان حوزه آموزش همکاری و مشارکت نمایند همچنین منابع آموزشی و زیرساخت‌های لازم را فراهم آورند.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش الکترونیکی، پیاده‌سازی الکترونیکی، دانشجویان.

## سایت های تخصصی مجازی برای آموزش بالینی

دکتر عبدالحسن کاظمی<sup>۱\*</sup>، مصطفی کاظمی<sup>۲</sup>، محمد حسین زکی دیزجی<sup>۳</sup>  
<sup>۱\*</sup> PhD و فلوشیپ اخلاق زیست- پزشکی، مدیر گروه اخلاق پزشکی و رئیس مرکز تحقیقات فلسفه و تاریخ پزشکی  
دانشگاه علوم پزشکی تبریز  
Kazemi1338@Gmail.com  
<sup>۲</sup> دانشگاه هنر اسلامی تبریز، <sup>۳</sup> مدرس دانشگاه پیام نور تبریز

مقدمه: برای آموزش های تخصصی بالینی در فضای وب، پایگاه های اطلاعاتی تخصصی برای همه رشته های بالینی با امکانات فوق العاده و کاربردهای نافذ وجود دارد که بصورت مجازی امکان مشاهده و سپس استفاده آموزشی از گزارش مورد، تشخیص بالینی، آرشیو تصاویر، اطلس های رنگی استاتیک و یا اینتراکتیو، فیلم ها و یا انیمیشن های آموزشی، سناریوهای بالینی، برگزاری آزمون علمی و [Quiz](#) و... با استفاده از امکانات موجود در سایت را فراهم می آورد و در هر مرحله نیز این امکان معمولاً وجود دارد که استفاده کنندگان از این سایت ها به خود ارزیابی پرداخته و صحت و سقم جواب های خود را کنترل نمایند.

روش ها: سایت های آموزش های تخصصی بالینی مجازی در فضای خود قسمت های مختلفی مانند [Learning Center](#)، [Quizzes & Virtual](#)، [Virtual Training](#)، [Virtual Practice](#)، [Video Archives](#)، [Videoclips](#)، [Picture Archives](#)، [Podcasts](#)، [Quiz Laboratory](#)، [Physical Examinations](#)، [Decision Scenarios](#)، [Scenario](#)، [Image Library](#)، [cases & Patients](#)، [interactive cases](#)، [virtual-tour](#)، [virtual Tests](#) و... دارند که متناسب با عنوان قسمت، محتوای تخصصی برای هدف خاص را عرضه میکنند. همچنین این سایت ها قسمت هایی تحت عنوان [FAQs](#)، [Tutorials](#)، [Help](#)، [How To](#) دارند که بصورت خودآموز نحوه استفاده حرفه ای از محتوای سایت را آموزش می دهند.

نتایج: امکان یادگیری سیار، راندمان آموزشی عالی، آموزش نافذ و یادگیری پایدار، سهولت دسترسی به منابع روزآمد تخصصی و همچنین تنوع امکانات آموزش بالینی از نتایج آشنایی با این پایگاه های علمی تخصصی و تسلط بر محتوای آن هاست و البته بدست آوردن مرجعیت علمی در محیط دانشگاه و دپارتمان، اعتماد بنفس تخصصی و همچنین دسترسی به آخرین یافته های علمی از امتیازات احاطه به این منابع است.

نتیجه گیری: سایت های آموزش تخصصی بالینی در همه رشته های تخصصی، امکانات وسیع و در عین حال کاربردی با طراحی چشمگیر، امکانات آموزش سیار، محتوای طبقه بندی شده و با دسترسی رایگان را فراهم می کنند که موجب صرفه جویی عالی در وقت، آماده سازی منابع آموزشی، تنوع منابع و تازگی سوژه های آموزشی و... میگردند و آشنایی با این سایت ها رویکردی جدید در عرصه آموزش، تشخیص بالینی، تصمیم گیری کلینیکال و... را در اختیار گروه های تخصصی قرار می دهد.

واژه های کلیدی: آموزش بالینی، آموزش مجازی، فضای سایبری، راندمان آموزشی

## بررسی دیدگاه دانشجویان رشته پزشکی در زمینه ایجاد و توسعه روشهای پزشکی از راه دور در دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۰

محمد خادم‌ملو<sup>۷۶\*</sup>، اکبر محمدی<sup>۷۷</sup>

\* متخصص پزشکی اجتماعی، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مازندران

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

**مقدمه:** امروزه شاید هنوز تبادل داده های پزشکی در سطح جهانی امکان پذیر نباشد. تبادل اطلاعات پزشکی از راه دور را تله مدیسین می گویند. این اطلاعات شامل نتایج آزمایشگاهی، گزارشات مراکز درمانی در مورد بیمار، تصاویر زنده سمعی و بصری دوجانبه به صورتی که میان بیمار و تیم پزشکی در مراکز درمانی ارتباط مستقیم (صوت، تصویر، متن) برقرار می گردد. این مطالعه با هدف بررسی دیدگاه و نگرش دانشجویان رشته پزشکی در زمینه ایجاد و توسعه روشهای پزشکی از راه دور در دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۰ انجام گرفت.

**روش‌ها:** این مطالعه یک مطالعه توصیفی - مقطعی و بر روی دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران انجام شد. ابزار گردآوری داده ها، یک پرسشنامه روا و پایا با ۳۳ سوال پنج گزینه ای (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد)، که شامل سه قسمت بود. قسمت اول پرسشنامه، شامل سوالات دموگرافیک مانند سن، جنسیت و ... بود، قسمت دوم شامل پنج حیطه (عوامل سازمانی، عوامل تکنولوژی، عوامل ذینفعان، سواد اطلاعاتی و عوامل محیطی) بود، که در هر یک از زمینه های فوق، سوالات مربوطه پرسیده شد. و در قسمت سوم و پایانی نیز میزان استفاده نمونه ها (دانشجویان) از حیطه های مختلف تکنولوژی (کامپیوتر، اینترنت، وب سایت های پزشکی، نرم افزارهای پزشکی و ...) پرسیده شد.

**نتایج:** از میان سوالات مربوط به حیطه عوامل سازمانی، (۶۵/۵ درصد) دانشجویان نسبت به تغییرات ساختاری در سازمان ها برای پذیرش پزشکی از راه دور نظر مثبت داشتند. در میان عوامل تکنولوژی، دسترسی به اینترنت پرسرعت (۸۶/۷ درصد)، عوامل ذینفعان، توانمندی بخش خصوصی در پیاده سازی پزشکی از راه دور (۵۸/۹ درصد)، سواد اطلاعاتی، مهارت دانشجویان در استفاده از کامپیوتر و اینترنت (۷۵/۵ درصد) و از میان عوامل محیطی نسبت به ارزش عوامل اقتصادی برای اجرای طرح (۸۰/۰ درصد) دانشجویان نظر مثبت داشتند.

**نتیجه گیری:** از نظر دانشجویان دسترسی به اینترنت پر سرعت جهت ایجاد و توسعه پزشکی از راه دور بیشترین اهمیت را دارد به طوری که (۸۶/۷ درصد) دانشجویان نظر مثبت داشتند و بعد از آن دانشجویان بیشترین نظر مثبت را نسبت به ارزش عوامل اقتصادی جهت اجرا (۸۰/۰ درصد) داشتند.

**واژه‌های کلیدی:** دیدگاه، تله مدیسین، دانشجویان

### سنجش و ارتقای اثربخشی آموزش مجازی در حوزه علوم پزشکی

دکتر پیمان پرویزراد

عضو هیئت علمی دانشکده بهداشت و مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

[p.parvizrad@gmail.com](mailto:p.parvizrad@gmail.com)

**مقدمه:** یکی از انقلاب های عرصه آموزش، رویکرد یادگیری الکترونیکی است. این شیوه آموزشی ویژگی های کاربر پسند منحصر به فردی دارد و امکان یادگیری در هر زمان و مکان و آموزش فردی را در کنار یادگیری مشارکتی و مبتنی بر نیاز فراهم کرده است. آنچه موجب رشد و توسعه سریع آموزش های مجازی در سراسر جهان شده رشد انفجار گونه اطلاعات و افزایش جهانی تقاضا برای برخورداری از فرصت های یادگیری است. در ایران اینگونه آموزش به طور گسترده ای شکل گرفته اما در آموزش علوم پزشکی تقریباً نوپا محسوب می گردد، با این حال، با مشکلاتی جدی ناشی از پس ماندگی های گوناگون فرهنگی، حقوقی، فنی و زیرساختی روبرو است، به ویژه آموزش مجازی در دانشگاه های علوم پزشکی با چالش بیشتری روبرو می باشد که به دلیل ماهیت بالینی و آشنایی کمتر متخصصین این رشته ها با علوم رایانه ای می باشد. در سال های اخیر تجربیات ارزشمندی در این زمینه، به ویژه در حوزه روش های آموزشی مجازی ترکیبی، انباشته شده است که می توان از آنها جهت رفع موانع پیش روی توسعه بیش از پیش آموزش های مجازی در عرصه های متفاوت ملی نظیر آموزش و پرورش، آموزش عالی و آموزش کارکنان دولت بهره جست. از جمله این موانع و چالش ها موضوعات نظیر کیفیت، اثربخش، رضایت مندی و ارزشیابی میزان یادگیری مخاطبان از آموزش های مجازی است. مطالعه حاضر نیز در همین راستا و با توجه به فعالیت های انجام گرفته در دانشگاه علوم پزشکی مازندران در زمینه آموزش الکترونیکی بوده و تلاش داشت ضمن با بررسی علمی و دقیق این موضوع، به سنجش و ارتقای اثربخشی فرایند آموزش مجازی بپردازد تا در گام بعد بتوان با برنامه ریزی منسجم و هدف گذاری مشخص، به وضع مطلوب و مورد نظر دست یافت.

**روش ها:** دانشجویانی که تحت آموزش مجازی بودند با روش تجربی در این طرح (قبل و بعد از مداخله) تقسیم شدند. در ابتدا آموزش مجازی به روش معمول دانشگاه در برای دو کلاس درسی در حوزه های بهداشت و مدیریت بیمارستانی داده شد و سطح رضایت و کیفیت و نیز اثربخشی آموزشی از طریق پرسشنامه و نیز آزمون حضوری، مورد سنجش قرار گرفت. سپس، اقدامات مداخله ای شامل افزایش تعامل الکترونیکی استاد با دانشجویان، انجام سه نوع ارزیابی الکترونیکی (آزمون پیش درس، حین درس، بعد از درس) انجام شد و با خودارزیابی مجازی ادامه یافت و با آزمون حضوری متعاقب نیز پرسشنامه رضایت و کیفیت سنجی تکمیل گردید. در پایان، نتایج در دو مقطع قبل و بعد از مداخله مورد بررسی و سنجش قرار گرفت.

**نتایج:** هر سه شاخص رضایت (۰.۳۲)، کیفیت (۰.۲۴/۲) و میزان اثربخشی (یادگیری) (به میزان ۰.۱۷/۵) در دانشجویان (در اثر روش های ترکیبی به کار رفته) به میزان چشمگیری افزایش یافت که حاکی از موفقیت روش جدید اجرا شده بود.

**نتیجه گیری:** با توجه به کاهش سطح ملموس بودن آموزش به روش الکترونیکی و نظارت کمتر یاددهنده انجام اقداماتی که رضایت و اثربخشی را تقویت می نماید ضروری است. لذا انجام فعالیت هایی شامل افزایش تعامل الکترونیکی استاد با دانشجویان در کلاس های مجازی، برگزاری منظم و علمی از محتوای درس (شامل آزمون پیش درس، حین درس، بعد از درس، خودارزیابی مجازی، آزمون حضوری تکمیلی) می توان سطح رضایت، کیفیت و اثربخشی آموزش های مجازی را افزایش داد. چالش ها و مشکلات عبارتند از: کمبود امکانات سخت افزاری و نرم افزاری آموزش مجازی و شبکه، جدی نبودن کافی آموزش مجازی در رشته های علوم پزشکی، عدم آگاهی مناسب دانشجویان در خصوص رایانه، شبکه و ابزارهای الکترونیکی آموزش، عدم تخصیص منابع کافی بودجه ای و انسانی برای مقولات آموزش مجازی.

**واژه های کلیدی:** سنجش آموزش مجازی، اثربخشی آموزش مجازی، آموزش مجازی علوم پزشکی

## وبلاگ نویسی دینی ابزاری برای ارتقای یادگیری خود راهبر: تجربه موفق دانشجویی

سونای آلت جعفری\*، دکتر اکرم ثناگو، دکتر لیلا جویباری

\*دانشجو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه گلستان، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه گلستان

[S\\_jafarbay@yahoo.com](mailto:S_jafarbay@yahoo.com)\*

**مقدمه:** وبلاگ ها اکنون به قوی ترین رسانه ای جهان و منبع مفیدی برای اطلاعات گوناگون و بروز خلاقیت ها و سلاقی شخصی مردم جهان تبدیل شده اند و به عنوان ابزاری حرفه ای فرصت های یاددهی یادگیری و نشر دانش و پرورش فراتوانایی های دانشجویان را فراهم می سازند. دوره دانشجویی زمان مناسبی برای یادگیری و بهره گیری از آموزه های دینی برای رشد معنویات و تعالی انسان می باشد. استفاده از اوقات فراغت و پرداختن به این موضوعات می تواند نه تنها وبلاگ نویسی را با فواید تدبیر و تفسیر در قرآن و منابع معتبر یا مقاله آشنا کند بلکه منبعی را برای استفاده دیگران فراهم می سازد. هدف از راه اندازی این وبلاگ، افزایش آشنایی با آموزه های علمی از قرآن بوده است.

**روش ها:** این مطالعه از نوع گزارش مورد می باشد که به تبیین "یادگیری خودراهبری" دانشجویان از طریق وبلاگ نویسی مذهبی (<http://olum-elahi.blogfa.com>) می پردازد. روش جمع آوری اطلاعات مصاحبه بدون ساختار و تعاملی بوده است. تجربیات حاصل از انتشار آموزه های دینی و قرآنی که در راستای یادگیری خودراهبر است در این مقاله ارائه می شود.

**نتایج:** آشنایی با فواید تدبیر و تفسیر در قرآن، "گردآوری منابع معتبر و به صورت مجموعه در باره قرآن و آموزه های آن"، "جمع آوری اطلاعات در مورد طب قرآنی"، و "پاسخگویی به سوالات مردم" بخش های اصلی وبلاگ علوم الهی را تشکیل می دهد. "خود راهبری در یادگیری آموزه های دینی و قرآنی" به عنوان مضمون اصلی مطالعه استنتاج شد. تجربیات یادگیری موید آن است که "الگو داشتن، هدفمند بودن و با انگیزه بودن" از عوامل مرتبط با یادگیری خودراهبر می باشد. تجربه وبلاگ نویسی مذهبی نه تنها با یادگیری شخصی همراه است بلکه منبعی برای یادگیری همتایان فراهم می آورد.

**نتیجه گیری:** وبلاگ نویسی مذهبی می تواند سبب به منصف ظهور رساندن توانایی های بالفوه دانشجویان شود. یادگیری از حالت انفعالی به فعال گرایش می یابد و علاوه بر یادگیری فردی، سبب آموزش همتایان نیز گردد.

**واژه های کلیدی:** وبلاگ نویسی، آموزه های دینی، طب قرآنی، دانشجوی علوم پزشکی، یاددهی یادگیری

## آموزش الکترونیکی، رویکردی نو در آموزش مداوم پزشکان

فرخنده رفیع‌زاده، بنفشه شعبانی، بابک شعبانی

[far.rafiiezadeh@gmail.com](mailto:far.rafiiezadeh@gmail.com)

**مقدمه:** در این مقاله در مورد آموزش الکترونیکی به عنوان مؤثرترین روشهای آموزش مداوم که بتواند مهارت بالینی پزشکان را افزایش داده و باعث ارتقاء کیفیت دانش حرفه‌ای پزشکان شود اشاره شده است و سپس در مورد مزایای آموزش الکترونیکی و سیر تکاملی آموزش الکترونیکی در دانشگاههای علوم پزشکی ایران و کشورهای دیگر جهان پرداخته و همینطور در مورد زیرساخت‌های پیاده سازی آموزش الکترونیکی که مهمترین آنها "زیرساخت فناوری و زیرساخت فرهنگی" است مورد بحث قرار گرفته است. در قسمت بحث و نتیجه گیری به استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در زمینه آموزش - پژوهش و درمان و همچنین تعیین استانداردهای لازم جهت آموزش الکترونیکی با توجه به زیرساخت‌های فناوری پرداخته شده است. و در نهایت هم پیشنهادهایی در جهت تطبیق فرآیندهای موجود در دنیا با استفاده از تجارب کشورهای سرآمد و تشکیل کنسرسیومهایی در زمینه آموزش الکترونیکی جهت آموزش مداوم پزشکان مشمول قانون آموزش مداوم بحث شده است.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش الکترونیکی، آموزش مداوم، زیرساخت، فناوری اطلاعات-پزشکان

۱ - مقدمه

آموزش مداوم پزشکان به عنوان یک اصل کلی و ضروری درجهان مطرح بوده و یافتن مؤثرترین روشهای آموزش مداوم که بتواند مهارت بالینی پزشکان را افزایش داده و باعث ارتقاء کیفیت دانش حرفه‌ای پزشکان شود اجتناب ناپذیر است. با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش، سیستمهای آموزشی در حال تحول سریع ناشی از افزایش تولید اطلاعات و پیشرفت‌های سریع مربوط به فناوری است، به همین دلیل اگر آموزش مداوم پزشکان در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به شکل الکترونیکی صورت پذیرد، محدوده‌ها و حیطه‌های فیزیکی آموزش و یادگیری همانند دیوارهای دانشگاه و کلاس‌های آموزشی از بین رفته و عرضه یادگیری را در هر نقطه میسر می‌سازد در این زمینه آموزش الکترونیکی به عنوان یکی از مفیدترین و با صرفه‌ترین روشهای آموزشی برای ارتقاء کیفیت و روزآمدسازی اطلاعات و مهارت‌های بالینی پزشکان مطرح است.

به نظر می‌رسد دانشگاههای علوم پزشکی برای توفیق در این امر بایستی آموزش الکترونیکی را به عنوان یک فرایند جدید در آموزش مداوم پذیرفته و آن را جایگزین روشهای سنتی آموزش مداوم که بر اساس ارتباطات چهره به چهره طراحی شده‌اند نماید و برای رسیدن به این هدف در جهت استقرار و پیاده‌سازی آموزش الکترونیکی با استفاده از فناوری و اطلاعات بکوشند.

۲ - مزایای آموزش الکترونیکی پزشکان

- مهمترین مزیت آموزش الکترونیکی صرفه‌جویی در زمان و هزینه پزشکان جهت شرکت در برنامه‌های حضوری است، بخصوص در نقاط دور افتاده کشور و داشتن تک متخصصان، جامعه و مردم از خدمات درمانی پزشکان در زمان حضور در برنامه‌های آموزش مداوم محروم می‌مانند.
- آموزش الکترونیکی چنانچه به روش صحیح پیاده‌سازی شود تعامل بین پزشکان را سرعت بخشیده و این تعامل فهم اطلاعات را برمی‌انگیزد و پزشکان از طریق پست الکترونیک می‌توانند تبادل اطلاعات نموده بدون آنکه از محل کار و زندگی خود دور شوند.
- سرعت یادگیری به وسیله خود یادگیرنده تنظیم می‌شود. مطالب آموزشی که به زمان یادگیری بیشتری نیاز دارند وقت بیشتر و مطالب آسانتر زمان کمتری اختصاص داده می‌شود.
- پزشکان از نظر فیزیکی از دانشگاه جدا هستند و می‌توانند در خانه و در زمان دلخواه خود آموزش ببینند و این نیاز به فضای فیزیکی وسیعتر را در دانشگاه به دلیل افزایش فارغ‌التحصیلان عرصه پزشکی و اضافه شدن مشمولین رشته‌های مختلف پزشکی جهت آموزش مداوم، مرتفع می‌سازد. (پشتیبانی تعداد زیاد پزشک) آموزش الکترونیکی در



جهت افزایش دانش و مهارت و تواناییهای شغلی گروه پزشکی می‌تواند باعث ارائه خدمات بهتری به بیماران و جامعه گردد.

- استفاده تخصصی پزشکان از منابع سمعی و بصری و چند رسانه‌ای به عنوان وسایل آموزشی امکانپذیر می‌گردد.
- امکان ذخیره اطلاعات برای استفاده در زمانهای دیگر را برای پزشک به راحتی میسر می‌سازد.
- تنوع روشهای آموزشی زیاد بوده و پزشکان را به موضوعات مورد علاقه راهنمایی می‌نماید
- در آموزش الکترونیکی، امکان انتخاب از یک محدوده وسیع از دوره‌ها برای برآوردن نیازهای پزشکان وجود دارد.
- در آموزش الکترونیکی عدم دخالت محدودیت‌های جغرافیایی، امکان شبیه سازی و طراحی بیماران مجازی، چند بعدی کردن تصاویر و بزرگ نمایی آنها، جذاب بودن محیط آموزشی جهت پزشکان وجود دارد.

### ۳- سیر تکاملی آموزش الکترونیکی پزشکان

این نوع از آموزش در دانشگاههای علوم پزشکی کشور در مقایسه با کشورهای توسعه یافته هنوز در مراحل اولیه خود به سر می‌برد و در دانشگاههای علوم پزشکی تهران و شهیدبهشتی آن هم در یک رشته کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، نسبت به راه‌اندازی سامانه آموزش الکترونیکی، دوره‌های دکترای حرفه‌ای آموزش پزشکی و دکترای حرفه‌ای پرستاری و مدیریت خدمات بهداشتی - درمانی راه‌اندازی شد.

در حال حاضر آموزش غیرحضوری فقط در قالب خودآموزها (کتاب - CD و مقاله‌های آموزشی) برای استفاده پزشکان مشمول قانون آموزش مداوم رواج دارد که با توجه به لزوم کسب حداقل ۴۰٪ از امتیازها بصورت مدون و ۶۰٪ غیر مدون این نمی‌تواند تأمین کننده نیاز پزشکان باشد.

دانشگاههای علوم پزشکی برای رقابت در این زمینه با دانشگاههای آنلاین مطرح دنیا راه درازی در پیش دارند و این گونه برنامه‌ها در آموزش عالی غیرپزشکی در فاصله سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳، سی دوره آموزشی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری را در بر گرفته است. اما در سایر نقاط دنیا، کشورهای مختلفی در زمینه آموزش الکترونیکی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، از جمله این کشورها می‌توان به آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی استناد نمود. مهمترین اصل در توسعه چنین سیستمی ضریب نفوذ اینترنت در این جوامع می‌باشد که در میان کشورهای جهان، آمریکا بیشترین تعداد کاربر به مقیاس جمعیت و هند کمترین تعداد را دارا هستند. در آمریکا حداقل ۸۰ درصد پزشکان آمریکایی دارای رایانه شخصی هستند. مرکز آمار *internet world* با انتشار گزارشی اعلام کرد در سال ۲۰۰۵ میلادی کشورهای ایالت متحده آمریکا، چین، ژاپن، آلمان، هند، انگلیس، کره جنوبی، ایتالیا، فرانسه و روسیه، ده کشوری هستند که بیشترین میزان کاربران را در میان کشورهای جهان دارند. بر اساس یک گزارش، بطور متوسط ۷۴ درصد از استادان دانشگاهها در دنیا، رایانه شخصی دارند در صورتی که کمتر از ۱۸ درصد استادان یونیسف دارای رایانه شخصی می‌باشند، کمتر از نیمی از استادان یونیسف در محل کارشان در دانشگاهها به رایانه دسترسی دارند.

بر طبق مطالعات پروژایوسیس (۲۰۰۱) که وظیفه مطالعه در چند کشور اروپایی را در دو سال بر عهده داشت، میزان مالکیت رایانه در ابتدای مطالعات در فنلاند ۵۴ درصد و در یونان و سوئیس تا ۸۹ درصد بود در تحقیقات زیادی عدم استفاده از اینترنت ناشی از عدم وجود تسهیلات اعلام شده است، از جمله عدم سهولت دسترسی، پایین بودن سرعت ارتباط، کمی سرعت تجهیزات و عدم حمایت حتی جزو موانع استفاده از اینترنت دانسته شده است.

بررسی مطالعات نشان می‌دهد که در آمریکای شمالی بسیاری از دوره‌های آموزشی پزشکان در قالب آموزش الکترونیکی ارائه می‌گردد که در این زمینه نیز استانداردهایی را تعیین نموده‌اند و در اروپا طرحهای مختلفی منجمله

socrates انجام شده است در انگلستان و اسکاتلند، ایرلندشمالی توسعه زیرساخت‌های بهداشتی را در قالب طرح کلان NHS پیگیری می‌کنند که آموزش الکترونیکی نیز در این زمینه دیده شده است. کشورهای عربی نیز در قالب طرح جامعه ابوعلی سینا، استانداردهایی را تعریف و پیاده‌سازی کرده‌اند.

#### ۴- زیرساخت‌های پیاده‌سازی آموزش الکترونیکی

برای پیاده‌سازی آموزش الکترونیکی در مؤسسات آموزشی، به یک سری از زیرساخت‌ها نیاز است. این زیرساخت‌ها نقش ویژه‌ای در موفقیت دانشگاه‌ها برای استقرار دارد، یکی از این زیرساخت‌ها می‌توان "به زیرساخت فناوری و زیرساخت فرهنگی" اشاره نمود.

#### ۴-۱- زیرساخت فناوری:

با توسعه آموزش الکترونیکی از نظر اندازه پیچیدگی، نیاز به تأکید بر زیرساخت فناوری آن نیز بیشتر می‌شود بدلیل افزایش بار شبکه و هم‌چنین قابلیت انعطاف داشتن بایستی بتواند توسعه یابد. این زیرساخت بایستی پایدار بوده تا برای پزشکان جهت پشتیبانی امکان تبادل بین بخش‌ها را ایجاد کرده و امنیت لازم را برای حفظ مطالب توزیع شده، تدارک ببینند.

پهنای مناسب باند و برقراری مستمر خدمات اینترنتی از جمله این زیرساخت‌ها بشمار می‌روند لازم به ذکر است در صورت نامناسب بودن، آموزش الکترونیکی از رسیدن به اهداف خود باز خواهد ماند.

#### ۴-۲- زیرساخت فرهنگی:

قبل از پیاده‌سازی آموزش الکترونیکی در دانشگاه‌ها باید به بسترسازی فرهنگی، آشناسازی و ایجاد بینش مثبت در مسئولان، استادان و پزشکان پرداخت و در جهت رسیدن به این هدف بایستی پزشکان جهت استفاده از فناوری اطلاعات در سطح پیشرفته آمادگی لازم را داشته باشند.

#### ۵- بحث و نتیجه‌گیری:

بررسی مطالعات مختلف نشان می‌دهد برای اینکه استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در زمینه آموزش، پژوهش و درمان امکانپذیر شود، باید زیرساخت‌های فناوری و فرهنگی در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور استقرار و پیاده‌سازی شود.

همچنین لازمه موفقیت در اجرای آموزش الکترونیکی پزشکان در دانشگاه‌های علوم پزشکی، تعیین استانداردهای لازم جهت آموزش الکترونیکی با توجه به زیرساخت‌های فناوری است. با عنایت به مزایایی که آموزش الکترونیکی دارد، نحوه دسترسی مؤثر پزشکان به این نوع آموزش مداوم مهم است. با توجه به اینکه دانشگاه‌های ایران تجربه کمتری نسبت به دانشگاه‌های مطرح دنیا در این زمینه دارند، پیشنهاد می‌گردد با تطبیق فرآیندهای موجود در دنیا و با استفاده از تجارب کشورهای سرآمد در این زمینه جهت پیاده‌سازی و استقرار اقدام شود. هم‌چنین تشکیل کنسرسیوم‌هایی در این زمینه علاوه بر صرفه‌جویی در هزینه‌های پیاده‌سازی آموزش الکترونیکی دانشگاه‌ها، کمک کننده خواهد بود. همچنین لازم است قبل از استقرار و پیاده‌سازی با تشکیل و برگزاری کارگاه‌های آموزشی مؤثر، استفاده از فناوری اطلاعات را به پزشکان آموزش داد و استفاده از فناوری اطلاعات، زمانی میسر است که پزشک نسبت به اینترنت دانش کافی داشته باشد و فواید بکارگیری را مشاهده کند. همچنین همسویی آموزش‌های مداوم پزشکی به منظور ارتقای مهارت‌های استفاده از اینترنت به عنوان یک راه حل عملی پیشنهاد شده است. واقعیت این است که عدم آموزش نه تنها به بهره‌مندی از اینترنت آسیب می‌رساند، بلکه اهداف اجرای برنامه‌های آموزشی را نیز محقق نمی‌سازد.

## ارزشیابی اهداف یادگیری شناختی دانشجویان در یک درس تعاملی در سیستم آموزش الکترونیکی آموزش پزشکی

شیما طباطبایی\*

\*دانشجوی دکترای تخصصی آموزش پزشکی، دانشکده آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی  
[shtabatabai@yahoo.com](mailto:shtabatabai@yahoo.com)

**مقدمه:** دانشگاه‌های علوم پزشکی در صدد هستند تا آموزشی متنوع و در عین حال اثر بخش را برای دانشجویان فراهم نموده و آنان را برای پذیرش مسئولیت حرفه ای خود در آینده آماده سازند. طراحی و اجرای آموزش متنوع می تواند چالش برانگیز باشد. از طرفی به دلیل ماهیت بین رشته ای آموزش پزشکی و ویژگی چند بعدی بودن فرایند یادگیری، اطمینان از دستیابی دانشجویان به اهداف یادگیری مشکل بوده و نیازمند به کارگیری یک سیستم ارزشیابی کارآمد است. هدف این مقاله پژوهشی توصیف یک روش ارزشیابی در یک درس تعاملی در سیستم آموزش الکترونیکی رشته آموزش پزشکی است.

**روش‌ها:** ارزشیابی دانشجویان شامل تحلیل نمرات تکالیف درسی دانشجویان دوره کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، و بحث در گروه کوچک بود. در این روش از یک DVD تعاملی برای آموزش دانشجویان و در بخش نمره دادن به تکالیف از الگوریتم محقق ساخته، استفاده شد که پاسخ های دانشجویان را بر اساس اهداف یادگیری در سطوح درک مطلب و کاربرد مفاهیم در شرایط واقعی ( سطوح ۳و۲ از تاکسونومی اهداف یادگیری بلوم) سنجش می نمود. همچنین محقق نظرات دانشجویان شرکت کننده در ارزشیابی را در یک بحث گروه کوچک الکترونیکی جویا شد و دانشجویان به بیان میزان یادگیری مطالب بعد از ارائه تکالیف و توانایی کاربرد دانش کسب شده در شرایط واقعی پرداختند.

**نتایج:** دانشجویان شرکت کننده در این روش ارزشیابی بعد از ارائه تکالیف تجربه یادگیری بهتری داشتند دانشجویان این ارزشیابی را به عنوان یک جزء اصلی آموزشی که به بهبود یادگیری آنان انجامید یاد کردند. دانشجویان ترجیح می دادند این نوع سیستم نمره دادن به تکالیف به عنوان بخشی اصلی در بسته آموزش الکترونیکی گنجانده شود و بخشی نیز جهت خود ارزیابی دانشجویان از یادگیری شان بدون محاسبه نمره در بخش تکالیف در نظر گرفته شود.

**نتیجه‌گیری:** یادگیری الکترونیکی در رشته آموزش پزشکی جایگاه ویژه ای پیدا نموده است و ارزشیابی جنبه های مختلف آموزش های متنوع در این رشته پتانسیل رشد بالایی دارد. قابل پذیرش بودن و اثر بخش بودن برنامه های یادگیری الکترونیکی در پژوهشهای مختلف نشان داده شده است. لذا، نوآوری در سیستمهای ارزشیابی دانشجویان می تواند اطلاعات ارزشمندی برای توسعه و پیشرفت سیستم آموزش الکترونیکی آموزش پزشکی فراهم سازد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش پزشکی، یادگیری الکترونیکی، ارزشیابی دانشجویان، درس تعاملی

## بکارگیری منابع الکترونیک در آموزش دروس کارگاهی و بررسی تاثیر آن بر یادگیری دانشجویان پرستاری

رویا امینی\*، ناهید محمدی، افسر امید، سیدرضا برزو

\* عضو هیئت علمی و عضو مرکز تحقیقات مراقبت های مادر و کودک دانشکده پرستاری مامایی دانشگاه علوم پزشکی همدان [aminiroy@gmail.com](mailto:aminiroy@gmail.com)

مقدمه: استفاده از وسایل کمک آموزشی نظیر کامپیوتر تاثیر بیشتری بر یادگیری دانشجویان خواهد داشت. هدف از این مطالعه بکارگیری منابع الکترونیک در آموزش دروس کارگاهی و بررسی تاثیر آن بر یادگیری دانشجویان پرستاری بوده است. روش‌ها: مطالعه حاضر از نوع مداخله ای بود که در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۲-۹۱ بر روی ۲۶ نفر از دانشجویان ترم هشتم کارشناسی پیوسته پرستاری انجام شد. واحد آموزشی مورد نظر واحد کارآموزی در عرصه بهداشت جامعه بوده است که بخشی از آن بصورت کارگاهی اجرا گردید. موضوع این کارگاهها در خصوص سالمندی و مراقبت های آن، یائسگی و مراقبت های مربوطه و همچنین کنترل عفونت در بیمارستان در دو مرحله قبل و پس از مواجهه بر اساس پروتکل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بود. طول مدت کارگاه سه روز با زمان ۴ ساعت طی هر روز بود. تعداد گروهها ۵ گروه در نظر گرفته شد. مدت زمان استفاده از اینترنت در هر جلسه ۳۰ دقیقه تعیین گردید. پس از طرح سوال، دسترسی دانشجویان به اینترنت مقدور گشته و سپس پاسخدهی و جمع بندی مناسب انجام شده و سرگروه موظف به ارائه شفاهی کارگروهی بود. به منظور سنجش میزان تاثیر روش مذکور، نمرات پیش آزمون و پس آزمون با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفت. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون آماری تی زوج و نرم افزار SPSS16 استفاده شد.

نتایج: میانگین نمرات دانشجویان در رابطه با مبحث یائسگی و مراقبت های مربوطه در مرحله پیش آزمون ۱,۲۶ و در مرحله پس آزمون ۴,۷۵ بود که با  $p < 0.05$  اختلاف نمرات معنی دار تشخیص داده شد. میانگین نمرات دانشجویان در رابطه با مبحث سالمندی و مراقبت های آن در مرحله پیش آزمون ۱,۶۶ و در مرحله پس آزمون ۴,۷۳ بود که با  $p < 0.05$  اختلاف نمرات معنی دار تشخیص داده شد و در رابطه با مبحث کنترل عفونت در بیمارستان میانگین نمرات دانشجویان در مرحله پیش آزمون ۱,۴۴ و در مرحله پس آزمون ۴,۴۵ بود که با  $p < 0.05$  اختلاف نمرات معنی دار تشخیص داده شد.

نتیجه‌گیری: مشارکت بیشتر دانشجویان در امر یادگیری فعال سبب افزایش تاثیر آموزش خواهد شد. با توجه به نتایج پژوهش می توان اذعان نمود استفاده از این شیوه مشارکتی روی یادگیری دانشجویان تاثیر مناسبی داشته است.

واژه‌های کلیدی: منابع الکترونیک، آموزش، درس کارگاهی، یادگیری

بررسی میزان پذیرش استاندارد های آموزش الکترونیکی از دید فراگیران رشته

آموزش پزشکی مجازی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۹۱

رحمت اله عرب زاده\*، زهرا صفاری، مرضیه ده بزرگیان، پروین رضوان دزفولی  
\*مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

Email:arabzadeh\_r@yahoo.com

مقدمه: با یادگیری الکترونیکی می توان گام های استوارتری در جهت رسیدن به اهداف والای چشم انداز ۲۰ ساله برداشت و در زمان کم با صرف منابع مالی کمتر به آن رسید. یادگیری الکترونیک فرایندی است که در طول آن یاددهی، یادگیری به صورت تعاملی، مشارکتی و به صورت همزمان و ناهمزمان انجام می گیرد. اما بهره مندی کافی از این امکانات به قبول استانداردهایی نیاز دارد که کیفیت این رویه را تایید کند. بنابراین هدف از این مطالعه بررسی میزان پذیرش استانداردهای آموزش الکترونیکی از دیدگاه فراگیران می باشد. استانداردهایی مانند زیر ساخت فیزیکی، پهنای باند، تولید محتوا، پاسخ گیری فراگیران، ظرفیت کلاس ها و واحدهای درسی و ... .

**روش ها:** در ابتدا وضعیت آموزش مجازی در رشته آموزش علوم پزشکی مورد بررسی قرار گرفت. سپس پرسشنامه محقق ساخته پس از تعیین روایی و پایایی آن توسط صاحب نظران از طریق پست الکترونیک برای دانشجویان ترم ۳ رشته آموزش علوم پزشکی ارسال شد و از دانشجویان خواسته شد نسبت به تکمیل و ارسال آن اقدام نمایند. در نهایت داده های جمع آوری شده توسط نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج نشان داد که در چهار حیطة یاددهنده، یادگیرنده، محتوای آموزشی و ارزیابی تنها تفاوت معنادار در حیطة ارزیابی مشاهده می شود. بالاترین میانگین مربوط به حیطة ارزیابی بود که نسبت به حد متوسط بالاتر بود. همچنین تفاوت معناداری بین دانشجویان عضو هیئت علمی و غیر هیئت علمی در هیچ یک از حیطة ها مشاهده نشد. جدول مقایسه میانگین هادر چهار حیطة؛ یادگیرنده، یاددهنده، محتوا و ارزیابی

حیطة ها	میانگین	سطح معنا داری
یادگیرنده	۳	۰/۶۴
یاددهنده	۱/۳	۰/۳۹
محتوای آموزشی	۴/۳	۰/۰۱
ارزیابی	۲/۳	۰/۱۲

**نتیجه گیری:** بیشترین موانع موجود متاثر از ابعاد علمی، روابط انسانی و نگرشها می باشند. بر این اساس، رفع موانع پژوهش در دانشگاه بیش از هر چیز متاثر از آموزش و توانمندسازی علمی، فرهنگ سازی و اصلاح نگرشها و بهبود روابط انسانی در سطح فرد، دانشگاه و عوامل پیرامونی دانشگاه می باشد. از آنجاکه بخش زیادی از مشکلات تحقیق از موانع استراتژیک و کلان ناشی می شود، ارتباط بیشتر بین پژوهشگران و سیاستگذاران در شناسایی و مرتفع نمودن موانع تحقیق اهمیت دارد.

واژه های کلیدی: استانداردها، آموزش الکترونیکی، فراگیران

## تاثیر ارزیابی تکوینی بر مهارت تفسیر ECG در دوگروه با ارائه و بدون ارائه بازخورد، در دستیاران تخصصی قلب بیمارستانهای آموزشی درمانی مدرس و طالقانی

اعظم نوری فروتقه\*، دکتر شهرام پزدانی، دکتر سلیمان احمدی، دکتر مهنوش فروغی، دکتر سید احمد رئیس السادات  
\*کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بیمارستان مدرس

noori\_sport@yahoo.com

**مقدمه:** گسترش حجم اطلاعات و یافته های علمی در حوزه های مختلف دانش، نیاز به استفاده از فن آوری اطلاعات و شیوه های مناسب آموزشی و ارزشیابی را ضروری ساخته است. بطوریکه ارزشیابی به عنوان تنها عامل موثر در شکل دهی چگونگی یادگیری دانشجویان در آموزش عالی شناخته شده و کیفیت پیامدهای یادگیری به کیفیت ارزشیابی بستگی دارد. در چند سال اخیر، موضوع ارزشیابی تکوینی، به عنوان یکی از دغدغه های دست اندرکاران امر آموزش در آمده است و اینکه انجام ارزشیابی مستمر امری ضروری است، جای شک و شبهه ای وجود ندارد، لذا چنین به نظر می آید که ارزشیابی مستمر از فرایند عملکردی، رفتاری و اصلاحی بیشتری برخوردار است و قادر است روند تحصیلی فراگیران را در مسیری معین و از پیش تعیین شده به پیش ببرد. این مطالعه به منظور بررسی تعیین تاثیر ارزشیابی تکوینی در آموزش مهارت دستیاران قلب و عروق در تفسیر الکتروکاردیوگرام در دوگروه مورد و شاهد (با ارائه بازخورد و بدون ارائه بازخورد) انجام شد.

**روش ها:** این مطالعه به صورت نیمه تجربی بر روی واحد های پژوهش انجام شد. ۲۲ نفر دستیار تخصصی سال دوم و سوم بیماریهای قلب و عروق در دو مرکز آموزشی، درمانی مدرس و طالقانی به دوگروه مداخله (با ارائه بازخورد) و شاهد (بدون ارائه بازخورد) تقسیم شدند و برنامه آموزشی به صورت ارزشیابی تکوینی طی ۲۳ جلسه برای هر دو گروه و بررسی پیش آزمون و پس آزمون انجام شد.

**نتایج:** ۹ نفر از دستیاران شرکت کننده (۴۰٪) در گروه مداخله و ۱۳ نفر (۵۹٪) در گروه شاهد قرار گرفتند. دو گروه از نظر سطح مهارت در ابتدای مطالعه همسان بودند، میانگین نمرات پیش آزمون گروه مداخله  $42.82 \pm 7.3$  و گروه شاهد  $41.48 \pm 3.7$  بود. سطح مهارت هر دو گروه در تفسیر الکتروکاردیوگرام پس از انجام آزمونهای تکوینی ارتقای واضحی یافت چنانچه میانگین نمره پس آزمون گروه شاهد از  $42.8 \pm 7.3$  به مقدار  $82.8 \pm 5.5$  رسید و در گروه مداخله نیز میانگین نمره پس آزمون از  $41.3 \pm 3.7$  به  $94.05 \pm 2.4$  رسید. سطح مهارت دوگروه در پایان آزمونهای تکوینی (پس آزمون) اختلاف معنی داری نشان داد.

**نتیجه گیری:** در این مطالعه، ارزشیابی تکوینی (مستمر) و ارائه بازخورد در فراگیران موجب دستیابی آنها به فرصتهای یادگیری عملی و مهارتی بیشتری می شود و نهایتاً سبب افزایش انگیزه یادگیری و ارتقا در ارزیابی مهارت تفسیر نوار قلب در فراگیران می شود. در نتیجه استادان و مسئولان مربوط که دوره های مختلف آموزشی را که با شیوه های نوین تدریس برگزار می کنند بهتر است از آزمونهای تکوینی به همراه ارائه بازخورد در برنامه آموزشی و ارزشیابی استفاده کنند.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی تکوینی، بازخورد، الکتروکاردیوگرام، دستیاران تخصصی قلب

## عوامل مؤثر بر مشروط شدن دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

معصومه دل آرام

استادیار گروه مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

masoumehdelaram@yahoo.com

**مقدمه:** افت تحصیلی و مشروط شدن دانشجویان یکی از مشکلات عمده مراکز آموزش عالی کشور است. مطالعه حاضر به منظور تعیین عوامل مؤثر بر مشروط شدن دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد انجام شد.

**روش‌ها:** در این پژوهش مقطعی، ۳۱۰ نفر از دانشجویان رشت‌های مختلف تحصیلی شرکت داشته و ۱۰۱ نفر از دانشجویانی که حداقل سابقه یک ترم مشروطی داشتند، با ۲۰۹ دانشجویی که سابق‌های از مشروطی نداشتند، از نظر بعضی عوامل مورد مقایسه قرار گرفتند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل مشاهده مستقیم پرونده‌های آموزشی و استفاده از پرسشنامه بود. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های تی، کای-دو و ضریب همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل و میزان  $P < 0/05$  معنی‌دار در نظر گرفته شد.

**نتایج:** تفاوت معنی‌داری در سن، جنس، معدل پایین دیپلم، استفاده از سهمیه غیرمناطق در کنکور سراسری، استعمال سیگار و سایر مواد مخدر، داشتن شغل حین تحصیل، عدم حضور منظم و تمرکز کم در کلاس درس بین دو گروه مشروط و غیر مشروط وجود داشت ( $P < 0.001$ ). این تفاوت همچنین در مورد طولانی بودن فاصله اخذ دیپلم تا ورود به دانشگاه ( $P = 0.002$ )، اخذ دیپلم در شهریورماه ( $P = 0.006$ )، غیر بومی بودن ( $P = 0.02$ )، در قید حیات نبودن یکی از والدین ( $P = 0.002$ )، سابقه بیماری روانی ( $P = 0.02$ )، عدم علاقه به رشته تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل ( $P = 0.04$ ) و عدم داشتن برنامه منظم برای مطالعه ( $P = 0.004$ ) نیز معنی‌دار بود. همچنین سلامت عمومی دانشجویان مشروط پائین‌تر از دانشجویان غیر مشروط بود ( $P < 0.001$ ).

**نتیجه‌گیری:** توجه به عوامل مختلفی مثل نحوه پذیرش دانشجو، مشاوره تحصیلی، ارائه کارگاه‌های آموزشی برنامه‌ریزی مطالعه، حذف سهمیه‌ها در کنکور سراسری، افزایش کمک‌هزینه‌های تحصیلی و وام‌های دانشجویی و بکارگیری روش‌هایی جهت افزایش سلامت عمومی دانشجویان می‌تواند در کاهش مشکلات آموزشی دانشجویان مؤثر باشد.

**واژه‌های کلیدی:** افت تحصیلی، دانشجویان علوم پزشکی، عوامل مؤثر

## بررسی وضعیت استفاده از روشهای ارزیابی صلاحیت بالینی دستیاران پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی تهران-۱۳۹۱

دکتر هومان حسین نژاد، هلن درگاهی\*، دکتر فاطمه السادات نبیری، دکتر شهرام آگاه، دکتر ام البنین پاک نژاد،

دکتر عظیم میرزازاده

\*دانشجوی دکتری آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

[Helen.Dargahi@yahoo.com](mailto:Helen.Dargahi@yahoo.com)

**مقدمه:** ارزیابی پل میان آموزش و یادگیری است و یکی از اهداف اصلی آن قضاوت درباره جنبه های مختلف توانمندی فراگیران می باشد. شناسایی، بازخورد و ارتقاء توانایی و عملکرد پزشکانی که ضامن سلامت جامعه می باشند، از مهمترین مقاصد نظام سلامت می باشد و دستیابی به آن جز با بکارگیری روش های صحیح ارزیابی و معیارهای مناسب آن امکان پذیر نمی باشد. این پژوهش با هدف تعیین وضعیت بکارگیری انواع روشهای ارزیابی صلاحیت بالینی دستیاران گروه های پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شد.

**روش ها:** این پژوهش یک مطالعه توصیفی بوده و ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه پژوهشگر ساخته ای بود که با استفاده از ابزارهای پیشنهادی شورای اعتبار بخشی آموزش پزشکی تخصصی آمریکا<sup>۷۸</sup> و سایر منابع علمی تدوین شد. پرسشنامه توسط کلیه مسئولین آموزش دستیاران گروه های آموزشی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران تکمیل گردید. تحلیل داده ها با استفاده نرم افزار SPSS<sub>16</sub> و شاخص های مرکزی و پراکندگی انجام شد.

**نتایج:** نتایج نشان داد که بیشترین روش های مورد استفاده در گروه های آموزشی پرسش های چند گزینه ای<sup>۷۹</sup> (۱۰۰٪)، آزمون های آسکی<sup>۸۰</sup> (۱۰۰٪) و لاگ بوک<sup>۸۱</sup> (۸۸٪) می باشند. روش های مشاهده مستقیم مهارت های درمانی<sup>۸۲</sup> (۵۸٪) و ارزیابی کلی<sup>۸۳</sup> (۳۸٪) در اولویت های بعدی قرار دارند. بازتاب مستند مجموعه عملکرد<sup>۸۴</sup> و ارزیابی ۳۶۰ درجه با وجود اینکه روش های متداولی در گروه های آموزش بالینی نبودند، اما به اعتقاد اکثریت مسئولین آموزش دستیاران اگر توسط اساتید آموزش دیده و در شرایط مناسب استفاده شوند، می توانند روش های مناسبی باشند. بیشترین میزان رضایت از روش ارزیابی کلی و کمترین میزان رضایت از روش لاگ بوک بود. نتیجه گیری: در پژوهش انجام شده مشاهده می شود، جهت گیری سنجش توانمندی و عملکرد دانشجویان به سمت موقعیت های غیر واقعی و شبیه سازی می باشد. همچنین در اکثر رشته های دستیاران از روش های ارزیابی یکنواخت استفاده شده و بر اساس نیاز رشته و شرایط محیط بالینی نمی باشد. بنابراین طراحی سیستم های جداگانه ارزیابی صلاحیت بالینی دستیاران پزشکی در رشته های مختلف مورد نیاز است.

**واژه های کلیدی:** روشهای ارزیابی، صلاحیت بالینی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، دستیاران پزشکی

<sup>۷۸</sup> ACGME

<sup>۷۹</sup> MCQ

<sup>۸۰</sup> OSCE

<sup>۸۱</sup> Logbook

<sup>۸۲</sup> Direct Observation of Procedural skills (DOPS)

<sup>۸۳</sup> Global Rating Form (GRF)

<sup>۸۴</sup> Portfolio



## مقایسه دیدگاه دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در خصوص تاثیر ویژگیهای استاد در نحوه ارتباط استاد ودانشجو

علی عباسی<sup>۱\*</sup>، بیتا بیجاری<sup>۲</sup>  
\*کارمند دانشگاه علوم پزشکی بیرجند  
**aliabassi86@yahoo.com**

آستادیار دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دانشکده پزشکی، گروه پزشکی اجتماعی

**مقدمه:** ارتباط موثر بین استاد و دانشجو نقشی مهم و اساسی در اثر بخشی فرایند آموزش و یادگیری دارد. هدف از این مطالعه مقایسه دیدگاه دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در خصوص تاثیر ویژگیهای استاد در نحوه ارتباط استاد ودانشجو بود.

**روش‌ها:** در این مطالعه مقطعی (توصیفی-تحلیلی)، دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند پرسشنامه پژوهشگر ساخته که براساس بررسی متون و مشورت با چند نفر از افراد خبره در خصوص تاثیر ویژگیهای استاد در نحوه ارتباط استاد ودانشجو تدوین شده بود در سال ۱۳۹۰ تکمیل کردند. پرسشنامه حاوی ۳۲ سوال مشتمل بر ویژگی های احتمالی موثر بر روابط بین استاد و دانشجو بود. در مقابل هر یک از عوامل احتمالی موثر بر ارتباط بین استاد و دانشجو میزان تاثیر به صورت گزینه های بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم قرار داشت که بر اساس سیستم نمره دهی لیکرت به گزینه بسیار زیاد (نمره ۵)، به گزینه زیاد (نمره ۴)، متوسط (نمره ۳)، کم (نمره ۲) و خیلی کم (نمره ۱) تعلق می گرفت داده ها با نرم افزار (spss 17) با استفاده از آمار توصیفی و آزمون آنالیز واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** تعداد شرکت کنندگان ۳۲۳ با میانگین سنی  $21/78 \pm 2/35$  سال بودند ۹۸ دانشجو در مقطع کاردانی، ۱۶۷ نفر در مقطع کارشناسی و ۵۸ نفر در مقطع دکترا مشغول به تحصیل بودند. از عوامل موثر بر ارتباط بین استاد و دانشجو میانگین نمره مربوط به عوامل محبوبیت و شهرت استاد بین دانشجویان و سابقه فعالیتهای آموزشی استاد بطور معنی داری در مقطع دکترا بیشتر از مقاطع کاردانی و کارشناسی و میانگین نمره مربوط عامل رازداری و امانت داری در مقطع کاردانی بیشتر از سایر مقاطع تحصیلی بود. ( $P < 0/05$ ) در سایر عوامل برحسب مقطع تحصیلی تفاوت معنی داری مشاهده نگردید.

**نتیجه گیری:** در بیشتر عوامل احتمالی موثر بر ارتباط بین استاد و دانشجو دیدگاه دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی اختلافی مشاهده نشد. موارد اختلاف بین دیدگاه دانشجویان مقاطع مختلف می تواند مربوط به متفاوت بودن سطح انتظارات، قضاوت و درک دانشجویان از دانشگاه و استاد و انگیزه تحصیلی آنها باشد. اساتید می توانند با در نظر گرفتن عوامل موثر در برقراری ارتباط با دانشجویان در هدایت و بهبود این فرایند یاددهی یادگیری گام بردارند.

**واژه های کلیدی:** دیدگاه ، مقطع تحصیلی، ارتباط، استاد، دانشجو

## مقایسه‌ی نظام‌های ارزشیابی عملکرد اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های مختلف جهان بر اساس الگوی تشخیصی: تحلیل کیفی محتوا

دکتر مهناز خطیبان\*، گیتاسنگستانی

\*استاد یار گروه داخلی-جراحی، مرکز تحقیقات مراقبت‌های مادر و کودک، دانشگاه علوم پزشکی همدان

[m-khatiban@umsha.ac.ir](mailto:m-khatiban@umsha.ac.ir)

### مقدمه:

یکی از روش‌های مهم در ایجاد و ارتقای نظام ارزشیابی عملکرد اعضای هیئت‌تعلیمی در دانشگاه‌های ایران، بررسی مقایسه‌ی الگوهای مختلف جهان است. به همین لحاظ به عنوان قسمتی از پژوهش‌های وسیع‌تر با هدف ارزیابی الگوهای ارزشیابی عملکرد اعضای هیئت‌تعلیمی، مبادرت به مقایسه‌ی سیستم‌های ارزشیابی عملکرد در دانشگاه‌های جهان گردید.

**روش‌ها:** پژوهش کیفی حاضر به روش تحلیل محتوا با رویکرد تئوریک‌یابی بر اساس الگوی تشخیصی ارزشیابی عملکرد (ولف ۲۰۰۳) انجام گردید. جامعه پژوهش کلیه هیأت‌های آموزشی در پنج‌گانه بود. نمونه‌گیری از دانشگاه‌ها به‌طوری‌که الگوهای ارزشیابی در پایگاه خود به‌انگلیسی داشته‌اند. همچنین با کلیدواژه‌های «بوم‌پر»، جستجو از طریق موتورهای جستجو انجام گردید. بدین ترتیب نظام‌های ارزشیابی عملکرد اعضای هیئت‌تعلیمی ۱۹ دانشگاه در قاره‌های آمریکا (۱۰)، اروپا (۳)، اقیانوسیه (۲)، آفریقا (۳) و آسیا (یک) در ترکیه گرد و نمونه‌ها تشکیل دادند که محتوا این نظام‌ها به‌طور کیفی مورد تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** فلسفه تمام نظام‌های ارزشیابی مورد نظر، شناخت عملکرد موجود، فراهم آوردن تسهیلاتی جهت بهبود رفتار آن افراد، توسعه مداوم، ارتقای کیفیت عملکرد و شناسایی موانع عملکرد و نیازهای توسعه‌ی افراد می‌باشد. نظام‌ها یفوق‌باز نظام‌های پیرداخت، پاداش، جذب و استخدام نظام‌ها ی توسعه‌ی رفتار تقابلی عملکرد در تب‌هستند. موثر بودن اعضای هیئت‌تعلیمی توسط ملاک‌های ارزشیابی عملکرد در درازمدت سال‌تساز ماندن حوزه‌های آموزشی، پژوهشی و وظایف مدیریتی و حمایتی؛ برای ایند های کار یوشایستگی‌ها ی فرد یو خاص شغل ر بوط مشخص می‌گردد. محور این نظام‌ها تر کیبباز الگوهای بی‌محور ی‌ت‌شایستگی، ویژگی‌ها ی فردی، رفتار و نتایج با و ز نه‌ای مختلف بر اساس موقعیت‌ها ی سازمانی و حرفه‌ها ی بود. در داده‌ها ی کمیو کیفی جهت ارزشیابی مقیاس‌ها ی تب‌ه‌بند یو ازارها ی مبتنی بر هد ف‌منا ب‌ع‌چ‌ن‌د گانه‌ها ستفاده می‌شود.

### نتیجه‌گیری:

با توجه به یافته‌ها ی پژوهش و شبهه نظر میرسد می‌تواند الگوهای ارزشیابی در سایر دانشگاه‌ها ی مطرح جهان، اقدام به طراحی نظامی ارزشیابی و یا کارآمد تان تی‌جه‌ی مورد نظر که ارتقای بهره‌وری مهم‌تر ی‌منا ب‌ع‌ا‌ن‌س‌ا‌ن‌د‌ا‌ن‌ش‌گ‌ا‌ه‌ها حاصل آید.

**واژه‌های کلیدی:** سیستم‌های ارزشیابی عملکرد، اعضای هیأت علمی، دانشگاه‌های جهان، مطالعه مقایسه‌ی، پژوهش کیفی

## طراحی شاخص های ارزیابی آموزش پرستاری؛ یک مطالعه تلفیقی

مسعود خداویسی\*، مهرانوش بازارگادی، فریده یغمائی، حمید علوی مجد

\* استادیار پرستاری بهداشت جامعه و عضو مرکز تحقیقات مراقبت از بیماریهای مزمن در منزل، دانشگاه علوم پزشکی

همدان

Email: Khodaveisi@umsha.ac.ir

**مقدمه:** آموزش پرستاری به عنوان بخشی از آموزش عالی در دهه های اخیر در جهان با سرعت زیادی در حال توسعه و گسترش است که باعث نگرانی در باره کیفیت آموزش این رشته شده است. این مطالعه با هدف تعیین شاخص های ارزیابی کیفیت آموزش پرستاری طراحی گردیده است.

**روش ها:** این پژوهش یک مطالعه تلفیقی است که در پنج مرحله در سال ۱۳۹۰ انجام گردید. در مرحله اول درک صاحب نظران و صاحبان فرایند ارزیابی از وضعیت موجود ارزیابی در آموزش پرستاری، با رویکرد کیفی و به روش مصاحبه با ۲۱ نفر از اعضای هیئت ممکنه و ارزشیابی پرستاری، رؤسا و معاونین دانشکده های پرستاری و مامائی و اعضای کمیته های ارزشیابی کشور تبیین گردید. در مراحل دوم و سوم ۷ مستند و فرم ارزیابی در داخل کشور و ۱۱ فرم و استاندارد موجود و در دسترس در سطح بین الملل در مورد ارزیابی و اعتبار بخشی آموزش پرستاری شناسائی گردیده و با استفاده از روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفتند. در مرحله چهارم اعتبار و پایایی شاخص ها تعیین گردید. در مرحله پنجم با استفاده از نظر صاحب نظران شاخص ها از سه نظر اهمیت، مقبولیت علمی و قابلیت اجرا بررسی، اولویت بندی و نهایی سازی گردیدند.

**نتایج:** در مرحله اول این مطالعه ۱۶ مضمون در زمینه چالش های ارزیابی و ۲۱ مضمون در زمینه الزامات ارزیابی اثربخش در آموزش پرستاری شناسائی گردیدند. در مراحل دوم و سوم، حیطة ها و شاخص های ارزیابی آموزشی موجود در مستندات و فرم های ارزیابی آموزشی در سطح کشور و در سطح بین الملل شناسائی و استخراج شدند. یافته های مراحل اول، دوم و سوم پژوهش پس از ادغام منجر به شناسائی و استخراج ۵۶۰ گویه گردید. در نهایت پس از انجام اعتبار صوری و محتوا و آزمون مجدد و همبستگی درونی شاخص ها، یافته های این پژوهش در ۹ حیطة و ۹۶ شاخص طبقه بندی و تدوین گردید.

**نتیجه گیری:** پویائی نظام های آموزشی، روش های ارزیابی پویا را می طلبد. با توجه به اینکه در این مطالعه شاخص های ارزیابی مورد بازنگری قرار گرفتند این شاخص ها می تواند در ارزیابی درونی، ارزیابی بیرونی، سطح بندی و اعتبار بخشی دانشکده ها و نظام آموزشی پرستاری مورد استفاده قرار گیرند.

**واژه های کلیدی:** شاخص های ارزیابی، آموزش پرستاری، مطالعه پرستاری تلفیقی

## بررسی نگرش دانشجویان در خصوص ارزشیابی تحت وب اساتید در مقایسه با روش

### دستی در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۳۹۰

فاطمه عرفانی<sup>۱\*</sup> دکتر معصومه معزی - دکتر افسانه ملکپور - مژگان آل علی - فریبا بنی مهدی

\*کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

[erfani\\_429@yahoo.com](mailto:erfani_429@yahoo.com)

**مقدمه:** آموزش یکی از وظایف اصلی دانشگاهها می باشد و مدرسین یکی از اجزای کلیدی و موثر فرایند آموزش هستند. همان طور که مراکز آموزشی موظفند اطلاعات لازم را در مورد چگونگی پیشرفت تحصیلی دانشجویان و اجرای موثر برنامه های آموزشی موسسه خود جمع آوری کنند، لازم است که به ارزشیابی اساتید خود نیز توجه کافی داشته باشند و برای ارتقای آن همت گمارند.

**روشها:** تحقیق حاضر از نوع مقطعی و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بود. روش نمونه گیری تصادفی ساده و حجم نمونه ۳۸۴ نفر محاسبه گردید. روایی پرسشنامه با نظر تعدادی از اساتید صاحب نظر حاصل شد و جهت پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده شد که ۰/۷۹ بود. آنالیز داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS 16 و آمارهای توصیفی و آزمون تی مستقل انجام شد. از بین پرسشنامه های توزیع شده ۵۲,۷۸٪ عودت داده شد.

**نتایج:** از بین ۲۰۳ نفر شرکت کننده تعداد ۶۶,۷ درصد را آقایان تشکیل دادند. همچنین ۱۱,۸ درصد رشته بهداشت محیط ۲۷,۶ درصد رشته بهداشت عمومی ۳۳ درصد پزشکی و ۲۷,۱ درصد رشته پرستاری بودند. ۳۷/۸ درصد به روش دستی و بقیه به صورت تحت وب ارزشیابی اساتید را انجام می دادند. اکثر دانشجویان زمان کنونی برای ارزشیابی و مهلت یک ماهه جهت تکمیل فرمها را مناسب می دانستند. از نظر ۴۶٪ دانشجویان در تکمیل فرمهای ارزشیابی دقت کافی به کار می رود و میزان تصادفی پاسخ دادن به فرمها در ارزشیابی تحت وب کمتر از روش دستی است. ۷۸٪ آنان عقیده داشتند که تعداد سوالات ارزشیابی تحت وب مناسب می باشد و ۳۲٪ دانشجویان به سهولت توانایی دسترسی به اینترنت و ورود به سایت جهت پرکردن سوالات ارزشیابی را داشتند. از نظر اکثر آنها اساتید باید از نتایج ارزشیابی به تفکیک دروس مطلع گردند زیرا این کار باعث تقویت روابط بین استاد و دانشجویان می گردد. و منجر به بهبود عملکرد اساتید می گردد همچنین اکثر دانشجویان ابراز داشته اند که رضایت بیشتری جهت تکمیل فرمهای تحت وب در مقایسه با روش دستی دارند.

#### نتیجه گیری:

به طور کلی می توان از نتایج حاصله این طور استنباط نمود که میزان رضایت دانشجویان از ارزشیابی تحت وب بیشتر از ارزشیابی به صورت دستی می باشد و این روش مزیت های دیگری نیز دارد مانند دقت بالا و داشتن زمان بیشتر برای تکمیل فرمها. بنابر این استفاده از روشهای نوین ارزشیابی و همچنین داشتن توجه کافی به نتایج ارزشیابی و سعی در رفع نواقص و مشکلات آموزشی می تواند گامی موثر جهت ارتقای عملکرد دانشگاهها باشد.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی، نگرش

## الگوهای ارزشیابی برنامه برای قرن بیست و یکم

دکتر محمدصادق دهقان<sup>۱\*</sup>، دکتر فاطمه جاویدان<sup>۲</sup>، دکتر سلیمان احمدی<sup>۳</sup>

Email: [drmsdehghan@gmail.com](mailto:drmsdehghan@gmail.com)

\*دانشجوی دکترای تخصصی رشته آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی

شهیدبهبشتی

<sup>۲</sup> کارشناس معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

<sup>۳</sup> عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهیدبهبشتی - معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

**مقدمه:** امروزه ارزشیابان برنامه‌های آموزشی، رویکردهای گوناگونی از روشهای ارزشیابی را در دسترس دارند که در گذشته وجود نداشت. قرن بیست و یکم چالشهایی را به وجود آورده است که می‌تواند فرصتی مغتنم برای تفکر درخصوص توسعه ارزشیابی برنامه باشد. مطالعه رویکردهای نوین ارزشیابی برای حرفه‌ای کردن ارزشیابی برنامه و پیشرفت علمی و عملی آن ضروری است.

**روش‌ها:** این مطالعه از نوع مطالعات مروری است که با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده است. هر رویکرد با ده توصیف‌گر اصلی مشخص شده است، شامل پیش‌سازمان‌دهنده‌ها؛ هدف یا هدف‌های اصلی؛ منابع پرسشهای بیان شده؛ پرسشهای تعیین کننده؛ روشهای به کار گرفته شده؛ افراد پیشگامدر مفهوم‌سازی هر رویکرد؛ سایر افرادی که رویکرد را توسعه داده‌اند؛ ملاحظات کلیدی در تعیین زمان استفاده از رویکرد و همچنین نقاط قوت و ضعف هر رویکرد.

**نتایج:** انواع متفاوتی از فعالیتهای به نام ارزشیابی برنامه انجام شده که بر مبنای میزان مطابقتشان با یک تعریف خاص از ارزشیابی، طبقه‌بندی شده‌اند. از دیدگاه استافلر بیم ارزشیابی عبارت است از: «مطالعه‌ای که برای کمک به مخاطبان در سنجیدن ارزش و شایستگی هدفها، انجام می‌شود.» بر اساس این تعریف، بیست و دو رویکرد ارزشیابی برنامه، در چهار طبقه قرار می‌گیرند: طبقه اول شامل رویکردهایی با یافته‌های نادرست یا ناقص که ارزشیابی کاذب نامیده می‌شوند. سه طبقه دیگر، شامل رویکردهای پرسش محور و یا روش محور، مبتنی بر بهبود/پاسخگویی، مبتنی بر مدافعه اجتماعی، می‌باشند. از رویکردهای ارزشیابی متنوعی که در قرن بیستم پدیدار شدند، نه رویکرد به عنوان بهترین رویکردهای ارزشیابی برای قرن بیست و یکم مطرح می‌باشند که عبارتند از: مطالعات مبتنی بر تصمیم/ پاسخگویی، ارزشیابی متمرکز بر کاربرد، مطالعات مراجع محور (یا ارزشیابی پاسخگو)، ارزشیابی دموکراتیک شورایی، مطالعات مبتنی بر مصرف کننده، ارزشیابی ساختارگرا، ارزشیابی‌های مطالعه موردی، اعتباربخشی/اعطای گواهینامه، ارزشیابی پیامد به عنوان سنجش ارزش افزوده، که حاکی از کاربرد آینده و توسعه بیشتر رویکردهای ارزشیابی برنامه می‌باشد.

**نتیجه‌گیری:** مطالعه دقیق و حرفه‌ای رویکردهای ارزشیابی، می‌تواند به ارزشیابان برنامه‌های آموزشی شناسایی اصول صحیح ارزشیابی، حرفه‌ای کردن ارزشیابی برنامه و پیشرفت علمی و عملی آن، شناسایی رویکردهای نامعتبر، تشخیص، آزمایش و شناسایی مسائل فنی و مفهومی مربوط به توسعه رشته ارزشیابی آموزشی، انتخاب موثرترین روش ارزشیابی، ایجاد زمینه برای شناخت نقاط قوت و ضعف رویکردها، تصمیم‌گیری در خصوص انتخاب یک رویکرد متناسب با هدف ارزشیابی، تعیین زمان مناسب استفاده از یک رویکرد، به دست آوردن مسیر بهبود رویکردها و انتخاب جایگزین احتمالی هر یک از رویکردها و همچنین مفهومی ساختن ترکیب رویکردهای ارزشیابی، کمک فراوانی نماید.

واژه‌های کلیدی: ارزشیابی، برنامه آموزشی، رویکرد، قرن بیست و یکم.

### بررسی دیدگاه دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران درباره عوامل مربوط به محیط آموزشی

دکتر اسماعیل یاسینی\*، دکتر فرامرز مجتهدزاده، دکتر محمد جواد خرازی فرد، دکتر مریم راستگو، دکتر مریم سراجزاده.

\*استاد گروه ترمیمی دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

Email: yassini\_e@yahoo.com

**مقدمه:** اطلاع از دیدگاه فراگیران در خصوص محیط آموزشی یکی از عوامل مهمی است که می‌تواند به مدیریت یک سیستم آموزشی کمک کند. تحقیق حاضر با هدف تعیین دیدگاه دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران نسبت به عوامل مربوط به محیط آموزشی انجام شد.

**روش‌ها:** در یک تحقیق توصیفی-مقطعی، ۳۷۵ دانشجوی ورودی‌های ۹۰-۱۳۸۵ در دانشکده دندانپزشکی تهران به شکل سرشماری انتخاب و با استفاده از یک پرسشنامه با روایی و پایایی تأیید شده که بر مبنای پرسشنامه DSLES (Dental School Learning Environment Survey) تدوین شده، ارزیابی گردیدند. خصوصیات دموگرافیک، و ارزیابی محیط آموزشی بر اساس حیطه‌های این پرسشنامه یعنی انعطاف پذیری برنامه، روابط بین دانشجویان، جو عاطفی، دغدغه‌های دانشجویی، تناسب فعالیت‌های آموزشی و اهداف، سازماندهی برنامه و فعالیت یادگیری فوق برنامه توسط دانشجویان تعیین شد.

**نتایج:** با اختصاص امتیازات صفر تا ۴ به پاسخها، میانگین امتیازات انعطاف پذیری برنامه، روابط بین دانشجویان، جو عاطفی، دغدغه‌های دانشجویی، تناسب فعالیت‌های آموزشی و اهداف، سازماندهی برنامه و فعالیت یادگیری فوق برنامه به ترتیب برابر  $1/19 \pm 0/75$ ؛  $1/81 \pm 0/74$ ؛  $1/69 \pm 0/56$ ؛  $1/46 \pm 0/67$ ؛  $1/46 \pm 0/63$ ؛  $1/46 \pm 0/63$ ؛  $1/98 \pm 0/63$ ؛  $1/32 \pm 0/65$  بدست آمد.

**نتیجه‌گیری:** دیدگاه فراگیران در خصوص محیط آموزشی و در هر یک از حیطه‌های ۷ گانه دانشکده دندانپزشکی به طور کلی از مطلوبیت زیادی برخوردار نبود. این یافته‌ها ضرورت بازنگری و اصلاح در هر یک از حیطه‌ها توسط مسئولین دانشکده و دانشگاه را ایجاب می‌کند.

واژه‌های کلیدی: دندانپزشکی، محیط آموزشی، مدیریت آموزشی

## بررسی وضعیت مهارت های ارتباطی ، تعهد حرفه ای و اخلاق پزشکی اعضا هیات علمی دانشکده پزشکی شیراز

فاطمه رحیمی\* ، هاجر دهقان، سرور اینالو

دانشگاه علوم پزشکی شیراز

[arzeshdept@sums.ac.ir](mailto:arzeshdept@sums.ac.ir) / [hdehghan@sums.ac.ir](mailto:hdehghan@sums.ac.ir)

**مقدمه:** مهارت های ارتباطی ، تعهد حرفه ای و اخلاق پزشکی به عنوان مهمترین ویژگی های لازم برای افراد شاغل در مراقبت های بهداشتی درمانی توصیف شده است . استفاده مناسب از مهارت های ارتباطی به عنوان یکی از مهمترین عوامل تاثیر گذار بر کیفیت یادگیری دانشجویان مطرح است و در این رابط استاد اصلی ترین نقش را بر عهده دارد ، همچنین داشتن تعهد حرفه ای و اخلاق پزشکی از جانب اساتید بالینی که وظیفه تربیت پزشکان آینده را بر عهده دارند به عنوان یک عامل مهم در افزایش رضایت بیمار مطرح است. هدف از این مطالعه بررسی وضعیت مهارت های ارتباطی ، تعهد حرفه ای و اخلاق پزشکی اعضا هیات علمی دانشکده پزشکی شیراز در سال ۱۳۹۱ بود

**روش ها:** این مطالعه به صورت توصیفی - تحلیلی و به روش مقطعی در سال ۱۳۹۱ انجام شد ، ابزار جمع آوری، اطلاعات پرسشنامه بود که روایی آن از طریق نظرسنجی از متخصصین مربوطه تایید شد و پایایی آن به روش همسانی درونی و محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۸۰ برای فرم های نظر سنجی دستیاران و ۰/۹۱۹ برای فرم های نظرسنجی دانشجویان بالینی تعیین شد. پرسشنامه ها به صورت حضوری در اختیار دستیاران و دانشجویان گروه های بالینی قرار گرفت. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** بر اساس نتایج، میانگین و انحراف معیار عملکرد اساتید با (min=0 , max=20) در زمینه تعهد حرفه ای و اخلاق پزشکی ، (  $18/67 \pm 0/911$  )، در زمینه مهارت های ارتباطی (  $18/45 \pm 1/55$  ) بود ، ۷۰ درصد از پاسخ دهندگان اساتید را به عنوان یک الگوی مناسب اجتماعی و حرفه ای معرفی کردند. در زمینه رعایت موازین اخلاق حرفه ای در برخورد با فراگیران ، دانشجویان در مقایسه با دستیاران، اساتید را به طور معنی داری در سطح بالاتر ارزیابی کردند (  $p=0/001$  ). در زمینه تعهد حرفه ای و اخلاق پزشکی، دانشجویان و دستیاران گروه های غیر جراحی در مقایسه با گروه های جراحی ، اساتید را به طور معنی دار در سطح بالاتر ارزیابی کردند (  $p=0/000$  ). در زمینه مهارت های ارتباطی اساتید گروه جراحی در مقایسه با گروه های غیر جراحی نمره بالاتری کسب کردند (  $p=0/022$  ).

**نتیجه گیری:** اساتید گروه های غیر جراحی در مقایسه با گروه های غیر جراحی در زمینه تعهد حرفه ای ، اخلاق پزشکی عملکرد مطلوب تری داشتند اساتید گروه های جراحی در زمینه مهارت های ارتباطی توانمندتر بودند.

**واژه های کلیدی:** تعهد حرفه ای ، اخلاق پزشکی ، مهارت ارتباطی

## مقایسه آموزش بیماری دیابت به دو روش آموزش الکترونیک و سخنرانی در دانشجویان بهداشت تغذیه

دکتر کامران میرزایی ، دکتر ثریا زحمت کش\* ، محمدرضا یزدانخواه فرد  
\*مری مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی بوشهر

[Zahmatkeshs2004@yahoo.com](mailto:Zahmatkeshs2004@yahoo.com)

**مقدمه:** یادگیری مؤثر و پایداربیماریها از جمله اهداف اصلی برنامه آموزش پزشکی می باشد. روش های سنتی آموزش که در حال حاضر اجرا می شود، به تنهایی پاسخ گوی این مهم نیست. استفاده از روش های جایگزین و استفاده از مکانیسم هایی که دانشجویان از طریق آن بتوانند خود به دانش و مهارت مورد نیاز دست یابند، در سا لهای اخیر مورد توجه قرار گرفته است. هدف این پژوهش مقایسه تأثیر روش آموزش الکترونیک و سخنرانی بر یادگیری درس بیماری دیابت دردانشجویان کارشناسی تغذیه دانشگاه علوم پزشکی بوشهر انجام شد.

**روش ها:** برای شرکت در یک مطالعه نیمه تجربی ، ۵۳ دانشجویان کارشناسی تغذیه ( دو ورودی) در درس پاتوفیزیولوژی بیماریها انتخاب شدند . دانشجویان دو ورودی بصورت تصادفی به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند. آموزش مبحث بیماری دیابت برای یک گروه به روش سنتی سخنرانی و برای گروه دیگر به روش آموزش الکترونیک ارائه شد. در انتهای آموزش، آزمون کتبی از محتوای ارائه شده به همراهی نظرات دانشجویان در مورد روش آموزش ارائه شده با استفاده از یک پرسشنامه اخذ گردید . نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS، آنالیز شد

**نتایج:** میانگین نمرات دانشجویان گروه تحت آموزش الکترونیک در حیطه های پاتوفیزیولوژی بیماریها (  $P < 0/001$  ) ، عوامل خطر بیماری (  $P < 0/032$  ) ، عوارض بیماری (  $P < 0/028$  ) و تشخیص بیماری (  $P < 0/033$  ) بصورت معنی داری بالاتر از گروه آموزش به روش سخنرانی بود لیکن در حیطه های مشخصات بیماری و پیشگیری از بیماری تفاوت آماری معنی داری مشاهده نشد (  $P > 0/05$  ) . همچنین میانگین نمره کل آزمون و رضایت از یادگیری در گروه آموزش الکترونیک بطور معنی داری از گروه سخنرانی بالاتر بود (  $P < 0/001$  )

**نتیجه گیری :** استفاده از یادگیری الکترونیکی در رویکرد ترکیبی باعث آسان شدن یادگیری فعال و عمیق می گردد . طراحی و استفاده از منابع الکترونیکی با در نظر گرفتن محیطهای تعاملی مناسب و جذاب ساختن محیط های مجازی برای برانگیختن فراگیران می تواند در بهبود فرایند آموزش نقش مهمی را ایفا نماید.

**واژه های کلیدی :** آموزش ، سخنرانی ، آموزش الکترونیک ، دانشجو ، دیابت



## مقایسه اثربخشی دو روش آموزش حضوری و غیر حضوری بهداشت باروری (فعالیت بدنی) در زوجین باردار شهرستان گناوه

صغری درخشان<sup>۱\*</sup>، آرزیتا نوروزی<sup>۲</sup>، رحیم طهماسبی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

<sup>۲</sup> استادیار، آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۳</sup> استادیار، آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

zohrehderakhshan@yahoo.com

**مقدمه:** آموزش بهداشت باروری راهی ایمن برای تولد نوزادی سالم همراه با سلامت کامل مادر می باشد. آموزش فعالیت بدنی در دوران بارداری از جمله اقداماتی است که کمتر به آن پرداخته شده است. ورزش در دوران بارداری از احتمال بروز دیابت و مسمومیت پایان حاملگی می کاهد. بنابراین ما بران شدیم که شیوه آموزشی مناسب فعالیت بدنی در زنان باردار را بیابیم.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر یک پژوهش نیمه آزمایشی است جامعه مورد مطالعه ما کلیه زنان باردار زیر ۲۵ هفته بارداری با تحصیلات حداقل دیپلم و سن زیر ۳۵ سال و همسرانشان می باشند. ابزار گردآوری دادهها پرسشنامه محقق ساخته با ۱۵ سؤال آگاهی فعالیت بدنی بود که روایی آن توسط اساتید تایید شده است و تعیین پایایی از ضریب الفای کرونباخ (۰/۷۵) است. نمونه به طور تصادفی ساده انتخاب و به سه گروه آموزش حضوری و الکترونیکی و شاهد تقسیم شدند. گروه آموزش حضوری طی ۲ جلسه کلاس حضوری و آموزش الکترونیکی با دریافت (CD) و گروه شاهد بدون آموزش، پرسشنامه را در سه نوبت پیش آزمون و پس آزمون و یک ماه بعد تکمیل کردند اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: تاثیر آموزش در هر ۲ گروه نسبت به گروه کنترل معنی دار بود، بطوریکه شاخص آزمون F در تحلیل واریانس داده های تکراری برای آنان ۱۲۶/۲۱۸ محاسبه گردید. بطوریکه  $P < 0/001$  تاثیر آموزش را نشان می دهد. مقایسه اینکه کدام روش آموزش موثرتر می باشد آزمون تعقیبی مبتنی بر روش حداقل مربعات اختلافات نشان می دهد که علیرغم افزایش نمره آگاهی در مورد فعالیت بدنی در گروه آموزش غیر حضوری نسبت به گروه آموزش حضوری تغییرات نمره آگاهی فعالیت بدنی در این دو روش تفاوت آماری معنی داری ندارد ( $P = 0/091$ ).

**نتیجه گیری:** آموزش های فعالیت بدنی، سهم زیادی در ارتقا سلامت جامعه دارد. زنان باردار به عنوان یکی از گروههای در معرض خطر فشار خون و دیابت می باشند که فعالیت بدنی در پیشگیری از آن سهم عمده ای دارد بنابراین آموزش تکنیک صحیح فعالیت بدنی در دوران بارداری الزامی می باشد که توصیه می شود مراکز بهداشتی با توجه به تاثیر یکسان دو روش آموزش (حضوری و غیر حضوری) از هر کدام از این دو روش که زنان باردار بیشتر استقبال می کنند، به آنها آموزش دهند.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش حضوری، آموزش غیر حضوری، اثربخشی، فعالیت بدنی

## شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر عملکرد معلم الکترونیکی از طریق مدل AHP فازی، مطالعه مورد دانشکده مجازی دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۱</sup> دکتر سمیه برجعلی لو، <sup>۲</sup> نعیمه برجعلی لو، <sup>۳</sup> دکتر آیین محمدی، <sup>۴</sup> دکتر ریتم مجتهدزاده\*.  
<sup>۱</sup> کارشناس پژوهش، دانشکده مجازی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، <sup>۲</sup> کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، واحد تضمین کیفیت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران، <sup>۳</sup> مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، <sup>۴</sup> دانشکده مجازی، دانشگاه علوم پزشکی تهران. [r\\_mojtahedzadeh@tums.ac.ir](mailto:r_mojtahedzadeh@tums.ac.ir)

مقدمه: فناوری اطلاعات و ارتباطات، موجب تحول در نقش سنتی فراگیر و فرادهنده شده است. در مطالعه حاضر در پی شناسایی عوامل موثر در اثربخشی عملکرد معلم الکترونیکی و اولویت بندی آن هستیم.

**روش‌ها:** نظرات ۱۵ نفر از خبرگان یادگیری الکترونیکی در زمینه عوامل اصلی و تاثیرگذار در عملکرد معلم الکترونیکی با روش جلسات گروه متمرکز، جمع‌آوری شد. سپس برای نظرخواهی در مورد اهمیت هر یک از معیارها در گروه مربوطه پرسشنامه‌ای با توجه به معیار اصلی و خرده معیارهای آنها تهیه شد که در آن برای معیارهای مورد نظر جدول مقایسه‌ی جداگانه‌ای اختصاص داده شده بود. سپس از روش تصمیم‌گیری فرایند تحلیل سلسله مراتبی فازی (Fuzzy AHP) برای بررسی اولویت و وزن دهی به معیارهای اشاره شده استفاده شد.

**نتایج:** عامل دانش تخصصی با ۲۸٪ بیشترین وزن و عامل مهارت فناوری با ۱۴٪ به عنوان عامل نهایی در اثربخشی عملکرد معلم الکترونیکی موثر است و در هر یک از عوامل به ترتیب: در عامل تسلط به پداگوژی، مهارت در ایفای نقش معلم الکترونیک؛ در عامل فناوری، تسلط به IT؛ در عامل مدیریت، مدیریت کلاس مجازی و در عامل شخصیت، عامل علاقه به آموزش مجازی با بیشترین ضریب به عنوان اولین عوامل موثر در این معیارها شناخته شدند.

**نتیجه‌گیری:** برای ارتقای عملکرد معلم الکترونیکی باید به تمام عوامل موثر در عملکرد وی توجه کرد. البته توجه حاضر باید با اولویت‌هایی همراه باشد. بنابراین نتایج حاصل از اولویت‌بندی معیارها می‌تواند برای تصمیم‌گیری اثربخش برای انتخاب، توانمند سازی و ارزیابی عملکرد معلم الکترونیکی راهگشا باشد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش مجازی، عملکرد، معلم الکترونیکی، فرآیند سلسله مراتبی فازی (FAHP)،

## بررسی ساختار عاملی و اعتباریابی نسخه فارسی پرسشنامه خودنظم دهی در بین دانشجویان پزشکی

دکتر سمیه برجعلی لو<sup>۱</sup>، دکتر ریتا مجتهدزاده<sup>۲</sup>، دکتر آیین محمدی<sup>۳\*</sup>  
<sup>۱</sup>کارشناس پژوهش، دانشکده مجازی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، <sup>۲</sup>دانشکده مجازی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، <sup>۳\*</sup>مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران  
[aeen\\_mohammadi@tums.ac.ir](mailto:aeen_mohammadi@tums.ac.ir)

**مقدمه:** خودنظم دهی از جمله سازه‌های مورد توجه در مباحث انگیزشی است، که به وسیله آن دانشجویان یادگیری خود را سامان می‌بخشند. خودنظم دهی یکی از مهمترین عوامل پیش‌بینی کننده موفقیت تحصیلی در محیط آموزشی است. از این رو ارزیابی میزان خودنظم دهی تحصیلی در فرگیران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هدف پژوهش حاضر بررسی ساختار عاملی مقیاس خودنظم دهی است.

**روش‌ها:** پرسشنامه ۳۴ ماده‌ای خودنظم دهی انل و هانگ (۲۰۰۱) که شامل ۴ عامل برنامه‌ریزی، خودارزیابی، تلاش و خودکارآمدی است توسط متخصصین، ترجمه و روایی محتوایی آن تأیید شد و روی ۳۳۶ دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران که به صورت نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند، اجرا شد. تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و LISREL بر روی داده‌ها انجام گرفت.

**نتایج:** چهار عامل اصلی مطرح شده در نسخه اصلی، توسط تحلیل عاملی اکتشافی استخراج شد. این پرسشنامه ۵۵ درصد از واریانس کل خودتنظیمی را تبیین می‌کرد. تحلیل عاملی تاییدی نیز نشان داد که مدل ۴ عاملی ناهمبسته بهترین مدل برازش شده برای تبیین داده‌های حاضر است.

**نتیجه‌گیری:** نتایج حاکی از این است که مقیاس خودنظم دهی انل و هانگ، برای شناسایی قابلیت‌های خودنظم‌دهی دانشجویان ایرانی و به ویژه دانشجویان پزشکی کفایت لازم را دارد و در پژوهش‌های مختلف مخصوصاً در حوزه آموزش قابل استفاده است.

**واژه‌های کلیدی:** خودنظم دهی، اعتبار، روایی، تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تاییدی.

## انتخاب الگوی ارزیابی یادگیری الکترونیکی

میترا قریب\*، رینا مجتهدزاده، میترا ذوالفقاری، آیین محمدی

[gharibmi@sina.tums.ac.ir](mailto:gharibmi@sina.tums.ac.ir)

مری عضو هیئت علمی دانشکده مجازی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران

### زمینه و هدف:

با گسترش موقعیت‌های یادگیری الکترونیکی و هزینه‌های اجرای آن؛ پرسش‌هایی چون تأثیر نوع گروه دانشجویان و تفاوت‌های آنها در پاسخدهی، نرم‌افزار مورد استفاده در آموزش مجازی، عوامل اجتماعی-فرهنگی و... بر کیفیت آموزش الکترونیکی وجود دارد. دانشکده مجازی دانشگاه علوم پزشکی تهران با توجه به رسالت خود تصمیم به طراحی و استقرار نظام جامع ارزشیابی کیفیت فرایند یاددهی-یادگیری جهت ارتقاء کیفیت برنامه‌های خود گرفت. گام اول این برنامه انتخاب الگو و چارچوبی برای ارزیابی بود. در نتیجه این مطالعه با هدف بررسی الگوهای ارزیابی یادگیری الکترونیکی انجام گرفت.

### خلاصه روش‌ها:

این مطالعه مروری با بررسی منابع یادگیری الکترونیکی و بانک‌های اطلاعاتی به توصیف الگوهای ارزیابی یادگیری الکترونیکی در مؤسسات آموزش عالی می‌پردازد.

### خلاصه یافته‌ها:

یکی از مسائلی که در ارزیابی برنامه‌های یادگیری الکترونیکی باید مد نظر قرار گیرد، متغیرهای زیاد مؤثر در اثربخشی برنامه‌هاست. این متغیرها در پنج بخش متغیرهای مربوط به فراگیرندگان، متغیرهای محیط یادگیری، متغیرهای تکنولوژیکی، متغیرهای موقعیتی (بافتی) و متغیرهای مربوط به اصول و فلسفه آموزش قابل دسته‌بندی بودند. همچنین الگوهای ارزیابی متنوعی نیز در پژوهش‌های گزارش شده مورد استفاده قرار گرفته بودند. در الگوهای مورد بررسی، علاوه بر چارچوب کلی پیوستار الگوهای هدف مدار- مدیریت مدار- مشتری مدار- یادگیری مدار- متخصص مدار- طبیعت و مشارکت کننده مدار؛ الگوهای جدیدتر ارزیابی یادگیری الکترونیکی از جمله مدل سپیک (SPEAK)، اوالاکت (Evalact)، مدل‌های ارزیابی قوانین یادگیری الکترونیکی و مدل‌های مبتنی بر سطح یادگیری الکترونیکی به کار گرفته شده بودند.

### نتیجه‌گیری:

ارزیابی یادگیری الکترونیکی جنبه‌های متعددی از نرم‌افزار تا اصول آموزش و میزان یادگیری را شامل می‌شود. با توجه به متغیرهای متعدد دخیل در موفقیت (یا شکست) یادگیری الکترونیکی، داشتن الگو و چارچوبی که بتواند همه متغیرها را مدنظر قرار دهد الزامی است. عواملی چون تفاوت در دیدگاه‌های فلسفی، تفاوت در ارزش‌ها، تفاوت در حوزه علوم آموزشی مورد ارزیابی، تفاوت در عملکرد می‌تواند در انتخاب الگوی ارزیابی مؤثر باشد. تدوین الگو و چارچوب مناسب برای ارزیابی یادگیری الکترونیکی می‌تواند کیفیت دوره‌ها را بالا برده و به توسعه آتی عملکرد و قوانین آن کمک کند.

واژه‌های کلیدی: یادگیری الکترونیکی، ارزیابی، الگوی ارزیابی

### بررسی عوامل موثر در موفقیت یادگیری الکترونیکی بر حسب متغیرهای دموگرافیک

فرنوش گلبند، شعله بیگدلی، ریتا مجتهدزاده، آغا فاطمه حسینی، فخر السادات میرحسینی،

مقدمه: آموزش مجازی از اواسط سده ۱۸۰۰ میلادی مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۸۵۸ دانشگاه لندن به عنوان پیشگام آموزش مجازی اولین برنامه آموزش مجازی را ارائه نمود، و از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی و رواج استفاده از کامپیوتر آموزش مجازی وارد عرصه جدیدی شد به نحوی که بسیاری از مراکز علمی و آموزشی جهان در حال حاضر دوره های آموزشی خود را به صورت مجازی ارائه می نمایند.

با توجه به جایگاه آموزش مجازی و استفاده روز افزون از آن ضرورت تحلیل اجزای آموزش مجازی برای دستیابی به آموزش موفق، بیش از پیش نمایان می گردد. در سال های اخیر، زیرساخت مدیریت فنی آموزش مجازی بیش از سایر اجزای آن مورد بررسی قرار گرفته است در حالی که بررسی سایر اجزای آموزش مجازی به ویژه فراگیر از اهمیتی به سزا برخوردار است. هدف پژوهش تعیین تاثیر چهار عامل محتوا، استاد، دانشجو، سامانه مجازی بر میزان موفقیت یادگیری الکترونیکی؛ بر حسب متغیرهای دموگرافیک (سن، جنس، پیشینه تحصیلی، وضعیت تاهل) در دانشجویان کارشناسی ارشد مجازی دانشگاه علوم پزشکی تهران-پردیس همت.

**روش ها:** این مطالعه تحلیلی مقطعی، با استفاده از روش سرشماری بر روی ۶۰ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد مجازی رشته آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران- پردیس همت- انجام شد (N=60). ابزار اصلی جمع آوری اطلاعات دو پرسشنامه محقق ساخته (پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه گردآوری اطلاعات) بود که پس از تایید روایی صوری و محتوایی و پایایی، مورد استفاده قرار گرفت. نتایج به دست آمده با نرم افزار SPSS (V.16) و با استفاده از روش های آمار توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی، انحراف معیار و میانگین)، و استنباطی (آزمون های تی مستقل، شفه، آنالیز واریانس یکطرفه، همبستگی پیرسون) تحلیل گردید.

**نتایج:** بر اساس این مطالعه وضعیت تاثیر چهار عامل محتوا، استاد، دانشجو و سامانه؛ بر حسب سن و وضعیت تاهل بر موفقیت یادگیری الکترونیکی، تغییر معناداری را نشان نداد ( $p>0/05$ ). ولی بر حسب جنس و پیشینه تحصیلی، تغییر معناداری را نشان داد ( $p<0/05$ ).

**نتیجه گیری:** بر اساس نتایج این مطالعه تاثیر چهار عامل محتوا، استاد، دانشجو و سامانه بر حسب دو متغیر سن و وضعیت تاهل؛ بر موفقیت یادگیری الکترونیکی تفاوت معناداری نداشت، ولی بر حسب دو متغیر جنس و پیشینه تحصیلی دانشجویان؛ تفاوت های معناداری مشاهده شد.

**واژه های کلیدی:** آموزش مجازی، یادگیری الکترونیکی، عوامل موثر بر موفقیت یادگیری الکترونیکی، عوامل دموگرافیک

## آموزش الکترونیکی، رویکردی نو در آموزش مداوم پزشکان

\*نویسنده: فرخنده رفیعزاده - بنفشه شعبانی-بابک شعبانی

### چکیده

در این مقاله در مورد آموزش الکترونیکی به عنوان مؤثرترین روشهای آموزش مداوم که بتواند مهارت بالینی پزشکان را افزایش داده و باعث ارتقاء کیفیت دانش حرفه‌ای پزشکان شود اشاره شده است و سپس در مورد مزایای آموزش الکترونیکی و سیر تکاملی آموزش الکترونیکی در دانشگاههای علوم پزشکی ایران و کشورهای دیگر جهان پرداخته و همینطور در مورد زیرساخت‌های پیاده سازی آموزش الکترونیکی که مهمترین آنها "زیرساخت فناوری و زیرساخت فرهنگی" است مورد بحث قرار گرفته است. در قسمت بحث و نتیجه گیری به استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در زمینه آموزش - پژوهش و درمان و همچنین تعیین استانداردهای لازم جهت آموزش الکترونیکی با توجه به زیرساخت‌های فناوری پرداخته شده است. و در نهایت هم پیشنهادهایی در جهت تطبیق فرآیندهای موجود در دنیا با استفاده از تجارب کشورهای سرآمد و تشکیل کنسرسیومی در زمینه آموزش الکترونیکی جهت آموزش مداوم پزشکان مشمول قانون آموزش مداوم بحث شده است.

کلمات کلیدی: آموزش الکترونیکی، آموزش مداوم، زیرساخت، فناوری اطلاعات-پزشکان

### ۱ - مقدمه

آموزش مداوم پزشکان به عنوان یک اصل کلی و ضروری در جهان مطرح بوده و یافتن مؤثرترین روشهای آموزش مداوم که بتواند مهارت بالینی پزشکان را افزایش داده و باعث ارتقاء کیفیت دانش حرفه‌ای پزشکان شود اجتناب ناپذیر است. با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش، سیستمهای آموزشی در حال تحول سریع ناشی از افزایش تولید اطلاعات و پیشرفت‌های سریع مربوط به فناوری است، به همین دلیل اگر آموزش مداوم پزشکان در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به شکل الکترونیکی صورت پذیرد، محدوده‌ها و حیطه‌های فیزیکی آموزش و یادگیری همانند دیوارهای دانشگاه و کلاس‌های آموزشی از بین رفته و عرضه یادگیری را در هر نقطه میسر می‌سازد در این زمینه آموزش الکترونیکی به عنوان یکی از مفیدترین و با صرفه‌ترین روشهای آموزشی برای ارتقاء کیفیت و روزآمدسازی اطلاعات و مهارت‌های بالینی پزشکان مطرح است. به نظر می‌رسد دانشگاههای علوم پزشکی برای توفیق در این امر بایستی آموزش الکترونیکی را به عنوان یک فرایند جدید در آموزش مداوم پذیرفته و آن را جایگزین روشهای سنتی آموزش مداوم که بر اساس ارتباطات چهره به چهره طراحی شده‌اند نماید و برای رسیدن به این هدف در جهت استقرار و پیاده‌سازی آموزش الکترونیکی با استفاده از فناوری و اطلاعات بکوشند.

\* مسئول آموزش مداوم جامعه پزشکی (CME) دانشگاه علوم پزشکی کرمان - مدرس دانشگاه

کرمان - دانشگاه علوم پزشکی - دفتر آموزش مداوم جامعه پزشکی - تلفن ۲۱۱۴۴۷۱ - ۰۳۴۱ - همراه: ۰۹۱۳۳۹۸۲۹۷۶  
پست الکترونیک: Fae.rafiiezadeh@gmail.com

### ۲ - مزایای آموزش الکترونیکی پزشکان

- مهمترین مزیت آموزش الکترونیکی صرفه‌جویی در زمان و هزینه پزشکان جهت شرکت در برنامه‌های حضوری است، بخصوص در نقاط دور افتاده کشور و داشتن تک متخصصان، جامعه و مردم از خدمات درمانی پزشکان در زمان حضور در برنامه‌های آموزش مداوم محروم می‌مانند.
- آموزش الکترونیکی چنانچه به روش صحیح پیاده‌سازی شود تعامل بین پزشکان را سرعت بخشیده و این تعامل فهم اطلاعات را برمی‌انگیزد و پزشکان از طریق پست الکترونیک می‌توانند تبادل اطلاعات نموده بدون آنکه از محل کار و زندگی خود دور شوند.
- سرعت یادگیری به وسیله خود یادگیرنده تنظیم می‌شود. مطالب آموزشی که به زمان یادگیری بیشتری نیاز دارند وقت بیشتر و مطالب آسانتر زمان کمتری اختصاص داده می‌شود.
- پزشکان از نظر فیزیکی از دانشگاه جدا هستند و می‌توانند در خانه و در زمان دلخواه خود آموزش ببینند و این نیاز به فضای فیزیکی وسیعتر را در دانشگاه به دلیل افزایش فارغ‌التحصیلان عرصه پزشکی و اضافه شدن مشمولین رشته‌های مختلف پزشکی جهت آموزش مداوم، مرتفع می‌سازد. (پشتیبانی تعداد زیاد پزشک) آموزش الکترونیکی در جهت افزایش دانش و مهارت و تواناییهای شغلی گروه پزشکی می‌تواند باعث ارائه خدمات بهتری به بیماران و جامعه گردد.
- استفاده تخصصی پزشکان از منابع سمعی و بصری و چند رسانه‌ای به عنوان وسایل آموزشی امکانپذیر می‌گردد.
- امکان ذخیره اطلاعات برای استفاده در زمانهای دیگر را برای پزشک به راحتی میسر می‌سازد.
- تنوع روشهای آموزشی زیاد بوده و پزشکان را به موضوعات مورد علاقه راهنمایی می‌نماید
- در آموزش الکترونیکی، امکان انتخاب از یک محدوده وسیع از دوره‌ها برای برآوردن نیازهای پزشکان وجود دارد.
- در آموزش الکترونیکی عدم دخالت محدودیت‌های جغرافیایی، امکان شبیه‌سازی و طراحی بیماران مجازی، چند بعدی کردن تصاویر و بزرگ نمایی آنها، جذاب بودن محیط آموزشی جهت پزشکان وجود دارد.

### ۳ - سیر تکاملی آموزش الکترونیکی پزشکان

این نوع از آموزش در دانشگاههای علوم پزشکی کشور در مقایسه با کشورهای توسعه یافته هنوز در مراحل اولیه خود به سر می‌برد و در دانشگاههای علوم پزشکی تهران و شهیدبهشتی آن هم در یک رشته کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، نسبت به راه‌اندازی سامانه آموزش الکترونیکی، دوره‌های دکترای حرفه‌ای آموزش پزشکی و دکترای حرفه‌ای پرستاری و مدیریت خدمات بهداشتی - درمانی راه‌اندازی شد.

در حال حاضر آموزش غیرحضوری فقط در قالب خودآموزها (کتاب - CD و مقاله‌های آموزشی) برای استفاده پزشکان مشمول قانون آموزش مداوم رواج دارد که با توجه به لزوم کسب حداقل ۴۰٪ از امتیازها بصورت مدون و ۶۰٪ غیر مدون این نمی‌تواند تأمین کننده نیاز پزشکان باشد.

دانشگاههای علوم پزشکی برای رقابت در این زمینه با دانشگاههای آنلاین مطرح دنیا راه‌درازی در پیش دارند و این گونه برنامه‌ها در آموزش عالی غیرپزشکی در فاصله سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳، سی دوره آموزشی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری را در بر گرفته است. اما در سایر نقاط دنیا، کشورهای مختلفی در زمینه آموزش الکترونیکی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، از جمله این کشورها می‌توان به آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی استناد نمود. مهمترین اصل در توسعه چنین سیستمی ضریب نفوذ اینترنت در این جوامع می‌باشد که در میان کشورهای جهان، آمریکا بیشترین تعداد کاربر به مقیاس جمعیت و هند کمترین تعداد را دارا هستند. در آمریکا حداقل ۸۰ درصد پزشکان آمریکایی دارای رایانه شخصی هستند. مرکز آمار *internet world* با انتشار گزارشی اعلام کرد در سال ۲۰۰۵ میلادی کشورهای ایالت متحده آمریکا، چین، ژاپن، آلمان، هند، انگلیس، کره جنوبی، ایتالیا، فرانسه و روسیه، ده کشوری هستند که بیشترین میزان کاربران را در میان کشورهای

جهان دارند. بر اساس یک گزارش، بطور متوسط ۷۴ درصد از استادان دانشگاهها در دنیا، رایانه شخصی دارند در صورتی که کمتر از ۱۸ درصد استادان یونیسف دارای رایانه شخصی می‌باشند، کمتر از نیمی از استادان یونیسف در محل کارشان در دانشگاهها به رایانه دسترسی دارند.

بر طبق مطالعات پروژایوسیس (۲۰۰۱) که وظیفه مطالعه در چند کشور اروپایی را در دو سال بر عهده داشت، میزان مالکیت رایانه در ابتدای مطالعات در فنلاند ۵۴ درصد و در یونان و سوئیس تا ۸۹ درصد بود در تحقیقات زیادی عدم استفاده از اینترنت ناشی از عدم وجود تسهیلات اعلام شده است، از جمله عدم سهولت دسترسی، پایین بودن سرعت ارتباط، کمی سرعت تجهیزات و عدم حمایت حتی جزو موانع استفاده از اینترنت دانسته شده است.

بررسی مطالعات نشان می‌دهد که در آمریکای شمالی بسیاری از دوره‌های آموزشی پزشکان در قالب آموزش الکترونیکی ارائه می‌گردد که در این زمینه نیز استانداردهایی را تعیین نموده‌اند و در اروپا طرحهای مختلفی منجمله socrates انجام شده است در انگلستان و اسکاتلند، ایرلندشمالی توسعه زیرساخت‌های بهداشتی را در قالب طرح کلان NHS پیگیری می‌کنند که آموزش الکترونیکی نیز در این زمینه دیده شده است. کشورهای عربی نیز در قالب طرح جامعه ابوعلی سینا، استانداردهایی را تعریف و پیاده‌سازی کرده‌اند.

### ۴- زیرساخت‌های پیاده‌سازی آموزش الکترونیکی

برای پیاده‌سازی آموزش الکترونیکی در مؤسسات آموزشی، به یک سری از زیرساختها نیاز است. این زیرساختها نقش ویژه‌ای در موفقیت دانشگاهها برای استقرار دارد، یکی از این زیرساختها می‌توان "به زیرساخت فناوری و زیرساخت فرهنگی" اشاره نمود.

#### ۴-۱- زیرساخت فناوری:

با توسعه آموزش الکترونیکی از نظر اندازه پیچیدگی، نیاز به تأکید بر زیرساخت فناوری آن نیز بیشتر می‌شود بدلیل افزایش بار شبکه و هم چنین قابلیت انعطاف داشتن بایستی بتواند توسعه یابد. این زیرساخت بایستی پایدار بوده تا برای پزشکان جهت پشتیبانی امکان تبادل بین بخشها را ایجاد کرده و امنیت لازم را برای حفظ مطالب توزیع شده، تدارک ببیند. پهنای مناسب باند و برقراری مستمر خدمات اینترنتی از جمله این زیرساختها بشمار می‌روند لازم به ذکر است در صورت نامناسب بودن، آموزش الکترونیکی از رسیدن به اهداف خود باز خواهد ماند.

#### ۴-۲- زیرساخت فرهنگی:

قبل از پیاده سازی آموزش الکترونیکی در دانشگاهها باید به بسترسازی فرهنگی، آشناسازی و ایجاد بینش مثبت در مسئولان، استادان و پزشکان پرداخت و در جهت رسیدن به این هدف بایستی پزشکان جهت استفاده از فناوری اطلاعات در سطح پیشرفته آمادگی لازم را داشته باشند.

### ۵- بحث و نتیجه‌گیری:

بررسی مطالعات مختلف نشان می‌دهد برای اینکه استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در زمینه آموزش، پژوهش و درمان امکانپذیر شود، باید زیرساخت‌های فناوری و فرهنگی در دانشگاههای علوم پزشکی کشور استقرار و پیاده‌سازی شود. همچنین لازمه موفقیت در اجرای آموزش الکترونیکی پزشکان در دانشگاههای علوم پزشکی، تعیین استانداردهای لازم جهت آموزش الکترونیکی با توجه به زیرساخت‌های فناوری است. با عنایت به مزایایی که آموزش الکترونیکی دارد، نحوه دسترسی مؤثر پزشکان به این نوع آموزش مداوم مهم است. با توجه به اینکه دانشگاههای ایران تجربه کمتری نسبت به دانشگاههای مطرح دنیا در این زمینه دارند، پیشنهاد می‌گردد با تطبیق فرآیندهای موجود در دنیا و با استفاده از تجارب کشورهای سرآمد در این زمینه جهت پیاده‌سازی و استقرار اقدام شود. هم چنین تشکیل کنسرسیومهایی در این زمینه علاوه بر صرفه‌جویی در هزینه‌های پیاده‌سازی آموزش الکترونیکی دانشگاهها، کمک کننده خواهد بود. همچنین لازم است قبل از استقرار و پیاده‌سازی



## چکیده مقالات چهاردهمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

---

با تشکیل و برگزاری کارگاههای آموزشی مؤثر، استفاده از فناوری اطلاعات را به پزشکان آموزش داد و استفاده از فناوری اطلاعات، زمانی میسر است که پزشک نسبت به اینترنت دانش کافی داشته باشد و فواید بکارگیری را مشاهده کند. همچنین همسویی آموزشهای مداوم پزشکی به منظور ارتقای مهارت‌های استفاده از اینترنت به عنوان یک راه حل عملی پیشنهاد شده است. واقعیت این است که عدم آموزش نه تنها به بهره‌مندی از اینترنت آسیب می‌رساند، بلکه اهداف اجرای برنامه‌های آموزشی را نیز محقق نمی‌سازد.

## طراحی و اجرای یک سیستم مدیریت یکپارچه آموزش الکترونیکی

دکتر مجید زارع بیدکی<sup>۱\*</sup>، علی رجب پور صنعتی<sup>۲</sup>، دکتر علی اکبر اسماعیلی<sup>۳</sup>

\* استادیار میکروبیولوژی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

<sup>۲</sup> دانشجوی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

<sup>۳</sup> استادیار روانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

**مقدمه:** وجود دانشکده‌های اقماری، در حال حاضر باعث شده است تا مدیریت آموزشی این دانشکده‌ها از اساتید مدعو استفاده کنند. این به نوبه خود مشکلات آموزشی فراوانی همچون فشردگی تدریس، افت شدید کیفیت یادگیری و نیز خستگی و زدگی دانشجویان را به همراه دارد. بعلاوه امکان تعاملات آموزشی چهره به چهره با توجه به کوتاه بودن مدت زمان حضور این اساتید در دانشکده‌های فوق‌الذکر به میزان کافی وجود ندارد. برای رفع این نقیصه آموزشی لازم است تا در کنار حضور دوره‌ای اساتید در این دانشکده‌ها محتوای درسی نیز به صورت چندرسانه‌ای در فضای مجازی در اختیار دانشجویان این دانشکده‌ها قرارگیرد تا امکان تعامل و شرکت آنان در آزمون‌های از راه دور با حضور استاد فراهم گردد. تمام این موارد در صورت طراحی، بومی سازی و نصب یک نرم افزار سیستم مدیریت آموزشی الکترونیکی به همراه سیستم نرم افزاری کلاس درس مجازی و نیز سامانه برگزاری امتحانات آنلاین و پلاگ این‌های مربوطه در روی سرور دانشگاه امکان پذیر است. لذا هدف از این مطالعه، طراحی، بومی سازی و راه اندازی یک سیستم مدیریت الکترونیکی یکپارچه آموزش از راه دور در دانشکده‌ی اقماری قاین بیرجند بوده است.

**روش‌ها:** طراحی و نصب پرتال آموزش الکترونیکی و نیز نصب و بومی سازی نرم افزار برگزاری آزمون‌های آنلاین انجام گرفت و در مرحله بعد یک سالن چند منظوره مناسب برگزاری امتحانات آنلاین با طراحی میزهای ویژه انجام شد. دانشجویان در طول ترم از آموزش‌های ترکیبی و محتواهای یادگیری الکترونیکی بر روی پرتال استفاده می کردند و در بعضی جلسات اساتید از طریق کلاس مجازی تدریس می نمودند. در پایان ترم، امتحان نیز به شکل آنلاین برگزار گردید. در انتها از دانشجویان و کارشناسان آموزشی دانشکده در خصوص کلیه زمینه‌های فوق‌الذکر با استفاده از یک پرسشنامه پژوهشگر ساخته نظر سنجی و نیز مصاحبه به عمل آمد.

**نتایج:** نتایج حاکی از سطح غیر قابل تصویری از رضایت در کاربران بود. نتایج تغییر نظر آشکار ۹۰ درصدی نگرش دانشجویان، قبل و بعد از آزمون به آزمونهای آنلاین را به دنبال داشت. اکثریت دانشجویان از اینکه می توانستند نمرات خود را بلافاصله پس از آزمون مشاهده کنند بسیار راضی بودند و استقبال فراوانی برای استفاده از این شیوه تدریس و آزمون در دروس دیگر از طرف دانشجویان و اساتید به عمل آمد.

**نتیجه گیری:** آموزش‌های ترکیبی و اجرای امتحانات آنلاین مورد استقبال و رضایت فراوان دانشجویان و کارشناسان آموزشی دانشکده است.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش مجازی، امتحانات آنلاین، آموزش الکترونیکی.

## تأثیر آموزش الکترونیک بر میزان آگاهی دانشجویان در مورد بیماری سل

روبا صادقی<sup>۱</sup>، فرامرز شاحمدی<sup>۲\*</sup>، زهرا شاحمدی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه آموزش و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

Email: sadeghir@tums.ac.ir

<sup>۲\*</sup> دانشجوی دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

Email: f-shaahmadi@razi.tums.ac.ir

<sup>۳</sup> کارشناس بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

**مقدمه:** امروزه دانشجویان برای به دست آوردن اطلاعات در زمینه‌های مختلف به خصوص در مورد بیماری‌ها، انتخاب‌های متعددی دارند. که در این میان با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژی و دسترسی به اینترنت، آموزش الکترونیک نقش قابل ملاحظه‌ای در بالا بردن آگاهی و سواد سلامت آن‌ها ایفا می‌کند. هدف از این تحقیق بررسی تأثیر آموزش الکترونیک بر میزان آگاهی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در خصوص بیماری سل می‌باشد.

**روش‌ها:** این مطالعه که به صورت مقطعی، توصیفی-تحلیلی بر روی ۴۲ نفر از دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۱۳۹۰ انجام گرفت. با استفاده از پیش آزمون و پس آزمون میزان آگاهی دانشجویان در خصوص بیماری سل توسط پرسشنامه الکترونیکی محقق ساخته از طریق نرم افزار Google Document به آدرس ایمیل دانشجویان فرستاده و نتایج جمع آوری و اندازه گیری شد. بسته‌های اطلاعاتی در خصوص بیماری سل از طریق ایمیل و در دو مرحله برای دانشجویان ارسال گردید.

**نتایج:** میانگین آگاهی اولیه دانشجویان در خصوص بیماری سل  $4.94 \pm 1.32$  بود که بعد از آموزش، میانگین آگاهی به  $6.65 \pm 1.46$  افزایش یافت. با انجام آزمون تی زوجی این افزایش آگاهی رابطه معناداری را نشان داد. بین متغیرهای سن، جنس و رشته تحصیلی با میزان آگاهی رابطه معناداری مشاهده نشد. همچنین میزان رضایت دانشجویان از این روش آموزشی ۸۳ درصد بوده است.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به موثر بودن آموزش الکترونیک در بالا بردن آگاهی دانشجویان در خصوص بیماری سل و همچنین رضایت دانشجویان از این روش، می‌توان از این روش آموزش به عنوان روشی مفید و موثر در ارتقاء سواد سلامت دانشجویان استفاده کرد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش الکترونیک، بیماری سل، پرسشنامه الکترونیک

## استفاده از تکنولوژی‌های نوین در آموزش و پژوهش: آموزش الکترونیک و پرسشنامه الکترونیک

رویا صادقی<sup>۱</sup>، فرامرز شاحمدی\*<sup>۲</sup>، زهرا شاحمدی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه آموزش و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

Email: sadeghir@tums.ac.ir

<sup>۲\*</sup> دانشجوی دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران

Email: f-shaahmadi@razi.tums.ac.ir

<sup>۳</sup> کارشناس بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

**مقدمه:** در فرآیند آموزش، کتاب به عنوان اصلی‌ترین منبع اطلاعاتی به حساب آمده و برای سنجش پیشرفت فراگیران از آزمون‌های کتبی استفاده می‌شود؛ همچنین در پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات، روش مرسوم و غالب، استفاده از پرسشنامه‌های کاغذی می‌باشد. در دنیای امروزی با پیشرفت‌های چشمگیر در تکنولوژی نوین، وسایل الکترونیک جایگاهی خاص و تأثیرگذار را دارا می‌باشند. هدف از این تحقیق سنجش کاربردی بودن استفاده از آموزش الکترونیک در فرآیند یادگیری و استفاده از پرسشنامه الکترونیک در جمع‌آوری اطلاعات در پژوهش می‌باشد.

**روش‌ها:** در این مطالعه که به صورت مقطعی، توصیفی-تحلیلی بر روی ۴۲ نفر از دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۱۳۹۰ انجام گرفت. آموزش‌های مربوط به بیماری سل در دو بسته اطلاعاتی به فاصله یک هفته از طریق ایمیل برای دانشجویان ارسال شد. برای سنجش آگاهی دانشجویان و انجام پیش‌آزمون و پس‌آزمون، پرسشنامه الکترونیک محقق ساخته از طریق نرم‌افزار Google Document به آدرس ایمیل دانشجویان فرستاده شد. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS20 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** پرسشنامه الکترونیک برای ۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه ارسال شد که ۴۲ نفر (۹۴ درصد) از آن‌ها به پرسشنامه پاسخ دادند که درصد قابل قبولی می‌باشد. همچنین میانگین آگاهی پیش‌آزمون دانشجویان در خصوص بیماری سل  $4.94 \pm 1.32$  بوده که بعد از آموزش الکترونیک، میانگین آگاهی به  $6.65 \pm 1.46$  افزایش یافته است. همچنین میزان رضایت دانشجویان از روش آموزش الکترونیک ۸۳ درصد بوده است.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به رابطه معنی‌دار در افزایش آگاهی دانشجویان از طریق آموزش الکترونیک، همچنین مزایای پرسشنامه الکترونیک مانند صرفه‌جویی در هزینه، زمان و رعایت کامل اصول اخلاقی و محرمانه بودن پاسخ‌ها در موقعیت‌هایی که امکان دسترسی به خدمات اینترنتی وجود دارد می‌توان از آموزش الکترونیک و پرسشنامه الکترونیک استفاده کرد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش الکترونیک- پرسشنامه الکترونیک- تکنولوژی‌های نوین

## نیازسنجی راه اندازی سامانه آموزش الکترونیک دانشجویان دانشکده علوم پزشکی نیشابور

مریم سادات حسینی<sup>۲</sup>، سارا قدوسی مقدم<sup>۱\*</sup>

\*عضو هیات علمی و سرپرست مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی نیشابور

[ghodousis@nums.ac.ir](mailto:ghodousis@nums.ac.ir)

<sup>۲</sup>کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی نیشابور

**مقدمه:** نیازسنجی اساس هر طراحی آموزشی در علوم پزشکی می‌باشد، آموزش الکترونیک یک روش آموزشی است که برای آموزشگر و آموزش گیرنده این فرصت را فراهم می‌کند که در عین حال که از نظر زمان و مکان از هم دور هستند، فاصله آموزشی موجود را با وسایل مناسب تکنولوژیک پر کنند. در این نوع آموزش، کامپیوتر، تکنولوژی ارتباطات (ICT) و شبکه‌ها به ویژه شبکه جهانی اینترنت برای پر کردن فاصله آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرند. با توجه به این که امروزه شیوه‌ها و فضای جدید ارتباطی فراهم شده که می‌تواند فرآیند یاددهی-یادگیری را در خارج از کلاس درس ممکن سازد و نیز پیاده سازی آموزش الکترونیکی مستلزم شناسایی زیر ساخت‌ها در راستای اهداف آموزش می‌باشد، هدف از این تحقیق انجام نیازسنجی جهت راه اندازی سامانه آموزش الکترونیک دانشجویان دانشکده علوم پزشکی نیشابور بوده است.

**روش‌ها:** مطابق با آیین نامه های مربوط به راه اندازی و کاربرد آموزش الکترونیک در سطح دانشگاه، نیازها، استانداردها و بستر لازم جهت راه اندازی این سامانه مورد بررسی قرار گرفت. طی جلساتی با مسئولین فناوری اطلاعات و نیز مسئولین آموزش دانشکده زیرساخت‌ها و نیازهای موجود بررسی و راهکارهای مرتفع نمودن مشکلات مورد بحث قرار گرفت.

**نتایج:** بررسی‌ها حاکیست دانشکده علوم پزشکی نیشابور پتانسیل لازم را برای راه اندازی و کاربرد سامانه آموزش الکترونیک دانشجویان، دارا می‌باشد و نیز حمایت مسئولین دانشکده زمینه مناسبی برای راه اندازی و کاربردی نمودن این سامانه فراهم خواهد نمود.

**نتیجه‌گیری:** از آن جا که سامانه آموزش مجازی یک سیستم اطلاعاتی است که شامل ۵ جزء بستر شبکه، سخت افزار، نرم افزار، رویه‌ها و کاربران می‌باشد، بستر شبکه، سخت افزار و نرم افزار توسط واحد آمار و فناوری اطلاعات دانشکده فراهم گردید. در رابطه با فرآیندهای انجام کار با سامانه، جلسه‌ای توجیهی جهت آشنایی با سامانه آموزش الکترونیک برای اعضای هیات علمی برگزار و اطلاع رسانی های لازم در خصوص راه اندازی این سامانه به دانشجویان انجام شد. نتیجه قابل توجه اینکه، پیاده سازی حداقل دو درس در نیمسال اول تحصیلی ۹۳-۹۲ به صورت مجازی در دستور کار دانشکده قرار گرفت.

**واژه‌های کلیدی:** نیازسنجی، آموزش الکترونیک، آموزش مجازی

## نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین نسبت به کاربرد یادگیری اینترنتی

عیسی محمدی زیدی<sup>۱\*</sup>، امیر پاکپور حاجی آقا<sup>۱</sup>، اصغر کاربرد<sup>۲</sup>، بنفشه محمدی زیدی<sup>۳</sup>

\*دکتری آموزش بهداشت، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین

e-mail: [eamohammadizeidi@gmail.com](mailto:eamohammadizeidi@gmail.com)

<sup>۲</sup>کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، مربی عضو هیات علمی گروه اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی قزوین

<sup>۳</sup>کارشناس ارشد مامایی، مربی عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن

**مقدمه:** استفاده از فناوری های آموزشی مانند رایانه و ارتباط از راه دور توان بالایی برای بهبود کیفیت برنامه های آموزشی در دانشگاه های علوم پزشکی دارد. پژوهش های مختلف حکایت از آن دارند که کاربرد یادگیری اینترنتی نقش مهمی در تسریع روند آموزش و یادگیری دارد. هدف مطالعه حاضر بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین نسبت به کاربرد یادگیری اینترنتی بود.

**روش ها:** تحقیق حاضر از نوع مطالعات کاربردی، توصیفی و همبستگی است که به روش میدانی انجام شد. جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین بودند که بر اساس روش نمونه گیری طبقه ای نسبتی ۱۵۰ نفر برای شرکت در مطالعه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داد ها پرسشنامه ۵ قسمتی شامل ویژگی های دموگرافیک، ۲۳ سوال در مورد نگرش نسبت به کاربرد یادگیری اینترنتی، اینترنت به عنوان ابزار آموزش (۵ سوال)، اینترنت بعنوان ابزار پژوهش (۹ سوال) و اینترنت ابزار ارتباط (۹ سوال) بود. اعتبار پرسشنامه با روش کرونباخ آلفا و بازآزمایی سنجیده شد و داده ها با نرم افزار SPSS ویرایش ۱۸ آنالیز شد.

**نتایج:** میانگین ساعات استفاده از اینترنت در هفته بیشتر از ۴ ساعت بود و اکثر دانشجویان نگرش مثبت نسبت به اینترنت داشتند. میانگین نمره نگرش دانشجویان نسبت به کاربرد یادگیری اینترنتی  $(1/13 \pm 3/74)$  بود. اصلی ترین دلیل استفاده پژوهشی دانشجویان از اینترنت، دسترسی به سایت های تحقیقاتی و مراکز علمی مرتبط با رشته بود  $(1/21 \pm 4/12)$ . همچنین در خصوص مزایای ارتباطی اینترنت، اکثرا آنرا وسیله ارتباط با دوستان و دسترسی به گروه های گفتگو می دانستند  $(1/21 \pm 3/54)$ . بین رشته تحصیلی، مکان دسترسی به اینترنت، وضعیت اقتصادی و محل سکونت دانشجو و جنسیت با میزان ساعات استفاده از اینترنت و نگرش آنها ارتباط معناداری وجود داشت  $(P < 0/05)$ .

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج پژوهش حاضر، پیشنهاد می شود به منظور بهینه سازی کاربرد اینترنت در حوزه آموزش و پژوهش در دانشگاه ها، زیرساخت های ممکن به همراه آموزش های لازم توسط معاونت های دانشجویی، آموزشی و پژوهشی فراهم شود.

**واژه های کلیدی:** یادگیری مجازی، اینترنت، آموزش از راه دور، رایانه

## موانع (ارتباطی- آموزشی- پژوهشی) بین اساتید و دانشجویان سراسر کشور از طریق ارتباط از راه دور در سال ۱۳۹۱

زهره قزلسغلی

دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، باشگاه پژوهشگران جوان، اصفهان، ایران  
zghezeelfli@yahoo.com

**مقدمه:** پیشرفت های روز افزون علم و جهانی شدن ارتباط از راه دور، از جمله عواملی هستند که ضرورت پرداختن به موضوع مهم ارتقای عملکرد ارتباطی، آموزشی و پژوهشی را از طریق به روز رسانی کامل و جامع نمودن اطلاعات و تخصص های خود ملموس می نماید. با توجه به نیازهای اطلاعاتی از نحوه ی عملکرد اساتید و نیز ارتقای انگیزه جهت آموزش و پژوهش اهمیت بررسی آن مورد تدبیر خواهد بود. هدف از این مطالعه بررسی موانع (ارتباطی- آموزشی- پژوهشی) بین اساتید و دانشجویان سراسر کشور از طریق ارتباط از راه دور می باشد.

**روش ها:** بررسی در وب سایت رسمی دانشکده های پرستاری و مامایی علوم پزشکی کشور، آخرین وضعیت مربوط به موجود بودن یا نبودن حداقل یک ایمیل پستی از اساتید دانشکده ی پرستاری و مامایی، تلفن محل کار، طرح درس آموزشی و رزومه ی کامل از خود از جمله سمت فعلی مانند مدیر گروه بودن یا نبودن در سال ۱۳۹۱ جستجو شده و سپس از نظر دسترسی به آنها مورد ارزیابی قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج نشان داد که حداقل نیمی از اساتید دانشکده های پرستاری و مامایی فاقد هرگونه اطلاعاتی تحت عنوان رزومه ی کامل از فرد جهت بازخورد مراجعین از جمله دانشجویان می باشند. همچنین از میان نیمی از دانشکده های پرستاری و مامایی سمت در حال حاضر اساتید کامل و جامع نبود. و تنها شاخصه ای که به روز شده بود اسم و فامیل اساتید مربوطه بود.

**نتیجه گیری:** اهمیت به روز بودن رزومه ی آموزشی اساتید جهت ارتباط اساتید دیگر با آنها و دانشجویان و نیز کارهای تحقیقاتی کشور موضوعی روشن و امری بدیهی است. از طرفی، به روز بودن و کامل بودن رزومه ی آموزشی اساتید نه تنها از نظر ارتقای فرایند انگیزشی دانشجویان بلکه از لحاظ پژوهشی و آموزشی نیز حائز اهمیت می باشد.

واژه های کلیدی: ارتباط از راه دور، موانع، آموزشی، پژوهشی، ارتباطی،

### بررسی دانش، نگرش و عملکرد اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند پیرامون کاربرد رایانه و شبکه اینترنت

محسن ناصری\*، سعید کلباسی، فائقه زجاجی

\*دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی بیرجند

Email: naseri\_m2003@yahoo.com

**مقدمه:** با توجه به اهمیت و تأثیر رایانه و شبکه اطلاع رسانی در امر آموزش و پیشرفت ابعاد مختلف دانش، این پژوهش به منظور تعیین میزان دانش، نگرش و عملکرد اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند پیرامون کاربرد رایانه و شبکه اینترنت انجام گردید.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی-تحلیلی که در تابستان سال ۱۳۸۷ شد، ۴۹ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند شرکت کردند. نمونه‌گیری به روش سرشماری و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای خود ساخته است که پس از تایید روایی و پایایی آن توسط اساتید صاحب‌نظر در دانشگاه، به صورت حضوری در بین جامعه پژوهش توزیع گردید. داده‌ها پس از جمع‌آوری با استفاده از نرم افزار SPSS وارد رایانه شده و سپس شاخص‌های آمار توصیفی استخراج و برای آزمون فرضیه‌های مطالعه از آزمون‌های آماری ناپارامتری مناسب (کای اسکور) استفاده گردید.

**نتایج:** از بین شرکت‌کنندگان در این مطالعه ۷۱/۴٪ مذکر بودند. ۴۶/۹٪ مری، ۳۴/۷٪ استادیار و ۱۲/۲٪ دانشیار؛ ۵۹/۲٪ از دانشکده پزشکی، ۲۸٪ پرستاری، ۱۲/۲٪ پیراپزشکی و ۱۲/۲٪ بهداشت بودند. ۹۵/۹٪ از آنها رایانه شخصی داشتند. ۵۵٪ روزانه و ۳۸/۸٪، ۲ تا ۳ بار در هفته از اینترنت استفاده می‌کردند. هدف از استفاده از اینترنت را ۳۲٪ صرفاً تحقیق و ۶/۱٪ صرفاً مطالعه و ۴۲/۹٪ تحقیق و مطالعه ذکر کردند. نگرش اساتید به اینترنت و کامپیوتر مثبت ارزیابی گردید و سطح دانش آنها نسبت به بانک‌های اطلاعاتی و نرم‌افزاری با امتیاز ۲/۹۴٪ در سطح «رضایت بخش» طبقه‌بندی گورمن قرار گرفت.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به مثبت بودن نگرش اساتید به استفاده از کامپیوتر و اینترنت در آموزش و نسبتاً مطلوب بودن سطح دانش آنها و همچنین بالا بودن درصد یادگیری با روش آزمون و خطا، برگزاری کلاسهای آموزشی دوره‌ای رایانه و اینترنت برای اساتید امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد. از آنجایی که بیش از ۹۰ درصد اساتید پایین بودن سرعت اینترنت و طولانی بودن زمان دانلود را از مشکلات عمده کار با اینترنت عنوان نموده‌اند لذا شایسته است مسوولین مربوطه نسبت به آماده‌سازی زیرساختهای لازم مبنی بر رفع آن اقدامات لازم را به عمل آورند.

**واژه‌های کلیدی:** دانش، نگرش، عملکرد، اساتید، اینترنت، رایانه



### بررسی دانش، نگرش و عملکرد اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند پیرامون کاربرد رایانه و شبکه اینترنت

محسن ناصری\*، سعید کلباسی، فائقه زجاجی

\* دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی بیرجند

Email: naseri\_m2003@yahoo.com

**مقدمه:** با توجه به اهمیت و تأثیر رایانه و شبکه اطلاع رسانی در امر آموزش و پیشرفت ابعاد مختلف دانش، این پژوهش به منظور تعیین میزان دانش، نگرش و عملکرد اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند پیرامون کاربرد رایانه و شبکه اینترنت انجام گردید.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی-تحلیلی که در تابستان سال ۱۳۸۷ شد، ۴۹ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند شرکت کردند. نمونه‌گیری به روش سرشماری و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای خود ساخته است که پس از تایید روایی و پایایی آن توسط اساتید صاحب‌نظر در دانشگاه، به صورت حضوری در بین جامعه پژوهش توزیع گردید. داده‌ها پس از جمع‌آوری با استفاده از نرم افزار SPSS وارد رایانه شده و سپس شاخص‌های آمار توصیفی استخراج و برای آزمون فرضیه‌های مطالعه از آزمون‌های آماری ناپارامتری مناسب (کای اسکور) استفاده گردید.

**نتایج:** از بین شرکت‌کنندگان در این مطالعه ۷۱/۴٪ مذکر بودند. ۴۶/۹٪ مری، ۳۴/۷٪ استادیار و ۱۲/۲٪ دانشیار؛ ۵۹/۲٪ از دانشکده پزشکی، ۲۸٪ پرستاری، ۱۲/۲٪ پیراپزشکی و ۱۲/۲٪ بهداشت بودند. ۹۵/۹٪ از آنها رایانه شخصی داشتند. ۵۵٪ روزانه و ۳۸/۸٪، ۲ تا ۳ بار در هفته از اینترنت استفاده می‌کردند. هدف از استفاده از اینترنت را ۳۲٪ صرفاً تحقیق و ۶/۱٪ صرفاً مطالعه و ۴۲/۹٪ تحقیق و مطالعه ذکر کردند. نگرش اساتید به اینترنت و کامپیوتر مثبت ارزیابی گردید و سطح دانش آنها نسبت به بانک‌های اطلاعاتی و نرم‌افزاری با امتیاز ۲/۹۴٪ در سطح «رضایت بخش» طبقه‌بندی گورمن قرار گرفت.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به مثبت بودن نگرش اساتید به استفاده از کامپیوتر و اینترنت در آموزش و نسبتاً مطلوب بودن سطح دانش آنها و همچنین بالا بودن درصد یادگیری با روش آزمون و خطا، برگزاری کلاسهای آموزشی دوره‌ای رایانه و اینترنت برای اساتید امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد. از آنجایی که بیش از ۹۰ درصد اساتید پایین بودن سرعت اینترنت و طولانی بودن زمان دانلود را از مشکلات عمده کار با اینترنت عنوان نموده‌اند لذا شایسته است مسوولین مربوطه نسبت به آماده‌سازی زیرساختهای لازم مبنی بر رفع آن اقدامات لازم را به عمل آورند.

**واژه‌های کلیدی:** دانش، نگرش، عملکرد، اساتید، اینترنت، رایانه

## ارائه درس جمعیت شناسی و تنظیم خانواده به روش آموزش الکترونیک

نویسندگان: علیرضا شعوری بیدگلی، ناهید مهران، زهرا علی اکبرزاده آرانی\*

اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی قم

zaliakbarzade@muq.ac.ir

**مقدمه:** درس جمعیت شناسی و تنظیم خانواده با توجه به ماهیت درس و محدودیت های خاص ارائه آن یکی از دروسی است که همواره ارائه آن در دانشکده ها و دانشگاه ها با ملاحظاتی همراه بوده و می باشد. لزوم حضور مستمر دانشجویان متاهل در کلاس درس و مشغله های خاص زندگی متاهلی سبب شد مطالعه فوق با هدف تعیین مزایا و معایب ارائه درس جمعیت و تنظیم خانواده به دو روش آموزش الکترونیک و حضوری از دیدگاه دانشجویان انجام شود.

**روش ها:** این تحقیق به صورت مداخله ای با بررسی حدود ۱۲۰ نفر از دانشجویان مشغول به تحصیل دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم در سال ۹۲-۱۳۹۱ انجام شد. قبل از شروع ترم، لوح فشرده حاوی اسلایدها و سه رفرنس اصلی درس جمعیت شناسی و تنظیم خانواده در اختیارشان گذاشته شد و در پایان ترم نیز از آنها ارزشیابی صورت گرفت. نظرات دانشجویان در مورد این شیوه آموزش، از طریق پرسشنامه های روایی شده، پرسیده شد و با استفاده از برنامه SPSS و آمار توصیفی و تحلیلی (تستهای کای دو و تی تست) آنالیز گردید.

**نتایج:** ۵۴/۶٪ نمونه ها، مذکر و بقیه مونث بودند. ۳۷ نفر در رشته فوریت پزشکی، ۳۳ نفر در رشته اتاق عمل، ۲۷ نفر در رشته هوشبری و مابقی در رشته علوم آزمایشگاهی مشغول به تحصیل بودند. ۷۵/۸٪ مجرد و بقیه متاهل بودند. ۶۸/۴٪ دانشجویان از ارائه این درس کاملاً رضایت داشتند. از دیدگاه دانشجویان، بیشترین عیب این روش، عدم تفهیم کامل مطالب (۲۵٪) (بخصوص در درس تنظیم خانواده) و نیز جمع شدن مطالب درسی برای شب امتحان و افزایش استرس آن (۶/۶٪) بود و بیشترین مزیت این روش تدریس را امکان اختصاص وقت بیشتر برای سایر دروس (۳۰/۹٪) برشماردند.

**نتیجه گیری:** اکثر دانشجویان ضمن تاکید بر تشکیل کلاس های رفع اشکال در طول ترم، از ارائه این واحد درسی بدین صورت، بسار راضی بودند. نظر به سطح بالای رضایت بالای دانشجویان از روش تدریس مذکور، ارائه این درس بدین صورت، به سایر دانشگاهها نیز پیشنهاد می گردد.

**واژه های کلیدی:** درس جمعیت شناسی و تنظیم خانواده- آموزش الکترونیک- دانشجو

## بررسی کیفیت استفاده از آموزش الکترونیکی از دیدگاه اساتید علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۹۱ یک مطالعه پدیدار شناسی

دکتر لیلا واحدی، حکیمه حضرتی\*، پیمان ظفر دوست، دکتر فاطمه پور نقی آذر  
\*دانشجوی آموزش پزشکی مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی تبریز، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی  
hakimeh.hazrati@gmail.com

**مقدمه:** با پیشرفت علم و تکنولوژی، نوع و سرعت یادگیری دانشجویان متحول گشته و دانشجویان انتظار دارند که حجم زیادی از اطلاعات را در کوتاهترین مدت و به نحو مطلوب یاد بگیرند و با استفاده از تکنولوژی های جدید اساتید می توانند امکاناتی را فراهم سازند که دانشجویان با استعداد سرعت مراحل آموزش و یادگیری خود را بالا ببرند و دانشجویان با دسترسی Online به اطلاعات، ذخیره وبزبایی اطلاعات، استفاده از اطلاعات گزینشی و به اشتراک گذاری اطلاعات مبتنی بر شبکه با اساتید و دانشجویان هم رشته خود از سایر دانشگاه ها ارتباط برقرار کنند و حتی امکان ارتباط بین دانشگاهی در سراسر دنیا را فراهم سازند از طرفی استفاده بی رویه و غیرصحیح از کامپیوترها و آموزش الکترونیکی مسائل دیگری را در سطح سلامت جامعه مطرح نموده است که نیاز به مرور و یادآوری دارد بنابراین طی یک مطالعه کیفی پدیدار شناسی نظرت اساتید را در مورد کیفیت استفاده از آموزش الکترونیکی را جویا شدیم.

**روشها:** این مطالعه از نوع کیفی - پدیدار شناسی و جامعه آماری آن را ۳۵ نفر از اعضای هیات علمی تشکیل دادند که ۷ نفر از هر مقطع تحصیلی دوره پزشک عمومی انتخاب شدند و نظرات آنها را از طریق مصاحبه نیمه ساختارحضوری یافته درمورد کیفیت استفاده از آموزش الکترونیکی جمع آوری گردید.

**نتایج:** براساس نظرات اساتید آموزش الکترونیکی باعث بهبود کیفیت آموزش می گردد به شرط آنکه اساتید و دانشجویان با این روشها آشنا باشند. کاهش اتلاف وقت و کاهش اضطراب در اساتید و دانشجویان بدنبال استفاده از روشهای فوق وجود خواهد داشت که بدلیل آماده بودن مطالب از قبل می باشد امکان افزایش زمان پاسخگویی و ارائه فیدبک به کلیه دانشجویان از طریق پست الکترونیکی و گروههای مباحثه فراهم می نماید از طرفی در استفاده از آن نباید زیاده روی نمود چون منجر به بیماری های جسمی و روحی خواهد شد و در روابط اجتماعی دانشجویان اختلال ایجاد خواهد کرد و مواظب باشیم که دانشجویان را سرگرم موضوعات خارج از حیطه نکند بنابراین باآشنایی نکات قوت و اثرات منفی آموزشهای الکترونیکی و تعریف نمودن استفاده های بهینه و صحیح، از آنها در امر آموزش استفاده کرد.

**واژه های کلیدی:** آموزش الکترونیکی، اساتید علوم پزشکی تبریز

## طراحی و بکارگیری شبکه‌های اجتماعی - علمی با هدف افزایش اشتیاق دانشجویان به درس میکروبی شناسی پزشکی و بررسی نگرش فراگیران نسبت به آن

مجید زارع بیدکی<sup>۱\*</sup>، تکتب لسانی<sup>۲</sup>، نجمه مباحثی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> استادیار گروه آموزشی میکروبی شناسی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

Email: m.zare@live.co.uk

<sup>۲</sup> دانشجوی علوم آزمایشگاهی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

<sup>۳</sup> مربی موسسه آموزش عالی خاوران مشهد

**مقدمه:** شبکه‌های اجتماعی علمی مبتنی بر وب، ساختارهایی مجازی به منظور تجمع گروهی از افراد با هدف بیان دانسته‌ها و اطلاعات فردی در یک زمینه علمی خاص است. توسعه این شبکه‌ها در محیط‌های دانشگاهی، شانس دانشجویان را برای مواجه و دسترسی به محدوده‌ی وسیعتری از محتوا، منابع و اخبار و نیز نقد علمی فراهم می‌کند. شبکه‌های اجتماعی با موضوعیت یک زمینه تخصصی علمی، می‌تواند امکان انتشار یا به اشتراک گذاری محتوای علمی مرتبط، بحث و تبادل نظر علمی و نیز خبر رسانی آخرین پژوهش‌های مربوطه را در گروه‌های هم‌تایان فراهم کند.

**روش‌ها:** بخش تالار گفتگوی میکروبی شناسی که بر پرتال آموزش الکترونیکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند ([www.lms.bums.ac.ir](http://www.lms.bums.ac.ir)) قرار دارد، با هدف ایجاد یک شبکه اجتماعی علمی طراحی و در اختیار دانشجویان قرار گرفت تا همه آنان امکان ارائه مطالب جالب و جدید و یا اخبار و پژوهش‌های اخیر میکروبی شناسی در ایران و جهان به شکل عکس، متن، فیلم و ... در فضای مجازی دست یابند. پست‌های ارائه شده در تالار به صورت روزانه توسط استاد درس نظارت و در صورت لزوم کامنت یا پست‌های مکمل قرار داده می‌شد. همچنین دانشجویان علاوه بر داشتن حق ویرایش مطلب خود، قادر بودند تا برای پست‌های ارائه شده توسط سایر دانشجویان کامنت گذاشته و یا از کامنت‌های دیگران بهره مند شوند. ضمناً امکان امتیازدهی به هر پست وجود داشت.

**نتایج:** به منظور سنجش نگرش دانشجویان نسبت به این مطالعه، پرسشنامه پژوهشگر ساخته براساس مقیاس ۵ نقطه‌ای لیکرتی طراحی شد. این پرسشنامه پس از تایید افراد صاحب نظر، از طریق محاسبه آلفای کرونباخ پایانی آن سنجیده شد که مقدار ۰/۹۱ به دست آمد. نتایج نشانگر سطح بالای از رضایت در دانشجویان بود. همچنین این محیط باعث افزایش انگیزه و استقبال تعداد کثیری از دانشجویان برای انجام تحقیقات علمی در زمینه‌های مطرح شده بحث شده در تالار شد. این محیط همچنین در افزایش دانسته‌های تخصصی اساتید مربوطه موثر بود.

**نتیجه‌گیری:** نظر به توسعه روز افزون یافته‌های علمی جدید، به کارگیری شبکه‌های اجتماعی علمی مجازی می‌تواند تغییر رابطه استاد - دانشجو را از مدل آموزشی "یاد دهی - یادگیری" به مدل پیشرفته "یادگیری - یادگیری" عینیت بخشید.

**واژه‌های کلیدی:** شبکه‌های اجتماعی علمی مجازی، آموزش الکترونیکی، یادگیری.

## بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند نسبت به آموزش الکترونیکی

مجید زارع بیدکی<sup>۱\*</sup>، علی رجب پور صنعتی<sup>۲</sup>، فاطمه رجایی قناد<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> استادیار گروه آموزشی میکروبی شناسی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند Email:m.zare@live.co.uk

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری عمومی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

**مقدمه:** همزمان با تغییرات سریع فنون و مهارت‌ها، ظهور پدیده‌های نوین در فناوری اطلاعات، وجود شبکه‌های ارتباطی بسیار گسترده از جمله اینترنت و ابزارها و امکانات آموزشی پیشرفته، روش‌های آموزشی متحول شده‌اند و تمایل به استفاده از یادگیری الکترونیکی به عنوان یک ابزار یادگیری در حال افزایش است. در حال حاضر بسیاری از دانشگاه‌های کشور آموزش الکترونیکی را شروع نموده‌اند درحالی‌که این پدیده در دانشگاه‌های علوم پزشکی نوظهور است. لذا این پژوهش با هدف بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند نسبت به آموزش الکترونیکی انجام شده است.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر توصیفی تحلیلی و از نوع مقطعی است که در سال ۱۳۹۱ انجام شده است. جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه می باشد که با توجه به جمعیت هر دانشکده و بر اساس جدول مورگان، حجم نمونه ۳۱۳ نفر به روش نمونه گیری طبقه بندی شده براساس دانشکده در نظر گرفته شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه ۴۵ سؤالی بود و داده‌ها به صورت میدانی گردآوری شد و در نهایت با استفاده از نرم‌افزار SPSS 20 مورد تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** یافته‌های این مطالعه نشان داد که دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند نگرشی مثبت (با متوسط نمره نگرش ۱۴۶/۴۶ از حداکثر نمره ۲۲۵) نسبت به استفاده و به کار گیری روش‌های آموزش الکترونیکی در ارائه محتواهای آموزشی توسط اساتید دارند. همچنین مقایسه نمره نگرش افراد نشان داد که تفاوت معناداری در نگرش دوجنس نسبت به آموزش الکترونیکی وجود ندارد (P-value > 0.05) و تمامی افراد تقریباً به یک اندازه نگرشی مثبت نسبت به آموزش الکترونیکی دارند. این پژوهش حاکی از این مطلب بود که بیشترین نگرش مثبت نسبت به آموزش الکترونیکی در دانشجویان دانشکده دندانپزشکی و کمترین نگرش مثبت در دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی می باشد.

**نتیجه‌گیری:** حرکت به سمت اجرای نظام آموزش الکترونیکی در آموزش‌های رسمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند فراهم گردد.

**واژه‌های کلیدی:** نگرش، آموزش الکترونیکی، دانشجویان

## طراحی محیط یادگیری مبتنی بر وب با استراتژی منتورینگ در آموزش پزشکی

زهره جامه بزرگ<sup>۱\*</sup>، محمد سلیمی<sup>۲</sup>

\*دانشجوی سال آخر دکترای تکنولوژی آموزشی از دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

<sup>۲</sup>کارشناس امور پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

[Jamebozorgzahra@gmail.com](mailto:Jamebozorgzahra@gmail.com)

**مقدمه:** منتورینگ به عنوان یکی از موثرترین استراتژی‌های آموزشی در بسیاری از سازمان‌ها برای آموزش و توسعه افراد خیره و متخصص در جهت کسب دانش راهبردی مورد استفاده قرار می‌گیرد. لاگمن (۲۰۰۷) منتورینگ را این گونه تعریف نموده، منتورینگ سیستمی است که در آن فرد مجرب و آگاه، دیگران را راهنمایی و تشویق به حرکت به سمت موفقیت شغلی و تحصیلی می‌نماید. امروزه پیشرفت‌های فن آوری به ویژه در حوزه ارتباط مبتنی بر وب کمک بزرگی به رشد منتورینگ نموده است. در این مقاله سعی بر این است تا عناصر طراحی محیط یادگیری مبتنی بر وب با استراتژی منتورینگ در آموزش پزشکی ارائه گردد.

**روش‌ها:** این تحقیق کیفی به روش بردی<sup>۸۵</sup> انجام شده است. شامل چهار مرحله بررسی، تطبیق، توصیف و تحلیل می‌باشد. در مرحله توصیف پژوهشگر به توصیف نموده‌ها و پدیده‌های مورد تحقیق براساس شواهد و اطلاعاتی که از طریق مشاهده مستقیم و یا غیر مستقیم از طریق مطالعه اسناد و گزارشات دیگران به دست آورده است بپردازد. در مرحله توصیف مرحله یادداشت برداری و تدارک یافته‌های کافی برای نقادی از آن‌ها در مرحله بعدی است. در مرحله هم‌جواری اطلاعاتی را که در مرحله اولیه بررسی شده است طبقه بندی و پهلوی هم قرار می‌گیرند و چارچوبی فراهم می‌شود که راه را برای مرحله بعدی یعنی مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های پدیده مورد تحقیق هموار می‌سازد. در مرحله مقایسه دقیقاً تفاوت‌ها و تشابهات مورد بررسی قرار می‌گیرد در نهایت مقولات و مولفه‌های اصلی مشخص و در چیدمان خاص قرار می‌گیرند.

**نتایج:** منتور شخصی خرد مند، آگاه و پیشرو است که راه رشد و شکوفایی را به فرد پیرو خود نشان می‌دهد مانند متخصصین علوم پزشکی که اشخاص با تجربه ای هستند، وظیفه راهنمایی و پرورش دانشجویان و یا پزشکان کم تجربه را در عرصه انجام کار پزشکی دارند. اکمن (۲۰۰۹) منتورینگ را به عنوان یکی از مهمترین جنبه‌های آموزش‌های حرفه‌ای در محیط‌های پیچیده در حال رشد معرفی می‌کند. طبق یافته‌های تحقیق، عناصر و چارچوب طراحی آموزشی مبتنی بر این رویکرد می‌تواند به شرح ذیل باشد:

- محتوا: می‌تواند شامل دانش حیطه‌ای، راهبردهای اکتشافی، رابردهای کنترل و راهبردهای یادگیری باشد
  - روش: می‌تواند شامل مدل سازی، مربی‌گری، داربست زنی و محوطه سازی، روایتگری، انعکاس و اکتشاف باشد
  - ترتیب توالی: می‌تواند شامل افزایش پیچیدگی و افزایش تنوع باشد
- این طراحی می‌تواند در محیط یادگیری مبتنی بر وب با استفاده از ایمیل، گفتگوی زنده، نشست‌های اینترنتی و کنفرانس‌های کامپیوتری انجام شود.

**نتیجه‌گیری:** دانش راهبردی شامل کشف راه حل‌ها و انتخاب یک راه حل درست از بین راه‌های موجود است. دانش راهبردی از تجربه در محیط‌های واقعی کار به دست می‌آید. در این میان نیاز به یک راهبردی آموزشی محسوس است که در آن افرادی با تجربه، مسئولیت انتقال تجربه در جهت بهسازی دانش راهبردی را به افراد کم تجربه به عهده بگیرد. منتورینگ مبتنی بر وب با حضور متخصصین، راهبردی موثر در راهنمایی و هدایت دانشجویان و پزشکان کم تجربه حین انجام فعالیت پزشکی است

**واژه‌های کلیدی:** منتورینگ، محیط یادگیری، مبتنی بر وب، طراحی، استراتژی، منتور

## تبیین راهکارهای موثر بر بهبود یادگیری الکترونیکی در آموزش پزشکی از دیدگاه دانشجویان

هدیه ممیزی\*<sup>۱</sup>، محمد ممیزی<sup>۲</sup>

\*کارشناس ارشد آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات پیشگیری و اپیدمیولوژی بیماری های غیر واگیر، دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

Mahdieh\_momayyezi@yahoo.com

<sup>۲</sup>دانشجوی پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

### مقدمه:

با افزایش اهمیت اطلاعات، در تمدن نوین باید نظام آموزشی نوسازی و

پژوهش علمی از نو تعریف شود. امروزه با توسعه یادگیری الکترونیکی تحولات شگرفی در نظام آموزشی صورت یافته است.

این تحولات چنان بنیادین و فراگیر است که یادگیری الکترونیکی را موتور محرکه عصر آگاهی لقب داده اند. پژوهش حاضر با هدف تعیین

راهکارهای اثربخش بر بهبود یادگیری الکترونیکی در آموزش پزشکی از دیدگاه دانشجویان پزشکی انجام شده است.

**روش‌ها:** این مطالعه از نوع توصیفی است. برای جمع آوری اطلاعات ۲۰۰ پرسشنامه خود ساخته، که روایی و پایایی آن توسط

اساتید و آزمون آماری برآورد شده بود به روش نمونه گیری تصادفی آسان در بین دانشجویان توزیع شد. برای تجزیه و تحلیل

داده ها از نرم افزار spss/ver16 استفاده گردید.

**نتایج:** یافته ها نشان داد از دیدگاه دانشجویان استفاده از ابزارهای دیداری (تصویری) مهمترین جزء یادگیری الکترونیکی است

که به بهبود یادگیری کمک می کند. از نظر دانشجویان مورد بررسی استفاده از بسته های آموزشی (۸۰٪)، نوارهای شنیداری (۷۰/۱٪)،

کتاب های الکترونیکی با فراوانی ۶۲٪ و استفاده از لوح های فشرده آموزشی با فراوانی ۶۰٪ از مهمترین ابزارها جهت

یادگیری به روش الکترونیکی بودند. در این میان برگزاری کلاس های درس به صورت ویئو کنفرانس و همچنین برگزاری

امتحانات به صورت اینترنتی و از راه دور کمترین فراوانی را در زمینه روش های یادگیری الکترونیکی داشتند.

**نتیجه گیری:** برای حل مسائل و موانع، لزوم برنامه ریزی دربرخورد با یادگیری الکترونیکی و به خصوص تدوین برنامه

راهبردی به منظور حل مسائل و از میان برداشتن موانع فرارو موثر به نظر می رسد.

**واژه های کلیدی:** راهکار، یادگیری، الکترونیکی، دانشجو

### نقش تلفن های هوشمند در آموزش آناتومی

راضیه السادات موسوی رکن آبادی

Email: [mousavi\\_razieh@yahoo.com](mailto:mousavi_razieh@yahoo.com)

دانشجوی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

**مقدمه:** ارتقاء کیفیت آموزش در دانشجویان علوم پزشکی ضرورتی است که همواره از سوی مسئولین آموزش پزشکی جهان مورد توجه قرار گرفته است. آموزش الکترونیک، بعنوان یکی از مهمترین ارکان نظام اجتماعی مطرح گردیده؛ بطوری که این شیوه نوین آموزشی، امکان فراگیری مستقل از زمان و مکان را برای دانشجویان فراهم می آورد. فناوری تلفن های هوشمند (Smartphones) و آموزش از طریق موبایل (M-Learnin)، یک جزء جدانشدنی از آموزش بوده؛ که از آغازین روزها، در حوزه علوم پزشکی، جایگاه ویژه ای یافته است. آناتومی، علم مطالعه و شناخت ساختمان بدن انسان و اجزای تشکیل دهنده آن، از دروس پر حجم با زمان کوتاه در دوره علوم پایه است که ضرورت آموختن آن توسط دانشجوی پزشکی بر هیچکس پوشیده نیست. هدف این مطالعه، مرور مقالات در زمینه نقش تلفن های هوشمند در آموزش آناتومی است.

**روش ها:** این مطالعه به شیوه مروری-تحلیلی بوده که در آن به بررسی مقالات خارجی و داخلی با کلید واژه های مرتبط به زبان انگلیسی و فارسی، و با استفاده از دیتابیس های الکترونیکی نظیر Medline, Elsevier, ScienceDirect, GoogleScholar, SID, Iranmedex, Magiran گزارشات انجمنهای علمی، خلاصه مقالات کنگره های آموزش پزشکی و آموزش الکترونیک و کتب مرتبط نیز مورد بررسی قرار گرفتند. در جستجوهای انجام شده، هیچ محدودیتی به جز زبان مقالات، در نظر گرفته نشد.

**نتایج:** از بین حدود ۱۸۰ مقاله یافت شده در زمینه M-learning، ۱۴۴ مقاله خارجی و ۳۶ مقاله داخلی بودند. در این میان، تنها ۷ مقاله به بررسی نقش تلفن های هوشمند در آموزش آناتومی پرداخته بود. یافته ها نشان میدهد که یادگیری از طریق تلفن های هوشمند، به عنوان مرحله جدیدی در آموزش الکترونیک در حوزه علوم پزشکی است که در آن با استفاده از برنامه (Application)، کتاب (ebook)، عکس (Image)، ویدئو (video)، اطلس و فلش کارت (Atlas & Flashcard)، امکان اتصال به اینترنت و دسترسی سریعتر و راحت تر به دیتابیس ها و کتابخانه ها، و دیگر امکانات موجود، میتوان آموزش آناتومی را با جذابیت و کیفیت بالاتر همراه ساخت.

**نتیجه گیری:** باتوجه به نتایج مطالعات و لزوم ارتقاء هرچه بیشتر و سریعتر آموزش پزشکی، و همچنین جایگاه ویژه فناوری در دستیابی به این مهم، لازم است در آموزش سایر دروس نیز مطالعات کافی انجام گرفته و M-learning بعنوان وسیله ای کمک آموزشی در برنامه های آموزشی دروس پایه و بالینی قرار گیرد. در تحقق هرچه بیشتر این امر، تلاش در جهت تولید برنامه های آموزشی ویژه تلفن های هوشمند، توسط متخصصین داخلی توصیه میگردد.

**واژه های کلیدی:** تلفن هوشمند، M-learning، آناتومی



## کاربرد تلفن همراه هوشمند در آموزش پزشکی: یک بررسی نظامند

دکتر رضا صفدری، آقای محمد جبرائیلی\* - دکتر بهلول رحیمیخانم زهرا زارع فضل الهی

rsafdari@sina.tums.ac.ir

**مقدمه:** با پیشرفت های روزافزون در عرصه علوم پزشکی و تحول در نظام ارائه خدمات سلامت، آموزش پزشکی نوین نیازمند دسترسی سریع و بموقع به اطلاعاتی از قبیل منابع مرجع پزشکی، اطلاعات دارویی، اطلاعات بیماری ها و آخرین پژوهش های انجام شده در حوزه های تخصصی پزشکی بدون هیچ گونه محدودیت مکانی و زمانی می باشد بنابراین جهت نیل به این مهم، استفاده از ابزارهایی مانند تلفن همراه هوشمند با داشتن قابلیت هایی بالقوه ضروری به نظر می رسد. هدف از این تحقیق، بررسی نظامند کاربرد تلفن همراه هوشمند در حیطه های مختلف آموزش پزشکی است.

**روش ها:** این تحقیق به صورت بررسی نظامند در سال ۱۳۹۱ انجام گرفت که با جستجوی کلید واژه های مش "Medical Education, Mobile health, smart phone, mobile technology" بصورت ترکیبی در پایگاه های اطلاعاتی (PubMed- Embase – Medline- Cochrane) بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ انجام گرفت. از ۲۶۸ مقاله بدست آمده پس از مطالعه چکیده و ارزیابی اولیه آنها با توجه به مرتبط بودن با اهداف پژوهشی در نهایت ۵۴ مقاله انتخاب شدند.

**نتایج:** نتایج مهم بررسی نظامند نشان می دهد که در ۷۳ درصد از مطالعات، تلفن همراه هوشمند در آموزش تشخیص های افتراقی، راهنماهای بالینی و پروتکل های درمانی کاربرد دارد همچنین از کاربردهای دیگر آن می توان به ترتیب در آموزش نسخه نویسی (۵۸ درصد)، آموزش پزشکی مبتنی بر شواهد (۴۶ درصد)، آموزش محاسبات بالینی (۳۹ درصد)، آموزش ارتباطات و مشاوره (۳۴ درصد) اشاره کرد.

**نتیجه گیری:** با توجه به لزوم یادگیری مادام العمر و به روز نگه داشتن دانش پزشکی برای ارائه کنندگان خدمات سلامت و همچنین نقش موثر تلفن همراه هوشمند در آموزش پزشکی، ضروری به نظر می رسد که آموزش کافی در مورد نحوه استفاده از نرم افزارهای کاربردی پزشکی تلفن همراه در برنامه آموزشی دانشگاهی و حین خدمت بر اساس نیازسنجی ارائه شده و همچنین زیرساخت های لازم فنی و اجتماعی آن ایجاد گردد.

**واژه های کلیدی:** آموزش پزشکی، موبایل سلامت، تلفن همراه هوشمند، بررسی نظامند

### کاربست دستیار دیجیتال شخصی و شبیه سازی در آموزش پرستاری

Application of personal digital assistants and simulation in nursing education

الهه گوزلی<sup>۸۶</sup>، رویا گودرزی<sup>۸۷</sup>، دکتر بهلول رحیمی<sup>۸۸</sup>، لادن سلطان زاده<sup>۸۹</sup>

Email: roya\_goodarzi@yahoo.com

Tel: 04412937132

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی ارومیه - حوزه معاونت آموزشی

**زمینه و هدف:** دستیابی به آخرین یافته‌های علمی در حوزه پرستاری نقش بسیار مهمی در ارائه مراقبت‌های خاص به هر بیمار، حل مشکلات و اتخاذ تصمیمات پیچیده دارد. در آموزش پرستاری آماده کردن پرستاران برای تغییر محیط و ایجاد یک محیط جدید مستلزم یک نوآوری و ابتکار بوده است. بنابراین استراتژی‌های جدیدی باید بکار گرفته شود. در این راستا شبیه‌سازی و دستیار دیجیتال شخصی (PDA) یک استراتژی جدید می‌باشد. گرچه امروزه در سراسر دنیا برنامه‌های شبیه سازی با کیفیت بالا در سیستم آموزش بکار گرفته می‌شود ولی این سیستم هنوز به طور جدی وارد دانشکده‌های پرستاری کشورمان نشده است. شبیه سازی و دستیار دیجیتال شخصی می‌تواند برنامه‌های آماده سازی پرستاران برای تمرین‌های تخصصی و حرفه‌ای را به سیستم آموزشی القا نماید. هدف از مقاله حاضر، بررسی الزامات نوآوری در آموزش پرستاری است.

**روش پژوهش:** این مطالعه از نوع کتابخانه‌ای و بر اساس مرور ساختارمند مقالات منتشر شده در پایگاه‌های اطلاعاتی pubmed, proquest, science direct, ovid (مابین سالهای ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۲) در زمینه الزامات نوآوری در آموزش پرستاری با کلید واژه‌های مرتبط می‌باشد.

**یافته‌ها:** مطالبات محیط مراقبت‌های بهداشتی، نیاز به کارگماری بالینی، تغییرات در ارائه مراقبت‌های بهداشتی و وجود تعداد زیادی از دانشجویان پرستاری نیاز به وجود روش‌های نوین آموزشی را می‌طلبد. شبیه سازی یک استراتژی یاددهی است که در واقع تکرار کردن واقعیت است. امروزه شبیه‌سازی با میزان تشابه بسیار بالا آموزش را دستخوش تغییر کرده است. شبیه‌سازی با میزان تشابه بالا فراگیران را درگیر آموزش فعال می‌کند که این خود می‌تواند میزان یادگیری آنها را بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش دهد. نوآوری دیگر در آموزش پرستاری استفاده از دستیار دیجیتال شخصی (PDA) می‌باشد. دستیار دیجیتال شخصی برای ارزیابی بالینی، اطلاعات دارو، ترجمه زبان، محاسبات، شناسایی مقادیر آزمایشگاهی نرمال، نقاط عطف رشد و نمو کودکان، زبان ورود به سیستم پزشکی، دیکشنری پزشکی، آناتومی، نمودار رشد، و دستورالعمل ایمن‌سازی استفاده می‌شود. این تکنولوژی‌های رایج را می‌توان با برنامه‌های آموزش پرستاری ادغام کرد تا بتوان یادگیری پایدارتر و ماندگارتری را ایجاد کرد.

**بحث و نتیجه گیری:** آموزش مؤثر یک فرایند پیچیده ذهنی است که به طور مداوم منجر به تصمیم‌گیری شده و تشویق دانشجویان در این امر نهایتاً باعث تغییر در نحوه تفکر آنها می‌گردد. برای تداوم مؤثر بودن آموزش لازم است مربی کلیه فعالیت‌های آموزشی فراگیر را در داخل کلاس و بیرون از کلاس پیگیری نماید. افزایش حس متمر ثمر بودن در مربیان ارتباط مستقیم با افزایش نوآوری در آموزش، مثبت‌نگری نسبت به آن، رضایت شغلی، و گرایش به سمت استراتژی‌های نوآوری خواهد داشت. شبیه سازی و دستیار دیجیتال شخصی بایستی در آموزش پرستاری ادغام گردد.

۸۶ (نویسنده اول) دانشجوی کارشناسی ارشد فناوری اطلاعات سلامت دانشگاه علوم پزشکی تهران و کارشناس حوزه معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه (elahe.gozali@gmail.com)

۸۷ (نویسنده مسئول) دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی دانشگاه ارومیه و کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه (roya\_goodarzi@yahoo.com)

Dr Bahlol Rahimi<sup>۸۸</sup>

Ladan Soltanzadeh<sup>۸۹</sup>

کلید واژه ها: نوآوری، آموزش پرستاری، شبیه سازی، دستیار دیجیتال شخصی

آموزش الکترونیکی نیاز امروز جامعه

E-learning Need Today Society

دکتر بهلول رحیمی<sup>۹۰</sup>، الهه گوزلی<sup>۹۱</sup>، ملیحه صادقی<sup>۹۲</sup>

elahe.gozali@gmail.com

Tel: 04412937205

آدرس: دانشگاه علوم پزشکی ارومیه - حوزه معاونت آموزشی

**زمینه و هدف:** پدید آمدن فناوری اطلاعات تمام ابعاد زندگی بشری را متحول و روند انجام امور کلی با گذشته های نه چندان دور از نظر کیفی و کمی تغییر کرده است. با گسترده شدن فناوری اطلاعات و نفوذ وسایل ارتباط از راه دور به عمق جامعه، ابزارها و روش های آموزش نیز دچار تحول شدند. یکی از مظاهر بسیار مهم فناوری اطلاعات در بعد آموزش، پدیده یادگیری الکترونیکی می باشد. تحول ابزارها و روش های آموزش در جهتی است که هر فرد در هر زمان و هر مکان بتواند با امکانات خودش و در بازه زمانی که خودش مشخص می کند مشغول یادگیری شود. در این میان توجه به این مسئله حائز اهمیت است که نیاز جامعه نسبت به آموزش الکترونیکی چیست و آموزش الکترونیکی به چه نحوی باید عمل کند.

**روش پژوهش:** این مطالعه از نوع کتابخانه ای و بر اساس مرور ساختارمند مقالات منتشر شده در پایگاه های اطلاعاتی (مابین سالهای ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۳) در زمینه انتظارات و نیاز امروز جامعه بشری به آموزش الکترونیکی با کلید واژه های مرتبط می باشد.

**یافته ها:** نتایج مطالعه حاضر نشان می دهد که فناوری اطلاعات ظرفیت بالقوه وسیعی برای بهبود کیفیت در امر آموزش فراهم می کند و آموزش الکترونیکی باعث افزایش سطح آگاهی، توسعه دانش، تبدیل شدن اطلاعات به دانش، افزایش مشارکت و تعامل گروهی خواهد شد. همچنین افزایش کیفیت یادگیری، سهولت دسترسی به حجم بالایی از اطلاعات و دانش های موجود در جهان، دسترسی سریع و به موقع به اطلاعات و ... از مزایای آموزش الکترونیکی می باشد که وجود مزایای مذکور

تا حدودی نیازهای امروز جامعه را در امر آموزش برطرف می کند.

**بحث و نتیجه گیری:** بها تا چرزی در تئوری برآورده شدن انتظارات بیان کرده که برآورده شدن انتظارات کاربر توسط سیستم، سودمندی درک شده سیستم توسط کاربر و رضایت کاربر، سه عامل مهم در ادامه استفاده سیستم توسط کاربر می باشد. بنابراین آنچه که مسلم است تنها دارا بودن محتوای خوب و کارآمد نمی تواند ملاک آموزش الکترونیکی موفق و روی دادن یادگیری باشد بلکه باید در اجرای آموزش الکترونیک به عنوان یک روش آموزشی مادام العمر برای علاقمندان در جامعه نیازسنجی لازم صورت گیرد تا دسترسی به اهداف آموزشی میسر گردد.

**کلید واژه ها:** آموزش الکترونیکی، نیاز جامعه، فناوری اطلاعات

Dr Bahlol Rahimi<sup>۹۰</sup>

۹۱ (نویسنده مسئول) دانشجوی کارشناسی ارشد فناوری اطلاعات سلامت دانشگاه علوم پزشکی تهران و کارشناس حوزه معاونت آموزشی دانشگاه علوم

پزشکی ارومیه (elahe.gozali@gmail.com)

Malihe sadeghi<sup>۹۲</sup>

## مدیریت و رهبری آموزش از طریق اصلاح فرایند اعلام دانش‌آموختگی دانشجویان گروه پزشکی و تایید ستاد

امیر محمدی<sup>۱</sup> فرشید منجمی<sup>۲</sup>، میترا سرشار<sup>۳</sup>  
amir\_007\_ca@yahoo.com

<sup>۱</sup>عضو هیات علمی معاونت آموزشی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی

<sup>۲</sup>معاون اجرایی مرکز خدمات آموزشی

<sup>۳</sup>مرکز خدمات آموزشی

**مقدمه:** اطلاعات یکی از منابع اصلی و با ارزش مدیران یک سازمان است. در اصلاح فرایند دانش‌آموختگی دانشجویان گروه پزشکی، با بکارگیری تکنولوژی اطلاعات و انتقال اطلاعات از طریق شبکه وب جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز سازمان تحقق یافته است.

**روش‌ها:** برای طراحی پورتال دانش‌آموختگان پس از شناخت و تحلیل اولیه نسبت به طراحی و پیاده‌سازی اولیه سیستم اقدام گردید. با آماده شدن نسخه اولیه اجرای آزمایشی در سه دانشگاه انجام پذیرفت. پس از بررسی نظرات دانشگاه‌های مجری آزمایشی سیستم فوق‌الذکر، سیستم نسبت به بازنگری و اصلاح موارد مطرح شده اقدام گردید. به منظور امکان جمع‌آوری اطلاعات کدینگ استاندارد آموزش طراحی و در اختیار کلیه دانشگاه‌های علوم پزشکی وابسته و غیر وابسته قرار گرفت. پس از رفع اشکالات و شناسایی سایر نیازهای دانشگاهها پورتال اصلاح شده در کلیه دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور اعم از وابسته و غیر وابسته راه‌اندازی و مورد استفاده قرار گرفت. از زمان راه‌اندازی پورتال دانش‌آموختگان هیچ دانش‌آموخته گروه پزشکی خارج از سیستم فوق دانش‌آموخته نگردیده است.

**نتایج:**

- رضایتمندی دانش‌آموختگان؛
- حذف دوباره کاری و امور موازی؛
- کاهش زمان فراغت از تحصیل از ۲ ماه به کمتر از یک روز؛
- تشکیل بانک دانش‌آموختگان گروه پزشکی و امکان ارتباط آن با سایر سیستم‌ها؛
- کاهش هزینه‌ها با حذف سفرهای غیرضروری دانش‌آموختگان و صرفه‌جویی در مصرف کاغذ و فضای بایگانی؛
- امکان تهیه گزارشات موردنیاز از بانک دانش‌آموختگان؛
- نگهداری مکاتبات انجام شده درخصوص هر پرونده در سیستم طراحی شده؛
- فراهم سازی زمینه ارتقاء سیستم و بکارگیری روشها و فناوری‌های جدید به منظور فراهم نمودن عدالت؛
- امکان راهبری و آموزش کاربران دانشگاهها و کاهش خطاهای کارشناسان با توجه به افزایش مهارت آنها که از طریق آموزشهای

حین انجام کار توسط کارشناسان ستادی از طریق پرتال انجام می‌شود؛

- مدیریت یکپارچه فرایند دانش‌آموختگان دانشگاهها از ستاد وزارت متبوع؛

- برقراری عدالت در ارائه خدمات به کلیه دانش‌آموختگان در سراسر کشور؛

**نتیجه‌گیری:**

اثرگذاری این سامانه در دانشکده، دانشگاه و کشور مشهود می‌باشد. انتقال اطلاعات دانش‌آموختگان از دانشکده به دانشگاه و از دانشگاه به مرکز خدمات آموزشی صورت می‌پذیرد. آموزش دانشکده‌ها از پرتال طراحی شده بعنوان جایگزین مستندات کاغذی استفاده نموده و آموزش دانشگاهها با بررسی گزارشات دریافتی از دانشکده مراتب را بصورت الکترونیک به ستاد وزارت متبوع ارسال می‌دارند. با توجه به روند ارسال اطلاعات و تولید بانک دانش‌آموختگان صحت اطلاعات بسیار بالا بوده و این پروژه را به یک پروژه ملی تبدیل نموده است.



## تعیین اثربخشی دوره آموزشی مهارت آموزی بالینی مقدماتی قبل از ورود به دوره بالینی بر میزان یادگیری و راحتی دانشجویان (نیازسنجی، طراحی، اجرا و ارزشیابی دوره)

محمد دادگستر نیا\*، وجیهه وفامهر، نیکو یمانی

\*کارشناس مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

mdadgostarnia@gmail.com

**مقدمه:** اگرچه آموزش برخی از مهارتها مثل شرح حال گرفتن و معاینه فیزیکی و پروسیجرهای مقدماتی در دوره ICM شروع میشود، اما بررسی ها و فیدبک های رسیده از دانشجویان و اساتید نشان میدهد که نقصهای زیادی در هنگام ورود به دوره بالینی وجود دارد. در مورد برخی مهارتها مانند تفسیر پاراکلینیک های شایع، مهارتهای احیا و برخورد با تروماهای شایع، هیچ آموزشی وجود ندارد و اغلب دانشجویان در سطح پایینی قرار دارند. این مطالعه با هدف مشخص کردن نیازهای آموزشی مهارتهای بالینی قبل از ورود به دوره بالینی و بررسی تاثیر آموزش آنها طراحی گردید.

**روش ها:** این مطالعه در ۲ فاز انجام گرفت. ابتدا فاز نیازسنجی که از ۲ طریق انجام شد. اول جستجوی وسیع منابع موجود برای استخراج اهداف و مهارتهای ضروری و دوم نظرسنجی از دانشجویان. پس از تجزیه و تحلیل نتایج نیازسنجی، برنامه ریزی برای مداخله انجام شد. در فاز بعدی که طراحی، اجرا و ارزشیابی بود، با توجه به نتایج حاصل از نیازسنجی برای اجرای کارگاههای مهارت آموزی بالینی مقدماتی برنامه ریزی شد. روش اجرا به صورت کارگاهی و کارگروهی بود که با استفاده از وسایل دیداری- شنیداری و شبیه سازها آموزش داده شد. در هر کارگاه پیش آزمون و پس آزمون بصورت MCQ برگزار شد. همچنین از طریق پرسشنامه (پیش آزمون و پس آزمون)، افزایش میزان راحتی دانشجویان در برخورد با شرایط بالینی مورد نظر در هر کارگاه سنجیده شد. در نهایت تغییر میانگین نمره پیش آزمون و پس آزمون MCQ در هر کارگاه با آزمون T و تغییر میزان راحتی دانشجویان پس از هر کارگاه با آزمون MC Nemar سنجیده شد.

**نتایج:** فاز نیازسنجی مشخص نمود که شرکت در دوره های آموزشی زیر ضروری است: آشنایی با Imaging-مهارتهای احیا- *Advanced Trauma Life Support*- تفسیر *EKG*- تفسیر *CBC*- نحوه گرفتن شرح حال و معاینه فیزیکی. مقایسه میانگین نمره آزمونهای Pretest و Posttest برای هر کارگاه نشان داد که در تمامی موارد بجز کارگاه CBC افزایش معنی داری در نمره آزمون وجود داشته است. ۹۹ درصد موارد تعداد دانشجویانی که پیش بینی کرده بودند که با قرار گرفتن در شرایط مرتبط با هر مهارت عملی احساس راحتی خواهند کرد، افزایش معنی داری داشت.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج، برنامه ریزی و اجرای دوره های آموزشی جهت ارتقای مهارتهای بالینی دانشجویان در مقاطع مختلف و بر اساس نیازسنجی، کمک شایانی به افزایش دانش و مهارت و اعتماد به نفس دانشجویان برای ایفای نقش در محیط های واقعی و پس از ورود به دوره بالینی خواهد نمود. البته برگزاری چنین دورههایی نیاز به امکانات لازم و بخصوص تامین نیروی انسانی جهت مدرس دوره اهد داشت.

**واژه های کلیدی:** مهارت آموزی بالینی، دوره بالینی، مهارتهای بالینی مقدماتی، مقدمات پزشکی بالینی

### تهیه و استفاده از بانک سوال آزمون OSCE معاینه فیزیکی گامی در جهت رفع مشکلات اجرای آزمون OSCE

دکتر وجیهه وفامهر\*، دکتر محمد دادگسترینیا

\*کارشناس ارشد آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دوره مقدمات پزشکی بالینی

Vafamehr.v@gmail.com

مقدمه: با توجه به اینکه درس روشهای معاینه فیزیکی پیش نیاز تمامی بخش های بالینی می باشد لازم است ضروریات یادگیری معاینات هر ارگان برای دانشجویان مشخص شده و مهارت دانشجو در کلیه ارگانها مورد سنجش قرار گرفته و ارزیابی گردد. حال چگونه میتوان با یک آزمون OSCE مثلا ۸ ایستگاهی به این مهم دست یافت. وقتی که ما مجبوریم از میان اهداف این درس ۸ مورد را انتخاب کنیم ناچاریم شایعترین و مهمترین آنها را انتخاب کنیم که قطعا پس از چند ترم سوالات آزمون برای دانشجویان قابل پیش بینی شده و از مهارت آموزی در تمامی معاینات طفره خواهند رفت. بنابراین این مطالعه با اهداف زیر طراحی گردید: پوشش دادن کلیه بایدهای آموزشی درس معاینه فیزیکی در آزمون OSCE پایان دورهکاهش میزان تقلب و رفع مشکلات امنیتی آزمون

- سنجش صلاحیت ها و مهارتهای دانشجویان با استفاده از معیارهای مشابه و یکسان
  - ارزیابی دانشجویان توسط چک لیستهای از پیش طراحی شده و بر اساس استانداردهای آزمون OSCE
- روشها:** در اجرای این مطالعه مراحل زیر انجام گرفت:

الف: استخراج و بازبینی کلیه اهداف ضروری و باید های آموزشی درس معاینه فیزیکی  
ب: تبدیل هر هدف به یک سوال استاندارد OSCE و تهیه چک لیست و سایر ملزومات آن  
ج: تهیه ۷ بانک سوال موضوعی د: اجرای آزمون OSCE به صورت هر بانک سوال برای هر ایستگاه  
ه: تغییر مدام سوالات ایستگاهها با استفاده از بانک سوال ایستگاه

برای تعیین تاثیر مداخله درصد دانشجویانی که حدنصاب قبولی را کسب نمودند و میزان رضایت آنها از نحوه برگزاری آزمون مورد بررسی قرار گرفت. **نتایج:** کسب حدنصاب قبولی توسط تمامی دانشجویان در کل آزمون و کسب نمره مورد قبول توسط ۱۰۰٪ دانشجویانی که معاینات ناشایع برای آنها انتخاب شده بود (که در دوره های قبلی اغلب دانشجویان نمره قابل قبولی در آنها کسب نمیکردند) از نتایج اصلی این مطالعه بود. همچنین نیاز به قرنطینه دانشجویان در ساعات طولانی برگزاری آزمون نیز مرتفع گردید. رضایت بالای دانشجویان از برگزاری این آزمون در نظر سنجی انجام شده پس از اجرای آزمون، گویای تاثیر آن در کاهش استرس و راحتی دانشجو در ساعات انتظار آزمون OSCE بود.

**نتیجه گیری:** با توجه به نو بودن اجرای اینچنینی آزمون OSCE، به عنوان یک نوع آزمون Modified OSCE قابل ارائه به جامعه آموزش پزشکی میباشد. البته باید اذعان نمود که مراحل قبل از اجرای آزمون اندکی پیچیده تر از آزمون معمول OSCE بوده و نیاز به مدیریت و صرف وقت بیشتری برای تنظیم ایستگاهها دارد.

**واژه های کلیدی:** آزمون OSCE، درس معاینه فیزیکی، امنیت آزمون

### اولویت بندی مشکلات آموزشی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان:

#### یک مطالعه کیفی

شکوه ارجمند، سعید اسماعیلیان، مهلا ایرانمنش، دکتر رضا دهنویه، بهاره ذی حیات، زهرا سیوندی، هاجر شفیعیان\*، حسین شیرخانی، ویدا کاردان مقدم، مهشاد گوهری، هادی نادر زاده، بنت الهدی ودیعتی

مقدمه: شناخت مسائل و نارسایی های نظام آموزشی برای عموم به ویژه برای اساتید، مدیران، طراحان و کارشناسان برنامه های آموزشی فواید بسیاری دارد. مشتریان آموزش عالی دانشجویان، کارکنان، اعضای هیأت علمی و جامعه را تشکیل می

دهند که در بین آنها دانشجویان بیشترین توجه را به خود جلب نموده‌اند، رضایت مندی آنان از کلیه فعالیت های انجام شده در دانشگاه میتواند در نگرش آنها به رشته شان جهت ایجاد انگیزش و حفظ و ارتقای کیفیت آموزش موثر می باشد. هدف از این مطالعه اولویت بندی مشکلات آموزشی و ارائه راهکارهای جهت بهبود مسائل موجود می باشد.

**روش‌ها:** این مطالعه یک مطالعه کیفی و برای جمع آوری داده ها از مصاحبه نیمه ساختار یافته و بحث گروهی استفاده شد. دانشجویانی که از لحاظ معدل ممتاز، متوسط و دانشجویان ضعیف که از نظر رتبه کلاسی نفرات اول، وسط و آخر هر ورودی بر اساس رشته می باشند به عنوان جامعه مطالعه بودند. پس از جمع آوری مصاحبه ها به صورت کلمه به کلمه نتایج خارج شده و نتایج بر اساس تم ها دسته بندی شد.

**نتایج:** بر اساس یافته های این پژوهش اولویت مشکلات دانشجویان در خصوص برنامه درسی رشته های مختلف، نحوه تدریس اساتید، نحوه ارزشیابی دانشجویان، امکانات فیزیکی و کمبود وسایل کمک آموزشی و همچنین استفاده نامناسب اساتید از وسایل کمک آموزشی، مشاوره تحصیلی و همچنین عدم برنامه ریزی مناسب جهت برگزاری کلاسها در دانشکده ها بود.

**نتیجه گیری:** شناسایی مسائل و مشکلات موجود در آموزش از دیدگاه خود دانشجویان و اقدام جهت رفع یا بهبود آنها موج دستیابی به اهداف آموزشی و در نهایت تربیت افراد ماهر در ارائه خدمات به جامعه با کیفیت بالا ارائه می گردد.



## بررسی میزان رعایت قواعد طراحی سؤالات چندگزینه ای در آزمونهای ارتقاء دستیاری دانشگاه علوم پزشکی همدان

دکتر مهدی بیگلرخانی<sup>۱\*</sup>، دکتر اعظم معیاری، دکتر محمد فلاح، عباس زمانیان، حسین عماد ممتاز  
<sup>۱\*</sup> عضو هیأت علمی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان

dmbiglar@yahoo.com

**مقدمه:** آزمونهای چند گزینه ای همانند سایر رشته های علوم پزشکی در آزمونهای ارتقاء دستیاری پزشکی نیز به وفور مورد استفاده قرار میگیرند و چنانچه به درستی طراحی نشوند، هدف آزمون که تشخیص صحیح قابلیت های دانشجویان است، میسر نخواهد شد. لذا براساس اهمیت آموزش و ارزشیابی مقاطع دستیاری در تربیت پزشکان متخصص آینده، این مطالعه به منظور بررسی رعایت اصول طراحی سؤالات چند گزینه ای در آزمون های ارتقاء دستیاری دانشکده پزشکی انجام شد.

**روش ها:** مطالعه بصورت توصیفی- مقطعی بروش سرشماری بر روی کلیه سؤالات طراحی شده آزمونهای ارتقاء دستیاری دانشگاه انجام شد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای بود که در بخش اول حاوی اطلاعات کلی گروهها، در بخش دوم حاوی چک لیست معتبر و پایای میلمن بود که رعایت اصول طراحی در تنه، گزینه ها و کلیت هریک از سؤالات را در ۱۸ آیتم مورد سنجش قرار میداد. بخش سوم پرسشنامه حاوی یک سؤال بسته در مورد درجه تاکسونومی سؤال بود. اطلاعات مورد نیاز جمع آوری و با استفاده از روش های آماری توصیفی و تحلیلی معتبر ارائه و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** تمامی ۱۲۵۰ سؤال آزمونهای ارتقاء ۸ رشته دستیاری موجود در دانشگاه در سال ۱۳۸۷ و ۱۱۰۰ سؤال ۷ رشته دستیاری در سال ۱۳۸۶ مورد بررسی قرار گرفتند. در بخش رعایت اصول طراحی در کلیت سؤال، بیشترین میزان مربوط به اجتناب از بکارگیری علائم اختصاری غیر متعارف (۹۹/۹٪ کل سؤالات سال ۱۳۸۷ و ۱۰۰٪ کل سؤالات سال ۱۳۸۶) و کمترین میزان مربوط به رعایت شکل ظاهری صحیح در سؤال (۸۵/۳٪ کل سؤالات سال ۱۳۸۷ و ۸۳/۹٪ کل سؤالات سال ۱۳۸۶) بود. در بخش رعایت اصول طراحی سؤال در تنه، بیشترین میزان مربوط به بند پرسشی بودن تنه سوال و قرار دادن جای خالی در انتهای تنه (۹۹/۸٪ در هر دو سال) و کمترین میزان مربوط به رعایت نحوه درج عبارات منفی (۹۷/۴٪ در سال ۱۳۸۷ و ۹۷/۹٪ در سال ۱۳۸۶) بود و بالاخره در بخش رعایت اصول طراحی سؤال در گزینه ها، بیشترین میزان رعایت مربوط به پرهیز از توضیح اضافی در گزینه ها (۱۰۰٪ در سال ۱۳۸۷ و ۹۹/۹٪ در سال ۱۳۸۶) و کمترین میزان مربوط به بندهای رعایت استفاده از زبان یکسان در گزینه ها (۹۲/۹٪ در سال ۱۳۸۷ و ۹۳/۵٪ در سال ۱۳۸۶) بود. ۶۴/۱٪ از سؤالات سال ۱۳۸۷ و ۶۸/۳٪ از سؤالات سال ۱۳۸۶ دارای تاکسونومی پایین (۱) بودند. بین طراحی سؤالات با تاکسونومی بالا و رعایت صحت ظاهری سؤال در هر یک از این دو سال همبستگی آماری معنادار و معکوسی وجود داشت (در هر دو سال  $P < 0.001$ ).

**نتیجه گیری:** نتایج حاصله اهمیت ملزم بودن اساتید به رعایت قواعد میلمن در طراحی تک تک سؤالات آزمونهای چندگزینه ای با تاکسونومی مناسب و لزوم انجام مداخلات آموزشی- کاربردی مورد نیاز برای اساتید طراح با تمرکز بر رفع نقاط ضعف مشهود در آزمونهای طراحی شده قبلی را مورد تأیید قرار میدهد.

**واژه های کلیدی:** سؤالات چند گزینه ای، آموزش پزشکی، دستیاری بالینی، قواعد میلمن.

## دروس مقطع علوم پایه و بهره وری آموزشی؛ دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه

### علوم پزشکی مشهد

میلاذ انوری، محمدرضا جمعه زاده، امید حسنی اکبریه

anvarim861@mums.ac.ir

**مقدمه:** این سؤال همواره در ذهن دانشجویان پزشکی وجود دارد که آیا دروس علوم پایه برای مقاطع بعدی رشته پزشکی کاربرد عملی و علمی دارد یا خیر؟ در این پژوهش میزان بهره وری آموزشی دروس مقطع علوم پایه از دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد مورد بررسی قرار گرفته است.

**روش‌ها:** نمونه مورد نظر برای این پژوهش شامل ۱۰۰ نفر (۵۲ مرد، ۴۸ زن) می باشد، که به صورت تصادفی از میان دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد (که حداقل ۱۰٪ از واحدهای دروس مقطع علوم پایه را گذرانده بودند) انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته ای استفاده شد که روایی و پایایی آن به تایید رسیده بود. داده های به دست آمده در پایان توسط نرم افزار SPSS11 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** به نظر ۷۸٪ دانشجویان، شیوه های کنونی آموزش علوم پایه پزشکی جوابگوی نیازهای دانشجوی پزشکی نیست. اکثر آن ها معتقد بودند که نوع و کیفیت تدریس اساتید در اکثر دروس علوم پایه با نگرش به آینده و در نظر گرفتن نیازهای آینده دانشجوی پزشکی نمی باشد و تنوع در شیوه های مورد استفاده در آموزش علوم پایه (تئوری و عملی) را در سطح پایینی می دانستند. به عقیده ۸۰٪ دانشجویان به طور کلی بهره وری و کارایی سیستم آموزش فعلی در علوم پایه جوابگوی نیازهای دانشجو برای مقاطع بعدی رشته پزشکی نمی باشد.

**نتیجه گیری:** نتایج نشان می دهد که از دیدگاه دانشجویان نظام آموزشی فعلی مقطع علوم پایه پزشکی بهره وری علمی و کاربردی لازم برای مقاطع بعدی این رشته را ندارد. بنابراین با توجه به اهمیت این مقطع که راه آشنایی اولیه دانشجویان با رشته پزشکی است توجه به نظام آموزشی و بهره وری این مقطع ضروری و لازم است.

**واژه های کلیدی:** بهره وری آموزشی، علوم پایه، دانشجوی پزشکی

## مقایسه کیفی نتایج خودسنجی اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز با

### نتایج ارزشیابی دانشجویان از آنان

\*لیلا بذرافکن ، صدیقه شایق

دانشگاه علوم پزشکی شیراز

Edcu@sums.ac.ir

مقدمه: هدف از ارزشیابی اساتید بهبود نحوه تدریس و ارتقای اثربخشی آن است. در این بین تلاش می شود تا نتایج ارزشیابی اعضای هیئت علمی به واقعیت نزدیک باشد. این مطالعه به منظور مقایسه نظرات خودسنجی اساتید از دانشجویان انجام شده است. روش ها: این پژوهش توصیفی مقطعی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز انجام شد و جمعیت مورد مطالعه شامل ۴۷۴ نفر از دانشجویان دانشکده های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی و ۲۵ نفر از اساتید علوم پایه دانشکده پزشکی بودند که به طور تصادفی انتخاب شدند. هر استاد را حداقل ۵۰ دانشجو ارزشیابی نمودند. ابزار پژوهش پرسشنامه ای با ۱۵ سوال در سه حیطه خصوصیات فردی استاد، روش آموزش و توان علمی استاد در مقیاس لیکرت بود که به طور یکسان و براساس فرم ارزشیابی اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز تهیه شده بود سپس اساتید (خبرگان آموزش) در جلسه گروه متمرکز نتایج مقایسه نظرات دو گروه را تحلیل نمودند. داده ها با استفاده از نرم افزار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت

SPSS.V.13 نتایج: میانگین نمرات خودسنجی اساتید ۲/۶۸+ /۲ /۶۴ و میانگین نمرات ارزشیابی دانشجویان از اساتید ۵۱ /۰۴+۵/۳۵

بوده است. در این مطالعه میزان نمرات خودسنجی اساتید با جنس، سن و سوابق آموزشی آنها ارتباط معنی داری نداشت ( $p>0/05$ ) همچنین نمرات ارزشیابی دانشجویان از اساتید کمتر از نمرات خودسنجی اساتید بوده است ( $P<0/05$ ) نتایج تحلیل کیفی نیز موید این است که خود سنجی به عنوان ابزار ارزشیابی استاد بسیار موثر و مفید می باشد اما به فرهنگ سازی و فرهنگ سازمانی مناسب احتیاج دارد. نتیجه گیری: هر چند خودسنجی یکی از روشهای مفید و موثر در ارزشیابی می باشد اما برای اجرای خودسنجی نخست باید زمینه مناسب و فرهنگ نگرش مثبت در ارتباط با این موضوع به وجود آید نظرات دانشجویان نیز در ارتباط با اساتید تحت تاثیر عوامل مختلفی است که از اعتبار آن می کاهد و جهت اطمینان از این گونه قضاوت ها باید مطالعات وسیع تری صورت گیرد. **واژه های کلیدی:** ارزشیابی، خودسنجی، دانشجویان، اساتید

### اجرا و ارزشیابی برنامه مواجهه زودرس بالینی در دوره علوم پایه پزشکی - قدمی به سوی ادغام

دکتر مهستی علیزاده\* ، دکتر سیمین تقوی، دکتر حسین جباری، بیتا افرا، جواهر یاری، دکتر الهام خانلرزاده، دکتر فریبا حیدری، دکتر رعنا حسینی، دکتر الهه بایوردی  
\*مرکز پژوهش‌های آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز  
[alizadm@yahoo.com](mailto:alizadm@yahoo.com)

**مقدمه:** دوره ۷ ساله پزشکی عمومی که در حال حاضر در اکثر دانشگاه‌های ایران در سه مرحله علوم پایه، پیش بالینی (فیزیوپاتولوژی) و بالینی ارائه می‌شود در مقایسه با دوره‌های پزشکی عمومی در اکثر کشورهای جهان و بر اساس شواهد موجود در آموزش پزشکی دارای نقاط ضعف قابل توجهی است. یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف فاصله زیاد دانشجویان پزشکی در دوره علوم پایه که حدود ۳ سال اول را تشکیل می‌دهد از بالین بیمار و جامعه است. یکی از راهکارهایی که قدم نخست در راستای ادغام محسوب می‌شود نقش مهمی در نگرش و دیدگاه دانشجویان به مباحث تئوری و درک آنها از این مباحث دارد؛ برخورد زودرس یا مواجهه زودرس با جامعه (early community or clinical exposure) و بخش‌های بالینی است. در همین راستا در گروه پزشکی اجتماعی بر آن شدیم تا در درس پزشکی اجتماعی ۳ (بهداشت ۳) که حاوی مطالب مربوط به سلامت باروری، سلامت مادر و کودک است مواجهه بالینی زودرس را اجرا نماییم. هدف از این پژوهش افزایش یادگیری و درک بهتر مفاهیم نظری تدریس شده و افزایش درک جایگاه خود به عنوان پزشک در نظام سلامت و آشنایی با وظایف پزشکان خانواده می‌باشد.

**روش‌ها:** در یک action research تعداد ۲۵ نفر از دانشجویان مقطع علوم پایه (ترم ۵) که بطور تصادفی از بین ۱۰۰ نفر از دانشجویان کلاس انتخاب شده بودند، طبق برنامه ریزی قبلی در مدت یک هفته در اواخر ترم تحصیلی بعد از یک کلاس توجیهی بر اساس سرفصل‌های آموزشی انتخاب شده درس بهداشت مادر و کودک، در یک مرکز بهداشتی درمانی و همچنین در بیمارستان زنان و مامایی در بخش‌های زایمان، نوزادان، کلینیک حاملگی‌های پرخطر حضور پیدا کردند و پس از مشاهده ارائه خدمات، در برخی موارد مشخص شده مانند تعیین وضعیت رشد کودک، مشاوره شیردهی خود اقدام عملی انجام دادند. نتایج بصورت Only after پس از مداخله آموزشی مواجهه زودرس با استفاده از مصاحبه نیمه ساختار یافته از دانشجویان در مورد تاثیر مواجهه زودرس بر آگاهی و نگرش آنها و درکی که از جایگاه خود بعنوان پزشک پیدا کردند بدست آمد. به علاوه تعدادی سوال عملی در مورد چگونگی ارائه خدماتی مانند مشاوره تنظیم خانواده، پایش رشد کودک، مشاوره شیرمادر، نحوه نگهداری و تزریق واکسن، معیارهای حاملگی پرخطر، اقداماتی که برای نوزاد نارس انجام می‌گیرد، روش‌های معاینه و بررسی نوزاد به دانشجویان داده شد که نحوه پاسخ به آنها و درصدی که پاسخ صحیح داده بودند تعیین شد. در مصاحبه نیمه ساختار یافته در مورد تجربیات، نگرش به برخورد با بیمار، نگرش به رشته پزشکی و تجربه آنها در این مداخله سوال شد که پاسخ‌ها پس از پیاده کردن، به تم‌هایی تبدیل و جمع بندی شد.

**نتایج:** از بین ۲۵ دانشجوی پزشکی مقطع علوم پایه که بطور تصادفی از بین ۱۱۵ نفر دانشجو انتخاب شده بودند، ۱۱ نفر پسر و ۱۴ نفر دختر بودند. در سنجش اثربخشی این مداخله، ۸ و ۹ هدف آموزشی در حیطه شناختی (درک، کاربرد و قضاوت) بخ ترتیب برای حضور در مرکز بهداشتی درمانی و بیمارستان زنان و زایمان در نظر گرفته شد. بیش از ۸۰ دانشجویان شرکت کننده در برنامه، ۷۰ درصد یا بیشتر اهداف آموزشی را کسب کردند. در مصاحبه نیمه ساختار یافته تجربه‌های خود را از برخورد با بیمار، سایر پزشکان (اساستید و دستیاران و دانشجویان پزشکی دوره بالینی) بیان کردند. نکته ای که

## چکیده مقالات چهاردهمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

---

اکثر دانشجویان ابراز کردند این بود که جایگاه خود را در بخش های بالینی از همان دوره علوم پایه شناختند، با ربط دادن برخی از مسائل که در عمل در بخش های بالینی دیدند و دروس دوره های علوم پایه، تا حد زیادی به هدف دروس دوره علوم پایه پی بردند و اینکه چرا این درس ها را می خوانند. تا آن زمان تصور می کردند که بسیاری از دروس علوم پایه کاربردی نخواهد بود. یک نکته دیگر در تم های مشخص شده، درک اهمیت رابطه پزشک و بیمار بود

**نتیجه گیری:** مواجهه زودرس بالینی برای دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه پزشکی نقش بارزی در افزایش آگاهی و دانش کاربردی و مهارت های عملی و تغییر نگرش آنها به رشته خود و ایجاد علاقه و اشتیاق بیشتر به رشته دارد دانشجویان دارد.

**واژه های کلیدی:** مواجهه زودرس بالینی، دانشجویان پزشکی، بهداشت مادر و کودک

## تغییر در شیوه ارزشیابی کارآموزی در عرصه: کاربرد روش OSME

دکتر رفعت محبی فر\*، الناز قناتی، محمد زکریا کیایی، فریبا زاهدی فر، زهرا قاسمی، معصومه ضیایی ها  
[manage.univ@gmail.com](mailto:manage.univ@gmail.com)

**مقدمه:** کارآموزی بخش اساسی و مهم آموزش در هر رشته به خصوص رشته مدیریت بهداشت و درمان می باشد. در این دوره دانشجویان با شکل دهی مهارت های اساسی و حرفه ای می توانند تجارب بسیار مهمی را کسب نمایند. اندازه گیری و ارزشیابی بازده یادگیری دانشجویان و استفاده از آزمون ها و سایر ابزارها و فنون ارزشیابی پیشرفت تحصیلی یکی از مهم ترین فعالیت های آموزشی محسوب می گردد. مطالعه حاضر با هدف تعیین شیوه مناسب ارزشیابی که بتواند شایستگی ها و توانمندی های دانشجویان رشته مدیریت را اندازه گیری کند، طراحی گردیده است.

**روش ها:** این مطالعه نیمه تجربی برای دانشجویان کارآموزی در عرصه ۲ مقطع کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۰-۹۱ اجرا شد. جامعه مورد مطالعه کلیه دانشجویان ورودی ۸۸ بودند. براساس روش اجرای این مطالعه، دانشجویان به ۴ گروه با نحوه انتخاب هدفمند و ایجاد توازن در هر گروه بر حسب نوع مربی، آموخته ها و توان علمی به منظور کنترل عوامل مخدوش گر از جمله سطح آموزشی، مهارتی، شناختی و همچنین تفاوت مربیان و... تقسیم شدند. با توجه به نیاز سنجی از دانشجویان دوره های قبل و بررسی متون در خصوص روش های نوین ارزشیابی، آزمون شوندگان بر اساس روش های مختلف مانند روش های کتبی، مصاحبه و OSME<sup>37</sup> (آزمون مدیریتی ساختارمند عینی) مورد سنجش قرار گرفتند.

**نتایج:** نتایج حاصل از مقایسه نقطه نظرات دانشجویان در رابطه با مناسب بودن شیوه ارزشیابی مورد استفاده جهت سنجش یادگیری کارآموزی نشان داد که دانشجویان شیوه کتبی متوسط، مصاحبه خوب، آزمون OSME و روش ترکیبی از سه روش قبلی را عالی ارزیابی کرده اند. دانشجویان نیز به طور معناداری پیشنهاد به استفاده از آزمون OSME را در آزمون ترکیبی نموده اند  $p \leq 0/005$ . در بررسی ارتباط بین نمرات دانشجویان و شیوه ارزشیابی مورد استفاده نتایج بیانگر آن می باشد که دانشجویان در آزمون مصاحبه به طور معناداری میانگین نمره بیشتر و در آزمون کتبی کمترین میانگین نمره را نسبت به سایر آزمون ها کسب نموده بودند  $p \leq 0/005$ .

**نتیجه گیری:** نظر به نتایج این مطالعه بهترین روش برای ارزشیابی واحد کارآموزی دانشجویان مدیریت، می تواند استفاده از یک روش ترکیبی به صورت تلفیقی از آزمون های کتبی و OSME و مصاحبه باشد. در واقع می توان گفت این ترکیب، بهینه ترین ترکیب همزمان اهداف آموزشی واحد کارآموزی و نظر کلی دانشجویان به عنوان مشتریان نهایی و نهایتاً رسیدن به هدف اصلی سیستم آموزشی می باشد.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی، کارآموزی، OSME

## بررسی رابطه خودپنداره و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشکده

### پرستاری قاین در سال تحصیلی ۹۱-۹۲

غلامرضا شریف زاده<sup>۱</sup>، محمدرضا رئیسون<sup>۲</sup>، یحیی محمدی<sup>۳\*</sup>، سکینه قربانی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

<sup>۲</sup>کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

<sup>۳\*</sup>کارشناس ارشد علوم تربیتی (گرایش تحقیقات آموزشی) کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم

پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند و مدرس دانشگاه پیام نور و علمی کاربردی

<sup>۴</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

Y\_mohammady\_29@yahoo.com

**مقدمه:** پیشرفت تحصیلی دانشجویان به عوامل متعددی بستگی دارد. شناخت عواملی که به پیشرفت تحصیلی دانشجویان و جلوگیری از افت تحصیلی دانشجویان منجر می شود، اهمیت ویژه ای دارد. بدین منظور، این مطالعه با هدف رابطه خودپنداره و عزت نفس با پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند انجام شد.

**روش‌ها:** روش تحقیق حاضر بر اساس هدف کاربردی و بر اساس روش گرد آوری اطلاعات توصیفی، همبستگی می باشد. جامعه مورد بررسی تمام دانشجویان دانشکده پرستاری قاین در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ و نمونه مورد بررسی شامل ۹۲ دانشجوی مقطع کارشناسی پرستاری که به شیوه نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسش نامه های استاندارد خودپنداره راجرز و عزت نفس کوپر اسمیت استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با شاخص های آمار توصیفی (فراوانی، میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون) با استفاده از نرم افزار SPSS14 انجام شد.

**نتایج:** نتایج تحقیق نشان داد که ۲۶/۳ درصد دانشجویان پسر و میانگین سنی آنها  $20/4 \pm 1/2$  و ۷۳/۳ درصد دختر و میانگین سنی آنها  $19/4 \pm 2/2$  بود. میانگین نمره خود پنداره واقعی  $4/75 \pm 0/55$ ، خودپنداره آرمانی  $5/31 \pm 0/82$  و میانگین نمره عزت نفس دانشجویان  $33 \pm 13/7$  بدست آمد. رابطه معنی داری بین خودپنداره و عزت نفس دانشجویان با پیشرفت تحصیلی دانشجویان نشان داد. یعنی هرچه خودپنداره و عزت نفس دانشجویان بالاتر بود پیشرفت تحصیلی آنها بالاتر بود. **نتیجه گیری:** بین خودپنداره و عزت نفس دانشجویان با پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه معنی داری را نشان داد. بر این اساس می توان استنباط کرد که خودباوری و عزت نفس بالای دانشجویان منجر به پیشرفت تحصیلی آنها شده است. لذا برنامه ریزی لازم برای ارتقاء خود پنداره و عزت نفس دانشجویان و برگزاری کارگاههای بهداشت روانی برای دانشجویان می تواند بر پیشرفت تحصیلی آنان کمک کند.

**واژه‌های کلیدی:** خودپنداره، عزت نفس، دانشجویان، پیشرفت تحصیلی

## کیفیت آموزش بالین از دیدگاه دانشجویان پرستاری

شکوفه زارعی<sup>۱</sup>، مژگان ریواز<sup>۲</sup>، لادن زرشناس<sup>۳\*</sup>، رضا بهزادی<sup>۴</sup>، نسیم شیروانی<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده پرستاری و مامایی حضرت فاطمه(س)، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

<sup>۲</sup> دانشجوی دکترای تخصصی و عضو هیات علمی دانشکده پرستاری و مامایی حضرت فاطمه(س)، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

<sup>۳\*</sup> دانشجوی دکترای تخصصی، دانشکده پرستاری و مامایی حضرت فاطمه(س)، عضو مرکز مطالعات و تحقیقات آموزش و کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران (ladanzar@ymail.com)

<sup>۴</sup> دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی حضرت فاطمه(س)، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

<sup>۵</sup> دانشجوی کارشناسی کارشناسی، دانشکده پرستاری و مامایی حضرت فاطمه(س)، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

**مقدمه:** آموزش بالینی رکن و قلب آموزش پرستاری محسوب می شود. با توجه به مسئولیت پرستاران در حفظ و گسترش سطح سلامتی باید توجه ویژه ای به کیفیت آموزش بالینی دانشجویان پرستاری مبذول داشت. از آنجا که شناسایی مسائل موجود در آموزش بالینی دانشجویان و اقدام برای رفع و اصلاح آنها موجب بهبود دستیابی به اهداف آموزشی و تربیت افراد ماهر و ارتقای کیفیت خدمات مراقبتی می گردد، لذا در این پژوهش، کیفیت آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری مورد بررسی قرار گرفت.

**روش‌ها:** در این مطالعه مقطعی نمونه‌ها بصورت سرشماری و مبتنی بر هدف از بین کلیه دانشجویان پرستاری که حداقل دو ترم بالینی را گذرانده و رضایت شرکت در مطالعه را داشته باشند انجام شد (۱۱۱ نفر). ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد شده ClinED IQ شامل ۳ زیر مجموعه سنجش فرصت‌های یادگیری بالینی (۱۱ سوال)، میزان شرکت در فعالیتهای یادگیری ویژه (۱۰ سوال) و تعامل با مدرسان بالینی (۱۴ سوال) بود. این پرسشنامه با مقیاس لیکرت در ۶ درجه (از کاملا موافقم تا کاملا مخالفم و اصلا تا در حد زیاد) تقسیم بندی شده است. روایی پرسشنامه با روش روایی محتوا و پایایی آن بر اساس روش آلفا کرونباخ (۰/۸۳) محاسبه گردید. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS16 استفاده شد و یافته‌ها با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی آنالیز شد.

**نتایج:** یافته‌ها حاکی از معنادار بودن کیفیت آموزش بالین از دیدگاه دانشجویان بود. بطوریکه میانگین نمره کیفیت آموزش بالین بالاتر از حد متوسط بود (p value= 0) افزایش ترم نیز با کیفیت آموزش بالین ارتباط مستقیم داشت (p value=0/005). میانگین نمره کیفیت آموزش بالین در حیطه مشارکت در فعالیتهای یادگیری در ترمهای آخر نسبت به ترمهای اول معنادار بود (p value=0.003) اما بین جنس و کیفیت آموزش بالین تفاوت معنا داری دیده نشد. (p value=0/4)

**نتیجه‌گیری:** با توجه به اهمیت آموزش بالین خصوصا در رشته Nursing و تأثیری که این مقوله در کیفیت مراقبت‌ها دارد و با نظر به نتایج بدست آمده از این طرح نیاز است که در برنامه‌های آموزشی دانشجویان، فرصتهای بیشتری برای یادگیری بالینی همراه با زمینه‌های تعامل با مدرسان فراهم آورد تا دانشجویان ضمن کسب تجارب کافی افرادی توانمند شده و بتوانند در کیفیت ارائه مراقبت به بیماران نقش داشته باشند. در این بین استفاده از روشهای آموزشی مناسب تری در بالین از جمله روشهای دانشجو-محور و مساله محور جهت دانشجویان که بتواند این فرصتها را فراهم آورد توصیه می گردد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش بالین، دانشجویان پرستاری، کیفیت آموزش



## مقایسه برخی عوامل موثر بر کیفیت آموزش در دانشجویان دانشگاه های آزاد اسلامی شهرکرد و دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

زیبا رئیسی دهکردی\*، فیروزه مجیدی، فریبا بنی مهدی

\*عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

**ziba758@gmail.com**

**مقدمه:** بررسی عوامل موثر بر بهبود کیفیت خدمات در محیط های آموزشی مسئله بی مهم و حیاتی است. هر چه کیفیت خدمات ارائه شده بوسیله دانشگاه ها بهبود یابد باعث میشود تا کیفیت خروجی های آنها، که معمولا فارغ التحصیلان هستند بهبود یابد پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل آموزشی موثر بر کیفیت آموزش و بررسی مقایسه ای تاثیر برخی از این عوامل بر کیفیت آموزش در دوره های کارشناسی رشته مامایی پرداخته است

**روش ها:** روش تحقیق توصیفی بوده و نمونه گیری به روش تصادفی، شامل ۱۱۰ نفر از دانشجویان کارشناسی مامایی دانشکده های پرستاری و مامایی دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد و دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ بوده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون های T مستقل و تحلیل واریانس استفاده شد.

**نتایج:** نتایج به دست آمده، نشان داد چگونگی روش تدریس اساتید، سازماندهی محتوای آموزشی، تجهیزات و امکانات دانشگاه، سازماندهی فضای آموزش و وضعیت دانشجویان بر کیفیت آموزش موثر است. در مورد تاثیر پنج عامل آموزش فوق بر کیفیت آموزش در بین دانشجویان دو دانشگاه تفاوتی دیده نشد.

**نتیجه گیری:** نتایج حاصل از بررسی سوالات تحقیق نشان داده است که برخی از عوامل موثر در بهبود کیفیت آموزش در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و دولتی متفاوت نمی باشد و نظرات دانشجویان مشابه یکدیگر می باشد.

## نظرات دستیاران ارشد دانشگاه علوم پزشکی شیراز در مورد نحوه ارائه بازخورد در آموزش بالینی

ندامودب\* ، لیلا بذرافکن ، الهه محمدی

\*کمیته تحقیقات دانشجویی و مرکز مطالعه و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

m\_moadab82@yahoo.com

**مقدمه:** ارائه بازخورد موثر به فراگیر در حین آموزش بالینی، یکی از شاخص های تدریس اثربخش است و با هدف بهبود مهارت های بالینی وی به دو صورت تقویت کننده و اصلاح کننده صورت می گیرد. با این حال، مطالعات نشان می دهد که گاه این مرحله مهم در تدریس بالینی نادیده گرفته می شود. این مطالعه در نظر دارد نظرات دستیاران ارشد را در دانشگاه علوم پزشکی شیراز در مورد نحوه ارائه بازخورد (Feed Back) در آموزش بالینی بررسی نماید.

**روش ها:** این مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی است و روش نمونه گیری بصورت تصادفی می باشد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ایی محقق ساخته است که پایایی و روایی آن بررسی شده است. حجم نمونه ۵۰ نفر از دستیاران دانشگاه علوم پزشکی شیراز می باشد. پرسشنامه شامل ۲۰ سؤال در مورد نحوه ارائه بازخورد می باشد که هریک از گزینه های سئوالات در مقیاس لیکرت بصورت بسیار همیشه بانمره ۵ تا به ندرت بانمره ۱ در نظر گرفته شده است. اطلاعات پس از جمع آوری و ورود در نرم افزار SPSS ۱۶ و با استفاده از آزمون های آماری مناسب مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت .

**نتایج:** بعد از تحلیل آماری تنها ۱۰٪ از دستیاران بیان داشتند که بازخوردهای دریافتی از سوی اساتید سازنده بوده اند و ۴۶٪ از آنها اظهار نمودند که تنها گاهی اوقات ، بازخوردها برای آنها سازنده بودند . همچنین ۲۲٪ از دستیاران ارشد بیان نمودند که بازخوردها اغلب اوقات در جهت اصلاح رفتار بود و ۵۱٪ از آنها اعتقاد داشتند که گاهی اوقات این بازخوردها در جهت اصلاح رفتار بود. همینطور ۱۴٪ از دستیاران بیان داشتند اغلب اوقات بازخوردها عادلانه بوده اند ولی ۵۱٪ اظهار نمودند که گاهی اوقات عادلانه بودند. در نهایت ۳۱٪ از دستیاران اظهار نمودند اغلب اوقات بازخوردهای دریافتی به طور کلی مفید بودند ولی ۴۰٪ از آنها معتقد بودند که گاهی اوقات بازخوردها به طور کلی مفید بوده اند.

**نتیجه گیری:** بازخورد با هدف دادن آگاهی جهت بهبود عملکرد فراگیران انجام می شود. که توام با قضاوت نیست و در موقعیت های مختلف بطور مداوم انجام می شود. مفید بودن آن بستگی به بلوغ و بصیرت فراگیر و آشنایی اساتید با این روند دارد. نتایج این مطالعه نشان داد که بسیاری از دستیاران دانشگاه علوم پزشکی معتقدند که اساتید براحتی و به طور موثر بازخورد را ارائه نمی دهند و اغلب این جنبه از مسئولیتشان را نادیده می گیرند و از آن پرهیز می کنند . بنابراین پیشنهاد می شود با توجه به رویکرد مناسب و موافق اعضای هیئت علمی بالینی، باتوانم کردن آنها ، جهت ارائه صحیح بازخورد و اثربخشی بیشتر آن گام برداشت.

**واژه های کلیدی:** بازخورد، آموزش بالینی، دستیاران، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

## بررسی کیفی خود ارزیابی اساتید هیات علمی دانشکده پزشکی شیراز در سال

۱۳۹۰-۱۳۹۱

\* صنم حائری، سرور اینالو کوشک قاضی، نسرين مهدی پور

**مقدمه:** ارزیابی اساتید یکی از موضوعاتی است که امروزه بدلیل نیاز به وجود سیستم مشخص برای بازخورد، در شناخت نقاط قوت و ضعف اساتید و تعیین سیاست های آموزشی جدید بر اهمیت آن افزوده شده است. با توجه به اینکه نتایج ارزشیابی عملکرد آموزشی اعضای هیات علمی و خود ارزیابی می تواند موجب شناخت دقیق تر نقاط قوت و ضعف آموزش آنها شود. لذا این بررسی با هدف بهبود و ارتقای کیفیت آموزشی اساتید و شناخت بهتر اساتید از نقاط قوت و ضعف خود صورت گرفته است.

**روش ها:** در یک مطالعه توصیفی، تعداد ۶۰ نفر از اساتید پایه دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز از تمامی گروه های پایه (۱۳ گروه علوم پایه) و ۱۵۱ نفر از اساتید بالینی از تمامی گروه های بالینی (۱۹ گروه) در سال ۹۱ به طور تصادفی ساده انتخاب شدند. با استفاده از پرسشنامه تایید شده توسط مرکز مطالعات آموزش پزشکی شیراز انجام شده است و نتایج خود ارزیابی اساتید را در رابطه کیفیت آموزش جمع آوری شد. داده ها با به کارگیری روشهای آمار توصیفی بوده و توسط نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** در گروه های پایه (۷۹,۴٪) و در گروه های بالینی (۵۶,۱٪) اظهار داشته اند در زمان مشخص در محیط آموزشی حضور داشته اند و اساتید در زمینه توانایی انتقال مفاهیم درسی در گروه های پایه (۵۳,۵٪) و در گروه های بالینی (۶۹,۱٪) و مهارت علمی و عملی در گروه های بالینی (۵۰٪) و گروه های پایه (۶۷,۱٪) موارد را در نظر گرفته اند. همچنین در رابطه با جلب مشارکت عملی دانشجویان در گروه های بالینی (۵۵,۱٪) و پایه (۶۷,۱٪) و در رابطه با ارتباط مناسب اساتید با دانشجو در گروه های بالینی (۴۸٪) و پایه (۶۴,۳٪) و همچنین بازخورد و ارزیابی مناسب از دانشجو در گروه های بالینی (۵۲,۳٪) و پایه (۵۱,۸٪) گزارش شده است.

**نتیجه گیری:** لازم است اساتید بالینی در رابطه با حضور به موقع و مهارت علمی و عملی تلاش بیشتری بنمایند و هر دو گروه پایه و بالینی در زمینه جلب مشارکت دانشجویان و بازخورد مناسب به فراگیران ارتقاء یابند.

**واژه های کلیدی:** خودارزیابی، اساتید، ارزیابی

## اجرا و ارزشیابی مراقبت پرستاری مبتنی بر شواهد در بیماران با زخم پای دیابتی بر

### اساس مدل آیووا

\*دکتر شکوه ورعی، مربی هیات علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده

پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران

Email: shvaraei@tums.ac.ir

svaraei@hotmail.com

دکتر مهوش صلصالی، استاد دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده پرستاری و

مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران

Email: m\_salsali@hotmail.com

**مقدمه:** زخم پای یکی از شایعترین عارضه‌های دیابت شیرین است. تشخیص و مراقبت به موقع پرستاری با استفاده از مدل مراقبت پرستاری مبتنی بر شواهد، آیووا، گامی در جهت توانمندسازی پرستاران برای بهبود مراقبت پرستاری به حساب می‌آید. لذا پژوهشی با هدف "تعیین تاثیر اجرا و ارزشیابی مراقبت پرستاری مبتنی بر شواهد در بیماران با زخم پای دیابتی بر اساس مدل آیووا" شکل گرفت تا بیماران دیابتی که دچار زخم پای دیابتی شده‌اند، جهت ارائه مراقبت بهتر مد نظر قرار گیرند.

**روش‌ها:** این پژوهش مطالعه ای نیمه تجربی بود که اصول و مبانی اجرای مراقبت پرستاری مبتنی بر شواهد بر اساس مدل آیووا در کارگاه آموزشی به ۱۹ تن از پرستاران شاغل در بخش غدد، آموزش داده شد. طراحی سوال بالینی بر اساس معیار پیکو، جستجوی مقالات تحقیقی و سپس به نقد کشیدن مقاله های پژوهشی بر اساس مقیاس کونسورت جهت به اجرا گذاشتن اینگونه موارد در مراقبت از بیمار از عمده مباحث تحت آموزش و به اجرا گذاشتن آن در عملکرد بالینی بود. سپس با هدف تعیین آگاهی، نگرش و عملکرد پرستاران از اصول و مبانی اجرای مراقبت پرستاری مبتنی بر شواهد بر اساس مدل آیووا در بیماران مبتلا به زخم پای دیابتی قبل و بعد از مداخله توسط پرسشنامه هایی که بدین منظور تهیه شده بود، مورد بررسی قرار گرفت. عملکرد پرستاران در امر مراقبت از بیمار بر اساس راهنمای بالینی ملی منطقه ای زخم پای دیابتی از بعد ارائه مراقبت مبتنی بر شواهد قبل و سه ماه بعد از مداخله، توسط چک لیست نیز مورد بررسی قرار گرفت. پس از آموزش این رویکرد شرکت کنندگان بر اساس راهنمای بالینی مبتنی بر شواهد، ضمن بررسی مشکلات بیماران و ارائه مراقبت از بیمار، نتیجه بررسی های خود را در پرونده بیمار در قسمت گزارش پرستاری ثبت می نمودند. سپس داده ها مورد آنالیز قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج نشان دادند که بین آگاهی، نگرش و عملکرد پرستاران قبل و بعد از مداخله تفاوت معنادار آماری وجود دارد ( $p < 0.001$ ). مهارت اکثریت واحدهای مورد پژوهش (۷۸/۹٪) در جستجوی مقاله به صورت مستقلانه بود، در حالی که مهارت نقد مقاله (۷۳/۷٪) و طراحی سوال بالینی (۵۲/۶٪) را با کمک انجام می دادند. هم چنین، تفاوت میانگین عملکرد مراقبتی پرستاران از بیمار مبتلا به زخم پای دیابتی، سیر صعودی داشت. بین میانگین عملکرد نمونه های مورد مطالعه در مقاطع ماه دوم و سوم و هم چنین در مقاطع قبل از مداخله و ماه سوم بعد از مداخله تفاوت معنادار آماری وجود داشت ( $p < 0.001$ ). **نتیجه گیری:** پرستاری مبتنی بر شواهد زبان جاری و منطقی در دنیای پرستاری و علمی محسوب می شود. در ساختار سازمانی که می خواهد مبتنی بر شواهد عمل نماید، آموزش و اجرای این رویکرد با استفاده از راهنماهای بالینی مراقبت از زخم پای دیابتی و مدل های اجرایی عملکرد مبتنی بر شواهد نظیر مدل آیووا، در به استقلال رساندن حرفه پرستاری و پرستار، نقش بارز خود را در پاسخگو بودن به اقدامات مراقبتی نشان خواهد داد

**واژه های کلیدی:** مراقبت پرستاری مبتنی بر شواهد، مدل آیووا، زخم پای دیابتی

## ارزشیابی دوره فیزیوپاتولوژی به روش تحلیل انتقادی Connoisseur در دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دکتر آیدا دوستکام\*، دکتر جواد کجوری، دکتر محمد حسین فلاح زاده، محمد مراد جعفری.

E mail: aidoostkam@yahoo.com\*

\*مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

**مقدمه:** نیاز به تطبیق با شرایط جدید اجتماعی و نیاز توجه به شیوه ها و پیشرفت های جدید در آموزش پزشکی از عوامل اصلی نیاز به بازنگری در برنامه سنتی پزشکی عمومی بود. آموزش پزشکی با آموزش علوم پایه بیومدیکال آغاز شده و با یادگیری مراقبت از بیمار در دوره های بالینی پایان می یابد. دوره فیزیوپاتولوژی یک دوره یک ساله است که هدف آن، آماده سازی دانشجویان جهت ورود به دوره کارآموزی بالینی می باشد. در پی ارزشیابی برنامه های آموزشی مختلف در دانشگاه علوم پزشکی شیراز، در بهمن ماه ۱۳۸۹ مقرر گردید محتوای برنامه فیزیوپاتولوژی نیز مورد ارزشیابی قرار گیرد. یکی از مدل های ارزشیابی آموزشی، الگوی ارزشیابی مبتنی بر نظر خبرگان است. روش ارزیابی در این الگوها شامل تحلیل انتقادی «متخصصان» است. هدف اصلی این برنامه ارزشیابی دوره فیزیوپاتولوژی به عنوان یکی از مهمترین مراحل دوره پزشکی عمومی است.

**روش ها:** در طراحی و اجرای ارزشیابی برنامه فیزیوپاتولوژی، گروهی از اعضاء هیات علمی بالینی و پزشکان آشنا به اصول آموزش پزشکی شرکت داشتند. بطوریکه این گروه به عنوان ناظر در کلاس های فیزیوپاتولوژی حضور داشته و از نزدیک نحوه سازماندهی کلاس، ارائه دروس، تعامل کلاسی، طراحی آموزشی، نگرش استاد و اسلایدهای ارائه شده را مورد بررسی قرار دادند. ابزار سنجش در این برنامه پرسشنامه ای شامل ۲۴ گزینه بود که در ۶ حیطه ذکر شده و هر کدام به تفکیک استاد و عنوان درس، در مباحث روماتولوژی، خون، غدد، عفونی، مغز و اعصاب، زنان، سمیولوژی، فارماکولوژی، پاتولوژی و اپیدمیولوژی تکمیل گردید.

**نتایج:** پس از تکمیل پرسشنامه ها داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS، Version 18 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و به منظور سنجش نظرات دانشجویان درباره کیفیت برنامه از نظر سنجی باز استفاده شد که داده ها به روش کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این ارزشیابی نشان داد در حیطه نحوه ارائه دروس ارائه استاد با صدای رسا بیشترین امتیاز و بکار گیری وسایل کمک آموزشی توسط استاد کمترین امتیاز را کسب نموده است در حیطه طراحی آموزشی ارائه مباحث متناسب با مقطع فیزیوپاتولوژی بیشترین امتیاز و بیان گام به گام عناوین دروس توسط استاد کمترین امتیاز را کسب نموده است.

**نتیجه گیری:** بررسی و ارزشیابی ۳۰۰ ساعت تدریس فیزیوپاتولوژی اساتید نشان می دهد که محتوای تدریس شده در بعضی از موارد مناسب دانشجوی این مقطع نمی باشد. با توجه به گسستگی مطالب در پاره ای از دروس به نظر می رسد ادغام در تمام دروس ضروری نبوده است و در صورتیکه اساتید متوجه حضور ارزیاب در کلاس های آموزشی می شدند از حضور ایشان ممانعت می نمودند بنابراین چنین به نظر می رسد که اساتید تمایلی به نقد و ارزشیابی در کار آموزش خود نمی بینند. همچنین با توجه به ادغام دروس که به شکل بسته های آموزشی ارائه می شود در بعضی از رشته های ارائه شده نظیر زنان مطالب کاملاً گسسته شده است. بطوریکه تلفیق همزمان زنان با بعضی از عناوین اطفال و پاتولوژی گسستگی موضوعی در ذهن دانشجو ایجاد می کند.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی، پزشکی عمومی، فیزیوپاتولوژی

## بررسی ارتباط بکارگیری راهبردهای مطالعه و یادگیری با عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی البرز

روح انگیز نوروزی نیا<sup>1\*</sup>، محمد نوری سپهر<sup>2</sup>، علی احسان حیدری<sup>3</sup>، زهره قاضی وکیلی<sup>4</sup>، ترانه تهمتنی<sup>5</sup>  
\*<sup>1</sup> کارشناس ارشد آموزش پرستاری، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی البرز

Email: kiarash\_s\_77@yahoo.com

<sup>2</sup> دکترای بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی البرز  
<sup>3</sup> دکترای انگل شناسی، دانشکده پیرپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی البرز  
<sup>4</sup> کارشناس ارشد مامایی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی البرز  
<sup>5</sup> کارشناس پرستاری، مدیر آموزش مداوم دانشگاه، معاونت آموزشی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی البرز

**مقدمه:** عملکرد تحصیلی دانشجویان متأثر از عوامل مختلفی است که یکی از این عوامل، راهبرد های مطالعه و یادگیری آنان می باشد. شناخت راهبرد های مطالعه و یادگیری و میزان بکارگیری آنان توسط دانشجویان، گامی اساسی برای مداخلات آموزشی است. این پژوهش با هدف تعیین ارتباط بکارگیری راهبرد های مطالعه و یادگیری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی البرز و عملکرد تحصیلی آنان در سال تحصیلی ۱۳۹۱ انجام شد.

**روش ها:** در این مطالعه توصیفی تحلیلی، جامعه پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی البرز تشکیل داده اند و نمونه پژوهش با استفاده از فرمول حجم نمونه ۲۲۵ نفر برآورد گردید. در این مطالعه دانشجویان بصورت تصادفی طبقه ای انتخاب و پس از بیان اهداف و اهمیت پژوهش و جلب رضایت آنان پرسشنامه در اختیار آنان قرار گرفت. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای است دو بخشی شامل اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه استاندارد شده راهبرد های مطالعه و یادگیری وین اشتاین (LASSI) و برایش دوم می باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار آماری SPSS با سطح معنی داری ( $P < 0/05$ ) استفاده شد.

**نتایج:** نتایج نشان داد که میانه نمرات حاصل شده از ۱۰ حیطه پرسشنامه راهبردهای مطالعه و یادگیری به شرح زیر بود: نگرش (۲۸)، انگیزش (۲۵)، کنترل وقت (۲۵)، کنترل اضطراب (۲۹)، تمرکز (۲۶)، پردازش اطلاعات (۲۶)، انتخاب ایده اصلی (۲۹)، راهنمای مطالعه (۲۴)، خودآزمایی (۲۳) و راهبردهای آزمون (۲۹). همچنین میانگین نمره عملکرد تحصیلی دانشجویان  $17/30 \pm 1/46$  بود.

**نتیجه گیری:** عملکرد دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی البرز در استفاده از راهبردهای مطالعه و آزمون در حیطه های نگرش و انگیزش بسیار نامطلوب بود. استفاده از پرسشنامه راهبردهای مطالعه و یادگیری وین اشتاین در تعیین حیطه های قوت و ضعف مطالعه دانشجویان توصیه می شود.

**واژه های کلیدی:** دانشجویان، راهبردهای مطالعه و یادگیری، عملکرد تحصیلی

بررسی برنامه های کارآموزی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی سبزوار در  
نیمسال اول سال تحصیلی

۹۱-۹۲

محمد علی یعقوبی فر<sup>۱\*</sup>، اکرم قدرتی<sup>۲</sup> سید جمال میرموسوی<sup>۳</sup>، ابوالفضل رحمانی ثانی<sup>۴</sup>

<sup>۱\*</sup> عضو هیات علمی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

[moalyafa@gmail.com](mailto:moalyafa@gmail.com)

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی سبزوار

<sup>۳</sup> عضو هیات علمی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

<sup>۴</sup> عضو هیات علمی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

**مقدمه:** بازنگری و بروز کردن برنامه های آموزشی رشته های بهداشتی، بخصوص بهداشت محیط، بر اساس نیازهای موجود در جامعه ضرورت دائمی دارد. هدف از انجام این پژوهش بررسی وضعیت کارآموزی دانشجویان کارشناسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی سبزوار در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۱-۹۲ از حیث کیفیت برنامه درسی و پاسخگو بودن آن به نیازهای جامعه از دیدگاه اساتید می باشد.

**روش ها:** روش این پژوهش توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری تمام مدرسین دروس کارآموزی دانشجویان بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی سبزوار است. با روش سرشماری نظر اساتید در خصوص پاسخگو بودن اهداف و برنامه های دوره کارآموزی به نیازهای جامعه و کیفیت و کفایت آموزشهای ضروری کارآموزی که می بایست دانشجویان بهداشت محیط قبل از ورود به بازار کار با آن آشنا شده باشند، مورد نقد و بررسی قرار گرفت. ابزار پژوهش پرسشنامه بود که بر اساس منابع معتبر و تایید اساتید متخصص تدوین و اجرا گردید. سوالات بر مبنای طیف لیکرت ۴ تایی تنظیم گردید.

**نتایج:** نتایج نشان می دهد در خصوص میزان تناسب اهداف و برنامه های دوره کارآموزی بهداشت محیط با برنامه های آموزش پاسخگو ۳۳/۳ درصد اساتید این تناسب را کم، ۵۰ درصد زیاد و ۱۶/۷ درصد آنان میزان تناسب را خیلی زیاد دانسته اند. در خصوص انجام آموزش های مقدماتی فعالیتهای کارآموزی بهداشت محیط ۶۶/۷ درصد اساتید این فعالیتهای را کم، ۱۶/۷ زیاد و ۱۶/۷ خیلی زیاد دانسته اند. در خصوص آموزش برنامه های نظارتی و کنترلی در برنامه های کارآموزی بهداشت محیط ۳۳/۳ درصد اساتید این آموزشها را کم، ۵۰ درصد زیاد و ۱۶/۷ درصد خیلی زیاد ارزیابی کرده اند. در خصوص آموزش اقدامات اداری مورد نیاز ۸۳/۳ درصد میزان آموزشها را کم و ۱۶/۷ درصد زیاد دانسته اند.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج از دیدگاه اساتید اهداف و برنامه های دوره کارآموزی بهداشت محیط با برنامه های آموزش پاسخگو نسبتا تناسب داشته است. به نظر می رسد در خصوص آموزش های مقدماتی مورد نیاز (مثل آشنایی با فعالیتهای فوق برنامه از قبیل طرح ضربتی بازدید از اماکن) و آموزش اقدامات اداری مورد نیاز (مثل تنظیم صورت جلسات نمونه برداری، رسیدگی به شکایات ارباب رجوع) آموزش های بیشتر لازم است. پیشنهاد می شود برنامه آموزشی تربیت نیروهای متخصص بهداشت محیط مورد بازنگری دقیق قرار گیرد و دروس آموزشی با فعالیتهای اجرایی و نیازهای آموزشی آنان تطبیق داده شود.

واژه های کلیدی: کارآموزی، بهداشت محیط، آموزش پاسخگو

**چالش های موجود در فرآیند کسب شایستگی معلمی در آموزش پرستاری: یک**

**مطالعه کیفی**

حرمت سادات امامزاده قاسمی\*، منصوره فراهانی، فروغ رفیعی

Email: emamzade@sina.tums.ac.ir

\*دانشجوی دکتری و عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی تهران

**مقدمه:** کسب شایستگی معلمی می تواند سبب توانمندی مدرسان پرستاری در انتقال مناسب دانش به فراگیران و متعاقب آن ارتقاء کیفیت مراقبت های پرستاری گردد. شایستگی معلمی ماهیتی پویا داشته و تحت تأثیر شرایط متفاوت علمی، فرهنگی و اجتماعی جوامع خواهد بود. در این مطالعه که به عنوان بخشی از یک مطالعه با نظریه مبنایی می باشد سعی شد تا تجارب مدرسان پرستاری از عوامل مؤثر و چالش های موجود در فرآیند کسب شایستگی معلمی را مورد مطالعه قرار دهد.

**روش ها:** بر اساس مطالعه کیفی با رویکرد نظریه مبنایی، تجربیات ۱۰ نفر از مدرسان پرستاری شاغل در دانشکده های پرستاری و مامایی شهر تهران در طی ۱۴ مصاحبه عمیق نیمه ساختاری جمع آوری و بازنویسی گردید. کلیه مصاحبه ها ضبط و سپس دست نویس شد. جمع آوری و تحلیل داده ها به صورت همزمان انجام گرفت و جهت تحلیل داده ها از روش تحلیل مقایسه ای مداوم استفاده گردید.

**نتایج:** داده های حاصل از این مطالعه براساس مضامین مشترک در دو طبقه اصلی عوامل درونی و بیرونی قرار گرفتند. عوامل درونی شامل (۱) ویژگی های فردی (۲) ویژگی های عملکردی و (۳) تجارب آموزشی مدرس بود و عوامل بیرونی شامل (۱) شرایط سازمانی و (۲) شرایط محیطی مشخص گردید. هر یک از این عوامل در ابعاد و ویژگی های مختلف چالش هایی را در مسیر کسب شایستگی معلمی مدرسان پرستاری بوجود خواهند آورد که در این میان مدرسان با دیدگاهی که نسبت به مفهوم شایستگی معلمی پرستاری داشتند بیشترین نقش را در برخورد با چالش های موجود در مسیر کسب شایستگی برخوردار بودند.

**نتیجه گیری:** چالش های موجود در مسیر کسب شایستگی معلمی مدرسان پرستاری بنا بر ماهیت خود با ایجاد سهولت و یا صعوبت در فرآیند کسب شایستگی معلمی با محوریت خاص ویژگی های فردی و دیدگاهی که مدرسان نسبت به مفهوم شایستگی دارند، می تواند بر چگونگی تجربه آنان در کسب شایستگی معلمی در طی این فرآیند مؤثر باشد.

**واژه های کلیدی:** شایستگی معلمی، پرستاری، چالش، نظریه مبنایی



## تاثیر استفاده از لاگ بوک بر یادگیری درس آناتومی سر و گردن پزشکی

دکتر منوچهر صفری ، دکتر مجید جدیدی ، دکتر وحید سمنانی ، دکتر لعیا قهراری

### مقدمه:

بر اساس سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور جامعه ایرانی باید برخوردار از سلامت ، رفاه باشد . یکی از ۵ محور اصلی چشم انداز در افق ۱۴۰۴ دستیابی به جایگاه اول علمی و فن اوری در سطح منطقه تعیین شده است . در این میان آموزش علوم پزشکی در کشور به دلیل تاثیر پذیری فراوان از تغییرات روز افزون فناوری گسترش شیوه های نوین آموزشی ، تشخیصی و درمانی چالشهای نوینی را تجربه می نماید .

آموزش در علوم تجربی با تمام پیچیدگی ها ، تنوع و گستردگی یکی از مهمترین دغدغه های متخصصین تعلیم و تربیت است. از جمله روشهای آموزشی مستقل روش سخنرانی است که از بیان شفاهی برای توضیح و تفهیم مطالب استفاده می شود. سبک یادگیری دانشجویان یک روش ترجیحی طبیعی ، عادت ، منحصر به فرد و ثابت بوده است که برای جذب پردازش و حفظ اطلاعات مورد استفاده قرار می گیرد. و در صورت ناهماهنگ بودن سبک تدریس و یادگیری می تواند باعث عدم یادگیری مناسب گردد. بنا براین می بایست شیوه ای از تدریس را انتخاب نمود که هماهنگی مناسبی با یادگیری داشته باشد . و این هماهنگی آموزش و یادگیری ارتباط بسیار نزدیکی با دروس مورد تدریس خواهد داشت. بیشتر مطالعات نشان از آن دارد که اگر چنانچه هماهنگی مناسبی بین شیوه تدریس اساتید و نحوه یادگیری دانشجویان وجود داشته باشد انگیزه یادگیری بهبود یافته و متعاقب آن پیشرفت تحصیلی بهتر خواهد شد.

تغییر در الگوهای آموزشی و دادن ایده به آموزش گیرندگان و جلب مشارکت آنها در زمینه آموزش خودشان و استفاده از روشهای بهینه برای نیل به این اهداف برای تمام بخشهای آموزشی یک وظیفه می باشد . در این راستا تلاش می گردد تا اهداف آموزشی را از پیش تعیین نمود و آنها را در تمام دوره آموزش پایش نمود تا از مسیر تعیین شده خارج نشوند. و در پایان دوره با ابزاری مناسب آنها را مورد ارزیابی قرار داد. استفاده از لاگ بوک می تواند اساتید را در نیل به اهداف فوق یاری رساند .

راهنمای یادگیری بالینی به خط مشی آموزشی اطلاق می شود که توسط مربی برای یک دوره کارآموزی تدوین می گردد. در ضمن مشخص کننده اهداف منطقی و منظم برای اجرای آموزش می باشد . راهنمای بالینی چارچوبی را تعیین میکند که بر اساس آن استاد و دانشجو در هنگام تدریس با اهداف مشترک و مشخصی به یک سمت حرکت می کنند. این راهنمای بالینی باعث نظم در آموزش می گردد.

لاگ بوک ابزاری است که با جهت دادن و آگاه کردن دانشجو از اهداف آموزش عملی امکان بازخورد فعالیتهای عملی توسط دانش اموختگان فراهم می گردد. فراگیر یاد میگیرد که چه چیزی را باید فرا گیرد و چگونه آنرا پاسخ دهد. فراگیر فهرستی از اهداف آموزشی و مهارتهایی که می بایست در طول ترم تحصیلی فراگیرد در اختیار خواهد داشت و به این ترتیب آموزش ساختارمندی در اختیار فراگیر قرار خواهد گرفت .

هر یک از روشهای آموزشی دارای فوایدی هستند ولی استفاده از آنها به تنهایی خالی از دشواری نبوده . در تحقیقی که بر روی استفاده از لاگ بوک در دانشگاهی در انگلیس انجام شده با وجود اینکه در روند کلی آموزش بهبود مناسبی ایجاد شده اما برخی از اساتید و فراگیران با اهداف و اهیت استفاده از این روش را آشنا نبوده اند . تحقیقات نشان داده که استفاده از لاگ بوک در افزایش بازخورد ، بازاندیشی ، بهبود روند ارزشیابی ، بهبود تعامل بین استاد و دانشجو بسیار موثر بوده است

با توجه به نظریه محققین یک استاد توانمند می بایست ۱ - تعیین کند یادگیرنده چه چیزی را و چگونه باید یاد بگیرد . ۲ - با توجه به دانش قبلی فراگیر او را به سمت یادگیری سوق دهد. ۳ - به عوامل فردی یادگیرنده توجه نماید . ۴ - ایده هایی که با زندگی واقعی ارتباط داشته ارائه نماید . بنا برای با توجه به این که درس آناتومی از دروس مهم دوران تحصیلی دانشجویان از جمله دانشجویان رشته پزشکی بوده و حاوی حجم وسیعی از اطلاعات است که می بایست به ذهن سپرده شود ،

## چکیده مقالات چهاردهمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

کیفیت آموزش در آناتومی از اهمیت زیادی برخوردار است. و متأسفانه در حال حاضر به علت حجم بالای مطالب در هر ترم تحصیلی و محدود بودن زمان در هر ترم اساتید بیشتر از سخنرانی استفاده می نمایند. و کمتر از دیگر روشها استفاده می کنند. لذا این مطالعه با هدف تعیین تاثیر استفاده از لاگ بوک برای اولین بار در درس آناتومی سر و گردن به جهت یادگیری بهتر مهارتی و شناختی فراگیران رشته پزشکی مورد استفاده قرار گرفته است.

### روش اجرا:

پژوهش از نوع مطالعه نیمه تجربی است زمان انجام آن نیمسال دوم ۱۳۸۹ نیمسال اول و دوم ۱۳۹۰ بوده است محل انجام دانشگاه علوم پزشکی سمنان بوده است. افراد مورد مطالعه در گروه آزمون شامل ۱۲۰ دانشجوی رشته پزشکی در ۳ نیم سال تحصیلی که واحد سر و گردن داشته اند. گروه شاهد شامل ۱۲۰ دانشجوی رشته پزشکی ۳ دوره قبلی که واحد سر و گردن را به صورت کلاسهای بدون استفاده از لاگ بوک گذرانده اند بوده اند. لاگ بوک شامل ۳۶ صفحه و ۱۶ جلسه کلاس عملی بوده است که با توجه به سر فصل دروس ارسالی از وزارت و طرح درس تهیه گردیده است. قسمت اول شامل اهداف رفتاری، عرصه یادگیری، روش آموزش، حداقل یادگیری بوده است. قسمت دوم شامل ارزیابی دانشجوی بود که در هر جلسه ثبت می گردید. به فراگیران فرصتی دیگر برای بهبود نمره ثبت شده قبلی داده شد و در صورت عدم استفاده در زمان ۲ هفته ای نمره اول به عنوان نمره نهایی ثبت می گردید. جهت ارزیابی از مقیاس رتبه ای ۴ نقطه ای بسار خوب ۳، خوب ۲، متوسط ۱، ضعیف ۰، نمره گذاری استفاده شد قسمت سوم شامل برگه یادداشت دانشجو و نظر شخصی او در مورد انجام چگونگی ارائه کلاس و نقطه نظرات او بوده است. در گروه شاهد که شامل ۳ دوره قبلی دانشجویان پزشکی بوده است که در کلاسهای عملی آنها از لاگ بوک استفاده نمی شد درس به صورت استاد محور توضیح داده و فقط یک امتحان در پایان ترم از فراگیران گرفته می شد. در گروه آموزش در ابتدای جلسه لاگ بوک بطور کامل برای فراگیران شرح داده می شد اهداف مورد نظر در هر جلسه آموزش داده می شد و سپس روش مورد نظر انجام می گردید. برای آگاهی بیشتر فراگیران در جلسات دوم و سوم نیز چگونگی استفاده از لاگ بوک شرح داده می شد. در مجموع ۱۲ نمره از ۲۰ نمره کل به لاگ بوک اختصاص داده می شود. در پایان ترم لاگ بوکها جمع آوری و کد گذاری گردید و از نرم افزار SPSS برای مقایسه نمرات گروههای شاهد و آزمون استفاده شد. جهت بررسی اثرات این روش بر روی نمرات تئوری تعداد سوالات تئوری در تمام گروهها ۴۸ عدد و شامل سوالات استنتاجی و حفظی بوده است. درجه دشواری سوالات ۰/۶ و بازه نمره آزمون صفر تا بیست بوده است. برای رعایت نکات اخلاقی از شماره دانشجویی استفاده شد و نام هیچ دانشجویی در محاسبه ها بکار برده نشد.

### نتایج:

از مجموع ۱۲۶ دانشجوی پزشکی مورد آزمایش ۷۱ نفر دختر (۵۶٫۵٪) و ۵۵ نفر پسر (۴۳٫۵٪) بوده اند و از مجموع ۱۲۸ دانشجوی پزشکی گروه شاهد ۷۶ نفر دختر (۶۰٪) و ۵۲ نفر پسر (۴۰٪) بوده اند. محاسبه ضریب دشواری سوالات نشان داد هیچ کدام از سوالات بسیار مشکل و یا بسیار آسان نبوده اند. ضریب دشواری ۶۰ درصد سوالات ۵۲، ۱۵ درصد سوالات ۶۵ و ۲۵ درصد سوالات ۳۵ بوده است. در نتیجه قدرت تمایز بیشتر سوالات بسیار خوب و مابقی سوالات نیز در حد خوب و قابل قبول بوده است. تفاوت نمرات میان دوره و پایان دوره تئوری در گروه مورد آزمایش معنی دار بوده است. ( $P=0/001$ ,  $t=2/18$ ) در مجموع میانگین نمرات گروه آزمون از گروه شاهد بیشتر بوده است ( $P=0/001$ ,  $t=1/25$ ).

## لاگ بوک نوین : بکارگیری آموزش نامه مبسوط در ارزیابی بالینی

زهرا عابدینی، مرضیه رئیسی ، اکرم عابدینی پور، لیلا محمدقلی زاده

دانشگاه علوم پزشکی قم

**مقدمه:** تقویت لاگ بوک های موجود در راستای بهبود فرآیند ارزشیابی، تعامل بهینه، باز اندیشی و در نهایت پی بردن به استانداردهای یادگیری در محیط واقعی، نقش عمده ای در پیشبرد کیفیت آموزش دارد. مطالعه حاضر با هدف تعیین درک دانشجویان از کاربرد آموزش نامه مبسوط در محیط بالینی انجام شد .

**روش‌ها:** نمونه ها شامل دانشجویان پرستاری سال آخر دانشگاه علوم پزشکی قم بودند که به روش مبتنی بر هدف انتخاب شدند. تعداد ۳۱ دانشجو در طرح شرکت کردند. طول دوره ۳ هفته بود. دانشجویان سه روز در هفته به مدت ۵ ساعت در بخش اطفال شرکت داشتند. جهت تدوین راهنمای بالینی، با گردآوری طرح دروس و لاگ بوک تعدادی از دانشکده های پرستاری و بارش افکار اعضاء هبات علمی و مربیان به تعیین حداقل های یادگیری پرداخته شد. با مشخص کردن اهداف و وظایف اصلی، بخشی از لاگ بوک به صورت مبسوط برای ثبت فعالیتهای بالینی در زمان های مشخص در نظر گرفته شد. کلیه امور تعریف نشده در لاگ بوک و جزئیات آن در این بخش توصیف و توسط مربی ناظر تأیید گردید.

**نتایج:** لاگ بوک مبسوط توام با تجربه خودکارآمدی، قضاوت، خودارزیابی، صلاحیت حرفه ای، قیاس، تعدیل کوریکولوم، تعامل سازنده، رضایتمندی و یادگیری واقعی بود.

**نتیجه گیری:** کاربرد روش با افزایش انگیزه و علاقمندی برای یادگیری، پیوند مفاهیم نظری و عملی، رفع نیازهای بیمار و افزایش رضایت دانشجو همراه بود.

**واژه‌های کلیدی:** لاگ بوک ، آموزش بالینی ، ارزیابی

## بررسی ارتباط سلامت روان و موفقیت تحصیلی دانشجویان

زهرا عابدینی، حسن صادقی، فاطمه صمدی، اشرف خرمی راد، طاهره بقایی هامانه  
دانشگاه علوم پزشکی قم

**مقدمه:** سلامت روان از مولفه های موثر بر ابعاد مختلف زندگی است و توجه به این مساله در وضعیت تحصیلی دانشجویان به عنوان سرمایه های جامعه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط سلامت روان و موفقیت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم در سال ۱۳۹۰ انجام شد.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی- مقطعی بر روی ۲۴۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم انجام شد. نمونه ها به روش تصادفی طبقه بندی شده از میان دانشجویان رشته های پزشکی، بهداشت و پرستاری و مامایی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها مشتمل بر دو بخش شامل اطلاعات فردی دانشجویان و پرسشنامه استاندارد سلامت روان GHQ ۲۸ سوالی بود. به هر سوال ۳-۰ امتیاز تعلق گرفت. نقطه برش برای تعیین اختلال سلامت روان، نمره ۲۳ بود. دانشجویان دارای معدل بالای ۱۴ از نظر تحصیلی، موفق در نظر گرفته شدند. تجزیه و تحلیل داده ها با کمک آزمونهای آمار توصیفی و مجذور کای دو و همبستگی پیرسون انجام شد. سطح معنی داری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

**نتایج:** اکثریت دانشجویانی که از سلامت روان برخوردار بودند (۶۲/۷ درصد) دارای معدل بالای ۱۴ بودند. بین موفقیت تحصیلی و سلامت روان دانشجویان، رابطه معنی داری وجود نداشت ( $p > 0/05$ ). همچنین بین ابعاد سلامت روان و معدل تحصیلی، ارتباط معنی دار آماری مشاهده نشد ( $p > 0/05$ ).

**نتیجه گیری:** نظر به عدم ارتباط سلامت روان و موفقیت تحصیلی انجام تحقیقات بیشتر در خصوص شناخت سایر ابعاد سلامت و عوامل موثر در وضعیت تحصیل ضروری است.

**واژه های کلیدی:** سلامت روان، دانشجو، موفقیت تحصیلی

## بررسی میزان آگاهی و نگرش دستیاران دانشگاه علوم پزشکی اراک در خصوص اصول پرونده نویسی و قصور در پزشکی

دکتر سیامک راکعی اصفهانی<sup>۱</sup>، فریبا فرخی<sup>۲</sup>، دکتر محمد نعیم بنگش<sup>۳\*</sup>

<sup>۱</sup> استادیار، متخصص جراحی عمومی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

Email: dr.rakei@arakmu.ac.ir

<sup>۲</sup> کارشناس مامایی، کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

ایران

Email: fa.farokhi@gmail.com

<sup>۳\*</sup> رزیدنت جراحی عمومی، بیمارستان امیرالمومنین، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

Email: gps1376@yahoo.com

**مقدمه:** پرونده های پزشکی به لحاظ مستند سازی اطلاعات بیماران بسیار مهم هستند و بررسی آگاهی پزشکان و به ویژه دستیاران تخصصی که در ارتباط تنگاتنگ با بیماران قرار دارند در خصوص اصول پرونده نویسی و قوانین نظام پزشکی از اهمیت ویژه ای برخوردار است تا از این طریق با مشخص کردن کاستی ها، نسبت به تدوین برنامه های آموزشی مناسب جهت رفع آن ها اقدام نمود.

**روش ها:** پژوهش حاضر مطالعه ای توصیفی می باشد که طی آن میزان آگاهی ۸۳ نفر از دستیاران شاغل در دانشگاه علوم پزشکی اراک از گروه های جراحی عمومی، جراحی اعصاب، زنان، اطفال، داخلی، طب اورژانس و روانپزشکی در مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از پرسشنامه هایی که روایی و پایایی آنها مورد تایید قرار گرفته بود اطلاعات جمع آوری و برای تجزیه و تحلیل از نرم افزار آماری SPSS استفاده شد.

**نتایج:** ۳۰/۸ درصد از دستیاران سال ۱،۲ و ۴۵ درصد از دستیاران سال ۳،۴ اطلاعات خود را در زمینه قوانین کامل می دانستند. ۵۱/۹ درصد دستیاران سال ۱ و ۲ و ۴۸/۴ درصد از دستیاران سال هنگام درمان به قوانین جزایی موجود فکر می کنند و ۴۳/۶ درصد سال ۲ و ۴۱/۹ درصد سال ۳ و ۴۰/۳ قوانین نظام پزشکی را حامی خود می دانستند. ۵۵/۸ درصد دستیاران سال ۱ و ۲ و ۵۴/۸ دستیار سال ۳ و ۴ اطلاع از قوانین را سبب افزایش اعتماد به نفس خود در درمان بیماران و انتخاب روش صحیح درمان می دانستند. ۳۶/۵ درصد از دستیاران سال ۱ و ۲ در مورد برگه های ترخیص اطلاعات کاملی نداشتند و ۴۱/۹ درصد از دستیاران سال ۳ و ۴ اطلاعات کاملی از برگه های ترخیص استخراج می کردند. میزان اطلاع و آگاهی دستیاران سال ۱،۲ از گزارشات پرستاری و مطالعه آن ها ۳۸/۵ درصد و دستیاران سال ۳ و ۴ ۴۱/۹ درصد بود. ۶۹/۲ درصد از دستیاران سال ۲،۱ و ۴۸/۴ درصد از دستیاران ۴،۳ موافق بودند که پرونده نویسی صحیح به افزایش کیفیت تشخیص کمک می کند. ۶۷/۳ درصد و ۴۸/۴ درصد از دستیاران سال ۲،۱ و ۴،۳ معتقد به این مسئله بودند که پرونده نویسی صحیح سبب افزایش کیفیت درمان می شود.

**نتیجه گیری:** نتایج حاکی از آن است که آگاهی ضعیفی در اصول پرونده نویسی و آشنایی با قوانین نظام پزشکی وجود دارد لذا پیشنهاد می گردد برای افزایش آگاهی از اصول پرونده نویسی و قوانین نظام پزشکی کارگاه هایی در این زمینه برگزار گردد.

**واژه های کلیدی:** آگاهی، قوانین نظام پزشکی، پرونده نویسی، دستیاران تخصصی

## ارزیابی ویژگی‌های آموزشی اساتید دانشگاه علوم پزشکی بیرجند بر مبنای دیدگاه دانشجویان

دکتر مجید زارع بیدکی، استادیار میکروبیولوژی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند  
علی رجب پور صنعتی، دانشجوی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند  
فاطمه رجایی قناد، دانشجوی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

**مقدمه:** از آن جا که اساتید یکی از مهم ترین ارکان پیشرفت و ارتقای دانشگاه ها محسوب می شوند و از طرفی دیگر یکی از مهم ترین منابع سنجش و ارزیابی اساتید ارزشیابی آن ها توسط دانشجویان می باشد، مطالعه فعلی با هدف بررسی دیدگاه دانشجویان دانشگاه نسبت به وضعیت فعلی تدریس اساتید انجام شد تا با استفاده از نتایج آن بتوان برنامه ریزی های لازم را جهت ارتقای هر چه بیشتر سطح آموزشی دانشگاه انجام داد.

**روش ها:** در این پژوهش با استفاده از پرسشنامه الکترونیکی، نگرش دانشجویان دانشگاه نسبت به تدریس اساتید خود مورد بررسی قرار گرفت. سپس نمرات پایان ترم و معدل کل دانشجویان به طور خودکار از پایگاه داده دانشگاه فراخوانی و با فرم های نظرسنجی تکمیل شده توسط دانشجویان در پایگاه داده ی پرتال آموزش الکترونیکی ثبت شد و به منظور تجزیه و تحلیل به نرم افزار SPSS19 صادر گردید.

**نتایج:** از مجموع ۷ دانشکده مختلف، جمعا ۸۲۷ نفر (دانشکده پزشکی ۱۷۰ نفر، دانشکده پیراپزشکی ۲۳۷، دانشکده پرستاری ۱۹۳، دانشکده بهداشت ۹۱، گروه فوریت های پزشکی ۸ نفر، گروه پیراپزشکی فردوس ۴۵ نفر و گروه پرستاری قائن ۸۳ نفر) وارد این مطالعه شدند. میانگین نمره ی کل ارزشیابی دانشجویان از تدریس اساتید خود، نمره ی ۴,۱۶ از ۵ بود که این خود نشان از رضایت بالای دانشجویان از عناصر سازنده ی شاخص تدریس اساتید است. در میان دانشکده ها، آموزشکده فوریت های پزشکی بالاترین نمره ی میانگین ( و بالاترین متوسط نمره ) را در بین سایر دانشکده ها داشته است. همچنین میان نمره نگرش در دو جنس تفاوت معناداری وجود داشت به این گونه که مردان میانگین نمرات بالاتری در نظرسنجی خود داشتند.

**نتیجه گیری:** اگرچه استفاده از نظر دانشجویان برای ارزشیابی اساتید روش بسیار معمول و شناخته شده ای است، اما علیرغم کاربرد فراوان آن شواهد پژوهشی گویای آن است که اظهار نظر دانشجویان درباره استادان متأثر از عواملی است که با موضوع ارزشیابی چندان ارتباطی ندارد و صرفا به ویژگی های خاص استاد مربوط می شود. لذا فراهم کردن بستری برای ارزشیابی اساتید

در دو نوبت، و نیز استفاده از نتایج نظرسنجی مدیران، همکاران، کارکنان و خود اساتید (ارزشیابی ۳۶۰ درجه) می تواند این عوامل آسیب رسان را کاهش دهد.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی، اساتید، دانشجویان

## ویژگی های استاد خوب از دیدگاه دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی ۱۳۹۱

رجبعلی حکم آبادی\*<sup>۱</sup>، حسین فلاح<sup>۲</sup>، مرتضی اسماعیل زاده کواکی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> فوق لیسانس بهداشت حرفه ای، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان

شمالی، بجنورد، ایران

Email: [abi.hse2006@gmail.com](mailto:abi.hse2006@gmail.com)

<sup>۲</sup> فوق لیسانس بهداشت حرفه ای، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید

صدوقی یزد، ایران

<sup>۳</sup> فوق لیسانس بهداشت حرفه ای، گروه بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان

شمالی، بجنورد، ایران

**مقدمه:** استاد اساسی ترین عامل ایجاد موفقیت مطلوب در تحقق اهداف آموزشی است. شناخت خصوصیات استاد خوب و عمل به آن توسط اساتید کیفیت آموزش را ارتقاء خواهد داد. لذا این مطالعه با هدف شناسایی و جمع آوری ویژگی های یک استاد خوب از دیدگاه دانشجویان دانشکده بهداشت انجام شد.

**روش ها:** این پژوهش یک مطالعه توصیفی - مقطعی است جامعه آماری، دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی می باشد. تعداد نمونه ۱۰۰ نفر می باشد که به صورت سرشماری انتخاب شد. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه ای بود که روایی و پایایی آن تایید شده است. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS16 و آزمون های توصیفی و شاخص های آماری تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** بر اساس نتایج پژوهش ۸۵٪ دانشجویان مونث، ۱۵٪ مذکر، ۹۳٪ مجرد و ۷٪ متأهل بودند. در حیطه دانش پژوهی آیتم "تسلط استاد در درس مورد تدریس" با میانگین  $4/68 \pm 0/65$ ، در حیطه روش تدریس آیتم "شیوایی بیان" با میانگین

$4/6 \pm 0/72$ ، در حیطه توانایی ارتباط آیتم "راحت بودن دانشجو در ارتباط با استاد و طرح موضوعات" با میانگین  $4/54 \pm$

$0/72$  و در حیطه شخصیت فردی "انعطاف پذیری استاد" با میانگین  $4/27 \pm 0/9$  از ویژگی های مهم استاد خوب از دیدگاه

دانشجویان بودند.

**نتیجه گیری:** از آنجا که مهم ترین ویژگی های استاد خوب از دیدگاه دانشجویان تسلط استاد بر موضوع تدریس، شیوایی بیان و توانایی ارتباط می باشد پس موارد مذکور در جذب و تامین نیروی انسانی جهت آموزش دانشجویان در دانشگاه مدنظر مسئولین قرار گیرد.

**واژه های کلیدی:** استاد خوب، دیدگاه، دانشجو، دانشگاه علوم پزشکی

## تهیه نرم افزار ارزیابی عملکرد آموزشی اساتید

معصومه ضیائیها\*، دکتر احمد نیک پی، دکتر علی صفری واریانی، مرضیه موحدین، سید علی اکبر هاشمی نسب

دانشگاه علوم پزشکی قزوین

[ziaee537@yahoo.com](mailto:ziaee537@yahoo.com)

**مقدمه:** یکی از اساسی ترین درون داده های سیستم آموزشی، نیروی انسانی و مدرسین آن سیستم هستند آگاهی نسبت به سوابق و عملکرد هیات علمی، مدیریت سیستم آموزشی را توانمند تر می سازد تا بتواند پاسخگو باشد و به برنامه ریزی صحیح تر و اعمال مدیریت بپردازد. در هر ترم محاسبه عملکرد آموزشی اساتید و تهیه لیست عملکرد آموزشی اعضای هیأت علمی داخل دانشکده و خارج دانشکده و اساتید مدعو به صورت دستی و با صرف زمان و انرژی زیاد انجام می شود. با توجه به مطالب فوق با تهیه نرم افزار ارزیابی عملکرد آموزشی اساتید می تواند در زمان وقت و انرژی صرفه جویی کرد و مدیریت بهینه ای روی اطلاعات داشت.

**روش ها:** این نرم افزار با استفاده از بانک اطلاعاتی access ۲۰۰۷ طراحی گردیده و شامل اطلاعات اولیه اساتید و دروس ارائه شده آنها در هر نیمسال تحصیلی می باشد. در این نرم افزار هر استاد و هر درس دارای کدی منحصر به فرد می باشد، که به همراه هر نیمسال و سال تدریس در دانشکده یک پروفایل مجزا جهت استاد و درس در نظر گرفته می شود. پروفایل اساتید شامل اطلاعات دموگرافیک آنها می باشد که در ابتدای هر نیمسال تحصیلی تکمیل می گردد. از این پروفایل لینکی به صفحه "دروس" جهت دسترسی سریع و آسان به دروس ارائه شده توسط آن استاد تعبیه شده است. در صفحه "دروس" اطلاعات مربوط به آن درس وارد و واحد مربوطه با استفاده از قوانین محاسبه عملکرد که برای رایانه تعریف شده است محاسبه می گردد. پس از تکمیل اطلاعات اولیه از طریق صفحه گزارش گیری امکان گزارش گیری از ریز اطلاعات اساتید و دروس فراهم می باشد.

**نتایج:** از نیمسال اول سال تحصیلی ۹۰-۹۱ نرم افزار به طور آزمایشی استفاده شده است. ولی در طی استفاده به مشکلاتی از قبیل اشکالات نرم افزاری یا تغییر قوانین برخورداریم که با کمک مسئول رایانه حل شد. هر ترم با ورود اطلاعات اساتید بدون محاسبه دستی، عملکرد آموزشی اساتید و لیست عملکرد آموزشی اعضای هیأت علمی داخل دانشکده به تفکیک گروه آموزشی و خارج دانشکده به تفکیک دانشکده و اساتید مدعو به تفکیک هر نیمسال تحصیلی را میتوان در کمترین زمان محاسبه و گزارش گیری کرد. گواهی تدریس اساتید و آمارهای اعضای هیأت علمی را در کمترین زمان ممکن تهیه کرد.

**نتیجه گیری:** ارزیابی عملکرد اساتید در کمترین زمان و با دقت بالا و بدون صرف انرژی انجام می شود. ولی چون تعداد نیمسال های وارد شده در نرم افزار کم است برای تهیه گواهی تدریس اساتید و آمارهای اعضای هیأت علمی هنوز نیاز به بررسی فایل های کاغذی گذشته می باشد.

**واژه های کلیدی:** نرم افزار، ارزیابی عملکرد آموزشی، اساتید



## طراحی لاگ بوک و ارزشیابی دانشجویان در دوره کارآموزی به روش تلفیقی (لاگ بوک، پرسپتور و عضو هیئت علمی)

احمد کاملی<sup>۱\*</sup>، هادی عباسپور<sup>۲</sup>، ناهید شکوری<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> کارشناس ارشد پرستاری مراقبتهای ویژه عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

Email: [ahmad\\_kamelv@yahoo.com](mailto:ahmad_kamelv@yahoo.com)

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد آموزش پرستاری عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۳</sup> کارشناس پرستاری، بیمارستان امام علی بجنورد

**مقدمه:** ارزشیابی یکی از جنبه های مهم در فرآیند فعالیت های آموزشی است و این امکان را فراهم می سازد تا بر اساس نتایج آن، نقاط قوت و ضعف فرآیند آموزشی مشخص شود و با تقویت جنبه های مثبت و رفع نارسایی ها در ایجاد تحول و اصلاح آموزشی گام های مناسبی برداشته شود. یکی از این روش ها روشهای تلفیقی مانند روش استفاده از دفترچه ثبت مهارت های بالینی است، دخالت پرسنل در ارزشیابی و ثبت وقایع از فراموش کاری، اعمال نظر مربی و سوء تعبیر دانشجویان جلوگیری می گردد.

**روش ها:** روز اول جلسه توجیهی توسط مربی هیئت علمی جهت دانشجویان و پرسپتورها (پرسنل بخش که به عنوان حمایت کننده حضور دارند) برگزار و آنان را با نحوه انجام کار و پر کردن لاگ بوک آشنا نمودیم، دانشجویان هر شیفت حضور در کارآموزی صفحه مربوط به آن روز را پر نموده و به امضای پرسنل مربوطه برسانند. دانشجو ابتدا خود را ارزیابی نموده و سپس پرسنل ناظر (پرسپتورها) طبق چک لیست ارزشیابی را انجام می دهند. در انتهای ترم لاگ بوکها تحویل عضو هیئت علمی مسئول دوره می گردد و نمرات دانشجو که شامل نظرات پرسپتورها، مدیر گروه و عضو هیئت علمی مسئول را جمع آوری و محاسبه می نماید. نظرات دانشجویان طبق چک لیست محقق ساخته که روایی و پایایی آن ارزشیابی شده است ارزیابی و با نرم افزار spss شماره ۱۶ مورد آنالیز قرار می گیرد.

**نتایج:** دانشجویان مورد مطالعه ۳۰ نفر، ۲۰ نفر از آنان دختر بودند. متوسط رضایتمندی آنان از اجرای این روش ۶۰ درصد بود. ولی فقط ۳۰ درصد آنان تکرار این روش را برای ترمهای بعدی توصیه نمودند. ۶۲ درصد دانشجویان از نمره دهی توسط پرسپتور اظهار رضایت نمودند. در مورد ایجاد عدالت نظرات دانشجویان متفاوت بوده و نظر یکسانی نداشته اند.

**نتیجه گیری:** استفاده از روشهای نوین ارزشیابی بالینی میتواند در ارتقاء سطح یادگیری و رضایتمندی دانشجویان موثر بوده و عملکرد آنان را تحت تاثیر قرار دهد.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی بالینی، لاگ بوک، روش تلفیقی

## بررسی تأثیر حضور دستیار بر کیفیت آموزش پزشکی گروه اطفال از دیدگاه فراگیران

دکتر رحمت الله جدیدی\*، دکتر زهره عنبری

استادیار، اعضاء هیئت علمی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اراک

Email: jadidi.88@gmail.com

**مقدمه:** ارتقاء کیفیت آموزش، در دوره کارآموزی و کارورزی پزشکی عمومی بسیار مهم است و هرگونه مداخله ای در این راستا کمک کننده و قابل ارزیابی است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر حضور دستیار بر کیفیت آموزش پزشکی از دیدگاه استاد و دانشجو انجام گرفت.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر یک مطالعه کاربردی- مقطعی بود که مهارتهای بالینی و متدهای آموزش بالینی را از دیدگاه ۴۲ کارآموز و کارورز پزشکی بعد از حضور دستیار مورد ارزیابی قرار داد. ۲ چک لیست تهیه شده جهت ارزیابی مهارتهای بالینی و متدهای آموزشی از دیدگاه کارآموزان اطفال (۳۲ سوال) و برای کارورزان (۳۳ سئوالی) بوده است. همچنین چک لیست ارزیابی از دیدگاه دستیاران اطفال (۲۴ سئوالی) بود. نتایج ارزیابی مهارتهای بالینی و متدهای آموزشی قبل از حضور دستیار براساس نتایج ارزیابی درونی در سال ۹۰ آنالیز گردید. روایی چک لیست‌ها براساس اهداف تعیین شده در **log book** و نیز تائید اساتید انجام گردید. داده ها نیز از طریق نرم افزار **spss16** و آزمون کای دو مورد تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** در این پژوهش کارموزان و کارورزان، دیدگاه های خود را پیرامون مهارتهای بالینی قبل از حضور دستیار با میانگین ۲/۳۱ و بعد از حضور دستیار ۳/۷۶ در حد خوب و کیفیت متدهای آموزشی را (از نظر گزارش صبحگاهی، ژورنال کلاب، کنفرانس مشترک اساتید، گراندراند، کیفیت آموزش در درمانگاه و طب سرپایی) با میانگین ۲/۱۵ از ۵ قبل از حضور دستیار و بعد از حضور دستیار با میانگین ۴/۱۲ در حد عالی ارزیابی نمودند. دستیاران اطفال بعد از حضور شان مهارتهای بالینی کارآموزان و کارورزان رابه ترتیب با میانگین ۳/۶۶ و ۳/۹۲ در حد خوب ارزیابی نمودند.

**نتیجه‌گیری:** این پژوهش نشان داد که هرگونه مداخله در ارتقاء کیفیت آموزش پزشکی باید با برنامه ریزی دقیق صورت پذیرد تا تغییر چشمگیری در کیفیت آموزش پزشکی مشاهده شود. به نظر می رسد ارتقاء کیفیت آموزش پزشکی پس از جذب دستیار قطعی خواهد بود

**واژه‌های کلیدی:** دستیار، کیفیت، آموزش پزشکی، فراگیران

## توانمند سازی اساتید گروه آموزشی قلب با استفاده از بازخورد حاصل از نتایج ارزیابی درونی در دانشگاه علوم پزشکی اراک: ۱۳۹۱

دکتر رحمت اله جدیدی\*، دکتر زهره عنبری

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اراک

jadidi.88@gmail.com

**مقدمه:** ارزیابی درونی به منظور اطمینان از کسب مهارت‌های علمی و عملی، قضاوت صحیح بالینی و ارتقاء کیفیت آموزش پزشکی است که ارائه بازخورد آن میتواند در توانمندسازی اساتید گروه نقش موثری ایفا کند. هدف از این مطالعه بررسی نقش بازخورد حاصل از نتایج ارزیابی درونی بر ارتقای توانایی‌های اساتید گروه آموزشی قلب بود.

**روش‌ها:** در این مطالعه از الگوی ارزیابی درونی و اعتبار بخشی گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور منتج از استاندارد‌های فدراسیون بین‌المللی آموزش پزشکی استفاده و نتایج حاصل از ارزیابی درونی در حوزه هیأت علمی سال ۹۰، به اساتید گروه بازخورد داده شد تا نقایص و نقاط ضعف خود را برطرف نماید. در سال ۹۱ مجدداً این حوزه با همان ملاک‌های قبلی مورد ارزیابی قرار گرفت. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه برگرفته از الگوی فوق که در آن ملاک‌ها بین عدد ۱ تا ۵ (خیلی ضعیف تا عالی) طبقه‌بندی شده بودند برای تعیین و مقایسه میانگین امتیاز ملاک‌ها از طبقه بندی گورمن استفاده شد.

**نتایج:** نتایج حاکی از افزایش امتیازات حوزه هیئت علمی در سال ۹۱ نسبت به سال ۹۰ بود و ملاک ویژگی‌های آموزشی اساتید از میانگین امتیاز (۳/۲۳) در محدوده بیش از رضایت بخش طبقه بندی گورمن به امتیاز (۴/۳۵) در محدوده قوی رسید و امتیازات در هر یک از اجزای آن مانند میانگین ساعات حضور در بخش، میانگین واحدهای آموزشی، تعداد جلسات گزارش صبحگاهی (ژورنال کلاب، کنفرانس اساتید، راند آموزشی، گزارش مورد جالب، درمانگاه آموزشی و طب سرپایی)، میانگین حضور در سمینارهای علمی و کارگاه‌های آموزشی، میانگین تعداد مقالات چاپ شده در مجلات علمی، تعداد کتب چاپ شده، میانگین طرح‌های تحقیقاتی، میانگین تعداد هدایت پایان نامه تحصیلی و همچنین میانگین نمره نظرخواهی از مدیر گروه، کارآموزان و کارورزان نیز افزایش نشان داد.

**نتیجه‌گیری:** تعیین وضعیت موجود با انجام ارزشیابی درونی و ارائه بازخورد نتایج حاصل از آن در حوزه هیئت علمی و بویژه در بعد ویژگی‌های آموزشی، می‌تواند ضمن جهت‌دهی به تلاش‌های اساتید گروه، انگیزه لازم و بستر مناسب برای ارتقای آنان را فراهم کرده و نقش موثری در افزایش توانمندی اساتید، ایفا نماید.

**واژه‌های کلیدی:** اعضای هیئت علمی، ارزیابی درونی، گروه آموزشی قلب

## بررسی اعتبار پیش بین آزمون جامع علوم پایه در تبیین عملکرد تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

دکتر نوید محمدی<sup>۱</sup>، معصومه ضیائیها<sup>۲\*</sup>، دکتر عباس علامی<sup>۳</sup>، دکتر حسین مژدهی پناه<sup>۴</sup>، پروین یخچالیها<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup>استادیار دانشگاه علوم پزشکی قزوین، دانشگاه علوم پزشکی قزوین

<sup>۲\*</sup> مربی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، دانشگاه علوم پزشکی قزوین

**ziaee537@yahoo.com**

<sup>۳</sup> استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۴</sup> استادیار دانشگاه علوم پزشکی قزوین، دانشگاه علوم پزشکی قزوین

<sup>۵</sup> کارشناس دانشگاه علوم پزشکی قزوین، دانشگاه علوم پزشکی قزوین

**مقدمه:** آموزش پزشکی به دلیل مسئولیت دانش آموختگان آن در برابر جان انسان ها از اهمیت و حساسیت ویژه ای برخوردار بوده است. یکی از ویژگیهای مهم هر آزمونی، اعتبار پیش بینی آن است یعنی اینکه یک آزمون تا چه اندازه می تواند موفقیت در آزمون دیگری را پیش بینی کند. این بررسی به منظور تعیین اعتبار پیش بین آزمون جامع علوم پایه در تبیین عملکرد تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین طراحی شد.

**روش‌ها:** نوع مطالعه توصیفی - مقطعی بود که بر روی ۱۸۱ نفر از دانشجویان پزشکی ورودی سال های ۷۸ الی ۸۱ که به صورت سرشماری انتخاب شده و در امتحانات جامع علوم پایه و پره انترنی شرکت کرده بودند، انجام گرفت. نمرات امتحانات جامع علوم پایه و پره انترنی و معدل دوره کار آموزی و کل دانشجویان از پرونده آنها اخذ گردید. سپس اطلاعات به کمک نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید و سطح معنی داری 0.01 برای گزارش در نظر گرفته شد.

**نتایج:** میانگین نمرات آزمون جامع علوم پایه ۱۳۲/۸۷ با انحراف معیار ۱۶/۶۱، میانگین نمرات آزمون جامع پره انترنی ۱۱۹/۶۹ با انحراف معیار ۱۸/۹۶، میانگین معدل دوره کار آموزی ۱۶/۰۶ با انحراف معیار ۱/۵۴ و میانگین معدل کل ۱۵/۹۲ با انحراف معیار ۱/۰۱ بوده و ضریب همبستگی پیرسون نمرات آزمون جامع علوم پایه با نمرات آزمون جامع پره انترنی، معدل دوره کار آموزی و معدل کل به ترتیب  $r = 0.67$ ،  $r = 0.53$  و  $r = 0.73$  و  $p < 0.001$  بود که همبستگی مستقیم و معنا داری مشاهده گردید.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به ضریب همبستگی بالا و ارتباط مثبت بدست آمده در این مطالعه، آزمون جامع علوم پایه می تواند ملاک مناسبی برای پیش بینی عملکرد تحصیلی دانشجویان و ابزار معتبری برای شناسایی دانشجویانی باشد که در معرض عدم موفقیت تحصیلی در دوره های بعدی می باشند که می توان با برنامه ریزی موثر در جهت ارتقای تحصیلی گام برداشت.

**واژه‌های کلیدی:** اعتبار پیش بینی، نمره آزمون جامع علوم پایه، نمره آزمون جامع پره انترنی، معدل دوره کار آموزی، معدل کل

### برگزاری آزمون پایان دوره ی دانشجویان پزشکی در مقطع کارآموزی در بخش پوست به روش "on site" در دانشگاه علوم پزشکی قزوین

دکتر اکرم بهشتی، معصومه ضیائیها\*، دکتر عباس علامی، مهندس قلی پور

**مقدمه:** اهمیت توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات به حدی است که پس از پایان نخستین دهه قرن بیست و یکم کمتر فعالیت آموزشی و پژوهشی باقی می ماند که بدون استفاده از اینترنت و ارتباطات کامپیوتری صورت پذیرد در این میان آموزش پزشکی بعنوان یکی از زیر سیستم های اساسی نظام آموزش عالی کشور و نقش حساس و مهم دانش آموختگان آن در حفظ و ارتقای سلامت جامعه از این فرآیند مستثنی نبوده و ظهور مؤلفه های آموزش الکترونیکی در کلیه سطوح آن باعث ایجاد تغییرات اساسی و جدی در آن شده است. لذا با توجه به مطالب فوق الذکر از نرم افزار آزمون آنلاین تستا جهت آزمون on site در راستای تسهیل و بهینه سازی آزمون های سنجش صلاحیت های بالینی دانشجویان علوم پزشکی در مقطع کارآموزی در بخش پوست و نیز جهت پاسخ به نیاز اساتید، دانشجویان و دست اندرکاران آموزشی و تحقق آرمان دستیابی به دانشگاه الکترونیک و نهایتاً به منظور ارتقای کیفیت آموزش و سلامت جامعه استفاده گردیده است.

**روش ها:** این نرم افزار طراحی و در رایانه های مورد نظر نصب شدو برای دانشجویان کارآموز پزشکی از مهر ۸۹ مورد استفاده قرار گرفت. طراحی نرم افزار تستا با زبان تحت وب PHP و دیتابیس سازگار MySQL انجام شده و تحت لایسنس GNU GPL بصورت متن باز و رایگان ارائه می شود.

**نتایج:** این نرم افزار با هدف مدیریت دقیق تر برگزاری آزمون های سنجش استدلال بالینی دانشجویان طراحی و پیاده سازی شده است و با شبیه سازی مشکل بیمار در قالب یکسری توضیحات متنی همراه با عکس بیماران و نیز تصاویری از ضایعات پوستی، مشکل بیمار را مطرح نموده و با نمایش یکسری سؤالات، امکان پیگیری مراحل اداره و درمان بیمار را برای دانشجو فراهم می سازد. بعد از دستیابی به تشخیص و درمان توسط کارآموز که در بازده زمانی مشخص میباشد، نتیجه عملکرد آن با توجه به بارم هر یک از سؤالات که قبلاً تعیین شده، مشخص و کارنامه عملکرد وی بلافاصله بعد از آزمون چاپ میگردد. امکان چاپ لیست نمرات به صورت کلی برای استاد، گزارش فراوانی انتخاب سؤالات، گزارش سرعت پاسخ دهی به سؤالات و گزارش مربوط به میانگین زمان پاسخ به سؤالات نیز می باشد. در نظر سنجی دانشجویان از ۵۱ نفر دانشجویان پزشکی، ۳۳ نفر به پرسشنامه پاسخ دادند میانگین نمرات ۱۱۶/۷۱ از ۲۰ نمره بود.

**نتیجه گیری:** در این آزمون با افزودن عکس بیماران و نیز تصاویری از ضایعات پوستی سؤالات را کامل تر کرده و به فهم بهتر سؤالات کمک می شود. در این روش بانک سؤالات از قبل تهیه شده و برای هر آزمون نیاز به طراحی مجدد سؤالات نیست در این روش سؤالات برای هر دانشجو جداگانه توسط رایانه تعیین می گردد، لذا باوجود محدودیت مکانی احتمال تقلب از بین میرود و در پایان هر آزمون دانشجو می تواند بعد از امتحان سؤالات خود را بازنگری کرده و از صحت پاسخ های خود مطمئن شود که این امر خود نوعی آموزش است. نمره ی دانشجو نیز بلافاصله بعد از امتحان قابل رویت است و نیاز به اختصاص زمان برای اعتراض نیست بلافاصله بعد از امتحان نمرات آماده و قابل ارسال به اداره آموزش می باشد. صرفه جویی در مصرف کاغذ، وقت و انرژی بسیار قابل توجه است و رضایت دانشجویان از این روش بالاست. بنابراین استفاده از روش آزمون "on site" سبب افزایش کیفیت و فراهم نمودن افزایش ثبات آزمون و استانداردسازی آزمونها می گردد.

**واژه های کلیدی:** برگزاری آزمون، دانشجویان پزشکی، مقطع کارآموزی، روش on site

## ارزیابی درونی کتابخانه دانشکده بهداشت و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی

قزوین در سال ۹۰-۸۹

فریبا زاهدی فر<sup>۱\*</sup>، علی صفری، محمدمهدی امام جمعه، اکرم مهراندشت  
<sup>۱\*</sup>مری دانشکده بهداشت - دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین

[fzahedifar@yahoo.com](mailto:fzahedifar@yahoo.com)

**مقدمه:** کتابخانه‌های دانشگاهی به عنوان بخش لاینفک نظام آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها، همواره در خدمت این نظام می‌باشند و اهداف و وظایف آن‌ها باید متمرکز بر نظام آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها باشد، بنابراین مجموعه کتابخانه هر دانشگاه مهم‌ترین منبع آموزشی، پژوهشی و اطلاعاتی جامعه علمی و دانشگاهی خود به شمار می‌رود و باید به موازات برنامه‌های درسی و تحقیقاتی گسترش یابد و مکمل این برنامه‌ها باشد. این پژوهش با هدف تعیین وضعیت موجود کتابخانه دانشکده بهداشت و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین و مقایسه آن با استانداردهای کتابخانه‌های دانشگاهی ایران در سال ۹۰-۸۹

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی-تحلیلی در سال ۹۰-۸۹ در دانشگاه علوم پزشکی قزوین با استفاده از الگوی ارزیابی درونی انجام گردید. معیارهای موثر بر عملکرد کتابخانه به ۷ حیطه طبقه بندی گردید و جهت هر یک از معیارهای استانداردهای مورد نظر مشخص گردید. در مجموع داده‌های ۷ حیطه بود مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج:** اطلاعات به دست آمده از وضعیت موجود بیانگر این می‌باشند که میزان مطابقت کتابخانه دانشکده بهداشت با توجه به استانداردها به شرح ذیل می‌باشد: عامل مدیریت ۳۷/۵ درصد، نیروی انسانی (کارکنان) ۴۱/۶۶ درصد، مجموعه (منابع) نتایج ۳۱/۲ درصد، سازماندهی منابع ۱۰۰ درصد، خدمات و آموزش ۲۳ درصد، ساختمان و تجهیزات ۳۰ درصد، بررسی کتابخانه با توجه به بودجه نشان داد که در این حوزه اصلاً موفقیتی وجود ندارد و کتابخانه دانشکده بهداشت در رابطه با تعیین میزان بودجه نقش بسیار کم رنگی را دارد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج وضعیت کتابخانه دانشکده بهداشت در مجموع ۳۳/۵۷ درصد موفقیت داشته است که بیانگر این موضوع می‌باشد که به عوامل تاثیر گذار بر کیفیت عملکرد این مجموعه توجهی نگردیده است. به منظور بهبود وضع موجود، تشکیل کمیته مشورتی در کتابخانه، بهره‌گیری از کتابداران متخصص جهت انجام امور حرفه‌ای کتابداری، غنی کردن مجموعه کتابخانه با افزایش منابع سمعی بصری، الکترونیکی و اشتراک بانک‌های اطلاعاتی مهم و مرتبط، مشارکت کتابخانه در برنامه‌های همکاری بین کتابخانه‌ای و بهره‌مندی از برنامه‌های آموزش کاربران و ... پیشنهاد می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** ارزیابی درونی، کتابخانه، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین

## عوامل موثر بر رضایت شغلی از دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گیلان

دکتر فردین مهربان<sup>۱\*</sup>، سکینه کشاورز محمدیان<sup>۲</sup>، دکتر داریوش نقی پور خلخالیانی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup>استادیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی گیلان

[Mehrabian@gums.ac.ir](mailto:Mehrabian@gums.ac.ir)

<sup>۲</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت دانشگاه علوم پزشکی گیلان

<sup>۳</sup>استادیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی گیلان

**مقدمه:** از عوامل مهم پیشرفت کار یک سازمان رضایت شغلی کارکنان آن سازمان می باشد. رضایت شغلی نقش مهمی در عملکرد اساتید دانشگاه دارد. شناخت عوامل موثر بر ایجاد رضایت شغلی اعضای هیئت علمی می تواند در پیشبرد اهداف آموزشی و پژوهشی آنان مفید باشد. این مطالعه با هدف بررسی عوامل موثر بر رضایت شغلی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی انجام شده است.

**روش‌ها:** پژوهش از دسته مطالعات توصیفی مقطعی است که در دی و بهمن ماه سال ۱۳۹۱ انجام شد. جامعه پژوهش را ۱۳۹ نفر از اساتید دانشکده های دانشگاه علوم پزشکی گیلان تشکیل دادند و به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای مشتمل بر دو بخش که بخش اول آن حاوی ۱۰ سوال در خصوص ویژگیهای فردی و بخش دوم پرسشنامه ای حاوی ۱۹ سوال که مطابق با دیدگاه دو عاملی فردریک هرزبرگ طراحی و بر اساس مقیاس ۵ گزینه ای لیکرت امتیاز دهی شد. روایی پرسشنامه با نظرخواهی از اساتید و اصلاح بخش هایی از پرسشنامه تایید شد. به منظور تایید پایایی پرسشنامه در هر یک از حیطه ها از روش آزمون مجدد استفاده شد که  $r_1=85\%$  و  $r_2=89\%$  بدست آمد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار کامپیوتری SPSS18 و شاخص های آمار توصیفی انجام شد.

**نتایج:** ۶۱٫۹ درصد اساتید بالینی و ۳۵٫۳ درصد غیر بالینی و ۲٫۹ درصد نامشخص بوده است. ۶۹٫۱ درصد از جامعه پژوهش دریافت حقوق متناسب با کار و ۶۷٫۶ درصد فضای مناسب اداری را خیلی زیاد و زیاد در رضایت شغلی موثر می دانستند. ۳۹ نفر از جامعه پژوهش (۲۸٫۱) داشتن مسئولیت علاوه بر عضویت هیات علمی را خیلی زیاد و زیاد در رضایت شغلی موثر دانسته و ۴۳٫۹ درصد با انتخاب گزینه متوسط و ۲۸ درصد جامعه پژوهش گزینه خیلی کم و کم را انتخاب نمودند. ۳۹ نفر (۲۸ درصد) جامعه پژوهش به بازنشستگی پیش از موعد خیلی زیاد و زیاد تمایل داشته و ۳۰٫۴ درصد جامعه پژوهش معتقد بودند که واگذاری مسئولیتهای بزرگتر به آنان خیلی زیاد و زیاد در رضایت شغلی شان موثر است.

**نتیجه‌گیری:** پرداخت بموقع و متناسب حقوق و دستمزد، شرایط محیطی مناسب، ثبات و امنیت شغلی، رفاه اساتید و فراهم نمودن انگیزه های مادی و معنوی لازم جهت قبول مسئولیت در کنار وظایف تدریس می تواند موجب بهبود رضایت شغلی شود.

**واژه‌های کلیدی:** رضایت شغلی، اعضای هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان

## بررسی دیدگاه دانشجویان پزشکی در مورد جو آموزشی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بر اساس الگوی DREEM

سیده نورا امینی\*، محبوبه زنده بودی، دکتر کامران میرزائی، سیده بتول امینی

دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

amini\_noora@yahoo.com

**مقدمه:** عوامل زیادی در فرآیند آموزش نقش دارند که هر یک به تنهایی میتوانند بر یادگیری تأثیر داشته باشند. محیط حاکم بر آموزش، نقشی تعیین کننده در ایجاد انگیزه برای یادگیری دارد، زیرا تقویت رفتارهای مثبت در جهت یادگیری، باعث پیشرفت تحصیلی میشود. بنابراین دانشجویان با درک محیط پیرامون خود انگیزه و یادگیری را تنظیم میکنند.

**روش‌ها:** این مطالعه از نوع مقطعی بود که جامعه مورد مطالعه را دانشجویان مقطع علوم پایه و مقطع بالینی دانشکده پزشکی تشکیل می دادند که بصورت تصادفی انتخاب شده بودند. جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه دریم استفاده گردید و اطلاعات با استفاده از فرمولهای آماری در نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** ۱۳۷ پرسشنامه تکمیل گردید که از این میان ۷۴ نفر زن و ۶۳ نفر مرد بودند. میانگین نمرات و انحراف معیار دانشجویان مقطع علوم پایه در حیطه های یادگیری ۳۱/۵۴ (۴/۷)، استادان ۲۹/۹۸ (۴/۹)، جو آموزشی ۳۴/۳۷ (۵/۸)، توانایی علمی خود ۲۳/۰۴ (۴/۱) و شرایط اجتماعی ۲۰/۵۰ (۳/۲) و در مقطع بالینی در حیطه های یادگیری ۹۴۳/۹۴ (۶/۴)، استادان ۳۳/۱۵ (۶/۸)، جو آموزشی ۳۸/۳۳ (۱۲/۸)، توانایی علمی خود ۲۴/۵۵ (۵/۴) و شرایط اجتماعی ۲۲/۳۱ (۶/۴) بدست آمد. تفاوت آماری معنی داری در بین دو مقطع دیده نشد. همچنین تفاوت معنی داری بین دانشجویان دختر و پسر و ترم تحصیلی ایشان در خصوص جو آموزشی یافت نشد.

**نتیجه گیری:** از دیدگاه دانشجویان دانشکده پزشکی بوشهر جو آموزشی این دانشکده خوب ارزشیابی شده بود که شاید از دلایل آن را بتوان ارتباط مستقیم دانشجویان با اساتید مجرب این دانشکده و دلسوزیهای مسئولان برای ایجاد یک جو آموزشی مناسب برای دانشجویان دانست. گر چه تلاش برای ارتقاء مداوم سیستم آموزشی باید به عنوان یکی از دغدغه های مهم اساتید، مسئولان و خود دانشجویان مد نظر قرار گیرد.

**واژه های کلیدی:** جو آموزشی، دانشجو، آموزش پزشکی، الگوی دریم



## ارزیابی توانمندیهای دانشجویان بخش جراحی با استفاده از آزمون اسکی در

### دانشگاه علوم پزشکی جهرم

صدیقه نجفی پور<sup>۱\*</sup>، دکتر محمد علی سپیدکار<sup>۲</sup>، دکتر محمد کاظم تدین<sup>۳</sup>، دکتر حق بین<sup>۴</sup>، محمد عبدی<sup>۵</sup>، محبوبه رزمی<sup>۶</sup>، عاطفه کرم زاده<sup>۷</sup>

\*عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم، دانشجوی دکتری آموزش پزشکی دانشگاه تهران

senajafipour@hotmail.com

<sup>۲</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم، استادیار و مدیر گروه بخش جراحی

<sup>۳</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم، استادیار بخش جراحی

<sup>۴</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم، استادیار بخش جراحی

<sup>۵</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم، مربی بخش آموزش پرستاری

<sup>۶</sup> کارشناس دفتر توسعه دانشگاه علوم پزشکی جهرم

<sup>۷</sup> کارشناس مرکز مهارتهای بالینی دانشگاه علوم پزشکی جهرم

**مقدمه:** کیفیت آموزش علوم پزشکی نقش تعیین کننده ای بر سلامتی جامعه و کیفیت مراقبت از بیماران دارد، و دانشگاههای علوم پزشکی بایستی بتوانند نشان دهند که فارغ التحصیلان آنها، صلاحیت علمی و حرفه ای مورد نیاز برای ایفای نقش حرفه ای خود را کسب می کنند. لذا استفاده از آزمون های عملی، معتبر و پایا در ارزیابی توانایی های بالینی دانشجویان ضروری است این مطالعه به منظور ارزیابی توانمندیها دانشجویان بخش جراحی و همچنین رضایت آنان از مفید بودن آزمون اسکی در دانشگاه علوم پزشکی جهرم انجام گرفت.

**روش ها:** این مطالعه مقطعی جهت ارزیابی توانمندی ۱۰ دانشجوی با استفاده از آزمون اسکی در ۸ ایستگاه با استفاده از دو ایستگاه بیمار نما اجرا گردید. ایستگاهها شامل اخذ تاریخچه معاینه بیمار نما، خواندن عکس رادیو لوژی، ارائه اقدامات تشخیصی جهت کیس باشکم حاد، انجام احیا قلبی و تنفسی بر روی مانکن و مولاژ، سوچر زدن بود. ارزیابی توسط اساتید با استفاده از چک لیست انجام گرفت. حد نصاب نمره ایستگاه بر اساس روش مرزی تعیین گردید. نظرات دانشجویان با استفاده از پرسشنامه ای روا و پایا در خصوص اسکی بررسی گردید. داده ها با استفاده از امارتوصیفی و تحلیلی تحت نرم افزار spss. مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

**نتایج:** یافته ها نشان داد بیشترین میانگین نمره ۱۶/۵ مربوط به ایستگاه تشخیصهای اولیه جهت بیماری با شکایت از درد شکم بود و همبستگی معنی داری بین میانگین نمرات دانشجویان در ایستگاههای مختلف با میانگین کل نمره آزمون اسکی وجود داشت. نتایج حاصل از نظر خواهی نشان داد که ۱۰۰ درصد دانشجویان استفاده از آزمون اسکی در پایان دوره جراحی جهت ارزیابی توانمندیهای آنان را روش مفید و مناسب دانستند. همچنین ۷۳ درصد دانشجویان اظهار داشتند سئوالات و مهارتهای ارزیابی شده در هرایستگاه اسکی با آنچه در بخش جراحی آموزش دیده بودند کاملاً ارتباط داشت و ۸۷ درصد از زمان اختصاص داده شده به هرایستگاه رضایت داشتند. همچنین صد در صد دانشجویان از همکاری بیمار نما در ایستگاه معاینه و تاریخچه گرفتن کاملاً رضایت داشتند.

**نتیجه گیری:** آزمون اسکی جهت ارزیابی توانمندیهای دانشجویان مورد قبول اکثریت دانشجویان بود. هرچند که پایایی بعضی از ایستگاهها نیاز به بازنگری دارد اما برگزاری آزمون اسکی بر یادگیری دانشجویان تاثیر آموزشی موثر داشت.

**واژه های کلیدی:** ارزیابی - مهارت های بالینی - اسکی - دانشجویان پزشکی

## ارتباط نمره ارزشیابی الکترونیکی اساتید علوم پایه توسط دانشجویان با معدل تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال تحصیلی ۹۱-۹۲

یحیی محمدی\*، دکتر غلامرضا فعال، دکتر بتول اقبالی، خیرالنساء رمضانزاده

\*کارشناس ارشد علوم تربیتی (گرایش تحقیقات آموزشی) کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند و مدرس دانشگاه پیام نور و علمی کاربردی.

Email: [Y\\_mohammady\\_29@yahoo.com](mailto:Y_mohammady_29@yahoo.com)

**مقدمه:** ارزشیابی دانشجویان از استادان یکی از رایج ترین روش های ارزشیابی در دانشگاهها و مراکز آموزشی است. ارزشیابی اساتید توسط دانشجویان می تواند یک منبع ارزشمند برای بازخورد به آنها به منظور بهبود کیفیت آموزش باشد. بدین منظور، این مطالعه با هدف تعیین ارتباط بین نمره ارزشیابی استاد توسط دانشجو با معدل تحصیلی دانشجویان در دانشگاه علوم پزشکی بیرجند انجام شد.

**روش ها:** روش تحقیق حاضر بر اساس هدف کاربردی و بر اساس روش گرد آوری اطلاعات توصیفی، همبستگی می باشد. جامعه مورد بررسی تمام دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند (۲۱۱۹ نفر) که در نیمسال اول ۹۱-۹۲ ارزشیابی اساتید را بصورت الکترونیکی انجام دادند، بودند. برای جمع آوری اطلاعات از نرم افزار ارزشیابی اساتید استفاده شد، بدین صورت که پرسشنامه ارزشیابی اساتید علوم پایه به تعداد ۱۹ گویه بصورت الکترونیکی توسط دانشجو برای هر عنوان درسی پر شد، که در انتها ۱۹۲۵۰ فرم ارزشیابی استاد در نرم افزار ارزشیابی ثبت و برای تحلیل استفاده شد. روایی پرسشنامه مورد تایید افراد صاحب نظر آموزشی قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS و از آزمون تحلیل واریانس و همبستگی اسپیرمن استفاده شد.

**نتایج:** نتایج تحقیق نشان داد که میانگین نمره ارزشیابی اساتید، توسط دانشجویان معدل بالای ۱۷ (۴/۳۰۵)؛ دانشجویان معدل بین ۱۶/۹۹-۱۴ (۴/۳۲۵)؛ دانشجویان معدل بین ۱۳/۹۹-۱۲ (۴/۴۷۵)؛ دانشجویان معدل بین ۱۱/۹۹-۱۰ (۴/۶۱۲) و دانشجویان معدل بین ۹/۹۹-۰ (۴/۸۱۰) بدست آمد. بین میانگین نمره ارزشیابی اساتید بر اساس معدل تحصیلی تفاوت وجود داشت. همچنین بین نمره ارزشیابی اساتید با معدل تحصیلی دانشجویان دارای ضریب همبستگی ۰/۲۸۹- در سطح ۰/۰۵ رابطه معناداری وجود داشت ( $p < 0/05$ ). یعنی هر چه معدل تحصیلی دانشجویان بالاتر بود نمره ارزشیابی اساتید پائین تر بود.

**نتیجه گیری:** با توجه به همبستگی منفی بین نمره ارزشیابی اساتید با معدل تحصیلی دانشجویان که با تحقیق شکورنیا (۱۳۸۵) همخوانی دارد، به نظر می رسد، که دانشجویان دارای معدل بالا نسبت به دانشجویان معدل پائین از شیوه های تدریس و دیگر مسائل آموزشی در کلاس درس رضایت کمتری دارند. پیشنهاد می گردد که دانشجویان پیشنهادات کاربردی و دلایل منطقی در خصوص نظرات مثبت و منفی در ارزشیابی اساتید ارائه دهند.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی اساتید، معدل تحصیلی، دانشجویان

بررسی عوامل موثر بر افت تحصیلی از دیدگاه دانشجویان دانشکده پیراپزشکی  
دانشگاه علوم پزشکی تهران؛ ۱۳۹۱

شیدا آذری\*

\*کارشناس ارشد دانشگاه تهران

Email: sheidapsy\_997@yahoo.com

**مقدمه:** افت تحصیلی دانشجویان پزشکی و علوم پزشکی یکی از مشکلات عمده مراکز آموزش عالی کشور است. به همین علت مطالعات متعددی در این زمینه انجام شده که نتایج متفاوتی به دنبال داشته اند. این مطالعه به هدف گردآوری و مقایسه پژوهش‌های انجام شده در این زمینه در سطح کشور انجام شده است.

**روش‌ها:** با بهره‌گیری از اطلاعات موجود در سیستم اینترنتی و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی داخلی از جمله ایران مدکس، سید، مگ ایران و مدلیب و پایگاه‌های خارجی پابمد، وب آو ساینس، گوگل اسکولار، اریک و ساینس دایرکت کلیدواژه‌های "دانشجویان پزشکی"، "افت تحصیلی"، "وضعیت تحصیلی"، "پیشرفت تحصیلی" و "موفقیت تحصیلی" مورد جستجو قرار گرفتند و مقالات بدست آمده به دو دسته مرتبط و غیر مرتبط تقسیم بندی شدند.

**نتایج:** در نهایت پس از حذف موارد نامرتبط، ۷۴ مقاله برای دانشجویان علوم پزشکی مورد مطالعه قرار گرفت که از بین آنها ۲۳ مقاله وارد مطالعه شدند و برای دانشجویان پزشکی، تعداد ۳۲ عدد مقاله باقی ماند که در نهایت از بین آنها نیز تنها ۹ مقاله دارای ملاک‌های ورود به مطالعه بوده و مورد بررسی قرار گرفتند. از نظر تحلیل محتوی، جنسیت، زندگی در خوابگاه، شاغل بودن، تاهل، سن، سهمیه قبولی، فاصله زیاد بین اخذ دیپلم و ورود به دانشگاه و معدل دیپلم به عنوان عوامل تاثیرگذار بر افت تحصیلی بر دانشجویان در نظر گرفته شدند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به اینکه این عوامل، عوامل مشترک در تمامی مقالات مطرح شده اند از آنها می‌توان به عنوان عوامل موثر بر افت تحصیلی نام برد. اما در تمامی این مقالات معیار تعیین افت تحصیلی با هم متفاوت است و نقطه برش مشخص تعریف نشده که این می‌تواند عامل تفاوت نتایج مقالات در نظر گرفته شود. که با توجه به اهمیت این موضوع و اثرات افت تحصیلی پیشنهاد می‌شود تعریف دقیق و مشخص افت تحصیلی مشخص شود.

**واژه‌های کلیدی:** مرور سیستماتیک، افت تحصیلی، دانشجویان پزشکی، دانشجویان علوم پزشکی

## سیستم رتبه بندی دانشگاههای جهان

غلامرضا عبدالله زاده استخری، زهرا طاهری ازبرمی\*

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

\*دانشجوی PHD آموزش پرستاری دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم

پزشکی گیلان

Email: zahra\_ztt@yahoo.com

**مقدمه:** دانشگاه به عنوان اولین پایگاه تولید و انتقال دانش نقش اساسی در جامعه ایفاء می کند. دانشگاهها، بازیگران اصلی جامعه دانش محور را تشکیل می دهند. در طی فرآیند آموزش، دانشگاهها دانش را منتشر می نمایند و ذخیره سرمایه انسان را توسعه می دهند. در طی انجام پژوهش، دانشگاهها افق دانش را وسعت می بخشند، مشارکت دانشگاهها با جامعه به ورای پیشرفت تکنیکی و اقتصادی بر می گردد. جهانی شدن آموزش عالی یک حرکت روبه جلو سریع، تغییر پرشتاب و محیط ناهموار است که باعث پیوندهای همکاری، رقابتی و سلسله مراتبی بین دانشگاهها می شود. جهانی شدن باعث می شود که دانشگاهها و کارکنانشان درگیر چالشهای استراتژیک فوق العاده شوند. رتبه بندی دانشگاهها شاید یکی از مسائل سرنوشت ساز در حرکت بسوی آموزش عالی هنجار باشد. لذا این مطالعه با هدف شناسایی سیستم رتبه بندی دانشگاههای جهان انجام گردیده است.

**روشها:** این مطالعه با بررسی منابع موجود در محدوده زمانی ۱۰ سال اخیر در پایگاههای اطلاعاتی PubMed- Pro ranking system- international با کلید واژه های Quest- Ovid- ERIC- Scopus-, Google scholar INLM academic ranking و بررسی مقالات صرفا انگلیسی زبان انجام شده است.

**نتایج:** رتبه بندی دانشگاهی بین المللی، که دانشگاههای دنیا را با هم مقایسه می کند، اخیرا مورد توجه قرار گرفته و تعدد پیدا کرده است. رتبه بندی دانشگاهها با ۲ هدف ۱- گرفتن اطلاعات برای مصرف کنندگان ۲- عملی نمودن به عنوان یک شیوه بازاریابی موثر نه تنها در بخشهای خصوصی بلکه در موسسات دولتی نیز افزایش یافته است. در بین رتبه بندی دانشگاههای جهان امروزه، رتبه بندی شانگهای (shanghai Jiao Tongs) که اکثر شاخص های آن منحصر در ارتباط با پژوهش می باشد، شهرت یافته است. همانند این شاخص، Qs و شاخص TheS مقایسه بین المللی دانشگاهها را در سطح دنیا انجام داده اند. در واقع معیارهای رتبه بندی دانشگاهها عبارتند از: کیفیت آموزش دانشگاه، کیفیت دانشکده، خروجی های پژوهش های انجام شده اندازه و وسعت دانشکده. کیفیت آموزش دانشکده با شاخص های چون تعداد مدالهای نوبل دانشجویان و کارمندان، کیفیت دانشکده با دارا بودن پژوهشگرانی که در ۲۱ مقوله موضوع وسیعی دارای بالاترین استناد باشند، خروجی پژوهش با تعداد مقالات منتشر در ژورنالهای Nature و Science سنجیده می شود. نتیجه گیری: اکثریت رتبه بندی دانشگاهها توسط موسسات خصوصی و یا شرکتهای رسانه ای نظیر مجلات انجام می شود. در هر حال، موسسات حرفه ای و حکومتها خیلی به این مسئله بها داده و توجه زیادی به آن می نمایند.

واژه های کلیدی: ranking system, international academic ranking

## بررسی دانش و مهارت های دستیاران شرکت کننده در مجموعه کارگاههای آموزشی دستیار در نقش استاد

ماریا جلالی نژاد،\* پریسا نبیئی و صدیقه مختار پور

\*شیراز دانشگاه علوم پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

Email: jalalimaria@yahoo.com

**مقدمه:** از آنجائی که دستیاران پزشکی پس از گذراندن دوره ی تخصصی وارد حیطه ی پزشکی می شوند و سلامت جامعه در گرو میزان و مهارت های آنان می باشد لذا گذراندن دوره های آموزشی مختلف از جمله دستیار در نقش استاد بسیار ضروری به نظر می رسد. مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی شیراز با توجه به این ضرورت اقدام به برگزاری کارگاههای آموزشی نموده است. مطالعه حاضر به منظور تعیین دانش و مهارت های آموزشی دستیاران شرکت کننده در این دوره کارگاهی تهیه و تنظیم گردیده است.

**روش ها:** جهت انجام این مطالعه پرسشنامه ای شامل مفاهیم مهم آموزش پزشکی در حیطه علوم پایه و بالینی توسط اعضای هیأت علمی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی تهیه و تنظیم گردید که روایی محتوایی پرسشنامه ها توسط صاحب نظران دانشگاه تأیید شدو پایایی آن نیز پس از یک مطالعه اولیه در گروهی از دستیاران پزشکی تعیین شد. داده ها پس از جمع بندی توسط نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که در بیشتر اهداف آموزشی نظیر کلیات مفاهیم یادگیری و خلاقیت، آشنایی با اصول مهارت های ارتباطی، آشنایی بانرم افزار پاورپوینت و مالتی مدیا، آموزش مبتنی بر طرح مسأله، روش های نوین آموزشی بیشتر از ۷۰٪ دستیاران تسلط خود را در حد اجرا و آموزش به سایر دستیاران در این خصوص بیان کرده بودند. کمترین تسلط از دید دستیار در زمینه مهارت های بالینی نظیر معاینه فیزیکی و مصاحبه بالینی و همچنین آشنایی با مجموعه های الکترونیک دانشگاه بود، بطوریکه کمتر از ۳۰٪ دستیاران در این موارد تسلط خود را در حد آموزش و اجرا قلمداد کرده بودند.

**نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه نشان داد که از دید دستیاران شرکت کننده در این دوره های آموزشی، فعالیت های مرکز مطالعات و توسعه در سطح قابل قبولی توانسته نه تنها نیاز آموزشی آنان را برآورده کند، بلکه توانایی آنان را در آن حیطه تا سطح اجرا و آموزش به سایرین بالا ببرد لیکن نیاز است مباحث پیچیده تری نظیر آشنایی با سایت ها و نحوه جستجو در پزشکی مبتنی بر شواهد بصورت یادآور و بصورت علمی دوباره در قالب کارگاههای آموزشی برای آنان برگزار شود.

**واژه های کلیدی:** توانمندسازی دستیاران، آموزش کارگاهی و دستیار در نقش استاد

## بررسی دیدگاه دانشجویان پزشکی در مورد جو آموزشی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بر اساس الگوی DREEM

سیده نورا امینی\*، محبوبه زنده بودی، دکتر کامران میرزائی، سیده بتول امینی

دانشگاه علوم پزشکی بوشهر  
amini\_noora@yahoo.com

**مقدمه:** عوامل زیادی در فرآیند آموزش نقش دارند که هر یک به تنهایی میتوانند بر یادگیری تأثیر داشته باشند. محیط حاکم بر آموزش، نقشی تعیین کننده در ایجاد انگیزه برای یادگیری دارد، زیرا تقویت رفتارهای مثبت در جهت یادگیری، باعث پیشرفت تحصیلی میشود. بنابراین دانشجویان با درک محیط پیرامون خود انگیزه و یادگیری را تنظیم میکنند.

**روش‌ها:** این مطالعه از نوع مقطعی بود که جامعه مورد مطالعه را دانشجویان مقطع علوم پایه و مقطع بالینی دانشکده پزشکی تشکیل می دادند که بصورت تصادفی انتخاب شده بودند. جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه دریم استفاده گردید و اطلاعات با استفاده از فرمولهای آماری در نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** ۱۳۷ پرسشنامه تکمیل گردید که از این میان ۷۴ نفر زن و ۶۳ نفر مرد بودند. میانگین نمرات و انحراف معیار دانشجویان مقطع علوم پایه در حیطه های یادگیری ۳۱/۵۴ (۴/۷)، استادان ۲۹/۹۸ (۴/۹)، جو آموزشی ۳۴/۳۷ (۵/۸)، توانایی علمی خود ۲۳/۰۴ (۴/۱) و شرایط اجتماعی ۲۰/۵۰ (۳/۲) و در مقطع بالینی در حیطه های یادگیری ۹۴۳/۹۴ (۶/۴)، استادان ۳۳/۱۵ (۶/۸)، جو آموزشی ۳۸/۳۳ (۱۲/۸)، توانایی علمی خود ۲۴/۵۵ (۵/۴) و شرایط اجتماعی ۲۲/۳۱ (۶/۴) بدست آمد. تفاوت آماری معنی داری در بین دو مقطع دیده نشد. همچنین تفاوت معنی داری بین دانشجویان دختر و پسر و ترم تحصیلی ایشان در خصوص جو آموزشی یافت نشد.

**نتیجه گیری:** از دیدگاه دانشجویان دانشکده پزشکی بوشهر جو آموزشی این دانشکده خوب ارزشیابی شده بود که شاید از دلایل آن را بتوان ارتباط مستقیم دانشجویان با اساتید مجرب این دانشکده و دلسوزیهای مسئولان برای ایجاد یک جو آموزشی مناسب برای دانشجویان دانست. گر چه تلاش برای ارتقاء مداوم سیستم آموزشی باید به عنوان یکی از دغدغه های مهم اساتید، مسئولان و خود دانشجویان مد نظر قرار گیرد.

**واژه های کلیدی:** جو آموزشی، دانشجو، آموزش پزشکی، الگوی دریم

## ارزیابی توانمندیهای دانشجویان بخش جراحی با استفاده از آزمون اسکی در دانشگاه علوم پزشکی جهرم

صدیقه نجفی پور<sup>۱\*</sup>، دکتر محمد علی سپیدکار<sup>۲</sup>، دکتر محمد کاظم تدین<sup>۳</sup>، دکتر حق بین<sup>۴</sup>، محمد عبدی<sup>۵</sup>،  
محبوبه رزمی<sup>۶</sup>، عاطفه کرم زاده<sup>۷</sup>

\*عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم، دانشجوی دکتری آموزش پزشکی دانشگاه تهران  
senajafipour@hotmail.com

<sup>۲</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم، استادیار و مدیر گروه بخش جراحی

<sup>۳</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم، استادیار بخش جراحی

<sup>۴</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم، استادیار بخش جراحی

<sup>۵</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم، مربی بخش آموزش پرستاری

<sup>۶</sup> کارشناس دفتر توسعه دانشگاه علوم پزشکی جهرم

<sup>۷</sup> کارشناس مرکز مهارتهای بالینی دانشگاه علوم پزشکی جهرم

**مقدمه:** کیفیت آموزش علوم پزشکی نقش تعیین کننده ای بر سلامتی جامعه و کیفیت مراقبت از بیماران دارد، و دانشگاههای علوم پزشکی بایستی بتوانند نشان دهند که فارغ التحصیلان آنها، صلاحیت علمی و حرفه ای مورد نیاز برای ایفای نقش حرفه ای خود را کسب می کنند. لذا استفاده از آزمون های عملی، معتبر و پایا در ارزیابی توانایی های بالینی دانشجویان ضروری است این مطالعه به منظور ارزیابی توانمندیها دانشجویان بخش جراحی و همچنین رضایت آنان از مفید بودن آزمون اسکی در دانشگاه علوم پزشکی جهرم انجام گرفت.

**روش ها:** این مطالعه مقطعی جهت ارزیابی توانمندی ۱۰ دانشجوی با استفاده از آزمون اسکی در ۸ ایستگاه با استفاده از دو ایستگاه بیمار نما اجرا گردید. ایستگاهها شامل اخذ تاریخچه معاینه بیمار نما، خواندن عکس رادیو لوژی، ارائه اقدامات تشخیصی جهت کیس باشکم حاد، انجام احیا قلبی و تنفسی بر روی مانکن و مولاژ، سوچر زدن بود. ارزیابی توسط اساتید با استفاده از چک لیست انجام گرفت. حد نصاب نمره ایستگاه بر اساس روش مرزی تعیین گردید. نظرات دانشجویان با استفاده از پرسشنامه ای روا و پایا در خصوص اسکی بررسی گردید. داده ها با استفاده از امارتوصیفی و تحلیلی تحت نرم افزار SPSS. مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

**نتایج:** یافته ها نشان داد بیشترین میانگین نمره ۱۶/۵ مربوط به ایستگاه تشخیصهای اولیه جهت بیماری با شکایت از درد شکم بود و همبستگی معنی داری بین میانگین نمرات دانشجویان در ایستگاههای مختلف با میانگین کل نمره آزمون اسکی وجود داشت. نتایج حاصل از نظر خواهی نشان داد که ۱۰۰ درصد دانشجویان استفاده از آزمون اسکی در پایان دوره جراحی جهت ارزیابی توانمندیهای آنان را روش مفید و مناسب دانستند. همچنین ۷۳ درصد دانشجویان اظهار داشتند سئوالات و مهارتهای ارزیابی شده در هرایستگاه اسکی با آنچه در بخش جراحی آموزش دیده بودند کاملاً ارتباط داشت و ۸۷ درصد از زمان اختصاص داده شده به هرایستگاه رضایت داشتند. همچنین صد در صد دانشجویان از همکاری بیمار نما در ایستگاه معاینه و تاریخچه گرفتن کاملاً رضایت داشتند.

**نتیجه گیری:** آزمون اسکی جهت ارزیابی توانمندیهای دانشجویان مورد قبول اکثریت دانشجویان بود. هرچند که پایایی بعضی از ایستگاهها نیاز به بازنگری دارد اما برگزاری آزمون اسکی بر یادگیری دانشجویان تاثیر آموزشی موثر داشت

**واژه های کلیدی:** ارزیابی، مهارت های بالینی، اسکی، دانشجویان پزشک

## بررسی نظرات دانشجویان پرستاری در رابطه با ارزشیابی به روش بالینی با ساختار عینی در دانشکده پرستاری فسا در سال ۱۳۹۱

اعظم زارع ، شهناز کریمی\* ، سیدامین کوهپایه

\*دانشگاه علوم پزشکی فسا

Email: Mkarimi1344@gmail.com

**مقدمه:** آموزش بالینی یکی از مهمترین قسمتهای آموزش دانشجویان رشته های علوم پزشکی می باشد. هنگامی دوره آموزشی مفید است که ارزشیابی صحیح در جهت مشخص کردن موقعیت فعلی و شناسایی عوامل مورد نیاز برای ایجاد تغییرات متناسب با توجه به نیازهای جامعه و پیشرفت های جدید صورت گیرد. روشهای پذیرفته شده برای ارزشیابی به ویژه در دهه اخیر رو به افزایش است و در مورد ارزشیابی عملی نیز روشهای مختلفی وجود دارد بررسی ها نشان می دهد دانشجویان و اساتید دانشگاه از ارزشیابی راضی نیستند و اشکالاتی که تعداد کثیری از محققان و اساتید به آن اذعان دارند در ارزشیابی عملی نیز وجود دارد. هدف از این مطالعه تعیین نظرات دانشجویان پرستاری در رابطه با ارزشیابی به روش بالینی با ساختار عینی در دانشکده پرستاری فسا می باشد.

**روش ها:** پژوهش حاضر از نوع نیمه تجربی است. نمونه پژوهش شامل ۳۱ دانشجوی ترم سه پرستاری می باشد که به صورت تصادفی به دو گروه تقسیم شدند. یک گروه به روش ارزشیابی روش بالینی با ساختار عینی و گروه دیگر به روش سنتی در بخش جراحی بیمارستان ولیصر فسا ارزشیابی شدند. گرد آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه نظرسنجی صورت گرفت که توسط واحدهای پژوهش در هر دو گروه بعد از امتحان تکمیل می شد. داده ها توسط نرم افزار SPSS و با استفاده از آمار توصیفی ( فراوانی ) و آمار استنباطی ( کای دو ) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج حاصل بیانگر آن بود که بیشترین درصد پاسخ کاملاً موافقم در مورد ارزشیابی بالینی با ساختار عینی مربوط به عبارت " در این روش دانشجو به نقاط ضعف و قدرت خود پی می برد " با ۵۶/۳ درصد و بیشترین درصد پاسخ کاملاً موافقم در ارزشیابی سنتی مربوط به عبارت " زمان اختصاص داده شده به این روش مناسب است با ۴۰ درصد می باشد. در نظر سنجی کلی از دانشجویان در خصوص آزمون ارزشیابی به روش بالینی با ساختار عینی و روش سنتی به عمل آمد ۷۵ درصد دانشجویان نسبت به ارزشیابی بالینی با ساختار عینی و ۴۶/۷ درصد دانشجویان نسبت به روش سنتی نظر مثبت داشتند.

**نتیجه گیری:** دانشجو در ارزشیابی بالینی با ساختار عینی بیش از ارزشیابی سنتی می تواند به نقط قوت و ضعف خود پی ببرد و دانشجویان استفاده از روش ارزشیابی را برای بررسی مهارتهای بالینی مناسب تر می دانستند.

**واژه های کلیدی:** دانشجوی پرستاری ، ارزشیابی بالینی با ساختار عینی ، ارزشیابی سنتی



## ارتباط نمره ارزشیابی الکترونیکی اساتید علوم پایه توسط دانشجویان با معدل تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال تحصیلی ۹۱-۹۲

یحیی محمدی\*، دکتر غلامرضا فعال، دکتر بتول اقبالی، خیرالنساء رمضانزاده

\*کارشناس ارشد علوم تربیتی (گرایش تحقیقات آموزشی) کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند و مدرس دانشگاه پیام نور و علمی کاربردی.

Email: [Y\\_mohammady\\_29@yahoo.com](mailto:Y_mohammady_29@yahoo.com)

**مقدمه:** ارزشیابی دانشجویان از استادان یکی از رایج ترین روش های ارزشیابی در دانشگاهها و مراکز آموزشی است. ارزشیابی اساتید توسط دانشجویان می تواند یک منبع ارزشمند برای بازخورد به آنها به منظور بهبود کیفیت آموزش باشد. بدین منظور، این مطالعه با هدف تعیین ارتباط بین نمره ارزشیابی استاد توسط دانشجو با معدل تحصیلی دانشجویان در دانشگاه علوم پزشکی بیرجند انجام شد.

**روش ها:** روش تحقیق حاضر بر اساس هدف کاربردی و بر اساس روش گرد آوری اطلاعات توصیفی، همبستگی می باشد. جامعه مورد بررسی تمام دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند (۲۱۱۹ نفر) که در نیمسال اول ۹۱-۹۲ ارزشیابی اساتید را بصورت الکترونیکی انجام دادند، بودند. برای جمع آوری اطلاعات از نرم افزار ارزشیابی اساتید استفاده شد، بدین صورت که پرسشنامه ارزشیابی اساتید علوم پایه به تعداد ۱۹ گویه بصورت الکترونیکی توسط دانشجو برای هر عنوان درسی پر شد، که در انتها ۱۹۲۵۰ فرم ارزشیابی استاد در نرم افزار ارزشیابی ثبت و برای تحلیل استفاده شد. روایی پرسشنامه مورد تأیید افراد صاحب نظر آموزشی قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS و از آزمون تحلیل واریانس و همبستگی اسپیرمن استفاده شد.

**نتایج:** نتایج تحقیق نشان داد که میانگین نمره ارزشیابی اساتید، توسط دانشجویان معدل بالای ۱۷ (۴/۳۰۵)؛ دانشجویان معدل بین ۱۶/۹۹-۱۴ (۴/۳۲۵)؛ دانشجویان معدل بین ۱۳/۹۹-۱۲ (۴/۴۷۵)؛ دانشجویان معدل بین ۱۱/۹۹-۱۰ (۴/۶۱۲) و دانشجویان معدل بین ۹/۹۹-۰ (۴/۸۱۰) بدست آمد. بین میانگین نمره ارزشیابی اساتید بر اساس معدل تحصیلی تفاوت وجود داشت. همچنین بین نمره ارزشیابی اساتید با معدل تحصیلی دانشجویان دارای ضریب همبستگی ۰/۲۸۹- در سطح ۰/۰۵ رابطه معناداری وجود داشت ( $p < 0/05$ ). یعنی هر چه معدل تحصیلی دانشجویان بالاتر بود نمره ارزشیابی اساتید پائین تر بود.

**نتیجه گیری:** با توجه به همبستگی منفی بین نمره ارزشیابی اساتید با معدل تحصیلی دانشجویان که با تحقیق شکورنیا (۱۳۸۵) همخوانی دارد، به نظر می رسد، که دانشجویان دارای معدل بالا نسبت به دانشجویان معدل پائین از شیوه های تدریس و دیگر مسائل آموزشی در کلاس درس رضایت کمتری دارند. پیشنهاد می گردد که دانشجویان پیشنهادات کاربردی و دلایل منطقی در خصوص نظرات مثبت و منفی در ارزشیابی اساتید ارائه دهند.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی اساتید، معدل تحصیلی، دانشجویان

بررسی عوامل موثر بر افت تحصیلی از دیدگاه دانشجویان دانشکده پیراپزشکی  
دانشگاه علوم پزشکی تهران؛ ۱۳۹۱

شیدا آذری\*

\*کارشناس ارشد دانشگاه تهران

Email: sheidapsy\_997@yahoo.com

**مقدمه:** افت تحصیلی دانشجویان پزشکی و علوم پزشکی یکی از مشکلات عمده مراکز آموزش عالی کشور است. به همین علت مطالعات متعددی در این زمینه انجام شده که نتایج متفاوتی به دنبال داشته اند. این مطالعه به هدف گردآوری و مقایسه پژوهش‌های انجام شده در این زمینه در سطح کشور انجام شده است.

**روش‌ها:** با بهره گیری از اطلاعات موجود در سیستم اینترنتی و پایگاه‌های اطلاع رسانی داخلی از جمله ایران مدکس، سید، مگ ایران و مدلیب و پایگاه‌های خارجی پابمد، وب آو ساینس، گوگل اسکولار، اریک و ساینس دایرکت کلید واژه های "دانشجویان پزشکی"، "افت تحصیلی"، "وضعیت تحصیلی"، "پیشرفت تحصیلی" و "موفقیت تحصیلی" مورد جستجو قرار گرفتند و مقالات بدست آمده به دو دسته مرتبط و غیر مرتبط تقسیم بندی شدند.

**نتایج:** در نهایت پس از حذف موارد نامرتبط، ۷۴ مقاله برای دانشجویان علوم پزشکی مورد مطالعه قرار گرفت که از بین آنها ۲۳ مقاله وارد مطالعه شدند و برای دانشجویان پزشکی، تعداد ۳۲ عدد مقاله باقی ماند که در نهایت از بین آنها نیز تنها ۹ مقاله دارای ملاک‌های ورود به مطالعه بوده و مورد بررسی قرار گرفتند. از نظر تحلیل محتوی، جنسیت، زندگی در خوابگاه، شاغل بودن، تاهل، سن، سهمیه قبولی، فاصله زیاد بین اخذ دیپلم و ورود به دانشگاه و معدل دیپلم به عنوان عوامل تاثیر گزار بر افت تحصیلی بر دانشجویان در نظر گرفته شدند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به اینکه این عوامل، عوامل مشترک در تمامی مقالات مطرح شده اند از آنها می توان به عنوان عوامل موثر بر افت تحصیلی نام برد. اما در تمامی این مقالات معیار تعیین افت تحصیلی با هم متفاوت است و نقطه برش مشخص تعریف نشده که این می تواند عامل تفاوت نتایج مقالات در نظر گرفته شود. که با توجه به اهمیت این موضوع و اثرات افت تحصیلی پیشنهاد می شود تعریف دقیق و مشخص افت تحصیلی مشخص شود.

**واژه‌های کلیدی:** مرور سیستماتیک، افت تحصیلی، دانشجویان پزشکی، دانشجویان علوم پزشکی

## بررسی نگرش دانشجویان پزشکی به روانپزشکی و اثرات آموزش روانپزشکی بر تغییر نگرش آنان در دانشگاه آزاد مشهد و علوم پزشکی مشهد در سال ۸۹

دکتر وحید سعادتیان\*، دکتر حمید رضا ارشدی، دکتر طاهره راعی، محمد معین صفا، رعنا رحیمی کاخکی، امین

طالب زاده، امین نوروزیگی، ندا سعیدیان

Email : Hamidarshadi@yahoo.com

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد

**مقدمه:** گرش مجموعه ای از باورهاست (ارزشها و ضد ارزشها) که منجر به بروز رفتار های خاص شخص می شود و از سه قسمت شناخت، عواطف و رفتار تشکیل شده است.

نگرش مثبت به روانپزشکی می تواند پزشکان آینده را نسبت به نیاز های روانشناختی و اختلالات روان پزشکی همراه بیماران پاسخگو تر نماید. به همین دلیل بررسی نگرش دانشجویان پزشکی و اثرات آموزش بر تغییر آن مفید به نظر می رسد. هدف از این مقاله بررسی نگرش دانشجویان پزشکی به روانپزشکی و اثرات آموزش روانپزشکی بر تغییر نگرش آنان در دانشگاه آزاد مشهد و علوم پزشکی مشهد می باشد.

**روش ها:** در یک مطالعه ی مقطعی، تعداد ۴۴۱ دانشجوی پزشکی از دو دانشگاه آزاد و علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۸۹، در سه مقطع قبل کارآموزی، کارآموزی و کارورزی، در طی ۱۰ دقیقه پرسشنامه ای حاوی اطلاعات دموگرافیک و نگرش نسبت به روانپزشکی (ATP30) را پر کردند. ۶۶ دانشجو که سابقه بیماری روانپزشکی یا بستری در بخشهای روانپزشکی یا مصرف داروی روانپزشکی داشتند از مطالعه حذف شدند. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS وبا آزمون های دقیق فیشر و تجزیه ی واریانس و تحلیل رگرسیون خطی در سطح معنی داری 0/05 انجام شد.

**نتایج:** دانشجویان دانشگاه آزاد با میانگین نگرش (105/74) و دانشگاه علوم پزشکی مشهد (102/4) نگرش مطلوبی به روانپزشکی نشان دادند. (نمره خنثی ۹۰). نگرش دانشجویان بعد از ورود به بخش و اتمام دوره بالینی، مثبت تر شد. افزایش نگرش دانشجویان باعث تغییر چندانی در افزایش انگیزه آنها، برای انتخاب رشته روانپزشکی به عنوان شغل آینده نبود. در مقایسه دو دانشگاه با هم، دانشجویان دانشگاه آزاد مشهد دارای نگرش مثبت تری به روانپزشکی بودند.

**نتیجه گیری:** این پژوهش اثر مثبت آموزش روانپزشکی را بر نگرش دانشجویان به روانپزشکی تایید می نماید. بنا بر این آموزش روانپزشکی در دانشکده پزشکی، پزشکان آینده را نسبت نیازهای روانشناختی بیماران پاسخگو تر می نماید.

**واژه های کلیدی:** نگرش نسبت به روانپزشکی، دانشجوی پزشکی، آموزش روانپزشکی.

## بررسی ارتباط انگیزش تحصیلی و جایگاه مهار آکادمیک در دانشجویان ترم آخر

### دانشکده ی پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

مهستی گنجو<sup>۱\*</sup>، مجتبی قبادی<sup>۲</sup>، محمد جواد بردستانی<sup>۳</sup>، سمیه حسینی<sup>۴</sup>، ساره ابراهیمی دواسی<sup>۵</sup>

<sup>۱\*</sup> کارشناس ارشد مدیریت بهداشت جامعه، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

e-mail: mahastyganjoo@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی کمیته ی تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۳</sup> دانشجوی کمیته ی تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۴</sup> مشاور آمار، کارشناس معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۵</sup> کارشناس آموزشی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

**مقدمه:** انگیزش علت و عامل اصلی رفتار است، چه آن را شرایط موجود در محیط ایجاد کرده چه از تظاهرات رفتاری و فیزیولوژیکی و گزارش شخصی استنباط شده باشد، انگیزش را می توان عامل نیرو دهنده و هدایت کننده رفتار تعریف کرد. از سوی دیگر جایگاه مهار تعریف مشخصی در رابطه با ادراک فرد از کنترل بر زندگی خودش و چگونگی فائق آمدن در برابر حوادث و رخدادها می باشد و شامل دو بعد داخلی و خارجی است که بعد داخلی متأثر از باورهای فرد در برابر مشکلات می باشد و به وسیله ی فعال بودن، مفید بودن، ابتکار در حل مسائل، تحرک بالا، اعتماد به نفس و موفقیت در زندگی فردی، مدرسه و کار و جایگاه مهار خارجی با بی ارادگی، تحرک کم و ناتوانی در پاسخگویی به مسائل شناسایی می گردد.

**روش ها:** این مطالعه به صورت توصیفی- تحلیلی است که با هدف بررسی ارتباط بین انگیزش تحصیلی و جایگاه مهار آکادمیک دانشجویان دانشکده ی پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر صورت گرفته است. جمع آوری اطلاعات به وسیله ی پرسشنامه های استاندارد انگیزش تحصیلی و جایگاه مهار آکادمیک ترایس انجام شد.

**نتایج:** از حجم نمونه ۷۷ دانشجو که به روش سرشماری وارد پژوهش شده اند، ۳۷،۷٪ مرد و ۶۲،۳٪ آنها زن بودند که از این تعداد ۷،۸٪ رضایت کم از رشته ی تحصیلی و ۵۵،۸٪ رضایت متوسط و ۳۶،۴٪ رضایت زیاد داشته اند و ۱۱،۸٪ ساکن منازل شخصی و ۸۸،۲٪ ساکن خوابگاه بوده اند و براساس نتایج به دست آمده میانگین مؤلفه های هفت گانه ی انگیزش تحصیلی به این ترتیب می باشد. دانستن ۲۰،۹۸، حرکت در جهت پیشرفت ۱۷،۵۵، تجربه محرک ۱۶،۲۱، همسان کردن ۲۰،۸۸، درون فکنی ۱۸،۳۶، تنظیم بیرونی ۲۰،۵۹، بی انگیزشی ۱۰،۸ و میانگین کلی انگیزش ۱۷،۹۱ می باشد. میانگین جایگاه مهار داخلی و خارجی تحصیلی ۳،۴۶ با انحراف معیار ۲،۶ محاسبه گردید. با توجه به یافته ها مشخص گردید که بین انگیزش تحصیلی و مهار آکادمیک ارتباط معنا داری نبوده است. ( $p=0/84$ )

**نتیجه گیری:** علی رغم نبود ارتباط معنادار بین انگیزش تحصیلی و جایگاه مهار آکادمیک، عوامل مؤثر بر این مؤلفه ها تعیین گردید که می توان با تقویت عوامل مثبت و مهار عوامل کاهنده گام مؤثری در جهت اعتلای تحصیلی دانشجویان برداش

**واژه های کلیدی:** انگیزش تحصیلی، جایگاه مهار آکادمیک، جایگاه مهار داخلی، جایگاه مهار خارجی

## بررسی رابطه هوش هیجانی با شادمانی دانشجویان کتابداری دانشگاه علوم پزشکی و

### دانشگاه خلیج فارس بوشهر

مهستی گنجو<sup>۱\*</sup>، نسرين مرودشتی پور<sup>۲</sup>، مرضیه گنخکی<sup>۳</sup>، سمیه پروین<sup>۴</sup>

<sup>۱\*</sup> عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

mahastyganjoo@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۳</sup> دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۴</sup> دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

**مقدمه:** وولفولک هدف از تمام فعالیتهای تحصیلی را یادگیری و کسب مهارتهای آکادمیک می‌داند و معتقد است هنگامی که دانشجویان یاد می‌گیرند و بر مهارت‌ها، مفاهیم و دانش‌هایی که به آن‌ها آموزش داده می‌شود تسلط پیدا می‌کنند، به موفقیت تحصیلی رسیده‌اند. امروزه هوش هیجانی به عنوان یک موضوع جدید در حوزه روان‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است. مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است، مبین نقش هوش هیجانی و مولفه‌های آن در جنبه‌های مختلف زندگی فرد همچون پیشرفت تحصیلی، ازدواج، شغل و روابط اجتماعی می‌باشد. هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه بین شادمانی با هوش هیجانی و مقایسه این دو متغیر در دانشجویان کتابداری دانشگاه علوم پزشکی و خلیج فارس بوشهر می‌باشد.

**روش‌ها:** این پژوهش یک مطالعه توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد و جامعه آماری این پژوهش دانشجویان کتابداری دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه خلیج فارس است که به شیوه سرشماری انتخاب شدند و از دانشجویان درخواست شد که به پرسشنامه شادکامی اکسفورد و هوش هیجانی سیبریا شرینگ پاسخ دهند و در مجموع ۱۰۰ پرسشنامه جمع‌آوری شد.

**نتایج:** بر اساس نتایج به دست آمده میانگین سطح شادمانی در دانشجویان کتابداری دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه خلیج فارس ۴۰/۰۹ با انحراف معیار ۱۲/۴۹ محاسبه گردید ولی رابطه شادمانی در دو رشته معنادار نیست. ۸۳/۸٪ دانشجویان دختر و ۱۶/۲٪ پسر بودند. بر اساس دو دانشگاه ۴۸٪ کتابداری پزشکی و ۵۲٪ کتابداری خلیج فارس بودند. دانشجویان رضایت از رشته تحصیلی را، ۲۲/۲٪ کم، ۵۰/۵٪ متوسط و ۲۷/۳٪ زیاد اعلام کردند. ارتباط شادمانی با ۵ مولفه هوش هیجانی به قرار زیر می‌باشد: شادمانی با مولفه‌های خودآگاهی و خودانگیزی رابطه معناداری ندارد ولی با مولفه‌های مهارت‌های اجتماعی ( $P<0.001$ )، مدیریت خود ( $P<0.001$ ) و هوشیاری اجتماعی ( $P<0.022$ ) ارتباط معناداری دارد. میزان شادمانی در دو رشته تفاوت معناداری ندارد.

**نتیجه‌گیری:** هوش هیجانی قابلیت افراد برای تشخیص و مدیریت احساسات خود و دیگران است. هوش هیجانی توانایی گرفتن نتایج مطلوب از استعدادهای درونی فرد را ارائه می‌کند و به وی اجازه می‌دهد تا محیطی ایجاد کند که بتواند از توانایی‌ها و تجربه‌هایش به طور کامل استفاده کند. بنابراین بایستی مسولان آموزشی در جهت تقویت این مهارت‌ها گام بردارند تا بتوانند با برنامه‌ریزی‌های مناسبی، باعث پیشرفت تحصیلی دانشجویان شوند.

**واژه‌های کلیدی:** شادمانی، هوش هیجانی، دانشجویان کتابداری، بوشهر

## بررسی تنوع روش های ارزشیابی و تناسب آن با اهداف آموزشی کارآموزان رشته پزشکی در بیمارستان قائم (عج) مشهد در سال تحصیلی ۸۸-۸۷

رضا سعیدی، حسین کریمی موقنی، محسن محبی، شراره کریمی

**مقدمه:** به نظر می آید ارزیابی دانشجویان پزشکی در دوران کارآموزی به اندازه خود آن دوره ها اهمیت دارد. در حال حاضر این کار از طریق آزمونها و تست های گرفته شده در پایان هر دوره انجام می گیرد. با این وجود ما نمی توانیم بدانیم چقدر این آزمون ها با اهداف آموزشی ما هماهنگ است.

**روش کار:** ما داده ها را از شیوه ارزیابی ها به وسیله پرسشنامه های مخصوصی از کارآموزان و آزمون گیرندگان بالینی در شش بخش ماژور از بیمارستان قائم، یکی از دو مرکز مهم آموزش بالینی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، جمع آوری کردیم. اهداف آموزش بالینی از هر بخش با پرسشنامه دیگری مختص آزمون گیرندگان به دست آمد. سرانجام با ارایه دو گروه از اطلاعات به کارشناسان آموزش پزشکی و به کارگیری نرم افزار SPSS به عنوان تحلیل گر آماری، توانستیم تناسب بین ابزارهای ارزیابی و اهداف آموزشی را در هر بخش و تمام بخش ها به دست آوریم.

**نتایج:** اهداف آموزشی در حیطه شناختی تمرکز یافته اند و شیوه های ارزیابی معمول آزمون های شفاهی و نوشتاری می باشند. بررسی های ما کمبود ابزارهای ارزیابی مناسب برای حیطه های آموزشی روانی - حرکتی و عاطفی را نشان می دهد. میانگین تناسب بین ابزارها و اهداف در تمام شش بخش انتخاب شده ۰.۹۲۹ از ماکزیمم دو می باشد.

**بحث و نتیجه گیری:** به نظر می رسد سازگار کردن ابزارهای ارزیابی با نظرات کارشناسان آموزش پزشکی برای تناسب بین اهداف شیوه های ارزیابی بسیار ارزشمند باشد. اهداف آموزشی نیاز دارند تا با مشاوره کارشناسان بازنگری شوند.

## پورتفولیو: ابزاری برای سنجش مهارت‌های یادگیری دانشجویان رشته بهداشت عمومی

آرزو توپچیان\* ، دکتر حمید اله وردی پور  
**atopchian@yahoo.com**

**مقدمه:** از دانشجویان رشته بهداشت عمومی انتظار داریم که به طور فعال موفقیت‌های مبتنی بر صلاحیت‌هایشان را در زمینه مهارت‌های یادگیری مستندسازی نمایند. با استفاده از پورتفولیو دانشجویان بهداشت عمومی می‌توانند از طریق یک فرایند تعاملی، شواهد مرتبط با یادگیری خود را جمع‌آوری و به اساتید خود ارائه دهند. هدف از این مطالعه، سنجش مهارت‌های یادگیری دانشجویان بهداشت عمومی با استفاده از پورتفولیو بوده است.

**روش‌ها:** یک پورتفولیو برای سنجش مهارت‌های یادگیری دانشجویان بهداشت عمومی که در مراکز بهداشتی درمانی آموزش دیده بودند طراحی و اجرا گردید، از دانشجویان خواسته شد که توانمندی‌های خود در زمینه مهارت‌های یادگیری با توجه به اهداف دوره به همراه نظراتشان درباره فعالیت‌های یادگیری مستندسازی و ارائه نمایند.

**نتایج:** پورتفولیو مهارت‌های یادگیری دانشجویان را تقویت نموده و آنها را قادر کرد تا تلاش‌ها، پیشرفت و موفقیت‌هایشان را در زمینه مهارت‌های یادگیری ارائه نمایند. براساس نظرات دانشجویان و اساتید فرایند اجرای پورتفولیو، تعامل بین آنها و ارزشیابی دانشجویان در زمینه یادگیری را تسهیل کرد.

**نتیجه‌گیری:** پورتفولیو علاوه بر کمک به دانشجویان در پذیرش مسولیت در زمینه مهارت‌های یادگیری یک فرایند تعاملی را ترویج می‌کند که از طریق آن دانشجویان می‌توانند قابلیت‌های فردی خود را به عنوان یک فرد Professional تقویت نمایند.

**واژه‌های کلیدی:** پورتفولیو، مهارت‌های یادگیری، دانشجویان بهداشت عمومی

## بررسی متدولوژی مقالات ارائه شده در سمینار سراسری توسعه آموزش علوم

### پزشکی سنندج در سال ۸۹

افسانه یخ فروش ها\*

دانشجوی دکترای آموزش پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی تهران

مقدمه: آموزش پزشکی و پژوهش های مرتبط با آن به سرعت در حال رشد و توسعه می باشد. از شواهد این رشد می توان به افزایش انتشار مجلات تخصصی در زمینه آموزش پزشکی و افزایش تعداد مقالات آموزشی در مجلات ذکر نمود. از آن جایی که برگزاری همایش ها و سمینارها با هدف توسعه پژوهش و رفع مشکلات آموزشی می باشد و با در نظر داشتن اینکه تصمیم گیری کاربرد شواهد از موضوعات مورد اهمیت در آموزش پزشکی است، در این مطالعه سعی شد تا با بررسی مقالات ارائه شده در همایش آموزش پزشکی به میزان کاربردی بودن آنها در حل مشکلات آموزشی بپردازیم.

روش: تحقیق به روش توصیفی و با نمونه گیری سرشماری و کل مقالات موجود در کتاب خلاصه مقالات سمینار سراسری توسعه آموزش علوم پزشکی سنندج در سال ۸۹ مورد مطالعه قرار گرفت. سپس مقالات بر اساس نوع مطالعه طبقه بندی گردید و نتایج با استفاده از آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: از تعداد کل مقالات چاپ شده در خلاصه مقالات بیشترین مورد مربوط به مقالات با مطالعات مشاهده ای با فراوانی ۶۰/۶٪ و بعد به ترتیب مقالات مروری با فراوانی ۲۰/۵٪، مقالات مداخله ای با فراوانی ۱۴/۱٪، مقالات با مطالعه کیفی با فراوانی ۴/۱٪ و در انتها مقالات ترکیبی (کمی - کیفی) با فراوانی ۰/۸٪ می باشد.

بحث و نتیجه گیری: مطالعات پزشکی به لحاظ ارزش کاربردی Evidence Level به مطالعات کارآزمایی بالینی تصادفی و کنترل شده، مطالعات کوهورت، مطالعات مورد-شاهدی و مطالعات توصیفی و در انتها اظهار نظر متخصصان را شامل می شود. امروزه مجلات با استفاده از این درجه بندی مقالات خود یا دیگران را ارزیابی می کنند اما با توجه به نتایج حاصله پی می بریم که بیشترین مطالعات همایش مذکور مربوط به مطالعات توصیفی می باشد پس شاید بتوان گفت که اکنون زمان ارائه راه کاری جهت ارتقاء Level مطالعات در زمینه آموزش پزشکی رسیده باشد.

کلید واژه: متدولوژی، مقالات، آموزش پزشکی



## طراحی و اجرای آزمون OSFE برای واحد کارآموزی دانشجویان رشته بهداشت عمومی

آرزو توپچیان\*، دکتر حمیداله وردی پور  
atopchian@yahoo.com

**مقدمه:** کارآموزی در عرصه واحد اصلی رشته بهداشت عمومی می باشد ولی تاکنون آزمون استاندارد برای ارزیابی آن معرفی نشده است، هدف این پژوهش طراحی و اجرای آزمون ساختاریافته عینی در عرصه (OSFE) برای ارزیابی پایانی درس کارآموزی در عرصه بود.

**روش‌ها:** در سال ۱۳۸۵ اساتید کارآموزی گروه آموزشی بهداشت و مدیریت خدمات بهداشتی درمانی دانشکده بهداشت و تغذیه با تشکیل جلسات متعدد و مرور منابع علمی، روش OSFE را جهت ارزیابی پایان دوره کارآموزی انتخاب نموده و طراحی سوالات و ایستگاههای آزمون انجام گردید. تعداد ۳۰ نفر از دانشجویانی که این واحد را انتخاب نموده بودند در ابتدای دوره با شیوه آزمون آشنا شده و در اتمام دوره کارآموزی با روش OSFE ارزیابی گردیدند.

**نتایج:** تعداد ایستگاههای آزمون ۷ ایستگاه ۷ دقیقه ای شامل: مراقبت دوران بارداری، واکسیناسیون، بهداشت محیط، مراقبت کودک، بهداشت سالمندان، تنظیم خانواده و ایستگاه آخر ارزشیابی دوره بودند. دانشجویان در امتحان OSFE از فضا و امکانات لازم برای اجرای آزمون و همچنین مراجعین شبیه سازی شده (بیمارنما) برخوردار بودند، در نهایت میزان رضایتمندی کلی دانشجویان از آزمون OSFE حدود ۹۲ درصد برآورد شد.

**نتیجه‌گیری:** نتایج این تحقیق نشان داد که طراحی و اجرای مناسب آزمون OSFE موجب رضایتمندی بسیار خوب دانشجویان شده و می تواند جهت سنجش علمی و عادلانه دانشجویان در درس کارآموزی بکار رود.  
**واژه‌های کلیدی:** کارآموزی در عرصه، آزمون OSFE، بهداشت عمومی

## تعیین کارایی لاگ‌بوک کارآموزی از دیدگاه دانشجویان و اساتید در دانشگاه علوم پزشکی مشهد: تلفیق دو روش کمی و کیفی

زهرا موفقی<sup>۱</sup>، علی شعبی<sup>۲\*</sup>، علی بهاری<sup>۳</sup>

کارشناس آموزش پزشکی، گروه توسعه دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد. استادیار گروه اعصاب،  
<sup>۲\*</sup>دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

[shoebia@mums.ac.ir](mailto:shoebia@mums.ac.ir)

<sup>۳</sup>دانشیار گروه داخلی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

**مقدمه:** لاگ‌بوک به طور گسترده‌ای برای ارزشیابی پیشرفت دانشجویان به سمت اهداف آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مطالعه حاضر با هدف تعیین کارایی لاگ‌بوک کارآموزی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام گردید.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر از نوع ارزشیابی بوده و در سال ۱۳۹۱ انجام گرفت. ابزار پژوهش یک پرسشنامه ۱۱ سوالی بود که سه سوال آخر آن، اطلاعات را به صورت کیفی از دانشجویان و اساتید پرسش نمود. پرسشنامه در گروه توسعه آموزش دانشکده پزشکی تهیه گردیده روایی آن به روش محتوا و پایایی آن به روش همبستگی درونی ( $\alpha=0/91$ ) تایید شد. پرسشنامه با روش نمونه گیری مبتنی بر هدف توسط ۸۴ کارآموز و ۵۱ عضو هیئت علمی از کلیه گروه‌های بالینی تکمیل گردید. ۳۵ نفر از اساتید مسئولیت آموزشی ویژه داشتند. آنالیز داده‌ها با استفاده از نرم افزار JMP<sub>4</sub> و با انجام آزمون‌های غیر پارامتری انجام گردید.

**نتایج:** کارآموزان موفقیت لاگ‌بوک را در دستیابی به اهداف، به طور معنی‌داری کمتر از اساتید ارزیابی نمودند. کمترین میزان اختلاف نظر اساتید و کارآموزان در هدف "تمرکز بر رویکرد به شکایات شایع هر بخش" ( $p=0.04$ ) و بیشترین اختلاف نظر در مورد سه هدف "هدفمند سازی تلاش اساتید/ دستیاران در جهت آموزش وظایف پزشک عمومی" و "ترغیب مشاهده تمرین دانشجویان و ارائه بازخورد توسط استاد/ دستیار" و "مستندسازی فعالیت درون‌بخشی دانشجویان" ( $p<0.0001$ ) بود. در هر سه هدف فوق، نمای پاسخهای اساتید در طبقه زیاد و نمای پاسخهای کارآموزان در طبقه بسیار کم قرار داشت. تعداد تمرین‌ها به نظر ۷۸٪ اساتید قابل دستیابی و به نظر ۵۲٪ از دانشجویان زیاد بود ( $p<0.0001$ ). در پاسخهای کیفی نیز ۲۶ دانشجو (۳۱٪) تاکید کردند که تعداد زیاد تمرین‌ها موجب دغدغه پرکردن لاگ به جای یادگیری و اخذ مهرهای کاذب می‌گردد. ۶۲٪ دانشجویان صحت اطلاعات مندرج در لاگ‌بوک‌ها را کمتر از ۴۰٪ و ۵۶٪ اساتید بیش از ۴۰٪ تخمین زدند ( $p=0.0018$ ). در مورد استفاده از لاگ‌بوک در ارزشیابی پایان بخش، ۴۹٪ اساتید معتقد بودند که لاگ‌بوک بایستی به عنوان سند فعالیت درون‌بخشی دانشجویان، نمره داشته باشد و ۵۱٪ دانشجویان معتقد بودند که این کار ثبت اطلاعات خلاف افزایش و حداقل نمره قبولی را کاهش خواهد یافت ( $p<0.0001$ ).

**نتیجه‌گیری:** محتوا و فرایند تکمیل لاگ‌بوک در بخش‌های بالینی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، به جای سامان بخشیدن به فرایند یاددهی-یادگیری، به سمت عوارض جانبی منحرف گردیده و پزشکان فردا را به صورت زودرس به سمت خلاف نگاری سوق داده است. نتایج این ارزشیابی منجر به بازنگری اساسی در ساختار و فرایند تکمیل لاگ‌بوک‌های کارآموزی گردید.

**واژه‌های کلیدی:** ارزشیابی بالینی، لاگ‌بوک، نظارت آموزشی.

## بررسی کیفیت نظام آموزشی دوره ی داروسازی عمومی از نقطه نظر دانشجویان شاغل و فارغ التحصیل در سال ۹۱ و ۹۲

بهزاد منتها سنگری\*، جعفر نیک زاد، سروش علایی، سیده مریم مرتضوی، حسین شمالی، حسین وطن پور،

حسین وحیدی

\*دانشجو دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

behzad\_first@yahoo.com Email:

**مقدمه:** سالیانه، هزینه ی زیادی، صرف آموزش و تربیت داروساز، در دانشکده های داروسازی کشور می شود. با توجه به بازخورد های اولیه ای که از دانشجویان و فارغ التحصیلان این رشته گرفته شد، مشخص گردید که بخش زیادی از دانشجویان، برنامه آموزشی این رشته را در رابطه با توانمندی ارائه ی خدمات دارویی، مناسب نمی بینند. لذا تصمیم گرفته شد تا با عاملیت دانشکده داروسازی شهید بهشتی، طرح جامع تری با هدف بازنگری محتوای آموزشی این رشته انجام شود.

**روش ها:** این تحقیق به صورت گذشته نگر و توصیفی به وسیله ی پرسش نامه های آماری و همچنین مصاحبه با کارشناسان و اساتید رشته انجام گرفته است. طرح در قالب چند فرم پرسش نامه ای که هر کدام در چند فاز ابتدا به صورت پایلوت و سپس به صورت سراسری در جوامع آماری مختلف و نسبتاً بزرگ از نظر تعداد صورت گرفت. میزان کاربردی بودن عنوان دروس، به تفکیک و رضایتمندی دانشجویان به طور تفصیلی در مورد عناصر مختلف آموزش به کمک نرم افزار SPSS و نمودارهای مقایسه ای تحلیل شد.

**نتایج:** در این طرح، ارتباط عوامل مختلف سخت افزاری و نرم افزاری نظام آموزش با میزان رضایتمندی دانشجویان با تطابق زمینه های شغلی مرتبط به دست آمد، که از این میان می توان به چند مثال زیر اشاره کرد:

- ارتباط تجهیزات آزمایشگاهی و توانمندی بودجه ای با رضایتمندی دانشجویان.
  - ارتباط موقعیت اجتماعی و مقطع تحصیلی ارائه شده با اقبال دانشجویان به این رشته.
  - ترازبندی دانشگاه ها از نظر دانشجویان در حال تحصیل در همان دانشگاه.
- نتیجه گیری:** نتیجه ها دال بر این موضوع است که واحدهای درسی فعلی در سر فصل ها و تعداد واحد ها نیاز به تجدید نظر داشته به علاوه کار آموزی ها، به طور ویژه، از لحاظ تعداد واحد و بیمارستانی و بالینی تر شدن باید مورد باز بررسی قرار گیرد. تشریح نتایج و نمودارهای مقایسه ای در مقاله ی اصلی آمده است.

**واژه های کلیدی:** آموزش، داروسازی، رضایت، دانشجو، کیفیت

## بررسی نظرات دانشجویان پرستاری در رابطه با ارزشیابی به روش بالینی با ساختار عینی در دانشکده پرستاری فسا در سال ۱۳۹۱

اعظم زارع ، شهناز کریمی\* ، سیدامین کوهپایه

\*دانشگاه علوم پزشکی فسا

Email: Mkarimi1344@gmail.com

**مقدمه:** آموزش بالینی یکی از مهمترین قسمت‌های آموزش دانشجویان رشته های علوم پزشکی می باشد. هنگامی دوره آموزشی مفید است که ارزشیابی صحیح در جهت مشخص کردن موقعیت فعلی و شناسایی عوامل مورد نیاز برای ایجاد تغییرات متناسب با توجه به نیازهای جامعه و پیشرفت های جدید صورت گیرد. روشهای پذیرفته شده برای ارزشیابی به ویژه در دهه اخیر رو به افزایش است و در مورد ارزشیابی عملی نیز روشهای مختلفی وجود دارد بررسی ها نشان می دهد دانشجویان و اساتید دانشگاه از ارزشیابی راضی نیستند و اشکالاتی که تعداد کثیری از محققان و اساتید به آن اذعان دارند در ارزشیابی عملی نیز وجود دارد. هدف از این مطالعه تعیین نظرات دانشجویان پرستاری در رابطه با ارزشیابی به روش بالینی با ساختار عینی در دانشکده پرستاری فسا می باشد.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر از نوع نیمه تجربی است. نمونه پژوهش شامل ۳۱ دانشجوی ترم سه پرستاری می باشد که به صورت تصادفی به دو گروه تقسیم شدند. یک گروه به روش ارزشیابی روش بالینی با ساختار عینی و گروه دیگر به روش سنتی در بخش جراحی بیمارستان ولیصر فسا ارزشیابی شدند. گرد آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه نظرسنجی صورت گرفت که توسط واحدهای پژوهش در هر دو گروه بعد از امتحان تکمیل می شد. داده ها توسط نرم افزار SPSS و با استفاده از آمار توصیفی ( فراوانی ) و آمار استنباطی ( کای دو ) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج حاصل بیانگر آن بود که بیشترین درصد پاسخ کاملاً موافقم در مورد ارزشیابی بالینی با ساختار عینی مربوط به عبارت " در این روش دانشجو به نقاط ضعف و قدرت خود پی می برد " با ۵۶/۳ درصد و بیشترین درصد پاسخ کاملاً موافقم در ارزشیابی سنتی مربوط به عبارت " زمان اختصاص داده شده به این روش مناسب است با ۴۰ درصد می باشد. در نظر سنجی کلی از دانشجویان در خصوص آزمون ارزشیابی به روش بالینی با ساختار عینی و روش سنتی به عمل آمد ۷۵ درصد دانشجویان نسبت به ارزشیابی بالینی با ساختار عینی و ۴۶/۷ درصد دانشجویان نسبت به روش سنتی نظر مثبت داشتند.

**نتیجه‌گیری:** دانشجو در ارزشیابی بالینی با ساختار عینی بیش از ارزشیابی سنتی می تواند به نقط قوت و ضعف خود پی ببرد و دانشجویان استفاده از روش ارزشیابی را برای بررسی مهارتهای بالینی مناسب تر می دانستند.

**واژه‌های کلیدی:** دانشجوی پرستاری ، ارزشیابی بالینی با ساختار عینی ، ارزشیابی سنتی

## تاثیر آموزش ارزشیابی با کارپوشه بر ادراکات دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری مامایی ارومیه

حسین حبیب زاده\*، یوسف محمدپور نرجس کاظمی

\*دکتری پرستاری، رئیس دانشکده پرستاری مامایی ارومیه

habib\_z@yahoo.com

**مقدمه:** یادگیری فرآیندی پیچیده است که در آن عوامل گوناگونی نقش دارند. استفاده از پورت فولیو در آموزش بالینی دانشجویان پرستاری در سال های اخیر رو به افزایش است. درک دیدگاه دانشجویان در مورد مشکلات آموزش بالینی آنان کمک می کند تا عملا از کاستی های مربوطه اطلاع حاصل و تدابیر مربوط به مقابله با این موارد توسط مدیران و مسئولین انجام شود. مدل دریم<sup>۳۸</sup> به عنوان یک ابزار تشخیصی برای بررسی مشکلات درسی و اثربخشی تغییر در آموزش به کار می رود. هدف از این پژوهش مقایسه تاثیر آموزش به شیوه پورت فولیو با روش مرسوم بر درک دانشجویان ترم چهار پرستاری دانشکده پرستاری مامایی ارومیه با استفاده از مدل دریم می باشد.

**روش ها:** این پژوهش نیمه تجربی، بر روی ۳۷ نفر از دانشجویان ترم چهار پرستاری طی مدت یک ترم تحصیلی انجام شد. دانشجویان به دو گروه کنترل (تحت آموزش به روش مرسوم) و گروه مداخله (تحت آموزش به روش پورت فولیو) تقسیم شدند. برای سنجش درک از مدل استاندارد دریم و با مختصری تغییرات منطبق با فرهنگ دانشگاهی ایران در بخش قلب استفاده گردید. مدل دریم حاوی ۵۰ سوال در پنج حیطه یادگیری، اساتید، درک دانشجو از توانایی فردی، فضای آموزشی و درک از شرایط اجتماعی فردی بود. داده های حاصل توسط نرم افزار SPSS 16 تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** در روش پورت فولیو انتظارات دانشجویان از محیط آموزش بالینی بیشتر از گروه کنترل که تحت آموزش با روش سنتی بودند برآورده شد، و نتایج از نظر آماری معنی دار بود ( $P < 0.001$ ).

**نتیجه گیری:** با توجه به امتیاز کسب شده در گروه مداخله که وضعیت مطلوب را نشان می دهد به نظر می رسد استفاده از روش های نوین آموزش از جمله پورت فولیو سبب برآورده شدن انتظارات دانشجویان از محیط های بالینی می شود.

**واژه های کلیدی:** مدل دریم، محیط آموزش بالینی، ارزشیابی آموزشی، بخش قلب

## رضایت‌مندی کارکنان دانشگاه علوم پزشکی مازندران از برنامه‌های آموزش الکترونیکی تحت وب

\*<sup>۱</sup> مریم نعمتی ، حسین جلاهی <sup>۲</sup> ، میثم ابراهیمی <sup>۳</sup>

\*<sup>۱</sup> کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مازندران

Maryam\_nematy@yahoo.com

**مقدمه:** آموزش ضمن خدمت فرایند ارتقاء نظام دار و مداوم دانش، نگرش و مهارت کارکنان، جهت بهبود خدمات و رفاه آنان است. آموزش می‌تواند موجب کاهش حوادث و ضایعات کاری، ایجاد علاقه و دلگرمی، کمک به تغییرات، همبستگی کارکنان با اهداف سازمانی و همچنین کارایی و اثربخشی افراد شود. نیروی انسانی کارآمد از عوامل مهم بالندگی کشور است. هدف این مطالعه بررسی میزان رضایت کارکنان از برنامه‌های آموزش ضمن خدمت است که به صورت الکترونیکی در سال ۹۱ اجرا شده است.

**روش‌ها:** این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی است. جامعه آماری ۱۲۷۴۸ نفر کارکنان دانشگاه علوم پزشکی مازندران هستند که در سال ۱۳۹۱ در سامانه آموزش الکترونیکی ضمن خدمت ثبت نام کرده‌اند. ۳۸۴ نفر از آنان با استفاده از جدول مورگان و به روش تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه ۱۵ سوالی محقق ساخته با طیف لیکرت است که پس از پایان سوالات هر آزمون ظاهر شده و افراد آن را تکمیل کردند. روایی پرسشنامه توسط اساتید دانشگاه تایید و پایایی آن پس از اجرای مقدماتی (Pilot study) به روش آلفای کرانباخ ۰/۹۵ محاسبه شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون تی مستقل و آنوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** ۵۴٪ از افراد مورد بررسی زن و ۴۶٪ مرد بودند. ۴۷٪ از آنها دارای مدرک تحصیلی کمتر از لیسانس، ۴۳٪ لیسانس و ۱۰٪ فوق لیسانس و بالاتر داشتند. نتایج نشان داد ۳۸/۶٪ کارکنان از شیوه آموزش رضایت خیلی زیاد، ۲۸٪ زیاد، ۲۳/۳٪ متوسط، ۶٪ کم و ۴/۱٪ رضایت خیلی کم داشتند. همچنین آزمون تی مستقل در مولفه‌های برنامه ریزی، محتوا و ایجاد مهارت و انگیزه شغلی نشان داد میزان رضایت کارکنان بالاتر از متوسط، و در مولفه‌های نرم افزار و خدمات پشتیبانی رایانه‌ای، زمان و مکان و شیوه آموزش در حد زیاد بود. بین نظرات زنان و مردان تفاوت معناداری وجود نداشت. بین رضایت کارکنان در معاونت‌های مختلف دانشگاه نیز تفاوت معناداری مشاهده نگردید.

## نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر نسبت به اجرای نظام آموزش مجازی

دکتر ثریا زحمت کش ، دکتر کامران میرزایی\*، شهرام جلالپور  
kamran.mirzaei@yahoo.com

**مقدمه:** سیستم آموزش مجازی با بکارگیری ابزار متنوع و فن آوری پیشرفته سعی در بهبود یادگیری دارد. این روش آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر موضوعی نوپا است. این پژوهش با هدف بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر نسبت به آموزش مجازی انجام شده است.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی-تحلیلی بصورت مقطعی، ۳۰۰ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر به روش تصادفی طبقه ای مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود. داده‌ها پس از جمع‌آوری با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** میزان پاسخ‌دهی به پرسشنامه ۹۷/۷٪ بود. میانگین سنی شرکت کنندگان  $(2/23 \pm 21/68)$ . در خصوص نگرش دانشجویان به تدریس از طریق نظام آموزش مجازی، یافته‌ها نشان داد که ۶۹/۰۱٪ نگرش مثبت و ۳۰/۹۹٪ نمونه‌ها نگرش منفی یا بدون نظر خاص داشته‌اند. همچنین ۵۹/۴٪ تمایل زیاد خود را جهت دریافت آموزش‌های خود به شیوه الکترونیکی بیان نمودند و ۲۴/۷٪ تمایل به دریافت آموزش با محتوای الکترونیکی در دروس صرفاً تخصصی، ۵۶/۲٪ در دروس صرفاً عمومی و مابقی (۱۹/۱٪) هم در دروس عمومی و هم دروس تخصصی بودند. تحلیل آماری تفاوت معناداری از نظر سن، جنسیت و رشته تحصیلی با نحوه نگرش نسبت به آموزش به روش مجازی نشان نداد. لیکن رابطه آماری معنادار مثبت بین ترم تحصیلی دانشجویان و تمایل به اجرای برنامه آموزشی به روش مجازی مشاهده شد. ( $p=0/041$ ).

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نگرش مثبت دانشجویان به آموزش از طریق آموزش مجازی، اجرای بخشی از آموزش دانشجویان از طریق آموزش مجازی و ارزشیابی‌های پس از آن بمنظور تاثیر نحوی آموزش بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان ضروری بنظر می‌رسد.

**واژه‌های کلیدی:** نگرش، آموزش، آموزش مجازی، دانشجویان

### محروم شدن از ساعت آموزشی: تبیین تجربیات دانشجویان از تاخیر ورود به کلاس

فاطمه آزادی خواه\*، دکتر اکرم ثناگو، مسلم حسام، دکتر لیلا جویباری

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گلستان و مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی گلستان

Fateme\_azadikhah@yahoo.com

**مقدمه:** تاخیر به کلاس اغلب نشانه تحقیر و کوچک شمردن آموزش محسوب می شود. ورود به موقع به کلاس معمولاً نشانه مسئولیت پذیری و توجه به آموزش به حساب می آید. توجیه و بهانه هایی که دانشجویان در زمان تاخیر به کلاس می آورند از قبیل بیماری، مشکلات خانوادگی، دوری راه را بیان می نمایند. به طور معمول رفتارهای احساسی دانشجویان سبب ایجاد احساس گناه در استاد می شود و استاد دانشجو را در کلاس می پذیرد. در مواردی نیز دانشجویان از رویکردهای پرخاشگرانه استفاده می نمایند. دیر به کلاس آمدن (بکرات) احتمالاً نمایشی از یک گونه مقاومت و یا بی اعتنائی به کلاس و آموزش است. هدف از این مطالعه تبیین تجربیات دانشجویان از تاخیر ورود به کلاس و محروم شدن از کلاس درس می باشد.

**روش‌ها:** در این پژوهش کیفی با ۳۰ دانشجوی پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی گلستان (۱۳۹۱) که در محیط آموزشی تجربه تاخیر به کلاس را داشتند و اجازه ورود به کلاس به آنها داده نشده است، مصاحبه های نیمه ساختار به عمل آمد. کلیه مصاحبه ها ضبط و کلمه به کلمه دست نویس و مطابق روش "تحلیل محتوا" آنالیز شدند.

**نتایج:** مضمون اصلی مطالعه "محروم شدن از ساعت آموزشی" بوده است. مدت تاخیر از پنج دقیقه تا یک ساعت ذکر شد. تاخیر مربوط به اولین جلسه تشکیل کلاس تا جلسات معمول در طول ترم و دروس عمومی تا دروس تخصصی بوده است. دانشجویان طیفی وسیعی از علل از قبیل "تاخیر در سرویس دانشگاه تا مشکلات شخصی" را ذکر کردند. اکثر دانشجویان در مواجهه با این موقعیت سعی در عذرخواهی و تلاش برای ورود به کلاس را داشتند. "احساس دلخوری تا ضایع شدن، خرد شدن شخصیت، خشمگین و ناراحت شدن، گریه کردن" از احساسات و عواطفی بود که مشارکت کنندگان آن را تجربه کردند. پیامدهای تاخیر در کلاس "عبرت گرفتن از این تجربه و حق را به استاد دادن تا بی تفاوتی به موضوع و انزجار از درس" بود.

**نتیجه‌گیری:** دانشجویان هر چند بر اساس نوع درس و شرایط موقعیت اکثراً به محروم شدن از کلاس واکنش منفی نشان دادند اما واقف بودند که استاد برای اجرای نظم کلاس و آموزش دانشجو نیاز به ابزارهای انضباطی دارد. علی رغم اذعان به این امر پذیرش محرومیت از کلاس در صورت تاخیر در ورود از جانب دانشجویان پذیرفته شده نبود.

**واژه های کلیدی:** تاخیر ورود به کلاس، دانشجو، استاد، آموزش، انضباط آموزشی



## ارزیابی درونی برنامه آموزشی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ایلام، در رشته های کاردانی؛ بهداشت حرفه ای، بهداشت محیط، بهداشت خانواده و مبارزه با بیماریها

علیرضا میرزایی کارزان\*، علی محمد عباسی، عبدالحسین پورنجف

\*کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی مرکز مطالعات و توسعه دانشگاه علوم پزشکی ایلام

karzan1@yahoo.com

**مقدمه:** ارزیابی درونی فرایندی است که در آن اعضاء سیستم یا برنامه آموزشی به مطالعه و قضاوت در رابطه با کیفیت عناصر آن سیستم پرداخته و به منظور بهبود کیفیت آموزشی تصمیم گیری می کنند. هدف این تحقیق ارزیابی درونی برنامه آموزشی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ایلام، در رشته های کاردانی؛ بهداشت حرفه ای، بهداشت محیط، بهداشت خانواده و مبارزه با بیماریها بوده است.

**روش‌ها:** در این تحقیق توصیفی-مقطعی، ابزارهای مورد استفاده شامل؛ فرم مصاحبه با مدیران دانشکده، چک لیست مسئولین کتابخانه و پرسشنامه های (اساتید، فراگیران، کارکنان آموزشی، دانش آموختگان و مدیران) بوده است. در این تحقیق برای دست یابی به نتایج مورد نظر، مدل ارزیابی درونی، طی نه گام به اجرا درآمد، روش کار اینگونه بود که پس از تشکیل کمیته ارزیابی درونی، به تدوین رسالت و اهداف آموزشی برنامه ها پرداخته، سپس عوامل، ملاک ها و نشانگرها و همچنین معیارهای قضاوت در رابطه با نشانگرها، تعیین شده و با تدوین و اجرای ابزارها، داده های لازم گردآوری و در خصوص کیفیت عوامل مورد ارزیابی قضاوت بعمل آمد.

**نتایج:** یافته ها نشان دادند میانگین امتیازات عوامل یا حوزه های مورد ارزیابی (از ۳) به شرح ذیل بود: اهداف و رسالت (۲/۷۵)، مدیریت و سازماندهی (۲/۱۶)، هیات علمی (۲)، فراگیران (۱/۸۳)، فرایند یاددهی- یادگیری (۲/۲۵)، برنامه های آموزشی (۲/۶)، امکانات و تجهیزات آموزشی و پژوهشی (۱/۴)، طرح های پژوهشی و پایان نامه ها (۱/۷۵)، دانش آموختگان (۲) و امتیاز کل برنامه مورد ارزیابی برابر با (۲/۱۱) بوده است.

**نتیجه گیری:** نتایج بیانگر آنست که از مجموع نه عامل مورد بررسی فقط دومورد (رسالت و اهداف و دوره ها و برنامه های آموزشی) در حد مطلوب و عامل امکانات و تجهیزات آموزشی و پژوهشی نیز با امتیاز ۱/۴۵ در حد نامطلوب و بقیه عوامل (مدیریت و سازماندهی، هیات علمی، فراگیران، سنجش و امتحانات، طرح های پژوهشی و پایان نامه ها و دانش آموختگان) در سطح نسبتاً مطلوب قرار داشته اند و میانگین کل عوامل نیز با امتیاز ۲/۱۱ وضعیت نسبتاً مطلوب را نشان داد. براساس نتایج، بازنگری در ساز و کارها، فرآیندها، و رویه های اجرایی و عملیاتی برنامه های موجود، امری لازم و ضروری بوده که اقدام مناسب مسئولین جهت تدوین و پیاده سازی راهکارهای کارآمد و اثربخش، در راستای بهبود وضعیت موجود را می طلبد.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی، ارزیابی درونی، ارزیابی برنامه.

## بررسی شکاف کیفیت خدمات آموزشی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۹۱

مهدی حارث آبادی<sup>۱</sup>، بهرام بیباک<sup>۲\*</sup>، مریم عباسی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری بهداشت جامعه، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

<sup>۲\*</sup> استادیار فیزیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد مامایی و آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

**bibak44@yahoo.com**

**مقدمه:** کیفیت در نظام دانشگاهی از ابعاد مختلف مورد توجه است یکی از مشخصه های وضعیت مطلوب در دانشگاه برآورده شدن انتظارات دانشجویان از فرایند خدمات آموزشی است. با تعیین شکاف کیفیت خدمات میتوان زمینه تدوین برنامه های ارتقای کیفیت خدمات آموزشی را فراهم نمود. این مطالعه با هدف تعیین شکاف بین انتظارات و خدمات آموزشی ارائه شده به دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی در سال ۱۳۹۰ صورت گرفت.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی به روش مقطعی انجام شد. از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی که به روش طبقه ای نسبتی و در هر طبقه به روش تصادفی منظم انتخاب شدند، مورد پرسش قرار گرفتند. گردآوری داده ها با مراجعه به واحدهای پژوهش و به کمک پرسشنامه SERVQUAL انجام شد. داده های پژوهش به کمک روشهای آمار توصیفی و تحلیلی، و با استفاده از نرم افزار SPSS-16 تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** نتایج نشان داد در هر پنج بعد کیفیت خدمات، شکاف وجود داشت. بیشترین میانگین شکاف در بعد تضمین (۲/۲-) مشاهده گردید و کمترین میانگین شکاف مربوط به بعد اطمینان (۱/۶-) بود. دانشجویان مقاطع بالاتر به طور معنی داری شکاف خدمات در تمام ابعاد را بیشتر ارزیابی کردند ( $p < 0/05$ ).

**نتیجه گیری:** انتظارات دانشجویان فراتر از درک آنها از وضعیت موجود است و در هیچکدام از ابعاد خدمات آموزشی، انتظارات آنها برآورده نشده است. در راستای بهبود کیفیت خدمات آموزشی، کلیه ابعاد به ویژه بعد تضمین در دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی باید مورد توجه قرار گیرد.

**واژه های کلیدی:** شکاف کیفیت، خدمات آموزشی، دیدگاه، دانشجویان

## ارتقای سطح علمی و عملی دانشجویان از طریق ارتقای سطح آموزش

بینا جوان\*، عادلہ رفتی، سمیرا صفریان، ساراگرگانی، پریسا تربتی نژاد، مریم منصور بستانی، زهرا کریمی، بهنام بازوندی، مریم خواجه، مهسا ولی‌زاده، دکتر سیامک رجایی، دکتر اکرم ثناگو، دکتر لیلا جویباری

\*دانشجوی دوره دکترای پزشکی مولکولی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

کمیته مشورت دانشجویی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

**Bjavan2009@gmail.com**

**مقدمه:** برنامه ریزی، تهیه و تنظیم اصول کلی برنامه های آموزشی و ارایه خط مشی سیاست های آموزشی به هیأت رئیسه دانشگاه و نظارت بر حسن اجرای آنها، مطالعه و بررسی آیین نامه های آموزشی و ارائه پیشنهادات لازم به شورای آموزشی دانشگاه و شورای عالی برنامه ریزی برای بازنگری و بهبود آنها، ارزشیابی و ارزیابی مستمر وضعیت دانشجویان، مطالعه و اتخاذ تصمیم درباره مسائل آموزشی دانشجویان، بررسی کیفیت آموزشی در دانشگاه و ارزیابی عملکرد آموزشی اعضای هیأت علمی و ... از جمله وظایف معاون آموزشی دانشگاه می باشند. هدف از این مطالعه بررسی دیدگاه دانشجویان کمیته مشورتي و در جایگاه معاونت آموزشی قرار دادن آنها بوده است.

**روش‌ها:** در این پژوهش کیفی که به روش بحث گروهی (focused group) در پاییز سال جاری انجام شد، ۱۲ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان از رشته های مختلف مشارکت نمودند. حداقل یک سوال باز شامل " اگر معاون آموزشی دانشگاه بودید برای ارتقاء سطح کیفی آموزشی چه اقداماتی انجام می دادید؟" محور اصلی بحث های گروهی بوده است. برای آنالیز داده ها از روش "تحلیل محتوای مرسوم" استفاده شد.

**نتایج:** مضمون اصلی این مطالعه بررسی چگونگی ارتقاء سطح علمی و بالینی دانشجویان بود. دانشجویان معتقد بودند که برنامه ریزی، نظارت، ارزشیابی و گزینش استاتید می بایست از سوی معاون آموزشی به طور دقیق اجرا شود. آنها معتقد بودند داشتن یک برنامه منظم و جامع به ارتقاء آموزش کمک می کند. دانشجویان همچنین نظارت مستقیم معاون را بر نحوه آموزش و اجرای طرح درس، لاگ بوک ها و نحوه گذران دوره کارآموزی و بالین ضروری می دانستند.

**واژه‌های کلیدی:** سطح علمی، ارتقاء، دانشجویان

## بررسی آداب و وظایف اسلامی در "دانش آموختن و قرائت درس": نتایج یک خود ارزیابی در دانشجویان علوم پزشکی گلستان

نسیم کلبعلی\*، دکتر اکرم ثناگو، سیدرسول حسینی کوهستانی، دکتر لیلا جویباری، مسلم حسام  
کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گلستان و مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه  
nasim\_kbl1993@yahoo.com

**مقدمه:** خداوند متعال، علم و دانش را علت کلی و اساسی آفرینش همه ی پدیده های هستی جهان اعم از آسمان و زمین معرفی کرده است. هدف این است که از علم و بصیرت برخوردار گردید، بصیرتی که انسان را به قدرت و توانایی همه گیر و گسترده خداوند رهنمون باشد. هدف از این مطالعه رعایت آداب و وظایف اسلامی در "دانش آموختن و قرائت درس" در دانشجویان علوم پزشکی گلستان بر اساس خودارزیابی می باشد.

**روش ها:** در این مطالعه توصیفی تحلیلی (مقطعی) ۱۰۰ دانشجوی علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان به روش نمونه گیری آسان در سال ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفتند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه آداب و وظایف اسلامی دانشجو در دانش آموختن حاوی ۳۱ سوال ۵ قسمتی با پاسخ لیکرتی از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف، استفاده شد. پرسشنامه بر گرفته شده از کتاب آداب تعلیم و تعلم در اسلام (سیدمحمد باقرحجتی) بوده است که روایی آن با استفاده از مشورت با متخصصین دینی و پایایی آن با الفای کرونباخ ۰/۸۷ مورد تأیید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از شاخص های آماری توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفت.

**نتایج:** ۶۲ درصد دانشجویان مونث بودند. ۷۵ درصد دانشجویان تا حد متوسط و ۲۵ درصد کاملاً آداب و وظایف اسلامی را در درس خواندن رعایت می کردند. هیچ یک از دانشجویان خود را در حد ضعیف ارزیابی نکرد. بین متغیرهای مورد مطالعه با میزان رعایت آداب و وظایف اسلامی دانشجو در دانش آموختن و قرائت درس ارتباط معنی داری دیده نشد ( $p > 0/05$ ). بیشترین نکات رعایت شده "ادب و نزاکت نسبت به استاد و سایر دانشجویان، و خواندن قرآن" بود. کمترین نکات رعایت شده "استفاده از اوقات نیمه شب و سحر برای حفظ مطالب و همچنین مرور مطالب بعد از هر جلسه درس" بوده است.

**نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه نشان می دهد اگرچه در مجموع دانشجویان آداب اسلامی را در درس خواندن رعایت می کنند اما مواردی مانند مرور کردن درس بعد از هر جلسه تدریس مورد غفلت قرار می گیرد که ضروری است به این امر مهم توجه بیشتری گردد.

**واژه های کلیدی:** آداب و وظایف اسلامی دانشجویی، دانش آموختن، دانشجویان علوم پزشکی

## بررسی تاثیر دوره های آموزشی شش روزه تدبیر و یک ماهه آموزش پزشکی بر احساس توانمندی و خودکارآمدی اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر آیین محمدی<sup>۱</sup>، دکتر ریتما مجتهدزاده<sup>۲\*</sup>، دکتر سمیه برجلی لو<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، <sup>۲</sup>دانشکده مجازی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، <sup>۳</sup>کارشناس پژوهش، دانشکده مجازی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

[r\\_mojtahedzadeh@tums.ac.ir](mailto:r_mojtahedzadeh@tums.ac.ir)

**مقدمه:** توانمندسازی نیروی انسانی در سازمان های آموزشی، به توسعه و پیشرفت جامعه در سایر حوزه ها می انجامد. از این رو در پژوهش حاضر در پی بررسی تاثیر دوره های آموزشی (آموزش پزشکی) بر احساس توانمندی و خودکارآمدی اعضای هیات علمی هستیم.

**روش ها:** مطالعه حاضر از نوع آزمایشی (نیمه تجربی) (Quazi-experimental) است و جامعه مورد پژوهش اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران شرکت کننده در دوره های کوتاه مدت آموزش پزشکی (یک ماهه)، کوتاه مدت آموزش پزشکی چند ماهه (طولی) و شش روزه (تدبیر) است. از مقیاس خودکارآمدی معلمان (teacher self efficacy) و مقیاس توانمندسازی اعضای دانشکده (school participant empowerment scale) برای سنجش خودکارآمدی معلمان و ادراک توانمندی هیات علمی استفاده شده است. ابتدا روایی و پایایی پرسشنامه خودکارآمدی معلمان و مقیاس توانمندسازی اعضای دانشکده بررسی شد. سپس دو پرسشنامه فوق قبل از شروع دوره های آموزشی مذکور توسط اعضای هیات علمی شرکت کننده تکمیل شد. بعد از برگزاری این دوره ها مجدداً دو پرسشنامه فوق تکمیل گردید.

**نتایج:** نتایج نشان داد که اعضای هیات علمی در مقیاس خود کارآمدی بین پیش آزمون و پس آزمون در دوره های (یک ماهه) و (طولی) تفاوت معناداری نشان دادند. اما تفاوت حاضر در خودکارآمدی طی دوره (تدبیر) مشاهده نشد. از سویی مقایسه ادراک توانمندی بین سه دوره آموزشی با استفاده از تحلیل واریانس نشان داد که تفاوت معناداری میان سه روش وجود دارد. این مقیاس از ۵ خرده مقیاس خوداثرمندی، معنی دار بودن، موثر بودن، خودمختاری و اعتماد تشکیل شده است. خرده مقیاس خوداثرمندی تفاوت معناداری نشان نداد. از سویی در صورت مقایسه نتایج سه دوره آموزشی در حالتی که پیش آزمون به عنوان کوواریانس وارد معادله شود، تنها در عامل اعتماد تفاوت معنی دار مشاهده نمی شود.

**نتیجه گیری:** با توجه به یافته های پژوهش حاضر اصولاً آموزش های طولانی مدت اثربخش تر از آموزش های فشرده و کوتاه مدت است. از این رو در جهت تغییرات اثربخش لازم است آموزش های حاضر به صورت طولی و طی دوره های متناوب صورت گیرد و پیشنهاد می شود از روش های آموزشی موثر خاص بزرگسالان و آموزش های ضمن خدمت مانند آموزش های مجازی و الکترونیکی استفاده شود.

**کلید واژه:** خودکارآمدی، ادراک توانمندی و دوره های آموزش پزشکی.

بررسی دیدگاه دانشجویان مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی بوشهر از

## بکارگیری logbook

### در ارزشیابی کارآموزی

سیده فاطمه محمودی<sup>۱\*</sup>، سمیه حسینی<sup>۲</sup>، سیده زینب محمودی<sup>۳</sup>، مژگان ناجی<sup>۴</sup>، مریم خورسند<sup>۵</sup>

\*کارشناس بهداشت محیط، معاونت پژوهشی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۲</sup>کارشناس ارشد آمار زیستی، معاونت پژوهشی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۳</sup>دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۴</sup>کارشناس بهداشت محیط، دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۵</sup>کارشناس بهداشت محیط، معاونت آموزشی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

fatemeh.mahmoodi@bpums.ac.ir

**مقدمه:** از زمان تاسیس دانشگاه ها، متدهای آموزشی، نظری، علمی در حال تغییر بوده است. مهمترین هدف از تغییر سیستم های آموزشی، افزایش کیفیت آموزش و افزایش یادگیری دانشجویان است. هر برنامه آموزش نقش های متنوعی را ایفا میکند. logbook در حقیقت مدیر و طراح یک برنامه آموزشی است که وظایف فراگیر و استاد را در این برنامه تبیین می نماید و به عنوان ابزاری برای ثبت تجارب، یادگیری، مستند سازی مراحل یادگیری و ارزشیابی کیفیت آموزش می باشد. بنابراین با اجرای این طرح بر آن شدیم که کیفیت آموزش دانشجویان مهندسی بهداشت محیط را ارزیابی کرده و در بهتر شدن آن گام برداریم.

**روش ها:** دو گروه ۲۵ نفره از کارآموزان رشته بهداشت محیط در طی یک ترم مورد بررسی قرار گرفتند به این ترتیب که یکی از گروه ها بدون logbook که به عنوان گروه شاهد و گروه دیگر که از logbook در طول کارآموزی استفاده می کردند به عنوان گروه مورد در نظر گرفته شدند. در آخر پرسشنامه هایی بدون قید نام توسط دو گروه پر شده و داده ها بوسیله ابزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** تعداد ۵۰ پرسشنامه پر شد که ۷۳٪ دانشجویان گروه مورد از نحوه برگزاری کارآموزی رضایت کامل داشتند این رضایتمندی در گروه شاهد ۲۵/۴٪ بود اختلاف در دو گروه معنی دار بود ( $p=0/03$ ) دانشجویان مورد و شاهد به ترتیب از نحوه ارزشیابی پایان دوره ۵۷٪ و ۱۸/۵٪ رضایت داشتند. به طور کلی ۸۵٪ از دانشجویان گروه مورد logbook را در امر آموزش مفید و ابزاری برای هدفمند کردن آموزش و ایده نو برای افزایش کیفیت آموزش میدانستند. در نهایت طبق یافته های این طرح logbook ابزاریست با اهداف آموزشی مشخص که می توان بر اساس آن برنامه ای منظم و هدف دار در اختیار دانشجو قرار داد که علاوه بر تعیین مسیر به ثبت یادگیری و اطلاعات آموزشی در طول ترم کمک می کند

**واژه های کلیدی:** logbook ارزشیابی، مهندسی بهداشت محیط

بررسی میزان رضایتمندی تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه از وضعیت آموزشی (سخت افزاری و نرم افزاری) در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰

کیومرث شرفی<sup>۱\*</sup>، یحیی صفری<sup>۲</sup>، منصور ضیائی<sup>۳</sup>، فاطمه نوازش خواه<sup>۴</sup>، چیمین علی کرمی<sup>۵</sup>

\*کارشناس ارشد گروه مهندسی بهداشت محیط دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

<sup>۲</sup>دکترای تخصصی برنامه ریزی درسی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

<sup>۳</sup>کارشناس ارشد ارگونومی گروه بهداشت حرفه ای دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

<sup>۴</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

<sup>۵</sup>دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

kio.sharafi@gmail.com

**مقدمه:** تعیین میزان رضایت در هر زمینه، کمک شایانی به بررسی و رفع معضلات و کاستی ها موجود، خواهد کرد در این مطالعه سعی بر این است که میزان رضایتمندی تحصیلی دانشجویان از وضعیت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ مورد بررسی قرار گیرد.

**روش‌ها:** مطالعه به روش توصیفی-تحلیلی انجام می شود و برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته شامل ۵۴ سؤال استفاده می شود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه به تعداد ۳۲۰۰ نفر می باشد. نمونه گیری به روش تصادفی طبقه‌ای انجام می شود. جهت تجزیه و تحلیل داده ها و بدست آوردن پارامترهای توصیفی از برنامه نرم افزاری SPSS-Ver.16 استفاده شد.

**نتایج:** نتایج تحقیق نشان می دهد که میزان رضایت تحصیلی دانشجویان از وضعیت فیزیکی کلاس های درس و وسایل کمک آموزشی بین سطح متوسط تا خوب ( $3/11 \pm 1/7$ )، میزان رضایت از وضعیت آزمایشگاه و اتاق های پرآنتیک در سطح متوسط به پایین ( $2/91 \pm 1/07$ )، میزان رضایت از عملکرد خدمات واحد آموزش دانشکده در سطح متوسط ( $3/02 \pm 1/11$ )، میزان رضایت از وضعیت کارآموزی در عرصه و کارورزی در سطح متوسط به پایین ( $2/94 \pm 1/21$ ) و میزان رضایت تحصیلی دانشجویان از روش تدریس اساتید در سطح متوسط به پایینی قرار دارد ( $3/12 \pm 1/11$ ) قرار دارد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به اینکه به طور کلی میزان رضایت تحصیلی دانشجویان از ابعاد مختلف وضعیت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، در سطح متوسطی قرار دارد، لذا لازم که با بررسی دلایل کاهش رضایت مذکور، اقدامات مداخله ای لازم را بعمل آورد.

**واژه‌های کلیدی:** رضایتمندی تحصیلی، دانشجویان، وضعیت تحصیلی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

## بررسی تاثیر آزمونهای مکرر و ارائه بازخورد برنامه آموزشی احیای قلبی - ریوی،

### بریادگیری پرستاران بیمارستان شهید مدرس

اعظم نوری فروتقه\*، دکتر سلیمان احمدی، دکتر آریتا چگینی

\* کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بیمارستان مدرس، معاونت آموزش

noori\_sport@yahoo.com

**مقدمه:** احیای قلبی - ریوی جزء اصلی احیاء پایه (BLS) و اولین اقدام در هنگام ایست قلبی پیش از دفیبریلاتور و احیاء پیشرفته است. ارزش بالقوه انجام CPR در حدی است که می تواند مرگ و میر را در صورت انجام مناسب احیاء تا نصف کاهش دهد. آگاهی از آخرین روشهای احیاء قلبی - ریوی پایه، جزء مهمترین اطلاعاتی است که فرد باید داشته باشد این مهم در پرسنل درمانی از ضرورت بیشتری برخوردار است. در هر برنامه آموزشی، ارزشیابی به عنوان رکن اساسی بوده که می تواند آموزش را از حالت ایستا به مسیری پویا هدایت نماید بنابراین به منظور بالا بردن کیفیت آموزش CPR باید از روشهای آموزشی درست و جدید بهره گرفت. این مطالعه به منظور بررسی تعیین تاثیر آزمونهای مکرر و ارائه بازخورد برنامه آموزشی احیای قلبی - ریوی، بریادگیری پرستاران در دو گروه مورد و شاهد (با ارائه بازخورد و بدون ارائه بازخورد) انجام شد.

**روشها:** این مطالعه به صورت نیمه تجربی بر روی واحد های پژوهش انجام شد. ۳۳ نفر گروه احیای قلبی ریوی در مرکز آموزشی، درمانی مدرس به دو گروه مداخله (با ارائه بازخورد) و شاهد (بدون ارائه بازخورد) تقسیم شدند قبل از برگزاری برنامه آموزش از هر دو گروه پیش آزمون به عمل آمد. در گروه مداخله، برنامه آموزشی در طی یک ماه هر هفته یک موضوع آموزشی ( اینتوباسیون - آریتمی - داروها) مورد بحث قرار گرفت و در هفته چهارم کلاس عملی برگزار گردید. قبل از هر جلسه برگزاری کلاسهای آموزشی از پرستاران آزمون گرفته شد و سئوالات ارائه شده مربوط به همان موضوع آموزشی، بعد از آزمون به روش گروه کوچک و مباحثه بین پرستاران و مدرس مورد بررسی قرار گرفت و در پایان به فراگیران بازخورد داده شد و گروه شاهد به روش مرسوم (سخنرانی - بدون ارائه بازخورد) آموزش داده شد و در نهایت پس از آزمون برای هر دو گروه برگزار گردید.

**نتایج:** از تعداد ۳۳ شرکت کننده در مطالعه، ۱۷ نفر (۵۱،۵۱٪) در گروه مداخله و ۱۶ نفر (۴۸،۴۸٪) در گروه شاهد قرار گرفتند. میانگین نمرات پیش آزمون گروه مداخله  $12,5 \pm 55,61$  و گروه شاهد  $2,10 \pm 59,65$  بود که تفاوت معنی داری رانشان نداد دو گروه از نظر سطح دانش در ابتدای مطالعه همسان بودند. میانگین نمرات هر دو گروه پس از برگزاری برنامه آموزشی ارتقای واضحی یافت چنانکه میانگین نمره پس آزمون در گروه مداخله ( $8,6 \pm 86,44$ ) و در گروه شاهد به  $11,1 \pm 74,77$  رسید. مقایسه میانگین نمرات پس آزمون در گروه مداخله و شاهد تفاوت معنی داری رانشان داد. نتایج حاصل از میانگین نمرات آزمون یک ماهه (یاد سپاری) در گروه مداخله و شاهد تفاوت معنی داری را نشان داد ( $P < 0.001$ ).

**نتیجه گیری:** نتایج حاصل از برنامه احیای قلبی - ریوی نشان داد که فرایند ارزشیابی تکوینی و ارائه بازخورد اثر قابل توجهی در بهبود یادگیری و یاد سپاری پرستاران دارد و برای آموزش مستمر و ارزیابی دقیق نیاز به آگاهی، احساس مسئولیت و صرف وقت توسط گروه آموزشی و هیئت علمی پرستاری توانمند می باشد.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی تکوینی، بازخورد، الکتروکاردیو گرام، دستیاران تخصصی قلب



## بررسی میزان پوشش نقش‌های حرفه پرستاری در برنامه آموزش پرستاری ایران

\*مصیب مظفری

\*دکترای پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام،

[mozafaric@yahoo.com](mailto:mozafaric@yahoo.com)

**مقدمه:** یکی از اهداف اساسی حرفه پرستاری ارتقاء سلامت جامعه است. جهت تحقق این هدف، نیاز است که حرفه پرستاری از الزامات مناسب برخوردار شود و رویکرد آموزشی و ارائه خدمات آن در جهت تحقق هدف سلامت عمومی جهت گیری شود. هدف از این مطالعه بررسی میزان انطباق برنامه آموزشی حرفه پرستاری ایران با نقش‌های تعریف شده پرستاران بوده است.

**روش‌ها:** در یک مطالعه کتابخانه‌ای، وظایف و نقش‌های پرستاران در نظام سلامت ایران در حوزه‌های مختلف آموزشی، پژوهشی و بالینی و بهداشتی استخراج شد. سپس لیستی شامل ۱۲۰ نقش و وظیفه تهیه شد و در یک مطالعه توصیفی و با استفاده از پرسشنامه از ۱۴۰ نفر از صاحب‌نظران دانشگاهی حرفه پرستاری با تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا خواسته شد که میزان پوشش هرکدام از وظایف توسط برنامه درسی مقاطع کارشناسی و ارشد پرستاری را در یک مقیاس ۵ رتبه‌ای از خیلی زیاد تا خیلی کم تعیین کنند.

**نتایج:** نتایج نشان داد که برنامه درسی دوره کارشناسی در حوزه‌های مراقبت بیمارستانی، مراقبت‌های اولیه بهداشتی، و مراقبت‌های ویژه دارای پوشش مناسب و در حوزه‌های آموزش به بیمار، پژوهش، مراقبت‌های مربوط به بهداشت جامعه و خانواده، وظایف مددکاری و توانبخشی از پوشش مناسب برخوردار نیست. از دیدگاه صاحب‌نظران، برنامه درسی مقطع کارشناسی ارشد دارای رویکرد آموزشی و پژوهشی مناسب است اما فاقد پوشش کافی در حوزه وظایف مراقبتی، مراقبت‌های اولیه بهداشتی، و سایر نقش‌هاست. سایر نتایج نشان داد که توزیع نامناسب و ناکافی فارغ‌التحصیلان تحصیلات تکمیلی در مراکز بهداشتی و درمانی در دراز مدت می‌تواند مانع حرفه پرستاری در رویکرد تحقق هدف ارتقاء سلامت جامعه شود. یافته‌ها نشان داد که برنامه آموزشی رشته پرستاری در مقطع کارشناسی ارشد در جهت نیازهای بهداشتی درمانی جامعه تنظیم نشده است. طبق نتایج ۷۶٪ صاحب‌نظران بر این باور بودند که بسترهای لازم برای تحقق هدف ارتقاء سلامت به اندازه کافی مهیا نیست.

**نتیجه‌گیری:** بازنگری در محتوای برنامه درسی خصوصاً در مقاطع تکمیلی، تقویت بنیه علمی پرستاران بالینی، کاربردی کردن پژوهش‌های پرستاری، تعریف نقش‌های جدید و متناسب با نیازهای حوزه سلامت برای پرستاران، تقویت ارتباط کاری دانشکده‌های پرستاری با مراکز بهداشتی درمانی، تقویت پرستاری بهداشت جامعه، شناسایی ارتباط مراقبتی بیمار - پرستار در بستر قانونی از جمله پیشنهادهای هستند که می‌توانند به حضور پررنگ پرستاران در حوزه سلامت بیانجامند.

**واژه‌های کلیدی:** نقش‌های پرستاران، حرفه پرستاری، ارتقاء سلامت

## بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان سالهای ۸۰ الی ۸۷ دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان

دکتر محمد مهدی یاقوتی خراسانی\*، حمید بخشی، دکتر کریم دادالهی ساراب  
دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان

**مقدمه:** مسأله اشتغال دانش آموختگان آموزش عالی یکی از چالش های اساسی اقتصادی و اجتماعی کشور است لذا به منظور اطلاع از وضعیت اشتغال دانش آموختگان رشته دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان این مطالعه انجام گرفت.

**روش ها:** در این مطالعه مقطعی از مجموع ۱۵۴ پرسشنامه ارسالی با پست به دانش آموختگان دندانپزشکی سال های ۸۰ تا ۸۷ دانشگاه تعداد ۱۱۸ پرسشنامه برگشتی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** ۸۱/۴ درصد دانش آموختگان در یکی از مؤسسات دولتی یا غیر دولتی شاغل بودند. ۱۸/۶ درصد فاقد شغل و ۶۱/۴ درصد در مطب خصوصی فعالیت می نمودند. ۳۷ نفر ( ۳۸/۵٪) در مؤسسات دولتی و غیر دولتی شاغل بودند. ۸۵/۶ درصد طرح نیروی انسانی خود را گذرنده و ۱۱ درصد در حال گذراندن بودند. ۸۲/۳ درصد از شغل فعلی شان راضی بودند و مهمترین دلایل نارضایتی از شغل نداشتن انگیزه کافی، خستگی و فرسودگی شغلی و حقوق ناکافی ذکر نمودند. ۱۶/۱ درصد نمونه ها به مقاطع بالاتر ادامه تحصیل داده اند.

**نتیجه گیری:** با توجه به ویژگی های دانش آموختگان دندانپزشکی، اشتغال بالای ۸۰ درصد فارغ التحصیلان و جذب در مراکز خصوصی و غیر دولتی و برنامه ریزی جهت جذب و به کارگیری کلیه دانش آموختگان و رفع نارضایتی و افزایش انگیزه شغلی و پیشگیری از فرسودگی آنها ضروری است.

**واژه های کلیدی:** اشتغال، دانش آموختگان دندانپزشکی رفسنجان

## مقایسه خود ارزشیابی دانشجویان سال آخر مامائی از مهارتهای فرا گرفته شده در طی تحصیل با ارزشیابی آنان توسط مربی

معصومه دل آرام

استادیار گروه مامائی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

masoumehdelaram@yahoo.com

**مقدمه:** با اینکه متخصصین در مورد ارزشیابی دانشجو توسط استاد تأکید می نمایند ولی یکی از شیوه های مورد قبول خود ارزشیابی است. هدف این مطالعه "مقایسه نظرات دانشجویان سال آخر مامائی و در آستانه فراغت از تحصیل و مربیان آنها در مورد مهارتهای فرا گرفته شده در موضوعات بیماریهای زنان و بارداری وزایمان" در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد بود.

**روشها:** در یک مطالعه توصیفی مقطعی، وضعیت خود ارزشیابی ۴۷ نفر از دانشجویان سال آخر مامائی در مورد مهارتهای فرا گرفته شده در طی تحصیل در موضوعات بیماریهای زنان و بارداری و زایمان که در امتحان فینال مورد ارزیابی واقع می شوند، با ارزشیابی مربیان آنها با استفاده از چک لیست ارزشیابی، مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت. جهت تحلیل داده ها از نرم افزار spss استفاده و میزان  $P < 0.05$  معنی دار تلقی شد.

**نتایج:** میانگین و انحراف معیار نمره کل ارزشیابی بر مبنای نمره ۱۳۰ برای ۲۶ آیتم مربوط به موضوع بیماریهای زنان و حد اکثر نمره ۵ برای هر آیتم برای مربیان  $86/42 \pm 7/79$  و برای دانشجویان  $82/46 \pm 12/6$  بدست آمد و آزمون تی زوج (paired-t test) اختلاف معنی داری را نشان نداد ( $t = -1.83, df = 46, P = 0.073$ ). در موضوع بارداری و زایمان، میانگین و انحراف معیار نمره کل بر مبنای نمره ۱۹۰ برای ۳۸ آیتم و حد اکثر نمره ۵ برای هر آیتم برای مربیان  $10/57 \pm$  و برای دانشجویان  $134/19 \pm 27/98$  بدست آمد و آزمون تی زوج اختلاف معنی داری را نشان نداد ( $t = -0.51, df = 46, P = 0.60$ ).

**نتیجه گیری:** نتایج پژوهش نشان داد که دانشجویان بطور نسبی می توانند عملکرد خود را همانند اساتید مورد قضاوت قرار دهند. نظر خواهی از دانشجویان برای ارزیابی خود و بکار گیری آن در ارزیابی استاد، می تواند روند ارزشیابی را بهبود بخشد.

**واژه های کلیدی:** خودارزشیابی، ارزشیابی توسط مربی، مهارت بالینی، دانشجویان سال آخر مامائی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

## ارزیابی درون گروهی رادیولوژی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال تحصیلی

۹۰-۹۱

فرهاد نعلینی<sup>۱\*</sup>، ویدا سپاهی<sup>۲</sup>

\*<sup>۱</sup> استادیار، گروه رادیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

farhadnaleini@yahoo.com

**مقدمه:** ارزیابی به یک فرایند نظامدار برای جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات گفته می‌شود و در حیطه های آموزشی روشی می باشد که بوسیله آن میزان تحقق اهداف عالی نظام آموزشی را تعیین نموده و سعی در ایجاد تغییر در نظام های آموزشی در جهت بهبود کیفیت دارد. ارتقاء کیفیت در هر سیستم آموزشی مستلزم آگاهی از نقاط قوت و ضعف و تعیین فاصله از اهداف مشخص شده می باشد. این مقاله گزارش ارزیابی درونی انجام شده در گروه آموزشی رادیولوژی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۹۰-۹۱ می باشد.

**روش‌ها:** یک مطالعه توصیفی-مقطعی است که بر اساس الگوی ارزیابی مبتنی بر هدف انجام شده است. عوامل مورد ارزیابی شامل رسالت و اهداف آموزشی، مدیریت و سازماندهی، حوزه هیئت علمی، فعالیتهای پژوهشی، امکانات و فضای آموزشی و حوزه دانشجویی بوده است. در ابتدا ملاکها و نشانگرها تعیین و راهکارهای مناسب جهت جمع آوری داده ها مورد توافق همگانی قرار گرفت. سپس پرسشنامه ها و چک لیست های مورد نیاز تهیه و در اختیار افراد قرار داده شد. نتایج بر اساس رتبه بندی گورمن به صورت مطلوب، نیمه مطلوب و نامطلوب طبقه بندی و اطلاعات مورد نظر جمع آوری و با استفاده از روش های آمار توصیفی مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج بدست آمده بر اساس جدول گورمن نشان داد حیطه مدیریت و سازماندهی در وضعیت نیمه مطلوب (۰/۷۲)، حوزه هیئت علمی در وضعیت نیمه مطلوب (۰/۵۷)، حوزه فعالیتهای پژوهشی در وضعیت نامطلوب (۰/۴۶)، حوزه فضای آموزشی در مورد بیمارستان امام رضا (ع)، در وضعیت مطلوب (۰/۸۰) و در مورد بیمارستان طالقانی (۰/۴۶) در وضعیت نامطلوب قرار داشت. در حوزه امکانات آموزشی، بیمارستان امام رضا، در وضعیت مطلوب (۰/۷۵) و بیمارستان طالقانی، در وضعیت نامطلوب (۰/۲۹) قرار داشت. حوزه کارآموزان در وضعیت نیمه مطلوب (۰/۵۸) و حوزه دستیاران در وضعیت نیمه مطلوب (۰/۷۰) بود.

**نتیجه‌گیری:** وضعیت گروه رادیولوژی با توجه به نتایج بدست آمده نشان می دهد، نیاز به توجه و عنایت بیشتر مسئولین و اعضای هیئت علمی است و بایستی برنامه ریزی جامع جهت ارتقاء کیفیت گروه مذکور بطور جدی صورت گیرد.

**واژه های کلیدی:** ارزیابی درونی، گروه رادیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

## بررسی وضعیت ارزشیابی بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری

نویسندگان: احمد خشای<sup>۱\*</sup>، ویدا سپاهی، فرحناز کشاورزی، همایون بشیری

\*<sup>۱</sup> مربی، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

akhoshay@yahoo.com

**مقدمه:** سنجش بخش جدانشدنی از آموزش است و ارزیابی دانشجو به عنوان یکی از زیر مجموعه های تم ارزشیابی در فعالیت های آموزشی، از مهم ترین ارکان آموزش دانشگاهی قلمداد می گردد. بخش مهمی از آموزش پرستاری، آموزش بالینی است، به طوری که از آن به عنوان قلب آموزش پرستاری یاد نموده اند. لذا لازم است در خصوص نحوه ارزشیابی بالینی دانشجویان دقت به عمل آید تا با اعمال روش های ارزشیابی مناسب و دارای معیاره ای معتبر، از صحت عملکرد بالینی دانشجویان و دست یابی به اهداف یادگیری اطمینان به عمل آید. کیفیت ارزیابی دانشجویان توسط اساتید در محیط های بالینی مانند بخش یا درمانگاه همیشه مورد سؤال بوده است. با رعایت اصول ارزشیابی و استفاده از روش های مختلف ارزشیابی بالینی، کمبودها و اشکالات برنامه های آموزش پرستاری تعیین میگردد. هدف از این مطالعه بررسی وضعیت ارزشیابی بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری بوده است.

**روش ها:** در این مطالعه توصیفی- مقطعی در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه طی نیمسال تحصیلی ۹۰-۸۹، ۸۲ نفر دانشجوی پرستاری کارآموز و کارورز به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. روش جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بود که از سؤالات باز و بسته استفاده شد. برای آنالیز اطلاعات از روش توصیفی استفاده شد.

**نتایج:** نتیجه بدست آمده نشان داد که از نظر ۵۷/۴ درصد دانشجویان، نمرات کسب شده در ارزشیابی بالینی، نمرات واقعی آنها نبوده و ۶۸/۲ درصد آنها خواستار تجدید نظر مربیان در روش های ارزشیابی و نمره دهی بودند. در پاسخ به این سوال که در صورت خود ارزیابی، چه نمره ای نسبت به نمره گرفته شده از سوی مربی مربوطه برای خود قائل هستند؟ ۴۸/۶ درصد اعلام داشتند که نمره اعلام شده از طرف مربیان حق التدریس، بیش از آنچه که حدس میزدند بوده است و ۶۲/۷ درصد بیان داشتند که ملاکی برای ارزشیابی وجود نداشته و ارزیابی محدود به یکسری اطلاعات ذهنی مربیان بوده و به ارزیابی دقیق مهارتهای بالینی آنها توجه نشده است.

**نتیجه گیری:** ارتقاء مهارت مربیان بالینی در نحوه ارزشیابی بالینی و بکارگیری صحیح این روشها، متناسب با اهداف کارآموزی می تواند باعث ارتقای کیفیت آموزش بالینی شود.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی بالینی، دانشجوی پرستاری، دیدگاه

## بررسی کیفیت محیط آموزش بالینی دستیاران پزشکی بر اساس پرسشنامه PHEEM در مرکز آموزشی درمانی رسول اکرم (ص) دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر جلیل کوهپایه زاده<sup>۱</sup>، آمانا یوسفی گل افشانی<sup>۲\*</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار دانشگاه گروه پزشکی اجتماعی علوم پزشکی تهران

<sup>۲\*</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

amanayousefi@yahoo.com

**مقدمه:** از پرسشنامه PHEEM (Postgraduate Hospital Educational Environment Measure) به عنوان ابزار تشخیصی به منظور بررسی کیفیت محیط آموزش و یادگیری بالینی دستیاران پزشکی و شناسایی نقاط قوت و ضعف در اتمسفر آموزشی و همچنین شناسایی تفاوت بین محیط واقعی با محیط مطلوب استفاده میشود. هدف از این مطالعه تعیین کیفیت محیط آموزش بالینی دستیاران چهار بخش اصلی بالینی بر اساس نظرات ایشان بوده است.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر از نوع case-series بوده است. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد PHEEM استفاده شد. که روایی و پایایی (ضریب آلفا کرونباخ معادل ۰/۹۲) به انجام رسیده است. پرسشنامه ۴۰ سوال دارد و در آن ۳ حیطه تدریس (۱۵ سوال)، حمایت اجتماعی (۱۱ سوال) و اختیارات (۱۴ سوال) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و با نمره جهانی که حداکثر نمره ممکن است مقایسه می‌گردد حداکثر نمره برای PHEEM ۱۶۰ است. که به معنای مطلوب ترین محیط آموزشی است. این پرسشنامه بین کلیه دستیاران ۴ بخش اصلی بالینی توزیع شده و داده‌های آن توسط نرم افزار SPSS 16 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نمره کل به دست آمده در مجموع برای این پرسشنامه ۹۵٫۷ است. و به تفکیک جنس در دستیاران زن ۹۳٫۹ و در دستیاران مرد ۹۷٫۳ به دست آمده است. که نشان دهنده این است که در مجموع کیفیت محیط آموزش بالینی این مرکز آموزشی درمانی مورد مطالعه در سطح مطلوب با نکات مثبت میباشد. و دستیاران در هر دو جنس دیدگاه و برداشت مشابهی نسبت به اتمسفر آموزشی در این مرکز دارند.

**نتیجه‌گیری:** اگرچه ارزیابی ما در این مطالعه نشان داد که این مرکز آموزشی درمانی از نظر کیفیت محیط آموزشی و یادگیری در شرایط مطلوبی قرار دارد. اما هنوز با شرایط ایدآل فاصله وجود دارد. باید با شناسایی راههایی که ما را به شرایط و کیفیت مطلوب و آرمانی میرساند و همچنین شناسایی و تقویت نقاط مثبت و اصلاح نقاط ضعف ها زمینه ارتقای آموزش بالینی کارآمد را فراهم آوریم. در این راستا میتوان از الگوی PHEEM برای سنجش و پایش استفاده نمود.

**واژه‌های کلیدی:** پرسشنامه PHEEM، محیط آموزشی، دستیار

## ارزیابی اثربخشی دوره های آموزشی فراسا از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) براساس مدل سالیوان

محسن صفاری<sup>۱\*</sup>، هرمز سنایی نسب، حجت رشیدی جهان، ماهرخ هاشم پور  
saffari.ac@gmail.com

**مقدمه:** ارزیابی اثربخشی دوره های آموزشی می تواند در بهبود کیفی این دوره ها تاثیر بسزایی داشته باشد. مدل سالیوان یکی از رایجترین مدل‌هایی است که برای این منظور کاربرد فراوان دارد. این مطالعه با هدف ارزیابی اثربخشی دوره های فراسا که برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) برگزار می گردد صورت گرفته است.

**روش‌ها:** در این مطالعه تعداد ۵۰ نفر از دانشجویانی که در دوره های مختلف آموزشی فراسا شرکت نموده بودند به مطالعه دعوت شدند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه ای بود که بر اساس مدل ارزیابی اثربخشی آموزشی سالیوان طراحی گردید. در این مدل اثربخشی آموزشی در قالب ۴ مرحله شامل قبل از آموزش، پایان آموزش، اثرات تاخیری آموزش و تغییرات رفتاری در شغل پس از آموزش مورد ارزیابی قرار میگیرد. از آزمونهای آماری توصیفی و آنالیز واریانس اندازه های تکراری برای ارزیابی تاثیر آموزش در این ۴ مرحله استفاده گردید. از نرم افزار SPSS نسخه ۱۷ برای انجام تحلیلهای آماری استفاده شد.

**نتایج:** میانگین سنی شرکت کنندگان پژوهش  $34/47 \pm 5/29$  و میانگین معدل تحصیلی نیمسال گذشته آنها  $17/40 \pm 0/46$  بود. اکثر شرکت کنندگان مذکر بودند (۸۴٪). رشته تحصیلی شرکت کنندگان به ترتیب فراوانی عبارت بود از: پرستاری (۹ نفر)، تغذیه (۹ نفر)، روانشناسی (۸ نفر)، بهداشت محیط (۶ نفر)، مدیریت (۶ نفر) و بهداشت حرفه ای (۳ نفر) سایر رشته ها (۹ نفر). نتایج نشان داد که میانگین اثربخشی آموزشی به ترتیب قبل از آموزش (۳/۵۶)، بعد از آموزش (۳/۲۷)، اثرات تاخیری (۳/۰۹)، و تغییرات رفتاری در شغل (۲/۹۳) بود که نشان دهنده سیر نزولی اثربخشی آموزشی از دیدگاه شرکت کنندگان می باشد. نتایج آزمون آنالیز واریانس اندازه های تکراری نیز موید تفاوت معنی دار بین این مقاطع ارزیابی اثربخشی آموزشی است ( $p < 0.05$ ).

**نتیجه‌گیری:** همانطور که از نتایج قابل استنباط است اثربخشی آموزش از قبل از شروع این دوره ها تا مرحله آخر که شامل تغییرات رفتاری می باشد روند کاهشی را نشان می دهد. بنابراین می بایست برای تقویت اثربخشی این دوره ها در دراز مدت تدابیر موثری اندیشیده شود تا کیفیت چنین آموزشهایی را بتوان در طول زمان حفظ نمود.

**واژه‌های کلیدی:** اثربخشی آموزشی، مدل سالیوان، دوره های آموزشی

## بررسی رضایت دانشجویان پزشکی از ارائه درس مسمومیت ها به روش سمینار

### دانشجویی

سید علیرضا جوادی نیا، امید مهرپور\*

\*دکتر امید مهرپور، استادیار دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

omid.mehrpour@yahoo.com.au

**مقدمه:** انتخاب روش تدریس از جمله مهمترین مراحل آموزش می باشد چراکه به طور مستقیم با برون‌ده این فرایند در ارتباط است. هرچند که روش غالب آموزش پزشکی در ایران به صورت استادمحور مبتنی بر سخنرانی می‌باشد اما در سال‌های اخیر تلاش بسیاری جهت طراحی روش‌های آموزشی دانشجویان در این حیطه ارائه سمینار توسط دانشجویان می باشد. هدف از مطالعه حاضر بررسی رضایت دانشجویان پزشکی از ارائه درس مسمومیت ها به روش سمینار دانشجویی می باشد.

**روش‌ها:** این مطالعه نیمه تجربی در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۲ بر روی کلیه دانشجویان مقطع کارآموزی پزشکی که در آشنایی با مسمومیت ها و پزشکی قانونی را انتخاب کرده بودند انجام پذیرفت (۴۰ نفر). در این مطالعه بخش آشنایی با مسمومیت ها جهت ارائه به صورت سمینار توسط دانشجویان انتخاب گردید. جهت بررسی رضایت دانشجویان از روش آموزش فعال به صورت ارائه سمینار از پرسشنامه مورد استفاده در مطالعه جعفری استفاده گردید. روایی محتوای و پایایی پرسشنامه به تایید رسیده بود. اطلاعات دموگرافیک همچون جنسیت، معدل کل و نمره ای که دانشجو از درس انتظار دارد در پرسشنامه‌ای جداگانه جمع آوری گردید. پس از جمع آوری داده ها، اطلاعات هر پرسشنامه به ویرایش نرم افزار SPSS وارد گردید. داده ها با استفاده از آمارهای توزیع فراوانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. جهت بررسی ارتباط بین متغیرها از آزمون t مستقل استفاده گردید و سطح معناداری  $p \leq 0.05$  در نظر گرفته شد.

**نتایج:** در مجموع ۴۰ نفر در مطالعه شرکت نمودند که ۶۰ درصد (۲۴ نفر) زن و بقیه مرد بودند. میانگین معدل شرکت‌کنندگان در مطالعه ۱۶/۲۰ بود. میانگین نمره رضایت شرکت‌کنندگان از مجموع ۵۰ امتیاز ممکن جهت رضایت از نحوه تدریس ۳۱/۴۷ نمره بوده است. ۵۲ درصد از دانشجویان زیاد و بسیار زیاد اعتقاد داشتند که این روش آموزش فهم مطلب را آسان تر می نماید. همچنین ۴۵ درصد از دانشجویان زیاد و بسیار زیاد اعتقاد داشتند که این روش آموزش سبب افزایش صمیمیت بین دانشجویان می‌گردد. ۵۶ درصد از دانشجویان اظهار داشتند که فهم بیشتری نسبت به نحوه تشخیص مسمومیت ها داشته اند. ۵۰ درصد از دانشجویان هم اظهار نموده اند که این روش فضای مناسبی و آزادی در کلاس ایجاد می کند.

**نتیجه‌گیری:** نتایج این مطالعه نشان داد که استفاده از ظرفیت دانشجویان در جهت ارائه موارد آموزشی (به روش سمینار) علاوه بر افزایش رضایت آن‌ها از فرایند تدریس؛ می تواند سبب فهم و درک دانشجویان از موارد آموزشی گردد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش، مسمومیت های پزشکی، سمینار دانشجویی



## مقایسه دو شیوه ارزشیابی دانشجو از استاد در دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

علی عباسی\*، نسرين دهقانی، حمیده خلقي فرد، دکتر علی موسوی زاده

aliabbasi80@yahoo.com

**مقدمه:** یکی از مبانی اساسی ارتقاء فعالیت‌های آموزشی، ارزشیابی می باشد. ارزشیابی به شیوه‌های متفاوت و در سطوح گوناگون انجام می‌گیرد یکی از این سطوح ارزشیابی فرا گیرنده از فرا دهنده است باتوجه به اینکه این نوع از ارزشیابی می‌تواند متاثر از عوامل متعدد باشد و این پژوهش به منظور بررسی نتایج ارزشیابی دانشجویان دارای پیشرفت تحصیلی بالا و کل دانشجویان انجام شده است.

**روش‌ها:** در این بررسی دانشجویان در دو مرحله اساتید خود را مورد ارزشیابی قرار دادند در مرحله اول ده نفر برتر کلاس که بالاترین معدل راداشتند در مرحله بعدی کل دانشجویان اساتید خود را بوسیله پرسشنامه ارزشیابی مورد استفاده در دانشگاه‌های علوم پزشکی مورد ارزشیابی قرار دادند. روش نمونه‌گیری انتخابی در گروه ممتاز (۱۰ نفر اول هر کلاس) و روش سرشماری در گروه کل (حجم نمونه در گروه ممتاز ۲۰۰ نفر و در گروه کل ۴۰۳ نفر بود) سپس نتایج نمرات دو گروه با هم مقایسه گردیدند.

**نتایج:** میانگین نمره کل ارزشیابی استاد در دانشجویان غیر ممتاز بیشتر از میانگین نمره دانشجویان ممتاز بود ولی این تفاوت در آزمون مقایسه گروه‌های مستقل با آزمون آماری T از لحاظ آماری معنی دار نبوده است. در بررسی نمره ارزشیابی اساتید بر اساس رشته گروه دانشجویان غیر ممتاز رشته تغذیه بشتترین نمره و گروه دانشجویان ممتاز رشته پرستاری کمترین نمره را به اساتید ارزشیابی شده داده بودند در بین ۱۷ سؤال موجود در پرسشنامه که توسط دانشجویان ممتاز و غیر ممتاز تکمیل گردیده بود سؤال مربوط به میزان تسلط استاد بر موضوع درس بین نمره ارزشیابی دانشجویان ممتاز و غیر ممتاز از لحاظ آماری اختلاف معنی داری وجود داشت. ( $p=0/2$ ) همچنین در موضوع توجه به حضور و غیاب دانشجویان بین نمره ارزشیابی دو گروه اختلاف معنی داری وجود داشت. ( $p=0/25$ ) و دانشجویان غیر ممتاز به این ایتم نمره بیشتری داده بودند. و در موضوع (تلاش و فعالیت شما دانشجویان در فراگیری این درس) بین دو گروه اختلاف معنی داری وجود دارد.  $p=0$

**نتیجه‌گیری:** یافته‌های این پژوهش نیز نشان می‌دهد که اگر چه نمرات ارزشیابی اساتید توسط کل دانشجویان از دانشجویان ممتاز بیشتر بود ولی این تفاوت معنی دار نبود.

**واژه‌های کلیدی:** ارزشیابی، دانشجویان، اساتید

## ارزیابی اثربخشی کارگاه تحلیل ریشه ای حوادث براساس مدل ارزشیابی کرک

### پاتریک در بیمارستان ضیایی شهرستان اردکان سال ۱۳۹۱

سکینه حیدری\*، عطیه فقیهی

\* کارشناس پرستاری دانشگاه علوم پزشکی یزد و دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

S\_heydari\_287@yahoo.com

**مقدمه:** سنجش اثربخشی برنامه نقش بسیار مهمی در بهبود کیفیت برنامه های آموزشی داشته و در صورت انجام صحیح می تواند مبنایی مناسب و عینی جهت برنامه ریزی های آینده فراهم آورد. مطالعه حاضر به ارزیابی اثربخشی کارگاه آموزشی تحلیل ریشه ای حوادث براساس مدل کرک پاتریک پرداخته است. در این مدل، ارزیابی در چهار سطح واکنش، یادگیری، رفتار و نتایج در محیط واقعی انجام می گیرد. تحلیل ریشه ای وقایع، فرآیند بررسی و تحقیق ساختاریافته ای است که هدف آن شناختن علل واقعی یک مسئله و پیدا نمودن راه هایی جهت حذف این علل می باشد که بخشی از محور مدیریت ریسک در حاکمیت بالینی بوده و تمامی کارکنان و بویژه مسئولین بخش های بیمارستان بایستی باین فرایند آشنا بوده و بتوانند خطاهای اتفاق افتاده در واحد خود را تحلیل نموده و علل ریشه ای آن را شناسایی نمایند.

**روش ها:** جامعه آماری شامل کلیه مسئولین بخش ها و رابطین ایمنی و رابطین آموزش بخش های بیمارستان که در کارگاه شرکت نموده اند و نمونه گیری براساس سرشماری بود. در ارزیابی سطح اول کرک پاتریک (واکنش)، پرسشنامه ای محقق ساخته براساس مقیاس لیکرت طراحی گردید که حاوی ۲۷ سؤال در حیطه های محتوا، ارزیابی مدرس، فضای فیزیکی و نتایج کارگاه بود. همچنین سؤالاتی باز پاسخ در خصوص نقاط قوت و ضعف و پیشنهادات بود. جهت ارزیابی سطح یادگیری از پیش آزمون و پس آزمون جهت مقایسه میزان مهارت شرکت کنندگان در زمینه تحلیل ریشه ای حوادث قبل و بعد از برگزاری کارگاه استفاده گردید. در مورد ارزیابی رفتار از شرکت کنندگان خواسته شد یکی از خطاهای اتفاق افتاده در بخش خود را طبق فرایند RCA، علت یابی نمایند. در سطح چهارم نیز شرکت کنندگان با تشکیل تیمی داخل بخش چند خطا را با مشارکت صاحبان فرایند RCA نموده و همراه یک نمونه RCA ارائه دادند. برای آنالیز داده ها از نرم افزار spss استفاده گردید.

**نتایج:** افراد شرکت کننده در کارگاه ۳۰ نفر بودند. در خصوص ارزیابی واکنش، مجموع میزان رضایت فراگیران نسبت به کارگاه برگزار شده ۸۹٪ بود که بالاترین میزان رضایت از محتوا و کمترین آن مربوط به فضای فیزیکی بود. در زمینه ارزیابی مهارت قبل و بعد از برگزاری کارگاه اختلاف معنی داری وجود داشت. در سطوح رفتار و نتایج نیز با توجه به RCA های انجام شده تغییر قبل و بعد از برگزاری کارگاه به خوبی مشاهده گردید.

**نتیجه گیری:** مدل کرک پاتریک الگویی جامع، چارچوبی ساده و عملی برای دست اندرکاران آموزش فراهم می کند. هر چهار سطح ارائه شده در این مدل از اهمیت بالایی برخوردار است و هیچکدام از این سطوح را نباید نادیده گرفت، ارزشیابی کارگاه حاضر نشان داد که برگزاری این دوره به صورت کارگاه بسیار مناسب و نتایج خوبی در تمامی سطوح در برداشته است. البته نظرات فراگیران و مواردی که نیاز به اصلاح داشت به مسئولین جهت انجام اقدامات اصلاحی ارائه گردید. پیشنهاد می شود این الگو جهت ارزشیابی و بهبود کیفیت برنامه های کارگاهی در تمامی سطوح استفاده گردد.

**واژه های کلیدی:** تحلیل ریشه ای حوادث، کرک پاتریک، ارزشیابی

## تاثیر کارگاههای آموزشی احکام شرعی بانوان در آگاهی و نگرش دانشجویان مامایی در زمینه خون های سه گانه حیض، نفاس و استحاضه؛ گامی در جهت پویایی و توسعه آموزش پاسخگو

محبوبه طباطبایی چهر<sup>۱\*</sup>، مریم مدی نشاط<sup>۲</sup>، دکتر سید مرتضی موسوی جاجرمی<sup>۳</sup>، پردیس امانیان<sup>۴</sup>

\* عضو هیئت علمی گروه مامایی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

Email: chehr192@gmail.com

<sup>۲</sup> عضو هیئت علمی گروه پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۳</sup> عضو هیئت علمی گروه معارف دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۴</sup> کارشناس مامایی، کارمند حوزه پژوهش دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

**مقدمه:** جامعه فارغ التحصیل رشته مامایی در مشاوره های مختلف خود در واحد های درمانی بهداشتی، در میان خانواده ها و اجتماع در بسیاری از موارد نیاز به اطلاعات شرعی کامل تری دارند که می تواند در انجام وظیفه دینی و حرفه ای بسیار ثمر بخش باشد. لذا جهت برخورداری ماماها از دانش لازم و کافی و افزایش توانائی آنان در تصمیم گیری ها پژوهش حاضر انجام شد.

**روش ها:** مطالعه حاضر از نوع مداخله ای و بر روی ۶۵ نفر از دانشجویان کارشناسی مامایی (سال دوم تا چهارم) دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی انجام گرفت. نمونه ها در برنامه زمان بندی شده ای در کلاس های آموزش احکام پزشکی بانوان در زمینه خون های سه گانه شرکت کردند. قبل و بعد از برگزاری کارگاه پرسشنامه های آگاهی و نگرش که پایایی و روایی آن ها در پژوهشهای پیشین تایید گردیده بود، توسط دانشجویان پر شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های آماری توصیفی و تحلیلی انجام گرفت.

**نتایج:** میانگین نمره آگاهی دانشجویان قبل (۳,۷۷±۱,۹۷) و بعد (۶,۶۶±۱,۴۱) از کارگاه نشان داد در زمینه خونهای سه گانه (حیض، استحاضه و نفاس) تفاوت آماری معنی داری داشت (P=۰,۰۰۹). همچنین ۸۷,۱۴٪ دانشجویان قبل از برگزاری کارگاه به آموزش احکام شرعی در زمینه خونهای سه گانه، نگرش مثبت داشتند. میانگین نمره نگرش دانشجویان قبل (۱۳,۱۲±۶۲,۸۲) و بعد (۶۷,۹±۸,۱۷) از کارگاه نیز در زمینه خونهای سه گانه تفاوت آماری معنی داری داشت (P=۰,۰۰۰۲۶).

**نتیجه گیری:** با توجه به این که ماما به عنوان عضو اصلی تیم مراقبت در حفظ سلامت زنان، وظیفه سنگینی به عهده دارد آموزش مهارت های لازم شرعی و دینی که مطابق با نیاز مددجویان باشد، راهکاری جدید برای در نظر گرفتن مراقبت و مشاوره و خدمات دهی همه جانبه است. پیشنهاد می گردد این احکام در قالب واحدهای درسی یا برگزاری کارگاه به تمام دانشجویان و فارغ التحصیلان آموزش داده شود.

**واژه های کلیدی:** آگاهی، نگرش، مامایی، آموزش پاسخگو، کارگاه آموزشی، احکام شرعی بانوان

## ارائه راهکارهایی جهت ارزیابی عملکرد بالینی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی از طریق برگزاری ((workshop ایده پردازی)) با هدف پویایی آموزش

محبوبه طباطبایی چهر<sup>۱</sup>، مرجان زهراب<sup>۲</sup>، معصومه حسن دوست فرخانی<sup>۳</sup>، آیسودا عظیمی<sup>۴</sup>، آلاله خلیلی<sup>۵</sup>، عالییه نظام دوست<sup>۶</sup>، احمد کاملی<sup>۷</sup>، حامد مرتضوی<sup>۸\*</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی گروه مامایی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی هوشبری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی مامایی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۴</sup> دانشجوی کارشناسی مامایی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۵</sup> دانشجوی کارشناسی مامایی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۶</sup> دانشجوی کارشناسی هوشبری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۷</sup> عضو هیئت علمی گروه هوشبری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۸\*</sup> دکترای تخصصی پرستاری، عضو هیئت علمی گروه پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

**مقدمه:** آموزش بالینی، مهمترین بخش در آموزش علوم پزشکی و جزء جدایی ناپذیر آن می باشد. در بیست سال اخیر تغییرات بسیار واضحی در زمینه تحقیق و تدوین روش های ارزیابی رخ داده است که ضرورت پرداختن به این موضوع را به عنوان یکی از اولویت های فعلی آموزش پزشکی بیش از هر زمان دیگر مورد تاکید قرار می دهد.

**روشها:** مطالعه حاضر از نوع Action research است که در راستای رسیدن به هدف یادگیری موثر از طریق تعامل یاددهندگان و یادگیرندگان در دانشکده پرستاری بجنورد به اجرا در آمد. پس از تصویب تشکیل کمیته مشورتی دانشجویی و هسته مرکزی کانون ایده های خلاق، ایده ی برگزاری **workshop** ایده پردازی پس از سه جلسه هم اندیشی بین مدیران آموزشی و دانشجویان و بر اساس نیاز سنجی دانشجویی مطرح و پس از فراخوان دانشجویی به اجرا گذاشته شد. قبل از ورود به برنامه، دانشجویان ایده های خود را در فرم های طراحی شده، مطرح نموده و پس از راهنمایی و تبادل نظر با هم و استاد راهنمای جلسه، در حین برگزاری **workshop** آنها را ثبت کتبی نمودند. پس از اتمام کارگاه در جلسات تکمیلی، ایده هایی که پتانسیل اجرایی لازم را دارا بوده اند با کمک عضو هیات علمی راهنما از قالب سناریوی اولیه در آمده جهت ارسال به شورای آموزشی دانشکده جهت اجرا طبقه بندی شدند.

**نتایج:** ایده های نوین جمع آوری شده شامل: استفاده از تکنولوژی های جدید مبتنی بر وب و رایانه توسط اساتید در ارزیابی بالینی، ارائه تکالیف اثر بخش و کاربردی در آموزش بالینی، ارتقای علمی مربیان پرسپتور از طریق برگزاری بازآموزی، ارائه برخی شیوه های جدید یا جذاب ارزیابی به بیان دانشجویان، ارتقای نقش دانشجو در انجام کار حرفه ای، ارتقای علمی و تجهیزاتی محیط های آموزشی بالینی و آشنایی مربیان و دانشجویان از شیوه های تدریس و ارزشیابی بالینی، می باشد.

**نتیجه گیری:** دانشجویان به عنوان جزء اصلی فرایند یادگیری می توانند به شکل حرفه ای تری برای پذیرش نقش خود در جامعه آماده شوند. برگزاری **workshop** ایده پردازی دانشجویی جهت انتقال مفاهیم پایه اصول آموزش و ارتباط هدفمند میان اعضای هیئت علمی و دانشجویان، در دانشگاهها راهکارهای موثری را پیش روی صاحبان فرآیند یادگیری می گذارد.

**واژه های کلیدی:** **workshop**، ارزشیابی بالینی، پویایی آموزش، راهکار، دانشجو

### بررسی پیشرفت تحصیلی دانشجویان خارجی دانشگاه علوم پزشکی قم

مرتضی حیدری\*، مهدی آقابابایی، معصومه رزاقی

\*کارشناس، دانشگاه علوم پزشکی قم

[mheidari@muq.a.cir](mailto:mheidari@muq.a.cir)

**مقدمه:** ایجاد و توسعه ارتباطات بین‌المللی، یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها است. یکی از وجوه این ارتباطات، به پذیرش دانشجویان خارجی، معطوف می‌گردد. در حال حاضر، پذیرش دانشجویان خارجی از سه طریق آزمون سراسری، بورسیه و آزاد صورت می‌گیرد. با توجه به متفاوت بودن ساز و کارهای پذیرش دانشجویان، انتظار می‌رود سه گروه یاد شده فوق، از شرایط زمینه‌ای مساوی برخوردار نبوده و در نتیجه، عملکرد تحصیلی متفاوتی را از خود نشان دهند. از آنجا که بررسی میزان موفقیت دانشجویان خارجی پذیرفته شده در دانشگاه، می‌تواند راه را برای ادامه و یا اصلاح فرایندها و روش‌ها، به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نشان دهد، این مطالعه به بررسی پیشرفت تحصیلی دانشجویان خارجی دانشگاه علوم پزشکی قم و مقایسه سه گروه مذکور پرداخته است.

**روش‌ها:** تعداد ۴۷ نفر دانشجویان خارجی شاغل به تحصیل در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ دانشگاه علوم پزشکی قم، استخراج شدند و میانگین کل نمرات آنان تا نیمسال مذکور، یادداشت گردید. هم‌زمان، میانگین مجموع دانشجویان کلاس مربوطه، محاسبه گردید و اطلاعات مذکور در نرم‌افزار آماري SPSS وارد شد و با توجه به نوع رشته و نیز نوع پذیرش در دانشگاه، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. علاوه بر اطلاعات توصیفی، تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون آنالیز واریانس صورت گرفت.

**نتایج:** دانشجویان مورد مطالعه از کشورهای افغانستان، عراق، پاکستان، ترکیه و بحرین و در رشته‌های پزشکی، پرستاری، اتاق عمل، علوم آزمایشگاهی، بهداشت محیط و هوشبری در این دانشگاه، مشغول به تحصیل هستند که بیشترین تعداد، مربوط به رشته پزشکی و کمترین تعداد مربوط به رشته بهداشت محیط است. در مقایسه میانگین نمرات دانشجویان یاد شده با میانگین کل رشته و ورودی مربوطه، با توجه به تحلیل‌های آماری به عمل آمده، تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. در مقایسه تطبیقی سطح عملکرد این دانشجویان به تفکیک رشته تحصیلی و نیز شیوه پذیرش در دانشگاه که شامل سه روش پیش‌گفته (آزمون سراسری، بورسیه و آزاد با پرداخت شهریه) است، تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید. لذا، به نظر می‌رسد دانشجویان موصوف، صرف نظر از نوع ورود به دانشگاه، در مجموع وضعیت متوسطی دارند.

**نتیجه‌گیری:** با عنایت به بررسی فوق، به نظر می‌رسد دانشجویان خارجی پذیرفته شده در دانشگاه، در وضعیت مشابه با سایر دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم قرار دارند و لذا، ادامه پذیرش آنان در قالب‌های تعریف شده فعلی، لطمه‌ای به اعتبار علمی دانشگاه وارد نمی‌نماید. بدیهی است نظارت مستمر و مداوم بر روند آموزش آنان، ضروری می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** دانشجویان خارجی، پیشرفت تحصیلی، دانشگاه علوم پزشکی قم

## بررسی نگرش دانشجویان سال آخر رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در خصوص آموزش و یادگیری بین حرفه ای

\*سیده بتول امینی، کارشناس دانشگاه علوم پزشکی تهران

Email: batool\_amini@yahoo.com

سید محمد میرشاه ولد، دانشجو دانشگاه علوم پزشکی تهران

سکینه شریفیان، کارشناس دانشگاه علوم پزشکی تهران

**مقدمه:** در طی چند دهه اخیر، تغییرات شگرفی از نظر ترکیب جمعیت و بار بیماریها رخ داده است که از آن تحت عنوان گذار جمعیت شناختی و گذار همه گیر شناختی یاد می‌شود. در این دوره سلامت مردم تنها توسط یک فرد به نام پزشک تضمین نمیشود و تعامل فعال تعداد زیادی از شاغلین به حرف علوم پزشکی، می‌تواند موجبات سلامت فرد و جامعه را مهیا نماید. به همین سبب امروزه آموزشهای بین حرفه ای یکی از مشخصات اصلی نظامهای سلامت در سطح جهان محسوب می‌شود و به تبع آن نظامهای آموزشی برای تربیت افرادی که بتوانند در قالب یک تیم هماهنگ خدمت نمایند، باید راهکارهای جدیدی را برگزینند که یکی از آنها آموزش و یادگیری در گروههای دانشجویی با ترکیب چند رشته ایی است.

**روش‌ها:** مطالعه توصیفی- مقطعی بوده و جامعه پژوهش را دانشجویان سال آخر رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران (پردیس پورسینا) تشکیل می‌دادند. از روش نمونه گیری تصادفی و از پرسشنامه آمادگی برای یادگیری بین حرفه ای که مشتمل بر ۱۹ سوال در قالب مقیاس لیکرت ۵ گزینه ای {کاملاً موافقم(۵)، کاملاً مخالفم(۱)} و در سه حیطه کار تیمی و همکاری، هویت حرفه ای و نقشها و مسئولیتها می‌باشد جهت جمع آوری داده ها استفاده گردید.

**نتایج:** از تعداد ۱۰۵ پرسشنامه ای که به دانشجویان داده شد تعداد ۱۰۰ (۹۵ درصد) پرسشنامه تکمیل شد که ۳۶ درصد مؤنث و ۶۴ درصد مذکر بودند. میانگین (انحراف معیار) امتیاز آمادگی دانشجویان برای یادگیری بین حرفه ای ۶۶/۳۰ (۸/۶۵) به دست آمد. بیشترین نمره کسب شده مربوط به سوال شماره ۷ "برای آنکه آموخته های کار در گروههای کوچک عملی گردد، دانشجویان باید به یکدیگر اعتماد کنند و به هم احترام بگذارند" با ۴/۲۷ و کمترین نمره کسب شده مربوط به سوال شماره ۱۱ "یادگیری مشارکتی برای دانشجویان در حین تحصیل لازم نیست" بود. میانگین نمره تمامی سوالات از ۳ بیشتر بود.

**نتیجه گیری:** نتایج مطالعه نشان داد که دانشجویان سال آخر رشته پزشکی برای یادگیری بین حرفه ای آماده می‌باشند و نگرش مثبتی نسبت به این نوع آموزش دارند و یادگیری در کنار سایر دانشجویان علوم سلامت را در راستای ارتقاء کیفیت خدمات ارائه شده به بیماران امری ضروری می‌دانند.

**واژه‌های کلیدی:** نگرش، یادگیری، آموزش بین حرفه ای، دانشجویان پزشکی

### بررسی فرایند ارزشیابی کیفیت تدریس اساتید توسط دانشجو و ارائه راهکار جهت بهبود آن

دکتر سیده آزاده صفوی، دکتر امیر صادقی

دکترای تخصصی آموزش و برنامه ریزی درسی، دکترای تخصصی مدیریت آموزش عالی  
safaviazadeh@yahoo.com

**مقدمه:** فرایند ارزشیابی اساتید توسط دانشجو یکی از رایج ترین و معتبرترین شیوه های ارزشیابی کیفیت آموزش در دانشگاه های سراسر دنیا می باشد. هدف اصلی از اجرای این فرایند کمک به اعضای هیات علمی در جهت شناسایی نارسایی های آموزشی و ارتقا کیفیت آموزش آنان می باشد. تحقق این هدف تا حدود زیادی به دیدگاه اعضای هیات علمی به عنوان استفاده کنندگان اصلی از نتایج این ارزشیابی ها و نیز اجرای صحیح این فرایند بستگی دارد. لذا این پژوهش به بررسی دیدگاه اساتید هیات علمی در چهار دانشکده علوم پزشکی در یکی از بزرگترین دانشگاه های دولتی مالزی پرداخته و بر این اساس راهکارهای بهبود فرایند ارزشیابی اساتید توسط دانشجو را در جهت ارتقا کیفیت آموزش ارائه می نماید.

**روش ها:** در این مطالعه توصیفی، جامعه پژوهش شامل ۲۸۱ عضو هیات علمی در چهار دانشکده علوم پزشکی در یکی از بزرگترین دانشگاه های دولتی مالزی می باشد. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه می باشد. ۱۷۶ نفر از جامعه پژوهش بطور تصادفی به عنوان نمونه انتخاب گردیدند. از پرسشنامه به عنوان ابزار جمع آوری داده ها استفاده گردید. روایی و پایایی ابزار توسط پانل متخصصین، مطالعه پایلوت و تعیین ضریب همسانی درونی تایید گردید. و از روشهای آماری توصیفی جهت آنالیز اطلاعات استفاده گردیده است.

**نتایج:** اکثریت اعضای هیات علمی، با میانگین سابقه تدریس حدوداً یازده سال، با این دیدگاه که کیفیت تدریس اساتید نباید توسط دانشجویان ارزشیابی گردد و نتایج حاصل از این ارزشیابی را نباید برای ایجاد تغییر در استراتژی آموزشی جدی گرفت مخالف بودند. بیش از سه چهارم آنها معتقد بودند جهت دستیابی به اهداف مورد انتظار، مدیریت این فرایند و نیز فرم های ارزشیابی مورد استفاده نیازمند بازنگری می باشند. همچنین اکثریت آنان بیان می کردند که نمی دانند چگونه باید از نتایج ارزشیابی در جهت بهبود استراتژی آموزشی خود استفاده نمایند.

**نتیجه گیری:** نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از واکنش و دیدگاه مثبت اکثریت اعضای هیات علمی نسبت به این نوع از ارزشیابی بود. تحقیقات نشان میدهد اگر اساتید دارای نگرش مثبت نسبت به فرایند ارزشیابی استاد توسط دانشجو باشند تاثیر این نوع ارزشیابی در بهبود کیفیت آموزش بیشتر خواهد بود. همچنین نارساییها یی در اجرای بهینه این فرایند وجود داشت که می تواند تاثیر ناخواسته یی به سزایی در میزان تحقق اهداف این ارزشیابی داشته باشد. لذا راهکارهای عملی جهت بهبود این فرایند و کمک به دستیابی به اهداف مورد نظر آن ارائه گردید.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی استاد، اعضای هیئت علمی، دانشکده های علوم پزشکی

## دستیابی به اهداف کارآموزی بیهوشی

فاطمه حسن شیرینی<sup>۱\*</sup>، زهرا رحیمی مقدم، فخرالسادات میرحسینی

<sup>۱\*</sup> کارشناس ارشد پرستاری مراقبت ویژه، عضو هیئت علمی دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی و

خدمات بهداشتی درمانی کاشان.

Email:hasanshiri7@gmail.com

**مقدمه:** دانشجویان هوشبری قسمت اعظم دروس خود را بصورت عملی در واحد اتاق عمل می گذرانند. از آنجاییکه ایفای نقش به عنوان تکنسین بیهوشی نیازمند کسب مهارتهای عملی در کنار دروس تئوری بوده و حرفه‌ای خطیر در مراقبت های پزشکی و پرستاری محسوب می گردد؛ لازم است در طی دوره تحصیلی که فرصتی برای مشاهده و مشارکت در پروسیجرهای مختلف بیهوشی جهت اعمال جراحی مختلف است؛ فراهم گردد و از این فرصتها نهایت بهره برداری صورت گیرد تا دانش آموختگان پس از فراغت از تحصیل و ورود به بازار کار نقش حرفه‌ای خود را به نحو احسن ایفاکنند. بدین منظور لازم است که نحوه برگزاری دوره‌های کارآموزی دانشجویان مورد بررسی و تعمق قرار گیرد. این مطالعه قصد دارد با بررسی میزان فرصت‌های ایجاد شده در طی کارآموزی بیهوشی، به کسب توانمندی مطلوب در دانش آموختگان از این جنبه نگاهی عمیقتر بیندازد.

**روش‌ها:** تعداد ۱۶ دانشجوی کارشناسی هوشبری در طی هشت واحد کارآموزی در عرصه بیهوشی خود در بیمارستانهای وابسته به دانشگاه علوم پزشکی کاشان در فیلدهای مختلف شرکت و حداقل‌هایی برای تمرین مهارتهای فراگرفته در طی کارآموزی های قبلی، برایشان در نظر گرفته شد که به صورت جدول لیست فعالیتها در اختیارشان قرار گرفت و از آنها و مربیان هر فیلد خواسته شد که پس از انجام پروسیجرهای مورد نظر به آنها بازخورد داده و موارد را ثبت کنند.

**نتایج:** در طی ۴۰۸ ساعت کارآموزی در عرصه ۱۵۴ مورد شرح حال قبل از عمل گرفته شد که میانگین  $1.5 \pm 9.6$  داشت. ۱۵۴ مورد گرفتن خط وریدی انجام شده بود که میانگین  $0.68 \pm 9.7$  داشت. میانگین انفوزیون خون و محصولات خونی  $1.4 \pm 3$  و اداره راه هوایی  $0 \pm 10$  بود. در مورد اداره بیمار طی اعمال جراحی مختلف میانگین حاصله  $0.45 \pm 3.48$  برای هر دانشجو به دست آمد.

**نتیجه‌گیری:** فرصتهای یکسانی در طی این دوره زمانی برای تمام دانشجویان فراهم نشده بود تا در طبقه‌بندی اعمال جراحی در بعضی فیلدها حداقل یک مورد اداره بیهوشی را تمرین کنند. اما مجموع بررسیها نشان داد که قسمت اعظم انتظارات برای مشاهده یا انجام متغیرهای مختلف طی کارآموزی فراهم شده بود. با بررسی میزان دستیابی به اهداف و پیدا نمودن نقاط ضعف و قوت برنامه‌ریزی؛ می توان در ارتقای یادگیری دانشجویان در طی دوره تحصیلیشان کمک موثری کرد.

**واژه‌های کلیدی:** کارآموزی بیهوشی، اهداف.



## ارزشیابی برنامه مدارس مروج سلامت در شهرستان تبریز با استفاده از الگوی جامع

### ارزشیابی

دکتر جعفرصادق تبریزی<sup>۱</sup>، صابر اعظمی<sup>۲</sup>، سمانه ولی زاده<sup>۳</sup>، بتول ندیمی<sup>۴</sup>، وهاب اصل رحیمی<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی

<sup>۳\*</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی

**samanehvalizadeh@yahoo.com**

<sup>۴</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی

<sup>۵</sup> مرکز بهداشت استان آذربایجان شرقی، مرکز بهداشت استان آذربایجان شرقی

**مقدمه:** در قرن اخیر برنامه مدارس مروج سلامت در راستای اصلاح فرهنگ سلامت در نوجوانان و جوانان بسیار مورد توجه قرار گرفته است. لذا مطالعه حاضر با هدف ارزشیابی برنامه مدارس مروج سلامت در شهرستان تبریز با بهره گیری از الگوی جامع ارزشیابی انجام گرفته است

**روش‌ها:** پژوهش حاضر، از نوع مطالعات تلفیقی (کمی-کیفی) می باشد که در سال ۱۳۹۱ در شهرستان تبریز انجام گرفته است. ارزشیابی در چهار سطح درگیر در اجرای برنامه شامل مرکز بهداشت استان آذربایجان شرقی، مرکز بهداشت شهرستان تبریز و یک مرکز بهداشتی درمانی شهری و نیز یکی از مدارس مجری برنامه که هر دو به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، صورت پذیرفت. ارزشیابی بر مبنای آخرین چک لیست منتشر شده از الگوی جامع ارزشیابی (نسخه ۲۰۰۷)، اجرا شد.

**نتایج:** نتایج ارزشیابی برنامه مروج سلامت در چهار سطح، نشان داد که به صورت میانگین این برنامه در حیطه ی درون داده‌ها، عملکرد مناسبی نداشته است. بهترین عملکرد در ارتباط با مدارس مروج سلامت مربوط به مرکز بهداشت شهرستان و ضعیف ترین عملکرد مربوط به مرکز بهداشت استان می باشد. از مهمترین نقاط ضعف برنامه می توان به کمبود منابع و اعتبارات، عدم تعهد برخی از مدیران ارشد، نبود دید سلامت محور در برخی از مسئولین آموزش و پرورش و نبود رویه ها و سیاست های روشن و شفاف اشاره نمود.

**نتیجه‌گیری:** بر اساس نتایج مطالعه، توجه ویژه به فراهم ساختن ورودی ها و امکانات لازم برای اجرای اثربخش برنامه، ایجاد و توسعه دید سلامت محور در مسئولین آموزشی کشور، ایجاد هماهنگی های مناسب بین سازمانهای بهداشتی و آموزشی، توجه بیشتر بر روی حیطه بهبود وضعیت تغذیه در مدارس برای اجرای اثربخش برنامه بسیار ضروری است.

**واژه‌های کلیدی:** ارزشیابی، مدارس مروج سلامت، الگوی جامع ارزشیابی، مطالعه تلفیقی

## دیدگاه رزیدنت های پزشکی در خصوص کیفیت ارائه بازخورد در دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دکتر لیلا بذرافکن\*، غلامحسین قاسمی و پریسا نبیئی

\* مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی شیراز

Email: bazrafkan@sums.ac.ir

**مقدمه:** بازخورد به عنوان یک ابزار به منظور تضمین کیفیت در فرایند آموزش و راهنمایی دانشجویان، یکی از هدف های مهم آموزش پزشکی به ویژه در زمینه مفاهیم بالینی است. این مطالعه با هدف ارزیابی دیدگاه دستیاران بخش های داخلی، جراحی و عمومی در مورد کیفیت ارائه بازخورد در آموزش بالینی در مجموع انجام گشته است.

**روش ها:** ۱۷۰ نفر از دستیاران پزشکی مقیم بیمارستان که در مجموعه کارگاه های «دستیار در نقش استاد» شرکت کرده بودند، وارد این مطالعه شدند. همه این دستیاران پرسشنامه ای حاوی ۲۱ پرسش با مقیاس لیکرت را در خصوص نظرات دستیاران در زمینه کیفیت بازخورد اساتید، تکمیل نمودند. در نهایت داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS 14 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** این مطالعه نشان داد که به طور کلی دستیاران درک مثبتی از کیفیت بازخورد اساتید در آموزش های خود داشتند. بالاترین نمره مربوط به برخی از آیتم ها مانند بازخورد قابل اجرا به کار در آینده، بازخورد برای اصلاح رفتار، بازخورد مربوط به انگیزه برای آموزش به خصوص در زمینه یک موضوع خاص است. این دستیاران همچنین معتقد بودند که تجربه بازخورد منفی باعث افزایش تلاش آن ها برای یادگیری می شود.

**نتیجه گیری:** بیشترین میانگین نمره بازخورد مربوط به دستیاران بخش داخلی بود. این موضوع نشانگر آن بود که دستیاران این بخش بر این باور بودند که بخش داخلی دارای محیطی است که در آن ارزیابی تکوینی، می تواند قوی تر از دو بخش دیگر، پاسخگو باشد. بخش جراحی نیز با دریافت کمترین نمره، حاکی از آن بود برای اجرای ارزیابی تکوینی توسط اساتید، مناسب نیست.

**واژه های کلیدی:** بازخورد، دستیاران پزشکی دانشگاه شیراز، آموزش بالینی

## آزمون پرش سه گام شیوه ای نوین در ارزشیابی دانشجویان علوم پزشکی

سپیده محمدی\*<sup>۱</sup>، تاج محمد آرازی قجق<sup>۲</sup>، نسربین گله دار<sup>۲</sup>  
دانشجوی دکتری پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

Email: sepidmohamadi@nm.mui.ac.ir

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری پرستاری و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی لرستان، دانشکده پرستاری و مامایی  
خرم آباد

**مقدمه:** از جمله چالش های موجود در ارزشیابی دانشجویان علوم پزشکی، فقدان مساله محور بودن آزمون و ارزشیابی مبتنی بر شرایط واقعی است، همچنین کمتر به شکل گیری تفکرانتقادی دانشجویان طی اجرای ارزشیابی توجه می گردد. از جمله شیوه های ارزشیابی که ضعفهای فوق را ندارد آزمون "پرش سه گام" است که از سوی اکثر اساتید ناشناخته است و نیاز به معرفی بیشتر دارد.

**روش ها:** این مطالعه از نوع مروری است که به بررسی مقالات و کتب مرتبط با آزمون پرش سه گام با تاکید بر کاربرد آن در علوم پزشکی طی سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ پرداخته است.

**نتایج:** این آزمون یک روش ارزشیابی جامع و بر پایه یادگیری مساله محور می باشد که نه تنها سطح دانش بلکه فرایند حل مساله را نیز در دانشجویان می سنجد. آزمون پرش سه گام شامل سه مرحله یا گام است؛ گام اول: به فراگیر مطالب و سوالاتی درباره یک موقعیت بالینی (نظیر یک بیمار واقعی، نتایج آزمایشگاهی و...) به طور شفاهی یا کتبی ارائه می شود، سپس از او خواسته می شود که اطلاعات مورد نیاز و منابع لازم برای درک بهتر موقعیت و بررسی آن را شناسایی کند. گام دوم: به فراگیر ۲ ساعت تا یک روز زمان داده می شود تا اطلاعات مورد نیاز خود را به طور مستقل به دست آورده و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. اغلب این مرحله شامل کار کتابخانه ای است و می تواند همراه با ارزشیابی بیشتر بیمار در بالین نیز باشد. گام سوم: در این مرحله فراگیر باید درک و توضیح کامل خود را از موقعیت داده شده و روش های مدیریت موقعیت را ارائه نماید. این روش برای ارزیابی درک فراگیر از مسائل بالینی خاص و توانایی و کارایی او در کسب اطلاعات اضافی مورد نیاز و همچنین بکارگیری دانش در عمل کاربرد دارد.

**نتیجه گیری:** در این روش می توان جزئیات نقاط ضعف و قوت فراگیر را در حیطه های مشخص بالینی تعیین نمود و اطلاعات لازم برای اصلاح یا تقویت وی را در اختیارش قرار داد. از آنجایی که این آزمون می تواند مهارت ها و فرایندهای مهم کار بالینی را در فراگیران ارزیابی کند، اعتبار صوری بالایی دارد و شکاف بین تئوری و عمل را کاهش کی دهد. نقطه ضعف ارزیابی به روش پرش سه گام زمان بر بودن است و به همین دلیل نمی توان موقعیت های متعدد را مورد بررسی قرار داد. از اساتید گروه پزشکی انتظار می رود با توجه به مزایای متعدد این شیوه از جمله تقویت تفکر انتقادی آنرا به خوبی بشناسند و در عمل به کار برند.

**واژه های کلیدی:** آزمون پرش سه گام، ارزشیابی، دانشجویان علوم پزشکی

## ارزیابی مقایسه ای نتایج ده ساله اسفند و شهر یورماه آزمون های جامع علوم پایه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰

دکتر شهلا دشتی\*، دکتر منصور مسجدی، علیرضا آتشی، راضیه نشاط آور، مهسا سمیعی، دکتر علیرضا لنکرانی،  
فرزانه سلوک حقیقی

\*کارشناس ارشد ارزشیابی دفتر توسعه آموزش پزشکی دانشکده پزشکی  
shahla\_dashti@yahoo.com

**مقدمه:** به منظور ارزیابی آموخته های دانشجویان پزشکی، اولین امتحان جامع بعد از گذراندن ۵ ترم آموزشی در مقطع علوم پایه و کشوری در دو نوبت اسفند و شهریور و در قالب ۲۱۰ سوال چهار گزینه ای برگزار می گردد. هدف مطالعه تعیین و مقایسه رتبه دانشگاهی، رتبه دروس به تفکیک اسفند و شهریور و درصد قبولی در هر سال از ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ بوده است.

**روش ها:** در این مطالعه توصیفی \_تحلیلی نتایج امتحانات از اداره کل آموزش دانشگاه اخذ و با خط روند (trend line) سیر صعودی یا نزولی وضعیت رتبه های دروس به تفکیک ترسیم و تا حدود ۲ امتحان پس از آن پیشگویی انجام شد در ضمن در صد قبولی دانشجویان با حد نصاب مصوبه وزارتخانه با در صد قبولی با حد نصاب انتخاب شده که همان ۷۰٪ نمره پنج در صد بالامیباشد مقایسه شد. با استفاده از نرم افزار Excel و SPSS تحلیل انجام گرفت.

**نتایج:** متوسط رتبه ده ساله دانشگاهی در شهر یورماه (۱۷) و در اسفند ماه (۵) بوده است و رتبه دروس در امتحانات جامع علوم پایه پزشکی به شرح زیر تعیین گردید.

اسفند ماه: رتبه دروس آسیب شناسی و زبان (۲) - آناتومی و اندیشه اسلامی (۴) - روانشناسی (۵) سیر صعودی داشته اند ولی رتبه دروس باکتری شناسی (۱۰)، جنین شناسی (۷) و ایمنی شناسی (۵) و سیر نزولی داشتند.  
شهریور ماه: متوسط رتبه زبان (۷) روانشناسی (۱۱) بافت شناسی و ایمنی شناسی (۱۲) ولی رتبه دروس بهداشت عمومی (۱۵) تغذیه (۱۷) باکتری شناسی (۱۹) بوده است.

در صد قبولی با حد نصاب مصوبه وزارتخانه در ماههای اسفند ۸۷/۵٪ به بالا که مساوی با در صد قبولی با حد نصاب انتخاب شده بوده است. در صد قبولی با حد نصاب مصوبه وزارتخانه در ماههای شهریور ۵۰٪ در حالیکه با حد نصاب انتخاب شده ۷۳/۶۸٪ به بالا بوده است.

**نتیجه گیری:** رتبه ده ساله دانشگاهی و رتبه دروس در اسفند ماه وضعیت بهتری نسبت به همان رتبه ها در شهریور داشته است. لذا پیشنهاد می گردد جهت ارتقاء رتبه دانشگاهی و رتبه دروس و کم کردن اختلاف در صد قبولی حد نصاب مصوبه و انتخاب شده در امتحانات شهر یورماه با روش راند دلفی از نظرات اعضای هیات علمی گروههای مربوطه بهره جست.

**واژه های کلیدی:** امتحان، جامع، علوم پایه، رتبه دروس.

## تأثیر تقدم آموزش بالینی یا آموزش نظری بر میزان یادگیری

\*فریبا بلورچی فرد، مربی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

Email: bolourchifard@yahoo.com

دکتر ژیلا عابد سعیدی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

**مقدمه:** رسالت دانشکده های پرستاری توانمند سازی دانشجویان پرستاری در جهت پذیرش نقش های خطیر حرفه پرستاری است. در پاره ای از موارد، در آرایش دروس پرستاری تقدم آموزش دانشجویان در واحد های نظری و بالینی با توجه به امکانات و منابع سیستم آموزشی صورت می گیرد.

**هدف:** مقایسه تاثیر تقدم آموزش بالینی بر آموزش نظری با آموزش نظری بر آموزش بالینی بر میزان یادگیری دانشجویان پرستاری .

**روش ها:** در این مطالعه مداخله ای ( نیمه تجربی ) تاثیر آموزش نظری - بالینی (گروه کنترل) یا تقدم آموزش بالینی - نظری (گروه آزمایش) بر میزان یادگیری و رضایت دانشجویان در واحد درس پرستاری ارتوپدی مقایسه شد. تعداد ۵۵ نفر از دانشجویان کارشناسی پرستاری به روش سرشماری انتخاب شدند. دو گروه به روش تصادفی ساده انتخاب، تحت آموزش و ارزیابی مهارت بالینی قرار گرفتند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه جمعیت شناسی، فرم مشاهده آزمون عملی ، فرم نظر سنجی رضایت و فرم آزمون نظری بود .

**نتایج:** میانگین نمره کل عملکرد بالینی دانشجویان بخش ارتوپدی آموزش نظری - بالینی (گروه کنترل) و آموزش بالینی - نظری (گروه آزمایش) به ترتیب  $85/14 \pm 53/80$  و  $67/55 \pm 7/60$  می باشد که دو گروه از لحاظ آماری اختلاف معنی داری با هم داشتند ( $P < .0/001$ ).

**نتیجه گیری:** انجام آموزش نظری قبل از آموزش بالینی برای یادگیری مهارت بالینی و رضایت دانشجویان از آموزش ضرورت دارد .

**واژه های کلیدی:** آموزش پرستاری، آموزش نظری، آموزش بالینی، تقدم آموزش

## تأثیر به کارگیری پورت فولیو بر تجارب و درک دانشجویان پرستاری از محیط های آموزش بالینی

دکتر حسین حبیب زاده، یوسف محمدپور، دکتر حمیدرضا خلخالی، نرجس کاظمی

**مقدمه:** استفاده از پورت فولیو به عنوان روش آموزشی نوین در آموزش بالینی دانشجویان پرستاری می تواند در درک آنان از محیط های بالینی موثر باشد. هدف از این پژوهش بررسی تاثیر آموزش به شیوه پورت فولیو بر تجارب و درک دانشجویان از محیط های آموزش بالینی در ترم چهار پرستاری دانشکده پرستاری مامایی ارومیه بود.

**روش ها:** این پژوهش نیمه تجربی، بر روی 37 نفر از دانشجویان ترم چهار پرستاری انجام شد. دانشجویان به دو گروه کنترل آموزش به روش مرسوم (و گروه مداخله) آموزش به روش پورت فولیو (تقسیم شدند. برای سنجش درک دانشجویان از محیط یادگیری بالینی از پرسشنامه استاندارد دریم و با مختصری تغییرات منطبق با فرهنگ دانشگاهی ایران در بخش قلب استفاده گردید. پرسشنامه دریم حاوی 50 سوال در پنج حیطه یادگیری، اساتید، درک دانشجو از توانایی فردی، فضای آموزشی و درک از شرایط اجتماعی فردی می باشد. داده های حاصل توسط نرم افزار SPSS 16 و آزمون های آماری کای دو، تی مستقل، من ویتنی تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** نتایج این مطالعه نشان داد که در آموزش به شیوه پورت فولیو درک دانشجویان از محیط آموزش بالینی بیشتر از گروه کنترل که تحت آموزش با روش مرسوم بودند می باشد، و نتایج از نظر آماری من ویتنی معنی دار بود. ( $P < 001/OP$ )  
مقایسه دو گروه، میانگین تفاضل امتیاز درک در دو گروه پس از مداخله دارای تفاوت معنا دار آماری بود. ( $P < 001/OP$ )

**نتیجه گیری:** این پژوهش نشان داد که پورت فولیو ابزاری مؤثر برای افزایش درک دانشجویان پرستاری و تاثیر مثبتی بر دیدگاهشان از محیط های آموزش بالینی به همراه دارد.

**واژه های کلیدی:** مدل دریم، محیط آموزش بالینی، پورت فولیو، تجارب، درک

## محیط های آموزش بالینی: شکاف محیط مورد انتظار با محیط واقعی از منظر دانشجویان پرستاری

حسین حبیب زاده، استادیار

Email: [habibz\\_h@yahoo.com](mailto:habibz_h@yahoo.com)

یوسف محمدپور، هیات علمی

حمیدرضا خلخالی، استادیار

\*نرجس کاظمی، کارشناس

Email: [nkazemi22@yahoo.com](mailto:nkazemi22@yahoo.com)

**مقدمه:** یکی از مهمترین عوامل شناخته شده در زمینه موفقیت برنامه های آموزشی پرستاری محیط های یادگیری است. هرگونه اختلاف بین محیط بالینی واقعی و مورد انتظار دانشجویان پرستاری می تواند منجر به کاهش علاقه دانشجویان پرستاری به محیط های بالینی و افت عملکرد بالینی آنان گردد. هدف این پژوهش مقایسه ادراک دانشجویان پرستاری از محیط آموزشی بالینی واقعی و مورد انتظار در بخش قلب مردان بود.

**روش ها:** این پژوهش نیمه تجربی، بر روی ۳۷ نفر از دانشجویان ترم چهار پرستاری انجام شد. برای سنجش درک دانشجویان از محیط یادگیری بالینی از پرسشنامه استاندارد دریم و با مختصری تغییرات منطبق با فرهنگ دانشگاهی ایران در بخش قلب استفاده گردید. پرسشنامه دریم حاوی ۵۰ سوال در پنج حیطه یادگیری، اساتید، درک دانشجو از توانایی فردی، فضای آموزشی و درک از شرایط اجتماعی فردی می باشد. داده های حاصل توسط نرم افزار SPSS ۱۶ و آزمون های آماری کای دو، تی مستقل، من ویتنی تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** یافته ها نشان داد میانگین نمره ادراک دانشجویان پرستاری از محیط بالینی مورد انتظار  $163.95 \pm 3.5$  و میانگین نمره ادراک دانشجویان پرستاری از محیط بالینی واقعی  $142.67 \pm 9.7$  بوده است. آزمون تی نشان داد که تفاوت معنی دار آماری بین ادراک از محیط بالینی واقعی و مورد انتظار وجود دارد.

**نتیجه گیری:** هر چه شکاف موجود بین ادراک دانشجویان پرستاری از محیط بالینی واقعی و مورد انتظار بیشتر باشد تاثیرات منفی بیشتری بر یادگیری آنها در محیط بالینی خواهد داشت. در نتیجه مدیران آموزش پرستاری باید توجه ویژه ای به محیط آموزش بالینی دانشجویان پرستاری داشته باشند.

**واژه های کلیدی:** آموزش بالینی، محیط آموزش بالینی

## ارزیابی روش تدریس و مدیریت آموزش نظری اساتید دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه از دیدگاه دانشجویان پرستاری

نرجس کاظمی<sup>۱</sup>، دکتر رحیم بقایی<sup>۲\*</sup>، نسرين خواجه علی<sup>۳</sup>

کارشناس ارشد آموزش پرستاری

<sup>۲\*</sup> استادیار دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پرستاری

**مقدمه:** دیدگاه دانشجویان به عنوان آموزش گیرندگان و معتبرترین رده های درگیر در آموزش از اهمیت بالای برخوردار است. این مطالعه با هدف ارزیابی روش تدریس و مدیریت آموزش نظری اساتید دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه از دیدگاه دانشجویان پرستاریانجام گردید.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر یک پژوهش توصیفی-مقطعی می باشد که با استفاده از نظرات ۷۹ دانشجوی پرستاری که بطور تصادفی انتخاب شده بودند، انجام گردید. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای بود که ویژگی مدرس را از نظر رعایت نظم، تسلط بر ارائه درس، مدیریت کلاس، احترام به دانشجو، ارزشیابی تکوینی، تدریس بر اساس اولویت ها، تدریس فعال، چگونگی استفاده از رفرنس ها، ارزشیابی پایانی مورد بررسی قرار می داد. داده ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** در زمینه رعایت نظم، دانشجویان ترم ۲ تا ۴ با ۷۱٪ بیشترین نظرات مثبت را داشتند. در حیطه تسلط بر ارائه درس دانشجویان ترم ۲ تا ۴ تنها ۱۲/۹٪ موارد را منفی ارزیابی کردند در صورتی که دانشجویان ترم های ۷ و ۸ با ۵۲/۶٪ موارد را منفی ارزیابی کرده و بیشترین نارضایتی را داشتند. در زمینه احترام به دانشجو، دانشجویان پسر با ۷/۹٪ موارد و دانشجویان دختر با ۴۴/۹٪ موارد از شرایط رضایت داشتند. در حیطه ارزشیابی تکوینی، دانشجویان پسر بیش از دانشجویان دختر و دانشجویان ترم ۵ و ۶ بیش از سایر ترم ها از شرایط راضی بودند. در حیطه تدریس بر اساس اولویت ها، پسران بیش از دختران و دانشجویان ترم های ۲ تا ۴ بیش از سایر ترم ها از شرایط راضی بودند. در حیطه تدریس فعال دختران بیش از پسران و دانشجویان با و دانشجویان ترم های ۲ تا ۴ بیش از سایر ترم ها از شرایط راضی بودند. در حیطه ارزشیابی پایانی، دانشجویان پسر بیش از دانشجویان دختر و دانشجویان ترم های ۲ تا ۴ بیش از سایر ترم ها از شرایط راضی بودند. نتایج در این حیطه ها از نظر آماری معنی دار بود.

**نتیجه گیری:** عوامل متعددی بر کارآمدی تدریس و مدیریت آموزش نظری مدرسین غیر بالینی تاثیر می گذارد که توجه به این عوامل در هنگام برنامه ریزی کارگاهی آموزشی و بازآموزی های مستمر شیوه های جدید و فعال در امر آموزش نظری برای مدرسان می تواند کمک شایانی به موفقیت و موثر بودن امر آموزش در دانشکده های پرستاری کشورمان نماید.

**واژه‌های کلیدی:** ارزیابی، روش تدریس، آموزش نظری، اساتید، دانشجویان پرستاری



## رابطه عوامل اقتصادی و اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان

زیبا رئیسی دهکردی<sup>۱\*</sup>، فیروزه مجیدی<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> عضو هیئت علمی، کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

پست الکترونیک: Ziba758@gmail.com

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

**مقدمه:** پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی، به رغم استعداد ذاتی تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار می گیرد و شناخت عواملی که منجر به پیشرفت تحصیلی میگردد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می باشند.

**روش‌ها:** در پژوهش حاضر رابطه پیشرفت تحصیلی با ویژگی های اقتصادی و اجتماعی دانشجویان کارشناسی دانشگاه آزاد شهرکرد در سال ورودی سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ به روش سرشماری بررسی شد. جمعیت مورد مطالعه ۵۲۰ نفر (۲۵۰ دختر ۲۷۰ پسر) بود نظرات آنان به روش پرسشنامه از خود ساخته در زمینه عوامل موثر اجتماعی و اقتصادی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان جمع آوری شد.

**نتایج:** نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از میان متغیرها بین تحصیلات مادر و پدر با موفقیت تحصیلی (معدل دیپلم و لیسانس) رابطه معنی داری وجود داشت ولی بین محل سکونت (روستایی و شهری) و شغل والدین با موفقیت تحصیلی دانشجویان ارتباط معنی داری وجود نداشت.

**نتیجه گیری:** افرادی که دارای والدین با تحصیلات بالاتر بودند، نسبت به افراد دارای والدین با تحصیلات پایین تر از وضعیت تحصیلی مطلوبتری برخوردارند. ولی عوامل دیگر از جمله محل سکونت، شاغل بودن والدین و نوع شغل آنها ارتباطی در موفقیت آنها نداشت.

**واژه‌های کلیدی:** پیشرفت تحصیلی. ویژگی های اقتصادی و اجتماعی. دانشجویان کارشناسی

## اثربخشی کارگاه های توانمندی سازی بین رشته ای برگزار شده توسط کمیته دانشجویی مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی شیراز با توجه به

### مدل " آموزش دانشجو به دانشجو " بر تعالی آموزشی دانشجویان

محمد اسمعیل قربانی نژاد\*، پریسا نبیئی، پرستو نعمت اللهی، میترا امینی

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شیراز - شیراز - ایران

مقدمه: توانمندسازی دانشجو، فرایند پیچیده ای است که به سختی می توان آن را تعریف کرد. توانمند سازی ارتقای مجموعه ای از دستاوردها شامل مهارت ها، دانش ها و خصوصیات فردی که فارغ التحصیلان را قادر می سازد به آینده مناسب دست یابند می باشد. باید در نظر داشت محور اصلی توانمندسازی یادگیری و نحوه یادگیری است. توانمند سازی یک محصول نیست بلکه یک فرایند یادگیری است. با توجه به این مهم، برگزاری کارگاه های توانمندسازی دانشجویان و آموزش مهارت ها، به بهره گیری از شیوه های جدید و صحیح تدریس، متناسب با نیازهای دانشجویان متکی می باشد. در سال های اخیر موضوع آموزش دانشجو به دانشجو در کارگاه ها مطرح شده است که در این مقاله بر آن شدیم تا به بررسی میزان اثربخشی کارگاه های توانمندی سازی بین رشته ای برگزار شده توسط کمیته دانشجویی مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی شیراز با توجه به مدل student to student learning بر تعالی آموزشی دانشجویان بپردازیم.

**روش کار:** این مطالعه از نوع مداخله ای و به صورت آزمون قبل و بعد از آموزش (pre test/ post test) می باشد. جامعه پژوهش را تمام دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز تشکیل می دهند. در این پژوهش جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه رضایت سنجی (DREEM) استفاده گردید. محتوای دوره آموزشی شامل کارگاه هایی در زمینه تفکر انتقادی و Evidence Based Patient Information, Interesting Learning (Game Based Learning), Medical Knowledge Management, Medicine & Education the elephant criteria in medical education بود. برای مقایسه داده های کیفی از آزمون مجزور کای در نرم افزار SPSS14 استفاده گردید.

یافته ها و نتایج: نتایج بررسی از طریق پرسشنامه های Pre-test و Post-test حاکی از ارتباط معنادار بین آموزش قبل و بعد از کارگاه ها می باشد:

Evidence Based Medicine (pre:10%-post:75%)

Medical Knowledge Management (pre:16%-post:72%)

Interesting Learning (Game Based Learning) (pre:21%-post:78%)

Patient Information & Education (pre:26%-post:78%)

the elephant criteria in medical education (pre:10%-post:75%)

تفکر انتقادی (pre:22%-post: 58%). همچنین در ارزیابی دوره پاره ای از نتایج به شرح زیر است: میزان دستیابی به اهداف کارگاه ها (بسیار خوب ۶۵٪ - خوب ۳۰٪ - متوسط ۳٪ - ضعیف ۲٪)، کاربردی بودن مطالب ارائه شده (بسیار خوب ۸۰٪ - خوب ۱۸٪ - متوسط ۲٪).

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده، به نظر می رسد شرکت دانشجویان در کارگاه های توانمندسازی، ضمن ارتقا سطح علمی و مهارت های فردی و آموزشی، باعث می شود آنان به طور فعال در روند آموزش خود نقش داشته باشند. همچنین برگزاری چنین کارگاه هایی، علاوه بر آگاه سازی دانشجویان از نیازهای آموزشی خویش، باعث آشنایی آن ها با شیوه های نوین آموزش پزشکی شده و با توجه به نقش محوری دانشجو در تحولات آموزشی، با افزایش انتظارات فراگیران، موجبات حرکت رو به جلو نظام آموزشی فراهم می گردد.

کلمات کلیدی: کارگاه توانمندسازی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، آموزش دانشجو به دانشجو

## برگزاری کارگاه توانمندسازی پاسخگویی اجتماعی توسط کمیته مرکزی دانشجویی شیراز: گامی به سوی توانمند سازی علمی و عملی دانشجویان در زمینه ی آموزش علوم پزشکی

محمد اسمعیل قربانی نژاد\*، پریسا نبیئی، پرستو نعمت اللهی، میترا امینی

\*کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

Email: [m\\_ghorbani1990@yahoo.com](mailto:m_ghorbani1990@yahoo.com)

**مقدمه:** از آنجایی که دانشگاه با سایر واحدهای اجتماع در ارتباط و تعامل همیشگی است، توسعه کیفی دانشگاه در توسعه جامعه و رسیدن به اهداف والای آن تاثیر مستقیمی دارد؛ از سوی دیگر رسیدن به این اهداف، مستلزم پرورش دانشجویی متعهد، متخصص و دانشمند است که علاوه بر آگاهی و تسلط بر راه های کسب مهارت و دانش حرفه ای، توانایی به کارگیری این علوم و مهارت های عملی را در آینده شغلی خویش داشته باشد، به صورتی که در آینده این گروه از دانشجویان بتوانند در کسب فرصت های شغلی و انجام مسئولیت های خود، افراد موفق تری باشند. دستیابی به این مهم منوط به آگاهی دانشجویان از مفهوم پاسخگویی اجتماعی می باشد که در اینجا سعی شده ضمن آموزش این مفهوم در قالب کارگاه های توانمند سازی و بهره گیری از شیوه نوین آموزش از طریق همتایان، به بررسی و مقایسه میزان آگاهی شرکت کنندگان از مفهوم پاسخگویی اجتماعی قبل و بعد از شرکت در کارگاه پرداخته شود.

**روش ها:** این مطالعه از نوع مداخله ای و به صورت آزمون قبل و بعد از آموزش (pre test/ post test) بر روی ۱۰۳ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز و زاهدان انجام شد. در برگزاری کارگاه، از روش های تدریس سخنرانی کوتاه، کار در گروه های کوچک، بحث گروهی، پرسش و پاسخ برای ارائه مطالب استفاده شد و جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه رضایت سنجی (DREEM) استفاده گردید. داده ها با نرم افزار SPSS14 مورد تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج بررسی از طریق پرسشنامه های Pre-test و Post-test حاکی از ارتباط معنادار بین آموزش قبل و بعد از کارگاه ها می باشد: Social accountability: (pre:19%-post:86%)، بر اساس نظرات دانشجویان اطلاعات ارائه شده هدفمند بوده (88.2%) و محتوای ارائه شده انگیزه و مشارکت افراد را ترغیب می کرد (86.6%). اکثریت دانشجویان (92.6%) بر این باور بودند که میزان ارائه مطالب جدید در راستای ایجاد نگرش جدید در دانشجویان قابل قبول بوده است. مطالب ارائه شده از دیدگاه دانشجویان کاربردی بوده (93.4%) و کارگاه قادر به پاسخگویی سئوالات مرتبط با موضوع بود (94.6%). در ارزشیابی کلی کارگاه (81.8%) دانشجویان آن را خوب و بسیار خوب ارزیابی کردند.

**نتیجه گیری:** نتایج ارزیابی دانشجویان در این پژوهش نمایانگر آن است که احتمال تغییر رفتار در دانشجویان علوم پزشکی با دید بالینی و تربیت پزشکانی که توانایی پاسخگویی به نیاز های جامعه خود را دارند امکان پذیر است. اگر چه میزان پایدار بودن این رفتار در عملکرد حرفه ای آنان در آینده مشخص نیست و نیاز به ضمانت های اجرایی کافی در دانشگاه و وضع قوانین لازم در این زمینه در محیط های تشخیصی و درمانی می باشد.

**واژه های کلیدی:** پاسخگویی اجتماعی، کارگاه توانمندسازی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

## مقایسه ارزشیابی توسط مربی، خودارزشیابی و ارزشیابی گروهی در کارآموزی ارتوپدی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

مریم بخشنده باورساد

عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری مامائی، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

Email: Bavarsad.maryam@yahoo.com

**مقدمه:** ارزشیابی دانشجویان، یکی از جنبه‌های مهم در فرایند فعالیت‌های آموزشی می‌باشد. بر اساس نتایج به دست آمده از ارزشیابی می‌توان نقاط قوت و ضعف را مشخص نمود و در نتیجه با تقویت نقاط قوت و رفع کاستی‌ها، گام‌های مناسبی در جهت اصلاح نظام آموزشی برداشت. مطالعات مختلف نشان داده‌اند که ارزشیابی‌های مستمر و مداخلات لازم بر اساس نتایج آن‌ها، تاثیر غیرقابل انکاری در بهبود روند آموزشی در همه سطوح دارند. بر همین اساس است که صاحب نظران بر کاربرد روش‌های امتحان شده و دقیق‌تر برای ارزشیابی تاکید دارند. در نتیجه مطالعه حاضر با هدف مقایسه سه روش ارزشیابی توسط مربی، ارزشیابی توسط اعضای گروه و خودارزشیابی به انجام رسید.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی بر روی ۵۴ نفر از دانشجویان ترم ۴ پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اهواز که در دونیمسال ۹۰-۹۱ واحد کارآموزی ارتوپدی را گذرانده بودند و یک نفر از مربیان پرستاری که مسئولیت آموزش دانشجویان را به عهده داشت، انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات فرم ارزشیابی واحد کارآموزی ارتوپدی بود که توسط اعضای گروه پرستاری بر اساس سرفصل دروس تدوین شده و برای ارزیابی دانشجویان در پایان هر ترم تحصیلی مورد استفاده قرار می‌گرفت. فرم ارزشیابی در پایان هر واحد توسط مربی، دانشجویان و اعضای گروه کارآموزی تکمیل می‌شد. اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS16 و آزمون آماری  $t$  زوجی تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** میانگین و انحراف معیار نمره کل ارزشیابی مربی، خودارزشیابی و ارزشیابی توسط گروه بر مبنای نمره ۲۰ به ترتیب  $17/30 \pm 1/13$ ،  $15/67 \pm 1/89$  و  $15/38 \pm 0/87$  بود. اختلاف معنادار آماری میان ارزشیابی توسط مربی و خودارزشیابی مشاهده شد  $p < 0/01$ . همچنین اختلاف معنادار آماری میان ارزشیابی توسط مربی و ارزشیابی توسط گروه دیده شد  $p < 0/01$ . در حالیکه اختلاف معنادار آماری میان خودارزشیابی و ارزشیابی توسط گروه مشاهده نشد.

**نتیجه‌گیری:** نتایج نشان می‌دهد که میان ارزشیابی مربی و ارزشیابی دانشجویان تفاوت وجود دارد از طرفی ارزشیابی که فرد از خود دارد با ارزشیابی که همگروهی‌ها از وی دارند مشابهت دارد. بر اساس نتایج به دست آمده به نظر می‌رسد، آنچه دانشجویان از عملکرد خود و همگروهی‌هایشان در طول کارآموزی استنباط می‌کنند با آنچه که مربی در این دوره از عملکرد آنان برداشت می‌کند، متفاوت می‌باشد. در نتیجه نظرخواهی از دانشجویان برای ارزشیابی خود و همگروهی‌هایشان و به کارگیری آن در ارزشیابی استاد می‌تواند در اصلاح نمرات ارزشیابی مفید واقع گردد و با کسب رضایتمندی دانشجویان در ترغیب آنان به تحصیل موثر باشد.

**واژه‌های کلیدی:** ارزشیابی توسط مربی، خودارزشیابی، ارزشیابی گروهی، دانشجویان پرستاری، کارآموزی ارتوپدی

## ارزیابی کیفیت سوالات ارتقاء دستیاری گروههای آموزشی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد - ۱۳۹۱

دکتر معصومه معزی<sup>۱</sup>، دکتر افسانه حبیبی<sup>۲\*</sup>

<sup>۱</sup>استادیار گروه پزشکی اجتماعی، سرپرست مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد  
<sup>۲\*</sup> پزشک عمومی، کارشناس دفتر توسعه آموزش دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

Email: [afsaneh.habibi90@yahoo.com](mailto:afsaneh.habibi90@yahoo.com)

**مقدمه:** آموزش مهمترین وظیفه دانشکده پزشکی است و آموزش دستیاران تخصصی با توجه به نقش آنان در سلامت جامعه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. ارزیابی دستیاران بعنوان جزء مهمی از آموزش می باشد. یکی از مهمترین آزمونها در این مقطع آزمون ارتقاء دستیاری است. این مطالعه با هدف ارزیابی وضعیت موجود کیفیت سوالات آزمون کتبی ارتقاء دستیاری داخلی، اطفال و زنان دانشگاه در سالهای ۹۰ و ۹۱ طراحی گردید.

**روشها:** نوع مطالعه مقطعی بوده و سوالات آزمون کتبی ارتقاء دستیاری ۳ رشته تخصصی در دو دوره (۹۰۰ سوال) از نظر ساختاری بر اساس چک لیست میلمن و از نظر تاکسونومی بر اساس سطوح یادگیری بلوم و همچنین از نظر ضریب دشواری و تمیز بر اساس نتایج نرم افزار تحلیل آزمون ارزیابی و مقایسه گردید.

**نتایج:** درصد سوالات تاکسونومی ۲ و ۳ در سال ۹۰ بطور متوسط ۴۲/۳ و در سال ۹۱، ۵۴/۷ درصد بود. در رشته داخلی در هر دو سال ۶۰٪ سوالات به تاکسونومی ۲ و ۳ اختصاص داشت. در رشته اطفال در سال ۹۰، ۴۰٪ و در سال ۹۱، ۸۰٪ بود. در رشته زنان در هر دو سال ۲۵ درصد به تاکسونومی ۲ و ۳ اختصاص داشت. از نظر دشواری، سوالات به ۳ دسته مناسب، دشوار و آسان تقسیم که متوسط سوالات مناسب در سال ۹۰، ۴۰ درصد و در سال ۹۱، ۴۴ درصد است. حدود ۵۰٪ سوالات رشته زنان و داخلی در هر دو سال مناسب ارزیابی شده اند که در مورد اطفال این رقم ۳۰ درصد است. متوسط سوالات دشوار در سال ۹۰، ۲۰ درصد و در سال ۹۱ برابر ۱۷/۵ درصد بود. تعداد سوالات دشوار در سال ۹۱ برای رشته داخلی افزایش، رشته زنان کاهش و در رشته اطفال ثابت مانده است. درصد سوالات آسان برای رشته داخلی و اطفال کاهش و برای رشته زنان افزایش داشته است. ضریب تمیز یا افتراق (قابلیت تفکیک بین دانشجویان قوی و ضعیف) و به ۳ دسته مناسب، نامناسب و کم دسته بندی میشود، متوسط سوالات مناسب در سال ۹۰ برابر با ۳۸/۹ درصد و در سال ۹۱ برابر با ۳۴/۹ درصد و متوسط ضریب افتراق نامناسب در سال ۹۰ و ۹۱ برابر ۳۵/۳ میباشد. از نظر رعایت اصول ساختاری تقریباً ۹۴/۷ سوالات در سال ۹۰ و ۹۱ درصد در سال ۹۱ بدون اشکال ساختاری بوده اند.

**نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه نشان می دهد سوالات گروههای داخلی و اطفال دارای وضعیت مناسب بوده و لی سوالات گروه زنان دانشگاه نیاز به افزایش سطح تاکسونومی دارد که با نوپا بودن دستیاری تخصصی زنان در این دانشگاه ارتباط دارد. نظر می رسد برگزاری کارگاه در این گروه و همچنین جهت اعضای هیئت علمی جدید سایر گروهها در بهبود کیفیت سوالات تاثیر گذار باشد.

**واژه های کلیدی:** آزمون، ارتقاء دستیاری، تاکسونومی، ارزیابی

## بررسی رضایت مندی دانشجویان دندانپزشکی از آموزش های مرتبط با رابطه دندانپزشک با بیمار توانخواه در طی دوران تحصیل

سیمین زهرا محبی، زهرا چینی پرداز\*

مرکز پژوهشهای علمی دانشجویان دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران.

Email: Z\_chinipardaz@yahoo.com

**مقدمه:** سلامت دهان و دندان افراد توانخواه بعلاوه ناتوانی جسمی و بعضاً روانی در اولویت پایینتری نسبت به سلامت عمومی قرار دارد. با افزایش امید به زندگی و بالا رفتن سن افراد توانخواه و ناتوان نیاز آنها به مراقبت های سلامتی افزایش یافته است. از سوی دیگر عموماً دانشجویان دندانپزشکی در طی تحصیل برخورد کمی با افراد توانخواه دارند و تجربه و مهارت لازم برای درمان این بیماران را ندارند و کمبود آموزش به دانشجویان دندانپزشکی در این زمینه منجر به ایجاد مشکلات عدیده ای در سلامت این گروه شده است. هدف از مطالعه مقطعی حاضر تعیین میزان رضایتمندی دانشجویان سال آخر دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران از موارد تدریس شده در ارتباط با رابطه دندانپزشک با بیمار توانخواه در طی دوره ۶ ساله تحصیل می باشد.

**روش ها:** ابتدا پرسشنامه تحقیق با استفاده از پرسشنامه های معتبر قبلی و چند سوال محقق ساخته طراحی شد و پس از بررسی روایی محتوایی برای ارزیابی پایایی، دو بار با فاصله دو هفته به دانشجویان سال پایین تر داده شد تا پاسخ دهند. علاوه بر اطلاعات زمینه ای رضایتمندی دانشجویان سال آخر دندانپزشکی از آموزش های دریافت شده در ارتباط با رابطه دندانپزشک با بیمار توانخواه به صورت ۱۵ ایتم با پاسخهایی در مقیاس لیکرت شامل کاملاً راضی تا کاملاً ناراضی سنجش شد. تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ توسط آزمون کای دو انجام گرفت.

**نتایج:** از ۷۰ دانشجو دندانپزشکی سال آخر ۵۹ نفر پاسخ دادند که اکثر آنها دختر (۸۳/۱٪) و میانگین سنی آنها  $24.7 \pm 0.7$  بود. بیشترین مورد رضایت مندی در ارتباط با نحوه کاربرد فلوراید در بیماران توانخواه بود که از کل دانشجویان ۴۵/۸٪ کاملاً راضی یا راضی بودند و پس از آن به ترتیب رضایتمندی از تدریس نحوه ارتباط با بیمار و پیشگیری از بیماری دهان که ۳۰/۵٪ و ۲۸/۸٪ بودند. کمترین رضایت مندی دانشجویان از موارد تدریس شده در زمینه انتقال بیمار از ویلچر و مباحث قانونی و محیط درمان عاری از موانع بود که ۹۰٪ کاملاً ناراضی راضی یا ناراضی بودند. میزان رضایتمندی دانشجویان از موارد تدریس شده با سن و جنس آنها رابطه ای نشان نداد.

**نتیجه گیری:** رضایت مندی کم دانشجویان از اکثر مباحث تدریس شده در زمینه ارتباط با بیمار توانخواه بر نیاز به بازنگری برنامه آموزشی (کوریکولوم) این گروه و تدوین برنامه جدید با لحاظ کردن آموزش های مرتبط با ارتقاء سلامت دهان در کودکان توانخواه دلالت دارد.

**واژه های کلیدی:** آموزش، رضایتمندی، بیماران توانخواه، ارتباط دندانپزشک با بیمار

## بررسی اثر طرح ضیافت اندیشه بر میزان معنویت دانشجویان دختر دانشگاه های استان گلستان

زهرا کریمی<sup>\*۱</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کمیته تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی گلستان

[zahrakarimi2010@yahoo.com](mailto:zahrakarimi2010@yahoo.com)

**مقدمه:** طرح ضیافت اندیشه یکی از طرح های آموزشی و علمی است که در زمینه های معارف اسلامی و اندیشه های سیاسی با هدف اصلی تقدم کیفیت بر کمیت در دانشگاه های سراسر کشور برگزار می گردد که هدف ایجاد فضای معنوی و آمیختگی علم با معنویت و پاسخگویی به شبهات دینی و فرهنگی در فضایی آزاد و راحت تر و صمیمی تر از فضای رسمی و ایجاد روحیه اعتماد به نفس و بروز توانمندی ها و استعداد های دانشجویان را دنبال می کند. هدف: تعیین اثر طرح ضیافت اندیشه بر میزان معنویت دانشجویان دختر دانشگاه های استان گلستان می باشد.

**روش ها:** مطالعه مداخله ای بر روی ۱۳۰ دانشجویان دختر دانشگاه های دولتی استان گلستان که در طرح ضیافت اندیشه در ماه رمضان بمدت ۱۵ روز در تابستان ۱۳۹۱ برگزار شده بود انجام شد. از پرسشنامه ۴۰ سوالی معنویت بر گرفته شده از نهج البلاغه که از ویژگی های متقین بود و روایی آن از طریق روایی محتوی با متون دینی و پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰.۸۴ درصد تایید شد. رفتار های معنوی دانشجویان قبل از اجرای طرح و اثر این طرح بر رفتار های معنوی آنان بعد از اجرای طرح بصورت خود گزارش دهی سنجیده شد. با استفاده از آزمون آماری تی زوج میانگین امتیازات مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج:** میانگین نمره امتیاز معنویت در دانشجویان قبل از طرح ۱۲۱,۳۰ و بعد از طرح ۱۳۱,۸۳ بود که تاثیر این طرح ارتباط معنی دار آماری با  $p=0.001$  دیده شد. طرح ضیافت دانشجویان را به خدا نزدیکتر کرده بود. بیشترین تاثیر پذیری، خواندن قرآن در شب و راز و نیاز با خدا ۵۲ درصد افزایش، شکیبایی در سختی ها ۳۸ درصد افزایش و شکر و ذکر خدا ۳۶ درصد افزایش را نسبت به قبل از اجرای این طرح نشان داد.

**نتیجه گیری:** نتایج نشان داد آموزش دروس دینی و قرار گرفتن در فضای معنوی، رفتار های معنوی دانشجویان را به ویژگی های یک انسان متقی نزدیکتر می کرد. دانشجویان هر چند رفتار معنوی داشتند اما این طرح باعث افزایش معنویت در آنها شده بود آنها بیشترین تاثیر پذیری را نزدیکی به خدا و راز و نیاز شبانه با او و قرائت قرآن در شب ذکر کردند

**واژه های کلیدی:** معنویت، دانشجوی، طرح ضیافت اندیشه

## تبیین دیدگاه دانشجویان مامایی از مربی بالینی کارآمد: آنالیز محتوای کیفی

دکتر زهره شاه حسینی<sup>۱</sup>، دکتر زینب حمزه گردشی<sup>۱\*</sup>

<sup>۱</sup>دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران، ساری، ایران

Hamzeh@razi.tums.ac.ir

**مقدمه:** مطالعات حاکی از این است که خصوصیات از جمله حمایت دانشجو توسط مربی در موقع روبروشدن با مشکل، ارائه بازخورد مناسب از جانب مربی به دانشجو، ویژگیهای شخصیتی و غیره از مشخصه های مربی بالینی کارآمد می باشد که می تواند منجر به تعامل کارآمد بین مربی و دانشجو و در نهایت بهبود یادگیری و صلاحیت بالینی دانشجویان شود. مطالعه حاضر درصدد است تا دیدگاه های دانشجویان مامایی در مورد مربی بالینی کارآمد را با تأکید بر مناسبات فرهنگی ایرانی تبیین نماید.

**روش‌ها:** این پژوهش، با رویکرد کیفی به تبیین دیدگاه های دانشجویان مامایی در مورد خصوصیات مربی بالینی کارآمد پرداخت. پژوهشگران با استفاده از مصاحبه های فردی عمیق دیدگاه های ۲۲ دانشجوی مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران و مازندران را در مورد خصوصیات یک مربی بالینی کارآمد اخذ نمود. سپس با روش تجزیه و تحلیل محتوای کیفی از نوع قراردادی مضامین از داده ها استخراج شد.

**نتایج:** از آنالیز یافته های مطالعه حاضر مضامین و طبقات زیر شامل: صلاحیت و شایستگی آموزشی مربی (توانایی پاسخگویی به سوالات دانشجویان، فن بیان، مهارت در پروسیجرهای مامایی، به روز بودن اطلاعات مربی)، حسن خلق مربی (حفظ کرامت انسانی، همدلی)، داشتن نگرش حرفه ای مثبت انتزاع شد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می شود که مربیان بالینی با به کار بردن دیدگاه های دانشجویان در ارتباط با خصوصیات مربی بالینی کارآمد به طور موثرتری به اهداف آموزش بالینی خود دست یافته و بتوانند به طور موثری فرآیند یادگیری بالینی دانشجویان را تسهیل نمایند.

**واژه‌های کلیدی:** دیدگاه، دانشجویان مامایی، تعامل کارآمد، استاد، مطالعه کیفی



## ارزشیابی تدریس آزمایشگاهی (laboratory teaching) در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

۳۹

دکتر نوید محمدی-افسانه بیخ فروش ها\* -دکترامیر پیمانی

دانشجوی دکترای آموزش پزشکی- دانشگاه علوم پزشکی تهران

star2000\_y@yahoo.com

**مقدمه:** آزمایشگاه با توجه به تنوع کاری یک محیط آموزشی بسیار حساس و با اهمیت بوده و نیاز به توجه دقیق و فراوان دارد در آموزش به شیوه آزمایشگاهی از فراگیرنده انتظار می رود به طور فعالانه در طول جلسه آموزش درگیر باشد ولی متأسفانه در بسیاری از موارد، آزمایشگاه به مکانی تبدیل شده است که در آن یا "صحت مطالب تدریس شده در سخنرانی به اثبات می رسد" یا "نتایج مطلوب مدنظر به دست نمی آیند ارزیابی نحوه آموزش دوره های عملی و آزمایشگاهی به عنوان رکن و اساس یادگیری دروس نظری از اولویت های آموزش پزشکی در دانشگاهها است. هدف از مطالعه حاضر ارزشیابی تدریس آزمایشگاهی (laboratory teaching) در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین می باشد.

**روش مطالعه:** در مطالعه توصیفی فوق، پس از تدوین Rating Scale محقق ساخته (پس از تایید روایی صوری و روایی محتوایی و پایایی  $r=0/8$ )، فرایند یاددهی-یادگیری اساتید واحدهای میکروب شناسی، بیوشیمی مورد بررسی قرار گرفتند. روش جمع آوری اطلاعات به صورت مشاهده مستقیم فرآیند تدریس بود که جهت نمره دهی از مقیاس ۵ رتبه ای لیکرت و جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS استفاده شد.

**نتایج:** نتایج مطالعه نشان داد که بیشترین نقاط قوت آموزش آزمایشگاهی مربوط به:

فعالیت های حین تدریس شامل: در نظر گرفتن پیش نیازهای یادگیری و ارتباط مطالب (۷۹/۷٪)، انجام بحث و بررسی (۷۱٪)، تشویق کارگروهی (۶۶/۶٪) و کاربرد روش های متنوع آموزشی (۶۶/۶٪)

فعالیت پس از تدریس شامل: استفاده از روش های متنوع ارزشیابی (۷۸/۸٪) و ارائه بازخورد به فراگیران (۷۵٪) و همچنین وضعیت محیط فیزیکی آزمایشگاه (۶۴٪) بود و نقطه ضعف آن مربوط به فعالیت های پیش از تدریس شامل ارائه lesson plan (۴۴٪) بیان انتظارات استاد از دانشجو (۳۳٪) و همچنین ذکر نکات ایمنی و ارائه راهنمای انجام آزمایشات (flow chart) در زمان مورد نیاز، به دانشجویان بود.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج حاصل از تحقیق و همچنین نقش تدریس دروس عملی و آزمایشگاهی در یادگیری اکتشافی فراگیران، به نظر می رسد علیرغم وجود نکات قابل توجه در وضعیت تدریس آزمایشگاهی در دانشکده پزشکی، آموزش و ارائه فیدبک به اساتید در زمینه نقاط ضعف تدریس آزمایشگاهی می تواند موجب بهبود کیفیت آموزشی گردد.

**کلید واژه:** ارزشیابی، آزمایشگاه، دانشکده، استاد

## بررسی میزان اثربخشی سمینارها و همایش های آموزشی کشوری با الگوی بازگشت سرمایه (ROI)

افسانه یخ فروش ها\* ، دکتر سید کامران سلطانی عربشاهی، دکتر ماندانا شیرازی

\*دانشجوی دکترای آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

star2000\_y@yahoo.com

**مقدمه:** با توجه به دگرگونیهای سریع و پرشتاب دانش و معلومات بشری ، سازمانها به عنوان یک سیستم باز برای تداوم حیات خود نیازمند پاسخگویی به تغییرات محیطی هستند. از آنجا که منابع انسانی مهمترین عامل و محور سازمانها محسوب می شود ، تجهیز و آماده سازی منابع انسانی برای مواجه شدن با تغییرات از اهمیت ویژه برخوردار است بدین منظور سالانه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مبالغ هنگفتی را برای برگزاری همایش ها برای آموزش نیروی انسانی هزینه می کند بدون آنکه اثربخشی آنها در دانشگاهها و افراد شرکت کننده مورد ارزیابی قرار گیرد . برنامه های آموزشی تنها زمانی ارزشمند است که با شواهد و مدارک مستند، قابل اطمینان و معتبر تاثیرات آموزش را بر شرکت کنندگان نشان دهد. هدف از مطالعه حاضر بررسی میزان اثربخشی سمینارها و همایش های آموزشی کشوری با الگوی بازگشت سرمایه Return on Investment (ROI) می باشد.

**روش ها:** این مطالعه به صورت مروری و از طریق جستجوی مقالات مرتبط در منابع اینترنتی و کتابخانه ای مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج:** روش بازگشت سرمایه یک روش مالی است که می تواند برای ارزشیابی آموزش، شناسایی منابع و سرمایه گذاری در فعالیتهای آموزشی استفاده شود فیلیپس در این مدل نشان می دهد که چگونه باید مقادیر پولی یا مالی در ارزش آموزش دخالت داد و بازگشت سرمایه را در یک فعالیت آموزشی محاسبه کرد که مراحل آن شامل ارزشیابی برنامه ریزی، جمع آوری ارزشیابی و تفسیر داده ها می باشد که هرمرحله شامل چندین گام می باشد.

**نتیجه گیری:** ارزیابی اثربخشی مداخلات آموزشی از پیچیده ترین و مبهم ترین و در عین حال ضروری ترین و حیاتی ترین گام های آموزش است. در میان الگوهای متعددی که برای ارزیابی اثربخشی تدوین و طراحی شده است ، الگوی ارزیابی بازگشت سرمایه (ROI) از پیچیدگی و کاربرد بیشتری برخوردار است. این الگو نسبت به سایر الگوها از جامعیت بیشتری برخوردار بوده و برای دستیابی به آن اطلاعات جامعتری نیاز است و به تبع آن مراحل متعددی باید اعمال شود و برهمین اساس برتر از سایر الگوهاست

**واژه های کلیدی:** آموزش، الگو، اثربخشی، ارزیابی

## فرا تحلیلی بر چگونگی اجرای ارزشیابی های آموزشی در برنامه های درسی رسمی نظام آموزشی عالی ایران

مازیار رستمی\*<sup>۱</sup>، زهرا خمبه بینی<sup>۲</sup>

کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

rostami\_maziar@yahoo.com

**مقدمه:** اصطلاح ارزشیابی یا ارزیابی، بطور ساده به تعیین ارزش برای هر چیزی یا مبادرت به انجام داوری ارزشی گفته میشود. به عبارتی ارزشیابی به یک فرایند نظامدار برای جمع آوری، تحلیل، و تفسیر اطلاعات اطلاق میگردد، به این منظور که تعیین شود آیا هدفهای مورد نظر تحقق یافته اند یا در حال تحقق یافتن هستند و به چه میزانی. برنامه های درسی نیز در کنار سایر موضوعات از قبیل، روشهای آموزشی، مواد آموزشی، عملکرد اساتید و پروژه های آموزشی، از جمله موضوعاتی اند که ارزشیابی با آن ارتباط تنگاتنگ دارد. اصولاً تهیه برنامه درسی فعالیتی است که دارای پیچیدگی و ظرافت خاصی است، بنابراین نمی تواند فارغ از بررسی کیفی و بهبود مستمر باشد. بنابراین خلق برنامه های درسی با کیفیت و کارایی از آرمان های هر نظام آموزشی است. لذا در این پژوهش، از طریق بررسی پژوهش های مرتبط با موضوع این نوشتار، بر آن شدیم که، به فرا تحلیلی بر چگونگی اجرای ارزشیابی های آموزشی در برنامه های درسی رسمی نظام آموزشی عالی ایران، بپردازیم.

**روش ها:** این مطالعه به روش کتابخانه ای و همچنین بصورت مروری بر متون و تحقیقات مرتبط در راستای ارزشیابی های آموزشی از برنامه های درسی در سیستم آموزش عالی ایران، از طریق سایت های sid-irandoc-magiran-google-iran medex، مجلات پژوهشی و کتابچه خلاصه مقالات کنگره های داخلی مرتبط که در مجموع ۳۸ منبع بود، انجام پذیرفت.

**نتایج:** از مجموع ۳۸ منبع استفاده شده، ۳۳ نمونه یا مقاله بررسی شده، وارد مطالعه شدند که از این تعداد، ۱۸ مقاله (۵۴٪) با سازوکار ارزشیابی کمی، ۷ مقاله (۲۱٪) با ساختار ارزشیابی کیفی و ۸ مقاله (۲۴٪) نیز تلفیقی از روشهای کمی و کیفی را انتخاب و به ارزشیابی موضوع مورد بررسی خود پرداخته اند.

**نتیجه گیری:** هدف از این پژوهش انجام فراتحلیلی بر چگونگی اجرای ارزشیابی های آموزشی در برنامه های درسی رسمی نظام آموزشی عالی ایران بود. با عنایت به فراوانی و تعدد شیوه ارزشیابی با ساختار کمی و استفاده از ابزار های کمی در پژوهشهای مورد بررسی در این مطالعه، می توان فراوانی و اجرای روشهای کمی ارزشیابی آموزشی در برنامه های درسی را در بین سایر روشهای ارزشیابی ملاحظه نمود.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی، برنامه درسی، نظام آموزشی عالی

عوامل موثر بر رضایت شغلی اعضای هیئت علمی دانشکده های علوم پزشکی در  
دانشگاههای پژوهش محور مالزی

دکتر امیر صادقی<sup>۱\*</sup>، دکتر سیده آزاده صفوی<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup>مدیریت آموزش عالی Ph.D

<sup>۲</sup>برنامه ریزی درسی و آموزش Ph.D

sadeghi1965@gmail.com

**مقدمه:** آموزش علوم پزشکی به دلیل ارتباط مستقیم با سلامت جامعه، نقش محوری در آموزش عالی ایفا می نماید. در این راستا عملکرد مطلوب اعضای هیئت علمی دانشکده های پزشکی تاثیر به سزایی در کیفیت آموزش و پژوهش متناسب با نیاز جامعه و در نهایت کیفیت آموزش عالی خواهد داشت. رضایت شغلی، یکی از عوامل موثر بر عملکرد اعضای هیئت علمی به شمار می آید. پژوهش حاضر به بررسی عوامل موثر بر رضایت شغلی اعضای هیئت علمی دانشکده های علوم پزشکی در دانشگاه های پژوهش محور کشور مالزی می پردازد.

**روش ها:** در این مطالعه توصیفی، ۱۰۳ نفر از جامعه پژوهش شامل اعضای هیئت علمی دانشکده های علوم پزشکی در دانشگاه های پژوهش محور مالزی بطور تصادفیبه عنوان نمونه انتخاب گردیدند. از پرسشنامه معتبر رضایت شغلی اعضای هیئت علمی وودبه عنوان ابزار جمع آوری داده ها استفاده گردید. روایی و پایایی ابزار توسط پانل متخصصین، مطالعه پایلوت و تعیین ضریب همسانی درونی تایید گردید.

**نتایج:** عوامل درونی رضایت شغلی، نقش غالب را در مقایسه با عوامل بیرونی به خود اختصاص دادند. بین رضایت شغلی اعضای هیئت علمی با مدرک دکترا و فوق لیسانس تفاوت آماری معنی داری مشاهده نگردید. بر اساس نتایج آزمون تی مستقل (*Independent t-test*)، اعضای هیئت علمی مرد از میزان رضایت شغلی بیشتری برخوردار بودند ( $p=0/015$ ). نتایج آنالیز واریانس یکطرفه (*one way ANOVA*) و تست پست هاک (*Post-hoc*) نشان داد اعضای هیئت علمی با درجه آکادمیک پروفیسوری در مقایسه با سایرین از رضایت شغلی بیشتری برخوردار بودند ( $p=0/014$ ).

**نتیجه گیری:** "رضایت برخاسته از خود شغل" و "میزان حقوق" از بین عوامل درونی و بیرونی پایین ترین سطح رضایت شغلی را بخود اختصاص دادند. اگرچه عوامل انگیزشی بیرونی نقش مهمی در رضایت شغلی اعضای هیئت علمی دارند؛ لیکن بمنظور بهره مندی هرچه بیشتر از قابلیت های تخصصی اعضای هیئت علمی، توصیه می گردد تلاش سیاستگذاران آموزشی بیشتر بر تامین عوامل انگیزشی درونی معطوف گردد.

**واژه های کلیدی:** رضایت شغلی، اعضای هیئت علمی، دانشکده های علوم پزشکی، دانشگاه های پژوهش محور

## آموزش داوران همتا در کارگاه: گزارش ارزشیابی اولیه

دکتر رویا ملاباشی\*، میترا دادمان، دکتر طاهره چنگیز، مینا توتونچی، شهلا شهیدی، دکتر موسی علوی  
پزشک عمومی، کارشناس ارشد آموزش پزشکی، کارشناس پژوهشی و مدیر داخلی مجله ایرانی آموزش در  
علوم پزشکی. مرکز تحقیقات آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان  
mollabashi@edc.mui.ac.ir

**مقدمه:** نقش داوری همتا در افزایش کیفیت مقالات بر کسی پوشیده نیست. در این روش افراد صاحب نظر در یک حیطه، مقاله‌ای در آن حیطه را داوری می‌کنند. یکی از راه‌های افزایش کیفیت داوری مقالات، آموزش داوران است. به همین منظور شورای سردبیری مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، کارگاه آموزشی داوری همتا برگزار کرد. این مقاله با ارزیابی دیدگاه شرکت‌کنندگان نسبت به آموزش ارائه شده و تأثیر آن بر آگاهی ایشان می‌پردازد.

**روش‌ها:** در این مطالعه پیش‌تجربی، دیدگاه تمام شرکت‌کنندگان (۲۲ نفر) در کارگاه شش ساعته آموزش داوری همتا که شامل داوران مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی و دانشجویان دکترای پرستاری، بهداشت باروری و آموزش پزشکی بودند بررسی شد. کارگاه به صورت بیان اصول داوری همتا و تمرین عملی بر روی دو نمونه مقاله در گروه کوچک، و سپس بحث عمومی اجرا شد. شرکت‌کنندگان دو هفته قبل از کارگاه مقالات مورد بحث را دریافت، مطالعه، و به صورت انفرادی داوری کرده بودند. ابزار بررسی دیدگاه شرکت‌کنندگان، پرسشنامه پژوهشگر ساخته ۲۵ سوالی (مقیاس ۱ تا ۵) بود که نظر ایشان را نسبت به نحوه طراحی و برگزاری کارگاه در حیطه‌های قبل، حین، و بعد از آموزش، تسهیلات، و زمان بندی بررسی می‌کرد. پایائی پرسشنامه با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ( $\alpha = 0.93$ ) تأیید شد. میزان دانش با پیش‌آزمون و پس‌آزمون غیرهمسان اما معادل بررسی شد. هر آزمون شامل ۱۴ سوال چهارگزینه‌ای بود که توسط مدرسان کارگاه طراحی شد. نمره کل آزمون از بیست بود (وزن هر سوال بر اساس اهمیت آن تعیین شد). داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و تی زوج تحلیل شد.

**نتایج:** کلیه پرسشنامه‌ها تحلیل شد. میانگین و انحراف معیار نمره کل دیدگاه  $4.37 \pm 0.52$  بود. نوزده نفر (۸۶٪) کارگاه را عالی و خیلی خوب ارزیابی کردند. میانگین و انحراف معیار نمره پیش‌آزمون  $11.15 \pm 2.43$  و پس‌آزمون  $13.89 \pm 2.65$  بود. آزمون تی زوج تفاوت معناداری بین میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان داد ( $t = -3.11, p = 0.006$ ).

**نتیجه‌گیری:** دیدگاه خوب شرکت‌کنندگان نسبت به کارگاه و افزایش نمرات دانش پس از آموزش، بیانگر تأثیر مثبت این دوره است. به نظر می‌رسد برگزاری کارگاه‌های مشابه برای داوران و دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی مفید باشد. البته تأیید تأثیر کارگاه نیازمند پیگیری عملکرد داوری افراد و مقایسه آن با قبل از ارائه این دوره است.

**واژه‌های کلیدی:** داوری همتا، دیدگاه، آموزش، مجلات علوم پزشکی

## ارتباط بین نتایج امتحانات جامع علوم پایه و پیش کارورزی با معدل دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

\*علی عباسی، بیتا بیجاری،

\*کارمند علوم پزشکی بیرجند

aliabassi86@yahoo.com

**مقدمه:** یکی از ارکان ضروری و اجتناب ناپذیر بهبود کیفیت نظام آموزشی به ویژه در دانشگاه ها، ارزیابی مداوم و مستمر وضعیت روند تحصیلی دانشجویان در مقاطع مختلف آموزشی می باشد. هدف از این مطالعه تعیین ارتباط بین نتایج امتحانات جامع علوم پایه و پیش کارورزی با معدل بالینی و معدل کل دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند می باشد.

**روش ها:** این مطالعه مقطعی دانشجویان پزشکی دانشکده پزشکی بیرجند در چهار ورودی ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ بصورت سرشماری انتخاب شدند. اطلاعات مربوط به دانشجویان و نمرات امتحان جامع علوم پایه و پیش کارورزی، معدل دوره بالینی و معدل کل دانشجویان از پرونده آنان استخراج شد. داده ها پس از ورود به نرم افزار SPSS (۱۵) با استفاده از تستهای  $t$  و ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** تعداد ۱۴۵ نفر (۳۵ مرد و ۱۱۰ زن) در مجموع چهار دوره وارد مطالعه شدند. میانگین نمره علوم پایه و نمره پیش کارورزی در دانشجویان به ترتیب  $128/86 \pm 19/27$  و  $118/54 \pm 18/82$  و میانگین معدل بالینی و معدل کل دانشجویان به ترتیب  $16/77 \pm 1/04$  و  $17/09 \pm 0/96$  بود. اختلاف میانگین نمرات علوم پایه و پیش کارورزی در دو جنس از نظر آماری معنی دار نبود. ضریب همبستگی بین نمرات علوم پایه با معدل بالینی و معدل کل به ترتیب  $0/56$  و  $0/68$  و ضریب همبستگی بین نمرات نمره پیش کارورزی با معدل بالینی و معدل کل دوره پزشکی به ترتیب  $0/57$  و  $0/58$  محاسبه شد.

**نتیجه گیری:** ضریب همبستگی نسبتاً بالا بین نمرات امتحان جامع علوم پایه و پیش کارورزی با معدل دانشجویان در مقاطع مختلف دوره پزشکی مشخص می کند که آزمون های علوم پایه و پیش کارورزی می توانند به عنوان ابزارهای معتبری برای ارزیابی صلاحیت علمی دانشجویان پزشکی برای ورود به مراحل بعدی تحصیلی باشند.

**واژه های کلیدی:** امتحان جامع علوم پایه، امتحان جامع پیش کارورزی، معدل، دانشجوی پزشکی

## شیوع فرسودگی شغلی و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان پزشکی مقطع کارورزی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال ۱۳۹۰

\* بیتا بیجاری، علی عباسی، محمود صادقی خراشاد،

استادیار علوم پزشکی بیرجند

bita.bijari@yahoo.com

**مقدمه:** فرسودگی شغلی سندرم روانشناختی متشکل از سه بعد خستگی هیجانی مسخ شخصیت و کاهش احساس کفایت شخصی می باشد که می تواند بر برخی از مشاغل و از جمله دانشجویان پزشکی تاثیر بگذارد. این مطالعه با هدف بررسی شیوع فرسودگی شغلی، سلامت روان و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان پزشکی دوره کارورزی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند انجام شد.

**روش‌ها:** در این مطالعه مقطعی (توصیفی تحلیلی) دانشجویان پزشکی دوره کارورزی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند بصورت سرشماری در سال ۱۳۹۰ شرکت کردند. پرسشنامه های فرسودگی شغلی مازلاخ و GHQ12 (پرسشنامه ۱۲ سوالی سلامت روان) توسط دانشجویان تکمیل شد. داده ها با نرم افزار SPSS(16) با استفاده از تست های آماری توصیفی و تست کای مربع و آزمون T مستقل مورد آنالیز قرار گرفت.

**نتایج:** تعداد ۹۲ نفر با میانگین سنی  $25/74 \pm 1/51$  در این مطالعه شرکت کردند میزان پاسخدهی ۹۴/۸٪ بود. ۳۱/۵٪ از شرکت کنندگان فرسودگی شغلی متوسط تا شدید داشتند.

۲۳/۹٪ در بعد خستگی هیجانی ۲۸/۳٪ در بعد مسخ شخصیت و ۲۰/۷٪ در بعد عدم کفایت شخصی امتیاز بالایی را کسب کردند. میزان سلامت روان غیرنرمال در شرکت کنندگان ۳۱/۵٪ بود که با ارتباط آن با فرسودگی شغلی معنی دار بود. ( $P=0/001$ ) ارتباط معنی داری بین فرسودگی شغلی با سن، جنس، وضعیت تاهل با فرسودگی شغلی مشاهده نشد

**نتیجه‌گیری:** نتایج مطالعه نشان داد که فرسودگی شغلی در بین دانشجویان پزشکی شایع بود که می تواند موجب عواقب وخیمی از جمله شکست تحصیلی دانشجویان باشد. از اینرو پیشنهاد می شود دانشجویان در جهت کمک گرفتن از مراکز مشاوره تشویق شوند و تسهیلات لازم از جمله کارگاههای مهارت زندگی و کنترل استرس برای آنان در نظر گرفته شود.

**واژه‌های کلیدی:** فرسودگی شغلی، دانشجویان پزشکی، کارورزی، بیرجند

## پایایی ارزشیابی مهارت‌های ارتباطی دستیاران داخلی دانشگاه علوم پزشکی شیراز به روش مشاهده مستقیم

لیلا بذرافکن\*، سید ضیاءالدین تابعی، نوید نونژاد، محمدحسن کشاورزی

\*مری گروه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز و دانشجوی دکتری آموزش پزشکی مرکز تحقیقات

آموزش علوم پزشکی اصفهان

bazrafkanl@sums.ac.ir

**مقدمه:** مهارت‌های ارتباطی بخش حیاتی از برنامه آموزش دستیاران می‌باشد. شیوه‌های مختلفی برای سنجش مهارت‌های ارتباطی در دانشکده پزشکی وجود دارد اما مشاهده مستقیم فراگیران پزشکی حین ارتباط با بیماران واقعی برای ارزیابی مهارت‌های ارتباطی بسیار مهم است. هدف از این مطالعه ارزشیابی پایایی سنجش مهارت‌های ارتباطی در دستیاران داخلی توسط دانشجویان پزشکی به عنوان مشاهده‌گر می‌باشد.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی تحلیلی، ۳۲ نفر از دستیاران داخلی پزشکی از دانشگاه علوم پزشکی شیراز توسط دانشجویان پزشکی در طول سال اول آموزش توسط یک پرسشنامه روا و پایا (چک لیست بله/خیر) برگرفته از الگوی کالگری-کمبریج ارزیابی گردیدند. هر دستیار برای هر مورد از پرسشنامه ۵ بار توسط دانشجویان پزشکی ارزیابی گردید. تحلیل داده‌ها به منظور تعیین فراوانی، توزیع و میانگین توسط SPSS نسخه ۱۵ انجام گردید.

**نتایج:** از ۳۲ شرکت کننده در این مطالعه، تعداد ۱۴ نفر مرد، ۱۸ نفر زن، ۱۸ نفر در بیمارستان نمازی و ۱۴ نفر در بیمارستان شهید فقیهی و ۱۶ نفر در بخش و ۱۶ نفر در اسکرین و اورژانس، بودند. میانگین کل نمره مهارت‌های ارتباطی دستیاران در ۵ بار مشاهده  $3/25 \pm 0/46$  و همبستگی درونی یافته‌ها و مشاهدات انجام شده در مورد سنجش مهارت‌های ارتباطی ۰/۶۵ بود. میانگین میزان کفایت مهارت‌های ارتباطی در رابطه با ارتباط میان پزشک و بیمار ۰/۵۶، در رابطه با درک بیمار نسبت به بیماری ۰/۶۳، حساس بودن و همدردی کردن ۰/۵۸، احترام به اصل محرمانگی و رازداری ۰/۶۹، نشان دادن انسجام ۰/۷۲، اطلاع رسانی و آگاهی دادن ۰/۶۷، پیش بینی نیازهای آموزشی ۰/۶۹، به توافق رسیدن در رابطه با مشکلات و برنامه‌ها به صورت موثر ۰/۶۳ بوده است.

**نتیجه‌گیری:** یافته‌ها در این مطالعه نشان داد که مهارت‌های ارتباطی در میان دستیاران داخلی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز قابل قبول می‌باشد و پایایی مشاهدات دانشجویان تقریباً در بالاترین سطح است. همچنین حوزه‌های مناسب جهت مداخله از طریق تهیه برنامه درسی برای ارتقاء موفقیت‌های دستیاران در این زمینه مشخص گردید.

**واژه‌های کلیدی:** پایایی، ارزشیابی، مهارت‌های بالینی، دستیاران داخلی، روش مشاهده مستقیم



## بررسی روش و عوامل موثر بر ارزشیابی کیفیت آموزشی اساتید دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

\*دکتر حوریه موسوی، دکتر عباس مکارم، دکتر مجید بنیادی منش

\*دانشیار مرکز تحقیقات مواد دندانپزشکی، دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم

پزشکی مشهد.

moosavii@mums.ac.ir

**مقدمه:** حساسیت امر آموزش و توجه به فرآیندهای آموزشی در دانشگاه ها، ضرورت ارزشیابی را که بهبود کیفیت آموزش و در نهایت بهبود کارایی و اثربخشی سیستم آموزشی کشور را بدنبال خواهد داشت، تأکید می نماید. این مطالعه به منظور بررسی روش و عوامل مؤثر بر ارزشیابی کیفیت آموزشی اساتید دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، انجام شد.

**روش‌ها:** در این مطالعه ی توصیفی در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ در دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، پرسشنامه هایی منطبق بر اهداف تحقیق در سه بخش تهیه شد. بخش اول شامل مشخصات فردی اساتید بود. در بخش دوم، تعداد ۸ سؤال پیرامون نظرات اساتید نسبت به بازخورد اعلام نمره ارزشیابی و اهمیت نمرات اعلام شده از سوی منابع و افراد مختلف بود. بخش سوم شامل ۲۰ سؤال در زمینه ی عوامل مؤثر در افزایش یا کاهش نمره ی ارزشیابی از دیدگاه اساتید بود. اطلاعات جمع آوری شده با آزمون فرید من مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند ( $P < 0.05$ ).

**نتایج:** نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که ۵۴٪ اساتید اعتقاد داشتند بین نمره ی ارزشیابی و واقعیت شیوه ی تدریس ارتباط متوسطی وجود دارد. در مورد اهمیت نمرات اعلام شده از سوی منابع مختلف، ۴۶٪ اساتید اهمیت نظرات دستیاران تخصصی را زیاد اعلام کردند.

کمترین اهمیت از دیدگاه اساتید مربوط به نظر پرسنل بخش بود ( $P < 0.001$ ). در بین علل افزایش نمره ی ارزشیابی از دیدگاه اساتید، اولویت اول را توانایی و تسلط بیشتر بر محتوای دروس نسبت به موارد دیگر کسب نمود و کمترین اولویت را تجدید شیوه تدریس کسب کرد ( $P < 0.001$ ). طبق نظر اساتید شرکت کننده در این پژوهش مهمترین عامل و افت نمره ارزشیابی اساتید، عملکرد نامناسب مسئولین و کم اثرترین عامل در افت نمره ی ارزشیابی اساتید مربوط به تعطیلات مکرر در طول ترم بود ( $P < 0.001$ ).

**نتیجه گیری:** از آنجایی که از نظر اساتید مهمترین عامل در افزایش نمره ی ارزشیابی، تسلط بر محتوی دروس بود. لذا می بایست اساتید با شرکت در کارگاه های آموزشی، جلسات، سمینارها و مطالعه رفرنس ها، علم خود را به روز کرده و مسئولین دانشگاه ها با بها دادن به نظرات اساتید و همکاری همه جانبه با آنان، اساتید را در امر خطیر آموزش یاری دهند.

**واژه های کلیدی:** دانشجویان، ارزشیابی آموزش، اساتید بالینی

## بررسی رعایت اصول ساختاری در آزمون‌های ارتقاء دستیاری دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین سال تحصیلی ۹۱-۹۰

دکتر عباس علامی<sup>۱</sup>، فریبا درخشان<sup>۲\*</sup>، فاطمه صفدری<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشگاه علوم پزشکی قزوین دانشکده پزشکی، دفتر توسعه آموزش

<sup>۲\*</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

Email: Faribaderakhshan@gmail.com

**مقدمه:** آزمون‌های چند گزینه‌ای به علت عینیت کامل، از حداکثر پایایی ممکن برخوردار می‌باشند، اما روایی آنها به‌ویژه در مورد رعایت اصول طراحی ساختار MCQ از مسایل مورد توجه در مطالعات و پژوهش‌های آموزشی بوده است. اگر یک آزمون از طراحی مطلوب در زمینه رعایت قواعد ساختاری برخوردار نباشد واجد روایی ساختار مطلوب نبوده و این امر برانگیزه‌های فراگیران اثرات منفی بر جای گذاشته و امکان به هدر رفتن تلاش اساتید و سیستم آموزشی را به دنبال خواهد داشت، لذا بررسی کیفیت سؤالات آزمون‌ها از این نظر ضروری است. در این مطالعه کیفیت سؤالات آزمون‌های ارتقاء دستیاری دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال ۱۳۹۱ از نظر رعایت اصول ساختاری مورد بررسی قرار گرفت.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی کلیه سؤالات آزمون‌های ارتقاء دستیاری دانشکده پزشکی از نظر ساختار طراحی سؤالات بر اساس اصول استاندارد طراحی تنه و گزینه‌های میلمن (Millman) با چک لیستی شامل ۲۷ مورد بررسی گردید. بررسی سؤالات توسط اعضای کمیته آزمون‌های دفتر توسعه آموزش پزشکی (EDO) دانشکده پزشکی انجام گردید که با گذرانیدن کارگاه‌ها و دوره‌های ارزیابی فراگیران در زمینه آزمون‌های چند گزینه‌ای کاملاً مسلط بودند. تجزیه و تحلیل داده‌ها، به وسیله نرم افزار آماری SPSS.V.۱۹ و با استفاده از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی صورت گرفت.

**نتایج:** در مورد رعایت اصول طراحی سؤالات (اصول میلمن)، نتایج نشان داد که از مجموع ۱۰۵۰ سوال در ۷ آزمون ارتقاء دستیاری، رشته‌های کودکان، داخلی، روان پزشکی، زنان، قلب، بیهوشی و جراحی در کل، ۶۱/۱۴ درصد سؤالات بدون اشکال بودند، ۲۹/۵۲ درصد یک اشکال، ۶/۷۶ درصد دو اشکال و ۲/۵۷ درصد بیش از دو اشکال ساختاری داشتند. سؤالات رشته زنان و زایمان با ۱۷ مورد کمترین و رشته قلب با ۱۳۲ مورد بیشترین اشکال را در ساختار سؤالات داشتند.

**نتیجه‌گیری:** مطالعه حاضر نشان داد، کیفیت آزمون‌های ارتقاء دستیاری از نظر رعایت اصول ساختار MCQ بین رشته‌های مختلف متفاوت بوده و در برخی موارد نیازمند اتخاذ تدابیر اصلاحی می‌باشد. به نظر می‌رسد باید با استاندارد سازی و ارتقای کیفیت ارزیابی دستیاران با استفاده از مواردی چون تکرار کارگاه‌های ارزیابی فراگیران برای گروه‌های آموزشی که ارزیابی مطلوبی نداشته‌اند، تهیه پمفلت آموزشی در مورد سؤالات چند گزینه‌ای و ارسال آن در زمان طراحی سؤالات برای کلیه گروه‌های آموزشی و ارزیابی عملکرد اساتید در طراحی سؤالات این آزمون‌ها اقدامات اصلاحی صورت گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** دستیاری، آزمون ارتقاء، اصول میلمن

## بررسی انطباق تدریس - مدرس و شاخص های مرتبط با کیفیت تدریس در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه سال تحصیلی ۹۱-۹۰

بهزاد کرمی متین\*، ویدا سپاهی، گلاره حاتم

\*استادیار، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

BKM\_1344@yahoo.com

**مقدمه:** از مشکلاتی که در سیستم های آموزشی عالی مغفول مانده است انطباق تدریس اساتید با تخصص آنان است. گرچه این موضوع همواره مورد بحث در نشست های مسئولین آموزشی دانشگاه هاست اما عملاً مورد غفلت قرار می گیرد. لذا پژوهشگران با هدف سنجش میزان تطبیق تدریس - مدرس در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، وضعیت موجود در ارائه دروس را بررسی و شاخص های مرتبط با کیفیت تدریس را مورد سنجش قرار دادند.

**روش ها:** در این مطالعه که بصورت توصیفی - مقطعی صورت گرفت. جامعه آماری مورد بررسی را کلیه دروس ارائه شده در یکسال تحصیلی (۹۱-۹۰) بود که مدرسین دانشکده های پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی، پرستاری و مامایی، پیراپزشکی و بهداشت و مدعوین از سایر مراکز آموزشی را شامل گردید. جهت تطبیق تخصصی اساتید با دروس، به کمک کارشناسان کمیته ارزشیابی حیطه تخصصی اساتید تعیین و تأیید گردید. سپس عنوان درس و سرفصل مورد بررسی قرار گرفت و انطباق آن با تخصص مدرسین در دو حیطه انطباق دارد و انطباق ندارد تعیین شد. همچنین تفاوت بین دپارتمان های آموزشی با میزان تطبیق تخصصی دروس مورد سنجش قرار گرفت.

**نتایج:** تعداد کل موارد درسی بررسی شده ۷۱۲ مورد بوده که ۷۷/۱٪ مورد توسط مدرسین مرد تدریس گردیده بود. ۸۰/۶٪ مورد تدریس مربوط به دروس تئوری بوده که بیشترین آن ۵۲/۱٪ مورد در دانشکده پزشکی ارائه شده و از کل موارد درسی ارائه شده ۸۶/۹٪ آن توسط اساتید داخل دانشگاه به انجام رسیده بود. ارتباط تدریس انجام شده با مدرک تحصیلی اساتید ۹۵/۲٪ بود و ۴/۸٪ آن تطبیق نداشته اند که بیشترین این موارد مربوط به دانشکده پیراپزشکی با ۱۷/۷٪ که برابر با ۱۷ مورد درسی بود.

**نتیجه گیری:** با توجه به وجود موارد تدریس غیر منطبق از نظر تدریس - مدرس بنظر می رسد اجرای برنامه انطباق تدریس - مدرس در دانشگاهها بسیار الزامی است خصوصاً آنکه نتایج تحقیق حاکی از آن بوده که دروس تخصصی رشته ها دچار مشکل عدم انطباق بودند لذا پیشنهاد می گردد در سطح عالی (وزارت) نسبت به تدوین برنامه استراتژیک انطباق تدریس - مدرس اقدام تا قدمی ارزشمند در راستای توسعه آموزش و ارتقای کیفیت برداشته شود.

**واژه های کلیدی:** تدریس، مدرس، کیفیت

## بررسی اضطراب امتحان دانشجویان پرستاری و مامایی با برخی از عوامل

سمیرا سعیدی\*، دکتر اکرم ثناگو، مسلم حسام، دکتر لیلا جویباری، علیرضا شریعتی، مریم چهره گشا  
کمینه تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گلستان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی  
saeedi.samira93@yahoo.com

**مقدمه:** میزان کم اضطراب در طول دوره امتحانات برای انجام مطالعه لازم و ضروری است اما گاهی اضطراب دانشجویان بقدری زیاد می شود که فعالیت آنها را محدود می نماید. اضطراب امتحان بین دانشجویان شایع می باشد. دانشجویانی که هنگام امتحان دستخوش اضطراب می شوند از پردازش اطلاعات آنان کاسته می شود و این امر اثر زیادی بر عملکرد تحصیلی آنان خواهد داشت. هدف از این مطالعه تعیین اضطراب امتحان دانشجویان پرستاری و ارتباط آن با برخی از عوامل بوده است.

روش کار: در این مطالعه توصیفی- تحلیلی (۱۳۹۱) ۸۴ دانشجوی پرستاری از ترم ۲ تا ترم ۶ در دانشگاه علوم پزشکی گلستان در روز آزمون با استفاده از نمونه گیری در دسترس از نظر اضطراب امتحان مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه روا و پایا "test anxiety" حاوی سوالات دموگرافیک و تحصیلی و ۱۰ سوال مرتبط با اضطراب امتحانی، بود. دامنه امتیازات بین ۰-۵۰ و به صورت؛ کمتر از ۱۰ نمره خیلی کم، ۱۰-۱۹ سطح سالم اضطراب، ۲۰-۳۵ تا حدی از اضطراب و بیشتر از ۳۵ سطح ناسالم اضطراب بود. داده ها با استفاده از آماره های توصیفی و مجذور کای و آزمون تی مورد گزارش و در سطح معنی داری  $p < 0/05$  آنالیز شدند.

**نتایج:** ۹/۹ درصد دانشجویان در سطح سالم اضطراب، ۸۱/۵ درصد تا حدی اضطراب و ۸/۹ درصد در سطح ناسالم اضطراب بودند. ارتباط معنی دار آماری بین جنسیت و سطح اضطراب دانشجویان ( $p = 0/007$ ) و سختی امتحان دیده شد ( $p = 0/03$ ). بین متغیرهای موفقیت تحصیلی، ترم، نوع درس و قومیت ارتباط معنی دار آماری دیده نشد ( $p > 0/05$ ). جنسیت مونث و سخت بودن درس با احساس اضطراب بیشتر امتحان مرتبط بود ( $p < 0/05$ ).

**نتیجه گیری:** حدود ده درصد دانشجویان دارای اضطراب در سطح سالم بودند و سایرین تا حدی اضطراب و یا سطح ناسالم اضطراب، داشتند. با توجه به این که اضطراب اثرات معکوسی بر یادگیری و همچنین عملکرد دانشجویان دارد ضروری است دانشجویان با اضطراب در سطح ناسالم شناسایی شوند و اساتید مشاور و راهنما با راه حل های اختصاصی برای هر دانشجو برای کاهش این مشکل برنامه ریزی نمایند.

**واژه های کلیدی:** اضطراب امتحان، دانشجوی پرستاری، دانشجوی مامایی

## الزامات ارزیابی اثربخش در نظام آموزش پرستاری؛ یک مطالعه کیفی

مسعود خداویسی\*، مهرنوش بازارگادی، فریده یغمائی، حمید علوی مجد

\*استادیار پرستاری بهداشت جامعه و عضو مرکز تحقیقات مراقبت از بیماریهای مزمن در منزل، دانشگاه علوم

پزشکی همدان

Email: Khodaveisi@umsha.ac.ir

**مقدمه:** آموزش پرستاری در ایران اگرچه از رشد و روند مثبتی برخوردار است ولی با چالش‌هایی مواجه است. وجود این چالش‌ها اهمیت توجه به الزامات ارزیابی را بیشتر می‌کند لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین الزامات ارزیابی اثربخش در نظام آموزش پرستاری انجام گردید.

**روش‌ها:** این پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوا در سال ۱۳۸۹ انجام شد. داده‌های این مطالعه از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۲۱ نفر از صاحب نظران و صاحبان فرایند ارزیابی شامل اعضاء بورد پرستاری، رؤسا و معاونین و اعضای کمیته‌های ارزشیابی دانشکده‌های پرستاری و مامائی تیپ یک بدست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوا انجام شد.

**نتایج:** یافته‌های پژوهش در قالب مضمون‌های مربوط به الزامات ارزیابی اثربخش در سه حیطه عوامل دروندادی، عوامل فرایندی و عوامل برون‌دادی نظام آموزشی ظهور یافتند. از مضمون‌های مربوط به الزامات ارزیابی در حیطه عوامل دروندادی می‌توان، الزامات زیرساختی ارزیابی آموزشی، توجه به الگوها و رویکردهای موثر ارزیابی، بازنگری در ابعاد و اجرای ارزیابی، توجه به معیارهای پذیرش دانشجویان، ارزیابی مستمر دانشجویان، توجه به توانمندیهای مدرسین و مربیان بالینی و ارزیابی جامع از برنامه درسی را نام برد. مضمون‌های مربوط به الزامات ارزیابی در حیطه عوامل فرایندی شامل تطابق اهداف ارزیابی با استانداردها، بازنگری ابزارهای ارزیابی، تشکیل کمیته پیگیری و ارائه بازخورد، بهبود شرایط ارزیابان، توجه به ذینفعان و بهبود ارزیابی آموزش نظری و بالینی می‌باشند. مضمون‌های مربوط به الزامات ارزیابی در حیطه عوامل برون‌دادی شامل ارزیابی موثر از پیشرفت تحصیلی دانشجویان، برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان، توجه به توانمندی دانش‌آموختگان، آموزش مداوم دانش‌آموختگان، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموختگان، سرنوشت شغلی دانش‌آموختگان، تعیین شرط اجازه کار دانش‌آموختگان و توجه به تاثیر گذاری دانش‌آموختگان بر جامعه می‌باشند.

**نتیجه‌گیری:** اثربخش نمودن ارزیابی در آموزش پرستاری، نیازمند الزامات متعددی است. بکارگیری این الزامات در هر سه حیطه درونداد، فرایند و برون‌دادهای آموزشی توسط مدیران آموزش پرستاری می‌تواند اثربخشی ارزیابی در آموزش پرستاری را بهبود بخشد. همچنین انجام مطالعات بیشتر در این زمینه ضروری است تا با مطالعات گسترده تر بتوان یک نظام ارزیابی کارا جهت آموزش پرستاری طراحی نمود.

**واژه‌های کلیدی:** الزامات، ارزیابی اثربخش، نظام آموزش پرستاری، پژوهش کیفی

## پژوهشی درارتباط با تعدد مدرسین

دکتر آرام تیرگر<sup>۱\*</sup>، فروغ کاظمی<sup>۲</sup>، ساناز بابازاده<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> عضو هیأت علمی و دانشیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل

<sup>۲</sup> دانشجوی مقطع کارشناسی رشته رادیولوژی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل

<sup>۳</sup> دانشجوی مقطع کارشناسی رشته رادیوتراپی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل

a\_tirgar@yahoo.com

**مقدمه:** علیرغم اثرگذاری عوامل مختلف بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانشجویان، نقش تدریس اثربخش از سایر عوامل مهمتر میباشد. تعاملات بین استاد و دانشجو مهم‌ترین بخش تدریس است لذا هدف از این پژوهش ارزیابی دیدگاه و رضایت دانشجویان در خصوص واحدهای درسی تئوری با اساتید متعدد در مقایسه با واحدهای درسی با یک استاد بوده است.

**روش‌ها:** این مطالعه بصورت مقطعی در انتهای نیمسال اول تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ میان دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بابل در مقاطع کارشناسی و دانشجویان مقطع علوم پایه پزشکی و دندانپزشکی که حداقل یک ترم را پشت سر گذارده و یک درس با اساتید مشترک در طول ترم جاری یا ترم‌های گذشته را گذرانده باشند، به اجرا در آمد. نمونه‌ها بصورت آسان انتخاب شده و جهت جمع‌آوری داده‌ها از فرم جمع‌آوری محقق‌ساخته متناسب با اهداف پژوهش مشتمل بر ۱۸ سؤال استفاده شد. داده‌ها پس از ورود به کامپیوتر، با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی و نرم افزار SPSS16 مورد پردازش قرار گرفت.

**نتایج:** از میان ۱۱۷ دانشجوی مورد بررسی ۷۲ نفر دختر (۶۱/۵٪) و ۳۰ نفر (۲۶٪) دانشجویان پزشکی یا دندانپزشکی بوده و ۱۰۲ تن (۸۷٪) از آنان در ترم جاری دارای دروسی با اساتید مشترک بوده‌اند. پردازش اولیه داده نشان داد که بیش از نیمی از دانشجویان معتقد بودند که تعدد اساتید در یک درس تئوری موجب افزایش حجم درس و موارد بیشتری از ارائه مطالب تکراری شده و از دیگر سو، افت کیفیت کلاس، کاهش روابط دوستانه بین استاد و دانشجو، کاهش توالی مطالب، کاهش رضایت از کلاس را در پی خواهد داشت. در مجموع ۶۴ (۵۴/۷٪) تن از دانشجویان اظهار کردند که در صورت حق انتخاب، درسی را بصورت استاد مشترک انتخاب نخواهند کرد.

**نتیجه‌گیری:** علیرغم دلایل متعددی که منجر به واگذاری ارائه دروس تئوری به چندین استاد می‌گردد، اغلب دانشجویان از چنین وضعیتی خرسند نبوده و ارزیابی مثبتی از این موضوع ندارند. لذا با توجه به تجربیات شخصی و نظرات دانشجویان، کاستن از تعداد مدرسین در دروس مشترک می‌تواند تدریسی اثر بخش‌تر را در پی داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: آموزش پزشکی، تدریس اثر بخش، تعدد مدرسین

## عوامل موثر بر موفقیت تحصیلی دانشجویان علوم پزشکی کشور طی ۲۰ سال اخیر (مرور سیستماتیک مطالعات انجام شده)

عارفه عرفان<sup>۱\*</sup>، علیرضا یوسفی<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> مدرس دانشگاه پیام نور، کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی

<sup>۲</sup> دانشیار مرکز تحقیقات آموزش پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

aerfan3024@yahoo.com

**مقدمه:** موفقیت دانشجویان و عوامل موثر بر آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این مهم در رشته‌های علوم پزشکی به علت حساسیت‌های خاص این رشته‌ها به مراتب بیشتر است. هدف از این مطالعه بررسی مستندات و شواهد موجود در خصوص عوامل موثر بر موفقیت تحصیلی دانشجویان علوم پزشکی کشور طی ۲۰ سال اخیر بوده است.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر یک مطالعه مروری است. جهت انجام این مطالعه از کلید واژه‌های عملکرد تحصیلی، موفقیت تحصیلی، پیشرفت تحصیلی، وضعیت تحصیلی، افت تحصیلی، دانشجویان علوم پزشکی در سایت‌های فارسی و معادل این کلمات در سایت‌های لاتین استفاده شد. سایت‌های مورد استفاده و موتورهای جستجو در این پژوهش شامل: Web of knowledge Pubmed, Scopus, Eric, Google scholar, Iran medex, Sid, Mage iran, Medlibf مقالات بدست آمده از جستجو بر اساس میزان ارتباط موضوعی با هدف پژوهش به سه دسته مقالات مرتبط، مقالات نیمه مرتبط و مقالات غیر مرتبط تقسیم شدند.

**نتایج:** از مجموع سایت‌های مذکور، حدود ۳۴۰۰۰ یافته بدست آمد. که از این بین ۳۱۴ مقاله مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت ۳۸ مقاله برای ورود به مطالعه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که مهمترین عوامل موثر بر پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانشجویان علوم پزشکی به ترتیب معدل کتبی دیپلم و نمرات قبل از دانشگاه، جنسیت، سهمیه، تاهل و سطح تحصیلات والدین می‌باشد و بعد از آن سن، فاصله بین فارغ التحصیل شدن و ورود به دانشگاه، بومی و غیر بومی بودن دانشجویان، وضعیت اشتغال و بعد از آن نمره آزمون ورودی و رتبه کنکور و پایگاه اجتماعی و اقتصادی می‌باشد.

**نتیجه‌گیری:** عوامل مذکور در اکثر مقالات مطرح شده‌اند. و در این بین با توجه به اینکه نمره معدل کتبی و نمرات قبل از دانشگاه در ۹۰ درصد تحقیقات انجام شده به عنوان عامل اصلی در موفقیت تحصیلی دانشجویان ذکر شده و دارای بالاترین میزان تبیین‌کنندگی در بین کلیه عوامل بوده و با توجه به ضرورت و اهمیت پژوهش پیشنهاد محققان بررسی جامع‌تر و تاثیر بیشتر معدل دروس متوسطه بر پذیرش دانشجویان رشته‌های علوم پزشکی می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** موفقیت و پیشرفت تحصیلی، دانشجویان علوم پزشکی، مرور سیستماتیک

### خودحرفه ای دانشجویان پرستاری چگونه است؟

زهره بادیه پیمای جهرمی\*، مربی، کارشناسی ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران

Email: [zbadiyepyma@yahoo.com](mailto:zbadiyepyma@yahoo.com)

ایران جهان بین، مربی و عضو هیئت علمی، کارشناسی ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران  
فرخنده شریف، استاد و عضو هیئت علمی، دکترای پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران  
فریبا قدس بین، مربی و عضو هیئت علمی، کارشناسی ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران  
ساره کشاورزی، استادیار، دکترای آمار زیستی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

زمینه و هدف: خودپنداری پرستاری درکی است که گروه پرستاری راجع به نقش خود، ارزش ها و رفتارهایشان دارند و به عنوان چارچوبی برای تعیین کارکرد آنان در نقش اجتماعی استفاده می شود که تأثیر مستقیمی بر عملکرد روزانه پرستاری دارد. هدف مطالعه حاضر تعیین خودپنداری حرفه ای دانشجویان سال چهارم پرستاری بوده است.

خلاصه روش کار: در این مطالعه توصیفی مقطعی به شیوه سرشماری، خودپنداری حرفه ای ۷۲ دانشجوی سال چهارم پرستاری دانشگاه علوم پزشکی شیراز بررسی شد. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه خودپنداری حرفه ای ۳۶ موردی کوبین است که خودپنداری پرستاری را در شش بعد اندازه گیری می کند. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از شاخص های آمار توصیفی نظیر فراوانی، میانگین و انحراف معیار و آزمونهای آماری تی مستقل و تحلیل واریانس یکطرفه در نرم افزار آماری SPSS ورژن ۱۶ صورت گرفت.

خلاصه یافته ها: میانگین خودپنداری حرفه ای دانشجویان  $44/85 \pm 192/71$  بود. بین جنس و علاقه مندی به رشته پرستاری با خودپنداری حرفه ای تفاوت آماری معنی داری وجود داشت اما ارتباط بین سن، معدل و سابقه کار بالینی غیر دانشجویی با خودپنداری حرفه ای معنی دار نبود.

نتیجه گیری: دیدگاه دانشجویان پرستاری از خود به میزان زیادی تحت تأثیر تصویری که جامعه از پرستاری دارد قرار می گیرد که باعث می شود خودپنداری ضعیفی داشته باشند پس ارائه مشاوره و حمایت های اجتماعی و شغلی به دانشجویان می تواند مسیر را هموار نماید.

واژه های کلیدی: خودپنداری، خودپنداری حرفه ای، دانشجویان پرستاری



### بایسته های آموزش اخلاق حرفه ای در علوم پزشکی

مصیب مظفری

دکترای پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام،

[mozafaric@yahoo.com](mailto:mozafaric@yahoo.com)

**مقدمه و هدف:** مسئولیت دانشگاه ها، علاوه بر ایجاد تخصص و مهارت، ایجاد نگره های اخلاقی دینی، انسانی، اجتماعی و وظیفه مداری حرفه ای است. ایجاد دانش، نگرش و عمل اخلاقی در دانشجویان علوم پزشکی، نیازمند برخی عوامل مانند بستر مناسب، برنامه آموزشی، روش تدریس و محتوای موثر و استاد صلاحیت دار است. این مطالعه به منظور تبیین بایسته های آموزش اخلاق حرفه ای در علوم پزشکی از دیدگاه اساتید درس اخلاق حرفه ای انجام شده است.

**روش:** طی یک مطالعه کیفی با رویکرد آنالیز محتوی و با استفاده از مصاحبه فردی عمیق نیمه ساختارمند، نظرات ۱۳ نفر از اساتید درس اخلاق حرفه ای دانشگاه های علوم پزشکی با درجات استادیار به بالا در خصوص الزامات موثر در آموزش اخلاق حرفه ای در رشته های علوم پزشکی مورد بررسی قرار گرفت.

**یافته ها:** نتایج حاصل از مطالعه شامل ۵ تم اصلی بستر اخلاقی قابل اتکاء اجتماعی، ویژگی های شخصی استاد، روش تدریس اخلاق حرفه ای، محتوای دروس اخلاق حرفه ای و محیط آموزش اخلاق حرفه ای بود. تم ویژگی های شخصی استاد شامل ۲ زیر تم آراستگی به فضایل اخلاقی و الگو بودن در آموزش اخلاق بود. تم روش تدریس اخلاق حرفه ای شامل ۳ زیر تم آموزش مبتنی بر روایت، آموزش استاد شاگردی و آموزش مبتنی بر مورد بود. تم محتوا شامل ۲ زیر تم اسلامی کردن محتوای اخلاق حرفه ای و آموزش تحلیل اخلاقی و تم محیط آموزش شامل دو زیر تم آموزش در بالین و آموزش کارگاهی بود.

**نتیجه گیری:** نتایج نشان می دهد که ارکان اساسی آموزش اخلاق حرفه ای در علوم پزشکی نیازمند تجدید نظر است. استفاده از اساتید فاضل که توانایی الگو شدن را داشته باشند، تربیت فضیلت گرایانه اساتید، توانمندسازی اساتید در حوزه دانش و عمل اخلاقی، تغییر روش های سنتی تدریس اخلاق به روش هایی مانند استاد شاگردی، آموزش موردی و تنظیم و شرح مسائل مبتلا به اخلاق حرفه ای به شکل روایت، بهسازی محتوا با تأکید بر فرااخلاق، اخلاق اسلامی و تا حدودی اخلاق هنجاری، از جمله پیشنهادهای هستند که می توانند سبب بهبود استقرار مفاهیم اخلاقی در حوزه سلامت جامعه شوند. علاوه بر این لازم است که بستر اخلاقی جامعه پشتیبان ترویج اخلاق حرفه ای باشد، این مهم حاصل برآیند حوادث اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جامعه است و نیازمند اقدامات دراز مدت فرابخشی است.

**واژگان کلیدی:** اخلاق حرفه ای، آموزش، علوم پزشکی

## شیوه ارزیابی رفتار حرفه‌ای کارورزان پزشکی و چالشهای آن

سید منصور پاشایی، حمید عمادی کوچک، فریبا اصغری\*

\*مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

fasghari@tums.ac.ir

**مقدمه:** نحوه و اهمیت ارزیابی تعهد حرفه‌ای، به فراگیران انگیزه و نحوه فراگیری آن را منتقل می‌کند. وضعیت سنجی نحوه ارزیابی تعهد حرفه‌ای و بررسی چالشهای آن در برطرف کردن نقیصه‌های این حوزه ضروری است. در این مطالعه وضعیت فعلی نحوه ارزیابی رفتارهای حرفه‌ای کارورزان پزشکی در بخشهای بالینی بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی تهران مورد بررسی قرار گرفت.

**روش‌ها:** با استفاده از مرور منابع پرسشنامه‌ای توسط نویسندگان شامل سوالاتی در خصوص نحوه ارزیابی تعهد حرفه‌ای کارورزان و نقاط ضعف آن و راهکار پیشنهادی برای افزایش پایبندی به پروفشنالیسم در کارورزان تدوین شد. پرسشنامه برای تمام مسئولین آموزش کارورزی بخشهای آموزشی دانشگاه ارسال شد. برای افزایش میزان پاسخ‌گویی، علاوه بر یک تا چندین بار تماس تلفنی، یادآوری حضوری نیز به همه بخش‌ها انجام شد. داده‌های سوالات باز مربوط به نقاط ضعف و راهکارها از طریق تحلیل محتوا آنالیز شد.

**نتایج:** شایع‌ترین نحوه ارزیابی پروفشنالیسم کارورزان به صورت جزئی از نمره ارزیابی معمول پایان بخش می‌باشد. بیشترین اجزای رفتار حرفه‌ای که مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، وظیفه‌شناسی و مسؤولیت‌پذیری و احترام به بیماران می‌باشد. رزیدنت‌ها بیشترین افرادی هستند که رفتار حرفه‌ای کارورزان را ارزیابی می‌کنند. به طور میانگین هر ماه یک‌بار رفتار حرفه‌ای کارورزان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بیشترین نقطه ضعفی که در ارزیابی رفتار حرفه‌ای کارورزان، عدم وجود مکانیسمی مشخص و واحد جهت ارزیابی و سلیقه‌ای عمل کردن بخش‌ها می‌باشد. راهکارهای پیشنهاد شده در حوزه ارزیابی، طراحی نظام یکپارچه ارزشیابی با معیارهای ثابت و معین، تهیه ابزاری معتبر برای ارزیابی و فیدبک دادن و نیز تعیین استانداردهای تشویقی و تنبیهی متناسب با رفتار بود.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نقاط ضعف به دست آمده در نتایج این مطالعه، طراحی سیستم یکسان ارزشیابی با معیارهای ثابت و استاندارد مناسب‌ترین راهکار جهت افزایش پایبندی کارورزان به مصادیق پروفشنالیسم است. علاوه بر این، قبل از ارزیابی باید اصول رفتار حرفه‌ای به کارورزان آموزش داده شده باشد تا درک صحیحی از رفتار حرفه‌ای داشته باشند.

**واژه‌های کلیدی:** رفتار حرفه‌ای؛ پزشکی؛ ارزیابی؛ پروفشنالیسم

## بررسی میزان پوشش نقش های حرفه پرستاری در برنامه آموزش پرستاری ایران

مصیب مظفری،

دکترای پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام،

ایلام، [mozafaric@yahoo.com](mailto:mozafaric@yahoo.com)

**مقدمه و هدف:** یکی از اهداف اساسی حرفه پرستاری ارتقاء سلامت جامعه است. جهت تحقق این هدف، نیاز است که حرفه پرستاری از الزامات مناسب برخوردار شود و رویکرد آموزشی و ارائه خدمات آن در جهت تحقق هدف سلامت عمومی جهت گیری شود. هدف از این مطالعه بررسی میزان انطباق برنامه آموزشی حرفه پرستاری ایران با نقش های تعریف شده پرستاران بوده است.

**روش:** در یک مطالعه کتابخانه ای، وظایف و نقش های پرستاران در نظام سلامت ایران در حوزه های مختلف آموزشی، پژوهشی و بالینی و بهداشتی استخراج شد. سپس لیستی شامل ۱۲۰ نقش و وظیفه تهیه شد و در یک مطالعه توصیفی و با استفاده از پرسشنامه از ۱۴۰ نفر از صاحب نظران دانشگاهی حرفه پرستاری با تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا خواسته شد که میزان پوشش هرکدام از وظایف توسط برنامه درسی مقاطع کارشناسی و ارشد پرستاری را در یک مقیاس ۵ رتبه ای از خیلی زیاد تا خیلی کم تعیین کنند.

**یافته ها:** نتایج نشان داد که برنامه درسی دوره کارشناسی در حوزه های مراقبت بیمارستانی، مراقبت های اولیه بهداشتی، و مراقبت های ویژه دارای پوشش مناسب و در حوزه های آموزش به بیمار، پژوهش، مراقبت های مربوط به بهداشت جامعه و خانواده، وظایف مددکاری و توانبخشی از پوشش مناسب برخوردار نیست. از دیدگاه صاحب نظران، برنامه درسی مقطع کارشناسی ارشد دارای رویکرد آموزشی و پژوهشی مناسب است اما فاقد پوشش کافی در حوزه وظایف مراقبتی، مراقبت های اولیه بهداشتی، و سایر نقش هاست. سایر نتایج نشان داد که توزیع نامناسب و ناکافی فارغ التحصیلان تحصیلات تکمیلی در مراکز بهداشتی و درمانی در دراز مدت می تواند مانع حرفه پرستاری در رویکرد تحقق هدف ارتقاء سلامت جامعه شود. یافته ها نشان داد که برنامه آموزشی رشته پرستاری در مقطع کارشناسی ارشد در جهت نیازهای بهداشتی درمانی جامعه تنظیم نشده است. طبق نتایج ۷۶٪ صاحب نظران بر این باور بودند که بسترهای لازم برای تحقق هدف ارتقاء سلامت به اندازه کافی مهیا نیست.

**نتیجه گیری:** بازنگری در محتوای برنامه درسی خصوصاً در مقاطع تکمیلی، تقویت بنیه علمی پرستاران بالینی، کاربردی کردن پژوهش های پرستاری، تعریف نقش های جدید و متناسب با نیازهای حوزه سلامت برای پرستاران، تقویت ارتباط کاری دانشکده های پرستاری با مراکز بهداشتی درمانی، تقویت پرستاری بهداشت جامعه، شناسایی ارتباط مراقبتی بیمار - پرستار در بستر قانونی از جمله پیشنهادهای هستند که می توانند به حضور پررنگ پرستاران در حوزه سلامت بیانجامد.

**واژگان کلیدی:** نقش های پرستاران - حرفه پرستاری - ارتقاء سلامت

## استاندارد سازی چک لیست برآورد کمی و کیفی عملکرد اتندینگ اورژانس داخلی

### دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

بابک تمیزی فر، بیژن ایرج،

استادیار دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

tamizib@med.mui.ac.ir

**مقدمه:** انجام راند بخشهای مختلف اورژانس داخلی بیمارستانهای دانشگاهی از اولویتهای آموزشی و درمانی اعضای هیات علمی دانشگاهها می باشد. نظر به حیطه های متنوع آموزشی - درمانی راندها و توقعات سرویسهای مختلف موجود و جمعیت زیاد تحت پوشش بیمارستانهای آموزشی اصلی دانشگاهها (بویژه در دانشگاههای بزرگ)، لازم است که عملکرد اعضا هیات علمی دانشگاهها در بخشهای پر ترافیک اورژانس مکرراً برآورد و با استانداردهای منطقه ای و کشوری سنجیده گردد. این امر با طراحی و استاندارد سازی چک لیست عملکرد اعضای هیات علمی اورژانس محقق میشود. لذا در این طرح با طراحی مدل چک لیست ارزیابی عملکرد اعضا هیات علمی دانشگاه و نظر خواهی از رده های مختلف آموزشی و اجرائی دانشگاه سعی در یکسان سازی و معتبر سازی این چک لیست نموده ایم.

**روشها:** در ابتدا با توجه به توقعات اولیه و نیازهای اجرائی هر یک از اعضا هیات علمی شاغل در اورژانس، یک چک لیست شامل دو دسته توقعات آموزشی و اجرائی که هر یک از آنها به ترتیب در هشت زیر شاخه جداگانه تقسیم شده بودند، طراحی شد. توقعات آموزشی در زیر شاخه های ارزیابی کمی، نحوه آموزش رده های آموزشی، انجام و توجه به نتایج معاینات بالینی، آزمایشگاهی و پاراکلینیک روزانه، تعداد بیماران راند شده در طی یک روز، استفاده از انواع مختلف راند و دخالت دادن دستیاران در تصمیم گیری بالینی، شروع راند بر اساس تریاژ اولیه بیماران، تعامل با کادر پرستاری و پیراپزشکی و توجه به نظرات سایر مسئولین اجرائی بیمارستان حین راند بیماران برای تصمیمی گیری بالینی. توقعات درمانی نیز در دسته های: نحوه تعیین تکلیف بیماران و زمان ماندگاری بیماران در اورژانس، میزان استفاده از مشاوره از راندهای بیماران، میزان ترخیص بیماران از اورژانس، میزان درخواست روشهای پاراکلینیک و آزمایشگاهی، نحوه هماهنگی با سوپروایزر های اورژانس و مدیر اورژانس، میانگین حضور آنها و در دسترس بودن در اورژانس و تعداد ارجاعات مناسب به سرویسهای فوق تخصصی مربوطه تقسیم بندی شدند. در مورد نظر سنجی هر کدام از این آیتمها، از مقیاس رتبه ای ۵ درجه ای لیکرت استفاده گردید. این چک لیست برای حدود ۲۵ نفر از مسئولان اجرائی بیمارستان و اعضای هیات علمی گروه داخلی فرستاده شد. میزان پاسخ دهی در حدود ۸۰٪ بوده است. سایر نتایج در متن اصلی مقاله ارائه شده است.

**نتیجه گیری:** ارزیابی مستمر عملکرد اعضای هیات علمی اورژانس بیمارستانهای داخلی، لازمه بهبود کیفی ارائه خدمات آموزشی و درمانی بیمارستانهاست.

## مقایسه روش های ارزشیابی تکوینی و تراکمی بر اضطراب امتحان در دانشجویان

دکتر کامران میرزایی<sup>۱\*</sup>، دکتر ثریا زحمت‌کش<sup>۲</sup>، شهرام جلالپور<sup>۳</sup>

kamran.mirzaei@yahoo.com

**مقدمه:** یکی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های نظام آموزشی، استادان و به ویژه دانشجویان مساله اضطراب از امتحان و تاثیر این اضطراب بر روند ارزشیابی آنان است. برای پیشگیری از این مشکل می‌توان توجه بیشتری به ارزشیابی‌های تکوینی طول سال تحصیلی داشت زیرا از این طریق از حجیم شدن مطالب آموخته شده تا زمان ارزشیابی پایانی جلوگیری شده؛ میزان شکست‌ها و اضطراب‌ها کاهش یافته و انگیزه و رغبت در دانش آموزان افزایش می‌یابد. هدف از این مطالعه بررسی تاثیر ارزشیابی تکوینی بر کاهش اضطراب امتحان در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بود.

**روش‌ها:** مطالعه فوق یک مطالعه مداخله‌ای بود که بر روی دو گروه از دانشجویان پزشکی که درس بهداشت یک را اخذ نموده بودند، انجام شد. گروه‌ها بصورت تصادفی به دو گروه مداخله و شاهد تقسیم شدند. گروه مداخله طی دوره آموزشی خود بصورت تکوینی مورد ارزشیابی قرار گرفتند (اخذ آزمون در پایان ۷۵٪ کلاس‌ها بصورت تصادفی) و از گروه کنترل تنها ارزیابی پایان ترم (ارزشیابی تراکمی) صورت گرفت. در پایان دوره هر دو گروه با استفاده از پرسشنامه ۲۵ سئوالی (Test Anxiety Inventory) TAI جهت بررسی اضطراب امتحان و نیز پرسشنامه بررسی نگرش درخصوص روش ارزشیابی انجام شده، مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج با نرم افزار SPSS و آماره‌های ناپارامتریک مورد ارزیابی قرار گرفت.

**نتایج:** میانگین (انحراف معیار) نمره اضطراب در گروه مداخله ( $6/67 \pm$ ) و در گروه کنترل ( $2/51 \pm$ )  $1/4$  بدست آمد. میزان اضطراب امتحان در گروه مداخله بصورت معنی داری کمتر از گروه کنترل بود ( $P = 0/008$ ). همچنین میزان رضایتمندی از روش ارزشیابی در دو گروه مداخله بیشتر از گروه کنترل بود ( $P = 0/026$ ).  
**نتیجه‌گیری:** نتایج اجرای فرآیند نشان داد ارزشیابی تکوینی منظم موجب افزایش رضایت دانشجویان فراگیران و نیز کاهش اضطراب ناشی از امتحان می‌شود و اعتماد به نفس را در آنها ایجاد و تقویت می‌نماید. لذا جایگزینی ارزشیابی تکوینی بجای ارزشیابی تراکمی دانشجویان پیشنهاد می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** ارزشیابی تکوینی، اضطراب امتحان، دانشجو، ارزشیابی تراکمی

## بازرور آموزشی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام: تاثیر آن بر آگاهی و نگرش دانش آموزان

فاطمه پالیزبان، دکتر علی اشرف عیوضی\*، علیرضا میرزایی کارزان

\*استادیار عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام

Email: ali.medilam@gmail.com

**مقدمه:** بازرور آموزشی - پژوهشی با هدف آشنایی دانش آموزان مقطع دبیرستان با دانشگاه به ویژه در زمینه های آموزشی و پژوهشی اجرا می شود. پژوهش حاضر گزارشی از اولین بازرور آموزشی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام است که در آذر ماه سال تحصیلی ۹۱-۹۲، با شرکت دانش آموزان سال سوم و پیش دانشگاهی ۵ دبیرستان شهر ایلام، اجرا شد.

**روش ها:** در پژوهشی توصیفی-مقطعی، جامعه آماری شامل دانش آموزان مقطع سوم و پیش دانشگاهی شهر ایلام، ونمونه آماری ۲۱۴ نفر از دانش آموزان پنج دبیرستان شهر ایلام که بیشترین آمار قبولی در کنکور سراسری را داشتند، تشکیل شد. برنامه مداخله شامل ارائه مطالب در زمینه رشته های علوم پزشکی، دورنمای آموزشی و پژوهشی، توانمندی ها، زمینه های کاری، امتیازات استعدادهای برتر، در قالب سخنرانی، بازدید از مراکز تحقیقاتی، ارائه لوح فشرده شامل معرفی دانشگاه، انتخاب رشته دانشگاهی، روش های مطالعه و یادگیری و... بود. ابزار جمع آوری اطلاعات، فرم نظر سنجی بود که بعد از اجرای برنامه، در اختیار گروه مورد و شاهد قرار گرفت. برای تحلیل توصیفی، از شاخص فراوانی و برای آنالیز تحلیلی از آزمون T-student، استفاده گردید.

**نتایج:** از مجموع شرکت کنندگان ۷۹٪ زن و ۲۱٪ مرد بودند. از نظر معدل تحصیلی ۱۶٪ دارای معدل بیشتر از ۱۹/۵، ۳۳٪ دارای معدل بین ۱۸/۵ تا ۱۹/۵ و مابقی کمتر از ۱۸/۵ بودند. مقایسه نظرات گروه مورد و شاهد با استفاده از آزمون t استودنت نشان داد دیدگاه دوگروه، در خصوص اولویت های انتخاب رشته، منابع انتخاب رشته، احساس نسبت به برنامه بازرور آموزشی و پژوهشی، اولویت انتخاب کارگاه جهت شرکت در آنها، واثر بخشی نرم افزار آموزشی، در سطح خطای  $p \leq 5\%$  دارای تفاوت معنادار بود.

**نتیجه گیری:** برگزاری برنامه هایی از این قبیل در طول سال های پایانی مقطع متوسطه برای آشنایی دانش آموزان با دانشگاه های علوم پزشکی، رشته های تحصیلی، مراکز تحقیقاتی دانشگاهی، برگزاری دوره ها و کارگاه های آموزش مهارت های پایه پژوهش در دوره دبیرستان، و همکاری بیشتر آموزش و پرورش و دانشگاه های علوم پزشکی در زمینه اطلاع رسانی و برگزاری برنامه های آموزشی - پژوهشی جهت دانش آموزان ضروری به نظر می رسد و دانشگاه را در جذب دانشجویان توانمند و بومی با هدف دستیابی به اهداف ایران ۱۴۰۴ و مرجعیت علمی یاری می دهد.

**واژه های کلیدی:** بازرور آموزشی - پژوهشی، آگاهی و نگرش دانش آموزان، برنامه ریزی آموزشی، ایلام

### بررسی میزان تقویت حس نوآوری و همکاری گروهی آزمون چهارمین المپیاد علمی دانشگاههای علوم پزشکی کشور از دیدگاه دانشجویان شرکت کننده در المپیاد-

بهمن ماه ۱۳۹۱

تبریز خیابان دانشگاه روبروی بیمارستان شهید مدنی - مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

مقدمه:

فعالتهای آموزشی باید در جهت افزایش حس نوآوری و انجام کار گروهی سوق داده شود. و برگزاری المپیادها باید طوری طراحی شوند تا حس نوآوری و همکاری گروهی برای حل مسئله در دانشجویان را تقویت نماید. هدف از انجام این مطالعه بررسی نظرات دانشجویان شرکت کننده در آزمون چهارمین المپیاد علمی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی کشور در خصوص تقویت حس نوآوری و همکاری گروهی می باشد.

**روش بررسی:** مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی بوده و بصورت مقطعی است. جمع آوری داده ها از طریق ۴۵۰ پرسشنامه بصورت تصادفی ساده و حضوری در بین شرکت کنندگان چهارمین المپیاد علمی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی کشور در سال ۱۳۹۱ انجام گرفته که به تعداد ۲۲۱ پرسشنامه تکمیل و برگردانده شد، داده ها با استفاده از برنامه نرم افزاری SPSS و مقیاس لیکرت (بسیار کم=۱، کم=۲، زیاد=۳، بسیار زیاد=۴) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند روایی ظاهری و محتوی و اعتبار پرسشنامه به تایید استادان و کارشناسان صاحب نظر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز رسیده است.

**یافته ها:** بررسی نظرات دانشجویان شرکت کننده در چهارمین المپیاد علمی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی کشور از طریق نظر سنجی در خصوص میزان تقویت حس نوآوری و همکاری گروهی انجام گرفت. پس از پردازش داده ها، نتایج به شرح زیر از مقیاس چهار بدست آمدند: ۱- میزان تقویت حس نوآوری: ۵,۴٪ از دانشجویان معتقدند که میزان تقویت حس نوآوری در برگزاری المپیاد بسیار زیاد است، ۴۹,۸٪ از دانشجویان معتقدند که میزان تقویت حس نوآوری در برگزاری المپیاد زیاد است، ۳۰٪ از دانشجویان معتقدند که میزان تقویت حس نوآوری در برگزاری المپیاد بسیار کم است، ۱۴,۸٪ از دانشجویان معتقدند که میزان تقویت حس نوآوری در برگزاری المپیاد بسیار کم است، ۲- میزان تقویت حس همکاری گروهی: ۷,۳٪ از دانشجویان معتقدند که میزان تقویت حس همکاری گروهی در برگزاری المپیاد بسیار زیاد است، ۳۰,۱٪ از دانشجویان معتقدند که میزان تقویت حس همکاری گروهی در برگزاری المپیاد زیاد است، ۳۶,۱٪ از دانشجویان معتقدند که میزان تقویت حس همکاری گروهی در برگزاری المپیاد کم است، ۲۶,۵٪ از دانشجویان معتقدند که میزان تقویت حس همکاری گروهی در برگزاری المپیاد بسیار کم است.

**نتیجه گیری:** با عنایت به نظرات اکثریت دانشجویان شرکت کننده در چهارمین المپیاد علمی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی کشور، تاثیر برگزاری المپیادهای علمی در تقویت حس نوآوری و برگزاری المپیاد زیاد است (۵۵,۲٪) و تقویت حس همکاری گروهی در برگزاری المپیاد کم مشاهده میشود (۶۲,۶٪). بنظر می رسد نتیجه کم تقویت حس همکاری گروهی در این پژوهش بخاطر لغو رقابت گروهی در چهارمین المپیاد کشوری بعلا زلزله آذربایجان نتیجه فوق باشد که بر خلاف روال سالهای قبل دانشجویان فقط در رقابت انفرادی شرکت کردند.

**کلید واژه ها:** حس همکاری گروهی - نظرات دانشجویان - آزمون حس نوآوری

## تاثیر استفاده از الگوی یادسپاری بر پیشرفت تحصیلی درس فیزیولوژی دانشجویان

### پرستاری

اطهر امید<sup>۱</sup>، شقایق حق جوی جوانمرد<sup>۲</sup>، فریبا حقانی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری آموزش پزشکی، گروه آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم

پزشکی اصفهان

athar\_omid@yahoo.com

<sup>۲</sup>دانشیار گروه فیزیولوژی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

<sup>۳</sup>دانشیار گروه آموزش علوم پزشکی، گروه آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم

پزشکی اصفهان

**مقدمه:** امروزه آموزش پزشکی با پیچیدگی های زیادی از جمله افزایش حجم اطلاعات در محیط های آموزش نظری و بالینی همراه است که نیازمند اتخاذ راهکارهای جدید با استفاده از روش های آموزشی مناسب می باشد. این مطالعه با هدف بررسی تاثیر استفاده از الگوی یادسپاری بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان پرستاری انجام پذیرفت.

**روش ها:** این تحقیق نیمه تجربی به صورت دو گروهی به همراه پیش آزمون و پس آزمون در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ انجام گرفته است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان پرستاری و مامایی بوده که دانشجویان ترم دوم پرستاری و درس فیزیولوژی کلیه به عنوان گروه تجربی ( $n=48$ ) و دانشجویان مامایی و درس فیزیولوژی کلیه ( $n=46$ ) و دانشجویان پرستاری و درس فیزیولوژی غدد ( $n=48$ ) به عنوان دو گروه شاهد انتخاب شدند. در شروع مطالعه در سه جلسه اول به دانشجویان گروه تجربی مراحل به یادسپاری آموزش داده شد و در هر جلسه استاد برای ایجاد ارتباطات و خلق موارد دیداری با دانشجویان کار می کرد و سپس از آنها خواسته می شد که درس فیزیولوژی را با استفاده از این روش تمرین کنند. کلیه جلسات آموزشی گروه تجربی با این روش برگزار گردید و جلسات آموزشی گروه های شاهد نیز به روش سخنرانی و نمایش اسلاید بود.

پیش آزمون و پس آزمون از نوع آزمون های چند گزینه ای بود اطلاعات با استفاده از آمار توصیفی و آمار استنباطی، آزمون تی (برای مقایسه میانگین ها) و نرم افزار SPSS-17 مورد آنالیز آماری قرار گرفت. ( $p \leq 0/05$  معنادار محسوب شده است). برای رعایت نکات اخلاقی تحقیق دانشجویان گروه مداخله قبل از انجام مداخله اطلاعات لازم را دریافت کردند.

**نتایج:** در گروه شاهد مامایی ۱۰۰٪ از نمونه ها دختر و در گروه تجربی ۶۰/۴ دختر بودند. میانگین سنی دانشجویان دو گروه شاهد و تجربی به ترتیب  $19/04 \pm 0/53$  و  $19/18 \pm 0/48$  بود.

تفاوت آماری معناداری بین پیش آزمون گروه تجربی و شاهد وجود نداشت ( $p > 0/05$ ). بین میانگین نمرات کسب شده در گروه شاهد دانشجویان پرستاری در درس فیزیولوژی غدد ( $11/67 \pm 3/52$ ) و گروه تجربی ( $14/29 \pm 3/32$ ) تفاوت آماری معناداری ( $t=29/81$ ,  $p < 0/0005$ ) وجود داشت.

میانگین و انحراف معیار نمرات کسب شده در گروه شاهد مامایی  $15/27 \pm 3/6$  و در گروه تجربی  $14/29 \pm 3/32$  بود که از نظر آماری تفاوت بین این دو میانگین معنادار نبود ( $p > 0/05$  و  $t = -1/4$ ).

**نتیجه گیری:** به کارگیری الگوهای جدید تدریس مانند به یادسپاری که متناسب با محتوای درس انتخاب می شود می تواند در بهبود یادگیری دانشجویان موثر باشد. بنابراین به برنامه ریزان و مدرسین توصیه می شود در به کارگیری این روش ها اهتمام بیشتری داشته باشند.



### تاثیر المپیاد های علمی در شناسایی افراد مستعد و جهت دهی به فعالیت های علمی -

بهمن ماه ۱۳۹۱

تبریز خیابان دانشگاه روبروی بیمارستان شهید مدنی - مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

مقدمه:

امروزه شناسایی دانشجویان با استعداد علمی و جهت دهی به فعالیت های آموزشی و علمی در دانشگاه های علوم پزشکی از اهمیت بالایی برخوردار است. هدف از انجام این مطالعه بررسی نظرات دانشجویان شرکت کننده در آزمون چهارمین المپیاد علمی دانشگاه های علوم پزشکی کشور در تاثیر برگزاری المپیاد در شناسایی افراد مستعد علمی و جهت دهی به فعالیت های علمی می باشد.

**روش بررسی:** مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی بوده و بصورت مقطعی است. جمع آوری داده ها از طریق ۴۵۰ پرسشنامه بصورت تصادفی ساده و حضوری در بین شرکت کنندگان چهارمین المپیاد علمی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کشور در سال ۱۳۹۱ انجام گرفته که به تعداد ۲۲۴ پرسشنامه تکمیل و برگردانده شد، داده ها با استفاده از برنامه نرم افزاری SPSS و مقیاس لیکرت (بسیار کم=۱، کم=۲، زیاد=۳، بسیار زیاد=۴) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند روایی ظاهری و محتوی و اعتبار پرسشنامه به تایید استادان و کارشناسان صاحب نظر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز رسیده است.

**یافته ها:** بررسی نظرات دانشجویان شرکت کننده در چهارمین المپیاد علمی دانشگاه های علوم پزشکی کشور از طریق نظر سنجی در خصوص شناسایی افراد مستعد علمی و جهت دهی به فعالیت های علمی انجام گرفت. پس از پردازش داده ها، نتایج به شرح زیر از مقیاس چهار بدست آمدند: ۱- شناسایی افراد مستعد علمی: ۹,۴٪ از دانشجویان معتقدند که برگزاری المپیاد در شناسایی افراد مستعد علمی تاثیر خیلی زیادی دارد، ۴۲,۹٪ از دانشجویان معتقدند که برگزاری المپیاد در شناسایی افراد مستعد علمی تاثیر زیادی دارد، ۳۶,۲٪ از دانشجویان معتقدند که برگزاری المپیاد در شناسایی افراد مستعد علمی تاثیر کمی دارد، ۱۱,۶٪ از دانشجویان معتقدند که برگزاری المپیاد در شناسایی افراد مستعد علمی تاثیر خیلی کمی دارد، ۲- جهت دهی به فعالیت های علمی: ۱۱,۷٪ از دانشجویان معتقدند که برگزاری المپیاد در جهت دهی به فعالیت های علمی تاثیر خیلی زیادی دارد، ۴۴,۴٪ از دانشجویان معتقدند که برگزاری المپیاد در جهت دهی به فعالیت های علمی تاثیر زیادی دارد، ۳۵,۹٪ از دانشجویان معتقدند که برگزاری المپیاد در جهت دهی به فعالیت های علمی تاثیر کمی دارد، ۸,۱٪ از دانشجویان معتقدند که برگزاری المپیاد در جهت دهی به فعالیت های علمی تاثیر خیلی کمی دارد.

**نتیجه گیری:** با عنایت به نظرات اکثریت دانشجویان شرکت کننده در چهارمین المپیاد علمی دانشگاه های علوم پزشکی کشور، تاثیر برگزاری المپیاد در شناسایی افراد مستعد علمی چشمگیر بوده (۵۲,۳٪)، و تاثیر برگزاری المپیاد در جهت دهی به فعالیت های علمی زیاد می باشد (۵۶,۱٪). لذا لازم است با طراحی درست المپیادهای علمی و برگزاری آزمون های مناسب دانشجویان مستعد را شناسایی و نسبت به تربیت آنان جهت رسیدن به هدف های ملی اقدام گردد.

**کلید واژه ها:** افراد مستعد علمی - جهت دهی به فعالیت های علمی - دانشجویان

## راهکارهای بکار رفته در توانمندسازی آموزشی اعضای هیئت علمی پزشکی

### و نتایج آن

مهسا شکور<sup>۱\*</sup>، مجید بدریان<sup>۲</sup>، دکتر لیلا بذرافکن<sup>۳</sup>، دکتر طاهره چنگیز<sup>۴</sup>  
<sup>۱\*</sup> دانشجوی دکترا، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان  
ms.shakour@gmail.com  
<sup>۲</sup> دانشجوی ارشد

**مقدمه:** یکی از مهمترین مباحث آموزش پزشکی ایجاد و ارتقاء قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و تقویت توانمندیهای اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها در راستای بهبود کیفیت آموزش و تدریس است که در این راستا باتوجه به اهمیت توانمندسازی اساتید در آموزش پزشکی لازم است تا با استفاده از پیشرفت‌های علمی روز در زمینه فرآیندهای یاددهی و یادگیری، شیوه‌های آموزشی جدید را در حیطه علوم پزشکی بکار گرفته و اساتید و دانشجویان را با این روش‌ها آشنا باشند. هدف از این مطالعه یافتن بهترین رویکردهای آموزشی برای توانمندسازی اعضای هیئت علمی علوم پزشکی در یک دوره زمانی از سال ۲۰۰۲ یعنی پس از مطالعه موسسه بهترین شواهد در آموزش (BEME) تا زمان مطالعه (سال ۲۰۱۲) بود. به این امید که در نهایت بتواند مقایسه‌ای هم بین نتایج بررسی قبلی و جدید انجام دهد و همچنین مداخلات جدید آموزشی و نتایج مرتبط با آن‌ها و تغییرات حاصله را بررسی کند.

**روش‌ها:** مطالعه از نوع مروری سیستماتیک است. مطالعه بر اساس شیوه نامه BEME انجام شد. در ابتدا تیم جستجو و انجام پژوهش تشکیل شد. سوال پژوهشی این بود: "تاثیر روش‌های آموزشی موجود برای توانمندسازی اعضای هیئت علمی بر نگرش، مهارت و دانش اعضای هیئت علمی آموزش پزشکی و موسسه‌ای که در آن کار می‌کنند چگونه است؟" چارچوب مفهومی موضوع در چند جلسه متمادی مشخص شد و مقرر شد مطابق با هرم کرک‌پاتریک نتایج مداخلات بررسی شود. با کمک جستجوی دستی و اینترنتی از منابع معتبر علمی PubMed و Eric بهترین شواهد که محوریت آنها توانمندسازی اساتید و در مورد اساتید بالینی و علوم پایه پزشکی در محدوده زمانی سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۲ بود، انتخاب شدند. مقاله‌ها به زبان انگلیسی و فارسی بدون در نظر گرفتن محدوده جغرافیایی خاصی و در رابطه با نقش آموزشی استاد بود نه دیگر نقش‌های **نتایج:** از جستجوی منابع داده‌ها ۱۱۲۴ مقاله استخراج شد. و از بررسی این مقاله‌ها بر اساس معیار ورود و خروج ۵۱ مقاله باقی ماند. جستجوی دستی مجلات *medical education* و *medical teacher* نیز انجام شد. که ۱۲ مقاله استخراج شد. از جستجوی اولیه الکترونیکی مقالات منابع فارسی زبان نیز دو مقاله استخراج شد. نوع مداخلات، میزان تغییر دانش، نگرش و رفتار و عملکرد فراگیران (انجام آن عمل در محیط کار) و اثرات (Impact) یک مداخله آموزشی روی موسسه و خدمات بررسی شد. که نشان می‌داد اکثر مداخلات ۴۶٪ موارد از نوع کارگاه آموزشی بودند و بقیه از نوع سمینار، جلسات، از ره دور، با کمک سی دی و دیگر روش‌ها بود و در اکثر موارد منجر به تغییراتی در نگرش، دانش و مهارت آنها شده است (مشروح در جدول مقاله نهایی آمده است). تنها در ۴ مطالعه به نتایج گام نهایی کرک پاتریک (Impact) پرداخته بود و بقیه موارد اکثراً به بررسی گام‌های اول پرداخته بود که در تمام موارد نتایج اثربخش بود.

**نتیجه‌گیری:** هنوز یکی از شایعترین روش‌های بکار رفته در ارتقای آموزشی اعضای هیئت علمی استفاده از کارگاه‌های آموزشی است ولی روش‌های جدید مثل آموزش از راه دور و تکنولوژی‌های جدید رونق بیشتری گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که در مطالعات توجه بیشتری نسبت به گذشته به تاثیر برنامه‌های ارتقای اساتید در حوزه آموزش‌های بالینی و مهارت‌های تدریس آن شده است. در بررسی نتایج مداخلات، با وجود اهمیت آثار آموزش‌ها بر روی موسسه و دانشجویان و همکاران یعنی گام نهایی کرک پاتریک، بجز در چند مورد، در دیگر موارد به بررسی دانش و رضایت و عملکرد افراد پرداخته شده بود که شاید به دلیل مشکلات اجرایی کار باشد. کلیه مداخلات اثربخش بودند و در بعضی موارد مداخلات در راستای افزایش اعتماد به نفس در تدریس بوده که موثر واقع شده است که می‌تواند بعنوان راهنمایی برای استفاده مناسب از استراتژیهای آموزشی باشند

## ارزیابی مهارت احیا قلبی ریوی (CPR) دانشجویان رشته پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان سال ۱۳۹۱

دکتر آتوسا اسماعیلی\*، دکتر وحید عشوریون، دکتر علی اصیلیان، دکتر گیتا فقیهی، دکتر نسترن ایزدی، دکتر مسعودی فر، دکتر عزیزخانی، مریم آویژگان، مهشید مظاهری، پروانه نصری، مرضیه حسینی.

Email: eatousa@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. دانشکده پزشکی. دفتر توسعه آموزش پزشکی.

**مقدمه:** باتوجه به اهمیت آموزش احیا قلبی ریوی (CPR) برای پزشکانوبا توجه به این نکته که دانشجویان معمولاً آنگونه می آموزند که از آنها امتحان گرفته می شود، لذا اهمیت دادن به نحوه ارزشیابی دانشجو در این زمینه و استاندارد سازی آن می تواند نقش موثری درآموزشاین مهارت داشته باشد. هدف کلی: ارزیابی مهارت CPR دانشجویان رشته پزشکی هدف های اختصاصی:

ارزیابی مهارت احیای قلبی ریوی (بالغین) دانشجویان رشته پزشکی

ارزیابی مهارت انتوباسیون (بالغین) دانشجویان رشته پزشکی

**روش ها:** در تابستان ۹۰ کمیته CPR متشکل از اعضا هیئت علمی گروه های بیهوشی و قلب و اورژانس تشکیل شد، وظیفه اصلی این کمیته در ارتباط با چگونگی آموزش CPR و ارزشیابی دانشجو دراین زمینه بود. در رابطه با آموزش مقرر شد، گروه بیهوشی متولی آموزش و ارزشیابی CPR برای دانشجویان دوره پزشکی عمومی باشد و آموزش CPR از دوره اکسترنی شروع شد، دراین دوره دانشجویان دربخش مسمومین و بیهوشی بمدت یک هفته CPR را بطور کامل با استفاده از مولاژ فراگرفتند. ارزشیابی دانشجویان در پایان دوره به روش OSCE انجام شد. دراین آزمون ۱۰ ایستگاه طراحی گردید. نمره دانشجو در هر ایستگاه توسط چک لیست، بصورت عددی بین صفر تا بیست مشخص شد. باتوجه به اهمیت آموزش CPR برای پزشکان مقرر شد حداقل نمره قبولی در ایستگاههای مربوطه ۱۴ باشد.

**نتایج:** در این آزمون ۲۲ نفر دانشجو شرکت کردند. نمره دهی در هر ایستگاه توسط ناظران (دستیاران) انجام شد ۱۲ نفر از دانشجویان با نمره بالاتر از ۱۴ قبول شدند، ۴ نفر با نمره کمتر از ۶ و ۱۲ نفر بین ۱۲-۱۴ مردود شدند. با مصاحبه ای که از دانشجویان بعد از امتحان انجام شد، مشخص گردید که با توجه به اینکه اولین دوره امتحان سنجش مهارت به شکل OSCE و همچنین با توجه به اهمیت CPR و موقعیت اورژانسی بودن این مهارت، اضطراب دانشجویان حتی در کسانی که قبول شدند، زیاد بود و این امر نارضایتی دانشجویان را بدنبال داشت.

**نتیجه گیری:** جهت برگزاری این آزمون باید یک تیم امین وقابل اعتماد همکاری نمایند که این تیم می تواند متشکل از اعضای هیئت علمی، پزشکان عمومی، کارمندان باشد. درابتدا بایدبه این تیم آموزشهای لازم دراین خصوص داده شود، جهت بالا بردن پایایی آزمون باید آزمون گیرنده در هر ایستگاه ثابت باشد و از پزشکان عمومی تحت نظارت اعضای هیئت علمی استفاده شود. ضمناً اجرای اینگونه آزمونها هزینه و بار مالی زیادی دارد. **واژه های کلیدی:** ارزیابی، احیا قلبی ریوی، دانشجویان رشته پزشکی.

## فرآیند بررسی تاثیر روش ارزشیابی باز بر ارتقاء یادگیری دانشجویان

اکرم گازرانی<sup>۱\*</sup>، محبوبه طباطبائی چهر<sup>۲</sup>

Email: [Akramgazrany@gmail.com](mailto:Akramgazrany@gmail.com)

<sup>۱</sup> مربی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، ایران

<sup>۲</sup> مربی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، ایران

**مقدمه:** ارزشیابی مؤثر یکی از مهمترین ارکان برنامه ریزی آموزشی محسوب گردیده و می تواند کاستیها و نقاط قوت برنامه آموزشی پی برد و راهکار مناسبی را در جهت حل مشکلات برنامه آموزشی ارائه نمود. در این میان ارزشیابی باز (Group open book evaluation) چنانچه به نحو مناسبی طراحی و اجرا گردد از مهمترین و بارزترین مصادیق ارزشیابی خلاق محسوب می گردد. در این فرایند تاثیر ارزشیابی به روش باز (Group open book- evaluation) بر یادگیری و رضایتمندی دانشجویان مورد بررسی قرار گرفته است.

**روش‌ها:** این فرآیند آموزشی بر روی ۶۰ (۳۰ نفر گروه شاهد، ۳۰ نفر گروه آزمون) دانشجوی مامایی انجام شد. روش کار به این صورت بود که پس از ارائه مطالب، ارزشیابی به روش باز انجام گرفت به طوری که دانشجویان به گروههای پنج نفره تقسیم شده و سئوالات تشریحی و جزوات مربوط به احکام شرعی در اختیار آنان قرار گرفت و از آنان خواسته شد به طور مشارکتی و به روش باز به سئوالات پاسخ دهند و بعد از یک هفته از طریق سئوالات چند گزینه ای یادگیری آنها سنجیده شد. علاوه بر آن تاثیر این روش بر عمق یادگیری، ترس و اضطراب ناشی از امتحان تسهیل، سرعت، عمق یادگیری، ایجاد علاقه و رضایت مندی آنها توسط پرسشنامه با مقیاس لیکرت مورد ارزیابی قرار گرفت.

**نتایج:** آمار توصیفی نشان داد در گروه آزمون ۸۹٪ دانشجویان میزان رضایت بالایی را از روش ارزشیابی باز، گزارش کردند که نشان دهنده رضایت مندی بالای دانشجویان به این روش ارزشیابی بود. اکثریت دانشجویان این روش را در کاهش ترس و اضطراب (۹۵٪)، ماندگاری و عمق یادگیری (۸۹٪)، سرعت و تسهیل در یادگیری (۸۱٪) موثر دانسته و نظر کاملاً موافق را گزارش کردند. گروه آزمون نمره بالاتری از پرسشنامه آگاهی بعد از انجام این روش دریافت کردند. میانگین نمره دانشجویان در گروه آزمون  $4/5 \pm 0/77$  و در گروه شاهد  $2/2 \pm 0/85$  بود. آزمون من ویتنی تفاوت معنی داری از نظر تاثیر این روش بر یادگیری و افزایش دانش دانشجویان در دو گروه نشان داد ( $p < 0/0001$ ).

**نتیجه‌گیری:** این روش ارزشیابی در کاهش اضطراب و یادگیری عمقی تمرکز دارد و افراد را جهت ارتقای تفکر انتقادی آماده می کند. با توجه به اینکه در روش معمول یادگیرنده قادر نیست تمام توانایی خود را در زمینه یادآوری، رونوشت برداری از مطالب، قراردادن مطالب ارتقاء دهد، در رویکرد جدید ارزشیابی، ارزشیابی به روش باز مطرح است.

**واژه‌های کلیدی:** ارزشیابی، روش باز، دانشجویان، یادگیری

## بررسی بهبود ارزیابی واحد کارآموزی در عرصه دانشجویان هوشبری با برگزاری آزمون در عرصه ساختار یافته عینی OSFE

دکتر محمدرضا افهمی\*، پریسا گل عنبر، فریبا سالک

Email: [parisa\\_gl@yahoo.com](mailto:parisa_gl@yahoo.com)

مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

**مقدمه:** یکی از موضوعات اساسی در آموزش و ارزیابی دانشجویان رشته های علوم پزشکی، ارتقاء دانش، نگرش و مهارتهای مورد نیاز آنان و ارزیابی صحیح و دقیق آنها است، لازم است دانشجویان در محیط های شبه واقعی و یا مشابه کار آینده آموزش دیده و در شرایط واقعی کار و یا محیط های کاری شبیه سازی شده مورد ارزیابی قرار گیرند. شواهد علمی حاکی از آن است که ارزیابی تئوریک دانشجویان به کمک آزمونهای کتبی و یا شفاهی به تنهایی مشخص کننده مهارتها و توانمندی های آنها نبوده و نیازمند به روشهای دیگری است. با توجه به مطالب ذکر شده بر آن شدیم تا برای اولین بار در دانشگاه علوم پزشکی تبریز ارزیابی کارآموزی در عرصه رشته هوشبری را به صورت (Objective Structured Field Examination OSFE) انجام دهیم. هدف از اجرای این روش ارزیابی و سنجش صلاحیتها و مهارتهای دانشجویان هوشبری با استفاده از معیارهای مشابه و یکسان است که در آن مربی دانشجو را موقع نشان دادن چگونگی انجام مهارت مشاهده و براساس چک لیستهای از پیش طراحی شده او را ارزیابی می نماید.

**روشها:** این مطالعه بر روی ۲۰ نفر دانشجوی هوشبری که دوره کارآموزی در عرصه را گذرانده بودند بصورت آزمون پایان ترم در مرکز آموزشی درمانی نیکوکاری بصورت OSFE انجام شد و در این مطالعه ابزار گردآوری داده ها چک لیستهای ارزیابی مهارتها بود که این مهارتها شامل بر: تعیین هویت بیمار و کنترل پرونده بیمار، آماده سازی وسایل مورد نیاز جهت بیهوشی، برقراری راه داخل وریدی، حفظ و نگهداری بیهوشی، خارج کردن لوله داخل تراشه، مراقبت از بیمار در اتاق ریکاوری، ترخیص بیمار از اتاق ریکاوری بودند که نتایج چک لیستها از طریق نمره دهی به هر پروسیجر بدست آمد

**نتایج:** در این مطالعه میانگین نمره نهایی ارزیابی از ۲۰ نمره  $1/41 \pm 16/27$  بود و میانگین نمرات در هر یک از مهارتهای: تعیین هویت بیمار و کنترل پرونده بیمار  $1/3 \pm 18/46$ ، آماده سازی وسایل مورد نیاز جهت بیهوشی  $1/4 \pm 16/67$ ، برقراری راه داخل وریدی  $1 \pm 15/72$ ، حفظ و نگهداری بیهوشی  $2 \pm 16/0$ ، خارج کردن لوله داخل تراشه  $1/8 \pm 17/34$ ، مراقبت از بیمار در اتاق ریکاوری  $1/2 \pm 17/72$ ، ترخیص بیمار  $1/1 \pm 14/0$  بود این آزمون توسط مسئول محترم ارزیابی برنامه های آموزشی دانشگاه در حد عالی مورد تأیید قرار گرفت و رضایت دانشجویان نیز از این روش با میانگین  $10/18 \pm 72/43$  بود.

**نتیجه گیری:** برگزاری این آزمون باعث بهبود روشهای ارزیابی و سنجش صلاحیتها و مهارتهای دانشجویان هوشبری با استفاده از معیارهای مشابه و یکسان گردید، پیشنهاد می شود که از روش فوق که شکل تغییر یافته OSCE می باشد در سایر رشته های علوم پزشکی مخصوصاً در رشته های بالین استفاده گردد.

واژه های کلیدی: ارزیابی کارآموزی، دانشجویان هوشبری، OSFE

## بررسی میزان تاثیر برنامه آموزشی دوره پزشکی عمومی در آشنایی دانش آموختگان با اولویتهای سلامت در جامعه در سال ۱۳۹۱

پریسا گل عنبر\*، دکتر رضا غفاری، فریبا سالک، دکتر سوسن حسن زاده، رقیه محمودیان، جواهر یاری

\* مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی - گروه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

[parisa\\_gl@yahoo.com](mailto:parisa_gl@yahoo.com) Email:

**مقدمه:** با توجه به تصویب استانداردهای پایه دوره پزشکی عمومی در سال ۱۳۸۵ که به منظور پیاده سازی به دانشکده های پزشکی کشور اعلام گردید و طی این مصوبه دانشکده های پزشکی موظف شده بودند برای ایفای نقش خود جهت تربیت پزشکانی توانا برای ارتقای سلامت جامعه، استانداردهای تدوین شده را در ۸ حوزه مورد توجه قرار داده و اجراء نمایند که در عمل بایستی این استانداردها پیاده و باعث ارتقای دوره شده باشند، در این مطالعه بر آن شدیم تا سیستم آموزشی دوره پزشکی عمومی را در حوزه برنامه آموزشی از دیدگاه کارورزان در زمینه موفقیت برنامه دوره در آشنا سازی آنان با اولویتهای سلامت جامعه در سال ۹۱ را بررسی کرده و بدانیم که چه مقدار و از چه منابعی توانسته دانش آموختگان را با اولویتهای سلامت آشنا سازد.

**روش ها:** مطالعه حاضر بر روی ۳۰ نفر از دانشجویان پزشکی مقطع کارورزی دانشگاه علوم پزشکی تبریز که به روش تصادفی از دو جنس انتخاب شده بودند انجام گردید و اطلاعات بدست آمده با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته جمع آوری گردید که روایی محتوایی آن با اعمال نظر خبرگان افزایش و پایایی آن با  $\alpha = 0/7$  تائید گردید و با روش آماری توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: ۳۰٪ اظهار داشته اند با اولویتهای سلامت آشنایی کامل دارند که ۳۵٪ آشنایی آنان از طریق آموزش رسمی بوده است (سایر موارد مانند مطالعات شخصی، اساتید بالینی باتجربه و رسانه ها)، ۴۵٪ عقیده داشته اند که در خصوص اولویتهای بهداشتی جامعه در دوره پزشکی عمومی اهداف مشخصی تدوین شده است، ۴۵٪ اظهار داشته اند که منابع و محتوای مشخصی در این خصوص به آنان معرفی شده بود. در مورد تاثیر دروس دوره بیشترین تاثیر مربوط به کارآموزی های در عرصه با میانگین  $23/19 \pm 40$  و کمترین تاثیر مربوط به دروس بهداشت بجز اپیدمیولوژی با میانگین  $22/87 \pm 35$  بدست آمد و تاثیر رسانه های جمعی را با میانگین  $23/87 \pm 25$  اظهار داشته اند.

**نتیجه گیری:** با توجه به اینکه میزان تاثیر گذاری برنامه آموزشی دوره پزشکی عمومی در آشنایی دانش آموختگان با اولویتهای سلامت در حد متوسط بدست آمد و با عنایت به اهمیت این موضوع در عملکرد حرفه ای دانش آموختگان توجه مسئولین و برنامه ریزان آموزشی را به این امر جلب کرده و نیاز به سازماندهی منابع آشنایی و یادگیری و توجه به استانداردهای پایه دوره آموزش پزشکی عمومی در راستای ارتقاء سلامت جامعه و افراد را تاکید می نماید.

واژه های کلیدی: برنامه آموزشی، دوره پزشکی عمومی، اولویتهای سلامت

## بررسی نقش رتبه هیئت علمی گروه های آموزشی بر معدل نمره دانشجویان زاهدان در آزمون جامع علوم پایه پزشکی

قاسمعلی میثمست نهی\*

\* استادیار دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

**مقدمه:** آزمون جامع علوم پایه پزشکی یکی از مهمترین ارزشیابی‌ها در پزشکی است. یکی از اهداف ارزشیابی، شناخت نقاط قوت و ضعف سیستم آموزشی است تا با تقویت نقاط قوت و حذف روش‌های نامطلوب، بر پویایی آموزش افزوده گردد. از آنجا که آموزش بر سه محور استاد، دانشجو و فرآیندهای آموزش استوار است، هدف از این مطالعه بررسی تاثیر نقش اساتید با مدارج مختلف علمی بر میزان فراگیری دانشجویان و انعکاس آن در معدل آزمونهای جامع پزشکی دانشجویان زاهدان می باشد.

**روش‌ها:** این پژوهش یک مطالعه توصیفی-مقطعی است که در آن نتایج آزمونهای جامع علوم پایه پزشکی در شهر یور و اسفند مجموعاً<sup>۱</sup> در نوزده دوره از سال 1380-1390 ارسالی از وزارت متبوع با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این مطالعه به اعضای هیات علمی دارای مرتبه مربی امتیاز 1 و به استادیار امتیاز 2 و به دانشیار امتیاز 3 و به استاد امتیاز 4 داده شده است و سپس معدل گروه در سالهای مختلف مشخص و ارتباط معدل با میانگین رتبه هیات علمی مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر آن نمره استاندارد و رده‌بندی گروهها نیز که گروههای آموزشی یک دانشکده را با گروههای مشابه سایر دانشکده‌های علوم پزشکی مقایسه می‌کند بررسی شده است.

**نتایج:** یافته‌ها حاکی از این است که ارتباط منفی و معنی داری در سطح  $P < 0.05$  بین معدل دروس بیوشیمی (0.70-)، بافت‌شناسی (0.61-)، و روان‌شناسی (0.47-) با رتبه هیات علمی در این 19 دوره وجود داشته است و تنها در درس ویروس‌شناسی ارتقای هیات علمی با معدل درس ویروس‌شناسی در امتحان جامع علوم پایه ارتباط مثبت و معنی‌داری (0.51) در سطح  $P < 0.02$  داشته است و در سایر دروس، معدل با رتبه هیات علمی گروههای مربوطه هیچگونه ارتباط معنی‌داری نداشته است. همچنین یافته‌ها حاکی از این است که نمره استاندارد و رده‌بندی گروههای آموزشی با رتبه هیات-علمی گروههای بیوشیمی، قارچ‌شناسی، انگل‌شناسی و باکتری‌شناسی ارتباط منفی و معنی‌داری در سطح  $P < 0.05$  داشته است.

**نتیجه‌گیری:** بنظر می‌رسد که ارتقای هیات علمی طبق ضوابط موجود هیچ تاثیر مثبتی بر فراگیری دانشجویان نداشته و حتی در بعضی دروس تاثیر منفی داشته است. از آنجا که در حال حاضر پژوهش و تحقیقات نقش اصلی را در ارتقای هیات علمی آموزشی دارد، یافته‌ها بیانگر این است که شکاف عمیقی بین تحقیقات و آموزش وجود دارد و عملاً "آموزش و پژوهش در دو مسیر جداگانه حرکت می‌کنند، امید است مسئولین محترم قبل از اینکه آموزش آسیب بیشتری ببیند به فکر راه حل منطقی برای این معضل باشند.

## عملکرد مراکز توسعه آموزش در زمینه ارزشیابی آموزشی چقدر با انتظارات اعضای هیأت علمی فاصله دارد؟

ماریا شاطر جلالی<sup>۱\*</sup>، طاهره چنگیز<sup>۲</sup>، نیکو یمانی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی دکترای تخصصی آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

Email: m\_jalali@toniau.ac.ir

<sup>۲</sup> دکترای تخصصی فارماکولوژی، کارشناس ارشد آموزش پزشکی، دانشیار گروه آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی اصفهان

<sup>۳</sup> دکترای تخصصی برنامه ریزی درسی، کارشناس ارشد آموزش پزشکی، استادیار گروه آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی اصفهان

**مقدمه:** از دیرباز راهکارهای متعددی برای ارتقاء کیفیت آموزش پزشکی مطرح و آزموده شده‌اند و ارزشیابی به عنوان یکی از ابزارهای ارتقاء کیفیت به صورت گوناگون مطرح شده است. حساسیت امر آموزش و توجه به فرایندهای آموزشی در دانشگاهها، ضرورت ارزشیابی به منظور بهبود کیفیت آموزش و در نهایت بهبود کارآیی و اثربخشی سیستم آموزشی کشور را مورد تأکید قرار می‌دهد. در واقع ارزشیابی یکی از جنبه‌های مهم در فرایندهای آموزشی بوده و این امکان را فراهم می‌سازد تا براساس نتایج آن نقاط قوت و ضعف شناسایی شده و با تقویت جنبه‌های مثبت و رفع نارسایی‌ها در ایجاد تحول و اصلاح نظامهای آموزشی گامهای مناسبی برداشته شود.

**روش‌ها:** این پژوهش ارزشیابی هدف- آزاد، با رویکرد ترکیبی در دو مرحله کیفی و کمی اجرا شد. در مرحله اول، با نمونه هدفمند از هیأت علمی مصاحبه و نتایج با روش تجزیه و تحلیل تم‌ها تحلیل گردید. براساس نتایج مصاحبه، پرسشنامه پایا و روا تدوین و به پست الکترونیکی ۲۲۰۰ نفر از اعضای هیأت علمی ارسال شد. میانگین نظری هر حیطه، ۲/۵ تعیین شد و برای تعیین شکاف انتظار، تفاضل میانگین نمره وضعیت موجود و مطلوب محاسبه شد.

**نتایج:** در مجموع ۱۵ نفر در مرحله کیفی پژوهش حاضر شرکت نمودند. تفسیر داده‌ها نشان داد که موارد مختلف و متنوعی در دیدگاهها و توقعات اعضای هیأت علمی وجود دارد، ولی در مجموع می‌توان این موارد را در ۳ درونمایه، ۵ طبقه جای داد. درونمایه‌های اصلی عبارتند از: بازنگری در عملکرد آموزشی اساتید، ارتقاء روشهای ارزشیابی دانشجو و ارزیابی درونی. نتایج مرحله دوم که به منظور تعمیم نتایج مرحله اول انجام شد، نشان‌دهنده شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب یا شکاف انتظار در خدمات ارائه شده مراکز به اعضای هیأت علمی در حیطه‌های ذکر شده است. بررسیها نشان داد که بیشترین شکافها مربوط به نظارت بر اجرای صحیح شیوه‌های نوین آزمونهای دانشجویان توسط دانشکده‌ها و کمترین شکاف مربوط به نظارت بر اجرای ارزشیابی دانشجویان از اساتید بود.

**نتیجه‌گیری:** در این پژوهش اعضای هیأت علمی موارد متعددی را تحت عنوان دیدگاهها و توقعاتشان بیان نمودند. پس از انجام فاز کمی که به منظور تعمیم نتایج انجام شد مشخص گردید که بیشترین انتظار اعضای هیأت علمی از مراکز در زمینه آموزش اساتید در زمینه شیوه‌های نوین ارزشیابی دانشجو می‌باشد و نامطلوبترین عملکرد مراکز از دیدگاه آنان نظارت مراکز بر اجرای صحیح شیوه‌های نوین آزمونهای دانشجویان توسط دانشکده‌ها است.

**واژه‌های کلیدی:** مرکز مطالعات و توسعه، اعضای هیأت علمی، ارزشیابی، دستاورد، دیدگاهها، انتظارات، ارزشیابی هدف آزاد



### بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و عزت نفس دانشجویان دانشگاه های دولتی گرگان

بهنام پقه\*<sup>۱</sup>، دکتر رضا علی محسنی<sup>۲</sup>، دکتر سیدحمیدرضا رضوی<sup>۳</sup>  
\*کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

Maminp80@yahoo.com

<sup>۲</sup> عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر

<sup>۳</sup> عضو هیأت علمی دانشگاه غیرانتفاعی شمال آمل

مقدمه: هدف از این تحقیق، بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و عزت نفس دانشجویان دانشگاه های دولتی شهرستان گرگان بوده است.

روش ها: از روش توصیفی - همبستگی و به صورت پیمایشی در جامعه آماری ۱۳۱۰۰ نفر از دانشجویان انجام شده و با استفاده از جدول کرجسی و مورگان تعداد ۳۷۵ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین و به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای نمونه گیری به عمل آمد و پرسشنامه های حمایت اجتماعی و عزت نفس کوپر اسمیت بر روی آن ها اجرا گردیده است که ضریب پایایی آن به روش آلفای کرونباخ محاسبه شده که برای عزت نفس ۰/۸۹ و برای حمایت اجتماعی ۰/۷۹ به دست آمده است. نتایج آماری داده ها طی دو فرآیند آمارهای توصیفی که مبتنی بر ترسیم جداول داده ها توصیفی و درصدی و میانگین و واریانس است و همچنین آمارهای استنباطی متناسب با نوع فرضیه های تحقیق از روش همبستگی و رگرسیون و Anova استفاده گردیده است.

نتایج: مطالعه نشان می دهد: که بین حمایت اجتماعی خانواده (با ضریب تبیین ۰/۶۰۸)، حمایت اجتماعی دوستان و همسالان (با ضریب تبیین ۰/۵۳۷)، حمایت اجتماعی شبکه های اجتماعی (با ضریب تبیین ۰/۴۲۵) و در مجموع حمایت اجتماعی (با ضریب تبیین ۰/۶۴۶) و عزت نفس دانشجویان رابطه وجود دارد.

نتیجه گیری: بنابراین به منظور بالا بردن میزان عزت نفس دانشجویان برقراری سیستم های حمایت اجتماعی، از جمله سیستم حمایتی خانواده، دوستان و شبکه های اجتماعی لازم و ضروری است.

واژه های کلیدی: حمایت اجتماعی، عزت نفس، دانشجویان

## بررسی میزان رضایت دانشجویان از منابع معرفی شده و تناسب منابع با آزمون در

### چهارمین المپیاد علمی دانشگاههای علوم پزشکی کشور در سال ۹۱

حکیمه حضرتی<sup>۱\*</sup>، لیلا واحدی<sup>۲</sup>، حسن سلامی<sup>۳</sup>، کریم نظری<sup>۴</sup>، الهام عباسی<sup>۵</sup>

\*دانشجوی آموزش پزشکی مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی تبریز، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

[hakimeh.hazrati@gmail.com](mailto:hakimeh.hazrati@gmail.com)

<sup>۲</sup> دکترای حرفه ای مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی تبریز، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

<sup>۳</sup> متخصص داخلی مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی تبریز، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

<sup>۴</sup> کارشناس آموزش مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی تبریز، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

<sup>۵</sup> کارشناس ارشد مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی تبریز، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

**مقدمه:** برگزاری المپیادهای علمی دانشجویی یکی از ابزارهای موثر برای شناسایی، حمایت و هدایت دانشجویان با استعدادهای مختلف و توانمند، بمنظور تربیت نیروهای متعهد، متخصص و سرمایه گذاری های هدفمندتر می باشد برای افزایش عدالت در آزمون دسترسی همه دانشجویان به منابع یکسان و انتخاب سوالات از منابع معرفی شده خیلی مهم به نظر می رسد لذا در این مطالعه به بررسی نظرات دانشجویان درباره منابع آزمون پرداختیم.

**روشها:** این مطالعه از نوع توصیفی و جامعه آماری آن کلیه شرکت کنندگان المپیاد که از ۴۴۵ نفر شرکت کننده فقط ۲۲۴ نفر پرسشنامه را تحویل دادند اطلاعات از طریق پرسشنامه محقق ساخته که روایی آن طی Focuce Group مورد تأیید اساتید قرار گرفت به روش سرشماری جمع آوری گردیده است.

پرسشنامه در زمینه پوشش مطالب توسط منابع پیشنهادی، تناسب سطح منابع با سطح معلومات دانشجویان، اطلاع رسانی نسبت به منابع، دسترسی، به روز بودن منابع، میزان آشنایی دانشجویان با منابع، میزان آموزش منابع توسط اساتید، هزینه منابع، تاثیر آن بر موفقیت دانشجویان بوده که اطلاعات توسط نرم افزار Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** بطور کلی دانشجویان در حد  $18/06 \pm 43/78$  در حد متوسط به پایین از منابع آزمون رضایت داشتند بیشترین رضایت از به روز بودن منابع اطلاعاتی ( $25/55 \pm 52/53$ ) و تناسب سطح منابع با سطح معلومات دانشجویان  $27/47 \pm 48/24$  و موثر بودن منابع در موفقیت در المپیاد  $31/11 \pm 48/93$  و کمترین رضایت مربوط به آموزش منابع توسط اساتید ( $30/42 \pm 31/66$ ) می باشد. **نتیجه گیری:** با توجه به نتایج و نظرات ذکر شده دانشجویان، جهت ایجاد عدالت و برگزاری کلاسهای توانمندسازی در سطح کشوری برای آموزش و آشنایی دانشجویان با منابع آزمون و برگزاری اردوهای علمی جهت هم اندیشی دانشجویان و اساتید مفید به نظر می رسد و با برگزاری مرحله تیمی در المپیاد آینده بیشتر با اهداف المپیاد نزدیک شویم.

واژه های کلیدی: منابع آزمون، چهارمین المپیاد علمی تبریز

## بررسی عوامل تسهیل کننده و بازدارنده یادگیری مهارت های عملی از دیدگاه دانشجویان ترم ۵ به بعد رشته های توانبخشی

علیرضا طاهری<sup>1\*</sup>، سعید فرقانی<sup>2</sup>، جعفر زراعت<sup>3</sup>

<sup>1\*</sup> مربی، عضو هیئت علمی گروه ارتوپدی فنی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده علوم توانبخشی  
saeed\_forghany@yahoo.co.uk

<sup>2</sup> دکترا، عضو هیئت علمی گروه ارتوپدی فنی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده علوم توانبخشی

<sup>3</sup> کارشناس آموزشی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده علوم توانبخشی

**مقدمه:** آنچه که در تحقیقات مختلف در خصوص یادگیری مهارت های عملی پرداخته شده عموماً مشکلات مربوطه در این حیطه می باشد ولی عوامل مثبت و تسهیل کننده کمتر مورد توجه قرار داده شده و این مطالعه با هدف تعیین عوامل تسهیل کننده و بازدارنده یادگیری مهارت های عملی از دیدگاه دانشجویان ترم ۵ به بعد رشته های توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام شد.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی- تحلیلی از نوع مقطعی می باشد که کلیه دانشجویان سال سوم به بعد در مطالعه انتخاب شدند و پرسشنامه پژوهشگر ساخته که حاوی سوالات در حیطه مشخصات فردی دانشجویان و ۶۲ سؤال در خصوص عوامل تسهیل کننده و بازدارنده موثر بر یادگیری مهارت های عملی در حیطه های ارتباط دانشجوی، مربی، پرسنل و بیمار، نحوه ی ارائه درس تئوری و عملی و رضایت دانشجو از نحوه آموزش مهارت ها توسط اساتید، مربیان و پرسنل و امکانات موجود بیمارستانی، کلینیکی و دانشگاهی و ویژگی های اساتید و مربیان بود که پس از توزیع و جمع آوری پرسشنامه ها، داده ها در نرم افزار SPSS توسط آزمون های توصیفی و آنالیز واریانس در تکرار مشاهدات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** بیشترین عوامل تسهیل کننده یادگیری مهارت های عملی مربوط به ایجاد محیط مناسب برای تجربه عملکرد بالینی توسط مربی بود (۹۳٪) و سپس تجارب آموزشی مربیان در پیشرفت امور آموزشی (۹۲٪) و آگاهی به نیازهای یادگیری دانشجو توسط مربی (۹۲٪) و بیشترین عوامل بازدارنده مربوط به کمبود یا عدم وجود کتابچه آموزشی در بخش (۷۰٪) و عدم وجود بخش استاندارد و امکانات مناسب (۶۶٪) و خستگی مفرط مربی که در نتیجه آن افت آموزش می باشد (۶۹٪) بود. بین ویژگیهای مربیان و رضایت دانشجو از قوانین و نحوه ی آموزش مهارت ها اختلاف معناداری وجود داشت. همچنین بین ارتباط دانشجو با مربی، پرسنل و بیمار و رضایت دانشجو رابطه معناداری وجود داشت.

**نتیجه گیری:** با توجه به نظر دانشجویان در موضوعات مطرح شده، بازنگری در نحوه ی برنامه ریزی و بالتبع آن اقدامات مناسب توسط مسئولین آموزش و گروههای آموزشی در جهت ایجاد یک محیط مناسب بالینی در اولویت باید باشد. استفاده از مربیان مجرب و به کار بردن تجربه در حین آموزش بالینی از طرفی و برنامه ریزی صحیح جهت به کار بردن اساتید با روحیه و نشاط بیشتر لازم است.

**واژه های کلیدی:** مهارت های عملی، دانشجوی توانبخشی، عوامل تسهیل کننده، عوامل بازدارنده

## طراحی و روانسنجی ابزار اندازه گیری اثربخشی مدرس بالینی پرستاری مبتنی بر ویژگی های زمینه آموزش پرستاری ایران

هومن شهسواری\*، زهره پارسا یکتا، عبدالحسین امامی سیگارودی، زهرا زارع

دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران

[h\\_shahsavari@razi.tums.ac.ir](mailto:h_shahsavari@razi.tums.ac.ir)

**مقدمه:** آموزش بالینی، قلب برنامه آموزش پرستاری است. مربیان بالینی پرستاری اثربخش برای پرورش نسلی از پرستاران توانمند ضروری هستند. اگرچه دانش مورد نیاز در مورد اثربخشی آموزش بالینی و استاد پرستاری به خوبی توسعه یافته است اما ترجمه این دانش به منظور تهیه یک ابزار ارزیابی بومی برای اندازه گیری اثربخشی مدرسان بالینی پرستاری با کمبود مواجهه است. از این رو هدف از این مطالعه توصیف روند توسعه و تست های روانسنجی ابزار اندازه گیری اثر بخشی مدرس بالینی پرستاری در ایران می باشد.

**روش ها:** پس از بررسی دقیق مطالعات انجام یافته در ایران و مشاوره با صاحب نظران، ۸۳ گویه در مورد ویژگی های مورد نیاز یک مدرس بالینی اثر بخش در پرستاری استخراج شد. در مرحله بعدی، ویژگیهای روانسنجی این ابزار با بررسی روایی محتوا، روایی صوری و انسجام داخلی تعیین شد. اعتبار محتوای این ابزار بر اساس نظرات گروه کارشناسی شامل ۱۵ عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری انجام شد. در طول این مرحله، ۳۰ گویه از کل گویه ها حذف و یا ادغام شدند. اعتبار صوری این ابزار بر اساس بحث با ۱۰ دانشجویان پرستاری و ۱۰ عضو هیئت علمی پرستاری کسب گردید. در نهایت، در بررسی میدانی، ابزار ساخته شده در قالب یک پرسشنامه در میان ۲۰۰ دانشجوی پرستاری توزیع شده و تکمیل گردید ۱۶۸ پرسشنامه به محققان برگردانده شده و به منظور کاهش گویه ها و شناسایی ابعاد آن مورد تحلیل عاملی قرار گرفت.

**نتایج:** بواسطه تجزیه و تحلیل های صورت گرفته، در نهایت از میان ۸۳ گویه اولیه، ۳۱ گویه حذف یا ادغام گردید. تعداد ۵۲ گویه باقی مانده دارای چهار بعد بوده که تحت عناوین "رفتار های دانشجو محور"، "عملکرد بالینی"، "توانایی برنامه ریزی آموزشی"، و "صفات شخصیتی" ارائه گردید. میزان پایایی کلی ابزار بر اساس سطح آلفای کرونباخ حدود ۰/۹۶ بود.

**نتیجه گیری:** ابزار ایرانی مدرس اثر بخش بالینی پرستاری توسعه یافته در این مطالعه واجد خواص روان سنجی قابل قبول می باشد. دانشجویان، مدرسان، پژوهشگران، و مدیران پرستاری و سایر رشته های مشابه می توانند از این ابزار جهت اندازه گیری سطح اثر بخشی مدرسان بالینی برای اهداف مختلف آموزشی، مدیریتی، عملی و پژوهشی استفاده نمایند. این ابزار با داشتن خواص روانسنجی قابل قبول می تواند یافته های عینی مورد اعتمادی را در مورد سطح اثربخشی مدرسان بالینی فراهم آورد.

**واژه های کلیدی:** مدرس اثر بخش، آموزش بالینی، پرستاری، ابزار ارزیابی، ایران

## شیوه‌های مورد استفاده در ارزشیابی کارآموزی در عرصه دانشجویان رشته بهداشت عمومی و بهداشت محیط مقطع کارشناسی ناپیوسته دانشکده های بهداشت سراسر کشور در سال تحصیلی ۹۰-۸۹

فریبا زاهدی فر، محمد مهدی امام جمعه، نسترن کشاورز محمدی، ژیلا شجری، جلیل کوهپایه زاده

**مقدمه:** ارزشیابی بالینی، به منظور تعیین سطح یادگیری و میزان دستیابی به اهداف و مهارت های مورد انتظار، شامل مهارت‌های حرفه ای، نگرش ها و ارزش های ضروری برای تربیت گروه متخصص انجام می گیرد. این مطالعه باهدف مقایسه انواع روشهای ارزشیابی کارآموزی در عرصه دانشجویان رشته بهداشت عمومی و بهداشت محیط مقطع کارشناسی ناپیوسته در دانشگاه های علوم پزشکی سراسر کشور در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ انجام گرفت.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی-تحلیلی در سال ۹۰ با استفاده از پرسشنامه خود ایفا انجام گردید. شیوه های ارزشیابی مورد استفاده دانشجویان رشته بهداشت عمومی بهداشت محیط دانشکده های بهداشت سراسر کشور با استفاده از روش نمونه گیری سرشماری جمع آوری گردید. در مجموع داده های ۶۸ پرسشنامه با استفاده از نرم افزار spss11.5 و آزمون نان پارامتریک Kruskal-Wallis Test تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** طبق بررسی انجام گرفته شایعترین شیوه های ارزشیابی مورد استفاده در رشته بهداشت محیط به ترتیب گزارش کتبی با میانگین  $23/16 \pm 1/01$  و آزمونهای کتبی و شفاهی با میانگین  $14/27 \pm 13$  و در رشته بهداشت عمومی آزمونهای کتبی با میانگین  $22/16 \pm 25/43$  و گزارش کتبی با میانگین  $19/94 \pm 18$  و آزمونهای شفاهی با میانگین  $16/30 \pm 9/7$  می باشند.

**نتیجه‌گیری:** براساس یافته های این مطالعه بیشترین شیوه های ارزشیابی مورد استفاده ارزشیابی آزمونهای کتبی و گزارش کتبی می باشند. با توجه به اینکه پیامدهای یادگیری پیچیده تر مثل نگرش ها، کار تیمی و حرفه ای بودن با بکارگیری ترکیبی از روش های ارزش های نوین مانند لوگ بوک، پورتفولیو و OCSE می باشد، لزوم بازنگری و تغییر روندهای ارزشیابی بالینی کارآموزی بهداشت عمومی و بهداشت محیط پیشنهاد می گردد.

**واژه‌های کلیدی:** ارزشیابی، بهداشت عمومی، بهداشت محیط، دانشکده بهداشت

## ارزشیابی سیستم آموزش پزشکی مبتنی بر ادغام در رشته پزشکی عمومی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دکتر جواد کجوری، دکتر میترا امینی، زهره اسماعیل زاده، زهرا کریمیان

**مقدمه:** در دانشگاه علوم پزشکی شیراز نیز دو استراتژی تلفیق افقی و عمودی برنامه درسی به عنوان راهکار برقراری ارتباط بین دروس علوم پایه و بالینی و روش سیستمی در ارائه دروس مطرح شد. ادغام افقی بین دروس ژنتیک، جنین شناسی، بافت شناسی، آناتومی و فیزیولوژی در مرحله اول انجام گردید و درسنامه های دروس جدید به جای دروس نظری مجزا و موضوع محور، به صورت تلفیقی و مبتنی بر دستگاههای بدن<sup>۴۰</sup> طراحی شدند. همچنین برنامه تلفیق عمودی در سطح اولیه آن در مورد دروس ایمنی شناسی، فیزیولوژی، بیوشیمی، ژنتیک، قارچ و انگل شناسی، باکتری و ویروس شناسی و آناتومی در قالب برنامه آموزشی «مواجهه زودرس بالینی»<sup>۴۱</sup> طراحی و اجرا شد. در این گزارش نتایج دومین ارزشیابی برنامه با استفاده از ابزارهای متنوع کمی کیفی ارائه شده است.

**روش ها:** بعد از گذار از مرحله ادغام افقی و مراحل ابتدایی ادغام عمودی که در سطح اولیه با برنامه «مواجهه زودرس بالینی آغاز گردید» به تدریج زمینه ادغام عمودی فراهم گردید به طوری که طبق برنامه فاز پنجم ادغام با ادغام عمودی دروس علوم پایه و بالینی از اوایل سال ۹۱ آغاز گردید. بعد از گذشت حدود ۲ سال از اولین ارزشیابی برنامه و نیز با توجه به ورود به فاز جدید برنامه، لازم بود ارزشیابی مجددی از برنامه به عمل آید و علاوه بر تعیین نقاط قوت و ضعف برنامه در دانشجویان ورودی جدید، کار مقایسه نتایج با گروههای قبلی در یک مقایسه روند صورت پذیرد. در این فاز، ارزشیابی برنامه از آبان ماه ۱۳۹۱ با ۶ ابزار ذیل آغاز گردید: ۱- پرسشنامه DREEM - سنجش محیط آموزشی ۲- پرسشنامه نظرسنجی از دانشجویان در مورد کیفیت ارائه دستگاه ها ۳- پرسشنامه نظرسنجی از دانشجویان در مورد کیفیت ارائه برنامه تماس زودرس با بیمار ۴- مصاحبه نیمه ساختارمند ۵- تحلیل محتوای پورتفولیوی کارآموزی ها و کارورزی های دانشجویان پزشکی (۹ دستگاه) ۶- تحلیل نتایج بارش افکار دانشجویان پزشکی

**نتایج:** نتایج حاکی از آن بوده است که نظرات دانشجویان راجع به محیط آموزشی DREEM، کیفیت ارائه دستگاه ها، تماس زودرس با بیمار در حد قابل توجهی مطلوب ارزیابی شده است. تحلیل محتوای پورتفولیوی دستگاه ها خوب ارزیابی شده است. همچنین نتایج حاصل از بارش افکار دانشجویی نشان می دهد که دانشجویان ناراضیتی از اصل ادغام ندارند. نظرات حاصل از مصاحبه نیمه ساختارمند هم قابل تامل و بررسی است.

**نتیجه گیری:** برنامه فعلی تاثیر مثبتی بر تسهیل در آموزش، کاربردی بودن ایجاد علاقه در دانشجویان و بهبود یادگیری آنها داشته است. اما در اجرای برنامه برخی مشکلات و موانع اعم از امکانات یا هماهنگی برنامه وجود دارد که لازم است با شناسایی اشکالات برنامه هایی برای رفع آن ارائه شود. همچنین برای بهبود مستمر برنامه شیوه هایی برای ارتقای انگیزه اساتید نیز تامین شود و میزان تعاملات علمی و ارتباطی بین آنها افزایش یابد.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی ادغام، جو آموزشی، تماس زودرس با بیمار

<sup>40</sup> Organ Based

<sup>41</sup> Early Clinical Exposure (ECE)

## بررسی اثربخشی دوره Resident as Teacher از دیدگاه دستیاران بالینی

زهرا کریمیان\*، جواد کجوری، میترا امینی، محمدرضا دهقانی

مرکز توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

**مقدمه:** اهمیت نقش دستیاران به عنوان معلم؛ مورد تاکید بسیاری از صاحب نظران است. تحقیقات نشان داده است دانشجویان پزشکی عمومی بخش زیادی از آموخته های خود را از طریق تعامل با دستیاران دریافت می دارند و این میزان حتی بیش از زمانی است که با اعضای هیات علمی تمام وقت دانشگاه می گذرانند. دانشگاه علوم پزشکی شیراز از سال ۱۳۸۷ به منظور تقویت توانمندی های معلمی دستیاران اقدام به برگزاری دوره Resident as Teacher نمود. تحقیق حاضر به بررسی تاثیر دوره در افزایش توانمندی های دستیاران می پردازد.

**روش ها:** پس از مطالعه متون و بررسی تجارب سایر دانشگاه های دنیا در آموزش دستیاران، ایده برگزاری برنامه «رزیدنت به عنوان معلم، پژوهشگر و الگو» مورد تایید قرار گرفته و مراحل اجرایی آن در ۷ گام اصلی طراحی و محتوای دوره در دو بخش توانمندی های عمومی و توانمندی های معلمی پیش بینی شد. دستیاران در گروه های ۴۰ نفره به مدت یک هفته در مهرماه آموزش های لازم را دریافت نمودند. ارزیابی دوره در ابعاد دانش، رضایت و عملکرد مورد بررسی قرار گرفت. مطالعه حاضر به روش نیمه تجربی، با استفاده از پیش آزمون و پس آزمون، با بررسی دیدگاه ۲۲۶ نفر از دستیاران در سال ۱۳۸۹ انجام پذیرفت. داده ها با استفاده از نرم افزار spss تحلیل شد.

**نتایج:** تفاوت دانش افراد در قبل و بعد از دوره معنی دار بوده و این تفاوت به ویژه در حوزه های ارزشیابی و ارتباطات بیشتری بوده است. قبل از اجرای دوره، میزان آگاهی دستیاران از همه موضوعات مربوطه به مهارت های معلمی به غیر از گزارش صبحگاهی از حد انتظار پایین تر بوده که در همه موارد بعد از دوره آموزشی میانگین بیشتر از ۷۵ بیان شده است. در مهارت های عمومی در زمینه مدیریت، روش تحقیق و مراقبت های ویژه، دانش افراد در قبل از دوره کمتر از حد انتظار بوده که در پایان دوره این میزان به نحو قابل توجهی افزایش داشته است.

**نتیجه گیری:** به نظر می رسد دانشجویان دکتری تخصصی نیازمند آموزش های معلمی با تاکید بر اختصاصات حرفه ای خود می باشند و در طراحی دوره ها می باید به نیازهای اصلی و کاربردی آنها توجه ویژه شود.

واژه های کلیدی: دستیاران، آموزش، Resident as Teacher

## بررسی همبستگی نتایج آزمون های آسکی و پیش کارورزی

عباس علامی\*، فاطمه صفاری زاده

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی قزوین

مقدمه: اهمیت تولد و مبرگزار آزمون معتبر برای ارزیابی مهارت های بالینی پزشکان و پرستاران از اهمیت ویژه ای برخوردار است. منظور بر سر و آزمون های بالینی دانشجویان سال پنجم پزشکی قزوین است.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی بر روی ۴۸ دانشجوی پزشکی دوره کارآموزی یکدهم و هجدهم سال پنجم پزشکی صورت گرفت. علت انتخاب این گروه و مبرگزار آزمون کلیات وضعیت عملکردی کاروران پزشکی بود. ۱۰ ایستگاه برای ارزیابی دانشجویان طراحی شد. جهت تعیین و ایملای آزمون های کله باز تا بقابل قبولی از عملکردهای پزشکی دانشجویان نیاز بود. بدین منظور از نمره پیش کارورزی به عنوان ملاکت تعیین و ایملای استفاده شد. همبستگی هر یک از این میانگین ها به صورت جداگانه با نمره هبه جهت تعیین همسانیدرونی، ایستگاه نمرات همبستگی نمرات کلدانشجویان در ایستگاه های اسکیم محاسبه شد.

**نتایج:** در این پژوهش بین نمرات آزمون پیش کارورزی و نمرات اسکیم ارتباط مثبت ضعیف اما معنی دار وجود داشت. همچنین بین نمرات آزمون روسبالی نیپزشکینیز ارتباط مثبت معنی دار وجود داشت. همبستگی منفی بین ایستگاه انجام پروسیجر بر روی مولاژ و آزمون پیش کارورزی وجود داشت. اختلاف میانگین نمرات دو مشاهده گردید ایستگاه های مختلف از نظر آماریم معنی دار بودند.

**نتیجه گیری:** اگرچه نتایج آزمون آسکی همبستگی ضعیفی با نتایج آزمون پیش کارورزی نشان داد ولی برای سنجش حیطه نگرشی و مهارت دانشجویان، این آزمون به صورت جداگانه برگزار شود.

**واژه های کلیدی:** آسکی، پیش کارورزی، همبستگی



## بررسی اثر نظارت مستمر حین آموزش بر استاندارد اولین دستور پزشک در دستیاران تخصصی بالینی پزشکی مرکز آموزشی درمانی شهید مدرس

سید احمد رئیس السادات\*، اعظم نوری فروتنقه،

\*استادیار بیمارستان شهید مدرس

ahmad\_raeissadat@yahoo.com

**مقدمه:** امروزه یکی از مفاهیم اساسی در سیستم ارائه خدمات بهداشتی - درمانی ارتقاء کیفیت خدمات پزشکی است. تعیین شیوع خطا در دستورات پزشک مثل اشتباهات دارویی، ناقص بودن دستورات، خوانا نبودن و از جمله مواردی است که متضمن ایمنی بیمار است. نتایج مطالعات نشان می دهد که یکی از مهمترین علل موفقیت در اجرای برنامه های آموزشی عامل مدیریت سازماندهی و نظارت حین آموزش می باشد. لذا ما بر آن شدیم تا با انجام این مطالعه به بررسی اثر نظارت مستمر در حین آموزش استاندارد اولین دستور پزشک، در دستیاران تخصصی بالینی پزشکی بپردازیم.

**روش ها:** بدنبال نیازسنجی از بخشهای بالینی مرکز و بازدیدهای غیر مترقبه از پرونده های پزشکی ضرورت اجرای ارزیابی و آموزش در راستای ارتقاء کمی و کیفی رعایت اصول استاندارد نویسی در پرونده های پزشکی مشخص گردید. پس از طراحی یک الگوی استاندارد به روش دلفی چک لیستی که مشتمل بر سه بخش بود طراحی گردید. سپس به مدت ۲ ماه به طور مداوم اولین دستور پزشکی نوشته شده توسط دستیاران رشته های داخلی، ارولوژی-قلب و عروق-جراحی عمومی و نفرولوژی مورد بررسی قرار گرفت بعد از برگزاری کلاس آموزش اصول استاندارد نویسی جهت دستیاران هر گروه که به طور جداگانه برگزار گردید و یک ماه نظارت مستمر و آموزش در حین دستور نویسی مجدداً به مدت ۲ ماه متغیرهای استانداردهای اولین دستور پزشکی در چک لیست طراحی شده ثبت گردید. جهت تجزیه و تحلیل متغیرهای کیفی از آزمون آماری کای دو و برای متغیرهای کمی از آزمون آماری تی تست زوجی استفاده گردید.

**نتایج:** از مجموع ۱۳۶۵ پرونده مورد بررسی از بخشهای مورد مطالعه ۵۳۸ مورد مربوط به فرمهای ثبت اطلاعات قبل از آموزش، ۳۰۵ مورد دوره یک ماهه نظارت و بازخورد حین آموزش و ۵۲۲ مورد مربوط به ارزیابی های پس از آموزش و بازخورد بود. نتایج حاصل از این مطالعه حاکی از بهبود معنی دار فراوانی رعایت اصول استاندارد دستور نویسی در اولین دستور پزشک در تمام حیطة های مورد ارزیابی از جمله ملاحظات عمومی ( $P < 0/001$ ) اقدامات مراقبتی و تشخیص کلی  $P < 0/001$  ملاحظات مربوط به اقدامات دارو درمانی  $P < 0/001$  اصول صحیح نگارش دستورات و درج اطلاعات مربوط به پزشک دستور دهنده و زمان دستورات  $P < 0/001$  بود.

**نتیجه گیری:** مطالعه نشان داد که مدیریت آموزش و اجرای برنامه استاندارد سازی از طریق نظارت و آموزش مستمر و ارائه بازخورد اثر قابل توجهی در بهبود وضعیت دستور نویسی دستیاران تخصصی بالینی دارد.

**واژه های کلیدی:** نظارت مستمر، آموزش، استاندارد اولین دستور پزشک، دستیاران تخصصی

## طراحی مدل ملی اعتباربخشی مراکز آموزش بهورزی و اعتباربخشی مرکز آموزش بهورزی الزهراء شهرستان تبریز با استفاده از مدل طراحی شده

جعفرصادق تبریزی، مصطفی فرحبخش، صابر اعظمی\*، جواد شاهگلی، سمانه ولی زاده، بتول ندیمی، سمیرا عسکری

\*مرکز تحقیقات مدیریت خدمات بهداشتی درمانی علوم پزشکی تبریز، کارشناسی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

Email: [saberazami@yahoo.com](mailto:saberazami@yahoo.com)

**مقدمه:** هدف از مطالعه حاضر طراحی مدل ملی اعتباربخشی مراکز آموزش بهورزی و اعتباربخشی مرکز آموزش بهورزی الزهراء شهرستان تبریز با استفاده از مدل طراحی شده می باشد.

**روش‌ها:** با بررسی متون با کلید واژه های بهبودکیفیت، مراکز آموزشی و اعتباربخشی اطلاعات جامعی جمع آوری شد. در منابع استخراج شده ۳۹ مدل از ۳۴ کشور دنیا شناسایی گردیده و زیر معیارها و استانداردهای مرتبط از ۳۴ مدل استخراج گردید. الگوی اولیه مشتمل بر ۸ معیار، ۵۵ زیر معیار و ۲۳۶ استاندارد در قالب پرسشنامه دلفی تدوین و از نظر ۵۹ خبره از سراسر کشور در چهار مرحله مورد ارزیابی قرار گرفت. در نهایت مدل با ۸ معیار، ۴۵ زیر معیار و ۱۹۲ استاندارد نهایی شد. در مرحله بعدی چک لیست های ارزیابی شامل ۶۰۵ سوال با شیوه نمره دهی جامعه بین المللی ارتقای کیفیت (ISQu) تدوین و با استفاده از مصاحبه، مشاهده و بررسی مستندات مرکز آموزش بهورزی انتخاب شده مورد ارزشیابی قرار گرفت و با مشارکت مسئولین مرکز بهداشت استان، مرکز آموزش بهورزی و اساتید گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی علوم پزشکی تبریز ایرادات مدل برطرف گردید.

**نتایج:** معیار های مدل شامل: رهبری، برنامه ریزی استراتژیک و تفصیلی، مدیریت منابع، تجزیه و تحلیل اطلاعات، مدیریت نیروی انسانی، مدیریت فرایندها، نتایج مشتری و نتایج عملکردی می باشد. امتیاز کل، ۱۰۰۰ تعیین شد. مرکز مورد نظر به ترتیب در حیطه رهبری (۷۰٪)، برنامه ریزی (۶۸٪)، مدیریت منابع (۷۸٪)، تجزیه و تحلیل اطلاعات (۳۲٪)، نیروی انسانی (۸۲٪)، مدیریت فرایندها (۷۵٪)، نتایج مشتری (۸۰٪) و نتایج عملکردی (۶۰٪) نمرات را کسب نمود و امتیاز کل آن برابر با ۷۱۰٫۵ از ۱۰۰۰ امتیاز بود. مشخص نمودن سطح جمع آوری اطلاعات، حذف برخی استانداردها به دلیل نداشتن قابلیت اجرایی، تعریف شفاف برخی از استانداردها و مشخص نمودن فرایند اعتباربخشی از مهمترین پیشنهادات اصلاحی ارائه شده می باشد.

**نتیجه گیری:** با توجه به اهمیت مراکز آموزش بهورزی توجه به کیفیت این مراکز امری ضروری می باشد و با توجه به نتایج مثبت اعتباربخشی در کشورهای مختلف نیاز به طراحی و راه اندازی سیستم اعتباربخشی مراکز آموزشی در کشور شدیداً احساس می شود. مشکلات مدل طراحی شده در این مطالعه با انجام پایلوت آن در یک مرکز آموزش بهورزی تا حدودی شناسایی و برطرف گردید با بهبود و پیاده سازی این مدل از سوی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی در سایر استانها می توان شاهد بهبود کیفیت آموزش های ارائه شده توسط مراکز آموزش بهورزی بود.

**واژه های کلیدی:** اعتباربخشی، مراکز آموزش بهورزی، نظام های آموزشی، بهبود کیفیت آموزش،

## چالش‌ها و موفقیت‌های پیاده‌سازی برنامه درسی ادغام یافته دوره علوم پایه پزشکی از دیدگاه دانشجویان و اساتید دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر غلامرضا حسن زاده، دکتر رقیه گندمکار\*، دکتر سارا مرتاض هجری، دکتر جمشید حاجتی، دکتر رامین مهرداد، دکتر مهدیه فقیهی، دکتر پریچهر پاسبخش، دکتر شروین فرهمند، دکتر شهرام اجتماعی مهر، دکتر عظیم میرزازاده، مریم شهابی

\* دانشجوی دکتری دانشگاه ع.پ. تهران  
rgandomkar@razi.tums.ac.ir

**مقدمه:** نقش و اهمیت ارزشیابی در فرایند اصلاح و رشد نظام های آموزش عالی برکسی پوشیده نیست. ایجاد نظام ارزشیابی کیفیت آموزش، ابزاری را برای دانشگاه فراهم می سازد تا به وسیله آن فعالیت های خود را مورد بازنگری قرار دهد، نقاط قوت و ضعف را معین کند و گزینه های مناسب را برای اصلاح خود انتخاب نماید. این طرح با هدف پایش منظم و مداوم برنامه بازنگری و ارائه بازخورد به موقع و مناسب به منظور اصلاح برنامه، همزمان با شروع آن و در طول یکسال اجرای برنامه که بدون شک حیاتی ترین زمان برای برنامه ریزان این برنامه بوده است، در کاهش مشکلات اجرای برنامه و موفقیت آن انجام شده است.

**روش‌ها:** جامعه آماری این پژوهش را اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران و دانشجویان مقطع علوم پایه ورودی مهرماه ۹۰ این دانشگاه تشکیل می دهند که به دلیل حجم کم جامعه آماری و با توجه به نظر مشاور آماری از روش سرشماری در این مطالعه، استفاده شده است. ابزار این پژوهش را پرسشنامه تهیه شده در کمیته ارزشیابی تشکیل می دهد که شامل ۴۸ سوال در ۸ حوزه می باشد. روایی محتوایی این پرسشنامه، با استفاده از نظرات اساتید هیئت علمی گروه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران مورد تایید قرار گرفته است و جهت سنجش پایایی آن نیز از روش آزمون-بازآزمون استفاده شده است. و داده های موجود با استفاده از آزمون Reliability Analysis مورد سنجش قرار گرفتند که درنهایت ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰.۸۳٪ تعیین گردید. داده های اصلی این پرسشنامه ها پس از توزیع در جمعیت موردنظر و تکمیل شدن آنها، جمع آوری شده و توسط محقق وارد نرم افزار SPSS15 می شوند و با استفاده از آزمون های descriptive, independent sample T-Test مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند.

**نتیجه‌گیری:** مهمترین پیامد اجرای این فرایند ارزشیابی منظم و مستمر اجرای برنامه بازنگری در طول یکسال بر اساس داده‌های جمع آوری شده از منابع مختلف و به روش های متنوع است. در نتیجه نتایج معتبر و قابل اتکایی برای قضاوت در مورد عملکرد برنامه به دست آمد. در نهایت کمیته ارزشیابی چرخه ارزشیابی را با تدوین و ارائه گزارش‌های جامع ارزشیابی به تفکیک هر بلوک و ارائه بازخورد به مخاطبان ارزشیابی در زمان مناسب تکمیل کرد.

**واژه‌های کلیدی:** برنامه درسی، ادغام، ارزشیابی، ارزشیابی تکوینی

## بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان استعداد درخشان جهت آغاز آموزش مبتنی بر

### شایستگی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۳۸۷

فاطمه عرفانی<sup>۱</sup>، امیرعلی ناطق<sup>۲\*</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد مدیریت آموزشی: دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، ایران

<sup>۲\*</sup> کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی: دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، ایران

[tahghighatedu@yahoo.com](mailto:tahghighatedu@yahoo.com)، [anateg@skums.ac.ir](mailto:anateg@skums.ac.ir)

**مقدمه:** استعدادهای درخشان کسانی هستند که به علت تواناییهای برجسته شان دارای قابلیت عملکردی بالقوه بالایی می باشند این افراد نیاز به برنامه های آموزشی و خدمات متمایز دارند. دانشجویان با اینکه از ورودی کنکور یکسان عبور کرده و توانمندیهایی مشابه ای دارند. در مقابل باید اذعان داشت دارای لیاقت های دیگری هم هستند. که ممکن است به خاطر محیط خانوادگی و محیط تحصیلی متفاوت و استعدادهای و علایق گوناگون تاثیر متفاوتی از برنامه درسی پنهان کسب نمایند. که قابل اندازه گیری در سیستم کلاسیک نباشد. بنابراین استفاده از روشی که بتواند شایستگی ها و توانمندیها را در آموزش بکارگیرد ضروری است. آموزش مبتنی بر شایستگی رویکردی است که به جای تمرکز بر فرایند، ابزارها، روش ها و منابع آموزشی، بر ایجاد توانایی های دانشی، مهارتی و نگرشی استاندارد شغلی در فراگیر تأکید دارد. و به اهداف راهبردی و مهارت-محوری به جای زمان-محوری آموزش توجه دارد.

**روش ها:** تحقیق حاضر از نوع توصیفی پیمایشی می باشد. جامعه آماری کلیه دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد بودند که بر اساس معیارهای وزارتی تعیین گردیدند. جامعه آماری ( ۶۰ نفر ) ( روش سرشماری  $n=N$  حجم نمونه : ۶۰ نفر: که ۳۰٪ مرد و ۷۰٪ زن بوده اند. دانشجویان در سه رشته پرستاری، رشته پزشکی و رشته بهداشت عمومی پاسخ دهنده بوده اند. برای بررسی نیاز و شایستگی های دانشجویان از پرسشنامه ای که شامل چهار حیطه ۱- شایستگی های رایانه ای، ۱- استفاده از نرم افزار آماری در جهت تجزیه و تحلیل داده ها ۲- جستجوی متون از طریق پایگاههای اطلاعاتی ۳- جستجو در وب ۴- استفاده از پست الکترونیکی ۵- استفاده از نرم افزار (Power Point) ۲- شایستگی های پژوهشی ( ۱- روش مقاله نویسی ۲- نحوه نگارش گزارش پایانی ۳- یک طرح اجرای طرح تحقیقاتی ۴- روش پروپوزال نویسی) ۳- شایستگی زبان انگلیسی ( ۱- مکالمه ۲- نگارش متون انگلیسی ۳- خواندن متون انگلیسی) ۴- شایستگی های آموزشی (۱- پزشکی مبتنی بر شواهد ۲- مهارتهای زندگی ۳- مهارتهای ارتباطی و مشاوره با بیمار ۴- روش های مطالعه ارزیابی نقادانه).

**نتایج:** در حیطه رایانه بیشترین نیاز استفاده از نرم افزار آماری و تجزیه تحلیل داده ها. در حیطه زبان انگلیسی نیاز به گذراندن همه موارد وجود دارد. در حیطه پژوهش. بیشترین نیاز شرکت در کارگاههای مقاله نویسی می باشد در حیطه آموزشی بیشترین نیاز دانشجویان جهت شرکت در کارگاه « پزشکی مبانی بر شواهد می باشد.

**نتیجه گیری:** نیاز با شایستگی ارتباطی متقابل دارند. جهت نهادینه کردن روش آموزش مبتنی بر شایستگی در دانشگاههای پزشکی نیاز به پژوهش های متعددی است. اما برای آغاز استفاده آموزشی از این روش دانشجویان استعداد درخشان بهترین پیلوت می باشند.

**واژه های کلیدی:** نیاز سنجی، دانشجویان استعداد درخشان، مبتنی بر شایستگی، آموزش

## پورت فولیوی الکترونیکی، ابزار کارآمد ارزیابی دانشجوی

آرزو فرج پور<sup>۱\*</sup>، دکتر ناهید ظریف صناعی<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی PHD آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

[ar.farajpour@gmail.com](mailto:ar.farajpour@gmail.com)

<sup>۲</sup> استادیار قطب آموزش الکترونیکی پیشرفته در علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

**مقدمه:** اندازه گیری دانش اهمیت دارد اما کافی نیست بنابراین یک برنامه دانشگاهی باید مهارت‌های تفکر انتقادی را در دانشجویان پرورش داده و نیز ارزیابی نماید. پورت فولیوی الکترونیکی یکی از بهترین ابزار ارزیابی مبتنی بر رویکرد ساختگرایی و دانشجوی محوری و منطبق بر سطح سه تاکسونومی بلوم، مرتبط با تفکر انتقادی و معیار عملکرد حرفه ای فراگیر است. این ابزار نمایانگر پیشرفت دانشجویان با عرضه عمومی است که امکان تعاملات و بازنمایی را بیشتر مینماید.

پورت فولیو میتواند به منظور ارزیابی میزان دستیابی به اهداف آموزشی و نیز تشخیص نقایص کوریکولوم نیازمند اصلاح بکار رود. پورت فولیوها کاربرد گسترده ای در زمینه های مختلف برای جمع آوری شواهد هدفمند در مورد پیامدهای یادگیری است. در پورت فولیو، دانشجویان باید نمونه کارهایی که نشان دهنده اوج یادگیری است را جمع آوری، تدوین و بازنمایی نمایند. ارزیابی الکترونیکی انعطاف پذیر است و ارزیابی سطح بالای تفکر، مهارت‌های اجتماعی و کار گروهی را از طریق ابزاری مثل پورت فولیوی الکترونیکی میسر می سازد. با اینکه ارزیابی الکترونیکی هنوز در مراحل ابتدایی است اما انتظار رشد تصاعدی آن در دهه آینده می رود. انواع آنلاین نسبت به انواع کاغذی دارای مزایای: تنوع زیادتر در دستاوردها، معرفی بیشتر دانشجویان، پویایی و اجرای چند رسانه ای، دسترسی مخاطبین بیشتر، با ذخیره آسان چیزی بیش از مستند سازی است که موجب ارتقای دانشگاهی و حرفه ای دانشجویان نیز میگردد. گردآوری دستاوردها در پورت فولیوی آموزشی شامل اجزا متنی، عناصر تصویر و مالتی مدیا، وب سایتها و سایر موارد ضبط شده به شکل الکترونیک است. مهارت‌های مورد نیاز در خلق پورت فولیوی الکترونیکی منجر به یادگیری دانش فناوری اطلاعات میشود. این سیستم امکان تفکر خلاق و تبادل نظر و مشارکت با دیگران در سراسر جهان برای دانشجویان فراهم نموده و منجر به خودارزیابی و بازنمایی میشود. اجرای پورت فولیوی الکترونیکی نیازمند فرهنگ سازی، توجیه ذینفعان و اجرای پروژه های پایلوت، توجه به استانداردهای آموزشی و فنی است.

**نتیجه گیری:** یکی از فواید پورت فولیوی الکترونیکی حذف مشکلات مربوط به ذخیره و نگهداری پورت فولیوهای کاغذی است و به عنوان ابزاری کارآمد در ارزیابی تشخیصی، تکوینی و تراکمی باعث اصلاح نقایص یادگیری با ارایه فیدبک‌های به موقع و پرورش تفکر انتقادی و بازتاب عملکرد دانشجویان میگردد در این سیستم فرد خودش مسوول همراهی با سیستم و استفاده از تسهیلات و امکانات آن در جهت افزایش تجربه یادگیری و ارتقا خود است و در نتیجه دانشجویان فعالانه در یادگیری و پیشرفت خود مشارکت مینمایند و به وسیله آن میتوان پروسه پیشرفت دانشجویان را مانیتور و علائق و استعداد های خاص وی را کشف و در جهت اشتغال آتی یا ادامه تحصیل وی سرمایه گذاری نمود.

**واژه های کلیدی:** ارزیابی دانشجویان، ارزیابی الکترونیکی، پورت فولیوی الکترونیکی

## بررسی میزان هماهنگی آزمون script concordance با امتحانات معمول درون بخشی در بخش داخلی

آمنه شهابی، دکتر محسن مقدمی، دکتر میترا امینی، پریسا نبیعی\*، افشینہ کسالایی  
آدرس پست الکترونیکی: parisanabeiei@yahoo.com

Authors :Ameneh Shahabi,Dr.Mohsen Moghadami,Dr.Mitra Amini, Parisa Nabeiei\*,Afshineh Kasalaei

### چکیده:

**زمینه و هدف:** استدلال بالینی اصلی ترین مهارت در طبابت است و نقش اساسی در توانایی پزشکان جهت تشخیص و درمان بیماران دارد. در این بررسی از آزمون SC (یکی از آزمون های سنجش استدلال بالینی) جهت ارزشیابی دانشجویان در حل مسایل بالینی پرداخته می شود. اصل ترین هدف این مطالعه، مقایسه ی آزمون SC با آزمون سوالات چهار جوابی (در بخش داخلی) می باشد.

**خلاصه روش ها:** در این بررسی، ۱۰۰ نفر از دانشجویان سال آخر پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز شرکت کردند؛ که این آزمون همزمان با برگزاری آزمون پایان بخش داخلی دانشجویان (آزمون چهار گزینه ای) برگزار گردید. پایایی آزمون SC، ضریب دشواری، ضریب تمیز سوالات و ضریب همبستگی هر یک از سوالات با کل آزمون مورد بررسی قرار گرفت.

**خلاصه یافته ها:** میانگین نمرات در آزمون SC (۱۱/۲) و در آزمون چهار جوابی (۱۴/۳۲) بدست آمد. ضریب دشواری سوالات بین (۰/۳-۰/۸)، ضریب همبستگی هر یک از سوالات با کل آزمون بین (۰/۰۴-۰/۰۶)، ضریب تمیز سوالات بین (۰/۰۲-۰/۲۷) شد. ضریب همبستگی میان آزمون چهار گزینه ای و آزمون SC (۰/۳) با (p value < ۰/۰۵) بدست آمد و پایایی آزمون SC برابر (۰/۷۱) محاسبه شد.

**نتیجه گیری:** نتایج بدست آمده از این مطالعه نشان می دهد که دانشجویان در آزمون SC نمرات کمتری نسبت به آزمون چهار جوابی بدست آورده اند. همبستگی متوسط میان این دو آزمون نیز بر این موضوع تاکید می کند که آزمون های استدلال بالینی میزان توانایی دانشجویان در حل مسئله را می سنجند در حالی که آزمون های چهار جوابی تنها دانش افراد را مورد ارزیابی قرار می دهد.

واژه های کلیدی: آزمون درون بخشی، script concordance، استدلال بالینی

## تأثیر کاربرد لاگ بوک بر دستیابی به مهارت های بالینی دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی خوی

فرزانه باقریه\*، لیلا هاشم لو، فاطمه صفر علیزاده

مربی دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه

[Email: f.bagherive85@yahoo.com](mailto:f.bagherive85@yahoo.com)

**مقدمه:** لاگ بوک دریچه ی تازه ای را در آموزش بالینی پرستاری گشوده و تاثیرات مثبتی را بر یادگیری دانشجویان دارد. در واقع لاگ بوک ابزار انگیزشی جهت کسب تجربه در بالین برای دانشجویان است و دانشجویان را تشویق نموده که در کسب تجربیات بالینی شرکت نمایند. لذا این مطالعه با هدف تعیین تاثیر بکارگیری لاگ بوک در یادگیری مهارت های بالینی دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد واحد اسلامی خوی صورت گرفت.

**روش ها:** این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی می باشد. نمونه های این پژوهش، دانشجویان ترم دوم به تعداد ۴۰ نفر که واحد کارآموزی اصول و فنون را می گذرانند بود، که به طور تصادفی به دو گروه کنترل و دو گروه مداخله تقسیم شدند. هر گروه شامل ۱۰ نفر بود. ابتدا لاگ بوک با استفاده از منابع جدید درسی طراحی شد. گروه کنترل کارآموزی خود را به روش معمول سپری کرده و گروه مداخله دوره کارآموزی خود را با استفاده از لاگ بوک طی کردند. مهارت های بالینی دانشجویان با چک لیست پژوهش گر ساخته مورد مشاهده قرار گرفت. داده های جمع آوری شده با نرم افزار SPSS و آزمون های آماری من ویتنی و کای دو و تی مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** با توجه به نتایج حاصل از پژوهش مشخص شد که مهارت های بالینی دانشجویان گروه مداخله بیش از گروه کنترل بود. نتایج آزمون من ویتنی تفاوت آماری معناداری را بین اختلاف میانگین نمرات قبل و بعد از مداخله در مهارت های بالینی دانشجویان در دو گروه کنترل و مداخله نشان داد ( $P=0/001$ ).

**نتیجه گیری:** نتایج این پژوهش حاکی از آن است که استفاده از لاگ بوک می تواند به عنوان یک ابزار آموزشی مفید برای دانشجویان بوده و برای ایجاد یادگیری معنادار کمک قابل توجهی به دانشجویان نماید.

**واژه های کلیدی:** لاگ بوک، دانشجویان پرستاری، مهارت های بالینی

## بررسی ارتباط تکمیل Log Book توسط دانشجویان هوشبری با نحوه عملکرد مربیان در زمینه آموزش و نظارت بر چگونگی تکمیل آن در حین کارآموزی

اکرم بیاتی\*<sup>۱</sup>، محسن شمسی<sup>۲</sup>

\*مربی، کارشناس ارشد پرستاری، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی اراک

a.bayati@arakmu.ac.ir

<sup>۲</sup>مربی، دانشجوی دکترای آموزش و ارتقاء سلامت، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک

**مقدمه:** دانشگاه های علوم پزشکی وظیفه مهم تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد نیاز جامعه را به عهده دارند و پایش عملکرد دانشجویان یکی از ارکان اصلی جهت ارتقاء کیفیت می باشد. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط تکمیل Log Book توسط دانشجویان هوشبری با نحوه عملکرد مربیان در زمینه آموزش و نظارت بر دانشجویان در حین کارآموزی در سال ۱۳۹۱ صورت پذیرفته است.

**روش ها:** مطالعه حاضر بر روی به شیوه سرشماری بر روی ۴۰ نفر از دانشجویان دوره کارآموزی رشته هوشبری در دانشگاه علوم پزشکی اراک انجام شد. ابزار گردآوری داده ها logbook تهیه شده در دانشکده بود. در این مطالعه دانشجویان به ۴ گروه ۱۰ نفره در بخشهای داخلی و جراحی تقسیم گردیدند سپس آشناسازی دانشجویان و مربیان در یک جلسه توسط مسئول کارآموزی در مورد اهداف، کلیات و ارزشیابی لاگ بوک صورت گرفته و همچنین ارزشیابی به دو صورت به صورت سنتی و بر اساس فرمهای قبلی توسط مربیان و بر اساس لاگ بوک صورت پذیرفت سپس دیدگاه دانشجویان مورد بررسی قرار گرفته است.

**نتایج:** نتایج حاصل از این مطالعه حاکی از یادگیری فراگیر محور و پویایی فراگیر در راستای نیل به اهداف آموزشی تعیین شده کارآموزی، استقبال اکثریت دانشجویان و مربیان کارآموزی از اجرای این برنامه، ارتقاء تواناییهای عملی دانشجویان در انجام مهارتهای بالینی و همچنین بازخورد مدرسین نیز از اجرای این طرح نشان از تسهیل در یادگیری بود. استفاده از لاگ بوک به دلیل تشویق و راهنمایی فوری، سبب تعامل جدی تر بین مربی و دانشجویان شده بود و در نهایت اینکه فضای مناسبی برای بازخورد در ارزیابی فعالیت های دانشجویان توسط مربی فراهم شده بود.

**نتیجه گیری:** با توجه به اهمیت دوره کارآموزی در توانمندی و تربیت دانشجویان گروههای پزشکی چنانچه مطالعه حاضر در دوره های کارآموزی و کوریکولوم دروس عملی وارد شود مطمئنا تاثیرات بسیار مطلوبی در تربیت دانشجویان علوم پزشکی کشور دارد. از سوی به نظر می رسد دفترچه های فعلی نیازمند بازنگری و اعمال تغییراتی می باشد.

**واژه های کلیدی:** لاگ بوک، دانشجویان هوشبری، کارآموزی، آموزش پزشکی



## بررسی عوامل موثر بر رضایتمندی تحصیلی از بعد فردی و ادلری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جهرم در سال ۱۳۹۱

فروغ فرخ آبادی، زهرا زارعی، لیلا مهبودی، ارمیتا بن راضی، رسول بهارلو، علی دهقانی

**مقدمه:** رشد و توسعه هر جامعه متأثر از نیروی آموزش دیده آن جامعه بوده و شناسایی فاکتورهای موثر در رضایتمندی تحصیلی و فراهم کردن آنها، گامی به سوی توسعه پایدار است. لذا این مطالعه با هدف تعیین عوامل موثر بر رضایتمندی تحصیلی از بعد فردی و ادلری از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جهرم در سال ۱۳۹۱ انجام گرفت.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی-مقطعی با مشارکت ۳۱۵ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جهرم به صورت سرشماری انجام گردید. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته ۸ سوالی بود که عوامل رضایتمندی تحصیلی را در بعد فردی (۴ سوالی) و در بعد ادلری (۴ سوالی) از دیدگاه دانشجویان بررسی می نمود. آنالیز اطلاعات با استفاده از نرم افزار مورد آنالیز قرار گرفته است. SPSS16

**نتایج:** مهمترین عامل تاثیر گذار در رضایتمندی تحصیلی از بعد فردی از دیدگاه دانشجویان به ترتیب شامل پویایی و فعالیت دانشجویان در امر یادگیری (۹۴,۶٪) و ارتباط میزان علاقه مندی به رشته تحصیلی و رضایتمندی (۹۳,۷٪) می باشد. همچنین کمترین عامل تاثیر گذار در رضایتمندی تحصیلی از دیدگاه دانشجویان شامل ایجاد انگیزه و علاقه توسط اساتید (۸۹,۲٪) می باشد. همچنین مهمترین عامل از بعد ادلری به ترتیب شامل سیستم مدیریتی مناسب (۹۸,۷٪) و ترسیم چشم انداز حرفه ای واقعی توسط مسئولین ذیربط (۹۸,۱٪) و ارائه خدمات آموزشی مناسب (۹۸,۱٪) می باشد. و کمترین عامل از بعد ادلری شرایط اسان برای ادامه تحصیل (۹۶,۲٪) می باشد.

**نتیجه گیری:** یافته های مطالعه نشان داد که مشارکت دانشجویان در یادگیری و سیستم مدیریتی مناسب بیشترین تاثیر را در رضایتمندی تحصیلی دارند. لذا جهت افزایش رضایتمندی تحصیلی دانشجویان درگیر کردن آنها در امور آموزشی و ارتقا وضعیت مدیریتی پیشنهاد می شود

**واژه های کلیدی:** رضایتمندی تحصیلی، دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی جهرم

## بررسی دیدگاه اساتید و دستیاران تخصصی بیهوشی دانشگاه علوم پزشکی گلستان در زمینه ارزشیابی بالینی مبتنی بر دفترچه ثبت مهارت های بالینی

ارازبردی قورچائی\*، شبیم مخیری، کاظم کاظم نژاد

[Ghourchaie.1354@yahoo.com](mailto:Ghourchaie.1354@yahoo.com)

\*متخصص بیهوشی، عضو هیأت علمی، معاون آموزش بالینی و تخصصی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

**مقدمه:** ارزشیابی آموزشی فرایندی مستمر و منظم جهت توصیف، هدایت و اطمینان از کیفیت فعالیتهای آموزشی است. دوره دستیاری مرحله ای از تحصیلات دانشگاهی است که طی آن فراگیر در زمینه های مختلف آموزشی، پژوهشی و درمانی، شامل روشها، فنون و مهارتهای بالینی رشته خود تجربیاتی را کسب می کند و ثبت این فعالیتهای دریافتن نقایص به دستیاران کمک مینماید. بررسی فعالیتهای ثبت شده، امکان ارزیابی روند آموزشی را برای اساتید فراهم آورده و نتایج آن در ارتقاء برنامه های آموزشی مورد استفاده قرار میگیرد. این مطالعه بمنظور بررسی دیدگاه اساتید و دستیاران تخصصی گروه بیهوشی در زمینه ارزشیابی بالینی مبتنی بر دفترچه ثبت مهارتهای بالینی در دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۳۹۱ انجام گرفت.

**روش ها:** در این مطالعه مقطعی - توصیفی، کل اساتید و دستیاران تخصصی گروه بیهوشی به روش سرشماری وارد مطالعه شدند. گردآوری داده ها در هر گروه، با استفاده از پرسشنامه پژوهشگر ساخته روا و پایا که حاوی ۱۹ سؤال عمومی و ۳۱ سؤال اختصاصی بود در ده حیطه صورت گرفت. پاسخ سؤالات در بخش اختصاصی بر مبنای مقیاس لیکرت، شامل آیتم های کاملاً موافقم، نسبتاً موافقم، نسبتاً مخالفم، کاملاً مخالفم و نظری ندارم بود. توصیف داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و بصورت توزیع فراوانی انجام گردید.

**نتایج:** در این مطالعه، میزان علاقمندی همه اساتید به کار آموزشی و شغل حرفه ای، بسیار زیاد بوده است. صد درصد اساتید جهت استفاده از این روش ارزشیابی، در برنامه آموزشی و توجیهی شرکت نموده و به ضرورت آن اذعان داشتند. از نظر ۵۰٪ از اساتید، این آموزشها به میزان بسیار زیادی، کاربردی و مفید بوده و منجر به تغییر نگرش آنها در استفاده از روش مذکور گردیده است. از نظر دستیاران نیز برنامه توجیهی به میزان زیادی ضرورت داشته و در تغییر نگرش آنها برای پذیرش این روش مؤثر بوده است. همه اساتید و دستیاران، این شیوه ارزشیابی را واقعی میدانستند و آنرا کاملاً منطبق با اهداف آموزشی و مناسب برای ارزشیابی رفتار و حیطه نگرش فراگیر ذکر نمودند. برخلاف دستیاران، هیچیک از اساتید آنرا ابزار مناسبی برای ارزشیابی مهارت مصاحبه و گرفتن شرح حال ذکر نکردند. از نظر کل اساتید و دستیاران، ارائه بازخورد در این شیوه ارزشیابی، سبب ارتقاء مهارتهای عملی بوده، همچنین آنرا موجب ارتقاء در زمینه کارگروهی و مهارتهای ارتباطی ذکر نمودند. از دیدگاه هیچیک از افراد گروه مورد مطالعه، این ارزشیابی استرس زا نبوده، اما از نظر ۲۵٪ اساتید زمان بر بوده است. ۲۵٪ از اساتید این شیوه را برای ارزشیابی کارآموز و کارورز نامناسب و فقط برای ارزشیابی دستیاران مناسب میدانستند.

**نتیجه گیری:** باتوجه به دیدگاه مثبت اساتید و دستیاران نسبت به استفاده از روش ارزشیابی مبتنی بر دفترچه ثبت مهارتهای بالینی، بعنوان روشی مناسب و قابل اجرا که سبب ارتقاء مهارتهای بالینی و سهولت یادگیری و یادگیری عمیقتر میگردد، ادامه آن جهت ارزشیابی دستیاران مفید بوده و اجرای مطالعات مشابه و استفاده از این روش به سایر گروهها پیشنهاد میگردد.

**واژه های کلیدی:** دیدگاه، دفترچه ثبت مهارتهای بالینی، اساتید، دستیاران تخصصی

## ارزیابی کیفیت سؤالات چهار گزینه ای آزمون ارتقاء دستیاری دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سالهای ۹۰-۹۱

دکتر معصومه اصلانی مهر، معصومه ضیائیها\*، دکتر امیر ضیایی، زهره دانانصفهانی

[ziaee537@yahoo.com](mailto:ziaee537@yahoo.com)

دانشگاه علوم پزشکی قزوین - مرکز مطالعات و توسعه آموزش

**مقدمه:** آزمون ارتقاء یکی از مهم ترین آزمون های چند گزینه ای (MCQ) بوده و حساسیت بالای این آزمون ایجاب می کند که سؤالات آن با دقت و مطابق استاندارد طراحی گردد. هدف این تحقیق نیز ارزیابی کیفیت سؤالات چهار گزینه ای آزمون ارتقاء دستیاری دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سالهای ۹۰-۹۱ و مقایسه آن با استاندارد می باشد.

**روش ها:** نوع مطالعه توصیفی - تحلیلی است که بر روی سؤالات آزمون ارتقاء سالهای ۹۰ الی ۹۱ طراحی شده توسط اساتید ۵ گروه آموزشی دستیاری: گروه های اطفال، بیهوشی، داخلی، زنان و جراحی عمومی و مقایسه آن با استاندارد انجام گرفت. سپس داده ها به کمک نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید. پس از تهیه گزارش تحلیلی، اطلاعات فوق در اختیار معاونت آموزشی و EDO دانشکده پزشکی از جهت اعلام به گروه های آموزشی و انجام مداخلات و دریافت بازخورد قرار گرفت.

**نتایج:** در این قسمت برای حفظ اصول نگاهداری اطلاعات جهت ارایه نتایج در کنگره، به هر یک گروه های آموزشی فوق به طور تصادفی کد های A, B, C, D, E داده شد و نتایج مطالعه نشان داد که در سال ۹۰ میانگین درصد سؤالات بدون اشکال ساختاری در میان گروه های آموزشی ۸۶/۶٪ بود (حداقل استاندارد ۵۰٪ - ۴۰٪). درصد سؤالات بدون اشکال ساختاری در گروه های A، B، C، D و E به ترتیب ۸۴٪، ۸۱٪، ۸۸٪، ۹۴٪، ۸۶٪ می باشد. درصد سؤالات بدون اشکال ساختاری در تمام گروه ها بیشتر از حد استاندارد بوده و این تفاوت از نظر آماری معنی دار می باشد. میانگین درصد سؤالات منفی در میان گروه ها ۱۳٪ بود (استاندارد حداکثر ۱۰٪). درصد سؤالات منفی در گروه های مذکور به ترتیب ۱۲٪، ۲۴٪، ۲۶/۶۶٪، ۱۲/۶۶٪، ۱۶/۶۶٪ می باشد. گروه های B (۲۴٪) و E (۱۶/۶۶٪) تفاوت معنی داری با استاندارد داشتند. میانگین درصد سؤالات تاکسونومی ۲ و ۳ در همه گروه ها ۷۹٪ بود. (استاندارد برای گروه های post graduated ۸۰٪ می باشد) (درصد سؤالات تاکسونومی ۲ و ۳ در گروه های مذکور به ترتیب ۶۹/۳٪، ۷۵/۳٪، ۹۱/۳۳٪، ۷۴/۶۶٪، ۸۵٪ می باشد. گروه های A، B و D پایین تر از استاندارد بود.

در سال ۹۱ میانگین درصد سؤالات بدون اشکال ساختاری در میان گروه های آموزشی ۶۹/۶٪ بود (حداقل استاندارد ۵۰٪ - ۴۰٪). درصد سؤالات بدون اشکال ساختاری در گروه های A، B، C، D و E به ترتیب ۶۲٪، ۶۶٪، ۷۶٪، ۷۲٪، ۷۲٪ می باشد. درصد سؤالات بدون اشکال ساختاری در تمام گروه ها بیشتر از حد استاندارد بوده و این تفاوت از نظر آماری معنی دار می باشد. میانگین درصد سؤالات منفی در میان گروه ها ۱۶/۲۶٪ بود (استاندارد حداکثر ۱۰٪). درصد سؤالات منفی در گروه های مذکور به ترتیب ۱۹/۳۳٪، ۲۴٪، ۱۲٪، ۱۲٪، ۱۴٪ می باشد. گروه های A، B و E تفاوت معنی داری با استاندارد داشتند. میانگین درصد سؤالات تاکسونومی ۲ و ۳ در همه گروه ها ۸۰/۴۹٪ بود. (استاندارد برای گروه های post graduated ۸۰٪ می باشد). درصد سؤالات تاکسونومی ۲ و ۳ در گروه های مذکور به ترتیب ۷۴/۶۶٪، ۶۶/۶۶٪، ۸۶٪، ۸۴/۶۶٪، ۹۰/۶۶٪ می باشد. گروه های A و B پایین تر از استاندارد بود.

**نتیجه گیری:** از مقایسه پارامترها با استاندارد چنین استنباط می شود که درصد سئوالات بدون اشکال ساختاری در میان گروه های آموزشی بالاتر از حد استاندارد بوده ولی درصد سئوالات بدون اشکال ساختاری در سال ۹۱ کمتر شده است. درصد سئوالات منفی در گروه های A و C در سال ۹۱ افزایش یافته است. درصد سئوالات دارای تاکسونومی ۳ و ۲ در گروه های A و B و D در سال ۹۰ و در گروه های A و B در سال ۹۱ از استاندارد پایین تر بوده و این اختلاف از نظر آماری معنی داری می باشد. به نظر می رسد ارسال نتایج به گروه های آموزشی و درخواست مداخله به همراه برگزاری دوره ها و کارگاه های آموزشی به خصوص برای اساتید گروه هایی که سئوالات آنها با استاندارد ها اختلاف معنی دار داشته است، می تواند در بهبود کیفیت سئوالات چند گزینه ای آزمون ارتقاء مؤثر باشد.

**واژه های کلیدی:** ارزیابی کیفیت - آزمون ارتقاء دستیاری - اشکال ساختاری - تاکسونومی

## بررسی عوامل موثر بر رضایتمندی تحصیلی از بعد آموزش و پژوهش در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جهرم در سال ۱۳۹۱

زهرا زارعی<sup>۱\*</sup>، آرمینا بن‌رازی<sup>۲</sup>، فروغ فرخ‌آبادی<sup>۲</sup>، لیلا مهبودی<sup>۲</sup>، علی دهقانی<sup>۳</sup>، رسول بهارلو<sup>۴</sup>

\*دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی جهرم

Zahra.zarei62@yahoo.com

<sup>۲</sup>دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی جهرم

<sup>۳</sup>PhD دانشگاه علوم پزشکی جهرم

<sup>۴</sup>کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی جهرم

**مقدمه:** نظام آموزش عالی به عنوان بارزترین نمود سرمایه‌گذاری نیروی انسانی نقش اصلی را در تربیت نیروی انسانی کارآمد در ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه جامعه را به عهده دارند. از این رو اطمینان از کیفیت مطلوب عملکرد آن به منظور جلوگیری از هدر رفتن سرمایه‌های انسانی و مادی می‌باشد. لذا این مطالعه با هدف تعیین عوامل موثر بر رضایتمندی تحصیلی از بعد آموزش و پژوهش از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جهرم در سال ۱۳۹۱ انجام گرفت.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی-مقطعی با مشارکت ۳۱۵ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جهرم به صورت سرشماری انجام گردید. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته ۱۸ سوالی بود که عوامل رضایتمندی تحصیلی را در بعد آموزشی و پژوهشی از دیدگاه دانشجویان مورد بررسی قرار گرفته. آنالیز اطلاعات با استفاده از نرم افزار انجام گرفته است.. spss 16

**نتایج:** مهمترین عامل تاثیر گذار در رضایتمندی تحصیلی از بعد آموزش و پژوهش از دیدگاه دانشجویان به ترتیب شامل محتوای علمی دروس ارائه شده بر اساس نیازهای علمی (۹۷,۵٪) استفاده از کادر آموزشی مجرب (۹۷,۵٪) وجود بخش‌های بالینی و آموزشی متنوع (۹۷,۵٪) و حمایت دانشجویان از سوی اساتید در امور تحصیلی (۹۶,۲٪) و مشارکت دانشجویان در تدوین برنامه‌های آموزشی (۹۶,۲٪) می‌باشد. همچنین کمترین عامل موثر در حیطه آموزش و پژوهش استفاده از شیوه تدریس سخنرانی در ارائه مطالب درسی می‌باشد.

**نتیجه‌گیری:** بر اساس یافته‌های حاصل اگر محتوای ارائه شده مطابق با نیاز دانشجویان و از کادر آموزشی مجرب استفاده گردد می‌توان رضایتمندی تحصیلی دانشجویان را افزایش داد. لذا توجه بیشتر به حیطه‌های مختلف آموزشی و پژوهشی از جانب برنامه‌ریزان آموزشی و مدیران پیشنهاد می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** رضایتمندی تحصیلی، دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی جهرم

## تاثیر آموزش سنتی بر توانمندی CPR کارورزان پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان

پرستو پورنقشبند\*، فخرالسادات میرحسینی، فریبا رایگان، زینب احمدی کیا، زهرا رحیمی مقدم، حمیدرضا گیلانی، شهناز عزیزی  
دانشگاه علوم پزشکی کاشان

**مقدمه:** ارزش بالقوه انجام CPR در حدی است که میتوان مرگ و میر را در صورت انجام مناسب احیا تا نصف کاهش داد. در آموزش سنتی کوریکولوم پزشکی کاشان، احیای قلبی-ریوی بصورت ۲ ساعت آموزش تئوری در دوران استاجری به روش سخنرانی بوده و سپس در دوره اینترنی و در روتیشن بیهوشی تمرین عملی انجام می شود، یعنی چنانچه در بخش مراقبت های ویژه که وابسته به دوره ی بیهوشی اینترنی است، بیماری نیازمند به احیای قلبی-ریوی بوده و بطور اتفاقی در آن لحظه اینترن ها حضور داشته باشند، در عملیات احیا شرکت داده شده و سپس توضیحات لازم را دریافت می نمایند. آموزش اینترن های بیهوشی بیشتر متمرکز بر اداره راه هوایی و لوله گذاری تراشه در بیمار واقعی می باشد. بنابراین محققین در این مطالعه به بررسی تاثیر آموزش سنتی کارورزان پزشکی بر توانمندی احیای قلبی-ریوی آنان پرداختند.

**روش ها:** مطالعه از نوع مقطعی-تحلیلی و بر روی کلیه ی کارورزان پزشکی بود، که ۲ ساعت کلاس CPR را در بخش قلب و دوره بیهوشی را نیز سپری نموده باشند. ابزار ارزیابی پرسشنامه محقق ساخته دانش و مهارت CPR بود. در بخش مهارت، چک لیست های مربوط به سناریوهای رایج در CPR شامل VF، VT، PEA و Asystol طراحی شده و کیفیت اجزای CPR نیز توسط چک لیست های متفاوتی بطور جداگانه و توسط ارزیابان متفاوت بر روی مانکن (قابل طراحی سناریو) سنجش می شد. چک لیست ها و سوالات سنجش دانش از آخرین راهنمای AHA استخراج گردید و توسط متخصصین روایی آن تایید شد. نمره کل هر پرسشنامه از ۲۰ محاسبه گردید. آزمون های توصیفی و همبستگی پیرسون برای تحلیل ارتباط چک لیستها استفاده شد.

**نتایج:** تعداد ۶۹ کارورز شرایط مطالعه را دارا بودند. نمرات دانش، مدیریت سناریوی نیازمند به احیای قلبی-ریوی (به طور کلی) و نمره کیفیت اجرای گامهای CPR به ترتیب  $11.93 \pm 8.62$ ،  $3.15 \pm 9.40$ ،  $4.57 \pm 9.30$  و نمرات تفکیک شده ی اجرای هر بخش نیز بدست آمد. نتایج همبستگی دانش CPR و مدیریت و تصمیم گیری در سناریوها از نظر آماری معنی دار بود. ( $r=0.43$ )

**نتیجه گیری:** نتایج نشان داد کارورزان با وجود گذراندن آموزش سنتی CPR که در کوریکولوم دوره شان پیش بینی گردید، توانمندی لازم برای احیای بیماران را نداشتند. براساس نتایج مطالعه، با افزایش دانش CPR، مدیریت سناریوی کارورزان ارتقا پیدا نموده بود هر چند در سطح ضعیفی قرار داشته و نشان دهنده نیاز به تجدید نظر در آموزش سنتی CPR و توجه بیشتر به این مهارت مهم بود.

## تحلیل سوالات امتحانات دروس تخصصی نظری دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی

اشرف کاظمی\*، سهیلا احسان پور

مرکز تحقیقات مراقبت های پرستاری و مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان  
e-mail: [kazemi@nm.mui.ac.ir](mailto:kazemi@nm.mui.ac.ir)

**مقدمه:** آزمون های دروس نظری ابزار مهمی در ارزیابی توانمندی دانشجویان گروه پزشکی برای ورود به آموزش بالینی است و نظر به اهمیت کاربرد دروس نظری در عرصه آموزش بالینی برای دانشجویان مامایی؛ لازم است کفایت این آزمون ها برای ارزیابی درست میزان یادگیری دانشجویان مورد بررسی قرار گیرد. در همین راستا این تحقیق با هدف ارزیابی روایی این آزمون ها و میزان انطباق سطح سوالات با سطح یادگیری مورد انتظار انجام شد.

**روش ها:** تحقیق حاضر یک پژوهش توصیفی است که بر روی آزمون های هجده درس تخصصی نظری کارشناسی مامایی انجام شد. اطلاعات مربوط به هر آزمون در چک لیست ثبت می شد. روایی محتوا و روایی صوری سوالات و روایی ملاکی امتحانات و همچنین ارزیابی سطح یادگیری مورد انتظار اهداف درس و سطح سوالات بر اساس طبقه بندی بلوم به وسیله کارشناسان آموزش پزشکی و کارشناس مربوط به هر درس ارزیابی می شد. روایی و پایایی این ارزیابی ها در یک مطالعه ابتدایی تأیید شده بود. روش آماری مورد استفاده ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن بود.

**نتایج:** ارزیابی ۱۰۱۳ سوال از مجموع ارزشیابی هجده درس ۹۲/۳۸٪ سوالات روایی محتوی و ۸۰/۴۵٪ سوالات روایی صوری داشتند. یازده درس از مجموع هجده درس نیز دارای روایی ملاکی بودند. بیشترین میزان تطابق سطح سوال با سطح یادگیری ۷۱/۴٪ بود و در ۹ درس بیش از ۵۰٪ سوالات سطحی منطبق با سطح یادگیری مورد انتظار در طرح درس بود. در ۶۱/۱۱٪ امتحانات ارتباط معنی دار بین سطح سوالات و سطح اهداف آموزشی وجود داشت.

**نتیجه گیری:** این تحقیق نشان می دهد اگرچه سوالات به گونه ای طراحی شده است که محتوای مورد نظر در طرح درس را ارزیابی کند؛ اما در درصد قابل توجهی از آزمون ها، سطح سوالات طراحی شده با سطح یادگیری مورد انتظار منطبق نبود. در طراحی برخی از سوالات نیز ساختار سوالات استاندارد نبود؛ که ضروری است توجه طراحان سوالات به این نکات بیشتر جلب شود.

**واژه های کلیدی:** دروس تخصصی نظری، دانشجویان مامایی، آزمون، طبقه بندی بلوم، روایی

## بررسی عوامل آموزشی پیشگویی کننده موفقیت تحصیلی دانشجویان پرستاری و مامایی سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰

ساره پرتو، مینو میترا چهرزاد\*، فریبا عسگری، دکتر زهرا عطرکار روشن  
ساره پرتو، مینو میترا چهرزاد\*، فریبا عسگری، دکتر زهرا عطرکار روشن  
اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان  
chehrzad@gums.ac.ir

مقدمه: با توجه به نقش دانشگاه ها در تربیت نیروی متخصص مورد نیاز جامعه، بررسی وضعیت نظام آموزشی و آگاهی از نقاط قوت، ضعف و کاستی ها در فرایند تحصیل دانشجویان، جهت طراحی و اجرای برنامه های مناسب آموزشی ضرورت دارد.

روش‌ها: این مطالعه توصیفی- مقطعی با هدف تعیین پیشگویی کننده های آموزشی موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت در سال ۹۰-۹۱ انجام شد جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجویان پرستاری و مامایی مقطع کارشناسی پیوسته دانشکده شهید بهشتی رشت بودند که پس از اخذ رضایت کتبی ۲۰۴ نفر به روش سرشماری وارد مطالعه شدند. ابزار مورد استفاده پرسش نامه عوامل آموزشی در سه حیطه فراده، فراگیر و محیط و امکانات آموزشی بود. پرسشنامه عوامل آموزشی حیطه فراده و محیط و امکانات آموزشی محقق ساخته و برای حیطه فراگیر از پرسش نامه استاندارد یادگیری موثر دانشگاهی (CLEI) استفاده شد. جهت سنجش موفقیت تحصیلی از شاخص میانگین معدل کل ترم های تحصیلی (GPA) استفاده و دانشجویان با معدل ۱۶ و بیشتر در گروه دانشجویان موفق قرار می‌گرفتند. روایی پرسش نامه با روش روایی محتوی و پایایی نیز با کمک ضریب آلفا کرونباخ پایش گردید. داده ها توسط نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ و با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: یافته ها نشان داد ۴۹ درصد دانشجویان در گروه دانشجویان موفق بوده و بین موفقیت تحصیلی دانشجویان و خودکارآمدی تحصیلی ( $p < 0/001$ )، کنترل استرس و فشار زمانی ( $p < 0/007$ ) و مشارکت در فعالیت های دانشگاه ( $0/014 < p < 0$ ) ارتباط معنی دار آماري مشاهده شد. پیشگویی کننده های موفقیت تحصیلی در دانشجویان به ترتیب نسبت شانس عبارت از مشارکت فعال در فعالیت های دانشگاه ( $\text{Odd's ratio}=2.373$ )، داشتن برنامه منظم برای مطالعه ( $\text{Odd's ratio}=2.153$ ) و استرس و فشار زمان ( $\text{Odd's ratio}=2.148$ ) بود.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان داد بین موفقیت تحصیلی دانشجویان و برخی عوامل آموزشی حیطه فراگیر ارتباط معنی دار آماري وجود دارد. بنابراین پیشنهاد می شود عوامل فوق در برنامه ریزی آموزشی دانشجویان پرستاری و مامایی در نظر گرفته شده و با اجرای دوره های آموزشی در زمینه ارتقا خودکارآمدی، کنترل استرس و فشار زمان و نیز فراهم آوردن زمینه های فعالیتهای دانشگاهی، این موارد در دانشجویان تقویت شود.

واژه‌های کلیدی: ارزشیابی، موفقیت تحصیلی، دانشجویان، عوامل آموزشی



## بررسی مقایسه‌ای دیدگاه دانشجویان کارشناسی پرستاری در دانشگاه آزاد و دولتی نسبت به رفتارهای آموزش بالینی مربیان پرستاری

علی فخرموحدی\*، محدثه یوسف پور، سجاد صادقی

استادیار دانشگاه علوم پزشکی سمنان، عضو هیات علمی دانشکده پرستاری و پیراپزشکی

Alimovi@sem-ums.ac.ir

**مقدمه:** آموزش بالینی از بخش‌های حائز اهمیت آموزش پرستاری می‌باشد. بنابراین دیدگاه دانشجویان نسبت به رفتارهای مربیان نیز می‌تواند در ارتقای آن کمک کننده باشد. این مطالعه با هدف تعیین و مقایسه دیدگاه دانشجویان دولتی و آزاد نسبت به رفتارهای مربیان در حین آموزش بالینی انجام گردید.

**روش‌ها:** مطالعه از نوع توصیفی-مقایسه‌ای بوده که ۱۶۰ دانشجوی کارشناسی پرستاری در سال ۱۳۹۱ به تعداد مساوی از دانشگاه‌های دولتی و آزاد سمنان در آن مشارکت داشتند. جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد اثربخشی آموزش بالینی پرستاری استفاده گردید. این پرسشنامه نظرات دانشجویان را در قالب معیار لیکرت ۴۷ گویه‌ای نسبت به رفتارهای مربیان پرستاری در حیطه‌های توانایی تدریس (۱۷ گویه)، شایستگی حرفه‌ای (۹ گویه)، ارزشیابی (۸ گویه)، ارتباطات بین فردی (۶ گویه) و شخصیت (۷ گویه) در دامنه هرگز (امتیاز ۱) تا همیشه (امتیاز ۷) مورد ارزیابی قرار می‌داد. در نهایت اطلاعات جمع آوری شده توسط آمارهای توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** تحلیل داده‌ها نشان که از نظر دانشجویان میانگین رفتارهای مربیان بالینی بالاتر از حد متوسط ( $1/31 \pm 5/52$ ) بود. همچنین بیشترین میانگین امتیازات دانشجویان به رفتارهای مربیان به ترتیب در حیطه ارتباطات بین فردی ( $1/38 \pm 5/71$ )، شخصیت ( $1/39 \pm 5/70$ )، توانایی تدریس ( $1/36 \pm 5/50$ )، شایستگی حرفه‌ای ( $1/49 \pm 5/41$ ) و ارزشیابی ( $1/35 \pm 5/37$ ) قرار داشت. نتایج همچنین نشان دادند که از نظر دانشجویان میزان بروز رفتارهای آموزش بالینی مربیان در دانشگاه آزاد نسبت به دولتی به طور معنی‌داری بیشتر بود ( $P < 0.01$ ).

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج علیرغم کسب امتیاز بالاتر از متوسط رفتارهای مربیان، لازم است اثربخشی رفتار مربیان در حیطه‌های شایستگی حرفه‌ای و ارزشیابی مورد بررسی بیشتری قرار گیرد و راهکارهای لازم برای ارتقای آنها مدنظر قرار گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** دانشجویان پرستاری، دانشگاه دولتی و آزاد، رفتارهای آموزش بالینی، مربیان پرستاری

## روش ها و تکنیک های جانشین حضور و غیاب دانشجویان در کلاس های دروس تئوری

جواد گنجلو

کارشناس ارشد آموزش پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، دانشکده پرستاری و مامایی، گروه پرستاری  
ejganj@yahoo.com

**مقدمه:** در سال های اخیر حضور و غیاب دانشجویان به وسیله اساتید ابزار اصلی شکل گیری کلاس درس در دانشگاه ها بوده است. در اکثر موارد تشکیل کلاس درس تئوری، تصویری از استادی مشتاق ارائه و دانشجویانی مجبور به دریافت را تداعی می کند. روش های جاری جلب مشارکت دانشجویان نیازمند نوآوری، تغییر و تحول است. این روش ها بر حضور فیزیکی دانشجو تأکید دارد، بنابراین از کیفیت آموزش خواهد کاست. به نظر می رسد با گذشت زمان ابزارهای در اختیار اساتید جهت مدیریت و کنترل کلاس و جلب مشارکت دانشجویان محدود و ناکارآمد شده است. این ابزارها موازی با سایر تکنیک ها و روش ها رشد نکرده است. ابزار حضور و غیاب فیزیکی دانشجو نمی تواند به تنهایی مشارکت دانشجویان جهت حضوری فعال در کلاس درس را جلب نماید.

**روش ها:** نویسنده بین سال های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۱ طی ۱۰ سال سابقه آموزش در دانشکده پرستاری مامایی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار، ضمن خودداری از انجام حضور و غیاب فیزیکی، اقدام به روش های جایگزینی جلب مشارکت دانشجویان نمود. روش های جایگزین در کلاس های دروس تئوری رشته های مامایی، پرستاری، بهداشت حرفه ای، فوریت های پزشکی، کارشناسی ارشد پرستاری و کارشناسی ارشد ویژه به کار برده شد. در کلاس های رشته های فوق در طول ترم تحصیلی فقط یک نوبت حضور و غیاب صورت گرفت. در سایر جلسات فقط تعداد دانشجویان به طور نامحسوس سرشماری شد. روش های جانشینی حضور و غیاب دانشجویان یک به یک در طول برگزاری کلاس های تئوری با دقت و حوصله به کار گرفته شد.

**نتایج:** قابل تأمل و توجه بود. میزان مشارکت دانشجویان کارشناسی ارشد آموزش پرستاری و کارشناسی ارشد مراقبت های ویژه کامل و صد در صد بود. اثربخشی روش های جایگزین حضور و غیاب دانشجویان برای گروه های کاردانی فوریت های پزشکی، کاردانی بهداشت حرفه ای و مامایی ۹۵-۹۰ درصد بود. میزان مشارکت دانشجویان در کلاس درس برای دانشجویان پرستاری ۸۰-۷۵ درصد بود. نکته قابل توجه این که اکثر دانشجویانی که به عللی نمی توانستند در کلاس حضور داشته باشند، قبل از تشکیل کلاس عدم حضور و علت آن را اطلاع می دادند.

**نتیجه گیری:** فرآیند روش های پیشنهادی جایگزین حضور و غیاب فیزیکی دانشجویان نیازمند بررسی و دقت نظر بیشتر در این زمینه می باشد. لیکن این گزارش می تواند تأکیدی بر کارآمدی کاربرد تکنیک های اخلاقی سنتی و استفاده بهینه از تجربیات گذشتگان در آموزش دانشگاهی باشد. روش های جایگزین حضور و غیاب فیزیکی به وسیله استاد، هم از طرف دانشجویان و هم از طرف مدیریت آموزش، با مقاومت هایی همراه خواهد بود، لیکن با گذشت زمان و ایجاد زمینه های فرهنگی این امر میسر خواهد شد. این روش به ویژه در آموزش گروه های کوچک و متوسط مفید فایده خواهد شد. هر چند اجرای تجربه روش های جایگزین حضور و غیاب و جلب مشارکت دانشجویان مستلزم صرف انرژی زیادی به ویژه از طرف استاد است، لیکن از قابلیت تعمیم پذیری بالایی به ویژه در دانشگاه های کشور برخوردار است. به نظر می رسد با ارتقاء زمینه های فرهنگی و اعتقادی جامعه، امکان اجرای این فرآیند در سطوح آموزش عمومی نیز فراهم باشد.

**واژه های کلیدی:** حضور و غیاب، دانشجو، تکنیک های جانشین، دروس تئوری

## بررسی تاثیر آموزشی Log book از دیدگاه دستیاران

نسرین جعفری\*، محمد رضا غفاری، عباسعلی درستی

Nasrin\_jaffary@yahoo.com

**مقدمه:** ارزشیابی از جنبه های مهم در فرآیند فعالیت های آموزشی است. یکی از روش های نوین آموزش بالینی استفاده از دفترچه ثبت مهارت های بالینی (Log book) است. توانایی فرد در انعکاس و باز خورد از عمل خود مهم ترین مهارت برای یک پزشک میباشد. در این مطالعه به نقطه نظرات دستیاران در خصوص تاثیر آموزشی Log book و میزان دستیابی به اهداف آن در زمینه ارزشیابی دستیاران بررسی شده است.

**روش ها:** در این مطالعه مقطعی تحلیلی نظر سنجی از طریق پرسشنامه شامل ۸ سوال از دستیاران گروه های داخلی - جراحی - طب اورژانس - عفونی و ENT صورت گرفته است و نتایج آن از طریق آمار توصیفی تجزیه و تحلیل گردیده است.

**نتایج:** از تعداد ۶۹ دستیار از گروه های داخلی (۳۰ نفر) - جراحی (۱۹ نفر) - ENT (۶ نفر) - طب اورژانس (۸ نفر) - عفونی (۶ نفر) که در این نظرسنجی شرکت نموده اند ۲۳،۱۸٪ معتقدند که Log book را بدون دقت پر می کنند. ۳۴،۷۸٪ بدون میل و رغبت پر می کنند و ۴٪ با میل و رغبت Log book را پر می کنند. ۴۲،۰۲٪ مخالف نقش Log book در یادگیری اهداف آموزشی که قبلا به آن توجه نمی کردند می باشند و هیچکدام از دستیاران موافق نیستند که Log book در یادگیری اهداف آموزشی که قبلا به آن توجه نمی کردند کمک می کند ۳۶،۲۳٪ از دستیاران معتقدند پر کردن Log book موجب از دست رفتن وقت آنها می شود. ۴۰،۵۷٪ معتقدند که Log book میزان تسلط آنها را در یادگیری نشان نمی دهد و هیچکدام از دستیاران موافق اینکه Log book میزان تسلط فرد در مورد یادگیری مورد انتظار را نشان می دهد نیستند ۳۶،۲۳٪ به درستی و قابل اعتماد بودن بررسی Log book توسط استاد اعتقاد ندارند تنها ۴،۳۴٪ با این نظر موافقت ۴۵٪ از دستیاران هدف از پر کردن Log book را کسب امتیاز برای ارتقا میدانند.

**نتیجه گیری:** مطالعه حاضر نشانگر آن است که Log book در آموزش و ارزشیابی دستیاران با وضعیت ایده آل و با اهداف از پیش تعیین شده فاصله دارد.

**واژه های کلیدی:** Log book، دستیاران، تاثیر آموزشی

## مهارت استفاده از دستگاه دفیبریلاتور در اینترنت های دانشگاه علوم پزشکی کاشان -

۱۳۹۰

فریبا رایگان ، فخرالسادات میرحسینی، پرستو پورنقشبند ، زینب احمدی کیا، فاطمه حسن شیرینی،  
امیر معتمدنژاد-فرزانه حسین پور

**مقدمه:** زمینه و هدف: فرآیند احیای قلبی- ریوی مشتمل بر اجزای متفاوت اداره راه هوایی، اجرای تنفس، برقراری گردش خون با فشردن قفسه سینه، به کارگیری دفیبریلاتور در مرحله پیشرفته و استفاده مناسب و به جا از داروهاست. در این رابطه در مراحل آموزش احیای قلبی- ریوی، هر یک از این اجزا بایستی جداگانه در نظر گرفته شده و دقت و توجه کافی در مورد آن صورت گیرد. با توجه به اینکه بیشترین موارد نیازمند به احیای قلبی ریوی را فیبریلاسیون بطنی تشکیل می دهد و درمان اصلی این بیماران استفاده از دفیبریلاتور می باشد، لذا در این مطالعه مهارت استفاده از دستگاه الکتروشوک بر روی مانکن، در کارورزان پزشکی مورد بررسی قرار گرفت.

**روش ها:** در این مطالعه که به صورت مقطعی-تحلیلی اجرا شد، تعداد کل ۶۹ کارورز پزشکی ورودی سالهای ۸۴ و ۱۳۸۳ در آزمون عملی ( نحوه استفاده از دفیبریلاتور بر روی مانکن) شرکت کردند. ابزار سنجش، چک لیست گام های استفاده از دفیبریلاتور (۶ مرحله ای) بود که از آخرین راهنمای AHA بدست آمده و با نظر ۱۰ نفر از متخصصین از نظر روایی صوری و محتوایی ارزیابی و تایید شد. داده ها با SPSS16 و آمار توصیفی و t زوجی مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج:** تعداد ۲۹ کارورز ورودی ۸۳ و ۴۰ نفر ورودی ۸۴ در مطالعه شرکت نمودند. میانگین گامهای مهارت استفاده از دفیبریلاتور به تفکیک بدست آمد و به طور کلی  $10,35 \pm 4,42$  (از نمره ۲۰) بود. مقایسه ی نتایج امتیاز چک لیست ارزیابی نحوه استفاده از این وسیله با آزمون t نشان داد میانگین امتیاز گروه ۸۳،  $11,95 \pm 4,13$  و گروه ۸۴،  $8,76 \pm 4,72$  بدست آمد که از نظر آماری معنی دار بود. ( $P < 0.05$ )

**نتیجه گیری:** مهارت استفاده از دفیبریلاتور در کارورزان پزشکی کاشان ضعیف می باشد. نتایج نشان داد میانگین امتیاز ورودی ۸۳ بیش از ۸۴ بود در حالیکه دو گروه آموزش مرسوم را دریافت نموده بودند ولی ورودی ۸۳ در پایان دوره پزشکی قرار داشتند و ورودی ۸۴ در پایان ۶ ماهه اول. به هر حال کارورزان نیاز به آموزش خاص و تمرین داشتند (نتایج به برنامه ریزان آموزش بازخورد داده شد).

## بررسی علاقه مندی دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران نسبت به رشته تحصیلی خود

دکتر اسماعیل یاسینی\* ، دکتر فرامرز مجتهدزاده، دکتر محمد جواد خرازی فرد، دکتر مریم راستگو، دکتر مریم سراجزاده

\* استاد گروه ترمیمی دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

Email: yassini\_e@yahoo.com

**مقدمه:** داشتن علاقه وانگیزه، شرط لازم و ضروری برای پیشرفت در هر رشته تحصیلی بوده و با شناسایی دانشجویان علاقه مند و بی علاقه به دندانپزشکی؛ می توان برنامه ریزی دقیقتری برای فراهم نمودن شرایط مناسب و تدوین برنامه به منظور تربیت دندانپزشکان کارآمد متعهد و علاقه مند انجام داد. تحقیق حاضر با هدف تعیین میزان علاقه مندی به رشته تحصیلی دندانپزشکی از دیدگاه دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شد.

**روش‌ها:** در یک تحقیق توصیفی- مقطعی، ۳۷۵ دانشجویان ورودی ۹۰-۱۳۸۵ در دانشکده دندانپزشکی تهران با روش سرشماری انتخاب و با استفاده از یک پرسشنامه با روایی و پایایی تایید شده ارزیابی گردیدند. خصوصیات دموگرافیک، علاقه مندی نسبت به رشته تحصیلی تعیین و ارتباط عوامل مختلف با میزان کل علاقه مندی با ضریب همبستگی spearman بررسی شد.

**نتایج:** دانشجویان در مجموع علاقه زیادی نسبت به رشته تحصیلی خود داشته ( ۵۱/۷٪ کاملاً موافق و ۳۲/۳٪ موافق) و این علاقه بعد از شروع به تحصیل زیاد تر شده بود ( ۵۸/۹٪ کاملاً موافق و ۲۶/۱٪ موافق). بیشترین علاقه در میان دانشجویان ورودی ۸۵ و کمترین میزان علاقه مندی در دانشجویان ورودی ۸۷ دیده شد. الگوی افزایشی یا کاهش خاصی نیز در میان ورودی های مختلف مشاهده نگردید. سابقه تغییر رشته، دفعات آشنایی در کنکور، اولویت رشته دندانپزشکی، اولویت دانشکده دندانپزشکی تهران و اشتغال به دندانپزشکی در میان آشنایان؛ ارتباط معنی داری با میزان علاقه مندی به رشته دندانپزشکی نداشت.

**نتیجه‌گیری:** بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه می توان اینگونه استنباط نمود که اکثریت دانشجویان دندانپزشکی شاغل به تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی تهران به رشته تحصیلی خود علاقه مند بوده که بر این اساس می توان از نظرات و دیدگاههای آنها در برنامه ریزیهای بعدی آموزش استفاده مفیدتری نمود.

**واژه‌های کلیدی:** دندانپزشکی، علاقه مندی، آموزش

## بازخورد لحظه ای: روش غیر رسمی اما موثر در بهبود فرآیند یادگیری کارورزان بالینی

دکتر علیرضا نیکبخت نصرآبادی

استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران

nikbakht@tums.ac.ir

مقدمه: یک طرف زیبایی است و طرف دیگر در هم شکستگان و پایمال شدگان، هر قدر هم این کار دشوار باشد من می خواهم به هر دو طرف ماجرا وفادار بمانم! بازخورد، یکی از جنبه های اساسی آموزش و یادگیری است. رانتری (۱۹۸۷)، بازخورد را تحت عنوان «خون حیات یادگیری» تعبیر نموده است. اهمیت بازخورد به طور گسترده مورد پذیرش است، اما در رابطه با میزان، نوع و زمان ارائه بازخورد به فراگیر، عدم هماهنگی و اختلاف نظرهایی وجود دارد. هدف از نگارش این مقاله، تبیین و توصیف اهمیت یک نوع بازخورد به فراگیر، تحت عنوان بازخورد غیر رسمی لحظه ای (On the spot) تبیین عناصر موثر، مزایا و موانع آن می باشد.

نتایج: یکی از روش های غیر رسمی بازخورد، روش بازخورد لحظه ای است که در آن ایده و بازخورد، در همان لحظه عملکرد فرد، به وی داده می شود. از این روش برای بازخورد دادن به جنبه هایی از عملکرد که توسط فرد ناظر مشاهده شده است استفاده می گردد. مزیت این روش، اختصاصی بودن آن است؛ به علاوه در این روش می توان اطمینان حاصل نمود که هیچ یک از عناصر مهم بازخورد فراموش نشده اند. این نوع بازخورد فرصت طلبانه، یکی از عناصر مهم یادگیری بالینی است. بسیاری از مربیان آموزشی بر این عقیده اند که بازخورد لحظه ای، یکی از فعالیت های مهم در محیط بالین است که به صورت ناخودآگاه رخ می دهد. این نوع بازخورد، ممکن است توسط فراگیر به عنوان یک بازخورد تلقی نگردد و این مسئله یکی از ضعف های بالقوه این فرایند بوده و موجب خنثی شدن اثر بازخورد ارائه شده می گردد. همچنین نگرانی از اختلال در برقراری و حفظ روابط مثبت بین دانشجو و مربی هنگام ارائه بازخورد لحظه ای از دیگر ضعف های آن می باشد. به هر حال اگر مربیان از نتایج و پیامدهایی که در نتیجه بازخورد ندادن به بار می آید آگاه باشند اهمیت بازخورد دادن به دانشجویان را تشخیص داده و در جهت بهبود آن تلاش می نمایند.

نتیجه گیری: بازخورد برای یادگیری دانشجو در عملکرد بالینی امری ضروری است. گرچه دانشجویان تجربیات گوناگون و عمدتاً منفی را از بازخوردهایی که دریافت نموده اند بیان کرده اند، ولی این مسئله ممکن است به عواملی که شامل محیط بخش و آمادگی و توانایی مربی برای دادن بازخورد بوده است بتوان نسبت داد. آگاهی و درک عناصر یک بازخورد لحظه ای می تواند به فرایند بازخورد دادن کمک نموده و اطمینان بدهد که هم دانشجو و هم مربی؛ تجربه تعاملی مثبتی دارند.

واژه های کلیدی: بازخورد لحظه ای، یادگیری بالینی، روش غیر رسمی

## اولویت بندی شاخصهای تدریس اثربخش از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار در سال تحصیلی ۸۹

طاہرہ توفیقیان<sup>۱\*</sup>، سمیہ نصرالهی<sup>۲</sup>، اکرم کوشکی<sup>۳</sup>، محمدحسن رخشانی<sup>۴</sup>  
\*کارشناس ارشد آموزش پرستاری، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

Email: Tofighiyan260@yahoo.com

<sup>۲</sup>کارشناس EDC دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

<sup>۳</sup>دکترای تغذیه، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

<sup>۴</sup>دکترای آمار، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

**مقدمه:** یکی از مشکلات اساسی در آموزش دانشگاه ها نداشتن شاخص های تدریس اثربخش است. برای تعیین این شاخص ها می توان از مدیران، همکاران، خود ارزیابی اساتید و دانشجویان نظر خواهی نمود. آگاهی از دیدگاه دانشجویان به عنوان صاحبان اصلی فرآیند آموزش و نظر سنجی از آنان نسبت به تدریس اثربخش یکی از بهترین روش های تعیین شاخص های تدریس است. از طرفی برخی پژوهش ها نشان داده که دیدگاه دانشجویان و اساتید در مورد شاخص های تدریس اثر بخش متفاوت می باشد. لذا تحقیق حاضر با هدف تعیین شاخص های تدریس اثر بخش از دیدگاه اساتید و دانشجویان انجام گردید تا با مشخص کردن اولویت ها و مقایسه نظرات اساتید و دانشجویان به تبیین شاخص های عینی جهت ارزیابی تدریس اساتید بپردازد.

**روش ها:** مطالعه حاضر یک پژوهش توصیفی-تحلیلی به روش مقطعی است که تعداد 60 نفر از اعضای هیئت علمی به روش سرشماری و ۳۸۵ نفر از دانشجویان به روش طبقه بندی بر اساس رشته و تصادفی ساده انتخاب و در مطالعه وارد شدند. ابزار سنجش، پرسشنامه پژوهشگر ساخته بود که مشتمل بر دو بخش می باشد. بخش اول به منظور تعیین اطلاعات و خصوصیات فردی دانشجویان یا اساتید و بخش دوم به منظور تعیین مهم ترین شاخص های تدریس اثر بخش در چهار جنبه دانش پژوهی (۴ ویژگی)، روش تدریس (۵ ویژگی)، قدرت ایجاد ارتباط (۵ ویژگی) و شخصیت فردی (۹ ویژگی) طراحی گردید جهت جمع آوری اطلاعات، پژوهشگران با مراجعه به کلاس ها، تعداد نمونه مورد نیاز از بین نمونه ها را انتخاب نموده و پرسشنامه بین آنان توزیع گردید تا به روش خود گزارش دهی تکمیل گردد. روایی پرسشنامه ها به طور صوری و جهت پایایی ابزار از روش آزمون مجدد استفاده شد. داده ها پس از جمع آوری توسط نرم افزار SPSS و با استفاده از آزمون مجذور کای و آزمون t-test مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** نتایج نشان داد از نظر دانشجویان در حیطه دانش پژوهی ویژگی های علم و دانش، ارائه مطالب نو و سابقه تدریس، در حیطه روش تدریس ویژگی های انتقال شفاف و واضح مطالب، خلاقیت و نو آوری در تدریس و برانگیختن دانشجو به فعالیتهای یادگیری، در حیطه قدرت ارتباط ویژگیهای عدالت در ارزشیابی، دسترسی آسان به استاد در خارج از کلاس و توجه به احساسات دانشجو و در حیطه شخصیت فردی ویژگی های بیان شیوا و ساده، داشتن کلام ولحن احترام آمیز با دانشجو و اعتماد به نفس و قاطعیت به ترتیب بیشترین اولویت را به خود اختصاص دادند از نظر اساتید در حیطه دانش پژوهی ویژگی های علم و دانش، ارائه مطالب نو و سابقه تدریس، در حیطه روش تدریس انتقال شفاف و واضح مطالب، مدیریت کلاس و برانگیختن دانشجو به فعالیتهای یادگیری، در حیطه قدرت ارتباط ویژگی های عدالت در ارزشیابی، ایجاد انگیزه در دانشجو جهت مشارکت در مباحث و شناسایی و توجه به تفاوت های فردی دانشجو و در حیطه شخصیت فردی ویژگی های بیان شیوا و

ساده، علاقه مندی به تدریس و لذت بردن از کار با دانشجو و داشتن لحن و کلام احترام آمیز با دانشجو به ترتیب مهمترین اولویتها برشمرده شدند. در مقایسه بین دیدگاه اساتید و دانشجویان نتایج نشان داد در ویژگیهای علم و دانش ( $P=0/0004$ ), طراحی تدریس ( $P=0/000$ ), دسترسی آسان به استاد در خارج از کلاس ( $P=0/003$ ), ایجاد انگیزه در دانشجو جهت شرکت در مباحث ( $P=0/000$ ) و توزیع مجدد مطالب ( $P=0/003$ ) اختلاف معنی داری بین نظر استاد و دانشجو وجود دارد.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج تحقیق، گرچه اولویت ویژگی های یک تدریس خوب برای استاد از نظر اساتید و دانشجویان گاه متفاوت می باشد اما با توجه به اینکه دانشجویان مرتبا از طرف دانشجویان مورد ارزیابی قرار می گیرند، به نظر می رسد آگاه نمودن اساتید از نظرات دانشجویان و بکارگیری این نظرات سبب بهبود و ارتقا کیفیت آموزش و رضایتمندی دانشجویان از اساتید می گردد.

**واژه های کلیدی:** تدریس اثر بخش، شاخصهای تدریس، دانشجو، استاد



## ارزیابی دانشجویان از محیط های یادگیری دانشگاه علوم پزشکی گناباد در سال

۱۳۹۱

**مقدمه:** اخیراً تغییرات زیادی در آموزش پزشکی در سراسر جهان رخ داده است. به همین دلیل درک دانشجویان از محیط آموزشی مورد توجه خاصی قرار گرفته است. درک دانشجویان از محیط آموزشی می تواند پایه ای برای اجرای تغییرات و در نتیجه بهینه سازی محیط آموزشی باشد. هدف از این مطالعه ارزیابی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گناباد از محیط های یادگیری در سال ۱۳۹۱ می باشد.

**روش ها:** این پژوهش از نوع مقطعی می باشد که در آن ۲۳۴ نفر از دانشجویان رشته های پرستاری و مامائی (۹۸ نفر)، بهداشت (۵۷ نفر)، پیراپزشکی (۶۲ نفر) و پزشکی (۱۷ نفر) دانشگاه علوم پزشکی گناباد شرکت کردند. ابزار گرد آوری داده ها پرسشنامه استاندارد (DREEM) (Dundee Ready Educational Environment Measure) بود. این پرسشنامه استاندارد شامل ۵۰ سؤال در طیف لیکرت بود ( دامنه نمرات بین ۰ تا ۲۰۰ بود) که در پنج حیطه یادگیری، اساتید، ادراک دانشجو از توانایی علمی خود، جو آموزشی و ادراک دانشجو از شرایط اجتماعی خود بود. داده های حاصل بعد از ورود به نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** میانگین کل امتیاز DREEM برای دانشجویان ۵۲/۱۰۸ از ۲۰۰ بود که این نشان می دهد ارزیابی دانشجویان از محیط های یادگیری بیشتر در جهت مثبت می باشد. میانگین و انحراف معیار نمره کلی DREEM در دختران  $22/25 \pm$  و در پسران  $17/97 \pm 108/25$  بود ولی تفاوت معنی داری بین دانشجویان دختر و پسر مشاهده نشد. میانگین نمره کلی در دانشجویان مقطع بالینی (۱۱۰/۰۲) از دانشجویان مقطع نظری (۱۰۰/۵۹) بالاتر می باشد. که این تفاوت از نظر آماری نیز معنی دار می باشد ( $P=0/003$ ).

**نتیجه گیری:** اگرچه که دانشجویان محیط یادگیری را در دانشگاه با گرایش بیشتر به سمت مثبت تا منفی ارزیابی نمودند اما توجه بیشتر به رعایت اصول آموزشی و ایجاد فضای مناسب آموزشی جهت یادگیری بهتر دانشجویان ضروری است و استفاده از ابزارهایی مانند DREEM می تواند در فرایند و استراتژی تغییر در آموزش، کمک های ارزنده ای کند.

**واژه های کلیدی:** محیط یادگیری، پرسشنامه DREEM، دانشجویان علوم پزشکی

## تدوین و بکارگیری فرم ارزیابی مهارت عملی کارآموزان-کارورزان گروه زنان از طریق مشاهده ی مستقیم (DOPS)

ناهید قنبرزاده\*، بیتا بیجاری، محمد نجفی سمنانی، فاطمه نجفی سمنانی، علی نجفی سمنانی

\*استادیار دانشگاه علوم پزشکی خراسان جنوبی

[nghanbarzadeh@gmail.com](mailto:nghanbarzadeh@gmail.com)

**مقدمه:** به دلیل کیفیت پایین ارزیابی پایانی دوره های کارورزی و کارآموزی و همچنین عدم رعایت اخلاق پزشکی در پر کردن logbook، در جلسه گروه زنان تصمیم گرفته شد یک روش ایستگاهی ابداعی برای ارزیابی مهارتهای بالینی دانشجویان طراحی و اجرا شود در این روش مهارتهای بالینی دانشجویان بر اساس کوریکولوم وزارتخانه در پایان بخش مورد ارزیابی یکسان قرار گرفته و نمره ی پایان بخش به دانشجویان داده شد. این روش بر اساس مدل DOPS در گروه زنان بیمارستان ولی عصر طراحی و پس از برگزاری سه دوره آزمون کارآموزی و کارورزی (جمعا شش دوره آزمون) فرم ارزیابی مهارت عملی کارآموزان-کارورزان گروه زنان از طریق مشاهده ی مستقیم (DOPS) تدوین و اجرا شد.

**روش ها:** تعداد ۶۰ دانشجو در بخش زنان با این روش مورد ارزیابی قرار گرفتند. متوسط تعداد دفعات استفاده از روش DOPS توسط آزمونگر ۲۰ و تعداد دفعات انجام پروسیجر توسط آزمون شونده ۲ بود. این آزمون شامل ۱۰ ایستگاه بالینی بود و توسط پزشک در ایستگاه مورد نظر انجام شده و اشکالات موجود در انجام پروسیجر همزمان به کارورز تذکر داده می شود. این ده ایستگاه شامل ایستگاه شرح حال، ایستگاه معاینه ژنیکولوژی، ایستگاه تهیه پاپ اسمیر و تفسیر یک گزارش پاپ اسمیر، ایستگاه سمع قلب جنین و انجام مانورهای لئوپولد، ایستگاه گذاشتن سوند ادراری، ایستگاه برقراری IV Line، ایستگاه گذاشتن و خروج IUD، ایستگاه انجام زایمان طبیعی و ترمیم اپی زیاتومی می باشد. جهت ارزیابی مهارت عملی دانشجو بر اساس این روش فرمی شامل شاخص های ارزیابی طراحی شد که شامل ۱۱ گزینه می باشد: ۱- اطلاع از اندیکاسیونها، آناتومی و تکنیک پروسیجر ۲- اخذ رضایت بیمار ۳- مرحله آمادگی قبل از انجام پروسیجر ۴- بی دودی و آرامبخشی مناسب ۵- رعایت شرایط استریل ۶- توانایی تکنیکی (مثلا انجام زایمان طبیعی) ۷- درخواست کمک در صورت نیاز ۸- اقدامات بعد از انجام پروسیجر ۹- مهارتهای ارتباطی ۱۰- رفتار حرفه ای و توجه به بیمار ۱۱- مهارت کلی در انجام پروسیجر می باشد. شیوه نمره دهی از صفر تا ۱۰ بوده که نمره صفر به مورد غیرقابل قبول، بین ۱ تا ۳ پایینتر از انتظار، ۴ تا ۶ حدمرزی، ۷ تا ۹ حد انتظار و ۱۰ به عنوان بالاتر از انتظار در نظر گرفته شده است. در انتهای این فرم نیز نقاط ضعف و قوت دانشجو یا هرگونه پیشنهاد برای بهبود عملکرد دانشجو توسط آزمونگر ثبت می شود. قسمت بعدی فرم ارزیابی شامل رضایت فراگیران و آزمونگر از آزمون DOPS بوده که با معیار نمره دهی لیکرت بین ۱ تا ۱۰ از کاملا ناراضی تا کاملا راضی سنجیده می شود. پیش نویس فرم پس از تدوین توسط چند نفر از اعضای گروه زنان مورد بازبینی قرار گرفت و پس از اجرای آزمایشی آن در سه دوره نقایص مطرح شده در آن اصلاح شد.

**نتایج:** شاخص های ارزیابی فراوانی در مجموع ایستگاه ها به شکل زیر بود: اطلاع از اندیکاسیونها، آناتومی و تکنیک پروسیجر (۹،۵، ۹،۶۶، ۱۴،۳۳)، اخذ رضایت بیمار (۰،۹، ۳،۵، ۱۳،۰۱، ۷۴،۹۳، ۷،۶۶)، مرحله آمادگی قبل از انجام پروسیجر (۲،۹۴، ۲۰،۶، ۷۲، ۳،۵)، بی دودی و آرامبخشی مناسب (۱،۸۳، ۴،۶۶، ۶،۳۹، ۸۲،۲۵، ۶،۴۹)، رعایت شرایط استریل (۲،۸۵، ۱۰،۷۳، ۱،۵، ۸۴،۸۳)، توانایی تکنیکی (۱،۶۹، ۳،۳۳، ۹،۴۶، ۷۷،۱۶، ۵،۳۱)، درخواست کمک در صورت نیاز (۰، ۲،۶۲، ۴،۳۹، ۷۹،۹۸، ۱۳،۱۲)، اقدامات بعد از انجام پروسیجر (۲،۶۱، ۹،۹، ۵۹،۵۷، ۱۷،۴۳)، مهارتهای ارتباطی (۲،۹۶، ۱۳،۳۱، ۶۶،۵۸، ۳۲،۴۲)، رفتار حرفه ای و توجه به بیمار (۱، ۷،۴۲، ۱۴،۳۴)، ۶۵،۴۳، ۱۳،۶۵) و مهارت کلی در انجام پروسیجر (۱،۲۵، ۵،۵۲، ۸،۱۵، ۸۱،۵۵، ۳،۵۲). میانگین نمره رضایت در فراگیران  $2.92 \pm 5.3$  از ۱۰ نمره بود و حداقل نمره ۱ و حداکثر ۱۰ بود. میانگین نمره رضایت در آزمونگر  $0.93 \pm 8.85$  از ۱۰ نمره بود و حداقل نمره ۷ و حداکثر ۱۰ بود.

**نتیجه گیری:** روش DOPS روشی کم هزینه، عملیاتی و بسیار مناسب برای ارزیابی مهارتهای عملی کارورزان زنان بوده و منجر به هدایت آموزشی آنها به سمت فراگیری مهارتهای بالینی بر اساس کوریکولوم وزارتخانه می باشد و حتی می تواند به صورت یک روش پیشنهادی برای تغییر کوریکولوم آموزشی کارورزی زنان باشد.

تأثیر اجرای برنامه ارتقاء کیفیت طراحی سوالات اعضای هیأت علمی برفیدبک موثر  
نتایج تحلیل و آنالیز آزمونهای ارتقا و پره بورد دستیاران گروههای بالینی دانشگاه

علوم پزشکی تبریز

در سال ۱۳۸۹-۱۳۹۱

دکتر یگانه ، دکتر فردی آذر ، ندا رحمت وند ، دکتر شاپور نادر فام ، دیلی حاج حسنی ، شاپور فرشیدی

دانشگاه علوم پزشکی تبریز

[dryeq20485@gmail.com](mailto:dryeq20485@gmail.com)

مقدمه: آزمون های چندگزینه ای از عینی ترین و رایج ترین انواع آزمون در آموزش علوم پزشکی هستند و یافتن راه هایی برای بهبود کیفیت آزمون ها به خصوص در مقاطع تخصصی اهمیت دارد. هدف از انجام این مطالعه تعیین تأثیر فیدبک موثر نتایج تحلیل و آنالیز آزمونهای چندگزینه ای ارتقا و پره بورد دستیاران گروههای بالینی ، بر بهبود کیفیت طراحی سوالات آزمون ارتقای دستیاری گروههای بالینی دانشکده پزشکی تبریز بود.

روشها: در این مطالعه نیمه تجربی، کلیه سوالات آزمونهای ارتقای دستیاران گروههای بالینی از سال ۸۹ تا ۹۰ از نظر ساختار طراحی و سطح تاکسونومی با استفاده از چک لیستی روا و پایا مبتنی بر اصول میلمن و چند منبع دیگر مورد بررسی قرار گرفت .

در طول سال ۱۳۸۸ با تهیه و چاپ ۳ عنوان پمفلت آموزشی جهت اساتید در خصوص طراحی آزمون های استاندارد، ارجاع نتایج آنالیز کمی و کیفی آزمون ارتقاء به گروههای آموزشی پزشکی دارای دستیار ، برگزاری کارگاه طراحی آزمونهای استاندارد در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز و در صورت نیاز، ارائه مشاوره به اساتید، تلاش شد که دانش اعضای محترم هیأت علمی دانشکده پزشکی تبریز در خصوص طراحی آزمونهای ارتقاء افزایش یابد . و بعد از مداخله فوق الذکر کلیه سؤالاتی که توسط افراد مذکور طراحی شده بودند مورد مقایسه قرار گرفت

نتایج: بیست گروه آموزشی پزشکی با سه سری آزمون ارتقاء جمعاً ۶۶ آزمون تحت بررسی و مقایسه قرار گرفتند.

مقایسه کل گروههای آموزشی در سال ۱۳۸۹ با ۱۳۹۱ نشان داد که در شاخصهای کمی ( میانگین ضریب تمییز و میانگین اعتبار آزمونها ( KR 20 )) و کیفی آزمون ارتقاء ( شامل : میانگین درصد سوالات بدون اشکال ساختاری تاکسونومی II و III آزمون ارتقاء سال ۱۳۹۱ به طور معنادار بیشتر از آزمون ۱۳۸۹ است  $P < 0.05$  )

نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه، طراحی و برگزاری کارگاه آموزشی ارسال پمفلت های آموزشی، ارائه مشاوره جهت طراحان سؤال مؤثر بود و انجام این روشها می تواند راه گشایی برای بهبود آزمون های مشابه در دیگر دانشگاه ها نیز باشد.

### تعامل با استاد همانند خواندن کتاب مرجع است: نگاهی متفاوت به تجربیات دانشجویان

آمنه کاهد جهان تیغی\*، صغرا عابدین پور، دکتر اکرم ثناگو، دکتر سیامک رجایی، دکتر لیلا جویباری  
کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گلستان، و مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی  
Ameneh.kahed@gmail.com

**مقدمه:** توانایی برقراری ارتباط مؤثر یکی از شاخص های مهم تدریس اثربخش است و طبعاً می تواند تابعی از ویژگی های شخصیتی و علمی استاد باشد. ویژگی های متعدد مانند گشاده رویی، برخورد مثبت و انرژی دهنده و میل به هدایت یک استاد می تواند در برقراری ارتباط مؤثر باشد. چنانچه دانشجو به فکر ترقی فرهنگ و علمی خود باشد و استاد هم دانشجو را از جنس خود بداند دانشگاه به هدف خود که تعلیم و تعلم است خواهد رسید. هدف از این مطالعه تبیین تجربیات دانشجویان علوم پزشکی از تعامل دانشجو با استاد در دانشگاه می باشد.

**روش ها:** در این مطالعه کیفی (۱۳۹۱) تجربیات دانشجویان در تعامل با اساتید مورد بررسی قرار گرفته است. با استفاده از نمونه گیری مبتنی بر هدف و حداکثر تنوع، دانشجویان پرستاری، مامایی، دندانپزشکی، بهداشت محیط و بهداشت عمومی وارد مطالعه شدند. با استفاده از اصل اشباع داده ها ۲۰ نفر وارد مطالعه شدند. برای گردآوری داده ها از مصاحبه های نیمه ساختار استفاده شد. حداقل یک سوال باز در تمامی مصاحبه ها "تجربه خود را از تعامل با استادان بگوئید" در تمامی مصاحبه ها تکرار شد. مصاحبه ها ضبط، دست نویس، کدگذاری و طبقه بندی شدند. برای انالیز داده ها از تحلیل محتوای کیفی "رویکرد مرسوم" استفاده شد.

**نتایج:** "رمز موفقیت دانشجو، تعامل داشتن با استاد" به عنوان مضمون اصلی این مطالعه استخراج شد. دانشجویان تعامل با استاد را حیاتی می دانستند و بدون تعامل با استاد موفقیت دانشجو را غیر ممکن می دانستند. "مشاوره تحصیلی، مشکلات دانشگاهی، خانوادگی، شغلی، مشکلات ارتباطی و اجتماعی و فرهنگی، هدفمند شدن، انگیزه پیدا کردن، سرعت در کار، پیشی گرفتن از همتایان، دیدن آینده روشن، یادگیری حل مشکل و مواجهه با مشکل، کاهش استرس، احساس توانمندی و قدرت، یادگیری حس همدردی با دیگران، حمایت و کمک رسانی را یاد گرفتن، افزایش آگاهی و اطلاعات، تفهیم شدن، احکام دینی و اخلاق" از مواردی بود که دانشجویان در این تعامل تجربه کردند. اعتماد دانشجو به استاد و باور داشتن او و جسارت دانشجو در ایجاد تعامل و پاسخگویی استاد به این تعامل را از ضروریات می دانستند.

**نتیجه گیری:** دانشجویان بر این اعتقاد بودند که تعامل استاد و دانشجو مهمترین چیزی است که در دانشگاه جاری است و حتی در بسیاری از موارد از درس هایی که خوانده می شود اهمیت بالاتری دارد. استاد می تواند یک فرهنگ و یا یک اخلاق را جا بیندازد و به دلیل جایگاه قانونی و آموزشی در محیط های دانشگاهی و همچنین انعطاف پذیری دانشجویان قادر است تعاملات دانشجویی را کنترل کند. از این رو اساتید می توانند اثرات اصلاح کنندگی بسیار بالایی بر رفتار دانشجویان داشته باشند.

**واژه های کلیدی:** ارتباطات، تعامل استاد دانشجو، استاد، دانشجویان علوم پزشکی

## ارزیابی نیازهای آموزشی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد در سال ۱۳۹۰

سید سعید مظلومی محمود آباد، سعیده نوروزی\*، علی نوروزی، مهدی میرزایی علویجه  
\* دانشجوی دکترای آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد  
Norouzi62@yahoo.com

**مقدمه:** شناسایی نیازهای آموزشی، گامی مهم در برنامه‌ریزی برای برنامه‌های رشد اعضای هیئت علمی بوده و نقش مهمی در ارتقای کیفیت آموزش دارد. هدف مطالعه حاضر، تعیین نیازهای آموزشی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی یزد و اولویت بندی این نیازها بود تا اولویت‌هایی که باید آموزش داده شود، تعیین و به مسئولان برای طراحی برنامه‌های آموزشی ارائه گردد.

**روش‌ها:** مطالعه از نوع مقطعی بود که بر روی کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد به تعداد ۲۶۰ نفر انجام شد. با استفاده از شاخص‌های بدست آمده از مرور متون، پرسشنامه‌ای تنظیم سپس روایی و پایایی آن تعیین شد. اهمیت نیاز آموزشی با نمره ۱ تا ۲۰ مشخص گردیده بود؛ و در نهایت داده‌ها تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** حیطه‌های مختلف نیاز آموزشی در اعضای هیئت علمی بالینی به ترتیب: حیطه آشنایی با آیین نامه‌های مرتبط با ارتقاء، پژوهش، توسعه فردی و در اعضای هیئت علمی غیر بالینی به ترتیب: حیطه پژوهش، آشنایی با آیین نامه‌های مرتبط با ارتقاء و آموزش اولویت‌بندی گردید. در اعضای هیئت علمی بالینی: اولویت اول در حیطه آموزش، طراحی، اجرا و تحلیل آزمون‌های شفاهی و مشاهده؛ در حیطه پژوهش، مهارت تحلیل آماری داده‌ها و در اعضای هیئت علمی غیر بالینی: اولویت اول در حیطه آموزش، نحوه پرورش تفکر انتقادی و قدرت استدلال؛ در حیطه پژوهش، نحوه ارزیابی و داوری طرح‌های تحقیقاتی بود.

**نتیجه‌گیری:** اعضای هیئت علمی بالینی به هر هفت حیطه اصلی، به ویژه آیین نامه‌های مرتبط با ارتقاء و اعضای هیئت علمی غیر بالینی به حیطه پژوهش نیاز آموزشی دارند. پیشنهاد می‌گردد برای برنامه‌ریزی اهمیت و وزن هر هفت حیطه به صورت استاندارد مشخص شود.

**واژه‌های کلیدی:** نیاز آموزشی، اعضای هیئت علمی بالینی و غیر بالینی، علوم پزشکی یزد

## تاخیر موجه دانشجو و خروج اجباری از کلاس: گزارش مورد آموزشی

کیمیا طهانی\*، دکتر اکرم ثناگو، علیرضا شریعتی، دکتر لیلا جویباری

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

K\_starquilt@yahoo.com

**مقدمه:** با توجه به اینکه حضور مستمر دانشجویان در کلاس می تواند باعث کاهش آمار مربوط به افت تحصیلی در آموزش عالی شود، هسته های آموزشی همواره تاکید بسیاری بر انجام حضور و غیاب دارند، اما در این میان به علل غیبت یا تاخیر دانشجو و یا موجه بودن یا نبودن آن توجهی نمی شود و در این رابطه برنامه ی مدون خاصی از سوی معاونت های آموزشی دانشگاه ها وجود ندارد که به مسائلی چون بررسی موجه بودن یا نبودن غیبت ها و تاخیر ها، اینکه دانشجو تا چه مدت پس از حضور استاد می تواند وارد کلاس شود و یا مسائلی مشابه بپردازد. هدف از این مقاله معرفی تجربه دانشجویی در خصوص تاخیر در ورود به کلاس است.

**روش ها:** مطالعه کیفی تحلیل محتوا از نوع گزارش مورد و ابزار گردآوری داده ها؛ مصاحبه نیمه ساختار

**نتایج:** تجربیات دانشجوی ترم چهار که به علت مسائل خانوادگی با ده دقیقه تاخیر به کلاس درس تخصصی (علوم پایه) می رسد و اجازه ورود به کلاس به او داده نمی شود، حاکی از آن است که اجرای قوانین آموزشی علی رغم اهمیتی که دارد می تواند سبب لطمات آموزشی نیز شود. آنالیز داده ها گواه عواطف منفی و مایوس کننده دانشجو بوده است "احساس بد، شرمساری، گریه، شکسته شدن غرور، خرد شدن، بد رفتاری، تضعیف حق دانشجو، نادیده گرفتن سوابق مثبت دانشجو". برداشت دانشجو از آئین نامه های آموزشی دال بر آن است که علی رغم تاخیر در ورود به کلاس حق استفاده از مباحث کلاسی برای دانشجو محفوظ بایستی باقی بماند.

**نتیجه گیری:** در نظر گرفتن پیشینه ی دانشجو می تواند نقش مهمی در تصمیم گیری در مورد تاخیرهای وی داشته باشد. می توان از روش های دیگری همچون کسر از نمره ی تعلق گرفته به انضباط، به جای محروم کردن از ساعت آموزشی استفاده کرد. با وجود این معاونت آموزشی می تواند در اساسنامه های خود مواردی را مبنی بر اقدامات لازم جهت برخورد با تاخیر های دانشجویی تصویب نماید و کلیه ی اساتید را ملزم به اجرای آن نماید.

**واژه های کلیدی:** تاخیر کلاس، دانشجو، استاد، گزارش مورد

## طراحی آسفی و تعیین روایی و پایایی آن در ارزشیابی صلاحیت‌های بالینی دانشجویان پزشکی در فیلد آموزش جامعه‌نگر

فخرالسادات حسینی\*، دکتر علیرضا یوسفی، دکتر نیکو یمانی، دکتر زیبا فرج زادگان  
\*دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده پزشکی، گروه پزشکی اجتماعی

**مقدمه:** یکی از مشکلات موجود در فرایند ارزشیابی عملکرد بالینی دانشجویان بویژه در کار آموزی پزشکی اجتماعی، فقدان ابزاری روا، پایا و عینی می باشد. با توجه به تاثیر ارزشیابی مناسب بر کسب اطمینان از توانمندیهای علمی و عملی دانشجویان پزشکی و ایفای نقش آینده خود بعنوان مدیران مراکز بهداشتی- درمانی، این مطالعه با هدف تعیین روایی و پایایی آسفی در ارزشیابی دانشجویان پزشکی مستقر در فیلد جامعه نگر طراحی شده با این امید که بتوان جهت ارتقاء و بهبود کیفیت فرایندهای آموزش و ارزشیابی عملکرد دانشجویان پزشکی در پزشکی اجتماعی گامی موثر برداشت.

**روش‌ها:** در این مطالعه مقطعی توصیفی از نوع همبستگی طبق او لویت بندی کارشناسانه از بین عملکردهای مهم و جاری خانه بهداشت ۸ مهارت انتخاب و فهرست و آرسی برای عملکردهای منتخب به روش دلفی تدوین شد. ۱۷ دانشجوی طی دو روز در ۸ ایستگاه آسفی این مهارت ها را انجام دادند و در هر ایستگاه دو مشاهده گر، مطابق چک لیست آنها را ارزیابی کردند. همسانی درونی (همبستگی نمرات کل دانشجویان در آسکی با نمرات دانشجویان در هر ایستگاه) محاسبه شد. همچنین پایایی ارزیابان (همبستگی بین نمرات گزارش شده توسط دو مشاهده گر) در هر ایستگاه بطور جداگانه محاسبه گردید.

**نتایج:** آزمون از پایایی و روایی لازم برخوردار بود (آلفای کرونباخ /۷۶). بدست آمد. جهت بررسی همسانی درونی، همبستگی میان نمره کل دانشجویان در آسکی با میانگین نمره دانشجویان در هر یک از ایستگاه ها بررسی شد ایستگاه شماره ۶ (واکسیناسیون) از بالاترین ضریب همبستگی (۰/۹۴) و ایستگاه شماره ۱ (کلر سنجی) از کمترین ضریب همبستگی (۰/۴۵) برخوردار بود. همبستگی معنی داری بین میانگین نمرات ارزیابان در اکثر ایستگاه ها بجز ایستگاه شماره ۱ (کلر سنجی) مشاهده شد ( $p < .001$ ).

**نتیجه‌گیری:** آزمون از روایی و پایایی لازم برخوردار بود.

**واژه‌های کلیدی:** اعتبار (روائی)- اطمینان (پایانی)- ارزشیابی- صلاحیت های بالینی- دانشجویان پزشکی- فیلد آموزش جامعه نگر.

### آیا آسکی مفید است؟

معصومه سادات موسوی<sup>۱\*</sup>، محمد سجاد لطفی<sup>۲</sup>، محسن ادیب حاج باقری<sup>۳</sup>  
<sup>۱\*</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان.  
پست الکترونیک: ms\_mousavi2012@yahoo.com  
<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان.

<sup>۳</sup> دانشیار، گروه پرستاری داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان.  
مقدمه: آموزش بالینی فرآیندی است که در آن دانشجو تجارب بالینی را در کنار بیمار و در مواجهه با مشکلات وی را در بیمارستان کسب می کند. آسکی به عنوان یکی از بهترین روش های سنجش، می تواند میزان تحقق آموزش در زمینه های شناختی، عاطفی و روان حرکتی دانشجویان را مورد ارزیابی قرار دهد.

روش ها: این پژوهش یک مطالعه مروری است که با جست و جو در پایگاه اطلاعاتی ایرانی از جمله Scientific Information Database (SID)، Iran medex و مدلیب با کلیدواژه های "آزمون بالینی ساختار یافته عینی"، "osce"، بدون محدودیت زمانی صورت گرفته است.

نتایج: در مجموع ۱۱۰ مورد با این کلید واژه ها یافت شد که تنها ۲۷ مورد مطابق هدف بود. تمام مقاله های بررسی شده، مفید بودن آسکی را تایید کردند. همچنین مقالات بررسی شده فوایدی نظیر دقت، اعتبار و پایایی، عینی بودن و عدم دخالت شانس در ارزشیابی است، که یادگیری حرفه ای دانشجویان را میسر می سازد. این روش بیش از سایر روش های ارزشیابی بالینی متداول، می تواند با تشخیص مهارت های بالینی دانشجویان، سبب ایجاد رضایت در آنان گردد

نتیجه گیری: در نهایت با توجه به نتایج تحقیقات انجام شده در ایران و سایر کشورها و پس از بررسی مقاله ها و اینکه بیشترین مقاله ها مفید بودن آسکی را معرفی کردند، می توان پیشنهاد کرد که امتحانات بالینی دانشجویان گروه های بهداشتی در سطح دانشگاه به روش آسکی برگزار گردد.

واژه های کلیدی: آزمون آسکی، ایران



## ارزشیابی استاندارد های آموزشی حقوق بیماران و خانواده در بیمارستان های آموزشی دانشگاه های علوم پزشکی

فرشته فرزبان پور\*، شایان حسینی، سید شهاب حسینی، شادی حسینی

\* دانشیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران

Email: farzianp@sina.tums.ac.ir

**مقدمه:** رعایت منشور حقوق بیماران در هر جامعه ای یکی از مهم ترین وظایف اخلاقی در حیطه ی اخلاق پزشکی است که دارای سابقه ای دیرینه در دنیای پزشکی می باشد. هدف از منشور حقوق بیمار، دفاع از حقوق بیماران اطمینان از مراقبت کافی از آنها می باشد. منشور حقوق بیمار موجب بهبود ارتباط بین بیماران و ارائه دهندگان خدمات بهداشتی در مانی می گردد و کیفیت مراقبت های بهداشتی-درمانی را ارتقاء می دهد.

**روش ها:** پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و مقطعی است و در بیمارستانهای عمومی و تخصصی دانشگاههای علوم پزشکی تهران و بیمارستان اختر دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، انجام شده است. نمونه ۲۶۳ پرستار بود. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه ای برگرفته از استانداردهای حقوق بیمار و خانواده اش (Patient family Rights =PFR) از کتاب استانداردهای بین المللی اعتبار بخشی بیمارستانی (JCI) استفاده شد. داده ها با نرم افزار SPSS ۱۸ تجزیه و تحلیل شدند. نتایج در دو سطح آمارهای توصیفی (فراوانی و درصد فراوانی) و آمارهای استنباطی (آزمون های اسمیرنف-کلومگروف، کروسکال والیس، من ویتنی، ویلکاکسون، آنالیز واریانس یکطرفه و آزمون تی زوجی) ارائه گردیدند.

**نتایج:** حدود ۱۲٪ پاسخگویان وضعیت فعلی PFR را نامطلوب، ۵۲٫۶٪ متوسط و ۳۵٫۳٪ وضعیت آن را مطلوب ارزیابی نمودند. کلیه ابعاد شش گانه و همچنین وضعیت کلی استاندارد PFR در رده های شغلی پرستاران تفاوت معنادار نداشتند و نمره حاصله از پاسخ های پرستاران پیرامون ابعاد شش گانه وضعیت رعایت استاندارد PFR در دو گروه مردان و زنان با احتمال ۹۵٪ با یکدیگر برابر بودند.

**نتیجه گیری:** بیمارستانها باید نهادی برای درک و احترام به حقوق بیمار، خانواده آنان، پزشکان و سایر مراقبت کنندگان باشند. در سایه تعامل مناسب ارائه دهندگان و گیرندگان خدمات سلامت نسبت به وظایف خود و احترام به حقوق دیگران، سلامت جامعه در بالاترین سطح ممکن قابل دستیابی خواهد بود.

**واژه های کلیدی:** اعتبار بخشی، استاندارد بیمارستانی، حقوق بیمار

## ارزشیابی آموزش بیمار و خانواده بر اساس استانداردهای بین المللی (JCI) در بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی تهران

فرشته فرزبان پور<sup>۱\*</sup>، ثمینه مرتضی قلی<sup>۲</sup>، سید شهاب حسینی<sup>۳</sup>، شادی حسینی<sup>۴</sup>، شایان حسینی<sup>۵</sup>  
<sup>\*</sup>دانشیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده بهداشت

farzianp@sina.tums.ac.ir

<sup>۲</sup>کارشناس دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۳</sup>کارشناس ارشد دانشکده بین الملل کیش ، دانشکده بین الملل کیش

<sup>۴</sup>کارشناس ارشد دانشکده بین الملل کیش ، دانشکده بین الملل کیش

<sup>۵</sup>کارشناس ارشد دانشگاه میر کبیر

**مقدمه:** اهمیت آموزش بیمار و خانواده به عنوان وظیفه ای مهم و یکی از استانداردهای کیفیت مراقبت های پرستاری به شمار می آید و تمام بیماران حق دارند از آموزش در جهت حفظ سلامتی ، پیشگیری از بیماری ها و ارتقاء سطح سلامت خود برخوردار شوند. اغلب افرادی که بیمار می شوند نیاز دارند در رابطه با وضعیت جدید ، پیش آگهی بیماری و نحوه ی درمان و خطرها و فواید مربوط به آن مطالبی یاد بگیرند.

**روش ها:** در این پژوهش از روش پژوهش پیمایشی که از نوع پژوهشهای توصیفی - تحلیلی مقطعی است استفاده شد، که در یک بازه زمانی شش ماهه از دی ماه سال ۱۳۸۹ تا خرداد ماه سال ۱۳۹۰ انجام پذیرفت. استانداردهای (PFE) شامل ۷ استاندارد و ۳۹ عنصر قابل اندازه گیری می باشد. برای جمع آوری داده ها از دو پرسشنامه استفاده شد. هر دو پرسشنامه برگرفته از استانداردهای آموزش بیمار و خانواده اش (PFE) می باشد محاسبه ی پایایی با استفاده از روش آلفا کرونباخ و روش سنجش پایایی هر سوال (ICC) Intra Class Correlation صورت گرفت. مقدار عدد آلفا کرونباخ پرسشنامه اول ۰/۸۷۵ و برای پرسشنامه دوم برابر با ۰/۹۵۴ بود. حجم نمونه مورد نیاز تعداد ۲۵۸ نفر متناسب با تعداد پرستاران شاغل در بیمارستان های مورد بررسی انتخاب شدند. ، از آمار استنباطی جهت تعیین اختلاف و تعیین روابط متغیرها استفاده گردید. این آزمونها شامل آنالیز واریانس یکطرفه (one way ANOVA) و مقایسه چندگانه scheffe می باشد.

**نتایج:** تطبیق نهایی استانداردهای بین المللی آموزش بیمار و خانواده ( PFE ) در بیمارستان های منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران از دیدگاه پرستاران نشان داد. از مجموع ۷ استاندارد ، از حوزه استاندارد PFE.4 (آموزش بیماران به پاسخ دهی به نیازهای سلامتی آنها کمک می کند) استاندارد PFE.4.4 (راهنمایی های تغذیه ای) (۳۰/۲٪) به صورت کامل قابل اجرا بودند . همچنین از حوزه استاندارد PFE.2 (نیازهای آموزشی هر یک از بیماران ارزیابی شده و در پرونده ی او ثبت میشود). (۸/۱٪) قابل اجرا بودند.

**نتیجه گیری:** استاندارد PFE.5 (آموزش بیماران و خانواده آنها) بیشترین قابلیت اجرایی را در میان سایر استانداردها و استاندارد (PFE.6) روشهای آموزشی) کمترین قابلیت اجرایی را در میان سایر استانداردها در بیمارستان های منتخب دانشگاه علوم پزشکی تهران از دیدگاه پرستاران داشتند.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی ، استاندارد های بین المللی آموزش بیمار و خانواده، بیمارستان های آموزشی

## بررسی میزان اثر بخشی کارورزی بهداشت جامعه دانشجویان کارشناسی پرستاری براساس الگوی کرک پاتریک در مراکز بهداشتی درمانی شهرستان قزوین ۱۳۸۸

میترا نجفی<sup>۱</sup>، سعید قاسمی<sup>۲</sup>، میمنت حسینی<sup>۳\*</sup>، جعفر علیحیدری ممقانی<sup>۴</sup>

کارشناس ارشد پرستاری گرایش بهداشت جامعه

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد پرستاری گرایش بهداشت جامعه، عضو هیات علمی گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی

نیشابور

<sup>۳\*</sup> کارشناس ارشد پرستاری گرایش بهداشت جامعه، عضو هیئت علمی گروه بهداشت جامعه، دانشکده پرستاری

و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی

meimanathosseini@yahoo.com

<sup>۴</sup> کارشناس ارشد پرستاری گرایش داخلی جراحی، عضو هیات علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم

پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی آذربایجان غربی (ارومیه)

**مقدمه:** ارزشیابی اثر بخشی دوره های آموزشی تصویر روشنی از چگونگی کیفیت فعالیت های آموزشی را برای مدیران، برنامه ریزان و دست اندرکاران آموزشی و مسئولین ایجاد می کند و از این راه به اثر بخش کردن برنامه ها و فعالیت های آموزشی نیروی انسانی کمک شایانی می نماید. هدف از مطالعه حاضر بررسی میزان اثربخشی کارورزی بهداشت جامعه دانشجویان پرستاری در مراکز بهداشتی درمانی شهرستان قزوین براساس الگوی کرک پاتریک در سال ۱۳۸۸ می باشد.

**روش ها:** این مطالعه از نوع توصیفی- مقطعی بوده و نمونه های پژوهش شامل ۵۶ دانشجو و ۱۸۰ مددجو می باشد، روش نمونه گیری برای دانشجویان سرشماری و برای مددجویان به روش نمونه گیری آسان بود. ابزار گردآوری اطلاعات از دانشجویان، پرسشنامه شامل سه بخش ویژگی های "جمعیت شناسی"، "واکنش" و "یادگیری دانشجو" و نیز "چک لیست عملکرد" بود و برای مددجویان از یک پرسشنامه شامل دو بخش اطلاعات جمعیت شناسی و قسمت اصلی پرسشنامه استفاده گردید. جهت اعتبار ابزار در تمام قسمتها از شاخص اعتبار محتوا و صوری استفاده شد. جهت پایایی ابزار از روش همسانی درونی استفاده شد. ابزار های مورد استفاده دارای روایی و پایایی مناسب بودند. جهت توصیف داده ها از روش های آمار توصیفی و جهت تحلیل داده ها از روش های آنالیز واریانس یکطرفه، آزمون تی و همبستگی پیرسون استفاده گردید.

**نتایج:** نتایج مطالعه حاضر نشان داد که اکثریت دانشجویان (۷۶/۸ درصد) از دوره کارورزی بهداشت جامعه رضایتی در حد متوسط داشتند. همچنین در بخش ارزیابی از خود اکثریت دانشجویان (۵۱/۷۸ درصد) میزان یادگیری خود را در حد متوسط گزارش نمودند ولی در بخش چک لیست عملکرد امتیازات، کسب شده توسط اکثر دانشجویان (۶۴/۲۹ درصد) در سطح خوب بود همچنین در ارتباط با رضایت مددجویان از خدمات دانشجویی اکثریت پاسخ دهندگان (۷۶/۷ درصد) رضایت خود را در سطح خوب اعلام نموده بودند. بین سطوح ۱ و ۲ و ۳ الگوی کرک پاتریک نیز همبستگی وجود داشت.

**نتیجه گیری:** یافته های این مطالعه نشان داد که بطور کلی عملکرد دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی قزوین در کارورزی بهداشت جامعه مطلوب بوده و همچنین مددجویان نیز از خدمات دانشجویان در مراکز بهداشتی درمانی راضی بودند. با توجه به اهمیت رضایت و یادگیری دانشجویان به عنوان ملاک های ارزشیابی کیفی برنامه آموزشی که در این مطالعه هر دو سطح متوسط ارزیابی گردیدند، لازم است مسئولین و برنامه ریزان باتقویت جنبه های مثبت و اصلاح نواقص گامی موثر در راستای ارتقای کیفیت کارورزی ها و افزایش میزان رضایت دانشجو بردارند.

**واژه های کلیدی:** دانشجویان پرستاری، کارورزی بهداشت جامعه، اثربخشی، الگوی کرک پاتریک

## تأثیر آموزش بر نگرش کادر درمانی در برابر تهدید بیوتروریسم در بیمارستانهای ایران‌شهر

شیوا پژمان خواه\*

هیئت علمی، پرستاری گرایش داخلی- جراحی، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی ایران‌شهر، دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زاهدان، زاهدان، ایران  
**Email:** shivapejmankhah@yahoo.com

**مقدمه:** مهمترین راه مقابله با اقدامات بیوتروریستی در دنیا امروز در درجه اول تقویت نگرش تیم پزشکی و بهداشتی جهت تشخیص و عکس العمل سریع در مقابله با این حوادث می باشد. مطالعه حاضر با هدف تأثیر آموزش بیوتروریسم بر نگرش کادر درمانی می پردازد..

**روش‌ها:** پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه تجربی است. جامعه پژوهش را ۱۰۰ نفر از کادر درمانی که از طریق سرشماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات ، پرسشنامه بود. یک گروه از طریق ارایه جزوه آموزشی و به گروه دیگر از طریق سخنرانی ، طی دو جلسه دو ساعته ، آموزش داده شد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار ۱۶ spss و آمار توصیفی و استنباطی استفاده گردید.

**نتایج:** بر اساس نتایج مطالعه ، نگرش کارکنان مراقبتی قبل از آموزش در هر دو گروه سخنرانی و جزوه آموزشی به ترتیب ۶۰٪ و ۵۸٪ در سطح " بی نظر" قرار داشت که بعد از آموزش در هر دو گروه به ترتیب ۹۰٪ و ۶۶٪ در سطح " مثبت " قرار گرفتند. آزمون آماری ویلکاکسون اختلاف معنی داری بین نگرش قبل و بعد از آموزش در دو گروه سخنرانی و جزوه آموزشی نشان داد.

**نتیجه‌گیری:** بنابراین مؤثرترین و در عین حال کم خرج ترین وسیله محافظت عمومی بر علیه سلاح های بیولوژیک تغییر نگرش (باورها) از طریق آموزش است.

**واژه‌های کلیدی:** بیوتروریسم ، سخنرانی، جزوه آموزشی، نگرش، کادر درمانی

## ارزشیابی خوب لازمه اش فقط یک استاد خوب نیست بلکه یک دانشجو خوب هم باید باشد: تجربه دانشجویان از ارزشیابی شدن توسط استاد

مریم منصور بستانی<sup>۱\*</sup>، دکتر اکرم ثناگو<sup>۲</sup>، دکتر لیلا جویباری<sup>۳</sup>، دکتر سیامک رجایی<sup>۴</sup>  
<sup>۱\*</sup> دانشجوی کارشناسی پیوسته بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

[marvayam.bostani21@yahoo.com](mailto:marvayam.bostani21@yahoo.com)

<sup>۲</sup>دکترای پرستاری، دانشیار دانشکده پرستاری و مامایی بویه، دانشگاه علوم پزشکی گلستان  
<sup>۳</sup>دکترای پرستاری، دانشیار دانشکده پرستاری و مامایی بویه، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

**مقدمه:** ارزشیابی باید به طریقی باشد که همه ی دانشجویان بتوانند استعداد و توانایی های خود را از قوه به فعل درآورند. استاد در ارزشیابی مستمر از فرایند آموزش موظف است از یک طرف به رشد گروهی و پیشرفت همه ی افراد کلاس توجه کند و از طرف دیگر، متوجه کمبودهای آموزشی و نقایص پیشرفت تک تک فراگیران باشد و به کشف و برطرف کردن عواملی که سبب چنین کمبودها و نقایصی شده است بپردازد. هدف از این مطالعه تبیین تجربه دانشجویان از ارزشیابی شدن توسط استاد بوده است.

**روش ها:** در این پژوهش کیفی (۱۳۹۱) ۱۵ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی گلستان با استفاده از نمونه گیری مبتنی بر هدف و حداکثر تنوع مصاحبه به عمل آمد. ابزار گردآوری داده ها مصاحبه های نیمه ساختار بوده است. حداقل دو سوال باز شامل "وقتی می گویم ارزشیابی دانشجو توسط استاد چه چیزی به ذهن شما می آید، تجربیات خود را از ارتباط با استاد، از نظر ارزشیابی بفرمائید." دو سوال در تمامی مصاحبه ها تکرار شد. سایر سوالات کاوشی (چرا، چگونه، مثال بزنید) بوده اند. نمونه گیری تا رسیدن به اشباع (تکرار پذیری) داده ها ادامه یافت. مصاحبه ها ضبط، دست نویس و مطابق روش "تحلیل محتوای مرسوم" تحلیل شدند.

**نتایج:** "ارزشیابی مستمر"، "ارزشیابی ذهنی"، "عدالت در ارزشیابی"، "استاد قانونمند"، "اساتید مختلف و ملاک های متفاوت"، "ارزیابی های غیرمنتظره"، "ایهام در ارزشیابی"، "کیلویی نمره دادن"، "ارزیابی های آبی"، "ارزشیابی های مغرضانه" مضامین استخراج شده در این مطالعه بود. دانشجویان نحوه ارزشیابی را موثر در یادگیری می دانستند و عملکرد خود را در آموزش بر اساس نمره کسب شده ارزیابی می کردند و چنانچه عادلانه از ذهن خود ارزشیابی نمی شدند تلاش برای یادگیری کاهش می یافت.

**نتیجه گیری:** دانشجویان ارزشیابی درست توسط استاد را راهی برای ارتقای انگیزه تحصیلی خود می دانند. ارزشیابی در طول ترم، در نظر گرفتن فعالیت ها و ابعاد مختلف از قبیل اخلاق و رفتار در ارزشیابی مورد تاکید دانشجویان بوده است. ارزشیابی ها می بایست مستمر و همراه با معیارهای کاملا عینی و در نظر گرفتن تمامی فعالیت های یادگیری دانشجو باشد تا رضایت خاطر فراگیران نیز حاصل گردد.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی، دانشجو، استاد، دانشگاه

## بررسی میزان نیاز اساتید دانشگاه علوم پزشکی تهران به زبان انگلیسی

محمد جعفر کندی<sup>۱</sup>، معصومه پرویزی شاد<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده پیراپزشکی

<sup>۲</sup> کارشناس امور بیمارستان، دانشگاه علوم پزشکی تهران

**مقدمه:** از آنجاییکه طبابت مبتنی بر شواهد و ارتباط با مراکز علمی جهانی و بین المللی کردن دانشگاهها نیاز به دانستن زبان انگلیسی *Academic language* دارد و تحقیقات مختلف نشان داده است که متاسفانه در این زمینه ضعف هایی در دانشگاهها وجود دارد؛ اولین گام برای ایجاد تغییر در روند کنونی و افزایش توانش زبانی اعضای هیات علمی دانشگاهها ارزیابی نیاز زبانی ایشان می باشد. این تحقیق به مقایسه نظرات اساتید در مورد سطح زبانی خود و سطح واقعی توانش زبانی ایشان پرداخته است.

**روشها:** از طریق پست الکترونیکی و با هماهنگی مرکز توسعه دانشگاه علوم پزشکی تهران برای تمامی اعضای هیات علمی این دانشگاه فرم نیاز سنجی زبان ارسال گردید. تعداد ۳۰۳ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه پرسشنامه های ارسالی را پر کرده و عودت دادند. در نهایت ۲۰۲ نفر در ازمون تعیین سطح دانش زبانی شرکت نمودند. نتایج آزمون و نظرات اساتید در مورد میزان نیاز ایشان به زبان با استفاده از یک برنامه طراحی شده در Excel مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج:** با مقایسه نتایج ارزیابی و نتایج نظرسنجی از اساتید در مورد توانایی زبان خود (در شنیدن، خواندن و نوشتن) با استفاده از *chi-square* ( $p>0.05$ )، مشخص گردید که تفاوت معنی داری بین تصویری که اساتید از توانایی خود دارند و نتایج آزمون وجود دارد.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج ارزیابی و نظرات اساتید در مورد توانش زبانی خود مشخص گردید که ایشان ارزیابی مناسبی از سطح زبانی خود ندارند و نیاز جدی به افزایش توانش زبانی خود دارند.

**واژه های کلیدی:** دانش زبانی، نیاز سنجی، اساتید دانشگاه

## تحلیلی جامع بر کیفیت روش آموزش بر بالین از دیدگاه کاربران اصلی

لیلی مصلی نژاد<sup>۱\*</sup>، محسن حجت<sup>۲</sup>، زهره بادیه پیمان<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup>استادیار گروه آموزش بهداشت روان، دانشگاه علوم پزشکی جهرم

<sup>۲</sup>مری هیئت علمی گروه جراحی - داخلی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم

<sup>۳</sup>مری هیئت علمی گروه جراحی - داخلی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم

[mossila\\_1@yahoo.com](mailto:mossila_1@yahoo.com)

**مقدمه:** از دغدغه های آموزش بالینی، دستیابی به بسیاری از مهارت ها و صلاحیت هایی است که متخصصین امور بهداشتی را قادر میسازد تا عملکرد مناسب و خدمات موثر را ارائه نمایند. آموزش بر بالین همواره سنگ بنای آموزش بالینی برای رشته های حرفه ای بهداشت و درمان بوده است. هدف این مطالعه بررسی جامع نگر بر کیفیت آموزش بر بالین از دیدگاه کاربران اصلی آن است.

**روش ها:** این پژوهش یک مطالعه مقطعی است که بر روی ۷۰ نفر از اساتید (بالینی و پرستاری) (۴۰۰ نفر بیمار و ۷۰ دانشجوی مقطع کارو رزی از رشته های مختلف پرستاری و پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی جهرم انجام شده است. ابزار گردآوری داده ها را در این تحقیق پرسشنامه سه قسمتی به خود اختصاص داد که بخش اول آن داده های دموگرافیک، بخش دوم پرسشنامه با ۱۰ سؤال ۵ قسمتی با هدف بررسی کیفیت آموزش بر بالین برای سه بخش اساتید، دانشجویان و بیماران بود که پایایی آن به ترتیب (۰/۸۳، ۰/۷۸، ۰/۸۹) محاسبه گردید. داده ها پس از جمع آوری از طریق امار توصیفی (جهت بررسی توزیع داده ها) و آمار تحلیلی چون تی استیودنت، کای و انالیز واریانس جهت بررسی ارتباط و اختلاف بین داده ها مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج نشان داد که اساتید کیفیت آموزش مبتنی بر بالین را سه حیطة توسعه مهارت های ارتباطی (۴/۵۰)، نحوه انجام معاینه صحیح بالینی (۴/۴۴) و ارتقاء مهارت های حرفه ای (۴/۴۴) بیشتر از حیطة های دیگر ارزشیابی کردند. دانشجویان نیز ضمن داشتن اشتراکاتی مواردی چون اکتساب مهارت های حرفه ای (۳/۸۳) افزایش اطلاعات علمی دانشجویان (۳/۸۲) و کسب الگوی مناسب ارتباطی (۳/۷۲) از میانگین بالاتری برخوردار است. بیماران نیز میانگین مواردی چون افزایش اعتماد به نفس و احساس رضایتمندی (۳/۸۳)، انسانی شدن مراقبت های درمانی (۳/۸۳) و انتقال اطلاعات مفید به اساتید و دانشجویان (۳/۸۳) را بالاتر از سایر مولفه ها قلمداد کردند.

**نتیجه گیری نهایی:** نظر به بررسی نظرات کاربران اصلی این شیوه آموزشی و با توجه به تاثیرات مفید این شیوه بر ابعاد مختلف آموزش، مراقبت و سلامت. لازم است تا زمینه آموزش مناسب اساتید جهت آشنایی با استانداردهای این شیوه انجام و ضمن توجه دانشجویان در خصوص پیاده سازی روش و مزایای آن زمینه رضایتمندی بیماران، ارتقای سلامت و اجرای موثر حاکمیت بالینی فراهم گردد.

**واژه های کلیدی:** آموزش بر بالین - اساتید - بیماران - دانشجویان - اثربخشی

## بررسی تأثیر سه روش آموزش بر دانش و نگرش و عملکرد نسبت به تشنج درمانی الکتریکی در کارکنان پرستاری، ۱۳۹۱

آتنا دادگری

A.Dadgari30@gmail.com

**مقدمه:** امروزه تشنج درمانی الکتریکی کاربرد زیادی در درمان اختلالات روانی دارد با این وجود نگرش های منفی نسبت به آن زیاد دیده می شود. این مطالعه با هدف تأثیر روشهای آموزشی بر دانش، نگرش، عملکرد کارکنان پرستاری مرکز جامع روانپزشکی استان یزد نسبت به تشنج درمانی الکتریکی انجام شده است.

**روشها:** شرکت کنندگان شامل ۶۰ نفر از کارکنان پرستاری بودند که به طور تصادفی به ۳ گروه آموزشی سخنرانی، مشاهده زنده الکتروشوک و مشاهده فیلم تقسیم شدند. اطلاعات به کمک دو پرسشنامه آگاهی و نگرش جمع آوری گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS18 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** ۳ گروه قبل از آموزش از نظر دانش با یکدیگر تفاوت معناداری نداشتند ( $Pvalue=0/64$ ) اما بعد از آموزش تفاوت بین ۳ گروه از نظر دانش معنادار بود ( $Pvalue=0/006$ ). بین روش آموزش سخنرانی و مشاهده زنده تفاوت وجود داشت که این تفاوت از نظر آماری معنادار بود ( $Pvalue=0/023$ ). همچنین بین روش سخنرانی و مشاهده فیلم نیز تفاوت معنادار بود ( $Pvalue=0/011$ ). اما بین دو روش مشاهده زنده و دیدن فیلم تفاوت معنی دار نبود ( $Pvalue=1$ ). از نظر نگرش تفاوت آماری معنی داری بین ۳ گروه قبل از آموزش نبود ( $Pvalue=0/34$ ) و بین ۳ گروه بعد از آموزش نیز تفاوت آماری معناداری وجود نداشت ( $Pvalue=0/25$ ).

**نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه نشان داد که آموزش باعث افزایش دانش می شود اما در نگرش تأثیری ندارد.

**واژه های کلیدی:** تشنج درمانی الکتریکی، دانش، نگرش، عملکرد، کارکنان پرستاری



### بررسی روند نمرات آزمون آسکی (OSCE) پره انترنی دانشجویان پزشکی شیراز از سال ۸۳ تا ۹۱

مریم حسینی\*، مهوش علیزاده نائینی، نرگس واثقی

مرکز مهارت‌های بالینی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

hoseineem@sums.ac.ir

**مقدمه:** ارزشیابی دانشجویان از اجزای جدا نشدنی امر آموزش محسوب می‌شود. در رشته‌های وابسته به علوم پزشکی به علت پیچیدگی و چند بعدی بودن فرآیند یادگیری و اطمینان از دستیابی به اهداف آموزشی، نیازمند انتخاب و بکارگیری یک سیستم ارزشیابی کارآمد و دقیق است به گونه‌ای که بتواند از منظرهای مختلف عملکرد دانشجو را مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد. امروزه آزمون‌های بالینی ساختارمند (OSCE) در راستای سایر روش‌های نوین ارزشیابی بالینی، بصورت ابزارهایی جدید و معتبر در ارزیابی دانش، نگرش و علی‌الخصوص مهارت‌های بالینی دانشجویان بکار گرفته می‌شود. ارزیابی توانمندی دانشجویان و تعیین کارآمدی ایشان می‌تواند اطلاعات بسیار مفیدی برای برنامه‌ریزی آموزشی در اختیار مسئولین قرار دهد. این مطالعه با هدف اهمیت ارتقاء آموزش دانشجویان پزشکی در دوره اینترنی از طریق فیدبک آزمون به دانشجو، بخش‌ها و اساتید با توجه به بررسی روند نمرات آزمون آسکی (OSCE) پره انترنی دانشجویان پزشکی شیراز از سال ۸۳ تا ۹۱ می‌باشد.

**روش‌ها:** این پژوهش یک مطالعه توصیفی مقطعی است. جامعه مورد مطالعه شامل کلیه ورودی‌های رشته پزشکی سال‌های ۷۸ و ۸۰ تا ۸۵ است. نمرات آزمون آسکی پره انترنی دانشجویان که طی ۷ دوره در آزمون شرکت نموده بودند از سیستم استخراج و دانشجویان غایب از مطالعه حذف گردیدند. پس از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها در نرم‌افزار SPSS با استفاده از آمار توصیفی، جداول و آزمون تی تست (t-test) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** دانشجویان در مجموع ۷ دوره ۷۵۳ نفر (۳۲۹ نفر مرد و ۴۲۴ نفر زن) بودند. نمره کل آزمون برای تمام دوره‌ها از ۲۰۰ محاسبه گردید. میانگین نمرات در ورودی‌های ۷۸ و ۸۰ تا ۸۵ به ترتیب  $110 \pm 19$  و  $135 \pm 17$  و  $123 \pm 16$  و  $119 \pm 17$  و  $105 \pm 14$  و  $129 \pm 15$  و  $117 \pm 14$  بود. بیشترین میانگین مربوط به دانشجویان ورودی ۸۰ و کمترین میانگین مربوط به دانشجویان ورودی ۸۳ بود و با توجه به برنامه‌های آموزشی اخیر و تشکیل کمیته آزمون آسکی و جلسات آشنایی با آزمون انتظار افزایش در میانگین نمرات وجود داشت که نتایج نشان می‌دهد که میانگین‌ها در سطح پایینی قرار دارد، لذا توجه به برنامه‌های آموزشی و برگزاری کارگاه‌های مهارتی امری ضروری است. اختلاف میانگین نمرات آزمون در دو جنس از نظر آماری معنی‌دار نبود. با این وجود میانگین نمرات دانشجویان پسر بجز ورودی‌های ۷۸ و ۸۰ و ۸۱ در بقیه ورودی‌ها بیشتر از دانشجویان دختر بود و نشان‌دهنده افزایش میانگین نمرات پسران در ورودی‌های اخیر بوده است.

**نتیجه‌گیری:** اساتید و دانشگاه‌های علوم پزشکی در حقیقت به اعتبار نتایج آزمون‌ها، مسئولیت تأیید فراگیران خود را بر عهده می‌گیرند و به جامعه اطمینان می‌دهند که دانش‌آموختگان آنها، صلاحیت علمی و اخلاقی لازم را برای ایفای رسالت خطیری که برعهده خواهند داشت، کسب کرده‌اند. شناسایی نقاط قوت و ضعف دانشجویان و بازخورد مستند اطلاعات به گروه‌ها و ارائه راهکار و برگزاری کارگاه‌های آموزشی براساس مشکلات مشاهده شده در عملکرد دانشجویان در آزمون‌ها، اقداماتی است که تأثیر بسیاری بر ارتقاء کیفیت آموزشی می‌گذارد و باعث افزایش انگیزه دانشجویان در یادگیری مهارت‌های بالینی می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** آزمون آسکی پره انترنی، دانشجویان پزشکی، میانگین نمرات، آزمون تی تست

### بهبود و ارتقای کیفیت کارگاه‌های عملی دانشجویان پزشکی شیراز در درس مقدمات

#### پزشکی عملی با رویکرد اقدام پژوهی

مریم حسینی\*، معصومه حسینی

مرکز مهارت‌های بالینی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

hoseineem@sums.ac.ir

**مقدمه:** مهارت‌های بالینی بخش اساسی و مهم آموزش در رشته‌های بهداشتی و درمانی است. در این نوع آموزش دانشجوی، مفاهیم آموخته شده تئوری را به صورت ملموس تر می بینند و می آزمایند. از این رو اهمیت و جایگاه ویژه آن در ایفای نقش حرفه ای دانش آموختگان بسیار مهم است. از آنجا که دانشجویان امروز پزشکان آینده خواهند بود لذا توجه به آموزش آنان، بکارگیری شیوه های تدریس مناسب جهت تقویت مشارکت فعال فراگیران در فرآیند یادگیری امری ضروری است. برای ارتقاء کارگاه‌های عملی (مهارت‌های بالینی) درس مقدمات پزشکی که بعد از ارائه مطالب به صورت سخنرانی، در قالب گره‌های کوچک توسط دستیاران اجرا می گردد، از رویکرد اقدام پژوهی استفاده گردید. این رویکرد شامل چهار مرحله اساسی: برنامه ریزی، اجرا(عمل)، ارزشیابی و اقدام(انعکاس) می باشد و یک رویکرد کیفی است که بصورت مشارکتی و مداخله ای توسط افراد درگیر در یک موقعیت خاص، برای بهبود عملکرد و ارتقاء فرآیند انجام می گیرد و مبتنی بر توانمندسازی افراد درگیر، پژوهشگران، مجریان و عوامل فعال، در مسیر بهبود عملکرد فرآیند می باشد. هدف از این مطالعه شناسایی مشکلات موجود و اقدام برای رفع و اصلاح آن جهت دستیابی به اهداف آموزشی و تربیت افراد ماهر و ارتقاء کیفیت خدمات مراقبتی با استفاده از رویکرد اقدام پژوهی است.

**روش‌ها:** به منظور درک نیازها و انتظارات دانشجویان از برگزاری کارگاه‌های عملی و شناخت مشکلات از دیدگاه آنها برای اصلاح فرآیند، بحث گروهی متمرکز برگزار و مشکلات مطرح شده از طرف دانشجویان مورد بررسی قرار گرفت و مبنای عمل برای بهبود و ارتقاء گردید. این برنامه از جهت امکان پذیر بودن و همچنین مؤثر بودن در یک ترم تحصیلی انجام شد و برای ارزیابی کیفیت کارگاهها از دانشجویان این دوره و دوره های قبل نظرسنجی به عمل آمد که جهت این منظور پرسشنامه ای که براساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت رتبه بندی شده بود در اختیار دانشجویان قرار گرفت و از نرم افزار آماری SPSS برای تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده از پرسشنامه استفاده گردید. **نتایج:** مشکلات مطرح شده از طرف دانشجویان به شرح زیر عنوان گردید:

تعداد زیاد دانشجویان در هر گروه، کافی نبودن دستیاران معرفی شده جهت کار گروهی، هماهنگ نبودن و آشنا نبودن دستیاران با مباحث مورد آموزش و بحث شده در جلسه سخنرانی، کافی نبودن تجهیزات مورد استفاده جهت کار عملی و کم بودن زمان تمرین برای هر گروه. با استفاده از نتایج این جلسات محور اصلاحات و مداخله تعیین شد. بدین ترتیب که جهت آشنایی و هماهنگی دستیاران مقرر گردید که آنها در جلسات سخنرانی قبل از تمرین عملی حضور داشته باشند تا جهت آموزش آمادگی کافی را کسب نمایند. همچنین جهت کم شدن تعداد دانشجویان هرگروه، تعداد گروهها بیشتر شد (از ۴ گروه به ۸ گروه تقسیم گردیدند) و همزمان از ۲ گروه از دستیاران جهت آموزش دعوت شد (به عنوان مثال ۴ دستیار داخلی جهت سمع ریه و ۴ دستیار قلب جهت سمع قلب و پس از ۲ ساعت تمرین دانشجویان ۲ گروه با هم جابجا می شدند). به این طریق کمبود تجهیزات نیز جبران گردید و دانشجویان در یک گارگاه یک روزه دو مبحث را به صورت عملی انجام می دادند و زمان کافی برای تمرین و بازخورد به آنها وجود داشت.

**نتیجه‌گیری:** نتایج نشان دهنده رضایت بیشتر دانشجویان در کار گروهی، کیفیت و زمان تمرین مهارت‌های عملی بوده است و با توجه به مثبت بودن نتایج بدست آمده این شیوه گروه‌بندی و تمرین با دستیاران، جهت ترم های بعد نیز اجرا گردید.

**واژه‌های کلیدی:** اقدام پژوهی، کارگاه‌های عملی، درس مقدمات پزشکی عملی، دانشجویان پزشکی

## ارزیابی کیفیت خدمات آموزشی ارائه شده در دانشکده علوم پزشکی نیشابور از دیدگاه دانشجویان

علی غلامی<sup>۱\*</sup>، امین اصغری<sup>۲</sup>، حجت محمد زاده<sup>۲</sup>، آتنا صمدی<sup>۲</sup>

\*کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، دانشکده علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران

aagholami80@yahoo.com

<sup>۲</sup>دانشجوی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران

**مقدمه:** کیفیت، برآوردن نیازها و خواسته های مشتریان است و مشتریان هستند که آن را مشخص می کنند. این مطالعه با هدف ارزیابی کیفیت خدمات آموزشی ارائه شده در دانشکده علوم پزشکی نیشابور از دیدگاه دانشجویان انجام شده است.

**روش‌ها:** این مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۰ و بر روی کلیه دانشجویان دانشکده علوم پزشکی نیشابور (۱۹۹ نفر و در سه رشته پرستاری، اتاق عمل و هوشبری) انجام شده است. داده های مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه ادراک کیفیت خدمات (سروکوال) و از طریق مصاحبه با دانشجویان دانشکده علوم پزشکی جمع آوری شده است. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار Spss نسخه شانزده تجزیه و تحلیل شده است.

**نتایج:** از مجموع دانشجویان مورد بررسی ۶۵/۷٪ دختر و ۳۴/۳٪ پسر بودند و میانگین سنی آنها  $1/92 \pm 20/38$  بود (دامنه سنی : ۳۵ - ۱۸ سال). بر طبق یافته های این مطالعه ۱۱/۶٪ از دانشجویان کیفیت کلی خدمات آموزشی ارائه شده در دانشکده علوم پزشکی نیشابور را بد، ۸۵/۹٪ متوسط و ۲/۵٪ خوب توصیف کردند. از دیدگاه شرکت کننده گان در این مطالعه، بعد اطمینان (عمل به تعهدات) دارای بیشترین کیفیت و بعد ملموس (شرایط و فضای فیزیکی) دارای کمترین کیفیت می باشد و تفاوت آماری معنی داری بین بعضی از ابعاد پنج گانه خدمت مشاهده شد ( $P < 0/05$ ).

**نتیجه‌گیری:** نتایج این مطالعه نشان می دهد که کیفیت خدمات آموزشی ارائه شده در دانشکده علوم پزشکی نیشابور در سطح متوسطی می باشد ولی در بعضی از ابعاد خدمت، کیفیت خدمات کمتر می باشد که لازم می باشد مدیران جهت افزایش کیفیت خدمات به این ابعاد بیشتر توجه کنند.

**واژه‌های کلیدی:** کیفیت، خدمات آموزشی، دانشکده علوم پزشکی، نیشابور

## برگزاری آموزش و آزمون عملی سمیولوژی به روش OSCE دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران

فاطمه احمدی نیا<sup>\*</sup>، عطیه مخلوق

<sup>\*</sup>کارشناس ارشد آموزش پزشکی

[Ahmadinia.fatemeh@gmail.com](mailto:Ahmadinia.fatemeh@gmail.com)

عضو هیئت علمی و مدیر EDO دانشکده پزشکی

**مقدمه:** ارزیابی توانمندیهای بالینی یکی از وظایف بسیار پیچیده و مشکل در حیطه آموزش پزشکی است. امروزه مقوله ارزیابی عملکرد بالینی به نحو چشم گیری بیمار – محور و دانشجو مدار شده است. در این راستا روش " آزمون بالینی ساختارمند عینی " جایگزینی پویا برای رویکرد سنتی ارزیابی بالینی است که هر روز محبوبیت آن نیز به خصوص در سطح دانشجویان پزشکی در حال افزایش است.

**روش ها:** جامعه مورد پژوهش ۸۹ نفر دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران ونمونه گیری بصورت سرشماری و براساس نتایج نیازسنجی ۱۰۰٪ دانشجویان وتایید کمیته بررسی آموزش سمیولوژی مدیران دانشگاه و دانشکده پزشکی تشکیل و تصمیم بر آموزش عملی در SKILL lab و بخش بالینی و اجرای آزمون نهایی به شیوه OSCE گرفته شد. داده های پژوهش بر اساس پرسشنامه محقق ساخته جمع آوری شد. تفاوت متغیر نمرات با استفاده از آزمون T-test ونرم افزار SPSS انجام شد.

**نتایج:** دانشجویانی که سمیولوژی عملی را در SKILL Lab و بخشهای بالینی وبا ارزشیابی نهایی آزمون OSCE (شیوه جدید)، نسبت به دانشجویانی که به شیوه گذشته گذرانده اند، از میانگین نمره بالاتری برخوردار شدند.

ارزیابی جنبه های گوناگون مهارت در ایستگاه های مختلف OSCE اجرا شد . کاهش اضطراب آنها ، عادلانه بودن و کاهش نقش شانس و علاقمند بودن دانشجویان به این شیوه، پررنگ ترین نکته ای بود که بیشتر از همه جلب نظر می کند.

در نظر سنجی نهایی میزان رضایتمندی دانشجویان از فضای آموزشی عملی با فراوانی ۵۴/۴٪، از مرکز بالینی با فراوانی ۶۳/۱٪، امکانات آموزشی و مولاژها و مانکن ها با فراوانی ۴۹/۱٪ و توانمندی اساتید در برقراری ارتباط موثر در بخش زنان و ENT با ۷۹٪ بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده و میزان تسلط علمی اساتید بخش زنان را با بیشترین فراوانی (۹۳٪) ارزیابی شد.

**نتیجه گیری:** افزودن بخش آموزشی عملی به سمیولوژی و ارزیابی به روش ساختار عینی (OSCE) توانایی های عملی دانشجویان، شیوه فعال و موثر در سطح آموزشی آنها خواهد داشت که رسیدن به اهداف نظام آموزشی پزشکی را بهتر محقق می کند.

**واژه های کلیدی:** آموزش، دوره سمیولوژی، اسکی (OSCE)

## دیدگاه دانشجویان پرستاری عرصه نسبت به برگزاری آزمون آسکی

دکتر لیلا جویباری<sup>۱</sup>، مریم چهره گشا<sup>۲\*</sup>، دکتر اکرم ثناگ<sup>۳</sup>، زهرا سبزی<sup>۴</sup>

۱) عضو هیئت علمی - مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

۲\* عضو هیئت علمی و کارشناس ارشد پرستاری داخلی جراحی - کارشناس مرکز تحقیقات پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گلستان

۳ کارشناس ارشد پرستاری کودکان - دانشجوی دکترای آموزش پرستاری دانشگاه تربیت مدرس - تهران

مرکز تحقیقات پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گلستان

chehrehgoshazoo8@gmail.com

**مقدمه:** با گسترده شدن فناوری اطلاعات، ابزارها و روش های آموزش هم نیز دچار تحول شده؛ بطوری که با پیشرفت تکنولوژی استفاده از ابزارهای جدیدتر برای انتقال دانش مطرح شد. مهارت های دانشجویان را به روش های مختلفی می توان مورد ارزشیابی قرار داد ولی در ارزشیابی مهارتهای عملی می بایست از روش هایی که از عینیت بهتری برخوردار هستند استفاده نمود. هدف از برگزاری OSCE تصمیم گیری در مورد ورود دانشجویان، به مقطع کارورزی بر اساس صلاحیت بالینی آنها است، لذا هدف از این مطالعه بررسی دیدگاه دانشجویان پرستاری عرصه نسبت به برگزاری آزمون آسکی بوده است.

**روش ها:** در این مطالعه مقطعی، با روش سرشماری تمامی دانشجویان پرستاری ترم ۸ شامل ۳۰ نفر که در آزمون آسکی کارورزی های کودکان و بهداشت مادر و نوزاد شرکت کرده بودند وارد مطالعه شدند. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه ۱۰ سوالی به صورت لیکرت (که روایی و پایایی آن مورد تایید قرار گرفت) استفاده گردید. داده های کمی با استفاده نرم افزار Spss ویرایش ۱۶ و آماره های توصیفی مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج:** ۱۶ نفر (۵۳/۳ درصد) از دانشجویان مذکر بوده اند و بیشترین فراوانی در قومیت فارس با فراوانی ۱۵ نفر بوده است. ۳/۵۳ درصد از دانشجویان سابقه کار در بالین را ذکر نموده اند. ۳۳/۳ درصد از دانشجویان معدل کل در محدوده ۱۶ داشته اند. در حیطه درک از فرآیند آماده سازی آزمون، ۴۳/۳ دانشجویان در این حیطه با آمادگی در رابطه با ساختار آزمون، محتوای آزمون و جزئیات برگزاری آزمون، نظر مخالف داشته اند. در حیطه اضطراب و استرس، ۶۳ درصد آزمون را استرس آور می دانستند، ۴۶/۷ کار با مانکن را راحت می دانستند. در حیطه درک دانشجو از کارایی آزمون، ۴۶/۷ درصد این آزمون را روش خوبی برای ارزیابی مهارت بالینی ذکر کردند، ۶۳/۳ درصد مهارت های مورد بررسی در آزمون را منطبق بر مهارتهای بالینی می دانستند و ۵۳/۳ درصد نیز وجود آزمون آسکی را محرکی برای یادگیری مهارت بالینی ذکر نمودند.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج که از توصیف یافته ها بدست آمد، اگر چه دانشجویان آمادگی خود را برای آزمون آسکی کم می دانستند و آیین آزمون را استرس آور تلقی نمودند، اما بر اثرات یادگیری و اثر بخشی این آزمون هم اذعان داشتند و این آزمون را شیوه خوبی برای ارزیابی مهارتهای بالینی قلمداد نمودند.

**واژه های کلیدی:** آزمون آسکی، دانشجو، پرستاری، دیدگاه

## بررسی میزان فعالیت آموزشی، پژوهشی و اجرایی گروه‌های بالینی و غیر بالینی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

مریم نمکی<sup>۱\*</sup>، لیلیا حاجی فروش<sup>۲</sup>، فخرالسادات میرحسینی<sup>۳</sup>، رضا رضائی<sup>۴</sup>

\*کارشناس بانک اطلاعات اعضای هیات علمی

علمی [mary\\_n53@yahoo.com](mailto:mary_n53@yahoo.com)

<sup>۲</sup>کارشناس بانک اطلاعات اعضای هیات علمی

<sup>۳</sup>عضو هیات علمی گروه هوشبری دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

و دانشجوی دکتری آموزش پزشکی - گروه آموزش پزشکی دانشکده علوم پزشکی تهران

<sup>۴</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه پیام نور مرکز غرب تهران،

مدیر توسعه سازمان و منابع انسانی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

**مقدمه:** دانشگاه علوم پزشکی کاشان با هدف بررسی عملکرد اعضای هیات علمی دانشگاه‌های زیستی فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و اجرایی اعضا را در حیطه کار خود قرار داد و برای اجرایی کردن آن اعطای درصد تمام وقتی اعضای هیات علمی را براساس همین فعالیتها ماکول کرد. این اطلاعات از برنامه نرم افزاری بانک اطلاعات اعضای هیات علمی استخراج و براساس آئین نامه تمام وقتی اعضا فولتایمی محاسبه می گردد. ما بر آن شدیم با استفاده از اطلاعات استخراج شده از این فعالیتها به بررسی میزان فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و اجرایی گروه‌های بالینی و غیر بالینی بپردازیم.

**روش‌ها:** مطالعه بصورت مقطعی با استفاده از اطلاعات کارنامه تمام وقتی اعضای هیات علمی (اطلاعات مندرج در بانک اطلاعات) در طی ۳ سال متوالی از ۸۸ تا ۹۰ انجام شد. قابل ذکر است نمرات براساس حداکثر نمره کارنامه که ۳۸ بود بررسی شد. میانگین تعداد اعضای هیات علمی بتفکیک دانشکده، علوم پایه و بالینی بدست آمد. اطلاعات آموزشی، پژوهشی و اجرایی نیز بتفکیک گروه‌های بالینی و پایه استخراج و اطلاعات بوسیله نرم افزار Excel جمع بندی و تحلیل شد. شاخصهای میانگین و درصد محاسبه و با جداول و نمودار توصیف گردید.

**نتایج:** نتایج نشان داد میانگین تعداد اعضای هیات علمی فولتایم ۹۶ نفر که ۱۸ نفر در گروه‌های بالینی و ۷۸ نفر در بقیه گروهها بودند. میانگین عملکرد اعضای بالینی ۲۹/۴۱ و ۳۴/۸ مربوط به گروه‌های غیر بالینی بود. که بطور کلی اعضای گروه‌های بالینی از نمره ۳۸، ۷۷/۳۹٪ و اعضای گروه‌های غیر بالینی ۹۱/۵۷٪ نمره آورده اند. تفاوت میانگین بین گروه‌های بالینی و غیر بالینی ۵/۳۹ می باشد.

**نتیجه‌گیری:** براساس نتایج بیشترین میانگین نمره فولتایمی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان مربوط به گروه‌های غیر بالینی است. در حالیکه انتظار می رود با توجه به زمینه فعالیت گروه‌های بالینی و مشغله درمانی اعضای فولتایم آنان میانگین نمره شان بیشتر از بقیه باشد. از طرفی با پیگیری دفتر بانک اطلاعات مبنی بر آوردن اطلاعات اعضا چه بالینی و غیر بالینی می توان نتیجه گرفت که اعضای بالینی به خاطر کمبود وقت، کمتر به فعالیت‌های پژوهشی و اجرایی می پردازند و بیشتر به درمان اهمیت می دهند و همین امر باعث درصد فولتایمی پایین و نارضایتی اعضای بالینی شده است. نتایج قابل بررسی بوده و برای بهبود وضعیت عملکرد اعضای فولتایم در تمام حیطه ها آئین نامه های بهتری را می طلبد.

**واژه‌های کلیدی:** فولتایمی، اعضای هیات علمی، بانک اطلاعات، گروه بالینی

## بررسی مشکلات آموزشی دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد در سال ۱۳۸۹

مهديه ممیزی\*<sup>۱</sup>، محمد ممیزی<sup>۲</sup>

\*کارشناس ارشد آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات پیشگیری و اپیدمیولوژی بیماری های غیر واگیر، دانشکده

بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

Mahdieh\_momayyezi@yahoo.com

<sup>۲</sup>دانشجوی پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

**مقدمه:** نیروی انسانی نخبه از عمده عوامل مهم رشد و توسعه هر کشوری می باشد و طراحی برنامه های آموزشی باید مطابق با نیازهای این گروه از دانشجویان باشد. مصاحبه با دانشجویان، بصیرتی را در خصوص چالش های محیط آموزشی فراهم می کند. پژوهش حاضر مشکلات آموزشی دانشگاه را از دیدگاه دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه علوم پزشکی یزد بررسی می کند.

**روش ها:** این مطالعه کیفی از نوع بحث گروهی متمرکز است و بر روی دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد انجام شد و از کلیه دانشجویان استعداد درخشان دعوت بعمل آمد که از این میان ۵۵ نفر در ۳ جلسه بحث گروهی شرکت و مشکلات خود را بیان نمودند. در پایان هر جلسه، اطلاعات دسته بندی و منظم گردید و یافته های تحقیق بر حسب تکرار و به تفکیک هر حیطه مرتب و جدول بندی شد.

**نتایج:** نتایج پژوهش حاضر حاکی از این است که بیشترین مشکلات، مربوط به حیطه های اهداف آموزشی، برنامه ریزی و مدیریت است. از نظر دانشجویان غیرضروری بودن برخی سرفصل ها، کم رنگ بودن نقش پژوهش، غیر واقعی بودن ارزشیابی اساتید و هماهنگ نبودن گروه های آموزشی بیشترین اهمیت را دارند.

**نتیجه گیری:** نتایج پژوهش بیانگر این است که جز معدودی از مشکلات که باید در سطح کشوری حل شود مانند تغییر سرفصل ها، بسیاری از مشکلات که به ظاهر کم اهمیت ولی در واقع در اثر بخشی نتایج آموزشی موثرند، با استفاده از اقدامات بسیار ارزان و با همکاری مدیران، اساتید و دانشجویان دانشگاه قابل حل می باشد.

**واژه های کلیدی:** مشکلات آموزشی، دانشجویان، استعداد درخشان

## بررسی مقایسه ای میان میزان تقاضا و نیاز بیماران برای دریافت خدمات دندانپزشکی ترمیمی، ۱۳۹۱

احمد جعفری<sup>۱</sup> DDS, MS، سعیده دریا زاده<sup>۲\*</sup> MSc

<sup>۱</sup>دانشیار، گروه سلامت دهان و دندانپزشکی اجتماعی، دانشکده دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

<sup>۲\*</sup> کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

**darvazadehs@yahoo.com Email:**

**مقدمه:** بررسی تقاضای و نیاز بیماران برای دریافت خدمات دندانپزشکی ترمیمی، در آرایه این خدمات و برآوردن نیازهای درمانی جامعه نقش ویژه ای دارد. این پژوهش با هدف مقایسه میان میزان تقاضا و نیاز بیماران برای دریافت خدمات دندانپزشکی ترمیمی در یک کلینیک دندانپزشکی در اصفهان انجام شد.

**روش‌ها:** این مطالعه، از نوع کمی-مقطعی، و گردآوری اطلاعات به وسیله چک لیستی عینی بود. تقاضاها و نیازهای خدمات دندانپزشکی ترمیمی ۱۰۲۷ بیمار، با روش نمونه گیری غیر تصادفی متوالی طی سه ماه استخراج و وارد نرم افزار SPSS-۱۷ گردید و نتایج گزارش شد.

**نتایج:** بررسی نتایج نشان داد که از ۱۰۲۷ بیمار، ۹۴٫۵٪ به خدمات دندانپزشکی ترمیمی نیاز داشتند که از این میان ۲۰٪ آنها تقاضای دریافت این خدمات را داشتند ولی ۷۴٫۵٪ از آنها برای دریافت خدمات دندانپزشکی بجز ترمیمی (سایر) مراجعه کرده بودند.

**نتیجه‌گیری:** بسیاری از بیماران از نیازهای خدمات دندانپزشکی ترمیمی خود آگاهی ندارند بنابراین برای برآورده سازی این خدمات در بیماران باید میزان تقاضا برای دریافت خدمات را در آنها افزایش یابد، در نتیجه تعادلی میان تقاضا و نیاز افراد برای دریافت خدمات برقرار می شود و برآورده شدن واقعی نیازهای درمانی جامعه میسر خواهد شد.

**واژه‌های کلیدی:** تقاضا، نیاز، خدمات دندانپزشکی ترمیمی.



## تأثیر آموزش پره کلینیک پرپودنتولوژی عملی (فانتوم پریو) بر میزان دانش و مهارت دانشجویان دندانپزشکی

دکتر مجید رضا مختاری\*، دکتر علی فروزانفر

\*گروه پرپودنتولوژی مرکز تحقیقات دندانپزشکی دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

Email: Mokhtarimr@mums.ac.ir

**مقدمه:** آموزش پرپودنتولوژی عملی دانشجویان دندانپزشکی بایستی به گونه ای اجرا شود که علاوه بر انتقال دانش نظری، مهارت کلینیکی را هم به دانشجویان بیاموزد. هدف مطالعه حاضر ارزیابی و مقایسه دو روش آموزش دور میز بروش سخنرانی استاد محور با روش آموزش بر پایه آرک و مدل و ارایه توسط دانشجو و نظارت استاد در درس پرپودنتولوژی ۱ عملی دانشجویان دندانپزشکی مشهد در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ می باشد.

**روش‌ها:** دانشجویانی که واحد پرپودنتولوژی ۱ عملی را در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ انتخاب کردند (۵۸ نفر) را بصورت تصادفی به دو گروه ۲۸ نفری تقسیم و در گروه اول آموزش در شیفت صبح و بروش سخنرانی استاد و در گروه دوم آموزش در شیفت بعد از ظهر و بروش ارایه دانشجویی بر پایه آرکهای دندانی و نظارت و تکمیل استاد همراه با نمایش اسلاید انجام شد. در پایان ترم از تمام دانشجویان آزمون هماهنگ OSCE استاندارد بعمل آمد و جنبه های مختلف دانش نظری و مهارت کلینیکی آنان بررسی شد.

**نتایج:** میانگین نمرات آزمون OSCE در دانشجویانی که به روش دوم آموزش دیده بودند ( $0/5 \pm 18/25$ ) بیشتر از گروه اول ( $0/75 \pm 15/25$ ) بود و این اختلاف از نظر آمار معنی دار بود ( $P=0/0001$ ).

**نتیجه گیری:** آموزش پرپودنتولوژی ۱ عملی در فانتوم پریو و بر پایه دانشجوی محور بصورت ارایه بر روی آرک و مدل بطور موثری دانش و مهارت کلینیکی دانشجویان دندانپزشکی را افزایش می دهد.  
**واژه های کلیدی:** آموزش، پرپودنتولوژی عملی، دانشجویان دندانپزشکی

## بررسی دیدگاه دانشجویان درباره نحوه آموزش و ارزشیابی واحدهای بالینی دانشکده دندانپزشکی مشهد در سال ۱۳۸۸

دکتر مجید اکبری\*، دکتر مجید صنعت خانی، دکتر زهره ملا  
\*دانشیار دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

[akbarim@mums.ac.ir](mailto:akbarim@mums.ac.ir)

**مقدمه:** میدانی بود. پس از طراحی پرسشنامه، روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفت. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، نتایج در قالب آمار توصیفی، جمع‌بندی شده و در قالب جداگانه ارائه شد. نمرات به دست آمده در بخش‌های مختلف با آزمون کروسکال والیس با یکدیگر مقایسه شد. ( $\alpha=0/05$ )

**روش‌ها:** این پژوهش، مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی و مقطعی بوده و نمونه پژوهش، دانشجویان سال‌های چهارم، پنجم و ششم دانشکده دندانپزشکی مشهد در سال ۱۳۸۸ بود. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه و شیوه گردآوری آن به صورت: آموزش بالینی، دانشجوی دندانپزشکی، ارزشیابی بالینی.

**نتایج:** یافته‌های تحقیق، نشان داد که دیدگاه دانشجویان، در اغلب حیطه‌های آموزشی، عملکرد اساتید بالینی، امکانات و تجهیزات محیط بالینی، ارزشیابی بالینی، ارزیابی فعالیت دانشجویان توسط اساتید، همکاری پرسنل پرستاری، اهداف آموزشی بخش و غیره، مثبت بود ولی کمبودهایی نیز در این زمینه، خصوصاً در مورد نحوه انتخاب واحد دانشجویان، نظارت اساتید بر نحوه کار دانشجویان و زمان حضور اساتید در تعدادی از بخش‌ها وجود داشت. نتایج نشانگر این بود که از نظر دانشجویان آموزش و ارزشیابی در بخش‌های مختلف با یکدیگر تفاوت معنی‌دار نداشت.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج فوق، بازنگری در فعالیت‌های آموزشی مسئولان دانشکده، بررسی مجدد کوریکولوم آموزشی، فراهم کردن تجهیزات و وسائل لازم در محیط بالینی، پیشنهاد می‌گردد

**واژه‌های کلیدی:** ارزشیابی شیوه‌های آموزشی در رشته‌های مختلف علوم پزشکی، به دلیل نقش مهم آن در تربیت نیروهای متخصص حرفه‌ای، از حساسیت ویژه و بالایی برخوردار است. رشته‌ی دندانپزشکی نیز یکی از شاخه‌های مهم علوم پزشکی است که نیازمند کسب مهارت‌های علمی و حرفه‌ای بالاست. یکی از شیوه‌های عملی جهت ارزیابی کیفیت آموزش‌های بالینی در رشته‌ی دندانپزشکی، بررسی نظرات و دیدگاه‌های دانشجویان این رشته به عنوان مخاطبان اصلی این آموزش‌ها می‌باشد. لذا این مطالعه به منظور تعیین دیدگاه دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد درباره نحوه آموزش و ارزشیابی واحدهای بالینی، در سال ۱۳۸۸ انجام شد.

## تأثیر دوره های آموزشی بر کیفیت ژورنال کلاب ها در دانشکده دندانپزشکی مشهد

مریم امیرچقماقی<sup>۱\*</sup>، نازیلا زرقی<sup>۲</sup>، سید رضا موسوی<sup>۳</sup>، امیر معین تقوی<sup>۴</sup>، علی تقی زاده<sup>۵</sup>، رضا افشاری<sup>۶</sup>  
\*دانشیار گروه بیماریهای دهان، عضو مرکز تحقیقات بیماریهای دهان و فک و صورت، دانشکده دندانپزشکی مشهد

Email: [amirchakhmaghim@mums.ac.ir](mailto:amirchakhmaghim@mums.ac.ir)

<sup>۲</sup>کارشناس ارشد آموزش پرستاری، عضو مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

<sup>۳</sup>استادیار گروه پزشکی قانونی و سم شناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

<sup>۴</sup>استاد گروه پرودنتولوژی و عضو مرکز تحقیقات دندانپزشکی، دانشکده دندانپزشکی مشهد

<sup>۵</sup>استادیار گروه آنکولوژی رادیوتراپی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

<sup>۶</sup>دانشیار گروه سم شناسی بالینی، عضو مرکز تحقیقات سم شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

مقدمه: برگزاری ژورنال کلاب آموزشی یکی از مهمترین اهداف در آموزش دوره های تخصصی است. دانشجویان تخصصی باید دانش خود را به روز نموده و مهارت ارزیابی نقادانه را بیاموزند. هدف از انجام این مطالعه، ارزیابی و ارتقای ساختار آموزشی و نقادانه در ژورنال کلابهای دانشکده دندانپزشکی مشهد بود.

روشها: این مطالعه نیمه تجربی بر روی ژورنال کلابهای دانشکده دندانپزشکی مشهد صورت گرفت. ژورنال کلابها قبل و بعد از برگزاری دوره آموزشی، توسط چک لیستی که روایی و پایایی آن تایید شده بود، مورد ارزیابی و مقایسه قرار گرفتند. داده ها توسط نرم افزار SPSS و با استفاده از آزمون T آنالیز شدند. (CI=95%)

نتایج: تفاوت معناداری بین ساختار آموزشی ژورنال کلابها، قبل و بعد از برگزاری دوره آموزشی وجود نداشت و ارزیابی نقادانه صورت نگرفت.

نتیجه گیری: بر اساس این نتایج توصیه می شود که اساتید و دانشجویان دوره های تخصصی از نظر ارزیابی نقادانه مقالات و برگزاری ژورنال کلابهای آموزشی تلاش نمایند. همچنین به نظر می رسد آموزش ارزیابی نقادانه مقالات از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

واژه های کلیدی: ژورنال کلاب، ارزیابی نقادانه، آموزش

## دیدگاه دندانپزشکان عمومی استان زنجان در مورد شیوه اجرای کمی و کیفی برنامه های آموزش مداوم

دکتر سمیرا بصیر شبستری\*، دکتر ایمان شیرین بک، دکتر عباسعلی نوریان، خانم فاطمه سفیدی  
\*Samira\_bsh2@yahoo.com

**مقدمه:** پیرو افزایش توجه به ابعاد کمی و کیفی آموزش مداوم، مقوله نیازسنجی در آموزش مداوم در کشور ما متداول گردید و یکی از اولویتهای پژوهشی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی قرار گرفته است. با توجه به فقدان انجام مطالعه در جامعه دندانپزشکان لذا برآن شدیم که به ارزیابی دیدگاه دندانپزشکان زنجان در زمینه برنامه های آموزش مداوم در سال ۹۱-۱۳۹۰ بپردازیم.

**روش‌ها:** از ۷۰ نفر دندانپزشکان عمومی شاغل در استان زنجان نهایتاً ۶۰ نفر پرسشنامه معتبر مربوط به ارزیابی کمی کیفی آموزش مداوم را تکمیل نمودند. اطلاعات جمع آوری شده توسط نرم افزار SPSS16 وارد کامپیوتر گردید و تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** جامعه مورد بررسی شامل ۶۴٪ مرد و ۳۶٪ زن با میانگین سنی  $41/49 \pm 7/49$  سال بودند. مهمترین انگیزه از شرکت در دوره های بازآموزی به روز نمودن اطلاعات علمی بود. مهمترین مشکل دندانپزشکان در برگزاری دوره آموزش مداوم فواصل طولانی زمانی بین برگزاری دوره های آموزشی بود. اولویت موضوعات دندانپزشکان جهت برگزاری موضوعات در دوره های بازآموزی شامل اندو- ارتو-بیماریهای دهان-پریو-پروتز و جراحی- ترمیم-رادیولوژی بود.

**نتیجه‌گیری:** از آنجائیکه دندانپزشکان نقش مهمی در ارتقا سلامت دهان دندان جامعه ایفا مینمایند و با توجه به اینکه تاکنون مطالعه ای در زمینه آموزش مداوم دندانپزشکان انجام نشده و کلیه مطالعات در جامعه پزشکی بوده لذا توصیه می شود مطالعات بیشتری در این زمینه بین دندانپزشکان انجام شود.

**واژه‌های کلیدی:** دندانپزشک، آموزش مداوم، دیدگاه

## ارزیابی نگرش دانشجویان رشته پزشکی درباره درس انگل‌شناسی

مهدی آقاباقری\*<sup>۱</sup>، علی فتاحی بافقی<sup>۲</sup>، سیدعلیرضا افشانی<sup>۳</sup>، محمدرضا حیدری<sup>۴</sup>  
<sup>۱</sup> مربی هیات علمی، گروه عمومی، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد  
Email: Mahdi.Aghabagheri@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار هیات علمی، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد  
<sup>۳</sup> استادیار هیات علمی، گروه تعاون و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد  
<sup>۴</sup> کارشناس آموزش پرستاری دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

**مقدمه:** شیوع بیماری‌های انگلی در بین بیماری‌های عفونی در صدر قرار دارد در حالی که هیچکدام این بیماری‌ها واکسن و داروی مناسبی ندارند. در این راستا افزایش آگاهی، تغییر نگرش و بالابردن عملکرد متولیان بهداشت و سلامت جامعه نقش بسیار مؤثری در ارتقاء سلامت جامعه خواهد داشت. از طرفی، نگرش یکی از مهم‌ترین شاخص‌های آموزش است که با تغییر آن در مسیر مناسب در بسیاری از موارد می‌توان رفتارها را در مسیر زندگی فردی و اجتماعی تغییر داد. هدف این بررسی ارزیابی نگرش دانشجویان رشته پزشکی درباره درس انگل‌شناسی بود.

**روش‌ها:** در این مطالعه ۱۲۱ نفر از دانشجویان پزشکی سال سوم شرکت داشتند که بر اساس روش سرشماری بدون افت نمونه در فرایند جمع‌آوری اطلاعات شرکت کردند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ای محقق‌ساخت بود که اعتبار آن از نوع محتوایی است. ضمن اینکه برای محاسبه پایایی آن از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که میزان این ضریب (۰/۹۸) حکایت از همبستگی درونی گویه‌ها و مطلوبیت پایایی ابزار داشت. نگرش دانشجویان در سه بعد یادگیری، تشخیص و انگیزه با استفاده از طیف لیکرت در قالب ۱۸ گویه ۵ گزینه‌ای برای هر بعد، اندازه‌گیری شد.

**نتایج:** داده‌ها به کمک نرم‌افزار آماری SPSS تحلیل شد. نتایج آزمون پیرسون نشان داد رابطه مثبت و معنی‌داری بین ابعاد "تشخیص و یادگیری" ( $r=0.80, p<0.01$ )؛ "انگیزه و یادگیری" ( $r=0.68, p<0.01$ ) و "انگیزه و تشخیص" ( $r=0.69, p<0.01$ ) وجود دارد. با توجه به اینکه برای سنجش هر کدام از ابعاد ذکر شده ۱۸ گویه پنج گزینه‌ای در پرسشنامه بود حداقل و حداکثر نمرات به ترتیب ۱۸ و ۹۰ بوده است. عدد ۵۴ به عنوان میانگین مفروض در نظر گرفته شد و میانگین‌های ابعاد با آن مقایسه شد که نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای بیانگر این بود که میانگین نگرش دانشجویان نسبت به درس انگل‌شناسی بالاتر از متوسط و لذا مطلوب است.

**نتیجه‌گیری:** یافته‌های به دست آمده نشان داد که نگرش دانشجویان رشته پزشکی نسبت به درس انگل‌شناسی مثبت است و همچنین آنها به اهمیت این درس در آینده حرفه‌ای خود آگاهند. نتایج این پژوهش می‌تواند سامانه و آزمون خوبی برای ارزیابی استادان این رشته باشد و همچنین ابزار جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش می‌تواند در دانشگاه‌های دیگر مورد استفاده قرار گیرد تا عوامل مرتبط دیگر نیز آزمون شود.

**واژه‌های کلیدی:** نگرش، انگل‌شناسی، یادگیری، تشخیص، انگیزه

## بررسی رضایت مندی شغلی اساتید هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی لرستان

فریده ملکشاهی

دانشجوی دکترای آموزش بهداشت و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی لرستان

[malekshahif@yahoo.com](mailto:malekshahif@yahoo.com)

**مقدمه:** شناخت عوامل موثر در ایجاد رضایت شغلی می تواند در افزایش رضایت شغلی اعضای هیات علمی و ایجاد انگیزه در جهت پیشبرد اهداف آموزشی و پژوهشی مفید باشد. با توجه به این مهم پژوهش فوق با هدف تعیین میزان رضایت شغلی اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی لرستان در سال ۱۳۸۶ انجام گرفت.

**روش‌ها:** پژوهش فوق توصیفی مقطعی که بر روی اعضاء هیات علمی شاغل در دانشگاه علوم پزشکی لرستان که حداقل دو ترم تحصیلی فعالیت آموزشی داشتند، انجام شد. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه بر گرفته از پرسشنامه رضایت شغلی هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان شامل ۴۵ سوال در حیطه های حقوق و مزایا، فرصتهای ارتقاء، نحوه سرپرستی و ارتباطات، امنیت شغلی، شرایط فیزیکی و محیط، ماهیت کار بصورت خود ایفاء تکمیل، و بصورت توزیع فراوانی، میانگین و انحراف معیار با نرم افزار **spss ver 11.5** مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** در بررسی رضایت کلی ۴۱/۱٪ نمونه ها رضایت کامل داشتند. آزمون آماری کای دو بین رضایت کلی با حیطه های حقوق و مزایا ( $p=0/001$ )، فرصتهای ارتقاء ( $p=0/001$ )، نحوه سرپرستی ( $p=0/001$ )، امنیت شغلی ( $p=0/001$ )، شرایط فیزیکی محیط کار ( $p=0/001$ )، و ماهیت کار ( $p=0/001$ ) ارتباط معناداری نشان داد.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج پژوهش مسئولین معاونت آموزشی و پژوهشی بایستی منابع رضایت و عدم رضایت شغلی را بخوبی شناسایی و با ایجاد فرصتهایی برای ارتقاء و توسعه فردی، انتخاب مدیران براساس شایستگی و با مشارکت اعضای هیات علمی، دقت در امر ارزشیابی صحیح عملکرد، بکارگیری صحیح سیستم تشویق و تنبیه با استفاده از شیوه های نوین مدیریتی، ایجاد تسهیلات و امکانات رفاهی، تعدیل در سقف موظفی افراد، دخالت اعضاء در تصمیم گیری ها رضایت شغلی را افزایش دهند.

**واژه‌های کلیدی:** رضایت شغلی، اساتید، هیات علمی، عوامل رضایت شغلی، دانشگاه

## بررسی دیدگاه دانشجویان سال آخر کارشناسی پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی بیرجند در مورد اثر بخشی دروس رشته تحصیلی در سال تحصیلی ۹۰-۸۹

علی محمد ایزدپناه<sup>۲</sup>، شهناز طبیعی<sup>۳\*</sup>، غلامرضا شریفزاده<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیأت علمی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، ایران

<sup>۲\*</sup> عضو هیأت علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، ایران

پست الکترونیکی: shahnaztabiee@bums.ac.ir

<sup>۳</sup> عضو هیأت علمی گروه پزشکی اجتماعی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، ایران

مقدمه: با توجه به اینکه دیدگاه حرفه ای دانشجویان پرستاری می تواند در زندگی دانشجویی آن ها و افزایش انگیزه ی تحصیلی آن ها و همچنین اشتغال در این حرفه ی مقدس مؤثر باشد و افزایش انگیزه و نگرش مثبت دانشجویان باعث افزایش یادگیری و ارتقای کیفیت مهارت های بالینی آن ها می شود ضروری است با توجه به شناخت و برداشتی که از حرفه و مهارت خود دارند دیدگاه حرفه ای آن ها بررسی گردد.

**روش ها:** پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است که به روش نمونه گیری سرشماری بر روی دانشجویان پرستاری ترم ۸ و ۷ (۷۰ نفر) انجام شده است. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه خود ساخته ای شامل دو قسمت اطلاعات دمو گرافیک و میزان اثر بخشی دروس تئوری و عملی (۵۰ سوال) استفاده شده است. برای تجزیه تحلیل اطلاعات از بسته نرم افزاری SPSS و برای مقایسه اثر بخشی دروس در گروه های مختلف از آزمون آماری من ویتنی و کای اسکواتر استفاده در سطح معنی داری نیز  $p < 0/05$  استفاده شد.

**نتایج:** از تعداد (۷۰ نفر) مورد مطالعه ، تعداد ۴۲ نفر (۶۰ درصد) زن ، تعداد ۴۷ نفر (۶۷/۱ درصد) مجرد ، و تعداد ۳۸ نفر (۵۴/۴ درصد) در ترم تحصیلی ۷ مشغول به تحصیل بودند. تعداد ۳۷ نفر (۵۲/۹ درصد) در دوره روزانه تحصیل می کردند. تعداد ۱۷ نفر (۲۴/۳ درصد) سابقه انجام کار دانشجویی داشتند. دروس تئوری پرستاری بالینی ( اصول فنون ) با میانگین  $۴/۳۶ \pm ۰/۸۳$  و بیوشیمی با میانگین  $۴/۲۳ \pm ۰/۹۸$  ، اصول مدیریت با میانگین  $۴/۲۱ \pm ۱/۱$  بیشترین اثر بخشی را در ایجاد دیدگاه حرفه ای دانشجویان پرستاری داشته است. و دروس تئوری زبان تخصصی با میانگین  $۱/۳۱ \pm ۱/۲۱$  و جامعه شناسی با میانگین  $۲/۱ \pm ۰/۹۹$  و علوم بهداشتی و بهداشت جامعه بامیانگین  $۲/۱۶ \pm ۱/۰۶$  کمترین اثر بخشی را در ایجاد دیدگاه حرفه ای دانشجویان پرستاری داشته است. همچنین دروس کارورزی کودکان با میانگین  $۴/۵۳ \pm ۱/۰۵$  کارورزی ICU با میانگین  $۴/۴۷ \pm ۰/۷۶$  بیشترین اثر بخشی را در ایجاد دیدگاه حرفه ای دانشجویان پرستاری داشته است. و درس کارورزی روان با میانگین  $۳/۰ \pm ۱/۰۷$  کمترین اثر بخشی را در ایجاد دیدگاه حرفه ای دانشجویان پرستاری داشته است. همچنین ، رابطه معنی دار آماری بین میانگین نمره اثر بخشی دروس عملی از دیدگاه دانشجویان پرستاری بر حسب جنس وجود دارد.

**نتیجه‌گیری:** نتایج این پژوهش نشان داده است که برخی از دروس و کسب برخی از صلاحیت حرفه ای در مهارت‌های پرستاری، نقش مهمی در دیدگاه حرفه ای دانشجویان سال آخر کارشناسی پرستاری دارد که باید در برنامه ریزی های آموزشی و رفاهی دانشجویان پرستاری توسط مسئولین ستاد انقلاب فرهنگی کشور، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه و دانشکده مد نظر قرار بگیرد.

**واژه‌های کلیدی:** دیدگاه، دانشجویان سال آخر کارشناسی پرستاری، اثر بخشی، رشته تحصیلی

### ارزشیابی ادغام در مقطع فیزیوپاتولوژی دانشکده پزشکی شهید بابایی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

دکتر نوید محمدی<sup>۱\*</sup>، دکتر حسین مژده‌ی پناه<sup>۲</sup>، پروین یخچالیها<sup>۳</sup>، فاطمه صفدری<sup>۴</sup>

<sup>۱\*</sup> استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران

nvmohammadi@sina.tums.ac.ir

<sup>۲</sup> استادیار دانشگاه علوم پزشکی قزوین

<sup>۳</sup> دانشگاه علوم پزشکی قزوین

<sup>۴</sup> دانشگاه علوم پزشکی قزوین

**مقدمه:** ادغام در آموزش پزشکی از رویکردهای نسبتاً جدید در ارایه دروس است. با توجه به ادغام دروس کورس های فیزیوپاتولوژی با آسیب شناسی، فارماکولوژی و سمیولوژی و ارایه همزمان این دروس در دوره های یک ماهه، در این مطالعه تلاش شد تا این رویکرد از منظر یکی از صاحبان اصلی فرآیند آموزشی یعنی دانشجویان ارزشیابی شود.

**روش‌ها:** اطلاعات موجود از ارزشیابی استادان مدرس دوره فیزیوپاتولوژی در پیش از ادغام با پس از آن مورد آنالیز کمی قرار گرفت. نمره های ارزشیابی بر مبنای چک لیست های استاندارد از پیش معین حاصل شد. نحوه ارزشیابی بصورت ناشناس بوده، کسانی که در یکی از دو دوره پیش یا پس از ادغام تدریس نداشتند از مطالعه کنار گذاشته شدند.

**نتایج:** در مجموع ۳۶ استاد در دوره فیزیوپاتولوژی در ۹ عنوان درسی تدریس داشته اند. میانگین نمره پیش از ادغام ۱۰/۷۳ ± ۷۵/۲۴ و پس از آن ۷/۸۲ ± ۸۱/۹۶ بود. همبستگی بین نمرات قبل و بعد از ادغام با  $r = 0/43$  از نظر آماری معنی دار بود ( $P = 0/004$ ). اختلاف میانگین نمرات ارزشیابی قبل و بعد از ادغام از نظر آماری دارای معنی بود ( $P < 0/001$ ). از بین دروس مختلف ارایه شده، فقط میانگین نمرات درس بیماری های کلیه پس از ادغام کاهش یافته بود (که معنی دار نبود) در حالی که افزایش نمرات ارزشیابی پس از ادغام در باقی دروس دیده شد که فقط در درس پاتولوژی معنی دار بود ( $P = 0/005$ ).  
**نتیجه‌گیری:** از منظر دانشجویان، ادغام در دوره فیزیوپاتولوژی با تراز ارزشیابی مثبت قضاوت شده است که می تواند بیانگر اثر بخشی بهتر آموزش ادغام یافته در این دوره باشد.

**واژه‌های کلیدی:** ارزشیابی، ادغام، فیزیوپاتولوژی، پزشکی عمومی



## دلایل رفتن به دانشگاه از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان

صغری عابدین پور<sup>۱\*</sup>، زهرا صادقی<sup>۲</sup>، دکتر اکرم ثناگو<sup>۳</sup>، دکتر لیلا جویباری<sup>۲</sup>

\*دانشجوی رشته پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

ایمیل: [noroozimina252@yahoo.com](mailto:noroozimina252@yahoo.com)

<sup>۲</sup> دانشجوی رشته پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

<sup>۳</sup> عضو هیأت علمی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

مقدمه: انگیزه های مختلفی برای ورود دانشجویان به دانشگاه، وجود دارد. پرننگ شدن برخی نکات مانند ارزش و اهمیت تحصیلات و خواست و تمایل جامعه جهت رشد این مقوله در بین آحاد انسانی طبیعی است که افراد نیز به این مقوله اهمیت داده و به چرخه ای وارد شوند که قادر است به آنان قدرت نفوذ در لایه های مختلف را ببخشد. از سوی دیگر قدرت نفوذ و هماهنگی با برخی هنجارهای مورد تأیید اجتماع می تواند در محاسبه سود و زیان و تعیین معیارهای سود و زیان فردی و جمعی موثر باشد. لذا این مطالعه با هدف، تعیین دلایل رفتن به دانشگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوده است.

**روش ها:** در این مطالعه توصیفی تحلیلی، ۱۸۸ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی گلستان (با حداکثر تنوع از نظر جنسیت، رشته، قومیت، معدل و ...) به روش نمونه گیری آسان در سال ۱۳۹۱ وارد مطالعه گردیدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه روا و پایا که شامل دو بخش مشخصات دموگرافیک و تحصیلی و همچنین ۳۱ سوال مرتبط با عنوان تحقیق و دلایل ورود دانشجویان به دانشگاه، استفاده گردید. محدوده پاسخ بر مبنای لیکرت ۷ تایی از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم بوده است. کسب امتیاز ۳۱-۹۳ تمایل مثبت و ۹۴-۲۱۷ تمایل منفی را نشان می داد. داده ها با استفاده از آزمون امار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** داده ها نشان داد که ۵۲،۱ درصد دانشجویان تمایل مثبت و ۴۷،۹ درصد تمایل منفی داشتند. ارتباط معنی دار آماری بین قومیت و میزان تمایل مثبت دانشجویان به ورود به دانشگاه دیده شد ( $P=0/016$ ). تمایل مثبت در دانشجویان با قومیت ترکمن بیشتر دیده شد که این تمایل در حیطه های کارایی شغل آینده، آمادگی برای شغل آینده و زندگی خوب را ذکر نمودند. افرادی که تمایل منفی به دانشگاه داشتند به اجبار خانواده و با بی انگیزه گی و بی علاقه گی، عدم وجود هدف واضح و تردید داشتن بعد از ورود به دانشگاه را ذکر کردند.

**نتیجه گیری:** نتایج نشان داد که در دانشجویان با تمایل منفی، نفوذ خانواده و عدم وجود هدفی واضح، آنها را راهی دانشگاه نموده در حالیکه آنها برای قبول این موقعیت دچار تردید بوده اند. اما در دانشجویان با تمایل مثبت، کارایی برای شغل آینده و آینده ای بهتر، از دلایل ورود به دانشگاه بوده است.

**واژه های کلیدی:** دانشگاه، دانشجوی، انگیزه، علوم پزشکی

بررسی وضعیت امتیازات دانش پژوهی اعضای هیات علمی واجد شرایط ارتقاء در  
دانشگاه علوم پزشکی گلستان طی سالهای ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱

لیلا پاداش<sup>۱</sup>، محمد رضا قنبری\*<sup>۲</sup>، دکتر سیامک رجائی، دکتر نوده شریفی، محمود جانلو

Adel\_padash@yahoo.com1

ghanbarimr@yahoo.com2

**مقدمه:** یکی از معیارهای ارزشیابی عملکرد اعضای هیات علمی دانشگاههای علوم پزشکی معیار امتیازات دانش پژوهی است که در موقع ارتقاء مورد سنجش قرار می گیرد. این معیار از مرداد ماه ۱۳۸۷ در سطح دانشگاهها اجرائی شده است در این آئین نامه امتیازات دانش پژوهی آموزشی از جمله امتیازات شرطی تلقی شده که هر یک از اساتید هیات علمی آموزشی در تمامی مراتب باید برای ارتقا مرتبه دانشگاهی خود حداقل ۳ امتیاز در این بخش کسب نماید تا واجد شرایط ارتقا قلمداد گردند

**روشها:** این مطالعه مقطعی که در نیمه دوم سال ۱۳۹۱ در مرکز مطالعات آموزش علوم پزشکی گلستان صورت گرفت پرونده دانش پژوهی اعضای هیات علمی که طی ۴ سال اخیر به مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه ارسال شده و در کمیته دانش پژوهی دانشگاه مورد کارشناسی قرار گرفته و بر اساس آئین نامه دانش پژوهی مصوبه مرداد ۸۷ امتیاز بندی شده بود مورد بررسی قرار گرفتند. داده های بدست آمده از این پرونده ها بر اساس ملاک های شش گانه موجود در فرم استاندارد ارائه شده در آئین نامه جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند

**نتایج:** در این مطالعه پرونده اعضای هیات علمی دانشگاه که طی سالهای ۸۷ تا ۹۱ به منظور ارتقاء مورد بررسی قرار گرفته بودند بررسی شد. ۵۵٫۵٪ افراد مورد مطالعه از اعضای هیات علمی علوم بالینی و ۴۴٫۴٪ علوم پایه بودند. میانگین وانحراف معیار امتیازات کسب شده به ترتیب از معیارهای: ارائه و اجرای طرح دوره ۲٫۶، ۰٫۴، معیار طراحی و اجرای طرح دوره های جدید ۰٫۲، ۱۱٫۰، طراحی و اجرای برنامه آموزشی یک رشته جدید یا مقطع جدید در دانشگاه ۰٫۶، ۰٫۹، بازنگری برنامه آموزشی یک رشته تحصیلی در سطح دانشگاه ۰٫۳، ۰٫۷، معیار اجرای روشهای نوین آموزشی ۱٫۱، ۱٫۲، و معیار طراحی و اجرای روش های نوین ارزیابی فراگیران اعضای هیات علمی ۱٫۶، ۱٫۱ بوده است

**نتیجه گیری:** با توجه به حداکثر امتیاز مطرح شده برای هر یک از معیارها به نظر می رسد که امتیازات کسب شده به وسیله اعضای هیات علمی دانشگاه در حد انتظار بوده است

**واژه های کلیدی:** امتیاز، دانش پژوهی، اعضای هیات علمی

## آنالیزسؤالات چهار گزینه ای آزمون ارتقاء دستیاری دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سالهای ۹۰-۹۱

دکتر معصومه اصلانی مهر ، معصومه ضیائیها\* ، زهره داناصفهبانی، دکتر عباس علامی ، دکتر سیمین سامانی ، دکتر امیر ضیایی

دانشگاه علوم پزشکی قزوین - مرکز مطالعات و توسعه آموزش

**مقدمه:** آزمون ارتقاء یکی از مهم ترین آزمون های چند گزینه ای (MCQ) بوده و حساسیت بالای این آزمون ایجاب می کند که سؤالات آن با دقت و مطابق استاندارد طراحی گردد. شاخص دشواری سوال در یک آزمون نشانگر درجه سختی سوال و درصد افرادی است که به یک سوال جواب درست داده اند. شاخص ضریب تمایز بیانگر آن است که سوال مزبور تا چه اندازه توانسته است دانشجویان قوی را از دانشجویان ضعیف متمایز نماید. هدف این تحقیق نیز آنالیزسؤالات چهار گزینه ای آزمون ارتقاء دستیاری دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سالهای ۹۰-۹۱ و مقایسه آن با استاندارد می باشد.

**روش ها:** نوع مطالعه توصیفی - تحلیلی است که بر روی سؤالات آزمون ارتقاء سالهای ۹۰ الی ۹۱ طراحی شده توسط اساتید ۵ گروه آموزشی دستیاری: گروه های اطفال، بیهوشی، داخلی، زنان و جراحی عمومی و مقایسه آن با استاندارد انجام گرفت. پاسخنامه های آزمون ارتقاء با دستگاه Mark Reader خوانده و از نظر ضریب دشواری و ضریب تمایز آن با استفاده از نرم افزار یگانه مورد آنالیز قرار گرفت. پس از تهیه گزارش تحلیلی، اطلاعات فوق در اختیار معاونت آموزشی و دانشکده پزشکی از جهت اعلام به گروه های آموزشی و انجام مداخلات و دریافت بازخورد قرار گرفت.

**نتایج:** در این قسمت برای حفظ اصول نگاهداری اطلاعات جهت ارایه نتایج در کنگره، به هر یک گروه های آموزشی فوق به طور تصادفی کد های A, B, C, D, E داده شد و نتایج مطالعه نشان داد که شاخص ضریب افتراق بین ۱-۰/۱ قابل قبول و زیر ۰/۱ غیر قابل قبول در نظر گرفته شده است. در سال ۹۰: ۲۹/۳۳ درصد سؤالات گروه A، ۵۰/۶۶ درصد سؤالات گروه B، ۳۹/۳۳، ۵۱/۹۹ درصد سؤالات گروه D و ۴۲ درصد سؤالات گروه E از نظر شاخص افتراق قابل قبول بوده و در سال ۹۱: ۴۳/۳۲ درصد سؤالات گروه A، ۳۴/۶۶ درصد سؤالات گروه B، ۴۹/۹۹ درصد سؤالات گروه C، ۵۵/۳۳ درصد سؤالات گروه D و ۵۴/۶۶ درصد سؤالات گروه E قابل قبول است. در این مطالعه شاخص دشواری بین ۰/۷ - ۰/۳ قابل قبول در نظر گرفته شده است. در سال ۹۰، ۵۸/۶۵ درصد سؤالات گروه A، ۷۴/۶۵ درصد سؤالات گروه B، ۷۳/۳۲ درصد سؤالات گروه C، ۷۲ درصد سؤالات گروه D و ۶۳/۹۹ درصد سؤالات گروه E از نظر شاخص دشواری بین ۰/۷-۰/۳ بوده و قابل قبول است. در سال ۹۱، ۶۱/۹۸ درصد سؤالات گروه A، ۷۱/۳۳ درصد سؤالات گروه B، ۷۳/۳۳ درصد سؤالات گروه C، ۷۵/۹۹ درصد سؤالات گروه D و ۶۷/۹۹ درصد سؤالات گروه E دارای شاخص دشواری بین ۰/۷-۰/۳ بوده و قابل قبول است.

**نتیجه گیری:** میزان درصد سؤالات قابل قبول از نظر شاخص افتراق گروه A، D، C و E در سال ۹۱ نسبت به سال ۹۰ بالاتر می باشد ولی در گروه B، ۱۶ درصد افت مشاهده می گردد. میزان درصد سؤالات قابل قبول از نظر شاخص دشواری گروه A، D و E در سال ۹۱ نسبت به سال ۹۰ بالاتر می باشد ولی در گروه B، ۳/۳۲ درصد افت مشاهده شده است و گروه C تغییری نداشته است. به نظر می رسد به نظر می رسد ارسال نتایج به گروه های آموزشی و درخواست مداخله به همراه برگزاری دوره

## چکیده مقالات چهاردهمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

ها و کارگاه های آموزشی به خصوص برای اساتید گروه هایی که سوالات آنها با استاندارد ها اختلاف معنی دار داشته است ، می تواند در بهبود کیفیت سوالات چند گزینه ای آزمون ارتقاء مؤثر باشد.

**واژه های کلیدی:** آنالیز سوالات چهار گزینه ای ، آزمون ارتقاء دستکاری ، ضریب دشواری ، ضریب تمایز  
بررسی عوامل موثر بر رضایتمندی تحصیلی دانشجویان : امکانات رفاهی و شغلی

زهرا زارعی، فروغ فرخ آبادی، لیلا مهبودی، آرمیتا بن راضی، رسول بهارلو، علی دهقانی

**مقدمه:** رشد و توسعه هر جامعه متأثر از نیروی آموزش دیده آن جامعه بوده و شناسایی فاکتورهای موثر در رضایتمندی تحصیلی و فراهم کردن آنها، گامی به سوی توسعه پایدار است. لذا این مطالعه با هدف تعیین عوامل موثر بر رضایتمندی تحصیلی در ابعاد فردی و اداری از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جهرم در سال ۱۳۹۱ انجام گرفت

**روش ها:** این مطالعه توصیفی- مقطعی با مشارکت 315 نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جهرم به صورت سرشماری انجام گردید. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته ۱۱ سوالی بود که عوامل رضایتمندی تحصیلی را در ابعاد رفاهی (۶ سوالی) و در بعد شغلی (۵ سوالی) از دیدگاه دانشجویان بررسی می نمود. آنالیز اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS16 مورد آنالیز قرار گرفته است.

**نتایج:** مهمترین عامل تاثیر گذار در رضایتمندی تحصیلی در بعد رفاهی از دیدگاه دانشجویان به ترتیب شامل استفاده از وسایل کمک آموزشی مناسب (۹۸,۱٪) و همچنین کمترین عامل تاثیر گذار برگزاری کلاپها در نوبت صبح (۴۳,۲٪) می باشد. همچنین مهمترین عامل از بعد شغلی شامل درآمد شغلی مناسب در آینده (۹۸,۷٪) و کمترین عامل امکان خدمت بیشتر به جامعه در آینده (۹۵,۶٪) می باشد

**نتیجه گیری:** بر اساس یافته های مطالعه می توان با بهبود روند آموزشی و استفاده بیشتر از وسایل سمعی بصری که می تواند باعث یادگیری معنادار در دانشجویان گردد و همچنین رفع نگرانی های دانشجویان در زمینه درآمد شغلی از جانب سیستم مدیریتی رضایتمندی تحصیلی و به دنبال آن پیشرفت تحصیلی دانشجویان را ارتقاء بخشید.

**واژه های کلیدی:** رضایتمندی تحصیلی، دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی جهرم

## بررسی تاثیر آموزش بر نگرش دانشجویان پزشکی نسبت به سالمندان و مراقبت از آنها

دکتر فروغ رباحی\*، سکینه ایزیدی مزیدی، دکتر نیلوفر خواجه الدین  
دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز  
[riahi13@gmail.com](mailto:riahi13@gmail.com)

**مقدمه:** با افزایش تعداد سالمندان در هر جامعه، تجهیزات و امکانات بهداشتی درمانی نیز بایستی متعاقب آن افزایش یافته و از سوی دیگر ایجاد نگرش صحیح در پزشکان و مراقبین سالمندان نیز امری اجتناب ناپذیر است. بنابراین ارزیابی دانش دانشجویان پزشکی در مورد سالمندان، دیدگاه‌های آنان نسبت به سالمندان و عوامل مؤثر بر آنها اطلاعات مفیدی را جهت برنامه‌ریزی در مورد آموزش طب سالمندی در دانشکده‌های پزشکی فراهم می‌کند. هدف از انجام این پژوهش بررسی تاثیر آموزش بر نگرش دانشجویان پزشکی نسبت به سالمندان و مراقبت از آنها است.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر از نوع تحلیلی است که طی سال‌های ۸۸ تا ۹۰ در دانشگاه علوم پزشکی اهواز به انجام رسید. نمونه مورد پژوهش شامل ۴۰ نفر از دانشجویان پزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز بود که به عنوان بخشی از برنامه درسی خود واحد طب سالمندی را می‌گذراندند. آزمودنی‌ها قبل و بعد از گذراندن واحد درسی پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و نگرش نسبت به سالمندی (GAS) را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های T-test، مربع کای ( $\chi^2$ ) و دقیق فیشر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج نشان داد که نگرش دانشجویان نسبت به سالمندان و مراقبت از آنها، پس از گذراندن درس طب سالمندی، به طور معنی داری ارتقا یافت.

نتیجه گیری: طبق نتایج این مطالعه دوره‌های آموزشی در خصوص لزوم و اهمیت مراقبت و درمان سالمندان می‌تواند منجر به بهبود نگرش دانشجویان نسبت به سالمندان گردد. لذا برنامه ریزی جهت تقویت این درس و همچنین تلاش در جهت ایجاد تخصص طب سالمندی در کشور می‌تواند در جهت بهبود وضعیت بهداشتی، درمانی و مراقبت از سالمندان کمک کننده باشد.

**واژه‌های کلیدی:** سالمندی، دانشجوی پزشکی، نگرش

## تاثیر آموزش به روش OSCE بر توانمندی احیای قلبی ریوی کارورزان پزشکی براساس آخرین پروتکل AHA2010

فخرالسادات میرحسینی<sup>۱\*</sup>، فریبار ایگان<sup>۲</sup>، شعله بیگدلی<sup>۳</sup>، رضا دانشور کاخکی<sup>۴</sup>، فرزانه علی پور<sup>۵</sup>، پرستوپور نقشبند<sup>۶</sup>  
<sup>\*</sup> دانشجوی دکتری آموزش پزشکی گروه آموزش پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران و عضو هیات  
علمی گروه هوشبری دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

[f\\_mirhoseiny@yahoo.com](mailto:f_mirhoseiny@yahoo.com)

<sup>۱</sup> استادیار گروه قلب و عروق دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

<sup>۲</sup> عضو هیات علمی گروه آموزش پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۳</sup> عضو هیات علمی گروه مغز و اعصاب دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

<sup>۴</sup> دانشجوی پزشکی دانشکده پزشکی و عضو مرکز تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی جهرم

<sup>۵</sup> دانشجوی پزشکی دانشکده پزشکی و عضو مرکز تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

**مقدمه:** پزشکان بعنوان مدیرومجری تیمهای احیای قلبی-ریوی (CPR) میباشند و آموزش آنها بایستی به روش اثربخش انجام شده و بر اساس آخرین استانداردهای انجمن قلب آمریکا (AHA) میبایست هر ۶ ماه یکبار مرور و هر ۲ سال یکبار نیز بصورت عملی و با دانش روز، تکرار گردد. آموزش احیای قلبی ریوی در کوریکولوم پزشکی عمومی وجود دارد، ولی بدلیل تراکم اهداف هربخش آموزشی، نگاه به CPR غیر اختصاصی، تصادفی و بدون برنامه ریزی میباشد. در مورد CPR، آموزش در حد توانمندی ضروری است. در هرم میلر و ولوتن توانمندی، بلافاصله قبل از راس هرم قرار دارد. و باشیوه هایی چون آسکی قابل ارزیابی است. ما برآن شدیم با توجه به ویژگی های آسکی و محدودیت زمانی در اختیار ما، برای کارورزان از آموزش به روش آسکی (و نه آزمون) برای آموزش مهارتهای CPR و مدیریت سناریوهای رایج در آن استفاده نماییم.

**روشها:** مطالعه از نوع مداخله ای، با دو گروه مورد و شاهد انجام شد. ارائه آموزش ایستگاهی به عنوان مداخله صورت گرفت. ۸ ایستگاه، هراستگاه ۲۰ دقیقه تدارک دیده شد. کارورزان درپیش و پس آزمون به فاصله ۳ ماه شرکت نمودند. تدارک و آمادگیهای لازم از نظرنیروی انسانی، تجهیزات، اطلاع رسانی ها، طراحی ایستگاهها و سناریوهای مورد انتظار، مانکن قابل برنامه ریزی، آموزش دهنده و چک لیست انجام شد. چک لیستها براساس آخرین ویرایش AHA 2010 تهیه گردید. ابزار سنجش نیز پرسشنامه ی محقق ساخته روایابی شده بود. نتایج پیش و پس آزمون گروه مورد مطالعه و پس آزمون با آزمون گروه شاهد مقایسه گردید. آزمونهای مورد استفاده شامل t زوجی، همبستگی پیرسون و آماره های توصیفی بود که با SPSS انجام شد.

**نتایج:** مقایسه نمره پیش و پس آزمون دانش و مهارت اختلاف معنی دار نشان داد. مقایسه پس آزمون دو گروه نیز معنا دار بود. بطور کلی میانگین نمرات به ترتیب ۱،۴۸\_+ ۱۷،۴۳ و ۲،۳۷\_+ ۱۴،۶۳ در بخش پس آزمون دانش و مهارت بود. به تفکیک نمرات BLS و ACLS و تک تک سناریوها نیز بدست آمد.

**نتیجه گیری:** اختلاف نمرات قبل و بعد، نشان داد، آسکی به عنوان یک شیوه آموزشی موثر بوده است. هرچند نمره پس آزمون در حد عالی نبوده است (۱۵،۸۸). و این نشان دهنده ی ماهیت خاص مهارت CPR بوده و بنا بر گفته AHA نیاز به تمرین و تکرار دارد.

**واژه های کلیدی:** OSCE, AHA, توانمندی، احیای قلبی ریوی، کارورز، پزشکی

## بررسی نکات اجرایی در برگزاری ژورنال کلاب‌های دانشگاه علوم پزشکی گیلان

پگاه درخشان<sup>۱</sup>، سپیده رحیمی<sup>۱</sup>، پرهام پرتقالی<sup>۱</sup>، دکتر آبتین حیدرزاده<sup>۲\*</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گیلان

<sup>۲\*</sup> دانشیار پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی گیلان

Email: [abtinh@gmail.com](mailto:abtinh@gmail.com)

**مقدمه:** با وجود سابقه یکصد ساله‌ای که ژورنال کلاب در آموزش پزشکی دارد، برگزاری هدفمند این شیوه در آموزش پزشکی استاندارد سازی نشده است. بررسی وضعیت فعلی اجرای این روش آموزشی و اثربخشی آن در بخش‌های مختلف آموزشی موجب می‌شود متولیان آموزش دانشگاه به رفع نقایص و هدفمند ساز ژورنال کلاب در بخش‌های مختلف اقدام کنند. لذا بر آن شدیم تا به بررسی نکات اجرایی در ژورنال کلاب‌های برگزار شده در دانشگاه علوم پزشکی گیلان بپردازیم.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی بوده که به بررسی رعایت نکات اجرایی برگزاری ژورنال کلاب‌ها در گروه‌های آموزشی بالینی دانشگاه علوم پزشکی گیلان پرداخته است. بررسی ژورنال کلاب‌های گروه‌ها به صورت سرزده انجام گرفت و چک لیستی که از بررسی مطالعات گذشته برای برگزاری بهتر ژورنال کلاب‌های تهیه شده بود توسط پژوهشگر تکمیل گردید. **نتایج:** از ۱۳ بخش آموزشی دارای رزیدنت، ۸ بخش تمامی گروه‌های یادگیرنده دسترسی به ژورنال کلاب را داشته است. علاوه بر بخش داخلی بخش گوارش خود به صورت مجزا نیز اقدام به برگزاری ژورنال کلاب می‌کند. از ۹ واحد مورد بررسی ۶ واحد از مقالات RCT استفاده کردند. ارائه دهنده در بخش قلب دستیار سال سوم و در بخش گوارش فلوشیپ و در بقیه بخش‌ها دستیار سال یک بودند. رهبری ژورنال در بخش گوارش استاد و در بخش اورولوژی دانشیار و در مابقی بخش‌ها استادیار برعهده داشتند. به جز بخش‌های قلب و داخلی تمامی رزیدنت‌ها حضور داشتند. به جز بخش داخلی تمامی کارآموزان و کارورزان حضور داشتند که تنها حضور در ژورنال کلاب گروه گوارش اجباری نبود و در سه گروه داخلی، قلب و گوارش حضور شرکت کنندگان ثبت نمی‌گردید. بخش اطفال چک لیست ساختار یافته‌ای برای روند جلسه استفاده می‌نمود. اساتید ۵ گروه در طول جلسه برگزاری اقدام به تدریس نمودند و در ۴ گروه قبل از برگزاری ژورنال کلاب مقدمه‌ای کوتاه پیرامون مقاله ارائه کردند. گروه جراحی و اورولوژی نتیجه‌گیری نهایی به صورت take home message ارائه کردند و ۵ گروه از ۹ گروه مورد بررسی پس از پایان ژورنال کلاب روند برگزاری جلسه را مورد ارزیابی قرار دادند.

**نتیجه‌گیری:** برگزاری منظم با حضور اساتید از عوامل مؤثر در بهبود ژورنال کلاب می‌باشد. داشتن برنامه آموزشی جهت نقد و نتیجه‌گیری مقاله و وابسته نبودن به حضور اساتید خاص از جمله موارد مؤثر در موفقیت ژورنال کلاب در آموزش دستیاران می‌باشد. همچنین وجود بخش نقد مقالات در آموزش دانشجویان در بخش‌های مورد بررسی مؤثر است.

**واژه‌های کلیدی:** ژورنال کلاب، آموزش، ارزشیابی، گیلان

## ارتباط دانش و مهارت اجرای احیای اولیه بیماران در اینترنت های دانشگاه علوم پزشکی کاشان بر اساس راهنمای AHA 2010 در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰

زینب احمدی کیا\*، فخرالسادات میرحسینی، فریبا رایگان، پرستو پورنقشبند، حمیدرضا سیدی،

محمد صباحی بیدگلی

دانشگاه علوم پزشکی کاشان

**مقدمه:** مطالعات نشان می دهند که میزان بقا بعد از ایست ناگهانی قلبی، بسته به ریتم اولیه قلبی و شروع زود هنگام احیا از ۲ تا ۴۹٪ متغیر می باشد. اهمیت احیای اولیه تا آنجایی است که در صورت عدم شروع CPR، شانس زنده ماندن قربانی حدود ۷-۱۰ درصد به ازای هر یک دقیقه تاخیر کاهش می یابد و از آنجایی که کارورزان پزشکی معمولاً جز اولین افرادی هستند که در زنجیره احیا به کمک طلبیده می شوند، این مطالعه به دلیل اهمیت احیای اولیه در بیماران انجام شد. بدین منظور ارتباط دانش و مهارت عملی اینترنت های دانشگاه علوم پزشکی کاشان در خصوص اجزای احیای اولیه بیماران (BLS) مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت.

**روش ها:** مطالعه از نوع مقطعی بود. اینترنت ها در این مطالعه شرکت کردند. ابزار مورد استفاده پرسشنامه دانش و چک لیست فشردن خارجی قلب، باز کردن راه هوایی و تنفس دهان به دهان بود که با استخراج از گامهای انجمن قلب آمریکا در آخرین بازنگری ۲۰۱۰ تدوین شد و توسط ۱۰ نفر متخصص (قلب و عروق، بیهوشی و آموزش پزشکی) روایی صوری و محتوایی آن تایید گردید. آزمون بر روی دو مانکن مربوطه در مرکز مهارت های بالینی دانشکده پیراپزشکی انجام شد. یک مانکن قابلیت طراحی سناریو داشت. هر مهارت توسط یک آزمونگر سنجش شد. نتایج با SPSS و آمارهای توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون بررسی گردید.

**نتایج:** ۶۹ اینترنت ابتدا در آزمون کتبی شرکت نموده و روز بعد ۳ مهارت را انجام دادند. میانگین نمره فشردن خارجی قلب  $8.94 \pm 3.73$ ، اجرای مانورهای باز کردن راه هوایی  $10.04 \pm 5.21$  و تنفس دهان به دهان  $6.92 \pm 4.84$  (از نمره ۲۰) بود. نمرات دانش نیز به تفکیک اجزا BLS بدست آمد که به طور کلی نمره دانش کارورزان  $9.56 \pm 2.17$  بدست آمد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین نمرات دانش و مهارت BLS معنی دار نشان داده شد. ( $t=0.21$ )

**نتیجه گیری:** علیرغم همبستگی نمره دانش و مهارت احیای اولیه، این همبستگی ضعیف نشان داده شد. نمرات پایین اینترنت ها نشان دهنده نیاز اکید به آموزش تئوری و عملی مراحل احیای اولیه می باشد. نتایج به مسئولین آموزش اعلام گردید.



## ارزیابی طرح درس اعضای هیئت علمی دانشکده های پرستاری - مامایی

معصومه سادات موسوی<sup>۱\*</sup>، محمد سجاد لطفی<sup>۲</sup>، مریم هوشمند<sup>۱</sup>، محسن ادیب حاج باقری<sup>۳</sup>  
<sup>\*</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری داخلی جراحی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان.

پست الکترونیک: ms\_mousavi2012@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری سالمندی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

<sup>۳</sup> دانشیار، گروه پرستاری داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان.

**مقدمه:** تدوین طرح درس از مراحل اساسی فعالیت های قبل از تدریس برای هر مدرس است و می تواند تا حدود زیادی راه گشای وی برای ارائه آموزش مؤثر و با کیفیت بالاتر باشد. طرح درس دیدگاه فراگیران را نسبت به کیفیت آموزش بهبود بخشیده و ضمن ایجاد نظم منطقی و هماهنگی، فعالیت ها را هدف مند می سازد.

**روش ها:** مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی - مقطعی است که به مدت ۴ ماه انجام شد. جامعه پژوهش شامل طرح درس های اعضای هیئت علمی تمام دانشکده های پرستاری کشور بود. نمونه ها به صورت در دسترس انتخاب شد. ۱۰۰ طرح از اساتید ۲۴ دانشکده پرستاری و مامایی جمع آوری شد. این پژوهش با هدف بررسی دروس داخلی جراحی انجام شد اما با توجه به شرکت دادن یک طرح درس از هر کدام از اساتید در نمونه گیری، دروس دیگر شامل بررسی وضعیت، درس ویژه، آموزش به بیمار، فنون تدریس، اصول و مهارت های پرستاری استفاده شد. طرح درس هایی که توسط یک نفر نوشته شده بود از مطالعه حذف گردید. برای بررسی طرح درس ها از چک لیستی مبتنی بر هدف استفاده شد. چک لیست مربوطه بر اساس سر فصل های درس ارزشیابی برنامه ریزی درسی تهیه شد. حداکثر و حداقل نمره طرح درس های ارائه شده به ترتیب ۴۲ و صفر بود. بدین ترتیب که نمره ۰-۱۴ ضعیف، ۱۵-۲۸ متوسط و ۲۹-۴۲ خوب در نظر گرفته شد. ملاحظه اخلاقی شامل تعهد در عدم انتشار نام اساتید و دانشکده ها بود. داده ها با استفاده از آمار توصیفی در نرم افزار SPSS ویرایش ۱۱/۵ تجزیه و تحلیل شد. میزان P کمتر از ۰/۰۵ به عنوان سطح معنی داری در نظر گرفته شد.

**نتایج:** بیشترین فراوانی دروس بررسی شده مربوط به درس داخلی جراحی (۸۳٪) بود. در پژوهش حاضر ۴٪ طرح درس ها در وضعیت ضعیف، ۸۳٪ متوسط و ۱۳٪ در وضعیت خوب قرار داشتند. بیشترین آیتمی که در طرح درس مورد توجه قرار گرفته به ترتیب تعیین محتوای درسی و اهداف کلی و تعیین منابع بود و کم ترین به ترتیب روش تدریس و تعاملات استاد و دانشجو، وسیله کمک آموزشی و نحوه استفاده از آن، اهداف رفتاری بود.

**نتیجه گیری:** با توجه به اهمیت طرح درس اجرای کارگاه های آموزشی می تواند اطلاعات لازم برای تدوین طرح درس را در اختیار اعضای هیئت علمی قرار دهد

**واژه های کلیدی:** ارزیابی، طرح درس، عضو هیئت علمی

## نظرسنجی دانشجویان پزشکی در مورد آموزش دوره کارآموزی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال ۱۳۹۱

سید محمد رضا جانثار قمصری\*، پرستو پورنقشبند، دکتر منصوره مؤمن هروی

Corresponding author: [mrjanesar@yahoo.com](mailto:mrjanesar@yahoo.com)

واحد SCOME انجمن دانشجویی IFMSA دانشگاه علوم پزشکی کاشان

**مقدمه:** ضرورت پرداختن به تعالی آکادمیک و کیفیت آموزش عالی در دانشگاههای علوم پزشکی و بالاخص در بخش بالینی امری آشکار است. آموزش دوره کارآموزی به دلیل ورود کارآموزان به محیط بیمارستان و قرار گرفتن این مرحله پیش از دوره کارورزی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این مطالعه قصد دارد با ارزیابی وضعیت آموزشی موجود دوره کارآموزی، نواقص احتمالی را شناسایی و اولویتهای آموزشی را تعیین کند تا با برنامه-ریزی های کارآمد جهت رفع مشکلات آموزشی اقدام شود.

**روشها:** این مطالعه مقطعی در سال ۹۱ در دانشگاه علوم پزشکی کاشان بر روی کلیه کارآموزانی که در انتهای دوره کارآموزی قرار داشتند، صورت گرفت. ابزار مورد استفاده پرسشنامه ای بود که با توجه به موارد آموزشی این دوره، با نظر متخصصین آموزش پزشکی و نظارت متولیان آموزش تنظیم و توسط افراد مورد مطالعه تکمیل گردید.

**نتایج:** در نظرسنجی انجام شده از کارآموزان، بازدهی آموزشی مورنینگ ریپورت ها، به اعتقاد ۱۳٪ در حد زیاد و خیلی زیاد، ۲۷٪ در حد متوسط و ۶۰٪ در حد کم و خیلی کم بوده است. بازدهی آموزشی راندها به نظر ۱۳٪ در حد زیاد و خیلی زیاد، ۶۰٪ در حد متوسط و ۲۷٪ در حد کم و خیلی کم بوده است. بازدهی آموزشی کلاسهای تئوری به اعتقاد ۱۸٪ در حد زیاد و خیلی زیاد، ۴۱٪ در حد متوسط و ۴۱٪ در حد کم و خیلی کم بوده است. بازدهی آموزش درمانگاه به نظر ۲۷٪ در حد زیاد و خیلی زیاد، ۲۷٪ در حد متوسط و ۴۶٪ در حد کم و خیلی کم بوده است.

**نتیجه گیری:** در میان برنامه های آموزشی دوره کارآموزی این دانشگاه، بیشترین بازدهی را راندهای آموزشی و کمترین بازدهی را مورنینگ ریپورت ها داشته اند. بازدهی آموزشی کلاسهای تئوری و درمانگاه نیز اگرچه در مقایسه با مورنینگ ریپورت ها بالاتر است اما در مقایسه با راندهای آموزشی، سطح پایین تری دارند. با توجه به نتایج حاصله به نظر میرسد که در این مجموعه، توجه ویژه به وضعیت آموزشی مورنینگ ریپورت ها و نیز کلاسهای آموزشی و درمانگاه امری ضروری باشد.

**واژه های کلیدی:** نظرسنجی، دانشجویان پزشکی، کارآموزی

## بررسی کیفیت محیط یادگیری بالینی بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی کرمان از دیدگاه اساتید

رؤبا وطن خواه، سیده سکینه سبزواری\* ، محمدرضا بانسی

دانشگاه علوم پزشکی کرمان

[sabzevariz@yahoo.com](mailto:sabzevariz@yahoo.com)

**مقدمه:** برای بهبود و ارتقای کیفیت آموزش بالینی، وضعیت آن همواره باید مورد ارزیابی قرار گیرد. از آنجا که اساتید بالینی بطور ملموسی با مسائل و مشکلات بالینی در تماس هستند ارزشیابی عرصه های آموزش بالینی کمک مؤثری بر شناسایی عوامل بازدارنده یا منفی آموزش به حساب می آید. اهمیت نظرات اساتید در فرآیند آموزش و اهمیت شناسایی مشکلات موجود برای ارتقای سطح کیفی آموزش بالینی لازم و ضروری می باشد بر این اساس مطالعه ای با هدف بررسی کیفیت محیط یادگیری بالینی بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی کرمان از دیدگاه اساتید در سال ۱۳۹۱ انجام شد.

**روش ها:** این پژوهش توصیفی-مقطعی با استفاده از پرسشنامه DREEM در چهار بخش اصلی بالینی در بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سه حیطه یادگیری و یاددهی، استادان و جو آموزشی در بین ۵۰ نفر از استادان توزیع شد.

**نتایج:** بیشترین میانگین نمرات مربوط به بخش های جراحی (۱۲۷) و زنان و زایمان (۱۲۵) است. نمرات کسب شده در بیمارستان های افضل پور ۱۱۹ ، باهنر ۱۲۶ و شفا ۱۱۸ است که بیشترین امتیاز را بیمارستان باهنر بدست آورده است همچنین نتایج آزمون آماری Anova در مقایسه میانگین کل امتیازات در بخش های بالینی و بیمارستان های آموزشی در حیطه یادگیری تفاوت معنی داری را نشان داد (  $P < 0/02$  و  $P < 0/01$  ).

**نتیجه گیری** نمرات کسب شده حاکی از وضعیت بسیار مطلوب محیط آموزشی بالین است. علاوه بر این در کل حیطه های سه گانه، کیفیت آموزشی در محیط بیمارستان ها نیز در شرایط بسیار مطلوب ارزیابی شده است.

**واژه های کلیدی:** ارزیابی، محیط آموزشی، بالین، درک، علوم پزشکی

## بررسی نتایج آزمونهای آسکی، Dops و ارتقای دستیاران فوق تخصصی جراحی قلب و توراکس دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۸۸-۱۳۹۱

دکتر فاطمه یگانه\*، ندا رحمت وند، دیلی حاج حسنی، دکتر یعقوبی، دکتر مسعود پزشکیان، دکتر شاپور نادر فام، شاپور فرشیدی

دانشگاه علوم پزشکی تبریز

[dryeg20485@gmail.com](mailto:dryeg20485@gmail.com)

**مقدمه:** پیشرفت هایی که در علوم پزشکی در سالهای اخیر صورت گرفته است و تغییراتی که در شیوه زندگی، توزیع بیماریها و نیازهای جامعه ایجاد شده است ایجاب می کند که پزشکانی که تربیت می شوند توانایی های لازم را در حیطه های کاری و تخصصی خود کسب نمایند. در طی سالهای گذشته توانایی های علمی فراگیران فقط از نظر تئوریک و آن هم با استفاده از روشهای آزمونهای شفاهی و یا کتبی چند گزینه ای مورد ارزیابی قرار می گرفت. این روشها بدلیل اینکه قدرت سنجش مهارتهای علمی و کاربردی دانشجویان را نداشتند از مقبولیت مناسبی برخوردار نبودند. پیشرفت هایی چشمگیری که در زمینه آموزش پزشکی در دین صورت گرفته است فرآیند آموزشی و ارزیابی دانشجویان را دگرگون ساخته است. فرآیند آموزشی دانشجویان از روش های سنتی که در آن فرآیند آموزش محصول را تعیین می کند به آموزش مبتنی بر پیامد تغییر یافته است بدان معنی که محصول و پیامد است که فرآیند آموزشی را تعریف و تعیین می کند

**روشها:** ابزارهای اندازه گیری پیشرفت تحصیلی در رشته های جراحی همواره مورد توجه بوده است. این سؤال که کدامیک از این روش های اندازه گیری توانایی بالاتری برای پوشش دادن مطلوبتر اهداف آموزشی در گروه های جراحی را دارند نکته ایی است که از اهمیت بالایی برخوردار است. Dops و امتحان ارتقای دستیاران فوق تخصصی جراحی آسکی، توسط آزمون مورد ارزیابی قرار گرفت. در این بررسی سعی شده تا نتایج چهار آزمون از سال 1388 تا 1391 مورد ارزیابی قرار گیرد. - دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال تحصیلی 1388 آزمون ارتقای سالیانه و Dops، آسکی در گروه جراحی قلب را انجام داد. روش ها: در یک مطالعه گذشته نگر و مقطعی، نتایج امتحانات آسکی، و Dops و امتحان ارتقای دستیاران فوق تخصصی جراحی قلب و توراکس دانشگاه علوم پزشکی تبریز مورد بررسی قرار گرفت و نمرات کسب شده از هر سه آزمون استخراج و مورد تحلیل آماری قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج سه آزمون نشان داد که تفاوت معناداری بین نمرات در آزمون ها آسکی، و Dops و امتحان ارتقای دستیاران فوق تخصصی جراحی قلب و توراکس وجود دارد این تفاوت برای نتایج Dops با دو امتحان دیگر معنادار) ولی برای ارزیابی امتحانات ارتقای سالیانه و آسکی دستیاران تفاوت معناداری نشان نمی دهد ( $p = / 21$ ) همچنین نمرات دستیاران سال بالا در آزمون های ارتقا و آسکی به هم نزدیک و Mean Rank نزدیک به یکدیگر داشته ولی تفاوت قابل توجه با نتایج Dops داشتند.

**نتیجه گیری:** اگرچه امتحان ارتقا که به صورت MCQ برگزار می شود حوزه شناختی و توانایی های علمی دستیاران را می سنجد و امتحان و آسکی اساساً قابلیت های روانی-حرکتی را ارزیابی می کند ولی نحوه صحیح انجام امتحان ارتقا به روش MCQ بر نتایج به دست آمده تأثیرگذار است، آسکی برگزار آزمون ارتقا به صورت متمرکز، هدایت صحیح مرکز توسعه آموزش پزشکی، مشارکت کلیه اساتید در طراحی سؤالات، توزیع متناسب سؤالات از کلیه مراجع، استفاده از جدول دو بعدی

جهت طرح سؤالات و بررسی کیفی آن، رعایت اصول طراحی سؤال و استفاده از بیش از 70 درصد سؤالات در تاکسونومی دو یا سه از عوامل مؤثر بر نزدیک شدن این آزمون به آزمون های استاندارد و قابل قبول در ارزیابی پیشرفت تحصیلی و متمایز کردن دستیاران سال بالاتر است.

### واژه های کلیدی: امتحان ارتقا، جراحی قلب و توراکس، آسکی، Dops، کیفیت آموزش برنامه درسی زبان تخصصی دانشجویان پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی تبریز از دیدگاه دانشجویان ۱۳۹۱

دکتر علیرضا بنیادی<sup>۱</sup>، دکتر زهرا فردی آذر<sup>۲</sup>، ندا رحمت وند<sup>۳\*</sup>، دکتر فاطمه یگانه<sup>۴</sup>، شاپور فرشیدی<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> دکترای آموزش زبان انگلیسی دانشگاه آزاد ارومیه

<sup>۲</sup> رئیس دانشکده پزشکی

<sup>۳\*</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات آذربایجان غربی

آدرس ایمیل: [nedainfo@hotmail.com](mailto:nedainfo@hotmail.com)

<sup>۴</sup> مسئول امور رزیدنتی

<sup>۵</sup> کارشناس معاونت آموزشی دانشگاه

**مقدمه:** در سراسر جهان زبان انگلیسی نقش برجسته ای در آموزش عالی دارد. یکی از ویژگی های برجسته تدریس زبان در سطوح آموزش بالا یادگیری انگلیسی برای اهداف ویژه می باشد. به نظر می رسد زبان انگلیسی نقش مهمی در مطالعات پزشکی دارد زیرا دانشجویان پزشکی مجبور به خواندن کتب درسی و مقالات مجلات پزشکی هستند که اغلب به زبان انگلیسی نوشته شده است. در کشورهای مختلف و شرایط گوناگون، انگلیسی برای اهداف ویژه (ESP) با سرعت متفاوتی پیشرفت می کند. با وجود اهمیت نیازها و انتظارات دانشجویان از ESP، تا کنون تحلیل سیستماتیک از نیازهای دانشجویان انجام نگرفته است. این مطالعه به منظور بررسی نیازها و انتظارات دانشجویان پزشکی از درس زبان تخصصی در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز-۱۳۹۱ انجام گرفت

**روش ها:** جهت بررسی دیدگاه دانشجویان از یک پرسشنامه ساخته محقق استفاده شد. ۲۰۰ دانشجوی پزشکی از دانشجویان سال سه که درس زبان عمومی و زبان تخصصی ۱ را گذرانده بودند برای شرکت در این تحقیق به صورت تصادفی انتخاب شدند. پاسخ های دانشجویان از طریق برنامه نرم افزاری SPSS.16 بررسی و تحلیل شد.

**نتایج:** این مطالعه نشان داد که دانشجویان پزشکی دانشکده پزشکی تبریز مهارت خواندن و درک مطلب را مهمترین مهارت که در موفقیت آن ها دخیل است می دانستند و همچنین آنها براین اعتقاد بودند که خواندن و درک متون فنی پزشکی، گوش دادن به سخنرانی ها و کلیپ های صوتی به زبان انگلیسی، بحث و صحبت به زبان انگلیسی در کلاس و نوشتن متون فنی و گزارش های پزشکی متون پزشکی در طی کلاسهای زبان تخصصی تقویت یافته است.

**نتیجه گیری:** اکثر دانشجویان به یادگیری زبان انگلیسی علاقه داشته و یادگیری زبان را برای رشته خود مهم می دانستند. پیشنهاد می شود برای رفع مشکلات درس زبان تخصصی مدرسان از روشهای تدریسی استفاده کنند که به فعالیت دانشجویان در کلاسها و مشارکت آنها در امر یادگیری می شود برای بهبود کیفیت آموزش درس زبان تخصصی استفاده کنند.

**واژه های کلیدی:** دیدگاه، ESP، دانشجویان پزشکی دانشکده پزشکی تبریز، بررسی نیازها

### ارزشیابی بالینی دانشجویان پرستاری از دیدگاه مدرسین پرستاری: یک مطالعه کیفی

شراره خسروی

دکترای پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

Email: [khosravi@arakmu.ac.ir](mailto:khosravi@arakmu.ac.ir)

**مقدمه:** ارزشیابی بالینی دانشجویان پرستاری یکی از مباحث مهم در آموزش بالینی پرستاری است. این فرآیند داده‌هایی را برای قضاوت در مورد میزان دست‌یابی دانشجویان پرستاری به برآیندهای یادگیری مورد نظر فراهم می‌آورد و مهارت‌های دانشجویان را در ارتباط با استانداردهای مراقبت از بیمار مورد قضاوت قرار می‌دهد. در بررسی مهارت‌های بالینی دانشجویان، مسائل گوناگونی مطرح می‌باشد که خود را به شکل اختلافات موجود در ارزشیابی، اعتراضات دانشجویان و ملاقات‌های مکرر بین دانشجویان و مربیان جهت بحث در این زمینه نشان می‌دهند. در این میان با توجه به نقش محوری مربیان پرستاری در ارزشیابی دانشجویان، تجربیات و دیدگاه‌های آنان جهت دست‌یابی به شناختی عمیق‌تر از شرایط موجود بسیار مهم می‌باشد. هدف از انجام این پژوهش تعیین تجربیات و دیدگاه‌های مربیان پرستاری در مورد ارزشیابی عملکرد بالینی دانشجویان پرستاری می‌باشد.

**روش‌ها:** این پژوهش مطالعه‌ای با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی است. مشارکت‌کنندگان پژوهش ۱۴ مدرس پرستاری دانشکده‌های پرستاری و مامایی دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران بودند که به روش مبتنی بر هدف و تا اشباع داده‌ها انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های فردی نیمه ساختاریافته صورت گرفت. تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوای کیفی نهفته انجام شد.

**نتایج:** طی تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۳ درون‌مایه و ۷ طبقه پدیدار شدند که شامل روند ارزشیابی بالینی (ارزشیابی مبتنی بر هدف، ماهیت ارزشیابی، بازخورد در ارزشیابی)، خصوصیات ارزشیابی‌کننده (واجد شرایط بودن، علاقه) و ملزومات ارزشیابی بالینی (تکالیف کاربردی، ابزار کارآمد) می‌باشند.

**نتیجه‌گیری:** مشارکت‌کنندگان در پژوهش به بیان تجربیات و دیدگاه‌های خود در مورد ارزشیابی بالینی دانشجویان پرستاری پرداختند. روند انجام ارزشیابی، خصوصیات فرد ارزشیابی‌کننده (مربی) و مسائل مربوط به تکالیف و ابزارهای ارزشیابی، مسائل مورد بحث مشارکت‌کنندگان در پژوهش بودند. بیشتر مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که فرآیند ارزشیابی بالینی دانشجویان پرستاری به منظور اطمینان از دستیابی دانشجویان به اهداف مورد نظر نیازمند تغییراتی می‌باشد تا دانشجویان بتوانند در جهت دستیابی به کارایی، تبحر و اطمینان لازم جهت مراقبت موثر از بیماران پیشرفت نمایند.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش بالینی، ارزشیابی بالینی، دانشجوی پرستاری، مربی پرستاری

## عوامل فردی پیشگویی کننده موفقیت تحصیلی دانشجویان پرستاری و مامایی سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰

ساره پرتو، مینو میترا چهرزاد\*، فریبا عسگری، دکتر زهرا عطرکار روشن  
اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان  
chehrzad@gums.ac.ir

**مقدمه:** با توجه به نقش دانشگاه ها در تربیت نیروی متخصص مورد نیاز جامعه، بررسی وضعیت نظام آموزشی و آگاهی از نقاط قوت و ضعف در فرایند تحصیل دانشجویان، جهت طراحی و اجرای برنامه های مناسب آموزشی برای ارتقا و موفقیت دانشجویان ضرورت دارد. هدف از این مطالعه تعیین عوامل فردی پیشگویی کننده ی موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت می باشد.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی- مقطعی بر روی دانشجویان پرستاری و مامایی مقطع کارشناسی پیوسته دانشکده شهید بهشتی رشت انجام و ۲۰۴ نفر به روش سرشماری وارد مطالعه شدند. ابزار مورد استفاده در پژوهش پرسش نامه سه بخشی در زمینه عوامل فردی شامل ویژگی های فردی دانشجویان، مشخصات تحصیلی دانشجویان قبل از ورود به دانشگاه، مشخصات تحصیلی دانشجویان حین تحصیل در دانشگاه، وضعیت اقتصادی - اجتماعی دانشجویان و وضعیت روحی- روانی دانشجویان بود. جهت سنجش موفقیت تحصیلی از شاخص میانگین معدل کل ترم های تحصیلی (GPA) استفاده و دانشجویان با معدل ۱۶ و بیشتر در دسته دانشجویان موفق قرار گرفتند. روایی پرسش نامه با روش روایی محتوی و پایایی نیز با کمک ضریب آلفا کرونباخ پایش گردید. داده ها توسط نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ و با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** یافته ها نشان داد، ۹۸ درصد واحدهای مورد پژوهش دارای دیپلم تجربی با معدل دیپلم بیشتر از ۱۶ (۰/۷۸) و سهمیه کنکور منطقه ۲ (۰/۵۳) بودند و یک سال پس از اخذ مدرک پیش دانشگاهی (۰/۴۶) وارد دانشگاه شده بودند و فقط ۶ درصد از آنها سابقه مشروطی به خصوص در ترم اول و دوم را داشتند. در مجموع ۴۹ درصد دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت جز دانشجویان موفق قرار داشتند. بین موفقیت تحصیلی دانشجویان و جنس ( $p < 0/001$ )، وضعیت تاهل ( $p < 0/023$ )، معدل دیپلم ( $p < 0/001$ )، فاصله اخذ مدرک پیش دانشگاهی تا ورود به دانشگاه ( $p < 0/002$ )، افتادن از واحدهای درسی ( $p < 0/001$ )، مشروط شدن ( $p < 0/003$ )، علاقه مندی به رشته تحصیلی ( $p < 0/011$ )، داشتن برنامه منظم برای مطالعه ( $p < 0/002$ )، وضعیت بومی بودن ( $p < 0/046$ )، شاغل بودن در حین تحصیل ( $p < 0/001$ ) و داشتن مسئولیت تامین مالی خانواده ( $p < 0/009$ )، ارتباط معنی دار آماری مشاهده شد. همچنین پیشگویی کننده های وضعیت تحصیلی مناسب در دانشجویان به ترتیب نسبت شانس عبارت از معدل دیپلم بالاتر از ۱۶ ( $\text{Odd's ratio}=4.119$ )، جنس زن ( $\text{Odd's ratio}=3.286$ )، داشتن برنامه منظم برای مطالعه ( $\text{Odd's ratio}=2.153$ ) بود.

**نتیجه گیری:** نتایج پژوهش نشان داد که بین وضعیت تحصیلی دانشجویان و برخی عوامل فردی ارتباط معنی دار آماری وجود دارد. بنابراین پیشنهاد می شود معدل دیپلم و علاقه به رشته تحصیلی به عنوان ملاک مهم در پذیرش دانشجویان پرستاری و مامایی در نظر گرفته شود، بومی گزینی جهت بهبود وضعیت تحصیلی و جلوگیری از مشکلاتی که بواسطه حضور در خوابگاه ها و دوری از خانواده ایجاد می شود، مد نظر قرار گیرد، همچنین توجه ویژه به دانشجویانی که با سابقه درسی ضعیف وارد دانشگاه شده و در سال های اول ورود به دانشگاه، مردود یا مشروط میشوند، امری ضروری است. تسهیلات آموزشی، زیستی و رفاهی مناسب برای دانشجویان متاهل در نظر گرفته شود، مهارت های مطالعه به دانشجویان آموزش داده شود و نهایتا پیگیری مسائل و مشکلات دانشجویان از سوی اساتید راهنما و دفاتر مشاوره دانشجویی با دقت بیشتری صورت گیرد.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی، موفقیت تحصیلی، دانشجویان، عوامل فردی

## بررسی نتایج آنالیز آزمون‌های دانشکده پرستاری و مامایی قزوین از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱

نضال آژ\*، بهرام مهرتاش

اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

قزوین بلوار باهنر، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، دانشکده پرستاری و مامایی

Email: [nezal\\_ajh@yahoo.com](mailto:nezal_ajh@yahoo.com)

**مقدمه:** آنالیز آزمون‌ها در پایان هر ترم گامی در جهت پس‌خوراند مناسب به اساتید در مورد کارایی ابزار مورد استفاده برای اندازه‌گیری و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده است. بنابراین در اختیار قرار دادن به موقع نتایج آنالیز به منظور تصحیح سوالات، سبب عینی شدن نمرات و کاهش اعتراض دانشجو خواهد شد.

**روش‌ها:** در طی ۶ سال اخیر روند امتحانات دانشکده پرستاری و مامایی قزوین در چارچوب کمیته امتحانات شکل گرفته که شامل ارزیابی سوالات تئوری قبل از اجرا از نظر صوری و پس از اجرای آزمون از نظر کمی است. از سال ۱۳۸۹ تا کنون ارزیابی کمی آزمون‌ها با نرم افزار آنالیز آزمون‌های یگانه صورت می‌گیرد. و نتایج پس از پایان آزمون‌ها همراه با راهنمای مربوطه در اختیار مدرسین قرار می‌گرفت. از سال ۱۳۹۰ نتایج ارزیابی کمی همزمان با نتایج مارک خوان در اختیار مدرسین محترم قرار گرفته است تا اساتید در ارزیابی نهایی دانشجو با توجه به نتایج اعمال نظر نمایند.

**نتایج:** میانگین ضریب دشواری در طی نیمسال اول ۸۹، ۹۰ و ۹۱ به ترتیب ۷۰، ۶۹، ۶۸ بود سوالات بسیار و فوق العاده دشوار به ترتیب ۱۳، ۱۶، ۷ و ۱۸، ۹۳ در صد کل سوالات را تشکیل می‌داد. سوالات با ضریب تمیز منفی به ترتیب ۱۹، ۱۹، ۶۶ و ۲۴، ۳۳ درصد افزایش داشته و تعداد ۴ گزینه ای ۱۵، ۱۸ و ۱۸، ۳۷ درصد افزایش داشته است. در مورد ضریب ریچاردسون تعداد آزمون‌های با ضریب بیشتر از ۰،۷ در این سالها ۲۴، ۱۹ و ۲۴، ۳۹ بوده است.

**نتیجه‌گیری:** بررسی مقایسه ای شاخص‌های موجود در آنالیز کمی طی ۶ سال اخیر نشان داد که هرچند تغییرات محسوس نیست ولی آزمون‌ها به سمت مشکل شدن سوق داده شده‌اند. از آنجا که در هر آزمونی در یک سو طراح سوال، و در سمت دیگر دانشجویان قرار دارند، لذا باید بررسی‌های همه جانبه صورت گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** ضریب دشواری، ضریب تمیز، ضریب ریچاردسون.



## دیدگاه دانشجویان بهداشت عمومی دانشگاه علوم پزشکی اراک درباره کارآموزی در

عرصه

محسن شمسی\*

استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

Email: [dr.shamsi@arakmu.ac.ir](mailto:dr.shamsi@arakmu.ac.ir)

**مقدمه:** برای تحقق ویژگی های حرفه ای و کسب مهارت های مورد نیاز، دانشجویان در عرصه های کارآموزی آموزش می بینند. مطالعه حاضر با هدف شناسایی وضعیت کارآموزی در عرصه از دیدگاه دانشجویان بهداشت عمومی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اراک در سال ۱۳۹۱ انجام شده است.

**روش ها:** این مطالعه کیفی تجارب دانشجویان را در خصوص واحد کارآموزی در عرصه رشته بهداشت عمومی مورد بررسی قرار داده و داده ها با استفاده از روش بحث گروهی متمرکز جمع آوری گردید. در این مطالعه چهار بحث گروهی و مصاحبه نیمه ساختاریافته هر یک به مدت تقریبی ۴۵ دقیقه صورت گرفت که در کل ۱۵ نفر در این بحث ها و مصاحبه ها حضور داشتند، تجزیه و تحلیل داده ها به روش تحلیل محتوا از نوع قراردادی انجام گرفت.

**نتایج:** یافته های مطالعه بیانگر سه درون مایه منابع آموزشی، کارایی دوره کارآموزی و آمادگی برای کسب دانش و مهارت بود. در منابع آموزشی دانشجویان به مسائل مرتبط با فیلدهای آموزشی شامل مراکز بهداشتی درمانی شهری و روستایی، مرکز بهداشت استان و شهرستان و کارگاهها و جزوات آموزشی به عنوان تسهیل کننده های یادگیری اشاره داشتند. در آمادگی به مسائلی از قبیل علاقه به رشته تحصیلی و اعتماد به آینده شغلی و مسئولیت پذیری کارکنان بهداشتی در امر آموزش به آنان اشاره داشتند. در ارزیابی کارآموزی نیز عواملی همچون تکراری بودن سرفصل های کارآموزی و گذراندن برخی از فیلدها در دوران کاردانی و عدم علاقه کارشناسان مراکز بهداشت جهت ارائه آموزش به دانشجویان و احساس بیهودگی در برخی از فیلدهای کارآموزی می دانستند.

**نتیجه گیری:** با توجه به اهمیت دوران کارآموزی به عنوان برنده دوران تحصیلی دانشجویان جهت افزایش انگیزه تحصیلی دانشجویان پیشنهاد می گردد با ارائه برنامه درسی مدون و عملی، هماهنگی با محیط کارآموزی، اجرای شیوه های تدریس و ارزیابی مناسب موجب ارتقای کیفیت آن گردند

**واژه های کلیدی:** کارآموزی در عرصه، بهداشت عمومی، دانشجو

## آگاهی کارورزان پزشکی کاشان در مورد احکام و قوانین شرعی

دکتر زهراسلیمانی<sup>۱</sup>، دکتر منصوره مومن هروی<sup>۱\*</sup>، دکتر کبری شیاسی<sup>۲</sup>، زهرارضایی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>گروه عفونی علوم پزشکی کاشان

<sup>۲</sup>گروه اطفال علوم پزشکی کاشان

<sup>۳</sup>دانشکده پزشکی

**مقدمه:** آنچه یک پزشک را به طبیبی حاذق تبدیل می‌کند، همراهی علم و اخلاق خصوصاً رعایت شئونات مذهبی بیمار می‌باشد. دانشجویان و کارورزان پزشکی علاوه بر انجام معاینه دقیق و مشاهدات عینی، لازم است از احکام شرعی و قوانین مربوط به آنها آگاهی داشته باشند. این مطالعه با هدف بررسی آگاهی کارورزان کاشان نسبت به احکام شرعی و قانونی حیطه پزشکی صورت گرفته است.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی، نظرات ۶۵ نفر کارورز پزشکی در مراکز آموزشی و درمانی کاشان که به روش سرشماری وارد مطالعه شده بودند، در زمینه احکام شرعی و قانونی از طریق پرسشنامه پژوهشگرساخته جمع‌آوری شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های آماری توصیفی تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** میانگین نمره ۱۴/۶ با حداقل ۸ و حداکثر ۲۱ بود. بیشترین فراوانی مربوط به نمره ۱۵ (۱۶/۹٪) و سپس ۱۴ (۱۳/۸٪) بود. هیچیک از آزمون دهندگان موفق به کسب نمره کامل نشدند و ۳ نفر (۴/۶٪) ماکزیمم نمره و دو نفر (۳/۱٪) حداقل نمره را کسب نمودند. مطلوبیت به صورت کسب ۷۰٪ نمره کامل مطلوب، بین ۷۰-۴۰٪ نیمه مطلوب وزیر ۴۰٪ نامطلوب محاسبه شد که ۳ نفر (۴/۶٪) نامطلوب، ۳۸ نفر (۵۸/۵٪) نیمه مطلوب و ۲۴ نفر (۳۶/۹٪) نمره مطلوب را کسب کردند. ۷ نفر از افراد با نمره آگاهی مطلوب تا حدودی با برگزاری کارگاه موافق بودند و ۷ نفر به هیچ وجه علاقه ای به برگزاری کارگاه نداشتند. در افرادی که آگاهی نیمه مطلوب بود ۶ نفر به برگزاری کارگاه و دانستن جواب صحیح سوالات بسیار علاقمند بودند ۱۱ نفر تا حدودی علاقمند بودند و ۲۰ نفر به هیچ وجه علاقه به برگزاری کارگاه نداشتند.

**نتیجه‌گیری:** آگاهی کارورزان علوم پزشکی کاشان نسبت به احکام شرعی در سطح متوسط قرار دارد. افزایش محتوی درسی دانشجویان در زمینه مباحث اخلاق پزشکی و مسائل شرعی پیشنهاد می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** آگاهی، کارورزان، احکام و قوانین شرعی

## بررسی مقایسه ای رضایتمندی و دیدگاه آزمونگران و آزمون شوندگان از اجرای آزمون مشاهده مستقیم مهارت‌های بالینی توسط دانشجویان سال آخر پزشکی در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

آرزو فرج پور<sup>۱\*</sup>، الهه محمدی<sup>۲</sup>، دکتر حمید رضا ارشدی<sup>۳</sup>، دکتر محمد سرافراز یزدی<sup>۴</sup>، دکتر مهران همای<sup>۵</sup>، دکتر علیرضا آل هاشمی<sup>۵</sup>

\*دانشجوی PHD آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

ar.farajpour@gmail.com

<sup>۱</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شیراز - شیراز - ایران

<sup>۲</sup>استادیار گروه روانپزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران،

<sup>۳</sup>استادیار گروه داخلی دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران،

<sup>۴</sup>استادیار گروه مغز و اعصاب دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران،

**مقدمه:** ارزیابی بخش اساسی ولاینفک پزشکی است. برای اینکه یک روش ارزشیابی قابل قبول باشد باید روا، تکرار پذیر و عملی بوده و دارای تاثیر مثبت بر یادگیری دانشجویان باشد. اثرات آموزشی با ایجاد انگیزش در دانشجویان برای عملکرد بهتر و جهت دهی به فعالیتهای یادگیری در راستای کوریکولوم مشخص می شود. قابلیت اجرایی، درجه ای که روش ارزشیابی انتخابی برای هدف آزمون، مقرون به صرفه و مناسب است. یعنی ذینفعان فرایند: دانشجویان پزشکی، اساتید، پزشکان شرکت کننده و... تا چه حدی این شیوه ارزشیابی، نمرات و تفسیر نمرات آن را قبول دارند و تایید مینمایند. اگر یکی از آنها به طور کامل برآورده نشود، مثلا روشها قابلیت اجرایی نداشته باشند یا مورد قبول نباشند، در این صورت روش ارزشیابی علی رغم دارا بودن روایی و پایایی، مناسب نمی باشد و به هدف نخواهیم رسید.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر توصیفی است و ۶۰ نفر از دانشجویان پزشکی سال آخر که در بخش اورژانس تحت آزمون داپس قرار گرفتند و ۴۶ نفر از آزمونگران مورد نظرخواهی قرار گرفتند. پرسشنامه‌ها پژوهشگر ساخته و سوالات در حیطه های رضایتمندی، قابلیت اجرا، و اثرات آموزشی در مقیاس لیکرت طراحی شد و روایی آن به تائید پانل خبرگان رسید و ضریب آلفای کرونباخ آن ۸۵٪ به دست آمد. داده‌های به دست آمده با نرم افزار SPSS16 تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** از ۶۰ نفر دانشجویان ۲۶ نفر مذکر و ۳۴ نفر مونث حداقل سن ۲۳ سال و بیشترین ۲۸ سال و میانگین سنی ۲۵ سال است. از ۴۶ نفر آزمونگر ۳۰ نفر مذکر و ۱۶ نفر مونث و دامنه سنی آنان ۳۰-۴۶ سال و میانگین ۳۷،۳۹ است. رضایتمندی کلی، قابلیت اجرا، و تاثیرات آموزشی از دیدگاه دانشجویان در همه زمینه‌ها نظرات مثبت از حد متوسط بیشتر است و این ارتباط معنی دار می باشد و اثرات آموزشی دارای بیشترین نمره میانگین است. رضایتمندی کلی، قابلیت اجرا، و تاثیرات آموزشی از دیدگاه آزمونگران در همه زمینه‌ها نظرات مثبت از حد متوسط بیشتر است و این ارتباط معنی دار می باشد و رضایتمندی بیشترین نظر مثبت را به خود اختصاص داده است.

معنی داری رضایتمندی، قابلیت اجرا و تاثیرات آموزشی از دیدگاه دانشجویان			
sig	انحراف معیار	میانگین	
.000	11.68534	58.3342	قابلیت اجرا
.002	14.02183	55.9270	رضایتمندی
.000	14.32913	72.7780	اثرات آموزشی
معنی دار رضایتمندی، قابلیت اجرا و تاثیرات آموزشی از دیدگاه آزمونگران			
.000	13.12985	69.2028	قابلیت اجرایی
.000	11.65347	76.6665	رضایتمندی
.000	19.75138	75.5443	اثرات آموزشی

**نتیجه‌گیری:** داپس یک آزمون دارای مقبولیت و قابلیت اجرایی و اثرات آموزشی مثبت از نظر دانشجویان و آزمونگران است بنابراین با اجرای آن میتوان به اهداف آموزشی نایل شد.

## بررسی مقایسه ای رضایتمندی و دیدگاه آزمونگران و آزمون شوندهگان از اجرای آزمون مشاهده مستقیم مهارتهای بالینی توسط دانشجویان سال آخر پزشکی در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

پور<sup>۱\*</sup>، الهه محمدی<sup>۲</sup>، دکتر حمید رضا ارشدی<sup>۳</sup>، دکتر محمد سرافراز یزدی<sup>۴</sup>، دکتر مهران همام<sup>۵</sup>،  
دکتر علیرضا آل هاشمی<sup>۵</sup>،

ی PHD آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی  
ar.farajpour@gmail.com

ی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شیراز - شیراز - ایران

<sup>۳</sup> استادیار گروه روانپزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران،

<sup>۴</sup> استادیار گروه داخلی دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران،

<sup>۵</sup> استادیار گروه مغز و اعصاب دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران،

مقدمه: ارزیابی بخش اساسی ولاینفک پزشکی است. برای اینکه یک روش ارزشیابی قابل قبول باشد باید روا، تکرار پذیر و عملی بوده و دارای تاثیر مثبت بر یادگیری دانشجویان مورد قبول باشد. اثرات آموزشی با ایجاد انگیزش در دانشجویان برای عملکرد بهتر و جهت دهی به فعالیتهای یادگیری در راستای کوریکولوم مشخص می شود. قابلیت اجرایی، درجه ای که روش ارزیابی انتخابی برای هدف آزمون، مقرون به صرفه و مناسب است. یعنی ذینفعان فرایند: دانشجویان پزشکی، اساتید، پزشکان شرکت کننده و... تا چه حدی این شیوه ارزیابی، نمرات و تفسیر نمرات آن را قبول دارند و تائید مینمایند. اگر یکی از آنها به طور کامل برآورده نشود، مثلاً روشها قابلیت اجرایی نداشته باشند یا مورد قبول نباشند، در این صورت روش ارزیابی علی رغم دارا بودن روایی و پایایی، مناسب نمی باشد و به هدف نخواهیم رسید.

روشها: مطالعه حاضر توصیفی است و ۶۰ نفر از دانشجویان پزشکی سال آخر که در بخش اورژانس تحت آزمون داپس قرار گرفتند و ۴۶ نفر از آزمونگران مورد نظرخواهی قرار گرفتند. پرسشنامه ها پژوهشگر ساخته و سوالات در حیطه های رضایتمندی، قابلیت اجرا، و اثرات آموزشی در مقیاس لیکرت طراحی شدو روایی آن به تائید پانل خبرگان رسیدو ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۸۵ به دست آمد. داده های به دست آمده با نرم افزار SPSS16 تجزیه و تحلیل شد

نتایج: از ۶۰ نفر دانشجویان ۲۶ نفر مذکر و ۳۴ نفر مونث حداقل سن ۲۳ سال و بیشترین ۲۸ سال و میانگین سنی ۲۵ سال است. از ۴۶ نفر آزمونگر ۳۰ نفر مذکر و ۱۶ نفر مونث و دامنه سنی آنان ۳۰-۴۶ سال و میانگین ۳۷،۳۹ است. رضایتمندی کلی، قابلیت اجرا، و تاثیرات آموزشی از دیدگاه دانشجویان در همه زمینه ها نظرات مثبت از حد متوسط بیشتر است و این ارتباط معنی دار می باشد و اثرات آموزشی دارای بیشترین نمره میانگین است. رضایتمندی کلی، قابلیت اجرا، و تاثیرات آموزشی از دیدگاه آزمونگران در همه زمینه ها نظرات مثبت از حد متوسط بیشتر است و این ارتباط معنی دار می باشد و رضایتمندی بیشترین نظر مثبت را به خود اختصاص داده است .

نتیجه گیری: داپس یک آزمون دارای مقبولیت و قابلیت اجرایی و اثرات آموزشی مثبت از نظر دانشجویان و آزمونگران است بنابراین با اجرای آن میتوان به اهداف آموزشی نایل شد.

واژه های کلیدی:

DOPS, feasibility, satisfaction, educational impact

## بررسی رابطه عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان رشته پزشکی و دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سال ۱۳۸۹

فهیمه عبداللهی مجد، هدی رضایی، طاهره علی محمدی عبدل آبادی\*، احمد پوررشیدی بشرآبادی\*  
\*کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان  
alimohammadit@yahoo.com

**مقدمه:** یکی از موضوعات مهم در حوزه سلامت، عزت نفس (self esteem) است که به عنوان مهمترین و اساسی ترین نیازهای یک شخصیت رشدیافته می باشد و بر میزان پیشرفت تحصیلی تاثیرگذار می باشد. این پژوهش با هدف بررسی رابطه عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان مقطع دکتری حرفه ای دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان انجام گرفت.

**روش‌ها:** مطالعه‌ای پیمایشی - مقطعی است. جمعیت مورد مطالعه شامل دانشجویان پزشکی و دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سال ۱۳۹۰ می‌باشد. جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه عزت نفس ناظم شیرازی (۱۳۷۷) استفاده گردید. پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۱ بدست آمد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شدند.

**نتایج:** نتایج نشان دادند که ۱۱۴ نفر (۷۱/۲٪) دانشجوی پزشکی و ۴۶ نفر (۲۸/۸٪) دانشجوی دندانپزشکی در این پژوهش شرکت کردند. همچنین نتایج نشان دادند که بین عزت نفس کلی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد اما معنی دار نمی باشد و عزت نفس اجتماعی در دانشجویان پزشکی به طور معنی داری از دانشجویان دندانپزشکی بالاتر است.

**نتیجه‌گیری:** نتایج این مطالعه با نتایج مطالعه غباری بناب و همکارش همخوانی دارد و نشان می دهد که بین عزت نفس در دانشجویان پسر و دختر ارتباط معنی داری وجود ندارد. نتایج محاسبات همبستگی در این پژوهش نشان داد که بین عزت نفس و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود ندارد که با مطالعه جلالی همسو نیست ولی با مطالعه زارع و غباری بناب همخوانی دارد و به نظر می رسد وضعیت تحصیلی دانشجویان تحت تأثیر عوامل دیگر و اثرات تعاملی آنها باشد. علاوه بر این میانگین عزت نفس در تمام حیطه ها در دانشجویان پزشکی بالاتر از دانشجویان دندانپزشکی بود ولی این تفاوت، فقط در حیطه عزت نفس اجتماعی معنی دار به دست آمد.

**واژه‌های کلیدی:** عزت نفس، پیشرفت تحصیلی، پزشکی، دندانپزشکی.

## بررسی میزان رضایتمندی بیماران بستری در بیمارستان نمازی شیراز از نحوه عملکرد دانشجویان پزشکی در سال ۱۳۹۰

سمیه دلاوری<sup>۱\*</sup>، سجاد دلاوری<sup>۲</sup>، الهه محمدی<sup>۳</sup>، سمانه دلاوری<sup>۴</sup>، شراره بهادری<sup>۵</sup>  
<sup>\*</sup> کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز،

ایمیل: [2delavariso@gmail.com](mailto:2delavariso@gmail.com)

<sup>۱</sup> کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۲</sup> کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

<sup>۳</sup> کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

<sup>۴</sup> امور بین الملل معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

مقدمه: میزان رضایتمندی بیماران یکی از اهداف مهم سیستمهای بهداشتی و درمانی برای ارزیابی کیفیت مراقبتها و خدمات ارائه شده مرتبط با سلامت میباشد و اطلاعات مهمی را از نظر برآورده شدن نیازها و انتظارات بیماران در اختیار ما قرار میدهد. عدم رضایت بیماران ممکن است باعث کاهش همکاری بیماران با ارائه دهندگان خدمات سلامت و کاهش کیفیت خدمات درمانی و بهداشتی شود. هدف از این تحقیق تعیین بررسی میزان رضایت بیماران از خدمات ارائه شده توسط دانشجویان پزشکی در بیمارستان نمازی شیراز میباشد.

**روشها:** پرسشنامه‌های شامل ۲۰ سوال و دارای ۲ قسمت مشخصات دموگرافیک و سطح رضایت بیماران از خدمات ارائه شده توسط دانشجویان پزشکی شامل ۱۴۰ بیمار بستری در بخشهای بیمارستان نمازی بصورت مقطعی توزیع شد. بعد از جمع آوری پرسشنامه ها با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل آمار بصورت گرفت.

**نتایج:** بر اساس نتایج بدست آمده میزان رضایت بیماران از چگونگی برخورد دانشجویان ۴۸٪، حفظ حریم خصوصی بیماران ۵۶٪، نحوه گرفتنش رحال و معاینه ۵۳٪، میزان ا اطلاعات دانشجویان پزشکی و پاسخگویی به سوالات پزشکی بیماران ۳۸٪، توانایی برقراری ارتباط مناسب با بیماران ۴۵٪، تمیز یلباسو نظافت شخصی پزشکان ۶۷٪ بوده است. نتایج نشان داد که با افزایش سن بیمار انو سابقه بستری در بیمارستان میزان رضایت افزایش پیدا میکند. بین متغیرهای جنس و سطح تحصیلات در بیمارستانها و رضایت از خدمات ارائه شده ارتباط معنی داری وجود داشت. بین متغیرهای بخش بستری، تاهل بیماران، قومیت و میزان رضایت بیماران رابطه معناداری وجود نداشت.

**نتیجه گیری:** ات وجه بهای نکه یکی از اساسی تری نیازهای جامعه، استفاده بهینه از خدمات بهداشتی درمانی با کیفیت مطلوب یباشد عملکرد دانشجویان نقش مهمی در رضایتمندی بیماران از خدمات درمانی ارائه شده توسط مراکز آموزشی درمانی دارد، برگزاری کلاسها و کارگاههای آموزشی اخلاق پزشکی میتواند نقش مهمی در رعایت اخلاق پزشکی توسط دانشجویان داشته باشد.

**واژه‌های کلیدی:** رضایتمندی، بیماران، دانشجویان پزشکی

## بررسی لزوم آموزش روش تدریس از دیدگاه دانشجویان دوره دکترای تخصصی (PhD)

دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۱

دکترسید اسحاق هاشمی<sup>۱\*</sup>، دکتر مسعود یوسفی<sup>۲</sup>، فهیمه پورحاجی<sup>۳</sup>، فاطمه پورحاجی<sup>۴</sup>

\*دکترای بیوشیمی بالینی، گروه بیوشیمی، دانشکده پزشکی مشهد

[hashemyi@mums.ac.ir](mailto:hashemyi@mums.ac.ir)

<sup>۲</sup>استادیار گروه میکروبی شناسی و ویروس شناسی

<sup>۳</sup>کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه ریزی آموزشی و کارشناس گروه توسعه و آموزش پزشکی دانشکده پزشکی

مشهد

<sup>۴</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت مشهد

مقدمه: یکی از اهداف دوره دکترای تخصصی (PhD) تربیت مدرسین دانشگاه می باشد، لذا دانشجویان این دوره باید با فن ارائه مطالب presentation skills آشنا شوند. هدف مطالعه حاضر، بررسی لزوم آموزش روش تدریس به دانشجویان دوره دکترای تخصصی (PhD) در دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۱ می باشد.

روش‌ها: پژوهش حاضر مطالعه تجربی بوده و جامعه مورد پژوهش ۳۲ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی در مقطع دکترای تخصصی در دانشکده پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۱ بودند که به روش مبتنی بر هدف انتخاب شدند. در این پژوهش سه کارگاه آموزشی "روش تدریس" به شیوه سخنرانی، پرسش و پاسخ و اجرای عملی در سه دوره متوالی برگزار شد و با استفاده از پرسشنامه ای با رعایت مخفی بودن نام تکمیل کننده، مشتمل بر سئوالاتی در مورد کیفیت کارگاه آموزش روش تدریس و برخوردار از مقیاس درجه بندی لیکرت، دیدگاه دانشجویان مورد ارزیابی قرار گرفت. روایی پرسشنامه از طریق روایی محتوی توسط افراد صاحب نظر و پایایی آن از طریق Test-Retest مطالعه مقدماتی (Pilot study) و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مشخص گردید، که مقدار آن برابر ۰/۸۵ بود. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS، نسخه ۱۶،۵ تجزیه و تحلیل گردید. برای توصیف داده ها، از جداول توزیع فراوانی استفاده شد.

نتایج: در این مطالعه اکثر دانشجویان اظهار داشتند برای اثربخشی آموزش بایستی این آموزش ها مداوم باشد و ۶۸،۸٪ آنها با برگزاری این کارگاه ها در آینده موافق بودند. اساسا برنامه های آموزشی برای تدریس برای دانشجویان (Teaching to teach) باید به طور مداوم برگزار شوند. از نتایج مثبت این طرح، ترویج استفاده از کارگاه های آموزشی شیوه تدریس، در دانشگاه علوم پزشکی مشهد می باشد. در این بررسی مشخص شد که برگزاری این کارگاه نقش مهمی در مهارتهای تدریس دانشجویان دوره دکترای تخصصی درباره کیفیت تدریس داشته است. در این پژوهش دانشجویان معتقد بودند که تدریس و آموزش کارگاه روش تدریس یکی از نیازهای آموزشی آنها محسوب می شود.

نتیجه گیری: به طور خلاصه باید گفت که آموزش روش تدریس به دانشجویان دکترای تخصصی سبب بهبود مهارتهای تدریس آنان و در نتیجه تقویت اعتماد به نفس در ایفای عملکرد دانشگاهی آنان خواهد شد. علاوه بر این بهبود مهارتهای تدریس سبب عملکرد بهتر آنان در نقش آموزش دهنده خواهد شد و در نتیجه می توانند عملکرد دانشگاهی فراگیران را نیز بهبود بخشند و موجب افزایش یادگیری و موفقیت تحصیلی آنها شوند. این امر در ایجاد یک محیط سازنده آکادمیک و فضای مطلوب برای آموزش دهندگان و آموزش گیرندگان نیز موثر بوده و موجب بهتر شدن دستاورد آموزشی خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: روش تدریس، دانشجوی دوره دکترای تخصصی

## طراحی الگوی پیشنهادی جهت ارزشیابی از کارکنان بالینی و تعیین آنها جهت آموزش بالینی

بتول محمدی\*، فرح عزیزی نقدلو

کارشناس ارشد آموزش پرستاری، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد کرج

[b.mohamadi@kiaui.ac.ir](mailto:b.mohamadi@kiaui.ac.ir)

**مقدمه:** آموزش بالینی پرستاری یک حرفه و فعالیت علمی است که مستلزم سطح بالایی از صلاحیت، مهارت و تجارب حرفه ای متناسب همراه با توسعه مهارت‌های ارتباطی می باشد لذا برگزیدن مربیان بالینی که واجد شرایط فوق باشند یکی از مسائل مهم در این حرفه می باشد، در این راستا هدف از پژوهش حاضر ارائه یک الگوی پیشنهادی جهت ارزشیابی از کارکنان بالینی و تعیین آنها به عنوان مربی بالینی می باشد.

**روش‌ها:** در این پژوهش توصیفی اطلاعات مورد نیاز برای تحقیق از طریق اسناد و مدارک معتبر در پایگاه‌های پزشکی با تاکید برتحلیل عمیق مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در این زمینه جمع آوری گردیده و بر اساس آنها یک الگو جهت ارزشیابی از کارکنان بالینی طراحی شد.

**نتیجه‌گیری:** بکارگیری این الگو جهت ارزشیابی از کارکنان بالینی و تعیین آنها جهت آموزش بالینی روش مناسبی می باشد و پیشنهاد می شود با توجه به تاثیر شگرف مربیان در بهبود مهارت‌های بالینی دانشجویان از این الگو جهت برگزیدن مربیان لایق و کارآمد ازبین کارکنان بالینی استفاده نمود.

**واژه‌های کلیدی:** ارزشیابی، آموزش بالینی، الگو، کارکنان بالینی



## بررسی عوامل موثر بر رضایتمندی تحصیلی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جهرم در سال ۱۳۹۱

علی دهقانی\*<sup>۴۵</sup>، آرمیتا بن راضی غایش<sup>۴۶</sup>، لایلا مهبودی<sup>۴۷</sup> فروغ فرخ آبادی<sup>۲</sup>، زهرا زارعی<sup>۲</sup>، رسول بهارلو<sup>۴۷</sup>  
\* عضو هیأت علمی، مربی، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم  
<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی هوشبری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم،  
<sup>۳</sup> عضو هیأت علمی، مربی، گروه ایمنولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم،

مقدمه: رشد و توسعه هر جامعه متأثر از نیروی آموزش دیده آن جامعه بوده و شناسایی فاکتورهای موثر در رضایتمندی تحصیلی و فراهم کردن آنها، گامی به سوی توسعه پایدار است. لذا این مطالعه با هدف تعیین عوامل موثر بر رضایتمندی تحصیلی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جهرم در سال ۱۳۹۱ انجام گرفت.

روش‌ها: این مطالعه توصیفی- مقطعی با مشارکت ۳۱۵ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جهرم به صورت سرشماری انجام گردید. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته ۴۴ سوالی بود که عوامل رضایتمندی تحصیلی را در شش بعد فردی، آموزشی، اخلاقی، مدیریتی، امکانات رفاهی و شغلی از دیدگاه دانشجویان بررسی می نمود. آنالیز اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS 16 و آزمون های مربوطه انجام گردید.

نتایج: مهمترین عامل تاثیر گذار در رضایتمندی تحصیلی از دیدگاه دانشجویان به ترتیب شامل القای اعتماد به نفس به دانشجویان توسط اساتید و مسئولین، سیستم مدیریتی مناسب و درآمد شغلی مناسب در آینده می باشد. همچنین کمترین عامل تاثیر گذار در رضایتمندی تحصیلی از دیدگاه دانشجویان به ترتیب شامل برگزاری کلاس ها در نوبت صبح، شیوه تدریس سخنرانی جهت ارائه مطالب و ایجاد انگیزه و علاقه کافی توسط اساتید در دانشجویان می باشد.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه در میان ابعاد مورد بررسی، بعد آموزشی و پژوهشی مهمترین بعد تاثیر گذار در رضایتمندی تحصیلی دانشجویان می باشد. لذا توجه بیشتر به حیطه های مختلف آموزشی و پژوهشی از جانب برنامه ریزان آموزشی و مدیران پیشنهاد می گردد.

واژه های کلیدی: رضایتمندی تحصیلی، دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی جهرم

## بررسی تفصیلی پرسشهای چند جوابی (MCQ) آزمونهای انگل شناسی پزشکی رشته علوم آزمایشگاهی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی

علی فتاحی بافقی<sup>۱\*</sup>، مهین غفورزاده<sup>۲</sup>، راضیه سلیمیان<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشیار هیات علمی، گروه انگل شناسی، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران.

Email: [afbafghi@ssu.ac.ir](mailto:afbafghi@ssu.ac.ir)

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد انگل شناسی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران.

<sup>۳</sup> کارشناس علوم آزمایشگاهی، فارغ التحصیل بهمن ۱۳۹۱، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران.

**مقدمه:** بیماریهای عفونی همچنان بزرگترین مشکل بهداشتی باقی مانده اند و در این بین بیماریهای انگلی بدون داروی قاطع، فاقد واکسن و بدون ایمنی استریل در صدر این مشکلات باقی مانده اند. در ارزشیابی آموزش بجاست که مهمترین ابزار اندازه گیری پیشرفت تحصیلی دانشجویان که آزمون است را پیوسته مد نظر قرار دهیم. دقیقترین آزمون ها را ارائه دهیم زیرا افزون بر اعتبار بخشی، ثبات و ارزیابی آزمون، تند تر و ساده تر هم به هدفهای آموزشی می رسیم. در این مطالعه هدف بررسی تفصیلی سوال های چندجوابی آزمونهای انگل شناسی رشته علوم آزمایشگاهی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۹۱ بود.

**روشها:** در این مطالعه توصیفی- مقطعی کلیه سوالهای آزمونهای انگل شناسی رشته علوم آزمایشگاهی در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۹۱ در دو دوره روزانه و شبانه با بررسی تفصیلی، تنه سوال، استخراج و اطلاعات مربوط به تاکسونومی یک، دو، سه و ضریب دشواری، ضریب تشخیص، روایی، وجود گزینه های انحرافی مورد ارزیابی قرار گرفت.

**نتایج:** در دو نیمسال تحصیلی ۹۰-۱۳۹۱ و در دو دوره روزانه و شبانه ۱۶۵ سوال مورد بررسی قرار گرفت که ۲۹ سوال تشریحی و انگلیسی بود. پرسشهای چهار گزینه ای در مجمع ۱۳۶ مورد بود. از مجموع ۱۳۶ سوال بررسی شده تنه ۷ سوال (۵.۱۵٪) نامفهوم بود، ۵۷ سوال (۴۱.۱۱٪) تاکسونومی یک، ۴۵ سوال (۳۳.۰۸٪) تاکسونومی دو و ۳۴ سوال (۲۵٪) تاکسونومی سه بود. در واقع ۷۹ سوال (۵۸.۰۸٪) تجزیه، تحلیل و قضاوت دانشجو را می سنجید. ضریب دشواری سوال های تک یاخته شناسی ۴۴.۱۸۵٪ و کرم شناسی ۲۳.۴۳۷۵٪ بود، ضریب تشیص سوال های تک یاخته شناسی ۳۱.۸۲٪ و کرم شناسی ۲۷.۲۷۵٪ بود.

**نتیجه گیری:** سوال ها در بیش از نیمی از موارد دانش را ارزشیابی می کند و بهتر است در طراحی سوال ها تاکسونومی ۲ و ۳ هم مورد توجه قرار گیرد. سوال با ضریب دشواری ۵۰٪ معمولا دارای قدرت تشخیصی ایده آل ها است گرچه ضریب دشواری ۸۰٪-۲۰٪ قابل قبول است و در ضریب تشخیص سوال بسیار مشکل (۱۰۰٪) و یا بسیار ساده (۰-٪) هر دو دارای قدرت تشخیصی ضعیفی هست و سوال با ضریب تشخیصی ۵۰٪ بهترین سوال است.

**واژه های کلیدی:** آزمون، پرسشهای چند گزینه ای، انگل شناسی، بررسی تفصیلی، علوم آزمایشگاهی.

### بررسی رضایت مندی دانشجویان علوم پزشکی از مراحل ثبت نام و انتخاب واحد اینترنتی

دکتر زکیه رستم زاده خامنه\*، فرید جوان دوست، امید پورعلی اسلاملو  
\*استادیار دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه  
rostamzadehzakieh@yahoo.com

مقدمه: نظام آموزش عالی نقش بسیار زیادی در پیشرفت جوامع و مخصوصاً "سازمانها بر عهده دارد. و پیکره ی اصلی سازمانها و ارگانهای مختلف در آینده دانشجویان خواهند بود پس باید خدمات و امکانات آموزشی در ایجاد انگیزش و ارتقای کیفیت آموزش و آمادگی روانی برای یادگیری بیشتر را فراهم گردد. مطالعه ی حاضر با هدف بررسی رضایت مندی دانشجویان علوم پزشکی ارومیه از ثبت نام اینترنتی انجام گرفت.

**روش‌ها:** در این مطالعه ی توصیفی مقطعی ۱۲۱ نفر از دانشجویان پیراپزشکی و بهداشت ارومیه که در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ ثبت نام کرده بودند مورد بررسی قرار گرفتند. برای گردآوری داده ها از روش توزیع فرد به فرد و با توجیه کارشناسان هر دانشکده استفاده گردید. جمع آوری داده ها از طریق پرسشنامه خودساخته ای است که میزان رضایت دانشجویان را از ثبت نام اینترنتی می سنجد. و روایی و پایایی آن در این مطالعه سنجیده شده مورد بررسی قرار گرفت. پرسشنامه شامل سه قسمت سوالات مربوط به مشخصات فردی و زمینه ای دانشجویان و عوامل تاثیرگذار در ثبت نام اینترنتی و ... و رضایت مندی از مراحل ثبت نام می باشد.

**نتایج:** در مطالعه حاضر که به بررسی رضایت مندی ۱۲۱ نفر از دانشجویان که شامل ۷۲,۷۲ درصد زن و ۲۷,۲۸ درصد مرد بود. تعداد ۹۲,۲ درصد ثبت نام اینترنتی و ۷,۸ درصد خواهان ثبت نام غیراینترنتی بودند. که ۸۳,۶ درصد دسترسی راحت و ۱۶,۴ درصد عدم دسترسی راحت به برنامه ثبت نام را ذکر کردند. ۴,۱۶ درصد از دانشجویان عدم آشنایی با اینترنت و ۵۰ درصد عدم دسترسی راحت به برنامه ثبت نام و ۴۵,۸۴ درصد عدم اطلاع رسانی دقیق را به عنوان مشکل بیان کردند. تحلیل داده ها حاکی از آن بود علی رغم جدید بودن ثبت نام اینترنتی ۸۰,۳ درصد دانشجویان رضایت از مراحل ثبت نام و ۱۹,۷ درصد از دانشجویان از مراحل ثبت نام اینترنتی رضایت نداشتند. ۴۸,۶ درصد از دانشجویان اطلاع رسانی و راهنمایی دانشگاه برای انتخاب واحد متوسط و ۳۴,۶ کم و ۱۶,۸ درصد خوب اعلام کردند. و ۹۱,۳ درصد دانشجویان از اینترنت بیرون دانشگاه جهت ثبت نام استفاده کرده بودند. که ۵۲,۱ درصد آنها ۵ تا ۱۰ دقیقه برای ثبت نام وقت صرف کرده بودند. از نظر دانشجویان امکانات موجود در دانشگاه اعم از رایانه و اینترنت ۳۵,۳ درصد کم -۱۰,۶ درصد زیاد و ۵۴,۱ درصد متوسط است.

مشکلات دانشجویان (درخواست): اکثر دانشجویان در کنترل پیش نیاز و تکمیل ظرفیت دچار مشکل بودند.

**نتیجه گیری:** داده ها نشان دهنده ی آن است که دانشجویان از ثبت نام اینترنتی رضایت دارند و خواهان ارتقای هرچه بیشتر آن هستند. لذا پیشنهاد می شود با ارتقای هر چه بیشتر تکنیکهای پیشرفته در مراحل ثبت نام اینترنتی رضایت هرچه بیشتر دانشجویان فراهم گردد و مسئولین آموزشی برای ارتقای کیفیت خدمات تلاش نمایند.

واژه‌های کلیدی: ثبت نام اینترنتی - دانشجویان-انتخاب واحد

### کارآموزی در عرصه رشته بهداشت عمومی از دیدگاه دانشجویان و گروه آموزشی : یک پژوهش کیفی

دکتر پیمان پرویززاد<sup>1</sup>، سارا رضائی<sup>۲\*</sup>

<sup>1</sup>دکترای PhD مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دانشکده بهداشت

<sup>۲\*</sup>سارا رضائی، دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مازندران

**مقدمه:** دانش‌آموختگان رشته بهداشت عمومی پس از فراغت از تحصیل، کارشناس حرفه‌ای در نظام سلامت خواهند بود تا با قرار گرفتن کنار سایر کارکنان سلامت، مسولیت‌تأمین، حفظ و ارتقای سلامت جامعه را به عهده‌گیرند برای انجام این مهم دانشجویان فوق‌باید دانش و مهارت لازم را در دانشکده‌های بهداشت فراگیرند و پس از طی دوران کارآموزی، ویژگی‌های حرفه‌ای لازم را برای انجام وظایف خود کسب نمایند، این پژوهش با هدف بررسی مواد آموزشی کارآموزی در عرصه از دیدگاه کارآموزان، فارغ‌التحصیلان و گروه آموزشی بصورت یک مطالعه کیفی در دانشگاه علوم پزشکی مازندران انجام گرفت.

**روش‌ها:** در این پژوهش کیفی، نمونه‌گیری ابتدایی و به شکل هدفمند از بین کارآموزان، فارغ‌التحصیلان و گروه آموزشی انجام شد و مصاحبه بصورت نیمه ساختار یافته صورت گرفت بنابراین نتایج حاصل از مصاحبه، ما را برای انتخاب نمونه بعدی راهنمایی کرده و به ترتیب نمونه‌های بعدی بدست آمدند تا جایی که دیگر ایده جدید بدست نیامد، پس از گردآوری اطلاعات بدینگونه، نوشته‌های ثبت شده، بارها و بارها بررسی شدند و پس از کدگذاری داده‌های بدست آمده، نتایج پژوهش به روش آنالیز محتوا، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** از تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر پنج درون‌مایه مهم حاصل شدند که این درون‌مایه‌ها، شامل تعدادی زیرطبقات می‌باشند: ارزیابی سرفصل‌های کارآموزی، انتظارات از کارآموزی، انگیزه حضور در کارآموزی و افزایش آن، پرورش مهارت‌های غیر فنی و ارزیابی کارآموزی شامل: جلسات ابتدایی، بازدیدها، پروژه تحقیقاتی، آزمون پایانی، آموزش و فعالیت عملی در عرصه، همکاری بین بخشی، همکاری و حضور مربیان، همکاری و حضور اساتید، حضور کارآموزان، تسهیلات جانبی و برنامه ریزی.

**نتیجه‌گیری:** نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که نبود برنامه ریزی‌های منسجم عامل مهم در بروز اکثر مشکلات کارآموزان در کارآموزی می‌باشد، لذا لازم است مسئولان با تلاش بیشتر و برنامه ریزی‌های منسجم‌تر در جهت ارتقای کیفیت کارآموزی گام برداشته و کارآموزان را در کسب دانش و مهارت بیشتر یاری نمایند.

**واژه‌های کلیدی:** کارآموزی در عرصه، بهداشت عمومی، مطالعه کیفی.

## روش نوین آموزشی و خود ارزیابی برای سوال همیشگی دانشجویان: چرا نمره امتحان من کمتر از آنچه توقع داشتم شده است؟

الهام رحمانی\*، شهناز احمدی

\* دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

Email: Rahmani@bpums.ac.ir

**مقدمه:** همیشه اساتید با این معزل روبرو هستند که بعد از امتحان و مشخص شدن نمرات، تعداد زیادی از دانشجویان در مورد نمره خودشان اعتراض دارند و تصور می کنند که نمره شان اشتباه شده و باید نمره بهتری می گرفتند. هدف از این مطالعه آشنایی دانشجویان با روش تصحیح برگه های امتحانی و باروم بندی جوابها می باشد تا آنها بتوانن برای امتحانات نهایی آخر بخش با آمادگی و اعتماد به نفس بالاتری شرکت کنند.

**روش ها:** گروه هدف دانشجویان پزشکی کارآموز و کارورز بخش زنان در سال ۹۱ بوده اند. بعد از برگزاری کنفرانس، از همان موضوع ۱۰ سوال تشریحی به دانشجویان داده شد. پس از امتحان به دانشجویان گفته شد که آخر هر سطر را با علامت ضربدر ببندند و خودکار رنگ قرمز به آنها داده شد. استاد جواب سوالات را با نحوه باروم بندی هر قسمت جداگانه خوانده و دانشجویان برگه خود را تصحیح کرده و در نهایت جمع نمرات خود را حساب می کنند و در پایین برگه می نویسند. برگه امتحان توسط استاد تصحیح نهایی می شود. یک نمره هم برای صحت کار دانشجویان و نمره مساوی با نمره استاد تخصیص یافته است.

**نتایج:** در پایان دوره جهت این روش آموزشی و خود ارزیابی از دانشجویان نظرخواهی شد که ۹۰٪ از این روش رضایت داشتند و با آمادگی و اعتماد به نفس بیشتری در امتحان نهایی بخش شرکت کرده اند. دانشجویان نمرات خود را بهتر قبول کردند و هر بار سعی و تلاش بیشتری برای بهبود نمرات خود داشته اند. در ضمن دانشجویان مطمئن شدند که تمام امتحانات دوره ای بطور کامل و بدرستی تصحیح و در نمره کل موثر خواهد بود. پس بطور مداوم مطالعه کرده و مطالب برای شب امتحان نهایی باقی نمی ماند.

**نتیجه گیری:** مشارکت دانشجویان در تصحیح برگه های امتحانی می تواند باعث ارتقای کیفیت آموزش شده و دانشجویان نقاط ضعف و قوت خود را در برداشت صحیح از مطالب آموخته محک بزنند و با تمرکز بهتری در هنگام مطالعه نکات را به مرور یاد بگیرند.

**واژه های کلیدی:** روش نوین آموزشی، روش خود ارزیابی، دانشجویان پزشکی

## آموزش مشاوره بلوغ: نوآوری در برنامه ریزی آموزشی دانشجویان مامایی

مریم حسن زاده بشتیان\* . راحله عسلی. حسین لشکر دوست  
اعضای هیات علمی. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی. بجنورد. ایران.

**مقدمه:** در مصوبه شرح وظایف ماماها توسط نظام پزشکی آمده است که ماماها باید آموزش و مشاوره در مورد نوجوانان، بلوغ و مسائل و مشکلات آن را بدانند. اما در برنامه کارآموزی بهداشت مادر و کودک دانشجویان مامایی جایی برای آموزش مشاوره بلوغ وجود نداشت، در حالیکه طبق سرفصل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تئوری آن تدریس می شد و با توجه به این که مشاوره بلوغ نیز یکی از وظایف ماماها می باشد، لذا هدف از این مطالعه تعیین توانایی آموزش مشاوره بلوغ توسط دانشجویان مامایی به دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی بود.

**روش‌ها:** این مطالعه از نوع توصیفی بود که جامعه آن دانشجویان مامایی ترم ۷ به تعداد ۱۸ نفر بودند و به صورت گروه‌های ۵ و ۴ نفره برگزار شد. دانشجویان کارآموزی آموزش مشاوره بلوغ را تحت راهنمایی مربی مربوطه و با استفاده از روش‌های پرسش پاسخ، استفاده از وسایل کمک آموزشی و به کارگیری اصول مشاوره طی کردند. مهارت دانشجویان در امر مشاوره بلوغ با چک لیستی پژوهشگر ساخته که حاوی ۱۱ سوال بود اندازه گیری شد.

**نتایج:** پرسشنامه توسط مربی برای هر دانشجو و توسط یکی از دبیران هر کلاس به عنوان ناظر برای هر دانشجو و همچنین توسط برخی دانش آموزان تحت مشاوره که به شیوه تصادفی انتخاب می شدند، تکمیل شد. روایی آن به شیوه محتوایی تعیین شد و برای پایایی پرسشنامه، از ده نفر از پرسش شوندگان (بدون مداخله مجدد)، پرسشنامه بعد از یک هفته مجددا جمع آوری شد و با آزمون همبستگی سطح پایایی آن ۰/۷ تعیین شد.

**نتیجه‌گیری:** آموزش مشاوره بلوغ در این روش به دلیل استفاده از آموزش چهره به چهره به جای سخنرانی محض موجب افزایش میزان و عمق یادگیری در فراگیران و مراجعین و کاهش مشکلات و عوارض آموزش غیر مشارکتی می گردد، در عین حال دانشجویان محیط آموزشی واقعی را تجربه نموده و با چالش‌های پیش رو در این روش مواجهه گشته و آنرا به روش درست تحت نظارت مربی مدیریت می نمایند .

## بررسی میزان رضایتمندی دانشجویان مدیریت خدمات بهداشتی درمانی از انطباق مطالب آموزشی درس "شناخت، تهیه و توزیع دارو" با واقعیات موجود در داروخانه بیمارستان آموزشی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

دکتر طاهره اعتراف اسکویی\*

\*استادیار دانشکده داروسازی (PhD فارماکولوژی) دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دانشکده داروسازی، گروه فارماکولوژی  
[eteraf\\_t@yahoo.com](mailto:eteraf_t@yahoo.com)

**مقدمه:** داروخانه بیمارستان، از مهم ترین واحدهای پاراکلینیکی تأثیرگذار در کیفیت و کمیت خدمات درمانی ارائه شده در بیمارستان ها می باشد. آشنایی با اصول صحیح مدیریت داروخانه بیمارستان، از سر فصل های واحد درسی "شناخت، تهیه و توزیع دارو" است که برای دانشجویان مدیریت خدمات بهداشتی درمانی آموزش داده می شود. هدف از این پژوهش، بررسی میزان رضایتمندی دانشجویان، از انطباق مطالب تئوری آموزشی درس مذکور، با واقعیات موجود در داروخانه بیمارستان می باشد.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی - مقطعی در چهار سال متوالی بر روی دانشجویان مدیریت خدمات بهداشتی درمانی دانشگاه علوم پزشکی تبریز انجام شد. در طول ترم تحصیلی بعد از آن که سر فصل های مرتبط با مدیریت داروخانه بیمارستان تدریس شد؛ برنامه آموزشی در داروخانه بیمارستان آموزشی امام رضا (ع) دانشگاه علوم پزشکی تبریز به اجرا در آمد. سپس پرسشنامه ای در اختیار دانشجویان قرار گرفت و میزان رضایتمندی آنان در مورد میزان انطباق مطالب تئوری آموخته شده در کلاس درس با واقعیات موجود در داروخانه اخذ گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** نتایج نشان داد که برنامه بازدید از داروخانه از نظر دانشجویان مفید بوده (میزان رضایت:  $75/9 \pm 5/9$  درصد) و رؤیت پروسه کار در داروخانه، آموخته های قبلی دانشجویان را تعمیق بخشیده و تکمیل نموده است (میزان رضایت:  $4/2 \pm 66/7$  درصد). دانشجویان با توجه به مطالب تئوری آموخته شده، از پرسنل شاغل در داروخانه از نظر تعداد مناسب و مطابق استاندارد آنها  $40/7 \pm 5$  درصد، همکاری و رفتار مناسب آنها  $76/5 \pm 3/8$  درصد رضایت داشتند. از نظر دانشجویان مستند سازی در داروخانه از استانداردهای لازمه برخوردار نبود بطوریکه رضایت از دفتر دارویی و محل نگهداری اسناد داروخانه بترتیب  $37 \pm 5/6$  درصد و  $4/1 \pm 25/5$  درصد بدست آمد. برچسب مناسب قفسه های دارویی، اتاق کار انباردار و چینش کارتن های دارویی در انبار بترتیب با میزان رضایت  $48 \pm 5/6$  درصد،  $4/9 \pm 28/8$  درصد و  $3/8 \pm 16/6$  درصد از طرف دانشجویان ارزیابی شد. رضایت از وجود لوازم و تجهیزات ایمنی و همچنین محل مناسب کپسول آتش نشانی و دسترسی راحت به کنتور برق، از نظر دانشجویان بترتیب با میزان رضایت  $41/7 \pm 5/3$  درصد و  $4/1 \pm 38/3$  درصد ارزیابی شد.

**نتیجه گیری:** به نظر دانشجویان، مدیریت واحد خدمات دارویی در بیمارستان امام رضا (ع) دانشگاه علوم پزشکی تبریز، با استانداردهای آموخته شده فاصله زیادی دارد.

**واژه های کلیدی:** داروخانه بیمارستان، آموزش پزشکی، مدیریت دارو

## ارزیابی شاخص های کیفیت آزمونهای دوره فیزیوپاتولوژی دانشکده پزشکی اردبیل

نسرین فولادی<sup>۱</sup>، حسین علی محمدی اصل<sup>۲\*</sup>، عفت مظاهری<sup>۳</sup>، سعید صادقیه<sup>۴</sup>، فرهاد پور فرضی<sup>۵</sup>، مهدی نباتیان<sup>۶</sup>  
\* حسین علی محمدی اصل، عضو هیئت علمی گروه علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

**Email: h.alimohammadi@arums.ac.ir**

<sup>۱</sup>دانشیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

**Email: n.fouladi@arums.ac.ir**

<sup>۵</sup>دانشیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

<sup>۶</sup>دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

**مقدمه:** برای ارتقای کیفی سوالات آزمون ها باید شناخت دقیقی از اشکالات آزمون داشت. این پژوهش به منظور ارزیابی شاخص های کیفی آزمونها و شناخت اشکالات جهت برطرف کردن آنها توسط طراحان صورت گرفته است.

**روشها:** در یک مطالعه مقطعی آزمونهای دوره فیزیوپاتولوژی سال تحصیلی ۸۹-۹۰ مربوط به درسهای پاتولوژی، خون، ریه، قلب و غدد از نظر تاکسونومی، ضریب تمییز و ضریب دشواری ارزیابی شد. تاکسونومی توسط اساتید طراح سوال و استاد راهنما و ضریب تمییز و ضریب دشواری توسط کارشناس مرکز EDC با نرم افزار مربوطه محاسبه گردید. نتایج با نرم افزار SPSS آنالیز گردید.

**نتایج:** یافته ها نشان داد که از نظر تاکسونومی ۵۲/۷ درصد سوالات در تاکسونومی یک و ۴۷/۳ درصد سوالات در تاکسونومی دو و سه قرار داشتند. از نظر ضریب دشواری ۷۷/۳ درصد سوالات ضریب دشواری مناسب و تنها ۱۹/۷ درصد ضریب تمییز مناسب داشتند.

**نتیجه گیری:** با توجه به اهمیت توانمندسازی دانشجویان برای انجام قضاوت های بالینی بهتر است از سوالات با تاکسونومی ۲ و بالاتر بیشتر در طراحی سوالات استفاده شود. همچنین با توجه به پایین بودن ضریب تمییز سوالات بهتر است کارگاههای آموزشی جهت ارتقای کیفی سوالات برای اعضاء هیئت علمی برگزار گردد.

**واژه های کلیدی:** تاکسونومی، ضریب تمییز، ضریب دشواری



### تأثیر جایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده و شکست تحصیلی دانشجویان بر ابعاد کیفیت زندگی و گرایش به مواد مخدر در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان

سجاد رضائی<sup>۱\*</sup>، دکتر سید حشمت اله موسوی، منیره کرم بین، نسترن مهربخش، سوسن نصیری.  
<sup>۱\*</sup> دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه اصفهان و کارشناس اداره مشاوره دانشگاه علوم پزشکی گیلان  
rezaei\_psy@hotmail.com

**مقدمه:** موضوع حساس گرایش به مواد مخدر و تغییرات عمده در کیفیت زندگی دانشجویان به طور بالقوه می تواند از جایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده و نیز شکست تحصیلی دانشجویان در رسیدن به اهداف آموزشی متأثر باشد. هدف از اجرای این پژوهش تأثیر جایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده و شکست تحصیلی دانشجویان بر ابعاد کیفیت زندگی و گرایش به مواد مخدر در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان بود.

**روش ها:** این پژوهش از نوع مورد-شاهد اجرا شد و در آن از کلیه دانشجویانی که در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ توسط اداره آموزش دانشگاه علوم پزشکی گیلان به عنوان مشروطی یا افت تحصیلی (کاهش ۲ نمره‌ای معدل نسبت به ترم گذشته) معرفی شده بودند، دعوت به‌ارزیابی گردید. سپس به همان تعداد از دانشجویانی موفق که فاقد سابقه مشروطی، معدل بالای ۱۶ بودند و از نظر سن، مقطع، رشته و سال تحصیلی با گروه دارای شکست تحصیلی هم‌تاسازی شده بودند، نمونه‌گیری به عمل آمد. در این مطالعه دانشجویان دارای جایگاه اجتماعی-اقتصادی خانوادگی بالا، متوسط و پایین با توجه میزان درآمد خانوادگی آنها به ترتیب در دامنه بالای ۱ میلیون، بین ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون و کمتر از ۵۰۰ هزار تومان طبقه‌بندی گردیدند. هریک از آنها به پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناختی و فرم کوتاه پرسشنامه زمینه‌یابی سلامت (SF-36) و پرسشنامه نگرش سنج نسبت به اعتیاد پاسخ دادند. داده‌ها توسط آزمون‌های t استیودنت مستقل، تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) و تحلیل واریانس تک‌متغیری (ANOVA) آنالیز گردیدند.

**نتایج:** یافته‌های حاصل از ۵۳ دانشجوی واجد و ۵۳ دانشجوی فاقد شکست تحصیلی به ترتیب با معدل کل ۱۴/۵۶ و ۱۷/۲۵ ( $P < 0/0001$ ) بیانگر آن بود که اثر شکست تحصیلی بر برخی از ابعاد کیفیت زندگی معنی‌دار است. بدین مفهوم که سلامت عمومی، عملکرد اجتماعی، سلامت روانی و بُعد جسمانی کیفیت زندگی سنجیده شده توسط پرسشنامه SF-36 در دانشجویان دارای شکست تحصیلی به طور معنی‌داری بدتر از دانشجویان فاقد شکست تحصیلی است. اما اثر جایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده و نیز تعامل آن با متغیر شکست تحصیلی در مدل MANOVA بر هیچ یک از ابعاد کیفیت زندگی معنی‌دار نبود. نتایج آزمون ANOVA نشان داد اثر شکست تحصیلی و نیز تعامل آن با متغیر جایگاه اجتماعی-اقتصادی بر گرایش به مواد مخدر معنی‌دار نیست اما اثر جایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده به تنهایی بر گرایش دانشجویان به مواد مخدر معنی‌دار به دست آمد. نتایج آزمون تعقیبی توکی جهت مقایسه میانگین‌های بین سه گروه جایگاه اجتماعی-اقتصادی نشان داد، دانشجویان دارای جایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا در مقایسه با گروه‌های دیگر، نگرش مساعدتری نسبت به مصرف مواد داشتند. نتیجه‌گیری: شکست تحصیلی در دانشجویان پزشکی از عوامل خطرزای افت کیفیت زندگی است. اما جایگاه اجتماعی-اقتصادی نقشی در تفاوت‌های مشاهده شده نداشت. برعکس رابطه فوق، شکست تحصیلی تأثیری در نگرش دانشجویان به مصرف مواد نداشت اما دانشجویان دارای سطح بالای جایگاه اجتماعی-اقتصادی خانوادگی نگرش بهتری به مصرف مواد داشتند، اگرچه این یافته لزوماً به معنای شیوع بیشتری سوء مصرف مواد در این طبقه اجتماعی-اقتصادی نیست. محدودیت‌ها، پیشنهادات و دلالت‌های ضمنی این نتایج مورد بحث قرار گرفته است.

**واژه‌های کلیدی:** جایگاه اجتماعی - اقتصادی، شکست تحصیلی، کیفیت زندگی، گرایش به مواد مخدر.

### طراحی مدل ارزشیابی مشارکتی توانمندساز در اساتید دانشگاه

نسرین الهی

عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی جندیشاپور اهواز- دانشکده پرستاری و مامایی- گروه پرستاری

اعضای هیأت علمی دانشگاه ها در فرایند یاددهی-یادگیری از عوامل عمده و مؤثر محسوب می شوند. برای بهبود این فرایند، هم توسعه مداوم فردی اعضای هیأت علمی و هم ارزشیابی وظایفی که در این فرایند به عهده دارند، از شاخصه های یک دانشگاه موفق است. تاکنون پژوهشهای بسیاری در زمینه ارزشیابی استاد صورت گرفته است که اکثرا از نوع تحقیقات کمی می باشد و کمتر به درک و فهم عمیق و همه جانبه این پدیده پرداخته اند؛ زیرا اصولا شناخت و تشریح ساختار و ماهیت یک پدیده در حیطه پژوهشهای کیفی است. بدین منظور پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی با الگو و فرایند تئوری زمینه ای می باشد که در جهت تعیین و شناخت ساختار اصلی ارزشیابی خصوصا ارزشیابی استاد به عنوان مهمترین معضل تعیین صلاحیت حرفه ای در جهان صورت پذیرفت. تجزیه و تحلیل داده های حاصل از همکاران پژوهش (مدرسان در گروههای مختلف، دانشجویان، مدیران) و تبیین مفاهیم، ضعف ضابطه مندی ابزار ارزشیابی، ارزشیابی مشارکتی، بازخورد غیر مؤثر، روند نامطلوب منجر به پیدایش و تولید یک متغیر کلیدی اولیه به نام ارزشیابی مشارکتی توانمندساز گردید. این متغیر پیوند دهنده مفاهیم حاصل از داده های پژوهش می باشد و به عنوان رویکرد تئوریک ارزشیابی مطرح می شود. الگوی تجربی و عملیاتی مورد نظر با عنایت به داده های پژوهش حاصل از روند مطالعه کیفی، و توجه به ضرورت دستیابی به اهداف این رویکرد که دارای چهار مرحله دانش افزایی، اجرای ارزشیابی مشارکتی (کمی-کیفی)، آشکارسازی، توانمندسازی می باشد. به منظور ایجاد رضایتمندی استاد از ارزشیابی و ارتقاء سطح صلاحیت حرفه ای جهت بهبود فرایند یاددهی- یادگیری طراحی و به صورت پایلوت اجرا گردید.

کلمات کلیدی: ارزشیابی مشارکتی توانمندساز، طراحی مدل، مطالعه کیفی، ارزشیابی استاد

## ارزشیابی اساتید از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی

حسین محمودی<sup>۱\*</sup>، مهرنوش بازارگادی<sup>۲</sup>، عباس عبادی<sup>۳</sup>

\*دکتری پرستاری استادیار دانشگاه علوم پزشکی بقیه ا... (عج)

[h.mahmoudi@Bmsu.ac.ir](mailto:h.mahmoudi@Bmsu.ac.ir)

<sup>۲</sup>دکتری بهداشت عمومی دانشیار دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی

شهید بهشتی

<sup>۳</sup>دکتری پرستاری دکتری پرستاری استادیار دانشگاه علوم پزشکی بقیه ا... (عج)

مقدمه: یک سیستم ارزشیابی جامع، معتبر و مداوم برای ارزیابی و تضمین کیفیت فعالیت آموزشی اعضاء هیات علمی مورد نیاز می باشد. این مطالعه با هدف تعیین دیدگاه دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری پرستاری دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بقیه ا... (عج) در مورد ارزشیابی استاد در سال ۱۳۸۷ انجام شد.

**روش‌ها:** این پژوهش یک مطالعه توصیفی-تحلیلی بوده که به صورت مقطعی به منظور تعیین دیدگاه دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری پرستاری دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بقیه ا... (عج) در مورد ارزشیابی استاد در سال ۱۳۸۷ صورت گرفته است. دانشجویان مورد مطالعه کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده پرستاری بودند. که به صورت سرشماری در صورت تمایل مورد مطالعه قرار گرفتند. دانشجویان ترم اول به دلیل عدم شناخت کامل از اساتید از مطالعه حذف گردیدند. از مجموعه ۳۸ دانشجوی واجد شرایط ۳۰ نفر در مطالعه شرکت کردند.

ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ارزشیابی استاد مشمل بر ۱۶ سوال بسته بر اساس معیار هرتبه ای لیکرت (بسیار ضعیف، ضعیف، متوسط، خوب، عالی) و در سه حیطه اخلاق (سوال ۱ و ۲)، فن تدریس (سوال ۳-۱۰) و صلاحیت علمی (سوال ۱۶-۱۳) تنظیم گردیده، روایی و پایایی پرسشنامه قبلا توسط مدیریت مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه تایید شده و همه ساله برای ارزشیابی استاد مورد استفاده قرار می گرفته است.

پس از جمع آوری داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS با استفاده از آمار توصیفی تحلیل داده ها انجام شد.

**نتایج:** در این بررسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده عملکرد آموزشی اعضاء هیات علمی دانشکده را مطلوب ارزیابی نمودند. در این تحقیق ارزشیابی شامل سه حیطه اخلاق، فن تدریس و توانایی علمی می باشد. در این تحقیق از نظر حیطه های ارزشیابی به ترتیب اهمیت حیطه اخلاق، حیطه فن تدریس و حیطه علمی قرار دارند. یعنی اینکه اساتید دانشکده از نظر اخلاق بیشترین امتیاز را کسب نموده اند. از نظر ۷۶٫۷٪ از دانشجویان اساتید دارای حیطه اخلاقی خوب، ۴۳٫۳٪ از دانشجویان اعتقاد داشتند که اساتید دارای فن تدریس خوب هستند و ۳۳٫۳٪ از دانشجویان اعتقاد داشتند که اساتید از نظر علمی وضعیت خوبی را دارند.

**نتیجه گیری:** از نکات مثبت اساتید داشتن حسن خلق، برنامه ریزی موثر و تسلط علمی به موضوع درسی بوده است. اساتید محترم باید در زمینه انگیزش دانشجویان برای تحقیق و پژوهش و ارائه کاربردی مطالب درسی تقویت لازم را انجام دهند.

**واژه‌های کلیدی:** ارزشیابی، اعضاء هیئت علمی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی

## بررسی دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی کردستان در رابطه با عملکرد موثر مربیان آموزش بالینی در سال ۱۳۹۰.

گلرخ مریدی\*، شهناز خالدی، اعضاء هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان  
\*g\_moridi@yahoo.com

**مقدمه:** پیشرفت برنامه های آموزشی به کارایی و کفایت فعالیتهای بالینی بستگی دارد که تحت تاثیر عوامل زیادی قرار دارد، یکی از مهم ترین عوامل شناخته شده تاثیر گذار در این زمینه مربیان بالینی و پایش رفتارهای موثر آموزش بالینی مربیان می باشد از آنجائیکه مربیان نقش کلیدی در ایجاد علاقه به حرفه، ارتقاء و موفقیت آمیز بودن تجربیات بالینی و همچنین در پیوند تئوری و عمل دارند از این رو این مطالعه با هدف مقایسه دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی کردستان در رابطه با عملکرد و رفتارهای موثر مربیان در آموزش بالینی در سال ۱۳۹۰ بود.

**روش ها:** این بررسی یک مطالعه توصیفی تحلیلی از نوع مقایسه ای است و ۱۶۰ نفر از دانشجویان پرستاری و مامایی به روش سر شماری شرکت نمودند. معیار ورودی دانشجویان پرستاری و مامایی عبارت بود از اشتغال به تحصیل در ترم سوم به بالا کارشناسی پرستاری و مامایی بود. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه دو قسمتی بود. قسمت اول با ۷ سوال در مورد مشخصات دمو گرافیک، قسمت دوم شامل ۳۰ گزینه بود که رفتارهای موثر آموزش بالینی مربیان از دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامایی مورد سنجش قرار می داد. این پرسشنامه به روش خود گزارش دهی تکمیل گردید و بعد از یک ماه جمع آوری گردید داده ها با استفاده از نرم افزار spss ver16 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** شاخص ترین رفتار موثر آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان پرستاری " برخوردار احترام امیز با دانشجویان، مددجویان و همکاران " و از دیدگاه دانشجویان مامایی " اشتیاق مربیان به رفع مشکلات و راهنمایی دانشجویان " بود. نتایج نشان داد که از دیدگاه واحدهای مورد پژوهش در حد خوب گزارش گردید و در مورد تمام سوالات دانشجویان پرستاری رفتارهای موثر آموزش بالینی مربیان را بهتر از دانشجویان مامایی گزارش کردند و آزمون آماری ارتباط معنی داری را در این ارتباط نشان داد و همچنین دانشجویان ترم بالا تر نسبت به دانشجویان ترم پایین رفتارهای موثر آموزش بالینی مربیان را بهتر ارزیابی نمودند.

**نتیجه گیری:** این یافته ها نشان دهند نزدیک بودن دیدگاه دانشجویان پرستاری و مامایی در مورد رفتارهای موثر آموزش بالینی مناسب مربیان بود، با توجه به اینکه یکی از مسئولیت های مربیان پرستاری و مامایی تاکید روی حضور فعال و یادگیری حرفه ای توانمندی فراگیران و درونی سازی نقش پرستار و ماما و به طور کلی توسعه فرآیند حرفه ای شدن در دانشجویان می باشد. لذا، استفاده از مربیان بالینی مبتکر، خلاق، کارآمد و با تجربه در حیطه تخصصی تاثیر شگرفی بر کیفیت و ارتقاء آموزش بالینی دانشجویان خواهد گذاشت

**واژه های کلیدی:** دیدگاه دانشجویان، پرستاری و مامایی، عملکرد موثر، مربیان آموزش بالینی

## نقش استاد توانمند در جامعه اسلامی از دیدگاه دانشجویان دانشکده علوم پزشکی

### نیشابور

سارا قدوسی مقدم<sup>۱</sup>، هنگامه حبیب زاده<sup>۲\*</sup>، دکتر اباصلت برجی<sup>۳</sup>، راضیه فروتن<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>عضو هیات علمی و سرپرست مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشکده علوم پزشکی نیشابور

<sup>۲\*</sup>عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، [habibzadeh1@nums.ac.ir](mailto:habibzadeh1@nums.ac.ir)

<sup>۳</sup>عضو هیات علمی و معاون آموزشی دانشکده علوم پزشکی نیشابور

<sup>۴</sup>عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

**مقدمه:** ارکان اساسی آموزش در هر دانشگاه استاد، دانشجو و محیط آموزشی می باشد. بدیهی است که اختلال در هر یک از این سه رکن سبب افت کیفیت آموزش خواهد شد. استاد اساسی ترین عامل برای ایجاد شرایط مطلوب جهت تحقق هدفهای آموزشی است و دانشجویان بیش از کلیه دست اندرکاران آموزش در جریان روند آموزش قرار دارند، بنابراین به خوبی می توانند نسبت به کم و کیف آن نظر دهند. ارزشیابی اساتید شامل چهار ویژگی حرفه ای، علمی، اعتقادی و فردی می باشد.

**روش‌ها:** این پژوهش در دانشکده علوم پزشکی نیشابور انجام شد و تمامی دانشجویان در حال تحصیل، مورد مطالعه قرار گرفتند. روش اجرای طرح در این مطالعه به این صورت بود که پژوهشگر قبل از شروع کلاس ها نحوه و هدف از پژوهش را برای دانشجویان توضیح داده و تاکید نمودند که نیاز به ذکر نام و نام خانوادگی دانشجو نبوده و اطلاعات کسب شده به صورت محرمانه نگهداری می شود. سپس پرسشنامه ها در اختیار دانشجویان قرار گرفت و پس از تکمیل پرسشنامه ها آنها را جمع آوری کرده و گزینه های هر سوال کدبندی شد و جهت تجزیه و تحلیل داده ها، از روش های آمار توصیفی (spss ver11) استفاده شد.

**نتایج:** در حیطه نقش فردی، ارتباط مناسب با دانشجویان (۴,۸۱) و شیوایی بیان (۴,۷۹) و در حیطه نقش حرفه ای نیز ارائه مطالب بصورت قابل فهم برای دانشجویان (۴,۷۸) و ارائه مطالب جدید و روزآمد (۴,۷۲) حائز کسب بالاترین امتیاز گشتند. در حیطه نقش علمی، دانش عمومی در مورد درس مورد تدریس (۴,۵۲) و تسلط استاد در درس مورد تدریس (۴,۷۶)، در حیطه نقش اعتقادی وجدان کاری و انضباط اجتماعی (۴,۵۹) و داشتن صبر و شکیبایی در برخورد با مسائل (۴,۶۴) بیشترین میانگین امتیازات را کسب نمودند.

**نتیجه گیری:** نتایج این پژوهش نشان میدهد که استاد توانمند بایستی بتواند تمامی نقش های خود را بخوبی ایفا نماید و در تمامی حیطه ها توانمندی های لازم را داشته باشد. جالب اینکه بین تمامی نقش ها، نقش فردی بیشترین اهمیت را از نظر دانشجویان دارا می باشد و پس از آن به ترتیب نقش حرفه ای، نقش اعتقادی و در نهایت نقش علمی دارا اهمیت می باشد. در نتیجه بایستی در هنگام انتخاب و استخدام اساتید دقت بیشتری بر تمامی توانمندی های لازم علاوه بر توان علمی داشته باشیم. نتایج حاصل از این پژوهش می تواند ملاک مناسبی جهت ارزشیابی یک استاد توانمند بوده و راهنمایی برای اتخاذ تدابیر لازم در جهت ایجاد انگیزه و افزایش کمی و کیفی یادگیری دانشجویان می باشد.

**واژه های کلیدی:** استاد، دانشجو، توانمندی، جامعه اسلامی

## بررسی عملکرد مدیران پرستاری مراکز آموزشی - درمانی دانشگاه علوم پزشکی گناباد در سال ۱۳۹۱

محمد رضامنصوریان<sup>۴۸</sup>، مرضیه حسینی<sup>۴۹\*</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، کارشناس ارشد آموزش پزشکی، دانشکده پرستاری و مامائی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، [mr\\_mansoorian@yahoo.com](mailto:mr_mansoorian@yahoo.com)

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پرستاری، دانشکده پرستاری و مامائی، دانشگاه علوم پزشکی گناباد  
[marzeihhosseiny@yahoo.com](mailto:marzeihhosseiny@yahoo.com)

**مقدمه:** مدیرانی که عوامل موثر در افزایش کارایی، اثربخشی و در نهایت بهره‌وری سازمانها هستند. کارآیی مدیران پرستاری در موفقیت سازمانهای بهداشتی نقش اساسی دارد. این پژوهش با هدف بررسی عملکرد مدیران پرستاری از دیدگاه پرستاران مراکز آموزشی - درمانی دانشگاه علوم پزشکی گناباد انجام شد.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی ۱۴۰ پرستار شاغل در بیمارستان های آموزشی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی گناباد با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای متناسب با حجم شرکت داشتند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه ای حاوی دو بخش استفاده شد. بخش اول حاوی اطلاعات فردی و بخش دوم حاوی بررسی عملکرد مدیران پرستاری در ۴ حیطه اصلی شامل حیطه بررسی و تصمیم گیری، حیطه برنامه ریزی و نظارت بر اجرای آن، حیطه هدایت و راهنمایی و حیطه پایش و ارزشیابی بود. روایی محتوا با استفاده از نظراندهنفر از اساتید تایید شد. پایایی این ابزار نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر  $\alpha = 0.85$  به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از SPSS 20 توسط آمار توصیفی و آزمون آماری کای اسکور انجام یافت.

**نتایج:** نتایج مطالعه نشان داد که درصد اندکی از مدیران پرستاری (۵،۱) دارای مدیریتی کاملا خوب، ۳۱،۹ درصد دارای عملکرد مدیریتی خوب و ۵۰ درصد عملکرد مدیریتی ضعیف داشته اند. بررسی ۴ حیطه مدیریتی نشان می دهد که: توان بررسی و تصمیم گیری مناسب توسط مدیران از نظر اکثریت یعنی ۵۰،۷ درصد از نمونه های مورد مطالعه ضعیف و توان برنامه ریزی و نظارت بر اجرای برنامه ها توسط مدیران از نظر ۶۶،۹ درصد از نمونه ها متوسط تا خوب ارزیابی شد و ۶۰ درصد از نمونه ها مورد مطالعه معتقدند که پیشوارزشیابی پرستاران بر اساس برنامه منظم با آگاهی و با معیارهای علمی توسط مدیران انجام نمی گیرد. ۳۰ درصد معتقدند که ارزشیابی انجام می شود ولی دارای معیارهای علمی نمی باشد.

**نتیجه گیری:** از آنجایی که عملکرد کلی مدیران پرستاری از دیدگاه نیمی از پرستاران ضعیف گزارش شده است و این ضعف می تواند بر کیفیت مراقبت بیماران، انگیزه کارکنان و مدیریت بیمارستان تاثیرگذار باشد پیشنهاد می شود مدیران ارشد بیمارستان ها در جهت خودتوانمندسازی و بهبود عملکرد مدیریت پرستاری بیمارستان برنامه ریزی دقیق مبذول دارند.

**واژه‌های کلیدی:** مدیران بیمارستان، عملکرد مدیریتی، پرستاران

## بررسی عوامل مرتبط با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم

هدی احمري طهران<sup>۱\*</sup>، مریم طبیبی<sup>۲</sup>، سعیده حیدری<sup>۳</sup>، زهرا عبدی<sup>۴</sup>، روح ا... صفایی پور<sup>۵</sup>

\* عضو هیات علمی گروه مامایی دانشگاه علوم پزشکی قم

ahmari9929@yahoo.com

<sup>۲</sup> عضو هیات علمی، سرپرست مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم

<sup>۳</sup> کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم

<sup>۴</sup> عضو هیات علمی گروه پرستاری دانشگاه علوم پزشکی قم

<sup>۵</sup> کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم

**مقدمه:** پیشرفت تحصیلی دانشجویان یکی از شاخص های مهم در ارزیابی دانشگاهی است. با توجه به این که میزان پیشرفت و افت تحصیلی یکی از ملاک های کارآیی نظام آموزشی است، کشف و مطالعه متغیرهای تأثیرگذار بر عملکرد تحصیلی، به شناخت بهتر و پیش بینی متغیرهای مؤثر در دانشگاه می انجامد. بنابراین بررسی متغیرهایی که با پیشرفت تحصیلی در دروس مختلف رابطه دارد یکی از موضوعات اساسی پژوهش در نظام دانشگاهی است. بررسی حاضر به منظور تعیین عوامل مرتبط با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم در سال ۱۳۹۰ انجام شد.

**روش ها:** مطالعه حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بود که بر روی تمامی دانشجویان شاغل به تحصیل در رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم به صورت سرشماری (غیر از ترم اول تحصیلی) انجام گرفت. ابزار مورد استفاده، پرسشنامه مشخصات فردی و عوامل مرتبط و نیز شاخص پیشرفت تحصیلی میانگین نمرات دانشجویان بود. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم-افزار SPSS ویرایش ۱۸ و آمار توصیفی و استنباطی در سطح معنی داری  $P < 0/05$  انجام گرفت.

**نتایج:** یافته ها نشان داد اکثریت دانشجویان از پیشرفت تحصیلی مطلوبی برخوردار بودند. نمونه های مورد پژوهش از نظر سنی اکثریت (۷۷٪) سن بیش از ۲۰ سال، (۵۴/۹٪) دختر، ۷۷٪ مجرد و ۵۲/۲٪ غیربومی بودند. میزان تحصیلات پدر اکثریت نمونه های مورد پژوهش (۵۴/۹٪) دانشگاهی و میزان تحصیلات مادر (۳۹٪) دیپلم بود. نتایج مبین آن بود که پیشرفت تحصیلی با متغیرهای جنس و وضعیت تاهل ارتباط آماری معنی دار داشته بطوری که پیشرفت تحصیلی دانشجویان دختر و نیز دانشجویان مجرد بالاتر از پسران و متاهلین بود ( $P = 0/01$ ) در این رابطه پیشرفت تحصیلی با سن، بومی بودن، تحصیلات پدر و مادر ارتباط آماری معنی داری نداشت ( $P > 0/05$ ).

**نتیجه گیری:** نتایج پژوهش حاکی از آن بود که پیشرفت تحصیلی دختران و نیز مجردین بالاتر از پیشرفت تحصیلی پسران و متاهلین بود. لذا مسئولین دانشگاهی بایستی با توجه به ویژگی های فردی مرتبط با پیشرفت تحصیلی برنامه ریزی های مناسب ویژه ی هر گروه خاص طراحی نمایند.

**واژه های کلیدی:** پیشرفت تحصیلی، دانشجویان پزشکی، قم

## بررسی رابطه عوامل آموزشی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمان

دکتر فرخنده رفیع‌زاده\*<sup>۱</sup>، بنفشه شعبانی<sup>۲</sup>، بابک شعبانی<sup>۳</sup> -

<sup>۱</sup>دانشگاه علوم پزشکی کرمان، معاونت آموزشی

**far.rafiiezadeh@gmail.com**

<sup>۲</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد

<sup>۳</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد

**مقدمه:** عوامل زیادی در پیشرفت و موفقیت دانشجویان موثر می باشد. از جمله مجموعه ای از عوامل فردی، محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی. همینطور عوامل شناختی و غیر شناختی. متغیر پیشرفت و موفقیت تحصیلی متغیری چند بعدی است که از عوامل متعدد بشمار می آید. یادگیری موثر از مهمترین نتایج و بازده نظام آموزشی هم برای فرد و هم جامعه بخصوص برای دانشجویان پزشکی که نتایج آن مستقیماً به جامعه درمانی کشور بر میگردد.

**روش‌ها:** در پژوهش حاضر رابطه پیشرفت تحصیلی و موفقیت دانشجویان پزشکی پایه و بالینی در بین ورودیهای ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ به روش سرشماری بررسی شد. جمعیت مورد مطالعه ۴۳۰ نفر دانشجو (دختر و پسر) بود که نظرات آنها با پرسشنامه محقق ساخته در زمینه عوامل آموزشی موثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان جمع آوری شد.

**نتایج:** نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از میان متغیرهای مهم، متغیر عوامل آموزشی که شامل: امکانات آموزشی، روش تدریس اساتید، محیط فیزیکی و..... بیشترین تاثیر را بر پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانشجویان در دانشگاه دارند.

**نتیجه‌گیری:** لزوم توجه برنامه ریزان و دست اندرکاران به حل معضلات مربوط به این حیطه بسیار مهم است و همچنین تقویت شیوه های آموزشی و بوجود آوردن امکانات پیشرفته در محیطهای آموزشی در محیطهای آموزشی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان، امکان دستیابی هر چه بهتر به موفقیت های تحصیلی دانشجویان را ممکن میسازد.

**واژه‌های کلیدی:** پیشرفت تحصیلی، عوامل آموزشی، دانشجویان پزشکی، دانشگاه کرمان



## ارتباط بین سلامت معنوی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم در سال ۱۳۹۰

مریم طبیبی\*، هدی احمري طهران، سيد کامران سلطان عربشاهی، سعیده حیدری، زهرا عبدی، روح ا... صفایی

پور

\*[m.tabibi@yahoo.com](mailto:m.tabibi@yahoo.com)

**مقدمه:** سلامت معنوی افراد جامعه، خصوصاً اقشار مؤثر و سازنده آن، لازمه‌ی پویایی، بالندگی و اعتلای آن جامعه است. نقش برجسته و منحصر به فرد دانشجویان به عنوان مدیران و سازندگان آینده‌ی هر جامعه، ضرورت تامین سلامت معنوی آنها و نیز شناسایی و حذف عوامل منفی مؤثر بر سلامت معنوی آنها را ضروری می‌نماید. بررسی حاضر به منظور تعیین ارتباط بین سلامت معنوی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم در سال ۱۳۹۰ انجام شد.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بود که بر روی تمامی دانشجویان شاغل به تحصیل در رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم به صورت سرشماری (غیر از ترم اول تحصیلی) انجام گرفت. ابزار مورد استفاده، پرسشنامه مشخصات فردی و میانگین معدل تحصیلی و سلامت معنوی (SWBS) Spirituality well-being scale بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss ویرایش ۱۸ و آمار توصیفی و استنباطی در سطح معنی داری  $P < 0/05$  انجام گرفت.

**نتایج:** یافته‌ها نشان داد، ۵۰/۴۴ درصد از نمونه‌های مورد پژوهش از سلامت معنوی مطلوب و ۴۹/۵۵ درصد نامطلوب برخوردار بودند. نمره سلامت معنوی با تأهل ارتباط معنی داری داشت ( $P < 0/05$ ) ولی با سن، جنس، تحصیلات پدر و مادر، بومی بودن ارتباط معنی داری نداشت ( $P > 0/05$ ). همچنین یافته‌ها مبین آن بود که بین سلامت معنوی و میانگین معدل تحصیلی ارتباط آماری معنی داری وجود دارد ( $P = 0/02$ ).

**نتیجه‌گیری:** اکثریت نمونه‌های مورد پژوهش از سطح سلامت معنوی مطلوبی برخوردار بودند. می‌توان اظهار داشت که احتمالاً سلامت معنوی از راه ایجاد انگیزه منجر به پیشرفت تحصیلی می‌شود. لذا پیشنهاد می‌شود، جهت بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان در جهت ارتقای سلامت معنوی آنان برنامه ریزی شود.

**واژه‌های کلیدی:** سلامت معنوی، پیشرفت تحصیلی، دانشجویان پزشکی

## بررسی کیفیت آزمون های چهارگزینه ای دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی سمنان

دکتر احمد رضا بندگی

گروه بیوشیمی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان

**مقدمه:** آزمون های چهارگزینه ای، رایجترین روش های ارزشیابی فراگیران هستند. اگر این آزمون ها به درستی طراحی شوند، روش مناسبی جهت سنجش آموخته های فراگیران می باشد. با توجه به اینکه در مورد چگونگی ارزشیابی، میزان روایی و پایایی آزمون های برگزار شده در دانشگاه علوم پزشکی سمنان مطالب مکتوبی نبود، این مطالعه به منظور بررسی کیفیت آزمون های چندگزینه ای رشته های پزشکی و علوم آزمایشگاهی اجرا شده است.

**روش ها:** در یک مطالعه توصیفی تحلیلی، تمامی آزمون های چهار گزینه ای مربوط به رشته پزشکی (۶۶ آزمون، ۲۲۲۵ سوال) و علوم آزمایشگاهی (۱۶ آزمون، ۵۶۰ سوال) در نیمسال اول و دوم سال تحصیلی ۹۰-۸۹، که توسط نرم افزار موجود در آموزش دانشکده پزشکی طراحی و تصحیح شده بود مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب دشواری و تمایز و همچنین ضریب پایایی و خطای معیار اندازه گیری تجزیه و تحلیل گردید. آنالیز اطلاعات با استفاده از آمار توصیفی توسط نرم افزار SPSS صورت پذیرفت.

**نتایج:** نتایج نشان داد که تنها حدود ۵۴ درصد از سوالات رشته پزشکی و ۴۵/۷ درصد سوالات رشته علوم آزمایشگاهی از ضریب دشواری مناسبی برخوردارند. ۴۸/۴ درصد سوالات رشته پزشکی و ۶۰/۶ درصد سوالات رشته علوم آزمایشگاهی ضریب تمایز ضعیفی داشتند. تنها ۵۱/۵ درصد آزمون های رشته پزشکی و ۴۳/۷۵ درصد آزمون های رشته علوم آزمایشگاهی دارای ضریب پایایی مناسب (۰/۷ یا بیشتر) بودند.

**نتیجه گیری:** نتایج نشان داد که آزمون ها از ضریب دشواری، ضریب تمایز و پایایی مناسبی برخوردار نیستند. لذا ضرورت ارتقا کیفیت آزمون ها، توصیه می گردد.

**واژه های کلیدی:** آزمون، پرسش های چند گزینه ای، کیفیت، ضریب دشواری، ضریب تمیز

## نتایج ارزیابی مدرسین کارگاههای توانمندسازی استاد توسط اعضاء هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی بابل

دکتر علی شبستانی منفرد، دکتر ایمان جهانیان، مریم کیانیان، بهاره اسبکیان، دکتر سیمین موعودی، مریم قائمی امیری\*، سیده ام کلثوم، اجدی روشن  
\*[mgh.1647@yahoo.com](mailto:mgh.1647@yahoo.com)

\*بابل، دانشگاه علوم پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

**مقدمه:** رشد و بالندگی اعضای هیات علمی و ارتقای سطح مهارتهای آنان یکی از اهداف مراکز توسعه آموزش علوم پزشکی می باشد که در راستای ارتقای کیفیت آموزش اقدامات موثری را انجام می دهند. در این راستا کارگاه‌های متعدد با موضوع شیوه‌های تدریس و ارزیابی دانشجو، روش‌های تدریس مقدماتی و پیشرفته و... توسط این مرکز برگزار می گردد تا موجب ارتقاء توان علمی اعضاء هیات علمی و آشنایی با فنون تخصصی آموزش شود. مسلماً آموزش به اساتیدی که خود مسئولیت آموزش دانشجویان را برعهده دارند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بدین منظور، ارزشیابی مدرسین کارگاههای آموزشی ویژه اساتید و بررسی کیفیت کار آنان از مهمترین جنبه‌های موثر در ارتقاء کیفیت آموزش آنان خواهد بود (۱). بنابراین، استفاده از نظرات فراگیران در این خصوص بسیار حائز اهمیت است (۲ و ۳). در مطالعات مختلف نیز بر این نکته تاکید شده است. با توجه به اهمیت موضوع، این مطالعه با هدف بررسی نتایج ارزیابی اعضاء هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی بابل در ارتباط با مدرسین کارگاهها انجام شده است.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی-مقطعی بر روی ۲۰۰ عضو هیات علمی گروههای پایه و بالینی که در سالهای ۹۰ و ۹۱ در کارگاههای آموزشی EDC شرکت کرده بودند انجام شد. پرسشنامه‌ای حاوی ۲۲ سوال پس از تایید روایی و پایایی، در اختیار آنان قرار گرفت. تحلیل داده‌ها با نرم افزار SPSS16 انجام و سطح معنی دار نتایج ( $P \leq 0/05$ ) تعیین شد. **نتایج:** از مجموع ۱۹۱ پرسشنامه کامل شده، ۸۵٪ از تسلط عمومی و بیان شیوای مدرسین رضایت داشتند. بین تناسب محتوای مبحث با نیازهای آموزشی آنان، ارتباط معنی داری وجود داشت ( $P=0/001$ )، و اساتید علوم پایه رضایتمندی بیشتری (۷۲٪) داشتند. ۹۵٪ معتقد بودند که کار گروهی و تمرین در کارگاه به تعمیق آموخته‌های آنها کمک می کند که بین دو گروه رابطه معناداری وجود نداشت ( $P=0/08$ ). بین رضایتمندی از برگزاری کارگاه و ارائه خوب نتیجه گیری رابطه معنی داری وجود داشت به نحوی که اساتیدی که از ارائه نتیجه گیری راضی بودند از برگزاری کارگاه نیز اظهار رضایتمندی می کردند ( $P=0/002$ ).

**نتیجه گیری:** بر این اساس تسلط مدرسین بر موضوع و ارائه یک نتیجه گیری خوب در موفقیت کارگاهها تاثیر دارد. طبق تحقیقات بسیار تسلط استاد بر روی موضوع تدریس جز مهمترین ویژگی‌ها و از صفات معلم ایده‌آل بیان شده است (۵،۸،۷). همچنین پیشنهاد می شود کارگاههایی متناسب با گروههای بالینی طراحی شود تا اهداف آموزشی در این گروهها نیز محقق شود.

**واژه‌های کلیدی:** ارزیابی، مدرس، توانمندسازی، هیات علمی

## بررسی رضایتمندی دانشجویان از برنامه‌ها و فرآیندهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان در سال ۱۳۹۱

ادریس حسین‌زاده<sup>۱\*</sup>، یدالله حمیدی<sup>۲</sup>، مهدی صفری<sup>۳</sup>، عبدالرحیم یوسف زاده<sup>۴</sup>، عباس فراهانی<sup>۲</sup>، محمودرضا طاهریان<sup>۲</sup>، پریسا طه<sup>۵</sup>

<sup>۱\*</sup> گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز تحقیقات بهداشت تغذیه، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد - **Email: edris-2009@live.com**

<sup>۲</sup> گروه مدیریت خدمات بهداشتی، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی همدان<sup>۳</sup> گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان

<sup>۴</sup> گروه مهندسی بهداشت محیط، مرکز تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، خرم آباد<sup>۵</sup> گروه تغذیه، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی لرستان

**مقدمه:** رسالت و مأموریت دانشگاه‌ها پاسخ به نیازها، انتظارات و خواسته‌های ذی‌نفعان کلیدی آن و خصوصاً دانشجویان می‌باشد. ارتقای کیفیت در آموزش عالی و بهبود مستمر فرآیندهای آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور مهم است. تعیین سطح رضایتمندی دانشجویان به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های دستیابی به کیفیت مطلوب در نظر گرفته می‌شود. لذا این مطالعه به منظور بررسی رضایتمندی دانشجویان از برنامه‌ها و فرآیندهای آموزشی و پژوهشی در دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی لرستان انجام شد.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی-مقطعی در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه علوم پزشکی لرستان انجام شد. ۲۴۰ دانشجو با روش تصادفی طبقه‌ای از همه دانشکده‌ها انتخاب شدند. برای سنجش میزان رضایتمندی از پرسش‌نامه محقق ساخته شامل ۷۱ سوال از جنبه‌های مختلف خدمات آموزشی که دارای ۹ زیرحیطه بود استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS16 و با استفاده از آزمون من ویتنی و کروسکال والیس انجام شد.

**نتایج:** بیشترین درصد شرکت‌کنندگان دارای سن ۲۰ سال (۲۴/۹ درصد) بودند. ۶۷/۱ درصد دانشجویان دختر بودند. بیشتر دانشجویان در مقطع کارشناسی پیوسته (۷۰/۵ درصد) و دکترای عمومی (۲۴/۵ درصد) بودند. سطح رضایتمندی برای تمام حیطه‌های مورد بررسی بجز مدیر گروه در حد متوسط بوده است. تجزیه و تحلیل آماری انجام شده برای نمره رضایتمندی بر اساس سن دانشجو ( $P=0/012$ )، مدت زمان حضور در دانشگاه ( $P<0/001$ ) و رشته تحصیلی ( $P=0/022$ ) اختلاف معنی‌داری وجود دارد.

**نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد که سطح رضایتمندی دانشجویان از فرآیندهای آموزشی در سطح متوسط است. براساس مقطع و رشته تحصیلی با توجه به نیازمندی‌های هر رشته تحصیلی میزان رضایتمندی در برخی حیطه‌ها متفاوت است؛ حیطه‌های کتابخانه، فعالیت‌های اداره آموزش، مدیر گروه، کلاسهای عملی و آزمایشگاهی و کارگاه‌های آموزشی و روش تحقیق از جمله حیطه‌هایی بودند که برای جلب رضایت بیشتر به بازنگری و برنامه ریزی مجدد نیاز دارند.

**اژه‌های کلیدی:** رضایتمندی دانشجویان، فرآیندهای آموزشی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان

## ارزیابی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان بهداشت عمومی نسبت به بدرفتاری با کودکان

امیر پاکپور حاجی آقا\*<sup>۱</sup>، عیسی محمدی زیدی<sup>۱</sup>، بنفشه محمدی زیدی<sup>۲</sup>، اصغر کاربرد<sup>۳</sup>  
\*دکتری آموزش بهداشت، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین  
e-mail: [pakpour\\_amir@yahoo.com](mailto:pakpour_amir@yahoo.com)

<sup>۱</sup>دکتری آموزش بهداشت، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین

<sup>۲</sup>کارشناس ارشد مامایی، مربی عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن

<sup>۳</sup>کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، مربی عضو هیأت علمی گروه اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی قزوین

**مقدمه:** کودکان از سایر افراد جامعه، آسیب پذیرتر هستند. بد رفتاری با کودک شامل گروهی از رفتارهای آسیب رسان مانند تنبیه جسمی، سوء استفاده جنسی، عدم ارضای نیازهای اولیه کودکان و آزار و اذیت عاطفی را است. بدرفتاری با کودکان در بین خانواده‌های ایرانی مسئله بهداشتی اجتماعی جدی به شمار می رود. هدف مطالعه حاضر بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان بهداشت عمومی نسبت به بدرفتاری با کودکان بود.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی مقطعی بود که در نیمه اول سال ۹۱ انجام شد. بر اساس روش نمونه گیری در دسترس، ۶۳ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی پیوسته و ناپیوسته دانشگاه علوم پزشکی قزوین به طور داوطلبانه در مطالعه شرکت کردند. ابزار گردآوری داده ها در پژوهش حاضر پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی و پایایی آن مورد تایید واقع شد. داده ها وارد نرم افزار SPSS ویرایش ۱۸ شد و با آزمونهای توصیفی تحلیلی ارزیابی شد.

**نتایج:** نتایج نشان داد ۴۲/۸۵ درصد از دانشجویان اطلاعات درست نسبت به بدرفتاری با کودکان نداشتند. کمتر از ۳۰ درصد از دانشجویان از آگاهی درستی نسبت به عوامل خطر بد رفتاری با کودکان برخوردار بودند و تقریباً ۴۵ درصد آنها علایم جسمانی و روانی بد رفتاری با کودکان را نمی دانستند. اکثر دانشجویان اعتقاد به گزارش موارد کودک آزاری توسط اعضای خانواده و همچنین برخورد قانونی با فرد متخلف بودند. بیش از ۸۰ درصد آنها نگرش منفی نسبت به تنبیه فیزیکی و بدنی داشتند بیش از ۸۱ درصد دانشجویان گزارش کردند که علاقمند به شرکت در کارگاهی با موضوع سوء رفتار با کودکان هستند.

**نتیجه گیری:** با توجه به عواقب و پیامدهای بسیار جدی و ناگوار سوء رفتار با کودکان و تخریب آینده آنها، لازم است در قالب دروسی مانند بهداشت روان یا بهداشت مدارس در کوروکولوم آموزشی بهداشت عمومی، تمهیدات لازم برای تدریس سرفصل مرتبط با سوء رفتار، سوء استفاده جنسی و کودک آزاری اندیشه شود.

**واژه‌های کلیدی:** بدرفتاری با کودکان، آگاهی، نگرش، کودک آزاری.

## بررسی درک دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز از محیط آموزشی بالینی در مراحل مختلف تحصیلی در سال ۱۳۹۰

دکتر جواد کجوری\*، لیلا بذرافکن، مهدیه حاجی منفرد

\*استاد گروه قلب و عروق و گروه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی شیراز

Email:kojurij@yahoo.com

**مقدمه:** ارزیابی دیدگاه‌های دانشجویان به منظور بهبود و ارتقای مستمر کیفیت آموزش بالینی، منجر به شناخت و تقویت نقاط قوت و برطرف ساختن نقاط ضعف آموزش می‌گردد. مطالعه حاضر با هدف ارزیابی درک دانشجویان پزشکی از محیط آموزش بالینی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز انجام گرفته است.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی مقطعی با مشارکت ۱۸۰ نفر از دانشجویان پزشکی دوره بالینی مقاطع مختلف و با استفاده از ابزار استاندارد DREEM (Education Environment Measure: Dundee Ready) با مختصر تغییراتی متناسب با فرهنگ ملی که روایی و پایایی این پرسشنامه توسط مطالعات مختلف تایید شده است صورت گرفت. این پرسشنامه حاوی ۵۰ سؤال در پنج حیطه یادگیری، استادان، درک دانشجو از توانایی علمی خود، فضای حاکم بر محیط آموزشی و درک دانشجویان از شرایط اجتماعی خود بود که میان ۱۸۰ نفر از دانشجویان توزیع و جمع آوری گردید. داده‌ها توسط نرم افزار SPSS با استفاده از آمار توصیفی و آزمونهای آماری تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** میانگین امتیازات کسب شده در پنج حیطه ۱۰۱/۰۵ از مجموع ۲۰۰ امتیاز محاسبه شد که در محدوده مطلوب قرار گرفت. میانگین حیطه‌های پنج گانه در دو حوزه سازماندهی دوره آموزشی و درک دانشجویان از شرایط اجتماعی خود با ۹۵ درصد اطمینان تفاوت معناداری نشان داد. میانگین کلی محیط آموزشی در بخش اطفال به گونه‌ای معنادار با بخش جراحی با ۹۵ درصد اطمینان متفاوت بوده است ( $P=۰/۰۳۲$ ). نظرات دو جنس فراگیران تفاوت معناداری نشان نداد. نظرات دانشجویان در مقاطع بالینی مختلف تفاوت معناداری نداشت ( $P=۰/۰۰۰$ ).

**نتیجه‌گیری:** براساس نتایج این مطالعه، محیط آموزش بالینی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز در حیطه مطلوب قرار گرفت. برنامه ریزی هدفمند و تدوین فرآیندهای مناسب جهت ارزشیابی برنامه های آموزشی، همچنین تقویت توانمندی‌های اساتید بالین نیز میتواند منجر به بهبود وضعیت آموزش بالینی گردد. از الگوی DREEM برای پایش و سنجش اصلاح و تغییر در برنامه میتوان استفاده کرد.

**واژه‌های کلیدی:** دانشجویان پزشکی، بخش‌های بالینی، محیط آموزشی، الگوی DREEM، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

## ارزیابی رضایتمندی فارغ التحصیلان از کیفیت آموزش پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد در سال ۱۳۹۱

سید جلیل میرمحمدی<sup>۱</sup>، امیر هوشنگ مهرپرور<sup>۱</sup>، محمدحسین داوری<sup>۲</sup>، مریم بهاء‌لو<sup>۳\*</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیأت علمی گروه طبکار و مرکز تحقیقات بیماریهای ناشی از صنعت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی

<sup>۲</sup> دستیار تخصصی طبکار، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

<sup>۳\*</sup> پزشک عمومی و عضو مرکز تحقیقات بیماریهای ناشی از صنعت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

drbahaloo@gmail.com

**مقدمه:** به منظور دستیابی به کیفیت مطلوب در آموزش ابتدا باید کیفیت آموزشها را ارزیابی و سپس تغییرات لازم را در آنها ایجاد کرد. نظر به این که توجه به نظرات دانش آموختگان در مراکز آموزش پزشکی برای بررسی کیفیت این آموزشها بسیار حائز اهمیت میباشد، مادر این مطالعه برای بررسی کیفیت آموزش پزشکی در حیطه علوم پایه و بالینی، دیدگاه فارغ التحصیلان پزشکی چهار سال گذشته دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد بررسی کردیم.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی-تحلیلی و از نوع مقطعی می باشد. نمونه گیری به روش سرشماری بود. روش گرد آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه ای بود که روایی و پایایی آن تأیید گردید و از ۱۸۳ نفر از فارغ التحصیلان این دانشگاه از طریق مصاحبه تلفنی در سال ۱۳۹۱ پرسیده شد.

**نتایج:** در گروه های علوم پایه و بالینی به ترتیب میانگین رضایتمندی از کیفیت آموزش ۳/۸۶ و ۳/۸۱، میانگین رضایتمندی از نظم اساتید در حضور در کلاسها ۴/۱۱ و ۳/۹۸ و میانگین رضایتمندی از وقت گذاری اساتید برای تدریس ۴/۱۲ و ۳/۹۹ بود که از نظری آماری در بین دو گروه علوم پایه و بالینی تفاوت معناداری بین رضایتمندی از کیفیت آموزش وجود نداشت (P value = 0.237). اما از نظر رضایتمندی از نظام اساتید در حضور در کلاسها و رضایتمندی از وقت گذاری اساتید برای تدریس تفاوت معناداری بین دو گروه دیده شد (P value < 0.001).

**نتیجه گیری:** وضعیت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی یزد از نظر فارغ التحصیلان مطلوب بوده است و به طور کلی فارغ التحصیلان از آموزش های دوران علوم پایه راضی تر از آموزش های دوران بالینی بودند.

**واژه های کلیدی:** کیفیت آموزش پزشکی، علوم پایه، بالینی، رضایتمندی.

## بررسی نظرات دانشجویان در خصوص تغییر امتحانات پایان بخش ارولوژی از امتحان کتبی به امتحان OSCE

محمد نجفی سممانی<sup>۱\*</sup>، سید علیرضا جوادی نیا<sup>۲</sup>، علیرضا سعادت جو<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup>دانشیار، متخصص اورولوژی، بخش اورولوژی، بیمارستان آموزشی امام رضا (ع)، [monajafi@hbi.ir](mailto:monajafi@hbi.ir)

<sup>۲</sup>دانشجو پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

<sup>۳</sup>کارشناس ارشد پرستاری، بخش مراقبت های ویژه قلب، بیمارستان آموزشی ولی عصر (ع)، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

**مقدمه:** یادگیری و ارزشیابی به دنبال آن در رشته های مرتبط با علوم بهداشتی از جمله رشته پزشکی از اهمیت بالایی برخوردار می باشد چرا که فارغ التحصیلان این رشته ها در آینده در خط اول مراجعه مردم به سیستم های خدمات بهداشتی درمانی قرار گرفته و مسلما با ارتقا سطح آگاهی این گروه شاهد رشد و ارتقا سطح خدمات بهداشتی درمانی در کشور خواهیم بود. لذا در این پژوهش سعی بر آن شده است تا نظرات دانشجویان در خصوص تغییر امتحانات پایان بخش ارولوژی از امتحان کتبی به امتحان OSCE مورد ارزیابی قرار گیرد.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی تحلیلی مورد شاهد دار در سال تحصیلی ۱۳۹۰ در دانشگاه علوم پزشکی بیرجند انجام پذیرفت. در کلیه دانشجویانی پزشکی که در طی مدت مطالعه بخش اورولوژی را انتخاب کرده بودند به مطالعه وارد شدند. نظرات دانشجویان توسط پرسشنامه محقق ساخته جمع آوری گردید. در اجرای این شیوه ۴۰ دانشجوی پزشکی شرکت داشتند که ۸ نفر به عنوان گروه شاهد در ماه های مهر و آبان به صورت امتحان کتبی مورد ارزیابی قرار گرفتند و تعداد ۳۲ نفر نیز در ماه های بعد در پایان هر بخش به صورت امتحان ایستگاهی مورد ارزشیابی قرار گرفتند.

**نتایج:** در مجموع ۴۰ نفر در این طرح شرکت نمودند. نتایج این مطالعه نشان داد که نمره امتحان تئوری دانشجویان در نگرش آن ها نسبت به امتحان آسکی تأثیری نداشته است اما افرادی که نمرات عملی بالاتری کسب نموده اند نگرش بهتری نسبت به امتحان آسکی داشته اند. البته تفاوت مشاهده شده از لحاظ آماری معنادار نبوده است که می تواند ناشی از حجم کم نمونه باشد. پس از انجام آزمون رگرسیون نتایج این مطالعه نشان داد که رابطه مثبت معناداری بین نمره امتحان عملی و نگرش دانشجویان نسبت به آزمون آسکی وجود دارد ( $r=0.29, p<0.05$ ).

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج این مطالعه در افراد با نمرات عملی بالاتر نگرش مثبت تری نسبت به امتحان آسکی وجود داشته است که این امر می تواند ناشی از توجه ویژه امتحان آسکی به فعالیت های عملی دانشجویان باشد که ممکن است با توجه به اشتغال شغلی فراوان اعضا هیئت علمی مغفول بماند. لذا پیشنهاد می گردد که با در طی دوره کارآموزی بخش های بالینی اساتید توجه بیشتری نسبت به آموزش فرایندهای عملی داشته باشند.



## ارزیابی جامع طرح رویش در دانشگاه علوم پزشکی شیراز از دیدگاه دانشجویان

\*فربیا خانی پور، مرضیه برزگر، زینب هوشمندی، ملیحه حاجیان، دکتر مهدی خسروی، پژمان نعمت الهی

Email: f.khanipoor@gmail.com

دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

**مقدمه:** طرح رویش یکی از ابتکارات دانشگاه علوم پزشکی شیراز است که با هدف آشنایی وانطباق هر چه بیشتر دانشجویان جدیدالورود با محیط زندگی تازه، فضای دانشگاه، خوابگاه، ارتقاء بینش مذهبی- سیاسی و پیشگیری از برخی آسیب‌های احتمالی این قشر برگزار می‌گردد. از آنجا که بهبود هر برنامه مستلزم ارزشیابی به منظور شناخت نقاط قوت و ضعف و تعیین میزان دستیابی به اهداف آن می‌باشد و باتوجه به اینکه نظرسنجی از دانشجویان همواره به عنوان یکی از روش‌های ارزشیابی استفاده می‌شده است، ارزیابی جامع این طرح در سال ۹۱ صورت گرفت.

**روش‌ها:** این مطالعه، توصیفی - مقطعی بود. از ۸۵۰ نفر شرکت کننده در طرح رویش سه، ۴۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. به منظور ارزیابی جامع، از هر دو روش کمی و کیفی استفاده شد. ارزیابی کمی با استفاده از پرسش نامه ای با مقیاس لیکرت که روایی و پایایی آن تأیید شده بود، انجام پذیرفت. ارزیابی کیفی، از طریق بحث گروهی متمرکز (FGD) با دانشجویان صورت پذیرفت. داده‌های کمی با نرم افزار SPSS 16 و نتایج حاصل از FGD با روش‌های کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** ۶۰٪ دانشجویان شرکت کننده، زن و ۴۰٪ مرد بودند. تنها ۱۲٪ دانشجویان از امکانات رفاهی رضایت نداشتند. ۸۷٪ دانشجویان از نیروهای اجرایی طرح راضی بودند. ۸۵٫۵٪ دانشجویان برنامه‌های آموزشی دوره را مفید قلمداد کردند. تناسب موضوعات انتخاب شده با نیازهای فکری دانشجویان و میزان تطبیق مطالب ارائه شده توسط استاد با عنوان کلاس به ترتیب ۸۸٪ و ۸۶٪ بود. در کل ۶۱٪ دانشجویان، به این طرح نمره بالای ۱۴ (از مقیاس ۲۰) دادند. نقاط ضعف طرح عبارت بودند از: عدم حضور اساتید دانشکده‌های مختلف در بین دانشجویان، کم بودن ساعات برخی کلاس‌ها نسبت به حجم مطالب، عدم استفاده از شیوه‌های نوین آموزش در کلاس‌ها، برگزاری کلاس‌هایی با موضوعات مورد علاقه دانشجویان به طور همزمان، خستگی بعضی از دانشجویان به علت طولانی بودن روزهای طرح علی‌رغم مفید بودن آن و ... نقاط مثبت عمده این طرح عبارتند از: تغییر دید منفی به مثبت دانشجویان نسبت به روحانیون با استفاده از اساتید و روحانیون برجسته، پرورش روحیه صبر و یادگیری برقراری ارتباط صحیح با یکدیگر، انتخاب موضوعات چالش برانگیز روز دنیا مانند آسیب‌شناسی ماهواره و بازی‌های رایانه‌ای و ...

**نتیجه‌گیری:** بهتر است این طرح در سایر دانشگاه‌های کشور اجرا شود و در دانشگاه شیراز نیز در طول دوران تحصیل طرح‌هایی مشابه تدوین و اجرا گردد.

**واژه‌های کلیدی:** رویش، جدیدالورود، ارزیابی

## بررسی وضعیت آموزش دانشگاهی دانشجویان دانشکده پیراپزشکی آجا دوره ۱۵

### مبتنی بر پیامد

علیرضا شهریاری<sup>۵۱</sup>، \* مجتبی صادقی<sup>۵۲</sup>

Ali3shahriari@yahoo.com

**مقدمه:** حیات و بقای سازمان ها تا حدود زیادی به مهارت ها و آگاهی های تخصصی کارکنان بستگی دارد ، هر چه این زمینه ها به روز و بهینه باشد ، قابلیت سازگاری سازمان با محیط متغیر نیز بیشتر می شود . آموزش و توسعه منابع انسانی نه تنها در ایجاد دانش و مهارت ویژه در کارکنان نقش بسزایی دارد ، بلکه باعث می شود که افراد در ارتقاء سطح کارایی و اثربخشی سازمان سهیم باشند و خود را با فشار های متغیر محیطی وفق دهند. آموزش و بهسازی نیروی انسانی باعث بینش و بصیرت عمیق تر، دانش و معرفت بالاتر و توانایی و مهارت بیشتر کارکنان در سازمان برای اجرای وظایف و مسئولیت های شغلی می شود . زمانی آموزش می تواند به رسالت خود جامع عمل پوشاند که از نیاز های آموزشی واقعی کارکنان آگاهی و شناخت داشته باشد. بنابراین آموزش یکی از پیچیده ترین وظایف در اداره امور هر سازمان و بویژه در مدیریت نیروی انسانی است. نظام آموزشی تکمیل کننده نظام استخدامی کشور است که باعث توانمندی و کارایی نیروی انسانی شده و موفقیت های آتی را تضمین می کند. آموزش همواره به عنوان وسیله ای مطمئن در جهت بهبود کیفیت عملکرد و حل مشکلات مدیریت مد نظر بوده و فقدان آن نیز یکی از مسائل اساسی و حاد هر سازمانی است. این پژوهش گامی است که ما را تا حدی در دستیابی به نواقص و نارسایی های موجود در برنامه تحصیلی و آموزش یاری نموده و در تحقق این مهم راه می گشاید.

**روش ها:** این پژوهش از نوع توصیفی، مقطعی و تحلیلی می باشد. جامعه هدف کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارتش و جامعه مورد مطالعه دانشجویان دانشکده پیراپزشکی مشغول به تحصیل در سال ۱۳۸۷ بود. نمونه گیری انجام نشده و کلیه دانشجویان دوره ۱۵ بصورت سرشماری در مطالعه شرکت داده شدند. داده ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و آزمون تخصصی برای هر یک از رشته های تحصیلی گرد آوری شده است. آزمون تخصصی بصورت ۴۰ الی ۵۰ سوال چهار گزینه ای تنظیم و با کمک گروه های آموزشی برگزار گردید. آزمون مهارت های بالینی در ۱۰ سوال بصورت طیف لیکرت تنظیم و با کمک مربیان بالینی با مشاهده دانش آموختگان همان دوره در حین انجام مهارت ، تکمیل گردید.

**نتایج:** یافته های پژوهش در دو بخش تحلیل توصیفی و استنباطی ارائه می گردد. همانطوری که در جدول شماره ۱ و ۲ مشاهده می گردد میانگین وضعیت آموزش نظری دانشجویان دوره ۱۵ پیراپزشکی، بر مبنای نمره ۲۰ در دامنه ۱۴ الی ۱۹ برابر است با ۱۷ و میانگین نمرات مهارت های بالینی دانش آموختگان همان دوره (۱۵ پیراپزشکی) بر مبنای ۵۰ در دامنه ۳۵ الی ۴۸٫۵ برابر است با ۴۱٫۷ . بین آموزش های دانشگاهی دانشجویان دوره ۱۵ رشته های پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی آجا تفاوت وجود ندارد بیشترین میزان آموزش نظری مربوط به دانشجویان رشته علوم آزمایشگاهی بوده و دانشجویان رشته های اتاق عمل ، هوشبری ، رادیولوژی و مدارک پزشکی به ترتیب در رتبه های بعدی قرار دارند. بین مهارت های بالینی دانش آموختگان دوره ۱۵ رشته های پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی آجا تفاوت وجود ندارد. لیکن بیشترین میزان مهارت های بالینی به دانش آموختگان رشته اتاق عمل بوده و دانش آموختگان رشته های هوشبری ، علوم آزمایشگاهی رادیولوژی و مدارک پزشکی به ترتیب در رتبه های بعدی قرار دارند.

بین آموزش نظری دانشجویان دوره ۱۵ رشته های پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی آجا و مهارت های بالینی آنها رابطه معنی داری وجود ندارد.

**نتیجه گیری:** از آنجا که دانش آموختگان رشته های پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی آجا پس از فراغت از تحصیل عهده دار مسئولیت های حیاتی در بیمارستان های ارتش می گردند. می توان به اهمیت تبحر بالینی و نقش آن در حفظ جان افراد جامعه به ویژه کارکنان آجا و خانواده های آنان پی برد. به همین دلیل باید در طول برنامه های آموزشی دانشجویان پیراپزشکی نسبت به کارهای عملی و بالینی آنها دقت و توجه بیشتری مبذول گردد.

یافته های تحقیق در ارتباط با تعیین وضعیت آموزش نظری دانش آموختگان رشته های پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی آجا نشان می دهد که میانگین آموزش نظری دانشجویان مورد مطالعه در سطح بالای ۱۷ می باشد که این نشان دهنده آموزش صحیح دانشجویان در سطح دانشگاه و بیمارستان از طرف اساتید و مربیان بالینی می باشد. به نظر می رسد در اغلب موارد اساتید افراد کارآموده و مجرب بوده و توانسته اند شرایط لازم را جهت انتقال دانش و تکنولوژی فراهم آورند و در نتیجه هزینه صورت گرفته برای آموزش نظری به هدر نرفته است این در حالیست که خانم جورابچی عضو هیئت علمی دانشگاه قزوین نیز میانگین وضعیت آموزش بالینی در بخش های داخلی را خوب ارزیابی کرد.

یافته ها در ارتباط با تعیین میزان مهارت های بالینی دانش آموختگان رشته های پیراپزشکی دوره ۱۵ دانشگاه نیز نشان داد که میانگین مهارت های بالینی این دانش آموختگان ۴۲٫۷ از مبنای ۵۰ می باشد که نشان دهنده سطح بالای کارایی در این دانش آموختگان است. این افزایش مهارت بالینی ناشی از بالا بودن آگاهی و اطلاعات در زمینه های تخصصی آشنا بودن با اهداف کاری و مسئولیت های خود و نیز آموزش های موثر دانشگاهی می باشد در این زمینه یافته های تحقیق خانم لیلا غلامحسینی (۱۳۷۸) نیز نشان داد که اکثریت افراد مورد مطالعه (۴۳٫۵ درصد) تاثیر آموزش های دانشگاهی را تا اندازه ای بر کار خود موثر می دانستند و ۶۷٫۹ درصد از آنان مجموع آموزش های تئوری دانشگاه و تجربه کاری را در آگاهی و دانش کارکنان به عنوان عامل موثر معرفی کردند.

در رابطه با مقایسه وضعیت آموزش نظری و نیز مهارت های بالینی دانش آموختگان رشته های پیراپزشکی دوره ۱۵ دانشگاه بیشترین میزان آموزش نظری مربوط به فارغ التحصیلان رشته علوم آزمایشگاهی بوده و فارغ التحصیلان رشته های اتاق عمل، هوشبری، رادیولوژی و مدارک پزشکی به ترتیب در رتبه های بعدی قرار دارند مناسب نبودن شرایط فیزیکی دوره ها و استفاده کمتر از وسایل کمک آموزشی در بقیه رشته ها باعث گردیده تا شرایط لازم جهت انتقال دانش و تکنولوژی کمتر بوده و نتیجه آن، کاستن از کیفیت آموزشی نظری در این رشته ها گردد.

دانش آموختگان شرکت کننده در تحقیق حاضر، عوامل موثر بر ارتقاء مهارت های بالینی خود را به ترتیب زیر اولویت بندی نموده اند:

۱: حضور مربیان و مسئولین بخش در پاسخ گویی به مسائل دانشجویان.

۲: تناسب امکانات موجود در بیمارستان ها با نیاز های آموزشی

۳: برگزاری میز گرد با حضور نمایندگان دانشجویان، مسئولین و مربیان

۴: نقش بیمارستان های ارتش در برطرف کردن نیاز های آموزشی

۵: تاثیر همکاری پرسنل بیمارستان در یادگیری

۶: استفاده از بیمارستان های غیر نظامی در کار آموزی

۷: وجود و استمرار کار آموزی ۵ روز در هفته در کارایی دانش آموختگان.

**واژه های کلیدی:** مهارت های بالینی - دانش آموخته - آموزش دانشگاهی - دانشکده پیراپزشکی آجا

## دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی در خصوص تاثیر گذاری برقراری توازن وظایف و مسئولیت های آموزشی، پژوهشی و بالینی

دکتر دردی قوجق

مرکز تحقیقات بیولوژی سلولی و مولکولی، دانشگاه علوم پزشکی بابل  
بخش بیوشیمی و بیوفیزیک، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل  
dqujeq@hotmail.com

**مقدمه:** مسئله مورد مطالعه بررسی جنبه های مختلف وظایف و مسئولیت های آموزشی، پژوهشی و بالینی اساتید دانشگاه های علوم پزشکی است. همچنین شناخت چالش ها و موانع درون دانشگاهی و موانع عدم توازن جنبه های مختلف وظایف و مسئولیت های آموزشی، پژوهشی و بالینی اساتید دانشگاه علوم پزشکی است.

**روش ها:** این مطالعه به صورت توصیفی - تحلیلی انجام شد. از جنبه های مختلف وظایف و مسئولیت های آموزشی، پژوهشی و بالینی اساتید دانشگاه علوم پزشکی پرسشنامه تهیه شد. سپس پرسشنامه ها بین اساتید مورد نظر توزیع شد و امکان برگشت پرسشنامه ها فراهم و پی گیری شد. در خصوص جنبه های مختلف وظایف و مسئولیت های آموزشی، پژوهشی و بالینی توسط اساتید سنجش داده شد. پاسخ ها به 5 درجه از 1 تا 5 طبقه بندی شدند (1 بسیار کم 2- کم 3- متوسط 4- زیاد 5- خیلی زیاد). برای تعیین اعتبار علمی از اعتبار محتوا استفاده شد. داده ها پس از کد گذاری وارد نرم افزار SPSS شد و برای تجزیه و تحلیل یافته ها از نرم افزار SPSS مدل 16,0 استفاده شد. یافته ها به صورت توزیع فراوانی و میانگین درصد پاسخ ها محاسبه شد. معیار معنی دار بودن در مواردی که از آزمون آماری بکار برده شد ( $P < 0.05$ ) بوده است.

**نتایج:** یافته ها به صورت توزیع فراوانی و میانگین درصد پاسخ ها محاسبه شد. معیار معنی دار بودن در مواردی که از آزمون آماری بکار برده شد

**نتیجه گیری:** با توجه به نظرات اساتید، نتایج این تحقیق نشان داد که ایجاد توازن بین جنبه های مختلف وظایف و مسئولیت های آموزشی، پژوهشی و بالینی اساتید دانشگاه های علوم پزشکی نقشی تاثیر گذاری در میزان پاسخ گویی به نیازهای دانشجویان در زمینه آموزشی، پژوهشی و بالینی دارد. همچنین میزان بهره مندی و رضایت مندی مخاطبان را با ایجاد توازن بین جنبه های مختلف وظایف و مسئولیت های آموزشی، پژوهشی و بالینی افزایش می دهد.

میزان موفقیت پژوهش حاضر در توجه به شناسایی و ایجاد توازن بین جنبه های مختلف وظایف و مسئولیت های آموزشی، پژوهشی و بالینی اساتید دانشگاه های علوم پزشکی بسیار بالا بود. همچنین در شناخت موانع و چالش های ایجاد توازن بین جنبه های مختلف وظایف و مسئولیت های آموزشی، پژوهشی و بالینی اساتید دانشگاه های علوم پزشکی اثر بخش بود.

واژه های کلیدی: دیدگاه، اساتید، توازن وظایف، مسئولیت، بالینی، آموزشی

## طراحی و ساخت و اجرای نرم افزار آموزشی تجزیه و تحلیل آزمون‌های چند گزینه‌ای MCQ در اعضاء هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان

بهزادایمنی<sup>۱\*</sup>، آرزو کریمپوریان<sup>۲</sup>، ناهید محمدی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> عضو هیأت علمی دانشکده پیراپزشکی، عضو مرکز تحقیقات اورولوژی و نفرولوژی و مادر کودک دانشگاه علوم پزشکی

همدان

<sup>۲</sup> عضو مرکز تحقیقات اورولوژی و نفرولوژی و مادر کودک دانشگاه علوم پزشکی همدان

<sup>۳</sup> عضو مرکز تحقیقات مادر و کودک دانشگاه علوم پزشکی همدان

behzadiman@yahoo.com

**مقدمه:** MCQ متداول‌ترین آزمون عینی است که هم در سنجش توانایی‌ها و هم در سنجش یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. این آزمون‌ها از لحاظ یکنواختی سؤال‌ها، حساسیت کم در مقابل حدس کورکورانه و سهولت تصحیح پاسخنامه‌ها بهترین نوع آزمون‌های عینی می‌باشند بنابراین پژوهشگران بر آن شدند که فرآیندی باهدف طراحی و ساخت و اجرای نرم افزار آموزشی تجزیه و تحلیل آزمون‌های چند گزینه‌ای MCQ انجام دهند، باشد که قدمی هرچند ناچیز در جهت اعتلای علمی محسوب گردد.

**روش‌ها:** باتوجه به ضرورت تجزیه و تحلیل سوالات این نرم افزار در Excel طراحی شد. استاد مربوطه ابتدا پاسخنامه تک تک دانشجویان، سپس کلید سوالات در نرم افزار، نمره هر سوال را وارد نرم افزار کرد و آنالیز آماری و ضریب دشواری، ضریب تمیز هر سوال و گزینه‌های انحرافی را مشاهده نمود سپس تحلیل آزمون و نتایج آن را مورد ملاحظه قرار داد.

**نتایج:** برای یادگیری فرایند تدریس و آموزش یک مطلب ← مطالعه دقیق و یادگیری مطلب آموزش داده شده ← آزمون و سنجش کیفیت یادگیری انجام می‌شود. اگر بعد از سنجش، تحلیل آزمون انجام نشود و نقاط ضعف و قوت دقیق " مشخص شوند انگار از آزمون استفاده‌ای نشده است در این متن شیوه تحلیل آزمون و نکات مربوط به آن را مورد توجه قرار می‌دهیم.

**نتیجه‌گیری:** همان طور که گفته شد آزمون‌های چند گزینه‌ای دارای محاسن بی شماری از جمله، انعطاف پذیری، قابلیت اندازه گیری اهداف و محتوای درس، مقبولیت استفاده در بین اساتید و دانشجویان و... است اما دارای معایبی چون دشواری ساخت، وقت گیر بودن پیدا کردن گزینه درست و... است. هدف از تحلیل سوال‌های آزمون واریسی تک تک سوال‌ها و تعیین میزان دقت و نارسایی‌های آنهاست در تحلیل سوال‌های آزمون، نقاط قوت و ضعف یک آزمون و کیفیت همه سوال‌های آن تعیین میشود بنابراین لازم است که مدرسان، پس از اجرای هر آزمون، سوال‌های آن را تحلیل کنند و با استفاده از نتایج حاصل به تجدیدنظر در آزمون و بهبود کیفیت سوال‌ها برای استفاده‌های بعدی اقدام نمایند.

**واژه‌های کلیدی:** طراحی و ساخت آزمون‌های چند گزینه‌ای - تجزیه و تحلیل آزمون‌های چند گزینه‌ای

### مقایسه موفقیت تحصیلی دانشجویان پزشکی با ریتم متفاوت شبانه روزی در دروس

#### دشوار دوره علوم پایه

دکتر محمد جواد لیاقتدار، دکتر وحید عشوریون، مریم آویژگان\*، مهتاب آویژگان، پروانه نصری، دکتر آتوسا اسماعیلی، مرضیه حسینی، مهشید مظاهری

دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دفتر توسعه آموزش دانشکده پزشکی  
avizhgan@yahoo.com

**مقدمه:** تحقیقات نشان داده که عمق پردازش، عملکرد ذهنی و اعمال شناختی افراد مختلف در زمان مطلوب روز بیشتر بوده اما زمان مطلوب افراد مختلف با توجه به تغییرات فیزیولوژیک مؤثر در چرخه شبانه روزی از لحاظ زمان اوج فعالیت‌های فیزیولوژیک تاحدی با هم متفاوت هستند. هدف این مطالعه مقایسه موفقیت تحصیلی دانشجویان با عادات مختلف صبحگاهی-شبانه‌گاهی در دروس دشوار و آسان بود.

**روش‌ها:** این مطالعه با روش توصیفی گذشته‌نگر بر روی دانشجویان نیمسال پنجم دوره پزشکی عمومی دانشکده پزشکی اصفهان انجام گرفت. نمونه‌گیری به صورت سرشماری و حجم نمونه ۷۱ نفر بود. به این دلیل دانشجویان نیمسال پنجم انتخاب شدند که الگوی صبحگاهی-شبانه‌گاهی آنها پس از چند نیمسال تثبیت شده و تجربه شیفت شب را نداشته باشند تا در عادات آنها تأثیر نگذاشته باشد. ابزار مطالعه پرسشنامه ۱۹ گزینه‌ای هورن-اشتراس بود که ترجمه شد. روایی آن توسط چند صاحب‌نظر آموزش پزشکی که در زبان انگلیسی مهارت داشتند، مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن ۰/۷۲ با روش آلفای کرونباخ تعیین شد. هر پاسخ‌دهنده می‌توانست نمره‌ای بین ۱۹ تا ۸۶ کسب کند که با جمع نمرات هر گزینه بدست می‌آمد. محدوده نمره ۴۲-۱۹ شبانه‌گاهی، ۴۲-۵۸ بینابینی و ۵۸-۸۶ صبحگاهی قلمداد گردید. سپس از دانشجویان خواسته شد از طریق پرسشنامه پژوهش‌گر ساخته‌ای تعیین نمایند کدام درس دشوار و کدام آسان است و معیار تصمیم‌گیری، میزان اتفاق نظر ۵۰ درصد در نظر گرفته شد. سپس نمرات دانشجویان در دروس مورد نظر در طول پنج نیمسال از آموزش دانشکده اخذ گردید و با استفاده از آزمون‌های توصیفی، تی، آنوا و رگرسیون چند متغیره در نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** ۶۳ دانشجو (۶۷٪ دختر، ۳۳٪ پسر) در این مطالعه شرکت کردند. ۱۱٪ دانشجویان صبحگاهی، ۶۰٪ بینابینی و ۲۹٪ شبانه‌گاهی در نظر گرفته شدند. میانگین نمرات در هر پنج نیمسال در دروس دشوار در الگوی شبانه‌گاهی نسبت به صبحگاهی و بینابینی کاهش داشت. کاهش میانگین نمرات شبانه‌گاهی در دروس دشوار نسبت به صبحگاهی و بینابینی در دختران در هر پنج نیمسال اما در پسران در ۳ نیمسال مشاهده شد.

**نتیجه‌گیری:** اگر چه تفکر قالب در برنامه‌ریزی دروس بر این اساس قرار گرفته که دروس دشوار و اختصاصی باید در ساعات اولیه روز آموزش داده شوند. نتایج این مطالعه نشان داد دانشجویان شبانه‌گاهی در دروس دشوار که به عملکرد شناختی بیشتری نیاز دارد دچار افت تحصیلی می‌شوند و در برنامه‌ریزی‌ها توصیه می‌شود دروس اختصاصی دشوار در ساعاتی ارائه گردد که همه گروه‌های دانشجویی از عملکرد شناختی بهتری برخوردار باشند

**واژه‌های کلیدی:** صبحگاهی، شبانه‌گاهی، برنامه‌ریزی درسی، موفقیت تحصیلی، چرخه شبانه روزی.

## عدالت آموزشی در ارزشیابی دانشجویان علوم پزشکی

محسن حجت<sup>\*</sup>، دکترعلیرضا یوسفی، نسرین گله دار، پرستو اوجیان

<sup>\*</sup> دانشجوی دکتری پرستاری دانشگاه علوم پزشکی جهرم [mohsenhojat@yahoo.com](mailto:mohsenhojat@yahoo.com)

**مقدمه:** تحقق عدالت آموزشی یکی از اهداف مهم در نظام های آموزشی است. اما آیا توانسته ایم عدالت آموزشی را برای دانشجویان در دانشگاه های علوم پزشکی کشور فراهم نمائیم؟ لذا این نوشتار با هدف تبیین چالش های عدالت آموزشی در دانشگاه های علوم پزشکی و راهکارهای تحقق آن تهیه شده است و سعی نموده با طرح سئوالات متعدد ذهن خواننده را در تفکر در این خصوص کمک نماید.

**روش ها:** مطالعه حاضر یک مطالعه مروری است که پژوهشگران آن را با مطالعه بیش از ۴۰ مقاله و کتاب فارسی و انگلیسی مرتبط با موضوع عدالت آموزشی از پایگاه های اطلاعاتی (IRANMEDEX-SID-PUBMED-PREQUEST-ELSEVIER) تهیه نموده است. کلمات کلیدی جستجو شده بر اساس سیستم رفرنس نویسی بین المللی کتابخانه های علوم پزشکی (NLM) عبارت بودند از: عدالت-عدالت آموزشی- ارزشیابی- Equality in medical education-Equity in medical education-Evaluation.

**نتایج:** در این نوشتار پس از معرفی عدالت آموزشی و لزوم بحث درباره آن، به راهکارهایی که دولت، نظام آموزشی، دانشگاه و دانشجو جهت توسعه عدالت آموزشی در دانشگاه های علوم پزشکی می توانند استفاده نمایند اشاره گردیده است.

**نتیجه گیری:** برای ایجاد عدالت آموزشی در دانشگاه های علوم پزشکی می بایست طبق ساختار موجود ابتدا شاخص های عدالت آموزشی تدوین و سپس ارزیابی لازم صورت پذیرد امری که تاکنون در کشور محقق نشده است. اما پیگیری اجرایی شدن گام های پیشنهادی در این راستا نیز می تواند بسیار کمک کننده باشد.

واژه های کلیدی: عدالت آموزشی، ارزشیابی، علوم پزشکی

## آزمون تعیین سطح زبان انگلیسی دانشجویان جدیدالورود و مقایسه آن با نتایج آزمون سراسری

مرتضی حیدری\*، علیرضا کوهپایی

\* کارشناس، دانشگاه علوم پزشکی قم

mheidari@muq.a.cir

**مقدمه:** ارائه دروس پیش‌نیاز دانشگاهی به دانشجویان به منظور جبران و یا ترمیم دانش و اطلاعات خود در بخشی از دروس، همواره در بدو ورود دانشجو به دانشگاه مد نظر بوده است. این دروس، به عنوان دروسی که فراگیر را قادر می‌سازند تا بتوانند از دروس اصلی خود به نحو مناسب استفاده نمایند، مورد توجه قرار می‌گیرند. یکی از دروس پیش‌نیاز که برای همه رشته‌های دانشگاه علوم پزشکی قم، ارائه می‌گردد، درس زبان پیش‌نیاز دانشگاهی است. این دانشگاه در سال ۱۳۹۱، برگزاری آزمون تعیین سطح را به عنوان معیار تعیین کننده برای ضرورت و یا عدم ضرورت اخذ درس توسط دانشجویان جدیدالورود، مورد نظر قرار داد. در این آزمون، سطح دانش عمومی زبان انگلیسی دانشجویان در حیطه‌های خواندن و درک مطالب (**Reading**)، **Comprehension** و اصول و قواعد گرامری (**Grammar**) و نیز واژه‌شناسی (**Vocabulary**) سنجش شد.

**روش‌ها:** آزمون تعیین سطح زبان انگلیسی دانشجویان ورودی مهر ۱۳۹۱ برای کلیه دانشجویانی که از طریق آزمون سراسری و در مقاطع کارشناسی و دکتری حرفه‌ای، وارد دانشگاه شده بودند، برگزار گردید. آزمون از ۴۰ سؤال تشکیل شده بود. دانشجویان شرکت کننده در این آزمون را تعداد ۱۷۴ نفر (۶۸ نفر در مقطع دکتری حرفه‌ای و ۱۰۶ نفر در مقطع کارشناسی پیوسته) تشکیل می‌دادند. با توجه به نمره کسب شده در آزمون، جمعی از دانشجویان، از گذراندن درس زبان پیش‌نیاز دانشگاهی معاف گردیدند. نتایج آزمون مذکور با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و تست همبستگی پیرسون، مورد مقایسه و آنالیز قرار گرفتند.

**نتایج:** پس از این آزمون، تعداد ۳۹ نفر موفق به کسب حد نصاب نمره لازم (۵۰ از ۱۰۰) نشدند و موظف به گذراندن درس زبان پیش‌نیاز دانشگاهی گردیدند و مابقی، مجوز اخذ و گذراندن درس زبان انگلیسی عمومی را به دست آوردند. از نکات قابل ذکر این آزمون، کسب حد نصاب نمره لازم توسط کلیه دانشجویان مقطع دکتری حرفه‌ای رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی بود. از دانشجویان مقطع کارشناسی نیز تعداد ۶۷ نفر از گذراندن این درس معاف گردیدند. مقایسه نتایج حاصل از آزمون با نتایج کسب شده دانشجویان در آزمون سراسری که با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون (دو دامنه) و با سطح معنی‌داری ۰,۰۱ انجام شد، وجود این همبستگی را مورد تأیید قرار داد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به برآوردی که از روایی و پایایی نتایج آزمون به دست آمده و پیامدهای مثبتی که هم برای دانشگاه و هم برای دانشجویان داشته است، به نظر می‌رسد ادامه این روند به صورت یک رویه ثابت در همه سال‌های تحصیلی، مفید و مؤثر باشد.

**واژه‌های کلیدی:** آزمون تعیین سطح، زبان انگلیسی، دانشگاه علوم پزشکی قم



## بررسی میزان رضایتمندی دانشجویان پرستاری از ارزشیابی بالینی توسط مربی، هم‌گروهیان و ارزشیابی مشترک مربی و هم‌گروهیان

مریم بخشنده باورساد

عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری مامائی، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، اهواز، ایران

Email: Bavarsad.maryam@yahoo.com

**مقدمه:** دانشجویان در هنگام انجام مهارت‌های بالینی و ارائه مراقبت به مددجویان، از توانمندی خود برداشت‌هایی دارند و انتظار دارند که ارزشیابی انجام گرفته توسط استاد با این تصور همخوانی داشته باشد و قضاوت استاد در مورد آن‌ها دور از برداشت ذهنی آنان نباشد. با توجه به اینکه براساس مطالعات انجام شده بیشتر دانشجویان پرستاری مامایی از نحوه ارزشیابی بالینی شکایت داشته و شیوه معمول را مناسب نمی‌دانند، تحقیق حاضر با هدف بررسی میزان رضایتمندی دانشجویان پرستاری از ارزشیابی توسط مربی، هم‌گروهیان و تلفیقی از دو ارزشیابی بعمل آمد.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی بر روی ۵۴ نفر از دانشجویان ترم ۴ پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اهواز که در دوازدهمین سال ۹۰-۹۱ واحد کارآموزی ارتوپدی را گذرانده بودند و یک نفر از مربیان پرستاری که مسئولیت آموزش دانشجویان را به عهده داشت، انجام شد. ابزار گردآوری اطلاعات شامل فرم رضایت‌سنجی بود که رضایت دانشجویان را از ارزشیابی مربی، هم‌گروهیان و ارزشیابی مشترک مربی و هم‌گروهیان توسط مقیاس لیکرت به صورت ضعیف، متوسط و خوب می‌سنجید و فرم ارزشیابی واحد کارآموزی ارتوپدی بود که توسط اعضای گروه پرستاری بر اساس سرفصل دروس تدوین شده و برای ارزیابی دانشجویان مورد استفاده قرار می‌گرفت. فرم ارزشیابی در پایان هر واحد توسط مربی، دانشجویان و اعضای گروه کارآموزی تکمیل شده و سپس رضایتمندی دانشجویان از نمرات کسب شده مورد بررسی قرار می‌گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS16 و آمار توصیفی تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** میانگین و انحراف معیار نمره کل ارزشیابی مربی، ارزشیابی توسط هم‌گروهیان و ارزشیابی مشترک هم‌گروهیان و مربی بر مبنای نمره ۲۰ به ترتیب  $11/13 \pm 1/7$ ،  $15/38 \pm 0/87$  و  $16/34 \pm 0/79$  بود. رضایتمندی از ارزشیابی استاد  $38/5$  ضعیف،  $11/5$  متوسط و  $50$  خوب بود. رضایتمندی از ارزشیابی هم‌گروهیان  $34/6$  ضعیف،  $30/8$  متوسط و  $34/6$  خوب بود. رضایتمندی از ارزشیابی مشترک هم‌گروهیان و استاد  $23/1$  ضعیف،  $26/9$  متوسط و  $50$  خوب بود.

**نتیجه‌گیری:** با وجود آنکه  $50$  از دانشجویان رضایتمندی خوبی از نمره استاد داشتند ولی بیشترین نارضایتی از ارزشیابی را نیز نمره استاد به خود اختصاص داد. درحالی‌که در مورد نمره مشترک استاد و هم‌گروهیان با وجود رضایتمندی مشابه با نمره استاد، کمترین نارضایتی را به خود اختصاص داد در نتیجه به نظر می‌رسد، ارزشیابی استاد به تنهایی نمی‌تواند معیار مناسبی برای ارزشیابی دانشجویان در بالین باشد و نظر هم‌گروهیان می‌تواند به اساتید در ارزشیابی دانشجویان کمک نماید.

**واژه‌های کلیدی:** رضایتمندی، دانشجویان پرستاری، ارزشیابی بالینی، مربی، هم‌گروهیان

### ضرورت نیاز سنجی در برنامه ریزی نیروی انسانی نظام سلامت

فاطمه نظری شادکام\*، اعظم قربانی\*\*

\*کارشناس پرستاری دانشکده پرستاری قزوین، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی دانشگاه شهید

بهشتی

**Email: [f\\_nazarish@yahoo.com](mailto:f_nazarish@yahoo.com)**

\*\*عضو هیات علمی دانشکده پرستاری و مامایی قزوین

**مقدمه:** برنامه ریزی نیروی انسانی یکی از مهمترین اهداف نظام سلامت کشورها است و در برخی کشورها تا ۷۵٪ هزینه های بهداشت را به خود اختصاص می دهد. چرا که نیروی انسانی نقشی دو گانه در برنامه ریزی اقتصادی دارد به طوری که از سویی به عنوان عامل توسعه و از طرف دیگر به عنوان هدف توسعه عمل می نماید. بنابراین نیاز سنجی و برنامه ریزی مناسب در جهت تامین نیروی انسانی و اشتغال با توجه به ویژگی های کشور ضرورت دارد. این مطالعه بدنبال پاسخگویی این سوال می باشد که آیا بازده و محصول یک نظام آموزشی با رسالت و اهداف آن هماهنگی داشته و پاسخ گوی نیاز جامعه کنونی و آینده خواهد بود؟

**روش ها:** این مقاله با مراجعه و بررسی کتب و مقالات چاپی و الکترونیکی یافت شده در موتورهای جستجو و پایگاه های معتبر علمی داخل و خارج از جمله Google Scholar, Scopus, SID تهیه و با توجه به چالش تامین نیروی انسانی در نظام سلامت تدوین شده است.

**نتایج:** با توجه به اینکه برنامه ریزی نیروی انسانی فرایندی است که به طور سیستماتیک نیازهای نیروی انسانی را بررسی می کند تا اطمینان حاصل کند که تعداد کارکنان مورد نیاز با مهارت های لازم در زمان و مکان مورد لزوم در دسترس باشند. وبه عبارت دیگر بررسی تناسب عرضه و تقاضای نیروی کار با اهداف خاص تعیین شده توسط سیاستگذاران بخش بهداشت و درمان و تقاضا برای خدمات بهداشتی و درمانی می باشد. از این رو شناسایی وضعیت اشتغال می تواند اطلاعات مفیدی در زمینه نقش های حرفه ای و عملکرد دانش آموختگان در اختیار مسئولین قرار دهد تا بر اساس آن نسبت به اصلاح سیاست های توزیعی کادر پزشکی و عوامل موثر بر انگیزه های اشتغال از جمله برنامه ریزی های آینده از نظر ظرفیت پذیرش دانشجویان شرایط فارغ التحصیلی، ضرورت ادامه یا لغو طرح نیروی انسانی یا حتی شرایط استخدام و نهایتاً اتخاذ سیاست های اصلاحی نظام سلامت استفاده گردد. باید سیاست گذاران و برنامه ریزان کشور به گونه ای ظرفیت جذب دانشجویان در رشته های علوم پزشکی را مشخص کنند تا در آینده، کشور با کمبود فارغ التحصیل در این رشته ها مواجه نشود به دلیل این که بدون در دسترس داشتن نیروی انسانی کافی، امکان ارائه خدمات مربوط به سلامتی وجود نخواهد داشت و از سوی دیگر با خیل فارغ التحصیلان بیکار روبه رونا خواهند شد. بطور مثال در رشته پرستاری در حال حاضر بیش از ۱۷۰ الی ۱۸۰ هزار پرستار فارغ التحصیل در کشور وجود دارد و و سالانه ۷ هزار نفر در ۳ مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای پرستاری در کشور فارغ التحصیل می شوند از طرف دیگر بنا به اظهارات دبیر شورای عالی نظام پرستاری و با در نظر گرفتن این که ۱۲۰ هزار پرستار شاغل در کشور وجود دارد، برای رسیدن به استاندارد جهانی از ۰/۸ پرستار به ازای هر تخت فعال بیمارستانی به ۱/۵ پرستار به ازای هر تخت، نیاز به استخدام ۱۰۵ هزار پرستار جدید است

که این نیاز با اضافه شدن تعداد تخت های بیمارستانی بیشتر نیز خواهد شد. با در نظر گرفتن این که تعدادی از فارغ التحصیلان در مشاغل غیر از رشته تخصصی خود مشغول به کار خواهند شد و برخی برای کار به کشورهای دیگر مهاجرت خواهند نمود. با نظر گرفتن این که در گروههای پزشکی و پیراپزشکی مازاد نیروی انسانی سبب القای نیاز کاذب در جامعه ۵۳، افزایش هزینه های سلامت، افول اخلاق پزشکی، اتلاف هزینه تربیت نیرو و گریز استعدادهای از حرفه های سلامت و

<sup>۵۳</sup> به انجام مراقبت یا فروش خدمت غیر ضروری به بیماران یا مراجعین به سیستم سلامت که با اعمال قدرت و سفارش افراد متخصص این سیستم اجرا می شود القای نیاز کاذب در بخش سلامت اطلاق می شود (۱۴).

افول بار علمی این بخش می گردد. در این جاست که جایگاه برنامه ریزی نیروی انسانی مشخص می گردد، بایستی تاکید گردد، اهمیت برنامه ریزی صحیح نیروی انسانی به اندازه ای است که کشورهای مختلف سالانه بودجه قابل توجهی را صرف مطالعات نیروی انسانی گروه پزشکی خود می نمایند.

**نتیجه گیری:** نتایج حاصل از بررسی موقعیت حرفه ای دانش آموختگان که یکی از معیارهای برون داد ارزشیابی درونی موسسات آموزشی محسوب می شود، به عنوان داده هایی برای برنامه ریزی نیروی انسانی استفاده خواهد شد. و باید مطالعات پیگیری موقعیت حرفه ای دانش آموختگان در هر رشته ای از اولویت های پژوهشی در آن رشته محسوب گردد. و این مطالعات در رشته های گروه پزشکی اهمیت بیشتری دارد به دلیل این که که هزینه آموزش در این رشته ها نسبت به سایر رشته ها بسیار زیاد است و از سوی دیگر این رشته ها بخصوص پزشکی و پرستاری مستقیماً "با جان انسان ها سرو کار دارند و جز مشاغل پر احتیاج دنیا محسوب می شوند .

**واژه های کلیدی:** برنامه ریزی نیروی انسانی، دانش آموختگان، نظام سلامت

## ارزشیابی درونی ، چالشی قابل تامل در مراکز توسعه آموزش ، دانشگاه ها علوم پزشکی

فاطمه نظری شادکام\* ، اعظم قربانی\*\*

\*کارشناس پرستاری دانشکده پرستاری قزوین، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی دانشگاه شهید بهشتی

Email: [f\\_nazarish@yahoo.com](mailto:f_nazarish@yahoo.com)

\*\*عضو هیات علمی دانشکده پرستاری و مامایی قزوین

**مقدمه:** ارزشیابی درونی به منظور سنجش کیفیت نظام آموزش عالی ، بر اساس تطابق عوامل درونداد، فرایند، برونداد و پیامدهای این نظام با استانداردهای از قبل تعیین شده و در جهت بهبود فعالیت آموزش عالی تعریف شده است. حساسیت امر آموزش و توجه به فرایند های آموزشی در دانشگاه ها، ضرورت ارزشیابی درونی را که بهبود کیفیت آموزش و در نهایت بهبود کارایی و اثر بخشی سیستم آموزشی کشور را به دنبال خواهد داشت، مورد تاکید قرار می دهد و این در حالی که در ایران ساز و کارهای یکپارچه ، موثر و کافی برای ارزشیابی درونی در دانشگاه های کشور وجود ندارد و تنها در چند سال اخیر علی رغم فعالیت های انجام شده مسئولین ، در موارد بسیاری با چالش بوده است .

**روش ها:** این مقاله با مراجعه و بررسی کتب و مقالات چاپی و الکترونیکی یافت شده در موتورهای جستجو و پایگاه های معتبر علمی داخل و خارج از جمله Google Scholar , Scopus , SID تهیه و با توجه به لزوم و اهمیت انجام صحیح ارزشیابی درونی و وجود پالش در این زمینه تدوین شده است.

**نتایج:** به فرایندی که در طی آن عناصر یک نظام به صورت خود آگاه ، اقدام به ارزیابی مجموعه ی عناصر، فرایندها و پیامدهای موجود در نظام خودمی کنند فرایند ارزیابی درونی اطلاق می شود. آنچه در خصوص کیفیت در آموزش عالی مورد توافق اندیشمندان است، انطباق برنامه های آموزشی، پژوهشی و مدیریتی با رشد حرفه ای، دانش تولید شده و استانداردها می باشد. با توجه به اهمیت ارزشیابی درونی ، باید اذعان داشت که در چند سال اخیر گام های خوبی در این زمینه برداشته شده است ، اما کافی نیست و این ارزیابی با چالش روبه روست ، که به چند مورد می توان اشاره نمود :

الف) عدم پوشش کافی دانشگاهی ب) کمتر توانسته با مشارکت درون زای جدی و ابتکار عمل درون دانشگاهی همراه شود ج) ساز و کارهای انگیزشی کافی برای توسعه آن نهادینه نشده است(مثلا" در آیین نامه ارتقا.د) یافته ها و پیشنهادهای برآمده از ارزشیابی درونی ، مورد پیگیری قرار نگرفته و در برنامه ریزی درسی و آموزشی و دیگر امور به آنها ترتیب اثر داده نشده است ه) فعالیت های ارزشیابی درونی به شائبه ی صوری بودن و فرمایشی بودن دچارند و) فعالیت های یاد شده با نوعی سستی همراه بوده اند ز) این فعالیت ها نتوانسته اند به همراه فعالیت های دیگری مثل ارزیابی بیرونی توسط همتایان تخصصی و غیره توسعه نظام مندی بیابند ح) ساختارهای ایجاد شده برای آن مثل آیین نامه ها و شورای مرکزی ارزشیابی درونی به دلیل ماهیت دولتی آن، بر اثر تغییرات مدیریتی با هاله ای از ابهام و تعویق و فراموشی دست به گریبان است که یکی از علت های آن حضور متولیان و فعالیت های موازی در وزارت متبوع می باشد و ....

**نتیجه گیری:** ارزشیابی درونی در یک گروه آموزشی به بهبود گروه و برنامه های آن کمک می کند و مسیری را در جهت سنجش گروه آموزشی و خود تحلیل گری در برنامه ها، مدیریت آن ها و اجرای برنامه های صحیح ترسیم می کند. همچنین مبنایی جهت فرایند برنامه ریزی آموزشی و پژوهشی گروه خواهد بود. در واقع هدف ارزشیابی درونی آن است که مسئولین(گروه، دانشکده، دانشگاه) نسبت به هدف های آموزشی و پژوهشی و مسائلی که در تحقق این هدفها وجود دارند، آگاهی بیشتری به دست آورند. سپس میزان دستیابی به این هدف ها سنجیده تا بر اساس آن به برنامه ریزی جهت بهبود

کیفیت پردازند. ضمن اینکه نتایج ناشی از ارزشیابی صحیح و اصولی می تواند ضمن تقویت نقاط قوت و اصلاح نقاط ضعف، مبنایی برای بسیاری از تصمیم گیری ها و برنامه های آموزشی شده و موجبات ارتقاء سطح علمی دانشگاه را فراهم می آورد. واژه های کلیدی: ارزشیابی درونی، چالش ها، دانشگاه های علوم پزشکی

### مطالعه نیاز سنجی برای آموزش پیشرفته در رادیولوژی از نگاه جامعه رادیولوژی اروپا و مقایسه آن با ایران

غلامرضا عطایی، نیما اکبری، فرشته عادل مشهدسری، محبوبه خادم ابوالفضلی\*

\*دانشگاه علوم پزشکی بابل، دانشکده پیراپزشکی، گروه پر تپزشکی

Email: [Mahboubeh.khadem@yahoo.com](mailto:Mahboubeh.khadem@yahoo.com)

مقدمه: پیشرفت بین المللی در زمینه آموزش هر چه بهتر و کارآمدتر رادیولوژی برای دانشجویان دوره کارشناسی بسیار لازم است، زیرا این نوع رشته ها روش آموزش و یادگیری بدلیل کاربرد آن در جامعه بسیار مهم است. هدف از این مقاله مقایسه نیازسنجی آموزش پیشرفته در رشته رادیولوژی از نگاه جامعه رادیولوژی اروپایی و ایرانی با رویکرد کاربردی است.

روش ها: مقاله حاضر با استفاده از مطالعه کتابخانه ای بین قوانین حکمفرما در آموزش رادیولوژی اروپایی و آیین نامه و دستورالعمل هایی که در ایران وجود دارد، انجام شد.

نتایج: نگرانی عمده جامعه رادیولوژی اروپایی بر این است که فعالیتهای عملیاتی پزشکی رادیولوژی باید در راستای استانداردهای ارتقایی مراقبت های پزشکی باشد. در ایران نیز کارشناس رادیولوژی باید بدون توجه به موارد مختلف از قبیل: طبیعت بیماری یا ناهنجاری و بدون تبعیض قایل شدن بر اساس جنس، نژاد، عقیده، مذهب یا وضعیت اجتماعی- اقتصادی به ارائه خدمات پردازد. کارشناس رادیولوژی باید با به روز کردن دانش خود در زمینه شغلی خویش، روش های جدید را جایگزین روش های قدیمی نموده و از ابزارهای جدید نسبت به اجرای فرآیندهای مربوط به پروسه تشخیص، استفاده نماید.

نتیجه گیری: در جامعه رادیولوژی اروپا شرکت رادیولوژیست ها در آموزش دروس پزشکی دوره کارشناسی یک شروع بسیار منطقی می باشد، در صورتی که در ایران این آموزش بصورت دوره ای خارج از کارشناسی صرفاً فقط دانشجویانی که مشتاق به دریافت آموزش دروس پزشکی هستند برگزار می گردد.

واژه های کلیدی: آموزش رادیولوژی، جامعه رادیولوژی اروپا، نیاز سنجی

## معیارهای ارزشیابی اساتید از منظر دانشجویان پزشکی مقطع بالینی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

ندا سعیدیان\*، امین نوروزبیگی، محمد معین صفا، امین طالب زاده، رعنا رحیمی

Email: Saeedianneda@yahoo.com

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد

**مقدمه:** آموزش پزشکی بخصوص در مقاطع بالینی حیطة با اهمیتی است که می تواند پیامدهای خطیری در جامعه داشته باشد. یکی از ارکان مهم موثر در نحوه آموزش، اساتید هستند. دانشجویان در حیطة آموزش بیشترین تعامل را با اساتید داشته و در نتیجه در تعیین معیارهای ارزشیابی اساتید می توانند نقش پررنگی داشته باشند.

**روش‌ها:** در این مطالعه ۶۵ دانشجوی پزشکی در مقاطع بالینی اعم از استاژر و اینترن مشارکت کردند و اطلاعات با استفاده از پرسشنامه جمع آوری شد. معیارهای با اهمیت جهت ارزشیابی اساتید از منظر دانشجویان در حیطة های مختلف از جمله مهارت های حرفه ای، تدریس، ارتباطی، اخلاقی، نظم و قوانین، ظاهر، پژوهش و ارزیابی دانشجویان تعیین شد.

**نتایج:** پس از بررسی پرسشنامه ها مهم ترین معیارها در حیطة های مهارت های حرفه ای، تدریس، ارتباطی، اخلاقی، نظم و قوانین، ظاهر، پژوهش و ارزیابی دانشجویان عبارت بودند از: سواد حرفه ای قابل قبول (۹۴٪)، توضیح مطالب بصورت قابل فهم (۹۴٪)، ارتباط مناسب با دانشجویان حین ارائه درس (۹۲٪)، عدم تحقیر دانشجویان (۸۹٪)، حضور به موقع در بخش و استفاده صحیح از وقت (۹۵٪)، ظاهر مرتب و آراسته (۸۰٪)، انجام پژوهش در حیطة آموزشی مربوطه (۸۰٪) و نحوه ارزیابی اصولی و عادلانه دانشجویان (۸۸٪).

**نتیجه‌گیری:** تعامل زیاد بین دانشجو و استاد در حیطة آموزش می تواند این امکان را فراهم آورد تا استاد را از منظر دانشجو با معیارهای مورد اهمیت خود دانشجویان بتوان ارزیابی کرد. درنهایت این دانشجویان هستند که از این حیطة نفع خواهند برد و در نتیجه می توانند نقش پررنگی در این حیطة داشته باشند و از ملاک های آنان برای ارزشیابی بهتر اساتید بهره گرفت.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی اساتید- معیارهای دانشجو-مقطع بالینی

## بررسی تأثیر عوامل دموگرافیک بر نتایج امتحانات جامع علوم پایه دانشجویان دانشکده پزشکی شیراز سال های ۸۵ تا ۸۷

\*مهسا سمیعی، کارشناس دانشگاه علوم پزشکی

Email: webedo@sums.ac.ir

دکتر منصور مسجدی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دکتر شهلا دشتی، کارشناس دانشگاه علوم پزشکی شیراز

راضیه نشاط آور، کارشناس دانشگاه علوم پزشکی شیراز

فرزانه سلوک حقیقی، دبیرم دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دکتر علیرضا باقری لنگرانی، کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی شیراز

**مقدمه:** دوره پزشکی عمومی در دانشگاههای ایران بصورت سنتی چهار مرحله ای به اجرا در می آید. امتحان جامع علوم پایه پزشکی که در پایان اولین مرحله از آموزش عمومی در ایران برگزار می شود، یکی از مهم ترین آزمون هایی است که برای ارزشیابی آموخته های دانشجویان در پایان این دوره ترتیب می یابد. چنانچه دانشجویان بعد از سه بار، موفق به گذراندن این امتحان نشوند، از ادامه تحصیل در این رشته منع شده و ادامه تحصیل آن ها تنها در سایر رشته ها میسر خواهد بود.

**روش ها:** در این مطالعه حجم نمونه تعداد کل جامعه آماری است. در این صورت حجم نمونه برابر است با ۳۹۸ نفر دانشجوی پزشکی. نمرات کل امتحان جامع و متغیرهای دموگرافیک از پرونده آموزشی آنان استخراج گردید. آزمون های آماری مورد استفاده t-test و ضریب همبستگی پیرسون می باشد.

**نتایج:** نمرات امتحان جامع علوم پایه با متغیرهای سهمیه ( $P < 0.05$ ) و تاهل ( $P < 0.05$ ) اختلاف معنی داری داشت. بطوریکه میانگین نمرات دانشجویان با سهمیه منطقه یک بهتر از منطقه دو و منطقه دو بهتر از منطقه سه می باشد. میانگین نمرات دانشجویان مجرد نیز از دانشجویان متاهل بیشتر بود. متغیر سن دانشجویان با نمره آنان همبستگی ندارد. بین متغیر نوع اقامت که به دو صورت بومی و غیربومی مشخص گردیده است با نمرات امتحان جامع علوم پایه دانشجویان ارتباط معناداری وجود نداشت ( $P > 0.05$ ) در صورتیکه متغیر جنس ارتباط معناداری با نمره امتحان جامع داشت ( $P < 0.05$ )

**نتیجه گیری:** نتیجه اینکه متغیر جنسیت، وضعیت تاهل و سهمیه، از جمله عوامل موثر بر نمره امتحان جامع علوم پایه می باشد. متغیر جنس نشان داد که مردان نتایج بهتری کسب کردند.

**واژه های کلیدی:** علوم پایه، امتحان جامع، دانشجوی پزشکی

## بررسی نیازهای آموزش بالینی بخشهای ویژه در دانشجویان ارشد مراقبت ویژه

### پرستاری

حمیده دهقانی<sup>۱\*</sup>، طاهره سلیمی<sup>۲</sup>، خدیجه نصیریانی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> مربی هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

<sup>۲</sup> مربی عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد دانشکده پرستاری

<sup>۳</sup> استادیار هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، دانشکده پرستاری یزد

hamide.dehghani@yahoo.com

**مقدمه:** نیازسنجی آموزشی گام اساسی برای تدوین برنامه آموزش مناسب میباشد. برای هرچه بهتر برگزار شدن کارآموزی بالینی دانشجویان ارشد مراقبت ویژه پرستاری که در بخشهای مختلف سی سی یو ای سی یو دیالیز کارآموزی دارند و با توجه به اینکه دانشجویان سطح همگنی از نظر مهارت و سابقه کار در بخشهای ویژه ندارند پژوهشگران بر آن شدند تا نیازهای آموزش بالینی در کارآموزی های بخش ویژه را توسط دانشجویان تعیین نمایند.

**روشها:** مطالعه پیمایشی و بروش دلفی نیازسنجی صورت گرفت نمونه های مورد پژوهش دانشجویان در حال تحصیل رشته کارشناس ارشد مراقبت ویژه به تعداد ۲۰ نفر که ترم ۳ یا ۴ تحصیلی در دانشکده پرستاری شهید صدوقی یزد بودند بروش سرشماری انتخاب شدند و با سوال باز که نیاز آموزشی شما در کارآموزی بالینی بخشهای ویژه چیست شروع شد و سپس در مرحله بعد جوابها دسته بندی شد و برای تعیین اهمیت و در مرحله آخر توافق به نیازها ارسال شد توافق ۷۵ درصد در نظر گرفته شد و در انتها پیشنهادات برای انجام بهتر آموزش بالینی پرسیده شد و نقطه نظرات بررسی گردید.

**نتایج:** نتایج در مرحله آخر نیازسنجی و توافق بیش از ۷۵ درصد بدینصورت اولویت بندی گردید:

انجام کار عملی بیشتر توسط دانشو در بخش

تاکید بر برگزاری کارگاه پیشرفته دیس ریتمیهای قلبی

احیای قلبی ریوی پیشرفته

پرستاری مبتنی بر شواهد و روش بکارگیری در زمان کارآموزی

تفکر انتقادی و بکارگیری در زمان کارآموزی

کارگاه پیشرفته معاینات فیزیکی

کارگاه تفسیر گرافی ریه برای پرستار

کارگاه تفسیر سستی اسکن برای پرستار

روش استفاده صحیح و کالیبراسیون و نگهداری از تجهیزات پزشکی بخشهای ویژه و نیتلاتور الکتروشوک مانیتورینگ و...

انجام مانور احیای قلبی ریوی

پیشنهادات برای بهتر شدن کارآموزی: استفاده بیشتر از اساتید گروه پرستاری بعنوان مربی در بخشهای ویژه

استفاده بیشتر آموزش بیمارستانها از دانشجویان ارشد در زمان کارآموزی (ارائه کنفرانس جهت پرسنل پرستاری)

دادن مسئولیت آموزش دانشجویان کارآموز کارشناسی پرستاری به دانشجویان ارشد در زمان کارآموزی ویژه

بیشتر به مباحث بالینی و گزارش مورد تاکید شود تا ارائه کنفرانس

بهتر است دانشجویان در بخش ویژه بعنوان قسمتی از کارآموزی شیفته بدهند تا با پرسنل و کار و روتینها مشگکلات بیشتر آشنا

شوند کارآموزی بر اساس محور تفکر انتقادی و پرستاری مبتنی بر شواهد اجرا شود

**نتیجه گیری:** با توجه به اولویت نیازهای آموزشی دانشجویان ارشد پرستاری و پیشنهادات نحوه کارآموزی این موارد را میتوان

در برنامه ریزی بعدی بامشورت اساتید در جلسات گروه پرستاری مطرح و اجرانمود تا شاهد رضایت بیشتر دانشجو از کارآموزی و کیفیت بیشتر آن باشیم.

**واژه های کلیدی:** نیازسنجی آموزشی، دانشجویان ارشد پرستاری ویژه



## ارزیابی اثربخشی تغییر آرایش دروس مقطع کارشناسی ارشد حشره شناسی پزشکی و مبارزه با ناقلین

صابر قلی زاده\*، بهرام نبی لو

\*دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اورمیه

sabergholizadeh@yahoo.com, saber@umsu.ac.ir

**مقدمه:** دوره کارشناسی ارشد رشته حشره شناسی پزشکی و مبارزه با ناقلین علم بررسی گروههای خاصی از بندپایان است که از نظر پزشکی دارای اهمیت قابل توجهی هستند. به رغم اجرای برنامه های مدون کنترل، بیماریهای ناقل زاد مهمترین بیماریهایی هستند که حجم قابل توجهی از خدمات بهداشتی درمانی را به خودشان معطوف داشته اند. برای بررسی و تحقیقات مرتبط با آنها تربیت دانشجو در مقاطع عالی این رشته کاملاً ضروری است. پس از راه اندازی این دوره در سال ۱۳۴۵، تاکنون برنامه های آموزشی آن سه بار مورد بازبینی قرار گرفته است. لذا این مطالعه جهت بررسی اثربخشی آخرین دوره تغییرات در آرایش و سرفصل دروس این رشته در سال ۱۳۸۹ در دانشکده های تربیت کننده دانشجویان کارشناسی ارشد این رشته طراحی گردید.

**روشها:** برای این منظور پرسشنامه ای تنظیم و طراحی گردید. پرسشنامه مشتمل بر ۲۳ سؤال مرتبط با برنامه بازنگری شده درخصوص ضرورت بازنگری، زمان اجرای برنامه، تغییرات اعمال شده در نحوه آرایش دروس و حذف و اضافه کردن برخی از واحدها بوده است. این پرسشنامه برای ۳۳ نفر از همکاران هیأت علمی شاغل در دانشگاههای علوم پزشکی اورمیه، تهران، زنجان، همدان، شیراز، اهواز و ساری که مجری دوره کارشناسی ارشد رشته حشره شناسی پزشکی و مبارزه با ناقلین هستند از طریق پست الکترونیک ارسال گردید.

**نتایج:** پس از دو بار ارسال پرسشنامه و درخواست، یک سوم پرسش شوندهگان (مخاطبین یا پاسخگویان) از دانشگاههای علوم پزشکی اورمیه، تهران، شیراز و همدان پرسشنامه را تکمیل و عودت دادند. دانشگاههای علوم پزشکی اورمیه، شیراز و همدان از مهر ۱۳۹۰، بلافاصله پس از ابلاغ وزارتخانه برنامه آموزشی جدید را اجرا کرده اند. با توجه به پیشرفتهای اخیر در این رشته در دنیا، در مجموع ۸۷/۵ درصد افراد موافق بازنگری دروس این رشته و ۵۰ درصد مخالف تناسب آرایش دروس تخصصی و کمبود با نیازهای این رشته بودند. تقریباً همه پرسش شوندهگان مخالف کاهش واحد مبارزه بیولوژیک، حذف واحد پروژه و افزایش تعداد واحدهای لیسمانیوز پیشرفته بودند. با توجه به نوع کارهای مرتبط با رشته و عملیات فیلد و آزمایشگاه، سه چهارم شرکت کنندگان کاملاً موافق افزایش واحد پایان نامه دوره بودند.

**نتیجه گیری:** به نظر می رسد بازنگری دروس رشته دارای سوگیری بوده و لازم است علاوه بر ارزیابی های درونی از ارزیابی های بیرونی نیز استفاده شود و نیز وضعیت رشته در سایر کشورهای دنیا نیز مورد توجه قرار گیرد.

**واژه های کلیدی:** کارشناسی ارشد، ارزیابی، دروس، حشره شناسی پزشکی

## بررسی فرهنگ حاکم بر کلاس درس از دیدگاه دانشجویان

محمدحسن کریم فر، صغری رضایی\*، فاطمه پیری، سمیه حیدری زادی  
دانشگاه علوم پزشکی ایلام - گروه آناتومی - کمیته تحقیقات مرکزی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایلام  
Rezaei53mrr@yahoo.com

**مقدمه:** کلاس درس متشکل از استاد و دانشجویان یک جمعیت را تشکیل می دهد و یک جمعیت قابل توجه و تاثیر گذار را از جامعه در بر می گیرد گرچه قوانین ومقررات آموزشی بایستی فرهنگ حاکم بر کلاس درس باشد ولی عوامل دیگری نیز تاثیر می گذارند و این مطالعه به منظور تعیین دیدگاه دانشجویان پیرامون عوامل موثر بر فرهنگ حاکم بر کلاس انجام شده است تا در صورت امکان راهکارهایی جهت بهبود ارتباط استاد با دانشجو، ارتقای فرهنگ حاکم بر کلاس و افزایش بهره وری و پیشرفت تحصیلی دانشجویان ارائه گردد

**روش ها:** این پژوهش توصیفی - مقطعی به روش نمونه گیری سرشماری بر روی دانشجویان کارشناسی ناپیوسته دانشکده پرستاری و مامایی زابل صورت گرفت که پرسشنامه ای حاوی تعدادی سوال، بین دانشجویان توزیع شد و پس از جمع آوری پرسشنامه های تکمیل شده، داده ها با استفاده از آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج حاصل از این پژوهش نشانگر آن است که ۶۵ درصد از دانشجویان به این باورند که فرهنگ حاکم بر کلاس درس از عوامل متعددی تاثیر پذیر است و این موارد عبارتند از روز و ساعت بر گزاری کلاس، منظم بودن مدرس، شیوه تدریس از قبیل دانشجو محوری یا استاد محوری، محیط و فضای فیزیکی کلاس، تعداد دانشجو، شیوه جواب دادن مدرس به سوالات دانشجویان، هنر تدریس نمودن مدرس، وسایل کمک آموزشی، میزان تعامل بین مدرس و دانشجویان، نوع و محتوای درس، میزان قانونمند بودن مدرس، نشاط دانشجویان و جنسیت دانشجویان یک کلاس.

**نتیجه گیری:** فاکتورهای تاثیر گذار بر فرهنگ حاکم بر کلاس درس بسیار متعدد می باشد و آگاهی از تفکر و ادراکات و احساسات مدرس و بخصوص دانشجویان منجر به یک تعامل موثر بین مدرسین و دانشجویان خواهد شد که این خود باعث تدریس و آموزش موفق خواهد شد و باعث رضایت مندی بیشتر و جلوگیری از افت تحصیلی در بین دانشجویان می شود

**واژه های کلیدی:** فرهنگ حاکم، دیدگاه دانشجویان، کلاس درس

## بررسی اثرات لاگ بوک ها در یادگیری درس آناتومی عملی

محمدحسن کریم فر، صغری رضایی\*، سمیه حیدری زادی، فاطمه پیری

دانشگاه علوم پزشکی ایلام گروه آناتومی- کمیته تحقیقات مرکزی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایلام

rezaei53mrr@yahoo.com

**مقدمه:** استفاده از لاگ بوک ها روش جدیدی را در آموزش آناتومی عملی به روی دانشجویان واساتید گشوده است و تاثیرات گران قیمتی را روی یادگیری دانشجویان نشان داده است نظر دانشجویان مامایی در خصوص استفاده از این روش نیز اهمیت زیادی دارد لذا این تحقیق با هدف بررسی اثرات لاگ بوک ها در یادگیری درس آناتومی عملی، انجام گرفته است.

**روش‌ها:** تحقیق حاضر که یک پژوهش توصیفی - مقطعی است بر روی دانشجویان کارشناسی پیوسته رشته مامایی زابل صورت گرفته است و ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه ای بوده که بر اساس مقیاس پنج گزینه ای (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) مطابق با الگوی لیکرت تنظیم شده بود و جمعیت مورد مطالعه به صورت نمونه برداری سرشماری از تمام دانشجویانی که درس آناتومی عملی را انتخاب واحد کرده بودند، صورت گرفت و داده ها توسط نرم افزار آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت

**نتایج:** یافته های حاصل از این پژوهش نشان داد که بیش از ۶۰ درصد دانشجویان، استفاده از لاگ بوک ها را مفید و موثر دانسته و عامل بسیار خوبی برای یادگیری آناتومی عملی می دانند و ۶۵ درصد اظهار داشتند که برای یادگیری ایجاد انگیزه می کند و ۶۵ درصد اعلام کردند که بعلت تحت نظر قرار گرفتن یادگیری دانشجوی، توسط مربی اثر مثبت دارد و ۵۵ درصد اظهار داشتند بعلت خود ارزشیابی توسط خود دانشجو موثر است و ۴۵ درصد به موثر بودن لاگ بوک بخاطر باز اندیشی توسط دانشجو در پایان هر جلسه درس اعتقاد داشتند و ۸۰ درصد ذکر کردند بعلت شفاف شدن انتظارات و اهداف آموزشی مربی از دانشجو، لاگ بوک اثر خوبی در یادگیری دارد

**نتیجه گیری:** نتایج حاصل از یافته ها نشان داد که بیش از ۶۰ درصد دانشجویان در خصوص استفاده از لاگ بوک ها نظر مثبت و موافق داشتند هر چند که استفاده از این وسیله برای یادگیری و آموزش ارزشیابی چالش هایی را دارد و با توجه به اثرات مثبت آن در یادگیری انتظار می رود از مولفین امر آموزش واساتید که با بازنگری مجدد در خصوص آموزش و ارزشیابی از طریق لاگ بوک ها اقدامات صورت گیرد و پس از انجام مطالعات بیشتری در این زمینه از لاگ بوک ها بیشتر استفاده شود

**واژه های کلیدی:** لاگ بوک، یادگیری، آناتومی عملی

## مقایسه ارزشیابی اساتید از دیدگاه دانشجویان با خود ارزیابی آن‌ها در دانشکده

پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال تحصیلی ۱۳۸۸/۸۹

دکتر محمد مهدی حسن زاده طاهری<sup>۱</sup>، دکتر غلامحسین یعقوبی<sup>۲\*</sup>، دکتر بهروز حیدری<sup>۳</sup>، دکتر محمد افشار<sup>۴</sup>

۱ (Ph.D)، دانشیار علوم تشریحی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

\*<sup>۲</sup> متخصص چشم پزشکی، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

yaqubig@yahoo.com

<sup>۳</sup> متخصص چشم پزشکی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

<sup>۴</sup> (Ph.D)، استاد علوم تشریحی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

**مقدمه:** سیستم آموزشی در هر کشور بعنوان پدیده ای پویا و هدفمند دارای ابعاد کمی و کیفی می باشد و رشد متوازن این ابعاد از اهداف اصلی این سیستم می باشد که باید همواره مد نظر برنامه ریزان قرار بگیرد (۱). ارتقاء کیفیت آموزش مستلزم ارزشیابی مداوم می باشد که می تواند بر روی هریک از عوامل تشکیل دهنده آن از قبیل درون داد، برون ده، فرایند و نتیجه صورت پذیرد (۲). تحقیقات نشان داده است که تلاش در جهت تغییر برنامه آموزشی و روش های یاد دهی - یادگیری بدون تغییر همزمان سیستم ارزشیابی کاری بی نتیجه می باشد. اساتید یکی از ارکان اصلی آموزش دانشگاه می باشند و نحوه عملکرد آن ها نقش اساسی در بازدهی نظام آموزشی دارد بنابراین لازم است که کیفیت آموزشی آن ها بطور مداوم و سیستمیک مورد ارزیابی قرار گیرد (۴). مطالعات متعددی نشان داده اند که باز خورد نتایج این ارزشیابی ها به اعضاء هیئت علمی باعث گردیده است که آنها نقاط قوت و ضعف خود را تشخیص دهند و با تقویت نقاط قوت و برطرف نمودن نقاط ضعف ارتقاء کیفیت آموزش را سبب گردند (۵). ارزشیابی اساتید روش معمولی است که در تمام دانشگاهها در سرتاسر دنیا و از آنجمله در کشور ما و بطرق مختلفی از قبیل؛ ارزشیابی توسط دانشجویان، خود ارزیابی، ارزشیابی توسط مدیر گروه مربوطه، همکاران، مسئولین دانشکده و... صورت می پذیرد. در این پژوهش هدف بررسی ارزشیابی اعضاء هیئت علمی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند از دیدگاه دانشجویان و مقایسه آن با خود ارزیابی آن ها می باشد.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی- تحلیلی و مقطعی در سال تحصیلی ۱۳۸۸/۸۹ انجام شد و در آن ۶۳ نفر از اعضاء هیئت علمی که در استخدام دانشگاه بودند، به روش سرشماری انتخاب شدند و بوسیله تمام دانشجویان مقاطع علوم پایه و بالینی در دو نیمسال اول و دوم این سال تحصیلی مورد ارزیابی قرار گرفتند. و تمامی این اساتید در خود ارزیابی نیز شرکت نمودند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه هائی بود که در مرکز توسعه آموزش (EDC) برای این منظور وجود دارد و روائی و پایائی آن در مطالعات متعددی به اثبات رسیده است. پرسشنامه مربوط به ارزیابی اساتید بوسیله دانشجویان دارای دو بخش می باشد که در بخش اول اطلاعات دموگرافیک از قبیل؛ نام عضو هیئت علمی، رشته تحصیلی دانشجوی، جنسیت وی و موضوع مورد تدریس ذکر می شود و در قسمت دوم ۱۷ سوال وجود دارد که اساتید را در زمینه های مختلف مانند روش تدریس، توانائی علمی، رعایت مقررات آموزشی و همچنین رعایت شئون مدرسی در چهار سطح ضعیف، متوسط، خوب و بسیار خوب ارزیابی می نماید و برای آنها بترتیب امتیاز های ۱ تا ۴ در نظر گرفته می شود. ضریب آلفای کرونباخ این پرسش نامه در دو مطالعه قبلی در دانشگاه کرمان ۰/۹۱ و ۰/۸۶ مشخص گردیده است (۳، ۶). پرسشنامه مربوط به خود ارزیابی نیز دارای ۲۴ سوال می باشد و مشابه پرسش نامه قبلی در چهار سطح ارزیابی صورت می گیرد. ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه نیز در مطالعات قبلی ۰/۹۱ معین گردیده است (۷). اطلاعات جمع آوری شده بکمک SPSS ویرایش ۱۳ و بکمک تست های آماری T مستقل و ضریب همبستگی پیرسون در سطح معنی داری  $p < 0.05$  مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند.

**نتایج:** در این پژوهش ۶۳ عضو هیئت علمی دانشکده پزشکی بوسیله دانشجویان با تکمیل ۲۴۱۷ پرسش نامه مورد ارزیابی قرار گرفتند و ۸۷ پرسش نامه خود ارزیابی بوسیله اعضاء هیئت علمی شرکت کننده در این پژوهش تکمیل گردید. میانگین و انحراف معیارنمره ارزشیابی اساتید از دیدگاه دانشجویان  $3/23 \pm 0/38$  و میانگین و انحراف استاندارد خود ارزیابی  $0/33 \pm 3/51$  بود و در مقایسه میانگین ها از نظر آماری اختلاف آن ها معنی دار بود ( $p = 0/02$ ) بدین معنی که اساتید نسبت به دانشجویان نمره بیشتری به خود داده بودند. ضریب همبستگی بین این دو متغیر  $r = 0/03$  و سطح معنی داری آن  $p = 0/02$  بود.

**نتیجه گیری:** هدف این مطالعه مقایسه نتایج ارزشیابی اساتید از دیدگاه دانشجویان و مقایسه آن با خود ارزیابی آن ها بود و یافته ها نشان دادند که اختلاف آنها معنی دار می باشد که از چند نظر قابل بحث می باشد. اولاً؛ در خصوص ارزشیابی اساتید بوسیله دانشجویان دیدگاه های متفاوت و گاه متضادی وجود دارد که ذیلاً به چند دیدگاه اشاره می کنیم. برخی از محققین کاملاً با آن موافق بوده و آنرا مهمترین و قابل اعتمادترین روش ارزشیابی می دانند. این گروه معتقدند که دانشجویان تنها کسانی هستند که بطور مستقیم بوسیله اساتید آموزش داده می شوند، بنابراین بهترین مرجع برای اظهار نظر در باره آن ها می باشند (۷، ۸، ۹). از جمله افراد ای این گروه می توان از **Aultman** نام برد که معتقد است که ارزشیابی اساتید بوسیله دانشجویان مفید بوده و بازخورد آن به اساتید باعث ارتقاء کیفیت آموزش آن ها می شود (۱۰).

گروه دومی از پژوهشگران با این شیوه ارزشیابی مخالفند. آن ها قضاوت دانشجو را انتزاعی دانسته و معتقدند دارای روائی لازم نمی باشد (۱۱، ۱۲). بر اساس نظر این گروه دانشجویان فاقد اطلاعات لازم و کافی در باره معلمین می باشند و از طرفی این روش ارزشیابی را تهدیدی می دانند که ممکن است دامن گیر برخی اساتید شود و آنها بجای تلاش در جهت ارتقاء سطح آموزش خود به سهل نگری و جلب رضایت دانشجویان برای کسب امتیاز بیشتر رو بیاورند (۱۳).

و بالاخره گروه سوم ارزشیابی اساتید بوسیله دانشجویان را ضروری و مهم دانسته اما معتقدند که در خصوص قضاوت و تصمیم گیری در باره اعضاء هیئت علمی می تواند فقط یکی از منابع مورد استفاده و استناد باشد. براساس نظر این گروه از آنجائیکه ارزشیابی اساتید دارای پیچیدگی زیاد می باشد و از طرفی ابزارهای مورداستفاده به اندازه کافی معتبر نمی باشند، بنابراین نتایج حاصله خالی از پیش داوری نخواهند بود و بهتر است ترکیبی از ارزشیابی ها مورد استفاده قرار بگیرد (۱۴، ۱۵، ۱۶). ثانیاً؛ در خصوص مقایسه نتایج حاصل از این پژوهش با مطالعات مشابه، تحقیقات متعددی در کشورهای مختلف و همچنین در دانشگاه های مختلف ایران صورت گرفته است که نتایج آن ها با یافته های این پژوهش همسو می باشند که از آنجمله به چند مورد اشاره می کنیم. مطالعه **Ross** و همکاران در دانشگاه تورنتو کانادا (۱۷)، **Reetz** و همکاران در دانشگاه ایندیانا (۱۸)، **Lane** و همکاران در پنسیلوانیا (۱۹) و **Mattheos** و همکاران در سوئد (۲۰) نمره خود ارزیابی بالاتر از نمره دانشجویان به اساتید بوده است که با یافته های این پژوهش همخوانی دارد. در ایران نتایج مطالعه شکورنیا و کریمی در دانشگاه جندی شاپور اهواز (۲۱)، گوهریان در دانشگاه اصفهان (۲۲) و اصغری در دانشگاه هرمزگان (۷) نیز با یافته های این پژوهش همسو می باشد. البته یافته های تحقیقات مشابه که در دانشگاه ایلام بوسیله علائی و همکاران (۲۳) و همچنین **Barnett** و همکاران در دانشگاه **Mercer** (۲۴) انجام گرفته است بین نتایج ارزشیابی دانشجویان و خود ارزیابی اختلاف معنی داری مشاهده نشده است که با یافته های این پژوهش همخوانی ندارد. نظر به اینکه یافته های این پژوهش با اکثر مطالعات قبلی همسو می باشد و از طرفی نتایج حاصله در دو گروه مورد بررسی اختلاف معنی داری نشان داده اند، بنابراین پیشنهاد می گردد که بهتر است در زمینه تصمیم گیری در خصوص اساتید مجموعه ای از ارزشیابی ها از قبیل دانشجویان، خود ارزیابی، ارزیابی توسط همکاران، مدیران گروه مربوطه و غیره مورد استفاده و استناد قرار بگیرند.

## مقایسه خود ارزیابی اساتید با ارزشیابی آن ها توسط مدیران گروه های مربوطه در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال تحصیلی ۱۳۸۸/۸۹

دکتر محمد مهدی حسن زاده طاهری<sup>۱</sup>، دکتر غلامحسین یعقوبی<sup>۲</sup>، دکتر بهروز حیدری<sup>۳\*</sup>، دکتر محمد حسن پور<sup>۴</sup>  
<sup>۱</sup>(Ph.D)، دانشیار علوم تشریحی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند  
<sup>۲</sup>متخصص چشم پزشکی، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی بیرجند  
<sup>۳\*</sup>متخصص چشم پزشکی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند  
<sup>۴</sup>(Ph.D)، استادیار فارماکولوژی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

**مقدمه:** دانشگاه ها در هر کشوری بر اساس نیازهای آن جامعه بنا نهاده شده اند و بعنوان جزئی از نظام آموزشی این کشورها نیاز به ارتقاء کمی و کیفی دارند. و ارتقاء آن ها بعنوان سیستمی هدفمند نیازمند ارزشیابی مداوم و سیستمیک می باشد که بر روی هریک از اجزاء تشکیل دهنده آن می تواند صورت پذیرد (۱). یکی از اجزای اصلی سیستم آموزش عالی اساتید می باشند که نحوه عملکرد آنها بطور مستقیم ارتقاء سیستم را تحت تاثیر قرار می دهد. تحقیقات متعددی نشان داده اند که انجام ارزشیابی از عملکرد اساتید و بازخورد این نتایج به اعضاء هیئت علمی باعث بهبود و ارتقاء سطح آموزش آنها گردیده است (۲، ۳).

ارزشیابی یکی از مهمترین و موثرترین فرایندها در بررسی ارتقاء سیستم آموزشی می باشد و هدف آن این است که مشخص نماید میزان موفقیت اساتید در دست یابی آن ها به اهداف آموزشی به چه میزان است؟ برای انجام این فرایند ابتدا نیاز به ابزارهای سنجش مناسب می باشد که دارای روائی و پایائی لازم برای جمع آوری اطلاعات باشند. سپس اطلاعات جمع آوری شده باید با معیارهای استاندارد مقایسه گردیده و سرانجام میزان موفقیت اساتید در رسیدن به اهداف آموزشی مورد قضاوت قرار گیرد (۴). ارزشیابی در خصوص مدرسین دانشگاه بطور مستمر و به روش های مختلفی صورت می گیرد که یکی از مهمترین آنها ارزشیابی بوسیله دانشجویان می باشد که برخی از محققین کاملاً با آن موافقند (۴، ۵، ۶)، برخی مخالف این نوع ارزشیابی هستند (۷، ۸) و بالاخره دسته سومی بطور نسبی آن را پذیرفته اند (۹، ۱۰، ۱۱). از روش های دیگر ارزشیابی که در دانشگاه های مختلف دنیا و از جمله دانشگاه های ایران به آن می پردازند، ارزشیابی بوسیله همکاران، خود ارزشیابی، ارزشیابی بوسیله مدیر گروه مربوطه و همچنین مسئولین دانشکده مربوطه می باشد. در این پژوهش هدف مقایسه خود ارزشیابی اعضاء هیئت علمی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند با ارزشیابی آن ها توسط مدیران گروه های مربوطه می باشد.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی- تحلیلی و مقطعی در سال تحصیلی ۱۳۸۸/۸۹ در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند انجام شد و در آن ۶۳ نفر از اعضاء هیئت علمی که در استخدام دانشگاه بودند، به روش سرشماری انتخاب شدند و تمامی این اساتید در خود ارزشیابی با تکمیل ۸۴ پرسش نامه شرکت نمودند (باتوجه به موضوعات مورد تدریس برخی از اساتید بیش از یک پرسش نامه تکمیل کردند). و برای ۶۰ نفر آن ها پرسش نامه مربوط به ارزشیابی اساتید نیز توسط مدیران گروه های مربوطه ۴۸ مورد در مقطع بالینی و ۱۲ مورد در مقطع علوم پایه تکمیل گردید. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسش نامه هائی بود که در مرکز توسعه آموزش (EDC) برای این منظور وجود دارد و روائی و پایائی برخی از آن ها در مطالعات قبلی به اثبات رسیده است. پرسش نامه مربوط به خود ارزشیابی دارای ۲۴ سوال می باشد و در چهار سطح، بسیار خوب، خوب، متوسط و ضعیف اساتید به خود نمره می دهند و سپس با جمع کردن امتیازات و تقسیم بر تعداد سوالات نمره مکتسبه در مقیاس ۴ معین می شود. ضریب آلفای کرونباخ این پرسش نامه در مطالعات قبلی ۰/۹۱ معین گردیده است (۵). پرسش نامه مربوط به ارزشیابی مدیران گروه از اعضاء هیئت علمی مربوطه برای مقاطع علوم پایه و بالینی متفاوت است. پرسش نامه مقطع علوم پایه

دارای ۱۱ سوال و مقطع بالینی دارای ۱۷ سوال می باشد. که مدیران گروه در سطوح چهار گانه فوق به هر پرسش نمره می دهند و سپس با توجه به تعداد سوالات میانگین گیری بعمل می آید و نمره هریک در مقیاس مشخص می گردد. از آنجائیکه این پرسش نامه در مطالعات قبلی مورد استفاده قرار نگرفته بود، لذا ضریب آلفای کرونباخ آنها در یک بررسی پایلوت برای علوم پایه ۰/۸۰ و برای مقطع بالینی بمیزان ۰/۷۶ محاسبه شدند. اطلاعات جمع آوری شده بکمک SPSS ویرایش ۱۳ و بکمک تست های آماری T مستقل و ضریب همبستگی پیرسون در سطح معنی داری  $p < 0.05$  مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند.

**نتایج:** بر اساس نتایج حاصله میانگین و انحراف معیارنمره خود ارزیابی اساتید  $3/33 \pm 3/51$  و میانگین و انحراف معیار نمره اکتسابی از مدیران گروه های مربوطه  $3/60 \pm 0/32$  بود و در مقایسه این میانگین ها از نظر آماری اختلاف معنی داری بین آن ها مشاهده گردید ( $p = 0/04$ ). بدین معنی که مدیران گروه نمره بالاتری به اعضاء هیئت علمی نسبت به خودشان داده بودند. میانگین و انحراف معیار نمره ارزیابی اساتید بوسیله مدیران گروه در مقطع بالینی  $3/42 \pm 0/61$  و در مقطع علوم پایه  $3/70 \pm 0/39$  و در مقایسه این میانگین ها اختلاف آن ها معنی دار نبود ( $p = 0/68$ ). ضریب همبستگی بین میانگین نمره خود ارزیابی و میانگین نمره مکتسبه از مدیران گروه  $r = 0/24$  و سطح معنی داری آن  $p = 0/04$  بود.

**نتیجه گیری:** هدف این مطالعه مقایسه خود ارزیابی اساتید با ارزشیابی آنها توسط مدیران گروه های مربوطه بوده است و بر اساس نتایج مکتسبه بین این دو روش ارزشیابی اختلاف معنی داری مشاهده گردیده است. بدین معنی که نمره ارزشیابی اساتید بوسیله مدیران گروه، بالاتر از نمره خود ارزیابی بوده است که از چند جنبه قابل بحث می باشد. اولاً آنچه از نتایج این پژوهش برمی آید بنظر می رسد مدیران گروه بیشتر از خود اعضاء هیئت علمی گروه مربوطه از کار آئی آنها رضایت داشته اند. که گمان می رود نمره مکتسبه حاصل رو در بایستی مدیران باشد. در غیر این صورت انتظار این بود که نمره داده شده افراد به خودشان بالاتر باشد.

در زمینه خود ارزیابی اساتید تا کنون مطالعات زیادی و از آنجمله مقایسه آن با ارزشیابی اساتید توسط دانشجویان صورت گرفته است و در غالب آن ها نمره خود ارزیابی اساتید بالاتر از نمره ای بوده است که توسط دانشجویان به آنها داده شده است. از جمله این مطالعات، به پژوهش جعفری و همکاران در دانشگاه علوم پزشکی مازندران (۱۲) اصغری و همکاران در دانشگاه هرمزگان (۵) شکورنیا و کریمی در دانشگاه جندی شاپور اهواز (۱۳)، آقا ملائی و همکاران در دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان (۱۴) و گوهریان در دانشگاه اصفهان (۱۵) می توان اشاره نمود. مطالعاتی در این خصوص در برخی دانشگاه های مختلف دنیا نیز نتایج مشابهی بدست داده است که از آنجمله تحقیقات Ross و همکاران در دانشگاه تورنتو کانادا (۱۶)، Reetz و همکاران در دانشگاه ایندیانا (۱۷)، Lane و همکاران در پنسیلوانیا (۱۸) و Mattheos و همکاران در سوئد (۱۹) را می توان نام برد که در همه این مطالعات نمره خود ارزیابی بالاتر از نمره دانشجویان به اساتید بوده است. اما در زمینه ارزشیابی اساتید توسط مدیران گروه مربوطه متأسفانه تاکنون مطالعات زیادی در این خصوص صورت نگرفته است که بتوانیم با یافته های این پژوهش مقایسه نمائیم. اما در مطالعه ای که در دانشگاه علوم پزشکی کرمان در زمینه بررسی انواع مختلف روش های ارزشیابی اساتید صورت گرفته است، اساتید شرکت کننده در پژوهش برای این روش ارزشیابی مزایا و معایبی برشمرده اند که از مزایای آن، آشنائی مدیر گروه از وظایف عضو هیئت علمی، اطلاع از موضوعات مورد تدریس، رعایت سرفصل دروس و همچنین آگاهی از کیفیت تدریس اساتید را ذکر نموده اند (۲۰) در مقابل گروه دیگری از اساتید نمره مدیر گروه به عضو هیئت علمی را متأثر از پیش داوری دانسته و با آن مخالفت کرده اند (۲۰). در مجموع با توجه به یافته های این پژوهش و اختلافات مشاهده شده و یافته های مطالعات مشابه پیشنهاد می گردد در زمینه تصمیم گیری در خصوص اساتید مجموعه ای از ارزشیابی ها از قبیل دانشجویان، خود ارزیابی، ارزیابی توسط همکاران، مدیران گروه مربوطه، مسئولین دانشکده و غیره مورد استفاده و استناد قرار بگیرند.



## مقایسه خود ارزیابی اساتید با ارزشیابی آن ها توسط مدیران گروه های مربوطه در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال تحصیلی ۱۳۸۸/۸۹

دکتر محمد مهدی حسن زاده طاهری<sup>۱</sup>، دکتر غلامحسین یعقوبی<sup>۲</sup>، دکتر بهروز حیدری<sup>۳\*</sup>، دکتر محمد حسن پور<sup>۴</sup>  
<sup>۱</sup>(Ph.D)، دانشیار علوم تشریحی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند  
<sup>۲</sup>متخصص چشم پزشکی، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی بیرجند  
<sup>۳\*</sup>متخصص چشم پزشکی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند  
<sup>۴</sup>(Ph.D)، استادیار فارماکولوژی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

**مقدمه:** دانشگاه ها در هر کشوری بر اساس نیازهای آن جامعه بنا نهاده شده اند و بعنوان جزئی از نظام آموزشی این کشورها نیاز به ارتقاء کمی و کیفی دارند. و ارتقاء آن ها بعنوان سیستمی هدفمند نیازمند ارزشیابی مداوم و سیستمیک می باشد که بر روی هریک از اجزاء تشکیل دهنده آن می تواند صورت پذیرد (۱). یکی از اجزای اصلی سیستم آموزش عالی اساتید می باشند که نحوه عملکرد آنها بطور مستقیم ارتقاء سیستم را تحت تاثیر قرار می دهد. تحقیقات متعددی نشان داده اند که انجام ارزشیابی از عملکرد اساتید و بازخورد این نتایج به اعضاء هیئت علمی باعث بهبود و ارتقاء سطح آموزش آنها گردیده است (۲). (۳)

ارزشیابی یکی از مهمترین و موثرترین فرایندها در بررسی ارتقاء سیستم آموزشی می باشد و هدف آن این است که مشخص نماید میزان موفقیت اساتید در دست یابی آن ها به اهداف آموزشی به چه میزان است؟ برای انجام این فرایند ابتدا نیاز به ابزارهای سنجش مناسب می باشد که دارای روائی و پایائی لازم برای جمع آوری اطلاعات باشند. سپس اطلاعات جمع آوری شده باید با معیارهای استاندارد مقایسه گردیده و سرانجام میزان موفقیت اساتید در رسیدن به اهداف آموزشی مورد قضاوت قرار گیرد (۴). ارزشیابی در خصوص مدرسین دانشگاه بطور مستمر و به روش های مختلفی صورت می گیرد که یکی از مهمترین آنها ارزشیابی بوسیله دانشجویان می باشد که برخی از محققین کاملاً با آن موافقند (۴، ۵، ۶)، برخی مخالف این نوع ارزشیابی هستند (۷، ۸) و بالاخره دسته سومی بطور نسبی آن را پذیرفته اند (۹، ۱۰، ۱۱). از روش های دیگر ارزشیابی که در دانشگاه های مختلف دنیا و از جمله دانشگاه های ایران به آن می پردازند، ارزشیابی بوسیله همکاران، خود ارزشیابی، ارزشیابی بوسیله مدیر گروه مربوطه و همچنین مسئولین دانشکده مربوطه می باشد. در این پژوهش هدف مقایسه خود ارزشیابی اعضاء هیئت علمی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند با ارزشیابی آن ها توسط مدیران گروه های مربوطه می باشد.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی- تحلیلی و مقطعی در سال تحصیلی ۱۳۸۸/۸۹ در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند انجام شد و در آن ۶۳ نفر از اعضاء هیئت علمی که در استخدام دانشگاه بودند، به روش سرشماری انتخاب شدند و تمامی این اساتید در خود ارزشیابی با تکمیل ۸۴ پرسش نامه شرکت نمودند (باتوجه به موضوعات مورد تدریس برخی از اساتید بیش از یک پرسش نامه تکمیل کردند). و برای ۶۰ نفر آن ها پرسش نامه مربوط به ارزشیابی اساتید نیز توسط مدیران گروه های مربوطه ۴۸ مورد در مقطع بالینی و ۱۲ مورد در مقطع علوم پایه تکمیل گردید. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسش نامه هائی بود که در مرکز توسعه آموزش (EDC) برای این منظور وجود دارد و روائی و پایائی برخی از آن ها در مطالعات قبلی به اثبات رسیده است. پرسش نامه مربوط به خود ارزشیابی دارای ۲۴ سوال می باشد و در چهار سطح، بسیار خوب، خوب، متوسط و ضعیف اساتید به خود نمره می دهند و سپس با جمع کردن امتیازات و تقسیم بر تعداد سوالات نمره مکتسبه در مقیاس ۴ معین می شود. ضریب آلفای کرونباخ این پرسش نامه در مطالعات قبلی ۰/۹۱ معین گردیده است (۵). پرسش نامه مربوط به ارزشیابی مدیران گروه از اعضاء هیئت علمی مربوطه برای مقاطع علوم پایه و بالینی متفاوت است. پرسش نامه مقطع علوم پایه



دارای ۱۱ سوال و مقطع بالینی دارای ۱۷ سوال می باشد. که مدیران گروه در سطوح چهار گانه فوق به هر پرسش نمره می دهند و سپس با توجه به تعداد سوالات میانگین گیری بعمل می آید و نمره هریک در مقیاس مشخص می گردد. از آنجائیکه این پرسش نامه در مطالعات قبلی مورد استفاده قرار نگرفته بود، لذا ضریب آلفای کرونباخ آنها در یک بررسی پایلوت برای علوم پایه ۰/۸۰ و برای مقطع بالینی بمیزان ۰/۷۶ محاسبه شدند. اطلاعات جمع آوری شده بکمک SPSS ویرایش ۱۳ و بکمک تست های آماری T مستقل و ضریب همبستگی پیرسون در سطح معنی داری  $p < 0.05$  مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند.

**نتایج:** بر اساس نتایج حاصله میانگین و انحراف معیارنمره خود ارزیابی اساتید  $3/51 \pm 0/33$  و میانگین و انحراف معیار نمره اکتسابی از مدیران گروه های مربوطه  $3/60 \pm 0/32$  بود و در مقایسه این میانگین ها از نظر آماری اختلاف معنی داری بین آن ها مشاهده گردید ( $p = 0/04$ ). بدین معنی که مدیران گروه نمره بالاتری به اعضاء هیئت علمی نسبت به خودشان داده بودند. میانگین و انحراف معیار نمره ارزیابی اساتید بوسیله مدیران گروه در مقطع بالینی  $3/42 \pm 0/61$  و در مقطع علوم پایه  $3/70 \pm 0/39$  و در مقایسه این میانگین ها اختلاف آن ها معنی دار نبود ( $p = 0/68$ ). ضریب همبستگی بین میانگین نمره خود ارزیابی و میانگین نمره مکتسبه از مدیران گروه  $r = 0/24$  و سطح معنی داری آن  $p = 0/04$  بود.

**نتیجه گیری:** هدف این مطالعه مقایسه خود ارزیابی اساتید با ارزشیابی آنها توسط مدیران گروه های مربوطه بوده است و بر اساس نتایج مکتسبه بین این دو روش ارزشیابی اختلاف معنی داری مشاهده گردیده است. بدین معنی که نمره ارزشیابی اساتید بوسیله مدیران گروه، بالاتر از نمره خود ارزیابی بوده است که از چند جنبه قابل بحث می باشد. اولاً آنچه از نتایج این پژوهش برمی آید بنظر می رسد مدیران گروه بیشتر از خود اعضاء هیئت علمی گروه مربوطه از کار آئی آنها رضایت داشته اند. که گمان می رود نمره مکتسبه حاصل رو در بایستی مدیران باشد. در غیر این صورت انتظار این بود که نمره داده شده افراد به خودشان بالاتر باشد.

در زمینه خود ارزیابی اساتید تا کنون مطالعات زیادی و از آنجمله مقایسه آن با ارزشیابی اساتید توسط دانشجویان صورت گرفته است و در غالب آن ها نمره خود ارزیابی اساتید بالاتر از نمره ای بوده است که توسط دانشجویان به آنها داده شده است. از جمله این مطالعات، به پژوهش جعفری و همکاران در دانشگاه علوم پزشکی مازندران (۱۲) اصغری و همکاران در دانشگاه هرمزگان (۵) شکورنیا و کریمی در دانشگاه جندی شاپور اهواز (۱۳)، آقا ملائی و همکاران در دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان (۱۴) و گوهریان در دانشگاه اصفهان (۱۵) می توان اشاره نمود. مطالعاتی در این خصوص در برخی دانشگاه های مختلف دنیا نیز نتایج مشابهی بدست داده است که از آنجمله تحقیقات Ross و همکاران در دانشگاه تورنتو کانادا (۱۶)، Reetz و همکاران در دانشگاه ایندیانا (۱۷)، Lane و همکاران در پنسیلوانیا (۱۸) و Mattheos و همکاران در سوئد (۱۹) را می توان نام برد که در همه این مطالعات نمره خود ارزیابی بالاتر از نمره دانشجویان به اساتید بوده است. اما در زمینه ارزشیابی اساتید توسط مدیران گروه مربوطه متأسفانه تاکنون مطالعات زیادی در این خصوص صورت نگرفته است که بتوانیم با یافته های این پژوهش مقایسه نمائیم. اما در مطالعه ای که در دانشگاه علوم پزشکی کرمان در زمینه بررسی انواع مختلف روش های ارزیابی اساتید صورت گرفته است، اساتید شرکت کننده در پژوهش برای این روش ارزشیابی مزایا و معایبی برشمرده اند که از مزایای آن، آشنائی مدیر گروه از وظایف عضو هیئت علمی، اطلاع از موضوعات مورد تدریس، رعایت سرفصل دروس و همچنین آگاهی از کیفیت تدریس اساتید را ذکر نموده اند (۲۰) در مقابل گروه دیگری از اساتید نمره مدیر گروه به عضو هیئت علمی را متأثر از پیش داوری دانسته و با آن مخالفت کرده اند (۲۰). در مجموع با توجه به یافته های این پژوهش و اختلافات مشاهده شده و یافته های مطالعات مشابه پیشنهاد می گردد در زمینه تصمیم گیری در خصوص اساتید مجموعه ای از ارزشیابی ها از قبیل دانشجویان، خود ارزیابی، ارزیابی توسط همکاران، مدیران گروه مربوطه، مسئولین دانشکده و غیره مورد استفاده و استناد قرار بگیرند.

## بررسی وضعیت گروههای آموزشی دانشکده پزشکی زاهدان بر اساس آزمونهای جامع علوم پایه پزشکی از سال ۱۳۹۰-۱۳۸۰

دکتر قاسمعلی میش مست نهی

استادیار دانشکده پزشکی زاهدان

[G.mishmast@yahoo.com](mailto:G.mishmast@yahoo.com)

**مقدمه:** ارزشیابی از دانشجویان امری ضروری و آزمون جامع علوم پایه پزشکی یکی از مهمترین ارزشیابی های رشته پزشکی است. هدف از ارزشیابی شناخت نقاط قوت و ضعف سیستم بوده تا با تقویت و یا حذف آن سیستم پویا تر گردد. این مطالعه به منظور بررسی وضعیت گروههای آموزشی دانشکده پزشکی زاهدان و مقایسه آن با سایر دانشکده های پزشکی براساس نتایج آزمون جامع علوم پایه از سال ۱۳۸۰-۱۳۹۰ انجام گردیده است.

**روشها:** این پژوهش یک مطالعه توصیفی - مقطعی است ابزار جمع آوری اطلاعات، نتایج آزمونهای شهرپور و اسفند در طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۰ ارسالی از وزارت متبوع می باشد، داده ها با استفاده از نرم افزار PSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، در این مطالعه فاکتورهای معدل دانشجویان، نمره استاندارد و رتبه دانشکده در هر درس در مقایسه با سایر دانشکده ها (خیلی ضعیف (۱) ضعیف (۲) متوسط (۳) خوب (۴) و عالی (۵)) مورد بررسی قرار گرفته است. (وضعیت متوسط (۳) بعنوان معیار در نظر گرفته شده)

**نتایج:** یافته های حاکی است که در دروس آسیب شناسی، ایمنی شناسی، باکتری، بهداشت، بیوشیمی، تغذیه، روان شناسی و ویروس شناسی میانگین معدل در مجموع بالاتر از ۵۰٪ نمره مربوط و در سایر دروس معدل کمتر از ۵۰٪ میانگین می باشد، بالاترین معدل از ۱۱ نمره  $7/54 \pm 0/96$  به باکتری شناسی و کمترین معدل از ۳۰ نمره با  $12/7 \pm 1/5$  به آناتومی تعلق دارد یافته ها هم چنین حاکی است که در دروس بافت شناسی باکتری بیوشیمی روان شناسی و ویروس شناسی نمره استاندارد مثبت و سایر دروس منفی است و بالاترین نمره استاندارد (۰/۲۶) به باکتری و منفی ترین نمره استاندارد (۰/۴۰-) به آناتومی تعلق دارد. نتایج هم چنین حاکی است که رده گروههای ایمنی شناسی، باکتری شناسی، بافت شناسی، بیوشیمی، روان شناسی و ویروس شناسی دارای رتبه ای بالاتر از متوسطه و سایر گروهها دارای رتبه ای پایین تر از متوسط می باشند بالاترین رتبه (۴/۲۱  $\pm$  ۱/۱۸) به باکتری شناسی و پایین ترین رتبه به آناتومی (۱/۳۷  $\pm$  ۰/۵۹) تعلق دارد

**نتیجه گیری:** نتایج حاکی است که دروس باکتری شناسی بیوشیمی روان شناسی و ویروس شناسی از ۱۶ درس در هر سه معیار موفق بوده و باکتری شناسی در بهترین وضعیت است و سایر گروههای وضعیت مناسبی نداشته و آناتومی در پایین ترین حد می باشد، علت یابی نقاط قوت و ضعف گروهها بسیار ضروری بوده تا در جهت اصلاح نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت گروهها در حد امکان اقدام گردد.

ارزیابی درونی گروه آموزشی ارتوپدی در دانشگاه علوم پزشکی اراک :

۱۳۹۰

دکتر رحمت الله جدیدی\*، دکتر زهره عنبری

استاد یار، اعضاء هیئت علمی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اراک

\*Email: jadidi.88@gmail.com

**مقدمه:** ارزیابی درونی به منظور اطمینان از کسب مهارت‌های علمی و عملی، قضاوت صحیح بالینی و ارتقاء کیفیت آموزش پزشکی نقش موثری در ارتقای پزشکی دارد. هدف از این مطالعه تعیین کیفیت آموزش «گروه آموزشی ارتوپدی» از طریق ارزیابی درونی بوده است.

**روش‌ها:** در این مطالعه از الگوی ارزیابی درونی اعتبار بخشی استفاده و حوزه‌های: رسالت و اهداف و فرایند آموزشی، برنامه‌های آموزشی، مدیریت و سازماندهی (مدیر گروه)، اعضای هیأت علمی، منابع (نیروی انسانی، خدمات پشتیبانی و تخصصی - تجهیزات آموزشی، پژوهشی، تشخیصی و درمانی - فضای آموزشی، پژوهشی و درمانی) دانشجویان، پژوهش، سنجش و امتحانات مورد ارزیابی واقع شده‌اند. برای جمع آوری داده‌ها از ۱۲ نوع پرسشنامه و ۱۱ نوع چک لیست استفاده شد. در هر پرسشنامه ملاکها بین عدد ۱ تا ۵ (خیلی ضعیف تا عالی) طبقه بندی شده بود. بعد از تعیین میانگین امتیاز ملاک‌ها، از طبقه بندی گورمن جهت تحلیل نهایی استفاده گردید.

**نتایج:** در این ارزیابی دست‌یابی به اهداف آموزشی گروه با امتیاز (۳/۷۵) در محدوده خوب طبقه بندی گورمن، ارزیابی فرایند آموزشی با امتیاز (۳/۷۳) در محدوده خوب، ارزیابی برنامه‌های آموزشی با امتیاز (۳/۲۱) در محدوده بیش از رضایتبخش، حوزه منابع با امتیاز (۴/۱۲) در محدوده قوی، مدیریت و سازماندهی با امتیاز (۴/۶۶) در محدوده بسیار قوی، هیأت علمی با امتیاز (۴/۳۲) در محدوده قوی، اهداف پژوهشی با امتیاز (۳/۵۰) در محدوده خوب، دانشجویان با امتیاز (۴/۰۲) در محدوده قوی، سنجش و امتحانات با امتیاز (۴/۱۱) در محدوده قوی و در مجموع گروه آموزشی ارتوپدی با امتیاز (۳/۹۳) در محدوده خوب طبقه بندی گورمن قرار گرفت که نشانه وضعیت مطلوب گروه می‌باشد.

**نتیجه‌گیری:** تحقیق حاضر نشان داد نقش نیروی انسانی، وجود تجهیزات اعم از آموزشی پژوهشی تشخیصی و درمانی، بهبود فضای آموزشی، اخذ نظر از دانشجویان پیرامون فرآیندهای آموزش تئوری و بالینی و نیز ارزیابی و سنجش دقیق از مهارت‌های کسب شده دانشجویان در پایان هر دوره، می‌تواند در ارتقای کیفیت آموزش گروه ارتوپدی موثر باشد.

**واژه‌های کلیدی:** ارزیابی درونی، گروه ارتوپدی، دانشگاه علوم پزشکی

## بررسی وضعیت تحصیلی دانشجویان دانشکده پیراپزشکی گرگان و برخی عوامل موثر بر آن

بهروز کرد<sup>۱\*</sup>، قربان محمد کوچکی<sup>۲</sup>، مریم تقوایی یزدی<sup>۳</sup>، هرمز مهرانی<sup>۴</sup>.

<sup>۱</sup> کارشناس مسئول امور آموزشی و دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان.

<sup>۲</sup> استادیار، کارشناس ارشد پرستاری داخلی جراحی، گروه اتاق عمل، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان.

<sup>۳</sup> استادیار، دکترای، عضو هیات علمی گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول.

<sup>۴</sup> استادیار، دکترای، عضو هیات علمی گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول.

behrooz\_kord@yahoo.com

**مقدمه:** پیشرفت نامطلوب تحصیلی دانشجویان نه به عنوان مشکل شاخص بلکه یک مشکل اساسی اجتماعی بوده و باید بر اساس این مشکل گامهای اساسی را برداشت زیرا مسائل ناشی از آن در آینده گریبانگر جامعه خواهد شد. لذا این پژوهش با هدف تعیین وضعیت تحصیلی دانشجویان دانشکده پیراپزشکی گرگان و برخی عوامل موثر بر آن طراحی و اجرا شد.

**روش ها:** در این مطالعه توصیفی - تحلیلی تعداد ۱۵۴ نفر از دانشجویان دانشکده پیراپزشکی از طریق سرشماری وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه دو قسمتی بود قسمت اول شامل ۱۲ سؤال و قسمت دوم در ارتباط با وضعیت تحصیلی دانشجویان که از طریق سیستم سما شامل ۱۴ آیتم سئوالی بود جمع آوری و ثبت گردید. تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS و آزمونهای آماری ANOVA و برای تعیین ارتباط از رگرسیون استفاده گردید.

یافته ها: میانگین سنی دانشجویان  $20,24 \pm 2,9$  بود. اکثریت آنان (۹۶,۱٪) سهمیه ورودی مناطق و ۵۴/۸٪ ساکن خوابگاه بودند. ۹۰,۳٪ به رشته تحصیلی خود علاقه داشتند. بین سن با معدل کل، تعداد واحدهای افتاده و مشروط شدن دانشجویان ارتباط معنی دار بود ( $p < 0.05$ ). بین محل سکونت با تعداد واحدهای گذرانده، بین معدل کل با تعداد فرزندان خانواده بین معدل پیش دانشگاهی با معدل کل و بین معدل پیش دانشگاهی با تعداد واحدهای افتاده ارتباط معنی داری آماری وجود داشت ( $p < 0.05$ ) و در بقیه موارد ارتباط معنی دار آماری وجود نداشت.

**نتیجه گیری:** باتوجه به نتایج حاصل تمهیدات لازم درخصوص نحوه پذیرش دانشجو به منظور پیشگیری از پیشرفت نامطلوب تحصیلی دانشجویان اندیشیده شود.

**واژه های کلیدی:** پیراپزشکی، وضعیت تحصیلی، دانشجو.

## بررسی رابطه انگیزش تحصیلی با شادمانی دانشجویان کتابداری دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه خلیج فارس بوشهر

خانم مهستی گنجو<sup>۱\*</sup>، خانم سمیه پروین<sup>۲</sup>، خانم نسرين مرودشتی پور<sup>۳</sup>، خانم مرضیه گنخکی<sup>۴</sup>  
<sup>۱\*</sup> کارشناسی ارشد مدیریت بهداشت جامعه هیأت علمی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر  
**mahastyganjoo@yahoo.com**  
<sup>۲</sup> کارشناسی کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر  
<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر  
<sup>۴</sup> کارشناسی هوشبری کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

**مقدمه:** یکی از وظایف مهم آموزش پزشکی به عنوان بخشی از نظام آموزش عالی، تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه است. درباره‌ی اهمیت موفقیت تحصیلی می‌توان گفت تحقیق در زمینه پیشرفت و موفقیت تحصیلی، بدون شک در مورد قلب روانشناسی تربیتی است. یک محیط آموزشی شاد، برای تجربیات یادگیری و شکوفایی استعدادهاى دانشجویان بسیار موثر است. انگیزش نیز به عنوان یکی از مولفه‌های هوش هیجانی نقش مهمی در آموزش و یادگیری دارد. روانشناسان انگیزه پیشرفت تحصیلی و موفقیت را جزو انگیزه‌های اکتسابی آدمی دانسته‌اند. از این رو هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه انگیزش تحصیلی با شادمانی دانشجویان کتابداری دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه خلیج فارس می‌باشد.

**روش‌ها:** این پژوهش یک مطالعه توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد و جامعه آماری این پژوهش دانشجویان کتابداری دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه خلیج فارس است که به شیوه سرشماری انتخاب شدند و از دانشجویان درخواست شد که به پرسشنامه انگیزش تحصیلی هارتر و شادمانی اکسفورد پاسخ دهند و در مجموع ۱۰۰ پرسشنامه جمع‌آوری شد.

**نتایج:** بر اساس نتایج ۸۳/۸٪ دانشجویان دختر و ۱۶/۲٪ پسر بودند. بر اساس دو دانشگاه ۴۸٪ کتابداری علوم پزشکی و ۵۲٪ کتابداری خلیج فارس بودند. دانشجویان رضایت از رشته تحصیلی را، ۲۲/۲٪ کم، ۵۰/۵٪ متوسط و ۲۷/۳٪ زیاد اعلام کردند. ارتباط انگیزش تحصیلی و شادمانی معنادار نبوده است ( $P > 0.05$ ). میانگین انگیزش تحصیلی و انحراف معیار به ترتیب در کتابداری پزشکی ۱/۲۴ و ۲۱/۸۷ و کتابداری خلیج فارس ۱/۳۲ و ۲۳/۳۳ محاسبه گردید. میانگین امتیاز شادمانی در دانشجویان کتابداری علوم پزشکی ۴۲/۳۴ و انحراف معیار ۱۲/۷۷ و به همین ترتیب در دانشجویان کتابداری خلیج فارس ۳۸/۰۵ و ۱۱/۹۸ محاسبه گردید. رابطه شادمانی در دانشجویان کتابداری دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه خلیج فارس معنادار نیست. بین شادمانی و انگیزش تحصیلی ارتباط معنی دار نبوده است.

**نتیجه‌گیری:** شادمانی سبب می‌شود دانشجویان خود را بهتر بشناسند و پیرامون نظر خود درباره خود و جهان کنجکاو می‌کنند. همچنین این مهارت کمک می‌کند تا افراد تجربه‌های مثبت و خوب خود را بشناسند و نقش آن‌ها را در افزایش و ارتقای احترام خود و عزت‌نفس بازسناسی کنند. امیدواریم که این پژوهش بتواند گام کوچکی در جهت اعتلای سطح علمی و انگیزشی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بردارد.

**واژه‌های کلیدی:** شادمانی، انگیزش تحصیلی، دانشجویان کتابداری، بوشهر

## پورت فولیو و کاربرد آن در آموزش و ارزشیابی

دکتر علیرضا یوسفی<sup>۱</sup>، مریم احسانی\*<sup>۲</sup>، سهیلا جعفری<sup>۳</sup>، سیما بابایی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>دانشیار، گروه آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

<sup>۲\*</sup>دانشجوی دکترای پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

[my.ehsani@gmail.com](mailto:my.ehsani@gmail.com)

<sup>۳</sup>دانشجوی دکترای پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

<sup>۴</sup>عضو هیئت علمی و دانشجوی دکترای پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

**مقدمه:** پورت فولیو مجموعه ای مستند از فعالیت های فراگیران در خصوص دستاورد ها و رویه های یادگیری است که معمولاً در قالب یک پوشه کار ارائه می شود واز آنجا که در آن دو عامل "بازاندیشی" و "تجزیه و تحلیل منتقدانه" نقش کلیدی ایفا می کند، بکارگیری آن در محیطهای آموزشی هم به عنوان ابزاری برای آموزش و هم وسیله ای برای ارزشیابی سبب افزایش مهارتهای حرفه ای می گردد.

**روشها:** مقاله مروری حاضر، با جستجوی منابع کتابخانه ای، بانکهای اطلاعات علمی و سایتهای مرجع معتبر (ELSEVIER, PUBMED, CINAHL) در سالهای 1991 تا 2012 و با استفاده از کلیدواژه های پورت فولیو، آموزش پزشکی، آموزش پرستاری، یادگیری مبتنی بر بازاندیشی و ارزشیابی تهیه گردیده است.

**نتایج:** تحقیقات مربوط به شناخت، بکارگیری و استفاده از پورت فولیو در آموزش پزشکی و علوم وابسته روبه گسترش است و دیدگاه های مشترک در خصوص اهمیت و تاثیر پورت فولیو، سبب شده استفاده از آن در برنامه های آموزشی در حال گسترش و توسعه باشد. این تاکید ویژه خصوصاً از آنجا نشأت می گیرد که بکارگیری پورتفولیو در آموزش، باعث کم شدن فاصله بین تئوری و عمل میگردد.

**نتیجه گیری:** علیرغم آن که به کارگیری پورت فولیو در آموزش پزشکی و علوم وابسته به آن نظیر پرستاری کیفیت آموزش، مراقبت و ارزشیابی را افزایش داده و منجر به تغییرات مثبت در بالین می شود، اما نکته قابل توجه آن است که فقط وقتی پورت فولیو می تواند بعنوان ابزار یادگیری و ارزشیابی نقشی موثر داشته باشد که هم دانشجویان و هم منتورها در خصوص نحوه بکارگیری و استفاده از آن، ضمن دریافت دستورالعمل شفاف، از حمایت جامع برخوردار باشند تا به این ترتیب اضطرابی هم که در زمان تهیه پورت فولیو در دانشجویان ایجاد می شود، کاهش یابد، علاوه بر موارد فوق، طراحی پورت فولیو متناسب با شرایط محیطی و به صورت کاملاً شفاف، بیان نتایج و قابلیت های مشخص منطبق با بالین و هماهنگ با پیشرفت فراگیران، تعیین روش اعتبار سنجی و نمره دهی پورت فولیو و رعایت اصل سادگی در روند آن، نقش اساسی در دستیابی به بهترین نتایج کاربرد پورت فولیو، هم به عنوان ابزار آموزشی و هم به عنوان ابزار ارزشیابی دارند و مسلماً بدون رعایت چنین نکاتی استفاده از پورت فولیو نمی تواند به تمامی اهداف شایسته خود در امر آموزش و ارزشیابی فراگیران نائل گردد

**واژه های کلیدی:** پورتفولیو، آموزش پزشکی، آموزش پرستاری، یادگیری مبتنی بر بازاندیشی، ارزشیابی

## بررسی رضایت اعضای هیئت علمی از عملکرد مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی بوشهر در سال ۱۳۹۱

\*آزاده عازمیان، مربی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

ی Email: [aazemian@yahoo.com](mailto:aazemian@yahoo.com)

کامران میرزایی، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

محمدرضا یزدانخواه فرد، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

سمیه پروین، دانشجو دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

**مقدمه:** مراکز مطالعات و توسعه علوم پزشکی بعنوان قلب تپنده آموزشی هر دانشگاه می باشد که وظیفه مهم و سنگین توانمندسازی اعضای هیئت علمی و ارتقاء کیفیت آموزش را بعهده دارد. اعضا هیئت علمی بعنوان مهمترین منابع نیروی انسانی هر دانشگاه نقش بسیار حساس را در مشارکت با مرکز مطالعات برای ارتقاء برنامه های آموزشی ایفاء میکنند. با توجه به نقش محوری اعضای هیئت علمی در ارتقاء کیفیت آموزش این پژوهش با هدف بررسی عملکرد مرکز مطالعات را از نظر اعضای هیئت علمی انجام گردید.

**روش ها:** این مطالعه، یک مطالعه مقطعی می باشد. جامعه و نمونه آن اعضای دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بودند. نمونه گیری پژوهش از طریق سرشماری انجام شد. داده ها از طریق پرسشنامه مشتمل بر ۲ بخش که شامل: ۱- مشخصات دموگرافیک ۲-۴۲ گویه در مورد رضایت اعضای هیئت علمی از عملکرد مرکز مطالعات، جمع آوری گردید. داده ها به کمک نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** از بین ۳۰ نفر عضو هیئت علمی که مبادرت به پر کردن پرسشنامه نمودند ۶۳۵/۳٪ زن ۳۸/۷٪ مرد بودند. ۵۶/۷٪ استادیار بودند. ۴۳/۳٪ از مدرسین اظهار داشتند بطور متوسط کارگاههای برگزار شده در سال گذشته مناسب بوده است. ۶۳/۳٪ از مدرسین معتقد بودند مطالب آموخته شده در کارگاههای آموزشی بطور متوسط در محیط آموزشی آنها قابلیت اجرایی دارد. بیشتر اعضای هیئت علمی (۴۰٪) معتقد بودند نتایج تجزیه و تحلیل آزمونهای آنها در اختیارشان قرار نمی گیرد. ۴۳/۳٪ معتقد بودند نتایج ارزشیابی به موقع به دست آنها نمی رسد. ۵۰٪ از اعضای هیئت علمی معتقد بودند مرکز بطور متوسط اخبار و اطلاعیه ها مربوطه را از طریق سایت به اطلاع می رسد. ارتباط معنی داری بین مشخصات دموگرافیک و رضایت از عملکرد مرکز وجود نداشت.

**نتیجه گیری:** با توجه به وظیفه حساس مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی در ارتقاء کیفیت آموزش و اعضای هیئت علمی، اطلاع از نظرات اعضای هیئت علمی و نیاز سنجی مکرر می تواند ضمن ارزشیابی عملکرد مرکز زمینه لازم جهت اطلاع از نیازهای اعضای هیئت علمی و برنامه ریزی جهت پاسخگویی مناسب به آن را فراهم آورد.

**واژه های کلیدی:** مرکز مطالعات و توسعه آموزش، کیفیت آموزش، هیئت علمی

## بررسی آزمون های چهار جوابی در نیمسال اول ۱۳۹۱ در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

احمد عمادی\*، آزاده عازمیان، کامران میرزایی، محمدرضا یزدانخواه فرد

\*کارشناس ارشد معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

Email: emad1952@yahoo.com

**مقدمه:** از مهمترین وظایف اعضاء هیئت علمی ارزیابی دانشجو می باشد. که نیاز به مهارت لازم دارد و به عنوان یک شاخص کلیدی در فرایند یادگیری و یاددهی و تصمیم گیری برای ارتقاء یا رد دانشجو بکار می رود. بدیهی است تهیه آزمون با نوشتن سولات پایان نمی یابد و باید پس از آن به دنبال شواهدی برای اطمینان از کیفیت مناسب سولات بود. در تجزیه و تحلیل سولات اصولاً دو جنبه کمی و کیفی آن مورد توجه قرار می گیرد. در ارزیابی کیفی سولات، شکل، روش تهیه، دقت در ساختن متن، سطح سوال در حیطه شناختی و چینش گزینه های درست و نادرست ارزیابی میشود واز لحاظ کمی موارد چون میزان اعتبار آزمون، قدرت تشخیص هر سوال، درجه دشواری، میزان مشابهت گزینه نادرست و جلب دانشجو به آن مورد بررسی قرار می گیرد. این مطالعه به منظور بررسی کمیت سولات آزمون های پایان ترم دانشکده های مختلف علوم پزشکی بوشهر صورت گرفته است.

**روش ها:** این مطالعه یک مطالعه مقطعی بر ۱۴۰ آزمون آنالیز شده پایان نیمسال اول ۱۳۹۱ با نرم افزار opescan می باشد. سولات مربوط به دانشکده های پزشکی، دندان پزشکی، پرستاری و مامایی، بهداشت و پیراپزشکی بود. کلیه آزمون های برگزار شده در این نیمسال بطور سرشماری مورد بررسی قرار گرفتند. کلیه آزمون های آنالیز شده با حفظ رعایت اصول محرمانه بودن اطلاعات شخص وارد نرم افزار Spss گردید و تجزیه و تحلیل اطلاعات بوسیله همین نرم افزار انجام گردید.

**نتایج:** از ۱۴۰ آزمون آنالیز شده بیشترین آزمون ها مربوط به دانشکده پرستاری و پیراپزشکی بود. (۲۲/۱٪). میانگین تعداد دانشجویان ۳۰/۴ و میانگین تعداد سولات ۳۴/۱ بود. بیشتر سولات آنالیز شده از نظر درجه دشواری، آسان بودند (میانگین ۱۱/۲±۱۸/۱۷) و بیشتر سولات از نظر درجه تمیز مناسب بودند (میانگین ۳±۸/۵). میانگین آلفای کرنباخ سولات ۴/۹± ۱/۰۸ بود.

**نتیجه گیری:** نتایج نشان میدهد انعکاس نتیجه و تجزیه و تحلیل سولات می تواند گام مثبتی در جهت طراحی سولات صحیح می باشد هر چند که نقش کارگاه های آموزشی و کاربرد آن در طراحی سولات باید بسیار جدی در نظر گرفته شود.

**واژه های کلیدی:** آزمون، ارزشیابی، آموزش پزشکی



## بررسی انتظارات دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان از کیفیت خدمات آموزشی

بهروز کرد<sup>۱\*</sup>، قربان محمد کوچکی<sup>۲</sup>، زری سادات سید رضایی<sup>۲</sup>، حسینعلی بهرام زاده<sup>۴</sup>  
<sup>\*</sup> کارشناس مسئول امور آموزشی و دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان.

behrooz\_kord@yahoo.com:

<sup>۲</sup> استادیار، کارشناس ارشد پرستاری داخلی جراحی، گروه اتاق عمل، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان.

<sup>۳</sup> دانشجوی دکترای زبان دانشگاه فردوسی مشهد و مدرس زبان دانشگاه آزاد اسلامی علی آباد کتول.

<sup>۴</sup> استادیار، دکتر، گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول.

**مقدمه:** مفهوم مشتری در عرصه آموزش، طیف گسترده ای از اساتید دانشگاهی، کارکنان و دانشجویان را در برمی گیرد. دانشجویان به عنوان مشتریان بیرونی دانشگاه در طول دوران تحصیل، خدمات آموزشی متنوعی از جمله ثبت نام، انتخاب واحد و سایر خدمات مرتبط را دریافت می نمایند. از آنجائیکه که یکی از مشخصه های وضعیت مطلوب در دانشگاه، برآورده شدن انتظارات دانشجویان از فرآیند خدمات آموزشی است لذا این مطالعه با هدف تعیین انتظار دانشجویان دانشکده های پیراپزشکی و بهداشت گلستان از کیفیت خدمات آموزشی انجام گرفت

**روش ها:** در این مطالعه توصیفی - تحلیلی در سال ۹۰ و بروی کلیه دانشجویان دانشکده های پیراپزشکی و بهداشت انجام شده است. داده ها با استفاده از پرسشنامه سرکوال (کیفیت خدمات) جمع آوری گردید. داده ها با نرم افزار SPSS 18 و آزمون کای اسکوئر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** میانگین سنی دانشجویان  $21.8 \pm 2.9$  و  $72.1\%$  آنان مونث بودند. انتظار دانشجویان از وضع مطلوب  $3.9/3$  ضعیف  $62.7\%$  متوسط،  $33.4\%$  خوب بوده است. بین انتظار دانشجویان با رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی، جنس، معدل و سن رابطه معنی داری وجود نداشت. بین ترم تحصیلی دانشجویان و انتظار آنان از کیفیت خدمات آموزشی رابطه معنی دار بود.

**نتیجه گیری:** براساس نتایج انتظار دانشجویان از وضع مطلوب در این دانشگاه خیلی بالا می باشد، لذا برنامه ریزی لازم جهت ارتقای کیفیت خدمات آموزشی در راستای برآورده نمودن انتظارات دانشجویان توسط مسئولین و کارکنان دانشگاه انجام گیرد.

**واژه های کلیدی:** انتظار، کیفیت خدمات، دانشجو، خدمات آموزشی

بهره گیری از کارنامه مهارت (logbook) دانشجویان دوره پزشکی عمومی در جهت ارتقای برنامه آموزش علوم پزشکی پاسخگو در دانشگاه علوم پزشکی بابل

دکتر سیمین موعودی MD.MPH

کارشناس مسوول آموزش علوم پزشکی پاسخگو، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بابل

مقدمه: رسالت دانشگاههای علوم پزشکی تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد و ارائه خدمات بهداشتی درمانی متناسب با نیاز های جامعه وبا توجه به امکانات و شرایط موجود در جهت ارتقای سلامت است اما تربیت نیروی انسانی متناسب با نیاز های بهداشتی و درمانی جامعه مستلزم تغییر در شیوه های آموزشی موجود می باشد. از آنجایی که از زمان آغاز برنامه های آموزشی جامعه محور در دانشگاه (سال ۱۳۶۸)، شیوه مدونی برای آموزش و ارزشیابی برنامه های جامعه نگر و پاسخگو در دانشگاه وجود نداشته، کارنامه مهارت (logbook) با در نظر گرفتن محورهای آموزشی ضروری مقطع کارآموزی و کارورزی دانشجویان دوره پزشکی عمومی طراحی شده تا ضمن فراهم کردن بسترمدون و مشخص برای آموزش محورهای ضروری، امکان ارزشیابی توانایی های فارغ التحصیلان دوره پزشکی دانشگاه به منظور پاسخگویی به نیازهای اصلی جامعه به وجود آید.

روش ها: با توجه به برنامه های آموزشی ضروری مقطع کارآموزی و کارورزی دانشجویان دوره پزشکی عمومی (مصوبات شورای آموزشی پزشکی عمومی معاونت آموزشی وزارت) که مهارتهای اصلی مورد انتظار از دانشجویان پزشکی را اعلام نموده است، کارنامه مهارت -logbook- طراحی شده است. در طراحی این کارنامه، حداقل مهارتهای ضروری که انتظار می رود دانشجویان پزشکی در زمان فارغ التحصیلی، در حیطه های مهارتهای ارتباطی، بیماریهای داخلی، جراحی، زنان، کودکان، بهداشت و پزشکی اجتماعی داشته باشند مد نظر قرار گرفته است و در نظر است با هماهنگی شورای آموزش علوم پزشکی پاسخگوی دانشگاه، با مشارکت گروههای آموزشی داخلی، جراحی، پزشکی اجتماعی، زنان و اطفال وبا نظارت مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه در سال ۱۳۹۲ اجرایی گردد.

نتایج: بسیاری از پزشکان عمومی که از دانشگاههای علوم پزشکی کشور فارغ التحصیل می شوند به عنوان پزشک خانواده یا پزشکان مراکز بهداشتی درمانی در مناطق روستایی و شهری کشور فعالیت خواهند نمود. این افراد نیاز خواهند داشت که برخی مهارتهای اساسی و اولیه ارائه خدمات را در طی دوره تحصیل در دانشگاههای علوم پزشکی کسب نمایند، از جمله: مهارتهای برقراری ارتباط با جامعه، نیاز سنجی، اولویت بندی نیاز های سلامت در منطقه، توانایی ارائه خدمات بهداشتی به گروههای هدف مطابق بسته های خدمتی تالیف شده در سطح کشور (کودکان، مادران، نوجوانان و جوانان، میانسالان، سالمندان، بیماران مبتلا به اختلالات /بیماریهای مشمول نظام مراقبت و ...)، مهارتهای بالینی سرپایی (چگونگی اخذ شرح حال، معاینه بالینی دقیق، تنظیم نسخ دارویی، انجام پروسیجرهای ساده پزشکی مانند کنترل خونریزیهای خارجی، پانسمان و بانداژ، تزریقات، بخیه زدن و....)

علیرغم اهمیت موضوع، تعداد بسیار اندکی از دانشگاههای علوم پزشکی اقدام به تهیه ابزار جامعی برای ارزیابی حداقل مهارتهای ضروری مورد انتظار- در سطح بین گروههای های مختلف آموزشی دانشگاه -نموده اند. نظر به نقش ارزشمند کارنامه های مهارت (logbooks) در جهت ارزشیابی این مهارتها و با توجه به اینکه عمده logbooks تهیه شده در دانشگاههای علوم

پزشکی در سطح یک رشته/گروه آموزشی (مثلا لاگ بوگ داخلی، لاگ بوک جراحی، زنان و...) طراحی و به کار برده می شود نویسنده مقاله اقدام به تهیه لاگ بوک بین رشته ای (شامل حداقل مهارتهای ضروری داخلی، جراحی، زنان، اطفال، بهداشت و

## چکیده مقالات چهاردهمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

---

پزشکی اجتماعی)نموده است تا با حمایت شورای آموزش علوم پزشکی پاسخگوی دانشگاه علوم پزشکی بابل از سال ۱۳۹۲ جهت آموزش و ارزشیابی مهارتهای ضروری دانشجویان دوره پزشکی عمومی به کار گیری شود.

نتیجه‌گیری: از آنجایی که تا کنون ابزار جامع و کاملی جهت ارزشیابی فعالیتهای آموزش علوم پزشکی پاسخگو (SAME) در دانشگاههای علوم پزشکی کشور به صورت هماهنگ و کشوری، تدوین و به کار گیری نشده است، به کار گیری کارنامه های مهارت دانشجویان رشته های مختلف -به ویژه کارنامه های تدوین شده بین گروههای مختلف آموزشی نه فقط یک گروه -به عنوان یکی از راهکارهای مهم ارتقای این برنامه پیشنهاد می گردد. استفاده از این ابزار، نیمرخ از وضعیت مهارتهای اولیه مورد نیاز جهت فعالیت گروههای مختلف علوم پزشکی به دست خواهد داد تا بر اساس آن بتوان در خصوص پاسخگویی فارغ التحصیلان دانشگاههای علوم پزشکی به نیاز های سلامت منطقه ای که در آن فعالیت خواهند داشت با مستندات بیشتری بر نامه ریزی و مداخله نمود.

واژه‌های کلیدی: کارنامه مهارت (logbook)، دانشجوی پزشکی عمومی، آموزش علوم پزشکی پاسخگو (SAME)

## ارزشیابی توانمندی بالینی کارآموزان و کارورزان در پایان گردش‌های بالینی در

### دانشگاه علوم پزشکی مشهد

لی بهاری<sup>۱</sup>، زهرا موفقی<sup>۲\*</sup>، سید علی علمداران<sup>۳</sup>، علی شعبی<sup>۴</sup>

دانشیار گروه داخلی، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

\*دانشیار گروه رادیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

Alamdarana@mums.ac.ir

<sup>۳</sup>استادیار گروه اعصاب، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

**مقدمه:** ارزشیابی توانمندی بالینی در پایان بخش، بایستی اهداف آموزشی را در هر سه حیطه دانش، نگرش و مهارت مورد سنجش قرار دهد. مطالعه حاضر در راستای یک برنامه نظام مند نظارت آموزشی، به بررسی وضعیت ارزشیابی توانمندی بالینی کارآموزان و کارورزان پزشکی در کلیه گردش‌های بالینی در دانشکده پزشکی مشهد پرداخته است.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر یک ارزشیابی از نوع مقطعی بود که به صورت همه شماری در سال ۹۱-۱۳۹۰ انجام گرفت. ابزار پژوهش یک چک لیست ۱۰ مولفه ای بود که وضعیت ارزشیابی اهداف آموزشی بخش را در حیطه های دانش، نگرش و مهارت، در آزمون های پایان بخش های بالینی بررسی نمود. روایی ابزار به روش محتوا و پایایی نتایج به روش پایایی بین ارزیابان، مورد تایید قرار گرفت. اطلاعات در ۳۲ بخش آموزشی از ۱۷ گروه بالینی توسط تیم ارزیابی سه تا چهار نفره متشکل از کارشناس ارشد آموزش پزشکی و اعضای هیئت علمی برگزیده از گروههای بالینی متفاوت، به روش مصاحبه با اعضای هیئت علمی، دستیاران، دانشجویان و بررسی مستندات مربوط به آزمونهای ۶ ماه گذشته، گردآوری شد. روایی محتوای آزمون های تئوری، به روش مسیک با مطابقت سوالات نمونه هایی از برگه های امتحانی دوره های گذشته با اهداف حیطه دانش برنامه عملیاتی آموزش گروه بررسی گردید.

**نتایج:** ارزشیابی پایان بخش در دو گروه بالینی، ساختار و روش مشخصی نداشت و در سایر گروهها عمدتاً به روش تستی، تشریحی و یا شفاهی برگزار می شد. در چهار گروه بالینی، روش ارزشیابی بین دو مرکز درمانی کاملاً متفاوت و در سه گروه میانگین نمرات دانشجویان دو مرکز در سطح ۰/۰۵ تفاوت معنی دار داشت. روایی محتوای آزمون های کتبی گروههای بالینی، از ۵۵ تا ۹۵٪ متغیر بود. سوالات آزمونهای کتبی، به طور متوسط ۱۵٪ در سطح کاربرد و بقیه در سطح حفظیات قرار داشت. ارزشیابی مهارتهای عملی، در دو گروه بالینی در هر دو مقطع کارآموزی و کارورزی، در یک گروه فقط در مقطع کارآموزی و یک گروه نیمی از کارآموزان (یک مرکز)، به روش OSCE یا Mini CEx انجام می شد. ارزشیابی تعهد حرفه ای و اخلاق پزشکی تقریباً در تمام گروهها هیچ روش مشخصی نداشت و به صورت کلی و نظری توسط اساتید یا دستیاران نمره داده می شد.

**نتیجه‌گیری:** نظارت های سیستماتیک انجام شده از بخش های بالینی، وضعیت ضعیفی را در زمینه ارزشیابی توانمند بالینی در دانشکده پزشکی مشهد مستند نمود. نظر به اهمیت ارزشیابی در جهت دادن به فرایند یادگیری دانشجویان، پیگیری مشکل با تشکیل ستاد ارزیابی آزمونها و تصویب تداوم بازدهیها به صورت اعتبار بخشی، انجام گردید.

## ارتباط بین هوش اجتماعی و سطح مهارت کارآفرینی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

یحیی صفری<sup>۵۷</sup>، فاطمه طهماسبی<sup>۵۸</sup>، محمد جواد کرم افروز<sup>۵۹</sup>  
ysafari79@yahoo.com

**مقدمه:** هوش اجتماعی و کارآفرینی از جمله ویژگی هایی هستند که موفقیت تحصیلی و شغلی را به دنبال دارند. اگر ارتباط بین این دو اثبات شود، با پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان رابطه بین مهارت کارآفرینی و هوش اجتماعی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه انجام گرفت.

**روشها:** پژوهش به روش توصیفی از نوع همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل، کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه به تعداد ۳۴۷۰ نفر بودند که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی منظم، تعداد ۳۵۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند، حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان برآورد شد. ابزار پژوهش پرسشنامه سنجش میزان هوش اجتماعی، پرسشنامه استاندارد شده مهارت کارآفرینی کرد نایچ و برای سنجش هوش اجتماعی، پرسشنامه برگرفته از مطالعه هاو بیر فتحی بود، ضریب پایایی آن به روش بازآزمایی به فاصله دو هفته بر روی یک گروه ۱۵ نفره برابر ۰/۸۲ بود. داده ها، با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج نشان داد که بین هوش اجتماعی و ریسک پذیری ( $P=0/035$  و  $r=20/14$ )، بین هوش اجتماعی و کانون کنترل ( $P=0/019$  و  $r=20/72$ )، بین هوش اجتماعی و نیاز به موفقیت ( $P=0/012$  و  $r=20/54$ )، بین هوش اجتماعی و سلاست فکری ( $P=0/033$  و  $r=20/53$ )، بین هوش اجتماعی و عملگرایی ( $P=0/04$  و  $r=20/45$ )، بین هوش اجتماعی و تحمل ابهام ( $P=0/029$  و  $r=20/58$ )، بین هوش اجتماعی و مثبت اندیشی ( $P=0/019$  و  $r=20/72$ ) و بین هوش اجتماعی و چالش طلبی ( $P=0/016$  و  $r=20/29$ ) از لحاظ آماری ارتباط مثبت معنی دار وجود داشت.

**نتیجه گیری:** در مجموع می توان نتیجه گرفت، بین هوش اجتماعی و مهارت کارآفرینی این دانشجویان رابطه وجود دارد. با توجه به وجود رابطه بین هوش اجتماعی و مولفه های کارآفرینی، تقویت هوش اجتماعی و در نتیجه افزایش این مولفه ها پیشنهاد می گردد.

**واژه های کلیدی:** مهارت کارآفرینی، هوش اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی، دانشجویان علوم پزشکی

<sup>۵۷</sup> - استادیار دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

<sup>۵۸</sup> - کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد (نویسنده مسئول)

<sup>۵۹</sup> - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

## چالشهای رویکرد ارزشیابی ۳۶۰ درجه جهت سنجش قابلیت‌های رفتاری دانشجویان تحصیلات تکمیلی

زهرة حسینی\*

\*کارشناس ارشد آموزش پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه

**مقدمه:** ویژگیهای فیزیکی و رفتارهای آشکار و محصولات رفتاری دانشجویان را می‌توان به طرق مختلف سنجش کرد که در آن بعد های مختلف رفتار ( شکل ظاهری رفتار ، شدت و نیروی رفتار ، نرخ یا فراوانی رفتار و مکان و موقعیت انجام رفتار ، طول مدت رفتار ) سنجیده می‌شود. دو نوع مهم این روشها عبارت است از روش بعد از واقعه و سنجش بعد از اتمام رفتار و روش رویداد های گذرای رفتار است که اولیاء آموزشی می‌توانند در محیط دانشگاه و خوابگاه با استفاده از فن مشاهده از آن استفاده کنند. برای این کار، معیار امتیاز بندی باید وجود داشته باشد که ابعاد مختلف رفتار دانشجویان را با نظر سنجی از افراد پیرامون او اندازه گیری و سنجش نماید. تعیین این حیطه ها و طبقه بندی آن استفاده از نظر جمعی اساتید و کارکنان آموزشی تواند منبع مهمی برای تعیین مشکلات و قابلیت های اجتماعی و رفتاری دانشجویان باشد که نقش مهمی را در افزایش انگیزه آنان برای بهتر بودن و از بین بردن نقاط مشکل و ضعف دارد که نمادی از پاسخ گویی متقابل در محیط آموزشی می باشد.

**روش‌ها:** این مطالعه مقطعی و از نوع توصیفی بود که نمونه آماری منطبق بر جامعه اساتید حق التدریس و اعضاء هیئت علمی بود. داده ها با استفاده از فرم مصاحبه محقق ساخته مشتمل بر ۱۰ سوال چالشهای استفاده از ارزشیابی ۳۶۰ درجه جمع اوری و با نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** ۸۴ درصد اساتید معتقد بودند که نظر سنجی شفاهی موجب ابهامات هاله ای شده و نظر هر فرد بر نظرات جمع تاثیر گذار است و ۱۰۰ درصد آنان اذعان داشتند که جهت سنجش فراگیر ، کلیه مستندات ارزشیابی جهت پاسخ گویی هر چه بهتر باید ضمیمه و به صورت مکتوب موجود باشد. در غیر این صورت زمان انتظار برای جوابگویی طولانی و مبهم بوده و در برخی موارد می تواند باعث تخریب روانی فراگیر گردد.

**نتیجه‌گیری:** استفاده از ملاک های جامع و مستند می تواند نقش مهمی در ارزیابی و پایش به موقع دانشجویان ، تشخیص موارد بحرانی و جلوگیری از ایجاد مشکل در مراحل بعدی داشته و به اشتراک گذاری نظرات در آن باعث افزایش تعهد و هماهنگی درون سازمانی در مراکز دانشگاهی می گردد.

**واژه‌های کلیدی:** چالش، ارزشیابی ۳۶۰ درجه، قابلیت‌های رفتاری، دانشجویان

## بررسی مقایسه‌ای ارزشیابی اساتید دانشکده دندانپزشکی در دو سال متوالی از دیدگاه دانشجویان

محمود ایمانی\*، جاوید دهقان حقیقی، مریم شکیبیا، مه‌ری رافت

\*دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، معاونت آموزشی

Email: Mimaniz012@yahoo.com

**مقدمه:** یکی از ارکان مهم ارتقای کیفیت آموزش در مراکز آموزشی، ارزشیابی وضعیت تدریس اساتید می باشد و هدف اصلی از آن، بهبود و ساماندهی کیفیت آموزش در دانشگاهها می باشد. فرایند ارزشیابی استاد، فرایندی است که در طی آن با جمع آوری اطلاعات و با بررسی عملکردهای گوناگون اساتید، درباره کفایت و شایستگی آنان قضاوت می شود و در عین حال تصمیم لازم در مورد اقداماتی که می تواند به افزایش شایستگی ایشان و بهبود یادگیری فراگیران کمک کند، اتخاذ می گردد. این پژوهش در جهت مقایسه ی ارزشیابی اساتید در طی دو سال تحصیلی و با هدف کمک به ارتقای کیفیت تدریس آنها انجام گردید.

**روش‌ها:** این مطالعه بصورت مقطعی در دو سال ۹۱ و ۹۰ انجام شد. کلیه دانشجویان دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان وارد مطالعه شدند. تمامی دروس ارائه شده توسط اعضای هیئت علمی گروه های آموزشی مورد نظر دانشکده، با استفاده از پرسشنامه مورد تایید EDC و توسط مرکز مطالعات دانشگاه، با همکاری دانشجویان مورد ارزشیابی قرار گرفت، این پرسشنامه حاوی مشخصات دموگرافیک و عوامل موثر بر ارزشیابی استاد شامل مهارت تدریس استاد، خصوصیات فردی استاد، رعایت اصول و قوانین آموزشی، زمان ارائه درس و...بود.

**نتایج:** میانگین نمره ارزشیابی گروههای آموزشی بیماریهای دهان و تشخیص، اندودانتیکس، پروتز، اطفال و جراحی فک و صورت در سال ۹۰ بر مبنای نمره ۱۰۰، به ترتیب ۸۸/۰۷، ۹۰/۲۰، ۸۷/۴۳، ۹۰/۵۹ و ۹۲/۵۹ بود و این میزان در سال ۹۱ به ترتیب ۸۸/۶۵، ۹۱/۲۰، ۹۱/۲۱، ۹۳/۰۸ و ۹۱/۴۶ بود. در بین گروههای آموزشی، گروه پروتز بیشترین میزان ارتقا و گروه جراحی فک و صورت ارتقا نداشته، اما همچنان کیفیت آموزش بسیار خوبی دارد.

**نتیجه‌گیری:** ارائه بازخورد اصولی و هدفمند نتایج حاصل از ارزشیابی به اساتید، می تواند در جهت تقویت فعالیت ها و روش های اثر بخش و کاهش یا حذف فعالیت ها و روش های بی تاثیر یا نامطلوب و ارتقای کیفیت آموزش اعضای هیئت علمی بسیار مثر ثمر باشد.

**واژه‌های کلیدی:** ارزشیابی، اساتید، دانشکده دندانپزشکی

## بررسی میزان تاثیر مداخلات اصلاحی و تحقق ضوابط استاندارد در نحوه برگزاری امتحانات در دانشکده های تابعه دانشگاه علوم پزشکی اهواز در سال تحصیلی ۹۱-

۹۰

مریم اسلمی\*<sup>۱</sup>، محمد جهانگیر<sup>۲</sup>، مهدی سیاح برگرد<sup>۳</sup>، احمد رضا مهتدی<sup>۳</sup>، فاطمه احمدی<sup>۳</sup>  
\*کارشناس آموزش دانشگاه جندی شاپور، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، اهواز، ایران  
<sup>۲</sup>دانشکده پزشکی، دانشگاه جندی شاپور، اهواز، ایران  
<sup>۳</sup>عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور، اهواز، ایران

**مقدمه:** امتحانمهمترین و در بسیاری از دانشگاهها تنها وسیله ی ارزشیابی تحصیلی دانشجویان محسوب می شود. بنابراین توجه به فرآیند برگزاری امتحانات و تلاش جهت مراعات استانداردها و مقررات مربوطه، نقش سازنده ای در اثربخش تر نمودن فرآیند ارزشیابی، شناسایی نقاط قوت و ضعف آموزش و برنامه ریزی جهت اعتلای آن دارد. با توجه به اهمیت این امر بر آن شدیم تا وضع موجود فرآیند برگزاری امتحانات در دانشگاه و مقایسه با وضع استاندارد و شناسایی راهکارهای اصلاحی و ارتقاء وضع موجود در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در یک مطالعه مقطعی توصیفی ارزیابی نماییم.

**روش ها:** بعد از جمع آوری استانداردها و مقررات آموزشی مربوط به برگزاری امتحانات دانشجویان، چک لیست پایش تنظیم گردید. بعد از اعتبار سازی توسط اعضای هیات علمی با سابقه توسط ۹ نفر از کارشناسان آموزش، بعد از آموزشهای لازم جهت انجام پایش انتخاب گردیدند. ایشان طبق برنامه زمانبندی امتحانات دانشکده ها در ۱۵٪ امتحانات حضور یافته و به پایش پرداختند. اطلاعات حاصله با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. بعد از تجزیه و تحلیل، اقدامات مداخله ای برای رفع نواقص طراحی و جهت اجرا به دانشکده ها ابلاغ شد. روند پایش در نیمسال بعدی به همان صورت انجام شده و نتایج به دست آمده با نتایج قبلی مقایسه گردیدند.

**نتایج:** نتایج بررسیها نشان داد از مجموع ۳۳ ضابطه مورد پایش، قریب به ۶۰٪ آنها پس از اجرای مداخلات اصلاحی ارتقاء یافته اند. این مطالعه نشان می دهد که میانگین درصد تحقق ضوابط استاندارد از ۷۲٪ در پایش اول به ۷۸٪ در پایش دوم افزایش یافته است.

**نتیجه گیری:** برخلاف تصور عمومی، قریب به ۸۲٪ از ضوابط استاندارد، از نوع ضوابط فرآیندی بوده و امکان مداخله و اصلاح آنها بدون صرف کوچکتترین هزینه، بسیار آسان و زودرس می باشد. قسمت اعظم ۱۸٪ باقیمانده نیز با صرف هزینه های محدود قابل حصول بوده و صرفا جهت فضای فیزیکی مناسب برای برگزاری امتحانات در برخی از دانشکده ها ممکن است نیاز به تخصیص اعتبارات ویژه باشد. به نظر می رسد تشکیل و یا فعالیت کارآمد دایره های برگزاری امتحانات در سطح دانشگاه و دانشکده ها و انجام مناسب وظایف محوله می تواند فرآیند برگزاری امتحانات را به استاندارد کامل نزدیک کرده و این وسیله مهم جهت ارزشیابی تحصیلی دانشجویان را به ابزار مناسبی جهت تحقق اهداف آموزشی تبدیل نمود.

**واژه های کلیدی:** امتحان، چک لیست پایش، مداخله اصلاحی، ارزشیابی تحصیلی، ارتقاء فرآیند



## ارزیابی درونی کتابخانه دانشکده بهداشت و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال ۹۰-۸۹

فریبا زاهدی فر<sup>۱\*</sup>، علی صفری، محمدمهدی امام جمعه، اکرم مهراندشت  
<sup>۱\*</sup> مربی دانشکده بهداشت - دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین  
[fzahedifar@yahoo.com](mailto:fzahedifar@yahoo.com)

**مقدمه:** کتابخانه‌های دانشگاهی به عنوان بخش لاینفک نظام آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها، همواره در خدمت این نظام می‌باشند و اهداف و وظایف آن‌ها باید متمرکز بر نظام آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها باشد، بنابراین مجموعه کتابخانه هر دانشگاه مهم‌ترین منبع آموزشی، پژوهشی و اطلاعاتی جامعه علمی و دانشگاهی خود به شمار می‌رود و باید به موازات برنامه‌های درسی و تحقیقاتی گسترش یابد و مکمل این برنامه‌ها باشد. این پژوهش با هدف تعیین وضعیت موجود کتابخانه دانشکده بهداشت و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین و مقایسه آن با استانداردهای کتابخانه‌های دانشگاهی ایران در سال ۹۰-۸۹

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی-تحلیلی در سال ۹۰-۸۹ در دانشگاه علوم پزشکی قزوین با استفاده از الگوی ارزیابی درونی انجام گردید. معیارهای موثر بر عملکرد کتابخانه به ۷ حیطه طبقه بندی گردید و جهت هر یک از معیارهای استانداردهای مورد نظر مشخص گردید. در مجموع داده‌های ۷ حیطه بود مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج:** اطلاعات به دست آمده از وضعیت موجود بیانگر این می‌باشند که میزان مطابقت کتابخانه دانشکده بهداشت با توجه به استانداردها به شرح ذیل می‌باشد: عامل مدیریت ۳۷/۵ درصد، نیروی انسانی (کارکنان) ۴۱/۶۶ درصد، مجموعه (منابع) نتایج ۳۱/۲ درصد، سازماندهی منابع ۱۰۰ درصد، خدمات و آموزش ۲۳ درصد، ساختمان و تجهیزات ۳۰ درصد، بررسی کتابخانه با توجه به بودجه نشان داد که در این حوزه اصلاً موفقیتی وجود ندارد و کتابخانه دانشکده بهداشت در رابطه با تعیین میزان بودجه نقش بسیار کم رنگی را دارد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج وضعیت کتابخانه دانشکده بهداشت در مجموع ۳۳/۵۷ درصد موفقیت داشته است که بیانگر این موضوع می‌باشد که به عوامل تاثیر گذار بر کیفیت عملکرد این مجموعه توجهی نگردیده است. به منظور بهبود وضع موجود، تشکیل کمیته مشورتی در کتابخانه، بهره‌گیری از کتابداران متخصص جهت انجام امور حرفه‌ای کتابداری، غنی کردن مجموعه کتابخانه با افزایش منابع سمعی بصری، الکترونیکی و اشتراک بانک‌های اطلاعاتی مهم و مرتبط، مشارکت کتابخانه در برنامه‌های همکاری بین کتابخانه‌ای و بهره‌مندی از برنامه‌های آموزش کاربران و ... پیشنهاد می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** ارزیابی درونی، کتابخانه، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین

## ارزشیابی استاندارد های آموزشی حقوق بیماران و خانواده در بیمارستان های آموزشی دانشگاه های علوم پزشکی

فرشته فرزبان پور\*، شایان حسینی، سید شهاب حسینی، شادی حسینی  
\* دانشیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران

Email: farzianp@sina.tums.ac.ir

**مقدمه:** رعایت منشور حقوق بیماران در هر جامعه ای یکی از مهم ترین وظایف اخلاقی در حیطه ی اخلاق پزشکی است که دارای سابقه ای دیرینه در دنیای پزشکی می باشد. هدف از منشور حقوق بیمار، دفاع از حقوق بیماران اطمینان از مراقبت کافی از آنها می باشد. منشور حقوق بیمار موجب بهبود ارتباط بین بیماران و ارائه دهندگان خدمات بهداشتی در مانی می گردد و کیفیت مراقبت های بهداشتی-درمانی را ارتقاء می دهد.

**روش ها:** پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و مقطعی است و در بیمارستانهای عمومی و تخصصی دانشگاههای علوم پزشکی تهران و بیمارستان اختر دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، انجام شده است. نمونه ۲۶۳ پرستار بود. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه ای برگرفته از استانداردهای حقوق بیمار و خانواده اش (Patient family Rights =PFR) از کتاب استانداردهای بین المللی اعتبار بخشی بیمارستانی (JCI) استفاده شد. داده ها با نرم افزار SPSS ۱۸ تجزیه و تحلیل شدند. نتایج در دو سطح آمارهای توصیفی (فراوانی و درصد فراوانی) و آمارهای استنباطی (آزمون های اسمیرنوف-کلموگروف، کروسکال والیس، من ویتنی، ویلکاکسون، آنالیز واریانس یکطرفه و آزمون تی زوجی) ارائه گردیدند.

**نتایج:** حدود ۱۲٪ پاسخگویان وضعیت فعلی PFR را نامطلوب، ۵۲٫۶٪ متوسط و ۳۵٫۳٪ وضعیت آن را مطلوب ارزیابی نمودند. کلیه ابعاد شش گانه و همچنین وضعیت کلی استاندارد PFR در رده های شغلی پرستاران تفاوت معنادار نداشتند و نمره حاصله از پاسخ های پرستاران پیرامون ابعاد شش گانه وضعیت رعایت استاندارد PFR در دو گروه مردان و زنان با احتمال ۹۵٪ با یکدیگر برابر بودند.

**نتیجه گیری:** بیمارستان ها باید نهادی برای درک و احترام به حقوق بیمار، خانواده آنان، پزشکان و سایر مراقبت کنندگان باشند. در سایه تعامل مناسب ارائه دهندگان و گیرندگان خدمات سلامت نسبت به وظایف خود و احترام به حقوق دیگران، سلامت جامعه در بالاترین سطح ممکن قابل دستیابی خواهد بود.

**واژه های کلیدی:** اعتبار بخشی، استاندارد بیمارستانی، حقوق بیمار

## بررسی علل عدم حضور دانشجویان در کلاس درس در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

مرضیه گنخکی<sup>۱</sup>، پرویز عضدی<sup>۲\*</sup>، سرین مرودشتی پور<sup>۳</sup>، دکتر فائزه جهان پور<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۲\*</sup>عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

[Azodi.parviz@gmail.com](mailto:Azodi.parviz@gmail.com)

<sup>۳</sup>دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۴</sup>عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

**مقدمه:** کلاس های درس محل مناسبی برای انتقال تجربیات اساتید به دانشجویان و درک بهتر مطالب درسی است. مشکل عدم حضور دانشجویان در کلاس درس از زمان ورود به دانشگاه شروع شده و چه بسا برخی از دانشجویان در صورت عدم اجرای حضور و غیاب یک بار هم سر کلاس درس حاضر نمی شدند که این نشانه بسیار خوبی در کاهش انگیزه دانشجویان می باشد. هدف ما از این پژوهش بررسی علل عدم حضور دانشجویان در کلاس درس در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر می باشد.

**روش ها:** مطالعه حاضر، مطالعه ای توصیفی و از نوع همبستگی می باشد که برای انجام این پژوهش از پرسشنامه عدم حضور دانشجویان در کلاس درس که قبلا روایی و پایایی شده بود استفاده شد. جامع مورد پژوهش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر است که در مجموع ۲۰۰ پرسشنامه جمع آوری شد.

**نتایج:** از ۲۰۰ دانشجوی مورد مطالعه ۴۱٪ پسر و ۵۹٪ دختر بودند. میانگین سن دانشجویان ۲۱/۶۰ بود. از بین مولفه های چهار گانه ی موثر در غیبت دانشجویان از کلاس، بیشترین میانگین نمره به ترتیب مربوط به مشکلات شخصی و خانوادگی (۲۱/۲۴)، جامعه و اجتماع (۲۱/۰۱)، برنامه ریزی آموزشی، (۱۸/۷۸)، اساتید (۱۷/۹۶) اختصاص داشت.

**نتیجه گیری:** یادگیری مطالب درسی توسط دانشجویان سنگ بنای یک سیستم آموزشی است و همه مسائل دیگر حول این محور اساسی و مهم قرار دارد با توجه به نتایج به دست آمده ارزیابی دقیق و مستمر کیفیت زندگی دانشجویان و برگزاری جلسات مشاوره می تواند گامی موثر در جهت بهبود این مشکل باشد. با این امید که یافته های این پژوهش بتواند در جهت ارتقای علمی دانشجویان قدم موثری بردارد.

**واژه های کلیدی:** عدم حضور دانشجویان، کلاس درس، حضور و غیاب، بوشهر

## بررسی وضعیت سوالات فرم ارزشیابی اساتید بصورت الکترونیکی از دیدگاه

### دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال تحصیلی ۹۱-۹۲

دکتر غلامرضا فعال<sup>\*</sup>، دکتر بتول اقبالی، یحیی محمدی، فاطمه رجایی قناد، علیرضا جوادی نیا

<sup>\*</sup>استادیار دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

Email: faalgh1@bums.ac.ir

**مقدمه:** یکی از متداول ترین روش‌هایی که در بیش تر کشورها و از جمله ایران جهت تعیین میزان موفقیت یک استاد در رسیدن به اهداف آموزشی صورت می‌گیرد ارزشیابی اساتید از دید دانشجویان است. از آنجایی که شناخت نقاط قوت و ضعف این نوع ارزشیابی از دید مشتریان اصلی آن یعنی اساتید و دانشجویان نقش مهمی در ارتقاء کیفیت آموزشی دارد. بدین منظور، این مطالعه با هدف وضعیت ارزشیابی اساتید بصورت الکترونیکی از دیدگاه دانشجویان در دانشگاه علوم پزشکی بیرجند انجام شد.

**روش‌ها:** روش تحقیق حاضر بر اساس هدف کاربردی و بر اساس روش گرد آوری اطلاعات توصیفی، پیمایشی بود. جامعه مورد بررسی تمام دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند (۲۱۱۹ نفر) که در نیمسال تحصیلی اول سال ۹۱-۹۲ ارزشیابی اساتید را بصورت الکترونیکی انجام دادند، بودند. نمونه مورد بررسی بر اساس فرمول کوکران ۳۰۰ نفر برآورد که به شیوه نمونه گیری طبقه ای تصادفی انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته که دارای دو بخش سئوالات جمعیت شناختی و ۱۱ سئوال پرسشنامه که به شیوه مقیاس لیکرت تهیه شده بود، استفاده شد. روایی پرسشنامه مورد تأیید افراد صاحب نظر آموزشی قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS ۱۴ و از آزمون t مستقل و کروسکال والیس استفاده شد.

**نتایج:** دانشجویان مورد بررسی (۹۷ نفر مرد و ۲۰۳ نفر زن) بودند. میانگین سنی مردان  $22/11 \pm 3/59$  سال و زنان  $21/90 \pm 1/71$  سال بود. ۳۰/۷ درصد دانشجویان معتقدند که سئوالات فرم ارزشیابی می تواند صلاحیت علمی، ظاهری و اخلاقی اساتید را بسنجد. ۳۱ درصد معتقدند که ارزشیابی اساتید قبل از برگزاری آزمون پایان ترم (بخش بالینی) مانع نظر صحیح دانشجو می‌گردد. ۲۹ درصد معتقدند که تعداد زیاد سئوالات فرم ارزشیابی وقت زیادی از دانشجو تلف میکند. ۶۵ درصد معتقدند که ارزشیابی اساتید در سایت را خودشان پر نمی کنند. ۴۲/۷ درصد معتقدند که بدون اینکه سئوالات فرم ارزشیابی را دقیق بخوانند، گزینه ای را انتخاب می کنند. ۷۰/۷ درصد دانشجویان معتقدند که ارزشیابی تأثیری در آموزش صحیح استاد دارد. ۵۴ درصد دانشجویان معتقدند که نگران آند که استاد متوجه نظر انتقادی آنها شود. همچنین بین دیدگاه دانشجویان دختر و پسر در مورد وضعیت ارزشیابی اساتید تفاوت معنی داری وجود داشت ( $p < 0/05$ ). اما بر اساس رشته تحصیلی بین دیدگاه دانشجویان تفاوت معنی داری وجود نداشت ( $p > 0/05$ ).

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهاد می‌گردد که فرم ارزشیابی اساتید مجدد بررسی و اصلاح گردد. همچنین مسئولیت پذیری دانشجویان در خصوص ارزشیابی الکترونیکی اساتید قوی و دیدگاه منفی و بی تاثیر بودن ارزشیابی اساتید از دیدگاه دانشجویان توسط مسئولین مرتفع شود.

**واژه‌های کلیدی:** فرم ارزشیابی اساتید، نگرش دانشجویان

## ویژگی‌های استاد توانمند از نظر دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

سیما جان<sup>۱\*</sup>، آزاده عازمیان<sup>۲</sup>، سمیه پروین<sup>۳</sup>، سمیه حسینی<sup>۴</sup>  
<sup>\*</sup>کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، معاونت آموزشی، اداره خدمات آموزش

jan\_sima@hotmail.com

<sup>۲</sup> مربی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، معاونت آموزشی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

<sup>۳</sup> دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی، معاونت آموزشی، دانشکده پیراپزشکی

<sup>۴</sup> کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، معاونت پژوهشی

**مقدمه:** شناخت ویژگی‌های یک استاد توانمند و سعی در کسب و بکارگیری آنها توسط اساتید بویژه در دانشگاه‌های علوم پزشکی که وظیفه اصلی دانش‌آموختگان آن ارتقا سطح سلامت آحاد جامعه و حفاظت از جان آنهاست به نظر ضروری می‌رسد. در این پژوهش که با هدف ارزیابی معیارهای یک استاد توانمند در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر و در سال ۹۱ انجام شده است از دانشجویان دندانپزشکی این دانشگاه (با توجه به این که نظر خواهی از ایشان از مهمترین روش‌ها در تعیین ویژگی‌های یک استاد توانمند است) خواسته شد تا دیدگاه خود را در این رابطه بیان دارند.

**روش‌ها:** این پژوهش یک پژوهش مقطعی است. کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشکده دندانپزشکی به صورت سرشماری مورد مطالعه قرار گرفتند. گردآوری داده‌ها با پرسشنامه از پیش تعیین شده دکتر حسین درگاهی (وهمکاران) با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم افزار SPSS صورت پذیرفت.

**نتایج:** معیارهایی مانند آگاهی استاد از اصول برقراری ارتباط/ وجدان کاری و حس مسئولیت استاد/ توانایی استاد در حفظ شخصیت دانشجوی و احترام به وی/ قدرت بیان استاد و توانایی وی در تفهیم و انتقال مطالب آموزشی و آگاهی استاد از شیوه‌های تدریس از مهمترین ویژگی‌های یک استاد توانمند از دید این دانشجویان بود.

**نتیجه‌گیری:** ۱- مهمترین حیطه از نظر دانشجویان دندانپزشکی حیطه سوم یعنی توانایی‌های بعد از تدریس بود. قدرت بیان استاد و توانایی وی در تفهیم و انتقال مطالب آموزشی بیشترین آرا را در این حیطه به خود اختصاص داد و این نشان دهنده این است که در برنامه ریزی ارزشیابی اساتید این مهارت بایستی بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

۲- یک استاد آگاه در برقراری ارتباط با دانشجویان با وجدان کاری و حس مسئولیت بالا که به دانشجوی خود احترام می‌گذارد و با قدرت بیان شیوا و شیرین خود با بهره‌وری از شیوه‌های تدریس سعی در انتقال مطالب آموزشی و تفهیم آن به فراگیران دارد مطلوب فراگیران ماست. به نظر من آنچه در آموزش عالی بیش از پیش مورد نیاز است برنامه ریزی‌های دقیق در جهت پرورش چنین اساتیدی با بهره‌گیری از قرآن و علم روز است.

**واژه‌های کلیدی:** استاد توانمند، دانشجویان دندانپزشکی، نگرش

## بررسی موانع استقرار آموزش های پزشکی مبتنی بر توانمندی، ارائه راه کارهایی برای ایجاد آن

محبوبه خادم ابوالفضلی، غلامرضا عطایی\*

\* دانشگاه علوم پزشکی بابل، دانشکده پیراپزشکی، گروه پر توپزشکی

Email: golamrezaatae@yahoo.com

**مقدمه:** مطالعه توانمندسازی یک اصل بنیادین در آموزشهای امروزی است این مطالعه موجب ایجاد فهمی صحیح از رفتار دانشجویان به طور عام و چگونگی مدیریت صحیح اساتید به طور خاص می شود. در اغلب آموزشهای پزشکی از توانایی های دانشجویان استفاده بهینه نمی شود و اساتید قادر نیستند ظرفیت بالقوه آنان را بکار گیرند. به عبارت دیگر افراد توان بروز خلاقیت، ابتکار و فعالیت بیشتری را دارند اما در محیط آموزشی به دلایلی از این قابلیت ها بطور مطلوب بهره برداری نمی شود. هدف از این مقاله شناسایی موانع موجود در راه توانمند ساختن آموزش پزشکی و همچنین اولویت بندی این موانع و تاثیر و اهمیت هر دسته از این موانع در محیطهای آموزشی می باشد.

**روش ها:** جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان ورودی سال ۸۸ دانشگاه علوم پزشکی بابل می باشد که بالغ بر ۱۰۰۰ نفر می گردد. ابزار جمع آوری اطلاعات و داده ها در این پژوهش پرسشنامه می باشد که براساس مقیاس لیکرت ۵ درجه ای، درجه بندی شده است.

**نتایج:** حاصل تجزیه و تحلیل داده های مربوط به پرسشنامه نشان می دهد که ۷۷/۸٪ افراد جامعه آماری معتقدند که نظام گزینش اساتید و نظام گسترش حرفه ای در آموزش پزشکی هیچ کدام بر پایه توانمندی ها ایجاد نشده است. **نتیجه گیری:** با توجه به نتایج آماری بدست آمده می توان بیان کرد در آموزش پزشکی توانمندی های دانشجویان و اساتید باید با هم در نظر گرفته شود نه در یک بعد صرفاً آموزشی، به این دلیل که آموزش پزشکی همراه با نظام حرفه ای به جامعه معرفی شده است.

**واژه های کلیدی:** توانمند سازی، نظام حرفه ای، آموزش پزشکی

## بررسی عوامل تاثیرگذار در زمان ارتقاء اعضا هیات علمی دانشکده پزشکی شیراز در سال ۱۳۹۰

نسرین مهدی پور\*، صنم حائری، دکتر سرور اینالو

Email: mehdipour@yahoo.com

**مقدمه:** اعضای هیات علمی با وضعیت استخدامی پیمانی یا رسمی می توانند در زمان اشتغال از مربی به استادیاری، استادیاری به دانشیاری، دانشیاری به استادی ارتقاء یابند. اساتید با وضعیت استخدامی قراردادی، تعهدات خدمت نمی توانند ارتقاء یابند.

**هدف:** هدف از این مطالعه توصیفی و تحلیلی بررسی عوامل تاثیر گذاری مثل، مسئولیت، تمام وقتی، نوع گروهو جنسیت در زمان ارتقاء اعضا هیات علمی دانشکده پزشکی شیراز می باشد.

**روشها:** از طریق بررسی پرونده های موجود اعضای هیات علمی در دانشکده پزشکی اطلاعات جمع آوری شده و با استفاده از نرم افزار آماری آمستقل وزوج شده و SPSS نمونه ای با حجم ۳۹۰ نفر مورد تجزیه وتحلیل آماری قرار گرفت.

**نتیجه گیری:** طبق بررسی های بعمل آمده بر روی ۳۹۰ پرونده می توان گفت مسئولیت نقش عمده ای در زمان ارتقاء ایفا می نماید به طوریکه کسانی که دارای مسئولیت در سطح دانشکده یا دانشگاه می باشند از نظر آماری به طور معنی داری ( $P < 0.05$ ) زمان ارتقا شان کمتر از کسانی که فاقد مسئولیت مسوولیت میباشدند. البته بین مسئولیت در سطح دانشکده و گروه تفاوت معنی داری وجود نداشت و در زمان کمتری به دانشیاری و یا استادی ارتقاء یافته که این تفاوت از لحاظ آماری معنی داری باشد ( $P < 0.05$ ) به طوریکه اساتید دارای مسئولیت در سطح دانشکده ۲ سال و ۴ ماه و افراد با مسئولیت در سطح دانشگاه ۳ سال و ۶ ماه زودتر دانشیار گردیده اند. در ضمن بررسی زمان ارتقاء اساتید تمام وقت جغرافیایی با تمام وقت غیر جغرافیایی در مرحله استادیاری به دانشیاری تفاوت آماری معنی داری نشان داد ( $P < 0.05$ ) به طوریکه اساتید تمام وقت سه سال و سه ماه زودتر دانشیار می شوند. زنان علی رغم مشغله و مسئولیتهای دیگری که بر عهده دارند نسبت به آقایان مشتاق تر بوده و زمان ارتقاء آنان نیز کمتر است. از نظر آماری تفاوت معنی داری در خصوص نقش نوع گروه (پایه و بالینی) نبود اما اساتید گروه (کودکان - پزشکی اجتماعی - پاتولوژی) نسبت به سایر گروههای دیگر هم در مرحله استادیاری به دانشیاری وهم از دانشیاری به استادیاری سریعتر ارتقا یافته اند

**واژه های کلیدی:** زمان ارتقاء، مسئولیت، تمام وقت جغرافیایی

## وضعیت درون داد و فرایند آموزش بالینی از نظر دانشجویان پرستاری دانشکده

### پرستاری-مامایی ارومیه

دکتر رحیم بقایی<sup>۶\*</sup>، نسرین خواجه علی<sup>۶۱</sup>، نرجس کاظمی<sup>۶۲</sup>

\*استادیار دانشکده پرستاری مامایی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

**rbaghaei2001@yahoo.com**

<sup>۲</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پرستاری

<sup>۳</sup>کارشناس ارشد آموزش پرستاری

مقدمه: پرستاران بخش بزرگی از پرسنل نظام سلامت را تشکیل می‌دهند. لذا تربیت این نیروی عظیم تأثیر به‌سزایی بر سلامت جامعه خواهد داشت. یکی از راه‌های کسب اطمینان از توانمندی‌های آن‌ها فراهم‌نمودن آموزش بالینی مؤثر است و منجر به توجه بیشتر به نحوه آموزش بالینی از ابعاد گوناگون گردیده است. این مطالعه با هدف واکاوی این ابعاد و بحث پیرامون آنها صورت گرفته است.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر یک پژوهش توصیفی-مقطعی است که با استفاده از نظرات ۷۹ دانشجوی پرستاری انجام گردید. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ای بود که ویژگی‌های مربی در حیطه آموزش بالینی، استانداردهای بخش و وضعیت موجود، زمان بندی بخش‌های بالینی بررسی گردید. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** دانشجویان ترم ۷ و ۸ با ۱۵/۸ درصد نسبت به سایر ترم‌ها رضایت بیشتری از آموزش بالینی داشتند و دانشجویان پسر با ۱۳/۲ درصد نظر مثبت‌ترین نسبت به دختران داشتند و دانشجویان با میانگین معدل زیر ۱۴ کمترین (۰/۰) و با میانگین معدل ۱۵ بیشترین (۰/۱۷/۱) نظر مساعد را داشتند. از رعایت استانداردهای بخش بیشترین نظر مثبت با ۲۲/۶ درصد در دانشجویان ترم‌های ۲ تا ۴ دیده شد و کمترین رضایت در ترم ۷ و ۸ با ۱۰/۵ درصد بود و دانشجویان دختر با ۲۴/۴ درصد نظر مساعدتری نسبت به پسران داشتند همچنین دانشجویان با معدل زیر ۱۴ با ۲۸/۶ درصد بالاترین نظر مثبت را داشتند. همچنین در رابطه با زمان بندی بخش‌ها دانشجویان ترم‌های ۲ تا ۴ بیشترین رضایت را با ۴۸/۴ درصد داشتند و دانشجویان دختر با ۳۹ درصد نظر مساعدتری نسبت به پسران داشتند و دانشجویان با میانگین معدل بالای ۱۶ با ۴۲/۹ درصد نظر مثبت‌تری داشتند.

**نتیجه‌گیری:** با افزایش معدل نظر دانشجویان نسبت به آموزش بالینی بهتر بود و دید دانشجویان پسر نسبت به آموزش بالینی منفی‌تر از دختران بود و دیدگاه دانشجویان ترم بالاتر مثبت‌تر از دانشجویان ترم‌های پایین بود.

**واژه‌های کلیدی:** درون داد، آموزش بالینی، دانشجویان پرستاری



## دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم در خصوص ثبت نام اینترنتی بدو ورود به دانشگاه

مرتضی حیدری\*، منصوره حسین خانی، آمنه سیدفرج‌اله

\*کارشناس دانشگاه علوم پزشکی قم

mheidari@muq.a.cir

**مقدمه:** با توسعه استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در ابعاد گوناگون زندگی، این پدیده در فعالیت‌های مختلف دانشگاهی نیز وارد شده که از آن جمله ثبت نام اینترنتی دانشجویان در بدو پذیرش در دانشگاه است. در این بررسی، نظرات و دیدگاه‌های دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم در خصوص سامانه ثبت نام اینترنتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**روش‌ها:** نظرسنجی با استفاده از پرسشنامه از دانشجویان جدیدالورود که ثبت نام اینترنتی انجام داده بودند، صورت گرفت. نظرات دانشجویان با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** تعداد ۱۶۹ دانشجو از ۵ رشته پزشکی، دندانپزشکی، پرستاری، بهداشت حرفه‌ای و بهداشت محیط، در این نظرسنجی شرکت کردند. ۱۰۲ نفر (۶۰٫۴٪) در مقطع کارشناسی و ۶۷ نفر (۳۹٫۴٪) در مقطع دکتری عمومی بودند. ۳۰٪ دانشجویان، دانش و مهارت رایانه‌ای خود را در حد مبتدی دانستند و ۶۰٪ نیز آن را متوسط و در حد رفع نیازهای اولیه ارزیابی نمودند و فقط ۱۰٪ مدعی بودند مسلط و یا حرفه‌ای می‌باشند. ۲۳٪ از دانشجویان، اشاره کرده بودند که اطلاعاتی در خصوص ثبت نام اینترنتی، در سایت سازمان سنجش وجود نداشته و یا توضیحات رسا نبوده است و در حدود ۱۰٪ از دانشجویان، پس از مراجعه حضوری به دانشگاه، متوجه شده بودند که ثبت نام را باید به صورت اینترنتی انجام دهند. فقط ۸٪ دانشجویان از طریق اینترنت Dial Up و ۲۲٪ از طریق ADSL در منزل، ثبت نام کرده بودند و ۷۰٪ مابقی، ناگزیر به مراجعه به کافی‌نت برای اسکن مدارک و یا دسترسی به اینترنت پرسرعت و یا کمک گرفتن برای ثبت نام بوده‌اند. در حدود ۷۰٪ دانشجویان، توضیحات سایت را، کامل و دقیق ارزیابی کرده بودند. ۴۵٪ از دانشجویان، حجم اطلاعات و مدارک مورد نیاز برای ثبت نام و نیز فرم‌های دانلود شده را بسیار زیاد و وقتگیر دانستند. حدود ۷۰٪ دانشجویان، انجام ثبت نام اینترنتی را منجر به صرفه‌جویی در زمان، ۶۲٪ منجر به صرفه‌جویی در هزینه و ۷۲٪ آن را موجب تسهیل فرایند ثبت نام و ۶۸٪ آن را مناسب و کاربرپسند دانستند. بیش از ۹۳٪، ثبت نام اینترنتی را ضروری و یا خوب دانستند و ۵۲٪ معتقدند فرایند ثبت نام اینترنتی، نیاز به اصلاحاتی دارد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به اقبال گسترده دانشجویان نسبت به ثبت نام اینترنتی، ادامه آن ضروری به نظر می‌رسد. با این حال، انجام برخی از اصلاحات، در این روند مطلوب خواهد بود و بهتر است به نحوی باشد که دانشجو را از مراجعه حضوری برای تکمیل ثبت نام، بی‌نیاز نماید.

**واژه‌های کلیدی:** ثبت نام، اینترنت، دانشگاه علوم پزشکی قم

## ارزیابی طرح درس و طرح دوره های اساتید دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال تحصیلی ۹۱-۹۰

خیرالنساء رمضان زاده\*، بتول اقبال، غلامرضا فعال، سید محمد هاشمی، یحیی محمدی  
\*کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، عضو مرکز تحقیقات آموزش پزشکی

Email: kh.ramazanzade@bums.ac.ir

**مقدمه:** یکی از راههای مؤثر و انکار ناپذیر ارتقای کیفیت آموزش برنامه‌ریزی درسی است که چنانچه بطور صحیح و متناسب با نیازهای جامعه و دانشجویان انجام نگیرد، نیازهای یادگیری برآورده نشده و یادگیری سطحی و ناپایدار خواهد بود. تدوین طرح درس یکی از این راهکارها است که جهت ارتقای کیفیت آموزش میتوان بر آن تأکید داشت. این طرح با هدف ارزیابی طرح درس و طرح دوره های اساتید جهت ارتقاء سطح کیفیت آموزش اساتید و با تکیه بر رفع نقاط ضعف احتمالی و تقویت نقاط قوت انجام شد.

**روش‌ها:** روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و جامعه هدف کلیه اساتید دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال تحصیلی ۱۳۹۱ می باشد که طبق برنامه استراتژیک واحد برنامه‌ریزی درسی مرکز مطالعات، برنامه زمانبندی ارزیابی از ۳ ماه قبل به اطلاع اساتید رسید و فرم های مورد نیاز و چک لیست های ارزیابی در سایت جهت استفاده اساتید قرار داده شد، سپس در زمان مشخص طرح درس و طرح دوره‌های اساتید جمع آوری و مورد ارزیابی قرار گرفت. جهت ارزیابی از چک لیست مربوط به وضعیت طرح درس و طرح دوره در بخش‌های جداگانه طرح درس شامل «اطلاعات عمومی، اهداف کلی، اهداف ویژه، استراتژی آموزشی، رفتار ورودی، ارزشیابی تشخیصی، آموزش ترمیمی، روش و نحوه ارزشیابی، منابع با امتیاز بندی مشخص (۳۰ نمره)» و در طرح دوره (اطلاعات عمومی، شرح درس، اهداف کلی، اهداف رفتاری، روش تدریس، امکانات آموزشی مورد نیاز، ارزشیابی و مقررات حاکم بر آن، جدول زمانبندی، منابع و مآخذ (۱۰۰ نمره) استفاده شد.

**نتایج:** تعداد شرکت کنندگان در طرح ۵۰ نفر بودند که ۹ نفر از دانشکده بهداشت با (۳۱ طرح دوره و ۲۲ طرح درس)، ۱۶ نفر دانشکده پزشکی با (۲۷ طرح دوره، ۱۱۶ طرح درس)، ۱۲ نفر از دانشکده پیراپزشکی با (۴۶ طرح دوره، ۳۱۰ طرح درس) و ۱۴ نفر از دانشکده پرستاری با (۵۹ طرح دوره، ۸۹ طرح درس) در این ارزیابی شرکت داشتند. نتایج نشان می دهد که در اکثر موارد اشکالات موجود در تدوین طرح دوره مربوط به افعال اهداف کلی (۲۰٪) و اهداف رفتاری (۵۰٪)، نحوه ارزشیابی (۲۵٪) و ارائه منابع (۵٪) و در تدوین طرح درس اشکالات عمده مربوط به اهداف رفتاری (۲۰٪)، رفتار ورودی (۳۰٪) ارزشیابی تشخیصی (۴۵٪) و سایر موارد (۵٪) بود.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج، پیشنهاد می‌شود، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی برنامه‌ریزی لازم برای آموزش نحوه تدوین طرح درس و زمینه سازی برای اجرای آن فراهم سازد.

**واژه‌های کلیدی:** طرح درس، طرح دوره، ارزیابی

## دیدگاه دانشجویان مقطع علوم پایه در زمینه برنامه درسی

دکتر ریتا رضایی\*، وحید کشتکار، پریسا نبیئی، پروین رضوان دزفولی

\*مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی شیراز

Email: [rita\\_rezaee@yahoo.com](mailto:rita_rezaee@yahoo.com)

**مقدمه:** آموزش علوم پایه در رشته پزشکی غالباً به روش های سنتی انجام می گیرد. این دوره شامل دو سال اول ورود به دانشکده های پزشکی می باشد که در واقع پایه اصلی آموزش در مقاطع بعدی را شامل می گردد. هدف از انجام این مطالعه بررسی نظرات و دیدگاه های اساتید و دانشجویان نسبت به آموزش و دروس علوم پایه در این دوره می باشد.

**روش ها:** این بررسی، یک مطالعه مقطعی و توصیفی - تحلیلی می باشد که در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز انجام شده است. جامعه هدف این مطالعه را تمامی اساتید علوم پایه و دانشجویان حاضر در این مقطع در سال ۹۰ را تشکیل می دهد که با روش نمونه گیری تصادفی ساده، ۱۲۰ نفر از دانشجویان و ۴۰ نفر از اساتید جهت حضور در این مطالعه انتخاب شده اند. پرسشنامه مورد استفاده در این مطالعه نیز، توسط محقق ساخته شده و روایی محتوایی و پایایی آن نیز توسط اساتید دانشگاه مورد تایید قرار گرفته است. داده ها پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار SPSS 14 مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند.

**نتایج:** قبل از اجرای برنامه ادغام ۷۱/۴٪ دانشجویان معتقد بودند که محتوای دروس علوم پایه کافی بوده و از انسجام خوبی برخوردار است. همچنین از نظر ۵۹/۲٪ اساتید علوم پایه، اهداف دروس علوم پایه واضح و گویا می باشد.

**نتیجه گیری:** دروس علوم پایه در واقع پل ارتباطی بین علوم پایه و بالینی را فراهم می سازند، لذا ارزشیابی های متناوب برنامه های درسی و استفاده از روش های نوین آموزشی می توان گامی موثر برای ارتقای کیفیت آموزش پزشکی باشد.

**واژه های کلیدی:** علوم پایه، برنامه درسی و دیدگاه دانشجویان.

## ارزیابی طرح درس و طرح دوره های اساتید دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال تحصیلی ۹۱-۹۰

خیرالنساء رمضان زاده\*، بتول اقبال، غلامرضا فعال، سید محمد هاشمی، یحیی محمدی  
\*کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، عضو مرکز تحقیقات آموزش پزشکی

Email: kh.ramazanzade@bums.ac.ir

**مقدمه:** یکی از راههای مؤثر و انکار ناپذیر ارتقای کیفیت آموزش برنامه ریزی درسی است که چنانچه بطور صحیح و متناسب با نیازهای جامعه و دانشجویان انجام نگیرد، نیازهای یادگیری برآورده نشده و یادگیری سطحی و ناپایدار خواهد بود. تدوین طرح درس یکی از این راهکارها است که جهت ارتقای کیفیت آموزش میتوان بر آن تأکید داشت. این طرح با هدف ارزیابی طرح درس و طرح دوره های اساتید جهت ارتقاء سطح کیفیت آموزش اساتید و با تکیه بر رفع نقاط ضعف احتمالی و تقویت نقاط قوت انجام شد.

**روش ها:** روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و جامعه هدف کلیه اساتید دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال تحصیلی ۱۳۹۱ می باشد که طبق برنامه استراتژیک واحد برنامه ریزی درسی مرکز مطالعات، برنامه زمانبندی ارزیابی از ۳ ماه قبل به اطلاع اساتید رسید و فرم های مورد نیاز و چک لیست های ارزیابی در سایت جهت استفاده اساتید قرار داده شد، سپس در زمان مشخص طرح درس و طرح دوره های اساتید جمع آوری و مورد ارزیابی قرار گرفت. جهت ارزیابی از چک لیست مربوط به وضعیت طرح درس و طرح دوره در بخش های جداگانه طرح درس شامل «اطلاعات عمومی، اهداف کلی، اهداف ویژه، استراتژی آموزشی، رفتار ورودی، ارزشیابی تشخیصی، آموزش ترمیمی، روش و نحوه ارزشیابی، منابع با امتیاز بندی مشخص (۳۰ نمره)» و در طرح دوره (اطلاعات عمومی، شرح درس، اهداف کلی، اهداف رفتاری، روش تدریس، امکانات آموزشی مورد نیاز، ارزشیابی و مقررات حاکم بر آن، جدول زمانبندی، منابع و مآخذ (۱۰۰ نمره) استفاده شد.

**نتایج:** تعداد شرکت کنندگان در طرح ۵۰ نفر بودند که ۹ نفر از دانشکده بهداشت با (۳۱ طرح دوره و ۲۲ طرح درس)، ۱۶ نفر دانشکده پزشکی با (۲۷ طرح دوره، ۱۱۶ طرح درس)، ۱۲ نفر از دانشکده پیراپزشکی با (۴۶ طرح دوره، ۳۱۰ طرح درس) و ۱۴ نفر از دانشکده پرستاری با (۵۹ طرح دوره، ۸۹ طرح درس) در این ارزیابی شرکت داشتند. نتایج نشان می دهد که در اکثر موارد اشکالات موجود در تدوین طرح دوره مربوط به افعال اهداف کلی (۲۰٪) و اهداف رفتاری (۵۰٪)، نحوه ارزشیابی (۲۵٪) و ارائه منابع (۵٪) و در تدوین طرح درس اشکالات عمده مربوط به اهداف رفتاری (۲۰٪)، رفتار ورودی (۳۰٪) ارزشیابی تشخیصی (۴۵٪) و سایر موارد (۵٪) بود.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج، پیشنهاد می شود، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی برنامه ریزی لازم برای آموزش نحوه تدوین طرح درس و زمینه سازی برای اجرای آن فراهم سازد.

**واژه های کلیدی:** طرح درس، طرح دوره، ارزیابی

## ارتباط بین نمره ارزشیابی استاد با معدل تحصیلی دانشجویان مرحله فیزیوپاتولوژی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

شبیم مخیری\*، زهره صفرنژاد، آمنه سادات شیخ الاسلامی

\*پزشک عمومی، MPH، کارشناس دفتر توسعه آموزش، دانشکده پزشکی گرگان، دانشگاه علوم پزشکی گلستان  
sh.mokhayeri@yahoo.com

**مقدمه:** اساتید یکی از ارکان اصلی دانشگاه می باشند و نحوه عملکرد آنها در بازدهی کل نظام آموزشی نقش اساسی ایفا می نماید. یکی از مهمترین ارزشیابی ها در تمام نظام های آموزشی، ارزشیابی دانشجویان از فعالیت های اساتید می باشد. نتایج ارزشیابی مذکور نقش بسیار مهمی در ارزیابی کیفیت آموزشی داشته اما اعتبار و پایایی آن دارای ابهاماتی است و به ارزشیابی اساتید بعنوان یک چالش اساسی در اکثر دانشگاه ها نگریسته میشود. برخی از اساتید اعتقاد دارند عملکرد تحصیلی دانشجویان روی نظرات آنان درباره نحوه تدریس اثرگذار است و اظهار می دارند که باید تنها از دانشجویان با عملکرد تحصیلی بالا برای ارزشیابی استفاده شود تا نتایج ارزشیابی صحیح و قابل اعتماد باشد. شناخت عوامل مؤثر در ارزشیابی اساتید از دیدگاه دانشجویان میتواند دست اندرکاران امر آموزش را با نقاط قوت و ضعف این روش ارزشیابی آشنا و امکان برنامه ریزی صحیح و کسب نتایج واقعی از عملکرد آموزشی اساتید را فراهم آورد. این مطالعه بمنظور تعیین ارتباط بین نمرات ارزشیابی اساتید از دیدگاه دانشجویان پزشکی با معدل آنها در در دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۳۹۱ انجام شد.

**روش ها:** در این مطالعه مقطعی- تحلیلی، کل دانشجویان مرحله فیزیوپاتولوژی وارد مطالعه شدند و با توجه به معدل، در دو گروه بالا و پایین بامیانگین معدل ۱۵/۵ قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه روا و پایایی ارزشیابی استاد از دیدگاه دانشجویان مشتمل بر ۱۸ سؤال بود. نتایج با نرم افزار SPSS و آزمون همبستگی پیرسون، آزمون t و ANOVA یکطرفه تحلیل شد.

**نتایج:** در گروه دانشجویان با معدل بیشتر از 15/5، ماکزیمم نمرات ارزشیابی اساتید 98/6، مینیمم آن 43/1 بامیانگین 72/4 بوده و در دانشجویان با معدل کمتر از 15/5، ماکزیمم نمره ارزشیابی، 91/7، مینیمم 54/2 با میانگین 74/7 بوده است. در این مطالعه بین نمرات ارزشیابی اساتید و معدل دانشجویان ارتباط معنی داری وجود نداشت.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج مطالعه، بین متوسط درصد نسبی نمره ارزشیابی اساتید و معدل دانشجویان، ارتباط معنی داری مشاهده نشد. لذا متغیر معدل دانشجویان در این مطالعه نمیتواند به عنوان یک عامل سوگیری در ارزشیابی اساتید تلقی گردد و در ارزشیابی اساتید تأثیر چندانی ندارد.

**واژه های کلیدی:** معدل دانشجویان، نمرات ارزشیابی، اساتید، دیدگاه دانشجویان

## بررسی اثر ارائه بازخورد نتایج ارزشیابی از دیدگاه دانشجویان به اساتید بر روند ۵ ساله نتایج در گروه علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی گلستان

زهره صفرنژاد\*، شبنم مخیری، الهام کاشانی

\*کارشناس ارشد آموزش پزشکی، کارشناس HSR، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

z\_safarnezhad@yahoo.com

**مقدمه:** ارزشیابی، فرایندی مستمر و منظم جهت توصیف، هدایت و اطمینان از کیفیت فعالیتهای آموزشی میباشد. مهمترین دلیل ارزشیابی دانشجویان از اساتید و تأکید بر بهبود اجرای آن، ایجاد بازخوردی مناسب به اعضای هیئت علمی برای بهتر کردن نحوه آموزش آنها میباشد، دانشجویان بعنوان یک عضو مهم درگیر در امر آموزش میتوانند گام مؤثری در تدوین برنامه آموزشی و ارزشیابی مؤثر و اثربخش داشته باشند. هدف از این مطالعه، تعیین اثرا ارائه بازخورد نتایج ارزشیابی از دیدگاه دانشجویان به اساتید بر روند ۵ ساله نتایج گروه علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی گلستان در طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بوده است.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی- تحلیلی، تأثیر بازخورد نتایج نمرات ارزشیابی اساتید از دیدگاه دانشجویان بر روند نمرات ارزشیابی در اساتید گروه علوم پایه مورد بررسی قرار گرفت. داده‌ها از پرسشنامه‌های ارزشیابی اساتید آموزش علوم پایه از دیدگاه دانشجویان، از سال ۱۳۸۵ لغایت ۱۳۹۰ استخراج گردید پرسشنامه شامل دو بخش اصلی حضور استاد در محیط آموزشی و آموزش به فراگیران بود و روایی و پایایی آن آزمون شده بود. داده‌ها در نرم افزار SPSS16 سازماندهی و با استفاده از آنالیز واریانس یکطرفه با در نظر گرفتن شرایط یکسان در سال‌های مختلف تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** در این مطالعه روند نمرات ارزشیابی اساتید، بین ۱/۵ تا ۴/۶ متغیر بوده است. مینیمم نمره ارزشیابی، ۴۹/۸ و ماکزیمم آن ۹۸/۶ بوده است، نمره ارزشیابی در ۶۰ درصد اساتید گروه علوم پایه، در طی زمان مورد نظر سیر صعودی داشته است. میانگین نمرات ارزشیابی اساتید تفاوت معنی دار آماری نداشت.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج مطالعه، یعنی تأثیر متوسط بازخوردهای ارائه شده بر روند نمرات ارزشیابی اساتید، بررسی بیشتر در زمینه نحوه ارائه بازخورد و سایر متغیرهای اثرگذار بر نمره ارزشیابی پیشنهاد می‌گردد تا نتایج آن، مسئولین آموزشی را در رسیدن به هدف نهایی ارزشیابی که همان ارتقاء کیفیت آموزش میباشد، یاری نماید.

**واژه‌های کلیدی:** بازخورد، ارزشیابی، دیدگاه دانشجویان، علوم پایه

## بررسی میزان نیاز اساتید دانشگاه علوم پزشکی تهران به زبان انگلیسی

محمد جعفر کندی<sup>۱</sup>، معصومه پرویزی شاد<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده پیراپزشکی

<sup>۲</sup> کارشناس امور بیمارستان، دانشگاه علوم پزشکی تهران

**مقدمه:** از آنجاییکه طبابت مبتنی بر شواهد و ارتباط با مراکز علمی جهانی و بین المللی کردن دانشگاهها نیاز به دانستن زبان انگلیسی Academic language دارد و تحقیقات مختلف نشان داده است که متاسفانه در این زمینه ضعف هایی در دانشگاهها وجود دارد؛ اولین گام برای ایجاد تغییر در روند کنونی و افزایش توانش زبانی اعضای هیات علمی دانشگاهها ارزیابی نیاز زبانی ایشان می باشد. این تحقیق به مقایسه نظرات اساتید در مورد سطح زبانی خود و سطح واقعی توانش زبانی ایشان پرداخته است.

**روشها:** از طریق پست الکترونیکی و با هماهنگی مرکز توسعه دانشگاه علوم پزشکی تهران برای تمامی اعضای هیات علمی این دانشگاه فرم نیاز سنجی زبان ارسال گردید. تعداد ۳۰۳ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه پرسشنامه های ارسالی را پر کرده و عودت دادند. در نهایت ۲۰۲ نفر در آزمون تعیین سطح دانش زبانی شرکت نمودند. نتایج آزمون و نظرات اساتید در مورد میزان نیاز ایشان به زبان با استفاده از یک برنامه طراحی شده در Excel مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج:** با مقایسه نتایج ارزیابی و نتایج نظرسنجی از اساتید در مورد توانایی زبان خود (در شنیدن، خواندن و نوشتن) با استفاده از chi-square ( $p>0.05$ )، مشخص گردید که تفاوت معنی داری بین تصویری که اساتید از توانایی خود دارند و نتایج آزمون وجود دارد.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج ارزیابی و نظرات اساتید در مورد توانش زبانی خود مشخص گردید که ایشان ارزیابی مناسبی از سطح زبانی خود ندارند و نیاز جدی به افزایش توانش زبانی خود دارند.

**واژه های کلیدی:** دانش زبانی، نیاز سنجی، اساتید دانشگاه

## اخلاق در محیط آموزشی از دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

سمیرا سعیدی\*<sup>۱</sup>، سید محسن حسینی نژاد، دکتر اکرم ثناگو، دکتر سیامک رجایی، دکتر لیلا جویباری  
\*دانشجو کمیته تحقیقات دانشجویی  
[saeedi.samira93@yahoo.com](mailto:saeedi.samira93@yahoo.com)

**مقدمه:** خداوند از این همه خلقت، جز تکامل بعد معنوی انسان هدفی نداشته است (آیه ۵۶ سوره ذاریات). تنها راه سعادت انسان در کمال و تعالی او متخلق شدن به اخلاق پسندیده است. نمونه ای از ویژگی ها و آداب مهم برای کسی که در طلب دانش است، تزکیه نفس و خودسازی، تلاش و نشاط علمی و رعایت اخلاق در محیط های آموزشی است. هدف از این مطالعه تبیین اخلاق در محیط آموزشی از دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان بوده است.

**روش ها:** در این پژوهش کیفی (۱۳۹۱) ۱۲ دانشجوی پزشکی با استفاده از نمونه گیری مبتنی بر هدف و حداکثر تنوع (جنسیت و ترم تحصیلی، قومیت) وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری داده ها مصاحبه های نیمه ساختار بوده است. حداقل یک سوال باز شامل "وقتی می گویم اخلاق در محیط آموزش چه چیزی به ذهن شما می آید" در تمامی مصاحبه ها تکرار شد. سایر سوالات کاوشی "چرا، چگونه، مثال بزنید" بوده اند. نمونه گیری تا رسیدن به اشباع (تکرار پذیری) داده ها ادامه یافت. مصاحبه ها ضبط، دست نویس و مطابق روش "تحلیل محتوای مرسوم" تحلیل شدند.

**نتایج:** "احترام به شان استاد"، "حفظ شان کلاس"، "احترام و حفظ شان همکلاسی"، "داشتن اخلاق و رفتار و پوشش اسلامی"، "در پی کسب علم و دانش بودن" از مضامین اصلی مطالعه بود. مشارکت کنندگان بر این عقیده بودند، دانشجوی پزشکی در صورتی مزین به اخلاق در محیط آموزشی می باشد که تنها با نیت کسب علم وارد دانشگاه شده باشد، رعایت حریم و احترام همتایان جنس مخالف را نماید، با همه همتایان رفتار مناسب داشته باشد، خود را برتر از سایرین نداند و تمسخر نکند و پوشش و ظاهر متعارف داشته باشد.

**نتیجه گیری:** دانشجویان دانشگاه و محیط آموزشی را مکانی مقدسی و رعایت اخلاق را از واجبات آن می دانستند. بروز رفتارهای ناهنجار نه تنها باعث از بین رفتن شان دانشجویی می شده است بلکه می توانست جو آموزشی را دچار تشنج نماید و باعث برداشت متفاوتی از محیط آموزشی شود.

**واژه های کلیدی:** اخلاق، محیط آموزشی، پزشکی، دانشجوی، رفتار حرفه ای



## بررسی عوامل مؤثر در خودکارآمدی تحصیلی و رابطه آن با موفقیت تحصیلی

دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر سال ۹۲-۱۳۹۱

مکیه جمالی<sup>۱</sup>، آرزینا نوروزی<sup>۲\*</sup>، رحیم طهماسبی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر

<sup>۲\*</sup>استادیار گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر

<sup>۳</sup>استادیار گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر

**مقدمه:** موفقیت تحصیلی از عوامل محیطی و درونی متعددی تأثیر می پذیرد که یکی از این عوامل باور فراگیران به توانایی انجام تکالیف درسی می باشد. بنابراین هدف از این مطالعه بررسی عوامل مؤثر در خودکارآمدی تحصیلی و رابطه آن با موفقیت تحصیلی دانشجویان می باشد.

**روش‌ها:** این مطالعه مقطعی از نوع توصیفی-تحلیلی با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی منظم در ۴۲۸ دانشجوی مشغول به تحصیل در ۴ دانشکده بهداشت، پیراپزشکی، پرستاری - مامایی و پزشکی - دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در سال تحصیلی ۹۲ - ۱۳۹۱ انجام شد. معیار موفقیت تحصیلی دانشجویان معدل ترم اخیر دانشجویان بود. در این مطالعه دانشجویانی که ترم دو یا بالاتر بوده و حداقل ۱۰ واحد درس تئوری داشتند وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه دموگرافیک، پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی، استرس تحصیلی، حمایت اجتماعی چند بعدی و انتظار پیامد دانشجو بودند. بعد از جمع آوری داده ها، اطلاعات توسط SPSS ویرایش ۱۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در تحلیل داده ها علاوه بر ارائه شاخصهای توصیفی، جهت تعیین عوامل پیشگویی کننده خودکارآمدی تحصیلی از رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد.

**نتایج:** از ۴۲۸ دانشجوی مورد بررسی، ۳۰۵ نفر (۷۱/۳ درصد) دختر و ۱۲۳ نفر (۲۸/۷ درصد) پسر بوده و اکثر نمونه ها (۸۱/۳٪) در خوابگاه سکونت داشتند. محل اخذ دیپلم ۳۹۶ نفر (۹۲/۵٪) شهر و ۲۷ نفر (۶/۳٪) روستا بود. میانگین و انحراف معیار سازه خودکارآمدی  $17/68 \pm 10/04$ ، حمایت اجتماعی  $12/96 \pm 61/63$ ، انتظار نتیجه  $6/39 \pm 36/63$  و استرس  $12/06 \pm 64/3$  بود. بین خودکارآمدی و موفقیت تحصیلی ارتباط معناداری وجود داشت ( $P=0/018$  و  $r=0/12$ ). همچنین بین میزان خودکارآمدی با حمایت اجتماعی ( $P=0/001$  و  $r=0/16$ ) و استرس تحصیلی ( $P=0/003$  و  $r=-0/14$ ) رابطه معنادار وجود داشت. از جمله عوامل پیشگویی کننده خودکارآمدی، دریافت حمایت اجتماعی ( $P=0/001$ ) با ضریب رگرسیونی  $0/23$  و محل اخذ دیپلم بود. به گونه ایی که خودکارآمدی دانشجویانی که محل اخذ دیپلم آنها شهر بود  $8/26$  برابر دانشجویان روستایی بود.

**نتیجه گیری:** با توجه به پایین بودن میزان خودکارآمدی در دانشجویان روستایی، توصیه می شود تا برنامه های ارتقاء دهنده خودکارآمدی به ویژه افزایش حمایت اجتماعی در این گروه از دانشجویان مدنظر قرار گرفته و با برگزاری کلاسهای فن ارتباطی، یادداشت برداری و افزایش تمرکز حواس خودکارآمدی این دسته از دانشجویان را افزایش داد تا بدین وسیله موفقیت تحصیلی بیشتری را در این دانشجویان شاهد بود.

**واژه‌های کلیدی:** خودکارآمدی تحصیلی، استرس تحصیلی، حمایت اجتماعی، موفقیت تحصیلی.

## کاربرد سازه های اساسی تئوری شناخت اجتماعی در پیشگویی پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر سال ۹۲-۱۳۹۱

مکیه جمالی<sup>۱</sup>، آریتا نوروزی<sup>۲\*</sup>، رحیم طهماسبی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر

<sup>۲\*</sup>استادیار گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر

<sup>۳</sup>استادیار گروه آمار زیستی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر

**مقدمه:** کشف و مطالعه عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی، موجب پیشرفت نظام آموزشی می شود. هدف از این مطالعه پیشگویی عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی بر اساس سازه های اساسی تئوری شناخت اجتماعی در دانشجویان بود. **روش ها:** این مطالعه مقطعی با روش نمونه گیری تصادفی منظم در ۴۲۸ دانشجوی مشغول به تحصیل در ۴ دانشکده بهداشت، پیراپزشکی، پرستاری-مامایی و پزشکی-دانشکده علوم پزشکی بوشهر انجام شد. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه های دموگرافیک، خودکارآمدی تحصیلی، استرس تحصیلی، حمایت اجتماعی چند بعدی و انتظار پیامد دانشجو بودند. جهت تعیین پیشرفت تحصیلی از تفاضل میانگین نمرات دروس تئوری (غیر از دروس عمومی) ترم قبل از ترم جاری استفاده شده و در افراد با تفاضل مثبت، پیشرفت تحصیلی تعیین گردید. در تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS ویرایش ۱۸ استفاده شد. علاوه بر ارائه شاخصهای توصیفی جهت پیشگویی عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی از تحلیل رگرسیون لجستیک استفاده گردید.

**نتایج:** از ۴۲۸ دانشجوی مورد بررسی، ۳۰۵ نفر (۷۱/۳٪) دختر و ۱۲۳ نفر (۲۸/۷٪) پسر بوده و اکثر نمونه ها (۸۱/۳٪) در خوابگاه سکونت داشتند. تعداد نمونه های دانشکده بهداشت ۱۱۱ نفر (۲۵/۹٪)، پیراپزشکی ۱۶۰ نفر (۳۷/۴٪)، پرستاری-مامایی ۷۹ نفر (۱۸/۵٪) و پزشکی ۷۸ نفر (۱۸/۲٪) بودند. میانگین و انحراف معیار سازه خودکارآمدی  $117/68 \pm 106/04$ ، حمایت اجتماعی  $12/96 \pm 61/63$ ، انتظار نتیجه  $6/39 \pm 36/63$  و استرس  $12/06 \pm 64/3$  بود. در مدل رگرسیون لجستیک مشخص گردید که خودکارآمدی ( $p=0/002$ )، استرس تحصیلی ( $p=0/05$ ) و نوع دانشکده ( $p=0/000$ ) پیشگویی کننده پیشرفت تحصیلی بودند. به طوری که با افزایش ۱ واحد در خودکارآمدی، پیشرفت تحصیلی به میزان ۲٪ افزایش یافته ( $EXP(B)=1/02$ ،  $B=0/21$ ) و با کاهش استرس تحصیلی، پیشرفت تحصیلی به میزان جزئی اتفاق افتاده بود ( $0/19$ -). همچنین بیشترین پیشرفت تحصیلی مربوط به دانشکده های پرستاری و پیراپزشکی بود.

**نتیجه گیری:** با توجه به این که میزان پیشرفت تحصیلی در دانشکده های بهداشت و پزشکی وضعیت مناسبی نداشته و با توجه به مؤثر بودن خودکارآمدی و استرس تحصیلی در پیشرفت تحصیلی (حتی به میزان جزئی) می توان نتیجه گرفت که جهت بهبود وضعیت تحصیلی باید در این دو دانشکده برنامه های آموزشی جهت ارتقاء خودکارآمدی از طریق آموزش شیوه مناسب یادداشت برداری، ارتقاء مهارت توجه در کلاس و برقراری ارتباط با اساتید و ... و کاهش استرس های تحصیلی از طریق مشاوره های تحصیلی طراحی نمود.

**واژه های کلیدی:** تئوری شناخت اجتماعی، پیشرفت تحصیلی، استرس تحصیلی، حمایت اجتماعی

## بررسی سنجش میزان رضایتمندی دانشجویان نسبت به خدمات آموزشی در دانشکده پزشکی زاهدان

سلیمان سراوانی\*، دکتر زهرا ذاکری - دکتر غلامرضا کمیلی - دکتر مهدی محمدی - حسنعلی نصیر پور  
\* مربی علوم پزشکی

[saravani\\_solyman@yahoo.com](mailto:saravani_solyman@yahoo.com)

**مقدمه:** دانشجویان یکی از ارکان اصلی سیستم آموزشی محسوب می شوند. دانشگاه ها به منظور انجام وظایف، پویایی و ارتقای کیفیت خود، نیازمند الگو و ابزار مناسب برای ارزیابی و اطمینان کیفی از روند برنامه ها و فرآیندهای مربوط به کارایی و اثر بخشی دانشجویان خود و مهم تر از همه، میزان رضایت مندی آنان است. در همین رابطه، یکی از معیارهای عمده در زمینه کیفیت و بهبود مستمر، ایجاد و حفظ مشتری است که در سازمان های آموزشی به عنوان مخاطبان اصلی فرآیند آموزشی تلقی می شوند. هدف این تحقیق سنجش میزان رضایت مندی دانشجویان به عنوان مشتریان دانشگاه از خدمات آموزشی می باشد.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی - مقطعی بر روی ۱۲۰ نفر از دانشجویان پزشکی انجام گرفت، اطلاعات بدست آمده از طریق پرسشنامه پایا و روای مربوط به ارزیابی درونی رشته پزشکی عمومی که در مطالعات متعدد بکار گرفته شده بود جمع آوری شد. سپس دادهای پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** یافته های این بررسی نشان می دهد که بالاترین میزان رضایت دانشجویان از اعضای هیئت علمی مربوط به حل مشکلات آموزشی دانشجویان با میانگین (۳,۱۱) و کمترین میزان رضایت دانشجویان از اعضای هیئت علمی مربوط به رابطه دوستانه با میانگین (۲,۷۸) می باشد و در کل میزان رضایت دانشجویان از اعضای هیئت علمی در وضعیت نسبتاً مطلوب ارزیابی گردید. در خصوص توزیع فراوانی امکانات رفاهی بر حسب اطلاع دانشجویان بالاترین میزان رضایت مربوط به قوانین مهمانی ۷۶/۴۵ درصد و کمترین میزان اطلاع رسانی مربوط به اساتید راهنما ۳۶/۵۵ درصد بدست آمد.

**نتیجه گیری:** در مجموع میزان رضایت دانشجویان در اکثر موارد در وضعیت نسبتاً مطلوب هست و در مواردی هم کاملاً نامطلوب و دانشجویان در بعضی موارد بررسی شده رضایت چندانی ندارند و بایستی تلاش گردد که میزان رضایت ارتقاء یابد و به وضعیت کاملاً مطلوب برسد تا دانشجویان با اشتیاق و انگیزه بیشتری در امر یادگیری تلاش نمایند.

**واژه های کلیدی:** رضایتمندی، دانشجویان، دانشکده پزشکی

## بررسی رابطه بین تعداد سوالات استاندارد آزمون‌ها با تعداد کل سوالات آزمون

دکتر عباس علامی<sup>۱</sup>، فریبا درخشان<sup>۲\*</sup>

<sup>۱</sup>دانشگاه علوم پزشکی قزوین دانشکده پزشکی، دفتر توسعه آموزش

<sup>۲\*</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

Email: Faribaderakhshan@gmail.com

**مقدمه:** آزمون‌ها بخش مهمی از فرآیند آموزش هستند، با این حال در بیشتر موارد از ساختاری منسجم و استاندارد برخوردار نمی‌باشند. در این مطالعه تعداد سوالات استاندارد آزمون‌های پایان ترم دوره پزشکی عمومی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین و رابطه آن با تعداد کل سوالات هر آزمون را مورد بررسی قرار داده ایم.

**روش‌ها:** مطالعه توصیفی - مقطعی بر روی تمامی آزمون‌های تئوری مقاطع علوم پایه، فیزیوپاتولوژی و کارآموزی دوره پزشکی عمومی در سال ۱۳۹۰ اجرا شد. تعداد سوالات و درصد سوالات مناسب آزمون‌ها محاسبه گردید. بر طبق منابع معتبر آموزشی سوالاتی مناسب در نظر گرفته شد که ضریب سختی  $0/7 - 0/3$  و ضریب تمیز مناسب (نزدیک به یک) داشتند. با استفاده از نرم افزار آماری spss همبستگی تعداد سوالات آزمون‌ها با تعداد کل سوالات امتحانی با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج:** در مجموع میانگین تعداد سوالات استاندارد در نیم سال اول و دوم مشابه و حدود ۲۰ درصد محاسبه شد. در نیم سال اول در دروس مقطع علوم پایه بیشترین و کمترین درصد سوالات استاندارد ۵۴ درصد و صفر درصد و در مقاطع بالینی ۶۲ درصد و ۲ درصد بدست آمد. در نیم سال دوم تحصیلی درصد سوالات استاندارد دروس دوره علوم پایه ۴۱/۸ درصد بیشترین و ۱/۲۵ درصد کمترین و دروس بالینی، ۹۰ درصد و صفر درصد را به خود اختصاص دادند. ضریب همبستگی به ترتیب در نیم سال اول و نیم سال دوم  $r = -0/3$  ( $Pvalue = 0/045$ ) و  $r = -0/5$  ( $Pvalue = 0/018$ ) محاسبه شد که نشان دهنده همبستگی معنی دار معکوس بین این دو متغیر است.

**نتیجه‌گیری:** پیشنهاد می‌شود طراحان سؤال به طور مستمر فرآیند تجزیه و تحلیل سؤالات را با حذف سؤالات غیرقابل قبول و جایگزین ساختن آنها با سؤالات بهتر به کار گیرند. همچنین با توجه به اهمیت ارائه سؤالات استاندارد در برگزاری آزمون‌ها، گروه‌های آموزشی از افزایش دادن تعداد سوالات امتحانی بدون برنامه ریزی خودداری نمایند.

**واژه‌های کلیدی:** تعداد سوال، استاندارد، دانشگاه علوم پزشکی

## بررسی توزیع سطح دانش سوالات آزمون‌های ارتقاء دستیاری دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین سال تحصیلی ۹۱-۹۰

دکتر عباس علامی<sup>۱</sup>، فریبا درخشان<sup>۲\*</sup>، دکتر نوید محمدی

<sup>۱</sup>دانشگاه علوم پزشکی قزوین دانشکده پزشکی، دفتر توسعه آموزش

<sup>۲\*</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

Email: Faribaderakhshan@gmail.com

**مقدمه:** آزمون‌های چند گزینه‌ای رایج‌ترین انواع آزمون‌ها در آموزش پزشکی می‌باشند که از درجه پایانی بالایی برخوردارند. در طراحی این سوالات رعایت توزیع سطح دانش سوالات، مورد توجه پژوهشگران حوزه آموزش می‌باشد. از نظر کارشناسان آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در آزمون‌های Post graduated بالینی انتظار می‌رود حداقل ۸۰٪ سوالات در قالب "تاکسونومی دو و سه" طراحی گردد. هدف از این پژوهش بررسی کیفیت سوالات آزمون‌های ارتقاء دستیاری دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال ۱۳۹۱ از نظر توزیع سطح دانش می‌باشد.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی کلیه سوالات آزمون‌های ارتقاء دستیاری دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفت. سوالات از نظر سطح دانش بر اساس سطوح شناختی بلوم در سه سطح شامل تاکسونومی I (سؤال مبتنی بر حافظه و یادآوری)، تاکسونومی II (سؤال مبتنی بر فهم) و تاکسونومی III (سؤال مبتنی بر کاربرد مفاهیم) ارزیابی قرار شد و گروه بندی گردید.

**نتایج:** از مجموع ۱۰۵۰ سؤال مربوط به ۷ آزمون ارتقاء دستیاری، درصد سوالات با تاکسونومی II و III مربوط به رشته‌های تخصصی روان پزشکی، قلب، بیهوشی، کودکان، زنان و زایمان، جراحی، داخلی به ترتیب ۲۸/۰، ۴۸/۷، ۵۹/۳، ۶۴/۷، ۷۷/۳، ۸۳/۳، ۹۰/۷ درصد بود. با توجه به این نتایج، گروه‌های داخلی و جراحی بیشترین درصد و گروه روان پزشکی که برای اولین بار اقدام به برگزاری آزمون ارتقاء نموده بود، پایین‌ترین میزان درصد تاکسونومی بالا را به خود اختصاص دادند. در کل ۳۵/۴ درصد سوالات در تاکسونومی I و بقیه در تاکسونومی II و III طراحی شده بود.

**نتیجه‌گیری:** مطالعه حاضر نشان داد، کیفیت آزمون‌های ارتقاء دستیاری از نظر توزیع تاکسونومی بین آزمون‌های رشته‌های مختلف متفاوت بوده و در برخی موارد نیازمند اتخاذ تدابیر اصلاحی می‌باشد. با توجه به راه‌اندازی رشته‌های جدید دستیاری در دانشگاه‌های علوم پزشکی ضروری به نظر می‌رسد برای گروه‌های آموزشی مورد نظر کارگاه‌های آموزشی در زمینه مفاهیمی همچون تاکسونومی سوالات برگزار گردد.

**واژه‌های کلیدی:** پیشرفت تحصیلی، آزمون چند گزینه‌ای، تاکسونومی

## نیازسنجی آموزشی پرستاران اورژانس بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی تهران

از دیدگاه پرستاران شاغل در بخش اورژانس، ۱۳۹۱

سودابه لونی<sup>۱\*</sup>، شهزاد سراوانی<sup>۲</sup>، رسول معصومی<sup>۳</sup>

\*دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

[Soodabe.loni@yahoo.com](mailto:Soodabe.loni@yahoo.com)

<sup>۲</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

<sup>۳</sup>دانشجوی دکتری تخصصی (PhD) آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

**مقدمه:** نقش و حرفه پرستاری در نظام سلامت هر کشوری بسیار حیاتی و مهم است بطوری که در کشور ما ۸۰ درصد شاغلین سیستم بهداشت و درمان را پرستاران می باشند بدیهی است که مسئولیت آماده سازی و تربیت پرستارانی با وظایف و قابلیت های فوق، بر عهده دانشگاه های علوم پزشکی کشور می باشدویکی از بخش هایی که دانشجویان پرستاری بعد از فارغ التحصیلی در آن مشغول به خدمت می شوند، بخش اورژانس بیمارستان ها می باشد. بنابراین لازم است پرستاران بر اساس بخشی که در آن مشغول به خدمت هستند، آموزش های تخصصی دریافت کنند. این امر به دو صورت می تواند اتفاق بیفتد: یا دوره های تخصصی بصورت آکادمیک در مقطع کارشناسی ارشد راه اندازی شوند و یا اینکه دوره های کوتاه مدت، دوره های بازآموزی و دوره های تخصصی غیر رسمی متناسب با هر بخش تدوین و اجرا گردد. بنابراین بررسی نیازهای آموزشی پرستاران اورژانس برای اقدامات بعدی از جمله تدوین دوره های تخصصی، بازآموزی و دوره های کوتاه مدت ضروری به نظر می رسد

**روش‌ها:** این مطالعه از نوع نیازسنجی با استفاده از فن دلفی می باشد و از لحاظ کاربرد یافته های پژوهش در ردیف طرح های کاربردی قرار می گیرد. جامعه پژوهش شامل تمامی پرستاران شاغل در اورژانس بیمارستان های آموزشی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تهران (۳۶۰ نفر) می باشد. که بصورت طرحی، قراردادی، پیمانی یا رسمی و با مدرک تحصیلی کارشناسی و بالاتر مشغول به خدمت هستند. پرستاران شاغل در اورژانس به علت درگیری مستقیم و تجربه ای که پس از کار کردن در اورژانس به دست می آورند، دارای اطلاعات کلیدی در مورد نیازهای آموزشی خودشان می باشند. این گروه دارای اطلاعات وسیع در مورد موضوع مطالعه می باشند. اجرای این پژوهش با استفاده از فن دلفی و بصورت سه مرحله ای خواهد بود، علت استفاده از فن دلفی نیاز به عقاید و نظرات افرادی است که در مورد موضوع مورد مطالعه اطلاعات کلیدی دارند و همچنین نیاز به اولویت بندی مواردی که استخراج خواهد شد، می باشد که در ادامه توضیح آن آمده است. نمونه گیری بصورت خوشه ای چند مرحله ای خواهد بود، بدین صورت که ابتدا مناطقی (منظور مناطق ۲۲ گانه شهرداری می باشد) که بیمارستان های دانشگاه علوم پزشکی تهران در آن مستقر هستند، شناسایی خواهند شد و سپس بطور تصادفی ۵۰ درصد مناطق انتخاب می شوند. سپس تعداد کل نمونه ها (۱۰۰ نفر) بر تعداد بیمارستان ها تقسیم شده و تعداد مساوی نمونه برای نمونه گیری از هر بیمارستان انتخاب می گردد. این نمونه ها بوسیله روش نمونه گیری تصادفی انتخاب خواهند شد.

**نتایج:** نتایج نشان داده شد عملکرد نامطلوب پرستاران بخش اورژانس با توجه به نتایج پژوهش ها که ناشی از عدم آموزش مطلوب دوره چهار ساله کارشناسی پرستاری و رشد روز افزون و دائمی دانش پرستاری

**نتیجه گیری:** نیاز به راه اندازی دوره تخصصی کارشناسی ارشد پرستاری بخش اورژانس و تدوین دوره های تخصصی و کوتاه مدت، دوره های آموزش مداوم و آموزشهای لازم در مورد نقش مراقبتی، مدیریتی، مشاوره ای و پژوهشی پرستاران بخش اورژانس بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران می باشد

واژه های کلیدی: آموزش، پرستاری، بالینی، اورژانس، آموزش مداوم، نیازهای آموزشی، ارزیابی

### یوه ی کیفی راهبردی کارا در ارزشیابی برنامه های آموزشی

محبوبه صابر<sup>۱</sup>، هاجر شیبه<sup>۲</sup>، فاطمه میر<sup>۳</sup>

\* کارشناس مسئول واحد ارزشیابی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

Email: Saber\_mahboobeh@yahoo.com

<sup>۲</sup> کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

<sup>۳</sup> کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

**مقدمه:** روش های مختلفی برای ارزشیابی آموزشی وجود دارد. هر یک از این روش ها نقاط قوت و کاستی هایی دارد و بهره بردن از چندین روش دستاوردهای ما را هنگام بهره گیری از نتایج ارزشیابی در تصمیمات مدیریتی دقیق تر و معتبرتر می نماید. با وجود اجرای روش هایی همچون ارزشیابی کیفی اساتید، ارزشیابی توسط هم تایان و ارزشیابی درونی همچنان در برخی شرایط از سوی فراگیران مقاطع تحصیلات تکمیلی در خصوص وضعیت آموزشی و پژوهشی گروه مواردی مطرح می شد که با استفاده از سایر روش ها قابل شناسایی نبوده است. لذا پس از بررسی متون، روش کیفی در ارزشیابی آموزشی گروه های با مقاطع تحصیلات تکمیلی طراحی شد.

بررسی وضعیت گروه و شناخت کاستی ها و توانمندی های موجود با استفاده از مصاحبه ارائه پیشنهادات مناسب برای بهره وری بهتر از توانمندیها و رفع کاستی های طراحی شده

**روش ها:** روشی که برای ارزشیابی آموزشی انتخاب شد روش مصاحبه براساس راهنما است. انتخاب گروه ها بر اساس نظر مدیران آموزشی رده بالا انجام می گیرد. این روش دارای ۵ مرحله است. در مرحله اول با بررسی اطلاعات موجود در مورد گروه، با بهره گیری از ارزشیابی درونی و ارزشیابی کیفی اساتید موضوعات و موارد مهم جهت طرح چارچوب اولیه مصاحبه تعیین می گردید. در مرحله دوم با دعوت از تمامی فراگیران در رشته و مقطع مورد نظر مصاحبه با تک تک فراگیران انجام می شد. موضوعات مطرح شده برای تمامی فراگیران ثابت بود اما با جملات و واژه های متفاوتی از هر یک پرسیده می شد. افراد در توضیح دادن آزاد بودند و محدودیتی برای پاسخگویی بر ایشان ایجاد نمودیم. در مرحله سوم موضوعات اشاره شده دسته بندی می شد و در یک ساختار منظم با در نظر گرفتن تواتر تعداد افرادی که به هر موضوع اشاره کرده اند؛ گزارش تهیه می شد. در مرحله چهارم گزارشی شامل مشکلات و توانمندی های گروه با ارائه راه حل ارائه گردید. در آخرین مرحله گزارش کامل شده برای تمامی افرادی که در مصاحبه حاضر شدند ارسال می شد. پس از جمع آوری نظرات تکمیلی ایشان مواردی جزئی کم یا زیاد می شد و گزارش نهایی برای ریاست دانشگاه یا معاون آموزشی دانشگاه به صورت محرمانه ارسال می گردید.

**نتایج:** اگرچه نظر به خصوصیت ارزشیابی، امکان ارائه نتایج واقعی بصورت کامل نیست، لذا مواردی بصورت کلی و بدون نام گروههای آموزشی ذکر می نمائیم.

در یکی از بخش های بالینی گزارش در ۴ بخش اصلی آموزشی، سنجش، درمانی، مالی مطرح شد. که در آن موارد ذیل مطرح شد. پیشنهادات برای روتیشن دستیاران، عدم امکان استفاده آموزشی دستیاران از برخی فیلدهای فوق تخصصی، نوع آموزش ها، حجم کار و سرویس های درمانی، میزان per case دستیاران در برخی از گروه ها موارد ذیل مطرح شد.

- افزایش تعداد دستیاران و لزوم افزایش تجربه های یادگیری در دسترس
- لزوم تاکید برای افزایش فیلدهای آموزشی درمانگاهی، برنامه آزمایشگاههای تخصصی، انتخابی نبودن استاد برای پایان نامه دکتری تخصصی PhD، توانایی برخی از اعضای هیات علمی در فیلدهای خاص.
- برای نمونه پیشنهاد موارد ذیل مطرح شده و واحد ارزشیابی مرکز برای اجرایی نمودن آن ها تلاش نمود.
- ۱- تغییر در روتیشن دستیاران، این از مواردی بود که در اغلب دوره های تخصصی که مصاحبه برگزار شد، تغییرات مختلفی در روتیشن ها مطرح شد. افزایش و کاهش در تعداد ماهها برای افزایش تطابق اجرای کوریکولوم آموزشی
- ۲- تغییر در نوع آزمونهایی که در طول سال از دستیاران گرفته می شود.
- ۳- افزایش عرصه های درمانگاهی و افزایش نسبت آموزش درمانگاهی در برخی از گروهها و امکان اجرای آن فراهم شد. بعلاوه ماهیت ارزشیابی ذکر موارد اختصاصی در گروه مقدور نمی باشد.

واژه های کلیدی: ارزشیابی کیفی، ارزشیابی آموزشی



## نظرات اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین از برنامه های توانمند سازی برگزار شده توسط مرکز مطالعات در سالهای ۹۰-۸۶

افسانه یخ فروش ها\*، دکتر امیر ضیایی

دانشجوی دکترای آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران [star2000\\_y@yahoo.com](mailto:star2000_y@yahoo.com)

**مقدمه:** در سیستم های آموزشی، نحوه آموزش و چگونگی آن از موارد بااهمیت تلقی می گردد. با توجه به اینکه نقش تحقیق و توجه در زمینه چگونگی آموزش در راس برنامه های توسعه آموزش می باشد در مطالعه حاضر به بررسی نظرات اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین از برنامه های توانمند سازی برگزار شده توسط مرکز مطالعات در طی سالهای ۹۰-۸۶ می پردازیم.

**روش ها:** این بررسی یک مطالعه مقطعی و از نوع توصیفی-تحلیلی است که نمونه آن را اعضای هیئت علمی شرکت کننده در برنامه های آموزشی مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تشکیل دادند که به صورت سرشماری مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه ای بود که در ۲ بخش شامل ویژگی های فردی و عبارات سنجش نظرات که بر اساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) طراحی گردیده بود انجام شد و پرسشنامه تهیه شده پس از سنجش مجدد روایی محتوا با نظر خواهی از صاحب نظران، با پایایی ( $r=0.9$ ) مورد استفاده قرار گرفت. داده ها در نرم افزار SPSS وارد و بر اساس آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** در این مطالعه بیشترین شرکت کننده در برنامه های آموزشی مذکر (۵۹/۵٪)، استادیار (۶۵/۶٪) و در گروه سنی ۴۰-۳۱ ساله (۴۳/۸٪) بودند. شرکت کنندگان بیشترین میزان موفقیت برنامه های توانمند سازی اساتید را انتخاب و دستیابی به اهداف آموزشی و تحکیم اطلاعات آنها (۶۸/۷٪)، مرتبط بودن محتوای کارگاه با فعالیت آموزشی آنها (۵۵/۱٪) توالی مناسب و منطقی برنامه (۵۳/۷٪) و استفاده مناسب و موثر سخنرانان از امکانات سمعی و بصری در آموزش (۵۱/۶٪) عنوان نمودند و کمبود وقت، طولانی بودن زمان کارگاه را به دلیل اشتغال کاری زیاد، از مهمترین محدودیت های شرکت در کارگاه ها ذکر کردند و مهمترین انگیزه شرکت خود در برنامه های آموزشی را به ترتیب تجدید اطلاعات (۵۶٪)، چاره جویی در حل مشکلات حرفه ای (۴۸/۲٪) و مبادله اطلاعات (۱۴/۸٪) عنوان کردند.

**نتیجه گیری:** در سالهای اخیر نیاز به گسترش برنامه های رشد و توسعه آموزش دهندگان و اساتید به دلیل ارتباط آن با کیفیت تدریس و یادگیری دانشجویان احساس شده است لذا برنامه های توانمند سازی اساتید باید به گونه ای طرح ریزی و بازبینی شود تا اساتید شایستگی لازم را جهت به کارگیری مفاهیم تئوری در عمل را کسب نمایند.

**واژه های کلیدی:** نظرات، اهداف آموزشی، انگیزه، اعضای هیئت علمی.

## طراحی و تدوین معیارها و شاخص های ارزشیابی تدریس آزمایشگاهی (laboratory teaching) در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

دکتر امیر پیمانی - دکتر نوید محمدی - افسانه یخ فروش ها\*<sup>۶۳</sup>  
\* دانشجوی دکترای آموزش پزشکی - دانشگاه علوم پزشکی تهران  
star2000\_y@yahoo.com

**مقدمه:** فعالیت آزمایشگاهی می تواند جوی را ایجاد کند که فراگیران را به انجام پژوهش های معتبر، طراحی فرایندها و به دست آوردن نتایج تشویق کند. این روش از طریق قرار دادن فراگیران در موقعیت سوال پرسیدن، پیشنهاد کردن راه حل، پیش بینی کردن، انجام مشاهده، سازماندهی داده ها، توضیح دادن قسمتها و اجزای آن، در کاوشگری علمی درگیر کند. با توجه به چالش ها و نواقص موجود در زمینه آموزش آزمایشگاهی، تدوین معیارهایی جهت بررسی وضعیت تدریس آزمایشگاهی امری ضروری به نظر می رسد و مطالعه حاضر با هدف طراحی و تدوین ابزاری جهت ارزشیابی وضعیت تدریس در واحدهای آزمایشگاهی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین انجام گردید.

**روش ها:** با تشکیل کمیته تخصصی و با بررسی متون، معیارهای تدریس آزمایشگاهی موثر از طریق جستجوی و منابع معتبر علمی جمع آوری گردید. معیارها و شاخصهای هماهنگ با وضعیت آموزشی تدریس آزمایشگاهی در کشور، طراحی شد. روایی صوری و محتوایی آن توسط متخصصان آموزشی و پایایی آن از طریق  $\alpha$  کرونباخ ( $r=0/8$ ) بررسی گردید.

**نتایج:** جهت ارزیابی تدریس آزمایشگاهی نشانگرهایی طراحی گردید که بخش اول آن شامل یک سری سئوالات مرتبط با اطلاعات عمومی واحد آزمایشگاهی و بخش دوم آن شامل معیارهای زیر بود.

- معیارهای مرتبط با آمادگی تدریس (Preparation)

- معیارهای مرتبط با مهارتهای یاددهی-یادگیری (Teaching & Learning): در شروع جلسه the Beginning

laboratory، قبل از اجرای کار عملی pre-laboratory، و هنگام اجرای کار عملی Main practical session

- معیارهای مرتبط با مهارت های ارتباطی و تعاملی

- معیارهای مرتبط با روش های ارزشیابی

- معیارهای مرتبط با ارزیابی محیط فیزیکی

- معیارهای مربوط به رعایت نکات ایمنی و بهداشت

- معیارهای مربوط به جمع بندی و مستند سازی

**نتیجه گیری:** با توجه به اهمیتی که تدریس آزمایشگاهی در آموزش دانشجویان پزشکی دارد و با توجه به چالش های آموزشی موجود در این زمینه، استخراج مجموعه استانداردهای آموزش بستر مناسبی را جهت مشخص کردن نقاط قوت و ضعف تدریس در آزمایشگاههای دانشکده پزشکی ایجاد کرد و به عنوان الگویی عملی برای اصلاح و ارتقای کمی و کیفی، در اختیار مسئولان قرار گرفت.

**واژه های کلیدی:** آموزش، آزمایشگاه، شاخص، دانشکده

### توانمندسازی دانشجویان کارشناسی ارشد علوم تشریحی در ارزشیابی دانشجو

دکتر امراله روزبهی

دانشکده پزشکی یاسوج

[arozbehi@yahoo.com](mailto:arozbehi@yahoo.com)

**مقدمه:** وظیفه مدرسین، آموزش و اجرای فرایند ارزیابی و اندازه گیری با یک روال منطقی و عینی است به طوری که میزان دستیابی به اهداف را بطور کامل بسنجد. به دست آوردن چنین توانمندی نیازمند دانش و مهارت مرتبط با آن می باشد که در بسیاری از دوره های تحصیلات تکمیلی هیچ رد پای از آن وجود ندارد. هدف از این مطالعه بررسی میزان تأثیر آموزش و فید بک به دانشجویان کارشناسی ارشد علوم تشریحی در ارتباط با ارزشیابی دانشجویان می باشد.

**روش ها:** دانشجویان کارشناسی ارشد هر کدام ده سؤال چهارگزینه ای از یک فصل درس بافت شناسی طراحی نموده و از دانشجویان پزشکی امتحان بعمل آمد. بعد از برگزاری آزمون سئوالات دانشجویان در یک کارگاه آموزشی از جهت کیفی شامل؛ شرایط ساقه و گزینه های سؤال، تاکسونومی سئوالات، طراحی سؤال با توجه به سطوح شناختی بلوم و پایای و از جهت کمی شامل؛ ضریب دشواری، ضریب تمیز، واریانس و پایایی آزمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و به آنها اقدامات لازم برای ارتقای آزمون نیز آموزش داده شد. بعد از کارگاه دانشجویان از مبحث بعدی هر کدام ده سؤال دیگر طرح نمودند و بعد از برگزاری آزمون از دانشجویان پزشکی ضریب دشواری، ضریب تمیز، واریانس سئوالات و پایایی آزمون (بعد از آموزش) محاسبه و با شاخص های آزمون اول (قبل از آموزش) مقایسه توصیفی گردید.

**نتایج:** مقایسه بین ضریب دشواری، ضریب تمیز و واریانس آزمون پنجاه سئوالی اول و دوم حاکی از ارتقای این شاخصها در آزمون دوم می باشد. ضریب دشواری (از سئوالهای آسان تا دشوار) توزیع وسیع تر در آزمون دوم دارد و بیشترین میزان ضریب دشواری بعد از آموزش نزدیک به ۰/۵ می باشد. ضریب تمیز در آزمون دوم نسبت به آزمون اول است بالاتر بوده است و تعداد سؤال با ضریب تمیز صفر و منفی در آزمون دوم خیلی کمتر مشاهده گردید. واریانس آزمون دوم نسبت به آزمون اول به ۰/۲۵ خیلی نزدیکتر شده است.

پایایی آزمون اول ۰/۵۰۴ و آزمون دوم ۰/۷۷۴ بود که نشان از برتری آزمون دوم نسبت به اول از جهات عدالت، تاکسونومی، تمیز و ضریب دشواری خوب می باشد.

**نتیجه گیری:** علم ارزشیابی و اندازه گیری به شکل فوق العاده ای قابل انتقال به فراگیران می باشد و تحلیل آن نیز بسیار عینی بوده و در ارتقای کیفیت آموزش اثر ملموسی دارد. دانشجویان کارشناسی ارشد در طی چند ساعت متوجه نکات مهمی در طراحی سئوالات گردیدند و آنها را در آزمونهای خود بکار بستند و نتایج آن را نیز مشاهده نمودند.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی، تحلیل آزمون، دشواری، تمیز، واریانس و پایایی

## بررسی میزان دستیابی به محتوی طرح دوره کارآموزان پزشکی بخش زنان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه از دیدگاه فراگیران در سال ۱۳۸۹

نسرین جلیلیان<sup>۱</sup>، ناهید جلیلیان<sup>۲</sup>، لیدا معمار افتخاری<sup>۳</sup>، علی اکبر ده حقی<sup>۴</sup>، محمود کاظمی<sup>۵</sup> طیبه تولایی<sup>۱\*</sup>،  
\*کارشناس مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

[manimoini20@gmail.com](mailto:manimoini20@gmail.com)

<sup>۱</sup>استادیار زنان، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی  
<sup>۲</sup>کارشناس ارشد مدیریت دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی  
<sup>۳</sup>کارشناس ارشد آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی  
<sup>۴</sup>کارشناس ارشد جامعه شناسی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی  
<sup>۵</sup>کارشناس، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

**مقدمه:** دوره کارآموزی زنان دوره ای ماژور می باشد و هدف کلی دوره کسب دانش و مهارت در بیماریهای شایع زنان و مامایی می باشد. دوره آموزش بالینی در آموزش پزشکی از مقاطع حساس و مهم برنامه ریزی آموزشی است که طی آن توانمندی های حرفه ای دانشجویان پایه ریزی می گردد. بنابراین تدوین طرح دوره برای چارچوب بندی آموزش اثر بخش بالینی ضروری به نظر می رسد. طرح دوره بخشی از یک برنامه درسی و یا کوریکولوم است که اهداف آموزشی در حیطه دانش و مهارت، روش های تدریس، روش های ارزشیابی و منابع آموزشی را برای فراگیران در یک دوره زمانی معین و در یک بخش یا واحد مشخص تعریف می کند. در این راستا تدوین طرح دوره برای چارچوب بندی آموزش اثر بخش بالینی، ضروری به نظر می رسد. این مطالعه با هدف تعیین میزان دستیابی به محتوای طرح دوره کارآموزان پزشکی بخش زنان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه از دیدگاه فراگیران در سال ۱۳۸۹ انجام شد.

**روش ها:** این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی می باشد. دانشجویان پزشکی ورودی ۸۵ جامعه مورد مطالعه راتشکیل دادند. داده ها بوسیله پرسشنامه و باروش سرشماری جمع آوری گردید. پرسشنامه محقق ساخته با ۳۴ سوال ابزار جمع آوری داده ها بود. روایی صوری و پایایی آن با استفاده از ضریب همبستگی بین دو نمونه سوال با  $\text{test-retest}$  ( $r=0.75$ ) تأیید گردید. امتیازدهی به سوالات با مقیاس بطور کامل-بطور نسبی-بطور تقریبی-خیر از ۳ تا صفر بود. داده ها بوسیله نرم افزار  $\text{spss/V16}$  و استفاده از روش های آمار توصیفی و تحلیلی (تی تست- کای مجذور-آنوا و...) مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج نشان بترتیب داد اهداف دستیابی به طرح دوره کارآموزان زنان ۸۷/۹ درصد، حیطه مهارت ۸۶/۱ درصد، روشهای ارزشیابی ۸۸/۵ درصد و همچنین دستیابی کامل به مقررات انضباطی و اهداف آموزش درمانگاهی را بیان نمودند، کمترین اهداف دستیابی مربوط به ویژگیهای روزانه ۲۵ درصد بود. اختلاف میانگین نمرات دستیابی به محتوای طرح دوره ( $P < 0.000$ ) بود.

**نتیجه گیری:** باتوجه به نتایج بدست آمده در این مطالعه به نظر می رسد دستیابی به محتوای آموزشی طرح دوره از دیدگاه کارآموزان در حد خوب بود و استفاده از طرح دوره و اجرای محتوای آن بطور صحیح در هر دوره آموزشی یکی از بهترین ابزارهای ارتقای آموزش بالینی می باشد.

**واژه های کلیدی:** طرح دوره، کارآموزان زنان، دانشگاه علوم پزشکی، محتوا

### رسی کیفی آزمون بالینی ساختارمند عینی از دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

سداله موسوی<sup>۱</sup>، علی موسوی زاده<sup>۲</sup>، عبد محمد موسوی<sup>۳</sup>، نسرین دهقانی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی یاسوج [mosaviasadolah@yahoo.com](mailto:mosaviasadolah@yahoo.com)

<sup>۲</sup>مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی یاسوج<sup>۳</sup>مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی یاسوج<sup>۴</sup>مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

**مقدمه:** استفاده از روش های نوین ارزیابی دانشجویان در حیطه مهارت و عملکرد در حال توسعه می باشد. یکی از این روشها OSCE یا آزمون بالینی ساختارمند عینی می باشد. هیچ آزمونی به تنهایی نمی تواند کامل باشد و دارای محاسن و محدودیت هایی می باشد. مطالعه حاضر با هدف بررسی دیدگاه دانشجویان در خصوص آزمون فوق انجام گردیده است.

**روش ها:** به منظور انجام مطالعه قبل از شروع OSCE پرسشنامه محقق ساخته ای تدوین شد که روایی آن با استفاده از نظرات اساتید فن و پایایی آن با استفاده از آزمون پایلوت وبا آلفای برابر ۰/۷ تایید شده است. پرسشنامه شامل دو قسمت اطلاعات دموگرافی و دیدگاه دانشجویان بود که در قسمت دیدگاه ، پرسشنامه براساس لیکرت ۵ قسمتی طراحی گردید که برای کاملاً موافق نمره ۲ ، موافق نمره ۱ ، نه موافق نه مخالف نمره ۰ ، مخالف نمره ۱- و کاملاً مخالف نمره ۲- در نظر گرفته شده و در نهایت نمره ۲۰- تا ۰ نامطلوب و ۱-۲۰ مطلوب تلقی گردید.

**نتایج:** تعداد ۹۳ نفر در مطالعه شرکت نمودند . ۵۴٫۱٪ شرکت کنندگان مرد و ۴۵٫۹٪ آنها زن بوده اند . ۲۹٪ آنها کارورز و ۷۱٪ کارآموز بوده اند. در خصوص تاثیر آزمون در افزایش توانمندی دانشجویان ۱۵ نفر (۱۶/۱٪) مخالف و ۷۷ نفر (۸۲/۸٪) موافق بودند. در مورد پوشش کافی محتوای آموزشی توسط آزمون ۱۹ نفر (۳۱/۲٪) مخالف و ۷۳ نفر (۶۷/۷٪) موافق بودند. ۲۲ نفر (۲۳/۷٪) از دانشجویان اعتقاد داشتند که آزمون در شناسایی نقاط ضعف دانشجویان موثر نبوده و ۷۳ نفر (۷۶/۳٪) آن را در شناسایی نقاط ضعف موثر دانستند. در خصوص عملکرد آزمون به عنوان یک فرصت آموزشی ۲۱ نفر (۲۲/۷٪) مخالف و ۷۰ نفر (۷۵/۲٪) موافق بودند. ۵۷ نفر (۶۱/۳٪) دانشجویان معتقد بودند آزمون به این روش افزایش استرس دانشجویان را به دنبال خواهد داشت و ۳۶ نفر (۳۸/۷٪) با این نظر مخالف بودند. در خصوص تاثیر این نوع آزمون در افزایش انگیزه دانشجویان ۳۴ نفر (۳۶/۶٪) مخالف و ۵۸ نفر (۶۲/۳٪) موافق بودند. در مجموع تعداد ۷۲ نفر (۷۷/۴٪) این نوع آزمون را مناسب ارزیابی دوره های کارآموزی و کارورزی دانستند و ۲۰ نفر (۲۱/۵٪) آن را مناسب ندانستند.

**نتیجه گیری:** آزمون بالینی ساختارمند عینی از دیدگاه دانشجویان روش ارزیابی موثر و مفیدی برای دانشجویان پزشکی می باشد . این آزمون باعث افزایش استرس دانشجویان می گردد . بنابراین پیشنهاد می گردد به منظور کاهش استرس ناشی از آن تعداد این آزمون ها در دوره های مختلف بالینی افزایش یابد.

**واژه های کلیدی:** ارزیابی دانشجویان ، آزمون بالینی ساختارمند عینی، ارزیابی بالینی

## ارزیابی فرآیند استاد راهنمای آموزشی دانشجویان دانشکده پیراپزشکی کرمانشاه درسال ۱۳۸۹

ژاله دزفولی منش<sup>۱\*</sup>، محمد رسول توحیدنیا<sup>۲</sup>، ناهید جلیلیان<sup>۳</sup>

\*کارشناس ارشد میکروبیولوژی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه Email: ga\_dezfooli@yahoo.com

<sup>۲</sup>عضوهیئت علمی دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

<sup>۳</sup>کارشناس ارشد دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

**مقدمه:** دانشجویان در طی دوران تحصیل برای نیل به موفقیت و پیشگیری از مشکلات تحصیلی نیازمند مشاوره و راهنمایی می باشند. دانشگاهها که مسئولیت خطیری در تربیت و آموزش دانشجویان دارند، موظفند نیازهای دانشجویان را در این خصوص برطرف نمایند. لذا فرآیند استاد راهنما در دانشگاهها در حال فعالیت می باشد. هدف این مطالعه کارایی فرآیند استادراهنما و بررسی نظرات دانشجویان می باشد.

**روشها:** این مطالعه توصیفی مقطعی، بر روی ۱۴۰ دانشجوی سال دوم به بعد در دانشکده پیراپزشکی کرمانشاه در سال ۸۹ که به صورت راندوم انتخاب شده بودند، انجام پذیرفت. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه ای پژوهشگر ساخته بود که پس از تایید روایی و پایایی آن، مورد استفاده قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS 15 و آزمونهای آماری کای اسکور انجام گردید.

**نتایج:** ۶۵٪ دانشجویان دختر و بقیه پسر بودند. میانگین سنی آنها ۲۰/۹ سال بود. ۶۰٪ دانشجویان از زمینه کمک از استاد مشاور آگاهی داشتند. حداکثر دانشجویان (۹۵٪) وجود استادراهنما را ضروری می دانستند. ۷۳٪ دانشجویان یکسان بودن جنسیت دانشجو و استاد مشاور و ۵۰٪ آنان استاد مشاور مسن را مناسب می دانستند. از نظر دانشجویان (۸۹٪) هدایت و نظارت بر انتخاب واحدهای درسی و ارائه راهنمایی در زمینه ادامه تحصیل، مهمترین وظایف استاد مشاور ذکر شد. ۸۰٪ دانشجویان در مورد مسائل آموزشی پژوهشی به استادراهنما مراجعه کرده بودند اما مراجعه در مورد سایر مسائل (خصوصاً "مسائل عاطفی") در حداقل (۵٪) بود. ۴۳٪ از دانشجویان از فعالیت های اساتید راهنمای خود رضایت داشتند.

**نتیجه گیری:** دانشجویان وجود فرآیند استادراهنما را ضروری می دانستند اما میزان رضایت آنها از فرآیند در حال اجرا کم بود. این امر نشان دهنده لزوم بازنگری و ایجاد برخی تغییرات و فراهم کردن برخی امکانات جهت افزایش رضایت دانشجویان از نحوه عملکرد اساتید راهنما می باشد.

**واژه های کلیدی:** دانشجو، استاد مشاور، ارزیابی

## مقایسه ارزشیابی کیفیت آموزش اساتید علوم پایه دانشکده پزشکی در دو سال متوالی از دیدگاه دانشجویان

جاوید دهقان حقیقی\*<sup>1</sup>، مریم هرمزی<sup>2</sup>، مریم شکیب، فریماه نصرتی\*  
عضو هیئت علمی گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

Email: javid\_dehghan@yahoo.com

<sup>2</sup>عضو هیئت علمی گروه بهداشت حرفه ای و مرکز تحقیقات ارتقای سلامت دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

**مقدمه:** مهم ترین ابزار تعیین کیفیت و اثربخشی یک برنامه یا فرآیند آموزشی، ارزشیابی آموزشی است. ارزشیابی اساتید به طور مستمر، از موثرترین روش ها برای تضمین کیفیت و شرط اساسی ارتقاء کیفی آموزش می باشد. با توجه به این که یکی از روش های مهم ارزشیابی کیفی آموزش، توسط فراگیران انجام می شود، در این مطالعه ارزیابی دانشجویان از کیفیت تدریس اساتید علوم پایه دانشکده پزشکی در طی دو سال تحصیلی مورد مقایسه قرار گرفت.

**روش ها:** این مطالعه مقطعی، توسط کلیه دانشجویان پزشکی شاغل به تحصیل در دو سال تحصیلی ۹۰-۹۱ و ۸۹-۹۰ در بین اساتید علوم پایه دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان انجام شد. تمامی دروس ارائه شده توسط اعضای هیئت علمی گروه های آموزشی دانشکده، با استفاده از یک پرسشنامه حاوی مشخصات دموگرافیک و عوامل موثر بر ارزشیابی استاد شامل مهارت تدریس استاد، خصوصیات فردی استاد، رعایت اصول و قوانین آموزشی، زمان ارائه درس و... مورد ارزشیابی قرار گرفت. پرسشنامه مورد تایید مرکز مطالعات دانشگاه می باشد.

**نتایج:** میانگین نمره ارزشیابی گروههای مختلف آموزشی در سال تحصیلی ۱۳۹۰ بر مبنای نمره ۱۰۰، در گروههای علوم تشریحی (۸۴/۶۰)، بیوشیمی (۸۳/۰۸)، میکروب شناسی (۸۰/۶۷)، علوم تغذیه (۷۷/۹)، قارچ و انگل شناسی (۸۱/۵۴)، ایمنی شناسی (۷۸/۳۲)، فیزیولوژی (۷۸/۷۵)، فیزیک پزشکی (۷۴/۴۶) و پزشکی اجتماعی (۷۸/۲۸) بود و این میانگین در سال تحصیلی ۱۳۹۱ به ترتیب در گروههای علوم تشریحی (۹۳/۶۳)، بیوشیمی (۹۲/۲۳)، میکروب شناسی (۸۹/۹۴)، علوم تغذیه (۸۸/۶۷)، قارچ و انگل شناسی (۸۸/۰۶)، ایمنی شناسی (۸۹/۶۵)، فیزیولوژی (۹۰/۳۶)، فیزیک پزشکی (۹۰/۷۳) و پزشکی اجتماعی (۹۳/۱۸) بوده است. بیشترین میزان ارتقاء در گروه فیزیک پزشکی و پزشکی اجتماعی و کمترین میزان ارتقاء در گروه قارچ و انگل شناسی مشاهده گردید. **نتیجه گیری:** وضعیت تدریس اساتید و بازخورد مناسب آن، یکی از روشهای مناسب و موثر در جهت ارتقای آموزش می باشد. می توان از نظرات دانشجویان به عنوان یک بخش مهم از ارزشیابی اساتید استفاده کرد و همراه با آن نواقص و کاستی های موجود را شناسایی و مرتفع کرد.

**واژه های کلیدی:** کیفیت آموزش، اساتید، دانشکده پزشکی

### بررسی مقایسه ای ارزشیابی اساتید دانشکده پرستاری - مامایی در سال ۹۰ و ۹۱ از دیدگاه دانشجویان

جاوید دهقان حقیقی\* ، محمود ایمانی ، مریم هرمزی ، سمیه عابدی پور

\* عضو هیئت علمی گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

javid\_dehghan@yahoo.com

**مقدمه:** ارزشیابی اساتید یکی از مهمترین اصول ارتقای کیفیت آموزش است و هدف اصلی از آن، تقویت فعالیت ها و روش های اثر بخش و تضعیف یا حذف فعالیت ها و روش های بی تاثیر یا نامطلوب است. فرایند ارزشیابی استاد ، فرایندی است که در طی آن با جمع آوری اطلاعات و با بررسی عملکردهای گوناگون اساتید، درباره کفایت و شایستگی آنان قضاوت می شود و در عین حال تصمیم لازم در مورد اقداماتی که می تواند به افزایش شایستگی ایشان و بهبود یادگیری فراگیران کمک کند، اتخاذ می گردد. این پژوهش در جهت مقایسه ی ارزشیابی اساتید در طی دو سال تحصیلی و با هدف کمک به ارتقای کیفیت تدریس آنها انجام گردید.

**روش ها:** این مطالعه مقطعی، با مشارکت تمام دانشجویان شاغل به تحصیل در دو سال تحصیلی ۹۰-۹۱ و ۹۱-۹۰ در دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی زاهدان انجام شد. جمع آوری اطلاعات بوسیله ی پرسش نامه حاوی مشخصات دموگرافیک و عوامل موثر بر ارزشیابی استاد شامل مهارت تدریس استاد ، خصوصیات فردی استاد ، خصوصیات فیزیکی و زمان ارائه درس انجام گردید. در این تحقیق تمامی دروس ارائه شده توسط اعضای هیئت علمی گروه های آموزشی دانشکده، با استفاده از پرسشنامه مورد تایید EDC و توسط مرکز مطالعات دانشگاه، با همکاری دانشجویان مورد ارزشیابی قرار گرفت و نتایج ارزشیابی در این دو سال با هم مقایسه شد.

**نتایج:** میانگین نمره ارزشیابی گروههای آموزشی پرستاری و مامایی در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ بر مبنای نمره ۱۰۰، به ترتیب ۸۳/۴۷ و ۸۱ بود و این میزان در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ به ترتیب ۸۹/۸ و ۹۰/۱ بوده است. نتایج نشان داد که در هر دو گروه پرستاری و مامایی میانگین نمره ارزشیابی در مقایسه با سال ۹۰ افزایش یافته است و میزان ارتقای در گروه مامایی بیشتر از گروه پرستاری بوده است.

**نتیجه گیری:** ارائه بازخورد نتایج حاصل از ارزشیابی به اساتید، می تواند در جهت تقویت فعالیت ها و روش های اثر بخش و تضعیف یا حذف فعالیت ها و روش های بی تاثیر یا نامطلوب و ارتقای کیفیت آموزش اعضای هیئت علمی بکار گرفته شود.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی ، اساتید ، دانشکده پرستاری و مامایی



## بررسی مشکلات آموزش بالینی در درمانگاه زنان از دیدگاه دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی مازندران سال ۱۳۹۱

\*زهرا کیانی، دانشجو

Email: zahra\_kiani69@yahoo.com

فرشته یزدانی، ماما

فریده رضایی ابهری، هیئت علمی

**مقدمه:** در مورد آموزش پزشکی آنچه در رویکرد سنتی به عنوان محیط غالب آموزش بالینی شناخته می شود، آموزش بیمارستانی (در بخش های بستری) بوده و عمده برنامه های آموزشی در این موقعیت برنامه ریزی و اجرا می گردد. در صورتی که آنچه در محیط کاری آینده ماما مطرح می شود علاوه بر محیط بیمارستان، بیماران سرپایی، درمانگاهی نیز می باشد.

**روش ها:** در یک مطالعه توصیفی مقطعی دیدگاه ۵۰ نفر از دانشجویان مامایی ترم ۵ و ۷ پیوسته و ۳ ناپیوسته توسط پرسشنامه محقق ساخته روا و پایا، مورد بررسی قرار گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل از نرم افزار SPSS و آزمون آمار توصیفی استفاده شد.

**نتایج:** در این مطالعه اغلب دانشجویان شرایط فیزیکی حاکم بر درمانگاه های آموزشی را متوسط تا خوب ارزیابی کردند. درخصوص امکانات و تجهیزات آموزشی بیشتر نظرها حاکی از ضعف امکانات بود. برنامه های آموزشی در بیشتر موارد به صورت متوسط تا خوب وجود داشته و اکثر دانشجویان نحوه ی آموزش مدرسین را خوب ارزیابی کردند. همچنین مشارکت دانشجویان در آموزش درمانگاهی متوسط تا خوب ارزیابی گردیده است و در نهایت غالب دانشجویان ارزیابی آخر دوره در آموزش درمانگاهی را ضعیف قلمداد کردند.

**نتیجه گیری:** از دیدگاه دانشجویان شرایط فیزیکی درمانگاهی و عملکرد اساتید در آموزش درمانگاهی در دانشگاه علوم پزشکی مازندران خوب بوده است ولی در سایر محورها دیدگاه مطلوبی از نحوه آموزش درمانگاهی ارائه نشده است. برای ارتقای کیفیت آموزشی توجه جدی به برنامه ریزی آموزشی در مراکز سرپایی ضروری به نظر می رسد.

**واژه های کلیدی:** آموزش پزشکی، آموزش درمانگاهی، دانشجویان مامایی

## برگزاری آزمون OSCE برای ارزیابی اخلاق حرفه ای در دستیاران تخصصی زنان و زایمان دانشگاه علوم پزشکی گلستان

دکتر الهام مبشری\*، لیلا پاداش، دکتر سپیده بخشنده نصرت

Elmobasheri@yahoo.com, adel-Padash@yahoo.com, sepidehbn@yahoo.com

**مقدمه:** امروزه آموزش و ارزشیابی اخلاق حرفه ای در دانشگاه های علوم پزشکی جایگاه ویژه ای دارد. به خصوص یکی از صلاحیت های مهم در پزشکی مطرح شده است. در همین راستا به دلیل ماهیت خاص اخلاق حرفه ای، ابزارها و روشها متعددی پیشنهاد شده است که هر کدام مزایا و معایب خود را دارا است هدف از این مطالعه استفاده از آزمون عینی بالینی ساختار یافته جهت ارزیابی اخلاق حرفه ای و نهادینه شدن اخلاق حرفه ای در دستیاران است.

**روشها:** ابتدا اعضای هیئت علمی آموزش های لازم در خصوص سئوال مناسب، چک لیست برای ارزیابی، و آموزش بیمارنا که ماما بوده است. طراحی شده و آموزش های لازم را کسب کردند، سپس کارگاه آموزشی اخلاق حرفه ای برای کلیه دستیاران قبل از ورود به بخش توسط کمیته اخلاق دانشگاه برگزار گردید. در ارزیابی دستیاران حداکثر دو ایستگاه به بخش اخلاق حرفه ای اختصاص داده شد. برای آزمون بلوپرینت آماده و آموزش بیمارنا که ماما انتخاب شده بود بعلت اینکه به این حرفه کاملا آشنا بود. و پس از برگزاری آزمون به دستیاران در باره نقاط قوت و ضعف توضیح داده شد.

**نتایج:** با لحاظ کردن آموزش طراحی آزمون ارزیابی اخلاق حرفه ای این امکان فراهم شد که پس از ارزیابی نقاط قوت و ضعف در اخلاق حرفه ای دستیاران بررسی و سپس برای گروههای بعدی آموزش داده شود. و همچنین اساتید با چگونگی طراحی ایستگاه (OSCE) برای ارزیابی اخلاق حرفه ای و دستیاران با چگونگی ارزیابی خود در باره اخلاق حرفه ای آشنا شدند و به نتیجه رسیدند که ۲ واحد تئوری اخلاق پزشکی در آموزش پزشکی عمومی کافی نبوده که با اجرای این برنامه آموزشی کامل تر شده است.

## تعیین مهارت مدرسین در مورد روش‌های آموزشی و ارزشیابی فراگیران و نیازهای آموزشی آنها

لیلا پاداش\*

**مقدمه:** آشنایی مدرسین با روشهای تدریس و ارزشیابی از اقدامات موثر در زمینه ارتقاء کیفیت آموزش پزشکی خواهد بود. و این در حالی است که اکثریت اساتید در زمینه های مذکور آموزشهای لازم را دیده اند. در این مطالعه مهارت مدرسین در روشهای تدریس و ارزشیابی عملکردی و نیازهای آموزشی آنها مورد بررسی قرار گرفت.

**روش‌ها:** این پژوهش یک مطالعه توصیفی - تحلیلی است که اعضای هیئت علمی بصورت سرشماره پرسشنامه که شامل ۱۸ سؤال بود را تکمیل نموده اند تجزیه و تحلیل داده ها بوسیله نرم افزار صورت گرفت.

**نتایج:** اساتید و مدرسین به ترتیب ۵۷/۳، ۶۲/۶٪، اعلام کردند که کارگاه یا جلسات آموزشی روشهای تدریس، ارزشیابی فراگیران را دیده اند و اساتید شرکت کننده در کلیه روشهای آموزشی میزان شرکت مجدد را در کارگاهها جهت تسلط و اجراء اعلام نموده اند، بخصوص در روشهای تدریس سخنرانی تعاملی - PBL، در مورد روشهای ارزشیابی عملکردی بخصوص گروههای آموزشی دارای دستیاران (۶۸/۹٪) مهارت خود را در تسلط در موارد بخصوص روش پورت فولیو و ۳۶۰ درجه مهارت خود را کم می دانستند.

**نتیجه گیری:** اکثر اساتید مهارت خود را در زمینه روش تدریس در تسلط و اجراء نمی دانستند و خود را نیازمند آموزش می دیدند. و به نظر می رسد که علاقه ای برای شرکت در کارگاههای روش تدریس دارند. و اساتید گروههای آموزشی دارای دستیار نیازمند آموزشی مجدد در خصوص روشهای ارزیابی نمی دیدند و در حد تسلط و اجراء به مهارت رسیده اند ولی اظهار نموده اند که با نظارت و بازخورد اعضاء EDC گاهی اوقات همراه باشد بخصوص برای ارزشیابی OSCE و همچنین اعلام کرده اند که فیلم آموزشی یا جزوات خودآموز هم بخصوص گروههای آموزش بالینی می تواند در این زمینه بیشتر موثر باشد.

**واژه‌های کلیدی:** روش‌های آموزشی، روش‌های ارزشیابی.

## بررسی نظرات کارورزان بخش زنان به منظور بهبود کیفیت آموزش دانشگاه علوم پزشکی گلستان

الهام مبشری، الهام کاشانی، اعظم السادات فیاضی، لیلا پاداش\*

**مقدمه:** آگاهی از نظرات فراگیران از کیفیت آموزش به منظور ارتقای برنامه ها و فعالیت های آموزشی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این حیطه مشکلات زیادی وجود دارد که باعث کاهش کیفیت آموزش می شود، آگاهی از نظرات دانشجویان از وضعیت بخش های آموزشی ( زنان- جراحی - درمانگاه - لیبر ) طی کورس ۲ ماهه ارائه راهکارهای در بهبود کمی، کیفی آموزش بالینی موثر است هدف از مطالعه حاضر ارزیابی بررسی نظرات اینترنها از بخش های بالینی- زنان و زایمان، بهبود و اصلاح نقاط ضعف در اجرای برنامه های آنها می باشد.

**روش ها:** این مطالعه مقطعی، که در پایان دوره آموزشی ۲ ماهه بخش زنان و زایمان مرکز آموزشی صیاد شیرازی، از پرسشنامه ای، توسط گروهی از کارورزان براساس بارش افکار در جلسه خصوصی طراحی شده بود، و توسط عضو هیئت علمی مسئول کارآورزان مورد بررسی و تأیید قرار گرفت و حاوی ۱۳ سؤال در ۴ محیط آموزشی مرتبط ( زنان، جراحی، لیبر، درمانگاه ) طراحی شده، و توسط کارورزان تکمیل، که در مجموع ۱۷ پرسشنامه از کارورزان مورد بررسی و آنالیز قرار گرفت.

**نتایج:** بیش از ۸۰٪ کارورزان نوشتن خلاصه پرونده در آموزشی آنها موثر است - میزان مشارکت خود را در ساعت آموزشی محیط اتاق عمل بسیار پائین اعلام نموده اند. - درحالی که ۱۰۰٪ کارورزان محیط درمانگاه را در آموزش بسیار موثر مناسب حتی در حد عالی اعلام نموده اند. - مشارکت کارورزان در نسخه نویسی بطور نسبی موثر می دانستند. - ۸۰٪ از کارورزان حضور اساتید در ساعت مقرر راند آموزشی خوب ارزیابی نموده اند. - بیش از ۵۰٪ سطح آموزشی گراند راند در آموزش موثر می دانستند. کمتر از ۵۰٪ گزارش صبحگاهی رادر آموزش موثر نمی دانستند - بیش از ۶۰٪ فعالیت عملی در بخش زایشگاه را مفید ارزیابی کرده اند. - ۴۰٪ از کارورزان از نحوه برخورد دستیاران و پرسنل زایشگاه اظهار نارضایتی کرده اند.

**نتیجه گیری:** با برنامه ریزی آموزشی مناسب امکان مشارکت عملی کارورزان در بخشهای زایشگاه و اتاق عمل در جهت افزایش توانمندیهای بالینی فراهم شود.

**واژه های کلیدی:** کارورزان، کیفیت آموزش، زنان و زایمان

ارزیابی تکالیف دانشجویی از دیدگاه دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی قم

هدی احمدی طهران<sup>۱\*</sup>، زهرا عابدینی<sup>۲</sup>، مریم میری زاده<sup>۳</sup>، بتول هاشمی<sup>۴</sup>، زهره امینی<sup>۵</sup>

\* عضو هیات علمی گروه مامایی دانشگاه علوم پزشکی قم

Email:ahmari9929@yahoo.com

<sup>۲</sup> عضو هیات علمی گروه پرستاری دانشگاه علوم پزشکی قم

<sup>۳</sup> کارشناس میکروبیولوژی دانشگاه علوم پزشکی قم

<sup>۴</sup> کارشناس مدیریت خدمات بهداشتی درمانی دانشگاه علوم پزشکی قم

<sup>۵</sup> کارشناس ارشد مرکز تحقیقات طب و دین و اخلاق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم

مقدمه: یکی از وظایف و فعالیت های آموزشی در دانشگاه ها، ارائه تکالیف و یا پروژه های مطالعاتی توسط دانشجویان می باشد. امروزه به ادعای اکثریت دانشجویان و یا اساتید ارائه تکالیف دانشجویی سمبل فعالیت و تفکر آنان نمی باشد و حتی دیگر جالب نیز به نظر نمی رسد و صرفا جنبه اجبار و یا جایگزین کمبود نمرات در ارزشیابی نهایی می باشد. ارائه پوستر، پمفلت، بروشور آموزشی، ترجمه متون خارجی، تحقیقات نامرتبط با دروس تدریس شده، کنفرانس های کلاسی و بالینی همگی از این دسته فعالیت های تکراری و گاه بدون نتیجه است. این مطالعه با هدف ارزیابی تکالیف دانشجویی از دیدگاه دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی قم انجام شد.

**روش ها:** در این مطالعه توصیفی تحلیلی ۳۵ دانشجوی مامایی به روش سرشماری مورد بررسی قرار گرفتند همچنین یک پرسشنامه دو قسمتی شامل مشخصات فردی نمونه های مورد پژوهش و عبارات مرتبط با اولویت و شدت علاقمندی دانشجویان نسبت به روش های گوناگون ارائه تکالیف (طراحی پوستر، پمفلت آموزشی، ترجمه متون درسی به زبان انگلیسی، بنر آموزشی، بوکلت چارت آموزشی، کنفرانس فردی بدون استفاده از پاورپوینت، کنفرانس فردی با استفاده از پاورپوینت، جستجو در مورد یک موضوع تحقیقاتی، همکاری در پروپوزال تحقیقاتی بصورت پرسشگری، تهیه آلبوم عکس آموزشی در دروس تخصصی) بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون آماری توصیفی و استنباطی و نرم افزار SPSSV18 در سطح معنی داری  $p < 0/05$  استفاده شد.

**نتایج:** یافته ها نشان داد که در خصوص شیوه های مختلف ارائه تکالیف دانشجویی به ترتیب اولویت ترسیم نقشه مفهومی به عنوان یک تکلیف درسی بالاترین امتیاز (۰/۹۵) و سپس ارائه کنفرانس فردی بدون پاورپوینت (۰/۷۶)، جستجو در مورد یک موضوع تحقیقاتی (۰/۷۱)، همکاری در پروپوزال تحقیقاتی بصورت پرسشگری (۰/۶۹) را کسب نمود. همچنین کمترین امتیاز به ترجمه متون علمی و بنر آموزشی با ۰/۴۳ تعلق گرفت.

**نتیجه گیری:** با توجه به محبوبیت بالای ترسیم نقشه مفهومی نسبت به سایر اشکال ارائه تکالیف درسی در میان دانشجویان لذا پیشنهاد می شود اساتید از این شیوه ی مفید دانش افزایی استفاده نمایند.

**واژه های کلیدی:** ارزیابی، تکالیف دانشجویی، دانشجویان

## بررسی و مقایسه نظرات اساتید و دانشجویان در مورد ویژگی یک استاد خوب

دانشگاهی . ۱۳۸۵

فروغ جواهری

کارشناس ارشد پرستاری، مربی و عضو هیئت علمی

[f\\_univer@yahoo.com](mailto:f_univer@yahoo.com)

**مقدمه:** ویژگی های یک استاد خوب دانشگاهی مانند تسلط کافی به موضوع درس، انعطاف پذیری، رابطه خوب با دانشجو ، صمیمیت، درستکاری و خلاقیت و ..... از ارکان ارزشیابی اساتید بوده و مراکز آموزش عالی برای تعیین شایستگی اساتید خود همواره باید به این معیارها توجه کرده تا کیفیت آموزشی خود را ارتقاء بخشند اگر ضرورت ارزشیابی اساتید را بپذیریم این نکته مطرح می شود که معیار های این ارزشیابی چیست؟ هدف از این پژوهش تعیین ویژگی های استاد خوب از دیدگاه اساتید و دانشجویان و مقایسه نظرات آنها می باشد .

**روش‌ها:** این پژوهش یک مطالعه توصیفی - تحلیلی است که به منظور بررسی و مقایسه نظرات اساتید و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی آستارا در مورد معیار های یک استاد خوب دانشگاهی در چهار حیطه شخصیت فردی، دانش پژوهی ، روش تدریس و توانایی در ایجاد ارتباط انجام گرفته است در این بررسی ۵۰ استاد و ۷۵ دانشجو شرکت داشتند . از پرسشنامه جهت جمع آوری داده ها استفاده و با روش درصد گیری و محاسبه میانگین ، امتیازات هر سوال و حیطه بررسی و مورد مقایسه قرار گرفت جهت مقایسه نظرات دو گروه از آزمون Non parametric mann whitney u استفاده گردید .

**نتایج:** نتایج حاصله از بررسی نشان داد که اساتید و دانشجویان از میان چهار حیطه ویژگیهای یک استاد خوب الویت اول را به حیطه شخصیت فردی و سپس به ترتیب به حیطه دانش پژوهی ، روش تدریس و توانایی در ایجاد ارتباط داده اند . اکثریت دانشجویان و اساتید شیوایی بیان را در حیطه شخصیت فردی ، تسلط استاد در دروس مورد تدریس را در حیطه دانش پژوهی مهم می دانند در حیطه روش تدریس اکثریت اساتید ایجاد زمینه فکری در دانشجو را مهم در حالیکه اکثریت دانشجویان ارائه جالب مطالب درسی را مهم می دانند در حیطه توانایی در ایجاد ارتباط اکثریت اساتید و دانشجویان ایجاد زمینه مشارکت دانشجویان در کلاس درس را مهم ترین ویژگی یک استاد خوب می دانند در مقایسه میانگین نظرات نتایج آزمون اختلاف معنی داری برای ایجاد زمینه خلاقیت فکری در دانشجو ( $p=0/0036$ ) و در دسترس بودن در ساعات غیر کلاس درسی ( $p=0/0088$ ) نشان داد و در سایر نظرات اختلاف معنی داری از نظر آماری وجود نداشت .

**نتیجه‌گیری:** همسو بودن نظرات اساتید و دانشجویان در مورد معیارهای یک استاد خوب می تواند به عنوان یک معیار در ارزشیابی اساتید، رضایتمندی دانشجویان و ارتقاء فرآیند یاددهی - یادگیری در این دانشگاه مورد استفاده قرار گیرد.

**واژه‌ی کلیدی:** استاد، تدریس، کیفیت آموزش، ارزشیابی

## نیازسنجی آموزشی اعضا هیات علمی دانشکده علوم پزشکی نیشابور در رابطه با جشنواره آموزشی شهید مطهری

سارا قدوسی مقدم<sup>۱\*</sup>، مریم سادات حسینی<sup>۲</sup>، دکتر اباصلت برجی<sup>۳</sup>

\*عضو هیات علمی و سرپرست مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی نیشابور،

[ghodousis@nums.ac.ir](mailto:ghodousis@nums.ac.ir)

<sup>۲</sup>کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی نیشابور

<sup>۳</sup>عضو هیات علمی و معاون آموزشی دانشکده علوم پزشکی نیشابور

مقدمه: بررسی و شناخت نیازهای آموزشی، پیش نیاز یک سیستم آموزشی موفق است. معمولاً این اقدام اولین گام در برنامه ریزی آموزشی می باشد. با توجه به اهمیت جشنواره آموزشی شهید مطهری و اینکه متأسفانه طی پنج دوره گذشته دانشکده علوم پزشکی نیشابور موفق به ارائه فرآیند و حضور در این جشنواره نگردیده بود، برآن شدیم علت را بررسی نماییم.

**روش‌ها:** در این مطالعه نظرسنجی بصورت مصاحبه انجام شد و طی آن از تمامی اعضا هیات علمی دانشکده علوم پزشکی نیشابور، علت عدم حضور در جشنواره های قبلی را جویا شدیم. بررسی ها نشان داد علت، عدم آشنایی ایشان با فرآیند آموزشی و نحوه نگارش آن بوده است. سپس برنامه ریزی برای برگزاری دوره های آموزشی فرآیند نویسی و تدوین فرآیند آموزشی با همکاری مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشکده صورت پذیرفت.

**نتایج:** تعداد ۲۲ نفر عضو هیات علمی، طی دو دوره آموزشی برگزار شده با عنوان تدوین فرآیندهای آموزشی جشنواره آموزشی شهید مطهری آموزش دیدند. بررسی سطح اطلاعات شرکت کنندگان و نیز فرآیندهای جاری آموزشی که در دانشکده مورد بهره برداری قرار میداند، نشان دهنده این بود که همگی در عمل فرآیندهای آموزشی را بکار می بردند، ولی آشنایی کافی با فلسفه و اهداف جشنواره آموزشی شهید مطهری و نیز چگونگی نگارش فرآیند آموزشی، نداشتند.

**نتیجه‌گیری:** حضور یا عدم حضور دانشگاه و یا دانشکده ای در جشنواره آموزشی شهید مطهری دلیل بر اجرا نشدن فرآیندهای آموزشی نوین و کاربردی در آن دانشگاه / دانشکده نمی باشد. بلکه ممکن است عوامل دیگری از قبیل عدم آشنایی ایشان با فلسفه و اهداف جشنواره، شفاف نبودن تعریف فرآیند آموزشی و نیز عدم آشنایی با نحوه نگارش فرآیند، دخیل باشد. پیشنهاد می گردد با توجه به اهمیت آموزش و بکارگیری فرآیندهای نوین آموزشی، مراکز مطالعات و توسعه آموزش، اهمیت و اهداف جشنواره آموزشی شهید مطهری را از طریق برگزاری سالیانه کارگاه های فرآیند نویسی آموزشی به اطلاع تمامی اعضا هیات علمی برسانند و در راستای ارتقا سطح آموزش دانشکده / دانشگاه گام بردارند.

**واژه‌های کلیدی:** نیازسنجی، جشنواره شهید مطهری، فرآیند آموزشی

## بررسی اظهارات دانشجویان نسبت به ویژگی های یک مدرس ایده آل

محمد حسن کریم فر<sup>۱</sup>، سمیه حیدری زادی<sup>۲\*</sup>، صغری رضایی<sup>۳</sup>، فاطمه پیری<sup>۴</sup>  
دانشگاه علوم پزشکی ایلام، گروه آناتومی<sup>۱</sup>

کمیته تحقیقات مرکزی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایلام<sup>۲\*</sup>

Email: [somaye6001@yahoo.com](mailto:somaye6001@yahoo.com)

**مقدمه:** مدرس یکی از مهم ترین ارکان آموزش می باشد و در امر آموزش کلیه رفتار های مدرس اعم از فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، علمی و تربیتی در جذب و جلب نظر دانشجویان و ارتقاء کیفیت آموزش تاثیر بسزایی دارد که این تاثیر گذاری بستگی به مهارت های مدرس دارد. هدف از این پژوهش بررسی ویژگی های مدرس ایده آل از دیدگاه دانشجویان در زمینه های خصوصیات فردی، حرفه ای و تدریس میباشد.

**روش ها:** این پژوهش توصیفی-مقطعی بر روی دانشجویان کارشناسی ناپیوسته دانشکده پرستاری و مامایی زابل انجام شد. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه ای بود که بر اساس مقیاس ۵ موردی (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و بسیار کم) لیکرت تنظیم شده بود و جمعیت مورد مطالعه به صورت نمونه برداری سر شماری از تمام دانشجویان فوق صورت گرفت و داده ها توسط نرم افزار آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج حاصل از این پژوهش به شرح ذیل می باشد: ۹۸ درصد از دانشجویان اظهار داشتند که احاطه علمی بر موضوع درس مهم ترین موضوع می باشد. ارائه مطالب به روش منطقی و قابل فهم ۹۴ درصد، سابقه تدریس ۹۲ درصد به ترتیب از اولویت بیشتر برخوردار بودند. در خصوص ویژگی های حرفه ای، تدریس به زبان ساده ۹۶ درصد، برخورد محترمانه ۸۰ درصد و آمادگی تمام وقت برای پاسخ گویی به سوالات دانشجویان ۹۲ درصد از مهم ترین اظهارات بودند. هم چنین مسئولیت پذیری ۹۴ درصد، سخت کوشی ۸۸ درصد و پیروی از اخلاق حرفه ای ۹۴ درصد را به خود اختصاص داده بودند.

**نتیجه گیری:** سطح سواد و احاطه علمی و تدریس به زبان ساده و قابل فهم و همچنین احساس مسئولیت داشتن از مهم ترین موارد برای انتخاب استاد ایده آل بودند. لذا پیشنهاد می شود در شیوه ی ارزشیابی اساتید تجدید نظر و بازنگری صورت گیرد و به اظهارات دانشجویان توجه شود تا شاهد ارتقاء کیفیت تدریس و سطح علمی و افزایش رضایتمندی دانشجویان باشیم.

**واژه های کلیدی:** اظهارات، دانشجویان، مدرس، ایده آل



### بررسی وضعیت آموزش بالینی دانشکده پزشکی جهرم در حیطه یادگیری بر اساس مدل DREEM در سال ۹۰

سید اسماعیل مناقب<sup>۱\*</sup>، فاطمه رضائیان جهرمی<sup>۲</sup>

\*استادیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم

<sup>۲</sup>کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم

مقدمه: عوامل زیادی در فرایند آموزش نقش دارند که هر یک به تنهایی می‌توانند بر یادگیری تاثیر داشته باشند. اما مهمتر از همه محیط و فضای حاکم بر یادگیری است که بیشتر به چگونگی اجرای برنامه های درسی، نگرش اساتید نسبت به یادگیری و فرهنگ رفتاری و سازمانی موسسه آموزشی، دیدگاه دانشجو نسبت به محیط یادگیری مربوط میشود. این مطالعه به منظور بررسی وضعیت آموزش بالینی دانشکده پزشکی جهرم در حیطه یادگیری انجام شد.

روش‌ها: این یک مطالعه توصیفی بود که در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه علوم پزشکی جهرم انجام گرفت. جامعه پژوهش کارآموزان و کارورزان رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی جهرم بود و نمونه گیری به روش سرشماری انجام شد و ۹۶ دانشجوی پزشکی وارد مطالعه شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات، استفاده از پرسشنامه استاندارد و پایای (Dundee Ready Education Environment Measure) DREEM بود. این پرسشنامه که روایی ترجمه آن به صورت ترجمه مجدد و با نظر کارشناسان خبره تایید شده است. پرسشنامه حیطه یادگیری از ۱۲ گویه تشکیل می‌شود که بصورت طیف لیکرت ۵ گزینه ای تنظیم و از صفر تا ۴ نمره داده می‌شد و در سطوح بسیار ضعیف (۰-۱۲)، دید منفی به یادگیری (۱۳-۲۴)، دید مثبت به یادگیری (۲۵-۳۶) و رضایت از یادگیری (۳۷-۴۸) سطح بندی شده بود. پرسشنامه ها توسط کارشناس همکار طرح به دانشجویان تحویل شد و پس از تکمیل از آنها دریافت گردید. اطلاعات وارد نرم افزار Spss14.5 شده و در سطح آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج: ۹۶ دانشجوی پزشکی وارد مطالعه شدند و میزان بازگشت پرسشنامه ها ۹۲/۷٪ بود. بر اساس نظرات دانشجویان پزشکی وضعیت آموزشی در حیطه یادگیری ۳/۴٪ بسیار ضعیف، ۲۲/۵٪ دید منفی به یادگیری، ۶۱/۸٪ دید مثبت به یادگیری و ۱۲/۴٪ رضایت از یادگیری داشتند. حیطه یادگیری به تفکیک نظرات دانشجویان اینترن ۲۵٪ بسیار ضعیف، ۲۵٪ دید منفی به یادگیری، ۳۷/۵٪ دید مثبت به یادگیری و ۱۲/۵٪ رضایت از یادگیری، و بر اساس نظر اکسترنها، ۱۵/۴٪ دید منفی به یادگیری، ۶۹٪ دید مثبت به یادگیری و ۱۵٪ رضایت از یادگیری، و طبق نظر استیودنت ها ۲/۳٪ بسیار ضعیف، ۲۹/۵٪ دید منفی به یادگیری، ۵۹/۱٪ دید مثبت به یادگیری و ۹/۱٪ رضایت از یادگیری، ارزیابی شد.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج این مطالعه در حیطه یادگیری مشکلات همده وجود دارد و این مسئله برای دانشجویان سالهای بالاتر مشهودتر است که می‌تواند به دلیل عدم کفایت بنیة علمی دانشگاه و یا به علت بالاتر بودن سطح توقع این دسته از دانشجویان در زمینه آموزش و یادگیری باشد. پیشنهاد می‌گردد مطالعات بیشتری در ارتباط با عوامل موثر بر یادگیری در آموزش بالینی انجام گیرد. واژه های کلیدی: یادگیری، فضای آموزشی، آموزش پزشکی، الگوی DREEM، کیفیت آموزش، آموزش بالینی

## برقراری ژورنال کلاب آموزش پزشکی به زبان انگلیسی به عنوان روشی دومنظوره برای توانمندسازی اعضای هیأت علمی در «آموزش» و «انگلیسی»

آناهیتا صادقی، فرزاد فاتحی، امیرعلی سهراب پور، طاهره فائزی، سمیه حنفی، علیرضا باقری، ژامک خورگامی\*  
\*استادیار گروه جراحی بیمارستان شریعتی، دانشکده پزشکی

دانشگاه علوم پزشکی تهران

khorgami@tums.ac.ir

**مقدمه:** نظر به اهمیت رویکرد علمی در آموزش پزشکی، با همکاری مرکز توسعه آموزش بیمارستان شریعتی از دیماه ۱۳۹۰ سلسله جلسات ژورنال کلاب آموزش پزشکی، با هدف ایجاد فضایی برای اعضای هیات علمی مرکز جهت بحث و تبادل نظر در آموزش پزشکی و طرح ایده های نو، آشنایی با نشریات و مباحث آموزش پزشکی روز برگزار گردید. ارائه سخنرانی و بحث در این جلسات به زبان انگلیسی اجباری گردید تا ضمن اشاعه علم آموزش پزشکی، بستری برای تمرین و ارتقای مهارت های زبان انگلیسی شرکت کنندگان فراهم گردد.

**روش ها:** جلسات بصورت ماهیانه، در دفتر توسعه آموزش بیمارستان شریعتی و با حضور معاونت آموزشی بیمارستان برگزار میگردد. در انتخاب مقالات، از مسئولان دفتر توسعه دانشکده پزشکی نیز راهنمایی گرفته میشود. معیارهای انتخاب موضوعات عبارت بودند از: (۱) ارتباط با آموزش بالینی و (۲) کاربردی برای اعضای هیات علمی. جلسات صرفاً به صورت سخنرانی نبوده و ارائه بصورت تعامل با فراگیران برگزار میشود. یک گروه ایمیل در سایت [googlegroups](https://www.google.com/groups) تعریف شد و اعضای هیات علمی علاقمند و اعضای کمیته برنامه ریزی به عضویت آن درآمده و مقالات و اعلان ژورنال ها از این طریق اطلاع رسانی میشود. زمان جلسه حدود دو ساعت بوده و مطالب در قالب اسلاید و به زبان انگلیسی ارائه می شد. یک نفر مدرس زبان تخصصی دانشکده پزشکی جهت ارائه بازخورد در خصوص اصول مکالمه و گرامر زبان در جلسات حضور داشتند. بعد از برگزاری پنجمین جلسه با هماهنگی مرکز توسعه دانشگاه، یک جلسه از این برنامه صورت وینار به زبان فارسی تکرار گردید و همزمان در ۸ مرکز در سطح دانشگاه تهران و همزمان با اولین جلسه «شبکه آموزش دانشکده ها» پخش گردید.

نتایج: نظرسنجی در قالب ۸ سوال با طیف لیکرت (Likert) در Google doc طراحی شد. ۱۸ نفر در نظرسنجی ۸/۸۸٪ پاسخ دهندگان اذعان داشتند که ژورنال کلاب در افزایش دانش آموزش پزشکی مفید بوده است. ۴/۹۴٪ معتقد بودند در آشنایی با ترمینولوژی آموزش پزشکی و ۱۰۰٪ در ارتقای زبان انگلیسی از جلسات فایده برده بودند. تمامی افراد، شرکت در جلسات را به سایر اساتید توصیه می نمودند.

نتیجه گیری: ژورنال کلاب های آموزش پزشکی علاوه بر آشنایی با ترمینولوژی آموزش پزشکی، سبب ارزش بخشی به فعالیت های آموزشی و ایجاد انگیزه در اعضای هیات علمی می گردد. برگزاری این همایش به زبان انگلیسی می تواند به توانمندسازی دومنظوره اعضای هیات علمی کمک کند.

واژه های کلیدی: ژورنال کلاب، آموزش پزشکی، انگلیسی

## بررسی شاخص‌های موفقیت چهارمین مدرسه تابستانه دانشگاه علوم پزشکی شیراز

### و عوامل موثر بر آن از دید دانشجویان شرکت کننده، شیراز، ایران

مریم نیکپور<sup>۱\*</sup>، لیلا استوار<sup>۲</sup>، حبیب اله جوهری<sup>۳</sup>، محبوبه جوهری<sup>۴</sup>، راحله ذوالقدر<sup>۵</sup>، مهدی نیکپور<sup>۶</sup>

\*دانشجوی پزشکی کمیته تحقیقات دانشجویی واحد بین الملل دانشگاه علوم پزشکی شیراز

maryam.nikpoor@yahoo.com

<sup>۲</sup>دانشگاه شیراز

<sup>۳</sup>کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

<sup>۴</sup>دانشگاه الزهرا تهران

<sup>۵</sup>دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب

<sup>۶</sup>دانشجوی پزشکی کمیته تحقیقات دانشجویی واحد بین الملل دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس

**مقدمه:** مدرسه تابستانی به عنوان یک فرصت آموزشی جدید می‌تواند گام موثری در آشنایی دانشجویان با مفاهیم آموزشی، ایجاد ارتباطات بین دانشگاهی و انجام پروژه‌های مشترک باشد. از آنجایی که اینگونه مدارس، در اوقات فراغت دانشجویان برگزار می‌شود در راستای ارتقاء اهداف آموزشی و پژوهشی مفید است. هدف این پژوهش، بررسی میزان رضایت شرکت کنندگان در چهارمین مدرسه تابستانه دانشگاه علوم پزشکی شیراز، از خدمات آموزشی و اجرایی ارائه شده، است.

**روش‌ها:** تعداد ۹۰ پرسش نامه بین شرکت کنندگان چهارمین مدرسه تابستانه دانشگاه علوم پزشکی شیراز (۳۶ زن - ۴۴ مرد) پخش شد و تعداد ۸۰ تا از آنها، جمع‌آوری گردید پرسش نامه سه قسمتی، حاوی سوالاتی جهت بررسی قابلیت‌های مدرسان، مطالب ارائه شده و امکانات اجرایی مدرسه تابستانه بود؛ روایی ابزار با نظرساقتی تایید شد و پایایی آن نیز پس از مطالعه اولیه با استفاده از ضریب آلفا کرونباخ (۰/۸۴) به دست آمد.

**نتایج:** در بخش مدرسین ۷۲٪ از تسلط مدرسین بر موضوع تدریس، ۷۲٪ از توانایی اساتید در انتقال مطالب، ۶۵٪ از شرکت دادن دانشجو در بحث کلاس، ۶۸٪ از تلاش استاد در ایجاد نگرش جدید، ۶۹٪ توانایی مدیریت کارگاه، ۵۰٪ از متناسب بودن موضوعات با سطح علمی دانشجویان و ۵۴٪ از موردنیاز اکثریت بودن مطالب، راضی بودند. در بخش اجرایی نیز ۷۰٪ از رفتار و عملکرد کادراجرایی، ۵۳٪ از طول مدت دوره و ۶۰٪ از امکانات پژوهشی و پذیرایی مکان برگزاری کارگاه‌ها، رضایت داشتند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج بدست آمده در این پژوهش، مهمترین عوامل موثر بر موفقیت مدرسه تابستانه در بخش اساتید، وجود توانایی مدیریت کارگاه و نظارت بر کار گروهی سر کلاس، ضمن احترام گذاری به نظر دانشجویان می‌باشد. در بخش مطالب و عناوین نیز مهمترین نکته این است که معیار انتخاب مطالب ارائه شده، احساس نیاز اکثریت به بیان آن‌ها، در بخش امور اجرایی نیز رفتار کادر اجرایی و طول مدت برگزاری دوره و امکانات پذیرایی مکان از جمله عوامل موفقیت این مدرسه تابستانه بوده است به نظر می‌رسد با رعایت استانداردهای آموزشی تا حد امکان می‌توان، حتی در اوقات فراغت دانشجویان (تعطیلات تابستان) باعث حضور و بهره مندی دانشجویان از برنامه‌های آموزشی فوق برنامه در زمینه آموزش و پژوهش شد.

**واژه‌های کلیدی:** مدرسه تابستانه، علوم پزشکی، آموزش پزشکی

## ویژگی‌های یک استاد موفق مقطع علوم پایه پزشکی از دید دانشجویان

مریم نیکپور<sup>۱\*</sup>، لیلا استوار<sup>۲</sup>، حبیب اله جوهری<sup>۳</sup>، محبوبه جوهری<sup>۴</sup>، راحله ذوالقدر<sup>۵</sup>، مهدی نیکپور<sup>۶</sup>

\*دانشجوی پزشکی کمیته تحقیقات دانشجویی واحد بین الملل دانشگاه علوم پزشکی شیراز

maryam.nikpoor@yahoo.com

<sup>۲</sup>دانشگاه شیراز

<sup>۳</sup>کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

<sup>۴</sup>دانشگاه الزهرا تهران

<sup>۵</sup>دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب

<sup>۶</sup>دانشجوی پزشکی کمیته تحقیقات دانشجویی واحد بین الملل دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس

**مقدمه:** برگزاری کارآمد کلاس های مقطع علوم پایه میتواند نقش به سزایی در پیشرفت علمی دانشجویان پزشکی در آینده داشته باشد. نقش استاد در نیل به اهداف آموزشی مهم است. هدف از برگزاری کلاس ایجاد شرایطی است که در آن دانشجویان بطور فعال بر سر کلاس حضور داشته و از وجود استاد و مفاهیم علمی مطرح شده نهایت بهره را ببرند. هدف از این مطالعه بررسی معیارهای یک استاد خوب از دید دانشجویان علوم پایه است.

**روش‌ها:** تعداد ۸۵ پرسشنامه بین دانشجویان مقطع علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی فسا (۵۱ زن، ۳۴ مرد) پخش شد و تعداد ۷۲ تا از آنها جمع آوری گردید. پرسشنامه ۲ قسمتی شامل اخلاق حرفه ای مدرس و سطح علمی و تخصصی او بود؛ روایی ابزار با نظرسنجی تایید شد و پایایی آن نیز پس از مطالعه اولیه با استفاده از ضریب آلفا کرونباخ (۰/۸۴) بدست آمد.

**نتایج:** نتایج این پژوهش نشان داد که، ۵۹٪ بحثهای گروهی و مشارکت دادن دانشجویان در تدریس، ۴۵٪ سعی در دستیابی به اهداف کلاس، ۳۵٪ مرتبط بودن کار گروهی با اهداف کلاس، ۶۸٪ کاربردی بودن مطالب، ۲۷٪ نحوه شروع و خاتمه مباحث، ۸۰٪ مدیریت و برنامه ریزی کلاس، ۸۶٪ کیفیت ارائه مباحث و قوه بیان استاد، ۶۵٪ ایجاد انگیزه توسط استاد، ۵۵٪ تیپ شخصیتی مدرس، ۷۳٪ پوشش و آراستگی ظاهری استاد، ۶۹٪ هنرمند بودن استاد در اداره کلاس و نحوه مطرح کردن بحث گروهی را مهم میدانستند.

**نتیجه‌گیری:** نتایج این پژوهش نشان داد که از دید دانشجویان کیفیت ارائه مباحث و قوه بیان استاد، کیفیت بحث گروهی، سعی در دستیابی به اهداف کلاس، مرتبط بودن کار گروهی با اهداف کلاس، کاربردی بودن مطالب، نحوه شروع و خاتمه مباحث، مدیریت و برنامه ریزی زمان، ایجاد انگیزه، تیپ شخصیتی استاد، پوشش و آراستگی ظاهری وی از جمله مهمترین مسائلی است که باید توسط استاد مدنظر قرار گیرد. در کنار بعد علمی و تخصصی استاد در یک کلاس مسائل دیگری همچون تیپ شخصیت او، پوشش و آراستگی ظاهری، توانایی برقراری ارتباط موثر با دانشجویان، و در نهایت رعایت احترام متقابل و اخلاق حرفه ای نیز باید توسط استاد مدنظر قرار گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** استاد، علوم پایه، دانشجویان پزشکی

### بررسی مسائل و مشکلات اولین دوره کارشناسی فوریت های پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دکتر علی باصری\*، مرضیه برزگر، صدیقه مختاریپور

alibaseri39@yahoo.com

Shiraz University of Medical Science, Shiraz, Iran

**مقدمه:** تصمیم گیری بر بالین بیمار و مصدوم بسیار تخصصی و پیچیده است و برای هر کس غیر از تکنسین فوریت‌های پزشکی آموزش دیده و مجرب بسیار وقت گیر خواهد بود. دانشجویان این رشته آموزش می بینند که کوتاه ترین راه در رسیدن به تشخیص و درمان صحیح ارائه نمایند. با توجه به اهمیت آموزش مناسب در این رشته و از آنجا که مدت زیادی از راه اندازی دوره کارشناسی این رشته نمی گذرد، بر آن شدیم تا مشکلات احتمالی این رشته را با استفاده از نظرات دانشجویان و اساتید این گروه مورد بررسی قرار دهیم.

**روش‌ها:** در این مطالعه کیفی، برای جمع آوری اطلاعات از بحث گروهی متمرکز (FGD) و بارش افکار استفاده شد. برای انتخاب مصاحبه شونده‌گان از روش نمونه گیری هدفمند (Purposeful Sampling) که خاص پژوهش های کیفی است، استفاده گردید. ۱۰ نفر از دانشجویان اولین دوره کارشناسی که در ترم سه مشغول به تحصیل بودند در بحث گروهی شرکت کردند. داده ها با استفاده از تکنیک گروه اسمی آنالیز شدند.

**نتایج:** مشکلات مطرح شده در دوره کارشناسی فوریت های پزشکی به ترتیب اولویت در ۴ گروه عبارتند از:

- برنامه آموزشی دوره: عدم تطابق برخی آموخته های دوران تحصیل با کوریکولوم مصوب وزارتخانه (به عنوان مثال عدم اجازه گرفتن حداقل ۵ زایمان)، همپوشانی و تکراری بودن بسیاری از دروس دوره کارشناسی با دوره کاردانی
  - استاد/ مربی: تعداد کم اعضای هیأت علمی، تعدد مسؤلیت اعضای هیئت علمی (آموزش تئوری و عملی به دانشجویان فوریت‌های پزشکی گراش و نور آباد و ...)، عدم وجود اساتید متناسب با این رشته، نداشتن سابقه کار و تجربه بالینی در زمینه مراقبت های پیش بیمارستانی، عدم استفاده از متخصصین طب اورژانس و پزشکان عمومی شاغل در مدیریت بحران جهت آموزش بالینی
  - منابع یادگیری (شامل امکانات و تجهیزات هم می شود): کمبود منابع علمی این رشته (قدیمی بودن بیشتر رفرنس های این رشته، در دسترس نبودن برخی کتب لازم مانند کتاب اورژانس های پیش بیمارستانی، کمبود فضای آزمایشگاهی، کمبود تجهیزات و مولاژهای آموزشی
  - سایر: جذب فارغ التحصیلان سایر رشته های علوم پزشکی مانند پرستاری در مشاغل مرتبط با این رشته، شرط دو سال سابقه کار برای پذیرفته شدن در آزمون کارشناسی، پذیرفتن رانندگان آمبولانس در دوره کاردانی فوریت های پزشکی بدون آزمون های معتبر
- نتیجه‌گیری:** از آنجا که آموزش دانشجویان رشته فوریت‌های پزشکی به گونه ای آموزش بین رشته ای است، استفاده از گروه‌های مختلف پزشکی به خصوص طب اورژانس می تواند مفید باشد و توجه به چالش های این رشته کمک شایانی در ارتقا عملکرد فارغ التحصیلان و بهبود ارائه خدمات توسط آن ها خواهد داشت.
- واژه‌های کلیدی:** فوریت های پزشکی، ارزشیابی، چالش ها

## چالش های برنامه آموزشی کارآموزی طب فیزیکی و توانبخشی: ارزشیابی جامع

صدیقه مختار پور\*، مرضیه برزگر

Email: smokhtarpour86@yahoo.com

Shiraz University of Medical Science, Shiraz, Iran

**مقدمه:** با افزایش سن جامعه توجه به طب فیزیکی و توانبخشی به طور روزافزونی در حال گسترش است به گونه ای که قسمت عمده بیماران یک پزشک عمومی را بیماران این فیلد تشکیل می دهند. لذا یکی از آموزشهای ضروری برای دانشجویان پزشکی عمومی، آموزش در این حیطه می باشد. در عین حال برای بهره وری حداکثر محیط های آموزشی، توجه به چالش های فراروی فراگیر، در محیط آموزشی بسیار کمک کننده می باشد. هدف این مطالعه، شناسایی چالش های برنامه آموزشی کارآموزان گروه طب فیزیکی و توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، با استفاده از تجربیات اعضای هیأت علمی، دانشجویان و دستیاران بوده است.

**روش ها:** در این مطالعه کیفی، برای جمع آوری اطلاعات از مشاهده مستقیم عملکرد دانشجویان، دستیاران، اساتید و مصاحبه نیمه ساختاریافته با آن ها استفاده شد. نمونه گیری در این مطالعه به صورت سرشماری از تمامی دانشجویانی که در ترم جاری این فیلد را گذرانده بودند و کلیه اساتید گروه (۵ نفر) انجام شد. مصاحبه ها بر اساس روش تحلیل تفسیری (Interpretational Analysis) آنالیز شدند.

**نتایج:** تجزیه مصاحبه ها منجر به استخراج ۵ طبقه با ۱۲ زیر گروه گردید. مهم ترین نقاط قوت و ضعف در طبقه اول (برنامه ریزی) عبارت بود از: کافی بودن مدت زمان حضور در فیلد (۱ ماه)، وجود شرح وظایف آموزشی مشخص برای دانشجویان، عدم ارائه مطالب تئوری مربوط به این فیلد در دوره فیزیوپاتولوژی. در طبقه دوم (هیأت علمی) به ارائه بازخورد مناسب در مورد فعالیت های دانشجویان توسط اساتید و دستیاران، تعداد کم اعضای هیأت علمی و آموزش بر اساس تجربه بدون توجه به مطالب علمی روز در برخی اساتید اشاره شد. در طبقه سوم (فعالیت های آموزشی) دانشجویان به آموزش موارد ضروری، کاربردی و بیماری های شایع در این فیلد اشاره کردند. طبقه چهارم (منابع یادگیری) شامل زیرگروه های فضای فیزیکی و تجهیزات و بیماران بود که مهم ترین مشکلات عنوان شده عبارت بودند از: کمبود فضای فیزیکی به ویژه نبودن فضای مجزا برای معاینه در یکی از بیمارستانها، تنوع و سرپایی بودن اکثر بیماران و کمبود تعداد بیماران بستری در بخش. در طبقه پنجم (ارزشیابی)، عدم وجود سیستم ارزشیابی کارآمد، عدم وجود راهکارهای معین جهت تشویق دستیاران با عملکرد آموزشی مناسب از جمله موارد مطرح شده بود.

**نتیجه گیری:** نتایج بدست آمده ضرورت وجود این فیلد برای یک دانشجوی پزشکی را نشان می دهد که با رفع نقاط ضعف اندک آن به یکی از بهترین فیلدها برای دانشجویان تبدیل خواهد شد و پیشنهاد می گردد که در دیگر دانشگاه های کشور نیز این فیلد در کریکولوم اصلی گنجانده شود.

**واژه های کلیدی:** کارآموز پزشکی، آموزش بالینی، ارزشیابی، طب فیزیکی و توانبخشی

### شاخصهای استاد توانمند از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

اکرم کوشکی\* ، محمود ریوندی

دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

\*akooshki.nutr@yahoo.com

**مقدمه:** از آنجایی که اساتید نقش مهمی در تعلیم و تربیت دانشجویان و پیاده کردن اهداف آموزشی دارند، در این تحقیق سعی شده که ویژگی های استاد توانمند از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سبزوار مورد بررسی قرار گیرد.

**روش ها:** در مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی ۱۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سبزوار با روش نمونه گیری سر شماری در بهار ۱۳۹۱ وارد مطالعه شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه متشکل از سوال در دو بخش بود. بخش اول در رابطه با مشخصات دموگرافیک شرکت کنندگان و بخش دوم شامل سوالاتی بود که شاخص های استاد توانمند را می سنجد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۱/۵ انجام گرفت.

**نتایج:** میانگین سنی دانشجویان  $21 \pm$  سال. ۷۸٪ شرکت کنندگان دختر و ۲۲٪ آنها پسر بودند.

نتایج این مطالعه نشان داد که از دیدگاه دانشجویان شاخص های یک استاد خود شخصیت فردی ( صلاحیت و شایستگی ، اعتماد بنفس و احساس مسئولیت ) ( ۷۳٪ ) حضور بموقع سر کلاس ( ۵۷٪ ) ، انتقاد پذیری ( ۸۲٪ ) ، بیان طرح درس و اهداف تدریس ( ۶۲٪ ) ، ایجاد انگیزه در دانشجویان ( ۸۲٪ ) ، برقراری ارتباط صمیمانه با دانشجویان ( ۵۵٪ ) مداخله دانشجو در تدریس و تاکید بر دانشجوی ( ۷۷٪ ) ، تدریس کاربردی با ذکر تمثیل ( ۶۵٪ ) ، شیوایی و رسوایی کلام و جمع بندی مطالب ( ۵۸٪ ) ، ظاهر آراسته ( ۲۲٪ ) ، جنسیت استاد ( ۱۷٪ ) می باشد.

**نتیجه گیری:** از آنجایی مهمترین هدف از آموزش ، تعلیم و تربیت دانشجویان می باشد ، لذا بهره گیری از نظرات آنها می تواند نقش سودمندی در ارتقاء آموزش داشته باشد . نتایج مطالعه نشان داد که یک استاد توانمند باید از نظر اعتماد بنفس ، حس مسئولیت و انتقاد پذیری در سطح بالایی باشد و بتواند ارتباط صمیمی و در عین حال جدی با دانشجویان بر قرار نموده و از طریق مداخله دانشجو در تدریس فراگیری بهتر ، پویا و موثرتری را در دانشجویان ایجاد نماید .

**واژه های کلیدی:** استاد توانمند ، علوم پزشکی ، دانشجویان

## بررسی رضایتمندی دانشجویان بهداشت از بهینه سازی امکانات، تجهیزات و فضای فیزیکی دانشکده

حمید توکلی قوچانی، نیره نعیمی\*، مرضیه لنگری، رجبعلی حکم آبادی

\*[Naeimi\\_n@yahoo.com](mailto:Naeimi_n@yahoo.com)

\* عضو هیأت علمی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

**مقدمه:** دانشگاه ها به عنوان محیط های یادگیری بایستی امکانات لازم را برای تغییرات مثبت و سازنده در نگرش دانشجویان فراهم آورند تا با تشویق و ایجاد رغبت بیشتر، یادگیری پایدار و مستمر گردد بنابراین در این پژوهش سعی شده است تا رضایتمندی دانشجویان بهداشت را از بهینه سازی فضای فیزیکی، امکانات و تجهیزات دانشکده مورد سنجش قرار دهیم.

**روش ها:** به منظور بررسی نظرات دانشجویان و سنجش میزان رضایتمندی آنها از تغییرات اعمال شده در دانشکده، پرسشنامه خود ساخته بر اساس پرسشنامه استاندارد میزان رضایتمندی مراجعان از نحوه ارائه خدمات دستگاه های اجرایی طراحی گردید که در مجموع شامل ۱۰ سؤال در زمینه های مختلف امکانات، تجهیزات و فضای فیزیکی بود که در دو بخش قبل و بعد از سال ۹۱ و همچنین اهمیت هر سؤال نیز بر اساس مقیاس لیکرت ارائه گردید. داده ها توسط نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** از مجموع ۶۰ پرسشنامه تکمیل شده میانگین رتبه ای نمرات قبل و بعد از سال ۹۱ به ترتیب  $5/7 \pm 25/7$  و  $1/1 \pm 31/95$  و نمره رضایتمندی قبل و بعد از سال ۹۱ به ترتیب  $11/6 \pm 51/5$  و  $14/2 \pm 64/1$  حاصل شد. تفاوت آماری معنی داری بین میزان رضایتمندی با سن، جنس و رشته تحصیلی دانشجویان مشاهده نگردید. میزان رضایتمندی با معدل دانشجویان ارتباط آماری معنی داری داشت به نحوی که در دانشجویانی که میزان معدل بالاتر داشتند میزان رضایتمندی نیز بیشتر بود. هر چه میزان واحدهای گذرانده دانشجویان نیز بیشتر بود میزان رضایتمندی از امکانات و تجهیزات و فضای فیزیکی نیز افزایش یافته است. کمترین میزان نمره رضایت در قبل و بعد از سال ۹۱ مربوط به فضای محوطه دانشکده و بیشترین آن مربوط به امکانات و تجهیزات آزمایشگاهی می باشد.

**نتیجه گیری:** برای ایجاد تغییرات سازنده و نیل به ارتقاء کیفیت آموزشی، وجود اطلاعات توصیفی در مورد وضع موجود و نظر فراگیران از خدمات ارائه شده ضروری است. با استفاده از این اطلاعات می توان ضمن تقویت عوامل مثبت و اصلاح عوامل منفی رضایت هر چه بیشتر دانشجویان را فراهم آورد.

**واژه های کلیدی:** رضایتمندی، بهینه سازی، بهداشت



### بررسی شاخص های کمی آزمون های پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

ویدا سپاهی<sup>۱\*</sup> احمد خشای، گلاره حاتم، الهام نیرومند، شمسی حیدری زامله  
<sup>۱\*</sup> کارشناس ارشد آموزش پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه  
[vidasep2002@yahoo.com](mailto:vidasep2002@yahoo.com)

**مقدمه:** ارزشیابی پیشرفت تحصیلی عبارت است از مقایسه‌ی نتایج به دست آمده از سنجش عملکرد یادگیرندگان با هدف‌های آموزشی یا هدف های یادگیری و تصمیم گیری در اینباره که آیا فعالیتهای آموزشی مدرسان و کوششهای یادگیری دانشجویان موفقیت آمیز بوده اند و به چه میزانی؟ ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانشجویان یکی از اهداف عمده دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی کشور است. زیرا بدین وسیله میزان یادگیری دانشجویان و در نهایت میزان دستیابی به اهداف آموزشی اندازه گیری می شود. ارزشیابی به طور ساده به تعیین ارزش برای هر چیز یا داوری ارزشی اطلاق می گردد و در فرآیند آموزش به این ابزار آزمون می گویند. متداولترین ابزار اندازه گیری پیشرفت تحصیلی، آزمون های چهار گزینه ای است. این نوع سؤالات جهت ارزیابی معلومات فردی، تصمیم گیریهای پزشکی، تفسیرهای آماری و مهارت های ذهنی مانند یادآوری، تشخیص و مشکل گشایی مورد استفاده قرار می گیرند. در صورتی که سؤالات به خوبی طراحی شود می تواند سطوح بالای دانش، فهم، ادراک، کاربرد و اطلاعات را نیز بسنجد. تحلیل سؤال ها وضعیت دانشجویان را از لحاظ درک مطالب و مفاهیم درس و نقاط ضعف تدریس به خوبی روشن می سازد و می تواند در بهبود روش تدریس مؤثر باشد. مطالعه حاضر به بررسی کمی آزمون های برگزار شده، طی سال های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ در دانشگاه علوم کرمانشاه پرداخته است.

**روش‌ها:** طی یک مطالعه توصیفی-مقطعی، ۱۲۵ آزمون پیشرفت تحصیلی که در سال های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ در سطح دانشگاه برگزار شده بود بطور تصادفی انتخاب و شاخص های کمی آنها بررسی شد. اطلاعات با نرم افزار SPSS-16 و آمار توصیفی تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** نتایج نشان داد ۳۳/۸٪ آزمونها دارای ضریب دشواری مناسب و ۶۶/۸٪ ضریب دشواری پایین داشتند. این در حالیست که تنها ۱/۶٪ آزمونها قادر به تفکیک دانشجویان قوی و ضعیف بودند، ۸۳/۲٪ آزمونها به هیچ وجه نتوانسته بود بین گروه قوی و ضعیف دانشجویان تمایز قائل شود و ۱۵/۲٪ سؤالات، ضریب تمیز منفی داشتند که نشان می‌دهد سؤال دارای اشکال فنی بوده و دلیل آن میتواند این باشد که افراد گروه بالا یا آن سؤال را بطور کامل یاد نگرفته اند و یا آن را به غلط آموخته اند. ۶۴٪ آزمون ها دارای اعتبار بالا و ۱۱/۲٪ از اعتبار پایینی برخوردار بودند.

**نتیجه‌گیری:** نتیجه پژوهش ضرورت برگزاری کارگاههای ارزشیابی و طراحی سؤالات استاندارد را تایید می کند.

**واژه‌های کلیدی:** آزمون، پیشرفت تحصیلی، ضریب تمیز، ضریب دشواری، اعتبار آزمون

## ارتباط عملکرد تحصیلی و سلامت روانی باتوجه به نقش تعدیل کننده عوامل دوستی

### با جنس مخالف و بومی بودن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان

سجاد رضائی<sup>۱\*</sup>، دکتر محمد حسین قربانی، فهیمه سحری، طاهره نظری، حسین احمد دوست

<sup>۱\*</sup> دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه اصفهان و کارشناس اداره مشاوره دانشگاه علوم پزشکی گیلان

rezaei\_psy@hotmail.com Corresponding author:

**مقدمه:** دانشجویان سرمایه انسانی در حال رشد کشور هستند و درگیری آنها با مشکلات روانشناختی می تواند تاثیر مخربی بر پیشرفت تحصیلی آنان داشته باشد. پژوهش حاضر می کوشد به بررسی نقش تعدیل کننده عوامل دوستی با جنس مخالف و بومی بودن در رابطه بین سلامت روانی و عملکرد تحصیلی دانشجویان بپردازد.

**روش ها:** ۱۰۲ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ در این پژوهش شرکت داشتند و هریک از آنها به یک پرسشنامه جمعیت شناختی و سوالات خرده مقیاس سلامت روانی پرسشنامه زمینه یابی سلامت (SF-36) پاسخ دادند. آخرین معدل کل اکتسابی، به عنوان عملکرد تحصیلی دانشجویان محسوب شد. داده های با استفاده از آزمون t استیوونت مستقل، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی تعدیلی (Hierarchical moderated regression analysis) آنالیز گردیدند.

**نتایج:** از ۱۰۲ دانشجو ۲۲ نفر (۲۰/۸٪) داشتن رابطه دوستی با جنس مخالف را گزارش نمودند و ۷۰ نفر (۶۷/۶٪) بومی استان گیلان بودند. تحلیل همبستگی حاکی از رابطه مثبت و معنی دار میان سلامت روانی و عملکرد تحصیلی دانشجویان بود ( $r=0/19$ ،  $P<0/05$ ). نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد سلامت روانی در گام اول نمی تواند پیش بینی کننده معنی دار عملکرد تحصیلی باشد ( $\beta=0/19$ ،  $P=0/07$ ). اما در گام دوم به محض ورود متغیرهای تعدیلی مفروض، مدل رگرسیون معنی دار به دست آمد ( $F=4/94$ ،  $P=0/03$ ) و مقدار  $R^2$  تعدیل شده نسبت به گام اول از ۰/۰۲ به ۰/۱۱ افزایش یافت. بدین مفهوم که متغیرهای سلامت روانی ( $\beta=0/18$ ،  $P=0/05$ ) و بومی بودن ( $\beta=0/31$ ،  $P=0/01$ ) توانستند به طور معنی داری ۱۱ درصد از تغییرات عملکرد تحصیلی را پیش بینی کنند اما در این میان متغیر دوستی با جنس مخالف و نیز همه تعامل های وارد شده در گام سوم (یعنی سلامت روانی × دوستی و سلامت روانی × بومی بودن) تاثیر معنی داری بر عملکرد تحصیلی نداشتند. نتایج آزمون t استیوونت مستقل نیز تایید نمود که دانشجویان بومی عملکرد تحصیلی بهتری نسبت به غیر بومی ها دارند ( $t=3/31$ ،  $df=100$ ،  $P=0/001$ ).

**نتیجه گیری:** یافته ها حاکی از آن بود سلامت روانی و بومی بودن هریک به تنهایی می توانند عامل موثری در موفقیت تحصیلی باشند. علاوه بر آن دوستی های رایج میان دانشجویان پزشکی با جنس مخالف اثر تخریبی یا محافظتی معنی داری بر عملکرد تحصیلی آنان نداشت. این نتایج از اهمیت بومی گزینی دانشجویان حمایت می کند. کاربرد یافته ها، محدودیت ها و پیشنهادات اصلاحی برای پژوهش های آتی مورد بحث قرار گرفته است.

**واژه های کلیدی:** عملکرد تحصیلی، سلامت روانی، دوستی با جنس مخالف، بومی بودن.

## استفاده از آزمون آنلاین به عنوان جایگزینی برای امتحان کتبی چند گزینه ای در واحد درسی اصطلاح شناسی

نیلوفر معتمد، حسین طاهرزاده\*، اعظم حمادی

Email: motamed\_drn@yahoo.com

گروه کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی، مدیریت آمار و فناوری اطلاعات، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر  
مقدمه: در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، آزمونها و کوئیزهای آنلاین به طور گسترده برای ارزیابی دانشجویان به کار نمی روند. در این مطالعه برای اولین بار از یک سیستم آزمون آنلاین برای ارزیابی دانشجویان استفاده شده است.

**روش‌ها:** سیزده دانشجوی کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی در مقطع کارشناسی در امتحان میان ترم درس ۳ واحدی اصطلاح شناسی پزشکی و بهداشتی شرکت کردند. امتحان شامل ۴۰ سوال ۴ گزینه ای (نمره کل ۴۰) بود که توسط نرم افزار برای هر دانشجو به طور تصادفی از میان بانک سوالات انتخاب می شد. دانشجویان در انتخاب محل امتحان اعم از دانشکده، خوابگاه، منزل و ... آزاد بودند. لذا امتحان برای هر دانشجو بدون حضور مراقب برگزار می شد. مدت زمان امتحان ۳۰ دقیقه بود و هر دانشجو با داشتن نام کاربری و رمز عبور، طی یک دوره ۵ ساعته و در یک روز خاص، فقط یک بار مجاز به ورود به سیستم و شرکت در امتحان بود. پس از آن دانشجویان پرسشنامه ای در مورد نگرش نسبت به امتحان را تکمیل نمودند.

**نتایج:** میانگین نمره دانشجویان  $2/49 \pm 36/92$  بود. بیش از ۸۰٪ دانشجویان، تعداد کامپیوترهای در دسترس و سرعت اینترنت را مناسب برای برگزاری امتحان نمی دانستند. تنها ۲۷/۳٪ دانشجویان شرایط برگزاری امتحان را استرس آور دانستند. همچنین ۷۳٪ عدم وجود مراقب را در کاهش اضطراب خود موثر می دانستند. ۳۶٪ دانشجویان امتحان آنلاین را فرصتی مناسب برای افزایش میزان تقلب می دانستند. به طور کلی ۵۵٪ دانشجویان آزمون آنلاین را نسبت به آزمون کتبی حضوری دارای مزیت بیشتری می دانستند.

**نتیجه‌گیری:** آزمونهای چند گزینه ای آنلاین روش مناسبی برای ارزیابی دانشجویان کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی در واحد درسی اصطلاح شناسی پزشکی و بهداشتی می باشد. اگرچه تامین زیر ساخت لازم برای برگزاری بهتر آن لازم به نظر می رسد.

**واژه‌های کلیدی:** ارزیابی دانشجویان، آزمون آنلاین، کتابداری، کوئیز

## دیدگاه دانشجویان داروسازی درباره کاربرد نظام یادگیری الکترونیکی و عوامل مرتبط با آن در دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۰

هادی حسینی\*، محمد خادملو، احد علیزاده، اکبر محمدی

[mohammadi8194@yahoo.com](mailto:mohammadi8194@yahoo.com)

**مقدمه:** یادگیری الکترونیکی از پیدایش اینترنت و گسترش این پدیده و استفاده از قابلیت‌های آن ایجاد گردیده است و در حقیقت تکامل شیوه آموزش از راه دور برطرف کننده نیاز انسان‌های پرس‌وجوگر و خواهان یادگیری با توجه به اختیاری بودن زمان و مکان است. هدف اصلی این پژوهش بررسی دیدگاه دانشجویان رشته داروسازی درباره کاربرد نظام یادگیری الکترونیکی و عوامل مرتبط با آن در دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۰ بود

**روش‌ها:** این پژوهش از نوع توصیفی-مقطعی و بر روی کلیه دانشجویان دانشکده داروسازی (N=332) انجام گرفت. ابزار پژوهش، پرسشنامه استاندارد شده داوکینز و همکاران بوده که شامل ۲۶ سوال پنج گزینه ای (از خیلی زیاد تا خیلی کم) و در شش بعد (دسترسی به تکنولوژی، ارتباطات پیوسته، انگیزش، یادگیری از طریق رسانه‌ها، گفتگوی گروهی اینترنتی و موفقیت در یادگیری الکترونیکی) است.

**نتایج:** دانشجویان نسبت به ۳ بعد دسترسی به تکنولوژی، ارتباطات پیوسته و موفقیت در یادگیری الکترونیکی بیشترین نظر مثبت را داشتند در حالی که نسبت به ۳ بعد انگیزش، یادگیری از طریق رسانه‌ها و گفتگوی گروهی اینترنتی کمترین نظر مثبت را داشتند. همچنین متغیرهای تعدیل کننده سن، جنس و مقطع تحصیلی با ابعاد یادگیری الکترونیکی معنی داری بود (p)  $\geq 0.05$ .

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج حاصله، می‌توان نتیجه گرفت که دانشجویان دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی مازندران آمادگی نسبتاً قابل قبولی برای اجرای نظام یادگیری الکترونیکی دارند.

**واژه‌های کلیدی:** دیدگاه، یادگیری الکترونیکی، دانشجویان داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

## ارزیابی روند تحصیلی دانشجویان رشته ی پزشکی مقطع علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی سمنان، طی ده سال تحصیلی (۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹).

حامد رضایی<sup>\*۶۴</sup>، دکتر سمیرا مهرعلیزاده<sup>۶۵</sup>، سجاد حشمتی فر<sup>۶۶</sup> و دکتر رامین پازکی<sup>۶۷</sup>.

\* دانشجوی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی

<sup>۲</sup> عضو هیئت علمی، رئیس دانشکده ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان.

<sup>۳</sup> دانشجوی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان.

<sup>۴</sup> عضو هیئت علمی، معاونت دانشکده ی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان.

mrhamed2009@gmail.com

مقدمه: دوره ی علوم پایه، اولین مرحله ی تحصیل دانشجویان پزشکی در دانشگاه است؛ به طوری که بروز مشکل در این دوره، می تواند باعث ایجاد مشکلات بیشتر آموزشی در مقاطع بالاتر و حتی آینده ی کاری افراد شود؛ از سویی دیگر، ارزیابی روند تحصیلی در این دوره، آن هم در بازه های زمانی طولانی مدت، می تواند دید گسترده تری جهت برنامه ریزی های حتی کلان آموزشی پیش رو، فراهم آورد.

**روش ها:** در این مطالعه ی گروهی-تاریخی، تمام دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سمنان، که در یکی از سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹، در آزمون جامع علوم پایه شرکت کرده بودند، به روش سرشماری انتخاب شدند؛ اطلاعات آن ها در این آزمون، با کسب اجازه از مسئولین آموزش، جمع آوری گردید و به روش توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** تعداد کل افراد در این پژوهش، ۳۱۶ نفر، بیشترین تعداد مربوط به شهریور ۱۳۸۶ (۳۲ نفر) و کمترین، مربوط به شهریور ۱۳۸۵ (۳ نفر) بود. بهترین وضعیت، به اسفند ۱۳۸۵ (با میانگین ۱۴۵)، و ضعیف ترین، به شهریور ۱۳۸۶ (با میانگین ۱۰۰) مربوط می شد. در کل، نمرات گروه های آزمون اسفندماه (با میانگین ۱۲۸/۸)، وضعیت بهتری نسبت به شهریورماه (با میانگین ۱۱۴/۲)، و نمرات در ۵ سال اول (با میانگین ۱۲۵/۷)، وضعیت بهتری نسبت به ۵ سال دوم (با میانگین ۱۱۷/۱) داشت. بهترین وضعیت، در دروس آسیب شناسی، باکتری شناسی، فیزیولوژی و ایمنی شناسی، و ضعیف ترین، در دروس فیزیک پزشکی، جنین شناسی و بهداشت عمومی مشاهده شد.

**نتیجه گیری:** علت یابی ضعف و یا پیشرفت در دروس مختلف، امری ضروری و پیشنهادی برای دانشکده ی پزشکی این دانشگاه است؛ همچنین، ارزیابی های طولانی مدت آموزشی، در جهت برنامه ریزی های منطقی، به پژوهشگران سایر دانشگاه ها توصیه می شود.

**واژه های کلیدی:** ارزیابی، وضعیت آموزشی، امتحان جامع، علوم پایه.

## کاهش انگیزه ی دانشجویان به درس بهداشت عمومی، با توجه به یک بررسی ده ساله و ارائه ی راه کارهایی برای بهبود آن

حامد رضایی\*<sup>۶۸</sup>، دکتر سمیرا مهرعلیزاده<sup>۶۹</sup>، سجاد حشمتی فر<sup>۷۰</sup> و دکتر رامین پازکی<sup>۷۱</sup>.  
\* دانشجوی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، [mrhamed2009@gmail.com](mailto:mrhamed2009@gmail.com)

<sup>۲</sup> رئیس دانشکده ی پزشکی و استادیار دانشگاه علوم پزشکی سمنان.

<sup>۳</sup> دانشجوی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان.

<sup>۴</sup> معاونت دانشکده ی پزشکی و استادیار دانشگاه علوم پزشکی سمنان.

**مقدمه:** درس بهداشت عمومی، از دروسی است که در آینده ی شغلی دانشجویان و مخصوصاً رشته ی پزشکی می تواند از اهمیت خاصی برخوردار باشد؛ اما علل گوناگونی می تواند باعث کاهش انگیزه ی دانشجویان برای یادگیری این درس و استفاده ی از آن در آینده گردد؛ این کاهش انگیزه به کاهش ارتقای مستمر آموزشی می انجامد و باعث بروز مشکلات گسترده تر در سیستم بهداشتی کشور می شود. در این پژوهش، به بررسی ده ساله ی نمره ی این درس در امتحان جامع علوم پایه پرداخته شده و درمورد نتایج آن بحث می شود.

**روش ها:** در این مطالعه ی گروهی-تاریخی، تمام دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سمنان، که در یکی از سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹، در آزمون جامع علوم پایه شرکت کرده اند، به روش سرشماری انتخاب شدند؛ اطلاعات آن ها با کسب اجازه از مسئولان آموزش دانشکده پزشکی، جمع آوری شده و به روش توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** تعداد کل افراد مورد پژوهش، ۳۱۶ نفر، بیش ترین تعداد در گروه آزمون اسفند ۱۳۸۱ (۳۵ نفر) و کم ترین، در اسفند ۱۳۸۸ (۴ نفر) بود. بهترین نمره ی درس بهداشت مربوط به اسفندماه ۱۳۸۳ (با معدل ۱۲/۹۲) و ضعیف ترین آن، مربوط به شهریورماه ۱۳۸۹ (با معدل ۶/۶۶) می باشد. نمرات این درس ارتباط معناداری با هم دارند؛ اما در کل نسبت به دروس دیگر، در وضعیت پایین تری قرار دارد.

**بحث:** با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش، لزوم تشکیل کارگروه هایی در جهت افزایش انگیزه ی دانشجویان در درس بهداشت عمومی، مانند بهبود روش های آموزشی، افزایش زمان تدریس و در صورت لزوم، حذف مطالب کم کاربرد و افزایش تکرار مطالب کاربردی، احساس می شود.

**نتیجه گیری:** در این مطالعه ی ده ساله، کاهش انگیزه ی دانشجویان به درس بهداشت عمومی احساس می شود؛ منتهی، کشف علل و عوامل موثر بر آن و نیز راه های حل این مشکل به سایر پژوهشگران توصیه می گردد.

**واژه های کلیدی:** درس بهداشت عمومی، بررسی ده ساله، ارتقای مسمر آموزشی، مدیریت خط.

## بررسی تاثیر آموزش بالینی دانشجویان پرستاری به شیوه کاوشگری بر مهارت بکارگیری فرآیند پرستاری

دکتر خدایار عشوندی<sup>۱\*</sup>، سجاد پوریوسف<sup>۲</sup>، دکتر علی بیگمیرادی<sup>۳</sup>، دکتر محمدرضا یوسفزاده<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> استادیار پرستاری و عضو مرکز تحقیقات مادر و کودک دانشگاه علوم پزشکی همدان

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری گرایش داخلی جراحی دانشگاه علوم پزشکی همدان

<sup>۳</sup> استادیار دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی همدان

<sup>۴</sup> استادیار روانشناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بوعلی همدان

oshvandi@umsha.ac.ir

**مقدمه:** آموزش بالینی موثر نیازمند استفاده از روشهای آموزشی می باشد که توانایی ایجاد سطح مناسبی از دانش و مهارت را در دانشجویان داشته باشند. هدف این پژوهش بررسی تاثیر آموزش بالینی به شیوه کاوشگری بر مهارت بکارگیری فرآیند پرستاری توسط دانشجویان پرستاری می باشد.

**خلاصه روش ها:** یک مطالعه نیمه تجربی دو گروهی به روش قبل و بعد بر روی ۳۸ دانشجوی ترم دوم پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی همدان در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ طراحی و اجرا گردید. دانشجویان مورد بررسی با استفاده از نمونه گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمون (۱۹ نفر) و کنترل (۱۹ نفر) قرار گرفتند. پس از انجام پیش آزمون مهارت بکارگیری فرآیند پرستاری، دانشجویان گروه کنترل با روش معمولی و دانشجویان گروه آزمون با روش تدریس کاوشگری، به مدت ۱۰ روز تحت آموزش بالینی قرار گرفتند. در پایان کارآموزی از دانشجویان هر دو گروه پس آزمون گرفته شد. داده ها توسط پنچ چک لیست محقق ساخته پس از تعیین اعتبار و پایایی، گردآوری گردید. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS16 و آزمون های تی مستقل و یو من ویتنی استفاده شد.

**نتایج:** آموزش بالینی با دو روش معمولی و کاوشگری در ارتقای مهارت بکارگیری فرآیند پرستاری بطور کلی موثر است ( $P < 0/05$ ). در مقایسه مهارت بکارگیری فرآیند پرستاری توسط دانشجویان گروه آزمون و گروه کنترل در حیطه های بررسی بیمار، تشخیص پرستاری، اهداف و برنامه ریزی، اجرای مراقبت پرستاری، ارزشیابی و کل فرآیند پرستاری اختلاف معنی داری وجود داشت ( $P < 0/05$ ) و گروه آزمون نمرات بالاتری را کسب کردند.

**نتیجه گیری:** آموزش بالینی به شیوه کاوشگری در مهارت بکارگیری فرآیند پرستاری توسط دانشجویان پرستاری نسبت به روش معمولی آموزش بالینی موثرتر است. بنابراین پیشنهاد می گردد که از این شیوه آموزشی در آموزش بالینی بیشتر استفاده شود.

**واژه های کلیدی:** آموزش بالینی، آموزش کاوشگری، فرآیند پرستاری، دانشجویان پرستاری

## انگیزش پیشرفت تحصیلی و عوامل موثر بر آن در دانشجویان دانشکده بهداشت

اکبر محمدی<sup>۱\*</sup>، محمد خادم‌لو<sup>۲</sup>، هادی حسینی<sup>۱</sup>، رحمان عبدولی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

<sup>۲</sup> متخصص پزشکی اجتماعی، دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری

[mohammadi8194@yahoo.com](mailto:mohammadi8194@yahoo.com)

مقدمه: داشتن انگیزه برای انجام هر کاری توسط انسان ضروری است و هیچ یک از فعالیت‌های ارادی انسان بدون داشتن انگیزه رخ نمی‌دهد. این پژوهش با هدف بررسی میزان انگیزش پیشرفت دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ انجام گرفت.

روش‌ها: در یک مطالعه توصیفی تحلیلی ۱۱۰ دانشجوی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مازندران به روش نمونه‌گیری تصادفی مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه‌ی استاندارد انگیزش پیشرفت تحصیلی هرمانس، شامل ۲۹ سوال انگیزشی بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های توصیفی و همچنین روش‌های تحلیلی استفاده شد.

نتایج: یافته‌های پژوهشی نشان داد، بیشتر دانشجویان (۵۲/۲ درصد) دارای انگیزه خوب، ۴۵/۲ درصد دارای انگیزه متوسط و ۲/۶ درصد نیز اظهار بی‌انگیزگی کرده بودند. همچنین بین سطح انگیزه پیشرفت تحصیلی دانشجویان با متغیرجنسیت، وضعیت تاهل، مقطع تحصیلی، سواد مادر و سابقه بیماری جسمی-روانی اختلاف معناداری وجود داشت ( $p \leq 0.05$ ). اما بین سواد پدر و سطح انگیزش دانشجویان هیچگونه رابطه‌ی معناداری دیده نشد ( $p = 0.33$ ).

نتیجه‌گیری: علی‌رغم اینکه بیش از نیمی از دانشجویان دارای انگیزه پیشرفت تحصیلی خوبی هستند. اما درصد قابل توجهی از دانشجویان دارای انگیزه متوسط و حتی تعدادی از دانشجویان هیچگونه انگیزه‌ای جهت ادامه تحصیل نداشتند. لذا از آنجائیکه پیشرفت تحصیلی دانشجویان به نوعی با پیشرفت جامعه ارتباط دارد، پیشنهاد می‌شود مسئولان و برنامه‌ریزان آموزش پزشکی به مؤلفه‌های انگیزش توجه بیشتری مبذول دارند و با طراحی مدلی (تحلیل مسیر) به تبیین علل کاهش انگیزه تحصیلی دانشجویان پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: انگیزش تحصیلی، دانشجویان، دانشکده بهداشت



### ارزشیابی اعضای هیأت علمی توسط دانشجویان: معتبر یا غیر معتبر

حسین درگاهی<sup>1\*</sup>، نیلوفر محمدزاده<sup>2</sup>

<sup>1\*</sup> دانشیار گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی دانشکده پیراپزشکی، مرکز تحقیقات مدیریت اطلاعات سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

Email: hdargahi@sina.tums.ac.ir

<sup>2</sup> دانشجوی Ph.D مدیریت اطلاعات سلامت، دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

Email: nmohammadzadeh@razi.tums.ac.ir

**مقدمه:** ارزشیابی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها با هدف بهبود کیفیت تدریس، به روش‌های گوناگون انجام می‌شود. یکی از رایج‌ترین و در عین حال بحث‌انگیزترین این شیوه‌ها ارزشیابی اساتید توسط دانشجویان می‌باشد. علی‌رغم اختلاف‌نظرها در خصوص اعتبار این نوع ارزشیابی، استفاده از این روش در اکثر دانشگاه‌ها رواج یافته است. هدف از تدوین این مقاله، بررسی دیدگاه اعضای هیأت علمی در خصوص ارزشیابی آنها از سوی دانشجویان براساس مطالعه و بررسی نتایج حاصل از پژوهش‌های موجود در این زمینه می‌باشد.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر به صورت مروری و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی انجام شد. ابتدا تعداد ۶۴ مقاله در حیطه ارزشیابی از استادان و مدرسین مورد بررسی قرار گرفت. از این تعداد ۴۲ مقاله مرتبط با ارزشیابی استادان، اعضای هیأت علمی یا دیدگاه دانشجویان در مورد نحوه تدریس استادان و مدرسین، ویژگی‌های شخصیتی، اداره و مدیریت کلاس، مهارت‌های ارتباطی استادان با دانشجویان، که معیارهای ورود به موضوع به حساب می‌آیند، انتخاب شدند. جستجو در مجلات مختلف از جمله مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، فصل‌نامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دانش و پژوهش در علوم تربیتی و مجلات اختصاصی آموزش پزشکی و همچنین با بهره‌برداری از موتورهای جستجوگر Magiran, iranmedex, PubMed, GoogleScholar, ISC, Medline, Scapous, SID، که در طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۹ نمایه و به چاپ رسیده بود با کلیدواژه‌های ارزشیابی، دانشجو، هیأت علمی، دانشگاه، انتخاب و انجام شد. سایر مقالات که استادان یا اعضای هیأت علمی و مدرسین را از دیگر ابعاد و با توسط دیگر افراد مورد ارزشیابی قرار می‌داد از مطالعه خارج گردید.

**نتایج:** در سه بخش نتایج موافق، نتایج مخالف و شرایط مؤثر در ارزشیابی دانشجو از استاد ارائه شده است نتایج نشان داد که ارزشیابی فرایند تدریس باید از شش جنبه محتوا، میزان یادگیری دانشجو، رفتار کلاسی، برنامه و مواد درسی، دانش عضو هیأت علمی، ویژگی‌های دانشجویان (شامل مواد درسی، دانشجویان با سابقه بالا و پایین، دانشجویان تحصیلات تکمیلی)، خود ارزیابی توسط عضو هیأت علمی، ارزشیابی توسط همکاران، مدیران و مشاوران آموزشی و متناسب با اهداف ارزشیابی صورت گیرد.

**نتیجه‌گیری:** دیدگاه بیشتر اعضای هیأت علمی در دانشگاه‌های کشور و حتی در دیگر کشورها بیانگر این مطلب است که آنها با اصل ارزشیابی خود توسط دانشجویان به عنوان یک منبع ارزشمند و معتبر اطلاعات برای بازخورد به استادان به منظور بهبود کیفیت آموزش موافق هستند، اما معتقدند که عوامل مداخله‌گر نیز در این زمینه باید شناسایی و در نظر گرفته شوند. اعضای هیأت علمی همچنین براین عقیده‌اند که شیوه ارزشیابی از سوی دانشجویان باید جزیی از نظام ارتقای کیفیت عملکرد اعضا هیأت علمی قرار گیرد، اما چنانچه قرار است از نتایج این روش در زمینه ارزشیابی شغلی، تشویق و ترفیع اعضای هیأت علمی استفاده شود، بهتر است دیگر روش‌های ارزشیابی به صورت جامع و ۳۶۰ درجه نیز مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

**واژه‌های کلیدی:** ارزشیابی، اعضای هیأت علمی، دانشجو، دانشگاه

## دیدگاه اعضای هیات علمی و دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز درباره برنامه درسی مقطع علوم پایه

نویسندگان: کریم عباسی\*

E mail: karim\_shr@yahoo.com

دانشگاه علوم پزشکی رازی

**مقدمه:** جوهره اصلی فعالیت هر موسسه آموزشی، برنامه درسی آن است و برنامه درسی وسیله ای برای انتقال اطلاعات است. هدف این مطالعه، بررسی دیدگاه های دانشجویان و اعضای هیات علمی دانشکده پزشکی شیراز درباره وضعیت موجود برنامه درسی مقطع علوم پایه در راستای تعیین میزان رضایت دانشجویان بود.

**روش ها:** در این پژوهش توصیفی، جامعه آماری ۱۲۵ نفر دانشجو و ۳۵ نفر اعضای هیات علمی دانشکده پزشکی شیراز در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ بودند و به دلیل محدود بودن جامعه، حجم جامعه و نمونه برابر بود. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته بر اساس مقیاس لیکرت بود. تجزیه و تحلیل داده ها با روش های آماری توصیفی و استنباطی به کمک نرم افزار SPSS انجام شد و با توجه به ماهیت سوال های پژوهش از آزمون T تک نمونه ای استفاده شد.

**نتایج:** ۴۴/۲٪ نمونه ها مذکر و ۵۵/۸٪ مونث بودند. ۷۵٪ دانشجویان پزشکی عمومی شیراز نسبت به برنامه های درسی در حال اجرای مقطع علوم پایه تا حدودی رضایت داشتند و تفاوت معنی داری بین نظرات دختران و پسران وجود نداشت ( $P < 0/05$ ). بین نظرات و دیدگاه های دانشجویان و اساتید نسبت به برنامه های درسی در مقطع علوم پایه تفاوت معنی داری وجود داشت ( $P < 0/05$ ).

**نتیجه گیری:** از نظر دانشجویان پزشکی و اعضای هیات علمی دانشکده پزشکی شیراز، ارائه برنامه های درسی در مقطع علوم پایه مطابق با استانداردهای آموزش پزشکی است و اکثر دانشجویان نسبت به برنامه های درسی در حال اجرای مقطع علوم پایه تا حدودی رضایت دارند. از نظر دانشجویان، توجه به نیازهای موجود در آموزش بالینی، نقش موثری در ارتقای کیفیت برنامه درسی مقطع علوم پایه دارد.

**واژه های کلیدی:** دانشجویان، اعضای هیات علمی، برنامه درسی، رشته پزشکی عمومی، دوره علوم پایه

## اثر تعاملی سلامت جسمی مرتبط با کیفیت زندگی و جنسیت بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان

سجاد رضائی<sup>۱\*</sup>، دکتر محمد حسین قربانی، فهیمه سحری، طاهره نظری، جعفر پیل افکن  
<sup>۱\*</sup> دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه اصفهان و کارشناس اداره مشاوره دانشگاه علوم پزشکی گیلان  
rezaei\_psy@hotmail.com

**مقدمه:** رابطه میان سلامت روانی و پیشرفت تحصیلی در پژوهش‌های گذشته به خوبی مستند شده است. اما یافته‌هایی که به روشنی رابطه میان سلامت جسمی دانشجویان و پیشرفت تحصیلی آنان را نشان دهد، اندک است. علاوه بر آن اطلاعات ناچیزی در مورد اینکه آیا رابطه سلامت جسمی دانشجویان با پیشرفت تحصیلی آنان تحت تاثیر تفاوت‌های جنسیتی قرار می‌گیرد یا نه، وجود دارد. از این رو هدف از اجرای پژوهش حاضر بررسی اثر تعاملی سلامت جسمی مرتبط با کیفیت زندگی و جنسیت بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان بود.

**روش‌ها:** در یک پژوهش توصیفی-مقطعی از ۱۰۶ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ به شیوه پیاپی نمونه‌گیری به عمل آمد و هر یک از آنها به فرم کوتاه پرسشنامه زمینه‌یابی سلامت (SF-36)، پاسخ دادند. نمرات جزء فیزیکی این پرسشنامه استخراج و در نقطه میانگین مورد برش قرار گرفتند و بدین نحو دانشجویان به دو گروه دارای کیفیت سلامت جسمی بالا و پایین تقسیم گردیدند. آخرین معدل کل اکتسابی دانشجویان نیز به‌عنوان شاخصی برای پیشرفت تحصیلی آنان در نظر گرفته شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) آنالیز گردیدند.

**نتایج:** در مجموع ۳۶ پسر و ۶۶ دختر (به ترتیب با میانگین سنی  $22/5 \pm 5/6$  و  $21/6 \pm 1/9$  سال) به سوالات پاسخ دادند. میانگین جزء جسمی پرسشنامه زمینه‌یابی سلامت (SF-36) برابر با  $200/19 \pm 1499/39$  به دست آمد. ۶۲ دانشجو دارای نمرات بالاتر و ۴۰ دانشجو دارای نمرات پایین‌تر از نقطه برش بودند و بدین ترتیب به دو گروه دارای کیفیت سلامت جسمی بالا و پایین طبقه‌بندی گردیدند. نتایج آزمون ANOVA نشان داد اثرعامل جنسیت بر پیشرفت تحصیلی معنی‌دار بوده و در این میان دانشجویان دختر عملکرد تحصیلی بهتری نسبت به پسران کسب نمودند ( $F= 10/75$ ،  $P < 0/001$ ). اثر عامل سلامت جسمی نیز بر پیشرفت تحصیلی معنی‌دار به دست آمد و در این میان آن دسته از دانشجویانی که کیفیت زندگی جسمی بهتری داشتند نمرات پایان ترم بیشتری کسب می‌نمودند ( $P= 0/004$ ،  $F= 8/79$ ). اما اثر تعاملی معنی‌داری بین این دو متغیر به دست نیامد.

**نتیجه‌گیری:** یافته‌ها حاکی از آن بود دختران نسبت به پسران در پایان ترم عملکرد تحصیلی بهتری دارند. همچنین آن دسته از دانشجویانی که دارای سطح مطلوبی از سلامت جسمی مرتبط با کیفیت زندگی خود بودند، نمرات بهتری در دروس دانشگاه از خود نشان می‌دادند. با این وجود بین پیشرفت تحصیلی دختران و پسران دانشجو از نظر کیفیت سلامت جسمی آنان تفاوتی وجود ندارد. دلالت‌های ضمنی این نتایج مورد بحث قرار گرفته است.

**واژه‌های کلیدی:** سلامت جسمی، جنسیت، پیشرفت تحصیلی.

## تاثیر ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان و سطح تحصیلات والدین بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان

سجاد رضائی\*<sup>۱</sup>، دکتر سید حشمت اله موسوی، منیره کرم بین، نسترن مهرباخش، سوسن نصیری  
\*<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه اصفهان و کارشناس اداره مشاوره دانشگاه علوم پزشکی گیلان  
rezaei\_psy@hotmail.com

**مقدمه:** ویژگی‌های شخصیت نقش مهمی در تعیین رفتار دانشجویان و نیز برآوردن انتظاری که محیط آموزشی از دانشجویان می‌طلبد، ایفا می‌کند. پژوهش حاضر با استفاده از الگوی نظری پنج عاملی شخصیت (کوستا و مک کری، ۱۹۹۲)، به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های عملکرد تحصیلی دانشجویان و نقش احتمالی میزان تحصیلات والدین در آن به بررسی رابطه عوامل فوق پرداخت.  
**روش‌ها:** این پژوهش به شیوه مقطعی در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ بر روی ۱۰۲ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گیلان با میانگین سنی  $21/9 \pm 3/7$  سال انجام شد. همه دانشجویان به پرسشنامه پنج عاملی نئو (NEO-FFI) و اینکه سطح تحصیلات هریک از والدین آنها چقدر بوده پاسخ دادند. آخرین معدل کل اکتسابی دانشجویان که از اداره آموزش هریک از دانشکده‌ها به‌دست آمده بود، به‌عنوان میزان پیشرفت تحصیلی آنان در نظر گرفته شد. داده‌های این پژوهش با استفاده از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش ورود همزمان (Enter) مورد بررسی قرار گرفتند.

**نتایج:** نتایج نشان داد سطوح پیشرفت تحصیلی همبستگی مثبت و معنی‌داری با ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی ( $r=0/23$ )، دلپذیر بودن ( $r=0/24$ ) و وظیفه‌شناسی ( $r=0/35$ ) دارد. اما با سایر ویژگی‌ها نظیر نوروز‌گرایی و گشودگی به تجربه و نیز میزان تحصیلات والدین (که از جمع جبری میزان تحصیلات هریک از والدین به دست آمده بود)، رابطه نداشت. مدل تحلیل رگرسیون عملکرد تحصیلی مبتنی بر متغیرهای فوق معنی‌دار به دست آمد ( $F=2/53$ ،  $P=0/02$ ) و در این میان تنها، ویژگی شخصیتی وظیفه‌شناسی به‌طور معنی‌داری، پیش‌بینی‌کننده پیشرفت تحصیلی دانشجویان ظاهر شد ( $\beta=0/28$ ،  $P=0/025$ ).

**نتیجه‌گیری:** هرچند برخلاف انتظار سطح تحصیلات والدین بر میزان پیشرفت تحصیلی دانشجویان تاثیر معنی‌داری نداشت اما ارزیابی‌های شخصیت نشان داد دانشجویانی که سطوح بالاتری از رگه‌های برون‌گرایی دلپذیر بودن و وظیفه‌شناسی را از خود نشان می‌دهند عملکرد تحصیلی بهتری دارند. در این میان ویژگی وظیفه‌شناسی قوی‌تر از سایر پیش‌بینی‌کننده‌ها نشان داد دانشجویان منضبط و دارای برنامه ذهنی سازمان‌یافته، انگیزه بیشتری برای دستیابی به سطوح بالاتر موفقیت تحصیلی دارند. یافته‌های این مطالعه درون چارچوب نظری پنج عاملی شخصیت مورد بحث قرار گرفته است.

**واژه‌های کلیدی:** ویژگی‌های شخصیت، تحصیلات والدین، پیشرفت تحصیلی.

## بررسی عوامل موثر بر افت تحصیلی از دیدگاه دانشجویان دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران؛ ۱۳۹۱

مصطفی ربیعان<sup>۱</sup>، مهدی رعدآبادی<sup>۲</sup>، سید هادی حسینی<sup>۳</sup>، محمد بختیاری<sup>۴</sup>، مسعود طاهری میرقائد<sup>۳\*</sup>  
<sup>۱</sup> گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.  
<sup>۲</sup> دانشجوی ارشد اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.  
<sup>۳</sup> دانشجوی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.  
<sup>۴</sup> دانشجوی ارشد مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.  
\*Email: Masood.mirghaed@gmail.com

مقدمه: یکی از مهم ترین معضلاتی که هر ساله گریبان گیر نظام آموزشی است، موضوع افت تحصیلی می باشد که می تواند زمینه ساز رفتارهای منفی اجتماعی، ترک خانواده یا سایر رفتارهای پر خطر باشد. پژوهش حاضر نیز با هدف بررسی عوامل موثر بر افت تحصیلی از دیدگاه دانشجویان دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران صورت پذیرفت.

روش‌ها: در مطالعه توصیفی-تحلیلی حاضر ۱۵۰ نفر از دانشجویان دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی به روش نمونه گیری تصادفی ساده مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه روا و پایا بود که در شش حیطة، عوامل مرتبط با وضعیت تحصیلی را مورد سنجش قرار داد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ویرایش ۱۸ و آزمون های آماری ANOVAs، T-test و همبستگی پیرسون انجام گرفت.

نتایج: از ۱۳۰ دانشجوی مورد مطالعه، ۷۰ نفر (۵۳/۸٪) مذکر و ۱۰۲ نفر (۷۸/۵٪) مجرد بودند. بیشترین میانگین و انحراف معیار متعلق به عوامل مربوط به محتوای آموزشی (۴/۰۲±۰/۷۲) و کمترین متعلق به عوامل اجتماعی اقتصادی (۳/۵۴±۰/۷۵) بود. در مجموع نیز میانگین و انحراف معیار کلیه عوامل ۳/۶۷±۰/۳۸ بدست آمد.

نتیجه‌گیری: به طور کلی پژوهش حاضر نشان داد که عوامل متعددی در افت تحصیلی دانشجویان تاثیر دارد که باید شناسایی و مورد بازبینی قرار گیرند تا موجب افت تحصیلی بیشتر دانشجویان نگردد. می توان گارگاه‌های آموزشی جهت آموزش راهبردهای یادگیری به دانشجویان جهت پیشرفت بهتر در زمینه مطالعه و یادگیری برگزار نمود.

واژه‌های کلیدی: افت تحصیلی، عوامل اقتصادی-اجتماعی، محتوای آموزشی، دانشجویان

## دیدگاه دانشجویان پرستاری در مورد حمایت و نظارت واقعی و مورد انتظار در محیط های آموزش بالینی دانشگاه علوم پزشکی زنجان در سال ۱۳۹۰

وحید پاک پور<sup>۱\*</sup>، صدیقه سلیمی<sup>۲</sup>

\*مربی دانشجوی دکترای آموزش پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ایران

[vahidpakpour@gmail.com](mailto:vahidpakpour@gmail.com)

<sup>۲</sup>کارشناس پرستاری

**مقدمه:** محیط آموزش بالینی دارای نقش مهمی در یادگیری بالینی دانشجویان پرستاری می باشد. هرگونه اختلاف بین محیط بالینی واقعی و مورد انتظار دانشجویان پرستاری می تواند منجر به کاهش یادگیری بالینی دانشجویان پرستاری گردد. هدف مطالعه حاضر مقایسه درک دانشجویان پرستاری از وضعیت واقعی و مورد انتظار محیط آموزش بالینی در حیطه های حمایت و نظارت بود.

**روش ها:** در این مطالعه توصیفی ۹۶ دانشجوی کارشناسی پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی زنجان از طریق سرشماری مورد مطالعه قرار گرفتند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه "ارزیابی میزان حمایت و نظارت درک شده" که در دو نسخه وضعیت واقعی و مورد انتظار طراحی شده است، استفاده شد. هر کدام از نسخه ها حاوی ۲۹ سوال در ۲ حیطه نظارت و حمایت می باشد. تجزیه و تحلیل یافته ها با استفاده از ویرایش ۱۶ نرم افزار آماری SPSS و آمار توصیفی و استنباطی انجام گرفت.

**نتایج:** یافته های نشان داد که اختلاف آماری معنی داری بین درک واقعی و مورد انتظار دانشجویان پرستاری از حمایت و نظارت وجود دارد. به عبارت دیگر در حیطه حمایت، انتظارات دانشجویان برآورده نشده بود و در حیطه نظارت، میزان نظارت اعمال شده بیش از انتظار دانشجویان بود ( $p < /0.01$ ).

**نتیجه گیری:** شکافی بین دیدگاه واقعی و مورد انتظار دانشجویان پرستاری در مورد حمایت و نظارت در محیط های بالینی وجود دارد. این شکاف می تواند اثرات منفی بر یادگیری بالینی دانشجویان داشته باشد.

**واژه های کلیدی:** آموزش پرستاری، محیط آموزش بالینی، حمایت و نظارت بالینی

## اندازه گیری اعتبار و پایایی پرسشنامه سنجش کیفیت محیط آموزش بالینی (D-RECT) در زبان فارسی

دکتر محمد مهدی ثاقب<sup>1</sup>، دکتر مهرزاد لطفی<sup>2</sup>، دکتر میترا امینی<sup>3</sup>، فرهاد لطفی<sup>4</sup>، پیوند باستانی<sup>5\*</sup>  
فوق تخصص نفرولوژی بزرگسالان، دانشیار دانشکده پزشکی، معاون آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز  
<sup>2</sup> متخصص رادیولوژی، فلوشیپ MRI، دانشیار دانشکده پزشکی، معاون توسعه مدیریت و منابع دانشگاه علوم پزشکی شیراز  
<sup>3</sup> دانشیار پزشکی اجتماعی، معاون آموزشی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز  
<sup>4</sup> دانشجوی دوره دکتری تخصصی اقتصاد سلامت دانشکده مدیریت و علوم اطلاع رسانی دانشگاه علوم پزشکی تهران  
تهران  
<sup>5\*</sup> دانشجوی دوره دکتری تخصصی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی دانشکده مدیریت و علوم اطلاع رسانی دانشگاه علوم پزشکی تهران  
Email: p-bastani@razi.tums.ac.ir

مقدمه: مطالعه حاضر با هدف ترجمه و اعتبار سنجی پرسشنامه D-RECT برای اولین بار در کشور انجام گردید. این پرسشنامه مخفف سنجش شرایط یادگیری دانشجویان دانمارکی است که در سال ۲۰۱۱ توسط لوکاس و همکاران به عنوان یک ابزار با روایی، پایایی و قابلیت استفاده بالا جهت اندازه گیری کیفیت محیط آموزش بالینی معرفی گردید.

**روش‌ها:** پس از ترجمه پرسشنامه به زبان فارسی و تغییر برخی مفاهیم آن توسط گروه محققین، پرسشنامه به دست آمده مجدداً توسط فردی که در منطقه انگلیسی زبان زندگی میکرد و اطلاعی از موضوع نداشت به زبان فارسی برگردانیده شد (Back Translation). پایایی پرسشنامه با استفاده از الفای کرونباخ سنجیده شد و روایی پرسشنامه با استفاده از روایی صوری و محتوایی با روش لاوشه مورد بررسی قرار گرفت. جهت سنجش عوامل ساختاری پرسشنامه از ماتریس همبستگی سوالات با حیطه‌ها استفاده گردید.

**نتایج:** پس از ترجمه این پرسشنامه، در ۱۰ درصد موارد، جملات با عبارت مناسب و منطبق با فرهنگ فارسی و شرایط آموزش بالینی کشور تغییر یافت و نهایتاً پرسشنامه نهایی با ۵۰ سوال در قالب ۱۰ بعد به دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ برای سوالات هر ده بعد یاد شده بیشتر از ۰/۷۵ بود و در مجموع سوالات پرسشنامه ضریب آلفای کرونباخ معادل ۰/۹۱ به دست آمد. به منظور سنجش روایی محتوایی با روش لاوشه، شاخص روایی محتوا معادل ۰/۸۹ به دست آمد، از نظر روایی صوری نیز پرسشنامه مذکور مورد تایید ده نفر از صاحب نظران حیطه آموزش پزشکی، آموزش بالینی و آموزش بهداشت قرار گرفت.

**نتیجه‌گیری:** ترجمه این پرسشنامه به زبان فارسی، علاوه بر اینکه منطبق با مفاهیم پرسشنامه اصلی انگلیسی زبان است، با مفاهیم زبان و فرهنگ فارسی قابل تطبیق بوده و می‌تواند برای بررسی شرایط محیط آموزش بالینی دستیاران دوره‌های پزشکی مورد استفاده قرار گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** پرسشنامه D-RECT، ویرایش فارسی، اعتبار سنجی، پایایی

## چالش های حرفه پرستاری از دیدگاه دانشجویان: یک مطالعه کیفی

مرضیه آزادیان<sup>۱\*</sup>، دکتر مرضیه مومن نسب<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> مربی دانشکده پرستاری دانشگاه آزاد واحد فیروزآباد

s.azadian@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار دانشکده پرستاری حضرت فاطمه(س)

**مقدمه:** دانشجویان پرستاری به عنوان کسانی که مسائل و چالش های حرفه پرستاری را از نزدیک تجربه می کنند، می توانند اطلاعات خوبی را در اختیار مدیران پرستاری قرار دهند. این مطالعه با هدف تبیین تجربیات دانشجویان پرستاری از چالش های حرفه ای در دانشکده پرستاری مامایی حضرت فاطمه(س) شیراز در سال ۱۳۹۱ انجام گردید.

**روش ها:** این مطالعه کیفی با مشارکت ۱۵ دانشجوی مقطع کارشناسی پرستاری، با نمونه گیری هدفمند در سه گروه متمرکز انجام گردید. از مصاحبه عمیق، نیمه ساختار یافته برای جمع آوری داده ها استفاده شد. متن کلیه جلسات ضبط و بلافاصله کلمه به کلمه نسخه برداری شد. جهت تحلیل داده ها از روش تحلیل درون مایه ای استفاده گردید. کدگذاری در سه مرحله انجام و درون مایه های اصلی و فرعی مشخص شدند.

**نتایج:** یافته ها در قالب سه درون مایه اصلی شامل "چالش های آموزش پرستاری" با درون مایه های فرعی برنامه ریزی آموزشی، توانمندی اساتید، دانشجویان و امکانات و تجهیزات، "چالش های حرفه ای - اجتماعی" با درون مایه فرعی درک نادرست عمومی از حرفه پرستاری، عملکرد سازمان های ذیربط، مشخص نبودن جایگاه دانشجوی پرستاری در نظام سلامت و "چالش های پژوهش" با درون مایه های پژوهش پرستاری و پژوهش دانشجویی استخراج شدند.

**نتیجه گیری:** دیدگاه دانشجویان پرستاری محدود به مسائل آموزشی نبوده و سایر ابعاد حرفه ای را نیز در بر می گیرد. مدیران و برنامه ریزان پرستاری می توانند با استفاده از تجربیات دانشجویان به راه کارهای مناسبی در جهت ارتقا حرفه پرستاری دست یابند.

**واژه های کلیدی:** دانشجویان پرستاری، چالش های حرفه ای، تحقیق کیفی، تحلیل محتوا



بررسی روند کیفیت آزمون عینی ساختارمند بالینی و سیر عملکرد دانشجویان: تجربه

دانشگاه علوم پزشکی تهران طی ۶ دوره برگزاری آزمون

دکتر سارا مرتاض هجری<sup>۱\*</sup>، دکتر علی لباف<sup>۲</sup>، دکتر محمد جلیلی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی دکترای تخصصی آموزش پزشکی، گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی

تهران

saramhejri@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه آموزشی طب اورژانس، رییس مرکز مهارت های بالینی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی

تهران

<sup>۳</sup> دانشیار گروه آموزشی طب اورژانس، رییس مرکز تحقیقات آموزش در علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی

تهران

مقدمه: در راستای توجه به ارزیابی مهارت های بالینی دانشجویان، آزمون عینی ساختارمند بالینی (OSCE) به علت روایی و پایایی بالا به صورت گسترده مورد استفاده قرار می گیرد. از سال ۱۳۷۸ در دانشگاه علوم پزشکی تهران مقرر شد آزمون OSCE در انتهای دوره کارآموزی دانشجویان پزشکی برگزار شود تا در کنار آزمون کتبی پیش کارورزی که به سنجش دانش آنان می پردازد، صلاحیت بالینی دانشجویان را مورد ارزیابی قرار دهد. در این مقاله، به بررسی عملکرد دانشجویان و نیز کیفیت ۶ دوره آزمون OSCE پیش کارورزی برگزار شده پرداخته ایم.

**روش ها:** در هر OSCE، نمرات دانشجویان به تفکیک ایستگاه ها جمع آوری شد. میانگین نمرات کل هر آزمون و درصد قبولی مربوطه با فرض نمره قبولی ۵۰ درصد محاسبه شد. برای مقایسه عملکرد دانشجویان در دوره های مختلف، شش حیطه تعریف شد. نمرات تمام ایستگاه های مربوط به یک حیطه در هر نوبت آزمون با هم جمع شد تا نمره کل حیطه در آن آزمون به دست آید. سپس نمرات حاصل از حیطه های مشابه در شش دوره با هم مقایسه شد. پایایی هر آزمون با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به دست آمد.

**نتایج:** در طی سه سال شش دوره آزمون برگزار شد که هر یک از آزمون ها دارای ۱۱ تا ۱۴ ایستگاه بودند و در هر یک از آنها ۱۰۴ تا ۲۵۴ دانشجو شرکت کردند (در مجموع ۹۴۵ دانشجو). حداقل و حداکثر میانگین نمره کل آزمون، به ترتیب ۴۹/۱۱ با انحراف معیار ۷/۹۲ (مهر ۸۸) و ۶۷/۴۸ با انحراف معیار ۷/۸۲ (مهر ۹۱) به دست آمد. به به همین ترتیب درصد قبولی از ۴۸/۱ تا ۹۸/۴ درصد محاسبه شد. ضریب آلفای کرونباخ آزمون ها از ۰/۵۲ (مهر ۸۸) تا ۰/۷۱ (مهر ۹۱) متفاوت بود. دامنه نمرات میانگین حیطه ها در شش دوره به این صورت بود: شرح حال: ۵۰/۲۷ تا ۶۴/۳۷؛ معاینه فیزیکی: ۴۹/۱۰ تا ۷۳/۸۶، مهارت ارتباطی: ۳۱/۲۹ تا ۶۶/۵۶، پروسیجر: ۲۵/۸۶ تا ۷۰/۶۷، تشخیص: ۳۳/۱۸ تا ۶۵/۸۰؛ و اداره بیمار: ۴۱/۴۵ تا ۶۱/۴۵.

**نتیجه گیری:** با بررسی عملکرد دانشجویان در شش OSCE دانشکده پزشکی مشخص شد نمرات حیطه های شش گانه و درصد قبولی دانشجویان به صورت کلی سیر افزایشی داشته است که می تواند نشان دهنده افزایش توجه دانشجویان به اهمیت یادگیری مهارت های بالینی و نشانگر اثر آموزشی مثبت این آزمون باشد.

### محاسبه نمره دیسپلینی تجمعی: راه حلی برای حذف سیستماتیک دروس از برنامه مطالعه دانشجویان در ارزیابی ادغام یافته

دکتر سارا مرتاض هجری<sup>۱</sup>، دکتر عظیم میرزازاده<sup>۲</sup>، مریم شهبابی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی دکترای تخصصی آموزش پزشکی، گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران  
<sup>۲</sup>دانشیار گروه آموزشی بیماری‌های داخلی، مدیر دفتر توسعه آموزش دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران  
<sup>۳</sup>کارشناس دفتر توسعه آموزش دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

**مقدمه:** جایگزینی آزمون مبتنی بر دیسپلین با آزمون مولتی دیسپلینری در کوریکولوم های ادغام یافته، می‌تواند برنامه بازنگری را با چالش جدی مواجه کند؛ زیرا معمولا دانشجویان به صورت سیستماتیک برخی از دیسپلین‌ها، مخصوصا آنهایی را که سوالات کمتری دارند، مطالعه نمی‌کنند و این امر موجب نگرانی و اعتراض گروه‌های آموزشی مربوطه می‌شود. در این مقاله، ضمن بیان تجربه دانشگاه علوم پزشکی تهران در خصوص ارزیابی ادغام یافته راه حلی را که برای حل این مشکل در پیش گرفته شده است ارائه می‌کنیم.

**روش‌ها:** به منظور ارزیابی ادغام یافته دانشجویان، سوالات دیسپلین‌های مختلف یک بلوک، در قالب یک دفترچه واحد ارائه شدند و همچنین ۱۰ درصد سوالات هر آزمون ماهیت بین رشته‌ای داشتند. به منظور تاکید بر بحث ادغام در ارزیابی، در کارنامه دانشجوی، به جای ثبت نمره هر دیسپلین، نمره کل بلوک ثبت شد. راه حلی که برای مقابله با حذف سیستماتیک دیسپلین‌ها در نظر گرفته شد به این ترتیب بود که برای هر دیسپلین در پایان یک سال تحصیلی، یک نمره تجمعی از تمام بلوک‌های آن سال نیز محاسبه شد. به عبارت دیگر نمرات حاصل از سوالات هر یک از دیسپلین‌ها از مجموع نمرات هر بلوک استخراج و جمع بندی شد. این نمره نباید از حد نصاب قبولی در نظر گرفته شده پایین‌تر می‌بود.

**نتایج:** در پایان سال اول تحصیلی ۱۵۹ دانشجوی پزشکی ۴ بلوک مقدمات، تنفس، قلب و اسکلتی-عضلانی را پشت سر گذاشتند که نمره آنها حاصل مجموع نمرات دیسپلین‌های آناتومی، بافت‌شناسی، فیزیولوژی، جنین‌شناسی و بیوشیمی بود. ۵۴ مورد افتاده دیسپلینی وجود داشت: فیزیولوژی ۴ نفر، بیوشیمی ۷ نفر، آناتومی ۸ نفر، بافت‌شناسی ۱۱ نفر و جنین‌شناسی ۲۴ نفر. این دانشجویان علی‌رغم قبولی در بلوک‌های مربوطه، برای شرکت در امتحان دیسپلینی شهریور ماه ۹۱ به گروه‌های ذی ربط معرفی شدند.

**نتیجه‌گیری:** نتایج محاسبه نمره دیسپلینی تجمعی نشان داد که درصد موارد عدم قبولی در دروس با حجم واحدی پایین (مثل بافت‌شناسی) بسیار بیشتر از این درصد در دروس با حجم واحدی بیشتر (مثل فیزیولوژی) بودند. به عبارت دیگر، دانشجویان علی‌رغم اطلاع از این نحوه محاسبه نمرات، همچنان به حذف سیستماتیک دروس کم سوال اقدام کرده بودند. به نظر می‌رسد محاسبه حدنصاب دیسپلینی تجمعی، می‌تواند به عنوان سدی در برابر مشکل حذف سیستماتیک دروس در ارزیابی ادغام یافته عمل کند و دست کم نگرانی گروه‌های آموزشی در این رابطه بکاهد. پیش‌بینی می‌شود با استمرار این روش توجه دانشجویان به این دروس نیز افزایش یابد.

## بررسی مقایسه‌ای پیامدهای یادگیری در دانشجویان پرستاری با استفاده از روش ارزشیابی DOPS و کتابچه عملکرد

هاجر صادقی<sup>۱\*</sup>، مهدی گل‌افروز<sup>۲</sup>، دکتر سید جمال میر موسوی<sup>۳</sup>، سمیه نبیری<sup>۴</sup>، سیده اکرم حسینی<sup>۴</sup>، اکرم توکلی<sup>۴</sup>

\*عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اراک Email:haj.sadeghi@yahoo.com

<sup>۲</sup> مربی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

<sup>۳</sup> عضو هیئت علمی و مدیر مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

<sup>۴</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

**مقدمه:** استفاده از روشهای نوین ارزشیابی بالینی یکی از سیاست های مهم موسسات آموزشی است. کتابچه عملکرد (Log book) به ارزیابی کمی مهارتها می‌پردازد که توسط دانشجو تکمیل و به تایید مربی می‌رسد. DOPS (مشاهده مستقیم مهارتهای عملی) روشی است که اختصاصاً برای ارزیابی مهارتهای عملی (پروسیجرها) طراحی شده است. در این روش یکی از اعضاء هیات علمی فراگیر را در حین انجام پروسیجر مورد مشاهده قرار می‌دهد و سپس عملکردشان را براساس یک چک‌لیست ساختار یافته مورد ارزیابی قرار می‌دهد. با این روش بعد از هر بار انجام آزمون نقاط قوت و نقاطی که فراگیران نیاز به تلاش بیشتری جهت بهبود دارند شناسایی می‌شود. وجود این چک‌لیست ساختاریافته به فراگیر این امکان را می‌دهد که معیار مشخصی را که در ارزیابی به کار می‌رود، در اختیار داشته باشد و خودفراگیر نیز عملکردش را براساس آن ارزیابی کند.

**روش‌ها:** این مطالعه از نوع پژوهش ارزشیابی می‌باشد، که بر روی ۴۰ نفر از دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سبزوار در قالب دو گروه ارزشیابی به روش کتابچه عملکرد و روش DOPS انجام گردید. نمونه‌ها به روش سرشماری انتخاب شدند. ۸ پروسیجر- جهت ارزشیابی مورد بررسی قرار گرفت و با استفاده از چک لیست که روایی و پایایی آن توسط ضریب آلفای کرونباخ ۰.۹۴ بود، انجام شد.

**نتایج:** میانگین نمرات دانشجویان در گروهی که تحت ارزشیابی به روش DOPS قرار گرفتند بیشتر بوده و بین نمرات هر کدام از حیطه‌های ارزشیابی با نمره کل DOPS رابطه آماری معنی‌داری وجود داشت ( $p=0/002$ ). اگر چه استفاده از کتابچه عملکرد میانگین نمرات را نسبت به پیش آزمون افزایش داد اما در مقایسه با روش DOPS میانگین نمرات پایین تر بود.

**نتیجه‌گیری:** با استفاده از روش DOPS، آزمونگر توجه خود را معطوف نکات مهمی می‌نماید که در مهارت مورد نظر نیازمند ارزیابی هستند. این روش باعث تسهیل ارائه بازخورد به فراگیر می‌شود، چرا که به جای اظهار نظر کلی، بازخورد بر اساس رفتارهای واقعی و عینی صورت می‌گیرد. با توجه به چک‌لیستها می‌توان میزان پیشرفت فراگیران را ارزیابی نمود. در بررسی به عمل آمده به علت اینکه دانشجویان مستقیماً در جریان بازخورد قرار می‌گیرند، نسبت به سایر روشهای ارزشیابی رضایت بیشتری داشتند. از طرفی به علت نیاز غیرقابل انکار دانشجویان پرستاری به آموختن تک‌تک مهارتها با صدور صد صحت، این روش ارزشیابی کمک‌کننده می‌باشد. در مقابل، درصد کمتری از دانشجویان نسبت به اجرای ارزشیابی به روش کتابچه عملکرد، که جنبه‌های کمی عملکرد را می‌سنجد و عینیت کمتری دارد، تمایل نشان دادند.

**واژه‌های کلیدی:** ارزشیابی، دانشجویان پرستاری، DOPS، کتابچه عملکرد (log book)

## مروری بر نتایج اولین آزمون ارزیابی صلاحیت بالینی دوره کارورزی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی لرستان

کوروش قنادی<sup>۱</sup>، خاطره عنبری<sup>۲\*</sup>، ابوالفضل زنده دل<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>فوق تخصص گوارش بالغین، استادیار گروه داخلی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان.

<sup>۲\*</sup>متخصص پزشکی اجتماعی، عضو هیئت علمی و استادیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم

پزشکی لرستان. [dr.anbari@gmail.com](mailto:dr.anbari@gmail.com)

<sup>۳</sup>متخصص داخلی، استادیار گروه داخلی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان

مقدمه: هدف از انجام این مطالعه، ارزیابی سطح توانمندی‌های عملی دانشجویان پزشکی بر اساس نمرات اخذ شده در آزمون صلاحیت بالینی در دانشگاه علوم پزشکی لرستان بود

روش‌ها: در این مطالعه مقطعی، جامعه مورد مطالعه شامل کلیه کارورزان رشته پزشکی واجد شرایط فراغت از تحصیل بود. آزمون بصورت آسکی و مشتمل برحیطه‌های بیماریهای داخلی، جراحی، کودکان، زنان، روانپزشکی وپزشکی اجتماعی وبراساس منابع معتبرطراحی شد اعتبارسنجی سوالات توسط اعضاء کمیته صلاحیت بالینی دانشکده پزشکی انجام شد درمجموع ۲۳ ایستگاه طراحی شد ایستگاه‌ها حاوی سوالاتی درخصوص توانایی اخذ شرح حال بالینی، توجه به نکات مهم درمعاینه فیزیکی، تفسیرآزمایشات وگرافی بیماران، نوشتن دستورات بیماران بستری، مطرح کردن صحیح تشخیص افتراقی، انتخاب درمان صحیح بیماری‌ها و عوارض آنها، انتخاب اقدامات صحیح تشخیصی، مهارت نسخه نویسی، مهارت مشاوره با بیمار و برقرار کردن ارتباط با وی، مهارت‌های مدیریتی در فیلدهای بهداشتی و مهارت نوشتن نامه ارجاع بیماران به سطوح بالاتر بود زمان هر ایستگاه ۵ دقیقه بود در اکثر ایستگاه‌ها پاسخ‌ها بر اساس چک لیست‌های موجود ارزیابی شد. از آزمون تی مستقل وضریب همبستگی پیرسون جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شد.

نتایج: میانگین کل نمره صلاحیت بالینی دانشجویان  $114/3 \pm 13/9$  بود حداقل نمره کسب شده  $94/25$  و حداکثر آن  $148$  و رنج نمرات قابل اکتساب بین  $0-200$  بود. از کل کارورزان  $31$  نفر ( $7/85$ ) موفق به اخذ نمره قبولی در آزمون شده و  $4$  نفر ( $3/14$ ) در آزمون مردود شدند بین میانگین نمرات دختران و پسران شرکت کننده در آزمون اختلاف آماری معناداری دیده نشد ( $P=0/15$ ). کمترین نمره اخذ شده کارورزان مربوط به مهارت نوشتن نامه ارجاع بیماران به سطوح بالاتر، مهارت‌های مدیریتی، مهارت نوشتن نسخه بیماران سرپایی، توانایی برقراری ارتباط با بیمار و مشاوره با وی و نوشتن صحیح دستورات بیماران بستری بوده و بیشترین توانمندی دانشجویان در زمین‌هاخذ شرح حال، مطرح کردن صحیح تشخیص افتراقی بیماری و اقدام مناسب جهت تشخیص و پیشگیری از عوارض بیماریها بود بر اساس آزمون همبستگی پیرسون، ارتباط خطی مستقیم و معناداری بین نمرات آزمون پیش کارورزی با نمرات آزمون صلاحیت بالینی دیده شد ( $r=0.59, P=0.002$ ) نتیجه‌گیری: دوره‌های آموزشی بخش‌های بالینی شامل آموزش نظری و عملی باید به گونه‌ای طراحی، و ارائه شوند که بتوانند مهارت‌های بالینی ضروری را در دانش‌آموختگان رشته پزشکی ایجاد نموده و ارتقاء دهند.

واژه‌های کلیدی: صلاحیت بالینی، دانشجویان پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی لرستان

## بررسی نظرات دانش‌آموختگان درمورد آزمون صلاحیت بالینی دانشگاه علوم پزشکی کاشان شهریور ۹۱

دکتر منصوره مومن هروی\*، دکتر زهرا سلیمانی، دکتر رضا رزاقی، دکتر مجید حسن زاده، معصومه باغبانی\*  
\* دفتر توسعه آموزش دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان  
[mansoreheravi@yahoo.com](mailto:mansoreheravi@yahoo.com)\*

**مقدمه:** ارزیابی توانمندی فارغ التحصیلان پزشکی در درحیطه های مهارت های عملی و نگرشی نه تنها برای تعیین کارآمدی ایشان ضروری می باشد بلکه می تواند اطلاعات بسیار مفیدی برای برنامه ریزی آموزشی در اختیار مسئولین قرار دهد. بررسی نظرات شرکت کنندگان در آزمونی که تجربه ای کافی درمورد آن وجود ندارد میتواند برگزار کنندگان آزمون را دریافتن نقاط ضعف و پیدا کردن راه حل های مناسب برای پیشگیری از تکرار اشتباهات در آینده یاری دهد.

**روش ها:** این مطالعه مقطعی در سال ۹۱ روی ۲۸ دانش‌آموخته دانشگاه علوم پزشکی کاشان صورت گرفت. جهت بررسی نظرات شرکت کنندگان در آزمون صلاحیت بالینی پرسشنامه ای تنظیم گردید. در این پرسشنامه نظرات شرکت کنندگان در مورد نحوه برگزاری امتحان، تعداد و زمان ایستگاهها، درجه سختی و تنوع سوالات، و رضایت کلی از برگزاری کارگاه در قالب سوالاتی با مقیاس لیکرت پرسیده شد. پس از آزمون نیز نتایج با ورود به نرم افزار SPSS تحلیل گردید

**نتایج:** ضرورت برگزاری این امتحان از سوی ۸ نفر (۳۰٫۷٪) زیاد، ۸ نفر متوسط (۳۰٫۷٪) و ۴ نفر (۱۵٫۴٪) کم ذکر شد و ۶ نفر (۲۳٫۱٪) معتقد بودند اصلاً ضرورت ندارد. نحوه برگزاری، مکان برگزاری، تنوع ایستگاههای امتحان و نوع سوالات نامطلوب، اطلاع رسانی و زمان برگزاری نیمه مطلوب بود. طول مدت آزمون از نظر ۲۱ نفر (۸۰٫۸٪) نامناسب (طولانی ۳۸٫۵٪ و کم ۴۲٫۳٪) و از نظر ۵ نفر (۱۹٫۲٪) مناسب بود. درجه سختی سوالات از نظر اکثریت افراد در حد متوسط بود. میزان استرس وارده در حین و قبل امتحان در اکثریت افراد زیاد ذکر نشد. رضایت کلی آزمون شوندگان از برگزاری آزمون نیمه مطلوب بود. نظر شرکت کنندگان در مورد قدرت آزمون برای سنجش صلاحیت بالینی ۱۵ نفر (۵۵٫۶٪) کاملاً موافق ۱۱ نفر (۴۰٫۷٪) موافق و، فقط ۱ مورد (۳٫۷٪) مخالف بود.

**نتیجه گیری:** آزمون صلاحیت بالینی قادر به جلب نظرات شرکت کنندگان نبوده و در بیشتر موارد نبهه مطلوب یا نامطلوب بوده است که علت آن میتواند عدم وجود فرصت کافی برای مطالعه و آمادگی قبل از امتحان، استاندارد نبودن برخی سوالات به علت عدم توجه طراحان سوال و متناسب نبودن سوالات مطرح شده از سوی گروهها با نحوه آموزش در بخشها، نارضایتی شدید شرکت کنندگان که تاثیر به سرا در نظرسنجی آنها داشته در نتیجه انجام این آزمون فقط در این دانشگاه سراسری نبودن آزمون، تاخیر در فارغ التحصیل شدن افرادی که موفق به کسب حد نصاب نشده و مجبور بودند دوباره بخش را بگذرانند.

**واژه های کلیدی:** آزمون، صلاحیت بالینی، دانش‌آموختگان

## خودارزیابی دانش آموختگان رشته پزشکی در مورد صلاحیت بالینی

دکتر منصوره مومن هروی\*، دکتر زهرا سلیمانی، دکتر رضا رزاقی، آزاده ظهیری

\*دکتر توسعه آموزش دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

[\\*mansoreheravi@yahoo.com](mailto:mansoreheravi@yahoo.com)

**مقدمه:** صلاحیت بالینی بکارگیری مدبرانه و همیشگی مهارت های تکنیکی و ارتباطی، دانش، استدلال بالینی، عواطف و ارزشها در محیطهای بالینی می باشد. در حقیقت صلاحیت، مفهوم پیچیده ای است که به عنوان بازده نهایی هر سیستم آموزشی دربرگیرنده حیطه های مختلف یادگیری است. هدف از این مطالعه تعیین نظرات دانش آموختگان در مورد میزان صلاحیتهای بالینی خود و میزان دستیابی به آن است.

**روشها:** این مطالعه توصیفی در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام شد و کلیه کارورزان پزشکی که در امتحان صلاحیت بالینی پایان دوره پزشکی شرکت کرده بودند وارد مطالعه شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بود که در آن از دانش آموختگان خواسته شد صلاحیت خود در انجام مهارت های حرفه ای شامل ۲۱ مهارت پزشکی، بهداشتی، مدیریتی و ارتباطی را به صورت مقیاس لیکرت عنوان نمایند. اطلاعات وارد نرم افزار SPSS گردید و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** در مورد معرفی کردن بیمار و گرفتن شرح حال و برقراری ارتباط با بیمار، اخلاق حرفه ای توانمندی خود را در حد بسیار خوب و خوب دانستند (بیش از ۸۰٪). اما صلاحیت خود را در معاینه بالینی، آموزش بیماران، تصمیم گیری تشخیصی، تفسیر آزمایشات روتین، نوشتن دستورات پزشک، نسخه نویسی، پروسیجرهای پایه، طب پیشگیری (بیشتر مساوی ۷۰٪)، تفسیر گرافی های روتین، تصمیم گیری درمانی، اداره بیمار بدحال، برخورد با بیماران شایع اورژانس، تغذیه، بهداشت شغلی و محیط، سخنرانی و ارائه کنفرانس، پژوهش (بیش از ۶۰٪)، مدیریت مراکز بهداشتی درمانی را زیر ۶۰٪ ارزیابی کردند.

**نتیجه گیری:** دانشجویان صلاحیت بالینی خود را در اکثر مهارتهای لازم برای پزشک عمومی بالا ارزیابی نموده اند. دستیابی به نتیجه مطلوب حداکثری، به ثمر بخش بودن آموزش و مصرف بهینه امکانات و منابع اشاره دارد. بنابراین باید به دنبال راههایی بود تا میزان کسب صلاحیت بالینی در دانشجویان در طول و پس از دوره آموزش به بالاترین میزان ممکن برسد.

**واژه های کلیدی:** خود ارزیابی، دانش آموختگان، صلاحیت بالینی

## مقایسه نتایج ارزشیابی آموزشی اساتید به صورت کاغذی و الکترونیکی از سال

۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ تبریز

شاپور نادر فام<sup>۱\*</sup>، حسن سلامی رنجبران<sup>۲</sup>، علیرضا زادگان<sup>۳</sup>، حبیب اله قمی<sup>۴</sup>، جمیله جعفریان<sup>۵</sup>  
دانشگاه مرکز مطالعات و آموزش علوم پزشکی تبریز (ساختمان پشمینه)

[sh.naderfam@yahoo.com](mailto:sh.naderfam@yahoo.com)

**مقدمه:** ارزشیابی آموزشی اعضای هیات علمی یکی از ارکان ارتقاء کیفیت آموزشی در سطح دانشگاه ها می باشد که با مشخص کردن نقاط ضعف و همچنین نقاط قوت می توان با توجه به این نتایج برنامه ریزی درستی را در جهت افزایش کیفیت آموزش در سطح دانشگاه ها انجام داد. با توجه به این مهم روش های گوناگونی در مورد ارزشیابی آموزشی مطرح می شود و با توجه به این مورد که دانشجویان به عنوان مشتری اساسی سیستم آموزشی هستند بنابر این یکی از روش های مهم ارزشیابی آموزشی، روش پرسش از دانشجو می باشد که هم میتواند به روش کاغذی و یا به روش الکترونیکی تحت وب انجام گیرد. لذا با توجه به این مسئله که در دانشگاه علوم پزشکی تبریز حدود دو سال است ارزشیابی آموزشی اعضای هیات علمی بطور الکترونیکی انجام میگیرد بر آن شدیم تا یک مقایسه بین ارزشیابی بروش سنتی کاغذی و ارزشیابی بروش جدید یعنی الکترونیکی انجام دهیم تا مشخص کنیم آیا فرقی بین این دو روش موجود می باشد یا نه؟

**روش ها:** این مطالعه از نوع تحلیلی میباشد که اطلاعات مورد استفاده در آن از بانک اطلاعات ارزشیابی آموزشی سال های ۱۳۸۸ به تعداد ۲۳۷۹۳ فرم و ۱۳۸۹ به تعداد ۲۹۰۲۸ فرم که بروش کاغذی انجام شده بود و بانک اطلاعات سامانه ارزشیابی الکترونیکی اساتید در سال های ۱۳۹۰ به تعداد ۴۱۰۷۷ فرم و ۱۳۹۱ به تعداد ۳۷۵۰۹ فرم استفاده شده است. که بعد از ورود اطلاعات در نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل های آماری قرار گرفته و نتایج ذیل بدست آمده است.

**نتایج:** نتایج زیر از تحلیل آماری انجام شده روی داده ها بدست آمده است که:

میانگین امتیاز ارزشیابی سال ۱۳۸۸ برابر با ۱۷،۱۹ با انحراف معیار ۰،۵۵ و سال ۱۳۸۹ برابر با ۱۷،۲۲ با انحراف معیار ۰،۵۰ و همچنین سال ۱۳۹۰ برابر با ۱۶،۱۴ با انحراف معیار ۰،۴۲ و نیز سال ۱۳۹۱ برابر با ۱۶،۴۵ با انحراف معیار ۰،۴۵ بدست آمده است. همچنین میانگین امتیاز ارزشیابی به روش کاغذی برابر با ۱۷،۲۱ با انحراف معیار ۰،۵۱ و روش الکترونیکی برابر با ۱۶،۴۳ با انحراف معیار ۰،۴۳ محاسبه شده است.

**نتیجه گیری:** از این بررسی طبق تجزیه و تحلیل های فوق چنین میتوان نتیجه گرفت که با توجه به انحراف معیار روش کاغذی که برابر بود با ۰،۵۱ و مقایسه آن با روش الکترونیکی که برابر بود با ۰،۴۳ میتوان مشاهده نمود که پراکندگی در نوع کاغذی بیشتر میباشد تا نوع الکترونیکی و همچنین با توجه به تست آماری تی مستقل دو متغییری ( $T=4.857$ ,  $DF=$ ) (  $SIG=0.000$ ,  $33$  ) می توان نتیجه گرفت که اختلاف مشاهده شده در میانگین ها یک اختلاف ظاهری نمی باشد و با توجه به تعداد فرم های کاغذی در مقایسه با روش الکترونیکی و پراکندگی بیشتر نوع کاغذی نسبت به نوع الکترونیکی می توان چنین نتیجه گیری کرد که روش الکترونیکی از اعتبار بیشتری نسبت به روش کاغذی در این مورد برخوردار است ولی مسلما برای تایید ای مهم باید بررسی های دیگری هم در سایر دانشگاه ها انجام شود.

**واژه های کلیدی:** آموزش - ارزشیابی - دانشجویان - الکترونیکی - غیر الکترونیکی

## تحلیل مقایسه‌ای آزمون‌های سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ دانشجویان دانشگاه علوم

پزشکی تبریز

[sh.naderfam@yahoo.com](mailto:sh.naderfam@yahoo.com)

**مقدمه:** همانطور که می‌دانیم ارزیابی فراگیران یکی از ارکان با اهمیت چرخه آموزش می‌باشد که با انجام آن روند آموزش تکمیل می‌شود و اگر این ارزیابی در راستای اهداف آموزشی و همچنین دارای تمامی معیار های آزمون استاندارد باشد می‌تواند در عین این که فراگیری دانشجو را می‌سنجد خود پیام های آموزشی کاربردی را داشته باشد لذا تحلیل کیفیت آزمون یکی از فرآیندهای ارزشیابی آموزشی است که میتواند توأم با ارزشیابی سایر مسائل، ارزشیابی یک برنامه را تکمیل نماید و نقش به‌سزایی هم در اتقاء آموزش داشته باشد و با توجه به راه اندازی نرم افزار تحلیل آزمون در این دانشگاه در اواخر سال ۱۳۸۸ در دانشگاه علوم پزشکی تبریز بر آن شدیم تا یک تحلیل مقایسه ای بین کیفیت آزمون های انجام گرفته در سطح دانشگاه از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ انجام دهیم که مشخص شود کیفیت آزمون های انجام شده در چه وضعیتی است. و بر اساس نتایج به دست آمده برنامه ریزی برای ارتقاء سطح آزمون ها انجام پذیرد.

**روش‌ها:** این مطالعه از نوع تحلیلی میباشد که اطلاعات مورد استفاده در آن از پایگاه داده نرم افزار تحلیل آزمون دانشگاه گرفته شده است. که البته این آزمون ها از نوع چند گزینه ای می باشند که در سطح دانشگاه به تعداد ۷۴۴ امتحان در بین ۲۱۸۷۸ شرکت کننده، که برای سال ۱۳۸۹ تعداد ۲۳۹ آزمون برای ۵۶۱۳ داوطلب و سال ۱۳۹۰ تعداد ۲۳۵ آزمون برای ۷۰۵۴ داوطلب و سال ۱۳۹۱ تعداد ۲۷۰ آزمون برای ۹۲۱۱ داوطلب، انجام شده است. و نتایج به دست آمده از تحلیل تک تک امتحانات جمع بندی و با همدیگر مقایسه شده است.

**نتایج:** نتایج به دست آمده به شرح زیر می باشد:

در سال ۱۳۸۹ با تعداد ۲۳۹ آزمون میانگین ضریب دشواری ۰,۶۶ با انحراف معیار ۰,۱۵ و ضریب تمیز ۰,۱۵ با انحراف معیار ۰,۱۴

در سال ۱۳۹۰ با تعداد ۲۳۵ آزمون میانگین ضریب دشواری ۰,۶۸ با انحراف معیار ۰,۱۲ و ضریب تمیز ۰,۱۶ با انحراف معیار ۰,۱۱

در سال ۱۳۹۱ با تعداد ۲۷۰ آزمون میانگین ضریب دشواری ۰,۶۸ با انحراف معیار ۰,۱۳ و ضریب تمیز ۰,۱۴ با انحراف معیار ۰,۱۱

در سه سال کل با تعداد ۷۴۱ آزمون میانگین ضریب دشواری ۰,۶۷ با انحراف معیار ۰,۱۴ و ضریب تمیز ۰,۱۵ با انحراف معیار ۰,۱۲

همچنین نتیجه میگیریم بر اساس آزمون آماری تی دو تایی مستقل ( $t = -1.66$   $df = 469$   $sig = 0.098$ ) در مورد ضریب دشواری و همچنین ( $t = -0.504$   $df = 469$   $sig = 0.614$ ) در مورد ضریب تمیز برای نتایج سال های ۸۹ و ۹۰ تفاوت های مشاهده شده یک اختلاف ظاهری است و تقریبا مشابه هم هستند و بر اساس آزمون آماری تی دو تایی مستقل ( $t = 2.227$   $df = 503$   $sig = 0.026$ ) تفاوت های مشاهده شده برای ضریب دشواری یک اختلاف ظاهری است و تقریبا مشابه هم هستند ولی برای ضریب تمیز یک اختلاف معنا دار است برای سال های ۹۰ و ۹۱ و همچنین بر اساس آزمون آماری تی دو تایی

مستقل ( $t = -1.428$   $df = 504$   $sig = 0.154$ ) در مورد ضریب دشواری و نیز ( $t = 1.467$   $df = 504$   $sig = 0.143$ ) در مورد ضریب تمیز سال های ۸۹ و ۹۱ تفاوت های مشاهده شده یک اختلاف ظاهری است و تقریبا مشابه هم هستند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج آزمون آماری تی برای ضریب دشواری:

سال ۱۳۸۹ ( $t = 64.405$   $df = 235$   $sig = 0.000$ ) و سال ۱۳۹۰ ( $t = 81.968$   $df = 234$   $sig = 0.000$ )

و سال ۱۳۹۱ ( $t = 83.188$   $df = 269$   $sig = 0.000$ )

همچنین برای ضریب تمیز:



سال ۱۳۸۹ (  $t= 17.515$   $df= 235$   $sig= 0.000$  ) و سال ۱۳۹۰ (  $t= 22.428$   $df= 234$   $sig= 0.000$  )  
و سال ۱۳۹۱ (  $t= 20.947$   $df= 269$   $sig= 0.000$  )

در می یابیم که نتایج بدست آمده دارای اعتبار آماری می باشند و می توان اذعان نمود که در حال حاضر ضریب دشواری سوالات از کیفیت خوبی برخوردار است و در طی هر سه سال این کیفیت حفظ گردیده شده است ، اما در مورد ضریب تمیز نتایج نشانگر ضعف آزمون ها در افتراق بین گروه قوی و گروه ضعیف می باشد و لازم است در این زمینه برنامه ریزی مناسب برای ارتقاء کیفی آزمون ها انجام گیرد.

لذا پیشنهاد میشود که در طراحی آزمون از اساتیدی استفاده گردد که دوره مهارت دانشگاهی ارزیابی دانشجو را گذرانده اند که شاید بتوان یک گام برای بهبود ارتقاء کیفیت آزمون ها برداشت .

بررسی میزان رضایتمندی مخاطبین از برگزاری کارگاههای پژوهش در علوم پزشکی  
فرح روشن پور\*، کتایون باوند پور، فرزانه قبادی، ژاله دزفولی منش  
معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

[FROSHANPOUR7@YMAIL.COM](mailto:FROSHANPOUR7@YMAIL.COM)

مقدمه: کلید پیشرفت هر جامعه ای پژوهش و بکارگیری نتایج آن است پژوهش در علوم پزشکی که با سلامت انسانها ارتباط تنگاتنگ دارد جزو لاینفک توسعه بشمار می رود و قدم اول در این رابطه آموزش مهارت ارتباطی از طریق یادگیری فنون پژوهش می باشد، به همین دلیل کارگاههایی در این رابطه برگزار می شود و کارآیی و میزان رضایتمندی مخاطبین از برگزاری کارگاههای پژوهش در علوم پزشکی انجام شد هدف این مطالعه بود.

روشها: در پایان برگزاری ۱۸ کارگاه پژوهش در علوم پزشکی، ۲۲۹ برگه ارزشیابی که روایی و پایایی آن به تایید صاحب نظران رسیده و هریک حاوی ۱۳ سوال در مقیاس لیکرت بود توسط شرکت کنندگان تکمیل شد (جمعا ۲۹۷۷ سوال). سوالات به سه دسته تقسیم شده بود ۱- سوالات مربوط به مسائل علمی کارگاه، ۲- سوالات مربوط به نحوه تعامل و ارتباط مخاطبین با کارگاه و ۳- سوالات مربوط به مسائل عمومی کارگاه، سپس داده ها با نرم افزار  $spss^{16}$  آنالیز گردید.

نتایج: در این مطالعه توصیفی تحلیلی، میانگین رضایتمندی مخاطبین از برگزاری کارگاهها ۸۴٫۴٪ بود که بین حداقل ۷۵٪ (کارگاههای مرور سیستماتیک و مدیکال ژورنالیزم) و حداکثر ۹۸٪ (کارگاههای مطالعات همگروهی و پروپوزال نویسی) درنوسان بود ضمناً "بیشترین رضایتمندی مربوط بود به مسائل علمی کارگاهها (غنی بودن محتوای علمی کارگاه و توالی منطقی موضوعات علمی مطرح شده) و کمترین رضایتمندی مربوط به نحوه تعامل و ارتباط مخاطبین با کارگاهها (خصوصاً فرصت ناکافی برای انجام بحث های گروهی و کافی نبودن تعداد روزهای برگزاری کارگاه برای رسیدن به اهداف مورد نظر).

نتیجه گیری: می توان نتیجه گرفت که در کل کارگاهها مورد اقبال و رضایت مخاطبین قرار گرفته ولی لازم است در برنامه ریزیهای بعدی نقاط ضعف مرتفع شود یعنی زمان کافی برای انجام بحثهای گروهی در نظر گرفته شود (طبق استاندارد لازم است ۲/۳ زمان کارگاه به کار و بحث گروهی و ۱/۶ به گزارش کار گروهی اختصاص یابد) ضمناً "تعداد روزهای برگزاری کارگاه برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده افزایش یابد.

همچنین پیشنهاد می شود به منظور ارتباط بهتر با مخاطب یک سوال باز در پرسشنامه قرار داده شود تا مخاطبین بتوانند هرگونه نقطه نظر و پیشنهادات خود را برای بهتر شدن کارگاهها به برگزار کنندگان منتقل نمایند.

واژه های کلیدی: کارگاه پژوهشی، رضایتمندی، علوم پزشکی

## بررسی نقش سئوالات آزمون در ایجاد تفکر انتقادی در چهارمین المپیاد علمی

دانشگاههای علوم پزشکی کشور از نظر دانشجویان شرکت کننده - بهمن ماه ۱۳۹۱

حبیب اله قمی\*، دکتر شاپور نادر فام، پریا پاشازاده، فاطمه اسکندری

\*مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

Email: Habibollahghomi6@gmail.com

**مقدمه:** تفکر انتقادی، تفکری است مستدل و منطقی در جهت بررسی و تجدید نظر در عقاید، نظرات، اعمال و تصمیم گیری درباره ی آنها بر مبنای دلایل و شواهد مؤید آنها و نتایج درست و منطقی که پیامد آنها است [هاشمیان نژاد ۱۳۸۰: ۱۹۸]. در دنیای پیچیده ی امروز، تغییرات زیادی در حال وقوعند و شاهد رقابت های بسیار فشرده ی جوامع در دستیابی به فناوری برتر هستیم. فرد و جامعه مجبورند تلاش کنند که از قافله جدا نمانند. در عصری که کتاب های درسی قبل از در آمدن از زیر چاب کهنه می شوند و بیش تر مشاغل، نوآوری های سریع و مداوم را تجربه می کنند، ناگزیر باید هدف های غایی و کلی آموزش تغییر یابند و به پرورش شیوه ی تفکر انتقادی در افراد به عنوان یکی از هدف های اصلی آموزش، بیش تر توجه شود. [امایز ۱۳۸۳]. لذا در این مقاله به نقش سئوالات آزمون چهارمین المپیاد علمی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی کشور در پرورش تفکر انتقادی پرداخته شده است.

**روشها:** مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی بوده و بصورت مقطعی است. جمع آوری داده ها از طریق ۴۸۰ پرسشنامه بصورت تصادفی ساده و حضوری در بین شرکت کنندگان چهارمین المپیاد علمی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی کشور در سال ۱۳۹۱ انجام گرفته که به تعداد ۳۱۰ پرسشنامه تکمیل و برگردانده شد، داده ها با استفاده از برنامه نرم افزاری SPSS و مقیاس لیکرت (کم=۱، متوسط=۲، زیاد=۳، خیلی زیاد=۴) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند روایی ظاهری و محتوی و اعتبار پرسشنامه به تایید استادان و کارشناسان صاحب نظر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز رسیده است و پایایی مطالعه بر اساس آزمون مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج:** بررسی نظرات دانشجویان شرکت کننده در چهارمین المپیاد علمی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی کشور از طریق نظر سنجی در خصوص نقش سئوالات در ایجاد تفکر انتقادی انجام گرفت. پس از پردازش داده ها، نتایج به شرح زیر از مقیاس چهار بدست آمدند: ۱۳،۱٪ از دانشجویان معتقدند که نقش سئوالات آزمون در ایجاد تفکر انتقادی خیلی کم است. ۳۲،۶٪ از دانشجویان معتقدند که نقش سئوالات آزمون در ایجاد تفکر انتقادی کم است. ۴۶،۲٪ از دانشجویان معتقدند که نقش سئوالات آزمون در ایجاد تفکر انتقادی زیاد است. ۸،۱٪ از دانشجویان معتقدند که نقش سئوالات آزمون در ایجاد تفکر انتقادی خیلی زیاد است.

**نتیجه گیری:** با عنایت به اینکه رشد و ایجاد تفکر انتقادی از اصول آموزش هر رشته ای مخصوصاً رشته های علوم پزشکی می باشد طراحی درسها و نیز آزمونها بر اساس ایجاد و تقویت تفکر انتقادی بسیار مهم و حائز اهمیت می باشد. و با عنایت به ماهیت آزمونهای المپیاد بنظر می رسد که این مهم در این آزمونها اهمیت بیشتری نیز داشته باشد. خوشبختانه بر اساس نظرات اکثریت دانشجویان شرکت کننده در چهارمین المپیاد علمی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی کشور (۵۴،۳٪)، سئوالات آزمون چهارمین المپیاد علمی دانشجویان علوم پزشکی در راستای تقویت تفکر انتقادی بوده است. و جا دارد که در طراحی آزمونهای سالهای آتی به این موضوع بیشتر پرداخته شود.

**واژه های کلیدی:** نظرات دانشجویان، تفکر انتقادی، سئوالات آزمون

## بررسی نقش آزمون چهارمین المپیاد علمی دانشگاههای علوم پزشکی کشور در تقویت مهارت حل مسئله - بهمن - ۱۳۹۱

مهستی علیزاده\*، ملیحه جعفریان، حبیب اله قمی، علیرضا زادگان، یاسین سلامی رنجبران

\*مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

Email: [alizadm@yahoo.com](mailto:alizadm@yahoo.com)

**مقدمه:** هر آزمونی به عنوان ابزار سنجش و اندازه گیری باید دارای روایی و پایایی کافی برای سنجش صفت موردنظر باشد. هدف از انجام این مطالعه بررسی وضعیت سئوالات آزمون چهارمین المپیاد علمی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی کشور در تقویت مهارت حل مسئله از دیدگاه دانشجویان شرکت کننده در المپیاد می باشد. در این پژوهش دیدگاههای دانشجویان در خصوص شیوه آزمون و نقش آن در تقویت حل مسئله مورد تحلیل قرار گرفته است.

**روشها:** مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی بوده و بصورت مقطعی است. جمع آوری داده ها از طریق ۴۸۰ پرسشنامه بصورت تصادفی ساده و حضوری در بین شرکت کنندگان چهارمین المپیاد علمی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی کشور در سال ۱۳۹۱ انجام گرفته کهبه تعداد ۲۲۲ پرسشنامه تکمیل و برگردانده شد. دادهها با استفاده از برنامه نرم افزاری SPSS و مقیاس لیکرت (بسیار کم=۱، کم=۲، زیاد=۳، بسیار زیاد=۴) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند روایی ظاهری و محتوی و اعتبار پرسشنامه به تایید استادان و کارشناسان صاحب نظر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تبریز رسیده است.

**نتایج:** بررسی نظرات دانشجویان شرکت کننده در چهارمین المپیاد علمی دانشگاههای علوم پزشکی کشور از طریق نظر سنجی در خصوص شیوه طراحی آزمون و نیز نقش سئوالات آن در تقویت حل مسئله انجام گرفت. پس از پردازش دادهها، نتایج به شرح زیر از مقیاس چهار بدست آمدند. در این بررسی مشخص شد که ۱۱٫۱٪ دانشجویان نقش این آزمون را در تقویت حل مسئله خیلی کم ، و ۲۹٫۶٪ آنان نقش آن را کم دانسته اند. در مقابل ۴۹٫۵٪ دانشجویان نقش این آزمون را در تقویت حل مسئله زیاد و ۹٫۷٪ دانشجویان نقش آن را خیلی زیاد دانسته اند.

**نتیجه گیری:** با عنایت به نظرات اکثریت دانشجویان شرکت کننده در چهارمین المپیاد علمی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی کشور، شیوه طراحی و نوع سئوالات آزمون دارای نقش زیادی در ایجاد و تقویت حل مسئله توسط دانشجویان دارد. با توجه به اینکه یکی از وظایف اساسی فارغ التحصیلان گروههای علوم پزشکی حل مسائل و مشکلات بهداشتی و درمانی و تصمیم گیری های درست و مناسب و بموقع می باشد تغییر در شیوه های آموزش و نیز ارزیابی های دانشجویان با شیوه ای که بتواند در مهارت آموزی حل مسئله کمک نماید بسیار حائز اهمیت می باشد. در طراحی آزمونهای المپیاد نیز لازم است از شیوه هایی که بیشتر از همه به تقویت مهارت حل مسئله کمک نماید استفاده گردد.

**واژه های کلیدی:** نظرات دانشجویان، آزمون، وضعیت سئوالات آزمون

## تحلیل کمی سوالات چهار گزینه ای آزمون های پایان ترم دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

با استفاده از نرم افزار تحلیل آزمون: ۱۳۹۱

مهدی ترسکی<sup>۱\*</sup>، علی حجازی<sup>۲</sup>، سید حمید حسینی<sup>۳</sup>، احمد صادقی<sup>۴</sup>  
<sup>\*</sup>کارشناس ارشد اقتصاد بهداشت، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

email: [mr\\_troski@yahoo.com](mailto:mr_troski@yahoo.com)

<sup>۱</sup>دکترای مدیریت خدمات بهداشتی- درمانی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۳</sup>کارشناس ارشد آموزش بهداشت، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۴</sup>دکترای مدیریت خدمات بهداشتی- درمانی دانشجوی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

مقدمه: آزمون های چند گزینه ای متداولترین آزمون های عینی هستند که در بخش یادگیری در زمینه های گوناگون تحصیلی کاربرد دارند. لذا نحوه طراحی و استاندارد بودن این سوالات اهمیت زیادی دارد. تجزیه و تحلیل کمی این سوالات فرآیندی است که بمنظور استاندارد نمودن و افزایش روایی آزمون ها انجام می شود بطوری که میزان دقت، دشواری و نارسائی تک تک سوالات مورد بررسی قرار می گیرد تا نقاط قوت، ضعف و کیفیت آنها تعیین گردد. این مطالعه به منظور به تحلیل کمی سوال های چهارگزینه ای آزمون های نیمه اول پایان ترم سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ انجام شده است.

روش ها: این مطالعه بصورت توصیفی-مقطعی به روش سرشماری بر روی ۹۸۱ سوال چهارگزینه ای آزمون های پایان ترم نیمه اول سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی انجام شد تجزیه تحلیل سوالات با استفاده از شاخص های ضریب دشواری و تمیز، قدرت افتراق و درجه دشواری توسط نرم افزار تحلیل آزمون صورت گرفت.

نتایج: نتایج مطالعه نشان داد که از مجموع ۹۸۱ سوال ۱۹ درصد (۱۸۶ سوال) خیلی دشوار، ۲۶ درصد (۲۵۵ سوال) دشوار، ۱۹/۴ درصد (۱۹۱ سوال) فوق العاده دشوار، ۲۰ درصد (۱۹۷ سوال) متوسط و ۱۵/۶ درصد (۱۵۳ سوال) ساده بودند و از نظر قدرت افتراق ۳۴/۶ درصد (۳۳۹ سوال) ضعیف، ۲۳/۷ درصد (۲۳۳ سوال) متوسط، ۲۲/۳ درصد (۲۱۹ سوال) خوب و ۱۹/۴ درصد (۱۹۰ سوال) منفی بودند. همچنین میانگین ضریب دشواری کل سوال ها ۰/۵۲ و میانگین ضریب افتراق ۰/۱۵ برآورد شد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه میانگین ضریب افتراق سوال ها کم می باشد و بیشتر از نصف سوال ها دارای قدرت افتراق ضعیف و منفی بین دانشجویان قوی و ضعیف بودند لذا پیشنهاد می گردد به منظور توانمند سازی اساتید در طراحی سوال ها بطور استاندارد و مناسب مسولین مربوطه (دانشکده ها و مرکز مطالعات آموزش پزشکی) برنامه ریزی منظم جهت آموزش اساتید در زمینه طراحی سوال های چهارگزینه ای و انواع ارزشیابی ها انجام دهند

واژه های کلیدی: تحلیل کمی، ضریب دشواری، ضریب تمیز، قدرت افتراق

## تحلیل محتوایی طرح دوره های ارائه شده توسط مدرسان دانشکده بهداشت مشهد درسال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱

حسین ابراهیمی پور\*، علی وفایی نجار، امین رضا امینی، سمیه نصرالهی، نسیم میرزایی، مهدیه سپاهی، الهه لعل منفرد

\* استادیار، گروه بهداشت و مدیریت، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران [ebrahimipourh@mums.ac.ir](mailto:ebrahimipourh@mums.ac.ir)

مقدمه: ارزیابی طرح دوره های آموزشی می تواند چگونگی اجرای فرآیند آموزش را مشخص نماید. این مطالعه با هدف تحلیل محتوایی طرح دوره های ارائه شده توسط مدرسان دانشکده بهداشت مشهد درسال تحصیلی ۱۳۹۱ انجام شده است.

روش ها: در این پژوهش توصیفی-مقطعی، از تعداد ۱۰۲ طرح دوره دروس اختصاصی دانشکده بهداشت مشهد که در نیم سال دوم سال تحصیلی ۹۱-۹۰ ارائه شده بود ۹۸ طرح دوره مورد ارزیابی قرار گرفت. جمع آوری داده ها با استفاده از یک چک لیست که سئوالات آن آیتم های مطرح شده در طرح دوره بود، انجام گرفت. برای تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی و آزمون آماری t مستقل و ANOVA استفاده شد.

نتایج: میانگین نمره ارزیابی طرح دوره ها  $23.2 \pm 3.2$  بود آزمون آماری t اختلاف معناداری را بین نمره ارزشیابی طرح دوره با وضعیت استخدامی و جنسیت مدرس نشان داد ( $p=0.00$ ) بالاترین نمره مربوط به آیتم هدف کلی درس (۹۲،۹٪)، سرفصل درس (۹۰،۸٪)، زمان بندی جلسات (۸۷،۸٪)، و بیشترین میزان نقصان مربوط به آیتم وسایل کمک آموزشی (۶۴،۳٪) و محیطه اهداف آموزشی و ابهام در افعال اهداف (۵۱٪) بود.

نتیجه گیری: نتایج نشان می دهد رعایت محتوا در اکثر آیتم های موجود در طرح دوره در حد قابل قبولی بود اما از آنجایی که طرح دوره پیش نیاز یادگیری و راهی برای ایجاد انگیزه، شناخت روشهای تدریس و شناخت اهداف تعلیم است، پیشنهاد می شود با تاکید از سوی مسئولین امر، رعایت دقت بیشتر در تدوین طرح دوره امری ضروری در نظر گرفته شود.

واژه های کلیدی: طرح دوره، استاد، تحلیل محتوا، کیفیت آموزش

## ارزیابی محیط آموزش بالینی از دیدگاه اساتید و دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم

### پزشکی ارومیه

داود رسولی\*، یوسف محمدپور، دکتر حسین حبیبزاده، حسین جعفری زاده  
\*نویسنده مسئول: مربی، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه  
E-mail: [rasouli\\_d@umsu.ac.ir](mailto:rasouli_d@umsu.ac.ir)

**مقدمه:** ارتقای کیفیت آموزش بالینی مستلزم بررسی مستمر وضعیت موجود عرصه های آموزش بالینی، شناخت نقاط قوت و اصلاح نقاط ضعف است. هدف از این مطالعه، ارزیابی عرصه های آموزش بالینی دانشکده پرستاری و مامایی از دیدگاه مدرسان و دانشجویان این دانشکده بود.

**روش ها:** این بررسی، توصیفی از وضعیت موجود در عرصه های آموزش بالینی است که در نیم سال اول سال تحصیلی ۹۱ دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه انجام گرفت. جامعه پژوهش مدرسان بالینی و دانشجویان دانشکده پرستاری بودند که به روش سرشماری در طی ۴ جلسه ای که با اعضای گروه های مختلف داخلی و جراحی، کودکان، بهداشت و روان پرستاری گذاشته شد، انتخاب گردیدند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه ای مشتمل بر دو بخش: مشخصات دموگرافیک مدرسان بالینی، و ویژگی های عرصه آموزش بالینی که شامل ۵ قسمت ویژگی های برنامه مدون آموزش در عرصه، عرصه های یادگیری مناسب، شیوه آموزش، شیوه ارزشیابی و سایر شاخص ها بود.

**نتایج:** اکثریت مربیان و دانشجویان دسترسی به امکانات رفاهی در محیط بالین (مربی ۷۰٪، دانشجو ۸۰٪)، کفایت تسهیلات آموزشی در محیط بالینی (مربی ۵۰٪، دانشجو ۸۰/۳٪) نسبتاً ضعیف و ضعیف ارزیابی کرده اند. اکثریت دانشجویان و مربیان مشکلاتی از قبیل ارتباط نامطلوب پرسنل مراکز (مربی ۹۵٪، دانشجو ۸۹/۶٪) پیروی از عادات نادرست حاکم بر محیط (مربی ۷۰٪، دانشجو ۹۰٪) سرگردانی دانشجو در غیاب مربی (مربی ۸۹٪، دانشجو ۸۷/۴٪) را عنوان نموده اند بین میانگین نمره دیدگاه مربیان و دانشجویان مامایی اختلاف معنی دار آماری وجود داشت ( $p = 0/047$ ). بیشترین مشکلات محیط آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان مورد پژوهش بترتیب "کمبود وسایل لازم جهت انجام روشهای پرستاری" و "عدم وجود سیستم ثبت و گزارش نویسی مطابق با استانداردهای پرستاری" تبعیض بین دانشجویان پرستاری و سایر دانشجویان علوم پزشکی "عدم بکارگیری تکنیکهای صحیح پرستاری در بالین" مهمترین مشکلات محیط آموزش بالینی بودند.

**نتیجه گیری:** گرچه برخی از ابعاد عرصه های آموزش بالینی خوب و عالی است، اما تقویت جنبه های مثبت و اصلاح نقائص می تواند گامی مؤثر در راستای ارتقای کیفیت آموزش بالینی باشد. با ارزیابی های مکرر عرصه های بالینی و مقایسه وضعیت موجود با وضعیت قبل و یا بعد نقاط ضعف و قوت مؤثر در آموزش بالینی شناسایی گردد.

**واژه های کلیدی:** آموزش بالینی، عرصه های آموزشی، دانشجو و مدرس پرستاری

## ارزیابی دانشجویان پزشکی بر اساس بازتاب مستند مجموعه عملکرد فراگیران

شهناز احمدی\*، الهام رحمانی

\*دانشیار دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

[Ahmadishahnaz2005@yahoo.com](mailto:Ahmadishahnaz2005@yahoo.com)

استادیار دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

**مقدمه:** دستیابی به کیفیت بهینه فرایندهای آموزشی و نقش اساسی آنها در شکل دهی نگرش فراگیران باعث شده که روشهای سنتی آموزشی جای خود را به روشهای نوین آموزشی بدهند. به این منظور امروزه گسترش حیطه های ارزیابی از سنجش دانش به سوی مجموع وسیعتری از توانمندیها و فعالیت های آموزشی فراگیران برای عملکرد بهینه در آینده ضروری به نظر می رسد. یکی از این روشها روش بازتاب مستند مجموعه عملکرد فراگیران (portfolio) است.

**روشها:** در این روش دانشجویان پزشکی (مقطع اینترنی) تمام کارهایی که در بخش زنان می آموزد و انجام می دهد همراه تمام مدارک و مستندات که میتواند شامل فیلم، نوار ویدئویی، نوار صوتی، صدای ضبط شده، عکس و سایر اطلاعات باشد در مجموعه ای جمع اوری می کند و ارزیابی توسط استاد مربوطه در پایان ماه صورت می گیرد و باعث میشود که آموزشهایی که از دانشجو انتظار میرفته چنانچه نیاموخته باشد در جهت آموزش آنها کام بردارد.

**نتایج:** به کمک این روش دانشجو نقش فعالی در سنجش خود داشته است. سنجش وی توسط استاد بهتر انجام می شود. ارتباط استاد و دانشجو بهتر بوده است. و همچنین مسئولیت پذیری دانشجو افزایش یافته بود.

**نتیجه گیری:** این روش یکی از بهترین روشهای آموزشی بوده است که علاقمندی دانشجو به انجام فعالیت ها و علاقمندی به بخش زنان را افزایش داده است.

**واژه های کلیدی:** آموزش، ارزیابی، فراگیر





## توانمندسازی دانشجویان کارشناسی ارشد علوم تشریحی با ایفای نقش در محیط شبیه سازی شده و واقعی

دکتر امراله روزبهی

دانشکده پزشکی یاسوج

arozbehi@yahoo.com

**مقدمه:** یکی از نقشهای آینده دانشجویان تحصیلات تکمیلی آموزش و ارزشیابی می باشد. باید ضمن توجه به تسلط دانشجویان به محتویات رشته تحصیلی و حصول توانمندی های مرتبط به این دو مقوله در تربیت دانشجویان کارشناسی ارشد رویکرد علمی داده شود. بدون شک عواملی چون شخصیت مدرس، زمینه های علمی-تجربی و روابط اجتماعی او، در کیفیت تدریس مدرس تاثیر می گذارد که نباید مورد غفلت قرار گیرند. شبیه سازی، نمایش مجدد یا خلق مجدد یک شیء یا موضوعی واقعی یا موقعیت است که همانند آینه، واقعیات را همانندسازی کرده و نسخه ای از برخی وسایل حقیقی یا موقعیتهای کاری است که تلاش میکند تا جنبه های رفتاری یک سیستم فیزیکی یا انتزاعی را به وسیله رفتار سیستم دیگری نمایش دهد. هدف از مطالعه بررسی تاثیر تدریس شبیه سازی شده و تدریس واقعی بر افزایش مهارت دانشجویان کارشناسی ارشد علوم تشریحی بوده است.

**روش ها:** دانشجویان کارشناسی ارشد در درس بافت شناسی با استفاده از نرم افزارهای Adobe, Camtasia, Snagit, Editor و پاورپوینت، سخنرانی شبیه سازی شده ای انجام داده و آنها را تبدیل به ویدئو نمودند که توسط همکلاسیان و اساتید نقد گردید. سپس در محیط واقعی و با حضور استاد مربوطه هر کدام یک جلسه به دانشجویان پزشکی، تدریس نمودند. توسط دانشجویان پزشکی با ملاکهای ده گانه مهارت تدریس با پرسشنامه لیکرت از تدریس آنها ارزیابی بعمل آمد. در یک جلسه فید بک نکات نقاط قوت و ضعف آنها گفته شد تا در جلسه بعد با کیفیت بهتری تدریس صورت گیرد. بعد از تدریس جلسه دوم دوباره ارزشیابی صورت گرفت.

**نتایج:** میانگین موارد ارزشیابی شده بعد از جلسه دوم؛ ارائه برنامه و بیان اهداف کلی درس، آمادگی و تنظیم قبلی، تسلط بر موضوع، قدرت تفهیم و انتقال مفاهیم اصلی، استفاده از وسایل کمک آموزشی، ایجاد انگیزه علمی در دانشجویان و جلب مشارکت در مباحث، بیان مثالهای روشن و متناسب با موضوع درس، استقبال از نظرات و سئوالات دانشجویان و برخورد اجتماعی و ایجاد احترام و اعتماد متقابل نسبت به بعد از جلسه اول افزایش نشان داد.

**نتیجه گیری:** دانشجویان ارشد نسبت به اینکه این فرایند آموزشی در شغل آینده آنها مفید خواهد بود واقف بودند. با برنامه ریزی قبلی انیمیشن های خوبی تهیه کرده بودند بخصوص برای مطالبی که تفهیم آن سخت بود و از طرف دیگر اسلایدها و مطالب مفید کلینیکی در کلاس ارائه نمودند. توصیه میگردد در توانمند سازی دانشجویان تحصیلات تکمیلی برنامه های مفید آموزشی زیر نظر متخصصین آموزش پزشکی پیاده گردد.

**واژه های کلیدی:** شبیه سازی، ایفای نقش، تدریس و فیدبک

## بررسی عملکرد پزشکان عمومی شهر اصفهان در زمینه مدیریت چاقی از طریق

### مشاهده مستقیم با استفاده از بیمارنا

نازیلا کسایان\*، سپیده جمشیدیان، زمزم پانکهاد، محمد حسن انتظاری، طاهره چنگیز

دانشجو دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

kasaeian@idrc.mui.ac.ir

**مقدمه:** پاندمی چاقی و اضافه وزن یکی از مهمترین مشکلات بهداشتی دنیای امروز به شمار می رود. با توجه به نقش مهم پزشک عمومی به عنوان اولین مرجع در سیستم جدید بهداشتی درمانی کشور، این مطالعه برای اولین بار در کشور جهت بررسی عملکرد پزشکان عمومی در حوزه مدیریت چاقی و اضافه وزن طراحی و اجرا گردید. روش ها: در یک مطالعه مشاهده ای مقطعی ۸۸ پزشک عمومی دارای مطب خصوصی در شهر اصفهان در تابستان ۱۳۹۱ به طریق تصادفی آسان وارد مطالعه شدند.

به منظور تعیین عملکرد این پزشکان در حوزه مدیریت چاقی و اضافه وزن، ۱۰ فرد چاق یا دارای اضافه وزن ( $BMI > 25$ ) داوطلب به عنوان بیمارنا تحت آموزش قرار گرفته و طی چند مرحله ارزیابی نهایتاً ۴ نفر که از نظر ایفای نقش و تکمیل چک لیست مورد تأیید قرار گرفتند انتخاب شدند. چک لیست، برای ثبت نحوه عملکرد پزشک در حیطه های شرح حال گیری (۵۰ گویه)، معاینات و اندازه گیری (۱۳ گویه)، توضیحات (۱۸ گویه)، تجویز دارو (۳ گویه)، اقدامات (۱۲ گویه) و ارجاع به متخصص (۹ گویه) به علاوه ۹ سوال باز بود که نمرات آنها بر اساس وزن های داده شده در مقیاس ۱۰۰ محاسبه گردید. روایی چک لیست ها طی پرسش و پاسخ در جلسات آموزشی بیمارناها و نظر گروه Expert و پایائی آنها با آلفای کرونباخ  $0/91$  و آزمون همبستگی درون طبقه ای با مقدار  $r=0/899$  مورد تأیید قرار گرفت. جهت مقایسه نمرات عملکرد پزشکان با نمره قابل قبول (نمره کل و نمره هر حیطه) و ارتباط نمره عملکرد با سن، جنس، و سابقه کار پزشک از آزمونهای T-test، و Pearson coefficient استفاده و  $P < 0/05$  معنی دار تلقی گردید.

**نتایج:** از بین پزشکان مورد بررسی ۵۳ نفر به طور تخصصی در حوزه مدیریت چاقی / اضافه وزن فعالیت می کردند که اطلاعات ۲ نفر به دلیل اینکه در مطب خود به صورت گروهی و با مشارکت متخصص تغذیه فعالیت می کردند حذف شد. میانگین نمره کسب شده از پزشکان تحت بررسی در حیطه های شرح حال گیری، معاینه و اندازه گیری، توضیحات، اقدامات و درکل بر مبنای ۱۰۰ به ترتیب  $12/4 \pm 14/4$ ،  $21/7 \pm 22/5$ ،  $23/7 \pm 28/8$ ،  $21/6 \pm 14/8$  و  $10/5 \pm 16/2$  بود. حداقل نمره قابل قبول در حیطه های فوق به ترتیب ۶۰، ۶۳، ۷۳، ۶۸ و درکل ۶۵ بر مبنای ۱۰۰ بود که اختلاف در همه حیطه ها معنی دار بود ( $p < 0/001$ ). نمره اخذ شده از هر یک از حیطه ها و درکل با سن، جنس و سابقه کار پزشکان تحت بررسی ارتباطی نداشت.

**نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه نشان داد که عملکرد پزشکان عمومی که در حوزه مدیریت چاقی / اضافه وزن فعالیت می کردند بسیار پایین تر از حد قابل انتظار می باشد و ارتباطی هم با سن، جنس و سابقه کار پزشک ندارد. به نظر می رسد که آموزش این پزشکان چه قبل از فارغ التحصیلی و چه پس از آن بایستی مورد بازنگری از نظر مشاوره رژیم درمانی چاقی قرار گیرد.

**واژه های کلیدی:** پزشک عمومی؛ عملکرد؛ مدیریت وزن

## بررسی تاثیر ترسیم نقشه مفهومی در بهبود یادگیری ایمنولوژی در چهار دانشکده از

### دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

نادره نادری

بخش ایمنولوژی دانشکده پزشکی بندرعباس، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

مرکز تحقیقات پزشکی مولکولی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

Naderi@hums.ir

**مقدمه:** آموختن طیفی بین دو نوع یادگیری حفظی و مفهومی است. وظیفه مدرس سوق دانشجویه سوی یادگیری مفهومی است. یکی از روشهای نوین تدریس قابل اجرا استفاده از ترسیم نقشه مفهومی یا (CM) concept map است. هدف این تحقیق بررسی تاثیر ترسیم نقشه مفهومی در یادگیری ایمنولوژی در چهار دانشکده از دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان از طریق انجام مصاحبه و بررسی ماندگاری آموخته ها در دانشجویان پزشکی از طریق برگزاری آزمون بود.

**روشها:** طی دونیمسال تحصیلی در سال ۱۳۹۱ پانزده واحد درس ایمنولوژی در دانشکده پزشکی، دانشکده پیراپزشکی، دانشکده دندانپزشکی و دانشگاه بین الملل قشم با استفاده از ترسیم نقشه مفهومی تدریس گردید. جامعه پژوهش برای انجام مصاحبه کلا ۱۹۹ نفر و برای بررسی میزان ماندگاری اطلاعات (دانشجویان پزشکی ورودی ۱۳۸۹) ۷۶ نفر بود. مراحل اجرا شامل توجیه دانشجویان، تعیین موضوعات نقشه مفهومی، تصحیح نقشه ها، بازخورد به دانشجویان و مصاحبه با آنها بود. برای بررسی میزان ماندگاری اطلاعات دانشجویان رشته پزشکی پس از اعلام نمرات نهایی ایمنولوژی به دو گروه کیس {افرادى که نقشه مفهومی می کشیدند (CM+)} و کنترل {افرادى که افرادی که نقشه مفهومی نمی کشیدند (CM-)} تقسیم شدند. سپس افرادی از دو گروه که از نظر نمره نهایی ایمنولوژی match بودند انتخاب شده و در تحقیق شرکت داده شدند (هر گروه شامل ۱۳ نفر) و بعد از گذشت ۱۱ ماه از امتحان پایان ترم ایمنولوژی دو گروه CM-، CM+ با یک امتحان ۱۴ سوالی در خصوص مباحث کلیدی مجددا ارزیابی شد. در این امتحان ۷ سوال مفهومی و ۷ سوال حفظی گنجانده شده بود. نمرات بدست آمده با استفاده از تستهای Chi-Square و t-test آنالیز گردید.

**نتایج:** تقریباً همه افرادی که اقدام به ترسیم نقشه مفهومی می نمودند (۵۸٪ شرکت کنندگان) به تاثیر مثبت ترسیم نقشه مفهومی در یادگیری تاکید داشته، آن را در ارتقا دید کلی نگر، درک بهتر روابط، ارتقا توانایی تفکر انتقادی، صرفه جویی در زمان در امتحان پایان ترم، علاقمندی به ایمنولوژی و در کسب نمره در امتحان موثر می دانستند و از این روش راضی بودند. از بین نفر ۱۱۵ دانشجوی که از نقشه مفهومی استفاده کردند فقط ۲ دانشجو ترسیم نقشه مفهومی را بر یادگیری موثر نمی دانستند. نتایج آماری بدست آمده نشان می دهد که تفاوت معنی داری بین میانگین نمرات حاصل از سوالات مفهومی و همچنین در سوالات حفظی ایمنولوژی در دو گروه CM-، CM+ وجود ندارد.

**نتیجه گیری:** علیرغم اعلام رضایت دانشجویان از تاثیر مثبت ترسیم نقشه مفهومی در یادگیری درس نتایج نشان می دهد که ترسیم نقشه مفهومی نتوانسته بر ماندگاری آموخته های ایمنولوژی موثر باشد و لازم است که ضمن علت یابی نتایج آماری این فرایند روش استفاده از نقشه مفهومی مورد تجدید نظر قرار گیرد.

**واژه های کلیدی:** نقشه مفهومی، روشهای تدریس، دانشجویان پزشکی

## بررسی تاثیر ادغام دو متد در آموزش انگل شناسی پزشکی برای دانشجویان

### پزشکی و داروسازی در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

مهدی وجدانی\*، آرزو شمسیان ، ناصر نظری ، یزدان حمزوی ، منصور رضائی ، سینا وجدانی

\*دپارتمان انگل شناسی و قارچ شناسی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

**مقدمه:** آموزش دادن انگل شناسی پزشکی در تمامی دانشکده های پزشکی ایران منجمله کرمانشاه با روش رایج و استاد محور ارائه می گردد. در بعضی دانشکده های پزشکی و دامپزشکی دنیا انگل شناسی بصورت روش حل مسئله پیشنهاد شده است. آموزش انگل شناسی با روش حل مسئله در دانشکده پزشکی کرمانشاه تاکنون بصورت طرحی مقطعی انجام نشده است، هدف از این مطالعه ادغام دو متد در آموزش انگل شناسی است. غالباً فراگیری انگل شناسی در بخش نظری و عملی بصورت استاد محور انجام می گیرد. در این دانشگاه دوره انگل شناسی در ترم پنجم ارائه می شود و دانشجو باید دروس باکتری، ویروس شناسی و ایمنو لوژی را گذاراند باشد، تقریباً ۵۰ ساعت نظری و ۱۶ ساعت عملی بصورت مدون برنامه ریزی شده است. **روش ها:** در این مطالعه سه روش برای فراگیری انگل شناسی به یادگیرندگان رشته پزشکی و داروسازی استفاده شد. روش استاد محور یا *disciplinary* یا *LBL*، روش حل مسئله با تاکید بر اندام های آلوده به انگل یا *PBL* و ادغام دو روش *PBL-LBL*. مجموعاً ۹۴ دانشجو در این مطالعه شرکت نمودند. تست آماری کاپا و پیرسون کای اسکوارد و نرم افزار *SPSS* نسخه ۱۶ برای تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار گرفت.

**نتایج:** در این مطالعه ۸۲٫۹ درصد از فراگیران روش استاد محور یا *LBL* انگل شناسی پزشکی را تائید و پاسخ مثبت دادند. ۶۴٫۹ درصد روش حل مسئله با تاکید بر اندام گرفتار یا *PBL* را ترجیح دادند. ۹۲٫۸ درصد از فراگیران دانشجویان رشته پزشکی و ۸۹٫۵ درصد از فراگیران رشته داروسازی روش ادغام شده *PBL-LBL* را در فرایند یادگیری موثرتر ذکر نمودند. ۹۶٫۸ درصد از مجموع فراگیران طرح امتحان نهائی بصورت چهار جوابی را ترجیح دادند، ۶۲٫۸ درصد طرح سوال بصورت تاریخچه از بیماری انگلی را ارجحیت دادند و ۲۱٫۳ درصد از فراگیران سوالات تشریحی را بهترین راه ارزشیابی دانستند. از بین فراگیران ۹۷٫۹ درصد به تاثیر رفتار یاد دهنده در نتیجه فراگیری پاسخ موافق دادند و ۶۷ درصد به بی تاثیر بودن تعداد مقالات چاپ شده یاد دهنده در مجلات علمی و نقش آن در فراگیری درس انگل شناسی نظر دادند. اکثریت فراگیران هر دو رشته تحصیلی در استفاده از *Log book* در بخش عملی انگل شناسی علاقمندی نشان دادند، و تفاوت معنی داری بین آنها مشاهده نگردید ( $P < 0.005$ ). آنالیز آماری کاپا نشان داد که توافق جزئی بین روش استاد محور یا *LBL* و *PBL* کاپا برابر ۰/۰۴. ۹۱٫۵ کل در صد فراگیران دانشجویان پزشکی و داروسازی روش ادغام شده *PBL* و *LBL* را در آموزش دادن انتخاب کردند و بین جنس مذکر و مؤنث تفاوت معنی داری مشاهده نگردید ( $P > 0.05$ ).

**نتیجه گیری:** روش های متنوعی برای آموزش انگل شناسی پزشکی برای فراگیران در دانشکده های پزشکی دنیا ارائه شده است. روش جدید و متوازی با برنامه آموزشی می تواند باعث افزایش انگیزه و بهبود آموزش فراگیران گردد. فراگیران در مواجهه شدن با بیماریهای انگلی در کشور های در حال رشد گرمسیری و تحت گرمسیری نیاز به تشخیص درست و تصمیم گیری مناسب دارند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که ن روش توأم *PBL* و *LBL* بصورت طرحی اولیه و بعنوان متدی مناسب و انگیزشی در فراگیری آموزش انگل شناسی پزشکی در دانشکده های پزشکی و انستیتو های وابسته به آن محسوب می شود و دانشجو در آینده شغلی خویش در مواجهه شدن با بیماری های انگلی در اندام های گرفتار و بدخیم توان تصمیم گیری موثرتری را از خویش نشان خواهد داد. بهر جهت این دو روش بطور جداگانه انگیزه و تاثیر فراگیری کمتری را داشتند در حالیکه ادغام این دو کمک می نماید تا فراگیران درک درستی از این دوره آموزشی داشته باشند.

## چکیده مقالات چهاردهمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

---

واژه‌های کلیدی: PBL، LBL، Disciplinary approach، انگل شناسی، روش آموزش

## بررسی تاثیر جنبه های مختلف رفتار رهبری در کلاس بر یادگیری از دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی لرستان

فریده ملکشاهی

دانشجوی دکترای آموزش بهداشت و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی لرستان  
malekshahif@yahoo.com

**مقدمه:** آموختن فرایند پیچیده ای است که هرگونه ساده نگری در آن می تواند به هدر رفتن نیروها و امکانات بیانجامد عدم شیوه های درست رهبری در کلاس، استفاده نکردن از راهها و ابزارهایی که شیوه های آموزشی را بهبودی می بخشد، میزان یادگیری را کاهش می دهد. در این راستا پژوهشی توصیفی - تحلیلی با هدف تعیین تاثیر جنبه های مختلف رهبری در کلاس بر یادگیری از دیدگاه اساتید دانشگاه علوم پزشکی لرستان انجام شد.

**روشها:** در این پژوهش کلیه اساتید نمونه های ما را تشکیل می دادند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه مشتمل بر مشخصات فردی و پرسشنامه رهبری در کلاس دارای ۱۸ سوال استفاده شد. از طیف لیکرت جهت امتیاز بندی سوالات استفاده شد. اطلاعات جمع آوری و با آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** نتایج نشان داد که از نظر رفتارهای رهبری در کلاس ۲۳/۵٪ عامل به دادن آزادی عمل نبودند. ۳۵/۳٪ معتقد بودند نظرات آنها به نفع کلاس است، ۳۵/۳٪ واحدها فقط خود ارائه دهنده بحث بودند. ۳۲/۴٪ گاهگاهی به اعضای کلاس اجازه می دادند مطابق میل خود عمل نمایند. ۸/۸٪ همواره خود تصمیم گیری می نمودند. ۷۶/۴٪ خود برنامه کلاسی را تنظیم می نمودند.

**نتیجه گیری:** بنابراین با توجه به اینکه یادگیری منشاء اطلاعات، عادات، مهارتها، نگرشها، اعمال و رفتارهای ما است با ایجاد شرایط یادگیری مناسب، شیوه های رهبری مناسب و... به اهداف آموزش که همان یادگیری است دست یافت. اطلاعات کامل در اصل مقاله عنوان خواهد شد.

**واژه های کلیدی:** رفتار، جنبه های مختلف، رهبری، اساتید، یادگیری

## مقایسه اثر بخشی رویکرد آموزش عمودی با افقی بر عملکرد تیم‌های احیای

### قلبی-ریوی

دکتر محسن شهریاری<sup>۱</sup>، نرگس فخاری<sup>۲</sup>، محمد فخاری اسفربزی<sup>۳\*</sup>

استادیار، گروه داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران

<sup>۲</sup>کارشناس ارشد پرستاری، بیمارستان شهید اشرفی، خمینی شهر، اصفهان، ایران

<sup>۳\*</sup>دانشجوی دکترای آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران

fakharedc@gmail.com

**مقدمه:** احیاء قلبی - ریوی نیاز به همکاری و تلاش یک تیم دارد و هر تیم نیازمند رهبری است که دارای مهارت‌های لازم برای هدایت تیم احیا داشته باشد. در آموزش عمودی که در کشور ما رایج است، افراد حرفه‌ای به صورت انفرادی تمامی موارد مهم را آموزش می‌بینند. ولی آموزش افقی احیا بر همکاری تیمی و دادن وظیفه بر اساس توانایی هر فرد تاکید می‌گردد. این تحقیق با هدف مقایسه اثربخشی دو رویکرد آموزش عمودی و افقی احیای قلبی ریوی بر عملکرد تیم‌های احیا در مدیریت احیای قلبی ریوی ماکت شبیه سازی شده انجام گرفت

**روش‌ها:** این مطالعه در دو بیمارستان که یکی از آنها آموزش احیا با رویکرد عمودی و یکی آموزش با رویکرد افقی ارائه شد. از یک بیمارستان ۱۶ نفر و از بیمارستان دیگر ۱۸ نفر وارد مطالعه شدند. در بیمارستان با رویکرد عمودی، افراد به صورت فردی تمامی نکات را مورد نیاز فرد احیا کننده را فرا گرفتند. در بیمارستان با رویکرد افقی، افراد در تیم‌های ۴ نفره دسته بندی شدند و آموزش بر اساس نقش افراد در تیم احیا و نحوه مدیریت تیم داده شد. در پایان - در هر دو بیمارستان- افراد در تیم‌های ۴ تا ۵ نفره، در محیط شبیه سازی شده یک ماکت کامل انسان را احیا نمودند. دو مشاهده گر مدت زمان هر اقدام را از زمان شروع احیای قلبی- ریوی ماکت ثبت نمودند. سپس میانگین مدت زمان نهفتگی (تاخیر) در ارائه اقدامات در دو بیمارستان مقایسه گردید. از پرسشنامه LBDQ برای سنجش عملکرد رهبری در تیم استفاده شد.

**نتایج:** مدت زمان تاخیر در انجام لوله گذاری داخل تراشه، تاخیر در دفیبریلاسیون بعد از مشاهده فیبریلاسیون بطنی و مدت زمان تاخیر در تزریق داروی اپی نفرین و آتروپین در گروه آموزش افقی نسبت به گروه آموزش عمودی به صورت معنی داری کاهش پیدا نمود. میانگین نمره پرسشنامه LBDQ در گروه آموزش افقی به طور معنی داری بالاتر بود. در این مطالعه موانع شبیه سازی بازخورد اقدامات به افراد تیم با استفاده از ماکت کامل انسان وجود داشت.

**نتیجه‌گیری:** اگرچه این مطالعه گروه آموزش افقی عملکرد بهتری را نشان دادند ولیکن باید این مطالعه در نمونه های بزرگتری اجرا گردد. همچنین لازم است در خصوص رفع موانع شبیه سازی بازخورد برای فراگیران تحقیقات بیشتری صورت گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** احیای قلبی-ریوی، رویکرد افقی، تیم احیا



## بررسی اثر آموزش به روش نقشه مفهومی بر یادگیری عمیق در دوره های آموزش مداوم پرستاران

احمد تجملیان<sup>۱</sup>، جواد کجوری<sup>۲\*</sup>، میترا امینی<sup>۳</sup>، محمد حسین مشتاقیون<sup>۴</sup>، محمد حسین احمدیه<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

<sup>۲\*</sup> دکترای تخصصی قلب و عروق، استاد، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی شیراز

<sup>۳</sup> دکترای تخصصی پزشکی اجتماعی، دانشیار، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

<sup>۴</sup> دکترای تخصصی بیهوشی قلب، استادیار، مرکز تحقیقات قلب و عروق یزد، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ایران

<sup>۵</sup> کارشناس ارشد آمار زیستی، مربی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی یزد، ایران

kojurij@yahoo.com

**مقدمه:** دستیابی به یادگیری عمیق و معنادار از اهداف مهم آموزش و از نیازهای اساسی در هر رشته ای می باشد. بازتاب، یادگیری خود محور، پرسشگری و نقشه مفهومی از جمله روشهای موثر در دستیابی به این هدف مهم (یادگیری عمیق) می باشند (۱). نقشه مفهومی ابزار جدیدی است که یادگیری را بر پایه دانش قبلی فرد و ایجاد ارتباط بین مفاهیم مرتبط با آن قرار می دهد (۲). هدف نقشه مفهومی آموزش چگونه یاد گرفتن است (۳). مطالعه حاضر با هدف بررسی اثر آموزش به روش نقشه مفهومی بر میزان یادگیری عمیق در دوره های آموزش مداوم پرستاران انجام شده است.

**روش ها:** ۸۵ نفر از پرستاران زیر ۴۰ سال شاغل در بیمارستان افشار یزد، شرکت کننده در دوره بازآموزی اختلالات اسید و باز (در فاصله زمانی ۶ ماهه اول ۹۱) در یک مطالعه تحلیلی به صورت تصادفی انتخاب و در گروههای "طراحی ۴ گروهی سولومون" قرار گرفتند. پیش آزمون و پس آزمون و جلسات آموزشی گروههای مورد و شاهد طبق طراحی مذکور انجام شد. آزمون یادآور ۶ ماه بعد انجام شد. ورود داده ها در SPSS انجام شد.

**نتایج:** افزایش نمره یادگیری سطحی در هر دو گروه از نظر آماری معنی دار بود ( $p=0/000$ ). تفاوت میانگین نمرات مذکور بین دو گروه معنی دار بوده، و روش سنتی در افزایش یادگیری سطحی موفق تر عمل کرده است ( $p=0/44$ ). نمرات یادگیری عمیق وکل نیز در هر دو گروه افزایش معنی داری داشتند ( $p=0/000$ )، اما تفاوت معنی داری از نظریادگیری عمیق و کل بین دو گروه وجود نداشت. نتایج آزمون یادآور بیانگر اثر بیشتر آموزش به روش نقشه مفهومی بر میزان یادگیری عمیق در مقایسه با آموزش سنتی بود، ولی تفاوت معنادار آماری بین دو گروه وجود نداشت ( $p=0/169$ ).

**نتیجه گیری:** آموزش به روش نقشه مفهومی در افزایش دانش عمیق و معنادار در دراز مدت موثر می باشد. در کوتاه مدت ودر دستیابی به دانش سطحی، آموزش به روش سنتی موثرتر میباشد.

**واژه های کلیدی:** نقشه مفهومی، یادگیری عمیق، آموزش مداوم، پرستاران، یادگیری سطحی

## ارزیابی کاربرد آموزش از طریق بیماران شبیه سازی شده توسط همتایان در تجارب

### کارآموزان پرستاری بخش روانپزشکی

مریم مدی نشاط<sup>۱\*</sup>، محبوبه طباطبایی چهر<sup>۲</sup>، ویدا طبیبی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> کارشناس ارشد روانپرستاری، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد مامایی، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد داخلی جراحی، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

Neshat\_maryam@yahoo.com

**مقدمه:** یکی از نقشهای مربیان روانپرستاری کمک به دانشجویان بمنظور آگاه کردن آنها از قدرت مصاحبه و گسترش مهارتهای ارتباطی خوب با بیماران است کاربرد بازیگران واقعی یا همان بیمار شبیه سازی شده می تواند رویکردهای آموزشی مربوط به کسب مهارتهای روانپرستاری را ارتقاء دهد. لذا این مطالعه با هدف ارزیابی کاربرد آموزش از طریق بیماران شبیه سازی شده (Standardized Patients) توسط همتایان در تجارب کارآموزان پرستاری بخش روانپزشکی بیمارستان آموزشی امام رضا (ع) دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی انجام شد.

**روش‌ها:** از فوکوس گروه جهت بدست آوردن نظرات و عقاید دانشجویان در مورد تجربه بیماران شبیه سازی شده استفاده شد ۱۸ دانشجوی پرستاری به روش نمونه گیری دردسترس انتخاب شدند و هر دو نفر به روش بیمار استاندارد شده یک مصاحبه روانپزشکی انجام دادند زمان اجرای این مطالعه نیم سال اول ۹۱-۹۲ بود از روش آنالیز محتوی به صورت کد و طبقه بندی جهت آنالیز اطلاعات استفاده شد.

**نتایج:** همه دانشجویان تجربه قبلی ایفای نقش و آموزش از راه فیلم را در بخش روانپزشکی نداشتند در بررسی نقطه نظرات دانشجویان به مواردی از جمله: دشواری آغازین، پویایی ذهن، تعامل، یادگیری مطلوب اشاره نمودند

**نتیجه‌گیری:** بیمار شبیه سازی شده جهت گروههای پرستاری اجرا شد و توانست تجربه مطلوبی در دانشجویان ایجاد نماید. بیمار شبیه سازی شده دانشجویان را با تجارب شبیه سازی شده دقیق و پایدار مواجه می کند آنها مشکلات اصلی بیماران را تقلید می کنند و تعاملات قابل اطمینان را ارائه می نمایند و بازخورد های ارزشمندی به دانشجویان و دانشکده راجع به مهارتهای بالینی، گرفتن تاریخچه، آموزش بیمار، تعاملات درمانی و نقاط قوت و ضعف برنامه آموزشی تحصیلی ارائه می دهند توصیه می شود جهت دستیابی به نتایج مطلوب تر این روش آموزشی تداوم داشته باشد

**واژه‌های کلیدی:** ایفای نقش، بیمار استاندارد شده، روانپرستار

## مقایسه روش‌های آموزشی سخنرانی رو در رو، اینترنتی تعاملی و بر پایه کامپیوتر در میزان یادگیری دانشجویان پزشکی؛ یک کارآزمایی رندم شده کنترل دار

دکتر امیرحسین امامی<sup>۱</sup>، دکتر آیین محمدی<sup>۲\*</sup>، دکتر ریتما مجتهدزاده<sup>۳</sup>،

سمانه رحمنی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>گروه بیماری‌های داخلی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۲\*</sup>مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۳</sup>دانشکده مجازی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۴</sup>گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

aeen\_mohammadi@tums.ac.ir

**مقدمه:** مقایسه روش‌های جدید آموزش با روش‌های سنتی به تعیین بهترین روش‌های آموزش کمک می‌کند. در این مطالعه روش سخنرانی، روش تعاملی مبتنی بر اینترنت و روش مبتنی بر کامپیوتر (سخنرانی همزمان با اسلایدها) از نظر میزان رضایت و پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی مورد مقایسه قرار گرفتند.

**روش‌ها:** مطالعه از نوع مداخله ای کنترل دار تصادفی شده است. یک عضو هیات علمی با تجربه مواد آموزشی برای آموزش موضوع میوم مالتیپل به دانشجویان پزشکی را در سه فرمت ذکر شده تهیه کرد. ۸۴ دانشجو به صورت تصادفی به سه گروه تقسیم شدند که هر کدام در یکی از روش‌های فوق شرکت کردند. آگاهی دانشجویان از موضوع یک هفته قبل و بلافاصله بعد از مداخله به وسیله یک پیش آزمون و پس آزمون یکسان سنجیده شد. همچنین میزان رضایت دانشجویان با استفاده از یک پرسشنامه لیکرت ۵ درجه دارای روایی، مورد ارزیابی قرار گرفت که چهار عامل میزان سودمندی روش، پیشرفت تحصیلی، خود تنظیمی و کیفیت خدمات را تحت پوشش قرار می‌داد.

**نتایج:** میزان رضایت دانشجویان به میزان قابل توجهی در روش تعاملی اینترنتی بالاتر بود ( $P=0/05$ ). افزایش قابل ملاحظه ای در نمرات پیش آزمون و پس آزمون در همه گروهها مشاهده شد ( $P=0/000$ ). نمرات پس آزمون برای روش سخنرانی، مبتنی بر کامپیوتر و اینترنتی به ترتیب ۱۳/۵، ۱۳/۷ و ۱۴/۳ بود. نمرات پیشرفت تحصیلی در روش تعاملی اینترنتی به طور قابل ملاحظه ای بالاتر از دو گروه دیگر بود ( $P=0/017$ ). تحلیل کوواریانس (ANCOVA) نیز این تفاوت را نشان داد.

**نتیجه‌گیری:** با وجود اینکه ایجاد محتوای الکترونیکی تعاملی یک کار سخت و وقت گیر است اما توصیه می‌شود که این استراتژی یادگیری الکترونیک در برنامه های درسی پزشکی گنجانده شود.

**واژه‌های کلیدی:** یادگیری الکترونیکی، یادگیری مبتنی بر کامپیوتر، سخنرانی

## سبک‌های یادگیری دانشجویان مقطع علوم پایه دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

فربا حقانی، الهام چاوشی\*، مرضیه جوادی، زهرا عبادی، بتول صالحی

\*کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

chavoshi\_elham@yahoo.com

**مقدمه:** شناسایی سبک‌های یادگیری فراگیران در جهت‌دهی به فعالیتهای تدریس و یادگیری اهمیت فراوانی دارد. این مطالعه با هدف تعیین سبک‌های یادگیری دانشجویان مقطع علوم پایه دانشکده پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام شده است.

**روش‌ها:** مطالعه توصیفی در سال ۱۳۸۸، تعداد ۳۶۱ دانشجوی علوم پایه دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان به صورت سرشماری انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه استاندارد سبک یادگیری پراشینگ (LSA) که روایی و پایایی آن قبلاً سنجیده شده بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت میانگین، انحراف معیار در نرم افزار SPSS انجام شد.

**نتایج:** درجه فراوانی هر یک از عناصر سبک‌های یادگیری (ترجیح، انعطاف پذیری، عدم ترجیح) مورد محاسبه قرار گرفته است. از بین عوامل محیطی بیشترین درصد فراوانی سبک‌های یادگیری مربوط به ترجیح سبک سرما (۷۶/۴) درصد می‌باشد. از بین عوامل حیطه اجتماعی بیشترین درصد فراوانی مربوط به ترجیح مطالعه با همکلاسی (۵۹/۹) درصد می‌باشد. از بین عوامل حیطه مدلهای حسی بیشترین درصد فراوانی مربوط به ترجیح سبک دیداری-درونی (۷۸) درصد می‌باشد. از بین عوامل حیطه نیازهای فیزیکی بیشترین درصد فراوانی مربوط به سبک عدم نیاز به خوردن که (۶۵/۷) درصد می‌باشد. از بین عوامل حیطه ذهنی بیشترین درصد فراوانی مربوط به مولفه پردازش مغز، ترجیح سبک همزمانی (۸۳/۳) درصد می‌باشد. از بین حیطه‌های شش گانه سبک‌های یادگیری بیشترین درصد فراوانی مربوط به حیطه توجه، مولفه انگیزش و سبک خودانگیزاننده می‌باشد که (۸۹/۵) درصد را به خود اختصاص داده است.

**نتیجه‌گیری:** اساتید با آگاهی از ترجیحات متفاوت دانشجویان خود و نیز نقش حواس گوناگون در یادگیری، از شیوه‌های متفاوت آموزشی در تدریس خود استفاده نمایند.

**واژه‌های کلیدی:** سبک‌های یادگیری، دانشجویان علوم پایه، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

## بررسی میزان حرکت به سمت آموزش پاسخگو در دانشگاههای علوم پزشکی

فرنگیس شوقی شفق آریا\*، دکتر نادر ممتازمنش\*، دکتر علی اکبر حقدوست

[shoghif@gmail.com](mailto:shoghif@gmail.com)

مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی (EDC) وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

**زمینه و هدف:** رسالت اصلی تمامی نظام های آموزشی بخصوص علوم پزشکی که با جان انسان ها سر و کار دارند، پاسخگویی به نیازهای جامعه است. خوشبختانه در کشور ما که با تاسیس وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال ۱۳۶۴ مسئولیت تربیت نیروی انسانی به وزارت متبوع سپرده شد، سازوکار لازم برای تحقق این امر فراهم گردید. در حال حاضر دانشگاههای علوم پزشکی در کلیه استان ها تحت نظر این وزارت متولی پاسخگویی به نیازهای سلامت جامعه هستند و با اقدامات خود می توانند نقش موثری را در تامین، حفظ و ارتقای سلامت ایفاء نمایند. اگر چه عوامل مختلفی در میزان پاسخگویی تاثیر گذار است ولی هدف از این مطالعه تعیین میزان تلاش و حرکت دانشگاهها به سمت پاسخگویی است.

**خلاصه روش ها:** مطالعه از نوع توصیفی است. جامعه آماری را کلیه دانشگاههای علوم پزشکی تشکیل داده بودند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته بود که در آن سئوالاتی در سه حیطه برنامه ریزی آموزشی ( شامل توجه به آموزش پاسخگو در برنامه راهبردی دانشگاه، تعیین مشکلات اولویت دار بهداشتی منطقه، لحاظ کردن اولویتها در برنامه های درسی)، آموزش ( شامل همکاری با سازمان های ارائه دهنده خدمات سلامت و تشکیل جلسات مشترک)، و فعالیت مستقیم برای ارتقای سلامت جامعه (شامل وجود انتشارات برای آموزش عموم مردم، وجود گروه ها و تشکلهای حامی سلامت در بین دانشجویان و اعضای هیأت علمی) مطرح شده بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها، بعد از توصیف شاخص ها در هر دانشگاه و در کل، میانگین محاسبه و پس از وزن دهی امتیازات بدست آمد.

**خلاصه یافته ها:** نتایج پژوهش نشان داد که در برنامه راهبردی هیچ دانشگاهی بصورت دقیق به موضوع پاسخگویی پرداخته نشده و فقط در ۱۱ دانشگاه تا حدودی به آن اشاره شده است. در کمتر از ۱۰ درصد دانشگاهها اولویت های بهداشتی در برنامه درسی حداقل یکی از رشته ها لحاظ شده است. اگرچه در ۱۸ دانشگاه انتشاراتی برای آموزش مردم وجود داشته است ولی فقط در ۷ دانشگاه بدنه آموزش با مدیریت های خارج از دانشگاه برای ارتقای سلامت جامعه جلسه و برنامه همکاری داشته اند. در ۱۹ دانشگاه برای ارتقای سلامت جامعه انجمن های مردم نهاد تشکیل و فعالانه اقدام نموده اند. در مجموع امتیاز کسب شده در دانشگاه بسیار پائین بود و کمتر از ۱۵ درصد دانشگاهها امتیازی بالای میانه طیف داشتند و امتیاز ۱۳ دانشگاه برابر صفر بوده است.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج مطالعه می توان نتیجه گرفت که بطور کلی میزان تلاش و فعالیت دانشگاهها برای ارتقای آموزش پاسخگو در سطح مناسبی نبوده است و متأسفانه علیرغم ادغام ساختاری در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بعلت عدم تحقق ادغام عملکردی، این امر به شکلی که از ابتدا مورد انتظار طراحان این برنامه متعالی بوده عملی نگردیده است. اگرچه تلاش ها و اقدامات ارزشمندی در طول این سال ها در دانشگاهها انجام گرفته و شاهد تغییرات مثبتی در بهبود شاخص های بهداشتی بوده ایم ولی تا رسیدن به هدف فاصله زیادی است.

بنظر می رسد بررسی دقیق تر این موضوع نیاز به مطالعات وسیع تری داشته باشد ولی قطعاً در این بین سیاستگذاری های منطقی و مبتنی بر شواهد وزارت متبوع و توجه و حمایت بیشتر مدیریت ارشد دانشگاهها تاثیر گذار خواهد بود.

**واژه های کلیدی:** آموزش پاسخگو، دانشگاههای علوم پزشکی، نیازهای جامعه، سلامت جامعه

## تلفیق یادگیری بر اساس تیم، یادگیری مشارکتی و یادگیری به کمک همکلاسی:

### روشی پاسخگو در آموزش دروس علوم تشریحی

دکتر سحر الماسی ترک<sup>۱\*</sup>، دکتر امراله روزبهی، دکتر پرویزی

<sup>۱\*</sup> استادیار دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

**مقدمه:** ارتقای آموزش مبتنی بر پیامد، اصلاح مفاد استانداردهای آموزشی و حمایت از ارتقای کیفیت مداوم آموزش، سه حیطه از حیطه های اجماع جهانی برای پاسخگویی دانشکده های پزشکی به نیازهای جامعه هستند. برای دسترسی به این اهداف باید استراتژی های ارتقای کیفیت آموزش به شکلی عملیاتی گردند که به این حیطه ها پوشش متناسبی داده شود. بر اساس شواهد، ارائه دروس علوم تشریحی به شکل سنتی یادگیری عمیقی ایجاد نمی کند. هدف این بود که روشی ترکیبی یادگیری بر اساس تیم، یادگیری مشارکتی و یادگیری به کمک همکلاسی را در درس آناتومی و بافت شناسی اجرا کنیم.

**روش ها:** کلاس درس برای دانشجویان پزشکی بوشهر و یاسوج به جای دو قسمت تئوری و عملی به سه قسمت تئوری، عملی و کار در گروه های کوچک اجرا گردید. محتوای درس با توجه به تعداد دانشجویان و جلسات دسته بندی شد. اهداف آموزشی و محتوای الکترونیکی آموزشی در اختیار دانشجویان قرار گرفت. فعالیتهای یادگیری بر اساس تیم در دو جلسه و بعد یادگیری مشارکتی نیز در دو جلسه برگزار گردید. طبق زمانبندی طرح دوره، مابقی زمان ترم، بر اساس یادگیری به کمک همکلاسی اجرا گردید. کلاسهای عملی به قوت خود باقی بود ولی از حجم کلاسهای تئوری کاسته شد و سخنرانی بلند به سخنرانی کوتاه استاد تبدیل شد و مابقی زمان به پرسش و پاسخ، حل تمرین و مطرح نمودن مسئله اختصاص یافت. در ابتدای هر ترم راجع به نحوه امتحان از تمام محتوا و موارد تدریس شده، توضیحات لازم برای دانشجویان داده شد و از مطالب با تاکسونومی های متفاوت امتحان کتبی بعمل آمد.

**نتایج:** یافته های ارزیابی کیفی شامل فهم بهتر مطالب و موضوعات درسی، افزایش اعتماد به نفس، ارتقاء ارتباط بین افراد گروه، برقراری رابطه دوستانه نسبت به کلاس های رسمی، ایجاد بستر مناسب برای رقابت سالم بین دانشجویان، فراهم نمودن یادگیری فعال تر و تعاملی، در دسترس بودن رهبران PAL و امکان تمرین و مباحثه در مواقع امتحانات. ارزیابی کمی از طریق پرسشنامه بود و نتایج آن شامل پوشش محتوای درس ۹۴/۳۷٪، یادگیری مؤثر ۸۸/۴۴٪، ارتقای مهارتها ۹۲/۲۲٪، شیوه مؤثر ۹۱/۵۵٪، نگرش مثبت دانشجویان ۷۵/۳۱٪، ارزشیابی مؤثر ۹۲/۴۵٪، مشارکت فعال دانشجویان ۹۶/۵۴٪ و ارتقای تعامل دانشجویان ۹۰/۴۲٪ بوده است. **نتیجه گیری:** دانشجویان به تأثیر این سیستم آموزشی در شغل آینده خود واقف بودند. مقاومت هایی از طرف همکاران و یا دانشجویان در ابتدا وجود داشت که با شرکت دادن همه در اجرای فرایند این مقاومت ها مدیریت گردید. دلایل اصلی مقاومت همکاران منتقد تفکر صرف معلمی حاکم بر رفتار آنها و میل به رجعت به شیوه معلم محور بود که با توضیح اصولی برطرف شد. توجه به نقش استاد در کلاس های تئوری و عملی، برگزاری کونفرانسهای متعدد و درک تدریجی مؤثرترین عنصر در موفقیت، یعنی تلاش دانشجو، باعث شد که مقاومت دانشجویان کمتر گردد. استراتژی دانشجو محور حرکت بر روی طیفی از یادگیری در گروههای کوچک به طرف یادگیری خودمحور می باشد. امکانات، توانایی ها، اتمسفر آموزشی، نوع یادگیرنده، پرسنل و شرایط اجرا میزان این طیف را مشخص می نماید.

## مقایسه سبک یادگیری دانشجویان با اعضای هیئت علمی در مقطع پیش بالینی دوره پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر عظیم میرزازاده<sup>۱\*</sup>، دکتر حمید رضا برادران<sup>۲</sup>، دکتر میترا قریب<sup>۳</sup>، دکتر پاتریشیا خشایار<sup>۴</sup>، مریم اعلا<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup>استادیار گروه بیماری‌های داخلی مرکز توسعه مطالعات پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران  
maryam\_aalaa@yahoo.com

**مقدمه:** سبک یادگیری یکی از عوامل تأثیرگذار بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی فراگیران است که پی بردن به آن سبک می‌شود هر فرد، روش یادگیری صحیح تری اتخاذ نماید. در حالی که سبک یادگیری مدرسان نیز در انتخاب محیط آموزشی و فعالیت های تدریس آنها اثر گذار است، لذا این پژوهش با هدف مقایسه سبک یادگیری دانشجویان با اعضای هیئت علمی در مقطع پیش بالینی دوره پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران صورت گرفت.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی که در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ انجام شد، ۲۲۱ نفر از دانشجویان و ۱۰۶ نفر از اعضای هیئت علمی مقطع علوم پایه (نیمسال ۱) و مقطع مبنای طب بالینی (نیمسال ۷) دانشگاه علوم پزشکی تهران، به صورت سرشماری در مطالعه شرکت کردند. ابزار پژوهش پرسشنامه استاندارد سبک های یادگیری کلب بود.

**نتایج:** بیشترین سبکهای یادگیری در بین دانشجویان، سبک یادگیری همگرا ۳۴/۴٪ و انطباق یابنده ۳۰/۸٪ و در بین اعضای هیئت علمی، همگرا ۴۱/۵٪ و جذب کننده ۲۶/۴٪ بود. بین سبک های یادگیری دانشجویان و اعضای هیئت علمی تفاوت آماری معنی داری مشاهده شد ( $P=0/00$ ). سبک یادگیری دانشجویان در مقطع علوم پایه با مقطع مبنای طب بالینی نیز تفاوت آماری معنا دار ( $P=0/00$ ) داشت. اگر چه در سبک یادگیری اعضای هیئت علمی در دو مقطع، تفاوت معنی دار آماری یافت نشد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به تفاوت سبک یادگیری اعضای هیئت علمی با دانشجویان و تاثیر سبک های یادگیری بر سبک های یاددهی اعضای هیئت علمی می‌توانند ضمن آگاهی از تفاوت موجود، برنامه ها و روش های آموزشی خود را به گونه ای سامان دهی نمایند که در جهت تکامل چرخه کلب گام بردارند تا به این وسیله علاوه بر پوشش سبک های متفاوت یادگیری، زمینه رسیدن دانشجویان به سطح مطلوب یادگیری را فراهم کنند.

**واژه‌های کلیدی:** سبک یادگیری، دانشجوی پزشکی، اعضای هیئت علمی پزشکی

بررسی تاثیر آموزش درس زبان انگلیسی به روش  
PAL (Peer Assisted Learning)  
در دانشجویان دانشکده علوم پزشکی تربت حیدریه

حمید وفایی<sup>۱\*</sup>، نازنین شماعیان رضوی<sup>۲</sup>، هادی علیزاده سیوکی<sup>۳</sup>، جواد سلیمی<sup>۴</sup>، رضا رضایی منش<sup>۵</sup>  
<sup>۱\*</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، مدیر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تربت حیدریه  
دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تربت حیدریه

[halizadeh1@yahoo.com](mailto:halizadeh1@yahoo.com)

**مقدمه:** یادگیری یک فرآیند متغیر و بسیار پیچیده است که عوامل فراوانی بر آن تاثیر می گذارد. یکی از این عوامل مهم و موثر سبک یادگیری است. سبکی که در برنامه ریزی های آموزشی مبتنی بر هدف موجب اعتبار، خلاقیت و تفکر انتقادی در یک نظام آموزشی می شود و از نظر کاربردی در فرآیندهای بکار آید که موضوع اصلی و اساسی آن تربیت انسانهایی باشد که خوب می اندیشند. این موضوعات تاحدودی با انجام روش آموزش به روش همتایان (PAL) محقق می گردد. اهمیت موضوع براساس نتایج پژوهش های انجام شده ای است که نشان می دهد روش های سنتی تدریس و یادگیری، یعنی جایگاه منفعل فراگیران در محیط آموزشی و تکیه بر پرکردن ذهن از اطلاعات دیگر جوابگوی نیازهای فراگیران نیست و در جهت پاسخ گوئی به نیازهای جامعه مشکلات کمتری را حل می کند. ضروری است نیازهای تربیتی نسل حاضر و آینده خلاقانه و نقادانه و بطور علمی مورد توجه برنامه ریزان آموزشی قرار گیرد. نیازسنجی های توافق محور و مسئله محور انجام شده نیز نشان از اهمیت و اولویت این روش های یادگیری می دهد.

**روش ها:** در این مطالعه تجربی ۳۰ نفر از دانشجویان ترم چهارم بعدرشته های پرستاری، مامائی، اتاق عمل، هوشبری که حداقل دارای معدل ۱۷ بودند مورد مطالعه قرار گرفتند، محتوی برنامه آموزشی کلاس های فوق برنامه (زبان انگلیسی) و تدریس آن به دانشجویی واگذار شد که گواهی تافل داشت. محتوی برنامه آموزشی برایشان شرح داده شد. استفاده از ابزار آموزشی پاور پوینت و بحث گروهی و تکالیف ارائه شده در قالب CD آموزشی مورد توجه و تأکید قرار گرفت. پس از تدریس و در هر جلسه ارزشیابی از نظر رضایت مندی بصورت چک لیست تهیه شده و گرفتن امتحان به روش چهار گزینه ای از دروس داده شده صورت گرفت. رضایت مندی های انجام شده در هر جلسه نسبت به جلسات قبلی و همچنین معدل دروس انتهائی ارائه شده با حجم بیشتر و درجه سختی بالاتر نسبت به دروس ابتدائی با حجم کمتر و درجه سختی پایین تر افزایش داشت.

**نتایج:** این مطالعه باعث بهبود کیفیت یادگیری در دانشجویان و افزایش اعتماد به نفس آنها. جذاب و پرنشاط شدن جلسات آموزشی. مشارکت بیشتر دانشجویان در جلسات گردید.

**نتیجه گیری:** این فرآیند با شناسائی کلیه نقاط قوت و ضعف توسط گروه پذیرفته شده و برای دانشجویان بعدی قابل اجرا است. در کلیه مراکز آموزشی، بهداشتی و درمانی و در تمامی سطوح و انواع آموزش ها قابلیت تعمیم دارد.

**واژه های کلیدی:** یادگیری، دانشجویان، زبان انگلیسی



## بررسی رابطه بین آگاهی از راهبرد های مطالعه با پیشرفت تحصیلی دانشجویان

### پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران ۱۳۹۱

سیما علیرضائی طهرانی<sup>۱\*</sup>، دکتر ژبلا شجری<sup>۲</sup>، دکتر حمید رضا برادران<sup>۳</sup>

کارشناس مسئول دفتر مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تهران

simara43@yahoo.com

**مقدمه:** هدف از این مطالعه بررسی رابطه بین آگاهی از راهبرد های مطالعه با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران می باشد.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی تحلیلی از میان جامعه آماری دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران (پردیس همت) در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ در سه مقطع علوم پایه، فیزیوپاتولوژی و کارآموزی دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شد، که براساس روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای تعداد ۳۱۷ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند و ابزار پژوهش پرسشنامه آگاهی فراشناختی از راهبرد های خواندن مختاری و ریچارد (MARSİ) بود که در بین دانشجویان توزیع و جمع آوری شد. این پرسشنامه شامل ۳۰ سوال در سه حیطه راهبردهای کلی خواندن، راهبردهای حل مسئله و راهبردهای حمایت خواندن می باشد. (معدل کل دانشجویان به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شد). و از روش آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام و برای بررسی متغیرهای دموگرافیک از روش های آماری همبستگی دو نقطه ای رشته ای و کای اسکوئر نیز استفاده گردید.

**نتایج:** نمره آگاهی از راهبرد های مطالعه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در مقایسه با شاخص تعیین وضعیت و همچنین میزان آگاهی دانشجویان پزشکی مورد مطالعه نسبت به مولفه راهبردهای حل مسئله، و راهبرد های کلی خواندن در وضعیت مطلوب می باشد. در این مطالعه رابطه مستقیم و همبستگی معناداری میان آگاهی دانشجویان پزشکی از راهبردهای مطالعه و سه مولفه آن (راهبردهای کلی خواندن، راهبردهای حل مسئله و راهبردهای حمایت خواندن) وجود دارد. در میان سه مولفه بیشترین شدت همبستگی مربوط به راهبردهای کلی خواندن و کمترین مربوط به راهبردهای حمایت خواندن می باشد. میان آگاهی دانشجویان پزشکی از راهبردهای مطالعه و مولفه های آن با پیشرفت تحصیلی آنان در هر دو گروه جنسیتی دانشجویان زن و مرد رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. البته رابطه و همبستگی مورد بحث، در میان جامعه دانشجویان زن مورد مطالعه بیشتر و قوی تر از دانشجویان مرد می باشد. بین آگاهی دانشجویان پزشکی از راهبردهای مطالعه و مولفه های آن با پیشرفت تحصیلی آنان در دو مقطع تحصیلی علوم پایه و فیزیوپاتولوژی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. و بیشترین همبستگی و ارتباط در بین دانشجویان مقطع تحصیلی فیزیوپاتولوژی به چشم می خورد.

**نتیجه گیری:** با توجه به تاثیر و نقش راهبرد های مطالعه در پیشرفت تحصیلی دانشجویان، ضرورت آموزش راهبرد های یادگیری و مطالعه به عنوان بخشی از برنامه آموزشی احساس می شود تا دانشجویان هر چه بیشتر نسبت به آنچه که برای یادگیری فعال لازم است آگاهی یافته و در عمل بتوانند بر فرایند یادگیری مستقل و خودتنظیم نظارت داشته و انگیزش پیشرفت تحصیلی را بدست آورند.

**واژه های کلیدی:** راهبرد های مطالعه، پیشرفت تحصیلی

## توسعه و بهبود مهارت‌های بالینی دانشجویان پزشکی: راهبرد آموزشی بازاندیشی و

### یادگیری مبتنی بر مبادله

دکتر محمد رضا یوسفی\*، دکتر محمد سالتقی، دکتر سعید کولکی، دکتر محمد جواد خواجه مظفری

\*عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

**مقدمه:** توسعه تعاملات بین حرفه‌ای و مبادله تجارب یادگیری جهت افزایش و بهبود مهارت‌های بالینی فراگیران حوزه سلامت در فضای کارگروهی از رویکردهای تاثیرگذار ارتقای کیفیت آموزش و برون‌داد آن است. در این راستا راهبردهای بازاندیشی و یادگیری مبتنی بر مبادله، با استفاده از تجارب یادگیری و بالینی هم‌تایان با مطالعه موردی و سناریو طرح هدایت شده در نشست‌های علمی، به عنوان یکی از الگوهای ششگانه یادگیری بین حرفه‌ای Bar (۱۹۹۶) موجب می‌گردد تا مشارکت کنندگان در معرض احساسات، تجربیات و مقایسه آنها بین فراگیران مختلف قرار گیرند و با تبادل آراء، نظرات و تجربیات در یک موقعیت مشترک مثل روایت یک موقعیت بالینی موجب رشد مهارت تفکر انتقادی (استنتاج قیاسی) و حل مسئله، تصمیم‌گیری، استدلال و قضاوت بالینی می‌شود. نظریه اهمیت روش‌های فعال و دانش‌جو محور در یادگیری و لزوم مشارکت فراگیران در فرآیند آموزش جهت کسب و تایید توانمندیه‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای، مطالعه حاضر با هدف نقش راهبرد بازاندیشی و یادگیری مبتنی بر مبادله جهت توسعه و بهبود مهارت‌های بالینی دانشجویان پزشکی در بخش ارتوپدی دانشکده پزشکی گرگان انجام شده است.

**روش‌ها:** این مطالعه به روش کیفی و از رویکرد مطالعه موردی استفاده شده است. شرکت کنندگان دانشجویان و اعضای هیئت علمی بخش ارتوپدی دانشکده پزشکی گرگان بودند. نمونه‌گیری بر اساس مبتنی بر هدف و حجم آن تا اشباع داده‌ها می‌باشد. داده‌های مطالعه از طریق مصاحبه عمیق (In depth Interview) و بحث گروهی متمرکز (FGD) جمع‌آوری شده است. متن مصاحبه‌های استخراج شده با روش ون‌مانن در چهار مرحله مورد تحلیل محتوایی موضوعی (Text Analysis) قرار گرفتند. یافته‌ها در قالب مضمون‌های بدست آمده معرفی، توصیف و تفسیر می‌شوند و کدهای مفهومی (تم‌ها) از آن استخراج و در سه قسمت ضرورت ارائه-چالش‌ها و امکان‌پذیری باسبزه مفهوم اصلی وزیر مفهوم‌های مربوطه دسته‌بندی شدند.

**نتایج:** نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در قسمت ضرورت اجرا شامل مضمون‌های ضرورت ارائه راهبرد بازاندیشی و یادگیری مبتنی بر مبادله در طول دوره بالینی، به اشتراک گذاشتن دانش و تجربیات، رشد و تقویت مهارت تفکر انتقادی (استنتاج قیاسی) و حل مسئله، تصمیم‌گیری، استدلال و قضاوت بالینی، کسب و تایید توانمندیه‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای، رفع شبهات و تکمیل دانش و تجربیات کسب شده و محقق شدن حداقل‌های یادگیری می‌باشد. در قسمت چالش‌ها آشنایی ناکافی مدرسین با الگوهای یادگیری و شیوه اجرای آن، ضرورت حضور اساتاد و کارشناس آموزش، مشکلات اجرایی برنامه و ناملازمات و مشکلات سیستم آموزشی، کمبود وقت و زمان اجرای برنامه، کمبود اساتید مجرب و کارآمد و تمام وقت، و در قسمت امکان‌پذیر بودن، امکان ارائه این راهبرد آموزشی، آموزش اساتید جهت آشنایی با الگوهای یادگیری و شیوه اجرای آن، برنامه ریزی و تهیه برنامه آموزشی متناسب با دوره بالینی می‌باشد.

**نتیجه‌گیری:** راهبرد بازاندیشی و یادگیری مبتنی بر مبادله شرایطی فراهم می‌کند که دانشجویان ضمن اینکه بر عملکردها و تجارب یادگیری خود بازاندیشی می‌نمایند، تفکرات و استنتاجات خود را پیرامون این تجارب در حضور هم‌تایان و استاد مربوطه بازگو نموده و با بحث با هم‌تایان در گروه کوچک، تجارب یادگیری خود را مبادله و در اختیار یکدیگر قرار می‌دهند و موجب توسعه و بهبود مهارت‌های تفکر انتقادی و استدلال بالینی آنها می‌گردد. لذا ارائه این راهبرد آموزشی با توجه به استمرار آموزشی و انتقال عملی و تجربی در برخورد با موضوعات مختلف پزشکی با تغییر نگرش و رفتار جهت توسعه و بهبود مهارت‌های بالینی امری ضروری بنظر می‌آید و با توجه به پتانسیل‌های موجود از جمله استقبال و احساس نیاز دانشجویان و اساتید و وجود اعضای هیئت علمی مجرب بالینی و آگاه، کارشناس آموزش پزشکی و نیز توانمندی سیستم آموزشی و امکانات موجود امکان‌پذیر خواهد بود. و در غده ذهنی اساتید که آیا حداقل‌های یادگیری اتفاق افتاده است بر طرف می‌شود و دانشجویان نیز به این اطمینان خاطر می‌رسند آنچه را که یاد گرفته و تجربه کرده اند درست بوده است.

## "تنبيه آموزشی" از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان

مریم منصوربستانی\*<sup>۱</sup>، یونس کر<sup>۲</sup>، دکتر اکرم ثناگو<sup>۳</sup>، دکتر لیلا جویباری<sup>۴</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی کارشناسی پیوسته بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

<sup>۳</sup> دکترای پرستاری، دانشیار دانشکده پرستاری و مامایی بویه، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

<sup>۴</sup> دکترای پرستاری، دانشیار دانشکده پرستاری و مامایی بویه، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

Maryam.bostani21@yahoo.com

**مقدمه:** انسان ذاتا طالب خیر است. میل به خوبی، کمال جویی، علم طلبی، حقیقت خواهی و جهل گریزی در ذات انسان به ودیعت نهفته است. لذا اقدام به چیزی که این کرامت را مخدوش و لکه دار نماید در تضاد با طبیعت و خلقت و کرامت انسانی است. ژان ژاک روسو می گوید: هرگز شاگرد خود را تنبیه نکنید زیرا او نمی داند خطا کردن چه مفهومی دارد. بنابراین نه استحقاق مجازات و نه سرزنش را دارد. هدف از این مطالعه بررسی دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان از "تنبیه آموزشی" می باشد.

**روش ها:** در این مطالعه کیفی با ۳۰ دانشجوی علوم پزشکی در سال ۱۳۹۱ بر اساس نمونه گیری مبتنی بر هدف مصاحبه های نیمه ساختار به عمل آمد. ملاک اتمام نمونه گیری اشباع داده ها بود. کلیه مصاحبه ها ضبط، دست نویس و مطابق روش "تحلیل محتوای" آنالیز شدند. حداقل یک سوال باز "تجربه خود را از تنبیه در محیط آموزشی بیان نمائید" در تمام مصاحبه ها تکرار شد. برای قوت مطالعه از عودت داده ها به مشارکت کنندگان و تری انگولیش در آنالیز داده ها استفاده شد. کلیه اصول اخلاق در پژوهش رعایت گردید.

**نتایج:** ۶۰ درصد دانشجویان مونث، با قومیت فارس، ترکمن و غیره، با تنوع رشته، پزشکی، پرستاری و مامایی و پیراپزشکی بودند. مفهوم تنبیه بر اساس تجربیات مشارکت کنندگان معادل "اذیت شدن، ضایع شدن، نمره کم گرفتن، سازندگی/ ارتقا" بوده است. "تنبیه توجیهی" مورد پذیرش دانشجویان بوده است و وجود "تنبیه ای که سازنده باشد و شخصیت دانشجو را زیر سوال نبرد" را ضروری می دانستند. مشارکت کنندگان اظهار داشتند در محیط آموزشی از سوی استاد مورد تنبیه آموزشی واقع می شوند اما هر استادی به شیوه خاصی از تنبیه در آموزش دانشجویان استفاده می کند.

**نتیجه گیری:** دانشجویان تنبیه را عاملی برای توجیه شدن رفتار خطای خود می دانستند. از آن جایی که تنبیه ها همواره جنبه آموزشی و متنبه شدن ندارد لذا در برخی از موارد رفتارهای اساتید به عنوان تنبیه تلقی می شود بدون آن که آگاهانه باشد و اثرات تخریبی بر شخصیت دانشجویان بر جا می گذارد.

**واژه های کلیدی:** تنبیه، تادیب، آموزش، دانشجویان، علوم پزشکی، استاد

## استفاده از الگوی تدریس بدیعه پردازی در کلاس درس مغز و اعصاب دانشجویان

### پرستاری

لیلا صفابخش\*

\* مربی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، دانشجوی دکترای تخصصی آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

Email: safabakhsh@edc.mui.ac.ir

مقدمه: یکی از الگوهای فعال در فرایند یادد هی -یادگیری الگوی بدیعه پردازی است که از خانواده ی اطلاعات پردازی می باشد. این الگو قوه ی خلاقیت دانش آموزان را افزایش می دهد، زیرا راهبرد های آن، ذهن آنان را به تفکر در زمینه ابعاد گوناگون موضوع ترغیب می کند و در هر موقعیتی، به تولید ایده های جدید و درک نحوه ی ارتباط بین مفاهیم می پردازند. این مطالعه با هدف درک بهتر درس مغز و اعصاب و افزایش خلاقیت دانشجویان پرستاری انجام شده است.

روش‌ها: نمونه مطالعه دانشجویان پرستاری ترم ۶ که ۳۰ نفر بودند در مطالعه شرکت داشتند ابتدا از دانشجویان خواسته شد که سیستم عصبی (آناتومی و فیزیولوژی) را توصیف و یادداشت نمایند. سپس مفهوم مغز را با برداشت های متفاوت یا چیز های گوناگون مقایسه یا شبیه سازی نمایند (قیاس مستقیم) در مرحله بعد از آنان خواسته شد بین خود و مفهوم شبیه سازی شده، هم سویی وهم دلی ایجاد کنند و آن را در قالب خود شرح دهند و احساسات و تمایلات خود را بیان می دارند (قیاس شخصی). سپس دانشجویان کلمات نا متجانس و ضد هم (تعارض فشرده) را انتخاب کرده و با استفاده از آن تداخل کلمات نا متجانس، روابط جدیدی را تولید نمودند در مرحله آخر مجدداً از دانشجویان خواسته شد تا با استفاده از تشابهات، احساسات بیان شده و تعارض فشرده سیستم عصبی را توصیف نمایند.

**نتایج:** مقایسه توصیف ابتدایی و توصیف پایانی دانشجویان نشان داد که علاوه بر درک عملکرد سیستم عصبی، در نوشتن و توصیف مغز هم میزان خلاقیت آنها افزایش یافته است.

**نتیجه گیری:** یکی از مهمترین دستاوردهای الگوی بدیعه پردازی، تقویت مهارت حل مسئله در فراگیرندگان است، زیرا آنان رویدادها را از زوایای گوناگون مشاهده می کنند و برای مقابله با مشکلات، قدرت خلاقانه ای به دست می آورند و یک نظام فکری منسجم را با شناخت کامل ارتباطات عناصر و مفاهیم درک می کنند.

**واژه های کلیدی:** الگوی بدیعه پردازی، مغز و اعصاب، دانشجویان پرستاری

## آموزش بین رشته ای اصول خلاقیت در پرتو آموزه های قرآنی و دینی به دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کل کشور

دکتر میترا امینی، دکتر جواد کجوری، دکتر محمدرضا دهقانی، زهرا کریمیان، پریسا نبیئی\*، هاجر شیعه، پرستو

نعمت الهی

\* مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی شیراز

parisanabeiei@yahoo.com

**مقدمه:** آموزش اصول خلاقیت به دانشجویان، باید در اولویت برنامه های درسی هر دانشگاهی، به خصوص دانشگاه های علوم پزشکی قرار گیرد. با توجه به اهمیت این موضوع در تحول و توسعه پایدار کشور، در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز تصمیم گرفته شد، تا با گنجاندن آموزش خلاقیت به دانشجویان در قالب دوره های کوتاه مدت مدرسه تابستانی گامی در جهت رسیدن به این هدف والا و بزرگ و استقرار علوم بین رشته ای و فرا رشته ای در جایگاه حقیقی خود و همچنین شناساندن نقش و اهمیت آن به جامعه دانشگاهی کشور، برداشته شود.

**روش ها:** جهت ارزشیابی این دوره، دو موضوع برای مسولان اهمیت داشت: ۱. کیفیت آموزشی و اجرایی این دوره ۲. میزان یادگیری دانشجو در طول دوره؛ که جهت سنجش کیفیت آموزشی این دوره مدرسه تابستانی، مسؤلین دو نوع پرسشنامه نظرسنجی را برای بررسی نظرات دانشجویان، در این باره طراحی نمودند و جهت سنجش میزان یادگیری دانشجو از مفاهیم خلاقیت در این دوره نیز، از پورت فولیو استفاده گردید. داده ها نیز پس از ورود، توسط نرم افزار spss.v.14 و excel مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** ۹۳ دانشجو از تمامی رشته های علوم پزشکی، از ۴۴ دانشگاه علوم پزشکی کشور در یک دوره یک هفته ای کامل و تمام وقت شرکت نمودند. ۱۵ کارگاه با ۷ عنوان مختلف در زمینه آموزش اصول خلاقیت برگزار گردید. در مجموع نظرات دانشجویان درباره کیفیت برگزاری کارگاه ها، بخصوص کارگاه های مربوط به خلاقیت در پرتو آموزه های دینی، در حد ۹۰٪ بسیار خوب گزارش شده است و (۹۸/۲٪) از دانشجویان کیفیت آموخته های این کارگاه ها را در حد بسیار خوبی گزارش کرده اند. همچنین تحلیل پورت فولیو های دانشجویان نشانگر آن بود که درک مطلب کارگاه ها از سوی دانشجویان در حد بسیار خوب بوده است.

**نتیجه گیری:** به نظر می رسد که برگزاری دوره کوتاه مدت مدرسه تابستانی توانسته است گامی بزرگ در جهت ارتقا و پیشرفت سطح آگاهی های دانشجویان، در زمینه خلاقیت بردارد؛ این موضوع با توجه به نتایج حاصل از نظرسنجی کیفیت برگزاری کارگاه ها و همچنین نتایج حاصل از تحلیل پورت فولیوهای الکترونیکی، کاملاً قابل اثبات و توضیح است.

**واژه های کلیدی:** مدرسه تابستانی، آموزش خلاقیت و آموزش بین رشته ای، پورت فولیو.

## انگیزه و پیشرفت تحصیلی دانشجویان پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اورمیه

زهرا زارع فضل الهی<sup>۱</sup>، نصرالله جباری<sup>۲\*</sup>، اوین قادری<sup>۳</sup>

مریبه وهیات علمی گروه فناوری اطلاعات سلامت دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اورمیه  
<sup>۲\*</sup>دانشیار و عضو هیات علمی گروه تصویربرداری پزشکی دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اورمیه

Email: njabbarimp@gmail.com

<sup>۳</sup>دانشجوی رشته تصویربرداری پزشکی دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اورمیه

**مقدمه:** معمولاً موفقیت در هر کاری و رسیدن به هدف نیازمند نوعی نگرش مثبت به آن عمل یا هدف می باشد و نگرش ها در دوران دانشجویی امکان بیشترین تغییر را دارد که این نگرش ها در انگیزه و پیشرفت تحصیلی دانشجویان موثر است.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی مقطعی توسط پرسشنامه محقق ساخته برای بررسی انگیزه و پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته های پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اورمیه طی سال ۹۱ بین ورودی های ۸۹-۸۷ انجام گرفته است. روایی آن توسط متخصصان و پایایی آن با معیار آلفای کرونباخ ۰/۸۱ مورد تایید قرار گرفت. پرسشنامه به تعداد ۲۷۸ نفر در میان دانشجویان پیراپزشکی توزیع و پس از جمع آوری، داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** مطابق نتایج بدست آمده، امنیت شغلی به میزان ۶۱/۴ درصد متوسط و ۳۱/۹ درصد، خشنودی و رضایت و امکانات به میزان ۶۸/۲ درصد متوسط و ۲۵/۲ درصد زیاد، تمایل به داشتن زندگی خوب در آینده به میزان ۵۹/۴ درصد متوسط و ۳۶ درصد زیاد، کسب مهارت بیشتر برای شغل آینده ۴۱ درصد متوسط و ۵۵/۷ درصد زیاد و دست یابی به شغل مورد علاقه به میزان ۶۲/۲ درصد متوسط و ۳۱ درصد زیاد در انگیزش تحصیلی دانشجویان تأثیر داشته اند.

**نتیجه گیری:** از آنجائیکه عوامل انگیزشی بر پیشرفت تحصیلی تأثیر می گذارند و پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته علوم پزشکی با سلامت جامعه ارتباط دارد. از طرفی انگیزش تحصیلی به عنوان نیروی محرک فعالیتهای دانشجویان و عوامل جهت دهنده حرکت محسوب می شود. لذا هر گونه تلاش در جهت تقویت نیروی محرکه در فراگیران و ارتقاء آموزش بسیار موثر و با اهمیت خواهد بود.

**واژه های کلیدی:** انگیزش تحصیلی، دانشجویان، پیشرفت تحصیلی، دانشگاه علوم پزشکی

## تاثیر آموزش یادگیری بر پایه حل مسئله بر توانایی تجزیه و تحلیل دانشجویان پرستاری

سمیرا اروجلو

دانشجوی کارشناسی ارشد

[samira\\_orojlo@yahoo.com](mailto:samira_orojlo@yahoo.com)

**مقدمه:** داشتن قوه تجزیه و تحلیل مسئله مهمی است که یا در دانشجویان دیده نمی شود و یا اگر هم باشد به صورت بسیار کم است. دانشجویان اکثرا به مسائل مطرح شده نگرش نقادانه ندارند. یکی از راه های پیشنهاد شده جهت ایجاد چنین ویژگی هایی در دانشجویان تعلیم آنها با یک روش آموزشی فعال و مشکل محور می باشد. از میان استراتژی های آموزشی مطرح شده بهترین راهکاری که می توان دانشجویان را به سمت نیل به اهداف حرفه ایش رهنمون سازد یادگیری بر اساس حل مشکل می باشد. هدف از مطالعه تعیین تاثیر آموزش یادگیری بر پایه حل مسئله بر توانایی تجزیه و تحلیل دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه بود.

**روش ها:** در این مطالعه نیمه تجربی ۵۰ نفر از دانشجویان سال چهارم پرستاری به صورت تمام شماری انتخاب شدند و به دو گروه ۲۵ نفری مداخله و کنترل تخصیص داده شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات در این مطالعه پرسشنامه استاندارد سنجش مهارت های تفکر انتقادی کالیفرنیا بود که قبل و بعد از آموزش یادگیری بر پایه حل مسئله توسط دانشجویان تکمیل شد. در این مطالعه گروه مداخله در کلاس های آموزش یادگیری بر پایه حل مسئله به مدت ۶ جلسه دو ساعته شرکت کردند. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های من ویتنی و ویلکاکسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج آزمون آماری من ویتنی نشان داد که توانایی تجزیه و تحلیل دانشجویان گروه مداخله که بر اساس یادگیری بر پایه حل مسئله آموزش دیده بودند به طور معناداری بهتر از دانشجویان گروه کنترل بود ( $P=0/001$ ). یافته های حاصل از آزمون ویلکاکسون نیز حاکی از ارتقاء توانایی تحلیل در گروه مداخله بود ( $P=0/001$ ).

**نتیجه گیری:** آموزش بر پایه حل مسئله در مقایسه با دیگر روش های معمول آموزشی منجر به ارتقاء بیشتر توانایی تجزیه و تحلیل دانشجویان می شود.

**واژه های کلیدی:** آموزش، یادگیری بر پایه حل مسئله، تجزیه و تحلیل، دانشجوی پرستاری

## آیا آموزش یادگیری بر پایه حل مسئله بر توانایی استدلال قیاسی دانشجویان پرستاری تاثیر دارد؟

سمیرا اروجلو<sup>1\*</sup>، دکتر معصومه همتی مسلک پاک<sup>2</sup>، دکتر حمیدرضا خلخالی<sup>3</sup>

<sup>1\*</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

Email Adress: [Samira\\_orojlo@yahoo.com](mailto:Samira_orojlo@yahoo.com)

<sup>2</sup> استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

<sup>3</sup> استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

**مقدمه:** استدلال، تمسک فکر به معلومات به منظور کشف مجهولات است. در استدلال قیاسی، فکر از طریق معلومات کلی مجهولات جزئی را کشف می کند. داشتن قوه استدلال مسئله مهمی است که باید در دانشجویان پرورش یابد. یکی از راه های پیشنهاد شده جهت ایجاد چنین ویژگی در دانشجویان تعلیم آنها با یک روش آموزشی فعال و مشکل محور می باشد. از میان استراتژی های آموزشی مطرح شده بهترین راهکاری که می توان دانشجویان را به سمت نیل به اهداف حرفه ایش رهنمون سازد یادگیری بر اساس حل مشکل می باشد. هدف از مطالعه تعیین تاثیر آموزش یادگیری بر پایه حل مسئله بر توانایی استدلال قیاسی دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه بود.

**روش ها:** در این مطالعه نیمه تجربی ۵۰ نفر از دانشجویان سال چهارم پرستاری به صورت تمام شماری انتخاب شدند و به دو گروه ۲۵ نفری مداخله و کنترل تخصیص داده شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات در این مطالعه پرسشنامه استاندارد سنجش مهارت های تفکر انتقادی کالیفرنیا بود که قبل و بعد از آموزش یادگیری بر پایه حل مسئله توسط دانشجویان تکمیل شد. در این مطالعه گروه مداخله در کلاس های آموزش یادگیری بر پایه حل مسئله به مدت ۶ جلسه دو ساعته شرکت کردند. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های تی مستقل و تی زوج مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج آزمون آماری نشان داد که توانایی استدلال قیاسی دانشجویان گروه مداخله که بر اساس یادگیری بر پایه حل مسئله آموزش دیده بودند به طور معناداری بهتر از دانشجویان گروه کنترل بود ( $P=0/0001$ ). یافته های حاصل از آزمون تی زوج نیز حاکی از ارتقاء توانایی تحلیل در گروه مداخله بود ( $P=0/0001$ ).

**نتیجه گیری:** آموزش بر پایه حل مسئله در مقایسه با دیگر روش های معمول آموزشی منجر به ارتقاء بیشتر توانایی استدلال قیاسی دانشجویان می شود.

**واژه های کلیدی:** آموزش، یادگیری بر پایه حل مسئله، استدلال قیاسی، دانشجوی پرستاری



## تأثیر آموزش از طریق مدل اعتقاد بهداشتی بر آگاهی و نگرش دانشجویان رشته پرستاری و مامایی در پیشگیری از بیماری‌های قلبی عروقی

شیدا سپاهی<sup>\*</sup>، بهزاد کریمی متین، احمدخشی، ویداسپاهی، سعید سمیعی، اعظم گراوندی

Email: S\_sepahi@yahoo.com

**مقدمه:** اقدامات پیشگیرانه مانند آموزش و ارتقای سطح آگاهی و مهارت‌های پیشگیری کننده برای حفاظت فردی، یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های برنامه کنترل بیماری‌های قلبی عروق است. مدل اعتقاد بهداشتی عمدتاً بر پیشگیری از وقوع بیماری‌ها متمرکز گردیده و ارتباط بین باورها و عقاید بهداشتی فرد با رفتارهای وی را نشان می‌دهد. اولین جزء این مدل درک فرد از استعداد ابتلا به یک بیماری می‌باشد. جزء دوم آن درک فرد از جدی بودن بیماری است. سومین جزء مدل، منافع درک شده یا درک فرد از منافع و کار آیی رفتار توصیه شده تلقی می‌گردد. پس از تجزیه و تحلیل ادراکات مزبور، فرد در مورد اجرای رفتار توصیه شده تصمیم‌گیری می‌نماید. هدف از این مطالعه، بررسی تأثیر آموزش بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی بر آگاهی و نگرش دانشجویان رشته پرستاری و مامایی در پیشگیری از بیماری‌های قلبی عروقی می‌باشد.

**روش‌ها:** در این مطالعه نیمه تجربی که در سال ۱۳۹۰ انجام شد، از جامعه آماری دانشجویان رشته پرستاری و مامایی ورودی سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ که دروس مربوط به بیماری‌های قلبی عروقی نگذرانده بودند، ۱۱۰ نفر انتخاب شدند. چهار جلسه آموزشی دو ساعته به عنوان مداخله بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی طراحی شد. سپس با استفاده از پرسش‌نامه شامل اطلاعات دموگرافیک و سوالات مربوط به میزان آگاهی، حساسیت درک شده، تهدید درک شده، منافع و موانع درک شده، راهنمای عمل اقدام به جمع‌آوری قبل از انجام آموزش و ۶ هفته بعد از آموزش به روش حضوری و انجام مصاحبه گردید. در آخر داده‌های بدست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS-16 و آزمون T زوجی تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** یافته‌ها نشان داد، میانگین نمرات آگاهی قبل از آموزش ۱۴/۵ به ۱۶/۱ بعد از آموزش ارتقاء یافته و میانگین نمرات نگرش قبل از آموزش ۴۱/۹ به ۴۱/۸ بعد از آموزش رسیده و نتایج بدست آمده از آزمون آماری تی زوجی اختلاف آماری معنا دار را برای تعیین آگاهی نشان داد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به اینکه آموزش به روش‌های مختلف می‌تواند منجر به افزایش آگاهی گردد، استفاده از مدل‌های علمی آموزش بهداشت می‌تواند به شکل منظم‌تر و قابل سنجش این تغییرات را انجام نماید. به هر حال تغییر رفتار منوط به تغییر نگرش خواهد بود لذا جهت تغییر نگرش در زمینه مسائل بهداشتی، نظیر رفتار بهداشتی در برخورد با بیماری قلبی، می‌بایستی آموزش‌ها از تداوم بیشتری برخوردار باشند.

**واژه‌های کلیدی:** نگرش، آگاهی، مدل اعتقاد بهداشتی، دانشجویان پرستاری و مامایی

## تأثیر آموزش از طریق مدل اعتقاد بهداشتی بر آگاهی و نگرش دانشجویان رشته پرستاری و مامایی در پیشگیری از بیماری‌های قلبی عروقی

شیدا سپاهی<sup>\*</sup>، بهزاد کرمی متین، احمدخشی، ویداسپاهی، سعید سمیعی، اعظم گراوندی

Email: S\_sepahi@yahoo.com

**مقدمه:** اقدامات پیشگیرانه مانند آموزش و ارتقای سطح آگاهی و مهارت‌های پیشگیری کننده برای حفاظت فردی، یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های برنامه کنترل بیماری‌های قلبی عروق است. مدل اعتقاد بهداشتی عمدتاً بر پیشگیری از وقوع بیماری‌ها متمرکز گردیده و ارتباط بین باورها و عقاید بهداشتی فرد با رفتارهای وی را نشان می‌دهد. اولین جزء این مدل درک فرد از استعداد ابتلا به یک بیماری می‌باشد. جزء دوم آن درک فرد از جدی بودن بیماری است. سومین جزء مدل، منافع درک شده یا درک فرد از منافع و کار آیی رفتار توصیه شده تلقی می‌گردد. پس از تجزیه و تحلیل ادراکات مزبور، فرد در مورد اجرای رفتار توصیه شده تصمیم‌گیری می‌نماید. هدف از این مطالعه، بررسی تأثیر آموزش بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی بر آگاهی و نگرش دانشجویان رشته پرستاری و مامایی در پیشگیری از بیماری‌های قلبی عروقی می‌باشد.

**روش‌ها:** در این مطالعه نیمه تجربی که در سال ۱۳۹۰ انجام شد، از جامعه آماری دانشجویان رشته پرستاری و مامایی ورودی سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ که دروس مربوط به بیماری‌های قلبی عروقی نگذرانده بودند، ۱۱۰ نفر انتخاب شدند. چهار جلسه آموزشی دو ساعته به عنوان مداخله بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی طراحی شد. سپس با استفاده از پرسش‌نامه شامل اطلاعات دموگرافیک و سوالات مربوط به میزان آگاهی، حساسیت درک شده، تهدید درک شده، منافع و موانع درک شده، راهنمای عمل اقدام به جمع‌آوری قبل از انجام آموزش و ۶ هفته بعد از آموزش به روش حضوری و انجام مصاحبه گردید. در آخر داده‌های بدست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS-16 و آزمون T زوجی تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** یافته‌ها نشان داد، میانگین نمرات آگاهی قبل از آموزش ۱۴/۵ به ۱۶/۱ بعد از آموزش ارتقاء یافته و میانگین نمرات نگرش قبل از آموزش ۴۱/۹ به ۴۱/۸ بعد از آموزش رسیده و نتایج بدست آمده از آزمون آماری تی زوجی اختلاف آماری معنا دار را برای تعیین آگاهی نشان داد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به اینکه آموزش به روش‌های مختلف می‌تواند منجر به افزایش آگاهی گردد، استفاده از مدل‌های علمی آموزش بهداشت می‌تواند به شکل منظم‌تر و قابل سنجش این تغییرات را انجام نماید. به هر حال تغییر رفتار منوط به تغییر نگرش خواهد بود لذا جهت تغییر نگرش در زمینه مسائل بهداشتی، نظیر رفتار بهداشتی در برخورد با بیماری قلبی، می‌بایستی آموزش‌ها از تداوم بیشتری برخوردار باشند.

**واژه‌های کلیدی:** نگرش، آگاهی، مدل اعتقاد بهداشتی، دانشجویان پرستاری و مامایی

## تعیین سبک‌های یادگیری دانشجویان پزشکی و غیر پزشکی و ارتباط آن با پیشرفت

### تحصیلی بر اساس مدل وارک

دکتر نگین برات دستجردی\*<sup>۲۸</sup>، نسیم فدایی نژاد

\* عضو هیات علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان

[dastjerdev@gmail.com](mailto:dastjerdev@gmail.com)

**مقدمه:** در یک نظام آموزشی موفق، سبک یادگیری دانشجویان بعنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی همواره مورد توجه قرار میگیرد. با شناسایی سبک یادگیری، هم روش تدریس مناسبتر توسط اساتید و هم روش یادگیری صحیحتر توسط فراگیران اتخاذ میشود. این پژوهش با هدف تعیین سبک یادگیری دانشجویان پزشکی غیر پزشکی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی صورت گرفت.

**روش‌ها:** این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی است. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه بندی شده بوده که در آن ۱۰۰ دانشجوی پزشکی و ۱۰۰ دانشجوی غیر پزشکی مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ به مطالعه وارد شدند. ابزار جمع آوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد وارک می باشد که در آن سبک‌های یادگیری را به چهار سبک دیداری، شنیداری، خواندنی و مهارتی تقسیم نموده است. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار SPSS18 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. میانگین کل دروس نظری و عملی کلیه دانشجویان به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شد.

**نتایج:** سبک‌های یادگیری دانشجویان رشته‌های پزشکی و غیر پزشکی با یکدیگر تفاوت دارد. سبک غالب دانشجویان پزشکی دیداری و غیر پزشکی شنیداری بود. بین سبک یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانشجویان ارتباط معناداری مشاهده نشد. دانشجویان دختر و پسر سبک‌های یادگیری متفاوتی نداشتند.

**نتیجه‌گیری:** وجود تنوع در سبک‌های یادگیری دانشجویان می‌تواند توجه مدرسین را به ضرورت در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی و سبک‌های متفاوت یادگیری دانشجویان در طراحی روش‌های متنوع تدریس با بهره‌گیری از زیر ساخت‌ها و امکانات موجود فناوری اطلاعات معطوف نمایند.

**واژه‌های کلیدی:** سبک یادگیری، دانشجویان پزشکی، دانشجویان غیر پزشکی، آزمون وارک، پیشرفت تحصیلی

## بررسی ارتباط آگاهی از تکنیک های آموزشی با مناسب دانستن آنها در تسهیل یادگیری درس فیزیولوژی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان

زهرة صفرنژاد\*، شبنم مخیری، الهام کاشانی

[z\\_safarnezhad@yahoo.com](mailto:z_safarnezhad@yahoo.com)

\*کارشناس ارشد آموزش پزشکی، کارشناس HSR، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان

**مقدمه:** آگاهی از تکنیک های آموزشی و بکارگیری آن در میزان یادگیری و رضایتمندی فراگیران تأثیر بسزایی دارد. از طرفی دانشجویان به عنوان عناصر اصلی آموزش، یکی از بهترین منابع اطلاعات در هر سیستم آموزشی می باشند. لذا با توجه به اهمیت و نقش تکنیک های آموزشی در تسهیل یادگیری و رضایتمندی دانشجویان، این مطالعه با هدف تعیین ارتباط آگاهی از تکنیک های آموزشی با مناسب دانستن آنها جهت تسهیل در یادگیری دانشجویان دانشکده پزشکی گرگان در سال ۱۳۹۱ انجام شده است.

**روش ها:** در این مطالعه توصیفی تحلیلی، از روش سرشماری و جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه پژوهشگر ساخته ای که حاوی ۲۵ سؤال دوگزینه ای بود، پس از تأیید روایی و پایایی آن استفاده گردید. داده ها در نرم افزار SPSS 16 وارد و توصیف داده ها به شکل جداول فراوانی و در تحلیل داده ها از آزمون کای اسکوتر برای یافتن ارتباط بین دو متغیر میزان آگاهی از تکنیک ها و مناسب دانستن تکنیک ها استفاده شد.

**نتایج:** میزان آگاهی دانشجویان از تکنیک سخنرانی ۳۵/۹ درصد، CBL ۵/۱ درصد، CBL و PBL و WBL ۷/۷ درصد و آگاهی با همه تکنیک ها ۷/۷ درصد بوده است.

۷/۷ درصد از دانشجویان تکنیک سخنرانی و ۱۵/۴ درصد با تلفیق تکنیک های CBL و PBL و ۵/۱ درصد با تلفیق چند تکنیک را مناسب میدانستند. ۳۸/۵ درصد از دانشجویان نیز با تکنیک های آموزشی آشنا نبودند. مقدار  $\text{sig}=0.04$  در آزمون کای اسکوتر نشان داد که بین دو متغیر میزان آگاهی از تکنیک ها و مناسب دانستن تکنیک ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد، ارتباط معنی دار وجود دارد.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج مطالعه، استفاده از تکنیک های پیشنهادی دانشجویان، در برنامه ریزی آموزشی ضروری بنظر میرسد. همچنین معرفی تکنیک های آموزشی، جهت آشنایی دانشجویان پیشنهاد میگردد. کلمات کلیدی: تسهیل یادگیری، تکنیک های آموزشی، فراگیران

## تعیین سبک‌های یادگیری دانشجویان پزشکی و غیر پزشکی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی بر اساس مدل وارک

دکتر نگین برات دستجردی\*<sup>۲۹</sup>، نسیم فدایی نژاد

\* عضو هیات علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان

[dastjerdey@gmail.com](mailto:dastjerdey@gmail.com)

**مقدمه:** در یک نظام آموزشی موفق، سبک یادگیری دانشجویان بعنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی همواره مورد توجه قرار می‌گیرد. با شناسایی سبک یادگیری، هم روش تدریس مناسبتر توسط اساتید و هم روش یادگیری صحیحتر توسط فراگیران اتخاذ میشود. این پژوهش با هدف تعیین سبک یادگیری دانشجویان پزشکی غیر پزشکی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی صورت گرفت.

**روش‌ها:** این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی است. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده بوده که در آن ۱۰۰ دانشجوی پزشکی و ۱۰۰ دانشجوی غیر پزشکی مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ به مطالعه وارد شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد وارک می‌باشد که در آن سبک‌های یادگیری را به چهار سبک دیداری، شنیداری، خواندنی و مهارتی تقسیم نموده است. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار SPSS18 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. میانگین کل دروس نظری و عملی کلیه دانشجویان به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شد.

**نتایج:** سبک‌های یادگیری دانشجویان رشته‌های پزشکی و غیر پزشکی با یکدیگر تفاوت دارد. سبک غالب دانشجویان پزشکی دیداری و غیر پزشکی شنیداری بود. بین سبک یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانشجویان ارتباط معناداری مشاهده نشد. دانشجویان دختر و پسر سبک‌های یادگیری متفاوتی نداشتند.

**نتیجه‌گیری:** وجود تنوع در سبک‌های یادگیری دانشجویان می‌تواند توجه مدرسین را به ضرورت در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی و سبک‌های متفاوت یادگیری دانشجویان در طراحی روش‌های متنوع تدریس با بهره‌گیری از زیرساخت‌ها و امکانات موجود فناوری اطلاعات معطوف نمایند.

**واژه‌های کلیدی:** سبک یادگیری، دانشجویان پزشکی، دانشجویان غیر پزشکی، آزمون وارک، پیشرفت تحصیلی

## بررسی مقایسه ای میزان، نوع و کارکردهای تلفن همراه در یادگیری بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و دانشگاه دولتی اصفهان

دکتر نگین برات دستجردی<sup>۱\*</sup>، اعظم دهقانی خوزانی<sup>۲</sup>، مریم رضایی<sup>۳</sup>  
عضو هیات علمی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان\*  
Email: [dastjerdey@gmail.com](mailto:dastjerdey@gmail.com)  
دانشجوی کارشناسی تکنولوژی آموزشی دانشگاه اصفهان<sup>۲</sup>  
دانشجوی کارشناسی تکنولوژی آموزشی دانشگاه اصفهان<sup>۳</sup>

**مقدمه:** با توجه به سرعت فزاینده تولید دانش جدید و توسعه فن آوری های ارتباطی نظیر تلفن همراه که منابع و داده های مرتبط با هر موضوع را بدون محدودیت زمانی و مکانی در اختیار فراگیران قرار می دهد و با عنایت به جنبه های مثبت فراوان کاربرد آن در موسسات آموزشی و ضرورت سازگاری با تغییرات و بهره گیری صحیح از این فن آوری جدید، پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان، نوع و کارکردهای استفاده از تلفن همراه در یادگیری در بین دانشگاههای علوم پزشکی و اصفهان انجام شده است.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی - پیمایشی در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و دانشگاه دولتی اصفهان در سال ۹۰-۸۹ انجام شد. ۲۰۰ نفر از دانشجویان (۱۰۰ نفر علوم پزشکی و ۱۰۰ نفر دانشگاه اصفهان) با استفاده از نمونه گیری تصادفی ساده، به عنوان نمونه پژوهشی انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده، پرسشنامه محقق ساخته، میزان و نوع استفاده از تلفن همراه در یادگیری بود. برای تحلیل نتایج از نرم افزار SPSS و روشهای آمار توصیفی و استنباطی استفاده گردید.

**نتایج:** در زمینه میزان استفاده از تلفن همراه در یادگیری تفاوت قابل ملاحظه ای بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و دانشگاه دولتی اصفهان وجود نداشت. در نوع استفاده از تلفن همراه و کاربردهای آن بین دانشجویان دو دانشگاه تفاوت وجود داشت و در مجموع دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی استفاده های متنوع تری از تلفن همراه در یادگیری و فعالیتهای آموزش و پژوهشی خود نسبت به دانشجویان دانشگاه دولتی اصفهان داشتند.

**نتیجه گیری:** یادگیری فرایندی مستمر است. با استفاده از وسایل همراه یادگیری دیگر لازم نیست که یادگیری در محیطها یا در زمانهای ثابت اتفاق بیفتد. بنابراین استفاده از تکنولوژی یادگیری های سیار جزء جدایی ناپذیر فرایند آموزشی در آینده دانشگاهها خواهد بود.

**واژه های کلیدی:** یادگیری از طریق تلفن همراه، دانشجویان، آموزش، دانش

## تأثیر آموزش به روش کارایی تیم بر تفکر انتقادی، اعتماد به نفس، رضایت و عملکرد دانشجویان پرستاری

شهین رئوفی\*<sup>۱</sup>، علی فرهادی<sup>۲</sup>، علی شیخیان<sup>۲</sup>

\*<sup>۱</sup>مربی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی لرستان [R822003@yahoo.com](mailto:R822003@yahoo.com)

<sup>۲</sup>استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی لرستان

**مقدمه:** تدریس در دانشگاه‌ها همیشه به شیوه رایج سخنرانی انجام می‌شود. همین امر دانشجویان را غیر فعال نموده و قدرت تفکر انتقادی، تصمیم‌گیری و فعالیت را از آن‌ها کاسته است. در حالی که با استفاده از روش‌های نوین آموزشی می‌توان توانمندی‌های دانشجویان را افزایش داد، به همین دلیل این مطالعه با هدف تعیین تأثیر آموزش به روش کارایی تیمی بر تفکر انتقادی، اعتماد به نفس، رضایت و عملکرد دانشجویان پرستاری انجام گردید.

**روش‌ها:** در یک مطالعه نیمه تجربی بر روی ۵۲ دانشجوی دو ترم اول پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی خرم‌آباد، روش تدریس کارایی تیمی بر روی درس تئوری اصول و فنون طی دو ترم اجرا گردید. قبل و بعد از اجرای روش تدریس، پرسشنامه تفکر انتقادی کالیفرنیا به دانشجویان داده شد تا تکمیل نمایند. برای سنجش اعتماد به نفس و عملکرد دانشجویان از پرسشنامه اعتماد به نفس و آزمون کتبی استفاده گردید. در پایان ترم نیز با یک سؤال باز نظرات آنان سنجیده شد.

**نتایج:** در هر دو گروه میانگین نمره تفکر انتقادی، بعد از اجرای مداخله افزایش یافته بود. بین نمره تفکر انتقادی ابتدای ترم با بعد از اجرای روش کارایی تیمی اختلاف معنی‌دار بود ( $p=0.001$ ). میزان نمره اعتماد به نفس بعد از روش کارایی تیمی کمی افزایش یافته بود، اما رابطه معنی‌داری بین نمره قبل و بعد از مداخله مشاهده نشد ( $p=0.5$ ). از نظر عملکرد، نمره امتحان بعد از مداخله افزایش یافته بود و اختلاف معنی‌دار بود ( $p=0.001$ ). اکثر دانشجویان از اجرای این روش ابراز رضایت نموده و آن را نو و مفید می‌دانستند.

**نتیجه‌گیری:** استفاده از روش‌های نوین تدریس موجب عمیق‌تر شدن یادگیری و ماندگاری طولانی آن می‌گردد. همچنین موجب توسعه تفکر انتقادی، افزایش اعتماد به نفس و رضایت دانشجویان می‌گردد که در واقع در راستای اجرای رسالت آموزش عالی است.

**واژه‌های کلیدی:** کارایی تیمی - روش تدریس نوین - تفکر انتقادی - اعتماد به نفس - دانشجوی پرستاری

## بررسی تاثیر رسم نقشه مفهومی بر میزان یادگیری درس فیزیولوژی پزشکی

زهرا اکبری\*، خلیل پورخلیلی، فاطمه دهقان، فاطمه نجومی، آزاده عازمیان

Z.akbari@bpums.ac.ir

گروه فیزیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

**مقدمه:** توانایی افراد در یادگیری مطالب بویژه مباحث تئوری متفاوت است. از این رو سبکهای مختلف یادگیری جهت افزایش بازدهی و تاثیرگذاری آموزش تئوری بکارگرفته می شوند. در هر یک از این روشها به نوعی سعی می گردد که اثرگذاری آموزش را به نحوی ماندگارتر سازند. یکی از روشهای مطرح در امر یادگیری استفاده از نقشه مفهومی است. در این روش سعی بر این است که دانشجو بتواند ارتباط بین مفاهیم مختلف را به شکل منطقی و در غالب یک دیاگرام بطور یکجا برقرار کند. درس فیزیولوژی یکی از دروس پایه و مهم در کوریکولوم آموزشی دانشجویان رشته پزشکی است. ماهیت این درس مفهومی بوده و دانشجو تنها در صورتی قادر به کاربرد این مفاهیم می باشد که بتواند ارتباطی منطقی بین مطالب آموخته شده برقرار نماید. این مهم می تواند با رسم نقشه مفهومی برآورده شود. هدف از این مطالعه بررسی میزان تاثیر گذاری روش رسم نقشه مفهومی بر میزان یادگیری مباحث درس فیزیولوژی پزشکی می باشد.

**روشها:** افراد مورد مطالعه در این پژوهش توصیفی تحلیلی دانشجویان پزشکی بودند. ابتدا طی یک جلسه در رابطه با ماهیت نقشه مفهومی و نحوه کشیدن آن به دانشجویان توضیح داده شد. سپس در پایان هر جلسه تدریس از دانشجویان خواسته شده که نقشه مفهومی مربوط به آن جلسه را رسم کنند. سپس در پایان ترم پرسشنامه ای طراحی و در رابطه با تاثیر این روش در میزان یادگیری درس فیزیولوژی از دانشجویان نظر سنجی شد.

**نتایج:** نتایج نشان دادند که اغلب دانشجویان با این موضوع که کشیدن نقشه مفهومی میزان یادگیری آنها را از درس فیزیولوژی افزایش می دهد کاملاً موافق (۲۵٪) و یا موافق (۴۴/۷٪) هستند. اما در حدود ۸٪ دانشجویان با این موضوع مخالف بودند و این روش را جهت افزایش یادگیری فیزیولوژی راهکار مناسبی نمی دانند.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج بدست آمده به نظر می رسد که اکثریت دانشجویان رسم نقشه مفهومی را روش موثری در افزایش میزان یادگیری شان در این درس می دانند. لذا می توان از این روش، به عنوان یک ابزار کمکی جهت ارتقاء یادگیری دروس مفهومی بهره برد.

**واژه های کلیدی:** نقشه مفهومی، یادگیری، فیزیولوژی



## یادگیری مبتنی بر عمل

امین حبیبی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی اصفهان-مرکز مطالعات و توسعه ی آموزش پزشکی

[Amin28@gmail.com](mailto:Amin28@gmail.com)

**مقدمه:** بدون شک "یادگیری"، مهمترین پدیده روانی در انسان می باشد. به این دلیل که موجب می شود انسان از نظر روانی از سایر موجودات و دیگر هموعان خود متمایز گردد. بنا به اهمیت مقوله ی یادگیری روشها و الگوهای آموزشی مختلفی برای انجام فعالیتهای منجر به یادگیری طراحی شده است. یکی از عوامل مؤثر در یادگیری ایجاد میل و رغبت به آموختن در یادگیرنده است. یکی از روشهای نسبتا جدیدی که در آموزش به منظور ایجاد میل و رفع خستگی و بازدهی بیشتر در یادگیری استفاده می گردد "Action based learning" است که به اختصار "ABL" خوانده می شود. در آموزش علوم پزشکی نیز بسیاری از اعمال بالینی که در محیط کار نیاز به انجام دادن دارند را می توان با استفاده از "ABL" شبیه سازی نمود

**روشها:** این مقاله یک مطالعه ی مروری است که در آن مقالات مرتبط با موضوع ۱۰ در سال گذشته با جستجو در اکثر پایگاه های اطلاعاتی معتبر استخراج و مورد بررسی قرار گرفتند.

**نتایج:** ABL به معنی "یادگیری مبتنی بر عمل" یک مفهوم کلی است و در ترکیب با بسیاری از روشهای آموزشی به کار می رود. به طور کلی ABL را بر اساس هدف انجام در کلاس به دو گروه "غیر مستقیم" و "مستقیم" تقسیم می توان نمود. در روش "غیرمستقیم" فعالیت در کلاس نه به منظور آموزش یک موضوع خاص یا تدریس یک قسمت مشخص از درس بلکه برای بهبود یادگیری یا افزایش هوشیاری و همچنین رفع خستگی و مواردی از این قبیل انجام می شود. در روش "مستقیم" به منظور یادگیری یک "موضوع خاص" و تدریس یک درس مشخص از فعالیت ها و حرکات مختلف استفاده می شود.

**نتیجه گیری:** بنا به تعریف ABL یک فعالیت از قبل برنامه ریزی شده است که از طریق "انجام دادن" و یک "تجربه ی دست اول" به روند یادگیری و حفظ اطلاعات جدید کمک می نماید. در حوزه ی علوم پزشکی بسیاری از اعمال بالینی که در محیط کار نیاز به انجام دادن دارند را می توان در محیط های آموزشی با استفاده از ABL شبیه سازی نمود. این الگو را امروزه می توان در "آموزش دانشگاهی" و "آموزش مداوم" کارکنان نظام سلامت مورد استفاده قرار داد که در آن بسیاری از موارد آموزشی در موقعیت های واقعی انجام می شود و در آن بر لزوم همکاری گروهی، پویایی و یادگیری عمیق تر تاکید می شود

**واژه های کلیدی:** آموزش پزشکی-آموزش مبتنی بر عمل-روشهای یادگیری

بررسی میزان آشنایی و استفاده از برنامه های دستیار شخصی دیجیتال و  
Uptodate در بین دستیاران، کارورزان و کارآموزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی  
کرمان ۱۳۹۱

روشنک محمدی\*<sup>۱</sup>، سعید اسماعیلیان<sup>۲</sup>  
کمیته مشورتی دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمان  
کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمان

مقدمه: در سال های اخیر استفاده از منابع اطلاعاتی الکترونیک بخصوص UpToDate و برنامه های دستیار شخصی دیجیتال شامل نرم افزار های پزشکی که بر روی لپتاپ و گوشی های موبایل به دلیل داشتن قابلیت های چندگانه رشد زیادی دارد. بررسی میزان استفاده و مفیدبودن این منابع در میان دانشجویان پزشکی و دستیاران به عنوان تامین کنندگان آینده سلامت ضروری به نظر میرسد.

روشها: مطالعه ی ما یک مطالعه مقطعی می باشد که در بین ۶۸ دستیار، ۷۵ کارورز و ۸۶ کارآموز پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمان ۱۳۹۱ به وسیله ی پرسشنامه پژوهشگر ساخته ۲۵ سوالی که روایی و پایایی آن قبل از شروع مطالعه سنجیده شده بود و به صورت سرشماری وارد مطالعه شدند و افرادی که رضایت جهت شرکت در مطالعه رضایت نداشتند و یا پرسشنامه خود را نا تمام تکمیل نمودند و میهمان دانشگاه بوده از مطالعه ما خارج شدند میزان مفید بودن این منابع، میزان در دسترس بودن و آسان بودن این منابع، مشکلات، علت رجوع به این منابع و متغیر های دموگرافیک سنجیده شد.

نتایج: از میان ۲۲۹ دانشجو و دستیار مشغول به تحصیل در دانشکده پزشکی ۱۹۶ (۸۵٫۶٪) در مطالعه ی ما شرکت نمودند. در این بین تنها ۲۵ نفر (۱۲٫۷٪) از شرکت کنندگان از منابع دستیار شخصی دیجیتال استفاده مینمودند که دستیاران (۵۲٪) بیشترین استفاده را از بین شرکت کنندگان را دارا بودند. از میان کسانی که با این منابع آشنایی داشتند ۲۲ نفر (۸۸٪) این منابع را مفید می دانستند و بیشترین علت رجوع را استفاده از اطلاعات دارویی (۸۹٪)، استفاده از گاید لاین ها (۷۹٫۳٪) و استفاده از ماشین حساب های پزشکی (۴۶٫۷٪) را شامل میشد. بیشترین مشکلات مانع از استفاده از این منابع ترس از خراب شدن وسیله، ترجیح به استفاده از رایانه رو میزی و کتاب و هزینه های بالای تامین این منابع بود. میانگین استفاده از این منابع  $17 \pm 4$  مرتبه در ماه بود. تعداد ۵۷ نفر (۲۹٪) با منبع UpToDate آشنایی داشتند که تنها ۱۷ نفر از این منبع تنها به صورت دستیار شخصی دیجیتال استفاده می کردند و بقیه افراد از این منبع استفاده نمیکرد. مهمترین مشکلات استفاده از این نرم افزار عدم امکان دستیابی به UpToDate و کم بودن آشنایی با زبان انگلیسی بود. میانگین استفاده از این منبع  $8 \pm 4$  مرتبه در ماه بود. بیشترین استفاده کنندگان دستیاران (۶۱٪) بودند.

نتیجه گیری: هرچند استفاده از منابع دستیار شخصی دیجیتال و UpToDate بسیار مفید بوده در کاهش اشتباهات پزشکی و آموزش ارائه کنندگان سلامت نقش مهمی دارد. اما میزان آشنایی دانشجویان پزشکی بسیار کم بوده و نیاز دارد نسبت به برگزاری کارگاه ها یا پمفلت های آموزشی جهت آشنایی و در اختیار گذاشتن امکانات لازم جهت استفاده از این منابع به دانشجویان بر نامه ریزی های لازم را بنماید.

واژه های کلیدی: دستیار شخصی دیجیتال، UpToDate، دستیاران، دانشجویان پزشکی،

## آموزش ترکیبی رویکردی مفید در آموزش علوم پزشکی

نسرین گله دار\*، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی لرستان، دانشجوی دکتری پرستاری

Email: [Galehdar\\_nas@yahoo.co.in](mailto:Galehdar_nas@yahoo.co.in)

دکتر فریبا حقانی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

محسن حجت، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم - دانشجوی دکتری پرستاری

سهیلا جعفری، دانشجوی دکتری پرستاری

**مقدمه:** امروزه آموزش وسیله مهمی است، بنابراین به منظور افزایش کیفیت آموزش، لازم است که آموزش بر اساس سبک یادگیری افراد بنا شود. کارشناسان معتقدند که نظام آموزشی کشور با هزینه ای فراوان، پایه ای سست را بنا نهاده و قادر نیست با چنین سرمایه گذاری کماکان بیش از ۱۰ درصد علاقه مندان به آموزش را بپذیرد. همچنین جایگاه استفاده از یادگیری الکترونیکی در آموزش آن گونه که سروصدا به پا کرده است در مقام عمل چندان قابل توجه نیست. در پاسخ به این کمبودها آموزش ترکیبی یک رویکرد امید بخش برای حل این مشکلات است.

**روش‌ها:** در این مقاله مروری که حاصل بررسی بیش از ۳۰ مقاله و چند کتاب است ضمن تعریف و تشریح یادگیری ترکیبی، مدل‌ها، طراحی، مزایا و کاربردهای آن در علوم پزشکی مورد بحث قرار خواهند گرفت.

**نتایج:** آموزش ترکیبی ترکیب متفکرانه تجارب یادگیری حضوری و مجازی یا تلفیق ارتباطات شفاهی حضوری و ارتباطات نوشتاری مجازی است به طوریکه نقاط قوت آنها ترکیب شوند. وسیع ترین تعریف از یادگیری ترکیبی را در اسکول ارایه داده است.

مدل‌های یادگیری ترکیبی: یکی از مدل‌ها، مدل چهار بعدی IBM است "مدل یادگیری ترکیبی دیگر، مدل "اجتماع پرسشی (COI) است. مدل بیلواسکی و متسلف از سه حوزه یادگیری، پشتیبانی عملکرد و مدیریت دانش ساخته شده است. یکی دیگر از انواع این روش یادگیری، Badrul khan است. تمامی مدل‌های یادگیری ترکیبی روی یک همگرایی موجود از هر دو محیط آموزش سنتی با محیط‌های یادگیری مبتنی بر تکنولوژی و رسانه‌ها تاکید دارند.

طراحی یادگیری ترکیبی: آموزش مجازی محض به دلیل تفاوت‌های فردی فراگیران و یکسان بودن محتوای آموزشی برای همه مخاطبان، نمی‌تواند اثربخشی کافی را داشته باشد. آموزش باید انعطاف پذیری لازم را نسبت به مخاطب خود حفظ نماید تا دچار شکست نشود. مزایای یادگیری ترکیبی: بوسیله ترکیبی از تکنیک‌ها و تکنولوژی‌های آموزشی مختلف یادگیری ترکیبی می‌تواند موفقیت‌های مخاطبان را بهبود بخشد - یادگیری ترکیبی می‌تواند برای مخاطبانی با شیوه‌ها و سطوح یادگیری مختلف به کار برده شود - یادگیری ترکیبی روشی است برای کاهش هزینه‌های آموزشی در حالت کلی ... کاربرد آموزش ترکیبی در علوم پزشکی: مطالعات انجام شده در زمینه علوم پزشکی همگی بیانگر تفاوت‌هایی در امر یادگیری و کاربرد عملی مطالب آموزشی بوده‌اند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به مطالب مندرج در مقاله آموزش ترکیبی می‌تواند روزنه‌امیدی برای آموزش علوم پزشکی باشد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش ترکیبی، علوم پزشکی، آموزش الکترونیکی، آموزش حضوری

## آموزش و ارزیابی مستمر دانشجویان پزشکی مقطع بالینی بر پایه وب سایت آموزشی و یادگیری مشارکتی

ندا سعیدیان\*، امین نوروزیگی، محمد معین صفا، امین طالب زاده، رعنا رحیمی

Email:Saedianneda@yahoo.com

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد

**مقدمه:** ارتقای یادگیری دانشجویان پزشکی بالینی به روش کارآمد در مقابل یادگیری صرفاً بر مبنای تئوری بسیار اهمیت دارد. در این حیطه یادگیری مشارکتی یکی از مهم ترین ارکان یادگیری فعال دانشجویان محسوب می شود. این یادگیری مشارکتی می تواند با استفاده از وب سایت آموزشی که تعامل بین دانشجویان و اساتید را در هر زمان و مکان فراهم می سازد بهتر تحقق یابد. ما در نظر داریم روشی جهت ارتقای آموزش مهارت های بالینی دانشجویان پزشکی در برخورد با هر بیماری را ارائه دهیم.

**روش ها:** در این روش دانشجویان هر بخش پس از فرصتی کوتاه در ابتدای بخش جهت مرور مطالب تئوری، هر روز یک یا چند مورد بیمار به صورت سی پی سی از طریق وب سایت مربوطه مطرح می شود. دانشجویان جهت بررسی علائم و نشانه های ذکر شده نیاز به مرور و تجزیه و تحلیل مطالب تئوری خوانده شده دارند. پاسخ گویی به مورد مطرح شده توسط دانشجویان از طریق همان وب سایت طوری است که دانشجویان و اساتید می توانند به بحث و تبادل نظر بپردازند و استاد محترم نیز پاسخ را بررسی و اشکال گیری می کند و در صورت لزوم توضیحات مربوطه به دانشجویان داده می شود. در این روش تمامی بیماری های مهم و شایع بصورت ارائه مورد بیمار مرور می شوند و به صورت فعال و مشارکتی آموزش داده می شوند. نحوه پاسخ گویی به سوالات بطور مستمر در مدت زمان بخش مربوطه می تواند جایگزینی برای امتحان تئوری پایان بخش باشد. ضمن این که مورد های بیماری واقعی که در بخش وجود دارند نیز کماکان همانند نحوه آموزشی همه بیمارستان های آموزشی حال حاضر از نظر ارتقاء مهارت های عملی دانشجویان مفید واقع می شوند. در واقع این روش سعی دارد آموزش و ارزیابی مطالب تئوری را به صورت مشارکتی بین دانشجویان و اساتید در هر زمان از شبانه روز و مکان برقرار سازد. این روش در بخش روان پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در حال انجام است. ۵۰ دانشجویان از ورودی های ۸۵ و ۸۶ در این مطالعه شرکت کردند و نظرات خود را در رابطه مقایسه این روش با سایر روش های فعلی بخش های دیگر عنوان کردند.

**نتایج:** طبق بررسی های بعمل آمده اکثریت دانشجویان (۴۶ نفر از ۵۰ دانشجو) این نحوه آموزش و ارزیابی مستمر را بسیار کارآمد می دانند و اظهار داشتند این روش بسیار ساده و کم هزینه می تواند در همه بخش ها انجام شود.

**نتیجه گیری:** یادگیری مطالب تئوری به صورت مشارکتی و تعامل بیشتر بین اساتید و دانشجویان بصورت اینترنتی از طریق وب سایت آموزشی می تواند انگیزه دانشجویان را برای مطالعه بیشتر بالا ببرد و همچنین مستمر بودن مطالعات طی بخش، وادار شدن به تجزیه و تحلیل مطالب تئوری و تلفیق مطالب تئوری با مورد های بیماری بازده آموزشی دانشجویان را ارتقاء می بخشد.

**واژه های کلیدی:** آموزش - ارزیابی - مشارکتی - بخش های بالینی پزشکی

## نگرش پرسش گرا

\*نسرین مظفری، افشین شیرکانی، عاتکه ترک زاده

استادیار دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

Email: mozafare@yahoo.com

**مقدمه:** به دنبال تحولات شگفت انگیز بشری به تبع آن ارزش ها نیز دستخوش تغییر گشته و ذائقه ی جامعه و نیازهای آموزشی و روش های آن را متاثر ساخته است و نقش استاد و دانشجو نیز نمی تواند جدا از آن باشد. نگرش پرسش گرا یا Questioning Attitude می تواند در کنار سایر روش های آموزشی مانند Brain ، Problem base learnig ، storming، Focous grouping یا Team work جهت آموزش دانشجویان مورد استفاده قرار گیرد.

**روش ها:** در این پژوهش به روش کتابخانه ای سعی شده است که ارزش و مفهوم «نگرش پرسش گرا» مورد بحث و بررسی قرار گیرد و به عنوان یک روش مهم در آموزش دانشجویان پزشکی و پیرا پزشکی قرار گیرد.

**نتایج:** بر مبنای پژوهش های انجام شده این روش از آن جا که دانشجویان را به طور فعال درگیر مباحث آموزشی می نماید می تواند به عنوان یک روش آموزشی Active در مقابل

Passive مطرح شود و ماندگاری مطالب آموزشی را در ذهن افزایش دهد.

**نتیجه گیری:** جهت آموزش علوم پزشکی Questioning Attitude می تواند به عنوان یک روش تاثیر گذار مورد استفاده ی استادان قرار گیرد. آموزش بر مبنای این روش با درگیر ساختن ذهن دانشجویان آموزش را از رویکردی صرفا «بیرونی» و گذرا در آورده و آن را «درونی» و پایا می سازد .

**واژه های کلیدی:** نگرش پرسش گرا، آموزش، استاد، دانشجو

## بررسی میزان تاثیر برخی خصوصیات عینی تدریس اساتید بر میزان یادگیری دانشجویان در کلاسهای نظری

فاطمه زورمند قاسمی\*، دکتر مجید اکبری<sup>۱</sup>

\*دانشجوی دندانپزشکی، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، عضو واحد استعداد

درخشان دانشگاه علوم پزشکی مشهد

Email: [Zourmandf881@mums.ac.ir](mailto:Zourmandf881@mums.ac.ir)

<sup>۱</sup>دانشیار ترمیمی مرکز تحقیقات دندانپزشکی دانشکده دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

**مقدمه:** امروزه توجه شایانی به امر آموزش و یادگیری شده و تلاش های فراوانی جهت ارتقای کیفیت آموزش صورت پذیرفته است. لذا دستیابی به خصوصیات تدریس اثر بخش می تواند نقشی انکارناپذیر در تضمین کیفیت آموزش داشته باشد. بدین منظور، مطالعه ای جهت تعیین میزان اثربخشی برخی خصوصیات تدریس بر میزان یادگیری دانشجویان انجام گرفت.

**روش ها:** در این مطالعه که به شیوه هم گروهی در دانشکده دندانپزشکی مشهد در سال ۱۳۹۱ انجام شد، خصوصیات تدریس ۳۳ نفر از اساتید با کسب اجازه ایشان ارزیابی شد. ابتدا لیستی از خصوصیات کلی موثر در تدریس اساتید با استفاده از متون آموزشی تهیه و در طی مصاحبه ای با تعداد ۱۴ نفر از دانشجویان نهایی شد. این خصوصیات شامل: وجود همهمه در کلاس، محیط کلاس، استراحت حین تدریس و نحوه ارائه اسلاید بود که در مورد هر استاد توسط محقق با حضور در کلاس بر اساس چک لیست ثبت میگردد در پایان هر جلسه؛ آزمونی که بر اساس اهداف ذکر شده در طرح درس استاد مربوطه طراحی و با دیدگاه تطابق با انتظار استاد از سطح یادگیری دانشجویان در آن جلسه به تایید استاد رسیده بود؛ با شرکت هشت نفر از دانشجویان داوطلب سال سوم گرفته شد. ارتباط بین نمرات کسب شده توسط دانشجویان و ویژگی های عینی تدریس استاد بررسی شد. نتایج مطالعه با استفاده از نرم افزار SPSS 11/5 مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** یافته های مطالعه حاکی از آن بود که عدم وجود همهمه در کلاس ارتباط معنی داری با افزایش میانگین نمرات دانشجویان داشت ( $P=0/015$ ). همچنین بین محیط کلاس همراه با شوخی و میانگین نمرات دانشجویان ارتباط معنی داری مشاهده گردید، ( $P=0/032$ ). دادن زمان استراحت حین تدریس و میانگین نمرات ارتباط معنی داری نداشت ( $P=0/120$ ). همچنین نوع اسلایدها با میانگین نمرات دانشجویان ارتباط معنی داری نداشت ( $P=0/064$ ). در حالیکه بین میانگین نمرات دانشجویان با عدم روخوانی اسلاید ها توسط استاد ارتباط معنی داری مشاهده گردید ( $P=0/003$ ).

**نتیجه گیری:** با توجه به محدودیتهای این مطالعه؛ به نظر میرسد عدم وجود همهمه، محیط همراه با شوخی و عدم روخوانی اسلاید ها، موجب افزایش میانگین نمرات یادگیری دانشجویان در کلاسهای نظری میگردد.

**واژه های کلیدی:** آموزش، استاد، دانشجو، یادگیری، روش تدریس

## بررسی اثر آموزش بر اساس شبیه سازی بر روی ارزیابی دیداری میزان حجم

### خونریزی

فریده اخلاقی\*، ویدا تقی پور بازرگانی

زمینه و هدف: خونریزی بعد از زایمان یکی از شایعترین علل مرگ و میر مادران است که در آن معمولاً تخمین غلط حجم خون از دست رفته منجر به جایگزینی نامناسب و مرگ و میر مادران می شود. تخمین حجم خونریزی نیاز به مهارت کافی دارد و کسب مهارت باید در شرایط مناسب انجام شود. لذا در این مطالعه اثر آموزش بر اساس شبیه سازی بر روی تخمین دیداری حجم خون بررسی می شود. خلاصه روش کار: در این مطالعه آینده نگر که برای اولین بار در ایران در دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شد تعداد ۴۰ نفر از دستیاران رشته زنان و مامایی که دارای شرایط ورود به مطالعه بوده و فرم رضایت شرکت را امضا کردند، انجام شد. مطالعه در سه مرحله شامل پره تست، آموزش و پست تست برنامه ریزی شد. ابتدا شش ایستگاه همانند خونریزی بعد از زایمان در حجم های ۵۰۰، ۱۰۰۰، ۱۵۰۰، ۲۰۰۰، ۲۵۰۰ و ۳۰۰۰ میلی لیتر شبیه سازی شد و از شرکت کنندگان در خواست شد پس از تکمیل فرم مشخصات فردی به ترتیب وارد ایستگاههای مختلف شوند و حجم خون را تخمین بزنند. در مرحله بعد محقق میزان حجم خون صحیح شبیه سازی شده در هر ایستگاه را به شرکت کنندگان آموزش می داد. در مرحله آخر دوباره همانند مرحله اول شش ایستگاه شبیه سازی و شرکت کنندگان مجدداً حجم خون هر ایستگاه را تخمین زدند. اطلاعات به دست آمده از پره تست و پست تست جمع آوری و با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۱/۵ و تستهای Chi-Square و McNemar مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت و سطح معنی داری P کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. خلاصه نتایج: شرکت کنندگان تعداد ۴۰ نفر از دستیاران رشته زنان و مامایی بودند که اطلاعات به دست آمده نشان داد که آموزش با استفاده از شبیه سازی در تخمین دیداری حجم خون اثر مهمی دارد. مقایسه میزان تخمین صحیح دیداری حجم خون دستیاران در تست قبل از آموزش و بعد از آموزش اختلاف معنی داری را در حجم های مختلف خون شامل ۵۰۰، ۱۰۰۰، ۱۵۰۰، ۲۰۰۰، ۲۵۰۰ و ۳۰۰۰ میلی لیتر (به ترتیب)  $P=0.008$ ,  $P<0.001$ ,  $P<0.001$ ,  $P<0.001$ ,  $P=0.001$ ,  $P<0.021$ ,  $P=0.001$ ) نشان داد. نتیجه گیری: آموزش بر اساس شبیه سازی اثر مهمی بر صحت تخمین دیداری حجم خون دارد

## تأثیر آموزش شبیه سازی و راهبردهای تفکر انتقادی بر اعتماد به نفس دانشجویان

### اتاق عمل

زهرا علی اکبرزاده آرانی<sup>۱\*</sup>، علیرضا شعوری بیدگلی<sup>۲</sup>، مجید خاری آرانی<sup>۲</sup>  
<sup>۱\*</sup> مربی و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی قم، دانشکده پیراپزشکی

Email: [nursing\\_aran@yahoo.com](mailto:nursing_aran@yahoo.com)

<sup>۲</sup> مربی و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی قم، دانشکده پیراپزشکی

Email: [Bidgoli3099@yahoo.com](mailto:Bidgoli3099@yahoo.com)

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد علوم تربیتی

Email: [khari322\\_m@yahoo.com](mailto:khari322_m@yahoo.com)

**مقدمه:** مهارت برخورد با شرایط اورژانسی و داشتن اعتماد به نفس از دوران دانشجویی باید آموزش داده شود. هدف این مطالعه بررسی تأثیر آموزش شبیه سازی و راهبردهای تفکر انتقادی بر اعتماد به نفس دانشجویان اتاق عمل می باشد.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر مطالعه ای مداخله ای است. جامعه ی پژوهش شامل تمامی دانشجویان کارشناسی اتاق عمل ورودی بهمن ۹۰ دانشکده ی پرستاری و مامایی کاشان است. دانشجویان در این پژوهش ۱/۵ واحد نظری درس عملکرد فرد اسکراب و سیار را به مدت ۱۲ هفته گذراندند، قبل از شروع واحد عملی به صورت تصادفی در دو گروه کنترل (n=16) و مداخله (n=17) قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده پرسشنامه اعتماد به نفس آیزینگ بود. قبل از شروع دوره آموزشی، از هر دو گروه پیش آزمون گرفته شد. سپس واحد عملی درس عملکرد فرد اسکراب و سیار توسط مدرس مربوطه در گروه مداخله به صورت آموزش تلفیقی شبیه سازی و استراتژی های تفکر انتقادی و در گروه کنترل روش شبیه سازی به تنهایی برگزار شد. پس آزمون در پایان واحد عملی انجام شد. در پایان نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS16 آنالیز گردید.

**نتایج:** آزمون کای اسکوئر نشان داد که بین آموزش شبیه سازی و اعتماد به نفس دانشجویان در گروه کنترل ارتباط معناداری یافت نشد ولی در استفاده از راهبردهای تفکر انتقادی و شبیه سازی بر اعتماد به نفس در گروه مداخله نتایج تا حدی معنادار شد. نهایتاً در مقایسه تأثیر تلفیقی آموزش شبیه سازی و راهبردهای تفکر انتقادی و شبیه سازی به تنهایی بر اعتماد به نفس دانشجویان تفاوت معناداری به دست نیامد.

**نتیجه‌گیری:** آموزش پراتیک و راهبردهای تفکر انتقادی نمی تواند در بازه زمانی کوتاه روی اعتماد به نفس دانشجویان موثر باشد. از جمله دلایل عدم وجود تفاوت معنادار آماری بین روش آموزش و نمره اعتماد به نفس می توان به تعداد نمونه های اندک، زمان و جلسات محدود آموزشی، عدم تفکیک نمونه ها از لحاظ سن و جنس و انجام پس آزمون همزمان با روز برگزاری امتحان در هر دو گروه اشاره کرد.

**واژه‌های کلیدی:** تفکر انتقادی، شبیه سازی، آموزش، اعتماد به نفس، دانشجویان اتاق عمل



بررسی سبک‌های ترجیحی یادگیری دانشجویان و سبک‌های ترجیحی یاددهی  
اساتید رشته رادیولوژی دوره لیسانس در دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال  
تحصیلی ۹۱-۹۰

سید مسعود حسینی\*، حسن غلامی، حسین دیده بان  
عضو هیئت علمی گروه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

Email: [hoseinim@mums.ac.ir](mailto:hoseinim@mums.ac.ir)

**مقدمه:** عوامل متعددی از جمله سبک‌های یادگیری و سبک‌های یاددهی می‌توانند بر جریان یادگیری تأثیر داشته باشند. انتخاب روش‌های یاددهی مناسب، نقش مهمی را در انتقال مفاهیم و دانش به فراگیران و نهایتاً اعتلای سطح آموزش ایفا می‌کند. این پژوهش با هدف شناسایی سبک‌های یادگیری دانشجویان و یاددهی اساتید گروه رادیولوژی دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شده است.

**روش‌ها:** برای انجام پژوهش از روش تحقیق توصیفی مبتنی بر همبستگی استفاده شده است. سبک‌های یادگیری، معدل کل دانشجویان و سبک‌های یاددهی اساتید به عنوان متغیرهای مورد مطالعه در نظر گرفته شده است. اطلاعات مورد نیاز از اجرای دو پرسشنامه سبک‌های یادگیری و سبک یاددهی براساس نظریه کلب جمع‌آوری شده است.

نمونه آماری مورد مطالعه شامل ۹۸ نفر دانشجو به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و ۲۱ نفر از اساتید که به صورت سرشماری مورد مطالعه قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل نتایج و داده‌ها با استفاده از روشهای آماری توصیفی و استنباطی مثل ضریب همبستگی پیرسون، انحراف معیار، و آنالیز کواریانس به وسیله نرم افزار SPSS13 صورت گرفته است.

**نتایج:** نتایج تحقیق حاکی است که دانشجویان بیشتر از شیوه یادگیری آزمایشگری فعال و سبک یادگیری انطباق‌یابنده و اساتید بیشتر از سبک یاددهی مفهوم‌سازی بهره می‌بردند. تحلیل کواریانس نشان داد که تعامل بین شیوه‌های یادگیری دانشجویان و سبک‌های یاددهی اساتید و معدل کل دانشجویان معنادار نبود، لذا متغیر تصادفی کمکی (سبک‌های یاددهی اساتید) هیچگونه رابطه‌ای با متغیر شیوه‌های یادگیری دانشجویان نداشت. همچنین بین معدل دانشجویان در شیوه‌های مختلف یادگیری تفاوت معناداری وجود داشت و گروه دانشجویان با شیوه یادگیری «مفهوم‌سازی انتزاعی» بیشترین اثر و گروه «تجربه‌عینی» کمترین اثر را دارا بود.

**نتیجه‌گیری:** سبک‌های گوناگونی وجود دارد که اساتید می‌توانند در فرآیند یاددهی در گروه رادیولوژی از آنها بهره ببرند ولیکن با توجه به معناداری دوشیوه یادگیری تجربه‌عینی و مفهوم‌سازی انتزاعی و عدم تعامل سبک‌های یاددهی اساتید و معدل کل دانشجویان میتوان گفت که اساتید گروه رادیولوژی باید باتوجه به موضوع درس، فراگیران و شرایط محیط یادگیری، مناسب‌ترین سبک را انتخاب نمایند.

**واژه‌های کلیدی:** سبک یادگیری- سبک یاددهی- نظریه یادگیری کلب

## بررسی کاربرد نرم افزار جامع کمک های اولیه در تسهیل یادگیری فراگیران دوره های آموزش کمک های اولیه دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

داود نصیری<sup>1\*</sup>، هادی عباسپور<sup>۲</sup>

<sup>1\*</sup> دانشجوی کارشناسی بیهوشی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

Email: [davood1990nasiry@gmail.com](mailto:davood1990nasiry@gmail.com)

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد پرستاری، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

**مقدمه:** محتوای آموزشی یکی از بنیان های اساسی سیستم های آموزشی نوین و یکی از دست آوردهای مهم فن آوری الکترونیک می باشد. محتوای آموزشی که با متن ها و تصاویر ساده بر روی لوح های فشرده آغاز گشت، امروز به مرحله مهمی از حیات و تکامل خود رسیده است. از آنجایی که کار اصلی آموزش را در روش های از راه دور و دانشجو محور، محتوای آموزشی به دوش میکشد، دقت در طراحی و تولید محتوای آموزشی امری اجتناب ناپذیر است و هرگونه حساسیت و وسواس در تولید آن کاملا توجیه شده و بحق است. لذا هدف از این مطالعه تاثیر کاربرد نرم افزار جامع کمک های اولیه در تسهیل یادگیری فراگیران دوره های آموزش کمک های اولیه دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی می باشد.

**روش ها:** این نرم افزار پس از طراحی و تایید اساتید رشته های مرتبط و رفع اشکالات موردی، بین دانشجویانی که در دوره های آموزش کمک های اولیه شرکت کرده بودند توزیع گردید. مدت زمان استفاده از این نرم افزار ۹ ماه بود که بصورت ۳ دوره کامل آموزشی بکارگیری شد. ضمنا در پایان هر دوره آموزشی یک آزمون از گروه فراگیران بعمل آمد و از طریق یک پرسشنامه استاندارد که روایی و پایایی آن تایید شده بود، نتایج جمع آوری و توسط نرم افزار Spss ۱۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج این مطالعه نشان داد که میانگین نمره رضایتمندی کلی فراگیران از نرم افزار ۹۱/۴٪ بود. ۸۸/۶٪ از "ارائه دقیق اطلاعات"، ۹۷/۲٪ "کفایت اطلاعات"، ۹۴/۵٪ از "داشتن قالب مفید و مناسب" و ۱۰۰٪ به "سادگی و قابل درک بودن نرم افزار" و "سهولت نصب و بکارگیری آن" رضایت کامل داشتند. قابل به ذکر می باشد که به اظهار برگزار کنندگان دوره آموزشی فوق میانگین نمره آزمون پایان دوره آموزشی اخیر (با استفاده از نرم افزار) نسبت به میانگین دوره های قبل از اجرای آن افزایش داشته است.

**نتیجه گیری:** با توجه به میزان حداکثری رضایتمندی کاربران و جامعیت تقریبی مطالب مربوط به کمک های اولیه و ارائه بسیاری از فیلم های آموزشی پایه و مقالات و نیز مطالب پایه در جهت شناخت این علوم کاربردی، میتوان در صورت تولید انبوه و ارسال به سایر شهرها، هلال احمر ها و دانشگاههای سطح کشور، کلیه امدادگران، کلیه دانشجویان پیراپزشکی سطح کشور و نیز اقشار مختلف مردم که مایلند اطلاعاتی کلی و جزئی در این خصوص دریافت نمایند، در اختیار آنان قرار داد و نیز اساتید محترم نیز میتوانند از آن در طول تدریس بعنوان کمک آموزشی استفاده نمایند.

**واژه های کلیدی:** نرم افزار، کمک های اولیه، دانشجو

## بررسی دانش، مهارت و نگرش دانشجویان علوم پزشکی در مورد یادگیری موثر از تجربه

\*آزاده عازمیان، مربی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

Email: aazemian@yahoo.com

کامران میرزایی، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

فاطمه بحرالعلوم، دانشجو دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

طیبه فتاحی، دانشجو دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

**مقدمه:** یادگیری از طریق تجربه فرایند زیر بنایی و بنیادینی در یادگیری می باشد. یادگیری از اشتغالات روزمره در نتیجه تکرار رفتار و عادات می تواند رشد و توسعه یابد که در واقع یادگیری در مفهوم سازگارشده با شرایط موجود است ولی یادگیری از طریق تجربه یک فرایند است و روشی است که بطور مستمر برای بهبود یادگیری بکار گرفته می شود. با توجه به وجود تجربیات متعدد در زندگی برای کسب تجربه و شیوه استفاده از تجربیات در یادگیری در این پژوهش دانش، مهارت و نگرش دانشجویان در مورد بکار گیری از تجربیاتشان مورد بررسی قرار گرفت.

**روش‌ها:** در یک مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۱ تعداد ۱۰۰ دانشجویان مورد مطالعه قرار گرفتند. داده های پژوهش از طریق پرسشنامه ای روا و پایا جمع آوری گردید. دانشجویان پرسشنامه یادگیری موثر از تجربه مشتمل بر دو بخش: ۱- مشخصات دموگرافیک ۲- پرسشنامه یادگیری از تجربه با ۴۸ گویه را تکمیل نمودند. ۲۴ سوال دانش و مهارت یادگیری از تجربه و ۲۴ سوال نگرش و مهارت یادگیری از تجربه را بررسی می کردند. داده ها با از آمار توصیفی، با استفاده از نرم افزار SPSS جهت تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شد.

**نتایج:** از بین شرکت کنندگان ۳۷٪ مرد و ۶۳٪ زن می باشند. میانگین سنی شرکت کنندگان بود. کلیه دانشجویان دارای نگرش و عواطف بالا در مورد یادگیری موثر از تجربه بودند (۹۱٪). همچنین دانش و مهارت آنها نیز در مورد یادگیری موثر از تجربه بالا بود (۹۶٪). ۶۲٪ اظهار داشتند زمانی را برای مرور تجربیاتشان قرار می دهند. هرچند که ۴۵٪ معتقد بودند هنگامی که تغییرات واقع می شود بیشتر احساس دلهره و عدم امنیت دارند.

**نتیجه گیری:** با توجه به اهمیت فرایند مستمر بهبود یادگیری از طریق بررسی تجارب قبلی و همچنین باتوجه به پایین بودن نگرش و مهارت دانشجویان کلیه رشته در این مورد به نظر می رسد وجود کارگاههای آموزشی مهارت های یادگیری بصورت مکمل های برنامه آموزشی میتواند بسیار مفید واقع شود.

**واژه‌های کلیدی:** دانشجو، تجربه، یادگیری

## یادگیری به اساس حل مساله (PBL) در آموزش علوم پایه پزشکی و مقایسه با روش سنتی

دکتر سید کاظم فرهمند\*، دکتر سعید سمرقندیان، مهدی بکائیان، مریم طاهری شرق، مریم السادات حسینی  
\*استادیار

**farahmandk1@mums.ac.ir**

**مقدمه:** با توجه به اینکه یکی از مشکلاتی که در آموزش به شیوه های سنتی توسط فراگیران در حیطه علوم پزشکی مطرح می باشد عدم توانمندی آنان در کاربرد اطلاعات علمی در شرایط واقعی و انجام وظایف حرفه ای خود می باشند و از طرفی اغلب مطالبی که به شیوه های سنتی فرا می گیرند پس از مدتی به فراموشی می سپارند. در سال های اخیر، آموزش دانشجویان گروه های وابسته به پزشکی بر اساس حل مساله به عنوان یک شیوه آموزشی در اکثر دانشگاههای معتبر دنیا در حال جایگزینی به جای روش های سنتی می باشد ولی هنوز چالشهای زیادی در جایگزینی کامل این روش نوین یادگیری با روشهای سنتی و بویژه در دروس علوم پایه وجود دارد. این مطالعه با هدف مقایسه تاثیر دو روش آموزش سنتی و آموزش بر پایه حل مساله در درس علوم پایه پزشکی به ارزیابی نظریات دانشجویان و رضایتمندی آنان پرداخته است .

**روش ها:** تعداد ۱۹ نفر از دانشجویان دانشکده پرستاری مامایی انتخاب گردید. در گروه شاهد از روش تدریس سنتی (سخنرانی) و در گروه مورد از شیوه یادگیری بر اساس حل مشکل PBL جهت تدریس استفاده شد. ابزار جمع آوری اطلاعات در این مطالعه توصیفی، فرمهای پرسشنامه مشتمل بر ۱۴ سوال بسته با مقیاس پنج درجه ای لیکرت بود که ارزیابی و نظر دانشجویان را درباره کارایی و رضایتمندی به روش PBL تدریس شده با گروهی که به روش سنتی تدریس شده مقایسه شده است. گروه ها از نظر نمره خام کنکور، معدل ترم اول، معدل دیپلم و سن همسان سازی شد. روایی پرسشنامه به روش محتوا و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ (0/75) به تایید رسید. داده ها به وسیله نرم افزار آماری SPSS تحلیل گردیده، به روش آمار توصیفی گزارش شدند.

**نتایج:** با توجه به نتایج مطالعه فوق آموزش به روش PBL تاثیر بیشتری بر روی توانایی های یادگیری نسبت به روش سخنرانی دارد همچنین نتایج نشان می دهد که دانشجویان PBL را از ابعاد مختلف نسبت به سخنرانی روش کارا تر و موثر تری می دانند و در روش یادگیری بر اساس حل مساله دانشجویان نسبت به روش سنتی بیشتر به سمت تفکر هدایت می شوند و از حفظ کردن مطالب پرهیز نموده و با ایجاد حس مشارکت گروهی موجب ایجاد انگیزش برای مطالعه بیشتر میشود.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج مطالعه، مدرسان و سیاست گذاران آموزشی میتوانند از نتایج این پژوهش جهت انتخاب روشهای نوین تدریس و یا ادغام این روشها بر حسب موقعیت استفاده نمایند

**واژه های کلیدی:** یادگیری به اساس حل مساله، روش سنتی، علوم پایه، سخنرانی، توانایی های یادگیری

## بررسی دیدگاه دانشجویان تکنولوژی پر توشناسی در مورد استفاده از نرم افزار شبیه ساز دستگاه توموگرافی کامپیوتری به عنوان ابزاری کمک آموزشی پیش از دوره کارآموزی

مرضیه طهماسبی\*، لیلیا علیپور فیروزآبادی<sup>۱</sup>، محسن چکی<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی دکتری رشته فیزیک پزشکی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز - مربی گروه تکنولوژی

پر توشناسی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

پست الکترونیک: tahmasbi-m@ajums.ac.ir

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ناپیوسته تکنولوژی پر توشناسی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز.

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری رشته فیزیک پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

**مقدمه:** با استفاده از فناوری اطلاعات، امکان شبیه سازی محیط های آموزشی و آزمایشگاههای مجازی وجود دارد. یکی از نرم افزارهای آموزشی در حیطه بهداشت و درمان، نرم افزار شبیه ساز اسکنر توموگرافی کامپیوتری (CT Scan) است. این مطالعه به منظور بررسی دیدگاه دانشجویان تکنولوژی پر توشناسی در خصوص استفاده از شبیه ساز توموگرافی کامپیوتری به عنوان ابزاری کمک آموزشی در کارآموزی بالینی است تا میزان جذابیت، کارایی و اثر بخشی و نیز محدودیت های این روش آموزشی بررسی شوند.

**روش ها:** پژوهش حاضر، یک مطالعه توصیفی است. در این مطالعه تعداد ۴۶ دانشجوی کارشناسی تکنولوژی پر توشناسی دانشگاه جندی شاپور اهواز قبل از شروع دوره کارآموزی با استفاده از شبیه ساز دستگاه توموگرافی کامپیوتری به مدت ۲ ساعت مورد آموزش قرار گرفتند. سپس به آنها فرصت داده شد تا تمام قسمت های شبیه ساز را بررسی نمایند. بعد از یک هفته کارآموزی بالینی دیدگاه این دانشجویان در مورد میزان تاثیر و ضرورت دوره آموزشی مجازی با استفاده از شبیه ساز قبل از کارآموزی بالینی، مورد بررسی قرار گرفت. ابزار ارزیابی پرسشنامه ای بوده که توسط محققین در مورد دیدگاه دانشجویان نسبت به جنبه های مختلف نرم افزار تهیه شده است. برای تجزیه تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ و آزمون های توصیفی استفاده شده است.

**نتایج:** نتایج نشان داد از دیدگاه دانشجویان، آموزش مجازی پیش از کارورزی ضروری است و مهمترین ویژگی های آموزش با استفاده از شبیه ساز از دیدگاه آنان به ترتیب عبارت بودند از: بالا بردن آمادگی و کاهش استرس قبل از کارآموزی، همخوانی محیط شبیه ساز و پروتکل های آن با دستگاه واقعی، افزایش سرعت یادگیری و کاهش خطا و نیز امکان تنظیم و بررسی شرایط مختلف تابش در محیط مجازی شبیه ساز.

**نتیجه گیری:** شبیه سازهای کامپیوتری، امکان آموزش اقدامات بهداشتی درمانی، خارج از کلینیک، در یک چارچوب قابل کنترل و اقتباس شده از محیط واقعی را فراهم می کنند. بنابراین، فراگیر می تواند مهارت حرفه ای مورد نیاز خود را قبل از مواجهه با بیمار واقعی بهبود بخشد. مهمترین مزیت استفاده از شبیه سازها در آموزش رادیولوژی به دلیل استفاده از پرتوهای یونیزان در محیط واقعی، ایمنی بیماران و دانشجویان می باشد. استفاده از شبیه سازهای کامپیوتری امکان آموزش فراگیران را به روشی تجربی تر فراهم می نماید و به بهبود دانش و مهارت های حرفه ای تصویربرداری دانشجویان کمک می کند.

**واژه های کلیدی:** آموزش مجازی، شبیه ساز، اسکنر توموگرافی کامپیوتری، کارآموزی بالینی.

## تعیین نقش های تیمی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در سال ۱۳۹۱

\*آزاده عازمیان، مربی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

Email: aazemian@yahoo.com

نیلوفر معتمد، دانشیار دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

مهوش حمادی، دانشجودانشگاه علوم پزشکی بوشهر

زهرا دهقانی، دانشجو راندانشگاه علوم پزشکی بوشهر

**مقدمه:** کار تیمی مجموعه قابل شناسایی از رفتارها، ادراکات و نگرش های افراد است که افراد در عین انجام کار به اشتراک می گذارند. تدریس تیمی باعث تماس اجتماعی دانشجو با همکلاس های خود و اساتید می گردد. کار تیمی مهارت دانشجو را در استدلال، حل مشکل، کسب مهارت های بین فردی (گوش دادن، سخن گفتن و بحث کردنو تحمل عقیده دیگران) را افزایش میدهد. در تیم افراد پنج نقش اصلی که تیم ها برای داشتن عملکرد موثر به آن نیاز دارند بکار می گیرند. در این تحقیق نقش های تیمی که دانشجو در حال حاضر در کارهای گروهی خود ایفا می کند و نقش های جدیدی که در آینده باید به عهده بگیرند تا عملکرد آنها بهبود یابد مورد بررسی قرار گرفت.

**روش ها:** این مطالعه، یک مطالعه مقطعی می باشد. جامعه و نمونه آن دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بودند. داده ها از طریق پرسشنامه مشتمل بر ۲ بخش ۱- مشخصات دموگرافیک ۲-۶۰ گویه در مورد نقش های تیمی جمع آوری گردید. ۱۵۶ دانشجو مبادرت به پر کردن پرسشنامه ها نمودند. گویه ها ۵ نقش تیمی که شامل: رهبر، چالش جو، اهل کار، متفکر و حمایتگر است را مشخص می کند.

**نتایج:** از بین ۱۴۱ دانشجو شرکت کننده در پژوهش ۵۷ نفر (۴۰/۴٪) مرد و ۸۳ نفر (۵۸/۹٪) زن بودند. میانگین سنی شرکت کنندگان ۲۲/۴ سال بود. بیشتر شرکت کنندگان رشته پرستاری بودند (۳۶/۲٪). ۲۹/۱٪ از دانشجویان دارای نقش رهبری هدایت کننده، ۲۲/۷٪ دارای نقش رهبری مشارکت کننده ۳۲/۶٪ بعنوان چالش جو و ۳۱/۹٪ دانشجو نقش اهل کار و ۳۸/۸٪ نقش متفکر و ۹/۹٪ نقش حمایتگر را داشتند. هیچگونه ارتباطی معنی داری بین مشخصات رشته، سن و جنس دانشجویان با نقش های تیمی آنها وجود نداشت. ضعیف ترین نقش آنها بعنوان حمایتگر (۶۰/۳٪) در گروه بود. همچنین ۵۹/۶٪ از دانشجویان بیان کردند اهل رفاقت هستند و به راحتی با دیگران رابطه برقرار می کنند و ۱۹/۱٪ بیان داشتند مایل هستند از نظر دیگران جویا شوند در صورتیکه ۳۸/۳٪ بیان کردند به ندرت تمایل به حرف زدن دارند.

**نتیجه گیری:** نتایج بدست آمده نشان می دهد دانشجویان در نقش ها و انجام کارهای تیمی بسیار ضعیف می باشند و در کلیه نقشها ضعف داشتند که با توجه به ضرورت همکاری تیمی در گروه های پزشکی در محیط واقعی کار لازم است دانشجویان با نقش های مختلفی که در آینده به عهده خواهند گرفت بیشتر آشنا بشوند.

**واژه های کلیدی:** کار گروهی، نقش تیمی، دانشجو

## بررسی رابطه بین آگاهی از راهبرد های مطالعه با پیشرفت تحصیلی دانشجویان

### پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران ۱۳۹۱

سیما علیرضائی طهرانی<sup>۱\*</sup>، دکتر ژبلا شجری<sup>۲</sup>، دکتر حمید رضا برادران<sup>۳</sup>

کارشناس مسئول دفتر مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تهران

simara43@yahoo.com

**مقدمه:** هدف از این مطالعه بررسی رابطه بین آگاهی از راهبرد های مطالعه با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران می باشد.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی تحلیلی از میان جامعه آماری دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران (پردیس همت) در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ درسه مقطع علوم پایه، فیزیوپاتولوژی و کارآموزی دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شد، که براساس روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای تعداد ۳۱۷ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند و ابزار پژوهش پرسشنامه آگاهی فراشناختی از راهبرد های خواندن مختاری و ریچارد (MARS) بود که در بین دانشجویان توزیع و جمع آوری شد. این پرسشنامه شامل ۳۰ سوال در سه حیطه راهبردهای کلی خواندن، راهبردهای حل مسئله و راهبردهای حمایت خواندن می باشد. (معدل کل دانشجویان به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شد). و از روش آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام و برای بررسی متغیرهای دموگرافیک از روش های آماری همبستگی دو نقطه ای رشته ای و کای اسکور نیز استفاده گردید.

**نتایج:** نمره آگاهی از راهبرد های مطالعه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در مقایسه با شاخص تعیین وضعیت و همچنین میزان آگاهی دانشجویان پزشکی مورد مطالعه نسبت به مولفه راهبردهای حل مسئله، و راهبرد های کلی خواندن در وضعیت مطلوب می باشد. در این مطالعه رابطه مستقیم و همبستگی معناداری میان آگاهی دانشجویان پزشکی از راهبردهای مطالعه و سه مولفه آن (راهبردهای کلی خواندن، راهبردهای حل مسئله و راهبردهای حمایت خواندن) وجود دارد. در میان سه مولفه بیشترین شدت همبستگی مربوط به راهبردهای کلی خواندن و کمترین مربوط به راهبردهای حمایت خواندن می باشد. میان آگاهی دانشجویان پزشکی از راهبردهای مطالعه و مولفه های آن با پیشرفت تحصیلی آنان در هر دو گروه جنسیتی دانشجویان زن و مرد رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. البته رابطه و همبستگی مورد بحث، در میان جامعه دانشجویان زن مورد مطالعه بیشتر و قوی تر از دانشجویان مرد می باشد. بین آگاهی دانشجویان پزشکی از راهبردهای مطالعه و مولفه های آن با پیشرفت تحصیلی آنان در دو مقطع تحصیلی علوم پایه و فیزیوپاتولوژی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. و بیشترین همبستگی و ارتباط در بین دانشجویان مقطع تحصیلی فیزیوپاتولوژی به چشم می خورد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به تاثیر و نقش راهبرد های مطالعه در پیشرفت تحصیلی دانشجویان، ضرورت آموزش راهبرد های یادگیری و مطالعه به عنوان بخشی از برنامه آموزشی احساس می شود تا دانشجویان هر چه بیشتر نسبت به آنچه که برای یادگیری فعال لازم است آگاهی یافته و در عمل بتوانند بر فرایند یادگیری مستقل و خودتنظیم نظارت داشته و انگیزش پیشرفت تحصیلی را بدست آورند.

**واژه های کلیدی:** راهبرد های مطالعه، پیشرفت تحصیلی

## مقایسه تاثیر آموزش به روش یادگیری مشارکتی و سخنرانی بر روی یادگیری طولانی مدت در دروس علوم پایه پزشکی

دکتر اباصلت برجی، دکتر سعید سمرقندیان، مهدی صدیقی، علی غلامی، مریم السادات حسینی  
دانشگاه علوم پزشکی نیشابور - دانشکده پرستاری

**مقدمه:** یادگیری طولانی مدت یک رویکرد مهم آموزشی می باشد که تحت تاثیر عوامل مختلف و بویژه روشهای آموزشی قرار میگیرد. برخی روشهای آموزش بر طولانی بودن آموزش بر طولانی بودن یادگیری موثرتر است. یافتن موثرترین روشها نیاز به تحقیقات متعدد است. پژوهش حاضر به منظور مقایسه آموزش به روش یادگیری مشارکتی و سخنرانی بر یادگیریهای طولانی مدت دروس علوم پایه پزشکی انجام شد.

**روشها:** تعداد ۲۰ نفر از دانشجویان دانشکده پرستاری مامایی انتخاب گردید. در گروه شاهد از روش تدریس سخنرانی و در گروه مورد از شیوه یادگیری بر اساس یادگیری مشارکتی جهت تدریس استفاده شد. ابزار جمعآوری اطلاعات در این مطالعه توصیفی، فرمهای پرسشنامه مشتمل بر ۱۴ سوال بسته با مقیاس پنج درجه ای لیکرت بود که ارزیابی و نظر دانشجویان را درباره کارایی و رضایتمندی به روش یادگیری مشارکتی تدریس شده با گروهی که به روش سخنرانی تدریس شده مقایسه شده است. گروه ها از نظر نمره خام کنکور، معدل ترم اول، معدل دیپلم و سن همسان سازی شد. روایی پرسشنامه به روش محتوا و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ (۰/۷۵) به تایید رسید. داده ها به وسیله نرم افزار آماری SPSS تحلیل گردیده، به روش آمار توصیفی گزارش شدند.

**نتایج:** با توجه به نتایج مطالعه فوق آموزش به روش یادگیری مشارکتی تاثیر بیشتری بر روی توانایی های یادگیری نسبت به روش سخنرانی دارد همچنین نتایج نشان می دهد که دانشجویان روش یادگیری مشارکتی را از ابعاد مختلف نسبت به سخنرانی روش کارا تر و موثر تری می دانند و در روش یادگیری مشارکتی دانشجویان نسبت به روش سخنرانی بیشتر به سمت تفکر هدایت می شوند و از حفظ کردن مطالب پرهیز نموده و با ایجاد حس مشارکت گروهی موجب ایجاد انگیزش برای مطالعه بیشتر و عمیق تر و بنوبه خود باعث طولانی شدن مدت یادگیری گردید.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج مطالعه، مدرسان و سیاست گذاران آموزشی میتوانند از نتایج این پژوهش جهت انتخاب روشهای نوین تدریس و یا ادغام این روشها بر حسب موقعیت استفاده نمایند

**واژه های کلیدی:** روش یادگیری مشارکتی، روش سخنرانی، علوم پایه، یادگیری های طولانی مدت



## تدوین برنامه کارآموزی دانشجویان مدیریت بیمارستانی؛ با تاکید بر نقد، تعامل و یادگیری تأملی

زهرا کریمیان\*، رامین روانگرد

\*مرکز توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

Email: Karimian\_z@yahoo.com

**مقدمه:** برنامه ریزی و هدایت صحیح کارآموزی‌های دانشجویان در بهره‌گیری بهتر از این دوره موثر است. تحقیق حاضر با هدف بررسی تاثیر برنامه جدید کارآموزی دانشجویان مدیریت در مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی صورت گرفته است.

**روش‌ها:** در برنامه جدید تلاش شد موقعیتی فراهم گردد که دانشجویان بتوانند کارگروهی و بحث در کلاس را تجربه نمایند. در برنامه کارآموزی EDC دانشجویان به مدت سه دوره پیاپی و در هر دوره ۴ روز از ساعت ۸ تا ۱۲ صبح در مرکز حضور داشتند و کارآموزی در ۴ بخش طراحی شد. روز اول و دوم به آموزش مفاهیم و تمرین مدیریت استراتژیک و ارزیابی درونی اختصاص داشت و تلاش شد مهارت نقد، تفکر و تعامل گروهی در دانشجویان تقویت شود. روز سوم به تقویت تفکر سیستمی و تحلیل مفهومی اختصاص داشت و در روز چهارم وبلاگ نویسی به عنوان ابزاری برای تقویت تفکر تأملی و یادگیری خودراهبر به دانشجویان طراحی شد. در گزارش کارآموزی دانشجویان می‌باید علاوه بر ارائه گزارش و تمرینات عملی در هر موضوع، از تحلیل یکی از موضوعات سازمانی یک چارچوب مفهومی را ترسیم نمایند. چارچوب‌های مفهومی با رویکرد کیفی تحلیل شد.

**نتایج:** اغلب دانشجویان اذعان داشتند مدل برنامه ریزی شده کارآموزی اثر مثبتی در بهره‌وری بیشتر از زمان و یادگیری آنها داشته است. با توجه به اینکه اغلب بخشهای دوره در قالب کارگروهی طراحی شده بود، دانشجویان در روندی افزایشی مشارکت و تعامل بیشتری را نشان دادند و این امر به ویژه به خاطر رقابت بین گروهی بیشتر قابل مشاهده بود. در ارزیابی نقشه مفهومی نقشه‌های ترسیم شده با ۸ شاخص مورد تحلیل قرار گرفت. میانگین کل نمره عوامل یاد شده در هر دو گروه به میزان ۷۶٪ از صد رعایت شده بود. اغلب دانشجویان در ترسیم ارتباطات عرضی کمترین میانگین (۵۵٪) و در مورد ارتباطات طولی و افعال ارتباطی بیشترین میانگین را نشان دادند (۸۵٪).

**نتیجه‌گیری:** با توجه به آنکه ارتباطات عرضی شاخصی از تفکر سیستمی و کل نگر محسوب می‌شود و با توجه به ضرورت تفکر و تحلیل سیستمی در دانشجویان، به ویژه در رشته مدیریت، لازم است این مهارت تفکر در دانشجویان بیشتر تقویت گردد و پیشنهاد می‌شود قبل از شروع اولین دوره کارآموزی این مهارت تفکر به همه دانشجویان آموزش داده شود تا در تحلیل مسائل به عنوان ابزاری برای سازماندهی تفکر و اندیشه سیستمی به آنها کمک کند.

**واژه‌های کلیدی:** کارآموزی، دانشجویان، مدیریت بیمارستانی، یادگیری تأملی

## تاثیر کار برد آموزش گروهی و یاد گیری مشارکتی بر نحوه عملکرد دانشجویان در بخش عملی مباحث کمکهای اولیه- سال ۱۳۹۰

زهرة حسینی \*

مربی دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه

hoseiniz1@thums.ac.ir

**مقدمه:** کمکهای اولیه شامل تکنیک هایی است که عملیات مربوط به پیشگیری، آمادگی و فوریت در پاسخ گویی به موارد اورژانس را بهبود می بخشد. دانش کار برد کمکهای اولیه می تواند به افزایش مسئولیت های اجتماعی و ارتقاء ارزشهای انسانی کمک کند. آموزش هر تکنیک در کمکهای اولیه به منظور حمایت و نجات زندگی انسانها، می بایست در قالب فعالیتهای گروهی و یاد گیری مبتنی بر مشارکت اجرا گردد تا اثر بخشی لازم را داشته باشد.

**روش ها:** این مطالعه مقطعی و تحلیلی یک نوع مداخله آموزشی بود که در ان ابتدا از طریق نظر سنجی با مقیاس لیکرت از دانشجویان، نظریات آنان در مورد بهینه سازی روش آموزش کمکهای اولیه جمع آوری شد و سپس با استفاده از یافته ها و وبسینهادات، آموزش گروهی مبتنی بر یاد گیری مشارکتی پایه ریزی شد که دانشجویان در انجام تمامی تکنیکهای کمکهای اولیه به طور توأمان و مشارکتی و به صورت گروهی به تمرین کلاسی پرداختند. داده ها با استفاده از نرم افزار اماری SPSS نسخه ۱۱ استفاده و برای تحلیل داده ها از آزمون تی استفاده شد.

**نتایج:** تعداد دانشجویان ۲۵ نفر بود که همگی آنان زن بودند. ۸۶٪ در صد آنان اظهار داشتند که نسبت به سایر روشهای آموزشی کمکهای اولیه، آموزش مشارکتی با عث ارتباط بهتر با سایر فراگیران و به یاد سپاری دقیق تکنیکهای کمکهای اولیه بوده است. ۷۶٪ در صد اعلام نمودند که این روش باری آنان جذاب تر بوده و کمتر دچار خستگی ناشی از تمرین شده اند. بدنبال کار عملی، مباحث نظری مرور شد که نمره پس آزمون دانشجویان با میانگین امتیازات  $0.90 \pm 0.12$  با نمرات پیش آزمون با میانگین  $0.48 \pm 0.10$  با  $(t=3.12 \quad df=11, p=0.001)$  تفاوت معنی دار اماری داشت.

**نتیجه گیری:** بهترین طریق برای یاد گیری مهارتها تا حد خود کار شدن و اتونومی، رعایت و کاربرد اصول تکنولوژی آموزشی و طراحی گروههای خود جوش از طریق آموزش گروهی است به این صورت که با یاد گیری مشارکتی و شفاف نمودن نقش استاد به عنوان راهنما و تسهیل گردر فعالیتهای یاد دهی- یاد گیری، موجبات یاد گیری عمیق و پایدار در دانشجویان فراهم خواهد شد.

**واژه های کلیدی:** آموزش گروهی- یاد گیری مشارکتی- عملکرد- دانشجویان- کمکهای اولیه

## یادگیری لذت بخش: نقش شیوه‌های نوین آموزش در میزان رضایت دانشجویان

ملیحه پورکیانی<sup>۱\*</sup>، محمد رضا فروتنی<sup>۲</sup>، سیدحنا کشفی<sup>۳</sup>  
<sup>\*</sup>کارشناس ارشد پرستاری

[Maliheh\\_kiani@yahoo.com](mailto:Maliheh_kiani@yahoo.com)

<sup>۲</sup>عضوهیات علمی دانشکده علوم پزشکی لارستان  
<sup>۲</sup>دانشگاه علوم پزشکی شیراز

**مقدمه:** استاد محوری و غیرفعال بودن دانشجویان از معایب مهم روشهای سنتی تدریس میباشد. بنابراین لزوم تجدید نظر در روشهای تدریس و استفاده از روشهای نوین از سوی بسیاری از سیستمهای آموزشی احساس شده است. هدف این پژوهش بررسی تاثیر استفاده از روشهای نوین تدریس بر میزان رضایت دانشجویان از تدریس درس اصول یادگیری و فرآیند آموزش به بیمار بوده است.

**روش‌ها:** در این مطالعه، درس اصول یادگیری و فرآیند آموزش به بیمار بر اساس عناوین آموزشی برای ۱۴ جلسه کلاس برنامه ریزی شد. در ۴ جلسه اولبا استفاده از روش سخنرانی اصول پایه آموزش به بیمار تدریس گردید. سپس دانشجویان به شش گروه تقسیم شدند و جلسه های پنج تا یازدهم کلاس به صورت کارگروهی، کارگاه آموزشی و فرصت مطالعاتی برگزار گردید و طی این جلسات دانشجویان نحوه گرفتن شرح حال بیمار، نیازسنجی آموزشی بر اساس نیاز بیمار خود، نوشتن اهداف آموزشی و فراهم کردن محتوای آموزشی متناسب با نیاز بیمار را فراگرفتند. در سه جلسه انتهایی کلاس نماینده های هر گروه در نقش بیمار و آموزش دهنده به ایفای نقش پرداخته و سعی نمودند با استفاده از ابزارهای کمک آموزشی، محتوای آموزشی خود را به بیمار فرضی انتقال دهند. در پایان هر قسمت دانشجویان تکالیف خود را تحویل داده و نمرات آنها پس از ارزشیابی اعلام گردید. ابزار سنجش میزان رضایت دانشجویان پرسشنامه ایمشتملبر ۲۱ سؤال در ۵ حیطه بود.

**نتایج:** در حیطه ایجاد علاقمندی و تشویق دانشجویان به مشارکت در یادگیری ۸۳٪ از دانشجویان کاملاً موافق بوده و این شیوه‌ها را موثر می دانستند. ۶۹٪ از دانشجویان کاملاً موافق تاثیر مثبت شیوه های مورد استفاده بر افزایش تعامل آنها با سایر همکلاسیهای خود و ارتقا کار گروهی بودند. همچنین نتایج نمایانگر این است که ۸۷٪ از دانشجویان کاملاً موافق بودند که روشهای تدریس مورد استفاده سطح توانایی و دانش آنها را ارتقا داده است. در حیطه تاثیر شیوه های نوین بر میزان خلاقیت، نوآوری و تفکر دانشجویان نیز ۷۱٪ دانشجویان کاملاً موافق تاثیر این شیوهها بر خلاقیت، نوآوری و قدرت تفکر خود بودند.

**نتیجه‌گیری:** استفاده از روشهای فعال موجب یادگیری بهتر و افزایش انگیزه و رضایت دانشجویان می گردد.

**واژه‌های کلیدی:** یادگیری فعال، رضایت دانشجویان، آموزش به بیمار.

## بررسی وضعیت موجود مهارت‌های یادگیری خود راهبر در دانشجویان پزشکی

لیلا نعیمی<sup>۱</sup>، کامران سلطانی عربشاهی<sup>۲\*</sup>

<sup>۱</sup> لیلا نعیمی، کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۲\*</sup> سید کامران سلطانی عربشاهی، استاد، متخصص داخلی، گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی و مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

[soltarab34@gmail.com](mailto:soltarab34@gmail.com)

**مقدمه:** در حرفه پزشکی توانایی هدایت و تنظیم تجارب یادگیری فردی مساله ای بسیار مهم برای موفقیت می باشد و مهارت های یادگیری خودراهبر که با یادگیری مادام العمر در ارتباط اند در حرفه پزشکی بسیار مهم هستند، همچنین این مهارتها به دانشجویان در کسب دانش و مهارت و نگرش های منحصر به فرد در رشد شخصی و حرفه ای شان کمک شایانی خواهد کرد. بنابراین توانمند سازی دانشجویان برای کسب مهارت های لازم برای یادگیری خودراهبر باید یکی از اهداف نهایی کوریکولوم های آموزشی باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت موجود مهارت های یادگیری خود راهبر دانشجویان مقاطع علوم پایه، فیزیوپاتولوژی، کارآموزی رشته پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شد.

**روش‌ها:** این پژوهش توصیفی- تحلیلی، به صورت مقطعی در ۱۸۲ نفر از دانشجویان پزشکی (مقاطع علوم پایه، فیزیوپاتولوژی، کارآموزی) دانشگاه علوم پزشکی تهران با استفاده از پرسش نامه آمادگی یادگیری خود راهبر فیشر اجرا شد. داده ها با کمک نرم افزار SPSS19 و با استفاده از آمار توصیفی، آزمون T مستقل، F یک طرفه و آماره کوهن تجزیه و تحلیل شدند.

**نتایج:** بالاترین میانگین مربوط به مهارت خودکنترلی ( $60/61 \pm 6/45$ ) و پایین ترین میانگین مربوط به مهارت خودمدیریتی ( $45/18 \pm 6/40$ ) بود ( $p < 0/05$ ).

**نتیجه‌گیری:** اگر چه مهارت خودکنترلی دانشجویان نسبت به سایر مهارت ها، بالاتر ارزیابی شد، اما به نظر می رسد چگونگی مدیریت یادگیری و مهارت های مطالعه باید در برنامه های درسی و یا در قالب فعالیت های فوق برنامه گنجانده شود تا گامی مؤثر برای تبدیل دانشجویان به فراگیران مادام العمر و خودراهبر باشد.

**واژه‌های کلیدی:** یادگیری خودراهبر، دانشجویان پزشکی، یادگیری مادام العمر، خود تنظیمی

## بررسی استفاده از نرم افزار فارماکولوژی حکیم در تسهیل برنامه های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

امین محزون<sup>۱\*</sup>، مهدی حبیب زاده<sup>۲</sup>، مریم مدی نشاط<sup>۳</sup>

\*دانشجوی کارشناسی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

[se7enamin@gmail.com](mailto:se7enamin@gmail.com)

<sup>۲</sup>دانشجوی کارشناسی اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۳</sup>کارشناسی ارشد روانپرستاری، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

**مقدمه:** درس فارماکولوژی یکی از مهم ترین و اساسی ترین واحد های درسی برای دانشجویان رشته های پزشکی محسوب می شود. این برنامه این امکان را برای مربیان فراهم نموده است تا مطالب درسی خود را به صورت نرم افزار ارائه دهند. نرم افزار فارماکولوژی حکیم با ارائه این واحد مهم توانسته است سهم زیادی در بهبود و پویایی ارائه دروس داشته باشد. ازفوایدی که در این نرم افزار وجود دارد می توان به امکان ارائه دروس به اشکال مختلف و فرمت های مختلف ( فلش، PDF، در محیط خود نرم افزار و موبایل) اشاره نمود. این نرم افزار امکان ارائه آزمون را برای دانشجویان قرار داده است.

**روش ها:** این نرم افزار در اختیار دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی قرار گرفت. قبل از استفاده از نرم افزار میزان رضایتمندی و نظرات آنها راجع به استفاده از روش های سنتی یادگیری گرفته شد و سپس مجدداً این نرم افزار در اختیار دانشجویان علوم پزشکی خراسان شمالی قرار گرفت و میزان رضایتمندی آن گرفته شد.

**نتایج:** نتایج این مطالعه نشان داد که میزان رضایتمندی اساتید و دانشجویان از نرم افزار حکیم در سطح بالایی قرار داشت، به این صورت که ۸۰٪ از عدم استفاده از این دسته نرم افزارها، ۷۱٪ از نبود امنیت در روش های سنتی ساخت اسلاید گله مند بودند و اینگونه ابراز می کردند که زحمات چند ماهه در زمینه جمع آوری مطالب با امکان ویرایش و تحریف مطلب در هر نقطه ای از مطلب امکان پذیر میباشد.

پس از توزیع و معرفی نرم افزار حکیم و نظر سنجی نهایی، میزان رضایتمندی، بالا برآورد شد بطوریکه ۷۲٪ تسهیل در استفاده، ۹۳٪ از امنیت بالا و قابل ویرایش نشدن مطالب توسط کاربران و ۱۰۰٪ از عدم تغییرات در فایل های مورد استفاده در بارگذاری در سیستم های دیگر، ابراز رضایتمندی نمودند.

**نتیجه گیری:** این نرم افزار موجب افزایش انگیزه دانشجویان در مطالعه دروس گردیده است. همچنین مانع از دستکاری مطالب توسط کاربران دیگر شده و امنیت اطلاعات را به میزان مطلوبی بالا می برد.

**واژه های کلیدی:** نرم افزار، فارماکولوژی حکیم، آزمون، دانشجو<sup>۳۰</sup>

## بررسی تاثیر استفاده از روش مبتنی بر حل مساله بر یادگیری درس بیماری های شغلی در دانشجویان بهداشت حرفه ای

سیده نگار اسعدی

متخصص طب کار، استادیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، گروه مهندسی

بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

Email: assadin@mums.ac.ir

**مقدمه:** استفاده از روش های جدید آموزشی و رعایت نکات ظریف و ایجاد نوآوری و معطوف نمودن توجه دانشجویان به محتوای آموزشی از مسائل بسیار با اهمیت در امر آموزش محسوب می شود. استفاده از روش مبتنی بر حل مساله در علوم پزشکی و بخصوص دروسی که می توان با بیان یک سوال اساسی در ابتدای جلسه توجه دانشجویان را به اهمیت محتوای آموزشی جلسه و کاربردی بودن آن معطوف نمود مورد نظر بوده است. هدف اصلی این مطالعه تعیین تاثیر استفاده از روش مبتنی بر حل مساله در یادگیری درس بیماری های شغلی در دانشجویان بهداشت حرفه ای است.

**روش ها:** در قالب یک مطالعه مقطعی ، برای گروهی از دانشجویان بهداشت حرفه ای درس بیماری های شغلی به صورت سخنرانی و پاورپوینت ارائه شد و برای گروهی دیگر از روش مبتنی بر حل مساله استفاده گردید. در این روش در ابتدای جلسه یک سوال اساسی در مورد مبحث درس مطرح می شد و با ذکر مثال هایی به تشویق دانشجویان برای مشارکت در بحث پرداخته تا نهایتاً با ارائه مطالب درسی در انتهای جلسه ، دانشجویان به پاسخ مورد نظر رسانده شدند. داده های مطالعه جمع آوری و در نرم افزار SPSS ۱۶ مورد ارزیابی قرار گرفت ، از آزمون t-test با سطح معنی داری  $P < 0/05$  استفاده شد.

**نتایج:** دو گروه ۲۵ نفره از دانشجویان بهداشت حرفه ای در مطالعه حاضر شرکت داده شدند. میانگین نمره گروهی که درس را طبق روال عادی دریافت کرده بودند  $17/41 \pm 1/07$  و میانگین نمره در گروهی که از روش حل مساله در تدریس برای آن ها استفاده شده بود  $18/14 \pm 0/81$  با  $2/505$  و  $t = -0/16$  در سطح معنی داری اختلاف داشتند. کمترین تغییر در مبحث درس تعاریف با میانگین نمره های  $0/80 \pm 0/44$  و  $1/60 \pm 0/54$  با  $2/530$  و  $t = -0/35$  ، بیشترین تغییر در مبحث کاهش شنوایی شغلی با میانگین نمره  $0/40 \pm 0/13$  و  $1/70 \pm 0/44$  با  $6/215$  و  $t = -0/02$  بدست آمد.

**نتیجه گیری:** با عنایت به نتایج بدست آمده استفاده از روش مبتنی بر حل مساله در آموزش درس بیماری های شغلی دانشجویان بهداشت حرفه ای مفید بوده است.

**واژه های کلیدی:** روش مبتنی بر حل مساله ، یادگیری، بیماری های شغلی ، بهداشت حرفه ای

بررسی تاثیر آموزش درس زبان انگلیسی به روش  
PAL (Peer Assisted Learning)  
در دانشجویان دانشکده علوم پزشکی تربت حیدریه

حمید وفایی<sup>۱\*</sup>، نازنین شماعیان رضوی<sup>۲</sup>، هادی علیزاده سیوکی<sup>۳</sup>، جواد سلیمی<sup>۴</sup>، رضا رضایی منش<sup>۵</sup>  
<sup>۱\*</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، مدیر مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تربت حیدریه دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تربت حیدریه

[halizadeh1@yahoo.com](mailto:halizadeh1@yahoo.com)

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد مامایی و عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی تربت حیدریه،  
<sup>۳</sup> کارشناس ارشد آموزش بهداشت، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تربت حیدریه  
<sup>۴</sup> کارشناس ارشد بهداشت محیط، دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تربت حیدریه  
<sup>۵</sup> کارشناس ارشد انگل شناسی و عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی تربت حیدریه

**مقدمه:** یادگیری یک فرآیند متغیر و بسیار پیچیده است که عوامل فراوانی بر آن تاثیر می گذارد. یکی از این عوامل مهم و موثر سبک یادگیری است. سبکی که در برنامه ریزی های آموزشی مبتنی بر هدف موجب اعتبار، خلاقیت و تفکر انتقادی در یک نظام آموزشی می شود و از نظر کاربردی در فرآیندهای بکار آید که موضوع اصلی و اساسی آن تربیت انسانهایی باشد که خوب می اندیشند. این موضوعات تاحدودی با انجام روش آموزش به روش همتایان (PAL) محقق می گردد. اهمیت موضوع براساس نتایج پژوهش های انجام شده ای است که نشان می دهد روش های سنتی تدریس و یادگیری، یعنی جایگاه منفعل فراگیران در محیط آموزشی و تکیه بر پرکردن ذهن از اطلاعات دیگر جوابگوی نیازهای فراگیران نیست و در جهت پاسخ گویی به نیازهای جامعه مشکلات کمتری را حل می کند. ضروری است نیازهای تربیتی نسل حاضر و آینده خلاقانه و نقادانه و بطور علمی مورد توجه برنامه ریزان آموزشی قرار گیرد. نیازسنجی های توافق محور و مسئله محور انجام شده نیز نشان از اهمیت و اولویت این روش های یادگیری می دهد.

**روش ها:** در این مطالعه تجربی ۳۰ نفر از دانشجویان ترم چهارم بعدرشته های پرستاری، مامائی، اتاق عمل، هوشبری که حداقل دارای معدل ۱۷ بودند مورد مطالعه قرار گرفتند، محتوی برنامه آموزشی کلاس های فوق برنامه (زبان انگلیسی) و تدریس آن به دانشجویی واگذار شد که گواهی تافل داشت. محتوی برنامه آموزشی برایشان شرح داده شد. استفاده از ابزار آموزشی پاور پوینت و بحث گروهی و تکالیف ارائه شده در قالب CD آموزشی مورد توجه و تأکید قرار گرفت. پس از تدریس و در هر جلسه ارزشیابی از نظر رضایت مندی بصورت چک لیست تهیه شده و گرفتن امتحان به روش چهار گزینه ای از دروس داده شده صورت گرفت. رضایت مندی های انجام شده در هر جلسه نسبت به جلسات قبلی و همچنین معدل دروس انتهائی ارائه شده با حجم بیشتر و درجه سختی بالاتر نسبت به دروس ابتدائی با حجم کمتر و درجه سختی پایین تر افزایش داشت.

**نتایج:** این مطالعه باعث بهبود کیفیت یادگیری در دانشجویان و افزایش اعتماد به نفس آنها. جذاب و پرنشاط شدن جلسات آموزشی. مشارکت بیشتر دانشجویان در جلسات گردید.

**نتیجه گیری:** این فرآیند با شناسائی کلیه نقاط قوت و ضعف توسط گروه پذیرفته شده و برای دانشجویان بعدی قابل اجرا است. در کلیه مراکز آموزشی، بهداشتی و درمانی و در تمامی سطوح و انواع آموزش ها قابلیت تعمیم دارد.

**واژه های کلیدی:** یادگیری، دانشجویان، زبان انگلیسی

## بررسی میزان توانمندی ارائه مطلب و تهیه مواد آموزشی در دانشجویان بهداشت

### حرفه ای

سیده نگار اسعدی

متخصص طب کار، استادیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، گروه مهندسی

بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ایران

Email: assadin@mums.ac.ir

**مقدمه:** یکی از وظایف مهم تیم بهداشت و درمان آموزش به جامعه و به سایر اعضای تیم بهداشت و درمان است. فارغ التحصیلان بهداشت حرفه ای نیز از این قاعده مستثنی نیستند. برای آنکه قادر باشند به امر آموزش بپردازند می بایست در دوران تحصیل مهارتهای لازم را بدست آورده باشند. هدف اصلی این مطالعه تعیین میزان توانمندی ارائه مطلب و تهیه مواد آموزشی در دانشجویان بهداشت حرفه ای است.

**روش‌ها:** در غالب یک مطالعه مقطعی، پس از آموزش های لازم، از دانشجویان ترم ما قبل کارآموزی خواسته شد تا برای درس های تجهیزات و وسایل حفاظت فردی، اپیدمیولوژی بیماری های شغلی و جمعیت و تنظیم خانواده به ارائه مطلب در انتهای برخی جلسات پایانی این درس ها به شکل سخنرانی و استفاده از پاورپوینت، تدوین و تهیه پمفلت های آموزشی و مواد آموزشی به صورت کتابچه بپردازند. ارائه مطلب از نظر محتوای آموزشی، نحوه ارائه به صورت سخنرانی، تهیه پاورپوینت استاندارد، تهیه پمفلت ها و کتابچه های استاندارد، پاسخ به سوالات مخاطبان، نقد علمی ارائه، تصحیح و بهبود آن در جلسه بعد بررسی و به هر کدام از ۱ تا ۴ نمره داده شد. همچنین نمره بیش از ۳ مطلوب ارزیابی شد، داده های مطالعه جمع آوری و در نرم افزار SPSS ۱۶ مورد ارزیابی قرار گرفت.

**نتایج:** ۵۰ دانشجوی بهداشت حرفه ای در مطالعه حاضر شرکت داده شدند. میانگین نمره محتوای آموزشی

$3/35 \pm 0/6$ ، میانگین نمره نحوه ارائه به صورت سخنرانی  $3/45 \pm 0/44$ ، میانگین نمره استاندارد بودن پاورپوینت  $0/42 \pm 3/47$ ، میانگین نمره استاندارد بودن پمفلت های آموزشی  $3/40 \pm 0/51$ ، میانگین نمره استاندارد بودن کتابچه های آموزشی  $3/30 \pm 0/69$ ، میانگین نمره پاسخ به سوالات مخاطبان  $3/50 \pm 0/39$ ، میانگین نمره نقد علمی ارائه  $3/20 \pm 0/89$ ، تصحیح و بهبودی بعدی  $3/55 \pm 0/37$  بدست آمد.

**نتیجه‌گیری:** با عنایت به نتایج بدست آمده توانمندی ارائه مطلب آموزشی توسط دانشجویان بهداشت حرفه ای مطلوب ارزیابی شد بنابراین این گروه برای آموزش به دیگران مناسب می باشند.

**واژه‌های کلیدی:** توانمندی، ارائه مطلب آموزشی، بهداشت حرفه ای



## خطا در بالین در بین دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

زهرا طیب لی\*، سحر عرب، دکتر اکرم ثناگو، دکتر لیلا جوبباری

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

[z.tayebli@yahoo.com](mailto:z.tayebli@yahoo.com)

**مقدمه:** دوره های کارآموزی و کارورزی در شکل دهی مهارت های اساسی و توانمندی های حرفه ای دانشجویان مامایی نقش اساسی دارند. خطاهای بالینی تهدید جدی در امنیت بیمار هستند. مراکز آموزشی درمانی به دلیل محیط آموزشی و وجود دانشجو مکرر در معرض تهدید خطا به دلیل کسب کردن تجربه دانشجو می باشد. پژوهش های کیفی علاوه بر آن که در تحلیل علل ریشه ای پدیده هایی که در آن پیچیدگی عامل انسانی بسیار بارز است، به کار می آید، در سایر جوانب عملیاتی تعالی خدمات بالینی نقش عمده ای ایفا می نماید.

**روش ها:** در این مطالعه که با رویکرد کیفی در سال ۱۳۹۱ انجام شده است ابزار جمع آوری داده ها مصاحبه های نیمه ساختار، متعامل و عمیق بوده است. بر اساس نمونه گیری مبتنی بر هدف با ۱۵ دانشجوی مامایی که تجربه کارآموزی و عرصه در بالین را داشتند مصاحبه به عمل آمد. سوال اصلی مطالعه این بود وقتی می گویم خطا در بالین چی به ذهن شما می آید. تجربه خطا در بالین خود را بازگو فرمائید. چرایی و چگونگی وقوع این خطا ها پرسیده شد. مصاحبه ضبط، دست نویس و داده ها مطابق روش تحلیل محتوای مورس آنالیز شد.

**نتایج:** در مفهوم خطا در بالین از دیدگاه دانشجویان مضمون " بر خلاف اصول انجام دادن یک اقدام "، "امکان ضرر رساندن به بیمار" بود. ترس از بد جلوه دادن نزد استاد، ترس از ارزیابی ضعیف، مورد شمتت قرار گرفتن، بی اعتمادی بیمار، از مضامینی بود که مانع گزارش خطای بالین از سوی دانشجو شده بود. خطا های دارویی، رعایت نکردن استریل، انجام پروسیجرها به روش اشتباه از موضوعاتی بود که مکرر دانشجویان در خطا با آن مواجه بودند. وسیله انجام خطای دیگران بودن، در موقعیت و شرایط جدید قرار گرفتن، عجله و شلوغی بخش، دستورات شفاهی را اجرا کردن از عمده موقعیت هایی بود که دانشجویان را در معرض اعمال خطا در بالین قرار می داد. حضور استاد، همکلاسی ها خود باعث پیشگیری از بروز خطا در بالین شده بود.

**نتیجه گیری:** داده ها نشان داد که محیط های آموزشی در بالین برای دانشجویان بعثت پیچیدگی های خود، منبعی سرشار از خطا را در بطن خود دارد. ضروری است دانشجویان شیوه های اخلاقی و قانونی مدیریت خطای بالینی را بیاموزند. ضرورت وجود برنامه های گزارش دهی خطاهای بالینی بسیار مهم می نماید. مادران حق دارند که انتظار داشته باشند، مراقبت از آن ها مطابق با بهترین شرایط و استاندارد ها و براساس آخرین شواهد علمی و بالینی باشد.

**واژه های کلیدی:** خطا در بالین، دانشجوی مامایی، اخلاق پزشکی

## ارزیابی کیفیت حضور دانشجویان پزشکی در آموزش درمانگاهی بخش داخلی بیمارستان ولی عصر (ع) بیرجند از دیدگاه خودشان

زهرا خزاعی<sup>۱</sup>، خیرالنساء رمضانزاده<sup>۲</sup>، سیدمحمد هاشمی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>متخصص زنان، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

<sup>۲</sup>کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، عضو مرکز تحقیقات

آموزش پزشکی

Email: kh.ramazanzade@yahoo.com

<sup>۳</sup>کاردان بهداشت محیط

**مقدمه:** رسالت اصلی دانشگاه پرورش نیروی انسانی، ایجاد خلاقیت، ابتکار و نوآوری است در تعلیم و تربیت علوم پزشکی همانند سایر حوزههای آموزش عالی، هسته اصلی، یادگیرندگان میباشند که از طریق مشارکت فعالانه در فرآیندهای تعلیم و تربیت به فرهیختگی دست می یابند و با کسب دانش، نگرش و مهارتهای لازم، تبحر حرفهای خاصی را به دست می آورند و به ارائه خدمت به جامعه می پردازند، هدف از این پژوهش رفع نقاط ضعف و ایجاد زمینه برای مشارکت و یادگیری فعال دانشجویان در آموزش درمانگاهی می باشد.

**روش ها:** مطالعه از نوع توصیفی - مقطعی بوده و گروه مورد مطالعه دانشجویان ورودی ۸۴، ۸۳، ۸۵، ۸۶ شامل ۲۶ دانشجوی پسر (۲۶٪) و ۷۴ دانشجوی دختر (۷۴٪) می باشد. ۳۰٪ افراد انترن و ۷۰٪ استاژر بودند. جمع آوری داده ها با کمک پرسشنامه ای محقق ساخته انجام گرفت. پایایی آن در یک مطالعه مقدماتی با محاسبه آلفای کرونباخ (۰.۹۲٪) محاسبه گردید و روایی صوری و محتوایی آن نیز به تأیید کارشناسان آموزشی رسید. این پرسشنامه شامل اطلاعات دموگرافیک دانشجویان و دیدگاه دانشجویان در خصوص ارزیابی کلی دوره بود. داده ها پس از جمع آوری توسط نرم افزار SPSS تحلیل و در مواردی با آزمون دقیق فیشر مورد تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** در این مطالعه دانشجویان، ۴۲٪ حضور اینترن ها و استاژرها در درمانگاه، ۵۹٪ میزان مشارکت در مراحل تشخیص، ۴۲٪ میزان مشارکت در مراحل درمان، ۵۹٪ توانایی در تشخیص افتراقی را خوب ارزیابی کردند. و در مجموع ۶۲٪ این دوره را در تقویت توانایی شرح حال گرفتن و ۵۴٪ در تقویت انجام معاینه فیزیکی خوب ارزیابی کردند. بین دیدگاه دانشجویان و مقطع تحصیلی ارتباط معناداری وجود داشت.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج بدست آمده ایجاد زمینه ای برای حضور فعال تر دانشجویان و مشارکت آنها در درمان ضروری به نظر می رسد و لذا باید پژوهش هایی در زمینه عوامل موثر بر ایجاد انگیزه دانشجویان صورت پذیرد، همچنین توجه بیشتر به فعالیت مستقل فراگیران، آموزش نسخه نویسی و آموزش افتراقی توصیه می گردد.

**واژه های کلیدی:** آموزش درمانگاهی، ارزیابی، کیفیت حضور دانشجویان

## بازآموزی اصول مراقبت پرستاری از بیماران بی‌هوش با الگوی تدریس ایفای نقش

دکتر فریبا حقانی<sup>۱</sup>، محمد فخاری اسفیزی<sup>۲</sup>

استادیار، گروه آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران  
haghani@edc.mui.ac.ir .

<sup>۲</sup>دانشجوی دکترای آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران  
fakharedc@gmail.com

**مقدمه:** آموزش مداوم حرفه‌ای یکی از ضروریات بهبود منابع انسانی پرستاری در بیمارستان‌ها می‌باشد. از آنجا که یکی از اهداف برگزاری بازآموزی، ارزش‌گذاری و کاهش تعارضات بین پرستاران در مراقبت پرستاری است، یکی از روشهای آموزشی مناسب در این زمینه الگوی تدریس ایفای نقش می‌باشد. این مطالعه با هدف بررسی اثربخشی و رضایت‌سنجی از پرستاران در خصوص به‌کارگیری این روش آموزشی در بازآموزی پرستاران شاغل انجام گرفت.

**روش‌ها:** در این مطالعه از روش تحقیق اقدام‌پژوهی استفاده گردید. این مطالعه با شرکت ۲۵ نفر از کارشناسان پرستاری در رابطه با آموزش اصول مراقبت پرستاری از بیماران بی‌هوش با الگوی ایفای نقش انجام شد. در ابتدا روش کار توضیح داده شد. سپس افراد به طور داوطلب جهت اجرای نقش‌ها گزینش گردیدند. یک پرستار نقش یک بازرس پرستاری و نفر دیگر نقش یک پرستار در حال مراقبت از یک بیمار بیهوش را اجرا می‌نمودند. تماشاگران هم در طی ایفای نقش به عملکرد آن دو نفر توجه می‌نمودند و در پایان هر دور اجرای نقش‌ها - نکات ضروری، غیرضروری، بررسی‌نشده و راهکارهای صحیح در مراقبت از بیمار را بیان می‌نمودند. جهت بررسی اثربخشی این روش آموزش، در پایان کلاس هر فرد در خصوص یک بیمار مراقبت بیهوش گزارش پرستاری بنویسد که در آن به نکات مهم از نظر پرستاری اشاره شده باشد. در پایان جهت رضایت‌سنجی از کلاس نظرسنجی به عمل آمد.

**نتایج:** در بررسی گزارشات پرستاری نوشته شده قبل از آموزش به طور متوسط به ۴ نکته اشاره شده بود ولی در پایان آموزش به طور متوسط به ۱۹ مورد اشاره گردیده بود. تعارضات بین پرستاران در زمینه اصول مراقبت از بیمار بیهوش، در بحث‌ها به خوبی دیده می‌شد. نتایج نظرسنجی شفاهی پایان آموزش نشان داد که آنها آموزش به این شیوه را برای دوره‌های بازآموزی پرستاران شاغل مفیدتر می‌دانند. آنها عقیده داشتند زمان بیشتری به کلاس باید اختصاص داده شود. مشاهدات محقق نشان داد که با آنکه زمان کلاس از مدت تعیین شده گذشته بود ولی عدم همکاری فراگیران برای به اتمام رساندن کلاس دیده نشد.

**نتیجه‌گیری:** با آنکه محققان تجربه قبلی در زمینه برگزاری دوره بازآموزی به این شیوه نداشتند ولی رضایت فراگیران برای این روش آموزشی بالا بود. ولیکن تاثیر این روش‌ها باید در طول زمان در مراقبت بالینی از بیمار باید سنجیده شود.

**واژه‌های کلیدی:** الگوی تدریس، ایفای نقش، بیماران بی‌هوش، بازآموزی حرفه‌ای پرستاران

## ارتقاء آموزش دانشجویان بهداشت حرفه ای با طراحی، ساخت و بکارگیری محفظه

### شبیه سازی آلاینده های هواپرد

حسین فلاح<sup>۱</sup>، ابوالفضل برخوردار<sup>۲</sup>، مهدیه ممیزی<sup>۳</sup>، غلامحسین حلوانی<sup>۴\*</sup>، رجبعلی حکم آبادی<sup>۴</sup>، مهدی بهجتی اردکانی<sup>۵</sup>

۱- کارشناس ارشد بهداشت حرفه ای، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

۲- عضو هیئت علمی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

([Fallah\\_hossein@yahoo.com](mailto:Fallah_hossein@yahoo.com))

۳- کارشناس ارشد آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

۴- عضو هیئت علمی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

۵- عضو هیئت علمی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

**مقدمه:** با توجه به اهمیت آلاینده های هواپرد به عنوان یکی از فاکتورهای مهم و تاثیر گذار بر سلامت انسان ها و لزوم تربیت نیروی انسانی ماهر در اندازه گیری و پایش این آلاینده ها، استفاده از شبیه ساز آلاینده های هواپرد می تواند انجام تحقیقات بر روی آلاینده ها در محیط های کاری را تسهیل نماید. مطالعه حاضر با هدف طراحی و ساخت و کاربرد محفظه شبیه ساز آلاینده های هوا و بررسی تاثیر استفاده از آن به عنوان یک وسیله کمک آموزشی در ارتقا آموزش دانشجویان بهداشت حرفه ای انجام گردید.

**روش ها:** این مطالعه از نوع تحلیلی گذشته نگر است و در سال ۱۳۹۱ صورت گرفت. در این مطالعه ابتدا با بررسی تحقیقات صورت گرفته در سطح جهان، نسبت به طراحی محفظه شبیه ساز آلاینده های هواپرد اقدام گردید. جامعه پژوهش در این مطالعه، دانشجویان مقطع کارشناسی رشته مهندسی بهداشت حرفه ای دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد می باشند. که با روش سرشماری در دو گروه مورد و شاهد و با تعداد نمونه ۵۳ نفر در هر گروه انجام گرفت. در آموزش گروه مورد از یک وسیله کمک آموزشی استفاده گردید و در پایان دوره نیز علاوه بر نظرسنجی از دانشجویان، نمرات کسب شده توسط دانشجو در دو گروه با استفاده از نرم افزار SPSS-11.5 مورد ارزیابی قرار گرفت.

**نتایج:** محفظه ساخته شده از محفظه اصلی تشکیل گردیده که به کمک مجموعه های جانبی آن، امکان تولید و شبیه سازی آلاینده های ذره ای و گازی شکل و شرایط جوی مختلف را امکان پذیر نموده است. آنالیز داده ها در گروه های مورد و شاهد نشان داد که اختلاف میانگین نمرات کسب شده در سه بخش عملی در بین گروه مورد و شاهد معنادار بوده است همچنین آنالیز داده ها نشان داد که نمره رضایت کلی دانشجویان از بکارگیری محفظه شبیه سازی آلاینده های هوا  $43/92 \pm 5/06$  می باشد و همچنین نمره انگیزه و یادگیری دانشجویان نیز با بکارگیری این وسیله کمک آموزشی به ترتیب  $13/6 \pm 1/5$  و  $18/85 \pm 1/8$  بود.

**نتیجه گیری:** بر اساس نتایج نظر سنجی های انجام شده از دانشجویان و همچنین نتایج ارزیابی ها، میزان یادگیری دانشجویان بهداشت حرفه ای در درس نمونه برداری آلاینده های هوا با بکارگیری محفظه شبیه سازی آلاینده های هواپرد ارتقاء یافته است لذا می توان از این وسیله به عنوان یک وسیله کمک آموزشی جهت ارتقاء آموزش در دروس مربوطه بهره گرفت.

## عوامل مؤثر بر یادگیری در قرن بیست و یکم از دیدگاه دانشجویان شرکت کننده در مدارس تابستانی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

لیلابذرافکن<sup>1\*</sup>، فریبا حقانی، مهسا شکور، اطهر امید، زهرا جوهری

<sup>1\*</sup> مربی گروه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز و دانشجوی دکتری آموزش پزشکی مرکز تحقیقات

آموزش علوم پزشکی اصفهان

Email: bazrafkanl@sums.ac.ir

مقدمه: در قرن ۲۱ یادگیری به دلیل تغییرات سریع و همه جانبه در علوم به خصوص در فن آوری اطلاعات متحول شده و شیوه‌های سنتی آموزش دیگر پاسخگوی انتظارات یادگیرندگان نیست. در این راستا و به منظور کسب اطلاعات پیرامون عوامل مؤثر بر یادگیری در قرن ۲۱ این مطالعه طراحی شد و هدف از انجام آن بررسی نظرات دانشجویان پیرامون اهمیت عوامل مؤثر بر یادگیری در قرن بیست و یکم بود.

روش‌ها: این مطالعه توصیفی با مشارکت ۱۵۰ نفر از دانشجویان شرکت کننده در مدارس تابستانی دانشگاه علوم پزشکی شیراز انجام شد. بدین منظور از پرسشنامه محقق ساخته روا و پایا مشتمل بر بررسی ۳۰ سؤال در مورد عوامل تأثیرگذار بر یادگیری در سه حیطه کلی: محیط و تسهیلات آموزشی، دانشجویان و اساتید استفاده شد. متغیرهای دموگرافیک، استفاده شد. پرسشنامه‌ها از دو طریق حضوری و پست الکترونیکی برای تمامی شرکت کنندگان ارسال و از آنها خواسته شد تا طی دو هفته پرسشنامه‌های تکمیل شده را عودت نمایند. برای تحلیل اطلاعات از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۹ و روش‌های آمار توصیفی مانند فراوانی و درصد، میانگین، انحراف معیار و آزمون‌های t-test، آنالیز واریانس و همبستگی پیرسون استفاده شد.

نتایج: از ۱۸۰ پرسشنامه ارسالی ۱۵۰ پرسشنامه به صورت صحیح تکمیل شده و در اختیار پژوهشگران این مطالعه قرار گرفت. در این میان حیطه عوامل مربوط به دانشجویان با میانگین  $(3/97 \pm 0/42)$  بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده است. یافته‌های حاصل، نشانگر آن است که شش عامل: استفاده از کامپیوتر در آموزش، گسترش یادگیری مجازی، استفاده از تلفن همراه در ارتباطات، احساس لذت از محیط‌های یادگیری الکترونیک، تأکید یادگیری بر ایجاد نگرش، نقش تسهیل‌گری اساتید در آموزش بیشترین تأثیر را بر یادگیری در قرن ۲۱ داشته‌اند.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد که بطور کلی نگاه دانشجویان به یادگیری در قرن حاضر از لحاظ فلسفی بر دیدگاه ساختن‌گرایی و مشارکتی که در آن فراگیران نقش مهمتری نسبت به آموزش سنتی دارند، بیشتر نزدیک است و به اعتقاد بسیاری از متخصصین

نیز این طرز تلقی می‌تواند رویکردهای جدید تدریس و آموزش را در عصر حاضر مورد حمایت قرار دهد و همچنین در ایجاد تحول، تکمیل و توسعه روشهای تدریس نقش شگرفی داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: یادگیری، مبانی یادگیری، یادگیری در قرن بیست و یکم، نظرات دانشجویان

## فرایند خبرگی در مربیان دانشگاه علوم پزشکی شیراز به روش گراند تئوری

لیلا بذرافکن\*، نیکو یمانی، مهسا شکور، آزاده روح الامینی

\*مربی گروه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز و دانشجوی دکتری آموزش پزشکی مرکز تحقیقات

آموزش علوم پزشکی اصفهان

Email: [bazrafkanl@sums.ac.ir](mailto:bazrafkanl@sums.ac.ir)

**مقدمه:** دریفوس برای آموزش و یادگیری در جهت کسب توانایی و شایستگی از مراحل چونی مبتدی پیشرفته، مرحله کاردانی، مرحله تبحر، مرحله خبرگی، مرحله استادی، مرحله خرد عملی نام می‌برد. بنابراین قرار گرفتن در مرتبه استادی یا خرد عملی مبین مراتب بالای "خودشکوفایی" است و استادی، مرتبه‌ای است که فرد با پشت سر گذاشتن مراحل مختلف حیات به سطحی دست یافته است که استعدادها و توانایی‌های درونی‌اش شکوفا شده و به ثمر رسیده‌اند. هدف از انجام این مطالعه تبیین مفاهیم و عناصر مؤثر در فرایند خبرگی در مربیان دانشگاه با تکیه بر تجارب و درک اعضای هیات علمی بالینی است.

**روش‌ها:** این مطالعه کیفی و به روش گراند تئوری انجام گرفت. در ابتدا از روش نمونه گیری مبتنی بر هدف و در ادامه از نمونه گیری تئوریک استفاده شد. ۱۱ نفر از اعضای هیات علمی با سابقه مربیگری حجم نمونه را تشکیل دادند همزمان با جمع آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل آنها با استفاده از روش کدگذاری و مقایسه مداوم استراوش-کوربین انجام شد.

**نتایج:** براساس یافته‌های حاصل از مراحل کدگذاری "انگیزش درونی"، "انگیزش بیرونی" و "یادگیری مداوم"، "تعهد به جامعه" و "رشد و شکوفایی" از جمله عوامل زمینه‌ای هستند که بر فرایند خبرگی در مربیان تاثیر گذارند. از دید مشارکت کنندگان انگیزه‌های فردی و عوامل انگیزشی بیرونی از جمله هویت علمی و مسائل اقتصادی اجتماعی، وظایف و مسئولیت‌های متنوع و گسترده، پاسخگویی در قبال جامعه و میل به تعالی از مهمترین عوامل مهم زمینه‌ای هستند که فرایند خبرگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

**نتیجه‌گیری:** خبرگی در آموزش فرآیند پیچیده‌ای است که از عوامل زمینه‌ای متعدد تأثیر می‌پذیرد؛ کشف و پرداختن به این عوامل می‌تواند راهگشای پیشرفت و تعالی مربیان در کسب خبرگی و تبحر در آموزش و ارتقاء سطح کیفی آموزش در دانشگاه باشد.

**واژه‌های کلیدی:** خبرگی، اعضای هیات علمی، گراند تئوری، فرایند آموزش

## مقایسه خلاقیت و روشهای تدریس اعضای هیأت علمی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز

لیلا بذرافکن\*، فریبا حقانی، آزاده روح الامینی، الهه محمدی

\* مربی گروه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز و دانشجوی دکتری آموزش پزشکی مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی اصفهان

Email: [bazrafkanl@sums.ac.ir](mailto:bazrafkanl@sums.ac.ir)

**مقدمه:** یکی از پیچیده‌ترین سطوح فعالیت‌های ذهن بشر در فرایند یادگیری که تاکنون شناخته شده، خلاقیت است. برای رویارویی با شرایط پیچیده و غیرقابل پیش بینی در عصر تحولات عظیم آموزشی در قرن بیست و یکم توجه به مسئله خلاقیت در آموزش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مطالعه با هدف بررسی رابطه میزان خلاقیت اعضای هیأت علمی با بکارگیری شیوه‌های تدریس آنها در دانشگاه علوم پزشکی شیراز طراحی و اجرا شد.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر از نوع همبستگی است که در آن روابط چندین متغیر با یکدیگر بررسی می‌شود. بنابراین برای تعیین خلاقیت اعضای هیأت علمی، از پرسشنامه استاندارد ۵۰ سوالی رندسیپ که بواسطه مطالعات مختلف از روایی و پایایی بالایی برخوردار است، استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق را ۱۸۰ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای (از مربیان، استادیاران، دانشیاران و اساتید) تشکیل داده‌اند. همچنین برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد الگوهای تدریس اعضای هیأت علمی از پرسشنامه محقق ساخته پیرامون روش‌های تدریس استفاده شده است. این پرسشنامه نیز براساس مراحل تفصیلی شیوه‌های تدریس مختلف و طبق متون تخصصی توسط پژوهشگر تهیه و برای روایی محتوایی نظرات کارشناسان و متخصصان را جویا شده است. محقق نیز برای برآورد پایایی کلیه سئوالات از ضریب آلفای کرونباخ استفاده کرد که نتایج حاصل از آن ۰/۸۷ بدست آمد. پرسشنامه‌ها با مراجعه حضوری پژوهشگر تکمیل و عودت داده شد. برای توصیف داده‌ها از آمار توصیفی و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و آنالیز واریانس یک راهه با بهره‌گیری از نرم افزار آماری spss استفاده شده است.

**نتایج:** بررسی داده‌های گردآوری شده با استفاده از آزمون‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با روش گام به گام نشان داد که بین روش‌های تدریس و خلاقیت اساتید رابطه مثبت و معنی دار در سطح اطمینان ۰/۹۹ وجود دارد. آنالیز واریانس داده‌ها نشان داد که بین سن، جنس، گروه آموزشی و خلاقیت رابطه معنی داری وجود ندارد. **نتیجه‌گیری:** استفاده از شیوه‌های مختلف آموزش مستلزم توانمندیهای مختلف از جمله خلاقیت است. وجود زمینه خلاقیت در اساتید، می‌تواند بستر مناسبی جهت استفاده از روشهای مختلف آموزش در علوم پزشکی فراهم آورد.

**واژه‌های کلیدی:** خلاقیت، روشهای تدریس، اعضای هیأت علمی

## اثربخشی آموزش مهارت های مطالعه بر راهبردهای مطالعه در دانشجویان رشته

### بهداشت عمومی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

عیسی محمدی زیدی<sup>۱\*</sup>، امیر پاکپور حاجی آقا<sup>۱</sup>، اصغر کاربرد<sup>۲</sup>، بنفشه محمدی زیدی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup>دکتری آموزش بهداشت، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین

e-mail: [easamohammadizeidi@gmail.com](mailto: easamohammadizeidi@gmail.com)

<sup>۲</sup>کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، مربی عضو هیات علمی گروه اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی قزوین

<sup>۳</sup>کارشناس ارشد مامایی، مربی عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن

**مقدمه:** استراتژی های یادگیری و مطالعه از مهمترین راه کارهای عملیاتی به منظور بهبود کیفیت آموزش و موفقیت تحصیلی دانشجویان است. هدف پژوهش حاضر تعیین اثربخشی آموزش بر مهارت‌ها و راهبردهای مطالعه و یادگیری در دانشجویان رشته بهداشت عمومی دانشگاه علوم پزشکی قزوین بود.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر یک مطالعه شبه تجربی و به صورت قبل و بعد در قالب گروهی در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۰ در دانشگاه علوم پزشکی قزوین انجام شد. جامعه پژوهش شامل ۴۰ نفر از دانشجویان کارشناسی ناپیوسته بهداشت عمومی بودند که به طور مساوی در دو گروه کنترل و تجربی قرار گرفتند. برنامه مداخله شامل کارگاه آموزشی دو ساعته با استفاده از روش بحث گروهی و سخنرانی کوتاه بود. داده ها با استفاده از پرسشنامه اطلاعات فردی و همچنین پرسشنامه معتبر راهبردهای مطالعه و یادگیری یک هفته قبل از کارگاه و سه ماه بعد از امتحانات ترمی گردآوری شد. داده ها نهایتاً وارد نرم افزار SPSS ویرایش ۱۸ شد و با استفاده از آزمون های آماری تی مستقل و زوجی و کای اسکور ارزیابی شد.

**نتایج:** میانگین نمرات دانشجویان در مورد راهبردهای مطالعه و یادگیری در گروه تجربی به ترتیب در آیت‌های کنترل وقت (از ۲۱/۳۲ به ۲۴/۱۵)، راهنمای مطالعه (از ۲۰/۵۴ به ۲۶/۴۳)، تمرکز (از ۲۵/۸۲ به ۳۰/۱۹)، خودآزمایی (از ۲۱/۵۳ به ۲۶/۶۷) و اضطراب (از ۲۳/۵ به ۳۱/۴۸) تغییر معنادار نشان داد ( $P < 0.05$ ).

**نتیجه‌گیری:** با توجه به تاثیر معنادار آموزش بر مهارت‌های مطالعه و یادگیری در دانشجویان در مطالعه حاضر، و با توجه به اینکه یکی از اصلی ترین دلایل افت و شکست تحصیلی دانشجویان علی رغم استعداد و توانایی های آنها ضعف در مهارت‌های مطالعه و یادگیری است، بنابراین آموزش راهبردهای مطالعه و یادگیری می تواند موجبات موفقیت و رضایت تحصیلی بیشتر دانشجویان را فراهم سازد.

**واژه‌های کلیدی:** مهارت‌های مطالعه، یادگیری، آموزش، افت تحصیلی، موفقیت تحصیلی



## بررسی مهارت‌های مطالعه در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان

زهرا کریمی

**زمینه و هدف:** مهارت‌های مطالعه با ایجاد انگیزه در فرد، فعالیت بیشتر او را به دنبال دارد. دانشجویانی که از تلاش خود نتیجه مطلوبی به دست نمی‌آورند کسانی هستند که فکر می‌کنند می‌توانند درس‌ها را بدون مطالعه موثر فرا گیرند. مطالعه موثر با بازدهی بیشتر همانند هر کار دیگری نیاز به مهارت‌های ویژه دارد. هدف از این مطالعه بررسی مهارت‌های مطالعه در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان و شیوه‌های آن می‌باشد.

**روش کار:** در این مطالعه توصیفی - مقطعی بر روی ۱۵۴ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۳۹۱ انجام شد. نمونه‌گیری بصورت آسان و با حداکثر تنوع از نظر رشته تحصیلی، جنسیت بود. ابزار مطالعه پرسشنامه ۱۵ سوالی که مهارت‌های مطالعه را در شش حیطه (مدیریت وقت، تمرکز، یادداشت برداری کلاسی، خواندن، امتحان دادن) می‌سنجید و روایی و پایایی آن مورد تایید بود جمع‌آوری شد. امتیاز دهی بین ۰-۳۰ بود. ۱۵-۰ مهارت ضعیف، ۱۶-۲۲ متوسط و ۲۳-۳۰ خوب در نظر گرفته شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق آمار توصیفی و آزمون‌های آماری تی مستقل و آنالیز واریانس انجام گرفت.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که ۲۵,۳ درصد دانشجویان مهارت مطالعه ضعیف، ۵۹,۱ درصد متوسط و ۱۵,۶ درصد خوب بودند. و شیوه‌های مطالعه در شش حیطه مهارت مورد بررسی ۸۷,۷ درصد در مدیریت وقت، ۳۳,۱ درصد در تمرکز، ۱۷,۵ درصد در یادداشت برداری کلاسی، ۴۴,۲ درصد در خواندن، ۴۲,۹ درصد در امتحان دادن ضعیف خود را ارزیابی نمودند. ارتباط معنی‌دار آماری با  $p > 0.05$  بین متغیرهای جنسیت و رشته دیده نشد.

**نتیجه‌گیری:** در این مطالعه تنها ۱۵,۶ درصد مهارت مطالعه خوب داشتند. و در حیطه‌ها تنها در بخش یادداشت برداری ۶۱ درصد دانشجویان مهارت خوب داشتند. بنابراین توصیه می‌شود مسئولین آموزشی، در بدو ورود دانشجویان به دانشگاه کارگاه‌های آموزشی جهت افزایش مهارت‌های مطالعه برگزار نمایند.

**کلمات کلیدی:** مهارت مطالعه، دانشجو، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

## رابطه انگیزش و رویکردهای مطالعه با عملکرد تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

عباس جوادی\*، آمنه محمودزاده، دکتر قاسم کریمی، دکتر محمدرضا میری، طاهره ایزدی، محمد خوشدل  
\*دانشجوی دکتری آموزش بهداشت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند  
**javadi56@yahoo.com**

### چکیده:

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی رابطه بین انگیزش و رویکردهای مطالعه با عملکرد تحصیلی در دانشجویان دانشگاه است. بدین منظور نمونه ای به حجم ۲۹۱ نفر (دختر و پسر) از بین دانشجویان مقاطع تحصیلی کاردانی، کارشناسی و دکتری حرفه ای دانشگاه علوم پزشکی بیرجند به روش نمونه گیری تصادفی از نوع طبقه ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این تحقیق برای انگیزش از مقیاس انگیزش تحصیلی (AMS) والرند و همکاران (۱۹۹۲) و برای سنجش رویکرد های مطالعه از پرسشنامه مارتون و سلجو (۱۹۷۶) استفاده شد. همچنین معدل کل آنان از ابتدای ورود به دانشگاه تا پایان نیمسال دوم ۸۸-۸۹ به عنوان شاخص عملکرد تحصیلی لحاظ شد.

برای تجزیه و تحلیل داده ها از روشهای آمار توصیفی نظیر فراوانی ساده، درصدی و ... استفاده شد. و در بخش آمار استنباطی برای بررسی رابطه بین متغیرهای پیش بین و ملاک از تحلیل رگرسیون چند متغیره و ضریب همبستگی، و جهت مقایسه میانگین نمره انگیزش و رویکردهای مطالعه در گروههای مختلف از آزمون t.test و آنالیز واریانس یک طرفه بوسیله نرم افزار spss استفاده شد.

نتایج بدست آمده از این پژوهش نشان می دهد که بین انگیزش درونی و بیرونی تحصیلی با عملکرد تحصیلی رابطه معنی داری وجود ندارد اما بین بی انگیزگی با عملکرد تحصیلی رابطه منفی و معنی داری ( $P=0/006$ ) وجود دارد و متغیر مذکور به تنهایی حدود ۳٪ عملکرد تحصیلی را تبیین می کند. بنابراین نتایج بدست آمده نشان داد که متغیر انگیزش نمی تواند متغیر عملکرد تحصیلی را تبیین کند. همچنین نتایج بدست آمده حاکی از این است که بین رویکرد عمیق و زیر مولفه های ارتباط دادن عقاید و مفاهیم با یکدیگر و عملکرد تحصیلی رابطه منفی و معنادار  $P=0/003$  ولی بین عملکرد تحصیلی با زیر مولفه های جستجوی معنا، استفاده از مدارک و شواهد و علاقه مند بودن به موضوعات و همچنین رویکرد عمیق رابطه معنا داری وجود ندارد. همچنین بین عملکرد تحصیلی با رویکرد راهبردی و مولفه های آن رابطه معنی داری وجود ندارد. و بین عملکرد تحصیلی با رویکرد بی تفاوتی و زیر مولفه های حفظ کردن مطالب بی معنا و نامرتبط، التزام به سر فصل و ترس از شکست رابطه معنی داری وجود نداشت. اما در رابطه مولفه های رویکردهای بی تفاوتی مطالعه و عملکرد تحصیلی مولفه نداشتن هدف به تنهایی ۷٪ متغیر عملکرد تحصیلی را تبیین می کند. بنابراین ارتباط معناداری ( $P < 0/001$ ) بین مولفه نداشتن هدف و عملکرد تحصیلی وجود دارد.

در رابطه بین رویکردهای مطالعه و عملکرد تحصیلی رویکرد بی تفاوتی (سطحی) به تنهایی ۶٪ متغیر عملکرد تحصیلی را با سطح معناداری ( $P < 0/001$ ) تبیین می کند.

**کلمات کلیدی:** انگیزش، رویکردهای مطالعه، عملکرد تحصیلی، جنسیت و رشته تحصیلی

## مهارت‌های مطالعه در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

دکتر ثریا زحمت کش\*، دکتر کامران میرزایی، محمدرضا یزدانخواه فرد  
\*مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر  
Email: [Zahmatkeshs2004@yahoo.com](mailto:Zahmatkeshs2004@yahoo.com)

**مقدمه:** آشنایی با روش‌های صحیح و مناسب مطالعه یکی از عوامل موثر در پیشرفت تحصیلی دانشجویان می‌باشد. بکارگیری روش‌های مطالعه متناسب با هدف آموزشی دروس نقش موثری در کاهش خستگی و اضطراب ناشی از مطالعه، مدیریت زمان و افزایش انگیزش و تمایل دانشجویان به یادگیری و مطالعه دارد. این مطالعه با هدف بررسی الگوهای مهارت‌های مطالعه در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر انجام شد.

**روش‌ها:** در یک مطالعه توصیفی - تحلیلی کلیه دانشجویان پزشکی ورودی ۱۳۸۹ دانشگاه علوم پزشکی بوشهر (۵۴ نفر) شرکت کننده در کارگاه آموزشی روش‌های موثر مطالعه مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها در ۵ حیطه مدیریت زمان، تمرکز، نحوی مطالعه، شرکت در آزمون و یادداشت برداری با استفاده از پرسشنامه و پیش از شرکت در کارگاه جمع‌آوری شد.

**نتایج:** در حیطه مدیریت زمان، اکثریت دانشجویان (۷۲/۲٪) شب قبل از امتحان ساعتها به مطالعه فشرده مطالب اختصاص می‌دادند، در حیطه تمرکز ۷۹/۶٪ دانشجویان از عدم تمرکز لازم در حین مطالعات طولانی شکایت داشتند، در حیطه مطالعه، اکثریت دانشجویان (۷۵/۹٪) اظهار ناتوانی در تنظیم سرعت مطالعه متناسب با سطح دشواری و حجم مطالب نمودند. در حیطه شرکت در آزمونها (۸۷/۰٪) دانشجویان از اضطراب حین آزمون علیرغم مطالعه مناسب مطالب درسی شکایت داشتند و در حیطه یادداشت برداری تنها ۳۳/۳٪ دانشجویان اقدام به یادداشت برداری مطالب مهم در حین تدریس مدرس می‌نمودند. از میان متغیرهای دموگرافیک مورد بررسی، تنها متوسط ساعات مطالعه در شبانه روز و معدل ترم قبل دانشجویان با نمره مهارت‌های مطالعه دانشجویان رابطه نشان داد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به حجم بالای مطالب آموزشی و اهمیت بالای آن در دوره پزشکی عمومی و نیز محدودیت زمان بعلا حجم بالای مطالب، لازم است تا دانشجویان در سالهای اولیه شروع به تحصیل خود با مهارت‌های صحیح مطالعه به منظور دستیابی به حداکثر یادگیری متناسب با زمان مطالعه آشنا شده تا از طریق تمرین و تکرار به مناسبترین روش مطالعه متناسب با محتوای مطالب دست یابند.

**واژه‌های کلیدی:** مهارت مطالعه، یادگیری، دانشجو

## بررسی ارتباط بین سبک‌های یادگیری دانشجویان و روش‌های تدریس اساتید در دانشگاه علوم پزشکی مشهد

حسین دیده بان

دانشجوی آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

**Didehbanh881@mums.ac.ir**

**Didehbanh881@gmail.com**

**مقدمه:** سبک‌های یادگیری و روش‌های تدریس اساتید نقش مهمی در پروسه یادگیری و یاددهی ایفا میکنند. سبک‌های یادگیری بر تفاوت‌های فردی دانشجویان تأکید دارد. محققین معتقدند بین سبک یادگیری و ترجیحات یادگیری، و روش‌های تدریس اساتید ارتباط وجود دارد.

**روش‌ها:** جامعه آماری مورد مطالعه این تحقیق شامل ۹۸ دانشجویان مشغول به تحصیل رشته رادیولوژی که با نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند و ۲۱ نفر از اساتیدشان. برای بررسی سبک‌های یادگیری دانشجویان از پرسشنامه سبک‌های یادگیری کلب و برای بررسی شیوه‌های یاددهی اساتید از پرسشنامه‌ای شامل ۲۹ روش تدریس استفاده شد.

**نتایج:** در بررسی وضعیت سبک‌های یادگیری دانشجویان ملاحظه می‌گردد که ۴۴/۹٪ از دانشجویان سبک یادگیری انطباق‌یابنده و ۳۴/۷٪ سبک یادگیری واگرا و ۸/۲٪ سبک یادگیری جذب‌کننده و ۹/۲٪ دارای سبک یادگیری همگرا بودند و سبک یادگیری غالب در اکثر دانشجویان رادیولوژی سبک انطباق‌یابنده است. در بررسی روش‌های تدریس اساتید مشخص شد که اساتید ترجیح میدهند بیشتر از روش‌هایی شامل عروش تدریس: سخنرانی، مدلسازی ذهنی، تدریس انتقادی، مطالعه کتب و متون خواندنی و سپس تجزیه و تحلیل کردن آن، سمینار و ارائه مقالات استفاده کنند.

**نتیجه‌گیری:** آنجا که اکثر دانشجویان مورد مطالعه دارای سبک غالب یادگیری انطباق‌یابنده می‌باشند، روش تدریس ترجیحی برای انطباق‌یابنده‌ها، ایفای نقش و شبیه‌سازی رایانه‌ای می‌باشد. افراد انطباق‌یابنده از طریق مباحثه و توضیح درس برای همکلاسان خود مطلب را بهتر یاد می‌گیرند. ولیکن بیشتر اساتید از روش‌های سخنرانی و تئوری استفاده می‌کردند. شاید بتوان یکی از دلایل عمده گرایش اکثر مدرسان رشته رادیولوژی دانشگاه علوم پزشکی مشهد به استفاده از روش‌های تدریس سخنرانی و تئوری را به نوع دروس ارائه شده به دانشجویان نسبت داد. چنین نتیجه‌گیری سبب خواهد شد که برنامه ریزان درسی توجه کافی به نوع چیدمان دروس در مقاطع و ترم‌های مختلف تحصیلی داشته و با توجه بیشتری به تدوین کوریکولوم اقدام نمایند.

**واژه‌های کلیدی:** سبک‌های یادگیری-روش‌های تدریس-دانشجو-استاد

## مقایسه تأثیر سه روش سخنرانی، پخش فیلم و عملی بر میزان یادگیری و رضایت درس اینتوباسیون دانشجویان هوشبری در سال ۱۳۹۱

رحیم حبیبی\*<sup>۱</sup>، الهه شکوهی طرقي<sup>۲</sup>، لیلا امیری<sup>۳</sup>، سعید سیرانیپور<sup>۴</sup>، غلامرضا حبیبی<sup>۵</sup>  
<sup>۱\*</sup> کارشناس ارشد آموزش پرستاری گرایش داخلی و جراحی، عضو هیات علمی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، دانشکده  
پیراپزشکی، گروه فوریت های پزشکی

Email: [habibirahim@yahoo.com](mailto:habibirahim@yahoo.com)

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد آموزش پرستاری، بیمارستان آموزشی امام حسین (ع)، تهران  
<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی هوشبری، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، دانشکده پیراپزشکی، گروه هوشبری  
<sup>۴</sup> دانشجوی کارشناسی هوشبری، دانشگاه علوم پزشکی قزوین، دانشکده پیراپزشکی، گروه هوشبری  
<sup>۵</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آمار، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، دانشکده علوم پایه، گروه آمار

**مقدمه:** روش های غیر فعال در تدریس رشته های علوم پزشکی می تواند منجر به خستگی، عدم توجه و ... در دانشجویان گردد، لزوم یادگیری و بکارگیری روش های فعال تدریس از سوی اساتید علوم پزشکی احساس می شود. لذا هدف از مطالعه حاضر مقایسه تأثیر سه روش سخنرانی، پخش فیلم و عملی بر میزان یادگیری و رضایت درس اینتوباسیون دانشجویان هوشبری در سال ۱۳۹۱ بود.

**روش ها:** پژوهش فوق یک مطالعه نیمه تجربی سه گروه بر روی ۳۶ دانشجوی ترم ۳ هوشبری به سه روش تدریس سخنرانی، پخش فیلم و عملی در سه گروه ۱۲ نفری با تخصیص تصادفی بود. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه های اطلاعات دموگرافیک، رضایت آگاهانه، پیش آزمون، پس آزمون، چک لیست اینتوباسیون و رضایت از روش تدریس بود. داده ها با آزمون های کای اسکوتر، کراسکال والیس، من ویتنی و همبستگی پیرسون و اسپرمن با نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** در گروه ها نمره پیش آزمون ( $P=0/336$ ) و پس آزمون ( $P=0/191$ ) تفاوت آماری معنی داری نداشت. تفاوت میانگین نمرات قبل و بعد از تدریس در گروه پخش فیلم ( $P=0/018$ ) و عملی ( $P=0/010$ ) اختلاف آماری معنی داری داشت. آزمون عملی اینتوباسیون ( $P=0/000$ ) و میزان رضایت از روش تدریس ( $P=0/003$ ) نیز تفاوت آماری معنی داری را بین سه گروه نشان داد.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج پژوهش توصیه به انجام مطالعات بیشتر در زمینه شناسایی روش های مناسب تدریس در هر درس مبتنی بر شواهد و استفاده ترکیبی و بیشتر از روش های نوین و فعال تدریس در آموزش علوم پزشکی می شود.

**واژه های کلیدی:** مقایسه، سخنرانی، پخش فیلم، عملی، یادگیری، رضایت، اینتوباسیون، هوشبری

## بررسی ماندگاری اطلاعات درس بیوشیمی در دانشجویان رشته مامایی با استفاده از روش مباحثه گروهی در سال تحصیلی ۹۱

مریم عباسیان<sup>۱\*</sup>، سید عباس موسوی<sup>۲</sup>، ربابه زروج حسینی<sup>۳</sup>، فهیمه ملکی<sup>۳</sup>

\*مربی دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

**abbasian39@yahoo.com**

<sup>۲</sup>دانشگاه علوم پزشکی گلستان، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

<sup>۳</sup>دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

**مقدمه:** تدریس به شیوه بحث گروهی یکی از روش های آموزشی دانشجویان محور است که دانشجویان را به یادگیرنده فعال تبدیل می کند و رضایت وی را از یادگیری افزایش داده و باعث یادگیری عمیق و ماندگاری اطلاعات می شود. با عنایت به اینکه آشنایی با اصول بیوشیمی و فهم دقیق مباحث آن در یادگیری بهتر سایر دروس به دانشجویان کمک می کند لذا بخشی از درس بیوشیمی دانشجویان مامایی به شیوه بحث گروهی ارائه و نتایج آن بر میزان دوام یادگیری با روش های معمول مقایسه گردید.

**روش ها:** مباحثی از درس بیوشیمی برای کلیه دانشجویان ترم اول مامایی تدریس گردید. سپس دانشجویان به صورت تصادفی به دو گروه (گروه مداخله، گروه کنترل) تقسیم شدند. گروه مداخله به زیر گروه های ۵ نفره تقسیم و بعد از اتمام مبحث مربوطه، به بحث گروهی پرداخته و در حضور استاد اشکالات خود را مطرح و رفع نمودند. از کلیه دانشجویان در دو مرحله (پایان مبحث و یک ماه بعد) امتحان به عمل آمد. داده ها با نرم افزار SPSS آمارهای توصیفی و تحلیلی (آزمون های آماری آنالیز واریانس با مشاهدات تکراری) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** میان نمره آزمون ارزیابی ماندگاری اطلاعات در کلاس های انجام شده به روش بحث گروهی و سخنرانی به ترتیب ۱۱/۲ و ۹/۴ بود. ماندگاری در مورد دانشجویانی که بحث گروهی داشتند بیشتر از گروه دیگر بود اما اختلاف آماری معنی داری دیده نشد. بیش از ۸۸ درصد از دانشجویان بیان داشتند بحث گروهی باعث افزایش سطح یادگیری، افزایش میزان مشارکت یادگیرنده در یادگیری و افزایش حس تعاون و احترام متقابل بین اعضای گروه گردید.

**نتیجه گیری:** باتوجه به منحنی فراموشی، قسمت اعظم مطالب بعد از یک ماه فراموش می شود، نتایج مبین آن است که درصد ماندگاری اطلاعات بعد از بحث گروهی افزایش یافته است.

**واژه های کلیدی:** بیوشیمی، روش تدریس، مباحثه، ماندگاری اطلاعات

## بررسی وضعیت بکارگیری نظریه های یادگیری در کلاس های تئوری و بالینی

دانشجویان مامایی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ۱۳۹۰

مهسا شکور<sup>۱\*</sup>، فریبا حقانی<sup>۲</sup>، لیلا بذرافکن<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup>دانشجو دکترا آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

<sup>۲</sup>دانشیار-گروه آموزش پزشکی-دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

<sup>۳</sup>عضو هیئت علمی-گروه آموزش پزشکی-دانشگاه علوم پزشکی شیراز

**مقدمه:** اگر اهداف اصلی ایجاد دانشگاه ها را آموزش بدانیم، چگونگی ایجاد یادگیری که محصول آموزش می باشد از مهمترین مباحث مطرح در دانشگاه ها می باشد.

یک دوره آموزشی که بتواند این سه روش رابه سبکهای یادگیری افراد مرتبط کند، بهترین نتیجه را خواهد داد لذا هدف از انجام مطالعه بررسی میزان بکارگیری نظریه های یادگیری توسط اساتید مامایی دانشگاه علوم پزشکی در کلاس های تئوری و بالینی بود.

**روش ها:** پژوهش توصیفی- مقطعی بود. محیط پژوهش دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، جمعیت مورد مطالعه اساتید مامایی، نمونه ها کلیه اساتید مامایی ونمونه گیری به صورت سرشماری بود. ابزار پژوهش چک لیست مشاهده گری شامل شاخص های سه نظریه یادگیری شناخته شده تر بود. پرسشنامه خود ساخته بود که روایی آن توسط متخصصین تایید شد. تجزیه و تحلیل توصیفی مقایسه ای انجام شد.

**نتایج:** در این مطالعه ۲۴ ساعت مشاهده گری ساختارمند از کلاسهای درس تئوری و ۲۰ساعتاز کلاس های درس بالینی (کارآموزی) انجام شد. بررسی چک لیست های مشاهده گری نشان داد بطور میانگین نمره رفتارگرایی در کلاس های تئوری برابر با ۷,۳ و میانگین نمره تئوری شناخت گرایی برابر با ۶,۸ و نمره سازنده گرایی ۳,۶۰ بود. در مقایسه بکارگیری نظریه ها در بکارگیری نظریه رفتارگرایی در کلاسهای تئوری وبالینی تفاوت معنادار وجود داشت ( $p < 0.001$ ) ولی در مورد نظریه های شناختی و سازنده گرایی تفاوت معناداری دیده نشد.

**نتیجه گیری:** در پژوهش حاضر بیشترین بکارگیری نظریه ها در آموزش دروس تخصصی تئوری مامایی مربوط به نظریه رفتارگرایی و کمترین آن مربوط به نظریه سازنده گرایی می شد. ولی در کل از نظریه شناختی هم برخلاف بعضی مطالعات، زیاد استفاده شده بود. توجه به نتایج بهره گیری اساتید از بعضی شاخص های تئوری های شناختی، رفتاری و سازنده گرایی و عدم توجه به بعضی شاخص های دیگر می تواند بیانگر چالش ها و چگونگی برخورد با آنها باشد. در این راستا عدم توجه به استراتژیهای سازنده گرایی دلایلی دارد که از آن جمله می توان گفت تبدیل شدن به استادی که به دانشجو کمک میکندتابه جای مقلد بودن جستجوگرباشند نه تنها امرسختی است بلکه به دلایل گوناگون ترسناک نیزمی باشد.

## بررسی مقایسه‌ای دیدگاه دانشجویان و اساتید در رابطه با روش آموزشی دانشجویان محور و استاد محور " دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

\*سید محسن هاشمی، الهه سخایی، ساجده معصومی فشانی، اسیه اسفندیاری، کامران میرزایی  
\*عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، دانشکده بهداشت  
elmoh\_hashemi@yahoo.com

**مقدمه:** پیشرفت شگفت انگیز علمی در قرن اخیر مرهون عوامل گوناگون است. با هر روشی که به مطالعه این عوامل پرداخته شود، نقش روشهای آموزشی را نمی توان نادیده گرفت. از جمله روشهای آموزشی مورد استفاده در تدریس دروس دانشگاهی روشهای استاد محور و دانشجوی محور می باشد که با توجه به مزایا و معایب این روشها ضروری است نظر اساتید و دانشجویان در رابطه با این روشها مورد بررسی دقیق قرار گیرد تا با تعیین نکات مشترک و مورد اختلاف قادر به بهرمندی هرچه بیشتر این روشها باشیم.

**روشها:** در این مطالعه مقطعی تعداد ۱۰۰ دانشجویان با نمونه گیری تصادفی چند مرحله‌ای و تمامی اساتید دانشکده بهداشت و آموزشکده‌ها گردیدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه ای که دارای دو بخش مشخصات " دموگرافیک و سوالات مربوط به دوروش آموزشی استاد - محور و دانشجوی محور - مورد استفاده گردید. داده‌های جمع آوری شد وارد نرم افزار SPSS گردید و با استفاده از آزمونهای آماری Mannwithy u.t. tes K-Square, تجزیه و تحلیل داده ها انجام شد.

**نتایج:** ۵۷٪ اساتید و ۲۶٪ دانشجویان  $P \text{ vlu}=0/004$  مورد مطالعه عقیده دارند که روشهای استاد محور باعث یادگیری بسیار خوب و خوب میشود، علت استفاده بیشتر اساتید از روش آموزشی سنتی به عقیده ۴۲٪ دانشجویان و ۶۴٪ اساتید  $P \text{ vlu}=0/04$  آشنایی بیشتر اساتید با این روش است، علت عدم استفاده خوب و بسیار خوب اساتید از روشهای دانشجوی محور از دید ۷۱٪ اساتید و ۴۰٪ دانشجویان  $p \text{ vlu}0/002$  تعداد زیاد دانشجویان در هر کلاس درس است، ۱۰۰٪ اساتید و ۶۴٪ دانشجویان  $P \text{ vlu}=0/005$  عقیده دارند که اساتید نسبت به سبکهای یادگیری دانشجویان آگاهی را دارند

**نتیجه گیری:** با توجه به یافته های این پژوهش که اساتید باور بیشتری به تاثیر روشهای دانشجوی محور نسبت به دانشجویان دارند، بنظر میرسد که شروع استفاده از روشهای آموزشی جدید باید از زمان تحصیل در دبیرستان شروع تا دانشجویان به مزایای این روشها آشنا گردند. و از طرفی اساتید عقیده دارند که تعداد زیاد دانشجویان هر کلاس یکی از موانع برای اجرایی نمودن روشهای نوین است که برای رفع این مشکل نیز باید چاره اندیشی شود توجه به استراتژیهای یادگیری از سوی اساتید نیز با توجه به نتیجه این پژوهش ضروری بنظر می رسد.

**واژه‌های کلیدی:** روشهای آموزشی، آموزش استاد محور، آموزش دانشجوی محور



## بررسی تاثیر سبک یادگیری بر انگیزش تحصیلی دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

فرزانه کاشفی<sup>۱\*</sup> زهره عباسی، الهه سالاری، سید آرش اکابری،

<sup>۱\*</sup> کارشناس ارشد آموزش مامایی، مربی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، دانشکده

پرستاری و مامایی [kashefimidwife@gmail.com](mailto:kashefimidwife@gmail.com)

**مقدمه:** تدریس فعالیتی است که سبب یادگیری می شود، چنانچه اگر نتیجه تدریس با یادگیری همراه نباشد می توان گفت تدریس موثر انجام نگرفته است. یادگیری جریانی است که توسط آن ذهن به شرایط بیرونی واکنش نشان می دهد و این واکنش به وسیله تجربیات پیشین تغییر و تحول پیدا می کند بطوریکه که یادگیری را فرآیندی دارای ماهیت سیال و تابع تجربه عنوان نموده اند و یادگیری تابعی از سبک یادگیری افراد می باشد. آگاهی از سبک یادگیری دانشجویان می تواند روشهای آموزشی را متناسب با سبک یادگیری دانشجویان تغییر داده و موجب بازده آموزشی بالاتر شود. سیوکی معتقد است که اساتید باید تلاش کنند روشهای تدریسشان را متناسب با سبک های گوناگون یادگیری دانشجویان تغییر دهند تا فرصت های یادگیری در بیشتر محیط ها متناسب با سبک یادگیری دانشجویان شود. طبق نظر کلب، سبک های یادگیری در اثر عوامل ارثی، تجارب قبلی زندگی و نیازهای محیط حاضر شکل می گیرد و اساس آن ریشه در ساختار عصبی و شخصیت افراد دارد. اگر چه سبک های یادگیری نسبتا ثابت است، ولی تغییرات کیفی در اثر تکامل و بلوغ و محرک های محیطی ممکن است صورت گیرد. سبک های یادگیری به صورت مجزا چهار سبک همگرا، واگرا، جذب کننده و انطباق یابنده شکل می گیرد. طبق نظریه اسناد راینر، همه انسانها شکستها و کامیابی های خود را به عوامل درونی و بیرونی نسبت می دهند فرایند اسناد که در سراسر زندگی شخص مشاهده می شود در حوزه آموزش و پرورش رسمی، بویژه فرایند آموزش بیشتر مطرح می شود زیرا فراگیر کامیابی و نا کامیابی خود را به چه چیز نسبت می دهد در انگیزش یادگیری او تاثیر مستقیم دارد. چرا که انگیزه یکی از عوامل اساسی در یادگیری است غالب رفتارهایی که انگیزش تحصیلی را نشان می دهد عبارتند از پافشاری بر انجام تکالیف دشوار، سخت کوش یا کوشش در جهت یادگیری در حد متوسط و انتخاب تکالیفی که به تلاش نیاز دارد. انگیزه تحصیلی با موفقیت و عملکرد دانشجویان ارتباط مستقیم دارد. جهت موفقیت در رشته های پزشکی نیاز به مفهوم سازی انتزاعی و مشاهده تاملی که نوعی سبک جذب کننده است، می باشد. روش تدریس ترجیحی در واگراها بحث گروهی و بارش افکار، در انطباق یابنده ها ایفای نقش و شبیه سازی رایانه ای، در همگراها روش های نشان دادن و دیاگرام ها و دست نوشته های استاد و در جذب کننده ها سخنرانی و مطالب خودآموز می باشند به هر فرد بر اساس نوع رشته و تخصص مورد نظر از سبک خاصی استفاده می نماید. لذا با توجه به موارد فوق، اجرای فرآیندی با هدف مشخص نمودن سبک های یادگیری در دانشجویان پرستاری و مامایی لازم به نظر می رسد تا در صورت استفاده از سبک های یادگیری در رشته تخصصی اقدام به آموزش استفاده از سبک های موثرتر و جانیشینی با سبک ترجیحی شود. و در نهایت با کشف سبک یادگیری زمینه رسیدن به سطح مطلوب یادگیری و انگیزش تحصیلی در همه فراگیران، فراهم گردد.

**روش ها:** روش اجرای پژوهش حاضر به صورت اجرای قبل و بعد و چند مرحله ای می باشد که بر روی ۵۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر پرستاری و مامایی در ترم های مختلف انجام خواهد شد. روش نمونه گیری بصورت خوشه ای- تصادفی از هر ترم چند نفر انتخاب شده و پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک که شامل سن، جنس، ترم تحصیلی، رشته تحصیلی، معدل، تمایل به رشته می باشد. سپس پرسشنامه استاندارد سبک یادگیری کلب استفاده خواهد شد. پرسشنامه سبک های یادگیری کلب شامل ۱۲ سؤال است که هر کدام دارای چهار گزینه با نام های تجربه عینی، مشاهده تاملی، مفهوم سازی انتزاعی، آزمایشگری فعال می باشد.

از جمع جداگانه این چهار قسمت در دوازده سئوال پرسشنامه، چهار نمره بدست می آید که این چهار نمره نشانگر سبک یادگیری است. بطوریکه تجربه عینی+مشاهده تاملی = سبک واگرا، آزمایشگری فعال+مفهوم سازی انتزاعی=سبک همگرا، تجربه عینی+آزمایشگری فعال=انطباق دهنده، مفهوم سازی انتزاعی+مشاهده تاملی=سبک جذب کننده

در پایان پرسشنامه استاندارد انگیزش تحصیلی دانشجویان می باشد. این مقیاس، (Ali, McInerney) یک اینرنی از 43 سؤال پنج گزین های بر اساس مقیاس لیکرت) با نمره دهی یک تا پنج از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم (تهیه شده و دارای هشت مؤلفه کلی در زمین ههای انگیزه علاقه به تکلیف) انتخاب تکلیف در شرایط آزادانه و انگیزه دانشجو در انجام تکالیف درسی، با چهار گویه، (کوشش) تلاش زیاد، بویژه روی مواد درسی دشوار، شامل هفت گویه، (رقابت جویی) مقایسه عملکرد تحصیلی خود با سایر دانشجویان و جلو افتادن از آنها، به تعداد شش گویه، (قدرت اجتماعی) انگیزه دانشجو برای سرپرستی و رهبر گروه بودن، با شش گویه، (کسب پیوستگی) انجام کارهای گروهی در زمینه تحصیلی، با سه گویه، (علاقه اجتماعی) انگیزه دانشجو برای کمک و توجه به پیشرفت تحصیلی دیگران، شامل پنج گویه، (کسب ستایش) انگیزه دانشجو برای جلب نظر و تشویق دیگران در امر تحصیل، با پنج گویه (و نمونه بودن) انگیزه دانشجو برای قدردانی و دریافت پاداش در امر تحصیل، به تعداد هفت گویه (می باشد). بازده نمرات هر مؤلفه و کل پرسشنامه از یک تا پنج محاسبه شد و نمره گذاری آن به صورتی است که آزمودنی، هر اندازه

نمره بالاتری از این پرسشنامه به دست آورد، نشان دهنده عملکرد بهتر او در طیف پنج گانه است. پرسشنامه ها به صورت تک تک در بین دانشجویان مطالعه توزیع شد و سپس جمع آوری گردید. پس از جمع آوری پرسشنامه سبک یادگیری و انگیزش تحصیلی و تجزیه و تحلیل داده ها و مشخص نمودن سبک یادگیری و انگیزش تحصیلی و تجزیه و تحلیل داده ها و مشخص نمودن سبک یادگیری دانشجویان و انگیزش تحصیلی، جلسه ای با حضور اساتید مربوطه در رابطه با اطلاع رسانی سبک یادگیری و انگیزش تحصیلی دانشجویان، تغییر سبک و استفاده از روشهای مناسب جهت رسیدن به بهترین نتیجه برگزار شد. تحلیل داده ها و ارزیابی نتایج که در این مرحله، تحلیل داده ها با استفاده از روش کمی و برای تعیین میزان تبیین کنندگی هر یک از مولفه های قبل تغییر سبک های یادگیری با سن و جنس از آزمون رگرسیون لجستیک و آزمونهای تحلیلی از جمله ضریب همبستگی پیرسون و آزمون t مستقل استفاده شد.

**نتایج:** از تعداد افراد مورد بررسی ۸۰ درصد دختر و ۲۰ درصد پسر بود. میانگین انگیزه تحصیلی از ۸۴ نمره ممکن میانگین نمرات انگیزه درونی دانشجویان ۵۷،۱+۱۱،۶ و میانگین نمرات انگیزه بیرونی ۶۴،۷+۱۰ بود و این مقادیر از نظر آماری تفاوت معنی داری داشتند ( $p < 0.001$ ). در بررسی آیتم های انگیزه تحصیلی با آزمون آماری به این نتیجه رسیدیم که انگیزه درونی دانستن بالاترین رتبه و پس از آن انگیزه های بیرونی همسانی، تنظیم بیرونی و درون فکنی در رتبه های بعدی قرار گرفتند و در پایین ترین رتبه ها انگیزه های تحصیلی درونی (حرکت در جهت پیشرفت و تجربه محرک) و پس از آن در آخرین رتبه بی انگیزشی قرار داشت، تفاوت این هفت آیتم انگیزه از نظر آماری معنی دار بود ( $p < 0.001$ ).

در بررسی سبک های یادگیری شاهد بودیم که آیتم مفهوم سازی انتزاعی بالاترین رتبه را به خود اختصاص داد و پس از آن به ترتیب آیتم های سبک های آزمایشگر فعال، مشاهده تاملی و تجربه عینی قرار گرفت، تفاوت میانگین رتبه ای از نظر آماری معنی دار بود ( $p < 0.001$ ).

در مقایسه آیتم های سبک یادگیری و انگیزه تحصیلی دو جنس و همینطور رشته تحصیلی تفاوت معنی داری مشاهده نشد. در بررسی ارتباط بین آیتم های انگیزشی شاهد ضریب همبستگی قابل ملاحظه بین انگیزه درونی و بیرونی تحصیلی بودیم ( $r = 0.646$ ,  $p < 0.001$ ) و ضریب همبستگی بین آیتم های سبک های یادگیری با انگیزش تحصیلی و آیتم های آن از نظر آماری معنی دار نبود. **نتیجه گیری:** شناخت و آشنایی با سبک های یادگیری سبب افزایش اعتماد به نفس و خودباوری و انگیزش تحصیلی دانشجویان شده و آنان را در رسیدن به هدف کمک خواهد کرد و علاوه بر آنان دانشگاه نیز از مزایای این روش و در عین مشکلات ناشی از افت تحصیلی دانشجویان رهایی خواهد یافت.

## بررسی ارتباط سبک یادگیری و مهارت‌های ارتباطی بین فردی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۹۱

محمد سلیمی، پریناز سلطان زاده، مهدی رعدآبادی، قاسم رجبی واسوکلایی\*  
\* کارشناس مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

[Gh\\_rajabii@yahoo.com](mailto:Gh_rajabii@yahoo.com)

**مقدمه:** دانشجویان علوم پزشکی به عنوان اعضای اصلی کادر درمان در آینده، نیازمند کسب مهارت‌های خاصی از جمله مهارت‌های ارتباطی به منظور برقراری ارتباط موثر و هدفمند با بیمار می‌باشند. هدف از پژوهش حاضر تعیین سبک یادگیری و سطح مهارت‌های ارتباطی بین فردی دانشجویان دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تهران می‌باشد.

**روش‌ها:** در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و مقطعی، تعداد ۳۲۰ نفر از دانشجویان دانشکده پرستاری با روش سرشماری وارد مطالعه شدند. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه استاندارد وارک و آزمون مهارت های ارتباطی بین فردی (Interpersonal Communication skills test) بود که دارای ۳۴ سوال پنج گزینه ای و مبنای نمره آن بین ۳۴ تا ۱۷۰ می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS (ویرایش ۱۸) و آزمون‌های آماری t و ANOVA صورت گرفت.

**نتایج:** از مجموع ۳۲۰ دانشجوی مورد مطالعه، ۶۰/۶٪ نمونه ها دانشجوی دختر بودند. میانگین نمره سطح مهارت های ارتباطی دانشجویان مورد مطالعه  $10/35 \pm 10/91$  بود. بیش از نیمی از نمونه‌ها (۵۸/۸٪) از بیش از یک سبک یادگیری استفاده می‌کردند و ۴۱/۲٪ فقط از یک سبک یادگیری استفاده می‌کردند. بیش از یک سوم آنان (۳۸/۱٪) نیز از چهار سبک یادگیری بطور همزمان استفاده می‌کردند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج پژوهش، سطح توانمندی‌های دانشجویان دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تهران در زمینه مهارت‌های برقرار یارتباط در جایگاه مطلوبی قرار ندارد. به نظر می‌رسد که تجربه‌ی آموزشی دانشجویان، عملکرد آنان را در برقراری ارتباط بهبود می‌دهد.

**واژه‌های کلیدی:** مهارت های ارتباطی بین فردی، دانشجویان پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی تهران

## آموزش همزمان نظری و عملی درس آناتومی موسکولواسکتال در یادگیری

### دانشجویان

دکتر منصوره سلیمانی<sup>۱\*</sup>، دکتر هما رسولی<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup>استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران

[mansourehsoleimani@gmail.com](mailto:mansourehsoleimani@gmail.com)

<sup>۲</sup>استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران

**مقدمه:** روشهای مختلفی برای تسهیل در آموزش و فراگیری دروس آناتومی مطرح شده است. روش انجام شده در این آزمایش اجرای همزمان کلاس عملی و تئوری میباشد. در این بررسی اثر این روش در ایجاد تسهیل فراگیری و پیشرفت تحصیلی دانشجویان در مقایسه با روش ارائه جداگانه دروس عملی و نظری میباشد.

دانشگاههای علوم پزشکی و مراکز آموزشی مسئول اصلی آموزش و پرورش و ارائه خدمات در زمینه پزشکی هستند. با توجه به اهمیت این موارد و اطمینان از کیفیت مطلوب عملکرد آنها و برای جلوگیری از به هدر رفتن نیروهای انسانی و مادی توجه به امر آموزش این دانشگاهها ضروری به نظر میرسد. در بین دروس علوم پایه پزشکی که پنج ترم دانشجویان را به خود اختصاص میدهد، درس آناتومی جایگاه ویژه ای دارد. با توجه به اینکه این درس جزء مشکل ترین و فرارترین دروس علوم پایه است بنظر میرسد بایستی برای آموزش آن از روشهای خاصی کاربردی استفاده نمود. طرح ادغام یکی از روشهای موثر در آموزش آسانتر این درس است اما ادغام هم به تنهایی قادر به حل کامل آموزش آسان و کاربردی این درس نیست.

آموزش درس آناتومی بدون کلاسهای عملی فاقد ارزش بود. و بزودی از ذهن دانشجویان آموخته های تئوری بیرون می رود. آموزش هم زمان تئوری و عملی می تواند نتایج بهتری داشته باشد زیرا که ساختمان های شرح داده شده یا مجاورت را دانشجویان با چشم می بیند و همزمان با آن تئوری مطالب را هم می شنود، مطلب به نحو بهتری ملکه ذهن او شده و فراگیری سریعتری خواهد داشت.

در این پروژه بعد از ادغام افقی دروس علوم پایه ما تصمیم گرفتیم بخش موسکولواسکتال را بصورت عملی و نظری ارائه دهیم و بعد از مقایسه نمرات پایان ترم این دانشجویان با دانشجویانی که به روش سنتی ابتدا تئوری و بعد عملی داشتند نتایجی را به دست آورید. بطور خلاصه اینکه با توجه به اینکه آناتومی سخت ترین درس علوم پایه بوده و دانشجویان تمایل چندانی به یادگیری جزئیات و مجاورت در این درس ندارند، تصمیم گرفته شد از روش آموزش عملی نظری همزمان استفاده شود.

**روشها:** تعداد ۱۲۰ نفر دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران (پردیس همت) برای دوره آناتومی موسکولواسکتال تنه انتخاب شدند. این تعداد تقریباً کل دوره ورودی بهمین را شامل میشد. گروه کنترل به تعداد ۱۱۴ نفر ورودی همان سال و ترم مهر بودند. همسان سازی گروه ها از نظر کلاس و محل آزمایش و رتبه ورودی به دانشگاه انجام شد گروه آموزش با روش جدید ، تلفیق تئوری و عملی تحت آموزش آناتومی قرار گرفتند. به این ترتیب که هنگام تدریس استخوان های تنه به تعداد کافی در اختیار دانشجویان قرار داده شد و با استفاده از یک دوربین روی نمونه فوکوس شد، تا به شکل سه بعدی برای همگی قابل دیدن باشد، بخش تئوری و عملی عضلات مستقیماً با استفاده از دوربین در سالن تشریح انجام شد. گروه کنترل به روش سنتی آموزش داده شد. بعد از گرفتن امتحان ،نمرات امتحان دانشجویان گروه آزمایش و کنترل از نظر آماری مقایسه شد. در ضمن نظرات دانشجویان در مورد این دو روش ثبت شد. در بررسی نظرات دانشجویان دنسبت به دو روش مذکور دانشجویان معتقد بودند که تلفیق این دو باعث فراگیری عمیق تر و رضایت و خوشحالی بیشتر میشود.

**نتیجه گیری:** با توجه به تفاوت معنی دار نمرات گروه آزمایش و کنترل به نظر میرسد که این روش تدریس مناسب برای دروس آناتومی میباشد.

**واژه های کلیدی:** آناتومی - عملی - تئوری - موسکولواسکتال

## تبیین تجارب دانشجویان از تأثیر آموزش به روش مشارکتی

کبری عابدیان\*<sup>۱</sup>، دکتر زهره شاه حسینی

مری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران ساری

kobra\_abedian1384@yahoo.com

**مقدمه:** برنامه ریزان آموزشی همواره در تلاشند که با استفاده از شیوه های مختلف آموزشی موقعیت های جدید یادگیری را فراهم نمایند. نکته مهم این که در حلقه آموزش علاوه بر فرا دهنده ، فراگیرندگانی وجود دارند که مشارکت آنان در امر آموزش، باعث افزایش سطح اثربخشی تدریس، تعمیق باورهای یادگیری، تدریسی پویا، ایجاد شرایط بهتر یادگیری و رضایت چشمگیر دانشجویان می شود. لذا توصیه می گردد که فرادهندگان با ایجاد موقعیت های جدید یادگیری و اصلاح شیوه تدریس در امر آموزش، فراگیران را مشتاقانه در امر آموزش دخیل کنند. هدف از این مطالعه، تبیین تجارب دانشجویان از تأثیر آموزش به روش مشارکتی باشد.

**روش ها:** در این مطالعه که در نیمسال اول تحصیلی ۱۳۹۱ در درس بهداشت و تنظیم خانواده دانشجویان رشته های بهداشت عمومی و داروسازی دانشگاه علوم پزشکی مازندران انجام پذیرفت، در اولین جلسه درس، مدرس ضمن طرح موضوع و جلب نظر فراگیران، به نحوه مشارکت و تدریس دانشجویان می پرداخت. در جلسات بعدی هر گروه از دانشجویانیکی از موضوعاتانتخابی، بر اساس سرفصل درس، را ارائه داده و پس از پرسش و پاسخ ، مدرس به جمع بندی کامل و جامع و نتیجه گیری می پرداخت. هم چنین در این برنامه، بر اساس کیفیت ارائه از ۲۰٪ تا ۴۰٪ ارزشیابی پایانی به ارائه دهندگان اختصاص می یافت.

**نتایج:** یافته های حاصل از مصاحبه نهایی با دانشجویان حاکی از این بود که اکثریت دانشجویان از شیوه تدریس مشارکتی رضایت داشتند. از دیدگاه آنان، اجرای این فرآیند موجب افزایش انتقال مفاهیم و مطالب شده و علاوه بر این بیشتر دانشجویان بیان کردند که اعتماد به نفس آنها افزایش یافتدر مجموع فراگیران بیان نمودند کهگرچه اطلاعات وسیع اساتید سطح انتظارات از دانشجو را بالا خواهد برد، ولیکن آنها به نیاز خویش واقفند و به توضیح مطالبی می پردازند که از نظر مدرس پیش پا افتاده و ابتدایی است و دردرک بهتر مطلب به آنها کمک خواهد کرد.

**نتیجه گیری:** با توجه بهنقش غیر قابل انکار فراگیران در حلقه آموزش ، توصیه می شود اساتید با تشکیل اتاق فکر قبل از تشکیل کلاس های تئوری در مورد چگونگی اداره کلاس وسرفصل های دروس مربوطه با دانشجویان هم فکری نمایند. این امر به کمک شایسته ای به اثر بخشی آموزش به عنوان هدف غایی مسئولین امر آموزش خواهد بود.

**واژه های کلیدی:** اثر بخشی، دانشجویان، مشارکت

## پیش‌بینی مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر بر اساس رویکردهای یادگیری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سال ۱۳۹۱

محسن رضائیان<sup>۱\*</sup>، عفت شهرآبادی، علی‌اکبر حقدوست

\*استاد علوم پزشکی رفسنجان

moeygmr2@yahoo.co.uk

**مقدمه:** امروزه کسب مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر، یکی از اهداف مهم آموزش قلمداد می‌شود و رویکردهای یادگیری دانشجویان در این زمینه موثر می‌باشد. در این مطالعه، هدف تعیین پیش‌بینی مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر بر اساس رویکردهای یادگیری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان است.

**روش‌ها:** این مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۱ انجام شد. تعداد ۳۷۰ نفر به صورت تصادفی سهمیه‌ای از رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی، پرستاری-مامایی و پیراپزشکی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان انتخاب گردیدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد تجربه دوره تحصیلی (Experience course questionnaire) بود. از این پرسش‌نامه حیطه مهارت‌های عمومی برای سنجش مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر استفاده گردید. پرسش‌نامه استاندارد فرآیند رویکرد مطالعه، فرم دو عاملی تجدید نظر شده (Revised two-factor Study Process Questionnaire or R-SPQ-2F) جهت رویکردهای یادگیری و مطالعه مورد استفاده قرار گرفت.

**نتایج:** از دانشجویان مورد بررسی، ۱۱۵ نفر (۳۱/۸٪) پسر و ۲۴۷ نفر (۶۸/۲٪) دختر بودند. در این مطالعه رویکرد عمقی با مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر رابطه مثبت و مستقیم ( $r=0/325, p=0/001$ ) و رویکرد سطحی با مهارت‌های مذکور رابطه خطی نداشت. بر اساس رگرسیون خطی چندگانه به روش گام به گام، رویکرد عمقی، پیش‌بینی کننده مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر بود. به عبارتی، به ازای یک واحد افزایش در رویکرد یادگیری عمقی، ۰/۴۸۳ میانگین مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر افزایش یافت.

**نتیجه‌گیری:** این مطالعه نشان‌دهنده رویکرد عمقی به عنوان پیش‌بینی کننده مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان می‌باشد. یافته‌های این مطالعه ضرورت توجه اساتید به رویکردهای دانشجویان را نشان می‌دهد. لذا بایستی دانشجویان را جهت اتخاذ رویکرد عمقی، با مداخلات آموزشی مناسب و برنامه‌ریزی‌های صحیح یاری نمود.

**واژه‌های کلیدی:** رویکرد عمقی، رویکرد سطحی، مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر، دانشجویان

## بررسی عوامل موثر بر آموزش پزشکی از دیدگاه دانشجویان پزشکی

رقیه قدسی ، اختر بردبار

گروه فیزیولوژی دانشگاه علوم پزشکی فسا

[Akhtar\\_bordbar@yahoo.com](mailto:Akhtar_bordbar@yahoo.com)

**مقدمه:** پزشکی از جمله حرفه های مقدسی است که وجود آن در هر جامعه ای ضروری است آموزش پزشکی فرصتی است برای تربیت افرادی حرفه ای که بتوانند توانمندی های لازم را برای درمان کسب کنند شناسایی مسائل موجود در آموزش پزشکی و اقدام برای رفع آن ها موجب بهبود دستیابی به اهداف آموزشی و تربیت افراد ماهر و ارتقای کیفیت خدمات درمانی و بهداشتی خواهد بود . بر همین اساس این پژوهش با هدف بررسی عوامل موثر بر آموزش از دیدگاه دانشجویان پزشکی انجام گرفت .

**روش ها :** مطالعه انجام شده بصورت توصیفی می باشد و با شرکت ۵۰ نفر از دانشجویان پزشکی صورت گرفت جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه ای مشتمل بر ۲۵ سوال در محدوده یادگیری استفاده شد و دیدگاه دانشجویان پزشکی در باره عوامل تاثیر گذاری بر آموزش بررسی گردید . اطلاعات توسط نرم افزار *spss* و آزمون *T-test* مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت .

**نتایج :** نتایج بیانگر آن بود که از دیدگاه دانشجویان پزشکی، تدریس مطالب استخراج شده درسی معتبر ( ۸۸٪ ) ، شرکت دادن دانشجویان در بحثهای گروهی و تدریس مطالب کاربردی ( ۸۰٪ ) مناسب بودن مکان مطالعه ( ۷۸٪ ) ، ارائه خلاصه مطالب قبلی همراه با ایجاد ذهنیت کلی از درس جدید در شروع تدریس ( ۷۷٪ ) مهمترین عوامل موثر بر آموزش و مطالعه فردی ، تدریس کلی مطالب بدون بیان جزئیات ( ۴۰٪ ) از کم اهمیت ترین عوامل تاثیر گذار بودند .

**نتیجه گیری:** پیشنهاد می گردد برای افزایش بازده آموزش دانشجویان پزشکی ، اساتید محترم به مطالب کتب مرجع برای تدریس توجه داشته باشند و اهمیت کاربرد آنها به همراه شرکت دادن دانشجویان در بحثهای گروهی و توانمند سازی آنها در سر لوحه کارهای خود قرار دهند . همچنین برگزاری کارگاه روشهای پیشرفته و نوین تدریس بصورت مستمر انجام گیرد .

**واژه های کلیدی :** آموزش پزشکی ، دیدگاه دانشجویان

## بکارگیری شبیه‌سازی سه بعدی با زیرساخت تله ارتودنسی به عنوان رویکردی نوین در ارتقاء کیفیت آموزش و یادگیری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

الهام مسرت<sup>۱\*</sup>، صدیقه فرج اله<sup>۲</sup>، محمد جبراییلی<sup>۲</sup>، مصطفی شیخ الطایفه<sup>۲</sup>، رضا فردوسی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی دکتری مدیریت اطلاعات سلامت دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری مدیریت اطلاعات سلامت دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری انفورماتیک پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

**مقدمه:** شبیه‌سازی سه بعدی و تله ارتودنسی دو نوآوری در حیطه آموزش و یادگیری محسوب می‌گردند. شبیه‌سازی سه بعدی از طریق زیر ساخت دندانپزشکی از راه دور بدون در نظر گرفتن محدودیت زمان و مکان قابلیت حمایت از فعالیتهای آموزشی را فراهم مینماید. هدف از مقاله حاضر بکارگیری شبیه‌سازی سه بعدی با زیرساخت تله ارتودنسی به عنوان رویکردی نوین در ارتقاء کیفیت آموزش و یادگیری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه می‌باشد.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر مطالعه مروری است که از طریق جستجو در منابع علمی معتبر از جمله SID, scopus, pubmed سایر منابع اطلاعاتی انجام گرفت.

**نتایج:** شبیه‌سازی سه بعدی نقش کلیدی را در مدیریت فعالیتهای ارتودنسی دانشجویان ایفا می‌نماید. تله ارتودنسی امکان دسترسی به اساتید مجرب را از راه دور فراهم می‌نماید. در مقاله حاضر کاربردها و مزایای فناوری حاضر در حیطه‌های آموزشی منجمله آشنایی با آزمایشگاه، شبیه‌سازی بیمار، آموزش الکترونیکی مشکل محور، نمایش گزارشات موردی، راندهای دندانپزشکی و مدیریت بالینی مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر این زیرساخت‌های فنی، اقتصادی و فرهنگی پیاده‌سازی تکنولوژی شبیه‌سازی سه بعدی با محوریت تله ارتودنسی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته مورد مطالعه قرار گرفت. چالش اساسی در این حیطه مشکلات مربوط به زیرساخت آموزشی و ضعف در حیطه سواد اطلاعاتی می‌باشد.

**نتیجه‌گیری:** شبیه‌سازی سه بعدی با محوریت تله ارتودنسی امکان تعامل موثر بین دانشجویان و اساتید مجرب را بدون محدودیت فراهم می‌نماید. ارزیابی فعالیتهای آموزشی و تسهیل شرایط آموزش از مزایای تکنولوژی حاضر است. نهایتاً تکنولوژی حاضر منجر به ارتقاء خدمات آموزشی در حیطه ارتودنسی میگردد.

**واژه‌های کلیدی:** تله ارتودنسی، شبیه‌سازی سه بعدی، کیفیت آموزش و یادگیری



## جایگاه نقشه مفهومی در آموزش پزشکی: مقاله مروری

رضا جفایی دلویی، فرزانه صداقت کار\*، سمیه علیزاده

\*دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

ایمیل: [SedaghatKF901@mums.ac.ir](mailto:SedaghatKF901@mums.ac.ir)

**مقدمه:** هدف از تدریس یادگیری است و روشهای تدریس زیادی برای یادگیری وجود دارد. نقشه مفهومی یکی از استراتژی های جدید تدریس و یادگیری است که بر یادگیری معنادار آزوبل تکیه دارد که میتواند برای انتقال دانش با یک نظم خاص، جایگزین شیوه های معمول شود. این روش ابزاری است سازمان یافته برای نمایش اطلاعات توسط مجموعه ای از نمودارها و اشکال متصل به هم که ارتباطی منطقی بین مفاهیم آن برقرار است که فراگیران را به تکمیل دانش فراموش شده توانا میکند و از یادگیری طوطی وار جلوگیری میکنند. در رسم نقشه مفهومی فراگیر اطلاعات جدید را طبقه بندی میکند و ارتباط بین اطلاعات قدیم و جدید برقرار میکند که هر چه این ارتباط قوی تر باشد، یادگیری بهتر صورت میگیرد. نقشه های مفهومی بیش از ۲۵ سال است که در آموزش مورد استفاده قرار گرفته است.

**روشها:** این مطالعه از نوع تحقیقات مروری است که با مطالعات کتابخانه ای و رجوع به مقالات معتبر موجود در دسترس و نیز موتورهای جستجو و پایگاه های معتبر داده های علمی موجود در شبکه و نشریات ایرانی در حوزه ی علوم پزشکی و علوم انسانی، انجام شده است.

**نتیجه گیری:** با این که در نگاه اول نقشه مفهومی ساده به نظر میرسد اما بررسی ها نشان میدهد که همراه با معانی عمیق دارای پیچیدگی است که باعث ارتقاء یادگیری میشود. نقشه های مفهومی میتوانند در تدریس استفاده شوند و شایستگی و صلاحیت و تفکر انتقادی را افزایش دهند و شکاف بین تئوری و عمل را پر کنند. بر طبق مطالعات انجام شده، روش نقشه مفهومی باعث ارتقای یادگیری معنادار و آرایه منبعی برای یادگیری و قادر ساختن اساتید برای آرایه بازخورد به دانشجویان و ارزیابی یادگیری و افزایش کارایی میشود. لذا پیشنهاد میشود در آموزش از این روش استفاده شود و به مربیان نیز کاربرد نقشه های مفهومی در یادگیری دانشجویان آموزش داده شود.

**واژه های کلیدی:** نقشه مفهومی، آموزش پزشکی، یادگیری

## استفاده خلاق از "دوربین دام تحت شبکه" در آموزش آزمایشگاهی دانشجویان

### کارشناسی اتاق عمل، برای اولین بار در کشور

زهرا شیخ علی پور\*<sup>۱</sup>، مژگان لطفی، دکتر وحید زمانزاده، اسماعیل رایگان  
\*مربی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، [sheikhalipourz@tbzmed.ac.ir](mailto:sheikhalipourz@tbzmed.ac.ir)

**مقدمه:** پذیرش دانشجوی اتاق عمل در مقطع کارشناسی برای اولین بار در کشور در سال ۱۳۸۷، به دلیل تازه‌گی، همپوشانی دروس این دوره با کاردانی اتاق عمل و کمبود هیات علمی تخصصی در این رشته، آموزش این دانشجویان را همواره با مشکلات زیادی روبرو ساخته است. محققین براین باورند که تفکر، جستجو و بکارگیری روش‌های خلاق آموزشی با استفاده از تکنولوژی‌هایی چون سیستم‌های حفاظتی تصویری و ارائه تعریف تازه‌ای از کاربرد آن در آموزش می‌تواند در حل بخشی از مشکلات آموزشی این رشته موثر واقع شود. لذا پژوهش حاضر با هدف راه‌اندازی، کاربرد و تعیین پیامدهای آموزشی استفاده از دوربین دام تحت شبکه در آموزش آزمایشگاهی دانشجویان کارشناسی اتاق عمل دانشکده پرستاری و مامایی تبریز صورت گرفت.

**روش‌ها:** این پژوهش یک مطالعه دانش پژوهی از نوع پیش تجربی است. نمونه‌های پژوهش شامل ۳۰ نفر از دانشجویان ترم ۱ دوره کارشناسی اتاق عمل ورودی نیم سال تحصیلی ۹۲-۹۱ بودند که به صورت تصادفی به دو گروه تجربی و کنترل تقسیم شدند. از سیستم دوربین دام تحت شبکه برای نظارت هر دو گروه در تمرین‌های آزاد استفاده شد، بعلاوه اینکه در گروه تجربی فیلم ضبط شده از جریان آموزش مهارت و ایفای نقش دانشجویان در آزمایشگاه تکنولوژی جراحی در پایان هر جلسه به صورت فلش در اختیار دانشجویان قرار داده شد. در پایان ترم مهارت دانشجویان دو گروه از نظر سرعت عمل، کار تیمی، انجام پروسیجر و رعایت شرایط استریل مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت.

**نتایج:** در خصوص مقایسه نمره مهارت عملی دو گروه تجربی و کنترل، نتایج نشان داد که میانگین نمره کل در گروه تجربی ۱۶/۴۵ و در گروه کنترل ۱۶/۹ و میانگین نمره ویژه گی‌های مهارتی به ترتیب برای دو گروه تجربی و کنترل از نظر سرعت عمل ۳/۴۵ و ۴/۰۸، کار تیمی ۳/۵۳ و ۳/۴۵، نحوه صحیح اجرا ۲/۹۵ و ۳/۵۶ و بالاخره رعایت استریل ۳/۴۳ و ۳/۸۷ بود. میانگین مدت زمان تمرین هر دانشجو در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ بین حداقل ۱۰ تا ۱۵ ساعت بود. در خصوص میزان رضایت آنها از میزان ساعات تمرین نیز نتایج نشان داد که اکثریت دانشجویان (۷۱ درصد) معتقد بودند که ساعت در نظر گرفته شده برای تمرین قابل قبول است. درحالیکه اکثریت دانشجویان (۷۲ درصد) دوره‌های قبل (در سال‌های ۹۰-۸۹) معتقد بودند که ساعت در نظر گرفته شده برای تمرین آنها کم است. سایر نتایج و نمونه‌ای از فیلم‌های ضبط شده از جریان آموزش و تمرین در اصل مقاله ارائه شده است.

**نتیجه‌گیری:** نتایج حاصل از این دانش پژوهی نشان داد که کاربرد سیستم دوربین دام تحت شبکه در آموزش آزمایشگاهی دانشجویان اتاق عمل اگرچه در کل باعث افزایش نمره مهارت در گروه تجربی نشده است اما نمره ویژه گی " کار تیمی " در این گروه نسبت به گروه کنترل کمی بالاتر است. همچنین با کاربرد بیشتر و سیستماتیک‌تر از این سیستم، در طی سال‌های ۹۰ و ۹۱ بر میزان حضور دانشجویان در تمرینات آزاد و در نتیجه رضایت آنها از میزان حضور در آزمایشگاه افزوده شده است.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش آزمایشگاهی، دانشجوی اتاق عمل، تکنولوژی آموزشی

## تبیین عوامل ایجاد انگیزه، مطالعه و کتابخوانی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان

سمیرا سعیدی\*، دکتر اکرم ثناگو، دکتر لیلا جویباری

\*کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گلستان،

Email: [saeedi.samira93@yahoo.com](mailto:saeedi.samira93@yahoo.com)

**مقدمه:** کتاب در طول تاریخ بشریت حافظ و احیاء تفکر و اندیشه های طالبان علم، حقیقت، ابزار فرهنگ و تمدن کمال بشری بوده است. افراد کتابخوان و اهل مطالعه در مقایسه با افرادی که مطالعه نمی کنند، دارای حسّ مسؤولیت پذیری و مشارکت بیشتری هستند و در کارهای گروهی و اجتماعی فعالیت بیشتری دارند. شناسایی افزایش انگیزه مطالعه و کتابخوانی بین دانشجویان نیازمند تبیین تجربیات آنها در زمینه کتاب و کتابخوانی می باشد. هدف از این مطالعه تبیین عوامل ایجاد انگیزه، مطالعه و کتابخوانی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان بوده است.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی برای تبیین انگیزه کتابخوانی در دانشجویان در سال ۱۳۹۱ صورت گرفته است. ۱۵ دانشجوی علوم پزشکی با استفاده از نمونه گیری مبتنی بر هدف و با حداکثر تنوع از نظر جنسیت، رشته تحصیلی، قومیت و ترم تحصیلی مشارکت نمودند. ملاک اتمام نمونه گیری اشباع داده ها بود. برای جمع آوری داده ها از مصاحبه نیمه ساختار استفاده شد. از آنان خواسته شد تجربیات خود را از "مطالعه آزاد" بیان نمایند. مصاحبه ها ضبط، دست نویس، کدگذاری، طبقه بندی و گزارش شدند.

**نتایج:** "احساس نیاز، جذابیت های کتاب، بازخورد گرفتن از مطالعه، داشتن اوقات فراغت، دسترسی به کتاب و کتابخانه، داشتن الگو و تشویق اطرافیان" از مضامین اصلی و تبیین کننده عوامل انگیزشی بین مشارکت کنندگان بوده است. مشارکت کنندگان انگیزه اصلی را ترویج فرهنگ کتابخوانی در جامعه ذکر کردند و بر این باور بودند که غنی بودن محتویات کتاب ها و همچنین دسترسی آسان به آنها و داشتن فرصت می تواند عاملی برای بیشتر شدن ترویج مطالعه شود.

**نتیجه گیری:** تمامی دانشجویان مشارکت کننده در این مطالعه به اثر کتاب خواندن در رشد و شکوفایی شخصی خود پی برده بودند و بر این باور بودند که عادت و احساس نیاز و داشتن اوقات فراغت باعث جذب آنها بسوی مطالعه آزاد شده است. درگیری آنها با وظایف دانشجویی و پیشرفت تکنولوژی در رسانه ها یکی از موانع اصلی و دور کردن آنها از کتاب و مطالعه بوده است.

**واژه های کلیدی:** کتاب، کتابخوانی، انگیزه، دانشجوی علوم پزشکی

## تبیین عوامل ایجاد انگیزه، مطالعه و کتابخوانی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان

سمیرا سعیدی<sup>1\*</sup> (دانشجوی کارشناسی)، دکتر اکرم ثناگو<sup>2</sup> (عضو هیات علمی)، دکتر لیلا جویباری<sup>2</sup> (عضو هیات علمی)

\* کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گلستان  
<sup>2</sup> مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی گلستان  
Email: saeedi.samira93@yahoo.com

**مقدمه:** کتاب در طول تاریخ بشریت حافظ و احیاء تفکر و اندیشه های طالبان علم، حقیقت، ابزار فرهنگ و تمدن کمال بشری بوده است. افراد کتابخوان و اهل مطالعه در مقایسه با افرادی که مطالعه نمی کنند، دارای حسّ مسؤولیت پذیری و مشارکت بیشتری هستند و در کارهای گروهی و اجتماعی فعالیت بیشتری دارند. شناسایی افزایش انگیزه مطالعه و کتابخوانی بین دانشجویان نیازمند تبیین تجربیات آنها در زمینه کتاب و کتابخوانی می باشد. هدف از این مطالعه تبیین عوامل ایجاد انگیزه، مطالعه و کتابخوانی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان بوده است.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی برای تبیین انگیزه کتابخوانی در دانشجویان در سال ۱۳۹۱ صورت گرفته است. ۱۵ دانشجوی علوم پزشکی با استفاده از نمونه گیری مبتنی بر هدف و با حداکثر تنوع از نظر جنسیت، رشته تحصیلی، قومیت و ترم تحصیلی مشارکت نمودند. ملاک اتمام نمونه گیری اشباع داده ها بود. برای جمع آوری داده ها از مصاحبه نیمه ساختار استفاده شد. از آنان خواسته شد تجربیات خود را از "مطالعه آزاد" بیان نمایند. مصاحبه ها ضبط، دست نویس، کدگذاری، طبقه بندی و گزارش شدند.

**نتایج:** "احساس نیاز، جذابیت های کتاب، بازخورد گرفتن از مطالعه، داشتن اوقات فراغت، دسترسی به کتاب و کتابخانه، داشتن الگو و تشویق اطرافیان" از مضامین اصلی و تبیین کننده عوامل انگیزشی بین مشارکت کنندگان بوده است. مشارکت کنندگان انگیزه اصلی را ترویج فرهنگ کتابخوانی در جامعه ذکر کردند و بر این باور بودند که غنی بودن محتویات کتاب ها و همچنین دسترسی آسان به آنها و داشتن فرصت می تواند عاملی برای بیشتر شدن ترویج مطالعه شود.

**نتیجه گیری:** تمامی دانشجویان مشارکت کننده در این مطالعه به اثر کتاب خواندن در رشد و شکوفایی شخصی خود پی برده بودند و بر این باور بودند که عادت و احساس نیاز و داشتن اوقات فراغت باعث جذب آنها بسوی مطالعه آزاد شده است. درگیری آنها با وظایف دانشجویی و پیشرفت تکنولوژی در رسانه ها یکی از موانع اصلی و دور کردن آنها از کتاب و مطالعه بوده است.

**واژه های کلیدی:** کتاب، کتابخوانی، انگیزه، دانشجوی علوم پزشکی

## طراحی آموزش قوانین سقط جنین به روش بحث گروهی (GD) و ارزشیابی تاثیر آن

### برپادگیری دانشجویان پرستاری و مامائی

افسر امید<sup>۱\*</sup>، رفعت بخت، رویا امینی، ناهید محمدی

<sup>۱\*</sup> مربی دانشگاه علوم پزشکی همدان

[afsar\\_omidi@yahoo.com](mailto:afsar_omidi@yahoo.com)

**مقدمه:** قوانین سقط جنین از جمله مسائلی است که از دیرباز در جوامع بشری مطرح بوده است. آگاهی دانشجویان گروه پزشکی از قوانین حرفه ای به عنوان منبع بسیار مهم در جهت ارائه خدمات بهتر به مددجویان مطرح شده است. لذا پژوهشگر آموزش قوانین سقط جنین به روش بحث گروهی طراحی و تاثیر آن را بر یادگیری دانشجویان پرستاری و مامائی ارزشیابی نموده است.

**روش‌ها:** این فرآیند یک مطالعه نیمه تجربی می باشد که بر روی ۳۶ نفر از دانشجویان کارشناسی پرستاری و مامائی در واحد درسی بهداشت مادر و کودک، مبحث سقط جنین انجام شد. ابزار مورد استفاده در این مطالعه، پرسشنامه حاوی سوالات قوانین سقط جنین می باشد. در جلسه اول از دانشجویان پیش آزمون گرفته شد سپس دانشجویان توسط استاد مربوطه جهت مطالعه در مورد قوانین سقط جنین در ایران به مراجع و سایت های معتبر راهنمایی شدند و در جلسه دوم، مطالب مربوط به قوانین سقط جنین در گروه های ۹ نفره مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. در این مرحله هم آزمون بعمل آمد. بعد از پانزده روز پس آزمون گرفته شد جهت مقایسه میزان یادگیری دانشجویان، نمرات قبل و حین و بعد از آموزش آنها مورد مقایسه قرار گرفت. سپس با آزمون فریدمن و ویل کاکسون نتایج کلی نمرات، تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** یافته ها نشان داد که از نظر آماری میانگین نمرات پیش آزمون دانشجویان کمتر از میانگین نمرات سوالاتی بود که بعد از بحث گروهی جواب داده بودند ( $P < 0/001$ ) و میانگین نمرات پس آزمون دانشجویان نسبت به میانگین نمرات پیش آزمون آنها اختلاف معنی دار آماری داشت ( $P < 0/001$ ) اما بین میانگین نمرات سوالاتی که دانشجویان در بحث گروهی، جواب داده بودند با میانگین نمرات پس آزمون اختلاف معنی داری دیده نشد (دانشجویان پرستاری  $P = 0/103$ ) و (دانشجویان مامائی  $P = 0/435$ ).

**نتیجه گیری:** نتایج این روش آموزشی نشان داد که مشارکت دادن دانشجویان در فرآیند آموزش می تواند از عوامل موثر در تحقق یادگیری و اجرای آن باشد و یادگیری پایدارتری برای آنان حاصل می شود. از آنجائیکه آگاهی از قوانین حرفه ای بر رفتار افراد تاثیر می گذارد لذا آموزش قوانین به روش بحث گروهی موجب افزایش انگیزه یادگیری می گردد. این روش آموزشی بدلیل نتایج موفق آن برای سایر رشته های دانشگاهی قابل اجرا می باشد.

**واژه های کلیدی:** آموزش، قوانین سقط جنین، یادگیری، بحث گروهی

## علل گرایش به مطالعه جزوه در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

سعید حسینی تشنیزی\*<sup>۱</sup>، مینا توسلی فرحی<sup>۲</sup>، خجسته شریفی سرآسیابی<sup>۳</sup>

\*دانشجوی دکترای آمار زیستی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

<sup>۲</sup>استادیار دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

<sup>۳</sup>استادیار دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

saeed.Teshnizi@gmail.com

**مقدمه:** براساس مطالعات انجام شده عوامل متعددی ممکن است موجب گرایش دانشجویان به سمت جزوه نویسی شود که به همین منظور این مطالعه جهت بررسی مهم‌ترین عوامل تاثیر گذار بر گرایش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان به جزوه نویسی انجام شده است.

**روش‌ها:** در یک مطالعه توصیفی-تحلیلی با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی ۱۷۹ دانشجو از دانشکده‌های پرستاری-مامایی و پیراپزشکی، بهداشت و پزشکی انتخاب گردید. ابزار جمع‌آوری اطلاعات یک پرسشنامه ساخته محقق بود که روایی آن از نظر کارشناسان آموزشی مورد تایید و پایایی آن ۰/۸۲ به دست آمده بود. داده‌ها در نرم افزار آماری SPSS16 با استفاده از روش‌های آمارتوصیفی و آزمون‌های t-test، آنالیز واریانس، همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شدند.

**نتایج:** از تعداد ۱۷۹ نفر، ۱۴۵ نفر (۸۱٪) دختر و بقیه پسر و میانگین سن  $21 \pm 1/9$  سال بود. از بین ۳۹ عامل مورد مطالعه، به ترتیب سه عامل: حجم زیاد کتب مرجع نسبت به جزوه (۹۳/۳٪)، متناسب نبودن میزان واحد برخی از دروس با حجم کتب مرجع (۸۸/۱٪) و وجود چکیده‌ای از مطالب کتب مرجع در جزوه (۸۷/۲٪) با اهمیت‌ترین و سه عامل: نبود امکانات مناسب جهت مطالعه در خوابگاه یا دانشکده (۱۹/۶٪)، عدم آگاهی از مزایای مطالعه کتب مرجع نسبت به جزوه (۲۷/۷٪) و طراحی سئوالات امتحان از جزوه و نادیده گرفتن کتب مرجع (۲۸/۵٪) کم اهمیت‌ترین عوامل تاثیر گذار بر گرایش دانشجویان به جزوه نویسی می‌باشد. همچنین نتایج آزمون آنالیز واریانس نشان داد میانگین گرایش به جزوه نویسی در بین دانشجویان پرستاری، مامایی و پیراپزشکی بیشتر از دو دانشجویان پزشکی و بهداشت می‌باشد ( $p=0/004$ ).

**نتیجه‌گیری:** یادگیری مطالب در طول یک ترم تحصیلی نقش مهمی در اندوخته دانشجویان دارد به نظر می‌رسد اکتفا به جزوه درسی و رها کردن کتب مرجع می‌تواند منجر به رکود علمی دانشجویان شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود مسئولین برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی در استفاده از کتب مرجع و رها کردن جزوه درسی تاکید بیشتری نمایند.

**واژه‌های کلیدی:** جزوه نویسی، کتب مرجع، دانشجویان

## بررسی ارتباط بین رویکردهای مطالعه و یادگیری، با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پرستاری

زهرا دشتی<sup>۱\*</sup>، حمید تقی نژاد<sup>۲</sup>، ایمان محمدی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی کارشناسی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دانشکده پرستاری و مامایی، silverz70@ymail.com

<sup>۲</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دانشکده پرستاری و مامایی، hamid2005mordad@yahoo.com

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دانشکده پرستاری و مامایی،

iman8962@yahoo.com

**مقدمه:** رویکردهای مطالعه و یادگیری دانشجویان، موضوع مهمی در فرایند آموزش و یادگیری است. این مطالعه با هدف بررسی ارتباط رویکردهای مطالعه و یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال ۱۳۹۱ انجام شد.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی-تحلیلی ۶۸ نفر از دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی به روش سرشماری مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار پژوهش پرسشنامه استاندارد ASSIST بود. این پرسشنامه دارای ۵۲ سوال و سه خرده مقیاس است و رویکردهای مختلف مطالعه و یادگیری، شامل سه رویکرد عمقی، راهبردی و سطحی مطالعه را بررسی می‌کند. در این مطالعه معدل ترم گذشته دانشجویان به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی آنها در نظر گرفته شد.

**نتایج:** نتایج نشان داد که بین پیشرفت تحصیلی و رویکردهای عمقی و راهبردی مطالعه همبستگی وجود دارد. این همبستگی برای رویکرد راهبردی از لحاظ آماری معنادار بود ( $p=0/29$ ,  $r=0/265$ ). بین رویکرد سطحی با معدل دانشجویان ارتباط منفی وجود داشت ولی معنا دار نبود. همچنین بین رویکرد عمقی با پیشرفت تحصیلی ارتباط مثبت وجود داشت ولی از نظر آماری معنادار نبود.

**یافته‌گیری:** با توجه به ویژگی رویکردهای راهبردی و عمقی در یادگیری مطلوب مطالب درسی، و تاثیر منفی رویکرد سطحی بر یادگیری دانشجویان، شایسته است که برنامه ریزان آموزشی شرایطی را فراهم نمایند تا با ایجاد محیط‌های یادگیری زمینه را برای تشویق دانشجویان به استفاده از رویکردهای مناسب یادگیری فراهم کنند.

**واژه‌های کلیدی:** رویکردهای مطالعه و یادگیری، دانشجویان پرستاری، پیشرفت تحصیلی، ASSIST.

تدوین فرمت **structured report** برای واحدهای عملی رشته داروسازی سنتی و تهیه الگوی کامل برای دروس عملی "گیاهان دارویی سنتی ایران"، "اصول رده بندی و هرباریوم"، "کنترل کیفیت (فیزیکوشیمیایی و میکروبی) داروهای سنتی" و "شناسایی مواد اولیه، وسایل و ساخت داروهای سنتی"

مریم حمزه لو مقدم<sup>۱\*</sup>، هما حاجی مهدی پور، شمیم صحرانورد، سمیه اسماعیلی

[mhmoghadam@itmrc.org](mailto:mhmoghadam@itmrc.org)

گروه داروسازی سنتی، دانشکده طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

واحدهای عملی ارائه شده در دوره PhD داروسازی سنتی به منظور افزایش توانایی دستیاران این رشته در به کار گیری عملی دانش خود در علوم مرتبط با گیاهان دارویی می باشند و تهیه گزارش از این تجربیات از جمله مهارت‌های ضروری این دستیاران است. هدف، ارائه گزارشی شفاف، پر اطلاعات و مختصر است که با استفاده از فرانسهای مناسب تهیه شده باشد و نیز فرانسها به شیوه مناسبی بیان شوند. از زمان راه اندازی رشته داروسازی سنتی تا کنون فرمت مشخصی برای ارائه گزارش کار واحدهای عملی به دستیاران ارائه نشده است، لذا نحوه تنظیم گزارش در دستیاران مختلف هماهنگی نداشته و هر یک طبق تفسیر خود از نکات لازم، آنها را دسته بندی نموده و از شیوه های مختلفی برای فرانس نویسی استفاده می کردند. عدم انسجام گزارشها و تفاوت در شیوه های آماده سازی گزارش، لزوم یک روش واحد و ساختار مند که تمامی نکات ضروری در آن لحاظ شده و با توجه به ساختار خاص در واقع به صورت بالقوه جنبه آموزشی داشته و دستیار را به صورت گام به گام وادار به سازمان دهی داده های به دست آمده و ارائه مرتب مطالب و حفظ انسجام و ارتباط بخشهای مختلف بنماید ضروری بود. بدین منظور ابتدا یک فرمت کلی برای کلیه واحدهای عملی رشته داروسازی سنتی تدوین شده و سپس به منظور پیشگیری از ایجاد هرگونه ابهامی در تهیه گزارش، الگوی جداگانه برای هر درس تهیه شد. به منظور تهیه فرمت کلی **structured report** منابع مختلفی توسط مدیر EDO در اختیار اعضای گروه قرار گرفت و پس از تهیه پیشنویس و تبادل نظر فرمت نهایی تهیه شد. سپس فرمت و الگوی مربوطه به دستیار داده شد و پس از ارائه گزارش دستیار، میزان رضایتمندی او و اعضای گروه بررسی شد. نتایج حاکی از آن بود که با توجه به ساختارمند بودن فرمت تهیه شده، اصول کلی تهیه گزارش توسط دستیار رعایت شده و طبق نظر اعضای گروه از توالی و ساختار قابل قبولی برخوردار بود. از آنجا که الگوی درس مذکور در اختیار دستیار قرار گرفته بود، و او دقیقاً می دانست که قرار است طی گزارش چه مواردی را اعلام کند، ابراز رضایت نموده و روشن بودن هدف گزارش برای ایشان رضایتمند بود. در نهایت در جلسه گروه داروسازی سنتی دانشکده طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی مقرر شد که برای تمامی واحدهای عملی از فرمت و الگوهای ارائه شده استفاده شود.

واژه‌های کلیدی: داروسازی سنتی، **structured report**، دروس عملی



## بیان دیدگاه‌های دانشجویان در زمینه اشتیاق و لذت

### در خلال امر آموزش به منظور یادگیری موثر

محبوبه طباطبایی چهر<sup>۱</sup>، آلاله خلیلی<sup>۲</sup>، حامد مرتضوی<sup>۳</sup>، مرجان زهراب<sup>۴</sup>، عالیه نظام دوست<sup>۵</sup>، مینا رباط جزئی<sup>۶</sup>،

مریم مدی نشاط<sup>۷</sup>، مهران وطنچیان<sup>۸\*</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی گروه مامایی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی مامایی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۳</sup> دکترای تخصصی پرستاری، عضو هیئت علمی گروه پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۴</sup> دانشجوی کارشناسی هوشبری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۵</sup> دانشجوی کارشناسی هوشبری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۶</sup> دانشجوی کارشناسی پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۷</sup> عضو هیئت علمی گروه پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۸\*</sup> عضو هیئت علمی گروه علوم پایه دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

**مقدمه:** استاد و دانشجو، از مهم‌ترین عوامل تشکیل‌دهنده محیط‌های آموزشی هستند. اگرچه هدف اولیه مراکز آموزش عالی ایجاد فضای آموزشی است که رشد علمی دانشجو را تسهیل کند اما یک دانشگاه موفق از رشد ابعاد روانی-اجتماعی، اخلاقی و معنوی دانشجو نیز غافل نیست لذا حساسیت نظام‌های آموزشی، اهمیت برنامه ریزی دقیق و مدیریت بر اساس راهبردهای بدون خطا در جهت پویایی حیطه‌های یاددهی و یادگیری را ضروری می‌سازد.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر از نوع **Action research** است که در راستای رسیدن به هدف یادگیری موثر از طریق تعامل یاددهندگان و یادگیرندگان در دانشکده پرستاری بجنورد به اجرا در آمد. پس از تصویب تشکیل کمیته مشورتی دانشجویی و هسته مرکزی کانون ایده‌های خلاق، ایده‌ی برگزاری **workshop** ایده‌پردازی پس از سه جلسه هم‌اندیشی بین مدیران آموزشی و دانشجویان و بر اساس نیاز سنجی دانشجویی مطرح و پس از فراخوان دانشجویی به اجرا گذاشته شد. قبل از ورود به برنامه، دانشجویان ایده‌های خود را در فرم‌های طراحی شده، مطرح نموده و پس از راهنمایی و تبادل نظر با هم و استاد راهنمای جلسه، در حین برگزاری **workshop** آنها را ثبت کتبی نمودند. پس از اتمام کارگاه در جلسات تکمیلی، ایده‌هایی که پتانسیل اجرایی لازم را دارا بوده‌اند با کمک عضو هیات علمی راهنما از قالب سناریوی اولیه در آمده جهت ارسال به شورای آموزشی دانشکده جهت اجرا طبقه‌بندی شدن **نتایج:** تعداد ۴۸ فرم بین دانشجویان داوطلب ارائه ایده توزیع گردید که در نهایت ۳۲ فرم پر شده (بیان عنوان و شرح مختصر ایده) و ۱۶ فرم کامل ثبت سناریو جمع‌آوری گردید. منتخب ایده‌های جمع‌آوری شده شامل انجام ارزیابی اولیه در زمان استخدام اساتید به منظور بررسی میزان علاقه افراد به امر یاددهی، توانمندی سازی اساتید جهت آگاهی از روش‌های نوین تدریس و اصول مشاوره و روان‌شناسی، استفاده از اساتید علاقمندتر در ترم‌های پایین، از اساتیدی که فن برقراری ارتباط مطلوب و سازنده را دارند استفاده شود، افزایش تعداد اساتید به منظور ایجاد آزادی در انتخاب استاد مورد علاقه توسط دانشجو، وجود سیستم تشویقی جهت اساتیدی که بهترین عملکرد را دارند، استفاده از شیوه‌های نوین تدریس با استفاده از تکنولوژی روز، وجود سیستم نظارتی مطلوب در جهت آسیب‌شناسی کلاس‌های درسی نامطلوب، تنوع در شیوه‌ی برگزاری کلاس درس توسط اساتید، حذف بعضی از دروس کارتاباطی با رشته تحصیلی دانشجو ندارند، بودند. **نتیجه‌گیری:** توصیه می‌گردد، در نظام آموزشی عالی، ایجاد جو آکادمیک و بدون ترس همراه با تشویق دانشجویان به داشتن روحیه پرسشگری، کنجکاوی و اشتیاق، جزو مقررات و الزامات در نظر گرفته شده و در این راستا انجام ارزیابی و دادن بازخورد به فراگیران امری ضروری است که این مهم با ایجاد بستری مناسب نظیر **Workshop** ایده‌پردازی، یادگیری کارآمدتر، پویاتر و به روزتر را فراهم می‌نماید.

**واژه‌های کلیدی:** دیدگاه دانشجویان، اشتیاق، لذت، ایده، آموزش، یادگیری

## مقایسه روش تدریس تلفیقی و سنتی از دیدگاه دانشجویان پرستاری

مریم مقیمیان

عضو هیات علمی گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، اصفهان  
m-moghimian@iaun.ac.ir

**مقدمه:** تدریس تنها انتقال اطلاعات نیست، بلکه یک تعامل بین مدرس و فراگیران است. بنابراین مشارکت دادن دانشجو در فرآیند یاددهی-یادگیری میتواند از عوامل مؤثر در تحقق یادگیری باشد. این مطالعه به منظور تعیین تأثیر روش تدریس تلفیقی و سنتی از دیدگاه دانشجویان پرستاری انجام گرفت.

**روش‌ها:** این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی یک سو کور است که نمونه آن را ۴۴ نفر از دانشجویان پرستاری ورودی سال ۱۳۸۷ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد تشکیل می داد که با روش نمونه گیری غیر احتمالی انتخاب و به طور تصادفی به دو گروه ۲۲ نفره آزمون و شاهد تقسیم شدند. ارائه درس به گروه آزمون با استفاده از روش PBL تلفیق شده با سخنرانی و گروه شاهد به روش سنتی سخنرانی بود. پس از پایان ترم دیدگاه دانشجویان در هر دو گروه با یک ابزار محقق ساخته مورد ارزشیابی قرار گرفت. نتایج ارزشیابی در نرم افزار SPSS ویرایش ۱۶ با استفاده از آمار توصیفی و آزمون من ویتنی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** میانگین نمرات بدست آمده از پرسشنامه محقق ساخته در حیطه های یادگیری- انگیزه - علاقه - پژوهش - استقلال - رضایت شعلی - توانایی اظهار نظر - روابط اجتماعی - قدرت تجزیه و تحلیل - حل مسائل - تحمل انتقاد، در گروه آزمون بطور معنادار افزایش یافته است ( $P < 0/003$ ). میانگین نظرات دانشجویان در مورد سطح مطلوبیت روش تدریس در گروه آزمون ۹۰/۰۳٪ گزارش شد.

**نتیجه گیری:** نتایج حاصل از این تحقیق، نشان داد که بکارگیری روش تدریس تلفیقی و مشارکت هر چه بیشتر دانشجو در فرآیند تدریس، از دیدگاه دانشجو مطلوبتر است.

**واژه های کلیدی:** دانشجویان پرستاری، تدریس تلفیقی، دیدگاه- سخنرانی، PBL

## رفتار های استاد حین تدریس بر میزان یادگیری دانشجویان در کلاس های نظری موثر است: یک مطالعه پایلوت

فاطمه زورمند قاسمی\*، دکتر مجید اکبری<sup>۱</sup>

\*دانشجوی دندانپزشکی، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، عضو واحد استعداد

درخشان دانشگاه علوم پزشکی مشهد

Email: [Zourmandf881@mums.ac.ir](mailto:Zourmandf881@mums.ac.ir)

<sup>۱</sup>دانشیار ترمیمی مرکز تحقیقات دندانپزشکی دانشکده دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

**مقدمه:** از مهم ترین عوامل موثر بر میزان یادگیری دانشجویان، شیوه ی تدریس اساتید می باشد و با توجه به اینکه هدف نهایی برنامه های آموزشی ایجاد یادگیری در فراگیران می باشد، ارزیابی این یادگیری در دانشجویان می تواند منبع اطلاعاتی با ارزشی برای ارزیابی عوامل و مهارتهای تدریس برای ارتقا کیفیت آموزش باشند. لذا این مطالعه با هدف بررسی ارتباط خصوصیات تدریس اساتید با میزان یادگیری دانشجویان انجام گرفت.

**روش ها:** در این مطالعه که به شیوه هم گروهی در دانشکده دندانپزشکی مشهد در سال ۱۳۹۱ انجام شد، خصوصیات تدریس ۳۳ نفر از اساتید با کسب اجازه ایشان ارزیابی شد. ابتدا لیستی از خصوصیات کلی موثر در تدریس اساتید با استفاده از متون آموزشی تهیه و در طی مصاحبه با ۱۴ نفر از دانشجویان نهایی شد. این خصوصیات شامل: تن صدای غیر یکنواخت، حرکات استاد در کلاس، استفاده از حرکات دست و ریتم تدریس بود که در مورد هر استاد توسط محقق با حضور در کلاس بر اساس چک لیست ثبت میگردد در پایان هر جلسه؛ آزمونی که بر اساس اهداف ذکر شده در طرح درس استاد مربوطه طراحی و با دیدگاه تطابق با انتظار استاد از سطح یادگیری دانشجویان در آن جلسه به تایید استاد رسیده بود؛ با شرکت هشت نفر از دانشجویان داوطلب سال سوم گرفته شد. ارتباط بین نمرات کسب شده توسط دانشجویان و ویژگی های عینی تدریس استاد بررسی شد. نتایج مطالعه با استفاده از نرم افزار SPSS 11.5 مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** یافته های مطالعه حاکی از آن بود که بین رفتارهای غیر کلامی استاد که به ترتیب شامل راه رفتن و حرکات دست بود ارتباط معنی داری با افزایش میانگین نمرات دانشجویان مشاهده گردید، ( $P=0.028$ ) و ( $P=0.002$ ). همچنین عدم یکنواختی صدا ارتباط معنی داری با افزایش میانگین نمرات دانشجویان داشت ( $P=0.023$ ). در حالیکه سرعت تدریس استاد ارتباط معنی داری با میانگین نمرات نداشت ( $P=0.774$ ).

**نتیجه گیری:** با توجه به محدودیتهای این مطالعه؛ به نظر میرسد تن صدای غیر یکنواخت، حرکات استاد در کلاس و استفاده از حرکات دست، موجب افزایش میانگین نمرات یادگیری دانشجویان در کلاسهای نظری میگردد.

**واژه های کلیدی:** آموزش، استاد، دانشجو، یادگیری، روش تدریس

## کلیات مقدم بر جزییات: ارزیابی میزان توجه فراگیران به کلیات و مبانی در مقایسه با

### جزئیات

دکتر مهران وطنچیان\*

\*دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، دانشکده پزشکی، گروه علوم تشریح

[mvatanchian@gmail.com](mailto:mvatanchian@gmail.com)

**مقدمه:** رشد علم و تولید دانش در شاخه‌های مختلف علمی، انبوهی از جزییات را بوجود آورده است که بدون شک بسیاری از آنها با اهمیت می‌باشند. اما بهر حال از آنجایی که دوام و ماندگاری حجم وسیع اطلاعات در ذهن، وابسته به وجود یک رابطه منطقی و منسجم بین این جزییات می‌باشد، می‌بایست مدرسین در امر آموزش به این موضوع توجه نشان دهند که فراگیران تا چه حد به برقراری ارتباط و انسجام بین دانسته‌های خود اهمیت می‌دهند. این موضوع بویژه در شرایط کنونی که دانشجویان وارد شده به دانشگاه دچار کنکورزدگی و توجه وافر به یادگیری نکات تستی و جزیی داشته‌اند از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. بر این اساس به منظور ارزیابی میزان توجه فراگیران به نکات کلی و پایه‌ای بر اساس طرحی نوین مطالعه حاضر انجام پذیرفته است.

**روش‌ها:** این مطالعه در سال ۱۳۹۰ بر روی ۱۰۰ دانشجوی بیولوژی دانشگاه همدان انجام گرفته است. جهت انجام مطالعه پاراگراف مربوط به بحث ماده زمینه‌ای بافت همبند (۴۰۰ کلمه‌ای) از متن کتاب بافت شناسی پایه جان کوییرا انتخاب گردید و عنوان پاراگراف حذف و به تعداد دانشجویان تکثیر گردید. سپس در ابتدای جلسه مربوط به بافت همبند از دانشجویان خواسته شد متن را در مدت ۷ دقیقه مطالعه و خود را جهت پاسخگویی به سوالات کوییز که پس از جمع‌آوری متن در اختیارشان قرار خواهد گرفت آماده کنند. سپس متون جمع‌آوری و سوال کوییز در اختیارشان قرار گرفت. در سوال کوییز از آنها خواسته شد برای متن مطالعه شده یک عنوان انتخاب نمایند.

**نتیجه‌گیری:** آنالیز پاسخ‌های جمع‌آوری شده نشان داد تنها ۱۷ درصد از سوال شونده‌گان عنوان صحیحی انتخاب نموده‌اند و بقیه دانشجویان، خود را جهت پاسخگویی به سوالات بسیار جزیی آماده کرده بودند بدون آنکه متوجه باشند متنی که در حال مطالعه آن هستند پیرامون چه سرفصل و عنوانی توضیح می‌دهد. لذا بنظر می‌رسد علیرغم ذکر سرفصل دروس در ابتدای نیمسال تحصیلی لازم است مرتباً فکر و ذهن دانشجویان به مسایل اصلی و مهم مطالب دروس و اهداف طرح شده و مد نظر درس و مدرس توجه داده شود.

## ارتقاء آموزش مهارت انجام پونکسیون کمری و انجام بیحسی نخاعی با استفاده از مانکن آموزشی طراحی شده در دانشگاه علوم پزشکی تبریز

دکتر محمدرضا افهمی\*، دکتر سوسن حسن زاده، فریبا سالک، پرینا گل عنبر

Email: parisa\_gl@yahoo.com

مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

**مقدمه:** شبیه سازی یکی از انواع روش های آموزشی می باشد که از اوایل سال ۱۹۹۰ میلادی به عنوان روشی برای آموزش و ارزیابی برخی دروس عملی مورد استفاده قرار گرفته است. با پیشرفت روزافزون علوم پزشکی لزوم توجه به کنارگذاری روشهای قدیم آموزشی بیش از پیش مشهود می گردد. دانشجویان رشته های مختلف علوم پزشکی از امکانات آموزش کامپیوتری و دیگر لوازم کمک آموزشی سود می برند که به نظر می رسد زمان آموزش و انجام کارهای عملی بطور مستقیم بر روی بیمار نیز توسط این دانشجویان به پایان رسیده باشد. هدف از این تحقیق بررسی میزان ارتقاء آموزش انجام پونکسیون کمری و انجام بیحسی نخاعی با طراحی مانکن آموزشی مناسب با حداقل هزینه و دسترسی راحتتر به امکانات تعمیر و آموزش بر روی آن مطابق با استانداردهای قابل قبول آموزشی می باشد.

**روشها:** این مطالعه با برگزاری کارگاههای متعدد آموزشی برای ۴۰ نفر از دانشجویان پزشکی، دستیاران بیهوشی و دانشجویان هوشبری انجام گرفت و در مورد دانشجویان گروه هدف برگزاری کارگاهها در محدوده شرح وظایف آنان بود. ارزیابی این کارگاهها از طریق پرسشنامه که بصورت پیش آزمون و پس آزمون و مشاهده استاد صورت گرفت. پرسشنامه طراحی شده با مقیاس ۶ طیفی لیکرت و دارای ۱۰ شاخص از مهارت مورد نظر بود و نتایج بدست آمده با استفاده از آزمون t وابسته مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج بدست آمده از کارگاههای آموزشی فوف نشان داد که میانگین امتیاز عملی دانشجویان در مورد مهارت پونکسیون بدون استفاده از مانکن با مقیاس ۶ طیفی لیکرت  $3/52 \pm 0/85$  و بعد از آموزش بر روی مانکن  $5/84 \pm 0/12$  بود. ( $p = 0,000$ )

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج حاصله در این روش برای یادگیرندگان امکان دسترسی به تجارب یادگیری بدون خطر و بدون استرس فراهم شده و از یکنواختی و میزان سخنرانی در آموزش کاسته و باعث افزایش مهارتهای حرکتی و انرژی روانی دانشجویان گردیده است، لازم به یادآوری است که این مانکن به سایر مراکز مهارتهای بالینی دانشگاههای سراسر کشور معرفی شده و تعدادی از مراکز آموزش از آن تهیه و مورد استفاده قرار می دهند.

**واژه های کلیدی:** ارتقاء آموزش، مانکن آموزشی

## تهیه فیلم آموزشی واکسیناسیون

معصومه ضیائیها\*، دکتر رفعت محبی فر، دکتر زهره یزدی، زهره داناصفهانى، سید علی اکبر هاشمی نسب

**مقدمه:** یکی از مهمترین جنبه های آموزش دانشجویان گروه پزشکی آموزش مهارتهای عملی می باشد. با توجه به روند کاهش نسبت استاد به دانشجو در بسیاری از دانشکده های گروه پزشکی در سراسر دنیا تلاش برای ابداع و استفاده از روشهای جدید به جهت افزایش کیفیت آموزشی دانشجویان گروه پزشکی و دستیابی به شرایطی که از لحاظ اقتصادی و زمانی مقرون به صرفه باشد همچنان ادامه دارد. در روش عملی، استاد مهارت را به طور عملی در برابر دانشجویان انجام می دهد و دانشجویان از مشاهده مراحل کار، سعی می کنند، کار را به همان ترتیب انجام بدهند. که با در اختیار قراردادن فیلم آموزشی به دانشجویان، این امکان به دانشجو داده می شود با در دست داشتن یک نسخه صحیح از مراحل کار آنقدر تمرین می کند تا به حد تبحر برسد. یکی از مشکلاتی را که دانشجویان در عرصه کارآموزی مطرح می کردند یکسان نبودن نحوه ی تدریس عملی واکسیناسیون بود که با تهیه فیلم آموزشی می توان یک وحدت رویه ایجاد کرد. چند جلسه از کارآموزی دانشجویان صرفاً جهت مشاهده واکسن BCG برگزار می گردد با توجه به مطالب فوق اهتمام به تهیه فیلم آموزشی با عنوان واکسیناسیون کردیم.

**روش ها:** بخشهای مختلف واکسیناسیون را طبق سر فصل درس کارآموزی در عرصه ۱ برای دانشجویان مدیریت خدمات بهداشتی درمانی و کارآموزی در عرصه برای دانشجویان بهداشت خانواده از جمله آماده سازی واکسن، تزریق واکسن، ثبت واکسن و تهیه نمونه هیپو تیروئیدی معین گردید. سپس بخشهای فوق به نحو صحیح اجراء و فیلم برداری شد و پس از ویرایش در فورمت CD آماده گردید و به دانشجویان جهت استفاده تحویل داده شد. نظرات دانشجویانی را که فیلم آموزشی در اختیار آنان قرار داده شده بود، با استفاده از یک پرسشنامه محقق ساخته محتوی ۵ سوال مورد بررسی قرار گرفت. پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفا کرونباخ تعیین شد. ( $\alpha=0/70$ ) گزینه ها بر اساس مقیاس چهار قسمتی لیکرت ضعیف، متوسط، خوب و عالی از یک تا چهار مدرج شده بودند. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS.17 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** این فیلم آموزشی در اختیار دانشجویان دانشجویان مدیریت خدمات بهداشتی درمانی برای درس کارآموزی در عرصه ۱ و دانشجویان بهداشت خانواده برای کارآموزی در عرصه قرار داده شد. در نظر سنجی دانشجویان از ۳۰ نفر دانشجو، ۲۵ نفر به پرسشنامه پاسخ دادند میانگین نمرات ۱۶/۴۴ از ۲۰ نمره بود.

**نتیجه گیری:** با فیلم آموزشی برای دانشجویان این امکان است که با در دست داشتن یک نسخه صحیح از مراحل کار واکسیناسیون، آن را در حد تبحر تمرین کنند. رضایت دانشجویان از استفاده از فیلم در حد بالایی بود. (عالی) با مشاهده فیلم جلسات کارآموزی جهت مشاهده واکسن BCG به حداقل میرسد که این از نظر اقتصادی به صرفه می باشد. این فیلم برای دانشجویانی که درس ایمن سازی دارند مثل دانشجویان پرستاری و پزشکی قابل استفاده است. برای استفاده از آن باید از CD player استفاده شود.

واژه های کلیدی: فیلم آموزشی، واکسیناسیون

## تاثیر طرح سوالات مکتوب قبل از تدریس و پاسخگویی شفاهی به آن بر میزان یادگیری دانشجویان پرستاری همدان

رفعت بخت\*، افسر امیدی، سودابه آقابابایی

\* عضو مرکز تحقیقات مراقبتهای مادر و کودک و عضو هیئت علمی گروه بهداشت مادر و کودک

دانشگاه علوم پزشکی همدان

rbakht@yahoo.com

**مقدمه:** با توجه به اینکه یکی از اهداف آموزش افزایش میزان یادگیری فراگیران با استفاده از روشهای تدریس مختلف است مطالعه حاضر برای بررسی تاثیر طرح سوالات مکتوب قبل از تدریس و پاسخگویی شفاهی دانشجویان پرستاری به آن بر میزان یادگیری آنان انجام شد.

**روشها:** درس پرستاری بهداشت مادران و نوزادان برای دانشجویان پرستاری بصورت ۵ واحد نظری و ۳٫۵ واحد کارآموزی و کارآموزی در عرصه ارائه می گردد که با توجه بر عدم امکان حضور دانشجویان پسر در بخش های مادران و نوزادان ۰٫۵ واحد از درس کارآموزی در عرصه آنان در دانشکده پرستاری و مامایی همدان بصورت کارگاه بهداشت مادر و نوزاد هم برای پسران و هم برای دختران ارائه می گردد. در نیمسال اول ۹۲-۹۱ در کارگاه بهداشت مادر و نوزاد در ارائه دو درس ۲ ساعته تغذیه در دوران بارداری و تنظیم خانواده، قبل از شروع تدریس ۱۲ سوال برای مبحث تغذیه در دوران بارداری و ۱۷ سوال برای مبحث تنظیم خانواده که بصورت صحیح غلط و کوتاه پاسخ بود داده شد و از دانشجویان خواسته شد در مدت حدود ۵ دقیقه به آن پاسخ داده و برگه ها را نزد خود نگه دارند و به درس توجه داشته تا در پایان درس توسط دانشجویان به آن پاسخ داده شود پس از ارائه درس بصورت سخنرانی و پرسش و پاسخ، مدرس بصورت تصادفی از دانشجویان می خواست که سوال مورد نظر را خوانده و به آن پاسخ دهند. سپس در پایان کارگاه از دانشجویان در مورد تاثیر سوالات مکتوب و پاسخگویی به آن بر یادگیری دانشجویان نظرخواهی شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** از ۲۵ نفری که برگه نظرسنجی را دریافت نموده بودند ۵۶٪ افراد تاثیر سوالات را بر یادگیری زیاد و ۲۴٪ متوسط ذکر نموده و ۲۰٪ نیز به آن پاسخ نداده بودند. اکثر دانشجویان ذکر نموده بودند که دادن سوالات مکتوب سبب افزایش توجه دانشجویان و تمرکز بیشتر بر محتویات درس شده بود.

**نتیجه گیری:** طرح سوالات مکتوب و پاسخگویی فراگیران قبل از تدریس بصورت مکتوب و پس از تدریس بصورت شفاهی منجر به تاثیر مثبت بر یادگیری فراگیران می گردد.

**واژه های کلیدی:** تدریس، سوال، پاسخگویی، یادگیری

## سخنرانی تعاملی به عنوان یک استراتژی آموزشی در یادگیری فعال دانشجویان

### پزشکی

حکیمه حضرتی<sup>۱\*</sup>، لیلا واحدی<sup>۲</sup>، رضا غفاری<sup>۳</sup>، وحیده زارع<sup>۴</sup>

\*دانشجوی آموزش پزشکی مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی تبریز

[hakimeh.hazrati@gmail.com](mailto:hakimeh.hazrati@gmail.com)

<sup>۲</sup> دکترای حرفه ای مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی تبریز

<sup>۳</sup> دکترای حرفه ای مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی تبریز

<sup>۴</sup> هیأت علمی مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی تبریز

**مقدمه:** سخنرانی به عنوان یک روش سنتی آموزش در دانشگاهها جهت انتقال دانش را (سطح اولیه یادگیری هرم میلر) میتوان با استفاده از تکنیکهای مناسب سخنرانی از یک روش آموزشی خسته کننده به محیط یادگیری فعال تبدیل نمود شروع سخنرانی میتواند با طرح سوالات کلی برای درک میزان آگاهی اولیه دانشجویان، بیان یک داستان مرتبط، ذکر مثالهای واضح، توضیح کاربرد موضوع در شغل آینده ویا مطرح نمودن یک سوال بحث انگیز مرتبط با موضوع برای جلب توجه دانشجویان باشد ودر پایان هر نکته کلیدی با پرسیدن سوالات کوتاه واطمینان از درک آنها به نکته کلیدی بعدی برود در هر یک ساعت بیش از پنج نکته کلیدی توضیح داده نشود(البته بسته به درجه سختی نکات کلیدی دارد).مدت زمان اختصاص داده شده به سخنرانی رعایت شود.میتوان با پرسیدن سوالات کوتاه ودرگیر کردن همه دانشجویان در بحثهای گروهی ویا استفاده از چند استاد برای ارائه یک موضوع این مدت زمان را افزایش داد.به علت بالابودن بیشترین توجه دانشجویان در ۵ دقیقه اول وآخر بهتر است نکات کلیدی وجمع بندی در این زمانها بیان شود استفاده از مولتی مدیاهای اسلاید کوتاه به افزایش توجه دانشجویان واعتماد به نفس اساتید کمک می کند مطلقا از آن روخوانی نکنید ودر هنگام سخنرانی با حرکت به ردیف های آخراز وضوح اسلایدها اطمینان حاصل کنید.در هنگام سخنرانی از حرکات بدن و تغییرات تن صدا استفاده کنید.با پرسیدن سوالات کلی دانشجویان کم حرف را به بحث وادارید وکنترل کلاس را به دانشجویان پرحرف ندهید ودر پایان با مرور نکات کلیدی وگرفتن فیدبک ازدانشجویان مطمئن شوید که به اهداف جلسه رسیده اید وپیام پایانی را با یک جمله زیبا و تعیین تکلیف برای دانشجویان جلسه بعد سخنرانیتان را به پایان برسانید

**روشها:** یک مطالعه تطبیقی، مرور کتابخانه ای

**نتیجه گیری:** میتوان با آشنا نمودن اساتید با انواع تکنیکهای روش آموزش حتی در روش سنتی سخنرانی میتوان محیط یادگیری دانشجویان را فعال نموده و انگیزه یادگیری را افزایش داد.



## روند تدریس مبتنی بر سبک های یادگیری بر اساس نظریه کارل یونگ

لیلا اسکندری

کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، شبکه و مرکز بهداشت شهرستان مهدی شهر واحد گسترش

Leilaeskandari27@yahoo.com

**مقدمه:** تفاوت‌های یادگیری افراد تا حدی بستگی به هوش و توانایی‌های آنها دارد اما عواملی نظیر ویژگی‌های شخصیتی نیز در این امر دخیل هستند. سبک یکی از عواملی است که در تفاوت‌های یادگیری افراد نقش مهمی دارد. سبک، سطح هوش یا صفت شخصیتی نیست بلکه تعامل هوش و شخصیت است. نظریه ها و مدل‌های بسیاری برای توصیف سبک های یادگیری طراحی و ارائه شده اند و همه بر این موضوع توافق دارند که تفاوت‌های قابل توجهی در روش یادگیری و پردازش اطلاعات افراد وجود دارد. ممکن است هر فردی نسبت به دیگری در شیوه یادگیری و تعامل با جهان بیرونی، علایق و تمایلات متفاوتی داشته باشند.

**روش‌ها:** با جستجو در منابع کتابخانه ای و با استفاده از کلید واژه های سبک یادگیری و آموزش علوم پزشکی انجام شد.

**نتایج:** نتایج مطالعه مقالات متعدد نشان داد که افراد از نظر شیوه های دریافت و پردازش اطلاعات، بسیار متفاوت عمل می کنند. برخی در رویکردشان به مسائل و موقعیت‌های جدید، منطقی، عده ای هیجانی و احساسی و برخی دیگر بسیار خلاق اند. شیوه ای که شخص از طریق آن به دریافت و پردازش می پردازد، اثر بسیار زیادی بر توانایی او برای یادگیری می گذارد. در فعالیتهای عملی، برخی افراد نیاز دارند داده هایی را که جمع آوری کرده اند، تجزیه و تحلیل و آزمایش کنند و به استخراج نتیجه بپردازند، در حالی که برخی دیگر به صورت شهودی به پاسخ دست می یابند یا به نتیجه می رسند هر کدام از این دو فرد احساس می کند دیگری در اشتباه است و هرگز شیوه اندیشیدن یکدیگر را درک نمی کنند.

یکی از نظریه‌های مربوط به سبک یادگیری بر پایه نظریه های کارل یونگ، روان‌شناس تحلیلی است. نظریه یونگ بر روی چهار کارکرد روانی در یادگیری تمرکز دارد: برون‌گرایی در مقابل درون‌گرایی، منطقی در مقابل شهود، تفکر در مقابل احساس و قضاوت در مقابل ادراک که آگاه‌سازی دست‌اندرکاران آموزشی در باره وجود تفاوت بین سبک‌های یادگیری دانشجویان می تواند به آنها در بکارگیری روشهای آموزشی و روشهای ارزشیابی مناسب کمک نماید و انطباق روشهای آموزشی و ارزشیابی تحصیلی با تفاوت‌های فردی دانشجویان در سبک یادگیری می‌تواند موجب کارآمدی هر چه بیشتر فرآیندها و فعالیتهای آموزشی و یادگیری شود.

**نتیجه‌گیری:** تاکید بر توانایی‌های افراد به تنهایی و نادیده گرفتن سبک های یادگیری آنان و یا به عبارتی عدم هماهنگی و توافق بین سبک یادگیری فرد و سبک موقعیت یا تکلیفی که با آن مواجه شده است می تواند علت ناتوانی فرد در یادگیری و مانعی برای موفقیت بوده و منجر به این شود که برخی از بهترین و با ارزشترین استعدادها و سرمایه های بالقوه، حذف یا نادیده گرفته شوند.

## استفاده از دستگاه شبیه ساز پوست در زمینه‌ی آموزش ارتباط بین عملکرد سیستم عصبی و محرک‌های محیطی

حسنا کلهری<sup>۱\*</sup>، محسن شهبازی<sup>۲</sup>، رضا بهرامی گرجی<sup>۳</sup>، محسن ژاله<sup>۴</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی کارشناسی اتاق عمل دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

[www.h.kalhor1990@gmail.com](mailto:www.h.kalhor1990@gmail.com)

<sup>۲</sup> دانشجوی کاردانی فوریت پزشکی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی پزشکی هسته‌ای دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

<sup>۴</sup> عضو هیئت علمی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

**مقدمه:** یکی از مهم‌ترین مسائل آموزشی، ارتقای سطح آموزشی و افزایش کیفیت فرآیند یادگیری است و در این زمینه محققین علوم آموزشی، پیوسته در حال ساخت و به کارگیری ابزارهای کمک آموزشی هستند. یکی از پرکاربردترین ابزارها در حیطه علوم پزشکی "مولاژ"ها هستند که از آنها به عنوان مدل‌های غیرزنده برای آموزش چگونگی قرارگیری اجزا و احساس بدن استفاده می‌شود. در کاربرد دیگر "شبیه‌سازها" که وظیفه شبیه‌سازی مکانیسم‌های اجزای داخلی بدن را برعهده دارند نیز نقش پررنگی در این زمینه عهده دار می‌باشند لذا هدف این گروه نمایاندن ارتباط بین دریافت محرک‌های پوستی (فشار، لمس، ارتعاش، سرما، گرما و درد) و سیستم عصبی محیطی و مرکزی است که توسط دستگاه اختراعی "شبیه‌ساز پوست" به نمایش درمی‌آید.

**روش‌ها:** مطالعه بر روی جنبه‌های مختلف طراحی و ساخت این دستگاه از فروردین ماه ۹۱ آغاز گشت و به ثبت اختراع آن منجر گشت. بررسی متون و مقالات چاپ شده در زمینه نمایش داده‌های حسی به شکل الکترونیکی بوده است و نیز از تجارب و راهنمایی‌های اساتید محترم در علوم زیستی و الکترونیک استفاده شده است. بدین ترتیب مشابه مدل زنده انسانی، در زیر لایه مصنوعی پوست، از ستسورهای Lm35, Tpa81, Gp2d12 و تاج اسکرین برای دریافت حس‌های لمس، فشار و ارتعاش استفاده شد. جهت نمایش حس درد، مدل کوچک حس درد در موی انسان شبیه‌سازی شد. سپس با بهره‌گیری از مولاژها، عملکرد مسیرهای عصبی، ستونهای قدامی-طرفی و خلفی-نوارمیان‌ی نخاع و مغز شبیه‌سازی شد. همچنین این سازوکار به صورت رایانه‌ای نیز طراحی شده است.

**نتایج:** این دستگاه قادرست محرک‌های پوستی از قبیل فشار، لمس، ارتعاش، سرما، گرما و درد را به شکل تکانه‌های الکترونیکی به سمت مولاژهای نخاع و مغز ارسال و پیدایش رفلکس‌های نخاعی و مغزی را نمایش دهد که این اعمال به واسطه استفاده از ستسورهای تماسی، گرمایی و سرمایایی امکان پذیر می‌باشد. سپس سیگنال‌های انتقال یافته در شکنجه‌های مختلف مغز که محل پردازش آنهاست به نمایش درمی‌آید.

**نتیجه‌گیری:** نخستین کاربری این دستگاه در مصارف آموزشی و شبیه‌سازی پوست است. باندکی تغییر می‌توان از این شبیه‌ساز به عنوان مولاژ تخصصی تزریق استفاده کرد. در پی استفاده این دستگاه توسط اساتید و دانشجویان و دریافت پاسخنامه مشخصی در موارد میزان یادگیری و اثرگذاری، نتایج بدست آمده میزان رضایت‌مندی بالای ۷۰ درصد را نشان می‌دهد. در ضمن انطباق این سیستم الکترونیکی با حالت زنده تا حد قابل قبولی مورد تأیید قرار گرفته است.

**واژه‌های کلیدی:** شبیه‌ساز پوست، حسگرها، مولاژ

## استفاده از یادگیری مبتنی بر تکلیف (Task Based Learning) جهت تسهیل

### یادگیری آموزش علوم پایه در دانشگاه علوم پزشکی شیراز

زهره اسماعیل زاده\*، دکتر جواد کجوری، دکتر میترا امینی

کارشناس دانشگاه علوم پزشکی شیراز

zohrehsamin@yahoo.com

**مقدمه:** خانم جین ویلیس<sup>31</sup> در کتاب خود با عنوان «چهارچوبی برای یادگیری مبتنی بر تکلیف» مدلی را برای شکل دادن دروس ارائه نمود و این مدل را یادگیری مبتنی بر تکلیف نام نهاد. در یادگیری مبتنی بر تکلیف، تکالیف مرکز فعالیت های یادگیری هستند. این تکلیف وظیفه دانشجو را برای یادگیری آینده تحریک می کند. انجام تکلیف باعث یادگیری نمی شود بلکه باعث ایجاد هسته ای برای یادگیری بعدی است و یادگیری ها بر اساس آموخته های قبلی است، در نتیجه یادگیری عمیق ایجاد می نماید. یادگیری مبتنی بر تکلیف در چهار مرحله اجرا می گردد: ۱- مرحله قبل از تکلیف ۲- مرحله آماده سازی تکلیف ۳- مرحله درک تکلیف ۴- مرحله بعد از تکلیف

**روش ها:** در این راستا استفاده از یادگیری مبتنی بر تکلیف جهت تسهیل یادگیری در مقطع علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی شیراز از مهر ۹۰ این کار آغاز گردید. در ابتدا با انتخاب اساتید بالینی و معرفی آنان به گره های علوم پایه در خصوص اجرای این برنامه صورت پذیرفت. و برگزاری جلسات مشترک با ریاست دانشگاه برای تعریف نقش ها (task Definition) به مدت یک ماه این کار ادامه داشت سپس مشخص شد که هر ارگان ۴ جلسه مشترک (پایه و بالینی) در دانشکده برگزار نماید و گروه ها مباحث خود را در هر درس حذف و اصلاح نمودند. نهایتاً ۴-۲ ساعت از هر ارگان بصورت Task based Learning توسط اساتید بالینی اجرا می شود دانشجو تکلیف آینده شغلی خود را در بیمارستان با دیدن Case و یا در کلاس ها بصورت نمایش یک فیلم درک نماید.

**نتایج:** با توجه به نکات ذکر شده فوق می توان نتیجه گرفت که فاصله تئوری تا عمل مسأله ای است که در آموزش پزشکی همواره وجود داشته و خواهد داشت و امکان برطرف کردن آن به طور کامل وجود ندارد ولی می توان با استفاده از راهکارهای متعددی این فاصله را کمتر نمود. چون یکی از روش های کاهش این فاصله با اصول یادگیری و آموزش در رابطه است، لذا استفاده از روش Task Based Learning اجرای آن با کاهش این فاصله همراه است که بایستی در آموزش رشته های بالینی خصوصاً (پزشکی) توصیه نمود. روش یادگیری مبتنی بر تکلیف در صورتی که آموزش دهندگان بایستی با این روش آشنا شوند و آنها را در آموزش های خود به کار گیرند، می تواند تا حدودی بر فاصله تئوری تا عمل که از مشکلات همیشگی آنهاست غلبه نمود.

**نتیجه گیری:** طبق شواهد به نظر می رسد استفاده از روش یادگیری مبتنی بر تکلیف یک روش مناسب جهت یادگیری دانشجویان (پزشکی) توصیه می گردد. اجرای این شیوه آموزش باعث بالا بردن میزان رضایت دانشجویان در مراحل یادگیری و افزایش اعتماد به نفس خواهد گردید.

**واژه های کلیدی:** یادگیری مبتنی بر تکلیف، تسهیل یادگیری

<sup>31</sup> Jane wilis

<sup>2</sup> Leonhardt

## ماجول یادگیری در آموزش علوم پزشکی

شهین توحیدی\*

\*دانشجو ارشد پرستاری دانشکده پرستاری مامایی مشهد

tohidish901@mums.ac.ir

**مقدمه:** با توجه به تکنولوژی مدرن که روندی جهانی دارد، سیستم آموزش و یادگیری نیز در حال تکامل است و با رشد فناوری اطلاعات و کامپیوتر، آموزش از راه دور و الگوهای آموزشی خودیادگیری مورد تأکید قرار گرفته است. اکثر دانشگاههای دنیا در پی یافتن روش های آموزشی ای هستند که بتواند موجب ارتقاء یادگیری مداوم و خودمحور و در نتیجه خودکارآمدی و توانمندی یادگیرندگان گردد. ماجول یادگیری یکی از روش های خودیادگیری است که علی رغم معرفی جهانی آن اما در سیستم آموزش ما مورد غفلت قرار گرفته لذا این مقاله با هدف معرفی ماجول یادگیری ارائه می شود.

**روش ها:** برای رسیدن به اهداف این پژوهش مقالات مرتبط در منابع اینترنتی مورد بررسی قرار گرفت بدین صورت که ابتدا در سایتهای مختلف با کلید واژه های فارسی و انگلیسی خودیادگیری، ماجول یادگیری، آموزش ماجول، روش های تدریس و آموزش بصورت مجزا و ترکیبی مقالات چاپ شده در این زمینه بطور سریع مرور و سپس مقالاتی که با موضوع ارتباط بیشتری داشتند، انتخاب و مطالب آنها استخراج شد سپس محتوای انتخاب شده به دقت چندین بار مطالعه و خلاصه برداری شد و جنبه های مختلف ماجول یادگیری توصیف گردید.

**نتایج:** ماجول یادگیری یک تکنیک متوالی برای یادگیری برنامه ریزی شده است. در ماجول های یادگیری از تکنیکهای تسهیل کننده یادگیری مانند منابع تکمیلی، نمایش، مطالعات موردی، وسایل دیداری و بازخورد استفاده می شود که باعث افزایش عمق یادگیری می شود. ماجول ها شامل تئوری های آموزشی جدید می باشند و دارای اهداف رفتاری، فعالیت های یادگیری متوالی و ارزشیابی هستند. ساخت ماجول زمانبر است اما می تواند بازنگری شود و بارها مورد استفاده قرار گیرد. ماجول یادگیری باعث افزایش دانش، نگرش و مهارت یادگیرنده می شود. این روش اعتماد به نفس دانشجویان را افزایش داده و در به روز رسانی سریع اطلاعات مفید و مقرون به صرفه است. از محدودیت های این روش عدم توانایی همه افراد در استفاده از کامپیوتر و اینترنت، یادگیرنده نمی تواند تا روشن شدن موضوع سؤالات خود را بپرسد و در ارزشیابی تکنیک های عملی و ایجاد تعاملات اجتماعی محدود است ویژگی های یادگیرندگان و طراحی ماجول می تواند بر نتایج حاصله اثر بگذارد.

**نتیجه گیری:** با توجه به اهمیت آموزش مداوم در علوم پزشکی در ارتقاء ارائه خدمات، روش های خودیادگیری از جمله ماجول یادگیری به عنوان روشی مؤثر و مقرون به صرفه پیشنهاد می شود.

**واژه های کلیدی:** خودیادگیری، ماجول یادگیری، آموزش ماجول، روش های تدریس، آموزش.

## ارتقاء یادگیری واحد درسی آئین زندگی: کدام روش تدریس؟

دکتر داود حکمت پو<sup>۱\*</sup>، محمود سراجی<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> دکترای تخصصی پرستاری، استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اراک

Email: dr\_hekmat@arakmu.ac.ir

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اراک

**مقدمه:** گزینش یک روش مناسب آموزش در هر مرحله از یادگیری حائز اهمیت است. این مطالعه با هدف ارتقاء یادگیری واحد درسی آئین زندگی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اراک انجام گردید.

**روش‌ها:** این مطالعه یک کارآزمایی آموزشی است که بر روی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اراک در ۶ کلاس درس آیین زندگی با تعداد ۱۶۰ دانشجو (انتخاب تصادفی کلاس‌ها)، روش سخنرانی (۳ کلاس درس با ۵۷ دانشجو) و بحث گروهی (۳ کلاس درس با ۱۰۳ دانشجو) انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل فرم دیدگاه سنجی دانشجویان نسبت به محتوای درس، شیوه تدریس و برقراری ارتباط درون کلاس و نمره آزمون در پایان ترم بود. داده‌ها با نرم افزار SPSS نسخه ۱۷ (آزمون‌های  $X^2$  و  $t$  مستقل) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** میانگین سن تمامی شرکت کنندگان در مطالعه  $20 \pm 2/7$  سال بوده است. میانگین نمره دانشجویان در گروه سخنرانی برابر  $17/2$  ( $SD \pm 2$ ) و میانگین نمره دانشجویان در گروه بحث گروهی برابر  $18$  ( $SD \pm 1/5$ ) و این اختلاف معنی دار بود ( $P \leq 0/0001$ ). میانگین نمرات دیدگاه کلی دانشجویان در دو گروه نسبت به محتوای درس آیین زندگی اختلاف معنی داری نشان نداد. اختلاف میانگین نمره دیدگاه کلی دانشجویان در دو گروه نسبت به شیوه تدریس معنی داری بود ( $P \leq 0/0001$ ). اختلاف معنی داری بین میانگین نمره دیدگاه کلی دانشجویان در دو گروه نسبت به برقراری ارتباط در کلاس درس آیین زندگی وجود داشت ( $P \leq 0/001$ ).

**نتیجه‌گیری:** نتایج این مطالعه نشان داد تدریس درس آیین زندگی به شیوه بحث گروهی می‌تواند سبب یادگیری بیشتر مفاهیم کاربردی این درس و افزایش رضایت مندی و کسب مهارت‌های ارتباطی مورد نیاز آنها در جامعه و محیط کار شود. بنابراین استفاده از بحث گروهی بجای سخنرانی در تدریس درس آیین زندگی به دانشجویان گروه‌های علوم پزشکی، پیشنهاد می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** روش تدریس، سخنرانی، بحث گروهی، رضایت، یادگیری

## بررسی مهارت مطالعه دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

طاهره سلیمی\*، مهسا خدایاریان، زهرا علی مندگاری، شهناز مجاهد

\*مربی عضو هیأت علمی دانشکده پرستاری و مامایی یزد

پست الکترونیک: [salami\\_tahere@yahoo.com](mailto:salami_tahere@yahoo.com)

**مقدمه:** کاربرد صحیح مهارت های مطالعه توسط دانشجویان در دستیابی به نیازهای آموزشی، شناخت عواملی که به پیشرفت تحصیلی و جلوگیری از افت آن منجر می شود، اهمیت ویژه ای دارد. لذا این پژوهش با هدف تعیین مهارت مطالعه دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ انجام شد.

**روش ها:** این مطالعه به روش توصیفی مقطعی تحلیلی روی کلیه دانشجویان کارشناسی پرستاری و مامایی سال اول تا سوم شاغل به تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی یزد صورت گرفت. پرسشنامه‌ی محقق ساخته به منظور بررسی مهارت مطالعه دانشجویان، پس از تعیین روایی و پایایی به صورت خودایفا توزیع گردید. روایی صوری و محتوا توسط ۱۰ نفر از اساتید دانشکده پرستاری و مامایی مورد بررسی قرار گرفته و پایایی نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای هر بعد پرسشنامه (T محدوده ۰/۷-۰/۸) و نیز آلفای کرونباخ برای کل (T = ۰/۸۷) آن نیز تعیین گردید. پرسشنامه دارای ۵ بعد روش مطالعه (۱۲ گویه)، بعد حافظه (۷ گویه)، بعد مدیریت زمان (۷ گویه)، بعد مطالعه برای امتحان (۱۳ گویه)، بعد علاقه و انگیزه (۱۱ گویه) تنظیم شد. سپس پرسشنامه‌ها جمع‌آوری شده و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** نتایج نشان داد ۶۴/۳٪ دانشجویان در رشته پرستاری و ۳۵/۷٪ در رشته مامایی شاغل به تحصیل می باشند. ۸۳٪ دانشجویان در بعد روش مطالعه، ۵۹/۹٪ در بعد مطالعه برای امتحان و ۷۹/۷٪ مهارت مطالعه خود را در بعد علاقه و انگیزه در سطح خوب برآورد نمودند. همچنین ۶۰/۴٪ در بعد حافظه و ۵۰/۵٪ آنان مهارت مطالعه خود را در بعد مدیریت زمان در سطح متوسط ارزیابی نمودند. ۶۴/۸٪ دانشجویان، به طور کلی مهارت مطالعه خود را در سطح متوسط گزارش نمودند. آزمون آماری کای اسکوئر، بین متغیرهای دموگرافیک محل زندگی، ترم تحصیلی و سن دانشجویان با مهارت مطالعه آنان ارتباط معناداری را نشان داد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به این که اکثریت دانشجویان به طور کلی مهارت مطالعه خود را در سطح متوسط گزارش نمودند و با توجه به پویایی سیستم مراقبت بهداشتی و تنوع روشهای آموزشی، ارتقاء سطح آگاهی مدرسین از مهارت های مطالعه دانشجویان حائز اهمیت است. آموزش مهارت های صحیح مطالعه به صورت واحدهای درسی و برگزاری کارگاه های آموزشی مستمر در زمان ورود به دانشگاه و در طول تحصیل به منظور اصلاح روند یادگیری دانشجویان نیز می تواند مؤثر باشد.

**واژه‌های کلیدی:** مهارت مطالعه، دانشجوی پرستاری و مامایی

## بررسی موانع یادگیری فعال در دروس تئوری از دیدگاه دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

مهسا خدایاریان\*، طاهره سلیمی، لیلا فلاح، اعظم نعمت الهی، اعظم اسادات هدایتی، حسن دشتی  
\*گارشناسی ارشد آموزش مدیریت پرستاری و دانشجوی Ph.D رشته آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد و عضو کمیته تحقیقات دانشجویی  
mahsa.khodayarian6@gmail.com

**مقدمه:** یادگیری فرآیندی است که بر اساس تجربه به وجود می‌آید و تغییراتی نسبتاً پایدار در رفتار یادگیرنده ایجاد می‌کند. با توجه به لزوم بکارگیری مطالب تئوری آموخته شده توسط دانشجویان پرستاری در بالین؛ این پژوهش با هدف بررسی موانع یادگیری فعال دانشجویان پرستاری در دروس تئوری صورت گرفته است.

**روش‌ها:** این پژوهش به روش توصیفی مقطعی انجام شد که در آن تمامی جامعه پژوهش شامل ۱۲۰ دانشجوی پرستاری پرسشنامه پژوهشگر ساخته‌ای که روایی و پایایی آن به روش آلفاکرونباخ ( $r=0/83$ ) ارزیابی شده بود را تکمیل نمودند. پرسشنامه در سه حیطه مرحله قبل، حین و بعد یادگیری در ۳۴ گویه تنظیم شد. پرسشنامه‌ها پس از تکمیل توسط نرم افزار SPSS تحلیل شد.

**نتایج:** میزان میانگین مطالعه دانشجویان ۱۸/۲ در شبانه روز بوده و اکثر دانشجویان (۲/۴۴٪) اتاق شخصی را به عنوان محل مطالعه انتخاب کرده بودند. یافته‌ها نشان داد موانع در مرحله ی قبل از یادگیری به ترتیب شامل عدم پیشخوانی (۷۵٪) و عدم طرح سوال قبل از مطالعه (۷۲٪)؛ در مرحله حین یادگیری بیشترین مانع مربوط به عدم یادداشت کلمات کلیدی (۵/۴۲٪) و در مرحله ی بعد از یادگیری به ترتیب شامل عدم مطالعه مروری در روز تدریس (۸/۵۵٪)، عدم مطالعه مروری بعد از یک هفته (۳/۵۳٪)، عدم فهرست کردن نکات کلیدی (۸/۵۰٪)، و عدم به کارگیری مطالب آموخته شده (۳/۴۳٪) می‌باشند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج مشخص شد که بیشترین ضعف دانشجویان در مرحله بعد از یادگیری است. لذا دانشجویان می‌توانند با آگاهی از روشهای صحیح مطالعه، از میان برداشتن موانع یادگیری فعال، استفاده از روش پس ختام و در نهایت به کارگیری مطالب آموخته شده به بالاترین میزان یادگیری دست یابند.

**واژه‌های کلیدی:** موانع یادگیری، یادگیری فعال، دانشجویان پرستاری، دروس تئوری

بررسی مقایسه‌ای دیدگاه دانشجویان پزشکی ورودی ۹۰ دانشگاه علوم پزشکی  
جهرم نسبت به تاثیر روش‌های سخنرانی و **team base learning** بر کیفیت  
مطالب آموخته شده در درس آناتومی تنه در بهار ۹۱

فاطمه مهدی زاده\*، آذین سهرابی، یاسمین روئین تن، دکتر حجت اله کریمی جشنی

\*کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم

[Zahra\\_mehdizade90@yahoo.com](mailto:Zahra_mehdizade90@yahoo.com)

**مقدمه:** در برنامه های آموزشی دو الگوی کلی تدریس نمود یافته است؛ الگوی استاد محور که در آن براساس یک الگوی از پیش تعیین شده، استاد نقطه اتکای فراگیری است. الگوی دیگری که به فراگیر، نیازها و توانایی های او توجه خاص دارد دانشجوی محور نامیده می شود. یکی از این روش های نوین دانشجو محور (TBL) **team base learning** یا آموزش مبتنی بر تیم می باشد. مهم ترین هدف TBL این است که تغییری در تجربه کلاس از به دست آوردن مفاهیم در فرمت مبتنی بر سخنرانی به فرمت تیمی ایجاد کند. از آنجا که یکی از معیار های ارزشمندی روش های نوین تاثیر آنها بر کیفیت مطالب آموخته شده می باشد، برآن شدیم تا با انجام این پژوهش ضمن اجرای روش TBL در مبحث **reproductive system** در درس آناتومی تنه برای دانشجویان پزشکی ورودی ۹۰ به مقایسه تاثیر روش TBL و سخنرانی بر میزان کیفیت یادگیری از دیدگاه این دانشجویان بپردازیم.

**روش‌ها:** برای انجام این مطالعه مداخله ای جامعه ۳۲ نفری از دانشجویان پزشکی ورودی ۹۰ را به ۴ گروه ۸ نفره تقسیم کردیم. برای اجرای روش TBL از قبل منابع بع دانشجویان معرفی شده بود و از آنان خواسته بودیم که خود را برای امتحان آماده کنند. ابتدای کلاس امتحانی از افراد گرفته شد که سوالات آن را در گروه های مورد بررسی قرار دادند. پس از توضیحات تکمیلی استاد از این افراد خواسته شد که چند مورد مسئله بالینی در رابطه با مبحث مربوطه را مورد بحث و بررسی قرار دهند. در پایان کلاس با استفاده از یک پرسشنامه پژوهشگر ساخته نظرات دانشجویان در رابطه با روش های TBL و سخنرانی پرسیده شد. داده های حاصل در نرم افزار SPSS11.5 مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

**نتایج:** از ۳۲ نفر دانشجوی مورد بررسی ۲۷ نفر (۸۱٫۸٪) از روش TBL رضایت داشتند. نتایج به دست آمده در رابطه با نظرات دانشجویان در رابطه با تاثیر روش های TBL و سخنرانی بر کیفیت یادگیری تقریباً مشابه به دست آمد، به طوری که ۶ نفر (۱۸٫۲٪) تاثیر روش سخنرانی را زیاد و ۷ نفر (۲۱٫۲٪) تاثیر TBL را زیاد اعلام کرده بودند. ۱۴ نفر (۴۲٫۴٪) از این افراد تاثیر هر دو روش را متوسط اعلام کرده بودند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج به دست آمده می توان نتیجه گیری کرد که علی رغم رضایت دانشجویان از روش نوین ۲:۳۶ ب.ظ.مطالب، دانشجویان تاثیر هر دو روش را تقریباً مشابه و یکسان ارزیابی کرده اند. با این حال از آنجایی که برنامه های آموزشی مطلوب باید به دنبال بازخوردهای محیطی و به طور مداوم بازنگری و اصلاح گردند نیاز است که دانشجویان فعالانه در گیر فعالیت های علمی وذهنی این فرایند شوند.

**واژه‌های کلیدی:** TBL، سخنرانی، کیفیت یادگیری، رضایت، دانشجویان پزشکی



بررسی مقایسه ای دیدگاه دانشجویان پزشکی ورودی ۹۰ دانشگاه علوم پزشکی  
جهرم نسبت به تاثیر روش های سخنرانی و **team base learning** بر میزان  
یادگیری درس آناتومی تنه در بهار ۹۱

فاطمه مهدی زاده، آذین سهرابی\*، یاسمین روئین تن، دکتر حجت اله کریمی جشنی

کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم

[Sohrabi\\_azin@yahoo.com](mailto:Sohrabi_azin@yahoo.com)

**مقدمه:** در سالیان اخیر لزوم تجدید نظر در روش های سنتی تدریس و جایگزین نمودن روش های دانشجوی محور از سوی سیستم های آموزشی احساس شده است. یکی از این روش های نوین که اخیراً مطرح گشته است **team base learning** یا آموزش مبتنی بر تیم می باشد که آمادگی مستقل خارج از کلاس را با بحث داخل کلاسی در گروه های کوچک ادغام می کند. از آنجایی که ارزیابی میزان سودمندی این روش ها در افزایش انگیزه دانشجویان و میزان یادگیری آنها امری ضروری می باشد بر آن شدیم تا ضمن اجرای روش TBL در مبحث **reproductive system** درس آناتومی تنه به بررسی نظر دانشجویان در رابطه با تاثیر این روش بر میزان یادگیری آنها و مقایسه با روش سخنرانی بپردازیم.

**روش ها:** برای انجام این مطالعه مداخله ای جامعه ۳۲ نفری از دانشجویان پزشکی ورودی ۹۰ را به ۴ گروه ۸ نفره تقسیم کردیم. از قبل از این افراد خواسته شده بود که مبحث **reproductive system** را خوانده و خود را برای امتحان آماده کنند. سپس این افراد در قالب گروه های خود در رابطه با سوالات امتحانی بحث کرده و پس از توضیحات تکمیلی استاد اقدام به حل مسائل بالینی کردند. در پایان کلاس با استفاده از تعدادی پرسشنامه پژوهشگر ساخته نظرات آنان در رابطه با روش های TBL و سخنرانی سنجیده شد. داده های حاصل در نرم افزار SPSS11.5 مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

**نتایج:** از ۳۲ نفر دانشجوی حاضر در کلاس ۱۵ نفر (۴۵/۵٪) تاثیر TBL بر میزان یادگیری را زیاد اعلام کرده ولی تنها ۳ نفر (۹/۱٪) از آنان تاثیر روش سخنرانی بر میزان یادگیری را زیاد می دانستند. همچنین ۶۰/۶٪ افراد معتقد بودند که تاثیر روش TBL بر ایجاد انگیزه یادگیری در دانشجویان زیاد بوده است.

**نتیجه گیری:** به نظر می رسد که روش آموزش مبتنی بر تیم (TBL) می تواند به عنوان روشی موثر برای نزدیک شدن به اهداف آموزشی دانشجوی محور از قبیل ایجاد انگیزه در دانشجویان برای حضور فعال در کلاس و نیز افزایش میزان یادگیری در دانشجویان علوم پزشکی مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به افزایش انگیزه دانشجویان فرایند یادگیری می تواند تسهیل شود بنابراین یاددهی به این شیوه برای آموزش دانشجویان توصیه می شود.

**واژه های کلیدی:** مقایسه ، دانشجویان پزشکی ، سخنرانی ، **team base learning**، میزان یادگیری

## آموزش پزشکی پویا با تاکید بر دانش بومی سازی طب سنتی و استفاده از داروهای گیاهی

سعید چنگیزی آشتیانی\*<sup>۱</sup>، محسن شمسی<sup>۲</sup>، دکتر سهیلا طاهری<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار، گروه فیزیولوژی پزشکی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اراک

[dr.ashtyani@arakmu.ac.ir](mailto:dr.ashtyani@arakmu.ac.ir)

<sup>۲</sup> مربی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک

<sup>۳</sup> پزشک عمومی، سرپرست مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اراک

**مقدمه:** امروزه اهمیت گیاهان دارویی و طب ایرانی و شناساندن نقش حیاتی آن در پیشبرد اهداف ملی، منطقه ای و جهانی برای تحقق سلامت و نشاط جوامع، خود کفایی دارویی، ایجاد اشتغال و توسعه اقتصادی از اولویتهای کشوری بوده و تقویت بنیادهای این مسئولیت بر عهده دانشگاههای علوم پزشکی کشور است. با این هدف محققین به عنوان مدرس درس تاریخ پزشکی تصمیم گرفتند شیوه آموزشی این درس را به شکل پویا و با رویکرد احیای طب سنتی اسلامی ایرانی و بومی سازی طب نوین با تاکید بر داروهای گیاهی در پیش گیرند.

**روش‌ها:** در این مطالعه سعی گردیده است در هر جایی از سرفصل درس تاریخ پزشکی و به مقتضای موضوع مورد بحث نمونه هایی از موارد طب بومی و سنتی اسلامی ایرانی نیز ارائه گردد. بخشی از امتیاز درس به انجام یک کار گروهی در خصوص پاسخ به یک بحث چالشی در زمینه طب سنتی اسلامی ایرانی و یا مقایسه تجویزات یا روشهای پزشکی گذشتگان با علم پزشکی امروز اختصاص یافت که ضمن توجه دانشجویان و آشنا کردن آنان با سیستم های جستجوی الکترونیک و دستی از منابع مختلف و گروه بندی آنان جهت انجام فعالیتهای بعدی مورد راهنمایی و مشاوره قرار گرفتند.

**نتایج:** نتایج مطالعه حاکی از افزایش آگاهی دانشجویان در خصوص طب سنتی و آشناسازی دانشجویان با انواع تجویزات داروهای گیاهی و مقایسه اثربخشی آنها با روشهای پزشکی مدرن بوده است که خود زمینه ساز ایجاد بستری مناسب جهت ترویج و استفاده از منابع طبیعی و کاهش وابستگی در زمینه های پزشکی در کشور می باشد. مهمترین دستاورد این مطالعه تاکید بر انجام پژوهشهای بومی و تقویت هویت خودباوری دانشجویان بوده است.

**نتیجه گیری:** با ارایه آموزش پزشکی پویا و ارایه موازین طب سنتی اسلامی و ایرانی به مقتضای ارایه دروس پزشکی و ترویج و بومی سازی طب سنتی ضمن حفظ صیانت از طب سنتی اسلامی ایرانی و بومی سازی آن که انجام پژوهش در آن با مواد اولیه داخل کشور صورت می پذیرد و به دلایل تحریم و عدم دسترسی به مواد اولیه دچار بن بست و چالش نمی گردد و ضمن اینکه این رویکرد پزشکی بیشتر در جهت حل مشکلات بومی می باشد تا تقلید از پژوهشهای کشورهای دیگر در نهایت اینکه نشان دادن پشتوانه های علمی طب سنتی اسلامی و ایرانی به سایر کشورها به پژوهش دانشگاه نیز کمک ارزنده ای گردد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش پزشکی، دانش بومی، طب سنتی، داروهای گیاهی

## بررسی اثربخشی استفاده از راهنمای مطالعه در آموزش درس انگل شناسی به دانشجویان پزشکی

سیما کلاهدوز\*، میترا شربت خوری، اوغل نیاز جرجانی، بهناز خدابخشی، فاطمه چراغعلی، اعظم فیاضی، نگار برومند

دانشگاه علوم پزشکی گلستان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی  
simakolahdooz@yahoo.com

**مقدمه:** متخصصین آموزش پزشکی همواره در تلاش اند تا با به کارگیری استراتژی های آموزشی دانشجو محور دانشجویان را به سمت مشارکت فعال در فرایند یاددهی- یادگیری سوق دهند. یکی از ابزارهایی که میتوان برای رسیدن به این مقصود از آنها بهره برد، راهنمای مطالعه است. این مطالعه با هدف تعیین میزان تاثیر استفاده از راهنمای مطالعه بر یادگیری دانشجویان از درس انگل شناسی پزشکی انجام گرفت.

**روش ها:** در این مطالعه کارآزمایی که بر روی ۶۵ دانشجوی پزشکی انجام گرفت برای آموزش مباحث تک یاخته شناسی پزشکی از راهنماهای مطالعه بهره گرفته شد. راهنمای مطالعه کل دوره در ۱۴ بخش (مقدمه، گپی درباره راهنمای مطالعه، بیوگرافی اساتید، ارتباط با مدرسین، نقشه مفهومی دوره، پیامدهای یادگیری، جداول زمان بندی ارائه محتوا، استراتژی های آموزشی و فرصت های یادگیری، تکالیف دانشجویان و شیوه ارزشیابی، قوانین و مقررات، راهنمایی در خصوص آماده شدن برای امتحان و فهرست منابع آموزشی) و راهنمای مطالعه ویژه هر یک از مباحث درسی در ۸ بخش (اهداف رفتاری، بیان اهمیت مطلب سناریوهای بالینی، سوالات هدایت شده، روش تدریس، رسانه ها و وسائل آموزشی، مطالب جهت مطالعه مستقل و پیوسته) تدوین گردیدند. راهنمای مطالعه هر مبحث یک هفته قبل از شروع جلسه مربوطه در دسترس دانشجویان قرار می گرفت. ارزشیابی دوره از طریق مقایسه نمرات آزمون پایان دوره با نمرات دانشجویان ترم قبل و نظرسنجی از طریق پرسشنامه انجام گرفت.

**نتایج:** میانگین نمره آزمون پایان دوره (۱۵,۵۶±۲,۷) مختصری بالاتر از ترم قبل (۱۵,۲۰±۲,۶) بود اما این اختلاف معنی دار نبود (P=۰,۴۷). بر طبق نتایج نظرسنجی و محاسبه میانگین نمره میزان تاثیر هر یک از اجزای راهنمای مطالعه از ۵، سناریوهای بالینی (۳,۷±۰,۹)، سوالات هدایت شده (۳,۶±۱)، بیان اهمیت مطلب (۳,۲±۰,۸)، پیوسته (۳,۱±۱)، اهداف رفتاری (۳±۱) و مطالب جهت مطالعه مستقل (۲,۷±۰,۹) به ترتیب بیشترین تاثیر را در یادگیری دانشجویان داشتند.

**نتیجه گیری:** نتایج به دست آمده حاکی از آن است که استفاده از راهنمای مطالعه به عنوان یک ابزار آموزشی می تواند رضایت فراگیران را جلب نموده و یادگیری ایشان را ارتقاء ببخشد.

**واژه های کلیدی:** راهنمای مطالعه، استراتژی آموزش دانشجومحور

## یادگیری دانشجو محور با طراحی بسته های آموزشی تعاملی؛ روشی موفق در یادگیری مباحث تئوری و عملی در علوم پزشکی

مجید زارع بیدکی<sup>۱\*</sup>، تکتم لسانی<sup>۲</sup>، علی رجب پور صنعتی<sup>۳</sup>، نجمه مباشری<sup>۴</sup>  
\*استادیار گروه آموزشی میکروب شناسی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند  
Email:m.zare@live.co.uk

<sup>۱</sup>دانشجوی علوم آزمایشگاهی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند  
<sup>۳</sup>دانشجوی دکتری عمومی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند  
<sup>۴</sup>مربی موسسه آموزش عالی خاوران مشهد

**مقدمه:** آموزش امری پویاست، لذا روش های آموزشی نیز به طور مرتب نیازمند تغییرات کاربردی است. امروزه استفاده از بسته های آموزشی به دلیل تنوع، جذابیت و نوگرایی، ارائه تمرینات انفرادی و نیز تاکید فراوان بر کاربرد آموزش برنامه ای، مورد توجه طراحان آموزشی قرار گرفته است. به نظر می رسد با استفاده از بسته های آموزشی دانشجویان خواهند توانست کلیه دروس را به حد مطلوب فرا بگیرند. هدف از این مطالعه طراحی بسته های آموزشی تعاملی درس میکروب شناسی تئوری و عملی در دانشگاه علوم پزشکی بیرجند بوده است.

**روش ها:** در مرحله اول، محتوای درسی برای تعدادی از دروس میکروب شناسی و باکتری شناسی در دو بخش تئوری و عملی توسط استادیار میکروب شناسی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند آماده گردید و سپس توسط نرم افزار ادوبی فلش CS5 و زبان برنامه نویسی 3 Action Script تحت قالب کلیپ های تعاملی تهیه گردید. در مرحله بعد این کلیپ های تعاملی تحت بسته های آموزشی تعاملی بر روی سی دی به دانشجویان رشته های علوم آزمایشگاهی، بهداشت، پزشکی و دندان پزشکی عرضه گردید. ارزشیابی برونداد پایانی فرآیند با بررسی مداخله ای نگرش دانشجویان نسبت به این مدل محتوای یادگیری انجام گرفت.

**نتایج:** به منظور سنجش نگرش دانشجویان نسبت به این مطالعه، پرسشنامه پژوهشگر ساخته براساس مقیاس ۵ نقطه ای لیکرتی طراحی شد. این پرسشنامه پس از تایید افراد صاحب نظر، از طریق محاسبه آلفای کرونباخ پایانی آن سنجیده شد که مقدار ۰/۸۴ به دست آمد. نتایج نشان داد که اکثر دانشجویان معتقد اند که استفاده از بسته های آموزشی تعاملی کمک زیادی به صرفه جویی در زمان یادگیری مطالب می کند. همچنین دانشجویان اظهار داشتند که درس میکروبیولوژی به گونه ای است که استفاده از تکنولوژی های آموزشی همانند کلیپ های تعاملی به یادگیری بهتر آن کمک می کند. در ضمن دانشجویان استفاده از روش های سنتی برای آموزش درس میکروب را کافی ندانستند و استفاده از بسته های آموزشی تعاملی را روشی موثر برای افزایش انگیزه دانشجویان به فراگیری مطالب درسی قلمداد کردند.

**نتیجه گیری:** بسته های آموزشی تعاملی به منظور یک ابزار کمکی جهت آموزش محتوای درس میکروب شناسی و باکتری شناسی تئوری و عملی در ترم های آینده استفاده به عمل آید.

**واژه های کلیدی:** بسته های آموزشی، یادگیری، نظام آموزشی.

## تأثیر کاربرد روش مشارکتی در تدریس بر نگرش دانشجویان پزشکی بیرجند نسبت به یادگیری تیمی

دکتر طوبی کاظمی\*، دکتر بتول اقبالی، ملیکا نیک، یحیی محمدی، سعیده کاظمی، شیرین گرجستانی

\*دانشیار دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

drtoobakazemi@yahoo.com

**مقدمه:** تدریس مشارکتی، روشی از تدریس است که بر پایه‌ی فعالیت گروهی قرار دارد. موفقیت روش تدریس مشارکتی بدون در نظر گرفتن دیدگاه افراد نسبت به آن، امکان‌پذیر نیست؛ همچنین با توجه به آغاز استفاده از این روش در دانشگاه‌های ایران و جهان، نیاز به اطلاع از دانش و نگرش دانشجویان بعنوان مهمترین عنصر سیستم آموزشی، ضروری می‌نماید. با این وجود نگرش فراگیران در پایان یک دوره مقوله‌ای است که کمتر به آن توجه شده‌است. این مطالعه به بررسی تأثیر کاربرد روش مشارکتی در تدریس بر نگرش دانشجویان پزشکی بیرجند نسبت به یادگیری تیمی پرداخته‌است.

**روش‌ها:** این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی بصورت قبل و بعد است. جمعیت هدف، کلیه دانشجویان پزشکی مقطع فیزیوپاتولوژی در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ که درس فیزیوپاتولوژی بیماری‌های قلب و عروق را می‌گذراندند بودند. یکی از مباحث فیزیوپاتولوژی بیماری‌های قلب و عروق برای اجرای تدریس مشارکتی انتخاب شد. نگرش دانشجویان نسبت به یادگیری تیمی قبل از اجرای تدریس بوسیله پرسشنامه پژوهشگرساخته‌ی روا و پایا ارزیابی شد. مبحث انتخاب شده به شیوه مشارکتی تدریس شد. بعد از پایان جلسه تدریس، دانشجویان مجدداً پرسشنامه‌های نگرش را تکمیل کردند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی ( میانگین و انحراف معیار و توزیع فراوانی) و آماره‌های تحلیلی (آزمون t مستقل و t زوج و آزمون همبستگی) استفاده شد.

**نتایج:** یافته‌ها اختلاف معنی داری را از نظر میانگین نمره نگرش قبل و بعد از آموزش نشان داد ( میانگین نمره نگرش قبل از آموزش ۳/۲۷ و بعد از آموزش ۳/۸۹؛  $p < 0/001$ ). بین میانگین نمرات مربوط به نگرش با سابقه انجام کار تیمی اختلاف معنی داری وجود داشت. همچنین بین نگرش دانشجویان قبل از آموزش بر حسب جنس نیز اختلاف معنی داری دیده شد. اما بین میانگین نمرات مربوط به نگرش با سن و معدل تفاوت معنی داری یافت نشد.

**نتیجه‌گیری:** شرکت در یک دوره برنامه آموزش تیمی موجب بهبود نگرش دانشجویان شرکت کننده در این دوره نسبت به یادگیری تیمی می‌گردد. لذا با توجه به نگرش نسبتاً مثبت دانشجویان نسبت به تدریس مشارکتی، استفاده از این روش بعنوان یک الگوی آموزشی پیشنهاد می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** روش مشارکتی، نگرش، دانشجویان پزشکی، یادگیری تیمی

## نقش روش PBL در دانشجویان پرستاری جهت افزایش تفکر انتقادی و یادگیری مهارت‌های بالینی

نظر غلامی

دانشجوی کارشناسی ارشد مجازی آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز  
nazargholami@yahoo.com

**مقدمه:** امروزه فراگیران برای روبرو شدن با تحولات شگفت‌انگیز قرن بیست و یکم باید به طور فزاینده‌ای مهارت‌های تفکر را برای تصمیم‌گیری بکارمی‌گیرند. تحقیقات انجام شده در سطح جهان و در کشور ما بیانگر آن است که فراگیران در کسب مهارت تفکر انتقادی در سطح مدارس و دانشگاه‌ها با مشکلات و کاستی‌هایی همراه می‌باشد. نیاز به یک یادگیری پایدار و همچنین پیشرفت اخیر در تعلیم و تعلم باعث شد که در امر تعلیم یک روش جدیدی ظاهر گردد که روش PBL می‌باشد در روش pbl دانشجویان در امر یادگیری به فعالیت واداشته می‌شوند باعث تبادل اطلاعات در گروه و کسب دانش در حل مشکلات پیش رو می‌شود. روشهای سنتی در آموزش پرستار بالینی فقط به حفظ کردن مطالب تاثیر داشته و هیچگونه مهارت و استدلالی به دانش جویان داده نمی‌شود.

**روش‌ها:** بررسی مقالات مروری و مطالعه کتابخانه‌ای

**نتیجه‌گیری:** امروزه پرستاران در محیط‌های کاری با مسایل بسیار پیچیده از لحاظ رفتاری و مراقبتی مواجهه می‌شوند که جهت بیماران بسیار حساس می‌باشد. جهت افزایش توانایی دانشجویان پرستاری لازم است که از تفکر استدلال موثر جهت مراقبتهای بیماران برخوردار شوند. در روش سنتی کارآموز و دانشجوی پرستاری درگیر یک یا دو بیمار می‌گردد بیشتر درگیر کارهای روزمره عادی هستند تا اینکه تفکر انتقادی داشته باشند و اما در روش pbl یک روش دانشجوی محور بوده با دستورالعمل‌های راهنمایی دانشجویان با مسایل واقعی زندگی از طریق همکاری در یک گروه انجام پذیر است. اساتید پرستاری باید با تلفیق این دو روش سنتی و pbl علاوه بر یادگیری روزانه و عادی و حفظ کردن ریشه‌ای اطلاعات تفکر انتقادی دانشجویان فارغ‌التحصیل پرستاری تاثیر مهمی بر کیفیت مراقبتهای پرستاری داشته باشند. یک بررسی نشان داده است که استفاده از روشهای ترکیبی سنتی و pbl در سیستم‌های هوشمند هرکدام به تنهایی مناسب نیست در مواردی که اطلاعات فوری نیازمند و در دسترس نباشد ایجاد نگرانی می‌کند اما استفاده از ترکیبی روش مناسبی است. در دانشگاه لیبی تحقیقی در دانشجویان پزشکی و استفاده از روش pbl انجام گرفت که باعث ایجاد تخصص‌های پزشکی با کیفیت در رشته‌های مختلف و ایجاد آموزش دایم و ارتباط آن با مشکلات پزشکی با توجه به نیازهای عمومی در تخصصهای پزشکی شده است. ارتباط مناسب با بیماران برقرار کنند و لیدر ها باید اشراف کامل به مسایل داشته باشند، دانش‌آموختگان توانایی کسب مهارتهای دانش خود را داشته باشند. با توجه به استاندارد سال ۲۰۱۱ بر روی تاثیر کار گروهی دانشجویان پزشکی تاکید شده است و نشان دهنده این موضوع است که این استاندارد می‌گوید (( رزیدنت پزشکی باید طوری در خدمت بیمار باشد که یک ارتباط چند جانبه موثری را جهت ارتقاء ببخشد) در دانشجویان محوری و pbl نشان دهنده این است که دانشجویان فعالانه درگیر مسایل بوده است و بکار بردن دانش در روشن شدن مشکلات ترکیب ادغام pbl و دانشجویان محوری باید مورد توجه قرار گیرد. در آخر با توجه تحقیقات انجام گرفته و بررسی متون به این نتیجه می‌رسیم که تلفیق روشهای سنتی و PBL امکان یادگیری همراه با تفکر را در فراگیران جهت افزایش مهارتهای بالینی در گروههای پزشکی بخصوص پرستاران افزایش می‌دهد.

## شبیه سازی ها در آموزش الکترونیکی علوم پزشکی

زهرا جامه بزرگ\*<sup>۱</sup>، محمد سلیمی<sup>۲</sup>

\*دانشجوی سال آخر دکترای تکنولوژی آموزشی از دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

<sup>۲</sup>کارشناس امور پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

[Jamebozorgzahra@ymail.com](mailto:Jamebozorgzahra@ymail.com)

**مقدمه:** کامپیوتر و اینترنت امروزه در سیستم آموزش و یادگیری باعث به وجود آمدن مفهوی تحت عنوان آموزش الکترونیک شده است. یکی از ابزار های تالیف محتوا در سیستم آموزش الکترونیکی شبیه سازی ها هستند. کاربرد شبیه سازی ها در آموزش ، مبتنی بر نظریه های یادگیری تحت عنوان آموزش پیوندی ، شناخت موقعیتی و نظریه دو گانه می باشد. شبیه سازی ها توانایی ارتقاء مهارت هایی مانند خلاقیت و حل مساله را دارا هستند. در این تحقیق کاربرد شبیه سازی ها در آموزش الکترونیکی علوم پزشکی مورد بررسی قرار گرفت .

**روش ها:** روش اجرای پژوهش کیفی است. که از طریق تحلیل محتوای متنی و استقرایی انجام می شود. ابتدا پس از جمع آوری اطلاعات با بررسی نظریات و تئوری های موجود ، یک الگوی کلی در خصوص موضوع پژوهش مشخص شد. سپس ، نواقص کار درحین مصاحبه با اساتید و صاحب نظران بررسی و اقدام لازم جهت رفع نواقص در الگو اعمال می گردید. نوع نمونه گیری هدفمند و معیار آن اشباع نظری است.

**نتایج:** گرانلند(۲۰۰۱) از شبیه سازی مبتنی بر وب برای آموزش مدیریت خطر استفاده کرد. نتایج تحقیق او بیان می کند که این نوع از محیط یادگیری می تواند جهت توسعه محیط های نمونه برای آموزش و آزمایش با شبیه سازی و فعالیت های مبتنی بر وب در رشته هایی مانند علوم پزشکی کاربرد دارد. بلیک و اسکاتلون (۲۰۰۷) تحقیقی در خصوص کاربرد شبیه سازی در علوم مختلف انجام دادند. آن ها اظهار می کنند که اثر بخشی شبیه سازی بستگی به نحوه استفاده از آن دارد. وال و احمد(۲۰۰۸) نیز به استفاده از بازی های شبیه سازی برای انتقال یادگیری تلفیقی مادام العمر در علوم مختلف پرداخته است نتایج نشان داد بازی های شبیه سازی می توانند فرآیند یادگیری را ارتقاء بخشد . یکی از مزایای مهم رشد و توسعه شبیه سازی های مبتنی بر وب دسترسی سیستم های وب می باشد یادگیرندگان اغلب زمانی که در این محیط فعالیت می کنند، در گیرانجام وظایف شان می شوند در خواست انگیزشی و قابل دسترس بودن وب درحین یادگیری در انواع گوناگون آموزش اثر بخش است. شبیه سازی ها محیط تعاملی و پویایی را برای کسب تجربه یادگیری در اختیار یادگیرندگان قرار می دهد

**نتجه گیری:** شبیه سازی ها علاوه بر اینکه توانسته اند در آموزش های سنتی باعث کمک به فرآیند یادگیری شوند و قدرت حل مساله و خلاقیت یادگیرندگان را افزایش دهند، در محیط های الکترونیکی و نیز محی های تلفیقی نیز توانسته اند جای خود را باز کنند البته این امر متلزم انجام تحقیقات و بررسی های بیشتر می باشد تا ما با قاطعیت بیشتر بتوانیم بگوییم شبیه سازی ها می توانند در آموزش های الکترونیکی کارآمد هستند و هزینه های تولید را بر پایه نتایج اینچنین تحقیقاتی توجیه کنیم.

**واژه های کلیدی:** شبیه سازی ، آموزش الکترونیکی ، خلاقیت، حل مساله، نظریه های یادگیری

## سنجش نگرش و رضایتمندی دانشجویان از کتاب الکترونیکی انگل شناسی پزشکی

دکتر شهرام خادم وطن<sup>۱</sup>، حسن عبیدی\*<sup>۲</sup>، دکتر محمد ذوالعدل<sup>۳</sup>  
<sup>۱</sup>دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، دانشکده پزشکی گروه انگل شناسی  
<sup>۲\*</sup>دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، معاونت پژوهش و فناوری  
[abidihassan@yahoo.com](mailto:abidihassan@yahoo.com)

**مقدمه:** کتابهای الکترونیکی همراه از جمله منابع مفید کمک آموزشی هستند که فرآیند یادگیری را در هر زمان و مکان میسر می‌سازند؛ بعلاوه این فناوری با استفاده از شیوه‌های چندرسانه‌ای فرصت‌های ذی‌قیمتی را برای فراگیران مهیا می‌سازد. این پژوهش با هدف تولید کتاب الکترونیکی انگل شناسی پزشکی، ارزیابی کیفی و کمی آن، سنجش نگرش و رضایتمندی دانشجویان از آن، طی نیمسال اول سال تحصیلی ۹۱-۹۲ انجام شد.

**روش‌ها:** این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی و با شرکت ۴۳ نفر از دانشجویان پزشکی ترم سوم دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز انجام گردید. در ابتدا با استفاده از نرم‌افزار کتاب‌ساز ویژه تلفن همراه، کتاب الکترونیکی انگل شناسی به فرمت java ساخته شد و با ارائه توضیحات مبسوط و کاربردی در اختیار دانشجویان علاقمند قرار گرفت. پس از برگزاری آزمون پایان ترم با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، پارامترهای کمی و کیفی آن از دیدگاه دانشجویان مورد ارزیابی قرار گرفت. روایی پرسشنامه با روش اعتبار محتوا و پایایی آن با روش Cronbach's alpha تعیین شد ( $\alpha=0/91$ ). داده‌های خام با استفاده از نرم‌افزار SPSS 18 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** ۴۵/۷ درصد از دانشجویان، محتوای مورد استفاده برای تهیه مطالب کتاب الکترونیکی همراه را متن سخنرانی استاد دانسته‌اند. ۵۲/۴ درصد از دانشجویان در خصوص تهیه و عرضه کتاب الکترونیکی همراه برای سایر دروس اعلام رضایت نموده و در مورد مفید بودن این وسیله در یادآوری مفاهیم مطالب درسی (۴۵/۲ درصد)، ایجاد نوآوری و خلاقیت در شیوه ارائه مطالب درسی با این وسیله (۴۱/۹ درصد)، تاثیر زمان در اختیار قرار دادن این وسیله (۴۳/۹ درصد) گزینه بسیار زیاد و زیاد را انتخاب نمودند.

**نتیجه‌گیری:** کتاب الکترونیکی انگل شناسی پزشکی ابزاری مفید و کاربردی برای مرور مطالب درسی در هر زمان و مکان می‌باشد. با توجه به جذابیت بالا و فراگیر شدن این فناوری در ابعاد مختلف، توصیه می‌گردد برای سایر دروس علوم پایه و بالینی (ترجیحاً سازگار با فرمت‌های جدیدتر از جمله سیستم عامل آندروید) تهیه و در ابتدای ترم تحصیلی در اختیار دانشجویان قرار گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** کتاب الکترونیکی همراه، انگل شناسی پزشکی.



## آموزش راند بالینی به دستیاران با مدل تلفیقی ایفای نقش و مدیریت گروه‌های کوچک

زهرا کریمیان\*، جواد کجوری، میترا امینی، محمدرضا دهقانی

\*مرکز توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

Email: Karimian\_z@yahoo.com

**مقدمه:** راند بالینی از مهمترین شیوه‌های آموزش رشته پزشکی است. دستیاران، منابع ارزشمندی در فضاهای آموزشی هستند که در تصمیم‌گیری‌های بالینی نقش داشته و به واسطه ارتباط مستقیم آنها با دانشجویان سطوح پایین تر می‌توانند کاربردی ترین نکات بالینی را به آنها آموزش دهند. تحقیق حاضر با هدف بررسی دانش و نگرش دستیاران بالینی درمورد آموزش راند بالینی با استفاده از مدل تلفیقی ایفای نقش و مدیریت گروه‌های کوچک انجام شده است.

**روش‌ها:** شیوه تحقیق اقدام پژوهی و بر روی دستیاران ورودی مهرماه ۱۳۹۱ انجام پذیرفت. آموزش راند بالینی به روش کارگاهی، با رویکرد مشارکتی دستیاران در گروه‌های کوچک طراحی گردید. در گام اول مطالبی در مورد اهمیت نقش الگویی پزشکان در محیط‌های بالینی، نقش آموزشی و الگویی دستیاران و تاثیرات آن بر شکل‌دهی رفتارهای دانشجویان به صورت سخنرانی کوتاه ارائه گردید. سپس دستیاران که به‌طور متوسط ۳۵ تا ۴۰ نفر در هر کارگاه آموزشی بودند به سه گروه تقسیم شدند و سه سناریو به هر گروه داده شد. در گروه اول دستیاران باید یک سناریو طراحی می‌نمودند که در آن به اهمیت نگرش در ایجاد رفتار بپردازد و با استفاده از ایفای نقش در گروه بزرگ برای کل کلاس برگزار نمایند. در گروه دوم آموزش به روش دانه‌برفی و بحث در گروه‌های کوچک انجام شد و در گروه سوم از روش طوفان مغزی استفاده شد. سناریو ها توسط ۵ نفر از متخصصین آموزش پزشکی بررسی شد. در پایان با استفاده از پرسشنامه نظر سنجی در مقیاس لیکرت (یک تا پنج) میزان تاثیر دوره مورد بررسی قرار گرفت و داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل شد.

**نتایج:** نتایج نشان داد آموزش به شیوه مشارکتی و «نقادانه» در جلب توجه شرکت کنندگان به موضوع Model Role و به تصویر کشیدن رفتارهای الگویی مثبت و منفی و تاثیر آن در یادگیری و تغییر نگرش دستیاران موثرتر بوده است. اگرچه از محتوای دو کار گروهی طوفان مغزی و روش بحث دانه برفی نیز مولفه‌های جالبی بدست آمد اما تاثیر روش ایفای نقش در تفکر انتقادی بیشتر بود. دستیاران معتقد بودند آموزش به شیوه ایفای نقش و بحث در گروه‌های کوچک در افزایش شناخت آنها از راندهای بالینی صحیح (۴/۱۰)، توانایی خودانتقادی (۳/۹۵)، شناخت الگوهای صحیح (۳/۹۲)، و توان نقد و تحلیل (۳/۵) تاثیر مثبت داشته است.

**نتیجه‌گیری:** به نظر می‌رسد برگزاری دوره‌های آموزشی به شیوه فعال و مشارکتی تاثیر بیشتری در یادگیری دستیاران داشته و روش ایفای نقش سهم بیشتری در تعیین الگوهای رفتاری و تحلیل رفتارهای صحیح در راندهای بالینی داشته است.

**واژه‌های کلیدی:** راند بالینی، دستیاران، مدل تلفیقی، ایفای نقش

## سبک‌های یادگیری دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

دکتر ثریا زحمت‌کش، دکتر کامران میرزایی\*، قمر بهرامپور

Email: [kamran.mirzaei@yahoo.com](mailto:kamran.mirzaei@yahoo.com)

مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

**مقدمه:** سبک یادگیری یک رفتار عادت‌ی و متمایز برای کسب دانش، مهارت‌ها یا نگرش‌ها از طریق مطالعه یا تجربه می‌باشد و به عنوان شیوه‌ای است که فراگیران در یادگیری مطالب درسی خود به‌سایر شیوه‌ها ترجیح می‌دهند. با مشخص کردن سبک یادگیری دانشجویان می‌توان دانشجویان را در انتخاب روش یادگیری مؤثرتر کمک نمود و به طراحان آموزشی و مدرسین کمک نمود تا با اتخاذ روش‌های متناسب آموزشی، یادگیری دانشجویان را تسهیل نمایند. این مطالعه با هدف تعیین سبک‌های یادگیری در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر انجام شد.

**روش‌ها:** این مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی بوده و نمونه پژوهش، دانشجویان پزشکی ورودی سال تحصیلی ۱۳۸۹ شرکت‌کننده در کارگاه روش‌های مطالعه مؤثر بودند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه سبک‌های یادگیری کلب است که سبک‌های یادگیری دانشجویان را به چهار سبک یادگیری همگرا، واگرا، انطباق‌یابنده و جذب‌کننده تقسیم می‌نماید. نتایج با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** سبک یادگیری ترجیحی در میان دانشجویان شرکت‌کننده در این مطالعه به ترتیب الویت هم‌گرا ۴/۴۸٪، جذب‌کننده ۵/۳۸٪، انطباق‌یابنده ۶/۸٪ و واگرا ۵/۴٪ بود. بین سبک یادگیری دانشجویان و جنسیت آنان، سن سهمیه‌مورد پذیرش در دانشگاه و معدل ترم‌های تحصیلی گذشته رابطه معنی‌داری مشاهده نشد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش پیشنهاد می‌گردد که از محیط‌های یادگیری متناسب با سبک یادگیری دانشجویان جهت تدریس و آموزش آنها استفاده شود تا امر یادگیری بهتر و بیشتر تسهیل گردد.

**واژه‌های کلیدی:** سبک یادگیری، دانشجویان پزشکی، پرسشنامه کلب، پیشرفت تحصیلی

## تاثیر طراحی و اجرای لاگ بوک بر میزان رضایت مندی دانشجویان از نحوه ی ارزشیابی و یادگیری آنان در کارورزی اعصاب و روان

خانم مریم عزیزی<sup>۱\*</sup> خانم فریال خمسه ، دکتر محمد براتی

<sup>\*</sup>دانشجو دانشگاه علوم پزشکی ارتش

**m.azizi\_411@yahoo.com**

<sup>۲</sup>مربی دانشگاه علوم پزشکی بقیه

<sup>۳</sup>مربی دانشگاه ارتش

**مقدمه:** روش های ارزشیابی مختلفی برای مهارتهای بالینی معرفی شده است. در واحدهای بالینی، استفاده از چکلیست و دفترچه ثبت مهارت های عملکردی رایج است. با توجه به عدم ثبات ابزارهای به کار گرفته شده از سالی به سال دیگر و از دوره ای به دوره دیگر و ناهماهنگی در فرآیند ارزشیابی به وسیله مربیان بالینی و عدم وجود چارچوبی مناسب برای نشان دادن پیشرفت دانشجویان، و نیز عدم رضایت ۷۷٪ درصدی دانشجویان از روش های ارزشیابی موجود محقق بر آن شد تا روشی جدید برای دانشجویان طراحی کند و به منظور کارایی بیشتر آن را با روش قدیمی مقایسه کند تا با آنالیز داده ها روشی منسجم و قابل قبول برای دانشجویان ارائه نماید.

**روش ها:** در مطالعه ای پیش تجربی در دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ارتش در سال ۱۳۹۱ طی دو ترم تحصیلی و با دو ابزار جداگانه (ابتدا با روش چک لیست و سپس با روش لاگ بوک) بر روی یک گروه از دانشجویان پرستاری (۲۱ نفر) که کارورزی اعصاب و روان داشتند، اجرا شد، سپس میزان رضایت مندی دانشجویان از دو روش مقایسه شد.

**نتایج:** میانگین و انحراف معیار نمرات کسب شده در روش دفترچه ثبت مهارت های بالینی  $16/33 \pm 77$  بود که اختلاف معنی دار آماری داشت. رضایت مندی دانشجویان از نحوه ی ارزشیابی به روش دفترچه ثبت مهارت های بالینی نسبت به روش چک لیست پایینتر بود ولی میزان رضایت دانشجویان از یادگیری به روش لاگ بوک بیشتر بود.

**نتیجه گیری:** استفاده از دفترچه ثبت مهارت های بالینی برای کارورزی اعصاب و روان با رضایت بیشتر دانشجویان پرستاری در یادگیری همراه بود و ارزشیابی عینی تری را فراهم می ساخت. به هر حال، بکارگیری آن نیاز به انجام اصلاحات و مطالعات وسیعتر در سایر مراکز آموزشی دارد.

**واژه های کلیدی:** ارزشیابی، کارورزی، لاگ بوک، دانشجو، پرستاری، اعصاب و روان، دفترچه ثبت مهارت بالینی  
پرستاران بزرگترین گروه کارکنان ارائه دهنده خدمات سلامت را تشکیل می دهند که می توانند تأثیر مستقیم بر وضعیت سلامتی بیماران داشته باشند. این در صورتی امکان پذیر است که مهارت بالینی همراه با بینش لازم برای انجام مراقبت های مورد نیاز را دارا باشند (۱).

## سبک یادگیری دانشجویان پزشکی چیست؟

رضا پورعلی\*<sup>۱</sup>، دکتر عابدین وکیلی<sup>۲</sup>، محسن پورعزیزی<sup>۳</sup>، سیما بهزادفر<sup>۴</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، کمیته تحقیقات دانشجویی

[pourali.ir@gmail.com](mailto:pourali.ir@gmail.com)

<sup>۲</sup> دانشیار فیزیولوژی، بخش فیزیولوژی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی سمنان

<sup>۳</sup> دانشجوی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، کمیته تحقیقات دانشجویی

**مقدمه:** آگاهی از نوع سبک یادگیری دانشجویان میتواند روشهای آموزشی را متناسب با سبک یادگیری دانشجویان تغییر داده و موجب بازده آموزشی بالاتر شود. هدف از این مطالعه بررسی سبک های یادگیری دانشجویان پزشکی با استفاده از متغیرهای مختلف، در جهت بهبود و ارتقاء کیفیت آموزشی می باشد.

**روش ها:** در این مطالعه توصیفی مقطعی، دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی سمنان در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ به روش سرشماری مورد بررسی قرار گرفتند. جهت ارزیابی سبک های یادگیری از پرسش نامه استاندارد وارک که روایی و پایایی آن به اثبات رسیده است، استفاده شد. داده های جمع آوری شده بر اساس راهنمای پرسش نامه در نرم افزار SPSS 17 با سطح معنی داری ۰/۰۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** در این مطالعه ۱۲۵ نفر شرکت داشتند که در مجموع ۵۹/۲٪ نمونه های مورد بررسی دختر و ۴۰/۸٪ پسر، ۴۸/۴٪ در سال اول تحصیل (ترم اول و دوم) و ۵۶٪ با معدل بالای ۱۶ وجود داشتند. ۸۴٪ دانشجویان فقط از یک سبک یادگیری (Unimodal) و مابقی استفاده از چند سبک یادگیری را ترجیح می دادند. سبک شنیداری (Auditory) بیش تر از سایر سبک ها مورد ترجیح دانشجویان قرار داشت. پس از آن و به ترتیب سبک های نوشتنی-خواندنی (Read/Write)، حرکتی (Kinesthetic) و دیداری (Visual) قرار داشت. ارتباط معنی داری بین سبک یادگیری با جنس، مقطع تحصیلی و معدل دانشجویان مشاهده نشد ( $P > 0/05$ ).

**نتیجه گیری:** نتایج مطالعه نشان داد، سبک شنیداری سبک غالب یادگیری دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه در دانشگاه علوم پزشکی سمنان است. لذا پیشنهاد می شود جهت ارتقاء کیفیت آموزش و افزایش یادگیری دانشجویان پزشکی مدیریت آموزشی و اساتید به سبک های غالب یادگیری دانشجویان توجه نمایند.

**واژه های کلیدی:** سبک یادگیری، وارک، دانشجو، دانشکده پزشکی

## بررسی میزان یادگیری و رضایت دانشجویان علوم پزشکی در استفاده از روش های آموزش تلفیقی

سید مصطفی محسنی زاده<sup>۱\*</sup>، علی دشتگرد<sup>۲</sup>، هدی صالحی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> مربی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دانشکده پرستاری و مامایی قاین

Email: MohsenizadehM@bums.ac.ir

<sup>۲</sup> مربی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دانشکده پرستاری و مامایی قاین

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

**مقدمه:** نظام آموزشی مجموعه‌ای از برنامه‌ها، روش‌ها و موادی است که به طور هماهنگ، دستیابی یادگیرندگان را به اهداف آموزشی خاص تسهیل می‌کند. با توجه به اینکه هر یک از مراحل کسب دانش، نوع خاصی از یادگیری یا رویکرد خاصی را ایجاب می‌کند، شاید بتوان با استفاده از روش‌های یادگیری تلفیقی، باعث تسهیل دستیابی دانشجویان به اهداف یادگیری و افزایش رضایت آنان شد. هدف این مطالعه بررسی میزان یادگیری و رضایت دانشجویان پرستاری و اتاق عمل در استفاده از تلفیق روش‌های همیاری با یادگیری در حد تسلط در آموزش آنان بوده است.

**روش‌ها:** در مطالعه‌ای شبه تجربی به صورت دو گروهی قبل و بعد از آموزش، ۶۰ دانشجوی پرستاری و اتاق عمل انتخاب شدند. دانشجویان به صورت تصادفی به دو گروه آزمون و شاهد تقسیم و با روش‌های آموزش تلفیقی و سنتی، آموزش داده شدند. قبل و بعد از آموزش در هر جلسه از آزمون‌های پیشرفت تحصیلی استفاده گردید که یادگیری دانشجویان را در زمینه مباحث تدریس شده مورد ارزشیابی قرار می‌داد. در انتهای آموزش نیز پرسشنامه‌ی سنجش رضایت از روش تدریس، در اختیار دانشجویان قرار داده شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های t، ویلکاکسون، من‌ویتنی و دقیق فیشر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** علیرغم بیشتر بودن میانگین نمرات دانشجویان در گروه آزمون، هر دو روش آموزشی باعث ارتقای یادگیری دانشجویان شده بودند. اختلاف میانگین‌ها قبل و بعد از آموزش دو گروه در تمامی سطوح از نظر آماری تفاوت معنی‌دار داشت ( $P < 0.05$ ). همچنین مقایسه میانگین نمرات رضایت در دو گروه، نشان‌دهنده رضایت بالای دانشجویان گروه آزمون نسبت به گروه شاهد بود ( $P = 0/000$ ).

**نتیجه‌گیری:** نتایج مطالعه و همچنین نتایج نظرسنجی از دانشجویان نشان داد که روش آموزش تلفیقی، در مقایسه با روش سنتی، بر یادگیری و رضایت دانشجویان مؤثرتر بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش تلفیقی، یادگیری همیاری، یادگیری در حدتسلط، دانشجویان پرستاری و اتاق عمل، آموزش پرستاری

## تهیه‌ی مواد کمک آموزشی درس اصول اپیدمیولوژی

اکرم حیدری

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی قم

[heidari@muq.ac.ir](mailto:heidari@muq.ac.ir)

**مقدمه:** استفاده از وسایل و مواد کمک آموزشی جهت تسهیل یادگیری از ارکان مهم محسوب می‌گردد. محدودیت این مواد در دروس نظری رشته پزشکی به طور چشمگیری خود را نشان می‌دهد. دانشجویان که جامعه هدف استفاده از این مواد می‌باشند، یکی از گروه‌هایی هستند که می‌توانند در مورد تهیه مواد کمک آموزشی نقش به‌سزایی ایفا نمایند. هدف این پژوهش تهیه مواد کمک آموزشی برای درس اصول اپیدمیولوژی و مبارزه با بیماری‌ها توسط دانشجویان پزشکی بود.

**روش‌ها:** این تحقیق با مشارکت ۲۳ نفر از دانشجویان سال دوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم در مورد درس اصول اپیدمیولوژی و مبارزه با بیماری‌ها اجرا گردید. دانشجویان در اولین جلسه درس در خصوص طرح توجیه شدند و دانشجویان مسئول مباحث مشخص گردیدند. در هر جلسه استاد مربوطه محتوای درسی را با استفاده از روش‌های موجود ارائه می‌نمود و دانشجوی مسئول آن موضوع، یک هفته فرصت داشت تا مواد کمک آموزشی خود را تهیه نموده و در جلسه بعد ارائه نماید.

**نتایج:** مواد کمک آموزشی تهیه شده توسط دانشجویان عبارت بودند از: تهیه پمفلت‌های رنگی و سیاه و سفید، انیمیشن، طرح سوال در قالب جداول رمزار و بدون رمز، فیلم، تهیه خلاصه مطالب، تهیه نمودار درختی، نقاشی، استفاده از آمارهای منطقه‌ای، تهیه و نمایش واکسن‌ها، تهیه الگوریتم، طرح سوال در پاکت‌های دارای تشویقی و...

**نتیجه‌گیری:** جهت ارائه‌ی جذاب‌تر و تعمیق و تسهیل یادگیری درس اصول اپیدمیولوژی و مبارزه با بیماری‌ها می‌توان از مواد کمک آموزشی استفاده نمود که توسط دانشجویان تهیه و ارائه شوند.

**واژه‌های کلیدی:** مواد کمک آموزشی، اصول اپیدمیولوژی، پزشکی، دانشجو

## بررسی میزان آشنایی و استفاده از برنامه های دستیار شخصی دیجیتال و Uptodate در بین دستیاران، کارورزان و کارآموزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی

کرمان ۱۳۹۱

روشنک محمدی\*<sup>۱</sup>، سعید اسماعیلیان<sup>۲</sup>

\*کمیته مشورتی دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمان

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کرمان

**مقدمه:** در سال های اخیر استفاده از منابع اطلاعاتی الکترونیک بخصوص UpToDate و برنامه های دستیار شخصی دیجیتال شامل نرم افزار های پزشکی که بر روی لپتاپ و گوشی های موبایل به دلیل داشتن قابلیت های چندگانه رشد زیادی دارد. بررسی میزان استفاده و مفیدبودن این منابع در میان دانشجویان پزشکی و دستیاران به عنوان تامین کنندگان آینده سلامت ضروری به نظر میرسد.

**روش ها:** مطالعه ی ما یک مطالعه مقطعی می باشد که در بین ۶۸ دستیار، ۷۵ کارورز و ۸۶ کارآموز پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمان ۱۳۹۱ به وسیله ی پرسشنامه پژوهشگر ساخته ۲۵ سوالی که روایی و پایایی آن قبل از شروع مطالعه سنجیده شده بود و به صورت سرشماری وارد مطالعه شدند و افرادی که رضایت جهت شرکت در مطالعه رضایت نداشتند و یا پرسشنامه خود را نا تمام تکمیل نمودند و میهمان دانشگاه بوده از مطالعه ما خارج شدند میزان مفید بودن این منابع، میزان در دسترس بودن و آسان بودن این منابع، مشکلات، علت رجوع به این منابع و ومتغیر های دموگرافیک سنجیده شد.

**نتایج:** از میان ۲۲۹ دانشجو و دستیار مشغول به تحصیل در دانشکده پزشکی ۱۹۶ (۸۵٫۶٪) در مطالعه ی ما شرکت نمودند. در این بین تنها ۲۵ نفر (۱۲٫۷٪) از شرکت کنندگان از منابع دستیار شخصی دیجیتال استفاده مینمودند که دستیاران (۵۲٪) بیشترین استفاده را از بین شرکت کنندگان را دارا بودند. از میان کسانی که با این منابع آشنایی داشتند ۲۲ نفر (۸۸٪) این منابع را مفید می دانستند و بیشترین علت رجوع را استفاده از اطلاعات دارویی (۸۹٪)، استفاده از گاید لاین ها (۷۹٫۳٪) و استفاده از ماشین حساب های پزشکی (۴۶٫۷٪) را شامل میشد. بیشترین مشکلات مانع از استفاده از این منابع ترس از خراب شدن وسیله، ترجیح به استفاده از رایانه رو میزی و کتاب و هزینه های بالای تامین این منابع بود. میانگین استفاده از این منابع  $17 \pm 4$  مرتبه در ماه بود. تعداد ۵۷ نفر (۲۹٪) با منبع UpToDate آشنایی داشتند که تنها ۱۷ نفر از این منبع تنها به صورت دستیار شخصی دیجیتال استفاده می کردند و بقیه افراد از این منبع استفاده نمیکرد. مهمترین مشکلات استفاده از این نرم افزار عدم امکان دستیابی به UpToDate و کم بودن آشنایی با زبان انگلیسی بود. میانگین استفاده از این منبع  $8 \pm 4$  مرتبه در ماه بود. بیشترین استفاده کنندگان دستیاران (۶۱٪) بودند.

**نتیجه گیری:** هرچند استفاده از منابع دستیار شخصی دیجیتال و UpToDate بسیار مفید بوده در کاهش اشتباهات پزشکی و آموزش ارائه کنندگان سلامت نقش مهمی دارد. اما میزان آشنایی دانشجویان پزشکی بسیار کم بوده و نیاز دارد نسبت به برگزاری کارگاه ها یا پمفلت های آموزشی جهت آشنایی و در اختیار گذاشتن امکانات لازم جهت استفاده از این منابع به دانشجویان بر نامه ریزی های لازم را بنماید.

**واژه های کلیدی:** دستیار شخصی دیجیتال، UpToDate، دستیاران، دانشجویان پزشکی،

## شیوه‌های مدیریت کلاس اساتید از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال تحصیلی ۹۰-۹۱

یحیی محمدی\*، سیما کاظمی، بتول اقبالی، هاشم هوشیار، غلامرضا فعال  
y\_mohammady\_29@yahoo.com

**مقدمه:** مدیریت کارا در کلاس درس، بخش مهمی از فرایند تعلیم و تربیت است و کل نظام یاددهی و یادگیری را فرا می‌گیرد و روند آموختن را تسهیل می‌کند. این مطالعه با هدف بررسی وضعیت شیوه‌های مدیریت کلاس اساتید از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی انجام گرفت.

**روش‌ها:** این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و مقطعی بود. جامعه، تمام دانشجویان مشغول به تحصیل در نیمسال دوم ۹۰-۹۱ بودند، که با توجه به جدول کرجسی و مورگان ۲۸۳ نفر با روش نمونه‌گیری غیر احتمالی به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته سبک‌های مدیریت کلاس با ۳۰ سوال پنج‌گزینه‌ای که ۳ نوع سبک مدیریتی را می‌سنجد، استفاده شد. داده‌ها بوسیله نرم افزار آماری SPSS16 و با استفاده از آزمون‌های تی مستقل و آنالیز واریانس یکطرفه در سطح معنی‌داری  $p < 0/05$  تجزیه و تحلیل شدند.

**نتایج:** ۱۷۹ نفر (۶۳/۳٪) دانشجویان دختر و ۱۰۴ نفر (۳۶/۷٪) پسر بودند. نتایج نشان داد که اساتید به ترتیب از سبک مدیریت کلاس (مستبد، مقتدر، و آسان‌گیر) استفاده می‌کنند. بین سبک مدیریت کلاس اساتید از دیدگاه دانشجویان بر اساس جنس و رشته تحصیلی تفاوت معنی‌داری وجود داشت.

**نتیجه‌گیری:** اساتید باید آگاه باشند که هر درسی دارای روش تدریس خاص و دارای سبک مدیریت خاص است و باید ابتدا رابطه مثبت، حمایت‌کننده و قابل اعتماد با دانشجویان برقرار کنند.

**واژه‌های کلیدی:** دانشجویان، کلاس، سبک مدیریت کلاس



## بررسی عوامل موثر انگیزش یادگیری دانشجویان دندانپزشکی

دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان (۱۳۹۰)

حمید بخشی<sup>۱\*</sup>، دکتر زینب کاظمی زاده<sup>۲</sup>، فواد ایرانمنش<sup>۳</sup>، الهام رئیسی استبرق<sup>۴</sup>

<sup>۱\*</sup> مربی عضو هیات علمی گروه توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رئیس مرکز مطالعات و

توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه [bakhshi\\_hamid@yahoo.com](mailto:bakhshi_hamid@yahoo.com)

<sup>۲</sup> استادیار عضو هیات علمی گروه ترمیمی دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی

رفسنجان [hamid2341@gmail.com](mailto:hamid2341@gmail.com)

<sup>۳</sup> استادیار عضو هیات علمی گروه ترمیمی دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان

[foad.iranmenesh@yahoo.com](mailto:foad.iranmenesh@yahoo.com)

<sup>۴</sup> دندانپزشک عمومی، دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان [elham8800@yahoo.com](mailto:elham8800@yahoo.com)

**مقدمه:** پیشرفت تحصیلی دانشجویان دندانپزشکی، به رغم استعداد ذاتی و دستاوردهای تحصیلی قابل توجه، تحت الشعاع انگیزش یادگیری قرار می گیرد. این مطالعه با هدف بررسی عوامل موثر در ایجاد انگیزش یادگیری دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ طراحی و اجرا شده است.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی مقطعی ۱۲۰ نفر از دانشجویان دندانپزشکی پرسشنامه انگیزش یادگیری را تکمیل نمودند. این ابزار دارای ۳۳ سوال در دو گروه انگیزش درونی و بیرونی و خرده مقیاس‌های آن‌ها می‌باشد. متغیرهای پیشرفت تحصیلی، جنس، وضعیت سکونت و تاهل نیز بررسی شد. داده‌ها در نرم‌افزار آماری SPSS17 ثبت شدند، داده‌ها با استفاده از آزمون‌های توصیفی و تحلیلی (T.TEST و ANOVA و ضریب همبستگی پیرسون) تجزیه و تحلیل شدند.

**نتایج:** نمره انگیزش درونی و بیرونی دانشجویان از کل نمره ۵،  $2/98 \pm 0/32$  بود. نمره‌ی انگیزش درونی ( $3/86 \pm 0/48$ ) و انگیزش بیرونی ( $2/82 \pm 0/44$ ) تفاوت آماری مشخصی را نشان می‌دهند ( $p < 0.05$ ). همبستگی بین پیشرفت تحصیلی و ابعاد انگیزش یادگیری (درونی، بیرونی) و خرده مقیاس‌های انگیزش بیرونی بسیار ضعیف و معنی دار نبود. نمره کل انگیزش درونی و بیرونی در دانشجویان مذکر و غیر بومی بیشتر بود.

**نتیجه‌گیری:** انگیزه‌ی تحصیلی دانشجویان دندانپزشکی رفسنجان در سطح متوسط است. انگیزه‌های درونی برای یادگیری در دانشجویان پسر بیشتر از انگیزه‌های بیرونی است.

**واژه‌های کلیدی:** انگیزش درونی، انگیزش بیرونی، دانشجویان دندانپزشکی، رفسنجان.

## تعیین فراوانی و علل استفاده دانشجویان از کتب کمک آموزشی در جهت آمادگی برای آزمون پیش کارورزی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دکتر افشین برهانی حقیقی\*، دکتر میترا امینی، سمانه یوسفی، رسول صفری، پریسا نبیئی

\*مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی شیراز

Email: samane.yousefi@gmail.com

**مقدمه:** آزمون های جامع علوم پایه، پیش کارورزی و دستیاری از مراحل مهم تحصیل و ارتقاء سطح علمی دانشجویان پزشکی به شمار می روند و آمادگی برای این آزمون ها بخش عمده ای از دانش پزشکی دانشجویان را رقم خواهد زد. شواهد حاصل از بررسی نتایج آزمون های گذشته و صحبت با دانشجویانی که در این آزمون ها شرکت نموده اند، نشانگر آن است که دانشجویان پزشکی، اغلب جهت آماده سازی خود در این آزمون ها از کتب کمک آموزشی به جای منابع وزارتی استفاده می کنند. با بررسی این موضوع در دانشجویان پزشکی، می توان تدابیری را جهت یکسان سازی منابع مطالعاتی دانشجویان در دانشگاه، اتخاذ نمود و از بروز مشکلات احتمالی ناشی از سردرگمی دانشجویان از مطالعه منابع مختلف آزمون، جلوگیری نمود. لذا هدف اصلی این پژوهش، اتخاذ تدابیری از سوی مسئولین در راستای یکسان سازی منابع مطالعاتی دانشجویان پزشکی در امتحانات بالینی می باشد.

**روش ها:** این مطالعه به صورت مقطعی و از نوع توصیفی - تحلیلی می باشد. جمع آوری اطلاعات به روش سرشماری و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته ای که روایی محتوایی آن توسط اساتید دانشگاه تایید شده است، انجام می شود و جامعه مورد مطالعه را کلیه شرکت کنندگان در آزمون پیش کارورزی شهریور ماه ۱۳۹۱ علوم پزشکی شیراز تشکیل می دهد. تجزیه و تحلیل داده ها نیز، با استفاده از نرم افزار آماری SPSS 16 انجام گرفته است.

**نتایج:** در این پژوهش ۶۱ نفر از دانشجویان سال پنجم پزشکی شرکت داشتند و نتایج حاکی از آن بود که اکثریت دانشجویان جهت آمادگی در آزمون از کتابهای کمک آموزشی استفاده می کنند و همچنین آنان عمده ترین دلایلشان را در استفاده از کتب کمک آموزشی، یادگیری بهتر مطالب و امکان چندین بار مطالعه آن ها و نیز ارزانتر و در دسترس تر بودن این کتب می دانستند.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج بدست آمده و نگاهی به منابع مطالعاتی دانشجویان پزشکی دیگر دانشگاه های معتبر جهان به نظر می رسد که با یکسان سازی منابع مطالعاتی دانشجویان پزشکی کشورمان می توان گام مهمی را در راستای ارتقاء کیفیت آموزش پزشکان و متعاقباً بالا بردن کیفیت مراقبت و درمان بیماران برداشت. قابل ذکر است که این مهم توجه ویژه مسئولین مرتبط را می طلبد و ما امیدواریم که با این بررسی توانسته باشیم گامی مؤثر در جهت بازنگری و بررسی بیشتر برداشته باشیم و انشاءالله به ماحصل آن که تدوین کتبی حاوی مطالب اصلی آزمون های بالینی است، نائل آییم.

**واژه های کلیدی:** یکسان سازی، منابع وزارتی و آزمون پیش کارورزی.

## نقش استاد در تربیت دانشجویان

رجبعلی حکم آبادی

کارشناسی ارشد بهداشت حرفه ای، مربی هیئت علمی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی خراسان

شمالی، بجنورد، ایران

**Email: [abi.hse2006@gmail.com](mailto:abi.hse2006@gmail.com)**

**مقدمه:** در محیط های آموزشی، افراد زیادی مشغول به کار هستند، رفتار و فعالیت های آنها به طور مستقیم یا غیر مستقیم در تربیت دانشجویان مؤثر است، اما در این میان، نقش اساتید دانشگاه ها از سایر افراد بسیار برجسته تر می نماید، چنان که بیشتر اوقات، دانشجویان در دانشگاه زیر نظر آنها سپری می شود و عوامل دیگر هم فراهم آورنده زمینه برای فعالیت اساتید می باشد، از این رو بسیاری از دانش آموختگان نظام آموزشی سنتی و جدید شکل گیری شخصیت خود را مرهون اساتید خود می دانند لذا هدف از این مطالعه، نقش استاد در تربیت دانشجویان می باشد.

**روش ها:** این مطالعه به روش مروری کتابخانه ای در مقالات و سایت های معتبر انجام شده است.

**نتایج:** استاد با روح و جان دانشجو سروکار دارد و به همین جهت به عنوان یک اسوه محبوب پذیرفته می شود. دانشجویان از اخلاق و رفتار استاد، نحوه اداره کلاس، رعایت عدالت در نمره دادن، وقت شناسی و رعایت نظم، دلسوزی و مهربانی، خوشرویی و فروتنی، دینداری و التزام به ضوابط شرعی، خوش اخلاقی و ادب، خیر خواهی و نوع دوستی استاد درس ها می آموزند. همچنین از اخلاق و رفتار و کردار او متأثر می شوند و خود را با او همسان می سازند. لذا، استاد نه تنها یک آموزگار نیست، بلکه مهم تر از آن، یک مربی و یک الگوی با نفوذ است.

**نتیجه گیری:** استاد باید به این مسئولیت سنگین و ارزشمند و میزان و مقدار نفوذش در دانشجویان خوب بیندیشد و با اصلاح اخلاق و رفتار خویش بهترین الگوها را در اختیار دانشجویان قرار دهند.

**واژه های کلیدی:** نقش، استاد، تربیت، دانشجو

## دیدگاه دانشجویان در بکارگیری سیستم یادگیری به کمک همتایان در آموزش

### دروس نظری

دکتر ثریا زحمت کش\*، دکتر کامران میرزایی، آزاده عازمیان

مربی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی بوشهر

zahmatkeshs2004@yahoo.com

**مقدمه:** امروزه روش های سنتی آموزش به تنهایی پاسخ گوی حرکت سریع علم و دانش و نیازهای آموزشی فراگیران نبوده و نیاز به بکارگیری روش های نوین آموزشی تعاملی با هدف ارتقا سطح دانش و مهارتهای فراگیران دوجندان شده است. سیستم یادگیری به کمک همتایان (Peer Assisted Learning) یکی از روشهای نوین آموزشی است که در آن دانشجویان در نقش

استاد و یا کمک کننده به اساتید ظاهر شده و یادگیری سایر دانشجویان را تسریع می نمایند. هدف از این مطالعه، بررسی دیدگاه دانشجویان در خصوص مزایای بالقوه سیستم یادگیری به کمک همتایان بود.

**روش ها:** در این مطالعه مقطعی، (۴۸ نفر) دانشجویان پزشکی ورودی ۱۳۹۰ اخذ کننده درس دو واحدی بهداشت یک شرکت داده شدند. در ابتدای ترم پس از ارائه طرح درس و بیان اهداف آموزشی درس، سرفصلهای آموزشی تعیین و از دانشجویان داوطلب خواسته شد تا در فرآیند آموزش درس فوق شرکت کنند. سپس پیش از هر جلسه، دانشجویان محتوای آموزشی طراحی شده خود را ارائه و پس از رفع نواقص، با استفاده از مدیاهای مختلف و بکارگیری روش های آموزشی مختلف به انتخاب دانشجویان، مطالب درسی توسط دانشجویان ارائه شد. در پایان ترم دیدگاه دانشجویان در خصوص مزایای بالقوه سیستم یادگیری به کمک همتایان با استفاده از پرسشنامه با استفاده از مقیاس لیکرت ۵ گزینه ای جمع آوری شد.

**نتایج:** بیش از سه چهارم دانشجویان معتقد بودند این روش منجر به داشتن یک تجربه آموزشی لذت بخش (۷۹/۲٪)، گسترش اطلاعات دانشجویان (۷۷/۰٪)، استفاده از توانایی دانشجویان (۸۵/۴٪)، تقویت اعتماد به نفس دانشجویان (۸۱/۲٪)، حمایت روانی بیشتر از دانشجویان (۷۵/۰٪)، تقویت همدلی بین دانشجویان (۸۱/۲٪)، تقویت مهارت مدیریتی دانشجویان (۸۱/۲٪)، تقویت مهارت تدریس دانشجویان (۸۹/۶٪)، تقویت مهارت ارتباطی دانشجویان (۸۹/۶٪)، یادگیری فعال تر و مشارکتی (۷۹/۲٪)، افزایش عمق یادگیری (۸۱/۲٪)، تقویت انگیزه یادگیری (۷۹/۲٪)، ارائه بازخورد به موقع و مناسب (۷۷/۱٪)، تقویت یادگیری نظری (۸۱/۲٪) و اشتراک بهتر ایده های درسی (۸۱/۲٪) می شود. بین نگرش دانشجویان و تمایل به شرکت در روش فوق و نیز نمره اخذ شده در پایان درس ارتباط معنی داری مشاهده شد ( $P < 0.05$ ).

**نتیجه گیری:** نتایج مطالعه حاضر نشان می دهد که دانشجویان رشته پزشکی دیدگاه مثبتی درباره اجرای این سیستم دارند و آن را پاسخی مناسب به نیازهای یاد شده می دانند، لذا برنامه ریزی جهت تحقق اجرای روش های آموزشی از طریق همتایان در سایر دروس نیز مفید به نظر می رسد.

**واژه های کلیدی:** آموزش پزشکی، یادگیری به کمک همتایان، روش نوین آموزشی، دانشجویان

## یادگیری دانشجویان از یکدیگر: قلق هر استاد را یاد گرفتن

مهديه مرگدري نژاد<sup>1\*</sup>، دکتر اکرم ثناگو، دکتر لیلا جویباری  
<sup>1\*</sup> کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گلستان  
Email: mahdie.margdari@yahoo.com

**مقدمه:** وقتی صحبت از آموزش و یادگیری می شود بخصوص در مدارس و دانشگاه ما معمولاً به یاد این می افتیم که فراگیر و استاد و امکانات آموزشی پیش می آید اما غافل از اینکه فراگیران منابع با ارزشی در محیط های آموزشی هستند که از جنبه های مختلف علمی، پژوهشی، فرهنگی، تعاملی و رفتاری می توانند آموزه هایی را به همتای خود یاد بدهند. آسان و در دسترس بودن و مشابه بودن از مسائلی است که می شود گفت شاید تاثیر پذیری بیشتری از استاد روی دانشجو داشته باشد. هدف از این مطالعه بررسی یادگیری های دانشجویان از یکدیگر در محیط دانشگاهی بوده است.

**روش ها:** در این پژوهش کیفی (۱۳۹۱) ۱۳ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی گلستان با استفاده از نمونه گیری مبتنی بر هدف و حداکثر تنوع (جنسیت و ترم تحصیلی، قومیت) وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری داده ها، مصاحبه های نیمه ساختار بوده است. حداقل یک سوال باز شامل "آیا تاکنون از دانشجوی دیگری چیز یاد گرفته اید؟ تجربه تان را برایمان بگویید" در تمامی مصاحبه ها تکرار شد. سایر سوالات کاوشی "چرا، چگونه، مثال بزنید" بوده اند. نمونه گیری تا رسیدن به اشباع (تکرار پذیری) داده ها ادامه یافت. مصاحبه ها ضبط، دست نویس و مطابق روش "تحلیل محتوای مرسوم" تحلیل شدند.

**نتایج:** مضمون اصلی "الگو برداری" با مضامین فرعی "قلق استاد را یاد گرفتن، رفع اشکال و مشکل درسی، یادگیری مهارت های بالینی، یادگیری فعالیت های پژوهشی، فرهنگی، یادگیری ارتباطات اجتماعی، یادگیری صداقت، محبت، ادب و احترام، یادگیری سبک زندگی دانشجویی، تقلب کردن" بود. بیشترین الگو برداری ها از دانشجوی ترم بالا، کارآموز در عرصه، دانشجوی خوشرو و دانشجوی با تجربه بوده است. مشارکت کنندگان اظهار داشتند اگرچه یادگیری ها از رفتارهای خوب بوده است اما رفتارهای ناپسند هم یادگیری می شود. جو دانشجویی و در دسترس بودن دانشجویان (نسبت به استاد)، سبب تسریع در یادگیری از همتایان می شود.

**نتیجه گیری:** دانشجویان بسترهای یادگیری زیادی دارند که می توانند از هم چیز یاد بگیرند که می تواند هم با ارزش باشد و هم باعث ضرر و به پیکره آموزش صدمه بزند و تلاش مسئولین آموزشی و اساتید را در یادگیری بی نتیجه کند. الگو برداری از همتایان در جنبه های مثبت می بایست، تقویت شود.

**واژه های کلیدی:** یادگیری، دانشجو، همتایان، علوم پزشکی

## میزان مطلوبیت روش تدریس مشارکتی از دیدگاه دانشجویان

دکتر کامران میرزایی ، دکتر ثریا زحمت کش\* ، آزاده عازمیان  
مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی ، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر  
[Zahmatkeshs2004@yahoo.com](mailto:Zahmatkeshs2004@yahoo.com)

**مقدمه:** آموزش یک فعالیت آگاهانه و مبتنی بر هدف است که موجب تغییر در سطوح دانش ، نگرش و رفتار فراگیران می شود . استفاده از روش های نوین آموزشی مانند روشهای تلفیقی دانشجوی محور که از طریق مشارکت دادن فعال دانشجو در فرآیند یاددهی - یادگیری اجرا می شود می تواند تاثیر مثبتی بر اجرا فرآیند آموزش دانشجویان ایفا کند . این مطالعه با هدف تعیین میزان مطلوبیت روش تدریس مشارکتی از دیدگاه دانشجویان انجام گرفت

**روش ها:** این پژوهش به روش نیمه تجربی بر روی دو گروه از دانشجویان کارشناسی بهداشت عمومی ( پیوسته و ناپیوسته) در درس برنامه ملی مبارزه با بیماریهای واگیر انجام شد. ارائه درس در هر دو گروه با استفاده از روش ترکیبی بحث و گفتگو، یادگیری گروهی و سخنرانی انجام شد لیکن سخنرانی در یک گروه توسط استاد و در گروه دوم توسط دانشجویان انجام شد . پس از پایان ترم هر دو گروه با یک روش استاندارد مورد ارزشیابی قرار گرفتند. نگرش دانشجویان در خصوص روش آموزشی بکار رفته با استفاده از پرسشنامه و با استفاده از روشهای توصیفی و آزمون ناپارامتریک من ویتنی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** نتایج بیانگر آن بود که استفاده از روش ترکیبی آموزشی با همکاری دانشجویان نقش موثرتری بر تاثیر آموزش بر تقویت حیطه های جلب مشارکت دانشجو ، ایجاد توانایی اظهار نظر در جمع ، تقویت روحیه انتقادپذیری کسب توانایی مدیریت و رهبری گروه ، تقویت قدرت تجزیه و تحلیل و تصمیم گیری ، ایجاد روابط مطلوب اجتماعی با هم گروهان و افزایش قدرت تحمل و پذیرش نظرات همسانان در مقایسه با روش آموزش سخنرانی توسط استاد دارد ( $P < 0.001$ ). لیکن بین نگرش دانشجویان دو گروه در حیطه های ایجاد علاقه در زمینه درس مربوطه ، آشنایی با روش کسب اطلاعات و حل مسائل و قدرت پاسخگویی به سئوالات مطرح شده تفاوت آماری معنی داری مشاهده نشد .

**نتیجه گیری:** نتایج حاصل از این تحقیق، نشان داد یک روش تدریس پویا و غیرانفعالی و دخالت دادن هر چه بیشتر دانشجو در فرآیند یاددهی - یادگیری، باعث می شود که دانشجویان با علاقه بیشتر به مباحث مربوطه بپردازند که می تواند نقش موثری بر ارتقا فرآیند یادگیری دانشجو ایفا کند .

**واژه های کلیدی:** دانشجو ، آموزش ، تدریس، یادگیری ، تدریس مشارکتی

## تاثیر آموزش به روش یادگیری مشارکتی بر مهارت تفکر انتقادی در دانشجویان

دکتر کامران میرزایی، دکتر ثریا زحمت‌کش\*، قمر بهرامپور  
\*مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر  
Email: [zahmatkeshs2004@yahoo.com](mailto:zahmatkeshs2004@yahoo.com)

**مقدمه:** امروزه آموزش تفکر انتقادی بعنوان یکی از اهداف مهم فعالیت های آموزشی و تربیتی و نتیجه نهایی سیستم های آموزشی مطرح می باشد و افزایش و بهبود مهارت های تفکر انتقادی دانشجویان از جایگاه خاصی در فرایند آموزش- یادگیری برخوردار است. این مطالعه با هدف تعیین تاثیر آموزش به روش یادگیری مشارکتی بر مهارت تفکر انتقادی در دانشجویان انجام شد.

**روش ها:** فرآیند حاضر از نوع مداخله ای است. گروه های مداخله و کنترل، دانشجویان کارشناسی تغذیه اخذ کننده درس فیزیولوژی تغذیه بودند. در آغاز ترم مهارت تفکر انتقادی دانشجویان هر دو گروه مورد ارزیابی قرار گرفت. ارائه درس در گروه مداخله بر مبنای ویژگی های یادگیری مشارکتی با استفاده از روش ترکیبی بحث و گفتگو، یادگیری گروهی و سخنرانی توسط دانشجویان و در گروه کنترل به روش سنتی سخنرانی توسط استاد انجام شد. پس از پایان ترم مهارت تفکر انتقادی دانشجویان هر دو گروه مجدداً مورد ارزشیابی قرار گرفت. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه استاندارد سنجش مهارت تفکر انتقادی کالیفرنیا ب بود. نتایج با استفاده از روشهای توصیفی و آزمون ناپارامتریک من ویتنی و ویلکاکسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** نتایج بیانگر افزایش نمره مهارت تفکر انتقادی در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل در حیطه های آنالیز (  $P = 0/041$  )، استنباط (  $P = 0/043$  )، استدلال قیاسی (  $P = 0/043$  ) و استدلال استقرایی (  $P = 0/038$  ) بود لیکن در حیطه ارزشیابی تفاوتی بین دو گروه مشاهده نشد (  $P = 0/328$  ). همچنین تجزیه و تحلیل آماری نتایج قبل و بعد از مطالعه بیانگر افزایش در نمره کل و حیطه های مورد بررسی ( بجز در حیطه ارزشیابی) در گروه مداخله بود (  $P < 0/05$  ) لیکن این تفاوت در گروه کنترل مشاهده نشد.

**نتیجه گیری:** نتایج به دست آمده مؤید این است که یک روش تدریس پویا و غیرانفعالی و دخالت دادن هر چه بیشتر دانشجویان در فرآیند یاددهی - یادگیری می تواند در ارتقا مهارت تفکر انتقادی دانشجویان موثر باشد، لذا استفاده از راهبرد آموزش مشارکتی باعث می شود که دانشجویان با علاقه بیشتر به مباحث مربوطه بپردازند که می تواند نقش موثری بر ارتقا فرآیند یادگیری دانشجویان و افزایش مهارت تفکر انتقادی آنان ایفا کند.

**واژه های کلیدی:** یادگیری مشارکتی، تفکر انتقادی، آموزش، دانشجویان

## بررسی علاقه ی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سمنان، به استفاده از ابزارهای

### کمک آموزشی در درس آناتومی، در سال ۱۳۹۰

حجت ترکمندی<sup>۱\*</sup>، دکتر نعمت ستوده<sup>۲</sup>، حسن بهرامی<sup>۳</sup>، حامد رضایی<sup>۴</sup> و اصغر تنها<sup>۵</sup>.

\*دانشجوی اتاق عمل، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، [mrhamedzoog@gmail.com](mailto:mrhamedzoog@gmail.com)

<sup>۲</sup> دانشگاه علوم پزشکی سمنان، دانشیار روان شناسی بالینی.

<sup>۳</sup> دانشگاه علوم پزشکی سمنان، دانشجوی اتاق عمل.

<sup>۴</sup> و <sup>۵</sup> دانشگاه علوم پزشکی سمنان، دانشجوی پزشکی

**مقدمه:** درس آناتومی، درسی کاربردی برای تمامی رشته های علوم پزشکی بوده واز این رو، نیازمند بهبود در روش های یادگیری، از جمله، استفاده از وسایل کمک آموزشی مفید مانند اطلس ها، فیلم های آموزشی، مولاژهاو مانند این ها می باشد. در این مطالعه، میزان علاقه ی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سمنان به استفاده از وسایل کمک آموزشی مختلف در درس آناتومی، مورد بررسی قرار گرفته است.

**روش ها:** در این مطالعه ی تحلیلی مقطعی، ۱۳۰ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی سمنان، به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند؛ ابزار پژوهش، پرسشنامه ای استاندارد، شامل اطلاعات دموگرافیک و نیز سوالات مربوط به میزان استفاده ی اساتید از ابزارهای مختلف آموزشی، با روایی اثبات شده توسط اساتید و پایایی محاسبه شده با آلفای کرونباخ ( $\alpha=0/84$ ) و با مقیاس لیکرت پنج گزینه ای، با مقیاس نمره گذاری یک تا پنج به کارگرفته شد؛ از ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه ی بین متغیرها استفاده گردید.

**نتایج:** در این پژوهش، ۷۶ دانشجوی دختر و ۵۴ دانشجوی پسر شرکت کردند. از دیدگاه آن ها، استفاده ی از وایت بوردها (با انحراف معیار ۱/۲۶۰)، کم طرفدارترین، و استفاده ی از مولاژ (با کسب بیشترین امتیاز از لیکرت)، پرتطرفدارترین ابزار در یادگیری آناتومی است. بین دانشجویان دختر و پسر در انتخاب موارد فوق، اختلاف معناداری مشاهده نشد ( $p>0.05$ ).

**نتیجه گیری:** باتوجه به ضرورت یادگیری درس آناتومی در دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی، استفاده از وسایل کمک آموزشی مناسب، طبق دیدگاه دانشجویان، می تواند راندمان یادگیری را در دانشجویان بالا برد؛ منتهی، علاقه ی دانشجویان به هر یک استفاده از هر یک از این ابزارها، به پژوهشگران سایر دانشگاه ها توصیه می شود.

**واژه های کلیدی:** ابزارهای کمک آموزشی، آناتومی، علاقه ی دانشجویان، علوم پزشکی سمنان.



## تاثیر استفاده ی اساتید درس آناتومی از وسایل کمک آموزشی، از دیدگاه دانشجویان

### دانشگاه علوم پزشکی سمنان، سال ۱۳۹۰

حجت ترکمندی\*<sup>۳۲</sup>، دکتر نعمت ستوده<sup>۳۳</sup>، حسن بهرامی<sup>۳۴</sup>، حامد رضایی<sup>۳۵</sup> و اصغر تنها<sup>۳۶</sup>.

\* دانشجوی اتاق عمل، دانشگاه علوم پزشکی سمنان، [mrhamedzoo9@gmail.com](mailto:mrhamedzoo9@gmail.com).

<sup>۲</sup> دانشگاه علوم پزشکی سمنان، دانشیار روان شناسی بالینی.

<sup>۳</sup> دانشگاه علوم پزشکی سمنان، دانشجوی اتاق عمل.

<sup>۴</sup> و <sup>۵</sup> دانشگاه علوم پزشکی سمنان، دانشجوی پزشکی

**مقدمه:** تنوع برنامه های آموزشی، نیازمند وسایلی است که یادگیری را تسهیل کند و از طرف دیگر، باعث گسترش ایجاد علاقه در دانشجویان گردد؛ آناتومی درسی است که به جهت گسترده بودن و بعضاً دشواری یادگیری، به ابزارهای مختلف آموزشی نیازمند است؛ بنابراین، در این مطالعه، میزان و تاثیر استفاده ی اساتید این درس، از هریک از وسایل کمک آموزشی، شامل وایت بورد، اطلس ها، فیلم های آموزشی و مولاژها، از دیدگاه دانشجویان، مورد بررسی قرار می گیرد.

**روش ها:** در این مطالعه ی تحلیلی مقطعی، ۱۳۰ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی سمنان، به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند؛ ابزار پژوهش، پرسشنامه ای استاندارد، شامل اطلاعات دموگرافیک و نیز سوالات مربوط به میزان استفاده ی اساتید از ابزارهای مختلف آموزشی، با روایی اثبات شده توسط اساتید و پایایی محاسبه شده با آلفای کرونباخ ( $\alpha=0/84$ ) و با مقیاس لیکرت پنج گزینه ای، با مقیاس نمره گذاری یک تا پنج به کارگرفته شد؛ از ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه ی بین متغیرها استفاده گردید.

**نتایج:** در این پژوهش، ۷۶ دانشجوی دختر و ۵۴ دانشجوی پسر شرکت کردند که از نظر آنها، استفاده از اطلس (با انحراف از معیار ۱/۲۹۴)، بیشترین، و بهره گیری از فیلم های آموزشی (با انحراف از معیار ۱/۱۰۳)، کمترین میزان کاربرد را توسط اساتید درس آناتومی داشت؛ با این وجود، استفاده ی اساتید از مولاژها (با انحراف از معیار ۱/۳۴۹)، موثرترین و استفاده از وایت بورد (با انحراف از معیار ۱/۲۹۸)، ضعیف ترین ابزار در یادگیری درس آناتومی، از دیدگاه دانشجویان بود.

**نتیجه گیری:** مطالعه ی روش های مختلف یادگیری، مخصوصاً دروس پایه مانند آناتومی، با استفاده از نظرات دانشجویان، امری ضروری در جهت پیش برد آموزش پزشکی می باشد؛ با این وجود، انجام مطالعات گسترده در این زمینه به پژوهشگران سایر دانشگاه ها توصیه می شود.

**واژه های کلیدی:** آموزش پزشکی، وسایل کمک آموزشی، آناتومی، یادگیری، علوم پزشکی سمنان.

عطیه فقیهی مرقی\*، سکینه حیدری شریف آباد

\*دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی-مرکز مدیریت مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

خیابان هزار جریب- دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

[atiye.faghihy@gmail.com](mailto:atiye.faghihy@gmail.com)

**مقدمه:** در عصر حاضر روشهای تدریس سنتی دیگر نمی تواند پاسخگوی نیازهای دانشجویان و اساتید باشد. تشخیص و به کارگیری مهارتهای اجتماعی از ضروریات زندگی اجتماعی است که فراگیری آنها جز از راه تعامل اجتماعی میسر نیست. از آنجائیکه روشهای یادگیری مشارکتی فرصت مناسبی را برای این تعامل فراهم می آورند این مطالعه به بررسی چالش ها و راهکارهای یادگیری مشارکتی پرداخته است.

**روشها:** این مطالعه مروری می باشد که با جستجو در منابع الکترونیک و سایتهای معتبر و کتابهای مرتبط نگارش شده است.

**نتایج:** باتوجه به بررسی مطالعات صورت گرفته، چالشهایی که میتوان نام برد عبارتند از: انجام نادرست و نیمه تمام کارها به دلیل سریع تمام کردن آن- اصرار بر سوء تفاهم ها به جای اصلاح آن ها - وجود افراد بازیگوش و گریزان از انجام کار- حضور افراد با وابستگی زیاد به گروه - نداشتن آگاهی لازم فراگیران در مورد قوانین کار گروهی- وجود افرادی با روحیه فردگرایی- وجود حجب و حیا در کلاس های درس مختلط- مشاجره بعضی افراد در گروه و امتناع از ادامه کار- زمان بر بودن یادگیری مهارتهای اجتماعی و انجام آنها در کلاس - ایجاد ناسازگاری و کشمکش گروهها بدلیل آماده نبودن استاد- ایجاد سرو صدا و شلوغی که برای بعضی از اساتید خوشایند نیست.

**نتیجه گیری:** راهکارهایی که برای رفع چالشها وجود دارند عبارتند از: مشخص کردن اهداف و انتظارات گروه - تعیین تعداد افراد محدود در گروهها- مشخص کردن نقش افراد و تقسیم کار در گروهها - اعلام آمادگی هر فرد برای کار در گروه - مشاهده و پایش فعالیت های تک تک اعضای گروه - اطمینان از اینکه همه افراد گروه در یادگیری نقش داشتند (برگزاری آزمون فردی و گروهی) - تدریس اعضای گروه به یکدیگر- در یادگیری مشارکتی فراگیران باهم یادمی گیرند (هر کس مسئول یادگیری خود و دیگر اعضای گروه است) - مسئله ی حجب و حیا (بهتر است افراد گروه هم جنس باشند تا در اظهار نظر و نقد و بررسی نظرات یکدیگر راحت تر باشند)- در نظر گرفتن جایزه و پاداش برای گروه- ایجاد یک دشمن بیرونی یا فرضی (با هدف ایجاد رقابت دوستانه گروه ها و نمره دادن به گروهی که موفق شده)- محدود کردن منابع مثل: استفاده تنها از یک کتاب (با این هدف که افراد سهیم شدن و به اشتراک گذاشتن با دیگران را یاد بگیرند) - ایجاد فضای فیزیکی مناسب برای کار گروهی - تعیین هویت گروه. مثل: انتخاب یک نام برای گروه که آن را متمایز کرده و یک حس تعلق و وابستگی به گروه را در افراد ایجاد میکند.

**واژه های کلیدی:** یادگیری مشارکتی، چالش، راهکار

## بررسی علل عدم یادگیری درس فیزیک پزشکی دانشجویان پزشکی

سید عباس حسینی

عضو هیات علمی، دانشیار دانشکده پزشکی زاهدان، پردیس دانشگاه علوم پزشکی دانشکده پزشکی، گروه

فیزیک پزشکی

sepehrhssn@yahoo.com

**مقدمه:** یادگیری درس فیزیک پزشکی به تعداد مطالعه درس و زمان آن ارتباط دارد. علل عدم یادگیری درس فیزیک پزشکی توسط دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان به طور موردی بررسی شده است.

**روش‌ها:** ۱۱۰ دانشجوی پزشکی ترم اول تا سوم تحصیلی با سنین و فرهنگ های مختلف انتخاب شدند و با روش تجربی و به طریق مصاحبه در رابطه با تعداد مطالعه و سئوالات امتحانی و نیز مشاهده با انطباق پاسخ سئوالات داده شده در امتحان آخر و انجام تکالیف درسی داده شده از کتاب در طول ترم تحصیلی و در نهایت نمره دریافتی در آزمون نهایی میزان یادگیری بر حسب درصد تعیین گردید. طی این مطالعه یادگیری درس فیزیک پزشکی را با بررسی چند عامل و تاثیرش در یادگیری تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** فقط ۴ درصد دانشجویان دانشکده پزشکی درس فیزیک پزشکی را به طور تدریجی و همراه کلاس درس می خواندند که موفق به اخذ نمره ۱۹-۲۰ می شوند. ۲۰ درصد آنها از بین فصل های تعیین شده کتاب برای مطالعه انتخاب می کنند که نمره دریافتی ۱۰-۱۲ میباشد. ۷۵ درصد دانشجویان فقط در شب امتحان به مطالعه کتاب روی می آورند که ۱۵ درصد مطالعه کمتر از یک مرتبه با اخذ نمره ۱۲-۱۴ و ۲۰ درصد بین ۱-۲ مرتبه با اخذ نمره ۱۵-۱۷ و ۴۰ درصد بیش از ۲ مرتبه با اخذ نمره ۱۷-۱۸ و ۱ درصد دانشجویان اصلا کتاب را نمی خواندند و از اطلاعات ذخیره فردی شان استفاده می کنند و نمره کمتر از ۱۰ می آورند. ۶۰ درصد دانشجویان به طور مستقیم تحت تاثیر نوع مکان زیستی، سن پایین و ۴۰ درصد تحت تاثیر مسائلی مثل علاقمندی به رشته ورودی، روش تدریس، دانستن زبان انگلیسی، کار با رایانه و مکان مطالعه قبل از ورود به دانشگاه بودند که این عوامل روی یادگیری شان تاثیر می گذاشت و بنابراین یادگیری کمی دارا بودند.

**نتیجه گیری:** ادراک این درس در ترم اول برای دانشجو مشکل است. عوامل مطالعه و زمان در یادگیری دخالت دارد. عوامل دیگری مثل علاقمندی به رشته ورودی، روش تدریس، دانستن زبان انگلیسی، کار با رایانه و مکان مطالعه قبل از ورود به دانشگاه در یادگیری تاثیر دارد.

**واژه های کلیدی:** یادگیری، یاددهی، فیزیک پزشکی، سن دانشجو، زبان انگلیسی، کتابخانه

## بررسی سبک‌های یادگیری براساس نظریه کلب در دانشجویان دندانپزشکی

### دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سال ۱۳۹۱

زیبا شعبانی<sup>۱\*</sup>، محمد اسدپور<sup>۲</sup>، احمدرضا صیادی<sup>۲</sup>، محمدمهدی یاقوتی خراسانی<sup>۲</sup>، سید ابوالفضل شاهدی<sup>۳</sup>، مریم رفیعی دولت آبادی<sup>۴</sup>، حسن خدادادی<sup>۴</sup>، علی فلاح<sup>۵</sup>

\*عضو هیئت علمی گروه داخلی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

shabaniz20@yahoo.com

<sup>۲</sup>عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

<sup>۳</sup>دانشجوی دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

<sup>۴</sup>کارشناس پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

<sup>۵</sup>کارشناس آموزشی و پژوهشی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

**مقدمه:** یادگیری، فرایندی مداوم در طول زندگی انسان محسوب می‌شود. از آنجا که عوامل مؤثر بر یادگیری بسیار گسترده و وسیع می‌باشند، شناسایی این عوامل در رفع مشکلات و نارسایی‌های موجود در سیستم آموزشی مهم می‌باشد. هدف این مطالعه تعیین سبک‌های یادگیری براساس نظریه کلب در دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سال ۱۳۹۱ بود.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی بر روی کلیه دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان (۱۸۰) بصورت سرشماری انجام گرفت. اما 158 (87/7٪) نفر از دانشجویان پرسشنامه را بطور کامل پر کردند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه‌ای دو قسمتی بود: بخش اول حاوی پنج سؤال در زمینه مشخصات دموگرافیک واحدهای مورد پژوهش؛ بخش دوم پرسشنامه استاندارد سبک‌های یادگیری بر اساس نظریه کلب شامل دوازده سؤال. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها اطلاعات جمع‌آوری شده وارد نرم افزار SPSS ۱۸ گردید و برای تجزیه و تحلیل آن از آمار توصیفی (نمودارها و جداول) و از آمار تحلیلی (آزمون آماری کای دو) استفاده گردید. همچنین  $P < 0.05$  به عنوان سطح معنی داری در نظر گرفته شد.

**نتایج:** یافته‌های این پژوهش نشان داد که از تعداد 158 نفر از نمونه مورد مطالعه، بیشتر دانشجویان به سبک جذب‌کننده (۷۱ نفر) و بعد از آن به ترتیب همگرا (۴۷ نفر)، واگرا (۲۲ نفر) و انطباق‌دهنده (۱۸ نفر) متمایل بودند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به سبک‌های غالب جذب‌کننده و همگرا در بین دانشجویان، پیشنهاد می‌گردد از روشهای آموزشی سخنرانی و خودآموزی همراه با مطالب خواندنی، نشان دادن، استفاده از دیاگرام و دست‌نویس‌های استاد و آموزش یک به یک استفاده شود. همچنین باید مهارت‌های ارتباطی دانشجویان دندانپزشکی تقویت شود، زیرا که جذب‌کننده‌ها و همچنین همگراها کمتر به موضوعاتی که مستلزم کار با افراد دیگر و مردم است علاقه نشان می‌دهند.

**واژه‌های کلیدی:** نظریه ی کلب، سبک‌های یادگیری، دانشجویان دندانپزشکی

## مقایسه تدریس با استفاده از گزارش یک مورد واقعی و سخنرانی در یادگیری درس جراحی عمومی دانشجویان پزشکی

دکتر محمد مؤذنی بیستگانی

استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، دانشکده پزشکی، گروه جراحی

Email: dr\_m\_moazeni@yahoo.com

**مقدمه:** روش‌های مختلف تدریس، پیامدها و عملکردهای متفاوتی دارند. از طرفی حجم مهارت‌های مورد نیاز یادگیری دانشجویان زیاد و زمان آموختن آن‌ها کم می‌باشد. هدف از این مطالعه مقایسه دو روش تدریس با استفاده از گزارش یک مورد واقعی به عنوان یک رویکرد ترکیبی و سخنرانی در یادگیری درس جراحی عمومی در دانشجویان پزشکی می‌باشد.

**روش‌ها:** این مطالعه به صورت نیمه تجربی بر روی دو گروه متوالی دانشجویان پزشکی ورودی ۸۸ (۳۳ و ۳۶ نفره) به دو شیوه سخنرانی و گزارش یک مورد واقعی انجام گرفت. در پایان هر دوره، آزمون بیست سوالی چهار گزینه‌ای که به روش استاندارد تهیه شده بود گرفته شد. سپس نمرات هر دو گروه، با استفاده از آزمون‌های آماری توصیفی، دقیق فیشر و T-TEST مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** میانگین نمرات در گروه تدریس با استفاده از گزارش یک مورد واقعی  $1/79 \pm 16/83$  و در گروه سخنرانی  $1/70 \pm 12/69$  بود که اختلاف معنی داری بین دو گروه وجود داشت. ( $P < 0/001$ ) میانگین نمرات در سوالات با تاکسونومی ۲ و ۳ در دو گروه اختلاف معنی دار داشتند ولی این اختلاف در سوالات با تاکسونومی ۱ معنی دار نبود. میانگین نمره ارزشیابی مدرس از طرف دانشجویان در گروه گزارش یک مورد واقعی نسبت به گروه سخنرانی  $1/74$  (۸/۷۰٪) افزایش داشت.

**نتیجه‌گیری:** روش‌های تدریس با رویکرد ترکیبی به واسطه ایجاد یادگیری بهتر باعث افزایش سطح نمرات، به خصوص در رابطه با سوالات تفسیری و تحلیلی گردیده و رضایت بیشتری را از جانب دانشجو به همراه دارند.

**واژه‌های کلیدی:** تدریس، توکسونومی، سخنرانی، گزارش یک مورد واقعی

## آموزش علوم پزشکی از ایده تا اختراع و ساخت دستگاه و به کارگیری آن در مراکز

### درمانی: فعالیت‌های جنبی دانشجویان در مسیر آموزش

محمدتقی مجنی\*<sup>۱</sup>، مریم دوراندیش<sup>۲</sup>، سعید صحتی<sup>۳</sup>، دکتر اکرم ثناگو<sup>۴</sup>، دکتر لیلا مهستی جوبباری<sup>۵</sup>  
\*دانشجو، مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی گلستان، کمیته تحقیقات دانشجویی

[m\\_taghimojini@yahoo.com](mailto:m_taghimojini@yahoo.com)

<sup>۱</sup>دانشجو، مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی گلستان، کمیته تحقیقات دانشجویی  
<sup>۲</sup>دانشجو، مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی گلستان، کمیته تحقیقات دانشجویی  
<sup>۳</sup>استاد، مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی گلستان، کمیته تحقیقات دانشجویی  
<sup>۴</sup>استاد، مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی گلستان، کمیته تحقیقات دانشجویی

**مقدمه:** آموزش صحیح و اصولی در علوم پزشکی از موارد ارزشمند در ارتقاء سلامت بیماران می باشد که این فرآیند نیازمند یادگیری و آموزش علوم جدید و دستاوردهای نوین توسط متخصصین شاخه های مختلف علوم پزشکی می باشد. از طرفی توجه به ایده پردازی و پیاده سازی طرح ها می تواند کمک شایانی به پیشبرد این سیاست کند. به طور مثال از مشکلات اساسی در عمل های جراحی ارتوپدی نگهداری اندام برای پرپ (prep) اول و دوم توسط جراح یا پرسنل اتاق عمل است، درحال حاضر به دلیل عدم آموزش کافی استفاده از وسایل جدید پرسنل اتاق عمل مجبور به بالا نگه داشتن اندام به روشهای آموزش دیده قدیمی می باشند. عدم توان نیروی انسانی و مهیا نبودن نیروی انسانی ماهر در این زمینه گاه موجب طولانی شدن زمان عمل جراحی و بیهوشی بیمار شده و عوارضی را هم برای پرسنل درمانی و هم بیماران به همراه دارد که همیشه نمی توان این عوارض را جبران نمود، برای برطرف کردن این مشکل دستگاه کمکی پرپ اندام در عملهای جراحی ارتوپدی طراحی و ساخته شد. هدف از این مطالعه آموزش اصولی استفاده از دستگاهی جدید است که بتواند فرآیند پرپ اندام شکسته را در جراحی ارتوپدی تسهیل نماید.

**روش‌ها:** این دستگاه در هر جایی از اتاق عمل ارتوپدی از جمله دیوار و تخت اتاق عمل نیز قابلیت نصب دارد و به راحتی هدف ما را تأمین می کند. می توان دستگاه را به دیوار و یک قرقره آن را به سقف درست بالای دستگاه و کنج دیوار و قرقره بعدی را بالای تخت عمل نصب نمود، سیم را از داخل قرقره ها رد کرده به طوری که بالای تخت عمل و اندام مریض قرار گیرد. پس از اتصال دستگاه به برق سیم آن را پایین آورد و اندام بیمار را به آن اتصال داد و به اندازه ای که نیاز است آن را به بالا آورد. این کار توسط کنترل از راه دور دستگاه انجام می شود و پس از اتمام فرآیند درپ و شستشو، پای بیمار در فیلد استریل رها می شود و دوباره سیم را جمع و به بالا برده تا مزاحم در فیلد عمل نباشد.

**نتایج:** با سیستم کم هزینه و ساده این دستگاه و آموزش اصولی تکنیک می توان فرآیند پرپ را به طور راحت و دقیق انجام داد تا علاوه بر کاهش احتمال آسیب به بافت نرم بیمار مثل عروق و اعصاب و احتمال بروز فتق عضلانی که در اثر فشار آوردن استخوان شکسته شده به عضلات ایجاد می شود، جلوگیری کرد. این دستگاه با شماره و تاریخ: ۷۵۰۴۴-۲۵/۰۲/۱۳۹۱ در ادلره مالکیت صنعتی و ثبت اختراع ایران ثبت شد و در اتاق عمل بیمارستان های آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی گلستان مورد استفاده قرار گرفته است.

**نتیجه‌گیری:** آموزش تکنیک جدید پرپ با این دستگاه باعث کاهش تعداد نیروی انسانی مورد نیاز در اتاق عمل برای انجام فرآیند پرپ، کاهش خطر عفونت بعد از عمل، آسان تر و صحیح تر انجام شدن فرآیند پرپ و درپ اندام در عمل های جراحی ارتوپدی، پیشگیری از بیماری های ستون فقرات پرسنل اتاق عمل و کاهش حرکت دو سر استخوان شکسته در کنار هم به هنگام بالا نگه داشتن پا و بدنبال آن کاهش احتمال آسیب به عروق و اعصاب اطراف ناحیه ی شکسته شده، می شود.

**واژه‌های کلیدی:** اختراعات دانشجویی، مرجعیت علمی، پرپ اندام، ارتوپدی، عمل جراحی

## ارتباط استراتژی‌های مطالعه و یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پرستاری

حمید تقی نژاد<sup>۱</sup>، ایمان محمدی<sup>۲\*</sup>، ستارکیخاونی<sup>۳</sup>، حامد توان<sup>۴</sup>، احسان محمدی<sup>۵</sup>

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دانشکده پرستاری و مامایی

<sup>۲\*</sup> دانشجوی کارشناسی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دانشکده پرستاری و مامایی

iman8962@yahoo.com

<sup>۳</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دانشکده پزشکی.

<sup>۴</sup> دانشجوی کارشناسی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ایلام.

<sup>۵</sup> کارشناس پرستاری، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

**مقدمه:** یکی از بزرگترین مشکلات آموزشی دانشجویان افت تحصیلی است. شناسایی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان و توجه به آن‌ها، گامی به سوی موفقیت است. پیشرفت تحصیلی دانشجویان و عوامل مرتبط با آن از اولویت‌های پژوهش در آموزش است. این مطالعه با هدف تعیین ارتباط استراتژی‌های مطالعه و یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پرستاری در سال ۹۱ انجام شده است.

**روش‌ها:** این مطالعه بصورت توصیفی-تحلیلی و در بین ۸۵ نفر از دانشجویان پرستاری انجام شد. با استفاده از پرسشنامه راهبردهای مطالعه و یادگیری وین اشتاین (LASSI) سه مولفه اصلی استراتژی‌های مطالعه و یادگیری، شامل مولفه‌های مهارت، اشتیاق و خود نظم دهی بررسی شد. با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون ارتباط مولفه‌های فوق‌الذکر با پیشرفت تحصیلی دانشجویان اندازه‌گیری شد.

**نتایج:** نمونه‌های مورد پژوهش شامل ۵۰/۶٪ دانشجوی دختر و ۴۹/۴٪ پسر بودند. میانگین معدل کل دانشجویان پرستاری نمره ۱۵/۶۰ بود. ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که هر سه مولفه اصلی استراتژی‌های مطالعه و یادگیری به ترتیب مولفه‌ی مهارت (r=۰/۳۴۹، p=۰/۰۰۱)، مولفه‌ی خود نظم دهی (r=۰/۲۸۰، p=۰/۰۰۹) و مولفه‌ی اشتیاق (r=۰/۲۱۸، p=۰/۰۴۵) با پیشرفت تحصیلی دانشجویان (معدل کل ترم گذشته) رابطه معنی دار و مثبت دارد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به ارتباط مثبت و معنی دار استراتژی‌های مطالعه و یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پرستاری، پیشنهاد می‌شود که دانشجویان و اساتید برای بهبود پیشرفت تحصیلی و کاهش افت تحصیلی، از این استراتژی‌ها استفاده بیشتری داشته باشند.

**واژه‌های کلیدی:** استراتژی‌های مطالعه، یادگیری، دانشجویان پرستاری، پیشرفت تحصیلی.

## بررسی تاثیر مطالعه آزاد بر موفقیت تحصیلی دانشجویان علوم پزشکی گلستان

مرضیه یازرلو\*، دکتر اکرم ثناگو، دکتر لیلا جویباری

\* کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

**Myazarloo@ymail.com Email:**

**مقدمه:** خواندن به ما موهبت فن تعقل را اعطاء کرد. خواندن بشر هوشمند را قادر ساخت با خودش گفت و شنود کند. این فضیلت عالی، انسان منطقی را منطقی تر نمود، محاسبات تجاری را دقیق تر کرد و علم را به سمت هر چه علمی تر شدن سوق داد محیطی فراهم شد که افکار و خود ما را شکل می دهد. اما شاید فواید خواندن هنوز بر ما پوشیده مانده باشد به ویژه وقتی که در این قضیه تامل شود که اولین سخنی که بر آخرین فرستاده خداوند نازل شد کلمه خواندن بود. نقش و تاثیر مطالعه آزاد در مهارت آموزی و ارتقای سطح آموزش می تواند تاثیر گذار باشد. این پژوهش ارتباط مطالعه آزاد را بر موفقیت تحصیلی دانشجویان (معدل کل) نشان می دهد. هدف از این پژوهش بررسی ارتباط مطالعه آزاد با موفقیت تحصیلی دانشجویان علوم پزشکی گلستان بوده است.

**روش‌ها:** در این مطالعه تحلیلی در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه علوم پزشکی گلستان روی ۵۰ دانشجو در دو گروه ۲۵ نفری مورد شاهد انجام شد. روش نمونه گیری به صورت آسان و هدفمند بود. به دانشجویان گروه مورد با معدل ۱۶/۵ و بیشتر و دانشجویان گروه شاهد معدل ۱۵ و کمتر، پرسشنامه محقق ساخته که روایی و پایایی آن مورد تایید قرار گرفته بود، داده شد. پرسشنامه حاوی ۱۴ سوال است که نحوه مطالعه آزاد را می سنجد. داده ها با استفاده از آزمون آماری توصیفی و استنباطی در سطح معنی داری  $p < 0/05$  مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** داده ها نشان داد ۱۰۰ درصد دانشجویان در گروه مورد و ۶۷ درصد دانشجویان در گروه شاهد، مطالعه آزاد داشتند. ۷۲ درصد گروه مورد و ۴۳ درصد گروه شاهد به عنوان فرد دوستدار مطالعه بین خانواده و دوستان شناخته شده بودند. میزان مطالعه روزانه در گروه آزاد دو برابر گروه شاهد بوده است. ارتباط بین میزان مطالعه و موفقیت تحصیلی دانشجویان از نظر آماری معنی دار بوده است ( $p < 0/05$ ).

**نتیجه گیری:** یافته های این مطالعه نشان داد که دانشجویان قویتر در آموزش، مطالعه آزاد بیشتری در مقابل دانشجویان ضعیف تر از نظر آموزشی دارند. دانشگاه ها برای موفقیت در آموزش می توانند از مطالعه آزاد به نفع تعالی آموزش سود ببرند. فرهنگ سازی مطالعه از کودکی در خانواده و دبستان و دبیرستان و سپس در دانشگاه می تواند به عنوان اهرم کمکی برای ارتقاء آموزش در دانشگاه نقش اساسی داشته باشد.

**واژه‌های کلیدی:** مطالعه آزاد، موفقیت تحصیلی، دانشجوی علوم پزشکی



## بررسی سبک یادگیری دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گلستان

مرضیه یازرلو<sup>\*</sup>، زهرا کریمی، دکتر اکرم ثناگو، مسلم حسام، دکتر لیلا جویباری

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گلستان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی گلستان

myazarloo@ymail.com

**مقدمه:** فراگیران بر اساس تفاوت‌های فردی خود از سبک‌های گوناگونی برای یادگیری استفاده می‌کنند. سبک‌های یادگیری که روش پردازش اطلاعات دریافتی توسط افراد می‌باشد، به عنوان یک عامل مهم در یادگیری قلمداد می‌شود. سبک‌های یادگیری کلب در چهار حیطه "احساس کردن، تماشا کردن، فکر کردن، انجام دادن" می‌باشد. رشته پرستاری به دلیل ماهیت بالینی نیاز است دانشجویان بیشتر از سبک‌های فکر کردن و انجام دادن استفاده نمایند. هدف از این مطالعه تعیین سبک یادگیری دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گلستان بوده است.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی تحلیلی ۱۰۸ دانشجوی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گلستان به روش نمونه‌گیری آسان در سال ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفتند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه سبک یادگیری کلب حاوی ۱۲ سوال ۴ گزینه‌ای در چهار حیطه سبک‌های یادگیری از قبیل، احساس کردن، تماشا کردن، فکر کردن، انجام دادن، استفاده شد. بیشترین نمره در هر سبک نشان‌دهنده سبک یادگیری دانشجوی می‌باشد. روایی و پایایی پرسشنامه بکرات مورد تایید قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های آماری توصیفی و استنباطی در سطح معنی‌داری  $p < 0.05$  صورت گرفته است.

**نتایج:** ۶۷٫۶ درصد دانشجویان مذکر بودند. به ترتیب سبک‌های یادگیری "احساس کردن  $35.05 \pm 5.35$ ، تماشا کردن  $37.19 \pm 4.78$ ، فکر کردن  $38.30 \pm 5.51$ ، انجام دادن  $39.46 \pm 5.77$ " بود. بیشترین میانگین مربوط به سبک یادگیری انجام دادن بود. ارتباط بین سبک‌های یادگیری دانشجویان معنی‌دار بوده است ( $p < 0.05$ ).

**نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد دانشجویان پرستاری بیشتر از سبک یادگیری "انجام دادن" استفاده می‌کنند. توجه اساتید و دست‌اندرکاران آموزش به سبک‌های یادگیری فراگیران پرستاری می‌تواند موجب توسعه و پیشرفت آموزش و ارتقای یادگیری شود.

**واژه‌های کلیدی:** سبک یادگیری، دانشجویان پرستاری، سبک یادگیری کلب

## بررسی سبک های تدریس اساتید از دیدگاه دانشجویان

محمد حسن کریم فر<sup>۱</sup>، سمیه حیدری زادی<sup>۲\*</sup>، فاطمه پیری<sup>۳</sup>، صغری رضایی<sup>۴</sup>

دانشگاه علوم پزشکی ایلام، گروه آناتومی<sup>۱</sup>، کمیته تحقیقات مرکزی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایلام<sup>۲\*</sup>

Email: somaye6001@yahoo.com

**مقدمه:** کلاس درس متشکل از استاد و دانشجویان یک جمعیت را تشکیل می دهند که یک جمعیت قابل توجه و تاثیر گذار را از جامعه در بر می گیرد و مدرس یکی از ارکان آموزش می باشد که سبک های تدریس و ویژگی های فردی اساتید می تواند بر موفقیت های تحصیلی دانشجویان تاثیر بگذارد. عده ای از دانشجویان از سبک های کاربردی اساتید آگاهند ولی عده ای بی اطلاع بوده و دیدگاهی در مورد آن ندارند. هدف از این مطالعه بررسی سبک های تدریس اساتید در امر تدریس می باشد که اثر بخشی بیشتری در جهت پیشبرد آموزش در دانشگاه دارد.

**روش ها:** این پژوهش توصیفی-مقطعی بر روی دانشجویان کارشناسی ناپیوسته دانشکده پرستاری و مامایی زابل انجام شد که در ابتدا انواع سبک های تدریس اساتید به دانشجویان آموزش داده شد و سپس پرسشنامه اطلاعات جمع آوری و بین دانشجویان توزیع گردید. جمعیت مورد مطالعه به صورت نمونه برداری سر شماری از تمام دانشجویان صورت گرفت و داده ها توسط نرم افزار آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** یافته های حاصل از این پژوهش نشان می دهد که از دیدگاه دانشجویان درصدی از اساتید از سبک تدریس خبره (اساتیدی که دارای تجربه و آگاهی بوده و علاقه مند به انتقال اطلاعات با اطمینان هستند) برخوردارند. درصدی از مدرسین از سبک تدریس تسهیل کننده (که اساتید از طریق پرسش به بیان عقاید و تشویق دانشجویان اقدام می کنند) برخوردار هستند و درصدی از سبک تدریس و کالتی (اساتیدی که دانشجویان را به طور مستقل در امور تدریس و آموزش و یادگیری دخالت می دهند و کار را به طور کامل به آن ها محول می کنند) برخوردار هستند و درصدی از اساتید نیز از سبک آمرانه و فردی (اساتیدی که بر این باورند که روش تدریس آن ها بهترین راه برای آموزش دانشجویان است) برخوردار هستند.

**نتیجه گیری:** نتایج این پژوهش نمایانگر آن است که از دیدگاه دانشجویان بیشترین سبک تدریس اساتید سبک های خبره و تسهیل کننده بوده است. از آنجایی که این موارد سبک هایی مناسب برای دانشجویان است و مشارکت آن ها را در یادگیری تقویت میکند پیشنهاد میگردد با توجه به نتایج قابل قبول این پژوهش اساتید بایستی به آموزش مهارت ها و به کار برای وسایل چند رسانه ای مثل فیلم و تصاویر و اسلاید در آموزش بپردازند تا در آموزش دانشجویان بیشتر تاثیر داشته باشد.

**واژه های کلیدی:** سبک تدریس، اساتید، دیدگاه دانشجویان

### تأثیر استفاده از روش های نوین آموزش به صورت عملی بر بهبود مهارت انتخاب روش های مناسب تدریس در دانشجویان کارشناسی ارشد آموزش پزشکی

هاجر شفیعیان\*، سکینه سبزواری

**مقدمه:** کارگروهی به دلایل شرایط منحصر به فرد آن و فواید زیادی که در پی دارد امروزه مورد تاکید است. روش های تدریسی که بر پایه یاین الگو طرح ریزی شده اند با عنوان روشهای مشارکتی و همیاری معرفی می شوند. یکی از رسالت های رشته آموزش پزشکی انتقال شیوه نوین و موثر آموزش به اساتید در آموزش علوم پزشکی می باشد و از سویی خود دانشجویان و علاقمندان این رشته بایستی در آشنایی با انواع روش های نوین تدریس بخصوص روش هایی که نیاز به مشارکت بیشتر دانشجویان دارد آشنایی داشته باشند و این روش هنگامی تأثیر گذار خواهد بود که دانشجویان به صورت عملی با این روش ها آشنا شوند، از این رو جهت سنجش میزان تأثیر استفاده از روشهای نوین آموزش عملاً آموزش های لازم به دانشجویان آموزش پزشکی جهت بهبود مهارت انتخاب مناسب ترین روش ارائه گردید.

**روش ها:** مفاهیم بر اساس روش تدریس مشارکتی ارائه گردید، جهت ارزشیابی تشخیصی مفاهیم اصلی درس به دانشجویان یک pre-test داده شد سپس کلاس گروه بندی شد و در خصوص نحوه اجرای درس به دانشجویان توضیحات لازم ارائه گردید. تعدادی سوال با توجه به اهداف طراحی گردید و به دانشجویان داده شد و از گروهها خواسته شد در مدت ۲۵ دقیقه با مشورت گروهی به سوالات پاسخ دهند، سپس اسلایدهای مربوط به درس نمایش داده شد و از گروهها خواسته شد که پاسخ های خود را توسط یک فرد به عنوان نماینده ارائه دهند. در این حین به وسیله چک لیست کار گروهها مورد ارزیابی قرار گرفت، در نهایت یک پرسشنامه با عنوان post test به دانشجویان داده شد. نحوه برگزاری کلاس با پرسشنامه مورد ارزیابی قرا گرفت.

**نتایج:** پس از بررسی نتایج حاصل از آزمون های Pre-Test و Post-test حاکی از افزایش اطلاعات دانشجویان بود و در نهایت موثر بودن روش تدریس مشارکتی جهت دانشجویان کارشناسی ارشد آموزش پزشکی بود. بر اساس نتایج به دست آمده بیش از ۹۰ درصد دانشجویان در آزمون Post-test با به تمامی سوالات پاسخ صحیح داده، که نشان می دهد استفاده از این روش در آموزش دانشجویان رشته آموزش پزشکی که بایستی با انواع روشهای نوین تدریس آشنایی داشته باشند مفید می باشد. در نهایت بر برگزاری چنین روش های آموزشی مهارت های دانشجویان آموزش پزشکی برای ارائه بهتر این روش های آموزشی به صورت کارگاهی یا به اشکال دیگر افزایش یافته و در نهایت به بهبود سیستم آموزشی کمک خواهد نمود.

## مقایسه سبک های یادگیری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد و ارزیابی ارتباط آن با متغیرهای دموگرافیک

دکتر اکبر درخشان<sup>۱</sup>، دکتر محمد واحدیان<sup>۲</sup>، معصومه سعیدی<sup>۳\*</sup>، دکتر عباس بحرینی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>استاد دانشگاه علوم پزشکی مشهد

<sup>۲</sup>عضو هیات علمی دانشکده بهداشت

<sup>۳\*</sup> دانشجوی آموزش پزشکی و عضو کمیته تحقیقات دانشجویی

<sup>۴</sup>زیدنت جراحی مغز و اعصاب

دانشکده پزشکی-دانشگاه علوم پزشکی مشهد

**مقدمه:** همه پیشرفتهای شگفت انگیز انسان در دنیای امروز زائیده یادگیری است و وظیفه یاددهی و بهبود آن، محور فعالیت تمام نهادهای آموزشی است. اعتبار یک نظام آموزشی وابسته به میزان یادگیری فراگیران آن است. یادگیری یک متغیر بسیار پیچیده است که عوامل متعددی مثل هوش، انگیزه، محیط مناسب، عوامل خانوادگی، اجتماع، کیفیت آموزشگاه، کیفیت مربی و... در آن تأثیر میگذارند. علاوه بر این عوامل، فاکتور دیگر مؤثر بر یادگیری فراگیران، سبکهای یادگیری Learning styles آنان است.

**روشها:** این پژوهش یک مطالعه توصیفی تحلیلی است که به روش Cross Sectional انجام شده است. حجم نمونه ۹۹ نفر از دانشجویان مراجعه کننده به کتابخانه مرکزی دانشگاه بودند که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه سبک های یادگیری بوده و داده ها با نرم افزار کامپیوتری SPSS و با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، t مستقل، تحلیل واریانس دوطرفه، آزمون توکی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** یافته ها نشان داد میانگین سنی دانشجویان  $21/91 \pm 3/785$  بود. ۷۹/۸ درصد دانشجویان مجرد و ۲۰/۲ درصد متأهل بودند. از لحاظ وضعیت استخدام ۸۹/۹ درصد شغلی نداشته و دانشجو بودند. یافته ها نشان داد بین سبک های یادگیری دانشجویان پسر و دختر، در بخش یادگیری Reflective اختلاف آماری معنی داری موجود است بطوریکه دانشجویان پسر یادگیری Reflective (کار انفرادی-تهیه خلاصه از درس با کلمات خود) و دختران یادگیری Active (یادگیری با بحث) داشتند ( $p < 0.05$ ). یافته ها همچنین نشان داد اکثریت دانشجویان در دو جنس یادگیری Intuitive (درک بهتر مفاهیم انتزاعی-دوست نداشتن مسائل حفظی و علاقه به مسائل فرمول دار و پیچیده)، Visual (یادگیری با تصاویر-تهیه مفهوم کلی به صورت نقشه-رنگی کردن مطالب مهم) داشتند ( $p > 0.05$ ). نتایج نشان داد بین سبک یادگیری دانشجویان رشته های مختلف در قسمت یادگیری Visual/Verbal تفاوت آماری معنی داری موجود است بطوریکه اکثریت دانشجویان علوم پزشکی یادگیری Visual (بصری: تهیه مفهوم کلی به صورت نقشه-با تصاویر) داشته و دانشجویان آمار یادگیری شان از نوع Verbal (شفاهی: بحث گروهی-گوش کردن) بوده است ( $p < 0.05$ ).

**نتیجه گیری:** یادگیری خانمها از نوع Reflective و یادگیری آقایان از نوع Intuitive می باشد. اکثریت دانشجویان یادگیری از طریق بصری به صورت یادگیری با تصاویر و عکس ها و تهیه مفهوم کلی به صورت نقشه و نمودار را ترجیح می دهند. و ضروری است که اساتید محترم مطالب درسی خود را با سبک های یادگیری اکثریت دانشجویان دانشگاه هماهنگ نمایند.

**واژه های کلیدی:** سبک یادگیری، دانشجویان علوم پزشکی مشهد، ارتباط، دموگرافیک

## بررسی صلاحیت های اخلاقی دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری مامایی ارومیه

یوسف محمدپور\*<sup>۱</sup>، دکتر سلیمان احمدی، دکتر احسان شمسی، سیمین اسماعیل پور، مرضیه دشتی رحمت آبادی

\*<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، دانشجوی دکتری تخصصی آموزش پزشکی، ارومیه. ایران.

[Mohammadpour\\_y@umsu.ac.ir](mailto:Mohammadpour_y@umsu.ac.ir)

**مقدمه:** مراقبت اخلاقی در انجام خدمات پرستاران بسیار اهمیت دارد و صلاحیت اخلاق حرفه ای در پرستاری به معنی انجام مراقبت های پرستاری براساس موازین اخلاق زیستی است. اما تا به حال در زمینه مراقبت اخلاقی و صلاحیت های اخلاقی در دانشجویان پرستاری سوالات مهمی بدون پاسخ مانده است. به نظر می رسد دانش اخلاق پرستاری برای دستیابی به این مهم نیازمند بررسی ها و تلاش بیشتری در زمینه آموزش این مهم است. در این مقاله سعی شده است تا اهمیت و وضعیت آموزش صلاحیت های اخلاق پرستاری و موانع کسب آن در دانشجویان پرستاری بررسی گردد تا از این طریق چالش ها و ضرورت های آموزش مراقبت های اخلاقی در ارتقای صلاحیت های اخلاقی پرستاران آینده مشخص و زمینه ای برای مطالعات بیشتر در این زمینه فراهم شود.

**روش کار:** این پژوهش یک مطالعه از نوع کیفی بود. ۳۵ نفر از دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری مامایی ارومیه در پژوهش شرکت داشتند. مصاحبه ها توسط آنالیز محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** یافته های این پژوهش پس از آنالیز در چهار حیطه دسته بندی شدند که شامل: محیط بالینی، برنامه درسی، داشتن صلاحیت علمی اساتید در زمینه دانش اخلاق حرفه ای، انگیزه و علاقه مندی دانشجویان به حرفه پرستاری.

**نتیجه گیری:** یافته های این پژوهش نشان داد که در توسعه صلاحیت های اخلاقی دانشجویان پرستاری هم زمینه ها و هم افراد موثر می باشند. بنابراین موانع کسب صلاحیت اخلاقی را باید در ابعاد مختلفی جستجو نمود.

## بررسی رابطه میان سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان دندانپزشکی در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹

\*<sup>۱</sup> دکتر سمیرا بصیر شبستری، <sup>۲</sup> دکتر ایمان شیرین بک، <sup>۳</sup> فاطمه سفیدی

Email: samira\_bsh2@yahoo.com

\*<sup>۱</sup> استادیار بیماریهای دهان و تشخیص دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی زنجان

<sup>۲</sup> استادیار جراحی فک و صورت دانشگاه علوم پزشکی زنجان، بیمارستان آیت ا... موسوی

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد روانسنجی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

مقدمه: دستیابی به حداکثر پیشرفت تحصیلی از جمله اهداف عالی آموزش است. سازگاری اجتماعی مهمترین نشانه سلامت روان میباشد. از آنجائیکه هیچ یک از پژوهش های داخلی، به مطالعه رابطه پیشرفت تحصیلی و سازگاری اجتماعی در دانشجویان دندانپزشکی نپرداخته این تحقیق را انجام دادیم.

روش ها: دانشجویان ترم ۱۱،۹،۷ دندان پزشکی قزوین وارد مطالعه شدند. بدین نحو که براساس شماره دانشجویی، مشخصات فردی و نیز معدل تحصیلی سه ترم اخیر دانشجویان مشخص شد. بسته به سیر پیشرفت تحصیلی چهار دسته پرسشنامه کالیفرنیا (سوالات مشابه با فونت متفاوت) در اختیار دانشجویان قرار گرفت. نهایتاً داده های مطالعه توسط نرم افزار SPSS15 وارد کامپیوتر شد.

نتایج: بین جنسیت و سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی رابطه معنا داری وجود نداشت. بیشترین نمره میانگین سازگاری در دانشجویان با پیشرفت تحصیلی ثابت دیده شد. بین پیشرفت تحصیلی و سازگاری اجتماعی و مولفه های اجتماعی شدن و مسئولیت پذیری رابطه معنا داری یافت نشد.

نتیجه گیری: توجه متولیان آموزش به ارزیابی سلامت روانی دانشجویان و انجام اقدامات در راستای ارتقاء پیشرفت تحصیلی اهمیت میابد.

واژه های کلیدی: سازگاری اجتماعی، پیشرفت تحصیلی، دانشجویان دندانپزشکی

## الگوپذیری دستیاران گروه آموزشی زنان از اساتید در مورد اخلاق حرفه ای

لیلا پاداش\*، الهام مبشری، افسانه تابنده

adel- Padash@ yahoo. com , [Elmobasheri@yahoo.com](mailto:Elmobasheri@yahoo.com)

**مقدمه:** صاحب نظران آموزش پزشکی معتقدند که یکی از نقش های معلمی الگو بودن اساتید می باشد. قدرتمندترین راه انتقال ارزشهای مطرح در اخلاق حرفه ای به فراگیران است. هدف از این پژوهش بررسی نقش الگو رفتاری و اخلاقی اساتید در توسعه رفتارهای حرفه ای در دستیاران بوده است.

**روشها:** یک مطالعه کیفی با مشارکت ۱۸ نفر از دستیاران گروه آموزشی زنان که با استفاده از مصاحبه انجام گردید. و داده ها به مدت تحلیل محتوای موضوعی تحلیل شد.

**نتایج:** تحلیل داده های کیفی منجر به تولید ۳۲۰ کد در ۵ تم اصلی که بطور کلی دستیاران خصوصیات اخلاقی و رفتاری اساتید را به همراه عملکرد علمی آنها به عنوان الگو خود موثر می دانستند دستیاران ارائه خوب بازخورد و انتقادات سازنده محترمانه اساتید رضایت داشتند، و در مورد همدلی با بیماران چه نظر معنوی و چه نظر اقتصادی نکات زیادی از اساتید آموخته بودند. در خصوص مسئولیت پذیری و رازداری و صداقت و محبت الگو موثری بوده اند.

**نتیجه گیری:** براساس این تیم ها اصلی مرتبط با اخلاق حرفه ای در گروه آموزشی زنان که از طریق مشاهده مورد الگو در آموزش بالینی بوده است به نوبه خود نقش الگو رفتاری در آموزش بالینی را با اهمیت تر می سازد. با انتقال از پژوهش آشنایی بیشتر اساتید با اخلاق حرفه ای و توجه به نقش الگوگیری دستیاران از اساتید و نظارت سیستمیک بر عملکرد دستیاران در مورد اخلاق حرفه ای به منظور یادگیری اخلاق حرفه ای در محیط های بالینی پیشنهاد می شود.

## تأثیر آموزش به شیوه های تفحص گروهی و سخنرانی بر یادگیری دانشجویان

فهیمة فراهانی\*<sup>۱</sup>، دکتر محبوبه خورسندی<sup>۲</sup>

\*دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اراک

Email: fahimeh.d6850@yahoo.com

<sup>۲</sup>دکترای آموزش بهداشت، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اراک

**مقدمه:** یادگیری را به صورت تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه که در نتیجه ی تمرین تقویت شده باشد تعریف کرده اند. دانشگاه یکی از مراکز اصلی وقوع این یادگیری است و بی تردید عمل به رسالت آموزشی و تربیتی در مراکز علمی از طریق یادگیری امکان دارد.

**روش‌ها:** مقاله ی حاضر نوعی مقاله ی مروری است که از طریق جستجوی الکترونیکی و دستی در منابع معتبر و با استفاده از کلید واژه های مناسب ، اطلاعات گردآوری و به بحث درباره ی روش تفحص گروهی و سخنرانی و بیان مزایا و معایب هر کدام با توجه به منابع می پردازد.

**نتایج:** تدریس یکی از عناصر اصلی فرآیند آموزش است که به شیوه های مختلفی از جمله سخنرانی و تفحص گروهی صورت می گیرد. شیوه ی تفحص گروهی از شیوه های نوین تدریس می باشد که شامل تبادل دو جانبه ی اطلاعات، عقاید و احساسات بین فرادهنده و فراگیر می باشد که علاوه بر افزایش دانش فراگیر، اخلاق اجتماعی و شیوه ی برخورد با مسائل و مشکلات را نیز آموزش می دهد. همچنین باعث افزایش یادگیری و همکاری، اعتماد به نفس و درک فراگیران می شود. در نتیجه فراگیران با این روش شیوه ی یادگیری فعال را کسب می کنند. در مقابل در شیوه ی سخنرانی دانشجویان مطالبی را که با فکر و نیازشان متناسب نیست می شنوند، به تدریج یادگیری ایجاد کسالت می کند و نه تنها در سازندگی آنها نقش موثری ایفا نمی کند، بلکه زمینه ی رکود علمی و دلزدگی از فعالیت های علمی را نیز فراهم می سازد. بیشتر مدرسان دانشگاه ها همچنان از روش سخنرانی در تدریس استفاده می کنند. این روش مبتنی بر ضرورت مطیع بودن، پذیرندگی و عدم اظهار نظر را به طور پنهانی به دانشجویان القا کرده و از اعتماد به نفس آنها می کاهد. از آنجا که در روش سخنرانی اهداف یادگیری صرفاً در سطوح پایین محقق می گردد استفاده صرف از آن به لحاظ راحتی و کم هزینه بودن منطقی به نظر نمی رسد.

**نتیجه گیری:** با توجه به این که شیوه ی سخنرانی روشی سنتی می باشد و دانشجو در آن نقش فعالی ندارد لازم است که اساتید محترم بیشتر به شیوه های نوین تدریس که لازمه ی آنها مشارکت فعال دانشجو می باشد را مد نظر قرار دهند که این امر باعث دستیابی به اهداف آموزشی و یادگیری بهتر فراگیر می شود.

**واژه های کلیدی:** آموزش، روش های تدریس ، یادگیری



### اثربخشی روش تدریس خانواده همیاری نسبت به روش سخنرانی بر یادگیری دانشجویان پرستاری خرم آباد

فریده ملکشاهی

عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی لرستان

Email: [malekshahif@yahoo.com](mailto:malekshahif@yahoo.com)

مقدمه: تدریس فرایندی است که طی آن فردی واسطه فرد دیگر میشود تا یادگیری آن فرد را تسهیل کند و الگوی تعامل اجتماعی یک نوع تدریس که دارای سه محیط یادگیری رقابتی، فردی و همیاری که فراگیران یاد میگیرند در اوقاتی که نیاز به کمک دارند می توانند به همکلاسان خود اتکا کنند. در این راستا پژوهش فوق با هدف تعیین اثربخشی روش تدریس خانواده همیاری نسبت به روش سخنرانی بر یادگیری دانشجویان پرستاری در دانشکده پرستاری و مامایی خرم آباد انجام گرفت

روش ها: پژوهش فوق **Semi Experimental** و کلیه دانشجویان ترم سوم پرستاری در واحد بهداشت جامعه ۲ شرکت داشتند. ابزار مداخله روش تدریس طرح کارآیی تیم بود. ابتدا مباحث از قبل تعیین و در بین آنها توزیع شد و دانشجویان خود تدریس مباحث را بعهد گرفته و در پایان سوالات هر مبحث توزیع و ارزشیابی صورت گرفت بعد برای بررسی دیدگاه از پرسشنامه و مصاحبه استفاده شد. سپس اطلاعات تجزیه و تحلیل شدند

نتایج: نتایج نشان داد که یادگیری آنها بخاطر ایجاد روحیه همکاری، افزایش اعتماد به نفس، انگیزه، خود مسئولیتی، کار گروهی و... فعال نمودن دانشجو نسبت به روش سخنرانی افزایش داشته بنابراین دیدگاه مثبتی داشتند. و همچنین از بین دو شیوه خانواده همیاری به شیوه TED به خاطر مراحل کمتر آن و بازدهی بیشتر اشاره داشتند.

نتیجه گیری: اهمیت کاربرد شیوه های تدریس دانشجو محور و فعال نمودن نقش دانشجو و تسهیل گر بودن نقش مدرس در افزایش یادگیری و مهارتهای اجتماعی ضروری به نظر میرسد. لذا مدیران با برگزاری کارگاه روشهای تدریس، برنامه ریزی صحیح و اجرای مناسب و ارزیابی آموزشی مدرسان خود را توانمند سازند  
واژه های کلیدی: بررسی، روش تدریس، TED، دیدگاه، دانشجو، یادگیری

## پیش بینی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانشجویان بر اساس تجربه دوره تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سال ۱۳۹۱

محسن رضائیان، استاد، گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان.

عفت شهرآبادی\*، دانشکده آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

\* (نویسنده مسوول) تلفن: ۰۳۹۱-۸۲۲۰۰۸۶، پست الکترونیکی: s\_e\_1400@yahoo.com

علی اکبر حقدوست، استاد، گروه بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان.

چکیده:

**زمینه و اهداف:** ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، برای مقایسه نتایج بدست آمده از سنجش عملکرد یادگیرندگان با هدفهای آموزشی یا هدفهای یادگیری انجام می‌شود. در این مطالعه هدف، تعیین پیش‌بینی ارزشیابی تحصیلی دانشجویان بر اساس تجربه دوره تحصیلی دانشجویان در دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان است.

**روش‌ها:** این مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۱ انجام شد. تعداد ۳۷۰ نفر به صورت تصادفی سهمیه‌ای از رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی، پرستاری- مامایی و پیراپزشکی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان انتخاب گردیدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد تجربه دوره تحصیلی (Experience course questionnaire) بود. از این پرسشنامه حیطة- های تدریس خوب، اهداف روشن و استاندارد، ارزیابی مناسب، برای سنجش تجربه دوره تحصیلی استفاده گردید. همچنین معدل کل ترم‌های قبل دانشجویان، به عنوان پیشرفت تحصیلی (Academic Achievement)، مورد بررسی قرار گرفت.

**یافته‌ها:** از دانشجویان مورد بررسی، ۱۱۵ نفر (۳۱/۸٪) پسر و ۲۴۷ نفر (۶۸/۲٪) دختر بودند. نتایج نشان داد تفاوت معناداری بین معدل پسران و دختران وجود دارد ( $P=0/001$ ). بین متغیر تجربه دوره تحصیلی و پیشرفت تحصیلی همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود داشت ( $r=0/197, P=0/001$ ). همچنین از بین متغیرهای مورد مطالعه بر اساس رگرسیون خطی چندگانه، اهداف روشن و استاندارد و ارزیابی مناسب پیش‌بینی‌کننده پیشرفت تحصیلی دانشجویان (معدل کل) بود.

**نتیجه‌گیری:** یافته‌های این مطالعه ضرورت توجه اساتید به شیوه ارزیابی مناسب و ارائه اهداف روشن و استاندارد در ابتدای ترم تحصیلی را جهت سنجش ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانشجویان نشان می‌دهد. اساتید مربوطه بایستی بتوانند با مداخلات لازم آموزشی، زمینه ارتقاء و پیشرفت دانشجویان را فراهم نمایند.

واژه‌های کلیدی: ارزشیابی، پیشرفت تحصیلی، تجربه دوره تحصیلی، پیش‌بینی، دانشجویان.

### بررسی نقش آموزشی دستیاران

رضاجفائی دلویی، سمیه علیزاده\*، فرزانه صداقتکار

\*دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی. دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

ایمیل: [alizadehs902@mums.ac.ir](mailto:alizadehs902@mums.ac.ir)

**مقدمه:** دستیاران به دلیل ارتباط بیشتر با دانشجویان نقش عمده ای در آموزش کاروزان و کارآموزان دارند از سوی دیگر به دلیل حضور بیش تر در مراکز آموزش درمانی اغلب رهبران تیم آموزشی در بخش های بالینی محسوب می شوند. دستیاران موظفند طبق برنامه ای که از طرف گروه آموزشی مربوطه تنظیم می شود، در فعالیتهای آموزشی، پژوهشی و درمانی از جمله کلاسهای نظری، گزارش صبحگاهی، گزارش های مرگ و میر و گزارش موردی، ژورنال کلاب، کارورزی های بیمارستانی و درمانگاهی و آزمایشگاهی و کشیک های بخش و درمانگاه مربوطه و ماموریت های عملی و طرح های تحقیقاتی بطور فعال شرکت نمایند و نه تنها دانش و مهارت ها را به دانشجویان پزشکی تدریس می کنند بلکه خود به عنوان یک الگوی حرفه ای که می توانند ارزش های حرفه ای را به دانشجویان انتقال دهند محسوب می شوند در برخی از کشورها توسعه مهارتهای تدریس دستیاران جزو برنامه آموزش آنان قرار گرفته است. است در این مقاله، به بررسی نقش آموزشی دستیاران می پردازیم.

**روش ها:** برای رسیدن به اهداف این پژوهش مقالات مرتبط با استفاده از کلید واژه های توانمندی تدریس آموزش، دستیاران، آموزش پزشکی، در منابع اینترنتی و پایگاههای اطلاعاتی Google scholar, Web of knowledge, Eric SID, منابع کتابخانه ای و نشریات ایرانی در حیطه آموزش در علوم پزشکی مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج و نتیجه گیری:** دانشکده های پزشکی در سطح دنیا متوجه شده اند که ساعت های زیادی که بین دستیاران و دانشجویان ارتباط برقرار می شود را می توان به محیطی پویا برای هر گروه تبدیل نمود و برای این کار دستیاران باید از قواعد و قوانین مربوط به یادگیری و تدریس استفاده نمایند. ضمن اینکه تدریس دانشجویان پزشکی شانس توسعه یادگیری خود دستیاران را نیز افزایش می دهد. مطالعات نشان داده است که دستیاران یک چهارم وقت خود را صرف نظارت؛ آموزش و ارزیابی دانشجویان و همکاران تازه وارد می کنند. یک سوم یادگیری دانشجویان از آنان می باشد و لازم است که این توانمندی را کسب نمایند. لذا توسعه مهارتهایی که منجر به تبدیل دانشجویان به استاد موثر می شود باید جز ضروری از آموزش دستیاران قرار گیرد.

**واژه های کلیدی:** توانمندی تدریس، دستیاران، آموزش پزشکی

## مقایسه میزان یادگیری و رضایت دانشجویان در تدریس به روش سخنرانی و یادگیری مبتنی بر تیم

دکتر زهرا جعفری

استادیار گروه علوم پایه توانبخشی، دانشکده توانبخشی، مرکز تحقیقات توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی

تهران

Email: z\_jafari@tums.ac.ir

**مقدمه:** یادگیری مبتنی بر تیم، نوع ساختمندی از آموزش مشارکتی است که کاربرد آن در آموزش پزشکی رو به گسترش است. در مطالعه حاضر، میزان یادگیری و رضایت دانشجویان در درس نورولوژی به دو روش سخنرانی و یادگیری مبتنی بر تیم، مقایسه گردید.

**روش‌ها:** این بررسی روی ۷۰ دانشجو در محدوده سنی ۱۹ تا ۲۱ سال از دو جنس در دانشکده توانبخشی صورت گرفت. از ۱۶ جلسه درس نورولوژی، نیمی از جلسات به روش سخنرانی و نیم دیگر به روش یادگیری مبتنی بر تیم، با رعایت معیارها و نکات آموزشی اصلی، تدریس گردید. برای بررسی رضایت دانشجویان از روش آموزشی، مقیاسی با ۲۰ سوال ۵ گزینه ای تهیه شد.

**نتایج:** بین میانگین سه نمره سخنرانی، یادگیری مبتنی بر تیم و نمره نهایی، تفاوت معناداری وجود داشت ( $p < 0/001$ ). در روش یادگیری مبتنی بر تیم، نمرات دختران نسبت به پسران، به طور معناداری بالاتر بود، و دختران رضایت بالاتری از این روش ابراز نمودند ( $p \leq 0/001$ ). شاخص روایی محتوایی مقیاس رضایت دانشجویان معادل ۰/۹۴٪ و ضریب آلفای کرونباخ در تعیین پایایی بیرونی ۰/۹۵۴ ( $p \leq 0/001$ ) بود. با محاسبه آلفای کرونباخ کلی به روش دو نیمه کردن تعداد سوالات، پایایی درونی ۰/۹۲۱ بود ( $p < 0/001$ ). تکمیل این مقیاس، ۷۶/۸۸ درصد رضایت از روش TBL نسبت به شیوه سخنرانی را نشان داد.

**نتیجه‌گیری:** مطالعه حاضر، موفقیت و رضایت بیشتر از روش یادگیری مبتنی بر تیم نسبت به سخنرانی در درس نورولوژی را نشان داد. با توجه به دشواری ذاتی این درس، تردیدی نیست که استفاده از روش های نوین آموزشی نظیر یادگیری مبتنی بر تیم می تواند در ارتقای سطح آموزش و یادگیری دانشجویان، تاثیر بسزایی داشته باشد.

**واژه‌های کلیدی:** سخنرانی، یادگیری مبتنی بر تیم، رضایت، جنسیت

## تجارب یادگیری دانشجویان پرستاری در محیط های بالینی: یک تحقیق کیفی

محمدرضا دین محمدی<sup>۱\*</sup>، حمید پیروی<sup>۲</sup>، ندا مهرداد<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> مربی، دانشگاه علوم پزشکی زنجان، دانشکده پرستاری و مامایی زنجان

[m\\_dinmohammadi@razi.tums.ac.ir](mailto:m_dinmohammadi@razi.tums.ac.ir)

<sup>۲</sup> دانشیار، دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده پرستاری و مامایی تهران

[hpeyrovi@tums.ac.ir](mailto:hpeyrovi@tums.ac.ir)

<sup>۳</sup> استادیار، دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده پرستاری و مامایی تهران

[nmehrdad@tums.ac.ir](mailto:nmehrdad@tums.ac.ir)

**مقدمه:** آموزش بالینی بخش حیاتی آموزش پرستاری محسوب می گردد. دانشجویان در طی آموزش بالینی، شایستگی های لازم برای اجرای نقش حرفه ای را کسب می نمایند.

**روش ها:** دوازده دانشجویی کارشناسی پرستاری از دو دانشکده پرستاری و مامایی بزرگ شهر تهران از طریق نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. گردآوری داده ها از طریق مصاحبه های فردی، عمیق و نیمه ساختار انجام و با روش آنالیز محتوی مورد تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** نتیجه تحلیل داده ها منجر به ظهور سه طبقه فقر بالینی، زجر بالینی و فخر حرفه ای گردید. طبقه های اصلی با طبقات فرهی همراه وابسته به هم بوده و به دنبال هم رخ می دادند. یافته بیانگر این بودند که دانشجویان پرستاری یادگیری را در محیط های آغاز می کنند که حامی و هدایت کننده نمی باشد. بهر حال، در سال آخر تحصیل، دانشجویان به درجاتی از کنترل و رضایت از یادگیری خود دست می یابند.

**نتیجه گیری:** مشارکت و هماهنگی بین بخش های آموزشی و بالینی در فراهم نمودن جو پذیرا در محیط های بالینی می تواند حس ارزشمندی و احترام را در دانشجویان پرستاری ایجاد نموده و در نتیجه فرایند یاددهی و یادگیری را تسهیل نماید. از آنجائیکه بخش اعظم اجتماعی شدن دانشجویان پرستاری در محیط های بالینی شکل می گیرد، مدیریت درست آموزش بالینی از اهمیت بالایی برخوردار می باشد

**واژه های کلیدی:** یادگیری، آموزش بالینی، دانشجوی، پرستاری، تحلیل محتوی

### نرم افزار تزریق عضلانی

نسرین نوابی<sup>۱\*</sup>، محدثه ایمانی<sup>۲</sup>، فرناز عسگری مقدم<sup>۲</sup>  
<sup>\*</sup>عضوهیئت علمی گروه پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بابل

[Nasrin.navabi@gmail.com](mailto:Nasrin.navabi@gmail.com)

دانشجوی ترم سه پرستاری دانشکده پرستاری فاطمه الزهرا(س) رامسر

**مقدمه:** کاربرد آموزش مجازی و گرایش نگرش دانشجویان به خصوص دانشجویان پرستاری، نسبت به بکارگیری آموزش مجازی حتی یافتن ارتباط کاربرد آموزش مجازی با افزایش یادگیری دانشجویان بسیار متداول گردیده است. زیرا آموزش مجازی، یکی از شیوه های ایجاد عینیت در آموزش است. لذا محققین باهدف ایجاد نرم افزار آموزش تزریق عضلانی و کاربرد آن برای دانشجویان پرستاری اقدام نمودند

**روش ها:** برای اجرای مطلوب این برنامه به این جمله همیشه باید توجه کرد تعریف آموزش الکترونیک در ارائه آموزش آسان از طریق وسائل وامکانات الکترونیکی است و هدف صرفه جویی زمان و هزینه و افزایش انگیزه برای یادگیری در فراگیر است. لذا محققین ابتدائاً طرح درس و سناریوی این مطلب از واحد درس مبانی و مفاهیم در پرستاری را نوشتند

اهداف آموزشی در سه حیطه آموزشی طراحی و بازنگری شد سپس متن به صورت پاورپوینت و جزوه ( با رعایت نکات استاندارد در طراحی جروه) تهیه و با قراردادن صدای مدرس و تهیه فیلم از آنها با بکارگیری ابزار نرم افزار الکترونیکی گردید.

در طراحی پاور پوینت به اصل زیبا سازی و ایجاد جاذبه برای برانگیختن توجه فراگیر به گونه ای که منجر به اختلال در یادگیری او نشود. از دو دانشجو محقق به دو دلیل استفاده گردید. ۱- امکان بکارگیری همتای آموزشی سال بالاتر برای تدریس دانشجوی سال پایین تر با توجه به حضور مدرس در صحنه فیلم برداری و ۲- توجه به رعایت نکات فرهنگی محیط آموزش در حین فیلم برداری

چندین بار فیلم برداری ها بررسی و تکرار شد، تا حداقل خطا در حین فیلم برداری از نظر علمی بودن کار و از نظر مطلوب بودن شرایط فیلم برداری صورت گیرد. سپس فیلم ها چند بار مشاهده و نواقص آن مطرح و مجدداً فیلم برداری صورت گرفت. این مرحله زمان بر بود سپس فیلم مطلوبی از اینترنت تهیه گردید. این کار با توجه به استانداردهای علمی و با حفظ رعایت اصول اخلاقی و با ذکر منبع تهیه فیلم انجام گردید. فیلم مذکور به زبان انگلیسی بود که بر روی آن صدا گذاری مجدد گردید و این عمل همراه با تاکید های خاص محقق در امر آموزش با کاربرد موشواره در حین فیلم برداری صورت گرفت. سپس تمام این پوشه ها با کاربرد نرم افزار اتورانه صورت یک نرم افزار طراحی گردید، در صفحه اصلی این برنامه کلید ورود به برنامه و خروج و امکان ارسال نظرات کاربر ها برای طراح با قرار دادن پست الکترونیکی طراح انجام گردید

**نتایج:** در مجموع ۲۱ دانشجو در ترم سوم پرستاری با این نرم افزار آشنا شدند و برای آموزش تزریق عضلانی استفاده نمودند. حدود ۸۹٪ این نرم افزار برای آموزش مهم و موثر می دانستند. ۹۸٪ از دانشجویان میزان تاثیر کاربرد نرم افزار تزریق عضلانی را ۱۰۰٪ مفید می دانستند. میزان رضایت مندی از کاربرد این نرم افزار دانشجویان ۹۸٪ مطرح نمودند

**نتیجه گیری:** با توجه به این که طراح این نرم افزار بالغ بر ۱۱ نرم افزار در زمینه آموزش پرستاری از سال ۸۶ تا ۹۱ تزریق وریدی، دیالیز، خواندن نوار قلب، تمرینی برای خواندن نوار قلب، معلم مولتی مدیا پیس میکر- معلم مولتی مدیا برای آموزش شیر دهی برای مادران نخست زاده، را تولید و در تاثیر کاربری آنها در آموزش بارها اقدام نموده است. نتایج پژوهش های خود را در همایش های کشوری آموزش پزشکی و در دوره همایشهای یادگیری الکترونیکی بصورت مقاله ارائه نموده و اهمیت کاربرد این نرم افزار ها توسط نوابی و صیادی تایید گردیده است.

### تفاوت بیمار نما و بیمار استاندارد شده در متون

رزا منتظری

دانشجوی کارشناس ارشد آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

[montazerir891@mums.ac.ir](mailto:montazerir891@mums.ac.ir)

**مقدمه:** امروزه از بیمارستان یا بیمارستان استاندارد شده هم به عنوان استراتژی آموزشی و هم به عنوان ابزار سنجش استفاده می شود (۱) و یکی از روش های امتحانی است که در بسیاری از دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی معتبر دنیا و کشور برای ارزیابی صلاحیت بالینی به کار می رود (۲)، چراکه سودمندی این روش در رابطه با سنجش عینی مهارت های بالینی به خوبی به اثبات رسیده است (۳). تفاوت قابل توجهی در سطح پیچیدگی مشکل ارائه شده توسط بیماران واقعی، کیفیت علایم بالینی و سطح توانایی بیمار در ارائه تاریخچه ثابت برای همه دانشجویان وجود دارد. این عوامل و در برخی موارد کمبود دسترسی به بیماران واقعی منجر به شکل گیری و توسعه بیمارستان یا بیمارستان استاندارد شده برای استفاده در سنجش شد (۴).

علی رغم استفاده فزاینده از بیمارستان در آموزش پزشکی، معنی بیمارستان و بیمارستان استاندارد شده به طور واضح برای محققان و آموزش دهندگان پزشکی در پژوهش های فارسی مشخص نیست. لذا در این پژوهش سعی بر این است که با مرور متون و مطالعات مرتبط مفهوم و کاربرد این دو واژه را روشن سازیم.

**روش ها:** این پژوهش، یک مطالعه مروری است. به منظور دستیابی به مطالعات و مقالات مرتبط نسبت به جستجوی الکترونیک در سایت های مختلف و با کلید واژه های بیمارستان، بیمارستان استاندارد شده، تفاوت بیمارستان و بیمارستان استاندارد شده و اختصار SP اقدام نمودیم. از میان مقالات یافت شده تعدادی را که پاسخگوی سرفال پژوهش ما بودند، انتخاب کرده و اطلاعات مرتبط را از آن ها استخراج کردیم.

**نتایج:** برخی نویسندگان اصطلاح بیمارستان، برخی دیگر اصطلاح بیمارستان استاندارد شده و برخی نیز بیمارستان برنامه ریزی شده را به کار می برند (۵ و ۶). در اغلب موارد اصطلاح بیمارستان و بیمارستان استاندارد شده به صورت قابل تعویض استفاده می شوند و اختصار SP برای اشاره به هر سه استفاده می گردد. بیمارستان چنانچه توسط باروز تعریف می شود عبارتست از " یک شخص معمولی که به منظور نمایش علایم و نشانه های یک بیمار واقعی به طور دقیقی آموزش دیده و راهنمایی می شود". بیمارستان استاندارد شده در مقابل افرادی هستند یا بدون بیماری واقعی که برای نمایش یک مورد پزشکی در روش ثابت آموزش دیده اند. حال ممکن است این افراد بیماری خود را به تصویر بکشند (۴).

**نتیجه گیری:** بنابر یافته های حاصل از مطالعات، در اصطلاح بیمارستان تأکید بر شبیه سازی واقعیت و در اصطلاح بیمارستان استاندارد شده تأکید بر ثبات و استاندارد سازی ارائه است. بیمارستان استاندارد شده ممکن است شبیه سازی و یا واقعی باشد، ولی بیمارستان یک بازیگر یا فرد معمولی است که نقش بیمار را شبیه سازی می کند. لذا جایگزینی اصطلاح بیمارستان استاندارد شده به جای بیمارستان پیشنهاد می شود، چراکه یک لغت گسترده تر است که هم بیمارستان و هم بیمار واقعی را پوشش می دهد و شبیه ارائه مشکل ثابت بوده و از دانشجویی به دانشجوی دیگر تغییر نمی کند.

**واژه های کلیدی:** بیمارستان، بیمارستان استاندارد شده، تفاوت بین بیمارستان و بیمارستان استاندارد شده، SP

## تأثیر مطالعه موردی و شبیه سازی با درجه واقعی کم بر مهارت محاسبه دارویی دانشجویان پرستاری

فریبا برهانی<sup>۱</sup>، عباس عباس زاده<sup>۲</sup>، اعظم پوراعما<sup>۳\*</sup>

<sup>۱</sup> استادیار، دانشکده پرستاری مامایی شهید بهشتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران  
faribaborhani@msn.com

<sup>۲</sup> دانشیار، مرکز تحقیقات فیزیولوژی، دانشکده پرستاری مامایی شهید بهشتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.  
aabaszadeh@hotmail.com

<sup>۳\*</sup> کارشناس ارشد پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی رازی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران  
Azamporana@gmail.com

**مقدمه:** مهارت در محاسبه دارویی یک مهارت حرفه ای ضروری برای پرستاران است. استفاده از روش های آموزشی موثر برای یادگیری این مهارت در دانشجویان پرستاری یک ضرورت در آموزش پرستاری قلمداد می شود. هدف از این مطالعه کارآزمایی بالینی پیش و پس آزمون بررسی تأثیر مطالعه موردی و شبیه سازی با درجه واقعی کم بر مهارت محاسبه دارویی دانشجویان پرستاری می باشد.

**روش ها:** دانشجویان ترم اول پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی رازی کرمان ( ۵۱ نفر ) با استفاده از روش تقسیم بندی تصادفی سیستماتیک به دو گروه کنترل و تجربه گروه بندی شدند. مداخله آموزشی در هر دو گروه شامل مرور مهارت های پایه ریاضی، تفسیر دستور پزشک، توضیح فرمول های محاسبه دارویی بود. در گروه کنترل برای آموزش چگونگی محاسبه دارو از مطالعه موردی استفاده شد و اطلاعات لازم برای محاسبه دارو از طریق پاورپوینت در اختیار دانشجویان قرار می گرفت اما در گروه تجربه دانشجویان در گروه های کوچک ۵ نفره در آزمایشگاه بالینی تمرین مهارت ها ( skill lab ) و با در اختیار داشتن سناریوی بیمار شبیه سازی شده و ابزار لازم برای محاسبه دارو آموزش دیدند. قبل از آموزش و ۱۰ روز بعد از آن مهارت محاسبه دانشجویان با استفاده از آزمون ۱۰ سوالی محاسبه دارویی مورد ارزشیابی قرار گرفت.

**نتایج:** میانگین نمره دو گروه قبل از آموزش با استفاده از آزمون تی مستقل تفاوت معنی داری نداشت ( $P=0/80$ ) اما بعد از آموزش تفاوت معنی دار بود ( $P=0/03$ ). آزمون تی زوج نیز نشان دهنده معنی دار بودن تغییرات میانگین نمره هر دو گروه در پس آزمون نسبت به پیش آزمون بود ( $P=0/00$ ). بعد از آموزش تعداد و محدوده اشتباه در محاسبه گروه تجربه نسبت به گروه کنترل کمتر بود.

**نتیجه گیری:** روش آموزشی شبیه سازی در آزمایشگاه بالینی تمرین مهارت ها باعث افزایش مهارت و کاهش اشتباهات دانشجویان در محاسبه دارویی شد. از این رو پیشنهاد می شود از این شیوه برای آموزش محاسبه دارویی به دانشجویان استفاده گردد.

**واژه های کلیدی:** مهارت محاسبه دارویی، شبیه سازی، دانشجویان پرستاری، آموزش پرستاری



## بررسی سبک های یادگیری بر اساس نظریه کلب در دانشجویان پرستاری

امیر طباطبایی\*<sup>۱</sup>، دکتر مریم رسولی<sup>۲</sup>، دکتر منصوره زاغری تفریسی<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی دکترای پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، شعبه بین الملل، تهران، ایران

tabatabaei.amir@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، [rassouli.m@gmail.com](mailto:rassouli.m@gmail.com)

<sup>۳</sup> استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

**مقدمه:** عوامل متعددی بر یادگیری تاثیر می گذارند و شناسایی این عوامل در رفع مشکلات و نارسایی های موجود در سیستم آموزشی مهم است. یکی از این عوامل، سبک یادگیری می باشد و فراگیران به تناسب تفاوت های فردی خود از سبک های متفاوتی برای یادگیری استفاده می کنند. این پژوهش با هدف تعیین سبک های یادگیری دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قوچان در سال ۱۳۹۱ انجام شد.

**روش ها:** این مطالعه از نوع مقطعی -توصیفی می باشد. جامعه مورد پژوهش کلیه دانشجویان پرستاری مقطع کارشناسی شاغل به تحصیل در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۱-۹۲ بودند که از طریق تمام شماری انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری داده ها، شامل پرسش نامه ویژگی های جمعیت شناسی و دوازده سوال مربوط به سبک های یادگیری کلب بود. بوده است که روایی آن از طریق روایی محتوا و پایایی آن از طریق آزمون مجدد بررسی شده است. ۱۲۰ دانشجو پرسشنامه ها را تکمیل کردند. داده ها توسط نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** یافته های پژوهش نشان داد که اکثر دانشجویان (۳۶,۲ درصد) دارای سبک یادگیری جذب کننده؛ و بقیه شامل همگرا (۳۰,۸ درصد)؛ واگرا (۲۱,۱ درصد) و انطباق یابنده (۱۱,۹ درصد) بودند. آزمون مجذور کای ارتباط معناداری بین سبک های یادگیری آزمودنی ها با جنس نشان داد ( $P < 001$ ). گرچه این ارتباط با دیگر متغیرهای جمعیت شناسی شامل سن و مقطع تحصیلی معنادار نبود.

**نتیجه گیری:** شناخت سبک یادگیری یکی از مولفه های اصلی برای بهبود فرآیند یادگیری محسوب می شود. با توجه به نتایج این مطالعه، دانشجویان پرستاری دارای سبک های یادگیری متفاوتی هستند و مدرسین با شناسایی سبک های یادگیری دانشجویان می تواند از روش های تدریس مختلف جهت تئوری و بالینی استفاده نمایند.

**واژه های کلیدی:** سبک های یادگیری، نظریه کلب، دانشجویان پرستاری

## بکارگیری روش تدریس معلم همتا (peer teacher)، در تدریس درس مدیریت خدمات بهداشتی و مقایسه آن با روش نمایش اسلاید و سخنرانی و ارائه اسلاید و روش

### آموزش ترکیبی pbl و پرسش و پاسخ

دکتر بهزاد کرمی متین\*، طیبه تولایی

\*دکترای مدیریت خدمات بیمارستانی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

Email: BKM@1344.YAHOO.COM

**مقدمه:** دانشجویان در ۳ ترم متوالی تحت مطالعه قرار گرفتند بکارگیری روشهایی که مشارکت دانشجویان را در عمل موثری در میزان یادگیری و توانایی دانشجویان در کاربرد آموخته های اوست تا بتوان بهترین روش را در تدریس درس مدیریت و دروس مشابه بکار گرفت.

**روش‌ها:** نیمسال اول ۸۸-۸۹: در این روش استاد پس از انجام آزمون ورودی مربوط به همان جلسه اقدام به تدریس به روش سخنرانی با کمک نمایش اسلاید مینماید و در ۱۰ دقیقه آخر کلاس به سوالات دانشجویان پاسخ میگوید. نحوه ارزشیابی: ۵ نمره آزمون میان ترم ۱۵ نمره آزمون پایان ترم صورت میگیرد. نیمسال اول ۹۰-۸۹: در روش معلم همتا دانشجو محور آموزش است دانشجویان در گروههای ۳ تا ۵ نفره بندی میشوند یکی از اعضای گروه بعنوان معلم همتا انتخاب میشود و سایر اعضا بعنوان اعضای گروه تعیین میشوند سپس مفاهیم مربوط به درس که در قالب سرفصل آمده به تناسب بین گروهها تقسیم میشود که سرگروه آنها بعنوان معلم و بقیه اعضای گروه بعنوان همکاروی تعریف میشوند و استاد در خصوص نحوه تقسیم وظایف جمع آوری اطلاعات، جمع بندی اطلاعات، نحوه ارائه تدریس و چگونگی برگزاری آزمون به گروهها توضیح میدهد سپس دانشجویان را برای برگزاری کلاس در ۱ ساعت اول هر جلسه آماده میکند ۳۰ دقیقه نهایی را استاد در تکمیل تدریس معلم همتا و همکارانش بصورت سخنرانی ارائه مطلب دارد و در ۵ دقیقه آخر کلاس نسبت به ارزشگذاری عملکرد گروه اقدام و نمره ارزشیابی خود را از گروه معلم همتا ارائه کننده بین صفر تا ۵ نمره می دهد و اگر هر گروه بیش از یکبار نقش معلم را ایفا نماید میانگین نمرات آنها در هر بار ارائه گزارش درج میگردد از ۱۵ نمره بعدی ۵ نمره از آزمونهای برگزار شده توسط گروه معلم همتا و ۱۰ نمره نهایی در آزمون پایان ترم دانشجویان ارزشیابی میشود. نیمسال اول ۹۱-۹۰: بدلیل عدم وجود منابع کافی آموزش برای اجرای pbl بطور کامل در واقع جلسات بصورت ترکیبی اجرا میشود ۴۵ دقیقه اول پیگیری فعالیتهای دانشجویان در پاسخ به سوال جلسه قبل و طرح مسئله جدید صورت میگیرد ۳۵ دقیقه آخر استاد به روش سخنرانی تدریس مینماید و ۱۰ دقیقه آخر کلاس با دانشجویان پرسش و پاسخ صورت میگیرد و نحوه ارزشیابی دانشجویان: ۱۵ نمره آزمون نهایی و ۵ نمره ناشی از سنجش و عملکرد فعالیت و پاسخگویی به سوالات مطرح شده به روش pbl است.

**نتایج:** روش معلم همتا در بین اساتید و مدرسینارهای ادواری یا کنفرانسهای هفتگی مورد استفاده قرار میگیرد این روش مسیر توسعه رابه دانشجویان نشان میدهد که همان اتکا به توانمندیها، تلاش هدفمند، شناخت بیشتر از خود و کسب مهارت پایدار در عمل است. لذا این مقاله با هدف تعیین روش موثر از بین سه روش تدریس معلم همتا، نمایش اسلاید و سخنرانی و روش ترکیبی pbl و پرسش و پاسخ مورد استفاده قرار گرفت.

**نتیجه گیری:** رضایتمندی دانشجویان از روش تدریس استاد-رشد توانمندی دانشجویان در اتکا به خود-ارتقاء تلاش هدفمند دانشجویان در یادگیری درس مدیریت-شناخت بیشتر دانشجویان از خود-ارتقاء توانمندی دانشجویان در کاوش مطالب علمی-ارتقاء توان دانشجویان در کاربرد علمی مفاهیم .

واژه‌های کلیدی: معلم همتا، روش ترکیبی pbl.

### استفاده از روش آموزشی مشارکت استاد- دانشجوی در تدریس بیوشیمی بالینی

مجتبی پنجه پور\*، نگار عطائی

\*دانشیار، گروه بیوشیمی بالینی، دانشکده داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

panjehpour@pharm.mui.ac.ir

**مقدمه:** درس بیوشیمی بالینی یکی از دروس کاربردی برای دانشجویان رشته داروسازی است که یادگیری عمیق و تفهیمی آن، میتواند پایه و اساس مناسبی برای تخصص آنها ایجاد کند. با توجه به اهمیت این درس و مشکل در فراگیری و ماندگار بودن آن و جهت ایجاد علاقه بیشتر در دانشجویان وابسته، پژوهش حاضر با هدف مقایسه میزان مطلوبیت دو روش تدریس سنتی استاد مدار و تدریس مشارکتی استاد- دانشجوی انجام گرفت.

**روش‌ها:** این مطالعه به روش نیمه تجربی بر روی ۱۴۰ نفر دانشجوی ترم ۵ داروسازی در ارائه درس دو واحدی بیوشیمی بالینی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان طی دو نیمسال اول ۹۰-۹۱ و ۹۱-۹۲ انجام گرفت. دانشجویان به دو گروه آزمایش و شاهد تقسیم بندی شدند. در گروه آزمایش، مباحثی از درس به صورت سخنرانی استاد و مباحثی به صورت سمینار دانشجویی ارائه گردید. در گروه شاهد، تمام مطالب درسی به صورت روش سنتی سخنرانی استاد محور ارائه شد. گردآوری داده‌ها در پایان ترم، از طریق پرسشنامه و نیز آزمون مقایسه کننده، بین دو گروه مورد مطالعه از مباحث تدریس شده به دو روش استاد محور و مشارکتی انجام گرفت.

**نتایج:** دانشجویان گروه آزمایش به سئوالات مربوط به پرسشنامه پاسخ دادند. میانگین نمره رضایتمندی دانشجویان از روش مشارکتی، ۵۹ درصد میباشد. سئوالات در سه حیطه انگیزه، یادگیری و مشارکت در کار گروهی تقسیم بندی شد و بر اساس پاسخ دانشجویان به پرسشنامه ها، روش مذکور، در این سه حیطه نیز مورد ارزیابی قرار گرفت. میانگین نمره حاصل از تاثیر این روش در ایجاد انگیزه و علاقه به درس بیوشیمی برابر با ۶۲٫۲ درصد، در یادگیری موثرتر ۶۶٫۲ درصد و در تشویق دانشجویان برای مشارکت در کار گروهی ۵۷ درصد میباشد.

**نتیجه‌گیری:** نتایج نشان میدهد که رضایت دانشجویان از روش تدریس مشارکتی، به مراتب بهتر از روش استاد محور و سخنرانی توسط استاد است. با توجه به درصد پاسخهای موافق و قویاً موافق سئوالات مربوط به تأیید روش مشارکتی، این شیوه، میتواند راه مفیدی برای ارائه درس مشکل بیوشیمی باشد.

**واژه های کلیدی:** استاد محور، روش مشارکتی، بیوشیمی بالینی، استاد محور

## بررسی سبک یادگیری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی و عوامل مرتبط با آن در سال ۱۳۹۱

مهدی طرسکی<sup>۱</sup>، جواد رضا زاده<sup>۲</sup>، رضوان رجب زاده<sup>۳</sup>، سید حمید حسینی<sup>۴\*</sup>، احمد صادقی<sup>۵</sup>  
<sup>۱</sup>کارشناس ارشد اقتصاد بهداشت، کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۲</sup>کارشناس پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۳</sup>کارشناس بهداشت، مرکز تحقیقات زئونوز، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۴\*</sup>کارشناس ارشد آموزش بهداشت، کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، عضو هیئت علمی

دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی email: hamid.ho6o@yahoo.com

<sup>۵</sup>دانشجوی دکترای مدیریت خدمات بهداشتی-درمانی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

**مقدمه:** یادگیری فرایند مهم تطابق و سازش انسان با محیط است سبکهای یادگیری از مهم ترین عوامل مؤثر بر یادگیری دانشجویان می باشد. عدم همخوانی سبک یادگیری دانشجو با ویژگی های وی موجب دلسردی، عدم موفقیت و بی علاقه‌گی فرد شده و می تواند در نهایت منجر به انصراف از تحصیل گردد. لذا این مطالعه به منظور بررسی سبک یادگیری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی و عوامل مرتبط با آن صورت گرفت.

**روش‌ها:** این مطالعه بصورت مقطعی در سال ۱۳۹۱ به روش نمونه گیری چندمرحله‌ای (طبقه ای و تصادفی سیستماتیک) بر روی ۲۴۰ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی انجام شده است. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد سبک یادگیری کلب (Kolb\_LSI) بود. که این پرسش نامه حاوی سؤالات دموگرافیک و سبک های یادگیری می باشد. اطلاعات گرد آوری شده با استفاده از آزمون کای دو و نرم افزار SPSS16 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** کل افراد مورد مطالعه ۲۴۰ نفر بوده که از این بین ۳۳/۳ درصد مذکر و ۶۶/۷ درصد مونث بودند. میانگین سنی و معدل نمرات آنها به ترتیب ۲۰/۸۲ سال و ۱۶/۲۵ بود. انواع سبکهای یادگیری دانشجویان بر حسب درصد برای سبک همگرایی، انطباقی یابنده، جذب کننده و واگرا به ترتیب ۴۵/۴، ۱۷/۱، ۲۳/۳ و ۱۴/۲ درصد می باشد هم چنین هردو مقطع تحصیلی کاردانی و کارشناسی دارای بیشترین سبک یادگیری همگرایی بودند. نتایج این مطالعه نشان داد که بین سن، جنس، پایه تحصیلی، معدل، تحصیلات پدر و مادر، وضعیت تاهل، ترم تحصیلی، بعد خانوار و درآمد با سبکهای یادگیری رابطه آماری معنادار وجود داشت ( $P \leq 0.05$ ).

**نتیجه‌گیری:** با توجه به اینکه سبک یادگیری اکثر دانشجویان از نوع همگرایی است و در این دانشجویان با توجه به منابع علمی معتبر، روش های آموزشی سنتی خسته کننده می باشد لذا پیشنهاد می گردد از روش های آموزشی نوین مثل حل مسئله در آموزش این گروه ها استفاده گردد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش، دانشجویان، سبک های یادگیری، کلب

## تهیه و تدوین نرم افزار بیوشیمی بالینی به عنوان الگوی نو آموزش دروس بیوشیمی برای نخستین بار

دکتر دردی قوجق\*، دکتر حسن طالب زاده

مرکز تحقیقات بیولوژی سلولی و مولکولی، دانشگاه علوم پزشکی بابل

بخش بیوشیمی و بیوفیزیک، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بابل

[dqujeq@hotmail.com](mailto:dqujeq@hotmail.com)

**مقدمه:** بکارگیری نرم افزارهای پیشرفته برای تهیه الگوریتم های بیوشیمی بالینی، همچنین آموزش بیوشیمی بالینی دانشجویان با فناوریهای نوین آموزشی بسیار مهم است، اهداف این پژوهش ایجاد انگیزه در دانشجویان پزشکی برای حضور فعال در کلاس درس، تقویت و گسترش تجسم مجازی دانشجویان در دروس بیوشیمی و پرورش مهارت دانشجویان در فراگیری طراحی و بکارگیری نرم افزارهای آموزشی است.

**روش ها:** این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی انجام شد. بر اساس سرفصل دروس بیوشیمی بالینی، ابتدا عناوین دروس بیوشیمی بالینی بررسی و انتخاب شد و سپس الگوریتم های مرتبط با دروس بیوشیمی بالینی تهیه شد. برای آموزش دانشجویان بر اساس مسیر های بیوشیمیایی و الگوریتم های آن نرم افزار پیشرفته آموزشی تهیه گردید. پس از آن نرم افزار در کلاس های درس استفاده شد. سپس پرسشنامه ها بین دانشجویان مورد نظر توزیع شد و امکان برگشت پرسشنامه ها فراهم و پی گیری شد. جامعه پژوهش را دانشجویان تشکیل داده بودند. نمونه پژوهش از دانشجویان به روش نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب شد. در خصوص جنبه های مختلف فایل های فلاش دروس توسط دانشجویان سنجش داده شد. پاسخ ها به 5 درجه از 1 تا 5 طبقه بندی شدند (1 بسیار ضعیف 2- ضعیف 3- متوسط 4- خوب 5- بسیار خوب). برای تعیین اعتبار علمی از اعتبار محتوا استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل یافته ها از نرم افزار SPSS مدل 16,0 استفاده شد. یافته ها به صورت توزیع فراوانی و میانگین درصد پاسخ ها محاسبه شد.

**نتیجه گیری:** تحلیل نتایج این تحقیق نشان داد، 86٪ پاسخ دهندگان ذکر کرده اند که نرم افزار بیوشیمی بالینی در تجسم ذهنی و عینی و یادگیری مفاهیم دروس بیوشیمی بهتر از روش های دیگر است. با توجه به نظرات دانشجویان، 83٪ فراگیران بکارگیری و استفاده از نرم افزار با انیمیشن های علمی و فناوریهای نوین در آموزش دروس بیوشیمی علاوه بر ایجاد تنوع و نوع آوری در تدریس بیوشیمی در دستیابی به ایجاد انگیزه در فراگیران بیشترین تاثیر گذاری را در مقایسه با روش های آموزشی قبلی دارد. همچنین ارزیابی فراگیران نشان داد که 78٪ پاسخ دهندگان بیان داشته اند که نرم افزار بیوشیمی بالینی در تسهیل یادگیری نقش مهمی دارد. پس از اجرای نرم افزار انگیزه دانشجویان پزشکی برای حضور فعال در کلاس درس افزایش یافت تجسم مجازی دانشجویان در دروس بیوشیمی تقویت و گسترش یافت.

**واژه های کلیدی:** نرم افزار، بیوشیمی بالینی، الگوی نو آموزش

### تأثیر روش تدریس بر مبنای سبک یادگیری بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان

دکتر کامران میرزایی ، دکتر ثریا زحمت کش\* ، محمدرضا یزدانخواه فرد  
مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی ، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر  
[Zahmatkeshs2004@yahoo.com](mailto:Zahmatkeshs2004@yahoo.com)

**مقدمه:** دانشجویان در هنگام روبرو شدن با انواع تکالیف یادگیری از راهبردهای مشخصی برای یادگیری استفاده می کنند . شناخت این راهبردها، گامی اساسی برای مداخلات آموزشی مناسب می باشد و موفقیت دانشجویان را از طریق تعیین نقاط قوت و ضعف مطالعه و تأمین مداخلات مناسب ارتقا می بخشد. از دید محققین آموزشی، یکی از راه های ارتقای کیفیت آموزش داشتن بینش کافی نسبت به نحوه یادگیری فراگیران می باشد. هدف از این مطالعه تعیین تاثیر روش تدریس بر مبنای سبک یادگیری بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بود

**روش ها:** در این فرآیند مداخله ای ، دانشجویان کارشناسی تغذیه اخذ کننده دروس فیزیولوژی تغذیه و پاتوفیزیولوژی بیماریها ( به ترتیب دانشجویان سالهای دوم و سوم) شرکت نمودند. در زمان انتخاب واحد و قبل از شروع ترم تحصیلی ، سبک های یادگیری دانشجویان هر گروه با استفاده از پرسشنامه سبک های یادگیری کلب مورد بررسی و سنجش قرار گرفتند . در این مطالعه دانشجویان اخذ کننده دروس فوق در سال تحصیلی قبل از اجرای فرآیند بعنوان گروه شاهد ( گروه آموزش سنتی سخنرانی) انتخاب شدند

برای آموزش دانشجویان گروه های مداخله درس فیزیولوژی تغذیه ، الگوی استاندارد آموزش همتایان و آموزش در گروه های کوچک و الگوی تدریس درس پاتوفیزیولوژی بیماریها ، از طریق الگوی استاندارد نقشه مفهومی ( بر مبنای سبک یادگیری غالب آنان ) انتخاب شد . در این مطالعه ، دانشجویان بر اساس الگوی طرح درس و بر مبنای روش آموزشی انتخاب شده در طول ترم مورد و توسط مدرسی واحد آموزش قرار گرفتند . در پایان دروس دانشجویان گروه های مداخله ، با آزمونی مشابه آزمون گروه بدون مداخله در سال گذشته مورد ارزیابی قرار گرفتند و یادگیری شناختی دانشجویان مورد سنجش قرار گرفت . همچنین دانشجویان همه گروه ها فرم نظر سنجی برای بیان نظر خود از الگوهای آموزشی بکار گرفته شده را تکمیل نمودند

**نتایج:** ۸۵/۷٪ از گروه مداخله و ۶۱/۱٪ از گروه شاهد درس فیزیولوژی تغذیه (  $P = ۰/۰۸۳$  ) و ۸۸/۹٪ از گروه مداخله و ۶۲/۵٪ از گروه شاهد در درس پاتوفیزیولوژی بیماریها (  $P = ۰/۰۰۳$  ) با روش آموزشی مورد استفاده برای آنان موافق بودند . میانگین نمرات آزمون در دو گروه مداخله و شاهد در هر دو درس تفاوت آماری معنی داری را نشان داد (  $P < ۰/۰۵$  ) . همچنین بین نگرش دانشجویان خصوص روش آموزشی بکار رفته در آموزش دروس و نمره اخذ شده آنان در امتحان پایان ترم ارتباط معنی داری مشاهده شد ( به ترتیب در درس فیزیولوژی تغذیه و پاتوفیزیولوژی بیماریها:  $P = ۰/۰۴۶$  و  $P = ۰/۰۳۸$  )  
**نتیجه گیری:** شناخت سبک های یادگیری غالب دانشجویان و طراحی الگوهای آموزشی متناسب با آن می تواند در ارتقا یادگیری و پیشرفت تحصیلی و نیز انتقال فعالیت ها از الگوی استاد محوری به سمت فراگیر محور و بدنبال آن افزایش رضایت از فرآیند یادگیری نقش موثر و اساسی داشته باشد .

واژه های کلیدی: سبک یادگیری ، آموزش ، پیشرفت تحصیلی ، دانشجو ، یادگیری

**تهیه و تدوین راهکارهای طبابت بالینی (Guidelines) مواجهه با شکایات شایع**

### چشمی

دکتر محمدرضا اخلاقی\* ، دکتر وجیهه وفامهر  
\*هیات علمی گروه چشم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

Email: mrezaakhlaghi@yahoo.com

**مقدمه:** راهکارهای طبابت بالینی با هدف ایجاد چهارچوبی یکپارچه و استاندارد برای انجام بررسی‌های تشخیصی، درمان و ارجاع بیماران تهیه می‌شوند. اما مشکل اساسی در تهیه این راهکارها توجه به نیازهای واقعی جامعه مخاطبین و عدم وجود چهارچوب متناسب با وظایف استفاده‌کنندگان می‌باشد. این پژوهش به منظور کمک به تهیه راهکارهای علمی برای تصمیم‌گیری صحیح در مواجهه با شکایات شایع چشمی انجام شده است.

**روش‌ها:** در ابتدا تعیین شایعترین شکایات چشمی با انجام یک مرور متون وسیع و تکنیک دلفی انجام شد. سپس ضمن رعایت پوشش دهی عناوین آموزشی ضروری منطبق با وظایف پزشک عمومی، برای هر شکایت راهکار جداگانه ای تهیه شد. در تهیه راهکارها تلاش گردید تا بر پایه بهترین مداخلات استاندارد بالینی تهیه شود. با توجه به اینکه درصد قابل توجهی از بیماران با شکایات چشمی، در ابتدا به مطب و درمانگاههای پزشکان عمومی مراجعه می‌نمایند، این راهکارها به منظور آماده سازی یک بسته از توصیه‌های عملی و روزآمد برای تشخیص، درمان و با تاکید ویژه بر نحوه ارجاع بیماران با شکایات چشمی تالیف شد. راهکارها با بهره‌گیری از به روزترین منابع و فرانس‌های علمی تدوین شد و بر اساس نظرات متخصصان چشم، کارشناسان آموزش پزشکی و پزشکان عمومی و بر اساس شرایط درمانگاهها و مطب‌های پزشکان عمومی کشور و جمعیت هدف، بومی‌سازی گردید. توصیه‌های موجود در این راهکارها با هدف ایجاد چارچوبی یکپارچه و استاندارد برای انجام بررسی‌های تشخیصی، درمان و ارجاع بیماران فراهم آمدند.

**نتایج:** از میان شکایات چشمی، ۱۰ شکایت از شایعترین شکایات چشمی در بیماران مراجعه کننده به پزشک عمومی یا خانواده بودند: تاری دید- قرمزی- اشکریزش- درد- افتادگی پلک- ضربه به چشم- ضایعات پلک- دیابت- شکایات چشمی کودکان- مشکلات چشمی در پرکاری تیروئید. که ۱۰ راهکار با عناوین فوق و منطبق با چهارچوب تعیین شده تهیه گردید. سپس در طی ۳ مرحله مورد ارزیابی ۳ تن از اساتید گروه چشم پزشکی قرار گرفت و بر اساس نظرات ایشان اصلاح شد. علاوه بر این ۶ مرحله بازبینی و تصحیح تراهاکار انجام شد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به اینکه این راهکارها بر اساس به روزترین منابع علمی تهیه شده و ملاحظات بومی و منطقه ای نیز در آن مورد توجه قرار گرفته است بنابراین منبع مناسبی برای دانشجویان بالینی و پزشکان عمومی و بخصوص پزشکان خانواده میباشد تا با استفاده از آن اقدامات درمانی مناسب و ارجاع صحیح و به موقع را انجام دهند.

**واژه‌های کلیدی:** راهکار طبابت بالینی، شکایات شایع چشمی

## مقایسه دو روش سخنرانی و ماجول در رابطه با استانداردهای حفاظتی کار با داروهای سیتوتوکسیک بر دانش و عملکرد پرستاران بخشهای انکولوژی وابسته به دانشگاه

### علوم پزشکی شیراز

دکتر مریم حضرتی(مربی)\*<sup>۱</sup>، خدیجه عباسی(مربی)<sup>۲</sup>، نسرين پور علی محمدی(مربی)<sup>۳</sup>، دکتر عبدالرضا رجایی فرد(استاد یار)<sup>۴</sup>

<sup>۱\*</sup>گروه داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

Email: maryamshir@yahoo.com

<sup>۲</sup>گروه داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، لارستان، ایران

<sup>۳</sup>گروه داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

<sup>۴</sup>گروه آمار، دانشکده بهداشت و تغذیه، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

**مقدمه:** نتایج مطالعات مختلف قویا پیشنهاد کننده نیاز پرستاران، بخصوص پرستاران بخشهای انکولوژی به آموزش مداوم است. در برنامه های آموزشی حاضر دو الگوی کلی استاد محور و الگوی دانشجو محور مورد استفاده قرار می گیرد. این مطالعه با هدف مقایسه دو روش سخنرانی و ماجول در رابطه با استانداردهای حفاظتی کار با داروهای سیتوتوکسیک بر دانش و عملکرد پرستاران بخشهای انکولوژی انجام شده است.

**روشها:** در این مطالعه مداخله ای کلیه پرستارانی که در بخشهای انکولوژی استان فارس (شهر شیراز) در فرایند تجویز داروهای سیتوتوکسیک در سالهای ۱۳۸۹-۱۳۹۰ شرکت داشتند، (۸۶ نفر) انتخاب شدند و به روش تصادفی ساده به سه گروه سخنرانی (۲۸ نفر)، ماجول (۲۹ نفر) و شاهد (۲۹ نفر) تقسیم شدند و در گروه سخنرانی، کلاس آموزشی ۵ ساعته برگزار گردید، ماجول آموزشی صحافی شده برای گروه ماجول آماده گردید و در گروه شاهد مداخله ای صورت نگرفت. قبل و ۸ هفته پس از آموزش، جهت بررسی عملکرد از لیست واریسی مشاهده ای و جهت بررسی آگاهی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون آماری تی زوج شده و مستقل و آنالیز واریانس یک طرفه استفاده گردید. **نتایج:** یافته ها نشانگر تاثیر مثبت آموزش بر افزایش سطح دانش ( $p < /0.01$ ) و بهبود عملکرد ( $p < /0.01$ ) در دو گروه سخنرانی و ماجول بود. ولی دو گروه از نظر نوع آموزش تفاوت معنی داری هم از نظر دانش ( $p = /0.22$ ) و هم از نظر عملکرد ( $p = /0.75$ ) نداشتند. در گروه شاهد تغییر قابل ملاحظه ای مشاهده نگردید.

**نتیجه گیری:** با توجه به اینکه نتایج پژوهش نشان می دهد که روش سخنرانی و ماجول اثرات مثبت یکسانی در افزایش دانش و بهبود عملکرد پرستاران بخشهای انکولوژی دارند، لذا با توجه به مزایای روش آموزش دانشجو محور و مشغله کاری پرستاران جهت حضور در جلسات سخنرانی و همچنین هزینه بالای فراهم نمودن جلسات سخنرانی (هزینه مدرس، فراهم نمودن مکان مناسب و جمع آوری پرستاران در یک زمان در جلسه سخنرانی و ..... ) و حساسیت شغلی پرستاران استفاده از ماجول توصیه می گردد.

**واژه های کلیدی:** آموزش مداوم پرستاران، داروهای سیتوتوکسیک، دانش، عملکرد، سخنرانی، ماجول



## تعیین سبک های یادگیری بر اساس نظریه کلب در دانشجویان پرستاری و مامایی

### دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سال ۱۳۹۱

محمد اسدپور<sup>۱\*</sup>، زیبا شعبانی<sup>۲</sup>، احمدرضا صیادی<sup>۲</sup>، ریحانه جزء قنبری<sup>۳</sup>، حسن خدادادی<sup>۲</sup>، مریم شهبابی<sup>۲</sup>، مریم رفیعی دولت آبادی<sup>۴</sup>، علی فلاح<sup>۵</sup>، حمید بخشی<sup>۲</sup>،

\*عضو هیئت علمی گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

Email: asadpoor1@yahoo.com

<sup>۲</sup>عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

<sup>۳</sup>دانشجوی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

<sup>۴</sup>کارشناس پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

<sup>۵</sup>کارشناس آموزشی و پژوهشی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، رفسنجان، ایران

**مقدمه:** یادگیری محور فعالیت تمام نهادهای آموزشی و کارآفرین محور به شمار می‌رود. سبک یادگیری دانشجویان به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی همواره مورد توجه قرار گرفته است. با شناسایی سبک یادگیری و میزان خلایقیت موجود در افراد هر سبک می‌توان روش تدریس مناسب‌تر توسط اساتید و هم روش یادگیری صحیح‌تر توسط فراگیران را اتخاذ نمود. لذا هدف این پژوهش تعیین سبک های یادگیری بر اساس نظریه کلب در دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سال ۱۳۹۱ می‌باشد.

**روش‌ها:** روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی- مقطعی بوده است. جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان (۲۳۱ نفر) می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری سرشماری انتخاب شدند. برای جمع-آوری اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه‌ی سبک یادگیری کلب بهره گرفته شد که شامل دو قسمت می‌باشد: بخش اول حاوی پنج سؤال در زمینه مشخصات دموگرافیک و واحدهای مورد پژوهش؛ بخش دوم پرسشنامه‌ی استاندارد سبک‌های یادگیری براساس نظریه کلب Kolb Learning Style inventory شامل دوازده سؤال می‌باشد که هر کدام دارای چهار گزینه تجربه عینی، مشاهده تاملی، تفکر انتزاعی و آزمایشگری فعال می‌باشد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات آن از آمار توصیفی (جداول) واز آمار تحلیلی (آزمون آماری کای دو) استفاده گردید. همچنین  $p < 0/05$  به عنوان سطح معنی‌دار آماری در نظر گرفته شد.

**نتایج:** یافته‌های این پژوهش نشان داد که از مجموع ۲۳۱ نفر نمونه‌ی مورد مطالعه ۱۸۷ نفر به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند، میانگین سنی نمونه‌های مورد مطالعه ۲۰ سال، بیشتر آنها زن (۱۴۵ نفر) و در رشته پرستاری (۱۰۰ نفر) و همچنین در سال اول تحصیلی (۶۶ نفر) و با معدل ۱۶/۹۹-۱۴ (۸۱ نفر) بودند که در کل تعداد ۷۵ نفر به سبک جذب‌کننده، ۶۱ نفر به سبک همگرا، ۳۴ نفر به سبک واگرا و ۱۷ نفر به سبک انطباق‌یابنده تمایل داشتند. طبق پژوهش انجام شده هیچ اختلاف معنی‌داری بین سبک یادگیری و یافته‌های دموگرافیک افراد شرکت‌کننده مانند سن، جنس، معدل، رشته و سال تحصیلی مشاهده نشد. **نتیجه‌گیری:** بیشتر دانشجویان به سبک جذب‌کننده تمایل داشتند و این بدین معناست که دانشجویان در مطالعاتشان بیشتر به روش‌های سخنرانی، مطالب خودآموز و روش‌های راهبردی به صورت استفاده از سمبل‌ها و نمادهای خودساخته و شیوه‌های آموزشی مبتنی بر روش‌های پویا از قبیل ابزار کمک آموزشی، تصاویر و ویدئو کلیپ‌ها علاقه نشان می‌دهند. **واژه‌های کلیدی:** سبک یادگیری کلب، دانشجویان پرستاری و مامایی، شیوه‌های یادگیری، همگرا، واگرا، انطباق‌یابنده، جذب‌کننده.

## نقش فاکتورهای تاثیرگذار در آموزش نوین بافت‌شناسی با دیدگاه یادگیری هم‌افزایی - ونقشه‌ی مفهومی مبتنی بر گروه‌های کوچک در دانشجویان مامایی

دکتر رحیم گل محمدی

استادیار گروه علوم تشریحی، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

[rahimgolmohammadi@yahoo.com](mailto:rahimgolmohammadi@yahoo.com)

**مقدمه:** روش‌های نوین آموزش بافت‌شناسی به‌خاطر افزون شدن تولیدات علمی در دهه اخیر دچار تغییرات زیادی شده است. بکارگیری شیوه‌های متنوع یادگیری داشتن اهداف کلی، کاربردی، دادن نقشه را (Road map) یا مفهومی و استفاده از تمام-حس‌های یادگیری برای افزایش مشارکت فراگیران ضروری می‌باشد. لذا این مطالعه طراحی شد تا اولویت فاکتورهای موثر در یادگیری-از دیدگاه دانشجویان مامایی با رویکرد یادگیری هم‌افزایی در درس بافت‌شناسی مورد ارزیابی قرار بگیرد.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۱ با مشارکت ۲۴ دانشجو دختر در دانشگاه علوم پزشکی سبزوار انجام شد. پژوهش حاضر با طرح درس (Lesson Plan) و طرح دوره (Course plan)، اهداف درس، بر مبنای برنامه‌ریزی آموزشی (Curriculums) درس تئوری و عملی بافت‌شناسی با Power point and Road Map انجام شد، به منظور انتقال نقشه مفهومی به منظور یادگیری هم‌افزایی و ماندگار، دانشجویان به گروه‌های کوچک (۴ نفری) تقسیم شدند. در پایان ترم با استفاده از پرسشنامه‌ی استاندارد شده نظرات دانشجویان جمع‌آوری شد و با نرم افزار SPSS (ویرایش ۱۱/۵) با استفاده از آزمون مجذور کای دو تجزیه و تحلیل شدند.

**نتایج:** در مطالعه حاضر میانگین سن دانشجویان  $18/45 \pm 0/83$  بود. ۲۰ نفر (۸۳/۳٪) از ۲۴ نفر فراگیر تدریس تئوری و مشاهده هم‌زمانی لام‌های بافت‌شناسی را بعنوان اولویت اول در گروه‌های کوچک (۴ نفری) رابعنوان فاکتورهای تسهیل‌کننده در یادگیری بیان داشتند، استفاده از اطلس بافت‌شناسی در اولویت دوم و کتابخانه‌ی دیجیتال (INLM) در اولویت سوم فراگیران قرار داشت. ۱۰ نفر (۴۱/۶٪) خلاصه برداری و شبیه‌سازی را بعنوان اولویت اول یادگیری در انتقال نقشه مفهومی موثر دانستند ۷ نفر (۲۹/۲٪) بیان نقشه مفهومی از طرف مدرس را به عنوان اولویت اول خود در یادگیری ماندگار انتخاب نمودند. و بهمین تعداد مشاهده فیلم‌های بافت‌شناسی را در گروه‌های کوچک به عنوان اولویت اول در یادگیری بیان داشتند. ۸ نفر (۸/۳٪) از دانشجویان باروش فوق که از آن بعنوان آموزش با ارائه نقشه مفهومی در گروه‌های کوچک در درس بافت‌شناسی ذکر می‌شود حداقل رضایت مندی را اعلام داشتند در حالیکه ۲۲ نفر از دانشجویان (۹۱/۷٪) از روش فوق در تدریس درس بافت‌شناسی حداکثر رضایت مندی را اعلام داشتند.

**نتیجه‌گیری:** نگارش طرح درس، دوره، اهداف و آشنایی با روش‌های متنوع یادگیری و هم‌زمانی تدریس تئوری و عملی-در ارتقای کیفی آموزش و رضایت مندی فراگیران موثر است

**واژه‌های کلیدی:** آموزش، بافت‌شناسی، طرح دوره و طرح درس، گروه‌های کوچک، نقشه مفهومی

## سبک های یادگیری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد و ارزیابی ارتباط آن با میزان و مهارت استفاده از رایانه و فناوری اطلاعات

دکتر اکبر درخشان، دکتر محمد واحدیان، معصومه سعیدی\*، عباس بحرینی، فاطمه بهزاد\*  
دانشجوی آموزش پزشکی و عضو کمیته تحقیقات دانشجویی  
دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

**مقدمه:** افراد در یادگیری متفاوت عمل می کنند که این تفاوتها را می توان بازتاب تنوع سبک های یادگیری انسانها دانست. سبک های یادگیری در یادگیری بهینه و افزایش بازدهی آموزش موثر می باشند. شناخت سبک های یادگیری دانشجویان در جهت دهی به فعالیت های تدریس و یادگیری حایز اهمیت است. تحقیق حاضر با هدف بررسی سبک های یادگیری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد و تعیین ارتباط آن با میزان و مهارت استفاده از رایانه و فناوری اطلاعات صورت گرفته است.

**روش ها:** این پژوهش یک مطالعه توصیفی تحلیلی است که به روش Cross Sectional انجام شده است. جامعه پژوهش دانشجویان علوم پزشکی مشهد و حجم نمونه ۹۹ نفر از دانشجویان مراجعه کننده به کتابخانه مرکزی دانشگاه بودند که به روش نمونه گیری در دسترس و طبقه ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه سبک های یادگیری و سوالات تخصصی در خصوص مهارت استفاده از رایانه و فناوری اطلاعات بوده و داده ها با نرم افزار کامپیوتری SPSS و با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، t مستقل، تحلیل واریانس دوطرفه، آزمون توکی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** یافته ها نشان داد میانگین سنی دانشجویان  $21/91 \pm 3/785$  بود. ۷۹/۸ درصد دانشجویان مجرد و ۲۰/۲ درصد متاهل بودند. از لحاظ وضعیت استخدام ۸۹/۹ درصد شغلی نداشته و دانشجو بوده و از نظر مقطع تحصیلی: ۵،۱ درصد کاردان، ۷۰،۲ درصد دانشجویان کارشناسی، ۱۵،۲ درصد کارشناسی ارشد و ۹،۱ درصد نیز دانشجویان مقطع دکتری یوده اند. یافته ها نشان داد بین سبک های یادگیری دانشجویان و مهارت و میزان استفاده از رایانه و فناوری اطلاعات ارتباط آماری معنی داری موجود نبود ( $p > 0.05$ ). یافته ها همچنین نشان داد بین سبک های یادگیری دانشجویان پسر و دختر، در بخش یادگیری Reflective اختلاف آماری معنی داری موجود است بطوریکه دانشجویان پسر یادگیری Reflective (کار انفرادی-تهیه خلاصه از درس با کلمات خود) و دختران یادگیری Active (یادگیری با بحث) داشتند ( $p < 0.05$ ). یافته ها همچنین نشان داد اکثریت دانشجویان در دو جنس یادگیری Intuitive (درک بهتر مفاهیم انتزاعی-دوست نداشتن مسائل حفظی و علاقه به مسائل فرمول دار و پیچیده)، Visual (یادگیری با تصاویر-تهیه مفهوم کلی به صورت نقشه-رنگی کردن مطالب مهم) داشتند ( $p > 0.05$ ). نتایج نشان داد بین سبک یادگیری دانشجویان رشته های مختلف در قسمت یادگیری Visual/Verbal تفاوت آماری معنی داری موجود است بطوریکه اکثریت دانشجویان علوم پزشکی یادگیری Visual (بصری: تهیه مفهوم کلی به صورت نقشه-با تصاویر) داشته و دانشجویان آمار یادگیری شان از نوع Verbal (شفاهی: بحث گروهی-گوش کردن) بوده است ( $p < 0.05$ ).

**نتیجه گیری:** بین سبک یادگیری دانشجویان و دانش فناوری اطلاعات و استفاده از رایانه ارتباطی موجود نیست. یادگیری خانمها از نوع Reflective و یادگیری آقایان از نوع Intuitive می باشد. اکثریت دانشجویان یادگیری از طریق بصری به صورت یادگیری با تصاویر و عکس ها و تهیه مفهوم کلی به صورت نقشه و نمودار را ترجیح می دهند. و ضروری است که اساتید محترم مطالب درسی خود را با سبک های یادگیری اکثریت دانشجویان دانشگاه هماهنگ نمایند.

**واژه های کلیدی:** سبک یادگیری-دانشجویان علوم پزشکی مشهد-فناوری اطلاعات

## بررسی اثربخش ارائه درس ایمنی شناسی با استفاده از الگو آموزش گروهی توسط همتایان دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی گلستان

هما داوودی\*، لیلا پاداش

[homadavoodi@yahoo.com](mailto:homadavoodi@yahoo.com)  
[adel\\_padash@yahoo.com](mailto:adel_padash@yahoo.com)

**مقدمه:** در دوره‌های آموزشی تحصیلات تکمیلی بدلیل سنگین تر شدن مطالب از یک طرف و احتمالاً تکراری شدن بعضی مباحث از طرف دیگر اهمیت موضوع اصلاح روشهای آموزشی و نیاز به روشهای نوین آموزشی جهت ارتقا سطح کیفی دانشجویان و آماده سازی آنها بصورت تجربی برای ورود به کار و اجتماع ضروری بنظر می رسد. جهت رفع نواقص آموزش و پیشبرد تعاملات اجتماعی و افزایش باور دانشجویان به ظرفیت یادگیری خود، روش نوینی با عنوان آموزش گروهی توسط همتایان دانشجویان تحصیلات تکمیلی بکار گرفتیم.

**روش‌ها:** این روش که مدلی از آموزش گروهی توسط همتایان است در مقطع کارشناسی ارشد رشته وپروس شناسی و میکروبی شناسی درس ایمنی شناسی عمومی در دو ترم متوالی مورد استفاده قرار گرفت. دانشجویان بصورت جمعی مبحثی را که باید ارائه می شد به بخش های کوچکتر تقسیم می کردند و هر قسمت از مطلب به عهده یک نفر گذاشته می شد. در این بخش دانشجویان مجبور به تعامل با یکدیگر و به نوعی تقسیم کار می شوند که ضمن تقویت ابعاد اجتماعی شخصیت افراد همچنین آنها را برای کار تیمی و چالش های آن آماده می کند. ارائه هر مبحث در این روش نتیجه کار گروه خواهد بود که این دانشجویان را به سمت مسئولیت شناسی و کمک به یکدیگر جهت ارائه یک کار با کیفیت بهتر ترغیب می کند. برای هر نفر حدود ۱۰ دقیقه در نظر گرفته می شد و بقیه وقت کلاس به بحث و تبادل نظر در رابطه با موضوع و نحوه ارائه اختصاص داده می شد.

**نتایج:** بر اساس نظر سنجی که طی دو ترم از دانشجویان شده است دارای امتیاز های زیر است: یادگیری توسط همتایان باعث ایجاد هیجان و شور و نشاط در همه دانشجویان و ایجاد فضای رقابتی سالم در ارائه مطلب. کسب مهارت در روش ارائه و آماده سازی یک سخنرانی. و ایفای نقش معلمی. بهبود ارتباطات اجتماعی دانشجویان و ایجاد فرهنگ کار گروهی. تقویت مهارت آماده سازی و ارائه سخنرانی بدست آمده است

نتایج مهم دیگری که عملاً عاید این روش می شود این است که با توجه به اینکه دانشجو مجبور است چند جلسه متوالی مطلب سخنرانی را آماده کند و ارائه دهد لذا در مقایسه با عملکرد سایر دانشجویان مورد ارزیابی قرار می گیرد و هر جلسه فرصت خواهد داشت تا نقاط ضعف خود را بهبود بخشد و پیشرفت کیفیت ارائه مطلب خود را تجربه کند. همچنین در این روش دانشجویان با چالشهای کار گروهی آشنا میشوند و ابعاد اجتماعی شخصیت آنها نیز تقویت میشود.

**واژه‌های کلیدی:** اثربخش، الگو آموزش گروهی، همتایان

## فرآیند بکارگیری روش آموزش تعاملی (Interactive teaching method) بر

### میزان یادگیری و رضایت دانشجویان فوریت پزشکی همدان

آرزو کریمپوریان<sup>۱\*</sup>، بهزادایمی<sup>۲</sup>، ناهید محمدی<sup>۳</sup>، دکتر مهناز خطیبان<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> عضو مرکز تحقیقات مادر و کودک و اورولوژی و نفرولوژی دانشگاه علوم پزشکی همدان

<sup>۲</sup> عضو مرکز تحقیقات مادر و کودک و اورولوژی و نفرولوژی دانشگاه علوم پزشکی همدان

<sup>۳</sup> عضو مرکز تحقیقات مادر و کودک دانشگاه علوم پزشکی همدان

<sup>۴</sup> عضو مرکز تحقیقات مادر و کودک دانشگاه علوم پزشکی همدان

[karampor1@yahoo.com](mailto:karampor1@yahoo.com)

**مقدمه:** طراحی برنامه درسی دانشجو محور در آموزش پزشکی سال های زیادی است که مورد توجه قرار گرفته است. یکی از روشهای موثر آموزشی، آموزش تعاملی میباشد. از آنجا که یادگیری دانشجویان با مشاهده و ایفای نقش بصورت آموزش تعاملی بهتر به ثمر می- نشیند، بنابراین پژوهشگران برآن شدند که فرآیندی با هدف بکارگیری روش آموزش تعاملی بر میزان یادگیری و رضایت دانشجویان فوریت پزشکی انجام دهند، تا از این روش جهت ارتقاء عملکرد دانشجویان فوریت پزشکی بهره ببرند، باشد که قدمی هر چند ناچیز در جهت اعتلای علمی محسوب گردد. **روش ها:** ابتدا از بین دانشجویان علاقمند تعداد ۳ نفر انتخاب شدند. سپس مقرر شد که هر یک از آنها در خصوص محتوای تدریس خود مطالبی را آماده نمایند. پس از کسب مجوز از معاونت آموزشی و کمیته دانشجویی EDO دانشکده پرستاری و مامایی سمینار دانشجویی تریاژاروش آموزش تعاملی برگزار شد. در پایان جلسه، جهت تعیین میزان رضایت دانشجویان از روش تعاملی از دانشجویان نظرسنجی بعمل آمد همچنین جهت تعیین میزان یادگیری دانشجویان، از دانشجویان کوئیز گرفته شد و نمرات کسب شده با نمرات یادگیری و رضایتمندی از روش سنتی (سخنرانی) مقایسه گردید.

**نتایج:** نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل داده هانشان داد که میانگین رضایتمندی دانشجویان از روش آموزش تعاملی ۴۴،۱۲ و به روش سخنرانی ۴۰،۴۳ بود. آزمون  $t$  زوجی با ۹۵٪ اطمینان تفاوت معنی داری ( $p=0.000$ ) را نشان داد که این مسئله نشاندهنده رضایتمندی بیشتر دانشجویان در روش تعاملی نسبت به روش سخنرانی است. میانگین نمرات یادگیری دانشجویان به روش آموزش تعاملی ۱۷،۷۲ و به روش سخنرانی ۱۵،۶۲ بود. آزمون  $t$  زوجی با ۹۵٪ اطمینان تفاوت معنی داری ( $p=0.002$ ) را نشان داد که این مسئله حاکی از آن است میزان یادگیری دانشجویان بر اساس روش تعاملی بیش از روش سخنرانی است. قابل ذکر است که استاد مربوطه با بکار بردن این روش توانست نمره ی ۱۹،۱۹ را از ارزشیابی دانشجویان کسب نماید.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج حاصل از فرایند حاضر میتوان چنین نتیجه گیری کرد که استفاده از روش آموزش تعاملی باعث افزایش بازده یادگیری در حیطه شناختی و روانی- حرکتی و رضایتمندی دانشجویان میگردد. با توجه به اینکه این روش برای دومین بار است که جهت دانشجویان فوریت پزشکی بکار می رود و با توجه به نتایج مطلوب حاصل از هر دو پژوهش لذا قابل معرفی به سایر رشته های پزشکی میباشد.

**واژه های کلیدی:** آموزش تعاملی- تدریس به روش سخنرانی- یادگیری- رضایت دانشجویان

### عوامل تعیین کننده سبکهای یادگیری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین

امیر پاکپور حاجی آقا\*<sup>۱</sup>، محمدی زیدی<sup>۱</sup>، معصومه ضیائیها<sup>۲</sup>، محسن صفاری<sup>۳</sup>

\*استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین

e-mail: [pakpour\\_amir@yahoo.com](mailto:pakpour_amir@yahoo.com)

<sup>۲</sup> مربی، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین

<sup>۳</sup> استادیار، گروه آموزش بهداشت، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی بقیه ا... (عج)

**مقدمه:** آشنایی با سبک یادگیری دانشجویان می تواند نقش قابل توجهی را در برنامه ریزی درسی اساتید و بهبود یادگیری ایفا نماید. هدف از این مطالعه، ارزیابی سبکهای یادگیری دانشجویان رشته های مختلف علوم پزشکی و شناخت عوامل موثر در تعیین سبک یادگیری ایشان بود.

**روش ها:** در این مطالعه مقطعی با استفاده از روش نمونه گیری سیستماتیک تعداد ۱۸۰ نفر از دانشجویان دانشگاه قزوین و از رشته های مختلف علوم پزشکی که مشغول تحصیل در مقاطع مختلف بودند بصورت تصادفی انتخاب گردیدند داده ها با استفاده از پرسشنامه سبک یادگیری کولب و پرسشنامه دموگرافیک در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۱ جمع آوری گردیدند. داده ها با استفاده از آزمونهای آماری آنالیز واریانس یکطرفه، تی مستقل، کای اسکور یا فیشر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای انجام تحلیلها از نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ استفاده گردید.

**نتایج:** میانگین سنی نمونه های پژوهش  $29/33 \pm 7/03$  و بیشتر آنها (۸۰٪) مذکر بودند. سبکهای غالب یادگیری در شرکت کنندگان به ترتیب عبارت بودند از: واگرا (۷۶/۷٪) سازگار (۱۲/۸٪)، جاذب (۷/۸٪)، و همگرا (۲/۸٪). نتایج نشان داد عواملی همچون سن، جنس، تاهل، محل زندگی، تحصیلات پدر و مادر، معدل و مقطع تحصیلی می توانند در تعیین ابعاد سبک یادگیری دانشجویان، به درجات مختلف حائز اهمیت باشند. یافته ها همچنین حاکی از آن است که سبک یادگیری غالب در شرکت کنندگان مطالعه در بین افراد دارای معدلها و مقاطع تحصیلی مختلف تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج حاصله، سبک یادگیری واگرا به عنوان سبک یادگیری غالب در اکثر شرکت کنندگان محسوب می شود و برخی از عوامل دموگرافیک نیز در شکل گیری سبک یادگیری نقش دارند. بنابراین لازم است ضمن توجه به عوامل موثر در تعیین سبک یادگیری دانشجویان، برنامه ریزی مناسبی برای هماهنگ سازی سبک تدریس متناسب با سبک یادگیری غالب صورت گیرد.

**واژه های کلیدی:** سبک یادگیری، دانشجویان علوم پزشکی، عوامل تعیین کننده

## عوامل مرتبط با انگیزه تحصیلی دانشجویان علوم پزشکی

لادن ناصح<sup>۱\*</sup>، رحیم علی شیخی<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> کارشناس ارشد آموزش پرستاری؛ عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

[Ladan.Naseh@gmail.com](mailto:Ladan.Naseh@gmail.com)

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد آموزش پرستاری؛ عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران

**مقدمه:** یکی از ضروری ترین مفاهیم روانشناختی در امر آموزش و همچنین از مهمترین مسائل تاثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی انگیزه است. در خصوص جویندگان علم و دانشجویان؛ انگیزه پیشرفت تحصیلی از اهمیت خاصی برخوردار است و به رفتارهایی اطلاق می شود که منجر به یادگیری و پیشرفت می گردند. به دلیل تاثیر انگیزش پیشرفت تحصیلی بر موفقیت دانشجویان، بررسی و شناسایی عوامل مرتبط با انگیزش تحصیلی؛ لازم و ضروری است. بر این اساس مطالعه حاضر با هدف بررسی برخی از عوامل مرتبط با انگیزه تحصیلی دانشجویان علوم پزشکی؛ صورت گرفت.

**روش‌ها:** این مطالعه یک مرور جامع است که با رجوع به مقالات فارسی مرتبط با آموزش پزشکی موجود در پایگاه های الکترونیکی معتبر انجام گرفته است.

**نتایج:** نتایج نشان داد که در اکثر مطالعات انجام شده در این زمینه در کشورمان وضعیت آموزشی دانشگاه محل تحصیل و آینده شغلی از عواملی بودند که ارتباط مستقیم و معناداری را با انگیزه تحصیلی دانشجویان داشته اند در حالی که در اکثریت این مطالعات بین متغیرهای دموگرافیکی دانشجویان از قبیل سن، جنس، محل سکونت، فوت والدین، مقطع و رشته تحصیلی آن ها ارتباط معناداری با انگیزه تحصیلی مشاهده نشد. فقط یک مطالعه ارتباط بین انگیزش تحصیلی را با رضایت دانشجویان از مراکز آموزشی-درمانی-بهداشتی دانشگاه سنجیده بود که در آن مطالعه این متغیر ارتباط معناداری را با انگیزه تحصیلی دانشجویان مورد بررسی داشت.

**نتیجه گیری:** با توجه به اینکه بر اساس نتایج مطالعات بیشترین عوامل مرتبط با انگیزه تحصیلی دانشجویان علوم پزشکی کشورمان را وضعیت آموزشی دانشگاه محل تحصیل و آینده شغلی آن ها تشکیل می داد و در نقطه مقابل در اکثر مطالعات متغیرهای فردی دانشجویان ارتباط معناداری را با انگیزه تحصیلی آن ها نداشت؛ شایسته است دست اندرکاران وزارت بهداشت و همچنین مسئولین دانشگاه های علوم پزشکی بر این عوامل رسیدگی و نظارت بیشتری داشته باشند تا از این طریق بهبود انگیزه تحصیلی دانشجویان و در نتیجه افزایش پیشرفت تحصیلی و موفقیت آن ها حاصل گردد.

**واژه‌های کلیدی:** انگیزه تحصیلی، دانشجویان علوم پزشکی

## یادگیری خودراهبر، راهبردی برای استقرار مهارت های یادگیری مادام العمر در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دکتر ریتا رضایی، پریسا نبیئی\*

\* مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی شیراز

parisanabeiei@yahoo.com

**مقدمه:** یادگیری خود راهبر فرآیندی است که در آن، افراد برای شناسایی نیازهای یادگیری خود، تعیین اهداف یادگیری، شناسایی مطالب مورد نیاز برای یادگیری، انتخاب و اجرای راهبردهای مناسب یادگیری و ارزیابی برآیندهای یادگیری خود، بدون کمک دیگران وارد عمل شده و ابتکار عمل را در دست می گیرند. باتوجه به تاثیر این راهبرد در بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان و نتایج نیازسنجی های انجام شده از سوی کمیته پژوهشی مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی در این باره، این مطالعه با هدف شناسایی سبک های یادگیری دانشجویان پزشکی شیراز، تعیین مشکلات مرتبط با یادگیری در دانشجویان مقطع علوم پایه رشته پزشکی و عوامل احتمالی مؤثر بر آن انجام شده است.

**روش ها:** این مطالعه به صورت مداخله ای، طی سه مرحله، انجام شده است. در مرحله اول جهت تعیین مشکلات یادگیری و شناسایی سبک های یادگیری دانشجویان و به عبارتی تعیین نیازهای دانشجویان، کلیه دانشجویان پزشکی سال ۸۸ و ۸۹ ( ۱۲۰ نفر ) جهت شرکت در این پژوهش، انتخاب شدند. در این مطالعه از پرسشنامه مهارت های یادگیری خود محور که توسط مالکوم ناولز طراحی شده بود، استفاده گردید. مرحله دوم این پژوهش، با برگزاری مجموعه کارگاه های SDL توسط مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی شیراز انجام شد. مرحله سوم این پژوهش به بررسی اثربخشی کیفیت یادگیری دانشجویان در این کارگاه با استفاده از پرسشنامه یادگیری خودحور ناولز پرداخت.

**نتایج:** باتوجه به تجزیه و تحلیل نتایج حاصله، عمده ترین مشکلات یادگیری دانشجویان، مربوط به خواندن حجم زیاد مطالب قبل از امتحان و مرور نکردن جزوات در طول ترم بود که مرتبط با شیوه برنامه ریزی آنان است. نتایج حاصل از برگزاری این مداخله آموزشی که با روش پیش آزمون - پس آزمون و نظرسنجی اثربخشی کارگاه ها برگزار شد، نشانگر تفاوت معناداری بین نمرات قبل و بعد از برگزاری کارگاه بود، بدین معنا که آموزش یادگیری معنادار در گروه هدف، اثربخش بوده است.

**نتیجه گیری:** ایجاد و ارتقای یادگیری خودراهبر، یکی از اهداف مهم آموزش عالی محسوب می شود و ارزش آن به عنوان یک مهارت لازم برای آموزش دانشجویان، مورد توجه دانشگاه ها قرار گرفته است؛ چرا که انتظار می رود دانشجویان به سطحی از توانمندی های فردی برسند که بدون قرار گرفتن در یک نظام آموزش دانشگاهی، بتوانند نیازهای آموزشی خود را شناسایی کرده و در جهت رفع آن بکوشند. چنین دانشجویانی در آینده نیز پس از فارغ التحصیلی، بهتر از سایرین می توانند مسائل و معضلات جامعه را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و درپی راه حل مناسبی برای آن ها باشند.

**واژه های کلیدی:** یادگیری، یادگیری خودراهبر و راهبردهای آموزشی.



## بررسی رابطه بین کارکرد سبک‌های تفکر با رضایت تحصیلی در دانشجویان دانشکده

### پرستاری و مامایی مشهد

اعظم محمدزاده قصر<sup>\*</sup>، هوشنگ گراوند<sup>۲</sup>

<sup>\*</sup> دانشجوی دکترای رشته برنامه‌ریزی درسی دانشگاه فردوسی مشهد،

<sup>۲</sup> دانشجوی دکترای رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه لرستان.

azam\_mohamadzade@yahoo.com

**مقدمه:** رضایت تحصیلی یک راهبرایک‌مکر دنه‌دانشجویان در جهت آینه‌سازی خود می‌باشد. اینیک‌مسأله‌سایبرای تمام دانشجویان که در صد در صد رسیده‌موفقیت هستند می‌باشد. که این امر مستلزم آن است که با انجام پژوهش‌های گسترده عوامل مؤثر بر رضایت از تحصیلی را شناسایی نمود و از این طریق موفقیت تحصیلی دانشجویان را فراهم آورد. بنابراین در همین راستا هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین کارکرد سبک‌های تفکر و رضایت تحصیلی در دانشجویان پرستاری و مامایی مشهد است.

**روش‌ها:** این پژوهش به روش توصیفی- همبستگی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مشهد بود. از جامعه آماری مذکور، نمونه‌ای به حجم ۱۳۵ نفر به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های کارکرد سبک‌های تفکر و رضایت تحصیلی بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار)، از روش‌های آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندگانه، آزمون t گروه‌های مستقل) استفاده شد.

**نتایج:** نتایج نشان داد بین کارکرد سبک‌های تفکر (قانون‌گذارانه، اجرایی، قضایی) با رضایت تحصیلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. رضایت تحصیلی از طریق سبک‌های تفکر قانون‌گذار و قضایی قابل پیش‌بینی بود. همچنین نتایج آزمون t گروه‌های مستقل نشان داد که بین دانشجویان دختر و پسر از لحاظ کل مقیاس رضایت تحصیلی تفاوت معناداری وجود ندارد.

**نتیجه‌گیری:** به منظور هر گونه برنامه‌ریزی برای ارتقاء پیشرفت تحصیلی دانشجویان ابتدا باید نسبت به ایجاد احساس رضایت و خشنودی نسبت به تحصیلی اقدام نمود. رضایت دانشجویان از تحصیل در تعلیمات تربیتی یکساز هم‌تراست و ابعاد مختلف نظیر درک دانشجویان از سیستم آموزشی، رفتار اساتید رادر بردارد. بنابراین شناسایی عوامل مؤثر بر رضایت تحصیلی می‌تواند برای دست‌اندرکاران آموزش علوم پزشکی در تدوین برنامه‌های آموزشی مؤثر و مفید باشد.

**واژه‌های کلیدی:** سبک‌های تفکر، رضایت تحصیلی، دانشجویان پرستاری و مامایی.

## اثربخشی یادگیری سخنرانی بازخوردی بر برایندهای یادگیری درس مراقبت های ویژه دانشجویان کارشناسی پرستاری

دکتر اردشیر افراسیابی فر\*، شهلا نجفی دولت آباد، دکتر علی کرم علمداری، دکتر ناز آفرین حسینی، محسن سالاری

\* دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران

Email: afrasiabifar.ardashir@yums.ac.ir

**مقدمه:** دانشجویان نیازمند دستیابی به اهداف سطوح بالای یادگیری مانند کاربرد و تحلیل در تدریس مراقبت های ویژه پرستاری هستند. مطالعه حاضر با هدف بررسی امکان بکارگیری آموزش به شیوه یادگیری سخنرانی بازخوردی (feedback lecture learning) در تدریس درس مراقبت های ویژه پرستاری و نیز تاثیر آن بر برایندهای یادگیری دانشجویان در مقایسه با سخنرانی سنتی (conventional lecture) انجام گرفت.

**روش ها:** این پژوهش مطالعه ای نیمه تجربی است که نمونه های آن را دانشجویان پرستاری ترم ششم تحصیلی تشکیل می دهد. مطالعه حاضر بر اساس دستورالعمل پیشنهادی اوسترمین (ارائه کننده روش یادگیری سخنرانی بازخوردی) در دو نیمسال متوالی سال تحصیلی ۹۱-۹۰ اجرا شد. در این روش بخشی از جلسات درس به روش سخنرانی بازخوردی تدریس گردید و بقیه با روش سخنرانی سنتی آموزش داده شد. داده ها از طریق برگزاری آزمون های پیش آزمون، پس آزمون، امتحانات میان ترم و پایان ترم، چک لیست فعالیت های گروهی، خودارزیابی دانشجویان و حضور و عیاب دانشجویان جمع آوری شد و از طریق نرم افزار SPSS تحت ویندوز با استفاده از آمارهای توصیفی و آزمون تی تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** ۸۴/۶ درصد دانشجویان علاوه بر اظهار رضایمندی نسبت به تدریس یادگیری سخنرانی بازخوردی، خواهان بکارگیری آن در تدریس سایر دروس بودند. ۷۳/۸ درصد معتقد بودند که روش جدید باعث بخاطر سپاری طولانی مدت مطالب می شود. آزمون تی مستقل تفاوت معنی داری را در مقایسه میانگین نمرات دانشجویان در مهارت های یادگیری در سه حیطه شناختی، روانی - حرکتی و عاطفی در جلسات تدریس شده به روش سخنرانی بازخوردی نشان داد ( $p < /05$ ). همچنین مقایسه میانگین تعداد غیبت دانشجویان در جلسات به شیوه یادگیری سخنرانی بازخوردی نسبت به سخنرانی سنتی معنی دار بود.

**نتیجه گیری:** سخنرانی بازخوردی فضای یادگیری بهتری را در دستیابی دانشجویان به اهداف آموزشی مورد نظر فراهم می نماید تاثیر آن بر برایندهای یادگیری دانشجویان در مقایسه با سخنرانی سنتی بیشتر بوده است.

**واژه های کلیدی:** سخنرانی بازخوردی، سخنرانی سنتی، پرستاری مراقبت های ویژه، فرایند یاددهی یادگیری

## تأثیر آموزش مبتنی بر ساختارگرایی اجتماعی بر حیطه عاطفی دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

مهین قلی پور\*، سیما کلاهدوز، شبنم مخیری، ناهید جعفری، محمد جواد کبیر

Email: [Dr\\_gholipour@yahoo.com](mailto:Dr_gholipour@yahoo.com)

گرگان، بلوار هیرکانیا، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، دانشکده پزشکی، گروه بهداشت و پزشکی اجتماعی

**مقدمه:** در آموزش پزشکی پیامدهای یادگیری در حیطه عاطفی کمتر مورد توجه قرار گرفته است در صورتیکه درک و نگرش بدون قضاوت ارائه دهندگان خدمات سلامت در برخی موضوعات نظیر ایدز بسیار مهم است. بالاترین حد دانش و مهارت بدون برخورداری از نگرش مناسب تأثیر اندکی دارد. ساختارگرایی اجتماعی از تئوری های آموزش در حیطه عاطفی است که یادگیرنده مرکز یادگیری بوده و با مشارکت فعال، دانش و مهارت خود را می سازد. مدرس نقش راهنما و تسهیلگر را دارد و دانش فراگیران در دیالوگ و تعامل با دیگران تکامل می یابد. کلاس های درس، اجتماع یادگیرندگان است که از یکدیگر انگیزه گرفته و با انجام کارهای گروهی به بحث و تبادل نظر می پردازند (نظیر بحث در گروه کوچک). نظر به چالشهای کنترل بیماریهای رفتاری مانند ایدز و اهمیت نگرش صحیح (یادگیری در حیطه عاطفی) دانشجویان دندانپزشکی، بر آن شدیم با استفاده از تئوری ساختارگرایی اجتماعی تغییر در حیطه عاطفی این دانشجویان را ارزیابی نماییم.

**روشها:** در این مداخله ۴۸ نفر از دانشجویان دندانپزشکی بصورت اتفاقی در گروههای ۵-۶ نفره قرار گرفتند یک تسهیلگر (مدرس) در هر گروه حضور داشت از دانشجویان خواسته شد درک و برداشت خود از موضوعات را با اعضای گروه به بحث بگذارند. موضوعات شامل زوایای مختلف نگرش نسبت به بیمار آلوده به HIV بود که در غالب پرسشنامه به دانشجویان داده شد. نگرش با استفاده از پرسشنامه استاندارد که از روایی و پایایی مناسب برخوردار بود در دو مرحله، قبل و ۳ هفته پس از مداخله ارزیابی شد. داده ها بوسیله نسخه ۱۵ نرم افزار SPSS آنالیز شد.

**نتایج:** ۵۱٪ از شرکت کنندگان مذکر و ۴۹٪ مونث بودند. حیطه عاطفی / نگرش دانشجویان بصورت ضعیف، متوسط و خوب پیش از مداخله به ترتیب ۳۳،۴٪، ۵۳،۳٪ و ۱۳،۳٪ بود که پس از مداخله به ترتیب به ۲۰٪، ۴۶،۷٪ و ۳۳،۳٪ ارتقا یافت که بخصوص در مورد معاینه بیماران این ارتقا نگرش حائز اهمیت است. تفاوت نگرش در خصوص ادامه زندگی با همسر در صورت ابتلاء وی بین دو جنس معنی دار بود در سایر موارد اختلاف بین دو جنس معنی دار نبود. مشارکت در کار گروهی دانشجویان نزدیک به ۷۰ درصد ارزیابی شد که نشانه استقبال از این روش می باشد.

**نتیجه گیری:** مطالعه نشان داد استفاده از تئوری ساختارگرایی اجتماعی می تواند در حیطه عاطفی و تغییر نگرش حتی در مدت زمان کوتاه موثر واقع گردد. این روش در مباحث حساسی مانند HIV که تغییر در حیطه عاطفی/نگرش دارای اهمیت است پیشنهاد می گردد.

واژه های کلیدی: حیطه عاطفی، ساختارگرایی اجتماعی، گلستان

### طراحی و اجرای یک مدل آموزش ترکیبی ساختار گرایانه ۳۶۰ درجه

دکتر مجید زارع بیدکی، استادیار میکروبیولوژی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند  
علی رجب پور صنعتی، دانشجوی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند  
تکتم لسانی، دانشجوی علوم آزمایشگاهی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

**مقدمه:** امروزه با پیشرفت فناوری های الکترونیکی، آموزش و یادگیری شکل تازه‌ای به خود گرفته است. استفاده از شیوه‌های ترکیبی نوین که بتواند آموزش‌های کلاسی چهره به چهره را به مدد فناوری‌های دیجیتال با تعاملی حداکثری همراه کند بسیار ضروری می نماید. مدل آموزش ترکیبی ۳۶۰ درجه بدان معناست که در آموزش چهره به چهره چنان از فناوری الکترونیکی بهره گرفته شود که فراگیران نه تنها محوریت سیستم آموزشی گردند، بلکه سطح تعامل آنان با استاد، با یکدیگر و با محتوای یادگیری به حداکثر ممکن برسد. لذا هدف از این مطالعه، طراحی و اجرای مدل آموزش ترکیبی ساختار گرایانه ۳۶۰ درجه در دانشگاه علوم پزشکی بیرجند بوده است.

**روش‌ها:** در این مدل آموزشی که با استفاده از یک سیستم مدیریت آموزشی (LMS) الکترونیکی بومی شده و برای درس میکروبی شناسی پزشکی طراحی و اجرا شد، فعالیت‌های یادگیری فراگیران مشتمل بر مشارکت گسترده آنان در طراحی و تولید محتوای یادگیری و نیز تعامل آنان با یکدیگر، با استاد درس و با محتوای یادگیری چنان متنوع چیدمان شد تا ضمن ایجاد فرصت‌های آموزشی برابر برای همه فراگیران، در پایان نقش این مدل آموزشی در افزایش انگیزه دانشجویان به یادگیری، در توسعه و تقویت یادگیری گروهی و نهایتاً در پیشرفت تحصیلی آنان بررسی گردد. همچنین مجموعه‌ای از محصولات آموزشی میکروبی شناسی شامل کلیپ‌های ویدیویی / انیمیشنی کلاس درس، محتوای آموزشی مکتوب (پی دی اف، کتب آنلاین، ...)، اسلایدهای آموزشی، بانک‌های آموزشی مصور (گالری‌ها / اطلس‌ها)، کتاب‌های الکترونیکی همراه، تالارهای گفتگو و بارش افکار، بازی با مفاهیم میکروبی شناسی، سایت‌های میکروبی شناسی مرجع و مفید، آزمون‌های آنلاین میکروبی شناسی به جامعه علوم پزشکی کشور ارائه گردید.

**نتایج:** تعداد دانشجویانی که واحد میکروبی شناسی پزشکی را اخذ و هم‌زمان در کلاس درس مجازی پروژه آموزش الکترونیکی میکروبی شناسی نیز مشارکت داشتند، ۳۲۰ نفر بوده‌اند. در یک نمونه‌گیری تصادفی، گروه مورد شامل دانشجویانی که در پروژه آموزش الکترونیکی میکروبی شناسی مشارکت نداشته‌اند با گروه کنترل از نظر سطح نمرات درس میکروبی شناسی مورد مقایسه قرار گرفتند که با توجه به شاخص‌های آماری ( $df=45, t=2.66, P=0.01$ )، تفاوت مشاهده شده در پیشرفت تحصیلی دو گروه معنا دار بود.

**نتیجه‌گیری:** مدل آموزشی ترکیبی ساختار گرایانه ۳۶۰ درجه، می‌تواند پیشنهاد دهنده یک الگوی جدید و در عین حال بومی از تدریس دروس در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور باشد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش ترکیبی، یادگیری، میکروبی شناسی، یادگیری.

### بررسی چالش های کنفرانس های کلاسی دانشجویان: یک مطالعه کاربردی

رسول اسلامی اکبر\*، عضو هیئت علمی و دانشجوی دکتری پرستاری، دانشکده پرستاری و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی جهرم

زهره بادیه پیمان، مربی پرستاری، دانشکده پرستاری و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی جهرم  
resoolislamiakbar@gmail.com

**مقدمه:** اگر چه روش تدریس به صورت ارائه کنفرانس های کلاسی توسط دانشجویان می تواند در فرایند یاددهی و یادگیری زیبا، برانگیزاننده، پویا و تأثیر گذار باشد، با این حال به کارگیری این روش تدریس می تواند چالش هایی را برای دانشجویان و اساتید در پی داشته باشد که هدف مطالعه حاضر بررسی اهمیت هر یک از این چالش ها در کیفیت تدوین و ارائه این کنفرانس ها از دیدگاه گروهی از دانشجویان درگیر شده در این فرایند یاددهی-یادگیری می باشد.

**روش ها:** مطالعه حاضر به صورت توصیفی-مقطعی و جامعه پژوهش شامل کلیه ۳۵ نفر دانشجویان هوشبری پیوسته ترم پنجم و هوشبری ناپیوسته ترم دومی بودند که درس پاتوفیزیولوژی را در یک کلاس به صورت مشترک، با استفاده از دو روش سخنرانی اساتید و روش ارائه کنفرانس توسط خود، در طول یک ترم تحصیلی طی کرده بودند. روش جمع آوری اطلاعات به صورت خود گزارش دهی و ابزار گردآوری اطلاعات به منظور بررسی چالش های کنفرانس های دانشجویان، پرسشنامه محقق ساخته ای بود که روایی و نیز پایایی آن ( $\alpha=0/85$ ) قبلاً تأیید گردیده بود و دانشجویان مورد مطالعه اهمیت هر یک از چالش های مطرح شده در پرسشنامه را را در یک مقیاس لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد) مشخص می کردند. داده های بدست آمده با استفاده از آزمون های آماری توصیفی و استنباطی (آزمون های تی مستقل، پیرسون و اسپیرمن) با نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** نتایج نشان داد که در حیطه چالش های مرتبط با دانشجویان در مقیاس با اهمیت زیاد و خیلی زیاد، بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به چالش های "عدم فهم کافی مطالب و محتوای تدوین شده برای ارائه کنفرانس" (۵۷/۲ درصد) و "عدم توجه کافی دانشجویان به مطالب ارائه شده توسط همکلاسی ها" (۵۷/۱ درصد)، "در حیطه چالش های مرتبط با اساتید نیز از دیدگاه دانشجویان، در مقیاس با اهمیت زیاد و خیلی زیاد بالاترین فراوانی، مربوط به چالش های "مشخص نبودن معیارهای ارزشیابی کنفرانس" (۵۷/۲ درصد) و فقدان جلسات مشورتی با اساتید قبل از ارائه کنفرانس ها" با فراوانی (۴۰ درصد) بود.

**نتیجه گیری:** توجه به عواملی نظیر موضوع کنفرانس، آمادگی شناختی و عاطفی دانشجویان، فراهم آوردن بستر مناسب جهت بحث و پرسش پاسخ و مشارکت فعال دانشجویان هنگام ارائه کنفرانس های کلاسی و بالاخره مشخص نمودن و معرفی صریح معیارهای ارزشیابی دانشجویان درگیر در این روش یاددهی و یادگیری، با توجه به نتایج پژوهش حاضر تنها برخی از راهکارهایی هستند که احتمالاً می تواند آموزش به روش ارائه کنفرانس را اثربخش تر و کارآمدتر نماید.

**واژه های کلیدی:** دانشجویان، کنفرانس های کلاسی، چالش ها

## معرفی نرم افزار شبیه ساز الکتروکاردیوگرام **ecgsim** برای آموزش پزشکی و تحقیقات در زمینه بیماری های قلبی

مرضیه طهماسبی\*

\*دانشجوی دکتری فیزیک پزشکی، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، عضو هیات علمی گروه تکنولوژی پر توشناسی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز،

آدرس الکترونیکی: [marziyeh\\_tahmasbi@yahoo.com](mailto:marziyeh_tahmasbi@yahoo.com)

**مقدمه:** شبیه سازهای کامپیوتری در حال پذیرش به عنوان یکی از ابزارهای آموزشی در مراقبت های بهداشتی درمانی هستند. هدف این حیطه، فراهم آوردن امکان آموزش خارج از محل کلینیک و در یک چارچوب قابل کنترل و اقتباس شده از محیط واقعی می باشد. در این مقاله نرم افزار شبیه ساز الکتروکاردیوگرام **ecgsim** معرفی می گردد که به کاربر امکان مطالعه ارتباط بین منابع جریان در قلب و سیگنال های الکتروکاردیوگرام در سطح بدن و سطح قلب را می دهد و می تواند کاربردهای علمی و آموزشی داشته باشد.

**روش ها:** این مقاله علمی ترویجی بوده و به معرفی نرم افزار شبیه ساز الکتروکاردیوگرام پرداخته است. در این تحقیق از خودآموز نرم افزار **ecgsim** و چند مقاله که از این نرم افزار برای شبیه سازی بیماری قلبی مختلف استفاده کرده بودند، استفاده شده است.

**نتایج:** نرم افزاری است که برای شبیه سازی شکل موج الکتروکاردیوگرام بدون نیاز به بیمار واقعی و دستگاه الکتروکاردیوگراف به کار می رود. در این محیط مجازی تنها با انتخاب اشتقاق های مورد نظر و سایر پارامترهای قابل انتخاب، توزیع پتانسیل سطحی بدن شبیه سازی می شود. در این نرم افزار یک پنجره مربوط به قلب، یک پنجره مربوط به تنه، یک پنجره مربوط به ولتاژ عرض غشاء و یک پنجره هم مربوط به سیگنال ECG است. در پنجره ECG، الکتروکاردیوگرام ۱۲ اشتقاقی شبیه سازی شده مشاهده می شود. می توان تغییراتی را که در هر بیماری در سیگنال قلبی ایجاد می شود را با این نرم افزار شبیه سازی و بررسی کرد و می تواند ابزاری برای مقاصد تحقیقاتی و نیز آموزش پزشکی باشد که بدون نیاز به بیمار واقعی بتوان تغییرات ناشی از بیماری های مختلف قلبی عروقی در شکل موج الکتروکاردیوگرام را شبیه سازی نمود.

**نتیجه گیری:** افزایش آگاهی از عملکرد و فعالیت الکتریکی قلب می تواند به یافتن روش های جدید برای تشخیص و درمان مشکلات قلبی و آنالیز دقیق الکتروکاردیوگرام سطحی کمک نماید. شبیه سازی کامپیوتری ابزاری غیر تهاجمی، قدرتمند و ارزان برای جایگزینی آزمایش بر روی قلب واقعی در آموزش ها و تحقیقات پزشکی می باشد. در این نوع آموزش، دانشجو می تواند مهارت ها و اطلاعات مورد نیاز را قبل از مواجهه با بیمار واقعی به دست آورد. با نرم افزار **ecgsim** می توان اثر آرتیمی، ایسکیمی، انفارکتوس و هایپرتروفی بر سیگنال الکتروکاردیوگراف را شبیه سازی نمود.

**واژه های کلیدی:** شبیه سازی، نرم افزار **ecgsim**، الکتروکاردیوگرام، توزیع پتانسیل سطحی.

## جستجوی یک ارتباط پیشرونده برای یادگیری: یک طرح تئوریک در مورد تداوم

### ارتباط استاد و دانشجو در آموزش بالینی پرستاری

فریبا یعقوبی نیا<sup>۱\*</sup>، دکتر عباس حیدری<sup>۲</sup>، دکتر رباب لطیف نژاد رودسری<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی دکترای پرستاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد و عضو هیأت علمی گروه پرستاری دانشگاه علوم

پزشکی زاهدان

<sup>۲</sup> دانشیار، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری مامائی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

<sup>۳</sup> استادیار، گروه مامائی، دانشکده پرستاری مامائی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

yaghoubiniaf861@mums.ac.ir

**مقدمه:** ارتباط استاد و دانشجو به عنوان یک ابزار قدرتمند آموزشی در آموزش بالینی پرستاری مطرح می باشد و تاثیر زیادی بر توسعه حرفه ای دانشجویان پرستاری دارد. در حال حاضر این ارتباط با توجه به تغییر پارادایم زیربنای آموزش پرستاری و تاکید آن بر محوریت ارتباط استاد و دانشجو از آنچه که در گذشته بوده، متفاوت است. این مطالعه گراند تئوری با هدف کشف فرایند تداوم ارتباط استاد و دانشجو در آموزش بالینی پرستاری انجام شده است.

**روش ها:** در این مطالعه ۱۰ دانشجوی پرستاری مقطع کارشناسی با تجربه گذراندن کارآموزی و ۱۰ عضو هیئت علمی پرستاری با حداقل یک سال تجربه آموزش بالینی ابتدا از طریق نمونه گیری هدفمند و سپس مبتنی بر طبقات پدید آمده از داده ها با استفاده از نمونه گیری تئوریک انتخاب شدند. داده ها از طریق مصاحبه های عمیق نیمه ساختاریافته و مشاهده مشارکتی جمع آوری گردید. مصاحبه ها به دقت و کلمه به کلمه دست نویس شد و سپس بر مبنای روش تحلیل استراوس و کوربین (۱۹۹۸) و سطوح کدگذاری مورد تحلیل قرار گرفت. همچنین از نرم افزار MAXqda 2007 برای مدیریت داده ها استفاده شد.

**نتایج:** طبقه مرکزی پدید آمده از داده ها عبارت بود از " جستجوی یک ارتباط پیشرونده برای یادگیری ". در واقع اساتید و دانشجویان در سایه راهبرد اساسی فوق برای تحقق اهداف آموزش بالینی و به ویژه یادگیری بالینی تلاش می کردند. سایر طبقات اصلی و مرتبط با طبقه مرکزی شامل تکوین پیوستگی عاطفی، تسلسل رشته ارتباط و تلاش برای هارمونی ارتباطی بود.

**نتیجه گیری:** یافته ها نشان داد که در بافت فرهنگی اجتماعی محیط مطالعه، دانشجویان و اساتید از برخی استراتژیهای کنش/کنش متقابل برای حفظ تداوم ارتباط با یکدیگر استفاده می نمایند. نقش اساتید بالینی پرستاری و مهارتهای ارتباطی آنها در تداوم این ارتباط در موقعیت های بالینی بسیار حیاتی است.

**واژه های کلیدی:** ارتباط استاد و دانشجو، تداوم، آموزش بالینی پرستاری، گراند تئوری

### آیا دیدگاه دانشجویان مقاطع مختلف پزشکی پیرامون عوامل موثر بر تمرکز متفاوت است؟

روناز نیکخواه<sup>۱\*</sup>، شیدا ذوالفقاری<sup>۱</sup>، حمید شاهین فر<sup>۱</sup>، محسن پورعزیزی<sup>۱</sup>، دکتر سمیرا مهرعلیزاده<sup>۲</sup>، دکتر راهب قربانی<sup>۳</sup>

\*کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشجوی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان

<sup>۲</sup>گروه اطفال، فوق تخصص قلب اطفال، دانشگاه علوم پزشکی سمنان

<sup>۳</sup>دکترای آمار، گروه بهداشت و پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی سمنان

**مقدمه:** بی شک داشتن تمرکز، از لوازم قطعی و ضروری هر کاری، به خصوص دانش افزایی، رشد و کمال علمی است. شناخت دقیق تر و میزان تاثیرگذاری هر یک از عوامل موثر بر تمرکز، اقدامی در جهت ارتقاء سطح تمرکز و کیفیت آموزشی به حساب می آید.

**روش‌ها:** در این مطالعه مقطعی، کلیه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی سمنان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ در چهار مقطع علوم پایه، فیزیوپاتولوژی، کارآموزی و کارورزی به روش سرشماری مورد بررسی قرار گرفتند. پرسشنامه هایی شامل سؤالاتی در مورد عوامل موثر بر تمرکز از دیدگاه دانشجویان، بصورت مقیاس پنج گزینه ای لیکرت با پاسخ های بی تاثیر (نمره ۰) تا خیلی زیاد (امتیاز ۴) در سه حیطة وابسته به دانشجو، وابسته به اساتید و وابسته به محیط در اختیار دانشجویان قرار گرفت. داده ها با آزمون های آماری T-Test، آنالیز واریانس و کای اسکوئر در نرم افزار SPSS 17 با معناداری ۰/۰۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** پرسش نامه ها توسط ۱۸۰ نفر از دانشجویان (۷۴,۴٪) تکمیل که ۶۱/۱٪ علوم پایه، ۱۱/۷٪ فیزیوپاتولوژی، ۲۲/۸٪ کارآموزی و ۴/۴٪ در مقطع کارورزی قرار داشتند. در عوامل وابسته به دانشجو، خواب آلودگی در کلاس (با میانگین ۳/۶۵) به عنوان مهم ترین عامل تاثیر گذار در تمرکز دانشجویان در تمام مقاطع محسوب شد. در عوامل وابسته به اساتید، مهارت استاد در ایجاد انگیزه (با میانگین ۳/۴۶) در مقاطع علوم پایه، فیزیوپاتولوژی و کارآموزی و علم استاد پیرامون مباحث (با میانگین ۳/۳۸) در مقطع کارورزی به عنوان مهم ترین عامل در نظر گرفته شد. در عوامل وابسته به محیط نیز دانشجویان تمامی مقاطع وضعیت نور و تهویه کلاس (با میانگین ۳/۰۱) را به عنوان مهم ترین عامل می پنداشتند. دیدگاه دانشجویان مقاطع مختلف پیرامون توانمندی استاد در همراه ساختن دانشجویان با خود تفاوت معناداری داشت (P= ۰/۰۴۹) به طوری که دانشجویان مقطع علوم پایه بیش ترین اهمیت را برای این موضوع قائل بودند.

**نتیجه گیری:** وجود دیدگاه ها و عوامل متفاوت تاثیرگذار در هر یک از مقاطع تحصیلی نیاز به داشتن رویکردی متناسب با هر دوره را یادآور می شود. استفاده از روش های آموزشی دانشجو محور در کلاس در کنار استفاده از اساتید توانمند در فعال نمودن دانشجویان در محیط آموزشی و ایجاد انگیزه در آنها از نیاز های مقطع علوم پایه به حساب می آید. خواب آلودگی دانشجویان در کلاس های درس به عنوان عامل مشترک در تمام مقاطع بررسی های بیش تر در زمینه مسائل روانشناسی و دوره های آموزشی مدیریت زمان را مورد تاکید قرار می دهد.

**واژه های کلیدی:** تمرکز، دانشجو، مقطع تحصیلی، کیفیت آموزشی



## بررسی تطبیقی دیدگاه دانشجویان و اساتید نسبت به فرایند یادگیری مبتنی بر نظریه های یادگیری

معصومه ایمانی پور<sup>۱\*</sup>، مهناز اخوان تفتی<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> عضو مرکز تحقیقات مراقبتهای پرستاری و مامایی و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۲</sup> عضو هیات علمی گروه روانشناسی تربیتی دانشگاه الزهرا

m\_imanipour@tums.ac.ir

**مقدمه:** فرایند تدریس برای اینکه اثربخش باشد نیازمند به کارگیری دانش و مهارتهایی است که راه رسیدن به یادگیری را تسهیل نماید. شناخت نظریه های مختلف یادگیری امکان فهم عوامل مرتبط و موثر بر یادگیری را فراهم کرده و به تبع آن امکان پیش بینی، مدیریت و کنترل کارآمدتر فرایند یاددهی - یادگیری فراهم می شود. بنابراین تدریس را در جهت یادگیری موثر هدایت کرد. در این مطالعه به دنبال بررسی دیدگاه دانشجویان و اساتید نسبت به یادگیری و عوامل دخیل در آن و تحلیل این نظرات از منظر رویکردهای مختلف مطرح در روانشناسی یادگیری هستیم.

**روش ها:** این مطالعه کیفی با رویکرد فنومنولوژی و به روش مصاحبه های فردی نیمه ساختارمند انجام شد. شرکت کنندگان شامل دانشجویان و اساتید حوزه علوم پزشکی بودند. در مجموع ۶ مصاحبه با اساتید و ۱۳ مصاحبه با دانشجویان انجام گرفت که به روش تحلیل محتوا مورد آنالیز قرار گرفتند.

**نتایج:** شرکت کنندگان دیدگاههای وسیعی در مورد فرایند یادگیری داشتند که در سه درونمایه اصلی طبقه بندی شدند: تعریف و مفهوم یادگیری، عوامل تسهیل کننده و عوامل ممانعت کننده یادگیری. تحلیل تطبیقی یافته ها با نظریه های یادگیری حکایت از این داشت که اساتید یادگیری را تغییر رفتار می دانند. از منظر عوامل تسهیل کننده، نظر دانشجویان بیشتر مطابق با نظریه یادگیری مشاهده ای باندورا بود در حالیکه اساتید بر تمرین و تکرار (نظریه رفتارگرایان) و انگیزه و احساس نیاز (نظریات مبتنی بر انسانگرایی) تاکید داشتند. ذیل درونمایه عوامل ممانعت کننده، مواردی مانند مناسب نبودن شرایط و امکانات محیطی، عدم آمادگی عاطفی و ذهنی، عدم رعایت توالی و سلسله مراتب در ارائه مفاهیم آموزشی که در نظریه های ژرندایک، گشتالت و پیازه بیان می شوند، مطرح شدند. همچنین از نظر دانشجویان عدم توجه به ایجاد بینش و درک مفهوم مانعی برای یادگیری می باشد.

**نتیجه گیری:** یافته ها نشان داد که دیدگاه غالب اساتید در زمینه یادگیری، رویکرد رفتارگرایانه است در حالیکه از منظر دانشجویان، کسب بینش و درک مفهوم منجر به یادگیری می شود. لذا به نظر می رسد برای موثرتر شدن تدریس و رسیدن به غایت یادگیری نیاز است اساتید با نظریه های مختلف یادگیری آشنا شوند و سعی کنند از تلفیقی از رویکردهای مختلف از جمله رویکرد سازاگرایی و شناخت گرایی که مورد انتظار دانشجویان است، استفاده کنند.

**واژه های کلیدی:** نظریه های یادگیری - تحلیل محتوا - فرایند یادگیری

## بررسی کیفیت فرایند تدریس مباحث درمانهای علامتی برای گروه کاردانه‌های بهداشتی و ارتقاء آن- سال ۱۳۹۰

زهره حسینی\*

مری دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه

[hoseiniz1@thums.ac.ir](mailto:hoseiniz1@thums.ac.ir)

**مقدمه:** مراقبت مبتنی بر شواهد مقوله بسار مهم در تمامی حیطه های ارائه خدمات در علوم به خصوص علوم پزشکی می باشد به عبارتی خود یک نوع تحقیق در سیستم بهداشتی درمانی ( health research system ) است که در آن سعی در ارتقاء فرایند های جاری سازمانی از طریق توجه به مراحل انجام فعالیت و پیدا نمودن شواهد و اطلاعات در خصوص نحوه عملکرد جاری فرایند و در صورت وجود مشکل در آن انجام تجدید نظر و ارتقاء و اصلاح آن است . . با توجه به اینکه فرایند جاری تدریس موجب شده بود که گروه هدف مطالب را به صورت تکراری درک کرده که با نیاز های آموزشی آنها منطبق نبود و نهایتا با اهمیت موضوع بیگانه بوده و انگیزش لازم را بهره برداری عملی نداشته باشند.

**روش‌ها:** در این روش تحقیق که از نوع توصیفی و عملی بود ابتدا نظر سنجی از طریق نمونه گیری سریع به عمل آمد و ۲۵ نفر از پزشکان و کارشناسان پیشنهادات خود را در رابطه با شیوه تدریس بیان نمودند، فرایند جار ترسیم شد و کفایت آن از طریق پرسش نامه ۲۰ سوالی مورد بررسی قرار گرفت . سپس بر اساس رسم نمودار شبکه علیت ، موارد نیاز مند به ارتقاء مشخص شده و توسط مربی ، استخراج مطالب تحقیقاتی در رابطه با رئوس دروس صورت گرفت که با استفاده از اسلاید های طراحی شده به نمایش در آمد. در نهایت امتیازات عملکرد فرایند قبل و بعد از ارتقاء با SPSS نسخه ۱۱/۵ تجزیه و تحلیل شد و برای توصیف داده ها از نمودار مقایسه ای خطی استفاده شد.

**نتایج:** یافته های مقایسه ای نمودار خطی نشان داد که شاخص قبل از ارتقاء : میانگین امتیازات بر حسب در صد=۳۵/۸۵ میانه= ۳۳ شاخص بعد از ارتقاء: میانگین امتیازات بر حسب در صد=۸۸/۱۵ میانه=۸۶ و با توجه به وجود تفاوت معنی دار در امتیازات قبل و بعد فرایند (  $T = 14.8$   $df = 19$   $p = 0.001$  ) مشخص شد که روند ارتقاء موثر بود و مقرر شد که برای ارائه مباحث موضوعی ، شیوه ارائه با استفاده از منابع جدید و تحقیقاتی مبتنی بر شواهد ، نظریه متخصصین ، کاملاً علمی و با توجه به نیاز شغلی فراگیر و ( student-based ) باشد.

**نتیجه گیری:** گسترش این ایده که به صورت پایلوت در یک مبحث موضوعی استفاده شده است ، می تواند منجر به یادگیری عمیق و پایدار مبتنی بر نیاز واقعی و علمی گروه هدف آموزشی گشته منجر به ارتقاء سطح شناختی یاد گیری تا حد کار برد و تجزیه و تحلیل گردد.

**واژه‌های کلیدی:** کیفیت ، فرایند تدریس-درمانهای علامتی ، بهینه سازی فرایند



### بررسی نظرات صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران نظام سلامت ایران در خصوص نقش

### فعلی و مطلوب پزشکان عمومی ایران

بیژن گرایلی<sup>۱</sup>، دکتر فریدون عزیزی<sup>۲</sup>، دکتر شهرام یزدانی<sup>۳</sup>، دکتر ابوالقاسم امینی<sup>۴</sup>، فتحیه مرتضوی<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> پزشک عمومی، کارشناس ارشد آموزش پزشکی

<sup>۲</sup> استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

<sup>۳</sup> دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

<sup>۴</sup> استادیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز

<sup>۵</sup> عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

**مقدمه:** در نظام سلامت ایران، پزشکان عمومی به دلیل، تعداد، نوع فعالیت هایشان و پراکندگی در سراسر کشور، تاثیر شگرفی در پیشبرد خدمات سلامت در جامعه دارد، لذا در برنامه ریزی باید از اولویت برخوردار باشند. متأسفانه، تاکنون در زمینه نقش آنها، مطالعه ای روشمند و جامع صورت نگرفت. لذا با توجه به جایگاه پزشکان عمومی در نظام سلامت، انجام این مطالعه از اهمیت ویژه برخوردار می باشد.

**روش‌ها:** این مطالعه از نوع کمی، و پیمایشی - پرسش نامه ای می باشد. از جامعه آماری این مطالعه، تعداد ۱۸۲ نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها، پرسش نامه نیمه-ساختار مند، می باشد، که مراحل روایی و پایایی آن طی شده و مورد تایید قرار گرفت. روش نمونه گیری به روش طبقه ای نسبی می باشد. تحلیل توصیفی و تحلیلی داده ها به کمک نرم افزار SPSS انجام شد. در بخش تحلیلی، از آزمون، مقایسه میانگین ها و آزمون تعقیبی شفه، استفاده شد.

**نتایج:** ۲۹ درصد شرکت کنندگان، زن و ۷۱ درصد، مرد بودند. نقش های ارائه خدمات درمانی به بیماران، مدیریت اجرایی مراکز مراقبت سلامت اولیه، و تا حدودی، نقش هماهنگی خدمات بالینی، در وضعیت فعلی نظام سلامت، به ترتیب دارای بالاترین میانگین و نقش صندوق دار نظام سلامت، دارای کمترین میانگین می باشند. در وضعیت مطلوب نظام سلامت، میانگین نقش های "ارائه خدمات درمانی به بیماران"، "رهبری خدمات بالینی و هماهنگ کنندگی درمان بیماران"، "ترویج سلامت، آموزش بیمار و ارتقاء سلامت فردی"، "مدیریت اجرایی مراکز مراقبت سلامت اولیه"، و "سنگربانی نظام سلامت" و "آموزش اعضای تیم مراقبت سلامت اولیه"، به ترتیب دارای بالاترین رتبه بوده و نقش صندوق داری نظام سلامت، کمترین میانگین را به خود اختصاص داد.

**نتیجه‌گیری:** مشاهده شد که در مورد نقش های "ارائه خدمات درمانی به بیمار"، "رهبری خدمات بالینی و هماهنگ کنندگی درمان بیماران"، "ترویج سلامت، آموزش بیمار و ارتقاء سلامت فردی"، "مدیریت بیماری"، "آموزش تیم مراقبت سلامت اولیه"، پژوهش های بالینی و اپیدمیولوژیک"، "سنگربانی نظام سلامت"، و "مدیریت اجرایی مراکز مراقبت سلامت اولیه"، همه شرکت کنندگان متفق القول می باشند که باید جزئی از نقش های پزشکان عمومی باشند، اما از میان این نقش ها، شرکت کنندگان، "نقش های ارائه خدمات درمانی به بیمار"، "رهبری خدمات بالینی و هماهنگ کنندگی درمان بیماران"، "ترویج سلامت، آموزش بیمار و ارتقاء سلامت فردی"، "آموزش تیم مراقبت سلامت اولیه"، "سنگربانی نظام سلامت"، و "مدیریت اجرایی مراکز مراقبت سلامت اولیه" را به عنوان نقش های اصلی انتخاب کردند و سایر نقش ها را به عنوان نقش های فرعی معرفی کردند.

**واژه‌های کلیدی:** پزشک عمومی، پزشک خانواده، نقش، نظام مراقبت سلامت اولیه، برنامه ریزی درسی.

بررسی نگرش های دانشجویان پزشکی نسبت به برنامه های آموزشی علوم پایه سنتی و ادغام یافته در دانشگاه های علوم پزشکی تهران و شهید بهشتی - ۱۳۹۰

جلیل کوهپایه زاده<sup>۱</sup> MD، سعیده دریازاده<sup>۲\*</sup> M.sc، کامران سلطانی عربشاهی<sup>۳</sup> MD  
<sup>۱</sup> دانشیار، مرکز تحقیقات آموزش پزشکی و گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران  
<sup>۲\*</sup> کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران  
<sup>۳</sup> استاد، مرکز تحقیقات آموزش پزشکی و گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

مقدمه: نگرش های دانشجویان پزشکی نسبت به برنامه های درسی از اهمیت قابل توجهی برای بهبود آموزش و پرورش برخوردار است. این مطالعه به منظور بررسی نگرش های دانشجویان پزشکی مقطع کارورزی به برنامه های درسی ادغام یافته و سنتی علوم پایه دانشگاه های علوم پزشکی تهران و شهید بهشتی انجام شد.

روش ها: در این مطالعه توصیفی- مقطعی ۲۰۰ نفر از دانشجویان پزشکی مقطع کارورزی دانشگاه علوم پزشکی تهران و شهید بهشتی به ترتیب با برنامه درسی علوم پایه سنتی و ادغام یافته، با روش نمونه گیری تصادفی ساده شرکت نمودند و نگرش های آنها به دو برنامه درسی ذکر شده، توسط پرسشنامه ترجمه شده شامل ۹ سوال با مقیاس ۵ درجه لیکرت جمع آوری و وارد نرم افزار SPSS-17 شد و با استفاده از روش های آمار توصیفی و آزمون های آماری در مورد اهداف پژوهش به قضاوت پرداخته شد.

نتایج: در مجموع ۱۸۱ نفر (میزان پاسخ دهی ۹۰٫۵٪) پرسشنامه را تکمیل کردند. در سوال ۲ ( بسیاری از دستاوردهای علوم پایه، که مفید بودن آن برای پزشک عملاً ناچیز است، از علوم بالینی حذف شده اند) با  $p\text{-value}=.015$  و سوال ۶ ( اولین ضرورت، یادگیری حداکثر حقایق در علوم پایه و سپس یادگیری کاربرد این حقایق، در سالهای بالینی است) با  $p\text{-value}=.005$  و سوال ۸ ( اطلاعات و تجربیاتی که من تا به امروز بدست آورده ام، برای نقش آینده من به عنوان یک پزشک، اساسی هستند) با  $p\text{-value}=.003$  اختلاف معنی داری در نگرش های دانشجویان دانشگاه های تهران و شهید بهشتی مشاهده شد.

نتیجه گیری: به نظر می رسد دانشجویان با برنامه درسی سنتی، معتقدند دروس نظری علوم پایه در بالینی چندان کاربردی نیست، همچنین دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، رضایت بیشتری نسبت به برنامه درسی ادغام یافته خود و تمایل به کم اهمیت نشان دادن دروس علوم پایه در کاربرد بالینی و نیز نگرش منفی تری نسبت به برنامه درسی سنتی علوم پایه داشتند.

واژه های کلیدی: نگرش، ادغام، سنتی، دانشجوی پزشکی، برنامه درسی، علوم پایه.

## ادغام مفاهیم و عناوین آموزش پزشکی در درس طراحی آموزشی بر اساس شش کلاه تفکر

دکتر لیلا بذرافکن\*، مرضیه برزگر، ندا مودب، مریم رحیمی شیوا کریمزاده، حکمت الله مرادی، فریبا خانی پور، مریم حسینی، مریم برومند، هاجر شیعه، زهرا درخشنده

Email: bazrafkan@yahoo.com

Shiraz University of Medical Science, Shiraz, Iran

**مقدمه:** با کاربرد استراتژی spices در آموزش و انجام فعالیت های عملی، به جای این که دانشجویان در مقابل بارش یک طرفه اطلاعات از طرف استاد تسلیم شوند، به طور فعال در مبادله اطلاعات و تجربه با استاد شریک می شوند از آنجا که متخصصان آموزش پزشکی کسانی هستند که در سیستم های مختلف، استفاده از روش های جدید آموزشی را توصیه می کنند خود باید از پیشگامان استفاده از این استراتژی ها باشند. لذا در این طرح ما نیز از دو استراتژی فراگیر محوری و فراگیری بر اساس برنامه تلفیق شده در آموزش استفاده کردیم.

**روش ها:** این مداخله در آموزش دانشجویان ترم سه کارشناسی ارشد آموزش پزشکی شیراز اجرا شد. ابتدا اصول طراحی آموزش، به صورت تئوری آموزش داده شد. سپس از دانشجویان خواسته شد که به عنوان تکلیف عملی هر نفر یکی از مشکلات عملکردی سیستم آموزشی را با استفاده از روش کافمن تحلیل کنند. آنگاه دانشجویان بعد از مطالعه مبحث شش کلاه تفکر (یکی دیگر از مباحث درس طراحی آموزشی)، در جلسه ای حضوری، هر یک تکالیف عملی خود را ارائه و سایر دانشجو با سر گذاشتن یکی از کلاه ها، به نقد عملکرد دانشجوی ارائه دهنده پرداختند. در پایان بر اساس یک پرسش نامه با مقیاس لیکرت، میزان دستیابی به اهداف این فرایند از دید دانشجویان مورد بررسی قرار گرفت. همچنین با استفاده از یک مصاحبه نیمه ساختارمند با دانشجویان و مصاحبه با خبرگان این رشته نقاط قوت و ضعف این طرح مشخص شد و نمرات این دانشجویان با نمرات دانشجویان ترم قبل که این مباحث را به صورت تئوری آموخته بودند، مقایسه شد. داده ها با استفاده از نرم افزار spss 18 و روش های تحلیل کیفی آنالیز شد.

**نتایج:** نتایج نشان داد که میزان دستیابی به اهداف " یادگیری فعال از طریق انجام تکلیف عملی در درس طراحی آموزشی، پی بردن به نقاط قوت و ضعف خود با انجام تکلیف عملی، ایجاد علاقه و هیجان برای یادگیری، تقویت یادگیری خودراهر از طریق شرکت در جلسه بحث گروهی، آشنایی عملی با خودارزشیابی و ارزشیابی از طریق همتایان، نقادانه فکر کردن، تقویت یادگیری از طریق دریافت بازخورد" از دیدگاه دانشجو، به ترتیب ۸۱،۵، ۸۸، ۹۱، ۷۹،۵، ۸۳، ۸۰، ۹۶،۵ و ۸۴،۵ درصد بوده است. نمرات دانشجویان در این درس در مقایسه با دانشجویان ترم قبل تفاوت معنی داری را نشان نداد. به طور کلی دانشجویان از این فرایند و شیوه تدریس رضایت کامل داشتند.

**نتیجه گیری:** به نظر می رسد، این شیوه آموزش نسبت به روش های سنتی باعث یادگیری موثرتر در دانشجویان می شود و لذا در سایر رشته های علوم پزشکی نیز می توان طرح های این چینی را اجرا کرد.

**واژه های کلیدی:** آموزش پزشکی، ادغام، شش کلاه، طراحی آموزشی، فراگیر محور، تلفیق شده

## طراحی و اجرای برنامه "آشنایی با حرفه‌ی طب" برای دانشجویان پزشکی مقطع علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر عظیم میرزازاده\*، دکتر فریبا اصغری، دکتر فرشاد علامه، دکتر ندا نادری، دکتر سهیل پیمان، دکتر اعظم علمداری، دکتر مژگان میرعبدالحق، دکتر غلامرضا حسن زاده، محبوبه خباز مافی نژاد\*  
\* هیات علمی گروه داخلی، دانشگاه علوم پزشکی تهران  
Email: azimmirzazadeh@gmail.com

**مقدمه:** لازمه ادغام آموزش‌های مهارت‌های طبابت از دوره علوم پایه، ایجاد این نگرش در دانشجویان است که پزشکی را نه صرفاً به عنوان علم بلکه به عنوان حرفه ببینند و ضرورت دریافت مهارت‌های مختلف آن را درک کنند. بدین ترتیب فراگیران می‌توانند به دانسته‌های خود عمق بیشتری بخشیده و وظیفه خود را در فراگیری مداوم درک نمایند. این مطالعه با هدف طراحی و اجرای برنامه آشنایی با حرفه طب برای دانشجویان پزشکی در مقطع علوم پایه صورت گرفت.

**روش‌ها:** ۷۰ نفر از دانشجویان نیمسال سوم علوم پایه در قالب گروه‌های ۱۰ نفره شرکت کردند که هر گروه یک روز در بخش داخلی-جنرال بیمارستان امام خمینی حضور پیدا می‌کردند. دانشجویان ابتدا با اهداف برنامه و ضوابط و نظام بخش آشنا می‌شدند، سپس به همراه یکی از اساتید بر سر بالین یکی از بیماران بخش رفته و از نزدیک ارتباط پزشک و بیمار را در گرفتن شرح حال وی مشاهده می‌کردند. سپس به همراه کارورزان، کارآموزان و دستیاران و اتندینگ بخش، در گراند راند بخش حاضر می‌شدند. در هر گراند راند یک بیمار انتخاب و معرفی می‌شد. اساتید و دستیاران و کارآموزان و کارورزان ضمن ارائه مرحله به مرحله شرح حال بیمار، استدلال بالینی فراگیران را به چالش می‌کشیدند. همینطور از دانشجویان علوم پایه سوالاتی مرتبط با مشکل بیمار که با دانش علوم پایه قابل پاسخگویی بود پرسیده می‌شد و به آنها در به یادآوری نکته‌های علوم پایه که در رسیدن به تشخیص بالینی بیمار موثر بود کمک می‌شد. برگه ارزشیابی برنامه نیز پس از اتمام برنامه توسط دانشجویان تکمیل شد.

**خلاصه یافته‌ها:** از مجموع ۷۰ نفر از دانشجویان شرکت‌کننده در برنامه، ۵۶ نفر برگه نظر سنجی را تکمیل کردند. ۹۲٫۹ درصد دانشجویان در نظرسنجی بعمل آمده اعلام کردند که شرکت در برنامه در افزایش انگیزه تحصیلی آنها تاثیر دارد. همچنین ۹۴٫۶ درصد از آنان تجربه حضور در برنامه را مفید ارزیابی کردند و از نظر ۹۸٫۲ درصد دانشجویان برنامه موفق بوده است. بعلاوه ۷۲٫۱ درصد دانشجویان اعلام کردند که در ابتدای برنامه توانستند با اهداف و شکل اجرای برنامه آشنا شوند.

**نتیجه‌گیری:** یافته‌های حاصل از نظر سنجی نشان‌دهنده‌ی ارزیابی مثبت دانشجویان از برنامه اجرا شده است و تاثیر مثبتی است که آشنایی با حرفه طب در درک اهمیت مهارت‌های طبابت و افزایش انگیزه برای مطالعه عمیق‌تر دروس علوم پایه دارد.

**واژه‌های کلیدی:** حرفه طب، دوره پزشکی عمومی، علوم پایه، مهارت‌های طبابت

## اجرای آموزش ادغام یافته تعهد حرفه ای در فاز علوم پایه دوره پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر فریبا اصغری\*، دکتر عظیم میرزازاده، دکتر علی جعفریان، دکتر علی لباف، دکتر شمس شریعت تربقان، دکتر علیرضا پارساپور، دکتر حسن اسلامی، دکتر سید محمود طباطبایی، محبوبه خباز مافی نژاد، شایان بهنام-منش

\* هیات علمی گروه اخلاق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

Email: fasghari@tums.ac.ir

**مقدمه:** یکی از وظایف دانشکده پزشکی ایجاد توانمندی پذیرش و عمل به تعهدات حرفه ای در دانشجویان پزشکی است. هم-زمان با بازنگری برنامه پزشکی عمومی ۱۳۹۰ در دانشگاه علوم پزشکی تهران، آموزش تعهد حرفه ای با رویکرد ادغام طولی طراحی شد و این مقاله اجرای بخش علوم پایه این برنامه را گزارش می کند.

**روش ها:** در مرحله طراحی برنامه آموزشی تعهد حرفه ای، کارگروه های متشکل از صاحب نظران در این حیطة، به منظور پیشبرد کار طراحی پیش نویس اولیه تشکیل گردید و سپس با حضور جمعی از اساتید گروه های علوم پایه و بالینی و مراجع ذی ربط دیگر و تعدادی از دانشجویان پزشکی، در قالب کارگاه ۷ ساعته مورد نقد و بررسی قرار گرفت. آموزش تم طولی "تعهد حرفه ای"، در قالب درس مهارت های طبابت ۱ در دوره علوم پایه به دانشجویان پزشکی ۹۰ در قالب برنامه های ذیل ارائه گردید. کارگاه مقدمات تعهد حرفه ای مقدمات: در نیمسال اول به مدت ۴ ساعت مشتمل بر نمایش فیلم، معرفی حرفه و بحث بر تمایز آن از سایر مشاغل و آغاز ورود به حرفه پزشکی ارائه گردید. کارگاه تعهد حرفه ای دانشجویی: در نیمسال دوم به مدت ۴ ساعت مشتمل بر بحث گروهی بر مصادیق تعهد حرفه ای در دوره علوم پایه و آموزش کارگاهی تامل (reflection) بود. برنامه آشنایی با تاریخ و مشاهیر طب: در نیمسال دوم و به مدت ۴ ساعت در موزه تاریخ پزشکی برگزار شد. جلسه کرامت انسانی جسد نیز به همت گروه آناتومی جلسات بزرگداشت اهدا کنندگان جسد در ۵ نوبت با حضور خانواده متوفی و دانشجویان پزشکی و اساتید گروه آناتومی برگزار شد. و در نهایت فاز ارزشیابی از برنامه آموزشی ارائه شده، در انتهای هر نیمسال تحصیلی مطابق با مصوبات "کمیته ارزشیابی دوره" صورت گرفت.

**نتایج:** در نظرسنجی بعمل آمده در نیمسال اول تحصیلی ۷۱٫۱ درصد دانشجویان و در نیمسال دوم تحصیلی ۶۶٫۱ درصد دانشجویان به سوال "مدرسان از توانایی های لازم برای اداره جلسات و ارائه مطالب برخوردار بودند" نظر موافق یا کاملاً موفق داشتند و در آنالیز توصیفی نیز بیشترین میانگین نمرات (۳٫۶۶±۱٫۲۱) مربوط به همین سوال می باشد. همچنین در نیمسال اول ۶۰ درصد و در نیمسال دوم ۶۲٫۲ درصد دانشجویان به سوال "حجم مباحث ارائه شده مناسب بود" نظر موافق/ کاملاً موافق داشتند.

**نتیجه گیری:** یافته های حاصل از نظر سنجی نشان دهنده لزوم شرح ضرورت و اهمیت آموزش تعهد حرفه ای در دوره پزشکی عمومی برای دانشجویان است.

**واژه های کلیدی:** تم طولی، تعهد حرفه ای، دوره پزشکی عمومی، ادغام



### بیان دیدگاه‌های دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی در زمینه دغدغه

#### ها و نگرانی های حین فارغ التحصیلی

مهدی حارث آبادی<sup>۱</sup>، مینا رباط جزئی<sup>۲</sup>، آلاله خلیلی<sup>۳</sup>، مرجان زهراب<sup>۴</sup>، عالیبه نظام دوست<sup>۵</sup>، معصومه حسن دوست فرخانی<sup>۶</sup>،

حامد مرتضوی<sup>۷</sup>، محبوبه طباطبایی چهر<sup>۸\*</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی گروه پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی مامایی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۴</sup> دانشجوی کارشناسی هوشبری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۵</sup> دانشجوی کارشناسی هوشبری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۶</sup> کارشناس مامایی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۷</sup> دکترای تخصصی پرستاری، عضو هیئت علمی گروه پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

<sup>۸\*</sup> عضو هیئت علمی گروه مامایی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

**مقدمه:** نیروی انسانی، پایه و اساس نظامهای بهداشتی را تشکیل می دهد لذا با فراهم آوردن و ارتقاء بخشیدن دانش، مهارت ها و نگرش های مورد نیاز در پذیرش نقش حرفه ای و ورود به بازار کار در پیشرفت جوامع بسیار موثر می باشد. **روش‌ها:** این مطالعه به صورت اقدام پژوهی انجام شد. پس از تنظیم فراخوان از دانشجویان رشته های مختلف (پرستاری، مامایی، اتاق عمل، هوشبری و فوریت) در حال فارغ التحصیل خواسته شد در این کارگاه شرکت کنند. در بدو ورود دانشجویان به محل برگزاری جلسات، فرم های مخصوص ثبت ایده در بین آنان توزیع شد. در جمعی متشکل از دانشجویان رشته های مختلف و یک عضو هیئت علمی راهنما، دانشجویان به صورت منفرد و یا گروهی ایده های خود را بصورت ساده در فرم طراحی شده وارد نموده و سپس پیرامون مباحث اصلی به بحث با کمک راهنما و منابع مدیریتی و رشته تخصصی پرداختند، نظران ارائه شده ای که به توافق نظر می رسید به صورت مکتوب جمع آوری گردید. پس از اتمام کارگاه در جلسات تکمیلی، ایده هایی که پتانسیل اجرایی لازم را دارا بوده اند با کمک اعضا هیات علمی از قالب سناریوی اولیه ایده در آمده و توسط اعضای هسته مرکزی کانون ایده های خلاق دانشکده و استاد راهنما طبقه بندی شدند.

**نتایج:** نگرانی ها و دغدغه های طبقه بندی شده شامل فراموش شدن اطلاعات پایه به مرور زمان، گنگ بودن آینده شغلی، دیدگاه عموم مردم نسبت به جایگاه اجتماعی در برخی رشته ها، عدم امکان ادامه تحصیل مخصوصا در رشته های بیپهوشی و اتاق عمل، تردید در کفایت توانمندی های اجرایی، طرح نیروی انسانی (سربازی برای پسران)، عدم کفایت توانمندی های پژوهشی و ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر بودند.

برخی راهکارهای ارائه شده توسط خود دانشجویان نیز عبارت بودند از برگزاری کارگاه های توجیهی در طول تحصیل برای آشنایی با نقش و حرفه ای شدن، و مسائل مربوط به خدمت سربازی، آموزش مهارت های ارتباط موثر با دیگران جهت رفع نگرانی های ارتباطی در محیط های کاری و ارتقا آموزش های تئوری و نظری به شیوه هایی نوین جهت ماندگاری بیشتر اطلاعات بودند.

**نتیجه گیری:** دانشجویان به عنوان جزء اصلی فرایند یادگیری و نظام آموزش عالی کشور می توانند در سرنوشت خود تعیین کننده بوده و با کفایت بیشتری دوران تحصیل خود را سپری نمایند تا در آینده به شکل حرفه ای تری برای پذیرش نقش خود در جامعه آماده شوند لذا پیشنهاد می شود نیاز سنجی، طراحی و ارزشیابی چنین کارگاههایی در آینده ادامه یابد

**واژه های کلیدی:** دیدگاه، دانشجوی، دغدغه، نگرانی، فارغ التحصیلی

## یادگیری مبتنی بر مکاشفه هدایت شده (GDL)، الگویی مناسب برای ارائه دروس علوم پایه به شیوه ادغام یافته عمودی: بیان یک تجربه

سیما کلاهدوز\*، میترا شربت خوری، اوغل نیاز جرجانی، بهناز خدابخشی، فاطمه چراغعلی، اعظم فیاضی، نگار برومند

دانشگاه علوم پزشکی گلستان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی  
پست الکترونیکی: [simakolahdooz@yahoo.com](mailto:simakolahdooz@yahoo.com)

**مقدمه:** رایج ترین الگوی مورد استفاده در برنامه های درسی ادغام یافته عمودی، آموزش مبتنی بر حل مسئله است. استفاده از این روش در سال های نخستین پزشکی که دانشجویان مهارت های حل مسأله بالایی ندارند ما را با دو چالش محدودیت زمان و عدم امکان پوشش تمام اهداف آموزشی مواجه می سازد. جهت رفع این مشکل و تسهیل یادگیری تلفیقی بر آن شدیم تا از روش مکاشفه ای دیگری تحت عنوان "یادگیری مبتنی بر مکاشفه هدایت شده" به منظور پیاده سازی استراتژی ادغام استفاده نماییم.

**روش ها:** در این مطالعه نیمه تجربی، ۲۵ درصد مباحث درس انگل شناسی پزشکی به شیوه ادغام یافته عمودی و بر روی گام چهارم (لانه سازی=nesting) از نردبان یازده مرحله ی ادغام ارائه شد. تحت نظر کمیته ای متشکل از اساتید گروه انگل شناسی، متخصص آموزش پزشکی و اساتیدی از گروه های پزشکی اجتماعی، اطفال، زنان، چشم و عفونی، برای هر یک از جلسات راهنمای مطالعه ای مشتمل بر هشت بخش: اهداف رفتاری، اهمیت مطلب از دیدگاه بالینی و اپیدمیولوژیکی، سناریوهای بالینی، سوالات هدایت شده، روش تدریس، رسانه ها و وسائل آموزشی، مطالب جهت مطالعه مستقل و پیوستها (جدول، نمودارها و تصاویر) تدوین گردید. کلیه دانشجویان به ۴ گروه ۱۷ نفره تقسیم شدند یک هفته قبل از شروع هر جلسه راهنمای مطالعه از طریق سایت دانشگاه بارگذاری و دانشجویان هر گروه پاسخ سوالات مربوطه را از بین منابع جستجو و پس از تشکیل جلسه همفکری گروهی، به استاد تحویل می دادند. در ادامه، جلسه حضوری در کلاس به صورت سخنرانی همراه با پرسش و پاسخ برگزار می شد. ارزشیابی دوره از طریق مقایسه نمرات آزمون پایان دوره با نمرات دانشجویان ترم قبل و نظرسنجی از طریق پرسشنامه انجام گرفت.

**نتایج:** از دیدگاه دانشجویان، میانگین نمره میزان تحقق هریک از اهداف از ۵ برابر بود با: فهم بهتر مطالب ارائه شده در سخنرانی (۳,۹±۰,۷)، ارتباط بین علوم پایه و بالین و کاربردی شدن آموزش (۳,۷±۰,۶)، حضور ذهن بیشتر در زمان سخنرانی استاد (۳,۷±۰,۹)، افزایش انگیزه و علاقه به یادگیری مطالب (۳,۵±۰,۷)، ماندگاری مطالب در ذهن (۳,۵±۰,۸)، یادگیری معنی دار (۳,۵±۰,۹) و لذت بردن از درس خواندن (۳,۲±۰,۸). میانگین نمره آزمون پایان دوره محتصری بالاتر از ترم قبل بود اما این اختلاف معنی دار نبود (p=۰,۴۷)

**نتیجه گیری:** این مطالعه با هدف افزایش اثربخشی آموزش علوم پایه به شیوه ادغام یافته با به کارگیری الگوی مبتنی بر مکاشفه هدایت شده انجام شد. مدل به کار گرفته شده توانست از طریق بیان انتظارات عملکردی از فراگیران در غالب سوالات هدایت شده، به نزدیک شدن ارتباط ذهنی فراگیر و استاد کمک نموده و دانشجویان را به سمت مکاشفه و رسیدن به سطوح بالای اهداف یادگیری سوق دهد. این رو بهره گیری از این روش در برنامه های آموزشی ادغام یافته قویا توصیه می گردد.  
**واژه های کلیدی:** ادغام عمودی، یادگیری مبتنی بر مکاشفه هدایت شده، یادگیری مبتنی بر حل مسأله، عوم پایه

### آموزش طب سنتی و مکمل در دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران

دکتر هدا عزیزی\*، محمود شبستری، حسین غلامی، حمید رضا بهرامی، مجید سلیمان نژاد

دانشگاه علوم پزشکی مشهد

پست الکترونیک: [azizih@mums.ac.ir](mailto:azizih@mums.ac.ir)

**مقدمه:** با توجه به علاقمندی وسیع و استفاده از طب سنتی و مکمل توسط مردم ایران، بسیاری از دانشگاه‌های کشور آموزش طب سنتی و مکمل را اخیراً ارائه می‌کنند. این مطالعه کشوری به منظور تعیین تنوع و دامنه آموزش طب سنتی و مکمل در دانشگاه‌های کشورمان و جمع‌آوری اطلاعات مربوط به جایگاه سازمانی و جنبه‌های آکادمیک این آموزش‌ها طراحی و هدایت شد. روش‌ها: این مطالعه یک طرح پژوهشی مصوب در دانشگاه علوم پزشکی مشهد با کد ۹۱۰۲۶۳ است. اطلاعات از طریق ارسال یک پرسشنامه محقق ساخته که روایی آن توسط ۱۰ نفر از اعضای هیات علمی گروه آموزش پزشکی دانشکده پزشکی و اعضای هیات علمی دانشکده طب سنتی و مکمل سنجیده شده بود، به ۴۳ دانشگاه علوم پزشکی سراسر کشور در یک فاصله زمانی ۶ ماهه در سال ۹۱ فرستاده شد. از دانشگاه‌ها در مورد ارائه آموزش در زمینه طب سنتی و مکمل و محتوای آن سوال شده بود. هم‌چنین ویژگی‌های دانشجویان و مدرسین، مدت زمان آموزش هر یک از عناوین مرتبط با طب سنتی و مکمل، و جایگاه سازمانی آن مورد پرسش قرار گرفتند. مطالعه هم‌چنین در جستجوی آن بود که آیا مفاهیم "پزشکی جامع نگر" و "طب مکمل مبتنی بر شواهد" در درون محتوای آموزشی ارائه شده وجود دارد یا خیر. نتایج: پرسشنامه‌ها توسط ۲۴ دانشگاه کشور پاسخ داده و برگردانده شدند. عناوین مکملی که بیشتر تدریس شده بود عبارت بودند از تغذیه و رژیم غذایی (۷۱،۳٪)، طب گیاهی (۴۱،۸٪)، مبنای طب سنتی ایرانی (۲۴،۸٪)، درمان در طب سنتی ایرانی (۱۴،۲۵۹)، گیاه درمانی از دید طب سنتی ایرانی (۱۴،۳٪)، داروسازی سنتی ایرانی (۱۴،۲٪)، ماساژ درمانی (۷،۱٪) و مدیتیشن و ریلکسیشن (۷،۱٪). ۸۶،۵٪ از آموزش‌گیرندگان دانشجویان دکتری یا PhD بودند؛ ۱۹،۹٪ دانشجوی فوق لیسانس و ۴۰،۵٪ دانشجوی لیسانس بودند. ۷ دانشکده طب سنتی در دانشگاه‌های ایران در زمان تحقیق وجود داشت. سطح تحصیلات آموزش‌دهندگان طب سنتی و مکمل در ۶۳،۶٪ موارد دکتری تخصصی، در ۲۹،۶٪ دکتری، در ۲۹،۶٪ فوق لیسانس و در ۰،۵٪ موارد لیسانس بود. آموزش طب مکمل در ۲۶،۵٪ موارد اختیاری، در ۶۱،۲٪ درصد اجباری و در ۱۲،۲٪ مخلوطی از این دو بود. ۸۷،۸٪ از آموزش طب مکمل به فرم سخنرانی ارائه شده بود چه به تنهایی و چه به روش یادگیری تلفیقی؛ ۱۸،۳٪ آموزش الکترونیک؛ ۲۲،۳٪ آموزش عملی توسط اعضای هیات علمی و ۸،۱٪ ارائه مورد. در اغلب دانشگاه‌ها اطلاعات مدرسین طب مکمل از "پزشکی جامع نگر" پایین بود (Mean=1 Min=0 Max=4). این مفهوم در درصد بالایی از دانشگاه‌های کشور (۵۷،۲٪) تدریس نشده بود؛ در ۹،۵٪ از دانشگاه‌ها تنها ساعات محدودی از آموزش‌های طب مکمل به این مفهوم اختصاص یافته بود و در ۳۳،۳٪ از دانشگاه‌ها، پزشکی جامع نگر در طی دوره‌های آموزشی طب مکمل حداقل از طریق چند اسلاید معرفی شده بود. ۵۷،۹٪ از دانشگاه‌ها ادعا کردند که مدرسین آنها اطلاعات قابل قبولی از پزشکی جامع نگر و مکمل مبتنی بر شواهد دارند. این رویکرد در ۳۵٪ از آموزش‌های طب سنتی و مکمل کشور استفاده شده بود. ۳۹،۱٪ از دانشگاه‌های مورد مطالعه، دوره‌های آموزش مداوم را در موضوعات مختلف طب مکمل اراده می‌کردند. ۴۵،۸٪ از دانشگاه‌های شرکت‌کننده در مطالعه، مرکز تحقیقاتی در زمینه طب سنتی و مکمل تاسیس کرده بودند.

**نتیجه‌گیری:** آموزش طب سنتی و مکمل در ایران در حال گسترش است. مدرسین طب سنتی و مکمل کشور سطح قابل قبولی از اطلاعات در زمینه طب مکمل مبتنی بر شواهد دارند. هر چند شواهد علمی در دوره‌های آموزشی طب سنتی و مکمل کشورمان ارائه می‌شود اما کافی به نظر نمی‌رسد. توجه بیشتر به آموزش "پزشکی جامع نگر" در کنار افزایش آموزش‌های مبتنی بر شواهد در حیطه طب سنتی و مکمل ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: آموزش، طب سنتی و مکمل، پزشکی جامع نگر، پزشکی مبتنی بر شواهد

## گزارش یک تجربه: تدوین درس اخلاق و مقررات حرفه‌ای جهت مقطع کارشناسی رشته پرستاری و ارائه آن

مصیب مظفری

دکترای پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام

[mozafaric@yahoo.com](mailto:mozafaric@yahoo.com)

**مقدمه:** آگاهی از اصول و مبانی اخلاق و مقررات حرفه‌ای یکی از ارکان مراقبت پرستاری با کیفیت از بیماران به شمار می‌رود. در حال حاضر اگرچه برخی بایسته‌های اخلاقی حرفه پرستاری در برنامه درسی پرستاری مقطع کارشناسی به صورت پراکنده دیده می‌شود، اما فقدان برنامه درسی مشخص جهت اخلاق و مقررات حرفه‌ای از مشکلات اساسی این رشته به شمار می‌رود. هدف از این مقاله ارائه گزارشی در مورد تدوین و ارائه برنامه درسی تحت عنوان اخلاق و مقررات حرفه‌ای در پرستاری در دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایلام است.

**روش‌ها:** جهت تدوین برنامه درسی درس اخلاق و مقررات حرفه‌ای در پرستاری، با استفاده از روش دلفی اصلاح شده و طی ۳ دور، از ۲۵ صاحب‌نظر در رشته‌های پرستاری، حقوق پزشکی و اخلاق پزشکی با درجه حداقل استادیار نظر خواهی شد. انجام این مطالعه تا رسیدن به اجماع بین صاحب‌نظران درباره محتوا، میزان ساعت مناسب، روش‌های تدریس، روش ارزشیابی، بهترین زمان ارائه درس و معیارهای استاد درس، ۱ سال به طول انجامید و حاصل آن، تدوین سرفصل درس مذکور به میزان ۱ واحد و برنامه درسی تفصیلی شامل محتوا، روش تدریس، روش ارزشیابی، منابع، حداقل معیارهای استاد درس و فعالیت‌های یادگیری دانشجویان بود. سرفصل مذکور و الحاقات آن پس از تصویب در شورای گروه، شورای آموزشی دانشکده و دانشگاه به صورت آزمایشی در دو نیمسال و جهت دانشجویان ترم چهارم ارائه شد و پس از نظر خواهی از اساتید و دانشجویان از نظر کفایت میزان ساعت، کفایت محتوا و روش ارائه و انجام اصلاحات مقرر شد به صورت دائم و تا زمان بازنگری جدید ارائه گردد. درس مذکور در حال حاضر ارائه می‌گردد.

**نتایج:** نتایج مطالعه‌ای که در سال ۱۳۹۱ به منظور بررسی نظرات دانشجویانی که درس مذکور را گذرانده بودند انجام گردید نشان داد که دانشجویان میزان ادراک از سودمندی آن را بسیار زیاد گزارش داده، و وجود درس در برنامه آموزشی رشته پرستاری را ضروری توصیف کرده بودند. نتایج این مطالعه و ارزیابی نظرات اساتید درس مذکور نشان داد که میزان ساعت اختصاص داده شده کم بوده است.

**نتیجه‌گیری:** در مجموع، سازماندهی مناسب درس، تناسب محتوا با وظایف حرفه‌ای، و اثرات آن بر آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان در خصوص چالش‌های اخلاقی حرفه نشان می‌دهد که می‌توان از تجربه مذکور در سایر دانشکده‌های پرستاری و مامایی استفاده کرد.

**واژه‌های کلیدی:** پرستاری، اخلاق حرفه‌ای، برنامه درسی، علوم پزشکی ایلام، کارشناسی

مقایسه تاثیر طرح درس کارآموزی مدیریت در عرصه به روش موجود و طرح درس طراحی شده به کمک چک لیست بر نمرات ارزشیابی دانشجویان پرستاری دانشکده

علوم پزشکی نیشابور سال ۱۳۹۱

سعید قاسمی\*، جعفر علیحیدری ممقانی<sup>۲</sup>

\*مربی عضو هیات علمی گروه پرستاری دانشکده علوم پزشکی نیشابور

ghasemis1@nums.ac.ir

**مقدمه:** دانشجویان پرستاری اغلب برای ارتباط دادن مباحث نظری و کاربرد مهارت های مدیریت در اداره بخش ها و ارائه مراقبت مشکل دارند. این امر باعث می شود که آنان نتوانند تلفیق آنچه که به شکل نظری آموخته را در محیط بالینی اجرا کنند. این تجربه زمانی مهیا می شود که معیارهای مناسب مدیریت پرستاری مشخص و دانشجویان پرستاری مهارت مدیریتی خود را بر این اساس پرورش دهند. بهبود کیفیت عملکرد بالینی دانشجویان در حیطه مدیریت از جمله مواردی است که لازم است مسئولین آموزشی به آن توجه و برای بهبود آن اقدام نمایند. برای برنامه ریزی درسی الگوهای متفاوتی ارائه شده است. طرح درس عنصر حیاتی تدریس می باشد و سبب فعال نمودن دانشجو و نشان دادن هنر معلم می شود، پاسخگوی نیاز دانشجویان است و هدف های مبهم را روشن می کند. هدف این مطالعه مقایسه تاثیر طرح درس کارآموزی مدیریت در عرصه به روش موجود و طرح درس طراحی شده به کمک چک لیست بر نمرات ارزشیابی دانشجویان پرستاری در سه حیطه وظایف مربوط به سرپرستار، چگونگی انجام پروژه مدیریت و وظایف دانشجویی می باشد.

**روش ها:** پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه تجربی می باشد که بر روی ۲۸ دانشجوی پرستاری سال چهارم مشغول گذراندن کارآموزی مدیریت در عرصه (۱۴ دانشجو در هر گروه) به روش نمونه گیری تصادفی ساده انجام شد. ۱۴ دانشجو گروه مورد با طرح درس طراحی شده به کمک چک لیست و ۱۴ دانشجو گروه شاهد با طرح درس موجود در دانشکده آموزش دیدند. در پایان کارآموزی دانشجویان هر دو گروه مورد ارزشیابی با چک لیست قرار گرفتند. واحد های مورد پژوهش در هر دو گروه از نظر سن و جنس و نحوی آموزش همگون بودند. به علت نرمال نبودن توزیع نمرات ارزشیابی دانشجویان جهت تحلیل داده ها از آزمون غیر پارامتری من ویتنی استفاده گردید.

**نتایج:** نمره ارزشیابی دانشجویان در دو گروه مورد و شاهد در دو حیطه وظایف مربوط به سرپرستار و چگونگی انجام پروژه مدیریت باهم اختلاف معنی دار آماری داشت ( $p < 0/05$ ). در حیطه وظایف مربوط به دانشجو اختلاف آماری معنی دار نبود. **نتیجه گیری:** شروع کارآموزی با طرح درس طراحی شده به کمک چک لیست سبب ارتقای عملکرد دانشجویان در عرصه کارآموزی و وظایف مربوط به مدیریت می گردد.

**واژه های کلیدی:** طرح درس کارآموزی به روش موجود، طرح درس طراحی شده به کمک چک لیست، کارآموزی مدیریت در عرصه پرستاری

### طراحی برنامه آموزشی و تأسیس یک دوره بین رشته ای جدید - کارشناسی ارشد ناپیوسته مشاوره در مامایی

دکتر سید عباس موسوی<sup>۱</sup>، دکتر افسانه کرامت<sup>۲</sup>، محبوبه پورحیدری<sup>۳</sup>، گیتی آتش سخن<sup>۴</sup>، صغری خانی<sup>۴</sup>، فریده اطهری رضایی<sup>۴</sup>، مرجان احمد شیروانی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> استادیار، گروه روانپزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

<sup>۲</sup> گروه بهداشت باروری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

<sup>۳</sup> گروه مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود

<sup>۴</sup> گروه مامایی، دانشکده نسیبه ساری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

**مقدمه:** ارتقای سلامت زنان یکی از آرمانهای هشتگانه در اهداف توسعه هزاره سوم محسوب می‌شود و بالا بردن کیفیت ارائه خدمات مامایی در سطح جامعه برای دستیابی به آرمان مذکور ضروری می‌نماید. اگرچه خدمات مشاوره ای در حیطه مامایی بخشی از وظایف حرفه ای کارشناسان مامایی محسوب می‌شده اما تنوع خدمات و محدودیت زمان آموزشی منجر به کم رنگ شدن خدمات مشاوره‌ای گردیده است. از سوی دیگر ضرورت ارتقای دانش و مهارت‌های مشاوره‌ای به خصوص در زمینه مسائل حساس و غربالگری اختلالات و ارجاع مناسب، ایجاب می‌نماید تا رشته ای در مقطع تحصیلات تکمیلی با شرح وظایف مشخص طراحی و اجرا گردد.

**روش‌ها:** ایده رشته مشاوره در مامایی به طور موازی در دانشگاه‌های مختلف در سطح کشور از جمله مازندران و شاهرود مطرح گردید. طراحی و تاسیس این رشته در سه مرحله انجام گرفت: مرحله اول: این مرحله شامل طراحی اولیه برنامه آموزشی است که توسط تعدادی از اعضای گروه مامایی دانشکده پرستاری و مامایی نسیبه ساری در دانشگاه علوم پزشکی مازندران براساس یک مطالعه مروری گسترده انجام شد (۱۳۸۵-۱۳۸۶). مرحله دوم: مسئولیت بازطراحی و اصلاح برنامه مشاوره در مامایی توسط هیئت ممیته بهداشت باروری و مامایی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به دانشگاه علوم پزشکی شاهرود واگذار گردید. در این مرحله برنامه آموزشی اولیه و نتایج مطالعه مروری گسترده (مجدد) انجام شده توسط گروه محققین این دانشگاه، در جلسات مکرر گروه خبرگان (Expert Panel) شامل (متخصص روانپزشکی، دکتری مشاوره خانواده و دکتری بهداشت خانواده و کارشناسان ارشد مامایی) مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت بر اساس اجماع به دست آمده برنامه آموزشی با ۳۴ واحد درسی طراحی گردید. برنامه مذکور به ترتیب توسط شورای معین و شورای عالی برنامه ریزی وزارت بهداشت و درمان بررسی و ضرورت آن مورد تصویب قرار گرفت (۱۳۸۸-۱۳۸۹). مرحله سوم: بررسی و اصلاح نهایی محتوای برنامه آموزشی در کار گروه‌های تخصصی کشوری که به همت شورای عالی برنامه ریزی وزارت بهداشت و درمان و با حضور نمایندگان از گروه خبرگان دانشگاه علوم پزشکی شاهرود تشکیل گردید. متخصصین شرکت کننده در کارگروه‌های مذکور عبارت بودند از: ژنتیک، روانپزشک، روانشناس، سلامت جنسی، آموزش بهداشت، زنان و مامایی) محتوای برنامه آموزشی تکمیل شده بر اساس اجماع نظرات متخصصین در نهایت توسط شورای معین و شورای عالی برنامه ریزی وزارت بهداشت و درمان بررسی و مورد تصویب قرار گرفت (۱۳۹۰)

**نتایج:** برنامه آموزشی رشته مشاوره در مامایی مصوب، حاوی ۳۴ واحد درسی است که بر افزایش مهارت‌های بالینی در حیطه خدمات مشاوره‌ای تأکید دارد. وظایف اصلی دانش‌آموختگان در حیطه مشاوره شامل: - ارائه مشاوره به گروه‌های هدف برای تصمیم‌گیری مناسب و عملکرد صحیح در مواجهه با مشکلات مرتبط با سلامت باروری و جنسی - مانند: بهداشت بلوغ

و جنسی، تنظیم خانواده، قبل از بارداری، بارداری، زایمان و پس از زایمان. شیردهی و ... - و در صورت لزوم ارجاع به موقع آنان به مراکز تخصصی می‌باشد.

**نتیجه‌گیری:** رشته مشاوره در مامایی در مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به عنوان یک شاخه ویژه از رشته مامایی و با نگاه بین رشته‌ای است که با تقویت دانش و مهارت دانش‌آموخته‌گان در زمینه مشاوره منجر به ارائه خدمات کامل تر مشاوره ای و ارجاع به موقع زنان در زمینه‌های مختلف حوزه مامایی می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** مشاوره در مامایی، کارشناسی ارشد، برنامه آموزشی

### تدوین برنامه آموزش بین حرفه‌ای مراقبت‌های تسکینی از بیماران مبتلا به سرطان: نیازهای سلامت روان

دکتر علیرضا ایرج پور\*، دکتر موسی علوی، دکتر اکرم ایزدی خواه  
\*مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

**مقدمه:** مبتلایان به سرطان به دلیل داشتن نیازهای مراقبتی متعدد نیازمند دریافت خدمات تیمی هستند؛ لذا مراقبت‌های تسکینی از این بیماران به بهترین نحو می‌تواند از طریق بهره‌گیری از دانش و مهارت‌های بین حرفه‌ها و رشته‌های مختلف عضو تیم سلامت تامین گردد. از اینرو در سال ۱۳۹۱ پروژه‌ای با هدف طراحی و تدوین برنامه آموزش بین حرفه‌ای مراقبت‌های تسکینی از بیماران مبتلا به سرطان در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان آغاز به کار نمود. از آنجائیکه ارتقای دانش، نگرش و مهارت کارکنان تیم سلامت در شناسایی و تامین نیازهای آموزش سلامت روان در ارائه مراقبت‌های تسکینی از مبتلایان به سرطان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، لذا هدف از گزارش حاضر، معرفی حوزه «نیازهای سلامت روان» از برنامه آموزشی مذکور است.

**روش‌ها:** این پروژه بصورت یک مطالعه ترکیبی (کیفی و کمی) طراحی گردید. جامعه مورد مطالعه، بیماران مبتلا به سرطان بستری یا ترخیص شده از بیمارستان‌های منتخب زیر مجموعه دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بود. پس از تشکیل کمیته بین حرفه‌ای (متشکل از صاحب‌نظران رشته‌های پزشکی، پرستاری، روانشناسی، تغذیه، مددکار اجتماعی و توانبخشی)، تحلیل موقعیت از طریق مصاحبه با ارائه دهنده گان و دریافت کننده خدمات (تیم سلامت و بیماران) و نیز مروری بر متون به روش تحلیل محتوای کیفی انجام شد و اطلاعات حاصله، ضمن تشکیل پانل‌های تخصصی نقد و ویرایش گردید.

**نتایج:** حاصل کار، شناسایی هشت بعد اساسی از نیازها و چالش‌های مراقبت تسکینی بود. در گزارش حاضر، بعد «نیازهای سلامت روان» معرفی شده است. زیرمضمون‌هایی از این بعد که حائز اهمیت شناخته شدند عبارتند از: مواجهه با مرگ و مردن و سازگاری، ترس و اضطراب، ناکامی و تصویر ذهنی از خود، افسردگی و خودکشی، و ناامیدی.

**نتیجه‌گیری:** در حوزه سلامت روان، بیماران مبتلا به سرطان چالش‌های متعددی را تجربه می‌نمایند که ضروری است در برنامه آموزش بین حرفه‌ای گنجانده شده و نهایتاً در ارائه مراقبت‌های تسکینی لحاظ گردد.

**واژه‌های کلیدی:** طراحی برنامه، آموزش بین حرفه‌ای، مراقبت‌های تسکینی، سرطان، سلامت روان

## طراحی، اجرا و ارزشیابی تم طولی ادغام یافته "رشد فردی" در دوره پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر مهدیه معین الغریابی، دکتر رباب حامدی\*، بی تا عظیمی، نغمه تقوی، دکتر عظیم میرزازاده، محبوبه خباز مافی

نژاد

\*مرکز مشاوره دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

Rb\_hamedi@yahoo.com

**مقدمه:** امروزه برنامه های درسی علوم مختلف به این موضوع گرایش یافته اند تا در کنار آموزش حرفه ای، زمینه ای برای رشد شخصیت و آموزش مهارت های فردی در حوزه های مختلف برای دانشجویان فراهم نمایند. در این راستا هم زمان و همگام با بحث تم های طولی ادغام یافته در قالب بازنگری برنامه پزشکی ۱۳۹۰ در دانشگاه علوم پزشکی تهران، رشد فردی به عنوان یکی از تم های طولی ادغام یافته ارائه شد.

**روش ها:** در مرحله طراحی برنامه آموزشی فردی، کارگروه های متشکل از صاحب نظران در این حیطه، به منظور طراحی پیش نویس اولیه برنامه آموزشی، تشکیل گردید. بخش اول فاز اجرادر نیمسال اول تحصیلی دوره علوم پایه به صورت سخنرانی تعاملی در مورد استرسورهای دوران دانشجویی، آشنایی با نشانه های اختلالات اضطرابی شایع در دانشجویان، شیوه های مقابله کارآمد و ناکارآمد و انواع رفتارهای پرخطر برای کل دانشجویان اجرا شد. بخش دوم اجرا به صورت کارگاه ۴ ساعته، در گروه های ۳۰ نفره با موضوعات تاب آوری، کمال گرایی و مسئولیت پذیری ارائه گردید. در برنامه آموزشی نیمسال سوم تحصیلی دوره علوم پایه نیز کارگاه مدیریت استرس به صورت ۴ جلسه ۲ ساعته برای گروه های ۳۰ نفره ارائه شد. در انتهای هر نیمسال تحصیلی، برای تعیین میزان رضایتمندی از برنامه آموزشی ارائه شده، فرم های رضایت سنجی در اختیار فراگیران قرار داده شد.

**نتایج:** در نظر سنجی به عمل آمده از دانشجویان ۴۸٫۹ درصد کل دانشجویان با سوال "مدرسان با استفاده از فعالیت هایی مانند پرسش و پاسخ، جلسات را به صورت تعاملی و با مشارکت دانشجویان اداره می کردند" نظر موافق/ کاملاً موافق داشتند و ۴۶٫۵ درصد دانشجویان به سوال "هدف از این آموزش در مورد این تمبر ای کاملاً مشخص بود" نظر مخالف/ کاملاً مخالف داده بودند. بعلاوه ۳۰٫۲ درصد دانشجویان بیان کردند که "مدرسان، به خوبی از مثال ها و نکات کاربردی برای درک بهتر مطالب استفاده می کردند".

**نتیجه گیری:** یافته های حاصل از نظر سنجی نشان دهنده ی لزوم شرح ضرورت و اهمیت آموزش موضوعات فرا درسی از جمله آموزش رشد فردی و فرهنگی در دوره پزشکی عمومی برای دانشجویان پزشکی است. بعلاوه نتایج حاصل نشان دهنده ی لزوم تقویت توانمندی های مدرسین در بکارگیری از روش های آموزشی فعال و تعاملی به منظور ایجاد انگیزه در دانشجویان پزشکی است.

**واژه های کلیدی:** تم طولی، رشد فردی، دوره پزشکی عمومی، ادغام



### ادغام افقی پاتولوژی و سمیولوژی پوست دانشجویان مقطع فیزیوپاتولوژی رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

دکتر اکرم بهشتی، معصومه ضیائیها\*، دکتر فاطمه سمیعی، دکتر نویدمحمدی

**مقدمه:** در کوریکولوم های سنتی آموزش پزشکی، در دوره فیزیوپاتولوژی مطالب بصورت بلوک های مستقل و نامرتبط با یکدیگر ارائه میگردد، لذا درک مطالب و ایجاد ارتباط بین موضوعات مربوط به دروس مختلف برای دانشجوی کار سختی است. در ادغام افقی، موضوع های درسی که حول یک مفهوم مشترک هستند (در یک سال یا یک دوره درسی) با هم ترکیب می شوند. لذا با توجه به اهمیت ادغام برای یادگیری و یادداری بیشتر توسط فراگیر، بر آن شدیم ادغام افقی بین دروس پاتولوژی و سمیولوژی پوست در مقطع فیزیوپاتولوژی رشته پزشکی انجام دهیم.

**روش ها:** این برنامه برای دانشجویان پزشکی ورودی ۸۸ و ۸۷ اجراء شد. ابتدا با برگزاری جلسات متعدد اساتید گروه پوست و گروه پاتولوژی دانشکده مباحث طبق سرفصل وزارت بهداشت مشخص گردید و طرح درس به صورت مشترک تنظیم گردید. اساتید هر دو گروه باهم در کلاس حضور داشتند. سپس حول یک موضوع، پاتولوژی و سمیولوژی آن توسط اساتید تدریس می شد. همچنین جهت دسترسی دانشجویان به منابع مناسب طرح ادغام، درسنامه پاتولوژی و سمیولوژی پوست تهیه و در اختیار دانشجویان قرار گرفت. نظرات دانشجویان با استفاده از یک پرسشنامه محقق ساخته محتوی ۱۵ سوال مورد بررسی قرار گرفت. پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفا کرونباخ تعیین شد. ( $\alpha=0/73$ ). داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS.17 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت

**نتایج:** در نظر سنجی دانشجویان از ۶۳ نفر دانشجو ۴۳ نفر به پرسشنامه پاسخ دادند. میانگین نمرات ۶۳/۸۶ از ۷۵ نمره بود. میانگین نمره میزان انطباق اجرای برنامه بر اهداف آموزشی ارائه شده ۴/۴۴، میانگین نمره موفقیت برنامه در ایجاد ارتباط پاتولوژی و سمیولوژی ضایعات پوستی ۴/۳۴، میانگین نمره میزان تفهیم و انتقال مفاهیم ارائه شده ۴/۳۲، میانگین نمره توانایی برنامه در ایجاد علاقه به مطالعه ۴/۱۶ و میانگین نمره میزان رضایت از روش تدریس مورد استفاده ۴/۵۸ و میانگین نمره میزان رضایت از زمان برگزاری ۳/۸۸ بود

**نتیجه گیری:** در این بررسی میزان انطباق اجرای برنامه بر اهداف آموزشی ارائه شده را بسیار زیاد، موفقیت برنامه در ایجاد ارتباط پاتولوژی و سمیولوژی ضایعات پوستی را بسیار زیاد، میزان تفهیم و انتقال مفاهیم ارائه شده را بسیار زیاد، توانایی برنامه در ایجاد علاقه به مطالعه را بسیار زیاد و میزان رضایت از روش تدریس مورد استفاده را بسیار زیاد ارزیابی کردند ولی میزان رضایت از زمان برگزاری به علت برگزاری کلاس در ساعات بعد از ظهر کمتر بوده است. با توجه یافته ها به نظر می رسد ادغام پاتولوژی و سمیولوژی ضایعات پوستی منجر به افزایش یادگیری دانشجویان می گردد. در این روش تلاش های آموزشی به سمت محیطی که موجب یادگیری فعال می گردد هدایت خواهد شد، یادگیری افزایش خواهد یافت.

**واژه های کلیدی:** ادغام افقی، پاتولوژی، سمیولوژی، مقطع فیزیوپاتولوژی

## طراحی جزوه آموزشی و بررسی تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی و رضایت دانشجویان

نسرین معصومی\*، ا. بهنام معصومی<sup>ii</sup>

\*کارشناس ارشد پرستاری، مربی دانشگاه علوم پزشکی زنجان

[nmasomy@yahoo.com](mailto:nmasomy@yahoo.com)

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناس پرستاری دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران

**مقدمه:** یکی از مهمترین موضوعات در یادگیری فراگیران، استفاده آنها از منابع معتبر مطالعه در طول ترم تحصیلی و زمان برگزاری آزمونهاست. نتایج تحقیقات بیانگر این واقعیت است که مطالعه جزوه کلاسی به عنوان منبع در حال افزایش است. لذا پژوهشگر با در نظر گرفتن موضوع و مشکلات مربوط به جزوه نویسی برآن شد تا به طراحی نوع خاصی از جزوه آموزشی بپردازد. هدف مطالعه بررسی تاثیر جزوه آموزشی بر پیشرفت تحصیلی و رضایت دانشجویان می باشد.

**روش‌ها:** این مطالعه یک مطالعه مداخله ای از نوع پیش و پس آزمون است که بر روی ۲۸ دانشجوی کارشناس پرستاری در درس بهداشت جامعه ۱ انجام گردید. پس از طراحی جزوه مبتنی بر اهداف درس، در قسمتهایی از جزوه فضاهای خالی جهت تکمیل توسط دانشجو با هدف تاکید بر نکته برداری در نظر گرفته شد. همچنین فضاهای مشخصی جهت یادداشت برداری مخصوص نتایج بحث گروهی و بارش افکار و در نظر گرفته شد. انتهای جزوه هر جلسه حاوی چند سوال از مطالب درس، در سطح ترکیب یا تجزیه تحلیل جهت ارزشیابی می باشد که در شروع هر جلسه جهت مرور مطالب درس قبل و چک پاسخها، سوالات توسط دانشجویان و مدرس بررسی می گردید. ۴ جلسه از درس بدون جزوه تدریس گردید سپس با آزمون، یادگیری دانشجویان بررسی گردید ۴ جلسه بعدی تدریس به همراه جزوه بود مجدد آزمون برگزار گردید و جهت بررسی پیشرفت تحصیلی نمرات ۲ آزمون مقایسه گردید رضایت دانشجویان با پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر ۱۲ گویه با آلفا کرونباخ ۸۰ درصد بررسی گردید.

**نتایج:** داده ها با استفاده از SPSS نسخه ۱۹ و آمار تحلیلی آنووا تی تست تجزیه تحلیل گردید. به طور کلی ۹۶/۳ درصد دانشجویان از جزوه ارایه شده راضی بودند. میزان رضایت در بین دانشجویان دختر ( $P<0/001$ ) و معدل بالا ( $P<0/002$ ) بیشتر بود. در بین آیتم های پرسشنامه، بیشترین درصد رضایت مربوط به متفاوت بودن جزوه با متممی جزوات (۸۵٪) حاوی تمام مطالب گفته شده در کلاس (۸۸٪) امکان مطالعه در زمان کوتاهتر (۸۴٪) مرور درس جلسه قبل با سوالات پایان جزوه (۸۲٪) بود. میانگین نمرات دانشجویان قبل مداخله ۱۳/۸ و بعد مداخله ۱۴/۳۲ بود که از نظر آماری تفاوت معنا دار می باشد.

**نتیجه گیری:** به نظر می رسد طراح این گونه جزوات با هدف متمرکز ساختن ذهن دانشجو بر نکات اصلی، آموزش نکته برداری و تقویت خودارزیابی توسط سوالات پایانی، می تواند گام مهمی در راستای پیشرفت تحصیلی دانشجویان باشد.

**واژه‌های کلیدی:** پیشرفت تحصیلی، جزوه، رضایت

## ارتقاء و بهبود آموزش کاراموزان با ارائه واحد نظری همزمان با حضور در بخش زنان

ناهید قنبرزاده\*، محمد نجفی سمنانی، علی نجفی سمنانی، فاطمه نجفی سمنانی، افشین اسلامی  
nghanbarzadeh@gmail.com  
دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

**مقدمه:** آموزش پزشک عمومی کارآمد و متعهد یکی از اهداف مهم وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی می باشد. در نظر سنجیهای انجام شده یکی از مشکلات دانشجویان در دوره های کارآموزی عدم ارائه هم زمان واحد نظری و تئوری در بخشهای بالینی بود. لذا با پیشنهاد مسئولان محترم دانشگاه و پس از موافقت اعضای گروه زنان واحد نظری بخش زنان هم زمان با حضور دانشجویان در بخش ارائه شد.

**روشها:** بعد از پیشنهاد تلفیق واحد نظری و عملی زنان از سوی مسئولین محترم دانشکده ی پزشکی موضوع در جلسه ی گروه زنان مطرح و پس از موافقت گروه با برنامه ی پیشنهادی، برنامه ی ارائه ی کلاس نظری مشخص و به دانشکده اعلام شد. دوره کارآموزی در دانشگاه ما ۲ ماهه می باشد. بنابراین واحد تئوری هر دو ماه یکبار در بخش زنان ارائه می شود. نظرات دانشجویان در پایان هر دوره ی ۲ ماهه در دو گروه ۱۰ نفری توسط پرسشنامه ای بی نام بررسی شد. گروه شاهد ۲۰ نفر از دانشجویانی بودند که قبل از تلفیق دوره کارآموز بودند. در پایان هر دوره آزمون ۴ گزینه ای جهت ارزیابی دانشجویان برگزار شد.

**نتایج:** پس از اجرای این برنامه ۹۸/۳ درصد کارآموزان از فراهم شدن امکان گذراندن واحد نظری و عملی به صورت همزمان بسیار راضی بودند. همچنین کارآموزان خواستار اجرای آن برای همه ی گروه های آموزش بالینی بودند.

**نتیجه گیری:** با طراحی و اجرای این فرایند، ضمن گذراندن همزمان واحد نظری و عملی از برگزاری امتحانات دروس نظری در بخش های بالینی مختلف که منجر به صرف وقت دانشجویان برای مطالعه ی آن ها و از دست دادن فرصت استفاده ی بهینه از بخش های بالینی می شود جلوگیری می گردد. یکی از نکات مهم اجرای این برنامه ی آموزشی حضور فعال، مستمر و سامان دهی شده ی دانشجویان در کلاس های درس می باشد به طوری که غیبت کارآموزان در طول شش دوره ی قبل تقریباً ۰ بوده است. ضمناً به دلیل تعداد کم دانشجویان در کلاس های درس امکان مشارکت فعال کارآموزان در بحث های کلاس افزایش می یابد. با توجه به نتایج پرسشنامه های نظرسنجی و دیدگاه مثبت کارآموزان نسبت به تلفیق آموزش نظری و حضور در بخش، و همچنین کاهش قابل توجه میزان غیبت دانشجویان، اجرای این متد آموزشی به منظور افزایش اثر بخشی آموزش نظری در دوره ی کارآموزی توصیه می شود

### نیازسنجی آموزشی آموزش جامعه نگر توسط کارآموزان رشته بهداشت خانواده دانشگاه

#### علوم پزشکی جهرم در سال ۸۹

سید اسماعیل مناقب<sup>۱\*</sup>، کرامت اله رحمانیان<sup>۲</sup>، صدیقه نجفی پور<sup>۳</sup>، ابراهیم رحیمی<sup>۴</sup>

\*استادیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم

esmanagheb@yahoo.com

<sup>۲</sup>استادیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم

<sup>۳</sup>عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم

<sup>۴</sup>عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم

**مقدمه:** رویکرد آموزش جامعه نگر در راستای هر چه بیشتر پاسخگو بودن فراگیران به نیازهای جامعه می باشد. برنامه آموزشی جامعه نگر، یک برنامه آموزشی است که در درون جامعه و خارج از بیمارستان اجرا می شود. این مطالعه به منظور نیازسنجی آموزشی آموزش جامعه نگر توسط کارآموزان رشته بهداشت خانواده دانشگاه علوم پزشکی جهرم در سال ۸۹ انجام شد.

**روش‌ها:** این مطالعه از نوع توصیفی - مقطعی بود که در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه علوم پزشکی جهرم انجام گردید. جامعه پژوهش کارآموزان رشته بهداشت عمومی دانشگاه علوم پزشکی جهرم بود. نمونه گیری به روش سرشماری و تعداد ۲۰ نفر وارد مطالعه شدند. روش جمع آوری داده ها استفاده از پرسشنامه بسته ۲۵ سوالی محقق ساخته که روایی آن بر اساس روایی محتوا با نظر سه تن از اساتید تایید شده و پایایی آن با آلفای کرونباخ برابر با ۰.۸۷٪ تعیین شد. پرسشنامه ها توسط همکار طرح به دانشجویان تحویل داده می شد و از آنها خواسته می شد که بر اساس اهمیت به هر گویه از ۱ تا ۱۰ نمره داده شود و پس از تکمیل از آنها پس گرفته می شد. داده ها وارد نرم افزار Excel گردید و در سطح آمار توصیفی تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** بر اساس میانگین نمره هر گویه ۵ اولویت آموزشی برتر رشته بهداشت خانواده به شرح زیر به دست آمد: ۱- آشنایی با برنامه های سلامت مادران و کودکان (میانگین نمره ۹/۶۳) ۲- ارائه مراقبت های ممتد به تمامی افراد خانواده (میانگین نمره ۸/۸۹) ۳- ارتقاء سلامت و پیشگیری (میانگین نمره ۸/۶۷) ۴- ارتقاء شخصی (درک نیاز برای ارتقاء شخص و خودآموزی) (میانگین نمره ۸/۳۳) ۵- روش های شناسایی گروه های هدف و ثبت اطلاعات آنها (میانگین نمره ۷/۵۶)

**نتیجه گیری:** این تحقیق نشان می دهد که از دیدگاه دانشجویان مهمترین نیاز آموزشی آموزش جامعه نگر در رشته بهداشت خانواده، آشنایی با برنامه های سلامت مادران است. همچنین ارتقای سلامت، پیشگیری، ارتقای شخصی و ثبت اطلاعات نیز از نیازهای آموزشی دانشجویان بهداشت خانواده بخصوص در زمینه آموزش جامعه نگر که از ضروریات آموزش پاسخگو است می باشد. لازم است با برنامه ریزی مناسب آموزشی برای حصول این اولویت ها و تقویت برنامه های آموزشی جامعه نگر اقدام گردد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش جامعه نگر، نیاز آموزشی، کارآموزی، بهداشت خانواده، سلامت مادران، ارتقای سلامت

## بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان دانشکده بهداشت قزوین در ارتباط با مهارت‌های مطالعه

عیسی محمدی زیدی<sup>۱\*</sup>، امیر پاکپور حاجی آقا<sup>۱</sup>، اصغر کاربرد<sup>۲</sup>، بنفشه محمدی زیدی<sup>۳</sup>  
<sup>\*</sup>دکتری آموزش بهداشت، استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی قزوین

[eamohammadizeidi@gmail.com](mailto:eamohammadizeidi@gmail.com)

<sup>۲</sup>کارشناس ارشد اپیدمیولوژی، مربی عضو هیات علمی گروه اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی قزوین  
<sup>۳</sup>کارشناس ارشد مامایی، مربی عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن

مقدمه: یک روش مطالعه صحیح و اصولی می‌تواند بسیاری از مشکلات تحصیلی را از بین ببرد. بررسی‌های به عمل آمده گویای آن است که افرادی که در زمینه تحصیل موفق بوده‌اند، روش صحیح برای مطالعه داشتند.

**روش‌ها:** در یک پژوهش توصیفی تحلیلی ۱۱۰ نفر از دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی قزوین که بر اساس روش نمونه‌گیری آسان و در دسترس انتخاب شده بود، پرسشنامه روا و پایایی اصلی پژوهش را که مشتمل بر ۴۰ سوال در ارتباط با مهارت‌های و ملزومات مطالعه موثر بود، در حضور محققان تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS ویرایش ۱۸ و آزمون‌های آماری توصیفی مانند کای اسکویئر و استنباطی تجزیه و تحلیل شدند.

**نتایج:** میانگین سنی دانشجویان برابر با  $3/5 \pm 20/9$  بود. همچنین ارتباط معنادار بین رشته‌های مختلف با نیازهای آموزشی مرتبط با مهارت‌های مطالعه مشاهده نشد. نیازهای دانشجویان بر حسب اولویت نسبت به روش‌ها و مهارت‌های مطالعه موثر عبارت بودند از: روشهای تمرکز (۷۳/۶۴ درصد)، نحوه پردازش اطلاعات (۶۳/۶۳ درصد)، راهنمای مطالعه و شیوه‌های مطالعه (۵۹ درصد)، کنترل وقت (۴۸/۱۸ درصد)، خودآزمایی (۴۲/۷۲ درصد)، کنترل اضطراب و استرس (۳۶/۴ درصد)، راهبردهای آزمون (۲۷/۳ درصد)، انگیزه مطالعه (۲۲/۷ درصد)، انتخاب ایده اصلی (۱۷/۳ درصد).

**نتیجه‌گیری:** از آنجا که شیوه مطالعه دانشجویان در یادگیری و پیشرفت تحصیلی آنها موثر است و فرایند حاصل در مهارت‌های شناختی و عملی و در نهایت سرنوشت شغلی آنها نقش دارد، اطلاعات حاصل از پژوهش کنونی می‌تواند در راستای طراحی مداخلات و تعیین محتوی آموزشی با هدف بهبود مهارت‌های مطالعه و یادگیری در دانشجویان مورد استفاده قرار گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** مطالعه، نیاز آموزشی، مهارت، یادگیری، پیشرفت تحصیلی

### نیازسنجی آموزشی اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

فرحناز کمالی، مهران شاهی\*، مریم آویژگان، سید سعید حسینی تشنیزی، بهجت ناصریان، اصغر رزم آرا.  
\* عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

Email: Shahi1346@yahoo.com

**مقدمه:** نیازسنجی آموزشی اعضای هیات علمی با شناسایی و اولویت بندی نیازهای آموزشی ایشان، می تواند به سازماندهی بهتر امکانات و منابع موجود در دانشگاه و تامین اهداف عالی آن دانشگاه کمک نماید. این پژوهش با هدف معرفی و اولویت بندی نیازهای آموزشی اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان بر اساس شرح وظایف و با نظرسنجی از خود ایشان انجام شد.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی مقطعی در سال ۱۳۹۰ به منظور نیازسنجی اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان با حجم نمونه‌ی ۶۰ نفر انجام شد. ابزار استفاده شده، پرسشنامه‌ی محقق ساخته ای بود که بر اساس دستورالعمل وزارتی شرح وظایف اساتید و نظرسنجی و مرور متون تهیه و تدوین گردید و دارای ۶ حیطه و ۵۹ موضوع یا زیرحیطه بود. مقیاس استفاده شده در آن برای هر زیرحیطه، مقیاس ۶ درجه ای لیکرت بود که شامل موارد "بدون نیاز" تا "نیاز بسیار زیاد" می شد و در تجزیه و تحلیل از یک تا ۶ را به خود اختصاص می داد. روایی پرسشنامه با نظر متخصصان و پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰/۸۵ تامین شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS16 تجزیه و تحلیل شد.

**نتایج:** میانگین و انحراف معیار نمرات کسب شده در حیطه‌های مختلف به ترتیب اولویت نمره شامل فعالیت اجرایی و مدیریتی (۴/۶۲±۰/۲۴)، پژوهش (۴/۶۱±۰/۵۵)، آموزش (۴/۶۰±۰/۷۵)، توسعه فردی (۴/۳۴±۱/۶۷)، فعالیت‌های تخصصی خارج از دانشگاه (۴/۳۳±۰/۱۳) و خدمات درمانی و ارتقای سلامت (۳/۷۹±۰/۹) بود. در بین زیرحیطه ها، مقاله نویسی به زبان انگلیسی با فراوانی ۴۴ (۷۳/۳ درصد) بالاترین فراوانی و نحوه انجام مکاتبات علمی داخلی و خارجی با فراوانی ۴۳ (۷۱/۶ درصد) در مرتبه دوم قرار داشتند. نحوه پرورش تفکر انتقادی و قدرت استدلال، نحوه تهیه "راهنمای مطالعه" Study guide، نحوه آموزش و ارزشیابی اخلاق حرفه ای و همچنین مهارت تحلیل آماری داده ها، مشترکاً با فراوانی ۴۲ (۷۰ درصد) در مرتبه سوم را به خود اختصاص دادند.

**نتیجه گیری:** اعضای هیات علمی به آموزش در زمینه ی حیطه های مختلف وظایف خود نیاز دارند. ولیکن با توجه به نتایج این پژوهش لازمست اولویت بندی استخراج شده، مد نظر مسوولان توسعه ی کارایی اعضای هیات علمی دانشگاه قرار گیرد. **واژه‌های کلیدی:** دانشگاه علوم پزشکی، عضو هیات علمی، نیازسنجی.

### ارتقاء سلامت در آموزش پرستاری ایران

میمنت حسینی<sup>۲</sup>، طاهره اشک تراب<sup>۱</sup>، محمد حسین تقدیسی<sup>۲</sup>

## چکیده مقالات چهاردهمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

\*<sup>۱</sup> دانشیار. دکترای پرستاری. دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دانشجوی دکترای پرستاری. واحد بین الملل دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. مربی. گروه بهداشت. دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی،<sup>۲</sup> دکترای ارتقاء سلامت. دانشگاه علوم پزشکی تهران  
[t\\_ashktorab@sbmu.ac.ir](mailto:t_ashktorab@sbmu.ac.ir)\*

**مقدمه:** بمنظور بهبود سلامت دانشجویان دانشگاه، کاهش دادن فراوانی و تاخیر در شروع رفتارهای مخاطره آمیز سلامتی و مورد هدف قرار دادن پیشگیری یک ضرورت است. اما، مطالعات قبلی نشان داده اند که عادات ناسالم در میان دانشجویان مشاهده می گردد. تحقیقات نشان داده اند که آرزو برای داشتن یک الگوی نقشی خوب برای بیماران بعنوان یک انگیزه برخوردار از شیوه سالم زندگی در پرستاران عمل می کند. دانشگاه ها می توانند بکارگیری و حفظ سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامتی را در دانشجویان را تسهیل نمایند. لذا هدف از این مطالعه کیفی، بررسی درک دانشجویان پرستاری از برنامه آموزشی دانشجویان پرستاری در رابطه با شیوه زندگی ارتقاء دهنده سلامت می باشد.

**روشها:** این مطالعه بصورت کیفی با رویکرد تحلیل محتوا، از طریق ۲۰ مصاحبه نیمه ساختار یافته و عمیق با دانشجویان پرستاری مقطع کارشناسی شهر تهران انجام گردید. مشارکت کنندگان بصورت تمبنتیبر هدفانتخاب شدند. تحلیل دادهها به روش تحلیل محتوای کیفی انجام شد. کلیه مصاحبهها ضبط، پیاده سازی و مرور گردید و کدها استخراج شدند و کدها در زیرطبقات قرار گرفتند. سپس با مرور مجدد زیرطبقهها، درطبقات جایگرفته طبقه درک دانشجویان پرستاری از آموزش ارتقاء سلامت در برنامه درسی پرستاری استخراج گردید..

**نتایج:** دانشجویان بر این باور بودند که در کشور ایران کمتر به آموزش ارتقاء سلامت دانشجویان توجه شده است. از دیدگاه دانشجویان سطح لیسانس علیرغم آنکه ۹ واحد تئوری در برنامه درسی آنها در زمینه بهداشت جامعه، بهداشت خانواده و بهداشت محیط منظور گردیده و در آموزش بالینی ۴ واحد درسی در زمینه بهداشت مادر و کودک، و تنظیم خانواده، واکسیناسیون، تحقیق در سیستم بهداشتی و بازدید از منزل در نظر گرفته شده است هیچیک از این دروس در زمینه بهداشت فردی و ارتقاء سلامت از دیدگاه فردی آموزشی برای دانشجویان در نظر گرفته نشده اند. بنظر می رسد که در آموزش پرستاری در کشور ایران ارتقاء سلامت از دیدگاه اجتماعی مورد نظر است.

**نتیجه گیری:** دانشجویان پرستاری الگوی مردمی هستند که با آنها در ارتباط می باشند و به دلیل سن کم قابلیت انعطاف داشته و قادر به ایجاد تغییر در رفتار خود می باشند، بنابراین در موقعیت حساسی قرار دارند لذا پیشنهاد می گردد که به بعد فردی سلامتی و ارتقاء آن در ایران توجه بیشتری مبذول گردد.

**واژه های کلیدی:** ارتقاء سلامت، آموزش پرستاری، ایران

### آموزش، طراحی و تدوین راهنمای طبابت بالینی یک گام در مسیر اثربخشی بالینی

محبوبه صابر<sup>۱\*</sup>، هاجر شیعه<sup>۲</sup>

\* کارشناس مسئول واحد ارزشیابی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

Email: Saber\_mahboobeh@yahoo.com

<sup>۲</sup> کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

**مقدمه:** راهکارهای بالینی به عنوان یکی از اجزای اصلی طبابت مبتنی بر شواهد هستند که با تصریح توصیه های نظام مند به پزشک و بیمار برای تصمیم گیری مناسب در مواجهه با یک شرایط بالینی خاص می پردازند و در صورتیکه صحیح، علمی و متناسب با جامعه هدف تدوین شوند منجر به ارتقا کیفیت و حتی کمیت خدمات سلامتی می شوند. تدوین راهنمای بالینی یکی از فعالیت های موثر و معتبر در جهت دستیابی به اثربخشی بالینی است.

با این همه در خصوص تدوین و اجرای این راهکارها تا کنون عملکرد مناسبی در بخش بهداشت و به ویژه درمان بیماران وجود نداشته است. در اغلب موارد عدم آشنایی کافی تیم بهداشت و درمان و یا عدم اقبال مناسب آنان نسبت به تدوین و اجرای راهکارها از موانع عمده این ضعف می باشد از سوی دیگر اشکالات متودولوژیکی و نقصان در ساختار راهکارهای موجود دیدگاه افراد را نسبت به این راهکارها تغییر داده است. در این مطالعه بر آن شدیم تا با آموزش دانشجویان مقطع تخصصی پزشکی و راهنمایی هدفمند آنان طی برنامه آموزشی، ضمن آشنایی با اهمیت این راهکارها آنان را در تدوین راهکارهای مورد نیاز توانمند سازیم.

**روش ها:** این مطالعه از نوع کمی و مقطعی می باشد. کارگاه یک هفته ای در خصوص آشنایی با پزشکی مبتنی بر شواهد برای ۳۰ نفر از دستیاران سال دوم اجرا گردید و دو روز از این کارگاه یک هفته ای به بحث در مورد راهکارهای طبابت بالینی اختصاص یافت. کارگاه آموزشی با کار عملی و ارائه تکلیف از سوی دستیاران همراه بود. تکالیف ارائه شده بر اساس یک چک لیست ۱۴ موردی محقق ساخته مورد ارزیابی قرار گرفت. این چک لیست، راهنمای بالینی را بر اساس استاندارد های ساختاری مورد بررسی قرار میدهد.

**نتایج:** کلیه افراد شرکت کننده در این کارگاه آموزشی حداقل یک راهنمای بالینی تدوین و ارائه نموده اند. در حدود ۶۰ درصد راهنماهای ارائه شده به لحاظ محتوا مطابق با ساختار استاندارد و مبتنی بر شواهد معتبر بوده است. در حدود ۲۰ درصد از آنان با اصلاح methodology و scope به یک راهنمای طبابت بالینی تبدیل شد. ۱۵٪ موارد ارائه شده تنها یک الگوریتم تشخیصی بوده ولی قابلیت تبدیل شدن به راهنمای طبابت بالینی را دارد. ۵٪ موارد دارای اشکالات ساختاری و محتوایی اساسی است و نیاز به بازنگری و اصلاحات کلی دارد.

**نتیجه گیری:** به نظر می رسد که ارائه کارگاه آموزشی در خصوص پزشکی مبتنی بر شواهد و راهکارهای طبابت بالینی اقدامی موثر در رفع موانع درونی و بیرونی جهت تدوین و اجرای راهنمای بالینی خواهد بود. توانمندسازی و ترغیب نیروی متخصص کشور در این خصوص می تواند به عنوان گامی موثر در بهره برداری از یافته های علمی به روز، منطبق با نیازهای بیماران و حرکت در مسیر ارتقاء کیفیت خدمات درمانی محسوب گردد.

**واژه های کلیدی:** راهکار طبابت بالینی، پزشکی مبتنی بر شواهد، چک لیست



بررسی نیازهای آموزشی با هدف اجرای آموزش‌های طولی، طی دوره تحصیلی دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سبزوار از سال ۱۳۹۰

فاطمه برزوئی، محبوبه محبی\*، زینب ملاشاهی، سید جمال میرموسوی  
\* دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سبزوار  
Email: mohebbi\_mhb@yahoo.com

مقدمه: دوره‌های تحصیلات تکمیلی، عالی‌ترین سطح علمی دانشگاهی در ابعاد آموزشی و پژوهشی محسوب می‌شوند. مهم‌ترین اقدام در برنامه‌ریزی آموزشی و عامل اصلی در اثربخشی برنامه‌های آموزشی، نیازسنجی است و موفقیت هرچه بیشتر دانشگاه‌های علوم پزشکی در توانمندسازی دانشجویان بر اساس آموزش‌های مورد نیاز انجام می‌گردد. در این راستا دانشجویان اولین ورودی مقطع کارشناسی ارشد پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سبزوار در سال ۱۳۹۰، اقدام به تعیین نیازهای آموزشی، پژوهشی، فناوری اطلاعات و مهارت‌های بین فردی در بین خود نمودند و اجرای آموزش‌ها از ترم یک تاکنون بر اساس آن‌ها انجام شده است.

**روش‌ها:** اجرای مطالعه بر مبنای اطلاعات جمع‌آوری شده نیازهای اطلاعاتی از تمامی دانشجویان ارشد دانشگاه سبزوار و ۱۵ دانشجوی فارغ التحصیل سال‌های اخیر از دانشگاه‌های مختلف انجام شد. جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه پژوهشگر ساخته پس از تأیید روایی و پایایی انجام شد. نیازهای دانشجویان فعلی مقطع ارشد نیز در چهار حیطه آموزشی، پژوهشی، فن‌آوری اطلاعات و مهارت‌های بین فردی مورد بررسی قرار گرفت.

**نتایج:** پس از تعیین نیازها اقدامات انجام گرفته در حیطه آموزش به صورت برگزاری کلاس‌های زبان عمومی با هماهنگی EDC از آبان ۱۳۹۰، برگزاری تمام کلاس‌های درسی توسط دانشجویان، برگزاری تعدادی از کارگاه‌ها در دانشگاه و بیمارستان توسط دانشجویان و در حیطه پژوهش به صورت شرکت در کارگاه‌های روش تحقیق، مقاله‌نویسی، دوره‌های آموزشی ژورنال کلاب و end-note، ارائه حداقل یک طرح پژوهشی، قبل از ورود به ترم سه، برگزاری تورهای علمی از جمله شرکت دانشجویان در همایش آموزش پزشکی کشور. در حیطه مهارت‌های بین فردی، برگزاری و شرکت در کارگاه‌های مهارت‌های ارتباطی، تفکر انتقادی، تفکر خلاق و در حیطه فن‌آوری اطلاعات شرکت در کارگاه‌های مهارت‌های ICDL، فتوشاپ، جستجوی مقالات و آشنایی با برخی از نرم‌افزارهای پزشکی صورت گرفت.

**نتیجه‌گیری:** فرایند یاددهی-یادگیری بر اساس نیاز منجر به ارتقای کیفیت آموزش، ایجاد اعتماد به نفس و روحیه کار تیمی و حس مسئولیت‌پذیری در بین دانشجویان، ارتقای مهارت‌ها و رضایت دانشجویان دانشجویان کارشناسی ارشد از این طرح می‌شود. افزایش ظرفیت تولید دانش و تمرکز بر بخش پژوهشی دوره‌های تحصیلات تکمیلی منجر به تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد در توسعه کشور می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** نیاز آموزشی، آموزش طولی، کارشناسی ارشد پرستاری

## علوم پایه در پرستاری

ژاکلین وارطانوسیان\*

کارشناس آزمایشگاه دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی  
کارشناس ارشد آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی  
E-mail: jacqva@gmail.com

**مقدمه:** پرستاران به منظور عملکرد صحیح، موثر و مستقل در مهارت های عملی و تخصصی خود، به درک علوم پایه نیاز دارند. دانش علوم پایه نقش بسزایی در شایستگی پرستاران ایفا می کند و داشتن آن به منزله یک ویژگی اصلی و پایه برای آنان است. اما مطالعات انجام گرفته نشان داده است که یادگیری علوم پایه برای دانشجویان پرستاری همراه با مشکلاتی است. لذا با توجه به اهمیت نظر دانشجویان پرستاری، بر آن شدیم تا طی یک نظر سنجی دیدگاه دانشجویان را درباره نحوه ارائه دروس علوم پایه در برنامه آموزشی پرستاری جویا شویم.

**روش ها:** جامعه این پژوهش، دانشجویان رشته پرستاری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی بود. ابزار پژوهش یک پرسشنامه محقق ساخته است. سوالات پرسشنامه به منظور بررسی نظرات دانشجویان از نحوه ارائه دروس علوم پایه است.

**نتایج:** نتایج حاصل از بررسی نظرات ۴۰۹ دانشجوی رشته پرستاری نشان می دهد که ۳۶/۰ درصد از آنان برنامه ریزی نادرست، حجم سنگین و فشردگی زیاد، ۲۵/۴ درصد واحدهای کم، ۱۱/۴ درصد عدم ارتباط با محتوای دروس پرستاری و ... را از عمده ترین نقاط ضعف نحوه ارائه دروس علوم پایه در برنامه آموزشی خود ذکر کردند.

**نتیجه گیری:** اهمیت دانش علوم پایه بطور فزاینده ای در ارائه خدمات بهداشتی مشاهده می گردد. ولی، کاربردی کردن آن مستلزم کاهش شکاف بین تئوری و مهارت این علوم در رشته پرستاری است که خود یکی از مشکلات اساسی آموزشی این علوم در این رشته است. پس به نظر می رسد زمان آن فرا رسیده است تا یک بازنگری عمیق در برنامه ریزی درسی آموزش پرستاری برای این علوم صورت پذیرد.

**واژه های کلیدی:** آموزش پرستاری، علوم پایه.

### مطالعه تطبیقی جایگاه مهارت های تحصیلی در برنامه درسی دانشجویان گروه

#### پزشکی داخل و خارج کشور

اعظم رحیم زاده کلاله، شعله بیگدلی\*، افسانه دهنداد، سید کامران سلطانی عربشاهی، آغا فاطمه حسینی

\* استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران

[sh-bigdeli@tums.ac.ir](mailto:sh-bigdeli@tums.ac.ir)

**مقدمه:** مهارت های تحصیلی که شامل کلیه ابزارواستراتژی های موثریادگیری است در تمام دوران تحصیل مورد استفاده قرار می گیرد. کسب این مهارت ها نه تنها در موفقیت و پیشرفت تحصیلی تاثیر گذار است بلکه فرد را در سایر زمینه های زندگی و بویژه محیط کار توانمند می سازد. بعضی از این مهارت ها عبارتند از: تکنیک های مطالعه، شنیدن فعال و نگارش. آموزش مهارت های تحصیلی پایه که زیر بنای آموزش است در سالهای ابتدائی تحصیل آغاز می گردد. فراگیران از تاکید بر کسب مهارت ها در سال های ابتدائی تحصیل به سوی تاکید بر محتوادر سال های بعدی سوق داده می شوند و وظایف بیشتری برعهده آنان قرار می گیرد. در این میان، دانشجویانی که مهارتهای تحصیلی را کسب نکرده اند در یادگیری با مشکل مواجه می شوند. بررسی برنامه مراکز مهارتهای مطالعه و حمایت دانشجویان در کشورهای پیشرفته موید توجه نظام آموزشی آنان به کلیه نیازهای آموزشی دانشجویان بویژه کسب مهارت های تحصیلی در بدو ورود به دانشگاه است. متاسفانه مطالعات محدودی در زمینه مهارت های تحصیلی و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان داخل کشور انجام گرفته است که حاصل این مطالعات ضرورت بازنگری برنامه درسی دانشجویان گروه پزشکی کشور را نظر توجه به مهارت های تحصیلی و مقایسه آن با سایر کشورها را مطرح می کند که در این مطالعه به آن پرداخته شده است.

**روش ها:** این مطالعه از نوع مطالعات مقایسه ای است که داده ها و اطلاعات به روش کتابخانه ای و با استفاده از مقالات، کتب، پایان نامه ها و اینترنت جمع آوری شده است. وضعیت آموزش مهارت های تحصیلی در دانشگاههای یورک کانادا، بروکلی کالیفرنیا، دارتموث، کالج فروم و مرکز مشاوره کوک در ویرجینیا بررسی و با دانشگاه های علوم پزشکی کشور مقایسه گردید.

**نتایج:** مطالعات انجام شده نشان می دهد که آموزش مهارت های تحصیلی در بسیاری از کشورها از سنین خردسالی آغاز می گردد. در شروع، مهارت های پایه و در سالهای بالاتر مهارت کار با کامپیوتر و یادداشت برداری آموزش داده می شود. مهارت های مطالعه، مدیریت زمان و تکنیک های سازمان دهی تقریباً به تمام فراگیران و بدون توجه به سن و موقعیت ایشان آموزش داده می شود. از آنجا که مطالعات نشان می دهد اکثر دانشجویان با مشکلات یادگیری مواجهند آموزش فنون و مهارت های تحصیلی در دانشگاه ها و مراکز تحصیلی خارج از کشور در بدو ورود ضروری تشخیص داده می شود و کلاس های متعددی در این زمینه برگزار می گردد. نتیجه بررسی برنامه درسی رشته های گروه پزشکی کشورمان نشان می دهد که مهارت های تحصیلی محدودی شامل روش تحقیق، مهارت های ارتباطی و کار با کامپیوتر مورد توجه برنامه ریزان درسی این گروه بوده است. اخیراً آموزش فنون و مهارت های مطالعه در طرح اصلاحات آموزش پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی مورد توجه قرار گرفته است و نیز برخی از مراکز توسعه آموزش نسبت به برگزاری کارگاه های فنون مطالعه و یادگیری اقدام نموده اند.

**نتیجه گیری:** متاسفانه نظام آموزشی کشورمان رسالت خود را به انتقال دانش و محفوظات محدود نموده و در زمینه آموزش مهارت های تحصیلی به اختصاص تعداد اندکی از واحدهای عمومی بسنده نموده است. فقدان مراکز حمایت دانشجویی در نظام آموزشی کشورمان و عدم برنامه ریزی مناسب جهت شناخت مشکلات یادگیری دانشجویان بویژه در بدو ورود، موجب بی توجهی به آموزش مهارت های تحصیلی گردیده است. پیشنهاد می گردد در مطالعات بعدی ضمن انجام نیازسنجی در دانشجویان گروه پزشکی، بررسی جامع تری در زمینه تاثیر کسب مهارت های تحصیلی بر پیشرفت تحصیلی آنان انجام گیرد.

**واژه های کلیدی:** مهارت های تحصیلی، برنامه درسی، دانشجویان گروه پزشکی

## چکیده مقالات چهاردهمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

بررسی میزان اثرگذاری آموزش بر آگاهی دستیاران تخصصی دانشگاه علوم پزشکی اراک نسبت به قوانین قضایی

(۱) دکتر سیامک راکعی، (۲) فریبا فرخی، (۳) دکتر بابک عدلی\*

(۱) استادیار، متخصص جراحی عمومی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

Email: [dr.rakei@arakmu.ac.ir](mailto:dr.rakei@arakmu.ac.ir)

(۲) کارشناس مامایی، کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

Email: [fa.farokhi@gmail.com](mailto:fa.farokhi@gmail.com)

(۳) نویسنده مسئول: استادیار، دکترای تخصصی جراحی عمومی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

Email: [babak.adli.dr@gmail.com](mailto:babak.adli.dr@gmail.com)

تلفن: ۰۹۱۲۷۱۰۶۸۸۷

Studying the impacts of education on the legal knowledge of Arak Medical Science University residents

Dr Siamak Rakei, Fariba Farokhi, Dr Babak Adli\*

زمینه و هدف: در دنیای امروز میان پزشک و بیمار رابطه‌ای حقوقی برقرار است. با این وجود، اغلب پزشکان اطلاع دقیقی از قوانین موجود در نظام پزشکی ندارند. با توجه به اهمیت موضوع مداخله‌ای آموزشی در خصوص آگاهی و نگرش دستیاران رشته‌های تخصصی شاغل در بیمارستان‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی اراک نسبت به قوانین نظام پزشکی و پزشکی قانونی و مورد طراحی و اجرا قرار گرفت.

خلاصه روش‌ها: مطالعه حاضر مداخله‌ای آموزشی می‌باشد که وضعیت آگاهی ۸۳ نفر از دستیاران شاغل در دانشگاه علوم پزشکی اراک از گروه‌های آموزشی جراحی عمومی، جراحی مغز و اعصاب، زنان و زایمان، اطفال، داخلی، طب اورژانس و روانپزشکی در دو گروه (۵۲ نفر دستیاران سال ۱ و ۲ و ۳۱ نفر دستیاران سال ۳ و ۴) نسبت به قوانین نظام پزشکی و پزشکی قانونی مورد بررسی قرار گرفت. یک کارگاه آموزشی شامل سخنرانی، بحث گروهی و جزوات آموزشی جهت افزایش اطلاعات دستیاران در مورد قوانین نظام پزشکی برگزار گردید. قبل و بعد از کارگاه پرسشنامه‌ای حاوی سوالات پیش و پس از آزمون داده شد تا تاثیر کارگاه آموزشی بر آگاهی و نگرش دستیاران سنجیده شود. تجزیه تحلیل توسط نرم افزار آماری SPSS و با استفاده از شاخص‌های آماری توصیفی و استنباطی و آزمون ویلکاکسون انجام گرفت.

خلاصه یافته‌ها: در پایان کارگاه دستیاران قانون جزایی را حامی خود می‌دانستند و کارگاه در میزان آگاهی در این زمینه موثر بود. تفاوت معناداری بین میزان آگاهی و کارگاه آموزشی مشاهده شد ( $P < 0.0001$ ). در مورد اطلاعات دستیاران در زمینه ارتباط بین پزشکی قانونی و پرونده‌های پزشکی بعد از کارگاه تفاوت معناداری دیده شد ( $P < 0.0001$ ). در میزان اینکه دستیاران خود را در پرونده‌هایی که به پزشکی قانونی رفته اند مقصر می‌دانند تفاوت معناداری دیده شد ( $P < 0.0001$ ). اما در زمینه اطلاع دستیاران از قوانینی که سبب افزایش اعتماد به نفس آنان در درمان بیماران می‌گردد تفاوت معناداری مشاهده نشد ( $P = 0.6$ ). دستیاران در هنگام درمان بیماران به قوانین قضایی فکرمی کردند و این موضوع تفاوت معنی داری نشان می‌داد ( $P = 0.02$ ). همچنین کارگاه سبب ایجاد تفاوت معنی داری در آگاهی دستیاران جهت مشاوره و صحبت با اساتید خود در زمینه مشکلات قانونی گردید ( $P = 0.006$ ). در مجموع نتایج نشان داد که تغییرات پیش از آزمون و پس از آزمون تفاوت معنی داری را نشان می‌دهند ( $P < 0.0001$ ).

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه حاکی از آن است که برگزاری دوره‌های آموزشی در مورد قوانین جزایی پزشکی در میزان آگاهی و نگرش فراگیران اثربخش بوده و لذا پیشنهاد می‌گردد برای افزایش آگاهی و آشنایی با قوانین نظام پزشکی و جزایی چنین کارگاه‌هایی برای تمامی کادر درمانی برگزار گردد.

واژگان کلیدی: آگاهی، قوانین قضایی، دستیاران تخصصی

### بررسی کوریکولوم رشته بیماری های عفونی در دوره دستیاری

دکتر عباس علامی

**مقدمه:** علی رغم این که برنامه دوره دستیاری بیماری های عفونی در سال ۱۳۸۷ مورد بازبینی قرار گرفته است ولی اشکالات متعددی در رعایت اصول نیازسنجی در تدوین کوریکولوم این رشته تخصصی به نظر می رسد. هدف از این بررسی مشخص نمودن مشکلات شایع کوریکولوم آموزشی دوره تخصصی بیماری های عفونی است که باعث کاهش کارآمدی آن گردیده است.

**روش ها:** این مطالعه با بررسی میدانی (بررسی کوریکولوم دوره دستیاری بیماری های عفونی، دستورالعمل های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مرتبط و منابع موجود در حوزه مشکلات کوریکولوم دانشکده های پزشکی) تدوین گردیده است.

**نتایج:** توجه نابرابر به سه منبع کوریکولوم (موضوعات درسی، جامعه و یادگیرنده) در هر کدام از سطوح نیازسنجی (ملی و کلان تا خرد و جزئی) به طور نسبی وجود دارد. اگرچه توجه بیشتری به بیماری های بومی کشور شده است ولی به دلیل افزایش ارتباطات و ماهیت بیماری های عفونی جامعه تعریف شده جامعه جهانی و نه کشوری است. این موضوع باعث آموزش بسیاری از بیماری ها به صورت انتزاعی و بدون وجود موارد بالینی آن در بالین شده است. رویکرد طراحان سوالات مورد و ارتقا در این رشته با نگاه به این هدف گذاری قابل توجیه است. از سوی دیگر جایگاه نیازهای رو به فزونی همچون کنترل عفونت های بیمارستانی و بیماری ایدز به خوبی در کوریکولوم این رشته هم در سطح کلان (فراتر از موضوعات و متمرکز بر موضوعات) و هم سطح خرد منطقه ای و موسسه ای دیده نشده است. همچنین بخش هایی از کوریکولوم از اصل واقع گرا بودن (دقیق بودن، عملی بودن و سودمندی) تبعیت نمی کند. به طور مثال تعداد زیاد ABG که باید دستیار در طول دوران آموزش خود ببیند تقریباً غیر ممکن به نظر رسیده و ضرورتی نیز برای انجام آن به این تعداد وجود ندارد. همچنین کتاب آموزشی که برای آموزش در این رشته مورد استفاده قرار گرفته است با شرایط واقعی بالینی کشور ایران تالیف نگردیده است و این موضوع بیشتر باعث دور شدن فراگیر از ماهیت تجربی این رشته می گردد.

**نتیجه گیری:** به نظر می رسد رویکرد برنامه ریزان این رشته بیشتر کنشی (Reactive) بوده و به رویکرد فراکنشی (proactive) در تدوین اهداف آموزشی توجه کمی شده است.

**واژه های کلیدی:** کوریکولوم، نیازسنجی، بیماری های عفونی، دستیاری

## بایدها و نبایدهای بکارگیری تکنیک‌های جدید جراحی در آموزش دستیاران

دکتر بابک ثابت<sup>۱\*</sup>، دکتر ثریا صالح<sup>۲</sup>، دکتر رویا درخشان<sup>۳</sup>

\*استادیار جراحی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی

Sabet@crc.mui.ac.ir

<sup>۲</sup>دانشیار زنان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

<sup>۳</sup>متخصص زنان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

**مقدمه:** یکی از چالش‌های فرا روی در آموزش دستیاران جراحی در رشته‌های مختلف عبارت است از آموزش بکارگیری یا عدم بکارگیری روش‌ها و ابزار جدید جراحی در درمان بیماران است. تاثیر این آموزش‌ها بر سلامت بیماران همواره مورد بحث بوده است. اولویت آموزش تکنیک‌های جدید و زمان مناسب این آموزش‌ها در دوره دستگیری موضوع انجام این بررسی است.

**روش‌ها:** در یک مطالعه کیفی فنومنولوژی در جمعیت نمونه که بصورت قضاوتی از اساتید باز نشسته رشته‌های مختلف جراحی و اساتید با سابقه ۱۰ تا ۱۵ سال و اساتید با سابقه کمتر از دو سال انتخاب شدند. در مدت هشت ماه با این اساتید مصاحبه شد. مصاحبه تا زمانی ادامه یافت تا دیگر داده جدیدی بدست نیامد. مرور متون همزمان با تحلیل داده‌ها انجام شد. یافته‌های مطالعه بصورت دسته بندی شده بر اساس نظریات این سه دسته تحلیل و ارائه شد.

**نتایج:** نظر غالب اساتید جراحی بازنشسته مورد بررسی صرفنظر از بکارگیری یا عدم بکارگیری این روش‌ها در درمان بیماران خود این بود که با بکارگیری بدون محدودیت این روش‌ها در آموزش دستیاران مخالف بودند. محدودیت امکانات و منابع در بکارگیری این روش‌ها از جمله دلایل این مخالفت‌ها بود. اساتید شاغل با سابقه ۱۰ سال و بیشتر بر بکارگیری هدفمند این روش‌ها در درمان بیماران و آموزش دستیاران تاکید داشتند. اما در مورد برنامه آموزش این تکنیک‌ها و نحوه ارزیابی آن در دوره دستگیری اختلاف زیادی داشتند. غالب اساتید جوان به رعایت حقوق بیمار در بهره‌گیری از روش‌های جدید درمانی و گنجاندن آن در دوره آموزش دستگیری تاکید داشتند. این گروه محدودیت‌های منابع را با محرومیت از درمان‌های جدید منطبق بر شواهد برابر نمی‌دانستند.

**نتیجه‌گیری:** گسترش تکنیک‌های درمانی جدید و تقاضای بیماران جهت بهره‌گیری از این درمان‌ها بیشتر مراکز آموزشی را مجبور به تغییرات غیر مدون در برنامه‌های آموزشی خود کرده است. پذیرش این تغییرات می‌تواند به تدوین برنامه‌ای هدفمند مبتنی بر نیازهای جامعه با در نظر گرفتن امکانات موجود شود.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش دستگیری، تکنیک‌های جدید، برنامه آموزشی

## وضعیت مطلوب برنامه آموزش بالینی رشته پرستاری از دیدگاه یاران آموزشی

حسین کریمی مونقی<sup>۱</sup>، فاطمه زوبین\*<sup>۲</sup>، سیدرضا مظلوم<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>دکترای پرستاری، استادیار، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی مشهد.

<sup>۲</sup>\*دانشجوی دکترای آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

[Zoubin\\_fsn@yahoo.com](mailto:Zoubin_fsn@yahoo.com)

**مقدمه:** آموزش بالینی برای تبدیل دانشجویان پرستاری به پرستارانی که بتوانند به طور مستقل و با کفایت در امر مراقبت از بیمار فعالیت کنند حیاتی است. نتایج پژوهشهای پژوهشگران آموزش پرستاری نشان داده است که کیفیت آموزش بالینی مطلوب نبوده و نارساییهایی وجود دارد. توجه به تنوع محیطهای بالینی، غیرقابل پیشبینی بودن وقایع در این محیطها، تجربه در محیط واقعی از یک سو و نیاز به بهبود برنامه آموزش بالینی پرستاری از سوی دیگر، و نیز توجه به این حقیقت که لازم است معیارهای مطلوب هر برنامه درسی به طور پیوسته با توجه به نیازهای روز و آینده افراد درگیر در آن تعیین شود، ضرورت انجام پژوهشی به منظور تعیین وضعیت مطلوب برنامه آموزش بالینی پرستاری را دوچندان می کند.

**روشها:** پژوهش حاضر توصیفی-مقطعی است که در سال ۱۳۸۸ در دانشکده پرستاری و مامایی مشهد انجام شد. در ابتدا با مطالعه منابع و متون، استانداردها، رسالتها، اهداف و آییننامهها، بخشنامهها و با در نظر گرفتن شرایط و امکانات موجود، معیارهای مطلوب به صورت مقدماتی تهیه شدند. سپس از یاران آموزشی (دانشجویان، اساتید پرستاری و سرپرستاران بیمارستانهای آموزشی)، در قالب شش جلسه گروه متمرکز با شرکت مدیران محترم گروه پرستاری، اتاق عمل، فوریتهای پرستاری و معاونت محترم آموزشی دانشکده پرستاری و مامایی مشهد (۶نفر)، استادان محترم گروه داخلی-جراحی (۱۳ نفر)، استادان محترم گروه بهداشت و مدیریت (۲نفر)، دانشجویان کارشناسی پرستاری پیوسته (۱۷نفر)، سوپروایزر آموزشی و سرپرستاران بیمارستان قائم (عج) و امام رضا (ع) (۱۲نفر) مصاحبه شد. پس از چندین بارگوش کردن و مطالعه متن مصاحبه-ها، ویژگیهای مطلوب آموزش بالینی استخراج و دسته بندی و مرتب شد. دسته های مرتبط نیز با یکدیگر ادغام و دسته های بزرگتر سازمان دهی گردید.

**نتایج:** پس از بازبینی ویژگیهای مطلوب استخراج شده، هفت معیار اصلی و ۲۱۱ گویه که معرف ویژگیهای مطلوب آموزش بالینی بودند تعیین شد و با توجه به ماهیت خود زیر مجموعه ای یکی از هفت معیار اصلی (جایگاه و اهمیت آموزش بالینی، مدرس بالینی متبحر، دانشجوی کارآمد، طرح و برنامه درسی بالینی مدون و جامع، شرایط و امکانات مناسب محیط بالینی، تعاملات مؤثر بین فردی در بالین و تعامل متقابل بین دانشکده و بالین) قرار گرفت.

**نتیجه گیری:** با توجه به معیارها و گویه های استخراج شده از متن مصاحبه های یاران آموزشی لازم است که در برنامه آموزش بالینی پرستاری بازبینی شود تا نقاط قوت آن تقویت و نقاط ضعف آن برطرف شود و به سمت آموزش بالینی مطلوب گام بردارد.

**واژه های کلیدی:** وضعیت مطلوب، برنامه آموزش بالینی، رشته پرستاری، یاران آموزشی

### آگاهی و استفاده از پزشکی مبتنی بر شواهد در پزشکان متخصص بالینی و عمومی شاغل بخش خصوصی در شهر کرج

دکتر محمدرضا ملکی، دانشیار، هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران  
[MJGN.NEINAVAI@YAHOO.COM](mailto:MJGN.NEINAVAI@YAHOO.COM)

چکیده

زمینه: دانش بشر با سرعت در حال گسترش است. به علت سرعت تجدید اطلاعات، پزشکان نمی‌توانند همان روشهای تشخیصی و درمانی زمان فارغ‌التحصیلی خود را ادامه دهند و از طرفی زمان کمی را می‌توانند به مطالعه اختصاص دهند. کافی و به روز نبودن اطلاعات پزشک می‌تواند باعث ایجاد خسارات و عوارض جانی برای بیماران گردد که تا آخر عمر گریبانگیر آنها خواهند بود. بهترین راه استفاده از اطلاعات به روز، پزشکی مبتنی بر شواهد است که با این روش می‌توان تا حدود زیادی خطاهای پزشکی را کم کرده و باعث ارتقاء سطح سلامت جامعه گردید. هدف: این مطالعه با هدف تعیین میزان آگاهی و استفاده پزشکان از پزشکی مبتنی بر شواهد انجام شده است. نوع مطالعه توصیفی و مقطعی و جامعه آماری پزشکان عمومی و متخصص شاغل در کلینیکها و مطب‌های خصوصی کرج در سال ۱۳۹۱ می‌باشد. روش کار: ۲۹۱ نفر پزشک به روش نمونه‌گیری تصادفی وارد مطالعه شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده و داده‌ها با نرم افزار SPSS-16 و با آمار توصیفی مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها: مطابق یافته‌های این پژوهش بیشتر پزشکان برای به روز کردن اطلاعات خود از منابع کتب چاپی استفاده می‌کنند. تنها نیمی از پزشکان با پزشکی مبتنی بر شواهد آشنایی داشته و ۲۵ درصد پزشکان در کارگاههای آموزشی شرکت کرده و ۹۰ درصد معتقدند که برگزاری این کارگاهها کافی نبوده و با سایتهای مرتبط آشنایی نداشتند. بحث: با توجه به آگاهی و استفاده نیمی از پزشکان از پزشکی مبتنی بر شواهد و تکیه بیشتر پزشکان بر کتب چاپی برای روز آمدن اطلاعات، لزوم برگزاری کارگاهها و مرتبط برای آشنایی بیشتر پزشکان با سایتهای مرتبط مشاهده می‌شود تا شاهد روزآمد شدن اطلاعات جامعه پزشکی و ارتقای سطح سلامت مردم کشورمان باشیم.

واژه‌های کلیدی: پزشکی مبتنی بر شواهد، آگاهی پزشکان، کلینیکهای خصوصی



در ایران از پزشکی مبتنی بر شواهد چه استفاده هایی می شود؟ مرور نظام مند مستندات

حامد بصیرغفوری<sup>۱</sup>، فرهاد شکرانه<sup>۲</sup>، شهزاد سراوانی<sup>۳\*</sup>، حمیدرضا برادران<sup>۴</sup>، رسول معصومی<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup>استادیار گروه طب اورژانس، بیمارستان سینا، دانشگاه علوم پزشکی تهران  
hbgs1@yahoo.com

<sup>۲</sup>مربی مرکز پزشکی مبتنی بر شواهد ایران، دانشگاه علوم پزشکی تبریز  
farhadshokraneh@gmail.com

<sup>۳\*</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران،  
shahrazad\_saravani@yahoo.com

<sup>۴</sup>دانشیار مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، تهران، ایران  
baradaran98@yahoo.com

<sup>۵</sup>دانشجوی دکترای تخصصی آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران - -  
rasoul911@gmail.com

**مقدمه:** پزشکی مبتنی بر شواهد به معنای استفاده مطمئن، دقیق و مدیرانه از بهترین شواهد موجود جاری برای تک تک بیماران در دو دهه گذشته به عنوان رویکرد غالب در پزشکی بالینی پذیرفته شده و در میان جامعه پزشکی گسترش یافته است. کاربردهای پزشکی مبتنی بر شواهد از عرصه پزشکی بالینی شروع شده و به عرصه های دیگر از جمله سیاستگذاری سلامت و آموزش پزشکی گسترش یافته است و هنوز هم ادامه دارد. همواره این پرسش مطرح است که پزشکی مبتنی بر شواهد در علم پزشکی ایران چه کاربردهایی دارد و آیا کاربرد آن منجر به اثربخشی شده است یا نه؟ بنابراین هدف از پژوهش حاضر، مرور سیستماتیک مقالات منتشر شده برای تعیین کاربردهای پزشکی مبتنی بر شواهد در ایران است.

**روش ها:** در این مرور سیستماتیک، با استفاده از روش های جستجو استراتژیک در منابع پایگاه های ایرانی Magiran، SID و IranMedex و پایگاه های بین المللی ERIC، CINAHL، DOAJ، PubMed، Medline، EMBASE و EBM Reviews از طریق Ovid SP مقالات مرتبط بازایی و رفرنس ها و استنادهای آنها نیز برای یافتن مقالات مرتبط کنترل شد. این مقالات طی مراحل غربالگری، ارزیابی شده و اطلاعات مطالعات مرتبط برای گردآوری داده ها وارد جداول گردید. در مراحل انجام پژوهش از راهنمای PRISMA استفاده گردید.

**نتایج:** از ۱۳۱۷ مطالعه حاصل از جستجو، تعداد ۳۵ مقاله معیارهای ورود را رعایت کرده بودند. این مطالعات کاربردهای پزشکی مبتنی بر شواهد در ایران در حوزه های پاسخ به پرسش های بالینی (۲ مطالعه)، تصمیم گیری بالینی (۸ مطالعه)، تدوین راهنماهای عملکرد بالینی (۳ مطالعه)، برگزاری ژورنال کلاب (۳ مطالعه)، ارزیابی فناوری سلامت (۴ مطالعه)، سیاستگذاری سلامت (۱ مطالعه)، تعیین سطح شواهد (۴ مطالعه)، مراقبت از بیماران (۴ مطالعه)، بحث مورد (۱ مطالعه)، گزارش دهی مطالعات (۳ مطالعه)، تدریس و آموزش (۲ مطالعه) را تایید کردند. به دلیل ناهمگنی زیاد اهداف و روش شناسی مطالعات، متاآنالیز برای تحلیل داده ها انجام نشد.

**نتیجه گیری:** با وجود تلاش های انجام شده برای گسترش رویکرد پزشکی مبتنی بر شواهد در ایران، برنامه ریزی مشخصی در این زمینه انجام نشده است و تلاش های صورت گرفته، به شکل گسسته و به صورت کوتاه مدت بوده است. تشکیل ساختاری برای برنامه ریزی در خصوص پزشکی مبتنی بر شواهد در بدنه وزارت بهداشت، پیشنهاد می شود.

**واژه های کلیدی:** پزشکی مبتنی بر شواهد، عملکرد مبتنی بر شواهد، ایران، مرور سیستماتیک

## طراحی ابزار پایا و روا برای شناسایی نگرشها و عوامل مؤثر بر خود اظهاری خطاهای پزشکی در بین دستیاران پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال 91

جلیل کوهپایه زاده<sup>۱</sup>، سید کامران سلطانی عربشاهی<sup>۲</sup>، شعله بیگدلی<sup>۳</sup>، فریدون مریمی<sup>۴\*</sup>

<sup>۱</sup>جلیل کوهپایه زاده، دانشیار گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

[jkuhpayeh@yahoo.com](mailto:jkuhpayeh@yahoo.com)

<sup>۲</sup>سید کامران سلطانی عربشاهی، مدیر گروه، استاد گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم

پزشکی تهران، ایران

[soltarab34@gmail.com](mailto:soltarab34@gmail.com)

<sup>۳</sup>شعله بیگدلی، استادیار گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

[Shb555@yahoo.com](mailto:Shb555@yahoo.com)

<sup>۴\*</sup>فریدون مریمی، کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم

پزشکی تهران، ایران

[feridoon\\_m13510@hotmail.com](mailto:feridoon_m13510@hotmail.com)

**مقدمه:** امروزه یکی از مفاهیم اصلی در سیستم های خدمات بهداشتی -درمانی حفظ ایمنی و امنیت بیمار است و اظهار به خطای پزشکی روی بیمار به خود بیمار و سیستم آموزشی، یک جنبه مهم اخلاقی و ضروری مراقبت است که باعث کاهش بروز خطا می شود. این مطالعه با هدف طراحی یک ابزار پایا و روا برای شناسایی نگرشهای دستیاران پزشکی نسبت به خوداظهاری خطاهای پزشکی و عوامل مؤثر بر آن انجام گرفت.

**روشها:** مطالعه حاضر که از نوع توصیفی پیمایشی می باشد بر روی 150 نفر از دستیاران پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام گرفت که به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شده بودند. جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. داده های جمع آوری شده وارد نرم افزار آماری SPSS 16 شده و با استفاده از روشهای آمار توصیفی، در مورد اهداف و سؤالات پژوهشی به قضاوت پرداخته شد.

**نتایج:** 125 دستیار پرسشنامه را تکمیل کردند (میزان پاسخ دهی، 83.3% بطور کل بیشتر دستیاران (62.4%) موافق این بودند که خطاهای پزشکی یکی از مهمترین مشکلات جدی در مراقبتهای بهداشتی -درمانی به شمار می روند. تقریباً بیشتر دستیاران (66.4%) موافق این بودند که خطاهای جدی باید برای بیماران اظهار شود. ولی فقط 36.8% از دستیاران موافق این بودند که خطاهای خفیف باید برای بیماران اظهار شود و تقریباً بیشتر از نیمی از دستیاران (60%) موافق این بودند که خطاهای قریب الوقوع باید برای بیماران اظهار شود. تقریباً همه دستیاران (91.2%) علاقمند بودند که در باره ی اظهار خطاهای پزشکی برای بیماران آموزش ببینند.

**نتیجه گیری:** با توجه به علاقمندی دستیاران به آموزش در باره اظهار خطاهای پزشکی، طراحی یک برنامه درسی رسمی برای آموزش دانشجویان پزشکی مورد نیاز است و همچنین نیاز به تمرین دانشجویان بر بالین بیمار و نظارت از طرف مسئولین وجود دارد تا دانشجویان و دستیاران پزشکی در پایان آموزش، بتوانند بطور مستقل خطاهای پزشکی را اظهار کنند.

**واژه های کلیدی:** روایی، پایایی، نگرش، دستیاران، خطاهای پزشکی

## مقایسه سواد اطلاعاتی دانشجویان و اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی

تبریز در سال ۱۳۹۱

حکیمه حضرتی\*<sup>۱</sup>، وحیده زارع<sup>۲</sup>، ناصر قربانیان<sup>۳</sup>، مرتضی قوجازاده<sup>۴</sup>، سیروس دبیر<sup>۵</sup>

\*دانشجوی آموزش پزشکی مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی تبریز، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

hakimeh.hazrati@gmail.com

**مقدمه:** ارتقاء کیفیت آموزش و تربیت دانشجویان و اساتید با توانایی یادگیری مادام العمر از رسالت اصلی دانشگاه های علوم پزشکی می باشد. در گذر از رویکرد سنتی آموزش به رویکرد مدرن و دانشجو محور، دانشگاه متعهد است دانشجویان و اساتید را مجهز به توانمندیهایی کند که در عصر اطلاعات به حیات خود ادامه داده و دانش خود را همگام با پیشرفت های علمی دنیا به روز نگه دارند. مهارت های سواد اطلاعاتی شاید مهمترین ابزاری باشد که به اساتید و دانشجویان در مکان یابی و استفاده صحیح و نقدانه اطلاعات و آشنایی با حقوق استفاده زمانی که با تنوعی از اطلاعات و نظام بازیابی کمک میکند که علاوه بر تجهیز دانشجویان به منظور ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی و اساتید در عرصه آموزش به سادگی آنها را به یادگیرندگان مادام العمر تبدیل می کند و از آنجا که مطالعه ای در خصوص مقایسه سواد اطلاعاتی اساتید و دانشجویان علوم پزشکی صورت نگرفته است لذا در این تحقیق بر آن شدیم که پس از تعیین میزان سواد اطلاعاتی دو گروه آنها را با هم مقایسه کنیم.

**روش ها:** این بررسی از نوع توصیفی - تحلیلی است و نمونه آماری آن ۸۰ نفر از دانشجویان رشته های پزشکی و ۸۰ نفر از اعضای هیأت علمی می باشد و اطلاعات از طریق پرسشنامه استاندارد شده سواد اطلاعاتی که شامل بخش دموگرافیک و سوالات مربوط به سواد اطلاعاتی است جمع آوری شده که پایایی آن توسط متخصصین مربوطه مورد تأیید قرار گرفته و روایی آن با استفاده از آلفای کربناخ تأیید شد ( $\alpha = 0.8$ ) بخش دموگرافیک پرسشنامه شامل جنسیت، سن، رشته تحصیلی دانشجویان ورتبه علمی اعضای هیأت علمی می باشد و بخش دوم آن سنجش سواد اطلاعاتی که به صورت سوالاتی در زمینه حیطه های سواد اطلاعاتی است مورد بررسی قرار گرفته و اساتید و دانشجویان به صورت انفرادی به سوالات پاسخ دادند و پس از مطابقت آن با کلید سوالات به هر ورقه از ۳۵ نمره داده شد و بر اساس طیف لیکرت نمرات طبقه بندی شد نمرات ۰ - ۱۱ ضعیف و ۱۳ - ۲۳ متوسط و > ۲۴ خوب دسته بندی کردیم و نمرات سواد اطلاعاتی هر دو گروه دانشجویان و اساتید را با یکدیگر با استفاده از Independent t-test مقایسه کردیم

**نتایج:** بر اساس نتایج بدست آمده میزان سواد اطلاعاتی اعضای هیأت علمی ۳/۳۷٪ ضعیف، ۵۱٪ متوسط و ۱۱/۸٪ خوب برآورد شد و میزان سواد اطلاعاتی دانشجویان ۳/۱۴٪ ضعیف، ۵۷٪ متوسط و ۲۸/۶٪ خوب برآورد شد بر اساس آزمون T مستقل سواد اطلاعاتی دانشجویان بیشتر از اعضای هیأت علمی می باشد ( $P = 0/015$ ).

**نتیجه گیری:** با توجه به اینکه اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیأت علمی و دانشجویان سواد اطلاعاتی متوسط به پایین برخوردارند و سواد اطلاعاتی دانشجویان بالاتر از اعضای هیأت علمی می باشد به نظر می رسد برای رسیدن به سطح مطلوب در این زمینه دانشگاه موظف است با برنامه ریزیهای سازمان یافته در قالب ارائه واحدهای سواد اطلاعاتی برای دانشجویان و برگزاری کارگاههای آموزشی تکنیک های بازیابی و کاربرد صحیح اطلاعات برای اعضای هیأت علمی در جهت توانمندی سازی آنان اقدام نماید.

**واژه های کلیدی:** سواد اطلاعاتی، اعضای هیأت علمی، دانشجویان

چالش های کوریکولوم بر اساس محتوای خلاصه مقالات چاپ شده در همایش های آموزش پزشکی ۱۳۹۱-۱۳۸۸

فخرالسادات میرحسینی<sup>۱\*</sup>، رضا رضایی<sup>۲</sup>، حسین سلمانزاده<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی دکتری آموزش پزشکی گروه آموزش پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران و عضو هیات علمی گروه هوشبری دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

[f\\_mirhoseiny@yahoo.com](mailto:f_mirhoseiny@yahoo.com)

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه پیام نور غرب تهران و مدیر توسعه سازمان و منابع انسانی دانشگاه علوم پزشکی کاشان

<sup>۳</sup> عضو هیات علمی گروه آموزش پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

**مقدمه:** کوریکولوم یکی از اجزای مهم برنامه آموزشی است و بخش پر چالش آن محسوب می گردد. شناخت این چالش در پژوهشهای آموزشی نقش مهمی ایفا میکند و از موضوعات شایع در این نوع پژوهشهاست. شناسایی و دستیابی به چالشها و اولویت بندی و ارائه آنها کمک شایسته ای به طراحان و برنامه ریزان آموزش می نماید. همایش ها یکی از معمول ترین جایگاهها برای انتشار نتایج فعالیتهای پژوهشگران است. همایش آموزش پزشکی نیز در سالهای اخیر از نظر تعداد گزارشات دریافتی و پذیرش و چاپ آنها یکی از پر بارترین همایش ها بوده و مطالعات را از نظر حیطه ی موضوعی نیز طبقه بندی نموده است. محققین در این مطالعه به بررسی موضوعی و محتوایی مقالات مربوط به حیطه کوریکولوم آموزشی در ۴ همایش اخیر آموزش پزشکی پرداخته و شایعترین چالشها از دیدگاه محققین این بخش را استخراج نمودند.

**روشها:** در مطالعه توصیفی کتابخانه ای از تعداد نزدیک به ۲۵۰ مقاله که با موضوع کوریکولوم در کتاب خلاصه مقالات همایش های آموزش پزشکی ۴ سال اخیر چاپ شده بود، تعداد ۱۴۸ مورد که با استفاده از جدول مورگان محاسبه گردید، انتخاب شد. خلاصه مقالات بصورت تصادفی منظم نمونه گیری و بررسی شد. بخش های مقدمه، نتیجه و بحث مقالات نمونه از نظر محتوا مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. سپس عوامل استخراج گردید. نتایج با استفاده از نظر متخصصین تحلیل و در طبقات جای گرفت.

**نتایج:** از ۱۴۸ خلاصه مقاله چاپ شده منتخب، تعداد ۳۴ عامل استخراج و طی دو مرحله با نظر متخصصین دسته بندی شد. نتایج نشان داد شایعترین چالشها و موضوعات بررسی شده در حیطه کوریکولوم آموزشی دانشگاه ها به ترتیب: ۳۷,۵ درصد مربوط به نیازسنجی، ۲۰,۸۳ درصد مربوط به روش اجرا، ۱۶,۶۶ درصد مربوط به رویکرد و مدل، ۱۲,۵ درصد مربوط به ابزار مورد استفاده و ۱۲,۵ درصد مربوط به سایر عوامل بوده اند.

**نتیجه گیری:** با این فرض که محققین آموزش در بخشهایی به مطالعه پرداخته اند که بیشترین چالش را مشاهده نموده اند، بنظر میرسد بیشترین چالش در بخش نیازسنجی (اولیه یا در حین اجرای برنامه) بوده است. پیشنهاد میشود با اتخاذ شیوه های صحیح نیازسنجی در قبل، حین شروع و پس از اجرای برنامه آموزشی، به شناسایی و حل چالش ها پردازند. نتیجه مطالعه برای طراحان کوریکولوم و مجریان آن قابل تعمق می باشد.

**واژه های کلیدی:** کوریکولوم، چالش، همایش، آموزش پزشکی

### انطباق برنامه درسی دوره کارشناسی رشته بهداشت عمومی با نیازهای شغلی و وظایف مورد انتظار سیستم بهداشتی: دیدگاه کارشناسان این رشته در مورد سرفصل‌ها و محتوای دروس

احمد شیرجنگ\*، مهستی علیزاده، محمد اصغری جعفرآبادی، ابوالفضل جدی  
shirjangahmad@yahoo.com

**مقدمه:** کارشناسان بهداشت عمومی، سهم عمده‌ای در اجرای برنامه‌های بهداشتی مراکز بهداشت کشور ایفا می‌نمایند. نظرات شاغلین این رشته درخصوص این که برنامه آموزشی این رشته تا چه حد پاسخ‌گوی نیازهای شغلی دانش‌آموختگان این رشته است، در شناسایی کمبودها در این زمینه کمک می‌کند. لذا هدف این مطالعه بررسی میزان انطباق برنامه آموزشی و محتوای دروس کارشناسی رشته بهداشت عمومی با نیازهای شغلی کارشناسان این رشته در مراکز بهداشت شهرستان‌ها و بررسی انتظارات سیستم سلامت از دیدگاه شاغلین این رشته است.

**روش‌ها:** این مطالعه توصیفی مقطعی بر روی ۹۵ نفر از کارشناسان دانش‌آموخته و شاغل بهداشت عمومی دانشگاه علوم پزشکی تبریز انجام شد. افراد با نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق‌ساخته روا و پایا بود که با سؤالاتی میزان کاربرد محتوای دروس پایه، اصلی و اختصاصی برنامه آموزشی رشته کارشناسی بهداشت عمومی را در راستای وظایف شغلی شان بررسی می‌کرد. از آمار توصیفی جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

**نتایج:** کاربرد مجموع دروس دوره کارشناسی بهداشت عمومی در محیط کاری در حد متوسط (۵۹/۹-۴۰٪) بود و دروس پایه کم‌ترین کاربرد را در فعالیتهای شغلی افراد داشتند (کمتر از ۲۰٪). برنامه آموزشی موجود از نظر کاربرد به تفکیک پست‌های سازمانی متعدد متفاوت بوده و بیشترین کاربرد را برای کارشناسان مبارزه با بیماری‌ها و کم‌ترین کاربرد را برای کارشناسان گسترش شبکه داشته است. محتوای ۷۱/۷۹٪ دروس صرفاً در حیطه دانش ارائه گردیده است. در مجموع فارغ‌التحصیلان شاغل این رشته، رضایت نسبی و متوسطی از دوره آموزشی خود داشتند.

**نتیجه‌گیری:** محتوای دروس و برنامه‌های آموزشی مربوط به رشته بهداشت عمومی با نیازهای شغلی دانش‌آموختگان این رشته کاملاً منطبق نیست. بنابراین انجام اصلاحاتی برای بهبود و ارتقای کیفیت برنامه آموزشی و کارایی این برنامه‌ها در آینده شغلی این کارشناسان تأکید می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** تناسب آموزشی، برنامه درسی، نظام سلامت، بهداشت عمومی، کارکنان سلامت

## بررسی دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

(ورودی ۱۳۸۵-۱۳۸۷)

درمورد ارائه مباحث تئوری و بخش کارآموزی بخش‌های اطفال، زنان و جراحی؛

به صورت جداگانه و پیش از آغاز بخش

محمد هادی امیر شهپری مطلق<sup>۱</sup>، آزاده عازمیان<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی پزشکی ورودی ۱۳۸۷ دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۲</sup>فوق لیسانس پرستاری و آموزش پزشکی، کارشناس برنامه ریزی درسی؛ کارشناس پژوهش در آموزش مرکز

مطالعات دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

مقدمه: آموزش فرآیندی است پیچیده که تحت تاثیر عوامل و متغیرهای زیادی قرار می‌گیرد. و سبب می‌گردد توانمندیهای حرفه ای دانشجویان شکل بگیرد. در واقع هدف آموزش پزشکی کسب دانش تئوری و مهارت بالینی لازم در دانشجوی پزشکی می‌باشد. در این میان نحوه ارائه دروس تئوری در دوره کارآموزی که از مهمترین دوره آموزش بالینی از مقطع آموزش پزشکی است و طی آن توانمندیهای حرفه ای دانشجوی پایه ریزی می‌شود. نحوه ارائه دروس تئوری و بالینی مربوطه در یادگیری دانشجو بسیار مهم است. در این پژوهش نحوه ارائه دروس تئوری دوره کارآموزی از نظر دانشجویان مورد بررسی قرار گرفت.

**روش‌ها:** این پژوهش، یک پژوهش مقطعی می‌باشد. ابزار جمع آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر دو بخش ۱- مشخصات دموگرافیک دانشجویان ۲- سوالات مربوط به نحوه اراده دروس تئوری در دوره کارآموزی (۱۶ سوال). اعتبار و پایایی پرسشنامه مورد تائید قرار گرفت (آلفای کرنباخ پرسشنامه ۰,۹). روش نمونه‌گیری بصورت سرشماری انجام گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها بوسیله آمار توصیفی صورت گرفت.

### نتایج:

در بخش جراحی: به شش سوال اول پاسخ‌های داده شده نشان از دستیابی به هدف شیوه آموزشی بوده است. اما سوالات ۷، ۸، ۱۰، ۱۳، ۱۴ که نقص زمان و روش و فرصت مطالعاتی آزمون تئوری را مطرح می‌کرده است پاسخ‌های منفی غالب بوده است. فراموشی مطالب و افزایش نا متناسب انتظارات اساتید در بخش را در این روش زیاد بر شمردند.

در بخش زنان: بیشتر سوالات گزینه میانه را شامل می‌شده است و نشان از رضایت از سیستم کنونی در این بخش بوده است و تنها مخالفت با برگزاری کلاسها بعد از ظهر ارائه بلاک اعلام شده است.

در بخش اطفال: نارضایتی دانشجویان بیشتر از زمان بندی آزمون تئوری، افزایش فراموشی مطالب، کلاسهای بعد از ظهر، تعداد جلسات در یک روز، استفاده بهینه از زمان مطالعاتی و افزایش انتظارات نا متناسب اساتید در بخش مربوطه بوده است.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نقش و اهمیت دروس تئوری در ارتقاء دانش دانشجویان در دوره کارآموزی و همچنین با توجه به اهمیت بکارگیری در آموزش بالینی، به نظر می‌رسد ارادته درئس در پیش از بخش در کاهش استرس دانشجو ناشی از ناآشنایی با بخش جدید بسیار موثر خواهد بود ولی تنظیم زمان امتحانات جهت جلوگیری با سایر بخش‌ها در اثربخشی آموزش نقش بسزایی می‌تواند داشته باشد.

**واژه‌های کلیدی:** دانشجوی پزشکی، دوره کارآموزی، اثربخشی آموزش

### نگرش دانشجویان پزشکی به برنامه های آموزشی سنتی و ترکیبی

جلیل کوهپایه زاده، سعیده دریازاده\*، کامران سلطانی عربشاهی، فریدون مریمی

\*نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

۱ دانشیار، مرکز تحقیقات آموزش پزشکی و گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

۳ استاد، مرکز تحقیقات آموزش پزشکی و گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

۴ کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** بررسی نگرش دانشجویان رشته پزشکی به این رشته تحصیلی نقش موثری در برنامه ریزی های کشوری و ارزیابی برنامه های آموزشی دارد. این مطالعه به منظور بررسی نگرش های دانشجویان پزشکی مقطع کارورزی به برنامه های درسی ادغام یافته و سنتی علوم پایه پزشکی انجام شد.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی-مقطعی در سال ۱۳۹۰ در کلیه دانشجویان پزشکی دانشگاه های علوم پزشکی تهران و شهید بهشتی انجام شد و ۲۰۰ نفر از دانشجویان پزشکی مقطع کارورزی به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. دانشجویان منتخب از دانشگاه علوم پزشکی تهران در گروه برنامه آموزشی سنتی و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در گروه برنامه آموزشی سنتی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه خودایفا و استاندارد شده برای تعیین نگرش دانشجویان پزشکی بود. تجزیه تحلیل آماری داده ها با نرم افزار SPSS-17 و با استفاده از آزمون آماری T مستقل برای مقایسه گویه های ۹ گانه پرسشنامه در دو دانشگاه انجام شد.

**یافته ها:** اختلاف معنی داری در نگرش دانشجویان دو دانشگاه علوم پزشکی تهران و شهید بهشتی در گویه های ۱،۳،۴،۵،۷،۹ مشاهده نشد ( $P > 0.05$ ) ولی در گویه های ۲،۶،۸ اختلاف معنی دار بود. همچنین در گویه های ۶ و ۸ بین پاسخ دانشجویان پسر و در گویه ۱ بین پاسخ دانشجویان دختر دو دانشگاه اختلاف معنی داری مشاهده شد.

**نتیجه گیری:** دانشجویان پزشکی با وجود نداشتن نگرش نه چندان مثبت به اهمیت واقعی علوم پایه، نسبت به آموزش علوم پایه به صورت ادغامی اشتیاق بیشتری دارند.

**واژه های کلیدی:** نگرش، دانشجوی پزشکی، برنامه درسی، آموزش پزشکی

### انطباق برنامه درسی ترمیمی دوره دندانپزشکی عمومی با نیازهای خدمات دندانپزشکی

ترمیمی، ۱۳۹۱

سعیده دریازاده\*، حمد جعفری، جلیل کوهپایه زاده، ژبلا شجری، مهدی هاشم زاده

\* کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> دانشیار، گروه سلامت دهان و دندانپزشکی اجتماعی، دانشکده دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

<sup>۳</sup> دانشیار، مرکز تحقیقات آموزش پزشکی و گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

<sup>۴</sup> استادیار، مرکز تحقیقات آموزش پزشکی و گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

<sup>۵</sup> دندانپزشک

مقدمه: هدف اصلی در آموزش پزشکی، توانمندسازی دانشجویان در راستای وظایفی که در آینده از آنها انتظار می رود، است. دندانپزشکی ترمیمی، یکی از مهمترین شاخه های دندانپزشکی و از شایعترین نیازهای درمانی در جامعه ماست. هدف این پژوهش، تعیین میزان انطباق برنامه درسی ترمیمی دوره دندانپزشکی عمومی با نیازهای خدمات دندانپزشکی ترمیمی در جامعه، بود.

**روش ها:** این پژوهش کمی-مقطعی، شامل دو مرحله و گرد آوری اطلاعات به وسیله دو چک لیست بود که روایی و پایایی آنها تایید شد. در مرحله اول، نیازهای دندانپزشکی ترمیمی ۱۰۲۷ نفر بیماران در یک کلینیک دندانپزشکی، با روش نمونه گیری غیر تصادفی متوالی طی سه ماه استخراج و وارد نرم افزار SPSS-۱۷ گردید و نتایج گزارش شد. در مرحله دوم، چک لیستی از سرفصلها و حجم دروس ترمیمی به همراه خلاصه نتایج مرحله اول را در اختیار اعضای هیات علمی دندانپزشکی ترمیمی دو دانشگاه تهران و شاهد قرار دادیم و نظرات آنها را در مورد میزان انطباق دروس ترمیمی دوره دندانپزشکی عمومی با نیازهای تحلیل شده مرحله قبلی، بوسیله چک لیست، پرسیده و نتایج گزارش شد.

**نتایج:** در مرحله اول ۲۳۶۲ مورد از انواع خدمات ترمیمی ارائه شده به بیماران استخراج شد. نتایج بررسی انطباق از دیدگاه اساتید نشان داد که سرفصل های همه دروس ترمیمی، انطباق کافی با نیازهای دندانپزشکی ترمیمی بیماران دارد ولی حجم دروس "پوسیدگی شناسی" و "دندانپزشکی ترمیمی عملی ۳"، انطباق لازم را با نیازها ندارد.

**نتیجه گیری:** سرفصل های دروس دندانپزشکی ترمیمی مناسب بود ولی از نظر حجم ناکافی بود. لذا طراحی برنامه بر روی حجم درس باید به نحوی انجام گیرد تا کاستی آن را برطرف و موجب ارتقای کیفیت آموزش گردد. برای این منظور، استفاده از بسته های آموزشی، فیلم و یا مازول می تواند مفید باشد.

**واژه های کلیدی:** انطباق، برنامه درسی دندانپزشکی ترمیمی، نیازهای جامعه، اعضای هیات علمی.



### ارزیابی نیازهای آموزشی کارآموزان رشته پرستاری دانشگاه علوم پزشکی جهرم در زمینه آموزش جامعه نگر در سال ۸۹

سید اسماعیل مناقب<sup>۱\*</sup>، کرامت اله رحمانیان<sup>۲</sup>، صدیقه نجفی پور<sup>۳</sup>، ابراهیم رحیمی<sup>۴</sup>  
<sup>\*</sup>استادیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم  
[esmanagheb@yahoo.com](mailto:esmanagheb@yahoo.com)  
<sup>۲</sup>استادیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم  
<sup>۳</sup>عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم  
<sup>۴</sup>عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم

**مقدمه:** جامعه نگر مفهومی است که امروز توجه به آن در رشته های پزشکی و پیراپزشکی بیش از پیش احساس می گردد. طی یک برنامه آموزش جامعه نگر از یک طرف به بهبود شیوه زندگی جامعه توجه می شود و از طرف دیگر محیطی برای دانشجویان مهیا می گردد تا با مشکلاتی که در زندگی حرفه ای آینده خود ممکن است با آنها روبرو شوند آشنا شده و مهارت های لازم را کسب کنند. از منابع مهم آموزش جامعه نگر، منابع آموزشی و استفاده از تکنولوژی های جدید آموزشی هستند. این مطالعه به منظور تعیین نیازهای آموزشی کارآموزان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی جهرم در زمینه آموزش جامعه نگر در سال ۱۳۸۹ صورت گرفت.

**روش ها:** این مطالعه از نوع توصیفی - مقطعی بود که در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه علوم پزشکی جهرم انجام گردید. جامعه پژوهش کارآموزان رشته پرستاری دانشگاه علوم پزشکی جهرم بود. نمونه گیری به روش سرشماری و تعداد ۲۰ نفر وارد مطالعه شدند. روش جمع آوری داده ها استفاده از پرسشنامه بسته ۲۵ سوالی محقق ساخته که روایی آن بر اساس روایی محتوا با نظر سه تن از اساتید تایید شده و پایایی آن با آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۷ تعیین شد. پرسشنامه ها توسط همکار طرح به دانشجویان تحویل داده می شد و از آنها خواسته می شد که بر اساس اهمیت به هر گویه از ۱ تا ۱۰ نمره داده شود و پس از تکمیل از آنها پس گرفته می شد. داده ها وارد نرم افزار Excel گردید و در سطح آمار توصیفی تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** بر اساس میانگین نمره هر گویه ۵ اولویت برتر عبارت بودند از: ۱- مدیریت (میانگین نمره ۸/۳۶) ۲- آشنایی با برنامه های مختلف پیشگیری از بیماری های واگیر دار و غیر واگیردار (میانگین نمره ۸/۲۹) ۳- آموزش درمانگاهی و سرپایی (میانگین نمره ۸/۲۱) ۴- اجرای برنامه های علمباتی پیشگیری و کنترل بیماری های عفونی و غیر عفونی در منطقه (میانگین ۸/۲۱) ۵- ارتقاء سلامت و پیشگیری (میانگین نمره ۸/۱۴)

**نتیجه گیری:** این تحقیق نشان می دهد مباحث مدیریتی از مهمترین نیازهای آموزشی دانشجویان پرستاری است و همچنین آشنایی با برنامه ها و پیشگیری و کنترل بیماری های عفونی و غیر عفونی نیز از دغدغه های آموزش پاسخگو در رشته پرستاری می باشد و بهتر است در برنامه ریزی آموزش این گروه از دانشجویان، مباحث فوق را مد نظر داشته باشیم.

**واژه های کلیدی:** آموزش جامعه نگر، پرستاری جامعه نگر، نیاز آموزشی، کارآموزی، پرستاری، پیشگیری

### تأثیر کارگاه آموزشی بر آگاهی دانشجویان کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی

#### درمانی نسبت به مهارت مدیریت زمان

دکتر سعید آصف زاده<sup>۱</sup>، عارفه موسوی<sup>۲\*</sup>، سپیده جهاننیده<sup>۳</sup>

استاد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت دانشگاه علوم پزشکی

قزوین

<sup>۲\*</sup> نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی. مرکز تحقیقات آموزش پزشکی، مرکز

مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

**مقدمه:** با توجه به فشار کاری مدیران و افراد حرفه‌ای حوزه سلامت، یکی از ضرورت‌های بهسازی نیروی انسانی در این بخش، بهبود توانایی‌ها در مدیریت زمان و در نتیجه ارتقاء عملکرد مدیران آینده نظام سلامت می‌باشد. لذا این پژوهش به منظور تعیین اهداف آموزشی رشته مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، به بررسی تأثیر کارگاه آموزش مدیریت زمان بر میزان آگاهی دانشجویان نسبت به این مهارت پرداخته است.

**روش‌ها:** این مطالعه پیش‌تجربی در نیمه اول سال ۱۳۹۰ انجام شد. به منظور انجام "پیش‌آزمون" تعداد ۶۳ نفر به صورت تصادفی از کلیه ورودی‌های کارشناسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی به‌روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. بر اساس نتایج بدست آمده از پیش‌آزمون مواد آموزشی کارگاه مشخص گردید. پس از برگزاری کارگاه آموزشی، از کلیه افراد شرکت‌کننده در کارگاه (۲۵ نفر) "پس-آزمون" گرفته شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق‌ساخته بود که بر اساس مقیاس لیکرت طراحی شده و شامل ۳۶ پرسش و در ۳ بخش مدیریت زمان، مدیریت استرس و انگیزه بود. جهت اثبات روایی پرسشنامه با متخصصین مدیریت مشورت و برای سنجش پایایی آلفای کرونباخ محاسبه شد ( $\alpha=0/91$ ). به منظور سنجش میزان آگاهی از آماره‌های توصیفی استفاده شد. بمنظور مقایسه نتایج قبل و بعد از مداخله از آزمون T زوج، برای مقایسه نتایج در گروه‌های مختلف از T-test و ANOVA-test و به منظور تعیین ارتباط میان کلیه متغیرهای مورد بررسی از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد.

**نتایج:** پرسشنامه‌ها تماماً برگشت داده شد. میانگین میزان آگاهی دانشجویان قبل و بعد از برگزاری کارگاه به ترتیب  $0/42 \pm 2/26$  و  $0/59 \pm 3/65$  گزارش شد و تفاوت معنی‌داری نشان داد ( $P=0/000$ ) ( $T=-9/78$ ). نتایج به تفکیک سال ورود به دانشگاه تفاوت معنی‌داری نشان داد ( $P=0/000$ ) ( $F=7/64$ ). ۹۷٪ از شرکت‌کنندگان میزان آگاهی خود را قبل از برگزاری کارگاه کم و بسیار کم ارزیابی کردند ولی این میزان بعد از برگزاری کارگاه افزایش یافت. همبستگی مثبتی بین میزان آگاهی از مدیریت زمان با انگیزه و همچنین مدیریت استرس مشاهده شد ( $P=0/000$ ) ( $r=0/578$ ) و ( $r=0/443$ ).

**نتیجه‌گیری:** کارگاه آموزشی در افزایش میزان آگاهی دانشجویان نسبت به مهارت مدیریت‌زمان موثر بود. البته اثر کوتاه مدت آن می‌تواند تنها منجر به افزایش آگاهی شده ولی آموزش‌ها در دراز مدت به ارتقاء مهارت‌های عملی منجر خواهد شد. با توجه حساسیت کاری مدیران سلامت، برنامه‌ریزان آموزشی بایستی هدفگذاری‌های لازم را جهت تغییر در دانش، نگرش و رفتار دانشجویان انجام دهند.

**واژه‌های کلیدی:** مدیریت‌زمان، آگاهی، کارگاه آموزشی، اهداف آموزشی

### نیازسنجی تغییرات کوریکولوم تخصصی قلب و عروق

دکتر لیلا بیگدلو<sup>۱</sup>، سارا قدوسی مقدم<sup>۲\*</sup>، دکتر علی آذری<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

<sup>۲\*</sup>عضو هیات علمی و سرپرست مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی نیشابور، [ghodousis@nums.ac.ir](mailto:ghodousis@nums.ac.ir)

<sup>۳</sup>عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

**مقدمه:** دانشگاه های علوم پزشکی در کنار ارائه خدمات بهداشتی و درمانی، وظیفه مهم تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص جهت ارتقاء سلامت جامعه را بر عهده دارند. یکی از اهداف و فعالیتهای مسئولان برنامه ریزی آموزشی، بازنگری و بهینه سازی برنامه های موجود می باشد، که این کار می تواند از طریق بررسی استانداردهای برنامه آموزشی رشته های مختلف آموزشی علوم پزشکی در سطح ملی و بین المللی و تطبیق برنامه های موجود با این برنامه ها صورت گیرد.

**روش ها:** رویکردهای متفاوتی جهت طراحی کوریکولوم وجود دارد که یکی از آنها نیازسنجی از طریق بازپرسی مشکلات است. در این رویکرد، مشکلات فعلی شناسایی می گردد و سپس تلاش جهت مرتفع نمودن آن صورت می گیرد. بر این اساس و در جهت رسیدن به این هدف در یک مطالعه مقطعی (cross sectional)، پرسشنامه ای طراحی و به نظرسنجی از کوریکولوم موجود و بررسی نیازهای تمامی دستیاران جهت تغییر کوریکولوم پرداخته شده است. بعد از تکمیل پرسشنامه ها توسط دستیاران و انجام بررسی های اولیه، داده های کیفی و پیشنهادات توسط صاحب نظران بررسی و سپس بصورت کمی دسته بندی گردید و پس از تجزیه و تحلیل نتایج، در حد محدوده اختیارات جهت تغییر کوریکولوم اقدام شد.

**نتایج:** در این بررسی که ۵۵ درصد جامعه پژوهش را مردان و ۴۵ درصد را زنان تشکیل میدادند، مشخص شد فقط ۳۸ درصد آنها برنامه آموزشی (کوریکولوم) را می شناسند و تعریف صحیحی از آن در ذهن خویش دارند این درحالیست که ۴۴ درصد تعاریف نادرست ارائه نموده و ۱۸ درصد نیز هیچگونه ذهنیتی از برنامه آموزشی نداشتند. طبق نظر دستیاران تاکنون فقط ۵ درصد به مطالعه کوریکولوم پرداخته و ۵۵ درصد هیچ گاه کوریکولوم را مطالعه ننموده بودند.

**نتیجه گیری:** بر اساس نیازسنجی انجام شده و مطالعه کوریکولوم های کشورهای مختلف پیشنهاد می گردد که هر دستیار قبل از شروع دوره دستیاری، طی ۴ هفته، در دانشکده آموزش های کارگاهی لازم را ببیند. به نظر می رسد جهت افزایش انگیزه دستیاران برای شرکت در کارگاه ها، در پایان هر هفته ارزیابی صورت گیرد. به نظر میرسد در صورت ارائه کوریکولوم کشوری واحد و ارائه برنامه های مدون می توان سطح علمی دستیاران را ارتقاء داد و نتیجه این ارتقاء به طور غیر مستقیم توانمندسازی اساتید را نیز دربر خواهد داشت. پیشنهاد می گردد کوریکولوم تمامی دانشگاهها به صورت دقیق و کامل تهیه و اجرا گردد به طوری که برنامه آموزشی چهارساله دستیاران به تفکیک از قبل مشخص بوده و همگی طبق همان برنامه واحد آموزش ببینند.

**واژه های کلیدی:** برنامه آموزشی، نیازسنجی، کوریکولوم

## نقش آموزش مبتنی بر شایستگی (CBL) در آموزش پرستاری

حکیمه واحدپرست<sup>۱</sup>، زهره ونکی<sup>۲</sup>، حسن ناوی پور<sup>۳</sup>، زهرا سبزی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری پرستاری تربیت مدرس

Email: h.vahedparast@modares.ac.ir

<sup>۲</sup> دانشیار گروه پرستاری تربیت مدرس

<sup>۳</sup> استادیار گروه پرستاری تربیت مدرس

<sup>۴</sup> دانشجوی دکتری پرستاری تربیت مدرس

دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده پزشکی گروه پرستاری

**مقدمه:** تغییرات سریع در بخش مراقبت های سلامتی طی اواخردهه قرن بیستم همراه باپیشرفت تکنولوژی،تغییردرساختار جمعیتی،افزایش تنوع کارباعث تقاضاهای جدیدبرپرستاروپرستاری باصلاحیت جهت انجام مراقبت پرستاری باکیفیت بالا شده است،که این تقاضابرای جلوگیری ازافزایش هزینه هاویاکاهش هزینه ها می باشد.شایستگی پرستاران تاثیر مستقیم بر سلامت و ایمنی بیماران دارد.متاسفانه نبود شایستگی منجر به خطاهای پزشکی جدی در بیماران می گردد.

**نتایج:** پاسخگو بودن سیستم بهداشتی درمانی در قبال ایمنی،کیفیت،یک حق وتقاضای عمومی است.وازانجا که کیفیت آموزش علوم پزشکی نقش تعیین کننده ای برسلامتی جامعه وکیفیت مراقبت ازبیماران دارد بنابراین دانشگاه های علوم پزشکی بایستی بتوانند نشان دهند که فارغ التحصیلان آنها شایستگی علمی و حرفه ای مورد نیاز را برای ایفای نقش حرفه ای خود کسب نموده اند.صلاحیت دانش آموختگان بعنوان مهمترین محصول آموزش پزشکی،قلب مسیر انقلاب کیفی در دنیای آموزش است.کوریکولوم قلب همه مدل های آموزشی است و آن چیزی است که برنامه درسی مدل های سنتی را از آموزش مبتنی بر شایستگی متفاوت می نمایدمتاسفانه در اغلب مواقع، کوریکولوم ها با اطلاعات جدید اصلاح و یا تعدیل می گردند ولی در این تغییرات کمترین توجه به اجزایی است که حداقل ارتباط با عملکرد رایج را دارد.درحالیکه هدف اصلی آموزش شایستگی محور مانند سایر روش های مهارت آموزی، تامین نیروی کار ماهر و با صلاحیت مورد نیاز بازارکار است.والش معتقد است با استفاده از چنین الگویی یک برنامه درسی میتواند به گونه ای طراحی شود که فارغ التحصیلان را برای کار آماده کند که تاکیدش بر مهات های تفکر انتقادی و حل مسئله باشد.چارچوب آموزش پزشکی در حال حاضر مبتنی بر گذراندن یک دوره زمانی معین در دانشگاه می باشد به نظر می رسدکه این چارچوب برای تربیت نیروی انسانی با هدف توانمند ساختن وی برای انجام مهارت های تخصصی و خطیر کافی نبوده و تحقق اهداف آموزشی را تضمین نمی کند.در این مقاله سعی شده است به خلاصه در مورد یادگیری مبتنی بر صلاحیت(CBL)،معایب چارچوب آموزش پزشکی فعلی، ویژگی های CBL،مدلهای CBL،مقایسه رویکرد آموزش سنتی و CBL و به تفصیل کاربرد و مزایای رویکردشایستگی محوردرکوریکولوم،مدل های CBL ارائه گردد.

**نتیجه گیری:** تغییر در دیدگاه و اجرای روش هایی برای برنامه های آموزش پرستاران و پزشکان بر مبنای شایستگی بویژه در کشورهای با درآمد متوسط بسیار با اهمیت است.بنابراین با تغییر کوریکولوم های آموزش پزشکان و پرستاران از آموزش مبتنی بر محتوا و فرایند به سمت مدل های آموزشی بر اساس دستاورد و شایستگی موجب گردد که تمرکز بر اتصال فرآیند آموزش به نیازهای محیط کار است

**واژه های کلیدی:** آموزش مبتنی بر صلاحیت،آموزش پزشکی،کوریکولوم آموزشی،آموزش پرستاری

## بررسی ساختار فرآیند برنامه ریزی درسی

رضاجفائی دلویی، سمیه علیزاده\*، فریده سادات سعادت یار

\*دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

Email: [alizadehs902@mums.ac.ir](mailto:alizadehs902@mums.ac.ir)

**مقدمه:** به طور کلی برنامه ریزی فرآیندی مداوم، حساب شده، منطقی و دورنگراست که به منظور هدایت فعالیتهای انسان در راستای تحقق هدف های اساسی انجام می شود. برنامه ریزی آموزشی عبارت است از تهیه و تدوین هدف های واضح و روشن بر مبنای سیاست های منبعث از فلسفه مورد نظر و طراحی راهبردهای کارآمد و اثربخش، برای دسترسی به آن هدف ها در حوزه تعلیم و تربیت یا آموزش. فعالان حوزه برنامه ریزی آموزشی ساختارهای متفاوتی برای برنامه ریزی آموزشی تعریف می نمایند. با توجه به اینکه برنامه ریزی عنصرحیاتی تدریس و راه رسیدن به اهداف آموزشی می باشد، دراین مقاله برانیم تا ساختارهای ارائه شده از جنبه های متفاوت را بررسی نماییم.

**روش ها:** برای رسیدن به اهداف این پژوهش مقالات مرتبط با استفاده از کلید واژه های برنامه ریزی درسی، برنامه ریزی آموزشی، "CURRICULUM" در منابع اینترنتی و پایگاههای اطلاعاتی Google scholar, SID و منابع کتابخانه ای و نشریات ایرانی در حیطه آموزش در علوم پزشکی مورد بررسی قرار گرفت.

**نتیجه گیری:** برنامه ریزی آموزشی شکل ثابتی نداشته و بدلیل حضور عناصر متغیر مانند خصوصیات فراگیران، نیازها و هدف ها، برنامه آموزشی نیز دائما در حال تغییر است. تلقی نمودن برنامه آموزشی به عنوان نقشه، جدیدترین و بنابراعتقاد بیشتربرنامه ریزان آموزشی و درسی معاصر، جامع ترین مفهومی است که تاکنون برای یک برنامه آموزشی یا درسی ارائه شده است. عوامل و عناصر تشکیل دهنده برنامه درسی که اغلب در مباحث مربوط به الگوهای برنامه ریزی درسی از آن ها یاد می شود عبارتند از هدف ها، محتوا، فعالیتهای یادگیری فراگیران و روش های ارزشیابی. همچنین سیکل برنامه آموزشی را سه عنصر سنجش، طراحی و فاز اجرا تعریف می کنند.

**واژه های کلیدی:** برنامه ریزی درسی، برنامه ریزی آموزشی، "CURRICULUM"

### بررسی ضرورت بازنگری و چالش‌های موجود در کوریکولوم نانوفناوری پزشکی مقطع کارشناسی ارشد

امیر امانی<sup>۱</sup>، سید مهدی رضایت<sup>۲</sup>، احمد صبوری کاشانی<sup>۳</sup>، سپند ریاضی<sup>۴</sup>، رضا فریدی مجیدی<sup>۵\*</sup>  
<sup>۱</sup> استادیار گروه نانوفناوری پزشکی، دانشکده فناوریهای نوین پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران  
<sup>۲</sup> استادیار گروه نانوفناوری پزشکی، دانشکده فناوریهای نوین پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران  
<sup>۳</sup> استادیار بازنشسته، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران  
<sup>۴</sup> کارشناس، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران  
<sup>۵\*</sup> رضا فریدی مجیدی

Email: [refaridi@sina.tums.ac.ir](mailto:refaridi@sina.tums.ac.ir)

**مقدمه:** در طراحی و بازنگری برنامه‌های درسی، نیازسنجی و برآورد نیاز از اهمیت خاصی برخوردار است. دشواری تجزیه و تحلیل عوامل تاثیرگذار و تعیین میزان تاثیر هر کدام، نیازسنجی را برای برنامه‌ریزان درسی این دوره‌ها بسیار سخت و پیچیده کرده است. جهت‌گیری فناوری، جهت‌گیری اشتغال، جهت‌گیری آینده، جهت‌گیری جمعیتی، نحوه ادامه تحصیل دانش-آموختگان و نیازهای کنونی کشور از عمده پارامترهای تاثیرگذار در فرایند نیازسنجی هستند. به‌رغم گذشت ۶ سال از پذیرش اولین دوره مقطع کارشناسی ارشد رشته نانوفناوری پزشکی، تاکنون بازنگری در کوریکولوم این رشته انجام نشده است. **روش‌ها:** این پژوهش با رویکردی انتقادی، به بررسی ضرورت بازنگری محتوایی و نقاط ضعف موجود در کوریکولوم این رشته از نظر دانش آموختگان آن می‌پردازد و در پایان پیشنهادهایی برای ارتقا و غنی‌سازی محتوا، ارائه می‌کند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه بود.

#### نتایج: ارزیابی‌ها

نتایج تحقیق نشانگر انطباق نحوه ارزشیابی (امتحانات) موجود با اهداف دوره آموزشی بوده است.

محتوای دوره تعداد واحدهای درسی دوره متناسب با اهداف دوره بیان شده بود.

دروس جبرانی: از بین دروس جبرانی حذف دروس بیوشیمی، بیوفیزیک، زیست‌شناسی سلولی-مولکولی، اصول میکروبیولوژی، شیمی-فیزیک و فیزیولوژی درخواست شده بود. همچنین آمار زیستی، روش تحقیق، شیمی آلی و اصول کار با حیوانات آزمایشگاهی دروسی بودند که به عنوان جایگزین دروس حذف شده پیشنهاد شده بودند. تغییرات اساسی در سرفصل‌های درس شیمی تجزیه دستگاهی نیز مورد تقاضا بود.

دروس اختصاصی (اجباری و اختیاری)

از بین دروس اختصاصی، حذف واحدهای درسی ابزار زیستی، دستکاری بیولوژیک در مقیاس نانو، ویروس‌شناسی در مقیاس نانو، بیوسنسور، تکنیک فیلم نازک و سمینار و اضافه شدن نانوالکترونیک، نانوفیزیک، مقدمه ای بر علم مواد، نانوروباتیک، نانوشیمی، فارماکوکینتیک و فارماکودینامیک، بیوانفورماتیک، زبان تخصصی و سیستم‌های تشخیصی آزمایشگاهی و تصویربرداری پیشنهاد شد. همچنین بازنگری اساسی نانوبیوتکنولوژی، نانوبیومدیسین و زیست‌سازگاری در مقیاس نانو درخواست شده بود.

خروجی دوره: به منظور بهبود کاربرد آنچه که در طول دوره و جذب سریعتر دانش آموختگان در بازار کار، اضافه نمودن مباحث کارآفرینی و مدیریت و اقتصاد در نانوفناوری پیشنهاد شد.

**نتیجه‌گیری:** به طور کلی به نظر می‌رسد کوریکولوم در همه‌ی بخش‌ها به طور اساسی نیاز به بازنگری نداشته و بازنگری اجزای مرتبط با محتوای آن به عنوان یکی از عناصر اصلی برنامه درسی، کافی است.

**واژه‌های کلیدی:** بازنگری کوریکولوم، نانوفناوری پزشکی، کارشناسی ارشد

طراحی و تدوین درس احیای قلبی و ریوی CPR به صورت کارگاهی جهت  
دانشجویان کارشناسی پیوسته مامایی  
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی کرمانشاه

لیدا معمار افتخاری\*، محمود کاظمی، دکتر گلاره حاتم، طیبه تولایی، دکتر نسرین جلیلیان، فروغ زنگنه  
mhokazemi@yahoo.com

**مقدمه:** یکی از مهمترین مهارتهای تیم پزشکی انجام احیاء قلبی ریوی است و انجام یک احیاء قلبی ریوی موثر میتواند تا حدود ۳۰ درصد منجر به برگشت حیات شود. ماماها یکی از مهمترین افراد تیم پزشکی در مراقبت از مادران باردار میباشند. لازم و ضروری است که دانشجویان مامایی مهارت انجام احیاء قلبی ریوی را به صورت تئوری و عملی در دوره تحصیل خود به خوبی آموخته و اقدامات لازم در این زمینه را فراگیرند. لذا تدوین یک واحد درس احیاء قلبی ریوی CPR به صورت کارگاهی جهت دانشجویان کارشناسی پیوسته مامایی پیشنهاد می گردد.

**روشها:** در این مطالعه جهت جمع آوری اطلاعات از اساتید گروههای فوریت ها، پرستاری و مامایی و مسئول اموربالینی دانشکده پرستاری و مامایی و دانشجویان ترم آخر مامایی و ماماها شاغل در مراکز آموزشی، مصاحبه و Focus group به عمل آمد.

**نتایج:** نتایج نشان داد که در برنامه آموزشی فعلی دانشجویان مامایی واحد درسی مجزایی که به صورت کامل و منسجم این مهارت را پوشش دهد وجود نداشته و اساتید مامایی و پرستاری و فوریت ها و دانشجویان بر این باورند که دانشجویان مهارت کافی را در این زمینه در دوره آموزشی خود کسب نمی نمایند.

**نتیجه گیری:** با توجه به یافته های پژوهش حاضر، بایستی در برنامه آموزشی دانشجویان کارشناسی پیوسته مامایی این واحد درسی بصورت یک واحد مجزا و به صورت یک کارگاه آموزشی گنجانده شود تا دانشجویان مامایی مهارتهای لازم را کسب نمایند و بتوانند در آینده به نحو مطلوب و مناسبی از این مهارت در مراقبت از مادران باردار که یکی از مهمترین ارکان خانواده می باشند بهره گیرند و افراد مطمئن و شایسته ای در زمان وقوع اورژانس های قلبی باشند.

**واژه های کلیدی:** احیاء قلبی ریوی، آموزش CPR، دانشجویان مامایی

## بررسی رضایت دانشجویان بهداشت در خصوص شیوه اجرای طرح درس توسط

### اساتید در سال ۹۱

ناهید جلیلیان<sup>۱\*</sup>، نسرين جلیلیان<sup>۲</sup>، بهزاد کرمی متین<sup>۳</sup>، لیدا معمار افتخاری<sup>۴</sup>، طیبه تولایی<sup>۵</sup>، علی اکبر ده حقی<sup>۶</sup>، فروغ زنگنه<sup>۷</sup>، فرحناز کهربیزی<sup>۸</sup>

\*کارشناس ارشد مدیریت دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

[njjalilian@yahoo.com](mailto:njjalilian@yahoo.com)

<sup>۲</sup>استادیار زنان، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

<sup>۳</sup>دکترای مدیریت خدمات بیمارستانی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

<sup>۴</sup>کارشناس ارشد آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

<sup>۵</sup>کارشناس مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

<sup>۶</sup>کارشناس ارشد جامعه شناسی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

<sup>۷</sup>کاردانی کامپیوتر، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی

**مقدمه:** طرح درس بعنوان راهنمایی برای سازماندهی مواد آموزشی و مدرس با هدف کمک به فراگیران برای رسیدن به اهداف آموزشی از پیش تعیین شده بکار می رود. طرح درس پیش بینی و تنظیم مجموعه فعالیت‌هایی است که مدرس از پیش برای رسیدن به یک یا چند هدف آموزشی ویژه در یک جلسه تدریس تدارک می بیند. طرح درس یک تعامل پویا بین استاد و دانشجو ایجاد نموده و موجب می شود تا دانشجو ضمن یافتن دلایل منطقی برای برنامه های یادگیری خود، در اجرای برنامه درسی احساس مسئولیت بنماید و به فرایند اجرای تدریس اهمیت دهد و سهم مشخصی در حد توان در اجرای برنامه درسی ایفا نماید. با توجه به اهمیت طرح درس، این مطالعه به منظور تعیین دیدگاه دانشجویان بهداشت در خصوص طرح درس و شیوه اجرای آن توسط اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۱۳۹۱ انجام گرفت.

**روش‌ها:** این مطالعه بصورت توصیفی مقطعی بر روی ۳۰ نفر از دانشجویان بهداشت انجام شد. جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه ۲۴ سوالی در سه حیطه (فردی، تحصیلی و اهداف آموزشی) بر اساس طبقه بندی لیکرت از (خیلی کم تا خیلی زیاد) که روایی محتوایی و پایایی آن تأیید شد. سپس اطلاعات بدست آمده از طریق نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج در قالب نمودار و جداول توصیفی ارائه و مقایسه شد. **نتایج:** نتایج نشان داد بترتیب بیشترین رضایت مربوط به تطابق واحد درسی با سرفصل دروس و هماهنگی تعداد جلسات تدریس و مشارکت دانشجو در فهم بیشتر درس (۷۵ درصد) و کمترین رضایت مربوط به عدم ارزشیابی میان ترم با روش ارزیابی نوین (۴۵ درصد) بود. همچنین اختلاف معناداری ( $p < 0.05$ ) بود.

**نتیجه‌گیری:** با توجه رضایت نسبتاً بالای دانشجویان از شیوه اجرای طرح درس توسط اساتید، لازم است این مطالعه در سطح سایر دانشکده ها با نظارت مرکز مطالعات و توسعه انجام شود تا تدابیر لازم جهت ارتقای کمی و کیفی آموزش دانشجویان مانند برگزاری کارگاههای طرح درس و غیره برداشته شود.

**واژه‌های کلیدی:** رضایت دانشجویان بهداشت، اجرای طرح درس، اعضای هیات علمی



### نیازهای آموزشی پزشکان عمومی داوطلب در برنامه پزشک خانواده و نظام ارجاع

نیکویمانی<sup>۱\*</sup>، اطهر امید<sup>۲</sup>، کمال حیدری<sup>۳</sup>، دکتر شاهین شیرانی<sup>۴</sup>، طاهره مقدسی<sup>۵</sup>، عارفه موسوی<sup>۶</sup>  
<sup>۱\*</sup> استادیار گروه آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، خیابان

هزار جریب، اصفهان، ایران

[yammani@edc.mui.ac.ir](mailto:yammani@edc.mui.ac.ir)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری آموزش پزشکی، گروه آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، خیابان

هزار جریب، اصفهان، ایران

<sup>۳</sup> استادیار گروه دندانپزشکی جامعه نگر، دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، خیابان

هزار جریب، اصفهان، ایران

[shirani.mui.ac.ir](mailto:shirani.mui.ac.ir)<sup>۴</sup>

<sup>۵</sup> کارشناس معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، خیابان ابن سینا، اصفهان،

<sup>۶</sup> کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، خیابان هزار

جریب، اصفهان، ایران

**مقدمه:** پزشکان عمومی داوطلب در برنامه پزشک خانواده و نظام ارجاع باید برای ارائه خدمات و مراقبت های لازم به جمعیت تحت پوشش خود آماده گردند. این مطالعه با هدف بررسی و اولویت بندی نیازهای آموزشی این پزشکان در حیطه های وظایف ابلاغ شده به پزشک خانواده جهت طراحی برنامه های توانمند سازی آنان انجام پذیرفت.

**روش ها:** این مطالعه از نوع توصیفی پیمایشی که در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در ۱۳۹۱ با استفاده از ابزار محقق ساخته انجام پذیرفت. جامعه هدف کلیه پزشکان عمومی داوطلب در برنامه پزشک خانواده و نظام ارجاع بودند که ۵۰۷ نفر در این مطالعه شرکت کردند. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS16 و با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی انجام پذیرفت.

**نتایج:** بیشترین نیاز آموزشی این پزشکان در زمینه اقدامات اولیه در اورژانس های تنفسی، انجام CPR و لوله گذاری تراشه، مراقبت از بیماران مسموم، اختلالات شایع روانپزشکی و سامانه خدمات سلامت ایرانیان است و کمترین نیاز آموزشی در زمینه روش های پیشگیری از بارداری، مهارت های ارتباطی با بیمار و در محیط کار، اصول و مهارت های مشاوره تنظیم خانواده، مراقبت از بیماریهای قابل پیشگیری با واکسن و نحوه آموزش سلامت بود.

**نتیجه گیری:** آموزش مهارت های عملی در برنامه های آموزش مداوم باید توسط مسئولان برنامه های بازآموزی و برنامه پزشک خانواده و نظام ارجاع در اولویت قرار گیرد. تاکید بر اهداف برنامه پزشک خانواده یعنی مدیریت و ارائه خدمات سلامت باید همزمان با طراحی و اجرای آموزش بسته های خدمتی سلامت نیز انجام شود.

**واژه های کلیدی:** پزشک خانواده، نیازسنجی، پزشک عمومی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

### انگیزش در طراحی آموزشی:

### "مدل انگیزشی کلر"

اکرم ژبانی فرد<sup>\*</sup>، عاطفه ذبیحی ززولی<sup>۲</sup>

<sup>\*</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

Email: zhianifa901@mums.ac.ir

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

**مقدمه:** انگیزش به عنوان یک تمایل شخصی برای دنبال کردن هدفی یا تکمیل یک تکلیف می باشد. انگیزش توسط رویدادهای بیرونی تحت تاثیر قرار گرفته و یادگیری و عملکرد را تحت الشعاع قرار می دهد، به همین خاطر طراحان آموزشی، چگونگی انگیزش یادگیرندگان را مورد اهمیت قرار می دهند. در اینجا مدل طرح انگیزشی کلر (توجه، ارتباط، اعتماد، رضایت مندی) تشریح شده است که طراحان آموزشی آن را به طور مکرر در روشهای انگیزشی برای آموزش به کار می برند.

**روش‌ها:** برای رسیدن به اهداف این پژوهش مقالات مرتبط در منابع اینترنتی و کتابخانه ای مورد بررسی قرار گرفت بدین صورت که ابتدا با ارائه ی کلید واژه های فارسی و انگلیسی طرح انگیزشی، مدل انگیزشی کلر، عوامل انگیزشی در سایت های scienceDirect, pubmed, SID, magiran, proquest و موتور جستجوی Google scholar و موتور جستجوی scienceDirect, pubmed, SID, magiran, proquest به روش جستجوی موضوعی در این زمینه به طور سریع مرور و سپس مقالاتی که با موضوع ارتباط بیشتری داشتند انتخاب و مطالب آن استخراج شده است. در منابع کتابخانه ای هم کتب و مجلات آموزشی مرور و مطالب لازم استخراج گردید. سپس محتوای انتخاب شده به دقت مطالعه و خلاصه برداری شده و پس از تسلط کامل بر موضوع جنبه های مختلف انگیزش در طراحی آموزشی با توجه به رویکرد مدل کلر توصیف شد.

**نتایج:** مدل های طراحی انگیزشی می تواند در ۴ گروه تئوری های شخص محور، تئوری های محیطی محور، تئوری های تعاملی و تئوری عامه طبقه بندی شود. اما واقعیت امر این است که کلر فراتر از این رفته و طی مقاله های که در سال ۲۰۰۹ تحت عنوان اصول اولیه انگیزش برای یادگیری مطرح کرده به ۴ اصل اشاره دارد که عبارتند از توجه، ارتباط، اطمینان، رضایت.

**نتیجه گیری:** هر مربی با چالش هایی برای تحریک و حفظ انگیزش یادگیرنده و پیدا کردن روشهای معتبر و قابل اعتماد برای ایجاد انگیزش در یادگیرندگان مواجهه هستند یک رویکرد برای مواجهه با این چالش ها مدل انگیزشی ARCS کلر می باشد که به عنوان راهنمایی برای آنالیز ویژگی های انگیزشی یادگیرندگان و طراحی استراتژی براساس این تجزیه و تحلیل ارائه شده است طراحان آموزشی نه تنها باید کاملاً از دامنه کامل متدهای انگیزشی و مدل‌های موجود با خبر باشند، بلکه باید از چگونگی جمع شدن آنها در یک تنوعی از موقعیتهای آموزشی نیز با اطلاع داشته باشند. حتی دقیق ترین محتوا، فعالیت‌های وابسته و آماده سازی جدید و تلاش، بدون جذب منظم انگیزش، می تواند بی تاثیر باشد.

واژه‌های کلیدی: مدل‌های انگیزشی، طرح انگیزشی، مدل انگیزشی کلر

بررسی سرفصل‌های دروس نظری و بالینی دندانپزشکی ترمیمی در دوره عمومی:

### دیدگاه فارغ التحصیلان

دکتر مجید اکبری<sup>۱\*</sup>، دکتر فاطمه ملک نژاد یزدی<sup>۲</sup>، دکتر ملیحه جهان تیغ<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشیار دانشکده دندانپزشکی مشهد [akbarim@mums.ac.ir](mailto:akbarim@mums.ac.ir)

<sup>۲</sup>استاد دانشکده دندانپزشکی مشهد [malekinejadf@mums.ac.ir](mailto:malekinejadf@mums.ac.ir)

<sup>۳</sup>دستیار تخصصی دانشکده دندانپزشکی مشهد [jahantigh841@mums.ac.ir](mailto:jahantigh841@mums.ac.ir)

**مقدمه:** دندانپزشکی ترمیمی از پرکاربردترین شاخه‌ها در حیطه کاری یک دندانپزشک است. استفاده از نقد فارغ التحصیلان از بهترین روش‌های ارزشیابی و بازخورد در بررسی برنامه درسی است. هدف از این مطالعه بررسی سرفصل‌های دروس نظری و بالینی دندانپزشکی ترمیمی در دوره عمومی از دیدگاه فارغ التحصیلان عمومی دانشکده دندانپزشکی مشهد طی ۵ سال گذشته (۱۳۸۳ تا ۸۸) بود.

**روش‌ها:** در این مطالعه ۲۰۰ نفر از فارغ التحصیلان دانشکده دندانپزشکی مشهد طی ۵ سال گذشته در مورد اهمیت و ضرورت سرفصل‌های تدریس شده دروس ترمیمی نظری و میزان ترمیم‌های لاگ بوک دروس ترمیمی علمی با پرسشنامه ای روا و پایا مورد پرسش قرار گرفتند. اطلاعات به دست آمده به صورت توصیفی گزارش گردید.

**نتایج:** ۷۵٪ از سوال شوندگان پرسشنامه کامل شده را برگرداندند. در مورد دروس نظری سوال شوندگان اهمیت و ضرورت مباحث تدریس نظری را زیاد دانستند. (بیش از ۵۰ درصد) در مورد لاگ بوک دروس عملی نیز گرچه بیشتر موارد کافی بود، ولی وجود ترمیم‌های کمپازیتی وسیع بیشتر مورد توصیه قرار گرفت.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نظرات فارغ التحصیلان، دروس نظری و لاگ بوک دوره بالینی ترمیمی نیاز به بازبینی دارد و این بازبینی بهتر است برتوانمندسازی در حیطه‌های مربوط به ترمیم‌های زیبایی و ترمیم‌های وسیع تاکید بیشتری داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: برنامه آموزشی - دندانپزشکی ترمیمی - فارغ التحصیلان -

### بررسی نیازهای آموزشی ضمن خدمت کارشناسان مدارک پزشکی ،

#### نیازسنجی مبتنی بر آزمون

دکتر مهرداد فرزندی پور<sup>۱</sup>، دکتر فاطمه رنگرز جدی<sup>۲</sup>، حسین اکبری<sup>۳</sup>، اسماعیل عظیمی\*<sup>۴</sup>  
<sup>۱</sup>دانشیار دانشگاه علوم پزشکی کاشان، گروه آموزشی مدیریت و فناوری اطلاعات سلامت  
<sup>۲</sup>استادیار دانشگاه علوم پزشکی کاشان، گروه آموزشی مدیریت و فناوری اطلاعات سلامت  
<sup>۳</sup>مدرس دانشگاه علوم پزشکی کاشان، گروه آموزشی آمار و اپیدمیولوژی  
<sup>۴</sup>\*دانشجوی کارشناسی ارشد مدارک پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان (نویسنده مسئول)  
azimi2003@gmail.com

**مقدمه:** پیشرفت های علوم پزشکی و فناوری اطلاعات در عصر حاضر، سازمانهای ارائه کننده خدمات سلامت را به محیط های رقابتی مبدل کرده است. در چنین محیط هایی فرصت های زیادی در اختیار متخصصان مدارک پزشکی قرار می گیرد که فقط برای کسانی قابل استفاده است که دارای مهارت های لازم باشند. لذا کارشناسان مدارک پزشکی بدلیل تغییر قوانین، پیشرفت فناوری و بهبود فرایندها می بایست به فراگیری مداوم مرتبط با حرفه خود بپردازند. هدف این مطالعه بررسی نیازهای آموزشی ضمن خدمت کارشناسان مدارک پزشکی در بیمارستانهای آموزشی تابعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بود.

**روش ها:** پژوهش از نوع مقطعی در سال ۱۳۹۱ صورت پذیرفت. جامعه پژوهش را کارشناسان مدارک پزشکی شاغل در بیمارستانهای تابعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تشکیل داد که دارای بیش از دو سال سابقه کار و دارای رابطه استخدامی مشخص بودند (بجز نیروهای طرحی). حجم نمونه ۲۰۰ نفر محاسبه شد. داده ها با استفاده از پرسشنامه مبتنی بر آزمون محقق ساخته جمع آوری و با استفاده از روشهای آمار توصیفی در نرم افزار Spss<sub>20</sub> تحلیل گردید.

**نتایج:** یافته ها نشان داد که میانگین سن جامعه پژوهش ۳۱/۸ سال میانگین سابقه کار ۷/۹۷ سال و میانگین معدل کل مقطع کارشناسی ۱۶/۶۲ بود. میزان آگاهی کارشناسان مدارک پزشکی در حیطه مدیریت اطلاعات بهداشتی در حد متوسط ، در حیطه آمار و شاخص های بیمارستانی و نرم افزار spss در حد کم و در حیطه های فناوری اطلاعات و سیستم ها و مدیریت در حد متوسط قرار داشت.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج یافته ها که حاکی از آگاهی کم تا متوسط کارشناسان مدارک پزشکی در حیطه های مختلف است. جهت توانمندسازی کارکنان باهدف نیل به بالندگی و تعالی خدمات مدارک پزشکی و همگامی با پیشرفت های فناوری اطلاعات در فضای مراقبت های بهداشتی ، کارشناسان مدارک پزشکی نیازمند آموزش ضمن خدمت می باشند .

**واژه های کلیدی:** آموزش ضمن خدمت ، نیازسنجی آموزشی ، کارشناس مدارک پزشکی

### فرایند طراحی و اجرای واحد پروژه عملی دانشجویان کارشناسی رشته مهندسی بهداشت محیط بر اساس سرفصل جدید آموزشی

عبدالملک صید محمدی\*، قربان عسگری

\* استادیار گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی همدان

motalebsm@gmail.com

**مقدمه:** واحد پروژه دانشجویان در مقطع کارشناسی رشته مهندسی بهداشت محیط به منظور آشنائی عملی با نحوه پژوهش مسایل مبتلا به جامعه به ارزش ۱ و ۲ واحد به ترتیب برای دانشجویان کارشناسی پیوسته و ناپیوسته در نظر گرفته شده است. با عنایت به سرفصل جدید آموزشی بهداشت محیط و ایجاد تغییرات کلی در نحوه اجرای واحد پروژه برای دانشجویان کارشناسی بهداشت محیط و توجه بیش از پیش به مسائل پژوهشی در راستای دستیابی به اهداف سند چشم انداز علمی کشور لزوم طراحی و اجرای یک برنامه منسجم ضروری در این پژوهش طراحی و اجرای این واحد درسی برای دانشجویان کارشناسی بهداشت محیط مورد بررسی قرار گرفته است.

**روش‌ها:** به منظور دستیابی به اهداف این فرایند که در سال ۱۳۸۹-۹۰ در دانشگاه علوم پزشکی همدان انجام شده است در مرحله اول و به منظور تعیین میزان رضایت مندی فرم های نظر سنجی در اختیار دانشجویانی که واحد پروژه خود را قبلاً" اخذ نموده و بر اساس برنامه عملیات قبل اجرا نموده اند قرار داده شد. در ادامه و پس از تجزیه و تحلیل نتایج فرم های نظر سنجی و دستورالعمل سرفصل جدید برنامه اجرائی پروژه شامل تهیه فلوجارت، برگزاری کارگاه روش تحقیق، تدوین فرم پیشنهاد عنوان و ... طراحی و اجرا گردید. در نهایت نیز با نظر سنجی از دانشجویان جدید که فرایند در مورد آنها اجرائی شده است میزان رضایت مندی آنها از برنامه آموزشی جدید تعیین شد.

**نتایج:** نتایج مطالعه اخیر در خصوص میزان اثر بخشی درس پروژه قبل و بعد از اجرای فرایند و انجام آنالیز آماری کای دو بیانگر آن بود که اختلافی در میزان افزایش فراگیری از این واحد درسی بین دروس بهداشت محیط بین دانشجویان مشاهده نشد، ( $p=0.48$ ) همچنین نتایج آنالیز آماری در خصوص تاثیر انجام پروژه در میزان افزایش توانمندی پژوهشی دانشجویان درس پروژه، میزان رضایت دانشجویان از برنامه اجرائی و میزان رضایت دانشجویان از زمان اختصاص یافته برای اجرا و انجام پروژه همگی از معنادار بودن نتایج قبلی و بعد از اجرای پروژه حکایت داشته است ( $p<0.005$ ).

**نتیجه گیری:** نتایج مطالعه اخیر نشان داد که اجرای فرایند مذکور با عنایت به نتایج نظر سنجی و اعلام میزان رضایت مندی دانشجویان توانسته است نقش مهمی در توانمندسازی دانشجویان و آشنائی هر چه بیشتر آنها با انجام فعالیت های پژوهشی در مقطع کارشناسی داشته است.

**واژه‌های کلیدی:** پروژه، کارشناسی بهداشت محیط، فرایند

### بازنگری برنامه درسی پرستاری بهداشت جامعه با توجه به اولویت های سلامت استان

نضال آژ\* ، محمد رضا مصطفایی

مربی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

nezal\_ajh@yahoo.com

**مقدمه:** مقدمه: یکی از ابعاد رشته پرستاری بعد جامعه نگر این رشته می باشد که تلفیق آن با بهداشت جامعه می تواند در کارآمدی و ارتقاء کیفی و کمی زندگی احاد جامعه از نظر روانی و جسمی قابل اهمیت و تاثیر بسزائی داشته باشد. ارتقاء دانش و فن آوری به موازات تغییر نیازهای جامعه ، ضرورت تغییر در نظام آموزشی را می طلبد. یکی از وظایف مهم پژوهشگران حوزه بهداشت و سلامت پس از تعیین اولویت های بهداشتی با توجه به شرایط روز کشور؛ تعیین میزان تطابق بین برنامه های درسی رشته های مختلف بهداشتی با این اولویت ها و نیازهای جامعه است.

**روش ها:** این مطالعه یک تحقیق توصیفی بوده و جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجویان پرستاری ، اساتید و فارغ التحصیلان پرستاری می باشد . روش جمع اوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته بود که با استفاده از سرفصل دروس کارآموزی و کارورزی و دروس تئوری بهداشت جامعه ۱ و ۲ و ۳ تنظیم و تهیه شده و برای هر ایتام از لیکرت ۲ گزینه ای (صفر برای نا مناسب، و ۱ برای مناسب) استفاده میشود. رنج نمرات بهداشت ۱ (۰-۱۷) برای بهداشت ۲ و ۳ (۰-۱۴) و برای کارآموزی (۰-۴) بود. پس از اعتبار سنجی توسط نمونه ها تکمیل شد و داده ها وارد نرم افزار SPSS و با استفاده از امار توصیفی و تحلیلی مورد انالیز قرار گرفت.

**نتایج:** تعداد ۷۸ دانشجو، ۹ تن از اساتید و ۱۹ نفر از فارغ التحصیلان در این مطالعه شرکت نمودند . میانگین نمرات کسب شده واحد های تئوری کسب شده در محتوا، زمان و کاربرد به ترتیب  $4,17 \pm 11,31$  و  $4,64 \pm 9,62$  و  $4,65 \pm 10,60$  و میانگین نمرات کسب شده برای دروس کارآموزی و کارورزی بهداشت جامعه برای آنان به ترتیب  $1,68 \pm 2,56$  و  $1,74 \pm 2,39$  و  $1,71 \pm 4,87$  بود

**نتیجه گیری:** براساس یافته های بدست آمده اساتید و مربیان معتقد بودند که سرفصل دروس در راستای اولویتهای استان قزوین قرار دارد ولی دانشجویان و فارغ التحصیلان بطور نسبی معتقد بودند که سرفصل دروس تئوری در راستای اولویتهای سیاستگذاران استان قرار دارد و در مورد دروس کارآموزی نیاز به بازنگری را ضروری می دانستند.

**واژه های کلیدی:** سرفصل درس، بهداشت جامعه، کارآموزی عرصه بهداشت، اولویتهای سیاستگذاری بهداشتی استان قزوین

### نگرش اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در مورد طرح درس

کریم عباسی\*

دانشگاه علوم پزشکی شیراز

Email: karim\_shr@yahoo.com

**مقدمه:** طرح درس (Lesson Plan) اساس و پایه آموزش را تشکیل می دهد. زیرا طرح درس، طرح آموزش است و در شکل بخشیدن به یادگیری نقش اساسی دارد. این مطالعه با هدف بررسی نگرش اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در مورد طرح درس صورت گرفت.

**روش‌ها:** در این مطالعه توصیفی-تحلیلی اطلاعات ۶۸ عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز که در دوره‌های آموزشی که در EDC برگزار می گردید به وسیله پرسشنامه پژوهشگر ساخته بعد از تأیید روایی و پایایی آن جمع آوری شد. پس از جمع آوری، اطلاعات دسته بندی و داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد و نتایج با  $P < 0/05$  بعنوان معنی دار در نظر گرفته شد.

**نتایج:** نتایج نشان داد که میانگین سنی شرکت کنندگان ۳۴ سال، ۶۸ درصد مرد، ۵۱ درصد علوم پایه، میانگین سابقه ۱۲ سال، ۵۳/۷ درصد رسمی، ۱۳/۸ درصد برای هیچکدام از دروس خود طرح درس نداشتند، ۷۵/۴ درصد در کارگاه طرح درس شرکت کرده بودند و میانگین تعداد واحد تدریس شده در هر ترم ۷/۵ واحد بود. ۴۴/۵ درصد طرح درس را در اختیار دانشجویان قرار می دادند. ۱۱/۳۲ درصد خیلی کم با وظایف EDC آشنایی داشتند. حدود ۱۲ درصد از اعضای هیات علمی به طرح درس نگرش منفی داشتند. بین نگرش اعضای هیات علمی و زمینه تخصصی (علوم پایه یا بالینی بودن) و تعداد دروسی که در هر ترم تدریس می کنند ارتباط معنی دار آماری ( $P < 0/05$ ) وجود داشت، ولی بین نگرش اعضای هیات علمی و سن، جنس، رشته و تخصص، سابقه تدریس، نوع استخدام و تعداد واحد های هر ترم ارتباط معنی داری مشاهده نشد.

**نتیجه گیری:** با توجه به اهمیت و نقش طرح درس در آموزش و یادگیری، اجرای کارگاه های آموزشی در این زمینه برای اساتید و ایجاد انگیزه در آنها برای تدوین طرح درس می تواند در ارتقاء سطح کیفی آموزش علوم پزشکی موثر باشد.

واژه های کلیدی: نگرش، هیات علمی، طرح درس

## بررسی وضعیت عناصر برنامه‌ی درسی دوره‌ی پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی ارتش با رویکرد یادگیری مادام‌العمر

مژگان محمدی مهر<sup>1\*</sup>، علیرضا خوشدل<sup>2</sup>

\*استادیار دانشگاه علوم پزشکی ارتش - مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی

Email: [mojganmehr20@yahoo.com](mailto:mojganmehr20@yahoo.com)

<sup>2</sup>دانشیار دانشگاه علوم پزشکی ارتش

**مقدمه:** دانشکده‌های پزشکی علاوه بر تعلیم دانش و مهارت‌های مورد نیاز، باید در تربیت و پرورش پزشکان در جهت کسب و توسعه‌ی مهارت‌های ویژه‌ای که آنان را به یادگیرندگان مادام‌العمری تبدیل کند، اهتمام ورزند. برنامه‌ی درسی از مهمترین ابزار پرورش مهارت و توانمندی در یادگیرندگان است. هدف از انجام این پژوهش بررسی وضعیت موجود برنامه درسی دوره پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی ارتش مبتنی بر رویکرد یادگیری مادام‌العمر بود.

**روش‌ها:** مطالعه به شیوه توصیفی توصیفی تحلیلی انجام گرفت. از پرسشنامه محقق ساخته، به منظور شناسایی وضعیت موجود یادگیری مادام‌العمر در برنامه‌ی درسی دوره‌ی پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی ارتش استفاده شد. تجزیه و تحلیل‌های داده‌ها با کمک نرم افزار SPSS 16 و آمار توصیفی و استنباطی (آزمون t مستقل و پی‌رسون) انجام گرفت.

**نتایج:** باتوجه به نتایج مطالعه، وضعیت کلی برنامه‌ی درسی فعلی دوره‌ی پزشکی عمومی ارتش با رویکرد یادگیری مادام‌العمر از وضعیت نسبتاً نامطلوبی برخوردار است. وضعیت عناصر هدف، روش تدریس، ارزشیابی تحصیلی نسبتاً مطلوب و عناصر محتوا، نقش اساتید، وضعیت محیط آموزشی و امکانات مورد نیاز، وضعیت نسبتاً نامطلوبی دارد. بین وضعیت برنامه‌ی درسی با رویکرد یادگیری مادام‌العمر و متغیرهای وضعیت سکونت و وضعیت تأهل تفاوت معنی داری وجود نداشت. همچنین بین وضعیت برنامه‌ی درسی با رویکرد یادگیری مادام‌العمر و متغیر معدل رابطه معنی داری نبود اما با متغیر سن رابطه معنی داری وجود داشت.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به اهمیت یادگیری مادام‌العمر در حوزه‌ی پزشکی، پیشنهاد می‌شود جهت رفع نقایص موجود در برنامه‌ی درسی موجود و برنامه‌ریزی مؤثرتر تدابیر لازم اندیشیده شود.

**واژه‌های کلیدی:** یادگیری مادام‌العمر، برنامه درسی، آموزش پزشکی عمومی



### طراحی و برگزاری اولین دوره کوتاه مدت آموزش پزشکی (ویژه دانشجویان)

صدیقه مختار پور\*، حامد حسنی، مجتبی بهرامی، مرضیه برزگر، رحمت الله عرب زاده

[smokhtarpour86@yahoo.com](mailto:smokhtarpour86@yahoo.com)

Shiraz University of Medical Science, Shiraz, Iran

**مقدمه:** سیر پزشکی به سوی تبدیل شدن به کسب و کار، انحراف آشکار آن از تعهدی است که به طور سنتی در قبال مراقبت و شفای مردم داشت. پیشرفت در تکنولوژیهای زیست پزشکی گاه به معنی کاهش جنبه‌های انسان دوستانه در پزشکی تلقی شده است. از این رو رسالت آموزش پزشکی بر این قرار گرفته که آموزشهای لازم را به دانشجویان علاقمند بدهد و برگزاری کارگاههای آموزشی کوتاه مدت از جمله این موارد می باشد. علاوه بر این هدف از ارائه این کارگاهها توانمند کردن دانشجویان از طریق به کارگیری اصول یادگرفته شده و آمادگی استفاده از آنها می باشد که یادگیری از طریق همتایان و یادگیری از طریق بارش افکار را در این کارگاهها امکان پذیر ساخت.

**روش‌ها:** در ابتدا جلساتی مکرر بین دانشجویان و اعضای هیئت علمی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی برگزار شد و موضوعات زیر به عنوان موضوعاتی که جای خالی آنها در کریکولوم آموزشی احساس می شد، انتخاب شد: پزشکی قانونی، احیاء قلبی و ریوی، طب سنتی، تفکر انتقادی، منطق اختراعات، خلاقیت، طبابت مبتنی بر شواهد، مدیریت بحران، مدیریت دانش علوم پزشکی، کرسی آزاد و ریاضیات در پزشکی. در نهایت نقطه نظرات دانشجویان و میزان اطلاعات آنان قبل از اجرای کارگاه در مورد مباحث ارائه شده و مقایسه با نتایج در انتهای کارگاه (pre test, post test) مورد ارزیابی قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج نشان داد این دوره آموزشی به طور کلی باعث ارتقا آموخته های دانشجویان شده است. موضوعاتی که بیشترین تفاوت را در pre test و post test داشتند مربوط به CPR، پزشکی قانونی، مدیریت بحران و منطق اختراعات بود. EBM، خلاقیت و طب سنتی به نسبت تفاوت کمتری را بین pre test و post test نشان دادند. موضوعات تفکر انتقادی، Medical Knowledge Management و ریاضیات در پزشکی نیز به طور متوسط بالای ۵۰ درصد تفاوت را بین pre test و post test نشان دادند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج این پژوهش می توان گفت ایجاد فضای مناسب جهت آموزش مباحث مورد نیاز دانشجویان، استفاده علمی از مدرسینی که دانش آنها می تواند در توانمند کردن دانشجویان موثر باشد، یادگیری از طریق همتایان و یادگیری از طریق بارش افکار با برگزاری کارگاه های کوتاه مدت، مفید خواهد بود.

**واژه‌های کلیدی:** دوره کوتاه مدت، آموزش پزشکی، دانشجو

### بازنگری جامع و یکپارچه برنامه های آموزشی دانشجویان پزشکی در دوره های کارآموزی و کارورزی در بیمارستان شریعتی

آناهیتا صادقی\*، طاهره فائزی، احمدرضا سروش، ژامک خورگامی، عظیم میرزازاده

\*استادیار گروه بیماری های داخلی بیمارستان شریعتی

a-sadeghi@tums.ac.ir

**مقدمه:** مشکلات آموزشی دوره های کارآموزی و کارورزی شامل نبود برنامه آموزشی مکتوب در تعدادی از بخش ها، ارائه بیش از حد مطالب تئوری غیر ضروری و هم پوشانی برنامه های آموزشی در بخش های مختلف می باشد. لذا بر آن شدیم تا با بازنگری اهداف و برنامه آموزشی بخشها و تهیه برنامه آموزشی جامع برای کارآموزان و کارورزان، آموزش های ضروری به آنان داده شود. این برنامه های مکتوب، پایه ارزشیابی های درونی و ارتقای کیفیت مستمر می باشند.

**روش ها:** ابتدا درآبان ۱۳۹۰ برنامه های آموزشی موجود در بخش های مختلف، برنامه آموزشی ارائه شده توسط دانشگاه علوم پزشکی تهران و نیز برنامه آموزشی مصوب وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی بررسی شد. بر اساس اطلاعات جمع آوری شده، یک قالب اولیه برنامه آموزشی تهیه و به روش دلفی مورد بررسی و توافق قرار گرفت. سپس قالب برنامه به مدیران برنامه کارآموزی و کارورزی بخش ها ارائه شد. یک نفر عضو هیأت علمی کارشناس در امور آموزشی به عنوان مسئول پروژه و تسهیل گر با مدیران برنامه های آموزشی بخش ها برنامه اولیه را مکتوب نمودند. انطباق برنامه ها با برنامه بازنگری شده دانشگاه و برنامه های ضروری وزارت متبوع مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت خرداد ۱۳۹۱ برنامه آموزشی جامع برای آموزش کارآموزان و کارورزان پزشکی به صورت مکتوب و با امضای رییس بخش و مدیر برنامه نهایی شد و از سال تحصیلی جاری به اجرا درآمد. اهداف تدوین شده در این برنامه ها، مبنای پروژه ارزشیابی درونی بیمارستان قرار گرفت. نظرسنجی از ۶ نفر از مدیران برنامه ها در خصوص اثربخشی این بازنگری از طریق مصاحبه ساختارمند انجام شد.

**نتایج:** برنامه دوره کارآموزی و کارورزی دربخش ها مختلف مرکز تهیه شده و با تایید ریاست بخش و مسوؤل برنامه کارآموزی و کارورزی بخش، در وب سایت بیمارستان بارگزاری شد. در طی مصاحبه ساختارمند با ۶ نفر از مدیران برنامه های آموزشی ۶ نفر ۱۰۰٪ معتقدند وجود چارچوب مشخص و اختصاص تسهیل گر در بازنگری برنامه «بسیار مؤثر» است. همچنین ۵ نفر از آنان ۸۳/۳۳٪ ابراز داشتند که وجود این برنامه در برنامه ریزی دوره ای دانشجویان «بسیار کمک کننده» یا «کمک کننده» بود. **نتیجه گیری:** بازنگری دوره ای و جامع برنامه های آموزش بالینی دانشجویان با تهیه چارچوب مشخص و اختصاص یک نفر هیات علمی خبره در امر آموزش قابل انجام است. وجود برنامه جامع در مقاطع مختلف در تمامی بخش ها علاوه بر آگاهی فراگیران از برنامه آموزشی، پایه ای برای بازنگری های بعدی، ارزشیابی های درونی و ارتقای کیفیت مستمر می باشند.

**واژه های کلیدی:** بازنگری، برنامه های آموزشی، کارآموزی، کارورزی

### طراحی آموزشی با استفاده از الگوی ADDIE برای تدوین بسته آموزشی بامداد

(بسته آموزش مستمر دانشجویان استعداد درخشان)

هاجر شفیعیان<sup>\*</sup>، بنت الهدی ودیعی، دکتر سکینه سبزواری، دکتر رضا دهنویه، دکتر سمیه نوری حکمت

\*hajarshafian@gmail.com

**مقدمه:** بهره مندی هوشمندانه از فناوریهای نو فرصت مناسبی فراهم آورده است تا بتوان از تلفیق شیوه های سنتی آموزش و یادگیری و فناوری نو راه موثری باز کرد. با توجه به رشد روز افزون علم و دانش در جهان و نیاز افراد برای یادگیری بیشتر و بهتر، نیاز به ارتقاء سطح دانش در کارگاهها، امری مهم و حساس می باشد. طراحی آموزشی، پیش بینی و تنظیم رویدادهای آموزشی بر اساس اهداف، محتوا و امکانات موجود با توجه به ویژگیها و ساخت شناختی فراگیران است، خواه مربوط به یک دوره کامل یا به یک جلسه ی آموزشی باشد، از اهمیت خاصی برخوردار است. نقش کلیدی استعدادهای درخشان در حل مشکلات پیش روی سازمانهای امروزی می طلبد که بیشترین تلاش در جهت شناسائی، حمایت و بهره گیری از استعداد این افراد بخصوص در محیط های نظیر دانشگاه صورت پذیرد. از این رو بر آن شدیم جهت تقویت مهارتهای دانشجویان در حیطه های مختلف یک بسته آموزشی که شامل نیازهای دانشجویان در دوران تحصیل یا دستیابی به مدارج بالاتر باشد، تدوین نماییم و با روش منتورشیپی اجرایی نماییم.

**روشها:** ابتدا جهت بررسی اولیه با مسئول دفتر استعدادهای درخشان، مسئول واحد آموزش اساتید و کارشناس دفتر مصاحبه صورت گرفت، نتایج استخراج شده از این مصاحبه ها بیانگر این موضوع بود که بایستی بیشتر به موضوعاتی پرداخته شود که دارای ویژگی های از قبیل: نوآوری، روزآمد بودن، تکراری نبودن، شامل حیطه هایی باشد که خود دانشجویان علاقمند باشند. پس از جمع آوری این اطلاعات در فاز بعدی به جستجوی اطلاعات در سایر دفاتر استعدادهای درخشان در کشور، کارگاههای برگزار شده توسط کمیته مشورتی، کمیته تحقیقات دانشجویی و سایر مراکزی که برای دانشجویان در سطح دانشگاهها کارگاه برگزار می نمایند در محیط وب پرداخته شد، در نهایت لیستی از کلیه این کارگاهها تهیه گردید که شامل تعداد زیادی از کارگاههای آموزشی می بود، در نهایت ۱۴ عنوان کارگاه آموزشی انتخاب گردید. در فاز بعدی پرسشنامه ای جهت نظر سنجی از دانشجویان تهیه گردید که شامل ۱۴ عنوان کارگاه که هر کدام از یک تا ده امتیاز بندی شدند و دانشجویان می بایستی بر اساس نیاز و اولویت کارگاه به هر عنوان یک امتیاز اختصاص دهند و یک سوال باز که از آنها خواسته می شد که علاوه بر لیست فوق کارگاهی که مد نظر دارند را ذکر نمایند. پس از ارسال پرسشنامه توسط ایمیل به ۱۸۰ نفر دانشجوی عضو دفتر استعداد های درخشان ارسال گردید و از آنها خواسته شد در مدت یک هفته پرسشنامه را تکمیل نمایند. سپس پاسخ های دریافتی وارد نرم افزار excel گردید و تجزیه و تحلیل آماری صورت پذیرفت. نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل برای دانشجویان ارسال گردید و طی یک پست الکترونیک از آنها خواسته شد نظرات خود را جهت تایید کارگاهها اعلام نمایند. پس از مرحله نیاز سنجی برای هریک از کارگاههای آموزشی محتوا شامل تدوین اهداف کلی و اختصاصی کارگاه، روش اجرا، محتوای آموزشی و فرم ارزشیابی تدوین گردید. سپس از دانشجویان خواسته شد، که در صورت داشتن مهارت لازم برای برگزاری هریک از کارگاهها با ارسال مدارک لازم به دفتر استعدادهای درخشان اعلام نمایند تا انجام پس از بررسی های لازم از ایشان جهت تدریس دعوت به عمل آید.

**نتایج:** با توجه به علاقه و احساس نیاز دانشجویان مهارت های آنان در حیطه های مختلف از جمله روش های مطالعه و یادگیری، یادداشت برداری، تفکر خلاق، مهارتهای ارتباطی، روش تحقیق و سایر موارد افزایش پیدا خواهد کرد. علاوه بر این مشارکت دانشجویان در امر آموزش و یادگیری، تقویت شده و تعاملات اجتماعی دانشجویان بهبود خواهد یافت. استفاده از این مجموعه به عنوان یک ابزار آموزشی یادگیری از طریق همتایان (peer Learning) و قابل استفاده برای دانشجویان استعدادهای درخشان، به دلیل شیوه خاص پیاده سازی آن و جامعیت موضوعی آن به عنوان یک ابزار منحصر بفرد در زمینه آموزش مهارتهایی که در بالا نام برده شد، می تواند سبب انگیزش دانشجویان به یادگیری هر چه بیشتر این مباحث منجر شود.

طراحی و تدوین اولین کتابچه راهنمای اهداف آموزشی ( Educational, guide )  
دانشجویان کارشناسی اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی گلستان

قربان محمد کوچکی، لیلا پاداش، امید بهروش

Ghorban- @ yahoo. com , adel- Padash@ yahoo. Com, omid- behravesht@ yahoo. Com  
Mohammad KouehQki

**مقدمه:** ارزشیابی یکی از اصول مهم در امر آموزش است ارزیابی عینی مبتنی برهدف از ملزومات برنامه آموزشی بوده عامل ارتقاء آموزشی می باشد. در چرخه برنامه آموزش شیوه ارزیابی پیش بینی و در گام اجرای آن عملی، و سپس اثر بخشی آن مورد ارزیابی قرار گیرد در این میان برخی از شیوه های آموزشی و ارزیابی در رسیدن به اهداف آموزشی عملکردی از ارزش و اهمیت خاصی برخوردارند، کتابچه راهنمای آموزشی از این موارد است با توجه به جستجوی منابع و عدم وجود ابزار مناسب، اعضای گروه آموزشی اتاق عمل به طراحی اولین کتابچه راهنمای آموزشی برای دانشجویان کارشناسی اتاق عمل اقدام نموده اند.

**روش ها:** در یک مطالعه مقطعی طراحی کتابچه در چند گام برنامه ریزی، اجراء، ارزیابی گردید.

۱- مرور شرح وظایف سرفصل ( مصوبه شورای عالی ) ۲- تعیین اهداف آموزشی ( کلی، اختصاصی) با تشکیل تیمی از مربیان، کارشناسان، خود دانشجویان ۳- تدوین عملکرد مورد انتظار ۴- تعیین شیوه ارزشیابی اهداف آموزشی ۵- اصلاح نهایی بعد از انجام یک تحقیقات بررسی دیدگاه دانشجویان در خصوص کتابچه راهنما

**نتایج:** محصول مطالعه کتابچه راهنمای طراحی شده در ۳۳ صفحه حاوی تکمیل فرم مشخصات دانشجو، قوانین بیمارستان و کارآموزی، اهداف کارآموزی تکنیک اتاق عمل- شرح وظایف، چک لیست ارزشیابی کارآموزی تکنیک اتاق عمل- لیست حضور و غیاب دانشجویان تعداد عملهایی که بصورت سیرکولار بوده و تعداد عملهایی که اسکراب بوده است.

**نتیجه گیری:** کتابچه راهنمای آموزش طراحی شده در ارتقای آموزش اولین دوره دانشجویان کارشناسی اتاق عمل جهت دستیابی به اهداف آموزشی، و انجام ارزیابی عینی موثر بوده است.

**واژه های کلیدی:** راهنمای آموزشی مبتنی بر هدف، کارشناسی اتاق عمل

### نیازسنجی نیازهای آموزشی دانشجویان عرصه پرستاری و مامایی

سونای آلت جعفری\*، حدیثه سادین، دکتر اکرم ثناگو، دکتر لیلا جویباری، علیرضا شریعتی  
\*کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گلستان، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی  
دانشگاه، s\_jafarbay@yahoo.com\*

**مقدمه:** در آموزش پرستاری و مامایی محیط بالینی جایی است که دانشجویان می توانند از دانش های جدید و مهارت هایی که فراگرفته اند، استفاده کنند و ارزش های حرفه ای که برای کار در محیط بالین نیاز دارند کسب کنند و به تفکر انتقادی و قضاوت کلینیکی دست یابند. یافته های تحقیقات نشان می دهد پرستاران و ماماها در بالین با مواردی مواجهه می شوند که در طول تحصیلی آنها را فرا نگرفته اند. هدف از این مطالعه نیازسنجی نیازهای آموزشی بر اساس تجربیات دانشجویان کارورز در عرصه پرستاری و مامایی می باشد.

**روش ها:** در این مطالعه با رویکرد کیفی در سال ۱۳۹۱ تجربیات کارآموزان در عرصه پرستاری و مامایی در خصوص نیازهای آموزشی شان بررسی شد. ابزار جمع آوری داده ها مصاحبه های نیمه ساختار، متعامل و عمیق بوده است. بر اساس نمونه گیری مبتنی بر هدف و اصل اشباع با ۲۰ دانشجوی پرستاری و مامایی ترم هفت و هشت که تجربه کارآموزی در عرصه را داشتند مصاحبه به عمل آمد. مصاحبه ها ضبط، دست نویس و داده ها مطابق روش "تحلیل محتوای کیفی مرسوم" آنالیز شدند.

**نتایج:** "اصلا مواجهه نشدن" و "اطلاعات ناقص داشتن" از مضامین اصلی مطالعه بوده است. دانشجویان در تجربیات کارورزی عرصه خود با مواردی مواجهه شده بودند که هیچ دانش نظری و تجربه عملی در آن باره نداشتند. دانشجویان مامایی در مورد آمینوتومی و بخیه زدن به تمرین بیشتر در دوره کارآموزی نیاز داشتند. دانشجویان پرستاری کار با دستگاه های CCU، ICU، مراقبت پرستاری داروها، دوز، نحوه تزریق، چگونگی ترکیب داروها با سرم ها، نحوه مراقبت از بیمار در زمان اورژانس، را از مواردی می دانستند که کمتر با آن مواجهه داشتند. نحوه چگونگی ارتباط با پرسنل و بیمار یکی از چالش های اصلی یادگیری برای تمامی دانشجویان بوده است. مشارکت کنندگان معتقد بودند برای کار در بالین از اعتماد به نفس کافی برخوردار نمی باشند. کم بودن حجم برخی از واحدهای درسی از قبیل دارو شناسی نیز مورد تاکید بوده است.

**نتیجه گیری:** دانشجویان برای ورود به کارورزی در عرصه نیاز دارند تا به حداقل مهارت های ضروری برسند. دانستن مهارت ارتباطی صحیح و حرفه ای با بیمار و پرسنل، کارآموزی در عرصه را برای آنها هموارتر خواهد نمود. داشتن اعتماد به نفس برای ارتباط با بیمار و ارائه مراقبت بالین از ضروریات است. تقویت مهارت کار در موقعیت های اورژانس نیز از موارد مهم برای کارآموزان در عرصه محسوب می شود.

**واژه های کلیدی:** نیازسنجی، دانشجوی، کارآموزی در عرصه، پرستاری، مامایی

### تدوین و طراحی برنامه درسی جدید زیست پزشکی علوم پایه پزشکی عمومی در دانشکده پزشکی اصفهان

مریم آویزگان<sup>\*</sup>، دکتر وحید عشوریون، دکتر حسین صادقی، دکتر دینا طاهری، دکتر علی اصیلیان، دکتر حسن رزمجو، پروانه نصری، دکتر آتوسا اسماعیلی، مرضیه حسینی، مصطفی دهقانی، مهشید مظاهری  
Email: avizhgan@yahoo.com

**مقدمه:** نتایج ارزشیابی برنامه درسی علوم پایه، حاکی از حجم زیاد، فراموشی سریع و پایین بودن کاربرد محتوای آموخته شده، کاهش انگیزه دانشجویان به علت عدم توجه به نیازها و علاقه‌های ایشان و عدم ارتباط با بالین می باشد. در راستای تفویض اختیار معاونت آموزشی مبنی بر بازنگری و اصلاح برنامه آموزشی دوره پزشکی عمومی در این دانشکده، اصلاحات برنامه درسی علوم پایه پزشکی عمومی در دستور کار قرار گرفت.

**روش‌ها:** به منظور مدیریت بازنگری، کمیته بازنگری دوره علوم پایه مسوول تدوین برنامه جدید اعلام گردید و برنامه درسی تلفیقی در قالب بسته های آموزشی مبتنی بر ارگان سیستم با هدف ارائه مطالب مرتبط با یکدیگر در دروس که منجر به یادگیری و یادداری بیشتر توسط فراگیر خواهد شد، پیشنهاد گردید. کمیته های بین رشته‌ای در گروه‌های علوم پایه با محوریت زیست پزشکی جهت ایجاد ارتباط بین دروس جنین، بافت شناسی، آناتومی، فیزیولوژی، تغذیه و بیوشیمی برگزار گردید. دانشکده پزشکی اصفهان با توجه به پله پنجم نردبان ادغام هاردن یعنی هماهنگی زمانی عمل نمود به طوری که گروه‌های آموزشی هم چنان مسوول برنامه تدریس خود باقی می ماندند. زمان‌بندی تدریس سرفصل‌ها در هر موضوع به صورت هماهنگ با سایر رشته‌ها انجام می شود. این زمان بندی به نحوی تنظیم می شود که سرفصل‌های مرتبط با یکدیگر در دروس مختلف، همزمان تدریس می شوند (در همان روز یا هفته). دانشجویان مفاهیم مورد نظر و مرتبط در موضوعات مختلف را جداگانه اما همزمان فرا می گیرند.

**نتایج:** ایجاد ارتباط بین دروس جنین، بافت، آناتومی، فیزیولوژی، بیوشیمی و تغذیه منجر به تدوین ۸ بسته زیست پزشکی ملکولی کاربردی، مقدمات علوم تشریح، اسکلتی عضلانی، غدد، متابولیسم و تغذیه، قلب، عروق و ریه، شکم و لگن، سر و گردن و اعصاب، خون گردید. در تدوین هر بسته آموزشی، اهداف آموزشی ضروری در هر درس با حذف موارد غیرضروری، حذف موارد تکراری، اولویت‌بندی منطقی بین بسته‌های آموزشی، تعیین تقدم و تاخر منطقی بین سرفصل‌های هر بسته مورد توجه قرار گرفت.

**نتیجه‌گیری:** در حالیکه زمان موجود برای آموزش ثابت می باشد محتوای آموزشی به شدت افزایش یافته و برای غلبه بر این مشکل و برقراری تناسب بین ظرف (فرصت موجود) و مظروف (محتوای آموزشی) چاره ای جز تلفیق وجود ندارد. مقاومت زیاد در برابر تغییر (اجرای وفادارانه برنامه سنتی)، مشکلات دوره انتقال (وجود دو دوره سنتی و جدید در دوره اول)، تعداد زیاد دانشجو، کمبود فضا و امکانات، کمبود نیروی هیات علمی، رفرنس‌های نامناسب، فقدان نگرش بالینی در هیات علمی علوم پایه از چالش‌های این برنامه می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** ادغام، زیست پزشکی، برنامه درسی، آموزش پزشکی، علوم پایه

### تدوین و طراحی برنامه درسی جدید پاتوبیولوژی علوم پایه پزشکی عمومی برای اولین بار در ایران

مریم آویژگان\*، دکتر وحید عشوریون، دکتر حسین صادقی، دکتر علی اصیلیان، دکتر دیانا طاهری، دکتر حسن رزمجو، پروانه نصری، دکتر آنوسا اسماعیلی، مرضیه حسینی، مصطفی دهقانی، مهشید مظاهری

Email: avizhgan@yahoo.com

\*دانشکده پزشکی اصفهان - دفتر توسعه آموزش دانشکده پزشکی (EDO)

**مقدمه:** تجربیات به دست آمده در آموزش پزشکی کشور بیانگر این نکته است که بالندگی علمی و پژوهشی منوط به بازنگری در برنامه‌های درسی و روزآمد کردن آنهاست. این امر سبب شده است تا در سطح نظام‌های آموزش پزشکی جهان و نیز ایران، فشار فزاینده‌ای برای تغییر برنامه‌های درسی و رفع موانع و محدودیت‌های آن وجود داشته باشد. ادغام دروس پایه به صورت افقی، یکی از راه‌حل‌های ارائه شده جهت حل این مشکل است، در همین راستا هدف این پژوهش، تدوین و طراحی برنامه درسی جدید پاتوبیولوژی دوره علوم پایه پزشکی عمومی در دانشکده پزشکی اصفهان است.

**روش‌ها:** به منظور مدیریت بازنگری، کمیته بازنگری دوره علوم پایه مسوول تدوین برنامه جدید اعلام گردید و برنامه درسی تلفیقی در قالب بسته‌های آموزشی مبتنی بر ارگان سیستم با هدف ارائه مطالب مرتبط با یکدیگر در دروس که منجر به یادگیری و یادداری بیشتر توسط فراگیر خواهد شد، پیشنهاد گردید. کمیته‌های بین رشته‌ای در گروه‌های علوم پایه با محوریت پاتوبیولوژی جهت ایجاد ارتباط بین دروس پاتولوژی، ایمنی‌شناسی، میکروبی‌شناسی، فارچ و انگل‌شناسی و ژنتیک برگزار گردید. دانشکده پزشکی اصفهان با توجه به پله پنجم نردبان ادغام هاردن یعنی هماهنگی زمانی عمل نمود بطوریکه گروه‌های آموزشی هم‌چنان مسوول برنامه تدریس خود باقی می‌مانند. زمان‌بندی تدریس سرفصل‌ها در هر موضوع به صورت هماهنگ با سایر رشته‌ها انجام می‌شود. این زمان‌بندی به نحوی تنظیم می‌شود که سرفصل‌های مرتبط با یکدیگر در دروس مختلف، هم‌زمان تدریس می‌شوند (در همان روز یا هفته). دانشجویان مفاهیم مورد نظر و مرتبط در موضوعات مختلف را جداگانه اما هم‌زمان فرا می‌گیرند.

**نتایج:** ایجاد ارتباط بین دروس پاتولوژی، ایمنی‌شناسی، میکروبی‌شناسی، فارچ و انگل‌شناسی و ژنتیک منجر به تدوین ۴ بسته آموزشی گردید. در تدوین هر بسته آموزشی، اهداف آموزشی ضروری در هر درس با حذف موارد غیرضروری، حذف موارد تکراری، اولویت‌بندی منطقی بین بسته‌های آموزشی، تعیین تقدم و تاخر منطقی بین سرفصل‌های هر بسته مورد توجه قرار گرفت.

**نتیجه‌گیری:** ادغام یا تلفیق، یک استراتژی مهم و یک مفهوم پیچیده در آموزش پزشکی است و ارتباط بین مدرسان و وجود برنامه‌هایی مشترک از موضوع‌های مختلف از مهم‌ترین نکات مربوط به آن است. اگر چه مدرسان در اغلب موارد ممکن است با ادغام موافق باشند، احتمال این که در مرحله‌ای از ادغام دچار اختلاف نظر شوند وجود دارد. پس مناسب‌ترین گام روی نردبان ادغام برای یک دانشکده پزشکی به فاکتورهایی مانند: برنامه موجود، تجربه و نگرش اساتید، شرایط و امکانات دانشکده پزشکی مربوطه و اهداف کلی برنامه بستگی دارد.

**واژه‌های کلیدی:** ادغام، پاتوبیولوژی، برنامه درسی، آموزش پزشکی، علوم پایه

## ارزیابی دانش و نگرش دانشجویان و دانش آموختگان حرف پزشکی در مورد طب رفتاری:

### مطالعه مقدماتی طراحی برنامه آموزشی

دکتر عبدالله امیدی<sup>۱</sup>، دکتر ابوالفضل محمدی\*<sup>۱</sup>، دکتر فاطمه زرگر<sup>۱</sup>، سید غلامعباس موسوی<sup>۲</sup>

\*گروه روانشناسی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

amohammadee@gmail.com

<sup>۲</sup>گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

**مقدمه:** طب رفتاری حیطه‌ای بین رشته‌ای است که شامل پژوهش و فعالیت‌های بالینی در خصوص تعامل بین محیط اجتماعی و فیزیکی، شناخت، رفتار و بیولوژی بیماری‌ها و سلامت می‌شود. هدف از این مطالعه تعیین میزان دانش و نگرش دانشجویان و دانش آموختگان علوم پزشکی در خصوص طب رفتاری است.

**روش‌ها:** در یک مطالعه توصیفی- مقطعی، دانش و نگرش ۲۳۲ نفر از پزشکان عمومی، دستیارها، دانشجویان پزشکی و متخصصان بررسی شد. ابزار پژوهش پرسشنامه‌ی محقق ساخته با ۲۵ سوال بود که میزان دانش و نگرش افراد را در مورد طب رفتاری می‌سنجید.

**نتایج:** تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان دادند که بطور کلی شرکت کنندگان در پژوهش از دانش کمی درباره طب رفتاری برخوردار بودند. تفاوت معناداری بین دانش و علاقمندی به آموختن طب رفتاری وجود داشت.

**نتیجه‌گیری:** تعداد بسیار زیادی از گروه‌های هدف هیچ‌گونه آموزشی در خصوص طب رفتاری ندیده‌اند و تمایل به فراگیری این دوره آموزشی را اظهار داشته‌اند. آرایه دوره طب رفتاری در آموزش پزشکی عمومی پیشنهاد می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** دانش، نگرش، طب رفتاری، حرف پزشکی



## ارزیابی دانش و نگرش دانشجویان و دانش آموختگان حرف پزشکی در مورد طب رفتاری:

### مطالعه مقدماتی طراحی برنامه آموزشی

دکتر عبدالله امیدی<sup>۱</sup>، دکتر ابوالفضل محمدی\*<sup>۱</sup>، دکتر فاطمه زرگر<sup>۱</sup>، سید غلامعباس موسوی<sup>۲</sup>

\*گروه روانشناسی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

amohammadee@gmail.com

<sup>۲</sup>گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

**مقدمه:** طب رفتاری حیطه‌ای بین رشته‌ای است که شامل پژوهش و فعالیت‌های بالینی در خصوص تعامل بین محیط اجتماعی و فیزیکی، شناخت، رفتار و بیولوژی بیماری‌ها و سلامت می‌شود. هدف از این مطالعه تعیین میزان دانش و نگرش دانشجویان و دانش آموختگان علوم پزشکی در خصوص طب رفتاری است.

**روش‌ها:** در یک مطالعه توصیفی- مقطعی، دانش و نگرش ۲۳۲ نفر از پزشکان عمومی، دستیارها، دانشجویان پزشکی و متخصصان بررسی شد. ابزار پژوهش پرسشنامه‌ی محقق ساخته با ۲۵ سوال بود که میزان دانش و نگرش افراد را در مورد طب رفتاری می‌سنجید.

**نتایج:** تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان دادند که بطور کلی شرکت کنندگان در پژوهش از دانش کمی درباره طب رفتاری برخوردار بودند. تفاوت معناداری بین دانش و علاقمندی به آموختن طب رفتاری وجود داشت.

**نتیجه‌گیری:** تعداد بسیار زیادی از گروه‌های هدف هیچ‌گونه آموزشی در خصوص طب رفتاری ندیده‌اند و تمایل به فراگیری این دوره آموزشی را اظهار داشته‌اند. آرایه دوره طب رفتاری در آموزش پزشکی عمومی پیشنهاد می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** دانش، نگرش، طب رفتاری، حرف پزشکی

## برنامه ریزی درسی ادغام یافته ماریپیچی به عنوان یک رویکرد در مواجهه زودرس

### دانشجویان پزشکی بر بالین بیمار

لیلا واحدی<sup>۱</sup>، حکیمه حضرتی<sup>۲\*</sup>، ناصر قربانیان<sup>۳</sup>، امیر واحدی<sup>۴</sup>، محمد حسین بیگلوی<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> دکترای حرفه ای مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

<sup>۲\*</sup> دانشجوی آموزش پزشکی مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

[hakimeh.hazrati@gmail.com](mailto:hakimeh.hazrati@gmail.com)

<sup>۳</sup> هیأت علمی مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

<sup>۴</sup> هیأت علمی مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

<sup>۵</sup> هیأت علمی مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

**مقدمه:** برنامه ریزی درسی حاکم بردانشگاه علوم پزشکی شامل ۴ دوره علوم پایه، فیزیوپات، اکسترنی و انترنی می باشد. که در علوم پایه، مبانی آموخته می شود و در دوره فیزیوپات؛ مکانیزم و عوامل موثر، تظاهرات و تشخیص بیماریها به طریق تحلیل گرانه آموخته می شود و در مرحله اکسترنی و انترنی آموخته ها به محیط بالینی بیماربرده می شود که در این مدل آموزشی مواجهه دانشجویان بر بالین بیمار دیرهنگام انجام می شود و چون دانشجویان با کاربرد علوم پایه در بالین بیمار آشنایی چندانی ندارند و بعد از قبولی در امتحانات مطالب علوم پایه را فراموش می نمایند. از طرفی بنا به نظریه های آموزش، یادگیری بیشتر در بافت جامعه و نزدیک به محیط واقعی رخ می دهد و استرس دانشجویان را نسبت به مدیریت بیماران کاهش می دهد و یادگیری در محیط نزدیک به محیط آینده باعث یادگیری ماندگار آنها می شود. بنابراین با تغییر برنامه ریزی موجود به برنامه ریزی ادغام یافته ماریپیچی، دانشجویان از همان ابتدا خود را به عنوان یک پزشک شناخته و با محیط واقعی شغل آینده خود نزدیک می شوند و از سوی دیگر آموزش علوم پایه با کاربرد آنها در مواجهات بالینی همزمان شده و علوم نظری و عملی در هم ادغام می شوند و موضوعات در طول دوره به صورت ماریپیچی از آسان به سخت پیشرفت می کند مرور کلی موضوعات در طول دوره اتفاق می افتد و ارتباطی بین حلقه های یادگیری وجود دارد که از انباشته شدن و همپوشانی مطالب در طی دوره های مختلف جلوگیری می کند و فرصتی را برای یادگیری دروس انتخابی دانشجویان فراهم می کند.

**روش ها:** تطبیقی، مرور کتابخانه ای

**نتیجه گیری:** کوریکولوم پزشکی عمومی باعث تحمیل فشار و صرف نیروی زیاد برای یادگیری مطالب برای دانشجویان شده است که بدنبال آن فراموشی مطالب و استرس مدیریت بیماران را بدنبال داشته است بنابراین با تغییر کوریکولوم آموزشی به فرم ادغام یافته ماریپیچی حجم مطالب را کاهش داده و از همپوشانی آن در دوره های مختلف جلوگیری کرد و برنامه آموزشی را منطبق بر نیاز آینده ی شغلی دانشجویان تعریف نمود تا به دستاوردهای یادگیری منطبق بر انتظاراتی که از یک پزشک آینده داریم رسید.

برنامه ریزی درسی ادغام یافته ماریپیچی به عنوان یک رویکرد در مواجهه زودرس

دانشجویان پزشکی بر بالین بیمار

لیلا واحدی<sup>۱</sup>، حکیمه حضرتی<sup>۲\*</sup>، ناصر قربانیان<sup>۳</sup>، امیر واحدی<sup>۴</sup>، محمد حسین بیگلوی<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> دکترای حرفه ای مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

<sup>۲\*</sup> دانشجوی آموزش پزشکی مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

[hakimeh.hazrati@gmail.com](mailto:hakimeh.hazrati@gmail.com)

<sup>۳</sup> هیأت علمی مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

<sup>۴</sup> هیأت علمی مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

<sup>۵</sup> هیأت علمی مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی

**مقدمه:** برنامه ریزی درسی حاکم بردانشگاه علوم پزشکی شامل ۴ دوره علوم پایه، فیزیوپات، اکسترنی و انترنی می باشد. که در علوم پایه، مبانی آموخته می شود و در دوره فیزیوپات؛ مکانیزم و عوامل موثر، تظاهرات و تشخیص بیماریها به طریق تحلیل گرانه آموخته می شود و در مرحله اکسترنی و انترنی آموخته ها به محیط بالینی بیماربرده می شود که در این مدل آموزشی مواجهه دانشجویان بر بالین بیمار دیر هنگام انجام می شود و چون دانشجویان با کاربرد علوم پایه در بالین بیمار آشنایی چندانی ندارند و بعد از قبولی در امتحانات مطالب علوم پایه را فراموش می نمایند. از طرفی بنا به نظریه های آموزش، یادگیری بیشتر در بافت جامعه و نزدیک به محیط واقعی رخ می دهد و استرس دانشجویان را نسبت به مدیریت بیماران کاهش می دهد و یادگیری در محیط نزدیک به محیط آینده باعث یادگیری ماندگار آنها می شود. بنابراین با تغییر برنامه ریزی موجود به برنامه ریزی ادغام یافته ماریپیچی، دانشجویان از همان ابتدا خود را به عنوان یک پزشک شناخته و با محیط واقعی شغل آینده خود نزدیک می شوند و از سوی دیگر آموزش علوم پایه با کاربرد آنها در مواجهات بالینی همزمان شده و علوم نظری و عملی در هم ادغام می شوند و موضوعات در طول دوره به صورت ماریپیچی از آسان به سخت پیشرفت می کند مرور کلی موضوعات در طول دوره اتفاق می افتد و ارتباطی بین حلقه های یادگیری وجود دارد که از انباشته شدن و همپوشانی مطالب در طی دوره های مختلف جلوگیری می کند و فرصتی را برای یادگیری دروس انتخابی دانشجویان فراهم می کند.

**روش ها:** تطبیقی، مرور کتابخانه ای

**نتیجه گیری:** کوریکولوم پزشکی عمومی باعث تحمیل فشار و صرف نیروی زیاد برای یادگیری مطالب برای دانشجویان شده است که بدنال آن فراموشی مطالب و استرس مدیریت بیماران را بدنبال داشته است بنابراین با تغییر کوریکولوم آموزشی به فرم ادغام یافته ماریپیچی حجم مطالب را کاهش داده و از همپوشانی آن در دوره های مختلف جلوگیری کرد و برنامه آموزشی را منطبق بر نیاز آینده ی شغلی دانشجویان تعریف نمود تا به دستاوردهای یادگیری منطبق بر انتظاراتی که از یک پزشک آینده داریم رسید.

### مدرسه تابستانه: تجربه ای در زمینه آموزش مهارت‌های پژوهشی دانشجویان علوم پزشکی

مرتضی قوجازاده\*، فاطمه صالح نیا، محمد نقوی بهزاد، فریده نصیری، ناهید مصباحی شیشوان، صابراعظمی  
\* رئیس مرکز توسعه و هماهنگی پژوهش دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دانشیار فیزیولوژی، دانشکده پزشکی،  
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز  
[ghojazadehm@hotmail.com](mailto:ghojazadehm@hotmail.com)

**مقدمه:** آموزش و پژوهش دو فاکتور اصلی پیشرفت و توسعه می باشند. هدف از این مطالعه بررسی برگزاری اولین دوره مدرسه تابستانه در دانشگاه علوم پزشکی تبریز توسط مرکز توسعه و هماهنگی پژوهش دانشگاه علوم پزشکی تبریز (RDCC) در تابستان ۱۳۹۱ می باشد.

**روش‌ها:** اطلاعات مورد نیاز در این مطالعه توصیفی از طریق مشاهده، مصاحبه با مجربان و مسئولین، مصاحبه با دانشجویان و بررسی مستندات جمع آوری شده است.

**نتایج:** اطلاع رسانی دوره از طریق فراخوان عمومی، پوستر و درج در سایت مرکز بوده. تعداد ۳۰ دانشجو در ۶ روز (۶۶ ساعت) در این دوره آموزش دیدند. ۵ مجموعه کارگاه آموزش مهارت پژوهش به همراه تورهای دانشجویی نظیر بازدید از مراکز تحقیقاتی و علمی در این دوره برگزار گردیده است. ۸ طرح تحقیقاتی بعنوان تکلیف پایان دوره تدوین و در کمیته تحقیقات دانشجویی به تصویب رسیده و کارهای اجرایی آنها شروع شده است. این دوره با کسب میانگین  $89/33 \pm 8/64$  درصد عالی از سوی شرکت کنندگان ارزیابی گردیده است. تسلط اساتید و محتوای مناسب آموزش ها از مهمترین نقاط قوت و کمبود امکانات و فضا مهمترین نقاط ضعف دوره بیان شده است.

**نتیجه‌گیری:** اساتید و متخصصین به دلیل مشغله کاری و مشکلات زندگی وقت کافی جهت انجام تحقیق را ندارند در این شرایط می توان با پرورش دانشجویان توانمند این کمبود را برطرف نمود. لذا آموزش مهارت‌های پژوهشی امروری ضروری بنظر می رسد. برگزاری دوره های آموزشی در این راستا می تواند نقش بسیار بارزی در رشد سطح کمی و کیفی پژوهش در بین دانشجویان داشته باشد. از این رو حمایت و پیگیری از این دوره ها و دوره های مشابه میتواند نتایج درخشانی در بر داشته باشد.

**واژه‌های کلیدی:** مدرسه تابستانه، آموزش، مهارت پژوهشی، مرکز توسعه و هماهنگی پژوهش

ارتقا دانش، مهارت و عملکرد ارائه دهندگان خدمات فوریت‌های مامایی از طریق برگزاری کارگاه با مشارکت گروه هدف

ناهید قنبرزاده، معصومه عبدلی، صوفیا احراری، علی نجفی سمنانی

**مقدمه:** ارتقای دانش، مهارت و عملکرد ارائه دهندگان خدمت در رابطه با فوریت‌های مامایی یکی از برنامه‌هایی است که به منظور کاهش مرگ مادران جزو اهداف کمی شورای عالی سیاست‌گذاری وزارت بهداشت در برنامه توسعه، میباشد. راستای به انجام رساندن این هدف گذاری تصمیم گرفتیم دوره آموزشی تئوری و عملی فوریت‌های مامایی را برای خدمت‌دهندگان برگزار کنیم.

**روش‌ها:** موضوع کارگاه (مدیریت خونریزیها- اختلالات فشار خون - ترومبوآمبولی - بیماریهای قلبی - تب و عفونت‌های پس از زایمان - مراقبت‌های مرحله اول، دوم، سوم و چهارم زایمان و پس از زایمان) مواردی بود که بیشترین علل مرگ مادران در سال ۹۰ را تشکیل میداد. کارگاه با مشارکت گروه هدف برنامه ریزی و برگزار شد. پس از برگزاری کارگاه براساس پرسشنامه‌هایی که به شرکت‌کنندگان داده شد و نتایج با نرم افزار SPSS ارزیابی شد.

**نتایج:** در ابتدای برگزاری کارگاه سناریوهای مرگ مادر مورد بحث قرار گرفت. در پایان شرکت‌کنندگان با پرسشنامه بی‌نام ضمن ارزیابی کارگاه به چند سوال تئوری پاسخ دادند. کارگاه مجدداً در فاصله زمانی ۶ ماه برگزار شد و نتایج مورد ارزیابی قرار گرفت. ۱۰۰٪ شرکت‌کنندگان موافق برگزاری کارگاه بودند. اهداف کارگاه متناسب با موضع کارگاه طراحی گردیده بود (۶۰٪ موافق و ۴۰٪ به شدت موافق). محتوای کارگاه حاوی مطالب علمی مورد نیاز بود: (۵۰٪ موافق و ۵۰٪ کاملاً موافق). محتوای کارگاه در ارتباط نزدیک با فعالیت‌های شغلی اعضای تنظیم شده بود (۴۷٪ موافق و ۵۳٪ کاملاً موافق). کارگاه توانست اعضای را به بکارگیری اطلاعات ارائه شده ترغیب کند: (۵۳٪ موافق و ۴۷٪ کاملاً موافق) روش‌های مورد استفاده در کارگاه شرکت‌فعالانه اعضای را فراهم نمود (۳٪ مخالف و ۶۴٪ موافق و ۳۳٪ کاملاً موافق) در پره تست و پست تست آگاهی از ۷۰٪ به ۹۸٪ افزایش داشت.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به اهمیت مرگ مادر برگزاری این کارگاهها در تمام مراکز استانی با مشارکت گروه هدف توصیه می‌شود.

## چگونه یک برنامه درسی جامعه نگر را طراحی و اجرا کنیم؟ جایگاه برنامه درسی جامعه نگر در آموزش پرستاری

عطیه فقیهی مرقی<sup>۱\*</sup>، طیبه شکری<sup>۲</sup>، سکینه حیدری شریف آباد<sup>۳</sup>  
<sup>۱\*</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران

Email: [atiye.faghihy@gmail.com](mailto:atiye.faghihy@gmail.com)

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، مرکز مدیریت مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران  
<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، مرکز مدیریت مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ایران

**مقدمه:** تغییرات مداوم در مراقبت های بهداشتی لزوم تغییر در برنامه های آموزش پرستاری را ضروری میسازد. از آنجائیکه روشهای سنتی آموزش دانشجویان در بیمارستان دیگر پاسخگوی نیاز فارغ التحصیلان و جامعه به عنوان یک کل نمی باشند بنابراین لزوم توجه به برنامه درسی جامعه نگر ضروری به نظر میرسد. هدف از این مطالعه چگونگی طراحی و اجرای برنامه درسی مبتنی بر جامعه در آموزش پرستاری میباشد.

**روش ها:** مقاله حاضر نوعی مطالعه مروری است که با جستجوی کتاب و بانکهای اطلاعاتی نظیر: Google Scholar - Pubmed, ERIC و Elsevier و با استفاده از کلمات کلیدی «برنامه درسی مبتنی بر جامعه»، «آموزش پرستاری مبتنی بر جامعه» استفاده شد.

**نتایج:** طراحی و اجرای برنامه درسی مبتنی بر جامعه نیازمند تلاش و نیروی کاری فراوان میباشد. این برنامه فرآیندی دو مرحله ای است شامل: ۱- مرحله ی طراحی (Development (planning): موضوعات مهم این مرحله عبارتند از: بررسی موقعیت- شناسایی و درگیر کردن ذینفعان (جامعه- پرسنل بهداشتی- بخشهای خدمات بهداشتی مثل بیمارستانها و کلینیک ها- دانشجویان و خانواده ها و سازمانهای غیر دولتی) - تعیین نتایج برنامه- انتخاب محیط های یادگیری بالینی - مهارتهای یادگیری مبتنی بر جامعه. ۲- مرحله ی اجرا (Implementation): در این مرحله فرآیند آموزش- یادگیری مد نظر قرار میگردد. نظریه یادگیری تجربی دیوید کلب در این مرحله به عنوان نظریه اصلی در فرآیند یادگیری شناخته میشود.

**نتیجه گیری:** برنامه درسی مبتنی بر جامعه ممکن است از مؤسسه ای به مؤسسه ی دیگر متفاوت باشد که این بدلیل تفاوت جوامع با یکدیگر است. این برنامه، شامل فعالیتهای یادگیری است که بطور وسیع از جامعه به عنوان محیط یادگیری استفاده میکند که در آن نه فقط دانشجویان بلکه اساتید - مربیان و افراد جامعه را نیز به طور فعال در کل تجارب آموزشی درگیر میکند. همچنین باعث پیشرفت های فردی، اجتماعی، ذهنی، روانی و عقلی دانشجویان شده و حس مسئولیت فردی و اجتماعی آنان را بالا می برد. از مزایای دیگر آن میتوان به ارتقاء مهارتهای زندگی، توانایی های حل مسئله، مهارتهای ارتباطی و تسلط به مهارتهای عملکردی دانشجویان اشاره نمود. بنابراین نقش این برنامه در تربیت فارغ التحصیلانی کارا تر ضروری به نظر میرسد.

**واژه های کلیدی:** برنامه درسی، جامعه، پرستاری

## ضرورت‌های گنجاندن دوره‌های "فلسفه و پزشکی" در برنامه‌ی درسی دانشجویان پزشکی

\* رمضان عین بیگی

مرکز تحقیقات زئونوز، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

**مقدمه:** بی شک جامعه امروز بیش از هر زمانی، دستخوش تغییرات و تحولات مداوم و پویاست. اگر علوم پزشکی بخواهد پایه پای این تغییرات، خود را به روز نماید، نیاز دارد تا شناختی جامع گرایانه<sup>۱</sup> از جامعه داشته باشد. یکی از راههای رسیدن به این منظور، گنجاندن دروسی در واحدهای پزشکی است که دانشجویان این رشته‌ها را با کلیات جامعه‌شناسی، روانشناسی و اخلاق و... آشنا سازد.

ما با استفاده از روش‌های توصیفی و تحلیلی و بررسی‌های مروری در رابطه با فلسفه پزشکی سعی در روشن ساختن ضرورت این پیشنهاد بر خواهیم آمد.

بحث فلسفه ورزی در پزشکی که به شیوه‌های مختلفی بیان میشود، میتواند در این زمینه کارگشا باشد. ما در این مقاله به بحث گنجاندن درس فلسفه و پزشکی در میان دروس دوره‌های پزشکی خواهیم پرداخت و با توجه به تجربیات سایر کشورها به آسیب‌شناسی آن نیز اشاراتی خواهیم نمود.

نتایج کلی نشان میدهد که لحاظ نمودن درسی با عنوان "فلسفه و پزشکی"<sup>۲</sup> به خاطر دربرگیرندگی سایر ساحت‌های علوم انسانی در آن و فارغ بودن از چالش‌های نظری پیرامون استقلال مفهوم "فلسفه پزشکی"<sup>۳</sup> بهترین امکان را فراهم میسازد. البته این امر با ملاحظات بایستی همراه باشد که در متن مقاله بیشتر مورد تدقیق قرار گرفته‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش پزشکی، فلسفه پزشکی، فلسفه و پزشکی، توسعه رویکردهای انتقادی در آموزش

---

## انطباق برنامه درسی ترمیمی دوره دندانپزشکی عمومی با نیازهای خدمات دندانپزشکی ترمیمی، ۱۳۹۱

سعیده دریازاده<sup>1\*</sup> MSc، احمد جعفری<sup>۲</sup> MS, DDS، جلیل کوهپایه زاده<sup>3</sup> MD, MS، ژیلا شجری<sup>۴</sup> PhD، مهدی هاشم زاده<sup>۵</sup> DDS

<sup>۱\*</sup> کارشناسی ارشد آموزش پزشکی، گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> دانشیار، گروه سلامت دهان و دندانپزشکی اجتماعی، دانشکده دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

<sup>۳</sup> دانشیار، مرکز تحقیقات آموزش پزشکی و گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

<sup>۴</sup> استادیار، مرکز تحقیقات آموزش پزشکی و گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

<sup>۵</sup> دندانپزشک

**مقدمه:** هدف اصلی در آموزش پزشکی، توانمندسازی دانشجویان در راستای وظایفی که در آینده از آنها انتظار می رود، است. دندانپزشکی ترمیمی، یکی از مهمترین شاخه های دندانپزشکی و از شایعترین نیازهای درمانی در جامعه ماست. هدف این پژوهش، تعیین میزان انطباق برنامه درسی ترمیمی دوره دندانپزشکی عمومی با نیازهای خدمات دندانپزشکی ترمیمی در جامعه، بود.

**روش ها:** این پژوهش کمی-مقطعی، شامل دو مرحله و گردآوری اطلاعات به وسیله دو چک لیست بود که روایی و پایایی آنها تایید شد. در مرحله اول، نیازهای دندانپزشکی ترمیمی ۱۰۲۷ نفر بیماران در یک کلینیک دندانپزشکی، با روش نمونه گیری غیر تصادفی متوالی طی سه ماه استخراج و وارد نرم افزار SPSS-۱۷ گردید و نتایج گزارش شد. در مرحله دوم، چک لیستی از سرفصلها و حجم دروس ترمیمی به همراه خلاصه نتایج مرحله اول را در اختیار اعضای هیات علمی دندانپزشکی ترمیمی دو دانشگاه تهران و شاهد قرار دادیم و نظرات آنها را در مورد میزان انطباق دروس ترمیمی دوره دندانپزشکی عمومی با نیازهای تحلیل شده مرحله قبلی، بوسیله چک لیست، پرسیده و نتایج گزارش شد.

**نتایج:** در مرحله اول ۲۳۶۲ مورد از انواع خدمات ترمیمی ارائه شده به بیماران استخراج شد. نتایج بررسی انطباق از دیدگاه اساتید نشان داد که سرفصل های همه دروس ترمیمی، انطباق کافی با نیازهای دندانپزشکی ترمیمی بیماران دارد ولی حجم دروس "پوسیدگی شناسی" و "دندانپزشکی ترمیمی عملی ۳"، انطباق لازم را با نیازها ندارد.

**نتیجه گیری:** سرفصل های دروس دندانپزشکی ترمیمی مناسب بود ولی از نظر حجم ناکافی بود. لذا طراحی برنامه بر روی حجم درس باید به نحوی انجام گیرد تا کاستی آن را برطرف و موجب ارتقای کیفیت آموزش گردد. برای این منظور، استفاده از بسته های آموزشی، فیلم و یا ماژول می تواند مفید باشد.

**واژه های کلیدی:** انطباق، برنامه درسی دندانپزشکی ترمیمی، نیازهای جامعه، اعضای هیات علمی.



### طراحی و اجرای مدل عملی نوین ارتقا دانش کاربردی و توانمندی تجویز داروها در بیماری های شایع داخلی ویژه دانشجویان پزشکی؛ تجربه موفق تعامل آموزشی بین رشته ای

آناهیتا صادقی<sup>\*</sup>، دکتر کاوه اسلامی، دکتر سید حسین حاجی میری، دکتر محمد رضا جوادی، دکتر محمد رضا جوادی، دکتر علی

علی عسگری، دکتر زامک خورگامی

<sup>\*</sup>دکتر آناهیتا صادقی

a-sadeghi@tums.ac.ir

استادیار گروه بیماریهای داخلی بیمارستان شریعتی

دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

**مقدمه:** برقراری تعاملات بین حرفه ای و بهره گیری از امکانات متقابل بین گروهی، یکی از راهکارهای ارتقا کیفیت القای مفاهیم و مهارتها در آموزش پزشکی به حساب می آید. نظر به لزوم تمرکز در ارتقا توانمندیهای دانشجویان پزشکی در آشنایی با داروها و اصول تجویز منطقی، دوره کوتاه مدتی حاصل همکاری معاونت آموزشی گروه داخلی جنرال و بخش مراقبتهای دارویی بیمارستان شریعتی و معاونت آموزشی داروخانه های دانشکده داروسازی با بهره گیری از روشهای نوین آموزش نظیر تشکیل کارگاهها به صورت گروهی و بحث آزاد در داروخانه مدل، استفاده از سامانه تخته هوشمند جهت برگزاری آزمونها و ارائه مطالب، تهیه و تدوین دستنامه های آموزشی و دفترچه تمرین نسخه نویسی به عنوان مدل نوین آموزشی اجرا شد و مورد ارزیابی قرار گرفت.

**روشها:** این دوره اختیاری سه روزه، با شرکت ۱۸ نفر از دانشجویان پزشکی دوره کارآموزی، با تشکیل مجموعاً ۹ کارگاه آشنایی با ساختار نسخه و قوانین بیمه، معرفی اشکال دارویی، نسخه نویسی داروهای رایج در بیماریهای گوارشی، سرماخوردگی و بیماریهای تنفسی، بیماریهای قلبی، بیماریهای عفونی، داروهای ضد دیابت، داروهای موثر در اختلالات تیروئید و مسکنها برگزار شد. در ابتدا نیازسنجی با استفاده از ارسال پرسشنامه آنلاین به پست الکترونیکی دانشجویان انجام شد و تدوین و تطبیق نهایی محتوای آموزشی در دستور کار مجریان قرار گرفت. به منظور ارزیابی اثربخشی محتوای ارائه شده، آزمون چهار گزینه ای با استفاده از سامانه تخته هوشمند، قبل و بعد از برگزاری هر کارگاه برگزار و نتایج مورد تحلیل آماری قرار گرفت و جهت بررسی میزان رضایت دانشجویان از کیفیت محتوا و روشهای ارائه شده، بعد از اتمام هر کارگاه، نظر سنجی صورت پذیرفت.

**نتایج:** در مطالعه نیازسنجی، لزوم تشکیل دوره با محتوای پیشنهادی، از دیدگاه ۹۳٫۷ درصد از شرکت کنندگان بسیار ضروری تلقی شده است. در تحلیل نتایج پیش و پس آزمون کارگاهها، تغییر در میزان دانش کاربردی شرکت کنندگان به صورت معنادار ( $p < 0.05$ ) در همه کارگاهها مشاهده شده است. در نظرسنجی انتهای دوره، میانگین امتیاز ۹/۴۴ از ۱۰، میزان رضایت دانشجویان از مدل ارائه شده را تایید میکند.

**نتیجه گیری:** نظر به دستاوردهای ارزشمند دوره در افزایش سطح دانش و ارتقا مهارت دانشجویان، میتوان تداوم برگزاری آن را در ابعاد وسیعتر حائز اهمیت قلمداد نمود. از نکات بسیار مهم این برنامه آموزشی، برقراری تعامل ارزشمند آموزشی در مقطع بالینی بین دانشکده داروسازی و پزشکی است که میتواند زمینه ساز ایجاد ارتباط مثبت داروسازان و پزشکان و بهره گیری دانشجویان از ظرفیتهای بین حرفه ای شود. **واژه های کلیدی:** تجویز، دارو، پزشکی، داروسازی

## ارزیابی نیازهای آموزشی کارآموزان و کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی جهرم

### در زمینه آموزش جامعه نگر در سال ۸۹

سید اسماعیل مناقب<sup>۱\*</sup>، کرامت اله رحمانیان<sup>۲</sup>، صدیقه نجفی پور<sup>۳</sup>، ابراهیم رحیمی<sup>۴</sup>

\*استادیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم

esmanagheb@yahoo.com

<sup>۲</sup>استادیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم

<sup>۳</sup>عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم

<sup>۴</sup>عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم

**مقدمه:** در سراسر جهان برنامه آموزش پزشکی شاهد تحولات و تغییرات اساسی هستند. به منظور از بین بردن شکاف بین برنامه آموزشی فعلی و آموزش ایده آل جامعه نگر، نیاز به ایجاد اصلاحات در برنامه آموزشی وجود دارد. هدف آموزش پزشکی تربیت پزشکان توانمند و تجهیز آنها با دانش و مهارت مورد نیاز و ضروری به منظور پاسخ گویی به نیازهای سلامتی و بهداشتی افراد و جامعه است. این مطالعه به منظور تعیین نیازهای آموزشی کارآموزان و کارورزان رشته پزشکی در زمینه آموزش جامعه نگر در دانشگاه علوم پزشکی جهرم انجام گرفت.

**روش‌ها:** این مطالعه از نوع توصیفی - مقطعی بود که در سال ۱۳۸۹ در دانشگاه علوم پزشکی جهرم انجام گردید. جامعه پژوهش کارآموزان و کارورزان رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی جهرم بود. نمونه گیری به روش سرشماری و تعداد ۴۰ نفر وارد مطالعه شدند. روش جمع آوری داده ها استفاده از پرسشنامه بسته ۲۵ سوالی محقق ساخته که روایی آن بر اساس روایی محتوا با نظر سه تن از اساتید تایید شده و پایایی آن با آلفای کرونباخ برابر با ۰.۸۷٪ تعیین شد. پرسشنامه ها توسط همکار طرح به دانشجویان تحویل داده می شد و از آنها خواسته می شد که بر اساس اهمیت به هر گویه از ۱ تا ۱۰ نمره داده شود و پس از تکمیل از آنها پس گرفته می شد. داده ها وارد نرم افزار Excel گردید و در سطح آمار توصیفی تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** بر اساس میانگین نمره هر گویه از بین اولویتهای بیست و پنجگانه، موارد زیر بترتیب حایز بیشترین نمره شدند: ۱- آموزش درمانگاهی و سرپایی (میانگین نمره ۸/۱۱) ۲- اداره و مدیریت بیمار (میانگین ۷/۷۴) ۳- ارزشهای حرفه ای (میانگین ۷/۴۸) ۴- آشنایی با برنامه های سلامت مادران و کودکان (میانگین ۷/۴۴) ۵- ارزیابی ریسک فاکتورهای سلامت در جمعیت تحت پوشش (میانگین ۷/۲۶) **نتیجه گیری:** این تحقیق نشان می دهد که آموزش جامعه نگر یکی از مهمترین دغدغه های آموزشی دانشجویان بویژه رشته های پزشکی می باشد. از نظر کارآموزان و کارورزان پزشکی، آموزش درمانگاهی از مهمترین نیازهای آموزشی دانشجویان پزشکی در راستای پزشکی جامعه نگر و پاسخگویی به نیازهای سلامتی جامعه است. پیشنهاد می گردد با توجه به اولویت های بیان شده بهتر است برای حصول این اولویت ها و تقویت برنامه های آموزشی جامعه نگر برنامه ریزی لازم صورت گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش جامعه نگر، پزشکی جامعه نگر، نیاز آموزشی، کارآموزی، کارورزی، آموزش درمانگاهی

باز نگری، بهینه سازی و تهیه برنامه نوین آموزش عملی آزمایشگاه بیوشیمی  
براساس نیازهای آموزشی، تکنیک ها و یافته های جدید

دکتر دردی قوجق\*، کوروش رسولپور، عباس موسی پور، نغمه عباسی، عاصفه حق حقیقی  
مرکز تحقیقات بیولوژی سلولی و مولکولی، دانشگاه علوم پزشکی بابل  
بخش بیوشیمی و بیوفیزیک، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل  
dqujeq@hotmail.com

مقدمه: با محتوای فعلی برنامه عملی و آزمایشگاهی دانشجویان قدرت تفسیر تغییرات شاخص های بیوشیمیایی را نخواهند داشت، و نیاز شغلی آنان را در آینده تامین نمی کند. دانشجویان رشته های گروه های پزشکی نیاز دارند با تکنیک ها و مهارت های جدید و پیشرفته همگام با آموزش سایر دانشگاه های آشنا شوند.

**روش ها:** ابتدا برنامه عملی و سرفصل فعلی واحد درسی بیوشیمی عملی آزمایشگاهی رشته های مختلف پزشکی، پیرا پزشکی دندانپزشکی طی جلسات متعدد توسط کارشناسان و اعضای هیات علمی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. براساس فناوریهای نوین و تکنیک های جدید منتشره در مقالات معتبر آماده سازی شود استفاده از این برنامه تهیه شده برای دانشجویان آغاز شد. جامعه مورد مطالعه دانشجویان سال اول دوره پزشکی بود. همچنین دانشجویان دندانپزشکی و دانشجویان پیرا پزشکی که درس عملی بیوشیمی انتخاب کرده اند. روش جمع آوری داده ها از طریق تکمیل پرسشنامه است. از طریق بررسی نظرات دانشجویان در خصوص آموزش بیوشیمی عملی در دانشگاه است. برای تعیین اعتبار علمی از اعتبار محتوا استفاده شد. داده ها پس از کد گذاری وارد نرم افزار SPSS شد و برای تجزیه و تحلیل یافته ها از نرم افزار SPSS مدل ۱۶،۰ استفاده شد. یافته ها به صورت توزیع فراوانی و میانگین درصد پاسخ ها محاسبه شد. معیار معنی دار بودن در مواردی که از آزمون آماری بکار برده شد ( $P < 0.05$ ) بوده است.

**نتیجه گیری:** اجرای این پژوهش در اجرای پروژهای تحقیقاتی و پایان نامه های کاربردی تاثیر بسزایی داشته است. انگیزه دانشجویان برای انجام کار عملی افزایش یافته بود. همچنین با توجه به نتایج بدست آمده معین شد که ۶۹/۳٪ پاسخ دهندگان بیان داشته اند باز نگری، بهینه سازی و تهیه برنامه نوین آموزش عملی آزمایشگاه بیوشیمی براساس نیازهای آموزشی، تکنیک ها و یافته های جدید در دستیابی به اهداف آموزش عملی خیلی ضروری است.

واژه های کلیدی: باز نگری، بهینه سازی، آموزش عملی آزمایشگاه، بیوشیمی

## تطابق محتوای تدریس شده دروس اختصاصی توسط استاد با طرح دوره مصوب در دانشکده بهداشت مشهد در سال ۱۳۹۱

حسین ابراهیمی پور\*، علی وفايي نجار، امين رضا اميني، سميه نصرالهي، ميترا دوگونچي، الهه لعل منفرد  
\*استادیار، گروه بهداشت و مدیریت، مرکز تحقیقات علوم بهداشتی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی مشهد،  
مشهد، ایران ebrahimipourh@mums.ac.ir

**مقدمه:** آموزش، زنجیره یا فرآیندی است که هدف آن ایجاد تغییرات لازم در رفتار فراگیران باشد. یکی از راه های موثر و انکارناپذیر ارتقای کیفیت آموزش، برنامه ریزی درسی و تهیه طرح درس است. این مطالعه با هدف بررسی میزان تطابق محتوای تدریس شده توسط استاد با طرح دوره ارائه شده در دانشکده بهداشت مشهد انجام شده است.

**روش‌ها:** در این پژوهش توصیفی-مقطعی، از تعداد ۱۰۲ طرح دوره دروس اختصاصی دانشکده بهداشت مشهد که در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۰-۹۱ ارائه شده بود ۹۸ طرح دوره مورد ارزیابی قرار گرفت سپس با توجه به سرفصل جلسات آموزشی در طرح دوره برای هر درس پرسشنامه ای بر اساس مقیاس چهارگزینه‌ای لیکرت تدوین شد. برای تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی و آزمون آماری t مستقل و ANOVA استفاده شد.

**نتایج:** حداقل میزان انطباق محتوای تدریس شده توسط استاد با رئوس مندرج در طرح دوره ها، ۱۸،۱۸٪ و حداکثر تطبیق ۱۰۰٪ و میانگین نمره تطابق  $20.61 \pm 77.01$  بود که نتایج ارتباط معناداری بین مرتبه علمی با نمره تطابق محتوا تدریس شده نشان نداد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج، میزان تطابق محتوای تدریس شده توسط استاد با طرح دوره ارائه شده در حد قابل قبولی ارزیابی گردید. پیشنهاد می شود به منظور استفاده بهینه از طرح دوره با استفاده از نظر سنجی از مدرس و دانشجو میزان رعایت آن در کلاس مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرد.

**واژه‌های کلیدی:** طرح دوره، استاد، تطابق محتوا، کیفیت آموزش

## ارزیابی نیازهای آموزشی کارآموزان رشته پرستاری دانشگاه علوم پزشکی جهرم در زمینه آموزش جامعه نگر در سال ۸۹

سید اسماعیل مناقب<sup>۱\*</sup>، کرامت اله رحمانیان<sup>۲</sup>، صدیقه نجفی پور<sup>۳</sup>، ابراهیم رحیمی<sup>۴</sup>  
<sup>\*</sup>استادیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم  
esmanagheb@yahoo.com

<sup>۲</sup>استادیار گروه پزشکی اجتماعی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی جهرم

<sup>۳</sup>عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم

<sup>۴</sup>عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم

**مقدمه:** جامعه نگرى مفهومی است که امروز توجه به آن در رشته های پزشکی و پیراپزشکی بیش از پیش احساس می گردد. طی یک برنامه آموزش جامعه نگر از یک طرف به بهبود شیوه زندگی جامعه توجه می شود و از طرف دیگر محیطی برای دانشجویان مهیا می گردد تا با مشکلاتی که در زندگی حرفه ای آینده خود ممکن است با آنها روبرو شوند آشنا شده و مهارتهای لازم را کسب کنند. از منابع مهم آموزش جامعه نگر، منابع آموزشی و استفاده از تکنولوژی های جدید آموزشی هستند. این مطالعه به منظور تعیین نیازهای آموزشی کارآموزان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی جهرم در زمینه آموزش جامعه نگر در سال ۱۳۸۹ صورت گرفت.

**روش ها:** این مطالعه از نوع توصیفی - مقطعی بود که در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه علوم پزشکی جهرم انجام گردید. جامعه پژوهش کارآموزان رشته پرستاری دانشگاه علوم پزشکی جهرم بود. نمونه گیری به روش سرشماری و تعداد ۲۰ نفر وارد مطالعه شدند. روش جمع آوری داده ها استفاده از پرسشنامه بسته ۲۵ سوالی محقق ساخته که روایی آن بر اساس روایی محتوا با نظر سه تن از اساتید تایید شده و پایایی آن با آلفای کرونباخ برابر با ۰.۸۷٪ تعیین شد. پرسشنامه ها توسط همکار طرح به دانشجویان تحویل داده می شد و از آنها خواسته می شد که بر اساس اهمیت به هر گویه از ۱ تا ۱۰ نمره داده شود و پس از تکمیل از آنها پس گرفته می شد. داده ها وارد نرم افزار Excel گردید و در سطح آمار توصیفی تجزیه و تحلیل گردید.

**نتایج:** بر اساس میانگین نمره هر گویه ۵ اولویت برتر عبارت بودند از: ۱- مدیریت (میانگین نمره ۸/۳۶) ۲- آشنایی با برنامه های مختلف پیشگیری از بیماریهای واگیر دار و غیر واگیردار (میانگین نمره ۸/۲۹) ۳- آموزش درمانگاهی و سرپایی (میانگین نمره ۸/۲۱) ۴- اجرای برنامه های علمياتی پیشگیری و کنترل بیماریهای عفونی و غیر عفونی در منطقه (میانگین ۸/۲۱) ۵- ارتقاء سلامت و پیشگیری (میانگین نمره ۸/۱۴)

**نتیجه گیری:** این تحقیق نشان می دهد مباحث مدیریتی از مهمترین نیازهای آموزشی دانشجویان پرستاری است و همچنین آشنایی با برنامه ها و پیشگیری و کنترل بیماریهای عفونی و غیر عفونی نیز از دغدغه های آموزش پاسخگو در رشته پرستاری می باشد و بهتر است در برنامه ریزی آموزش این گروه از دانشجویان، مباحث فوق را مد نظر داشته باشیم.

**واژه های کلیدی:** آموزش جامعه نگر، پرستاری جامعه نگر، نیاز آموزشی، کارآموزی، پرستاری، پیشگیری

### مقایسه برنامه مصوب مقطع کارشناسی رشته پرستاری با برنامه جاری دانشکده علوم پزشکی نیشابور

سارا قدوسی مقدم<sup>۱\*</sup>، مریم سادات حسینی<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup>عضو هیات علمی و سرپرست مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی نیشابور

[ghodousis@nums.ac.ir](mailto:ghodousis@nums.ac.ir)

<sup>۲</sup>کارشناس مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی نیشابور

**مقدمه:** سرفصل های مربوط به هر درس با توجه به هدف آن تعیین و پیشنهاد می شود و دروس پیش نیاز، روش تدریس، شیوه ارزشیابی، ابزار و تکنولوژی مورد نیاز در ارائه نیز به تفکیک دروس تعیین می گردد. از آنجا که سرفصل دروس رشته پرستاری با انجام نیازسنجی های علمی و کاربردی توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین شده است، هدف از این تحقیق مقایسه سرفصل مصوب وزارت بهداشت با دروس ارائه شده به دانشجویان ترم ۶ پرستاری در طول ۵ ترم گذشته و بررسی میزان دستیابی به هدف مورد نظر هر درس بوده است.

**روش ها:** در این پژوهش پس از مطابقت سرفصل دروس دوره کارشناسی پرستاری با سرفصل دروس ارائه شده به دانشجویان دانشکده، پرسش نامه ای تهیه و مورد تأیید قرار گرفت. پس از توضیح شفاف هدف از تحقیق برای دانشجویان، پرسش نامه توسط ۲۱ دانشجو تکمیل گردید. طی پرسشنامه هدف کلی از ارائه درس بیان گردید و میزان دستیابی به هدف مورد بررسی قرار گرفت. لازم بذکر است پرسش ها صرفاً در رابطه با دروس گذرانده شده توسط طی ۵ ترم گذشته بود و در خصوص محرمانه ماندن اطلاعات به ایشان اطمینان کامل داده شد. در پایان دانشجویان پیشنهادات خود را در خصوص دروس ارائه شده نیز مطرح نمودند.

**نتایج:** پرسشنامه شامل ۳۳ سوال بوده و تعداد ۲۱ نفر از دانشجویان ترم ۶ پرستاری آن را تکمیل نمودند که از این تعداد ۵۷٪ زن و ۴۳٪ مرد بودند. بررسی ها نشان می دهد از ۳۳ درس ارائه شده در طول ۵ ترم گذشته ۲۷ درس نمره ای بیش از میانگین را کسب نموده و دانشجویان بیان نمودند که در مورد ۶ درس به طور کاربردی آموزش دیده اند و تسلط و مهارت کافی را کسب نموده اند و هدف آنها مطابق با اهداف مصوب وزارت بهداشت بوده و تحقق یافته است. همچنین بیان داشته اند که تعداد ۵ درس از میان ۳۳ درس را به طور کامل درک نکرده و هدف آن دروس محقق نشده است. تعداد ۴ نفر از ۲۱ نفر بیان نموده اند که به درک صحیحی از دروس ارائه شده دست نیافته اند و ۳ نفر نیز اعلام نموده اند که اهداف مورد نظر دروس ارائه شده محقق گردیده و آنها مهارت لازم را بدست آورده اند.

**نتیجه گیری:** نتایج نشان می دهد در مورد بیشتر دروس ارائه شده هدف تاحدی و نه به طور کامل محقق گردیده و بررسی پیشنهادات دانشجویان حاکی از آن است که خواستار تغییراتی در رابطه با نحوه ارائه و برنامه زمان بندی دروس کارآموزی بوده اند.

واژه های کلیدی: پرستاری، سرفصل، دروس، هدف

### تأثیر کارگاه آموزشی مهارت های ارتباطی پزشک با بیمار بر نگرش دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم

روح الله صفایی پور<sup>\*</sup>، مریم طبیبی، هدی احمري، ولی اله اکبری، علیرضا شعوری، علیرضا کوهپایی، زهرا عبدی، لیلی پناهنده، علی ابراهه، حسن کریمی یزدی

**مقدمه:** مهارت‌های ارتباطی یکی از اجزای اصلی صلاحیت‌های بالینی به شمار می‌رود که برای تشخیص صحیح و تبعیت بیمار از اقدامات درمانی کمک‌کننده می‌باشد. چگونگی ارتباط و تعامل پزشک با بیمار، نقش مؤثری در رضایتمندی بیمار، نتایج درمان، هزینه‌های پزشکی، کفایت بالینی پزشکان و حتی شکایت از پزشکان داشته است. متأسفانه این مهارت‌ها در برنامه رسمی آموزش پزشکی در ایران گنجانده نشده است و فراگیری پزشکان بیشتر بر اساس الگوبرداری غیر مستقیم و تجربی از اساتید و با نگرش غالب زیستی پزشکی است. بر اساس مطالعات انجام گرفته در ایران، به نظر می‌رسد پزشکان در زمینه مهارت‌های عمومی ارتباطی، کمبود آموزشی دارند و از طرفی، مهارت‌های ارتباطی، عمدتاً اکتسابی و قابل یادگیری بوده و تجربه بالینی فردی نقش کمی در ارتقای آنها دارد. لذا این مطالعه با هدف بررسی تاثیر کارگاه آموزشی مهارت‌های ارتباطی با بیمار بر نگرش دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم در سال ۱۳۹۱ انجام گرفت.

**روش‌ها:** این پژوهش، یک مطالعه نیمه تجربی بود. مداخله به صورت برگزاری کارگاه آموزشی یک روزه با موضوع مهارت‌های ارتباطی به دانشجویان پزشکی انجام گرفت. اطلاعات با یک پرسشنامه دو قسمتی شامل مشخصات فردی نمونه‌های مورد پژوهش و عبارات مرتبط با نگرش دانشجویان نسبت به اهمیت ارتباط پزشک با بیمار جمع‌آوری گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون آماری توصیفی و استنباطی و نرم افزار SPSSV18 در سطح معنی داری  $p < 0/05$  استفاده شد.

**نتایج:** یافته‌ها نشان داد که ۶۵ درصد دانشجویان کارگاه مهارت‌های ارتباطی پزشک و بیمار را در تغییر نگرش خود نسبت به مهارت‌های ارتباطی موثر ارزیابی کردند. ۸۰٪ دانشجویان مطرح نمودن مباحث مهارت‌های ارتباطی بصورت علمی برای دانشجویان پزشکی ضروری ارزیابی نمودند. همچنین ۶۹٪ دانشجویان برگزاری کارگاه‌های مشابه برای افزایش مهارت‌های ارتباطی پزشک و بیمار را ضروری دانستند. اکثریت نیز اذعان داشتند که برقراری ارتباط موثر پزشک با بیماران در افزایش رضایتمندی بیماران تاثیر به‌سزایی دارد. در نهایت ۸۴ درصد دانشجویان با گنجاندن یک واحد درسی ۱ واحدی تحت عنوان "مهارت‌های ارتباطی پزشک و بیمار" به صورت اختیاری در برنامه درسی پزشکی عمومی موافق بودند.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج مطالعه حاضر، پیشنهاد می‌شود آموزش مهارت‌های ارتباطی به عنوان جزئی کاربردی و لازم و مؤثر در افزایش رضایتمندی بیماران، در آموزش مداوم پزشکان عمومی و آموزش‌های دوران تحصیلی لحاظ گردد.

**واژه‌های کلیدی:** کارگاه، مهارت‌های ارتباطی، پزشک، بیمار، دانشجویان پزشکی

### کیفیت گزارشات صبحگاهی در مراکز آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال ۹۰-۹۱

**مقدمه:** گزارش صبحگاهی یک فرآیند آموزشی است که در آن شرکت کنندگان با بحث پیرامون بیماران سعی می کنند تا یک معمای تشخیصی را حل نمایند و ارزش و نقش زیادی در مراکز آموزش بالینی دارد و به عنوان ابزاری برای ارزیابی خدمات بالینی و وسیله ای برای تضمین کیفیت شناخته می شود. هدف این مطالعه بررسی شیوه برگزاری گزارشات صبحگاهی در مراکز آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال ۹۰-۹۱ می باشد.

**روش ها:** در این مطالعه توصیفی مقطعی، ساختار برنامه های گزارشهای صبحگاهی مراکز آموزشی درمانی دانشگاه علوم پزشکی قزوین با استفاده از پرسشنامه پژوهشگر ساخته که اعتبار آن با نظر متخصصین و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ تأیید شده بود مورد بررسی قرار گرفت. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های مجذور کای و Students T test مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت

**نتایج:** با توجه به نتایج متوسط زمان برگزاری گزارشات صبحگاهی ۶۶ دقیقه بود که ۱۶/۲۵ دقیقه جهت معرفی بیماران ۱۷ دقیقه، تشخیص، ۱۳ دقیقه درمان، ۸ دقیقه اقدامات بعدی، ۵ دقیقه جهت بحث های متفرقه بود و در مورد بیماران سرپایی به جز یکی از جلسات زمانی اختصاص نیافته بود. عدم پیگیری بیماران معرفی گردیده در ۸۵/۷ درصد از جلسات مورنینگ ها و عدم استفاده از مقالات مروری در ۱۰۰ درصد جلسات از مهمترین اشکالات می باشد.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج حاصله کلیه مراکز آموزشی درمانی به برگزاری گزارشات صبحگاهی پایبند بودند و بعضی از اصول تاثیر گذار در برگزاری جلسات صبحگاهی راعایت نموده اند. با توجه به اینکه گزارش صبحگاهی به عنوان یکی از مهم ترین روش های آموزشی در علوم پزشکی بوده و در بین روشهای مختلف آموزش بالینی، گزارش صبحگاهی تقریباً دارای بیشترین کاربرد در سطح دنیای باشد تدوین الگوی استاندارد جهت برگزاری این روش آموزشی می تواند باعث ارتقاء برگزاری این گزارشات گردد.

**واژه های کلیدی:** گزارش صبحگاهی، آموزش پزشکی، مراکز آموزشی درمانی



## عملکرد دانش پژوهی آموزشی اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

بین سال‌های ۹۱-۱۳۸۸

میترا دادمان<sup>\*</sup>، دکتر نیکو یمانی، دکتر طاهره چنگیز، عارفه موسوی  
<sup>\*</sup> مربی مرکز تحقیقات آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان  
Email: dadman@nm.mui.ac.ir

**مقدمه:** در حال حاضر در فرآیند انتخاب، استخدام و ارتقاء اعضای هیأت علمی دانشگاهها، نقش پژوهش بیش از آموزش مورد توجه قرار می‌گیرد. در این راستا وزارتخانه با هدف ارتقاء کیفیت آموزشی اساتید اقدام به افزودن بند دانش پژوهی آموزشی به آیین‌نامه ارتقاء هیأت علمی کشور به منظور افزایش نوآوری و خلاقیت در عملکرد آموزشی اعضای هیأت علمی نمود. این مطالعه با هدف ارزیابی عملکرد دانش پژوهی آموزشی اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بین سال‌های ۹۱-۱۳۸۸ انجام شد.

**روش‌ها:** نمونه پژوهش در این مطالعه توصیفی-تحلیلی شامل ۱۲۷ نفر از اساتید هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان می‌باشد که در سالهای ۹۱-۱۳۸۸ حائز کسب امتیاز دانش پژوهی شده‌اند. داده‌ها براساس جدول امتیازات محاسبه شده در کمیته دانش پژوهی آموزشی (بر مبنای دستورالعمل معادل‌سازی و محاسبه امتیازات دانش پژوهی آموزشی، مصوب هیأت ممیزه مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) گردآوری شد. به منظور تحلیل نتایج از آزمون‌های ANOVA-test و test Chi-square استفاده شد.

**نتایج:** ۹۹/۲٪ از افراد شرکت‌کننده هیأت علمی آموزشی بوده‌اند. دانشجویی، استادی و استادیاری به ترتیب (۶۵٪)، (۳۴٪) و (۱٪) از رتبه‌های علمی درخواست شده را تشکیل می‌دهند. ۶۰/۶٪ از افراد شرکت‌کننده در برنامه دانش پژوهی آموزشی از فعالیت‌های دانشگاهی، ۳/۲٪ از فعالیت‌های وزارتی و ۳۶/۲٪ از هر دو حیطه آیین‌نامه امتیازکسب کرده‌اند. نتایج این مطالعه تنها در فعالیت‌های وزارتی اختلاف معنی‌داری در بین رتبه علمی مختلف و همچنین اساتید دانشکده‌های مختلف نشان داد (P=0/002) و (P=0/000). در فعالیت‌های دانشگاهی، طرح دوره با ۷۷٪ درصد بیشترین میزان کسب امتیاز را داشته است. ارتباط معنی‌داری بین سن و امتیاز کسب شده از آیین‌نامه مشاهده نشد. همچنین میزان استفاده از مصادیق آیین‌نامه اختلاف معنی‌داری در گروه‌های سنی مختلف نشان نداد.

**نتیجه‌گیری:** نتایج بدست آمده نشان می‌دهد اساتید بیشتر از مصادیقی که تهیه آن ساختار ساده‌تر داشته و نیازمند صرف زمان کمتری است استفاده نموده‌اند. لذا علی‌رغم تمامی مزایایی که برای فرآیند دانش پژوهی آموزشی مطرح است، پیشنهاد می‌شود با بازنگری مفاد آیین‌نامه و افزودن موارد آموزشی دیگر و همچنین اصلاح سقف امتیازات، بتوان به رفع محدودیت‌های آیین‌نامه فعلی و ترغیب اساتید به استفاده از فرآیندهای نوآورانه و خلاقانه در بهبود کیفیت آموزشی دانشگاه‌ها پرداخت.

**واژه‌های کلیدی:** دانش پژوهی آموزشی، ارتقاء اعضای هیأت علمی، کیفیت آموزشی

## فعالیت های لازم برای تحقق آموزش موثر درحیطه های چندگانه آموزش پزشکی گامی جهت توانمندی اساتید در دانشگاه علوم پزشکی کردستان در سال ۱۳۹۱

لادن فتوحی<sup>۱\*</sup>، دکترمحمد جعفر رضایی<sup>۲</sup>، سودابه عبدالهی<sup>۳</sup>، دکتر راز خطیبی<sup>۴</sup>

\*کارشناس دانشگاه علوم پزشکی کردستان

**amozesh.edc@muk.ac.ir**

<sup>۲</sup> دانشیار دانشگاه علوم پزشکی کردستان

**rezaiemj@muk.ac.ir**

<sup>۳</sup> مربی دانشگاه علوم پزشکی کردستان

**sanandaj557@yahoo.com**

<sup>۴</sup> کارشناس دانشگاه علوم پزشکی کردستان

**razkhatibi@gmail.com**

**مقدمه:** هدف طراحی آموزشی، ارتقای عملکرد اساتید و افزایش کارآمدی و اثربخشی سازمان است و به عنوان یک قلمرو علمی که به چگونگی ارائه موقعیت های آموزشی در جهت تحقق یادگیری در سازمان می پردازد، از نقش بسزایی برخوردار است هدف از این مطالعه تعیین ریزفعالیت های موثر در اثربخشی کارگاه های آموزشی از دیدگاه صاحب نظران آموزش پزشکی در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه علوم پزشکی کردستان می باشد.

**روش ها:** این مطالعه از نوع کیفی (Qualitative Study) به صورت مصاحبه گروهی (Focus Group Discussion) انجام شد ۵ نفر از اساتید عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی براساس سابقه کار و تخصص انتخاب شدند. این مطالعه در ۹ جلسه انجام شد. درانتها فعالیت های بیان شده دسته بندی شده و عناوین مشابه یکی شدند و اعضای گروه فعالیت های لازم جهت تحقق آموزش موثر در جهت توانمندی اساتید به ۲ بعد کمی و کیفی را عنوان نمودند

**نتایج:** بعد کیفی آموزش، به نیازسنجی آموزشی، سطوح آموزش، محیط مناسب آموزشی، تناسب تخصص مدرسین و محتوی آموزشی و انتخاب الگوی تدریس مناسب و نوع ارزیابی از دوره آموزشی اشاره شد و در بعد کمی، میزان مشارکت گروه های هدف و تعداد افراد شرکت کننده، انتخاب زمانهای مطلوب در هفته عنوان شد

**نتیجه گیری:** با توجه به این که مراکز توسعه آموزش در دانشگاه با تشکیلات محدود به تنهایی نمی توانند به امور کیفی آموزش دانشگاه بپردازند، مشارکت دفاتر توسعه آموزش در دانشکده ها و همچنین مراکز آموزش مداوم و بیمارستانهای تابعه آموزشی با استفاده از امکانات و ظرفیتهای بالقوه موجود به منظور نهادینه کردن امر توسعه کیفی در دانشگاه نقش تسهیل کننده داشته باشد

### بررسی جایگاه مهار سلامت در دانشجویان دانشکده پرستاری-مامایی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

مهستی گنجو<sup>۱\*</sup>، زهرا محیط قیری<sup>۲</sup>، هما سلیمانی<sup>۲</sup>، سمیه حسینی<sup>۲</sup>، پروانه صفر پور<sup>۴</sup>  
\*عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر  
<sup>۲</sup>دانشجوی کارشناسی عضو کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر  
<sup>۳</sup>کارشناس آمار  
<sup>۴</sup>کارشناس آموزش

**مقدمه:** مفهوم جایگاه مهار، در سراسر تاریخ بشری مورد توجه بوده است. گروهی که موفقیت‌ها و شکست‌های خود را عموماً به شخص خود نسبت می‌دهند، افراد دارای منبع کنترل درونی نامیده شده‌اند و گروه دیگر که موفقیت‌ها و شکست‌های خود را معمولاً به عوامل بیرون از نسبت می‌دهند افراد دارای منبع کنترل بیرونی نام گرفته‌اند. پذیرش حوادث به عنوان پیامد رفتار خودمان در قالب کنترل داخلی و پذیرش حوادث به عنوان نتیجه‌ی عملکرد دیگران و ارتباط دادن حوادث به شانس، قضا و قدر و نیز سرنوشت به عنوان جایگاه مهار خارجی توضیح داده می‌شود. این مقیاس به عنوان یکی از موثرترین ابزارهای سنجش عقاید مربوط به سلامت مورد استفاده قرار گرفته است. محور کنترل سلامت در واقع درجه اعتقاد فرد به این امر است که سلامت وی تا چه حد تحت کنترل عوامل درونی یا بیرونی می‌باشد. اشخاص با منبع کنترل درونی بیش از دارندگان منبع کنترل بیرونی انگیزه پیشرفت دارند، جستجوی اطلاعات و استقلال خواهی همراه با سازگاری با دیگران در آن‌ها بیشتر است و نیز از سلامتی و سازگاری روان شناختی بالاتری برخوردارند. افراد با منبع کنترل بیرونی، مهار کم‌تری بر رویدادها دارند و در موقعیت‌های فشارزا خود را ناتوان می‌بینند.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر یک مطالعه‌ی توصیفی با هدف تعیین جایگاه مهار سلامت به صورت سرشماری در دانشجویان دانشکده‌ی پرستاری-مامایی بوشهر انجام گردیده است.

**نتایج:** در این مطالعه، حجم نمونه ۷۷ نفر می‌باشد. ۸۸٪ زن و ۱۱٪ مرد هستند. متوسط سن دانشجویان ۲۰ سال است. آمار مربوط به سه مولفه جایگاه مهار سلامت بدین ترتیب محاسبه گردید: حیطه جایگاه مهار داخلی (خود) ۳/۷ با انحراف معیار ۲/۶۵، حیطه دیگران ۳/۵ با انحراف معیار ۲/۴۶، حیطه شانس ۲/۷۶ با انحراف معیار ۲/۴۸.

نتیجه‌گیری: بر اساس پژوهش حاضر، بین دانشجویان بیشترین تعداد دارای جایگاه مهار داخلی هستند (۳/۷۱). و کمترین آن جایگاه مهار شانس که ۲/۷۶ بوده است. با توجه به اهمیت آموزش پزشکی در کشور می‌بایست به دنبال راه‌های مناسب و برنامه‌ریزی‌های به جا جهت ارتقای کیفیت آموزش و افزایش توانمندی دانشجویان رشته‌های علوم پزشکی باشیم. بدون شک برای این برنامه‌ریزی‌ها نیازمند اطلاعات زمینه‌ای در خصوص وضعیت موجود دانشجویان هستیم.

**واژه‌های کلیدی:** جایگاه مهار سلامت، جایگاه مهار داخلی (خود)، جایگاه مهار خارجی دیگران، جایگاه مهار خارجی شانس

## بررسی رابطه بین گرایشهای ارزشی با سبکهای تصمیم گیری مدیران آموزشی و اساتید دانشگاه علوم پزشکی البرز در سال ۹۱

زهره سهرابی<sup>۱</sup>، علی طاهرنیا<sup>۲</sup>، سید اکبر قاسمی موسوی<sup>۳\*</sup>، علی احسان حیدری<sup>۴</sup>، جمشید رحیمی<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup>استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران

<sup>۲</sup>استادیار دانشگاه علوم پزشکی البرز

<sup>۳\*</sup>کارشناس ارشد آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

akbar\_k115@yahoo.com

<sup>۴</sup>استادیار دانشگاه علوم پزشکی البرز

<sup>۵</sup>مربی دانشگاه علوم پزشکی البرز

**مقدمه:** تصمیم گیری به عنوان بخش جدایی ناپذیر از مدیریت، قلب تپنده سازمان های بهینه و جوهره کار مدیران تلقی می شود که می تواند متأثر از گرایش های مختلف ارزشی تصمیم گیرندگان باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین گرایش های ارزشی (ششگانه) و سبک های تصمیم گیری (آمرانه، مشورتی و مشارکتی) مدیران آموزشی واساتید دانشگاه علوم پزشکی البرز در سال ۹۱ انجام گرفته است.

**روش ها:** پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی است، و جامعه آماری شامل کلیه مدیران آموزشی واساتید دانشگاه علوم پزشکی البرز به تعداد ۱۰۰ نفر که از روش تمام شماری انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری شامل پرسشنامه استاندارد شده مطالعه ارزش ها (Sov) آلپورت و پرسشنامه محقق ساخته سبک های تصمیم گیری (بر اساس الگوی وروم - یتون)، که پایایی آنها بر اساس آلفای کرونباخ به ترتیب ۸۵٪ و ۹۰٪ به تأیید رسیده است. جهت تحلیل داده های آماری با استفاده از نرم افزار Spss از شاخص های آمار توصیفی (جداول توزیع فراوانی، نمودارهای توصیفی، میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام) استفاده شده است.

**نتایج:** یافته ها حاکی از آن است که: (۱) بین سبک آمرانه تصمیم گیری مدیران و اساتید و گرایشات ارزشی (ششگانه) رابطه ای وجود ندارد. (۲) همبستگی مثبت و معنی داری بین گرایش های ارزشی نظری، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و سبک های تصمیم گیری مشورتی و مشارکتی وجود دارد. (۳) سبک های تصمیم گیری مشورتی و مشارکتی در مدیران مرد با بعضی گرایشات رابطه داشته که جهت این تأثیر در برخی از ارزش ها مثبت و در برخی دیگر منفی می باشد.

**نتیجه گیری:** یافته ها بیانگر آنست که مدیرانی که در به کار بردن تصمیم گیری مشارکتی اهتمام ورزند سلامت سازمانی آنان در تمام ابعاد بهبود می یابد، که با توجه به تأیید فرضیه مذکور در بیشتر گرایشات می توان نتیجه گرفت مدیران جامعه آماری تمایل به بهبود سلامت سازمانی را دارند. درانتخاب و انتصاب مدیران، افرادی برگزیده شوند که گرایش به ارزش اجتماعی، اولویت برتر را در سیستم ارزشی آنان دارا باشد. به گفته ی کلاف و استیسی (۱۹۹۶) تصمیم گیرندگان به شدت تحت تأثیر عواملی از جمله تجربه ی گذشته، مهارت های بینشی و ادراکی و تحلیلی، دانش تخصصی مدیریت، نگرش ها و ارزش های مختلف، امید و اضطراب، شرایط و امکانات محیطی، بلندنظری و سعهی صدر افراد قرار می گیرند. توصیه میشود در انتخاب و انتصاب مدیران از وجود افرادی استفاده شود که شیوه های مرجح اخذ تصمیم برای آنها شیوه های غیرآمرانه بوده، توانایی و تمایل بهره گیری از سبک های مشورتی و مشارکتی را داشته باشند.

**واژه های کلیدی:** سبک های تصمیم گیری، گرایش های ارزشی، مدیران آموزشی

## بررسی اثربخشی آموزش عملکرد مبتنی بر شواهد بر اساس مدل اشاعه نوآوری راجرز در دانشجویان پرستاری

شهزاد پاشایی پور<sup>۱\*</sup>، طاهره اشک تراب<sup>۲</sup>، مریم رسولی<sup>۳</sup>، حمید علوی مجد<sup>۴</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی دکترا علوم پزشکی شهید بهشتی

[pashaeypoor.sh@gmail.com](mailto:pashaeypoor.sh@gmail.com)

<sup>۲</sup> دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

<sup>۳</sup> استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

<sup>۴</sup> دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

**مقدمه:** امروزه پرستاران و سایر مراقبین بهداشتی دائماً در حال تلاش برای فراهم نمودن بهترین مراقبت جهت بیماران خود هستند. نوآوری های پدید آمده در مراقبتهای بهداشتی، تشخیص بهترین انتخاب را دچار چالش کرده است و از طرفی بیماران انتظار دارند که مراقبت دریافتی آنها برپایه به روزترین یافته های علمی باشد و این یک انتظار منطقی است و عملکرد مبتنی بر شواهد این امکان را فراهم می کند. لذا بسیار ضروری است که در آموزش پرستاری به آن پرداخته شود و از آنجایی که آموزش عملکرد مبتنی بر شواهد به عنوان یک نوآوری در آموزش پرستاری است می توان از مدل اشاعه نوآوری راجرز جهت آموزش استفاده کرد و نتایج آموزش با استفاده از مدل را مورد بررسی قرار داد.

**روش ها:** این پژوهش، یک مطالعه نیمه تجربی است که در دو گروه آزمون و کنترل انجام گرفت. نمونه های پژوهش دانشجویان کارشناسی پرستاری بودند که واحد کارآموزی عرصه بهداشت جامعه را انتخاب واحد نموده بودند. نمونه ها به طور تصادفی در دو گروه آزمون و کنترل قرار گرفتند. تعداد نمونه ها در هر گروه ۳۰ نفر بود. در گروه آزمون، آموزش عملکرد مبتنی بر شواهد بر اساس مدل اشاعه نوآوری راجرز انجام گرفت و در گروه کنترل مداخله ای صورت نگرفت. قبل و بعد از انجام مداخله، دانش، نگرش و پذیرش عملکرد مبتنی بر شواهد در دو گروه با هم مقایسه شد. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه بود.

**نتایج:** نتایج پژوهش نشان داد که در میانگین نمرات دانش، نگرش و پذیرش بعد از مداخله در دو گروه آزمون و کنترل اختلاف معنی داری وجود دارد ( $P < 0/000$ ). میانگین دانش بعد از مداخله در گروه آزمون  $45 \pm 3/4$  نگرش  $45 \pm 6/7$  و پذیرش  $45/7 \pm 4$  بود و در گروه کنترل میانگین نمرات دانش  $33 \pm 6/3$  نگرش  $37/06 \pm 49$  و پذیرش  $35/9$  بود. نتیجه گیری: استفاده از مدل های آموزشی متنوع جهت آموزش نوآوری های آموزشی بسیار مفید می باشد و یافته ها نشان داد که می توان جهت آموزش عملکرد مبتنی بر شواهد از مدل اشاعه نوآوری راجرز استفاده نمود.

**واژه های کلیدی:** آموزش عملکرد مبتنی بر شواهد، پرستار، بهداشت جامعه، مدل اشاعه نوآوری راجرز  
**بررسی مقایسه ای احساس خودکارآمدی و عزت نفس در دانشجویان علوم پزشکی  
دانشگاه آزاد اسلامی مشهد**

آرزو فرج پور<sup>۱\*</sup>، دکتر حمید رضا ارشدی<sup>۲</sup>، دکتر مهران همام<sup>۳</sup>

## چکیده مقالات چهاردهمین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

دکتر محمدرافراز یزدی<sup>۴</sup>، مجتبی مشکات<sup>۵</sup>، الهه محمدی<sup>۶</sup>، زهرا خجسته<sup>۷</sup>

\* دانشجوی PHD آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

[ar.farajpour@gmail.com](mailto:ar.farajpour@gmail.com)

<sup>۱</sup> استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، گروه روانپزشکی، مشهد، ایران

<sup>۲</sup> استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، گروه مغز و اعصاب، مشهد، ایران

<sup>۳</sup> استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، گروه داخلی، مشهد، ایران

<sup>۴</sup> کارشناس ارشد آمار زیستی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

<sup>۵</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی شیراز - شیراز -

ایران

<sup>۶</sup> دانشجوی مامایی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

مقدمه: رسالت اساسی سیستمهای آموزش پزشکی رساندن دانشجویان به بالاترین سطح یادگیری یعنی شایستگی حرفه ای است تا دانشجو هنگام فارغ التحصیلی ضمن اینکه مهارتهای مختلف را فرا گرفته، با کفایت، اعتماد به نفس و اطمینان به توانمندیهای خود، آموخته های خود را اجرا نماید. برای تربیت پزشکان کارآمد سه مولفه برنامه ریزی آموزشی، شرایط محیط آموزش و عوامل روانشناختی بایستی مورد توجه قرار گیرد. بندورا، خود کارآمدی را باور فرد به توانایی انجام عملکردهای مورد نظر تعریف نموده است، خود کارآمدی شامل عزت نفس نیز می شود که واسطه بین دانش و رفتار است.

روش ها: پژوهش حاضر مطالعه ای توصیفی - تحلیلی است. که بر روی ۱۱۹ نفر از دانشجویان رشته های پزشکی، پرستاری و مامایی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد انجام گرفت. روش نمونه گیری تصادفی ساده و ابزار پژوهش پرسشنامه های استاندارد عزت نفس روزنبرگ و General Self-Efficacy Scale بود.

نتایج: نمونه ها ۱۱۹ دانشجو شامل ۲۶ نفر مذکر و ۹۳ نفر مونث که ۶۳ نفر رشته پزشکی، ۳۸ نفر رشته مامایی و ۱۸ نفر رشته پرستاری میباشند. دامنه سنی نمونه ها ۱۸-۳۴ سال و میانگین سنی ۲۳ سال بود. همبستگی میان نمرات احساس خود کارآمدی و عزت نفس، معنی دار ( $p=0.000$ ) گزارش شد.

نتیجه گیری: با توجه به اینکه نمرات احساس خود کارآمدی در سطح متوسط میباشد و تفاوت بین رشته ای نیز وجود دارد جهت ارتقا آن میتوان مولفه برنامه ریزی و محیط آموزشی را مورد بررسی قرار داد. بازنگری برنامه ریزیهای آموزشی و اصلاح زیرساختها و شرایط محیط آموزشی، استفاده از روشهای نوین ارزشیابی بالینی و استراتژیهای تدریس و... جهت افزایش خود کارآمدی دانشجویان و نیل به اهداف متعالی آموزشی ضروری می باشد.

واژه های کلیدی: self steem و general Self-Efficacy و medical students

## بررسی رابطه میان سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان دندانپزشکی در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹

\*<sup>۱</sup> دکتر سمیرا بصیر شبستری،<sup>۲</sup> دکتر ایمان شیرین بک،<sup>۳</sup> فاطمه سفیدی

Email: [samira\\_bsh2@yahoo.com](mailto:samira_bsh2@yahoo.com)

\*<sup>۱</sup> استادیار بیماریهای دهان و تشخیص دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی زنجان

<sup>۲</sup> استادیار جراحی فک و صورت دانشگاه علوم پزشکی زنجان، بیمارستان آیت ا... موسوی

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد روانسنجی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

**مقدمه:** دستیابی به حداکثر پیشرفت تحصیلی از جمله اهداف عالی آموزش است. سازگاری اجتماعی مهمترین نشانه سلامت روان میباشد. از آنجائیکه هیچ یک از پژوهش های داخلی، به مطالعه رابطه پیشرفت تحصیلی و سازگاری اجتماعی در دانشجویان دندانپزشکی نپرداخته این تحقیق را انجام دادیم.

**روش ها:** دانشجویان ترم ۱۱،۹،۷ دندان پزشکی قزوین وارد مطالعه شدند. بدین نحو که براساس شماره دانشجویی، مشخصات فردی و نیز معدل تحصیلی سه ترم اخیر دانشجویان مشخص شد. بسته به سیر پیشرفت تحصیلی چهار دسته پرسشنامه کالیفرنیا (سوالات مشابه با فونت متفاوت) در اختیار دانشجویان قرار گرفت. نهایتاً داده های مطالعه توسط نرم افزار SPSS15 وارد کامپیوتر شد.

**نتایج:** بین جنسیت و سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی رابطه معنا داری وجود نداشت. بیشترین نمره میانگین سازگاری در دانشجویان با پیشرفت تحصیلی ثابت دیده شد. بین پیشرفت تحصیلی و سازگاری اجتماعی و مولفه های اجتماعی شدن و مسئولیت پذیری رابطه معنا داری یافت نشد.

**نتیجه گیری:** توجه متولیان آموزش به ارزیابی سلامت روانی دانشجویان و انجام اقدامات در راستای ارتقاء پیشرفت تحصیلی اهمیت میابد. **واژه های کلیدی:** سازگاری اجتماعی، پیشرفت تحصیلی، دانشجویان دندانپزشکی

گشودن چشم انداز وسیع به سمت جهانی شدن دانشجویان ایرانی با آرایه الگوی جدید ( بررسی دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جهرم در زمینه نقش مجله انگلیسی shine در ترغیب آنان برای رجوع به منابع انگلیسی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم-ایران)

فرزانه علی پور<sup>۱\*</sup>، صدیقه نجفی پور<sup>۲</sup>، مریم قاسمی<sup>۳</sup>، عاطفه کرمزاده<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی پزشکی مقطع بالینی دانشگاه علوم پزشکی جهرم

<sup>۲</sup>عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم

<sup>۳</sup>دانشجوی پزشکی مقطع بالینی دانشگاه علوم پزشکی جهرم

<sup>۴</sup>کارشناس EDC دانشگاه علوم پزشکی جهرم

مقدمه: امروزه یادگیری زبان انگلیسی یک ضرورت انکارناپذیر است زیرا زبان انگلیسی زبان علم است و آموزش رشته های مختلف در سطوح عالی و تولید علم به زبان انگلیسی صورت می گیرد. از آن جایی که استفاده از منابع علمی بین المللی یکی از نیازهای دانشجویان می باشد با انتشار مجله انگلیسی shine در ترغیب دانشجویان به فراگیری هرچه بیشتر این زبان و ترغیب آنان در جهت رجوع به رفرنس ها قدم برداشتیم. در این مطالعه دیدگاه دانشجویان در خصوص مجله بررسی گردید.

روش ها: این مطالعه توصیفی- مقطعی بر روی ۱۶۱ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جهرم پزشکی که به روش طبقه ای تصادفی انتخاب شدند، انجام شد. در این مطالعه از پرسشنامه ای خودساخته، روا و پایا جهت جمع آوری اطلاعات استفاده شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و با در نظر گرفتن  $P < /0.05$  مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان داد که ۶۰/۹ درصد از دانشجویان مشارکت کننده دختر و ۳۹/۱ درصد پسر بوده اند. میانگین سنی دانشجویان  $m = +21/2$  بوده است. ۵۶/۳ درصد بیان کردند که محتویات مجله shine مرتبط با نیازهاشان بوده است. ۵۷ درصد اذعان داشتند که مجله شاین تاحدودی در افزایش یادگیری زبان انگلیسی آنها نقش داشته، ۵۳ درصد معتقد بودند که این مجله مطالب جدید و به روز ارائه می دهد. ۴۹/۷ درصد بیان کردند که این مجله الگوی جدید جهت یادگیری زبان ارائه می نماید. همچنین ۸۹ درصد دانشجویان بیان داشتند نشریه شاین اولین نشریه دانشجویی به زبان انگلیسی است که با آن آشنا شدند.

نتیجه گیری: از نتایج این مطالعه برمی آید که نشریه انگلیسی shine می تواند فرصت مناسبی برای آشنایی بیشتر دانشجویان با مفاهیم، سایت ها و رفرنس های بین المللی مربوطه خود فراهم نماید و میتواند محرکی در جهت رفع نقاط ضعف آموزشی باشد.

واژه های کلیدی: زبان انگلیسی، مجله shine، منابع



## نیازهای اطلاعاتی پرسنل خدماتی در حوزه سواد سلامت: مطالعه موردی پرسنل خدماتی بیمارستان امام خمینی ارومیه

عثمان امینی<sup>۱\*</sup>، فهیم امینی تبوک<sup>۲</sup>

\*کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش شناسی، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

[osma\\_amini@yahoo.com](mailto:osma_amini@yahoo.com)

<sup>۲</sup>دانشجوی دکترای بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی

[famini.tapok@gmail.com](mailto:famini.tapok@gmail.com)

**مقدمه:** پرسنل خدماتی فراموش شده ترین گروه در نظام بهداشت و درمان هستند که علی رغم نقش مهم و کلیدی در فرآیند سلامتی بیمار، کارکرد و توانایی‌های آنان نادیده گرفته شده است. هدف از این مطالعه بررسی نیازهای اطلاعاتی پرسنل خدمات بهداشتی در حوزه سواد سلامت است.

**روش‌ها:** برای بررسی نیازهای اطلاعاتی پرسنل شاغل در بیمارستان امام خمینی ارومیه از روش دلفی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق ۲۵۰ نفر است که به روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۳۰ نفر به عنوان اعضای پانل دلفی انتخاب شدند. نیازهای اطلاعاتی این قشر پس از چهار مرحله متوالی شناسایی و دسته‌بندی شدند. در مرحله اول از اعضای پانل خواسته شد که مهمترین نیازهای اطلاعاتی خود در حوزه سواد سلامت را ذکر کنند. در این مرحله هر یک از اعضا به طور متوسط ۸ مورد را به عنوان نیازهای اصلی خود قید کردند. در مرحله دوم نیازهای ذکر شده دسته‌بندی و ادغام شده و در قالب عبارات و جملات مشخص به اعضای پانل برگردانده شد تا نظرات و پیشنهادات خود را در مورد مفاد و محتوای و همچنین ضرورت نیازها بیان نمایند. در مرحله سوم اصلاحات ضروری در تعدادی از نیازها به عمل آمد و یک فهرست ۲۵ موردی را برای اعمال نظر بار دیگر به اعضای پانل داده شد تا نظرات اصلاحی خود را بیان دارند و همچنین موافقت و مخالفت خود را با نیازهای ذکر شده اعلام دارند. در مرحله چهارم، رئیس پانل پس از تکمیل و دسته‌بندی نظرات، جدولی را آماده کرد تا بر اساس آن اعضای پانل به هر یک از نیازها امتیاز بدهند. در این مرحله برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای پانل از ضریب هماهنگی کندال استفاده شد که ضریب بدست آمده ۶/۱۰ بود و با توجه به تعدا اعضای پانل این مقدار معنادار به حساب می‌آید.

**نتایج:** نتایج حاصل از روش دلفی نشان داد که نیازهای اطلاعاتی پرسنل خدماتی بهداشتی ۲۵ مورد است که به ترتیب مرتب شده‌اند. نیازهایی که امتیاز بیشتری کسب کردند در واقع اتفاق نظری بیشتری در مورد آن بوده است. نتیجه‌گیری: شناسایی نیازهای اطلاعاتی پرسنل خدماتی در حوزه سواد سلامت به مدیران و مسولین نیروهای خدماتی کمک می‌کند تا آنان به آموزش‌های مورد نیاز برای این گروه اقدام کنند و از این راه موجب ارتقای کیفیت خدمات بهداشتی - درمانی شوند.

**واژه های کلیدی:** پرسنل خدماتی، سواد سلامت، نیازهای اطلاعاتی، بیمارستان امام خمینی ارومیه، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

استانداردسازی ابزار ایرانی سنجش نگرش به کارگروهی در نظام سلامت براساس  
ابزار استاندارد شده خارجی با عنوان:  
Team STEPPS Teamwork Attitudes  
Questionnaire(T-TAQ)

مینو نجفی<sup>۱\*</sup>، مریم نجفی<sup>۱</sup>، ماندانا شیرازی<sup>۲</sup>، فاطمه کشمیری<sup>۳</sup>  
<sup>۱\*</sup> دانشجوی پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران  
<sup>۲</sup> استادیار مرکز توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی تهران  
<sup>۳</sup> دانشجوی دکترای آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

مقدمه: مشارکت درون و برون گروهی تیم های مراقبت سلامت، ارائه خدمات موثر را تسهیل می کند. راهبرد اصلی تیم مراقبت از سلامت، بر همکاری و کار گروهی در این تیم ها جهت ایجاد سلامت در سطح جامعه و موسسات تاکید می کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی روایی و پایایی ابزار سنجش نگرش در رابطه با کارگروهی (T-TAQ) در ایران انجام شده است.

روش ها: این مطالعه یک مطالعه پیمایشی (Survey) و مقطعی (Cross-Sectionals) بوده و در سال ۱۳۹۱ انجام گردیده است. در این پژوهش روایی محتوایی و صوری با استفاده از تکنیک دلفی با حضور ۱۱ نفر از متخصصین در دو راند دلفی انجام شد. همچنین روایی خارجی با استفاده از رویکرد ترجمه و بازترجمه و انجام دلفی در بین دو راند مورد تایید قرار گرفت. جهت بررسی پایایی، با استفاده از روش test-retest پرسشنامه دومرتبه به فاصله یک هفته به گروه های هدف مورد بررسی ارائه شد. جامعه این پژوهش ۶۷ نفر دانشجوی سال آخر پزشکی و پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تهران بودند که به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای به مطالعه وارد شدند. ابزار سنجش نگرش در رابطه با کارگروهی (STEPPS-T-TAQ)، دارای ۳۰ آیتم در پنج حیطه (ساختار تیم، رهبری، کنترل موقعیت، حمایت دوسویه و برقراری ارتباط) با استفاده از مقیاس لیکرت پنج گزینه ای (کمترین = ۱ و بیشترین = ۵) مورد بررسی قرار گرفت. سپس با استفاده از آزمون های توصیفی - تحلیلی توسط نرم افزار SPSS ۱۳ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج: با توجه به بررسی های انجام شده روایی خارجی، صوری و محتوایی مورد تایید صاحب نظران در ایران قرار گرفت. نتایج مربوط به پایایی کل نیز با استفاده از آلفای کرونباخ 0.8 و ICC=0.8 محاسبه شد. همچنین آلفای کرونباخ برای هر یک از حیطه های ساختار تیم (۰.۷۱)، رهبری (۰.۷۵)، کنترل موقعیت (۰.۶۷)، حمایت دوسویه (۰.۴) و برقراری ارتباط (۰.۶۴) به دست آمد. نتیجه گیری: با توجه به یافته های پژوهش حاضر ابزار بررسی نگرش STEPPS-T-TAQ دارای روایی صوری و محتوایی است و نیز پایایی (آلفای کرونباخ 0.8 و ICC 0.8) محاسبه شد. بنابراین این ابزار به عنوان ابزاری روا و پایا در ایران می تواند به منظور بررسی نگرش در رابطه با کارگروهی مورد استفاده قرار گیرد.

واژه های کلیدی: کارگروهی، روایی، پایایی، نگرش

## بررسی دیدگاه و تجربیات دانشجویان

### دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد در خصوص عدالت در آموزش

مهديه ممیزی<sup>۱\*</sup>، محمد ممیزی<sup>۲</sup>

\*کارشناس ارشد آموزش بهداشت، مرکز تحقیقات پیشگیری و اپیدمیولوژی بیماری های غیر واگیر، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

Mahdieh\_momayyezi@yahoo.com

<sup>۲</sup>دانشجوی پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

**مقدمه:** بی شک یکی از شاخص های مهم توسعه همه جانبه و بقای سیستم و نظام های طبیعی و اجتماعی عدالت در همه عرصه ها خصوصا عدالت آموزشی است. مقوله عدالت آموزشی در سال های اخیر کانون توجه بوده و از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و آن را رسانه ای کرده است. مطالعه حاضر با هدف بررسی دیدگاه دانشجویان در خصوص عدالت در آموزش انجام شده است.

**روش ها:** این مطالعه از نوع توصیفی است. برای جمع آوری اطلاعات ۱۰۰ پرسشنامه خود ساخته، که روایی و پایایی آن توسط اساتید و آزمون آماری برآورد شده بود به روش نمونه گیری تصادفی در بین دانشجویان توزیع شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار spss/ver16 استفاده گردید.

**نتایج:** نتایج نشان داد که از نظر دانشجویان در بعد مدیریت بیشترین میزان برقراری عدالت مربوط به انجام حضور و غیاب کلاسی و تعداد دانشجویان در کلاس و کمترین مربوط به برقراری آموزش مجازی بوده است. در بعد امکانات آموزشی، بیشترین میزان عدالت در خصوصیات فیزیکی محیط آموزشی، استفاده از رسانه های آموزشی و دسترسی به انواع کتب و مجلات و کمترین مربوط به برگزاری کارگاه های آموزشی، در بعد ارزشیابی بیشترین میزان برقراری عدالت در آشنا کردن دانشجویان با نحوه و ترکیب سوالات پایان ترم، زمان ارزشیابی و کمترین میانگین در برگزاری ارزشیابی میان ترم بوده است. نتایج همچنین نشان داد بیش از نیمی از دانشجویان آزادی عمل در انتخاب مدرس و استاد راهنما را خیلی ضعیف برآورد کرده بودند.

**نتیجه گیری:** بهترین راهکارها جهت برقراری عدالت آموزشی، متناسب سازی روش های تدریس با توانایی دانشجویان، در دسترس قراردادن انواع کتب و مجلات آموزشی، دادن قدرت انتخاب به دانشجو برای تعیین مدرس و استاد راهنما، روشن سازی نحوه، ترکیب و زمان ارزشیابی، توزیع عادلانه امکانات آموزشی می باشد.

**واژه های کلیدی:** عدالت، آموزش، دیدگاه، دانشجو

## بررسی میزان ادراک استرس و شناخت منابع آن در دانشجویان پزشکی

دکتر آیین محمدی<sup>۱</sup>، دکتر ریتم مجتهدزاده<sup>۲\*</sup>، دکتر سمیه برجعلی‌لو<sup>۳</sup>،

<sup>۱</sup> مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، <sup>۲\*</sup> دانشکده مجازی، دانشگاه علوم پزشکی

تهران، <sup>۳</sup> کارشناس پژوهش، دانشکده مجازی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

[r\\_mojtahedzadeh@tums.ac.ir](mailto:r_mojtahedzadeh@tums.ac.ir)

**مقدمه:** دانشجویان پزشکی امروز، پزشکان و مدیران فردای بخش بهداشت و درمان خواهند بود و برای ارتقای سلامت جامعه از هم اکنون باید به عوامل استرس‌زا و محل سلامت ایشان توجه کنیم. هدف از پژوهش حاضر بررسی میزان ادراک استرس و شناخت منابع آن در دانشجویان پزشکی بود.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر از نوع مقطعی (cross sectional) است. جامعه پژوهش حاضر را ۳۴۰ نفر از دانشجویان پزشکی مقاطع علوم پایه، پاتوفیزیولوژی و کارآموزی تشکیل می‌دهند که مقیاس ادراک استرس (PSS-14) و نیز مقیاس عوامل استرس‌زا را تکمیل نمودند. ابتدا دو پرسشنامه فوق را توسط جمعی از کارشناسان ترجمه کردیم. سپس به بررسی ویژگی‌های فنی پرسشنامه پرداختیم. روایی پرسشنامه حاضر را از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و پایایی آن را به وسیله آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار دادیم. سپس از طریق نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از مقاطع مورد نظر نمونه گرفتیم. بدین نحو بررسی تغییر روند مسیر ادراک استرس و منابع استرس میان دانشجویان پزشکی از سه مقطع فوق قابل بررسی است. در مرحله بعد دو پرسشنامه فوق میان دانشجویان توزیع و تکمیل گردید.

**نتایج:** نمرات ادراک استرس ۲۸۴ نفر از دانشجویان بالای ۲۸ ( $M=۳۳,۳۲$  و  $SD=۳,۷۱$ ) و ۵۷ نفر از ایشان پائین تر ۲۸ ( $M=۲۴,۲۸$  و  $SD=۲۲,۹۹$ ) است. مهمترین عوامل در عامل استرس زای آموزشی به ترتیب: عملکرد در امتحانات (۱۳,۵٪)، تعداد امتحانات (۹,۴٪)، برنامه درسی رشته (۸,۲٪) و عدم ارائه راهنمایی‌های خاص از سوی استادان (۸,۲٪)؛ مهمترین عوامل در عامل استرس زای روانی-اجتماعی به ترتیب: موقعیت سیاسی کشور (۱۵,۵٪)، تنهایی (۹,۴٪) و کیفیت غذای سلف سرویس (۹,۴٪)؛ و در نهایت مهمترین عوامل در عامل استرس‌زای بهداشتی به ترتیب: ورزش (۴,۴٪) و بهداشت سلف سرویس (۴,۴٪) است. اما در ادراک استرس و منابع استرس‌زا هیچ تفاوت معناداری میان دانشجویان پزشکی در سه دوره‌های مختلف مشاهده نشد. در اولویت‌بندی عوامل استرس‌زا، نگرانی در زمینه مسائل آینده (امکان ادامه تحصیل، یافتن شغل مناسب، ازدواج، وضعیت رفاهی در زندگی آینده) با بیشترین درصد (۴۳,۳٪) و مسائل مالی و اقتصادی با کمترین (۵,۸٪) درصد از مهمترین عوامل استرس‌زا از سوی دانشجویان شناخته شدند.

**نتیجه‌گیری:** پیشنهاد می‌شود مسئولین و مدیران آموزشی در دانشگاه با ارتقای کیفیت خدمات آموزشی و ارتباط نزدیک با دانشجویان نیازهای ایشان را در محیط آموزشی و خدمات رفاهی و معیشتی شناسایی و در پی مرتفع کردن آنها باشند.

**واژه‌های کلیدی:** ادراک استرس، عوامل استرس‌زا، دانشجویان پزشکی

### بررسی عوامل موثر بر میزان علاقه و مشارکت دانشجویان تحصیلات تکمیلی در فعالیتهای پژوهشی - مطالعه موردی: دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

کیومرث شرفی<sup>۱\*</sup>، یحیی صفری<sup>۲</sup>، فاطمه نوازش خواه<sup>۳</sup>، مهتاب عزیزی<sup>۴</sup>، منصور ضیائی<sup>۵</sup>  
\*کارشناس ارشد گروه مهندسی بهداشت محیط دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه  
kio.sharafi@gmail.com

<sup>۱</sup>دکترای تخصصی برنامه ریزی درسی دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه  
<sup>۲</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه(ارائه دهنده)  
<sup>۴</sup>دانش آموخته رشته پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه  
<sup>۵</sup>کارشناس ارشد ارگونومی گروه بهداشت حرفه ای دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

**مقدمه:** شناسایی عوامل موثر در انجام فعالیت های پژوهشی بسیار مؤثر است، هدف از این مطالعه تعیین عوامل موثر بر میزان علاقه و مشارکت دانشجویان تحصیلات تکمیلی در فعالیتهای پژوهشی می باشد.

**روشها:** این مطالعه به روش توصیفی- تحلیلی از نوع مقطعی می باشد که جامعه آماری آن، تمامی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (۷۵ نفر) بود. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته ای است که در آن به منظور شناسایی عوامل موثر در انجام فعالیت های پژوهشی دانشجویان از دیدگاه آنها از مقیاس لیکرت (خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵) استفاده شد. در این پرسشنامه ضریب آلفای کرونباخ برای تمام متغیرها برابر با ۰/۸۵ بدست آمد. برای متغیرهای سه گروهی از آزمون آماری Kruskal-Wallis و برای متغیرهای دو گروهی از آزمون Mann-Whitney U استفاده شد. جهت شناسایی عوامل تأثیرگذار از آزمون تک گروهی One-Sample T-test و در نهایت جهت شناسایی مؤثرترین عوامل از بین پنج پارامتر مورد بررسی به ترتیب اولویت، آزمون آماری Friedman مورد استفاده قرار گرفت.

**نتایج:** بر اساس نتایج مشخص شد که دیدگاه دانشجویان دانشکده های مختلف، گروه های سنی مختلف و دانشجویان با و بدون تجربه پژوهشی در ارتباط با نقش عوامل تأثیرگذار در انجام فعالیت های پژوهشی تفاوت معناداری دارند ( $P < 0/05$ ). علاوه بر آن بر اساس نتایج مشخص شد که میزان تأثیرگذاری مذکور به ترتیب اولویت مربوط به امکانات آموزشی و پژوهشی، حمایت سازمانی (دانشگاه)، تجربیات علمی و پژوهشی، سایر عوامل و نقش اساتید می باشد ( $P < 0/05$ ).

**نتیجه گیری:** با توجه به نقش پر رنگ امکانات آموزشی و پژوهشی و حمایت سازمانی (دانشگاه) در انجام فعالیت های پژوهشی از دیدگاه دانشجویان لذا دسترسی به اینترنت با سرعت مناسب و بانک های اطلاعاتی مختلف، مجهز نمودن آزمایشگاه های تحقیقاتی و فراهم نمودن دستگاه های پیشرفته آزمایشگاهی، حمایت مالی بخش تحقیقات دانشگاه از فعالیت های پژوهشی دانشجویان و تشویق آنها از طرق مختلف به انجام این فعالیت و غیره از جمله مواردی است که می تواند دانشجویان تحصیلات تکمیلی را به انجام فعالیت پژوهشی مشارکت دهد

**واژه های کلیدی:** فعالیتهای پژوهشی، مشارکت، دانشجویان تحصیلات تکمیلی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

## آسیب شناسی آموزش از دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان : مطالعه کیفی

ناصر جورابراهیمیان<sup>۱\*</sup>، امین سعیدی نیا<sup>۲</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی دندانپزشکی. کانون علمی پژوهشی بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گیلان

<sup>۲</sup> دانشجوی پزشکی. کانون علمی پژوهشی بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی گیلان

a.saeidynia@yahoo.com

**مقدمه:** آموزش در دوران مختلف رشته پزشکی از اهمیت خاصی برخوردار است و هر یک از آن ها می تواند نقش بسزایی در پرورش فهم مطالب دارد و می تواند پایه گذاری آموزش مراحل بعد را تحت تاثیر قرار دهد. هدف این مطالعه، تبیین نظرات و تجارب دانشجویان پزشکی از رده های آموزشی مختلف به صورت کیفی است.

**روش ها:** این پژوهش یک مطالعه کیفی از نوع تجزیه و تحلیل درون مایه ای است که در آن تعداد ۲۵ نفر از دانشجویان رشته پزشکی از مقاطع مختلف تحصیلی بر اساس نمونه گیری مبنی بر هدف در محیط خوابگاه مورد مصاحبه قرار گرفتند. کلیه مصاحبه ها روی کاغذ پیاده شدند و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج:** با استفاده از تحلیل دست نوشته ها، تعداد قابل توجهی درون مایه اولیه و درون مایه اصلی که هر یک چند درون مایه فرعی داشتند استخراج شد. درون مایه های اولیه شامل عوامل و مشکلات مرتبط با کادر آموزشی، فضای آموزشی، برنامه ریزی آموزشی و پیشنهادات دانشجویان در مورد رفع مشکلات آموزشی موجود بودند. کلیه درون مایه های اصلی در ذیل هر یک از درون مایه های اولیه طبقه بندی شد که هر کدام نیز دارای درون مایه های فرعی بودند.

**نتیجه گیری:** با توجه به درون مایه های حاصل از نظرات دانشجویان به نظر می رسد ارتقای پایش و ارزشیابی کیفی سیستم آموزش، تناسب بین تعداد دانشجویان و فضای آموزشی هر مقطع، عدم توانایی انتقال دانش از کادر آموزشی به دانشجویان، افزایش دادن میزان عملکرد کادر آموزشی در حیطه ی آموزش و کاهش وظیفه ی آن ها در بخش درمان و عدم تاثیرگذاری برنامه ریزی آموزشی روی میزان موفقیت دانشجویان مهمترین درون مایه های اصلی بیان شده بودند.

**واژه های کلیدی:** مشکلات آموزشی، دانشجوی، پزشکی، مطالعه کیفی

## بررسی ارتباط شاخص های هوش هیجانی با معدل تحصیلی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان

شبیم مخیری\* ، زهره صفرنژاد

[sh.mokhayeri@yahoo.com](mailto:sh.mokhayeri@yahoo.com)

پزشک عمومی MPH کارشناس دفتر توسعه آموزش، دانشکده پزشکی گرگان، دانشگاه علوم پزشکی گلستان\*

**مقدمه:** هوش هیجانی. هوش هیجانی مجموعه ای از ظرفیت ها، قابلیت ها و مهارت های غیرشناختی است که توانایی های فرد را در برخورد موفقیت آمیز با مقتضیات و فشارهای محیطی بالا می برد و به عنوان یکی از پیش بینی کننده های اصلی موفقیت فرد در جنبه های مختلف زندگی در نظر گرفته میشود. با توجه به اهمیت روز افزون هوش هیجانی در ابعاد مختلف زندگی، مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط شاخص های هوش هیجانی با عملکرد تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان انجام شد.

**روش ها:** این مطالعه مقطعی-تحلیلی با حجم نمونه ۱۸۷ نفر به شیوه نمونه گیری طبقه ای بر اساس ترم تحصیلی و در هر ترم به روش تصادفی ساده انجام شد. جهت سنجش هوش هیجانی از پرسشنامه استاندارد بار-ان و معدل دانشجویان استفاده شد. اطلاعات توسط آزمون تی مستقل و ضریب همبستگی پیرسون تحلیل گردید. SPSS خلاصه یافته ها:

از بین ۱۵ شاخص هوش هیجانی، تنها بین شاخص واقعیت گرایی با معدل تحصیلی ارتباط معنی داری ( $p=0,01$ ) دیده شد اما با سایر شاخص ها ارتباطی مشاهده نشد. همچنین ارتباط معنی داری بین نمره کل هوش هیجانی و معدل تحصیلی وجود نداشت.

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج مطالعه، نیاز است برنامه ریزان با اجرای پژوهش هایی مشابه، در توجیه مسئولین آموزشی به منظور توجه به هوش هیجانی بعنوان مولفه مهم جهت بهبود عملکرد دانشجویان در مرحله کارورزی اقدام نمایند آموزش مهارت های اجتماعی و هیجانی در کنار آموزش مطالب درسی ضروری بوده تا توانایی های گسترده دیگری را برای دانشجویان فراهم آورد و تأثیرات درازمدتی بر عملکرد شغلی و اجتماعی بعدی آنان داشته باشد.

**واژه های کلیدی:** هوش هیجانی، عملکرد تحصیلی، دانشجویان

## بررسی علل عدم حضور دانشجویان در کلاس درس و ارتباط آن با هوش معنوی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

نسرین مرودشتی پور<sup>۱</sup>، پرویز عضدی\*<sup>۲</sup>، مرضیه گنخکی<sup>۳</sup>، فائزه جهان پور<sup>۴</sup>

۱دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

\*عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

[Azodi.parviz@gmail.com](mailto:Azodi.parviz@gmail.com)

۲دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

۴ عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

**مقدمه:** عدم حضور دانشجویان در کلاس درس یکی از مهمترین مشکلات آموزشی روبه افزایش سال های اخیر دانشگاه های علوم پزشکی بوده است (۱). یکی از پایه های یادگیری و درک و فهم مطالب درسی حضور دانشجو در کلاس و توجه به درس می باشد و غیبت از کلاس و عدم توجه به درس می تواند باعث سست شدن این هدف مهم یعنی یادگیری شود (۲). این پژوهش با هدف بررسی عوامل موثر بر عدم حضور دانشجویان در کلاس درس از دیدگاه دانشجویان و ارتباط آن با هوش معنوی به عنوان یک مولفه تاثیرگذار بر زندگی انجام می گیرد.

**روش ها:** پژوهش حاضر پژوهشی توصیفی وازنوع همبستگی می باشد. برای انجام پژوهش از پرسشنامه بررسی علل غیبت دانشجویان در کلاس که قبلا روایی و پایایی شده است و پرسشنامه هوش معنوی کینگ استفاده شده که ازدانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر درخواست شد که به پرسشنامه پاسخ دهند و در مجموع ۲۰۰ پرسشنامه جمع آوری انجام شد و سپس انجام شد. SPSS تحلیل آماری بر روی داده ها با استفاده از نرم افزار

**نتایج:** در بین عوامل چهارگانه موثر در غیبت دانشجویان از کلاس، بیشترین میانگین نمره به ترتیب مربوط به مشکلات شخصی و خانوادگی (۲۱/۲۴)، جامعه و اجتماع (۲۱/۰۱)، برنامه ریزی آموزشی، (۱۸/۷۸)، اساتید (۱۷/۹۶) اختصاص داشت. بین هوش معنوی و میزان غیبت دانشجویان ارتباط ضعیفی را دارد ولی از نظر آماری ارتباط معنی دار است.

**نتیجه گیری:** با توجه به اینکه مشکلات شخصی و خانوادگی بیشترین مولفه تاثیرگذار در عدم حضور دانشجویان در کلاس است. پیشنهاد می شود که از برنامه های مشاوره در جهت رفع این مشکل استفاده شود.

**واژه های کلیدی:** عدم حضور دانشجویان، غیبت از کلاس، هوش معنوی



## بررسی هوش هیجانی در دانشجویان کتابداری دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه خلیج فارس

مهستی گنجو<sup>۱\*</sup>، مرضیه گنخکی<sup>۲</sup>، سمیه پروین<sup>۳</sup>، نسرين مرودشتی پور<sup>۴</sup>  
<sup>\*</sup>عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

mahastyganjoo@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۳</sup> دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

<sup>۴</sup> دانشجوی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر

**مقدمه:** نظریه هوش هیجانی دیدگاه جدیدی درباره پیش بینی عوامل موثر بر موفقیت و همچنین پیشگیری اولیه از اختلالات روانی فراهم می کند. علاوه بر این براساس مطالعات انجام شده هوش هیجانی، نگرش های مثبت، سازگاری بیشتر و بهبود روابط با دیگران و افزایش آگاهی نسبت به ارزش های مثبت را به همراه دارد. براساس شواهد، افرادی که هوش هیجانی دارند در هر حیطه ای از زندگی ممتاز هستند. با توجه به این که افراد آینده سازان جامعه هستند، هدف ما از این پژوهش بررسی هوش هیجانی در دانشجویان کتابداری دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه خلیج فارس می باشد.

**روش ها:** این پژوهش یک مطالعه توصیفی از نوع پیمایشی می باشد و جامعه آماری این پژوهش دانشجویان کتابداری دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه خلیج فارس است که به شیوه سرشماری انتخاب شدند و از دانشجویان درخواست شد که به پرسشنامه هوش هیجانی سبیریا شرینگ پاسخ دهند و در مجموع ۱۰۰ پرسشنامه جمع آوری شد.

**نتایج:** براساس یافته های بدست آمده ۸۳/۸٪ دانشجویان دختر و ۱۶/۲٪ پسر بودند. بر اساس دو دانشگاه ۴۸٪ کتابداری علوم پزشکی و ۵۲٪ کتابداری خلیج فارس بودند. دانشجویان رضایت از رشته تحصیلی را، ۲۲/۲٪ کم، ۵۰/۵٪ متوسط و ۲۷/۳٪ زیاد اعلام کردند. از نظر وضعیت سکونت، بجز ۱۵/۲٪ دانشجویان، ۸۳/۸٪ آنها ساکن خوابگاه بودند. میانگین مولفه های هوش هیجانی به ترتیب: ۲۴/۰۶ خودآگاهی، ۲۲/۰۶ مدیریت خود، ۱۸/۳۵ هوشیاری اجتماعی، ۱۵/۴۳ مهارت اجتماعی، ۲۰/۲۵ خودانگیزی بدست آمد.

**نتیجه گیری:** هوش هیجانی قابلیت افراد برای تشخیص و مدیریت احساسات خود و دیگران است. هوش هیجانی توانایی گرفتن نتایج مطلوب از استعدادهای درونی فرد را ارائه می کند و به وی اجازه می دهد تا محیطی ایجاد کند که بتواند از توانایی ها و تجربه هایش به طور کامل استفاده کند. آگاهی از احساسات، یک عامل مهم برای هر فرد است که خودش را در شرایط متنوع به خوبی مدیریت کند. با این امید که یافته های این پژوهش بتواند در جهت ارتقا علمی دانشجویان گروه کتابداری قدم موثری بردارد.

**واژه های کلیدی:** هوش هیجانی، دانشجویان کتابداری، بوشهر

### بررسی میزان رعایت اصول یادگیری بزرگسالان در اجرای برنامه‌های آموزش مداوم و میزان اثربخشی این برنامه‌ها از دیدگاه پرستاران دانشگاه علوم پزشکی مشهد

فاطمه حشمتی نبوی<sup>۱\*</sup>، زهره حسین پور<sup>۲</sup>

\*استادیار گروه بهداشت و مدیریت دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

<sup>۲</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری بهداشت جامعه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد  
[Hoseinpourz891@mums.ac.ir](mailto:Hoseinpourz891@mums.ac.ir)

**مقدمه:** آموزش مداوم یک جزء ضروری برای حرفه‌ای شدن پرستاری و به عنوان یک تسهیل‌کننده جهت توسعه عملکرد پرستاری شناخته می‌شود. به عنوان یادگیرندگان بزرگسال، پرستاران نیاز دارند که احساس کنند که بر یادگیری خود کنترل دارند تا قادر باشند که به برنامه‌های آموزشی که به علایق شخصی آنها و نیازهای آموزشی آنها مرتبط است دستیابی پیدا کنند. این مطالعه به منظور بررسی میزان رعایت اصول یادگیری بزرگسالان در آموزش‌های مداوم و میزان اثربخشی این برنامه‌ها از دیدگاه پرستاران انجام گردید. **روش‌ها:** این پژوهش یک مطالعه توصیفی-مقطعی است که بر روی ۱۵۰ نفر از کارکنان پرستاری شاغل در بیمارستان قائم دانشگاه علوم پزشکی مشهد که به روش سهمیه‌ای انتخاب شدند در سال ۱۳۹۰ انجام شد. حجم نمونه ۱۵۰ نفر و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه پژوهشگر ساخته «میزان انطباق آموزش‌های ضمن خدمت با اصول یادگیری بزرگسالان»، «میزان اثربخشی آموزش‌های ضمن خدمت»، و «روش‌های ترجیحی آموزش» بود. که روایی آن به روش شاخص روایی محتوا، و پایایی آن محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به تایید رسید. داده‌ها با نرم‌افزار آماری SPSS ویرایش ۱۴ و با استفاده از آمار توصیفی و آزمون همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** ۶۸٪ نمونه‌ها زن و ۸۹٪ کارشناس پرستاری بودند. میانگین نمره کلی میزان انطباق آموزش‌های ضمن خدمت با اصول آموزش بزرگسالان  $4.6 \pm 3.2$  از ۶۵ نمره بود. موارد مهم عدم انطباق شامل عدم توجه به نظرات پرستاران در برنامه‌ریزی در مورد زمان و مکان برگزاری کلاس‌ها (۵۰٪)، عدم ارائه کاربردی آموزش‌ها (۴۵٪)، قابل استفاده نبودن مطالب آموزش داده شده در بالین (۴۵٪)، عدم توجه به تجارب قبلی پرستاران در ارائه آموزش‌ها (۴۲٪) بودند. نتایج درمورد میزان اثربخشی نشان داد که میانگین امتیاز اثربخشی  $6.2 \pm 28.6$  از ۵۵ امتیاز بود. به طور کلی ۴۶/۹٪ پرستاران میزان رعایت اصول یادگیری بزرگسالان را در آموزش‌های مداوم در حد ضعیف ارزیابی کردند. بر اساس نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین امتیاز رعایت اصول یادگیری بزرگسالان و میزان اثربخشی آموزش‌ها از دیدگاه پرستاران ارتباط آماری معنی‌داری وجود داشت ( $r = .38, p = 0.001$ )

**نتیجه‌گیری:** با توجه به یافته‌های این مطالعه پیشنهاد می‌شود جهت افزایش اثربخشی، آموزش‌های مداوم در مرحله برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی از نظر انطباق با اصول یادگیری بزرگسالان مورد بازنگری قرار گیرند.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش مداوم، اصول یادگیری بزرگسالان، پرستار

## بررسی تأثیر برنامه آموزشی بر رشد مهارت تفکر انتقادی در دانشجویان پزشکی و دندانپزشکی

طاهره علی محمدی عبدل ابادی\*، دکتر علی شمسی زاده

\* کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان

alimohammadit@yahoo.com

**مقدمه:** فدراسیون جهانی آموزش پزشکی تفکر انتقادی را یکی از استانداردهای آموزش پزشکی برشمرده است. یکی از عوامل مهم دخیل در رشد مهارت تفکر انتقادی برنامه آموزشی است. در این مطالعه تأثیر آموزش دروس علوم پایه و بالینی به تفکیک بر رشد مهارت تفکر انتقادی در دانشجویان پزشکی و دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان بررسی شد.

**روش‌ها:** این پژوهش یک مطالعه مقطعی است. جمعیت مورد مطالعه شامل دانشجویان پزشکی و دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سه گروه سال اول، انتهای دوره پایه و انتهای دوره بالینی بود. جهت سنجش مهارت تفکر انتقادی دانشجویان از آزمون مهارت‌های تفکر انتقادی کالیفرنیا (فرم ب) استفاده گردید.

**نتایج:** میانگین نمره تفکر انتقادی در دانشجویان پزشکی و دندانپزشکی به ترتیب  $10/97 \pm 0/36$  و  $9/60 \pm 0/43$  بود. نمره کل تفکر انتقادی در دانشجویان پزشکی مرد و زن در انتهای دوره علوم پایه به ترتیب به میزان  $25/1$  درصد و  $37/1$  درصد نسبت به سال اول رشد یافته است ( $P \leq 0/05$ ). مقایسه نمرات تفکر انتقادی بین دوره بالینی با پایه در این دانشجویان رشد معنی‌داری را نشان نداد. مقایسه نمرات تفکر انتقادی در دانشجویان مرد و زن دندانپزشکی بین سه دوره بدو ورود به دانشگاه، دوره پایه و دوره بالینی رشد معنی‌داری را نشان نداد.

**نتیجه‌گیری:** این مطالعه نشان داد که برنامه آموزشی دوره علوم پایه موجب رشد مهارت‌های تفکر انتقادی در دانشجویان پزشکی شده است. همچنین برنامه آموزشی رشته دندانپزشکی نتوانسته مهارت تفکر انتقادی را در این دانشجویان ارتقاء دهد.

**واژه‌های کلیدی:** تفکر انتقادی، برنامه آموزشی، پزشکی، دندانپزشکی

## مقایسه توانایی تفکر انتقادی دانشجویان کارشناسی هوشبری دانشگاه علوم پزشکی کاشان در بدو ورود و پایان کارآموزی

شهناز عزیزی<sup>۱\*</sup>، فرزانه حسین پور<sup>۲</sup>، غلامعباس موسوی<sup>۳</sup>، فخری السادات میر حسینی<sup>۴</sup>  
<sup>\*</sup>دانشجوی کارشناسی هوشبری دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان دانشگاه علوم پزشکی کاشان

<sup>۲</sup>کارشناسی هوشبری دانشکده پیراپزشکی وعضو کمیته تحقیقاتی دانشگاه علوم پزشکی کاشان دانشگاه علوم پزشکی کاشان

<sup>۳</sup>عضو هیئت علمی گروه آمار دانشگاه علوم پزشکی کاشان دانشگاه علوم پزشکی کاشان  
<sup>۴</sup>عضو هیئت علمی گروه هوشبری دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان ودانشجوی دکتری آموزش پزشکی، گروه آموزش پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

مقدمه: تار وپود زندگی بشر با تفکر در آمیخته است. در هیچ برهه ای از زمان بشر از تفکر بی نیاز نبوده است. تفکر انتقادی توانایی تجزیه و تحلیل را نشان می دهد ودر رشته هوشبری میتواند به انعطاف پذیری شخص در شرایط مختلف و همچنین قدرت تصمیم گیری و حل مسئله وی را ارتقاء ببخشد. مطالعات زیادی اهمیت دوران کارآموزی و تاثیر گذاری قابل توجه آن را در ارتقاء تفکر انتقادی نشان داده اند. پژوهش حاضر با هدف مقایسه توانایی تفکر انتقادی دانشجویان در بدو ورود به دانشگاه و پایان کارآموزی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام شد.

روش ها: پژوهش از نوع توصیفی - مقایسه ای است. جمع آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه کالیفرنای فرم ب صورت گرفت. این پرسشنامه میزان ۵ جزء تفکر انتقادی شامل "تجزیه و تحلیل، ارزیابی، استنتاج، استدلال قیاسی، استدلال استقرایی" را تعیین میکند. به روش سرشماری ۴۳ نفر از دانشجویان شامل دو گروه ۲۷ نفر دانشجوی جدیدالورود و ۱۶ نفر دانشجو در پایان دوره کارآموزی مورد مطالعه قرار گرفتند. به منظور مقایسه میانگین نمرات اجراء تفکر انتقادی از آنالیز واریانس دوطرفه استفاده شد.

نتایج: یافته ها: ۲۷ دانشجوی دختر و ۱۶ دانشجوی پسر وارد مطالعه شدند. به طور کلی بین میانگین نمرات دو گروه در خصوص چهار جزء "تحلیل (P=۰/۲۱)، ارزیابی (P=۰/۱)، استنتاج (P=۰/۰۵۷)، استدلال قیاسی (P=۰/۰۷)" در دو گروه تفاوت معنادار مشاهده نشد و تنها در جزء "استدلال استقرایی" میانگین نمرات دانشجویان پایان کارآموزی به طور معناداری از دانشجویان جدیدالورود بیشتر بود (P=۰۵۵/۰). همچنین بر اساس نتایج، نمره این جزء تفکر انتقادی بصورت معناداری در دانشجویان دختر بیش از دانشجویان پسر بود (P=0/029).

نتیجه گیری: بیشتر بودن میانگین نمرات استدلال استقرایی دانشجویان در پایان دوره کارآموزی نسبت به دانشجویان جدیدالورود می تواند نشانگر ارتقاء یافتن موجه نمایی و بیان نتایج استدلال دانشجویان با گذراندن واحدهای درسی عملی و تئوری و حضور در دانشگاه باشد. برنامه ریزان میتوانند به دنبال روشهایی برای ارتقای اجزای دیگر تفکر انتقادی در دوران حضور در دانشگاه باشد.

واژه های کلیدی: هوشبری، تفکر انتقادی، کارشناسی، دانشجو، کارآموزی

## مقایسه تأثیر دو روش آموزش کلاسیک و آموزش بر مبنای نقشه مفهومی بر تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری

سهیلا شمسی خانی<sup>۱\*</sup>، سیمین شمسی خانی<sup>۲</sup>، فرشته نارنجی<sup>۳</sup>، زهره قاسمی<sup>۴</sup>  
\*مربی، کارشناسی ارشد، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

[soheilanurse@gmail.com](mailto:soheilanurse@gmail.com)

<sup>۲</sup>کارشناسی ارشد پرستاری، بیمارستان طالقانی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

<sup>۳</sup>مربی، کارشناسی ارشد، گروه مامائی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

<sup>۴</sup>کارشناسی ارشد زبانشناسی، دانشکده پرستاری و مامائی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران

مقدمه: نقشه مفهومی یک استراتژی آموزشی و یادگیری است که می تواند برای ارزیابی و افزایش توانایی تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری در محیط بالینی مورد استفاده قرار گیرد. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر نقشه مفهومی بر توانایی تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری است.

**روش‌ها:** این تحقیق یک مطالعه نیمه تجربی است که از طرح پیش آموزش و پس آزمون با گروه گواه استفاده شد. نمونه در دسترس (نفر 51) به صورت تصادفی به دو گروه آزمون (26 نفر) اختصاص داده و و گروه شاهد (25 نفر) تقسیم شده اند. گروه آزمون با استفاده از روش نقشه برداری مفهومی و گروه کنترل به روش سنتی آموزش داده شد. مهارت های تفکر انتقادی با استفاده از تفکر انتقادی کالیفرنیا اندازه گیری شد.

**نتایج:** میانگین نمره تفکر انتقادی در گروه آزمون پس از استفاده از نقشه مفهومی نسبت به پیش آزمون به طور معناداری افزایش یافت ( $P=0.00$ ) مقایسه نمرات پس آزمون در گروه های آزمون و شاهد نشان داد که نمره تفکر انتقادی در گروه آزمون به طور معناداری بیش از گروه شاهد می باشد ( $P=0.02$ )

**نتیجه گیری:** یافته ها نشان می دهد که نقشه مفهومی در کمک به دانشجویان در توسعه مهارت های تفکر انتقادی موثر است

**واژه های کلیدی:** نقشه مفهومی، تفکر انتقادی، دانشجوی پرستاری

## مقایسه تاثیر دو روش آموزش بالینی بر مهارت تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری

طیبه مرادی<sup>1\*</sup>، محسن تقدسی<sup>2</sup>، فرزانه مقامی نژاد<sup>3</sup>

<sup>1\*</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

Email: tmorady67@yahoo.com

<sup>2</sup> مربی، عضو هیئت علمی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

<sup>3</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

**مقدمه:** برای ارائه مراقبت پرستاری مبتنی بر نیازهای بیمار، داشتن تفکر انتقادی لازم است. اما مطالعات، تفکر انتقادی را در دانشجویان پرستاری پایین گزارش کرده اند، بنابراین مدرسین در تلاش برای به کارگیری شیوه های آموزشی هستند که با استفاده از آن بتوانند مهارت های تفکر انتقادی دانشجویان را توسعه بخشند. با توجه به تاثیر احتمالی آموزش به روش حل مساله در سطح تفکر انتقادی، در این مطالعه قصد داریم تاثیر آموزش بالینی مبتنی بر حل مساله در تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری را مورد بررسی قرار دهیم.

**روش ها:** این مطالعه به صورت کارآزمایی بالینی روی ۳۰ دانشجوی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی کاشان که کارآموزی داخلی جراحی ۲ را در نیم سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ انتخاب کرده بودند، انجام شد. ۳۰ نفر به صورت تصادفی به دو گروه آزمون و کنترل تقسیم شدند. سپس آموزش بالینی به روش حل مساله برای دانشجویان یک گروه و آموزش به روش معمول برای دانشجویان گروه دیگر اجرا شد. در ابتدا و انتهای دوره میزان تفکر انتقادی دانشجویان در هر دو گروه بوسیله آزمون مهارت های تفکر انتقادی کالیفرنیا فرم ب مورد ارزیابی قرار گرفت. این پرسشنامه حاوی ۳۴ سوال چند گزینه ای با حداکثر ۳۴ نمره می باشد. روایی و پایایی آن مورد بررسی قرار گرفت. از نرم افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شد.

**نتایج:** میانگین نمره تفکر انتقادی در گروه آموزش بالینی معمول از  $9/93 \pm 1/94$  در پیش آزمون به  $10/80 \pm 2/07$  در پس آزمون تغییر کرد ( $p < 0,043$ ) و میانگین نمره تفکر انتقادی در گروه آموزش بالینی حل مساله از  $9/53 \pm 1/92$  در پیش آزمون به  $12/07 \pm 2/08$  در پس آزمون افزایش یافت ( $p < 0,0006$ ). در هر دو شیوه مهارت تفکر انتقادی بعد از آموزش بالینی به صورت معناداری افزایش یافته بود. اما تفاوت میانگین نمرات تفکر انتقادی پیش و پس از آموزش بالینی به روش حل مساله بیش از آموزش به روش متداول بود.

**نتیجه گیری:** اگرچه هر دو شیوه آموزش بالینی می تواند تفکر انتقادی دانشجویان را افزایش دهد. آموزش بالینی به روش حل مساله نمره مهارت تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری را نسبت به روش های معمول بیشتر افزایش می دهد. بنابراین توصیه می شود در آموزش بالینی از روش حل مساله برای افزایش مهارت تفکر انتقادی دانشجویان استفاده شود.

**واژه های کلیدی:** آموزش بالینی به روش حل مساله، آموزش بالینی به روش متداول، دانشجویان پرستاری

## روشی بدیع در شرح حال گرفتن از بیماران سر پای

دکتر منصور کشاورز<sup>1</sup>

دکتر محمد ابراهیم زحلی نژاد<sup>2\*</sup>

<sup>1</sup> کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

<sup>2\*</sup> مرکز تحقیقات طب سنتی و تاریخ طب، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

Email: zohalnm@sums.ac.ir

**مقدمه:** شرح حال پزشکی بیماران، یکی از پایه های اصلی تشخیص و درمان بیماران است که یکی از دغدغه های پزشکان در تمامی طول تاریخ برای رسیدن به تشخیص صحیح بیماری بوده است. اهمیت این موضوع به حدی است که از دیر باز جزء اولین آموزه های حکما و طبیبان به دانشجویان علم طب بوده و امروزه هم چگونگی ارتباط با بیماران و اخذ شرح حال، یکی از اولویتهای مهم آموزشی است که برای بهتر شدن آن، روش های گوناگونی تهیه و بکار گرفته شده است.

روشها: این پژوهش یک مطالعه کتابخانه ای است که با جستجوی منابع کتابخانه ای و الکترونیکی و همینطور نمایه های الکترونیکی انجام شده است. جستجوی کتابخانه ای شامل بررسی کتابهای تاریخ طب در ایران پیش از اسلام و پس از اسلام، ده گام در برنامه ریزی درسی و مجموعه کتابهای راز درمان بوده است. کلمات کلیدی جستجو شده عبارتند از: Medical History, Iranian Traditional Medicine, Dr. Ahmadiyah, History, Medical History و طب سنتی ایران، دکتر عبدالله احمدیه، تاریخچه بیماران، آموزش پزشکی و شرح حال.

نتایج: در گذر زمان روشهای مختلفی برای اخذ شرح حال دقیق از بیماران و ثبت مراحل درمانی آنها ابداع شده است که از روشهای پرسشنامه ای کاغذی گرفته تا کمک گرفتن از نرم افزارهای رایانه ای را شامل می شود. یکی از این راهکارها مکتوب کردن تاریخچه بیماری و روند درمانی توسط شخص بیمار یا بستگانش بوده که توسط برخی از پزشکان به اجرا در آمده است. یکی از پزشکانی که از این روش به کرات استفاده کرده، دکتر عبدالله احمدیه است. وی از دانش آموختگان نسل جدید پزشکی کشور است که با ثبت شرح حال ها و درمانهای مورد استفاده برای بیمارانش و انتشار آنها زمینه مناسبی فراهم کرد تا راهگشای دانشجویان نسلهای بعد باشد.

ی

**نتیجه گیری:** در این پژوهش سعی شده است ضمن بررسی اهمیت شرح حال، روش مورد استفاده توسط دکتر احمدیه به عنوان روشی ارزشمند مورد بررسی قرار گیرد. این روش گرفتن شرح حال از بیماران باعث می شود که بیماران به راحتی بسیاری از مسائل از جمله بیماریهایی که از بیانشان شرم دارند را به راحتی با پزشک خود در میان بگذارند. علاوه بر آن هم بیمار و هم پزشک می تواند سیر درمانی بیماری را در مراجعات بعدی به خوبی پیگیری کنند ضمن آنکه بیماران به علت استرس حضور در مطب، مشکلات خود را فراموش نکرده و آنها را به طرز صحیحی برای پزشک معالج بیان می کند.

نتایجسنده: دکتر محمد ابراهیم زحلی نژاد

**واژه های کلیدی:** دکتر عبدالله احمدیه / شرح حال پزشکی / تاریخچه / طب سنتی ایران / آموزش پزشکی

## بررسی مقایسه‌ای تاثیر آموزش بالینی دانشجویان پرستاری به دو روش استفاده و عدم استفاده از حضور کمک مربی

هاجر صادقی\*<sup>۹۹</sup>، زهرا استاجی<sup>۱</sup>، زهرا طالبی<sup>۲</sup>، اکرم ملک خواهی<sup>۲</sup>

\* عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اراک

haj.sadeghi@yahoo.com

عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اراک

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

**مقدمه:** نظام های آموزشی در صورتی به اهداف عالی خود دست می‌یابند که از حضور اساتید برجسته و الگوهای نوین تدریس بهره بگیرند. استفاده از این الگوها خصوصاً در آموزش بالینی، باعث ایجاد انگیزه، ارتقاء قدرت تصمیم گیری و ثبات یادگیری می‌گردد. یکی از روش های نوین تدریس بالینی استفاده از حضور کمک مربی می‌باشد که در نظام های آموزشی برخی از کشورها جایگاه ارزشمندی یافته است. به جهت اینکه برای ارائه این روش کارآمد در محیط های آموزشی نیاز به مستندات پژوهشی داریم، این پژوهش با هدف بررسی مقایسه‌ای تاثیر آموزش بالینی دانشجویان پرستاری به دو روش استفاده و عدم استفاده از حضور کمک مربی انجام گردید.

**روش‌ها:** این مطالعه از نوع نیمه تجربی بود که به روش پیش‌آزمون - پس‌آزمون همراه با استفاده از حضور کمک مربی انجام گردید. نمونه پژوهش کل دانشجویان پرستاری ترم ۵ دانشگاه علوم پزشکی سبزوار بودند که دوره آموزش بالینی بخش قلب را طی می نمودند. به طور تصادفی دانشجویان به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند. در گروه مداخله دانشجویان ترم سه کارشناسی ارشد پرستاری به عنوان کمک مربی حضور داشتند. ابزار ارزشیابی چک لیست کتابچه عملکرد و پرسشنامه اطلاعات فردی بود که قبل و بعد از مداخله تکمیل گردید. داده ها از طریق نرم افزار SPSS و با استفاده از آمار توصیفی، تحلیلی (کای اسکور، آنالیز واریانس، آزمون t مستقل) و در سطح معنی داری ( $p < 0/05$ ) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** یافته ها نشان داد ۷۴٫۲ آزمودنی ها دختر و میانگین نمره دانشجویان در گروه مداخله (حضور کمک مربی) قبل و بعد از مداخله به ترتیب  $13 \pm 3,7$  و  $16 \pm 3,2$  بود در حالیکه در گروه کنترل میانگین نمرات قبل و بعد از آموزش به ترتیب  $13,1 \pm 2,9$  و  $15 \pm 2,9$  بود. تفاوت میانگین ها از نظر آماری معنی دار بود ولی افزایش نمره در گروه مداخله بیشتر بود. شیوه‌ی آموزشی بهره گیری از حضور کمک مربی در اثربخشی آموزش بالینی موثر بوده و با برداشتن ارزشیابی های مکرر، تمرینات پایایی و تکرار پروسیجرها یک روش سودمند به شمار می‌رود.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش بالینی، کمک مربی، دانشجوی، پرستاری، Logbook



## مروری بر چالشهای کیفیت آموزش بالینی

سمیه علیزاده، رضا جفایی دلویی\*، فریده سادات سعادت یار  
\*دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان  
Email: [jafaedr901@mums.ac.ir](mailto:jafaedr901@mums.ac.ir)

**مقدمه:** آموزش بالینی، بخش اساسی، مهم و لازم الاجرا در آموزش علوم پزشکی می باشد و از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. در آموزش بالینی فراگیران با حضور بیمار و بصورت تدریجی، تجربیاتی کسب نموده و ذهن خود را با استفاده از تجربیات و استدلالات منطقی کسب شده، برای حل مشکلات بیمار آماده می سازند. در واقع، یادگیری در محیط بالینی، متمرکز بر مسائل واقعی در بستر کار حرفه ای می باشد و فراگیران به دلیل این تناسب و از طریق مشارکت فعال برانگیخته می شوند.

از آنجایی که نیروی انسانی، پایه و اساس نظامهای بهداشتی را تشکیل می دهد و تربیت این نیرو، بصورت کارآمد، در بهبود سلامت جامعه بسیار موثر است، کیفیت آموزش بالینی در کیفیت سلامت جامعه نقش بسیار مهمی ایفا میکند. این مسئله باعث توجه به کیفیت آموزش بالینی از جهات گوناگون شده است. این مطالعه با هدف بررسی مشکلات موجود در آموزش بالینی انجام شده است.

**روشها:** برای رسیدن به اهداف این پژوهش مقالات متعددی با کلید واژه های کیفیت آموزش بالینی، آموزش بالینی و مشکلات آموزش بالینی در منابع اینترنتی و پایگاههای اطلاعاتی [Google scholar](#), [Web of knowledge](#) و منابع کتابخانه ای و نشریات ایرانی در حیطه آموزش در علوم پزشکی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت و از ۲۱ مقاله مرتبط با موضوع استفاده گردید.

**نتیجه گیری:** نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که برنامه های آموزشی ارائه شده در دوره های آموزش بالینی باید مورد تجدیدنظر قرار بگیرد. همچنین بهبود حیطه های محیط بالینی، امکانات آموزشی و رفاهی، تجهیزاتی که در محیط بالین مورد استفاده قرار میگیرند و فرایندهای مناسب جهت ارزشیابی برنامه های آموزشی باعث ارتقاء کیفیت آموزش بالین و در نتیجه بهبود انگیزه در دانشجویان خواهد شد.

**واژه های کلیدی:** کیفیت آموزش بالینی، آموزش بالینی و مشکلات آموزش بالینی

## تاثیر آموزش بر آگاهی و نگرش نسبت به گزارش خطا در پرستاران بیمارستان

### ضیایی اردکان یزد

مجتبی فتاحی<sup>۱\*</sup>، سهیلا سلحشور<sup>۲</sup>، سکینه حیدری<sup>۳</sup>

\*کارشناسی ارشد آموزش بهداشت و کارشناس ایمنی بیمار بیمارستان ضیایی اردکان یزد

mjfattahi57@gmail.com

<sup>۲</sup>کارشناسی مشاوره

<sup>۳</sup>کارشناسی ارشد آموزش پزشکی

**مقدمه:** مطالعات پژوهشی نشان داده اند که بطور متوسط در حدود ۱۰ درصد از تمام موارد بستری، بیماران به درجات مختلف دچار آسیب می شوند و برآورد می گردد که تا ۷۵ درصد از این خطاها قابل پیشگیری باشند. در اولین مرحله مدیریت خطا می بایستی خطاها گزارش شوند. سازمان جهانی بهداشت در پاسخ به نیاز مبرم برای توسعه مداخلات در ارتباط با ایمنی بیمار برنامه بیمارستان دوستدار ایمنی بیمار را آغاز نموده است. و در راستای آن برنامه اجرای مجموعه ای از استانداردهای ایمنی بیمار را در اولویت خود در بیمارستان ها آغاز نموده است. بیمارستان در جهت افزایش ایمنی بیمار اصل خود را بر ارتقای فرهنگ گزارش خطا نموده است و در جهت این امر محقق تحقیق خود را با عنوان تاثیر آموزش بر نگرش نسبت به گزارش خطا در پرستاران را انجام داده است.

**روش ها:** این مطالعه یک مداخله نیمه تجربی است که ۷۹ نفر از پرسنل پرستاری توسط پرسشنامه ای ۳۱ سوالی در دو مقطع زمانی به سوالات آگاهی، رفتاری و نگرش نسبت به گزارش خطا قبل و پس از آموزش (بصورت حضوری و غیر حضوری) پاسخ دادند. داده ها جمع آوری گردید و وارد نرم افزار 'SPSS19' گردید و با استفاده از آزمون T وابسته و پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** میانگین نمره آگاهی قبل از آموزش  $4/64 \pm 2/26$  بود که پس از آموزش  $10/55 \pm 11/45$  رسید که اختلاف میانگین معنی دار بود ( $P < 0/005$ ). میانگین نمره نگرش قبل از آموزش  $7/05 \pm 49/20$  بود که پس از آموزش میانگین نمره نگرش به  $7/55 \pm 55/80$  رسید که این اختلاف میانگین معنی دار نبود ( $P > 0/755$ ).

**نتیجه گیری:** با توجه به نتایج آموزش به تنهایی قادر به تغییر نگرش نمی باشد و می بایستی اثرات گزارش خطا، عدم سیستم تنبیهی، تشویق پرسنل به گزارش خطا را نیز به آن توجه کرد تا بتوان فرهنگ گزارش خطا را ارتقا داد.

## بررسی تاثیر استفاده از خود آموز Case discussion بر اساس مراحل هفتگانه

### استدلال بالینی برای آموزشیاران گروههای Case discussion

محمد دادگستر نیا\*، وجیهه وفامهر

\*کارشناس مرکز تحقیقات آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

Email:

mdadgostarnia@gmail.com

**مقدمه:** با وجود نقش غیر قابل انکار مهارتهای استدلال بالینی در ارتقای سطح سلامت متاسفانه از آموزش استدلال بالینی در آموزش پزشکی کشور ما غفلت شده است. در دوره مقدمات پزشکی بالینی اصفهان که چند دوره ای است کلاسهای Case discussion آن بر پایه مهارتهای هفتگانه استدلال بالینی برنامه ریزی و اجرا میشود، کمبود مهارتهای استدلال بالینی و کم آگاهی آموزشیاران کلاسها از اصول این مهارتها باعث عدم موفقیت در این زمینه شده است. هدف این مطالعه بررسی نقش آموزش در افزایش مهارت آموزشیاران گروههای بحث موردی در زمینه استدلال بالینی همچنین تاثیر آن در افزایش توانایی استدلال بالینی دانشجویان می باشد.

**روشها:** در این مطالعه ۲ روش برای آموزش آموزشیاران استفاده گردید:

الف: آموزش چهره به چهره آموزشیاران بر اساس اطلاعات حاصل از ارزشیابی آموزشیار

ب: تهیه و در اختیار گذاشتن خودآموز استدلال بالینی برای هر جلسه بحث موردی به طور جداگانه

به منظور آموزش آموزشیاران برای هر جلسه case discussion خودآموزی تهیه گردید که در آن مرحله به مرحله برای آموزشیار توضیح داده شده بود که چگونه میتواند در هدایت دانشجویان اصول استدلال بالینی را مد نظر قرار داده و بر اساس مراحل هفتگانه آن پیش رود. تاثیر آموزش آموزشیاران از طریق نظرسنجی درباره میزان اداره گروه بحث موردی بر اساس مراحل استدلال بالینی سنجیده شد. همچنین با تشکیل گروه متمرکز نحوه پاسخدهی دانشجویان در آزمون پایانی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

**نتایج:** براساس نتایج نظرسنجی میزان اداره کلاسهای بحث موردی بر اساس مراحل هفتگانه استدلال بالینی و دستیابی به اهداف تعیین شده در بیش از ۸۰٪ موارد به صورت خوب و خیلی خوب ارزیابی شده بود. همچنین نتایج آنالیز آزمون پایانی استدلال بالینی نشان داد که ۷۵٪ دانشجویان توانسته اند در آزمون استدلال بالینی حدنصاب مورد توافق (۷۰٪ نمره کل) را بدست آورند. این در حالیست که در دوره های قبلی همواره کمتر از ۵۰٪ دانشجویان حد نصاب مورد توافق را کسب می کردند.

**نتیجه گیری:** با وجود آموزش بر اساس خودآموز، اما وجود کارشناس خبره در زمینه استدلال بالینی که بتواند گام به گام به راهنمایی آموزشیاران پرداخته و مشکلات گروهها را مرتفع کند از جمله مسائلی است که باید مد نظر قرار گیرد. برای این منظور میتوان از کارشناسان آموزش پزشکی استفاده کرد تا پس از مطالعه و تمرین در این زمینه در کنار آموزشیاران گروهها حرکت در مسیر درست استدلال بالینی را تسهیل نمایند.

**واژه های کلیدی:** استدلال بالینی، آموزشیار، بحث موردی

### طراحی الگوی نظارت و ارزیابی آموزش پرستاری

مسعود خداویسی\*، مهرنوش بازارگادی، فریده یغمائی، حمید علوی مجد

\* استادیار پرستاری بهداشت جامعه و عضو مرکز تحقیقات مراقبت از بیماریهای مزمن در منزل، دانشگاه علوم پزشکی همدان

Email: Khodaveisi@umsha.ac.ir

مقدمه: ارزیابی کیفیت آموزش پرستاری به دلیل ارتباط نزدیکی که با سلامت مردم دارد از اهمیت خاصی برخوردار است لذا مطالعه حاضر با هدف طراحی الگوی نظارت و ارزیابی در آموزش پرستاری انجام گردید.

روش‌ها: این پژوهش یک مطالعه توصیفی-اکتشافی است که با رویکرد تلفیقی در پنج مرحله انجام گردید. در مرحله اول با استفاده از رویکرد کیفی، ۲۱ نفر از صاحب نظران، اعضاء مورد، روسا و معاونین دانشکده های پرستاری و مامایی مورد مصاحبه قرار گرفتند. در مرحله دوم ۷ فرم نظارت و ارزیابی آموزش پرستاری در سطح کشور و ۱۱ فرم مربوط به خارج از کشور با رویکرد تحلیل محتوا بررسی گردید. در مرحله سوم با استفاده از رویکرد روش شناسی، شاخص های نظارت و ارزیابی آموزش پرستاری طراحی گردید. در مرحله چهارم الگوی نظارت و ارزیابی طراحی گردید و در مرحله پنجم با استفاده از رویکرد دو مرحله ای دلفی اعتبار علمی الگو، مورد نظرخواهی ۲۱ نفر صاحب نظر قرار گرفت.

نتایج: یافته های حاصل از مراحل اول، دوم و سوم، منجر به شناسایی چالش های ارزیابی و الزامات ارزیابی اثربخش در نظام آموزشی و تعیین ۹۶ شاخص ارزیابی در ۹ حیطه گردید. در مرحله چهارم، الگوی نظارت و ارزیابی آموزش پرستاری مشتمل بر سه رکن شامل: زیر بنا، ساختار و مراحل اجرایی طراحی گردید. زیر بنای این الگو براساس الگوهای ارزیابی آموزشی سیپو و اعتباربخشی پایه ریزی شده است. ساختار سازمانی الگو شامل: ۱- شورای عالی نظارت و ارزیابی آموزش علوم پزشکی در سطح وزارت بهداشت ۲- کمیسیون تخصصی نظارت و ارزیابی رشته پرستاری در سطح وزارت بهداشت ۳- کمیته های اجرایی نظارت و ارزیابی رشته پرستاری ۴- دفتر نظارت و ارزیابی در سطح دانشگاه های علوم پزشکی ۵- کمیته اجرائی ارزیابی درونی در سطح دانشکده های پرستاری و مامایی ۶- کمیته پیگیری نتایج در سطح دانشکده های پرستاری و مامایی می باشد. اعضاء و وظایف هر شورا و کمیته همچنین مراحل اجرایی الگو در اصل مقاله ارائه شده است. یافته های مرحله پنجم نشان داد که از نظر اکثریت صاحب نظران، میزان مقبولیت علمی الگو در مقیاس «زیاد» و قابلیت اجرایی آن در مقیاس «تاحدودی» می باشد.

نتیجه گیری: الگوی نظارت و ارزیابی آموزش پرستاری که مبتنی بر چالش های موجود نظارت و ارزیابی و الزامات ارزیابی اثربخش طراحی شده است، می تواند دستیابی به ارتقاء مستمر کیفیت نظام آموزش پرستاری را تسهیل نماید.

واژه های کلیدی: الگو، نظارت، ارزیابی، آموزش پرستاری

## نظارت حلقه مفقوده‌ی مدیریت آموزشی: گزارش نظارت آموزشی نظام‌مند بر برنامه آموزش بالینی پزشکی عمومی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد

علی بهاری<sup>۱</sup>، زهرا موفقی<sup>۲\*</sup>، سید علی علمداران<sup>۳</sup>، علی شعبی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>دانشیار گروه داخلی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

<sup>۲\*</sup> کارشناس آموزش پزشکی، گروه توسعه دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

[movaffaghizi1@mums.ac.ir](mailto:movaffaghizi1@mums.ac.ir)

<sup>۳</sup>دانشیار گروه رادیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

<sup>۴</sup>استادیار گروه اعصاب، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

**مقدمه:** نظارت یکی از اساسی‌ترین حلقه‌های مدیریت و برنامه‌ریزی، و سنگ بنای یک سیستم آموزشی محسوب می‌گردد. مطالعه حاضر در راستای یک برنامه نظام‌مند، برنامه آموزش بالینی کارآموزان و کارورزان پزشکی را در کلیه بخش‌های بیمارستانهای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد مورد ارزشیابی قرار داد.

**روش‌ها:** مطالعه حاضر یک ارزشیابی از نوع مقطعی بود که به صورت همه شماری در سال ۹۱-۱۳۹۰ انجام گرفت. ابزار پژوهش یک چک‌لیست ۵۰ مولفه‌ای بود که وضعیت آموزش بخش‌ها را در ۵ حیطه بررسی نمود. روایی ابزار به روش محتوا و پایایی نتایج به روش پایایی بین ارزیابان مورد تایید قرار گرفت. اطلاعات در ۳۲ بخش آموزشی از ۱۷ گروه بالینی توسط تیم ارزیاب سه تا چهار نفره متشکل از کارشناس آموزش پزشکی و اعضای هیئت علمی برگزیده از گروه‌های متفاوت، با روش مشاهده، مصاحبه و بررسی مستندات گردآوری شد.

**نتایج:** در کلیه گروه‌های بالینی برنامه عملیاتی آموزش بالینی مبتنی بر برنامه آموزش ضروری مصوب دبیرخانه آموزش پزشکی تهیه شده و از طریق سایت گروه اطلاع‌رسانی شده بود. مع‌ذالک میزان اجرا در گروه‌های مختلف از ۹۵٪ تا عدم اجرا و بی‌اطلاعی اعضای هیئت علمی متفاوت بود. در ۳ گروه بالینی، بیش از ۴۰٪ فعالیت‌های برنامه ریزی شده لغو شده بود. محتوای آموزشی در ۵ گروه بالینی به صورت غالب به سمت تخصصی گرایش داشت. راند و گزارش صبحگاهی به ترتیب در پنج و هفت گروه بالینی حداقل یک روز در هفته ویژه کارآموزان و کارورزان برگزار می‌شد، در چهار گروه محتوای آن تا حدودی به سمت نیازهای پزشک عمومی هدایت می‌شد، و در سه گروه عمدتاً برای کارآموزان و کارورزان بی‌بهره بود. حجم آموزش سرپایی حداکثر ۵۰٪ (در یک بخش)، حداقل صفر (کارروزی چهار بخش عمدتاً ماژور) و به‌طور متوسط ۲۰ بود. کیفیت آموزش سرپایی در یک گروه بسیار خوب (دانشجو خط اول مواجهه با بیمار) و در سه گروه دیگر خوب گزارش شد. ارزشیابی پایان دوره کارآموزان و کارورزان در دو گروه بالینی به صورت عملی و در سایر گروه‌ها عمدتاً کتبی و شفاهی و یا نامشخص بود.

**نتیجه‌گیری:** نتایج بدست آمده مربوط به مقطع زمانی انجام ارزشیابی بوده و اکثر گروه‌ها متعاقب دریافت بازخورد، ساختار آموزشی خود را متحول نمودند. نظارت آموزشی توسط همکارانی از سایر گروه‌ها موجب اشتراک تجربیات گروه‌های مختلف با یکدیگر، ایجاد عزم و انگیزه جمعی و تعامل موثر مدیران با گروه‌های آموزشی گردید. موفقیت تجربه حاضر موجب تصویب تداوم بازدیدها به صورت اعتبار بخشی، در دانشگاه علوم پزشکی مشهد گردید.

**واژه‌های کلیدی:** نظارت آموزشی، آموزش بالینی، اعتبار بخشی.

## بررسی نگرش به اخلاق حرفه ای در اعضا هیات علمی دانشکده دندانپزشکی همدان

در سال ۱۳۹۱

آرزو کریمپوریان، بهزاد ایمنی\*

مربی دانشگاه علوم پزشکی همدان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، دانشکده پرستاری و مامایی

\*مربی دانشگاه علوم پزشکی همدان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، دانشکده پیراپزشکی

Email: behzadiman@yahoo.com

**مقدمه:** اخلاق حرفه ای مقوله ای چالش انگیز در رشته پزشکی است. جوامع مختلف، حسب نگرش خود، رویکردهای متفاوتی نسبت به اخلاق حرفه ای داشته اند. نگرش دندانپزشکان به اصول اخلاق حرفه ای آنها را در ارائه خدمات، بهتریاری خواهند نمود و تنش حرفه ای را به حداقل خواهد رسانید. لذا این مطالعه با هدف بررسی نگرش به اخلاق حرفه ای در اعضای هیات علمی دانشکده دندانپزشکی همدان انجام شد.

**روش‌ها:** جامعه پژوهش در این مطالعه توصیفی- مقطعی شامل کلیه اعضا هیات علمی دانشکده دندانپزشکی همدان بود که با سرشماری وارد مطالعه شدند. ابزار بررسی پرسشنامه ای پژوهشگر ساخته بر اساس مطالعات مرتبط با این زمینه بود که از دو قسمت، مشخصات دموگرافیک و ۳۶ سوال اختصاصی مربوط به نگرش تشکیل شده بود. جهت تعیین اعتبار محتوا و صوری (روایی)، سئوالات پرسشنامه در اختیار ۱۰ نفر از صاحب نظران و اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان قرار گرفت و بر اساس نظرات آنان اصلاحات انجام شد. میزان پایایی بصورت آزمون، باز آزمون حاصل از تکمیل ۱۰ پرسشنامه با فاصله ۲ هفته توسط گروه مشابه با واحدهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، که  $R=0/79$  را نشان داد. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برابر  $a=0/83$  نشان دهنده پایایی و ثبات درونی پرسشنامه بود. نتایج حاصل با استفاده از نرم افزار SPSS(16) تحلیل شد.

**نتایج:** یافته ها نشان داد، اکثر شرکت کنندگان مونث ( $56/7\%$ )، دارای مدرک تخصصی دندانپزشکی ( $83/5\%$ ) و متاهل ( $66/7\%$ ) بودند. همچنین بیشتر افراد در گروه سنی ۳۰-۴۰ سال ( $60\%$ ) و دارای سابقه کاری ۲۰-۱۰ سال ( $53\%$ ) بودند و مرتبه علمی ایشان استادیار ( $76/7\%$ ) بودند. آزمون آماری کای دو در مورد یافته های پژوهش نشان داد که بین نگرش دندانپزشکان با متغیرهای جنس ( )  $P=0.000$ ، تاهل ( $P=0.020$ )، سن ( $P=0.000$ )، و سابقه ی کار ( $P=0.000$ ) و مرتبه علمی ( $P=0.026$ ) همبستگی معنی داری داشت. در صورتی که نتایج همین آزمون در مورد میانگین نگرش دندانپزشکان با سطح تحصیلات همبستگی معناداری نشان نداد ( $P=0.140$ )، ضمناً میانگین میزان نگرش اعضا هیات علمی دانشکده دندانپزشکی در حد  $112/87$  برآورد شد که در حد خوب بود.

**نتیجه گیری:** از آنجا که نگرش اساتید دندانپزشکی در برخی مباحث اخلاق حرفه ای مطلوب نمی باشد لذا توصیه می شود که دوره های بازآموزی به صورت مستمر و مداوم برای اعضای هیأت علمی برگزار گردد.

**واژه های کلیدی:** اخلاق حرفه ای، نگرش، دندانپزشکان

## خطاهای بالینی در دانشجویان اتاق عمل: تکنیک های ظریف یاد گرفته نشده

محمد تقی مجنی\*، سعید صحتی، مریم منصور بستانی، دکتر اکرم ثناگو، دکتر لیلا جویباری

کمیته تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی گلستان

[M\\_taghimojini@yahoo.com](mailto:M_taghimojini@yahoo.com)

**مقدمه:** رشته کارشناسی پیوسته اتاق عمل شاخه ای از علوم پزشکی است که طی این دوره دانشجویان با اصول جدید اتاق عمل و تکنولوژی های نوین جراحی در جراحی های تخصصی و فوق تخصصی آشنا شده و مراقبت و کمک به اداره بیمار را قبل و حین و بعد عمل می آموزند. آموزش بالین همواره با خطاهای پزشکی رخ داده همراه می باشد. شناسایی خطاهای دانشجویی در اتاق عمل می تواند در حفظ ایمنی بیمار و ارتقای آموزش دانشجویان اتاق عمل نقش اساسی داشته باشد. تبیین خطاهای بالینی در دانشجویان علوم پزشکی اتاق عمل، دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۱۳۹۱ می باشد.

**روش ها:** در این مطالعه که با رویکرد کیفی در سال ۱۳۹۱ انجام شده است ابزار جمع آوری داده ها مصاحبه های نیمه ساختار، متعامل و عمیق بوده است. بر اساس نمونه گیری مبتنی بر هدف با ۲۰ دانشجوی دختر و پسر رشته کارشناسی پیوسته اتاق عمل که تجربه کارآموزی در بالین را داشتند مصاحبه به عمل آمد. مصاحبه ضبط، دست نویس و داده ها مطابق روش تحلیل محتوای "مورس" آنالیز شد.

**نتایج:** مضمون اصلی این مطالعه "رعایت نکردن تکنیک" بوده است. دانشجویان بدلیل ندانستن تکنیک دچار خطا شده و تهدیدی از آسیب های جدی تا جزیی را برای بیماران در بر داشت. هویدا شدن خطاها توسط پرسنل اتاق عمل و هوشدار به آنها یکی از مشخصات بارز این محیط آموزشی می باشد. بیشترین آسیب ها ناشی از این خطاها، احتمال عفونت بعد از عمل، صدمه به بافت و عصب و احتمال ایست قلبی رابرای بیمار داشت. برخی از این خطاها باعث هدر رفتن هزینه و وقت می شده است

**نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه نشان دهنده این است که دانشجویان اتاق عمل می بایست تمرینات بیشتری در محیط های مجازی بالینی برای وارد شدن به محیط واقعی اتاق عمل را داشته باشند. فشاربه عضله و عصب در اثر تکنیک نادرست در زمان عمل و ندانستن تزریق نحوه صحیح دارو و آن استریل کردن وسایل همه و همه نیاز به بکارگیری تکنیک درست دارد.

**واژه های کلیدی:** خطاهای بالین، اتاق عمل، دانشجوی

### یادگیری توام با خدمت رسانی به جامعه: ارتقاء مسئولیت پذیری اجتماعی

لیلی بریم نژاد<sup>۱\*</sup>، سرور پرویزی<sup>۲</sup>

\* استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران مرکز تحقیقات مراقبتهای پرستاری

[lborimnejad@tums.ac.ir](mailto:lborimnejad@tums.ac.ir)

<sup>۲</sup>دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران، خدیجه زارعی ناهید سلمان یزدی

**مقدمه:** وظیفه دانشگاهها تربیت نیروهایی است که نیازهای جامعه را برطرف سازند. در سالهای اخیر تاکید خاصی بر این مهم صورت گرفته و واژه دانشگاه پاسخگو را رونق داده است. یادگیری مبتنی بر ارائه خدمت به جامعه (Service Based Learning) به دانشجویان فرصت می دهد تا به اهداف برنامه درسی دست یابند. ارزش حرفه ای پرستاری در سطح جامعه درک کنند و از طرفی نیازهای بهداشتی دینفعان را برآورده سازند. و در ساختن جامعه سالم مشارکت کنند. با وجود اینکه ارتقاء سلامت کودکان جز برنامه های پنجم توسعه در کشور است. یکی از معضلات کشور ما عدم وجود جایگاه شغلی پرستار مدرسه است براساس این پیش زمینه محققین پژوهش حاضر را طراحی و اجرا نمودند

**روشها:** در مطالعه حاضر یک تحقیق اقدام پژوهشی است که از مهرماه ۱۳۸۸ شروع شد تلفیق برنامه های دانشگاهی در ارائه خدمت در جامعه بزرگترین چالش در اجرای این متد است. محققین عقیده دارند برای به حداقل رساندن این چالش، طراحی برنامه باید توسط افراد متخصص و بر اساس الگوی زیر صورت بگیرد. بررسی نیازها و منابع جامعه و دانشکده، تشکیل کارگروه مشترک از دینفعان جامعه و دانشکده، تدوین اهداف آموزشی، طراحی پروژه ها بر اساس اهداف و نیازها، تهیه منابع، اجرا و مدیریت پروژه، ارزشیابی پروژه، جشن دستیابی به اهداف، بازنگری برنامه در فاز اول همه دانش آموزان مدارس ابتدایی منتخب منطقه ۳ و در فاز دوم جمعیت هدف کودکان خیابانی منطقه شوش و ناصرخسرو بودند کلیه افراد از نظر مشکلات چشمی، بهداشتی (پدیکلوزیس) رشد و تکامل، اختلالات ساختار قامتی غربالگری شدند و موارد مشکوک به پزشک ارجاع گردید.

**نتایج:** نتایج پروژه در دو بخش نتایج جامعه و نتایج دانشگاه دسته بندی گردید. تحلیل محتوای مصاحبه با دانشجویان و اعضاء هیئت علمی بیانگر رضایت کامل ایشان از طرح و فرصت های یادگیری بیشتر در مقایسه با سایر کار آموزی ها بود. در مصاحبه ها موارد زیر بیشترین تکرار را داشت: مسئولیت مستقیم به عهده ام بود، بدلیل پاسخگویی مستقیم نیاز به مطالعه بیشتر داشتم، آزادی عمل داشتم، احساس مفید بودن می کردم، و نتایج جامعه ۱۵۰۰ شناسنامه دانش آموز دختر و پسر در مدارس عادی و تشکیل ۱۰۰ پرونده بهداشتی برای کودکان کار مناطق تحت پوشش بود و ارجاع و پیگیری و همچنین جلب مشارکت خیرین در ادامه درمان این گروه بود.

**نتیجه گیری:** یادگیری مبتنی بر خدمت رسانی، منفعت مشترک دانشگاه و جامعه را بدنبال دارد و برای عملیاتی کردن پاسخگویی دانشگاه در قبال جامعه، گنجانیدن این روش تدریس در دوره های کارآموزی دانشجویان علوم پزشکی ضروری به نظر می رسد.

**واژه های کلیدی:** یادگیری مبتنی بر خدمات، پرستاری، کودکان، آموزش پرستاری



